

کتابُ مَفَاتِيحُ الْجَنَانِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْحَمْدَ مِفْتَاحاً لِذِكْرِهِ وَخَلَقَ الْأَشْيَاءَ نَاطِقَةً

ستایش خداوندی را سزا است که حمد را کلید ذکر خود قرار داد و تمامی موجودات را گویا

بِحَمْدِهِ وَشُكْرِهِ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَي نَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ الْمُشْتَقِّ اسْمُهُ

به ستایش و سپاسگزاری خود آفرید و درود و سلام بر پیامبرش محمد باد که نامش از نام او

مِنْ اسْمِهِ الْمُحْمُودِ وَعَلَى إِلِهِ الطَّاهِرِينَ أَوْلِيَ الْمَكَارِمِ وَالْجُودِ

که محمود است جدا گشته و هم بر خاندان طاهرینش باد که صاحبان خوبیها و جودند .

وبعد چنین گوید این فقیر بی بضاعت و متمسک باحادیث اهل بیت رسالت علیهم السلام عباس بن محمد رضا القمی ختم

اللَّهُ لَهُمَا بِالْحُسْنَى وَالسَّعَادَةِ که بعضی از اخوان مؤمنین از این داعی درخواست نمودند که کتاب مفتاح الجنان را که

متداول شده بین مردم مطالعه نمایم و آنچه از ادعیه آن کتاب که سند دارد ذکر نمایم و آنچه را که سندش بنظرم نرسیده

ذکر ننمایم و اضافه کنم بر آن بعضی ادعیه و زیارات معتبره که در آن کتاب ذکر نشده پس احقر خواهش ایشان را اجابت

نموده و این کتاب را به همان ترتیب جمع آورده و نامیدم آنرا به مفاتیح الجنان و مرتب گردانیدم آن را بر سه باب باب اول

در تعقیب نمازها و دعاهاي ایام هفته و اعمال شب و روز جمعه و بعضی ادعیه مشهوره و مناجات خمس عشرة و غیرها

باب دوم در اعمال ماههای سال و فضیلت و اعمال روز نوروز و اعمال ماههای رومی باب سیم در زیارات و آنچه

مناسب آن بابست امید که اخوان مؤمنین بر وفق آن عمل نمایند و این گنه کار روسیاه را از دعا و زیارات و طلب مغفرت

فراموش نفرمایند باب اول در تعقیب نمازها و دعاهاي ایام هفته و اعمال شب و روز جمعه و بعضی ادعیه مشهوره و

مناجات خمس عشرة و غیرها و در آن چند فصلست :

فصل اول: در تعقیبات مشترکه

منقول از مصباح شیخ طوسی قدس سره و غیره پس هرگاه سلام نماز دادی سه مرتبه اللَّهُ أَكْبَرُ بگو و بلند کن در هر

يك دستها را تا محاذی گوشها پس بگو :

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِلَهُاً واحِداً وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ لَا نَعْبُدُ

معبودي جز خدا آن معبود یکتا نیست و ما در برابر او تسلیمیم معبودي جز خدا نیست و ما جز او نپرستیم
 إِلَّا إِلَهُ مَخْلُصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّنَا وَ
 و دین (و عبادت) را خالص برای او گردانیم و اگر چه بر مشرکان بد آید معبودي جز خدا نیست که پروردگار ما و
 رَبُّ آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ أَلْجَزَّ وَغَدَهُ وَ
 پروردگار پدران پیشین ما است معبودي نیست جز خدا که یکتاي یکتاست به وعده خود وفا کند و
 نَصَرَ عَبْدَهُ وَاعَزَّ جُنْدَهُ وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ
 بندهاش را یاری کند و لشگرش را عزت دهد و به تنهایی احزاب (باطل) را منهزم ساخت پس او را است پادشاهی و او
 راست

الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ
 سپاس که زنده می‌کند و می‌میراند و می‌راند و زنده کند و او است زنده‌ای که نمی‌میرد
 الْخَيْرُ وَهُوَ عَلِيُّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ پس بگو اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ
 هر خیری به دست او است و بر هر چیز قادر است × × آمرزش می‌خواهم از خدایی که معبودي جز او نیست
 الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَآتُوبُ إِلَيْهِ پس بگو اَللَّهُمَّ اهْدِنِي مِنْ عِنْدِكَ وَافْضُ
 زنده و پاینده است و به سوي او توبه کنم × × بار خدایا مرا از جانب خود راهنمایی فرما و از زیاده
 عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَانْشُرْ عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ وَانْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ سُبْحَانَكَ
 بخششت به من افاضه نما و از رحمت بر من بگستران و از برکات بر من فرو بار منزهی تو
 لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا جَمِيعاً فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ كُلَّهَا جَمِيعاً
 معبودي جز تو نیست تمامی و همه گناهانم را بیامرزش زیرا جز تو کسی تمامی و همه گناهان
 إِلَّا أَنْتَ اَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَأَعُوذُ بِكَ
 را نیامرزد بار خدایا من از تو درخواست می‌کنم هر خیری را که علمت بدان احاطه نمود و پناه می‌برم به
 مِنْ كُلِّ شَرٍّ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ اَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عَافِيَتَكَ فِي أُمُورِي
 تو از هر شری که علمت بدان احاطه نمود بار خدایا من از تو در تمام کارهایم عافیت می‌خواهم
 كُلَّهَا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ الْآخِرَةِ وَأَعُوذُ بِوَجْهِكَ
 و به تو پناه می‌برم از رسوائی و خواری دنیا و عذاب آخرت و پناه می‌برم به ذات بزرگوارت
 الْكَرِيمِ وَعِزَّتِكَ الَّتِي لَا تُرَامُ وَقُدْرَتِكَ الَّتِي لَا يَمْتَنِعُ مِنْهَا شَيْءٌ

و به عزت که فوق آن متصور نیست و به قدرت که چیزی از آن سرپیچی نتواند
 مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنْ شَرِّ الْأَوْجَاعِ كُلِّهَا وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَتَتْ أَخِذُ
 از شر دنیا و آخرت و از شر تمامی دردها و از گزند هر جنبنده‌ای که تو فرمانروای او هستی
 بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ
 همانا پروردگار من بر روش حقی است و هیچ جنبش و نیرویی نیست جز به دست خدای والای بزرگ
 تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَ
 توکل کنم بر خدای زنده‌ای که هرگز نمیرد و ستایش مخصوص خدایی است که فرزندی نگرفته و کسی در سلطنت
 شریک او نیست

لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِيرُهُ تَكْبِيرًا
 و خواری ندارد تا نیازمند یاور باشد و به نحو کامل او را بزرگ شمار
 پس تسبیح میکنی حضرت زهراء علیها السلام و می‌گویی پیش از آنکه از موضع خود حرکت کنی ده مرتبه

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، إِهَاءً وَاحِدًا أَحَدًا فَرْدًا صَمَدًا،
 گواهی دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست که شریکی ندارد. معبود یکتای یگانه فرد
 لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا.

بی‌نیاز، همسر و فرزندی نگیرد

مؤلف گوید: که فضیلت این تهلیل بسیار وارد شده خصوصاً در تعقیب نماز صبح و شام و هنگام طلوع و غروب
 آفتاب پس می‌گویی :

سُبْحَانَ اللَّهِ كُلَّمَا سَبَّحَ اللَّهُ شَيْءٌ، وَكَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُسَبَّحَ وَكَمَا هُوَ
 منزله است خدا هر آنگاه که چیزی خدا را تسبیح گوید و چنانچه خدا دوست دارد که او را تسبیح کنند و چنانچه
 أَهْلُهُ، وَكَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلَالِهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كُلَّمَا حَمِدَ اللَّهُ
 او لایق آنست و شایسته ذات بزرگوار و عزت و جلال او است و ستایش خاص خدا است هر آنگاه
 شَيْءٌ، وَكَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُحَمَدَ، وَكَمَا هُوَ أَهْلُهُ وَكَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ
 که چیزی او را ستایش کند و چنانچه دوست دارد ستایش شود و چنانچه لایق آنست و شایسته
 وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلَالِهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كُلَّمَا هَلَّلَ اللَّهُ شَيْءٌ، وَكَمَا يُحِبُّ

ذات بزرگوار و عزت و جلال او است و معبودی جز خدای یکتا نیست هر آنگاه که چیزی او را به یکتایی یاد کند و چنانچه

اللَّهُ أَنْ يُهْلَلَ، وَكَمَا هُوَ أَهْلُهُ، وَكَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلَالِهِ، وَ

دوست دارد به یکتایی یاد شود و چنانچه لایق آن است و شایسته ذات بزرگوار و عزت و جلال

اللَّهُ أَكْبَرُ كُلِّمَا كَبَّرَ اللَّهُ شَيْءٌ، وَكَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُكَبَّرَ، وَكَمَا هُوَ أَهْلُهُ، وَ

او است و خدا بزرگ است هر آنگاه که چیزی او را به بزرگی یاد کند و چنانچه دوست دارد به بزرگی یاد شود و چنانچه لایق

كَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلَالِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ

آنست و شایسته ذات بزرگوار و عزت و جلال او است منزّه است خدا و ستایش خاص او است و معبودی

إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ عَلَيَّ كُلِّ نِعْمَةٍ أَنْعَمَ بِهَا عَلَيَّ، وَعَلَيَّ كُلِّ أَحَدٍ مِنْ

جز او نیست و از همه چیز بزرگتر است برای هر نعمتی که به من و به هر یک از خلق

خَلَقَهُ مِمَّنْ كَانَ أَوْ يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ

خود داده از آنانکه بوده اند یا پس از این تا روز قیامت بیایند بار خدایا من از تو می خواهم که

تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرٍ مَا أَرْجُو وَخَيْرٍ مَا

درود بر محمد و آلش بفرستی و از تو درخواست می کنم هر خیری را چه امید به آن داشته باشم و چه نداشته باشم

لَا أَرْجُو، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا أَحْذَرُ وَمِنْ شَرِّ مَا لَا أَحْذَرُ. پس

و پناه می برم به تو از شر آنچه از آن در هراسم و آنچه در هراس آن نیستم * *

می خوانی سوره حمد و آیه الکرسی (بقره، ۲۵۵)؛ و شَهِدَ اللَّهُ (آل عمران، ۱۸)؛ و آیه قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمُلْكِ (آل عمران،

۲۶)؛ و آیه سَخِرَهِ و آن سه آیه است از سوره اعراف که اوّل آن اِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ (آیات ۵۴ - ۵۶) است و آخر آن مِنْ

الْمُحْسِنِينَ. پس می گوئی سه مرتبه :

سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ، وَ سَلَامٌ عَلَيَّ الْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

منزه است پروردگار تو پروردگار عزت از آنچه (مشرکان) توصیف کنند و درود بر پیامبران مرسل و ستایش خاص خدا

رَبِّ الْعَالَمِينَ. پس می گوئی سه مرتبه اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ

است که پروردگار جهانیا نیست × × × × × بار خدایا بر محمد و خاندانش درود فرست و در کار

لی مِنْ أَمْرِي فَرجاً وَمَخْرَجاً، وَأَرْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَسِبُ .
 من فرج و گشایشی قرار ده و روزیم ده از آنجا که گمان دارم و از آنجا که گمان ندارم .
 و این دعائی است که جبرئیل تعلیم حضرت یوسف علیه السلام کرد هنگامی که در زندان بود، پس بگیر ریش خود را
 بدست راست و کف دست چپ را بگشا بجانب آسمان و بگو، هفت مرتبه :

يَا رَبَّ مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، وَ عَجِّلْ

ای پروردگار محمد و خاندان محمد بر محمد و آل محمد درود فرست و فرج

فَرَجِ آلِ مُحَمَّدٍ بگو نیز بهمان حال سه مرتبه یا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، صَلِّ

آل محمد را نزدیک کن × × × × × × × × × × ای (خدایی که) دارای جلال و بزرگواری (هستی) درود فرست

عَلَي مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، وَارْحَمْنِي وَاجِرْنِي مِنَ النَّارِ، پس می خوانی

بر محمد و خاندانش و به من رحم کن و از دوزخم پناه ده * * * * *

دوازده مرتبه قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ. و می گوئی اَللّهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ

* * * * * بار خدایا از تو درخواست

می کنم به حق نام نهفته

الْمَحْزُونِ الطَّاهِرِ الطُّهْرِ الْمُبَارَكِ، وَ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ، وَ

و پنهانت که پاک و پاکیزه و مبارک است و از تو می خواهم به حق نام بزرگ و

سُلْطَانِكَ الْقَدِيمِ، يَا وَهَبَ الْعَطَايَا، يَا مُطْلِقَ الْأَسَارِي، وَ يَا فَكَاكَ الرِّقَابِ

سلطنت ازلیت ای بخشنده عطاها و ای رها کننده اسیران و ای آزاد کننده من النار، اَسْئَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ

مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُعْتِقَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَأَنْ تُخْرِجَنِي

بندگان از دوزخ از تو می خواهم که درود فرستی بر محمد و خاندانش و مرا

مِنَ الدُّنْيَا سَالِماً، وَ [أَنْ] تُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ آمِناً، وَأَنْ تَجْعَلَ دُعَائِي

نیز از آتش دوزخ آزاد کنی و از دنیا با ایمان سالم بیروم بری و وارد بهشتم کنی با ایمنی و دعایم را چنان قرار دهی

أَوَّلَهُ فَلَاحاً، وَ أَوْسَطَهُ نَجَاحاً، وَ آخِرَهُ صَلاحاً، إِنَّكَ أَنْتَ عَلَامُ الْغُيُوبِ

که آغازش رستگاری و وسطش فیروزی و انجامش صلاح (حالم) باشد که تو همانا دانای به نادیدنیهای .

و در صحیفه علویّه است در تعقیب هر فریضه :

يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ سَمْعٌ، عَنْ سَمْعٍ وَ يَا مَنْ لَا يُغْلِطُهُ السَّائِلُونَ، وَ يَا مَنْ

ای آنکه سرگرمش نکند شنیدنی از شنیدن دیگر و ای آنکه (کثرت) سائلان او را به اشتباه نیندازد و ای کسی که

لَا يُبْرِئُهُ الْهَاجُ الْمَلْحِينُ، أَذَقَنِي بَرْدَ عَفْوِكَ وَ حَلَاوَةَ رَحْمَتِكَ وَ

اصرار اصرارکنندگان به ستوهش نیاورد لذت عفو و شیرینی رحمت و آمرزش را به من

مَعْفِرَتِكَ وَ نِيز مِي گُوئي: اَلهي هَذِهِ صَلَوَتِي صَلَّيْتُهَا، لَا لِحَاجَةٍ مِنْكَ

بچشان × × × × × ای معبود من این نمازی که من بجا آوردم نه بخاطر احتیاجی از تو

اَللَّيْهَا، وَلَا رَغْبَةً مِنْكَ فِيهَا اِلَّا تَعْظِيماً وَ طَاعَةً وَاجَابَةً لَكَ اِلَى مَا

به آن بود و نه رغبتی که تو در آن داشته باشی جز تعظیم و فرمانبرداری تو و پذیرفتن آنچه مرا بدان

أَمَرْتَنِي بِهِ، اَلهي اِنْ كَانَ فِيهَا خَلَلٌ اَوْ نَقْصٌ مِنْ رُكُوعِهَا اَوْ

مأمور کردی معبود من اگر در این نماز من خللی یا نقصی در رکوع یا

سُجُودِهَا فَلَا تُؤَاخِذْنِي، وَ تَفَضَّلْ عَلَيَّ بِالْقَبُولِ وَ الْعُفْرِانِ .

سجودش هست پس مرا مؤاخذه مکن و با پذیرفتن آن و آمرزش (من) بر من تفضل کن .

و نیز می خوانی عقب هر نماز این دعا را که پیغمبر صلی الله علیه و آله تعلیم امیرالمؤمنین علیه السلام نموده برای حافظه :

سُبْحَانَ مَنْ لَا يَعْتَدِي عَلَيَّ اَهْلَ مَمْلَكَتِهِ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يَأْخُذُ اَهْلَ

منزه است خدایی که بر آنان که تحت فرمانش هستند ستم نکند منزه است خدایی که مردم

اَلْاَرْضِ بِالْوَانِ الْعَذَابِ، سُبْحَانَ الرَّؤُفِ الرَّحِيمِ، اَللّهُمَّ اجْعَلْ لِي

زمین را به عذابهای رنگارنگ نگیرد منزه است خدای رؤف مهربان بار خدایا

فِي قَلْبِي نُوراً وَ بَصَراً وَ فَهْماً وَ عِلْماً، اِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. و در مصباح کفعمی

در دل من نور (معرفت) و بصیرت و فهم و علمی قرار داده که تو بر هر چیز توانائی

است که سه مرتبه بگو بعد از نمازها: اُعِذْ نَفْسِي وَ دِينِي وَ اَهْلِي وَ مَالِي وَ وَلَدِي وَ

* * * * *

* پناه می دهم خودم و دینم و خانواده و مال و فرزندم و

اِحْوَانِي فِي دِينِي، وَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي، وَ حَوَاتِيمَ عَمَلِي، وَ مَنْ يَعْينِي اَمْرُهُ،

برادران دینی خود و آنچه پروردگارم به من روزی کرده و سرانجام کارم و هم آن کس را که دلبد کار اویم

بِاللّهِ الْوَاحِدِ الْاَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ، وَ

همه را به خدای یگانه یکتای بی نیاز که نزاده و نه زائیده شده هیچکس همتایش نیست و

بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ، وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ، وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي

به پروردگار صبحدم از شر آنچه آفریده و از شر شب هنگامی که به تاریکی درآید و از شر دمندگانی در

الْعُقَدِ، وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ، وَبِرَبِّ النَّاسِ، مَلِكِ النَّاسِ، إِلَهِ النَّاسِ، مِنْ

گره‌ها و از شر حسود هنگامی که حسود کند و به پروردگار مردم پادشاه مردم معبود مردم

شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ، مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ .

از شر وسوسه گر نهانی آن کس که در سینه‌ها (و دلهای) مردم وسوسه کند (چه از جنیان باشد و (چه از مردم * *

* *

و از خط شیخ منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده هر که خواهد که خدا او را در قیامت بر

اعمال بد او مطلع نگرداند و دیوان گناهان او نگشاید باید که بعد از هر نماز این دعا را بخواند :

اَللّٰهُمَّ اِنَّ مَغْفِرَتَكَ اَرْجِيْ مِنْ عَمَلِيْ، وَاِنَّ رَحْمَتَكَ اَوْسَعُ مِنْ ذَنْبِيْ، اَللّٰهُمَّ اِنْ

بار خدایا مسلماً آمرزش تو امیدوار کننده‌تر از کار من است و مسلماً رحمت تو وسیعتر از گناه من است بار خدایا

كَانَ ذَنْبِيْ عِنْدَكَ عَظِيْمًا، فَعَفُوْكَ اَعْظَمُ مِنْ ذَنْبِيْ، اَللّٰهُمَّ اِنْ لَّمْ اَكُنْ اَهْلًا اَنْ اَبْلُغَ

اگر گناهم پیش تو بزرگ است ولی عفو تو بزرگتر از گناه من است بار خدایا اگر من شایسته رسیدن

رَحْمَتِكَ فَارْحَمْنِيْ اَهْلًا اَنْ تَبْلُغَنِيْ وَتَسْعَنِيْ، لِاَنِّيْ وَسِعَتْ كُلُّشَيْءٍ، بِرَحْمَتِكَ

رحمت نیستم ولی رحمت تو شایستگی رسیدن و فراگرفتن مرا دارد زیرا که رحمت تو همه موجودات را فراگرفته به (امید)

رحمت

يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ .

ای ارحم الراحمین

و از ابن بابویه رحمه الله منقول است که فرموده چون از تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام فارغ شوی بگو :

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ، وَ لَكَ السَّلَامُ، وَ اِلَيْكَ يَعُوْدُ السَّلَامُ،

بار خدایا تویی سلام (سالم از هر عیب) و از جانب تو است سلامتی و خاص تو است سلامتی و به سوی تو باز گردد

سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُوْنَ، وَ سَلَامٌ عَلَي الْمُرْسَلِيْنَ، وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ

منزه است پروردگار تو پروردگار عزت از آنچه وصف کنند و سلام بر پیمبران و ستایش خاص پروردگار

رَبِّ الْعَالَمِيْنَ اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَي

جهانیان است سلام بر تو ای پیمبر (گرامی اسلام) و رحمت خدا و برکاتش سلام

الْأَئِمَّةُ الْهَادِينَ الْمُهَدِّينَ، السَّلَامُ عَلَيَّ جَمِيعِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَمَلَائِكَتِهِ،
بر امامان راهنمای راه یافته سلام بر تمامی پیمبران خدا و
السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَيَّ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، السَّلَامُ عَلَيَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،
رسولان و فرشتگانش سلام بر ما و بر بندگان شایسته خدا سلام بر علی امیر مؤمنان
السَّلَامُ عَلَيَّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيِ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَجْمَعِينَ، السَّلَامُ عَلَيَّ
سلام بر حسن و حسین دو آقای تمام جوانان اهل بهشت سلام بر
عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ، السَّلَامُ عَلَيَّ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بَاقِرِ عِلْمِ النَّبِيِّينَ،
حضرت علی بن الحسین زیور بخش عابدان سلام بر حضرت محمد بن علی شکافنده علم پیمبران
السَّلَامُ عَلَيَّ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ، السَّلَامُ عَلَيَّ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ
سلام بر حضرت جعفر بن محمد (امام) صادق سلام بر حضرت موسی بن جعفر
الْكَاضِمِ، السَّلَامُ عَلَيَّ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا، السَّلَامُ عَلَيَّ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ
«الکاظم» سلام بر حضرت علی بن موسی «الرضا» سلام بر حضرت محمد بن علی
الْجَوَادِ، السَّلَامُ عَلَيَّ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْهَادِي، السَّلَامُ عَلَيَّ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ
«الجواد» سلام بر حضرت علی بن محمد «الهادی» سلام بر حسن بن علی
الزَّكِيِّ الْعَسْكَرِيِّ، السَّلَامُ عَلَيَّ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ الْقَائِمِ الْمُهَدِيِّ
«الزکی العسکری» سلام بر حضرت حجة بن الحسن «القائم المهدي»
صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ .

درود فراوان خدا بر تمامی ایشان .

پس هر حاجت که داری از خدا بطلب شیخ کفعمی فرموده بعد از نمازها می گوئی :
رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا، وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَبِيًّا، وَبِعَلِيِّ
خوشنودم که پروردگارم خدا است و دینم دین اسلام است و پیمبرم محمد صلی الله علیه و آله و سلم است و
إِمَامًا، وَبِالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَ جَعْفَرٍ وَ مُوسَى وَ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدٍ
امامانم علی و حسن و حسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد
وَعَلِيِّ وَالْحَسَنِ وَالْخَلْفِ الصَّالِحِ، عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أئِمَّةً وَسَادَةً وَقَادَةً، بِهِمْ
و علی و حسن و فرزند شایسته اویند درود بر ایشان که پیشوایان و آقایان و رهبرانند به ایشان

أَتَوَلِّي، وَمِنْ أَعْدَائِهِمْ أَتَبَرَّءُ. پس بگوسه مرتبه اَللّهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ، وَ دوستی دارم و از دشمنانشان بیزاری جویم × × × بار خدایا من از تو گذشت و سلامتی و اَلْمُعَافَاةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . آسایش در دنیا و آخرت را خواستارم .

فصل دوم در تعقیبات مختصّه

بگو در تعقیب نماز ظهر کما فی المتهجّد لا اِلهَ اِلَّا اللهُ الْعَظِيمُ الْحَلِيمُ، لا اِلهَ اِلَّا اللهُ رَبُّ * * * * * نیست معبودی جز خدای

بزرگ بردبار، نیست معبودی جز خدا

الْعَرْشِ الْكَرِيمِ، الْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اَللّهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ مُوجِبَاتِ پروردگار عرش با کرامت ستایش خاص خدا پروردگار جهانیان است بار خدایا از تو می خواهم آنچه باعث رَحْمَتِكَ، وَ عَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ، وَ الْغَنِيْمَةَ مِنْ كُلِّ بَرٍّ، وَ السَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ اِثْمٍ، رحمت و وسائل حتمی مغفرت تو است و بهره ای از هر نیکی و سلامتی از هر گناهی اَللّهُمَّ لَا تَدْعُ لِي ذَنْبًا اِلَّا غَفَرْتَهُ، وَلَا هَمًّا اِلَّا فَرَجْتَهُ، وَلَا سَقَمًا اِلَّا شَفَيْتَهُ، بار خدایا هیچ گناهی برایم مگذار جز آنکه آن را بیامرزی و هیچ اندوهی جز اینکه برطرف کنی و هیچ دردی جز آنکه شفا دهی و

وَلَا عَيْبًا اِلَّا سَوَّيْتَهُ، وَلَا رِزْقًا اِلَّا بَسَطْتَهُ، وَلَا خَوْفًا اِلَّا اَمْنْتَهُ، وَلَا سُوءًا اِلَّا هیچ عیبی جز آنکه بیوشانی و هیچ رزقی جز آنکه فراوانش کنی و هیچ ترسی جز آنکه امانش بخشی و هیچ بدی جز آنکه

صَرَفْتَهُ، وَلَا حَاجَةً هِيَ لَكَ رِضًا وَلِي فِيهَا صَلاَحٌ اِلَّا قَضَيْتَهَا، يَا اَرْحَمَ برگردانیش و هیچ حاجتی که در آن خوشنودی تو و صلاح کار من باشد جز آنکه برآورده اش کنی ای الرَّاحِمِينَ، اَمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ، و می گوئی ده مرتبه بِاللّهِ اَعْتَصَمْتُ، وَ بِاللّهِ اَتَّقُ، مهربانترین مهربانان اجابت فرما ای پروردگار جهانیان × × × × × با تو تسل به خدا (از گناه) خودداری کنم وَ عَلَيَّ اللهُ اَتَوَكَّلُ، پس می گوئی اَللّهُمَّ اِنْ عَظُمْتُ ذُنُوبِي فَائْتِ اعْظَمُ، وَ اِنْ كَبُرَ

و به خدا اعتماد کنم و بر او توکل کنم × × × × × بار خدایا اگر گناهانم بزرگ است پس تو بزرگتر از آنهايي و اگر

تَفْرِيطِي فَأَنْتَ أَكْبَرُ، وَإِنْ دَامَ بُخْلِي فَأَنْتَ أَجْوَدُ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي عَظِيمَ ذُنُوبِي
 کوتاهییم زیاد است باز هم تو بزرگتری و اگر بخل من ادامه دارد پس تو سخی تری بار خدایا بزرگی گناهانم
 بِعَظِيمِ عَفْوِكَ، وَكَثِيرَ تَفْرِيطِي بِظَاهِرِ كَرَمِكَ، وَأَقَمَعَ بُخْلِي بِفَضْلِ جُودِكَ،
 را به بزرگی عفو خود ببخش و زیاد کوتاهی کردنم را به کرم آشکارت بیامرز و بخل مرا به زیادی بخشش ریشه کن
 ساز

اللَّهُمَّ مَا بِنَا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ .
 خدایا هر نعمتی که داریم از تو است معبودی جز تو نیست از تو آمرزش خواهم و به سویی تو بازگردم .

تعقیب نماز عصر منقول از متجدد

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، ذُو الْجَلَالِ
 آمرزش خواهم از خدایی که معبودی جز او نیست زنده و پاینده و بخشاینده و مهربان و دارای جلال
 وَالْإِكْرَامِ، وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُتُوبَ عَلَيَّ تَوْبَةً عَبْدٍ ذَلِيلٍ خَاضِعٍ، فَقِيرٍ بَائِسٍ،
 و بزرگواری است، از او خواهم توبه ام را بپذیرد توبه بنده ای خوار فروتن نیازمند پریشان
 مَسْكِينٍ مُسْتَكِينٍ مُسْتَجِيرٍ، لَا يَمْلِكُ لِنَفْسِهِ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا، وَلَا مَوْتًا وَلَا حَيَوَةً
 بینوا درمانده پناهنده ای که مالک هیچیک از سود و زیان و مرگ و زندگی و رستاخیزی برای
 وَلَا تُشَوِّرًا، پس می گوئی اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ، وَمِنْ قَلْبٍ
 خود نیست × × × بار خدایا به تو پناه می برم از نفسی که (از خواهش) سیر نشود و از دلی
 لَا يَخْشَعُ، وَمِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ، وَمِنْ صَلَوةٍ لَا تَرْفَعُ، وَمِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ،
 که خشوع ندارد و از دانشی که سود ندهد و از نمازی که بالا نرود و از دعایی که شنیده نشود
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْيُسْرَ بَعْدَ الْعُسْرِ، وَالْفَرَجَ بَعْدَ الْكَرْبِ، وَالرِّخَاءَ بَعْدَ
 خدایا از تو خواستارم آسانی پس از دشواری را و گشایش پس از گرفتاری و فراوانی پس از سختی بار خدایا
 الشَّدَّةِ، اللَّهُمَّ مَا بِنَا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ .
 هر نعمتی که ما داریم از آن تو است که معبودی جز تو نیست از تو آمرزش خواهم و بسویی تو بازگشت کنم

و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که استغفار کند بعد از نماز عصر هفتاد مرتبه پیامرزد حق تعالی از او هفتصد گناه و روایت شده از حضرت امام محمد تقی علیه السلام که هر که بخواند اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ را بعد از عصر ده مرتبه بگذرد برای او در روز قیامت مثل عملهای خلاق در این روز و مستحب است خواندن دعای عشرات در هر صبح و مساء و افضل اوقات آن بعد از عصر روز جمعه است و آن دعا بعد از این مذکور خواهد شد .

تعقیب نماز مغرب منقول از مصباح متعهد

بعد از تسبیح زهراء علیها السلام می گوئی اِنَّ اللّٰهَ وَ مَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیِّ، یا اَیُّهَا الَّذِیْنَ
* * * * *

کسانی

اٰمَنُوا صَلُّوا عَلَیْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِیْمًا، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ، وَ
که ایمان آورده اید درود فرستید بر او و سلام کنید سلام کاملی خدا یا درود فرست بر محمد
عَلِی ذُرِّیَّتِهِ وَ عَلِی اَهْلِ بَیْتِهِ، پس می گوئی هفت مرتبه بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ،
پیامبر (گرامی خود) و بر نژادش و بر خاندانش * * * * * به نام خدای بخشاینده

مهربان و هیچ جنبش

وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ، و سه مرتبه اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ یَفْعَلُ
و هیچ نیروی نیست جز به خدای والای بزرگ * * * * * ستایش خاص خدایی است که آنچه خواهد
می کند ولی غیر او

مَا یَشَاءُ وَ لَا یَفْعَلُ مَا یَشَاءُ غَیْرُهُ. پس می گوئی سُبْحَانَكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ، اَغْفِرْ
آنچه را خواهد نتواند انجام دهد * * * * * منزهی تو معبودی جز تو نیست گناهان مرا به
لی ذُنُوبِیْ كُلِّهَا جَمِیْعًا، فَانِّهٗ لَا یَغْفِرُ الذُّنُوبَ كُلَّهَا جَمِیْعًا اِلَّا اَنْتَ .

تمامی هر چه هست پیامرزد زیرا تمامی گناهان را (کسی) جز تو نیامرزد .

پس نافله مغرب را بجا می آوری و آن چهار رکعت است بدو سلام و تکلم مکن ما بین آنها و شیخ فرموده روایت
شده که در رکعت اول سوره قل یا اَیُّهَا الْکَافِرُونَ بخوانند در رکعت دوم قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ و در دو رکعت دیگر هر چه
خواسته باشند روایت شده که حضرت امام علی النقی علیه السلام در رکعت سوم سوره حمد و اول سوره حدید می خواند تا

وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ و در رکعت چهارم حمد می خواند و آخر سوره حشر یعنی از لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ تا آخر سوره و مستحب است که بخوانند در سجده آخر نوافل در هر شب و خصوصاً در شب جمعه هفت مرتبه .

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَاسْمِكَ الْعَظِيمِ، وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ، أَنْ

خدایا از تو می خواهم به ذات بزرگوارت و نام بزرگت و سلطنت ازلیت که

تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ تُغْفِرَ لِي ذَنْبِي الْعَظِيمَ، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الْعَظِيمَ إِلَّا

دروود فرستی بر محمد و خاندانش و بیامرزی گناه بزرگ مرا زیرا که بزرگ را جز بزرگ

الْعَظِيمُ. و چون از نافله فارغ شدی پس هر چه می خواهی تعقیب می خوانی و می گوئی ده مرتبه

نیامرزد * * * * *
* * * * *

مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ پس می گوئی اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مُوجِبَاتِ

آنچه خدا خواهد نیروی نیست جز به خدا از خدا آمرزش خواهم × × × × × خدایا از تو خواهم آنچه موجب

رحمت و وسائل

رَحْمَتِكَ، وَعَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ، وَالنَّجَاةَ مِنَ النَّارِ وَمِنْ كُلِّ بَلِيَّةٍ، وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ

حتمی آمرزش تو است و رهایی از آتش دوزخ و از هر بلا و گرفتاری و رسیدن به بهشت

وَالرَّضْوَانَ فِي دَارِ السَّلَامِ، وَجِوَارِ بَيْتِكَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ، اللَّهُمَّ

و خوشنودی تو را در منزلگاه سلامتی و همسایگی پیغمبرت محمد که بر او و آلش سلام باد، خدایا

مَا بِنَا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ .

هر نعمتی که ما داریم از تو است معبودی جز تو نیست از تو آمرزش خواهم و به سویت توبه کنم .

و می خوانی ما بین نماز مغرب و عشاء نماز غفیله را و آن دو رکعت است در رکعت اول بعد از حمد می خوانی وَذَا النُّونِ

إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ، فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ

و ذا النون (یونس) را یاد کن آن دم که خشمناک برفت و گمان داشت بر او سخت نگیریم پس از ظلمات

إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ،

ندا داد که معبودی جز تو نیست منزهی تو که همانا من از ستمکاران بوده ام پس دعایش مستجاب کردیم و از تنگنای

غم

وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ. و در رکعت دوم بعد از حمد می خوانی وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ

يَدِي مَنْ وَمِنْ، قَبْلَ مَنْ وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ عِلْمَهُ عِنْدَكَ، وَأَسْبَابُهُ بِيَدِكَ، وَأَنْتَ

کي است و از جانب چه شخصي است، آنچه مسلم است دانسته‌ام که علمش پيش تو است و اسبابش به دست تو است و تویی

الَّذِي تَقْسِمُهُ بِطُفِكَ وَ تُسَبِّحُهُ بِرَحْمَتِكَ، اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ،

که آن را به لطف خود قسمت کنی و به رحمت و وسیله‌اش را فراهم سازي خدايا پس بر محمد و آلش درود فرست و اجعلْ يَا رَبِّ رِزْقَكَ لِي وَاسِعاً، وَ مَطْلَبَهُ سَهْلاً، وَ مَاخِذَهُ قَرِيباً، وَ لَا تُعْنِي و روزيت را اي پروردگار (مهربان) بر من فراخ گردان و راه درآوردنش را آسان و جاي دريافتش رانزدیک کن و مرا در طلب

بَطْلَبِ مَا لَمْ تُقَدِّرْ لِي فِيهِ رِزْقاً، فَإِنَّكَ غَنِيٌّ عَنْ عَذَابِي، وَأَنَا فَقِيرٌ إِلَى

آنچه مقدرم نکرده‌اي به زحمت مینداز زیرا تو از به زحمت انداختن من بی‌نيازي و من رَحْمَتِكَ، فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ جُدْ عَلَيَّ عَبْدِكَ بِفَضْلِكَ إِنَّكَ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ .

نيازمند رحمت توام پس درود فرست بر محمد و آلش و کرم کن بر بنده خود به فضل که تو داراي فضل بزرگي هستی مؤلف گوید اين دعا از ادعیه طلب رزق است و مستحب است نیز در تعقيب عشاء هفت مرتبه سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ بِخَوَانِد و آنکه در نماز وتيره و آن دو رکعت نافله نشسته است بعد از نماز عشاء صد آیه از قرآن بخوانند و مستحب است عوض صد آیه سوره اِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ در يك رکعت و سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ در رکعت ديگر بخوانند

تعقيب نماز صبح منقول از متهجد

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اهْدِنِي لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ

خدايا درود فرست بر محمد و آلش و مرا در آن حقي که مورد اختلاف است

بِإِذْنِكَ، إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ. و مي‌گوئي ده مرتبه اللَّهُمَّ صَلِّ

به مشيت و اذن خودت راهنمائي فرما که تو هر که را بخواهي به راه راست هدايت کنی × × × × × × × × خدايا درود فرست بر

عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الْأَوْصِيَاءِ الرَّاضِينَ الْمَرْضِيِّينَ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ،

محمد و بر آلش همان اوصياء خوشنود پسندیده به نيکو ترين درودهايت

وَ بَارِكْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِمْ وَ عَلَيَّ أَرْوَاحِهِمْ وَأَجْسَادِهِمْ،

و برکت فرست بر آنها به بهترين برکات و سلام بر ايشان و ارواح و اجسادشان

و رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، و این صلوات در عصرهای جمعه نیز وارد شده با فضیلت بسیار و بگو نیز

و رحمت خدا و برکاتش * * * * *
* *

اللَّهُمَّ أَحْيِنِي عَلَى مَا أَحْيَيْتَ عَلَيْهِ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ، وَأَمْنُنِي عَلَى مَا مَاتَ

خدایا مرا زنده دار بر آنچه علی بن ابیطالب را بر آن زنده داشتی و بمیران بر آنچه

عَلَيْهِ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَام و بگو صد مرتبه اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ و صد

علی بن ابیطالب بر آن درگذشت × × × × × از خدا آمرزش خواهم و به سوبش توبه کنم

مرتبه اَسْأَلُ اللَّهَ الْعَافِيَةَ و صد مرتبه اَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ و صد مرتبه وَأَسْأَلُهُ الْجَنَّةَ

* * * * * می طلبم از خدا تندرستی × × × × پناه می برم به خدا از آتش × × × × و از او بهشت مسئلت دارم

و صد مرتبه اَسْأَلُ اللَّهَ الْحُورَ الْعَيْنَ و صد مرتبه لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ و صد

* * * * * از خدا حورالعین می خواهم × × × × معبودی نیست جز خدایی که سلطان حق و آشکار است

مرتبه توحید و صد مرتبه صَلَّي اللَّهُ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ و صد مرتبه سُبْحَانَ اللَّهِ وَ

* * * * * درود خدا بر محمد و آلش باد × × × ×

منزه است خدا و

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

ستایش خاص خدا است و معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگتر است و جنبش و نیروی مگر به خدای والای بزرگ

نیست

و صد مرتبه مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. پس بگو

* * * * * آنچه خدا خواهد شود و نیست جنبش و نه نیروی جز به خدای والای بزرگ * * * *

أَصْبَحْتُ اللَّهُمَّ مُعْتَصِمًا بِذِمَامِكَ الْمُنِيعِ، الَّذِي لَا يُطَاوَلُ وَلَا يُحَاوَلُ، مِنْ

صبح کردم خدایا در حالی که پناه آوردم به جوار (مقام) منیع تو که دستی بدان نرسد و مورد تجاوز واقع

شَرُّ كُلِّ غَاشِمٍ وَطَارِقٍ، مِنْ سَائِرِ مَنْ خَلَقْتَ وَ مَا خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِكَ الصَّامِتِ وَ

نگردد از شر هر ستمگر و هر راهزنی از تمام کسانی که آفریده ای و چیزهای دیگری که خلق کرده ای چه (آنها که)

خموش (اند) و

النَّاطِقِ، فِي جَنَّةٍ مِنْ كُلِّ مَخُوفٍ يَلْبَاسٍ سَابِقَةٍ وَلَا أَهْلٍ بَيْتِ بَيْتِكَ، مُحْتَجِبًا

چه گویا (خود را) در سپری از هر چیز ترسناکی (نهادم) با لباسی بافته از دوستی خاندان پیمبرت و خود را بپوشانم
 مِنْ كُلِّ قَاصِدٍ لِي إِلَى أَدِيَّةٍ، بِجِدَارٍ حَصِينٍ الْإِخْلَاصِ فِي الْإِعْتِرَافِ بِحَقِّهِمْ،
 از هر که قصد آزارم کند به سنگر محکم اخلاص با اعتراف به حق آن
 وَ التَّمَسُّكِ بِحَبْلِهِمْ، مُوقِنًا أَنَّ الْحَقَّ لَهُمْ وَمَعَهُمْ وَ فِيهِمْ وَ بِهِمْ،

بزرگواران و تمسک به رشته دوستی ایشان در حالیکه یقین دارم که حق مخصوص آنها و نزد آنها و در پیش آنها
 أُولَى مَنْ وَالُوا، وَأُجَانِبُ مَنْ جَانَبُوا، فَأَعِزَّنِي اللَّهُمَّ بِهِمْ مِنْ شَرِّ كُلِّ مَا
 و بوسیله آنها است دوست دارم هر که را دوست دارند و دوری جویم از هر که دوری جویند پس خدایا به حق ایشان
 مرا از شر هر چه

اتَّقِيهِ، يَا عَظِيمُ حَزَنَتِ الْأَعَادِي عَنِّي بِبَدِيعِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، إِنَّا جَعَلْنَا
 می ترسم پناه ده ای خدای بزرگ، من دشمنان را بوسیله خدای پدید آورنده آسمانها و زمین از خود دور ساختم، همانا
 پیش

مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ .

رویشان سدی نهادیم و پشت سرشان نیز سدی، و پرده بر آنها افکندیم که نمی بینند .

و این دعا در هر صبح و شام خوانده می شود و آن دعاء امیرالمؤمنین علیه السلام است در لَيْلَةِ الْمَبِيتِ و در تهذیب
 روایت شده که هر که بعد از نماز صبح ده مرتبه بگوید سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ
 الْعَظِيمِ حق تعالی او را عافیت دهد از کوری و دیوانگی و جذام و فقر و خانه برسر فرود آمدن یا خرافت در هنگام پیری و
 شیخ کلینی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که هر که بعد از نماز صبح و نماز مغرب بگوید هفت مرتبه بِسْمِ اللَّهِ
 الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ حق تعالی دفع کند از او هفتاد نوع از انواع بلا که آسانتر آنها باد
 و پیسی و دیوانگی باشد و اگر شقی باشد محو شود از اشقیاء و نوشته شود از سُدَاء و نیز از آن حضرت روایت کرده که
 برای دنیا و آخرت و رفع درد چشم این دعا را بعد از نماز صبح و مغرب بخوانند

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْكَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

* * * * * خدایا از تو می خواهم به آن حقی که محمد و آلش بر تو دارند که درود فرستی

بر

التَّوَرَّ فِي بَصَرِي وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي، وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي، وَالْإِخْلَاصَ

محمد و آلش و قرار ده روشنایی در دیده ام و بینایی در دینم و یقین در دلم و

فِي عَمَلِي وَالسَّلَامَةِ فِي نَفْسِي وَالسَّعَةِ فِي رِزْقِي، وَالشُّكْرِ لَكَ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي .

اخلاص در عملم و سلامتی در جانم و فراخی در روزیم و همیشه تا زنده‌ام داری سپاسگذاری باشم
شیخ ابن فهد در عُدَّة الدَّاعِي از حضرت امام رضا علیه السلام نقل کرده که هر که بگوید در عقب نماز صبح این کلام
را حاجتی طلب نکند مگر آنکه آسان شود برای او و کفایت کند حق تعالی آنچه را که مهم او است

بِسْمِ اللَّهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَفْوَضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ

به نام خدا و درود خدا بر محمد و آلش باد و واگذارم کارم را به خدا که براستی خدا به کار بندگان بینا

بِالْعِبَادِ، فَوْقَهُ اللَّهُ سَيِّئَاتٍ مَا مَكَرُوا، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ

است «پس خدا از نیرنگهای بد نگاهش داشت» معبودی جز تو نیست «منزهی تو که من از

الظَّالِمِينَ، فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ، حَسْبُنَا اللَّهُ

ستمکارانم پس ما دعایش مستجاب کردیم و از غم و اندوه نجاتش دادیم این چنین مؤمنان را نجات دهیم»

وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، فَأَقْبَلُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَمْ يَمَسْسَهُمْ سُوءٌ، مَا شَاءَ اللَّهُ

«خدا ما را بس است و چه نیکو و کیلی است پس با نعمت خدا و فزونی که دیگر بدي به آنها نرسید بازگشتند» آنچه

خدا خواهد،

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا مَا شَاءَ النَّاسُ، مَا شَاءَ اللَّهُ وَإِنْ كَرِهَ النَّاسُ،

نیست جنبش و نه نیروی مگر بوسیله خدا آنچه خدا خواهد می شود نه آنچه مردم خواهند آنچه خدا خواهد می شود اگر

چه مردم

حَسْبِيَ الرَّبُّ مِنَ الْمَرْبُوبِينَ، حَسْبِيَ الْخَالِقُ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ، حَسْبِيَ الرَّازِقُ

ناخوش دارند بس است مرا پروردگار از (بندگان) پروریده شده، بس است مرا آفریدگار از آفریدگان بس است مرا

روزی ده از

مِنَ الْمَرْزُوقِينَ، حَسْبِيَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ، حَسْبِيَ مَنْ هُوَ حَسْبِي، حَسْبِيَ مَنْ

روزی خوران بس است مرا خدا پروردگار جهانیان بس است مرا آنکه او بس است مرا،

لَمْ يَزَلْ حَسْبِي، حَسْبِي مَنْ كَانَ مُذْ كُنْتُ لَمْ يَزَلْ حَسْبِي، حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا

بس است مرا آنکه همیشه مرا بس است بس است مرا آنکه از وقتی بودم همیشه بسم بوده بس است مرا خدا معبودی

جز

هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ .

او نیست بر او توکل کنم و او است پروردگار عرش با عظمت .

مؤلف گوید که شیخ ما ثقة الاسلام نوري نور الله مرقده در کتاب دار السلام از شیخ خود مرحوم خلد مقام عالم ربانی جناب حاج ملا فتحعلي سلطان آبادي (ره) نقل فرموده که فاضل مقدس آخوند ملا محمد صادق عراقی در غایت سختی و پریشانی و بدحالی بود و بهیچوجه برای او گشایشی نمیشد تا آنکه شبی در خواب دید که در يك وادی خیمه بزرگی با قبه سر پا است پرسید این خیمه از کیست گفتند از کهف حصین و غیاث مضطر مستکین حضرت قائم مهدی و امام منتظر مرضی عجل الله فرجه می باشد پس بتعجیل خدمت آن حضرت مشرف گردید و سختی حال خود را به آن حضرت عرض کرد و از آن بزرگوار دعائی برای گشایش کار و رفع غم خویش خواست آن حضرت او را حواله فرمود بسیدی از اولاد خود و اشاره فرمود باو و بخیمه او آخوند از خدمت آن حضرت بیرون شد و رفت بهمان خیمه که حضرت به آن اشاره فرموده بود دید سید سید و حبر معتمد عالم امجد مؤید جناب آسید محمد سلطان آبادي است در آن خیمه و در روی سجاده نشسته مشغول دعا و قرائت است آخوند پرسید سلام کرد و حکایت حال را برای او نقل کرد پس سید برای گشایش امر و وسعت رزق او را دعائی تعلیم نمود پس از خواب بیدار شد در حالی که آندعا در خاطر او بود و قصد کرد خانه سید را و پیش از این خواب آخوند از سید منافر و تارك او بود بجهتی که آنرا ذکر نمی کرد پس چون بخدمت سید رسید او را بهمان نحو که در خواب دیده بود دید در مصلاي خود نشسته مشغول ذکر و استغفار است سلام کرد سید جواب سلام داد و تبسمی نمود مثل آنکه از قضیه مطلع باشد پس آخوند برای گشایش امر خویش دعائی خواست پس سید تعلیم او نمود همان دعائی را که در خواب به او تعلیم فرموده بود پس آخوند مشغول به آندعا شد به اندک زمانی دنیا از هر طرف به او روی آورد و از سختی و بدحالی بیرون آمد و مرحوم حاج ملا فتحعلي رحمه الله علیه سید را مدح می کرد مدح بلیغی و او را ملاقات کرده بود و مقداری از زمان هم شاگردی او نموده بود اما آنچه را که سید تعلیم آخوند کرده بود در خواب و بیداری پس سه چیز است اول آنکه در عقب فجر دست بر سینه گذارد و هفت مرتبه یا فتاح بگوید دوم مواظبت کند بخواندن این دعا که در کافی است حضرت رسول صلی الله علیه و آله تعلیم فرمود آنرا به مردی از صحابه که مبتلا بود بناخوشی و پریشانی و از برکت خواندن این دعا به اندک زمانی ناخوشی و پریشانی از او برطرف شد .

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ لَا يَمُوتُ وَ

جنبش و نیروی مگر بوسیله خدا نیست توکل کردم بر (خدای) زنده ای که نمیرد و

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ

ستایش خاص خدایی است که فرزندی نگیرد و شریکی در فرمانروایی ندارد و خواری

يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا × سوّم در عقب نمازهاي صبح بخواند

ندارد تا نیازمند یاور باشد و به نحو کامل او را بزرگ شمار * * * * *

دعائي را که از شيخ ابن فهد نقل شد و اين اُوراد را بايد غنيمت شمرد و بخواندن آن مواظبت نمود و از فوائد آن غفلت ننمود، و بدانکه سجده شکر بعد از نمازها مستحبّ مؤکّد است و دعا و اذکار بسيار در آنحال وارد شده و از حضرت امام رضا عليه السلام منقول است که اگر خواهي صد مرتبه شُكْرًا شُكْرًا بگو و اگر خواهي صد مرتبه عَفْوَاً عَفْوَاً و نيز از آن حضرت منقول است که کمتر آنچه در اين سجده گويند آن است که سه مرتبه بگويند شُكْرًا لِلّهِ و نيز بدان که در وقت طلوع آفتاب و وقت غروب ادعيه و اذکار بسيار از حضرت رسول خدا صلي الله عليه وآله و ائمه طاهرين عليهم السلام مأثور گرديده است و تحريص و ترغيب بيشمار بر محافظت ايندو وقت در آيات و اخبار وارد شده است و ما در اين مختصر بذکر چند دعاي معتبر اکتفا مي کنيم اول مشايخ حديث بسندهاي معتبره از حضرت صادق عليه السلام روايت کرده اند که فريضه و واجبست بر هر مسلمان که ده مرتبه پيش از طلوع آفتاب و ده مرتبه پيش از غروب اين دعا را بخواند :

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَ

معبودي جز او نيست که يگانه است و شريکي ندارد فرمانروايي و ستايش خاص او است زنده کند و بميراند و

يُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلِيٌّ كُلُّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

بميراند و زنده کند و او است زنده اي که نميرد هر چه خير است بدست او است و او بر هر چيز توانا است .

و در بعضي از رواياتست که اگر ترك شود قضا كنيد که لازمست دويم و نيز از آن حضرت در روايات معتبره وارد

شده که پيش از طلوع و غروب آفتاب ده مرتبه بگو

أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ

پناه برم به خدای شنوای دانا از وسوسه های درونی شیاطین و پناه برم از اینکه

يَحْضُرُونِ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ × سيم و نيز از آن حضرت روايت شده که چه

نزدم حاضر شوند و براستی اوست خداوندي که شنوا و دانا است * * * * *

مانع است شمار که در هر صبح و شام سه مرتبه اين دعا را بخوانيد: اَللّهُمَّ مَقْلَبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ،

* * * * * اي خدای گرداننده

دلها و ديده ها

ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ، وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ

دل مرا بر دین خود ثابت گردان و پس از آنکه هدایتیم کردی دلم را منحرف مکن و از نزد خویش رحمتی به من ببخش که همانا

رَحْمَةً، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ، وَاجِرْنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ، اْمُدِّدْ لِي فِي عُمْرِي،

تو بخشایشگری و از آتش دوزخ به رحمت خویش پناهم ده خدایا عمرم را دراز کن و در روزیم

وَأَوْسِعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِي، وَانْشُرْ عَلَيَّ رَحْمَتَكَ، وَإِنْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي أُمِّ الْكِتَابِ

فراخی ده و رحمت را بر من بگستران و اگر من در کتاب (و دفتر) اصلی (لوح) پیش تو تیره بخت

شقیّاً فَأَجْعَلْنِي سَعِيداً، فَإِنَّكَ تَمْحُو مَا تَشَاءُ وَتُثَبِّتُ، وَعِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ .

و شقی هستم پس مرا خوشبخت گردان که البته تو هر چه را خواهی محو کنی و هر چه را خواهی اثبات و کتاب

اصلی نزد تو است

چهارم و نیز از آن حضرت منقول است که در هر صبح و شام این دعا را بخوان اَلْحَمْدُ لِلَّهِ

* * * * *

* ستایش

الَّذِي يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ وَلَا يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ غَيْرُهُ، اَلْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا يُحِبُّ اللَّهُ

مخصوص خدایی است که می‌کند آنچه بخواهد و دیگری چنان نیست که هر چه خواهد بکند ستایش او راست چنانچه

أَنْ يُحَمِّدَ، اَلْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا هُوَ أَهْلُهُ، اَللَّهُمَّ اَدْخِلْنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ اَدْخَلْتَ

دوست دارد که ستایش شود ستایش خاص اوست چنانچه شایسته آنست خدایا مرا در هر خیری که محمد و آتش را

در آن

فِيهِ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَآخِرِجْنِي مِنْ كُلِّ شَرٍّ اَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا

درآورده‌ای درآور و بیرونم آور از هر شری که محمد و آتش را از آن بیرون آورده‌ای

وَآلَ مُحَمَّدٍ، صَلِّی اللَّهُ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. × پنجم در هر صبح و شام

* * * * *

ده مرتبه بگو سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ

* * * * * منزله است خدا و ستایش خاص خدا است و معبودی جز خدا نیست و

خدا بزرگتر است .

و از جمله دعاها در این دو وقت دعای عَشْرَات است که بعد از این خواهد آمد .

فصل سیّم

در ذکر دعاهاي ايام هفته منقول از ملحقات صحیفه سجّادیه

دعای روز یکشنبه

بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا أَرْجُو إِلَّا فَضْلَهُ، وَلَا أَخْشِي إِلَّا عَذْلَهُ، وَلَا أَعْتَمِدُ إِلَّا قَوْلَهُ،
بنام خدایی که جز فضلش امیدی ندارم و جز عدلش از چیزی ترس ندارم و جز به گفته او اعتماد ندارم و جز
وَلَا أُمْسِكُ إِلَّا بِحَبْلِهِ، بِكَ أَسْتَجِيرُ يَا ذَا الْعَفْوِ وَالرِّضْوَانِ مِنَ الظُّلْمِ وَالْعُدْوَانِ،
به رشته (بندگی و اخلاص) او چنگ نزنم ای دارای گذشت و خوشنودی به تو پناه برم از ستم و دشمنی (خلق)
وَمِنْ غَيْرِ الزَّمَانِ وَتَوَاتُرِ الْأَحْزَانِ، وَطَوَارِقِ الْحَدَثَانِ، وَمِنْ انْقِضَاءِ الْمُدَّةِ
و از دگرگونیهای روزگار و پی‌درپی رسیدن اندوهها و حوادث ناگوار شب و از سپری شدن عمر
قَبْلَ التَّأَهُّبِ وَالْعُدَّةِ، وَإِيَّاكَ أَسْتَرْشِدُ لِمَا فِيهِ الصَّلَاحُ وَالْإِصْلَاحُ، وَبِكَ
قبل از آمادگی و توشه‌گیری و تنها از تو راهنمایی می‌جویم برای آنچه صلاح و اصلاح من در آنست و از تو
أَسْتَعِينُ فِيمَا يَقْتَرِنُ بِهِ النَّجَاحُ وَالْإِنْجَاحُ، وَإِيَّاكَ أَرْغَبُ فِي لِبَاسِ الْعَافِيَةِ
یاری طلبم در (رسیدن به) آنچه مقرون به کامیابی و کامروایی است و از تو امید دارم برای پوشش لباس تندرستی
وَتَمَامِهَا، وَشُمُولِ السَّلَامَةِ وَدَوَامِهَا، وَأَعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ مِنْ هَمَزَاتِ
کامل و شمول سلامتی دائم و پناه می‌برم به تو ای پروردگار از وسوسه‌های
الشَّيَاطِينِ، وَأَحْتَرِزُ بِسُلْطَانِكَ مِنْ جَوْرِ السَّلَاطِينِ، فَتَقَبَّلْ مَا كَانَ مِنْ
شیاطین و احتراز جویم بوسیله سلطنت تو از ستم سلاطین پس (ای خدا) نماز
صَلَوَتِي وَصَوْمِي، وَاجْعَلْ غَدِي وَمَا بَعْدَهُ أَفْضَلَ مِنْ سَاعَتِي وَيَوْمِي وَ
و روزهام را بپذیر و فردای من و مابعد آنرا بهتر از این ساعت و امروزم قرارده و
أَعِزَّنِي فِي عَشِيرَتِي وَقَوْمِي، وَاحْفَظْنِي فِي يَقْظَتِي وَنَوْمِي، فَأَنْتَ اللَّهُ خَيْرُ
مرا در میان فامیل و خویشانم عزیز گردان و مرا در بیداری و خوابم حفظ کن که تویی خدایی که
حَافِظًا، وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَبْرءُ لِيْكَ فِيْ يَوْمِيْ هَذَا وَمَا بَعْدَهُ

بهترین نگهبانی و تو مهربانترین مهربانانی خدا یا من بسوی تو بیزاری جویم و در این روز و روزهای
 مِنَ الْإِحَادِ مِنَ الشَّرِكِ وَالْإِلْحَادِ وَأُخْلِصُ لَكَ دُعَائِي تَعَرُّضًا لِلْإِجَابَةِ، وَأُقِيمُ
 یکشنبه دیگر از شرک و بی‌دینی و دعایم را برای تو خالص می‌کنم تا در معرض اجابت قرار گیرد و همچنان بر
 عَلِي طَاعَتِكَ رَجَاءً لِلْإِثَابَةِ، فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ خَيْرِ خَلْقِكَ الدَّاعِي إِلَى حَقِّكَ،
 اطاعتت پایداری می‌کنم پس درود فرست بر محمد بهترین خلق خود آنکه (مردم را) بسوی حقانیت خواند
 وَأَعِزَّنِي بِعِزِّكَ الَّذِي لَا يُضَامُ، وَاحْفَظْنِي بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ، وَاخْتِمِ
 و مرا به عزت تزلزل‌ناپذیرت عزیز گردان و به دیده‌ات که هرگز نخوابد حفظ کن و بهریدن
 بِالْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ أَمْرِي، وَبِالْمَغْفِرَةِ عُمْرِي، إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ .
 از خلق و توجه بسوی خودت کارم را به پایان رسان و عمرم را قرین به آمرزش به اتمام رسان که همانا تویی آمرزنده
 مهربان

دعای روز دوشنبه

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُشْهَدْ أَحَدًا حِينَ فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا تَأْخُذَ مَعِينًا
 ستایش خاص خدایی است که هیچکس را گواه نیاورد در آن هنگامی که آسمانها و زمین را آفرید و کمک‌کاری برای
 خود نگرفت
 حِينَ بَرَأَ السَّمَاتِ لَمْ يُشَارِكْ فِي الْإِلَهِيَّةِ، وَلَمْ يُظَاهَرْ فِي الْوَحْدَانِيَّةِ، كَلَّتْ
 در آن هنگامی جنبندگان را پدید آورد در معبودیت خود شریک ندارد در یکتایی پشتیبانی نشود زبانها
 الْأَلْسُنُ عَنْ غَايَةِ صِفَتِهِ، وَالْعُقُولُ عَنْ كُنْهِ مَعْرِفَتِهِ، وَتَوَاضَعَتِ الْجَبَابِرَةُ
 از حد و صفش لال و عقلها از کنه معرفتش عاجز است گردنکشان در برابر هیبتش
 لِهَيْبَتِهِ، وَعَتَّتِ الْوُجُوهُ لِخَشْيَتِهِ، وَانْقَادَ كُلُّ عَظِيمٍ لِعَظَمَتِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ
 فروتن و چهره‌ها از بیم و هراسش خاضع و هر بزرگی در عظمتش رام گشته پس خاص تو است ستایش
 مُتَوَاتِرًا مُتَّسِقًا وَ مُتَوَالِيًا مُسْتَوْسِقًا، [ثِقًا] وَصَلَوَاتُهُ عَلَي رَسُولِهِ أَبَدًا، وَ
 پی‌درپی و منظم، و دنباله‌دار و محکم و درودهای ابدی و تحت همیشگی و دائمی تو بر پیامبرت باد

سَلَامُهُ دَائِمًا، سَرْمَدًا اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ اَوَّلَ يَوْمِيْ هَذَا صَلاَحًا، وَ اَوْسَطُهُ فَلَاحًا،

خدایا آغاز امروز مرا صلاح و وسطش را رستگاری و

وَ اٰخِرُهُ نَجَاحًا، وَ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ يَوْمٍ اَوَّلُهُ فَزَعٌ، وَ اَوْسَطُهُ جَزَعٌ، وَ اٰخِرُهُ وَجَعٌ،

پایانش را کامروایی قرارده و پناه می‌برم به تو از روزی که آغازش ترس و وسطش بی‌تابی و پایانش درد و رنج

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ نَذْرٍ نَذَرْتُهُ، وَ كُلِّ وَعْدٍ وَعَدْتُهُ، وَ كُلِّ عَهْدٍ عَاهَدْتُهُ

باشد خدایا از تو آمرزش خواهم برای هر نذری که کرده‌ام و هر وعده‌ای که دادم و هر عهده‌ای که بستم

ثُمَّ لَمْ اَفِ بِهِ، وَ اَسْأَلُكَ فِيْ مَظَالِمِ عِبَادِكَ عِنْدِيْ، فَاَيُّمَا عَبْدٍ مِنْ عِبِيدِكَ اَوْ اَمَةٍ

ولی به آن وفا نکرده‌ام و درباره حقوق و مظلمه‌هایی که از بندگان به گردن دارم درخواست می‌کنم که هر بنده‌ای از

بندگان

مِنْ اِمَائِكَ، كَانَتْ لَهُ قِبَلِيْ مَظْلَمَةٌ ظَلَمْتُهَا اِيَّاهُ فِيْ نَفْسِهِ، اَوْ فِيْ عِرْضِهِ اَوْ فِيْ

یا هر کنیزی از کنیزانت که در گردن من حقی دارد و از من ستمی به او رسیده در جاننش یا در ابرویش یا

مَالِهِ، اَوْ فِيْ اَهْلِهِ وَ وَلَدِهِ، اَوْ غِيْبَةً اَغْتَبْتُهُ بِهَا، اَوْ تَحَامُلٌ عَلَيْهِ بِمِثْلِ اَوْ هَوِيٍّ

در مالش یا در خانواده و فرزندش یا غیبتی از او کرده‌ام یا باری بر دوشش نهاده‌ام که سببش خواهش یا هوای نفس

اَوْ اَنَفَةٍ اَوْ حَمِيَّةٍ، اَوْ رِيَاءٍ اَوْ عَصِيْبِيَّةٍ، غَائِبًا كَانَ اَوْ شَاهِدًا، وَ حَيًّا كَانَ اَوْ مَيِّتًا،

یا خودخواهی یا رشک یا خودنمایی یا تعصب بیجا بوده چه آن‌کس غایب باشد چه حاضر، زنده باشد یا مرده،

فَقَصُرَتْ يَدِيْ وَ ضَاقَ وَ سَعِي عَنْ رَدِّهَا اِلَيْهِ وَ اَلْتَحَلَّلَ مِنْهُ، فَاسْأَلُكَ يَا مَنْ

و دست من اکنون کوتاه و وسعم نارسا است از اینکه آن حق را به او رد کنم و از او حلالیت جویم پس از تو

يَمْلِكُ الْحَاجَاتِ، وَ هِيَ مُسْتَجِيْبَةٌ لِمَشِيَّتِهِ، وَ مُسْرِعَةٌ اِلَى اِرَادَتِهِ، اَنْ تُصَلِّيَ

می‌خواهم ای کسی که مالک حاجاتی و به خواست تو آنها مستجاب‌گردد و بسوی اراده‌ات شتابان شوند (می‌خواهم) که

درود فرستی

عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَنْ تُرْضِيَهُ عَنِّيْ بِمَا شِئْتَ، وَ تَهَبَ لِيْ مِنْ عِنْدِكَ

بر محمد و آلش و آن شخص را به آن‌طور که خواهی از من خوشنود گردانی و از نزد خود

رَحْمَةً، اِنَّهُ لَا تَنْفُصُكَ الْمَغْفِرَةُ، وَ لَا تَضُرُّكَ الْمَوْهَبَةُ، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ،

به من رحمتی بخشی زیرا که آمرزش از تو نکاهد و بخشش به تو زیان نرساند ای مهربانترین مهربانها

اَللّٰهُمَّ اَوَّلِنِيْ فِيْ كُلِّ يَوْمٍ اَثْنِيْنِ نِعْمَتِيْنِ مِنْكَ ثَنَتِيْنِ، سَعَادَةً فِيْ اَوَّلِهِ بِطَاعَتِكَ،

خدایا به من عطا کن در هر روز دوشنبه دو نعمت از جانب خودت یکی خوشبختی در اول روز به وسیله فرمانبرداری و نِعْمَةً فِي آخِرِهِ بِمَغْفِرَتِكَ، يَا مَنْ هُوَ الْإِلَهُ، وَلَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ سِوَاهُ .
تو و دیگر نعمتی در آخر روز به آمرزش و مغفرتت ای کسی که تنها معبود ما او است و گناهان را جز او کسی نیامرزد .

دعای روز سه شنبه

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَالْحَمْدُ حَقُّهُ، كَمَا يَسْتَحِقُّهُ حَمْدًا كَثِيرًا، وَأَعُوذُ بِهِ مِنْ شَرِّ نَفْسِي،
ستایش خاص خدا است و حق اوست آنچنانکه شایسته و لایق اوست بسیار، و پناه برم به خدا از بدی شر نفس خود
إِنَّ النَّفْسَ لَأُمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي، وَأَعُوذُ بِهِ مِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ الَّذِي
که همانا نفس وادار کننده به بدی است مگر آنرا که پروردگار رحم کند و پناه برم به او از شر شیطان
يَزِيدُنِي ذَنْبًا إِلَى ذَنْبِي، وَأَحْتَرِزُ بِهِ مِنْ كُلِّ جَبَّارٍ فَاجِرٍ، وَ سُلْطَانٍ جَائِرٍ، وَ
که (پیوسته) گناهی بر گناهم بیفزاید و بوسیله او پناه گیرم از شر هر گردنکش تبه کار و حکمران ستمکار و
عَدُوٌّ قَاهِرٍ، اَللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ جُنْدِكَ، فَإِنَّ جُنْدَكَ هُمُ الْغَالِبُونَ،
دشمن قهاری خدایا مرا از لشکر خود قرار ده زیرا سپاه تو فقط پیروزند
وَ اجْعَلْنِي مِنْ حِزْبِكَ فَإِنَّ حِزْبَكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ، وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَوْلِيَّائِكَ فَإِنَّ
و از حزب خویش قرارم ده زیرا حزب تو فقط رستگارانند و از اولیاء خود قرارم ده زیرا اولیاء تو هستند که
أَوْلِيَّائِكَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ، اَللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي فَإِنَّهُ
خوف و ترسی برایشان نیست و حزن و اندوهی ندارند خدایا دینم را اصلاح کن که
عِصْمَةٌ، أَمْرِي وَأَصْلِحْ لِي آخِرَتِي فَإِنَّهَا دَارُ مَقَرِّي وَالْإِلَهِاءُ مِنْ مُجَاوَرَةِ اللَّثَامِ
دین نگهدار کار من است و آخرتم را اصلاح کن که خانه پایدار من آنجا است و از مجاورت لثیمان
مَقَرِّي، وَ اجْعَلْ الْحَيَاةَ زِيَادَةً لِي فِي كُلِّ خَيْرٍ، وَالْوَفَاةَ رَاحَةً لِي مِنْ كُلِّ شَرٍّ،
گریزگاهم بدانجا است، و زندگی را برای من مایه فزونی در هر کار خیری قرار ده و مرگ را آسودگی از هر شری
برایم مقرر فرما .

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَ تَمَامِ عِدَّةِ الْمُرْسَلِينَ، وَ عَلٰى آلِهِ
 خدا درود فرست بر محمد خاتم پیمبران و کامل کننده شماره رسولان و بر آل پاک و
 الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، وَأَصْحَابِهِ الْمُتَتَجِّينَ، وَ هَبْ لِي فِي الثُّلَاثَةِ ثَلَاثًا، لَا تَدَعُ
 پاکیزه‌اش و اصحاب برگزیده‌اش و در روز سه‌شنبه سه چیز به من عطا کن: هرگناهی را از من بپامرز،
 لِي ذَنْبًا إِلَّا غَفَرْتَهُ، وَلَا غَمًّا إِلَّا أَذْهَبْتَهُ، وَلَا عَدُوًّا إِلَّا دَفَعْتَهُ، بِبِسْمِ اللَّهِ خَيْرِ
 و هر اندوهی را از من دور کن، و هر دشمنی را از من دفع فرما بنام خدا
 الْأَسْمَاءِ، بِسْمِ اللَّهِ رَبِّ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ اسْتَدْفِعْ كُلَّ مَكْرُوهِ أَوَّلُهُ سَخَطُهُ،
 که بهترین نامها است به نام خدا پروردگار زمین و آسمان دور کنم از خود هر بدی را که آغازش خشم او است
 وَاسْتَجْلِبْ كُلَّ مَحْبُوبٍ أَوَّلُهُ رِضَاءُ، فَاحْتِمِ لِي مِنْكَ بِالْغُفْرَانِ يَا وَلِيَّ الْإِحْسَانِ
 و می‌کشم بسوی خود هر کار محبوبی را که آغازش خوشنودی او است پس از جانب خودکارم را به آمرزش پایان ده ای
 صاحب احسان

دعای روز چهارشنبه

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ لِبَاسًا، وَ النَّوْمَ سُبَاتًا، وَ جَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا، لَكَ
 ستایش خدایی را که شب را پوشش (خلق) قرار داد و خواب را مایه آسایش و روز را (وسیله) تکاپو و جنبش ستایش
 خاص
 الْحَمْدُ أَنْ بَعَثْتَنِي مِنْ مَرْقَدِي، وَ لَوْ شِئْتَ جَعَلْتَهُ سَرْمَدًا، حَمْدًا دَائِمًا لَا يَنْقَطِعُ
 تو است که مرا از خوابگاهم برانگیختی و اگر اراده می‌کردی خوابم را همیشگی می‌کردی آن ستایشی که دائمی است
 و قطع نگردد
 أَبَدًا، وَ لَا يُحْصِي لَهُ الْخَلَائِقُ عَدَدًا، اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ أَنْ خَلَقْتَ فَسَوَّيْتَ،
 و خلاق شماره‌اش نتوانند خدایا ستایش خاص تو است که آفریدی و پرداختی و اندازه کردی و گذراندی
 وَقَدَّرْتَ وَ قَضَيْتَ، وَ أَمَتَّ وَ أَحْيَيْتَ، وَ أَمْرَضْتَ وَ شَفَيْتَ، وَ عَاقَبْتَ وَ
 و میراندی و زنده کردی، بیمار کردی و شفا دادی، تندرست کردی و

أَبْلَيْتَ، وَعَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَيْتَ، وَعَلَى الْمُلْكِ احْتَوَيْتَ أَدْعُوكَ دُعَاءَ مَنْ
 گرفتار ساختی و بر عرش استیلا یافتی و بر ملک وجود احاطه داری می خوانمت خواندن آنکس که
 ضَعُفَتْ وَسِيلَتُهُ، وَ انْقَطَعَتْ حِيلَتُهُ وَ اقْتَرَبَ أَجَلُهُ، وَ تَدَانِي فِي الدُّنْيَا أَمَلُهُ،
 وسیله اش ضعیف و راه چاره اش قطع شده و مرگش نزدیک گشته و آرزویش در دنیا اندک شده
 وَ اشْتَدَّتْ إِلَى رَحْمَتِكَ فَاقْتَرَبَتْ، وَ عَظُمَتْ لِتَقْرِيبِهِ حَسْرَتُهُ، وَ كَثُرَتْ زَلَّتُهُ
 و سخت نیازمند رحمت گردیده و افسوسش در کوتاهی و تقصیر خود بزرگ گشته و لغزش و خطایش بسیار شده
 وَ عَثَرَتْهُ وَ خَلَصَتْ لَوْجْهِكَ تَوْبَتُهُ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ عَلَيَّ أَهْلٍ
 و توبه اش بدرگاه تو خالص گردیده پس درود فرست بر محمد خاتم پیمبران و بر خاندان
 بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، وَ ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ
 پاک پاکیزه اش و شفاعت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را روزی من گردان
 لَا تَحْرِمْنِي صُحْبَتَهُ، إِنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ اقْضِ لِي فِي الْأَرْبَعَاءِ
 و از همنشینی او محروم مکن که تو ارحم الراحمین هستی خدایا در روز چهارشنبه چهار حاجت مرا برآور :
 أَرْبَعًا، اجْعَلْ قُوَّتِي فِي طَاعَتِكَ وَ نَشَاطِي فِي عِبَادَتِكَ، وَ رَغْبَتِي فِي
 نیرویم را در طاعت خویش قرار ده و نشاط و شادمانیم را در عبادت و رغبت و میل را در
 ثَوَابِكَ، وَ زُهْدِي فِيمَا يُوجِبُ لِي أَلِيمَ عِقَابِكَ، إِنَّكَ لَطِيفٌ لِمَا تَشَاءُ .
 پاداش نیکت و پارساییم را در آنچه موجب عذاب دردناک برای من گردد که همانا تو نسبت به هر چه بخواهی مدارا
 کنی .

دعای روز پنجشنبه

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ اللَّيْلَ مُظْلِمًا بِقُدْرَتِهِ، وَ جَاءَ بِالنَّهَارِ مُبْصِرًا بِرَحْمَتِهِ،
 ستایش خاص خدای است که شب تاریک را به قدرتش برد و روز روشن را برحمت خویش
 وَ كَسَانِي ضِيَاءَهُ وَ أَنَا فِي نِعْمَتِهِ، اللَّهُمَّ فَكَمَا أَبْقَيْتَنِي لَهُ فَأَبْقِنِي لِأَمثَالِهِ،
 و کسانای ضیاءه و انا فی نعمته، اللهم فکما بقیتنی له فابقنی لأمثاله،

بیاورد و روشنی روز را در آن حال که مستغرق نعمتش بودم دربرم کرد خدایا همچنانکه مرا تا به امروز نگهداشتی برای

روزهای دیگر

وَصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلَا تَفْجَعْنِي فِيهِ وَفِي غَيْرِهِ مِنَ اللَّيَالِي

امثال آن نیز نگهدار و درود فرست بر محمد و آلش و داغدارم مکن در این روز و شبها و

وَالْأَيَّامِ بِارْتِكَابِ الْمَحَارِمِ وَاكْتِسَابِ الْمَآثِمِ، وَارْزُقْنِي خَيْرَهُ وَخَيْرَ

روزهای دیگر به سبب دست زدن به کارهای حرام و فراهم آوردن گناهان و خیر این روز و آنچه در آن است

مَا فِيهِ وَخَيْرَ مَا بَعْدَهُ وَاصْرِفْ عَنِّي شَرَّهُ وَشَرَّ مَا فِيهِ وَشَرَّ مَا بَعْدَهُ، اَللّٰهُمَّ

و خیر روزهای بعد را نیز روزی من گردان و شر این روز و آنچه در آن است و شر روزهای بعدش را از من دور

گردان خدایا

إِنِّي بِذِمَّةِ الْإِسْلَامِ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ، وَبِحُرْمَةِ الْقُرْآنِ أَعْتَمِدُ عَلَيْكَ، وَبِمُحَمَّدٍ

من به پیمان اسلام به سویت توسل جویم و به حرمت قرآن بر تو اعتماد کنم و به وسیله محمد

الْمُصْطَفَى صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَسْتَشْفِعُ لَدَيْكَ، فَاعْرِفِ اللَّهُمَّ ذِمَّتِي الَّتِي

مصطفی صلی الله علیه و آله در نزدت شفاعت جویم پس بشناس خدایا پیمانی را که بدان امید برآوردن

رَجَوْتُ بِهَا قَضَاءَ حَاجَتِي، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اَللّٰهُمَّ اقْضِ لِي فِي الْحَمِيسِ

حاجتم را دارم ای مهربانترین مهربانها خدایا در روز پنجشنبه پنج حاجتم را برآور

خَمْسًا، لَا يَتَسَعُّ لَهَا إِلَّا كَرَمُكَ، وَلَا يُطِيقُهَا إِلَّا نِعْمُكَ، سَلَامَةً أَقْوَى بِهَا عَلَيَّ

که جز بزرگواری تو گنجایش آنها را ندارد و جز نعمتهای تو بر آن توانا نیست: تندرستی که بوسیله آن

طَاعَتِكَ، وَعِبَادَةً أَسْتَحِقُّ بِهَا جَزِيلَ مَثُوبَتِكَ، وَسَعَةً فِي الْحَالِ مِنَ الرِّزْقِ

بر انجام طاعتت نیرو گیرم، و پرستشی که بدان مستحق پاداشت گردم، و فراخی در حال از طریق روزی

الْحَلَالِ، وَأَنْ تُؤَمِّنَنِي فِي مَوَاقِفِ الْخَوْفِ بِأَمْنِكَ، وَتَجْعَلَنِي مِنْ طَوَارِقِ

حلال، و دیگر آنکه مرا در توقفگاههای خوفناک (برزخ و قیامت) بوسیله امان خود این گردانی و از حوادث اندوهناک و

الْهُمُومِ وَالْعُمُومِ فِي حِصْنِكَ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ

غمگین در پناه خود قرارم دهی و درود فرست بر محمد و آلش

تَوَسَّلِي بِهِ شَافِعًا يَوْمَ الْقِيَمَةِ نَافِعًا، إِنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ .

و توسل مرا بدان حضرت در روز قیامت شفیع و سودمند برای من قرار ده که همانا تو مهربانترین مهربانانی

دعای روز جمعه

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ قَبْلَ الْإِنشَاءِ وَالْآخِرِ بَعْدَ الْفَنَاءِ الْأَشْيَاءِ الْعَلِيمِ

ستایش خاص خدایست که آغاز هستی پیش از پیدایش و زندگی است و پایان پس از فناء موجودات، دانایی که هر که یادش کند

الَّذِي لَا يَنْسِي مَنْ ذَكَرَهُ، وَلَا يَنْقُصُ مَنْ شَكَرَهُ، وَلَا يَخِيبُ مَنْ دَعَاهُ، وَلَا يَقْطَعُ

وی را از یاد نبرد و نعمتش را از آنکه سپاس می‌دارد نکاهد و نومید نسازد آنکه او را بخواند و امید امیدوارش را قطع نکند

رَجَاءَ مَنْ رَجَاهُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ وَكَفَى بِكَ شَهِيداً، وَأُشْهَدُ جَمِيعَ

خدایا من تو را گواه گیرم و گواه بودن تو کافی است و گواه گیرم تمام

مَلَائِكَتِكَ وَسُكَّانِ سَمَوَاتِكَ وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ، وَمَنْ بَعَثْتَ مِنْ أُنْبِيَائِكَ

فرشتگان و ساکنین آسمانها و حاملین عرش را و پیمبران

وَرُسُلِكَ، وَأَنْشَأْتَ مِنْ أَصْنَافِ خَلْقِكَ، إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ،

و رسولانت را که برانگیختی و انواع موجودات بی‌حسابی را که آفریدی (همه را گواه گیرم) که من گواهی دهم تویی خدایی که

وَحَدُّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَلَا عَدِيلَ، وَلَا خُلْفَ لِقَوْلِكَ وَلَا تَبْدِيلَ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا

معبودی جز تو نیست و یگانه‌ای که شریک و همتا نداری و خلاف و تغییر و تبدیلی در گفتار تو نیست و گواهی دهم که محمد

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ، أَدَّى مَا حَمَلْتَهُ إِلَيَّ الْعِبَادِ، وَجَاهَدَ فِي اللَّهِ

صلی الله علیه و آله بنده و رسول تو است که بدانچه مأمورش کرده بودی به بندگانت رساند و درباره

عَزَّوَجَلَّ حَقَّ الْجِهَادِ، وَأَنَّهُ بَشَّرَ بِمَا هُوَ حَقٌّ مِنَ الثَّوَابِ، وَأَنْذَرَ بِمَا هُوَ صِدْقٌ

خدای عزوجل آنطور که باید کوشش کرد و بدان پاداش نیکی که حق و درست بود مژده داد و بدان عقابی که راست بود

مِنْ الْعِقَابِ، اَللّهُمَّ ثَبِّتْنِي عَلَي دِينِكَ مَا أَحْيَيْتَنِي، وَلَا تُرْغِ قَلْبِي بَعْدَ
 بِيَمِ داد خدایا تا مرا زنده نگاهداری بر دین خویش ثابتم گردان و دلم را پس از آنکه
 إِذْ هَدَيْتَنِي، وَ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ، صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ
 راهنماییم کرده‌ای منحرف مساز و به من از نزد خود رحمتی بخشای که همانا تویی بخشایشگر درود فرست بر محمد
 وَعَلَي آلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي مِنْ أَتْبَاعِهِ وَشِيعَتِهِ، وَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهِ،
 و بر آلش و مرا از پیروان و شیعیانش قرار ده و در گروه وی محشورم کن و موفقم دار
 وَوَقِّفْنِي لِإِدَاءِ فَرَضِ الْجُمُعَاتِ وَ مَا أَوْجَبْتَ عَلَيَّ فِيهَا مِنَ الطَّاعَاتِ
 برای اداء فرائض جمعه‌ها و طاعاتی که در آنها بر من واجب کردی و عطاهاپی
 وَقَسَمْتَ لِأَهْلِهَا مِنَ الْعَطَاءِ فِي يَوْمِ الْجَزَاءِ، إِنَّكَ أَنْتَ الْغَزِيرُ الْحَكِيمُ .
 که در روز جزا به اهل آن (طاعات و جمعه‌ها) قست کرده‌ای که همانا تویی مقتدر فرزانه

دعای روز شنبه

بِسْمِ اللَّهِ كَلِمَةُ الْمُعْتَصِمِينَ، وَمَقَالَةُ الْمُتَحَرِّزِينَ، وَاعُوذُ بِاللَّهِ تَعَالَى مِنْ جَوْرِ
 بنام خدا سخن پناهندگان و گفتار پناه‌جویان و پناه می‌برم به خدای تعالی از جور
 الْجَائِرِينَ، وَكَيْدِ الْحَاسِدِينَ، وَبَغْيِ الظَّالِمِينَ وَ أَحْمَدُهُ فَوْقَ حَمْدِ الْحَامِدِينَ،
 ستمکاران و بداندیشی حسودان و ستم بیدادگران و می‌ستایمیش فوق ستایش کنندگان
 اَللّهُمَّ أَنْتَ الْوَاحِدُ بِلَا شَرِيكَ وَالْمَلِكُ بِلَا تَمْلِيكَ، لَا تُضَادُّ فِي حُكْمِكَ،
 خدایا تویی یگانه بی‌شریک و پادشاه بی‌نیاز (که پادشاهی را دیگری به او تملیک نکرده) در برابر فرمان تو ضدیت نشود
 وَلَا تُتَنَازَعُ فِي مُلْكِكَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ،
 و در پادشاهیت کشمکشی روی ندهد از تو می‌خواهم که درود فرستی بر محمد بنده و رسولت
 وَأَنْ تُوزِعَنِي مِنْ شُكْرِ عَمَّاكَ مَا تُبْلِغُ بِي غَايَةَ رِضَاكَ، وَأَنْ تُعِينَنِي عَلَي
 و به من طریقه سپاسگزاری نعمت‌های را چنان بیاموزی که مرا به سرحد خشنودیت برساند و کمکم دهی بر
 طَاعَتِكَ وَلِزُومِ عِبَادَتِكَ، وَاسْتِحْقَاقِ مَثُوبَتِكَ بِلُطْفِ عِنَايَتِكَ، وَتَرْحَمَنِي
 طاعت خود و پیوستگی عبادت خویش و استحقاق پاداشت بوسیله لطف و عنایتت و به من ترحم کنی

بَصَدِّي عَنْ مَعَاصِيكَ مَا أَحْيَيْتَنِي، وَتُوفَّقَنِي لِمَا يَنْفَعُنِي مَا أَبْقَيْتَنِي،

به اینکه تا زنده‌ام از گناهان بازم داری و تا زمانی که در این جهان نگاهم داری موقعم داری

وَأَنْ تُشْرَحَ بِكِتَابِكَ صَدْرِي، وَتَحُطَّ بِتِلَاوَتِهِ وَزُرِّي، وَتَمُنَّحَنِي السَّلَامَةَ

به آنچه سودم رساند و بوسیله کتاب خود (قرآن) سینه‌ام بگشایی و با خواندن آن جرم و گناهم بریزی و سلامت

فی دینی وَ نَفْسِي، وَلَا تُوحِشَ بِي أَهْلَ أُسِّي، وَتُتِمَّ إِحْسَانُكَ فِيمَا بَقِيَ

در دین و جانم عطا کنی و همدانم را برای من وحشتناک مکن و احسانت را در مابقی

مِنْ عُمْرِي كَمَا أَحْسَنْتَ فِيمَا مَضَى مِنْهُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

عمر درباره من به اتمام رسان چنانچه در گذشته احسان کردی ای مهربانترین مهربانها

فصل چهارم در فضیلت و اعمال شب و روز جمعه

بدان که شب و روز جمعه را امتیاز تام است از سایر لیلای و ایام بمزید رفعت و شرافت و نباهت از رسول خدا صلی الله

علیه وآله روایت شده که شب جمعه و روز جمعه بیست و چهار ساعت است و در هر ساعت حق تعالی ششصد هزار

کس را از جهنم آزاد کند و از حضرت صادق علیه السلام وارد شده که هر که بمیرد ما بین زوال روز پنجشنبه تا زوال روز

جمعه خدا پناه دهد او را از فشار قبر و نیز از آن حضرت منقول است که جمعه را حقی و حرمتی عظیم هست پس زهار

که ضایع نگردانی حرمت آن را و تقصیر مکن در چیزی از عبادت حق تعالی در آن روز و تقرّب جو بسوی خدا به

عملهای شایسته و ترک نما جمیع محرّمات خدا را زیرا که خدا ثواب طاعات را مضاعف می گرداند و عقوبت گناهان را محو

می نماید و درجات مؤمنان را در دنیا و عقبی بلند می گرداند و شبش در فضیلت مانند روز است اگر توانی که شب جمعه

را زنده داری به نماز و دعا تا صبح بکن بدرستی که خداوند عالم در شب جمعه ملائکه را برای مزید کرامت مؤمنان به

آسمان اول میفرستد که حسنات ایشان را زیاده گردانند و گناهان ایشان را محو کنند و حق تعالی واسع العطا و کریم

است، و نیز در حدیث معتبر از آن حضرت مرویست که گاه هست که مؤمن دعا می کند برای حاجتی و حق تعالی

قضای حاجت او را تأخیر می کند تا اینکه در روز جمعه حاجت او را برآورد و برای فضیلت جمعه مضاعف گرداند، و

فرمود که چون برادران یوسف علیه السلام از حضرت یعقوب علیه السلام استدعای طلب آمرزش گناهان خود کردند

گفت سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي یعنی بعد از این استغفار خواهم کرد برای شما از پروردگار خود حضرت فرمود که تأخیر

کرد که در سحر شب جمعه دعا کند تا مستجاب گردد، و نیز از آن حضرت مروی است که چون شب جمعه می آید ماهیان

دریا سر از آب بیرون می آورند و وحشیان صحرا گردن می کشند و حق تعالی را ندا می کنند که پروردگارا ما را عذاب

مکن به گناه آدمیان، و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که حقّ سبحانه و تعالی امر می‌نماید ملکی را که در هر شب جمعه از بالای عرش ندا می‌کند از اوّل شب تا آخر شب از جانب ربّ اعلی که آیا بنده مؤمنی هست که پیش از طلوع صبح برای آخرت و دنیای خود مرا بخواند تا من دعای او را مستجاب کنم آیا بنده مؤمنی هست که پیش از طلوع صبح از گناه خود توبه کند پس من توبه او را قبول کنم آیا بنده مؤمنی هست که من روزی او را تنگ کرده باشم و از من سؤال کند که روزی او را زیاد گردانم پیش از طلوع صبح پس روزی او را گشاده گردانم آیا بنده مؤمن بیماری هست که از من سؤال کند پیش از طلوع صبح که او را شفا دهم تا او را عافیت کرامت کنم آیا بنده مؤمن غمگین محبوس هست که پیش از طلوع صبح از من سؤال کند که او را از زندان رها کنم و غمش را فرج دهم پس دعایش را مستجاب گردانم آیا بنده مؤمن مظلومی هست که از من سؤال کند پیش از صبح برای دفع ستم ظالم تا من از برای او انتقام بکشم و حقّش را به او برگردانم پیوسته این ندا را می‌کند تا طلوع صبح، و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که حقّ تعالی جمعه را از همه روزها برگزیده و روزش را عید گردانیده و شیش را مثل روزش گردانیده، و از جمله فضیلت روز جمعه آنستکه هر حاجت که در آنروز از خدا سؤال کنند برآورده می‌شود و اگر جماعتی مستحقّ عذاب شوند چون شب جمعه و روز جمعه را دریابند و دعا کنند خدا آن عذاب را از ایشان برمی‌گرداند و امور مقدّره را حقّ تعالی در شب جمعه مبرم و محکم می‌گرداند پس شب جمعه بهترین شبها و روزش بهترین روزها است و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که پرهیزید از گناه در شب جمعه که عقوبت گناهان در آن شب مضاعف است چنانچه ثواب حسنات مضاعف است و هر که معصیت خدا را در شب جمعه ترك کند حقّ تعالی گناهان گذشته او را بیامرزد و هر که در شب جمعه معصیتی را علانیه بکند حقّ تعالی او را بگناهان جمیع عمرش عذاب کند و عذاب آن گناه را بر او مضاعف کند، و بسند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که روز جمعه سیّد و بزرگتر روزها است حقّ تعالی در آن روز ثواب حسنات را مضاعف می‌دهد و گناهان را محو می‌نماید و درجات را بلند می‌گرداند و دعوات را مستجاب می‌گرداند و شدّتها و غمها را زایل می‌گرداند و حاجتهای بزرگ را برمی‌آورد و روز مزید است که خدا رحمتهای خود را نسبت به بندگان زیاد می‌گرداند و جماعت بسیار از آتش آزاد می‌سازد پس هر که بخواند خدا را در آن روز و بشناسد حقّ و حرمت آنرا حقّ است بر خداوند تعالی که او را از آتش جهنّم آزاد گرداند پس اگر در روز جمعه یا شب آن بمیرد ثواب شهیدان دارد و در قیامت امین از عذاب الهی مبعوث می‌گردد و هر که استخفاف بحرمت جمعه نماید و حقّ او را ضایع گرداند که نماز جمعه بجا نیاورد یا محرّمات الهی را در آن بعمل آورد بر خدا لازمست که او را به آتش جهنّم بسوزاند مگر آنکه توبه کند و بسندهای بسیار معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که آفتاب طالع نگردیده است در روزی که بهتر از روز جمعه باشد و

چون مرغان در روز جمعه به یکدیگر برمیخورند سلام می‌کنند و می‌گویند امروز روز شایسته‌ای است، و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که روز جمعه را دریابد باید که بکاری بغیر از عبادت مشغول نگردد زیرا که در آنروز خدا گناه بندگان را می‌آمرزد و رحمت خود را بر ایشان نازل می‌گرداند و فضایل شب و روز جمعه زیاده از آن است که در این مختصر ذکر شود .

اما اعمال شب جمعه

پس آن بسیار است و ما در اینجا اکتفا می‌کنیم بذکر چند عمل اول بسیار گفتن سُبْحَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ و بسیار صلوات فرستادن همانا روایت شده که جمعه شبش نورانی است و روزش بسیار روشن پس بسیار بگوئید سُبْحَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ و بسیار صلوات بفرستید بر محمد و آل محمد علیهم السلام و در روایت دیگر اقل صلوات در این شب صد مرتبه است و آنچه زیاده کنی بهتر است، و از حضرت صادق علیه السلام مرویست که صلوات بر محمد و آل محمد در شب جمعه برابر است با هزار حسنه و محو می‌کند هزار سیئه را و بالا می‌برد هزار درجه و مستحب است که بسیار صلوات بفرستند بر محمد و آل محمد صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ بعد از نماز عصر روز پنجشنبه تا آخر روز جمعه، و بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون عصر روز پنجشنبه می‌شود ملائکه از آسمان به زیر می‌آیند با قلمهای طلا و صحیفه‌های نقره و نمی‌نویسند در پسین پنجشنبه و شب جمعه و روز جمعه تا آفتاب غروب کند بغیر از صلوات بر محمد و آل محمد، و شیخ طوسی فرموده که مستحب است در روز پنجشنبه صلوات فرستادن بر پیغمبر صلی الله علیه و آله هزار مرتبه و مستحب است آنکه بگوید در آن :

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ، وَأَهْلِكَ عَدُوَّهُمْ مِنْ

خدایا درود فرست بر محمد و آلش و فرج ایشان را نزدیک گردان و دشمنانرا از

الْجَنِّ وَالْإِنْسِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ و گفتن این صلوات صد مرتبه از بعد عصر پنجشنبه تا

جن و انس از اولین و آخرین نابود کن
* * * * *

آخر روز جمعه فضیلت بسیار دارد و نیز شیخ فرموده مستحب است که در آخر روز پنجشنبه استغفار کنند به این

* * * * *
* * * * *

نحو: اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، وَأَتُوبُ إِلَيْهِ تَوْبَةً عَبْدٍ

* * * آمرزش خواهم از خدائی که معبودی جز او نیست زنده و پاینده است و بسویش توبه کنم توبه بنده

خاضعٍ مُسْكِينٍ مُسْتَكِينٍ، لَا يَسْتَطِيعُ لِنَفْسِهِ صَرْفًا وَلَا عَدْلًا، وَلَا نَفْعًا وَلَا

فروتن بینوای درمانده که نتواند به نفع خویشتن کاری (کند) نه دفع شری و نه سود و

ضَرًّا، وَلَا حَيَوَةً وَلَا مَوْتًا وَلَا نُشُورًا، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَي مُحَمَّدٍ وَعَثْرَتِهِ

زیانی و نه زندگی و مرگی و نه رستاخیزی و درود خدا بر محمد و عترت

الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ الْأَبْرَارِ، وَسَلَّم تَسْلِيمًا

پاک و پاکیزه و برگزیدگان نیکش و سلام کاملش بر ایشان باد .

دویم آنکه در شب جمعه این سوره‌ها را بخواند که از برای هر يك فواید و ثواب بسیار روایت شده بنی اسرائیل، كهف،

سه طسین، الم سجده، یس، ص، أَحْقَاف، واقعه، حم سجده، حم دُخان، طُور، افْتَرَبَتْ، جُمعه و اگر فرصت ندارد اختیار

کند واقعه و سوره‌های قبل آنرا زیرا که روایت شده از حضرت صادق علیه السلام که هر که در هر شب جمعه سوره

بنی اسرائیل بخواند گیرد تا بخدمت حضرت قائم علیه السلام برسد و از اصحاب آن حضرت باشد و فرمود که هر که سوره

كهف را در هر شب جمعه بخواند گیرد مگر شهید و حقّ تعالی او را در روز قیامت با شهداء محشور گرداند و با ایشان باز

دارد و فرمود که هر که هر سه طسین را در شب جمعه بخواند از دوستان خدا باشد و در امان و حمایت حقّ تعالی باشد و

فقر و تنگدستی در دنیا به او نرسد و در آخرت خدا از بهشت آنقدر به او عطا کند که او راضی گردد و زیاده از رضا به

او کرامت فرماید و صد زن از حوریان بهشت به او تزویج نماید و فرمود که هر که سوره الم سجده در هر شب جمعه

بخواند حقّ تعالی در قیامت نامه او را بدست راست او دهد و او را بر اعمال او حساب نکند و از رفقاء محمد و آل

اوعلیهم السلام باشد، و بسند معتبر از حضرت باقر علیه السلام منقول است که هر که سوره ص را در شب جمعه بخواند

از خیر دنیا و عقی آنقدر به او عطا کنند که نداده باشند مگر به پیغمبر مرسل یا ملک مقرب و داخل بهشت گردانند او را

با هر که خواهد از اهل خانه او حتی خادمی که او را خدمت کرده است اگر چه داخل عیال او نباشد و در حدّ شفاعت

کردن او نباشد، و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که در شب جمعه یا روز جمعه سوره أَحْقَاف را بخواند در

دنیا به او ترسی و بیمی نرسد و در آخرت از فزع و ترس روز قیامت ایمن باشد، و فرمود که هر که هر شب جمعه سوره

واقعه را بخواند خدا او را دوست دارد و او را محبوب گرداند و در دنیا بدحالی و تنگدستی نبیند و هیچ آفت از آفات دنیا

به او نرسد و از رفقاء حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام باشد و این سوره مخصوص امیرالمؤمنین است و روایت است که هر

که بخواند سوره جمعه را در هر شب جمعه خواهد بود کفّاره مابین جمعه تا جمعه دیگر، و همین فضیلت وارد شده از برای

کسی که سوره كهف را در هر شب جمعه بخواند و همچنین برای کسی که آنرا بعد از ظهر و عصر روز جمعه بخواند، و بدان که

نمازهای بسیار در شب جمعه وارد شده از آنجمله نماز حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و دیگر دو رکعت نماز در هر رکعت

حمد و پانزده مرتبه اِذَا زُلْزِلَتْ، روایت شده که هر که این نماز را بجا آورد این کند خدا او را از عذاب قبر و از هولهایی روز قیامت سیم آنکه در رکعت اول نماز مغرب وعشاء سوره جمعه بخواند و در دویم مغرب توحید و در دویم عشاء اعلیٰ بخواند چهارم آنکه ترك کند خواندن شعر را زیرا که در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که مکروه است روایت شعر برای روزه دار و مُحْرِم و در حرم و در روز جمعه و شبها راوی گفت هر چند شعر حقّی باشد فرمود هر چند شعر حقّ باشد، و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که يك شعر بخواند در شب جمعه یا در روز جمعه در آنشب و در آنروز بهره‌ای از ثواب بغیر آن نداشته باشد، و به روایت معتبر دیگر در آن شب و آن روز نمازش مقبول نگردد پنجم دعاء در حقّ مؤمنین بسیار کند چنانکه حضرت زهراء علیها السلام مینموده و اگر از برای ده نفر از برادران مؤمن که مرده باشند طلب آمرزش کند روایت شده که بهشت برای او واجب گردد ششم آنکه بخواند دعاهاي وارده در آنرا و آنها بسیار است وما بذکر قليلی از آنها اکتفای نمائیم بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که در شب جمعه در سجده آخر نافله شام هفت مرتبه این دعا را بخواند چون فارغ شود آمرزیده شده باشد و اگر در هر شب چنین کند بهتر است و دعا این است :

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِیْمِ وَ اَسْمِكَ الْعَظِیْمِ

* * * * * خدایا از تو درخواست کنم به ذات بزرگوار و نام بزرگت

اَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تُغْفِرَ لِیْ ذَنْبِیَ الْعَظِیْمِ

که درود فرستی بر محمد و آلش و بیامرزی گناه بزرگم

و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که هفت مرتبه این دعا را بخواند در شب جمعه یا روز

جمعه اگر در آنشب یا آنروز بمیرد داخل بهشت شود و دعا این است

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ رَبِّیْ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ، خَلَقْتَنیْ وَ اَنَا عَبْدُكَ

خدایا تویی پروردگار من معبودی جز تو نیست مرا آفریدی و من بنده تو

وَ اَبْنُ اَمْتِكَ، وَ فِیْ قَبْضَتِكَ وَ نَاصِیَّتِیْ بِیَدِكَ، اَمْسِیْتُ عَلَی

و فرزند کنیز توام و در قبضه قدرت توام و اراده و اختیارم بدست تو

عَهْدِكَ وَ وَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ، اَعُوْذُ بِرِضَاكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ،

است تا آنجا که توانستم بر عهد و پیمان تو روز را به شب آورم پناه می‌برم به خوشنودی تو از شر آنچه کرده‌ام

اَبُوْءُ بِنِعْمَتِكَ وَ اَبُوْءُ بِذَنْبِیْ، فَاغْفِرْ لِیْ ذُنُوْبِیْ، اِنَّهُ لَا یَغْفِرُ الذُّنُوْبَ اِلَّا اَنْتَ .

هم به نعمت تو اعتراف دارم و هم به گناه خود پس گناهم را بیامرزد که براستی نیامرزد گناهان را جز تو

و شیخ طوسی و سید و کفعمی و سید بن باقی گفته اند که مستحب است در شب جمعه و روز آن و شب عرفه و روز آن این دعا بخوانند و ما دعا را از مصباح شیخ نقل می کنیم و دعا این است :

اَللّٰهُمَّ مَنْ تَعَبَّأَ وَ تَهَيَّأَ وَ اَعَدَّ وَ اسْتَعَدَّ، لِوَفَادَةِ اِلَى مَخْلُوْقٍ رَجَاءَ رِفْدِهِ، وَ

* * * * *

* * * * * خدایا هر کس مجهز و آماده و

مهیا و مستعد برای ورود بر مخلوقی شده به امید دهش و

طَلَبَ نَائِلِهِ وَ جَائِزَتِهِ، فَالْيَاكَ يَا رَبُّ تَعَبَّيْتُ وَ اسْتَعْدَدْتُ، رَجَاءَ عَفْوِكَ وَ طَلَبَ

به جستجوی جایزه و بخشش او پس ای پروردگار من آمادگی و استعداد من بسوی تو است و آرزوی عفو تو و

خواهش بخشش و

نَائِلِكَ وَ جَائِزَتِكَ، فَلَا تُخَيِّبْ دُعَائِي يَا مَنْ لَا يَخِيْبُ عَلَيْهِ سَائِلٌ، وَلَا يَنْقُصُهُ

جایزه را دارم پس در این خواهشی که دارم نومیدم مکن ای کسی که هیچ خواهنده ای ناامید از درگاهش نرود و

نَائِلٌ، فَإِنِّي لَمْ أَتِكَ ثِقَةً بِعَمَلٍ صَالِحٍ عَمِلْتُهُ، وَ لَا لِوَفَادَةِ مَخْلُوْقٍ رَجَوْتُهُ،

هیچ گیرنده عطایی از (کرمش) نکاهد و من به اعتماد عمل صالحی که کرده باشم بدرگاهت نیامده و نه به مخلوقی وارد

شده ام که از

أَتَيْتَكَ مُقِرّاً عَلَي نَفْسِي بِالْإِسَاءَةِ وَ الظُّلْمِ، مُعْتَرِفاً بِأَن لَّا حُجَّةَ لِي وَ لَا عُذْرَ،

او امیدی داشته باشم بلکه بدرگاه تو آمده ام در حالیکه اقرار دارم که بخود بدی و ستم کرده و معترفم که هیچ دلیل و

عذری هم بر

أَتَيْتَكَ أَرْجُو عَظِيمَ عَفْوِكَ الَّذِي عَفَوْتَ بِهِ عَنِ الْخَاطِئِينَ، فَلَمْ يَمْنَعْكَ طَوْلُ

این بدی و ستم نداشته ام، آمده ام به امید آن عفو عظیم تو که بدان از خطاکاران درگذری و توقف طولانی آنها بر جرم بزرگ بازت

نداشت

عُكُوفِهِمْ عَلَي عَظِيمِ الْجُرْمِ أَنْ عُذْتُ عَلَيْهِم بِالرَّحْمَةِ، فَيَا مَنْ رَحْمَتُهُ وَاسِعَةٌ،

از اینکه باز بدانها مهر ورزی ای کسی که رحمتش وسیع و گذشتش بزرگ است

وَ عَفْوُهُ عَظِيمٌ، يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ، لَا يَرُدُّ غَضَبَكَ إِلَّا حِلْمُكَ، وَ لَا

ای خدای بزرگ ای خدای بزرگ ای خدای بزرگ خشم تو را جز بردباریت جلوگیری نکند

يُنْجِي مِنْ سَخَطِكَ إِلَّا التَّضَرُّعُ إِلَيْكَ، فَهَبْ لِي يَا إِلَهِي فَرَجاً بِالْقُدْرَةِ الَّتِي

و از غضب تو جز زاری به درگاهت چیزی نجات نبخشد پس ای معبود من بدان قدرتی

تُحْيِي بِهَا مَيِّتَ الْبِلَادِ، وَلَا تُهْلِكُنِي غَمًّا حَتَّى تَسْتَجِيبَ لِي، وَتُعْرِفَنِي

که سرزمینهای مرده را بدان وسیله زنده می گردانی گشایشی بر من بخش و مرا به حال اندوه هلاکم مکن تادعایم را مستجاب کنی

الْإِجَابَةَ فِي دُعَائِي، وَأَذِقْنِي طَعْمَ الْعَاقِبَةِ إِلَى مُنْتَهَى أَجَلِي، وَلَا تُشْمِتْ بِي

و اجابت دعایم را به من بنمایانی و طعم تندرستی را تا پایان عمر به من بجشان و گرفتار شماتت

عَدُوِّي وَلَا تُسَلِّطْهُ عَلَيَّ، وَلَا تُمَكِّنْهُ مِنِّي عُنُقِي، اللَّهُمَّ إِنِّي وَضَعْتَنِي فَمَنْ

دشمنم مکن و او را بر من مسلط مگردان و بر گردنم سوارش منما خدایا اگر تو مرا پست کنی پس کیست

ذَا الَّذِي يَرْفَعُنِي، وَإِنِّي رَفَعْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَضَعُنِي، وَإِنِّي أَهْلَكْتَنِي فَمَنْ

که (بتواند) بلندم کند و اگر تو بلندم کنی پس کیست که (بتواند) پستم کند و اگر هلاکم کنی

ذَا الَّذِي يَغْرِضُ، لَكَ فِي عَبْدِكَ، أَوْ يَسْأَلُكَ عَنْ أَمْرِهِ، وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّهُ لَيْسَ فِي

پس کیست که درباره این بندهات متعرض تو شود یا از تو پرسش کند ولی بطور مسلم این را دانسته ام که در حکم تو

حُكْمِكَ ظُلْمٌ، وَلَا فِي تَقِمَّتِكَ عَجَلَةٌ، وَإِنَّمَا يَعْجَلُ مَنْ يَخَافُ الْفَوْتَ، وَإِنَّمَا

ستمی نیست و نه در انتقام تو شتابی است زیرا کسی شتاب (در انتقام) کند که بترسد (فرصت) از دست برود

يَحْتَاجُ إِلَى الظُّلْمِ الضَّعِيفُ، وَقَدْ تَعَالَيْتَ يَا إِلَهِي عَنْ ذَلِكَ عُلُوًّا كَبِيرًا اللَّهُمَّ

و شخص ناتوان نیازمند به ستم می باشد و در صورتی که ای معبود من تو از اینگونه مطالب بسیار برتر و بزرگتری خدایا

إِنِّي أَعُوذُ بِكَ فَأَعِزَّنِي، وَاسْتَجِيرُ بِكَ فَأَجِرْنِي، وَاسْتَرْزُقْكَ فَأَرْزُقْنِي،

به تو پناه آرم پس یاریم ده و از تو امان خواهم پس امانم ده و از تو روزی طلبم پس روزیم ده

وَأَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ فَأَكْفِنِي، وَاسْتَنْصِرُكَ عَلَيَّ عَدُوِّي فَأَنْصُرْنِي، وَاسْتَعِينُ بِكَ

و بر تو توکل کنم پس کفایتم فرما و برای پیروزی بر دشمنم از تو یاری خواهم پس یاریم ده

فَاعْنِنِي، وَاسْتَغْفِرْكَ يَا إِلَهِي فَأَغْفِرْ لِي آمِينَ آمِينَ آمِينَ

و از تو کمک خواهم پس کمکم ده و از تو آمرزش طلبم ای معبود من پس بیامرمز آمین

* هفتم آنکه بخواند دعای کمیل را که در فصل بعد مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی هشتم آنکه بخواند دعای اللهم

يا شاهد كل نجوي که در شب عرفه نیز خوانده می شود و بیايد انشاء الله تعالی نهم آنکه

* * * * *
ای خدا ای دانای هر راز پنهان
* * * * *

ده مرتبه بگوید یا دَائِمَ الْفَضْلِ عَلَي الْبَرِيَّةِ، یا بِاسِطِ الْيَدَيْنِ بِالْعَظِيَّةِ، یا
* * * * *
ای کسی که فضل و بخشش بر خلق دائمی است و ای آنکه دو دست احسانت به

عطا بخشی باز است ای

صاحبِ المَوَاهِبِ السَّنِيَّةِ، صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ خَيْرَ الْوَرِيِّ سَجِيَّةً،

دارنده بخششهای ارجمند درود فرست بر محمد و آلش که بهترین مردمند در سرشت و نهاد،

وَ اغْفِرْ لَنَا يَا ذَا الْعُلَى فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ. و این ذکر شریف در شب عید فطر نیز

* * * * *
و بیمارز ما را ای خدای بلند مرتبه در این شب

خوانده می شود دهم انار تناول کند چنانکه حضرت صادق علیه السلام در هر شب جمعه میل می فرمود و اگر در وقت
خوابیدن بخورد شاید بهتر باشد چه آنکه روایت شده که هر که در وقت خوابیدن انار بخورد ایمن خواهد بود در نفس
خود تا صبح کند و سزاوار است که هرگاه انار بخورد دستمالی در زیر آن پهن کند که دانه اش را ضبط کند و بعد از آن
بخورد و در انار خود دیگری را شریک نکند شیخ جعفر بن احمد قمی (ره) در کتاب عروس از حضرت صادق علیه السلام
روایت کرده است که هر که ما بین دو رکعت نافله صبح و فريضة صبح صد مرتبه بگوید سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ،
أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ حَقَّ تَعَالَى در بهشت مسکنی برای او بنا کند و شیخ و سیّد و دیگران این دعا را ذکر کرده اند
و گفته اند که مستحب است که در سحر شب جمعه این دعا را بخوانند:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ هَبْ لِي الْعَدَاةَ رِضَاكَ، وَ أَسْكِنْ قَلْبِي

* * * * *
خدایا درود فرست بر محمد و آلش و

خوشنودی خود را در این بامداد به من ببخش و

خَوْفَكَ، وَ اقْطَعْهُ عَمَّنْ سِوَاكَ، حَتَّى لَا أَرْجُوَ وَلَا أَخَافُ إِلَّا إِيَّاكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ

خوف خود را در دلم جای ده و از غیر خود (امیدم را) قطع کن تا بدانجا که امید نداشته باشم و ترسم جز از تو خدایا
درود

عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ هَبْ لِي ثَبَاتَ الْيَقِينِ، وَ مَحْضَ الْإِخْلَاصِ، وَ شَرَفَ

فرست بر محمد و آلش و (اینها را که می گویم) به من ببخش: یقین ثابت و اخلاص پاک و شرف یگانه پرستی و استقامتی
التَّوْحِيدِ، وَ دَوَامَ الْإِسْتِقَامَةِ، وَ مَعْدِنَ الصَّبْرِ، وَ الرِّضَا بِالْقَضَاءِ وَ الْقَدَرِ،

پایدار و کان شکیبایی و خوشنود بودن به قضاء و قدر ای روا کننده
یا قَاضِيَ حَوَائِجِ السَّائِلِينَ، یا مَنْ يَعْلَمُ مَا فِي ضَمِيرِ الصَّامِتِينَ، صَلِّ عَلَي
حاجتهای سائلان و ای دانای نهاد خاموشان درود فرست بر
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاسْتَجِبْ دُعَائِي وَاغْفِرْ ذَنْبِي، وَ أَوْسِعْ رِزْقِي، وَ اقْضِ
محمد و آلش و دعای مرا مستجاب گردان و گناهم را بیامرز و روزیم را فراخ کن و
حَوَائِجِي فِي نَفْسِي، وَ إِخْوَانِي فِي دِينِي وَ أَهْلِي، اَلْهِی طُمُوحُ
حاجتهایم را درباره خودم و برادران دینیم و خانواده ام برآور خدایا آرمانهای بلند
الْأَمَالِ قَدْ خَابَتْ إِلَّا لَدَيْكَ، وَ مَعَاكِفُ الْهَمِّ قَدْ تَعَطَّلَتْ إِلَّا عَلَيْكَ، وَ مَذَاهِبُ
نومید شد مگر نزد تو و جایگاه همتها معطل ماند جز همتی که بر تو (متوجه) باشد و راه خردها
الْعُقُولِ قَدْ سَمَتْ إِلَّا إِلَيْكَ، فَأَتَتْ الرَّجَاءُ وَ إِلَيْكَ الْمُلتَجَأُ، یا أَكْرَمَ مَقْصُودٍ،
به بن بست رسید جز راهی که بسوی تو است پس تویی امید و پناهگاه درگاه تو است ای بزرگواریترین کسی که بسویش
رو کنند

وَ أَجُودَ مَسْئُولٍ هَرَبْتُ إِلَيْكَ بِنَفْسِي، یا مُلْجَأُ الْهَارِبِينَ بِأَثْقَالِ الذُّنُوبِ،
و بخشنده ترین کسی که از او بخواهند بسوی تو گریختم ای پناه گریختگان با بارهای سنگین گناهانی
أَحْمِلُهَا عَلَي ظَهْرِي، لَا أَجِدُ لِي إِلَيْكَ شَافِعاً سِوِي مَعْرِفَتِي، بِأَنَّكَ أَقْرَبُ مَنْ
که بر دوش کشم و هیچ شفيعی بدرگاه تو نیام جز اینکه می دانم تو نزدیکترین کسی هستی
رَجَاءُ الطَّالِبُونَ، وَ أَمَلٌ مَالِدِيهِ الرَّاعِبُونَ، یا مَنْ فَتَقَ الْعُقُولَ بِمَعْرِفَتِهِ، وَ أَطْلَقَ
که جویندگان امید به او دارند و آرزومندان آنچه را نزد او است آرزو کنند ای کسی که عقلها را بوسیله معرفت خویش
گشود و

الْأَلْسُنَ بِحَمْدِهِ، وَ جَعَلَ مَا امْتَنَّ بِهِ عَلَي عِبَادِهِ فِي كِفَاءٍ لِتَأْدِيَةِ حَقِّهِ، صَلِّ عَلَي
زبانها را به ستایش خود باز کردی و قرار دادی آنچه را بر بندگان خود احسان و انعام فرمودی در برابر ادای حق خود
درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ لَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ عَلَي عَقْلِي سَبِيلاً، وَ لَا لِلْبَاطِلِ عَلَي عَمَلِي دَلِيلاً
محمد و آلش و برای شیطان بر خرد من راهی قرار مده و باطل را راهنمای کردارم مساز
و چون صبح روز جمعه طالع شود این دعا بخواند أَصْبَحْتُ فِي ذِمَّةِ اللَّهِ وَ ذِمَّةِ مَلَائِكَتِهِ، وَ ذِمَّةِ

مروست که هر که در هر شب جمعه یا هر روز جمعه سوره اَحْقَاف بخواند ترسي در دنيا به او نرسد و از فزع اکبر قیامت این گردد و نیز فرموده هر که سوره مؤمنین را در هر جمعه مداومت نماید خداوند تعالی ختم فرماید اعمال او را بسعادت و منزل او در فردوس اعلی با پیغمبران و مرسلین باشد هفتم سوره قُلْ یا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ را بخواند پیش از طلوع آفتاب ده مرتبه و دعا کند تا دعایش مستجاب شود و روایت شده که حضرت امام زین العابدین علیه السلام چون صبح روز جمعه می شد آیه الكرسي می خواند تا ظهر و چون از نمازها فارغ می شد شروع می کرد بخواندن سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ و بدانکه از برای خواندن آیه الكرسي عَلَي التَّنْزِيل در روز جمعه فضیلت بسیار روایت شده هشتم غُسل جمعه کند و آن از سنتهای مؤکده است و روایت شده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که یا علی در هر جمعه غُسل کن اگر چه باید که قوت روز خود را بفروشی و آب بخری و غسل کنی و گرسنه بمانی زیرا که هیچ سنتی بزرگتر از این نیست و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که در روز جمعه غسل کند و این دعا را بخواند :

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ

گواهی دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست که شریکی ندارد و گواهی دهم که محمد بنده و رسول

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ، وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ

او است درود فرست بر محمد و آل محمد و مرا از توبه کنندگان و پاکیزه شدگانم قرارده

برای او طهارتی باشد تا جمعه آینده یعنی از گناهان پاک شود یا اعمال او با طهارت معنوی و مقبول واقع شود و احوط آن است که تا ممکن شود غسل جمعه را ترك نکنند و وقت آن بعد از طلوع فجر است تا زوال آفتاب و هر چه بزوال نزدیک شود بهتر است نهم سر را بِحُطْمِي بشوید که امان می بخشد از پیسی و دیوانگی دهم ناخن و شارب بگیرد که فضیلت زیاد دارد و روزی را زیاد می کند و از گناه پاک می کند تا جمعه دیگر و امان می بخشد از دیوانگی و خوره و پیسی و در آن حین بخواند بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَعَلِي سُنَّةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ و در گرفتن ناخن ابتدا کند به انگشت کوچک دست چپ و ختم کند به انگشت کوچک دست راست و همچنین کند در گرفتن ناخنهای پای خود نیز پس ریزهای ناخن را دفن کند یا زدهم بوی خوش بکار برد و جامه های پاکیزه خود را بپوشد دوازدهم تصدق کند که موافق روایتی صدقه در شب جمعه و روز آن هزار برابر اوقات دیگر است سیزدهم آنکه برای اهل و عیال چیز نیکویی تازه از میوه و گوشت بخرد تا شاد شوند به آمدن جمعه چهاردهم هنگامیکه ناشتا است انار بخورد و هفت برگ کاسنی پیش از زوال بخورد و از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام مروست که هر که يك انار در روز جمعه ناشتا بخورد تا چهل روز دلش را نورانی گرداند و اگر دو انار بخورد تا هشتاد روز و اگر سه انار بخورد تا صد و بیست روز و وسوسه شیطان را از او دور گرداند و هر که وسوسه شیطان از او دور گردد معصیت خدا نکند و هر که معصیت خدا نکند داخل بهشت شود و شیخ

در مصباح فرموده فضیلت بسیار روایت شده در خوردن انار در روز جمعه و در شب آن پانزدهم خود را از کارهای دنیا فارغ سازد و مشغول به آموختن مسائل دین خود شود نه آنکه روز جمعه را صرف کند به سیر و گشت و تفرج در باغها و مزارع مردم و مصاحبت با اراذل و بیعاران و مسخره‌گویی و عیب‌گوئی مردمان و خنده‌های قهقهه و خواندن اشعار و خوض در باطل و امثال اینها که مفاسدش زیاده از آنست که ذکر شود، و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که اَفَّ باد بر مسلمانی که در هفته روز جمعه را صرف آموختن مسائل دین خود نگرداند و برای این امر خود را از کارهای دیگر فارغ نسازد، و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که هرگاه ببینید که در روز جمعه مرد پیری تواریخ جاهلیت و کفر را برای مردم نقل می‌کند سنگ‌ریزه بر سرش بزنید شانزدهم هزار مرتبه صلوات بفرستد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که هیچ عبادتی در روز جمعه نزد من محبوبتر نیست از صلوات بر محمد و آل مظهر او صَلَّي اللّٰهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ مؤلف گوید که اگر فرصت نکرد أَقْلًا صد مرتبه صلوات را ترك نکند تا در قیامت روی او نورانی شود و روایت شده که هر که در روز جمعه صد مرتبه صلوات بفرستد و صد مرتبه اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّيْ وَاُثْبِتُ إِلَيْهِ بگویند و صد مرتبه توحید بخواند البته آمرزیده شود و نیز روایت است که صلوات بر محمد و آل محمد در مابین ظهر و عصر برابر است با هفتاد حج هفدهم زیارت حضرت رسول و ائمه طاهرين سلام الله عليهم اجمعين نماید و بیاید کیفیت آن در باب زیارات هیجدهم زیارت اموات و زیارت قبر پدر و مادر یا یکی از ایشان برود که فضیلت دارد و از حضرت باقر علیه السلام روایت شده که زیارت کنید مردگان را در روز جمعه که می‌دانند کیست که زیارت ایشان رفته است و شاد می‌شوند نوزدهم دعای ندبه را که از اعمال اعیاد اربعه است بخواند و بیاید بعد از این در محل خودش انشاء الله تعالی بیستم بدانکه از برای روز جمعه بغیر از نافله آن که بیست رکعت است و کیفیت آن بنا بر مشهور آن است که شش رکعت آن در وقتی که آفتاب پهن شود بجا آورده شود و شش رکعت دیگر وقت چاشت و شش رکعت دیگر نزدیک زوال و دو رکعت بعد از زوال پیش از فریضه و یا آنکه شش رکعت اول را بعد از نماز جمعه یا ظهر بجا آورد بنحوی که در کتب فقهاء و مصابیح ذکر شده نمازهای دیگر نیز نقل شده و آنها بسیار است و ذکر بعضی از آنها در اینجا مناسب است اگر چه اکثر آنها اختصاصی بجمعه ندارد لکن در روز جمعه بجا آوردن آنها افضل است از جمله آنها است نماز کامله که شیخ و سید و شهید و علامه و دیگران بسندهای معتبر بسیار از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده‌اند از آباء گرام آن حضرت که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که در روز جمعه پیش از زوال چهار رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت سوره حمد را ده مرتبه و هر یک از «قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ النَّاسِ» و «قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» و «قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ» و «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» و «آیة الكرسي» را ده مرتبه و به روایت دیگر «اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» و آیه «شَهِدَ اللّٰهُ» را نیز هر یک ده مرتبه بخواند و چون از چهار رکعت نماز فارغ شود صد مرتبه استغفار کند و

صد مرتبه بگوید «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» پس صد مرتبه صلوات بفرستد پس هر که این عمل را بجا آورد حق تعالی دفع کند از او شرّ اهل آسمان و شرّ اهل زمین و شرّ شیطان و شرّ پادشاهان جائز را تا آخر خبر که تمامش در ذکر فضیلت این نماز است نماز دیگر حارث همدانی از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است که اگر توانی در روز جمعه ده رکعت نماز بکن و رکوع و سجودش را تمام بجا آور و بعد از هر دو رکعت صد مرتبه بگو سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ که فضیلت بسیار دارد نماز دیگر بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که سوره ابراهیم و سوره حجر را در دو رکعت در روز جمعه بخواند هرگز پریشانی و دیوانگی و بلائی به او نرسد. و از جمله آنهاست :

نماز حضرت رسول صلی الله علیه وآله

سید بن طاوس (ره) بسند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که از آن حضرت سؤال کردند از نماز حضرت جعفر طیار (ره) حضرت فرمود که چرا غافلی از نماز حضرت رسول صلی الله علیه وآله شاید حضرت رسول صلی الله علیه وآله نماز جعفر را نکرده باشد و شاید جعفر نماز آن حضرت را کرده باشد راوی عرض کرد پس تعلیم کن آن نماز را بمن حضرت فرمود که دو رکعت نماز می کنی در هر رکعت یک مرتبه فاتحه و پانزده مرتبه سوره انا انزلناه می خوانی پس در رکوع و بعد از سر برداشتن و در سجده اول و بعد از سر برداشتن و در سجده دوم و بعد از سر برداشتن در هر یک پانزده مرتبه سوره قدر را می خوانی پس تشهد می خوانی و سلام می گوئی و چون فارغ شوی میان تو و خدا گناهی نمی ماند مگر آنکه آمرزیده شده است و هر حاجت که بطلبی رواست و بعد از آن این دعا را می خوانی :

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّنَا وَ رَبُّ آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، إلهًا واحدًا وَ نَحْنُ لَهُ

معبودی نیست جز خدا پروردگار ما و پروردگار پدران پیشین ما معبودی نیست جز خدا معبود یگانه و ما تسلیم اوئیم معبودی

مُسْلِمُونَ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ،

نیست جز خدا و نپرستیم جز او را و دینمان خالص برای او است اگرچه ناخوش دارند مشرکان

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ، أَبْجَزَ وَعَدَهُ، وَ نَصَرَ عَبْدَهُ، وَ أَعَزَّ

معبودی نیست جز خدای یگانه یکتای یکتا که به وعده اش وفا کرد و بنده اش را یاری نمود و سپاه خویش را

جُنْدَهُ، وَ هَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ،

عزیز گردانید و احزاب (دشمن) را به تنهایی منهزم ساخت پس سلطنت خاص او است و ستایش از آن اوست و او است برهرکاری
توانا

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ نُورُ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ وَ مَنْ فِيْهِنَّ، فَلَكَ الْحَمْدُ، وَ اَنْتَ قَيَّامُ

خدایا تویی روشنی بخش آسمانها و زمین و آنچه در آنها است پس ستایش خاص تو است و تویی برپا دارنده

السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ وَ مَنْ فِيْهِنَّ، فَلَكَ الْحَمْدُ وَ اَنْتَ الْحَقُّ، وَ وَعْدُكَ الْحَقُّ،

آسمانها و زمین و آنچه در آنها است پس (باز هم) ستایش خاص تو است و تو خود حقی و وعدهات حق است

وَ قَوْلُكَ حَقُّ، وَ اِنْ جَاؤُكَ حَقُّ، وَ الْجَنَّةُ حَقُّ، وَ النَّارُ حَقُّ، اَللّٰهُمَّ لَكَ اَسَلَمْتُ، وَ بِكَ

و گفتارت حق است و وفای تو حق است و بهشت حق است و دوزخ حق است خدایا در برابر تسلیم و به تو

اَمَنْتُ، وَ عَلَیْكَ تَوَكَّلْتُ، وَ بِكَ خَاصَمْتُ، وَ اِلَيْكَ حَاكَمْتُ يَارَبَّ يَارَبَّ

ایمان دارم و بر تو توکل کنم و به امید تو با خصم روبرو شوم و به سوی تو قضاوت را آورم پروردگارا پروردگارا

پروردگارا

اِغْفِرْ لِيْ مَا قَدَّمْتُ وَ اَخَّرْتُ، وَ اَسْرَرْتُ وَ اَعْلَنْتُ، اَنْتَ اِلٰهِيْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ، صَلِّ

بیامرز برایم گناهایی که از پیش کردم و از این پس کنم و آنچه آشکار کردم و آنچه در پنهان کردم معبودا خدایی جز تو نیست درود

فرست

عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَغْفِرْ لِيْ وَ اَرْحَمْنِيْ، وَ تُبَّ عَلٰی اَنَّكَ اَنْتَ التَّوَابُ الرَّحِيْمُ .

بر محمد و آلش و بیامرز مرا و به من رحم کن و توبه ام بپذیر که براسستی تویی توبه پذیر مهربان

علّامه مجلسی رحمه الله گفته که این نماز از نمازهای مشهوره است و عامّه و خاصّه در کتب خود روایت کرده اند و بعضی

اینرا از نمازهای روز جمعه شمرده اند و از روایت اختصاصی معلوم نمی شود و ظاهراً در سایر ایّام هم توان کرد .

و از جمله نمازها نماز حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است

شیخ و سیّد از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که فرمود هر که از شماها چهار رکعت نماز امیرالمؤمنین علیه

السلام را بجا آورد از گناهان بیرون آید مانند روزیکه از مادر متولّد شده باشد و حاجتهای او برآورده شود، بخواند در

هر رکعت حمدیک مرتبه و پنجاه مرتبه قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ وَ چون فارغ شود این دعا را بخواند که تسبیح آن حضرت است :

سُبْحَانَ مَنْ لَا تَبِيْدُ مَعَالِمُهُ، سُبْحَانَ مَنْ لَا تَنْقُصُ خَزَائِنُهُ، سُبْحَانَ مَنْ لَا اَضْمِحَالَ

منزه است آنکه خزاننش گم نگردد نشانه هایش نابود نشود منزه است آنکه هیچکس را در کارش مشارکت ندهد منزه است آنکه

فخرش

لِفَخْرِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْفَدُ مَا عِنْدَهُ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يَقْطَعُ لِمُدَّتِهِ سُبْحَانَ

زوال نپذیرد منزه است آنکه دارائیش تمام نشود منزه است آنکه دورانش سپری نشود منزه است

مَنْ لَا يُشَارِكُ أَحَدًا فِي أَمْرِهِ، سُبْحَانَ مَنْ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ پس دعا کند بعد از این و بگوید :

آنکه کسی را در ریاست و حکومت کارش شرکت ندهد منزه است آنکه معبودی جز او نیست

* * * * *

يَا مَنْ عَفَا عَنِ السَّيِّئَاتِ وَلَمْ يُجَازِ بِهَا، اِرْحَمْ عَبْدَكَ يَا اللَّهُ، نَفْسِي نَفْسِي، أَنَا

ای آنکه درگذری از بدیها (گناهان) و بدانها کیفر نکنی به بندهات رحم کن ای خدا نفس مرا نفس مرا

عَبْدُكَ يَا سَيِّدَاهُ، أَنَا عَبْدُكَ بَيْنَ يَدَيْكَ أَيَا رَبَّاهُ، إِلَهِي بِكَيْثُوثِكَ

(ترحم کن) من بنده توام ای آقای من، من بنده توام که در برابرت هستم ای پروردگار من ای معبود من به هستی

خودت

يَا أَمَلًا، يَا رَحْمَانًا يَا غِيَاثًا، عَبْدُكَ عَبْدُكَ لَا حِيلَةَ لَهُ، يَا مُنْتَهَى رَغْبَتَاهُ، يَا مُجْرِي

سوگند ای آرزوی من ای بخشاینده ای فریادرس بندهات بندهات چاره‌ای برایش نیست ای منتهای آرمانم ای روان کننده

الدَّمِّ فِي عُرْوَتِي، يَا سَيِّدَاهُ يَا مَالِكَاهُ، أَيَا هُوَ أَيَا هُوَ، يَا رَبَّاهُ عَبْدُكَ عَبْدُكَ

خون در رگهایم ای آقای من ای مالک من ای او، ای او،

(ای آنکه هستی فقط هست و باقی همه هیچند و وجودشان ممکن است)

لَا حِيلَةَ لِي وَلَا غِنَى بِي عَنْ نَفْسِي، وَلَا أَسْتَطِيعُ لَهَا ضَرًّا وَلَا نَفْعًا، وَلَا أَجِدُ

ای پروردگار من بندهات بندهات چاره‌ای برایم نیست و از خود چیزی ندارم و توانایی بر زیان و نفع خود ندارم و کسی

را نمی‌یابم

مَنْ أَصَانِعُهُ، تَقَطَّعَتْ أَسْبَابُ الْخَدَايَعِ عَنِّي، وَاضْمَحَلَّ كُلُّ مَطْطُونٍ عَنِّي،

که با او بسازم تمام وسائل چاره از من قطع شده و هر کجا گمان داشتم از بین رفت روزگار مرا تنها به درگاهت

رواندام

أَفَرَدَنِي الدَّهْرُ إِلَيْكَ، فَقُمْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ هَذَا الْمَقَامَ يَا إِلَهِي، بِعِلْمِكَ كَانَ هَذَا

کرده پس پیش رویت در اینجا ایستادم معبودا تمام اینها با علم تو بوده پس تو

كُلُّهُ، فَكَيْفَ أَنْتَ صَانِعُ بِي، وَلَيْتَ شِعْرِي كَيْفَ تَقُولُ لِدُعَائِي، أَتَقُولُ نَعَمْ أَمْ
 چگونه با من رفتار خواهی کرد و ای کاش می دانستم که پاسخ دعایم را چگونه خواهی گفت آیا می گویی «آری» یا
 تَقُولُ لَا، فَإِنْ قُلْتَ لَا فَيَا وَيْلِي يَا وَيْلِي يَا عَوْلِي يَا عَوْلِي يَا عَوْلِي،
 می گویی «نه» پس اگر گفتی «نه» وای بر من پس وای بر من، وای بر من ای بیچارگی من ای بیچارگی من،
 يَا شِقْوَتِي يَا شِقْوَتِي يَا شِقْوَتِي، يَا ذَلِّي يَا ذَلِّي يَا ذَلِّي، إِلَى مَنْ وَمِمَّنْ أَوْ عِنْدَ
 ای بدبختیم ای بدبختیم ای بدبختیم، ای خواریم، ای خواریم، ای خواریم به چه کس! و از چه کسی یا پیش چه کس
 مَنْ أَوْ كَيْفَ أَوْ مَاذَا أَوْ إِلَى أَيِّ شَيْءٍ الْجَأُ وَمَنْ أَرْجُو، وَمَنْ يَجُودُ عَلَيَّ
 یا چطور یا چگونه یا به چه چیز پناه ببرم و به چه امید داشته باشم و کیست که
 بِفَضْلِهِ حِينَ تَرْفُضُنِي يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ، وَإِنْ قُلْتَ نَعَمْ كَمَا هُوَ الظَّنُّ بِكَ وَ
 به فضل خود بر من بخشش کند آن زمان که تو برانیم ای آنکه آمرزشش پهناور است، اما اگر بگویی «آری» چنانچه
 گمان به تو

الرَّجَاءُ لَكَ، فَطُوبَى لِي أَنَا السَّعِيدُ وَأَنَا الْمُسْعُودُ، فَطُوبَى لِي، وَأَنَا
 همین است و همین امید را به تو دارم پس خوشا بر عالم، در آن حال من سعادتمند و خوشبختم و خوشا بحالم که
 الْمَرْحُومُ، يَأْتُرَحِّمُ، يَأْتُرَفُّ يَأْتَعَطُّ يَأْتَجَبُّ، يَأْتَمَلُّكُ يَا مُقْسِطُ، لَا
 مشمول رحمت واقع شده ام ای رحم کننده بسیار رؤف و با عطوفت ای دارنده بزرگی ای دهنده فرمانروایی ای خدای
 دادگر

عَمَلٍ لِي أُبْلَغُ بِهِ نَجَاحَ حَاجَتِي، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي جَعَلْتَهُ فِي مَكُونِ
 عملی ندارم که بوسیله آن به خواسته ام ظفر جویم از تو می خواهم به حق آن نامت که آنرا در پرده
 غَيْبِكَ، وَاسْتَفَرَّ عِنْدَكَ، فَلَا يَخْرُجُ مِنْكَ إِلَى شَيْءٍ سِوَاكَ، أَسْأَلُكَ بِهِ وَبِكَ وَبِهِ،
 غیب خود پنهان کرده ای و نزد خودت قرار گرفته بطوریکه برای هیچ موجود دیگری غیر از تو ظاهر نشود بدان نام
 از تو می خواهم

فَأِنَّهُ أَجَلٌ وَأَشْرَفُ أَسْمَائِكَ، لَا شَيْءَ لِي غَيْرُ هَذَا، وَلَا أَحَدَ أَعُوذُ عَلَيَّ
 و بذات خودت که آن برتر و شریفترین نامهای تو است و چیزی غیر از این ندارم و کسی سود رسانتر
 مِنْكَ، يَأْكِينُونَ يَا مَكُونُ، يَا مَنْ عَرَفَنِي نَفْسَهُ، يَا مَنْ أَمَرَنِي بِطَاعَتِهِ يَا مَنْ

از تو به من نیست ای هست به خود و ای هستی ده ای که خود را به من شناساندی ای که مرا به طاعتت واداشتی ای که مرا

نَهَانِي عَنْ مَعْصِيَتِهِ، يَا مَدْعُوُّ يَا مَسْئُولُ، يَا مَطْلُوباً إِلَيْهِ، رَفَضْتُ وَصِيَّتَكَ
از نافرمانیت بازداشتی ای که تو را خوانند و از تو خواهند و تو را طلب کنند وصیتی که در (باره پیروی نکردن
شیطان)

الَّتِي أَوْصَيْتَنِي وَلَمْ أُطِيعْكَ، وَلَوْ أَطَعْتُكَ فِيمَا أَمَرْتَنِي لَكَفَيْتَنِي، مَا قُمْتُ إِلَيْكَ
به من کردی بدورانداختم و پیروی نکردم و اگر آنچه دستورم داده بودی اطاعتت می کردم تو هم درباره آنچه به درگاهت
آمدم کفایتی

فِيهِ وَأَنَا مَعَ مَعْصِيَتِكَ رَاجٍ، فَلَا تَحُلْ بَيْنِي وَبَيْنَ مَا رَجَوْتُ، يَا مُتَرَحِّمًا
می کردی ولی با اینکه من معصیتکارم به تو امیدوارم پس میان من و آنچه امید بدان دارم جدایی میفکن ای ترحم کننده
لِي أَعِزَّنِي مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَمِنْ خَلْفِي، وَمِنْ فَوْقِي وَمِنْ تَحْتِي وَمِنْ كُلِّ
بر من پناهم ده از پیش رو و از پشت سرم و از بالای سرم و از زیر پایم
جِهَاتِ الإِحَاطَةِ بِي، اَللّٰهُمَّ بِمُحَمَّدٍ سَيِّدِي، وَبِعَلِيِّ وَلِيِّي، وَبِالْإِمَامَةِ الرَّاشِدِينَ
و از هر جهت که به من احاطه دارد خدایا به حق محمد آقایی من و به حق علی مولایی من و به حق امامان راهنمایم
-

عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، اجْعَلْ عَلَيْنَا صَلَوَاتِكَ وَ رَأْفَتَكَ وَ رَحْمَتَكَ، وَأَوْسِعْ عَلَيْنَا مِنْ رِزْقِكَ،
که برایشان درود باد - رحمتی خود و لطف و مهرت را بر ما شامل گردان و روزیت را بر ما وسیع گردان
وَأَقْضِ عَنَّا الدَّيْنَ وَجَمِّعْ حَوَائِجَنَا، يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
و دین ما را ادا فرما و همه حاجتهای ما را برآور یا الله ... که همانا تو بر هر چیزی توانایی .

پس حضرت فرمود که هر که این نماز را بجا آورد و این دعا را بخواند چون فارغ شود مانند مابین او و خداوند تعالی
گناهی مگر آنکه آمرزیده شود مؤلف گوید که احادیث بسیار در فضیلت خواندن این چهار رکعت نماز در شب و روز
جمعه وارد شده و اگر بعد از نماز بگوید اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ النَّبِيِّ الْعَرَبِيِّ وَ اَلِهِ وَ اَلِهِ وَ اَلِهِ وَ اَلِهِ وَ اَلِهِ وَ اَلِهِ
شود و چنان باشد که دوازده مرتبه قرآن را ختم کرده باشد و حق تعالی گرسنگی و تشنگی قیامت را از او رفع کند .

و از جمله نماز حضرت فاطمه صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا است

روایت شده که حضرت فاطمه علیها السلام دو رکعت نماز می کرد که جبرئیل علیه السلام تعلیم او کرده بود در رکعت اول بعد از سوره حمد صد مرتبه سوره قَدْر و در رکعت دوم بعد از حمد صد مرتبه سوره توحید می خواند و چون سلام می گفت این دعا را می خواند

سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُتَنِيفِ، سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَازِخِ الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ

منزه است (خدای) صاحب عزت بسیار بلند و مرتفع منزه است (خدای) صاحب جلال والای بزرگ، منزه است (خدای) صاحب

ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ، سُبْحَانَ مَنْ لَيْسَ الْبُهْجَةَ وَالْجَمَالَ، سُبْحَانَ مَنْ

فرمانروایی فاخر قدیم منزه است کسی که در بردارد خرمی و زیبایی را منزه است آنکه

تَرْدِي بِالنُّورِ وَالْوَقَارِ، سُبْحَانَ مَنْ يَرِي أَثَرَ التَّمَلُّ فِي الصَّفَا، سُبْحَانَ مَنْ

به ردای نور و وقار خود را آراسته منزه است آنکه جای پای مور را در روی سنگ صاف ببیند منزه است آنکه

يَرِي وَقَعَ الطَّيْرِ فِي الْهَوَاءِ، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هَكَذَا لَا هَكَذَا غَيْرُهُ وَ سَيِّد

گذرگاه پرنده را در هوا ببیند منزه است آنکه او این چنین است و دارای صفات است و دیگری چنین نیست * *

* * * *

گفته است که در روایت دیگر وارد شده است که بعد از این نماز تسبیح مشهور حضرت فاطمه علیها السلام راکه بعد از

هر نماز خوانده می شود بخواند و بعد از آن صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد، و شیخ در مصباح المتجذین

فرموده نماز حضرت فاطمه علیها السلام دو رکعت است در رکعت اول حمد و صد مرتبه قَدْر و در دوم حمد و صد مرتبه

توحید و چون سلام داد تسبیح زهراء علیها السلام بخواند پس بگوید سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ تا آخر تسبیح که ذکر شد

پس فرموده و سزاوار است کسی که این نماز را بجا می آورد چون از تسبیح فارغ شود زانوها و ذراعها را برهنه نماید و

بچسباند همه مواضع سجود خود را بزمین بدون حاجز و حایلی و حاجت بخواهد و دعا کند آنچه می خواهد و بگوید

در همان حال سجده :

يَا مَنْ لَيْسَ غَيْرُهُ رَبُّ يُدْعِي، يَا مَنْ لَيْسَ فَوْقَهُ إِلَهٌ يُخْشِي، يَا مَنْ لَيْسَ دُونُهُ

ای کسی که جز او پروردگاری نیست که خوانده شود و فوق او معبودی نیست که از او بترسند ای آنکه جز او

مَلِكٌ يُتَّقَى، يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ وَزِيرٌ يُؤْتَى، يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ حَاجِبٌ يُرْشَى، يَا

پادشاهی نیست که از او بهره زنند ای کسی که وزیری برایش نیست که به نزدش روند ای آنکه پرده داری ندارد تا به او

رشوه دهند

مَنْ لَيْسَ لَهُ بَوَّابٌ يُعْشِي، يَا مَنْ لَا يَزْدَادُ عَلَيَّ كَثْرَةُ السُّؤَالِ إِلَّا كَرَمًا

ای کسی که درباری ندارد که بیوشانندش ای آنکه در برابر بسیاری سؤال نیفزاید جز به کرم وجود خود

وَجُودًا، وَعَلَيَّ كَثْرَةُ الذُّنُوبِ إِلَّا عَفْوَاً وَصَفْحاً صَلَّ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ، وَ

و بر بسیاری گناه (بندگان) جز به گذشت و چشم‌پوشی درود فرست بر محمد و

آلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا وَبِجَايِ اَيْنِ كَلِمَةٍ حَاجَاتِ خُودِ رَا اَزْ خُودَا بَخَوَاهِدْ

آل محمد و به من چنین و چنان کن
* * * * *

نماز دیگر از حضرت فاطمه علیها السلام شیخ و سید روایت کرده‌اند از صفوان که محمد بن علی حلی روز جمعه خدمت حضرت صادق علیه السلام شرفیاب شد و سؤال کرد که می‌خواهم مرا عملی تعلیم فرمائی که بهترین اعمال باشد در این روز حضرت فرمود که من نمی‌دانم کسی را که بزرگتر باشد نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله از حضرت فاطمه علیها السلام و نمی‌دانم چیزی را افضل از آنچه تعلیم کرد پیغمبر صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام را فرمود که هر که صبح کند در روز جمعه پس غسل کند و قدمها را بگستراند و چهار رکعت نماز کند بدو سلام بخواند در رکعت اول بعد از حمد توحید پنجاه مرتبه و در رکعت دوم بعد از حمد و الأَعَادِيَاتِ پنجاه مرتبه و در رکعت سیم بعد از حمد إِذَا زُلْزِلَتْ پنجاه مرتبه و در رکعت چهارم بعد از حمد إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ پنجاه مرتبه و این سوره نصر است و آخر سوره ایست که نازل شده و چون از نماز فارغ شود این دعا بخواند :

إِلَهِي وَسَيِّدِي مَنْ تَهَيَّأْتُ أَوْ تَعَبَّيْتُ أَوْ أَعْدْتُ أَوْ اسْتَعْدْتُ لَوْفَادَةِ مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رِفْدِهِ،

ای معبود وای آقای من هرکس آماده و مجهز و مهیا و مستعد برای ورود بر مخلوقی شده به امید دهش

وَفَوَائِدِهِ وَنَائِلِهِ، وَفَوَاضِلِهِ وَجَوَائِزِهِ، فَالَيْكَ يَا إِلَهِي كَأَنْتَ تَهَيَّيْتُ

و فوائد و بخشش و عطایا و جوایزش ولی ای معبود من به سویی تو است آمادگی و تجهیز

وَتَعَبَّيْتُ، وَاعْدَادِي وَاسْتِعْدَادِي، رَجَاءَ فَوَائِدِكَ وَمَعْرِوْفِكَ، وَنَائِلِكَ

و تهیه و استعداد من به امید فوائد و نیکی و بخشش و

وَجَوَائِزِكَ، فَلَا تُخَيِّبْنِي مِنْ ذَلِكَ، يَا مَنْ لَا تُخَيِّبُ عَلَيْهِ مَسْئَلَةُ السَّائِلِ،

جوایز تو پس از این باره محروم مکن ای که ناامید نکند سائلی را در سؤال

وَلَا تَنْقُصُهُ عَطِيَّةُ نَائِلٍ، فَإِنِّي لَمْ أَتِكَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ، وَلَا شَفَاعَةَ مَخْلُوقٍ

و نکاهد از او عطا و بخشش و من با کردار شایسته‌ای که پیش‌کش باشد به درگاهت نیامده و نه به شفاعت مخلوقی

رَجَوْتُهُ، أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِشَفَاعَتِهِ إِلَّا مُحَمَّدًا وَأَهْلَ بَيْتِهِ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ

امید بسته‌ام که بدان وسیله به تو تقرب جویم جز به شفاعت محمد و خاندانش که درود تو بر او و ایشان باد
 أَتَيْتُكَ أَرْجُو عَظِيمَ عَفْوِكَ الَّذِي عُدْتَ بِهِ عَلَيَّ الْخَطَّائِينَ عِنْدَ عُكُوفِهِمْ عَلَيَّ
 به درگاهت آمده و امید گذشت عظیم تو را دارم همان گذشتی که توجه کنی بدان بر آنانکه بسیار خطا کنند در آن
 هنگامی

الْمَحَارِمِ فَلَمْ يَمْنَعْكَ طُولُ عُكُوفِهِمْ عَلَيَّ الْمَحَارِمِ أَنْ جُدْتَ عَلَيْهِمْ بِالْمَغْفِرَةِ وَأَنْتَ
 که بر کارهای حرام درافتاده‌اند و توقف طولانی آنها بر محرمات باز ندارد تو را از اینکه آمرزش را از ایشان بازداری و
 تو

سَيِّدِي الْعَوَادُ بِالنِّعْمَاءِ، وَأَنَا الْعَوَادُ بِالْخَطَاءِ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ،
 ای آقای من بسیار برگشت به نعمت بخشی‌داری و من بسیار برگشت به خطا کاری، از تو می‌خواهم به حق محمد و
 خاندان پاکش

أَنْ تَغْفِرَ لِي ذَنْبِي الْعَظِيمَ، فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الْعَظِيمَ إِلَّا الْعَظِيمُ، يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ
 که گناه بزرگ مرا ببامرزی که گناه بزرگ را جز شخص بزرگ نیامرزد ای خدای بزرگ، ای خدای بزرگ، ای خدای
 بزرگ،

يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ

ای خدای بزرگ، ای خدای بزرگ، ای خدای بزرگ،

مؤلف گوید که سید بن طاوس در جمال الأسبوع از برای هریک از ائمه‌علیهم السلام نمازی با دعا ذکر نموده شایسته
 است در اینجا ذکر شود فرموده (نماز امام حسن علیه السلام) در روز جمعه و آن چهار رکعت است مثل نماز
 امیرالمؤمنین علیه السلام، نماز دیگر از آن حضرت در روز جمعه و آن نیز چهار رکعت است در هر رکعت حمد یک مرتبه و
 قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بیست و پنج مرتبه (دعاء امام حسن علیه السلام)

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ، وَاتَقَرَّبُ اِلَيْكَ

* * * * * خدایا براستی من تقرب جویم به درگاهت بوسیله بخشش و کرم و تقرب جویم بدرگاهت بوسیله

بِمُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، وَاتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَ

محمد بنده و فرستاده‌ات و تقرب جویم به درگاهت بوسیله فرشتگان مقرب و

اَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ، اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَ عَلَيَّ آلِ

پیامبران و رسولانت که درود فرستی بر محمد بنده و فرستاده‌ات و بر خاندان

مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تُقِيلَنِي عَثْرَتِي، وَ تَسْتُرَ عَلَيَّ ذُنُوبِي وَ تَغْفِرَهَا لِي، وَ

محمد و اینکه از لغزشم درگذری و گناهانم را ببوشانی و آنها را ببامرزی و

تَقْضِي لِي حَوَائِجِي، وَ لَا تُعَذِّبَنِي بِقَبِيحِ كَانِ مَنِّي، فَإِنَّ عَفْوَكَ وَ

حاجت‌هایم را برآوری و به کار زشتی که از من سر زده عذابم نکنی زیرا که گذشت و

جُودُكَ يَسْعُنِي، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (نماز امام حسین ۷) چهار رکعت

بخشش تو چنان هست که مرا فرا گیرد و همانا تو بر هر کاری توانایی * * * * *

است در هر رکعت سوره فاتحه پنجاه مرتبه و سوره توحید پنجاه مرتبه و در رکوع فاتحه و توحید هر يك ده مرتبه و

چون از رکوع سر برداری هر يك را ده مرتبه و همچنین در سجده اولی و در بین دو سجده و در سجده دویم هر يك ده

مرتبه و چون از چهار رکعت فارغ شدي و سلام گفתי این دعا بخوان اللَّهُمَّ أَنْتَ الَّذِي اسْتَجَبْتَ لِأَدَمَ وَحَوَّاءَ تَاْخِرَ دَعَاءِ كَـ

فِي الْجُمْلَةِ طَوْلَانِي اسْت. نماز امام زین العابدین علیه السلام چهار رکعت است در هر رکعت حمد يك مرتبه و توحید صد

مرتبه .

[دُعَاءُ آن حضرت] يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ، وَ سَتَرَ الْقَبِيحَ، يَا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ بِالْجَرِيرَةِ

* * * * * اي کسی که کار نیک را آشکار کنی و عمل زشت را ببوشانی اي آنکه بجرم و گناه

(بندگان را) درنگیری و پرده

وَلَمْ يَهْتِكِ السِّرَّ، يَا عَظِيمَ الْعَفْوِ، يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ، يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ، يَا بَاسِطَ

(گنهکاران) نداری اي که عفو بزرگ و گذشت نیکو است و اي که آمرزش وسیع و دو

الْبَيْدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ، يَا صَاحِبَ كُلِّ نَجْوِي، يَا مُنْتَهَى كُلِّ شَكْوِي، يَا كَرِيمَ

دست به مهر و رحمت گشوده است اي آگاه هر راز نهان و اي آخرین مرجع هر شکایت اي در چشم‌پوشی

الصَّفْحِ، يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ، يَا مُبْتَدَأَ الْإِنْعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا، يَا رَبَّنَا وَ سَيِّدَنَا

بزرگوار و اي بزرگ مایه امید اي آغاز کننده به نعمت پیش از شایستگی آن اي پروردگار ما و آقاي ما و مولاي ما

وَ مَوْلَانَا، يَا غَايَةَ رَغْبَتِنَا، أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

اي آخرین مرحله آرمان ما خدایا مي‌خواهم از تو که درود فرستی بر محمد و آل محمد * * *

نماز حضرت باقر علیه السلام دو رکعت است در هر رکعت حمد یکمرتبه و سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا

* * * * * منزله است خدا و ستایش خاص خدا است

و معبودي جز خدا نیست

اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، صد مرتبه [دعاء آن حضرت] اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ يَا حَلِيْمُ ذُوْ اَنَآةٍ

و خدا بزرگتر است × × × × × خدایا از تو می‌خواهم ای بردباری که (با بندگان) مدارا کنی و

غَفُوْرٌ وَدُوْدٌ، اَنْ تَتَجَاوَزَ عَنْ سَيِّئَاتِيْ، وَ مَا عِنْدِيْ بِحُسْنٍ مَا عِنْدَكَ، وَ اَنْ

آمرزنده و مهربانی (می‌خواهم) که از گناهانم و بدیهایی که در نزد من است بدان خوبیها که نزد تو است درگذری و

تُعْطِيْنِيْ مِنْ عَطَائِكَ مَا يَسْعُنِيْ، وَ تُلْهِمْنِيْ فِيمَا اَعْطَيْتَنِي الْعَمَلْ فِیْهِ بِطَاعَتِكَ

از عطای خود به اندازه که فرایم گیرد (یا آنچه در خور طاقت من است) به من عطا کنی و الهام کنی مرا که در آنچه به

من عطا کړي در راه اطاعت تو

وَ طَاعَةِ رَسُوْلِكَ، وَ اَنْ تُعْطِيْنِي مِنْ عَفْوِكَ مَا اسْتَوْجِبُ بِهِ كَرَامَتَكَ، اَللّٰهُمَّ

و اطاعت رسولت بکار برم و بدان اندازه مرا مشمول گذشت خود قرار دهی که بوسیله آن مستوجب کرامت و

بزرگواریت گردم

اَعْطِنِيْ مَا اَنْتَ اَهْلُهُ، وَ لَا تَفْعَلْ بِيْ مَا اَنَا اَهْلُهُ، فَاِنَّمَا اَنَا بِكَ وَ لَمْ اُصِبْ خَيْرًا

خدایا به من بده آنچه را تو شایسته آنی و مکن با من آنچه من سزاوار آنم زیرا که تنها من به تو توسل جسته و هرگز

خیري به من

قَطُّ اِلَّا مِنْكَ، يَا اَبْصَرَ الْاَبْصَرِيْنَ، وَ يَا اَسْمَعَ السَّامِعِيْنَ، وَ يَا اَحْكَمَ

نرسیده جز از ناحیه تو ای بیناترین بینایان و ای شنواترین شنوایان و ای عادلترین

الْحَاكِمِيْنَ، وَ يَا جَارَ الْمُسْتَجِرِيْنَ، وَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّیْنَ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

داوران و ای پناه پناهجویان و ای پاسخ دهنده دعای درماندگان درود فرست بر محمد

وَ آلِ مُحَمَّدٍ نماز حضرت صادق علیه السلام دو رکعت است در هر رکعت حمد یکمرتبه و آیه شَهِدَ اللّٰهُ

* * * * *

* * * * *

صد مرتبه. [دعاء آن حضرت] یا صَانِعَ كُلِّ مَصْنُوْعٍ، یا جَابِرَ كُلِّ كَسِيْرٍ، وَ یا حَاضِرَ كُلِّ

* * * * * ای سازنده هر مصنوع (مخلوق) و ای شکسته‌بند هر شکسته و ای حاضر در جمع

مَلَآءٍ، وَ یا شَاهِدَ كُلِّ نَجْوٰی، وَ یا عَالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ، وَ یا شَاهِدَ غَيْرِ غَائِبٍ،

* * * * *

[دُعاء آن حضرت] اَللّٰهُمَّ حَشَعَتِ الْاَصْوَاتُ لَكَ، وَضَلَّتِ الْاَحْلَامُ فَيْكَ، وَوَجِلَ

* * * * *

* معبودا خاشع گشته

قَاضِي حَاجَتِي أَعْطِنِي مَسْئَلَتِي بِإِلَهِ الْآئَتِ، أَمَنْتُ بِكَ مُخْلِصاً لَكَ دِينِي،
وای برآورنده حاجتم خواسته ام رابه من عطا کن به حق این جمله که گویم «معبودی جز تو نیست» به تو ایمان آوردم و
دینم را برای تو خالص گرداندم

أَصْبَحْتُ عَلَيَّ عَهْدُكَ وَوَعْدُكَ مَا اسْتَطَعْتُ، أَبُوءُ لَكَ بِالنِّعْمَةِ، وَاسْتَغْفِرُكَ
شب را صبح کردم به عهد و پیمان تو تا آنجا که توانایی دارم، بسویت با نعمت و از گناهانی که جز
مَنْ الذُّنُوبَ الَّتِي لَا يَغْفِرُهَا غَيْرُكَ، يَا مَنْ هُوَ فِي عُلُوِّهِ دَانَ، وَ فِي دُنُوِّهِ

تو کسی آنها را نیامرزد آمرزش خواهم ای کسی که در عین برتری نزدیک (به خلق) و در عین نزدیکی

عال، وَ فِي إِشْرَافِهِ مُنِيرٌ، وَ فِي سُلْطَانِهِ قَوِيٌّ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

برتری و (ای آنکه) در تابش خود نور دهنده و در سلطنت نیرومندی درود فرست بر محمد و آلش

(نماز حضرت امام رضا علیه السلام) شش رکعت است در هر رکعت حمد یک مرتبه و هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ دَهْ مرتبه

* * * * *
* * * * *

[دُعَاءِ آن حضرت] يَا صَاحِبِي فِي شِدَّتِي، يَا وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي، يَا إِلَهِي وَ إِلَهَ

* * * * * ای یار من در سختیها و ای اختیار دارنده ام در نعمتم و ای معبود من و معبود

إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ، يَا رَبَّ كَهَيْعِصَ وَيَسَ وَالْقُرْآنَ

ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب ای پروردگار کهیحص و یس و قرآن

الْحَكِيمِ، أَسْأَلُكَ يَا أَحْسَنَ مَنْ سُئِلَ، وَ يَا خَيْرَ مَنْ دُعِيَ وَ يَا أَجْوَدَ مَنْ

حکمت آموز از تو درخواست می کنم ای بهترین کسی که از او درخواست کنند و ای بهترین کسی که او را بخوانند

أَعْطِيَ وَ يَا خَيْرَ مُرْتَجِي، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

و ای بخشنده تر کسی که عطا کند و ای بهترین مایه امید از تو خواهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد

(نماز حضرت جواد علیه السلام) دو رکعت است در هر رکعت حمد یکمرتبه و توحید هفتاد مرتبه

[دُعَاءِ آن حضرت] اَللّٰهُمَّ رَبَّ اَلْاَرْوَاحِ الْفَانِيَةِ، وَ الْاَجْسَادِ الْبَالِيَةِ، اَسْأَلُكَ بِطَاعَةِ

* * * * * ای خدا ای پروردگار ارواحی که از این جهان فانی رفته و ای پروردگار اجساد پوسیده از

تو می خواهم به حق فرمانبری

اَلْاَرْوَاحِ الرَّاجِعَةِ اِلَى اَجْسَادِهَا، وَ بِطَاعَةِ الْاَجْسَادِ الْمُتَنَتِمَةِ بِعُرْوِقِهَا،

آن ارواح که بسوی اجساد خود بازگردند و به حق فرمانبری اجساد که با رگهای خود

وَ بِكَلِمَتِكَ الْتَّافِدَةِ بَيْنَهُمْ، وَ اخْذِكَ الْحَقِّ مِنْهُمْ وَ الْخَلَاتِقُ بَيْنَ يَدَيْكَ

پیوند شوند و به حق فرمان نافذت در میان آنها و گرفتن حقت از ایشان و در آن حال که خلّاق در برابرت به

يَنْتَظِرُونَ فَضْلَ فَضَائِكَ، وَيَرْجُونَ رَحْمَتَكَ وَيَخَافُونَ عِقَابَكَ، صَلِّ عَلَيَّ

انتظار صدور حکم و امیدوار برحمت و خائف از عقاب توأند درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اجْعَلِ الثُّورَ فِي بَصْرِي، وَ الْيَقِينَ فِي قَلْبِي، وَ ذِكْرَكَ

محمد و آل محمد و بنه نور و روشنی در دیده ام و یقین در دلم و ذکرت

بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ عَلِي لِسَانِي، وَ عَمَلًا صَالِحًا فَأَرْزُقْنِي. (نماز حضرت هادي عليه السلام) دو

را شب و روز بر زبانم و عمل صالح روزي من گردان * * * * *

رکعت است در رکعت اول سوره حمد و یس و در رکعت دویم سوره حمد و الرَّحْمَن [دُعَاءِ آن حضرت] یا بَارُّ یا

* * * * *

* * * * * ای نیکوکار

وَصُولُ، يَا شَاهِدَ كُلِّ غَائِبٍ، وَيَا قَرِيبَ غَيْرِ بَعِيدٍ، وَيَا غَالِبَ غَيْرِ مَغْلُوبٍ، وَيَا مَنْ

و ای با همه پیوسته و ای گواه هر ناپیدا و ای نزدیکی که دور نیست و ای پیروز شکست ناپذیر و ای کسی که

لَا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا تُبْلَغُ قُدْرَتُهُ، أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ

جز او کسی نمی داند که او چگونه است و ای آنکه بقدرتش نتوان رسید از تو می خواهیم خدایا به آن نامت که در پرده

الْمَحْزُونِ الْمَكْنُونِ عَمَّنْ شِئْتَ، الطَّاهِرِ الْمُطَهَّرِ الْمُقَدَّسِ، الثَّوَرِ النَّامِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ

(غیبت) مستور و در خزینات محفوظ و از آنکه خواسته ای مکتوم داشته ای آن نام پاك و پاکیزه و مقدس و نورانی کامل، و)

آن) زنده و پاینده و

الْعَظِيمِ، ثَوْرِ السَّمَوَاتِ وَثَوْرِ الْأَرْضِينَ، عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرِ الْمُتَعَالِ الْعَظِيمِ

بزرگ، نوربخش آسمانها و نور ده زمینها دانای ناپیدا و پیدا آن بزرگ والامقام و عظیم

صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

درود فرست بر محمد و آل محمد

(نماز امام حسن عسکری علیه السلام) چهار رکعت است در دو رکعت اول بعد از حمد پانزده مرتبه سوره اِذَا زُلْزِلَتْ و

در دو رکعت دویم بعد از حمد پانزده مرتبه توحید

[دعاء آن حضرت] اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْبَدِيُّ قَبْلَ

* * * خدایا از تو می خواهم برای آنکه ستایش مخصوص تو است و معبودی جز تو نیست که

كُلِّ شَيْءٍ وَأَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الَّذِي لَا يُدْلِكُ شَيْءٌ وَأَنْتَ كُلِّ

پیش از هر چیزی بوده ای و تویی زنده و پاینده و معبودی جز تو نیست که چیزی خوارت نتواند کرد و تو هر روز

يَوْمٍ فِي شَأْنٍ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَالِقُ مَا يُرَى وَ مَا لَا يُرَى الْعَالَمِ بِكُلِّ شَيْءٍ بَعِيرٍ

در کاری هستی معبودی جز تو نیست (تویی) آفریننده آنچه دیده شود و آنچه دیده نشود دانای به هر چیزی بی آنکه

تَعْلِيمِ أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ وَ تَعْمَاكَ بِأَنَّكَ اللَّهُ الرَّبُّ الْوَاحِدُ لَا إِلَهَ إِلَّا

کسی یادت دهد از تو می خواهم به حق نعمتهای ظاهر و باطن تو یی خدای پرورنده یگانه، نیست معبود به حقی جز

أَنْتَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ وَاسْتَغْفِرُكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْوَحِيدُ

تو که بخشاینده و مهربانی و از تو می خواهم زیرا تویی خدایی که معبود به حقی جز تو نیست و

الْفَرْدُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ وَاسْتَغْفِرُكَ

یگانه فرد یکتا و بی نیازی که نزاید و نه زائیده شده و نیست برایش همتایی هیچکس و از تو می خواهم

بِأَنَّكَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ الْقَائِمُ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ

که تویی خدایی که معبود به حقی جز تو نیست و لطیف و آگاه و نگهبان بر هر شخصی بدانچه می کند و مراقب و نگهداری و

الرَّقِيبُ الْحَفِیْظُ وَاسْتَغْفِرُكَ بِأَنَّكَ اللَّهُ الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَالْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ

از تو می خواهم بخاطر آنکه خدای نخست پیش از هر چیز و پایان پس از هر چیزی و

وَالْبَاطِنُ دُونِ كُلِّ شَيْءٍ الضَّارُّ النَّافِعُ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ وَاسْتَغْفِرُكَ بِأَنَّكَ اللَّهُ

پنهان در نزد هر چیزی و زیان ده و سودبخش و با حکمت دانا و از تو می خواهم چون تویی که

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الْبَاقِ الْوَارِثُ الْحَنَّانُ الْمَنَّانُ بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

معبود به حقی جز تو نیست زنده و پاینده و برانگیزنده و وارث خلق و دارنده رحمت و منت بخش پدیدآورنده آسمانها و زمین

ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَذُو الطَّوْلِ وَذُو الْعِزَّةِ وَذُو السُّلْطَانِ لَا إِلَهَ

دارای جلال و کرامت و صاحب فضل و عزت و دارای سلطنت و قدرت معبودی جز

إِلَّا أَنْتَ أَحَطْتَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا وَأَخْصَيْتَ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

تو نیست که علمت بهر چیزی احاطه دارد و عدد هر چیز را شماره کرده ای درود فرست بر محمد و آلش

نماز حضرت صاحب الزمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ

دو رکعت است می خوانی در هر رکعت سوره حمد را تَا إِلَهِكَ نَعْبُدُ وَإِلَيْكَ نَسْتَعِينُ و چون به این آیه رسیدی آنرا صد

مرتبه می گوئی و در مرتبه آخر سوره را تمام می کنی پس قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را یکبار می خوانی و چون از نماز فارغ شدی

این دعا را می خوانی :

اَللّٰهُمَّ عَظُمَ الْبَلَاءُ وَبَرَحَ الْخَفَاءُ وَانْكَشَفَ الْغَطَاءُ وَ ضَاقتِ الْاَرْضُ بِمَا

خدایا بلاء و گرفتاری بزرگ شد و درد پنهان آشکار گشت و پرده از روی کار برداشته شد و زمین با فراخیش تا آسمان بر ما تنگ شد

وَسِعَتِ السَّمَاءُ وَاِلَيْكَ يَا رَبَّ الْمُشْتَكِي وَعَلَيْكَ الْمُعَوَّلُ فِي الشَّدَةِ وَالرَّخَاءِ

و شکوه ما ای پروردگار بسوی توست و اعتماد در سختی و آسانی بر تو است

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ الَّذِيْنَ اَمَرْتَنَّا بِطَاعَتِهِمْ وَعَجَّلِ اَللّٰهُمَّ

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد آنان که ما را به پیروی ایشان مأمور کردی و شتاب کن خدایا

فَرَجَهُمْ بِقَائِمِهِمْ وَ اَظْهَرِ اعْزَاذَهُ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ اِكْفِيَانِيْ

در فرج ایشان بوسیله قائمشان و عزتش را آشکار کن ای محمد ای علی ای محمد مرا کفایت کن

فَاِنَّكُمَا كَافِيَايَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ اُنْصُرَانِيْ فَاِنَّكُمَا نَاصِرَايَا

که کفایت کننده ام شمایید ای محمد و ای علی، ای محمد مرا یاری کنید که یاور من شمائید

يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيَّ يَا عَلِيَّ يَا مُحَمَّدُ اَحْفَظَانِيْ فَاِنَّكُمَا حَافِظَايَا يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيَّ يَا عَلِيَّ يَا مُحَمَّدُ اَصْحَابُ الزَّمانِ

ای محمد و ای علی، ای محمد نگه دارم شمایید ای مولای من ای صاحب الزمان

يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيَّ يَا عَلِيَّ يَا مُحَمَّدُ اَعُوْذُ بِكُمَا مِنَ الْغَوْتِ

ای مولای من ای صاحب زمان ای مولای من ای صاحب زمان پناه خواهم

اَلْغَوْتِ اَلْغَوْتِ اَدْرِكْنِيْ اَدْرِكْنِيْ اَلْاَمَانَ اَلْاَمَانَ اَلْاَمَانَ

پناه خواهم پناه خواهم دریابم دریابم امانم ده امانم ده امانم ده

و از جمله نمازها نماز حضرت جعفر علیه السلام که اکسیر اعظم و کبریت احمر است و بسندهای بسیار معتبره با

فضیلت بسیار که عمده آمرزش گناهان عظیمه است وارد شده و افضل اوقات آن صدر نهار جمعه است و آن چهار

رکعت است بدو تشهد و دو سلام در رکعت اول بعد از سوره حمد اذا زُلْزَلَتْ می خواند و در رکعت دویم سوره و العاديات و

در رکعت سیّم اذا جاءَ نَصْرُ اللَّهِ و در رکعت چهارم قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و در هر رکعت بعد از فراغ از قرائت پانزده مرتبه

می گوید سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ و در رکوع همین تسبیحات را ده مرتبه می گوید و چون سر از

رکوع برمی دارد ده مرتبه و در سجده اول ده مرتبه و بعد از سر برداشتن ده مرتبه و در سجده دویم ده مرتبه و بعد از سر

برداشتن پیش از آنکه برخیزد ده مرتبه در هر چهار رکعت چنین می کند که مجموع سیصد مرتبه شود شیخ کلینی از ابو

مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ سُبْحَانَ مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ سُبْحَانَ ذِي الْمَنِّ وَ

مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَاسْمِكَ الْأَعْظَمِ وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ

الَّتِي تَمَّتْ صَدَقًا وَعَدًا صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَاهْل بَيْتِهِ وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا

اللَّهُمَّ إِنِّي أَفْتَحُ الْقَوْلَ بِحَمْدِكَ وَ أَتَطَقُ بِالشَّاءِ عَلَيْكَ وَ أُمَجِّدُكَ وَ

لَا غَايَةَ لِمَدْحِكَ وَأُنْثِيَ عَلَيْكَ وَمَنْ يَبْلُغُ غَايَةَ ثَنَائِكَ وَآمَدَ مَجْدَكَ

وَإِنِّي لَخَلِيقَتِكَ كُنْهُ مَعْرِفَةٍ مَجْدِكَ وَإِنِّي زَمَنٌ لَمْ تَكُنْ مَمْدُوحًا

58

بِفَضْلِكَ مَوْصُوفاً بِمَجْدِكَ عَوَّاداً عَلَيَّ الْمُذْنِبِينَ بِحِلْمِكَ تَخَلَّفَ

به فضل خویش ستوده نبوده‌ای و به مجد و عظمت موصوف نگشته‌ای و با بردباری خود بر گنهکاران پی‌درپی بازنگشته‌ای

سُكَّانُ أَرْضِكَ عَنْ طَاعَتِكَ فَكُنْتَ عَلَيْهِمْ عَطُوفاً بِجُودِكَ جَوَاداً

ساکنان زمینت از اطاعت تو سرباز زدند ولی تو بر آنها به بخشش و عطایت مهر ورزی و به فضل خویش بر آنها جود بِفَضْلِكَ عَوَّاداً بِكَرَمِكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَنَّانُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

کنی و به کرمت پی‌درپی بر آنها بازگردی ای که نیست معبودی جز تو نعمت‌دهنده بسیار و صاحب جلالت و کرامت پس حضرت فرمود که ای مُفَضَّل هرگاه تو را حاجت ضروری بوده باشد نماز جعفر را بکن و این دعا را بخوان و حوائج خود را از خدا طلب کن که برآورده می‌شود انشاء الله تعالی مؤلف گوید که شیخ طوسی برای برآمدن حاجت از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود روزه بگیر روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه را و چون آخر روز پنجشنبه شود تصدق بده بر ده مسکین هر مسکینی مُدّی از طعام پس چون روز جمعه شود غسل کن و برو به صحرا و نماز جعفر را بجا آور و برهنه کن زانوها را و بچسبان بزمین و بگو :

يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَ سَتَرَ الْقَبِيحَ يَا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ بِالْجَرِيرَةِ وَلَمْ يَهْتِكِ السُّتْرَ

ای آنکه کار خوب (و زیبا) را آشکار سازی و کار زشت را بیوشانی ای آنکه بندگان را به جرم و جنایت نگیری و پرده آنها را ندری

يَا عَظِيمَ الْعَفْوِ يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ

ای بزرگ گذشت و ای نیکو در گذر و ای که مغفرت وسیع و دست‌های به رحمت

بِالرَّحْمَةِ يَا صَاحِبَ كُلِّ نَجْوَى وَمُنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى يَا مُقِيلَ

گشوده است ای آگاه هر راز و پایان هر شکایت ای درگذرنده

الْعَثَرَاتِ يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ يَا عَظِيمَ الْمَنِّ يَا مُبْتَدِئاً بِالنِّعَمِ قَبْلَ

لغزشها ای که در چشم‌پوشی بزرگواری ای بزرگ نعمت ای که پیش از

استحقاقها یا رَبَّاهُ یا رَبَّاهُ یا رَبَّاهُ ده مرتبه یا اَللَّهُ یا اَللَّهُ ده مرتبه یا

استحقاق آغاز به نعمت کنی ای پروردگار ای پروردگار × × × × × ای خدا ای خدا × × × × × ای

سَيِّدَاهُ یا سَيِّدَاهُ ده مرتبه یا مَوْلَاهُ یا مَوْلَاهُ ده مرتبه یا

آقا اي آقا × × × × × اي مولا اي مولا × × × × × اي

رَجَاءُهُ ده مرتبه يا غِيَاثُهُ ده مرتبه يا غَايَةَ رَغْبَتَاهُ ده مرتبه يا رَحْمَنُ ده

اميد من × × × × × اي پناه من × × × × × اي منتهاي رغبته من × × × × × اي بخشاينده * * *

مرتبه يا رَحِيمُ ده مرتبه يا مُعْطِي الْخَيْرَاتِ ده مرتبه صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ

* * * * * اي مهربان × × × × × اي دهنده خيرها × × × × × درود فرست بر محمد و

آلِ مُحَمَّدٍ كَثِيرًا طَيِّبًا كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَي أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ ده مرتبه و

آل محمد بسيار و پاكيژه مانند بهترين درودي كه بر يكي از مخلوق خود فرستی * * * * *

حاجت خود را بطلب مؤلف گوید كه روايات بسيار وارد شده در باب روزه اين سه روز و بجا آوردن دو ركعت نماز نزد زوال روز جمعه براي برآمدن حاجت بيست و يكم از اعمال روز جمعه آنكه چون زوال شمس شود بخواند دعائي را كه محمد بن مسلم از حضرت صادق عليه السلام روايت كرده است و آن بنحوي كه در مصباح شيخ است آن است كه بگويد :

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا

معبودي نيست جز خدا و خدا بزرگتر (از توصيف) است منزّه است خدا و ستايش خاص خدايي است كه فرزندي نگرفته

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ وَكَبِيرُهُ

و شريكي در فرمانروايي برايش نيست و خواري ندارد تا نيازي بياري داشته باشد و او را به بزرگي

تَكْبِيرًا پس بگويد يا سَابِغَ النِّعَمِ يا دَافِعَ التَّقَمِّ يا بَارِيَّ النَّسَمِ يا عَلِيَّ

ياد كن × × × × × اي فرو ريز نعمتها و اي جلوگير بديها اي آفريننده انسانها اي داراي

الْهَمِّ يا مُعْشِيَ الظُّلَمِ يا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ يا كَاشِفَ الضُّرِّ وَالْأَلَمِ يا

همتهاي والا اي پوشاننده تاريخيها اي صاحب جود و كرم اي برطرف كننده زيان و درد اي

مُؤْنِسَ الْمُسْتَوْحِشِينَ فِي الظُّلَمِ، يا عَالِمًا لَا يُعَلَّمُ، صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ

همدم و حشت زدگان در تاريخيها اي دانايي كه كسي او را نياموخته درود فرست بر محمد و

آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَفْعَلُ بِي مَا أَمَرْتُ أَهْلَهُ، يا مَنْ اسْمُهُ دَوَاءٌ، وَ ذِكْرُهُ شِفَاءٌ، وَ

آل محمد و با من آن كن كه تو شايشته آني اي آنكه نامش دواي دردها و يادش شفاي امراض و

طَاعَتُهُ غَنَاءٌ، اِرْحَمْ مَنْ رَأْسُ مَالِهِ الرَّجَاءُ، وَ سِلَاحُهُ الْبُكَاءُ، سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ

اطاعتش موجب توانگری و بی‌نیازی است رحم کن بر آنکه سرمایه‌اش امید و اسلحه‌اش گریه است منزهی تو معبودی جز

الْأَتَتْ، يَاحَتَّانُ يَا مَتَّانُ، يَا بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ .

تو نیست ای پر مهر ای بسیار نعمت ده ای پدید آورنده آسمانها و زمین ای دارای جلالت و بزرگواری

* بیست و دویم نماز ظهر روز جمعه را به جمعه و منافقین و عصر را به جمعه و توحید بخواند شیخ صدوق روایت کرده از حضرت صادق علیه السلام که فرمود از چیزهایی که واجب و لازم است بر هر مؤمنی که شیعه ما باشد آنکه بخواند در شب جمعه نماز را به سوره جمعه و «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» و در نماز ظهر آن سوره جمعه و منافقین پس هرگاه این کار را کرد گویا عمل نموده بعمل رسول الله صلی الله علیه وآله و ثواب و جزاء او بر خدا بهشت خواهد بود، و شیخ کلینی بسند حسن کالصحیح از حلبی روایت کرده که گفت سؤال کردم از حضرت صادق علیه السلام که هرگاه در روز جمعه تنها نماز گذارم یعنی نماز جمعه نخوانم و چهار رکعت نماز ظهر را بخوانم آیا بلند قرائت کنم فرمود بلی و فرمود بخوان بسوره جمعه و منافقین در روز جمعه بیست و سیّم شیخ طوسی (ره) در مصباح در ذکر تعقیب بعد از ظهر از روز جمعه روایت کرده از حضرت صادق علیه السلام که هر که بخواند روز جمعه بعد از سلام هفت مرتبه حمد و هفت مرتبه «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» و هفت مرتبه «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» و هفت مرتبه «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و هفت مرتبه «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» و بخواند آخر سوره بَرَاءَةِ «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ» و آخر حَشْرِ که «لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ» باشد تا آخر سوره و پنج آیه آل عمران «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ» تا «إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ» از این جمعه تا جمعه دیگر کفایت شرّ دشمنان و بلاها از او بشود بیست و چهارم و نیز از آن حضرت روایت کرده که هر که بعد از نماز صبح یا بعد از نماز ظهر بگوید:

اللَّهُمَّ اجْعَلْ صَلَوَتَكَ وَ صَلَوَةَ مَلَائِكَتِكَ وَ رُسُلِكَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

خدایا قرار ده درود خود و درود فرشتگان و رسولانت را بر محمد و آل محمد

نوشته نشود بر او گناهی تا یکسال و نیز فرموده که هر که بعد از نماز صبح و نماز ظهر بگوید «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ» غیرد تا امام قائم علیه السلام را درک نماید مؤلف گوید: که اگر دعای اوّل را سه دفعه بعد از فريضه ظهر جمعه بخواند برای او امان باشد از بلاها تا جمعه دیگر و نیز روایت شده که هر که میان دو نماز روز جمعه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد ثوابش معادل هفتاد رکعت نماز باشد بیست و پنجم بخواند دعای «يَا مَنْ يَرْحَمُ مَنْ لَا تَرْحَمُهُ الْعِبَادُ» و دعای «اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمٌ مُّبَارَكٌ» و این هر دو از ادعیه صحیفه کامله است بیست و ششم شیخ در مصباح

فرموده روایت شده از ائمه علیهم السلام که هر که در روز جمعه دو رکعت نماز کند بعد از نماز ظهر بخواند در هر رکعت بعد از حمد هفت مرتبه قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و بعد از نماز بگوید :

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ الَّتِي حَشَوَهَا الْبَرَكَةُ وَعُمَارُهَا

خدایا مرا از اهل بهشت قرار ده که درونش برکت است و آباد کنندگانش

الْمَلَائِكَةُ مَعَ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَبِينَا إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَام

فرشتگانند در جوار پیامبرمان محمد صلی الله علیه و آله و پدرمان ابراهیم علیه السلام

تا جمعه دیگر بلائی و فتنه‌ای به او نرسد و حق تعالی جمع کند میان او و محمد صلی الله علیه و آله و ابراهیم علیه السلام علامه مجلسی قدس سره فرموده که اگر این دعا را غیر سید بخواند بجایِ آبِنا و آبیه بگوید بیست و هفتم روایت شده که بهترین اوقات صلوات در روز جمعه بعد از عصر است و صد مرتبه می گوئی :

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و در فرج ایشان شتاب کن

* و شیخ فرموده و روایت شده که مستحب است صد مرتبه بگوئی :

صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ أَنْبِيَائِهِ وَ رُسُلِهِ وَ جَمِيعِ خَلْقِهِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

* * * درود خدا و فرشتگان و پیامبران و رسولان و تمام خلق او بر محمد و آل محمد و

وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى أَرْوَاحِهِمْ وَ أَجْسَادِهِمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ .

سلام بر او و بر ایشان و بر ارواح و اجسادشان و رحمت و برکات خدا باد

* و شیخ جلیل ابن ادریس در سرائر از جامع بزنطی نقل کرده که ابوبصیر گفت شنیدم از حضرت امام جعفر

صادق علیه السلام که می فرمود صلوات بر محمد و آل محمد در ما بین ظهر و عصر معادل هفتاد رکعت است و کسی که

بگوید بعد از عصر روز جمعه: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، الْأَوْصِيَاءِ

* * * * * خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد اوصیاء

الْمَرْضِيِّينَ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ، وَ بَارِكْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ، وَ

پسندیده به بهترین درودهای خود و برکت ده بر ایشان به بهترین برکات و

السَّلَامُ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى أَرْوَاحِهِمْ وَ أَجْسَادِهِمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ

سلام بر ایشان و بر ارواح و اجسادشان و رحمت خدا و برکاتش

خواهد بود برای او مثل ثواب عمل جنّ و انس در آن روز مؤلف گوید: که این صلوات شریفه در کتب مشایخ حدیث بسندهای بسیار معتبر با فضیلت‌های بسیار نقل شده و اگر ده مرتبه و اگر نه هفت مرتبه بخواند افضل است زیرا که از حضرت صادق علیه السلام روایت است که هر که بعد از نماز عصر روز جمعه پیش از آنکه از جای نماز خود برخیزد ده مرتبه این صلوات را بخواند صلوات فرستند بر او ملائکه از این جمعه تا جمعه آینده همین ساعت و نیز از آنحضرت روایت است که چون نماز عصر روز جمعه را ادا کنی هفت مرتبه این صلوات را بخوان و شیخ کلینی در کافی روایت کرده که چون روز جمعه نماز را ادا کردی بگو :

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ، وَ

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد اوصیاء پسندیده به بهترین درودهای خود و
بارکْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ .

برکت ده بر ایشان به بهترین برکات و سلام بر ایشان و بر ارواح و اجسادشان و رحمت خدا و برکاتش
بدرستی که هر که این صلوات را بعد از نماز عصر بخواند بنویسد حقّ تعالی برای او صد هزار حسنه و محو فرماید از او صد هزار سیئه و برآورد صد هزار حاجت او را و بلند فرماید برای او صد هزار درجه و نیز فرموده که روایت شده که هر که این صلوات را هفت مرتبه بگوید خداوند رد کند براو بعدد هر بنده‌ای حسنه‌ای و عملش در آنروز مقبول باشد و بیاید در روز قیامت در حالتی که ما بین دیدگان او نوری باشد، و در اعمال روز عرفه بیاید صلواتی که هر که آنرا بخواند محمد و آل محمد صلواتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِمْ را مسرور نماید بیست و هشتم بعد از عصر هفتاد مرتبه بگوید «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» تا حقّ تعالی گناهان او را بیامزد بیست و نهم صد مرتبه اِنَّا أَكْرَمْنَا بِخَوَانِد از حضرت امام موسی علیه السلام روایت شده که خدا را در روز جمعه هزار نسیم رحمت است که هر بنده را آنچه خواهد از آن رحمتها عطا فرماید پس هر که بعد از عصر روز جمعه صد مرتبه سوره اِنَّا أَكْرَمْنَا بِخَوَانِد حقّ تعالی آن هزار رحمت را مضاعف گرداند و به او عطا فرماید سیام بخواند دعای عشرات را که بعد از این خواهد آمد سی و یکم شیخ طوسی (ره) فرموده که ساعت استجاب دعا آخر روز جمعه است تا غروب آفتاب و سزاوار است که دعا در آن ساعت بسیار بکند و روایت شده که ساعت استجاب آن وقتی است که فرو رود نصف قُرْص خورشید و نصف دیگرش غروب نکرده باشد و حضرت فاطمه صلواتُ اللَّهِ عَلَيْهَا در آنوقت دعا می‌کرد پس مستحبّ است دعا در آنوقت و مستحبّ است که بخواند دعای مَروئی از نبی صلی الله علیه و آله را در ساعت استجاب دعا

سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ، يَا بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

منزهی تو معبودی جز تو نیست ای پر مهر ای پر نعمت ای پدید آورنده آسمانها و زمین ای صاحب جلالت و کرم

و بخواند در ساعت آخر روز جمعه دعای سمات را که بعد از این بیاید انشاء الله و بدان که روز جمعه از چند جهت اختصاص و تعلق بامام عصر عجل الله فرجه دارد یکی آنکه ولادت با سعادت آنحضرت در آن روز بوده، دیگر آنکه ظهور موفور السرور آن جناب در روز جمعه خواهد بود و ترقب و انتظار فرج در آنروز بیشتر از روزهای دیگر است، و بیاید در زیارت مختصه به آنحضرت در آنروز:

هَذَا يَوْمُ الْجُمُعَةِ وَهُوَ يَوْمُكَ، الْمُتَوَقَّعُ فِيهِ ظُهُورُكَ وَالْفَرَجُ فِيهِ لِلْمُؤْمِنِينَ عَلَي دِيكَ.

* * * * * این روز جمعه است و این روزی است که انتظار می‌رود در آن ظهور تو و فرج مؤمنین

در آن بدست تو

بلکه عید بودن روز جمعه و شمردن آنرا یکی از عیدهای چهارگانه حقیقتاً بجهت آن روز شریف است که زمین را از لوث شرک و کفر و قذارات معاصی و از وجود جبارین و کافرین و منافقین پاک و پاکیزه می‌فرماید و به اظهار کلمه حق و اعلاء دین و شرایع ایمان چشم و دل مؤمنین مخصوصین را در آنروز روشن و منور و مسرور و خورسند خواهد فرمود و اُشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا پس شایسته است که در این روز صلوات کبیر را بخوانی و بخوانی دعائی را که حضرت امام رضاعلیه السلام امر فرموده بخواندن آن برای صاحب الامر علیه السلام اَللّهُمَّ اذْفَعْ عَنْ وَلِيِّكَ وَخَلِيفَتِكَ «الدُّعَاء» و بیاید ذکر آن در آخر اعمال سرداب در باب زیارات و نیز بخوانی دعائی را که شیخ ابو عمر و عمروی قدس الله روحه به ابو علی بن همام املاء کرده و فرموده که آنرا بخوانند در زمان غیبت قائم آل محمد علیه وعلیه السلام، و چون آن صلوات و این دعا طولانی است و این مختصر گنجایش ندارد ما ذکر نمودیم طالبین رجوع کنند بمصباح المتجّد و جمال الأسبوع، بلی شایسته است در اینجا ذکر کنیم صلوات منسوبه به ابوالحسن ضراب اصفهانی را که شیخ و سید در اعمال عصر روز جمعه آنرا ذکر نموده اند و سید فرموده که این صلوات مروی از مولای ما حضرت مهدی صلوات الله علیه است و اگر ترك كردي تعقيب عصر روز جمعه را بجهت عذري پس ترك مكن اين صلوات را هرگز بجهت امري كه مطلع كرده ما را خداوند جلّ جلاله به آن پس سند آنرا با نسخه صلوات نقل کرده، لكن شیخ در مصباح فرموده که این صلوات مروی از حضرت صاحب الزمان علیه السلام است که بیرون آمده بسوی ابوالحسن ضراب اصفهانی به مکه و ما سند آنرا ذکر نکردیم به جهت اختصار نسخه آن این است:

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَ حُجَّةِ رَبِّ

خدایا درود فرست بر محمد آقای رسولان و خاتم پیمبران و حجت پروردگار

العالمین، الْمُتَنَجِّبِ فِي الْمِثَاقِ، الْمُصْطَفِي فِي الظَّلَالِ الْمُطَهَّرِ مِنْ كُلِّ آفَةٍ،

جهانیان برگزیده در روز عهد و پیمان انتخاب شده در عالم اشباح و مجردات پاکیزه از هر آفت
 الْبَرِّ مِنْ كُلِّ عَيْبٍ، الْمُؤْمَلِ لِلنَّجَاةِ، الْمُرْتَجِي لِلشَّفَاعَةِ، الْمُفَوَّضِ إِلَيْهِ دِينَ
 مبراى از هر عیب، نجات از وی آرزو شود و امید شفاعت به اوست آن کس که دین
 اللَّهُ، اللَّهُمَّ شَرِّفْ بُنْيَانَهُ وَ عَظِّمْ بُرْهَانَهُ، وَ أَرْفَعْ دَرَجَتَهُ،
 خدایه او و اگذار شده خدایا پایه و اساس کارش را بر افراز و برهان و منطقش را عظمت ده و حجتش را پیروز گردان و درجه اش
 را بلند کن

وَ أَضِيْ نُورُهُ، وَ بَيِّضْ وَجْهَهُ، وَ أَعْطِهِ الْفَضْلَ وَالْفَضِيلَةَ، وَ الْمُنْزِلَةَ
 و تابان کن نورش را و سفید گردان رویش را برتری و فضیلت و مقام و منزلت
 وَ الْوَسِيلَةَ وَ الدَّرَجَةَ الرَّقِيعَةَ، وَ ابْعَثْهُ مَقَاماً مَّحْمُوداً يَّعْبِطُهُ بِهِ الْأَوَّلُونَ
 و وسیله (بلندترین درجات بهشت) و درجه بلند به او عطا کن و او را به مقام (شایسته و) پسندیده ای برگزین که مورد غبطه
 گذشتگان

وَالْآخِرُونَ، وَصَلِّ عَلَيَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ وَاثِرِ الْمُرْسَلِينَ، وَ قَائِدِ الْعُرِّ الْمُحَجَّلِينَ،
 و آیندگان باشد و درود فرست بر امیر مؤمنان و وارث (علم) پیمبران و پیشوای سفیدرویان و
 وَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلِّ عَلَيَّ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ
 آقاي وصیان و حجت پروردگار جهانیان و درود فرست بر حسن بن علی رهبر
 الْمُؤْمِنِينَ، وَ وَاثِرِ الْمُرْسَلِينَ، وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلِّ عَلَيَّ
 مؤمنان و وارث (علم) پیمبران و حجت پروردگار جهانیان و درود فرست بر
 الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَاثِرِ الْمُرْسَلِينَ، وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ
 حسین بن علی امام مؤمنان و وارث (علم) پیمبران و حجت پروردگار جهانیان و
 صَلِّ عَلَيَّ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَاثِرِ الْمُرْسَلِينَ وَ حُجَّةِ رَبِّ
 درود فرست بر علی بن الحسین رهبر مؤمنان و وارث (علم) پیمبران و حجت پروردگار
 الْعَالَمِينَ، وَ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ وَاثِرِ الْمُرْسَلِينَ،
 جهانیان و درود فرست بر محمد بن علی امام مؤمنان و وارث (علم) پیمبران
 وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلِّ عَلَيَّ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ وَاثِرِ
 و حجت پروردگار جهانیان و درود فرست بر جعفر بن محمد امام مؤمنان و وارث

الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةَ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى عَلَيَّ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ،
(علم) پیمبران و حجت پروردگار جهانیان و درود فرست بر موسی بن جعفر امام مؤمنان
و وارث الْمُرْسَلِينَ، وَ حُجَّةَ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى عَلَيَّ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى، إِمَامِ
و وارث (علم) پیمبران و حجت پروردگار جهانیان و درود فرست بر علی بن موسی امام
الْمُؤْمِنِينَ، وَ وَاِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَ حُجَّةَ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدِ بْنِ
مؤمنان و وارث (علم) پیمبران و حجت پروردگار جهانیان و درود فرست بر محمد بن
عَلِيٍّ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ وَاِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَ حُجَّةَ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى عَلَيَّ
علی امام مؤمنان و وارث (علم) پیمبران و حجت پروردگار جهانیان و درود فرست بر
عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ وَاِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَ حُجَّةَ رَبِّ الْعَالَمِينَ،
علی بن محمد امام مؤمنان و وارث (علم) پیمبران و حجت پروردگار جهانیان
وَ صَلَّى عَلَيَّ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ وَاِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَ حُجَّةَ
و درود فرست بر حسن بن علی امام مؤمنان و وارث (علم) پیمبران و حجت
رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى عَلَيَّ الْخَلْفِ الْهَادِي الْمُهْدِيٍّ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ وَاِثِ
پروردگار جهانیان و درود فرست بر آن یادگار صالح راهنما حضرت مهدی امام مؤمنان و وارث (علم)
الْمُرْسَلِينَ، وَ حُجَّةَ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ الْاَئِمَّةِ
پیمبران و حجت پروردگار جهانیان خدایا درود فرست بر محمد و خاندانش پیشوایان
الْهَادِينَ، الْعُلَمَاءِ الصَّادِقِينَ، الْاَبْرَارِ الْمُتَّقِينَ، دَعَائِمِ دِينِكَ، وَ اَرْكَانِ تَوْحِيدِكَ، وَ
راهنما و دانشمندان و راستگویان و پرهیزکاران که ستونهای دین تو و پایه های محکم توحید و
تَرَاجِمَةِ وَحْيِكَ وَ حُجَجِكَ عَلَيَّ خَلْقِكَ، وَ خُلَفَائِكَ فِي اَرْضِكَ، الَّذِينَ احْتَرَتْهُمْ
مفسران وحی تو و حجت های تو بر تمام مخلوقات و جانشینانت که در روی زمین هستند آنان که ایشان را برای
لِنَفْسِكَ، وَ اصْطَفَيْتَهُمْ عَلَيَّ عِبَادِكَ، وَ ارْتَضَيْتَهُمْ لِدِينِكَ وَ خَصَصْتَهُمْ
خویش برگزیدی و برای بندگان انتخاب کردی و برای دینت پسندیدی و به معرفت خویش مخصوصشان
بِمَعْرِفَتِكَ، وَ جَلَّلْتَهُمْ بِكَرَامَتِكَ، وَ غَشَّيْتَهُمْ بِرَحْمَتِكَ، وَ رَبَّيْتَهُمْ بِنِعْمَتِكَ،
گرداندی و به کرامت جلالت و برجستگی شان دادی و به رحمت آنها را پوشاندی و به نعمت آنان را پروریدی
وَ غَذَّيْتَهُمْ بِحِكْمَتِكَ، وَ اَلْبَسْتَهُمْ ثَوْرَكَ، وَ رَفَعْتَهُمْ فِي مَلَكُوتِكَ، وَ حَقَّقْتَهُمْ

و به حکمت غذایشان دادی و نورت را در برشان کردی و در ملکوت خویش آنها را بالا بردی و
 بِمَلَائِكَتِكَ وَ شَرَّفْتَهُمْ بِنَبِيِّكَ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
 به فرشتگانت گرداگردشان را پوشاندی و به پیامبرت ایشان را شرف بخشیدی - درود تو بر او و آتش باد - خدایا
 درود فرست بر محمد و

وَ عَلَيْهِمْ، صَلَوَةً زَكِيَّةً نَامِيَةً كَثِيرَةً، دَائِمَةً طَيِّبَةً، لَا يُحِيطُ بِهَا إِلَّا أَنْتَ، وَ لَا يَسَعُهَا
 بر ایشان درود پاک و روینده بسیار و همیشگی و پاکیزه‌ای که کسی جز تو بدان احاطه ندارد و جز در
 إِلَّا عِلْمُكَ، وَ لَا يُحْصِيهَا أَحَدٌ غَيْرُكَ، اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ الْمُحْيِي سُنَّتَكَ،
 علم تو ننگد و هیچکس جز تو شمارش نتواند خدایا و درود فرست بر ولی خود و زنده کننده
 الْقَائِمِ

طریقت (آنکس که)

به امرت قیام کند و بسویت بخواند و به راه تو دلالت کند حجت تو بر خلق و جانشینت
 فِي أَرْضِكَ، وَ شَاهِدِكَ عَلَى عِبَادِكَ، اللَّهُمَّ اعِزَّ نَصْرَهُ، وَ مَدِّ فِي عُمُرِهِ، در زمین و گواهی بر بندگان خدایا یاریش را نیرومند
 و با شوکت کن و بر عمرش بیفز
 وَ زَيْنِ الْأَرْضِ بِطُولِ بَقَائِهِ، اللَّهُمَّ اكْفِهِ بَغْيَ الْحَاسِدِينَ، وَ اعِذَّهُ مِنْ
 و زمین را به طول بقایش زیور بخش خدایا او را از ستم حسودان کفایت کن و از
 شَرِّ الْكَافِرِينَ، وَ ازْجُرْ عَنْهُ ارَادَةَ الظَّالِمِينَ، وَ خَلِّصْهُ مِنْ أَيْدِي
 شر مکاران محافظتش کن و اراده ستمکاران را از او بگردان و از دست
 الْجَبَّارِينَ، اللَّهُمَّ اعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ شِيعَتِهِ وَ رَعِيَّتِهِ، وَ
 گردنکشان خلاصش کن خدایا به او عطا کن درباره خودش و فرزندان و شیعیان و رعایای او و
 خَاصَّتِهِ وَ عَامَّتِهِ وَ عَدُوَّهُ، وَ جَمِيعِ أَهْلِ الدُّنْيَا، مَا تُقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ، وَ تَسُرُّ
 نزدیکانش و عموم پیروانش و نیز درباره دشمنان او و تمام مردم دنیا آنچه را که چشمش بدان روشن شود و دلش بدان
 بِهِ نَفْسُهُ، وَ بَلَّغْهُ أَفْضَلَ مَا أَمَّلَهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

شاد گردد و او را به بهترین چیزی که در دنیا و آخرت آرزو دارد برسان که همانا تو بر هر چیز
قَدِيرٌ، اَللّٰهُمَّ جَدِّدْ بِهِ مَا اَمْتَحِي مِنْ دِينِكَ، وَاَحْيِ بِهِ مَا بُدِّلَ مِنْ كِتَابِكَ،
توانایی خدایا تازه کن بوسیله او آنچه را که از دینت محو شده و زنده کن بدست او آنچه را که از کتابت تبدیل یافته
وَ اَظْهَرِ بِهِ مَا غَيَّرَ مِنْ حُكْمِكَ، حَتَّى يَعُوذَ دِينُكَ بِهِ، وَ عَلَي يَدَيْهِ
و آشکار ساز بوسیله او آنچه را که از حکم تو تغییر یافته تا آنجا که برگردد دین تو بوسیله او و به دست او
غَضًا جَدِيدًا خَالِصًا مُخْلِصًا، لَا شَكَّ فِيهِ، وَلَا شُبْهَةَ مَعَهُ، وَلَا بَاطِلَ
تر و تازه و پاک و بی آلاش که شکی در آن نباشد و شبهه‌ای بجای نماند و باطلی در آن
عِنْدَهُ وَلَا بِدْعَةَ لَدَيْهِ، اَللّٰهُمَّ نَوِّرْ نُورَهُ كُلَّ ظُلْمَةٍ، وَ هُدِّ بِرُكْنِهِ كُلَّ
نباشد و بدعتی بجای نماند خدایا روشن کن به نور او هر تاریکی را و درهم شکن به قدرتش هر
بِدْعَةٍ، وَ اَهْدِمْ بَعْرَهُ كُلَّ ضَلَالَةٍ، وَ اقْصِمْ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ، وَ اخْمِدْ بِسَيْفِهِ
بدعتی را و ویران کن بوسیله عزتش هر گمراهی را و بشکن به دست او (پشت) هر گردنکشی را و خاموش کن به
شمشیرش

كُلِّ نَارٍ، وَ اَهْلِكَ بِعَدْلِهِ جَوْرَ كُلِّ جَائِرٍ، وَ اجْرِ حُكْمَهُ عَلَي كُلِّ حُكْمٍ، وَ
آتش هر فتنه را و نابود ساز با عدالت او ستم هر ستمگری را و حکمش را فوق تمام حکمها بگذران و
اَذَلِّ بِسُلْطَانِهِ كُلَّ سُلْطَانٍ، اَللّٰهُمَّ اَذَلِّ كُلَّ مَنْ نَاوَاهُ، وَ اَهْلِكَ كُلَّ مَنْ
بوسیله سلطنتش هر سلطانی را زبون کن خدایا خوار کن هرکه را قصد سوئی نسبت به او کند و نابود ساز هرکه
عَادَاهُ، وَ امْكُرْ بِمَنْ كَادَهُ، وَ اسْتَأْصِلْ مَنْ جَحَدَهُ حَقُّهُ، وَ اسْتَهَانَ بِأَمْرِهِ،
بااو دشمنی کند و به مکر خویش دچار کن آنکه درباره‌اش کیدی کند و ریشه‌کن ساز هرکه را منکر حقش گردد و کارش
را سبک و وَسْعِي فِي اِطْفَاءِ نُورِهِ، وَ ارَادَ اِحْمَادَ ذِكْرِهِ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ
شمارد و در خاموش کردن نورش کوشا باشد و بخواهد او را از یاد ببرد خدایا درود فرست بر محمد
المُصْطَفِي، وَ عَلَي الْمُرْتَضِي، وَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، وَ الْحَسَنَ الرُّضَا،
مصطفی و علی مرتضی و فاطمه زهرا و بر حسن (دارای مقام تسلیم و) رضا
وَالْحُسَيْنَ الْمُصَفَّى، وَ جَمِيعِ الْاَوْصِيَاءِ مَصَابِيحِ الدُّجَى، وَ اَغْلَامِ
و بر حسین مصفی و تمامی اوصیاء که چراغهای تاریکی و نشانه‌های
الْهُدَى، وَ مَنَارِ التَّقَى، وَ الْعُرْوَةِ الْوُثْقَى، وَ الْحَبْلِ الْمَتِينِ، وَ الصِّرَاطِ

هدایت و مشعلهای پرهیزکاری و دست‌آویزهای محکم و رشته‌های استوار و راه
 الْمُسْتَقِيم، وَ صَلَّ عَلَي وَلِيِّكَ وَ وِلَاةِ عَهْدِكَ، وَ الْأَئِمَّةِ مِنْ وَلَدِهِ، وَ مَدَّ
 راست‌اند و درود فرست بر ولی خود و سرپرستان عهد و پیمان و امامان از نسل او و عمرشان را دراز گردان
 فِي أَعْمَارِهِمْ، وَ زِدْ فِي أَجَالِهِمْ، وَ بَلِّغْهُمْ أَقْصَى آمَالِهِمْ دِيناً وَ دُنْيَا وَ
 و مدت زندگانی‌شان را زیاد کن و به منتهای آرزوهایشان در دین و دنیا و
 آخِرَةً إِنَّكَ عَلَي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. x و بدانکه موافق روایتی شب شنبه حکم شب جمعه را دارد
 آخرت برسان که تو بر هر چیزی قادر و توانایی * * * * *
 و شایسته است آنچه در شب جمعه خوانده می‌شد در آن شب نیز خوانده شود .

فصل پنجم در تعیین اسامی نبی و ائمه‌علیهم السلام

به روزهای هفته و زیارت ایشان در هر روز سید بن طاووس در جَمَالُ الْأُسْبُوع گفته ابن بابویه رحمه الله مُسْتَدَّأً از صقر
 بن ابی دُلف روایت کرده که چون متوکل حضرت امام علی‌التقی علیه السلام را بِسْرُ مَنْ رَای طلبید روزی بخدمت
 آنحضرت رفتم خبری از احوال آنجناب بگیرم و آنحضرت را نزد زراقی حاجب متوکل محبوس کرده بودند چون نزد او
 رفتم گفت چه کار داری گفتم بدیدن شما آمده‌ام ساعتی باهم نشستیم و از هرگونه صحبتی باهم کردیم تا آنکه مردم را
 متفرق کرد و مجلس خلوت شد باز پرسید که برای چه آمده‌ای من همان جواب اول را دادم گفت گویا آمده‌ای که خبری
 از مولای خود بگیری من ترسیدم گفتم مولای من خلیفه است گفت ساکت شو که مولای تو بر حق است و من نیز
 اعتقاد تو را دارم گفتم الحمد لله پس گفت آیا می‌خواهی نزد او بروی گفتم بلی گفت قدری بنشین تا صاحب البرید از
 نزد او بیرون آید من نشستم تا وقتی که صاحب البرید بیرون شد آن وقت پسرکی را مأمور کرد که مرا به نزد آنحضرت
 ببرد چون بخدمت آنجناب رسیدم دیدم بر روی حصیری نشسته است و در برابرش قبری کنده‌اند پس سلام کردم
 حضرت جواب داد فرمود بنشین پس فرمود که برای چه آمده‌ای گفتم آمده‌ام که از احوال شما خبری بگیرم پس چون
 نظرم بر قبر افتاد گریستم حضرت فرمود که گریه مکن که در این وقت از ایشان آسیبی به من نمی‌رسد گفتم الحمد لله
 پس گفتم ای سید من حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که معنی آنرا نمی‌فهمم فرمود چیست آن
 حدیث عرض کردم: لَا تُعَادُوا الْأَيَّامَ فَتُعَادِيَكُمْ یعنی دشمنی نکنید با روزها که آنها با شما دشمنی خواهند کرد فرمود مُرَاد از
 ایام و روزها ما هستیم مادامی که بپااست آسمانها وزمین، شنبه اسم رسول خدا صلی الله علیه و آله است و یکشنبه
 امیرالمؤمنین علیه السلام و دوشنبه حسن و حسین علیهما السلام و سه شنبه علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن

محمدعليهم السلام و چهارشنبه موسي بن جعفر و علي بن موسي و محمد بن علي عليهم السلام و منم و پنجشنبه فرزندان حسن و ۷ و جمعه فرزندان فرزندان است و بسوي او جمع مي شوند اهل حق اين است معنی ايام پس دشمنی مکنید با ایشان در دنیا که دشمنی کنند با شما در آخرت پس فرمود وداع کن و بیرون روکه ایمن نیستی بر تو و می ترسم اذیتی به تو رسد و بعد سید این حدیث را بسند دیگر از قطب راوندی نقل کرده آنگاه فرمود: ذکر زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله در روز خود که روز شنبه باشد:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُهُ، وَأَنَّكَ مُحَمَّدٌ

گواهی دهم که معبودی جز خدای یکتا نیست که شریکی ندارد و گواهی دهم که تو پیامبر او هستی و تویی محمد بن عبدالله، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ رِسَالَاتِ رَبِّكَ، وَنَصَحْتَ لِمَمَّتِكَ، وَجَاهَدْتَ فِي

عبدالله و گواهی دهم که تو رسالتهای پروردگارت را ابلاغ کردی و برای امتت خیرخواهی نمودی و در

سَبِيلِ اللَّهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَأَدَيْتَ الَّذِي عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ، وَأَنَّكَ

راه خدا از راه حکمت و اندرز نیکو، جهاد (وکوشش) کردی و آنچه را که از حق بر عهده تو بود ادا کردی و براستی

قَدْ رُوِّفْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ، وَعَلَّظْتَ عَلَى الْكَافِرِينَ وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً حَتَّى

تو نسبت به مؤمنان مهربانی کردی و بر کافران سخت گرفتی و خدا را با اخلاص پرستش کردی تا یقین (یعنی مرگ)

أَتَيْكَ الْيَقِينَ، فَبَلَغَ اللَّهُ بِكَ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَنْقَذَنَا بِكَ

بسراغت آمد پس خداوند تو را به شریف ترین مقام گرامیان رسانید ستایش خاص خدایی است که

مِنَ الشِّرْكِ وَالضَّلَالِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَصَلَوَاتِ

ما را بوسیله تو از شرک و گمراهی نجات داد خدایا درود فرست بر محمد و آلش و قرار ده درودهای خود و درودهای

مَلَائِكَتِكَ، وَأَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ، وَعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ، وَأَهْلَ

فرشتگان و پیامبران و رسولان و بندگان شایستهات و اهل

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ، وَمَنْ سَبَّحَ لَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ،

آسمانها و زمینها و هر که برای تو تسبیح کند ای پروردگار جهانیان از پیشینیان و پسینیان

عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، وَبَيْتِكَ وَأَمِينِكَ، وَجَبَّيْكَ

همه را برای محمد بندهات و فرستاده و پیامبرت و امین و حیت و برگزیده؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟ وَصَفِيَّكَ وَصِفْوَتِكَ، وَخَاصَّتِكَ

وَخَالِصَتِكَ، وَخَيْرَتِكَ مِنْ

و حبیب و صفی و پاکیزه و خاص درگاه و خالصت و انتخاب شده از

خَلَقَكَ، وَأَعْطَاهِ الْفَضْلَ وَالْفَضِيلَةَ، وَالْوَسِيلَةَ وَالدرَجَةَ الرَّفِيعَةَ، وَابْعَثَهُ
خَلَقْتَ وَبِهِ اَوْ عطا كن بر تري و فضيلت و وسيله و درجه بلند و برآور او را
مَقَاماً مَحْمُوداً يَغِيبُهُ بِهِ الْاَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ، اَللّهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ وَلَوْ
به مقام پسندیده اي که اولين و آخرين به مقامش غبطه خورند خدايا خودت (در قرآن) گفتی «و اگر
اَنَّهُمْ اِذْ ظَلَمُوا اَنْفُسَهُمْ جَاؤُكَ، فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ،
ايشان در آن دم که بر خویش ستم کردند پیش تو آمده و از خدا آمرزش خواسته و پیغمبر
لَوْجَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً رَحِيماً، اِلهِي فَقَدْ اَتَيْتُ نَبِيَّكَ مُسْتَغْفِراً تَائِباً مِنْ
برای آنها آمرزش خواسته بود حتماً خدا را توبه پذیر و مهربان می یافتند» خدايا من اکنون به نزد پیغمبرت آمده و
آمرزش خواه

ذُوبِي، فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاغْفِرْهَا لِي، يَا سَيِّدَنَا اَتَوَجَّهُ بِكَ،
و توبه کننده از گناهانم هستم پس درود فرست بر محمد و آلش و گناهانم را بپارزای آقاي ما (اي رسول خدا) بوسيله تو
وِبَاهِلِ بَيْتِكَ اِلَى اللَّهِ تَعَالَى رَبِّكَ وَرَبِّي لِيَغْفِرَ لِي، پس سه مرتبه بگو: اِنَّا لِلَّهِ
و اهل بيت بسوي خدای تعالی پروردگار تو و پروردگار خودم رو مي آورم تا مرا بپارزد × × × × ما از آن خداييم
وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ پس بگو: أَصْبْنَا بِكَ يَا حَبِيبَ قُلُوبِنَا، فَمَا أَعْظَمَ
و مسلماً بسویش باز می گردیم × × ما به واسطه شما مصیبت زده ایم اي محبوب دلهاي ما و راستی چه اندازه بزرگ است
الْمُصِيبَةُ بِكَ حَيْثُ انْقَطَعَ عَنَّا الْوَحْيُ، وَحَيْثُ فَقَدْنَاكَ فَإِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ
مصیبت تو که بدانجهت وحی از ما منقطع گشته و مبتلا به فقدان توشدیم پس ما هم از آن خداييم و مسلماً بسویش
رَاجِعُونَ، يَا سَيِّدَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَعَلَى آلِ بَيْتِكَ
باز می گردیم اي آقاي ما اي رسول خدا درود خدا بر تو و بر خاندان
الطَّاهِرِينَ، هَذَا يَوْمُ السَّبْتِ وَهُوَ يَوْمُكَ، وَإِنَّا فِيهِ ضَيْفُكَ وَجَارُكَ،
طاهرين باد امروز روز شنبه است و آن روز تو است و من در اين روز مهمان تو و پناهنده به توأم
فَاضِفْنِي وَاجِرْنِي، فَإِنَّكَ كَرِيمٌ تُحِبُّ الضَّيْفَةَ، وَمَأْمُورٌ بِالْإِجَارَةِ،
پس مرا پذيراي کن و پناهم ده که همانا تو بزرگواري و مهمان نوازي را دوست داري و مأمور به پناه دادن هستی
فَاضِفْنِي وَأَحْسِنْ ضَيْفَاتِي، وَاجِرْنَا وَأَحْسِنْ إِجَارَتَنَا، بِمَنْزِلَةِ اللَّهِ عِنْدَكَ وَعِنْدَ
پس پذيراييم کن و نيکو پذيراييم کن و پناهم ده و نيکو پناهم ده به حق مقام و منزلت خدا در نزد تو و نزد خاندانت

آلِ بَيْتِكَ، وَبِمَنْزِلَتِهِمْ عِنْدَهُ، وَبِمَا اسْتَوْدَعَكُمْ مِنْ عِلْمِهِ فَإِنَّهُ أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ .

و به حق مقام و منزلت ایشان در پیش خدا و به حق آن علمی که خدا به ودیعت در نزد شما نهاده که همانا او کریمترین کریمان است

جامع این کتاب عباس قمی عَفِیَ عَنْهُ گوید که من هرگاه خواستم زیارت کنم آنحضرت را به این زیارت اول زیارت می‌کنم آنحضرت را بنحویکه حضرت امام رضا علیه السلام تعلیم بَرِئَطِی فرموده بعد از آن این زیارت را می‌خوانم و کیفیت آن چنان است که روایت شده بسند صحیح که ابن ابی نصر خدمت امام رضا علیه السلام عرض کرد که بعد از نماز چگونه صلوات و سلام بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله باید فرستاد فرمود می‌گوئی :

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدُ بْنُ

سلام بر تو ای رسول خدا و رحمت خدا و برکاتش سلام بر تو ای محمد بن

عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

عبدالله سلام بر تو ای برگزیده خدا سلام بر تو ای حبیب خدا سلام بر تو ای

صِفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مُحَمَّدٌ

انتخاب شده خدا سلام بر تو ای امین (وحي) خدا گواهی دهم که تو پیامبر خدایی و گواهی دهم که تویی محمد

بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ صَحَّحْتَ لِمُتِّكَ، وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ، وَعَبَدْتَهُ حَتَّى

بن عبدالله و گواهی دهم که برستی تو برای امتت خیرخواهی کردی و در راه پروردگارت جهاد کردی و او را پرستش کردی

أَتَيْكَ الْيَقِينَ، فَجَزَاكَ اللَّهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَفْضَلَ مَا جَزَى نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ

تا یقین (یعنی مرگ) بسرغت آمد پس پاداشت دهد خدا ای رسول خدا بهترین پاداشی که از طرف امتی به پیغمبرشان دهد خدایا درود فرست

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ .

بر محمد و آل محمد بهترین درودی که بر ابراهیم و آل ابراهیم فرستادی که همانا تو بسیار ستوده و بزرگواری

زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

به روایت آن کسی که در بیداری مشاهده کرد که جناب صاحب الزمان علیه السلام آن حضرت را به این کلمات زیارت

کرد در روز یکشنبه که روز آنحضرت است :

السَّلَامُ عَلَيَّ الشَّجَرَةِ النَّبَوِيَّةِ، وَالْدَّوْحَةِ الْهَاشِمِيَّةِ الْمُضَيَّيَّةِ، الْمُثْمَرَةِ بِالنَّبُوَّةِ،
سلام بر درخت طيبة نبوت و کهن درخت تنومند هاشمی که درختی است تابان و بارور به نبوت و سرسبز
الْمُوثِقَةِ بِالْإِمَامَةِ، وَعَلَيَّ ضَجِيعِكَ آدَمَ وَنُوحَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
و خرم به امامت و بر دو آرمیده در کنارت آدم و نوح علیهما السلام سلام بر تو
وَعَلَيَّ أَهْلَ بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَيَّ الْمَلَائِكَةِ الْمُحَدِّقِينَ
و بر خاندان پاک و پاکیزهات سلام بر تو و بر فرشتگانی که تو را در برگرفته
بِكَ، وَالْحَافِينَ بِقَبْرِكَ، يَا مَوْلَايَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، هَذَا يَوْمُ الْآخِرِ وَهُوَ يَوْمُكَ
و اطراف قبرت را گرفته اند ای مولای من ای امیر مؤمنان امروز روز یکشنبه است و آن روز تو و
وَبِاسْمِكَ، وَأَنَا ضَيْفُكَ فِيهِ وَ جَارُكَ، فَاضْفِنِي يَا مَوْلَايَ وَاجْرِنِي، فَإِنَّكَ كَرِيمٌ
بنام تو است و من در این روز مهمان تو و در پناه توام پس ای مولای من پذیرایم کن و پناهم ده که برستی تو کریمی
تُحِبُّ الضِّيَافَةَ وَ مَأْمُورٌ بِالْإِجَارَةِ، فَافْعَلْ مَا رَغِبْتُ إِلَيْكَ فِيهِ، وَرَجَوْتُهُ مِنْكَ،
و مهمان نوازی را دوست داری و مأمور به پناه دانی پس انجام ده آنچه را که من میل بدان دارم و از تو امیدوارم
بِمَنْزِلَتِكَ وَ آلِ بَيْتِكَ عِنْدَ اللَّهِ، وَمَنْزِلَتِهِ عِنْدَكُمْ، وَبِحَقِّ ابْنِ عَمِّكَ
به حق مقام و منزلت تو و خاندانت نزد خدا و منزلت او در نزد شما و به حق پسر عمویت
رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، وَعَلَيْهِمْ [وَعَلَيْكُمْ] أَجْمَعِينَ .
رسول خدا درود و سلام خدا بر او و آلش و بر همه شما باد .

زیارت حضرت فاطمه زهراء علیها السلام

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُمْتَحَنَةً، اُمْتَحَنَكَ الَّذِي خَلَقَكَ، فَوَجَدَكَ لِمَا اُمْتَحَنَكَ
سلام بر تو ای آزمایش شده، آزمودت آن خدایی که تو را آفرید پس تو را در آنچه آزمود
صَابِرَةً، أَنَا لَكَ مُصَدِّقٌ، صَابِرٌ عَلَيَّ مَا أَتَى بِهِ أَبُوكَ وَوَصِيَّهُ، صَلَوَاتُ اللَّهِ
بردار یافت و من مقام شایسته را تصدیق دارم و بر آنچه پدرت و همچنین وصی او - که درود خدا
عَلَيْهِمَا، وَأَنَا أَسْأَلُكَ إِنْ كُنْتُ صَدَقْتُكَ إِلَّا الْحَقَّتَنِي بِتَصَدِيقِي لَهَا لِيُسَرَّ
بر ایشان باد - آورده اند صابر و از تو می خواهم که اگر تو را تصدیق کرده ام تصدیق مرا به آن دو نیز برسانی تا
نَفْسِي فَاشْهَدِي أَنِّي ظَاهِرٌ بِوَلَايَتِكَ، وَوَلَايَةِ آلِ بَيْتِكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ .

دل را شاد گردانی و گواه باش که من پشت گرم به ولایت تو و ولایت خاندانت صلوات الله عليهم اجمعین هستم

ایضاً زیارت حضرت زهراء عليها السلام به روایت دیگر

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُمْتَحَنَةً، اِمْتَحَنَكَ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ،

سلام بر تو ای آزمایش شده آنکس که تو را آفرید پیش از آنکه تو را خلق کند آزمودت

وَكُنْتَ لِمَا اِمْتَحَنَكَ بِهِ صَابِرَةً، وَنَحْنُ لَكَ اَوْلِيَاءُ مُصَدِّقُونَ، وَلِكُلِّ مَا

و تو در آن آزمایش بردبار و شکیبا بودی و ما دوستان تو و تصدیق کنندگان شماییم و در برابر هر چه

آتی به اَبُوكَ صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، وَآتَى بِهِ وَصِيَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

پدرت صلی الله علیه و آله و سلم و وصیش علیه السلام آورده اند

مُسْلِمُونَ، وَنَحْنُ نَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ اِذْ كُنَّا مُصَدِّقِينَ لَهُمْ، اَنْ تُلْحِقَنَا بِتَصَدِّقِنَا

تسلیم هستیم و ای خدا ما از تو می خواهیم همچنانکه ما تصدیق کننده این بزرگان هستیم تو هم ما را بخاطر همین

تصدیقمان

بِالدَّرَجَةِ الْعَالِيَةِ، لِتُبَشِّرَ اَنْفُسَنَا بِاَنَّا قَدْ طَهَّرْنَا بَوَلاَئِهِمْ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ .

به درجه عالی ای برسانی تا ما خود را مژده دهیم که بخاطر دوستی و ولایت این خانواده عليهم السلام پاک شدیم

روز دوشنبه روز امام حسن و امام حسین علیهما السلام است

در زیارت امام حسن علیه السلام می گوئی: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ،

* * * * * سلام بر تو ای فرزند پیامبر (خدا)

پروردگار جهانیان

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ،

سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صِفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَمِينَ اللَّهِ،

سلام بر تو ای حبیب خدا سلام بر تو ای برگزیده خاص خدا سلام بر تو ای امین (وحي) خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صِرَاطَ اللَّهِ،

سلام بر تو ای حجت خدا سلام بر تو ای نور خدا سلام بر تو ای راه (مستقیم)

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَيَانَ حُكْمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَاصِرَ دِينِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

خدا سلام بر تو اي بيان (کننده) حکم خدا سلام بر تو اي ياور دين خدا سلام بر تو اي
 أَيُّهَا السَّيِّدُ الزَّكِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبِرُّ الْوَفِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
 آقاي پاك (و منزله از هر عيب) سلام بر تو اي نيكوكردار وفادار سلام بر تو
 أَيُّهَا الْقَائِمُ الْأَمِينُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَالِمُ بِالتَّأْوِيلِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
 اي قيام‌كننده (به امر خدا) و امين سلام بر تو اي داناي به تأويل (قرآن) سلام بر تو
 أَيُّهَا الْهَادِي الْمُهْدِي، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الطَّاهِرُ الزَّكِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
 اي راهنماي راه يافته سلام بر تو اي پاكيزه منزله سلام بر تو
 أَيُّهَا التَّقِيُّ النَّفِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْحَقُّ الْحَقِيقُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّهِيدُ
 اي پرهيزكار پاكدامن سلام بر تو اي حق سزاوار بدان سلام بر تو اي شهيد
 الصَّدِيقُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ .
 راست گفتار سلام بر تو اي ابا محمد حسن بن علي و رحمت خدا و بركات او

زيارت حضرت امام حسين عليه السلام

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ
 سلام بر تو اي فرزند رسول خدا سلام بر تو اي فرزند امير مؤمنان سلام
 عَلَيْكَ يَا بْنَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ،
 بر تو اي فرزند بانوي زنان جهانيان گواهي دهم كه تو براسق نماز را برپا داشتی و زكات دادی
 وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَ عَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً، وَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ
 و امر به معروف كردي و نهی كردي از منكر (و كارهاي زشت) و خدای را از روي اخلاص پرستش كردي و در راه
 خدا

حَقَّ جِهَادِهِ حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ، فَعَلَيْكَ السَّلَامُ مِنِّي مَا بَقِيَْتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ
 آنطور كه بايد و شايد جهاد كردي تا يقين (يعنی مرگ) به سراغت آمد پس بر تو باد سلام من تا من زنده‌ام و شب
 وَالنَّهَارُ، وَ عَلَيَّ آلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، أَنَا يَا مَوْلَايَ مَوْلَى لَكَ وَلِآلِ
 روز بر پا است و بر خاندان پاكيزه و پاك باد و من اي مولایم دوستدار تو و خاندانت
 بَيْتِكَ، سَلِمَ لِمَنْ سَالَمَكُمْ، وَ حَرَبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَ جَهْرِكُمْ،

هستم صلح با هرکس که با شما در صلح است و در جنگم با هرکس که با شما در جنگ است ایمان دارم به راز پنهان و به امر

و ظاهركُمْ وَبَاطِنِكُمْ، لَعَنَ اللَّهُ أَعْدَائَكُمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، وَأَنَا

آشکار شما و ظاهر و باطن شما خدا لعنت کند دشمنانتان را از اولین و آخرین و من

أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْهُمْ، يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ، يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ،

بیزاری می جویم به سوی خدای تعالی از ایشان ای مولای من ای ابا محمد و ای مولای من ای ابا عبدالله

هَذَا يَوْمُ الْإِثْنَيْنِ وَهُوَ يَوْمُكُمْ وَبِاسْمِكُمْ، وَأَنَا فِيهِ ضَيْفُكُمْ فَاضِيفَانِي،

امروز روز دوشنبه است و این روز شما است و به نام شما است و من در این روز مهمان شمایم پس مرا بنوازید

وَأَحْسِنَا ضِيافَتِي، فَنِعْمَ مَنْ اسْتُضِيفَ بِهِ أَتُّمَّا، وَأَنَا فِيهِ مِنْ جَوَارِكُمْ فَاجِيرَانِي،

و نیکو مهمان نوازی کنید که چه خوب مهمان نوازانید شما برای مهمان و من در این روز در پناه شمایم پس مرا پناه دهید که

فَأَتُّكُمْ مَأْمُورَانِ بِالضِّيَافَةِ وَالْإِجَارَةِ، فَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكُمَا وَآلِكُمَا الطَّيِّبِينَ .

همانا شما به مهمان نوازی و پناه دادن مأمورید درود خدا بر شما و بر خاندان پاکتان باد

روز سه شنبه

به اسم حضرت امام زین العابدین و امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهم السلام است زیارت کن ایشان را بدین زیارت :

الْسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا خُزَّانَ عِلْمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا تَرَاجِمَةَ

سلام بر شما ای گنجینه داران علم خدا سلام بر شما ای ترجمانان (و مفسران)

وَحْيِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أئِمَّةَ الْهُدَى، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا

وحی خدا سلام بر شما ای پیشوایان هدایت سلام بر شما ای

أَعْلَامَ الثَّقَى، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَوْلَادَ رَسُولِ اللَّهِ، أَنَا عَارِفٌ بِحَقِّكُمْ .

نشانه های پرهیزکاری سلام بر شما ای فرزندان رسول خدا من به حق شما شناسایی دارم

مُسْتَبَصِرٌ بِشَأْنِكُمْ، مُعَادٍ لِأَعْدَائِكُمْ، مُوَالٍ لِأَوْلِيَاءِكُمْ، بَابِي أَنْتُمْ وَأُمِّي

و به شأن و مقامتان بینایی کامل دارم دشمنم با دشمنانتان دوستم با دوستانتان پدر و مادرم به فدایتان

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَتَوَالِيْ اٰخِرَهُمْ كَمَا تَوَالَيْتُ اَوَّلَهُمْ،
 درود خدا بر شما خدایا من دوست دارم آخرین ایشان را چنانچه دوست دارم نخستین آنها را
 وَاَبْرءُ مِنْ كُلِّ وَلِيْجَةٍ دُوْنَهُمْ، وَ اَكْفُرُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوْتِ وَاللَّاتِ
 و بیزاری جویم از هر همدم باطل غیر از ایشان و به جبت و طاغوت (مدعیان دروغین مقام ایشان) و لات
 وَالْعُزَّى، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ يَا مَوَالِيَّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، اَلْسَّلَامُ
 و عزی کافر درود خدا بر شما ای سروران من و رحمت خدا و برکاتش سلام بر
 عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْعَابِدِيْنَ، وَسَلَاةَ الْوَصِيَّيْنَ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا باقرَ عِلْمِ
 تو ای بزرگ عابدان و نژاد پاک اوصیاء سلام بر تو ای شکافنده علم
 النَّبِيِّيْنَ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَادِقًا مُّصَدِّقًا فِي الْقَوْلِ وَالْفِعْلِ، يَا مَوَالِيَّ
 پیامبران سلام بر تو ای راستگوی تصدیق شده در گفتار و کردار ای سروران من
 هَذَا يَوْمُكُمْ وَهُوَ يَوْمُ الثَّلَاثَاءِ، وَاَنَا فِيهِ ضَيْفٌ لَّكُمْ وَمُسْتَجِيرٌ بِكُمْ
 امروز که روز سه شنبه است روز شما است و من در این روز مهمان شمایم و پناه جوی به شمایم پس از من
 فَاضِيفُوْنِي وَاَجِرُوْنِي بِمَنْزِلَةِ اللَّهِ عِنْدَكُمْ، وَآلِ بَيْتِكُمُ الطَّيِّبِيْنَ الطَّاهِرِيْنَ
 پذیرایی کنید و پناه دهید بدان مقامی که خدا در نزد شما و خاندان پاک و پاکیزه شما دارد

روز چهارشنبه

به اسم حضرت موسی بن جعفر و امام رضا و امام محمد تقی و امام علیّ التّقیّ علیهم السلام است بگو در زیارت ایشان :

اَلْسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا اَوْلِيَاءَ اللَّهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا حُجَجَ اللَّهِ،
 سلام بر شما ای دوستان خدا سلام بر شما ای حجت‌های خدا
 اَلْسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْاَرْضِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكُمْ
 سلام بر شما ای نور (های) خدا در تاریکی‌های زمین سلام بر شما
 صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَعَلَى آلِ بَيْتِكُمُ الطَّيِّبِيْنَ الطَّاهِرِيْنَ، يَا اَبِيْ اَنْتُمْ
 و درود خدا بر شما و بر خاندان پاک و پاکیزه‌تان باد پدرم و
 وَاُمِّي لَقَدْ عَبْدْتُكُمْ اللَّهُ مُخْلِصِيْنَ، وَجَاهَدْتُكُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ حَتَّى

و مادرم به فدای شما که براستی شما خدای را از روی اخلاص پرستش کردید و آنطور که باید و شاید در راه خدا جهاد
 أَتَيْكُمُ الْيَقِينُ، فَلَعَنَ اللَّهُ أَعْدَاءَكُمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ أَجْمَعِينَ، وَأَنَا أَبْرَأُ
 کردید تا مرگ به سراغ شما آمد پس خدا لعنت کند همه دشمنانتان را از جن و انس و من به سوی خدای الهی و اَلَيْكُمُ
 مِنْهُمْ، يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا إِبْرَاهِيمَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ، يَا مَوْلَايَ يَا
 و شما از ایشان بیزاری می جویم ای سرور من ای ابا ابراهیم - موسی بن جعفر - و ای مولای من
 أَبَا الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى، يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ،
 ای ابالحسن - علی بن موسی - و ای آقایی من ای ابا جعفر - محمد بن علی -
 يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ، أَنَا مَوْلَى لَكُمْ، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ
 و ای مولای من ای ابالحسن - علی بن محمد - من دوست شمایم ایمان به راز نهان
 وَجَهْرِكُمْ، مُتَضَيِّفٌ بِكُمْ فِي يَوْمِكُمْ هَذَا وَهُوَ يَوْمُ الْأَرْبَعَاءِ، وَمُسْتَجِيرٌ
 و امر آشکار شما دارم و خود را در این روز که روز چهارشنبه است به مهمانی
 بِكُمْ فَأَضِيفُونِي وَاجِيرُونِي بِأَلِ بَيْتِكُمُ الطَّاهِرِينَ .
 شما خوانده ام و به شما پناه آورده ام پس از من پذیرایی کنید و پناهیم دهید به حق خاندان پاک و پاکیزه تان

روز پنجشنبه

روز حضرت امام حسن عسکری علیه السلام است بگو در زیارت آن حضرت السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
 * * * * * سلام بر تو ای
 وَلِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَخَالِصَتَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ
 ولی خدا سلام بر تو ای حجت خدا و بنده خدا و بنده خالص او سلام بر تو ای پیشوای
 الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثَ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةَ رَبِّ الْعَالَمِينَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ
 مؤمنان و وارث فرستادگان (خدا) و حجت پروردگار جهانیان درود خدا بر تو
 وَعَلَى آلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ، يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ،
 و بر خاندان پاک و پاکیزه ات ای سرور من ای ابا محمد - حسن بن علی -
 أَنَا مَوْلَى لَكَ وَلِأَلِ بَيْتِكَ، وَهَذَا يَوْمُكَ وَهُوَ يَوْمُ الْخَمِيسِ، وَأَنَا ضَيْفُكَ فِيهِ، وَ
 من دوست شما و خاندانت هستم و امروز که روز پنجشنبه است روز شما است و من در این روز میهمان شمایم و

مُسْتَجِيرُ بِكَ فِيهِ، فَأَحْسِنْ ضِيَافَتِي وَاجَارَتِي، بِحَقِّ آلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ .

پناهنده به شمایم پس نیکو از من پذیرایی کن و بخوبی پناهم ده به حق خاندان پاک و پاکیزه‌ات

روز جمعه

روز حضرت صاحب الزمان علیه السلام و بنام آن جناب است و همان روزی است که در آن روز ظهور

خواهد فرمود بگو در زیارت آن حضرت: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ،

* * * * * سلام بر تو ای حجت خدا در روی زمین

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي يَهْتَدِي

سلام بر تو ای دیده‌بان (یا دیده) خدا در میان خلق سلام بر تو ای نور خدا که راهجویان

بِهِ الْمُهْتَدُونَ، وَيُفَرِّجُ بِهِ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُهَذَّبُ

بدان راهنمایی شوند و به وسیله او از کار مؤمنان گشایش شود سلام بر تو ای پاک پروریده

الْخَائِفُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ النَّاصِحُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَفِينَةَ

ترسان (از دشمن) سلام بر تو ای سرپرست خیرخواه سلام بر تو ای کشتی

النَّجَاةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ الْحَيَاةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى آلِ

نجات سلام بر تو ای چشمه حیات سلام بر تو باد درود خدا بر تو و بر خاندان

بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ عَجَّلَ اللَّهُ لَكَ مَا وَعَدَكَ مِنَ التَّصْرِ

پاک و پاکیزه‌ات باد سلام بر تو خدا شتاب کند در وعده یاری

وظهور الأمر، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ، أَنَا مَوْلَاكَ عَارِفٌ بِأَوْلِيكَ وَأَخْرِيكَ،

تو و پیروزی کارت سلام بر تو ای سرور من، و من دوست تو و بینیای به آغاز و انجام کارت هستم

أَتَقَرَّبُ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى بِكَ وَبِآلِ بَيْتِكَ، وَأَتَنْظِرُ ظُهُورَكَ، وَظُهُورَ الْحَقِّ عَلَيَّ

و به سوی خدای تعالی بوسیله تو و خاندانت تقرب جویم و منتظر ظهور تو و پیروزی حق بدست

يَدَيْكَ، وَأَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ يَجْعَلَ مِنِّي

تو هستم و از خدا می‌خواهم که درود فرستد بر محمد و آل محمد و مرا در زمره

الْمُنْتَظَرِينَ لَكَ وَالْتَّابِعِينَ وَالتَّاصِرِينَ لَكَ عَلَيَّ أَعْدَائِكَ، وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ

منتظران و پیروان تو قرار دهد و در زمره یاوران تو در برابر دشمنانت و کسانی که در پیش رویت در میان

يَدِّيكَ فِي جُمْلَةِ أَوْلِيَاكَ، يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ
 دوستان شربت شهادت می نوشند ای مولای من ای صاحب الزمان درود خدا بر تو
 وَعَلَى آلِ بَيْتِكَ، هَذَا يَوْمُ الْجُمُعَةِ وَهُوَ يَوْمُكَ، الْمُتَوَقَّعُ فِيهِ ظُهُورُكَ، وَالْفَرَجُ
 و بر خاندانت، امروز روز جمعه است و آن روز تو است که انتظار ظهور تو در آن روز و انتظار فرج
 فِيهِ لِلْمُؤْمِنِينَ عَلَى يَدَيْكَ، وَقَتْلُ الْكَافِرِينَ بِسَيْفِكَ، وَأَنَا يَا مَوْلَايَ فِيهِ
 مؤمنان بدست تو و کشتار کافران بوسیله شمشیر تو در این روز می رود و من ای آقای من در این روز میهمان تو و
 پناهنده ات هستم

ضَيْفُكَ وَجَارُكَ، وَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ كَرِيمٌ مِنْ أَوْلَادِ الْكَرَامِ، وَمَأْمُورٌ بِالضِّيَافَةِ
 و تو ای سرور من بزرگواری از فرزندان بزرگواران هستی و به میهمان نوازی
 وَالْإِجَارَةِ، فَأَضِفْنِي وَاجِرْنِي، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ .
 و پناه دادن مأموری پس مرا بنواز و پناهم ده درود خدا بر تو و بر خاندان طاهرینت باد .
 سید بن طاووس گفته که من بعد از این زیارت مُتَمَثِّل می شوم به این شعر و اشاره می کنم به آن حضرت و می گویم :
 نَزِيلُكَ حَيْثُ مَا اتَّجَهْتُ رِكَابِي
 وَضَيْفُكَ حَيْثُ كُنْتُ مِنَ الْبِلَادِ
 یعنی من بر تو نازل می شوم هر کجا که راحله ام روی آورد و مرا وارد نماید و میهمان تو هستم در هر کجا که باشم از شهرها .

فصل ششم در ذکر بعضی از ادعیه مشهوره

از جمله دعای صباح حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و آن این است :

اللَّهُمَّ يَا مَنْ دَلَعَ لِسَانَ الصَّبَاحِ بِطُوقِ تَبَلُّجِهِ، وَسَرَّحَ قَطَعَ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ بِغَيَابِ
 خدایا ای کسی که بیرون کشید زبان صبحدم را به بیان تابناک آن و پراکنده ساخت پاره های شب تاریک را با آن
 توده های

تَلَجُلُجِهِ، وَأَثَقَنَ صُنْعَ الْفَلَكَ الدَّوَّارِ فِي مَقَادِيرِ تَبَرُّجِهِ، وَشَعَّشَعَ ضِيَاءَ

سیاه سرگردانی که داشت و محکم ساخت ساختمان این چرخ گردون را در اندازه‌ها و گردشهای زیبایش و پرتو افکن ساخت

الشَّمْسِ بُنُورٍ تَأْجُجُهُ، يَا مَنْ دَلَّ عَلَيِّ ذَاتِهِ بِذَاتِهِ، وَتَنَزَّهَ عَنْ مُجَانَسَةِ

تابش خورشید را با نور فروزان و گرم آن ای که راهنمایی کرد بر خودش به خودش و منزّه است از هم جنسی (و مشابهت با)

مَخْلُوقَاتِهِ، وَجَلَّ عَنْ مُلَائِمَةِ كَيْفِيَّاتِهِ، يَا مَنْ قَرُبَ مِنْ خَطَرَاتِ الظُّنُونِ،

مخلوقاتش و برتر است از سنخیت یا چگونگیهای عالم خلقت ای کسی که نزدیک است به گمانهایی که (درباره او)

وَبَعْدَ عَنْ لِحَظَاتِ الْعُيُونِ، وَعَلِمَ بِمَا كَانَ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ، يَا مَنْ أَرَقَدَنِي فِي

بر دل خطور کند ولی دور است از چشم انداز دیدگان و می‌داند آنچه را شود پیش از شدنش ای کسی که مرا در گهواره

مِهَادِ أَمْنِهِ وَأَمَانِهِ، وَأَيَّقَنِي إِلَى مَا مَنَحَنِي بِهِ مِنْ مَنَنِهَ وَإِحْسَانِهِ، وَكَفَّ

آسایش و امنیت خود به خواب برد و برای استفاده از نعمتها و بخششهای بیدریغش که به من ارزانی داشته بیدارم کرد و

أَكْفَّ السُّوءَ عَنِّي بِيَدِهِ وَسُلْطَانِهِ، صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَيَّ الدَّلِيلِ إِلَيْكَ فِي اللَّيْلِ،

پنج‌های بدخواهان را بدست قدرت و سلطنت خویش از من بازداشته درود فرست بر آن راهنمای به سوی تو در

الْأَيْلِ وَالْمَسَكِ مِنْ أَسْبَابِكَ بِحَبْلِ الشَّرَفِ الْأَطْوَلِ، وَالنَّاصِعِ الْحَسَبِ فِي ذِرْوَةِ

شب بسیار تار (جاهلیت) و آن کس که در میان اسباب و وسائل تو بلندترین ریسمان شرف را گرفت و آن کس که

حسب پاک

الْكَاهِلِ الْأَعْبَلِ، وَالثَّابِتِ الْقَدَمِ عَلَيَّ زَحَالِفِهَا فِي الزَّمَنِ الْأَوَّلِ، وَعَلَيَّ إِلَه

و خالصش بر بلندترین‌شانه‌های مردان عالم قرار داشت و آن ثابت قدم بر روی لغزشگاهها در آن زمان پیشین و بر

خاندان

الْأَخْيَارِ الْمُصْطَفَيْنِ الْأَبْرَارِ، وَافْتَحَ اللَّهُمَّ لَنَا مَصَارِيحَ الصَّبَاحِ بِمَفَاتِيحِ

نیکوکار برگزیده خوش کردارش و بگشا برای ما خدایا لنگه‌های در بامدادان را به کلیدهای

الرَّحْمَةِ وَالْفَلَاحِ، وَالْبِسْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَفْضَلِ خَلْعِ الْهُدَايَةِ وَالصَّلَاحِ،

رحمت و رستگاری و بپوشانم خدایا از بهترین خلعتهای هدایت و شایستگی

وَأَغْرِسِ اللَّهُمَّ بِعَظَمَتِكَ فِي شَرْبِ جَنَانِي يَتَابِعِ الْخُشُوعَ، وَأَجْرِ اللَّهُمَّ

و بجوشان خدایا به عظمت خویش در جویبار دلم چشمه‌های خشوع و جاری ساز خدایا

لَهَيْبَتِكَ مِنْ أَمَاقِي زَفَرَاتِ الدُّمُوعِ، وَأَدَّبِ اللَّهُمَّ نَزَقَ الْخُرْقِ مِنِّي بِأَرْمَةِ
برای هیبتت از گونه هایم مشکهای اشک و ادب کن خدایا سبک مغزی و تندخویی مرا به مهارهای
الْفُتُوعِ، إلهي إِنْ لَمْ تُبَدِّدْنِي الرَّحْمَةُ مِنْكَ بِحُسْنِ التَّوْفِيقِ فَمَنْ السَّالِكُ بِي
قناعت (یا خواری در سؤال) خدایا اگر در ابتدا رحمت تو از روی حسن توفیق به سراغ من نمی آمد پس چه کسی
إِلَيْكَ فِي وَاضِحِ الطَّرِيقِ، وَإِنْ أَسْلَمْتَنِي أَنَاثُكَ لِقَائِدِ الْأَمَلِ وَالْمُنَى فَمَنْ الْمُقِيلُ
بود که مرا در این راه روشن بسویت آرد و اگر حلم و بردباری تو مرا بدست آرزو و میل سرکش سپارد پس چه کسی
عَثَرَاتِي مِنْ كِبَاةِ الْهَوَى، وَإِنْ خَذَلَنِي نَصْرُكَ عِنْدَ مُحَارَبَةِ النَّفْسِ
لغزشهای مرا از زمین خوردنهای هوا و هوس نادیده بگیرد و اگر در هنگام جنگ با نفس
وَالشَّيْطَانِ فَقَدْ وَكَلَنِي خِذْلَانِكَ إِلَى حَيْثُ التَّصَبُّبِ وَالْحَرَمَانِ، إلهي
و شیطان یاری تو نباشد مسلماً همان یاری نکردنت مرا بدست رنج و حرمان سپارد خدایا
أَتَرَانِي مَا أَتَيْتُكَ إِلَّا مِنْ حَيْثُ الْأَمَالِ، أَمْ عَلَقْتُ بِأَطْرَافِ حِبَالِكَ إِلَّا حِينَ
تو بخوبی مرا می بینی که نزدت نیامدم جز از راه آرزوها (و آنها بود که مرا به درگاهت آورد) یا شده که بسر رشته های
فَضْلٍ
بَاعَدْتَنِي ذُنُوبِي عَنْ دَارِ الْوِصَالِ، فَبِئْسَ الْمَطِيَّةُ الَّتِي امْتَطَيْتَ نَفْسِي مِنْ
و کرمت چنگ زخم جز وقتی که گناهانم مرا از خانه وصال دور سازد پس چه بدمرکی است این مرکب هوا و هوس که نفس من بر
آن
هَوَاهَا، فَوَاهَا لَهَا لِمَا سَوَّلَتْ لَهَا ظُنُونُهَا وَمُنَاهَا، وَتَبَّأَ لَهَا لِحُرَّاتِهَا عَلَي
سوار شده پس وای بر این نفس که گمانهای باطل و آرزوهای بیجایش در نزد او جلوه کرد و نابود باد که بر
سَيِّدِهَا وَمَوْلِيهَا، إلهي قَرَعْتُ بَابَ رَحْمَتِكَ بِيَدِ رَجَائِي، وَهَرَبْتُ إِلَيْكَ
آقا و مولای خویش دلیری کرد خدایا من در رحمت را بدست امیدم کوبیدم و
لَا جُنَاءَ مِنْ فَرَطٍ أَهْوَأَنِي، وَعَلَقْتُ بِأَطْرَافِ حِبَالِكَ أَنَا مِلَ وَلَا نِي، فَأُصْفَحْ
از فرط هواهای نفسانی به حال پناهندگی بسوی تو گریختم و بند کردم بسر رشته های کرمت انگشتان دوستی ام را پس
درگذر
اللَّهُمَّ عَمَّا كُنْتُ أَجْرَمْتُهُ مِنْ زَلَلِي وَخَطَايَايَ، وَأَقْلَنِي مِنْ صَرَعَةِ [رِدَائِي]
خدایا از جرمهایی که من از روی لغزش و خطا کردم و نگاهم دار از حمله بیماریم (که دچار گشته ام)

فَإِنَّكَ سَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَمُعْتَمِدِي وَرَجَائِي، وَأَنْتَ غَايَةُ مَطْلُوبِي وَمُنَايَ فِي
 زیرا که تویی آقا و مولایم و تکیه گاه و امیدم و تویی منتهای خواسته و
 مُنْقَلَبِي وَمَثْوَايَ، اِهْيَا كَيْفَ تَطْرُدُ مَسْكِينًا اِلَيْكَ مِنَ الذُّنُوبِ هَارِبًا،
 آرمانم در دنیا و عقبایم خدایا چگونه برای از درگاہت بیچاره‌ای را که در حال فرار از گناهان به تو پناه آورده
 اَمْ كَيْفَ تُخَيِّبُ مُسْتَرْشِدًا قَصَدًا اِلَى جَنَابِكَ سَاعِيًا، اَمْ كَيْفَ تُرَدُّ ظَمْئَانٌ وَرَدَّ
 یا چگونه نومید سازی راهجویی را که شتابان آهنگ حضرت تو را کرده یا چگونه بازگردانی تشنه‌ای را که برای
 نوشیدن

اِلَى حِيَاضِكَ شَارِبًا، كَلَّا وَحِيَاضُكَ مُتْرَعَةٌ فِي ضَنْكِ الْمَحُولِ وَبَابِكَ
 (آب) بر سر حوضهای تو آمده نه هرگز چنین نخواهی کرد با اینکه حوضهای (پرفیضت) در سخت‌ترین خشکسالیها لبریز است
 و

مَفْتُوحٌ لِلطَّلَبِ وَالْوُغُولِ وَأَنْتَ غَايَةُ الْمَسْئُولِ وَنِهَايَةُ الْمَأْمُولِ، اِهْيَا
 در خانه‌ات برای خواستن و ورود در آن باز است و تویی انتهای خواسته (خواستاران) و منتهای آرزوی (آرزومندان)
 خدایا

هَذِهِ أَرْمَةٌ تُفْسِي عَقْلُهَا بِعِقَالِ مَشِيَّتِكَ، وَهَذِهِ أَعْبَاءُ ذُنُوبِي دَرَأَتْهَا بِعَفْوِكَ
 این مهارهای نفس من است که به پای بند مشیت تو آنها را بستم و این است بارهای سنگین گناهانم که به امید عفو
 وَرَحْمَتِكَ، وَهَذِهِ أَهْوَاؤِي الْمُضِلَّةُ وَكَلَّتْهَا اِلَى جَنَابِ لُطْفِكَ وَرَأْفَتِكَ،
 و رحمت بر زمین نهادم و این است هوسهای گمراه کننده‌ام که به آستان لطف و مهرت
 فَاجْعَلِ اللَّهُمَّ صَبَاحِي هَذَا نَازِلًا عَلَيَّ بِضِيَاءِ الْهُدَى، وَبِالسَّلَامَةِ فِي
 سپردم پس ای خدا این بامداد مرا چنان مقرر کن که با انوار هدایت و سلامت در
 الدِّينِ وَالدُّنْيَا، وَمَسَائِي جُتَّةً مِنْ كَيْدِ الْعَدِي، وَوَقَايَةً مِنْ مُرْدِيَاتِ الْهَوَى،
 دین و دنیا بر من فرود آید و شامم را سپری از نیرنگ خطرناک دشمنان و پناهگاهی از پرتگاههای هوا و هوس
 إِنَّكَ قَادِرٌ عَلَيَّ مَا تَشَاءُ، تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ، وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ،
 قرار ده که تو بر هر چه بخوایی توانایی ملک و سلطنت را به هر که خواهی می‌دهی و از هر که خواهی برگیری و
 وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ، وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ، بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ،
 عزت دهی هر که را خواهی و خوار کنی هر که را خواهی همه خوبیها بدست تو است و تو بر هر چیز

تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ، وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ، وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ،
 توانایی شب را در روز فرو بری و روز را در شب درآوری زنده را از مرده بیرون آوری و مرده را
 وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ، وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ،
 از زنده برون آری و به هر که خواهی بی حساب روزی دهی معبودی جز تو نیست منزهی تو خدایا و
 سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، مَنْ ذَا يَعْرِفُ قُدْرَكَ فَلَا يَخَافُكَ، وَمَنْ ذَا يَعْلَمُ مَا أَنْتَ
 حمد تو را گویم کیست که قدر تو را بشناسد و از تو نترسد و کیست که بداند تو کیستی
 فَلَا يَهَابُكَ، أَلَفْتَ بِقُدْرَتِكَ الْفِرَقَ، وَفَلَقْتَ بِلُطْفِكَ الْفَلَاقَ، وَأَثَرْتَ بِكَرَمِكَ
 و از تو نهراسد تو با قدرت خویش جداها را با هم جمع کردی و به لطف خویش سپیده دم را شکافتی و
 دِيَا جِي الْعَسَقِ، وَأَنْهَرْتَ الْمِيَاهَ مِنَ الصُّمِّ الصَّيَاخِيدِ عَذَابًا وَاجِبًا، وَأَنْزَلْتَ مِنَ
 بکرم خود تاریکیهای شدید شب را روشن کردی و روان کردی آبهای شیرین و شور را از دل سنگهای سخت و محکم
 و فرو ریختی از
 الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا، وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لِلْبَرِّيَّةِ سِرَاجًا وَهَّاجًا، مَنْ
 ابرهائی فشرده آبی ریزان و فراوان، و قرار دادی خورشید و ماه را برای مردمان چراغی فروزان بدون آنکه
 غَيْرَ أَنْ تُمَارِسَ فِيمَا ابْتَدَأْتَ بِهِ لُغُوبًا وَلَا عِلَاجًا، فَيَا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْعِزِّ
 در آنچه بدان آغاز کردی (در آفرینش) دچار خستگی و تعب گردی یا به چاره جویی محتاج شوی ای آنکه در عزت و
 وَالْبَقَاءِ، وَقَهَرِ عِبَادَهُ بِالْمَوْتِ وَالْفَنَاءِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَتْقِيَاءِ، وَاسْمَعْ
 بقاء یگانه است و بندگان را بوسیله مرگ و نابودی مقهور خویش کرده درود فرست بر
 محمد و خاندان پرهیزکارش و فریاد مرا
 نِدَائِي، وَاسْتَجِبْ دُعَائِي، وَحَقِّقْ بِفَضْلِكَ أَمَلِي وَرَجَائِي، يَا خَيْرَ مَنْ دُعِيَ
 بشنو و دعایم را به اجابت مقرون ساز و به فضل خویش آرزو و امید مرا تثبیت کن ای بهترین کسی که خواننده شدی
 لِكَشْفِ الضَّرِّ وَالْمَأْمُولِ لِكُلِّ عُسْرٍ وَيُسْرٍ، بِكَ أَنْزَلْتُ حَاجَتِي، فَلَا تُرَدَّنِي
 برای برطرف ساختن گرفتاری و آرزو شده ای برای هر سختی و آسانی فرود آوردم بار حاجتم را بدرگاهت پس مرا
 مِنْ سَنِيِّ مَوَاهِبِكَ خَائِبًا، يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ،
 از عطایای عالی (و سنگین قیمت) خود ناامید باز مگردان ای کریم ای کریم به رحمت خود ای مهربانترین
 مهربانان

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ خَيْرَ خَلْفِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ. پس به سجده برود و بگوید: إلهي

و درود خدا بر بهترین آفریدگانش محمد و آل او همگی × × × × × × × × × × خدا یا

قَلْبِي مَحْجُوبٌ وَنَفْسِي مَعْيُوبٌ، وَعَقْلِي مَغْلُوبٌ، وَهَوَايَ غَالِبٌ، وَطَاعَتِي

دلم در پرده است و نفسم معیوب و عقلم مغلوب است و هوای من چیره است و طاعتم

قَلِيلٌ، وَمَعْصِيَتِي كَثِيرٌ، وَلِسَانِي مُقَرَّرٌ بِالذُّنُوبِ، فَكَيْفَ حِيلَتِي يَا سَتَّارَ

اندك و گناهانم بسیار است و زبانم به گناهان اقرار دارد پس چاره‌ام چیست ای پرده پوش

الْعُيُوبِ يَا عَلَّامَ الْغُيُوبِ يَا كَاشِفَ الْكُرُوبِ، اغْفِرْ ذُنُوبِي كُلَّهَا بِحُرْمَةِ

عیبها و ای دانای نادیدنیها و ای برطرف کننده اندوهها بیامرز همه گناهانم را به حرمت

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، يَاغْفَرُ يَاغْفَرُ، يَاغْفَرُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

محمد و آل محمد ای آمرزش پیشه ای بسیار آمرزنده ای بسیار آمرزنده به رحمت ای مهربانترین مهربانان

مؤلف گوید: که علامه مجلسی (ره) این دعا را در کتاب دعای بحار و در کتاب صلوة با بیان ذکر نموده و فرموده که این

دعا از ادعیه مشهوره است و من در کتب معتبره آنرا نیافتم مگر در مصباح سید بن باقی رضوان الله علیه و نیز فرموده

مشهور خواندن این دعا است بعد از فریضه صبح و سید بن باقی روایت کرده آنرا بعد از نافله صبح و بهر کدام عمل

شود خوب است .

دعای کمیل بن زیاد رحمه الله

و آن از ادعیه معروفه است و علامه مجلسی (ره) فرموده که آن بهترین دعاها است و آن دعای خضر علیه السلام است

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آنرا تعلیم کمیل که از خواص اصحاب آن حضرت است فرموده در شبهای نیمه شعبان

و در هر شب جمعه خوانده می شود و برای کفایت از شر اعداء و فتح باب رزق و آمرزش گناهان نافع است و شیخ و

سید آنرا نقل نموده اند و من آنرا از مصباح المتجهّد نقل می کنم و آن دعاء شریف این است :

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِیْ وَسِعَتْ كُلَّ شَیْءٍ، وَبِقُوَّتِكَ الَّتِیْ قَهَرَتْ

خدایا من از تو می خواهم بحق آن رحمت که همه چیز را فرا گرفته و به آن نیرویت که همه چیز را بوسیله آن مقهور

بِهَا كُلُّ شَیْءٍ، وَخَضَعَ لَهَا كُلُّ شَیْءٍ، وَذَلَّ لَهَا كُلُّ شَیْءٍ، وَبَجَبَرُوتِكَ الَّتِیْ غَلَبَتْ

خویش کردی و همه چیز در برابر آن خاضع و همه در پیش آن خوار است و به جبروت تو که بوسیله آن چیره گشتی

بِهَا كُلُّ شَیْءٍ، وَبِعِزَّتِكَ الَّتِیْ لَا یَقُومُ لَهَا شَیْءٌ، وَبِعَظَمَتِكَ الَّتِیْ مَلَأَتْ كُلَّ

بر هر چیز و به عزت که چیزی در برابرش نه ایستد و به آن عظمت و بزرگیت که پر کرده هر شیء، و بِسُلْطَانِكَ الَّذِي عَلَا كُلَّ شَيْءٍ، وَبِوَجْهِكَ الْبَاقِي بَعْدَ فَنَاءِ كُلِّ شَيْءٍ، چیز را و به آن سلطنت و پادشاهیت که بر هر چیز برتری گرفته و به ذات پاکت که پس از نابودی هر چیز و بِأَسْمَائِكَ الَّتِي مَلَأَتْ أَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ، وَبِعِلْمِكَ الَّذِي أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ، وَبُنُورِ باقی است و به نامهای مقدست که اساس هر موجودی را پر کرده و به آن علم و دانشت که احاطه یافته به هر چیز و به نور

وَجْهِكَ الَّذِي أَضَاءَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ، يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ، يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ، وَيَا آخِرَ ذَاتِ که روشن شد در پرتوش هر چیز ای نور حقیقی و ای منزّه از هر عیب ای آغاز موجودات اولین و ای پایان الْآخِرِينَ، اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصْمَ، اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي الْآخِرِينَ خدایا بیامرز برایم آن گناهانی را که پرده ها را بدرد خدایا بیامرز برایم آن الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ النَّقْمَ، اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّعْمَ، اَللّٰهُمَّ گناهانی را که عقاب و کیفرها را فرو ریزد خدایا بیامرز برایم آن گناهانی را که نعمت ها را تغییر دهد اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ، اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ خدایا بیامرز برایم آن گناهانی را که از (اجابت) دعا جلوگیری کند خدایا بیامرز برایم آن گناهانی را که بلا نازل کند الْبَلَاءَ، اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ، وَكُلَّ خَطِيئَةٍ أَخْطَأْتُهَا، اَللّٰهُمَّ خدایا بیامرز برایم هر گناهی که کرده ام و هر خطایی که از من سر زده اِنِّي اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِذِكْرِكَ، وَاسْتَشْفَعُ بِكَ اِلَى نَفْسِكَ، وَاسْأَلُكَ بِجُودِكَ اَنْ خدایا من به سویی تو تقرب جویم بوسیله ذکر تو و شفیع آورم بدرگاهت خودت را و به جود و کرم از تو می خواهم که

تُذِنِّي مِنْ قُرْبِكَ، وَأَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَكَ، وَأَنْ تُلْهِمَنِي ذِكْرَكَ، اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ مرا به مقام قرب خویش نزدیک سازی و شکر و سپاسگذاری را بر من روزی کنی و ذکر خود را به من الهام کنی خدایا از تو

سُؤَالَ خَاضِعٍ مُتَذَلِّلٍ خَاشِعٍ، اَنْ تُسَامِحَنِي وَتَرْحَمَنِي، وَتَجْعَلَنِي بِقِسْمِكَ درخواست می کنم درخواست شخص فروتن خوارترسان که بر من آسان گیری و به من رحم کنی و مرا به آنچه برایم قسمت کرده ای راضیا قانعا، وَفِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ مُتَوَاضِعاً، اَللّٰهُمَّ وَاسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ

راضی و قانع سازی و در تمام حالات فروتنم کنی خدایا از تو درخواست کنم درخواست کسی که سخت
 اَشْتَدَّتْ فَاغْتَهُ، وَأَنْزَلَ بِكَ عِنْدَ الشَّدَائِدِ حَاجَتَهُ، وَعَظَّمَ فِيمَا عِنْدَكَ رَغْبَتَهُ،
 فقیر و بی چیز شده و خواسته اش را هنگام سختیها پیش تو آورده و امیدش بدانچه نزد تو است بسیار بزرگ است
 اللَّهُمَّ عَظِّمْ سُلْطَانَكَ، وَعَلَا مَكَائِكَ، وَخَفِي مَكْرُكَ، وَظَهَرَ أَمْرُكَ،
 خدایا سلطنت و پادشاهیت بس بزرگ و مقامت بسی بلند است مکر و تدبیرت در کارها پنهان و امر و فرمانت آشکار
 است

وَعَلَبَ قَهْرُكَ، وَجَرَتْ قُدْرَتُكَ، وَلَا يُمَكِّنُ الْفِرَارُ مِنْ حُكُومَتِكَ، اللَّهُمَّ لَا
 قَهْرَ غَالِبَ وَ قَدْرَ وَ نِیْوِیْ نَافِذَ اسْتَ وَ گریز از تحت حکومت تو ممکن نیست خدایا نیابم
 أَجِدْ لِدُنُوبِي غَفِرًا، وَلَا لِقَبَائِحِي سَاتِرًا، وَلَا لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِي الْقَبِيحِ
 برای گناهانم آمرزنده ای و نه برای کارهای زشتم پرده پوشی و نه کسی را که عمل زشت
 بِالْحَسَنِ مُبَدِّلًا غَيْرَكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ ظَلَمْتُ نَفْسِي،
 مرا به کار نیک تبدیل کند جز تو، نیست معبودی جز تو منزهی تو و به حمد تو مشغولم من به خویشتن
 وَتَجَرَّاتُ بَجْهَلِي، وَسَكَنْتُ إِلَى قَدِيمِ ذِكْرِكَ لِي، وَمَنْكَ عَلَيَّ، اللَّهُمَّ
 ستم کردم و در اثر نادانیم دلیری کردم و به اینکه همیشه از قدیم به یاد من بوده و بر من لطف و بخشش داشتی آسوده
 خاطرنشستم ای خدا

مَوْلَايَ كَمْ مِنْ قَبِيحٍ سَتَرْتَهُ، وَكَمْ مِنْ فَادِحٍ مِنَ الْبَلَاءِ أَقْلَتَهُ، وَكَمْ مِنْ عِتَارٍ
 ای مولای من چه بسیار زشتیها که از من پوشانیدی و چه بسیار بلاهای سنگین که از من بازگرداندی و چه بسیار لغزشها
 وَفَيْتَهُ، وَكَمْ مِنْ مَكْرُوهِ دَفَعْتَهُ، وَكَمْ مِنْ ثَنَاءٍ جَمِيلٍ لَسْتُ أَهْلًا لَهُ
 که از آن نگهم داشتی و چه بسیار ناراحتیها که از من دور کردی و چه بسیار مدح و ثنای خوبی که من شایسته اش نبودم و
 تو آن را

نَسَرْتَهُ، اللَّهُمَّ عَظِّمْ بَلَاتِي، وَأَفْرِطَ بِي سُوءَ حَالِي، وَقَصِّرْتَ بِي أَعْمَالِي،
 منتشر ساختی خدایا بلای من بسی بزرگ است و بدی حالم از حد گذشته و اعمالم نارسا است
 وَقَعَدْتَ بِي أَغْلَالِي، وَحَبَسْتَنِي عَنْ نَفْعِي بَعْدَ أَمَلِي، وَخَدَعْتَنِي الدُّيَا
 و زنجیرهای علایق مرا خانه نشین و آرزوهای دور و دراز مرا از رسیدن به منافع بازداشتی و دنیا با ظواهر
 بَعُرُورِهَا، وَنَفْسِي بِجِنَائِهَا وَمِطَالِي، يَا سَيِّدِي فَاسْأَلْكَ بِعِزَّتِكَ أَنْ لَا يَحْجُبَ

فریبنده‌اش مرا گول زد و نفسم بوسیله جنایتش و به مسامحه گذراندم ای آقای من پس از تو می‌خواهم به عزت که بدی رفتار و کردار

عَنْكَ دُعَائِي، سُوءُ عَمَلِي وَفَعَالِي، وَلَا تَفْضَحْنِي بِخَفِيِّ مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ

من دعایم را از اجابت جلوگیری نکند و رسوا نکنی مرا به آنچه از اسرار پنهانی من

سِرِّي، وَلَا تُعَاجِلْنِي بِالْعُقُوبَةِ عَلَيَّ مَا عَمِلْتُهُ فِي خَلَوَاتِي، مِنْ سُوءِ فَعْلِي

اطلاع داری و شتاب نکنی در عقوبتم برای رفتار بد و کارهای بدی که در خلوت انجام دادم

وَإِسَاءَتِي، وَدَوَامِ تَقْرِيطِي وَجَهَالَتِي، وَكَثْرَةِ شَهَوَاتِي وَغَفْلَتِي، وَكُنِ اللَّهُمَّ

و ادامه دادم به تقصیر و نادانی و زیادی شهوت‌رانی و بی‌خبریم و خدایا

بِعِزَّتِكَ لِي فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ رَوْفًا، وَعَلَيَّ فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ عَطُوفًا، إلهي

به عزت سوگند که در تمام احوال نسبت به من مهربان باش و در تمام امور بر من عطوفت فرما ای معبود من و

وَرَبِّي مَنْ لِي غَيْرُكَ، أَسْأَلُهُ كَشْفَ ضُرِّي وَالنَّظَرَ فِي أَمْرِي، إلهي

ای پروردگار من جز تو که را دارم که رفع گرفتاری و توجه در کارم را از او درخواست کنم ای خدای من و

وَمَوْلَايَ أَجْرَيْتَ عَلَيَّ حُكْمًا اتَّبَعْتُ فِيهِ هَوِي نَفْسِي، وَلَمْ أَحْتَرَسْ فِيهِ مِنْ

ای مولای من تو بر من حکمی را مقرر داشتی که در اجرای آن پیروی هوای نفسم را کردم و از فریبکاری دشمنم در

این باره

تَزَيِّنَ عَدُوِّي، فَعَرَّيْتُ بِمَا أَهْوَى، وَأَسْعَدُهُ عَلَيَّ ذَلِكَ الْقَضَاءُ، فَتَجَاوَزْتُ

نهراسیدم پس او هم طبق دلخواه خویش گولم زد و قضا (و قدر) هم با او کمک‌کردودراثر همین ماجرای شومی که بر

سرم آمد

بِمَا جَرِي، عَلَيَّ مِنْ ذَلِكَ بَعْضَ حُدُودِكَ، وَخَالَفْتُ بَعْضَ أَوَامِرِكَ، فَلَكَ

نسبت به پاره‌ای از حدود و احکامات تجاوز کردم و در برخی از دستوراتت راه مخالفت را پیمودم پس در تمام آنچه

الْحَمْدُ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ، وَلَا حُجَّةَ لِي فِيمَا جَرِي عَلَيَّ فِيهِ قَضَاؤُكَ،

پیش آمده تو را ستایش می‌کنم و اکنون از حکمی که درباره کیفر من جاری گشته و قضا و آزمایش تو

وَالزَّمَنِي حُكْمَكَ وَبَلَاؤُكَ، وَقَدْ أَتَيْتُكَ يَا إلهي بَعْدَ تَقْصِيرِي وَإِسْرَافِي

مرا بدان ملزم ساخته حجت و برهانی ندارم و اینک ای معبود من در حالی به درگاهت آمده‌ام که دربارها کوتاهی

کرده و

عَلِي نَفْسِي، مُعْتَذِرًا نَادِمًا مُنْكَسِرًا مُسْتَقِيلًا، مُسْتَغْفِرًا مُنِيبًا، مُقِرًّا مُذْعِنًا

بر خود زیاده روی نموده و عذر خواه و پشیمان و دل شکسته و پوزش جو و آمرزش طلب و بازگشت کنان و به گناه خویش اقرار و اذعان و

مُعْتَرِفًا، لَا أَجِدُ مَفْرَمًا كَانَ مَتِي، وَلَا مَفْرَعًا اتَّوَجَّهُ إِلَيْهِ فِي أَمْرِي، غَيْرَ قَبُولِكَ

اعتراف دارم و راه گریزی از آنچه از من سر زده نیابم و پناهگاهی که بدان رو آورم در کار خویش ندارم جز اینکه عذری، وَإِذْ خَالِكَ إِيَّايَ فِي سَعَةِ رَحْمَتِكَ، اَللّهُمَّ فَاقْبَلْ عَذْرِي، وَارْحَمْ

تو عذرم بپذیری و مرا در فراخنای رحمت در آوری پس ای خدای من عذرم بپذیر و بر سخت پریشانیم رحم کن شِدَّةَ ضُرِّي، وَفُكَّنِي مِنْ شَدِّ وَتَاقِي، يَا رَبِّ ارْحَمْ ضَعْفَ بَدَنِي، وَرِقَّةَ جِلْدِي،

و از بند سخت گناهانم رهاییم ده ای پروردگار من بر ناتوانی بدنم و نازکی پوست تنم

وَدِقَّةَ عَظْمِي، يَا مَنْ بَدَأَ خَلْقِي وَذَكَرِي، وَتَرْبِيَّتِي وَبِرِّي وَتَعْذِيَّتِي، هَبْنِي

و باریکی استخوانم رحم کن ای کسی که آغاز کردی به آفرینش من و به یاد من و پیروشم و به احسان و خوراک دادنم اکنون به همان بزرگواری و

لَا بُدَّاءِ كَرَمِكَ، وَسَالِفِ بَرِّكَ بِي، يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَرَبِّي، أَتُرَاكَ

کرم نخستت و سابقه احسانی که به من داشتی مرا ببخش ای معبود من و ای آقای من و ای پروردگارم آیا تو به راستی

مُعَذِّبِي بِنَارِكَ بَعْدَ تَوْحِيدِكَ، وَبَعْدَ مَا انْطَوَى عَلَيْهِ قَلْبِي مِنْ مَعْرِفَتِكَ، وَلَهْجَ بِهِ

چنانی که مرا به آتش عذاب کنی پس از اینکه به یگانگی اقرار دارم و دلم به نور معرفت آباد گشته و

لِسَانِي مِنْ ذِكْرِكَ، وَاعْتَقَدَهُ ضَمِيرِي مِنْ حُبِّكَ، وَبَعْدَ صِدْقِ اعْتِرَافِي

زبانم به ذکر تو گویا شده و نهادم به دوستی تو پیوند شده و پس از اعتراف صادقانه و

وَدُعَائِي خَاضِعًا لِرُبُوبِيَّتِكَ، هَيْهَاتَ أَنْتَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ تُضَيِّعَ مَنْ رَبَّيْتَهُ، أَوْ

دعای خاضعانه ام به مقام بنده پروری و ربوبیت؟ بسیار دور است! تو بزرگوارتر از آنی که از نظر دور داری کسی را که خود پروریده ای یا

تُبْعِدَ مَنْ أَدَّبَيْتَهُ، أَوْ تُشَرِّدَ مَنْ أَوْيَيْتَهُ، أَوْ تُسَلِّمَ إِلَيَّ الْبَلَاءَ مِنْ كَفَيْتَهُ

دور گردانی کسی را که خود نزدیکش کرده یا تسلیم بلا و گرفتاری کنی کسی را که خود سرپرستی کرده

وَرَحِمَتَهُ، وَلَيْتَ شِعْرِي يَا سَيِّدِي وَإِلَهِي وَمَوْلَايَ، أَتَسَلِّطُ النَّارَ عَلَيَّ

و به لطف پروریده ای و کاش می دانستم ای آقا و معبود و مولایم آیا چیره می کنی آتش دوزخ را بر

وَجُوهٍ خَرَّتْ لِعَظَمَتِكَ سَاجِدَةً، وَعَلَى السِّنِّ نَطَقَتْ بِتَوْحِيدِكَ صَادِقَةً،

چهره‌هایی که در برابر عظمتت به سجده افتاده و بر زبان‌هایی که صادقانه به یگانگیت گویا شده و سپاسگزارانه

وَبِشْكْرِكَ مَادِحَةً، وَعَلَى قُلُوبٍ اعْتَرَفَتْ بِإِلَهِيَّتِكَ مُحَقِّقَةً، وَعَلَى ضَمَائِرٍ حَوَتْ

به شکر تو باز شده و بر دلهایی که از روی یقین به خدائیت اعتراف کرده‌اند و بر نهادهایی که

مِنَ الْعِلْمِ بِكَ حَتَّى صَارَتْ خَاشِعَةً، وَعَلَى جَوَارِحَ سَعَتْ إِلَى أَوْطَانِ

علم و معرفت آنها را فرا گرفته تا به جایی که در برابرت خاشع گشته و بر اعضاء و جوارحی که مشتاقانه به

پرستشگاهایت

تَعْبُدُكَ طَائِعَةً، وَأَشَارَتْ بِاسْتِغْفَارِكَ مُذْنِعَةً، مَا هَكَذَا الظَّنُّ بِكَ، وَلَا

شناخته و با حال اقرار به گناه جویای آمرزش تو هستند چنین گمانی به تو نیست و

أُخْبِرْنَا بِفَضْلِكَ عَنْكَ يَا كَرِيمُ يَا رَبِّ، وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفِي عَنْ قَلِيلٍ مِنْ بَلَاءٍ

از فضل تو چنین خبری به ما نرسیده ای خدای کریم ای پروردگار من و تو ناتوانی مرا در مقابل اندکی از بلای

الدُّنْيَا وَعُقُوبَاتِهَا، وَمَا يَجْرِي فِيهَا مِنَ الْمَكَارِهِ عَلَى أَهْلِهَا، عَلَيَّ أَنْ ذَلِكَ

دنیا و کیفرهای ناچیز آن و ناملایماتی که معمولاً بر اهل آن می‌رسد می‌دانی در صورتی که این

بَلَاءٌ وَمَكْرُوهٌ قَلِيلٌ مَكْنَهُ، يَسِيرُ بَقَائُهُ، قَصِيرٌ مُدَّتُهُ، فَكَيْفَ احْتِمَالِي لِبَلَاءٍ

بلا و ناراحتی دوامش کم است و دورانش اندک و مدتش کوتاه است

الْآخِرَةِ، وَجَلِيلٌ وَقُوعُ الْمَكَارِهِ فِيهَا، وَهُوَ بَلَاءٌ

آخرت و آن ناملایمات بزرگ را در آنجا دارم در صورتی که آن بلا

تَطُولُ مُدَّتُهُ، وَيَدُومُ مَقَامُهُ، وَلَا يُخَفَّفُ عَنْ أَهْلِهِ، لِأَنَّهُ لَا يَكُونُ إِلَّا عَنْ

مدتش طولانی و دوامش همیشگی است و تخفیفی برای مبتلایان به آن نیست زیرا آن بلا از

غَضَبِكَ وَأَنْتِقَامِكَ وَسَخَطِكَ، وَهَذَا مَا لَا تَقُومُ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ،

خشم و انتقام و غضب تو سرچشمه گرفته و آن هم چیزی است که آسمانها و زمین
یا سیدی، فَكَيْفَ لِي وَأَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الذَّلِيلُ الْحَقِيرُ الْمُسْكِينُ
تاب تحمل آن را ندارند ای آقای من تا چه رسد به من بنده ناتوان خوار ناچیز مستمند بیچاره !
الْمُسْتَكِينُ، یا اِلهی وَرَبِّی وَسَیِّدِی وَمَوْلَايَ لَأَيُّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَشْكُو،
ای معبود و پروردگار و آقا و مولای من آیا برای کدامیک از گرفتاریهایم به تو شکایت کنم
وَلَمَّا مِنْهَا أَضْجُ وَأَبْکِی، لِأَلِیمِ الْعَذَابِ وَشِدَّتِهِ، أَمْ لَطُولِ الْبَلَاءِ وَمُدَّتِهِ،
و برای کدامیک از آنها شیون و گریه کنم؟ آیا برای عذاب دردناک و سخت یا برای بلای طولانی و مدید
فَلْتَنُ صَيَّرْتَنِي لِلْعُقُوبَاتِ مَعَ أَعْدَائِكَ، وَجَمَعْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَهْلِ بَلَائِكَ،
پس اگر بنا شود مرا بخاطر کفرهایم در زمره دشمنان اندازی و مرا با گرفتاران در بلا
وَفَرَّقْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَحِبَّائِكَ وَأَوْلِيَاءِكَ، فَهَبْنِي يَا اِلهی وَسَیِّدِی وَمَوْلَايَ وَرَبِّی،
و عذاب در یکجا گردآوری و میان من و دوستان جدایی اندازی گیرم که ای معبود و آقا و مولا و پروردگارم من بر
عذاب تو

صَبَرْتُ عَلَى عَذَابِكَ، فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَى فِرَاقِكَ، وَهَبْنِي صَبْرْتُ عَلَى حَرِّ
صبر کنم اما چگونه بر دوری از تو طاقت آورم و گیرم که ای معبود من حرارت
نَارِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ إِلَى كَرَامَتِكَ، أَمْ كَيْفَ أَسْكُنُ فِي النَّارِ
آتش را تحمل کنم اما چگونه چشم پوشیدن از بزرگواریت را بر خود هموار سازم یا چگونه در میان آتش
وَرَجَائِي عَفْوُكَ، فَبِعَزَّتِكَ يَا سَیِّدِی وَمَوْلَايَ أَقْسِمُ صَادِقًا، لَنْ تَرْكُنَنِي
بمانم با اینکه امید عفو تو را دارم پس به عزت سوگند ای آقا و مولای من برستی سوگند می خورم که اگر زبانم را
نَاطِقًا، لَأُضِجَنَّ إِلَيْكَ بَيْنَ أَهْلِهَا ضَجِيجَ الْأَمِلِينَ، وَلَأُصْرُخَنَّ إِلَيْكَ صُرَاخَ
در آنجا بازگذاری حتماً در میان دوزخیان شیون را بسویت سر دهم شیون اشخاص آرزومند و مسلماً چون
فربادرس

الْمُسْتَصْرِخِينَ، وَلَأَبْكِينَ عَلَىكَ بُكَاءَ الْفَاقِدِينَ، وَلَأُنَادِيَنَّكَ أَيْنَ كُنْتَ يَا
خواهان به درگاهت فرباد برآرم و قطعاً مانند عزیز گمشدگان بر دوری تو گریه و زاری کنم و با صدای بلند تو را
می خوانم و می گویم کجایی
وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ، يَا غَايَةَ آمَالِ الْعَارِفِينَ، يَا غَايَةَ الْمُسْتَغِيثِينَ، يَا حَبِيبَ

ای یار و نگهدار مؤمنان ای منتهای آرمان عارفان ای فریادرس درماندگان ای محبوب
قُلُوبِ الصَّادِقِينَ، وَيَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ، أَفْتَرَاكَ سُبْحَانَكَ يَا إِلَهِي وَبِحَمْدِكَ، تَسْمَعُ
دل راستگویان و ای حیران کننده عالمیان آیا براسستی چنان می بینی ای منزّه و معبودم که به ستایش مشغولم که بشنوی
فِيهَا صَوْتُ عَبْدٍ مُسْلِمٍ سَجِنَ فِيهَا بِمُخَالَفَتِهِ، وَذَاقَ طَعْمَ عَذَابِهَا بِمَعْصِيَتِهِ،
در آن آتش صدای بنده مسلمانی را که در اثر مخالفتش در آنجا زندانی شده و مزه عذاب آتش را به خاطر نافرمانیش
وَحُسِّ بَيْنِ أَطْبَاقِهَا بِجُرْمِهِ وَجَرِيرَتِهِ، وَهُوَ يَضِجُ إِلَيْكَ ضَجِيجَ مُؤَمِّلٍ لِرَحْمَتِكَ،
چشیده و در میان طبقات دوزخ به واسطه جرم و جنایتش گرفتار شده و در آن حال به درگاهت شیون کند شیون
شخصی که آرزومند رحمت

وَيُنَادِيكَ بِلسانِ أَهْلِ تَوْحِيدِكَ، وَيَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِرَبُّوبِيَّتِكَ، يَا مَوْلَايَ
تو است و به زبان یگانه پرستان تو را فریاد زند و به بنده پروریت متوسل گردد ای مولای من
فَكَيْفَ يَبْقَى فِي الْعَذَابِ وَهُوَ يَرْجُوا مَا سَلَفَ مِنْ حِلْمِكَ، أَمْ كَيْفَ تُؤَلِّمُهُ
پس چگونه در عذاب بماند با اینکه به بردباری سابقه دارت چشم امید دارد یا چگونه
النَّارُ وَهُوَ يَأْمُلُ فَضْلَكَ وَرَحْمَتَكَ، أَمْ كَيْفَ يُحْرِقُهُ لَهْيُهَا وَأَنْتَ تَسْمَعُ
آتش او را بیازارد با اینکه آرزوی فضل و رحمت تو را دارد یا چگونه شعله آتش او را بسوزاند با اینکه تو صدایش را
بشنوی

صَوْتُهُ وَتَرَى مَكَانَهُ، أَمْ كَيْفَ يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ زَفِيرُهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ، أَمْ
و جایش را ببینی یا چگونه شراره های آتش او را دربرگیرد با اینکه تو ناتوانیش دانی یا
كَيْفَ يَتَقَلَّلُ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ، أَمْ كَيْفَ تَزْجُرُهُ زَبَانُتُهَا وَهُوَ
چگونه در میان طبقات آتش دست و پا زند با اینکه تو صدق و راستگویش را دانی یا چگونه موکلان دوزخ او
رابطندی برانند با اینکه تو را به
يُنَادِيكَ يَا رَبِّهِ، أَمْ كَيْفَ يَرْجُو فَضْلَكَ فِي عِتْقِهِ مِنْهَا فَتَتَرَكُوهَا فِيهَا، هَيْهَاتَ
پروردگاری بخواند یا چگونه ممکن است که امید فضل تو را در آزادی خویش داشته باشد ولی تو او را به حال خود واگذاری چه
بسیار از تو دور است

مَا ذَلِكَ الظَّنُّ بِكَ، وَلَا الْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ، وَلَا مُشَبِّهٌ لِمَا عَامَلْتَ بِهِ الْمُوَحِّدِينَ
و چنین گمانی به تو نیست و فضل تو اینسان معروف نیست و نه شباهت با رفتار تو نسبت به یگانه پرستان دارد

مِنْ بَرِّكَ وَإِحْسَانِكَ، فَبِالْيَقِينِ أَفْطَعُ لَوْ لَا مَا حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْذِيبٍ
با آن نیکی و احسانت که نسبت بدانها داری و من بطور قطع می دانم که اگر فرمان تو در معذب ساختن
جاحدیک، وَقَضَيْتَ بِهِ مِنْ إِخْلَادٍ مُعَانِدِيكَ، لَجَعَلْتُ النَّارَ كُلَّهَا بَرْدًا
منکرانت صادر نشده بود و حکم تو به همیشه ماندن در عذاب برای دشمنانت در کار نبود حتماً آتش دوزخ را هر چه
بود به تمامی سرد

وَسَلَامًا، وَمَا كَانَ لِأَحَدٍ فِيهَا مَقَرًّا وَلَا مُقَامًا، لَكِنَّكَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ،
و سالم می کردی و هیچکس در آن منزل و مأوا نداشت ولی تو ای خدایی که تمام نامهایت مقدس است
أَفَسَمْتَ أَنْ تَمْلَأَهَا مِنَ الْكَافِرِينَ مِنَ الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ، وَأَنْ تُخَلِّدَ فِيهَا
سوگند یاد کرده ای که دوزخ را از کافران از پریان و آدمیان پر کنی و دشمنانت را برای همیشه در آن جا دهی و تو که
الْمُعَانِدِينَ، وَأَنْتَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ قُلْتَ مُبْتَدَأً، وَتَطَوَّلَتْ بِالْإِنْعَامِ مُتَكَرِّمًا،
حمد ثنایت برجسته است در ابتداء بدون سابقه فرمودی و به این انعام از روی بزرگواری تفضل کردی
« أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا، لَا يَسْتَوُونَ » إلهي وَسَيِّدِي فَاسْأَلُكَ
(که فرمودی) « آیا کسی که مؤمن است مانند کسی است که فاسق است؟ نه یکسان نیستند » ای معبود من و ای آقای
بِالْقُدْرَةِ الَّتِي قَدَّرْتَهَا، وَبِالْقَضِيَةِ الَّتِي حَتَمْتَهَا وَحَكَمْتَهَا، وَغَلَبْتَ مَنْ
من بحق آن نیرویی که مقدرش کردی و به فرمانی که مسلمش کردی و صادر فرمودی
عَلَيْهِ أَجْرُيْتَهَا، أَنْ تَهَبَ لِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ، كُلَّ جُرْمٍ
و بر هر کس آن را اجرا کردی مسلط گشتی از تو می خواهم که ببخشی بر من در این شب و در این ساعت هر جرمی
را

أَجْرُمْتُهُ، وَكُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ، وَكُلَّ قَبِيحٍ أَسْرَرْتُهُ، وَكُلَّ جَهْلٍ عَمِلْتُهُ، كَتَمْتُهُ
را که مرتکب شده ام و هر گناهی را که از من سرزده و هر کار زشتی را که پنهان کرده ام و هر نادانی که کردم چه کتمان
کردم

أَوْ أَعْلَنْتُهُ أَخْفَيْتُهُ أَوْ أَظْهَرْتُهُ، وَكُلَّ سَيِّئَةٍ أَمَرْتُ بِإِثْبَاتِهَا الْكِرَامَ الْكَاتِبِينَ،
و چه آشکار چه پنهان کردم و چه در عیان و هر کار بدی را که به نویسندگان گرامیت دستور یادداشت کردنش را
دادی همان نویسندگانی

الَّذِينَ وَكَّلْتَهُمْ بِحِفْظِ مَا يَكُونُ مِنِّي، وَجَعَلْتَهُمْ شُهَدَاءَ عَلَيَّ مَعَ جَوَارِحِي،

که آنها را موکل بر ثبت اعمال من کردی و آنها را به ضمیمه اعضاء و جوارحم گواه بر من کردی
وَكُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيَّ مِنْ وَرَائِهِمْ، وَالشَّاهِدَ لِمَا خَفِيَ عَنْهُمْ، وَبِرَحْمَتِكَ
و اضافه بر آنها خودت نیز مراقب من بودی و گواه اعمالی بودی که از ایشان پنهان می ماند و البته به واسطه رحمت بود که
آنها را

أَخْفَيْتُهُ وَبِفَضْلِكَ سَتَرْتَهُ، وَأَنْ تُؤَفِّرَ حَظِّي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ، أَوْ إِحْسَانٍ
پنهان داشتی و از روی فضل خود پوشاندی و نیز خواهم که بهرام را وافر و سرشار گردانی از هر خیری که فرویزی یا
احسانی

فَضَّلْتَهُ، أَوْ بِرِّ شَرَّتَهُ، أَوْ رِزْقٍ بَسَطْتَهُ، أَوْ ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ، أَوْ خَطَايَا تَسْتُرُهُ، يَا رَبِّ
که بفرمائی یا نیکبایی که پخش کنی یا رزقی که بگسترانی یا گناهی که بیامرزی یا خطایی که ببوشانی پروردگارا
يَا رَبِّ يَا رَبِّ، يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَمَالِكِ رَقِّي، يَا مَنْ بِيَدِهِ نَاصِيَتِي
پروردگارا پروردگارا ای معبود من ای آقا و مولایم و ای مالک من ای کسی که اختیارم بدست او است ای دانای بر
پریشانی و

يَا عَلِيماً بِضُرِّي وَمَسْكَتِي، يَا خَبِيراً بِفَقْرِي وَفَاقَتِي، يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ،
بی نوائیم ای آگه از بی چیزی و نداریم پروردگارا، پروردگارا پروردگارا
أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ وَقُدْسِكَ، وَأَعْظَمِ صِفَاتِكَ وَأَسْمَائِكَ، أَنْ تَجْعَلَ أَوْقَاتِي مِنْ
از تو می خواهم به حق خودت و به ذات مقدست و به بزرگترین صفات و اسمائت که اوقاتم را در
اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً، وَبِخِدْمَتِكَ مَوْصُولَةً، وَأَعْمَالِي عِنْدَكَ

شب و روز به یاد خودت معمور و آباد گردانی و به خدمت پیوسته داری و اعمالم را
مَقْبُولَةً، حَتَّى تَكُونَ أَعْمَالِي وَأَوْرَادِي كُلُّهَا وَرِثَةً وَاحِدَةً، وَحَالِي فِي
مقبول درگاهت گردانی تا اعمال و گفتارم همه یک جهت برای تو باشد و حالم همیشه در
خِدْمَتِكَ سَرْمَدًا، يَا سَيِّدِي يَا مَنْ عَلَيْهِ مُعْوَلِي، يَا مَنْ إِلَيْهِ شَكْوَتُ أَحْوَالِي،
خدمت تو مصروف گردد ای آقای من ای کسی که تکیه گاهم او است ای کسی که شکایت احوال خویش به درگاه او برم
يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ، قُوِّ عَلَيَّ خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي، وَاشْدُدْ عَلَيَّ الْعَزِيمَةَ
پروردگارا پروردگارا پروردگارا نیرو ده بر انجام خدمت اعضایی مرا و دلم را برای عزیمت
جَوَانِحِي، وَهَبْ لِي الْجِدَّةَ فِي حَشْيَتِكَ، وَالِدَوَامَ فِي الْإِتِّصَالِ بِخِدْمَتِكَ،

به سویت محکم گردان و به من حَتّی
حَتّی اسْرَحَ إِلَیْكَ عطا فرما تا تن و جان را

فِي مَبَادِينِ السَّابِقِينَ، وَأُسْرِعَ إِلَيْكَ فِي الْبَارِزِينَ، وَاشْتَاقَ إِلَى

در میدانهای پیشتانان بسویت برانم و در زمره شتابندگان بسویت بشتابم و در صف مشتاقان اشتیاق

قُرْبِكَ فِي الْمُسْتَأْقِينَ، وَأَدْنُوْ مِنْكَ دُئُو الْمُخْلِصِينَ، وَأَخَافُكَ مَخَافَةً

تقربت را جویم و چون نزدیک شدن مخلصان به تو نزدیک گردم و چون یقین کنندگان از تو بترسم

الْمُؤَقِنِينَ، وَاجْتَمَعَ فِي جِوَارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ، أَللَّهُمَّ وَمَنْ أَرَادَنِي

و در جوار رحمت با مؤمنان در یکجا گرد آیم خدایا هر که بد مرا خواهد

بِسُوءٍ فَأَرِدْهُ، وَمَنْ كَادَنِي فَكِدْهُ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنَ عِبِيدِكَ نَصِيْباً عِنْدَكَ،

بدش را بخواه و هر که به من مکر کند به مکر خویش دچارش کن و نصیبم را پیش خود بهتر از دیگر بندگان قرار ده

وَأَقْرَبِهِمْ مَنْزِلَةً مِنْكَ، وَأَخْصِهِمْ زُلْفَةً لَدَيْكَ، فَإِنَّهُ لَا يُنَالُ ذَلِكَ إِلَّا بِفَضْلِكَ،

و منزلتم را نزد خود نزدیکتر از ایشان کن و رتبه‌ام را در پیشگاهت مخصوص‌تر از دیگران گردان که براسستی جز به فضل

تو

وَجُدْ لِي بِجُودِكَ، وَاعْظِفْ عَلَيَّ بِمَجْدِكَ، وَاحْفَظْنِي بِرَحْمَتِكَ، وَاجْعَلْ

کسی به این مقام نرسد و به جود و بخشش خود به من جود کن و به مجد و بزرگواری خود بر من توجه فرما و به

رحمت خود مرا نگهدار

لِسَانِي بِذِكْرِكَ لَهْجاً، وَقَلْبِي بِحُبِّكَ مُتِّمًا، وَمَنْ عَلَيَّ بِحُسْنِ إِجَابَتِكَ، وَأَقِلْنِي

و قرار ده زبانم را به ذکرت گویا و دلم را به دوستیت بی‌قرار و شیدا و با اجابت نیکت بر من منت بده و

عَثَرْتِي، وَاعْفِرْ زَلَّتِي، فَإِنَّكَ قَضَيْتَ عَلَيَّ عِبَادَكَ بِعِبَادَتِكَ، وَأَمَرْتَهُمْ

لغزشم را نادیده گیر و گناهم را بیمارز زیرا که تو خود بندگان را به پرستش خویش فرمان دادی و به دعا کردن
 بِدُعَائِكَ، وَضَمِنْتَ لَهُمُ الْجَابَةَ، فَإِلَيْكَ يَا رَبِّ نَصَبْتُ وَجْهِي، وَإِلَيْكَ يَا رَبِّ
 به درگاهت مأمور ساختی و اجابت دعایشان را ضمانت کردی پس ای پروردگار من به سویی تو روی خود بداشتم و به
 درگاه تو ای پروردگارم

مَدَدْتُ يَدِي، فَبِعِزَّتِكَ اسْتَجِبْ لِي دُعَائِي، وَبَلِّغْنِي مُنَايَ، وَلَا تَقْطَعْ مِنْ
 دست حاجت دراز کردم پس به عزت دعايم را مستجاب فرما و به آرزويم برسان و اميدم را از
 فَضْلِكَ رَجَائِي، وَاكْفِنِي شَرَّ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ مِنْ أَعْدَائِي، يَا سَرِيعَ الرِّضَا،
 فضل خویش قطع منما و شر دشنام را از جن و انس کفایت فرما ای خدای زودگذر
 اغْفِرْ لِمَنْ لَا يَمْلِكُ إِلَّا الدُّعَاءُ، فَإِنَّكَ فَعَالٌ لِمَا تَشَاءُ، يَا مَنْ اسْمُهُ دَوَاءٌ،
 بیمارز کسی را که جز دعا چیزی ندارد که براستی تو هر چه را بخواهی انجام دهی ای کسی که نامش دوا است
 وَذِكْرُهُ شِفَاءٌ، وَطَاعَتُهُ غِنَى، اِرْحَمْ مَنْ رَأْسُ مَالِهِ الرَّجَاءُ وَسِلَاحُهُ الْبُكَاءُ، يَا
 و یادش شفاء است و طاعتش توانگری است ترحم فرما بر کسی که سرمایه اش امید و ساز و برگش گریه و زاری است
 ای

سَابِغِ النَّعَمَ، يَادَافِعِ النَّقَمَ، يَا ثَوْرَ الْمُسْتَوْحِشِينَ فِي الظُّلَمِ، يَا عَالِمًا لَا يُعْلَمُ،
 تمام دهنده نعمتها و ای برطرف کننده گرفتاریها ای روشنی وحشت زدگان در تاریکیها ای دانای بی معلم
 صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْعَلْ بِي مَا أَيْتَ أَهْلُهُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ
 درود فرست بر محمد و آل محمد و انجام ده درباره من آنچه را که تو شایسته آنی و درود خدا بر
 رَسُولِهِ وَالْأَيُّمَةِ الْمَيَامِينَ مِنْ إِلَهٍ (أَهْلِهِ)، وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا .
 پیامبر و پیشوایان با برکت از خاندانش و سلام فراوان

دُعَايِ عَشْرَاتُ

از دعاهاي بسيار معتبره است و ما بين نسخ آن اختلاف است و ما آنرا از مصباح شيخ نقل مي كنيم و مستحب است
 خواندن آن در هر صبح و شام و افضل اوقات آن بعد از عصر جمعه است

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

منزه است خدا و ستایش خاص خدا است و معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگتر از توصیف است و هیچ جنبش و نیروی نیست جز بوسیله خدای

الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ آتَاءَ اللَّيْلِ وَأَطْرَافِ النَّهَارِ، سُبْحَانَ اللَّهِ بِالْعُدُوِّ

والای بزرگ تنزیه خدای را در تمام ساعات شب و اوقات روز تنزیه خدای را در بامداد

وَالْأَصَالِ، سُبْحَانَ اللَّهِ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ، سُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ

و شامگاهان تنزیه خدای را در شب و صبح تنزیه خدای را چون شب کنید و چون به

تُصْبِحُونَ، وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ،

بامدادان درآید و خاص او است ستایش در آسمانها و زمین و شبانگاه و هنگام ظهر،

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ، وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي، الْأَرْضَ بَعْدَ

بیرون آورد زنده را از مرده و برون آرد مرده را از زنده و زنده گرداند زمین را پس از

مَوْتِهَا، وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ، سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ، وَسَلَامٌ

مردنش و شما هم این چنین (در رستاخیز) بیرون آورده شوید منزه است پروردگار تو پروردگار عزت از آنچه وصف کنند و درود

عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ،

بر پیامبران و ستایش خاص خدا پروردگار جهانیان است منزه است خدای صاحب ملک و ملکوت

سُبْحَانَ ذِي الْعِزَّةِ وَالْجَبَرُوتِ، سُبْحَانَ ذِي الْكِبَرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ الْمَلِكِ الْحَقِّ

منزه است خدای صاحب عزت و جبروت منزه است خدای صاحب بزرگی و عظمت آن پادشاه برحق

الْمُهَيِّمِ [الْمُبِينِ] الْقُدُّوسِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْمَلِكِ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ،

و نگهبان و پاکیزه از هر عیب منزه است خدای فرمانروای زنده ای که نمیرد

سُبْحَانَ اللَّهِ الْمَلِكِ الْحَيِّ الْقُدُّوسِ، سُبْحَانَ الْقَائِمِ الدَّائِمِ، سُبْحَانَ الدَّائِمِ

منزه است خدای فرمانروای زنده پاکیزه از هر عیب منزه است خدای پاینده جاویدان منزه است خدای

الْقَائِمِ، سُبْحَانَ رَبِّي الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ رَبِّي الْأَعْلَى، سُبْحَانَ الْحَيِّ الْقَيُّومِ، سُبْحَانَ

جاویدان پاینده منزه است پروردگار بزرگ من منزه است پروردگار برترم منزه است خدای زنده پاینده منزه است

الْعَلِيِّ الْأَعْلَى، سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ، رَبُّنَا وَرَبُّ الْمَلَائِكَةِ

خدای والا و برتر منزّه است او و برتر است بسیار منزّه و پاکیزه است پروردگار ما و پروردگار فرشتگان
وَالرُّوحِ، سُبْحَانَ الدَّائِمِ غَيْرِ الْغَافِلِ، سُبْحَانَ الْعَالَمِ بِغَيْرِ تَعْلِيمٍ، سُبْحَانَ
و جبرئیل منزّه است خدای جاویدانی که غافل نیست منزّه است دانای ناآموخته منزّه است
خالقِ ما یُری و ما لا یُری، سُبْحَانَ الَّذِي يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ، وَلَا تُدْرِكُهُ
آفریدگار دیدنیها و نادیدنیها منزّه است خدای که دیده‌ها را درک کند ولی دیده‌ها درکش نکنند
الْأَبْصَارَ، وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَصْبَحْتُ مِنْكَ فِيْ نِعْمَةٍ وَخَيْرٍ
و او است دقیق و کاردان خدایا من از لطف تو صبح کردم در میان نعمت و خیر و برکت
وَبَرَكَاتٍ وَعَافِيَةٍ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاتِّمِّمْ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ وَخَيْرَكَ
و تندرستی پس درود فرست بر محمد و آلش و تمام کن بر من نعمت و خیر و
وَبَرَكَاتِكَ، وَعَافِيَتِكَ بِنَجَاةٍ مِنَ النَّارِ، وَارْزُقْنِيْ شُكْرَكَ وَعَافِيَتَكَ
برکات و عافیت را به رهایی از آتش و روزیم کن سپاسگزاری و عافیت
وَفَضْلِكَ، وَكَرَامَتِكَ اَبَدًا مَا اَبْقَيْتَنِيْ، اَللّٰهُمَّ بِنُورِكَ اهْتَدَيْتُ، وَبِفَضْلِكَ
و فضل و بزرگواریت را همیشه تا زنده‌ام داری خدایا به نور تو راه یافتم و به فضل تو
اَسْتَعِيْنُ، وَبِنِعْمَتِكَ اَصْبَحْتُ وَاُمْسَيْتُ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَشْهَدُكَ وَكَفَيْ بِكَ
بی‌نیازی جستم و به نعمت تو روز و شبم را گذراندم خدایا من تو را گواه می‌گیرم و گواهی تو بس است
شَهِيدًا، وَاَشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ وَرُسُلَكَ، وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ وَسُكَّانَ
و گواه گیرم فرشتگان و پیمبران و رسولانت را و حاملان عرش و ساکنان
سَمَوَاتِكَ وَاَرْضِكَ، وَجَمِيعَ خَلْقِكَ، بِاَنَّكَ اَنْتَ اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَحْدَكَ
آسمانها و زمین و همه خلق تو را که تویی خدای که معبودی جز تو نیست یگانه‌ای که
لَا شَرِيكَ لَكَ، وَأَنْ مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ، وَأَنَّكَ عَلَيَّ
شریک نداری و اینکه محمد صلی الله علیه و آله بنده و رسول تو است و به اینکه تو
كُلُّشَيْءٍ قَدِيرٌ، تُحْيِيْ وَتُمِيتُ، وَتُحْيِيْ وَتُمِيتُ وَتُحْيِيْ، وَأَشْهَدُ أَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ،
بر هر چیز توانایی زنده می‌کنی و می‌میرانی و می‌میرانی و زنده می‌کنی و گواهی دهم که بهشت حق است
وَأَنَّ النَّارَ حَقٌّ، وَالتُّشْوَرُ حَقٌّ، وَالسَّاعَةُ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيْهَا، وَأَنَّ اللَّهَ
و آتش دوزخ حق است و روز رستاخیز حق است و قیامت مسلماً خواهد آمد و شکی در آن نیست و حتماً خداوند

يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ، وَاشْهَدُ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ حَقًّا حَقًّا، وَأَنَّ

کسانی را که در گورها خفته‌اند برمی‌انگیزد و گواهی دهم که علی بن ابیطالب برحق امیر مؤمنان است و البته برحق است و

براستی

الْأئِمَّةَ مِنْ وَلَدِهِ هُمُ الْأَئِمَّةُ الْهُدَاةُ الْمَهْدِيُّونَ غَيْرُ الضَّالِّينَ وَلَا الْمُضِلِّينَ،

پیشوایان از فرزندان او آنها‌اند امامان راهنمای راه یافته که نه گمراهند و نه گمراه شده

وَأَتَاهُمْ أَوْلِيَاءُكَ الْمُصْطَفَوْنَ، وَحَزْبُكَ الْغَالِبُونَ، وَصِفْوُكَ وَخَيْرُكَ

و (گواهی دهم که) آنها‌اند دوستان برگزیده‌ات و حزب پیروزت و انتخاب شدگان و بهترین خلق

مِنْ خَلْقِكَ، وَتُجَبَّاتُكَ الَّذِينَ اتَّجَبَتْهُمْ لِدِينِكَ وَاخْتَصَصَتْهُمْ مِنْ خَلْقِكَ

تو و برگزیدگانی که آنان را برای دین خود برگزیدی و از میان خلق خود

وَاصْطَفَيْتَهُمْ عَلَى عِبَادِكَ، وَجَعَلْتَهُمْ حُجَّةً عَلَى الْعَالَمِينَ، صَلَوَاتُكَ

مخصوصشان ساختی و بر بندگان برگزیدی و آنها را بر جهانیان حجت قرار دادی دروهای تو بر ایشان و

عَلَيْهِمُ وَالسَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، اللَّهُمَّ اكْتُبْ لِي هَذِهِ الشَّهَادَةَ عِنْدَكَ،

سلام و رحمت خدا و برکاتش بر آنها باد خدایا بنویس برایم این گواهی را نزد خود

حَتَّى تُلْقِنَنِيهَا يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَأَنْتَ عَنِّي رَاضٍ، إِنَّكَ عَلَيَّ مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ،

تا اینکه در روز قیامت آن را بر زبانم جاری کنی در حالی که تو از من خوشنود باشی زیرا تو بر هر چه بخواهی توانایی

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يَصْعَدُ أَوَّلُهُ، وَلَا يَنْفَدُ آخِرُهُ، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ

خدایا ستایش خاص تو است ستایشی که آغازش بالا رود و انجامش پایان نداشته باشد خدایا ستایش خاص تو است ستایشی

حَمْدًا تَضَعُ لَكَ السَّمَاءُ كَنْفَهَا، وَتُسَبِّحُ لَكَ الْأَرْضُ وَمَنْ عَلَيْهَا، اللَّهُمَّ لَكَ

که آسمان برای تو دو بال خویش فرو نهد و زمین و آنچه بر آن است زبان به تسبیح گشاید خدایا خاص تو است

الْحَمْدُ حَمْدًا سَرْمَدًا أَبَدًا لَا انْقِطَاعَ لَهُ وَلَا نِفَادَ، وَلَكَ يَنْبَغِي وَإِلَيْكَ يَنْتَهِي، فِي

ستایش، ستایشی دائمی و همیشگی و بی پایان و زوال ناپذیر و ستایشی که سزاوار تو باشد و بسوی تو منتهی گردد و در

دل من

وَعَلَيَّ وَلَدَيَّ وَمَعِيَ وَقَبْلِي وَبَعْدِي وَأَمَامِي وَفَوْقِي وَتَحْتِي، وَإِذَا مِتُّ وَبَقِيتُ

و بر تن من و در پیش من و با من و پیش از من و پس از من و پیش رو و بالای سرم و زیر پایم و چون مُردم و تک و

فَرْدًا وَحِيدًا ثُمَّ فَنِيتُ، وَلَكَ الْحَمْدُ إِذَا نُشِرْتُ وَبُعِثْتُ يَا مَوْلَايَ، اللَّهُمَّ

تنها ماندم و سپس فانی شدم و در هر حال ستایشت کنم و خاص تو است
ستایش هنگامی که دوباره زنده و پیرانگیخته شوم ای مولای من خدایا
وَلَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ بِجَمِيعِ مَحَامِدِكَ كُلِّهَا، عَلَي جَمِيعِ نِعَمَائِكَ كُلِّهَا،
و از آن تو است ستایش و برای تو است سپاسگزاری به تمام انواع حمد و ستایشت همگی، بر تمام نعمتهایت همگی
حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلَى مَا تُحِبُّ رَبَّنَا وَتَرْضَى، اَللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَي كُلِّ
تا برسد ستایش بدانجا که تو دوست داری پروردگارا و خوشنود گردی، خدایا مخصوص تو است ستایش بر هر
أَكَلَةٍ وَشَرِبَةٍ وَبَطْشَةٍ وَقَبْضَةٍ وَبَسْطَةٍ، وَفِي كُلِّ مَوْضِعٍ شَعْرَةٍ، اَللَّهُمَّ لَكَ
لقمه و هر جرعه و هر حمله کردن و هر بستن و گشودنی و بر هر جای موی خدایا ستایش
الْحَمْدُ حَمْدًا خَالِدًا مَعَ خُلُودِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا مُنْتَهَى لَهُ دُونَ
از آن تو است ستایشی جاویدان به جاویدانی ذاتت و خاص تو است ستایش ستایشی که در نزد علم تو انتهای برایش
نباشد

عِلْمِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا أَمَدَ لَهُ دُونَ مَشِيَّتِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا أَجَرَ
و ستایش از آن تو است ستایشی که پیش مشیت تو پایانی ندارد و از آن تو است حمد، حمدی که برای
لِقَائِهِ الْأَرْضَاكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَي حِلْمِكَ بَعْدَ عِلْمِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ
گوینده اش جز رضای تو پاداش نباشد و خاص تو است ستایش بر بردباریت از پس علم و دانشت و برای تو است
ستایش

عَلَي عَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ بَاعِثَ الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ وَارِثَ الْحَمْدِ،
بر گذشت از پس قدرت و توانایی و برای تو است حمد که باعث حمدی و برای تو است ستایش که وارث آنی و برای تو است
حمد

وَلَكَ الْحَمْدُ بَدِيعَ الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ مُنْتَهَى الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ مُبْتَدِعُ
که پدیده آورنده حمدی و برای تو است حمد که انتهای آنی و برای تو است حمد که خود سازنده حمدی
الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ مُشْتَرِي الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ وَلِيَّ الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ
و برای تو است ستایش که خریدار آنی و برای تو است حمد که سرپرست آنی و برای تو است ستایش
قَدِيمَ الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ صَادِقَ الْوَعْدِ، وَفِي الْعَهْدِ، عَزِيزَ الْجُنْدِ، قَائِمَ

اي ديرينه ستايش و خاص تو است حمد اي كه وعدهات راست و به پيمانت وفاداري لشكرت پروزمند و مجد و عظمت

الْمَجْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ رَفِيعَ الدَّرَجَاتِ، مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ، مُنْزِلَ الْآيَاتِ
استوار است و ستايش خاص تو است اي والا درجات و پاسخ دهنده دعاها و فرو فرستنده آيات
مِنْ فَوْقِ سَبْعِ سَمَوَاتٍ، عَظِيمَ الْبَرَكَاتِ، مُخْرِجَ الثُّورِ مِنَ الظُّلُمَاتِ،
از بالاي هفت آسمان، و اي خدای بزرگ برکات و برون آورنده نور از ظلمات (وتاریکیها)
و مُخْرِجَ مَنْ فِي الظُّلُمَاتِ إِلَى الثُّورِ، مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ حَسَنَاتٍ، وَجَاعِلَ
و برون آورنده مبتلایان به تاریکیها را به روشنی و نور و اي تبدیل کننده بدیها به خوبیها و قراردهنده
الْحَسَنَاتِ دَرَجَاتٍ، اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ غَافِرَ الذَّنْبِ، وَقَابِلَ التَّوْبِ، شَدِيدِ
خوبیها را درجه خدایا حمد مخصوص تو است که آمرزنده گناه و توبه پذیر و سخت
الْعِقَابِ ذَا الطَّوْلِ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ إِلَهِي الْمَصِيرُ، اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ فِي اللَّيْلِ
کیفر و صاحب بخشش و احسانی معبودی نیست جز تو و بسوی تو است بازگشت خدایا از آن تو است ستایش در شب
إِذَا يَغْشَى، وَلَكَ الْحَمْدُ فِي النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى، وَلَكَ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ
هنگامی که سیاهییش فرا گیرد و برای تو است ستایش در روز هنگامی که روشن گردد و برای تو است ستایش در
انجام و آغاز

وَالْأُولَى، وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ كُلِّ نَجْمٍ وَمَلَكٍ فِي السَّمَاءِ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ
و برای تو است ستایش به عدد هر ستاره و فرشته ای که در آسمان است و برای تو است حمد به عدد
الثَّرَى وَالْحَصَى وَالْتَّوَي، وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا فِي جَوْ السَّمَاءِ، وَلَكَ الْحَمْدُ
خاک و سنگ ریزه و هسته ها و برای تو است ستایش به شماره آنچه در میان آسمان است و برای تو است ستایش به
عَدَدَ مَا فِي جَوْفِ الْأَرْضِ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ أَوْزَانِ مِيَاهِ الْبِحَارِ، وَلَكَ
عدد آنچه در دل زمین است و برای تو است ستایش به عدد وزن آب دریاها و برای تو است
الْحَمْدُ عَدَدَ أَوْراقِ الْأَشْجَارِ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا عَلَي وَجْهِ الْأَرْضِ، وَلَكَ
حمد به شماره برگ درختان و برای تو است ستایش به شماره آنچه در روی زمین است و برای تو است
الْحَمْدُ عَدَدَ مَا أَحْصَى كِتَابُكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ، وَلَكَ

ستایش به شماره آنچه کتاب تو آن را بر شمرده و برای تو است حمد به عدد آنچه علم و دانشت بدان احاطه دارد و برای تو است

الْحَمْدُ عَدَدَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ، وَالْهَوَامِّ وَالطَّيْرِ وَالْبَهَائِمِ وَالسَّبَّاحِ، حَمْدًا كَثِيرًا

ستایش به عدد انس و جن و خزندگان و پرندگان و چرندگان و درندگان ستایشی بسیار

طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ، كَمَا تُحِبُّ رَبَّنَا وَتَرْضَى، وَكَمَا يَنْبَغِي لِكِرَمِ وَجْهِكَ وَعِزِّ

و پاکیزه و بابرکت چنانچه دلخواه تو است ای پروردگار و چنانچه پسندی و آنچنانکه سزاوار ذات بزرگوار و شوکت

جَلَالِكَ پس می گوئی ده مرتبه: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ

جلال تو است × × × × × × × × معبودی نیست جز خدای یکتا که شریکی ندارد و او را است فرمانروایی و خاص

او است

الْحَمْدُ، وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ، وَ ده مرتبه لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ

ستایش و او است دقیق و کاردان × × × × × × × × معبودی نیست جز خدای یکتا که شریکی ندارد و او را است فرمانروایی و ستایش مخصوص

الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَيُمِيتُ وَيُحْيِي، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ،

او است که زنده کند و بمیراند و بمیراند و زنده کند و او است زنده ای که نمیرد

بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلِي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَ ده مرتبه أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

همه نیکیها بدست او است و او بر همه چیز توانا است، × × × × × × × × آمرزش خواهم از خدایی که معبودی جز او نیست و

الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ، وَ ده مرتبه يَا إِلَهُ يَا إِلَهَ. وَ ده مرتبه يَا رَحْمَنُ يَا رَحْمَنُ،

زنده و پاینده است و بسویش بازگشت کنم، × × × × × × × × ای خدای بخشاینده، ای بخشاینده

و ده مرتبه يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ. وَ ده مرتبه يَا بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، و ده مرتبه يَا ذَا الْجَلَالِ

* * * ای مهربان ای مهربان × × × × × × × × ای پدید آورنده آسمانها و زمین، × × × × × × × × ای صاحب جلال

وَالْإِكْرَامِ. وَ ده مرتبه يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ، وَ ده مرتبه يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ. وَ ده مرتبه يَا حَيُّ لَا

و بزرگوار ای × × × × × × × × ای مهرورز نعمت ده، × × × × × × × × ای زنده و پاینده، × × × × × × × × ای زنده ای

إِلَهَ الْأَنْتَ، و ده مرتبه يَا إِلَهَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَ ده مرتبه بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ،

که معبودی جز تو نیست، × × × × × × × × ای خدایی که جز تو معبودی نیست، × × × × × × × × بنام خدای بخشاینده مهربان * * *

وَ ده مرتبه اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ ده مرتبه اللَّهُمَّ أَفْعَلْ بِي مَا

خدایا درود فرست بر محمد و آلش × × × × × × × × خدایا انجام ده درباره من آنچه

أَنْتَ أَهْلُهُ، وَ دِه مرتبه امين امين، وَ دِه مرتبه قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، پس مي گوي: اَللّهُمَّ اصْنَعْ
 را تو سزاوار آنی × × × به اجابت رسان × × × بگو او خدای یکتا است، × × × خدایا با من کن
 بی ما أَنْتَ أَهْلُهُ، وَلَا تَصْنَعْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ، فَإِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ
 آنچه را تو شایسته آنی و ممکن با من آنچه را من شایسته آنم زیرا که تو البته شایسته پرهیزکاری هستی و اهل
 الْمَغْفِرَةِ، وَأَنَا أَهْلُ الذُّنُوبِ وَالْخَطَايَا، فَارْحَمْنِي يَا مَوْلَايَ وَأَنْتَ أَرْحَمُ
 آمرزشی و من اهل گناهان و خطاها هستم پس به من رحم کن ای مولای من و تویی مهربانترین
 الرَّاحِمِينَ، وَ نيز دِه مرتبه مي گویی لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ
 مهربانان × × × × × × × جنبش و نیروی نیست جز به خدا، توکل بر خدای زنده ای
 الَّذِي لَا يَمُوتُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي
 که نمیرد و ستایش خاص خدایی است که فرزندی نگرفته و شریکی در
 الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ وَكَبَّرَهُ تَكْبِيرًا.
 فرمانروایی ندارد و او را دوستی برای رفع مذلت نیست و بزرگش شمار کامل و بسیار

دُعایِ سِمَات

معروف به دعاء شبّور که مستحبّ است خواندن آن در ساعت آخر روز جمعه و مخفی نماند که این دعا از ادعیه
 مشهوره است و اکثر علماء سَلَفَ بر این دعا مواظبت می نموده اند و در مصباح شیخ طوسی و جمال الأسبوع سیّد بن
 طاوس و کتب کفعمی بسندهای معتبر از جناب محمد بن عثمان عمروی رِضْوَانُ اللّٰهِ عَلَیْهِ که از نوّاب حضرت
 صاحب الأمر علیه السلام است و از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام روایت شده و علامه
 مجلسی رحمه الله آن را با شرح در بحار ذکر کرده و آن دعاء موافق مصباح شیخ این است :

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِیْمِ الْاَعْظَمِ الْاَعَزَّ الْاَجَلُّ الْاَكْرَمِ، الَّذِیْ اِذَا
 خدایا از تو می خواهم به حق نام بزرگ و بزرگترت و آن عزیزتر و برجسته تر و گرامیترت همان نامی که
 دُعِیتَ بِهِ عَلٰی مَغَالِقِ ابْوَابِ السَّمَآءِ لِلْفَتْحِ بِالرَّحْمَةِ اِفْتَتَحَتْ، وَاِذَا دُعِیتَ بِهِ
 هرگاه بخواند بدان نام برای گشودن درهای بسته آسمان به رحمت گشوده شود و هرگاه بخواند بدان
 عَلٰی مَضَاقِقِ ابْوَابِ الْاَرْضِ لِلْفَرَجِ اِفْرَجَتْ، وَاِذَا دُعِیتَ بِهِ عَلٰی الْعُسْرِ
 نام برای باز شدن تنگناهای درهای زمین باز شود و هرگاه بخواند بدان نام برای آسان شدن

لِّلْيُسْرِ تَيْسَّرَتْ، وَإِذَا دُعِيَ بِهِ عَلَى الْأَمْوَاتِ لِلشُّشُورِ انْتَشَرَتْ، وَإِذَا
سَخَتْ آسَانُ گَرْدَدِ وَ هَرگَاهِ بَخَوَانَدَتِ بَدَانِ نَامِ بَرایِ زَنَدِه شَدَنِ مَرْدگانِ زَنَدِه شُودِ وَ هَرگَاهِ
دُعِيَ بِهِ عَلَيِ کَشْفِ الْبَاسَاءِ وَالضَّرَّاءِ انْكَشَفَتْ، وَبِجَلَالِ وَجْهِكَ
بَخَوَانَدَتِ بَدَانِ نَامِ بَرایِ بَرطَرَفِ شَدَنِ دَشَواریها بَرطَرَفِ گَرْدَدِ وَ سَوگَنَدِ بِهَ عَظَمَتِ ذَاتِ
الْكَرِيمِ، أَكْرَمَ الْوُجُوهِ وَأَعَزَّ الْوُجُوهِ، الَّذِي عَنَتَ لَهُ الْوُجُوهُ، وَخَضَعَتْ لَهُ
بِزَرگوارَتِ کِه بَزَرگوارترینِ وَ عَزیزترینِ ذَوَاتِ اسْتِ وَ تَمَامِ رُوحا دَر بَرابَرشِ خُوار گِشْتِه وَ
الرِّقَابِ، وَخَشَعَتْ لَهُ الْأَصْوَاتُ، وَوَجِلَتْ لَهُ الْقُلُوبُ مِنْ مَخَافَتِكَ،
گَرْدَنها دَر مَقابِلشِ خَمِ شَدِه وَ صَداها از هِیبتشِ خاموش گِشْتِه وَ دَلها هِمِه از تَرَسِ
وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي بِهَا تُمَسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بَإِذْنِكَ،
او هَراسان گِشْتِه وَ سَوگَنَدِ بِهَ نِیرو وَ قَدَرَتِ کِه بَدَانِ آسَمَانِ را نَگَهاشْتِه اِی از اِینکِه بَر زَمینِ اَفْتَدِ جِز بِه اِجازِه خُودَتِ وَ
وَتُمَسِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا، وَبِمَشِيَّتِكَ الَّتِي دَانَ لَهَا الْعَالَمُونَ،
نَگَهاشْتِه اِی آسَمانها وَ زَمینِ را از اِینکِه از جايِ خُودِ بَرُونَدِ وَ سَوگَنَدِ بِهَ مَشیتِ وَ ارادَهاتِ کِه جَهانیانِ
وَبِكَلِمَتِكَ الَّتِي خَلَقْتَ بِهَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ، وَبِحِكْمَتِكَ الَّتِي صَنَعْتَ بِهَا
دَر بَرابَرشِ خُوار گِشْتِه وَ بِه حَقِ آن کَلِمهاتِ کِه آسَمانها وَ زَمینِ را بَدَانِ آفَریدی وَ بِه حَقِ آن حَکَمَتِ کِه بوسیلَه آن
(موجوداتِ)
الْعَجَائِبِ، وَخَلَقْتَ بِهَا الظُّلُمَةَ وَجَعَلْتَهَا لَيْلًا، وَجَعَلْتَ اللَّيْلَ سَكْنًا، وَخَلَقْتَ
شَکفَتِ سَاخَتِ وَ تَارِیکِی را بَدَانِ خَلقِ فَرمودِی وَ آن را شَبِ قَرار دادِی وَ شَبِ را نِیز (وَقْتُ) آرامشِ قَرار دادِی
بِهَا النُّورَ وَجَعَلْتَهُ نَهَارًا، وَجَعَلْتَ النَّهَارَ نُشُورًا مُبْصِرًا، وَخَلَقْتَ بِهَا
وَ نَورِ وَ رُوشنی را بَدَانِ آفَریدی وَ رُوزشِ قَرار دادِی وَ رُوز را هِم (هَنگامِ کَارِ وَ) جَنبشِ وَ مایَه بَینشِ قَرار دادِی وَ بَدَانِ
السَّمْسِ وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ ضِيَاءً، وَخَلَقْتَ بِهَا الْقَمَرَ وَجَعَلْتَ الْقَمَرَ نُورًا،
خُورشیدِ را آفَریدی وَ خُورشیدِ را نِیز فَرُوزانِ کَرْدِی، وَ بَدَانِ ماهِ را خَلقِ کَرْدِی وَ آن را نَورِ وَ رُوشناییِ
وَخَلَقْتَ بِهَا الْكَوَاكِبَ وَجَعَلْتَهَا نُجُومًا وَبُرُوجًا وَمَصَابِيحَ وَزِينَةً وَرُجُومًا،
قَرارشِ دادِی وَ بَدَانِ سَتارگانِ را آفَریدی وَ قَرارشانِ دادِی اِخترانی تَابَناکِ وِیر جَها و چَراغهایِ وِزیور بَخَشِ آسَمانِ ووسیلَه رانَدَنِ
وَجَعَلْتَ لَهَا مَشَارِقَ وَمَغَارِبَ، وَجَعَلْتَ لَهَا مَطَالِعَ وَمَجَارِي، وَجَعَلْتَ لَهَا

(شیاطین) و قرار دادی برای آنها خاورها و باخترها و نیز برایش طلوع گاهها و گردشگاهها مقرر ساختی و برای هریک از آنها

فَلَكًا وَمَسَاحٍ، وَقَدَّرْتَهَا فِي السَّمَاءِ مَنَازِلَ فَأَحْسَنْتَ تَقْدِيرَهَا، وَصَوَّرْتَهَا

مدار حرکت و شناگاهی قرار دادی و روی اندازه های معین در آسمان منزلشان دادی و به خوبی اندازه گرفتی و صورتشان دادی و

فَأَحْسَنْتَ تَصْوِيرَهَا، وَأَحْصَيْتَهَا بِأَسْمَائِكَ إِحْصَاءً، وَدَبَّرْتَهَا بِحِكْمَتِكَ

نیکو صورتشان دادی و آنها را بنامهای خویش دقیقاً بر شمردی و با حکمت خویش با کمال

تَدْبِيرًا، فَأَحْسَنْتَ تَدْبِيرَهَا، وَسَخَّرْتَهَا بِسُلْطَانِ اللَّيْلِ وَسُلْطَانِ النَّهَارِ،

تدبیر اداره نمودی و به نیکی تدبیر کردی و بوسیله تسلط شب و روز برای تنظیم

وَالسَّاعَاتِ وَعَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابِ، وَجَعَلْتَ رُؤْيِيَهَا لِجَمِيعِ النَّاسِ

ساعتها و شماره سالها و برقراری حساب تسخیرشان کردی و دیدنشان را بر همه مردم

مَرُئٍ وَاحِدًا، وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِمَجْدِكَ الَّذِي كَلَّمْتَ بِهِ عَبْدَكَ، وَرَسُولَكَ

یکنواخت کردی و از تو می خواهم خدایا به حق آن بزرگواری و محبت که سخن گفتی بدان با بنده و فرستاده ات

مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْمَقْدَسِينَ، فَوْقَ إِحْسَاسِ الْكَرُوبَيْنِ

موسی بن عمران علیه السلام در میان قدسیان برتر از احساس کروبیان

فَوْقَ غَمَائِمِ الثُّورِ، فَوْقَ تَابُوتِ الشَّهَادَةِ فِي عَمُودِ النَّارِ وَفِي طُورِ سَيْنَاءَ،

بالتر از ابرهای نور و بالاتر از صندوق شهادت که در میان ستونی از آتش (بود) و هم در طور سیناء

وَفِي جَبَلِ حُورِيثَ فِي الْوَادِ الْمُقَدَّسِ، فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنْ جَانِبِ

و در کوه حوریت در وادی مقدس در بقعه مبارک از جانب

الطُّورِ الْأَيْمَنِ مِنَ الشَّجَرَةِ، وَفِي أَرْضِ مِصْرَ بِتِسْعِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ،

راست کوه طور از درخت و در سرزمین مصر با نه معجزه آشکار (بمجد و بزرگواریت در)

وَيَوْمَ فَرَقْتَ لِبْنَى إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ، وَفِي الْمُنْبِجَاتِ الَّتِي صَنَعْتَ بِهَا

روزی که دریا را برای بنی اسرائیل شکافتی و نیز در (روز) چشمه های جوشیده و جاری (از سنگ)

الْعَجَائِبِ فِي بَحْرِ سُوفٍ، وَعَقَدْتَ مَاءَ الْبَحْرِ فِي قَلْبِ الْعُمَرِ كَالْحِجَارَةِ

که از آن عجایبی ساختی در دریای سوف و در دل آن دریای عظیم آب آن دریا را مانند سنگ

وَجَاوَزْتَ بَنَى إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ، وَتَمَّتْ كَلِمَتُكَ الْحُسْنَى عَلَيْهِمْ بِمَا

منجمد کرده و بستی و بنی اسرائیل را از دریا عبور دادی و وعده نیکت را به خاطر
صَبَرُوا، وَأَوْرَثْتَهُمْ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْتَ فِيهَا لِلْعَالَمِينَ،
صبري که کردند بر ایشان تمام کردی و آنان را بر شرق و غرب سرزمینی که برای جهانیان مبارک گردانده بودی
وَأَعْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ وَمَرَّكِبَهُ فِي الْيَمِّ، وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ
وارث و مالک کردی و فرعون و سپاهیانش را با مرکبهاشان در دریا غرق کردی و به حق نام بزرگ و اعظم و
الْأَعَزُّ الْأَجَلُّ الْأَكْرَمُ، وَبِمَجْدِكَ الَّذِي تَجَلَّيْتَ بِهِ لِمُوسَى كَلِيمِكَ
عزیزتر و برتر و گرامی تر توست سوگند و به حق آن مجد و بزرگیت که بدان بر موسی کلیم خود
عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طُورِ سَيْنَاءَ، وَلِإِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَلِيلِكَ مِنْ قَبْلُ فِي مَسْجِدِ
علیه السلام در طور سیناء تجلی کردی و پیش از آن نیز برای ابراهیم علیه السلام خلیل خود در مسجد
الْخَيْفِ، وَلِإِسْحَقَ صَفِيكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بئرِ شَيْعٍ، وَلِيعْقُوبَ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ
خیف (تجلی کردی) و برای اسحاق برگزیده ات علیه السلام در بئر شیع (تجلی کردی) و برای یعقوب پیامبرت علیه
السَّلَامُ فِي بَيْتِ إِبِلٍ، وَأَوْفَيْتَ لِإِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمِثَاقِكَ، وَلِإِسْحَقَ
السلام در بیت ایل (خانه خدا) تجلی کردی، (و به مجد و بزرگواریت که) برای ابراهیم علیه السلام به پیمان خود وفا
کردی و برای اسحاق
بِحَلْفِكَ وَلِيعْقُوبَ بِشَهَادَتِكَ، وَلِلْمُؤْمِنِينَ بِوَعْدِكَ، وَلِلدَّاعِينَ بِأَسْمَائِكَ
به سوگندت و برای یعقوب به گواهی و برای مؤمنان به وعدهات و برای خوانندگان به نامهایت
فَاجَبْتَ، وَبِمَجْدِكَ الَّذِي ظَهَرَ لِمُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَي قُبَّةِ
که اجابتشان کردی، و به همان مجد و بزرگیت که برای موسی بن عمران علیه السلام در قبة الرمان
الرُّمَّانِ، وَبِآيَاتِكَ الَّتِي وَقَعَتْ عَلَي أَرْضِ مِصْرَ بِمَجْدِ الْعِزَّةِ وَالْعَلَبَةِ،
(عبادتگاهش) آشکار گردید و به آن معجزات و نشانه هایت که واقع شد که در سرزمین مصر با مجد و عزت و غلبه
بِآيَاتِ عَزِيزَةٍ، وَبِسُلْطَانِ الْقُوَّةِ وَبِعِزَّةِ الْقُدْرَةِ، وَبِشَأْنِ الْكَلِمَةِ التَّامَّةِ،
و به آن معجزات باشکوه و به آن تسلط نیرومند و قدرت با عزت و به مقام آن
وَبِكَلِمَاتِكَ الَّتِي تَفَضَّلْتَ بِهَا عَلَي أَهْلِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَأَهْلِ الدُّنْيَا
کلمه کاملت و به حق آن کلماتی که تفضل کردی بدانها بر اهل آسمانها و زمین و اهل دنیا
وَأَهْلِ الْآخِرَةِ، وَبِرَحْمَتِكَ الَّتِي مَنَنْتَ بِهَا عَلَي جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَبِاسْتِطَاعَتِكَ

و آخرت و به آن رحمت که بدان بر همه مخلوقات مِت نهادي و به آن توانائيت که
الَّتِي أَقَمْتَ بِهَا عَلَيِ الْعَالَمِينَ، وَبُنُورِكَ الَّذِي قَدْ خَرَمِنْ فَزَعِهِ طُورُ سَيْنَاءَ،
جهانيان را بدان برپاداشتي و بدان روشني و نورت که درافتاد از دهشت آن طور سيناء و
وَعِلْمِكَ وَجَلَالِكَ وَكِبَرِيَّاتِكَ وَعِزَّتِكَ وَجَبَرُوتِكَ الَّتِي لَمْ تَسْتَقْلِلْهَا
بدان علم و جلال و بزرگواري و عزت و جبروت که
الْأَرْضُ، وَانْخَفَضَتْ لَهَا السَّمَوَاتُ، وَأَنْزَجَرَ لَهَا الْعُمُقُ الْأَكْبَرُ، وَرَكَدَتْ لَهَا
زمين قدرت كشيدن آن را نداشت و آسمانها در برابرش به زانو درآمد و عمق اكبر زمين در مقابلش خود را واپس
كشيد و

الْبَحَارُ وَالْأَنْهَارُ، وَخَضَعَتْ لَهَا الْجِبَالُ، وَسَكَتَتْ لَهَا الْأَرْضُ بِمَنَاقِبِهَا،
درياها و نهرها از جنبش ايستاد و كوهها در برابرش فروتن گشت و زمين با همه
وَاسْتَسْلَمَتْ لَهَا الْخَلَائِقُ كُلُّهَا، وَخَفَقَتْ لَهَا الرِّيَّاحُ فِي جَرَيَانِهَا، وَخَمَدَتْ
پست و بلنديهايش براي او ساكن شد و تمام مخلوقات در برابرش تسليم گرديدند و بادهها بخاطر آن در جريان خود
مضطرب گرديد
لَهَا التَّيْرَانُ فِي أَوْطَانِهَا، وَبِسُلْطَانِكَ الَّذِي عُرِفَتْ لَكَ بِهِ الْعَلْبَةُ دَهْرَ
و آتشها بواسطه آن در جاهاي خود خاموش شد و به فرمانروايي مطلق (يا حجت و برهانت) که به واسطه آن هميشه به
پيروزي و غلبه

الدُّهُورِ، وَخَمَدَتْ بِهِ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ، وَبِكَلِمَتِكَ كَلِمَةُ الصِّدْقِ
معروف گشتي و بواسطه آن در آسمانها و زمينها ستايش شدي و به حق آن كلمه صدق و راست
الَّتِي سَبَقَتْ لِأَيُّبَا أَدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَذُرِّيَّتِهِ بِالرَّحْمَةِ، وَأَسْأَلُكَ
که پيش از اين براي پدر ما آدم عليه السلام و فرزندان او به لطف و رحمت سبقت جست و مي خوانمت
بِكَلِمَتِكَ الَّتِي غَلَبَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَبُنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي تَجَلَّيْتُ بِهِ لِلْجَبَلِ
به حق آن گفتارت که بر هر چيز غلبه کرده و به نور ذات که بوسيله آن بر کوه تجلي
فَجَعَلْتَهُ دَكَّا وَخَرَّ مُوسَى صَعْفًا، وَبِمَجْدِكَ الَّذِي ظَهَرَ عَلَي طُورِ سَيْنَاءَ،
فرمودي و آنرا از هم متلاشي ساختی و موسي مدهوش درافتاد و به مجد و بزرگواريت که آشکار شد بر طور سيناء
فَكَلَّمْتُ بِهِ عَبْدَكَ وَرَسُولَكَ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ، وَبِطُلْعَتِكَ فِي سَاعِيرَ

و بوسیله آن با بنده و پیامبرت موسی بن عمران تکلم کردی و به طلوع پرتوت در ساعیر (جای مناجات عیسی) و
 وَظَهْرِكَ فِي جَبَلِ فارانِ بَرَبَّوَاتِ الْمُقَدَّسِينَ، وَجُنُودِ الْمَلَائِكَةِ
 به ظهورت در کوه فاران (جای مناجات رسول خدا) در جایگاه مرتفع قدسیان و صفوف لشگر فرشتگان
 الصَّافِينَ، وَخُشُوعِ الْمَلَائِكَةِ الْمُسَبِّحِينَ، وَبَرَكَاتِكَ الَّتِي بَارَكْتَ فِيهَا عَلَي
 و در میان خشوع ملائکه تسبیح کننده و به حق آن برکات که برکت دادی در آنها بر
 إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَبَارَكْتَ
 ابراهیم خلیلت علیه السلام در میان امت محمد(ص) (بخطرات ارتباطی که میان رسول خدا(ص) و ابراهیم برقرار ساختی) و
 برکت دادی بر

لِإِسْحَاقَ صَفِيكَ فِي أُمَّةٍ عِيسَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، وَبَارَكْتَ لِيَعْقُوبَ
 اسحاق برگزیده ات در میان امت عیسی علیهما السلام و برکت دادی بر یعقوب
 إِسْرَائِيلَ فِي أُمَّةٍ مُوسَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، وَبَارَكْتَ لِحَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ
 اسرائیل در امت موسی علیهما السلام و برکت دادی بر حبیب محمد صلی الله
 عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي عَثَرَتِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَأُمَّتِهِ، اَللَّهُمَّ وَكَمَا غَبْنَا عَنْ ذَلِكَ وَلَمْ نَشْهَدْهُ
 علیه و آله در عثرت و فرزندان و امتش خدایا چنانچه ما در آن جریانات نبودیم و آنها را مشاهده نکرده و ندیده
 وَآمَنَّا بِهِ وَلَمْ نَرَهُ صِدْقًا وَعَدْلًا، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ
 از روی راستی و درستی بدان ایمان آوریم همانطور می خواهیم درود فرستی بر محمد و آل محمد
 تُبَارِكَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَرْحَمَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، كَأَفْضَلِ
 و مبارک کنی بر محمد و آل محمد و رحمت فرستی بر محمد و آل محمد مانند بهترین
 مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرْحَمْتَ عَلَي إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ،
 درود و برکت و رحمتی که بر ابراهیم و آل ابراهیم فرستادی که براستی تو ستوده و بزرگواری
 فَعَالَ لِمَا تُرِيدُ، وَأَنْتَ عَلَي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. [شهید] پس حاجات خود را ذکر می کنی و

و هر چه بخواهی انجام دهی و تو بر هر چیز توانایی * * * * *

می گوئی: اَللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الدُّعَاءِ، وَبِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ الَّتِي لَا يَعْلَمُ تَفْسِيرَهَا
 * * * خدایا به حق این دعا و به حق این نامهایی که نداند تفسیرش

وَأَفْعَلُ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَلَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ، وَأَنْتَقِمُ لِي مِنْ فُلَانٍ

و انجام ده درباره من آنچه را تو شایسته آنی و مکن با من آنچه را من سزاوار آنم و برای من از فلان
بَنِ فُلَانٍ. و نام دشمن را بگوید: وَاغْفِرْ لِي مِنْ ذُنُوبِي مَا تَقَدَّمَ مِنْهَا وَمَا تَأَخَّرَ،
پسر فلان انتقام بگیر × × × × × × × × و بیمارز گناهانم را آنچه گذشته و آنچه از این پس سرزند
وَلِوَالِدَيَّ وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، وَوَسَّعْ عَلَيَّ مِنْ حَلَالِ رِزْقِكَ،
و بیمارز پدر و مادرم را و همه مردان مؤمن و زنان مؤمنه را و وسعت ده بر من از روزی حلال
وَكَفِّنِي مَوْتَةَ إِنْسَانٍ سَوْءٍ وَجَارٍ سَوْءٍ، وَسَلْطَانٍ سَوْءٍ وَقَرِينٍ سَوْءٍ، وَيَوْمٍ
و مرا از زحمت و شرّ انسان بد و همسایه بد و سلطان بد و رفیق بد و روز
سَوْءٍ وَسَاعَةِ سَوْءٍ، وَانْتَقِمْ لِي مِمَّنْ يَكِيدُنِي وَمِمَّنْ يَبْغِي عَلَيَّ، وَيُرِيدُ بِي
بد و ساعت بد کفایت فرما و از کسی که به من نیرنگ زند و بر من ستم کند و قصد ظلم به من
وَبَاهِلِي وَأَوْلَادِي، وَإِخْوَانِي وَجِيرَانِي وَقَرَابَاتِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ
و به خاندان و فرزندان و همسایگان و نزدیکان من از مردان مؤمن و
وَالْمُؤْمِنَاتِ ظُلْمًا، إِنَّكَ عَلَيَّ مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ، وَبِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ، آمِينَ رَبَّ
زنان مؤمنه را دارد انتقام مرا بگیر که تو بر هر چه بخواهی توانایی و به هر چیز دانایی اجابت فرما ای پروردگار
الْعَالَمِينَ، پس بگوید: اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الدُّعَاءِ تَفَضَّلْ عَلَيَّ فَقَرِّأِ الْمُؤْمِنِينَ
جهانیان × × × × × × × × خدایا به حق این دعاء بر (همه اهل ایمان) تفضل کن (اُمّا) بر فقراي مؤمنین
وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْغِنَى وَالثَّرْوَةِ، وَعَلَيَّ مَرْضَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ
و مؤمنات به ثروت و توانگری و بر بیماران از مؤمنین و مؤمنات
بِالشِّفَاءِ وَالصَّحَّةِ، وَعَلَيَّ أَحْيَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِاللُّطْفِ وَالْكَرَامَةِ،
به شفاء و تندرستی و بر زندگان مؤمنین و مؤمنات به لطف و بزرگواری
وَعَلَيَّ أَمْوَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ، وَعَلَيَّ مُسَافِرِي
و بر مردگان مؤمنین و مؤمنات به آمرزش و رحمت و بر مسافرین
الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالرَّدِّ إِلَى أَوْطَانِهِمْ سَالِمِينَ غَانِمِينَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
مؤمنین و مؤمنات به بازگشتن بسوی وطنهای خویش به سلامتی و بهره‌مندی به رحمت ای مهربانترین
الرَّاحِمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَعَثَرَتْهُ الطَّاهِرِينَ،
مهربانان و درود فرستد خداوند بر آقای ما محمد خاتم پیمبران و عترت پاکیزه‌اش

کارای سبب آغاز خلقت و ای سبب پایان آن ای نابود کننده ای محبت شعار ای پسندیده ای معبود خلق ای دور و ای نزدیک

یا مُجِيبُ یا رَقِيبُ، یا حَسِيبُ یا بَدِيعُ، یا رَفِيعُ یا مَنِيعُ، یا سَمِيعُ یا عَلِیمُ،
 ای پاسخ دهنده ای نگهبان ای حساب دارنده ای نوین آفرین ای رفیع مقام ای بلند مرتبه ای شنوا ای دانا
 یا حَلِیمُ یا کَرِیمُ، یا حَکِیمُ یا قَدِیمُ، یا عَلِیُّ یا عَظِیمُ، یا حَنَّانُ یا مَنَّانُ، یا دِیَّانُ
 ای بردبار ای کریم ای فرازنه ای قدیم ای والا ای بزرگ ای مهرپیشه و ای نعمت بخش ای پاداش ده
 یا مُسْتَعانُ، یا جَلِیلُ یا جَمِیلُ، یا وَکِیلُ یا کَفِیلُ، یا مُقِیلُ یا مُنِیلُ، یا نَبِیلُ
 ای یاری جسته شده ای پُر جلالیت ای زیبا ای وکیل ای کفیل ای درگذرنده ای نعمت رساننده ای ماهر
 یا دَلِیلُ، یا هادی یا بادی، یا أَوَّلُ یا اَخرُ، یا ظاهِرُ یا باطنُ، یا قَائِمُ
 ای راهنما ای رهبر ای آغاز کننده ای اول ای آخر ای ظاهر ای باطن ای استوار ای
 یا دَائِمُ، یا عَالِمُ یا حاکِمُ، یا قاضی یا عادِلُ، یا فاضِلُ یا واصلُ، یا ظاهِرُ
 ابدی ای دانا ای حکم فرما ای داور ای دادگر ای جدا کننده ای پیوند کننده ای پاک
 یا مُطَهِّرُ، یا قادِرُ یا مُقَدِّرُ، یا کَبِیرُ یا مُتَکَبِّرُ، یا واحِدُ یا أَحَدُ یا صَمَدُ، یا مَنْ
 ای پاکیزه ای توانا ای با اقتدار ای بزرگ ای با عظمت ای یگانه ای تک ای بی نیاز

لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُولَدْ، وَلَمْ یَكُنْ لَهُ کُفُوًا أَحَدٌ، وَلَمْ یَكُنْ لَهُ صَاحِبَةٌ، وَلَا کَانَ مَعَهُ
 نزاید و زائیده نشده و نیست برایش همتایی هیچکس و نیست برایش همسر و رفیقی و نباشد با او
 وَزِیرٌ، وَلَا اتَّخَذَ مَعَهُ مُشِیرًا، وَلَا احتِجَّ اِلَی ظَهِیرٍ، وَلَا کَانَ مَعَهُ مَنْ
 وزیر و نگرفته برای خود مشاور و نه نیازمند به کمک کاری است و نه
 اِلَهَ غَیْرُهُ، لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ، فَتَعَالَتْ عَمَّا یَقُولُ الظَّالِمُونَ، عَلُوًّا کَبِیرًا، یا
 معبودی جز او است شایسته ستایشی جز تو نیست پس تو برتری از آنچه ستمکاران گویند بسیار برتر، ای

عَلِيٍّ يَا شَامِخُ، يَا بَاذِخُ، يَا فَتَّاحُ يَا نَفَّاحُ، يَا مُرْتَّاحُ يَا مُفَرِّجُ، يَا نَاصِرُ يَا
والا اي بلند رتبه اي والا مقام اي گشاینده اي عطا بخشنده اي فرح بخش اي گشایش دهنده اي یاور اي
مُنْتَصِرُ، يَا مُدْرِكُ يَا مُهْلِكُ يَا مُنْتَقِمُ، يَا بَاعِثُ يَا وَارِثُ، يَا طَالِبُ
مددکار اي دریابنده اي هلاک کننده اي انتقام گیرنده اي برانگیزنده اي ارث برنده اي جوینده
یا غالبُ، یا مَنْ لَا يَفُوتُهُ هَارِبُ، یا تَوَّابُ یا أَوَّابُ یا وَهَّابُ، یا مُسَبِّبُ
اي پیروزمند اي کسی که از دستش نرود گریز پایي اي توبه پذیر اي رجوع پذیر اي بخشنده اي سبب ساز
الْأَسْبَابُ، یا مُفْتَحُ الْأَبْوَابِ، یا مَنْ حَيْثُ مَا دُعِيَ أَجَابَ، یا طَهُورُ یا
هر سبب اي گشاینده درهاي بسته اي کسی که هر زمان بخواندش اجابت کند اي پاکي بخش اي
شَكُورُ، یا عَفُوُّ یا عَفُورُ، یا نُورَ الثُّورِ، یا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ، یا لَطِيفُ یا خَبِيرُ،
پاداش ده شاکران اي درگذرنده اي آمرزنده اي نور روشنیها اي تدبیر کننده
یا مُجِيرُ یا مُنِيرُ، یا بَصِيرُ یا ظَهِيرُ، یا کَبِيرُ یا وَثَرُ، یا فَرْدُ یا أَبَدُ،
امور اي نعمت بخش اي بینا اي پناه ده اي روشنی ده اي بینا اي پشتیبان اي بزرگ اي یگانه اي بی همتا اي جاویدان
یا سَدَّدُ یا صَمَدُ، یا کافی یا شافی، یا وافی یا مُعَافِی، یا مُحْسِنُ یا
اي تکیه گاه اي بی نیاز اي کفایت کننده اي شفا دهنده اي وفا دار اي صحت بخش اي نیکوکار اي
مُجْمِلُ، یا مُنْعِمُ یا مُفْضِلُ، یا مُتَّكِرٌ یا مُتَفَرِّدٌ، یا مَنْ عَلَا فَقَهَرُ،
زیب بخش اي نعمت ده اي فزون بخش اي بزرگووار اي یگانه شناخته شده، اي که از برتری بر همه قاهر است
یا مَنْ مَلَكَ فَقَدَرَ، یا مَنْ بَطَّنَ فَخَبَّرَ، یا مَنْ عُصِيَ فَغَفَرَ،
اي که فرمانروا است و نیرومند اي که در درونی و از درون آگاه اي بیرستندش و او پاداش دهد اي که نافرمانیش
کنند و بیامزد

یا مَنْ لَا تَحْوِيهِ الْفِكْرُ، وَلَا يُدْرِكُهُ بَصَرٌ، وَلَا يَخْفِي عَلَيْهِ آثَرٌ، یا رَازِقُ
اي که در فکرها ننگد و دیده اي او را درنیابد و هیچ کاری بر او پنهان نماند اي روزي ده
الْبَشَرِ، یا مُقَدِّرُ كُلِّ قَدَرٍ، یا عَالِي الْمَكَانِ، یا شَدِيدَ الْأَرْكَانِ، یا مُبَدِّلُ
بشر اي اندازه گیر هر اندازه اي والا مکان اي سخت قدرت اي جابجا کننده
الزَّمانِ، یا قَابِلَ الْقُرْبَانِ، یا ذَا الْمَنْ وَالْإِحْسَانِ، یا ذَا الْعِزَّةِ وَالسُّلْطَانِ، یا
زمان اي قبول کننده قربانی اي دارنده نعمت و احسان اي صاحب عزت و سلطنت اي بخشاینده اي

رَحِيمُ يَا رَحْمَنُ، يَا مَنْ هُوَ كُلُّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ، يَا مَنْ لَا يَشْغُلُهُ شَأْنٌ عَنْ
مهربان ای که هر روز در کاری است ای که کاری از کار دیگر سرگرمش نکند
شَأْنٍ، يَا عَظِيمَ الشَّأْنِ، يَا مَنْ هُوَ بِكُلِّ مَكَانٍ، يَا سَامِعَ الْأَصْوَاتِ، يَا مُجِيبَ
ای بزرگ مقام ای که در هر جا هستی ای شنوای هر صدا ای اجابت کننده
الدَّعَوَاتِ، يَا مُنْجِحَ الطَّلِبَاتِ، يَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ، يَا مُنْزِلَ الْبَرَكَاتِ،
دعاها ای برآورنده خواسته‌ها ای روا کننده حاجتها ای فرو فرستنده برکات
يَا رَاحِمَ الْعَبْرَاتِ، يَا مُقِيلَ الْعَثَرَاتِ، يَا كَاشِفَ الْكُرْبَاتِ، يَا وَلِيَّ
ای رحم کننده بر اشکها (و گریه‌ها) ای نادیده گیر لغزشها ای برطرف کننده ناراحتیها ای بدست دارنده
الْحَسَنَاتِ، يَا رَافِعَ الدَّرَجَاتِ، يَا مُؤْتِيَ السُّؤْلَاتِ، يَا مُحْيِيَ الْأَمْوَاتِ، يَا
نیکیها ای بالا برنده مقامها ای دهنده خواسته‌ها ای زنده کننده مرده‌ها ای
جَامِعَ الشَّتَاتِ، يَا مُطْلِعًا عَلَى النَّبَاتِ، يَا رَادًّا مَا قَدْ فَتَ، يَا مَنْ لَا تَشْتَبِهُ
گردآورنده پراکنده‌ها ای آگاه بر نیتهای دل ای برگرداننده آنچه از دست رفته، ای که صداها بر او مشتبیه
عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ، يَا مَنْ لَا تُضْجِرُهُ الْمَسْئَلَاتُ، وَلَا تُعْشَاهُ الظُّلُمَاتُ،
نشود ای که (زیادی) خواهشها او را به ستوه و خستگی در نیاورد و تاریکیها
يَأْتُورُ الْأَرْضَ وَالسَّمَوَاتِ، يَا سَابِغَ النَّعْمِ، يَا دَافِعَ النَّقَمِ، يَا بَارِيَّ النَّسَمِ، يَا جَامِعَ
او را فرا نگیرد ای روشنی زمین و آسمانها ای سرشار دهنده نعمتها ای جلوگیری رنج و ملامت ای آفریننده انسان ای
گردآورنده
الْأُمَمِ، يَا شَافِيَ السَّقَمِ، يَا خَالِقَ الثَّوْرِ وَالظَّلَمِ، يَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ، يَا مَنْ
ملتها ای بهبودی ده بیماریها ای خالق روشنی و تاریکیها ای صاحب جود و کرم ای که
لَا يَطَأُ عَرْشَهُ قَدَمٌ، يَا أَجُودَ الْأَجُودِينَ، يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ، يَا أَسْمَعَ
گامی به عرشش نرسد ای بخشنده‌ترین بخشنندگان ای کریم‌ترین کریمان ای شنواترین
السَّامِعِينَ، يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، يَا جَارَ الْمُسْتَجِيرِينَ، يَا أَمَانَ الْخَائِفِينَ،
شنوایان ای بیناترین بینایان ای پناه پناه‌جویان ای ایمنی بخش ترسناکان
يَا ظَهَرَ الْأَلْبَانِ، يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، يَا غَايَةَ
ای پشت و پناه پناهندگان ای یاور مؤمنان ای فریادرس فریادطلبان ای منتها مقصود

الطَّالِبِينَ، يَا صَاحِبَ كُلِّ غَرِيبٍ، يَا مُنْسَ كُلِّ وَحِيدٍ، يَا مُلْجَأَ كُلِّ طَرِيدٍ، يَا
خواهندگان ای رفیق هر غریب و مونس هر تنها ای پناه هر آواره ای
مَأْوَى كُلِّ شَرِيدٍ، يَا حَافِظَ كُلِّ ضَّالَّةٍ، يَا رَاحِمَ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ، يَا رَازِقَ الطِّفْلِ
جای ده هر گریخته ای نگهدار هر گمشده ای رحم کننده پیر کهن سال ای روزی ده کودک
الصَّغِيرِ، يَا جَابِرَ الْعُظْمِ الْكَسِيرِ، يَا فَائِدَ كُلِّ أَسِيرٍ، يَا مُعْنِيَ الْبَائِسِ الْفَقِيرِ،
خردسال ای پیوند دهنده استخوان شکسته ای رها کننده هر گرفتار دربند ای بی نیاز کن هر بینوای مستمند
يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ، يَا مَنْ لَهُ التَّدْبِيرُ وَالتَّقْدِيرُ، يَا مَنْ
ای پناه ترسناک پناه جو ای که چاره اندیشی و اندازه گیری کارها بدست او است ای که
الْعُسَيْرُ عَلَيْهِ سَهْلٌ يَسِيرُ، يَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَى تَفْسِيرٍ، يَا مَنْ هُوَ عَلَي
هر مشکلی برای او سهل و آسان است ای که بی نیازی از شرح و تفسیر ای که بر
كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، يَا مَنْ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ خَبِيرٌ، يَا مَنْ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ،
هر چیز توانایی ای که بهر چیز خبیر و آگاهی ای که به هر چیز بینایی
يَا مُرْسِلَ الرِّيَّاحِ، يَا فَالِقَ الْإِصْبَاحِ، يَا بَاعِثَ الْأَرْوَاحِ، يَا ذَا الْجُودِ
ای فرستنده بادهای شکافنده روشنی صبح ای برانگیزنده جانها ای صاحب جود
وَالسَّمَاحِ، يَا مَنْ بَيَدِهِ كُلُّ مِفْتَاحٍ، يَا سَامِعَ كُلِّ صَوْتٍ، يَا سَابِقَ كُلِّ قُوْتٍ،
و سخا ای که بدست قدرت او است هر کلید ای شنونده هر صدا ای جلوتر از هر گذشته
يَا مُخَيِّ كُلِّ نَفْسٍ بَعْدَ الْمَوْتِ، يَا عُذَّتِي فِي شِدَّتِي، يَا حَافِظِي فِي
ای زنده کننده هر شخصی پس از مرگ ای ذخیره من در روز سختی و دشواری ای نگهدارم در
غُرَّتِي، يَا مُنْسِي فِي وَحْدَتِي، يَا وَلِيَّيَ فِي نِعْمَتِي، يَا كَهْفِي حِينَ تُعِينِي
روز غربت و بی کسی ای همدم در تنهایی ای ولی نعمتم ای پناهگاه من در آن هنگام که
الْمَذَاهِبُ، وَتُسَلِّمُنِي الْأَقَارِبُ، وَيَخَذُلْنِي كُلُّ صَاحِبٍ، يَا عِمَادَ مَنْ
راهها مرا مانده و خسته کنند و نزدیکان مرا واگذارند و هر رفیق و دوستی دست از یاریم بکشند ای تکیه گاه هر کس
لَا عِمَادَ لَهُ، يَا سَنَدَ مَنْ لَا سَنَدَ لَهُ، يَا دُخْرَ مَنْ لَا دُخْرَ لَهُ، يَا حِرْزَ مَنْ لَا حِرْزَ
که تکیه گاهی ندارد ای پشتوان آنکس که پشتوانه ندارد ای ذخیره تهیدستان ای نگهدار کسی که نگهداری ندارد ای پناهگاه
آنکس که پناهگاهی

لَهُ، يَا كَهْفَ مَنْ لَا كَهْفَ لَهُ، يَا كَنْزَ مَنْ لَا كَنْزَ لَهُ، يَا رُكْنَ مَنْ لَا رُكْنَ لَهُ،
 ندارد ای گنج بی گنجان ای پایه محکم آن کس که پایه محکمی ندارد
 يَا غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ، يَا جَارَ مَنْ لَا جَارَ لَهُ، يَا جَارِيَ اللَّصِيقِ، يَا رُكْنِي
 ای فریادرس کسی که فریادرس ندارد ای همسایه بی همسایگان ای همسایه به من پیوسته ای رکن
 الْوَلِيُّ، يَا إِلَهِي بِالْتَّحْقِيقِ، يَا رَبَّ الْبَيْتِ الْعَتِيقِ، يَا شَفِيقُ يَا رَفِيقُ، فُكِّنِي
 استوار من ای معبود مسلم من ای پروردگار خانه کعبه ای مهربان ای رفیق آزادم کن
 مِنْ حَلَقِ الْمَضِيقِ، وَاصْرِفْ عَنِّي كُلَّ هَمٍّ وَغَمٍّ وَضِيقٍ، وَكَفِّنِي شَرًّا مَا لَا أُطِيقُ،
 از حلقه های تنگ (روزگار) و بگردان از من هر غم و اندوه و فشاری را و کفایت کن مرا از هر چه طاقتش را ندارم
 وَأَعِنِّي عَلَيَّ مَا أُطِيقُ، يَا رَادَّ يَوْسُفَ عَلَيَّ يَعْقُوبَ، يَا كَاشِفَ ضُرِّ أَيُّوبَ،
 و یاریم کن بر آنچه طاقتش را دارم ای که یوسف را به یعقوب برگرداندی ای که ایوب را از گرفتاری نجات بخشیدی
 يَا غَافِرَ ذَنْبِ دَاوُدَ، يَا رَافِعَ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ، وَ مُنْجِيَهُ مِنْ أَيْدِي الْيَهُودِ، يَا
 ای آمرزنده خطای داود ای بالا برنده عیسی بن مریم و نجات دهنده او از دست یهود ای
 مُجِيبَ نِدَاءِ يُوسُفَ فِي الظُّلُمَاتِ، يَا مُصْطَفِيَّ مُوسَى بِالْكَلِمَاتِ، يَا مَنْ غَفَرَ لَأَدَمَ
 پاسخ دهنده آواز یونس در تاریکیهای دریا ای برگزیننده موسی (بوسیله سخن گفتن) بدان کلمات ای که بخشیدی بر
 آدم

حَطِيطَتُهُ، وَرَفَعَ اِدْرِيسَ مَكَانًا عَلِيًّا بِرَحْمَتِهِ، يَا مَنْ نَجَّى نُوحًا مِنَ الْغَرَقِ،
 خطایش را و ادریس را از رحمت خویش به جایی بلند بردی ای که نوح را از غرق نجات دادی
 يَا مَنْ أَهْلَكَ عَادًا الْأُولَى، وَتَمُودَ فَمَا أَبْقَى، وَقَوْمَ نُوحٍ مِنْ قَبْلُ، إِنَّهُمْ كَانُوا
 ای که قوم عاد قدیم را هلاک کردی و ثمودیان را باقی نگذاشتی و پیش از آنها قوم نوح
 هُمْ أَظْلَمَ وَأَطْغَى، وَالْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَى، يَا مَنْ دَمَرَ عَلَيَّ قَوْمَ لُوطٍ، وَدَمَدَمَ عَلَيَّ
 را که آنها ستمگرتر و سرکش تر بودند و دهکده های واژگون را بيفکندي ای که نابودي بر قوم لوط فرستادی و
 قَوْمَ شُعَيْبٍ، يَا مَنْ اتَّخَذَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا، يَا مَنْ اتَّخَذَ مُوسَى كَلِيمًا، وَاتَّخَذَ
 هلاک کردی قوم شعیب را ای که ابراهیم را خلیل گرفتی ای که موسی را هم سخن خود ساختی
 مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ حَبِيبًا، يَا مُؤْتِي لَقْمَانَ
 و محمد صلی الله علیه و آله را حبیب خود کردی ای که به لقمان

و بزرگوارى بدان بدان بدان بدان تو را مى خوانم به حق هر نامى که خود را بدان نامیدی یا در یکی از کتابهای

فِي شَيْءٍ مِنْ كُتُبِكَ، أَوْ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ، وَبِمَعَاقِدِ الْعِزِّ

خود آن را نازل کردی یا آن را در علم غیب برای خویشتن برگزیدی و بدان وسائلی

مِنْ عَرْشِكَ، وَمِمَّنْهَي الرِّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ، وَبِمَا لَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ

که عرشت را عزت بخشید و به منتهای رحمت از کتابت و بدانچه «اگر هر درختی که در زمین است

شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ، وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا فِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ،

قلم باشند و دریا با هفت دریای دیگر که آن را کمک دهند مرکب بود کلمات خدا تمام نمی شد

إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ، وَاسْأَلْكَ بِأَسْمَائِكَ الْحُسْنَى الَّتِي نَعَتْهَا فِي كِتَابِكَ،

براستی خدا نیرومند و فرزانه است» و از تو می خواهم به حق آن نامهای نیکویت که در قرآن توصیفشان کرده ای

فَقُلْتَ وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا، وَقُلْتَ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ، وَقُلْتَ

و فرموده ای: «و برای خدا است نامهای نیکو پس او را بدان نامها بخوانید» و باز فرمودی «مرا بخوانید تا اجابت کنم شما

را» و نیز فرمودی

وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي، فَأَنِّي قَرِيبٌ أَجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ، وَقُلْتَ يَا عِبَادِي

«و هرگاه بندگان من از تو درباره من پرسند پس من نزدیکم و پاسخ دهم دعای خواننده را هنگامی که مرا بخواند» و

فرمودی «ای بندگان من

الَّذِينَ اسْرَفُوا عَلَي أَنفُسِهِمْ، لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا،

که بر نفس خویش اسراف و زیاده روی کردید از رحمت خدا نومید نشوید که خدا همه گناهان را ببامرزد

إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ، وَأَنَا أَسْأَلُكَ يَا إِلَهِي وَادْعُوكَ يَا رَبِّ، وَأَرْجُوكَ يَا سَيِّدِي،

و او است آمرزنده مهربان» و من از تو می خواهم ای معبودم و می خوانت پروردگارا و امیدوار توام ای آقای من

وَأَطْمَعُ فِي إِجَابَتِي يَا مَوْلَايَ كَمَا وَعَدْتَنِي، وَقَدْ دَعَوْتُكَ كَمَا أَمَرْتَنِي، فَافْعَلْ بِي مَا

و از تو طمع اجابت دارم ای مولای من چنانچه به من وعده داده ای و من تو را خواندم چنانچه به من دستور دادی پس

انجام ده درباره

أَنْتَ أَهْلُهُ، يَا كَرِيمٌ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ

من آن آنچه را تو شایسته آنی ای کریم و ستایش مخصوص پروردگار جهانیان است و درود خدا بر محمد و آلش همگی

پس ذکر کن حاجت خود را که برآورده است ان شاء الله تعالی، و در روایت مهج الدعوات است که نمی خوانی این دعا را مگر آنکه با طهارت باشی .

دعاء معروف به یستشیر

سید بن طاوس در مهج الدعوات از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله این دعا را تعلیم من نمود و امر کرد مرا که برای هر شدت و رخا این دعا را بخوانم و تعلیم نمایم به خلیفه بعد از خود و ترك ننمایم این دعا را تا حق تعالی را ملاقات نمایم و فرمود که یا علی هر صبح و شام این دعا را بخوان که گنجی است از گنجهای عرش الهی پس ابی بن کعب التماس کرد که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فضیلت این دعا را بیان فرماید حضرت بعضی از ثواب بسیار آنرا فرمود هر که طالبست رجوع به کتاب مهج نماید و دعا این است :

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ، الْمُدَبِّرُ بِلَا وَزِيرٍ، وَلَا

ستایش مخصوص خدایی است که نیست معبودی جز او پادشاه بر حق آشکار آن مدبری که وزیر و کمک کاری ندارد و نه

خَلْقٍ مِنْ عِبَادِهِ يَسْتَشِيرُ، الْأَوَّلُ غَيْرُ مَوْصُوفٍ، وَالْبَاقِي بَعْدَ فَنَاءِ الْخَلْقِ،

با مخلوقی از بندگان مشورت کند، آغازی که به وصف درنیاید و آنکه پس از فناء خلق

الْعَظِيمُ الرَّبُّوْبِيَّةِ، نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَيْنِ، وَفَاطِرُهُمَا وَمُبْتَدِعُهُمَا، بِغَيْرِ

باقی است آن خدایی که مقام ربوبیتش بس بزرگ است روشنی آسمانها و زمینها و آفریننده آنهاست و پدید آورنده آنهاست بدون

عَمَدٍ خَلَقَهُمَا، وَفَتَقَهُمَا فَتَقًا، فَقَامَتِ السَّمَوَاتُ طَائِعَاتٍ بِأَمْرِهِ، وَاسْتَقَرَّتْ

پایه و ستون آنها را آفرید و به نحو خاصی آنها را از هم گشود پس آسمانها مطیعانه به امرش ایستادند و زمینها

الْأَرْضُونَ بِأَوْتَادِهَا فَوْقَ الْمَاءِ، ثُمَّ عَلَا رَبُّنَا فِي السَّمَوَاتِ الْعُلَى، الرَّحْمَنُ

نیز با میخهایش (کوهها) بر زیر آب مستقر شدند سپس برآمد پروردگار ما در آسمانهای بلند آن بخشاینده

عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى، لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا

که بر عرش مستولی است از آن اوست هر چه در آسمانها و هر چه در زمین و هر چه مابین

تَحْتَ الثَّرَى، فَأَنَا أَشْهَدُ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا رَافِعَ لِمَا وَضَعْتَ، وَلَا وَاضِعَ لِمَا
آن دو و آنچه در زیر کره خاک است پس من گواهی دهم که براستی تویی خدایی که هر چه را پست کردی کسی بلندش
نتواند کرد و هر چه را

رَفَعْتَ، وَلَا مُعَزِّزَ لِمَنْ أَذَلَّتْ، وَلَا مُذِلَّ لِمَنْ
بلند کردی کسش پست نتواند کرد هر که را خوار کردی کسش عزت نتوان داد
أَعَزَّزْتَ، وَلَا مَانِعَ لِمَا أُعْطِيَْتَ، وَلَا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا
و هر که را عزت دادی کسی خوارش نتواند آنچه را دادی جلوگیر ندارد و آنچه را جلوگیری کردی کسی نتواند بدهد
و تویی خدایی که معبودی

أَنْتَ، كُنْتَ إِذْ لَمْ تَكُنْ سَمَاءٌ مُبْنِيَّةٌ، وَلَا أَرْضٌ مَدْحِيَّةٌ، وَلَا شَمْسٌ مُضِيَّةٌ،
جز تو نیست بودی تو هنگامی که نه آسمان ساخته‌ای بود و نه زمین گسترده‌ای و نه خورشید درخشنده‌ای
وَلَا لَيْلٌ مُظْلِمٌ، وَلَا نَهَارٌ مُضِيٌّ، وَلَا بَحْرٌ لُجِّيٌّ، وَلَا جَبَلٌ رَاسٍ، وَلَا نَجْمٌ
و نه شب تاریک کننده‌ای و نه روز روشنی دهنده‌ای و نه دریای موجی و نه کوه استواری و نه ستاره
سار، وَلَا قَمَرٌ، مُنِيرٌ وَلَا رِيحٌ تَهْبٌ، وَلَا سَحَابٌ يَسْكُبُ، وَلَا بَرْقٌ يُلْمَعُ،
سیر کننده‌ای و نه ماه تابناک و نه بادی وزان و نه ابری بارنده و نه برقی درخشنده
وَلَا رَعْدٌ يُسَجُّ، وَلَا رُوحٌ تَنْفَسُ، وَلَا طَائِرٌ يَطِيرُ، وَلَا نَارٌ تَتَوَقَّدُ، وَلَا مَاءٌ
و نه رعدی به تسبیح غرنده و نه جانی که دم زند و نه پرنده‌ای که پرواز کند و نه آتشی که روشن گردد و نه آبی که
يَطْرِدُ، كُنْتَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ، وَكَوْنْتَ كُلِّ شَيْءٍ، وَقَدَرْتَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ،

روان گردد بودی تو پیش از هر چیز و همه را تو هستی دادی و بر هر چیز قادر و توانا
وَابْتَدَعْتَ كُلِّ شَيْءٍ، وَأَخْتَبْتَ وَأَفْقَرْتَ، وَآمَتَّ وَأَحْيَيْتَ، وَأَضْحَكْتَ
گشتی همه اشیاء را تو پدید آوردی توانگر کنی و فقیر گردانی و میرانی و زنده کنی و بخندانی و
وَأَبَكَيْتَ، وَعَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَيْتَ، فَتَبَارَكْتَ يَا اللَّهُ وَتَعَالَيْتَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي
بگریانی و بر عرش مستولی هستی پس منزهی تو ای خدا و برتری، تویی خدایی که
لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْخَلَّاقُ الْمُعِينُ، أَمْرُكَ غَالِبٌ، وَعِلْمُكَ نَافِذٌ، وَكِدُّكَ غَرِيبٌ،
معبودی جز تو نیست آن آفریننده مددکار فرمانت پیروز و دانشت نافذ و کید و مکر عجیب و غریب
وَوَعْدُكَ صَادِقٌ، وَقَوْلُكَ حَقٌّ، وَحُكْمُكَ عَدْلٌ، وَكَلَامُكَ هُدًى، وَوَحْيُكَ

و وعده‌ات راست و گفتارت درست و حکمت عدل و داد و کلامت هدایت و ارشاد و وحیت

نورٌ، وَرَحْمَتُكَ واسِعَةٌ، وَعَفْوُكَ عَظِيمٌ، وَفَضْلُكَ كَثِيرٌ، وَعَطَاؤُكَ جَزِيلٌ،

نور و رحمت پهناور و گذشتت بس بزرگ و فضل و کرمیت بسیار

وَحَبْلُكَ مَتِينٌ، وَإِمْكَانُكَ عَتِيدٌ، وَجَارُكَ عَزِيزٌ، وَبَأْسُكَ شَدِيدٌ،

و رشته تو مسلحانه و امکان (وسائل جور کردن) تو مهیا است پناهنده به تو نیرومند و انتقام و کیفرت

سخت

وَمَكْرُكَ مَكِيدٌ، أَنْتَ يَا رَبِّ مَوْضِعُ كُلِّ شَكْوَى، حَاضِرُ كُلِّ مَلَأٍ، وَشَاهِدُ

و مکر و کیدت زیرکانه است تو ای پروردگار من مرجع هر شکایت و حاضر در هر انجمن و مطلع

كُلِّ نَجْوَى، مُنْتَهَى كُلِّ حَاجَةٍ، مُفْرَجُ كُلِّ حُزْنٍ، غِيٌّ كُلِّ مِسْكِينٍ، حِصْنُ كُلِّ

از هر سخن درگوشی، حد نهایی هر حاجت، برطرف کننده هر اندوه، توانگری هر بینا، دژ محکم هر فراری،

هَارِبٍ، أَمَانُ كُلِّ خَائِفٍ، حَرِزُ الضُّعْفَاءِ، كَنْزُ الْفُقَرَاءِ، مُفْرَجُ الْعَمَاءِ،

امان بخش هر ترسناک، پناهگاه ضعیفان، گنج فقیران، غمگشای غمزدگان

مُعِينُ الصَّالِحِينَ، ذَلِكَ اللَّهُ رَبُّنَا، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، تَكْفِي مِنْ عِبَادِكَ مَنْ تَوَكَّلَ

یاور نیکان و نیک رفتاری این است خدا پروردگار ما که معبودی جز او نیست هر بنده‌ای از بندگان که بر تو توکل کند

عَلَيْكَ، وَأَنْتَ جَارٌ مَنْ لَا ذِكْرَ لَكَ، وَتَضَرَّعَ إِلَيْكَ عِصْمَةٌ مَنِ اعْتَصَمَ بِكَ نَاصِرٌ

او را کفایت کنی و تویی پناه کسی که به تو پناه آورد و تضرع و زاری به درگاهت کند، نگهدار آنی که

از تو نگهداری خواهد و یار آنی

مَنْ اتَّصَرَ بِكَ تَغْفِرُ الذُّنُوبَ لِمَنْ اسْتَغْفَرَكَ جَبَّارُ الْجَبَابِرَةِ، عَظِيمٌ

که از تو یاری طلبد، بیامرزی گناهان کسی را که از تو آمرزش خواهد، مسلط بر همه گردنکشان برتر (از همه) برتران

بزرگ

الْعُظْمَاءِ، كَبِيرُ الْكُبَرَاءِ، سَيِّدُ السَّادَاتِ، مَوْلَى الْمَوَالِ، صَرِيحٌ

همه بزرگان آقایی سرور سروران دادرس دادخواهان غمزدای

الْمُسْتَصْرِخِينَ، مُنْفَسٌّ عَنِ الْمَكْرُوبِينَ، مُجِيبُ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، أَسْمَعُ

غمندگان اجابت کننده دعای درماندگان شنواترین

السَّامِعِينَ أَبْصَرُ النَّاطِرِينَ، أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ، أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ، أَرْحَمُ

شنوندگان بیناترین بنیایان عادلترین حاکمان سریع‌ترین حسابگران مهربانترین
الرَّاحِمِينَ، خَيْرُ الْغَافِرِينَ، قَاضِي حَوَائِجِ الْمُؤْمِنِينَ، مُعِثُ الصَّالِحِينَ،
مهربانان بهترین آمرزندگان برآورنده حاجات مؤمنان و فریادرس نیکان و شایستگان
أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، رَبُّ الْعَالَمِينَ أَنْتَ الْخَالِقُ وَأَنَا الْمَخْلُوقُ، وَأَنْتَ
تویی خدایی که معبودی جز تو نیست ای پروردگار جهانیان تویی آفریننده و منم آفریده شده تویی
الْمَالِكُ وَأَنَا الْمَمْلُوكُ، وَأَنْتَ الرَّبُّ وَأَنَا الْعَبْدُ، وَأَنْتَ الرَّازِقُ وَأَنَا
مالك و منم مملوک تویی پروردگار و منم بنده تویی روزی ده و منم
الْمَرْزُوقُ، وَأَنْتَ الْمُعْطِي وَأَنَا السَّائِلُ، وَأَنْتَ الْجَوَادُ وَأَنَا الْبَخِيلُ، وَأَنْتَ
روزی خور تویی دهنده و منم خواهنده تویی بخشنده و منم بخیل و خسیس تویی
الْقَوِيُّ وَأَنَا الضَّعِيفُ، وَأَنْتَ الْعَزِيزُ وَأَنَا الذَّلِيلُ، وَأَنْتَ الْغَنِيُّ وَأَنَا الْفَقِيرُ،
نیرومند و منم بنده ناتوان تویی عزیز و منم زیون و ذلیل تویی توانگر و منم گدای نیازمند
وَأَنْتَ السَّيِّدُ وَأَنَا الْعَبْدُ، وَأَنْتَ الْغَافِرُ وَأَنَا الْمُسِيءُ، وَأَنْتَ الْعَالِمُ وَأَنَا
تویی آقا و منم بنده تویی آمرزنده و منم بدکار (شرمنده) تویی دانا و منم نادان، تویی
الْجَاهِلُ، وَأَنْتَ الْحَلِيمُ وَأَنَا الْعَجُولُ، وَأَنْتَ الرَّحْمَنُ وَأَنَا الْمَرْحُومُ، وَأَنْتَ
بردار و منم شتاب کار تویی بخشاینده و منم مستوجب رحمت تویی
الْمُعَافِي وَأَنَا الْمُتَبَتِّلِي، وَأَنْتَ الْمُجِيبُ وَأَنَا الْمُضْطَرُّ، وَأَنَا أَشْهَدُ بِأَنَّكَ أَنْتَ
عافیت بخش و منم (بنده) گرفتار تویی اجابت کننده و منم بنده درمانده و من گواهی دهم که براسستی تویی
اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْمُعْطِي عِبَادَكَ بِلا سَوْأَلٍ، وَأَشْهَدُ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْوَاحِدُ
خدایی که معبودی جز تو نیست به بندگان بدون سؤال عطا کنی و گواهی دهم که براسستی تویی خدای یگانه
الْأَحَدُ الْمُتَفَرَّدُ الصَّمَدُ الْفَرْدُ، وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآهْلِ بَيْتِهِ
یکتای تنهایی بی نیاز فرد، و بازگشت همه بسوی تو است و درود خدا بر محمد و اهل بیت
الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، وَاعْفِرْ لِي ذُنُوبِي، وَاسْتُرْ عَلَيَّ عِيُوبِي، وَافْتَحْ لِي مِنْ لَدُنْكَ
پاک و پاکیزه‌اش باد و بیامرز گناهانم را و بیوشان بر من عیبهایم را و باز کن برای من از نزد خود
رَحْمَةً، وَرِزْقاً وَاسِعاً، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ،
دری از رحمت و روزی فراخ ای مهربانترین مهربانان و حمد مخصوص پروردگار جهانیان است

وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ .

بس است ما را خدا و نیکو و کیلی است و جنبش و نیروی نیست مگر به خدای والای بزرگ .

دُعای مُجیر

دعائست رفیع الشان مروی از حضرت رسول صلی الله علیه وآله جبرئیل برای آن حضرت آورد در وقتی که در مقام ابراهیم علیه السلام مشغول بنماز بود و کفعمی در بلد الامین و مصباح این دعا را ذکر کرده و در حاشیه آن اشاره به فضیلت آن نموده از جمله فرموده هر که این دعا را در ایام البیض ماه رمضان بخواند گناهانش آمرزیده شود اگر چه بعدد دانه های باران و برگ درختان و ریگ بیابان باشد و برای شفاء مریض و قضاء دین و غنا و توانگری و رفع غم خواندن آن نافع است و دعا این است :

سُبْحَانَكَ يَا اللَّهُ، تَعَالَيْتَ يَا رَحْمَنُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ

منزهی ای خدا برتری تو ای بخشنده پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی

یا رَحِيمُ، تَعَالَيْتَ يَا كَرِيمُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا مَلِكُ،

ای مهربان برتری تو ای کریم پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی ای پادشاه

تَعَالَيْتَ يَا مَالِكُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ. يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا قُدُّوسُ، تَعَالَيْتَ يَا سَلَامُ،

برتری تو ای مالک پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی ای امیر از هر عیب برتری تو ای سلامت بخش

أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا مُؤْمِنُ، تَعَالَيْتَ يَا مُهَيِّمُ، أَجِرْنَا مِنَ

پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی ای امان بخش برتر آمدی ای نگهبان پناه ده ما را از

النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا عَزِيزُ، تَعَالَيْتَ يَا جَبَّارُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ

آتش ای پناه ده منزهی ای نیرومند برتر آمدی ای با جبروت و عظمت پناه ده ما را از آتش

یا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا مُتَكَبِّرُ، تَعَالَيْتَ يَا مُتَجَبِّرُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ،

ای پناه ده منزهی ای دارای بزرگی و کبریا برتر آمدی ای صاحب جلال و شوکت پناه ده ما را از آتش ای پناه ده

سُبْحَانَكَ يَا خَالِقُ، تَعَالَيْتَ يَا بَارِئُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ

منزهی ای آفریننده برتر آمدی ای پدید آورنده پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی

یا مُصَوِّرُ، تَعَالَيْتَ يَا مُقَدِّرُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا هَادِي،

اي صورت ده برتر آمدي اي اندازه گير كارها پناه ده ما را از آتش اي پناه ده منزهي اي راهنما
تَعَالَيْتَ يَا باقي، اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ. يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا وَهَّابُ، تَعَالَيْتَ يَا تَوَّابُ،
برتر آمدي اي باقي پناه ده ما را از آتش اي پناه ده منزهي اي بخشنده برتر آمدي اي توبه پذير
اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا فَتَّاحُ، تَعَالَيْتَ يَا مُرْتَّاحُ، اَجِرْنَا مِنْ
پناه ده ما را از آتش اي پناه ده منزهي اي گشاينده برتر آمدي اي آسايش بخش پناه ده ما را از
النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا سَيِّدِي، تَعَالَيْتَ يَا مَوْلَايَ، اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ،
آتش اي پناه ده منزهي تو اي آقاي من برتري تو اي سرور من پناه ده ما را از آتش اي پناه ده
سُبْحَانَكَ يَا قَرِيبُ، تَعَالَيْتَ يَا رَقِيبُ، اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ
منزهي تو اي نزديك برتري تو اي مراقب اعمال بندگان پناه ده ما را از آتش اي پناه ده منزهي
يَا مُبْدِي، تَعَالَيْتَ يَا مُعِيدُ، اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا حَمِيدُ،
اي آغاز كن آفرينش برتر آمدي اي بازگرداننده پناه ده ما را از آتش اي پناه ده منزهي اي پسندیده
تَعَالَيْتَ يَا مَجِيدُ، اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا قَدِيمُ، تَعَالَيْتَ يَا
برتر آمدي اي ستوده پناه ده ما را از آتش اي پناه ده منزهي تو اي ديرينه برتري تو اي
عَظِيمُ، اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا غَفُورُ، تَعَالَيْتَ يَا شَكُورُ، اَجِرْنَا
با عظمت پناه ده ما را از آتش اي پناه ده منزهي اي آمرزنده برتر آمدي اي پاداش ده سپاسگزاران پناه ده ما را
مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا شَاهِدُ، تَعَالَيْتَ يَا شَهِيدُ، اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ
از آتش اي پناه ده منزهي اي شاهد برتري تو اي گواه پناه ده ما را از آتش
يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا حَنَّانُ، تَعَالَيْتَ يَا مَنَّانُ، اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ،
اي پناه ده منزهي تو اي بسيار مهربان برتري تو اي نعمت بخش پناه ده ما را از آتش اي پناه ده
سُبْحَانَكَ يَا بَاعِثُ، تَعَالَيْتَ يَا وَارِثُ، اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ،
منزهي تو اي برانگيزنده برتري تو اي ارث بر جهانيان پناه ده ما را از آتش اي پناه ده
سُبْحَانَكَ يَا مُحْيِي، تَعَالَيْتَ يَا مُمِيتُ، اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ
منزهي تو اي زنده كننده برتري تو اي ميراننده پناه ده ما را از آتش اي پناه ده منزهي تو
يَا شَفِيقُ، تَعَالَيْتَ يَا رَفِيقُ، اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا أَنِيسُ،
اي مهربان برتري تو اي رفيق پناه ده ما را از آتش اي پناه ده منزهي تو اي همدم

تَعَالَيْتَ يَا مُؤْنَسُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا جَلِيلُ، تَعَالَيْتَ يَا
برتري تو ای مونس پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای شوکتمند برتری تو ای دارای جمال و
جَمِيلُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا خَبِيرُ، تَعَالَيْتَ يَا بَصِيرُ، أَجِرْنَا
زیبایی پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای آگاه برتری تو ای بینای به کارها پناه ده
مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا حَفِيٌّ، تَعَالَيْتَ يَا مَلِيٌّ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا
ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای مهربان برتری تو ای بی نیاز مطلق پناه ده ما را از آتش ای
مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا مَعْبُودُ، تَعَالَيْتَ يَا مَوْجُودُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ،
پناه ده منزهی ای معبود حقیقی برتر آمدی ای موجود بالذات پناه ده ما را از آتش ای پناه ده
سُبْحَانَكَ يَا غَفَّارُ، تَعَالَيْتَ يَا قَهَّارُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا
منزهی ای آمرزش پیشه برتری تو ای دارای قهر و سطوت پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای
مَذْكُورُ، تَعَالَيْتَ يَا مَشْكُورُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا جَوَادُ،
یاد شونده برتری تو ای سپاس دارنده پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای بخشنده
تَعَالَيْتَ يَا مَعَاذُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا جَمَالُ، تَعَالَيْتَ
برتری تو ای پناهگاه پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای (اصل هر) زیبایی برتری تو
یا جَلالُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا سَابِقُ، تَعَالَيْتَ يَا رَازِقُ،
ای (بخشنده هر) بزرگواری پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای سبقت گیرنده برتری تو ای روزی دهنده
أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا صَادِقُ، تَعَالَيْتَ يَا فَالِقُ،
پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای راست گفتار برتری تو ای شکافنده
أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا سَمِيعُ، تَعَالَيْتَ يَا سَرِيعُ، أَجِرْنَا مِنَ
پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای شنوا برتری تو ای شتابنده (در اجابت) پناه ده ما را از
النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا رَفِيعُ، تَعَالَيْتَ يَا بَدِيعُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ،
آتش ای پناه ده منزهی تو ای بلند مرتبه برتری تو ای آفریننده پناه ده ما را از آتش ای پناه ده
سُبْحَانَكَ يَا فَعَّالُ، تَعَالَيْتَ يَا مُتَعَالُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا
منزهی تو ای کننده (آنچه بخواهی) برتری تو ای والامرتبه پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای
قَاضِي، تَعَالَيْتَ يَا رَاضِي، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا قَاهِرُ،

داور برتري تو اي راضي پناه ده ما را از آتش اي پناه ده منزهي تو اي چيره بر خلق
تَعَالَيْتَ يَا طَاهِرُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا عَالِمُ، تَعَالَيْتَ يَا
برتري تو اي پاكيزه پناه ده ما را از آتش اي پناه ده منزهي تو اي دانا برتري تو اي
حاکم، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا دَائِمُ، تَعَالَيْتَ يَا قَائِمُ، أَجِرْنَا
حکمران پناه ده ما را از آتش اي پناه ده منزهي تو اي جاويدان برتري تو اي قيام کننده به امور خلق پناه ده ما را
مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا عَاصِمُ، تَعَالَيْتَ يَا قَاسِمُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا
از آتش اي پناه ده منزهي تو اي نگهدار برتري تو اي قسمت کننده روزي پناه ده ما را از آتش اي پناه ده
مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا غَنِيُّ، تَعَالَيْتَ يَا مُعْنَى، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ،
منزهي تو اي بي نياز برتري تو اي بي نياز کننده پناه ده ما را از آتش اي پناه ده
سُبْحَانَكَ يَا وَفِيُّ، تَعَالَيْتَ يَا قَوِيُّ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا
منزهي تو اي وفادار برتري تو اي نيرومند پناه ده ما را از آتش اي پناه ده منزهي تو اي
کافي، تَعَالَيْتَ يَا شَافِي، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا مُقَدِّمُ،
کفايت کننده برتري تو اي شفا دهنده پناه ده ما را از آتش اي پناه ده منزهي تو اي مقدم
تَعَالَيْتَ يَا مُؤَخَّرُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا أَوَّلُ، تَعَالَيْتَ
دارنده برتري تو اي عقب انداز پناه ده ما را از آتش اي پناه ده منزهي تو اي اول برتري تو
يا آخِرُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا ظَاهِرُ، تَعَالَيْتَ يَا بَاطِنُ،
اي آخر پناه ده ما را از آتش اي پناه ده منزهي تو اي پيدا برتري تو اي نا پيدا
أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا رَجَاءُ، تَعَالَيْتَ يَا مُرْتَجِي، أَجِرْنَا
پناه ده ما را از آتش اي پناه ده منزهي تو اي اميد برتري تو اي مايه اميدواري پناه ده
مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا ذَالْمَنُ، تَعَالَيْتَ يَا ذَالطُّوْلُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ
ما را از آتش اي پناه ده منزهي تو اي صاحب نعمت برتري تو اي صاحب احسان پناه ده ما را از آتش
يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا حَيُّ، تَعَالَيْتَ يَا قَيُّوْمُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ
اي پناه ده منزهي تو اي زنده برتري تو اي پاينده پناه ده ما را از آتش اي پناه ده منزهي تو
يا وَاحِدُ، تَعَالَيْتَ يَا أَحَدُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا سَيِّدُ،
اي يگانه برتري تو اي يکتا پناه ده ما را از آتش اي پناه ده منزهي تو اي آقا

تَعَالَيْتَ يَا صَمَدُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا قَدِيرُ، تَعَالَيْتَ
برتري تو ای بی نیاز پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای توانا برتری
یا کبیرُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا وَالِي، تَعَالَيْتَ يَا مُتَعَالَى،
تو ای بزرگ پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای حکمران برتری تو ای والامقام
أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا عَلِيُّ، تَعَالَيْتَ يَا أَعْلَى، أَجِرْنَا مِنَ
پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای والا برتری تو ای والاتر از همه پناه ده ما را از
النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا وَلِيُّ، تَعَالَيْتَ يَا مَوْلى، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا
آتش ای پناه ده منزهی تو ای صاحب اختیار برتری تو ای سرور پناه ده ما را از آتش
مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا ذَارِئُ، تَعَالَيْتَ يَا بَارِئُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ،
ای پناه ده منزهی تو ای آفریننده برتری تو ای پدید آورنده پناه ده ما را از آتش ای پناه ده
سُبْحَانَكَ يَا خَافِضُ، تَعَالَيْتَ يَا رَافِعُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ،
منزهی تو ای پایین آورنده برتری تو ای بالا برنده پناه ده ما را از آتش ای پناه ده
سُبْحَانَكَ يَا مُقْسِطُ، تَعَالَيْتَ يَا جَامِعُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ،
منزهی تو ای به انصاف رفتار کننده برتری تو ای گردآورنده پناه ده ما را از آتش ای پناه ده
سُبْحَانَكَ يَا مُعِزُّ، تَعَالَيْتَ يَا مُذِلُّ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ
منزهی تو ای عزت بخش برتری تو ای ذلت بخش پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو
یا حَافِظُ، تَعَالَيْتَ يَا حَافِظُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا قَادِرُ،
ای نگهبان برتری تو ای نگهدار پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای توانا
تَعَالَيْتَ يَا مُقْتَدِرُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا عَلِيمُ، تَعَالَيْتَ
برتری تو ای با اقتدار پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای دانا برتری تو
یا حَلِيمُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا حَكَمُ، تَعَالَيْتَ يَا حَكِيمُ،
ای بردبار پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای داور برتری تو ای فرزانه
أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا مُعْطِي، تَعَالَيْتَ يَا مَانِعُ، أَجِرْنَا
پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای عطا ده برتری تو ای مانع از عطا پناه ده ما را
مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا ضَارُّ، تَعَالَيْتَ يَا نَافِعُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ

از آتش ای پناه ده منزهی تو ای زیان رسان برتری تو ای سودرسان پناه ما را از آتش
یا مُجِیرُ، سُبْحَانَكَ یا مُجِیبُ، تَعَالَيْتَ یا حَسِیبُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یا
ای پناه ده منزهی تو ای اجابت کننده برتری تو ای حسابگر پناه ده ما را از آتش ای
مُجِیرُ، سُبْحَانَكَ یا عَادِلُ، تَعَالَيْتَ یا فَاصِلُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یا مُجِیرُ،
پناه ده منزهی تو ای دادگر برتری تو ای جدا کننده پناه ده ما را از آتش ای پناه ده
سُبْحَانَكَ یا لَطِیفُ، تَعَالَيْتَ یا شَرِیفُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یا مُجِیرُ،
منزهی تو ای مهربان برتری تو ای شریف پناه ده ما را از آتش ای پناه ده
سُبْحَانَكَ یا رَبُّ، تَعَالَيْتَ یا حَقُّ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یا مُجِیرُ، سُبْحَانَكَ یا
منزهی تو ای پروردگار برتری تو ای ثابت پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای
مَاجِدُ، تَعَالَيْتَ یا وَاحِدُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یا مُجِیرُ، سُبْحَانَكَ یا عَزَّوَجَلَّ،
گرامی برتری تو ای یگانه پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای باگذشت
تَعَالَيْتَ یا مُنْتَقِمُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یا مُجِیرُ، سُبْحَانَكَ یا وَاسِعُ، تَعَالَيْتَ
برتری تو ای انتقام کش پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای وسیع رحمت برتری تو
یا مُوسِعُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یا مُجِیرُ، سُبْحَانَكَ یا رَوْفُ، تَعَالَيْتَ یا
ای گشایش بخش پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای مهرورز برتری تو ای
عَطُوفُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یا مُجِیرُ، سُبْحَانَكَ یا فَردُ، تَعَالَيْتَ یا وَثَرُ،
با عطوفت پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای یگانه برتری تو ای تک و تنها
أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یا مُجِیرُ، سُبْحَانَكَ یا مُقِیتُ، تَعَالَيْتَ یا مُحِیطُ، أَجِرْنَا
پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای حافظ و نگهبان برتری تو ای محیط بر هر چیز پناه ده ما را
مِنَ النَّارِ یا مُجِیرُ، سُبْحَانَكَ یا وَکِیلُ، تَعَالَيْتَ یا عَدْلُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ
از آتش ای پناه ده منزهی تو ای وکیل برتری تو ای سراسر عدل و داد پناه ده ما را از آتش
یا مُجِیرُ، سُبْحَانَكَ یا مُبِینُ، تَعَالَيْتَ یا مَئِینُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یا مُجِیرُ،
ای پناه ده منزهی تو ای آشکار کننده برتری تو ای ثابت سستی ناپذیر پناه ده ما را از آتش ای پناه ده
سُبْحَانَكَ یا بَرُّ، تَعَالَيْتَ یا وَدُودُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یا مُجِیرُ، سُبْحَانَكَ یا
منزهی تو ای نیکوکار برتری تو ای بسیار مهربان پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای

رَشِيدُ، تَعَالَيْتَ يَا مُرْشِدُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا نُورُ،
ارشاد کننده برتري تو اي رهنمون پناه ده ما را از آتش اي پناه ده منزهي تو اي نور
تَعَالَيْتَ يَا مُنَوِّرُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا نُصِيرُ، تَعَالَيْتَ
برتري تو اي روشنی بخش پناه ده ما را از آتش اي پناه ده منزهي تو اي ياور برتري تو
يَا نَاصِرُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا صَبُورُ، تَعَالَيْتَ يَا
اي ياري ده پناه ده ما را از آتش اي پناه ده منزهي تو اي بردبار برتري تو اي
صَابِرُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا مُحْصِي، تَعَالَيْتَ يَا
شکيبا پناه ده ما را از آتش اي پناه ده منزهي تو اي شمارنده برتري تو اي
مُنْشِئُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا سُبْحَانَ، تَعَالَيْتَ يَا دَيَّانُ،
ايجاد کننده پناه ده ما را از آتش اي پناه ده منزهي تو اي منزده برتري تو اي كيفر ده
أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا مُغِيثُ، تَعَالَيْتَ يَا غِيَاثُ، أَجِرْنَا
پناه ده ما را از آتش اي پناه ده منزهي تو اي فريادرس برتري تو اي دادرس پناه ده ما را
مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا فَاطِرُ، تَعَالَيْتَ يَا حَاضِرُ، أَجِرْنَا مِنَ
از آتش اي پناه ده منزهي تو اي آفريننده برتري تو اي حاضر پناه ده ما را از
النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا ذَا الْعِزِّ وَالْجَمَالِ، تَبَارَكْتَ يَا ذَا الْجَبَرُوتِ
آتش اي پناه ده منزهي تو اي صاحب عزت و زيبايي بزرگي تو اي صاحب جبروت
وَالْجَلَالِ، سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ،
و جلال منزهي تو معبودي جز تو نيست «منزهي تو و همانا من از ستمگرانم
فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ، وَكَذَلِكَ تُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ
پس مستجاب كرديم دعاي او (يعنى يونس) را و او را از اندوه نجاتش داديم و اين چنين مؤمنين را نجات بخشيم» و درود
عَلِي سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَحَسْبُنَا
خدا بر آقاي ما محمد و آلش همگي و ستايش خاص پروردگار جهانيان است و خدا ما را بس است
اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ .
و او نيکو وکيلي است و جنبش و نيرويي نيست جز به خدای والاي بزرگ

دُعایِ عدیلہ

شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ
گواهی دهد خدا که همانا معبودی جز او نیست و فرشتگان و دانشمندان نیز گواهی دهند که معبودی جز
هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ، وَأَنَا الْعَبْدُ الضَّعِيفُ الْمَذْنُبُ
او که عزیز و فرزانه است نیست و عدل و داد بدو پایدار است همانا دین نزد خدا اسلام است و من بنده ناتوان گنهکار
الْعَاصِي الْمُحْتَاجُ الْحَقِيرُ، أَشْهَدُ لِمُنْعِمِي وَخَالِقِي وَرَازِقِي وَمُكْرَمِي، كَمَا
نافرمان نیازمند کوچکم گواهی دهم برای نعمت دهنده و آفریننده و روزی ده و اکرام کننده ام چنانچه
شَهِدَ لِذَاتِهِ، وَشَهِدَتْ لَهُ الْمَلَائِكَةُ، وَأُولُوا الْعِلْمِ مِنْ عِبَادِهِ، بِأَنَّهُ
او برای خود گواهی داده و فرشتگان و دانشمندان از بندگانش برای او گواهی داده اند
لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، ذُو النِّعَمِ وَالْإِحْسَانِ، وَالْكَرَمِ وَالْإِثْمَانِ، قَادِرٌ أَزَلِيٌّ،
که معبودی نیست جز او آن صاحب نعمت و احسان و کرم و بخشش و توانا ازلی
عَالِمٌ أَبَدِيٌّ، حَيٌّ أَحَدِيٌّ، مُوجِدٌ سَرْمَدِيٌّ، سَمِيعٌ بَصِيرٌ، مُرِيدٌ كَارِهٌ، مُدْرِكٌ
دانای جاویدان زنده یگانه موجود همیشگی شنوای بینای با اراده با کراهت درک کننده ای
صَمَدِيٌّ، يَسْتَحِقُّ هَذِهِ الصِّفَاتِ، وَهُوَ عَلِيٌّ مَا هُوَ عَلَيْهِ فِي عِزِّ صِفَاتِهِ، كَانَ
که نیازمند نیست و شایسته این اوصاف است و او در عین آنکه بی نیاز از این صفات است
قَوِيًّا قَبْلَ وَجُودِ الْقُدْرَةِ وَالْقُوَّةِ، وَكَانَ عَلِيمًا قَبْلَ إِجَادِ الْعِلْمِ وَالْعِلَّةِ،
پیش از پیدایش نیرو و قدرت نیرومند بوده و پیش از ایجاد علم و علت
لَمْ يَزَلْ سُلْطَانًا إِذْ لَا مَمْلَكَةَ وَلَا مَالَ، وَلَمْ يَزَلْ سُبْحَانًا عَلَيَّ جَمِيعِ الْأَحْوَالِ،
دانا بوده هنگامی که نه کشوری بوده و نه مالی او سلطنت و پادشاهی داشته همیشه در همه احوال منزّه و بی نیاز بوده
وَجُودُهُ قَبْلَ الْقَبْلِ فِي أَزَلِ الْأَزَالِ، وَبَقَائُهُ بَعْدَ الْبَعْدِ مِنْ غَيْرِ انْتِقَالٍ
هستی او پیش از هر پیشی در ازل ازها بوده و ماندنش بعد از هر بعدی است بدون تغییر و زوال
وَلَا زَوَالٍ، غَنِيٌّ فِي الْأَوَّلِ وَالْآخِرِ، مُسْتَعْنٍ فِي الْبَاطِنِ وَالظَّاهِرِ، لَا جَوْرَ
بی نیاز است در آغاز و انجام و مستغنی است در نهان و آشکار هیچ ستمی
فِي قَضِيَّتِهِ، وَلَا مِثْلَ فِي مَشِيَّتِهِ، وَلَا ظُلْمَ فِي تَقْدِيرِهِ، وَلَا مَهْرَبَ مِنْ

در داوریش نیست و هیچ انحراف و اعوجاجی در مشیتش نخواهد بود و هیچ ظلمی در اندازه گیری او وجود ندارد،
راه گریزی از

حُكُومَتِهِ، وَلَا مُلْجَأَ مِنْ سَطَوَاتِهِ، وَلَا مَنَاجَا مِنْ بَقِمَاتِهِ، سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ

حکمش و پناهگاهی در برابر حملات و یورشش نیست و وسیله نجاتی از انتقام و غضبش وجود ندارد رحمت او
غَضَبُهُ، وَلَا يَفُوتُهُ أَحَدٌ إِذَا طَلَبَهُ، أَزَاحَ الْعِلَلَ فِي التَّكْلِيفِ، وَسَوَّى

بر غضبش پیشی گرفته و هر که را بخواهد از دستش بدر نرود در تکالیف خود موانع را از پیش پا برداشته و در
التَّوْفِيقَ بَيْنَ الضَّعِيفِ وَالشَّرِيفِ، مَكَّنَ آدَاءَ الْمَأْمُورِ، وَسَهَّلَ سَبِيلَ

توفیق انجام آنها میان ناتوان و توانا را یکسان کرده به هر چه دستور داده قدرت انجام آن را داده و هر چه را
اجْتِنَابِ الْمُحْظُورِ، لَمْ يَكْلَفِ الطَّاعَةَ إِلَّا دُونَ الْوُسْعِ وَالطَّاقَةِ، سُبْحَانَهُ مَا

قدغن کرده راه اجتنابش را آسان کرده و تکلیفی نکرده جز به مقدار وسع و طاقت منزله باد او که
أَبَيَّنَ كَرَمَهُ، وَأَعْلَى شَأْنَهُ، سُبْحَانَهُ مَا أَجَلَ ثَبَلَهُ، وَأَعْظَمَ إِحْسَانَهُ، بَعَثَ

چقدر کرم و بزرگواریش آشکار و روشن و مرتبه اش بلند است منزله باد که چه اندازه عطایش ارجمند و احسان و بخشش بزرگ
است

الْأَنْبِيَاءَ لِيُبَيِّنَ عَدْلَهُ، وَنَصَبَ الْأَوْصِيَاءَ لِيُظْهِرَ طَوْلَهُ وَفَضْلَهُ، وَجَعَلَنَا

پیمبران را فرستاد تا عدل و دادش را آشکار سازد و اوصیاء را به جانشینی آنها منصوب داشت تا کرم و فضلش را
ظاهر کند و (از فضل او

مِنْ أُمَّةٍ سَيِّدَ الْأَنْبِيَاءِ، وَخَيْرَ الْأَوْلِيَاءِ، وَأَفْضَلَ الْأَصْفِيَاءِ، وَأَعْلَى الْأَرْكَبِيَاءِ،

است که) ما را از امت سید پیمبران و بهترین اولیاء و برترین برگزیدگان و والاترین پاکیزگان

مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، امْتَنَّا بِهِ وَبِمَا دَعَانَا إِلَيْهِ، وَبِالْقُرْآنِ الَّذِي

محمد صلی الله علیه و آله و سلم قرار داد ایمان آوردیم به او و به آنچه ما را بدان خواند و به قرآنی که

أَنْزَلَهُ عَلَيْهِ، وَبِوَصِيَّتِهِ الَّتِي نَصَبَهُ يَوْمَ الْغَدِيرِ، وَأَشَارَ بِقَوْلِهِ هَذَا عَلَيَّ إِلَيْهِ،

خدا بر او نازل فرمود و به وصیش که در روز غدیر او را (به جانشینی خود) منصوب فرمود و به گفتارش که فرمود:
«این علی است» و به او

وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأَئِمَّةَ الْأَبْرَارَ، وَالْخُلَفَاءَ الْأَخْيَارَ بَعْدَ الرَّسُولِ الْمُخْتَارِ، عَلِيٍّ

اشاره کرد و گواهی دهم که امامان نیکوکار و جانشینان برگزیده پس از پیامبر مختار عبارتند از: «علی»

قَامِعُ الْكُفَّارِ، وَمِنْ بَعْدِهِ سَيِّدُ أَوْلَادِهِ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ، ثُمَّ أَخُوهُ السَّبْطُ
 زبون کننده کافران و پس از او بهترین فرزندان حسن بن علی سپس برادرش سبط
 التَّابِعُ لِمَرْضَاتِ اللَّهِ الْحُسَيْنُ، ثُمَّ الْعَابِدُ عَلِيُّ، ثُمَّ الْبَاقِرُ مُحَمَّدٌ، ثُمَّ
 رسول گرامی پیرو آنچه موجب خوشنودی خدا بود حسین، سپس (آن امام) عابد علی، سپس (حضرت) باقر محمد، سپس
 (امام)

الصَّادِقُ جَعْفَرٌ، ثُمَّ الْكَاطِمُ مُوسَى، ثُمَّ الرِّضَا عَلِيُّ، ثُمَّ التَّقِيُّ مُحَمَّدٌ، ثُمَّ
 صادق جعفر، سپس (حضرت) کاظم موسی، سپس امام رضا علی، سپس تقی (که نامش) محمد است، سپس
 التَّقِيُّ عَلِيُّ، ثُمَّ الزَّكِيُّ الْعَسْكَرِيُّ. الْحَسَنُ، ثُمَّ الْحُجَّةُ الْخَلْفُ الْقَائِمُ
 علی النقی، سپس زکی عسکری (حضرت) حسن سپس فرزند خلف او حجت قائم
 الْمُنْتَظَرُ الْمَهْدِيُّ، الْمُرْجَى الَّذِي بَقَائِهِ بَقِيَتِ الدُّنْيَا، وَيُمْنُهُ رِزْقُ الْوَرَى،
 منتظر مهدی آن مایه امیدی که به بقای او دنیا باقی مانده و به برکت او خلق روزی خورند
 وَبُجُودِهِ تَبَتَّتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ، وَبِهِ يَمْلَأُ اللَّهُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، بَعْدَ
 و به وجود او زمین و آسمان پابرجا مانده و بدست او خداوند زمین را پر از عدل و داد کند پس
 مَا مِلْتُمْ ظُلْمًا وَجَوْرًا، وَأَشْهَدُ أَنَّ أَقْوَالَهُمْ حُجَّةٌ، وَأَمْتِنَاهُمْ فَرِيضَةً،
 از آنکه از ظلم و ستم پر شده باشد و گواهی دهم که گفتارشان (برای ما) حجت و دلیل است و
 وَطَاعَتُهُمْ مَفْرُوضَةٌ، وَمَوَدَّتُهُمْ لَازِمَةٌ مَقْضِيَّةٌ، وَالْإِقْدَاءُ بِهِمْ مُنْجِيَةٌ،
 فرمانبرداریشان واجب و پیرویشان فرض و محبت و دوستیشان لازم و حتمی است و اقتداء کردن به ایشان موجب
 نجات

وَمُخَالَفَتُهُمْ مُرْدِيَةٌ، وَهُمْ سَادَاتُ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَجْمَعِينَ، وَشَفَعَاءُ يَوْمِ
 و مخالفتشان سبب هلاکت است و آنهاوند بزرگان و آقایان همه اهل بهشت، و شفیعان روز
 الدِّينِ، وَأَنْمَةُ أَهْلِ الْأَرْضِ عَلَى الْيَقِينِ، وَأَفْضَلُ الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ،
 جزا و پیشوایان مردم روی زمین بطور قطع و یقین و هم چنین برترین اوصیاء پسندیده ایشانند
 وَأَشْهَدُ أَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ، وَمُسَائِلَةَ الْقَبْرِ حَقٌّ، وَالْبَعْثَ حَقٌّ، وَالتَّشْوَرَ حَقٌّ،
 و گواهی دهم که مرگ حق است و سؤال و جواب در قبر حق است و برانگیخته شدن حق است و زنده شدن پس از مرگ
 حق است

فَضْلُكَ رَجَائِي، وَكَرْمُكَ وَرَحْمَتُكَ أَمْلِي، لَا عَمَلَ لِي أَسْتَحِقُّ بِهِ الْجَنَّةَ،

حُضُورِ مَوْتِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ✕ مؤلف گوید: که در دعاهاي مأثوره است: اَللّهُمَّ

مرگ به من برگردان به رحمت ای مهربانترین مهربانان ××××××××××××××××××××

أَنْتِي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَدِيلَةِ عِنْدَ الْمَوْتِ. وَ عَدِيلَهُ عِنْدَ الْمَوْتِ يَعْنِي عَدُولِ كَرْدَنِ از

* * * * * به تو پناه برم از عدیله در وقت مرگ * * * * *

حقّ به باطل در وقت مردن و آن چنان است که شیطان نزد محتضر حاضر شود و وسوسه کند و او را در تشکیک اندازد تا آنکه او را از ایمان بیرون کند و از این جهت است که در دعاها استعاذه از آن شده و جناب فخر المحققین (ره) فرموده که هر که خواهد از آن سالم بماند استحضر کند اَدْلَه ایمان و اصول خمس را با اَدْلَه قَطْعِیّه و صفای خاطر و بسپرد آنرا به حقّ تعالی که در وقت حضور موت به او رَدّ فرماید به این طریق که بگوید بعد از عقاید حقّه :

اَللّهُمَّ يَا اَرْحَمَ الرَّحِمِينَ، اِنِّي قَدْ اَوْدَعْتُكَ يَقِيْنِي هَذَا، وَتَبَاتَ دِيْنِي،

خدایا ای مهربانترین مهربانان من به تو سپردم یقین خود و استقامت در دینم را

وَائْتِ خَيْرَ مُسْتَوْدَعٍ، وَقَدْ اَمَرْتَنَا بِحِفْظِ الْوَدَائِعِ، فَرُدَّهُ عَلَيَّ وَقْتُ

و تو بهترین امانتداری که به ما دستور امانت داری داده ای پس آن امانت را هنگام

حُضُوْر مَوْتِي، پس بر حسب فرمایش آن بزرگوار خواندن این دعای شریف عدیله و

مرگم به من بازگردان * * * * *
* * * * *

استحضر معنی آن در خاطر برای سلامت جُستن از خطر عدیله عِنْدَ الْمَوْتِ نافع است و اما اینکه این دعا مأثور است یا از مُنشآت علماء است خَرِیتِ صناعتِ عِلْمِ حدیث و روایت و جامع شَمَلِ اخبار ائمه علیهم السلام عالم متبحّر خبیر و محدّث ناقد بصیر شیخنا الاکرم و المحدّث الاعظم مولانا الحاج میرزا حسین الثوری نَوَّرَ اللهُ مرقده فرموده وَاَمَّا دُعَاءُ الْعَدِيْلَةِ الْمَعْرُوْفَةِ فَهُوَ مِنْ مُؤَلَّفَاتِ بَعْضِ اَهْلِ الْعِلْمِ لَيْسَ بِمَأْثُوْرٍ وَلَا مَوْجُوْدٍ فِي كُتُبِ حَمَلَةِ الْاَحَادِيْثِ وَتُقَادِهَا وَبَدَانِكِهْ شَيْخ طوسی از محمد بن سلیمان دیلمی روایت کرده است که بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کردم که شیعیان تو می گویند که ایمان بر دو قسم است یکی مستقرّ و ثابت و دیگر آنکه به امانت سپرده شده است و زایل می گردد پس بمن بیاموز دعائی را که هرگاه آنرا بخوانم ایمان من کامل گردد و زایل نشود فرمود که بگو بعد

از هر نماز واجب رَضِیْتُ بِاللّهِ رَبًّا، وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ نَبِیًّا، وَبِالْاِسْلَامِ

* * * * * راضی و خشنودم که پروردگارم خدا است و محمد صلی الله علیه و آله

پیغمبرم هست و اسلام

دِیْنًا، وَبِالْقُرْآنِ کِتَابًا، وَبِالْكَعْبَةِ قِبْلَةً، وَبِعَلِيٍّ وَلِیًّا وَامَامًا، وَبِالْحَسَنِ

دینم و قرآن کتابم و کعبه قبله ام و علی صاحب اختیار و امام من است و حسن و

وَالْحُسَيْنِ، وَعَلِيَّ بْنِ الْحُسَيْنِ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَمُوسَى بْنِ

حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن

جَعْفَرُ، وَعَلِيُّ بْنُ مُوسَى، وَمُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، وَعَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، وَالْحَسَنُ بْنُ

جعفر و علي بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن

علی، وَالْحُجَّةُ بْنُ الْحَسَنِ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أئِمَّةً، اللَّهُمَّ إِنِّي

علی و حجة بن الحسن صلوات الله عليهم امامان و پیشوایان منند خدایا من به پیشوایی ایشان

رَضِيتُ بِهِمْ أئِمَّةً، فَأَرْضَنِي لَهُمْ، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

خشنودم مرا هم مورد خشنودی آنان گردان که تو بر هر چیز توانایی

دُعای جُوشَن کَبِيرُ

در بلد الامین و مصباح کفعمی است و آن مروی است از حضرت سید الساجدین از پدرش از جدبزرگوارش حضرت رسول صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و این دعا را جبرئیل علیه السلام آورد برای پیغمبر صلی الله علیه و آله در یکی از غزوات در حالی که بر تن آنحضرت جوشن گرانی بود که سنگینی آن بدن مبارکش را بدرد آورده بود پس جبرئیل عرض کرد که یا محمد پروردگارت تو را سلام می‌رساند و می‌فرماید که بکن این جوشن را و بخوان این دعا را که او امان است از برای تو و امت تو پس شرحی در فضیلت این دعا ذکر فرموده که مقام نقل تمامش نیست از جمله آنکه هر که آنرا بر کفن خویش نویسد حق تعالی حیا فرماید که او را به آتش عذاب کند و هر که آنرا به نیت در اوّل ماه رمضان بخواند حق تعالی او را روزی فرماید لیلة القدر و خلق فرماید برای او هفتاد هزار فرشته که تسبیح و تقدیس کنند خدا را و ثوابش را برای او قرار دهند پس فضیلت بسیار نقل کرده تا آنکه فرموده و هر که بخواند او را در ماه رمضان سه مرتبه حرام فرماید حق تعالی جسد او را بر آتش جهنّم و واجب فرماید برای او بهشت را و دو ملک بر او موکّل فرماید که حفظ کنند او را از معاصی و در امان خدا باشد مدّت حیوة خود و در آخر خبر است که جناب امام حسین علیه السلام فرمود وصیت کرد پدرم علی بن ابی طالب صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ بِحِفْظِ این دعا و آنکه بنویسم آنرا بر کفن او و تعلیم کنم آنرا به اهل خود و ترغیب کنم ایشان را به خواندن آن و آن هزار اسم است و در آن اسم اعظم فقیر گوید که از این خبر دو چیز مُستفاد می‌شود یکی استحباب نوشتن این دعا به کفن چنانچه علامه بحر العلوم عَطَّرَ اللَّهُ مَرْقَدَهُ در دُرّه به آن اشاره فرموده :

وَسُنَّ أَنْ يُكْتَبَ بِالْأُكْفَانِ

شَهَادَةُ الْإِسْلَامِ وَالْإِيمَانِ

مستحب است که نوشته شود به کفنها

و جوشن که آنرا به امان وصف کرده‌اند

دوم استجواب خواندن این دعا در اوّل ماه رمضان و امّا خواندن آن در خصوص شبهای قدر در خبر ذکری از آن نیست لیکن علامه مجلسی قَدْ سَ اللّهُ رُوْحَهُ در زادالمعاد در ضمن اعمال شبهای قدر فرموده و در بعضی از روایات وارد شده است که دعای جوشن کبیر را در هر يك از این سه شب بخوانند و کافیهست فرمایش آن بزرگوار ما را در این مقام اَحَلَّهَ اللّهُ دَارَ السَّلَامَ بالجمله این دعا صد فصل است و هر فصلی مشتمل بر ده اسم الهی است و در آخر هر فصل باید گفت :

سُبْحَانَكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْغَوْثَ الْغَوْثَ، خَلِّصْنَا مِنَ النَّارِ يَا رَبِّ،

منزهی تو ای که نیست معبودی جز تو فریاد فریاد برهان ما را از آتش ای پروردگار

و در بلد الامین است که در اوّل هر فصل بِسْمِ اللّٰهِ بگویند و در آخرش: سُبْحَانَكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ،

* * * * *
* مزه‌هی تو ای که نیست معبودی جز تو *

الْعُوْثَ الْعُوْثَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَخَلِّصْنَا مِنَ النَّارِ يَا رَبِّ، يَا ذَا الْجَلَالِ

فریاد فریاد درود فرست بر محمد و آلش و برهان ما را از آتش ای پروردگار ای صاحب جلال

وَالْإِكْرَامَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

و بزرگواری ای مهر بانترین مهر بانان

و آن دُعا این است :

(1) اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ، یَا اَللّٰهُ یَا رَحْمٰنُ، یَا رَحِیْمُ یَا کَرِیْمُ، یَا مُقِیْمُ

خدایا از تو می‌خواهم به حق نامت ای خدا ای بخشاینده ای مهربان ای بزرگوار ای برپا دارنده

يا عَظِيمُ، يا قَدِيمُ يا عَلِيمُ، يا حَلِيمُ يا حَكِيمُ، سُبْحَانَكَ يا لا الهَ الاَّ اَنْتَ،

ای بزرگ ای قدیم ای دانا ای بردبار ای فرزانه منزهی تو ای که معبودی جز تو نیست

الْعُوثُ الْعُوثُ، خَلَّصْنَا مِنَ النَّارِ يَا رَبُّ (٢) يَا سَيِّدَ السَّادَاتِ، يَا مُجِيبَ

فریاد فریاد برهان ما را از آتش ای پروردگار من (۲) ای آقای آقایان ای اجابت کننده
الدَّعَوَاتِ، یا رافعَ الدَّرَجَاتِ، یا وَلِيَّ الحَسَنَاتِ، یا غافرَ الخَطِيئَاتِ، یا
دعاها ای بالا برنده مرتبه‌ها ای صاحب هر نیکی ای آمرزنده گناهان ای
مُعْطِي المَسْئَلَاتِ، یا قَابِلَ التَّوْبَاتِ، یا سامِعَ الأصْوَاتِ، یا عالمَ الحَقِيَّاتِ،
دهنده خواسته‌ها ای پذیرنده توبه‌ها ای شنونده صداها ای دانای اسرار پنهانی
یا دافعَ البَلِيَّاتِ (۳) یا خَيْرَ الْغَافِرِينَ، یا خَيْرَ الْفَاتِحِينَ، یا خَيْرَ النَّاصِرِينَ، یا
ای برطرف کننده بلاها (۳) ای بهترین آمرزندگان ای بهترین گشایندگان ای بهترین یاران ای
خَيْرَ الْحَاكِمِينَ، یا خَيْرَ الرَّازِقِينَ، یا خَيْرَ الْوَارِثِينَ، یا خَيْرَ الْحَامِدِينَ، یا خَيْرَ
بهترین حاکمان ای بهترین روزی دهان ای بهترین ارث بران ای بهترین ستایشگران ای بهترین
الذَّاكِرِينَ، یا خَيْرَ الْمُنْزِلِينَ، یا خَيْرَ الْمُحْسِنِينَ (۴) یا مَنْ لَهُ الْعِزَّةُ
یادکنندگان ای بهترین فرو فرستندگان ای بهترین احسان کنندگان (۴) ای که عزت
وَالْجَمَالَ، یا مَنْ لَهُ الْقُدْرَةُ وَالْكَمَالَ، یا مَنْ لَهُ الْمُلْكُ وَالْجَلَالُ، یا مَنْ هُوَ
و زیبایی از آن اوست ای که نیرو و کمال از آن او است ای که پادشاهی و جلال از آن او
الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ، یا مُنْشِي السَّحَابِ الثَّقَالِ، یا مَنْ هُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ، یا مَنْ هُوَ
است ای که بزرگ و برتر او است ای پدید آورنده ابرهای سنگین ای که او سخت کیفر (یا سخت نیرو) است ای که او
سَرِيعُ الْحِسَابِ، یا مَنْ هُوَ شَدِيدُ الْعِقَابِ، یا مَنْ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ، یا مَنْ
در حساب کشیدن سریع است ای که او در کیفر سخت است ای که پاداش خوب نزد او است ای که
عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ (۵) اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ، یا دَيَّانُ یا
نزد او است مایه و اصل کتابها (۵) خدایا از تو می‌خواهم بحق نامت ای مهرپیشه ای نعمت بخش ای پاداش دهنده ای
بُرْهَانُ، یا سُلْطَانُ یا رِضْوَانُ، یا غُفْرَانُ یا سُبْحَانُ، یا مُسْتَعَانُ یا ذَا الْمَنْ
دلیل و راهنما ای سلطان ای خوشنود ای آمرزنده ای منزّه ای یاور ای صاحب نعمت
وَالْبَيَانِ (۶) یا مَنْ تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِّعَظَمَتِهِ، یا مَنْ اسْتَسْلَمَ كُلُّ شَيْءٍ لِّقُدْرَتِهِ،
و بیان (۶) ای که هر چیزی در برابر عظمتش فروتن گشته ای که هر چیز در برابر قدرتش تسلیم گردیده
یا مَنْ ذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لِّعِزَّتِهِ، یا مَنْ خَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِّهَيْبَتِهِ، یا مَنْ اِنْقَادَ كُلُّ شَيْءٍ
ای که هر چیزی در برابر عزت و شوکتش خوار گشته ای که هر چیز در برابر هیبتش خاضع گردیده ای که هر چیزی

مِنْ حَشِيَّتِهِ، يَا مَنْ تَشَقَّقَتِ الْجِبَالُ مِنْ مَخَافَتِهِ، يَا مَنْ قَامَتِ السَّمَوَاتُ
از ترس او فرمانبردار و مطیعش گردیده ای که کوهها از هراسش از هم شکافته ای که به امر او آسمانها برپا
بِأَمْرِهِ يَا مَنْ اسْتَقَرَّتِ الْأَرْضُونَ بِإِذْنِهِ، يَا مَنْ يُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ، يَا مَنْ
گشته ای که زمینها به اذن او در جای خود مستقر گشته ای که رعد به ستایش او غرّش زند ای که
لَا يَعْتَدِي عَلَيَّ أَهْلُ مَمْلَكَتِهِ (۷) يَا غَافِرَ الْخَطَايَا، يَا كَاشِفَ الْبَلَايَا، يَا مُنْتَهِي
بر اهل کشور خود ستم نکند ای آمرزنده خطاها ای برطرف کننده بلاها ای منتهای
الرَّجَايَا، يَا مُجْزِلَ الْعَطَايَا، يَا وَاهِبَ الْهَدَايَا، يَا رَازِقَ الْبَرَايَا، يَا قَاضِيَ
امیدها ای دهنده بزرگ عطاها ای بخشنده هدیهها ای روزی ده بندهها ای برآورنده
الْمَنَايَا، يَا سَامِعَ الشَّكَايَا، يَا بَاعِثَ الْبَرَايَا، يَا مُطْلِقَ الْأَسَارِي (۸) يَا ذَا الْحَمْدِ
آرزوها ای شنونده شکایتها ای برانگیزنده مردمان ای رهاننده اسیران (۸) ای صاحب ستایش
وَالْتَّنَاءِ، يَا ذَا الْفَخْرِ وَالْبَهَاءِ، يَا ذَا الْمَجْدِ وَالسَّنَاءِ، يَا ذَا الْعَهْدِ وَالْوَفَاءِ، يَا
و ثناء ای دارای فخر و زیبایی ای صاحب مجد و بزرگی ای صاحب عهد و وفاء
ذَا الْقُوَّةِ وَالرِّضَاءِ، يَا ذَا الْمَنِّ وَالْعَطَاءِ، يَا ذَا الْفَضْلِ وَالْقَضَاءِ، يَا ذَا الْعِزِّ
ای دارای گذشت و رضا ای دارنده نعمت و عطاء ای که در دست تو است فصل خصومات و داوری ای دارای عزت
وَالْبَقَاءِ، يَا ذَا الْجُودِ وَالسَّخَاءِ، يَا ذَا الْأَلَاءِ وَالنِّعَمَاءِ (۹) اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ
و پایدگی ای صاحب جود و بخشش ای صاحب دهشها و نعمتها (۹) خدایا از تو می خواهم به حق نامت
بِاسْمِكَ يَا مَانِعُ يَا دَافِعُ، يَا رَافِعُ يَا صَانِعُ، يَا نَافِعُ يَا سَامِعُ، يَا جَامِعُ يَا
ای مانع ای برطرف کننده ای بالا برنده ای سازنده ای سود رسان ای شنوا ای گردآورنده ای
شافعُ، يَا وَاسِعُ يَا مُوسِعُ (۱۰) يَا صَانِعُ كُلِّ مَصْنُوعٍ، يَا خَالِقُ كُلِّ مَخْلُوقٍ، يَا
شفاعت پذیر ای فراخ رحمت ای وسعت بخش (۱۰) ای سازنده هر ساخته ای آفریننده هر آفریده ای
رَازِقُ كُلِّ مَرْزُوقٍ، يَا مَالِكُ كُلِّ مَمْلُوكٍ، يَا كَاشِفَ كُلِّ مَكْرُوبٍ، يَا فَارِجَ
روزی ده هر روزی خور ای مالک هر مملوک ای غمزدای هر غمزده ای دلگشای هر
كُلِّ مَهْمُومٍ، يَا رَاحِمَ كُلِّ مَرْحُومٍ، يَا نَاصِرَ كُلِّ مَخْذُولٍ، يَا سَاتِرَ كُلِّ
اندوهگین ای رحمت بخش هر رحمت خواه ای یاور هر بی یاور ای عیب پوش هر
مَعْيُوبٍ، يَا مُلْجَأَ كُلِّ مَطْرُودٍ (۱۱) يَا عُدَّتِي عِنْدَ شِدَّتِي، يَا رَجَائِي عِنْدَ مُصِيبَتِي،

معیوب ای پناه هر آواره (۱۱) ای ذخیره هنگام سختی من ای امید من در برابر پیش آمدهای ناگوار
یا مُونِسی عِنْدَ وَحْشَتی، یا صاحِبِ عِنْدَ غُرْبَتی، یا وَلِیِّ عِنْدَ نِعْمَتی،
ای همدم من هنگام ترس و وحشت ای رفیق من در غربتم ای صاحب اختیار من در نعمتم
یاغِیائی عِنْدَ کُرْبَتی، یا دَلِیلی عِنْدَ حَیْرَتی، یا غَنَائی عِنْدَ اِفْتِقاری، یا مَلْجَائی عِنْدَ
ای فریادرس من در غم و اندوه ای دلیل و راهنمایم هنگام سرگردانی ای توانگری من هنگام نداری ای پناه من هنگام
اضطراری، یا مُعینی عِنْدَ مَفْزَعی (۱۲) یا عَلَامَ الْعُیُوبِ، یا غَفَّارَ الذُّنُوبِ، یا سَتَّارَ
درماندگی ای کمک کارم در بیچارگی و پریشانی (۱۲) ای بخوبی دانای بر هر نادیدنی ای بسیار آمرزنده گناهان ای
پرده پوش

الْعُیُوبِ، یا کَاشِفَ الْکُرُوبِ، یا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ، یا طَبِیبَ الْقُلُوبِ، یا مُنَوِّرَ
بر عیوب بندگان ای غمزدای غمها ای گرداننده دها ای طبیب دها ای نوربخش
الْقُلُوبِ، یا اَنْیَسَ الْقُلُوبِ، یا مُفَرِّجَ الْهُمُومِ، یا مُنَفِّسَ الْعُجُومِ (۱۳) اَللّهُمَّ اِنِّی
دها ای همدم دها ای زداینده اندوهها ای غمگشای غمها (۱۳) خدایا از تو
اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ یا جَلِیلُ یا جَمِیلُ، یا وَکِیلُ یا کَفِیلُ، یا دَلِیلُ یا قَبِیلُ، یا مُدِیلُ
می خواهم به حق نامت ای بزرگوار ای زیبا ای کارگزار ای عهده دار ای راهنما ای پذیرنده ای دولت دهنده
یا مُنِیلُ، یا مُقِیلُ یا مُحِیلُ، (۱۴) یا دَلِیلَ الْمُتَحِیرِینَ، یاغِیَاثَ الْمُسْتَغِیْثِینَ، یا صَرِیخَ
ای عطا بخشنده ای درگذرنده ای نیرو دهنده (تغییر دهنده) (۱۴) ای راهنمای سرگردانان ای فریادرس فریادخواهان ای
دادرس

الْمُسْتَصْرِخِینَ، یا جَارَ الْمُسْتَجِیرِینَ، یا اَمَانَ الْخَائِفِینَ، یا عَوْنَ الْمُؤْمِنِینَ، یا
دادخواهان ای پناه پناه جویان ای امان بخش ترسناکان ای کمک مؤمنان ای
راحِمَ الْمَساکِینَ، یا مَلْجَأَ الْعاصِینَ، یا غَافِرَ الْمُذْنِبِینَ، یا مُجِیبَ دَعْوَةِ
رحم کننده مسکینان ای پناه عاصیان ای آمرزنده گناهکاران ای اجابت کننده دعای
الْمُضْطَرِّینَ (۱۵) یا ذَا الْجُودِ وَالْإِحْسَانِ، یا ذَا الْفَضْلِ وَالْإِیمْتِنَانِ، یا ذَا الْأَمْنِ
درماندگان (۱۵) ای دارای بخشندهگی و احسان ای صاحب فضل و نعمت ای مایه امن
وَالْأَمَانِ، یا ذَا الْقُدُسِ وَالسُّبْحَانِ، یا ذَا الْحِکْمَةِ وَالْبَیَانِ، یا ذَا الرَّحْمَةِ
و امان ای دارای پاکی و پاکیزگی ای صاحب فرزانهگی و بیان ای صاحب رحمت

وَالرَّضْوَانِ، يَا ذَا الْحُجَّةِ وَالْبُرْهَانِ، يَا ذَا الْعِظَمَةِ وَالسُّلْطَانِ، يَا ذَا الرَّأْفَةِ
و خوشنودي اي داراي حجت و دليل و برهان اي خداوند عظمت و سلطنت اي دارنده رأفت
وَالْمُسْتَعَانَ، يَا ذَا الْعَفْوِ وَالْعُفْرَانِ (۱۶) يَا مَنْ هُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ، يَا مَنْ هُوَ إِلَهُ
و اي ياور بندگان اي صاحب بخشندگي و آمرزش (۱۶) اي که پروردگار هر چيز او است اي که معبود
كُلِّ شَيْءٍ، يَا مَنْ هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ، يَا مَنْ هُوَ صَانِعُ كُلِّ شَيْءٍ، يَا مَنْ هُوَ قَبْلَ
هر چيز او است اي که آفريننده هر چيز او است اي که سازنده هر چيز او است اي که او پيش
كُلِّ شَيْءٍ، يَا مَنْ هُوَ بَعْدُ كُلِّ شَيْءٍ، يَا مَنْ هُوَ فَوْقَ كُلِّ شَيْءٍ، يَا مَنْ هُوَ عَالِمُ
از هر چيز بوده و اي که او پس از هر چيز خواهد بود و اي که او برتر از هر چيز است اي که او به هر چيز دانا
بِكُلِّ شَيْءٍ، يَا مَنْ هُوَ قَادِرٌ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ، يَا مَنْ هُوَ يَبْقِي وَيَقْنِي كُلِّ شَيْءٍ (۱۷)
است اي که او به هر چيزي توانا است اي که تنها او بماند و هر چيز ديگر فاني گردد (۱۷)
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مُؤْمِنُ يَا مُهَيِّمُ يَا مُكَوِّنُ يَا مُلْقِنُ يَا مُبِينُ يَا
خدایا از تو مي خواهم بحق نامت اي امان ده اي مسلط بر هر چيز اي وجود آورنده اي ياد دهنده اي آشکار کننده اي
مُهَوِّنُ يَا مُمَكِّنُ يَا مُزِينُ، يَا مُعَلِّنُ يَا مُقَسِّمُ (۱۸) يَا مَنْ هُوَ فِي مُلْكِهِ مُقِيمُ،
آسان کننده اي امکان ده در کارها اي زيور بخش اي آشکار کننده اي تقسيم کننده (۱۸) اي که در فرمانروايي پابرجا
است

يَا مَنْ هُوَ فِي سُلْطَانِهِ قَدِيمُ، يَا مَنْ هُوَ فِي جَلَالِهِ عَظِيمُ، يَا مَنْ هُوَ عَلَيَّ عِبَادِهِ
اي که در سلطنت و پادشاهيش قديم و ديرينه است اي که در جلالت و شوکت بزرگي اي که بر بندگان خویش
رَحِيمُ، يَا مَنْ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمُ، يَا مَنْ هُوَ بِمَنْ عَصَاهُ حَلِيمُ، يَا مَنْ هُوَ بِمَنْ
مهربانی اي که به هر چيز دانایی اي که نسبت به نافرمان خود بردباري اي که به اميدوار خود
رَجَاءُ كَرِيمُ، يَا مَنْ هُوَ فِي صُنْعِهِ حَكِيمُ، يَا مَنْ هُوَ فِي حِكْمَتِهِ لَطِيفُ، يَا مَنْ
بخشنده و بزرگواري اي که در آفرينش و ساختنت فرزانه اي (يا محکم کاري) اي که در عين فرزاني (يا محکم کاري)
مهربانی (يا نرمکاری) اي که

هُوَ فِي لُطْفِهِ قَدِيمُ (۱۹) يَا مَنْ لَا يُرْجَى إِلَّا فَضْلُهُ، يَا مَنْ لَا يُسْتَلُّ إِلَّا عَفْوُهُ، يَا
در لطف خود ديرينه اي (۱۹) اي که اميدي نيست جز به نيکي او اي که درخواست نشود جز گذشتش اي
مَنْ لَا يُنْظَرُ إِلَّا بِرُّهُ، يَا مَنْ لَا يُخَافُ إِلَّا عَذْلُهُ، يَا مَنْ لَا يَدُومُ إِلَّا مُلْكُهُ،

که چشم داشتی نیست جز به نیکی او ای که ترسی نیست جز از عدل او ای که جاوید نمی ماند جز فرمانروایی و ملک او
یا مَنْ لَا سُلْطَانَ إِلَّا سُلْطَانُهُ، یا مَنْ وَسِعَتْ كُلُّ شَيْءٍ رَحْمَتُهُ، یا مَنْ سَبَقَتْ
ای که سلطنت و قدرتی نیست جز سلطنت او ای که رحمتش همه چیز را فراگرفته ای که
رَحْمَتُهُ غَضَبُهُ، یا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمُهُ، یا مَنْ لَيْسَ أَحَدٌ مِثْلُهُ (۲۰) یا فَارِجَ
رحمتش بر خشمش پیشی جسته ای که علمش بر همه چیز احاطه کرده ای که ماندش هیچکس نخواهد بود (۲۰) ای
دلگشای

اَلْهَمُّ، یا کَاشِفَ الْغَمِّ، یا غَافِرَ الذَّنْبِ، یا قَابِلَ التَّوْبِ، یا خَالِقَ الْخَلْقِ، یا
اندوه ای غمزده ای آمرزنده گناه ای توبه پذیر ای آفریننده ای
صَادِقَ الْوَعْدِ، یا مُوفِي الْعَهْدِ، یا عَالِمَ السِّرِّ، یا فَالِقَ الْحَبِّ، یا رَازِقَ
راست وعده ای وفادار پیمان ای دانای اسرار نهان ای شکافنده دانه ای روزی ده
الْأَنَامِ (۲۱) اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يَا عَلِيُّ يَا وَفِيُّ، یا غَنِيُّ يَا مَلِيٌّ، یا حَنِيٌّ
بندگان (۲۱) خدایا از تو خواهم به حق نامت ای والا ای با وفا ای توانگر ای بی نیاز مطلق ای مهربان
یا رَضِيٌّ، یا زَكِيٌّ یا بَدِيٌّ، یا قَوِيٌّ یا وَلِيٌّ (۲۲) یا مَنْ اَظْهَرَ الْجَمِيْلَ یا مَنْ سَتَرَ
ای پسندیده (یا دوستدار) ای پاکیزه ای پدید آورنده ای نیرومند ای سرپرست (۲۲) ای که کار نیک را آشکار کنی و ای
که کار زشت را

الْقَبِيْحَ، یا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ بِالْجَرِيْرَةِ، یا مَنْ لَمْ يَهْتِكِ السِّرَّ، یا عَظِيْمَ الْعَفْوِ،
پنهان کنی ای که کسی را به گناه نگیری ای که پرده کس نداری ای بزرگ گذشت
یا حَسَنَ التَّجَاوُزِ، یا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ، یا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ، یا صَاحِبَ
ای نیکو درگذر ای پهناور آمرزش ای گشاده دو دست (فضلش) به رحمت ای مطلع
كُلُّ نَجْوِيٍّ یا مُنْتَهِي كُلِّ شَكْوٰی (۲۳) یا ذَا النُّعْمَةِ السَّابِقَةِ، یا ذَا الرَّحْمَةِ
از سخن سری و راز ای منتهای هر شکایت (۲۳) ای صاحب نعمت فراوان و ای دارای رحمت
الْوَاسِعَةِ، یا ذَا الْمِنَّةِ السَّابِقَةِ، یا ذَا الْحِكْمَةِ الْبَالِغَةِ، یا ذَا الْقُدْرَةِ الْكَامِلَةِ، یا ذَا الْحُجَّةِ
پهناور ای صاحب احسان پیشین ای دارای حکمت رسا ای دارای نیروی کامل ای صاحب برهان و دلیل
الْقَاطِعَةِ، یا ذَا الْكِرَامَةِ الظَّاهِرَةِ، یا ذَا الْعِزَّةِ الدَّائِمَةِ، یا ذَا الْقُوَّةِ الْمُتَيِّنَةِ، یا ذَا
قاطع و برنده ای صاحب بزرگواری هویدا ای صاحب عزت جاویدان ای صاحب نیروی محکم ای دارای

الْعَظْمَةِ الْمُنْبَعَةِ (٢٤) يَا بَدِيعَ السَّمَوَاتِ، يَا جَاعِلَ الظُّلُمَاتِ، يَا رَاحِمَ الْعِبَرَاتِ،
عظمت ارجمند (٢٤) اي پديد آورنده آسمانها اي قرار دهنده تاريخها اي ترحم كننده به اشكهاي
يا مُقِيلَ الْعَثَرَاتِ، يا سَاتِرَ الْعَوْرَاتِ، يا مُحْيِيَ الْأَمْوَاتِ، يا مُنْزِلَ الْآيَاتِ،
ديده ها اي درگذرنده لغزشها اي پرده پوش بر عيبتها اي زنده كننده مردگان اي فرو فرستنده آيات
يا مُضَعَفَ الْحَسَنَاتِ، يا مَاحِيَ السَّيِّئَاتِ، يا شَدِيدَ التَّقِمَاتِ (٢٥) اَللَّهُمَّ اِنِّي
اي دو چندان كن حسنات اي محو كننده بديتها اي سخت گيرنده انتقامها (٢٥) خدايا از تو
أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مُصَوِّرُ يَا مُقَدِّرُ، يا مُدَبِّرُ يَا مُطَهِّرُ، يا مُنَوِّرُ يَا مُبَسِّرُ، يا مُبَشِّرُ
مي خواهم به حق نامت اي صورت آفرين اي اندازه گير اي تدبير كننده اي پاك كننده اي روشني بخش اي آسان كننده
اي مژده ده

يا مُنْذِرُ، يا مُقَدِّمُ يا مُؤَخِّرُ، (٢٦) يا رَبَّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ، يا رَبَّ الشَّهْرِ الْحَرَامِ،
اي بيم ده اي پيش انداز اي پس انداز (٢٦) اي پروردگار خانه محترم (كعبه) اي پروردگار ماه حرام
يا رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ، يا رَبَّ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، يا رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ، يا رَبَّ
اي پروردگار شهر محترم (مكه) اي پروردگار ركن و مقام اي پروردگار مشعرالحرام اي پروردگار
الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ، يا رَبَّ الْحِلِّ وَالْحَرَامِ، يا رَبَّ الثَّوْرِ وَالظَّلَامِ، يا رَبَّ التَّحِيَّةِ
مسجد الحرام اي پروردگار قسمت حل و حرم (در سرزمين حجاز) اي پروردگار روشني و تاريخي اي پروردگار تحيت
وَالسَّلَامِ، يا رَبَّ الْقُدْرَةِ فِي الْأَنَامِ (٢٧) يا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ، يا أَعْدَلَ الْعَادِلِينَ،
و درود اي پروردگار نیرو در خلق (٢٧) اي داورترين داوران اي دادرست ترين دادگران
يا أَصْدَقَ الصَّادِقِينَ، يا أَطْهَرَ الطَّاهِرِينَ، يا أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ، يا أَسْرَعَ
اي راستگوترين راستگويان اي پاكيزه ترين پاكان اي بهترين آفرينندگان اي سريعترين
الْحَاسِبِينَ، يا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ، يا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، يا أَشْفَعَ الشَّافِعِينَ،
حساب رسان اي شنواترين شنوايان اي بيناترين بينندگان اي بهترين شفيعان
يا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ (٢٨) يا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ، يا سَدَدَ مَنْ لَا سَدَدَ لَهُ، يا دُخْرَ
اي بزرگوارترين كريمان (٢٨) اي پشتيبان كسي كه پشتيبان ندارد اي پشتوانه آن كس كه پشتوانه ندارد اي ذخيره
مَنْ لَا دُخْرَ لَهُ، يا حِرْزَ مَنْ لَا حِرْزَ لَهُ، يا غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ، يا فَخْرَ مَنْ
آن كس كه ذخيره ندارد اي پناه آن كس كه پناه ي ندارد اي فريادرس آنكس كه فريادرس ندارد اي افتخار آن كس

لَا فَخْرَ لَهُ، يَا عِزُّ مَنْ لَا عِزَّ لَهُ، يَا مُعِينَ مَنْ لَا مُعِينَ لَهُ، يَا أَنْيْسَ مَنْ لَا أَنْيْسَ
که مایه افتخاری ندارد ای عزت آنکس که عزتی ندارد ای کمک آنکس که کمکی ندارد ای همدم آنکس که همدمی
ندارد

لَهُ، يَا أَمَانَ مَنْ لَا أَمَانَ لَهُ (۲۹) اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يَا عَاصِمُ يَا قَائِمُ،
ای امان بخش آنکس که امانی ندارد (۲۹) خدایا از تو می‌خواهم به حق نامت ای نگهدار ای پابرجا
یا دَائِمُ یا رَاحِمُ، یا سَالِمُ یا حَاکِمُ، یا عَالِمُ یا قَاسِمُ، یا قَابِضُ یا بَاسِطُ (۳۰)
ای جاویدان ای رحم کننده ای سلامت بخش ای حاکم ای دانا ای تقسیم کننده ای تنگ گیر ای گشایش بخش (۳۰)
یا عَاصِمَ مَنْ اسْتَعْصَمَهُ، یا رَاحِمَ مَنْ اسْتَرْحَمَهُ، یا غَافِرَ مَنْ اسْتَغْفَرَهُ، یا
ای نگهدار کسی که نگهداریش خواهد ای رحم کننده کسی که ترحمش خواهد ای آمرزنده کسی که از او آمرزش
خواهد ای

نَاصِرَ مَنْ اسْتَنْصَرَهُ، یا حَافِظَ مَنْ اسْتَحْفَظَهُ، یا مُکْرِمَ مَنْ اسْتَكْرَمَهُ، یا مُرْشِدَ
یاور کسی که از او یاری طلبد ای نگهدار کسی که از او نگهداری خواهد ای اکرام کننده کسی که از او بزرگواری
خواهد ای راهنمای

مَنْ اسْتَرْشَدَهُ، یا صَرِيحَ مَنْ اسْتَضَرَحَهُ، یا مُعِينَ مَنْ اسْتَعَانَهُ، یا مُغِيثَ مَنْ
کسی که از او ره جوید ای دادرس کسی که از او دادرسی خواهد ای کمک کار کسی که کمکش خواهد ای فریاد رس
کسی که

اسْتِغَاثَهُ (۳۱) یا عَزِيزًا لَا يُضَامُ، یا لَطِيفًا لَا يُرَامُ، یا قَيُّوْمًا لَا يَنَامُ، یا دَائِمًا
به فریادرسش خواند (۳۱) ای عزیزی که ذلت نپذیرد ای لطیفی که دست انداز کسی واقع نگردد ای پاینده که خواب
ندارد ای جاویدانی

لَا يَفُوتُ، یا حَيًّا لَا يَمُوتُ، یا مَلِكًا لَا يَزُولُ، یا بَاقِيًا لَا يَفْنَى، یا عَالِمًا
که از دست نرود ای زنده ای که نمیرد ای پادشاهی که سلطنتش زوال ندارد ای ماندگاری که نیستی ندارد ای دانایی که
لَا يَجْهَلُ، یا صَمَدًا لَا يُطْعَمُ، یا قَوِيًّا لَا يَضْعَفُ (۳۲) اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ
نادانی ندارد ای بی نیازی که خوراک نخواهد ای نیرومندی که سستی نپذیرد (۳۲) خدایا از تو خواهم
بِاسْمِكَ يَا أَحَدٌ یا وَاحِدٌ، یا شَهِيدٌ یا مَاجِدٌ، یا حَامِدٌ یا رَاشِدٌ، یا بَاعِثٌ
به حق نامت ای یکتا ای یگانه ای گواه ای بزرگواری ستوده ای رهنما ای برانگیزنده

یا وارث، یا ضارُّ یا نافع (۳۳) یا اعظمَ مِنْ كُلِّ عَظِيمٍ، یا اَکرمَ مِنْ كُلِّ کَرِیمٍ،
ای ارث برنده ای زیان بخش ای سودرسان (۳۳) ای بزرگتر از هر بزرگی ای بزرگوارتر از هر بزرگواری
یا اَرْحَمَ مِنْ كُلِّ رَحِیمٍ، یا اَعْلَمَ مِنْ كُلِّ عَلِیمٍ، یا اَحْکَمَ مِنْ كُلِّ حَکِیمٍ، یا اَقْدَمَ
ای مهربانتر از هر مهربانی ای داناتر از هر دانا ای فرزانه تر از هر فرزانه ای جلوتر
مِنْ كُلِّ قَدِیمٍ، یا اَکْبَرَ مِنْ كُلِّ کَبِیرٍ، یا اَلْطَفَ مِنْ كُلِّ لَطِیفٍ، یا اَجَلَ مِنْ كُلِّ
از هر قدیمی ای بزرگتر از هر بزرگ ای با لطف تر از هر لطف داری ای والاتر از هر
جَلِیلٍ، یا اَعَزَّ مِنْ كُلِّ عَزِیزٍ (۳۴) یا کَرِیمَ الصَّفْحِ، یا عَظِیمَ اَلْمَنِّ، یا کَثِیرَ اَلْخَیْرِ،
والایی ای عزیزتر از هر عزیز (۳۴) ای بزرگوار چشم پوش ای بزرگ نعمت بخش ای پر خیر
یا قَدِیمَ اَلْفَضْلِ، یا دَائِمَ اَللُّطْفِ، یا لَطِیفَ الصُّنْعِ، یا مُنْفَسَّ اَلْکَرْبِ،
ای دیرینه بخشش ای جاوید لطف ای دقیق صنعت ای زداينده اندوه
یا کاشِفَ اَلضَّرِّ، یا مالِکَ اَلْمُلْکِ، یا قاضِیَ اَلْحَقِّ (۳۵) یا مَنْ هُوَ فی
ای برطرف کننده گرفتاری ای فرمانروای عالم هستی ای حاکم بر حق (۳۵) ای که در
عَهْدِهِ وَفِیْهِ، یا مَنْ هُوَ فی وَفائِهِ قَوِیٌّ، یا مَنْ هُوَ فی قُوَّتِهِ عَلِیٌّ، یا مَنْ هُوَ فی
پیمانش وفادار و ای که در وفا کردن به پیمانش نیرومند است ای که در نیرومندیش بلند مرتبه است ای که در
عُلُوِّهِ قَرِیبٌ، یا مَنْ هُوَ فی قُرْبِهِ لَطِیفٌ، یا مَنْ هُوَ فی لُطْفِهِ شَرِیفٌ، یا مَنْ هُوَ
عین بلند مرتبه ای نزدیک است ای که در عین نزدیکی دقیق است ای که در عین دقت بزرگوار است ای که
فی شَرَفِهِ عَزِیزٌ، یا مَنْ هُوَ فی عِزِّهِ عَظِیمٌ، یا مَنْ هُوَ فی عَظَمَتِهِ مَجِیدٌ، یا مَنْ
در عین بزرگواری با عزت است ای که در عین عزت با عظمت است ای که در عین عظمتش برجسته است ای که
هُوَ فی مَجْدِهِ حَمِیدٌ (۳۶) اَللّهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ یا کافی یا شافی، یا وافی
در عین برجستگی ستوده است (۳۶) خدایا از تو خواهم به حق نامت ای کفایت کننده ای شفا دهنده ای وفادار
یا مُعافی، یا هادی یا داعی، یا قاضی یا راضی، یا عالی یا باقی (۳۷) یا مَنْ
ای تندرستی بخش ای رهنما ای خواننده ای داور ای راضی ای والا مرتبه ای باقی (۳۷) ای که
کُلُّ شَیْءٍ خاضِعٌ لَهُ، یا مَنْ کُلُّ شَیْءٍ خاشِعٌ لَهُ، یا مَنْ کُلُّ شَیْءٍ کائِنٌ لَهُ، یا مَنْ
هر چیز در برابرش سر تعظیم فرود آورد ای که هر چیز در برابرش رام گشته ای که هر چه در عالم موجود است از آن
اوست ای که

كُلُّ شَيْءٍ مَوْجُودٌ بِهِ، يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ مُنِيبٌ إِلَيْهِ، يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ خَائِفٌ مِنْهُ، يَا
هر چه هست بوجود او موجود است اي كه هر چيزي بسوي او بازگردد اي كه هر چيزي از او اندیشه دارد اي
مَنْ كُلُّ شَيْءٍ قَائِمٌ بِهِ، يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ صَائِرٌ إِلَيْهِ، يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ يُسَبِّحُ
كه هر چيزي به او پايدار است اي كه هر چيزي بسوي او برگردد اي كه هر چيز به ستايش
بِحَمْدِهِ، يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ (۳۸) يَا مَنْ لَا مَفَرَّ إِلَّا إِلَيْهِ، يَا مَنْ
او تسبيح گويد اي كه هر چيز نابود شود جز ذات او (۳۸) اي كه گريزگاهي نيست جز بسوي او اي كه
لَا مَفْزَعَ إِلَّا إِلَيْهِ، يَا مَنْ لَا مَقْصَدَ إِلَّا إِلَيْهِ، يَا مَنْ لَا مُنْجَا مِنْهُ إِلَّا إِلَيْهِ، يَا مَنْ
پناهگاهي نيست جز بسوي او اي كه مقصدي نيست جز درگاهش اي كه راه نجاتي از (عذاب و قهر) او نيست جز خود
او اي كه
لَا يُرْغَبُ إِلَّا إِلَيْهِ، يَا مَنْ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِهِ، يَا مَنْ لَا يُسْتَعَانُ إِلَّا بِهِ، يَا مَنْ
رغبت و اشتياقي نباشد جز به درگاه او اي كه جنبش و نيروي نيست مگر بوسيله او اي كه كمك نجويد جز به او اي كه
توكل نشود جز بر او اي كه
لَا يُتَوَكَّلُ إِلَّا عَلَيْهِ، يَا مَنْ لَا يُرْجَى إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يُعْبَدُ إِلَّا هُوَ (۳۹) يَا خَيْرَ
اميدوار نتوان بود جز به او اي كه پرستش نشود جز او (۳۹) اي بهترين
الْمَرْهُوبِينَ، يَا خَيْرَ الْمَرْغُوبِينَ، يَا خَيْرَ الْمَطْلُوبِينَ، يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ، يَا خَيْرَ
كسي كه خلق از او ترسند اي بهترين مايه شوق و آرزو اي بهترين جوياء شدگان اي بهترين خواسته شدگان اي بهترين
الْمَقْصُودِينَ، يَا خَيْرَ الْمَذْكُورِينَ، يَا خَيْرَ الْمَشْكُورِينَ، يَا خَيْرَ الْمَحْبُوبِينَ،
مقصود خلق اي بهترين ياد شدگان اي بهترين سپاس شدگان اي بهترين دوستان
يَا خَيْرَ الْمَدْعُوبِينَ، يَا خَيْرَ الْمُسْتَأْنَسِينَ (۴۰) اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا
اي بهترين خوانده شدگان اي بهترين همدان (۴۰) خدايا از تو مي خواهم به حق نامت اي
غَافِرٌ يَا سَاتِرٌ، يَا قَادِرٌ يَا قَاهِرٌ، يَا فَاطِرٌ يَا كَاسِرٌ، يَا جَابِرٌ يَا ذَاكِرٌ، يَا نَاطِرٌ يَا
آمرزنده اي پرده پوش اي توانا اي قاهر اي آفريننده اي شكننده اي بهم پيوند دهنده اي يادآورنده اي بيننده اي
نَاصِرٌ (۴۱) يَا مَنْ خَلَقَ فَسَوَّى، يَا مَنْ قَدَّرَ فَهَدَى، يَا مَنْ يَكْشِفُ الْبَلْوَ،
ياري دهنده (۴۱) اي كه آفريد و بياراست اي كه اندازه گرفت و راهنمايي كرد اي كه برطرف كند گرفتاري را
يَا مَنْ يَسْمَعُ التَّجْوِي، يَا مَنْ يُنْقِذُ الْعَرْقِي، يَا مَنْ يُنْجِي الْهَلْكَى، يَا مَنْ

اي كه بشنود سخن درگوشي را اي كه نجات دهد غريق را اي كه برهاند هلاك شده را اي كه
يَشْفِي الْمَرَضِي، يا مَنْ أَضْحَكَ وَأَبْكِي، يا مَنْ أَمَاتَ وَأَحْيِي، يا مَنْ خَلَقَ
شفا دهد بيمار را اي كه بخنداند و بگرياند اي كه ميراند و زنده كند اي كه آفريد
الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنْثَى (۴۲) يا مَنْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ سَبِيلُهُ، يا مَنْ فِي الْأَفَاقِ
دو جفت نر و ماده (۴۲) اي كه هم در خشكي و هم در دريا راه رسيدن به او هست اي كه در سراسر گيتي
ايائه، يا مَنْ فِي الْآيَاتِ بُرْهَانُهُ، يا مَنْ فِي الْمَمَاتِ قُدْرَتُهُ، يا مَنْ فِي الْقُبُورِ
نشانه هاي او هست اي كه در اين نشانه ها برهان او موجود است اي كه در مردن نشانه قدرت او است اي كه در گورها
عِبْرَتُهُ، يا مَنْ فِي الْقِيَمَةِ مُلْكُهُ، يا مَنْ فِي الْحِسَابِ هَيْبَتُهُ، يا مَنْ فِي الْمِيزَانِ
پند او است اي كه در روز قيامت نيز سلطنت او است اي كه در حساب آن روز هيبت دارد اي كه در پاي ميزان
قَضَائِهِ، يا مَنْ فِي الْجَنَّةِ ثَوَابُهُ، يا مَنْ فِي النَّارِ عِقَابُهُ (۴۳) يا مَنْ إِلَيْهِ يَهْرَبُ
حكم و داوري او است اي كه در بهشت پاداش نيك او است اي كه در دوزخ شكنجه او است (۴۳) اي كه به سويش
گريزند

الْخَائِفُونَ، يا مَنْ إِلَيْهِ يَفْرَعُ الْمُذْنِبُونَ، يا مَنْ إِلَيْهِ يَقْصِدُ الْمُتَنَبِّئُونَ، يا مَنْ إِلَيْهِ
ترسناكان اي كه به او پناه برند گنهكاران اي كه او را مقصود قرار دهند بازآيندگان اي كه بسوي او
يَرْغَبُ الزَّاهِدُونَ، يا مَنْ إِلَيْهِ يُلْجَأُ الْمُتَحَيِّرُونَ، يا مَنْ بِهِ يَسْتَأْنِسُ
روند پارسايان اي كه بدو پناه برند سرگردانان اي كه به او همدم شوند
الْمُرِيدُونَ، يا مَنْ بِهِ يَفْتَخِرُ الْمُحِبُّونَ، يا مَنْ فِي عَفْوِهِ يَطْمَعُ الْخَاطِئُونَ،
خواستاران اي كه به دوستيش افتخار كنند دوستان اي كه در گذشت او طمع دارند خطاكاران
يا مَنْ إِلَيْهِ يَسْكُنُ الْمُؤَقِّنُونَ، يا مَنْ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ (۴۴) اللَّهُمَّ إِنِّي
اي كه به ذكر او آرامش پذيرد دل يقين داران اي كه بر او توكل كنند توكل كنندگان (۴۴) خدايا از تو
أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا حَبِيبُ يَا طَبِيبُ، يَا قَرِيبُ يَا رَقِيبُ، يَا حَسِيبُ يَا مُهَيْبُ، يَا
مي خواهم به حق نامت اي محبوب دلها اي طبيب دردها اي نزديك اي مراقب كار بندگان اي حساب نگهدار اي با هيبت
اي

مُتَيْبُ يَا مُجِيبُ، يَا خَبِيرُ يَا بَصِيرُ (۴۵) يا أَقْرَبَ مِنْ كُلِّ قَرِيبٍ، يا أَحَبَّ مِنْ كُلِّ
پاداش نيك دهنده اي اجابت كننده اي آگاه اي بينا (۴۵) اي نزديكتر از هر نزديك اي محبوبتر از هر

حَبِيبٍ، يَا أَبْصَرَ مِنْ كُلِّ بَصِيرٍ، يَا أَخْبَرَ مِنْ كُلِّ حَبِيرٍ، يَا أَشْرَفَ مِنْ كُلِّ شَرِيفٍ، محبوب اي بيناتر از هر بينا اي آگاهتر از هر آگاه اي شريفتر از هر شريف يا اَرْفَعَ مِنْ كُلِّ رَفِيعٍ، يا اقْوَي مِنْ كُلِّ قَوِيٍّ، يا اَغْنَى مِنْ كُلِّ غَنِيٍّ، يا اَجْوَدَ اي برتر از هر بلند مرتبه اي نيرومندتر از هر نيرومند اي توانگرتر از هر توانگر اي بخشندهتر مِنْ كُلِّ جَوَادٍ، يا اَرَأَفَ مِنْ كُلِّ رَوْفٍ (۴۶) يا غَالِباً غَيْرَ مَغْلُوبٍ، يا صَانِعاً غَيْرَ مَصْنُوعٍ، يا خَالِقاً غَيْرَ مَخْلُوقٍ، يا مَالِكاً غَيْرَ مَمْلُوكٍ، يا قَاهِراً غَيْرَ مَقْهُورٍ، يا مصنوع كسي نيست اي آفريننده اي كه كسي او را نيافریده اي مالكي كه مملوك كسي نيست اي چيره شكست ناپذير

اي

رَافِعاً غَيْرَ مَرْفُوعٍ، يا حَافِظاً غَيْرَ مَحْفُوظٍ، يا نَاصِراً غَيْرَ مَنْصُورٍ، يا شَاهِداً بلند مرتبه كه بلندي را كسي به او نداده اي نگهدارنده اي كه نگهداري ندارد اي ياوري كه كسش ياري نكند اي حَاضِرِ غَيْرِ غَائِبٍ، يا قَرِيباً غَيْرِ بَعِيدٍ (۴۷) يا نُورَ الثُّورِ، يا مُنُورَ الثُّورِ، يا خَالِقَ الثُّورِ، كه پنهانی ندارد اي نزديكي كه دور نشود (۴۷) اي روشنی نور اين روشنی ده نور اي خالق نور و روشنی يا مُدَبِّرَ الثُّورِ، يا مُقَدِّرَ الثُّورِ، يا نُورَ كُلِّ ثُورٍ، يا ثُوراً قَبْلَ كُلِّ ثُورٍ، يا ثُوراً اي تدبير كننده نور اي اندازه گير نور اي روشنی هر نور اي روشنی پيش از هر نور و اي روشنی بَعْدَ كُلِّ ثُورٍ، يا ثُوراً فَوْقَ كُلِّ ثُورٍ، يا ثُوراً لَيْسَ كَمِثْلِهِ ثُورٌ (۴۸) يا مَنْ پس از هر نور اي روشنی بالاي هر نور اي نوري كه مانندش نوري نيست (۴۸) اي كه عَطَاءُهُ شَرِيفٌ، يا مَنْ فَعَلُهُ لَطِيفٌ، يا مَنْ لُطْفُهُ مُقِيمٌ، يا مَنْ إِحْسَانُهُ قَدِيمٌ، يا عطا و بخشش شريف و ارجمند است اي كه كارش دقيق است اي كه لطفش پايدار است اي كه احسانش ديرينه است اي مَنْ قَوْلُهُ حَقٌّ، يا مَنْ وَعْدُهُ صِدْقٌ، يا مَنْ عَفْوُهُ فَضْلٌ، يا مَنْ عَذَابُهُ عَدْلٌ، يا كه گفتارش حق است اي كه وعده اش راست است اي كه گذشتش فضل است اي كه كيفرش از روي عدل است مَنْ ذَكَرُهُ حُلُوٌّ، يا مَنْ فَضْلُهُ عَمِيمٌ (۴۹) اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يا مُسَهِّلٌ كه ذكرش شيرين است اي كه فضلش عمومي است (۴۹) خدايا از تو مي خواهم به حق نامت اي هموار كننده يا مُفَصِّلٌ، يا مُبَدِّلٌ يا مُدَلِّلٌ، يا مُنْزِلٌ يا مُنَوِّلٌ، يا مُفْضِلٌ يا مُجْزِلٌ، يا مُمَهِّلٌ

راهها اي جدا کننده اي تبديل کننده اي خوار کننده اي فرود آورنده اي جايزه ده اي فزون بخش اي بزرگ عطا بخش اي مهلت ده

يا مُجْمِلُ (۵۰) يا مَنْ يَرِي وَلَا يُرِي، يا مَنْ يَخْلُقُ وَلَا يُخْلَقُ، يا مَنْ يَهْدِي

اي نيكو بخش (۵۰) اي كه ببيند ولي ديده نشود اي كه بيافريند ولي كسي او را نيافريده اي كه راهنمايي كند

وَلَا يَهْدِي، يا مَنْ يُحْيِي وَلَا يُحْيِي، يا مَنْ يَسْئَلُ وَلَا يُسْئَلُ، يا مَنْ يُطْعِمُ

ولي راهنمايي نشود اي كه زنده كني ولي زنده نشده اي كه بازخواست كند ولي كسي از

وَلَا يُطْعِمُ، يا مَنْ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ، يا مَنْ يَقْضِي وَلَا يُقْضَى عَلَيْهِ، يا مَنْ

او بازخواست نكند اي كه بخوراند ولي خورنده نشود اي كه پناه دهد ولي كسي او را پناه ندهد اي كه قضاوت كني

ولي قضاوت بر تو نشود اي كه

يَحْكُمُ وَلَا يُحْكَمُ عَلَيْهِ، يا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ (۵۱)

حكم كني ولي كسي بر تو حكم نكند اي كه نزايده و نه زائيده شده و نيست برايش همتايي هيچكس (۵۱)

يا نِعَمَ الْحَسِيبِ، يا نِعَمَ الطَّبِيبِ، يا نِعَمَ الرَّقِيبِ، يا نِعَمَ الْقَرِيبِ، يا نِعَمَ

اي نيكو حسابكش اي نيكو طبيب اي نيكو نگهبان اي نيكو نزديك اي نيكو

الْمُجِيبِ، يا نِعَمَ الْحَبِيبِ، يا نِعَمَ الْكَفِيلِ، يا نِعَمَ الْوَكِيلِ، يا نِعَمَ الْمَوْلَى،

پاسخ ده اي نيكو دوست اي نيكو عهده دار اي نيكو وكيل اي نيكو سرور

يا نِعَمَ التَّصِيرِ (۵۲) يا سُرُورَ الْعَارِفِينَ، يا مَنِي الْمُحِبِّينَ، يا أَنِيسَ الْمُرِيدِينَ، يا

اي نيكو ياور (۵۲) اي مايه دلشادي عارفان اي آرزوي محبان اي همدم خواستاران اي

حَبِيبَ التَّوَّابِينَ، يا رَازِقَ الْمُقْلِينَ، يا رَجَاءَ الْمُذْنِبِينَ، يا قُرَّةَ عَيْنِ الْعَابِدِينَ،

دوستدار توبه كنندگان اي روزي ده ناداران اي اميد گنهكاران اي نور چشم پرستش كنندگان

يا مُنْقَسَ عَنِ الْمَكْرُوبِينَ، يا مُفَرِّجَ عَنِ الْمُعْمُومِينَ، يا إِلَهَ الْأَوَّلِينَ

اي برطرف كننده اندوه اندوهناكان اي غمزداي غمزدگان اي معبود پيشينيان

وَالْآخِرِينَ (۵۳) اَللّهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يَا رَبَّنَا يَا اِلَهَنَا، يا سَيِّدَنَا يا مَوْلَانَا،

و پسينيان (۵۳) خدايا من از تو مي خواهم به حق نامت اي پروردگار ما اي معبود ما اي آقاي ما اي سرور ما

يا ناصِرَنَا يا حَافِظَنَا، يا دَلِيلَنَا يا مُعِينَنَا، يا حَبِيبَنَا يا طَبِيبَنَا (۵۴) يا رَبَّ الْتَّائِبِينَ

اي ياور ما اي نگهدار ما اي راهنماي ما اي كمك كار ما اي محبوب ما اي طبيب ما (۵۴) اي پروردگار پيبران

وَالْأَنْبَارِ، يَا رَبَّ الصَّدِّيقِينَ وَالْأَخْيَارِ، يَا رَبَّ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ، يَا رَبَّ الصَّغَارِ
و نیکوکاران ای پروردگار راستگویان و برگزیدگان ای پروردگار بهشت و دوزخ ای پروردگار کوچک
وَالْكِبَارِ، يَا رَبَّ الْحُبُوبِ وَالثَّمَارِ، يَا رَبَّ الْأَنْهَارِ وَالْأَشْجَارِ، يَا رَبَّ
و بزرگ ای پروردگار حبوبات و میوه جات ای پروردگار نهرها و درختان ای پروردگار
الصَّحَارِ وَالْقِفَارِ، يَا رَبَّ الْبَرَارِ وَالْبَحَارِ، يَا رَبَّ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، يَا رَبَّ
دشت و هامون ای پروردگار صحراها و دریاها ای پروردگار شب و روز ای پروردگار
الْأَعْلَانِ وَالْأَسْرَارِ (۵۵) يَا مَنْ نَفَذَ فِي كُلِّ شَيْءٍ أَمْرَهُ، يَا مَنْ لَحِقَ بِكُلِّ شَيْءٍ
پیدا و نهان (۵۵) ای که در هر چیز دستورش نفوذ کرده ای که علمش به هر چیزی
عِلْمُهُ، يَا مَنْ بَلَغَتْ إِلَى كُلِّ شَيْءٍ قُدْرَتُهُ، يَا مَنْ لَا تُحْصِي الْعِبَادُ نِعْمَتَهُ، يَا مَنْ
تعلق یافته ای که قدرت و توانائیش به هر چیزی رسیده ای که بندگان شماره نعمتهایش را نتوانند ای که
لَا تَبْلُغُ الْخَلَائِقُ شُكْرَهُ، يَا مَنْ لَا تُدْرِكُ الْأَفْهَامُ جَلَالَهُ، يَا مَنْ لَا تَنَالُ الْأَوْهَامُ
خلائق از عهده شکرش برنیایند ای که عقول درک عظمت و جلالش نتوانند ای که اوهام و خیالات
كُنْهَهُ، يَا مَنْ الْعُظْمَةُ وَالْكِبْرِيَاءُ رِدَائُهُ، يَا مَنْ لَا تَرُدُّ الْعِبَادُ قَضَاءَهُ، يَا مَنْ
به کنه ذاتش نرسند ای که عظمت و بزرگی لباس او است ای که بندگان از حکم او سرپیچی نتوانند ای که
لَا مُلْكَ إِلَّا مُلْكُهُ، يَا مَنْ لَا عَطَاءَ إِلَّا عَطَاؤُهُ (۵۶) يَا مَنْ لَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَى، يَا
سلطنتی جز سلطنت او نیست ای که بخششی جز بخشش او نیست (۵۶) ای که از آن اوست عالیتین مثالها (که حجج الهیه
باشند)

مَنْ لَهُ الصِّفَاتُ الْعُلْيَا، يَا مَنْ لَهُ الْآخِرَةُ وَالْأُولَى، يَا مَنْ لَهُ الْجَنَّةُ
ای که خاص اوست برترین اوصاف ای که از آن اوست دنیا و آخرت ای که از آن اوست بهشت
الْمَأْوَى، يَا مَنْ لَهُ الْآيَاتُ الْكُبْرَى، يَا مَنْ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى، يَا مَنْ لَهُ
آن جایگاه آسایش ای که برای اوست نشانه های بس بزرگ ای که برای او است نامهای نیکو ای که برای او است
الْحُكْمُ وَالْقَضَاءُ، يَا مَنْ لَهُ الْهَوَاءُ وَالْفَضَاءُ، يَا مَنْ لَهُ الْعَرْشُ وَالْثَّرَى، يَا مَنْ لَهُ
فرمان و داوری ای که از آن اوست هوا و فضا ای که از آن اوست عرش و فرش ای که از آن اوست
السَّمَوَاتُ الْعُلَى .
آسمانهای بلند

(57) اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يَا عَفُوُّ يَا غَفُوْرُ، يَا صَبُوْرُ يَا شَكُوْرُ،

(57) خدايا از تو مي خواهم به حق نامت اي درگذرنده اي آمرزنده اي شكيبا اي سپاس پذير بندگان

يَا رَوْفُ يَا عَطُوْفُ، يَا مَسْئُوْلُ يَا وَدُوْدُ، يَا سُبُوْحُ يَا قُدُّوْسُ (58) يا

اي مهربان اي توجه كننده اي مورد توجه و درخواست بندگان اي مهرورز اي منزّه اي پاكيزه (58) اي

مَنْ فِي السَّمَاءِ عَظَمَتْهُ، يَا مَنْ فِي الْأَرْضِ اِيَّاهُ، يَا مَنْ فِي كُلِّ شَيْءٍ

كه در آسمان آثار عظمتش هويدا است اي كه در زمين نشانه هاش آشكار است اي كه در هر چيز

دَلَالَتُهُ، يَا مَنْ فِي الْبَحَارِ عَجَائِبُهُ، يَا مَنْ فِي الْجِبَالِ خَزَائِنُهُ، يَا مَنْ

برهانهاي او موجود است اي كه در دريا آثار شگفت انگيز دارد اي كه در كوهها است گنجينه هاش اي كه

يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ، يَا مَنْ إِلَيْهِ يَرْجِعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ، يَا مَنْ أَظْهَرَ فِي

خلق را پديد آورد سپس بازگرداند اي كه به سويش همه امورات بازگردد اي كه در هر چيز لطف و مهرش را

كُلِّ شَيْءٍ لُّطْفُهُ، يَا مَنْ أَحْسَنَ كُلِّ شَيْءٍ خَلْقَهُ، يَا مَنْ تَصَرَّفَ فِي

آشكار ساخته اي كه خلقت هر چيز را نيكو ساخته اي كه تصرف کرده در

الْخَلَائِقِ قُدْرَتُهُ (59) يَا حَبِيبَ مَنْ لَا حَبِيبَ لَهُ، يَا طَيِّبَ مَنْ لَا

همه خلائق قدرت او (59) اي دوست آنكس كه دوستي ندارد اي طيب آن كس كه

طَيِّبَ لَهُ، يَا مُجِيبَ مَنْ لَا مُجِيبَ لَهُ، يَا شَفِيقَ مَنْ لَا شَفِيقَ لَهُ، يَا

طبيبي ندارد اي پاسخ ده آن كس كه پاسخ ده ندارد اي يار دلسوز آن كس كه دلسوزي ندارد اي

رَفِيقَ مَنْ لَا رَفِيقَ لَهُ، يَا مُعِثَ مَنْ لَا مُعِثَ لَهُ، يَا دَلِيلَ مَنْ لَا دَلِيلَ

رفيق آن كس كه رفيق ندارد اي فريادرس آن كس كه فريادري ندارد اي راهنماي آنكه راهنمايي ندارد

لَهُ، يَا أُنَيْسَ مَنْ لَا أُنَيْسَ لَهُ، يَا رَاحِمَ مَنْ لَا رَاحِمَ لَهُ، يَا صَاحِبَ مَنْ لَا

اي مونس آنكس كه مونسي ندارد اي ترحم كننده آن كس كه ترحم كننده اي ندارد اي همدم آن كس كه

صَاحِبَ لَهُ (60) يَا كَافِيَ مَنْ اسْتَكْفَاهُ، يَا هَادِيَ مَنْ اسْتَهْدَاهُ، يَا كَالِيَ

همدمي ندارد (60) اي كفایت كننده آن كس كه از او كفایت خواهد و اي رهنماي كسي كه از او راهنمايي خواهد اي

نگهبان

مَنْ اسْتَكْلَاهُ، يَا رَاعِيَ مَنْ اسْتَرْعَاهُ، يَا شَافِيَ مَنْ اسْتَشْفَاهُ، يَا

کسی که از او نگرهبانی خواهد ای مراعات کننده کسی که از او رعایت خواهد ای بهبود دهنده کسی که از او بهبودی خواهد ای

قَاضِي مَنْ اسْتَقْضَاهُ، يَا مُعْنِي مَنْ اسْتَعْنَاهُ، يَا مُوفِي مَنْ اسْتَوْفَاهُ، يَا

داور کسی که از او داوری جوید ای بی نیاز کننده کسی که از او بی نیازی خواهد ای وفا کننده کسی که از او وفا خواهد ای

مُفَوِّي مَنْ اسْتَفَوَاهُ، يَا وَلِيَّ مَنْ اسْتَوْلَاهُ (۶۱) اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ

نیرو ده آن کس که از او نیرو خواهد ای سرور کسی که او را به سروری خواهد (۶۱) خدایا از تو می خواهم

بِاسْمِكَ يَا خَالِقُ يَا رَازِقُ، يَا نَاطِقُ يَا صَادِقُ، يَا فَالِقُ يَا فَارِقُ، يَا

به حق نامت ای آفریننده ای روزی ده ای گویا ای راستگو ای شکافنده ای جدا کننده ای

فَاتِقُ يَا رَاتِقُ، يَا سَابِقُ يَا سَامِقُ (۶۲) يَا مَنْ يُقَلِّبُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ، يَا

باز کننده ای پیوست دهنده ای سبقت جوینده ای بلندمرتبه (۶۲) ای که جابجا کنی شب و روز را ای

مَنْ جَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالْأَنْوَارَ، يَا مَنْ خَلَقَ الظِّلَّ وَالْحَرُورَ، يَا مَنْ سَخَّرَ

که مقرر ساختی تاریکیها و نور را ای که آفریدی سایه و گرما را ای که مسخر خود کردی

الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ، يَا مَنْ قَدَّرَ الْخَيْرَ وَالشَّرَّ، يَا مَنْ خَلَقَ الْمَوْتَ

مهر و ماه را ای که مقدر کردی خیر و شر را ای که آفریدی مرگ

وَالْحَيَاةَ، يَا مَنْ لَهُ الْخُلُقُ وَالْأَمْرُ، يَا مَنْ لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا، يَا

و زندگی را ای که آفریدن و فرمان از او است ای که نگرفته است برای خود همسر و فرزندی ای

مَنْ لَيْسَ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، يَا مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الدُّنْيَا

که شریکی در فرمانروایی ندارد ای که نیست برایش سرپرستی از خواری

(63) يَا مَنْ يَعْلَمُ مُرَادَ الْمُرِيدِينَ، يَا مَنْ يَعْلَمُ ضَمِيرَ الصَّامِتِينَ، يَا

(63) ای که می داند خواسته دل هر خواهنده را ای که آگاه است از نهاد خاموشان ای

مَنْ يَسْمَعُ أُنِينَ الْوَاهِنِينَ، يَا مَنْ يَرِي بُكَاءَ الْخَائِفِينَ، يَا مَنْ يَمْلِكُ

که می شنود ناله خسته دلان ای که می بیند گریه ترسناکان ای که دارد

حَوَائِجَ السَّائِلِينَ، يَا مَنْ يَقْبَلُ عُذْرَ التَّائِبِينَ، يَا مَنْ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ

خواسته های خواستاران را ای که بپذیرد عذر توبه کنندگان ای که اصلاح نکند کار

الْمُفْسِدِينَ، يَا مَنْ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ، يَا مَنْ لَا يَبْعُدُ عَنْ قُلُوبِ
مفسدان را اي که از بين نبرد پاداش نیکوکاران اي که دور نباشد از دل
الْعَارِفِينَ، يَا أَجْوَدَ الْأَجُودِينَ (۶۴) يَا دَائِمَ الْبَقَاءِ، يَا سَامِعَ الدُّعَاءِ، يَا
عارفان اي بخشنده ترين بخشندگان (۶۴) اي هميشه باقي اي شنوای دعا اي
وَاسِعَ الْعَطَاءِ، يَا غَافِرَ الْخَطَا، يَا بَدِيعَ السَّمَاءِ، يَا حَسَنَ الْبَلَاءِ، يَا
وسیع بخشش اي آمرزنده خطا و لغزش اي پديد آورنده آسمان اي نيك آزمایش اي
جَمِيلَ الثَّنَاءِ، يَا قَدِيمَ السَّنَاءِ، يَا كَثِيرَ الْوَفَاءِ، يَا شَرِيفَ الْجَزَاءِ
زیبا ستایش اي ديرينه والا اي زياد وفادار اي ارجمند پاداش
(65) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا سَتَّارُ يَا غَفَّارُ، يَا قَهَّارُ يَا جَبَّارُ، يَا
(65) خدايا از تو مي خواهم به حق نامت اي پوشاننده اي آمرزنده اي با قهر و سطوت اي باجبروت و عظمت اي
صَبَّارُ يَا بَارُّ، يَا مُخْتَارُ يَا فَتَّاحُ، يَا تَفَّاحُ يَا مُرْتَّاحُ (۶۶) يَا مَنْ خَلَقَنِي
صبر پيشه اي نيك بخش اي مختار در کارها اي کارگشا اي پر جود و عطا اي فرح بخش (۶۶) اي که مرا آفريدي
وَسَوَّانِي، يَا مَنْ رَزَقَنِي وَرَبَّانِي، يَا مَنْ أَطْعَمَنِي وَسَقَانِي، يَا مَنْ
و آراستی اي که روزیم دادی و پروریدی اي که مرا خوراندی و نوشاندی اي که
قَرَّبَنِي وَادْنَانِي، يَا مَنْ عَصَمَنِي وَكَفَانِي، يَا مَنْ حَفَظَنِي وَكَلَانِي، يَا
پيش خود برده و نزديكم كردي اي که مرا نگهداشته و کفايت كردي اي که محافظت و نگهداريم كردي اي
مَنْ أَعَزَّنِي وَأَغْنَانِي، يَا مَنْ وَقَفَنِي وَهَدَانِي، يَا مَنْ ائْسَنِي وَآوَانِي، يَا
که به من عزت بخشيد و توانگرم ساخت اي که به من توفيق داده و راهنمايي کرد اي که با من انس گرفته و جايم داد
اي

مَنْ أَمَاتَنِي وَأَحْيَانِي (۶۷) يَا مَنْ يُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ، يَا مَنْ يَقْبَلُ
که مرا بميراند و زنده کند (۶۷) اي که حق را بوسيله کلماتش پابرجا کرد اي که توبه را از
التَّوْبَةِ عَنْ عِبَادِهِ، يَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ، يَا مَنْ لَا تَنْفَعُ
بندگان پيژد اي که ميان انسان و دلش حائل گردد اي که سود ندهد
الشَّفَاعَةُ إِلَّا بِإِذْنِهِ، يَا مَنْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ، يَا مَنْ لَا
شفاعت و ميانجیگري جز به اذن او اي که او داناتر است به کسي که از راهش گمراه گردد اي که

مُعَقَّبَ لِحُكْمِهِ، يَا مَنْ لَا رَادَّ لِقَضَائِهِ، يَا مَنْ انْقَادَ كُلُّ شَيْءٍ لِأَمْرِهِ، يَا

کاونده و پی جویی برای حکمش نیست ای که بازگردانی برای قضایش نیست ای که هر چیز در برابر امرش مطیع و منقاد گشته ای

مَنْ السَّمَوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ، يَا مَنْ يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ

که آسمانها بدست قدرتش بهم پیچیده ای که فرستد بادهای را نویدی در پیشاپیش

رَحْمَتِهِ (۶۸) يَا مَنْ جَعَلَ الْأَرْضَ مِهَادًا، يَا مَنْ جَعَلَ الْجِبَالَ أَوْتَادًا، يَا

رحمتش (۶۸) ای که زمین را گهواره قرار داده ای که کوهها را میخهای (زمین) قرار داد ای

مَنْ جَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا، يَا مَنْ جَعَلَ الْقَمَرَ نُورًا يَا مَنْ جَعَلَ اللَّيْلَ

که خورشید را چراغی تابناک کرد ای که ماه را نوربخش قرار داد ای که شب را

لِبَاسًا، يَا مَنْ جَعَلَ النَّهَارَ مَعَاشًا، يَا مَنْ جَعَلَ النَّوْمَ سُبَاتًا، يَا مَنْ جَعَلَ

پوشش نهاد ای که روز را برای تحصیل معاش مقرر ساختی ای که خواب را مایه آرامش قرار داد ای که

السَّمَاءَ بِنَاءً، يَا مَنْ جَعَلَ الْأَشْيَاءَ أَزْوَاجًا، يَا مَنْ جَعَلَ النَّارَ مِرْصَادًا

آسمان را ساختمانی قرار داد ای که چیزها را جفت آفرید ای که آتش را در کمین (کفار و دوزخیان) قرارداد

(69) اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يَا سَمِیْعُ يَا شَفِیْعُ، يَا رَفِیْعُ يَا مُنِیْعُ،

(69) خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق نامت ای شنوا ای شفیع ای بلند مرتبه ای والامقام

یا سَرِیْعُ یا بَدِیْعُ، یا کَبِیْرُ یا قَدِیْرُ، یا خَبِیْرُ یا مُجِیْرُ (۷۰) یا حَیًّا قَبْلَ

ای سریع در کارها ای پدید آورنده ای بزرگ ای توانا ای آگاه ای پناه ده (۷۰) ای زنده پیش از

كُلِّ حَیٍّ، یا حَیًّا بَعْدَ كُلِّ حَیٍّ، یا حَیُّ الَّذِیْ لَیْسَ كَمِثْلِهِ حَیٌّ، یا حَیُّ

هر موجود زنده ای زنده پس از هر موجود زنده ای که نیست مانندش زنده ای، ای زنده ای

الَّذِیْ لَا یُشَارِكُهُ حَیٌّ، یا حَیُّ الَّذِیْ لَا یَحْتَاجُ اِلَی حَیٍّ، یا حَیُّ الَّذِیْ

که شریکش نیست هیچ زنده ای، ای زنده ای که نیازمند نیست به هیچ زنده ای، ای زنده ای که

یُمِیْتُ كُلِّ حَیٍّ، یا حَیُّ الَّذِیْ یَرْزُقُ كُلَّ حَیٍّ، یا حَیًّا لَمْ یَرِثِ الْحَیْوةَ

میراند هر زنده ای را ای زنده ای که روزی دهد هر زنده ای را ای زنده ای که ارث نبرد زندگی را

مِنْ حَیٍّ، یا حَیُّ الَّذِیْ یُحْیِی الْمَوْتِی، یا حَیُّ یا قَیُّوْمُ، لَا تَأْخُذْهُ سِنَةٌ

از زنده ای، ای زنده ای که زنده کند مردگان را، ای زنده پاینده ای که او را چرت

وَلَا تَوْمٌ (۷۱) يَا مَنْ لَهُ ذِكْرٌ لَا يُنْسِي، يَا مَنْ لَهُ نُورٌ لَا يُطْفِئُ، يَا مَنْ لَهُ
و خواب نگیرد (۷۱) ای که یادش فراموش نشدنی است ای که نورش خاموش نشدنی است ای که
نَعَمْ لَا تُعَدُّ، يَا مَنْ لَهُ مُلْكٌ لَا يَزُولُ، يَا مَنْ لَهُ ثَنَاءٌ لَا يُحْصِي، يَا مَنْ لَهُ
نعمت‌هایش بشمار درنیاید ای که فرمانروائیش زوال نپذیرد ای که مدح و ثنایش نتوان شمردن ای که
جَلَالٌ لَا يُكَيِّفُ، يَا مَنْ لَهُ كَمَالٌ لَا يُدْرِكُ، يَا مَنْ لَهُ قَضَاءٌ لَا يُرَدُّ، يَا
چگونگی بزرگی و جلالش نتوان گفتن ای که کمالش قابل درک نباشد ای که فرمان قضایش بازگشت ندارد ای
مَنْ لَهُ صِفَاتٌ لَا تُبَدِّلُ، يَا مَنْ لَهُ نُعُوتٌ لَا تُغَيِّرُ (۷۲) يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ،
که صفاتش تبدیل نپذیرد ای که اوصافش تغییر نکند (۷۲) ای پروردگار جهانیان
يَا مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ، يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ، يَا ظَهَرَ اللَّاحِقِينَ، يَا مُدْرِكَ
ای فرمانروای روز جزا ای مقصد نهایی جویندگان ای پشت و پناه پناهندگان ای دریابنده
الْهَارِبِينَ، يَا مَنْ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ، يَا مَنْ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ، يَا مَنْ يُحِبُّ
گریختگان ای که دوست دارد شکیبایان را ای که دوست دارد توبه‌کاران را ای که دوست دارد
الْمُتَطَهِّرِينَ، يَا مَنْ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ، يَا مَنْ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ
پاکیزگان را ای که دوست دارد نیکوکاران را ای که داناتر است به راه یافتگان
(73) اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يَا شَفِيقُ يَا رَفِيقُ، يَا حَفِیْظُ
(73) خدایا از تو می‌خواهم به حق نامت ای مهربان ای رفیق ای نگهدارنده ای
مُحِیْطُ، يَا مُقِیْتُ يَا مُغِیْثُ، يَا مُعِزُّ يَا مُدِلُّ، يَا مُبْدِئُ يَا مُعِیدُ (۷۴) يَا
احاطه‌دار بر همه ای توانا ای فریاد رس ای عزت بخش ای خوار کننده ای آغازنده ای بازگرداننده (۷۴) ای
مَنْ هُوَ أَحَدٌ بِلَا ضِدٍّ، يَا مَنْ هُوَ فَرْدٌ بِلَا نِدٍّ، يَا مَنْ هُوَ صَمَدٌ بِلَا عَیْبٍ، يَا
یکتای بی ضد ای که او یگانه‌ای است که مانند ندارد ای که او بی‌نیازی است بی‌عیب ای
مَنْ هُوَ وَثَرٌ بِلَا کَیْفٍ، يَا مَنْ هُوَ قَاضٍ بِلَا حَیْفٍ، يَا مَنْ هُوَ رَبٌّ بِلَا
که او تنهایی است و چگونگی ندارد ای که او حاکمی است که ستم در حکمش نیست ای که او پروردگاری است بدون
وَزِیْرٍ، يَا مَنْ هُوَ عَزِیْزٌ بِلَا ذُلٍّ، يَا مَنْ هُوَ غَنِیٌّ بِلَا فَقْرٍ، يَا مَنْ هُوَ مَلِکٌ
وزیر ای که او عزیزی است بی‌ذلت ای که او دارایی است که نداری ندارد ای که او پادشاهی است
بِلَا عَزَلٍ، يَا مَنْ هُوَ مَوْصُوفٌ بِلَا شَبِیْهِ (۷۵) يَا مَنْ ذِکْرُهُ شَرَفٌ

که معزول نشود اي که او توصيف شده اي است بي شبيهه (۷۵) اي که ذکر او موجب شرافت
لِلذَّكِرِينَ، يا مَنْ شُكْرُهُ فَوْزٌ لِلشَّاكِرِينَ، يا مَنْ حَمْدُهُ عِزٌّ لِلْحَامِدِينَ،
ذکرکنندگان او است اي که سپاسگزاريش مایه سعادت سپاسگزاران است اي که ستايشش عزتي است براي
ستایش کنندگان

يا مَنْ طَاعَتُهُ نَجَاةٌ لِلْمُطِيعِينَ، يا مَنْ بَابُهُ مَفْتُوحٌ لِلطَّالِبِينَ، يا مَنْ
اي که طاعتش وسیله نجات مطیعان است اي که در رحمتش باز است به روي رحمت خواهان اي که
سَبِيلُهُ وَاضِحٌ لِلْمُنِيِّينَ، يا مَنْ آيَاتُهُ بُرْهَانٌ لِلنَّاظِرِينَ، يا مَنْ كِتَابُهُ
راه بسوي او آشکار است براي بازآمدگان اي که آیات و نشانه هایش دليل روشنی است براي بینندگان اي که کتابش
تَذَكُّرَةٌ لِلْمُتَّقِينَ، يا مَنْ رِزْقُهُ عُمُومٌ لِلطَّائِعِينَ وَالْعَاصِينَ، يا مَنْ
سبب پند و تنبيه است براي پرهیزکاران اي که روزي او همگانی است براي فرمانبرداران و نافرمانان
رَحْمَتُهُ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ (۷۶) يا مَنْ تَبَارَكَ اسْمُهُ، يا مَنْ تَعَالَى
اي که رحمتش نزديك است به نیکوکاران (۷۶) اي که نامش بزرگ است اي که اقبال او بلند است
جَدُّهُ، يا مَنْ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ، يا مَنْ جَلَّ ثَنَائُهُ، يا مَنْ تَقَدَّسَتْ أَسْمَائُهُ، يا
اي که معبودي جز او نیست اي که برجسته است ثنا و مدحش اي که پاکیزه است نامهایش اي
مَنْ يَدُومُ بَقَائُهُ، يا مَنْ الْعَظَمَةُ بِهَاثُهُ، يا مَنْ الْكِبَرِيَاءُ رِدَائُهُ، يا مَنْ لَا
که بقایش همیشگی است اي که عظمت جلوه او است اي که بزرگی در بر او است اي که
تُحْصِي الْأَثَمَ، يا مَنْ لَا تُعَدُّ نِعَمَاتُهُ (۷۷) اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ
نیکیهایش به حساب درنیاید اي که نعمتهایش شماره نشود (۷۷) خدایا از تو خواهم به حق نامت
يا مُعِينُ يا اَمِينُ، يا مُبِينُ يا مَتِينُ، يا مَكِينُ يا رَشِيدُ، يا حَمِيدُ يا
اي یاور اي امان بخش اي آشکار کننده اي استوار و ثابت اي پابرجا اي راهنما اي ستوده اي
مَجِيدُ، يا شَدِيدُ يا شَهِيدُ (۷۸) يا ذَا الْعَرْشِ الْمَجِيدِ، يا ذَا الْقَوْلِ
گرامي اي سخت نیرو اي گواه (۷۸) اي صاحب عرش با شوکت اي صاحب گفتار
السَّيِّدِ، يا ذَا الْفِعْلِ الرَّشِيدِ، يا ذَا الْبُطْشِ الشَّدِيدِ، يا ذَا الْوَعْدِ
محکم اي صاحب کار مستحکم اي صاحب حمله سخت اي صاحب نوید
وَالْوَعْدِ، يا مَنْ هُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ، يا مَنْ هُوَ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ، يا مَنْ هُوَ

و تهدید ای که او است صاحب اختیاری ستوده ای که او است کننده هر چه را خواهد ای که او است
قَرِيبٌ غَيْرُ بَعِيدٍ، یا مَنْ هُوَ عَلَي كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ، یا مَنْ هُوَ لَيْسَ بِظَلَامٍ
نزدیکی که دوری ندارد ای که او بر هر چیز گواه باشد ای که او ستمکار بر بندگان
لِّلْعَبِيدِ (۷۹) یا مَنْ لَا شَرِيكَ لَهُ وَلَا وَزِيرَ، یا مَنْ لَا شَبِيهَ لَهُ وَلَا نَظِيرَ،
نیست (۷۹) ای که برایش شریک و وزیر نیست ای که برایش شبیه و نظیری نیست
یا خَالِقَ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ الْمُنِيرِ، یا مُعْنِيَ الْبَائِسِ الْفَقِيرِ، یا رَازِقَ
ای آفریننده مهر و ماه تابنده ای بی نیاز کننده بینوای درمانده ای روزی ده
الطُّفْلِ الصَّغِيرِ، یا رَاحِمَ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ، یا جَابِرَ الْعَظْمِ الْكَسِيرِ، یا
کودک خردسال ای مهرورز پیر کهن سال ای جوش ده استخوان شکسته ای
عِصْمَةَ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ، یا مَنْ هُوَ بِعِبَادِهِ خَيْرٌ بَصِيرٌ، یا مَنْ هُوَ
نگهدار ترسان پناهنده ای که به حال بندگان خیر و بینا است ای که او
عَلَي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۸۰) یا ذَا الْجُودِ وَالنَّعَمِ، یا ذَا الْفَضْلِ وَالْكَرَمِ، یا
بر هر چیز قادر و تواناست (۸۰) ای صاحب جود و نعمت ای صاحب بخشش و بزرگواری ای
خَالِقَ اللَّوْحِ وَالْقَلَمِ، یا بَارِئَ الذَّرِّ وَالنَّسَمِ، یا ذَا الْبَأْسِ وَالنَّقَمِ، یا
آفریننده لوح و قلم ای پدید آورنده ذرات و انسان ای دارای عذاب و انتقام ای
مُلْهِمَ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ، یا كَاشِفَ الضُّرِّ وَالْأَلَمِ، یا عَالِمَ السِّرِّ وَالْهَمَمِ، یا
الهام بخش عرب و عجم ای برطرف کننده رنج و الم ای دانای راز و قصدهای نهان ای
رَبَّ الْبَيْتِ وَالْحَرَمِ، یا مَنْ خَلَقَ الْأَشْيَاءَ مِنَ الْعَدَمِ (۸۱) اَللّٰهُمَّ اِنِّي
پروردگار کعبه و حرم ای که آفریدی موجودات را از نیستی و عدم (۸۱) خدایا از تو
اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ یا فاعِلُ یا جاعِلُ، یا قَابِلُ یا کَامِلُ، یا فاضِلُ یا
خواهم به حق نامت ای کننده (هر کار) ای مقرر کننده (امور) ای پذیرنده ای کامل ای جدا کننده ای
واصِلُ، یا عادِلُ یا غَالِبُ، یا طَالِبُ یا واهِبُ (۸۲) یا مَنْ اَنْعَمَ بِطَوْلِهِ،
پیوست دهنده ای دادگر ای چیره ای جوینده ای بخشنده (۸۲) ای که نعمت بخشید به فضل خود
یا مَنْ اَكْرَمَ بِجُودِهِ، یا مَنْ جَادَ بِطُفْهِهِ، یا مَنْ تَعَزَّزَ بِقُدْرَتِهِ، یا مَنْ قَدَّرَ
ای که کرم کرد به بخشش خود ای که جود کرد به لطف خود ای که عزیز باشد به نیروی خود ای که اندازه گیرد

بِحِكْمَتِهِ، يَا مَنْ حَكَمَ بِتَدْبِيرِهِ، يَا مَنْ دَبَّرَ بِلَعْلَمِهِ، يَا مَنْ تَجَاوَزَ بِحِلْمِهِ،

به حکمت خویش ای که حکم کند به تدبیر خود ای که تدبیر کرد به دانش خود ای که بگذرد به بردباری خویش

يَا مَنْ دَنَى فِي عُلُوِّهِ، يَا مَنْ عَلَا فِي دُئُوهِ (۸۳) يَا مَنْ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ

ای که نزدیک است در عین بلندی و ای که بلند است در عین نزدیکی (۸۳) ای که می آفریند هر چه را خواهد

يَا مَنْ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ يَا مَنْ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ، يَا مَنْ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ،

ای که انجام دهد هر چه خواهد ای که راهنمایی کند هر که را خواهد ای که گمراه کند هر که را خواهد

يَا مَنْ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ، يَا مَنْ يَعْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ، يَا مَنْ يُعِزُّ مَنْ يَشَاءُ،

ای که عذاب کند هر که را خواهد ای که بیامرزد هر که را خواهد ای که عزت بخشد به هر که خواهد

يَا مَنْ يُدِلُّ مَنْ يَشَاءُ، يَا مَنْ يُصَوِّرُ فِي الْأَرْحَامِ مَا يَشَاءُ، يَا مَنْ

ای که ذلت دهد به هر که خواهد ای که نقش بندد در میان رحمها هر طور که خواهد ای که

يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ (۸۴) يَا مَنْ لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا، يَا

مخصوص به رحمت خویش گرداند هر که را خواهد (۸۴) ای که نگرفته است همسر و فرزندی ای

مَنْ جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا، يَا مَنْ لَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا، يَا مَنْ

که قرار داد برای هر چیز اندازه ای ای که شریک نکرده در حکم خویش احدی را ای که

جَعَلَ الْمَلَائِكَةَ رُسُلًا، يَا مَنْ جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا، يَا مَنْ جَعَلَ

قرار داد فرشتگان را پیام آور ای که در آسمان برجها قرار داد ای که

الْأَرْضَ قَرَارًا، يَا مَنْ خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا، يَا مَنْ جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ

زمین را قرارگاه کرد ای که آفرید از آب بشر را ای که قرار داد برای هر چیز

أَمَدًا، يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، يَا مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا

مدت و دورانی ای که دانشش به هر چیز احاطه کرده ای که عدد هر چیز را شماره کرده

(85) اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يَا اَوَّلُ يَا اٰخِرُ، يَا ظَٰهِرُ يَا بَاطِنُ، يَا

(85) خدایا از تو خواهم به حق نامت ای آغاز ای انجام ای ظاهر ای نهان ای

بَرُّ يَا حَقُّ، يَا فَرْدُ يَا وَثَرُ، يَا صَمَدُ يَا سَرْمَدُ (۸۶) يَا خَيْرَ مَعْرُوفٍ

نیکوکار ای برحق ای یکتا ای بی همتا ای بی نیاز ای ابدی (۸۶) ای بهترین شناخته شده

عَرَفَ، يَا اَفْضَلَ مَعْبُودٍ عِبْدَ، يَا اَجَلَ مَشْكُورٍ شُكْرَ، يَا اَعَزَّ مَذْكُورٍ ذِكْرَ،

به نیکی ای برترین معبودی که پرستش شده ای بهترین سپاس شدگان ای عزیزترین یادشدگان
یا اَعْلٰی مَحْمُودٍ حَمْدًا، یا اَقْدَمَ مَوْجُودٍ طَلَبًا، یا اَرْفَعَ مَوْصُوفٍ
ای والاترین ستوده شده ای پیش ترین موجودی که جوایش شده اند ای برترین موجودی که مورد
وُصِفَ، یا اَكْبَرَ مَقْصُودٍ قُصِدَ، یا اَكْرَمَ مَسْئُولٍ سُئِلَ، یا اَشْرَفَ
توصیف واقع شده ای بزرگتر مقصودی که قصد او کرده اند ای بزرگوار کسی که از او درخواست شده ای ارجمندترین
مَحْبُوبٍ عِلْمَ (۸۷) یا حَبِيبَ الْبَاكِيْنَ، یا سَيِّدَ الْمُتَوَكِّلِيْنَ، یا هَادِيَ
دوستی که توان یافت (۸۷) ای دوست گریانان ای آقاي توکل کنندگان ای رهنمای
الْمُضِلِّيْنَ، یا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِيْنَ، یا اَنِيْسَ الذَّاكِرِيْنَ، یا مُفْزَعَ الْمَلْهُوفِيْنَ،
گمراهان ای سرور مؤمنان ای همدم یاد کنندگان (او) ای پناه ستمدیدگان
یا مُنْجِيَ الصَّادِقِيْنَ، یا اَقْدَرَ الْقَادِرِيْنَ، یا اَعْلَمَ الْعَالَمِيْنَ، یا إِلَهَ
ای نجات دهنده راستگویان ای مقتدرترین قدرت داران ای داناترین دانایان ای معبود
الْخَلْقِ أَجْمَعِيْنَ (۸۸) یا مَنْ عَلَا فَقَهَرَ، یا مَنْ مَلَكَ فَقَدَّرَ، یا مَنْ بَطَنَ
تمامی آفریدگان (۸۸) ای که از برتری بر همه قاهر است ای که فرمانروا است و نیرومند ای که در درونی
فَخْبَرَ، یا مَنْ عُبِدَ فَشَكَرَ، یا مَنْ عُصِيَ فَعَفَرَ، یا مَنْ لَا تَحْوِيهِ الْفِكْرُ، یا
و از درون آگاه ای که پرستندش و او بدان پاداش دهد ای که نافرمانیش کنند و بیامزد ای که در فکرها ننگد ای
مَنْ لَا يُدْرِكُهُ بَصَرٌ، یا مَنْ لَا يَخْفِي عَلَيْهِ أَثَرٌ، یا رَازِقَ الْبَشَرِ یا مُقَدَّرَ
که دیده ای او را درنیابد ای که هیچ کاری بر او پنهان نماند ای روزی ده بشر ای اندازه گیر
كُلِّ قَدَرٍ (۸۹) اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ یا حَافِظُ یا بَارِيُّ، یا ذَارِيُّ
هر اندازه (۸۹) خدایا از تو خواهم به حق نامت ای نگهدار ای پدید آورنده ای آفریننده
یا باذِخْ، یا فَارِجُ یا فَاتِحُ، یا كَاشِفُ یا ضَامِنُ، یا اِمْرُ یا نَاهِي (۹۰) یا
ای والا مقام ای غمزا ای کارگشا ای برطرف کننده اندوه ای ضامن بندگان ای فرمان ده ای قدغن کن از کارهای بد
(۹۰) ای

مَنْ لَا يَعْلَمُ الْغَيْبَ إِلَّا هُوَ، یا مَنْ لَا يَصْرِفُ السُّوءَ إِلَّا هُوَ، یا مَنْ
که نمی داند غیب را جز او ای که باز نگرداند بدی را جز او ای که
لَا يَخْلُقُ الْخَلْقَ إِلَّا هُوَ، یا مَنْ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ إِلَّا هُوَ، یا مَنْ لَا يُتِمُّ النِّعْمَةَ

نیافریند خلق را جز او ای که نیامرزد گناه را جز او ای که به پایان نرساند نعمت و احسان را

إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يُقَلِّبُ الْقُلُوبَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يُدَبِّرُ الْأُمْرَ إِلَّا هُوَ، يَا

جز او ای که دگرگون نکند دلها را جز او ای که تدبیر نکند کارها را جز او ای

مَنْ لَا يُنْزِلُ الْغَيْثَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَبْسُطُ الرِّزْقَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ

که فرو نفرستد باران را جز او ای که نگستراند روزی را جز او ای که

لَا يُحْيِي الْمَوْتِيَ إِلَّا هُوَ (۹۱) يَا مُعِينَ الضُّعْفَاءِ، يَا صَاحِبَ الْغُرَبَاءِ، يَا

زنده نکند مردگان را جز او (۹۱) ای کمک کار ناتوانان ای رفیق دور از وطنان ای

نَاصِرَ الْأَوْلِيَاءِ، يَا قَاهِرَ الْأَعْدَاءِ، يَا رَافِعَ السَّمَاءِ، يَا أَنِيسَ الْأَصْفِيَاءِ، يَا

یار دوستان ای چیره بر دشمنان ای بالا برنده آسمان ای مونس برگزیدگان ای

حَبِيبَ الْأَتْقِيَاءِ، يَا كَنْزَ الْفُقَرَاءِ، يَا إِلَهَ الْأَغْنِيَاءِ، يَا أَكْرَمَ الْكُرَمَاءِ

دوست پرهیزکاران ای گنجینه بینوایان ای معبود توانگران ای کریمترین کریمان

(92) يَا كَافِيًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ، يَا قَائِمًا عَلَى كُلِّ شَيْءٍ، يَا مَنْ لَا يُشْبِهُهُ

(92) ای کفایت کننده از هر چیز ای نگهبان بر هر چیز ای که چیزی مانندش نیست

شَيْءٌ، يَا مَنْ لَا يَزِيدُ فِي مُلْكِهِ شَيْءٌ، يَا مَنْ لَا يَخْفِي عَلَيْهِ شَيْءٌ، يَا

ای که چیزی به فرمانروایش نیفزاید ای که چیزی بر او پوشیده نیست ای

مَنْ لَا يَنْقُصُ مِنْ خَزَائِنِهِ شَيْءٌ، يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، يَا مَنْ لَا

که کم نشود از گنجینه هایش چیزی ای که نیست همانندش چیزی ای که

يَعْزُبُ عَنْ عِلْمِهِ شَيْءٌ، يَا مَنْ هُوَ خَبِيرٌ بِكُلِّ شَيْءٍ، يَا مَنْ وَسِعَتْ

پنهان نماند از دانش او چیزی ای که او خبر و آگاه است به هر چیز ای که رحمتش

رَحْمَتُهُ كُلُّ شَيْءٍ (۹۳) اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مُكْرَمُ يَا مُطْعَمُ،

فراگیرد هر چیز را (۹۳) خدایا از تو می خواهم به حق نامت ای اکرام کننده ای طعام دهنده

يَا مُنْعِمُ يَا مُعْطِي، يَا مُعْنَى يَا مُقْنَى، يَا مُفْنَى يَا مُحْيَى، يَا مُرْضَى يَا

ای نعمت بخشنده ای عطا ده ای ثروت ده ای سرمایه ده ای فانی کننده ای زنده کننده ای خشنود سازنده ای

مُنْجِي (۹۴) يَا أَوَّلَ كُلِّ شَيْءٍ وَآخِرَهُ، يَا إِلَهَ كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِيكَهُ، يَا رَبَّ

نجات بخش (۹۴) ای آغاز و انجام هر چیز ای معبود و مالک هر چیز ای پروردگار

كُلُّ شَيْءٍ وَصَانِعُهُ، يَا بَارِيَّ كُلِّ شَيْءٍ وَخَالِقُهُ، يَا قَابِضَ كُلِّ شَيْءٍ
و سازنده هر چیز ای پدید آورنده و آفریننده هر چیز ای بست و باز کننده هر چیز
و بَاسِطُهُ، يَا مُبْدِيَّ كُلِّ شَيْءٍ وَ مُعِيدُهُ، يَا مُنْشِيَّ كُلِّ شَيْءٍ وَ مُقَدِّرُهُ، يَا
ای پدید آورنده و بازگرداننده هر چیز ای بوجود آورنده و اندازه گیر هر چیز ای
مُكُونِ كُلِّ شَيْءٍ، وَ مُحَوِّلُهُ يَا مُحْيِيَّ كُلِّ شَيْءٍ، وَ مُمِيتُهُ يَا خَالِقَ
بود کننده و تبدیل کننده هر چیز ای زنده کننده و میراننده هر چیز ای آفریننده
كُلِّ شَيْءٍ وَ وَارِثُهُ (۹۵) يَا خَيْرَ ذَاكِرٍ وَ مَذْكُورٍ، يَا خَيْرَ شَاكِرٍ وَ مَشْكُورٍ،
و وارث هر چیز (۹۵) ای بهترین یادآور و یاد شده ای بهترین سپاسگزار و سپاس شده
يَا خَيْرَ حَامِدٍ وَ مَحْمُودٍ، يَا خَيْرَ شَاهِدٍ وَ مَشْهُودٍ، يَا خَيْرَ دَاعٍ وَ مَدْعُوٍّ،
ای بهترین ستاینده و ستوده شده ای بهترین گواه و گواهی شده ای بهترین خواننده و خوانده شده
يَا خَيْرَ مُجِيبٍ وَ مُجَابٍ، يَا خَيْرَ مُوَسِّسٍ وَ أُنَاسٍ، يَا خَيْرَ صَاحِبٍ
ای بهترین اجابت کن و اجابت کرده شده ای بهترین انیس و مونس ای بهترین رفیق
وَ جَلِيسٍ، يَا خَيْرَ مَقْصُودٍ وَ مَطْلُوبٍ، يَا خَيْرَ حَبِيبٍ وَ مُحَبُّوبٍ (۹۶) يَا
و هم نشین ای بهترین مقصود و مطلوب ای بهترین دوست و محبوب (۹۶) يَا
مَنْ هُوَ لِمَنْ دَعَاهُ مُجِيبٌ، يَا مَنْ هُوَ لِمَنْ أَطَاعَهُ حَبِيبٌ، يَا مَنْ هُوَ إِلَى
که برای خواننده اش اجابت کند ای که به مطیع و فرمانبردارش دوست است ای که به هر که
مَنْ أَحَبَّهُ قَرِيبٌ، يَا مَنْ هُوَ بِمَنْ اسْتَحْفَظَهُ رَقِيبٌ، يَا مَنْ هُوَ بِمَنْ رَجَاهُ
دوستش دارد نزدیک است ای که برای هر کس که از او نگهداری خواهد نگهبانست ای که نسبت به هر کس به او امید
كَرِيمٌ، يَا مَنْ هُوَ بِمَنْ عَصَاهُ حَلِيمٌ، يَا مَنْ هُوَ فِي عَظَمَتِهِ رَحِيمٌ، يَا مَنْ
داشته باشد کریم است ای که نسبت به نافرمانش بردبار است ای که در عین عظمت و بزرگیش مهربان است ای که
هُوَ فِي حِكْمَتِهِ عَظِيمٌ، يَا مَنْ هُوَ فِي إِحْسَانِهِ قَدِيمٌ، يَا مَنْ هُوَ بِمَنْ
در حکمت خود عظیم است ای که در احسان و عطا بخشی دیرین است ای که به هر کس که او را
أَرَادَهُ عَلِيمٌ (۹۷) اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مُسَبِّبُ يَا مُرَغِّبُ، يَا
بطلبد دانا است (۹۷) خدایا از تو می خواهم به حق نامت ای سبب ساز ای رغبت ده ای
مُفْلَبٌ يَا مُعَقَّبٌ، يَا مُرْتَبُّ يَا مُحَوِّفٌ، يَا مُحَذَّرٌ يَا مُذَكَّرٌ، يَا مُسَخَّرٌ يَا

زیر و رو کن ای پی جو ای ترتیب ده ای بیم ده ای ترساننده ای یادانداز ای مسخر کننده ای
مُعِيرٌ (۹۸) یا مَنْ عَلِمَهُ سَابِقٌ، یا مَنْ وَعَدَهُ صَادِقٌ، یا مَنْ لَطْفُهُ ظَاهِرٌ،
تغییر دهنده (۹۸) ای که دانشش پیش است ای که وعده‌اش راست است ای که لطفش آشکار است
یا مَنْ أَمَرُهُ غَالِبٌ، یا مَنْ كِتَابُهُ مُحْكَمٌ، یا مَنْ قَضَائُهُ كَاتِنٌ، یا مَنْ
ای که فرمانش بر همه غالب است ای که کتابش محکم است ای که حکم و قضایش حتمی است ای که
قُرْآنُهُ مَجِيدٌ، یا مَنْ مُلْكُهُ قَدِيمٌ، یا مَنْ فَضْلُهُ عَمِيمٌ، یا مَنْ عَرْشُهُ
قرآنش مجید و گرامی است ای که فرمانروائیش قدیم است ای که فضل و بخشش همگانی است ای که عرش
عَظِيمٌ (۹۹) یا مَنْ لَا يَشْعُلُهُ سَمْعٌ عَنْ سَمْعٍ، یا مَنْ لَا يَمْنَعُهُ فِعْلٌ عَنْ
او عظیم است (۹۹) ای که سرگرم نکند او را شنیدن از شنیدن دیگر ای که بازش ندارد کاری از
فِعْلٍ، یا مَنْ لَا يُلْهِيه قَوْلٌ عَنْ قَوْلٍ، یا مَنْ لَا يُعْلِطُهُ سُؤَالٌ عَنْ سُؤَالٍ،
کاری ای که مشغولش نکند گفتاری از گفتاری دیگر ای که به اشتباهش نیندازد پرسشی از پرسشی
یا مَنْ لَا يَحْجُبُهُ شَيْءٌ عَنْ شَيْءٍ، یا مَنْ لَا يُبْرِمُهُ الْحَاحُ الْمُلْحِنُ، یا
ای که حجاب نشود او را چیزی از چیزی ای که به ستوهش نیارد پافشاری اصرار ورزان ای
مَنْ هُوَ غَايَةٌ مُرَادِ الْمُرِيدِينَ، یا مَنْ هُوَ مُنْتَهَى هِمَمِ الْعَارِفِينَ، یا مَنْ
که او منتهای مقصود جویندگان است ای که او سرحد نهایی وجهه همت عارفان است ای که
هُوَ مُنْتَهَى طَلَبِ الطَّالِبِينَ، یا مَنْ لَا يَخْفِي عَلَيْهِ ذَرَّةٌ فِي الْعَالَمِينَ،
او آخرین مرحله خواسته خواستاران است ای که بر او ذره‌ای در تمام جهانیان پنهان نیست
(100) یا حَلِيمًا لَا يَعْجَلُ، یا جَوَادًا لَا يَبْخُلُ، یا صَادِقًا لَا يُخْلِفُ، یا
(100) ای بردباری که شتاب نکند ای بخشنده‌ای که بخل ندارد ای راست وعده‌ای که خلاف وعده نمی‌کند ای
وَهَابًا لَا يَمَلُّ، یا قَاهِرًا لَا يُغْلَبُ، یا عَظِيمًا لَا يُوصَفُ، یا عَدْلًا لَا
بخشنده‌ای که خسته نمی‌شود ای چیره‌ای که شکست نپذیرد ای بزرگی که در وصف نگنجد ای دادگری که
يَحِيفُ، یا غَنِيًّا لَا يَفْتَقِرُ، یا كَبِيرًا لَا يَصْغُرُ، یا حَافِظًا لَا يَعْفُلُ، سُبْحَانَكَ
در حکمش ستم نکند ای توانگری که درویش نشود ای بزرگی که کوچک نشود ای نگهبانی که غفلت نکند منزهی
یا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْغَوْثُ الْغَوْثُ، خَلِّصْنَا مِنَ النَّارِ يَا رَبِّ .
تو ای خدایی که نیست معبودی جز تو فریاد فریاد نجات ده ما را از آتش دوزخ ای پروردگار

دعای جوشن صغیر

در کتب معتبره بشرحی مبسوطتر از شرح جوشن کبیر نقل شده و کفعمی در حاشیه بلد الامین فرموده که این دعائیسـت رفیع الشان عظیم المنزله و چون موسی هادی عباسی قصد قتل حضرت کاظم علیه السلام نمود آن حضرت این دعا را خواند جدش پیغمبر صلی الله علیه و آله را در خواب دید که به او فرمود حق تعالی هلاک خواهد کرد دشمن تو را و این دعا در مهج الدعوات سید بن طاووس نیز نقل شده و ما بین نسخه کفعمی و سید اختلافست و ما موافق بلد الامین کفعمی نقل نمودیم و آن دعا این است :

به نام خدای بخشاینده مهربان

إلهی، کَمْ مِنْ عَدُوٍّ اِئْتَضَى عَلَیَّ سَیْفَ عَدَاوَتِهِ، وَشَحَذَ لِي ظُبَّةَ
معبودا چه بسیار دشمنی که شمشیر دشمنی بروی من کشید و لبه کاردش را برایم تیز کرد
مِدْبِئَتِهِ، وَأَرْهَفَ لِي شِبَاحَدَهُ، وَدَافَ لِي قَوَاتِلَ سُمُومِهِ، وَسَدَّدَ إِلَیَّ
و دم برنده اش را برایم آماده کرد و زهرهای کشنده اش را برایم آمیخته و نشان گرفت بسوی من
صَوَائِبَ سِهَامِهِ، وَلَمْ تَنْمُ عَنِّي عَيْنُ حِرَاسَتِهِ، وَأَضْمَرَ أَنْ یَسُومَنِي
تیرهای نشانگیرش را و چشمش در مراقبت من به خواب نرفت و در دل گرفت که به من آزاری رساند
الْمَكْرُوهَ، وَيَجْرِعُنِي دُعَاةَ مَرَارَتِهِ، نَظَرْتُ إِلَى ضَعْفِي عَنْ اِحْتِمَالِ
و جرعه های تلخ زهر خود را به گلویم بریزد در این حال تو به ناتوانی من نگریستی که طاقت تحمل
الْفَوَاحِشِ، وَعَجَزِي عَنْ اِلْتِصَارِ مِمَّنْ قَصَدَنِي بِمُحَارَبَتِهِ، وَوَحَدَتِي
ناگوار را ندارم و عجز مرا در استمداد برای کسی که به قصد جنگ با من برخاسته دیدی و تنهایی مرا
فِي كَثِيرٍ مِمَّنْ نَاوَانِي، وَأَرَصَدَ لِي فِيمَا لَمْ أَعْمَلْ فِكْرِي فِي
در مقابل انبوه دشمنانی که قصد آزار مرا کرده و سرِ راهم کمین کرده اند و فکر من در
الْأَرْصَادِ لَهُمْ بِمِثْلِهِ، فَأَيَّدَتْنِي بِقُوَّتِكَ، وَشَدَّدْتَ أَزْرِي بِنُصْرَتِكَ،
خلاصی از آنها به جایی نمی رسد مشاهده کردی پس مرا به نیروی خود کمک دادی و بوسیله یاری خود پشتم را محکم
بستی

وَقَلَّتْ لِي حَدَّةٌ، وَحَذَلْتُهُ بَعْدَ جَمْعِ عَدِيدِهِ وَحَشْدِهِ، وَأَعْلَيْتَ كَعْبِي

وتیغ برنده دشمن را بر من کند کردی و او را پس از زحماتی که در جمع آوری نفرات و وسایل نابودی من کشیده بود خوار کردی

عَلَيْهِ، وَوَجَّهْتَ مَا سَدَّدَ إِلَيَّ مِنْ مَكَائِدِهِ إِلَيْهِ، وَرَدَدْتُهُ عَلَيْهِ، وَلَمْ

و مرا بر او توفیق دادی و شر آن نقشه‌های شومی که برای من کشیده بود به خودش برگرداندی و عطش او را در نابودی من

يَشْفِ غَلِيلَهُ، وَلَمْ تَبْرُدْ حَزَازَاتُ غَيْظِهِ، وَقَدْ عَضَّ عَلَيَّ أُنَامِلُهُ، وَأَدْبَرَ

فرو نشاندی و دلش را در این باره خنک نکردی و در حالی که از سوز خشمش بر من انگشت به دندان می‌گزید پشت کرده و

مَوْلِيًّا قَدْ أَحَقَّقْتَ سَرَايَاهُ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ،

فرارکرد و تجهیزات جنگی و نفرات او درهم شکست پس ستایش برای تو سزااست پروردگار که نیرومندی هستی شکست ناپذیر

وَذِي أُنَاةٍ لَا يُعْجَلُ، صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلُ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ

و بردباری هستی که شتاب نخواهی کرد درود فرست بر محمد و آل محمد و مرا از سپاسگزاران نعمتهای خود

مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلِلَّائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، إِلَهِي وَكَمْ مِنْ بَاغٍ بَعَانِي

و از یادکنندگان بخششهای خویش قرار ده معبودا و چه بسیار ستم‌پیشه‌ای که با نقشه شومش به من ستم کرد و بمکاید، وَنَصَبَ لِي أَشْرَاكَ مَصَايِدِهِ، وَوَكَّلَ بِي تَفَقُّدَ رِعَايَتِهِ،

برای شکار کردنم دامها نهاد و مرا دقیقاً زیر نظر گرفت

وَأَضْبَأَ إِلَيَّ اضْبَاءَ السَّبْعِ لِطَرِيدَتِهِ، اِنْتِظَاراً لِابْتِهَازِ فُرْصَتِهِ، وَهُوَ

و مانند درنده‌ای که برای شکار گریخته خود کمین می‌کند به کمین من نشست تا فرصتی بدست آرد با اینکه

يُظْهِرُ بَشَاشَةَ الْمَلَقِ، وَيَبْسُطُ لِي وَجْهًا غَيْرَ طَلِقٍ، فَلَمَّا رَأَيْتَ دَغَلَ

در صورت ظاهر خود را از روی تملق بشاش نشان می‌داد و روی گشاده بی‌حقیقتی به من می‌نمود، و هنگامی که توای خدا نادرستی

سَرِيرَتِهِ، وَقُبِحَ مَا اِثْطَوَى عَلَيْهِ لِشَرِيكِهِ فِي مِلَّتِهِ، وَأَصْبَحَ مُجْلِبًا لِي

باطن او را دیدی و زشتی نیتش را برای هم‌کیشش مشاهده فرمودی و دیدی که چگونه مرا بسوی ستم خود می‌کشد
 او را

فِي بَعْضِهِ، أَرْكَسْتَهُ لِمُ رَأْسِهِ، وَأَثَبْتَ بُنْيَانَهُ مِنْ أَسَاسِهِ، فَصَرَعْتَهُ فِي

به مغز به زمین زدی و ریشه‌اش را از بیخ و بن برکنیدی و او را در همان چاهی که برای من کنده بود درافکندی و در
 زُيْتِهِ، وَرَدَيْتَهُ فِي مَهْوِي حُفْرَتِهِ، وَجَعَلْتَ حَدَّهُ طَبَقًا لِثَرَابِ رِجْلِهِ،

گودالی که به دست خود حفر کرده بود سرنگونش کردی و گونه‌اش را مطابق خاک پایش کردی و او را سرگرم تن و
 وَشَعَلْتَهُ فِي بَدَنِهِ وَرَزَقَهُ، وَرَمَيْتَهُ بِحَجَرِهِ، وَخَفَقْتَهُ بِوَتَرِهِ، وَذَكَّيْتَهُ

روزی خودش کردی و به سنگ خودش او را زدی و بازه کمان خودش جانش بگرفتی و بوسیله سرنیزه‌های خودش او
 راهلاک

بِمَشَاقِصِهِ، وَكَبَبْتَهُ لِمَنْحَرِهِ، وَرَدَدْتَ كَيْدَهُ فِي نَحْرِهِ، وَرَبَّقْتَهُ بِنِدَامَتِهِ،

ساختی و برو درافکندی و مکر و حيله‌اش را به خودش برگردانیدی و در بند پشیمانی گرفتارش کردی و پشتش را در
 زیر بار

وَفَسَّاتُهُ بِحَسْرَتِهِ، فَاسْتَحْذَأَ وَتَضَائِلَ بَعْدَ نَحْوَتِهِ، وَاقْتَمَعَ بَعْدَ

حسرت خم کردی تا آنکه پس از همه نخوت و تکبر خوار گشته به زانو درآمد و پس از

أَسْطِطَاتِهِ، ذَلِيلًا مَأْسُورًا فِي رِبْقِ حَبَالَتِهِ، الَّتِي كَانَ يُؤْمَلُّ أَنْ يَرَانِي

گردنکشی با خواری مخصوصی ریشه‌کن شد و در بند دام خود که در روز تسلطش آرزو داشت مرا در آن ببند

فِيهَا يَوْمَ سَطْوَتِهِ، وَقَدْ كِدْتُ يَا رَبُّ لَوْ لَا رَحْمَتُكَ، أَنْ يَحُلَّ بِي مَا

گرفتار شد و ای پروردگار من اگر رحمت تو نبود چیزی نمانده بود که به همان بلایی که او دچار شده

حَلَّ بِسَاحَتِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبُّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ، وَذِي أَنَاةٍ

من دچار گردم پس ستایش خاص تو است ای پروردگار من که نیرومندی هستی شکست‌ناپذیر و بردباری هستی که

لَا يَعْجَلُ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي لِتَعْمَائِكَ مِنْ

شتاب نمی‌کنی درود فرست بر محمد و آل محمد و مرا از

الشَّاكِرِينَ، وَلَا لَيْتَكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، إِلَهِي وَكَمْ مِنْ حَاسِدٍ شَرِقَ

سپاسگزاران نعمت‌هایت قرار ده و از یادکنندگان عطا‌هایت بدار خدایا چه بسیار حسودی که

بِحَسْرَتِهِ، وَعَدُوٌّ شَجِيٍّ بَغِيْظِهِ، وَسَلَفَنِي بِحَدِّ لِسَانِهِ، وَوَحَزَنِي بِمُوقٍ

حسرت در گلویش گیر کرده و دشمنی که خشم او در گلویش شکسته و با زبان تیزش مرا آزرد و
عَيْنِهِ، وَجَعَلَنِي غَرَضًا لِمَرَامِهِ، وَقَلَدَنِي خِلَالًا لَمْ تَزَلْ فِيهِ، نَادَيْتُكَ يَا
نگاه خشمگین خود را از گوشه چشم همچون تیری بر بدنم فرو کرده و مرا هدف تیرهای خود قرار داده و کارهایی را
به گردنم

رَبِّ مُسْتَجِيرًا بِكَ، وَاثِقًا بِسُرْعَةِ اجَابَتِكَ، مُتَوَكِّلًا عَلَيَّ مَا لَمْ أَزَلْ
انداخت که من ای پروردگارم پیوسته در این باره از روی پناه خواهی تو را خواندم به خاطر اطمینانی که سرعت
اجابت تو داشتم

أَتَعْرِفُهُ مِنْ حُسْنِ دِفَاعِكَ، عَالِمًا أَنَّهُ لَا يُضْطَهَدُ مَنْ أَوِيَ إِلَى ظِلِّ
و بر سابقه خوبی که همیشه در دفاع کردنت داشتم توکل نمودم و می دانستم که هرکس در سایه
كَتَفِكَ، وَلَنْ تَقْرَعَ الْحَوَادِثُ مَنْ لَجَأَ إِلَى مَعْقِلِ الْإِثْتِصَارِ بِكَ،
حمایت تو مأوی گیرد مورد ستم و ظلم کسی واقع نگردد و آنکس که به قلعه کمک خواهی تو پناه برد حوادث کوبنده
روزگار

فَحَصَّنْتَنِي مِنْ بَأْسِهِ بِقُدْرَتِكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا
بر او کارگر نشود و تو ای خدا بوسیله نیرویت مرا از آزار او در پناه گرفتی پس از آن تو است ستایش ای پروردگار من
که نیرومندی

يُغْلَبُ، وَذِي آنَاةٍ لَا يَعْجَلُ، صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي
هستی شکست ناپذیر و بردباری هستی بدون شتاب درود فرست بر محمد و آل محمد و مرا از سپاسگزاران
لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ. وَلِلْآلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، إِلَهِي، وَكَمْ مِنْ
نعمتهایت و از یادکنندگان عطاهايت قرار ده خدایا و چه بسا ابرهایی از گرفتاری (که بسویم در حرکت بود)

سَحَابٍ مَكْرُوهٍ جَلِيَّتْهَا، وَسَمَاءٍ نِعْمَةٍ مَطَرَتْهَا - وَجَدَاوِلِ كَرَامَةٍ
و تو پراکنده شان کردی و چه بسا آسمان نعمتی که بر من فرو باریدی و نه‌های بزرگواری که
أَجْرِيَّتْهَا، وَأَعْيُنِ أَحْدَاثٍ طَمَسَتْهَا، وَنَاشِيَةِ رَحْمَةٍ نَشَرَتْهَا، وَجَنَّةٍ
روان کردی و چشمه‌های جوشان حوادثی که رویش را پوشاندی و لکه‌های کوچکی از ابر رحمت که آن را پهن کردی و
زره‌های

عَافِيَةِ الْبَسْتِهَا، وَغَوَامِرِ كُرْبَاتٍ كَشَفَتْهَا، وَأُمُورٍ جَارِيَةٍ قَدَرْتَهَا، لَمْ

تندرستی که بر بدنم پوشانیدی و گردابهایی از اندوه که برطرف کردی و امور جاریه دیگری که مقدر کردی و تو هرگاه
 تُعْجِزُكَ إِذْ طَلَبْتَهَا، وَلَمْ تَمْتَنِعْ مِنْكَ إِذْ أَرَدْتَهَا، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ
 خواستیشان از طلب آنها درغماندی و هرگاه آنها را اراده فرمودی قدرت بر امتناع نداشتند پس تورا است ستایش ای
 پروردگار من

مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ، وَذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،
 ای نیرومند شکست ناپذیر و بردبار بی شتاب درود فرست بر محمد و آل محمد
 وَأَجْعَلْنِي لِلْعَمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَإِلَّا لَيْتَكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، اَلْهِی،
 و قرار ده مرا از سپاسگزاران نعمتهایت و از یادکنندگان عطاهایت خدایا
 وَكَمْ مِنْ ظَنٍّ حَسَنٍ حَقَّقَتْ، وَمِنْ كَسْرٍ اِمْلَاقٍ جَبَرَتْ، وَمِنْ مَسْكَنَةٍ
 و چه بسا خوش گمانی مرا که صورت عمل دادی و چه بسیار شکستهای بی چیزی مرا که جبران کردی و نداریهایی
 فَادِحَةٍ حَوَّلَتْ، وَمِنْ صَرَعَةٍ مُهْلِكَةٍ نَعَشَتْ، وَمِنْ مَشَقَّةٍ أَرَحَتْ،
 سخت و کمر شکن را که از من گردانیدی و سقوطهایی نابودکننده ای که بلندم کردی و چه سختیها که مبدل به راحتی
 کردی

لَا تُسْأَلُ عَمَّا تَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ، وَلَا يَنْقُصُكَ مَا أَنْفَقْتَ، وَلَقَدْ سَأَلْتُ
 بازخواست نشوی از آنچه می کنی ولی دیگران بازخواست شوند و هر چه خرج کنی چیزی از تو کاسته نگردد و چون از تو
 بخواهند

فَاعْطَيْتَ، وَلَمْ تُسْأَلْ فَأَبْتَدَأْتَ، وَاسْتُمِيعَ بَابُ فَضْلِكَ فَمَا أَكْدَيْتَ،
 می دهی و اگر هم نخواهند تو بی سابقه خواستن عطا می کنی و از درگاه فضل تو احسان خواستند و تو دریغ نداشتی
 أَبَيْتَ إِلَّا ائْعَامًا وَأَمْتَنَانًا، وَإِلَّا تَطَوُّلاً يَا رَبِّ وَاحْسَانًا، وَأَبَيْتُ
 ندادی جز از راه نعمت بخشی و امتنان و جز از راه عطا بخشی بی پایان خود ای پروردگار من و
 احسانت ولی من هم در مقابل نکردم

إِلَّا أَنْتَ هَاكَ لِحُرْمَاتِكَ، وَأَجْتَرَأُ عَلَيَّ مَعَاصِيكَ، وَتَعْدِيًا لِحُدُودِكَ،
 جز پرده دري محرمات و دليري بر ارتكاب معاصي و نافرمانيهائيت و تجاوز از حدود تو
 وَغَفْلَةً عَنْ وَعِيدِكَ، وَطَاعَةً لِعَدْوِي وَعَدُوِّكَ لَمْ يَمْنَعَكَ يَا اَلْهِی
 و بی خبری از تهدید تو و پیروی از دشمن خود و دشمن تو، ای معبود و ای یاور

وَنَاصِرِي إِحْلَالِي بِالشُّكْرِ عَنْ إِثْمَامِ إِحْسَانِكَ وَلَا حَجَزَنِي ذَلِكَ
بِزُرْكَوَارِ مِنْ كُوتَاهِي مِنْ دَرَسَاسْكَزَارِي تُو رَا اَز اَتْمَامِ احسان و نيكي به من باز نداشت و اتمام احسان و نيكي
عَنْ ارْتِكَابِ مَسَاخِطِكَ، اَللّٰهُمَّ وَهَذَا مَقَامُ عَبْدٍ ذَلِيلٍ اعْتَرَفَ لَكَ
تُو نيز مانع من از ارتكاب اعمالی كه موجب خشم تُو است نشد خدايا اکنون به حال بنده خواري درآمده ام
بِالتَّوْحِيدِ، وَاَقْرَرْتُ عَلَيَّ نَفْسِي بِالْتَّقْصِيرِ فِي اَدَاءِ حَقِّكَ، وَشَهِدَ لَكَ
كه معترف بيگانگي تُو است و به زيان خود اعتراف مي كند كه در اداي حق تُو كوتاهي کرده و گواهي دهد كه تُو
بِسُبُوغِ نِعْمَتِكَ عَلَيْهِ، وَجَمِيلِ عَادَتِكَ عِنْدَهُ، وَاِحْسَانِكَ اِلَيْهِ، فَهَبْ لِي
نعمت خود را بر او فروگذار نكردي و از شيوه نيك و احسان خود نسبت به او كوتاهي نكردي پس
يَا اَلِهِي وَسَيِّدِي مِنْ فَضْلِكَ مَا اُرِيدُهُ اِلَى رَحْمَتِكَ، وَاَتَّخِذُهُ سُلْمًا
اي معبود و آقاي من از فضل خويش بدان اندازه به من ببخش كه بتوانم خود را به رحمت برسانم و آن را نردبانی
قرار داده

اَعْرُجْ فِيهِ اِلَى مَرْضَاتِكَ، وَ اَمِنْ بِهِ مِنْ سَخَطِكَ، بِعِزَّتِكَ وَطَوْلِكَ،
و به وسيله آن بسوي خوشنودي تُو بالا روم و بدان سبب از خشم تُو اين گردهم به حق عزت و كرم
وَبِحَقِّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبَّ مِنْ
و به حق پيامبرت محمد صلي الله عليه و آله پس ستايش خاص تُو است اي پروردگار من كه
مُقْتَدِرٌ لَا يُغْلَبُ، وَذِي اَنَاءَةٍ لَا يُعْجَلُ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،
نيرومندي هستي شكستناپذير و بردباري هستي بي شتاب درود فرست بر محمد و آل محمد
وَاجْعَلْنِي لِتَعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلِلْآلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، اَلِهِي،
و قرارم ده از شكرگذاران نعمتهايت و از يادكنندگان عطايا و مراحمت، خدايا
وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ اَمْسَى وَاَصْبَحَ فِي كَرْبِ الْمَوْتِ وَحَشْرَةِ الصَّدْرِ،
چه بسا بنده اي كه شب و روزش در سختي مرگ بگذرد و جان به سينه اش رسیده
وَالنَّظَرَ اِلَى مَا تَقْشَعِرُّ مِنْهُ الْجُلُودُ، وَتَفْزَعُ لَهُ الْقُلُوبُ، وَاَنَا فِي عَافِيَةٍ
و بنگرد بدانچه بدنها از هولش بلرزد و دها بطپد و من در تمام آن مناظر و احوال آسوده و در سلامتي بسر برم
مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبَّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ، وَذِي اَنَاءَةٍ
پس ستايش خاص تُو است اي پروردگار من كه نيرومندي هستي شكستناپذير و بردباري هستي

لَا يُعْجَلُ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَاتِكَ مِنْ
بِشْتَابِ درود فرست بر محمد و آل محمد و قرارم ده از سپاسگزاران نعمتهایت و از
الشَّاكِرِينَ، وَلِلَّائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، اِلهِي، وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ اَمْسَى
يادکنندگان عطاهايت خدايا و چه بسا بنده‌اي که بسر برد شب و
وَأَصْبَحَ سَقِيمًا مُوجِعًا فِي آتِهِ وَعَوِيلٍ، يَتَقَلَّبُ فِي غَمِّهِ لَا يَجِدُ
روز خود را در بيماري دردناك و در ناله و فریاد و از اندوه به خود مي‌پيچد نه راه چاره‌اي دارد
مَحِيصًا، وَلَا يُسَبِّحُ طَعَامًا وَلَا شَرَابًا، وَأَنَا فِي صِحَّةٍ مِنَ الْبَدَنِ
و نه غذا و نوشابه‌اي براحتی از گلویش پايين رود و من تندرست و از
وَسَلَامَةٍ مِنَ الْعَيْشِ، كُلُّ ذَلِكَ مِنْكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ
سلامتی کامل برخوردار هستم و همه اين نعمتها از تو است پس ستايش خاص تو است اي پروردگار من که نيرومندي
لَا يُغْلَبُ، وَذِي اَنَاةٍ لَا يُعْجَلُ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي
هستی شكست‌ناپذير و بردباري هستی بی‌شتاب درود فرست بر محمد و آل محمد و مرا از سپاسگزاران
لِنِعْمَاتِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلِلَّائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، اِلهِي، وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ
نعمتهایت و از يادکنندگان عطایا و مراحمت قرارم ده خدايا و چه بسا بنده‌اي که بسر برد
اَمْسَى وَأَصْبَحَ خَائِفًا مَرْعُوبًا مُشْفِقًا، وَجِلًّا هَارِبًا طَرِيدًا، مُنْجَرًّا
شب و روز خود را در ترس و خوف و هراس و اضطراب از خانه خود گريخته و آواره گشته و از ترس
فِي مَضِيقٍ وَمَخْبَآةٍ مِنَ الْمَخَاطِبِ، قَدْ ضَاقَتْ عَلَيْهِ الْأَرْضُ بِرُحْبِهَا،
در بيغوله‌اي رفته و در خفا گاهي خود را پنهان کرده و زمين بدین پهناوري از هر سو بر او تنگ شده
لَا يَجِدُ حِيلَةً وَلَا مُنْجِي، وَلَا مَأْوِي، وَأَنَا فِي أَمْنٍ وَطُمَأْنِينَةٍ، وَعَافِيَةٍ
نه راه چاره‌اي دارد و نه جا و مأوای و من در کمال امنيت و آسايش و سلامتی
مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ، وَذِي اَنَاةٍ
از اين ناراحتیها بسر برم پس خاص تو است ستايش اي پروردگار من که نيرومندي هستی شكست‌ناپذير و بردباري
هستی

لَا يُعْجَلُ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَاتِكَ مِنْ
بِشْتَابِ درود فرست بر محمد و آل محمد و قرارم ده از سپاسگزاران نعمتهایت و از

الشَّاكِرِينَ، وَلِأَنَّكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، إِلَهِي وَسَيِّدِي، وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ
يادکنندگان عطایا و مراحمت ای خدا و ای آقای من چه بسا بنده ای که
أَمْسِي وَأَصْبَحَ مَغْلُولًا مُكَبَّلًا فِي الْحَدِيدِ بِأَيْدِي الْعُدَّةِ،
شب و روزش در غل و زنجیر آهنین بگذرد در حالی که بدست دشمنانی
لَا يَرْحَمُونَهُ، فَقِيدًا مِنْ أَهْلِهِ وَوَلَدِهِ، مُنْقَطِعًا عَنْ إِخْوَانِهِ وَبَلَدِهِ، يَتَوَقَّعُ
بی رحم گرفتار و دور از زن و فرزند و جدای از برادران و شهر و دیار
كُلَّ سَاعَةٍ بِأَيِّ قِتْلَةٍ يُقْتَلُ، وَبِأَيِّ مِثْلَةٍ يُمَثَّلُ بِهِ، وَأَنَا فِي عَافِيَةٍ مِنْ
هر ساعت انتظار می کشد که آیا به چه نحوی او را می کشند و یا به چه طور اعضایی او را می بُرنند و من در عافیت کامل
ذَلِكَ كُلُّهُ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مَنْ مُقْتَدِرٌ لَا يُغْلَبُ وَذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ،
و دور از تمام اینها بسر برم پس ستایش خاص تو است ای پروردگار نیرومند شکست ناپذیر و بردبار بی شتاب
صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي لِتَعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ،
درود فرست بر محمد و آل محمد و قرار ده مرا از سپاسگزاران نعمتهایت و از یادکنندگان
وَلِأَنَّكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، إِلَهِي وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسِي وَأَصْبَحَ يُقَاسِي
عطایا و مراحمت خدایا و چه بسا بنده ای که شب و روزش را در حال جنگ بسر می برد و خود را آماده
الْحَرْبِ، وَمُبَاشَرَةِ الْقِتَالِ بِنَفْسِهِ، قَدْ غَشِيَتْهُ الْأَعْدَاءُ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ
پیکار کرده دشمنان با شمشیر و نیزه و سایر وسایل جنگی از هر سو احاطه اش کرده اند
بِالسُّيُوفِ وَالرَّمَاكِ وَآلَةِ الْحَرْبِ، يَتَقَعَّقُ فِي الْحَدِيدِ قَدْ بَلَغَ
و او در زیر آن همه اسلحه های آهنین گم شده و حد اعلای کوشش خود را برای نجات می کند
مَجْهُودَةً، لَا يَعْرِفُ حِيلَةً وَلَا يَجِدُ مَهْرَبًا، قَدْ أَذِنَفَ بِالْجِرَاحَاتِ، أَوْ
ولی راه چاره و گریزی ندارد و زخمهای گران برداشته یا
مُتَشَحِّطًا بِدَمِهِ تَحْتَ السَّنَابِكِ وَالْأَرْجُلِ، يَتَمَنَّى شَرَبَةً مِنْ مَاءٍ، أَوْ
زیر سم اسبها و پاها در خون خویش غلطیده آرزوی یک شربت آب یا
نَظْرَةً إِلَى أَهْلِهِ وَوَلَدِهِ، لَا يَقْدِرُ عَلَيْهَا، وَأَنَا فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ،
یک نظر به زن و فرزند خود را دارد ولی هیچ یک برایش میسر نیست و من از اقام آنها در عافیت و سلامت بسر برم
فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مَنْ مُقْتَدِرٌ لَا يُغْلَبُ، وَذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ، صَلِّ

پس ستایش خاص تو است ای پروردگار نیرومند شکست‌ناپذیر و بردبار بی‌شتاب درود فرست
عَلِي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَاتِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلِأَنَّكَ
بر محمد و آل محمد و قرار ده مرا از سپاسگزاران نعمت‌های و از یادکنندگان عطاها
مِنَ الذَّاكِرِينَ، إِلَهِي، وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ فِي ظُلُمَاتٍ
و بخشش‌های خدایا و چه بسا بنده‌ای که شب و روز کند در تاریکی‌های
الْبَحَارِ، وَعَوَاصِفِ الرِّيَّاحِ وَالْأَهْوَالِ وَالْأُمُوجِ، يَتَوَقَّعُ الْغَرَقَ
دریاها و یا تندبادها و هراسها و امواج خروشان دریا که انتظار غرق
وَالْهَلَاكَ، لَا يَقْدِرُ عَلَي حِيلَةٍ، أَوْ مُبْتَلًى بِصَاعِقَةٍ أَوْ هَدْمٍ أَوْ حَرَقٍ، أَوْ
و هلاکت را می‌کشد و راه چاره ندارد یا آن کس که گرفتار شده به صاعقه یا زیر آوار رفتن یا آتش‌سوزی یا
شَرَقٍ أَوْ حَسْفٍ، أَوْ مَسْخٍ أَوْ قَذْفٍ، وَأَنَا فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ، فَلَكَ
استخوان به گلو گیر کردن یا به زمین فرو رفتن یا مسخ یا در پرتگاهی گیر کرده و من از اینها همه آسوده و راحت هستم
پس

الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ، وَذِي أَنَاةٍ لَا يَجْعَلُ، صَلَّ عَلَي
خاص تو است ستایش ای پروردگار نیرومند شکست‌ناپذیر و بردبار بی‌شتاب درود فرست بر
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَاتِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلِأَنَّكَ مِنْ
محمد و آل محمد و قرارم ده از سپاسگزاران نعمت‌های و از یادکنندگان عطاها و
الذَّاكِرِينَ، إِلَهِي، وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ مُسَافِرًا شَاخِصًا عَنْ
مرحمت‌های خدایا و چه بسا بنده‌ای که شب و روز در مسافرت می‌گذرد دور از
أَهْلِهِ وَوَلَدِهِ، مُتَحِيرًا فِي الْمَفَاوِزِ، تَائِهًا مَعَ الْوُحُوشِ وَالْبَهَائِمِ
زن و فرزند حیران در بیابانها در حال سرگردانی با حیوانات وحشی و چهارپا
وَالْهَوَامِّ، وَحِيدًا فَرِيدًا لَا يَعْرِفُ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدِي سَبِيلًا، أَوْ مُتَذَذًا
و گزنده تک و تنها زندگی می‌کند نه چاره‌ای به نظرش می‌رسد و نه راه به جایی برد یا دچار آزار
بِيرَدٍ أَوْ حَرٍّ أَوْ جُوعٍ أَوْ غُرْيٍ أَوْ غَيْرِهِ مِنَ الشَّدَائِدِ مِمَّا أَنَا مِنْهُ خَلُوءٌ،
سرما یا گرما یا گرسنگی یا برهنگی یا سایر سختی‌ها شده که من از آنها همه آسوده‌ام
فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ، وَذِي

و در تندرستی و آسایش از آنها هستم پس خاص تو است ستایش ای پروردگار نیرومند شکست‌ناپذیر و

أَنَا لَا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي لِتَعْمَائِكَ مِنْ

بردار بی‌شتاب درود فرست بر محمد و آل محمد و قرارم ده از سپاسگزاران نعمت‌هایت و از

الشَّاكِرِينَ، وَلِأَنَّكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، إِلَهِي وَسَيِّدِي، وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ

یادکنندگان عطایا و مراحمت ای خدا و ای آقای من و چه بسا بنده‌ای که بسر برد

أَمْسِي وَأَصْبَحَ فَقِيرًا عَائِلًا، عَارِيًا مُمْلِقًا، مُخْفِقًا مَهْجُورًا، جَائِعًا

شب و روز خود را در حال فقر و تنگدستی و برهنگی و یأس و هجران دوستان و گرسنگی و

ظُمْنًا، يَنْتَظِرُ مَنْ يَعُودُ عَلَيْهِ بِفَضْلٍ، أَوْ عَبْدٍ وَجِيهٍ عِنْدَكَ، هُوَ أَوْجَهُ

تشنگی و چشم براه است تا آیا کسی بر او احسانی کند یا (چه بسا) برده و غلام آبرومندی در پیش تو که از من

مِنِّي عِنْدَكَ، وَأَشَدُّ عِبَادَةً لَكَ، مَعْلُولًا مَقْهُورًا، قَدْ حُمِّلَ ثِقَلًا مِنْ تَعَبِ الْعَنَاءِ،

که آزادم آبرومندتر و عبادت و طاعتش به‌درگاه تو بیشتر است و زیر زنجیر و قدرت ارباب است و بار سنگین بردگی

بر دوش دارد چه

وَشِدَّةِ الْعُبُودِيَّةِ، وَكُلْفَةِ الرِّقِّ، وَثِقَلِ الضَّرِيَّةِ، أَوْ مُبْتَلَاً بِبَلَاءٍ شَدِيدٍ،

از رنج و تعب و چه سختی کارهای بردگی و چه مشقت غلام بودن و چه پرداخت وجه سنگین به ارباب خود یا آن

شخصی که به‌بلاء و

لَا قَبْلَ لَهُ [بِه] إِلَّا بِمَنِّكَ عَلَيْهِ، وَأَنَا الْمَخْدُومُ الْمُنْعَمُ، الْمُعَافِي الْمَكْرَمُ،

سختی دچارگشته و تاب تحمل آن را ندارد جز اینکه تو در رفع آن بر او کمک کنی ولی مرا هم

دیگران خدمت‌کنند و هم نعمت

فِي عَافِيَةٍ مِمَّا هُوَ فِيهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَي ذَلِكَ كُلِّهِ، مِنْ مُقْتَدِرٍ

بخشنده و تندرست و گرامی و از آنچه او بدان گرفتار است آسوده‌ام پس ستایش در برابر این همه نعمت

خاص تو است که نیرومندی

لَا يُغْلَبُ، وَذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي

هستی شکست‌ناپذیر و بردباری هستی که شتاب نکند درود فرست بر محمد و آل محمد و قرارم ده

لِتَعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلِأَنَّكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، [إِلَهِي وَسَيِّدِي،

از شکرگزاران نعمت‌هایت و از یادکنندگان عطایا و مراحمت ای معبود و آقای من

* * * * * و یادکنندگان عطاهايت و به رحمت خویش بر من رحم کن اي ارحم الراحمين *

عَلِي فُرْشِ الْعِلَّةِ وَفِي لِبَاسِهَا، يَتَقَلَّبُ يَمِينًا وَشِمَالًا، لَا يَعْرِفُ شَيْئًا
بیماری و جامه ناخوشی افتاده و از شدت ناراحتی به این پهلو و آن پهلو می چرخد و چیزی
مِنْ لَذَّةِ الطَّعَامِ وَلَا مِنْ لَذَّةِ الشَّرَابِ، يَنْظُرُ إِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً، لَا يَسْتَطِيعُ
از لذت نوشیدنی و خوراک نمی فهمد و از روی حسرت به خود می نگرد و قدرتی
لَهَا ضَرًّا وَلَا نَفْعًا، وَأَنَا خَلَوْتُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ، فَلَا إِلَهَ إِلَّا
بر سود و زیان خود ندارد ولی من به واسطه جود و کرم تو از تمام اینها آسوده ام پس معبودی
أَنْتَ، سُبْحَانَكَ مَنْ مُقْتَدِرٌ لَا يُعْلَبُ، وَذِي أَنْةٍ لَا يُعْجَلُ، صَلَّى عَلَى

منزهی تو ای خدای نیرومند شکست‌ناپذیر و بردبار بی‌شتاب درود فرست بر
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْعَابِدِينَ، وَلِنِعْمَائِكَ مِنْ
محمد و آل محمد و قرارم ده از زمره پرستش‌کنندگان خود و از جمله سپاسگزاران نعمت‌های و
الشَّاكِرِينَ، وَلِأَلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، وَأَرْحَمَنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
یادکنندگان عطا‌های و به رحمت خود بر من ترحم کن ای مهربانترین
الرَّاحِمِينَ، مَوْلَايَ وَسَيِّدِي وَكَمِّ مِنْ عَبْدٍ أَمْسِي وَأَصْبَحَ، وَقَدْ دَنَا
مهربانان ای سرور من و ای آقای من و چه‌بسا بنده‌ای که بسر برد شب و روز خود را در حالی که
يَوْمَهُ مِنْ حَتْفِهِ، وَأَحْدَقَ بِهِ مَلَكُ الْمَوْتِ فِي أَعْوَانِهِ، يُعَالِجُ سَكَرَاتِ
عمرش بسرآمده و فرشته مرگ با اعوان و یارانش دور بستر او را گرفته و او در سختی‌های جان‌کندن و گرد‌آ‌های
الْمَوْتِ وَحِيَاضَهُ، تَدُورُ عَيْنَاهُ يَمِينًا وَشِمَالًا، يَنْظُرُ إِلَى أَحِبَّائِهِ
مرگ غوطه می‌خورد چشمانش به راست و چپ می‌گردد نگاه به دوستان و
وَأَوْدَائِهِ وَأَخْلَائِهِ، قَدْ مَنَعَ مِنَ الْكَلَامِ وَحُجِبَ عَنِ الْخِطَابِ، يَنْظُرُ
رفقا و یاران صمیمی خود می‌کند و یارای سخن گفتن ندارد و از گفتار بازمانده از روی حسرت به خود می‌نگرد
إِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً لَا يَسْتَطِيعُ لَهَا ضَرًّا وَلَا نَفْعًا، وَأَنَا خَلُوفُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ
که هیچ بر سود و زیان خود قادر نیست و من ای خدا به واسطه
بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ، فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ، وَذِي
جود و کرم تو از اینها همه آسوده‌ام پس معبودی نیست جز تو منزهی تو ای نیرومند شکست‌ناپذیر و
أَنَاءَ لَا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنْ
بردبار بی‌شتاب درود فرست بر محمد و آل محمد و قرارم ده از سپاسگزاران نعمت‌های و از
الشَّاكِرِينَ، وَلِأَلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، وَأَرْحَمَنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
یادکنندگان عطاها و بخشش‌های و به رحمت خود بر من ترحم کن ای مهربانترین
الرَّاحِمِينَ، مَوْلَايَ وَسَيِّدِي، وَكَمِّ مِنْ عَبْدٍ أَمْسِي وَأَصْبَحَ فِي مَضَائِقِ
مهربانان ای سرور و آقای من و چه‌بسا بنده‌ای که بسر برد شب و روز خود را در تنگنا‌های
الْحُبُوسِ وَالسُّجُونِ، وَكُرْبَاهَا وَذُلُّهَا وَحَدِيدِهَا يَتَدَاوَلُهُ أَعْوَانُهَا
زندانها و محبسها و در ناراحتیها و خواری و زنجیر آهنین زندان گرفتار است و زندانبانها

وَرَبَّانِيَّتُهَا، فَلَا يَدْرِي أَيُّ حَالٍ يُفْعَلُ بِهِ، وَأَيُّ مُثَلَّةٍ يُمَثَّلُ بِهِ، فَهُوَ فِي

دژخیمان دست‌بدست او را بگردانند و او نمی‌داند به چه سرنوشتی دچار خواهد شد و چه عضوی از او را قطع خواهند کرد پس آن

ضُرٌّ مِنَ الْعَيْشِ، وَضَنْكَ مِنَ الْحَيَاةِ، يَنْظُرُ إِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً،

بیچاره در وضع فلاکت‌بار و زندگی سختی بسر می‌برد از روی حسرت به خود می‌نگرد که

لَا يَسْتَطِيعُ لَهَا ضَرًّا وَلَا نَفْعًا، وَأَنَا خَلَوْتُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ،

قادر بر سود و زیان خود نیست و من به واسطه جود و کرم تو از اینها همه آسوده‌ام

فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ، وَذِي أَنْةٍ لَا يُعْجَلُ،

پس معبودی جز تو نیست منزهی تو ای نیرومند شکست‌ناپذیر و بردبار بی‌شتاب

صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْعَابِدِينَ، وَلِنِعْمَائِكَ

درود فرست بر محمد و آل محمد و قرارم ده در زمره پرستش‌کنندگان خود و شکرگذاران نعمت‌های

مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلِلْأَنْتِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ

و از یادکنندگان عطایات و به رحمت خویش بر من ترحم کن ای مهربانترین

الرَّاحِمِينَ، سَيِّدِي وَمَوْلَايَ، وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ قَدْ اسْتَمَرَّ

مهربانان ای آقای من و سرور من و چه بسا بنده‌ای که بسر برد شب و روزش را در حالی که

عَلَيْهِ الْقَضَاءُ، وَأَحْدَقَ بِهِ الْبَلَاءُ، وَفَارَقَ أَوْدَاءَهُ، وَأَحْبَبَّاهُ وَأَخْلَاهُ،

به سرنوشت بدی دچار گشته و گرفتاری از چهار طرف او را احاطه کرده و از دوستان و یاران و رفقای صمیمی دور گشته

وَأَمْسَى أَسِيرًا حَقِيرًا ذَلِيلًا فِي أَيْدِي الْكُفَّارِ وَالْأَعْدَاءِ، يَتَدَاوُلُونَهُ

و شبش در حال اسارت و کوچکی و ذلت در دست کفار و دشمنان بسر آید که او را دست‌بدست

يَمِينًا وَشِمَالًا، قَدْ حُصِرَ فِي الْمَطَامِيرِ، وَثَقُلَ بِالْحَدِيدِ، لَا يَرِي شَيْئًا

به راست و چپ بگردانند و در سیاه‌چال‌ها زندانی شده و به زنجیر و آهن بسته نه از روشنی دنیا ببیند

مِنْ ضِيَاءِ الدُّنْيَا وَلَا مِنْ رَوْحِهَا، يَنْظُرُ إِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً، لَا يَسْتَطِيعُ

و نه از نسیم جان بخشش بر او بوزد از روی حسرت به خویشتن بنگرد و قادر بر

لَهَا ضَرًّا وَلَا نَفْعًا، وَأَنَا خَلَوْتُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ، فَلَا إِلَهَ إِلَّا

سود و زیان خویش نباشد و من به واسطه جود و کرم تو از اینها همه آسوده‌ام پس معبودی جز تو نیست

أَنْتَ، سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ، وَذِي أَنْاءٍ لَا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلَيَّ

منزهی تو ای نیرومند شکست‌ناپذیر و بردبار بی‌شتاب درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْعَابِدِينَ، وَلِنِعْمَائِكَ مِنْ

محمد و آل محمد و قرارم ده از پرستش‌کنندگان و از سپاسگزاران نعمت‌های و از

الشَّاكِرِينَ، وَلِأَلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ

یادکنندگان عطا‌های و به رحمت خود به من ترحم کن ای مهربانترین

الرَّاحِمِينَ، [إِلَهِی وَسَيِّدِي وَكَمُ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ قَدْ اشْتَاقَ

مهربانان x ای خدای من و آقایم و چه بسا بنده‌ای که شام و یا صبح کرده و روی میلی که

إِلَى الدُّنْيَا لِلرَّغْبَةِ، فِيهَا إِلَى أَنْ خَاطَرَ بِنَفْسِهِ وَمَالِهِ حِرْصاً مِنْهُ عَلَيْهَا،

بدنیا دارد مشتاقانه خود و مالش را به خطر انداخته از روی حرصی که بر آن دارد

قَدْ رَكِبَ الْفُلْكَ وَكُسِرَتْ بِهِ وَهُوَ فِي آفَاقِ الْبِحَارِ وَظَلَمِهَا يَنْظُرُ إِلَى

سوار بر کشتی شده و کشتی او شکسته و او در کرانه‌ها و تاریکی‌های دریا از روی

نَفْسِهِ حَسْرَةً لَا يَقْدِرُ لَهَا، عَلَيَّ ضَرٌّ وَلَا نَفْعٌ وَأَنَا خِلْوٌ ذَلِكَ كُلَّهُ،

حسرت به خود می‌نگرد قدرتی بر سود و زیان خود ندارد و من

بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ، وَذِي

به جود و کرم تو از همه اینها آسوده‌ام پس معبودی جز تو نیست منزهی تو ای نیرومند شکست‌ناپذیر و

أَنْاءٍ لَا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنْ

بردبار بی‌شتاب درود فرست بر محمد و آل محمد و قرارم ده از

الْعَابِدِينَ، وَلِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلِأَلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ،

پرستش‌کنندگان و از سپاسگزاران نعمت‌های و از یاد کنندگان عطا‌های و به

وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، إِلَهِی وَسَيِّدِي، وَكَمُ مِنْ

رحمت به من ترحم کن ای مهربانترین مهربانان ای معبود من و آقایم و چه بسا

عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ قَدْ اسْتَمَرَّ عَلَيْهِ الْقَضَاءُ، وَأَحْدَقَ بِهِ الْبَلَاءُ، وَالْكَفَّارُ

بنده‌ای که شب و یا صبح کرده و قضا بر او ادامه یافته و بلا و کفار

وَالْأَعْدَاءُ، وَآخَذَتْهُ الرِّمَاحُ، وَالسُّيُوفُ وَالسَّهَامُ، وَجُدَلَ صَرِيحاً وَقَدْ
و دشمنان او را احاطه کرده و نیزه‌ها و شمشیرها و تیرها دورش را گرفته و برو در
شَرَبَتِ الْأَرْضُ مِنْ دَمِهِ وَآكَلَتِ السَّبَاعُ وَالطَّيْرُ مِنْ لَحْمِهِ وَأَنَا خَلَوُ
افتاده زمین از خونس رنگین و درندگان و پرندگان گوشتش می‌خورند و من
مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ، بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ، لَا بِاسْتِحْقَاقِي مَنِّي يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ،
به جود و کرم تو از آن آسوده‌ام نه اینکه مستحق آن باشم ای که معبودی جز تو نیست
سُبْحَانَكَ مِنْ مُقَدَّرٍ لَا يُغْلَبُ، وَذِي آنَاةٍ لَا تَعْجَلُ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ
منزهی ای نیرومند شکست‌ناپذیر و بردبار بی‌شتاب درود فرست بر محمد
وَالِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَاتِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلِلْآلِ مِنْ
و آل محمد و قرارم ده از سپاسگزاران نعمت‌های و یادکنندگان
الذَّاكِرِينَ، وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. - نسخه المجلسي]
عطا‌های و به رحمت به من ترحم کن ای مهربانترین مهربانان * * * * *
وَعَزَّتْكَ يَا كَرِيمٌ لَطُفُيْنِ مِمَّا لَدَيْكَ، وَلَالِحْنِ عَلَيْكَ، وَلَأُمْدُنَّ يَدَي
سوگند به عزت تو ای بزرگوار که من از آنچه پیش تو است می‌خواهم و در این باره پافشاری دارم و دستم را
نَحْوَكَ مَعَ جُرْمِهَا إِلَيْكَ، يَا رَبِّ فَبِمَنْ أَعُوذُ وَبِمَنْ أَلُوذُ لَا أَحَدَ لِي إِلَّا أَنْتَ،
با اینکه گناهکار است به سویت دراز کنم پروردگارا (اگر به درگاه تو نیایم) به که پناه ببرم و به که روآورم کسی را جز
تو ندارم
أَفْتَرَدُنِي وَأَنْتَ مُعَوَّلِي وَعَلَيْكَ مُتَّكِلِي، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي
آیا تو هم مرا برانی در صورتی که تو تکیه‌گاه منی و توکلم بر تو است از تو خواهم به حق آن نامت که
وَضَعْتَهُ عَلَي السَّمَاءِ فَاسْتَقَلَّتْ، وَعَلَي الْأَرْضِ فَاسْتَقَرَّتْ، وَعَلَي
بر آسمان نهاده و پابرجا شد و بر زمین نهاده و مستقر شد و بر
الْجِبَالِ فَرَسَتْ، وَعَلَي اللَّيْلِ فَاطْلَمَ، وَعَلَي النَّهَارِ فَاسْتَنَارَ، أَنْ تُصَلِّيَ
کوهها نهاده استوار شد و بر شب نهاده تاریک شد و بر روز نهاده روشن گردید که درود فرستی
عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَقْضِيَ لِي حَوَائِجِي كُلَّهَا، وَتَغْفِرَ لِي
بر محمد و آل محمد و همه حاجتهای مرا برآوری و همه گناهانم ببامری

دُنُوْبِي كُلُّهَا صَغِيرَهَا وَكَبِيرَهَا، وَتَوْسَعَ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ مَا تُبَلِّغُنِي بِهِ
 چه کوچک باشد و چه بزرگ و روزیم را به اندازه‌ای فراخ گردانی که به وسیله آن به
 شَرَفَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، مَوْلَايَ بِكَ اسْتَعْنْتُ، فَصَلِّ
 شرافت دنیا و آخرت برسم ای مهربانترین مهربانان ای سرور من به تو یاری جویم پس درود فرست
 عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعِتِّي، وَبِكَ اسْتَجَرْتُ فَأَجِرْنِي، وَأَغْنِنِي
 بر محمد و آل محمد و یاریم ده و به تو پناه آورده‌ام پس پناهم ده و مرا
 بِطَاعَتِكَ عَنْ طَاعَةِ عِبَادِكَ، وَبِمَسْئَلَتِكَ عَنْ مَسْئَلَةِ خَلْقِكَ، وَأُنْقِلْنِي
 به وسیله اطاعت خویش از اطاعت بندگانت بی‌نیاز کن و به وسیله درخواست از خود
 مِنْ ذُلِّ الْفَقْرِ إِلَى عِزِّ الْغِنَى، وَمِنْ ذُلِّ الْمَعَاصِي إِلَى عِزِّ الطَّاعَةِ فَقَدْ
 از درخواست مخلوق مستغنی ساز و مرا از ذلت نداری و فقر بسوی عزت دارایی منتقل کن و از خواری گناهان به
 شوکت اطاعت ببر
 فَضَّلْتَنِي عَلَيَّ كَثِيرٍ مِنْ خَلْقِكَ جُوداً مِنْكَ وَكَرَمًا لَا بِاسْتِحْقَاقٍ مِنِّي،
 زیرا که تو از روی جود و کرم خویش مرا بر بسیاری از خلق خویش برتری دادی و این نه به خاطر استحقاق من بود
 إِلَهِي فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ ذَلِكَ كُلُّهُ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،
 خدایا پس ستایش خاص تو است در همه اینها درود فرست بر محمد و آل محمد
 وَاجْعَلْنِي لِتَعْمَانِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلِلْآلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، پس به سجده
 و قرارم ده از سپاسگزاران نعمتهایت و یادکنندگان عطاهایت * * * * *
 برو و بگو: سَجَدَ وَجْهِي الذَّلِيلُ لِرُوحِكَ الْعَزِيزِ الْجَلِيلِ، سَجَدَ وَجْهِي
 * * * * * به خاک افتاد روی خوارم برای روی عزیز و بزرگوار تو به خاک افتاد روی
 الْبَالِي أَلْفَانِي لِرُوحِكَ الدَّائِمِ الْبَاقِي، سَجَدَ وَجْهِي الْفَقِيرُ لِرُوحِكَ
 کهنه و فانی من در برابر روی جاویدان و همیشگی تو به خاک افتاد روی فقیر من برای روی
 الْغَنِيِّ الْكَبِيرِ، سَجَدَ وَجْهِي وَسَمْعِي وَبَصْرِي وَلَحْمِي وَدَمِي
 بی‌نیاز بزرگ تو به خاک افتاد رو و گوش و چشم و گوشت و خون
 وَجِلْدِي وَعَظْمِي، وَمَا أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنِّي، اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ
 و پوست و استخوان و هر چه از من که روی زمین است برای خدا پروردگار جهانیان خدایا

عُدْ عَلِي جَهْلِي بِحِلْمِكَ، وَعَلِي فَقْرِي بِغِنَاكَ، وَعَلِي ذَلِّي بِعِزِّكَ

بر نادانی من به بردباری خویش بازگرد و بر نیازمندیم به بی‌نیازیت و بر خواریم به عزت و

وَسُلْطَانِكَ، وَعَلِي ضَعْفِي بِقُوَّتِكَ، وَعَلِي خَوْفِي بِأَمْنِكَ، وَعَلِي ذُنُوبِي وَخَطَايَايَ

سلطنتت و بر ناتوانیم به توانائیت و بر ترسم به امان بخشیت و بر گناهان و خطاهایم

بِعَفْوِكَ وَرَحْمَتِكَ، يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ، اَللّهُمَّ اِنِّي اَدْرُءُ بِكَ فِي نَحْرٍ

به عفو و رحمت ای بخشاینده ای مهربان خدایا من دفع فلان

فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ، فَكَفِّنِيهِ بِمَا كَفَيْتَ بِهِ أَنْبِيَائَكَ وَأَوْلِيَاءَكَ

پسر فلان دشمنم را از تو خواهم و از شر او به تو پناه برم پس شرش را از من دور کن هرطور که از پیمبران خلقت و

مِنْ خَلْقِكَ، وَصَالِحِي عِبَادِكَ مِنْ فِرَاعِنَةِ خَلْقِكَ، وَطُغَاةِ عُدَايِكَ وَشَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ،

بندگان شایسته‌ها شر یاغیان و سرکشان را دور کردی و اولیاء خود از پناه برم به تو

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، إِنَّكَ عَلَي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ .

از شر همه خلقت به رحمت ای مهربانترین مهربانان که تو بر هر چیز توانایی و بس است ما را خدا و نیکو وکیل

خواهد بود

دعاء سیفی صغیر معروف به دعاء قاموس

شیخ اجل ثقة الإسلام نوری عطر الله مرقدہ در صحیفه ثانیہ علویہ آنرا ذکر کرده و فرموده که از برای این دعا در

کلمات ارباب طلسمات و تسخیرات شرح غریبی است و از برای او آثار عجیبه ذکر کرده‌اند و من چون اعتماد بر آن

نداشتم ذکر نکردم لکن اصل دعا را ذکر می‌کنم تَسَامُحاً وَ تَأْسِیاً بِالْعُلَمَاءِ الْأَعْلَامِ وَ دعا این است :

بنام خدای بخشاینده مهربان

رَبِّ اَدْخِلْنِي فِي لُجَّةِ بَحْرِ اَحَدِيَّتِكَ، وَطَمْطَامِ يَمِّ وَحْدَانِيَّتِكَ، وَقَوْنِي

پروردگارا مرا در میان دریای یگانگی و در دل اقیانوس یکتائیت وارد کن و نیرویم ده

بِقُوَّةِ سَطْوَةِ سُلْطَانِ فِرْدَاوِشِيَّتِكَ، حَتَّى اَخْرُجَ اِلَى فِضَاءِ سَعَةِ رَحْمَتِكَ،

به نیروی پیروز فرمانروایی تنهائیت تا من به فضای وسیع رحمت درآیم

وَفِي وَجْهِ لَمَعَاتُ بَرْقِ الْقُرْبِ مِنْ اِنَارِ حِمَايَتِكَ، مَهِيْباً بِهَيْبَتِكَ،

در حالی که در چهره‌ام پرتوهایی از برق نزدیکی به تو از آثار حمایت موجود باشد و از هیبت تو هیبتی
عَزِيزاً بِعِنَايَتِكَ، مُتَجَلِّلاً مُكْرَماً بِتَعْلِيمِكَ وَتَرْكِتِكَ، وَالْبَسْنَى خَلَعَ
گرفته باشد و به عنایت تو نیرومند گشته و به برکت تعلیم و پرورش تو با شوکت و گرمی شده باشد و خلعت
الْعِزَّةِ وَالْقَبُولِ، وَسَهَّلْ لِي مَنَاهَجَ الْوُصْلَةِ وَالْوُصُولِ، وَتَوَجَّجْنِي بِتَاجِ
عزت و قبولی درگاهت را به من بیوشان و راههای وصول و رسیدن به درگاهت را برایم هموار ساز و تاج
الْكَرَامَةِ وَالْوَقَارِ، وَأَلِّفْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَحِبَّائِكَ فِي دَارِ الدُّنْيَا وَدَارِ
بزرگواری و وقار بر سرم نه و میان من و دوستانت را در دنیا و آخرت آشتی و الفت بده و
الْفَرَارِ، وَارْزُقْنِي مِنْ نُورِ اسْمِكَ هَيَّئْ وَسَلْطَوَةً تَنْقَادُ لِي الْقُلُوبُ
از روشنی نام بزرگواریت هیبت و سطوتی روزی من کن که دلها و ارواح مطیع و منقاد من گردند
وَالْأَرْوَاحُ، وَخَضَعُ لَدَيَّ النَّفُوسُ وَالْأَشْبَاحُ، يَا مَنْ ذَلَّتْ لَهُ رِقَابُ
و نفوس و اشباح در پیش من فروتن گردند ای که در برابرش گردنکشان خوار و
الْجَبَابِرَةُ، وَخَضَعَتْ لَدَيْهِ أَعْنَاقُ الْكَاسِرَةِ، لَا مَلْجَأَ وَلَا مُنْجَا مِنْكَ إِلَّا
پادشاهان خاضع و تسلیمند راه نجات و پناهگاهی از تو جز بسوی تو نیست و کمکی نیست مگر
إِلَيْكَ، وَلَا إِعَاةَةَ إِلَّا بِكَ، وَلَا اتِّكَاءَ إِلَّا عَلَيْكَ ادْفَعْ عَنِّي كَيْدَ
بوسیله خودت و اعتمادی نیست جز بر تو دور کن از من بداندیشی
الْحَاسِدِينَ، وَظُلُمَاتِ شَرِّ الْمُعَانِدِينَ، وَارْحَمْنِي تَحْتَ سُرَادِقَاتِ
حسودان و تاریکیهای شر ستیزه جویان را و در زیر پرده‌های عرش خود بر من ترحم کن
عَرَشِكَ، يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ، أَيْدُ ظَاهِرِي فِي تَحْصِيلِ مَرَاضِيكَ، وَنُورُ
ای بزرگواریت بزرگواران یاری ده ظاهر من را در تحصیل موجبات خوشنودیت و نورانی کن
قَلْبِي وَسِرِّي بِالْإِطْلَاعِ عَلَي مَنَاهَجِ مَسَاعِيكَ، إِلَهِي كَيْفَ أَصْدُرُ
دل و اندرو من را به آگاه شدن بر راههای وصول به سویت خدایا چگونه
عَنْ بَابِكَ بِخَيِّتَةِ مِنْكَ، وَقَدْ وَرَدَتْهُ عَلَي تَقَةٍ بِكَ، وَكَيْفَ تُؤَيِّسُنِي مِنْ
از در خانه‌ات مأیوسانه بازگردم در صورتی که با اطمینان به تو بدینجا آمده‌ام و چگونه از
عَطَائِكَ، وَقَدْ أَمَرْتَنِي بِدُعَائِكَ، وَهَا أَنَا مُقْبِلٌ عَلَيْكَ، مُلْتَجِئٌ إِلَيْكَ،

عطا و بخشش نمودم سازهی در صورتی که خودت به دعا کردن وادارم کردی و هم اکنون من رو به تو آورده‌ام و پناهنده به تو

بَاعِدْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَعْدَائِي كَمَا بَاعَدْتَ بَيْنَ أَعْدَائِي، اخْتِطِفْ أَبْصَارَهُمْ
گشته‌ام میان من و دشمنانم را دور کن چنانکه میانه خود آن دشمنانم را جدایی انداختی و به وسیله نور قدس خود
عَنِّي بُنُورِ قُدْسِكَ وَجَلَّالِ مَجْدِكَ، إِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْمُعْطِي جَلَّالُ النَّعْمِ
و شوکت محبت چشمانشان را از من نابینا کن که همانا تویی خدایی که به رازگویانت نعمتهای بزرگ
الْمُكْرَمَةِ لِمَنْ نَاجَاكَ بِطَائِفِ رَحْمَتِكَ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ،
و پرارزش عطا کنی به وسیله ریزه‌کاریهای رحمت ای زنده ای پاینده ای صاحب جلال و بزرگواری
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَي سَيِّدِنَا وَبَيْنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ الطَّاهِرِينَ .
و درود خدا بر سید ما و پیمبر ما محمد و آل پاک و پاکیزه‌اش همگی

فصل هفتم

در ذکر بعض آیات و دعاها نافع مختصره که انتخاب کردم از کتب معتبره اول سید اجل سید علیخان شیرازی
رَضَوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ در کتاب کلم طیب نقل فرموده که اسم اعظم خدایتعالی آنست که افتتاح او الله و اختتام او هُوَ است و
حروفش نقطه ندارد وَلَا يَتَغَيَّرُ قَرَأَتُهُ أَغْرَبَ أَمْ لَمْ يُغْرَبْ و این در قرآن مجید در پنج آیه مبارکه از پنج سوره است بقره و
آل عمران و نساء و طه و تغابن شیخ مغربی گفته هر که این پنج آیه مبارکه را ورد خود قرار دهد و هر روز یازده مرتبه
بخواند هر آینه آسان شود برای او هر مهمی از کُلّی و جُزئی بزودی انشاءالله

تعالی و آن پنج آیه این است (۱) اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، تا آخر آیه الكرسي

(1) * * * * * خدایی که نیست معبودی جز او زنده و پاینده * *

* * * * *

(2) اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ،

(2) خدایی که نیست معبودی جز او زنده و پاینده که کتاب را به حق بر تو

مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ، وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ مِنْ قَبْلُ هُدًى لِلنَّاسِ،

نازل فرمود و کتابهای پیشین را تصدیق کند و از پیش تورات و انجیل رانازل کرده که هدایتی است برای مردم

وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ (۳) اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ

و فرقان را نیز نازل فرمود (۳) خدایی که نیست معبودی جز او و قطعاً شما را در روز قیامت گردآورد

لَا رَيْبَ فِيهِ، وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا، (۴) اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، لَهُ

که شکی در آن نیست و کیست که در گفتار از خدا راستگوتر باشد (۴) خدایی که نیست معبودی جز او
الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى، (۵) اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ .

و همه نامهای نیک از آن اوست (۵) خدایی که معبودی جز او نیست و بر خدا باید توکل کنند مؤمنان
دویم دعای توسل علامه مجلسی (ره) فرموده که در بعضی از کتب معتبره نقل کرده اند از محمد بن بابویه که این دعاء
توسل را از ائمه روایت کرده است و گفته است که در هیچ امری نخواندم مگر آنکه اثر اجابت را به زودی

یافتم اینست دعا: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَأَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ

* * * * * خدایا از تو می خواهم و

بسویت رو کنم

بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، يَا

بوسیله پیامبرت پیامبر رحمت محمد صلی الله علیه و آله ای

أَبَا الْقَاسِمِ يَا رَسُولَ اللَّهِ، يَا إِمَامَ الرَّحْمَةِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا

ابا القاسم ای رسول خدا ای پیشوای رحمت ای آقای ما و سرور ما ما رو آوردیم و

وَأَسْتَشْفِعُكَ وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَيْهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ حَاجَتِنَا، يَا

شفیع گرفتیم و توسل جستیم بوسیله تو به درگاه خدا و تو را پیش روی حاجتهای خویش قرار دهیم ای

وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اشفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، يَا

آبرومند در نزد خدا برای ما نزد خدا شفاعت کن ای ابالحسن ای امیرمؤمنان ای

عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَي خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، إِنَّا

علی بن ابیطالب ای حجت خدا بر خلق ای آقای ما و سرور ما ما

تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَيْهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ

رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم بوسیله تو به درگاه خدا و تو را پیش روی

حَاجَتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اشفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءُ يَا

حاجتهای خویش قرار دادیم ای آبرومند نزد خدا شفاعت کن برای ما نزد خدا ای فاطمه زهرا ای

بِئْتِ مُحَمَّدٍ، يَا فُرَّةَ عَيْنِ الرَّسُولِ، يَا سَيِّدَتَنَا وَمَوْلَاتَنَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا
دختر محمد اي نور چشم پیغمبر اي بانوي ما و سرور ما رو آوردیم
وَاسْتَشْفَعْنَا. وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَيَّ اللَّهُ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيَّ حَاجَاتِنَا، يَا
و شفیع گرفتیم و توسل جستیم بوسیله تو به درگاه خدا و تو را پیش روی حاجت‌های خویش قرار دهیم اي
وَجِيهَةً عِنْدَ اللَّهِ، اِشْفَعِي لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا أَبَا مُحَمَّدٍ يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ،
آبرومند پیش خدا شفاعت کن براي ما نزد خدا اي ابا محمد اي حسن بن علي
أَيُّهَا الْمُجْتَبَى يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَيَّ خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا
اي برگزیده اي فرزند رسول خدا اي حجت خدا بر خلق اي آقاي ما و سرور ما
وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَيَّ اللَّهُ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ
ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم بوسیله تو به درگاه خدا و تو را پیش
يَدَيَّ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهَةً عِنْدَ اللَّهِ، اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَا
روي حاجت‌های خود قرار دهیم اي آبرومند نزد خدا شفاعت کن براي ما پیش خدا اي ابا عبدالله اي
حُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ، أَيُّهَا الشَّهِيدُ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَيَّ خَلْقِهِ،
حسین بن علي اي شهید (راه حق) اي فرزند رسول خدا اي حجت بر خلق
يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَيَّ اللَّهُ،
اي آقا و سرور ما ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم بوسیله تو به درگاه خدا
وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيَّ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهَةً عِنْدَ اللَّهِ، اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا
و تو را پیش روی حاجت‌های خود قرار دهیم اي آبرومند نزد خدا براي ما پیش خدا شفاعت کن اي
أَبَا الْحَسَنِ يَا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ، يَا زَيْنَ الْعَابِدِينَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا
ابا الحسن اي علي بن الحسين اي زبور پرستش‌کنندگان اي فرزند رسول خدا اي
حُجَّةَ اللَّهِ عَلَيَّ خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا
حجت خدا بر خلق اي آقا و سرور ما ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم
وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَيَّ اللَّهُ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيَّ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهَةً عِنْدَ اللَّهِ،
و توسل جستیم بوسیله تو بدرگاه خدا و تو را پیش روی حاجت‌های خود قرار دهیم اي آبرومند نزد خدا
اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا أَبَا جَعْفَرٍ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، أَيُّهَا الْبَاقِرُ يَا بْنَ

شفاعت کن برای ما پیش خدا ای اباجعفر ای محمد بن علی ای شکافنده علوم ای
رَسُولِ اللَّهِ، یا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَي خَلْقِهِ، یا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، اِنَّا تَوَجَّهْنَا
فرزند رسول خدا ای حجت خدا بر خلق ای آقا و سرور ما، ما رو آوردیم
وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَي حَاجَاتِنَا، یا
و شفیع گرفتیم و توسل جستیم بوسیله تو به درگاه خدا و تو را پیش روی حاجتهای خویش قرار دهیم ای
وَجِیْهًا عِنْدَ اللَّهِ، اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، یا اَبَا عَبْدِ اللَّهِ یا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ،
آبرومند نزد خدا شفاعت کن برای ما پیش خدا ای اباعبدالله ای جعفر بن محمد ای (امام)
اَیُّهَا الصَّادِقُ یا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، یا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَي خَلْقِهِ، یا سَيِّدَنَا
صادق ای فرزند رسول خدا ای حجت خدا بر خلق ای آقاي ما
وَمَوْلَانَا، اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ
و سرور ما ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم بوسیله تو به درگاه خدا و تو را پیش
يَدَي حَاجَاتِنَا، یا وَجِیْهًا عِنْدَ اللَّهِ، اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، یا اَبَا الْحَسَنِ یا
روی حاجتهای خویش قرار دادیم ای آبرومند پیش خدا شفاعت کن برای ما نزد خدا ای ابا الحسن ای
مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ، اَیُّهَا الْكَاطِمُ یا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، یا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَي
موسی بن جعفر ای کاظم ای فرزند رسول خدا ای حجت خدا بر
خَلْقِهِ، یا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللَّهِ،
خلق ای آقاي ما و سرور ما، ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم بوسیله تو بدرگاه خدا و تو را
وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَي حَاجَاتِنَا، یا وَجِیْهًا عِنْدَ اللَّهِ، اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، یا
پیش روی حاجتهای خویش قرار دادیم ای آبرومند نزد خدا شفاعت کن برای ما پیش خدا ای
اَبَا الْحَسَنِ یا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى، اَیُّهَا الرِّضَا یا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، یا حُجَّةَ
ابا الحسن ای علی بن موسی ای (حضرت) رضا ای فرزند رسول خدا ای حجت
اللَّهِ عَلَي خَلْقِهِ، یا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ
خدا بر خلق ای آقا و سرور ما ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم بوسیله تو
اِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَي حَاجَاتِنَا، یا وَجِیْهًا عِنْدَ اللَّهِ، اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ
به درگاه خدا و تو را پیش روی حاجتهای خویش قرار دادیم ای آبرومند نزد خدا شفاعت کن برای ما پیش

اللَّهُ، يَا أَبَا جَعْفَرٍ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، أَيُّهَا النَّقِيُّ الْجَوَادُ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ،
خدا اي ابا جعفر اي محمد بن علي اي حضرت تقي جواد اي فرزند رسول خدا
يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلِيَّ خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا
اي حجت خدا بر خلق اي آقا و سرور ما ما رو آورديم و شفيع گرفتيم
وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَيَّ اللَّهُ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِّ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ،
و توسل جستيم بوسيله تو بدرگاه خدا و تو را پيش روي حاجت هاي خويش قرار داديم اي آبرومند نزد خدا
إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ، أَيُّهَا الْهَادِي النَّقِيُّ
شفاعت كن براي ما نزد خدا اي ابا الحسن اي علي بن محمد اي حضرت هادي تقي
يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلِيَّ خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا
اي فرزند رسول خدا اي حجت خدا بر خلق اي آقاي ما و سرور ما ما رو آورديم
وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَيَّ اللَّهُ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِّ حَاجَاتِنَا، يَا
و شفيع گرفتيم و توسل جستيم بوسيله تو بدرگاه خدا و تو را پيش روي حاجت هاي خويش قرار داديم اي
وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا أَبَا مُحَمَّدٍ يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ، أَيُّهَا
آبرومند نزد خدا شفاعت كن براي ما نزد خدا اي ابا محمد اي حسن بن علي اي
الزَّكِيُّ الْعَسْكَرِيُّ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلِيَّ خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا
زكي عسكري اي فرزند رسول خدا اي حجت خدا بر خلق اي آقاي ما
وَمَوْلَانَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَيَّ اللَّهُ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ
و سرور ما ما رو آورديم و شفيع گرفتيم و توسل جستيم بوسيله تو بدرگاه خدا و تو را پيش
يَدَيِّ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا وَصِيَّ الْحَسَنِ
روي حاجت هاي خويش قرار داديم اي آبرومند نزد خدا شفاعت كن براي ما نزد خدا اي وصي امام حسن عسكري
وَالْخَلْفَ الْحُجَّةَ، أَيُّهَا الْقَائِمُ الْمُنتَظَرُ الْمَهْدِيُّ، يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا
و يادگار شايسته و حجت اي امام قائم منتظر مهدي اي فرزند رسول خدا اي
حُجَّةَ اللَّهِ عَلِيَّ خَلْقِهِ. يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا
حجت خدا بر خلق اي آقا و سرور ما ما رو آورديم و شفيع گرفتيم
وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَيَّ اللَّهُ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِّ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ،

و توسل جستیم بوسیله تو بدرگاه خدا و تو را پیش روی حاجتهای خویش قرار دادیم ای آبرومند نزد خدا

إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ. پس حاجات خود را بطلبد که برآورده می شود انشاء الله تعالی و در

شفاعت کن برای ما پیش خدا * * * * *
* * * * *

روایت دیگر وارد شده که بعد از این بگوید: یا سادّتی و موالی، اِنّی تَوْجَّهْتُ بِکُمْ

* * * * * ای آقایان من و سرورانم من رو آوردم بوسیله شما

أَئْمَتی وَعَدَّتْ لِيَوْمِ فَقْرِي وَحَاجَتِي إِلَى اللَّهِ، وَتَوَسَّلْتُ بِكُمْ إِلَى اللَّهِ،

پیشوایان و ذخیرگانم در روز ناداری و نیازمندی بدرگاه خدا و توسل جستیم بوسیله شما به درگاه خدا

وَاسْتَشْفَعْتُ بِكُمْ إِلَى اللَّهِ، فَاشْفَعُوا لِي عِنْدَ اللَّهِ، وَاسْتَنْقِذُونِي مِنْ

و شفاعت جویی کردم بوسیله شما به درگاه خدا پس شفاعت کنید برای من در پیشگاه خدا و از او بخواهید مرا از

ذُنُوبِي عِنْدَ اللَّهِ، فَأَنْتَكُمُ وَسِيلَتِي إِلَى اللَّهِ، وَبِحَبِّكُمْ وَبِقُرْبِكُمْ أَرْجُو

گناهانم نجات دهد زیرا شما یید وسیله من به درگاه خدا و بوسیله دوستی و قرب به شما امید

نَجَاةً مِنَ اللَّهِ، فَكُونُوا عِنْدَ اللَّهِ رَجَائِي، يَا سَادَّتِي يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ، صَلِّی

نجات از خدا دارم پس شما هم مایه امید من به درگاه خدا باشید ای آقایان من ای اولیاء خدا درود

اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أَعْدَاءَ اللَّهِ ظَالِمِيهِمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ

خدا بر همگی ایشان و خدا ستم کنندگان به ایشان را که دشمنان خدا هستند از رحمت خویش دور کند چه آنها که

گذشته اند

وَالْآخِرِينَ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ. × مؤلف گوید: که شیخ کفعمی در بلد الامین دعاء

* * * * * و چه آنها که پس از این آیند آمین رب العالمین * * * * *
* * * * *

مبسوطی نقل کرده موسوم به دعاء فرج و این دعاء توسل در ضمن آن مذکور است و گمانم آنست که دوازده امام

خواجه نصیرالدین همین دعاء توسل است که مُرَكَّب کرده اند با صلوات بر حجج طاهره که در يك خطبه بلیغه است که

کفعمی در اواخر مصباح آن را ذکر فرموده، و سیّد علیخان در کلم طیب از قبس المصباح شیخ صهرشتی دعاء توسلی

نقل کرده به شرحی که مقام را گنجایش ذکر آن نیست و آن دعا این است :

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَعَلَيِ آبَائِهِ

* * * * * خدايا درود فرست بر محمد و بر دخترش

وَعَلِي ابْنَيْهَا، وَأَسْأَلُكَ بِهِمْ أَنْ تُعِينَنِي عَلَى طَاعَتِكَ وَرِضْوَانِكَ، وَأَنْ

و بر دو فرزندش و از تو خواهم به حق ایشان که مرا کمک دهی بر اطاعت خود و مایه خشنودیت و اینکه

تُبَلِّغَنِي بِهِمْ أَفْضَلَ مَا بَلَغْتَ أَحَدًا مِنْ أَوْلِيَائِكَ، إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ،

بوسیله ایشان برسانی مرا به بهترین مقامی که یکی از اولیاء خود را بدان مقام رسانده‌ای که همانا تو بخشنده و کریمی

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ،

خدايا از تو می‌خواهم به حق امیر مؤمنان علی بن ابیطالب علیه‌السلام

إِلَّا انْتَقَمْتَ بِهِ مِنْ ظَلَمَتِي وَغَشَمَتِي، وَأَذَانِي وَأُطْوِي عَلَى ذَلِكَ،

که انتقام مرا از آن کس که به من ستم و ظلم و آزار کرده و درصدد آن است بگیری و به حق آن حضرت که مرا

وَكَفَيْتَنِي بِهِ مَوْتَةَ كُلِّ أَحَدٍ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

از گرفتاری و اذیت هر شخصی محفوظ داری ای مهربانترین مهربانها خدايا از تو خواهم

بِحَقِّ وَلِيِّكَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، إِلَّا كَفَيْتَنِي بِهِ مَوْتَةَ

به حق ولی خود علی بن الحسین علیه‌السلام که مرا از اذیت و آزار

كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ، وَسُلْطَانٍ عَنِيدٍ، يَتَّقَوْنِي عَلَى بَيْطُشِهِ، وَيَنْتَصِرُ عَلَيَّ

هر شیطان نافرمان و سلطان سرکشی که به سخت گرفتنش بر من نیرو گیرد و به

بِجَنْدِهِ، إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ يَا وَهَّابُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ

سپاه و لشکرش برضد من یاری جوید که همانا تو بخشنده و کریمی ای بخشایشگر خدايا از تو می‌خواهم به حق دو ولی

خود

مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِلَّا أَعْتَنَنِي بِهِمَا

محمد بن علی و جعفر بن محمد علیهما‌السلام که بوسیله این دو مرا

عَلَى أَمْرِ آخِرَتِي بِطَاعَتِكَ وَرِضْوَانِكَ، وَبَلَّغْتَنِي بِهِمَا مَا يُرْضِيكَ،

بر کار آخرتم به اطاعت و موجبات خوشنودیت کمک دهی و برسانی بوسیله آن دو مرا بدانچه تو را خشنود سازد

إِنَّكَ فَعَالٌ لِمَا تُرِيدُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ

که تویی کننده آنچه بخواهی خدايا از تو می‌خواهم به حق ولی خود موسی بن جعفر

عَلَيْهِ السَّلَامُ، إِلَّا عَافَيْتَنِي بِهِ فِي جَمِيعِ جَوَارِحِي مَا ظَهَرَ مِنْهَا

عليه السلام که مرا بوسیله آن حضرت تندرستی کامل در تمام اعضاء و جوارح ظاهری و مابطن. یا جَوَادُ یا کَرِیمُ، اَللّهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ وَلِیِّكَ الرِّضَا عَلِیِّ و باطنی عطا فرمایی ای بخشنده ای کریم خدایا از تو می خواهم به حق ولی خود حضرت رضا علی بن موسی علیه السلام. اِلَّا سَلَّمْتَنیْ بِهِ فِی جَمِیعِ اَسْفَارِیْ فِی بن موسی علیه السلام که مرا در تمام سفرهایی که می کنم بسلامت داری چه در البراری و البحار، والجبال والقفار، والأودية والغياض، مِنْ جَمِیعِ بیابانها و چه در دریاها و کوهها و دشتهها و درهها و بیشهها از شر تمامی آنچه ما آخافه، وَاَحْذَرُه، اِنَّكَ رَوْفٌ رَحِیمٌ، اَللّهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ وَلِیِّكَ از آن ترس و وحشت دارم که همانا تویی دوست و مهربان خدایا از تو خواهم به حق ولی خود مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ عَلَیْهِ السَّلَامُ، اِلَّا جُدْتَ بِهِ عَلَیَّ مِنْ فَضْلِكَ، وَتَفَضَّلْتَ محمد بن علی علیه السلام که ببخشی بر من از فضل خویش و بوسیله او از رحمت وسعت بر من تفضل کنی بِهِ عَلِیٍّ مِنْ وَسْعِكَ، وَوَسَّعْتَ عَلَیَّ رِزْقَكَ، وَاعْتَنَيْتَنیْ عَمَّنْ سِوَاكَ، و روزیت را بر من فراخ گردانی و از غیر خودت مرا بی نیاز کنی وَجَعَلْتَ حَاجَتِی اِلَیْكَ. وَقَضَاهَا عَلَیْكَ، اِنَّكَ لِمَا تَشَاءُ قَدِیرٌ، اَللّهُمَّ و مرا محتاج درگاه خودت کنی و قضای حاجتم را نیز خود برعهده گیری که براستی تو بر هر چه بخوایی توانایی خدایا اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ وَلِیِّكَ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِمَا السَّلَامُ، اِلَّا اَعْتَنَتْنیْ بِهِ از تو می خواهم به حق ولی خود علی بن محمد علیهما السلام که مرا بوسیله آن حضرت بر عَلِی تَادِیَةِ فُرُوضِكَ، وَبِرِّ اِخْوَانِی الْمُؤْمِنِینَ، وَسَهْلَ ذَلِكَ لِی، وَاقْرَأْهُ ادای واجبات و نیکی کردن به برادران مؤمن کمک دهی و این کار را بر من آسان کنی بِالْخَیْرِ، وَاعْتَنی عَلِی طَاعَتِكَ بِفَضْلِكَ یا رَحِیمُ، اَللّهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ و به خیر مقرونش داری و مرا بوسیله فضل خود بر طاعت خویش یاری دهی ای مهربان خدایا از تو خواهم بِحَقِّ وَلِیِّكَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ عَلَیْهِمَا السَّلَامُ، اِلَّا اَعْتَنَتْنیْ بِهِ عَلِی اَمْرِ به حق ولی خود حسن بن علی علیهما السلام که مرا بر کار آخِرَتِی بِطَاعَتِكَ وَرِضْوَانِكَ، وَسَرَرْتَنیْ فِی مُثْقَلِی وَمَثْوَايَ، آخرتم بوسیله اطاعت و موجبات خوشنودیت کمک دهی و مرا در بازگشتگاه و اقامتگاهم شادمان و خورسندم کنی

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ وَحُجَّتِكَ

به رحمت خویش ای مهربانترین مهربانان خدایا از تو خواهم به حق ولی و حجت خود

صاحب الزمان علیه السلام، اِلَّا اَعْتَنِيْ بِهٖ عَلٰى جَمِيعِ اُمُوْرِيْ،

حضرت صاحب الزمان علیه السلام که بر تمام کارهایم یاری دهی

وَكَفَيْتَنِيْ بِهٖ مَوْتَةً كُلِّ مُوَدِّ وَطَاغٍ وَبَاغٍ، وَاَعْتَنِيْ بِهٖ فَقَدْ بَلَغَ

و مرا بوسیله آن حضرت از شر هر شخص موذی و سرکش و ستمکاری محفوظ داری و بواسطه آن بزرگوار یاریم دهی که

مَجْهُوْدِيْ، وَكَفَيْتَنِيْ بِهٖ كُلَّ عَدُوٍّ وَهَمٍّ وَغَمٍّ وَدَيْنٍ، وَعَنِّيْ وَعَنْ وَلَدِيْ وَ

براستی طاقتم طاق شده و مرا به برکت آن حضرت از شر هر دشمن و غم و اندوه و قرضی را از خودم و از فرزندان

جَمِيعِ اَهْلِيْ وَاٰخُوَانِيْ، وَمَنْ يَّغْنِيْنِيْ اَمْرُهُ وَخَاصَّتِيْ، اٰمِيْنَ رَبَّ الْعٰلَمِيْنَ .

و تمام خاندان و برادرانم و کسانی که دلبد کارشان هستم و نزدیکان مخصوصم محفوظ بداری آمین یا رب العالمین
سیم شیخ کفعمی در بلد الامین دعائی مروی از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده که، هر ملهوف و مکروب و محزون و گرفتار و ترسانی بخواند آنرا، حق تعالی او را فرج کرامت فرماید و آن دعا این است :

يَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ، وَيَا ذُخْرَ مَنْ لَا ذُخْرَ لَهُ، وَيَا سَدَّ

* * * * * ای تکیه گاه کسی که تکیه گاه ندارد ای ذخیره کسی که ذخیره ندارد و ای پشتیبان

مَنْ لَا سَدَّ لَهُ، وَيَا حِرْزَ مَنْ لَا حِرْزَ لَهُ، وَيَا غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ وَيَا

کسی که پشتیبان ندارد و ای پناه کسی که پناهی ندارد و ای دادرس کسی که دادرس ندارد و ای

كَثْرَ مَنْ لَا كَثْرَ لَهُ، وَيَا عِزَّ مَنْ لَا عِزَّ لَهُ، يَا كَرِيْمَ الْعَفْوِ، يَا حَسَنَ

گنج آن کس که گنجی ندارد و ای عزت آن کس که عزتی ندارد ای بزرگوار گذشت ای نیکو در

التَّجَاوُزِ، يَا عَوْنَ الضُّعَفَاءِ، يَا كَثْرَ الْفُقَرَاءِ، يَا عَظِيْمَ الرَّجَاءِ، يَا مُنْقِذَ

گذر ای یار ناتوانان ای گنج بی نوایان ای بزرگ امید من ای نجات دهنده

الْعَرَقِيِّ، يَا مُنْجِيَّ الْهَلَكِيِّ، يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ، يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ،

غریقان ای رهاکنده هلاک شدگان ای احسان کننده ای نیکوکار ای نعمت بخش ای زیاده بخش

اَنْتَ الَّذِي سَجَدَ لَكَ سَوَادُ اللَّيْلِ وَنُورُ النَّهَارِ، وَضَوْءُ الْقَمَرِ وَشُعَاعُ

تویی که سجده (وخضوع) کرد برای سیاهی شب و روشنی روز و تابش ماه و پرتو
الشَّمْسِ، وَحَفِيفُ الشَّجَرِ وَدَوِيُّ الْمَاءِ يَا إِلَهَ يَا إِلَهَ يَا إِلَهَ، لَا إِلَهَ إِلَّا
خورشید و صدای درخت و صدای مخصوص آب ای خدا ای خدا ای خدا معبودی نیست
أَنْتَ، وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، يَا رَبَّاهُ يَا إِلَهَ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ
جز تو خدای یگانه ای که شریکی برای نیست پروردگارا ای خدا درود فرست بر محمد و آل
مُحَمَّدٍ، وَافْعَلْ بِنَا مَا أَنْتَ أَهْلُهُ .

محمد و انجام ده درباره ما آنچه را تو شایسته آنی
پس بطلب، هر چه حاجت داری. x مؤلف گوید: که از برای فَرَج و رفع گرفتاری و غم نیز نافع است، مواظبت بر این
ذکر که حضرت جواد علیه السلام تعلیم فرموده :

يَا مَنْ يَكْفِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ، وَلَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ، اِكْفِنِي مَا أَهَمَّنِي .
ای که کفایت کند از هر چیز و چیزی از او کفایت نکند مهمات کار مرا کفایت فرما
چهارم دعاء خلاص شدن از زندان و بند، سید بن طاووس در مُهِج الدَّعَوَات فرموده روایت شده که شخصی در شام
محبوس بود مدت طولانی، پس در خواب دید حضرت زهراء علیها السلام را که به او فرمود بخوان این دعا را و به او
تعلیم فرمود، پس چون خواند از بند خلاص شد و به خانه خود رفت، و آن دعا این است :
اللَّهُمَّ بِحَقِّ الْعَرْشِ وَمَنْ عِلَاهُ، وَبِحَقِّ الْوَحْيِ وَمَنْ
خدایا به حق عرش و آنکس که بر آن احاطه دارد و به حق وحی و آنکس که آنرا
أَوْحَاهُ، وَبِحَقِّ النَّبِيِّ وَمَنْ نَبَّاهُ، وَبِحَقِّ الْبَيْتِ وَمَنْ بَنَاهُ، یا سامعُ كُلِّ
فرو فرستد و به حق پیغمبر و آنکس که مقام پیغمبری به او داده و به حق خانه کعبه و آنکس که ساختش ای شنوای
هر

صَوْتُ، یا جامعُ كُلِّ فَوْتٍ، یا باریُّ التُّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ، صَلِّ عَلَيَّ
صدا ای گردآورنده هر چه از دست رفته ای پدید آورنده اشخاص پس از مرگ درود فرست بر
مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَآتِنَا وَجَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ
محمد و خاندانش و به ما و همه مردان و زنان با ایمانی که در شرق
الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، فَرَجًا مِنْ عِنْدِكَ عاجلاً، بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ،

و غرب زمین هستند گشایشی هر چه زود از نزد خودت عطا فرما به حق گواهی دادن بر اینکه معبودی نیست جز خدا

وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَعَلَى ذُرِّيَّتِهِ

و محمد بنده و رسول تو است درود خدا بر او و بر آن فرزندان

الطَّاهِرِينَ الطَّاهِرِينَ وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا. كَثِيرًا. × پنجم سید بن طاووس در مُهِجِ الدَّعَوَاتِ

پاك و پاكيه‌اش و تحيت كامل و بسياري بر آنها باد
* * * * *

روایتی از سلمان نقل فرموده که در آخرش مذکور است چیزی که حاصلش این است حضرت فاطمه علیها السلام
آموخت به من کلامی که از حضرت رسول صلی الله علیه و آله آموخته بود و در وقت صبح و شام آن را می‌خواند
و فرمود اگر می‌خواهی در دنیا هرگز، تو را تب نگیرد مداومت کن بر آن و آن این است :

بنام خدای بخشاینده مهربان

بِسْمِ اللَّهِ التَّوَرِ، بِسْمِ اللَّهِ نُورِ التَّوَرِ، بِسْمِ اللَّهِ نُورِ عَلِي نُورِ، بِسْمِ اللَّهِ

بنام خدا نور (عالم) بنام خدا نور نور (جهان هستی) بنام خدا که نوری است فوق نور بنام خدایی

الَّذِي هُوَ مُدَبِّرُ الْأُمُورِ، بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي خَلَقَ التَّوْرَ مِنَ التَّوْرِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ

که تدبیرکننده کارهاست بنام خدایی که نور (عالم) را از نور (خود) آفرید ستایش خاص خدایی است

الَّذِي خَلَقَ التَّوْرَ مِنَ التَّوْرِ، وَأَنْزَلَ التَّوْرَ عَلَى الطُّورِ، فِي كِتَابٍ

که آفرید نور را از نور و نازل فرمود نور را بر کوه طور در میان نامه

مَسْطُورٍ، فِي رَقٍّ مَنَشُورٍ، بِقَدَرٍ مَقْدُورٍ، عَلَي نَبِيِّ مَحْبُورٍ، الْحَمْدُ لِلَّهِ

نوشته شده و ورقه‌ای گشوده به اندازه معین بر پیامبری دانشمند، ستایش خاص خدایی است

الَّذِي هُوَ بِالْعِزِّ مَذْكُورٌ، وَبِالْفَخْرِ مَشْهُورٌ، وَعَلَى السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ

که او به عزت و شوکت یاد شده و به فخر مشهور است و در هر حال در خوشی و ناخوشی

مَشْكُورٌ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَي سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ. سلمان گفت چون

سپاسگزاری شده و درود خدا بر آقای ما محمد و آل پاکیزه‌اش باد
* * * * *

از حضرت فاطمه علیها السلام آموختم آنرا، بخدا قسم به بیشتر از هزار نفر از اهل مکه و مدینه که مبتلا به تب بودند آموختم، پس همه شفا یافتند به اذن خدای تعالی، ششم حرز حضرت امام زین العابدین علیه السلام، سید بن طاووس در دو موضع از مَهَج این حرز شریف را از حضرت امام زین العابدین علیه السلام نقل کرده :

بنام خدای بخشاینده مهربان

يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ، يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ. يَا أَحْكَمَ

ای شنواترین شنوایان ای بیناترین بینایان ای سریعترین حسابگران ای داورترین

الْحَاكِمِينَ، يَا خَالِقَ الْمَخْلُوقِينَ، يَا رَازِقَ الْمَرْزُوقِينَ يَا نَاصِرَ

داوران ای آفریننده آفریدگان ای روزی ده روزی خواران ای یاری ده

الْمَنْصُورِينَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، يَا دَلِيلَ الْمُتَحِيرِينَ، يَا غِيَاثَ

یاری شدگان ای مهربانترین مهربانان ای راهنمای گمگشتگان ای فریادرس

الْمُسْتَغِيثِينَ، أَغْنِي يَا مَالِكُ يَوْمَ الدِّينِ، إِيَّاكَ تَعْبُدُ وَإِيَّاكَ تَسْتَعِينُ، يَا

فریادخواهان فریادم رس ای مالک روز جزا تو را پرستش کنم و از تو کمک خواهم ای

صَرِيخَ الْمَكْرُوبِينَ، يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، أَنْتَ اللَّهُ رَبُّ

دادرس گرفتاران ای اجابت کننده دعای درماندگان تویی خدا پروردگار

الْعَالَمِينَ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ، الْكَبِيرُ الْبَاقِ

جهانیان تویی خدایی که معبودی جز تو نیست فرمانروای برحق آشکار بزرگواری

رِدَاءُكَ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفِي، وَعَلَيَّ عَلِيِّ الْمُرْتَضَى،

جامه تو است خدایا درود فرست بر محمد مصطفی و بر علی مرتضی

وَفَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، وَخَدِيجَةَ الْكُبْرَى، وَالْحَسَنَ الْمُجْتَبَى، وَالْحُسَيْنَ

فاطمه زهرا و خدیجه کبری و حسن مجتبی و حسین

الشَّهِيدَ بِكَرْبَلَاءَ، وَعَلِيَّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ

شهید در کربلا و علی بن الحسین زین العابدین و محمد بن علی

الْبَاقِرِ، وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ، وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ الْكَاظمِ، وَعَلِيٍّ

باقر و جعفر بن محمد صادق و موسی بن جعفر کاظم و علی

بْنُ مُوسَى الرِّضَا، وَمُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ التَّقِيِّ، وَعَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ التَّقِيِّ،

بن موسی الرضا و محمد بن علی تقی و علی بن محمد تقی

وَالْحَسَنَ [بْنِ عَلِيٍّ] الْعُسْكِرِيِّ، وَالْحُجَّةَ الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ الْإِمَامَ،

و حسن عسکری و حجت قائم مهدی آن امام

الْمُنْتَظَرِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، اَللّٰهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُمْ، وَعَادِ

منتظر صلوات الله عليهم اجمعین خدایا دوست دار هر که ایشان را دوست دارد و دشمن دار

مَنْ عَادَاهُمْ، وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُمْ، وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُمْ، وَالْعَنْ مَنْ

هر که دشمنشان دارد و یاری کن آنکه یاریشان کند و خوار کن هر کس خوارشان کند و لعنت کن هر کس

ظَلَمَهُمْ، وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْصُرْ شِيعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَارْزُقْنِي

بر ایشان ستم کند و در فرج آل محمد شتاب کن و پیروان آل محمد را یاری کن و دیدن

رُؤْيَاهُ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي مِنْ أَتْبَاعِهِ وَأَشْيَاعِهِ، وَالرَّاضِينَ

روی قائم آل محمد را روزی من کن و مرا از زمره پیروان و شیعیان و کسانی که به کار او راضی هستند قرارم ده

بِفِعْلِهِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. × هفتم شیخ کفعمی در بلد الامین دعائی از

به رحمت ای مهربانترین مهربانان * * * * *

*

حضرت امام زین العابدین علیه السلام نقل کرده و فرموده این دعا را مقاتل بن سلیمان از آن حضرت روایت کرده، و

هم گفته، هر که صد مرتبه آنرا بخواند و دعایش مستجاب نگردد لعنت کند مقاتل را، اینست دعا :

إِلَهِیْ کَيْفَ أَدْعُوكَ وَأَنَا آتَا، وَكَيْفَ أَقْطَعُ رَجَائِي مِنْكَ

خدایا چه سان بخوانمت با اینکه من همان من (گنجهکار) هستم و چه سان امیدم را از تو ببرم با از او بخوام

وَأَنْتَ أَنْتَ، إِلَهِیْ إِذَا لَمْ أَسْأَلْكَ فَتُعْطِنِي، فَمَنْ ذَا الَّذِي أَسْأَلُهُ

اینکه تو همان تویی (که با همه مهربانی) خدایا من اگر از تو نخواهم که به من بدهی پس کیست آن کسی که

فِيُعْطِنِي، إِلَهِیْ إِذَا لَمْ أَدْعُوكَ فَتَسْتَجِبْ لِي، فَمَنْ ذَا الَّذِي أَدْعُوهُ

تا به من بدهد خدایا اگر تو را نخوانم که دعایم را مستجاب کنی پس کیست آنکس که بخوانش

فَيَسْتَجِيبُ لِي، إِلَهِیْ إِذَا لَمْ أَتَضَرَّعْ إِلَيْكَ فَتَرْحَمْنِي، فَمَنْ ذَا الَّذِي

تا دعایم را مستجاب کند خدایا اگر به درگاه تو زاری نکنم که به من رحم کنی پس کیست که

أَتَضَرَّعُ إِلَيْهِ فَيَرْحَمُنِي، إلهي فَكَمَا فَلَقْتُ الْبَحْرَ لِمُوسَى عَلَيْهِ

به درگاهش زاري كنم تا به من رحم كند خدايا همچنانكه شكافتي دريا را براي موسي عليه

السَّلَام وَجَبَّتْهُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ تُنَجِّنِي مِمَّا أَنَا فِيهِ،

السلام و او را نجات دادي از تو مي خواهيم كه درود فرستي بر محمد و آل محمد و مرا از آنچه در آن گرفتارم

وَتُقَرِّجَ عَنِّي فَرَجاً عاجِلاً غَيْرَ آجِلٍ، بِفَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ،

نجات بخشي و گشايش فوري به من عطا كني نه گشايش مدت دار، به فضل و رحمت اي مهربانترين مهربانان

* هشتم سيدين طاوس در مهج الدعوات از حضرت امام محمدباقر عليه السلام روايت کرده كه فرمود جبرئيل خدمت

حضرت پيغمبر صلي الله عليه وآله عرض كرد يا نبي الله، بدانكه هيچ پيغمبري را بقدر تو دوست نداشته ام پس بسيار

بگو: اَللّهُمَّ اِنَّكَ تَرِي وَلَا تُرِي، وَاَنْتَ بِالْمُنْظَرِ الْاَعْلَى، وَاَنْ اِلَيْكَ الْمُنتَهَى وَالرُّجْعَى،

خدايا تو مي بيني و ديده نمي شوي تو در برترين ديده گاهها هستي و همانا سير خلق و بازگشتگان بسوي تو است

وَأَنَّ لَكَ الْآخِرَةَ وَالْأُولَى، وَأَنَّ لَكَ الْمَمَاتَ وَالْمَحْيَا، وَرَبِّ أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَذِلَّ أَوْ أُخْزَى .

و از آن تو است آخرت و دنيا و براستي مرگ و زندگي بدست تو است پروردگارا پناه مي برم به تو از اينكه خوار شوم

يا رسوا گردم

نهم كفعمي در بلد الأمين دعائي مروي از حضرت امام موسي كاظم عليه السلام نقل کرده و فرموده عظيم الشأن و

سريع الإجابة است، و آن اين است: اَللّهُمَّ اِنِّي اطْعُتُكَ فِي أَحَبِّ

***** خدايا همانا من در

محبوبترين

الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ وَهُوَ التَّوْحِيدُ، وَلَمْ أَعْصِكَ فِي أَبْغَضِ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ وَهُوَ

چيزها در نزد تو كه عبارت از توحيد و يگانگيت بود از تو پيروي كردم و در مبغوض ترين چيزها در نزديت كه

عبارت از

الْكُفْرُ، فَاعْفُرْ لِي مَا بَيْنَهُمَا يَا مَنْ إِلَيْهِ مَقَرِّي آمَنِي مِمَّا فَرَعْتُ مِنْهُ

كفر بتو بود نافرمانيت نكردم پس آنچه در اين ميان است از گناهانم بيازماي كه بسوي اوست گريزگاه من مرا از آنچه به

خاطر

إِلَيْكَ، اَللّهُمَّ اغْفِرْ لِي الْكَثِيرَ مِنْ مَعَاصِيكَ، وَأَقْبِلْ مِنِّي الْيَسِيرَ مِنْ

آن بسویت پناه آوردم امان بخش خدایا بیامرز گناهان بسیارم را و بپذیر از من طاعتک، یا عُدَّتِي دُونَ الْعُدَدِ، وَيَا رَجَائِي وَالْمُعْتَمَدَ، وَيَا كَهْفِي طاعت اندکم را ای ذخیره در مقابل سایر ذخیره‌ها و ای مایه امید و تکیه‌گاه من و ای پناهگاه والسِّندَ، وَيَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ، يَا قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، اللَّهُ الصَّمَدُ، لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، و ای یگانه‌ای یکتا ای آنکه در وصف خود به پیغمبرت گفتی بگو او خدای یکتا است خدا بی‌نیاز است، نزاید و نه یُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مَنْ اصْطَفَيْتَهُمْ مِنْ خَلْقِكَ زاییده شده و نیست برایش همتا و مانندی هیچکس از تو می‌خواهم به حق آنانکه از میان خلق خود آنها را برگزیدی وَلَمْ تَجْعَلْ فِي خَلْقِكَ مِثْلَهُمْ أَحَدًا، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَفْعَلَ و در خلق خود هیچکس را مانند ایشان نکردی که درود فرستی بر محمد و آل او و درباره من انجام دهی بی ما اَنْتَ أَهْلُهُ، اَللّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ بِالْوَحْدَانِيَّةِ الْكُبْرَى وَالْمُحَمَّدِيَّةِ آنچه را تو شایسته آنی خدایا از تو خواهم به حق مقام وحدانیت و یکتایی بزرگ خودت و به مقام محمدی الْبَيْضَاءِ، وَالْعُلَوِيَّةِ الْعُلْيَا، وَبِجَمِيعِ مَا احْتَجَجْتَ بِهِ عَلَي عِبَادِكَ، آن مقام تابنده و به مقام علوی آن مقام والا و به تمام حجت‌های خود بر بندگان وَبِالِاسْمِ الَّذِي حَبَبْتَهُ عَنْ خَلْقِكَ، فَلَمْ يَخْرُجْ مِنْكَ اِلَّا اِلَيْكَ، صَلِّ عَلَي و به حق آن نامی که از خلق خود پنهان داشتی که اظهار نشود از تو مگر بخودت که درود فرستی بر مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ لِي مِنْ اَمْرِي فَرْجًا وَمَخْرَجًا، وَارْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ محمد و آل محمد و برای من در کارم گشایش و راه نجاتی قرار دهی و به من روزی دهی از آنجا که اَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ لَا اَحْتَسِبُ، اِنَّكَ تَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ . گمان دارم و از آنجا که گمان ندارم که تو روزی دهی هر که را بخواهی بی حساب پس حاجت خود را بطلب، دهم کفعمی در مصباح دعائی نقل کرده و فرموده سیدبن طاوس این دعا را برای ایمنی از سلطان و بلاء و ظهور اعداء و خوف فقر و تنگی سینه ذکر کرده و آن از ادعیه صحیفه سجّادیّه است پس، هرگاه ترسیدی از ضرر آنچه ذکر شد بخوان آنرا، اینست دعا :

يَا مَنْ تُحِلُّ بِهِ عَقْدُ الْمَكَارِهِ، وَيَا مَنْ يُفْتَأُ بِهِ حَدُّ الشَّدَائِدِ، وَيَا مَنْ
ای که گشوده شود بوسیله او گره گرفتاریها و ای که شکسته شود بوسیله او تنگی سختیها و ای که از

يُلْتَمَسُ مِنْهُ الْمَخْرَجُ إِلَى رَوْحِ الْفَرَجِ، ذَلَّتْ لِقُدْرَتِكَ الصَّعَابُ،

او خواهش شود براي رهايي يافتن (از غمها و آمدن) بسوي فضاى روح بخش گشايش، كارهاي دشوار در برابر قدرت آسان

وَتَسَبَّيْتُ بِلُطْفِكَ الْأَسْبَابُ، وَجَرِي بِقُدْرَتِكَ الْقَضَاءُ، وَمَضَتْ عَلَيَّ

گشته و اسباب و وسايل به سبب لطف تو فراهم گشته و قضا و قدر به قدرتت جاري گشته و همه چيز بر طبق

إِرَادَتِكَ الْأَشْيَاءُ. فَهِيَ بِمَشِيَّتِكَ دُونَ قَوْلِكَ مُؤْتِمِرَةٌ، وَإِرَادَتِكَ دُونَ

اراده تو گذشته است پس تمام چيزها به محض اراده تو بدون اينكه نيازي به گفتن باشد مطيع و فرمانبردارند و به محض

نَهْيِكَ مُنْزَجِرَةٌ، أَنْتَ الْمَدْعُوُّ لِلْمُهِمَّاتِ، وَأَنْتَ الْمَفْزَعُ فِي الْمَلَمَّاتِ،

ارادهات بدون احتياج به نهي و بازداشتن بازداشته اند تويي كه براي رفع دشواريها خوانندت و تويي پناهگاه در سختيها

لَا يَنْدَفِعُ مِنْهَا إِلَّا مَا دَفَعْتَ، وَلَا يَنْكَشِفُ مِنْهَا إِلَّا مَا كَشَفْتَ، وَقَدْ نَزَلَ

دور نشود از آن سختيها مگر آنچه را كه تو دور كني و برطرف نگردد چيزي از آنها مگر آنچه را تو برطرف كني و

براستي

بِي يَا رَبِّ مَا قَدْ تَكَادَنِي ثِقَلُهُ، وَالْمَّ بِي مَا قَدْ بَهَظَنِي حَمْلُهُ،

اي پروردگار من چيزي بر من رسيده كه سنگيني آن مرا به زحمت انداخته و وارد شده بر من آنچه به دوش كشيدنش

وامانده ام

وَبِقُدْرَتِكَ أَوْرَدْتَهُ عَلَيَّ وَبِسُلْطَانِكَ وَجَّهْتَهُ إِلَيَّ، فَلَا مُصْدِرَ لِمَا

كرده و البته به نيروي خودت آنرا بر من وارد كردي و به سلطنت و قدرت خویش آنرا متوجه من كردي پس آنچه را تو

أَوْرَدْتَ، وَلَا صَارِفَ لِمَا وَجَّهْتَ، وَلَا فَاتِحَ لِمَا أَغْلَقْتَ، وَلَا مُغْلِقَ لِمَا

فرستادي بازگردانده برايش نيست و آنچه را تو متوجه ساخته اي برگرداننده ندارد و آنچه را تو بسته اي

گشاينده ندارد و آنچه را

فَتَحْتَ، وَلَا مُيَسِّرَ لِمَا عَسَرْتَ، وَلَا نَاصِرَ لِمَنْ خَذَلْتَ، فَصَلِّ عَلَيَّ

توگشودي كسش نتواند بست و آنچه را تو دشوار سازي آسان كننده ندارد و آن كس را كه تو خواركني ياور برايش

نيست پس درود فرست

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَفْتَحْ لِي يَا رَبِّ بَابَ الْفَرَجِ بِطَوْلِكَ، وَاكْسِرْ عَنِّي

بر محمد و آلش و بگشا به فضل خود پروردگارا بر من در گشايش را و قدرت تسلطي را كه اندوه و غم

سُلْطَانَ الْهَمِّ بِحَوْلِكَ، وَأَنْلِنِي حُسْنَ النَّظَرِ فِيمَا شَكَوْتُ، وَأَذِنِّي

بر من پیدا کرده به نیروی خود درهم شکن و خوش بینی خودت را در آنچه شکوه کردم به من عنایت کن

حَلَاوَةَ الصُّنْعِ فِيمَا سَأَلْتُ، وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَفَرَجاً هَنِئاً،

و شیرینی رفتارت را درباره خواسته‌ام به من بچشان و از نزد خویش رحمت و گشایش گوارایی به من ببخش

وَأَجْعَلْ لِي مِنْ عِنْدِكَ مَخْرَجاً وَحِياً، وَلَا تَشْغَلْنِي بِالْإِهْتِمَامِ عَنْ

و هم از نزد خود راه چاره فوری برایم قرار ده و سرگرم مکن به اهمیت دادن به گرفتاریهای دنیا از

تَعَاهُدِ فُرُوضِكَ، وَاسْتِعْمَالِ سُنَّتِكَ، فَقَدْ ضِقْتُ لِمَا نَزَلَ بِي يَا رَبِّ

انجام واجبات و بکار بستن سنتها و دستورات زیرا که برآستی ای پروردگار من

ذُرْعاً، وَأُمْتَلَأْتُ بِحِمْلِ مَا حَدَّثَ عَلَيَّ هَمًّا، وَأَنْتَ الْقَادِرُ عَلَيَّ كَشْفِ

سینه‌ام از این پیش‌آمدی که برایم کرده تنگ شده و برای تحمل این حادثه سر تا پایم را اندوه گرفته و تو بر دفع آنچه

بدان

مَا مُنِيتُ بِهِ، وَدَفَعُ مَا وَقَعْتُ فِيهِ، فَافْعَلْ بِي ذَلِكَ وَإِنْ لَمْ أَسْتَوْجِبْهُ

گرفتارم شده‌ام و برطرف کردن آنچه بدان درافتاده‌ام توانایی پس تو این کار را درباره من بکن اگرچه من سزاوار این

محبت

مِنْكَ، يَا ذَا الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، وَذَا الْمَنْ الْكَرِيمِ، فَأَنْتَ قَادِرٌ يَا أَرْحَمَ

تو نیستم ای صاحب عرش عظیم و دارنده نعمت بزرگ زیرا که تو توانایی ای مهربانترین

الرَّاحِمِينَ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ. × یازدهم کفعمی در بلد الامین فرموده این دعاء

مهربانها آمین رب العالمین * * * * *

* * * * *

حضرت صاحب‌الامر علیه السلام است که تعلیم فرمود آنرا به شخصی که محبوس بود پس خلاص شد

إِلَهِي عَظُمَ الْبَلَاءُ، وَبَرَحَ الْخَفَاءُ، وَانْكَشَفَ الْغَطَاءُ، وَانْقَطَعَ الرَّجَاءُ،

خدایا بلاء عظیم گشته و درون آشکار شد و پرده از کارها برداشته شد و امید قطع شد

وَضَاقَتِ الْأَرْضُ وَمُنِعَتِ السَّمَاءُ، وَأَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَالْيَكُ

و زمین تنگ شد و از ریزش رحمت آسمان جلوگیری شد و تویی یاور و شکوه بسوی تو است

الْمُسْتَكِي، وَعَلَيْكَ الْمَعْوَلُ فِي الشِّدَّةِ وَالرَّخَاءِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ

و اعتماد و تکیه ما چه در سختی و چه در آسانی بر تو است خدایا درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، أُولِي الْأَمْرِ الَّذِينَ فَرَضَتْ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ،

محمد و آل محمد آن زمامدارانی که پیرویشان را بر ما واجب کردی و بدین سبب مقام

وَعَرَّفْتَنَا بِذَلِكَ مَنَزَلَتَهُمْ، فَفَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ، فَرَجًا عَاجِلًا قَرِيبًا كَلَمْحٍ

و منزلتشان را به ما شناسانیدی به حق ایشان به ما گشایشی ده فوری و نزدیک مانند

الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ، اكْفِيَانِي

چشم بر هم زدن یا نزدیکتر ای محمد ای علی ای علی ای محمد مرا کفایت کنید

فَاتِّكُمَا كَافِيَانِ، وَأَنْصُرَانِي فَاتِّكُمَا نَاصِرَانِ، يَا مَوْلَانَا يَا صَاحِبِ الزَّمَانِ،

که شماید کفایت کننده ام و مرا یاری کنید که شماید یاور من ای سرور ما ای صاحب الزمان

الْعَوْتُ الْعَوْتُ الْعَوْتُ، أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي، السَّاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ،

فریاد، فریاد، فریاد، دریاب مرا دریاب مرا همین ساعت همین ساعت هم اکنون

الْعَجَلَ الْعَجَلَ الْعَجَلَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.

زود زود زود ای خدایا مهربانترین مهربانان به حق محمد و آل پاکیزه اش

* دوازدهم و نیز کفعمی در مصباح فرموده این دعاء حضرت مهدی صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ است

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ، وَبَعْدَ الْمَعْصِيَةِ .

* * * * * خدایا روزی ما کن توفیق اطاعت و دوری از گناه

وَصِدْقَ النَّبِيِّ، وَعِرْفَانَ الْحُرْمَةِ، وَكَرَمَنَا بِالْهُدَى وَالْإِسْتِقَامَةِ، وَسَدِّدْ

و صدق و صفای در نیت و شناختن آنچه حرمتش لازم است و گرامی دار ما را بوسیله هدایت شدن و استقامت و

استوار کن

السِّنَنَ بِالصَّوَابِ وَالْحِكْمَةَ، وَأَمَلًا قُلُوبَنَا بِالْعِلْمِ وَالْمَعْرِفَةِ، وَطَهِّرْ

زبانهای ما را به درستگویی و حکمت و لبریز کن دلهای ما را از دانش و معرفت و پاک کن

بُطُونَنَا مِنَ الْحَرَامِ وَالشُّبْهَةِ، وَكَفِّفْ أَيْدِيَنَا عَنِ الظُّلْمِ وَالسَّرِقَةِ،

اندرون ما را از غذاهای حرام و شبهه ناک و بازدار دستهای ما را از ستم و دزدی

وَأَغْضُضْ أَبْصَارَنَا عَنِ الْفُجُورِ وَالْخِيَاثَةِ، وَاسْدُدْ أَسْمَاعَنَا عَنِ اللَّغْوِ

و ببوشان چشمان ما را از هرزگی و خیانت و ببند گوشهای ما را از شنیدن سخنان بیهوده

وَالْغَيْبَةِ، وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ عُلَمَاءَنَا بِالزُّهْدِ وَالنَّصِيحَةِ، وَعَلَيَّ الْمُتَعَلِّمِينَ
و غیبت و تفضل فرما بر علمای ما به پارسایی و خیرخواهی کردن و بر دانش آموزان
بِالْجُهِدِ وَالرَّغْبَةِ، وَعَلَيَّ الْمُسْتَمِعِينَ بِالِاتِّبَاعِ وَالْمَوْعِظَةِ، وَعَلَيَّ
به کوشش داشتن و شوق و بر شنوندگان به پیروی کردن و پند گرفتن و بر
مَرْضَى الْمُسْلِمِينَ بِالشِّفَاءِ وَالرَّاحَةِ، وَعَلَيَّ مَوْتَاهُمْ بِالرَّأْفَةِ
بیماران مسلمان به بهبودی یافتن و آسودگی و بر مردگان آنها به عطوفت
وَالرَّحْمَةِ، وَعَلَيَّ مَشَايِخِنَا بِالْوَقَارِ وَالسَّكِينَةِ، وَعَلَيَّ الشَّبَابِ
و مهربانی کردن و بر پیرانمان به وقار و سنگینی و بر جوانان
بِالْإِنَابَةِ وَالتَّوْبَةِ، وَعَلَيَّ النِّسَاءِ بِالْحَيَاءِ وَالْعِفَّةِ، وَعَلَيَّ الْأَغْنِيَاءِ
به بازگشت و توبه و بر زنان به شرم و عفت و بر توانگران
بِالتَّوَاضُّعِ وَالسَّعَةِ، وَعَلَيَّ الْفُقَرَاءِ بِالصَّبْرِ وَالْقَنَاعَةِ، وَعَلَيَّ الْغُرَاةِ
به فروتنی و بخشش کردن و بر مستمندان به شکیبایی و قناعت و بر پیکار کنندگان
بِالتَّصَرُّعِ وَالْعُلْبَةِ، وَعَلَيَّ الْأَسْرَاءِ بِالْخُلَاصِ وَالرَّاحَةِ، وَعَلَيَّ الْأُمَرَاءِ
به یاری و پیروزی و بر اسیران به رهایی یافتن و آسودگی و بر زمامداران
بِالْعَدْلِ وَالشَّفَقَةِ، وَعَلَيَّ الرَّعِيَّةِ بِالْإِنصَافِ وَحُسْنِ السَّيْرِ، وَبَارِكْ
به عدالت داشتن و دلسوزی و بر ملت به انصاف و خوش رفتاری و برکت ده
لِلْحُجَّاجِ وَالزُّوَّارِ فِي الزَّادِ وَالتَّفَقَّةِ، وَأَقْضِ مَا أَوْجِبْتَ عَلَيْهِمْ مِنْ
برای حاجیان و زائران در توشه و خرجی و به انجام رسان آنچه را بر ایشان واجب کردی از
الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ. بِفَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. × سیزدهم درمهمج

اعمال حج و عمره بوسیله فضل و رحمت خود ای مهربانترین مهربانان * * * * *

ذکر شده که این دعاء حضرت حجة علیه السلام است: إلهي بِحَقِّ مَنْ نَاجَاكَ، وَبِحَقِّ مَنْ
* * * * * خدایا به حق هرکه با تو راز گوید و به حق

هر که

دَعَاكَ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ، تَفَضَّلْ عَلَيَّ فَقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

تو را در صحرا و دریا بخواند تفضل فرما بر فقیران مؤمنین و مؤمنات
بِالْغِنَاءِ وَالثَّرْوَةِ وَعَلَى مَرْضَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالشِّفَاءِ
به توانگری و ثروت و بر بیماران مؤمنین و مؤمنات به بهبودی یافتن
وَالصَّحَّةِ، وَعَلَى أَحْيَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِاللُّطْفِ وَالْكَرَمِ، وَعَلَى
و تندرستی و بر زندگان مؤمنین و مؤمنات به لطف و بزرگواری و بر
أَمْوَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ، وَعَلَى غُرَبَاءِ الْمُؤْمِنِينَ
مردگان مؤمنین و مؤمنات به آمرزش و مهربانی و بر غریبان مؤمنین
وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالرَّدِّ إِلَى أَوْطَانِهِمْ سَالِمِينَ غَانِمِينَ، بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ .

و مؤمنات به بازگرداندن آنها به وطنشان بسلامتی و بهره‌مندی به حق محمد و آل او همگی
چهاردهم: سید علیخان درکلم طیب فرموده این استغاثه ایست به حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه هر جا که
باشی دو رکعت نماز بجمد و هر سوره که خواهی بگذار پس رو بقبله زیر آسمان به ایست و بگو :

سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلِ التَّامِ الشَّامِلِ الْعَامِّ، وَصَلَوَاتُهُ الدَّائِمَةُ، وَبَرَكَاتُهُ الْقَائِمَةُ التَّائِمَةُ،

سلام خدا بطور کامل و تمام و همه جانبه و عمومی و درودهای ممتد و پیوسته و برکنهای پابرجا و تام و تمامش

عَلَى حُجَّةِ اللَّهِ وَوَلِيِّهِ فِي أَرْضِهِ وَبِلَادِهِ، وَخَلِيفَتِهِ عَلَى خَلْقِهِ وَعِبَادِهِ، وَسُلَالَةِ

بر حجت خدا و ولی او در زمین و سایر کشورهایش و جانشین او بر خلق و بندگان و نژاد پاک

النُّبُوَّةِ، وَبَقِيَّةِ الْعُرَّةِ وَالصَّفْوَةِ، صَاحِبِ الزَّمَانِ، وَمُظْهِرِ الْإِيمَانِ،

نبوت و باقیمانده عترت و (آن سرور) برگزیده یعنی حضرت صاحب الزمان و آشکارکننده ایمان

وَمُلْقِنِ أَحْكَامِ الْقُرْآنِ، وَمُظْهِرِ الْأَرْضِ، وَنَاشِرِ الْعَدْلِ فِي الطُّولِ

و یاددهنده احکام قرآن و پاک کننده زمین و گسترنده عدالت در درازا و پهنا

وَالْعَرْضِ، وَالْحُجَّةِ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ الْإِمَامِ الْمُنتَظَرِ الْمَرْضِيِّ، وَابْنِ

زمین و حجت قائم مهدی آن امام منتظر پسندیده و فرزند

الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ، الْوَصِيِّ بْنِ الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ، الْهَادِي

امامان پاکیزه و وصی فرزند اوصیاء پسندیده آن راهنمای

الْمَعْصُومِ ابْنِ الْأَيْمَةِ الْهُدَاةِ الْمَعْصُومِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُعِزَّ

معصوم فرزند امامان راهنمای معصوم سلام بر تو ای عزت بخش مردم

الْمُؤْمِنِينَ الْمُسْتَضْعَفِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُدِلَّ الْكَافِرِينَ

مؤمنی که ناتوان و خوارشان شمردند سلام بر تو ای خوارکننده کافران

الْمُتَكَبِّرِينَ الظَّالِمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ،

سرکش و ستمکار سلام بر تو ای مولای من ای صاحب الزمان

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو ای فرزند امیرمؤمنان

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ

سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا بانوی زنان جهانیان سلام

عَلَيْكَ يَا بَنَ الْأَئِمَّةِ الْحُجَجِ الْمَعْصُومِينَ، وَالْإِمَامِ عَلِيِّ الْحَلْقِيِّ

بر تو ای فرزند پیشوایان و حجت‌های معصوم و پیشوای بر خلق

أَجْمَعِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ، سَلَامٌ مُخْلِصٌ لَكَ فِي الْوِلَايَةِ،

همگی سلام بر تو ای سرور من سلام مخلصانه من به تو در ولایت و پیرویت

أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْمَهْدِيُّ قَوْلًا وَفِعْلًا، وَأَنْتَ الَّذِي تَمَلَأُ الْأَرْضَ

گواهی دهم که تویی آن پیشوای راه یافته چه در گفتار و چه در کردار و تویی آن بزرگوار که زمین را پر از

قِسْطًا وَعَدْلًا، بَعْدَ مَا مِلْتُمْ ظُلْمًا وَجَوْرًا، فَعَجَلَ اللَّهُ فَرَجَكَ، وَسَهَّلَ

عدل و داد کنی پس آنکه پر از ستم و بیدادگری شده باشد پس از خدا خواهم که شتاب کند در فرج تو و راه آمدنت را

هموار

مَخْرَجَكَ، وَقَرَّبَ زَمَانَكَ، وَكَثَّرَ أَصْرَكَ وَأَعْوَانَكَ، وَأَنْجَزَ لَكَ مَا

و زمان ظهورت را نزدیک و یار و یاورت را بسیار گرداند و آنچه

وَعَدَكَ، فَهُوَ أَصْدَقُ الْقَائِلِينَ، وَتُرِيدُ أَنْ تُمَنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا

به تو وعده فرموده درباره‌ات وفا کند زیرا که او راستگوترین گویندگان است که فرموده «و ما خواستیم بر کسانی که

فِي الْأَرْضِ، وَبَجَعْلَهُمْ أَيْمَةً وَبَجَعْلَهُمُ الْوَارِثِينَ، يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ

در زمین زبون شمرده می‌شدند منت نهم و ایشان را پیشوایی کنیم و وارثان‌شان گردانیم» ای سرور من ای صاحب

الزَّمانِ، يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ حَاجَتِي كَذَا وَكَذَا (و بجای کذا و کذا حاجات خود را ذکر کند)

* * * * * الزمان اي فرزند رسول خدا حاجتم اين و اين است * * * * *

فَاشْفَعْ لِي فِي نَجَاحِهَا، فَقَدْ تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِحَاجَتِي، لَعَلَّمِي أَنْ لَكَ

پس شفاعت کن برایم در برآمدنش زیرا که من با حاجت خویش به تو متوجه شده‌ام زیرا می‌دانم که

عِنْدَ اللَّهِ شَفَاعَةً مَقْبُولَةً، وَمَقَامًا مَحْمُودًا، فَبِحَقِّ مَنْ اخْتَصَّكَ بِأَمْرِهِ،

شفاعت تو به درگاه خدا پذیرفته و مقامت پسندیده است پس به حق همان خدایی که شما را در کار خود مخصوص کرده

وَأَرْتَضَاكُمْ لِسِرِّهِ، وَبِالشَّانِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ، سَلِ اللَّهُ

و برای راز و سرّش پسندیده و بدان مقامی که شما در نزد خدا میان خود و او دارید که از خدای

تَعَالَى فِي نُجْحِ طَلِبَتِي، وَاجَابَةِ دَعْوَتِي، وَكَشْفِ كُرْبَتِي. وَبِخَوَاه، هَر چِه

تعالی بخواهی من به خواسته‌ام برسم و دعایم اجابت شود و اندوهم برطرف گردد * * * * *

خواهی که برآورده می‌شود انشاء الله تعالی مؤلف گوید: که بهتر آنست که در رکعت اول نماز این استغاثه بعد از حمد

سوره اِنَّا فَتَحْنَا بِخَوَانِد و در رکعت دویم اذا جَاءَ نُصْرُ اللَّهِ .

فصل هشتم در مناجات است: مناجات خمس عشرة

لمولانا عليّ بن الحسين عليه السلام علامه مجلسی رحمه الله در بحار فرموده که من یافتم این مناجات را مروی از آن

حضرت در کتب بعض اصحاب رضوان الله علیهم .

المناجات الأولى: «مناجاة التائبين»

مناجات اول: مناجات توبه‌کنندگان

بنام خدای بخشاینده مهربان

إِلَهِي أَلْبَسْتَنِي الْخَطَايَا ثَوْبَ مَذَلَّتِي، وَجَلَّلَنِي التَّبَاعُدُ مِنْكَ لِبَاسَ

خدایا خطاها و گناهان لباس خوارى بر تنم کرده و دورى از تو جامه

مَسْكَنَتِي، وَأَمَاتَ قَلْبِي عَظِيمُ جِنَايَتِي، فَأَحْيِهِ بِتَوْبَةٍ مِنْكَ يَا أَمَلِي

بیچارگی بر تنم افکنده و بزرگ جنایتم دلم را میرانده پس تو زنده‌اش کن به بازگشت خودت (بسوی من) ای آرزو

وَبُعَيْتِي، وَيَا سَوْلى وَمُتَبِّتِي، فَوَ عَزِّزْنَا مَا أَجِدُ لِدُنُوئِي سِوَاكَ غَافِرًا،

و مقصودم و اي خواسته و آرمانم به عزت سوگند براي گناهانم جز تو آمرزنده اي نيابم
وَلَا أَرَى لِكَسْرِي غَيْرَكَ جَابِرًا، وَقَدْ خَضَعْتُ بِالْإِنَابَةِ إِلَيْكَ، وَعَنَوْتُ
و براي شکستگيم جز تو شکسته بندي نبينم و من بوسيله آه و ناله کردن بسوي تو بدرگاهت خاضع گشته و با زاري
کردن

بِالْإِسْتِكَائَةِ لَدَيْكَ، فَإِنْ طَرَدْتَنِي مِنْ بَابِكَ فَيَمَنْ الْوُدُّ، وَإِنْ رَدَدْتَنِي
در برابرت خود را به خواري کشاندم پس اگر توام از درگاه خویش برای در آن حال به که روآورم؟ و اگر توام
عَنْ جَنَابِكَ فَيَمَنْ أَعُوذُ، فَوَا أَسْفَاهُ مِنْ حَجَلَتِي وَافْتِضَاحِي، وَوَا لَهْفَاهُ
از نزد خویش بازگردانی به که پناه برم؟ و بس افسوس از شرمندگی و رسواییم و اي دريغ
مِنْ سُوءِ عَمَلِي وَاجْتِرَاحِي، أَسْأَلُكَ يَا غَافِرَ الذُّبِّ الْكَبِيرِ، وَيَا جَابِرَ
از کار بد و گناهانی که بدست آورده ام از تو خواهم اي آمرزنده گناه بزرگ و اي شکسته بند
الْعَظْمِ الْكَسِيرِ، أَنْ تَهَبَ لِي مُوبَقَاتِ الْجَرَائِرِ، وَتَسْتُرَ عَلَيَّ فَاضِحَاتِ
استخوان شکسته که ببخشي بر من گناهان نابود کننده ام را و بپوشي بر من کارهاي پنهانی
السَّرَائِرِ، وَلَا تُخْلِنِي فِي مَشْهَدِ الْقِيَامَةِ مِنْ بَرْدِ عَفْوِكَ وَغَفْرِكَ،
رسواکننده را و مرا در بازار قیامت از نسیم جان بخش عفو و آمرزش محروم نفرمائي و از
وَلَا تُعْرِئْنِي مِنْ جَمِيلِ صَفْحِكَ وَسِتْرِكَ، إِلَهِي ظَلَّلْ عَلَيَّ ذُنُوبِي
لباس زیبای گذشت و چشم پوشی خود برهنه ام نکنی خدایا سایه ابر رحمت را بر گناهانم بینداز
غَمَامَ رَحْمَتِكَ، وَأَرْسِلْ عَلَيَّ عُيُوبِي سَحَابَ رَأْفَتِكَ، إِلَهِي هَلْ
و ابریزان مهربانی و رأفت را براي شستشوي عیبهایم بفرست خدایا آیا
يَرْجِعُ الْعَبْدُ الْأَبْقَى إِلَّا إِلَى مَوْلَاهُ، أَمْ هَلْ يُجِيرُهُ مِنْ سَخَطِهِ أَحَدٌ سِوَاهُ،
بنده فراري جز به درگاه مولایش به کجا بازگردد يا آیا کسي جز او هست که وي را از خشم او پناه دهد
إِلَهِي إِنْ كَانَ النَّدَمُ عَلَيَّ الذُّبِّ تَوْبَةً فَإِنِّي وَعِزَّتِكَ مِنَ النَّادِمِينَ،
معبودا اگر پشیمانی بر گناه توبه محسوب شود پس به عزت سوگند که براستی من از پشیمانانم
وَإِنْ كَانَ الْإِسْتِغْفَارُ مِنَ الْخَطِيئَةِ حِطَّةً فَإِنِّي لَكَ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ،
و اگر آمرزش خواهی از خطا آنرا پاك کند پس براستی من از آمرزش خواهانم
لَكَ الْعُتْبَى حَتَّى تَرْضَى، إِلَهِي بِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ ثُبَّ عَلَيَّ، وَبِحِلْمِكَ

خدایا تو را سزد که مرا مؤاخذه کنی تا گاهی که خوشنود شوی خدایا به همان قدرتی که بر من داری توبه‌ام بپذیر و به بردباریت

عَنِّي اغْفُ عَنِّي، وَبِعِلْمِكَ بِي ارْفُقْ بِي، اِلهِي اَنْتَ الَّذِي فَتَحْتَ

از من بگذر و به همان علمت که به احوالم داری با من مدارا کن خدایا تویی که دری از عفو خود

لِعِبَادِكَ بَاباً اِلَى عَفْوِكَ، سَمَّيْتَهُ التَّوْبَةَ فَقُلْتَ تُوبُوا اِلَيَّ اَللّهُ تَوْبَةً

بسوی بندگانت باز کردی و نامش را توبه گذاردی و فرمودی «بسوی خدا بازگردید با توبه

نُصُوحاً، فَمَا عَذْرُ مَنْ اغْفَلَ دُخُولَ الْبَابِ بَعْدَ فَتْحِهِ، اِلهِي اِنْ كَانَ

صادقانه» پس دیگر چه عذری دارد آن کس که از وارد شدن در این در باز شده غفلت ورزد خدایا اگر براستی

فَبِحَ الذَّنْبِ مِنْ عَبْدِكَ، فَلْيَحْسُنِ الْعَفْوَ مِنْ عِنْدِكَ، اِلهِي مَا اَنَا بِاَوَّلِ

سرزدن گناه از بنده‌ات زشت است ولی گذشت نیز از نزد تو نیکو است معبودا من نخستین کسی نیستم

مَنْ عَصَاكَ فَتُبَّتْ عَلَيْهِ، وَتَعَرَّضَ لِمَعْرُوفِكَ فَجُدْتَ عَلَيْهِ، يَا مُجِيبَ

که نافرمانیت کرده و توبه پذیرش گشته‌ای و خواستار احسانت گشته و تو بر او احسان

الْمُضْطَرِّ، يَا كَاشِفَ الضُّرِّ، يَا عَظِيمَ الْبِرِّ، يَا عَلِيماً بِمَا فِي السِّرِّ، يَا

کرده‌ای، ای پذیرنده بیچاره‌ای غمزده‌ای بزرگ احسان‌ای دانای اسرار نهان‌ای

جَمِيلَ السِّرِّ، اسْتَشْفَعْتُ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ اِلَيْكَ، وَتَوَسَّلْتُ بِجَنَابِكَ

نیکو پرده‌پوش شفیع گردانم نزد تو جود و کرمت را و توسل جستم به حضرتت و به مهربانیت

[بِجَنَابِكَ] وَتَرَحُّمِكَ لَدَيْكَ، فَاسْتَجِبْ دُعَائِي، وَلَا تُخَيِّبْ فِيكَ رَجَائِي،

در پیش تو پس دعایم مستجاب کن و امیدم را درباره خودت به نومیدی مبدل مکن

وَتَقَبَّلْ تَوْبَتِي، وَكَفِّرْ خَطِيئَتِي بِمَنِّكَ وَرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

و توبه‌ام را بپذیر و گناه‌ام را به کرم و مهربانی خود نادیده گیر ای مهربانترین مهربانان

الثَّانِيَّةُ: «مُنَاجَاةُ الشَّاكِينَ»

دوم: مناجات شکایت کنندگان

به نام خدای بخشنده مهربان

اِلهِي اَلَيْكَ اَشْكُو نَفْساً بِالسُّوءِ اِمَارَةً، وَاِلَى الْخَطِيئَةِ مُبَادِرَةً

خدایا به سوي تو شکایت آورم از نفسي که مرا همواره به بدی وادارد و به سوي گناه شتاب دارد
وَبِمَعَاصِيكَ مُوَلَّعَةً، وَلِسَخَطِكَ مُتَعَرِّضَةً، تَسْأَلُنِي فِي مَسَالِكِ
و به نافرمانیهای حریص است و به موجبات خشم دست درازی کند مرا به راههایی که
الْمَهَالِكِ، وَتَجْعَلُنِي عِنْدَكَ أَهْوَنَ هَالِكٍ، كَثِيرَةَ الْعِلَلِ، طَوِيلَةَ الْأَمَلِ، إِنْ
منجر به هلاکت می شود می کشاند و بصورت پست ترین نابودشدگان درم آورد بیماریهای بسیار و آرزویش دراز
مَسَّهَا الشَّرُّ تَجَزَعُ، وَإِنْ مَسَّهَا الْخَيْرُ تَمْنَعُ، مَيَّالَةً إِلَى اللَّعِبِ وَاللَّهْوِ،
است اگر شری به او رسد بی تاب شود و اگر خیری نصیبش گردد سرکشی کند به اسباب بازی و سرگرمیهای بیهوده
مَمْلُوءَةً بِالْعَفْلَةِ وَالسَّهْوِ، تُسْرِعُ بِي إِلَى الْحَوْبَةِ، وَتُسَوِّفُنِي بِالتَّوْبَةِ،
بسیار متمایل و از بی خبری و فراموشی انباشته است مرا به سوي گناه شتاب دهد و به نوبت توبه به امروز و فردا کند
إِلَهِي أَشْكُو إِلَيْكَ عَدُوًّا يُضِلُّنِي، وَشَيْطَانًا يُغْوِينِي، قَدْ مَلَأَ
خدایا به تو شکایت آورم از دشمنی که گمراهم کند و شیطانی که مرا از راه بدر برد سینه ام را پر از
بِالْوَسْوَاسِ صَدْرِي وَأَحَاطَتْ هَوَاجِسُهُ بِقَلْبِي، يُعَاضِدُنِي الْهَوِيُّ،
و سوسه کرده و تحریکات زهر آگینش قلبم را احاطه کرده به هوا و هواسم کمک کند
وَيُزَيِّنُ لِي حُبَّ الدُّنْيَا وَيَحُولُ بَيْنِي وَبَيْنَ الطَّاعَةِ وَالزُّلْفَى، إِلَهِي
و دوستی دنیا را پیش چشمم آرایش دهد میان من و فرمانبرداری و تقرب به درگاهت حائل گردد خدایا
إِلَيْكَ أَشْكُو قَلْبًا قَاسِيًّا مَعَ الْوَسْوَاسِ مُتَقَلِّبًا، وَبِالرَّيْنِ وَالطَّبْعِ مُتَلَبِّسًا،
پیش تو شکوه آرم از دلی که سخت شده و بدست و سوسه ها بگردد و به زنگ (خودبینی) و خوی زشت پوشیده شده،
وَعَيْنًا عَنِ الْبُكَاءِ مِنْ خَوْفِكَ جَامِدَةً، وَإِلَى مَا تَسْرُّهَا طَامِحَةً، إِلَهِي
و از دیده ای که به هنگام گریه کردن از خوف تو خشک است ولی برای نگرستن به مناظر خوش آیندش خیره و حریص
است خدایا
لَا حَوْلَ لِي وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِقُدْرَتِكَ، وَلَا نَجَاةَ لِي مِنْ مَكَارِهِ الدُّنْيَا إِلَّا
جنبش و نیروی برای من نیست جز به نیروی تو و راه نجاتی از گرفتاریهای دنیا ندارم جز
بِعِصْمَتِكَ، فَاسْأَلْكَ بِبَلَاغَةِ حِكْمَتِكَ، وَتَفَازِ مَشِيَّتِكَ، أَنْ لَا تَجْعَلَنِي
نگهداری تو پس از تو می خواهم به حکمت رسایت و به مشیت جاری و گذرایت که مرا تنها در معرض
لِعَيْرِ جُودِكَ مُتَعَرِّضًا، وَلَا تُصَيِّرْنِي لِلْفِتَنِ غَرَضًا وَكُنْ لِي عَلَيَّ

جود و بخشش خود درآوري و هدف تيره‌هاي بلا و آزمائش قرارم ندهي و مرا در پيروي

الْأَعْدَاءِ نَصِيراً، وَعَلَى الْمَخَازِي وَالْعُيُوبِ سَاتِراً وَمِنَ الْبَلَاءِ وَاقِياً،

بر دشمنان ياري کنی و رسوائیها و عیوبم را بپوشانی و از بلا محافظتم کنی

وَعَنِ الْمَعَاصِي عَاصِماً بِرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

و از گناهان نگاهم داري به مهر و رحمت اي مهربانترين مهربانان

الثالثة: «مُناجات الخائفين»

سوم: مناجات خائفان

به نام خدای بخشاینده مهربان

إِلَهِي أَتَرَكَ بَعْدَ الْإِيْمَانِ بِكَ تُعَذِّبُنِي، أَمْ بَعْدَ حُبِّي إِيَّاكَ تُبْعِدُنِي، أَمْ

خدایا آیا چنان می‌بینی که پس از ایمان آوردنم به تو مرا عذاب کنی یا پس از دوستیم به تو مرا از خود دور

مَعَ رَجَائِي لِرَحْمَتِكَ وَصَفْحِكَ تُحْرِمُنِي، أَمْ مَعَ اسْتِجَارَتِي بِعَفْوِكَ

کنی یا با امیدی که به رحمت و چشم‌پوشیت دارم محروم سازی یا با پناه آوردنم به عفو و گذشت

تُسَلِّمُنِي، حَاشَا لَوْجْهِكَ الْكَرِيمِ أَنْ تُخَيِّبَنِي، لَيْتَ شِعْرِي أَلِلْشَّقَاءِ

مرا بدست دوزخ سپاری؟ هرگز! از ذات بزرگوار تو دور است که محروم کنی، ای کاش می‌دانستم که آیا مادرم مرا

وَلَدْتَنِي أُمِّي أَمْ لِلْعَنَاءِ رَبَّنِي، فَلَيْتَهَا لَمْ تَلِدْنِي وَلَمْ تُرَبِّنِي، وَلَيْتَنِي

برای بدبختی زائیده یا برای رنج و مشقت مرا پروریده؟ کاش مرا نزائیده و بزرگ نکرده بود

عَلِمْتُ أَمِنْ أَهْلِ السَّعَادَةِ جَعَلْتَنِي، وَبِقُرْبِكَ وَجِوارِكَ خَصَصْتَنِي،

و کاش می‌دانستم ای خدا که آیا مرا از اهل سعادت قرارم داده و به مقام قرب و جوار خویش مخصوص گردانده‌ای

فَتَقَرَّبَ بِذَلِكَ عَيْنِي، وَتَطْمَئِنَّ لَهُ نَفْسِي، إِلَهِي هَلْ تُسَوِّدُ وُجُوهاً خَرَّتْ

تا چشمم بدین سبب روشن گشته و دلم مطمئن گردد خدایا آیا براستی سیاه کنی چهره‌هایی را که در

سَاجِدَةً لِعَظَمَتِكَ، أَوْ تُخْرِسُ أَلْسِنَةً نَطَقَتْ بِالثَّنَاءِ عَلَي مَجْدِكَ

برابر عظمتت به خاک افتاده یا لال کنی زبانهایی را که به ثناگویی درباره مجد

وَجَلَالَتِكَ، أَوْ تَطْبَعُ عَلَي قُلُوبٍ انْطَوَتْ عَلَي مَحَبَّتِكَ، أَوْ تُصِمُّ

و شوکتت گویا شده یا مهر زنی بر دل‌هایی که دوستی تو را در بردارد یا کر کنی

أَسْمَاعًا تَلَذَّذَتْ بِسَمَاعِ ذِكْرِكَ فِي إِرَادَتِكَ، أَوْ تُغَلُّ أَكْفًا رَفَعَتْهَا
گوشه‌هایی را که به شنیدن ذکر تو لذت برد یا ببندی به زنجیر کیفر دسته‌هایی را
الْأَمَالُ إِلَيْكَ رَجَاءً رَأْفَتِكَ، أَوْ تُعَاقِبُ أَبْدَانًا عَمِلَتْ بِطَاعَتِكَ حَتَّى
که آمال و آرزوها به امید مهرت آنها را به سویی تو بلند کرده یا کیفر کنی بدنهایی را که در طاعتت کار کرده تا
نَحَلْتَ فِي مُجَاهَدَتِكَ، أَوْ تُعَذِّبُ أَرْجُلًا سَعَتْ فِي عِبَادَتِكَ، إلهي لا
به جایی که در راه کوشش برای تو نزار گشته یا شکنجه دهی پاهایی را که در پرستش راه یافته خدایا
تُغْلِقُ عَلَيَّ مُوَحِّدِيكَ أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، وَلَا تَحْجُبْ مُشْتَاكِكَ عَنْ
دره‌های رحمت را به روی یکتا پرستانت مبند و مشتاقانت را از
النَّظَرِ إِلَى جَمِيلِ رُؤْيَيْكَ، إلهي نَفْسٌ أَعَزَّتْهَا بِتَوْحِيدِكَ كَيْفَ
مشاهده جمال دیدارت محروم مکن خدایا نفسی را که به وسیله توحید و یگانه پرستیت عزیز داشته‌ای چگونه
تُذَلِّلُهَا بِمَهَائَةِ هِجْرَانِكَ، وَضَمِيرٌ ائْتَقَدَ عَلَيَّ مَوَدَّتِكَ، كَيْفَ تُحْرِقُهُ
به خواری هجرانت پست کنی و نهادی را که با دوستی تو پیوند شده چگونه به
بِحَرَارَةِ نِيرَانِكَ، إلهي أَجْرُنِي مِنْ أَلِيمِ غَضَبِكَ، وَعَظِيمِ سَخَطِكَ، يا
حرارت آتشت بسوزانی خدایا پناهم ده از خشم دردناک و غضب بزرگت ای
حَنَّانُ يَا مَنَّانُ، يَا رَحِيمُ يَا رَحْمَنُ، يَا جَبَّارُ يَا قَهَّارُ، يَا غَفَّارُ يَا سَتَّارُ،
مهرورز ای پربخشش ای مهربان ای بخشاینده ای دارای بزرگی و عظمت ای به قهر گیرنده ای پرده‌پوش
تَجْنِي بِرَحْمَتِكَ مَنْ عَذَابِ النَّارِ وَقَضِيحَةِ الْعَارِ إِذَا امْتَنَزَ الْأَخْيَارُ
نجاتم ده به رحمت خود از عذاب دوزخ و رسوایی ننگ (یا برهنگی) در آن هنگام که نیکان
مِنَ الْأَشْرَارِ، وَحَالَتِ الْأَحْوَالُ وَهَالَتِ الْأَهْوَالُ، وَقَرَّبَ الْمُحْسِنُونَ،
از بدان جدا گردند و احوال دگرگون شود و هراسها مردم را فراگیرد و نزدیک و مقرب شوند نیکوکاران
وَبَعْدَ الْمُسَيُّونَ وَوَفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ
و دور گردند بدکاران و به هر کس هر چه کرده است داده شود و ستم به ایشان نشود

الرَّابِعَةُ: «مَنَاجَاتُ الرَّاجِينَ»

چهارم: مناجات امیدواران

به نام خدای بخشاینده مهربان

يَا مَنْ إِذَا سَأَلَهُ عَبْدٌ أَعْطَاهُ، وَإِذَا أَمَلَ مَا عِنْدَهُ بَلَغَهُ، مُنَاهُ، وَإِذَا أَقْبَلَ

ای که هرگاه بنده‌ای از او درخواست کند دهدش و هرگاه چیزی را که نزد او است آرزو کند بدان آرزو رساندش و چون بدو رو کند

عَلَيْهِ قَرَبُهُ وَأَدْنَاهُ، وَإِذَا جَاهَرَهُ بِالْعِصْيَانِ سَتَرَ عَلَيَّ ذَنْبَهُ وَعَظَاهُ، وَإِذَا

به مقام قرب و نزدیکی خویشش برسد و چون به آشکاری گناهش کند پرده بر گناهش کشد و آن را بپوشاند و چون بر

تَوَكَّلَ عَلَيْهِ أَحْسَبَهُ وَكَفَاهُ، إِلَهِي مَنْ الَّذِي نَزَلَ بِكَ مُلْتَمِسًا قِرَاكَ

او توکل کند کفایتش کند و بسش باشد خدایا کیست که بر درگاه تو بار اندازد و میهمان‌نوازیست خواهد

فَمَا قَرَيْتُهُ، وَمَنْ الَّذِي أَنَا بِكَ مُرْتَجِيًا نَدَاكَ فَمَا أَوْلَيْتُهُ، أَيَحْسَنُ

و تو پذیرائیش نکنی و کیست که مرکب نیاز خود به دربارت خواباند و امید بخششت داشته باشد و تو احسانش

أَنْ أَرْجِعَ عَنْ بَابِكَ بِالْخِيْبَةِ مَضْرُوفًا، وَلَسْتُ أَعْرِفُ سِوَاكَ مَوْلًى

نکنی آیا خوبست که من ناامید از درگاهت باز گردم با اینکه جز تو مولایی را که به احسان نامور باشد

بِالْأَحْسَانِ مَوْصُوفًا، كَيْفَ أَرْجُو غَيْرَكَ وَالْخَيْرُ كُلُّهُ بِيَدِكَ، وَكَيْفَ

نشناسم چگونه به جز تو امید داشته باشم با اینکه هر چه خیر است بدست تو است و چگونه

أَوْمِلُ سِوَاكَ وَالْخَلْقُ وَالْأُمُورُ لَكَ، أَقْطَعُ رَجَائِي مِنْكَ وَقَدْ أَوْلَيْتَنِي

به جز تو آرزومند باشم با اینکه خلقت و فرمان از آن تو است آیا براستی امیدم را از تو قطع کنم با اینکه تو

مَا لَمْ أَسْأَلْهُ مِنْ فَضْلِكَ، أَمْ تُفَقِّرُنِي إِلَى مِثْلِي وَأَنَا عَتَصِمُ بِحَبْلِكَ، يَا

از فضل خویش به من عطا کردی چیزی را که من درخواست نکرده بودم یا مرا بمانند خودم نیازمند سازی با اینکه من

به رشته تو

مَنْ سَعَدَ بِرَحْمَتِهِ الْفَاصِدُونَ، وَلَمْ يَشْقَ بِتَقَمَّتِهِ الْمُسْتَغْفِرُونَ، كَيْفَ

چنگ زدم ای که به رحمتش سعادتمند گردند قاصدان او و دچار بدبختی و عذاب و کیفرش نشوند آمرزش خواهانش

چگونه

أَنْسِيكَ وَلَمْ تَزَلْ ذَاكِرِي، وَكَيْفَ اللَّهُ عَنكَ وَأَنْتَ مُرَاقِبِي، إِلَهِي

فراموشت کنم با اینکه تو همیشه به یاد منی و چگونه از یاد تو بیرون روم با اینکه تو همیشه مراقب من هستی خدایا

بَذِيلِ كَرَمِكَ أَغْلَقْتُ يَدِي، وَلَتَيْلِ عَطَايَاكَ بَسَطْتُ أَمْلِي، فَاخْلَصْنِي

من به ذیل کرمت دست انداختم و برای دریافت عطاهایت دامن آرزویم را گسترده‌ام پس مرا بوسیله یگانگی

بِخَالِصَةِ تَوْحِيدِكَ وَاجْعَلْنِي مِنْ صَفْوَةِ عِبِيدِكَ، يَا مَنْ كُلُّ هَارِبٍ إِلَيْهِ

خالص خود خالص گردان و از زمره بندگان برگزیده‌ات قرارم ده ای که هر گریخته‌ای به او

يَلْتَجِي، وَكُلُّ طَالِبٍ إِلَيْهِ يَرْتَجِي، يَا خَيْرَ مَرْجُوٍّ، وَيَا أَكْرَمَ مَدْعُوٍّ، وَيَا

پناه برد و هر جوینده‌ای به او امید دارد ای بهترین مایه امید و ای بزرگوارترین خوانده شده و ای

مَنْ لَا يَرُدُّ سَأْلَهُ، وَلَا يُخَيِّبُ أَمْلَهُ، يَا مَنْ بَابُهُ مَفْتُوحٌ لِدَاعِيهِ، وَحِجَابُهُ

کسی که خواهنده‌اش را دست خالی باز نگرداند و آرزومندش را نومید نسازد ای که درگاه او به روی خوانندگان باز

و پرده‌اش

مَرْفُوعٌ لِرَاجِيهِ، أَسْأَلُكَ بِكَرَمِكَ أَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ مِنْ عَطَاكَ بِمَا تَقَرُّ بِهِ عَيْنِي، وَمِنْ

برای امیدوار به او بالا زده است از تو خواهم به بزرگواریت که بر من بخشی از عطای خویش به حدی که دیده‌ام بدان

روشن گردد و از

رَجَائِكَ بِمَا تَطْمَنُّ بِهِ نَفْسِي، وَمِنْ الْيَقِينِ بِمَا تُهَوِّنُ بِهِ عَلَيَّ مُصِيبَاتِ الدُّنْيَا،

امیدت بدان مقدار که خاطر مطمئن یابد و از یقین بدان اندازه که پیش آمده‌های ناگوار دنیا بر من آسان گردد

وَتَجَلُّوْا بِهِ عَنْ بَصِيرَتِي غَشَوَاتِ الْعَمَى، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

و بوسیله آن پرده‌های سیاه کور دلی از دیده دل دور شود به رحمت ای مهربانترین مهربانان

الخامسة: «مناجات الراغبين»

پنجم: مناجات مشتاقان

به نام خدای بخشاینده مهربان

إِلَهِي إِنْ كَانَ قَلَّ زَادِي فِي الْمَسِيرِ إِلَيْكَ، فَلَقَدْ حَسَنَ ظَنِّي بِالتَّوَكُّلِ

خدایا اگر توشه‌ام برای پیمودن راه بسوی تو اندک است ولی گمانم به توکل و اعتماد

عَلَيْكَ، وَإِنْ كَانَ جُرْمِي قَدْ أَخَافَنِي مِنْ عُقُوبَتِكَ، فَإِنَّ رَجَائِي قَدْ

بر تو نیکوست و اگر جرم و گناه مرا از کیفر تو ترسناک کرده ولی امیدم به من

أَشْعُرَنِي بِالْأَمْنِ مِنْ نِقْمَتِكَ، وَإِنْ كَانَ ذَنْبِي قَدْ عَرَضَنِي لِعِقَابِكَ فَقَدْ

نوید ایمنی از انتقامت را می‌دهد و اگر گناه‌ها مرا در سر راه کفرت قرار داده ولی
اذَنْنِي حُسْنُ ثِقَتِي بِثَوَابِكَ، وَإِنَّا أَنَا مَتْنِي الْعُقْلَةُ عَنِ الْأَسْتَعْدَادِ
اعتماد خوبی که به تو دارم مرا به پاداش نیکت آگاه کرده و اگر غفلت و بی‌خبری مرا از آمادگی
لِلْقَائِكَ، فَقَدْ تَبَهَّنِي الْمَعْرِفَةُ بِكَرَمِكَ، وَالْإِثْكَ، وَإِنَّا أَوْحَشَ مَا بَيْنِي
برای شرفیابی درگاهت به خواب عمیقی فرو برده ولی معرفت و آگاهی از کرم و بخشش‌های مرا بیدار کرده و اگر
زیاده‌روی

وَبَيْنَكَ فَرَطُ الْعِصْيَانِ وَالطُّغْيَانِ، فَقَدْ أَسْنَى بُشْرِي الْغُفْرَانَ
در نافرمانی و سرکشی میان من و تو را تیره ساخته ولی مژده آمرزش و خوشنود شدن مرا به همدمی و انس با
وَالرَّضْوَانِ، أَسْأَلُكَ بِسُبُحَاتِ وَجْهِكَ، وَبِأَنْوَارِ قُدْسِكَ، وَابْتِهَلُ إِلَيْكَ
تو کشانده از تو خواهم به تابش‌های جمالت و به انوار ذات مقدست و زاری کنم به درگاهت برای
بِعَوَاطِفِ رَحْمَتِكَ، وَلَطَائِفِ بَرِّكَ، أَنْ تُحَقِّقَ ظَنِّي بِمَا أَوْمَلُهُ مِنْ
جلب عواطف مهترت و دقائق احسانت که حقیقت بخشی به گمانم در آنچه از تو آرزومندم از
جَزِيلِ إِكْرَامِكَ، وَجَمِيلِ إِعْصَامِكَ فِي الْقُرْبَى مِنْكَ، وَالزُّلْفَى لَدَيْكَ،
بخشش فراوان و احسان نیکو در مورد تقرب به تو و نزدیکی به حضرتت
وَالْتَمَتُّ بِالنَّظَرِ إِلَيْكَ، وَهَذَا أَنَا مُتَعَرِّضٌ لِفَحَاتِ رَوْحِكَ وَعَظْفِكَ،
و بهره‌مند شدن از تماشای جمالت و اینک من خود را در معرض نسیم جانبخش لطف و توجهت درآورده
وَمُنْتَجِعٌ غَيْثَ جُودِكَ وَلُطْفِكَ، فَأَرْؤُ مِنْ سَخَطِكَ إِلَى رِضَاكَ، هَارِبٌ
و خواهان باران جود و احسانت هستم و از خشم‌ت به سوی خوشنودیت گریخته و از خودت بدرگاه خودت فرار
کرده‌ام

مِنْكَ إِلَيْكَ، رَاجٍ أَحْسَنَ مَا لَدَيْكَ، مُعَوِّلٌ عَلَى مَوَاهِبِكَ، مُفْتَقِرٌ إِلَى
و امید بهترین چیزی را که نزد تو است دارم و بر بخشش‌های تو اعتماد و توکل کرده‌ام و نیازمند به سرپرستی
رِعَايَتِكَ، إِلَهِي مَا بَدَأْتَ بِهِ مِنْ فَضْلِكَ فَتَمِّمَهُ، وَمَا وَهَبْتَ لِي مِنْ
و نگهداری توام خدایا بدانچه از فضل خود درباره من دست زدی به پایانش رسان و آنچه از کرم‌ت بر من
كَرَمِكَ فَلَا تَسْلُبْهُ، وَمَا سَتَرْتَهُ عَلَيَّ بِحِلْمِكَ فَلَا تَهْتِكْهُ، وَمَا عَلِمْتَهُ
بخشیدی آن را از من مگیر و آنچه را به بردباری خویش بر من پوشانده‌ای آشکارش مکن و کارهای

مِنْ قَبِيحٍ فَعَلِي فَاعْفِرْهُ، إلهي اسْتَشْفَعْتُ بِكَ إِلَيْكَ، وَاسْتَجَرْتُ بِكَ
 زشتی را که من انجام داده‌ام برایم ببامرز خدایا خودت را به درگاهت شفیع آورم و از تو به خودت
 مِنْكَ، أَتَيْتُكَ طَامِعاً فِي إِحْسَانِكَ، رَاغِباً فِي امْتِنَانِكَ، مُسْتَسْقِياً وَابِلَ
 پناه برم به درگاهت آمده‌ام در حالی که آزمندم به احسانت مشتاقم به دریافت بخششت تشنه‌ام به باران رحمت
 طَوْلِكَ، مُسْتَمْطِراً غَمَامَ فَضْلِكَ، طَالِباً مَرْضَاتِكَ، قاصداً جَنَابِكَ،
 باران جویم از ابر فضل و احسانت جویای اسباب خشودیت هستم و عازم تشریف به آستانت گشته‌ام
 وَارِداً شَرِيعَةً رِفْدِكَ، مُلْتَمِساً سِنِي الْخَيْرَاتِ مِنْ عِنْدِكَ، وَافِداً إِلَى
 در جویبار عطایت وارد گشته و خواهشمندم بهترین نیکیهای تو هستم بار نیاز به درگاه
 حَضْرَةِ جَمَالِكَ، مُرِيداً وَجْهَكَ، طَارِقاً بِابِكَ، مُسْتَكِيناً لِعَظَمَتِكَ
 حضرت تو فرود آورده و ذات تو را خواهانم کوبنده‌ام در رحمت را و خوارم در برابر عظمت
 وَجَلَالِكَ، فَافْعَلْ بِي مَا أَمَرْتَ أَهْلُهُ مِنَ الْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ، وَلَا تَفْعَلْ بِي
 و جلالت پس انجام ده در باره‌ام آنچه را تو شایسته آنی از آمرزش و مهربانی و انجام مده درباره‌ام
 مَا أَنَا أَهْلُهُ مِنَ الْعَذَابِ وَالنَّقْمَةِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .
 آنچه را من سزاوار آنم از عذاب و انتقام به مهربانیت ای مهربانترین مهربانان

السَّادِسَةُ: «مُنَاجَاتُ الشَّاكِرِينَ»

ششم: مناجات سپاسگزاران

به نام خدای بخشاینده مهربان
 إلهي أَذْهَلَنِي عَنْ إِقَامَةِ شُكْرِكَ تَتَابِعُ طَوْلِكَ، وَأَعْجَزَنِي عَنْ
 خدایا بخشش پی در پی تو انجام دادن سپاسگزاری را از یاد من برد و ریزش فضل و احسانت مرا از
 إِحْصَاءِ ثَنَائِكَ فَيُضْضُ فَضْلَكَ، وَشَعَلَنِي عَنْ ذِكْرِ مَحَامِدِكَ تَرَادُفُ
 شمردن ثنا و ستایش عاجز کرد و پشت سر هم آمدن نیکیهای مرا از ذکر ستودنیهای بازداشت و پیایی
 عَوَائِدِكَ، وَأَعْيَانِي عَنْ نُشْرِ عَوَارِفِكَ تَوَالِي آيَادِكَ وَهَذَا مَقَامٌ مِّنْ
 رسیدن نعمتهای مرا از نشر دادن نیکیهای درمانده کرد و اینجا که من هستم جای کسی است که

اعْتَرَفَ بِسُبُوغِ النِّعْمَاءِ، وَقَابَلَهَا بِالتَّفْصِيرِ، وَشَهِدَ عَلَي نَفْسِهِ
اعتراف به وفور نعمتهای تو و در مقابل آنها به کوتاهی کردن خود دارد و به اهمال کاری و تلف کردن
بِالْإِهْمَالِ وَالتَّضْيِيعِ، وَأَتَتْ الرَّؤُفَ الرَّحِيمُ الْبَرُّ الْكَرِيمُ، الَّذِي لَا
عمر خویش گواهی دهد و تو ای خدای با عطوفت و مهربان و نیکوکار و بزرگواری که روآورندگان بسویت را نومید
يُحْيِي قاصِدِيهِ، وَلَا يَطْرُدُ عَنْ فَنَائِهِ إِمْلِيهِ، بِسَاحَتِكَ تَحُطُّ رِحَالُ
نسازي و آرزومندات را از درگاهت نرانی، امیدواران به آستانه تو بار امید خود را بیندازند
الرَّاجِينَ، وَبِعَرَصَتِكَ تَقِفُ أَمَالُ الْمُسْتَرْفِدِينَ، فَلَا تُقَابِلُ أَمَالَنَا
و آرزوهای عطاخواهان به میدان وسیع کرم تو توقف کنند پس ای خدا تو آرزوهای ما را
بِالتَّخْيِيبِ وَالْأَيَّاسِ، وَلَا تُلْبِسْنَا سِرْبَالَ الْقُنُوطِ وَالْإِبْلَاسِ، إلهي
با نومیدی و یأس روبرو مگردان و جامه ناامیدی و دل شکستگی بر ما میپوشان خدایا
تَصَاغَرَ عِنْدَ تَعَاظِمِ الْإِثْمِ شُكْرِي، وَتَضَّاءَلْ فِي جَنْبِ إِكْرَامِكَ إِيَّايَ
در برابر نعمتهای بزرگت سپاسگزاری من کوچک است و در جنب اکرام و بزرگواری تو ثنا و
تَنَائِي وَشُكْرِي، جَلَّلْتَنِي نِعْمَتِكَ مِنْ أَنْوَارِ الْإِيمَانِ حُلَاءً، وَضَرَبْتَ
ستایش من خُرد و ناقابل است نعمتهای تو زیورهای از انوار ایمان بر من پوشانده و ریزه کاریهای
عَلَي لَطَائِفِ بَرِّكَ مِنَ الْعِزِّ كِلَاءً، وَقَلَّدْتَنِي مِنْكَ فَلَانِدَا لَا تُحَلُّ،
نیکیست خیمه های از عزت بر سرم زده و احسانهای گردن بنده های به گردنم انداخته که باز نشود
و طَوْفَتَنِي أَطْوَاقًا لَا تُفَلُّ، فَالْإِثْمُ جَمَّةٌ ضَعُفَ لِسَانِي عَنْ إِحْصَائِهَا
و طوقه های بدن آویخته که نگسلد، نعمتهای بسیار تو زبان مرا از شمردنش ناتوان کرده
وَعَمَّاؤُكَ كَثِيرَةٌ قَصُرَ فَهْمِي عَنْ إِدْرَاكِهَا فَضْلًا عَنْ اسْتِقْصَائِهَا،
و بخششهای فراوانت خُرد و فهم مرا از ادراکش کوتاه کرده تا چه رسد به پی بردن به پایانش و با این
فَكَيْفَ لِي بِتَحْصِيلِ الشُّكْرِ، وَشُكْرِي إِيَّاكَ يَفْتَقِرُ إِلَى شُكْرٍ، فَكُلَّمَا
ترتیب من چگونه می توانم تو را سپاسگزاری کنم و همان سپاسگزاری من تازه احتیاج به سپاسگزاری دیگری دارد و
هرگاه
قُلْتُ لَكَ الْحَمْدُ، وَجَبَ عَلَيَّ لِذَلِكَ أَنْ أَقُولَ لَكَ الْحَمْدُ، إلهي فَكَمَا
بگویم ستایش مخصوص تو است برای همین جمله لازم است دوباره بگویم ستایش مخصوص تو است خدایا چنانچه

غَذَّيْتَنَا بِلُطْفِكَ، وَرَبَّيْتَنَا بِصُنْعِكَ، فَتَمِّمْ عَلَيْنَا سَوَابِغَ النِّعَمِ، وَادْفَعْ عَنَّا

به لطف خویش ما را خوراک دادی و به پرورش خود پروریدی پس نعمتهای فراوانت را بر ما کامل کن و ناگواریهای

مَکَارِهِ النِّعَمِ، وَآتِنَا مِنْ حُطُوطِ الدَّارَيْنِ أَرْفَعَهَا وَأَجَلَّهَا، عَاجِلًا وَآجِلًا، وَلَكَ

سخت و بد را از ما دور کن و عطا کن به ما از بهره‌های دو جهان برتر و بهترش را چه اکنون و چه در آینده

الْحَمْدُ عَلَي حُسْنِ بِلَاتِكَ وَسُبُوحُ نِعْمَاتِكَ، حَمْدًا يُوَافِقُ رِضَاكَ، وَيَمْتَرِي

و ستایش تو را است برای آزمایش نیکویت و نعمتهای فراوانت ستایشی که برابر خوشنودیت باشد

الْعَظِيمِ مِنْ بَرِّكَ وَتَدَاكَ، يَا عَظِيمُ يَا كَرِيمُ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

و احسان و بخشش بزرگ تو را به سویی ما جلب کند ای بزرگ و ای بزرگوار به رحمت ای مهربانترین مهربانان

السَّابِغَةُ: «مُنَاجَاتُ الْمُطِيعِينَ لِلَّهِ»

هفتم: مناجات فرمانبرداران خدا

به نام خدای بخشاینده مهربان

اَللّٰهُمَّ اَلْهِمَّنَا طَاعَتَكَ، وَجَبِّبْنَا مَعْصِيَتَكَ، وَيَسِّرْ لَنَا بُلُوغَ مَا نَتَمَنَّى مِنْ

خدایا طاعتت را بر ما الهام کن و از نافرمانیت ما را دور کن و آسان کن بر ما راه رسیدن بدانچه

اِبْتِغَاءَ رِضْوَانِكَ، وَاحْلِلْنَا بُحْبُوحَةَ جَنَّاتِكَ، وَاقْشَعِرْ عَنْ بَصَائِرِنَا

آرزومندیم از تحصیل آنچه موجب خوشنودی تو است و ما را در وسط بهشتهای جای ده و پراکنده ساز از پیش

دیدگان ما

سَحَابِ الْأَرْتِيَابِ، وَاکْشِفْ عَنْ قُلُوبِنَا أَغْشِيَةَ الْمَرِيَةِ وَالْحِجَابِ،

ابرهای شک و شبهه را و بردار از دلهای ما پرده‌های تردید و تاریکی را

وَأَزْهِقِ الْبَاطِلَ عَنْ ضَمَائِرِنَا، وَأَثْبِتِ الْحَقَّ فِي سَرَائِرِنَا، فَإِنَّ

و دور کن باطل را از نهاد ما و پابرجا کن حق را در درون ما زیرا این

الشُّكُوكُ وَالظُّنُونُ لَوَاقِحُ الْفِتَنِ، وَمُكَدَّرَةٌ لِّصَفْوِ الْمَنَاحِبِ وَالْمَنَنِ،

شک و تردیدها و گمانها فتنه‌انگیز و تیره کننده عطاها و بخششهای زلال و صافی است خدایا

اَللّٰهُمَّ اَحْمِلْنَا فِي سَفْنِ نَجَاتِكَ، وَمَتَّعْنَا بِلَذِيذِ مُنَاجَاتِكَ، وَأَوْرِدْنَا

خدایا ما را در کشتی‌های نجات جایی ده و از لذت مناجات بهره‌مند ساز و ما را بر لب دریاچه‌های
حیاضِ حُبِّک، وَاَذْقِنَا حَلَاوَةَ وُدِّکَ وَ قُرْبِکَ، وَاَجْعَلْ جِهَادَنَا فِیْکَ، و
محبت وارد کن و شیرینی دوستی و مقام قربت را به ما بچشان و جهد و کوشش ما را در راه خودت و
هَمَّنَا فِی طَاعَتِکَ، وَاَخْلَصْ نِیَّاتِنَا فِی مُعَامَلَتِکَ، فَاِنَّا بِکَ وَ لَکَ، وَا
همت‌مان را در طاعت خودت قرار ده و نیت‌های ما را در مورد کارهایی که برای انجام دهیم خالص گردان زیرا ما با تو
و

وَسِیْلَةً لَّنَا اِلَیْکَ اِلَّا اَنْتَ، اِلهِی اِجْعَلْنِی مِنَ الْمُصْطَفَیْنَ الْاَخِیَارِ
از آن توئیم و وسیله‌ای به درگاهت نداریم جز خودت خدایا مرا از برگزیدگان نیکوکار قرارم ده
وَالْحَقِّقْ بِالصَّالِحِیْنَ الْاَبْرَارِ، السَّابِقِیْنَ اِلَى الْمَكْرُمَاتِ، الْمُسَارِعِیْنَ
و به شایستگان نیک رفتارم ملحق کن آنان که به کارهای نیک پیشی جسته و به سویی خیرات
اِلَى الْخِیْرَاتِ، الْعَامِلِیْنَ لِلْبَاقِیَاتِ الصَّالِحَاتِ، السَّاعِیْنَ اِلَى رَفِیْعِ الدَّرَجَاتِ
شتابان بوده و برای باقیات صالحات کار می‌کنند و به رسیدن به درجات عالی و بلند کوشایند که براسستی
اِنَّکَ عَلِی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ وَاِلَّا جَابَةِ جَدِیْرٌ، بِرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ .
تو بر هر چیز توانایی و به اجابت خواسته‌ام سزاوار به رحمت ای مهربانترین مهربانان
الثَّامِنَةُ: «مُنَاجَاتُ الْمُریدِیْنَ»
هشتم: مناجات اهل ارادت

به نام خدای بخشاینده مهربان
سُبْحَانَکَ مَا اَضِیْقُ الطُّرُقَ عَلِی مَنْ لَمْ تَکُنْ دَلِیْلَهُ، وَمَا اَوْضَحَ الْحَقَّ
منزهی تو! چه اندازه تنگ است راهها بر کسی که تو آش رهنمون نباشی و چه اندازه حقیقت روشن است
عِنْدَ مَنْ هَدِیْتَهُ سَبِیْلَهُ، اِلهِی فَاسْأَلْکَ بِنَا سُبُلَ الْوُصُولِ اِلَیْکَ، وَ سَبِیْرُنَا
برای کسیکه تو راهش را نشان دادی خدایا پس ما را به راههای رسیدن به درگاهت بدار و از
فِی اقْرَبِ الطُّرُقِ لِلْوُفُودِ عَلَیْکَ، قَرِّبْ عَلَیْنَا الْبَعِیْدَ، وَ سَهِّلْ عَلَیْنَا
نزدیکترین راهی که به تو رسند ما را بر دور را بر ما نزدیک گردان و راههای سخت و

الْعَسِيرَ الشَّدِيدَ، وَالْحَقْنَ بِعِبَادِكَ الَّذِينَ هُمْ بِالْبِدَارِ إِلَيْكَ يُسَارِعُونَ،
و دشوار را بر ما آسان و هموار ساز و ملحقمان دار به آن بندگان که در پیشی گرفتن به سویت شتاب کنند
وَبَابِكَ عَلَيَّ الدَّوَامَ يَطْرُقُونَ، وَإِيَّاكَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ يَعْبُدُونَ، وَهُمْ
و یکسره بطور مداوم در خانهات را می‌کوبند و در شب و روز تو را پرستش کنند و آنها
مِنْ هَيْبَتِكَ مُشْفِقُونَ، الَّذِينَ صَفَّيْتَ لَهُمُ الْمَشَارِبَ، وَبَلَّغْتَهُمْ
از هیبت ترسانند آنانکه آبخورشان را پاک کردی و بخواسته‌هایشان رسانیدی
الرَّغَائِبَ، وَأَنْجَحْتَ لَهُمُ الْمَطَالِبَ، وَقَضَيْتَ لَهُمْ مِنْ فَضْلِكَ الْمَأْرَبَ،
و به دادن آنچه جویایش بودند کامرواشان ساختی و حاجت‌هایشان را از فضل خویش برآوردی
وَمَلَأْتَ لَهُمْ ضَمَائِرَهُمْ مِنْ حُبِّكَ، وَرَوَّيْتَهُمْ مِنْ صَافِي شَرِبِكَ، فَبِكَ
و دل‌هایشان را سرشار از دوستی خویش کردی و از آب زلال معرفت سیرایشان کردی پس بوسیله
إِلَى لَذِيذِ مُنَاجَاتِكَ وَصَلُوا، وَمِنْكَ أَقْصَى مَقَاصِدِهِمْ حَصُلُوا، فَيَا مَنْ
تو به لذت مناجات نائل گشتند و از ناحیه تو بالاترین مقاصدشان را بدست آوردند پس ای
هُوَ عَلَيَّ الْمُقْبِلِينَ عَلَيْهِ مُقْبِلٌ، وَبِالْعَطْفِ عَلَيْهِمْ عَائِدٌ مُفْضِلٌ،
کسی که بر آنانکه به سویش رو کنند رو آوری و با توجه بدانها مهرورزی و نعمت بخشی و ای آنکه نسبت به
وَبِالْغَافِلِينَ عَنْ ذِكْرِهِ رَحِيمٌ رَوْفٌ، وَبِجَذْبِهِمْ إِلَى بَابِهِ وَدُودٌ عَطُوفٌ،
بی‌خبران و غافلان از ذکر خود رحیم و مهربانی و با جلب آنان به درگاهت دوستدار و مهرورزی از تو
أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِنْ أَوْفَرِهِمْ مِنْكَ حَظًّا، وَأَعْلَاهُمْ عِنْدَكَ مَثَرًا،
خواهم از کسانی قرارم دهی که بهره بیشتری از تو دریافت داشته و مرتبه والاتری را حائز گشته
وَأَجْزَلِهِمْ مِنْ وَدِّكَ قِسْمًا، وَأَفْضَلِهِمْ فِي مَعْرِفَتِكَ نَصِيبًا، فَقَدْ انْقَطَعَتْ
و از دوستیت نصیب بیشتری عایدش شده و در معرفت سهم زیادتري بهره‌اش داده‌اند زیرا که توجه من از همه جا
إِلَيْكَ هَمَّتِي، وَأَنْصَرَفَتْ نَحْوُكَ رَغْبَتِي، فَأَنْتَ لَا غَيْرُكَ مُرَادِي، وَلَكَ
بسوی تو منقطع شده و آرزویم به جانب تو گشته است پس مراد من تنها تویی نه دیگری
لَا لِسِوَاكَ سَهْرِي وَسَهَارِي، وَلِقَاؤُكَ قُرَّةُ عَيْنِي، وَوَصْلُكَ مَنِي
و شب‌زنده‌داری و بی‌خوابی فقط بخاطر تو است نه غیر تو و دیدارت نور چشم من است و وصل تو
نَفْسِي، وَإِلَيْكَ شَوْقِي، وَفِي مَحَبَّتِكَ وَلَهْيِي، وَإِلَى هَوَاكَ صَبَاتِي،

آرزوي جان من و بسوي تو است اشتياقم و در وادي محبت تو سرگشته‌ام، و در هواي تو است دلدادگيم

وَرِضَاكَ بُعِثْتُ، وَرَوْيَتَكَ حَاجَتِي، وَجَوَارِكَ طَلَبِي، وَفُرْجِكَ غَايَةً

و خوشنودي تو است مقصودم و دیدار تو است حاجت من و نعمت جوارت مطلوب من است نزدیکی و قرب به تو
منتهاي

سُؤْلِي، وَفِي مُنَاجَاةِكَ رَوْحِي وَرَاحَتِي، وَعِنْدَكَ دَوَاءُ عَلَّتِي، وَشِفَاءُ

خواسته من است و در مناجات با تو است خوشي و راحتيم و پيش تو است داروي دردم و شفای

غُلَّتِي، وَبَرْدُ لَوْعَتِي، وَكَشْفُ كُرْبَتِي، فَكُنْ أُنَيْسِي فِي وَحْشَتِي، وَمُقِيلَ

جگر سوخته‌ام و تسکین حرارت دلم و برطرف شدن دشواریم پس ای خدا بوده باش تو انیس و همدم در حال وحشتم
و گذرنده

عَثْرَتِي، وَغَافِرَ زَلَّتِي، وَقَابِلَ تَوْبَتِي، وَمُجِيبَ دَعْوَتِي، وَوَلِيَّ

از لغزشم و آمرزنده گناه‌م و پذیرنده توبه‌ام و اجابت کننده دعايم و سرپرست

عِصْمَتِي وَمُعْنِي فَاقَتِي، وَلَا تَقْطَعْ عَنكَ، وَلَا تُبْعِدْنِي مِنْكَ، يَا

نگهداريم و توانگري ده از نداريم و مرا از خویش جدايم مکن و از درگاهت دورم منما ای

نَعِيمِي وَجَنَّتِي، يَا دُثْيَايَ وَآخِرَتِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

تو نعيم و جنت من و ای دنیا و آخرتم ای مهربانترين مهربانان

التاسعة: «مناجات المحبين»

نهم: مناجات دوستان

به نام خدای بخشاينده مهربان

إِلَهِی مَنْ ذَا الَّذِي ذَاقَ حَلَاوَةَ مَحَبَّتِكَ فَرَامَ مِنْكَ بَدَلًا، وَمَنْ ذَا الَّذِي

خدایا نیست که شیرینی محبت تو را چشیده باشد و جز تو آهنگ دیگری را بکند و کیست که به مقام

أَنْسَ بِقُرْبِكَ فَأَبْتَغِي عَنْكَ حَوْلًا، إِلَهِی فَاجْعَلْنَا مِنْ أَصْطَفِيَّتِهِ

قرب تو انس گرفته باشد و درصدد روگرداندن از تو باشد خدایا قرار ده ما را از زمره کسانی که

لِقُرْبِكَ وَلَوْلَا يَنَّا، وَأَخْلَصَتْهُ لُودُوكَ وَمَحَبَّتِكَ، وَشَوْقُهُ إِلَى لِقَائِكَ،

برای قرب و دوستیت برگزیده‌ای و برای عشق و محبتت خالصش گردانده و به دیدارت شائقش کرده و به قضا

وَرَضِيَّتُهُ بِقَضَائِكَ، وَمَنْحَتُهُ بِالنَّظَرِ إِلَى وَجْهِكَ، وَحَبْوَتُهُ بِرِضَاكَ،

و قدرت راضیش ساخته و به دیدن رویت به او نعمت بخشیده و به خوشنودی خویش مخصوصش گردانده

وَأَعَدَّتُهُ مِنْ هَجْرِكَ وَقِلَاقٍ، وَبَوَّأَتْهُ مَقْعَدَ الصِّدْقِ فِي جِوَارِكَ،

و از غم هجران و فراق پناهِش داده و در جایگاه راستی در جوار خویش جاییش داده و

وَحَصَصَتْهُ بِمَعْرِفَتِكَ، وَأَهْلَّتُهُ لِعِبَادَتِكَ، وَهَيَّيْتَ قَلْبَهُ لِإِرَادَتِكَ،

به معرفت خویش مخصوصش کرده و برای پرستش و عبادت او را لایق کردی و در ارادت خویش دل شیدایش کردی

وَأَجَبْتَهُ لِمُشَاهَدَتِكَ، وَأَخْلَيْتَ وَجْهَهُ لَكَ، وَفَرَّغْتَ فُؤَادَهُ لِحُبِّكَ،

و برای مشاهده جمالت انتخابش کردی و رویش را برای خودت از اغیار خالی کردی و دلش را برای محبت خویش

فارغ کردی

وَرَغَّبْتَهُ فِيمَا عِنْدَكَ، وَالْأَهَمَّتَهُ ذِكْرَكَ، وَأَوْزَعْتَهُ شُكْرَكَ، وَشَعَّلْتَهُ

و تنها بدانچه نزد تو است راغبش کردی و ذکر خویش را بدو الهام کردی و سپاسگزاری را بدون نصیب کردی

بِطَاعَتِكَ وَصَبَّرْتَهُ مِنْ صَالِحِي بَرِيَّتِكَ، وَاخْتَرْتَهُ لِمُنَاجَاتِكَ،

و به طاعت خود سرگرمش ساختی و او را از بندگان شایستهات گردانیدی و برای مناجات خویش انتخابش کردی

وَقَطَعْتَ عَنْهُ كُلَّشَيْءٍ يَفْطَعُهُ عَنْكَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنْ دَابَّهِمْ

و بریدی از او هر چه را که موجب بریدنش از تو گردد خدایا قرار ده ما را از کسانی که شیوهشان در زندگی

الْإِرْتِيَا حُ إِلَيْكَ وَالْحَنِينُ، وَدَهْرُهُمُ الزُّفْرَةُ وَالْأَنِينُ، جِبَاهُهُمْ سَاجِدَةٌ

شادمانی با تو و زاری به درگاه تو است و روزگارشان آه و ناله است پیشانیهایشان در برابر عظمتت به خاک

لِعِظَمَتِكَ، وَعَبُودُهُمْ سَاهِرَةٌ فِي خِدْمَتِكَ، وَدُمُوعُهُمْ سَائِلَةٌ مِنْ

افتاده و از دیدگانیشان در خدمتت یکسره بیدار است و سرشکشان از

خَشْيَتِكَ، وَقُلُوبُهُمْ مُتَعَلِّقَةٌ بِمَحَبَّتِكَ، وَأَفْنِدَتْهُمْ مُنْخَلَعَةٌ مِنْ مَهَابَتِكَ،

ترس تو ریزان و دلهایشان به محبتت آویزان و قلبهایشان از هیبتت از جا کنده شده است

يَا مَنْ أَنْوَارُ قُدْسِهِ لَأَبْصَارِ مُحِبِّهِ رَاقِفَةٌ، وَسُبُحَاتُ وَجْهِهِ لِقُلُوبِ

ای که انوار قدسش برای دیدگان دوستانش در کمال درخشندگی است و پرتوافکنیهای جمالش برای قلوب

عَارِفِيهِ شَائِفَةٌ، يَا مَنْ قُلُوبِ الْمُشْتَاقِينَ يَا غَايَةَ آمَالِ الْمُحِبِّينَ،

عارفان زداینده (چرکیها) است ای آرمان دل مشتاقان و ای منتهای آرزوی دوستان

أَسْأَلُكَ حُبَّكَ وَحُبَّ مَنْ يُحِبُّكَ وَحُبَّ كُلِّ عَمَلٍ يُوصِلُنِي إِلَى قُرْبِكَ،

از تو خواهم دوستی خودت و دوستی دوستدارانت و دوستی هر عملی که مرا به قرب تو واصل گرداند

وَأَنْ تَجْعَلَكَ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا سِوَاكَ، وَأَنْ تَجْعَلَ حُبِّي إِلَيْكَ قَائِداً إِلَى

و تو را در پیش من محبوبتر از ماسوای تو قرار دهد و از تو خواهم که دوستیم را نسبت به تو جلودارم قرار دهی تا

رِضْوَانِكَ، وَشَوْفِي إِلَيْكَ ذَائِداً عَنْ عَصِيَانِكَ، وَأَمُتْنُ بِاللَّظَرِ إِلَيْكَ

مرا به رضوانت بکشاند و اشتیاقم را به سویت چنان کنی که بازدارنده از نافرمانیت باشد و بر من منت نه به اینکه بر من

توجهی

عَلَيَّ، وَأَنْظُرُ بَعَيْنِ الْوُدِّ وَالْعَطْفِ إِلَيْ، وَلَا تَصْرِفْ عَنِّي وَجْهَكَ،

فرمای و با دیده دوستی و عطوفت بر من بنگری و رو از من مگردانی

وَأَجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ السَّعَادَةِ وَالْحِظْوَةِ عِنْدَكَ، يَا مُجِيبُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

و مرا از جمله سعادتمندان و بهره‌مندان نزد خود قرار دهی ای پاسخ دهنده ای مهربانترین مهربانان

الْعَاشِرَةِ: «مُنَاجَاتُ الْمُتَوَسِّلِينَ»

دهم: مناجات توسل جویان

به نام خدای بخشاینده مهربان

إِلَهِی لَيْسَ لِي وَسِيلَةٌ إِلَيْكَ إِلَّا عَوَاطِفُ رَأْفَتِكَ، وَلَا لِي ذَرِيعَةٌ

خدایا وسیله‌ای به درگاهت ندارم جز عواطف مهرت و به سویت دست‌آویزی ندارم

إِلَيْكَ إِلَّا عَوَافِرُ رَحْمَتِكَ، وَشَفَاعَةُ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ، وَمُنْقَذِ الْأُمَّةِ

جز آنچه معروف است از رحمتت و شفاعت پیامبرت پیامبر رحمت و نجات ده امت

مِنَ الْأُمَّةِ، فَاجْعَلْهُمَا لِي سَبَباً إِلَى نَيْلِ غُفْرَانِكَ وَصَيْرُهُمَا لِي وَصْلَةً

از غم و اندوه پس ای خدا همان دو را وسیله رسیدنم به آمرزشت قرار ده و سببی برای رسیدنم

إِلَى الْفَوْزِ بِرِضْوَانِكَ، وَقَدْ حَلَّ رَجَائِي بِحَرَمِ كَرَمِكَ وَحَطَّ طَمَعِي

به سعادت خوشنودیت گردان زیرا که بار امیدم در حریم کرم‌ت فرود آمده و مرکب طمعم به

بِفَنَاءِ جُودِكَ، فَحَقِّقْ فِيكَ أَمَلِي، وَاخْتِمِ بِالْخَيْرِ عَمَلِي، وَاجْعَلْنِي مِنْ

آستانه جود تو زانو زده پس ای خدا به آرزوی من جامه عمل پوشان و پایان کارم را بخیر گردان و

صَفْوَتِكَ الَّذِينَ أَحْلَلْتَهُمْ بُحْبُوحَةَ جَنَّاتِكَ، وَبَوَّأْتَهُمْ دَارَ كَرَامَتِكَ،

در زمرة آن دسته از برگزیدگان قرارم ده که در وسط بهشت فرودشان آوردی و در خانه بزرگواری خویش جاشان دادی

وَأَقَرَّرْتَ أَعْيُنَهُمْ بِالنَّظَرِ إِلَيْكَ يَوْمَ لِقَائِكَ، وَأَوْرَثْتَهُمْ مَنَازِلَ الصَّدَقِ

و دیده آنها را در روز دیدار به همان نظر کردنشان بسویت روشن کردی و جایگاههای راستی را در جوار خویش بدیشان

فِي جَوَارِكَ، يَا مَنْ لَا يَفِدُّ الْوَافِدُونَ عَلَيَّ أَكْرَمَ مِنْهُ، وَلَا يَجِدُّ الْقَاصِدُونَ

سپردی ای که واردین بر کریمتر از او وارد نشوند و قاصدان مهربانتر
أَرْحَمَ مِنْهُ، يَا خَيْرَ مَنْ خَلَا بِهِ وَحِيدٌ، وَيَا أَعْظَفَ مَنْ أَوَى إِلَيْهِ طَرِيدٌ
از او نیابند ای بهترین کسی که شخص در تنهایی با او خلوت کند و ای مهربانترین کسی که شخص آواره به درگاهش
إِلَى سَعَةِ عَفْوِكَ مَدَدْتُ يَدِي، وَبَذِلُ كَرَمِكَ أَعْلَقْتُ كَفِّي، فَلَا تُؤَلِّني الْحَرَمَانِ

جا و مسکن گیرد به سویی عفو وسیعت دست (نیاز) دراز کرده و به ذیل کرم تو چنگ (حاجت) انداخته ام پس مرا محروم

وَلَا تُبَلِّني بِالْخَيْبَةِ وَالْخُسْرَانِ، يَا سَمِيعَ الدُّعَاءِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

برمگردان و به زیان و خسران دچارم مساز ای شنوای دعا ای مهربانترین مهربانان

الحادي عشر: «مناجات المفتقرين»

یازدهم: مناجات نیازمندان

به نام خدای بخشاینده مهربان

إِلَهِي كَسْرِي لَا يَجْبُرُهُ إِلَّا لُطْفُكَ وَحَنَائِكَ، وَفَقْرِي لَا يُغْنِيهِ إِلَّا

خدایا شکست مرا جز لطف و مهر تو چیزی جبران نکند و نداریم را جز

عَطْفُكَ وَإِحْسَانُكَ، وَرَوْعَتِي لَا يُسَكِّنُنِي إِلَّا أَمَانُكَ، وَذَلَّتِي لَا يُعِزُّهَا

توجه و احسان تو برطرف نسازد و هراس و وحشتم را جز امان تو آرام نکند و خواریم را جز

إِلَّا سُلْطَانُكَ، وَأُمْنِيَّتِي لَا يُبَلِّغُنِيهَا إِلَّا فَضْلُكَ، وَخَلَّتِي لَا يَسُدُّهَا إِلَّا

سلطنت تو به عزت مبدل نسازد و جز فضل تو چیزی مرا به آرزویم نرساند و فقر و احتیاجم را جز احسان تو

طَوْلُكَ، وَحَاجَتِي لَا يَفْضِيهَا غَيْرُكَ، وَكَرْبِي لَا يُفْرِجُهُ سِوِي رَحْمَتِكَ،
پر نکند و حاجتم را جز تو برنیاورد و گره از گرفتاریم جز رحمت تو نگشاید و درماندگیم را
وَضَرِّي لَا يَكْشِفُهُ غَيْرُ رَأْفَتِكَ، وَغَلَّتِي لَا يُبْرِدُّهَا إِلَّا وَصْلُكَ،
جز مهر تو برطرف نکند و سوز دلم را جز وصل تو فرو ننشاند
وَلَوْعَتِي لَا يُطْفِئُهَا إِلَّا لِقَاؤُكَ، وَشَوْقِي إِلَيْكَ لَا يَبُلِّغُنِي إِلَّا النَّظَرُ إِلَى
و شعله درونم را جز لقاء تو خاموش نسازد و بر آتش اشتیاقم جز نظر به جلوه‌ات چیزی آب
وَجْهِكَ، وَقَرَارِي لَا يَقَرُّدُون دُؤْيِي مِنْكَ وَلَهْفَتِي لَا يَرُدُّهَا إِلَّا
نریزد و قراری ندارم جز در نزدیکی تو و حسرت و افسوسم را جز نسیم جانبخش رحمت باز مگرداند
رَوْحُكَ، وَسَقَمِي لَا يَشْفِيهِ إِلَّا طِبُّكَ، وَغَمِّي لَا يُزِيلُهُ إِلَّا قُرْبُكَ،
و دردم را جز طبابت تو درمان نکند و اندوهم را جز قرب تو نزدايد
وَجُرْحِي لَا يُبْرِئُهُ إِلَّا صَفْحُكَ، وَرَيْنُ قَلْبِي لَا يَجْلُوهُ إِلَّا عَفْوُكَ،
و زخمم را جز گذشت تو التیام نبخشد و زنگ دلم را جز عفو تو پاک نکند و اندیشه‌های
وَوَسْوَاسُ صَدْرِي لَا يُزِيحُهُ إِلَّا أَمْرُكَ فَيَا مُنْتَهَى أَمَلِ الْأَمَلِينَ، وَيَا
باطل درونم را جز فرمان تو برطرف نکند پس ای منتها آرزوی آرزومندان و ای سرحد
غَايَةِ سُؤْلِ السَّائِلِينَ، وَيَا أَقْصَى طَلِبَةِ الطَّالِبِينَ، وَيَا أَعْلَى رَغْبَةِ
نهایی خواسته درخواست‌کنندگان و ای آخرین مرحله مطلوب طلب‌کنندگان و ای بالاترین خواهش
الرَّاعِغِينَ، وَيَا وَلِيَّ الصَّالِحِينَ وَيَا أَمَانَ الْخَائِفِينَ، وَيَا مُجِيبَ دَعْوَةِ
خواهشمندان و ای سرپرست شایستگان و ای امان بخش ترسناکان و ای اجابت‌کننده دعای
الْمُضْطَرِّينَ، وَيَا ذُخْرَ الْمُعْدِمِينَ، وَيَا كَنْزَ الْبَائِسِينَ، وَيَا غِيَاثَ
درماندگان و ای ذخیره‌داران و ای گنج مستمندان و ای فریادرس
الْمُسْتَغِيثِينَ، وَيَا قَاضِي حَوَائِجِ الْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ، وَيَا أَكْرَمَ
فریادخواهان و ای برآورنده حاجات فقیران و بیچارگان و ای بزرگوارترین
الْأَكْرَمِينَ، وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، لَكَ تَخَضُّعِي وَسُؤَالِي، وَإِلَيْكَ
بزرگواران و ای مهربانترین مهربانان به درگاه تو است فروتنی و خواسته‌ام و به سوی
تَضَرُّعِي وَإِتِّهَالِي، أَسْأَلُكَ أَنْ تُثَبِّلَنِي مِنْ رَوْحِ رِضْوَانِكَ، وَتُدِيمَ

تو است زاري و ناله‌ام از تو خواهم که مرا به نسیم جانبخش خوشنودیت برسانی و نعمتهایی را که
عَلَيَّ نِعَمٌ اَمْتِنَانِكَ وَهَا اَنَا بِبَابِ كَرَمِكَ واقفٌ، وَلِتَفَحَاتِ بِرِّكَ
از روی امتنان به من دادی ادامه دهی و من هم اکنون به در خانه کرمت ایستاده و خود را در معرض
مُتَعَرِّضٌ، وَبِحَبْلِكَ الشَّدِيدِ مُعْتَصِمٌ، وَبِعُرْوَتِكَ الْوُثْقَى مُتَمَسِّكٌ، اِلهِي اَرْحَمْ
وزش نسیمهای رحمت قرار داده و به رشته محکمت چسبیده و به دستاویز محکمت چنگ زده‌ام خدایا ترحم
عَبْدَكَ الذَّلِيلَ، ذَا اللِّسَانِ الْكَلِيلِ وَالْعَمَلِ الْقَلِيلِ، وَامْنُنْ عَلَيْهِ بِطَوْلِكَ
کن به این بنده ذلیل که زبانش کُند و عملش اندک است و بر او بوسیله احسان
الْجَزِيلِ، وَاکْنُفْهُ تَحْتَ ظِلِّكَ الظَّلِيلِ يَا كَرِيمُ يَا جَمِيلُ، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
فراوانت منت بنه و او را در زیر سایه پایداریت بپر ای بزرگوار ای زیبابخش ای مهربانترین مهربانان
الثَّانِيَةِ عَشَرَ: «مُنَاجَاتُ الْعَارِفِينَ»
دوازدهم: مناجات عارفان

به نام خدای بخشاینده مهربان
اِلهِي قَصُرَتْ اَللُّسُنُ عَنْ بُلُوغِ ثَنَائِكَ كَمَا يَلِيْقُ بِجَلَالِكَ، وَعَجَزَتْ
خدایا زبانها قاصر است از رسیدن به ثنای تو آنطور که شایسته جلال تو است و عقلها
الْعُقُولُ عَنْ ادْرَاكِ كُنْهِ جَمَالِكَ، وَانْحَسَرَتْ الْاَبْصَارُ دُونَ النَّظَرِ اِلَى
عاجز است از ادراک کنه جمالت و دیده‌ها تار و بی‌فروغ ماند از نظر کردن به سوی انوار
سُبُحَاتِ وَجْهِكَ، وَلَمْ تَجْعَلْ لِلْخَلْقِ طَرِيقًا اِلَى مَعْرِفَتِكَ اِلَّا بِالْعَجْزِ
ذات و قرار ندادی برای خلق خود راهی به سوی شناسائیت جز به اظهار عجز
عَنْ مَعْرِفَتِكَ، اِلهِي فَاجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ تَرَسَّخَتْ اَشْجَارُ الشَّوْقِ
از شناسائیت خدایا پس ما را از کسانی قرار ده که درختهای شوق
اِلَيْكَ فِي حَدَائِقِ صُدُورِهِمْ، وَاخَذَتْ لَوْعَةُ مَحَبَّتِكَ بِمَجَامِعِ قُلُوبِهِمْ،
بسوی تو در بوستانهای سینه‌شان ریشه محکم کرده و سوز محبت سراسر دلشان را فراگرفته
فَهَمُّ اِلَى اَوْكَارِ الْاَفْكَارِ يَأْوُونَ، وَفِي رِيَاضِ الْقُرْبِ وَالْمُكَاشَفَةِ

پس آنها به آشیانه‌های اندیشه‌ها جای گیرند و در چمنزارهای قرب به تو و مکاشفه
يَبْتَغُونَ، وَمِنْ حِيَاضِ الْمَحَبَّةِ بِكَاسِ الْمَلَأَاطَةِ يَكْرَعُونَ، وَشَرَائِعَ
می‌چرند و از حوضهای محبت به جام ملاطفت (آب حیات) بنوشند و در کنار نهرهای
الْمُصَافَاتِ يَرِدُونَ، قَدْ كُشِفَ الْغَطَاءُ عَنْ أَبْصَارِهِمْ، وَانْجَلَتْ ظُلُمَةُ
صفا وارد گشته‌اند در حالی که پرده از پیش دیدگان‌شان برداشته شده و تاریکی شبهه و
الرَّيْبِ عَنْ عَقَائِدِهِمْ وَضُمَائِهِمْ، وَانْتَفَتِ مُخَالَجَةُ الشَّكِّ عَنْ
تردید از صفحه عقاید و نهادشان زائل گشته و یکسره خلجان شک و ریب از
قُلُوبِهِمْ وَسَرَائِرِهِمْ، وَانْشَرَحَتْ بِتَحْقِيقِ الْمَعْرِفَةِ صُدُورُهُمْ، وَعَلَتْ
دلها و درونشان بیرون رفته و دریچه‌های سینه‌شان بواسطه استوار شدن معرفت بازگشته و همت‌هاشان
لِسَبْقِ السَّعَادَةِ فِي الزَّهَادَةِ هَمَّهُمْ، وَعَذَبَ فِي مَعِينِ الْمُعَامَلَةِ
برای پیشی گرفتن در خوشبختی در اثر پارسایی بلند گردیده و نوشیدنی‌هاشان در چشمه کردار
شَرِّهِمْ، وَطَابَ فِي مَجْلِسِ الْأُنْسِ سِرُّهُمْ، وَأَمِنَ فِي مَوْطِنِ الْمَخَافَةِ
شیرین و گوارا شده و درونشان در محفل انس با تو پاکیزه گشته و راهشان در جاهای هولناک
سِرِّهِمْ، وَأَطْمَأَنَّتِ بِالرُّجُوعِ إِلَى رَبِّ الْأَرْبَابِ أَنْفُسُهُمْ، وَتَيَقَّنَتْ
امن گشته و جانهای ایشان در بازگشت بسوی رب الارباب مطمئن گردیده و روانشان
بِالْفَوْزِ وَالْفَلَاحِ أَرْوَاهُكُمْ، وَقَرَّتْ بِالنَّظَرِ إِلَى مَحْبُوبِهِمْ أَعْيُنُهُمْ،
به فیروزی و رستگاری یقین پیدا کرده و دیدگان‌شان به واسطه دیدار محبوب روشن گشته
وَاسْتَقَرَّ بِإِذْرَاكِ السُّؤْلِ وَبَيْلِ الْمَأْمُولِ قَرَارُهُمْ، وَرَبِحَتْ فِي بَيْعِ
و به واسطه رسیدن به مقصود و نائل شدن به آرزوهای خویش قراری یافته و سوداگری ایشان بواسطه فروختن
الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ تِجَارَتُهُمْ، إِلَهِي مَا أَلَذَّ حَوَاطِرَ الْإِلَهَامِ بِذِكْرِكَ عَلَيَّ
دنیا به آخرت کاملاً سودمند گشته است خدایا چه اندازه لذیذ است یاد تو در دلها که بوسیله الهام خطور کند
الْقُلُوبِ، وَمَا أَحْلَى الْمَسِيرَ إِلَيْكَ بِالْأَوْهَامِ فِي مَسَالِكِ الْغُيُوبِ، وَمَا
و چقدر شیرین است سیر بسوی تو با مرکب اندیشه‌ها که در راههای غیب صورت می‌گیرد و چقدر
أَطْيَبَ طَعْمَ حُبِّكَ، وَمَا أَغْدَبَ شَرِبَ قُرْبِكَ، فَأَعْدْنَا مِنْ طَرْدِكَ وَإِبْعَادِكَ، وَاجْعَلْنَا
گوارا است طعم دوستی تو و چه شیرین است شربت قرب تو پس ای خدا ما را از راندن و دور کردن پناه ده

مِنْ أَحْصَ عَارِفِكَ، وَأَصْلَحَ عِبَادِكَ، وَأَصْدَقَ طَائِعِكَ، وَأَخْلَصَ عِبَادَكَ،
و قرارمان ده از مخصوص ترین عارفان و از شایسته ترین بندگان و راستگوترین فرمانبرداران و خالص ترین
یا عَظِيمُ یا جَلِيلُ، یا کَرِيمُ یا مُنِيلُ، بِرَحْمَتِكَ وَمَنَّكَ یا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .
پرستش کنندگان ای عظیم ای با جلالت ای بزرگوار ای عطابخش به رحمت و احسانت ای مهربانترین مهربانان
الثَّالِثَةُ عَشْرَ: «مُنَاجَاتُ الذَّاكِرِينَ»
سیزدهم: مناجات یادکنندگان حق

به نام خدای بخشاینده مهربان
إِلَهِی لَوْ لَا الْوَاجِبُ مِنْ قَبُولِ أَمْرِكَ، لَنَزَّهْتُكَ مِنْ ذِكْرِي إِيَّاكَ، عَلَي
خدایا اگر پذیرفتن فرمانت واجب نبود تو را پاکتر از آن می دانستم که من نام تو را به زبان آرم گذشته
أَنْ ذِكْرِي لَكَ بِقَدْرِي لَا بِقَدْرِكَ، وَمَا عَسَى أَنْ يُبْلَغَ مِقْدَارِي حَتَّى
از اینکه ذکر ای که من از تو کنم به اندازه فهم من است نه به مقدار مقام تو و تازه مگر چه اندازه امید است
أَجْعَلَ مَحَلًّا لِتَقْدِيسِكَ، وَمِنْ أَعْظَمِ النِّعَمِ عَلَيْنَا جَرِيَانُ ذِكْرِكَ عَلَي
قدرم بالا رود که محل تقدیس (و به پاکی ستودن) تو قرار گیرم و از بزرگترین نعمتهای تو بر ما همان جریان داشتن ذکر
تو بر

أَلَسْنَتْنَا، وَإِذْنُكَ لَنَا بِدُعَائِكَ وَتَنْزِيهِكَ وَتَسْبِيحِكَ إِلَهِی فَالْهَمْنَا
زبان ما است و همان اجازه ای است که برای دعا کردن و به پاکی ستودن به ما دادی خدایا پس ذکر
ذِكْرِكَ فِي الْخَلَاءِ وَالْمَلَأِ، وَاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَالْإِعْلَانِ وَالْإِسْرَارِ، وَفِي
خویش را به ما الهام کن در خلوت و جلوت و شب و روز و آشکار و نهان و در
السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ، وَأَنْسِنَا بِالذِّكْرِ الْخَفِيِّ وَاسْتَعْمِلْنَا بِالْعَمَلِ الزَّكِيِّ،
خوشی و ناخوشی و ما را به ذکر خفی و پنهان مأنوس کن و به کار پاکیزه و کوشش خداپسند
وَالسَّعْيِ الْمَرْضِيِّ، وَجَازِنَا بِالْمِيزَانِ الْوَفِيِّ إِلَهِی بِكَ هَامَتِ
وادر و پاداش ما را به سنگ تمام بده خدایا دلهای شیدا همه سرگشته

الْقُلُوبُ الْوَالِهَةُ، وَعَلِي مَعْرِفَتِكَ جُمِعَتِ الْعُقُولُ الْمُتَبَايِنَةُ، فَلَا

و تشنه تواند و خردهای متفرق و جدا همه در مورد شناسایی و معرفت تو متفق گشته‌اند و از اینرو

تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ إِلَّا بِذِكْرِكَ، وَلَا تَسْكُنُ الْنُفُوسُ إِلَّا عِنْدَ رُؤْيَاكَ، أَنْتَ

دلها جز به یاد تو آرام نگیرند و جانها جز به مشاهده جمالت تسکین نیابند تویی که در هر جا

الْمُسِيحُ فِي كُلِّ مَكَانٍ وَالْمَعْبُودُ فِي كُلِّ زَمَانٍ، وَالْمَوْجُودُ فِي كُلِّ

تسبیح گویند و در هر زمانی پرستش کنند و در هر آن موجود بوده‌ای و به هر

أَوَانٍ، وَالْمَدْعُوُّ بِكُلِّ لِسَانٍ، وَالْمُعَظَّمُ فِي كُلِّ جَنَانٍ، وَأَسْتَعْفِرُكَ مِنْ كُلِّ

زبان تو را خوانند و در هر دلی تو را به بزرگی یاد کنند و از تو آمرزش خواهم از هر

لَذَّةٍ بَغَيْرِ ذِكْرِكَ، وَمِنْ كُلِّ رَاحَةٍ بَغَيْرِ أُنْسِكَ، وَمِنْ كُلِّ سُورٍ بَغَيْرِ

لذتی جز لذت تو و از هر آسایشی جز انس با تو و از هر شادمانی بجز

قُرْبِكَ، وَمِنْ كُلِّ شُغْلٍ بَغَيْرِ طَاعَتِكَ، إِلَهِي أَنْتَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ، يَا

قرب تو و از هر سرگرمی به جز فرمانبرداریت خدایا تو فرمودی و گفته‌ات حق است «ای

أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا، وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا،

کسانی که ایمان آورده‌اید خدا را یاد کنید یاد کردن بسیار و تسبیح او گوئید در بامداد و پسين»

وَقُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ فَادْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ، فَأَمَرْتَنَا بِذِكْرِكَ، وَوَعَدْتَنَا

و نیز فرمودی و گفته‌ات حق است «مرا یاد کنید تا من هم شما را یاد کنم» پس تو ما را به یاد کردن دستور فرمودی و به ما

وعده دادی

عَلَيْهِ أَنْ تَذْكُرَنَا تَشْرِيفًا لَنَا وَتَفْخِيمًا وَإِعْظَامًا، وَهَذَا نَحْنُ ذَاكِرُوكَ كَمَا

که برای شرافت و عزت و عظمت بخشی به ما تو هم ما را یاد کنی و ما هم اکنون مطابق فرمانت تو را

أَمَرْتَنَا، فَأَجِزْ لَنَا مَا وَعَدْتَنَا، يَا ذَاكِرَ الذَّاكِرِينَ، وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

یاد کنیم پس تو هم به وعده خویش وفا کن ای که از یادکنندگان یاد کنی و ای مهربانترین مهربانان

الرَّابِعَةُ عَشْرَ: «مُنَاجَاتُ الْمُعْتَصِمِينَ»

چهاردهم: مناجات معتصمان

به نام خدای بخشاینده مهربان اَللّٰهُمَّ يَا مَلَاذَ اللَّائِذِينَ، وَيَا مَعَاذَ الْعَانِذِينَ، وَيَا مُنْجِيَ الْهَالِكِينَ، وَيَا
خدایا ای پناه پناه جویان و ای پناه ده پناهندگان و ای نجات دهنده هلاک شدگان و ای
عاصِمَ الْبَآئِسِينَ، وَيَا رَاحِمَ الْمَسَاكِينِ، وَيَا مُجِيبَ الْمُضْطَرِّينَ،
نگهدار بیچارگان و ای مهرورز مسکینان و ای اجابت کننده درماندگان
وَيَا كَافِرَ الْمُفْتَرِّينَ، وَيَا جَابِرَ الْمُتَكْسِرِينَ، وَيَا مَأْوِيَ الْمُتَقَطِّعِينَ، وَيَا
و ای گنج فقیران و ای جبران کننده دل شکستگان و ای جای ده دور از وطنان و ای
نَاصِرَ الْمُسْتَضْعَفِينَ، وَيَا مُجِيرَ الْخَائِفِينَ وَيَا مُغِيثَ الْمَكْرُوبِينَ، وَيَا
یاور آنانکه ناتوانشان شمرده اند و ای پناه ده ترسناکان و ای فریادرس غمدیدگان و ای
حِصْنَ الْلَّاجِينَ، إِنْ لَمْ أَعِزُّ بِعِزَّتِكَ فَبِمَنْ أَعُوذُ، وَإِنْ لَمْ أَلْذُ بِقُدْرَتِكَ
قلعه محکم پناهندگان اگر من به عزت تو پناه نیاورم پس به که پناه برم و اگر به قدرت تو
فَبِمَنْ الْوُدُّ، وَقَدْ أَلْجَأْتَنِي الذُّنُوبُ إِلَى التَّشَبُّثِ بِأَذْبَالِ عَفْوِكَ،
دست پناهندگی دراز نکنم پس به که پناهنده شوم (خدایا) گناهان مرا ناچار کرده که به دامن عفو تو چنگ زنم
وَأَحْوَجْتَنِي الْخَطَايَا إِلَى اسْتِفْتَاكِ أَبْوَابِ صَفْحِكَ، وَدَعَوْتَنِي إِلَى الْإِسَاءَةِ
و خطاها مرا نیازمند کرده که از تو بخواهم درهای چشم پوشیت را به رویم بگشایی و بدیها
إِلَى الْإِنَاخَةِ بِفِتْنَاءِ عِزِّكَ، وَحَمَلْتَنِي الْمَخَافَةَ مِنْ نِقْمَتِكَ عَلَيَّ التَّمَسُّكِ
مرا بدینجا کشانده که به آستان عزت تو بار اندازم و ترس از انتقام مرا واداشته که
بِعُرْوَةِ عَطْفِكَ، وَمَا حَقٌّ مِّنْ اعْتَصَمَ بِحَبْلِكَ أَنْ يُخْذَلَ، وَلَا يَلِيقُ بِمَنْ
به رشته محکم مهر تو چنگ زنم و براستی آنکس که به ریسمان تو چنگ زند سزاوار خواری نیست و آنکس
اسْتَجَارَ بِعِزِّكَ أَنْ يُسَلَّمَ أَوْ يُهْمَلَ، إِلَهِي فَلَا تُخْلِنَا مِنْ حِمَايَتِكَ، وَلَا
که به عزت تو پناهنده شود تسلیم کردنش و یا واگذارندش شایسته نیست پس ای خدا ما را از حمایت خویش وامگذار
و
تُعَرِّنَا مِنْ رِعَايَتِكَ، وَذُرْنَا عَنْ مَوَارِدِ الْهَلَكَةِ، فَإِنَّا بِعَيْنِكَ وَفِي كَنَفِكَ
از رعایت خود باز مدار و از پرتگاههای هلاکت بازدار زیرا ما در تحت توجه تو و در کنف حمایت تو
وَلَكَ، أَسْأَلُكَ بِأَهْلِ خَاصَّتِكَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ وَالصَّالِحِينَ مِنْ بَرِيَّتِكَ،
و از آن توئیم از تو خواهم به حق خاصان درگاهت از فرشتگان و شایستگان از بندگانت

أَنْ تَجْعَلَ عَلَيْنَا وَاقِيَةً تُنَجِّنَا مِنَ الْهَلَكَاتِ، وَتُجَبِّنَا مِنَ الْآفَاتِ،
 كه براي ما سپري قرار دهی كه ما را از مهالك نجات دهد و خودت ما را از آفات دور كنی
 وَتُكِنُّنَا مِنْ دَوَاهِي الْمُصِيبَاتِ، وَأَنْ تُنْزِلَ عَلَيْنَا مِنْ سَكِينَتِكَ، وَأَنْ
 و از مصيبتهاي بزرگ ما را محفوظ داري و از آرامش خود بر ما فرود آري و
 تُعْشِيَ وَجُوهَنَا بِأَنْوَارِ مَحَبَّتِكَ، وَأَنْ تُؤْوِيَنَا إِلَى شَدِيدِ رُكْنِكَ، وَأَنْ
 چهرههاي ما را به انوار محبت خویش بپوشانی و در پایگاه محمت ما را جاي دهی و ما را
 تَحْوِيَنَا فِي أَكْنَافِ عِصْمَتِكَ، بِرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .
 در کرانههاي عصمت خویش بداري به حق عطوفت و مهرت اي مهربانترين مهربانان
 الخامسة عشر: «مناجات الزّاهدين»

پانزدهم: مناجات پارسایان

به نام خدای بخشاینده مهربان إلهي أَسْكُنْنَا دَاراً حَفَرَتْ لَنَا حُفَرَ مَكْرَهَا، وَعَلَّقَتْنَا بِأَيْدِي الْمَنَايَا
 خدایا ما را در خانه‌اي جا داده‌اي كه سر راه ما گودالهاي نیرنگ را كنده و در دامهاي فریب خود ما را
 فِي حَبَائِلِ غَدْرِهَا، فَأَلَيْكَ تَلْتَجِيءُ مِنْ مَكَائِدِ خُدْعِهَا، وَبِكَ نَعْتَصِمُ
 به چنگالهاي مرگ آویخته پس به سوي تو پناه آوریم از دامهاي فریبش و به تو نگهداري جوئیم
 مِنَ الْأَغْتِرَارِ بِزَخَارِفِ زِينَتِهَا، فَأَيُّهَا الْمُهْلِكَةُ طُلَّابُهَا، الْمُتْلِفَةُ حُلَّالُهَا،
 از مغرور شدن به زر و زیور آراسته‌اش زیرا كه دنیا جویندگانش را به هلاكت اندازد و واردین خود را نابود كند
 الْمَحْشُوَّةُ بِالْآفَاتِ، الْمَشْحُونَةُ بِالنَّكَبَاتِ، إلهي فَزَهِّدْنَا فِيهَا،
 آكنده است از بلا و زیان و پر است از رنج و سختی خدایا پس ما را در دنیا پارسا كن
 وَسَلِّمْنَا مِنْهَا بِتَوْفِيقِكَ وَعِصْمَتِكَ، وَانْزِعْ عَنَّا جَلَابِيبَ مُخَالَفَتِكَ،
 و به وسیله توفیق و نگهداري خود ما را از شرورش سالم بدار و بیرون آر از بر ما جامه‌هاي مخالفت
 وَتَوَلَّ أُمُورَنَا بِحُسْنِ كِفَايَتِكَ، وَأَوْفِرْ مَزِيدَنَا مِنْ سَعَةِ رَحْمَتِكَ،
 و نافرمانیت را و با حسن کفایت خود امور ما را سرپرستی فرما و از رحمت وسیع خود سهمیه عطای ما را افزون گردان
 وَاجْمِلْ صَلَاتِنَا مِنْ فَيْضِ مَوَاهِبِكَ، وَاعْرِسْ فِي أَفْئِدَتِنَا أَشْجَارَ

و جایزه‌های ما را از سرچشمه پرفیض مواهبت نیکو گردان و بنشان در دلهای ما درختهای
 مَحَبَّتِکَ، وَائْتِمِمْ لَنَا اَنْوَارَ مَعْرِفَتِکَ، وَادْفِنَا حَلَاوَةَ عَفْوِکَ وَلَذَّةَ
 محبت را و کامل گردان بر ما انوار درخشنده معرفت را و بجشان به ما شیرینی عفو و لذت
 مَعْفِرَتِکَ، وَاقْرِرْ اَعْيُنَنَا یَوْمَ لِقَائِکَ بِرُؤْیَتِکَ، وَاَخْرِجْ حُبَّ الدُّنْیَا مِنْ
 آمرزشت را و دیدگانمان را در روز قیامت به مشاهده جمالت روشن کن و دوستی دنیا را از دلهای ما
 قُلُوبِنَا، کَمَا فَعَلْتَ بِالصَّالِحِیْنَ مِنْ صَفْوَتِکَ، وَالْاَبْرَارِ مِنْ خَاصَّتِکَ،
 بیرون کن چنانچه درباره برگزیدگان و نیکان از خواص درگاهت چنین کردی
 بِرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ، وَیَا اَكْرَمَ الْاَكْرَمِیْنَ .
 به رحمت ای مهربانترین مهربانان و ای کریم‌ترین کریمان

مُنَاجَاتِ مَنْظُومَه حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب
 علیه الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ منقول از صحیفه علویه

به نام خدای بخشاینده مهربان
 لَكَ الْحَمْدُ يَا ذَا الْجُودِ وَالْمَجْدِ وَالْعُلَى
 تَبَارَكْتَ تُعْطِي مَنْ تَشَاءُ وَتَمْنَعُ
 ستایش تو را است ای صاحب جود و بزرگی و بلندی
 بزرگی تو را است که بهر که خواهی بدهی و یا بازگیری
 اِلَهِی وَخَلَّاقِی وَحَرِزِی وَمَوْلِی
 اِلَیْکَ لَدِی الْاِغْسَارِ وَالْیُسْرِ اَفْرَغْ
 ای معبود و آفریدگار و پناه و نگهدار من بدرگاه
 تو در سختی و آسانی پناه برم
 اِلَهِی لَئِنْ جَلَّتْ وَجَمَّتْ حَطِیَّتِی
 فَعَفْوُکَ عَنْ ذَنْبِی اَجَلٌ وَاَوْسَعُ

خدایا اگر خطایم بزرگ و زیاد است
ولی گذشت تو از گناه من بزرگتر و وسیعتر است
إِلَهِی لَئِنْ أَعْطَيْتُ نَفْسِي سُؤْلَهَا
فَهَا أَنَا فِي رَوْضِ التَّادِمَةِ أَرْتَعُ
خدایا اگر من از خواهش نفس پیروی کنم
پس در آن حال من در چراگاه پشیمانی می چرم
إِلَهِی تَرَى حَالِي وَفَقْرِي وَفَاقَتِي
وَأَنْتَ مُنَاجَاتِي الْحَقِيقَةَ تَسْمَعُ
خدایا خود تو حال من و نداری و تهدستیم را بینی
و تو رازهای پنهان مرا می شنوی
إِلَهِی فَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي وَلَا تُرْغُ
فُؤَادِي فَلِي فِي سَيْبِ جُودِكَ مَطْمَعُ
خدایا پس امیدم را قطع مکن و منحرف مساز
به نومیدی دلم را که من طمعکار باران سخایت هستم
إِلَهِی لَئِنْ حَيَّيْتَنِي أَوْ طَرَدْتَنِي
فَمَنْ ذَا الَّذِي أَرْجُو وَمَنْ ذَا أَشْفَعُ
خدایا اگر نومیدم سازی یا از درگاهت برانی
پس به چه کسی امید داشته باشم و که را شفیع گردانم
إِلَهِی أَجِرْنِي مِنْ عَذَابِكَ إِنِّي
أَسِيرٌ ذَلِيلٌ خَائِفٌ لَكَ أَخْضَعُ
خدایا از عذاب خود پناهم ده که براستی من
اسیر و خوار و ترسان و خاضع درگاه توام
إِلَهِی فَانْسِنِي بِنُفْثَةِ حُجَّتِي
إِذَا كَانَ لِي فِي الْقَبْرِ مَثْوًى وَمَضْجَعُ
خدایا بوسیله تلقین دلیل و حجت من انس گیر

در آن هنگام که در گور منزل و مأوی گیرم

إِلَهِی لَّئِنْ عَذَّبْتَنِی أَلْفَ حِجَّةٍ

فَحَبْلُ رَجَائِی مِنْكَ لَا یَقْطَعُ

خدایا اگر هزار سال مرا عذاب کنی ولی

باز رشته امید من از درگاه تو قطع نمی شود

إِلَهِی أَذِقْنِی طَعْمَ عَفْوِكَ یَوْمَ لَا

بُنُونَ وَلَا مَالٌ هُنَا لَكَ یَنْفَعُ

خدایا مزه گذشتت را به من بچشان در آن روز

که نه فرزندان و نه مال در آنجا سود بخشد

إِلَهِی لَّئِنْ لَمْ تَرْعَنِی کُنْتُ ضَائِعاً

وَإِنْ کُنْتُ تَرْعَانِی فَلَسْتُ أَضِیْعُ

خدایا اگر تو مراعاتم نکنی یکسره از بین رفته ام

و اگر تو مراعاتم کنی ضایع نگردم

إِلَهِی إِذَا لَمْ تَغْفُ عَنْ غَیْرِ مُحْسِنٍ

فَمَنْ لِمُسِیءٍ بِالْهُوِیِ یَتَمَتَّعُ

خدایا اگر بنا شود جز از نیکوکار نگذری

پس کیست امید گنهکاری که به هوای نفس کامرانی کرده

إِلَهِی لَّئِنْ فَرَّطْتُ فِی طَلَبِ التَّقِی

فَهَا أَنَا إِثْرَ الْعَفْوِ أَقْفُو وَاتَّبِعُ

خدایا اگر در جستجوی پرهیزکاری کوتاهی کردم

ولی اینک بدنبال گذشت تو می گردم و آنرا می جویم

إِلَهِی لَّئِنْ أَخْطَأْتُ جَهْلًا فَطَالَمَا

رَجَوْتُكَ حَتَّى قِیلَ مَا هُوَ یَجْزَعُ

خدایا اگر از روی نادانی خطا کردم پس چه بسیار امیدوار

به تو بوده ام بطوری که درباره ام گفتند بآه ندارد

إِلَهِی دُنُو بِي بَدَّتِ الطُّودَ وَأَعْتَلَّتْ

وَصَفَحَكَ عَنْ دُئْبِي أَجَلٌ وَأَرْفَعُ

خدایا گناهانم برتر و بلندتر از کوههای بزرگ گشته

ولی چشم پوشی تو از گناه من بزرگتر و برتر است

إِلَهِی يُنَحِّي ذِكْرُ طَوْلِكَ لَوْعَتِي

وَذِكْرُ الْخَطَايَا الْعَيْنِ مَنِّي يُدْمَعُ

خدایا یاد بخشش تو سوز درونم را ببرد

و یاد گناهان چشمانم را اشگبار کند

إِلَهِی أَقْلَنِي عَثْرَتِي وَأَمَحْ حَوْبَتِي

فَأَيُّ مَقَرٍّ خَائِفٌ مُتَضَرِّعٌ

خدایا لغزشم را ببخش و گناهانم را محو کن

زیرا که من به گناه اقرار داشته و ترسان و نالانم

إِلَهِی أَنْلِنِي مِنْكَ رَوْحاً وَرَاحَةً

فَلَسْتُ سِوَى أَبْوَابِ فَضْلِكَ أَقْرَعُ

خدایا صفا و آسایشی از جانب خود به من ببخش

که من جز درهای فضل تو را نکویم

إِلَهِی لَيْتَنِي أَقْصَيْتَنِي أَوْ أَهَنْتَنِي

فَمَا حِيلَتِي يَا رَبِّ أَمْ كَيْفَ أَصْنَعُ

خدایا اگر دورم کنی یا بی اعتنائیم کنی

پس دیگر چه چاره کنم پروردگارا و یا چه بکنم؟

إِلَهِی حَلِيفُ الْحُبِّ فِي اللَّيْلِ سَاهِرٌ

يُنَاجِي وَيَدْعُو وَالْمُعَقَّلُ يَهْجَعُ

خدایا آنکه با دوستی تو دست بگریبانست شب را همه بیدار

و در مناجات و دعا است ولی غافل یکسره در خواب

إِلَهِی وَهَذَا الْخَلْقُ مَا بَيْنَ نَائِمٍ

وَمُنْتَبِهٍ فِي لَيْلِهِ يَتَضَرَّعُ

خدایا این مردم هم یک دسته شبها خواب

و دسته‌ای بیدار و به تضرع مشغولند

وَكُلُّهُمْ يُرْجُو نَوَالَكَ رَاجِئاً

لِرَحْمَتِكَ الْعُظْمَى وَفِي الْخُلْدِ يَطْمَعُ

و همگی به امید عطای تو آند و امیدوار

به رحمت بزرگ تو و طمع بهشت برین دارند

إِلَهِي يُمَيِّنِي رَجَائِي سَلَامَةً

وَفُتْحُ خَطِيئَاتِي عَلَيَّ يُشْتَعُ

خدایا امید من مرا آرزومند سلامتی می‌کند

ولی زشتی گناهانم مرا به رسوایی تهدید می‌کند

إِلَهِي فَإِنْ تَعَفُّوْا فَعَفُّوكَ مُتَقَدِّدِي

وَالْإِلَّا فَبِالذَّنْبِ الْمُدْمِرِ أُصْرَعُ

خدایا اگر بگذری گذشت تو نجات بخش من است

و گرنه من با این گناه مهلك به نابودی درافتم

إِلَهِي بِحَقِّ الْهَاشِمِيِّ مُحَمَّدٍ

وَحُرْمَةِ أَطْهَارِهِمْ لَكَ خُضَعُ

خدایا به حق محمد هاشمی

و به حرمت پاکانی که به درگاهت خاضعند

إِلَهِي بِحَقِّ الْمُصْطَفِيِّ وَابْنِ عَمِّهِ

وَحُرْمَةِ أَبْرَارِهِمْ لَكَ خُشَعُ

خدایا به حق محمد مصطفی و پسر عمویش (علی)

و به حرمت نیکانی که بدرگاهت خاشعند

إِلَهِي فَأَنْشِرْنِي عَلَيَّ دِينَ أَحْمَدٍ

مُنْبِئاً تَقِيّاً قَاتِئاً لَكَ أَخْضَعُ

خدایا مرا بر دین احمد در قیامت برانگیز
در حال انابه و پرهیزکاری و فروتنی و خضوع
وَلَا تَحْرِمْنِي يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي
شَفَاعَتَهُ الْكُبْرَى فَذَاكَ الْمُسْتَعْفُ
و مرا محروم مکن ای معبود و آقام از
آن شفاعت بزرگش که شفاعت او پذیرفته است
وَصَلِّ عَلَيْهِمْ مَا دَعَاكَ مُوحِّدٌ
وَتَا جَاكَ أَخْيَارُ بِبَابِكَ رَغْعٌ

و درود فرست بر ایشان تا زمانی که یکتاپرستی به درگاهت
دعا کند و نیکان با تو در مناجات و به درگاهت در رکوعند

و نیز در صحیفه علویّه مناجاتی دیگر منظوم از آنحضرت نقل کرده که اوّل آن یا سامع الدعاء است چون مشتمل بر
کلمات مشکله و لغات غریبه بود و بنابر اختصار است ما آنرا ذکر نمودیم

ثَلَاثَ كَلِمَاتٍ مِنْ مَوْلَانَا عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْمُنَاجَاتِ
سه جمله از سرور ما علی علیه السلام در مناجات
إِلَهِي كَفَى بِي عِزًّا أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا، وَكَفَى بِي فَخْرًا أَنْ تُكُونَ لِي
خدایا این عزت مرا بس است که بنده تو باشم و این افتخار برایم بس است که تو
رَبًّا، أَنْتَ كَمَا أُحِبُّ فَاجْعَلْنِي كَمَا تُحِبُّ .
پروردگار منی تو چنانی که من خواهم مرا همچنان کن که تو خواهی .

باب دَوِیم

در اعمال ماههای سال و فضیلت و اعمال روز نوروز و اعمال ماههای رومی و در آن چند فصل است

فصل اوّل

در فضیلت و اعمال ماه مبارک رجب

بدانکه این ماه و ماه شعبان و ماه رمضان در شرافت تمامند و روایت بسیار در فضیلت آنها وارد شده بلکه از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که ماه رجب ماه بزرگ خداست و ماهی در حرمت و فضیلت به آن نمیرسد و قتال با کافران در این ماه حرامست و رجب ماه خداست و شعبان ماه من است و ماه رمضان ماه امت من است کسی که يك روز از ماه رجب را روزه دارد مستوجب خشنودی بزرگ خدا گردد و غضب الهی از او دور گردد و دري از درهاي جهنم بر روي او بسته گردد و از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام منقول است که هر که یکروز از ماه رجب را روزه بدارد آتش جهنم یکساله راه از او دور شود و هر که سه روز از آنرا روزه دارد بهشت او را واجب گردد و ایضاً فرمود که رجب نام نهری است در بهشت از شیر سفیدتر و از عسل شیرین تر هر که یکروز از رجب را روزه دارد البته از آن نهر بیاشامد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده که ماه رجب ماه استغفار امت من است پس در این ماه بسیار طلب آمرزش کنید که خدا آمرزنده و مهربان است و رجب را اَصَب می گویند زیرا که رحمت خدا در این ماه بر امت من بسیار ریخته می شود پس بسیار بگوئید: اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ، و ابن بابویه بسند معتبر از سالم روایت کرده است که گفت رفتم بخدمت حضرت صادق علیه السلام در اواخر ماه رجب که چند روز از آن مانده بود چون نظر مبارك آن حضرت بر من افتاد فرمود که آیا روزه گرفته ای در این ماه گفتم نه والله ای فرزند رسول خدا فرمود که آنقدر ثواب از تو فوت شده است که قدر آنرا بغیر خدا کسی نمی داند بدرستی که این ماهیست که خدا آنرا بر ماههای دیگر فضیلت داده و حرمت آنرا عظیم نموده و برای روزه داشتن آن گرامی داشتن را بر خود واجب گردانیده پس گفتم یَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ اگر در باقیمانده اینماه روزه بدارم آیا ببعضی از ثواب روزه داران آن فایز می گردم فرمود ای سالم هر که یکروز از آخر این ماه روزه بدارد خدا او را این گرداند از شدت سكراتِ مرگ و از هَوَل بعد از مرگ و از عذاب قبر و هر که دو روز از آخر این ماه روزه دارد بر صراط بآسانی بگذرد و هر که سه روز از آخر این ماه را روزه دارد این گردد از ترس بزرگ روز قیامت و از شدتها و هَوَلهاي آنروز و برات بیزاری از آتش جهنم به او عطا کنند و بدانکه از برای روزه ماه رجب فضیلت بسیار وارد شده است و روایت شده که اگر شخص قادر بر آن نباشد هر روز صد مرتبه این تسبیحات را بخواند تا ثواب روزه آن را دریابد:

سُبْحَانَ إِلَهِ الْجَلِيلِ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا

* * * * * منزه است خدای بزرگ منزه است آنکه تنزیه و تسبیح جز برای او شایسته نیست

لَهُ، سُبْحَانَ الْأَعَزِّ الْأَكْرَمِ، سُبْحَانَ مَنْ لَيْسَ الْعِزُّ وَهُوَ لَهُ أَهْلٌ.

منزه است خدای برتر و کریمتر منزه است آنکه لباس عزت در بردارد و شایسته آن است

پس مرا به راه راه یافتگان رهبری کن و کوشش کوشایانرا روزیم کن

وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ الْمُتَعَدِّينَ، وَاعْفِرْ لِي يَوْمَ الدِّينِ

و قرارم مده از بی خبران دور شده از دربارت و در روز جزا گناهم بیامرز * * * * *

* سیّم شیخ در مصباح فرموده مُعَلِّي بن خُنَيس از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود بخوان در

ماه رجب

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ صَبْرَ الشَّاكِرِيْنَ لَكَ، وَعَمَلَ الْخَائِفِيْنَ مِنْكَ، وَيَقِيْنَ

خدایا از تو خواهم شکیبایی سپاسگزارانت را و کردار ترساندگانت را و یقین

الْعَابِدِيْنَ لَكَ، اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْعَلِيُّ الْعَظِيْمُ، وَاَنَا عَبْدُكَ الْبَائِسُ الْفَقِيْرُ،

پرستندگانت را خدایا تو والا و بزرگی و من بنده مستمند بی نوای توام

اَنْتَ الْغَنِيُّ الْحَمِيْدُ وَاَنَا الْعَبْدُ الذَّلِيْلُ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ،

تویی بی نیاز ستوده و منم بنده خوار درگاه خدایا درود فرست بر محمد و آتش

وَأُمْنٌ بِغِنَاكَ عَلٰى فَقْرِيْ، وَبِحِلْمِكَ عَلٰى جَهْلِيْ، وَبِقُوَّتِكَ عَلٰى

و منت نه بوسیله توانگریت بر فقر و نداریم و به بردباریت بر نادانیم و به نیرویت بر

ضَعْفِيْ يَا قَوِيَّ يَا عَزِيْزُ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ الْاَوْصِيَاءِ

ناتوانیم ای نیرومند و ای با عزت خدایا درود فرست بر محمد و آل او آن اوصیاء

الْمَرْضِيَّيْنَ وَاکْفِنِيْ مَا اَهَمَّنِيْ مِنْ اَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ

پسندیده و کفایت کن آنچه از کار دنیا و آخرتم که مرا به اندوه انداخته ای مهربانترین مهربانان

مؤلف گوید: که سید بن طاووس نیز این دعا را در اقبال روایت کرده و از روایت او ظاهر می شود که این دعا

جامعترین دعاها است و در همه اوقات می توان خواند چهارم و نیز شیخ فرموده که مستحب است بخواند در هر روز

این دعا را اَللّٰهُمَّ يَا ذَا الْمَنِّ السَّابِغَةِ، وَالْاَلَاءِ الْوَازِعَةِ، وَالرَّحْمَةِ

* * * * * خدایا ای دارای عطاها و فراوان و نعمتهای بخش شده و رحمت

الْوَاسِعَةِ، وَالْقُدْرَةِ الْجَامِعَةِ، وَالنِّعَمِ الْجَسِيْمَةِ، وَالْمَوَاهِبِ

گشاده و نیروی تام و تمام و نعمتهای بزرگ و موهبتهای

الْعَظِيْمَةِ، وَالْاَيَادِي الْجَمِيْلَةِ، وَالْعَطَايَا الْجَزِيْلَةِ، يَا مَنْ

سترگ و بخششهای نیکو و دهشتهای کامل ای که به تمثیل و مثال

لَا يُنْعَتُ بِتَمْثِيلٍ، وَلَا يُمَثَّلُ بِنَظِيرٍ، وَلَا يُغْلَبُ بِظَهِيرٍ، يَا

آوردن وصف نتوان کرد و ای که به نظیری تشبیه نتوان نمودن و ای که با کمک گرفتن هم مغلوب

مَنْ خَلَقَ فَرَزَقَ، وَالْهَمَّ فَأَنطَقَ، وَابْتَدَعَ فَشَرَعَ، وَعَلَا فَارْتَفَعَ، وَقَدَّرَ

نشوی ای که آفرید و روزی داد و الهام کرده گویایش کرد و ابداع کرده سپس شروع کرد و برتر شد پس مرتفع گردید و اندازه

فَاحْسَنَ، وَصَوَّرَ فَأَتَقَنَ، وَاحْتَجَّ فَأَبْلَغَ، وَانْعَمَ فَاسْبَغَ، وَأَعْطَى فَاجْزَلَ،

گرفت و نیکو گرفت و نقش بندی کرد پس محکم ساخت و حجت آورد و آنرا رساند و نعمت داد و فراوانش کرد و عطا کرده و آنرا

وَمَنَحَ فَأَفْضَلَ، يَا مَنْ سَمَا فِي الْعِزِّ فَفَاتَ نَوَاطِرَ الْأَبْصَارِ، وَدَنَا فِي

افزون کرد و بخشید و زیاده بخشید ای که در عزت چنان بالا است که از دیدگاه چشمها در گذشته و در

الْطُّفِّ فَجَاَزَ هَوَاجِسَ الْأَفْكَارِ، يَا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْمُلْكِ فَلَا نِدَاءَ لَهُ فِي

لطف چنان نزدیک است که از آنچه در افکار خطور کند گذشته ای که در فرمانروایی یکتا است که همتایی برای او در

مَلَكُوتِ سُلْطَانِهِ، وَتَفَرَّدَ بِالْإِلَاءِ وَالْكِبْرِيَاءِ فَلَا ضِدَّ لَهُ فِي جَبْرُوتِ

قلمرو سلطنتش نیست و به بخششها و بزرگواری یگانه است که رقیبی برای او در جبروت

شأنه، يَا مَنْ حَارَتْ فِي كِبْرِيَاءِ هَيْبَتِهِ دَقَائِقُ لَطَائِفِ الْأَوْهَامِ،

مقامش نیست ای که در بزرگی هیبتش ریزه کاریهای دقیق اندیشه ها سرگردان گشته و دیده های تیزبینان در مقام

وَالْحَسَرَتِ دُونَ إِدْرَاكِ عَظَمَتِهِ خَطَائِفُ أَبْصَارِ الْأَنَامِ، يَا مَنْ عَنَتِ

ادراک عظمتش و امانده است ای که چهره ها در برابر هیبتش زبون گشته و گردنها در

الْوُجُوهَ لِهَيْبَتِهِ، وَخَضَعَتِ الرِّقَابُ لِعَظَمَتِهِ، وَوَجَلَّتِ الْقُلُوبُ مِنْ

مقابل عظمتش خاضع شده و دلها از ترسش هراسان گشته است از

خَيْفَتِهِ، أَسْأَلُكَ بِهَذِهِ الْمَدْحَةِ الَّتِي لَا تَنْبَغِي إِلَّا لَكَ وَبِمَا وَآيَتْ بِهِ

تو خواهم به حق همین ستایشی که جز برای تو شایسته دیگری نیست و بدانچه

عَلَي نَفْسِكَ لِدَاعِيكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، وَبِمَا ضَمِنْتَ الْإِجَابَةَ فِيهِ عَلَي

بر عهده خود گرفته ای برای خوانندگان از مؤمنین و بدانچه اجابت آنرا بر

نَفْسِكَ لِلدَّاعِينَ، يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ، وَأَبْصَرَ النَّاطِرِينَ وَأَسْرَعَ

خویش ضمانت کرده‌ای برای خوانندگان‌ای شنواترین شنوایان و‌ای بیناترین بینایان و‌ای سریعترین
 الْحَاسِبِينَ، يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينِ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَعَلَيَّ
 حسابگران‌ای که دارای نیروی محکم هستی درود فرست بر محمد خاتم پیمبران و بر
 أَهْلَ بَيْتِهِ، وَأَقْسِمُ لِي فِي شَهْرِنَا هَذَا خَيْرَ مَا قَسَمْتَ، وَاخْتِمَ لِي فِي
 خاندان او و قسمت من کن در این ماه بهترین قسمتهایی که کرده‌ای و مسلم کن برایم در آنچه
 قَضَائِكَ خَيْرَ مَا حَتَمْتَ، وَاخْتِمَ لِي بِالسَّعَادَةِ فِيمَنْ حَتَمْتَ، وَأَحْبِبْنِي
 مقدر کرده‌ای بهترین چیزی را که مسلم کرده‌ای و مهر کن زندگیم را به خوشبختی در زمره کسانی که زندگیشان را مهر
 کرده‌ای

مَا أَحْيَيْتَنِي مَوْفُورًا، وَأَمَتْنِي مَسْرُورًا وَمَعْفُورًا، وَتَوَلَّائْتَ نَجَاتِي
 و زنده‌ام بدار تا زمانی که زنده‌ام داری پرروزی باشم و در حال شادمانی و آمرزیدگی بمیرانم و خودت عهده‌دار نجاتم
 مِنْ مُسَائِلَةِ الْبَرْزَخِ، وَادْرَأْ عَنِّي مُنْكَرًا وَنَكِيرًا، وَارْغَبْنِي مُبَشِّرًا
 از سؤال و جواب برزخ بشو و منکر و نکیر را از من دفع کن و مبشر
 وَبَشِيرًا، وَاجْعَلْ لِي إِلَى رِضْوَانِكَ وَجِنَانِكَ مَصِيرًا، وَعَيْشًا قَرِيرًا،
 و بشیر (دو فرشته رحمت) را به چشمم آر و قرار ده برایم راهی بسوی رضوان و بهشتت و زندگی خوش و خرم
 وَمُلْكًا كَبِيرًا، وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَثِيرًا. مؤلف گوید: که این دعائی است
 و فرمانروایی بزرگت و درود فرست بر محمد و آلش بسیار
 * * * * *

که در مسجد صَعَصَعَه نیز خوانده میشود پنجم شیخ روایت کرده که بیرون آمد از ناحیه مُقَدَّسه بر دست شیخ کبیر ابی
 جعفر محمد بن عثمان بن سعید (رض) این توقیع شریف بخوان در هر روز از ایام رجب :

بنام خدای بخشاینده مهربان

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِمَعَانِيْ جَمِيعٍ مَا يَدْعُوْكَ بِهِ وُلَاةُ اَمْرِكَ،
 خدایا از تو خواهم به حق معانی تمام آنچه بوسیله آنها والیان فرمان تو را خوانند
 الْمَأْمُوْنُوْنَ عَلَيَّ سِرِّكَ، الْمُسْتَبْشِرُوْنَ بِاَمْرِكَ، الْوَاصِفُوْنَ لِقُدْرَتِكَ،

آنان که امین بر سر پنهانی تو هستند و به دستورت مژده جویند و نیرویت را توصیف کنند و عظمت
الْمُعْلَنُونَ لِعَظَمَتِكَ، أَسْأَلُكَ بِمَا نَطَقَ فِيهِمْ مِنْ مَشِيَّتِكَ، فَجَعَلْتَهُمْ
را آشکارا اعلام کنند از تو خواهم بدانچه گویا شده درباره ایشان از ارادهات و بدین سبب ایشان را
مَعَادِنَ لِكَلِمَاتِكَ، وَأَرْكَاناً لِتَوْحِيدِكَ وَآيَاتِكَ، وَمَقَامَاتِكَ الَّتِي
معادن کلمات خویش و پایه‌های یگانگی و نشانه‌ها و مقامات خویش قرارشان دادی آن مقاماتی که در هیچ‌جا
لَا تَعْطِيلَ لَهَا فِي كُلِّ مَكَانٍ يَعْرِفُكَ بِهَا مَنْ عَرَفَكَ، لَا فَرْقَ بَيْنَكَ
تعطیل ندارد و هرکه تو را بشناسد بوسیله آنها شناخته میان تو و آنها فرقی نیست
وَبَيْنَهَا إِلَّا أَنَّهُمْ عِبَادُكَ وَخَلْقُكَ، فَتَقُهَا وَرَثَتُهَا بِيَدِكَ، بَدْوُهَا مِنْكَ
جز اینکه ایشان بندگان تو و مخلوق توأند و فتق و رتق کارشان بدست تو است شرویشان از جانب تو
وَعَوْدُهَا إِلَيْكَ أَعْضَادٌ وَأَشْهَادٌ وَمُنَاةٌ وَأَذْوَادٌ، وَحَفَظَةٌ وَرَوَادٌ، فِيهِمْ
و بازگشتشان بسوی تو است کمک‌کاران و گواهان و میزانها و مدافعان و نگهبانان و بازرسان هستند که بدیشان
مَلَأْتَ سَمَاءَكَ وَأَرْضَكَ، حَتَّى ظَهَرَ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، فَبِذَلِكَ أَسْأَلُكَ،
آسمان و زمین را پر کرده‌ای تا معلوم شد که معبودی جز تو نیست پس بدان وسیله از تو می‌خواهم
وَبِمَوَاقِعِ الْعِزِّ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَبِمَقَامَاتِكَ وَعَلَامَاتِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ
و به جاهای عزیز و ارجمند نزول رحمت و به مقامات و نشانه‌هایت که درود فرستی بر
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ تَزِيدَنِي إِيْمَاناً وَتَثْبِيْتاً يَابِاطِئاً فِي ظُهُورِهِ، وَظَاهِراً
محمد و آلش و ایمان و پایداریم را (در دین) بیفزایی ای که در عین آشکاری پنهانی و ای که در عین پنهانی
فِي بُطُونِهِ وَمَكْنُونِهِ، يَا مُفَرِّقاً بَيْنَ الثُّورِ وَالِدَيِّجُورِ، يَا مَوْصُوفاً بِغَيْرِ
و مستوری آشکاری ای جداکننده نور و ظلمت ای که بدون رسیدن به کنه و
كُنْهِ، وَمَعْرُوفاً بِغَيْرِ شَيْءٍ، حَادّاً كُلَّ مَحْدُودٍ، وَشَاهِدَ كُلِّ مَشْهُودٍ، وَمَوْجِدَ
و حقیقت تو را وصف کنند و بدون شبیه تو را بشناسند اندازه‌گیر هر چیز محدود و گواه هر گواهی‌شده و هستی‌ده
كُلِّ مَوْجُودٍ، وَمُحْصِيَ كُلِّ مَعْدُودٍ، وَفَاقِدَ كُلِّ مَفْقُودٍ، لَيْسَ دُونَكَ مِنْ
هر موجود و شمارنده هر معدود و گم‌کننده هر گمشده معبودی جز تو نیست
مَعْبُودٍ، أَهْلَ الْكِبَرِيَاءِ وَالْجُودِ، يَا مَنْ لَا يُكَيَّفُ بِكَيْفٍ، وَلَا يُؤَيَّنُ بِأَيْنٍ،
ای شایسته بزرگی و بخشش ای که به وصف و چگونگی درنیایی و در جایی جایگیر نشوی

يا مُحْتَجِباً عَنْ كُلِّ عَيْنٍ، يا دَيُّوْمُ يا قَيُّوْمُ، وَعَالِمَ كُلِّ مَعْلُوْمٍ، صَلِّ
 اي در پرده از هر دیده اي جاويدان اي پايدار و اي داناي هر دانسته درود فرست
 عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَعَلَي عِبَادِكَ الْمُتَّجِبِينَ، وَبَشْرِكَ الْمُحْتَجِبِينَ،
 بر محمد و آلش و بر بندگان برگزيدهات و انسانيهايت كه در پرده‌اند
 وَمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَالْبُحْرَى الصَّافِيْنَ الْحَافِينَ، وَبَارِكْ لَنَا فِي
 و فرشتگان مقرب و گمنامان صفزده و مهياي فرمانت و مبارك كن بر ما در اين
 شَهْرِنَا هَذَا الْمَرْجَبِ الْمَكْرَمِ، وَمَا بَعْدَهُ مِنَ الْأَشْهُرِ الْحُرُمِ، وَأَسْبِغْ
 ماه بزرگ و گرامي و ماههاي حرام و پس از آن و فراوان كن
 عَلَيْنَا فِيهِ النِّعَمَ وَأَجْزِلْ لَنَا فِيهِ الْقِسْمَ، وَأَبْرِزْ لَنَا فِيهِ الْقِسْمَ، بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ
 در اين ماه بر ما نعمتها را و سرشار كن در آن براي ما سهمها را و سوكندهاي ما را در اين ماه به انجام رسان به حق نام
 اعظم

الْأَعْظَمِ الْأَجَلِ الْأَكْرَمِ، الَّذِي وَضَعْتَهُ عَلَي النَّهَارِ فَاضَاءَ وَعَلَي اللَّيْلِ
 و بزرگترت كه برتر و گرامي‌ترين نامها است آن نامي را كه بر روز نهادي و روشن گشت و بر شب گذاردي
 فَاطْلَمَ، وَاعْفِرْ لَنَا مَا نَعْلَمُ مِنْهُ وَمَا لَا نَعْلَمُ، وَاعْصِمْنَا مِنَ الذُّنُوبِ خَيْرَ
 پس تاريك شد و بيمارز براي ما آنچه تواز ما داني و آنچه را ما ندانيم و نگاهمان دار از گناهان به بهترين
 الْعِصْمِ، وَآكِفْنَا كَوَافِي قَدْرِكَ، وَآمِنُنْ عَلَيْنَا بِحُسْنِ نَظْرِكَ، وَلَا تَكِلْنَا
 نگهداري و باكفايت خويش ما را از كفايت قضا و قدرت بي‌نياز كن و با نيك‌نظري خود بر ما منت نه و ما را
 إِلَى غَيْرِكَ، وَلَا تَمْنَعْنَا مِنْ خَيْرِكَ، وَبَارِكْ لَنَا فِي مَا كَتَبْتَهُ لَنَا مِنْ أَعْمَارِنَا،
 به غير خودت و امگذار و از خير و نيكييت منعمان مفرما و مبارك گردان براي ما در آنچه از عمرمان
 وَأَصْلِحْ لَنَا خَبِيئَةَ أَسْرَارِنَا، وَأَعْطِنَا مِنْكَ الْأَمَانَ، وَأَسْتَعْمِلْنَا بِحُسْنِ الْإِيمَانِ،
 مقدر فرموده‌اي و اصلاح گردان براي ما اسرار پوشيده‌مان را و از جانب خود به ما امني و امان ببخش و ما را با ايمان
 خوب

وَبَلِّغْنَا شَهْرَ الصِّيَامِ، وَمَا بَعْدَهُ مِنَ الْأَيَّامِ، وَالْأَعْوَامِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ .
 به كار وادار و برسان ما را به ماه روزه و روزها و سالهاي بعد از آن اي داراي جلالت و بزرگواري
 ششم و نيز شيخ روايت کرده كه بيرون آمد از ناحيه مقدسه بر دست شيخ ابو القاسم (رض) اين دعاء در ايام رجب :

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِالْمَوْلُوْدَيْنِ فِي رَجَبٍ، مُحَمَّدَ بْنِ عَلِيٍّ الثَّانِي وَابْنِهِ عَلِيٍّ

خدایا من از تو خواهم به حق دو مولود در ماه رجب یعنی محمد بن علی دوم (حضرت جواد) و فرزندش علی بن محمد
بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُتَجَبِّ، وَاتَّقَرَّبُ بِهِمَا إِلَيْكَ خَيْرَ الْقُرْبِ يَا مَنْ إِلَيْهِ الْمَعْرُوفُ

آن امام برگزیده و تقرب جویم بوسیله آن دو بسویت به بهترین تقرب ای که از او احسان و نیکی
طَلِبُ، وَفِيْمَا لَدَيْهِ رُغْبٌ، اَسْئَلُكَ سُؤَالَ مُقْتَرِفٍ مُّذْنِبٍ قَدْ اَوْبَقَتْهُ

جویند و همه آنچه را نزد او است راغبند از تو خواهم خواستن خطاکار و گنهکاری که

ذُئِبُهُ، وَاَوْبَقَتْهُ عُيُوْبُهُ، فَطَالَ عَلَيَّ الْخَطَا يَا ذُّوْبُهُ، وَمِنْ الرِّزَايَا

گناهانش او را به نابودی کشانده و عیبهایش او را در بند افکنده و شیوه‌اش بر خطاکاری طولانی شده و کارهایش با رنج
وبلا

خُطُوْبُهُ، يَسْئَلُكَ التَّوْبَةَ وَحُسْنَ الْاَوْبَةِ، وَالتَّزْوَعَ عَنِ الْحَوْبَةِ، وَمِنْ

آمیخته از تو پذیرش توبه و نیکویی هنگام بازگشت و جدایی از گناه و رهایی از

النَّارِ فَكَانَكَ رَقَبَتَهُ، وَالْعَفْوُ عَمَّا فِي رِقَبَتِهِ، فَانْتَ مَوْلَايَ اَعْظَمُ اَمَلِهِ

آتش و گذشتن تو را از آنچه در گردن دارد خواهان است پس تویی ای مولای من بزرگترین آرزو

وَقَتَّتُهُ، اَللّٰهُمَّ وَاسْئَلُكَ بِمَسَائِلِكَ الشَّرِيفَةِ وَوَسَائِلِكَ الْمُنِيفَةِ اَنْ

و تکیه‌گاهش خدایا از تو خواهم به حق مسأله‌های شریف و وسیله‌های والایت که مرا

تَتَعَمَّدَنِي فِي هَذَا الشَّهْرِ بِرَحْمَةٍ مِّنْكَ وَاسِعَةٍ، وَنِعْمَةٍ وَازِعَةٍ، وَنَفْسٍ

در این ماه فراگیری به رحمت وسیعت و نعمت بخش شده‌ات و نفس قانعی به من بدهی که قانع باشد بدانچه

بِمَا رَزَقْتَهَا قَانِعَةً، اِلَى تَزْوُلِ الْحَافِرَةِ، وَمَحَلِّ الْاٰخِرَةِ، وَمَا هِيَ اِلَيْهِ صَائِرَةٌ،

روزی‌ش کرده‌ای تا آن هنگام که به گور درآید و به جایگاه آخرت و آنچه سرانجام او است برود

* هفتم و نیز شیخ روایت کرده از جناب ابوالقاسم حسین بن روح (رض) که نایب خاص حضرت صاحب الامر علیه السلام

است که فرمود زیارت کن در هر مشهدی که باشی از مشاهد مشرقه در ماه رجب به این زیارت می‌گوئی چون داخل

شدی :

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُوْلُهُ اَشْهَدُ اَنَّ عَلِيًّا نَبِيُّهُ فِي رَجَبٍ، وَاَوْجَبَ عَلَيْنَا مِنْ حَقِّهِمْ مَا

ستایش خدای را سزااست که ما را در ماه رجب به زیارتگاه اولیائش رسانید و واجب کرد بر ما از حق ایشان آنچه را

قَدْ وَجَبَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَي مُحَمَّدٍ الْمُتَنَجِّبِ، وَعَلَي أَوْصِيَاءِهِ الْحُجُبِ، اللَّهُمَّ
که واجب بود و درود خدا بر محمد برگزیده و بر اوصیاء در پس پرده اش خدایا
فَكَمَا أَشْهَدُتْنَا مَشْهَدَهُمْ، فَأَجِزْ لَنَا مَوْعِدَهُمْ، وَأَوْرِثْنَا مَوْرِدَهُمْ، غَيْرَ
چنانچه ما را موفق به زیارت مرقدشان کردی پس وعده آنها را نیز درباره ما وفا کن و ما را در جای ورود آنها
مُحَلِّينَ عَنْ وَرْدٍ فِي دَارِ الْمُقَامَةِ وَالْخُلْدِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ إِنِّي [قَدْ]
وارد کن نه اینکه ما را از ورود در خانه اقامت و خلود دور سازند سلام بر شما که برستی
قَصَدْتُكُمْ وَاعْتَمَدْتُكُمْ بِمَسْئَلَتِي وَحَاجَتِي، وَهِيَ فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنْ
من شما را مقصود خویش قرار داده و در خواسته و حاجتم به شما تکیه کردم و آن حاجت و خواسته ام آزادیم از
النَّارِ، وَالْمَقَرُّ مَعَكُمْ فِي دَارِ الْقَرَارِ، مَعَ شِيعَتِكُمُ الْأَبْرَارِ، وَالسَّلَامُ
آتش دوزخ و جایگیر شدنم با شما است در خانه همیشگی با شیعیان نیکوکاران و سلام
عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ، أَنَا سَائِلُكُمْ وَأَمْلِكُكُمْ فِيمَا
بر شما به خاطر آن شکیبایی که کردید و چه نیکو است سرانجام آن خانه بهشت، من از شما خواهم و آرزومند
إِلَيْكُمْ، التَّفْوِيزُ، وَعَلَيْكُمْ التَّعْوِيزُ فَبِكُمْ يُجَبَّرُ الْمَهِيزُ، وَيُشْفَى
شمایم در آن چیزهایی که در اختیار شما است و تعویض آن برعهده شماست پس بوساطت شما جوش خورد استخوان شکسته
الْمَرِيضُ، وَمَا تَزْدَادُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَغِيضُ، إِنِّي بِسِرِّكُمْ مُؤْمِنٌ،
و درمان شود شخص بیمار و آنچه در رحمها زیاد گردد یا کم شود همانا من به راز شما معتقدم
وَلِقَوْلِكُمْ مُسَلِّمٌ، وَعَلَي اللَّهِ بِكُمْ مَقْسِمٌ فِي رَجْعِي بِحَوَائِجِي،
و به گفتار شما تسلیمم و خدا را به شما قسم می دهم که از اینجا که بازگردم حوائج را گرفته
وَقَضَائِهَا وَإِمْضَائِهَا وَإِنْجَاحِهَا وَإِبْرَاحِهَا، وَبَشُؤُنِي لَدَيْكُمْ
و برآورده شده و به امضاء رسیده باشد و بدانها کامیاب گشته و سختیش رفع شده باشد و نیز درباره کارهایم نزد شما
وَصَلَاحِهَا، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ سَلَامٌ مُودَعٌ، وَلَكُمْ حَوَائِجُهُ مُودِعٌ،
و اصلاحش را از او خواهم و سلام بر شما سلام خدا حافظی کننده ای که حاجتهای خود را نزد شما سپرده
يَسْتَلُّ اللَّهُ إِلَيْكُمْ الْمَرْجِعَ، وَسَعْيُهُ إِلَيْكُمْ غَيْرُ مُنْقَطِعٍ، وَأَنْ يَرْجِعَنِي مِنْ
و از خدا خواهد که دوباره نزد شما آید و راهش بسوی شما بریده نشود و نیز خواهم که خدا مرا از
حَضْرَتِكُمْ خَيْرَ مَرْجِعٍ إِلَى جَنَابِ مُمَرِّعٍ، وَخَفْضِ مُوسَعٍ، وَدَعَةِ

محضر شما به بهترین وجهی برگرداند، برگرداند بسوی جایی سرسبز و خرم و زندگانی وسیع و گوارا

وَمَهْلٍ إِلَى حِينِ الْأَجَلِ، وَخَيْرِ مَصِيرٍ وَمَحَلٍّ فِي التَّعِيمِ الْأَزَلِ

و در خوشی و آسایش تا هنگام رسیدن مرگ و بهترین سرانجام و جایگاه در بهشت پرنعمت ازلی

وَالْعَيْشِ الْمُقْتَبِلِ، وَدَوَامِ الْأَكْلِ، وَشُرْبِ الرَّحِيقِ، وَالسَّلْسَلِ وَعَلِ

و زندگی آینده و خوراکیهای همیشگی و نوشیدن شراب و آب پاکیزه و گوارا در چند بار

وَهْلٍ، لَا سَامَ مِنْهُ وَلَا مَلَلٌ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَتَحِيَّاتُهُ عَلَيْكُمْ

و یکبار که نوشیدنش خستگی و ملال نیاورد و رحمت خدا و برکات و تحیت‌های او بر شما باد

حَتَّى الْعُودِ إِلَى حَضْرَتِكُمْ، وَالْفَوْزِ فِي كَرَّتِكُمْ، وَالْحَشْرِ فِي زُمْرَتِكُمْ،

تا هنگام بازگشت من به نزد شما و رستگار شدن در زمان رجعت شما و محصور شدن در زمره شما

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ، وَصَلَوَاتُهُ وَتَحِيَّاتُهُ، وَهُوَ حَسْبُنَا وَنِعْمَ الْوَكِيلُ

و رحمت خدا و برکاتش و درودها و تحیاتش بر شما باد و او ما را بس است و نیکو و کیلی است

* هشتم سید بن طاوس روایت کرده از محمد بن ذکوان که معروف به سجّاد است برای آنکه آنقدر سجده کرد و

گریست در سجود که نایبنا شد گفت عرض کردم به حضرت صادق علیه السلام فدای تو شوم این ماه رجب است تعلیم

بنما مرا دعائی در آن که حقّ تعالی مرا به آن نفع بخشد حضرت فرمود بنویس بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بگو در هر روز از

رجب در صبح و شام و در عقب نمازهای روز و شب

يَا مَنْ أَرْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ، وَأَمِنْ سَخَطِهِ عِنْدَ كُلِّ شَرٍّ، يَا مَنْ يُعْطِي الْكَثِيرَ

ای که برای هر خیری به او امید دارم و از خشمش در هر شری ایمنی جویم ای که می‌دهد (عطای) بسیار

بِالْقَلِيلِ، يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ سَأَلَهُ، يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْهُ

در برابر (طاعت) اندک ای که عطا کنی به هر که از تو خواهد ای که عطا کنی به کسی که از تو نخواهد و

تَحَنُّنًا مِنْهُ وَرَحْمَةً، أَعْطِنِي بِمَسْئَلَتِي إِيَّاكَ، جَمِيعَ خَيْرِ الدُّنْيَا وَجَمِيعِ خَيْرِ

نه تو را بشناسد از روی نعمت بخشی و مهرورزی عطا کن به من به خاطر درخواستی که از تو کردم همه خوبی دنیا و

همه خوبی و خیر

الْآخِرَةِ، وَأَصْرِفْ عَنِّي بِمَسْئَلَتِي إِيَّاكَ جَمِيعَ شَرِّ الدُّنْيَا، وَشَرِّ الْآخِرَةِ، فَإِنَّهُ

آخرت را و بگردان از من به خاطر همان درخواستی که از تو کردم همه شر دنیا و شر آخرت را زیرا

غَيْرُ مَنْقُوصٍ مَا أَعْطَيْتَ، وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ يَا كَرِيمُ

آنچه تو دهی چیزی کم ندارد (یا کم نیاید) و بیفزای من از فضیلت ای بزرگوار
راوی گفت پس گرفت حضرت محاسن شریف خود را در پنبه چپ خود و خواند این دعا را به حال التجا و تضرع به
حرکت دادن انگشت سبابه دست راست پس گفت بعد از این :

يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا ذَا التَّعْمَاءِ وَالْجُودِ، يَا ذَا الْمَنِّ وَالطُّوْلِ، حَرِّمُ شَيْئِي عَلَى النَّارِ،

ای صاحب جلالت و بزرگواری ای صاحب نعمت و جود ای صاحب بخشش و عطا حرام کن محاسنم را بر آتش دوزخ
* نهم از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که هر که در ماه رجب صد مرتبه بگوید: اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا

إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ وَخَتَمَ كُنْدَ أَنْرَا بِه صدقه ختم فرماید حق تعالی او برحمت و مغفرت و
کسیکه چهار صد مرتبه بگوید بنویسد برای او اجر صد شهید دهم و نیز از آنحضرت مروی است که کسیکه بگوید در ماه
رجب هزار مرتبه لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بنویسد خداوند عزَّ وَجَلَّ برای او صد هزار حسنه و بنا فرماید برای او صد شهر در بهشت
یازدهم روایت است کسی که در رجب در وقت صبح هفتاد مرتبه و در وقت پسین نیز هفتاد مرتبه بگوید: اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ
وَأَتُوبُ إِلَيْهِ و چون تمام کرد دستها را بلند کند و بگوید اَللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَتُبْ عَلَيَّ پس اگر در ماه رجب بمیرد خدا از او
راضی باشد و آتش او را مسَّ نکند به برکت رجب دوازدهم در جمیع این ماه هزار مرتبه بگوید اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ ذَا الْجَلَالِ
وَالْإِكْرَامِ مِنْ جَمِيعِ الذُّنُوبِ وَالْآثَامِ تا خداوند رحمان او را بیامرزد سیزدهم سید در اقبال فضیلت بسیار از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله نقل کرده برای خواندن قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ده هزار مرتبه یا هزار مرتبه یا صد مرتبه در ماه رجب
و نیز روایت کرده که هر که در روز جمعه ماه رجب صد مرتبه قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بخواند برای او نوری باشد در قیامت که
او را به بهشت بکشاند چهاردهم سید روایت کرده که هر که در ماه رجب یک روز روزه بدارد و چهار رکعت نماز گذارد
بخواند در رکعت اوّل صد مرتبه آیه الكرسي و در رکعت دوّم دویست مرتبه قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ نمیرد تا جای خود را در
بهشت ببیند یا دیده شود برای او پانزدهم و نیز سید روایت کرده از حضرت رسول صلی الله علیه و آله که هر که در روز
جمعه ماه رجب چهار رکعت نماز کند مابین ظهر و عصر بخواند در هر رکعتی حمد یک مرتبه و آیه الكرسي هفت مرتبه و
قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ پنج مرتبه پس ده مرتبه بگوید اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَأَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ بنویسد حق تعالی برای او از
روزی که این نماز را گذارده تا روزی که بمیرد هر روزی هزار حسنه و عطا فرماید او را به هر آیه ای که خوانده شهری در
بهشت از یاقوت سرخ و به هر حرفی قصری در بهشت از دُرّ سفید و تزویج فرماید او را حور العین و راضی شود از او
بغیر سخط و نوشته شود از عابدین و ختم فرماید برای او به سعادت و مغفرت «الخبر». شانزدهم سه روز از این ماه را
که پنجشنبه و جمعه و شنبه باشد روزه بدارد زیرا که روایت شده هر که در یکی از ماههای حرام این سه روز را روزه
بدارد حق تعالی برای او ثواب نهصد سال عبادت بنویسد هفدهم در تمام ماه رجب شصت رکعت نماز کند به این طریق

که در هر شب آن دو رکعت بجا آورد بخواند در هر رکعت حمد يك مرتبه و قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ سه مرتبه و قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ يك مرتبه و چون سلام دهد دستها را بلند کند و بگوید :

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَهُوَ

معبودي نیست جز خدای یگانه‌ای که شریک ندارد خاص او است فرمانروایی و مخصوص او است ستایش می‌میراند و زنده کند و

حَيُّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلِيٌّ كُلُّشَيْءٍ قَدِيرٌ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا

او است زنده‌ای که نمیرد هر چه خیر است بدست او است و او بر هر چیز توانا است و بسوی او است بازگشت و جنبش و نیروی

قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ وَآلِهِ

نیست مگر بوسیله خدای برتر و بزرگ خدایا درود فرست بر محمد پیامبر امی (درس نخوانده) و بر آلش و بکشد دستها را بصورت خود. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مرویست که کسی که این عمل را بجا آورد حق تعالی دعای او را مستجاب گرداند و ثواب شصت حج و شصت عمره به او عطا فرماید هیجدهم از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مروی است کسی که در يك شب از ماه رجب بخواند صد مرتبه قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ در دو رکعت نماز پس گویا صد سال روزه گرفته در راه خدا و حق تعالی در بهشت صد قصر به او مرحمت فرماید هر قصری در جوار پیغمبری از پیغمبران علیهم السلام نوزدهم و نیز از آن حضرت مرویست که هر که در يك شب از شبهای رجب ده رکعت نماز کند بخواند در هر رکعتی حمد و قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ یکمرتبه و توحید سه مرتبه بیاورد حق تعالی هر گناهی که کرده «الخبر». بیستم علامه مجلسی در زاد المعاد فرموده که از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که در هر شب و هر روز ماه رجب و شعبان و رمضان سه مرتبه هر يك از حمد و آیه الكرسي و قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ و قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ و قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ بخواند و سه مرتبه بگوید سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ و سه مرتبه بگوید اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ و سه مرتبه بگوید اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ و چهارصد مرتبه بگوید أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ خداوند تعالی گناهانش را بیاورد اگر چه بعدد قطره‌های باران و برگ درختان و کف دریاها باشد «الخبر» و نیز علامه مجلسی فرموده که در هر شب از شبهای این ماه هزار مرتبه لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وارد شده است و بدان که شب جمعه اول ماه رجب را لیلۃ الرغائب می‌گویند و از برای آن عملی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وارد شده با فضیلت بسیار که سید در اقبال و علامه در اجازه بنی زهره نقل کرده‌اند از جمله فضیلت او آنکه گناهان بسیار بسبب او آمرزیده

شود و آنکه هر که این نماز را بگذارد چون شب اول قبر او شود حقّ تعالی بفرستد ثواب این نماز را بسوی او به نیکوتر صورتی با روی گشاده و درخشان و زبان فصیح پس با وی گوید ای حبیب من بشارت باد تو را که نجات یافتی از هر شدّت و سختی گوید تو کیستی بخدا سوگند که من روئی بهتر از روی تو ندیدم و کلامی شیرینتر از کلام تو نشنیده‌ام و بوئی بهتر از بوی تو نبویدم گوید من ثواب آن نماز که در فلان شب از فلان ماه از فلان سال بجا آوردی آدم امشب بنزد تو تا حقّ تو را ادا کنم و مونس تنهایی تو باشم و وحشت را از تو بردارم و چون در صور دمیده شود من سایه بر سر تو خواهم افکند در عرصه قیامت پس خوشحال باش که خیر از تو معدوم نخواهد شد هرگز و کیفیت آن چنان است که روز پنجشنبه اول آن ماه را روزه میداری چون شب جمعه داخل شود ما بین نماز مغرب و عشاء دوازده رکعت نماز می‌گذاری هر دو رکعت به یک سلام و در هر رکعت از آن یک مرتبه حمد و سه مرتبه اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ و دوازده مرتبه قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ می‌خوانی و چون فارغ شدی از نماز هفتاد مرتبه می‌گوئی اَللّهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْاُمِّيِّ وَعَلٰی اٰلِهِ پس به سجده می‌روی و هفتاد مرتبه می‌گوئی سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ پس سر از سجده بر میداری و هفتاد مرتبه می‌گوئی رَبِّ اغْفِرْ وَاَرْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ اِنَّكَ اَنْتَ الْعَلِيُّ الْاَعْظَمُ پس باز به سجده می‌روی و هفتاد مرتبه می‌گوئی سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ پس حاجت خود را می‌طلبی که انشاءالله برآورده خواهد شد و بدان نیز که در ماه رجب زیارت حضرت امام رضا علیه السلام مندوبست و اختصاصی دارد چنانچه عمره در این ماه فضیلت دارد و روایت شده که تالی حجّ است در فضیلت و منقول است که جناب علی بن الحسین علیه السلام مُعْتَمِر شده بود در ماه رجب و شبانه روز نماز در نزد کعبه می‌گذاشت و پیوسته در سجده بود در شب و روز و این ذکر از آن حضرت شنیده می‌شد که در سجده می‌گفت: عَظُمَ الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِكَ فَلْيَحْسِنِ الْعَفْوُ مِنْ عِنْدِكَ .

قسم دویم

در اعمال مخصوصه ایّام و لیالی ماه رجب است

شب اول شب شریفی است و در آن چند عمل است اول آنکه چون هلال را ببند بگوید :

اَللّهُمَّ اِهْلَهُ عَلَيْنَا بِالْاَمْنِ وَالْاَيْمَانِ، وَالسَّلَامَةِ وَالْاِسْلَامِ، رَبِّي

خدایا این ماه را بر ما نو کن به امنیت و ایمان و سلامت و دین اسلام پروردگار من

وَرَبُّكَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ، و نیز از حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقول است که چون هلال رجب را

* * * * * و پروردگار تو (ای ماه) خدای عزوجل می‌باشد * * * * *

* * * * *

می‌دید می‌گفت: اَللّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي رَجَبٍ وَشَعْبَانَ، وَبَلِّغْنَا شَهْرَ رَمَضَانَ،

* * * * * خدايا برکت ده بر ما در ماه رجب و شعبان و ما را به ماه رمضان برسان

وَأَعِنَّا عَلَى الصِّيَامِ وَالْقِيَامِ وَحِفْظِ اللِّسَانِ، وَغَضِّ البَصَرِ، وَلَا تَجْعَلْ

و کمکمان ده براي گرفتن روزه و شب زنده داري و نگهداري زبان و پوشيدن چشم و بهره ما را از آن ماه

حَظَّنَا مِنْهُ الْجُوعَ وَالْعَطَشَ، × دويّم غسل کند چنانکه بعضي از علماء فرموده اند: از

تنها گرسنگي و تشنگي قرار مده * * * * *

حضرت رسول صلي الله عليه وآله مروي است که هر که درک کند ماه رجب را و غسل کند در اوّل و وسط و آخر آن

بيرون آيد از گناهان خود مانند روزيکه از مادر متولّد شده سيّم زيارت کند حضرت امام حسين عليه السلام را چهارم

بعد از نماز مغرب بيست رکعت نماز کند بحمد و توحيد و بعد از هر دو رکعت سلام دهد تا محفوظ بماند خود و اهل و مال

و اولادش و از عذاب قبر در پناه باشد و از صراط ييحساب مانند برق بگذرد پنجم بعد از نماز عشاء دو رکعت نماز کند

بخواند در رکعت اوّل حَمْدُ وَاللّٰهُ تَشْرِيْحُ يَكُ مرتبه و توحيد سه مرتبه و در رکعت دويم حَمْدُ وَاللّٰهُ تَشْرِيْحُ و توحيد و

مُعَوِّذَتَيْنِ را و چون سلام نماز داد سي مرتبه لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بگويد و سي مرتبه صَلَوَاتِ بفرستند تا حقّ تعالى گناهان او را

بيامرزد مانند روزيکه از مادر متولّد شده ششم آنکه بخواند سي رکعت نماز در هر رکعت حمد و قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ يَكُ

مرتبه و توحيد سه مرتبه هفتم بجا آورد آنچه را که شيخ در مصباح متهجّد ذکر نموده فرموده ذکر عمل شب اوّل رجب

روايت کرده است ابوالبختري وهب بن وهب از حضرت امام جعفر صادق از پدرش از جدّش از حضرت اميرالمؤمنين عليهم

السلام که آنحضرت را خوش مي آمد که فارغ سازد خود را چهار شب در تمام سال يعني احيا بدارد آن شبها را به

عبادت و آن چهار شب: شب اوّل رجب و شب نيمه شعبان و شب عيد فطر و شب عيد قربان بود و روايت شده است از

ابو جعفر ثاني حضرت امام محمد جواد عليه السلام که فرمود مستحبّ است که هر آدمي بخواند اين دعا را در شب اوّل

رجب بعد از عشاء

آخرة: اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِاَنَّكَ مَلِكٌ وَاَنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرٌ، وَاَنَّكَ

* * * خدايا از تو خواهم بواسطه آنکه تو فرمانروايي و تو بر هر چيز توانايي و تو

ما تَشَاءُ مِنْ اَمْرٍ يَكُوْنُ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَتُوْجَّهٗ اِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ نَّبِيِّ

هر کاري را بخواهي مي شود خدايا من بسويت رو کنم بوسيله پيامبرت محمد پيامبر

الرَّحْمَةِ، صَلَّي اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ، يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ، اِنِّيْ اَتُوْجَّهٗ بِكَ

رحمت درود تو بر او و آلش، اي محمد اي رسول خدا براستي من به تو رو آورده ام براي

إِلَى اللَّهِ رَبِّكَ وَرَبِّي لِيُنْجِحَ بِكَ طَلِبَتِي، اللَّهُمَّ بَنِيكَ مُحَمَّدٌ

رفتن به درگاه خدا پروردگار من و تو تا بلکه بوسیله تو حاجت روا گردم خدایا به حق پیامبرت محمد

وَالْأَئِمَّةَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ، أَنْجِحْ طَلِبَتِي بِسْ سَوَّال

و به حق پیشوایان از خاندانش صلی الله علیه و علیهم که حاجتم را روا کن * * * * *

کن حاجت را و روایت کرده است علی بن حدید که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام بعد از فراغ از

* * * * *

* * * * *

نماز شب در حال سجده می گفت لَكَ الْمَحْمَدَةُ إِنَّ أَطْعَمَكَ وَلَكَ الْحُجَّةُ إِنَّ

* * * * * برای تو است ستایش اگر پیرویت کنم و تو حجت و برهان

عَصِيَّتُكَ، لَا صُنْعَ لِي وَلَا لِعَيْرِي فِي إِحْسَانِ إِلَّا بِكَ، يَا كَائِنُ قَبْلَ

بر من داری اگر نافرمانیت کنم نه کاری از من ساخته است و نه از غیر من در مورد احسان مگر بوسیله تو ای بوده

پیش

كُلُّشَيْءٍ، وَيَا مُكُونُ كُلِّشَيْءٍ، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّشَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي

از هر چیز و ای بود کننده هر چیز براستی تو بر هر چیز توانایی خدایا به تو

أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَدِيلَةِ عِنْدَ الْمَوْتِ، وَمِنْ شَرِّ الْمَرْجِعِ فِي الْقُبُورِ، وَمِنْ

پناه برم از انحراف هنگام مرگ و از بازگشت بد در میان گور و از

الْئِدَامَةِ يَوْمَ الْأَرْزَاقِ، فَاسْئَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ

پشیمانی در روز قیامت پس از تو خواهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد و

تَجْعَلَ عَيْشِي عَيْشَةً نَقِيَّةً، وَمَيِّتِي مَيِّتَةً سَوِيَّةً، وَمُنْقَلَبِي مُنْقَلَبًا

قرار دهی زندگی مرا زندگی پاک و پاکیزه و مرگم را مرگی معتدل و مستقیم و بازگشتم را بازگشتی

كَرِيمًا، غَيْرَ مُحْزٍ وَلَا فَاضِحٍ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَئِمَّةِ

گرامی که خواری و رسوایی در آن نباشد خدایا درود فرست بر محمد و آلش آن پیشوایانی که

يَنَابِيعُ الْحِكْمَةِ، وَأُولِي النُّعْمَةِ، وَمَعَادِنِ الْعِصْمَةِ وَأَعْصَمْنِي بِهِمْ مِنْ

سرچشمه های حکمت و ولی نعمت و معادن عصمتند و بوسیله ایشان مرا از

كُلِّ سُوءٍ، وَلَا تَأْخُذْنِي عَلَيَّ غَرَّةٍ وَلَا عَلَيَّ غَفْلَةٍ، وَلَا تَجْعَلَ عَوَاقِبَ

هر بدی محافظت فرما و مگیر مرا در حال غرور و نه در حال غفلت و بی خبری و قرار مده پایان

أَعْمَالِي حَسْرَةً، وَأَرْضَ عَنِّي فَإِنَّ مَغْفِرَتَكَ لِلظَّالِمِينَ وَأَنَا مِنْ

کارهایم را حسرت و افسوس و از من راضی شو که راستی آمرزش مخصوص ستمکاران است و من نیز

الظَّالِمِينَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا لَا يَضُرُّكَ، وَأَعْطِنِي مَا لَا يَنْقُصُكَ، فَإِنَّكَ

از ستمکارانم خدایا بیامرزش از من آنچه را زیان به تو نرزد و عطا کن به من آنچه تو را کم نیاید زیرا که

الْوَسِيعُ رَحْمَتُهُ، الْبَدِيعُ حِكْمَتُهُ وَأَعْطِنِي السَّعَةَ وَالِدَعَةَ، وَالْأَمْنَ

رحمت تو وسیع و فرزاندگیت تازه و جدید است و عطا کن به من وسعت و فراخی و امنیت

وَالصَّحَّةَ، وَالْبُخُوعَ وَالْقُنُوعَ، وَالشُّكْرَ وَالْمُعَافَاةَ، وَالتَّقْوَى وَالصَّبْرَ،

و سلامتی و فروتنی و قناعت و سپاسگزاری و تندرستی و پرهیزکاری و شکیبایی

وَالصَّدْقَ عَلَيْكَ وَعَلَى أَوْلِيَاءِكَ، وَالْيُسْرَ وَالشُّكْرَ، وَأَعْمَمُ بِذَلِكَ يَا

و راستی (و درستی) نسبت به تو و نسبت به دوستان و آسانی و شکر و در اینها که گفتم و با من شریک ساز

رَبِّ أَهْلِي وَوَلَدِي وَأَخْوَانِي فِيكَ، وَمَنْ أَحَبَّتُ وَأَحَبَّنِي، وَوَلَدْتُ

پروردگار من خانواده و فرزندان و برادران دینی مرا و کسانی را که من دوست دارم یا آنان مرا دوست دارند و فرزندان

آینده

وَوَلَدَنِي، مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُؤْمِنِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ ابْنَ أَشِيمٍ گفته این

و پدران گذشته من از مسلمانان و مؤمنین ای پروردگار جهانیان * * * * *

دعاء بعد از هشت رکعت نماز شب و پیش از نماز وثر است آنگاه سه رکعت وثر را بجا می آوری

* * * * *
* * * * *

پس چون سلام دادی بگو در حالتی که نشسته باشی: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا تَنْفَدُ

* * * * * ستایش آن

خدای را سزااست

خَزَائِنُهُ، وَلَا يَخَافُ أَمْنُهُ، رَبِّ إِنْ ارْتَكَبْتُ الْمَعَاصِيَ فَذَلِكَ نِقَّةٌ مِنِّي

که خزینه هایش پایان نپذیرد و هر که در امان او بود هراس ندارد پروردگارا اگر من دست به نافرمانی زدم این بخاطر

آن اطمینانی

بِكِرْمِكَ، إِنَّكَ تَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِكَ، وَتَغْفُو عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ، وَتَغْفِرُ

بود که به کرم تو داشتم بر راستی که تو از بندگان توبه شان را می پذیری و از گناهانشان درگذری

الزَّلَّ، وَأَنْتَ مُجِيبٌ لِدَاعِيكَ وَمِنْهُ قَرِيبٌ، وَأَنَا تَائِبٌ إِلَيْكَ مِنْ
و لغزشهاشان بیا مرزی و برستی که تو خواننده‌ات را پاسخ دهی و به او نزدیکی و من بسوی تو
الْخَطَايَا، وَرَاغِبٌ إِلَيْكَ فِي تَوْفِيرِ حَظِّي مِنَ الْعَطَايَا، يَا خَالِقَ الْبَرَايَا،
از گناهان توبه کنم و میل دارم از درگاهت که بهرام را از عطاها ی خویش فراوان گردانی ای آفریننده خلاق
يَا مُنْقِذِي مِنْ كُلِّ شَدِيدَةٍ، يَا مُجِيرِي مِنْ كُلِّ مَحْذُورٍ، وَفَرُّ عَلَيَّ
ای نجات دهنده من از هر سختی ای پناه ده من از هر خطر و چیز ترسناک
السُّرُورِ، وَأَكْفِنِي شَرَّ عَوَاقِبِ الْأُمُورِ فَأَتَتْ اللَّهُ عَلَيَّ نِعْمَاتِكَ وَجَزِيلِ
خدایا نشاط و خوشحالم را فراوان گردان و از شر پایان هر کار نگاهم دارد که برستی ای خدا تو بر نعمتها و عطاها ی
عَطَايَاكَ مَشْكُورٌ وَلِكُلِّ خَيْرٍ مَذْخُورٌ وَبَدَانِ كَمَا عَلِمَاءُ مِنْ شَبِّهِ
سرشارت مورد سپاسگزاری هستی و برای هر خیر و خوبی ذخیره ما باشی * * * * *
نماز مخصوصی ذکر فرموده‌اند که مقام را گنجایش نقل آن نیست .

روز اول رجب

روز شریفی است و در آن چند عمل است اول روزه گرفتن روایت شده که حضرت نوح علیه السلام در این روز
بکشتی سوار شد و امر فرمود کسانی را که با او بودند روزه بدارند و هر که این روزه را روزه بدارد آتش جهنم یکسال
راه از او دور شود دوم غسل کند سیّم زیارت امام حسین علیه السلام کند شیخ روایت کرده از بشیر دَهَّان از امام جعفر
صادق علیه السلام که فرمود هر که زیارت کند حسین بن علی علیهما السلام را در روز اول رجب بیا مرزد خداوند عالم
او را البته چهارم بخواند دعای طویلی که سیّد در اقبال نقل فرموده پنجم شروع کند به نماز سلمان (رض) بدین طریق که
ده رکعت نماز گذارد و بعد از هر دو رکعت سلام دهد و در هر رکعت یک مرتبه حمد و سه مرتبه سوره توحید و سه مرتبه
قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ بخواند و بعد از هر سلام دستها را بلند کند و بگوید :
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَهُوَ
معبودی نیست جز خدای یگانه که شریک ندارد فرمانروایی از آن او است و ستایش مخصوص او است زنده می‌کند و
می‌میراند و او است

حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، پس بگوید اللَّهُمَّ لَا
زنده‌ای که هرگز نگیرد هر چه خیر است بدست او است و او بر هر چیزی توانا است × × × × × خدایا جلوگیری

مَانِعٍ لِّمَا أَعْطَيْتَ، وَلَا مُعْطِيٍّ لِّمَا مَنَعْتَ، وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ،

نیست از آنچه تو عطا کنی و عطا بخشی نیست برای آنکس که تو منعش کنی و کوشش شخص کوشا او را از تو بی نیاز نکند

پس دستها را بر روی خود کشد و در روز نیمه ماه نیز این نماز را بهمین کیفیت بخواند لکن عوض این دعا بعد از علی کُشَیْءِ قَدِیرُ بگوید :

إِلَهًا وَاحِدًا أَحَدًا فَرْدًا صَمَدًا، لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا،

آن معبود یگانه یکتای فرد بی نیازی که نگرفته است همدم و نه فرزندی

و در روز آخر ماه نیز چنین کند لکن بعد از علی کُشَیْءِ قَدِیرُ بگوید

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ .

و درود خدا بر محمد و آل پاکیزه اش باد و جنبش و نیروی نیست جز به خدای بلند مرتبه و بزرگ

پس دستها را بر روی خود بکشد و حاجت خود را بطلبد و از فوائد این نماز نباید غفلت نمود که آن بسیار است

و بدانکه از برای حضرت سلمان نیز نماز دیگری است در روز اول این ماه ده رکعت در هر رکعت حمد یکمرتبه و توحید

سه مرتبه با فضیلت بسیار که مجملش آمرزش گناهان و محفوظ بودن از فتنه قبر و عذاب روز قیامت و رفتن جذام و

بَرَص و ذات الجنب از خواننده آن است و سید نیز برای این روز چهار رکعت نماز نقل کرده هر که خواهد به اقبال

مراجعه کند و در این روز سنه (۵۷) پنجاه و هفت بقولی ولادت حضرت باقر علیه السلام واقع شده و لکن مختار داعی

در سیم صفر است و در روز دوم این ماه بقولی ولادت با سعادت حضرت امام علی نقی علیه السلام است سنه ۲۱۲ و

شهادت آن حضرت در سیم سنه (۲۵۴) دویست و پنجاه و چهار در سُرَّ مَنْ رَأَى واقع شده، روز دهم بقول ابن عیاش

ولادت حضرت امام محمد تقی علیه السلام واقع شده .

شب سیزدهم

بدانکه مستحب است در هر يك از ماه رجب و شعبان و رمضان آنکه در شب سیزدهم دو رکعت نماز بگذارند در هر رکعت

حمد يك مرتبه و یس و تَبَارَكَ الْمَلِكُ و توحید بخوانند و در شب چهاردهم چهار رکعت بدو سلام بهمین کیفیت و در شب

پانزدهم شش رکعت به سه سلام بهمین کیفیت از حضرت صادق علیه السلام مرویست که هر که چنین کند جمیع فضیلت

این سه ماه را دریابد و جمیع گناهانش غیر از شرك آمرزیده شود روز سیزدهم اول ایّام البیض است و ثواب بسیاری

برای روزه این روز و دو روز بعد وارد شده و اگر کسی خواهد عمل اُمّ داود بجا آورد باید این روز را روزه بگیرد و در

این روز بنا بر مشهور بعد از سی سال از عام الفیل ولادت با سعادت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در میان کعبه مُعَظَّمَه واقع شده است شب نیمه ماه رجب شب شریفی است و در آن چند عملست اول غسل دوم احیاء آن به عبادت چنانکه علامه مجلسی فرموده سیم زیارت امام حسین علیه السلام چهارم شش رکعت نماز که در شب سیزدهم ذکر شد پنجم سی رکعت نماز در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید و این نماز را سید از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل کرده با فضیلت بسیار ششم دوازده رکعت نماز هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت هر یک از سوره حمد و توحید و فلق و ناس و آیه الكرسي و قدر را چهار مرتبه بخواند و بعد از سلام چهار مرتبه بگوید اَللّهُ اَللّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً وَلَا اتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ وَلِيّاً و هر چه می خواهد بخواند و این نماز را بدین طریق سید از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده و لکن شیخ در مصباح فرموده روایت کرده داود بن سرحان از حضرت صادق علیه السلام که فرمود بجا می آوری در شب نیمه رجب دوازده رکعت نماز می خوانی در هر رکعت حمد و سوره و چون فارغ شدی از نماز می خوانی بعد از آن حمد و معوذتین و سوره اخلاص و آیه الكرسي را چهار مرتبه و می گوئی بعد از آن سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ چهار مرتبه پس می گوئی اَللّهُ اَللّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً وَمَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ و بجا می آوری در شب بیست و هفتم نیز مثل این را روز نیمه رجب روز مبارکیست و در آن چند عمل است اول غسل دوم زیارت حضرت امام حسین علیه السلام از ابن ابی بصیر منقول است که گفت سؤال کردم از حضرت امام رضا علیه السلام که در چه ماه زیارت کنیم امام حسین علیه السلام را فرمود در نیمه رجب و نیمه شعبان سیم نماز سلمان به نحویکه در روز اول گذشت چهارم چهار رکعت نماز بخواند و بعد از سلام دست خود را پهن کند و بگوید :

اَللّهُمَّ يَا مُدِلَّ كُلِّ جَبَّارٍ، وَيَا مُعِزَّ الْمُؤْمِنِينَ، أَنْتَ كَهْفِي حِينَ تُعِينِي

خدایا ای خوارکننده هر ستمکار سرکش و ای عزت بخش مؤمنان تویی پناهگاه من در آن هنگام که از راهها وامانده شوم

اَلْمَذَاهِبُ، وَأَنْتَ بَارِي خُلُقِي رَحْمَةً بِي، وَقَدْ كُنْتَ عَنْ خُلُقِي غَنِيّاً، وَلَوْ لَا

و تویی که از روی مهربانی که به من داشتی به خلقت من دست زدی در صورتی که از خلقت من نیاز بودی و اگر مهر تو نبود بطور مسلم من

رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ، وَأَنْتَ مُؤَيِّدِي بِالنَّصْرِ عَلَيَّ أَعْدَائِي، وَلَوْ لَا

در زمره نابودان بودم و تویی که مرا بوسیله یاری دادن بر دشمنانم کمک دهی و اگر

نَصْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ، يَا مُرْسِلَ الرَّحْمَةِ مِنْ مَعَادِنِهَا،

یاری تو نبود بطور حتم من از رسوایان بودم ای فرستنده رحمت از معدنهای آن

وَمُنْشَى الْبَرَكَةِ مِنْ مَوَاضِعِهَا، يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالشُّمُوحِ

و ای پدید آورنده برکت از جاهای آن ای که مخصوص داشت خود را به بلندی مقام

وَالرُّفْعَةِ، فَأَوْلِيَآؤُهُ بَعِزُّهُ يَتَعَزَّزُونَ، وَيَا مَنْ وَضَعَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ

و رفعت و از اینرو دوستانش به عزت او عزیز گردند و ای که پادشاهان طوق مذلت را برای او

الْمَذَلَّةَ عَلَيِ اعْنَاقِهِمْ، فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ، أَسْأَلُكَ بِكَيْتُوبَتِكَ

بر گردن نهاده‌اند و از سطوت‌های او ترسانند از تو خواهم به حق بود کردند

الَّتِي اشْتَقَّقْتُهَا مِنْ كِبَرِيَاكَ وَأَسْأَلُكَ بِكِبَرِيَاكَ الَّتِي اشْتَقَّقْتُهَا مِنْ

که آنرا از کبرای خود جدایش کردی و از تو خواهم به حق کبریایت که آن را از عزت

عِزَّتِكَ، وَأَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ الَّتِي اسْتَوَيْتَ بِهَا عَلَيِ عَرْشِكَ، فَخَلَقْتَ بِهَا

برگرفتی و از تو خواهم به حق عزت که بوسیله آن بر عرش مستولی گشتی و بدان سبب

جَمِيعَ خَلْقِكَ، فَهُمْ لَكَ مُذْعِنُونَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيِ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ .

همه خلق خود را آفریدی و همه به خدائیت اعتراف دارند که درود فرستی بر محمد و خاندانش

روایت است که هر صاحب غمی این دعا را بخواند حق تعالی او را از اندوه و غم آسایش بخشد پنجم عمل امّ داود که

عمده اعمال این روز است و برای برآمدن حاجات و کشف کُرُبات و دفع ظلم ظالمان مؤثر است و کیفیت آن بنا بر آنچه

در مصباح شیخ است آنست که چون خواهد این عمل را بجا آورد روزه بگیرد روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم را

پس در روز پانزدهم نزد زوال غسل کند و چون وقت زوال داخل شود نماز ظهر و عصر را بجا آورد در حالتیکه رکوع و

سجودشان را نیکو کند و در موضع خلوتی باشد که چیزی او را مشغول نسازد و انسانی با او تکلم ننماید پس چون از

نماز فارغ شود رو به قبله کند و بخواند حمد را صد مرتبه و سوره اخلاص را صد مرتبه و آیه الکرسی را ده مرتبه و بعد

از اینها بخواند سوره انعام و بنی اسرائیل و کهف و لقمان و یس و صافات و حم سجده و حمسق و حم دخان و فتح و

واقع و مُلُک و ن و إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ و ما بعدش را تا آخر قرآن و چون از اینها فارغ شود بگوید در حالتی که رو به

قبله باشد

صَدَقَ اللَّهُ الْعَظِيمُ، الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، ذُو

* * * درست فرمود خدای بزرگی که معبودی جز او نیست زنده و پاینده و صاحب

الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ

جلالت و بزرگواری است بخشاینده و مهربان بردبار و کریم است آنکه مانندش
شَيْءٌ، وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ، الْبَصِيرُ الْخَبِيرُ، شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ،
چیزی نیست و او شنوا و دانا و بینا و آگاه است، گواه است خدا که معبودی جز او نیست
وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ، قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ،
و فرشتگان و دانشوران گواهی داده‌اند که خدایی جز او نیست که عدالت بدو پایدار است و او عزیز و حکیم است
وَبَلَّغْتَ رُسُلَهُ الْكِرَامُ وَأَنَا عَلَى ذَلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ، اللَّهُمَّ لَكَ
و پیمبران بزرگوارش نیز آنرا به مردم رساندند و من بر این مطلب گواهی دهم خدایا از آن تو است
الْحَمْدُ وَلَكَ الْمَجْدُ وَلَكَ الْعِزُّ وَلَكَ الْفَخْرُ، وَلَكَ الْقَهْرُ وَلَكَ النُّعْمَةُ،
ستایش و از آن تو است مجد و برای تو است عزت و خاص تو است افتخار و شایسته تو است قهر و سطوت و
مخصوص تو است نعمت
وَلَكَ الْعِظَمَةُ وَلَكَ الرَّحْمَةُ، وَلَكَ الْمَهَابَةُ وَلَكَ السُّلْطَانُ، وَلَكَ الْبَهَاءُ
و از آن تو است عظمت و مخصوص تو است رحمت و برای تو است شکوه و خاص تو است سلطنت و از آن تو است
درخشندگی
وَلَكَ الْإِمْتِنَانُ، وَلَكَ التَّسْبِيحُ وَلَكَ التَّقْدِيسُ، وَلَكَ التَّهْلِيلُ وَلَكَ
و مخصوص تو است نعمت بخشی و برای تو است پاکی و از آن تو است پاکیزگی و برای تو است یکتایی و مخصوص تو
است
التَّكْبِيرُ، وَلَكَ مَا يُرَى وَلَكَ مَا لَا يُرَى، وَلَكَ مَا فَوْقَ السَّمَوَاتِ الْعُلَى،
بزرگی و ملک تو است آنچه دیده شود و آنچه دیده نشود و از تو است آنچه بالای آسمانهای بلند است
وَلَكَ مَا تَحْتَ الثَّرَى، وَلَكَ الْأَرْضُونَ السُّفْلَى، وَلَكَ الْآخِرَةُ
و از تو است آنچه زیر زمین است و از تو است زمینهای زیرین و از آن تو است دنیا و آخرت
وَالْأُولَى، وَلَكَ مَا تَرْضَى بِهِ مِنَ الثَّنَاءِ وَالْحَمْدِ وَالشُّكْرِ وَالنُّعْمَاءِ،
و مخصوص تو است آن و حمد و ثنا و شکری که تو بپسندی و آنچه نعمت است نیز از تو است
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى جَبْرِئِيلَ أَمِينِكَ عَلَيَّ وَحَيْكَ، وَالْقَوِيَّ عَلَيَّ أَمْرَكَ،
خدایا درود فرست بر جبرئیل امین بر وحی تو و نیرومند در کار تو و آنکس
وَالْمُطَاعَ فِي سَمَوَاتِكَ وَمَحَالِّ كَرَامَاتِكَ، الْمُتَحَمِّلَ لِكَلِمَاتِكَ،

که در آسمانها و جایگاههای کرامتهایت فرمانش برند آن کس که سخنان تو را برساند
التَّائِصِرِ لِلْبَيِّنَاتِ، الْمُدْمِرِ لَأَعْدَائِكَ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مِيكَائِيلَ مَلَكِ
ياور پیمبرانت و سرنگون کننده دشمنانت خدایا درود فرست بر میکائیل فرشته
رَحْمَتِكَ، وَالْمَخْلُوقِ لِرَأْفَتِكَ وَالْمُسْتَغْفِرِ الْمُعِينِ لِأَهْلِ طَاعَتِكَ،
رحمت و آفریده شده برای بردن مهرت و آمرزش خواه و کمک کار فرمانبرانت
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى إِسْرَافِيلَ حَامِلِ عَرْشِكَ، وَصَاحِبِ الصُّورِ الْمُتَنَزِّلِ
خدایا درود فرست بر اسرافیل حمل کننده عرش و صاحب صور آنکه چشم به راه
لِأَمْرِكَ الْوَجِلِ الْمُشْفِقِ مِنْ خِيفَتِكَ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى حَمَلَةِ الْعَرْشِ
دستور تو است و نگران و بیمناک است از ترس تو خدایا درود فرست بر حاملین پاکیزه عرش
الطَّاهِرِينَ وَعَلَى السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ الطَّيِّبِينَ، وَعَلَى مَلَائِكَتِكَ
و بر سفیران گرامی و آن نیکان پاک و بر فرشتگان
الْكَرَامِ الْكَاتِبِينَ، وَعَلَى مَلَائِكَةِ الْجِنَانِ، وَخَزَنَةِ الثَّيَرَانِ، وَمَلَكَ
بزرگوار نویسنده و بر فرشتگان بهشت و نگهبانان دوزخ و فرشته
الْمَوْتِ وَالْأَعْوَانِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى آيِنَا آدَمَ
مرگ و کمک کارانش ای صاحب جلالت و بزرگواری خدایا درود فرست بر پدر ما آدم
بَدِيعِ فَطْرَتِكَ، الَّذِي كَرَّمْتَهُ بِسُجُودِ مَلَائِكَتِكَ، وَأَبَحَّتْهُ جَنَّتِكَ، اَللّٰهُمَّ
پدیده خلقت که گرامیش داشتی به سجده کردن فرشتگان و مباح کردی بر او بهشت را خدایا
صَلِّ عَلٰى أُمَّنَا حَوَّاءَ الْمُطَهَّرَةِ مِنَ الرَّجْسِ الْمُصَفَّاتِ مِنَ الدُّنْسِ،
درود فرست بر مادر ما حواء که از پلیدی پاک و از چرکی و آلودگی مصفا گشت و از میان آدمیان
الْمُفَضَّلَةِ مِنَ الْأَنْسِ، الْمُتَرَدِّدَةِ بَيْنَ مَحَالِّ الْقُدْسِ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى
برتری داشت و در میان جایگاههای قدسیان رفت و آمد کرده خدایا درود فرست بر
هَابِيلَ وَشَيْثَ، وَادْرِيسَ وَنُوحَ، وَهُودَ وَصَالِحَ، وَإِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ،
هابیل و شیث و ادریس و نوح و هود و صالح و ابراهیم و اسماعیل
وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ، وَيُوسُفَ وَالْأَسْبَاطَ، وَلُوطَ وَشُعَيْبَ، وَإِيُوبَ
و اسحاق و یعقوب و یوسف و اسباط (یعقوب) و لوط و شعیب و ایوب

وَمُوسَى، وَهَارُونَ وَيُوشَعَ، وَمِيشَا وَالْخِضْرَ، وَذِي الْقَرْنَيْنِ وَيُوسُسَ،
و موسی و هارون و یوشع و میشا و خضر و ذی القرنین و یونس
وَالْيَاسَ وَالْيَسَعَ، وَذِي الْكِفْلِ وَطَالُوتَ، وَدَاوُدَ وَسَلِيمَانَ، وَزَكَرِيَّا
و الیاس و الیسع و ذا الکفل و طالوت و داود و سلیمان و زکریا
وَشَعْيَا، وَيَحْيَى وَتُورَخَ، وَمَتَّى وَارْمِيَا، وَحَقِيقُوقَ وَدَانِيَالَ، وَعَزِيزَ
و شعیا و یحیی و تورخ و متی و ارمیا و حیقووق و دانیال و عزیز
وَعِيسَى، وَشَمْعُونَ وَجَرَجِيسَ، وَالْحَوَارِيَّينَ وَالْأَنْبِيَاءَ، وَخَالِدَ
و عیسی و شمعون و جرجیس و حواریین عیسی و پیروانشان و خالد
وَحَنَظَلَةَ وَلُقْمَانَ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْحَمْ
و حنظله و لقمان خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و رحمت فرست بر
مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، وَبَارِكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ
بر محمد و آل محمد و برکت فرست بر محمد و آل محمد چنانچه درود فرستادی
وَرَحِمْتَ وَبَارَكْتَ عَلٰى اِبْرٰهِيْمَ وَآلِ اِبْرٰهِيْمَ، اِنَّكَ حَمِيْدٌ مَّجِيْدٌ، اَللّٰهُمَّ
و رحمت و برکت فرستادی بر ابراهیم و آل ابراهیم که براسستی تویی ستوده و بزرگوار خدایا
صَلِّ عَلٰى الْاَوْصِيَاءِ وَالسُّعَدَاءِ وَالشُّهَدَاءِ وَآئِمَّةِ الْهُدٰى، اَللّٰهُمَّ صَلِّ
درود فرست بر اوصیاء و اهل سعادت و شهیدان و امامان راهنما خدایا درود فرست
عَلٰى الْاَبْدَالِ وَالْاَوْتَادِ، وَالسُّيَّاحِ وَالْعُبَادِ، وَالْمُخْلِصِيْنَ وَالزُّهَّادِ،
بر ابدال (دسته‌ای از صلحاء) و اوتاد و سیاحان و پرستش‌کنندگان و مخلصان و پارسایان
وَأَهْلَ الْجِدِّ وَالْاِجْتِهَادِ، وَاخْصُصْ مُحَمَّدًا وَأَهْلَ بَيْتِهِ بِأَفْضَلِ
و اهل جدیت و کوشش و مخصوص گردان محمد و خاندانش را به بهترین
صَلَوَاتِكَ، وَأَجْزَلِ كَرَامَاتِكَ، وَبَلِّغْ رُوحَهُ وَجَسَدَهُ مِنِّي تَحِيَّةً وَسَلَامًا،
درودهایت و فراوانترین کرامت‌هایت و به روح و جسدش از جانب من تحیت و سلامی برسان
وَزِدْهُ فَضْلًا وَشَرَفًا وَكَرَمًا، حَتَّى تُبَلِّغَهُ اَعْلٰى دَرَجَاتِ اَهْلِ
و فضل و شرافت و بزرگواریش را فزون کن به حدی که او را به اعلی درجه اهل
الشَّرَفِ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِيْنَ، وَالْاَفْاضِلِ الْمُقَرَّبِيْنَ، اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ

شرافت از پیمبران و رسولان و فاضلان مقربت برسانی خدایا درود فرست

عَلِي مَنْ سَمَّيْتُ وَمَنْ لَمْ أَسْمَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ وَأَنْبِيَائِكَ، وَرُسُلِكَ

بر هرکس که من نام بردم و هرکه از فرشتگان و پیمبران و رسولان

وَأَهْل طَاعَتِكَ، وَأَوْصِلْ صَلَوَاتِي إِلَيْهِمْ وَإِلَى أَرْوَاحِهِمْ وَاجْعَلْهُمْ

و فرمانبردارانت را که من نام نبردم و دروذهای مرا بر ایشان و بر ارواحشان برسان و آنان را

إِخْوَانِي فِيكَ وَأَعُوَانِي عَلَي دُعَائِكَ، اَللّهُمَّ اِنِّي اَسْتَشْفِعُ بِكَ اِلَيْكَ،

برادران من در دین و کمک کارانم در دعای به درگاهت قرار ده خدایا من شفیع گردانم تو را پیش خودت

وَبِكْرَمِكَ اِلَى كَرَمِكَ، وَبِجُودِكَ اِلَى جُودِكَ، وَبِرَحْمَتِكَ اِلَى رَحْمَتِكَ،

و کرمی را پیش کرمی و جودت را پیش جودت و رحمت را پیش رحمت

وَبِأَهْلِ طَاعَتِكَ اِلَيْكَ، وَاسْأَلُكَ اَللّهُمَّ بِكُلِّ مَا سَأَلْتُكَ بِهِ أَحَدٌ مِنْهُمْ، مِنْ

و اهل طاعتت را پیش درگاهت و از تو خواهم خدایا به هرچه یکی از آنها بوسیله آن تو را

مَسْأَلَةٍ شَرِيفَةٍ غَيْرِ مَرْدُودَةٍ، وَبِمَا دَعَوْتُكَ بِهِ مِنْ دَعْوَةٍ مُجَابَةٍ غَيْرِ مُخَيَّبَةٍ،

خواسته از سؤالهای شریفی که برنگشته و به آنچه تو را خوانده اند از دعای پذیرفته شده ای که به نومیدی نکشیده

يَا اَللّهُ يَا رَحْمَنُ، يَا رَحِيمُ يَا حَلِيمُ، يَا كَرِيمُ يَا عَظِيمُ يَا جَلِيلُ يَا مُنِيلُ، يَا

ای خدا ای بخشاینده ای مهربان ای بردبار ای کریم ای بزرگ ای با جلالت ای بخشنده ای

جَمِيلُ يَا كَفِيلُ، يَا وَكِيلُ يَا مُقِيلُ، يَا مُجِيرُ يَا خَبِيرُ، يَا مُنِيرُ يَا مُبِيرُ، يَا

زیبا ای سرپرست ای وکیل ای نادیده گیر ای پناهنده ای آگاه ای روشنی ده ای نابود کن ای

مَنْعُ يَا مُدِيلُ يَا مُحِيلُ، يَا كَبِيرُ يَا قَدِيرُ، يَا بَصِيرُ يَا شَكُورُ، يَا بَرُّ يَا

والا مقام ای چرخاننده ای جابجا کننده ای بزرگ ای توانا ای بینا ای شکرپذیر ای نیکوکار ای

طَهْرُ، يَا طَاهِرُ يَا قَاهِرُ، يَا ظَاهِرُ يَا بَاطِنُ، يَا سَاتِرُ يَا مُحِيطُ، يَا مُقْتَدِرُ

پاک ای پاکیزه ای قاهر ای پیدا ای پنهان ای پرده پوش ای احاطه دار ای با اقتدار

يَا حَفِيزُ، يَا مُتَجَبِّرُ يَا قَرِيبُ، يَا وَدُودُ يَا حَمِيدُ يَا مُجِيدُ، يَا مُبْدِئُ يَا

ای نگهدارنده ای دارای بزرگی ای نزدیک ای محبوب همه ای ستوده ای بزرگوار ای پدیدآورنده ای

مُعِيدُ يَا شَهِيدُ، يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ، يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ، يَا قَابِضُ يَا

بازگرداننده ای گواه ای احسان بخش ای نیکو بخش ای نعمت بخش ای زیاده بخش ای گیرنده

باسِطُ، يا هادي يا مُرْسِلُ يا مُرْشِدُ، يا مُسَدِّدُ يا مُعْطِي، يا مانعُ يا
اي گشايش ده اي راهنما اي فرستنده اي رهنمون اي محکم کننده اي دهنده اي منع کننده اي
دافعُ، يا رافعُ، يا باقي يا واقِي، يا خَلَّاقُ يا وَهَّابُ يا تَوَّابُ، يا فَتَّاحُ
جلوگیرنده اي بلند کننده اي باقي اي نگهدار اي آفریننده اي بخشش پیشه اي توبه پذیر اي گشاینده
يا نَفَّاحُ يا مُرْتاحُ، يا مَنْ يَبْدِئُ كُلَّ مُفْتاحٍ، يا نَفَّاعُ يا رَوْفُ يا عَطُوفُ،
اي زياده بخش اي رحمت بخش اي که بدست او است هر کلید اي سودرسان اي مهربان اي باعطوفت
يا کافی يا شافي، يا مُعافي يا مُکافي، يا وَفِيُّ يا مُهَيِّمُنُ، يا عَزِيزُ يا
اي کفایت کننده اي درمان بخش اي بهبودي بخش اي پاداش دهنده اي باوفا اي نگهبان خلق اي با عزت اي
جَبَّارُ يا مُتَكَبِّرُ، يا سَلامُ يا مُؤْمِنُ، يا أَحَدُ يا صَمَدُ، يا نُورُ يا مُدَبِّرُ، يا
جبار اي بزرگوار اي سلامت بخش اي ایمنی بخش اي یکتا اي بی نیاز اي نور اي مدبر کارها اي
فَرْدُ يا وَثَرُ، يا قُدُّوسُ يا ناصِرُ، يا مُؤَنِّسُ يا باعِثُ يا وارِثُ، يا عَالِمُ
یگانه اي تنها اي پاکیزه اي یاور اي همدم اي برانگیزنده اي ارث برنده اي دانا
يا حاکِمُ، يا بادي يا مُتَعَالی، يا مُصَوِّرُ يا مُسَلِّمُ يا مُتَحَبِّبُ، يا قَائِمُ يا
اي حکم کننده اي آغاز کننده اي برتر اي صورت بخش اي سلامت بخش اي دوستی ورز اي قائم به کار خلق اي
دَائِمُ، يا عَلِیمُ يا حَکِیمُ، يا جَوَادُ يا باريُّ، يا بَارُّ يا سَارُّ، يا عَدْلُ يا
جاویدان اي دانا اي فرزانه اي بخشنده اي آفریننده اي نیکوکار اي شادي بخش اي دادگستر اي
فاصلُ، يا دَيَّانُ يا حَنَّانُ يا مَنَّانُ، يا سَمِيعُ يا بَدِيعُ يا خَفِیرُ، يا مُعِینُ
جداکننده اي جزاده اي نعمت بخش اي عطا بخش اي شنوا اي پدیدآورنده اي پناهده اي یاور
[مُعَیِّرُ] يا ناصِرُ، يا غافِرُ يا قَدِیمُ، يا مُسَهِّلُ يا مُیَسِّرُ، يا مُمِيتُ يا مُحِی،
اي نشر دهنده اي آمرزنده اي قدیم اي آسان کننده اي هموارکننده اي میراننده اي زنده کننده
يا نافعُ يا رازِقُ، يا مُقْتَدِرُ يا مُسَبِّبُ، يا مُغِیثُ يا مُعْنی، يا مُقْنی يا
اي سودده اي روزی ده اي با اقتدار اي سبب ساز اي فریادرس اي بی نیازکننده اي دارای دهنده اي
خالِقُ يا راصِدُ، يا واحِدُ يا حاضِرُ، يا جابِرُ يا حافِظُ، يا شَدِیدُ يا
آفریننده اي نگهبان اي یگانه اي حاضر اي جبران کننده اي نگهدار اي استوار اي
غِیاثُ، يا عائِدُ يا قابِضُ، يا مَنْ عَلَا فَاسْتَعْلٰی، فَكانَ بِالْمُنْظَرِ الْأَعْلٰی،

فریادرس ای ثروت‌ده ای گیرنده ای که والای و برتری و به‌دیدگاه اعلای
یا مَنْ قَرُبَ قَدْنَا، وَبَعْدَ فَنَائِي، وَعَلِمَ السِّرَّ وَأَخْفِي، يَا مَنْ إِلَيْهِ التَّدْبِيرُ
ای که نزدیکی و بسیار هم نزدیک و دور است و بسیار هم دور دانی سر و نهان ای که تدبیر
وَكُلُّهُ الْمَقَادِيرُ، وَيَا مَنْ الْعَسِيرُ عَلَيْهِ [سَهْلٌ] يَسِيرُ، يَا مَنْ هُوَ عَلَيَّ مَا
امور با او است و اندازه‌ها از او است و ای که دشوار برای او سهل و آسان است ای که بر هر چه بخواهد
يَشَاءُ قَدِيرٌ، يَا مُرْسِلَ الرِّيَّاحِ، يَا فَالِقَ الْأَصْبَاحِ، يَا بَاعِثَ الْأَرْوَاحِ، يَا
توانا است ای فرستنده بادهای شکافنده سپیده صبح ای برانگیزاننده ارواح ای
ذَالْجُودِ وَالسَّمَّاحِ يَا رَادَّ مَا قَدْ فَاتَ، يَا نَاشِرَ الْأَمْوَاتِ، يَا جَامِعَ
صاحب جود و سخاوت ای برگرداننده آنچه از دست رفته ای زنده‌کننده مردگان ای گردآورنده
الشَّتَاتِ يَا رَازِقَ مَنْ يَشَاءُ [بَغِيرِ حِسَابٍ]، وَيَا فَاعِلَ مَا يَشَاءُ كَيْفَ
پراکنده‌ها ای روزی‌ده بی‌حساب بهر که خواهی و ای انجام دهنده
يَشَاءُ، وَيَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، يَا حَيًّا حِينَ لَا حَيٍّ، يَا
هر چه بخواهی بهر طور که خواهی و ای صاحب جلالت و بزرگواری ای زنده ای پاینده ای زنده در آن هنگام که زنده‌ای
نبود ای

حَيُّ يَا مُحْيِيَ الْمَوْتِي، يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، بَدِيعُ السَّمَوَاتِ
ای زنده کن مردگان ای زنده که معبودی جز تو نیست پدیدآورنده آسمانها و
وَالْأَرْضِ، يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْحَمْ
و زمین ای معبود من و آقایی من درود فرست بر محمد و آل محمد و رحمت فرست بر
مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، وَبَارِكْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ
محمد و آل محمد و برکت ده بر محمد و آل محمد چنانچه درود فرستادی
وَبَارَكْتَ وَرَحِمْتَ عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ،
و برکت دادی و رحمت فرستادی بر ابراهیم و آل ابراهیم که براستی تویی ستوده و بزرگواری
وَارْحَمْ ذُلِّيَّ وَفَاقَتِي وَفَقْرِي، وَأَفْرَادِي وَوَحْدَتِي، وَخُضُوعِي بَيْنَ
و رحم کن به خواری من و پیچارگیم و نداریم و تک و تنهاییم و فروتنیم در
يَدَيْكَ، وَاعْتِمَادِي عَلَيْكَ، وَتَضَرُّعِي إِلَيْكَ، أَدْعُوكَ دُعَاءَ الْخَاضِعِ

برابرت و اعتمادي که بر تو دارم و زاريم به درگاهت تو را خوانم خواندن شخص فروتن
الدَّلِيلُ، الْخَاشِعُ الْخَائِفُ، الْمُشْفِقُ الْبَائِسُ، الْمُهِنُ الْحَقِيرُ، الْجَائِعُ
خوار خاشع ترسان هراسان پريشان بی مقدار کوچک گرسنه
الْفَقِيرُ، الْعَائِذُ الْمُسْتَجِيرُ، الْمُقَرَّبُ بِذَنْبِهِ، الْمُسْتَغْفِرُ مِنْهُ، الْمُسْتَكَينُ لِرَبِّهِ،
فقير پناهنده پناه خواه معترف به گناه آمرزش خواه از گناه در مانده و زاري کننده به درگاه پروردگار
دُعَاءَ مَنْ أَسْلَمَتْهُ تَفَتُّهُ، وَرَفَضَتْهُ أَحِبَّتُّهُ، وَعَظَّمَتْ فَجِيعَتُهُ دُعَاءَ حَرَقِ
و خواندن شخصي که ياران مورد اعتمادش او را واگذار ده و دوستانش او را رها کرده و درد جانسوزش بزرگ گشته
خواندن شخص دلسوخته

حَزِينٍ، ضَعِيفٍ مَهِينٍ، بَائِسٍ مُسْتَكَينٍ بِكَ مُسْتَجِيرٍ، اَللّٰهُمَّ وَاسْأَلْكَ
غمگين ناتوان بی مقدار پريشان در مانده اي که به تو پناه آورده خدايا از تو خواهم
بِأَنَّكَ مَلِيكٌ، وَأَنَّكَ مَا تَشَاءُ مِنْ أَمْرٍ يَكُونُ، وَأَنَّكَ عَلَيَّ مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ،
چون توي فرما نروا و تو چنانی که هر کاري را بخواهي مي شود و توي که بر هر چه بخواهي تواناي
وَاسْأَلْكَ بِحُرْمَةِ هَذَا الشَّهْرِ الْحَرَامِ، وَالْبَيْتِ الْحَرَامِ، وَالْبَلَدِ الْحَرَامِ،
و از تو خواهم به حرمت اين ماه محترم و خانه محترم (کعبه) و شهر محترم (مکه)
وَالرُّكْنِ وَالْمَقَامِ وَالْمَشَاعِرِ الْعِظَامِ، وَبِحَقِّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ،
و رکن و مقام و مشعراي بزرگ (جاهاي مناسك حج) و به حق پيامبرت محمد عليه و آله السلام
يَا مَنْ وَهَبَ لِأَدَمَ شَيْئًا، وَلِإِبْرَاهِيمَ إِسْمَاعِيلَ وَاسْحَاقَ، وَيَا
اي که شيت را به آدم بخشيد و اسماعيل و اسحاق را به ابراهيم دادی و اي
مَنْ رَدَّ يَوْسُفَ عَلَيَّ يَعْقُوبَ، وَيَا مَنْ كَشَفَ بَعْدَ الْبَلَاءِ ضُرَّ أَيُّوبَ، يَا
که يوسف را به يعقوب برگرداندي و اي که پس از مبتلا شدن ايوب ناراحتيش را برطرف کردي اي که
رَأَى مُوسَى عَلَيَّ أُمَّهُ، وَزَائِدَ الْخَضِرِ فِي عِلْمِهِ، وَيَا مَنْ وَهَبَ لِدَاوُدَ
موسي را به مادرش برگرداندي و دانش خضر را افزون کردي اي که دادی به داود
سُلَيْمَانَ، وَلِزَكَرِيَّا يَحْيَى، وَلِمَرْيَمَ عِيسَى، يَا حَافِظَ بِنْتِ شُعَيْبٍ وَيَا
سلیمان را و به زکریا یحیی را و به مریم عیسی را اي نگهدار دختر شعیب اي
كَافِلَ وَلَدِ أُمِّ مُوسَى، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ

کفالت کننده فرزند مادر موسی از تو خواهیم که درود فرستی بر محمد و آل محمد و
تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا، وَتُجِيرَنِي مِنْ عَذَابِكَ، وَتُوجِبَ لِي رِضْوَانَكَ،
گناهانم را بیامرزی و از عذاب خود مرا در پناهگیری و مرا مستوجب خوشنودی
وَأَمَانِكَ وَإِحْسَانِكَ، وَغُفْرَانِكَ وَجَنَانِكَ، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُفَكَّ عَنِّي كُلَّ
و ایمنی و احسان و آمرزش و بهشت قرار دهی و از تو خواهیم که باز کنی برایم هر
حَلَقَةٍ بَيْنِي وَبَيْنَ مَنْ يُؤْذِينِي، وَتُفْتَحَ لِي كُلُّ بَابٍ، وَتُكَلِّمَ لِي كُلَّ
حلقه‌ای که میان من و میان آزار کننده من است و بگشایی به‌رویم هر دری را و
صَغْبٍ، وَتُسَهِّلَ لِي كُلَّ عَسِيرٍ، وَتُخْرِسَ عَنِّي كُلَّ نَاطِقٍ بِشَرٍّ، وَتَكْفُفَ
نرم کنی برایم هر دشواری را و آسان کنی برایم هر مشکلی را و لال کنی از من زبان هر بدگو را و بازداری از من
عَنِّي كُلَّ بَاغٍ، وَتَكْتِبَ عَنِّي كُلَّ عَدُوٍّ لِي وَحَاسِدٍ، وَتَمْنَعَ مِنِّي كُلَّ
هر زورگو را و خوار کنی دشمنان و حسودان مرا و بازداری از من هر
ظَالِمٍ وَتَكْفِيَنِي كُلَّ عَاتِقٍ يَحُولُ بَيْنِي وَبَيْنَ حَاجَتِي، وَيُحَاوِلُ أَنْ
ستمگري را و کفایت کنی از من هر مانعی را که میان من و حاجتم حائل شود و بخواهد که
يُفَرِّقَ بَيْنِي وَبَيْنَ طَاعَتِكَ، وَيُثَبِّطَنِي عَنْ عِبَادَتِكَ، يَا مَنْ أَلْجَمَ الْجِنَّ
میان من و اطاعت تو را جدایی اندازد و از پرستش تو باز دارد ای که مهار کردی جنیان
الْمُتَمَرِّدِينَ، وَفَهَرَ عَتَاةَ الشَّيَاطِينِ، وَأَذَلَّ رِقَابَ الْمُتَجَبَّرِينَ، وَرَدَّ كَيْدَ
نافرمان را و مقهور ساختی شیاطین سرکش را و گردن گردن‌کشان را به خواری کشاندی و نقشه‌های شوم
الْمُسْلَطِينَ عَنْ الْمُسْتَضْعَفِينَ، أَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ مَا تَشَاءُ،
مسلط شدگان را از ناتوانها بازگرداندی از تو خواهیم به حق تواناییت بر هرچه خواهی
وَتَسْهِّلَ لَكَ لِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ، أَنْ تَجْعَلَ قَضَاءَ حَاجَتِي فِيمَا تَشَاءُ .

و آسان کردنت هرچه را بهر نحو که خواهی که قرار دهی برآوردن حاجتم را در هرچه خواهی

پس سجده کن بر زمین و بر خاک بگذار دو طرف روی خود را و بگو: اَللّهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ، وَبِكَ اَمْنْتُ،

* * * * *

* * * خدایا برای تو سجده می‌کنم و به تو ایمان دارم

فَارْحَمْ ذَلِي وَفَاقَتِي، وَاجْتِهَادِي وَتَضَرُّعِي، وَمَسْكَنَتِي وَفَقْرِي إِلَيْكَ يَا رَبِّ .

پس رحم کن به خواری من و نداریم و سعی و کوشش و زاری و بیچارگی ام و نیازم به درگاهت ای پروردگار و کوشش کن که اشک بریزد چشمهای تو اگر چه بقدر سرمگسی (سوزنی) باشد بدرستی که این علامت استجاب است روز بیست و پنجم سنه صد و هشتاد و سه شهادت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام بسن پنجاه و پنج سالگی در بغداد واقع شده و آن روزی است که آخزان آل محمد علیهم السلام و شیعیان ایشان تازه می شود شب بیست و هفتم شب مبعث و از لیالی متبرکه است و در آن چند عملست اول شیخ در مصباح فرموده روایت شده از حضرت ابو جعفر امام جواد علیه السلام که فرمود همانا در رجب شبی است که بهتر است از آنچه که میتابد بر آن آفتاب و آن شب بیست و هفتم رجب است که در صبح آن پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله به رسالت مبعوث گردید و بدرستی که از برای عامل در آن شب از شیعه ما اجر عمل شصت سال است بخدمت آنحضرت عرض شد که عمل در آن شب چیست فرمود چون بجا آوردی نماز عشا را و برخت خواب رفتی پس بیدار می شوی هر ساعتی که خواستی از شب تا پیش از نیمه آن و بجا می آوری دوازده رکعت نماز می خوانی در هر رکعتی حمد و سوره ای از سوره های کوچک مفصل و مفصل از سوره محمد است تا آخر قرآن پس چون سلام دادی در هر دو رکعتی و فارغ شدی از نمازها می نشینی بعد از سلام و می خوانی حمد را هفت مرتبه و مُعَوِّذَتَین را هفت مرتبه و قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ هر کدام را هفت مرتبه و اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ وَايَةَ الْكُرْسِيِّ هر کدام را هفت مرتبه و بخوان در عقب همه این دعا را الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ

ستایش خاص خدایی است که نگیرد فرزندی و نیست برای او در فرمانروایی شریکی و نیست برایش یآوری
مِنَ الذَّلِّ، وَكَبْرَهُ تَكْبِيرًا، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِمَعَاقِدِ عِزِّكَ عَلٰی اَرْكَانِ

از خواری و به بزرگی کامل بزرگش شمار خدایا از تو خواهم به حق چیزهایی که موجبات عزت برپایه های
عَرْشِكَ، وَمُنْتَهٰی الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ، وَبِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ

عرشست می باشد و به حق سرحد نهایی رحمت از کتابت و به نام بزرگتر بزرگتر

الْاَعْظَمِ، وَذِكْرِكَ الْاَعْلٰی الْاَعْلٰی، وَبِكَلِمَاتِكَ التَّامَّاتِ، اَنْ

بزرگترت و به حق ذکر که والاتر و برتر و اعلی است و به کلمات تام و تمامت که

تُصَلِّيْ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ، وَاَنْ تَفْعَلَ بِيْ مَا اَنْتَ اَهْلُهُ، پس بخوان هر دعائی

دروود فرستی بر محمد و آتش و انجام دهی درباره من آنچه را تو شایسته آنی * * * * *

که خواستی و مستحب است غسل در این شب و گذشت در شب نیمه غازی که در این شب نیز خوانده می شود دوم

زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام که افضل اعمال این شب است و از برای آنحضرت در این شب سه زیارت است

که در باب زیارات به آن اشاره خواهد شد انشاء الله و بدان که ابو عبدالله محمد بن بطوطه که یکی از علماء اهل سنت است و در ششصد سال پیش از این زمان بوده در سفرنامه خود که معروفست بر حله ابن بطوطه در بیان ورود خود از مکه معظمه به نجف اشرف ذکر کرده روضه و قبر مبارک مولایمان امیرالمؤمنین علیه السلام را و گفته اهل این شهر تمامی رافضی هستند و از برای این روضه مبارکه کراماتی ظاهر شده از جمله آنکه در شب بیست و هفتم ماه رجب که نام آن شب نزد اهل آنجا لَيْلَةُ الْمَحْيَا است می آورند از عراقین و خراسان و بلاد فارس و روم هر شل و مفلوج و زمین گیر که هست و جمع می شود از آنها قریب سی چهل نفر در آنجا پس بعد از عشا می آورند این مبتلایان را نزد ضریح مقدس و مردم جمع می شوند و منتظرند خوب شدن و برخاستن آنها را و این جماعت مردم بعضی غاز می خوانند و بعضی ذکر می گویند و بعضی قرآن تلاوت می کنند و بعضی تماشای روضه می کنند تا آنکه بگذرد نصف یا دو ثلث از شب آن وقت جمیع این مبتلایان و زمین گیران که حرکت نمی توانستند بکنند برمیخیزند در حالیکه صحیح و تندرست می باشند و علی در آنها نیست و می گویند لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلَيَّ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و این امریست مشهور و مُسْتَفِض و من خودم آنشب را در آنجا درك نکردم لکن از مردمان ثقه که اعتماد بر قول آنها بود شنیدم و هم دیدم در مدرسه ای که مهمانخانه آن حضرت است سه نفر زمینگیر که قادر بر حرکت نبودند یکی از اهل روم و دیگری از اهل اصفهان و سیمی از اهل خراسان بود از آنها پرسیدم چگونه شما خوب نشده اید و اینجا مانده اید گفتند ما به شب بیست و هفتم نرسیده ایم و همین جا مانده ایم تا شب بیست و هفتم آینده که شفا بگیریم و از برای این شب مردم زیاد از شهرها جمع می شوند و بازار بزرگی اقامه می شود تا مدّت ده روز فقیر گوید: مبدا استبعاد کنی این مطلب را همانا معجزات و کراماتی که از این مشاهد مشرقه بروز کرده و به تواتر رسیده زیاده از آن است که احصا شود و در ماه شوال گذشته سنه هزار و سیصد و چهل و سه در حرم مطهر حضرت ثامن الائمه الهداة و ضامن الائمه العصاة مولانا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ سه نفر زن که هر کدام به سبب مرض فلج و نحو آن زمین گیر شده بودند و اطباء و دکترا از معالجه آنها عاجز شده بودند شفا یافتند و این معجزات از آن قبر مطهر بر همه واضح و آشکارا گردید مانند نمودار شدن خورشید در سماء صاحبیه مثل باز شدن درِ دروازه نجف اشرف بر روی عربهای بادیه و مجدی این مطلب واضح بود که نقل شد دکتراهایی که مطلع بر مرضهای آن زنها بودند تصدیق نمودند با آنکه در این باب خیلی دقیق بودند بلکه بعضی از آنها تصدیق خود را بر شفاء آنها نوشتند و اگر ملاحظه اختصار و عدم مناسبت محل نبود قصّه آنها را نقل می نمودم وَلَقَدْ أَجَادَ شَيْخُنَا الْحَرُّ الْعَامِلِي فِي أَرْجُوزَتِهِ :

وَمَا بَدَأَ مِنْ بَرَكَاتٍ مَشْهُدَةٍ

فِي كُلِّ يَوْمٍ أَمْسُهُ مِثْلُ غَدِهِ

و آنچه ظاهر است از برکتهای مشهد و مرقدش

در هر روزی دیروزش مانند فردایش است

وَكَشَفَا الْعَمِي وَالْمَرَضِي بِهِ

اجابۀ الدعاء فی اعتنا به

و برطرف کند کوری و بیماری را به او

بوسیله مستجاب شدن دعا در آستانه او

سیم شیخ کفعمی در بلد الامین فرموده که در شب مبعث این دعا را بخوانند اَللّهُمَّ اِنِّي

* * * * *

* * خدایا از

اَسْأَلُكَ بِالتَّجَلِّيِ الْاَعْظَمِ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ مِنْ الشَّهْرِ الْمُعَظَّمِ، وَالْمُرْسَلِ

تو خواهم به حق بزرگترین تجلی (تو) در این شب از این ماه بزرگ و به حق آن فرستاده

الْمُكْرَمِ، اَنْ تُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاَنْ تُغْفِرَ لَنَا مَا اَتَتْ بِهِ مِنَّا اَعْلَمُ،

گرامی که درود فرستی بر محمد و آلش و بیامرزی برای ما آنچه را تو بدان از ما داناتری

يَا مَنْ يَعْلَمُ وَلَا نَعْلَمُ، اَللّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي لَيْلَتِنَا هَذِهِ الَّتِي بِشَرَفِ

ای که می دانی و ما نمی دانیم خدایا مبارک گردان بر ما در این شبی که به واسطه شرافت

الرِّسَالَةِ فَضَّلْتَهَا، وَبِكِرَامَتِكَ اَجَلَّلْتَهَا، وَبِالْمَحَلِّ الشَّرِيفِ اَحْلَلْتَهَا،

رسالت آن را فضیلت دادی و به کرامت خویش بزرگش کردی و به جای باشرافتی درش آوردی

اَللّهُمَّ فَاِنَّا نَسْأَلُكَ بِالْمَبْعَثِ الشَّرِيفِ، وَالسَّيِّدِ اللَّطِيفِ، وَالْعُنْصُرِ

خدایا پس از تو خواهیم به آن بعثت شریف و آن آقایی بالطف و عنصر

الْعَفِيفِ، اَنْ تُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاَنْ تَجْعَلَ اَعْمَالَنَا فِي هَذِهِ

پارسا که درود فرستی بر محمد و آلش و قرار دهی اعمال ما را در این

اللَّيْلَةِ وَفِي سَائِرِ اللَّيَالِي مَقْبُولَةً، وَذُنُوبَنَا مَغْفُورَةً، وَحَسَنَاتِنَا

شب و در سایر شبها پذیرفته درگاهت و گناهانمان را آمرزیده و نیکیهایمان را مورد

مَشْكُورَةً، وَسَيِّئَاتِنَا مَسْتُورَةً، وَقُلُوبُنَا بِحُسْنِ الْقَوْلِ مَسْرُورَةً،

قدردانی و بدیهایان را پوشیده و دلهامان را به گفتار نیک خرسند
وَأَرْزُقْنَا مِنْ لَدُنْكَ بِالْيُسْرِ مَدْرُورَةً، اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَرِي وَلَا تُرَى،
و روزیهایمان را از نزد خود به آسانی فراوان، خدایا تو می بینی ولی خودت دیده نمی شوی
وَأَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى، وَإِنَّ إِلَيْكَ الرَّجْعِي وَالْمُنْتَهَى، وَإِنَّ لَكَ
و تو در بلندترین دیدگاهی و بطور مسلم بازگشت و پایان بسوی توست و
الْمَمَاتِ وَالْمَحْيَا، وَإِنَّ لَكَ الْآخِرَةَ وَالْأُولَى، اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَعُوْذُ بِكَ أَنْ
مرگ و زندگی بدست تو است و انجام و آغاز از آن تو است خدایا ما به تو پناه می بریم از
نَذْلٍ وَخَزْيٍ، وَأَنْ نَأْتِيَ مَا عَنْهُ تَنْهَى، اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَسْئَلُكَ الْجَنَّةَ
خوار شدن و رسوایی و دست زدن به کاری که تو آنرا قدغن کرده ای خدایا ما از تو درخواست بهشت را
بِرَحْمَتِكَ، وَنَسْتَعِيزُ بِكَ مِنَ النَّارِ، فَاعِزَّنَا مِنْهَا بِقُدْرَتِكَ، وَنَسْئَلُكَ مِنْ
به رحمت داریم و پناه جوییم به تو از آتش دوزخ پس ما را به قدرت خویش از آتش پناه ده و از تو
الْحُورِ الْعَيْنِ، فَارْزُقْنَا بِعِزَّتِكَ، وَاجْعَلْ أَرْزَاقَنَا عِنْدَ كَبِيرِ سِنِّنا،
حور العین درخواست کنیم پس به عزت خویش روزیمان گردان و وسیعترین روزی ما را در هنگام پیری ما قرار ده
وَأَحْسِنَ أَعْمَالِنَا عِنْدَ اقْتِرَابِ اجَالِنَا، وَأَطِلْ فِي طَاعَتِكَ وَمَا يُقَرِّبُ
و بهترین اعمال ما را هنگام نزدیک شدن مرگمان مقرر دار و طولانی کن عمر ما را در طاعت خود و در آنچه موجب
تقرب
إِلَيْكَ وَيُحْطِي عِنْدَكَ وَيُزِلْفُ لَدَيْكَ أَعْمَارِنَا، وَأَحْسِنْ فِي جَمِيعِ
درگاهت شود و سبب بهره مندی نزد تو و نزدیکی تو گردد و در تمام
أَحْوَالِنَا وَأُمُورِنَا مَعْرِفَتِنَا، وَلَا تَكِلْنَا إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فَيَمُنَّ عَلَيْنَا،
احوال و کارهای ما معرفتمان را کامل و نیکو گردان و ما را به هیچیک از خلق خود وامگذار که بر سر ما منت گذارد
وَنَفْضُلْ عَلَيْنَا بِجَمِيعِ حَوَائِجِنَا لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَابْدَأْ بِأَبَائِنَا وَأَبْنَاؤِنَا
و بر ما تفضل فرما به برآوردن تمام حاجت های دنیا و آخرت ما و آغاز کن در تمام آنچه ما برای خودمان از تو خواستیم برای
پدران و فرزندانمان
وَجَمِيعِ إِخْوَانِنَا الْمُؤْمِنِينَ فِي جَمِيعِ مَا سَأَلْنَاكَ لِأَنْفُسِنَا يَا أَرْحَمَ
و همه برادران مؤمن ما ای مهربانترین

الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْتُلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ، وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ، أَنْ
مهربانها خدايا از تو خواهيم به حق نام بزرگت و فرمانروايي ديرينهات كه
تُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَغْفِرَ لَنَا الذَّنْبَ الْعَظِيمَ، إِنَّهُ لَا
درود فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بيامرزي براي ما گناه بزرگ ما را كه براستی
يَغْفِرُ الْعَظِيمَ إِلَّا الْعَظِيمُ، اللَّهُمَّ وَهَذَا رَجَبُ الْمُكْرَمِ الَّذِي أَكْرَمْتَنَاهُ
نيامزد بزرگ را مگر شخص بزرگ خدايا اين ماه رجب است كه گرامي است و همان ماهي است كه ما را بدان گرامي
داشته

أَوَّلُ أَشْهُرِ الْحُرُمِ، أَكْرَمْتَنَا بِهِ مِنْ بَيْنِ الْأُمَمِ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا ذَا الْجُودِ
نخستين ماه محترمي است كه ما را از ميان همه امتهها بدان گرامي داشتی پس ستايش خاص تو است اي صاحب جود
وَالْكَرَمِ فَاسْتَلُكَ بِهِ وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ، الْأَعْظَمِ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ
و بزرگواري پس از تو خواهيم بدين ماه و به حق نام اعظم و و اجل اكرم تو
الَّذِي خَلَقْتَهُ فَاسْتَقَرَّ فِي ظِلِّكَ، فَلَا يَخْرُجُ مِنْكَ إِلَى غَيْرِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ
كه آنرا آفريدي و در سايهات مستقر گرديد و آن نام از تو به ديگري نرسد كه درود فرستی
عَلَي مُحَمَّدٍ وَآهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ، وَأَنْ تَجْعَلَنَا مِنَ الْعَامِلِينَ فِيهِ
بر محمد و خاندان پاك او و قرار دهی ما را از كسانی كه در اين ماه
بِطَاعَتِكَ، وَالْأَمَلِينَ فِيهِ لَشَفَاعَتِكَ، اللَّهُمَّ اهْدِنَا إِلَى سَوَاءِ السَّبِيلِ،
به طاعت تو عمل كنيم و آنانكه در اين ماه آرزوي شفاعت تو را دارند خدايا ما را به راه راست راهنمايي فرما
وَأَجْعَلْ مَقِيلَنَا عِنْدَكَ خَيْرَ مَقِيلٍ، فِي ظِلِّ ظَلِيلٍ وَمُلْكٍ جَزِيلٍ، فَإِنَّكَ
و قرار ده جايبگاه ما را در نزد خود بهترين جايبگاه در سايه هميشگي رحمت و سلطنت باعظمتت زيرا كه تو
حَسْبُنَا وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، اللَّهُمَّ أَقْلِبْنَا مُفْلِحِينَ مُنْجِحِينَ، غَيْرَ مَعْضُوبٍ
ما را كافي هستی و نيكو وكيلى هستی خدايا ما را برگردان به حال رستگاري و كاميابی كه نه در زمره غضبشدگان
باشيم

عَلَيْنَا وَلَا ضَالِّينَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
و نه از جمله گمراهان به رحمت اي مهربانترين مهربانان خدايا از تو خواهم
بِعَزَائِمِ مَغْفِرَتِكَ، وَبِوَجِبِ رَحْمَتِكَ، السَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ إِثْمٍ، وَالْعَنِيمَةَ

به حق وسائل حتمي آمرزش و به آن رحمت که بر خویش واجب کردی که مرا از هر گناهی سالم داری
 مِنْ كُلِّ بَرٍّ، وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ، وَالتَّجَاةَ مِنَ النَّارِ، اَللّٰهُمَّ دَعَاكَ الدَّاعُونَ
 و از هر نیکی بهره‌مند سازی و به بهشتم برسانی و از آتش دوزخ نجاتم بخشی خدایا خوانندگان تو را خواندند
 وَدَعَوْتُكَ، وَسَأَلْتُكَ السَّائِلُونَ وَسَأَلْتُكَ، وَطَلَبَ إِلَيْكَ الطَّالِبُونَ
 و من نیز خواندمت و درخواست کنندگان از تو خواستند و من نیز از تو خواستم و جویندگان از تو جویا شدند
 وَطَلَبْتُ إِلَيْكَ، اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الثَّقَةُ وَالرَّجَاءُ، وَإِلَيْكَ مُنْتَهَى الرَّغْبَةِ فِي
 و من هم تو را جویا شدم خدایا تویی مورد اعتماد و امید و بسوی تو است آخرین مرحله میل و اشتیاق در
 الدُّعَاءِ، اَللّٰهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلِ الْيَقِينَ فِي قَلْبِي،
 دعاء خدایا درود فرست بر محمد و آلش و بنه یقین را در دلم
 وَالتُّورَ فِي بَصَرِي، وَالتَّصِيحَةَ فِي صَدْرِي، وَذِكْرَكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ
 و روشنی در دیده‌ام و خیرخواهی در سینه‌ام و ذکر خود را در شب و روز
 عَلَيَّ لِسَانِي، وَرِزْقًا وَاسِعًا غَيْرَ مَمْنُونٍ وَلَا مَحْظُورٍ فَارْزُقْنِي،
 بر زبانی و روزی وسیع بی‌منت و بی‌مانعی روزیم گردان
 وَبَارِكْ لِي فِيمَا رَزَقْتَنِي، وَاجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي، وَرَغْبَتِي فِيمَا
 و در آنچه نصیب کرده‌ای برکت ده و بی‌نیازی مرا در نفس خودم قرار ده و اشتیاقم را بدانچه
 عِنْدَكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، پس به سجده برو و بگو: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي
 نزد تو است به رحمت ای مهربانترین مهربانان × × × × × × × × × × ستایش خاص خدایی است که
 هَدَانَا لِمَعْرِفَتِهِ، وَخَصَّنَا بِوِلَايَتِهِ، وَوَقَّعَنَا لِبَاعِثِهِ، شُكْرًا شُكْرًا صد مرتبه .
 ما را به معرفت خویش راهنمایی کرد و به دوستی خویش مخصوص گردانید و به طاعتش موفق داشت خدا را
 شکر * * * * *

پس سر از سجود بردار و بگو: اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ قَصَدْتُكَ بِحَاجَتِي، وَاعْتَمَدْتُ
 * * * * * خدایا من برای حاجتم تو را قصد کردم و در مورد
 عَلَيَّكَ بِمَسْئَلَتِي، وَتَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِأَمْنَتِي وَسَادَتِي اَللّٰهُمَّ اِنْفَعْنَا
 خواسته‌ام بر تو اعتماد کردم و به وسیله پیشوایان و سرورانم بسوی تو رو آوردم خدایا
 بِحُبِّهِمْ، وَأَوْرَدْنَا مَوْرِدَهُمْ، وَارْزُقْنَا مُرَافَقَتَهُمْ وَأَدْخِلْنَا الْجَنَّةَ فِي

به دوستی ایشان ما را سودمند کن و در جایگاه آنها واردمان کن و همنشینی ایشان را روزی ما گردان و در زمره آنان ما را داخل بهشت گردان

زُمرَتِهِمْ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. و این دعا را سید برای روز مبعث ذکر کرده

به رحمت ای مهربانترین مهربانان * * * * *

روز بیست و هفتم

از جمله اعیاد عظیمه است و روزی است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در آن روز به رسالت مبعوث گردید و جبرئیل به پیغمبری بر آن حضرت نازل شد و از برای آن چند عمل است اول غسل دوّم روزه و آن یکی از چهار روزی است که در تمام سال امتیاز دارد برای روزه گرفتن و برابر است با روزه هفتاد سال سیّم بسیار صلوات فرستادن چهارم زیارت حضرت رسول و امیرالمؤمنین علیهما و آلهما السّلام پنجم شیخ در مصباح فرموده از ریّان بن الصّلت مروی است که حضرت امام جواد علیه السلام در زمانیکه در بغداد بود روز نیمه رجب و روز بیست و هفتم را روزه گرفت و جمیع حشم آنحضرت روزه گرفتند و ما را امر فرمود که بجا آوریم دوازده رکعت نماز که خوانده شود در هر رکعت حمد و سوره و بعد از فراغ از نمازها خوانده شود هر یک از حمد و توحید و مُعوذتین چهار مرتبه و لا اله الا الله واللّه اکبر و سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ چهار مرتبه الله الله ربّي لا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً چهار مرتبه لا أُشْرِكُ رَبِّي أَحَدًا چهار مرتبه ششم و نیز شیخ روایت کرده از جناب ابوالقاسم حسین بن روح رحمه الله که فرموده بجا می آوری در این روز دوازده رکعت نماز می خوانی در هر رکعت حمد و سوره ای که آسان باشد و تشهد می خوانی و سلام می دهی و می نشینی و می گوئی بین هر دو رکعتی

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ،

* * * ستایش خاص خدایی است که فرزندی برای خود نگرفته و شریکی در فرمانروایی ندارد

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ، وَكَبْرُهُ تَكْبِيرًا، یا عُدَّتِي فِي مُدَّتِي، یا

و یآوری از خوار شدن ندارد (چون خواری ندارد) و به کمال بزرگی او را یاد کن ای توشه من در دوران عمرم ای

صاحبی فی شِدَّتِي، یا وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي، یا غِيَاثِي فِي رَغْبَتِي، یا

رفیق من در سختیم ای سرپرست من در نعمتم ای فریادرس من در آنچه خواهم ای

نَجَاحِي فِي حَاجَتِي، یا حَافِظِي فِي غَيْبَتِي، یا كَافِيَّ فِي وَحْدَتِي، یا

بر آورنده حاجتم ای نگهبان من در غیابم ای کفایت کننده ام در گوشه تنهایی ای

یا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ وَالتَّجَاوُزِ، وَضَمَّنَ نَفْسَهُ الْعَفْوَ وَالتَّجَاوُزَ، یا مَنْ
ای که دستور داده به عفو و گذشت و خود او هم عفو و گذشت (از گنهکاران را) ضمانت کرده ای که
عَفِي وَتَجَاوَزَ، أَعْفُ عَنِّي وَتَجَاوَزْ یا کَرِيمُ، اَللّٰهُمَّ وَقَدْ اَكْدَي
عفو کرده و گذشت فرمودی مرا مورد عفو و گذشت خویش قرار ده ای کریم خدایا جستجو
الطَّلَبُ وَاُعِيَتْ الْحِيلَةُ وَالْمَذْهَبُ، وَدَرَسَتْ اَلْاُمَالُ، وَانْقَطَعَ الرَّجَاءُ
به جایی نرسید و راه چاره و رفتن بسته شد و آرزوها کهنه گشت و امید بریده شد
اِلَّا مِنْكَ، وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَجِدُ سُبُلَ الْمَطْلَبِ اِلَيْكَ
جز از تو که یکتایی و شریکی نداری خدایا من بخوبی می یابم که راههای جستجو بسوی تو
مُشْرَعَةً، وَمَنَاهِلَ الرَّجَاءِ لَدَيْكَ مُثْرَعَةً، وَأَبْوَابَ الدُّعَاءِ لِمَنْ دَعَاكَ
گشوده است و آبشخورهای امید در نزد تو پر از آب است و درهای دعاء برای کسی که تو را بخواند
مُفْتَحَةً، وَالْإِسْتِعَانَةَ لِمَنْ اسْتَعَانَ بِكَ مُبَاحَةً، وَأَعْلَمُ أَنَّكَ لَدَاعِيكَ

باز است و یاریت برای آنکس که از تو یاری خواهد آماده و مباح است و بخوبی می دانم که تو آماده
بِمَوْضِعِ اجَابَةٍ، وَلِلصَّارِخِ إِلَيْكَ بِمَرُصَدِ اغَاثَةٍ، وَأَنَّ فِي اللَّهْفِ إِلَى
اجابت دعای خوانندگان هستی و مہیای فریادرسی فریادخواهان از درگاہت می باشی و این را ہم می دانم کہ در
پناہندہ

جُودِكَ وَالضَّمَانِ بَعْدَتِكَ عَوْضًا مِنْ مَنَعِ الْبَاخِلِينَ، وَمَنْدُوحَةً عَمَّا
شدن بہ جود تو و اعتماد بہ وعدہ تو عوض کاملی از منع بخیلان و بی نیازی وسیعی است از آنچه
فِي أَيْدِي الْمُسْتَثْنَيْنِ، وَأَنَّكَ لَا تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ إِلَّا أَنْ تَحْجُبَهُمْ
در دست توانگران و ثروتمندان است و می دانم کہ تو از خلق خویش در حجاب نشوی مگر آنکہ اعمال ایشان
الْأَعْمَالُ دُونُكَ، وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ أَفْضَلَ زَادِ الرَّاحِلِ إِلَيْكَ عَزْمُ إِرَادَةٍ
میان تو و ایشان حجاب قرا دہد و این را ہم دانستہ ام کہ بہترین توشہ کسی کہ بہ سوی تو کوچ کند یک تصمیم جدی
يَخْتَارُكَ بِهَا، وَقَدْ نَجَاكَ بِعَزْمِ الْإِرَادَةِ قَلْبِي، وَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ دَعْوَةٍ
و نیرومندی است کہ تو را بدان اختیار کند و با یک چنین تصمیمی دل من با تو براز و نیاز پرداختہ از تو خواہم بہ حق
ہر دعائی

دَعَاكَ بِهَا رَاجٍ بَلَّغْتَهُ أَمَلَهُ، أَوْ صَارِخُ إِلَيْكَ أَغْثَتْ صَرْخَتَهُ، أَوْ مَلْهُوفٌ
کہ تو را دعا کردہ بدان شخص امیدواری کہ بہ آرزویش رساندہ ای یا فریادخواہی کہ بہ درگاہ تو فریادخواہی کردہ و
بہ دادش رسیدہ

مَكْرُوبٌ فَرَجَتْ كَرْبَهُ، أَوْ مُذْنَبٌ خَاطِبٌ غَفَرْتَ لَهُ، أَوْ مُعَافٍ أَثَمَّتْ
یا دلسوختہ گرفتاری کہ تو گرفتاریش را بر طرف کردہ یا گنہکار خطا پیشہ ای کہ تو او را آمرزیدہ ای یا تندرستی کہ
نعمت

نِعْمَتَكَ عَلَيْهِ، أَوْ فَقِيرٌ أَهْدَيْتَ غِنَاكَ إِلَيْهِ، وَلِتِلْكَ الدَّعْوَةُ عَلَيْكَ حَقٌّ
را بر او تمام کردہ ای یا نداری کہ از توانگری خود بہ او دادہ ای و چنین دعایی بہ درگاہت حقی پیدا کردہ
وَعِنْدَكَ مَنَزِلَةٌ، إِلَّا صَلَّيْتَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَقَضَيْتَ حَوَائِجِي
و در پیش تو منزلت و مقامی یافتہ کہ درود فرستی بر محمد و آل محمد و برآوری حاجاتم را
حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَهَذَا رَجَبُ الْمُرَجَّبِ الْمُكْرَمِ، الَّذِي أَكْرَمْتَنِي
حاجات دنیا و آخرت و این ماہ رجب المرجب و ماہ گرامی است آن ماہی کہ

بِهِ أَوَّلُ أَشْهُرِ الْحُرُمِ أَكْرَمَتُنَا بِهِ مِنْ بَيْنِ الْأُمَمِ، يَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ،
نخستین ماه محترم است و ما را بدان گرامی داشته‌ای از میان سایر امتها ای صاحب جود و کرم
فَسُئِلْتُكَ بِهِ وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَجَلُّ الْأَكْرَمِ، الَّذِي
پس به حق این ماه از تو خواهم و به حق نام اعظم تو آن نام برتر و گرامی‌تری که آن را
خَلَقْتَهُ فَاسْتَقَرَّ فِي ظِلِّكَ، فَلَا يَخْرُجُ مِنْكَ إِلَى غَيْرِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ
آفریدی پس در زیر سایه رحمت مستقر گردید و از تو به دیگری نرسد که درود فرستی بر
مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ، وَتَجْعَلَنَا مِنَ الْعَامِلِينَ فِيهِ بِطَاعَتِكَ
محمد و خاندان پاکش و قرار دهی ما را از کسانی که در این ماه به طاعتت عمل کنیم
وَالْأَمْلِينَ فِيهِ بِشَفَاعَتِكَ، اَللَّهُمَّ وَاهْدِنَا إِلَى سَوَاءِ السَّبِيلِ وَاجْعَلْ
و آنانکه در این ماه آرزوی شفاعت را دارند خدایا ما را به راه راست هدایت فرما و جایگاه ما را
مَقِيلَنَا عِنْدَكَ خَيْرَ مَقِيلٍ فِي ظِلِّ ظَلِيلٍ، فَإِنَّكَ حَسْبُنَا وَنِعْمَ الْوَكِيلُ،
در پیش خود بهترین جایگاه در زیر سایه همیشگی قرار ده که برستی تو ما را بسی و نیکو و کیلی هستی
وَالسَّلَامُ عَلَيَّ عِبَادِهِ الْمُصْطَفَيْنِ، وَصَلَوَاتُهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، اَللَّهُمَّ
و سلام بر بندگان برگزیده‌اش و درودهای او بر ایشان همگی و نیز خدایا
وَبَارِكْ لَنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا الَّذِي فَضَّلْتَهُ، وَبَكَرَمْتَهُ جَلَّلْتَهُ، وَبِالْمَنْزِلِ
مبارک گردان برای ما در این روزی که آن را برتری دادی و به کرامت خویش آن را بزرگ کردی و به جایگاه
[الْعَظِيمِ] الْأَعْلَى أَنْزَلْتَهُ، صَلِّ عَلَيَّ مَنْ فِيهِ إِلَى عِبَادِكَ أَرْسَلْتَهُ،
بزرگ و بالاتری آن را جای دادی درود فرست بر آن کس که او را در این ماه به سویی بندگان فرستادی
وَبِالْمَحَلِّ الْكَرِيمِ أَخْلَلْتَهُ، اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَوةً دَائِمَةً تَكُونُ لَكَ
و او را به مقام بزرگی درآوردی خدایا درود فرست بر او درودی همیشگی که برای تو
شُكْرًا وَلَنَا ذُخْرًا، وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا، وَاخْتِمِ لَنَا بِالسَّعَادَةِ إِلَى
سپاسگزاری باشد و برای ما ذخیره‌ای و قرار ده برای ما در کارمان آسانی و تا پایان عمرمان با خوشبختی ما را
مُنْتَهَى آجَالِنَا، وَقَدْ قَبِلْتَ الْيُسَيْرَ مِنْ أَعْمَالِنَا، وَبَلَّغْتَنَا بِرَحْمَتِكَ أَفْضَلَ
مقرون دار و تو ای خدا برستی چنانی که اعمال اندک ما را پذیرفتی و به رحمت خویش به بهترین
آمَلْنَا، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ .

آرزوهایمان رساندی همانا تو بر هر چیز توانایی و درود و تحیت خدا بر محمد و آلش باد
مؤلف گوید: که این دعا را حضرت موسی بن جعفر علیه السلام خواند در آنروزی که آن جناب را بجانب بغداد
حرکت دادند و آن روز بیست و هفتم رجب بود و این دعا از مَذْخُور ادعیه رجب است هشتم سید در اقبال فرموده
بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِالتَّجْلِیِّ الْاَعْظَمِ «الدَّعَاء» و این دعا به روایت کفعمی در اعمال شب این روز گذشت .

روز آخر ماه

غسل در آن وارده شده و روزه اش سبب آمرزش گناهان گذشته و آینده است و نماز سلمان به نحو یست که در روز
اوّل گذشت .

فصل دوم: در فضیلت و اعمال ماه شعبان است

بدانکه شعبان ماه بسیار شریفی است و منسوب است به حضرت سید انبیاء صلی الله علیه و آله و آن حضرت این ماه
را روزه می داشت و وصل می کرد به ماه رمضان و می فرمود شعبان ماه من است هر که يك روز از ماه مرا روزه بدارد
بهشت او را واجب شود و از حضرت صادق علیه السلام روایتست که چون ماه شعبان داخل می شد حضرت امام
زین العابدین علیه السلام اصحاب خود را جمع می نمود و می فرمود ای گروه اصحاب من می دانید این چه ماهی است این
ماه شعبان است و حضرت رسول صلی الله علیه و آله می فرمود شعبان ماه من است پس روزه بدارید در این ماه برای
محبّت پیغمبر خود و برای تقرّب به سوي پروردگار خود بحقّ آن خدایی که جان علی بن الحسین به دست قدرت اوست
سوگند یاد می کنم که از پدرم حسین بن علی علیها السلام شنیدم که فرمود شنیدم از امیرالمؤمنین علیه السلام که هر که
روزه دارد شعبان را برای محبّت پیغمبر خدا و تقرّب بسوي خدا دوست دارد خدا او را و نزدیک گرداند او را به کرامت
خود در روز قیامت و بهشت را برای او واجب گرداند و شیخ روایت کرده از صفوان جمال که گفت فرمود به من
حضرت صادق ۷ که وادار کن کسانی را که در ناحیه و اطراف تو هستند بر روزه شعبان گفتم فدایت شوم مگر می بینی در
فضیلت آن چیزی فرمود بلي بدرستی که رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگاه می دید هلال شعبان را امر می فرمود مُنادي
را که ندا می کرد در مدینه ای اهل مدینه من رسولم از جانب رسول خدا ۹ به سوي شما می فرماید آگاه باشید بدرستی که
شعبان ماه من است پس خدا رحمت کند کسی را که یاری کند مرا بر ماه من یعنی روزه بدارد آن را پس گفت حضرت
صادق علیه السلام که امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمود که فوت نشد از من روزه شعبان از زمانی که شنیدم منادی رسول
خدا صلی الله علیه و آله ندا کرد در شعبان و فوت نخواهد شد از من تا مدتی که حیات دارم انشاء الله تعالی پس
می فرمود که روزه دو ماه که شعبان و رمضان باشد توبه و مغفرتست از خدا و روایت کرده اسماعیل بن عبد الخالق که گفت

بودم نزد حضرت صادق علیه السلام که در میان آمد ذکر روزه شعبان حضرت فرمود که در فضیلت روزه شعبان چنین و چنان است حتی آنکه مردی مرتکب خون حرام می شود پس روزه می گیرد شعبان را نفع می بخشد او را و آمرزیده می شود و بدانکه اعمال این ماه شریف بر دو قسم است اعمال مشترکه و اعمال مختصه اما اعمال مشترکه پس آن چند امر است اول هر روز هفتاد مرتبه بگوید **اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ اَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ** دویم هر روز هفتاد مرتبه بگوید **اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَ اَتُوبُ إِلَيْهِ** و در بعضی روایات **الْحَيُّ الْقَيُّومُ** پیش از **الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ** است و عمل به هر دو خوبست و از روایات مستفاد می شود که بهترین دعاها و ذکرها در این ماه استغفار است و هرکه هر روز از این ماه استغفار کند هفتاد مرتبه مثل آنست که هفتاد هزار در ماههای دیگر استغفار کند سیّم تصدّق کند در این ماه اگرچه به نصف دانه خرمایی باشد تا حق تعالی بدن او را بر آتش جهنّم حرام گرداند از حضرت صادق علیه السلام منقول است که از آن جناب سؤال کردند از فضیلت روزه رجب فرمود چرا غافلید از روزه شعبان راوی عرض کرد یابن رسول الله چه ثواب دارد کسی که يك روز از شعبان را روزه بدارد فرمود به خدا قسم بهشت ثواب اوست عرض کرد یابن رسول الله بهترین اعمال در این ماه چیست فرمود تصدّق و استغفار هر که تصدّق کند در ماه شعبان حق تعالی آن را تربیت کند همچنانکه یکی از شما شتر بجهّاش را تربیت می کند تا آنکه در روز قیامت برسد به صاحبش در حالتی که بقدر کوه اُحُد شده باشد چهارم در تمام این ماه هزار بار بگوید **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَلَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ** که ثواب بسیار دارد از جمله آنکه عبادت هزار ساله در نامه عملش بنویسند پنجم در هر پنجشنبه این ماه دو رکعت نماز کند در هر رکعت بعد از حمد صد مرتبه توحید و بعد از سلام صد بار صلوات بفرستد تا حق تعالی برآورد هر حاجتی که دارد از امر دین و دنیای خود و روزه اش نیز فضیلت دارد و روایت شده که در هر روز پنجشنبه ماه شعبان زینت می کنند آسمانها را پس ملائکه عرض می کنند خداوندایا بیامرز روزه داران این روز را و دعای ایشان را مستجاب گردان و در خبر نبوی است که هر که روز دوشنبه و پنجشنبه شعبان را روزه دارد حق تعالی بیست حاجت از حوائج دنیا و بیست حاجت از حاجتهای آخرت او را برآورد ششم در این ماه صلوات بسیار فرستد هفتم در هر روز از شعبان در وقت زوال و در شب نیمه آن بخواند این صلوات مروّیه از حضرت امام زین العابدین علیه السلام را: **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ**

خدایا

درود فرست بر محمد

وَأَلِ مُحَمَّدٍ، شَجَرَةَ النَّبَوَّةِ، وَمَوْضِعَ الرِّسَالَةِ، وَمُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ

و آل محمد درخت نبوت و جایگاه رسالت و محل رفت و آمد فرشتگان

وَمَعْدِنِ الْعِلْمِ، وَأَهْلِ بَيْتِ الْوَحْيِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَأَلِ

و معدن دانش و خاندان وحي خدايا درود فرست بر محمد و آل
مُحَمَّدٍ، الْفُلْكَ الْجَارِيَةِ، فِي اللَّجَجِ الْغَامِرَةِ، يَا مَنْ مِنْ رَكِبِهَا، وَيَغْرَقُ
محمد کشتی جاري در اقیانوسهاي بیکران ايمن شود هر که سوار آن کشي گردد و غرق شود
مَنْ تَرَكَهَا، الْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ مَارِقٌ، وَالْمُتَأَخِّرُ عَنْهُمْ زَاهِقٌ وَاللَّازِمُ لَهُمْ
کسي که آن را واگذارد، هر که بر ایشان تقدم جوید از دين بیرون رفته و کسي که از ایشان عقب ماند به نابودي گراید
ولی ملازم ایشان

لَا حَقَّ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، الْكَهْفِ الْحَصِينِ، وَغِيَاثِ
به حق خواهد رسید خدايا درود فرست بر محمد و آل محمد آن پناهگاه محکم و فریادرس
الْمُضْطَرُّ الْمُسْتَكَينَ، وَمَلْجَأِ الْهَارِبِينَ، وَعِصْمَةِ الْمُعْتَصِمِينَ، اللَّهُمَّ
بیچاره درمانده و پناه گریختگان و دستاویز محکم برای وسیله جویان خدايا درود
صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، صَلَوةً كَثِيرَةً تَكُونُ لَهُمْ رِضًا، وَلِحَقِّ
فرست بر محمد و آل محمد درود بسیاری که موجب خوشنودي ایشان گردد و حق
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ آدَاءً وَقَضَاءً، بِحَوْلٍ مِنْكَ وَقُوَّةٍ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ،
محمد و آل محمد اداء گشته و انجام وظیفه ما شده باشد به جنبش و نیروي تو اي پروردگار جهانیان
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، الطَّيِّبِينَ الْأَبْرَارِ الْأَخْيَارِ، الَّذِينَ
خدايا درود فرست بر محمد و آل محمد آن پاکان نیکوکار برگزیده آن کسانی که
أَوْجَبَتْ حَقُوقَهُمْ، وَفَرَضَتْ طَاعَتَهُمْ وَوَلَايَتَهُمْ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ
حقوقشان را واجب کردی و اطاعت و دوستیشان را فرض نمودی خدايا درود فرست بر
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاعْمُرْ قَلْبِي بِطَاعَتِكَ، وَلَا تُحْزِنِي بِمَعْصِيَتِكَ،
محمد و آل محمد و آباد کن دل مرا به اطاعت خود و به وسیله نافرمانیت رسوایم مکن
وَارْزُقْنِي مُوَاَسَاةَ مَنْ فَتَرْتَ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ بِمَا وَسَّعْتَ عَلَيَّ مِنْ
و روزی من گردان که کمک مالی دهم بر کسی که روزیت را بر او تنگ کردی بوسیله آنچه بر من فراخ گرداندی از
فَضْلِكَ، وَنَشَرْتَ عَلَيَّ مِنْ عَذْلِكَ، وَأَحْيَيْتَنِي تَحْتَ ظِلِّكَ، وَهَذَا شَهْرُ
فضل خویش و گستردی بر من از عدل خویش و مرا در زیر سایهات زنده داشتی و این ماه
بَيْتِكَ سَيِّدِ رُسُلِكَ، شَعْبَانُ الَّذِي حَفَفْتَهُ مِنْكَ بِالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ،

پیمرت و آقاي رسولانت ماه شعبان است که اطراف آن را به رحمت و خوشنودي خود پوشاندي
 الَّذِي كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، يَدَّأْبُ فِي صِيَامِهِ
 آن ماهي که رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم کوشش بسيار داشت در روزه
 وَقِيَامِهِ، فِي لَيَالِيهِ وَأَيَّامِهِ، بُخُوْعًا لَكَ فِي إِكْرَامِهِ وَإِعْظَامِهِ، إِلَى مَحَلِّ
 و شب زندهداريش هم در شبها و هم در روزهايش بخاطر فروتنی در برابر تو در مورد گرامي داشتن و بزرگداشتنش
 هم چنان

حِمَامِهِ، اللَّهُمَّ فَأَعِنَّا عَلَى الْأَسْتِنَانِ بِسُنَّتِهِ فِيهِ، وَتَيْلِ الشَّفَاعَةِ لَدَيْهِ،
 تا هنگام مرگش خدايا پس ما را کمک ده تا روش او را در اين ماه پيروي کنيم و به شفاعتی که نزد او است برسيم
 اللَّهُمَّ وَاجْعَلْهُ لِي شَفِيعًا مُشَفَّعًا وَطَرِيقًا إِلَيْكَ مَهِيْعًا، وَاجْعَلْنِي لَهُ
 خدايا قرار ده او را براي من شفيعي پذيرفته و راهي بسويت که همواره باشد و مرا پيرو او گردان
 مُتَّبِعًا، حَتَّى أَلْقَاكَ يَوْمَ الْقِيَمَةِ عَتِي رَاضِيًا، وَ عَنْ ذُنُوبِي غَاضِيًا، قَدْ أَوْجَبْتَ
 تا به جايي که در روز قيامت تو را در حالی ديدار کنم که از من خوشنود باشي و گناهانم را نادیده گيري و براي من
 واجب

لِي مِنْكَ الرَّحْمَةُ وَالرِّضْوَانُ، وَأَنْزِلْنِي دَارَ الْقَرَارِ وَمَحَلَّ الْأُخْيَارِ،
 کرده باشي از جانب خود رحمت و خوشنودي را و مرا در خانه هميشگي (بهشت جاويدان) و منزلگاه نيکان فرود آري
 هشتم بخواند اين مناجات مرويّه از ابن خالويه را که نقل کرده و گفته اين مناجات حضرت اميرالمؤمنين و امامان از
 فرزندان اوعليهم السلام است که در ماه شعبان مي خواندند :

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاسْمَعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ، وَاسْمَعْ
 خدايا درود فرست بر محمد و آل محمد و بشنو دعائيم را هنگامی که تو را خوانم و بشنو
 نِدَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ، وَأَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا نَاجَيْتُكَ، فَقَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ، وَوَقَفْتُ
 صدایم را هر گاه تو را صدا زدم و رو به من کن هرگاه با تو راز گویم زیرا من به سوي تو گريختم و پيش رویت
 بَيْنَ يَدَيْكَ، مُسْتَكِينًا لَكَ مُتَضَرِّعًا إِلَيْكَ، رَاجِيًا لِمَا لَدَيْكَ تَوَائِي،

ايستادم در حال بيچارگي و فروتنی به درگاهت و اميدوارم ثوابم را که در پيش تو است
 وَتَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي، وَتَخْبِرُ حَاجَتِي، وَتَعْرِفُ ضَمِيرِي، وَلَا يَخْفِي
 و تو آنچه را من در دل دارم مي دانی و حاجتم را آگاهي و از نهادم باخبري

عَلَيْكَ أَمْرٌ مُنْقَلَبِي وَمَثْوَايَ، وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُبْدِيَ بِهِ مِنْ مُنْطِقِي، وَأَتَقَوَّهُ
و سرانجام کار و سرمنزل من بر تو روشن است و نیز آنچه را می‌خواهم از گفتارم بدان لب گشایم و آن طلبی
به مِنْ طَلَبَتِي، وَأَرْجُوهُ لِعَاقِبَتِي، وَقَدْ جَرَتْ مَقَادِيرُكَ عَلَيَّ يَا سَيِّدِي
را که می‌خواهم به زبان آرم و امید آن را برای سرانجام کارم دارم، ای آقای من مقدرات
فیما يَكُونُ مِنِّي إِلَى آخِرِ عُمْرِي، مِنْ سَرِيرَتِي وَعَلَانِيَتِي، وَيَبْدِكَ لَا
تو بر من جاری گشته در آنچه از من تا آخر عمر سر زند چه از کارهای پنهانم و چه آشکارم و بدست تو است نه
يَبْدِ غَيْرِكَ زِيَادَتِي وَتَقْصِي وَتَفْعِي وَضَرِّي، إِلَهِي إِنْ حَرَمْتَنِي، فَمَنْ
به دست دیگری کم و زیاد شدن و سود و زیان من خدایا اگر توام محروم کنی پس کیست
ذَ الَّذِي يَرْزُقُنِي، وَإِنْ خَذَلْتَنِي فَمَنْ ذَ الَّذِي يَنْصُرُنِي، إِلَهِي أَعُوذُ
که روزیم دهد و اگر تو خوارم کنی پس کیست که یاریم دهد خدایا پناه برم
بِكَ مِنْ غَضَبِكَ، وَحُلُولِ سَخَطِكَ، إِلَهِي إِنْ كُنْتُ غَيْرَ مُسْتَأْهِلٍ
به تو از خشم و فرو ریختن عذاب خدایا اگر من شایستگی رحمت تو را ندارم
لِرَحْمَتِكَ، فَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَيَّ بِفَضْلِ سَعَتِكَ، إِلَهِي كَأَنِّي
ولی تو شایسته آنی که از زیاده بخششت به من احسان کنی خدایا خود را چنان
بِنَفْسِي وَاقِفَةً بَيْنَ يَدَيْكَ، وَقَدْ أَظْلَمْتُ حُسْنُ تَوَكُّلِي عَلَيْكَ، فَقُلْتَ مَا
می‌نگرم که گویا در برابرت ایستاده و آن توکل نیکویی که بر تو دارم بر سر من سایه افکنده و تو نیز آنچه را
أَنْتَ أَهْلُهُ وَتَعَمَّدْتَنِي بِعَفْوِكَ، إِلَهِي إِنْ عَفَوْتَ فَمَنْ أَوَّلَى مِنْكَ
شایسته آنی درباره من فرموده و مرا در سراپرده عفو خویش پوشانده‌ای خدایا اگر بگذری پس کیست
بِذَلِكَ، وَإِنْ كَانَ قَدْ دَنَا أَجَلِي وَلَمْ يُدْنِ مِنِّي مِنْكَ عَمَلِي، فَقَدْ جَعَلْتُ
که از تو بدین کار سزاوارتر باشد و اگر مرگم نزدیک شده و عملم مرا به تو نزدیک نکرده من به ناچار قرار می‌دهم
الْإِقْرَارَ بِالذَّنْبِ إِلَيْكَ وَسِلْتَنِي إِلَهِي قَدْ جُرْتُ عَلَيَّ نَفْسِي فِي
اقرار به گناه را وسیله خویش به درگاهت خدایا من بر خویشتن ستم کردم در
النَّظَرِ لَهَا فَلَهَا الْوَيْلُ إِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَهَا، إِلَهِي لَمْ يَزَلْ بَرُّكَ عَلَيَّ أَيَّامَ
آن توجهی که بدان کردم پس وای بر او اگر نیامرزش خدایا پیوسته در دوران زندگی نیکی تو
حَيَاتِي، فَلَا تَقْطَعْ بَرِّكَ عَنِّي فِي مَمَاتِي، إِلَهِي كَيْفَ آيَسُ مِنْ حُسْنِ

بر من می‌رسد پس نیکیت را در هنگام مرگ نیز از من مگیر خدایا من چگونه مأیوس شوم از اینکه پس از مرگ مورد حسن

نَظَرِكَ لِي بَعْدَ مَمَاتِي، وَأَنْتَ لَمْ تُؤَلِّ إِلَّا الْجَمِيلَ فِي حَيَاتِي، إلهي

نظر تو واقع کردم در صورتی که در دوران زندگیم جز به نیکی سرپرستیم نکردی خدایا

تَوَلَّ مِنْ أَمْرِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَعُدَّ عَلَيَّ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ مُذْنِبٌ قَدْ غَمَرَهُ

سرپرستی کن کار مرا چنانچه تو شایسته آنی و توجه کن بر من به فضل خویش که همچون گنهکاری هستم

جَهْلُهُ، إلهي قَدْ سَتَرْتَ عَلَيَّ ذُنُوبًا فِي الدُّنْيَا وَأَنَا أَحْوَجُ إِلَى سَتَرِهَا

که نادانیش سراپا او را فراگرفته خدایا برآستی تو گناهانی را در دنیا بر من پوشانیدی که من به پوشاندن آنها

عَلَيَّ مِنْكَ فِي الْآخِرِي، إِذْ لَمْ تُظْهِرْهَا لِأَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ،

در آخرت محتاج ترم (در دنیا پوشانیدی) با اینکه آشکارش نکردی برای هیچیک از بندگان شایسته‌ات

فَلَا تَقْضِ حَقِّي يَوْمَ الْقِيَمَةِ عَلَيَّ رُؤُسِ الشُّهَادِ، إلهي جُودُكَ بَسَطَ

ای خدا پس در روز قیامت در برابر دیدگان مردم مرا رسوا مکن خدایا جود و بخششت

أَمَلِي، وَعَفْوُكَ أَفْضَلُ مِنْ عَمَلِي، إلهي فَسَرَّنِي بِإِلْقَائِكَ يَوْمَ تَقْضِي

آرزویم را گستاخ کرده و گذشت تو برتر است از عمل من خدایا مرا در آن روزی

فِيهِ بَيْنَ عِبَادِكَ، إلهي اعْتَذَرِي إِلَيْكَ اعْتِدَارُ مَنْ لَمْ يَسْتَعْنِ عَنْ

که میان بندگان داور کنی به دیدارت مسرور ساز خدایا عذرخواهی من به درگاهت عذرخواهی کسی است که بی‌نیاز

قَبُولِ عَذْرِهِ، فَأَقْبَلْ عَذْرِي يَا أَكْرَمَ مَنْ اعْتَذَرَ إِلَيْهِ الْمُسِيئُونَ، إلهي

نشده از پذیرفتن عذرش پس عذر مرا بپذیر ای بزرگوارترین کسی که گنهکاران به درگاهش معذرت خواهی کنند خدایا

لَا تَرُدُّ حَاجَتِي، وَلَا تُخَيِّبْ طَمَعِي، وَلَا تَقْطَعْ مِنْكَ رَجَائِي وَأَمَلِي،

حاجتم را بازمگردان و طمعم را به نومیدی مکشان و امید و آرزویم را از درگاهت قطع مفرما

إلهي لَوْ أَرَدْتَ هَوَانِي لَمْ تَهْدِنِي، وَلَوْ أَرَدْتَ فَضِيحَتِي لَمْ تُعَافِنِي،

خدایا اگر خواری مرا خواسته بودی راهنمایی نمی‌کردی و اگر رسوائیم را می‌خواستی تندرستیم نمی‌دادی

إلهي مَا أَظُنُّكَ تَرُدُّنِي فِي حَاجَةٍ قَدْ أَفْنَيْتُ عُمْرِي فِي طَلَبِهَا مِنْكَ،

خدایا گمان ندارم که مرا بازگردانی در مورد حاجتی که عمر خویش را در خواستن آن از تو سپری کردم

إلهي فَلَكَ الْحَمْدُ أَبَدًا أَبَدًا دَائِمًا سَرْمَدًا، يَزِيدُ وَلَا يَبِيدُ كَمَا تُحِبُّ

خدایا ستایش خاص تو است ستایش ابدی جاویدان همیشگی که فزون شود ولی کم نگردد بدان نحو که دوست داری
وَتَرْضِي، اِلَهِی اِنْ اَخَذْتَنِي بِجُرْمِي اَخَذْتُكَ بِعَفْوِكَ، وَاِنْ اَخَذْتَنِي
و خوشنود شوی خدایا اگر مرا به جنایتم مأخوذ داری من هم تو را به عفو بگیرم و اگر به گناهم
بَذُوبِي اَخَذْتُكَ بِمَغْفِرَتِكَ، وَاِنْ اَدْخَلْتَنِي النَّارَ اَعْلَمْتُ اَهْلَهَا اَنِّي
بگیری من هم تو را به آمرزش بگیرم و اگر به دوزخم ببری بدوزخیان اعلام می کنم که من
اُحِبُّكَ، اِلَهِی اِنْ كَانَ صَعُرَ فِي جَنْبِ طَاعَتِكَ عَمَلِي، فَقَدْ كَبُرَ فِي
تو را دوست دارم خدایا اگر عمل من در جنب اطاعت تو کوچک است ولی آرزویم در
جَنْبِ رَجَائِكَ اَمَلِي، اِلَهِی كَيْفَ اَنْقَلَبُ مِنْ عِنْدِكَ بِالْحَيِّیَةِ مَحْرُوماً،
کنار امید تو بزرگ است خدایا چگونه من از پیش تو محروم برگردم
وَقَدْ كَانَ حُسْنُ ظَنِّي بِجُودِكَ اَنْ تَقْلِبَنِي بِالتَّجَاةِ مَرْحُوماً، اِلَهِی
با اینکه چنان حسن ظنی من به جود و بخشش داشتیم که مرا مورد رحمت خویش قرار داده با نجات بازم خواهی
گرداند خدایا

وَقَدْ اَفْتِنْتُ عُمْرِي فِي شِرَّةِ السُّهُوِ عَنْكَ، وَاَبْلَيْتُ شَبَابِي فِي سَكْرَةِ
من عمرم را در حرص غفلت از تو سپری کردم و جوانیم را در مستی دوری از تو
التَّبَاعِدِ مِنْكَ، اِلَهِی فَلَمْ اَسْتَيْقِظْ اَيَّامَ اغْتِرَارِي بِكَ، وَرَكُونِي اِلَى
از بین بردم و از اینرو خدایا بیدار نشدم در آن روزگاری که به کرم تو مغرور بودم و به راه خشم
سَبِيلِ سَخَطِكَ، اِلَهِی وَاَنَا عَبْدُكَ وَاِبْنُ عَبْدِكَ، قَائِمٌ بَيْنَ يَدَيْكَ،
تو متمایل گشته بودم خدایا من بنده تو و فرزند بنده توام که در برابرت ایستاده و
مُتَوَسِّلٌ بِكَرَمِكَ اِلَيْكَ، اِلَهِی اَنَا عَبْدٌ اَتَّصَلُ اِلَيْكَ مِمَّا كُنْتُ
به وسیله کرم تو به درگاهت توسل جویم خدایا من بنده ای هستم که می خواهم از آلودگی آنچه بدان با
اُوجِهُكَ بِهِ مِنْ قَلَّةِ اسْتِحْيَائِي مِنْ نَظَرِكَ، وَاَطْلُبُ الْعَفْوَ مِنْكَ اِذَا
تو روبرو شدم از بی حیایی خودم در پیش روی تو خود را پاک سازم و از تو گذشت می خواهم زیرا
الْعَفْوَ نَعْتُ لِكَرَمِكَ، اِلَهِی لَمْ يَكُنْ لِي حَوْلٌ فَاتَّقَلَّ بِهِ عَنْ مَعْصِيَتِكَ
گذشت وصف شناسای کرم تو است خدایا من آن نیرویی که بتوانم بوسیله آن خود را از نافرمانیت منتقل سازم ندارم
اِلَّا فِي وَقْتٍ اَيُّظُنُّ لِمَحَبَّتِكَ، وَكَمَا ارَدْتُ اَنْ اَكُونَ كُنْتُ، فَشَكَرْتُكَ

مگر در آن وقت که تو برای دوستیت بیدارم کنی و آن طور که خواهی باشم پس تو را سپاس گویم که مرا
بِادْخَالِي فِي كَرَمِكَ، وَلِتَطْهِّرَ قَلْبِي مِنْ أَوْسَاخِ الْغَفْلَةِ عَنْكَ، اِلهِي
در کرم خویش داخل کردی و دلم را از چرکیهای بی خبری و غفلت از خویش پاکیزه ساختی خدایا
أُنْظِرْ إِلَيَّ نَظْرَ مَنْ نَادَيْتَهُ فَاجَابَكَ، وَأَسْتَعْمِلْتَهُ بِمَعُونَتِكَ فَاطَاعَكَ، يَا
به من بنگر نگرستن کسی که او را خوانده ای و او پاسخت داده و به یاری خویش به کارش واداشته ای و فرمانبریت
کرده

قَرِيبًا لَا يَبْعُدُ عَنِ الْمُعْتَرِّ بِهِ، وَيَا جَوَادًا لَا يَنْحَلُ عَمَّنْ رَجَا ثَوَابَهُ،
ای نزدیکی که دور نگردي از آن کس که بدو مغرور گشته و ای بخشنده ای که بخل نورزد از آنکس که امید نیکیش دارد
اِلهِي هَبْ لِي قَلْبًا يُدْنِيهِ مِنْكَ شَوْقُهُ، وَلِسَانًا يُرْفَعُ إِلَيْكَ صِدْقُهُ،
خدایا دلی به من بده که اشتیاقش به تو موجب نزدیکیش به تو گردد و زبانی که صدق گفتارش
وَنَظْرًا يُقَرِّبُهُ مِنْكَ حَقُّهُ، اِلهِي اِنَّ مَنْ تَعَرَّفَ بِكَ غَيْرُ مَجْهُولٍ وَمَنْ
بسوی تو بالا آید و نظر حقیقت بینی که همان حقیقتش او را به تو نزدیک گرداند خدایا کسی که بوسیله تو شناخته شد
گمنام نیست

لَا ذِكْرَ لَكَ غَيْرُ مَخْذُولٍ، وَمَنْ أَقْبَلْتَ عَلَيْهِ غَيْرُ مَمْلُوكٍ، اِلهِي اِنَّ مَنْ
و کسی که به تو پناهنده شد خوار نیست و کسی که تو بسویش رو کنی بنده دیگری نخواهد بود خدایا براسستی
اِنَّهْجَ بِكَ لِمُسْتَنْيرٍ، وَاَنْ مَنْ اِعْتَصَمَ بِكَ لِمُسْتَجِيرٍ، وَقَدْ لُدْتُ بِكَ يَا
هرکس به تو راه جوید راهش روشن است و هر که به تو پناه جوید پناه دارد و من ای خدا به تو پناه آورده ام
اِلهِي، فَلَا تُخَيِّبْ ظَنِّي مِنْ رَحْمَتِكَ، وَلَا تُحْجِبْنِي عَنْ رَأْفَتِكَ، اِلهِي
پس گمانی را که به رحمت دارم نومید مکن و از مهر خویش منعم مکن خدایا
أَقِمْنِي فِي أَهْلِ وَلَا يَتِكَ مَقَامَ مَنْ رَجَا الزَّيَادَةَ مِنْ مَحَبَّتِكَ، اِلهِي
جای مرا در میان دوستدارانت جای آن دسته از ایشان قرار ده که امید افزایش دوستیت را دارند خدایا
وَأَلْهَمْنِي وَلَهَّأْ بِذِكْرِكَ إِلَى ذِكْرِكَ، وَهَمَّتِي فِي رَوْحِ نَجَاحِ أَسْمَائِكَ
در دلم انداز شیدایی و شیفتگی ذکر خود را پیایی و همتم را در نشاط فیروز شدن اسمائت
وَمَحَلُّ قُدْسِكَ، اِلهِي بِكَ عَلَيْكَ إِلَّا الْحَقَّتَنِي بِمَحَلِّ أَهْلِ طَاعَتِكَ،
و محل قدست قرار ده خدایا به حق خودت بر خودت سوگند که مرا به محل فرمانبرداریت و جایگاه

وَالْمُتَوَيِّ الصَّالِحِ مِنْ مَرْضَاتِكَ، فَإِنِّي لَا أَقْدِرُ لِنَفْسِي دَفْعاً، وَلَا
شايسته‌اي از مقام خوشنودیت برسانی زیرا که من قادر بر دفع چیزی از خود نیستم و
أَمْلِكُ لَهَا نَفْعاً، إلهي أَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الْمَذْنِبُ وَمَمْلُوكُكَ، الْمُتَنِيبُ،
مالك سودي هم براييش نيستم خدايا من بنده ناتوان گنهكار تو و مملوك زاري و توبه كننده به درگاهت هستم
فَلَا تَجْعَلْنِي مِمَّنْ صَرَفَتْ عَنْهُ وَجْهَكَ، وَحَبَبَهُ سَهْوُهُ عَنْ عَفْوِكَ،
پس مرا در زمره کسانی که روی از آنها گرداندي و غفلتشان مانع از گذشت تو گشته قرارم مده
إلهي هَبْ لِي كَمَالَ الْإِثْقَاعِ إِلَيْكَ، وَأَنْرْ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا بِضِيَاءِ نَظَرِهَا
خدايا بریدن كاملي از خلق بسوي خود به من عنایت كن و دیده‌هاي دلمان را به نور توجهشان
إِلَيْكَ، حَتَّى تَحْرِقَ أَبْصَارَ الْقُلُوبِ حُجُبَ الثُّورِ، فَتَصِلَ إِلَى مَعْدِنِ
به سوي خود روشن گردان تا دیده‌هاي دل پرده‌هاي نور را پاره كند و به مخزن اصلي
الْعُظْمَى، وَتَصِيرَ أَرْوَاحُنَا مُعَلَّقَةً بِعِزِّ قُدْسِكَ، إلهي وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ
بزرگي و عظمت برسد و ارواح ما آویخته به عزت مقدست گردد خدايا قرارم ده از کسانی که او را خواندي
نَادِيَّتُهُ فَأَجَابَكَ، وَلَا حَظَّنُهُ فَصَعِقَ لِجَلَالِكَ، فَنَاجَيْتُهُ سِرّاً وَعَمِلَ لَكَ
و پاسخ داد و در معرض توجه قرارش دادي و او در برابر جلال تو مدهوش گشت و از این رو در پنهانی با او به راز
گویی پرداختی ولی
جَهْرًا، إلهي لَمْ أُسَلِّطْ عَلَيَّ حُسْنَ ظَنِّي فُتُوطَ الْأَيَّاسِ، وَلَا انْقَطَعَ
او آشکارا برایت کار کرد خدايا به خوش بینی من ناامیدی را مسلط مکن و امیدم را که به
رَجَائِي مِنْ جَمِيلِ كَرَمِكَ، إلهي إِنْ كَانَتْ الْخَطَايَا قَدْ اسْفَطَتْني
کرم نیکویت دارم قطع مکن خدايا اگر خطاهایم مرا از نظرت انداخته
لَدَيْكَ، فَاصْفَحْ عَنِّي بِحُسْنِ تَوَكُّلي عَلَيْكَ، إلهي إِنْ حَطَّئِي الذُّنُوبُ
پس بدان اعتماد خوبی که به تو دارم از من درگذر خدايا اگر گناهانم
مِنْ مَكَارِمِ لُطْفِكَ، فَقَدْ بَنَيْتَنِي الْيَقِينَ إِلَى كَرَمِ عَطْفِكَ، إلهي إِنْ أَنَا مَتْنِي
بواسطه بزرگواریهای لطفت مرا بی‌مقدار ساخته ولی در عوض یقین به بزرگ تو مرا هشیار کرده خدايا اگر
الْعُقْلَةُ عَنِ الْإِسْتِعْدَادِ لِلِقَائِكَ، فَقَدْ بَنَيْتَنِي الْمَعْرِفَةَ بِكَرَمِ آلَانِكَ،
بی‌خبری از آماده شدن برای دیدارت مرا به خواب فرو برده ولی در عوض معرفت به بزرگ نعمت‌هایت مرا بیدار کرده

إِلَهِي إِنْ دَعَانِي إِلَيَّ النَّارِ عَظِيمٌ عِقَابِكَ، فَقَدْ دَعَانِي إِلَيَّ الْجَنَّةِ
 خدایا اگر بزرگ کفرت مرا به دوزخ می خواند ولی در مقابل پاداش فراوانت مرا به بهشت
 جَزِيلٌ ثَوَابِكَ، إِلَهِي فَلَكَ أَسْأَلُ وَإِلَيْكَ أَبْتَهِلُ وَأَرْغَبُ، وَأَسْأَلُكَ أَنْ
 دعوت می کند خدایا پس از تو خواهم و بسوی تو زاری کنم و بگرایم و از تو خواهم که
 تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ يُدِيمُ ذِكْرَكَ وَلَا
 درود فرستی بر محمد و آل محمد و مرا از کسانی قرارم دهی که پیوسته به یاد تواند و
 وَيَنْقُضُ عَهْدَكَ، وَلَا يَفْعَلُ عَنْ شُكْرِكَ، وَلَا يَسْتَخِفُّ بِأَمْرِكَ، إِلَهِي
 پیمانانت را نمی شکنند و از شکر تو غافل نشوند و دستور تو را سبک نشمارند خدایا
 وَالْحَقُّنِي بِنُورِ عِزِّكَ الْأَبْهَجِ فَأَكُونَ لَكَ عَارِفًا، وَعَنْ سِوَاكَ مُنْحَرِفًا،
 برسان مرا به نور درخشان عزتت تا عارف به ذاتت باشم و از غیر تو روگردان باشم
 وَمِنْكَ خَائِفًا مُرَاقِبًا، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ
 و از تو ترسان و نگران باشم ای صاحب جلال و بزرگواری و درود خدا بر محمد
 رَسُوْلِهِ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ، وَسَلَّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا، وَابْنِ مِنْ مَنَاجَاتِهَايَ جَلِيلِ الْقَدْرِ
 پیامبرش و بر آل پاکش باد و سلام بسیار بر ایشان باد * * * * *

آئمه علیهم السلام است و بر مضامین عالیّه مشتمل است و در هر وقت که حضور قلبی باشد خواندن آن مناسب است .

وَأَمَّا أَعْمَالُ مُخْتَصَّةِ شَعْبَانَ

شب اوّل نمازهای بسیار در اقبال ذکر شده از جمله دوازده رکعت به حمد و یازده مرتبه توحید روز اوّل روزه اش
 فضیلت بسیار دارد و از حضرت صادق علیه السلام روایت است که هر که روزه بگیرد روز اوّل شعبان را واجب شود
 برای او بهشت البته و سید بن طاوس ثواب بسیاری نقل کرده از حضرت رسول صلی الله علیه وآله برای کسی که سه روز
 اوّل این ماه را روزه دارد و در شبهای آنها دو رکعت نماز کند در هر رکعت حمد یک مرتبه و توحید یازده مرتبه و بدانکه
 در تفسیر امام علیه السلام خبری در فضیلت شعبان و روز اوّل آن ذکر شده که فوائد بسیار در آن مندرجست و شیخ ما
 ثقة الاسلام نوری نور الله مرقدّه آن خبر را ترجمه نموده و در آخر کتاب کلمه طیبّه ذکر فرموده و چون آن خبر
 طولانیست و مقام را گنجایش تمام آن نیست ما مختصر آن را در اینجا ذکر می کنیم حاصل آن خبر آن است که حضرت

امیرالمؤمنین علیه السلام در روز اوّل شعبانی گذشت به جماعتی که در مسجدی نشسته بودند و در امر قَدَر و امثال آن گفتگو می کردند و بلند شده بود صداهای ایشان و سخت شده بود لجاجت و جدال ایشان پس حضرت ایستاد و بر ایشان سلام کرد آنها جواب سلام دادند و برای آن جناب برخاستند و خواهش کردند که نزد ایشان بنشیند آن حضرت به ایشان اعتنائی نکرد و فرمود ای گروهی که سخن می گوئید در چیزی که نفع نمی رساند آیا ندانستید که خدای تعالی را بندگان نیست که ساکت کرده ایشان را خوف بدون آنکه عاجز باشند از گفتن یا لال باشند بلکه ایشان هرگاه به خاطر آرند عظمت خداوند را شکسته می شود زبانهایشان و کنده می شود دلهایشان و می رود عقلهایشان و مبهوت می شوند به جهت اعزاز و اجلال و اعظام خداوند پس هرگاه به خود آمدند از این حالت رو می آورند بسوی خدا به کردارهای پاکیزه می شمرند نفسهای خود را با ستمکاران و خطاکاران و حال آنکه ایشان منزّهند از تقصیر و تفریط مگر آنکه ایشان راضی نمی شوند برای خدا به کردار اندک و بسیار نمی شمرند برای او عمل زیاد را و پیوسته مشغولند به اعمال پس ایشان چنانند که هر وقت نظر کنی به ایشان ایستادگانشان به عبادت ترسان و هراسان در بیم و اضطرابند پس کجائید شما از ایشان ای گروه تازه کارها آیا ندانستید که داناترین مردم به قَدَر ساکت ترین ایشانند از آن و اینکه جاهلترین مردم به قَدَر سخنگوترین ایشانند در او، ای گروه تازه کارها امروز غُرّه شعبان کریم است نامیده است او را پروردگار ما شعبان به جهت پراکنده شدن خیرات به تحقیق که باز کرده پروردگار شما در او درهای حسنات خود را و جلوه داده به شما قصرها و خیرات او را به قیمت ارزانی و کارهای آسانی پس بخريد آن را و جلوه داده برای شما ابلیس لعین شُعبهای شرور و بلاهای خود را و شما پیوسته می کوشید در گمراهی و طغیان و مَتَمَسِّک می شوید به شعبهای ابلیس و رُو می گردانید از شعبهای خیرات که باز شده برای شما درهای او و این غُرّه ماه شعبان است و شعبهای خیرات او نماز است و روزه و زکات و امر به معروف و نهی از منکر و برّ والدین و خویشان و همسایگان و اصلاح ذات البین و صدقه بر فقراء و مساکین بر خود کلفت می دهید چیزی را که برداشته شده از شما یعنی امر قضا و قدر و چیزی که نهی کرده شده اید از فرو رفتن در آن از کشف سرّهای خدا که هر که تفتیش کند از آنها از تباه شدگانست آگاه باشید به درستی که اگر شما واقف شوید بر آنچه مهیا فرموده، پروردگار عزّوجلّ برای مطیعین از بندگان در امروز هر آینه بازخواهید داشت خود را از آنچه در او هستید و شروع خواهید کرد در آنچه امر کردند شما را به آن گفتند یا امیرالمؤمنین علیه السلام و چیست آنکه آن را خداوند مهیا فرموده در این روز برای مطیعین خود پس حضرت نقل فرمود قصه آن لشکری را که رسول خدا صلی الله علیه وآله به جهاد کفار فرستاده بود و دشمنان شب بر ایشان شبیخون زدند و آن شبی تاریک و سخت ظلمانی بود و مسلمانان در خواب بودند کسی از ایشان بیدار نبود جز زید بن حارثه و عبدالله بن رواحه و قتاده بن نعمان و قیس بن عاصم منقری که هر کدام در يك جانب ایشان بیدار و مشغول نماز و قرآن خواندن

بودند دشمنان مسلمانان را تیرباران کردند و به واسطه تاریکی و ندیدن مسلمانان دشمنان را تا از آنها احتراز کنند نزدیک بود که هلاک شوند که ناگاه از دهان این چند نفر نورهایی ساطع شد که لشکرگاه مسلمانان را روشن کرد و سبب قوت و دلیری ایشان شده پس شمشیر کشیده و دشمنان را کشته و زخم‌دار و اسیر نمودند و چون مراجعت نمودند و برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل کردند فرمود این نورها به جهت اعمال این برادران شما است در غره ماه شعبان پس يك آن اعمال را حضرت نقل کردند تا آنکه فرمودند چون روز اول شعبان می‌شود پراکنده می‌کند ابلیس لشکر خود را در اطراف زمین و آفاق آن و می‌گوید به ایشان که سعی کنید در کشیدن بعضی از بندگان خدا را به سوی خود در این روز و بدرستی که خدای عزوجل پراکنده می‌کند ملائکه را در اطراف زمین و آفاق او و به ایشان می‌فرماید برآستی نگاه دارید بندگان مرا و ارشاد کنید ایشان را پس همه ایشان نیکبخت می‌شوند به شما مگر آنکه امتناع و سرکشی کند پس بدرستی که او از حد گذشته می‌گردد در حزب ابلیس و جنود او بدرستی که خداوند عزوجل چون روز اول ماه شعبان می‌شود امر می‌کند به درهای بهشت پس باز می‌شود و امر می‌کند درخت طوبی را پس نزدیک می‌کند شاخهای خود را بر این دنیا آنگاه ندا می‌کند منادی پروردگار عزوجل ای بندگان خدا این شاخهای درخت طوبی است پس درآویزید به او که بلند کند شما را بسوی بهشت و این شاخهای درخت زقوم است پس بترسید از او که نبرد شما را بسوی دوزخ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود قسم به آنکه مرا برآستی به رسالت مبعوث نموده که هر که فراگیرد دری از خیر و نیکی را در این روز پس به تحقیق که درآویخته به شاخه‌ای از شاخهای درخت طوبی پس او کشانده است او را بسوی بهشت و هر که فراگیرد دری از شر را در امروز پس به تحقیق که درآویخته به شاخه‌ای از شاخهای درخت زقوم پس آن کشانده است او را بسوی آتش آنگاه فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله پس هر کس که نماز مستحبی کند امروز برای خدا پس درآویخته به شاخه‌ای از آن و هر که روزه گیرد در این روز پس به تحقیق که درآویخته به شاخه‌ای از آن و هر که صلح دهد میان زن و شوهرش یا پدر و فرزندش یا خویشاوندانش یا مرد و زن همسایه‌اش یا مرد و زن بیگانه پس به تحقیق که درآویخته از آن به شاخه‌ای و کسی که تخفیف دهد پریشانی را از طلبی که از او دارد یا کم کند از آن پس به تحقیق که درآویخته از آن به شاخه‌ای و کسی که نظر کند در حساب خود پس ببیند قرض کهنه را که صاحبش از آن مأیوس شده پس ادا کند آن را پس به تحقیق که درآویخته به شاخه‌ای از آن و کسی که کفالت کند یتیمی را پس به تحقیق که درآویخته از آن به شاخه‌ای و کسی که باز دارد سفیهی را از عرض مؤمنی پس به تحقیق که درآویخته از آن به شاخه‌ای و کسی که بخواند قرآن یا چیزی از آن را پس به تحقیق که درآویخته از آن به شاخه‌ای و کسی که یاد آرد خدای را و بشمرد نعمتهای او را و شکر کند پس به تحقیق که درآویخته از آن به شاخه‌ای و کسی که عیادت کند مریضی را پس به تحقیق که درآویخته از آن به شاخه‌ای و کسی که نیکی کند پدر و مادر خود یا یکی از آنها را پس به تحقیق که

درآویخته از آن به شاخه‌ای و کسی که پیش از این روز به غضب آورده بود ایشان را پس خوشنودشان کرد در این روز پس به تحقیق که درآویخته از آن به شاخه‌ای و هر که تشییع کند جنازه را پس به تحقیق که درآویخته از آن به شاخه‌ای و کسی که تسلیت دهد در آن مصیبت زده را پس به تحقیق که درآویخته از آن به شاخه‌ای و همچنین هر کسی که بجا آورد چیزی را از ابواب خیر در این روز پس به تحقیق درآویخته از آن به شاخه‌ای آنگاه فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله قسم به آنکه مرا براستی به پیغمبری مبعوث فرموده که هر کس که فراگیرد دري از شرّ و گناه را در این روز پس به تحقیق که درآویخته به شاخه‌ای از شاخه‌ای درخت زقوم پس آن کشاننده است او را به سوي آتش آنگاه فرمود قسم به آنکه مرا براستی به پیغمبری فرستاده که هر کس تقصیر کند در این روز نماز واجبی خود را و ضایع کند آن را پس به تحقیق که درآویخته از آن درخت به شاخه‌ای و هر کس که بیاید در نزد او فقیری ضعیف که می‌داند بدی حال او را و او قادر است بر تغییر حالش بدون آنکه ضرری به او برسد و کسی هم نیست از او نیابت کند و بنشیند به جای او پس واگذارد او را که ضایع شود و هلاک گردد و دست او را نگیرد پس به تحقیق که درآویخته به شاخه‌ای از آن و کسی که عذرخواهی کند از او بدکاری پس نپذیرد عذر او را آنگاه عقوبت نکند او را به قدر بدی او بلکه بیفزاید بر آن پس به تحقیق که درآویخته به شاخه‌ای از آن و کسی که جدایی اندازد میان شوهری با زنش یا پدر با فرزندش یا برادر با برادرش یا خویشی با خویشش یا میان دو همسایه یا میان دو رفیق یا دو خواهر پس به تحقیق که درآویخته از آن به شاخه‌ای و کسی که سخت بگیرد بر تنگدستی و حال آنکه می‌داند تنگدستی او را پس بیفزاید بر غیظ او بلای او پس به تحقیق که درآویخته از آن به شاخه‌ای و کسی که بر او دینی باشد پس منکر شود آن را بر صاحبش و تعدی کند بر او تا آنکه باطل کند دین او را پس به تحقیق که درآویخته از آن به شاخه‌ای و کسی که جفا کند یتیمی را و آزار رساند او را و مال او را تباه کند پس به تحقیق که درآویخته به شاخه‌ای از آن و کسی که داخل شود در عرض برادر مؤمن خود و وادارد مردم را بر آن پس به تحقیق که درآویخته به شاخه‌ای از او و کسی که آوازه خوانی کند به قسمی از خوانندگی که برانگیزاند در آن خواندن بر معاصی پس به تحقیق که درآویخته به شاخه‌ای از او و کسی که بنشیند بشمارد کارهای قبیح خود را در جنگها و انواع ستم خود را بر بندگان خدا و افتخار کند بر آن پس به تحقیق که درآویخته به شاخه‌ای از آن و کسی که همسایه‌اش مریض شده پس او را عیادت نکرد محض استخفاف به شأن او پس به تحقیق که درآویخته به شاخه‌ای از آن و کسی که همسایه‌اش مُرد پس مشایعت نکرد جنازه او را به جهت خوار بودن او در نظرش پس به تحقیق که درآویخته از آن به شاخه‌ای و کسی که اعراض کند از مصیبت زده و جفا کند او را محض حقارت و کوچکی او در نزدش پس به تحقیق که درآویخته از آن به شاخه‌ای و کسی که عاقی کند پدر و مادر خود یا یکی از آن دو را پس به تحقیق که درآویخته به شاخه‌ای از آن و کسی که پیش، ایشان را عاق کرده بود و خوشنود نکرد ایشان را امروز و حال

آنکه قدرت دارد بر آن پس به تحقیق که درآویخته به شاخه‌ای از آن و همچنین هرکس بکند کاری از سایر اقسام شر را پس به تحقیق که درآویخته به شاخه‌ای از آن و قسم به آنکه مرا برستی به پیغمبری فرستاده که درآویختگان به شاخه‌ای درخت طوبی بلند می‌کند ایشان را آن شاخها بسوی بهشت آنگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله نظر خود را به جانب آسمان انداخت اندکی و می‌خندید و مسرور بود آنگاه نظر مبارک را بزییر انداخت بسوی زمین پس پیشانی مبارک را درهم کشید و روی مبارکش تُرش شد آنگاه رو کرد به اصحاب خود و فرمود قَسَمَ به آنکه فرستاده محمد را برستی به پیغمبری که دیدم به تحقیق درخت طوبی را که بلند می‌شد و بلند می‌کرد آنان که به او درآویخته بودند به سوی بهشت و دیدم بعضی از ایشان که درآویخته بودند به یک شاخه از آن و بعضی درآویخته بودند به دو شاخه از آن یا به چند شاخه برحسب فراگرفتن ایشان مر طاعت را و بدرستی که هر آینه می‌بینم زید بن حارثه را که درآویخته به بیشتر شاخه‌ای از آن پس آن شاخها بلند می‌کند او را به اعلیٰ علیین بهشت پس از این جهت خندیدم و خوشحال شدم پس نگاه کردم بسوی زمین پس قسم به آنکه مرا برستی به پیغمبری فرستاده که دیدم درخت زَقُّوم را که پایین می‌رفت شاخه‌ای او و پایین می‌برد درآویختگان به او را بسوی دوزخ و دیدم پاره‌ای از ایشان را درآویخته به شاخه‌ای و دیدم پاره‌ای از ایشان که درآویخته به دو شاخه یا به چند شاخه برحسب فراگرفتن او مَرَقَبَایح را و بدرستی که هر آینه می‌بینم بعضی از منافقین را که درآویخته به بیشتر شاخه‌ای او و آنها فرو می‌برند او را به اَسْفَلِ دَرَکات او پس از این جهت روی خود را تُرش کردم و پیشانی را درهم کشیدم روز سیم روز مبارکیست که شیخ در مصباح فرموده در این روز متولد شد جناب حسین بن علی علیه السلام و بیرون آمد توقیع شریف به سوی قاسم بن علاء همدانی وکیل حضرت امام حسن عسکری علیه السلام که مولای ما حسین علیه السلام متولد شد روز پنجشنبه سیم شعبان پس روزه بگیر آن روز را و این دعا را در آن روز بخوان :

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ الْمَوْلُوْدِ فِیْ هَذَا الْیَوْمِ، الْمَوْعُوْدِ بِشَهِادَتِهِ

خدایا از تو خواهم به حق مولود در این روز آن مولودی که به او وعده شهادت داده شده بود

قَبْلَ اَسْتِهْلَالِهِ وَوِلَادَتِهِ، بَكْتُهُ السَّمَاءُ وَمَنْ فِيْهَا، وَالْاَرْضُ وَمَنْ

پیش از اینکه بانگش در این دنیا بلند شود و به دنیا آید آسمانها و هر که در آنها است و زمین و هر که

عَلَيْهَا، وَلَمَّا يَطْأُ لَابَتِيْهَا قَتِيْلُ الْعُبْرَةِ، وَسَيِّدُ الْاُسْرَةِ الْمَمْدُوْدِ بِالنُّصْرَةِ

بر آن است برایش گریستند پیش از آنکه قدم در این جهان گذارد کشته اشک و آه و آقایی طائفه بشر آنکس که در

یَوْمَ الْكُرَّةِ الْمُعْوَضِ مِنْ قَتْلِهِ اَنَّ الْاِئِمَّةَ مِنْ نُسْلِهِ، وَالشِّفَاءَ فِی

روز رجعت به یاری مدد شده و آنکه پاداش کشته شدنش این بود که امامان از نسل اویند و درمان در

تُرْبَتِهِ، وَالْفَوْزَ مَعَهُ فِي أَوْبَتِهِ، وَالْأَوْصِيَاءَ مِنْ عِثْرَتِهِ بَعْدَ قَائِمِهِمْ

تربت او است و پیروزی در زمان رجعت با او و اوصیاء از عترت او است پس از حضرت قائم

وَعَبِيدِهِ، حَتَّى يُدْرِكُوا الْأَوْتَارَ، وَيَثَارُوا النَّارَ، وَيَرْضُوا الْجَبَّارَ،

و پس از دوران غیبتش تا اینکه انتقام گیرند و خونها را باز گیرند و خدای جبار را خوشنود سازند

وَيَكُونُوا خَيْرَ أَنْصَارٍ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَعَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ،

و بهترین یاران دین خدا باشند درود خدا بر ایشان در هر زمان که رفت و آمد دارد شب و روز

اللَّهُمَّ فَبِحَقِّهِمْ إِلَيْكَ أَتَوَسَّلُ، وَأَسْأَلُ سُؤَالَ مُقْتَرِفٍ مُعْتَرِفٍ مُسِيئٍ

خدایا پس به حق ایشان به سویی تو دست نیاز دراز کنم و از تو خواهم خواستن شخص گناهکار اعتراف کننده بدکردار

إِلَى نَفْسِهِ، مِمَّا فَرَطَ فِي يَوْمِهِ وَأَمْسِهِ، يَسْأَلُكَ الْعِصْمَةَ إِلَى مَحَلِّ

به نفس خویش از کوتاهیهای که در امروز و دیروزش کرده و اکنون از تو پناه خواهد تا هنگام رفتن در

رَمْسِهِ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَعِثْرَتِهِ، وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ،

گور خدایا پس درود فرست بر محمد و عترتش و ما را در زمره او محشور گردان

وَبَوِّئْنَا مَعَهُ دَارَ الْكَرَامَةِ وَمَحَلَّ الْإِقَامَةِ، اللَّهُمَّ وَكَمَا أَكْرَمْتَنَا

و جای ده ما را با او در خانه کرامت (بهشت) و جایگاه ماندن همیشگی خدایا چنانچه ما را به شناختنش

بِمَعْرِفَتِهِ فَأَكْرَمْنَا بِزُلْفَتِهِ، وَارْزُقْنَا مُرَافَقَتَهُ وَسَابِقَتَهُ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ

گرامی داشتی هم چنان ما را به نزدیک شدن با او گرامی دار و رفاقت و سابقه داشتن با او را روزی ما گردان و بگردان

ما

يُسَلِّمُ لَأَمْرِهِ، وَيُكثِرُ الصَّلَاةَ عَلَيْهِ عِنْدَ ذِكْرِهِ، وَعَلَيَّ جَمِيعِ أَوْصِيَائِهِ

را از کسانی که تسلیم دستور اویند و هنگام بردن نامش بسیار بر او درود فرستند و بر همه اوصیاء

وَأَهْلِ أَصْفِيَاءِهِ الْمَمْدُودِينَ مِنْكَ بِالْعَدَدِ الْإِثْنِي عَشَرَ الْجُودِ الزُّهْرِ،

و خاندان برگزیده‌اش که یاری شده‌اند از جانب تو به عدد دوازده، آن ستارگان درخشان

وَالْحُجَجَ عَلَيَّ جَمِيعِ الْبَشَرِ، اللَّهُمَّ وَهَبْ لَنَا فِي هَذَا الْيَوْمِ خَيْرَ

و حجت‌های تو بر تمامی افراد بشر خدایا و ببخش به ما در این روز بهترین

مَوْهَبَةٍ وَأَجِبْ لَنَا فِيهِ كُلَّ طَلِبَةٍ، كَمَا وَهَبْتَ الْحُسَيْنَ لِمُحَمَّدٍ جَدِّهِ،

بخششها را و برآور برای ما در این روز هر خواهشی را چنانچه حسین را به محمد جدش بخشیدی

وَعَاذَ فُطْرُسُ بِمَهْدِهِ، فَتَحْنُ عَائِدُونَ بِقَبْرِهِ مِنْ بَعْدِهِ، نَشْهَدُ تُرْبَتَهُ

و فطرس به گهواره حسین علیه السلام پناه برد و ما پناهنده به قبر او هستیم پس از شهادت او بالای تربتش

وَنَنْتَظِرُ أَوْبَتَهُ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ. پس می خوانی بعد از این به دعای حسین علیه السلام و

آمده و چشم به راه رجعت او هستیم اجابت کن ای پروردگار جهانیان * * * * *

این آخر دعای آنحضرت است در روزی که بسیار شده بود دشمنان او یعنی روز عاشورا اَللّهُمَّ

* * * * *

* * * * * خدا یا

أَنْتَ مُتَعَالِي الْمَكَانِ، عَظِيمُ الْجَبْرُوتِ، شَدِيدُ الْمَحَالِ، غَنِيٌّ عَنِ

تویی و الامکان و بزرگ جبروت و سخت نیرو و بی نیاز از

الْخَلَائِقِ عَرِيضُ الْكِبَرِيَاءِ، قَادِرٌ عَلَي مَا تَشَاءُ قَرِيبُ الرَّحْمَةِ،

خلاق و دارای بزرگی پهناور و توانای بر هر چه خواهی نزدیک مهر

صَادِقُ الْوَعْدِ، سَابِغُ النُّعْمَةِ، حَسَنُ الْبَلَاءِ، قَرِيبٌ إِذَا دُعِيَ، مُحِيطٌ بِمَا

راست وعده فراوان نعمت نیکو آزمایش نزدیک هرگاه خوانده شوی محیط به هر چه

خَلَقْتَ، قَابِلُ التَّوْبَةِ لِمَنْ تَابَ إِلَيْكَ، قَادِرٌ عَلَي مَا أَرَدْتَ، وَمُدْرِكٌ مَا

آفریده ای توبه پذیر برای آن کس که به سویت توبه کند توانا بر هر چه اراده کنی و بدست آورنده آنچه

طَلَبْتَ وَشَكُورٌ إِذَا شُكِرْتَ، وَذَكُورٌ إِذَا ذُكِرْتَ، أَدْعُوكَ مُحْتَاجاً

بجوی و سپاس پذیر هرگاه سپاس شوی و یاد کنی هنگامی که یادت کنند می خوانمت نیازمندانه

وَأَرْغَبُ إِلَيْكَ فَقِيراً، وَأَفْرَعُ إِلَيْكَ خَائِفاً، وَأَبْكَى إِلَيْكَ مَكْرُوباً،

و توجه کنم بسویت فقیرانه و پناه آرم بسویت خائفانه و گریه کنم به درگاهت از روی غمزدگی و ملولانه

وَأَسْتَعِينُ بِكَ ضَعِيفاً، وَأَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ كَافِياً، أَحْكُمْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا [بِالْحَقِّ]،

کمک جویم بوسیله تو ناتوانانه و توکل کنم بر تو کفایت خواهانه خدایا حکم کن میان ما و میان قوم ما به حق

فَانْهَمُ غَرُونَا وَخَدَعُونَا وَخَذَلُونَا، وَغَدَرُوا بِنَا وَفَتَلُونَا وَنَحْنُ عُتْرَةُ نَبِيِّكَ

زیرا که ایشان ما را فریفتند و با ما نیرنگ زدند و دست از یاری ما کشیدند و با ما بی وفایی کرده ما راکشتند با اینکه ما

عترت پیمبر تو

وَوَلَدُ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٌ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الَّذِي اصْطَفَيْتَهُ بِالرَّسَالَةِ، وَاتَّمَمْتَهُ عَلَي

و فرزند حبیب تو محمد بن عبدالله هستیم آن (بزرگواری) که او را به رسالت برگزیدی و بر
وَحِيكَ، فَاجْعَلْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا فَرْجاً وَمَخْرَجاً، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ،

وحي خویش امینش ساختی پس در کار ما گشایش و فرجی عطا فرما به رحمت ای مهربانترین مهربانان
ابن عبّاش گفت شنیدم از حسین بن علی بن سفیان بزوفری که می گفت حضرت صادق علیه السلام می خواند این دعا را
در این روز و فرموده که این دعا از دعاهاي روز سیم شعبان است و آن روز ولادت حسین علیه السلام است شب
سیزدهم اوّل لیالی بیض است و کیفیت نماز امشب و دو شب بعد در ماه رجب گذشت شب نیمه شعبان شب بسیار
مبارکست از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایتست که از حضرت امام محمد باقر علیه السلام سؤال شد از فضل
شب نیمه شعبان فرمود آن شب افضل شبها است بعد از لیلة القدر در آن شب عطا می فرماید خداوند به بندگان فضل
خود را و می آمزد ایشان را به مَنْ و کَرَم خویش پس سعی و کوشش کنید در تقرب جستن به سوي خدای تعالی در
آن شب پس بدرستی که آن شبی است که خدا قسم یاد فرموده به ذات مقدّس خود که دست خالی برنگرداند سائلي را از
درگاه خود مادامي که سؤال نکند معصیت را و آن شب آن شبی است که قرار داده حقّ تعالی آن را از برای ما به مقابل
آنکه قرار داده شب قدر را برای پیغمبر ماصلي الله علیه وآله پس کوشش کنید در دُعا و ثنا بر خدای تعالی «الخبر» و
از جمله برکات این شب مبارك آنست که ولادت با سعادت حضرت سلطان عصر امام زمان ارواحنا له الفداء در سحر
این شب سنه دویست و پنجاه و پنج در سُرّ مَنْ رَای واقع شده و باعث مزید شرافت این لیله مبارکه شده و از برای این
شب چند عملست اوّل غسل است که باعث تخفیف گناهان می شود دویم احیاء این شب است به نماز و دعاء و استغفار
چنانچه امام زین العابدین علیه السلام می کردند و در روایتست که هر که احیا دارد این شب را نمیرد دل او در روزی که
دلها بمیرند سیم زیارت حضرت امام حسین علیه السلام است که افضل اعمال این شب و باعث آمرزش گناهانست و هر
که خواهد با او مصافحه کند روح صد و بیست و چهار هزار پیغمبر زیارت کند آن جناب را در این شب و اقل زیارت
آن حضرت آن است که به بامی برآید و به جانب راست و چپ نظر کند پس سر به جانب آسمان کند پس زیارت کند
آن حضرت را به این کلمات «الْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ» و هرکس در هر کجا باشد
در هر وقت که آن حضرت را به این کیفیت زیارت کند امید است که ثواب حجّ و عمره برای او نوشته شود و زیارت مخصوصه
این شب را در باب زیارات ذکر خواهیم نمود انشاء الله تعالی چهارم خواندن این دعا که شیخ و سیّد نقل کرده اند و به منزله
زیارت امام زمان صلوات الله و سلامه علیه است

اَللّهُمَّ بِحَقِّ لَيْلَتِنَا [هذه] وَمَوْلُودِهَا، وَحُجَّتِكَ وَمَوْعُودِهَا الَّتِي قَرَأْتَ اِلَى

خدایا به حق این شبی که ما در آنیم و به حق آنکس که در آن به دنیا آمده و حجتت و موعود آن که همراه کردی به

فَضْلُهَا فَضْلًا، فَتَمَّتْ كَلِمَتُكَ صِدْقًا وَعَدْلًا، لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِكَ وَلَا مُعَقِّبَ

فضیلت این شب فضیلت دیگری و بدین سبب تمام شد کلمه تو براستی و عدالت تغییر دهنده‌ای برای کلمات تو نیست و
لِأَيَاتِكَ، تُورِكَ الْمُتَأَلِّقُ، وَضِيَاؤُكَ الْمُشْرِقُ، وَالْعَلَمُ الثُّورُ، فِي طَحْيَاءِ
پس زنده‌ای برای آیات تو نیست آن نور درخشان و آن روشنی فروزانت و آن نشانه نورانی در شب تاریک ظلمانی
آن

الدَّيْجُورِ، الْغَائِبُ الْمَسْتُورُ، جَلَّ مَوْلَدُهُ، وَكَرَّمَ مَحَبَّتُهُ، وَالْمَلَائِكَةُ شَهَدَةُ، وَاللَّهُ

پنهان غایب از انظار که ولادتش بزرگ و کریم الاصل بود و فرشتگان گواهان اویند و خدا
ناصره و مؤیده، إِذَا آن مِعَادُهُ، وَالْمَلَائِكَةُ أَمْدَادُهُ، سَيْفُ اللَّهِ الَّذِي لَا يَنْبُؤُ،
یاور و کمک‌کار او است در آن هنگام که وعده‌اش برسد و فرشتگان مددکارش باشند آن شمشیر برنده خدا که کُند نشود
و ثورُهُ الَّذِي لَا يَخْبُو، وَ ذُو الْحِلْمِ الَّذِي لَا يَصْبُؤُ، مَدَارُ الدَّهْرِ،

و نور او که خاموش نگردد و بردباری که کار بی‌رویه انجام ندهد چرخ روزگار بخاطر او گردش کند
و نَوَامِيسُ الْعَصْرِ، وَوَلَاةُ الْأَمْرِ، وَالْمُنْزَلُ عَلَيْهِمْ مَا يَنْتَزِلُ فِي لَيْلَةٍ
و او و پدران معصومش نوامیس هر عصر و والیان امر خدایند در شب قدر آنچه نازل شود بر ایشان نازل گردد
الْقَدَرِ، وَأَصْحَابُ الْحَشْرِ وَالنَّشْرِ، تَرَاجِمُهُ وَحْيُهُ، وَوَلَاةُ أَمْرِهِ وَنَهْيُهُ،

و آنهایند صاحبان حشر و نشر و مفسران وحی خدا و سرپرستان امر و نهی او
اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَي خَاتِمِهِمْ وَقَائِمِهِمُ الْمَسْتُورِ عَنْ عَوَالِمِهِمُ اللَّهُمَّ
خدایا پس درود فرست بر خاتم ایشان و قائمشان که در پس پرده است از عوالم آنها خدایا
وَأَذْرِكْ بِنَا أَيَّامَهُ، وَظُهُورَهُ وَقِيَامَهُ، وَاجْعَلْنَا مِنْ أَنْصَارِهِ، وَأَقْرَنَ ثَارَنَا

ما را به روزگار او و زمان ظهور و قیامش برسان و از جمله یارانش قرارمان ده و خونخواهی ما را
بِثَارِهِ، وَكُنْتُنَا فِي أَعْوَانِهِ وَخُلَصَائِهِ، وَأَحِينَا فِي دَوْلَتِهِ نَاعِمِينَ،
به خونخواهی او مقرون گردان و نام ما را در زمره یاران و مخصوصانش ثبت فرما و ما را در دولتش شادکام
وَبِصُحْبَتِهِ غَانِمِينَ، وَبِحَقِّهِ قَائِمِينَ، وَمِنْ السُّوءِ سَالِمِينَ يَا أَرْحَمَ

و متنع و به هم نشینیش بهره‌مند و به گرفتن حقش پا بر جا بدار و از بدیها بر کنارمان کن ای مهربانترین
الرَّاحِمِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّوْا تَعَالَى عَلَي سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ
مهربانان و ستایش خاص خدا پروردگار جهانیان است و درودهای او بر آقای ما محمد

خَائِمَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ، وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الصَّادِقِينَ وَعِترته

خاتم پیمبران و مرسلین و بر خاندان راستگو و عترت حقگویش باد

النَّاطِقِينَ، وَالْعَنُ جَمِيعَ الظَّالِمِينَ، وَاحْكُمُ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ .

و از رحمت خود دور ساز تمام ستمکاران را و میان ما و ایشان داوری کن ای محکمترین حکم کنندگان

* پنجم شیخ روایت کرده از اسماعیل بن فضل هاشمی که گفت تعلیم کرد مرا حضرت صادق علیه السلام این دعا را که بخوانم آنرا در شب نیمه شعبان :

اللَّهُمَّ أَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، الْخَالِقُ الرَّازِقُ، الْمُحْيِي الْمُمِيتُ،

خدایا تویی زنده پاینده والای بزرگ آفریننده و روزی دهنده زنده کننده و میراننده

الْبَدِيءُ الْبَدِيعُ، لَكَ الْجَلالُ وَلَكَ الْفَضْلُ، وَلَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الْمَنُّ وَلَكَ الْجُودُ،

آغاز کننده و پدید آورنده، برای تو است بزرگی و از آن تو است فضیلت و ستایش و از آن تو است نعمت و جود

وَلَكَ الْكَرَمُ وَلَكَ الْأَمْرُ، وَلَكَ الْمَجْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ، وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ

و خاص تو است بزرگواری و از تو است فرمان و شوکت و خاص تو است سپاسگزاری که یگانه‌ای و شریکی برایت

لَكَ يَا وَاحِدٌ يَا أَحَدٌ يَا صَمَدٌ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ

نیست ای یگانه ای یکتا ای بی نیاز ای که فرزندی ندارد و فرزند کسی نباشد و نیست برایش

كُفُوًا أَحَدٌ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَاكْفِنِي

همتایی هیچکس درود فرست بر محمد و آل محمد و ببامرز مرا و به من رحم کن و کفایت کن

مَا أَهَمَّنِي، وَأَقْضِ دِينِي، وَوَسِّعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِي، فَإِنَّكَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ

از من آنچه فکر مرا به خود مشغول کرده و قرضم را ادا کن و در روزیم گشایش ده زیرا که تو در این شب

كُلَّ أَمْرٍ حَكِيمٍ تَفْرُقُ، وَمَنْ تَشَاءُ مِنْ خَلْقِكَ تَرْزُقُ، فَارْزُقْنِي وَأَنْتَ

هر کار محکمی را از هم جدا کنی و هر یک از مخلوقات خود را بخوایی روزی دهی پس روزیم ده که تو

خَيْرُ الرَّازِقِينَ، فَإِنَّكَ قُلْتَ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَائِلِينَ النَّاطِقِينَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ

بهترین روزی دهندگانی زیرا تو خود گفتی و تو بهترین گویندگان و ناطقان هستی که فرمودی «از خدا بخواهید

مِنْ فَضْلِهِ، فَمِنْ فَضْلِكَ أَسْأَلُ، وَإِيَّاكَ قَصَدْتُ، وَأَبْنِ بَيْتِكَ اعْتَمَدْتُ، وَلَكَ

از فضل او» پس من از فضل تو می‌خواهم و تو را قصد کردم و به فرزند پیمبرت اعتماد کردم و از تو

رَجَوْتُ، فَارْحَمْنِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، × ششم بخواند این دعا را که حضرت رسول صلی الله علیه وآله

* * * * * امیدوارم پس به من رحمت کن ای مهربانترین مهربانان * * *

در این شب می خوانند: اللَّهُمَّ اقْسِمْ لَنَا مِنْ حَشِيَّتِكَ مَا يَحُولُ بَيْنَنَا وَبَيْنَ مَعْصِيَتِكَ،
* * * * * خدایا بهره ما کن از ترس خود بدان اندازه که حائل

شود میان ما و نافرمانیت و از

وَمِنْ طَاعَتِكَ مَا تُبَلِّغُنَا بِهِ رِضْوَانِكَ وَمِنْ الْيَقِينِ مَا يَهْوُنُ عَلَيْنَا بِهِ

اطاعت خویش بدان مقدار که ما را به خوشنودی و رضوان تو برساند و از یقین بدان حد که بوسیله آن

مُصِيبَاتُ الدُّنْيَا، اللَّهُمَّ امْتِنْعِنَا بِأَسْمَاعِنَا وَأَبْصَارِنَا وَقُوتِنَا مَا أَحْيَيْتَنَا،

ناگواریهایی دنیا بر ما آسان گردد خدایا ما را به گوشه‌ایمان و دیده‌هایمان و نیرویمان تا زنده‌ایم بهره‌مند

وَأَجْعَلْهُ الْوَارِثَ مِنَّا، وَاجْعَلْ ثَارَنَا عَلَيَّ مَنْ ظَلَمْنَا، وَائْصُرْنَا عَلَيَّ مَنْ عَادَانَا،

ساز و آن را وارث ما گردان و خون ما را به گردن کسی انداز که بر ما ستم کرده و یاری ده ما را بر کسی که با ما

دشمنی کند

وَلَا تَجْعَلْ مُصِيبَتَنَا فِي دِينِنَا وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّنَا، وَلَا مَبْلَغَ عِلْمِنَا،

و مصیبت ما را در دین‌مان قرار مده و دنیا را بزرگترین اندوه ما قرار مده و نیز آخرین حد دانش ما قرارش مده

وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا مَنْ لَا يَرْحَمُنَا، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ،

و مسلط مکن بر ما کسی را که بر ما رحم نکند به رحمت ای مهربانترین مهربانان

و این دعای جامع کاملی است و خواندن آن در اوقات دیگر نیز غنیمت است و از عوالی اللّٰه تعالی نقل شده که حضرت

رسول صلی الله علیه و آله همیشه این دعا را می خواندند هفتم بخواند صلوات هر روز را که در وقت زوال می خواند هشتم

بخواند دعای کمیل را که ورودش در این شبست و در باب اول گذشت نهم آنکه هر یک از سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَاللَّهُ

أَكْبَرُ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ را صد مرتبه بگوید تا خداوند تعالی گناهان گذشته او را ببامرزد و برآورد حاجتهای دنیا و آخرت او

را دهم شیخ در مصباح روایت کرده از ابویحیی در ضمن خبری در فضیلت شب نیمه شعبان که گفت گفتیم به مولای

خودم حضرت صادق علیه السلام که بهترین دعاها در این شب کدام است فرمود هر گاه به جا آوردی نماز عشا را پس

دو رکعت نمازگذار بخوان در رکعت اول حمد و سوره جحد که قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ باشد و بخوان در رکعت دویم حمد و

سوره توحید که قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ است پس چون سلام دادی بگو سُبْحَانَ اللَّهِ سی و سه مرتبه و الْحَمْدُ لِلَّهِ سی و سه مرتبه

و اللَّهُ أَكْبَرُ سی و چهار مرتبه پس بگو :

يَا مَنْ إِلَهِهِ مُلْجَأُ الْعِبَادِ فِي الْمُهَمَّاتِ، وَإِلَيْهِ يَفْزَعُ الْخَلْقُ فِي الْمُلَمَّاتِ،
اي که به سوي او است پناه بندگان در کارهاي اندوه خيز و به سوي او پناه برند خلایق در پيش آمدهاي ناگوار
يَا عَالِمَ الْجَهْرِ وَالْخَفِيَّاتِ، وَيَا مَنْ لَا تَخْفِي عَلَيْهِ خَوَاطِرُ الْأَوْهَامِ،
اي داناي آشکار و نهان و اي که بر او پنهان نماند اندیشه هاي که در دلها افتد
وَتَصَرَّفُ الْخَطَرَاتِ، يَا رَبَّ الْخَلَائِقِ وَالْبَرِيَّاتِ، يَا مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ
و تصرف کردن آن خطرات اي پروردگار خلایق و آفریدگان اي که ملکوت
الْأَرْضِينَ وَالسَّمَوَاتِ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَمْتُ إِلَيْكَ يَا إِلَهَ الْإِلَهِ
زمینها و آسمانها بدست او است تویی خدایي که معبودي جز تو نیست بسویت توسل جویم به کلمه «لا اله
أَنْتَ، فَيَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، اجْعَلْنِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ مِمَّنْ نَظَرْتَ إِلَيْهِ
الا انت» پس اي خدایي که معبودي جز تو نیست بگردان مرا در این شب از کسانی که بسویش نگرسته و مورد
فَرَحِمَتِهِ، وَسَمِعْتَ دُعَاءَهُ فَأَجَبْتَهُ، وَعَلِمْتَ اسْتِقَالَتَهُ فَأَقْلَلْتَهُ،
رحم خویش قرارش داده و دعایش شنیده و اجابت کرده و پشیمانیش را دانسته پس او را پذیرفته اي
وَتَجَاوَزْتَ عَنْ سَالِفِ خَطِيئَتِهِ وَعَظِيمِ جَرِيرَتِهِ فَقَدْ اسْتَجَرْتُ بِكَ
و از خطاهای گذشته اش و گناه بزرگش در گذشته اي پس من از گناهانم به تو پناهنده شده
مِنْ ذُنُوبِي، وَلَجَأْتُ إِلَيْكَ فِي سِتْرِ عِيُونِي، اَللَّهُمَّ فَجِدْ عَلَيَّ بِكَرَمِكَ
و به تو ملتجی گشته ام در اینکه عیوبم را بپوشانی خدایا پس جود کن بر من به کرم خود
وَفَضْلِكَ، وَأَخْطُطُ خَطَايَايَ بِحِلْمِكَ وَعَفْوِكَ، وَتَعَمَّدَنِي فِي هَذِهِ
و فضل و بریز خطاهای مرا به بردباري و گذشت خویش و فراگیر مرا در این
اللَّيْلَةِ بِسَابِغِ كَرَامَتِكَ، وَاجْعَلْنِي فِيهَا مِنْ أَوْلِيَائِكَ، الَّذِينَ اجْتَنَبْتَهُمْ
شب به فراوان کرم و بگردان مرا در این شب از آن دوستان که آنان را برای طاعت خویش برگزیده
لِطَاعَتِكَ، وَاخْتَرْتَهُمْ لِعِبَادَتِكَ، وَجَعَلْتَهُمْ خَالِصَتَكَ وَصِفْوَتَكَ، اَللَّهُمَّ
و برای پرستش انتخاب فرمودي و ایشان را جزء خاصان درگاه و برگزیدگان قرار دادي خدایا
اجْعَلْنِي مِمَّنْ سَعَدَ جَدُّهُ، وَتَوَفَّرَ مِنَ الْخَيْرَاتِ حَظُّهُ، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ
بدار مرا از آن کسانی که کوششش به جایی رسیده و از نیکیها بهره فراوان نصیبش گشته و به گردانم از
سَلَمٍ فَتَعَمَّ، وَفَازَ فَتَعَمَّ، وَكَفَنِي شَرًّا مَا أَسْلَفْتُ، وَأَعْصِمْنِي مِنَ الْإِزْدِيَادِ

آنانکه تندرست شده و متنعم و رستگار و بهره‌مند گشته و کفایت کن مرا از شر آنچه کرده‌ام و نگاهم‌دار از افزودن
فِي مَعْصِيَتِكَ، وَحَبِّبْ إِلَيَّ طَاعَتَكَ، وَمَا يُقَرِّبُنِي مِنْكَ، وَيُزِلُّفَنِي عِنْدَكَ،
در نافرمانیت و دوست‌گردان نزد من فرمانبرداریت را و آنچه مرا به تو نزدیک و مقرب درگاهت گرداند
سَيِّدِي إِلَيْكَ يَلْجَأُ الْهَارِبُ، وَمِنْكَ يَلْتَمِسُ الطَّالِبُ، وَعَلَيَّ كَرَمُكَ
آقاي من به سوي تو پناه آرد شخص گریز پاي و از تو عاجزانه طلب کند جوینده و بر کرم تو
يُعَوِّلُ الْمُسْتَغِيثُ النَّائِبُ أَدَبَتْ عِبَادَكَ بِالتَّكْرُمِ، وَأَنْتَ أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ،
تکیه کند شخص عذرخواه و توبه‌کننده ادب کردی بندگان را به کرم ورزی به آنها و تو کریم‌ترین کریمانی
وَأَمَرْتُ بِالْعَفْوِ عِبَادَكَ وَأَنْتَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ، اللَّهُمَّ فَلَا تَحْرِمْنِي مَا
و تو خود به بندگان دستور گذشت دادی و خود آمرزنده و مهربانی خدایا پس مرا از آنچه از
رَجَوْتُ مِنْ كَرَمِكَ، وَلَا تُؤَيِّسْنِي مِنْ سَابِغِ نِعَمِكَ، وَلَا تُخَيِّبْنِي مِنْ
کرم امید دارم محروم مکن و از نعمت‌های ریزانت مأیوسم مدار و از بهره‌های فراوانت که در
جَزِيلِ قِسْمِكَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ لِأَهْلِ طَاعَتِكَ، وَاجْعَلْنِي فِي جُثَّةٍ مِنْ
این شب برای فرمانبردارانت مقرر داشته‌ای بی‌بهره‌ام مساز و مرا در پناهگاه محکمی از آزار مخلوقات
شِرَارِ بَرِيَّتِكَ، رَبِّ إِنْ لَمْ أَكُنْ مِنْ أَهْلِ ذَلِكَ، فَأَنْتَ أَهْلُ الْكَرَمِ وَالْعَفْوِ
شوروت قرار ده پروردگارا اگر من چنین شایستگی ندارم ولی تو شایسته کرم و گذشت و
وَالْمَغْفِرَةِ، وَجُدْ عَلَيَّ بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ، لَا بِمَا اسْتَحَقَّهُ، فَقَدْ حَسُنَ ظَنِّي
آمرزشی و فرو ریز بر من بدانچه تو شایسته آنی نه بدانچه من سزاوار آنم زیرا براستی گمان من نیک است
بِكَ، وَتَحَقَّقْ رَجَائِي لَكَ، وَعَلِقَتْ نَفْسِي بِكَرَمِكَ، فَأَنْتَ أَرْحَمُ
و امیدم درباره تو محکم شده و جانم به سر رشته کرم تو آویخته است پس تویی مهربانترین
الرَّاحِمِينَ، وَأَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ، اللَّهُمَّ وَاخْصُصْنِي مِنْ كَرَمِكَ بِجَزِيلِ
مهربانان و کریم‌ترین کریمان خدایا مرا مخصوص بدار از کرم خویش به بهره‌های فراوان
قِسْمِكَ، وَأَعُوذُ بِعَفْوِكَ. مِنْ عُقُوبَتِكَ، وَاعْفِرْ لِي الذَّنْبَ الَّذِي يَحْبِسُ
و تقسیم‌های شایانت و از کفر تو به عفو پناه می‌برم و بیمارز برایم آن گناهی را که عادت بد (مانند دروغ) را بر من
حبس

عَلَيَّ الْخُلُقَ، وَيُضَيِّقُ عَلَيَّ الرِّزْقَ، حَتَّى أَقُومَ بِصَالِحِ رِضَاكَ، وَأَنْعَمَ

کند و روزی را بر من تنگ سازد تا من به خوشنودی شایسته تو اقدام کنم و به عطای فراوانت

بِجَزِيلِ عَطَايِكَ، وَأَسْعَدَ بِسَابِغِ نِعْمَاتِكَ، فَقَدْ لُذْتُ بِحَرَمِكَ

منتعم گردم و به نعمتهای بسیار خوشبخت شوم زیرا من به آستان تو پناه آوردم

وَعَرَّضْتُ لِكِرَمِكَ، وَاسْتَعِذْتُ بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ، وَبِحِلْمِكَ مِنْ

و به کرم تو آویختم و به گذشت تو پناه جستم از ترس کيفرت و به بردباریت پناه جستم از

غَضَبِكَ فَجِدُّ بِمَا سَأَلْتُكَ، وَأَنْلِ مَا أَلْتَمَسْتُ مِنْكَ، أَسْأَلُكَ بِكَ لَا بِشَيْءٍ

خشمت پس به من عطا کن آنچه را از تو خواستم و به من برسان آنچه را از تو خواهش کردم تو را به خودت سوگند

دهم چون چیزی

هُوَ أَعْظَمُ مِنْكَ پس به سجده می‌روی و می‌گویی یا رَبِّ بیست مرتبه یا اللَّهُ هفت

از تو بزرگتر نیست * * * * *

* * * * *

مرتبه لا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ هفت مرتبه ما شَاءَ اللَّهُ ده مرتبه لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ده مرتبه پس صلوات می‌فرستی بر

پیغمبر و آل او علیهم السلام و می‌خواهی از خدا حاجت خود را پس قسم به خدا که اگر حاجت بخوایی بسبب این

عمل به عدد قطرات باران هر آینه برساند به تو خداوند عَزَّوَجَلَّ آن حاجتها را بکرم عَمِيم و فَضْل جَسِيم خود یازدهم

شیخ طوسی و کفعمی فرموده‌اند که بخواند در این شب :

إِلَهِي تَعَرَّضَ لَكَ فِي هَذَا اللَّيْلِ الْمُتَعَرِّضُونَ، وَقَصَدَكَ الْقَاصِدُونَ،

* * * * * خدایا خواهندگان در این شب به درگاه تو آمدند و قاصدان تو را مقصد

وَأَمَّلَ فَضْلَكَ وَمَعْرُوفَكَ الطَّالِبُونَ، وَلَكَ فِي هَذَا اللَّيْلِ

خویش قرار دادند و خواهشمندان فضل و نیکی تو را آرزو کردند و تو در این شب

نَفَحَاتٍ وَجَوَائِزٍ وَعَطَايَا وَمَوَاهِبٍ، تَمُنُّ بِهَا عَلَيَّ مِنْ تَشَاءُ

بخششها و جوایز و عطاها و بهره‌هایی داری که به هر يك از بندگان بخوایی

مِنْ عِبَادِكَ، وَتَمَنُّعُهَا مَنْ لَمْ تَسْبِقْ لَهُ الْعِنَايَةَ مِنْكَ، وَهَا أَنَا ذَا عِبِيدِكَ

عطا خواهی کرد و از آن کس که عنایت تو نسبت به او سبقت نگرفته است آن را باز داری و من اینک آن بنده کوچک

الْفَقِيرُ إِلَيْكَ، الْمُؤَمِّلُ فَضْلَكَ وَمَعْرُوفَكَ، فَإِنْ كُنْتُ يَا مَوْلَايَ تَفَضَّلْتَ،

و نیازمند درگاه تو و آرزومند فضل و نیکی تو هستم پس ای مولای من اگر بنا داری

فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ عَلَيَّ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ، وَعُدْتَ عَلَيْهِ بِعَائِدَةٍ مِنْ عَطْفِكَ،

در این شب بر کسی از خلق خویش تفضلی فرمایی و جایزه‌ای از روی مهر و عطوفت به او بدهی پس درود

فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، الْخَيْرِينَ الْفَاضِلِينَ، وَجُدْ

فرست بر محمد و آل محمد آن پاکان پاکیزه برگزیده برتر و از نعمت و نیکی خویش

عَلَيَّ بِطَوْلِكَ وَمَعْرِفِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، وَصَلِّيَ اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ

بر من نیز لطف فرما ای پروردگار جهانیان و درود خدا بر محمد خاتم پیمبران

النَّبِيِّينَ وَالِهِ الطَّاهِرِينَ، وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا، إِنَّ اللَّهَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، اَللَّهُمَّ اِنِّي

و بر آل پاکش و تحت فراوان که همانا خداوند ستوده و بزرگوار است خدایا

اَدْعُوكَ كَمَا اَمَرْتُ فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَ، اِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ

من تو را می‌خوانم چنانچه دستور فرمودی پس دعایم را مستجاب کن چنانکه وعده فرمودی که براسستی تو خلف وعده

نمی‌کنی

و این دعائیست که در سحرها در عقب نماز شفع خوانده می‌شود دوازدهم بخواند بعد از هر دو رکعت از نماز شب و

شفع و بعد از دعاهاي وثر دعاهاي را که شیخ و سید نقل کرده‌اند سیزدهم بجا آورد سجده‌ها و دعاهاي را که از رسول

خداصلي الله عليه وآله روایت شده از جمله روایتی است که شیخ از حماد بن عیسی از ابان بن ثعلب روایت کرده که

گفت حضرت صادق علیه السلام فرمودند شب نیمه شعبانی داخل شد و بود رسول خداصلي الله عليه وآله در آن شب

نزد عایشه همین که نصف شب شد برخاست رسول خداصلي الله عليه وآله از رختخواب خود برای عبادت پس چون

بیدار شد عایشه یافت که پیغمبرصلي الله عليه وآله بیرون رفته از رختخواب او و داخل شد بر او آنچه که فرو گیرد

زنهار را یعنی غیرت و گمان کرد که آن حضرت رفته پیش بعض زنهای خود پس برخاست و پیچید بر خود شمله یعنی

چادر خود را و قسم به خدا که شمله او از ابریشم و کتان و پنبه نبود و لکن تار آن مو و پود آن از کرکهای شتر بود و

جستجو می‌کرد رسول خداصلي الله عليه وآله را در حجره‌های زنهای دیگرش حجره به حجره پس در این بین که در

جستجوی آن حضرت بود به ناگاه نظرش افتاد بر رسول خداصلي الله عليه وآله که در سجده است مثل جامه‌ای که

چسبیده شده بر روی زمین پس نزدیک آن حضرت شد شنید که می‌گوید در سجده خود :

سَجَدَ لَكَ سَوَادِي وَخَيَالِي، وَأَمِنْ بِكَ فَوَادِي، هَذِهِ يَدَايِ وَمَا جَنَيْتُهُ

به خاک افتاد برای تو سراپایم و اندیشه‌ام و ایمان آورد به تو دلم، این است هر دو دستم و آنچه جنایتی که

عَلَيَّ نَفْسِي، يَا عَظِيمُ [عَظِيمًا] تُرْجِي لِكُلِّ عَظِيمٍ، اغْفِرْ لِي الْعَظِيمَ، فَإِنَّهُ

بر خویش کردم ای بزرگی که در هر کار بزرگی امید به او است بیامرز گناه بزرگم را که

لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ إِلَّا الرَّبُّ الْعَظِيمُ پس بلند کرد سر خود را و دوباره برگشت به سجده

نیامرز گناه بزرگ را جز پروردگار بزرگ * * * * *

* * * * *

و شنید عایشه که می گوید: أَعُوذُ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَضَاءَتْ لَهُ السَّمَوَاتُ

* * * * * پناه برم به نور ذات تو که روشن شد بدو آسمانها

وَالْأَرْضُونَ وَانْكَشَفَتْ لَهُ الظُّلُمَاتُ، وَصَلَحَ عَلَيْهِ أَمْرُ الْأَوَّلِينَ

و زمینها و برچیده شد بدو تاریکیها و اصلاح شد بدو کار اولین

وَالْآخِرِينَ مِنْ فُجَاءَةٍ تَقَمَّتِكَ، وَمِنْ تَحْوِيلِ عَافِيَتِكَ، وَمِنْ زَوَالِ

و آخرین از ناگهانی رسیدن عذابت و از پا برجا شدن تندرستی تو و از زائل شدن

نِعْمَتِكَ، اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي قَلْبًا تَقِيًّا تَقِيًّا، وَمِنْ الشَّرِّكَ بَرِيئًا لَا كَافِرًا وَلَا

نعمتت خدایا روزیم گردان دلی پاک و پاکیزه و مبرای از شرک که نه کافر باشد و نه اهل

شَقِيًّا، پس بر خاک نهاد دو طرف روی خود را و گفت: عَفَّرْتُ وَجْهِي فِي التُّرَابِ

شقاوت * * * * * مالیدم به خاک رویم را

وَحَقَّقَ لِي أَنْ أَسْجُدَ لَكَ پس همین که خواست رسول خدا صلی الله علیه و آله برگردد

* * * * * و بر من سزا است که برایت سجده کنم

* * * * *

شتافت عایشه به سوی رختخواب خود پس رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد به رختخواب او و شنید که نفس بلند

می زند فرمود چیست این نفس بلند آیا نداسته ای که چه شبی است امشب این شب نیمه شعبان است که در آن قسمت

می شود روزیها و در آن نوشته می شود اجلها و در آن نوشته می شود روندگان به حج و بدرستی که خدای تعالی

می آمرزد در این شب از خلق خود بیشتر از عدد موهای بُرهای قبيله کَلْب و می فرستد خدای تعالی ملائکه خود را از

جانب آسمان به سوی زمین در مکه چهاردهم نماز جناب جعفر را به جا آورد چنانکه شیخ از حضرت امام رضا علیه

السلام روایت کرده پانزدهم بجا آورد نمازهای این شب را و آن بسیار است از جمله نمازیست که روایت کرده ابو یحیی

صنعانی از حضرت باقر و صادق علیهما السلام و هم روایت کرده اند از آن دو بزرگوار سی نفر از کسانی که وثوق و

اعتماد است به ایشان که آن دو بزرگوار فرمودند که هرگاه شب نیمه شعبان شد پس بجا آور چهار رکعت نماز، بخوان در

هر رکعت حمد و قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ صد مرتبه پس چون فارغ شدی بگو

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اِلَيْكَ فَقِيْرٌ، وَمِنْ عَذَابِكَ خَائِفٌ مُّسْتَجِيْرٌ، اَللّٰهُمَّ لَا تُبَدِّلْ

خدایا من به درگاهت نیازمندم و از عذاب و شکنجهات ترسان و پناه‌خواهم خدایا نامم را (از زمره موحدان)

اِسْمِي، وَلَا تُغَيِّرْ جِسْمِي، وَلَا تَجْهَدْ بِلَايِي، وَلَا تُشْمِتْ بِيْ اَعْدَائِي، اَعُوْذُ

عوض مکن و جسمم را دگرگون مکن و آزمایشم را سخت مکن و دشمن شادم مفرما

بِعَفْوِكَ مِنْ عِقَابِكَ، وَاَعُوْذُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذَابِكَ، وَاَعُوْذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ،

پناه می‌برم به عفو از کیفرت و پناه می‌برم به رحمت از عذابت و پناه می‌برم به خوشنودیت از خشم

وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْكَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ، اَنْتَ كَمَا اَتَيْتَ عَلَي نَفْسِكَ، وَفَوْقَ مَا يَقُوْلُ الْقَائِلُوْنَ

و پناه می‌برم به خودت از خودت مدح تو والا است و تو چنانی که خود تنای خود کرده‌ای و بالاتر از آنی که مردم

گویند

و بدان که فضیلت بسیار وارد شده برای خواندن صد رکعت نماز در این شب در هر رکعتی یک مرتبه حمد و ده مرتبه

توحید و گذشت در ماه رجب دستورالعمل شش رکعت نماز در این شب بحمد و یس و تبارک و توحید روز نیمه شعبان

عید مولود شریف امام دوازدهم مولانا و امامنا المهدي حضرت حجة بن الحسن صاحب الزمان صلوات الله عليه وعلي

آبائه است :

وَيُسْتَحَبُّ زِيَارَتُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي كُلِّ زَمَانٍ وَمَكَانٍ، وَالِدُعَاءُ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ عِنْدَ

و مستحب است زیارت آن حضرت علیه السلام در هر زمان و مکان و در هر جا و دعا برای تعجیل ظهور آن حضرت

در هنگام

زِيَارَتِهِ وَتَتَكَدُّ زِيَارَتُهُ فِي السَّرْدَابِ بِسَرْمَنْ رَاي وَهُوَ الْمُتَيَقَّنُ ظُهُورُهُ

زیارت و بخصوص تأکید شده به زیارت آن حضرت در سرداب سامراء، و ظهور آن حضرت

وَتَمْلُكُهُ، وَانَّهُ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا

و فرمانرواییش مسلم است و او است که زمین را پر از عدل و داد کند چنانچه پر شده باشد از ستم و بیدادگری

در اعمال بقیه این ماه است

از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هر که سه روز از آخر ماه شعبان روزه بدارد و به ماه مبارک رمضان

وصل کند حق تعالی ثواب روزه دو ماه متوالی برای او بنویسد و ابوالصلت هروی روایت کرده است که در جمعه آخر

ماه شعبان به خدمت حضرت امام رضا علیه السلام رفتم حضرت فرمود که ای ابوالصلت اکثر ماه شعبان رفت و این جمعه

آخر آن است پس تدارك و تلافی كن در آنچه از این ماه مانده است تقصیرهایی را كه در ایام گذشته این ماه کرده‌ای و بر تو باد كه رُو آوری بر آنچه نافعست برای تو و دعا و استغفار بسیار بكن و تلاوت قرآن مجید بسیار بكن و توبه كن بسوی خدا از گناهان خود تا آنكه چون ماه مبارك درآید خالص گردانیده باشی خود را از برای خدا و مگذار در گردن خود امانت و حق کسی را مگر آنكه ادا کنی و مگذار در دل خود کینه کسی را مگر آنكه بیرون کنی و مگذار گناهی را كه می‌کرده‌ای مگر آنكه ترك کنی و از خدا بترس و توکل كن بر خدا در پنهان و آشکار امور خود و هر كه بر خدا توكل كند خدا بس است او را و بسیار بخوان در بقیه این ماه این دعا را :

اَللّٰهُمَّ اِنْ لَمْ تَكُنْ غَفَرْتَ لَنَا فِيمَا مَضٰى مِنْ شَعْبَانَ، فَاغْفِرْ لَنَا فِيمَا بَقِيَ مِنْهُ .

خدایا اگر در آن قسمت از ماه شعبان كه گذشته ما را نیامرزیده‌ای در آن قسمت كه از این ماه مانده بیامرزمان بدرستی كه حق تعالی در این ماه آزاد می‌گرداند بندهای بسیار از آتش جهنم برای حرمت ماه مبارك رمضان و شیخ از حارث بن مُعْبِرَة نُضْرِي روایت کرده كه حضرت صادق علیه السلام می‌خواند در شب آخر شعبان و شب اوّل ماه

رمضان: اَللّٰهُمَّ اِنَّ هَذَا الشَّهْرَ الْمُبَارَكَ الَّذِي اُنْزِلَ فِيْهِ الْقُرْآنُ،

* * * * * خدایا این ماه مبارکی كه قرآن در آن نازل گشته آن قرآنی كه

وَجُعِلَ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدٰى وَالْفُرْقَانِ قَدْ حَضَرَ، فَسَلِّمْنَا

راهنمای مردم گردیده و نشانه‌های روشنی از راهبری و جدا کردن میان حق و باطل است فرا رسیده پس ما را در این ماه

فِيْهِ وَسَلِّمْنَا، وَتَسَلَّمْنَا مِنْهَا فِيْ يُسْرِ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ، يَا مَنْ اَخَذَ الْقَلِيلَ

سالم بدار و آن را در حال آسانی و تندرستی از ما بگیر ای كه بگیرد اندك را

وَشَكَرَ الْكَثِيْرَ، اِقْبَلْ مِنِّي الْيُسْرِ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ اَنْ تَجْعَلَ لِيْ اِلٰى

و بسیار قدردانی كند، این طاعت اندك را از من بپذیر خدایا از تو خواهم كه برای من بسوی هر

كُلِّ خَيْرٍ سَبِيْلًا، وَمِنْ كُلِّ مَا لَا تُحِبُّ مَانِعًا، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ، يَا مَنْ

كار خیري راهی و از هر چه دوست نداری سر را هم مانعی قرار دهی ای مهربانترین مهربانان ای كه

عَفَا عَنِّيْ وَعَمَّا خَلَوْتُ بِهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ، يَا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْنِيْ

گذشتی از من و از آن کارهای زشتی كه در پنهانی كردم ای كه مرا به سبب دست زدن

بَارْتِكَابِ الْمَعَاصِي، عَفْوُكَ عَفْوُكَ، يَا كَرِيْمُ اِهْمِيْ

به گناهان نگيري گذشت، گذشت، گذشت تو را خواهانم اي بزرگوار خدايا
وَعَظَمْتُ فَلَمْ أَتَّعِظْ وَزَجَرْتَنِي عَنْ مَحَارِمِكَ فَلَمْ أَنْزَجِرْ، فَمَا عَذْرِي
مرا پند دادی ولی من پند نگرفتم و از کارهاي حرام خود بازم داشتی ولی من بازنايستادم پس چه عذري
فَاعْفُ عَنِّي يَا كَرِيمُ، عَفْوُكَ عَفْوُكَ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ الرَّاحَةَ عِنْدَ
به درگاهت دارم اي كريم از من گذشت كن كه عفو و گذشت را خواهانم خدايا از تو درخواست دارم آسودگي
هنگام

الْمَوْتِ، وَالْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَابِ، عَظُمَ الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِكَ، فَلْيَحْسُنِ
مرگ و گذشت در وقت حساب را بزرگ است گناه از بندهات پس بايد گذشت
التَّجَاوُزُ مِنْ عِنْدِكَ، يَا أَهْلَ التَّقْوَى وَيَا أَهْلَ الْمَغْفِرَةِ، عَفْوُكَ عَفْوُكَ،
از جانب تو نیز نيکو باشد اي شايسته پرهيزگاري و اي شايسته آمرزش عفو و گذشت را خواهانم
اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ عَبْدُكَ بَنُ عَبْدِكَ بَنُ امْتِكَ، ضَعِيفٌ فَقِيرٌ اِلَى رَحْمَتِكَ،
خدايا من بنده و فرزند بنده و فرزند كنيز توأم ناتوان و نيازمند مهر تو هستم
وَأَنْتَ مُنْزِلُ الْغَنَى وَالْبَرَكَةِ عَلَيَّ الْعِبَادِ، قَاهِرٌ مُّقْتَدِرٌ، أَحْصَيْتَ
و تویی كه داراي و برکت بر بندگان فرو فرستی و تو چيره و توانايي كارهاي بندگان را
أَعْمَالَهُمْ، وَقَسَمْتَ أَرْزَاقَهُمْ، وَجَعَلْتَهُمْ مُخْتَلِفَةً أَلْسِنَتُهُمْ وَأَلْوَانَهُمْ،
شماره داري و روزيشان را قسمت کرده و زبانشان و رنگهايشان را متفاوت كردي
خَلَقًا مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ وَلَا يَعْلَمُ الْعِبَادُ عِلْمَكَ، وَلَا يَقْدِرُ الْعِبَادُ قَدْرَكَ،
آفرينشي پس از آفرينش ديگر و بندگان دانش تو را ندارند و قدر تو را ندانند
وَكُنَّا فَقِيرٌ اِلَى رَحْمَتِكَ، فَلَا تَصْرِفْ عَنِّي وَجْهَكَ، وَاجْعَلْنِي مِنْ
و همه ما نيازمند رحمت هستيم پس اي خدا رو از من مگردان و مرا در كردار
صَالِحِي خَلَقَكَ، فِي الْعَمَلِ وَالْأَمَلِ وَالْقَضَاءِ وَالْقَدَرِ، اَللّٰهُمَّ ابْقِنِي
و آرزو و امور مربوط به قضا و قدر از شايستگان خلق خويش قرارم ده خدايا زنده ام بدار
خَيْرَ الْبَقَاءِ وَأَفْنِنِي خَيْرَ الْفَنَاءِ عَلَيَّ مُوَالَاةِ أَوْلِيَائِكَ، وَمُعَادَاةِ أَعْدَائِكَ،
به بهترين وضع زندگي و بميرانم به بهترين مردن (يعني) با دوستي دوستان و دشمني با دشمنان
وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ، وَالرَّهْبَةَ مِنْكَ، وَالْحُشُوعَ وَالْوَفَاءَ وَالتَّسْلِيمَ لَكَ

و رغبت به درگاهت و ترس و خشوع از تو و وفاداری و تسلیم بودن در برابر
والتَّصَدِيقِ بِكِتَابِكَ، وَاتَّبَاعِ سُنَّةِ رَسُولِكَ، اَللّٰهُمَّ مَا كَانَ فِي قَلْبِي
و تصدیق کردن کتاب تو (قرآن) و پیروی از روش پیغمبرت خدایا آنچه در دل دارم
مِنْ شَكٍّ اَوْ رِيْبَةٍ، اَوْ جُحُوْدٍ اَوْ قُتُوْطٍ، اَوْ فَرَحٍ اَوْ بَذَخٍ اَوْ بَطَرٍ، اَوْ
از شك و تردید یا انکار یا ناامیدی یا خوشی یا گردن فرازی یا اسراف در خوشگذرانی یا
خِيْلَاءٍ اَوْ رِيَاءٍ اَوْ سُمْعَةٍ اَوْ شِقَاقٍ اَوْ نِفَاقٍ، اَوْ كُفْرٍ اَوْ فُسُوْقٍ، اَوْ
خودبینی یا خودنمایی یا شهرت جویی یا ایجاد دو دستیگی یا دورویی یا کفر یا فسق یا
عِصْيَانٍ اَوْ عَظَمَةٍ، اَوْ شَيْءٍ لَا تُحِبُّ، فَاسْأَلُكَ يَا رَبَّ اَنْ تُبَدِّلَنِي
گناه یا بزرگ‌طلبی یا چیزهای دیگری که تو دوست نداری پس ای پروردگارا از تو خواهم که آنرا تبدیل کنی
مَكَائِهِ اِيْمَانًا بِوَعْدِكَ، وَوَفَاءً بِعَهْدِكَ، وَرِضًا بِقَضَائِكَ، وَزُهْدًا فِي
به ایمان به وعده‌ات و وفاداری به پیمان‌ت و خوشنودی به قضاء و قدرت و پارسایی در
الدُّنْيَا، وَرَغْبَةً فِيْمَا عِنْدَكَ وَآثَرَةً وَطُمَآئِنَةً وَتَوْبَةً نُّصُوْحًا، اَسْأَلُكَ
دنیا و اشتیاق بدانچه نزد تو است و فضیلتی و آرامشی و توبه خالص، این را از تو خواهم
ذَلِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِيْنَ، اِلٰهِي اَنْتَ مِنْ حِلْمِكَ تُعْصِي، وَمِنْ كَرَمِكَ وَجُوْدِكَ
ای پروردگار جهانیان خدایا تو را بخاطر بردباریت نافرمانی کنند و به طمع جود و کرم‌ت اطاعت کنند
تُطَاعُ، فَكَأَنَّكَ لَمْ تُعْصَ، وَآتَا وَمَنْ لَمْ يَعْصِكَ سَكُنَ اَرْضُكَ، فَكُنْ عَلَيْنَا
پس گویا نافرمانیت نکرده‌اند و من با کسانی که نافرمانیت نکردند همه ساکنان زمین توئیم تو بر ما
بِالْفَضْلِ جَوَادًا، وَبِالْخَيْرِ عَوَادًا، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ، وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ
به فضل خویش بخشنده باش و به نیکویی بازگردنده ای مهربانترین مهربانان و درود خدا بر محمد و آل او درودی
همیشگی

صَلَوَةٌ دَائِمَةٌ لَا تُحْصِي وَلَا تُعَدُّ، وَلَا يَقْدِرُ قَدْرُهَا غَيْرُكَ، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ .
که به شماره و عدد درنیاید و اندازه‌اش نتواند جز تو ای مهربانترین مهربانان

فصل سیّم: در فضیلت و اعمال ماه مبارک رمضان

شیخ صدوق به سند معتبره روایت کرده از حضرت امام رضا علیه السلام از پدران بزرگواران خود از حضرت امیرالمؤمنین علیه و علی اولاده السلام که فرمود خطبه‌ای خواند برای ما روزی حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله پس فرمود أَيُّهَا النَّاسُ بدرستی که رو کرده است به سویی شما ماه خدا با برکت و رحمت و آمرزش ماهی است که نزد خدا بهترین ماهها است و روزهایش بهترین روزها است و شبهایش بهترین شبها است و ساعتهاش بهترین ساعتها است و آن ماهیست که خوانده‌اند شما را در آن بسوی ضیافت خدا و گردیده‌اید در آن از اهل کرامت خدا نَفَس‌های شما در آن ثواب تسبیح دارد و خواب شما ثواب عبادت دارد و عملهای شما در آن مقبولست و دعا‌های شما در آن مستجابست پس سؤال کنید از پروردگار خود به نیت‌های درست و دل‌های پاکیزه از گناهان و صفات ذمیمه که توفیق دهد شما را برای روزه داشتن آن و تلاوت کردن قرآن در آن بدرستی که شفی و بد عاقبت کسی است که محروم گردد از آمرزش خدا در این ماه عظیم و یاد کنید به گرسنگی و تشنگی شما در این ماه تشنگی و گرسنگی روز قیامت را و تَصَدَّق کنید بر فقیران و مسکینان خود و تعظیم نمائید پیران خود را و رحم کنید کودکان خود را و نوازش نمائید خویشان خود را و نگاه دارید زبان‌های خود را از آنچه نباید گفت و بیوشید دیده‌های خود را از آنچه حلال نیست شما را نظر کردن بسوی آن و بازدارید گوش‌های خود را از آنچه حلال نیست شما را شنیدن آن و مهربانی کنید با یتیمان مردم تا مهربانی کنند بعد از شما با یتیمان شما و بازگشت کنید بسوی خدا از گناهان خود و بلند کنید دست‌های خود را به دعا در اوقات نمازهای خود زیرا که وقت نمازها بهترین ساعتها است نظر می‌کند حق تعالی در این اوقات به رحمت به سویی بندگان خود و جواب می‌گوید ایشان را هرگاه او را مناجات کند و لَبَّيْک می‌گوید ایشان را هرگاه او را ندا کنند و مستجاب می‌گرداند هرگاه او را بخوانند ای گروه مردمان بدرستی که جان‌های شما در گرو کرده‌های شما است پس از گرو بدر آورید به طلب آمرزش از خدا و پشت‌های شما گران بار است از گناهان شما پس سَبِّک گردانید آنها را به طول دادن سجده‌ها و بدانید که حق تعالی سوگند یاد کرده است به عزّت و جلال خود که عذاب نکند نمازگذارندگان و سجده کنندگان در این ماه را و نترساند ایشان را به آتش جهنم در روز قیامت أَيُّهَا النَّاسُ هر که از شما افطار دهد روزه‌دار مؤمنی را در این ماه از برای او خواهد بود نزد خدا ثواب بنده آزاد کردن و آمرزش گناهان گذشته پس بعضی از اصحاب گفتند یا رسول‌الله همه ما قدرت بر آن نداریم حضرت فرمود پرهیزید از آتش جهنم به افطار فرمودن روزه‌داران اگرچه به نصف دانه خرما باشد و اگر چه به یک شربت آبی باشد بدرستی که خدا این ثواب را می‌دهد کسی را که چنین کند اگر قادر بر زیاده از این نباشد أَيُّهَا النَّاسُ هر که خُلُق خود را در این ماه نیکو گرداند بر صراط آسان بگذرد در روزی که قدمها بر آن لغزد و هر که سَبِّک گرداند در این ماه خدمت غلام و کنیز خود را خدا در قیامت حساب او را آسان گرداند و هر که در این ماه شرّ خود را از مردم باز دارد حق تعالی غضب خود را در قیامت از او باز دارد و هر که در این ماه یتیم بی‌پدری را

گرامی دارد خدا او را در قیامت گرامی دارد و هر که در این ماه صلّه و احسان کند با خویشان خود خدا وصل کند او را به رحمت خود در قیامت و هر که در این ماه قطع احسان خود از خویشان خود بکند خدا در قیامت قطع رحمت خود از او بکند و هر که نماز سنتی در این ماه بکند خدا برای او برات بیزاری از آتش جهنم بنویسد و هر که در این ماه نماز واجبی را ادا کند خدا عطا کند به او ثواب هفتاد نماز واجب که در ماههای دیگر کرده شود و هر که در این ماه بسیار بر من صلوات فرستد خدا سنگین گرداند ترازوی عمل او را در روزی که ترازوهای اعمال سبک باشد و کسی که یک آیه از قرآن در این ماه بخواند ثواب کسی دارد که در ماههای دیگر ختم قرآن کرده باشد اِنَّهَا النَّاسُ بَدْرَسْتی که درهای بهشت در این ماه گشاده است پس سؤال کنید از پروردگار خود که بروی شما نه‌بندد و درهای جهنم در این ماه بسته است پس سؤال کنید از پروردگار خود که بر روی شما نگشاید و شیاطین را در این ماه غلّ کرده‌اند پس سؤال کنید از خدا که ایشان را بر شما مسلط نگرداند الخ و شیخ صدوق روایت کرده که چون ماه رمضان داخل می‌شد حضرت رسول صلی الله علیه و آله آزاد می‌کرد هر اسیری که بود و عطا می‌نمود هر سائلی را مؤلف گوید که ماه رمضان ماه خداوند عالمیان است و شریفترین ماهها است و ماهیست که درهای آسمان و درهای بهشت و رحمت گشوده می‌شود و درهای جهنم بسته می‌شود و در آن شبی است که عبادت در آن بهتر است از عبادت

هزار ماه پس تأمل نمائید چگونه خواهی بود در شب و روز خود و چگونه نگاه می‌داری اعضاء و جواح خود را از معصیتهای پروردگار خود و مبادا شبها در خواب باشی و روزها غافل از یاد خدا همانا در خبر است که در آخر هر روز از روزهای ماه رمضان در وقت افطار حق تعالی هزار هزار کس را از آتش جهنم آزاد می‌کند و چون شب جمعه و روز جمعه می‌شود در هر ساعتی هزار هزار کس را از آتش جهنم آزاد می‌کند که هر یک مستوجب عذاب شده باشند و در شب و روز آخر ماه به عدد آنچه در تمام ماه آزاد کرده است آزاد می‌کند پس ای عزیز مبادا بیرون رود ماه رمضان و گناهان تو باقی مانده باشد و در هنگامی که روزه‌داران مزدهای خود را بگیرند تو از جمله محرومان و زیانکاران باشی و تقرب بجوی بسوی خداوند تبارک و تعالی به تلاوت کردن قرآن مجید در شبها و روزهای این ماه و به ایستادن به نماز و جدّ و جهد کردن در عبادت و بجا آوردن نمازها در اوقات فضیلت و کثرت استغفار و دعا فَعَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَام :

اِنَّهُ مَنْ لَمْ يُغْفَرْ لَهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، لَمْ يُغْفَرْ لَهُ اِلَّا اَنْ يَشْهَدَ عَرَفَةَ

امام صادق علیه السلام فرمود: هر که در ماه رمضان آمرزیده نشود تا سال آینده آمرزیده نشود مگر آنکه در عرفات حاضر شود

و نگاه دارد خود را از چیزهایی خدا حرام کرده است و از افطار کردن بر چیزهای حرام و رفتار کن به نحوی که مولای ما حضرت صادق علیه السلام وصیت نموده و فرموده که هرگاه روزه‌داری می‌باید که روزه دارد گوش و چشم و

مو و پوست و جميع اعضاي تو يعنى از محرّمات بلکه از مکروهات و فرمود بايد که روز روزه تو مانند روز افطار تو نباشد و نیز فرموده که روزه نه همین از خوردن و آشامیدن است تنها بلکه بايد در روز روزه نگاه داريد زبان خود را از دروغ و بيوشانيد ديده هاي خود را از حرام و با يکديگر نزاع مکنيد و حسد مبريد و غيبت مکنيد و مجادله مکنيد و سوگند دروغ مخوريد بلکه سوگند راست نيز و دشنام مدهيد و فحش مگوئيد و ستم مکنيد و بي خردي مکنيد و دلتنگ مشويد و غافل مشويد از ياد خدا و از نماز و خاموش باشيد از آنچه نبايد گفت و صبر کنيد و راستگو باشيد و دوري کنيد از اهل شرّ و اجتناب کنيد از گفتار بد و دروغ و افتراء و خصومت کردن با مردم و گمان بد بردن و غيبت کردن و سخن چيني کردن و خود را مُشرف به آخرت دانيد و منتظر فرَج و ظُهور قائم آل محمد عليه السلام باشيد و آرزومند ثوابهاي آخرت باشيد و توشه اعمال صالحه براي سفر آخرت برداريد و بر شما باد به آرام دل و آرام تن و خضوع و خشوع و شکستگی و مذلت مانند بنده اي که از آقاي خود ترسد و ترسان باشيد از عذاب خدا و اميدوار باشيد رحمت او را و بايد پاک باشد اي روزه دار دل تو از عيبيها و باطن تو از حيله ها و مکرها و پاکيزه باشد بدن تو از کثافتها و بيزاري بجوي بسوي خدا از آنچه غير اوست و در روزه ولايت خود را خالص گردانی از براي او و خاموش باشي از آنچه حق تعالى نهي کرده است تو را از آن در آشکارا و پنهان و بترسي از خداوند قهار آنچه سزاوار ترسیدن او است در پنهان و آشکار و ببخشي روح و بدن خود را به خدای عزوجل در ایام روزه خود و فارغ گردانی دل خود را از براي محبت او و یاد او و بدن خود را به کارفرمائي در آنچه خدا تو را امر کرده است به آن و خوانده است بسوي آن اگر همه اينها را به عمل آوري آنچه سزاوار روزه داشتن است به عمل آورده اي و فرموده خدا را اطاعت کرده اي و آنچه کم کنی از آنها که بيان کردم از براي تو به قدر آن از روزه تو کم مي شود از فضل آن و ثواب آن بدرستی که پدرم گفت رسول خدا صلي الله عليه وآله شنيد که زنی در روز روزه اي جاريه خود را دشنام داد حضرت طعامي طلبيد آن زن را گفت بخور زن گفت من روزه ام فرمود چگونه روزه اي که جاريه خود را دشنام دادی روزه از خوردن و آشامیدن تنها نيست بدرستی که حق تعالى روزه را حجابی گردانیده است از ساير امور قبيحه از کردار بد و گفتار بد چه بسيار کمند روزه داران و چه بسيارند گرسنگي کشندگان و حضرت اميرالمؤمنين عليه السلام فرمود که چه بسيار روزه داري که بهره اي نيست او را از روزه به غير از تشنگي و گرسنگي و چه بسيار عبادت کننده اي که نيست او را بهره اي از عبادت به غير تعب اي خوشا خواب زيرکان که بهتر از بيداري و عبادت احقان است و خوشا افطار کردن زيرکان که بهتر از روزه داشتن بي خردان است و روايت شده از جابر بن يزید از حضرت امام محمد باقر عليه السلام که حضرت رسول صلي الله عليه وآله به جابر بن عبدالله فرمود اي جابر اين ماه رمضانست هر که روزه بدارد روز آن را و بايستد به عبادت پاره اي از شبش را و باز دارد از حرام شکم و فرج خود را و نگاه دارد زبان خود را بيرون رود از گناهان خود مثل

بیرون رفتن او از ماه جابر گفت یا رسول الله چه نیکو است این حدیث که فرمودی فرمود ای جابر و چقدر سخت است این شرطهایی که نمودم وبالجمله اعمال این ماه شریف در دو مطلب و يك خاتمه ذکر می شود .

مطلب اول: در اعمال مشترکه این ماه است و آن بر چهار قسم است

قسم اول اعمالی است که در هر شب و روز این ماه بجا آورده می شود سید بن طاوس روایت کرده از حضرت امام جعفر صادق و امام موسی کاظم علیهما السلام که فرمودند می گوئی در ماه رمضان از اول تا به آخر آن بعد از هر فریضه :

اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، فِي عَامِي هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ مَا ابْقَيْتَنِي
 خدایا روزیم گردان حج خانه کعبه را در این سال و در هر سال تا زنده هستم
 فِي يَسْرِ مِثْلِكَ وَعَافِيَةٍ، وَسَعَةِ رِزْقٍ، وَلَا تُخْلِنِي مِنْ تِلْكَ الْمَوَاقِفِ الْكَرِيمَةِ،
 در آسایش و تندرستی از جانب تو و وسعت روزی و دورم مکن از این اماکن گرامی
 وَالْمَشَاهِدِ الشَّرِيفَةِ، وَ زِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَفِي جَمِيعِ
 و مشاهد شریفه و زیارت قبر پیامبرت که درود تو بر او و آتش باد در همه
 حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَكُنْ لِي، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ مِنْ
 حاجتهای دنیا و آخرت پشتیبان من باش خدایا از تو خواهم در آنچه بنا هست درباره اش حکم فرمائی و مقدر کنی در
 آن

الْأَمْرِ الْمَحْتُمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ، اَنْ
 فرمان حتمی و مسلم در شب قدر از آن تقدیری که برگشت ندارد و تغییر نپذیرد که
 تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، الْمَبْرُورِ حَجُّهُمْ، الْمَشْكُورِ سَعِيَّهِمْ،
 مرا از حاجیان خانه محترم کعبهات ثبت فرمائی آن حاجیانی که حجتشان درست و سعیشان مورد تقدیر و سپاس است
 الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمْ، الْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتُهُمْ، وَاجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي
 و گناهانشان آمرزیده و کارهای بدشان بخشیده شده است و قرار ده در همان قضا
 وَتُقَدِّرُ، اَنْ تُطِيلَ عُمْرِي، وَتَوْسِعَ عَلَيَّ رِزْقِي، وَتُوَدِّيَ عَنِّيْ اَمَانَتِي
 و تقدیرات که عمر مرا طولانی گردانی و روزیم را فراخ کنی و امانت و قرضم را
 وَدِينِي، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ. و می خوانی عقب نمازهای فریضه: یا عَلِيُّ یا

كُلَّ غَرِيبٍ، اَللّٰهُمَّ فُكِّ كُلَّ اَسِيرٍ، اَللّٰهُمَّ اَصْلِحْ كُلَّ فَاْسِدٍ مِنْ اُمُوْرٍ

دور از وطنی را خدایا آزاد کن هر اسیری را خدایا اصلاح کن هر فسادى را از کار

اَلْمُسْلِمِيْنَ، اَللّٰهُمَّ اشْفِ كُلَّ مَرِيضٍ، اَللّٰهُمَّ سُدِّ فَقْرُنَا بِغِنَاكَ، اَللّٰهُمَّ

مسلمین خدایا درمان کن هر بیمارى را خدایا ببند رخنه فقر ما را به وسیله دارائی خود خدایا

غَيْرِ سُوءٍ حَالِنَا بِحُسْنِ حَالِكَ، اَللّٰهُمَّ اقْضِ عَنَّا الدَّيْنَ، وَاغْنِنَا مِنْ

بدى حال ما را بخوبی حال خودت مبدل کن خدایا ادا کن از ما قرض و بدهیمان را و بی نیازمان کن از

اَلْفَقْرِ، اِنَّكَ عَلَيَّ كَلِّشَيْءٍ قَدِيرٌ. و شیخ کلینی در کافی روایت کرده از ابو بصیر که

نداری که راستی تو بر هر چیز توانائی * * * * *

* * * * *

حضرت صادق علیه السلام در ماه رمضان این دعا را می خواند اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ بِكَ وَمِنْكَ اَطْلُبُ

* * * * * خدایا من بوسیله تو و از شخص تو

می جویم

حَاجَتِيْ، وَمَنْ طَلَبَ حَاجَةً اِلَى النَّاسِ فَاتِيْ لَا اَطْلُبُ حَاجَتِيْ اِلَّا

حاجتم را و هر که حاجت خویش از مردم می جوید ولی من نجویم حاجتم را جز

مِنْكَ، وَحَدِّكَ لَا شَرِيْكَ لَكَ، وَاَسْأَلُكَ بِفَضْلِكَ وَرِضْوَانِكَ اَنْ تُصَلِّيَ

از تو تنها که شریکی نداری و از تو خواهم به حق فضل و خوشنودیت که درود فرستی

عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ، وَاَنْ تَجْعَلَ لِيْ فِيْ عَامِيْ هَذَا اِلَى بَيْتِكَ

بر محمد و خاندان او و اینکه در این سال برای رسیدن من به خانه

اَلْحَرَامِ سَبِيْلًا، حِجَّةً مَبْرُوْرَةً مُّتَقَبَّلَةً زَاكِیَّةً خَالِصَةً لَكَ تَقَرُّ بِهَا عَيْنِيْ،

محترمت کعبه راهی قرار دهی که حجی صحیح و پذیرفته و پاکیزه و خالص برای تو انجام دهم آن چنانکه دیده ام

وَتَرْفَعُ بِهَا دَرَجَتِيْ، وَتَرْزُقَنِيْ اَنْ اَغْضَّ بَصْرِيْ، وَاَنْ اَحْفَظَ فَرْجِيْ،

بدان روشن شود و درجه ام بدان بالا رود و روزیم کن که دیده ام را بیوشانم و عورتم را (از گناه) نگهدارم

وَاَنْ اَكْفَّ بِهَا عَنْ جَمِيْعِ مَحَارِمِكَ، حَتّٰی لَا یَكُوْنَ شَيْءٌ اَثَرَ عِنْدِيْ

و خود را از همه کارهای حرام تو باز دارم تا بدان حد که هیچ چیزی در پیش من محبوبتر

مِنْ طَاعَتِكَ وَخَشْيَتِكَ، وَاَلْعَمَلِ بِمَا اَحْبَبْتَ، وَاَلْتَّرَكِ لِمَا كَرِهْتَ

از اطاعت و ترس از تو و انجام آنچه دوست داری و نکردن آنچه را ناخوش داری

وَنَهَيْتَ عَنْهُ، وَاجْعَلْ ذَلِكَ فِي يُسْرٍ وَيَسَارٍ وَعَافِيَةٍ، وَمَا أُنْعَمْتَ بِهِ

و آنرا قدغن کرده‌ای نباشد و قرار ده همه اینها را در گشایش و آسودگی و تندرستی با هر چه نعمت که

عَلَيَّ، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ وَفَاتِي قَتْلًا فِي سَبِيلِكَ تَحْتَ رَايَةِ نَبِيِّكَ

به من داده‌ای و از تو خواهم که مرگ مرا کشته شدن در راهت قرار دهی که در زیر پرچم پیغمبرت

مَعَ أَوْلِيَائِكَ، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَقْتُلَ بِي أَعْدَاءَكَ وَأَعْدَاءَ رَسُولِكَ وَأَسْأَلُكَ

با دوستانت کشته شوم و از تو خواهم که دشمنان خود و دشمنان پیامبرت را بدست من بکشی و از تو خواهم

أَنْ تُكْرِمَنِي بِهَوَانٍ مَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَلَا تُهَنِّي بِكَرَامَةٍ أَحَدٍ مِنْ

که مرا گرامی داری بخوار کردن هر یک از خلق خود که خواهی ولی خوارم نکنی به گرامی داشتن هیچیک از

أَوْلِيَائِكَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا حَسْبِيَ اللَّهُ مَا شَاءَ اللَّهُ .

دوستانت خدا یا قرار ده برای من با پیامبرت راهی خدا مرا بس است و آنچه خواهد شود

مؤلف گوید: که این دعاء موسوم به دعای حجّ است سید در اقبال از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده خواندن

آن را در شبهای ماه رمضان بعد از مغرب و کفعمی در بلدالأمین گفته که مستحب است خواندن آن در هر روز از ماه

رمضان و در شب اول نیز و شیخ مفید در مقنعه برای خصوص شب اول نقل کرده بعد از نماز مغرب و بدانکه بهترین

اعمال در شبها و روزهای ماه مبارک رمضان خواندن قرآن است و بسیار باید خواند چه آنکه قرآن در این ماه نازل شده

است و وارد شده که هر چیزی را بهار است و بهار قرآن ماه رمضانست و در ماههای دیگر هر ماهی یک ختم سنت

است و اقلش شش روز است و در ماه رمضان در هر سه روز یک ختم سنت است و اگر روزی یک ختم تواند بکند

خوبست علامه مجلسی رحمه الله فرموده که در حدیث است که بعضی از ائمه علیهم السلام در این ماه چهل ختم قرآن و

زیاده می‌کردند و اگر هر ختم قرآنی را ثوابش را به روح مقدّس یکی از چهارده معصوم علیهم السلام هدیه کند ثوابش

مضاعف گردد و از روایتی ظاهر می‌شود که اجر چنین کسی آن است که با ایشان باشد در روز قیامت و در این ماه دعا

وصلوات و استغفار بسیار باید نمود و لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بسیار باید گفت و روایت شده که جناب امام زین العابدین ۷ چون ماه

رمضان داخل می‌شد تکلم نمی‌کرد مگر به دعاء و تسبیح و استغفار و تکبیر و باید اهتمام بسیار نمود به عبادت و

نافله‌های شب و روز قسم دویم اعمالیست که در شبهای ماه رمضان باید بجا آورد و آن چند امر است اول افطار است و

مستحب است که بعد از نماز شام افطار کند مگر آنکه ضعف بر او غلبه کرده باشد یا جمعی منتظر او باشند دوم آنکه

افطار کند با چیز پاکیزه از حرام و شُبّهات و بهتر آنست که به خرما یا حلال افطار کند تا ثواب نمازش چهارصد برابر

گردد و به خرما و آب و به رطب و به لبن و به حلوا و به نبات و به آب گرم به هر کدام که افطار کند نیز خوبست سیم آنکه در وقت افطار دعاهاي وارده آنرا بخواند از جمله آنکه بگوید :

اَللّٰهُمَّ لَكَ صُمْتُ، وَعَلَي رِزْقِكَ افْطَرْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ

خدایا برای تو روزه گرفتم و با روزی تو افطار کنم و بر تو توکل کنم

تا خدا عطا کند به او ثواب هر کسی را که در این روز روزه داشته و اگر دعای اَللّٰهُمَّ رَبِّ التَّوْرِ الْعَظِيمِ را که سید و

کفعمی روایت کرده اند بخواند فضیلت بسیار یابد و روایت شده که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام هرگاه

می خواست افطار کند می گفت: بِسْمِ اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ لَكَ صُمْنَا، وَعَلَي رِزْقِكَ

* * * * * خدایا برای تو روزه

گرفتیم و با روزی تو

افْطَرْنَا، فَتَقَبَّلْ مِنَّا اِنَّكَ اَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِیْمُ، چهارم در لقمه اوّل بگوید بِسْمِ اللّٰهِ

* * * * * افطار کنیم پس از ما بپذیر که براستی تو شنوا و دانایی

* * *

الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ یا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ اغْفِرْ لِيْ تا خدا او را بیامزد و در خبر است که در آخر هر روز از روزهایی ماه

رمضان خدا هزار هزار کس را از آتش جهنّم آزاد می کند پس از حق تعالی بخواه که تو را یکی از آنها قرار دهد پنجم

در وقت افطار سوره قدر بخواند ششم در وقت افطار تصدّق کند و افطار دهد روزه داران را اگر چه به چند دانه خرما یا

شربّی آب باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله مرویست که کسی که افطار دهد روزه داری را از برای او

خواهد بود مثل اجر آن روزه دار بدون آنکه از اجر او چیزی کم شود و هم از برای او خواهد بود مثل آن عمل نیکویی

که بجا آورد آن افطار کننده به قوه آن طعام و آیه الله علامه حلّی در رساله سَعَدِيَّه از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده

که فرمود هر مؤمنی که اطعام کند مؤمنی را لقمه ای در ماه رمضان بنویسد حق تعالی برای او اجر کسی که سی بنده

مؤمن آزاد کرده باشد و از برای او باشد نزد حق تعالی يك دعای مستجاب هفتم در هر شب خواندن هزار مرتبه اِثَّا

اَنْزَلْنَاهُ وارد است هشتم در هر شب صد مرتبه حم دُحّان را بخواند اگر میسر شود نهم سید روایت کرده که هر که این

دعا را بخواند در هر شب ماه رمضان آمرزیده شود گناهان چهل سال او

اَللّٰهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ، الَّذِي اُنْزِلَتْ فِيْهِ الْقُرْآنَ وَاَفْتَرَضْتَ عَلَي

خدایا ای پروردگار ماه رمضان که در آن قرآن را فرستادی و بر

عِبَادِكَ فِيْهِ الصِّيَامَ، صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ، وَاَرْزُقْنِيْ حَاجَّ بَيْتِكَ

بندگان روزه را در این ماه واجب کردی درود فرست بر محمد و آل محمد و روزیم گردان حج خانه

الْحَرَامِ، فِي عَامِي هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ، وَاعْفِرْ لِي تِلْكَ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ،

محترم خود کعبه را در این سال و در هر سال و بیامرز برایم این گناهان بزرگ را

فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُهَا غَيْرُكَ، يَا رَحْمَنُ يَا عَلَّامٌ. دهم در هر شب بخواند بعد از مغرب

* * * * * که براستی نیامزد آنها را جز تو ای بخشاینده و ای بسیار دانا * * * *

دعای حج را که در قسم اول گذشت یازدهم بخواند در هر شب از ماه رمضان اَللّهُمَّ اِنِّي

* * * * *

* * * * * خدایا من ستایش را

افْتَحِ النَّاءَ بِحَمْدِكَ، وَأَتِ مُسَدِّدُ لِلصَّوَابِ بِمَنِّكَ، وَأَيَّقُنْتُ أَنَّكَ أَتِ

بوسیله حمد تو می گشایم و تویی که به نعمت بخشی خود بندگان را به درستی واداری و یقین دارم که براستی تو

أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فِي مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ، وَأَشَدُّ الْمُعَاقِبِينَ فِي

مهربانترین مهربانی اما در جای گذشت و مهربانی ولی سخت ترین کیفرکننده ای در

مَوْضِعِ التَّكَالِ وَالْتِقَمَةِ، وَأَعْظَمُ الْمُتَجَبِّرِينَ فِي مَوْضِعِ الْكِبْرِيَاءِ

جای شکنجه و انتقام و بزرگترین جبارانی در جای بزرگی و

وَالْعُظْمَةِ، اَللّهُمَّ أَذِنْتَ لِي فِي دُعَائِكَ وَمَسْئَلَتِكَ، فَاسْمَعْ يَا سَمِيعُ

عظمت خدایا تو به من اجازه دادی در این که بخوانم و از تو درخواست کنم پس ای خدای شنوا

مَدْحِي، وَأَجِبْ يَا رَحِيمُ دَعْوَتِي، وَأَقِلْ يَا غَفُورُ عَثْرَتِي، فَكَمْ يَا

مدح و ثنائیم را بشنو و پاسخ ده ای مهربان خواسته ام را و نادیده گیر ای آمرزنده لغزشم را ای

إِلَهِي مِنْ كُرْبَةٍ قَدْ فَرَجْتَهَا، وَهَمُومٍ قَدْ كَشَفْتَهَا، وَعَثْرَةٍ قَدْ أَقْلَتَهَا،

معبود من چه بسیار گرفتاری که برطرف کردی و چه بسیار اندوه که زدودی و لغزشها که چشم پوشیدی

وَرَحْمَةٍ قَدْ نَشَرْتَهَا، وَحَلَقَةٍ بَلَاءٍ قَدْ فَكَّكْتُهَا، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ

و مهر و رحمت که گسترده و زنجیر بلا که از هم باز کردی ستایش خاص خدایی است که نگیرد

صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ

همسری و نه فرزندی و نیست برایش شریکی در فرمانروایی و نیست برایش یآوری

مِنَ الدَّلِّ، وَكَبْرُهُ تَكْبِيرًا، الْحَمْدُ لِلَّهِ بِجَمِيعِ مَحَامِدِهِ كُلِّهَا عَلَي جَمِيعِ

از خواري و به کمال بزرگي او را ياد کن ستايش خدای را به همه ستودگيهايش یکسر بر همه
نِعْمَهُ كُلُّهَا، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا مُضَادَّ لَهُ فِي مُلْكِهِ، وَلَا مُنَازَعَ لَهُ فِي
نعمتهايش یکسر ستايش براي خدایي است که ضد و دشمنی در پادشاهي او و ستیزه جويي در
أَمْرِهِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا شَرِيكَ لَهُ فِي خَلْقِهِ، وَلَا شَبِيهَ لَهُ فِي عَظَمَتِهِ،
فرمانش نیست ستايش خدایي را است که شريکي در خلقتش ندارد و شبيهي در عظمت او نیست
الْحَمْدُ لِلَّهِ الْفَاشِي فِي الْخَلْقِ أَمْرُهُ وَحَمْدُهُ الظَّاهِرُ بِالْكَرَمِ مَجْدُهُ،
ستايش خاص خدایي است که هویدا است در میان خلق کارش و ستايشش و آشکار است به بزرگواري شوکتش
الْبَاسِطُ بِالْجُودِ يَدُهُ، الَّذِي لَا تَنْقُصُ خَزَائِنُهُ، وَلَا تَزِيدُهُ كَثْرَةُ الْعَطَاءِ
و گشاده است دستش آنکه نقصان نپذیرد خزينه هايش و نيفزايدش بسياري عطا
إِلَّا جُودًا وَكَرَمًا، إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْوَهَّابُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ قَلِيلًا مِنْ
مگر جود و بزرگواري برآستي که او عزيز و بسيار بخشنده است خدايا از تو خواهم اندکي از
كَثِيرٍ مَعَ حَاجَةٍ بِي إِلَيْهِ عَظِيمَةٍ، وَغِنَاكَ عَنْهُ قَدِيمٌ وَهُوَ عِنْدِي كَثِيرٌ،
بسيار با اينکه نيازمنديم بدان بزرگ است و بي نيازي تو از آن قديم و ازلی است و آن درخواست پيش من بسيار
وَهُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسِيرٌ، اللَّهُمَّ إِنَّ عَفْوَكَ عَنْ ذَنْبِي، وَتَجَاوُزَكَ عَنْ
ولی در نزد تو اندک و آسان است خدايا برآستي گذشت تو از گناهم و چشم پوشيت از
خَطِيئَتِي، وَصَفْحَكَ عَنْ ظُلْمِي، وَسِتْرَكَ عَلَيَّ قَبِيحِ عَمَلِي، وَحِلْمَكَ
خطايم و نادیده گيريت از ستمم و پرده پوشيت بر کار زشتم و بردباريت
عَنْ كَثِيرٍ جُرْمِي عِنْدَ مَا كَانَ مِنْ خَطَايَ وَعَمْدِي أَطْمَعُنِي فِي أَنْ
در برابر جنايت و جرم بسيارم که به خطا يا از روي تعمد کردم مرا به طمع انداخت تا از تو
أَسْأَلُكَ مَا لَا أَسْتَوْجِبُهُ مِنْكَ، الَّذِي رَزَقْتَنِي مِنْ رَحْمَتِكَ، وَارَيْتَنِي
درخواست کنم چيزي را که مستحق آن نيستم، درخواست کنم آنچه را که از رحمت روزي من کردي و
مَنْ قُدْرَتِكَ، وَعَرَفْتَنِي مِنْ إِجَابَتِكَ، فَصِرْتُ أَدْعُوكَ آمِنًا، وَأَسْأَلُكَ
از قدرتت به من نمايندي و از اجابت دعايت به من شناساندي و اين سبب شد که من از روي اطمينان تو را بخوانم
مِسْتَأْنِسًا لَا خَائِفًا وَلَا وَجَلًا، مُدْلًا عَلَيْكَ فِيمَا قَصَدْتُ فِيهِ إِلَيْكَ،

و با تو انس گرفته بدون ترس و واهمه از تو حاجت بخواهم و تازه در مطلوب و مقصود خود با ناز و عشوه به درگاهت آیم

فَإِنْ أَبْطَأَ عَنِّي عَثَبْتُ بِجَهْلِي عَلَيْكَ، وَلَعَلَّ الَّذِي أَبْطَأَ عَنِّي هُوَ خَيْرٌ لِي

و اگر حاجتم دیر برآید بواسطه نادانیم بر تو اعتراض کنم در صورتی که شاید دیر کردن آن برای من بهتر باشد زیرا

لِعِلْمِكَ بِعَاقِبَةِ الْأُمُورِ، فَلَمْ أَرِ مَوْلاً كَرِيماً أَصْبَرَ عَلَيَّ عَبْدٍ لَيْمٍ مِنْكَ

تو دانای به سرانجام کارها هستی و از اینرو من ندیدم مولای بزرگواری را که بر بنده پست خود شکیباتر از تو باشد

عَلَيَّ يَا رَبِّ، إِنَّكَ تَدْعُونِي فَأُولِي عَنكَ، وَتَتَحَبَّبُ إِلَيَّ فَأَتَبَعُضُ إِلَيْكَ،

بر من ای پروردگارم تو مرا می خوانی ولی من از تو رومی گردانم و تو به من دوستی می کنی ولی من با تودشمنی می کنم و تو

وَتَتَوَدَّدُ إِلَيَّ فَلَا أَقْبِلُ مِنْكَ، كَانَ لِي التَّطَوُّلُ عَلَيْكَ، فَلَمْ يَمْنَعْكَ ذَلِكَ

به من محبت کنی و من نپذیرم گویا من منتی بر تو دارم و باز این احوال باز ندارد تو را از

مِنْ الرَّحْمَةِ لِي وَالْإِحْسَانِ إِلَيَّ، وَالتَّفَضُّلِ عَلَيَّ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ،

مهر به من و و احسان بر من و بزرگواریت نسبت به من از روی بخشندگی و بزرگواریت

فَارْحَمَ عَبْدَكَ الْجَاهِلَ، وَجُدْ عَلَيْهِ بِفَضْلِ إِحْسَانِكَ، إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ

پس بر بنده نادانست رحم کن و از زیادی احسانت بر او ببخش که براستی تو بخشنده و بزرگواری

الْحَمْدُ لِلَّهِ مَالِكِ الْمُلْكِ، مُجْرِي الْفُلْكِ، مُسَخِّرِ الرِّيحِ، فَالِقِ الْأَصْبَاحِ،

ستایش خاص خدا است که مالک سلطنت و روان کننده کشتی (وجود) و مسخرکننده بادهای و شکافنده سپیده صبح

دَيَّانِ الدِّينِ، رَبِّ الْعَالَمِينَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَيَّ حِلْمِهِ بَعْدَ عِلْمِهِ، وَالْحَمْدُ

و حکمفرمای روز جزا و پروردگار جهانیان است ستایش خدای را است که بردباریش پس از دانستن و ستایش

لِلَّهِ عَلَيَّ عَفْوِهِ بَعْدَ قُدْرَتِهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَيَّ طَوْلِ أَنَاتِهِ فِي غَضَبِهِ،

برای خدا است بر گذشتش با اینکه نیرومند است و ستایش برای خدا است بر زیادی تحمل و بردباریش در عین خشم

وَهُوَ قَادِرٌ عَلَيَّ مَا يُرِيدُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ خَالِقِ الْخَلْقِ، بَاسِطِ الرِّزْقِ، فَالِقِ

او با اینکه او بر هرچه بخواهد تواناست ستایش خدای را است که آفریننده خلق و گسترنده روزی و شکافنده

الْأَصْبَاحِ، ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، وَالْفَضْلِ وَالْإِعْظَامِ، الَّذِي بَعْدَ فَلَا

صبح صاحب جلال و بزرگواری و فضل و نعمت بخشی آنکه دور است پس

يُري، وَقَرَّبَ فَشَهَدَ التَّجْوِي، تَبَارَكَ وَتَعَالَى، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لَهُ
ديده نشود و نزديك است که مطلع از گفتگوهاي سري است برتر و والا است ستايش خدائي را که نيست براي او
مُنَازِعٌ يُعَادِلُهُ، وَلَا شَبِيهٌ يُشَاكِلُهُ، وَلَا ظَهِيرٌ يُعَاذُهُ، قَهَرَ بَعِزَّتِهِ
ستيزه جويي که با او برابري کند و نه شبیهي که هم شکل او باشد و نه پشتيباني که کمکش کند به عزت خویش
الْأَعَزَّاءَ، وَتَوَاضَعَ لِعَظَمَتِهِ الْعُظْمَاءَ، فَبَلَغَ بِقُدْرَتِهِ مَا يَشَاءُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ
چيره دستان را مقهور ساخته و در مقابل عظمتش بزرگان فروتنی کرده پس بوسيله نيرويش بهر جا که خواهد رسیده
ستايش خدائي را

الَّذِي يُجِيبُنِي حِينَ أَنَادِيهِ، وَيَسْتُرْ عَلَيَّ كُلَّ عَوْرَةٍ وَأَنَا أَعْصِيهِ وَ
که پاسخم دهد هرگاه بخوانمش و بپوشاند بر من هر زشتی را و من نافرمانيش کنم و
يُعْظِمُ النُّعْمَةَ عَلَيَّ فَلَا أُجَازِيهِ، فَكَمْ مِنْ مَوْهَبَةٍ هَنِيئَةٍ قَدْ أَعْطَانِي،
بزرگ گرداند بر من نعمتش را ولی من پاداشش ندهم پس چه بسيار بخششهاي جانبخشي که به من عطا فرمود
وَعَظِيمَةٍ مَخُوفَةٍ قَدْ كَفَانِي، وَبَهْجَةٍ مُوقِنَةٍ قَدْ أَرَانِي، فَأَتْنِي عَلَيْهِ
و چه پيش آمدهاي بزرگ و هولناكي را که از من دور کرد و چه خوشيهاي شگفت انگيزي که به من نماياند او را
حَامِداً، وَأَذْكُرُهُ مُسَبِّحاً، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَهْتَكُ حِجَابُهُ وَلَا يُغْلَقُ
ستايش کنان ثنا گويم و تسبيح گويان يادش کنم ستايش خاص خدائي است که پرده اش دريده نشود و در خانه اش
بَابُهُ، وَلَا يَرُدُّ سَأْلَهُ، وَلَا يُخَيِّبُ أَمْلَهُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُؤْمِنُ الْخَائِفِينَ،
بسته نگردد و خواهنده اش رد نشود و آرزومندش نوميد نگردد ستايش خاص خدائي است که هراسناکان را امان بخشد
وَيُنَجِّي الصَّالِحِينَ، وَيَرْفَعُ الْمُسْتَضْعِفِينَ، وَيَضَعُ الْمُسْتَكْبِرِينَ، وَ
و شايستگان را نجات دهد و ناتوان شمردگان را بلند کند و گردنکشان را زبون کند و
يُهْلِكُ مُلُوكاً وَيَسْتَخْلِفُ آخَرِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ قَاصِمِ الْجَبَّارِينَ، مُبِيرِ
شاهان را نابود کند و به جايشان دسته ديگري نشاند ستايش خدائي را در هم شکننده سرکشان و نابودکننده
الظَّالِمِينَ، مُدْرِكِ الْهَارِبِينَ، نَكَالِ الظَّالِمِينَ، صَرِيخِ الْمُسْتَضْرَحِينَ،
ستمکاران دريابنده گريختگان کيفر دهنده ظالمان فريادرس فريادخواهان
مَوْضِعِ حَاجَاتِ الطَّالِبِينَ، مُعْتَمِدِ الْمُؤْمِنِينَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مِنْ
جا يگاه حاجتهاي جويندگان تكيه گاه مؤمنان ستايش خدائي را است که

حَشِيَّتِهِ تَرَعْدُ السَّمَاءُ وَ سَكَّائِهَا وَ تَرَجُّفُ الْأَرْضُ وَ عُمَارُهَا،

از ترس او آسمان و ساکنانش غرش کنند و زمین و آباد کنندگانش بر خود بلرزند

وَتَمُوجُ الْبِحَارُ وَ مَنْ يَسْبَحُ فِي غَمَرَاتِهَا، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا

و دریاها و آنانکه در قعر آنها شناوری کنند به جنبش و موج درآید ستایش خاص خدایی است که ما را به این (دین)

هدایت فرمود

وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَخْلُقُ وَلَمْ يَخْلُقْ،

و اگر او ما را هدایت نکرده بود ما بدان هدایت نمی شدیم ستایش خدایی را است که آفرید و خود آفریده نشده

وَيَرْزُقُ وَلَا يَرْزَقُ، وَيُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ، وَيُمِيتُ الْأَحْيَاءَ وَيُحْيِي

روزی دهد و کسی او را روزی ندهد و بخوراند و خود بی نیاز از خوراک است و بمیراند زندگان را و زنده کند

الْمَوْتَى، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ،

مردگان را و او است زنده ای که نمیرد هر چه خیر است به دست او است و او برای هر چیز توانا است

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، وَأَمِينِكَ وَصَفِيِّكَ

خدایا درود فرست بر محمد بندهات و پیامبرت و امین بر وحیت و پسندیدهات

وَحَبِيبِكَ، وَخَيْرَتِكَ مَنْ خَلَقَكَ، وَحَافِظِ سِرِّكَ، وَمُبَلِّغِ رِسَالَتِكَ، أَفْضَلَ

و حبیب و برگزیدهات از میان خلق و نگهدار رازت و رساننده پیامهایت برترین درود

وَأَحْسَنَ وَأَجْمَلَ، وَأَكْمَلَ وَأَزْكَى وَأَمِّي، وَأَطْيَبَ وَأَطْهَرَ وَأَسْنَى،

و بهترین و زیباترین و کاملترین و پاکیزه ترین و پررشدترین و خوشترین و پاکترین و بلندترین

وَأَكْثَرَ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ، وَتَحَنَّنْتَ وَسَلَّمْتَ عَلَيَّ أَحَدٍ

و بیشترین درودی که فرستادی و برکتی که دادی و ترحمی که کردی و عطوفتی که ورزیدی و تحننی که فرستادی بر هر

یکی

مِنْ عِبَادِكَ، وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَصَفْوَتِكَ، وَأَهْلِ الْكَرَامَةِ عَلَيْكَ مِنْ

از بندگانت و پیامبرانت و رسولانت و برگزیدگانت و گرامیان تو از میان

خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَيَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ

خلقت خدایا و درود فرست بر علی امیر مؤمنان و وصی فرستاده پروردگار

الْعَالَمِينَ، عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ وَأَخِي رَسُولِكَ، وَحُجَّتِكَ عَلَيَّ خَلْقِكَ،

جهانیان بنده تو و ولی تو و برادر پیامبر تو و حجت تو بر خلقت
وَأَيَّتِكَ الْكُبْرَى وَالنَّبَأَ الْعَظِيمَ، وَصَلِّ عَلَى الصَّدِيقَةِ الطَّاهِرَةِ، فَاطِمَةَ
و نشانه بزرگت و نبأ عظیم (آن خبر بزرگ) و درود فرست بر صدیقه طاهره فاطمه (زهره)
سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، وَصَلِّ عَلَى سِبْطِي الرَّحْمَةِ، وَإِمَامِي الْهُدَى،
بانوی زنان جهانیان و درود فرست بر دو سبط (پیامبر) رحمت و دو پیشوای هدایت
الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ، سَيِّدَيِ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَصَلِّ عَلَى أَيْمَةِ
حسن و حسین دو آقای جوانان اهل بهشت و درود فرست بر پیشوایان
الْمُسْلِمِينَ، عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ،
مسلمانان علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد
وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَعَلِيِّ بْنِ
و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن
مُحَمَّدٍ، وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، وَالْخَلْفَ الْهَادِيَ الْمَهْدِيَّ حُجَّجَكَ عَلِي
بن محمد و حسن بن علی و یادگار شایسته و راهنمایش حضرت مهدی که اینها حجت‌های تو بر
عِبَادِكَ، وَأَمَنَّاكَ فِي بِلَادِكَ، صَلَوَةٌ كَثِيرَةٌ دَائِمَةٌ اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى
بندگان هستند و امین‌های تو در شهرها و بلاد تواند درودی فرست که بسیار و همیشگی باشد خدایا و بالخصوص درود
فرست

وَلِيِّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ، وَالْعَدْلِ الْمُنتَظَرِ، وَخُفَّهُ بِمَلَائِكَتِكَ
برسرپرست دستورت آن امام‌قائم که مایه امید است و آن عدل و دادی که همه چشم‌براهش هستند و فراگیر او را به
فرشتگان

الْمُقَرَّبِينَ، وَآيِدُهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ
مقربت حلقه‌وار و به روح القدس یاریش کن ای پروردگار جهانیان خدایا (وسائل آمدنش را) آماده کن
الدَّاعِيَ إِلَى كِتَابِكَ، وَالْقَائِمَ بِدِينِكَ، اسْتَخْلِفْهُ فِي الْأَرْضِ كَمَا
تا او به کتابت دعوت کند و به دین تو قیام کند و او را روی زمین جایگزین گردان چنانچه
اسْتَخْلَفْتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِ، مَكَّنْ لَهُ دِينَهُ الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ لَهُ، أَبَدْلُهُ مِنْ
جایگزین کردی آنانکه پیش از او بودند و آن دینی را که برایش پسندیده‌ای بدست او پابرجا کن و پس از

بَعْدَ خَوْفِهِ أَمْنًا، يَعْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا، اللَّهُمَّ أَعِزَّهُ وَأَعِزِّزْ بِهِ،

ترس و خوفي که داشته آسایش خاطري به او بده که با کمال خلوص تو را پرستش کند خدايا عزيزش گردان و ديگران را به او عزيز کن

وَأَنْصُرُهُ وَاتَّصِرْ بِهِ، وَأَنْصُرُهُ نَصْرًا عَزِيزًا، وَافْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا،

ياريش کن و بوسيله او ديگران را ياري کن و بطور پيروزمندهاي او را ياري کن و گشایش آسانی

وَاجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا، اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَسِتَّةَ

بهره‌اش کن و قرار ده برايش از نزد خود حکومتی نصرت آور خدايا بدو دين خود و روش

نَبِيِّكَ، حَتَّى لَا يَسْتَحْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ،

پيامبرت را آشکار ساز بطوري که چيزي از امور حقه نماند که ناچار باشد از ترس مردم پنهانش کند

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ، نُعِزُّ بِهَا الْأِسْلَامَ وَأَهْلَهُ،

خدايا ما با تضرع و زاري به درگاهت از تو خواستاريم دولتی گرامي را که به وسيله آن اسلام و مسلمين

وَنُذِلُّ بِهَا التَّفَاقُ وَأَهْلَهُ، وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ،

را عزت بخشي و نفاق و منافقين را منکوب سازي و ما را در آن دولت از زمره خوانندگان مردم بسوي اطاعت تو

وَالْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ، وَتَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، اللَّهُمَّ مَا

و از برندگان بسوي راه خود قرارمان دهی و بدان وسيله بزرگواري دنيا و آخرت را نصيب ما گرداندي خدايا آنچه را که

عَرَفْتُنَا مِنَ الْحَقِّ فَحَمَلْنَاهُ وَمَا قَصَرْنَا عَنْهُ فَبَلَّغْنَاهُ، اللَّهُمَّ الْمُمْ بِهِ

از حق به ما شناسانده‌اي تاب تحملش را نيز به ما بده و آنچه را که از رسيدن بدان کوتاه آمديم تو ما را بدان برسان خدايا بدان حضرت

شَعْنَنَا، وَاشْعَبْ بِهِ صَدْعَنَا وَارْتُقْ بِهِ فَتَقْنَا، وَكَثِّرْ بِهِ قَلْتَنَا، وَأَعِزِّزْ بِهِ

پراکنديمان را برطرف کن و گسيختگيمان را دور کن و پريشانی ما را بدو پيوست کن و کمي ما را بدو زياد کن

ذَلَّتْنَا، وَأَغْنِ بِهِ عَائِلَتَنَا، وَأَقْضِ بِهِ عَنْ مُعْرَمِنَا، وَاجْبُرْ بِهِ فَقْرَنَا، وَسُدِّ بِهِ

و خواري ما را بدو عزت بخش و نداری ما را بدو توانگري بخش و بدهي ما را بوسيله‌اش بپرداز و فقر ما را بدو جبران کن

خَلَّتْنَا، وَيَسِّرْ بِهِ عُسْرَنَا، وَيَبِّضْ بِهِ وَجُوهَنَا، وَفُكِّ بِهِ أَسْرَنَا، وَأَنْجِحْ بِهِ

و شکاف و تفرقه ما را بدو برطرف کن و سختی ما را بدو آسان کن و چهره‌های ما را بدو سفید گردان و گرفتاران ما را بدو آزاد

طَلَبْتَنَا وَأَجِزْ بِهِ مَوَاعِيدَنَا، وَاسْتَجِبْ بِهِ دَعْوَتَنَا، وَأَعْظِنَا بِهِ سُؤْلَنَا،

کن و خواسته‌های ما را بدو روا کن و وعده‌های ما را به او تحقق بخش و دعای ما را بدو مستجاب کن و خواهش‌های ما را

وَبَلِّغْنَا بِهِ مِنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ آمَالَنا، وَأَعْظِنَا بِهِ فَوْقَ رَغْبَتِنَا، يَا خَيْرَ

بوسیله او عطا کن و بوسیله او ما را به آرزوهای دنیا و آخرت برسان و بوسیله او بیش از آنچه ما خواهیم به ما بده ای بهترین

الْمُسْتُولِينَ وَأَوْسَعَ الْمُعْطِينَ، اشف به صدورنا، وأذهب به غیظ

درخواست‌شدگان و دست‌بازترین عطاکنندگان سینه‌های ما را با ظهورش شفا بخش و بوسیله او عقده

قلوبنا، وأهدنا به لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ، إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ

دهای ما را برطرف کن و بدو ما را بدان حقی که مورد اختلاف است به اذن خود راهنمایی کن که براسستی تو هرکه

تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ، وَأَنْصُرْنَا بِهِ عَلَيَّ عَدُوِّكَ وَعَدُوَّنَا، إِلَهَ

را بخواهی به راه راست هدایت فرمایی و بدست او ما را بر دشمنانت و دشمنان ما نصرت ده ای معبود

الْحَقِّ آمِينَ، اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ بَيَّنَّا صَلَوَاتَكَ عَلَيْهِ وَإِلَهُ،

برحق - آمین - خدایا ما به تو شکایت کنیم از نبودن پیامبرمان که دروهای تو بر او و آتش باد

وَعَيْبَةٍ وَلَيْنَا، وَكَثْرَةَ عَدُوَّنَا، وَقِلَّةَ عَدَدِنَا، وَشِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَا، وَتَظَاهَرَ

و از غیبت مولایمان و از بسیاری دشمنان و کمی افرادمان و از سختی آشوبها و از کمک دادن اوضاع

الزَّمانِ عَلَيْنَا، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَإِلَهُ، وَأَعِنَّا عَلَيَّ ذَلِكَ يَفْتَحْ مِنْكَ

زمانه به زیان ما پس درود فرست بر محمد و آتش و کمک ده ما را بر این اوضاع به گشایش

تُعَجِّلُهُ، وَبِضُرِّ تَكْشِفُهُ، وَبِضُرِّ تُعِزُّهُ، وَسُلْطَانِ حَقِّ تُظْهِرُهُ، وَرَحْمَةٍ

فوری از طرف خود و برطرف کردن رنج و ناراحتی و یاری با عزت و ظاهر ساختن سلطنت حقه و رحمتی

مِنْكَ تَجَلَّلْنَاها، وَعَافِيَةٍ مِنْكَ تُلبِّسُنَاها، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

از جانب تو که ما را فراگیرد و تندرستی از طرف تو که ما را بپوشاند به رحمت ای مهربانترین مهربانان

دوازدهم در هر شب بخواند: اللَّهُمَّ بِرَحْمَتِكَ فِي الصَّالِحِينَ فَادْخِلْنَا، وَفِي

* * * * * خدايا بوسيله رحمت ما را در جرگه شايستگان وارد كن و در

عَلَيْنَا فَارْقُنَا، وَبَكَاسٍ مِنْ مَعِينٍ مِنْ عَيْنٍ سَلْسَبِيلٍ فَاسْقِنَا، وَمِنْ

علين بهشت بالا بر و جامي از آب خوشگوار چشمه سلسبيل به ما بنوشان و از

الْحُورِ الْعِينِ بِرَحْمَتِكَ فَزَوِّجْنَا، وَمِنْ الْوِلْدَانِ الْمُخَلَّدِينَ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤُ

حوريان بهشتي به رحمت خود به ازدواج ما درآور و از پسران جاويدان كه همچون مرواريداني

مَكْنُونٌ فَآخِذِينَ، وَمِنْ ثَمَارِ الْجَنَّةِ وَلُحُومِ الطَّيْرِ فَاطْعِمْنَا وَمِنْ

در صدفند به خدمت ما بگمار و از ميوه هاي بهشتي و گوشت پرندگان به ما بخوران و از

ثِيَابِ السُّنْدُسِ وَالْحَرِيرِ وَالْأَسْتَبْرَقِ فَالْبَسْنَا، وَلَيْلَةَ الْقَدْرِ وَحَجَّ

جامه هاي زربفت و ابريشم و ديبا به ما بپوشان و بدرك فضيلت شب قدر و حج

بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَقَتْلًا فِي سَبِيلِكَ فَوْقَ لَنَا، وَصَالِحِ الدُّعَاءِ وَالْمَسْئَلَةِ

خانه كعبه و كشته شدن در راه خود ما را موفق بدار و دعاي شايسته و خواهش ما را

فَاسْتَجِبْ لَنَا، وَإِذَا جَمَعْتَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَارْحَمْنَا

برآور و چون اولين و آخرين را در روز قيامت گردآوردي در آن هنگام به ما ترحم كن و

وَبَرَاءَتَهُ مِنَ النَّارِ فَارْحَمْنَا، وَفِي جَهَنَّمَ فَلَا تُعْلِنَا، وَفِي عَذَابِكَ

منشور رهايي ما را از آتش بر ايمان بنويس و در دوزخ ما را به زنجير مبند و در شكنجه

وَهَوَانِكَ فَلَا تَبْتَلِنَا، وَمِنْ الزُّقُومِ وَالضَّرِيعِ فَلَا تُطْعِمْنَا، وَمَعَ

و خواريت ما را مبتلا مكن و از درخت زقوم و ضريع به ما بخوران و با

الشَّيَاطِينِ فَلَا تَجْعَلْنَا، وَفِي النَّارِ عَلَيَّ وَجُوهِنَا فَلَا تَكْبُئْنَا، وَمِنْ

شياطين ما را در يك جا قرار مده و برو در آتش دوزخ ما را مينداز و از

ثِيَابِ النَّارِ وَسَرَايِلِ الْقَطْرَانِ فَلَا تُلْبِسْنَا، وَمِنْ كُلِّ سُوءٍ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا

جامه هاي آتشين و پيراهن هاي آتش زاي قطران (آهن آب شده) به ما بپوشان و از هر بدئي اي خدايي كه جز تو معبودي

نيست

أَنْتَ بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَتَجِّنَّا. سيزدهم: از حضرت صادق عليه السلام روايت است كه در

* * * * * به حق كلمه «لا اله الا انت» ما را نجات بخش

*

هر شب ماه رمضان می خوانی: اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ اَنْ تَجْعَلَ فِيمَا تَقْضِي

* * * * * خدايا از تو خواهم که در قضاء

وَتَقْدِرُ مِنَ الْاَمْرِ الْمَحْتُمِ فِي الْاَمْرِ الْحَكِيمِ، مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا

و قدر حتمي و فرمان حکیمانه خود از آن قضایی که برگشت ندارد

يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ، اَنْ تَكْتُبَنِيْ مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، الْمَبْرُورِ حُجَّتِهِمْ،

و تغییر پذیر نیست چنان مقرر داری که ثبت کنی نام مرا از حاجیان کعبهات که حجشان قبول شده و سعیشان

الْمَشْكُورِ سَعِيَّتِهِمْ، الْمَغْفُورِ ذُنُوبِهِمْ، الْمُكَفَّرِ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ، وَاَنْ تَجْعَلَ

پذیرفته گردیده و گناهانشان آمرزیده شده و از بدیهاشان صرف نظر گردیده و

فِيمَا تَقْضِي وَتَقْدِرُ، اَنْ تُطِيلَ عُمُرِيْ فِيْ خَيْرٍ وَعَافِيَةٍ، وَتُوسِّعَ فِي

نیز در قضاء و قدر خود مقرر داری که عمر مرا در خوبی و تندرستی طولانی کنی و

رِزْقِيْ وَتَجْعَلَنِيْ مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ، وَلَا تَسْتَبْدِلْ بِيْ غَيْرِيْ .

روزیم توسعه دهی و بگردانی مرا از آن کسانی که بوسیله آنان دینت را یاری کنی و مرا با دیگری عوض نکنی

چهاردهم: در انیس الصالحین است که در هر شب از شبهای ماه رمضان بخواند: اَعُوذُ

* * * * *

* * * * * پناه می برم

بِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ، اَنْ يَنْقَضِيَ عَنِّيْ شَهْرُ رَمَضَانَ، اَوْ يَطْلُعَ

به جلال ذات بزرگوارت از اینکه ماه رمضان از من بگذرد یا سپیده دم امشب

الْفَجْرِ مِنْ لَيْلَتِيْ هَذِهِ وَلَكَ قَبْلِيْ تَبَعَةٌ، اَوْ ذَنْبٌ تُعَذِّبُنِيْ عَلَيْهِ. پانزدهم:

* * * * * بزند و هنوز از تو در پیش من بازخواست یا گناهی مانده باشد که مرا بدان عذاب کنی

شیخ کفعمی در حاشیه بلد الامین از سید بن باقی نقل کرده که فرموده: مستحب است در هر شب ماه رمضان دو

رکعت نماز در هر رکعت حمد و توحید سه مرتبه و چون سلام داد بگوید:

سُبْحَانَ مَنْ هُوَ حَفِيْظٌ لَا يَغْفُلُ، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ رَحِيْمٌ لَا يَعْجَلُ،

منزه است آن خدای نگهبانی که غفلت نکند منزه است آن خدای مهربانی که شتاب نکند

سُبْحَانَ مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا يَسْهُو، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ دَائِمٌ لَا يَلْهُو پس بگوید

منزه است آن خدای پابرجایی که کسی را از یاد نبرد منزه است آن خدای جاویدانی که به چیزی سرگرم نشود * *
* * *

تسبیحات اربع را هفت مرتبه پس بگوید سُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ، يَا عَظِيمُ
* * * * * منزهی تو منزهی منزهی ای خدای

بزرگ

اغْفِرْ لِي الذَّنْبَ الْعَظِيمَ، پس ده مرتبه صلوات بفرستد بر پیغمبر و آل او علیهم السلام
* * * * * پیامرز گناهان بزرگم را
* * * * *

کسی که این دو رکعت نماز را بجا آورد بیمارزد حق تعالی از برای او هفتاد هزار گناه الخ شانزدهم در خبر است که هر
که در هر شب از ماه رمضان سوره اِنَّا فَتَحْنَا در نماز مستحبی بخواند آن سال محفوظ بماند و بدان که از اعمالی که در
شبهای ماه رمضان مستحب است بجا آورده شود هزار رکعت نماز است در مجموع این ماه که مشایخ و اعظام علماء در
کتب خود که در فقه یا عبادات نوشته‌اند به آن اشاره نموده‌اند و اما کیفیت بجا آوردن آن پس احادیث در باب آن مختلف
است و آنچه موافق روایت ابن ابی قره است از حضرت جواد علیه السلام و مختار شیخ مفید در کتاب غریبه و اشراف
بلکه مختار مشهور است آنست که در دهه اول و دهه دویم ماه رمضان در هر شب بیست رکعت خوانده شود هر دو
رکعت به یک سلام به این طریق که هشت رکعت آن را بعد از نماز مغرب بخواند و دوازده رکعت دیگر را بعد از نماز عشاء
و در دهه آخر در هر شب سی رکعت بخواند باز هشت رکعت آن را بعد از نماز مغرب و بیست و دو رکعت دیگر را بعد
از نماز عشاء و مجموع این نمازها هفتصد رکعت می‌شود و باقیمانده را که سیصد رکعت است در شبهای قدر بخواند یعنی
شب نوزدهم صد رکعت و شب بیست و یکم صد رکعت و شب بیست و سی صد رکعت پس مجموع هزار رکعت شود و
به ترتیب دیگر نیز وارد شده و تفصیل کلام در جای دیگر است و این مقام را گنجایش بسط نیست و امید که اهل خیر
در عمل به این هزار رکعت نماز مسامحه و سهل انگاری نکرده از فیض آن خود را بهره‌مند نمایند و روایت شده که

می‌خوانی بعد از هر دو رکعت از نافله‌های ماه رمضان

اللَّهُمَّ اجْعَلْ فيما تَقْضِي وَتُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتَوَمِ، وَفِيمَا تَفَرِّقُ

خدایا مقرر دار در آن قضا و قدر حتمی و در آنچه جدا کنی

مِنَ الْأَمْرِ الْحَكِيمِ، فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، أَنْ تَجْعَلَ مِنِّي حُجَّاجَ بَيْتِكَ

از دستور حکیمانه‌ات در شب قدر که مرا از حاجیان خانه

الْحَرَامِ، الْمَبْرُورِ حَجَّتِهِمْ، الْمَشْكُورِ سَعْيِهِمْ، الْمَغْفُورِ ذُنُوبِهِمْ، وَأَسْأَلُكَ

محترم کعبهات قرار دهی آنان که حجتشان قبول و کوششان پذیرفته و گناهانشان آمرزیده شده و از تو خواهم
أَنْ تُطِيلَ عُمْرِي فِي طَاعَتِكَ، وَتُوسِّعَ لِي فِي رِزْقِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

که عمرم را در اطاعت خود طولانی گردانی و در روزیم وسعت دهی ای مهربانترین مهربانان
قسم سیم در اعمال سحرهای ماه مبارک رمضان است و آن چند امر است اوّل سُحُور خوردن و ترك نکند سحور
را اگر چه به يك دانه خرماي زبون يا شربت آب باشد و بهترين سُحُورها سَوِيق يعنی قاوُت و خرما است و وارد شده
که حق تعالی و ملائکه صلوات می فرستد بر آنها که استغفار می کنند در سَحَرها و سُحُور می خورند دوّم سوره اِثْنَا اِزْلَنَاهُ در وقت
سحور بخواند که هر که این سوره مبارکه را در وقت افطار کردن و سُحُور بخواند در مابین این دو وقت ثواب کسی
داشته باشد که در راه خدا در خون خود بغلظت سیم بخواند دعای عظیم الشانی را که از حضرت امام رضا علیه السلام نقل
شده که فرموده این دعای است که حضرت امام محمد باقر علیه السلام در سحرهای ماه رمضان می خواندند

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ مِنْ بَهَائِكَ بِاَبْهَاءِهِ، وَكُلُّ بَهَائِكَ

خدایا از تو خواهم به درخشنده ترین مراتب درخشندگیت با اینکه تمام مراتب

بِهِي، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِبَهَائِكَ كُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ مِنْ

آن درخشنده است خدایا درخواست کنم به همه مراتب درخشندگیت خدایا از تو خواهم به

جَمَالِكَ بِاَجْمَلِهِ وَكُلُّ جَمَالِكَ جَمِيْلٍ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ

زیباترین مراتب جمالت با اینکه تمام مراتب جمالت زیبا است خدایا از تو خواهم

بِجَمَالِكَ كُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ مِنْ جَلَالِكَ بِاَجَلِّهِ وَكُلُّ جَلَالِكَ

به همه مراتب جمالت خدایا از تو خواهم به باشکوه ترین مراتب جلالت با اینکه تمام مراتب جلال تو

جَلِيْلٍ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِجَلَالِكَ كُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ مِنْ

باشکوه است خدایا از تو خواهم به همه مراتب جلالت خدایا از تو خواهم به

عَظَمَتِكَ بِاَعْظَمِهَا وَكُلُّ عَظَمَتِكَ عَظِيْمَةٌ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ

بزرگترین مرتبه عظمت با اینکه تمام مراتب عظمت بزرگ است خدایا از تو خواهم

بِعَظَمَتِكَ كُلِّهَا، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ مِنْ نُورِكَ بِاَنُوْرِهِ وَكُلُّ نُورِكَ نُوْرٌ،

به همه مراتب عظمت خدایا از تو خواهم به نورانی ترین مراتب روشنیت با اینکه تمام مراتب روشنیت نورانی است

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِنُورِكَ كُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ مِنْ رَحْمَتِكَ

خدایا از تو خواهم به همه مراتب نورت خدایا از تو خواهم به وسیعترین مراتب رحمت با اینکه تمام مراتب رحمت
بِأَوْسَعِهَا وَكُلُّ رَحْمَتِكَ وَاسِعَةٌ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِرَحْمَتِكَ كُلِّهَا،

وسیع است خدایا از تو خواهم به همه مراتب رحمت

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ مِنْ كَلِمَاتِكَ بِاَتَمِّهَا وَكُلُّ كَلِمَاتِكَ تَامَّةٌ، اَللّٰهُمَّ

خدایا از تو خواهم به تمامترین کلمات (و سخنان) با اینکه همه سخنان تمام است خدایا

اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِكَلِمَاتِكَ كُلِّهَا، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ مِنْ كَمَالِكَ بِاَكْمَلِهِ

از تو خواهم به همه سخنان خدایا از تو خواهم به کاملترین مرتبه کمال با اینکه

وَكُلُّ كَمَالِكَ كَامِلٌ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِكَمَالِكَ كُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ

تمام مراتب کمال تمام است خدایا از تو خواهم به همه مراتب کمال خدایا از تو

اَسْئَلُكَ مِنْ اَسْمَائِكَ بِاَكْبَرِهَا وَكُلُّ اَسْمَائِكَ كَبِيْرَةٌ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ

خواهم به بزرگترین نامهای با اینکه تمام نامهای بزرگ است خدایا از تو خواهم به همه

بِاَسْمَائِكَ كُلِّهَا، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ مِنْ عِزَّتِكَ بِاَعَزِّهَا وَكُلُّ عِزَّتِكَ

نامهای خدایا از تو خواهم به عزیزترین مقام عزت گرچه همه مراتب عزت

عَزِيْزَةٌ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِعِزَّتِكَ كُلِّهَا، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ مِنْ

عزیز است خدایا از تو خواهم به همه مراتب عزت خدایا از تو خواهم به حق گذراترین

مَشِيَّتِكَ بِاَمْضَاهَا وَكُلُّ مَشِيَّتِكَ مَاضِيَةٌ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِمَشِيَّتِكَ

مشیت گرچه تمام مراتب مشیت گذرا است خدایا از تو خواهم

كُلِّهَا، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ مِنْ قُدْرَتِكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي اسْتَطَلَّتْ بِهَا عَلَي

تمام مراتب مشیت خدایا از تو خواهم به حق آن قدرت که احاطه پیدا کردی بدان بر

كُلِّشَيْءٍ، وَكُلُّ قُدْرَتِكَ مُسْتَطِيْلَةٌ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِقُدْرَتِكَ كُلِّهَا،

هر چیز گرچه تمام مراتب قدرت چنین است خدایا از تو خواهم به همه مراتب قدرت

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ مِنْ عِلْمِكَ بِاَنْفَذِهِ وَكُلُّ عِلْمِكَ نَافِذٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ

خدایا از تو خواهم به حق نافذترین مراتب دانش گرچه تمام مراتب دانش نافذ است خدایا از تو

اَسْئَلُكَ بِعِلْمِكَ كُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ مِنْ قَوْلِكَ بِاَرْضَاهُ وَكُلُّ قَوْلِكَ

خواهم به تمام مراتب دانش خدایا از تو خواهم به حق پسندیدهترین سخنان با اینکه همه سخنان

رَضِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقَوْلِكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ

پسندیده است خدايا از تو خواهم به حق همه سخنان خدايا از تو خواهم به حق

مَسَائِلِكَ بِأَحَبِّهَا إِلَيْكَ وَكُلُّ مَسَائِلِكَ إِلَيْكَ حَبِيبَةٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

محبوبترین خواسته‌هايت پيش تو گرچه همه خواسته‌هايت پيش تو محبوب است خدايا از تو خواهم به حق

بِمَسَائِلِكَ كُلِّهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ شَرَفِكَ بِأَشْرَفِهِ وَكُلُّ شَرَفِكَ

همه خواسته‌هايت خدايا از تو خواهم به حق شريفترين مراتب شرف با اينكه تمام مراتب آن

شَرِيفٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِشَرَفِكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ

شريف است خدايا از تو خواهم به همه مراتب شرف خدايا از تو خواهم به حق

سُلْطَانِكَ بِأَدْوَمِهِ وَكُلُّ سُلْطَانِكَ دَائِمٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِسُلْطَانِكَ

ابدي ترين مراتب سلطنت گرچه تمام مراتب سلطنت جاويدان است خدايا از تو خواهم به حق تمام مراتب سلطنت

كُلِّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مُلْكِكَ بِأَفْخَرِهِ وَكُلُّ مُلْكِكَ فَاحِرٌ، اللَّهُمَّ

خدايا از تو خواهم به حق گرانايه‌ترين مراتب فرمانرواييت گرچه تمام مراتب فرمانرواييت گرانايه است خدايا

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمُلْكِكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عُلوِّكَ بِأَعْلَاهُ وَكُلُّ

از تو خواهم به همه مراتب فرمانرواييت خدايا از تو خواهم به والاترين مقام بلندت گرچه همه

عُلوِّكَ عَالٍ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعُلوِّكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ

مراتب آن والاست خدايا از تو خواهم به همه مراتب بلنديت خدايا از تو خواهم به حق

مَنَّاكَ بِأَقْدَمِهِ وَكُلُّ مَنَّاكَ قَدِيمٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَنَّاكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ

قديمترين نعمت گرچه همه نعمتهايت قديم است خدايا از تو خواهم به حق نعمتهايت خدايا

إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ آيَاتِكَ بِأَكْرَمِهَا وَكُلُّ آيَاتِكَ كَرِيمَةٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي

از تو خواهم به حق گرامي‌ترين آيات گرچه همه آيات تو گرامي است خدايا از تو

أَسْأَلُكَ بِآيَاتِكَ كُلِّهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا أَتَتْ فِيهِ مِنَ الشَّانِ

خواهم به حق همه آيات خدايا از تو خواهم بدانچه در آني از شأن

وَالْجَبَرُوتِ، وَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ شَأْنٍ وَحْدَهُ وَجَبَرُوتٍ وَحْدَهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي

و مقام و بزرگي واز تو خواهم به هر شأن و مقامي جدا و بهر بزرگي جداگانه خدايا از تو

أَسْأَلُكَ بِمَا تُجِيبُنِي [بِهِ] حِينَ أَسْأَلُكَ فَاجِبُنِي يَا اللَّهُ، پس هر حاجت كه

* * * * * خدا * * * * *
* * * * *

داري از خدا بطلب که البته برآورده است چهارم در مصباح شيخ است که روايت کرده ابو حمزه ثمالی که حضرت امام زين العابدين عليه السلام در ماه رمضان بيشتر از شب را نماز مي کرد و چون سحر مي شد اين دعا را مي خواند :

إلهي لا تُؤدِّبْنِي بِعُقُوبَتِكَ، وَلَا تَمَكِّرْ بِي فِي حِيلَتِكَ، مِنْ أَيْنَ لِي الْخَيْرُ
خدایا مرا به مجازات و عقوبت ادب مکن و مکر مکن به من با حيلهات از کجا خيري بدست آورم
يا رَبِّ، وَلَا يُوْجَدُ إِلَّا مِنْ عِنْدِكَ، وَمِنْ أَيْنَ لِي النَّجَاةُ، وَلَا
اي پروردگار من با اينکه خيري يافت نشود جز در پيش تو و از کجا نجاتي براي ما باشد با
تُسْتَطَاعُ إِلَّا بِكَ، لَا الَّذِي أَحْسَنَ اسْتَعْنَى عَنْ عَوْنِكَ وَرَحْمَتِكَ،
اينکه نجاتي نتوان يافت جز به کمک تو نه آنکس که نيکي کند بي نياز است از کمک تو و رحمت
وَلَا الَّذِي آسَاءَ وَاجْتَرَأَ عَلَيْكَ، وَلَمْ يُرْضِكَ خَرَجَ عَنْ
و نه آنکس که بد کند و دليري بر تو کند و خوشنوديت نجويد از تحت قدرت تو بيرون رود
قُدْرَتِكَ، يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ (بگويد تا آنکه نفس قطع شود) [بِكَ] عَرَفْتُكَ،
اي پروردگار من ... × × × × × × × × × × × × × × × × بوسيله خودت من ترا شناختم
وَأَنْتَ دَلَلْتَنِي عَلَيْكَ، وَدَعَوْتَنِي إِلَيْكَ، وَلَوْ لَا أَنْتَ لَمْ أَدْرِ مَا أَنْتَ،
و تو مرا بر خود راهنمايي كردي و بسوي خود خواندي و اگر تو نبودي من ندانستم که تو کسيقي
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَدْعُوهُ فَيَجِيبُنِي، وَإِنْ كُنْتُ بَطِيئاً حِينَ يَدْعُونِي،
ستايش خدايي را که مي خوانم و او پاسخم دهد و اگر چه وقتي مي خوانم بکندي به درگاهش روم
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَسْأَلُهُ فَيُعْطِينِي، وَإِنْ كُنْتُ بَخِيلاً حِينَ يَسْتَقْرِضُنِي،
و ستايش خدايي را که مي خواهم از او و به من عطا مي کند و اگر چه در هنگامی که او از من چيزي قرض خواهد من
بخل کنم

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أُنَادِيهِ كُلَّمَا شِئْتُ لِحَاجَّتِي، وَأَخْلُو بِهِ حَيْثُ شِئْتُ
و ستايش خدايي را که هرگاه براي حاجتي بخواهم او را ندا کنم و هر زمان بخواهم براي
لِسِرِّي بَغِيرِ شَفِيعٍ فَيَقْضِي لِي حَاجَّتِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا أَدْعُو غَيْرَهُ،
راز و نياز بدون واسطه با او خلوت کنم و او حاجتم را برآورد ستايش خدايي را که جز او

وَلَوْ دَعَوْتُ غَيْرَهُ، لَمْ يَسْتَجِبْ لِي دُعَائِي، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا أَرْجُو
کسي را نخواهم و اگر غير او ديگري را مي خواندم دعايم را مستجاب نمي کرد و ستايش خدايي را که بجز او
غَيْرَهُ، وَلَوْ رَجَوْتُ غَيْرَهُ، لَأَخْلَفَ رَجَائِي، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَكَّلَنِي
اميد ندارم و اگر به غير او اميدي داشتم نااميدم مي کرد و ستايش خدايي را که مرا به حضرت خود
إِلَيْهِ فَافْكَرْ مِنِّي، وَلَمْ يَكِلْنِي إِلَيَّ النَّاسُ فَيُهَيِّئُونِي، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
واگذار کرده و از اين رو به من اكرام کرده و به مردم واگذارم نكرده که مرا خوارکنند و ستايش خدايي را که
تَحَبَّبَ إِلَيَّ وَهُوَ غَنِيٌّ عَنِّي، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَحْلُمُ عَنِّي، حَتَّى كَأَنِّي
با من دوستی کند در صورتي که از من بی نیاز است و ستايش خدايي را که نسبت به من بردباري کند تا به جايي که
لَا ذَنْبَ لِي، فَرَبِّي أَحْمَدُ شَيْءٍ عِنْدِي وَأَحَقُّ بِحَمْدِي، اَللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُ
گويا گناهي ندارم پس پروردگار من ستوده ترين چيزها است نزد من و به ستايش من سزاوارتر است خدايا من همه
راههاي
سُبُلِ الْمَطَالِبِ إِلَيْكَ مُشْرَعَةً وَمَنَاهِلَ الرَّجَاءِ إِلَيْكَ مُتْرَعَةً،
مقاصد را به سوي تو باز مي بينم و چشمه هاي اميد را بسويت سرشار مي يابم
وَالْأُسْتَعَاثَةَ بِفَضْلِكَ لِمَنْ أَمْلَكَ مُبَاحَةً، وَأَبْوَابَ الدُّعَاءِ إِلَيْكَ
و ياري جستن به فضل تو براي آرزومندان مباح و بی مانع است و درهاي دعاي بسوي تو براي
لِلصَّارِخِينَ مَفْتُوحَةً، وَأَعْلَمُ أَنَّكَ لِلرَّاجِي بِمَوْضِعِ اجَابَةٍ، وَلِلْمُتَهَوِّفِينَ
فريادکنندگان باز است و به خوبي مي دانم که تو براي اجابت شخص اميدوار آماده اي و براي فريادرسى اندوهگينان
بِمَرَصَدِ اغَاثَةٍ، وَأَنَّ فِي اللَّهْفِ إِلَى جُودِكَ وَالرِّضَا بِقَضَائِكَ عَوْضًا
مهيائي فريادرسى هستی و براستی مي دانم که در پناهندي به جود و کرم و خوشنودي به قضا و قدرت عوضى است
مِنْ مَنَعَ الْبَاخِلِينَ، وَمَنْدُوحَةً عَمَّا فِي أَيْدِي الْمُسْتَائِرِينَ، وَأَنَّ
از جلوگيري کردن بخيلان و گشايشي است از احتياج بدانچه در دست دنياطلبان است و براستی
الرَّاحِلَ إِلَيْكَ قَرِيبُ الْمَسَافَةِ، وَأَنَّكَ لَا تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ، إِلَّا أَنْ
کوچکننده به درگاهت راهش نزديک است و مسلماً تو از خلق خود در حجاب نشوي مگر آنکه
تَحْجِبُهُمُ الْأَعْمَالُ دُونَكَ، وَقَدْ قَصَدْتُ إِلَيْكَ بِطَلَبَتِي، وَتَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ
کردارشان ميان آنها و تو حاجب شود و من با مطلبي که دارم قصد تو را کرده

بِحَاجَتِي وَجَعَلْتُ بِكَ اسْتِغَاثَتِي، وَبِدُعَاكَ تَوَسَّلْتُ مِنْ غَيْرِ

و با حاجت خود رو به درگاه تو آوردم و استغاثه ام را به درگاه تو قرار دادم و دعای تو را دست آویز خود کردم بی آنکه من

اسْتِحْقَاقٍ لِّاسْتِغَاثَةِ مَنِّي، وَلَا اسْتِجَابٍ لِّعَفْوِكَ عَنِّي، بَلْ لِنَقْتِ

استحقاق داشته باشم که تو از من بشنوی و نه مستوجب آنم که از من بگذری بلکه بدان اعتمادی که من

بِكِرَمِكَ، وَسُكُونِي إِلَى صِدْقِ وَعْدِكَ، وَلَجَأُ إِلَى الْإِيمَانِ

به کرم تو دارم و آن اطمینانی که به درستی وعدهات دارم و به خاطر پناهندگیم به ایمان

بِتَوْحِيدِكَ، وَيَقْنِي بِمَعْرِفَتِكَ مِنِّي أَنْ لَا رَبَّ [إِلَى] غَيْرِكَ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا

و اعتقادی که بر یگانگی تو دارم و یقینی که به معرفت و شناسایی تو دارم که می دانم پروردگاری غیر

أَنْتَ، وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، اَللّٰهُمَّ أَنْتَ الْقَائِلُ وَقَوْلُكَ حَقٌّ، وَوَعْدُكَ

تو نیست و معبودی جز تو وجود ندارد یگانه ای که شریکی برایت نیست خدایا تو فرمودی و گفتارت حق و وعدهات

صِدْقٌ، وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا، وَلَيْسَ مِنْ

راست است (که فرمودی) «و درخواست کنید خدا را از فضلش که براستی او به شما مهربان است» و رسم تو چنان

نیست

صِفَاتِكَ يَا سَيِّدِي أَنْ تَأْمُرَ بِالسُّؤَالِ وَتَمْنَعَ الْعَطِيَّةَ وَأَنْتَ الْمَنَّانُ

ای آقای من که دستور سؤال بدهی ولی از عطا و بخشش دریغ نموده و خودداری کنی و تویی بخشاینده

بِالْعَطِيَّاتِ عَلَيَّ أَهْلَ مَمْلَكَتِكَ، وَالْعَائِدُ عَلَيْهِمْ بِتَحْتِنِ رَأْفَتِكَ، إلهي

به عطایا بر اهل کشور خود و متوجه بدانها به مهربانی و رأفت خدایا

رَبِّتَنِي فِي نِعْمِكَ وَإِحْسَانِكَ صَغِيرًا، وَتَوَهَّتَ بِاسْمِي كَبِيرًا، يَا مَنْ

مرا در خردسالی در نعمتها و احسان خویش پروریدی و در بزرگی نامم را بر سر زبانها بلند کردی پس ای که

رَبَّنَا فِي الدُّنْيَا بِإِحْسَانِهِ وَتَفَضُّلِهِ وَنِعْمِهِ، وَأَشَارَ لِي فِي الْآخِرَةِ

در دنیا مرا به احسان و فضل و نعمتهای خود پروریدی و برای آخرتم

إِلَى عَفْوِهِ وَكَرَمِهِ، مَعْرِفَتِي يَا مَوْلَايَ دَلِيلِي عَلَيْكَ، وَحُبِّي لَكَ شَفِيعِي

به عفو و کرم اشارت فرمودی ای مولای من شناساییم به تو راهنمای من بسوی تو است و محبتی که به تو دارم شفیع من

است

إِلَيْكَ، وَأَنَا وَاتِقٌ مِنْ دَلِيلِي بِدَلَالَتِكَ وَسَاكِنٌ مِنْ شَفِيعِي إِلَى
به درگاهت و من از راهنمایی کردن این دلایلم بسوی تو مطمئنم و از پذیرفتن شفیعم از جانب تو
شَفَاعَتِكَ، أَدْعُوكَ يَا سَيِّدِي بِلِسَانٍ قَدْ أَخْرَسَهُ ذَنْبُهُ، رَبِّ أَنْاجِيكَ
آسوده خاطر می خوانم ای آقای من به زبانی که گناه لالش کرده پروردگارا با تو راز گویم
بِقَلْبٍ قَدْ أَوْبَقَهُ جُرْمُهُ، أَدْعُوكَ يَا رَبِّ رَاهِبًا رَاغِبًا رَاجِيًا خَائِفًا، إِذَا
بوسیله دلی که جنایت به هلاکتش کشانده می خوانم ای پروردگار من هراسان و خواهان و امیدوار و ترسان،
رَأَيْتُ مَوْلَايَ ذُنُوبِي فَرَعْتُ، وَإِذَا رَأَيْتُ كَرَمَكَ طَمِعْتُ، فَإِنْ عَفَوْتَ
ای مولای من هنگامی که گناهانم را مشاهده می کنم هراسان شوم و چون بزرگواری تو را بینم به طمع افتم خدایا اگر
بگذری

فَخَيْرٌ رَاحِمٍ، وَإِنْ عَذَّبْتَ فَغَيْرُ ظَالِمٍ، حُجَّتِي يَا اللَّهُ فِي جُرْأَتِي عَلَيَّ
بهترین مهرورزی و اگر عذاب کنی ستم نکرده ای، دلیل و بهانه من ای خدا در اینکه دلیری کنم
مَسْئَلَتِكَ مَعَ إِيثَابِي مَا تَكَرَّرَ جُودُكَ وَكَرَمُكَ، وَعُدَّتِي فِي شِدَّتِي مَعَ
در سؤال کردن از تو با اینکه رفتارم خوشایند تو نیست همان جود و کرم تو است و ذخیره من در سختیم با
قِلَّةِ حَيَاتِي رَأْفَتُكَ وَرَحْمَتُكَ، وَقَدْ رَجَوْتُ أَنْ لَا تَخِيبَ بَيْنَ ذَيْنِ
بی شرمی من همان رأفت و مهربانی تو است و برآستی امیدوارم که نومید مکنی میان این و آن آرزویم را
وَذَيْنِ مُنِيَّتِي، فَحَقِّقْ رَجَائِي، وَاسْمَعْ دُعَائِي، يَا خَيْرَ مَنْ دَعَا دَاعٍ،
پس امیدم را صورت عمل ده و دعایم را شنیده گیر ای بهترین کسی که خوانندگان بخوانندش
وَأَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ، عَظَمَ يَا سَيِّدِي أَمَلِي، وَسَاءَ عَمَلِي، فَأَعْطِنِي
و برتر کسی که امیدواران بدو امید دارند ای آقایم آرزویم بزرگ و عملم زشت است پس تو
مِنْ عَفْوِكَ بِمِقْدَارِ أَمَلِي، وَلَا تُؤَاخِذْنِي بِأَسْوَأِ عَمَلِي، فَإِنْ كَرَمَكَ
از عفو خویش به اندازه آرزویم به من بده و مرا به بدترین عملم مؤاخذه مکن زیرا کرم تو برتر است
يَجِلُّ عَنْ مُجَازَاةِ الْمُذْنِبِينَ، وَحِلْمِكَ يَكْبُرُ عَنْ مُكَافَاةِ الْمُقْصِرِينَ،
از مجازات گنهکاران و بردباریت بزرگتر است از مکافات تقصیرکاران
وَأَنَا يَا سَيِّدِي عَائِدٌ بِفَضْلِكَ، هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ مُتَنَجِّزٌ مَا وَعَدْتَ مِنْ
و من ای آقایم به فضلت پناهنده گشته و از تو بسوی خودت گریخته ام و خواستارم آنچه را وعده کردی از

الصَّفْحَ عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ ظَنًّا، وَمَا أَنَا يَا رَبُّ وَمَا خَطَرِي، هَبْنِي
 چشم پوشی نسبت به کسی که خوش گمان به تو است، من چه ام پروردگارا؟ و چه اهمیتی دارم؟ مرا
 بِفَضْلِكَ، وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ، أَيُّ رَبِّ جَلَّلْنِي بِسِتْرِكَ، وَاعْفُ عَنِّي
 به فضل خویش ببخش با عفو خود بر من نیکی کن و منت گذار، پروردگارا مرا به پوشش خود بیوشان
 تَوْبِيخِي بِكَرَمٍ وَجْهِكَ، فَلَوْ اطَّلَعَ الْيَوْمَ عَلَيَّ ذَنْبِي غَيْرُكَ مَا فَعَلْتُهُ،
 و به کرم ذات از سرزنش کردن من در گذر پس اگر دیگری جز تو بر گناه من آگاه می شد آن گناه را انجام نمی دادم
 وَلَوْ خِفْتُ تَعْجِيلَ الْعُقُوبَةِ لَا اجْتَنَبْتُهَا، لَا لَأَنَّكَ أَهْوَنُ النَّاطِرِينَ، وَآخَفُ
 و اگر از زود به کیفر رسیدن می ترسیدم باز هم خودداری می کردم و اینکه با این وصف گناه کردم نه برای آن بود که تو
 سبکترین بینندگان
 الْمُطَّلِعِينَ، [عَلَيَّ] لَأَنَّكَ يَا رَبُّ خَيْرُ السَّاتِرِينَ، وَأَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ،
 و یا بی مقدارترین مطلعین هستی بلکه برای آن بود که تو ای پروردگار من بهترین پوشندگان و حکم کننده ترین حاکمان
 وَأَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ، سَتَّارُ الْغُيُوبِ، غَفَّارُ الذُّنُوبِ، عَلَامُ الْغُيُوبِ، تَسْتُرُ
 و گرامی ترین گرامیان و پوشاننده عیوب و آمرزنده گناهانی گناه را به کرم می پوشانی
 الذُّنُوبِ بِكَرَمِكَ، وَتُوَخَّرُ الْعُقُوبَةُ بِحِلْمِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ حِلْمِكَ بَعْدَ
 و کیفر را به واسطه بردباریت به تأخیر اندازی پس تو را ستایش سزا است بر بردباریت پس
 عِلْمِكَ، وَعَلَيَّ عَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ، وَيَحْمِلُنِي وَيَجْرُتُنِي عَلَيَّ
 از دانستن و بر گذشتت پس از توانایی داشتن و همین گذشتت تو از من مرا وادار کرده و دلیر ساخته بر
 مَعْصِيَتِكَ حِلْمِكَ عَنِّي، وَيَدْعُونِي إِلَى قِلَّةِ الْحَيَاءِ سِتْرُكَ عَلَيَّ،
 نافرمانیت و همان پرده پوشیت بر من مرا به بی شرمی واداشته
 وَيُسْرِعُنِي إِلَى التَّوْبِ عَلَيَّ مَحَارِمِكَ مَعْرِفَتِي بِسَعَةِ رَحْمَتِكَ،
 و همان معرفتی که من به فراخی رحمت دارم و بزرگی عفو مرا بدست زدن به کارهای حرام شتابان می کند
 وَعَظِيمُ عَفْوِكَ، يَا حَلِيمُ يَا كَرِيمُ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا غَافِرَ الذُّنُوبِ، يَا
 ای بردبار ای بزرگوار ای زنده و ای پاینده ای آمرزنده گناه ای
 قَابِلَ التَّوْبِ، يَا عَظِيمَ الْمَنِّ، يَا قَدِيمَ الْإِحْسَانِ، أَتَيْنَ سِتْرُكَ الْجَمِيلُ،
 پزیرنده گناه ای بزرگ نعمت ای دیرینه احسان کجاست پرده پوشی زیبایت؟

أَيْنَ عَفْوِكَ الْجَلِيلُ، أَيْنَ فَرْجِكَ الْقَرِيبُ، أَيْنَ غِيَاثِكَ السَّرِيعُ، أَيْنَ
كجاست گذشت بزرگت؟ كجاست گشایش نزدیكت؟ كجاست فریادرسی فوریت؟ كجاست
رَحْمَتُكَ الْوَاسِعَةُ، أَيْنَ عَطَايَاكَ الْفَاضِلَةُ أَيْنَ مَوَاهِبُكَ الْهَنِيئَةُ، أَيْنَ
رحمت وسیعت؟ كجاست عطاهاي برجستهات؟ كجاست بخششهاي دلچسبت؟ كجاست
صَنَائِعُكَ السَّنِيَّةُ، أَيْنَ فَضْلُكَ الْعَظِيمُ، أَيْنَ مَنُّكَ الْجَسِيمُ، أَيْنَ
نیکی های شایانت؟ كجاست فضل عظیمت؟ كجاست نعمت بزرگت؟ كجاست
إِحْسَانُكَ الْقَدِيمُ، أَيْنَ كَرَمُكَ يَا كَرِيمُ بِهِ وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَاسْتَنْقِذْنِي
احسان دیرینهات؟ كجاست كرم ت؟ ای کریم بدان (چه گفتم) و به محمد و آل محمد مرا نجات ده
وَبِرَحْمَتِكَ فَخَلِّصْنِي، يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ، يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ، لَسْتُ أَتَكَلُّ فِي
و به رحمت خلاصم کن ای نیکو ای نیکو بخش ای نعمت ده ای زیاده بخش چنان نیست که من برای
الْتَّجَاةِ مِنْ عِقَابِكَ عَلَي أَعْمَالِنَا، بَلْ بِفَضْلِكَ عَلَيْنَا، لِأَنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى
نجات از عقاب تو به کارها مان تکیه کنم بلکه به فضلی که بر ما داری تکیه زخم زیرا تو اهل تقوی
وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ، تُبْدِي بِالْإِحْسَانِ نِعْمًا، وَتَعْفُو عَنِ الذُّبِّ كَرَمًا، فَمَا
و شایسته آمرزشی آغاز کنی به احسان از روی نعمت بخشی و گذشت کنی از گناه از روی کرم و بزرگواری و با این
وضع

نَدْرِي مَا تُشْكُرُ أَجْمِيلًا مَا تَنْشُرُ، أَمْ قَبِيحَ مَا تَسْتُرُ أَمْ عَظِيمَ مَا أَبْلَيْتَ
ما ندانیم کدامیک را سپاس گوئیم: آن نیکیها که پراکنده کنی یا زشتیها که بیوشانی یا بزرگ آزمایشت
وَأَوَّلَيْتَ، أَمْ كَثِيرَ مَا مِنْهُ تُجَبِّتَ وَعَافَيْتَ، يَا حَبِيبَ مَنْ تُحَبِّبُ إِلَيْكَ،
و شایستگی نعمت یا آن همه چیزهایی که ما را از آن نجات داده و عافیت دادی ای دوست کسی که با تو دوستی کند
وَيَا قُرَّةَ عَيْنٍ مَنْ لَا ذَبَّكَ وَأَنْقَطَعَ إِلَيْكَ أَنْتَ الْمُحْسِنُ وَنَحْنُ
و ای نور دیده کسی که پناه به تو آرد و از دیگران برد توپی نیکوکار و ماییم
الْمُسِيئُونَ، فَتَجَاوَزَ يَا رَبُّ عَنْ قَبِيحَ مَا عِنْدَنَا بِجَمِيلِ مَا عِنْدَكَ، وَأَيُّ
گنهکار پس درگذر ای پروردگار از زشتیهای ما به نیکیهای خود و کدام
جَهْلٍ يَا رَبُّ لَا يَسَعُهُ جُودُكَ، أَوْ أَيُّ زَمَانٍ أَطْوَلَ مِنْ أَنْتَكَ، وَمَا قَدْرُ
نادانی است ای پروردگار که جود تو فرایش نگیرد و چه روزگاری درازتر از زمان بردباری تو است و چه ارزشی دارد

أَعْمَالِنَا فِي جَنْبِ نِعْمِكَ، وَكَيْفَ نَسْتَكْثِرُ أَعْمَالاً تُقَابِلُ بِهَا كَرَمَكَ، بَلْ
اعمال ما در جنب نعمت‌های تو چگونه زیاد بشمریم اعمال (بدمان) را که بتوانیم آنها را برابر با کرم تو کنیم بلکه
كَيْفَ يَضِيقُ عَلَيَّ الْمُذْنِبِينَ مَا وَسِعَهُمْ مِنْ رَحْمَتِكَ، يَا وَاسِعَ
چگونه ممکن است میدان بر گنهکاران تنگ شود با آن رحمت وسعت
الْمَغْفِرَةِ، يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ فَوْعِزَتِكَ يَا سَيِّدِي لَوْ تَهَرَّتْنِي
که ایشان را فراگرفته ای وسیع آرمزش ای دو دست به رحمت باز سوگند به عزتت ای آقای من اگرچه برانیم
مَا بَرَحْتُ مِنْ بَابِكَ، وَلَا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ لِمَا أَتَتْهُ إِلَيَّ مِنَ
من از در خانه‌ات برنخیزم و از تملق و چاپلوسیت دست برندارم چون
الْمَعْرِفَةِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ، وَأَتَتْ الْفَاعِلُ لِمَا تَشَاءُ، تُعَذِّبُ مَنْ تَشَاءُ،
اطلاع از جود و کرمت پیدا کرده‌ام و تویی کننده هرچه بخوای عذاب کنی هرکه را خواهی
بِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ، وَتَرْحَمُ مَنْ تَشَاءُ بِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ، لَا
هرچه خواهی بهرطور که خواهی و رحم کنی هر که را خواهی هرچه خواهی هرطور که خواهی
تُسَلُّ عَنْ فِعْلِكَ، وَلَا تُنَازِعُ فِي مُلْكِكَ، وَلَا تُشَارِكُ فِي أَمْرِكَ، وَلَا
بازپرسی از کار تو نشود و نزاعی در فرمانروایت رخ ندهد و شریکی در کارت نباشد
تُضَادُّ فِي حُكْمِكَ، وَلَا يَعْتَرِضُ عَلَيْكَ أَحَدٌ فِي تَدْبِيرِكَ، لَكَ الْخُلُقُ
و ضدیتی در حکمت نباشد و کسی نیست که در تدبیر تو بر تو اعتراض کند آفرینش
وَالْأَمْرُ، تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ، يَا رَبُّ هَذَا مَقَامٌ مِنْ لَذَائِكَ
و دستور از تو است برتر است خدا پروردگار جهانیان پروردگارا این جایگاه کسی است که به تو
وَاسْتَجَارَ بِكَرَمِكَ، وَأَلْفَ إِحْسَانِكَ وَنِعْمِكَ، وَأَتَتْ الْجَوَادُ الَّذِي
روی آورده و به کرمت پناه بسته و به احسان و نعمت خو گرفته و تویی بخشاینده ای که
لَا يَضِيقُ عَفْوُكَ، وَلَا يَنْقُصُ فَضْلُكَ، وَلَا تَقِلُّ رَحْمَتُكَ وَقَدْ تَوَقَّعْنَا
تنگ ناید عفو تو و کاهش نیابد فضل و بخشش تو و کم نگردد مهر و رحمت تو و ما
مِنْكَ بِالصَّفْحِ الْقَدِيمِ، وَالْفَضْلِ الْعَظِيمِ، وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ، أَفْتَرَاكَ يَا
بدان چشم‌پوشی دیرینه و فضل عظیم و رحمت پهناور اعتماد کرده‌ایم آیا چنان می‌بینی
رَبُّ تَخْلِفُ ظُنُونَنَا أَوْ تُحَيِّبُ آمَالَنَا، كَلَّا يَا كَرِيمُ فَلَيْسَ هَذَا ظَنُّنَا بِكَ،

پروردگارا که برخلاف گمانهای ما رفتار کنی یا آرزوهایمان نوید کنی؟ هرگز! ای کریم چون ما چنین گمانی به تو نداریم
وَلَا هَذَا فَيْكَ طَمَعُنَا، يَا رَبِّ إِنَّ لَنَا فَيْكَ أَمَلًا طَوِيلًا كَثِيرًا، إِنَّ لَنَا فَيْكَ
و طمع ما درباره تو اینگونه نیست پروردگارا براستی ما درباره تو آرزوی دراز و بسیاری داریم براستی ما نسبت به تو
رَجَاءٌ عَظِيمًا، عَصِيْنَاكَ وَنَحْنُ نَرْجُو أَنْ تَسْتُرَ عَلَيْنَا وَدَعْوَانَا وَنَحْنُ
امید بزرگ و زیادی داریم، تو را نافرمانی کردیم ولی امیدواریم که تو بیوشانی بر ما و خواندیم تو را و امیدواریم
نَرْجُو أَنْ تَسْتَجِيبَ لَنَا، فَحَقِّقْ رَجَائَنَا مَوْلَانَا، فَقَدْ عَلِمْنَا مَا نَسْتَوْجِبُ
که تو اجابت کنی ما را پس امید ما را تحقق بخش ای مولای ما که براستی ما می دانیم که به اعمالمان مستوجب
چه (پاداشی)

بِأَعْمَالِنَا، وَلَكِنْ عَلِمْنَا فِينَا وَعَلِمْنَا بِأَنَّكَ لَا تَصْرِفُنَا عَنْكَ، وَإِنْ كُنَّا
هستیم ولی علم تو درباره ما و علم ما درباره تو این است که ما را از درگاهت نرانی و اگرچه ما
غَيْرُ مُسْتَوْجِبِينَ لِرَحْمَتِكَ، فَأَتَتْ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَيْنَا، وَعَلَى الْمُذْنِبِينَ
مستوجب رحمت تو نیستیم ولی تو شایسته آنی که بر ما بخشش کنی و بر گنهکاران
بِفَضْلِ سَعَتِكَ، فَاثْنُ عَلَيْنَا بِمَا أَتَتْ أَهْلُهُ، وَجُدْ عَلَيْنَا فَإِنَّا مُحْتَاجُونَ
به فضل وسعت توجه فرمایی پس بر ما منت گذار بدانچه تو شایسته آنی و بر ما جود کن که ما نیازمند
إِلَى نَيْلِكَ، يَا غَفَّارُ بِنُورِكَ اهْتَدَيْنَا وَبِفَضْلِكَ اسْتَعْنَيْنَا وَبِنِعْمَتِكَ
عطای تویم ای آمرزنده به نور تو راه یافتیم و به فضل تو بی نیازی جستیم و به نعمت تو
أَصْبَحْنَا وَأَمْسَيْنَا، ذُنُوبُنَا بَيْنَ يَدَيْكَ، نَسْتَغْفِرُكَ اللَّهُمَّ مِنْهَا وَنَتُوبُ
صبح و شام کردیم گناهان ما پیش روی تو است که ما از آنها آمرزش خواهیم و بسویت توبه کنیم
إِلَيْكَ، تَتَحَبَّبُ إِلَيْنَا بِالنِّعَمِ وَتُعَارِضُكَ بِالذُّنُوبِ، خَيْرُكَ إِلَيْنَا نَازِلٌ،
تو با نعمتهایت بر ما دوستی کنی و ما به گناهان با تو معارضه و برابری کنیم خیر تو بر ما نازل گردد
وَشَرُّنَا إِلَيْكَ صَاعِدٌ، وَلَمْ يَزَلْ وَلَا يَزَالُ مَلَكٌ كَرِيمٌ يَأْتِيكَ عَنَّا بِعَمَلٍ
و در برابر شر ما بسوی تو بالا آید و تو همیشه تا بوده و هست پادشاه بزرگوار و کریمی بوده ای که از جانب ما کارهای
قَبِيحٍ، فَلَا يَمْنَعُكَ ذَلِكَ مِنْ أَنْ تَحُوطُنَا بِنِعْمِكَ، وَتَفْضَلَ عَلَيْنَا بِآلَائِكَ،
زشت بسوی تو آید ولی آنها جلوگیری نکند از اینکه ما را به نعمت های خود فراگیری و خود بر ما تفضل کنی
فَسُبْحَانَكَ مَا أَحْلَمَكَ وَأَعْظَمَكَ وَكَرَمَكَ مُبْدَأً وَمُعِيداً، تَقَدَّسَتْ

پس منزهی تو که چقدر بردباری و چه بزرگ و کریمی چه در آغاز (نعمت) و چه در ادامه آن نامهایت مقدس
اَسْمَائُكَ، وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ، وَكَرُمَ صَنَائِعُكَ وَفَعَالُكَ، اَنْتَ اِلهِي اَوْسَعُ
و ستایشت ارجمند است و کارها و رفتار گرانهاست فضل تو ای معبود من
فَضْلًا، وَاعْظَمُ حِلْمًا مِنْ اَنْ تُقَاسِنِي بِفِعْلِي وَخَطِيئَتِي، فَالْعَفْوُ الْعَفْوُ
و سببتر و بردباریت بزرگتر از آنست که مرا به کردار و گناهم بسنجی از من درگذر درگذر
الْعَفْوُ، سَيِّدِي سَيِّدِي، اَللّٰهُمَّ اشْعَلْنَا بِذِكْرِكَ، وَاعْذِنَا مِنْ
درگذر ای آقای من... آقای من... آقای من خدایا ما را به ذکر خود مشغول کن و از
سَخَطِكَ، وَاجِرْنَا مِنْ عَذَابِكَ، وَارْزُقْنَا مِنْ مَوَاهِبِكَ، وَانْعِمْ عَلَيْنَا مِنْ
خسمت پناهمان ده و از عذابت امانمان ده و از بخششهایت روزیمان گردان و از
فَضْلِكَ، وَارْزُقْنَا حَاجَّ بَيْتِكَ وَزِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ، صَلَوَاتِكَ وَرَحْمَتِكَ
فضل خود بر ما انعام کن و روزی ما کن حج خانهات و زیارت قبر پیامبرت را که درود تو و رحمت
وَمَغْفِرَتِكَ وَرِضْوَانِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى اَهْلِ بَيْتِهِ، اِنَّكَ قَرِيبٌ مُجِيبٌ،
و آمرزش و خوشنودیت بر او و بر خاندانش باد که براستی تو به خلق نزدیکی و اجابت کننده دعایی
وَارْزُقْنَا عَمَلًا بِطَاعَتِكَ، وَتَوْفَقًا عَلَيِّ مِلَّتِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللّٰهُ
و عمل به طاعتت را روزی ما گردان و بر کیش خودت و روش پیامبرت - که درود تو
عَلَيْهِ وَآلِهِ، اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا،
بر او و آتش باد - ما را بمیران خدایا بیامرز مرا و پدر و مادر مرا و برایشان رحم کن چنانچه مرا در کودکی پروریدند
اجْرِهُمَا بِالْاِحْسَانِ اِحْسَانًا، وَبِالسَّيِّئَاتِ غُفْرَانًا، اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ
و پاداششان بده در برابر نیکی به نیکی و در مقابل بدیها به آمرزش خدایا بیامرز
لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، الْاَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْاَمْواتِ، وَتَابِعْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ
مردان و زنان باایمان را چه زندگانشان و چه مردگانشان را و پیوند ده میان ما و ایشان را
بِالْخَيْرَاتِ، اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِحَيِّنَا وَمَيِّتِنَا، وَشَاهِدِنَا وَغَائِبِنَا، ذَكِّرْنَا وَاُنْثَانَا،
در نیکیها خدایا بیامرز زنده ما و مرده ما و حاضر ما و غائب ما، مرد ما و زن ما را؛
صَغِيرِنَا وَكَبِيرِنَا، حُرَّنَا وَمَمْلُوكِنَا، كَذَبَ الْعَادِلُونَ بِاللّٰهِ، وَضَلُّوا ضَلَالًا
کوچک ما و بزرگ ما را، آزاد ما و برده ما را، دروغ گفتند برگشتگان از خدا و گمراه شدند گمراهی

بَعِيداً، وَخَسِرُوا خُسْرَاناً مُّبِيناً، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
دوري و زيان کردند زيان آشكاري خدايا درود فرست بر محمد و آل محمد
وَاخْتِمْ لِيْ بِخَيْرٍ، وَاكْفِنِيْ مَا اَهَمَّنِيْ مِنْ اَمْرِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِيْ،
و كارم را ختم به خير كن و كفایت كن آنچه اندیشه‌ام را به خود مشغول کرده از كار دنيا و آخرتم
وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ مَنْ لَا يَرْحُمُنِيْ، وَاجْعَلْ عَلَيَّ مِنْكَ وَاقِيَةً بَاقِيَةً، وَلَا
و مسلط مكن بر من كسي را كه به من رحم نكند و بنه بر من از نزد خود نگهدارنی هميشگي و
تَسْلُبْنِيْ صَالِحَ مَا اَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ، وَارْزُقْنِيْ مِنْ فَضْلِكَ رِزْقاً وَاسِعاً
از من نعمتهاي شايسته خود را كه به من داده‌اي سلب مفرما و از فضل خویش روزي فراخ
حَلَالاً طَيِّباً، اَللّٰهُمَّ اَحْرُسْنِيْ بِحِرَاسَتِكَ، وَاحْفَظْنِيْ بِحِفْظِكَ، وَاکْلَأْنِيْ
و حلال و پاكي براي من روزي گردان خدايا به نگهدارنی خود مرا نگهدارنی فرما و به حفظ خود حفظم كن و در حمايت
خود

بِكَلَائِكَ وَارْزُقْنِيْ حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِيْ عَامِنَا هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ،
نگاهداريم كن و روزي من كن حج خانه محترمت را در اين سال و در هر سال
وَزِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ وَالْأَيْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَلَا تُخْلِنِيْ يَا رَبَّ مِنْ
و زيارت قبر پيغمبرت و قبور ائمه عليهم السلام را و محروم مكن پروردگارا از
تِلْكَ الْمَشَاهِدِ الشَّرِيفَةِ، وَالْمَوَاقِفِ الْكَرِيمَةِ، اَللّٰهُمَّ تُبَّ عَلَيَّ حَتَّى
زيارت اين مشاهد شريفه و زيارتگاههاي گرامي خدايا توبه‌ام ده تا
لَا اَعْصِيْكَ، وَالْهَمْنِي الْخَيْرَ وَالْعَمَلَ بِهِ، وَخَشَيْتَكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مَا
نافرمانيت نكنم و به دلم انداز كار نيك را و عمل بدان و ترست را در شب و روز تا هنگامي كه
اَبْقَيْتَنِيْ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ كَلَّمَا قُلْتُ قَدْ تَهَيَّأْتُ وَتَعَبَّأْتُ
در اين دنيا زنده‌ام داري اي پروردگار جهانيان خدايا من هر زمان پيش خود گفتم كه ديگر مهيا و مجهز شده‌ام
وَقُمْتُ لِلصَّلَاةِ بَيْنَ يَدَيْكَ وَنَاجَيْتُكَ، اَلْفَيْتَ عَلَيَّ نِعَاساً اِذَا اَنَا
و برخاستم براي خواندن نماز در برابرت و با توبه راز پرداختم تو بر من چُرت و پينكي را مسلط كردي در آن هنگامي
كه

صَلَّيْتُ، وَسَلَّيْتُ مُنَاجَاةً اِذَا اَنَا نَاجَيْتُ، مَا لِيْ كَلَّمَا قُلْتُ قَدْ

داخل نماز شدم و حال مناجات را از من گرفتی در آن وقتی که به راز و نیاز پرداختم، مرا چه شده است که هرگاه با خود گفتم

صَلَحْتُ سَرِيرَتِي، وَقَرُبَ مِنْ مَجَالِسِ التَّوَّابِينَ مَجْلِسِي، عَرَضْتُ

باطن و درونم نیکو شده و نزدیک شده از مجالس توبه‌کنندگان مجلس من، گرفتاری

لی بلیّه ازالّت قدّمتی، وَحَالَتَ بَيْنِي وَبَيْنَ خِدْمَتِكَ، سَيِّدِي لَعَلَّكَ عَنْ

و پیش‌آمدي برایم رخ داده که پایم لغزش پیدا کرده و میان من و خدمتگذاریت حائل گشته ای آقاي من شاید مرا از در

بابك طردتني، وَعَنْ خِدْمَتِكَ نَحَيْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُسْتَخِفًّا

خانهات رانده‌ای و از خدمتت دورم کرده‌ای یا شاید دیده‌ای سبک شمارم

بِحَقِّكَ فَأَقْصَيْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُعْرِضًا عَنْكَ فَقَلَيْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ

حَقَّتْ رَأْيَ دُورَمِ دُورَمِ کرده‌ای یا شاید دیده‌ای از تو رو گردانده‌ام پس خشمم کرده‌ای یا شاید مرا

وَجَدْتَنِي فِي مَقَامِ الْكَاذِبِينَ فَرَفَضْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي غَيْرَ شَاكِرٍ

در جایگاه دروغگویانم دیده‌ای پس رهایم کرده‌ای یا شاید دیده‌ای سپاسگزار

لِعُمَائِكَ فَحَرَمْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ فَقَدْتَنِي مِنْ مَجَالِسِ الْعُلَمَاءِ فَخَذَلْتَنِي،

نعمتهایت نیستم پس محرومم ساخته‌ای یا شاید مرا در مجلس علماء نیافته‌ای پس خوارم کرده‌ای

أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي فِي الْغَافِلِينَ فَمِنْ رَحْمَتِكَ آيَسْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ

یا شاید مرا در زمره غافلانم دیده‌ای پس از رحمت خویش بی‌بهره‌ام کرده‌ای یا شاید

رَأَيْتَنِي أَلْفَ مَجَالِسِ الْبُطَّالِينَ فَبَيْنِي وَبَيْنَهُمْ خَلَيْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ لَمْ

مرا مأنوس با مجالس بیهوده گذرانم دیده‌ای پس مرا به آنها وا گذاشته‌ای یا شاید

تُحِبُّ أَنْ تَسْمَعَ دُعَائِي فَبَاعَدْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ يَجْرُمِي وَجَرِيرَتِي

دوست نداشتی دعایم را بشنوی پس از درگاهت دورم کرده‌ای یا شاید به جرم و گناهم کیفرم داده‌ای

كَافَيْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ بِقِلَّةِ حَيَاتِي مِنْكَ جَازَيْتَنِي، فَإِنْ عَفَوْتَ يَا رَبِّ

یا شاید به بی‌شرمیم مجازاتم کرده‌ای پس اگر از من بگذری پروردگارا

فَطَالَ مَا عَفَوْتَ عَنِ الْمُذْنِبِينَ قَبْلِي، لِأَنَّ كَرَمَكَ أَيُّ رَبِّ يَجِلُّ عَنْ

بجاست چون بسیار اتفاق افتاده که از گنهکاران پیش از من گذشته‌ای زیرا کرم تو پروردگارا برتر از

مُكَافَاتِ الْمُقْصِرِينَ، وَأَنَا عَائِدٌ بِفَضْلِكَ، هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ، مُتَنَجِّرٌ مَا

کیفر کردن تقصیرکاران است و من پناهنده به فضل توام و از ترس تو بسوی خودت گریخته‌ام و درخواست
وَعَدْتُ مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ ظَنًّا، إلهي أَتَى أَوْسَعُ فَضْلًا
انجام وعدهات را در چشم‌پوشی از کسی که خوش گمان به تو است دارم خدایا تو فضلت و سيعتر
وَأَعْظَمُ حِلْمًا مِنْ أَنْ تُقَايِسَنِي بِعَمَلِي، أَوْ أَنْ تُسْتَرْلَنِي بِخَطِيئَتِي، وَمَا
و بردباریت بزرگتر از آنست که مرا به کردارم بسنجی یا اینکه مرا به خطایم بلغزانی و چه
أَنَا يَا سَيِّدِي وَمَا خَطَرِي، هَبْنِي بِفَضْلِكَ سَيِّدِي، وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ
هستم من ای آقای من و چه ارزشی دارم؟ مرا به فضل خویش ببخش ای آقای من و بر من
بِعَفْوِكَ، وَجَلِّلْنِي بِسِتْرِكَ، وَاعْفُ عَن تَوْبِيخِي بِكَرَمٍ وَجْهِكَ سَيِّدِي
با عفو خود نیکی کن و با پرده‌پوشیت بیوشانم و درگذر از سرزنش کردم به بزرگواری ذات آقای من
أَنَا الصَّغِيرُ الَّذِي رَبَّيْتَهُ وَأَنَا الْجَاهِلُ الَّذِي عَلَّمْتَهُ، وَأَنَا الضَّالُّ الَّذِي
من همان بنده خردسالی هستم که پروریدی و همان نادانی هستم که دانایش کردی و همان گمراهی هستم که
هَدَيْتَهُ، وَأَنَا الْوَضِيعُ الَّذِي رَفَعْتَهُ، وَأَنَا الْخَائِفُ الَّذِي آمَنْتَهُ، وَالْجَائِعُ
راهنمایی کردی و همان پستی هستم که بلندش کردی و همان ترسانی هستم که امانش دادی و گرسنه‌ای هستم
الَّذِي أَشْبَعْتَهُ، وَالْعَطْشَانُ الَّذِي أَرَوَيْتَهُ، وَالْعَارِي الَّذِي كَسَوْتَهُ،
که سیرش کردی و تشنه‌ای هستم که سیرابش کردی و برهنه‌ای هستم که پوشاندیش
وَالْفَقِيرُ الَّذِي أَغْنَيْتَهُ، وَالضَّعِيفُ الَّذِي قَوَّيْتَهُ، وَالذَّلِيلُ الَّذِي أَعَزَّزْتَهُ،
و ناداری هستم که دارایش کردی و ناتوانی هستم که نیرومندش کردی و خواری هستم که عزیزش کردی
وَالسَّقِيمُ الَّذِي شَفَيْتَهُ، وَالسَّائِلُ الَّذِي أَعْطَيْتَهُ، وَالْمُذْنِبُ الَّذِي
و دردمندی هستم که درمانش کردی و خواهنده‌ای هستم که عطایش کردی و گنهکاری هستم که
سَتَرْتَهُ، وَالْخَاطِئُ الَّذِي أَقْلَنْتَهُ، وَأَنَا الْقَلِيلُ الَّذِي كَثَّرْتَهُ، وَالْمُسْتَضْعَفُ
گناهانش را پوشاندی و خطاکاری هستم که از او گذشتی و اندکی هستم که بسیارش کردی و خوارش کرده‌ای هستم
الَّذِي نَصَرْتَهُ، وَأَنَا الطَّرِيدُ الَّذِي آوَيْتَهُ، أَنَا يَا رَبِّ الَّذِي لَمْ أَسْتَحْيِكَ
که یارایش کردی و آواره‌ای هستم که جا و مأوایش دادی منم پروردگارا آن کسی که در خلوت از تو شرم نکردم
فِي الْخَلَاءِ، وَلَمْ أُرَاقِبْكَ فِي الْمَلَأِ، أَنَا صَاحِبُ الدَّوَاهِي الْعُظْمَى، أَنَا
و در آشکارا هم رعایت تو را نکردم منم صاحب مصیبتها و ماجراهای بزرگ منم

الَّذِي عَلَيَّ سَيِّدِهِ اجْتَرِي، أَنَا الَّذِي عَصَيْتُ جَبَّارَ السَّمَاءِ، أَنَا الَّذِي
كسي که بر آقاي خود دليري کرده منم کسي که نافرمانی برپا دارنده آسمانها را کرده ام منم کسي که
أَعْطَيْتُ عَلَيَّ مَعَاصِيَ الْجَلِيلِ الرَّشَا، أَنَا الَّذِي حِينَ بُشِّرْتُ بِهَا
براي نافرمانيهاي بزرگي که کرده ام رشوه داده ام منم آن کسي که هرگاه نويد گناهي رابه من مي دادند
خَرَجْتُ إِلَيْهَا أَسْعِي، أَنَا الَّذِي أَمْهَلْتَنِي فَمَا ارْعَوَيْتُ، وَسَتَرْتَ عَلَيَّ
بسويش شتابان مي رفتم منم که مهلتم دادي ولی من به خود نيادم و بر من پوشاندي
فَمَا اسْتَحْيَيْتُ، وَعَمِلْتُ بِالْمَعَاصِي فَتَعَدَّيْتُ، وَأَسْقَطْتَنِي مِنْ عَيْنِكَ
ولی من شرم نکردم و نافرمانيهاي کردم و از حد گذراندم و از چشم خود مرا انداختی و من اعتنا نکردم
فَمَا بِالْيَتِّ، فَجَحَلِمَكَ أَمْهَلْتَنِي وَبِسِرِّكَ سَتَرْتَنِي حَتَّى كَأَنَّكَ أَغْفَلْتَنِي،
پس باز هم به بردباريت مهلتم دادي و به پرده پوشيت مرا پوشاندي تا بدانجا که گویا از ياد من بيرون رفتی
وَمِنْ عُقُوبَاتِ الْمَعَاصِي جَبَبْتَنِي، حَتَّى كَأَنَّكَ اسْتَحْيَيْتَنِي، إلهي لَمْ
و از كيفرهاي گناهان مرا دور داشتی تا به حدي که گویا از من شرم كردي خدايا در
أَعَصِكَ حِينَ عَصَيْتُكَ، وَأَنَا بِرُبُوبِيَّتِكَ جَا حِدٌ، وَلَا بِأَمْرِكَ مُسْتَخِفٌّ،
هنگام گناه که من نافرمانيت کردم نه از باب اين بود که پروردگاريت را منکر بودم و يا دستورت را سبک شمردم
وَلَا لِعُقُوبَتِكَ، مُتَعَرِّضٌ وَلَا لَوَعِيدِكَ مُتَهَاوِنٌ، لَكِنْ خَطِيئَةٌ عَرَضَتْ
و يا خود را در معرض كيفرت در آوردم و يا تهديدهاي تو را بی ارزش فرض کردم بلکه گناهي بود که پيش آمد
وَسَوَّلَتْ لِي نَفْسِي، وَغَلَبَنِي هَوَايَ وَأَعَانَنِي عَلَيْهَا شِقْوَتِي، وَغَرَّنِي
و نفس سرکش نیز آنرا آراست و هواي نفس نیز چيره شد و بدبختی هم کمک کرد و پرده آویخته
سِتْرُكَ الْمُرْخِي عَلَيَّ، فَقَدْ عَصَيْتُكَ وَخَالَفْتُكَ بِجَهْدِي، فَالآنَ مِنْ
(پرده پوشي تو) هم مرا مغرور کرد و در نتيجه تا آنجا که مي توانستم در نافرمانی و مخالفت تو کوشيدم ولی اکنون کيست
که

عَذَابِكَ مَنْ يَسْتَنْقِذُنِي، وَمِنْ أَيْدِي الْخُصَمَاءِ غَدًا مَنْ يُخَلِّصُنِي،
از عذاب تو مرا نجات دهد و از دست دشمنان در فرداي قيامت چه کسي خلاصم کند
وَبِحَبْلِ مَنْ أَتَّصِلُ إِنْ أَتَتْ قَطْعَتَ حَبْلِكَ عَنِّي، فَوَاسَوْ أَنَا عَلَيَّ مَا
و به ريسمان چه کسي چنگ زنم اگر تو رشته خود را از من قطع کنی پس چه رسوايي است براي من

أَحْصِي كِتَابُكَ مِنْ عَمَلِي، الَّذِي لَوْلَا مَا أَرْجُو مِنْ كَرَمِكَ وَسَعَةِ
بر آنچه نامه تو از عمل من شماره و احصاء کرده که اگر امید من به کرمت و وسعت
رَحْمَتِكَ، وَنَهْيِكَ إِيَّايَ عَنِ الْقُنُوطِ، لَقَطَطْتُ عِنْدَمَا أَتَذَكَّرُهَا، يَا خَيْرَ
رحمت نبود و از ناامید شدن باز من نمی داشتی به محض آنکه به یاد آنها می افتادم یکسره ناامید می شدم ای بهترین
مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ وَأَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ، اَللَّهُمَّ بِذِمَّةِ الْإِسْلَامِ أَتَوَسَّلُ
کسی که خواندش خواننده ای و برترین کسی که امیدش دارد امیدواری خدایا به پیمان اسلام به درگاهت توسل جویم
إِلَيْكَ، وَبِحُرْمَةِ الْقُرْآنِ اعْتَمِدُ إِلَيْكَ، وَبِحُبِّي النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الْقُرَشِيَّ
و به حرمت قرآن بر تو اعتماد کنم و به دوستی و محبتی که به پیامبر امی قرشی
الْهَاشِمِيَّ الْعَرَبِيَّ التَّهَامِيَّ الْمَكِّيَّ الْمَدَنِيَّ، أَرْجُو الزُّلْفَةَ لَدَيْكَ، فَلَا
هاشمی عربی تهامی مکی مدنی دارم امید تقرب به تو را دارم پس تو انس ایمانی مرا مبدل به
تَوْحِشِ اسْتِنَاسٍ إِيْمَانِي، وَلَا تَجْعَلْ ثَوَابِي ثَوَابَ مَنْ عَبَدَ سِوَاكَ،
وحشت مکن و پاداشم را پاداش آنکس که جز تو را پرستیده قرار مده
فَإِنَّ قَوْمًا آمَنُوا بِالْإِسْنَةِ، لِيَحْقِنُوا بِهِ دِمَائَهُمْ، فَأَذْرَكُوا مَا أَمَلُوا، وَإِنَّا
زیرا مردمی بودند که به زبان ایمان آوردند تا بدان وسیله خون خود را حفظ کنند و بدین مقصود هم رسیدند ولی ما
أَمَّنَّا بِكَ بِالْإِسْنَةِ وَقُلُوبُنَا لِنَعْفُو عَنْهَا، فَأَذْرَكْنَا مَا أَمَلْنَا، وَتَبَّتْ رَجَائِكَ
به دل و زبان به تو ایمان آوردیم تا از ما بگذری پس ما را هم به مقصودمان برسان و امیدت را
فِي صُدُورِنَا، وَلَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا، وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ
در دلهای ما ثابت و محکم فرما و منحرف مساز دلهای ما را پس از آنکه هدایتمان کردی و ببخش بما از نزد خود
رَحْمَةً، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ، فَوَعِزَّتِكَ لَوْ ائْتَهَرْتُ مَا بَرَحْتُ مِنْ بَابِكَ
رحمتی که براستی تویی بسیار بخشنده به عزت سوگند اگر برانیم من هرگز از در خانهات برنخیزم
وَلَا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ لِمَا أَلْهِمَ قَلْبِي مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِكَرَمِكَ، وَسَعَةِ
و دست از تملق و چاپلوسیت برندارم چون شناسایی کرمت و رحمت وسیعت به دلم الهام شده،
رَحْمَتِكَ، إِلَى مَنْ يَذْهَبُ الْعَبْدُ إِلَّا إِلَى مَوْلَاهُ، وَإِلَى مَنْ يُلْتَجَى
بنده به نزد چه کسی رود جز به درگاه مولایش و
الْمَخْلُوقُ إِلَّا إِلَى خَالِقِهِ، إِلَهِي لَوْ قَرَّئْتُ بِالْأَصْفَادِ، وَمَنْعَتَنِي سَيِّبِكَ

مخلوق به که پناهنده شود جز به خالقش خدا یا اگر مرا به زنجیر و بند گرفتارم کنی
مِنْ بَيْنِ الْأَشْهَادِ، وَدَلَّلْتَ عَلَيَّ فَضَائِحِي عُيُونِ الْعِبَادِ، وَأَمَرْتَ بِي
و باز داری از من عطایت را در میان انظار مردم و رسواییهایم را به چشم بندگان آری و دستور بردنم را
إِلَى النَّارِ، وَحَلَّتْ بَيْنِي وَبَيْنَ الْأَبْرَارِ مَا قَطَعْتَ رَجَائِي مِنْكَ، وَمَا
بسوی دوزخ صادر کنی و میان من و نیکان حائل گردی من هرگز امیدم را از تو قطع نخواهم کرد و
صَرَفْتَ تَأْمِيلِي لِلْعَفْوِ عَنْكَ، وَلَا خَرَجَ حُبُّكَ مِنْ قَلْبِي، أَنَا لَا أُنْسِي
آرزومندیم را از عفو تو باز نگردانم و بیرون نرود محبت از دلم و من
أَيَادِيكَ عِنْدِي وَسِتْرَكَ عَلَيَّ فِي دَارِ الدُّنْيَا، سَيِّدِي أَخْرَجَ حُبَّ الدُّنْيَا
نعمتهایی که در دنیا به من دادی و پرده پوشیهایت را فراموش نمی کنم ای آقای من محبت دنیا را
مِنْ قَلْبِي، وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ الْمُصْطَفِيِّ وَآلِهِ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ،
از دلم بیرون کن و جمع کن میان من و میان (پیامبرت حضرت) مصطفی و آلش برگزیدگان خلقت
وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأُثْقَلْنِي إِلَى دَرَجَةِ التَّوْبَةِ
و خاتم پیامبران محمد صلی الله علیه و آله و مرا به درجه توبه و بازگشت
إِلَيْكَ، وَأَعِنِّي بِالْبُكَاءِ عَلَيَّ نَفْسِي، فَقَدْ أَفْنَيْتُ بِالتَّسْوِيفِ وَالْأَمَالَ
بسویت برسان و یاریم ده به گریه کردن بر خویشتن زیرا که من عمرم را به امروز و فردا کردن و آرزوها
عُمْرِي، وَقَدْ نَزَلْتُ مَنَزِلَةَ الْأَيْسِينَ مِنْ خَيْرِي، فَمَنْ يَكُونُ أَسْوَأَ حَالًا
گذراندم و درآمدهام در جایگاه ناامیدان از خیر خودم پس کیست که بدحال تر از من باشد
مَتِّي، إِنْ أَنَا ثَقُلْتُ عَلَيَّ مِثْلَ حَالِي إِلَى قَبْرِي، لَمْ أُمَهِّدْ لِرَفْدَتِي، وَلَمْ
اگر من بر این حال بسوی قبرم منتقل گردم زیرا که آماده اش نکرده ام برای خوابیدنم
أَفْرُشُهُ بِالْعَمَلِ الصَّالِحِ لِضَجَّتِي، وَمَالِي لَا أَبْكِي وَلَا أَذْري إِلَيَّ مَا
و فرش نکرده ام آنرا به عمل صالح برای آرمیدنم و چرا گریه نکنم در صورتی که نمی دانم به چه سرنوشتی
يَكُونُ مَصِيرِي، وَأَرَى نَفْسِي تُخَادِعُنِي وَأَيَّامِي تُخَاثِلُنِي، وَقَدْ
دچار گردم من نفس خود را چنان بینم که با من نیرنگ زند و روزگارم را که مرا بفریبید
خَفَقَتْ عِنْدَ رَأْسِي أَجْنِحَةُ الْمَوْتِ، فَمَالِي لَا أَبْكِي، أَبْكِي لِخُرُوجِ
در حالی که مرگ بالهای خود را بر سرم گسترده پس چرا گریه نکنم؟ گریه کنم برای جان دادنم

نَفْسِي، أَبْكِي لِظُلْمَةِ قَبْرِ أَبْكِي لِضِيقِ لَحْدِي، أَبْكِي لِسُؤَالِ مُنْكَرٍ
گریه کنم برای تاریکی قبرم گریه کنم برای تنگی لحدم گریه کنم برای سؤال نکیر
وَنَكِيرٍ إِنِّي، أَبْكِي لِخُرُوجِي مِنْ قَبْرِي عُرْيَانًا ذَلِيلًا حَامِلًا ثِقْلِي
و منکر از من گریه کنم برای بیرون آمدنم از قبر برهنه و خوار که بار سنگینم را
عَلِي ظَهْرِي، أَظْهَرُ مَرَّةً عَنْ يَمِينِي وَأُخْرِي عَنْ شِمَالِي، إِذِ الْخَلَائِقُ
به پشتم بار کرده یکبار از طرف راستم بنگرم و بار دیگر از طرف چپ و هر یک از خلایق را
فِي شَأْنٍ غَيْرِ شَأْنِي، لِكُلِّ أَمْرٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُعْنِيهِ وَجْهٌ
در کاری غیر از کار خود ببینم برای هر یک از آنها در آن روز کاری است که به خود مشغولش دارد چهره‌هایی
يَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ، ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ، وَوَجْهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ
در آن روز گشاده و خندان و شادمانند و چهره‌هایی در آن روز غبارآلود است و سیاهی و خواری آنها را
تَرَهْقُهَا قَتَرَةٌ وَذَلَّةٌ، سَيِّدِي عَلَيْكَ مَعُولِي وَمُعْتَمِدِي وَرَجَائِي
فراگرفته ای آقای من بر تو است تکیه و اعتماد و امید
وَتَوَكُّلِي، وَبِرَحْمَتِكَ تَعَلَّقِي، تُصِيبُ بِرَحْمَتِكَ مَنْ تَشَاءُ، وَتَهْدِي
و توکلم و به رحمت تو آویخته‌ام، به رحمت خود رسانی هر که را خواهی و به کرامت راهنمایی کنی
بِكِرَامَتِكَ مَنْ تُحِبُّ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ مَا نَقَّيْتَ مِنَ الشِّرْكِ قَلْبِي،
هر که را دوست داری پس ستایش تو را است بر اینکه دلم را از آلودگی شرک پاک کردی
وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ بَسْطِ لِسَانِي، أَفْبِلْسَانِي هَذَا الْكَالَ أَشْكُرُكَ أُمَّ
و برای تو است ستایش برای باز کردن زبانت را، آیا به این زبان کُندم سپاس تو را گویم یا
بِغَايَةِ جَهْدِي فِي عَمَلِي أَرْضِيكَ، وَمَا قَدَرُ لِسَانِي يَا رَبُّ فِي جَنْبِ
با نهایت کوشش در کردارم تو را خوشنود سازم؟ و چه ارزشی دارد زبانت پروردگارا در برابر
شُكْرِكَ، وَمَا قَدَرُ عَمَلِي فِي جَنْبِ نِعْمِكَ وَإِحْسَانِكَ، [إِلَهِي] إلهي إِنْ جَوَّدَكَ
سپاس تو و چه ارزشی دارد کردارم در کنار نعمت‌های و احسانی که به من کردی خدایا براسستی بخشش تو
بَسْطِ أَمَلِي، وَشُكْرِكَ قَبْلَ عَمَلِي، سَيِّدِي إِلَيْكَ رَغْبَتِي، وَإِلَيْكَ رَهْبَتِي
آرزویم را گسترانید و شکر تو کردارم را پذیرفت آقای من اشتیاق من بسوی تو است و هراسم از تو است
وإِلَيْكَ تَأْمِيلِي، وَقَدْ سَاقَنِي إِلَيْكَ أَمَلِي، وَعَلَيْكَ يَا وَاحِدِي عَكْفَتُ

و آرزو و امیدم بسوی تو است و آرزویم مرا بسوی تو کشانده و همتم ای خدای یگانه من بدرگاه تو نشیمن کرده
هَمَّتِي، وَفِيما عِنْدَكَ اِثْبَسْتُ رَغْبَتِي، وَلَكَ خَالِصُ رَجَائِي وَخَوْفِي
و در آنچه پیش تو است (جامه) شوقم (دامن) گسترده و امید خالص و ترسم
وَبِكَ اَسْتَمَحَبَّتِي، وَإِلَيْكَ اَلْقَيْتُ بِيَدِي، وَيَحْبِلُ طَاعَتِكَ مَدَدْتُ
تنها از تو است و به تو محبتم انس گرفته و دست به جانب تو انداخته‌ام و به ریسمان اطاعت تو بند کردم
رَهْبَتِي، [يا] مَوْلَايَ بِذِكْرِكَ عَاشَ قَلْبِي، وَبِمُنَاجَاةِكَ بَرَدْتُ أَلَمَ
ترسم را ای مولای من به یاد تو دلم زنده است و به راز و نیاز تو سوزش
الْخَوْفِ عَنِّي، فَيَا مَوْلَايَ وَيَا مُؤَمِّلِي، وَيَا مُنْتَهِي سُؤْلِي، فَرَّقْ بَيْنِي
ترسم را تسکین بخشم پس ای مولای من و ای آرزویم و ای آخرین سرحد خواسته‌ام میان
وَبَيْنَ ذَنْبِي الْمَانِعِ لِي مِنْ لُزُومِ طَاعَتِكَ، فَأَتَمَّا أَسْأَلُكَ لِقَدِيمِ الرَّجَاءِ
من و گناه‌م را که مانع از ملازمت اطاعت تو است جدایی بینداز و این خواهشی که من از تو می‌کنم به خاطر همان امید
دیرینه ایست
فِيكَ وَعَظِيمِ الطَّمَعِ مِنْكَ، الَّذِي أَوْجَبَتْهُ عَلَي نَفْسِكَ مِنَ الرَّأْفَةِ
که به تو دارم و برای آن طمع بزرگی است که دربار‌ات دارم که تو رأفت و مهربانی را برای بندگان بر خود فرض
کرده‌ای
وَالرَّحْمَةِ فَالْأَمْرُ لَكَ وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، وَالْخَلْقُ كُلُّهُمْ عِيَالُكَ
پس امر و فرمان از آن تو است یگانه‌ای که شریک نداری و خلائق همگی جیره‌خوار تو
وَفِي قَبْضَتِكَ، وَكُلُّشَيْءٍ خَاضِعٌ لَكَ، تَبَارَكْتَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، اِلهِي
و در قبضه اقتدار تو و خاضع درگاه تو‌اند برتری ای پروردگار جهانیان خدایا
ارْحَمْنِي إِذَا انْقَطَعَتْ حُجَّتِي، وَكُلَّ عَنْ جَوَابِكَ لِسَانِي، وَطَاشَ عِنْدَ
به من رحم کن در آن هنگامی که حجت و دلیل قطع شود و زبانی از پاسخ تو لال گردد و هوش در هنگام
سُؤَالِكَ إِيَّايَ لُبِّي، فَيَا عَظِيمَ رَجَائِي لَا تُخَيِّبْنِي إِذَا اشْتَدَّتْ فَاقَتِي،
بازپرسیت از سرم ببرد پس ای بزرگ امیدم مرا نومید مکن در آن هنگام که سخت نیازمندم و به‌خاطر
وَلَا تُرَدَّنِي لِجَهْلِي، وَلَا تَمْنَعْنِي لِقَلَّةِ صَبْرِي، أَعْطِنِي لِفَقْرِي،
نادانیم مرا از درگاهت مران و برای کم‌طاقتیم مه‌رت را از من بازمدار به خاطر نیازی که دارم به من بده و برای ناتوانیم

وَارْحَمْنِي لِضَعْفِي سَيِّدِي عَلَيْكَ مُعْتَمِدِي وَمُعَوَّلِي وَرَجَائِي
به من رحم کن ای آقاي من بر تو است اعتماد و تکیه و امید
وَتَوَكَّلِي، وَبِرَحْمَتِكَ تَعَلَّقِي وَبِفَنَائِكَ أَحْطُ رَحْلِي، وَبِجُودِكَ أَقْصِدُ
و توکل من و مهر تو است دستاویزم و به آستان تو بار (حاجت) اندازم و به جود تو خواهشم را
طَلَبْتِي، وَبِكَرَمِكَ أَيُّ رَبِّ اسْتَفْتَحْتُ دُعَائِي، وَلَدَيْكَ أَرْجُو فَاقْتِي،
جویم و به کرم تو ای پروردگار من دعايم را آغاز کنم و از پیش تو امید رفع نیاز و احتیاج خود را دارم
وَبِعَيْنِكَ أَجْبُرُ عَيْلَتِي وَتَحْتَ ظِلِّ عَفْوِكَ قِيَامِي، وَإِلَى جُودِكَ وَكِرَمِكَ
به توانگری تو جبران نداریم کنم و زیر سایه عفو تو بپای ایستم و به جود و کرم تو
أَرْفَعُ بَصْرِي، وَإِلَى مَعْرُوفِكَ أُدِيمُ نَظْرِي، فَلَا تُحْرِقْنِي بِالنَّارِ وَأَنْتَ
دیده بگشایم و به نیکی تو چشم دوزم پس مرا به آتش مسوزان با اینکه مرکز آرزوی منی و در دوزخم
مَوْضِعُ أَمَلِي، وَلَا تُسَكِّنِي الْهَوَايَةَ فَإِنَّكَ قُرَّةُ عَيْنِي، يَا سَيِّدِي لَا
سکونت مده که تو نور چشم منی ای آقاي من
تُكَذِّبُ ظَنِّي بِإِحْسَانِكَ وَمَعْرُوفِكَ فَإِنَّكَ تَقْتِي، وَلَا تُحَرِّمْنِي ثَوَابَكَ
گمان مرا به احسان و نیکیت دروغ و بی اصل مکن زیرا تو مورد اطمینان محکم منی و از پاداش نیکیت محرومم مساز که
فَأِنَّكَ الْعَارِفُ بِفَقْرِي، إِلَهِي إِنْ كَانَ قَدْ دَنَا أَجَلِي وَلَمْ يُقَرِّبْنِي مَنَّكَ
تو به نداری من آشنای خدایا اگر مرگم نزدیک شده ولی کردارم مرا به تو نزدیک نکرده
عَمَلِي فَقَدْ جَعَلْتُ الْأَعْتِرَافَ إِلَيْكَ بِذَنْبِي وَسَأَلْتُ عِلَّيْ، إِلَهِي إِنْ
من اعتراف به گناهم را وسیله عذر خویش به درگاهت قرار دهم خدایا اگر درگذری کیست که سزاوارتر از تو
عَفَوْتَ فَمَنْ أَوْلَى مِنْكَ بِالْعَفْوِ، وَإِنْ عَذَّبْتَ فَمَنْ أَعْدَلُ مِنْكَ فِي
به گذشت باشد و اگر عذاب کنی پس کیست که در حکم عادل تر از تو باشد
الْحُكْمُ أَرْحَمُ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا غُرْبَتِي، وَعِنْدَ الْمَوْتِ كُرْبَتِي، وَفِي الْقَبْرِ
رحم کن در این دنیا به غربتم و هنگام مرگ به غمزدگیم و در قبر به
وَحَدَّتِي وَفِي اللَّحْدِ وَحْشَتِي، وَإِذَا تُشِرْتُ لِلْحِسَابِ بَيْنَ يَدَيْكَ ذُلَّ
تنهاییم و در لحد به وحشت و بی کسیم و هنگامی که در برابرت به پای حسابم آورند به خواری
مَوْفِي وَاغْفِرْ لِي مَا خَفِيَ عَلَيَّ الْآدَمِيَّينَ مِنْ عَمَلِي، وَأَدِّمْ لِي مَا بِهِ

جایگاهم رحم کن و بیمارز برای من آنچه از کردارم که بر مردم پوشیده مانده و ادامه بده برایم آنچه را که بدان مرا
سَتَرْتَنِي وَارْحَمْنِي صَرِيحاً عَلَي الْفِرَاشِ تُقَلِّبُنِي أَيَّدِي أَحَبَّتِي،
پوشاندي و در آن حال که در بستر مرگ افتاده و دستهای یاران مرا به این سو و آن سو کنند
وَتَفْضَلُ عَلَيَّ مَمْدُوداً عَلَي الْمُعْتَسِلِ يُقَلِّبُنِي صَالِحُ جِيرَتِي، وَتَحَنَّنْ
بر من رحم کن و در آن حال که روی سنگ غسلخانه دراز کشیده‌ام و همسایگان شایسته‌ام به اینطرف و آنطرف
می‌گردانند

عَلَيَّ مَحْمُولاً قَدْ تَنَاوَلَ الْأَقْرَبَاءُ أَطْرَافَ جَنَازَتِي، وَجُدْ عَلَيَّ مَقْبُولاً
بر من تفضل کن و هنگامی که خویشان اطراف جنازه‌ام را بر دوش گرفته‌اند با من مهربانی فرما
قَدْ نَزَلْتُ بِكَ وَحِيداً فِي حُفْرَتِي، وَارْحَمْ فِي ذَلِكَ الْبَيْتِ الْجَدِيدِ
و هنگامی که تک و تنها در میان گودال قبر بر تو وارد شوم بر من بخشش کن و به غربت من در آن خانه تازه و نو
غُرْبَتِي، حَتَّى لَا أَسْتَأْنِسَ بِغَيْرِكَ، يَا سَيِّدِي إِنْ وَكَلْتَنِي إِلَى نَفْسِي
رحم کن بطوری که بجز تو انس نگیرم ای آقای من اگر مرا به خودم واگذاری
هَلَكْتُ، سَيِّدِي فَمِمَّنْ أَسْتَعِيثُ إِنْ لَمْ تُقَلِّبْ عَثَرَتِي، فَإِلَى مَنْ أَفْرَعُ إِنْ
هلاک گردم آقای من پس به که استغاثه کنم اگر تو لغزشم را نادیده نگیری و به که پناه برم
فَقَدْتُ عِنَايَتَكَ فِي ضَجْعَتِي، وَإِلَى مَنْ أَلْتَجِي إِنْ لَمْ تُنْفَسْ كُرْبَتِي،
اگر عنایت تو را در آرامگاهم از دست بدهم و به که ملتجی گردم اگر تو غم را برطرف نکنی،
سَيِّدِي مَنْ لِي وَمَنْ يَرْحَمُنِي إِنْ لَمْ تَرْحَمْنِي وَفَضْلَ مَنْ أُوْمَلُّ إِنْ
آقای من که را دارم و که بر من رحم کند اگر تو بر من رحم نکنی و فضل که را آرزو کنم
عَدِمْتُ فَضْلَكَ يَوْمَ فَاقَتِي وَإِلَى مَنْ الْفِرَارُ مِنَ الذُّنُوبِ إِذَا انْقَضَى
در روز نیازمندیم اگر فضل تو را گم کنم و بسوی چه کسی از گناهانم بگریزم در آن هنگام که عمرم
أَجَلِي، سَيِّدِي لَا تُعَذِّبْنِي وَأَنَا أَرْجُوكَ، إِلَهِي حَقِّقْ رَجَائِي، وَأَمِنْ
بسر رسد ای آقای من مرا با اینکه به تو امیدوارم معذب مفرما خدایا امید مرا تحقق بخش
خَوْفِي، فَإِنَّ كَثْرَةَ ذُنُوبِي لَا أَرْجُو، فِيهَا إِلَّا عَفْوَكَ، سَيِّدِي أَنَا أَسْأَلُكَ مَا
و ترسم را امان بخش زیرا در این گناهان بسیار امیدی جز به عفو تو ندارم ای آقای من از تو خواهم چیزی را
لَا أَسْتَحِقُّ، وَأَنْتَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ، فَاعْفُ لِي وَالْبَسْنِي مِنْ

که شایسته آن نیستم و تو شایسته پرهیزکاری هستی و اهل آمرزشی پس بیامرز مرا و از نظر مرحمت خود جامه‌ای بر
نَظَرِكَ ثَوْبًا يُعْطِي عَلَيَّ التَّيْبَاتِ وَتَغْفِرُهَا لِي وَلَا أَطَالِبُ بِهَا، إِنَّكَ ذُو
من ببوشان که گناهانم را ببوشاند و آنها را برایم بیامرز و مورد مؤاخذه قرارم مده که تو دارای
مَنْ قَدِيمٍ، وَصَفْحٍ عَظِيمٍ، وَتَجَاوُزٍ كَرِيمٍ، إلهي أَنْتَ الَّذِي تُفِيضُ
منی دیرینه و چشم‌پوشی بزرگ و گذشت بزرگواری هستی خدایا تویی که فیض خود را
سَيِّئِكَ عَلَيَّ مَنْ لَا يَسْأَلُكَ، وَعَلَيَّ الْجَاهِدِينَ بِرُبُوبِيَّتِكَ، فَكَيْفَ
حقی بر آنکه درخواست نکند و بر منکران پروردگاریت فروریزی پس چگونه نسبت به کسی که
سَيِّدِي بِمَنْ سَأَلَكَ وَأَيَّقَنَ أَنَّ الْخُلُقَ لَكَ وَالْأَمْرَ إِلَيْكَ، تَبَارَكْتَ
از تو درخواست کند و یقین داند که جهان خلقت از تو و کار بدست تو است؟ برتری
وَتَعَالَيْتَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، سَيِّدِي عَبْدُكَ بِبَابِكَ أَقَامَتْهُ الْخُصَاصَةُ
و والا ای پروردگار جهانیان، ای آقای من بنده‌ات به درگاهت آمده و تنگدستی او را پیش روی تو
بَيْنَ يَدَيْكَ، يَفْرَعُ بَابَ إِحْسَانِكَ بِدُعَائِهِ، فَلَا تُعْرِضْ بَوَجْهِكَ الْكَرِيمِ
و داشته و به وسیله دعای خود در خانه احسان تو را می‌کوبد پس آن روی بزرگواریت را از من
عَنِّي، وَأَقْبَلْ مِنِّي مَا أَقُولُ فَقَدْ دَعَوْتُ بِهَذَا الدُّعَاءِ، وَأَنَا أَرْجُو أَنَّ لَا
بر مگردان و آنچه گویم از من بپذیر زیرا من به این دعا تو را خواندم و امیدوارم که بازم مگردانی چون
تَرُدَّنِي مَعْرِفَةً مِنِّي بِرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ، إلهي أَنْتَ الَّذِي لَا يُخْفِيكَ
آشنایی کاملی به مهر و رأفت تو دارم خدایا تویی که درمانده و سؤال‌پیچت نکند
سَأَلْتُ، وَلَا يَنْقُصُكَ نَائِلُ أَنْتَ كَمَا تَقُولُ وَفَوْقَ مَا تَقُولُ، اللَّهُمَّ إِنِّي
سائلی و بخشش و عطا از تو نکاهد تو چنانی که خود گویی و بالاتر از آنی که ما گوییم خدایا من از تو
أَسْأَلُكَ صَبْرًا جَمِيلًا وَفَرَجًا قَرِيبًا، وَقَوْلًا صَادِقًا، وَأَجْرًا عَظِيمًا،
خواهم صبری نیکو و گشایشی نزدیک و گفتاری راست و پاداشی بزرگ
أَسْأَلُكَ يَا رَبِّ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ، أَسْأَلُكَ
از تو خواهم پروردگارا هرچه خیر و خوبی است چه آنچه می‌دانم و چه آنچه را نمی‌دانم خواهم از تو
اللَّهُمَّ مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلَكَ مِنْهُ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ، يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ،
خدایا از بهترین چیزی که بندگان شایسته‌ات خواهند ای بهترین درخواست شدگان

وَأَجُودَ مَنْ أَعْطَى، أَعْطِنِي سُؤْلِي فِي نَفْسِي وَأَهْلِي وَوَالِدِي

و ای بخشنده ترین عطا بخش عطاکن به من خواسته ام را در مورد خود و خانواده و پدر

و ولدی، و أَهْلَ حُزَانَتِي وَإِخْوَانِي فِيكَ، وَأَرْغِدْ عَيْشِي، وَأُظْهِرْ

و مادر و فرزندان و بستگان و برادران دینیم و زندگیم را خوش و فراخ گردان

مُروَّتِي، وَأَصْلِحْ جَمِيعَ أَحْوَالِي، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ أَطْلَتْ عُمْرُهُ

و مردانگیم را آشکار ساز و تمام حالات مرا اصلاح کن و بگردانم از کسانی که عمرش را طولانی

وَحَسَنَتَ عَمَلِهِ، وَأَثَمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ، وَرَضِيتَ عَنْهُ، وَأَحْيَيْتَهُ حَيَوَةً

و کردارش را نیکو و نعمت را بر او تمام کرده و از او خوشنود گشته ای و زندگی

طَيِّبَةً فِي آدَوَمِ السُّرُورِ، وَأَسْبَغَ الْكَرَامَةَ وَأَثَمَ الْعَيْشِ إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا

پاکیزه ای به او بخشیده ای که در میان پابرجاترین خوشی و وسیعترین کرامت و کاملترین زندگانی روزگار بسر می برد

تَشَاءُ وَلَا تَفْعَلُ مَا يَشَاءُ غَيْرُكَ، اللَّهُمَّ خُصِّنِي مِنْكَ بِخَاصَّةِ ذِكْرِكَ،

و برستی تو هر چه را بخواهی انجام دهی ولی جز تو کسی نتواند هر چه خدا خواهد انجام دهد خدایا مرا به ذکر مخصوص

وَلَا تَجْعَلْ شَيْئاً مِمَّا أَتَقَرَّبُ بِهِ فِي آنَاءِ اللَّيْلِ وَأَطْرَافِ النَّهَارِ رِيَاءً،

خود مخصوصم دار و آنچه را من بوسیله آن در تمام ساعات و دقایق روز و شب وسیله تقرب درگاهت قرار دهم

خودنمایی

وَلَا سُمْعَةً وَلَا أَشْرًا وَلَا بَطْرًا، وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْخَاشِعِينَ، اللَّهُمَّ

و شهرت طلبی و سرکشی و گردن فرازی قرار مده و مرا از فروتنان درگاهت قرارم بده خدایا

أَعْطِنِي السَّعَةَ فِي الرِّزْقِ، وَالْأَمْنَ فِي الْوَطَنِ وَقُرَّةَ الْعَيْنِ فِي الْأَهْلِ

به من عطا فرما وسعت در روزی، و امنیت در وطن، و چشم روشنی در خاندان

وَالْمَالِ وَالْوَلَدِ وَالْمُقَامَ فِي نِعْمِكَ عِنْدِي وَالصَّحَّةَ فِي الْجِسْمِ،

و مال و اولاد و پایدار ماندن نعمتهایی که در پیش من داری و تندرستی و نیروی در بدن

وَالْقُوَّةَ فِي الْبَدَنِ، وَالسَّلَامَةَ فِي الدِّينِ وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ

و سلامتی در دین و همیشه تا زنده ام مرا به طاعت خود و اطاعت

و طَاعَةِ رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَبَدًا مَا اسْتَعْمَرْتَنِي،

پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله و اداری کن

وَاجْعَلْنِي مِنْ أَوْفَرِ عِبَادِكَ عِنْدَكَ نَصِيباً فِي كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ، وَتُنْزِلُهُ
و بگردانم از پرنسبب‌ترین بندگان در هر خیري که نازل کرده و
فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، وَمَا أَنْتَ مُنْزِلُهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ مِنْ
در ماه رمضان در شب قدر نازل گردانی و آنچه را در هر سال نازل گردانی از
رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا، وَعَافِيَةٍ تُلْبِسُهَا، وَبَلِيَّةٍ تَدْفَعُهَا وَحَسَنَاتٍ تَقْبَلُهَا،
مهری که بگسترانی و تندرستی که ببوشانی و بلاهایی که بازگردانی و کارهای خیری که بپذیری
وَسَيِّئَاتٍ تَنْجَاوِرُ عَنْهَا، وَارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِنَا هَذَا
و زشتیهای را که از آنها درگذری و روزیم کن حج خانه کعبه را در این سال
وَفِي كُلِّ عَامٍ، وَارْزُقْنِي رِزْقاً وَاسِعاً مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ، وَاصْرِفْ
و در هر سال و روزیم ده روزی فراخی از فضل وسیع خود و بدیها را
عَنِّي يَا سَيِّدِي الْأَسْوَأَ، وَأَقْضِ عَنِّي الدَّيْنَ وَالظُّلُمَاتِ، حَتَّى لَا
ای آقایم از من دور کن و بدهیها و مظلومه‌هایی که به گردن دارم از من ادا فرما بطوری که
أَتَأْذِي بِشَيْءٍ مِنْهُ، وَخُذْ عَنِّي بِأَسْمَاعٍ وَأَبْصَارٍ أَعْدَائِي وَحَسَادِي
به خاطر چیزی از آنها ناراحت نباشم و گوش و چشم دشمنان و حسودان
وَالْبَاغِينَ عَلَيَّ وَأَنْصُرْنِي عَلَيْهِمْ، وَأَقِرَّ عَنِّي وَفَرِّحْ قَلْبِي، وَاجْعَلْ لِي
و ستمکارانم را بر من ببند و بر ایشان یاریم ده و دیده‌ام را روشن کن و دلم را شاد گردان و برایم از
مِنْ هَمِّي وَكَرْبِي فَرَجاً وَمَخْرَجاً، وَاجْعَلْ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ مِنْ
اندوه و غم فرج و گشایشی قرار ده و هر که را از تمامی خلقت که اراده سوئی نسبت به من دارد
جَمِيعَ خَلْقِكَ تَحْتَ قَدَمَيَّ، وَاكْفِنِي شَرَّ الشَّيْطَانِ وَشَرَّ السُّلْطَانِ
زیر پای من قرارش ده و کفایت کن مرا از شر شیطان و شر سلطان
وَسَيِّئَاتِ عَمَلِي، وَطَهِّرْنِي مِنَ الذُّنُوبِ كُلِّهَا، وَاجْرِنِي مِنَ النَّارِ
و بدیهای کردارم و پاکم کن از گناهان همگی، و از آتش دوزخ
بِعَفْوِكَ، وَأَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ، وَزَوِّجْنِي مِنَ الْحَوْرِ الْعَيْنِ بِفَضْلِكَ،
بوسیله عفو خود پناهم ده و به رحمت خویش داخل بهشتم گردان و از حوری‌های بهشتی به فضل خود به همسریم
درآور

وَأَلْحِقْنِي بِأَوْلِيَاءِكَ الصَّالِحِينَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَبْرَارِ الطَّيِّبِينَ
و ملحقم کن به دوستان شایستهات محمد و آلش آن نیکان پاک
الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ وَعَلَى أَجْسَادِهِمْ وَأَرْوَاحِهِمْ
پاکیزه و برگزیده درودهای تو بر ایشان و بر جسد هاشان و بر ارواحشان
وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، إلهي وَسَيِّدِي وَعِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ لَيْتَنِي طَلَبْتَنِي
و رحمت خدا و برکاتش ای خدای من و آقایی من سوگند به عزت و جلالت اگر مرا در مورد
بِذُنُوبِي لَأُطَالِبَنَّكَ بِعَفْوِكَ، وَلَيْتَنِي طَلَبْتَنِي بِلُؤْمِي لَأُطَالِبَنَّكَ بِكَرَمِكَ،
گناهان بازخواست کنی من نیز تو را به عفو و گذشتت مطالبه می‌کنم و اگر به پستی‌ام مرا مؤاخذه کنی من هم به کرم
وَلَيْتَنِي أَدَخَلْتَنِي النَّارَ لَأُخْبِرَنَّ أَهْلَ النَّارِ بِحُبِّي لَكَ، إلهي وَسَيِّدِي إِنْ
تو را مطالبه می‌کنم و اگر به دوزخم ببری به دوزخیان گزارش می‌دهم که دوستت دارم ای خدای من و آقایی من
كُنْتُ لَا تَغْفِرُ إِلَّا لِأَوْلِيَاءِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ فَإِلَى مَنْ يَفْزَعُ الْمُذْنِبُونَ،
اگر نیامرزی مگر دوستان و پیروانت را پس به که پناه برند گناهکاران
و إِنْ كُنْتُ لَا تُكْرِمُ إِلَّا أَهْلَ الْوَفَاءِ بِكَ فَمِنْ يَسْتَغِيثُ الْمُسِيئُونَ،
و اگر اکرام نکنی مگر نسبت به وفاداران پس به که استغاثه کنند بدکرداران
إلهي إِنْ أَدَخَلْتَنِي النَّارَ فَفِي ذَلِكَ سُورُورٌ عَدُوُّكَ وَإِنْ أَدَخَلْتَنِي الْجَنَّةَ
خدایا اگر به دوزخم ببری این کار موجب خوشحالی دشمنت گردد و اگر به بهشتم ببری
فَفِي ذَلِكَ سُورُورٌ نَبِيِّكَ، وَأَنَا وَاللَّهِ أَغْلَمُ أَنَّ سُورُورَ نَبِيِّكَ أَحَبُّ إِلَيْكَ مِنْ
موجب خوشحالی پیامبرت بشود و من به خدا سوگند مسلماً می‌دانم که خوشحال شدن پیامبرت را بیشتر از
سُورُورِ عَدُوِّكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَمْلَأَ قَلْبِي حُبًّا لَكَ وَخَشْيَةً
خوشحال شدن دشمنت دوست داری خدایا از تو می‌خواهم که دلم را پر کنی از محبت و ترس از
مَنْكَ، وَتَصْدِيقاً بِكِتَابِكَ وَإِيمَاناً بِكَ، وَفَرَقاً مَعَكَ وَشَوْقاً إِلَيْكَ، يَا
خودت و تصدیق به کتابت و ایمان به خودت و هراس و اندیشه از خود و اشتیاق بسوی خود
ذَالْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، حَبِّبْ إِلَيَّ لِقَائَكَ وَأَحْبِبْ لِقَائِي، وَاجْعَلْ لِي فِي
ای صاحب جلال و بزرگواری مرا دوستدار لقای خویش کن و نیز لقای مرا دوست بدار و در
لِقَائِكَ الرَّاحَةَ وَالْفَرَجَ وَالْكَرَامَةَ، اللَّهُمَّ الْخَفْنِي بِصَالِحِ مَنْ مَضَى،

لقاء خود براي من آرامش و گشایش و کرامتی قرار ده خدایا مرا به شایستگان از مردم گذشته ملحق کن و از شایستگان باقیمانده

وَاجْعَلْنِي مِنْ صَالِحٍ مَنْ بَقِيَ، وَخُذْ بِي سَبِيلَ الصَّالِحِينَ، وَأَعِثِّي عَلَيَّ

قرارم ده و به راه شایستگانم ببر و کمکم ده بر مخالفت با

نَفْسِي بِمَا تُعِينُ بِهِ الصَّالِحِينَ عَلَيَّ أَنْفُسِهِمْ، وَاخْتِمْ عَمَلِي بِأَحْسَنِهِ،

هوای نفسم بدانچه کمک دادی شایستگان را بر مخالفتشان با هوای نفس و ختم کن کارم را به نیکوترین کارهایم

وَاجْعَلْ ثَوَابِي مِنْهُ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ، وَأَعِثِّي عَلَيَّ صَالِحٍ مَا أَعْطَيْتَنِي

و پاداشم را از آن کار به رحمت خود بهشت قرار ده و کمکم ده در آنچه به من داده‌ای که در کار صالح بکار بندم

وَتُبِّئْتَنِي يَا رَبِّ، وَلَا تُرِدَّنِي فِي سُوءٍ اسْتَنْقَذْتَنِي مِنْهُ يَا رَبِّ

و ثابت قدمم دار و بازم مگردان به بدیهایی که از آن نجاتم داده‌ای ای پروردگار

الْعَالَمِينَ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ اِيْمَانًا لَا اَجَلَ لَهُ دُوْنَ لِقَائِكَ، اَحْيِنِيْ مَا

جهانیان خدایا از تو خواهم ایمانی که انتهایش ملاقات تو باشد و تا زنده‌ام داری به همان ایمان

اَحْيَيْتَنِيْ عَلَيْهِ وَتَوَفَّيْنِيْ اِذَا تَوَفَّيْتَنِيْ عَلَيْهِ وَابْعَثْنِيْ اِذَا بَعَثْتَنِيْ عَلَيْهِ،

زنده‌ام دار و چون بمیرانیم بر همان ایمان بمیرانم و چون برانگیزیم بر همان ایمان برانگیزم

وَأَبْرءُ قَلْبِيْ مِنَ الرِّيَاءِ وَالشَّكِّ وَالسُّمْعَةِ فِيْ دِينِكَ، حَتَّى يَكُوْنَ

و پاک کن دلم را از ریا و شک و خودنمایی در دینت تا در نتیجه

عَمَلِيْ خَالِصًا لَّكَ، اَللّٰهُمَّ اَعْطِنِيْ بَصِيْرَةً فِيْ دِينِكَ، وَفَهْمًا فِيْ

عملم خالص برای تو باشد خدایا به من عنایت کن بصیرتی در دینت و فهمی (در شناختن)

حُكْمِكَ، وَفِقْهَا فِيْ عِلْمِكَ، وَكِفْلَيْنِ مِنْ رَّحْمَتِكَ، وَوَرَعًا يَحْجِزُنِيْ

حکمت و درک خاصی در فهم علمت و دو سهم از رحمت و پرهیزکاری آنچنانی که مرا

عَنْ مَعَاصِيكَ، وَيَبِيْضُ وَجْهِيْ بِنُورِكَ، وَاجْعَلْ رَغْبَتِيْ فِيمَا عِنْدَكَ،

از گناهانت بازدارد و رویم را به نور خود سفید گردان و شوقم را بدانچه پیش تو است قرار ده

وَتَوَفَّيْنِيْ فِيْ سَبِيلِكَ وَعَلَيَّ مِلَّةَ رَسُوْلِكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اَللّٰهُمَّ

و در راه خود و بر کیش پیامبرت صلی‌الله علیه و آله بمیرانم خدایا

اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْفَسْلِ وَالْجُبْنِ، وَالْبُخْلِ وَالْعَفْلَةِ

به تو پناه می‌برم از کسالت و سستی و اندوه و ترس و بخلالت و بی‌خبری
و الْقِسْوَةَ وَالْمَسْكِنَةَ، وَالْفَقْرَ وَالْفَاقَةَ وَكُلَّ بَلِيَّةٍ، وَالْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ
و سنگدلی و بیچارگی و فقر و نداری و از هر بلا و هرزگی هر چه آشکار باشد
مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَقْنَعُ، وَبَطْنٍ لَا يَشْبَعُ وَقَلْبٍ لَا
از آنها و هر چه پنهان و پناه می‌برم به تو از نفسی که قانع نباشد و شکمی که سیر نشود و دلی که
يَخْشَعُ، وَدُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ، وَعَمَلٍ لَا يُنْفَعُ، وَأَعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ عَلَي
نهراسد و دعایی که پذیرفته نشود و کاری که سود ندهد و پناه می‌برم ای پروردگارم در مورد
نَفْسِي وَدِينِي وَمَالِي وَعَلَي جَمِيعٍ مَا رَزَقْتَنِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ،
خویشتن و دین و مال و همه آنچه به من روزی کرده‌ای از شیطان رانده درگاهت
إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ، اَللّٰهُمَّ اِنَّهُ لَا يُجِيرُنِي مِنْكَ اَحَدٌ، وَلَا اَجِدُ
که برستی تو شنوای دانایی خدایا کسی نیست که مرا از تو درپناه خود گیرد و جز تو پناهگاهی
مِنْ دُونِكَ مُلْتَحِداً، فَلَا تَجْعَلْ نَفْسِي فِي شَيْءٍ مِنْ عَذَابِكَ وَلَا
نیایم پس مرا در چیزی از عذاب خود قرارم مده و مرا به هلاکت و عذاب دردناک
تَرُدَّنِي بِهَلَكَةٍ، وَلَا تَرُدَّنِي بِعَذَابٍ اَلِيمٍ، اَللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّيْ وَاَعْلِ
بازمگردان خدایا عملم را بپذیر و نامم را بلند کن و
ذِكْرِي، وَاَرْفَعْ دَرَجَتِي وَحُطِّ زُرِّي، وَلَا تَذْكُرْنِي بِخَطِيئَتِي، وَاَجْعَلْ
درجه‌ام را بالا بر و گناه‌ام را بریز و به خطایم مرا یاد مکن و
ثَوَابَ مَجْلِسِي وَثَوَابَ مَنْطِقِي وَثَوَابَ دُعَائِي رِضَاكَ وَالْجَنَّةَ،
پاداش این مجلس مرا و پاداش گفتارم را و پاداش دعایم را خوشنودی خودت و بهشت قرار ده
وَأَعْطِنِي يَا رَبِّ جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ، وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ، اِنِّي اِلَيْكَ
و بده به من ای پروردگار من تمام آنچه را از تو خواستم و از فضل خویش بر من بیفز که من برستی بسویت
رَاغِبٌ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ اَنْزَلْتَ فِي كِتَابِكَ اَنْ تُعْفُو عَمَّنْ
مشتاقم ای پروردگار جهانیان خدایا تو خود در کتابت قرآن برای ما نازل فرمودی که ما گذشت کنیم از کسی که
ظَلَمْنَا وَقَدْ ظَلَمْنَا اَنْفُسَنَا فَاعْفُ عَنَّا، فَإِنَّكَ أَوَّلَىٰ بِذَلِكَ مِنَّا وَأَمَرْتَنَا
به ما ستم کرده و ما به خودمان ستم کردیم پس از ما درگذر که تو از ما سزاوارتر بدین کار هستی و به ما دستور دادی

أَنْ لَا تُرَدُّ سَائِلًا عَنْ أَبْوَابِنَا، وَقَدْ جِئْتُكَ سَائِلًا فَلَا تُرَدَّنِي إِلَّا بِقَضَاءٍ

که هیچ خواهنده‌ای را از درِ خانه‌مان بازنگردانیم و من بصورت خواهندگی به درگاهت آمده‌ام و بازم مگردان جز با روا شدن

حاجتی، وَأَمَرْتُنَا بِالْأِحْسَانِ إِلَى مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُنَا، وَحَنُّ أَرْقَاءُكَ

حاجتم و به ما دستور دادی که نسبت به بردگانمان احسان و نیکی کنیم و ما بردگان تویم

فَاعْتِنِ رِقَابَنَا مِنَ النَّارِ، يَا مَفْرَعِي عِنْدَ كُرْبَتِي، وَيَا غَوْثِي عِنْدَ

پس ما را از آتش دوزخ آزاد فرما ای پناهم در هنگام اندوه و غم ای فریادرسم در هنگام

شِدَّتِي، إِلَيْكَ فَرَعْتُ، وَبِكَ اسْتَعْتْتُ وَلَذْتُ، لَا أَلُوذُ بِسِوَاكَ، وَلَا أَطْلُبُ

سختی به درگاه تو زاری کنم و به تو استغاثه کنم و به تو پناه آرم و به دیگری پناه نبرم و گشایش نخواهم

الْفَرَجَ إِلَّا مِنْكَ، فَاغْنِنِي وَفَرِّجْ عَنِّي يَا مَنْ يَفُكُّ الْأَسِيرَ، وَيَعْفُو عَنْ

جز از تو پس تو به فریادم برس و گشایشی در کارم بده ای که اسیر و گرفتار را آزاد کنی و از گناه

الْكَثِيرِ، اقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ، وَاعْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ، إِنَّكَ أَنْتَ الرَّحِيمُ

بسیار بگذری طاعت اندک را از من بپذیر و از گناه بسیارم بگذر که براستی تو مهربان

الْعَفْوُ، اَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيْمَانًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي، وَيَقِينًا صَادِقًا حَتَّى أَعْلَمَ

آمرزنده‌ای خدایا از تو خواهم ایمانی که همیشه دلم با آن همراه گردد و یقینی راست و کامل که بدانم

أَنَّهُ لَنْ يُصِيبَنِي إِلَّا مَا كَتَبْتَ لِي، وَرَضْنِي مِنَ الْعَيْشِ بِمَا قَسَمْتَ لِي،

مسلماً چیزی به من نرسد جز آنکه بر من نوشته‌ای و خوشنودم کن در زندگی به همانکه نصیبم کرده‌ای

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. × پنجم: و نیز شیخ فرموده که در سحر این دعا را می‌خوانی

ای مهربانترین مهربانان * * * * *

يَا عُدَّتِي فِي كُرْبَتِي، وَيَا صَاحِبِي فِي شِدَّتِي، وَيَا وَلِيَّيَ فِي نِعْمَتِي،

ای ذخیره‌ام در گرفتاریم و ای یار هرهم در سختی وای سرپرستم در نعمت

وَيَا غَايَتِي فِي رَغْبَتِي، أَنْتَ السَّاتِرُ عَوْرَتِي، وَالْمُؤْمِنُ رَوْعَتِي،

و ای منتهای رغبت و شوقم تویی پوشاننده زشتیم و امنیت بخش هراسم و نادیده گیر

وَالْمُقِيلُ عَثْرَتِي، فَاغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي، اَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خُشُوعَ

لغزشم پس بیمارز برای من خطایم را خدایا از تو خواهم فروتنی
الْإِيْمَانِ قَبْلَ خُشُوعِ الذُّلِّ فِي الثَّارِ، يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ، يَا مَنْ
ایمان به تو را پیش از آنکه خواری در دوزخ فروتتم گرداند ای یگانه ای یکتا ای بی نیاز
لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ سَأَلَهُ تَحْنُنًا
ای که فرزند ندارد و فرزند کسی نیست و برایش همتایی نیست هیچکس ای که هرکس از او درخواست کند از روی
عطوفت

مِنْهُ وَرَحْمَةً، وَيَبْتَدِئُ بِالْخَيْرِ مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ تَفَضُّلاً مِنْهُ وَكَرَمًا
و مهر به او می دهد و آغاز به نیکی کند از روی فضل و کرم نسبت به کسی که از او درخواست نکرده (خدایا) به حق
بِكْرَمِكَ الدَّائِمِ، صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَهَبْ لِي رَحْمَةً وَاسِعَةً
کرم همیشگی درود فرست بر محمد و آل محمد و ببخش به من رحمتی وسیع
جَامِعَةً أَبْلُغُ بِهَا خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، اَللَّهُمَّ اِنِّي اَسْتَغْفِرُكَ لِمَا ثُبْتُ
و جامع که بوسیله آن به خیر دنیا و آخرت نائل گردم خدایا من از تو آمرزش خواهم برای گناهایی که پس از توبه
إِلَيْكَ مِنْهُ ثُمَّ عُدْتُ فِيهِ، وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ خَيْرٍ أَرَدْتُ بِهِ وَجَهَكَ
کردن دوباره دست بدانها زده ام و از تو آمرزش خواهم برای هر کار خیری که در انجام آن ذات تو را قصد کردم
فَخَالَطَنِي فِيهِ مَا لَيْسَ لَكَ، اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،
ولی چیزهای دیگری هم در آن مخلوط گشت خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد
وَأَعْفُ عَن ظُلْمِي وَجُرْمي بِحِلْمِكَ وَجُودِكَ يَا كَرِيمُ، يَا مَنْ لَا
و بگذر از ظلم و جنایت من به بردباری و بخشش خود ای بزرگوار ای که
يَخِيبُ سَائِلُهُ، وَلَا يَنْفَدُ نَائِلُهُ، يَا مَنْ عَلَا فَلَا شَيْءَ فَوْقَهُ، وَذَنِي فَلَا
نومید نکند خواهنده اش را و تمام شدنی نیست عطایش ای که والا است و چیزی فوق او نیست و نزدیک آمد
شَيْءَ دُونَهُ، صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْحَمْنِي يَا فَالِقَ الْبَحْرِ
و چیزی از او نزدیکتر نیست درود فرست بر محمد و آل محمد و به من رحم کن ای شکافنده دریا
لِمُوسَى، اللَّيْلَةَ اللَّيْلَةَ اللَّيْلَةَ، السَّاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ، اَللَّهُمَّ طَهِّرْ
برای حضرت موسی، در همین امشب، امشب، امشب، همین ساعت، همین ساعت، همین ساعت خدایا پاک کن
قَلْبِي مِنَ التَّفَاقِ، وَعَمَلِي مِنَ الرِّبَا، وَلِسَانِي مِنَ الْكَذِبِ، وَعَيْنِي مِنَ

دلم را از نفاق و کارم را از ریاء و زبانم را از دروغ و چشمم را از
 الْخِيَانَةِ، فَإِنَّكَ تَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ، یا رَبِّ هَذَا
 خیانت زیرا تویی که خیانت‌های چشم‌ها و آنچه را سینه‌ها در خود پنهان کنند می‌دانی پروردگارا اینجاست
 مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ، هَذَا مَقَامُ الْمُسْتَجِيرِ بِكَ مِنَ النَّارِ، هَذَا مَقَامُ
 جایگاه پناه برنده به تو از آتش این است جایگاه پناه خواهنده تو از آتش
 الْمُسْتَعِيثِ بِكَ مِنَ النَّارِ، هَذَا مَقَامُ الْهَارِبِ إِلَيْكَ مِنَ النَّارِ، هَذَا مَقَامُ
 این است جایگاه فریادخواه تو از آتش این است جایگاه گریزان بدرگاهت از آتش این است جایگاه
 مَنْ يَبُوءُ لَكَ بِخَطِيئَتِهِ، وَيَعْتَرِفُ بِذَنْبِهِ، وَيَتُوبُ إِلَى رَبِّهِ، هَذَا مَقَامُ
 کسی که بازگشته بسوی تو از خطاکاریش و معترف است به گناهش و بسوی پروردگارش توبه کند این است جایگاه
 الْبَائِسِ الْفَقِيرِ، هَذَا مَقَامُ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ، هَذَا مَقَامُ الْمَحْزُونِ
 مستمند بینوا این است جایگاه ترسان پناهنده این است جایگاه اندوهناک
 الْمَكْرُوبِ، هَذَا مَقَامُ الْمَعْمُومِ الْمَهْمُومِ، هَذَا مَقَامُ الْغَرِيبِ الْغَرِيقِ،
 غمزه این است جایگاه دلگیر افسرده این است جایگاه دور از وطن غرق شده
 هَذَا مَقَامُ الْمُسْتَوْحِشِ الْفَرَقِ، هَذَا مَقَامُ مَنْ لَا يَجِدُ لَذْبُهُ غَافِرًا
 این است جایگاه وحشت زده هراسان این است جایگاه کسی که نیابد جز تو آمرزنده‌ای
 غَيْرَكَ، وَلَا لَضَعْفِهِ مَقْوِيًّا إِلَّا أَتَتْ، وَلَا لَهُمَّ مَفْرَجًا سِوَاكَ، يَا اللَّهُ يَا
 برای گناهش و نه توانا بخشی برای ناتوانیش جز تو و نه غمزدایی برای اندوهش جز تو ای خدا ای
 كَرِيمٌ، لَا تُحْرِقْ وَجْهِي بِالنَّارِ بَعْدَ سُجُودِي لَكَ، وَتَغْفِرِي بَعِيرٍ مَنِ
 کریم مسوزان رویم را به آتش پس از آنکه برای تو سجده کرده و بدون آنکه متی بر تو داشته باشم
 مَنِّي عَلَيْكَ، بَلْ لَكَ الْحَمْدُ وَالْمَنْ وَالْتَفَضُّلُ عَلَيَّ، اَرْحَمَ اَيَّ رَبِّ اَيَّ
 آنرا به خاك مالیده‌ام بلکه برای تو است ستایش و منت‌گذاری و زیاده‌بخشی بر من رحم کن ای پروردگارم . . .
 رَبِّ اَيَّ رَبِّ، بگويد تا آنکه نفس قطع شود ضَعْفِي وَقِلَّةَ حِيلَتِي، وَرِقَّةَ جِلْدِي، وَتَبَدُّدُ
 . . . به ناتوانی و بیچارگی من و نازکی

پوست بدنم و گسیختن

أَوْصَالِي، وَنَثَارَ لَحْمِي وَجِسْمِي وَجَسَدِي، وَوَحْدَتِي وَوَحْشَتِي

بند اعضايم و فرو ريختن گوشت تنم و پيكرم و تنهائيم و وحشت
في قَبْرِي، وَجَزَعِي مِنْ صَغِيرِ الْبَلَاءِ، أَسْأَلُكَ يَا رَبُّ قُرَّةَ الْعَيْنِ
قبرم و بی تابيم از بلای کوچک از تو خواهم پروردگارا روشنی دیده
وَالْإِغْثَابَ يَوْمَ الْحَسْرَةِ وَالْثَدَامَةِ، بَيِّضُ وَجْهِي يَا رَبُّ يَوْمَ تَسْوَدُّ
و شادمانی در روز حسرت و پشیمانی، سفید گردان رویم را پروردگارا در روزی که روها سیاه گردند
الْوُجُوهُ، آمَتِّي مِنَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ، أَسْأَلُكَ الْبُشْرَى يَوْمَ تُقَلَّبُ الْقُلُوبُ
امانم بخش از هراس بزرگ از تو خواهم مژده در روزی که دلها و دیده ها زیر و رو گردند
وَالْأَبْصَارُ، وَالْبُشْرَى عِنْدَ فِرَاقِ الدُّنْيَا، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَرْجُوهُ عَوْنًا
و مژده در وقت جدایی از این دنیا ستایش خاص خدایی است که امید کمک او را در دوران
لی فی حیوتی، وَأَعِدُّهُ ذُخْرًا لِيَوْمٍ فَاقَتِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَدْعُوهُ وَلَا أَدْعُو
زندگی دارم و برای روز بینوائیم او را ذخیره کرده ام ستایش خدایی را است که او را بخوانم و جز او
غَيْرُهُ، وَلَوْ دَعَوْتُ غَيْرَهُ لَحَيِّبَ دُعَائِي الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَرْجُوهُ وَلَا
کسی را نخوانم و اگر هم غیر او را بخوانم دعایم به اجابت نرسد ستایش از آن خدایی است که امیدم به او است و جز
أَرْجُو غَيْرَهُ، وَلَوْ رَجَوْتُ غَيْرَهُ لَأَخْلَفَ رَجَائِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُنْعِمِ
او به کسی امید ندارم و اگر به دیگری امید داشته باشم ناامید گردم ستایش خاص خدای نعمت بخش
الْمُحْسِنِ الْمُجْمِلِ الْمُفْضِلِ، ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، وَلِي كُلِّ نِعْمَةٍ،
نیکوده زیبا کردار زیاده بخش است که صاحب جلال و بزرگواری است و سرپرست هر نعمت
وَصَاحِبُ كُلِّ حَسَنَةٍ، وَمُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ وَقَاضِي كُلِّ حَاجَةٍ، اَللّهُمَّ
و صاحب هر خوبی و سرحد نهایی هر شوق و رغبت و برآورنده هر حاجتی است خدایا
صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْزُقْنِي الْيَقِينَ وَحُسْنَ الظَّنِّ بِكَ،
درود فرست بر محمد و آل محمد و روزیم کن یقین و خوش گمانی به خودت
وَأَثْبِتْ رَجَاءَكَ فِي قَلْبِي، وَأَقْطَعْ رَجَائِي عَمَّنْ سِوَاكَ، حَتَّى لَا أَرْجُو
و محکم کن امیدت را در دلم و قطع کن امیدم را از غیر خود تا اینکه جز تو به کسی امید
غَيْرَكَ، وَلَا أَتَّقِيَ إِلَّا بِكَ، يَا لَطِيفًا لِمَا تَشَاءُ، اَلطُّفُ لِي فِي جَمِيعِ
نداشته و بجز تو به کسی اعتماد نکنم ای لطف کننده به هر چه خواهی به من لطف فرما در تمام

أَحْوَالِي بِمَا تُحِبُّ وَتَرْضِي، يَا رَبِّ إِنِّي ضَعِيفٌ عَلَى النَّارِ فَلَا
حَالَتُمُ بَدَانِجِه دُوسْت دَارِي و خوشنود شوي پروردگارا من بر تحمل آتش ناتوانم پس
تُعَذِّبُنِي بِالنَّارِ، يَا رَبِّ أَرْحَمُ دُعَائِي وَتَضَرُّعِي وَخَوْفِي، وَذُلِّي
به آتش عذابم مکن پروردگارا به دعا و تضرع و ترس و خواری
وَمَسْكَنَتِي، وَتَعْوِذِي وَتَلْوِيزِي، يَا رَبِّ إِنِّي ضَعِيفٌ عَنْ طَلَبِ
و بیچارگی و پناهندگی و پناه خواهیم رحم کن، پروردگارا من از طلب
الدُّنْيَا، وَأَنْتَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ، أَسْأَلُكَ يَا رَبِّ بِقُوَّتِكَ عَلَيَّ ذَلِكَ، وَقُدْرَتِكَ
دنیا ناتوانم و تو گشایش ده بزرگواری از تو خواهیم پروردگارا به نیرویت بر این کار و قدرتی که
عَلَيْهِ، وَغِنَاكَ عَنْهُ، وَحَاجَتِي إِلَيْهِ أَنْ تَرْزُقَنِي فِي عَامِي هَذَا، وَشَهْرِي
بر آن داری و بی نیازیت از آن و نیاز من بدان که روزیم کن در این سال و در این ماه
هَذَا، وَيَوْمِي هَذَا، وَسَاعَتِي هَذِهِ، رِزْقًا تُغْنِينِي بِهِ عَنْ تَكْلُفٍ مَا فِي
و در همین امروز و همین ساعت یک چنان روزی که بوسیله آن مرا از به زحمت درآوردن آنچه در
أَيْدِي النَّاسِ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ، أَيْ رَبِّ مِنْكَ أَطْلُبُ، وَإِلَيْكَ
دست مردم است بی نیاز کنی از آن روزی حلال و پاکیزه ات، پروردگارا از تو می جویم و به درگاه
أَرْغَبُ، وَإِيَّاكَ أَرْجُو وَأَنْتَ أَهْلُ ذَلِكَ لَا أَرْجُو غَيْرَكَ، وَلَا أَتَقِي إِلَّا بِكَ،
تو رغبت کنم و از تو امیدوارم و تو شایسته آنی به جز تو به کسی امید ندارم و بجز تو به کسی اعتماد ندارم
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، أَيْ رَبِّ ظَلَمْتُ نَفْسِي فَأَغْفِرْ لِي وَأَرْحَمْنِي
ای مهربانترین مهربانان پروردگارا من به خوشتن ستم کرده پس مرا ببامرز و به من رحم کن
وَعَافِنِي، يَا سَامِعَ كُلِّ صَوْتٍ، وَيَا جَامِعَ كُلِّ قَوْتٍ، وَيَا بَارِيَّ الْكُلُوفِ
و عافیتم ده ای شنوای هر صدا و ای گردآورنده هر چه از دست رفته و ای آفریننده جانها
بَعْدَ الْمَوْتِ، يَا مَنْ لَا تَغْشَاهُ الظُّلُمَاتُ، وَلَا تَشْتَبِهُ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ،
پس از مرگ ای که نپوشاندش تاریکیها و مشتبّه نشود بر او صداها
وَلَا يَشْغَلُهُ شَيْءٌ عَنْ شَيْءٍ، أَعْطِ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَفْضَلَ
و سرگرمش نکند چیزی از چیز دیگر عطا کن بر محمد صلی الله علیه و آله بهترین چیزی را
مَا سَأَلْتُكَ، وَأَفْضَلَ مَا سَأَلْتُكَ لَهُ، وَأَفْضَلَ مَا أَنْتَ مَسْئُولٌ لَهُ إِلَى يَوْمٍ

که او از تو خواسته و بهتر چیزی که برای او از تو درخواست شده و بهتر چیزی که از تو تا روز
الْقِيَامَةِ، وَهَبْ لِي الْعَافِيَةَ حَتَّى تُهَيِّئَنِي الْمَعِيشَةَ، وَاحْتِمْ لِي بِخَيْرٍ
قیامت برای او درخواست کنند و تندرستی به من عنایت کن تا اینکه زندگی بر من گوارا شود و کارم را
حَتَّى لَا تَضُرَّنِي الذُّنُوبُ، اَللّٰهُمَّ رَضِّنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي، حَتَّى لَا
ختم بخیر فرما تا گناهان زیانم نرساند خدایا خوشنودم گردان بدانچه روزیم کرده‌ای که دیگر
اَسْأَلُ أَحَدًا شَيْئًا، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْتَحْ لِي
از هیچکس چیزی نخواهم خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و خزینه‌های رحمت را بر من
خَزَائِنَ رَحْمَتِكَ، وَارْحَمْنِي رَحْمَةً لَا تُعَذِّبُنِي بَعْدَهَا أَبَدًا فِي الدُّنْيَا
بگشا و رحمتی به من بده که پس از آن هرگز در دنیا
وَالْآخِرَةِ، وَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ رِزْقًا حَلَالًا طَيِّبًا، لَا تُفْقِرُنِي
و آخرت مرا عذاب نفرمائی و روزیم ده از فضل وسیع خود روزی حلال پاکیزه‌ای که مرا جز بدرگاهت فقیر و نیازمند
إِلَى أَحَدٍ بَعْدَهُ سِوَاكَ، تَزِيدُنِي بِذَلِكَ شُكْرًا، وَإِلَيْكَ فَاقَةً وَفَقْرًا، وَبِكَ
درگاه دیگری نکنی و سپاسگزاری مرا در برابرش افزون و نیاز و احتیاجم را به درگاه خود زیاده گردانی
عَمَّنْ سِوَاكَ غِنًا وَتَعَفُّفًا، يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ، يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ، يَا
و بوسیله خود مرا از دیگران بی‌نیاز و خویشان‌دار گردانی ای نیکوکار و ای زیباکردار ای نعمت بخش ای زیاده بخش ای
مَلِكُ يَا مُقْتَدِرُ، صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاكْفِنِي الْمُهْمَ كُلَّهُ،
پادشاه ای نیرومند درود فرست بر محمد و آل محمد و مهمات کارم را کفایت فرما و بخوبی حاجت روایم
وَاقْضِ لِي بِالْحُسْنَى، وَبَارِكْ لِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي، وَاقْضِ لِي جَمِيعَ
کن و در تمام کارهایم برکت ده و همه حاجاتم را برآور
حَوَائِجِي، اَللّٰهُمَّ يَسِّرْ لِي مَا آخَفُ تُعْسِرُهُ، فَإِنَّ تَيْسِيرَ مَا آخَفُ
خدایا آسان گردان برایم آنچه را از دشواریش می‌ترسم زیرا آسان کردن آنچه من از دشواریش می‌ترسم
تُعْسِرُهُ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسِيرٌ، وَسَهْلٌ لِي مَا آخَفُ حُزُونَتَهُ، وَنَفْسٌ عَنِّي
بر تو آسان و کوچک است و هموار ساز برایم آنچه را از ناهمواریش می‌ترسم و برطرف کن از من
مَا آخَفُ ضَيْقَهُ، وَكُفَّ عَنِّي مَا آخَفُ هَمَّهُ، وَأَصْرِفْ عَنِّي مَا آخَفُ بَلِيَّتَهُ يَا

آنچه را از فشار و تنگیش ترسم و باز دار از من آنچه را از اندوهش ترسم و دور ساز از من آنچه را ترس گرفتاریش را دارم

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ اَمْلَأْ قَلْبِي حُبًّا لَكَ، وَخَشْيَةً مِنْكَ وَتَصَدِيقًا لَكَ

ای مهربانترین مهربانان خدایا دلم را پرکن از دوستی و ترس خود و تصدیق کردنت و ایمان به تو

وَإِيْمَانًا بِكَ، وَفَرَقًا مِنْكَ، وَشَوْقًا إِلَيْكَ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ اللَّهُمَّ إِنَّ

و هراس و شوق به سویت ای صاحب جلال و بزرگواری خدایا براستی

لَكَ حَقُّوْقًا فَتَصَدِّقْ بِهَا عَلَيَّ، وَلِلنَّاسِ قِبَلِي تَبِعَاتٌ فَتَحْمَلْهَا عَنِّي، وَقَدْ

برای تو به گردن من حقوقی است پس آنها را بر من ببخش و برای مردم نیز به عهده من حقوقی است که تو آنها را ادا فرما

أَوْجِبْتَ لِكُلِّ ضَيْفٍ قَرِيٍّ، وَأَنَا ضَيْفُكَ فَأَجْعَلْ قَرَايَ اللَّيْلَةِ الْجَنَّةَ، يَا وَهَّابَ

و تو برای هر میهمانی پذیرایی مقرر فرمودی و من نیز میهمان توام و پذیرائیم را در این شب بهشت قرار ده

الْجَنَّةَ، يَا وَهَّابَ الْمَغْفِرَةَ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ .

ای بخشاینده بهشت ای بخشاینده آمرزش جنبش و نیرویی نیست جز به تو

ششم می خوانی دعای ادریس را که شیخ و سید روایت کرده اند طالب آن رجوع بمصباح یا اقبال نماید هفتم می خوانی

این دعا را که مختصرترین دعاها ی سحر است و در اقبال است :

يَا مَفْزَعِي عِنْدَ كُرْبَتِي، وَيَا غَوْثِي عِنْدَ شِدَّتِي، إِلَيْكَ فَرَعْتُ،

* * * * * ای پناهگاهم در هنگام غمزدگی و ای دادرسم در هنگام سختی و

دشواری به درگاهت زاری کنم

وَبِكَ اسْتَعِثْتُ، وَبِكَ لُذْتُ لَا أُلُوْذُ بِسِوَاكَ، وَلَا أَطْلُبُ

و به تو استغاثه کنم و به تو پناه آرم و بجز تو به دیگری پناه نبرم و گشایش

الْفَرَجَ إِلَّا مِنْكَ، فَأَغْنِنِي وَفَرِّجْ عَنِّي يَا مَنْ يَقْبَلُ الْيُسِيرَ، وَيَعْفُو عَنِ

را جز از تو نخواهم پس بدادم برس و گشایشی به من ده ای که بپذیری (طاعت) اندک را و بگذری از (گناه)

الْكَثِيرَ، اِقْبَلْ مِنِّي الْيُسِيرَ، وَاعْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ، إِنَّكَ أَنْتَ الْعَفُوْرُ

بسیار بپذیر از من (طاعت) اندک را و بگذر از (گناه) بسیار که براستی تو آمرزنده

الرَّحِيمُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيْمَانًا تُبَاشِرُهُ قَلْبِي، وَيَقِيْنًا حَتَّى أَعْلَمَ

سُبْحَانَ اللَّهِ عَلَىٰ إِذْبَارِ النَّهَارِ، سُبْحَانَ اللَّهِ عَلَىٰ إِفْجَالِ النَّهَارِ، سُبْحَانَ اللَّهِ عَلَىٰ إِذْبَارِ اللَّيْلِ وَإِفْجَالِ

منزه است خدا هنگام رفتن روز منزه است خدا در وقت رفتن شب و آمدن

النَّهَارِ، وَلَهُ الْحَمْدُ وَالْمَجْدُ وَالْعِزَّةُ وَالْكَرِيَاءُ مَعَ كُلِّ نَفْسٍ وَكُلِّ

روز و از آن او است ستایش و شوکت و بزرگی و کبریاء با هر نفس کشیدن و هر

طَرَفَةٍ عَيْنٍ، وَكُلِّ لَمْحَةٍ سَبَقَ فِي عِلْمِهِ سُبْحَانَكَ مَا أَحْصِي

چشم به هم زدن و هر اشاره‌ای که در علم او گذشته است منزه‌ی تو به پُری آنچه کتاب

كِتَابُكَ، سُبْحَانَكَ زَيْتَةَ عَرْشِكَ، سُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ. و بدان که علما

تو احصاء کند منزه‌ی تو هموزن عرشت منزه‌ی تو * * * *

* * * * *

فرموده‌اند که اگر نیت روزه را بعد از سُحُور بکند بهتر است و از اوّل شب تا به آخر شب نیت می‌توان کرد و همین که

می‌داند و قصد دارد که فردا از برای خدا روزه می‌گیرد و امساک از مفطرات می‌کند بس است و شایسته است که در

سَحَرها نماز شب را ترك نکند و تهجد بعمل آورد .

قسم چهارم در اعمال روزهای ماه رمضان است

و آن چند چیز است اوّل بخواند هر روز این دعا را که شیخ و سیّد نقل کرده‌اند اَللّهُمَّ هَذَا

* * * * *

* * * * * خدایا این

شَهْرُ رَمَضَانَ، الَّذِي أُنْزِلَتْ فِيهِ الْقُرْآنَ، هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ

ماه رمضان است که در آن قرآن را نازل فرمودی قرآنی که راهنمای مردم و حجت‌هایی است از

الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ، وَهَذَا شَهْرُ الصَّيَامِ، وَهَذَا شَهْرُ الْقِيَامِ، وَهَذَا شَهْرُ

هدایت و تمیز و این ماه روزه است و ماه شب زنده‌داری است و ماه

الْإِنَابَةِ، وَهَذَا شَهْرُ التَّوْبَةِ، وَهَذَا شَهْرُ الْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ، وَهَذَا شَهْرُ

بازگشت است و ماه توبه و ماه آمرزش و رحمت است و ماه

الْعِتْقِ مِنَ النَّارِ وَالْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ، وَهَذَا شَهْرُ فِيهِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ، الَّتِي هِيَ

آزادی از آتش و رسیدن به بهشت است و ماهی است که در آن شب قدری است که آن شب

خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ، اَللّٰهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاعْنِي
بهتر است از هزار ماه خدايا درود فرست بر محمد و آل محمد و كمك ده مرا
عَلَيَّ صِيَامِهِ وَقِيَامِهِ، وَسَلِّمْهُ لِي، وَسَلِّمْهُ فِيهِ وَاعْنِي عَلَيْهِ بِأَفْضَلِ
بر روزه و شب زنده داريش و آن را براي من سالمش دار و مرا در آن سالم بدارو كمكم ده بر انجام وظائف آن به بهترين
عَوْنِكَ، وَوَفَّقْنِي فِيهِ لِمَطَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ وَأَوْلِيَّائِكَ صَلَّى اللّٰهُ
كمك خود و موفقم دار در اين ماه براي اطاعت خودت و پيروي پيامبرت و اوليائت درود تو
عَلَيْهِمْ، وَفَرِّغْنِي فِيهِ لِعِبَادَتِكَ، وَدُعَاكَ وَتِلَاوَةِ كِتَابِكَ، وَأَعْظِمْ لِي
بر ايشان باد و فارغم ساز در اين ماه براي عبادت و دعا و تلاوت قرآن و بركتم را در اين ماه زياد
فِيهِ الْبَرَكَةَ، وَأَحْسِنْ لِي فِيهِ الْعَافِيَةَ، وَأَصِحِّ فِيهِ بَدَنِي، وَأَوْسِعْ لِي فِيهِ
گردان و نيكو كن در آن تندرستيم را و سالم دار در آن بدنم را و فراخ گردان در آن
رِزْقِي، وَاكْفِنِي فِيهِ مَا أَهْمَنِي، وَاسْتَجِبْ فِيهِ دُعَائِي، وَبَلِّغْنِي فِيهِ رَجَائِي،
روزيم را و كفايت فرما در اين ماه مهمات مرا و مستجاب گردان در آن دعايم را و به اميد و آرزويم برسان
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَذْهَبْ عَنِّي فِيهِ الْفُتُورَ
خدايا درود فرست بر محمد و آل محمد و دور كن از من در اين ماه چُرَت
وَالْكَسَلَ وَالسَّامَةَ وَالْفُتْرَةَ، وَالْقُسُوءَ وَالْغَفْلَةَ وَالْغُرَّةَ، وَجَنِّبْنِي فِيهِ
و بی حالی و خستگي و سستی و سنگدلی و بی خبري و غرور و امراض
الْعِلَلَ وَالْأَسْقَامَ، وَالْهُمُومَ وَالْأَحْزَانَ، وَالْأَعْرَاضَ وَالْأَمْرَاضَ
و دردها و اندوهها و غمها و عوارض ديگر و بيماريها
وَالْخَطَايَا وَالذُّنُوبَ، وَأَصْرِفْ عَنِّي فِيهِ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ، وَالْجَهْدَ
و خطاها و گناهان را و باز دار از من در اين ماه بدني و هرزگي و رنج و بلا و مشقت و
وَالْبَلَاءَ وَالتَّعَبَ وَالْعَنَاءَ، إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ
زحمت را كه براستی تو شنوای دعا هستی خدايا درود فرست بر محمد
وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعِزَّنِي فِيهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، وَهَمَزِهِ وَلَمَزِهِ، وَنَفَثِهِ
و آل محمد و پناهم ده در اين ماه از شيطان رانده درگاهت و اشاره اش و چشمك زدنش و پُفیدن
وَنَفْخِهِ، وَوَسْوَاسَتِهِ وَتَثْبِيطِهِ وَكَيْدِهِ وَمَكْرِهِ، وَحَبَائِلِهِ وَخُدَعِهِ،

و دمیدنش و وسوسه و تعویق انداختنش و نیرنگ و حيله‌اش و دامهایش و فریبهایش
وَأَمَانِيهِ وَغُرُورِهِ، وَفِتْنَتِهِ وَشُرْكِهِ، وَأَحْزَابِهِ وَأَثْبَاعِهِ، وَأَشْيَاعِهِ
و دروغهایش و گولهایش و فتنه‌اش و شبکه‌های دامش و همراهانش و پیروانش و دنباله‌ها
وَأَوْلِيَّائِهِ، وَشُرَكَائِهِ وَجَمِيعِ مَكَائِدِهِ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ
و دوستان و شریکانش و همه اسباب حيله و کیدش خدایا درود فرست بر محمد و آل
مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنَا قِيَامَهُ وَصِيَامَهُ، وَبُلُوغَ الْأَمَلِ فِيهِ وَفِي قِيَامِهِ،
محمد و روزی ما گردان شب‌زنده‌داری و روزه این ماه را و به رسیدن آرزویمان در این ماه
وَأَسْتِكْمَالَ مَا يُرْضِيكَ عَنِّي صَبْرًا وَاحْتِسَابًا، وَإِيمَانًا وَيَقِينًا، ثُمَّ
و در پایداری و انجام کامل چیزهایی که تو را از من خوشنود گرداند از نظر شکیبایی و چشمداشت ایشان و ایمان و یقین
تَقَبَّلْ ذَلِكَ مِنِّي بِالْأَضْعَافِ الْكَثِيرَةِ، وَالْأَجْرِ الْعَظِيمِ، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ
سپس بپذیر آنرا از من به چند برابر زیادت‌ر و پاداشی بزرگ ای پروردگار جهانیان
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْزُقْنِي الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ،
خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و روزیم کن حج و عمره
وَالْإِجْتِهَادَ وَالْقُوَّةَ وَالنَّشَاطَ، وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ، وَالْقُرْبَةَ وَالْخَيْرَ
و کوشش و نیرو و نشاط و انابه و توبه و تقرب به خودت و کار خیر
الْمَقْبُولَ، وَالرَّغْبَةَ وَالرَّهْبَةَ، وَالتَّضَرُّعَ وَالْحَشْوَعَ، وَالرَّقَّةَ وَالتَّيَّةَ
پذیرفته و شوق و ترس و زاری و فروتنی و دل‌نازکی و نیت
الصَّادِقَةَ، وَصِدْقَ اللِّسَانِ، وَالْوَجَلَ مِنْكَ، وَالرَّجَاءَ لَكَ، وَالتَّوَكُّلَ عَلَيْكَ،
راست و راستگویی زبان و بیم از خودت و امید و توکل بر خودت
وَالثِّقَةَ بِكَ، وَالْوَرَعَ عَنْ مَحَارِمِكَ مَعَ صَالِحِ الْقَوْلِ وَمَقْبُولِ السَّعْيِ،
و اعتماد به تو و پرهیزکاری از حرامهای تو با گفتار شایسته و کوشش پذیرفته
وَمَرْفُوعِ الْعَمَلِ وَمُسْتَجَابِ الدَّعْوَةِ، وَلَا تَحُلْ بَيْنِي وَبَيْنَ شَيْءٍ مِنْ
و عمل بالا رفته و دعای مستجاب شده و میان من و هر یک از اینها (که گفتم) جدایی مینداز
ذَلِكَ بَعَرَضٍ وَلَا مَرَضٍ، وَلَا هَمٍّ وَلَا غَمٍّ وَلَا سَقَمٍ، وَلَا غَفْلَةٍ وَلَا
بواسطه پیشامدها و بیماری و اندوه و غم و درد و غفلت و

نِسْيَانٍ، بَلْ بِالتَّعَاهُدِ وَالتَّحَفُّظِ لَكَ وَفِيكَ، وَالرَّعَايَةِ لِحَقِّكَ، وَالْوَفَاءِ
فراموشی بلکه (موفقم بدار که) به هم پیمانی و خودداری بخاطر تو و درباره تو مراعات حق تو و وفاء
بِعَهْدِكَ وَوَعْدِكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَي
به پیمان و وعده تو (کارهایم انجام شود) به رحمت ای مهربانترین مهربانان خدایا درود فرست بر
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَقْسِمُ لِي فِيهِ أَفْضَلَ مَا تَقْسِمُهُ لِعِبَادِكَ
محمد و آل محمد و نصیبم کن در این ماه بهتر چیزی را که نصیب بندگان
الصَّالِحِينَ وَأَعْطِنِي فِيهِ أَفْضَلَ مَا تُعْطِي أَوْلِيَاءَكَ الْمُقْرَبِينَ مِنْ
شایسته‌ها کردی و بده بمن در این ماه بهتر چیزی را که عطا کردی به اولیاء مقرب خود از
الرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ، وَالتَّحَنُّنِ وَالْإِجَابَةِ، وَالْعَفْوِ وَالْمَغْفِرَةِ الدَّائِمَةِ
رحمت و آمرزش و مهرورزی و اجابت دعا و گذشت و آمرزش همیشگی
وَالْعَافِيَةِ وَالْمُعَافَاةِ وَالْعِثْقِ مِنَ النَّارِ وَالْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ وَخَيْرِ الدُّنْيَا
و تندرستی و آسایش و آزادی از آتش و رسیدن به بهشت و خیر دنیا
وَالْآخِرَةِ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ دُعَائِي فِيهِ
و آخرت خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و دعایم را در این ماه
إِلَيْكَ وَاصِلًا وَرَحْمَتَكَ وَخَيْرَكَ إِلَيَّ فِيهِ نَازِلًا، وَعَمَلِي فِيهِ مَقْبُولًا،
بسوی خود برسان و رحمت و خیر خود را در این ماه بسوی من نازل فرما و عملم را پذیرفته گردان
وَسَعْيِي فِيهِ مَشْكُورًا، وَذَنْبِي فِيهِ مَغْفُورًا، حَتَّى يَكُونَ نَصِيبِي فِيهِ
و کوششم را در آن سپاس شده و گناهم را آمرزیده قرار ده تا اینکه سهمم در آن
الْأَكْثَرُ، وَحَظِّي فِيهِ الْأَوْفَرُ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،
بیشتر و بهره‌ام کاملتر باشد خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد
وَوَفَّقْنِي فِيهِ لِلَّيْلَةِ الْقَدْرِ عَلَي أَفْضَلِ حَالٍ، تُحِبُّ أَنْ يَكُونَ عَلَيْهَا أَحَدٌ
و موفقم دار برای شب قدر به بهترین حالی که دوست داری یکی
مِنْ أَوْلِيَاءِكَ، وَارْضَاهَا لَكَ، ثُمَّ اجْعَلْهَا لِي خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ،
از اولیاءت در آن حال باشد و خوشنودترین حالات پیش تو باشد سپس آن شب را برای من بهتر از هزار ماه کن
وَارْزُقْنِي فِيهَا أَفْضَلَ مَا رَزَقْتَ أَحَدًا مِمَّنْ بَلَّغَتْهُ إِثَابًا وَكَرَّمَتْهُ بِهَا،

و روزیم ده در آن شب به بهترین روزیهایی که به کسی دادی و به آن روزی او را رسانیدی و بدان گرامیش داشتی
وَأَجْعَلْنِي فِيهَا مِنْ عَتَقَاتِكَ مِنْ جَهَنَّمَ، وَطَلْقَاتِكَ مِنَ النَّارِ، وَسَعْدَاءِ
و مرا در آن شب از آزاد شدگان از جهنم و رها شدگان از دوزخ و سعادتمندان
خَلِّقْ بِمَعْفِرَتِكَ وَرِضْوَانِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي
خلقت قرار ده بحق آمرزش و خوشنودیت ای مهربانترین مهربانان خدایا درود فرست بر
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْزُقْنَا فِي شَهْرِنَا هَذَا الْجِدَّ وَالْإِجْتِهَادَ، وَالْقُوَّةَ
محمد و آل محمد و روزی ما کن در این ماه کوشش و تلاش و نیرو
وَالنَّشَاطَ، وَمَا تُحِبُّ وَتَرْضِي، اللَّهُمَّ رَبَّ الْفَجْرِ وَكَيْالِ عَشْرِ،
و نشاط و آنچه دوست داری و خوشنود شوی خدایا ای پروردگار سپیده دم و شبهای ده گانه
وَالشَّفْعَ وَالْوَتْرَ، وَرَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَمَا أَنْزَلْتَ فِيهِ مِنَ الْقُرْآنِ،
و شفع و وتر و پروردگار ماه رمضان و آنچه در آن فرو فرستادی از قرآن
وَرَبَّ جِبْرِئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ وَعِزْرَائِيلَ، وَجَمِيعَ الْمَلَائِكَةِ
و پروردگار جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل و همه فرشتگان
الْمُقَرَّبِينَ، وَرَبَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ، وَرَبَّ
مقرب و پروردگار ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و پروردگار
مُوسَى وَعِيسَى، وَجَمِيعَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ، وَرَبَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ
موسی و عیسی و همه پیمبران و فرستادگان و پروردگار حضرت محمد خاتم
النَّبِيِّينَ صَلِّوْا نَكَ عَلَيْهٍ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ عَلَيْهِمْ،
پیمبران دروذهای تو بر او و بر ایشان همگی و از تو خواهم به حقی که تو بر ایشان داری
وَبِحَقِّهِمْ عَلَيْكَ، وَبِحَقِّكَ الْعَظِيمِ، لَمَّا صَلَّيْتَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَيْهِمْ
و به حقی که ایشان بر تو دارند و به آن حق بزرگ خودت که درود فرستی بر او و آتش و بر ایشان
أَجْمَعِينَ وَنَظَرْتَ إِلَيَّ نَظْرَةً رَحِيمَةً تَرْضِي بِهَا عَنِّي، رِضًى لَا سَخَطَ
همگی و نظری به من کنی نظری مهربانانه که بدان از من خوشنود گردی خوشنودی که هرگز
عَلَيَّ بَعْدَهُ أَبَدًا، وَأَعْطَيْتَنِي جَمِيعَ سُؤْلِي وَرَغْبَتِي وَأُمْنِيَّتِي وَإِرَادَتِي،
پس از آن خشمی بر من نداشته باشی و همه خواسته هایم و میل و آرزو و درخواستم را

وَصَرَفْتَ عَنِّي مَا أَكْرَهُ وَأَحْذَرُ، وَأَخَافُ عَلَيَّ نَفْسِي وَمَا لَا أَخَافُ،

به من بدهی و بگردانی از من آنچه را خوش ندارم و از آن نگران و ترسان بر خویشتن هستم و آنچه را که نمی ترسم

وَعَنْ أَهْلِي وَمَالِي وَأَخْوَانِي وَذُرِّيَّتِي، اَللّهُمَّ اِلَيْكَ فَرَرْنَا مِنْ ذُنُوبِنَا

و نیز از خانواده و مال و برادران و فرزندانم آنها را بگردانی خدایا بسوی تو گریختیم از گناهانمان

فَاَوْنَا تَائِبِينَ، وَتُبْ عَلَيْنَا مُسْتَعْفِرِينَ، وَاعْفِرْ لَنَا مُتَعَوِّذِينَ، وَاعِزَّنَا

پس ما را جای ده به حال توبه و توبه مان بپذیر در حال آمرزش خواهی و بیامرزمان در حال پناهنده گی و پناهمان ده

مُسْتَجِيرِينَ، وَاجِرْنَا مُسْتَسْلِمِينَ، وَلَا تَحْذُلْنَا رَاهِبِينَ، وَآمِنَّا رَاغِبِينَ،

در حال پناهجویی و زنهارمان ده در حال تسلیم شدگی و خوارمان مکن در حال هراسناکی و امانان ده در حال

امیدواری

وَشَفَّعْنَا سَائِلِينَ، وَاعْظِنَا اِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ قَرِيبٌ مُجِيبٌ، اَللّهُمَّ

و شفاعتمان را بپذیر در حال خواهندگی و به ما بده که براستی تو شنوای دعائی و نزدیک و اجابت کننده ای خدایا

اَنْتَ رَبِّي وَآثَا عَبْدُكَ، وَآحَقُّ مَنْ سَأَلَ الْعَبْدُ رَبَّهُ، وَلَمْ يَسْأَلِ الْعَبَادُ

تو پروردگار منی و من بنده تو و سزاوارترین کسی که بنده از او درخواست کند پروردگار او است و درخواست نکنند

بندگان

مِثْلَكَ كَرَمًا وَجُودًا، يَا مَوْضِعَ شَكْوَى السَّائِلِينَ، وَيَا مُنْتَهَى حَاجَةٍ

کسی را چون تو در کرم و جود ای مرجع شکایت درخواست کنندگان و ای منتهای حاجت

الرَّاعِغِينَ، وَيَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، وَيَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، وَيَا

مشتاقان و ای فریاددرس فریادخواهان و ای پاسخ دهنده دعای درماندگان و ای

مَلَجَا الْهَارِبِينَ، وَيَا صَرِيخَ الْمُسْتَضْرِّحِينَ، وَيَا رَبَّ الْمُسْتَضَعْفِينَ،

پناهگاه گریختگان و ای دادرس دادخواهان و ای پروردگار ناتوان شمرندگان

وَيَا كَاشِفَ كَرْبِ الْمَكْرُوبِينَ، وَيَا فَارِجَ هَمِّ الْمَهْمُومِينَ، وَيَا كَاشِفَ

و ای غمزدای غم غمزدگان و ای غمگشای ماتمزدگان و ای برطرف کننده

الْكَرْبِ الْعَظِيمِ، يَا إِلَهَ يَارْحَمُنْ يَارْحِيمُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، صَلِّ عَلَيَّ

اندوه بزرگ ای خدا ای بخشاینده ای مهربان ای مهربانترین مهربانان درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاعْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَعُيُوبِي، وَإِسَاءَاتِي وَظُلْمِي

محمد و آل محمد و پیامرز گناهام و زشتیهایم و بدیم و ستم
و جرمی و اسراف علی نفسی، و ارزفتی من فضلك و رحمتك، فائهُ
و جنایتم و زیاده رویم را بر نفسم و روزیم کن از فضل و رحمت خویش زیرا که
لا یملکها غیرک، و اعف عني، و اغفر لی کُلَّ ما سلف من ذنوبی،
مالک آنها نیست کسی جز تو و بگذر از من و پیامرز برایم گناهان گذشتهام را
و اعصمني فیما بقي من عمري، و اسر عني و علي والدي
و نگاهم دار در باقیمانده از عمرم و بیوشان بر من و بر پدر و مادرم
و ولدي، و قرابتی و اهل حزاتنی، و [کُلُّ] مَنْ کان مِنِّي بِسَبِيلٍ مِنْ
و فرزندانم و خویشانم و بستگانم و هرکس که براه من می رود از
المؤمنین و المؤمنات فی الدنیا و الآخرة، فإِنَّ ذَٰلِكَ کُلُّهُ بِيَدِكَ وَاَنْتَ
مردان مؤمن و زنان با ایمان در دنیا و آخرت زیرا تمام اینها بدست تو است و تو
واسع المغفرة، فلا تُخَيِّبْنِي یا سَيِّدِي، و لا تُرَدِّ دُعَائِي و لا يَدِي إِلَى
و وسیع آمرزشی پس نومیدم مکن ای آقایم و دعایم را برمگردان و نه دستم را (خالی) بسوی
تُخْرِي، حَتَّى تَفْعَلَ ذَٰلِكَ بِي، وَتَسْتَجِيبَ لِي جَمِيعَ ما سَأَلْتُكَ،
سینهام تا انجام دهی آنچه را گفتم دربارهام و اجابت کنی برایم تمام آنچه را درخواست کردم
و تَزِيدَنِي مِنْ فَضْلِكَ، فَإِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَنَحْنُ إِلَيْكَ رَاغِبُونَ،
و بیفزائی بر من از فضل خویش که تو بر هر چیز توانائی و ما بسوی تو مشتاقیم
اللَّهُمَّ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى، وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا، وَالْكَبَرِيَاءُ وَالْأَلَاءُ،
خدایا از تو است نامهای نیکو و نمونه های والا و کبریا و انواع نعمتها
أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، إِنْ كُنْتَ قَضَيْتَ فِي هَذِهِ
از تو خواهم به حق نامت در «بسم الله الرحمن الرحيم» اگر مقدر فرموده ای در این
الَّيْلَةِ تَنْزِيلَ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ
شب فرود آمدن فرشتگان و روح را (یعنی امشب را شب قدر قرار داده ای) که درود فرستی بر محمد و آل
مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي السُّعْدَاءِ وَرَوْحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ،
محمد و قرار دهی نام مرا در زمره سعادتمندان و روحم را با شهیدان

وَإِحْسَانِي فِي عَلِيِّينَ، وَإِسَاتِي مَعْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ
و کار نیکم را در علین (بلندترین مقام بهشت) و گناهانم را آمرزیده و ببخشی به من یقینی که دلم همیشه
به قلبی، وایماناً لا یَشُوبُهُ شَكٌّ، وَرَضِيَّ بِمَا قَسَمْتَ لِي، وَآتَنِي فِي
همراه آن باشد و ایمانی به من بدهی که به شک آلوده نگردد و خوشنودی در آنچه قسمتم کرده‌ای و در
الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنِي عَذَابَ النَّارِ، وَإِنْ لَمْ تُكُنْ
دنیا خوبی و خوشی به من ده و در آخرت نیز خوبی بده و از عذاب دوزخ نگاهبان دار و اگر مقدر
قَضَيْتَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ تَنْزِيلَ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا، فَأَخِّرْنِي إِلَى
نفرموده‌ای در این شب فرود آمدن فرشتگان و روح را پس مرا تا بدان شب باقی بدار و
ذَلِكَ وَأَرْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ، وَطَاعَتَكَ وَحُسْنَ عِبَادَتِكَ،
روزی من کن در آن شب ذکر خود و شکر و اطاعت و نیکو پرستش کردند را
وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
و درود فرست بر محمد و آل محمد به بهترین درودهایت ای مهربانترین مهربانان
يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ، يَا رَبَّ مُحَمَّدٍ اغْضَبِ الْيَوْمَ لِمُحَمَّدٍ وَلِأَبْرَارِ عَثْرَتِهِ،
ای یگانه ای بی نیاز ای پروردگار محمد خشم خود را در امروز بخاطر محمد و نیکان از عترتش (بر دشمنانشان)
وَأَقْتُلْ أَعْدَاءَهُمْ بَدَدًا، وَأَخْصِهِمْ عَدَدًا، وَلَا تَدْعُ عَلَيَّ ظَهْرَ الْأَرْضِ
فروبار و در نتیجه بکش دشمنانشان را یکی پس از دیگری و به شمارشان درآر جدا جدا و يك تن از ایشان را بر روی
زمین باقی مگذار
مِنْهُمْ أَحَدًا، وَلَا تَغْفِرْ لَهُمْ أَبَدًا، يَا حَسَنَ الصُّحْبَةِ، يَا خَلِيفَةَ النَّبِيِّينَ، أَنْتَ
و هرگز آنها را نیامرزد ای نیکو رفاقت ای تکیه‌گاه پیمبران توئی
أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، الْبَدِيءُ الْبَدِيعُ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِكَ شَيْءٌ، وَالْدَّائِمُ
مهربانترین مهربانان آفریننده پدید آورنده ای که چیزی مانند تو نیست و خدای جاویدانی
غَيْرُ الْغَافِلِ، وَالْحَيُّ الَّذِي لَا يَمُوتُ، أَنْتَ كُلَّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ، أَنْتَ خَلِيفَةُ
که غفلت نورزد و زنده‌ای که هرگز نمیرد تو هر روز در کاری هستی تو تکیه‌گاه
مُحَمَّدٍ، وَنَاصِرُ مُحَمَّدٍ، وَمُفَضَّلُ مُحَمَّدٍ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُنْصِرَ وَصِيَّ مُحَمَّدٍ،
محمد و یاور محمد و برتری دهنده محمد هستی از تو خواهم که یاری دهی وصی محمد

وَحَلِيفَةُ مُحَمَّدٍ وَالْقَائِمِ بِالْفِسْطِ مِنْ أَوْصِيَاءِ مُحَمَّدٍ، صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ

و جانشین محمد و قیام کننده به عدل از اوصیاء محمد را که درود تو بر او

وَعَلَيْهِمْ، اَعْطِفْ عَلَيْهِمْ نُصْرَكَ، يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

و ایشان باد متوجه کن بر ایشان یاریت را ای که نیست معبودی جز تو بحق کلمه «لا اله الا انت»

صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي مَعَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ،

درود فرست بر محمد و آل محمد و مرا در دنیا و آخرت با ایشان قرار ده

وَاجْعَلْ عَاقِبَةَ أَمْرِي إِلَى غُفْرَانِكَ وَرَحْمَتِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ،

و پایان کارم را به آمرزش و رحمت خود بکشان ای مهربانترین مهربانان

وَكَذَلِكَ تَسْبَبَتْ نَفْسُكَ يَا سَيِّدِي بِاللَّطِيفِ، بَلِي إِنَّكَ لَطِيفٌ، فَصَلِّ

و این چنین خود را معرفی کرده ای ای آقای من به اینکه لطف داری آری براستی تو لطف داری پس درود

عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَالْطُّفُ بِي لِمَا تَشَاءُ، اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ

فرست بر محمد و آل محمد و لطف فرما به من بدان چه خواهی خدایا درود فرست بر محمد و

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْزُقْنِي الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ فِي عَامِنَا هَذَا، وَتَطَوَّلْ

محمد و آل محمد و روزیم گردان حج و عمره را در این سال و تفضل فرما بر

عَلَيَّ بِجَمِيعِ حَوَائِجِي لِلْآخِرَةِ وَالْدُّنْيَا. پس سه مرتبه بگوید اَسْتَغْفِرُ اللهَ

من به برآوردن همه حاجتهای دنیا و آخرتم × × × × × × × × × × آمرزش خواهم از خدا

رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ، إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ، اَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّي وَأَتُوبُ

پروردگارم و بسویش توبه کنم که براستی پروردگار من نزدیک و اجابت کننده است آمرزش خواهم از خدا پروردگارم و

بسویش

إِلَيْهِ، إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ، اَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ، إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا،

توبه کنم براستی پروردگارم مهربان و با محبت است آمرزش خواهم از خدا پروردگارم و بسویش توبه کنم که براستی بسیار

آمرزنده است

اَللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي إِنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ رَبِّ اِنِّي عَمِلْتُ سُوءًا، وَظَلَمْتُ

خدایا مرا بیامرز که تو مهربانترین مهربانانی پروردگارا من بد کردم و به خویشتن ستم کردم

نَفْسِي، فَاغْفِرْ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ، اَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا

پس بیمارز مرا که نیامرزد گناهان را جز تو آمرزش خواهی از خدایی که معبودی جز او

إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، الْحَلِيمُ الْعَظِيمُ الْكَرِيمُ، الْغَفَّارُ اللَّذَّيْبُ الْعَظِيمُ،

نیست زنده و پاینده و بردبار و بزرگ و کریم و بسیار آمرزنده گناه بزرگ است

وَأَكُوبُ إِلَيْهِ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُوراً رَحِيماً، پس این دعا را بخواند

و به سویش توبه کنم آمرزش خواهی از خدا که برآستی او آمرزنده و مهربان است * * * * *

* * * *

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ

خدایا از تو خواهی که درود فرستی بر محمد و آل محمد و قرار ده

فِيما تَقْضِي وَتُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْعَظِيمِ الْمَحْتُمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ مِنْ

در آنچه حکم فرموده و مقدر کرده‌ای از فرمان بزرگ حتمی و مسلمات در شب قدر از

الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ أَنْ تُكْتَبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ،

آن حکمی که بازگشت و تغییری در آن نیست که نامم را در زمره حاجیان خانه محترم کعبه‌ات

الْمَبْرُورِ حَجَّتِهِمُ، الْمَشْكُورِ سَعْيِهِمُ، الْمُغْفُورِ ذُنُوبِهِمُ، الْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ

بنویسی آنانکه حجشان پذیرفته و سعیشان مورد تقدیر و گناهانشان آمرزیده و

سَيِّئَاتِهِمْ، وَأَنْ تَجْعَلَ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ أَنْ تُطِيلَ عُمْرِي، وَتُوسِّعَ

بدیهایشان جبران شده است و در قضا و قدرت مقدر فرمائی که عمرم را طولانی کنی و روزیم

فِي رِزْقِي، وَتُؤَدِّيَ عَنِّي أَمَاتِي وَدِينِي، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ

را فراخ و امانت و قرضم را پیردازی آمین ای پروردگار جهانیان خدایا

اجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي فَرْجاً وَمَخْرَجاً، وَأَرْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ،

قرار ده در کارم گشایش و راهی و روزیم ده از آنجا که گمان دارم

وَمِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَسِبُ وَآخِرُسُنَى مِنْ حَيْثُ أَحْتَرِسُ، وَمِنْ حَيْثُ لَا

و از آنجا که گمان ندارم و محافظتم کن از آنجا که من خود را محافظت کنم و از آنجا که

أَحْتَرِسُ وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَسَلِّمْ كَثِيراً. دَوْم: و فرموده‌اند

* * * * * محافظت نکنم و درود فرست بر محمد و آل محمد و سلام فرست بسیار * * * * *

* * * * *

می‌خوانی این تسبیحات را در هر روز ماه رمضان از اوّل تا به آخر و آن ده جزء است هر جزء آن

* * * * *

مشمول بر ده سُبْحَانَ اللَّهِ (۱) سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِئِ السَّمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ

منزه است خدا آفریننده هر دم زنی منزه است خدا * * * * *

المُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا، سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ

صورت ده منزه است خدا آفریننده همه موجودات جُفَّتْ منزه است خدا مقرر کننده

الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ، سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوِيِّ، سُبْحَانَ اللَّهِ

تاریکیها و روشنی منزه است خدا شکافنده دانه و هسته منزه است خدا

خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى، سُبْحَانَ اللَّهِ

آفریننده هر چیز منزه است خدا آفریننده آنچه دیده شود و آنچه دیده نشود منزه است خدا

مِدَادَ كَلِمَاتِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، سُبْحَانَ اللَّهِ السَّمِيعِ الَّذِي

به مقدار کلمات نامنتهایش منزه است خدا پروردگار جهانیان منزه است خدای شنوایی که چیزی

لَيْسَ شَيْءٌ أَسْمَعُ مِنْهُ، يَسْمَعُ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ مَا تَحْتَ سَبْعِ أَرْضِينَ،

شنواتر از او نیست می شنود از بالای عرش خود آنچه را در زیر هفت زمین است

وَيَسْمَعُ مَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ، وَيَسْمَعُ الْأُنِينَ وَالشُّكُوفِ،

و می شنود آنچه را در تاریکیهای بیابان و دریا است و می شنود ناله و شکایت را

وَيَسْمَعُ السَّرَّ وَآخْفِي، وَيَسْمَعُ وَسَاوِسَ الصُّدُورِ وَلَا يُصِمُّ سَمْعُهُ

و می شنود پنهان و پنهان تر از پنهان را و می شنود وسوسه های سینه ها را و کر نکند شنوایش را

صَوْتٌ (۲) سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِئِ السَّمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ،

صدایی (۲) منزه است خدا آفریننده هر دم زنی منزه است خدای صورت بخش

سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا، سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ

منزه است خدا آفریننده همه موجودات جُفَّتْ منزه است خدا مقرر دارنده تاریکیها

وَالنُّورِ، سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوِيِّ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ،

و روشنی منزه است خدا شکافنده دانه و هسته منزه است خدا آفریننده هر چیز

سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى، سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ،

منزه است خدا آفریننده آنچه دیده شود و آنچه دیده نشود منزه است خدا به مقدار کلمات نامنتهایش

سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْبَصِيرِ الَّذِي لَيْسَ شَيْءٌ

منزه است خدا پروردگار جهانیان منزه است خدای بینائی که چیزی بیناتر از او نیست

أَبْصَرَ مِنْهُ، يُبْصِرُ مَنْ فَوْقَ عَرْشِهِ مَا تَحْتَ سَبْعِ أَرْضِينَ، وَيُبْصِرُ مَا

می بیند از بالای عرش خود آنچه در زیر هفت زمین است و می بیند آنچه

فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ،

را در تاریکیهای خشکی و دریا است دیدگان او را درک نکنند ولی او درک کند دیدگان را

وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ، لَا تُغْشِي بَصَرَهُ الظُّلُمَةُ، وَلَا يُسْتَرُّ مِنْهُ بِسْتَرٍ،

و او است دقیق و کاردان دیده اش را تاریکی نپوشاند و بوسیله پرده چیزی از او مستور نماند

وَلَا يُوَارِي مِنْهُ جِدَارٌ، وَلَا يَغِيبُ عَنْهُ بَرٌّ وَلَا بَحْرٌ، وَلَا يَكُنْ مِنْهُ جَبَلٌ

و دیوار چیزی را از او پنهان نکند و نادیده نماند ازد ید او هیچ خشکی و نه دریایی و هیچ کوهی نتواند مخفی کند از او

مَا فِي أَصْلِهِ، وَلَا قَلْبٌ مَا فِيهِ، وَلَا جَنْبٌ مَا فِي قَلْبِهِ، وَلَا يَسْتَرُّ مِنْهُ

آنچه را در ریشه و در زیر خود دارد و نه دلی آنچه را در خود دارد و نه پهلوی آنچه را در دل دارد و نتواند بیوشاند

خود را از او

صَغِيرٌ وَلَا كَبِيرٌ، وَلَا يَسْتَخْفِي مِنْهُ صَغِيرٌ لَصِغَرِهِ، وَلَا يَخْفِي عَلَيْهِ

کوچکی و نه بزرگی، و پنهانی نتواند جست از او کوچکی بخاطر خردیش و مخفی نماند بر او

شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ، هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ

چیزی در زمین و نه در آسمان او است که صورت بندد شما را در رحمها

كَيْفَ يَشَاءُ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۳) سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِي

هر طور که خواهد معبودی جز او نیست که نیرومند و فرزانه است (۳) منزه است خدا پدیدآورنده

النَّسَمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا،

هر دم زنی منزه است خدای صورت بخش منزه است خدا آفریننده همه موجودات جفت

سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ، سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ

منزه است خدا مقرر کننده تاریکیها و روشنی منزه است خدا شکافنده دانه

وَاللَّوِيِّ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا

و هسته منزه است خدا آفریننده هر چیز منزه است خدا آفریننده آنچه دیدنی و آنچه

لا يُرِي، سُبْحَانَ اللَّهِ مَدَادَ كَلِمَاتِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ،
نادیدنی است منزّه است خدا به مقدار کلمات نامنتهایش منزّه است خدا پروردگار جهانیان
سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي يُثَبِّتُ السَّحَابَ الثَّقَالَ، وَيُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ،
منزه است خدائی که بوجود آورد ابرهای سنگین را و تسبیح گوید رعد به حمد او
وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ، وَيُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ،
و فرشتگان از بیم او و بفرستد صاعقه‌ها را و دچار سازد بدان هر که را خواهد
وَيُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ، وَيُنْزِلُ الْمَاءَ مِنَ السَّمَاءِ
و بادها را نویدی از پیشاپیش رحمت خود فرستد و آب باران را از آسمان
بِكَلِمَتِهِ، وَيَنْبِتُ النَّبَاتَ بِقُدْرَتِهِ، وَيَسْقِطُ الْوَرَقَ بِعِلْمِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ
بوسیله امر خود فرو فرستد و گیاه را به قدرت کامله خویش برویاند و برگ درختان را به علم خود فروریزد منزّه است
خدائی

الَّذِي لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ، وَلَا
که پنهان نماند از او هموزن ذره‌ای در زمین و نه در آسمان و نه
أَصْغَرُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابِ مُبِينٍ (۴) سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِي
کوچکتر از آن و نه بزرگتر جز آنکه در دفتری روشن است (۴) منزّه است خدا پدید آورنده
الْأَنَسَمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا
هر دم زنی منزّه است خدای صورت بخش منزّه است خدا آفریننده همه موجودات جفت
سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ، سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ
منزه است خدا مقرر دارنده تاریکیها و روشنی منزّه است خدا شکافنده دانه
وَاللَّوِيِّ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يُرِي وَمَا
و هسته منزّه است خدا آفریننده هر چیز منزّه است خدا آفریننده هر چه دیدنی است و هر چه
لا يُرِي، سُبْحَانَ اللَّهِ مَدَادَ كَلِمَاتِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
نادیدنی است منزّه است خدا به مقدار کلمات نامنتهایش منزّه است خدا پروردگار جهانیان
سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَى، وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا
منزه است خدائی که می‌داند آنچه بار دارد هر حیوان ماده‌ای و آنچه در رحمها کم شود و آنچه

تَزْدَادُ، وَكُلُّشَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ، عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ،
 بيفزاید و هر چیزی را نزد او اندازه‌ای است دانای غیب و شهود و بزرگ و والاست
 سِوَاءَ مِنْكُمْ مَنْ أَسَرَ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ، وَمَنْ هُوَ مُسْتَخَفٌّ بِاللَّيْلِ
 برای او یکسان است هر که از شما سخن آهسته کند یا بلند کند و هر که به شب
 وَسَارِبٌ بِالنَّهَارِ، لَهُ مُعَقَّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، يَحْفَظُونَهُ مِنْ
 پنهان گردد و یا رهرو شود در روز برای خدا فرشتگانی پیایی است از جلوی روی انسان و از پشت سرش که او را
 أَمَرَ اللَّهُ، سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي يُمِيتُ الْأَحْيَاءَ، وَيُحْيِي الْمَوْتَى، وَيَعْلَمُ مَا
 به فرمان خدا محافظت کنند منزّه است خدائی که بمیراند زندگان را و زنده کند مردگان را و می‌داند آنچه
 تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ، وَيَقْرَأُ فِي الْأَرْحَامِ مَا يَشَاءُ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى
 را زمین از ایشان بکاهد و مستقر کند در رحمها آنچه را خواهد تا مدتی معین
 (5) سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِئِ السَّمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ، سُبْحَانَ اللَّهِ
 (5) منزّه است خدا پدید آورنده هر دم زنی منزّه است خدای صورت بخش منزّه است خدا
 خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا، سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ، سُبْحَانَ
 آفریننده موجودات جفت همگی، منزّه است خدا مقرر دارنده تاریکیها و روشنی منزّه است
 اللَّهُ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّشَيْءٍ، سُبْحَانَ اللَّهِ
 خدا شکافنده دانه و هسته منزّه است خدا آفریننده هر چیزی منزّه است
 خَالِقِ مَا يَرَى وَمَا لَا يَرَى، سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ
 خدا آفریننده هر چه دیدنی است و هر چه نادیدنی است منزّه است خدا به مقدار کلماتش منزّه است خدا
 رَبُّ الْعَالَمِينَ، سُبْحَانَ اللَّهِ مَالِكِ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ،
 پروردگار جهانیان منزّه است خدا مالک پادشاهی، بدهی سلطنت را به هر که خواهی
 وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ، وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ، وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ، بِيَدِكَ
 و بگیری آن را از هر که خواهی و عزت بخشی هر که را خواهی و خوار کنی هر که را خواهی هر چه خیر
 الْحَيْرِ، إِنَّكَ عَلَي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، تُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ، وَتُوَلِّجُ النَّهَارَ
 است بدست تو است و تو بر هر چیز توانایی درآوری شب را در روز و درآوری روز
 فِي اللَّيْلِ، تُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ، وَتَرْزُقُ

را در شب بیرون آوری زنده را از مرده و برون آوری مرده را از زنده و روزی دهی
مَنْ تَشَاءُ بَغَيْرِ حِسَابٍ (۶) سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِئِ السَّمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ
هر که را خواهی بی حساب (۶) منزّه است خدا آفریننده هر دم زنی منزّه است خدای
الْمُصَوِّرِ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا، سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ
صورت بخش منزّه است خدا آفریننده موجودات جفت همگی منزّه است خدا مقرر کننده
الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ، سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوِي، سُبْحَانَ اللَّهِ
تاریکیها و روشنی منزّه است خدا شکافنده دانه و هسته منزّه است خدا
خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى، سُبْحَانَ اللَّهِ
آفریننده هر چیز منزّه است خدا آفریننده هر دیدنی و نادیدنی منزّه است خدا
مِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي عِنْدَهُ
به مقدار کلمات نامتناهیست منزّه است خدا پروردگار جهانیان منزّه است خدائی که نزد او است
مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ، وَمَا تَسْقُطُ
کلیدهای غیب و نمی داند آنها را جز او و می داند هر چه در خشکی و دریا است و نیفتد
مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا، وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا
برگی از درخت جز آنکه بداند آنرا و نیست دانه ای در تاریکیهای زمین و نه تر و نه
يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ (۷) سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِئِ السَّمِ، سُبْحَانَ
خشکی جز اینکه در نامه ای روشن است (۷) منزّه است خدا پدید آورنده هر دم زنی منزّه است
اللَّهُ الْمُصَوِّرِ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ
خدای صورت بخش منزّه است خدا آفریننده هر موجود جفت همگی منزّه است خدا مقرر دارنده
الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ، سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوِي، سُبْحَانَ اللَّهِ
تاریکیها و روشنی منزّه است خدا شکافنده دانه و هسته منزّه است خدا
خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى سُبْحَانَ اللَّهِ
آفریننده هر چیز منزّه است خدا آفریننده هر دیدنی و هر نادیدنی منزّه است خدا
مِدَادَ كَلِمَاتِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي لَا
به مقدار کلمات نامتناهیست منزّه است خدا پروردگار جهانیان منزّه است خدائی که

يُحْصِي مِدْحَتَهُ الْفَائِلُونَ وَلَا يَجْزِي بِإِلَهِ الشَّاكِرُونَ الْعَابِدُونَ،

شماره نتواند کرد مدحش را گویندگان و پاداش ندهند نعمتهایش را سپاسگزاران پرستش کننده

وَهُوَ كَمَا قَالَ وَفَوْقَ مَا تَقُولُ، وَاللَّهُ سُبْحَانَهُ كَمَا أَثْنَى عَلَي نَفْسِهِ، وَلَا

و او چنانست که گفته و برتر از آنست که ما گوئیم و خدای سبحان چنان است که خودش خویشتن را ستوده و

يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ، وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ

رسائی ندارند به چیزی از دانشش جز بدانچه خود او خواهد قلمرو او آسمانها

وَالْأَرْضَ، وَلَا يَؤُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ (۸) سُبْحَانَ اللَّهِ

و زمین را فرا گرفته و سنگینی نمی کند بر او نگهداشتن آن دو و او والا و بزرگ است (۸) منزّه است خدا

بَارِئُ النَّسَمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْمَصُورِ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا،

پدیدآورنده هر دم زنی منزّه است خدای صورت بخش منزّه است خدا آفریننده هر جفت همگی

سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ، سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ

منزّه است خدا مقرر دارنده تاریکیها و روشنی منزّه است خدا شکافنده دانه

وَالنَّوِيِّ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا

و هسته منزّه است خدا آفریننده هر چیز منزّه است خدا آفریننده هر دیدنی و هر

لَا يُرَى، سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ،

نادیدنی منزّه است خدا به مقدار کلماتش منزّه است خدا پروردگار جهانیان

سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا، وَمَا

منزّه است آن خدائی که می داند آنچه فرو رود در زمین و آنچه بیرون آید از آن و آنچه

يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَخْرُجُ فِيهَا، وَلَا يَشْعَلُهُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ

فرو ریزد از آسمان و آنچه بالا رود در آن و سرگرمش نکند آنچه فرو رود در زمین

وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا، عَمَّا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَخْرُجُ فِيهَا، وَلَا يَشْعَلُهُ مَا

و آنچه بیرون آید از آن از آنچه فرود آید از آسمان و آنچه بالا رود در آن و سرگرمش نکند آنچه

يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَخْرُجُ فِيهَا، عَمَّا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ

فرود آید از آسمان و آنچه بالا رود در آن از آنچه فرو رود در زمین و آنچه بیرون آید از آن

مِنْهَا، وَلَا يَشْعَلُهُ عِلْمُ شَيْءٍ، عَنْ عِلْمِ شَيْءٍ وَلَا يَشْعَلُهُ خَلْقُ شَيْءٍ عَنْ

و سرگرمش نکند علم به چیزی از علم به چیز دیگر و سرگرمش نکند آفریدن چیزی از خلق شیء، وَلَا حِفْظُ شَيْءٍ عَنْ حِفْظِ شَيْءٍ وَلَا يُسَاوِيهِ شَيْءٌ، وَلَا آفریدن چیز دیگر و نه نگهداری چیزی از نگهداری چیز دیگر و چیزی با او مساوی نیست و چیزی يَعْدِلُهُ شَيْءٌ، لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (۹) سُبْحَانَ اللَّهِ معادل او نیست و چیزی مانند او نیست و او شنوا و بینا است (۹) منزّه است خدا باری التَّسْمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْمَصُورِ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا، پدید آورنده هر دم زن منزّه است خدای صورت بخش منزّه است خدا آفریننده هر موجود جفت سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ، سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ منزّه است خدا مقرر دارنده تاریکیها و روشنی منزّه است خدا شکافنده دانه وَالنَّوِيِّ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا و هسته منزّه است خدا آفریننده هر چیز منزّه است خدا آفریننده هر دیدنی و هر لَا يُرَى، سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، نادیدنی منزّه است خدا به مقدار کلمات نامتناهیش منزّه است خدا پروردگار جهانیان سُبْحَانَ اللَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا، منزّه است خدا خالق آسمانها و زمین آنکه فرشتگان را فرستادگانی مقرر فرمود أُولَىٰ أَجْنَحَةٍ مَّنْثَىٰ وَثَلَاثَ وَرُبَاعَ، يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ، إِنَّ اللَّهَ که آنها دارای بالهیند دوتا دوتا و سه تا سه تا و چهارتا چهارتا و بیفزاید در خلقت هر چه بخواهد و براستی خدا عَلَي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، مَا يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا، وَمَا بر هر چیز توانا است هر رحمتی را که خدا گشاید کسی بستن آن نتواند و هر چه را يُمَسِّكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ، وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۱۰) سُبْحَانَ خدا بندد پس از او کسی آنرا نگشاید و او است نیرومند فرزانه (۱۰) منزّه است اللَّهُ بَارِئُ التَّسْمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْمَصُورِ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ خدا آفریننده هر دم زن منزّه است خدای صورت بخش منزّه است خدا آفریننده هر موجود جفت كُلِّهَا، سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ، سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ همگی منزّه است خدا مقرر دارنده تاریکیها و روشنی منزّه است خدا شکافنده دانه

وَالْتَوَى، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا
و هسته منزّه است خدا آفریننده هر چیز منزّه است خدا آفریننده دیدنیها و
لَا يُرَى، سُبْحَانَ اللَّهِ مَدَادَ كَلِمَاتِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ،
نادیدنیها منزّه است خدا به مقدار کلمات نامنتهایش منزّه است خدا پروردگار جهانیان
سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ، مَا يَكُونُ
منزّه است خدائی که می داند آنچه را در آسمانها و آنچه را در زمین است، نباشد
مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ، وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ، وَلَا
گفتگوی سری و رازگویی سه نفری جز اینکه او چهارمین آنها است و نه پنج نفری جز اینکه او ششمین آنها است و نه
أَذَى مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَمَا كَانُوا، ثُمَّ يَنْبِئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا
کمتر از این و نه بیشتر از این جز اینکه او با آنها است هر کجا که باشند سپس آگاهشان کند
يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ. سَمِّ: و نیز فرموده اند می خوانی این صلوات
در روز قیامت بدانچه کرده اند براسستی خدا بهر چیز دانا است * * * * *

را در هر روز ماه رمضان: إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتُهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ، يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
* * * * * همانا خدا و فرشتگانش درود فرستند بر پیامبر ای کسانی که
آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا، لَبَّيْكَ يَا رَبُّ وَسَعْدَيْكَ،

ایمان آورده اید شما هم درود فرستید بر او و سلام کنید سلام کامل، پروردگارا من هم دستورت را اجابت کردم و پی در پی
وَسُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ
از تو سعادت می خواهم و منزّهی تو خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و برکت ده بر محمد
و آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ
و آل محمد چنانچه درود فرستادی و برکت دادی بر ابراهیم و آل ابراهیم براسستی
حَمِيدٌ مُجِيدٌ، اللَّهُمَّ ارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، كَمَا رَحِمْتَ إِبْرَاهِيمَ
تو ستوده و بزرگواری خدایا مهرورز بر محمد و آل محمد چنانچه مهر ورزیدی بر ابراهیم
و آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ، اللَّهُمَّ سَلِّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،
و آل ابراهیم براسستی تو ستوده و بزرگواری خدایا تحیت و سلام فرست بر محمد و آل محمد

كَمَا سَلَّمْتَ عَلَيَّ نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ اٰمِنْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ
چنانچه تحت فرستادي بر حضرت نوح در ميان جهانيان خدايا نعمت بخش بر محمد و آل
مُحَمَّدٍ، كَمَا مَنَنْتَ عَلَيَّ مُوسَى وَهَارُونَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ
محمد چنانچه نعمت بخشيدي بر موسي و هارون خدايا درود فرست بر محمد و آل
مُحَمَّدٍ كَمَا شَرَّفْتَنَا بِهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا
محمد چنانچه ما را بدو شرافت داداي خدايا درود فرست بر محمد و آل محمد چنانچه ما را
هَدَيْتَنَا بِهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً
بدو راهنمايي كردي خدايا درود فرست بر محمد و آل محمد و به مقام ستوده اي برانگيزانش
يَعْبِطُهُ بِهِ الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ، عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلَامُ كُلَّمَا طَلَعَتْ
كه اولين و آخرين بر او غبطه خورند، بر محمد و آلش سلام باد هر زمان كه بر آيد
شَمْسٌ أَوْ غَرَبَتْ، عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلَامُ كُلَّمَا طَرَفَتْ عَيْنٌ أَوْ
خورشيد يا غروب كند بر محمد و آلش سلام باد هر زمان كه پلك چشمي بهم خورد يا
بَرَقَتْ، عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلَامُ كُلَّمَا ذَكَرَ السَّلَامُ، عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
برقي زند، بر محمد و آلش سلام باد هر زمان كه ذكر سلامي شود، بر محمد و آلش سلام باد
السَّلَامُ كُلَّمَا سَبَّحَ اللَّهُ مَلِكٌ أَوْ قَدَسَهُ، السَّلَامُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي
هر زمان كه تسبيح خدا كند فرشته اي يا تقديسش كند سلام بر محمد و آلش در ميان
الْأَوَّلِينَ، وَالسَّلَامُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الْآخِرِينَ، وَالسَّلَامُ عَلَيَّ
اولين و سلام بر محمد و آلش در آخرين و سلام بر
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، اللَّهُمَّ رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ، وَرَبَّ
محمد و آلش در دنيا و آخرت خدايا اي پروردگار شهر محترم مكه و پروردگار
الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، وَرَبَّ الْحِلِّ وَالْحَرَامِ، أَبْلِغْ مُحَمَّدًا نَبِيَّكَ عَنَّا السَّلَامَ،
ركن و مقام و پروردگار حل و حرم از ما به محمد پيامبرت سلام برسان
اللَّهُمَّ اعْطِ مُحَمَّدًا مِنَ الْبَهَاءِ وَالنَّضْرَةِ وَالشَّرُّورِ وَالْكَرَامَةِ،
خدايا عطا كن به محمد از جلوه و درخشندگي و شادي و بزرگواري و خوش حالي
وَالْغِبْطَةِ وَالْوَسِيلَةِ، وَالْمَنْزِلَةِ وَالْمَقَامِ، وَالشَّرَفِ وَالرُّفْعَةِ، وَالشَّفَاعَةِ

و وسیله و منزلت و مقام و شرافت و بلندی مقام و شفاعت
عِنْدَكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، أَفْضَلَ مَا تُعْطِي أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ، وَأَعْطِ مُحَمَّدًا
نزد تو در روز رستاخیز بهترین چیزی را که عطا کنی به یکی از خلق خود و عطا کن به محمد
فَوْقَ مَا تُعْطِي الْخَلَائِقَ مِنَ الْخَيْرِ أَضْعَافًا كَثِيرَةً لَا يُحْصِيهَا غَيْرُكَ،
بالاترین چیزی را که به خلائق عطا می کنی به چندین برابر که شماره اش نتواند کسی جز تو
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، أَطِيبَ وَأَطْهَرَ وَأَزْكَى وَأَنْمِي
خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد پاکترین و پاکیزه ترین و نیکوترین و فزاینده ترین
وَأَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، وَعَلَى أَحَدٍ مِنْ
و بهترین درودی که بر یکی از اولین و آخرین و بطور کلی بر یکی از
خَلْقِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،
خلق خود فرستی ای مهربانترین مهربانان خدایا درود فرست بر علی علیه السلام امیرمؤمنان
وَوَالٍ مَنْ وَالَاهُ وَعَادٍ مَنْ عَادَاهُ، وَضَاعِفِ الْعَذَابِ عَلَى مَنْ شَرِكَ
و دوست دار هر که دوستش دارد و دشمن دار هر که دشمنش دارد و دو چندان کن عذابت را بر آنکس که در ریختن
فِي دَمِهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَآلِهِ
خونش شرکت کرد خدایا درود فرست بر فاطمه دختر پیامبرت محمد بر او و آلش
السَّلَامَ، وَالْعَنَ مَنْ آذَى نَبِيِّكَ فِيهَا، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ
سلام باد و لعنت کن کسی که پیامبرت را در مورد دخترش آزرده کرد خدایا درود فرست بر حسن
وَالْحُسَيْنِ إِمَامَيِ الْمُسْلِمِينَ، وَوَالٍ مَنْ وَالَاهُمَا وَعَادٍ مَنْ عَادَاهُمَا،
و حسین دو پیشوای مسلمانان و دوست بدار هر که دوستشان دارد و دشمن دار هر که دشمنشان دارد
وَضَاعِفِ الْعَذَابِ عَلَى مَنْ شَرِكَ فِي دِمَائِهِمَا، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
و دو چندان کن عذابت را بر هرکس که در ریختن خونشان شرکت کرد خدایا درود فرست بر
عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ، وَوَالٍ مَنْ وَالَاهُ وَعَادٍ مَنْ عَادَاهُ،
علی بن الحسین پیشوای مسلمانان و دوست دار هر که دوستش دارد و دشمن دار هر که دشمنش دارد
وَضَاعِفِ الْعَذَابِ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ
و دو چندان کن عذابت را بر هر که به او ستم کرد خدایا درود فرست بر محمد بن علی

إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ، وَوَالٍ مَنْ وَالَهُ وَعَادٍ مَنْ عَادَاهُ، وَضَاعِفِ الْعَذَابِ
پیشوای مسلمانان و دوست دار هر که دوستش دارد و دشمن دار هر که دشمنش دارد و دو چندان کن عذابت را
عَلِيٍّ مَنْ ظَلَمَهُ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ اِمَامِ الْمُسْلِمِينَ،
بر هر که بدو ستم کرد خدایا درود فرست بر جعفر بن محمد پیشوای مسلمانان
وَوَالٍ مَنْ وَالَهُ وَعَادٍ مَنْ عَادَاهُ، وَضَاعِفِ الْعَذَابِ عَلَيَّ مَنْ ظَلَمَهُ،
و دوست دار هر که دوستش دارد و دشمن دار هر که دشمنش دارد و دو چندان کن عذابت را بر هر که به او ستم کرد
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ اِمَامِ الْمُسْلِمِينَ، وَوَالٍ مَنْ وَالَهُ
خدایا درود فرست بر موسی بن جعفر پیشوای مسلمانان و دوست دار هر که دوستش دارد
وَعَادٍ مَنْ عَادَاهُ، وَضَاعِفِ الْعَذَابِ عَلَيَّ مَنْ شَرِكَ فِي دَمِهِ، اَللّٰهُمَّ
و دشمن دار هر که دشمنش دارد و دو چندان کن عذابت را بر هر کس که در ریختن خونش شرکت کرد خدایا
صَلِّ عَلَيَّ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى اِمَامِ الْمُسْلِمِينَ، وَوَالٍ مَنْ وَالَهُ وَعَادٍ مَنْ
درود فرست بر علی بن موسی پیشوای مسلمانان و دوست دار هر که دوستش دارد و دشمن دار
عَادَاهُ، وَضَاعِفِ الْعَذَابِ عَلَيَّ مَنْ شَرِكَ فِي دَمِهِ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ
هر که دشمنش دارد و دو چندان کن عذابت را بر هر کس که در ریختن خونش شرکت کرد خدایا درود فرست بر
مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ اِمَامِ الْمُسْلِمِينَ، وَوَالٍ مَنْ وَالَهُ وَعَادٍ مَنْ عَادَاهُ،
محمد بن علی پیشوای مسلمانان و دوست دار هر که دوستش دارد و دشمن دار هر که دشمنش دارد
وَضَاعِفِ الْعَذَابِ عَلَيَّ مَنْ ظَلَمَهُ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ
و دو چندان کن عذابت را بر هر کس که بدو ستم کرد خدایا درود فرست بر علی بن محمد
إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ، وَوَالٍ مَنْ وَالَهُ وَعَادٍ مَنْ عَادَاهُ، وَضَاعِفِ الْعَذَابِ
پیشوای مسلمانان و دوست دار هر که دوستش دارد و دشمن دار هر که دشمنش دارد و دو چندان کن عذابت را
عَلِيٍّ مَنْ ظَلَمَهُ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ اِمَامِ الْمُسْلِمِينَ،
بر هر کس که بدو ستم کرد خدایا درود فرست بر حسن بن علی پیشوای مسلمانان
وَوَالٍ مَنْ وَالَهُ وَعَادٍ مَنْ عَادَاهُ، وَضَاعِفِ الْعَذَابِ عَلَيَّ مَنْ ظَلَمَهُ،
و دوست دار هر که دوستش دارد و دشمن دار هر که دشمنش دارد و دو چندان کن عذابت را بر هر کس که بدو ستم
کرده

تَكِيلاً. سید بن طاوس فرموده و می گوئی: یا عُدَّتِي فی کُرْبَتِي، و یا صَاحِبِي

از همه شدیدتر است ×××××××××× ای ذخیره‌ام در حال غمزدگی و ای همدم

فِي شِدَّتِي، وَيَا وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي، وَيَا غَايَتِي فِي رَغْبَتِي، أَنْتَ السَّاتِرُ

در سختی و ای سرپرستم در نعمت و ای منتهای شوق و رغبت من توئی پوشاننده

عَوْرَتِي، وَالْمُؤْمِنُ رَوْعَتِي، وَالْمُقِيلُ عَثْرَتِي، فَاعْفُرْ لِي خَطِيئَتِي، يَا

زشتیم و امان بخش ترس و بیمم و نادیده گیر لغزشم پیامرز خطای مرا ای

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. و می گوئی: اَللّهُمَّ اِنِّي اَدْعُوكَ لِهَمٍّ لَا يُفَرِّجُهُ غَيْرُكَ

مهربانترین مهربانان × × × خدایا تو را بخوانم در مورد اندوهی که برطرفش نکند کسی جز تو

وَلِرَحْمَةٍ لَا تُنَالُ إِلَّا بِكَ، وَلِكَرْبٍ لَا يَكْشِفُهُ إِلَّا أَنْتَ، وَلِرَغْبَةٍ لَا تُبْلَغُ

و در مورد رحمتی که نرسد جز بوسیله تو و برای گرفتگی که برطرفش نکند جز تو و در مورد شوقی که بدان نتوان

رسید

إِلَّا بِكَ، وَلِحَاجَةٍ لَا يَقْضِيهَا إِلَّا أَنْتَ، اَللّهُمَّ فَكَمَا كَانَ مِنْ شَأْنِكَ مَا

جز به توفیق تو و در مورد حاجتی که کسی آن را برنیآورد جز تو خدایا هم چنانکه شأن تو بود که به من

أَدْنَيْتَ لِي بِهِ مِنْ مَسْئَلَتِكَ، وَرَحِمْتَنِي بِهِ مِنْ ذِكْرِكَ، فَلْيَكُنْ مِنْ شَأْنِكَ

اجازه فرمودی از تو درخواست کنم و بوسیله یادآوریت به من مهر ورزیدی پس ای آقای من از شأن تو

سَيِّدِي الْإِجَابَةُ لِي فِيهَا دَعْوَتُكَ، وَعَوَائِدُ الْإِفْضَالِ فِيهَا رَجَاؤُكَ،

باید چنین باشد که در آنچه تو را خواندم اجابت فرمائی و در آنچه امید به تو دارم عایدات فزون بخشی باشد

وَالنَّجَاةُ مِمَّا فَرَعْتُ إِلَيْكَ فِيهِ فَإِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلًا أَنْ أَبْلُغَ رَحْمَتَكَ، فَإِنْ

و نجاتم دهی از آنچه درباره اش به تو پناه آوردم و اگر من شایستگی ندارم که به رحمت و

رَحْمَتِكَ أَهْلٌ أَنْ تَبْلُغَنِي وَتَسْعَنِي، وَإِنْ لَمْ أَكُنْ لِلْإِجَابَةِ أَهْلًا، فَأَنْتَ

مهر تو برسم مسلماً رحمت تو شایسته است که به من برسد و مرا فراگیرد و اگر من شایستگی اجابت دعا را ندارم

أَهْلُ الْفَضْلِ وَرَحْمَتِكَ وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ، فَلْتَسْعِنِي رَحْمَتُكَ، يَا إلهي

ولی تو اهل فضلی و رحمت همه چیز را شامل گردد پس باید مرا هم شامل شود ای خدای من

يَا كَرِيمُ أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ،

ای خدای کریم از تو خواهم به حق ذات بزرگواری که درود فرستی بر محمد و خاندانش

وَأَنْ تُفَرِّجَ هَمِّي، وَتَكْشِفَ كَرْبِي وَغَمِّي، وَتَرْحَمَنِي بِرَحْمَتِكَ،

و اینکه اندوه دلم را بگشائی و گرفتاری و غصه ام را برطرف کنی و به رحمت خود به من رحم کنی

وَتَرْزُقَنِي مِنْ فَضْلِكَ، إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ قَرِيبٌ مُجِيبٌ. چهارم: و نیز شیخ

و از فضل خود روزیم گردانی که برآستی تو شنوای دعائی و نزدیک و پاسخ دهنده هستی * * * * *

و سید فرموده اند در هر روز بخوان: اَللّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ بِأَفْضَلِهِ وَكُلُّ

* * * * * خدایا از تو خواهم از فضلت از برترین آن و همه

فَضْلِكَ فَاضِلٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِفَضْلِكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ

فضل تو برتر است خدایا از تو خواهم به حق فضل تو همگی خدایا از تو خواهم از
رِزْقِكَ بِأَعْمَهُ وَكُلِّ رِزْقِكَ عَامًّا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرِزْقِكَ كُلِّهِ،

روزیت از عمومی ترین آنها (که شامل همه می شود) گرچه تمام روزی تو عمومی است خدایا از تو خواهم به همه اقسام
روزیت

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عَطَائِكَ بِأَهْنَأِهِ وَكُلِّ عَطَائِكَ هَنًى، اللَّهُمَّ

خدایا از تو خواهم از عطایات از گواراترین عطاها با اینکه همه انواع عطای تو گوارا است خدایا

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَطَائِكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِكَ بِأَعْجَلِهِ وَكُلِّ

از تو خواهم به همه اقسام عطای تو خدایا از تو خواهم از خیر و نیکی به زود رس ترین آنها در صورتی که تمام

خَيْرِكَ عَاجِلٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِخَيْرِكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ

نیکیهای زودرس است خدایا از تو خواهم به همه انواع نیکی خدایا از تو خواهم

إِحْسَانِكَ بِأَحْسَنِهِ وَكُلِّ إِحْسَانِكَ حَسَنًا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

بهترین احسانت و همه احسان تو نیکو است خدایا از تو خواهم

بِإِحْسَانِكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا تُجِيبُنِي بِهِ حِينَ أَسْأَلُكَ

تمام انواع احسانت را خدایا از تو خواهم بدانچه اجابت کنی هنگامی که از تو خواهم

فَاجِبْنِي يَا اللَّهُ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ الْمُرْتَضِيِّ،

پس اجابت کن ای خدا و درود فرست بر محمد بنده پسندیده ات

وَرَسُولِكَ الْمُصْطَفِيِّ، وَأَمِينِكَ وَتَجِيبِكَ دُونَ خَلْقِكَ، وَتَجِيبِكَ مِنْ

و فرستاده برگزیده ات و امین بر وحیت و محرم رازت از میان خلق و نیک گوهرت از

عِبَادِكَ، وَنَبِيِّكَ بِالْصِّدْقِ وَحَبِيبِكَ، وَصَلِّ عَلَى رَسُولِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ

بندگان تو و پیامبرت براسق و دوست و دورد فرست بر رسول و برگزیده ات از

الْعَالَمِينَ، الْبَشِيرِ النَّذِيرِ، السَّرَّاجِ الْمُنِيرِ، وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَبْرَارِ

جهانیان نوید دهنده و ترساننده آن چراغ تابناک و بر خاندان نیکو

الطَّاهِرِينَ، وَعَلَى مَلَائِكَتِكَ الَّذِينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِتَفْسِكَ، وَحَبَبَتَهُمْ

و پاکیزه اش و بر فرشتگانت که خالص گردانیدی آنها را برای خویش و آنها را از خلق خود مستور

عَنْ خَلْقِكَ، وَعَلَى أُنْبِيَائِكَ الَّذِينَ يُنْبِئُونَ عَنْكَ بِالصِّدْقِ، وَعَلَى
داشتی و بر پیامبرانت که از تو براستی خبر دهند و بر
رُسُلِكَ الَّذِينَ خَصَّصْتَهُمْ بِوَحْيِكَ، وَفَضَّلْتَهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ
رسولانت که به وحی خویش مخصوصشان داشتی و بوسیله رسالتهای خویش بر جهانیان برتریشان
بِرِسَالَاتِكَ، وَعَلَى عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ الَّذِينَ أَدْخَلْتَهُمْ فِي رَحْمَتِكَ،
دادی و بر بندگان شایستهات که داخلشان کردی در رحمت آن
الْأَيُّمَةِ الْمُتَهِدِّينَ الرَّاشِدِينَ، وَأَوْلِيَائِكَ الْمُطَهَّرِينَ، وَعَلَى جِبْرِئِيلَ
پیشوایان راهنمایی شده و رهبر و دوستان پاکیزهات و بر جبرئیل
وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ وَمَلَكِ الْمَوْتِ، وَعَلَى رِضْوَانِ خَازِنِ الْجَنَانِ،
و میکائیل و اسرافیل و فرشته مرگ و بر «رضوان» خزینه دار بهشت
وَعَلَى مَالِكِ خَازِنِ النَّارِ، وَرُوحِ الْقُدُسِ وَالرُّوحِ الْأَمِينِ وَحَمَلَةَ
و بر «مالک» خزینه دار دوزخ و روح القدس و روح الامین و حاملین
عَرْشِكَ الْمُقَرَّبِينَ، وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الْحَافِظِينَ عَلَيْكَ، بِالصَّلَاةِ الَّتِي
مقرب عرش تو و بر دو فرشته نگهبان من درودی که
تُحِبُّ أَنْ يُصَلِّيَ بِهَا عَلَيْهِمْ أَهْلُ السَّمَاوَاتِ وَأَهْلُ الْأَرْضِينَ، صَلَوةً
دوست داری که درود فرستند بدان آسمانیان و زمینیان بر ایشان درودی
طَيِّبَةً كَثِيرَةً مُبَارَكَةً، زَكِيَّةً نَامِيَةً ظَاهِرَةً بَاطِنَةً، شَرِيفَةً فَاضِلَةً تُبَيِّنُ
پاک و بسیار و مبارک و پاکیزه و فزاینده و آشکار و پنهان و شریف و برتری که آشکار سازی
بِهَا فَضْلَهُمْ عَلَيْكَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، اللَّهُمَّ وَأَعْطِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ،
بدان درود برتری ایشان را بر اولین و آخرین خدایا و عطا کن به محمد وسیله
وَالشَّرَفَ وَالْفَضِيلَةَ، وَاجْزِهِ خَيْرَ مَا جَزَيْتَ نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ، اللَّهُمَّ
و شرف و فضیلت را و پاداشش بده به بهتر چیزی که پاداش دهی پیمبری را از امتش خدایا
وَأَعْطِ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، مَعَ كُلِّ زُلْفَةٍ زُلْفَةً، وَمَعَ كُلِّ
و عطا کن به محمد صلی الله علیه و آله با هر مقام و رتبه ای مقام و رتبه ای دیگر و با هر
وَسِيلَةٍ وَسِيلَةً، وَمَعَ كُلِّ فَضِيلَةٍ فَضِيلَةً، وَمَعَ كُلِّ شَرَفٍ شَرَفًا، تُعْطِي

وسيله‌اي وسيله‌اي ديگر و با هر فضيلتی فضيلتی ديگر و با هر شرافتی شرافتی ديگر بدهي
مُحَمَّدًا وَ اَللهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ اَفْضَلَ مَا اَعْطَيْتَ اَحَدًا مِنَ الْاَوَّلِينَ
به محمد و آتش در روز قيامت بهترين چيزي که عطا کنی به احدي از اولين
وَالْآخِرِينَ، اَللّٰهُمَّ وَاَجْعَلْ مُحَمَّدًا صَلَّيَ اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اَدْنٰى
و آخرين خدايا و قرار ده محمد صلي الله عليه و آله را نزديکترين
الْمُرْسَلِينَ مِنْكَ مَجْلِسًا، وَاَفْسَحْهُمْ فِي الْجَنَّةِ عِنْدَكَ مَنْزِلًا، وَاَقْرَبْهُمْ
رسولان بخود در مجلس و منزلش را در بهشت وسيع ترين منازل در پيش خود گردان و نزديکترين
إِلَيْكَ وَسِيْلَةً، وَاَجْعَلْهُ اَوَّلَ شَافِعٍ وَاَوَّلَ مُشَفَّعٍ، وَاَوَّلَ قَائِلٍ، وَاَنْجَحَ
افراد از نظر وسيله در نزد خود و قرارش ده نخستين شفيع و هم نخستين کسي که شفاعتش پذيرفته است و نخستين
سَائِلٍ، وَاَبْعَثْهُ الْمَقَامَ الْمُحْمُودَ، الَّذِي يَعْطِيهِ بِهِ الْاَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ
گوينده و حاجت روا ترين خواهند و برانگيزش به مقامي شايسته که غبطه برند به او اولين و آخرين
يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَاَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاَنْ
اي مهربانترين مهربانان و از تو خواهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد و اينکه
تَسْمَعَ صَوْتِي، وَتُجِيبَ دَعْوَتِي، وَتَجَاوَزَ عَنِّي خَطِيئَتِي، وَتَصْفَحَ عَنِّي
صدايم بشنوي و دعايم را اجابت کنی و از خطايم بگذري و از ستمم چشم پوشي
ظُلْمِي، وَتُنْجِحَ طَلِبَتِي، وَتَقْضِيَ حَاجَتِي، وَتُنْجِزَ لِي مَا وَعَدْتَنِي،
کنی و حاجت روايم کنی و خواسته‌ام بدهي و بدانچه وعده‌ام کرده‌اي وفا کنی
وَتَقْبِلَ عَثْرَتِي، وَتَغْفِرَ ذُنُوبِي، وَتَغْفُوَ عَنِّي جُرْمِي، وَتَقْبِلَ عَلَيَّ
و لغزشم را نادیده گيري و گناهم را بيامرزي و از جرمم بگذري و به من رو کنی
وَلَا تُعْرِضَ عَنِّي، وَتَرْحَمَنِي وَلَا تُعَذِّبَنِي، وَتُعَافِيَنِي وَلَا تَبْتَلِيَنِي،
و رو از من نگردانی و به من رحم کنی و عذابم نکنی و تندرستم کنی و مبتلايم نسازي
وَتَرْزُقَنِي مِنَ الرِّزْقِ اَطْيَبُهُ وَاَوْسَعُهُ، وَلَا تَحْرِمَنِي يَا رَبُّ، وَاَفْضَ
و روزيم ده از پاک‌ترين و فراخ‌ترين روزيها و محرومم نکنی اي پروردگار و قرضم
عَنِّي دَيْنِي، وَضَعْ عَنِّي وَزْرِي، وَلَا تُحْمَلْنِي مَا لَا طَاقَةَ لِي بِهِ،
را اداء کنی و بار گناهم را از دوشم برداري و باري بر دوشم نهي که طاقتش را ندارم

يَا مُؤَلَّيْ وَأَدْخِلْنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ أَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ،

ای سرور من و داخل گردانی مرا در هر خیري که داخل کردی در آن محمد و آل محمد را
وَاخْرِجْنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ
و بیرونم آوری از هر بدی (و شری) که برون آوردی از آن محمد و آل محمد را که درودهای تو
عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، پس سه
بر او و بر ایشان باد و سلام بر او و بر ایشان و رحمت خدا و برکاتش * * *

مرتبه بگو: اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي، فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي
* * * خدایا تو را خوانم چنانکه دستورم دادی پس به اجابت رسان دعایم را چنانچه وعده‌ام فرمودی

پس بگو: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ قَلِيلًا مِنْ كَثِيرٍ مَعَ حَاجَةٍ بِي إِلَيْهِ عَظِيمَةٍ،
* * * * خدایا از تو خواهم اندکی از بسیار با نیاز بس بزرگی که من بدان دارم
وَعِنَاكَ عَنْهُ قَدِيمٌ، وَهُوَ عِنْدِي كَثِيرٌ، وَهُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ يُسِيرٌ، فَأَمْنٌ

ولی تو از قدیم بی نیاز بدان بوده‌ای و آن حاجت پیش من بسیار ولی برای تو سهل و آسان است پس
عَلَيَّ بِهِ، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ. × پنجم خواندن این

بر من بدان حاجت منت نه که تو بر هر چیز توانایی اجابت کن ای پروردگار جهانیان * * * * *
* * * * *

دعا است: اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي، فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي،

* * * خدایا تو را خوانم چنانچه دستورم دادی پس دعایم را به اجابت رسان چنانچه وعده‌ام کردی
و چون طولانی است بجهت اختصار آنرا ذکر نکردیم هر که طالب است به اقبال یا زادالمعاد رجوع کند ششم شیخ مفید
در کتاب مقنعه روایت کرده از تقی جلیل علی بن مهزیار از حضرت امام محمد تقی علیه السلام که مستحب است آنکه
بسیار بگوئی در هر وقت از شب و روز ماه رمضان

از اوّل ماه تا آخر یا ذَا الَّذِي كَانَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ، ثُمَّ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ، ثُمَّ يَبْقَى

* * * * * ای که بوده‌ای پیش از هر چیز و آفرید هر چیز را و سپس تنها او باقی ماند

وَيَبْقَى كُلُّ شَيْءٍ، يَا ذَا الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَيَا ذَا الَّذِي لَيْسَ فِي

و هر چه هست فانی شود ای که نیست مانندش چیزی ای که معبودی جز او در

السَّمَاوَاتِ الْعُلَى، وَلَا فِي الْأَرْضِينَ السُّفْلَى، وَلَا فَوْقَهُنَّ وَلَا تَحْتَهُنَّ

آسمانهای بالا و نه در زمینهای پائین و نه فوق آنها و نه زیر آنها
وَلَا بَيْنَهُنَّ إِلَهٌ يُعْبَدُ غَيْرُهُ، لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا يَقْوِي عَلَى إِحْصَائِهِ
و نه در مابین آنها نیست خاص تو است ستایش آن ستایشی که توانائی ندارد بر شمارش
إِلَّا أَنْتَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، صَلَوةً لَا يَقْوِي عَلَى
کسی جز تو درود فرست بر محمد و آل محمد درودی که توانائی نداشته باشد بر
إِحْصَائِهَا إِلَّا أَنْتَ. × هفتم شیخ کفعمی در بلدالأمین و مصباح از اختیار سید بن باقی نقل

شماره اش کسی جز تو * * * * *
* * * * *

کرده که هر که بخواند این دعا را در هر روز ماه رمضان بیمارزد حق تعالی گناهان چهل ساله
* * * * *
* * * * *

او را: اللَّهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ، الَّذِي أُنْزِلَتْ فِيهِ الْقُرْآنَ، وَأَفْتَرَضْتَ
* * * * * خدایا ای پروردگار ماه رمضان که فرود آوردی در آن قرآن را و واجب کردی

عَلَى عِبَادِكَ فِيهِ الصِّيَامَ، ارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، فِي هَذَا الْعَامِ
بر بندگان در این ماه روزه را روزی من کن حج خانه محترمت (کعبه) را در این سال
وَفِي كُلِّ عَامٍ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الْعِظَامَ، فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُهَا غَيْرُكَ، يَا
و در هر سال و ببیمرز برایم گناهان بزرگ را که براسی نیامرز آنها را کسی جز تو ای

ذَالْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ × هشتم: در هر روز صدمرتبه این ذکر را بگوید که محدث فیض در
صاحب جلالت و بزرگواری * * * * *
* * * * *

خلاصة الأذکار ذکر فرموده: سُبْحَانَ الضَّارِّ النَّافِعِ، سُبْحَانَ الْقَاضِي بِالْحَقِّ،
* * * * * منزه است خدای زیان رسان و سودرسان منزّه است خدای داور بر حق
سُبْحَانَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى، سُبْحَانَهُ وَبِحَمْدِهِ، سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى. نهم: شیخ مفید

منزه است خدای والای برتر منزّه است او و به حمد او مشغول منزّه است او و برتر * * * * *
در مقنعه فرموده و از سُنَنِ ماه رمضان صلوات فرستادن بر رسول خدا صلی الله علیه و آله است در هر روز صد مرتبه
و اگر زیادتیر فرستاد افضل است .

مطلب دویم در اعمال مخصوصه شب و روز ماه مبارک رمضان است

شب اول در آن چند عمل است اول آنکه طلب هلال کند و بعضی استهلال این ماه را واجب دانسته اند دویم چون رؤیت هلال کرد اشاره به هلال نکند بلکه رو به قبله کند و دستها را به آسمان بلند کند و خطاب کند هلال را و بگوید :

رَبِّی وَرَبُّكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ أَهْلُهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ

پروردگار من و پروردگار تو خدا پروردگار جهانیان است خدایا این ماه را بر ما نو کن با امنیت

وَالْإِيمَانِ، وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ، وَالْمُسَارَعَةِ إِلَى مَا تُحِبُّ وَتَرْضَى،

و ایمان و سلامتی و اسلام و پیشی گرفتن بدانچه تو دوست داری و خوشنود شوی

اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي شَهْرِنَا هَذَا، وَارْزُقْنَا حَيْرَهُ وَعَوْنَهُ، وَاصْرِفْ عَنَّا

خدایا برکت ده به ما در این ماه و خیر و خوبی و کمک آن را روزی ما کن و بگردان از ما

ضَرَّهُ وَشَرَّهُ وَبَلَاءَهُ وَفِتْنَتَهُ، و روایت شده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله چون رؤیت می کرد

زیان این ماه و شر و بلا و فتنه اش را * * * * *
* * * * *

هلال ما رمضان را روی شریف را به جانب قبله می فرمود و می گفت اللَّهُمَّ أَهْلُهُ عَلَيْنَا

* * * * *

* خدایا این ماه را بر ما نو کن

بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ، وَالْعَافِيَةِ الْمَجْلَلَةِ وَدِفَاعِ

به امنیت و ایمان و تندرستی و اسلام و عافیت کامل و دفاع از

الْأُسْقَامِ، وَالْعَوْنِ عَلَى الصَّلَاةِ وَالصَّيَامِ، وَالْقِيَامِ وَتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ،

دردها و کمک بر نماز و روزه و شب زنده داری و تلاوت قرآن

اللَّهُمَّ سَلِّمْ لَنَا لِسَهْرِ رَمَضَانَ، وَتَسَلِّمْهُ مِنَّا، وَسَلِّمْ لَنَا فِيهِ حَتَّى يَنْقَضِيَ

خدایا سالم کن ما را برای ماه رمضان و سالم از ما دریافتش کن و ما را در آن سالم بدار تا بگذرد

عَنَّا شَهْرُ رَمَضَانَ، وَقَدْ عَفَوْتَ عَنَّا، وَغَفَرْتَ لَنَا وَرَحِمْتَنَا. و از حضرت

از ما ماه رمضان و تو از ما گذشته باشی و ما را آمرزیده و مورد مهر خویش قرار داده باشی * * * * *

صادق علیه السلام منقول است که چون رؤیت هلال نمودی بگو: اللَّهُمَّ قَدْ حَضَرَ شَهْرُ

* * * * * خدايا ماه

رَمَضَانَ، وَقَدْ افْتَرَضْتَ عَلَيْنَا صِيَامَهُ، وَأَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ، هُدًى

رمضان آمد و تو واجب کرده‌ای بر ما روزه این ماه را و فرو فرستادی در آن قرآن را که راهنمای

لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ، اَللّهُمَّ اَعِنَّا عَلَي صِيَامِهِ،

مردم است و حجت‌هایی از هدایت و تمیز حق و باطل است خدایا کمک خده ما را بر روزه آن

وَقَبْلَهُ مِنَّا، وَسَلَّمْنَا فِيهِ، وَسَلَّمْنَا مِنْهُ، وَسَلَّمَهُ لَنَا فِي يَسْرِ مِنْكَ

و آن را از ما بپذیر و سالم بدار ما را در این ماه و از این ماه و آن را نیز برای ما سالم گردان در آسانی

وَعَافِيَةٍ، إِنَّكَ عَلَي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ. × سیم: بخواند دعاء

* * * * * و تندرستی که برآستی تو بر هر چیز قادری ای بخشاینده ای مهربان

* * * * *

چهل و سیم صحیفه کامله را در وقت رؤیت هلال سید بن طاوس روایت کرده که روزی حضرت امام‌زین‌العابدین علیه

السلام در راهی می‌گذشت که نظر کرد به هلال ماه رمضان پس آنحضرت ایستاد و گفت :

أَيُّهَا الْخَلْقُ الْمُطِيعُ الدَّائِبُ السَّرِيعُ، الْمُتَرَدِّدُ فِي مَنَازِلِ

* * * * * ای مخلوق فرمانبردار پیوسته (در حرکت) و شتابان و رفت و آمد کننده در منزل‌های

التَّقْدِيرِ، الْمُتَصَرِّفُ فِي فَلَكِ التَّدْبِيرِ، امْنْتُ بِمَنْ تَوَرَّكَ بِكَ الظُّلُمُ،

معین و گردش کننده در مدار تدبیر ایمان دارم به آن خدایی که تاریکی‌ها

وَأَوْضَحَ بِكَ الْبُهِمَ، وَجَعَلَ آيَةً مِنْ آيَاتِ مُلْكِهِ، وَعَلَامَةً مِنْ

را به تو روشن کرد و راه‌های ناپیدا و مبهم را به تو آشکار کرده و تو را نشانه‌ای از نشانه‌های فرمانرواییش و علامتی

عَلَامَاتِ سُلْطَانِهِ، فَحَدِّثْ بِكَ الزَّمَانَ، وَامْتَهِنَكَ بِالْكَمَالِ وَالْقُضَانِ،

از علامات سلطنتش قرار داده و زمان را به تو محدود ساخت و تو را واداشت به کمال و نقصان

وَالطُّلُوعِ وَالْأُفُولِ وَالنَّارِ وَالْكَسُوفِ، فِي كُلِّ ذَلِكَ أَتَتْ لَهُ مُطِيعٌ،

و طلوع و غروب و پرتوافکنی و گرفتن و در تمام آنها تو در تحت فرمان او فرمانبرداری

وإِلَى إِرَادَتِهِ سَرِيعٌ، سُبْحَانَهُ مَا أَعْجَبَ مَا دَبَّرَ مِنْ أَمْرِكَ، وَالْطَّفَ مَا

و بسوی اراده‌اش شتابان منزّه است خدا که چه شگفت‌انگیز تدبیری در امر تو بکار برد و چه دقیق است

صَنَعَ فِي شَأْنِكَ، جَعَلَكَ مِفْتَاحَ شَهْرِ حَادِثٍ لِأَمْرِ حَادِثٍ، فَاسْأَلِ اللَّهَ

صنعتی که در کار تو انجام داده تو را کلید ماه نوي قرار داده براي کاري نو از خدا
رَبِّي وَرَبِّكَ، وَخَالِقِي وَخَالِقِكَ، وَمُقَدِّرِي وَمُقَدِّرِكَ، وَمُصَوِّرِي
پروردگار خود و پروردگار تو و آفریدگار خود و آفریدگار تو و تقدیر کننده خود و تقدیر کننده تو و صورت بخش خود
وَمُصَوِّرِكَ، أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ يَجْعَلَكَ هَالَالٍ
و صورت گر تو خواهیم که درود فرستد بر محمد و آل محمد و قرار دهد تو را ماه
بَرَكَهٍ لَا تَمُحُّهَا الْأَيَّامُ، وَطَهَارَةٍ لَا تُدَسِّسُهَا الْأَثَامُ، هَالَالٍ آمِنٍ مِنْ
برکتی که روزگار از بیستش نبرد و ماه پاکیزه‌ای که آلوده‌اش نکند گناهان ماه امنیت از
الْأَفَاتِ، وَسَلَامَةٍ مِنَ السَّيِّئَاتِ، هَالَالٍ سَعْدٍ لَا نَحْسَ فِيهِ، وَيَمُنُّ لَا
آفات و سلامتی از بدیها ماه خجسته و مسعودی که نحسی در آن نباشد و ماه میمونی که
نَكَدَ مَعَهُ، وَيُسِرُّ لَا يُمَارِجُهُ عُسْرٌ، وَخَيْرٌ لَا يَشُوْبُهُ شَرٌّ، هَالَالٍ آمِنٍ
ملالی با آن نباشد و ماه آسانی که با دشواری مخلوط نشود و ماه خیري که به شرّی آلوده نگردد ماه امنیت
وَاِيْمَانٍ، وَبِعَمَةٍ وَاحْسَانٍ، وَسَلَامَةٍ وَإِسْلَامٍ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ
و ایمان و نعمت و احسان و سلامتی و اسلام خدایا درود فرست بر محمد
وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنَا مِنْ أَرْضِي مَنْ طَلَعَ عَلَيْهِ، وَأَزْكِي مَنْ نَظَرَ إِلَيْهِ،
و آل محمد و قرار ده ما را از خوشنودترین مردمی که این ماه بر او طلوع کرده و پاکیزه‌ترین کسانی که بدان نگاه کرده
وَأَسْعِدْ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ، وَوَفَّقْنَا اَللّٰهُمَّ فِيهِ لِلطَّاعَةِ وَالتَّوْبَةِ،
و سعادتمندترین کسی که پرستش تو را در آن کرده و موفق دار ما را خدایا در این ماه به فرمانبرداری و توبه
وَاعْصِمْنَا فِيهِ مِنَ الْاِثَامِ وَالْحَوِيَةِ، وَأَوْزِعْنَا فِيهِ شُكْرَ النِّعْمَةِ، وَالْبِسْنَا
و نگاهمان دار در آن از گناهان و خطا و الهام کن به ما در این ماه شکر نعمت را و بپوشان به ما
فِيهِ جُنَّ الْعَافِيَةِ، وَائْتِمِمْ عَلَيْنَا بِاسْتِكْمَالِ طَاعَتِكَ فِيهِ الْمِثَّةَ، إِنَّكَ أَنْتَ
در این ماه سپرهای تندرستی و مِتت خود را بوسیله انجام کامل اطاعتت بر ما تمام کن که براستی توئی
الْمَنَّانُ الْحَمِيدُ، وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ، وَاجْعَلْ لَنَا فِيهِ
پر نعمت ستوده و درود خدا بر محمد و آل پاکش و مقرر دار برای ما در این ماه
عَوْنًا مِنْكَ عَلَيَّ مَا نَدْبَتْنَا إِلَيْهِ مِنْ مُفْتَرَضِ طَاعَتِكَ، وَتَقَبَّلْهَا إِنَّكَ
کمکی از جانب خود برای انجام آنچه ما را بدان خواندی و طاعت واجب خود و بپذیر آن را که تو

الْأَكْرَمُ مِنْ كُلِّ كَرِيمٍ، وَالْأَرْحَمُ مِنْ كُلِّ رَحِيمٍ، آمِينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ .

کریم‌ترین همه کریمانی و مهربانتر از هر مهربانی آمین ای پروردگار جهانیان

* چهارم مجامعت با حلال خود کند و این از خصوصیات این ماه است والا در ماههای دیگر جماع در شب اول مکروه است پنجم غسل شب اول ماه کند و روایت شده که هر که در شب اول ماه رمضان غسل کند خارش بدن به او نرسد تا ماه رمضان آینده ششم در نهر جاری غسل کند و سی کف آب بر سر بریزد تا با طهارت معنوی باشد تا ماه رمضان آینده هفتم زیارت قبر امام حسین علیه السلام کند تا گناهانش ریخته شود و ثواب حجّاج و معتمرین آن سال را دریابد هشتم از این شب ابتدا کند به خواندن هزار رکعت نماز این ماه به نحوی که در آخر قسم دوم ذکر شد نهم دو رکعت نماز کند در این شب در هر رکعت حمد و سوره انعام بخواند و سؤال کند که حقّ تعالی کفایت کند او را و نگاه دارد او را از آنچه می‌ترسد و از دردها دهم بخواند دعای اللهمَّ إِنَّ هَذَا الشَّهْرَ الْمُبَارَكَ که در شب آخر ماه شعبان گذشت یازدهم بعد از نماز مغرب دستها را بلند کند و بخواند این دعاء وارده از حضرت جواد علیه السلام را که در

اقبالست: اللَّهُمَّ يَا مَنْ يَمْلِكُ التَّدْبِيرَ، وَهُوَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، يَا مَنْ

* * * * * خدایا ای که تدبیر امور بدست او است و او بر هر چیز قادر است ای که

يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ، وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ، وَتُجِنُّ الضَّمِيرُ، وَهُوَ

می‌داند خیانت چشمها را و آنچه را سینه‌ها پنهان کنند و دلها در خویش مستور دارند و او است

اللطيفُ الْخَبِيرُ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِمَّنْ تُوِي فَعْمِلَ، وَلَا تَجْعَلْنَا مِمَّنْ شَقِيَ

دقیق آگاه خدایا قرار ده ما را از کسانی که نیت کنند و بدنبالش عمل کنند و قرارمان مده از کسانی که بدبخت شده

فَكَسِلَ، وَلَا مِمَّنْ هُوَ عَلَيَّ غَيْرِ عَمَلٍ يَتَكَلَّفُ، اللَّهُمَّ صَحِّحْ أَبْدَانَنَا مِنْ

و تنبلی کرد و نه از کسانی که بر غیر کار و کوشش اعتماد کنند خدایا سالم گردان بدنهامان را از

الْعِلَلِ، وَأَعِزَّنَا عَلَيَّ مَا افْتَرَضْتَ عَلَيْنَا مِنَ الْعَمَلِ حَتَّى يَنْقُضِيَ عَنَّا

بیماریها و کمکمان ده بر آنچه واجب کرده‌ای بر ما از عمل تا بگذرد از ما این ماه تو در حالیکه

شَهْرُكَ هَذَا، وَقَدْ أَدَيْنَا مَفْرُوضَكَ فِيهِ عَلَيْنَا، اللَّهُمَّ أَعِزَّنَا عَلَيَّ صِيَامِهِ،

آنچه را بر ما واجب فرموده بودی انجام داده باشیم خدایا ما را بر روزه این ماه کمک ده

وَوَفَّقْنَا لِقِيَامِهِ، وَنَسْطُنَا فِيهِ لِلصَّلَاةِ، وَلَا تَحْجُبْنَا مِنَ الْقِرَاءَةِ، وَسَهِّلْ

و به شب زنده‌داریش موفقمان دار و برای خواندن نماز در این ماه نشاطی بیا بده و از قرائت قرآن محرومان مدار و آسان

لَنَا فِيهِ آيَتَاءَ الزَّكَاةِ، اللَّهُمَّ لَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا وَصَبًا وَلَا تَعَبًا وَلَا سَقَمًا

گردان بر ما پرداختن زکوة را خدايا چيره مگردان بر ما خستگي و سستی و نه رنج و نه بيماري
 وَلَا عَطْبًا اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنَا الْاِفْطَارَ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ، اَللّٰهُمَّ سَهِّلْ لَنَا
 و نه هلاکت را خدايا روزي ما کن افطار کردن از روزي حلال خدايا سهل کن بر ما
 فِيهِ مَا قَسَمْتَهُ مِنْ رِزْقِكَ، وَيَسِّرْ مَا قَدَّرْتَهُ مِنْ اَمْرِكَ، وَاجْعَلْهُ حَلَالًا
 در اين ماه آن سهمي را که از روزيت نصيب ما کرده اي و آسان گردان آنچه را طبق فرمانت مقرر داشته اي و قرارش ده
 حلال

طَيِّبًا نَقِيًّا مِنَ الْاَثَامِ، خَالِصًا مِنَ الْاَصَارِ وَالْاَجْرَامِ، اَللّٰهُمَّ لَا تُطْعِمْنَا
 و پاک و پاکيزه از گناهان و خالص از معاصي و جنايات خدايا بر ما مخوران
 اِلَّا طَيِّبًا غَيْرَ خَبِيثٍ وَلَا حَرَامٍ، وَاجْعَلْ رِزْقَكَ لَنَا حَلَالًا لَا يَشْوِبُهُ
 جز خوراكي پاک که نه پليد باشد و نه حرام و قرار ده روزيت را براي ما حلال که آلوده به چرکي
 دَسَسٌ وَلَا اسْقَامٌ، يَا مَنْ عَلِمَهُ بِالسِّرِّ كَعِلْمِهِ بِالْاَعْلَانِ يَا مُتَفَضِّلًا عَلَي
 و بيماريها نباشد اي که دانائيش به نهان همانند دانائيش به آشکار است اي که
 عِبَادِهِ بِالْاِحْسَانِ، يَا مَنْ هُوَ عَلَي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَبِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ
 بر بندگانش به احسان تفضل فرمود اي که او بر هر چيز توانا است و به هر چيز دانا
 خَبِيرٌ، اَللّٰهُمَّ ذَكَرَكَ، وَجَبْنَا عُسْرَكَ، وَأَنْلَنَّا يُسْرَكَ، وَاهْدِنَا لِلرِّشَادِ،
 و آگاه است ذکر خود را به ما الهام کن و از دشواريت ما را برکنار دار و به دستورات آسانت برسان و به کارهاي صواب
 راهنمايتمان کن

وَوَقَّقْنَا لِلْسَّدَادِ، وَاعْصِمْنَا مِنَ الْبَلَايَا وَصَتًّا مِنَ الْاَوْزَارِ وَالْخَطَايَا،
 و به کارهاي محکم و درست موفقمان بدار و از بلاها محفوظمان دار و از گناهان و خطاها نگاهمان دار
 يَا مَنْ لَا يَغْفِرُ عَظِيمَ الذُّنُوبِ غَيْرُهُ، وَلَا يَكْشِفُ السُّوءَ اِلَّا هُوَ، يَا
 اي که نيامرزد گناهان بزرگ را جز او و برطرف نکند بديها را جز او اي
 اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَاَكْرَمَ الْاَكْرَمِينَ، صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَيْتِهِ
 مهربانترين مهربانان و کریمترین کریمان درود فرست بر محمد و خاندان
 الطَّيِّبِينَ، وَاجْعَلْ صِيَامَنَا مَقْبُولًا، وَبِالْبِرِّ وَالتَّقْوَى مَوْضُوعًا، وَكَذَلِكَ
 پاکش و روزه ما را مقبول درگاهت فرما و به نيکي و پرهيزکاري پيوندش ده و هم چنين

فَاجْعَلْ سَعِينَا مَشْكُورًا، وَقِيَامَنَا مَبْرُورًا، وَقُرْآنَنَا مَرْفُوعًا، ودُعائنا
 كوشش ما را مورد تقدیر و شب زنده داریمان را نیک پذیرفته و قرآن ما را (که خوانده ایم) بالا رفته و دعامان را
 مَسْمُوعًا، وَاهْدِنَا لِلْحُسْنَى، وَجَنِّبْنَا الْعُسْرَى، وَيَسِّرْنَا لِلْيُسْرَى، وَأَعْلِ
 مقرون به اجابت فرما و ما را به کار نیک هدایت فرما و از دشواریها برکنارمان دار و مهیامان بدار برای آسانها
 لَنَا الدَّرَجَاتِ، وَضَاعِفْ لَنَا الْحَسَنَاتِ، وَاقْبَلْ مِنَّا الصَّوْمَ وَالصَّلَاةَ،
 و درجات ما را بالا بر و حسنات ما را دو چندان کن و روزه و نماز ما را بپذیر
 وَاسْمَعْ مِنَّا الدَّعَوَاتِ، وَاغْفِرْ لَنَا الْخَطِيئَاتِ وَتَجَاوَزْ عَنَّا السَّيِّئَاتِ،
 و دعاهاي ما را بشنو و خطاهای ما را ببامرز و از گناهان ما درگذر
 وَاجْعَلْنَا مِنَ الْعَامِلِينَ الْفَائِزِينَ، وَلَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ
 و قرار ده ما را از عمل کنندگان کامیاب و قرارمان مده از غضب شدگان و نه از
 وَلَا الضَّالِّينَ، حَتَّى يَنْقَضِيَ شَهْرُ رَمَضَانَ عَنَّا، وَقَدْ قَبِلْتَ فِيهِ صِيَامَنَا
 گمراهان تا بگذرد از ما ماه رمضان و تو روزه و شب زنده داریمان را پذیرفته باشی
 وَقِيَامَنَا، وَزَكَّيْتَ فِيهِ أَعْمَالَنَا، وَغَفَرْتَ فِيهِ ذُنُوبَنَا، وَاجْزَلْتَ فِيهِ مِنْ
 و اعمال ما را پاک و پاکیزه کرده و گناهانمان را آمرزیده باشی و بهره ما را در این
 كُلِّ خَيْرٍ نَصِيبُنَا فَإِنَّكَ الْإِلَهُ الْمُجِيبُ، وَالرَّبُّ الْقَرِيبُ، وَأَنْتَ بِكُلِّ
 ماه از هر خیر و نیکی به حد کامل داده باشی که براسستی توئی معبود اجابت کننده و پروردگار نزدیک و تو بر هر
 شَيْءٍ مُحِيطٌ. × دوازدهم: بخواند در این شب این دعای مأثور از حضرت صادق علیه السلام را که
 چیز احاطه داری * * * * *
 * * * * *
 در اقبال است: اَللّهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ، مُنْزِلَ الْقُرْآنِ، هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ
 * * * * * خدایا ای پروردگار ماه رمضان و فرو فرستنده قرآن این ماه رمضان است
 الَّذِي أُنْزِلَتْ فِيهِ الْقُرْآنَ، وَأُنْزِلَتْ فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مِنَ الْهُدَى
 که در آن قرآن را نازل فرموده ای و در آن آیه هائی است که آنها حجت های هدایت
 وَالْفُرْقَانِ، اَللّهُمَّ ارْزُقْنَا صِيَامَهُ، وَأَعِنَّا عَلَى قِيَامِهِ، اَللّهُمَّ سَلِّمْهُ لَنَا

و تمیز حق و باطل است خدایا روزه اش را روزی ما گردان و بر شب زنده داریش به ما کمک کن خدایا این ماه را برای

ما سالم

وَسَلِّمْنَا فِيهِ، وَتَسَلِّمُهُ مِنَّا فِي يُسْرِ مِنْكَ وَمُعَافَاةٍ وَاجْعَلْ فِيمَا

بدار و ما را در آن به سلامت دارو آن را در آسانی و تندرستی کاملی از جانب خود از ما

تَقْضِي وَتُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُمِ، وَفِيمَا تَفَرِّقُ مِنَ الْأَمْرِ الْحَكِيمِ

دریافتش کن و قرار ده در آن قضا و قدر حتمی خود و در آن دستور حکیمانه که جدا کنی

فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ، أَنْ تُكْتَبَنِي مِنْ

در شب قدر از آن قضا و قدر حتمی و مسلمی که برگشت ندارد و تغییرپذیر نیست که نام ما را بنویسی در

حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، الْمَبْرُورِ حَجُّهُمْ، الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمْ، الْمُغْفُورِ

زمره حاجیان خانه محترمت (کعبه) آنانکه حجشان پذیرفته و سعیشان مورد تقدیر

ذُنُوبِهِمْ، الْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ، وَاجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ أَنْ

و گناهانشان آمرزیده و بدیهاشان جبران شده است و قرار ده در آنچه مقدر فرمائی که

تُطِيلَ عُمْرِي وَتُوسِّعَ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ، سِيزدهم: بخواند دعای چهل

* * * * * عرم را طولانی فرموده و از روزی حلال خود بر من توسعه دهی * * * * *

* * * * *

و چهارم صحیفه کامله را چهاردهم بخواند: اَللّٰهُمَّ اِنَّ هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ، الخ که سید

* * * * * خدایا این ماه

* * * * * رمضان است

در اقبال نقل فرموده و بسیار طولانی است پانزدهم بخواند: اَللّٰهُمَّ اِنَّهُ قَدْ دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ،

* * * * *

* * خدایا براسستی ماه رمضان آمد

اَللّٰهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ الَّذِي، اَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ، وَجَعَلْتَهُ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى

آن ماهی که قرآن را در آن نازل فرمودی و آن را حجت‌هایی از هدایت و تمیز

و الْفُرْقَانِ، اَللّٰهُمَّ فَبَارِكْ لَنَا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، وَاعِنَّا عَلَي صِيَامِهِ

(حق و باطل) قرار دادی خدایا پس برکت ده به ما در ماه رمضان و بر روزه

وَصَلَوَاتِهِ، وَتَقَبَّلْهُ مِنَّا. روایت است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله چون ماه رمضان داخل

* * * * * و نمازهایش ما را یاری ده و آن را از ما بپذیر * * * * *

می شد این دعا را می خواند شانزدهم و نیز روایت است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در شب اول ماه
* * * * *
* * * * *

رمضان این دعا را می خواندند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اَكْرَمَنَا بِكَ اَيُّهَا الشَّهْرُ
* * * * * سپاس خدائی را که ما را بوسیله تو گرامی

داشت ای ماه

اَلْمُبَارَكُ، اَللّٰهُمَّ فَقِّوْنَا عَلٰی صِيَامِنَا وَقِيَامِنَا، وَتَبِّتْ اَقْدَامَنَا، وَانْصُرْنَا
مبارک خدایا به ما نیرو ده بر روزه مان و شب زنده داریمان و گامهای ما را پابرجا کن
عَلٰی الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ، اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْوَاحِدُ فَلَا وَكَدَ لَكَ، وَاَنْتَ الصَّمَدُ
و بر مردمان کافر یاریمان ده خدایا توئی یگانه که فرزند نداری و توئی بی نیازی
فَلَا شِبْهَ لَكَ، وَاَنْتَ الْعَزِيزُ فَلَا يُعْزِزُكَ شَيْءٌ، وَاَنْتَ الْغَنِيُّ وَاَنَا الْفَقِيرُ،
که شبیه نداری و توئی عزیزی که چیزی به تو عزت نبخشد و توئی بی نیاز و منم نیازمند
وَاَنْتَ الْمَوْلٰی وَاَنَا الْعَبْدُ، وَاَنْتَ الْغَفُوْرُ وَاَنَا الْمُدْنِبُ، وَاَنْتَ الرَّحِيْمُ
و توئی سرور و منم بنده و توئی آمرزنده و منم گنهکار و توئی مهربان
وَاَنَا الْمُخْطِیُّ وَاَنْتَ الْخَالِقُ وَاَنَا الْمَخْلُوْقُ، وَاَنْتَ الْحَيُّ وَاَنَا الْمَيِّتُ اَسْأَلُكَ
و منم خطاکار و توئی آفریننده و منم آفریده و توئی زنده و منم مرده از تو خواهم
بِرَحْمَتِكَ اَنْ تَغْفِرَ لِيْ وَتَرْحَمَنِيْ، وَتَجَاوَزَ عَنِّيْ اِنَّكَ عَلٰی كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ،
به رحمت که مرا ببامرزی و از من درگذری که براستی تو بر هر چیز توانائی

* هفدهم در باب اول گذشت ذکر استحباب خواندن دعای جوشن کبیر در اول ماه رمضان هیجدهم بخواند دعاء حج
را که در اول ماه گذشت نوزدهم چون ماه رمضان شروع شود سزاوار است تکتیر تلاوت قرآن و مروی است که حضرت
صادق علیه السلام در وقت تلاوت قرآن قبل از قرائت این دعا را می خواندند :

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَشْهَدُ اَنْ هٰذَا كِتَابُكَ الْمُنَزَّلُ مِنْ عِنْدِكَ عَلٰی رَسُوْلِكَ، مُحَمَّدٍ
* * * * * خدایا من گواهی دهم که این کتابی است که

نازل شده از نزد تو بر فرستاده ات محمد

بْنِ عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَكَلَامُكَ النَّاطِقُ عَلَي لِسَانِ نَبِيِّكَ، جَعَلْتَهُ

بن عبدالله صلی الله علیه و آله و کلام گویای تو است که بر زبان پیغمبرت جاری گشته و آن را

هادیاً مِنْكَ إِلَى خَلْقِكَ، وَحَبْلاً مُتَّصِلاً فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ عِبَادِكَ، اَللّهُمَّ اِنِّي

راهنمای خود بر خلق خویش قرار دادی و رشته پیوسته‌ای در مابین خود و مابین بندگان گردانیدی خدایا من باز کردم
(پیش

نَشَرْتُ عَهْدَكَ وَكِتَابَكَ، اَللّهُمَّ فَاجْعَلْ نُظْرِي فِيهِ عِبَادَةً، وَقِرَائَتِي فِيهِ فِكْراً،

رویم) عهد و کتاب تو را خدایا پس قرار ده نظر مرا در آن عبادت و قرائتم را در آن از روی اندیشه

وَفِكْرِي فِيهِ اعْتِبَاراً، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ اتَّعَظَ بِبَيَانِ مَوَاعِظِكَ فِيهِ،

و فکرم را در آن عبرت آور و بگردانم از کسانی که پند گیرد به بیان پندهای تو در آن

وَاجْتَنَّبَ مَعَاصِيكَ، وَلَا تَطْبَعُ عِنْدَ قِرَائَتِي عَلَي سَمْعِي، وَلَا تَجْعَلْ

و از معصیت‌های دوری کند و مُهر مَرَن هنگام خواندنم بر گوش من و مینداز

عَلَي بَصَرِي غِشَاوَةً، وَلَا تَجْعَلْ قِرَائَتِي قِرَاءَةً لَا تَدْبُرُ فِيهَا، بَلْ

بر دیده‌ام پرده و مگردان خواندنم را خواندنی که تدبر در آن نباشد بلکه

اجْعَلْنِي أَتَدْبُرُ آيَاتِهِ وَأَحْكَامَهُ، أَخِذْ بِشَرَائِعِ دِينِكَ، وَلَا تَجْعَلْ

چنانم کن که تدبر کنم در آیات و احکامش و در بگیرم دستورات دین تو را و قرار مده

نُظْرِي فِيهِ غَفْلَةً، وَلَا قِرَائَتِي هَذَا اِنَّكَ اَنْتَ الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ، و بعد از

نظر مرا در آن نظری خبری و نه قرائتم را بیهوده که براستی تو رؤوف و مهربانی * * *

قِرَائَتِ قرآن مجید این دعا را می خواندند: اَللّهُمَّ اِنِّي قَدْ قَرَأْتُ مَا قَضَيْتَ مِنْ كِتَابِكَ،

* * * * * خدایا من خواندم آنچه را حکم کرده بودی از کتابت

الَّذِي اَنْزَلْتَهُ عَلَي نَبِيِّكَ الصَّادِقِ صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ

همان کتابی که نازل فرمودی بر پیامبر راستگویت درود تو بر او و آتش پس حمد

رَبَّنَا، اَللّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يُحِلُّ حَالَهُ، وَيُحَرِّمُ حَرَامَهُ، وَيُؤْمِنُ بِمُحْكَمِهِ

خاص تو است ای پروردگار ما خدایا بگردانم از کسانی که حلال می‌شمرد حلالش را و حرام داند حرامش را و

ایمان دارد به

وَمُتَشَابِهِهِ، وَاجْعَلْهُ لِي أُسْأً فِي قَبْرِي، وَأُسْأً فِي حَشْرِي، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ

محکم و متشابه آن و آن را همدم من در قبرم و همدم در روز محشرم قرار ده و قرار ده مرا از کسانی

تَرْفِيهِ بِكُلِّ آيَةٍ قَرَأَهَا دَرَجَةً فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ .

که بالا بری او را به هر آیه از آن که بخواند به درجه‌ای در بالاترین جایگاههای بهشت اجابت فرما ای پروردگار
جهانیان

روز اول

و در آن چند عملست اول غسل کردن در آب جاری و ریختن سی کف آب بر سر که باعث ایمنی از جمیع دردها و بیماریها است در تمام سال دوم کفی از گلاب بر رُو بزند تا از خواری و پریشانی نجات یابد و قدری هم بر سر خود بزند تا در آن سال از سرسام ایمن شود سیّم دو رکعت نماز اول ماه و تصدّق را به عمل آورد چهارم دو رکعت نماز کند در رکعت اول حمد و اِنَّا فَتَحْنَا و در رکعت دوم حَمْد و هر سوره که خواهد بخواند تا حق تعالی جمیع بدیها را در آن سال از او دور گرداند و در حفظ خدا باشد تا سال آینده پنجم بعد از طلوع فجر این دعا بخواند :

اَللّٰهُمَّ قَدْ حَضَرَ شَهْرُ رَمَضَانَ، وَقَدْ افْتَرَضْتَ عَلَيْنَا صِيَامَهُ، وَأَنْزَلْتَ

خدایا ماه رمضان آمد و تو روزه آن را بر ما واجب کرده‌ای و نازل فرموده‌ای

فِيهِ الْقُرْآنَ، هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ، اَللّٰهُمَّ اَعِنَّا

در آن قرآن را که راهنمای مردم و حجت‌هایی از هدایت و تمیز (میان حق و باطل) است خدایا کمک ده ما را

عَلَى صِيَامِهِ، وَتَقَبَّلْهُ مِنَّا، وَتَسَلَّمْهُ مِنَّا، وَسَلَّمْهُ لَنَا فِي يُسْرِ مِنْكَ

بر گرفتن روزه‌اش و آن را از ما بپذیر و بخوبی از ما دریافتش کن و سالمش گردان برای ما در آسودگی

وَعَافِيَةٍ، اِنَّكَ عَلَيَّ كَلِّشِيْءٍ قَدِيرٌ. ششم بخواند دعاء چهل و چهارم صحیفه کامله

* * * * * و عافیت خودت که همانا تو بر هر چیز توانائی * * * * *

را اگر در شب نخوانده هفتم علامه مجلسی در زادالمعاد فرموده کلینی و شیخ طوسی و دیگران به سند صحیح روایت کرده‌اند که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که در ماه مبارک رمضان در اول سال یعنی روز اول ماه چنانچه علماء فهمیده‌اند این دعا را بخوان و فرمود که هر که این دعا را برای رضای خدا و بی‌شائبه اغراض فاسده و ریبا بخواند در آن سال به او نرسد فتنه و گمراهی و نه آفتی که ضرر رساند بدین او یا بدن او و حق تعالی او را حفظ کند از شر آنچه در آن سال واقع می‌شود از بلاها و دعا این است: اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ

* * * * *

* خدایا من از تو خواهم

بِاسْمِكَ الَّذِي دَانَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ، وَبِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسَّعَتْ كُلَّ شَيْءٍ،

به حق آن نامت که گردن نهاد در برابرش هر چیز و بدان رحمت که فراگرفت هر چیز را

وَبِعَظَمَتِكَ الَّتِي تَوَاضَعَ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ، وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي قَهَرَتْ كُلَّ شَيْءٍ،

و بدان بزرگیت که فروتن شد در برابرش هر چیز و بدان عزت که مقهور کرد هر چیز را

وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي خَضَعَ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ، وَبِجَبَرُوتِكَ الَّتِي غَلَبَتْ كُلَّ شَيْءٍ،

و بدان نیرویت که خاضع شد در برابرش هر چیز و به جبروتت که غالب آمد بر هر چیز

وَبِعِلْمِكَ الَّذِي أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ، يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ، يَا أَوَّلُ قَبْلَ

و بدانشت که هر چیز را احاطه کرده‌ای نور و ای منزّه از هر عیب ای نخست پیش از

كُلِّ شَيْءٍ، [وَيَا بَاقِيًا بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ]، يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

هر چیز و ای باقی پس از هر چیز ای بخشاینده درود فرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعَمَ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي

محمد و بیامرز از من گناهای را که نعمتها را تغییر دهد و بیامرز از من گناهای را که

تُنْزِلُ النِّعَمَ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَقْطَعُ الرَّجَاءَ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ

رنج و عذاب فرو ریزد و بیامرز از من گناهای را که امید را قطع کند و بیامرز از من گناهای را

الَّتِي تُدِيلُ الْأَعْدَاءَ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُرُدُّ الدُّعَاءَ، وَاعْفِرْ لِي

که دشمنان را چیره کند و بیامرز از من گناهای را که دعا را باز گرداند و بیامرز از من

الذُّنُوبَ الَّتِي يُسْتَحَقُّ بِهَا نُزُولُ الْبَلَاءِ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي

گناهای که مردم را مستحق نزول بلا گرداند و بیامرز از من گناهای را که

تَحْسِبُ غَيْثَ السَّمَاءِ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَكْشِفُ الْغِطَاءَ، وَاعْفِرْ

باران آسمان را جلوگیری کند و بیامرز از من گناهای را که پرده را بالا زند و بیامرز

لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُورِثُ النَّدَمَ،

از من گناهای را که در نابودی شتاب کند و بیامرز از من گناهای را که پشیمانی آرد

وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصَمَ، وَالْبِسْنِي دِرْعَكَ الْحَصِيَّةَ

و بیا مرز از من گناهای را که پرده‌ها را بدرد و زره محکمت را که پاره شدنی نیست
الَّتِي لَا تُرَامُ، وَعَافِنِي مِنْ شَرِّ مَا أَحَازِرُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ فِي مُسْتَقْبَلِ
بر من بیوشان و سلامت‌م بدار از شر آنچه حذر می‌کنم از آن در شب و روز در روزهای آینده
سَتِّي هَذِهِ، اَللّٰهُمَّ رَبَّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ، وَرَبَّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ، وَمَا
امسال من خدایا ای پروردگار آسمانهای هفتگانه و ای پروردگار زمینهای هفتگانه و آنچه
فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ، وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، وَرَبَّ السَّبْعِ الْمَثَانِي
در آنها و آنچه مابین آنها است و ای پروردگار عرش عظیم و پروردگار هفت آیه (یعنی سوره حمد یا هفت سوره)
وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، وَرَبَّ إِسْرَافِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَجِبْرِئِيلَ، وَرَبَّ مُحَمَّدٍ
و قرآن بزرگ و پروردگار اسرافیل و میکائیل و جبرئیل و پروردگار محمد
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ، أَسْأَلُكَ بِكَ وَبِمَا
صلی الله علیه و آله آقای رسولان و خاتم پیمبران از تو خواهم به حق خودت و به حق آنچه
سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ، يَا عَظِيمُ أَنْتَ الَّذِي تَمُنُّ بِالْعَظِيمِ، وَتَدْفَعُ كُلَّ
خود را بدان نام نهاده‌ای ای خدای بزرگ توئی که به نعمت عظیم منت نهی و هر محذور را دفع کنی
مَحْذُورٍ، وَتُعْطِي كُلَّ جَزِيلٍ وَتُضَاعِفُ الْحَسَنَاتِ بِالْقَلِيلِ وَبِالْكَثِيرِ،
و هر عطای شایانی را تو عطا کنی و دو چندان کنی کارهای نیک را به کم و زیاد
وَتَفْعَلُ مَا تَشَاءُ يَا قَدِيرُ، يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ،
و می‌کنی هر کاری را بخواهی ای توانا ای خدا ای بخشاینده درود فرست بر محمد و خاندانش
وَالْبِسْنِي فِي مُسْتَقْبَلِ سَتِّي هَذِهِ سِتْرَكَ، وَتَصَرَّ وَجْهِي بِنُورِكَ،
و بیوشان بر من در آینده این سال پرده خویش را و چهره‌ام را به نور خویش منور گردان
وَأَجِبْنِي بِمَحَبَّتِكَ، وَبَلِّغْنِي رِضْوَانَكَ وَشَرِيفَ كَرَامَتِكَ وَجَسِيمَ
و به محبت خویش دوستم بدار و مرا به مقام خوشنودی خود و بزرگواری شریف و عطای بزرگ
عَطِيَّتِكَ وَأَعْطِنِي مِنْ خَيْرِ مَا عِنْدَكَ، وَمِنْ خَيْرِ مَا أَنْتَ مُعْطِيهِ أَحَدًا
نائل گردان و عطا کن به من از بهترین چیزی که نزد تو است و از بهتر چیزی که عطا می‌کنی بر یکی
مِنْ خَلْقِكَ، وَالْبِسْنِي مَعَ ذَلِكَ عَافِيَّتَكَ، يَا مَوْضِعَ كُلِّ شَكْوَى، وَيَا
از خلق خویش و با آنها لباس عافیت را هم بر من بیوشان ای مرجع هر شکایت و ای

شَاهِدْ كُلُّ نَجْوِي، وَيَا عَالَمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ، وَيَا دَافِعَ مَا تَشَاءُ مِنْ بَلِيَّةٍ، يَا
گواه بر هر راز و ای دانی هر پنهان و ای جلوگیرنده از هر بلا که خواهی ای
كَرِيمَ الْعَفْوِ، يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ، تَوَفَّنِي عَلَى مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَفَطَرَتِهِ،
بزرگواری گذشت ای نیکو درگذر بمیران مرا بر کیش ابراهیم و فطرت او
وَعَلَى دِينِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسُنَّتِهِ، وَعَلَى خَيْرِ الْوَفَاةِ،
و بر دین محمد صلی الله علیه و آله و طریقه اش و بر بهترین مردنها
فَتَوَفَّنِي مُوَالِيًا لِأَوْلِيَائِكَ، وَمُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ، اللَّهُمَّ وَجِّبْنِي فِي هَذِهِ
پس بمیرانم در آن حال که دوست دار دوستان و دشمن دشمنانت باشم خدایا و مرا در این
السَّنَةِ كُلِّ عَمَلٍ أَوْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ يُبَاعِدُنِي مِنْكَ، وَأَجْلِبْنِي إِلَى كُلِّ
سال از هر کاری یا گفتاری یا عملی که مرا از تو دور کند دورم بدار و بسوی کار یا گفتار یا
عَمَلٍ أَوْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ يُقَرِّبُنِي مِنْكَ فِي هَذِهِ السَّنَةِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ،
عملی که مرا در این سال به تو نزدیک سازد بکشانم ای مهربانترین مهربانان
وَأَمْنَعْنِي مِنْ كُلِّ عَمَلٍ أَوْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ يَكُونُ مِنِّي أَخَافُ ضَرَرَ
و بازم دار از هر کاری یا گفتاری یا کرداری که از من سرزند و از سرانجام زیان آورش
عَاقِبَتِهِ، وَأَخَافُ مَقْتِكَ إِيَّايَ عَلَيْهِ حِذَارٌ أَنْ تُصْرِفَ وَجْهَكَ الْكَرِيمَ
بیمناک باشم و از خشم بخطر آن بر خویش بترسم، بترسم از اینکه توجه کریمانه ات
عَنِّي، فَاسْتَوْجِبْ بِهِ تَقْصَاً مِنْ حَظِّ لِي عِنْدَكَ يَا رَوْفُ يَا رَحِيمُ،
را از من بگردانی و بدان جهت مستوجب نقصانی از بهره ای که پیش تو دارم گردم ای با عطوفت ای مهربان
اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي مُسْتَقْبَلِ سَنَتِي هَذِهِ فِي حِفْظِكَ، وَفِي جِوَارِكَ
خدایا در آینده امسال مرا در حفظ و پناه
وَفِي كَنَفِكَ، وَجَلِّلْنِي سِتْرَ عَافِيَتِكَ، وَهَبْ لِي كَرَامَتَكَ، عَزَّ جَارُكَ، وَجَلَّ
و کنف خودت قرارم ده و پرده عافیت خود را بر من بیوشان و از بزرگواری خویش بر من ببخش عزیز است پناهنده به
تو
تَنَافُؤُكَ، وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي تَابِعاً لِصَالِحِي مَنْ مَضَى مِنْ
و والا است ستایش و معبودی جز تو نیست خدایا مرا پیرو شایستگان از اولیاء گذشته ات قرارم ده

أُولِيَاءِكَ، وَالْحَفْنَى بِهِمْ، وَاجْعَلْنِي مُسْلِمًا لِمَنْ قَالَ بِالصِّدْقِ عَلَيْكَ
و بدانها ملحقم کن و چنانم کن که برای آنانکه از جانب تو به حقیقت سخن گفتند
مِنْهُمْ وَأَعُوذُ بِكَ اللَّهُمَّ أَنْ تُحِيطَ بِي خَطِيئَتِي وَظُلْمِي وَإِسْرَافِي
تسلیم باشم و پناه می برم به تو خدایا از اینکه فرا گیرم خطا و ستم و زیاده رویم
عَلَى نَفْسِي، وَاتَّبَاعِي لِهَوَايَ، وَاشْتِغَالِي بِشَهَوَاتِي، فَيَحُولُ ذَلِكَ
بر خویشتن و پیرویم از هوای نفس و سرگرمیم به شهوات و در نتیجه آنها میان من
بَيْنِي وَبَيْنَ رَحْمَتِكَ وَرِضْوَانِكَ، فَكُونَ مُنْسِيًّا عِنْدَكَ، مُتَعَرِّضًا
و رحمت و خوشنودی تو حائل گردد و کار بدانجا کشد که فراموش درگاهت شوم و بدانچه موجب خشم
لِسَخَطِكَ وَنِقْمَتِكَ، اللَّهُمَّ وَفَّقْنِي لِكُلِّ عَمَلٍ صَالِحٍ تَرْضَاهُ عَنِّي،
و عقوبت تو است دست زخم خدایا موفقم بدار برای هر عمل شایسته ای که به وسیله آن از من خشنود
وَقَرَّبْنِي إِلَيْكَ زُلْفَى، اللَّهُمَّ كَمَا كَفَيْتَ نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
شوی و مرا به مقام قرب خویش نزدیک کن خدایا چنانچه هراس دشمن را از پیامبرت محمد صلی الله علیه
وَإِلَهُ هَوْلَ عَدُوِّهِ، وَفَرَّجْتَ هَمَّهُ، وَكَشَفْتَ غَمَّهُ، وَصَدَقْتَهُ وَعْدَكَ،
و آله کفایت فرمودی و اندوهش را برطرف کردی و غمش را زدودی و به وعده ات درباره اش وفا کردی
وَأَجَزْتَ لَهُ عَهْدَكَ، اللَّهُمَّ فَبِذَلِكَ فَكُنْ هَوْلَ هَذِهِ السَّنَةِ، وَأَفَاتِهَا
و پیمانانت را با او به پایان رساندی خدایا به همان ترتیب هراس این سال و آفات
وَأَسْقَامِهَا، وَفِتْنَتِهَا وَشُرُورِهَا، وَأَحْزَانِهَا وَضِيقَ الْمَعَاشِ فِيهَا،
و امراض و بلاها و شرور و اندوهها و تنگی و فشار زندگی را از من دور فرما
وَبَلِّغْنِي بِرَحْمَتِكَ كَمَالَ الْعَافِيَةِ، بِتِمَامِ دَوَامِ النِّعْمَةِ عِنْدِي إِلَى مُنْتَهَايِ
و به رحمت خویش برسان مرا به کمال عافیت بوسیله ادامه نعمت که پیش من داری تا پایان
أَجَلِي، أَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ أَسَاءَ وَظَلَمَ وَأَسْتَكَانَ وَاعْتَرَفَ، وَأَسْأَلُكَ أَنْ
عمرم، و از تو خواهم خواستن کسی که گناه کرده و بر خویش ستم کرده و به حال بیچارگی افتاده و به گناه خویش
معترف است از تو خواهم
تَغْفِرَ لِي مَا مَضَى مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي حَصَرْتُهَا حَفَظْتُكَ وَأَخْصَتْهَا
که پیامرزی گناهان گذشته مرا آنها را که نگهبانانت ثبت کرده و فرشتگان

كَرَامُ مَلَائِكَتِكَ عَلَيَّ، وَأَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي فِيمَا بَقِيَ

بزرگواری شماره کرده‌اند و نگاهم داری خدایا از گناهان در آینده

مِنْ عُمْرِي إِلَى مُنْتَهَى أَجَلِي، يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ صَلِّ عَلَيَّ

عمرم تا پایان عمرم ای خدا ای بخشاینده ای مهربان درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ، وَإِنِّي كُلُّ مَا سَأَلْتُكَ وَرَغَبْتُ إِلَيْكَ فِيهِ،

محمد و خاندان محمد و بده به من همه آنچه را از تو خواستم و درباره‌اش مشتاقانه به درگاہت آمدم

فَإِنَّكَ أَمَرْتَنِي بِالِدُّعَاءِ، وَتَكَفَّلْتَ لِي بِالْإِجَابَةِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

زیرا تو خود دستور دعایم دادی و اجابت آن را نیز برایم به عهده گرفتی ای مهربانترین مهربانان

فقیر گوید که سید این دعا را در شب اول ماه ذکر فرموده روز ششم سنه دویست و یک مردم بیعت کردند با حضرت

امام رضا علیه السلام و سید روایت کرده که برای شکرانه این نعمت دو رکعت نماز در این روز بگذارند در هر رکعت بعد

از حمد بیست و پنج مرتبه توحید بخوانند شب سیزدهم اول لیالی بیض است و در آن سه عملست اول غسل دوم چهار

رکعت نماز در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه توحید سیّم دو رکعت نماز که در شب سیزدهم رجب و شعبان نیز

خوانده می‌شود در هر رکعت بعد از حمد یس و تَبَارَكَ الْمَلِكُ و توحید بخواند و در شب چهاردهم این نماز خوانده

می‌شود به چهار رکعت به دو سلام و در سابق در شرح دعای مجیر گذشت که هر که آن را در ایّام البیض ماه رمضان

بخواند گناهانش آمرزیده شود اگرچه به عدد قطرات باران و برگ درختان و ریگ بیابان باشد شب پانزدهم از لیالی

متبرکه است و در آن چند عملست: اول غسل دوّم زیارت امام حسین علیه السلام سیّم شش رکعت نماز به حمد و یس و

تبارک و توحید چهارم صد رکعت نماز در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه توحید بخواند شیخ مفید در مقنعه از حضرت

امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده که هر که این عمل را بجا آورد حق تعالی بفرستد بسوی او ده ملائکه که دفع کنند از

او دشمنان او را از جنّ و انس و بفرستد سی فرشته نزد مَوْتِ او که او را امین کنند از آتش پنجم روایت شده که از

حضرت صادق علیه السلام سؤال کردند که چه می‌فرمائی در حق کسی که حاضر شود نزد قبر حسین علیه السلام در شب

نیمه ماه رمضان فرمود به به کسی که نماز گذارد نزد قبر آن حضرت در شب نیمه ماه رمضان ده رکعت بعد از نماز عشاء

و این نماز غیر از نافله شب باشد و بخواند در هر رکعت بعد از حمد قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ده مرتبه و پناه ببرد به خداوند تعالی

از آتش جهنّم حق تعالی او را آزاد از آتش ثبت فرماید و از دنیا نرود تا در خواب به بیند ملائکه‌ای که بشارت دهند او را

به بهشت و ملائکه‌ای که امین گردانند او را از آتش روز نیمه سنه دوّم ولادت باسعادت حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام

واقع شد و شیخ مفید فرموده که تولّد امام محمد تقی علیه السلام در سنه صد و نود و پنج در این روز بوده لکن مشهور در

غیر این روز است بهر حال روز بسیار شریفی است و صدقات و مبرات در آن فضیلت بسیار دارد شب هفدهم شب بسیار مبارکیست و در آن شب لشکر حضرت رسول صلی الله علیه و آله با لشکر کفار قریش ملاقات کردند در بدر و در روزش جنگ بدر واقع شد و حق تعالی لشکر آن حضرت را بر مشرکین ظفر داد و آن اعظم فتوحات اسلام بود لهذا علماء فرموده‌اند که در آن روز مستحب است صدقه و شکر خدا بسیار نمودن و غسل و عبادت در شبش نیز فضیلت عظیم دارد مؤلف گوید که روایات بسیار وارد شده که در آن شب بدر حضرت رسول صلی الله علیه و آله با اصحاب فرمود کیست امشب برای ما برود از چاه آب بکشد بیاورد اصحاب سکوت کردند و هیچکدام اقدام بر این کار نکردند حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مشکي برداشت به طلب آب بیرون رفت و آن شب شبی بود سرد و باد می آمد و ظلمت داشت پس رسید به چاه آب و آن چاهی بود بسیار گود و تاریک و آن حضرت دَلْوِي نیافت تا از چاه آب کشد لاجرم به چاه پایین رفت و مشک را پر کرد و بیرون آمد رو کرد به آمدن که ناگاه باد سختی برخورد به آن حضرت که آن جناب از سختی آن نشست تا بر طرف شد پس برخاست و حرکت فرمود که ناگاه باد سختی دیگر مانند آن آمد آن حضرت نشست تا او نیز رد شد دیگر باره برخاست برود مرتبه سیم نیز همان نحو بادی رسید و آن حضرت نشست و چون رد شد برخاست و خود را به حضرت رسول صلی الله علیه و آله رسانید حضرت پرسید که یا ابا الحسن برای چه دیر آمدی عرض کرد که سه مرتبه بادی به من رسید که بسیار سخت بود و مرا لرزه فرا گرفت و مکنتم به جهت بر طرف شدن آن بادهای بود فرمود آیا دانستی آنها چه بود یا علی عرض کردنه فرمود آن اول جبرئیل بود با هزار فرشته که بر تو سلام کرد و سلام کردند و دیگری میکائیل بود با هزار فرشته که بر تو سلام کرد و سلام کردند و پس از آن اسرافیل بود با هزار ملائکه که سلام کرد بر تو و سلام کردند و اینها فرود آمدند به جهت مدد ما فقیر گوید که اشاره به همین است قول آن کسی که گفته که از برای امیر المؤمنین علیه السلام در يك شب سه هزار و سه منقبت بوده و اشاره به همین نموده سید حمیری در شعر خود در مدح آن حضرت

أَقْسِمُ بِاللَّهِ وَالْآثَةِ
وَالْمَرْءِ عَمَّا قَالَ مَسْئُولٌ

سوگند خورم به خدا و نعمتهایش

و انسان از هر چه گوید بازخواست شود

إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ

عَلِيَّ التَّقِيِّ وَالْبَرِّ مَجْبُودٌ

براستی علی بن ابیطالب

فطرتش به پرهیزکاری و نیکی سرشته شده

كَانَ إِذَا الْحَرْبُ مَرَّتْهَا الْقَنَا

وَأَحْجَمَتْ عَنْهَا الْبَهَا لِيلُ

چنان بود که هنگامی که نیزه‌ها تنور جنگ را می‌افروخت

و دلیران از آن گریزان بودند

يَمْشِي إِلَى الْقِرْنِ وَفِي كَفِّهِ

أَبْيَضُ مَاضِي الْحَدِّ مَصْقُولُ

بسوی هماورد خویش می‌رفت و در دستش

شمشیر براق و بُران و صیقلی شده بود

مَشْيَ الْعَفْرَا بَيْنَ أَشْبَالِهِ

أَبْرَزَهُ لِلْقَتَصِ الْغِيلُ

چنانچه شیر در میان بچه‌های خود راه می‌رود

در آن حال که بیشه برای شکار او را بیرون فرستد

ذَاكَ الَّذِي سَلَّمَ فِي لَيْلَةٍ

عَلَيْهِ مِيكَالُ وَجَبْرِيلُ

علی همان کسی است که در یکشب بر او

سلام کرد میکائیل و جبرئیل

مِيكَالُ فِي أَلْفٍ وَجَبْرِيلُ فِي

أَلْفٍ وَيَتْلُوهُمْ سَرَافِيلُ

میکائیل با هزار فرشته و جبرئیل نیز با

هزار فرشته و پشت سر آنها نیز اسرافیل آمد

لَيْلَةَ بَدْرِ مَدَدًا أُزْلُوا

كَأَنَّهُمْ طَيْرٌ أَبَابِيلُ

در شب بدر که برای کمک فرود آمدند

همانند مرغهای ابابیل (که به مکه آمدند)

شب نوزدهم، اول شبهاي قدر است و شب قدر همان شبی است که در تمام سال شبی به خوبی و فضیلت آن نمی‌رسد و عمل در آن بهتر است از عمل در هزار ماه و در آن شب تقدیر امور سال می‌شود و ملائکه و روح که اعظم ملائکه است در آن شب به اذن پروردگار به زمین نازل می‌شوند و به خدمت امام زمان علیه السلام مشرف می‌شوند و آنچه برای هرکس مقدّر شده است بر امام زمان علیه السلام عرض می‌کنند و اعمال شبهاي قدر بر دو نوع است یکی آنکه در هر سه شب باید کرد و دیگر آنکه مخصوص است به هر شبی اما اول پس آن چند چیز است اول غسل است علامه مجلسی فرموده که غسل این شبها را مقارن غروب آفتاب کردن بهتر است که نماز شام را با غسل بکند دوم دو رکعت نماز است در هر رکعت بعد از حمد هفت مرتبه توحید بخواند و بعد از فراغ هفتاد مرتبه **اَسْتَغْفِرُ اللهَ وَاَتُوبُ اِلَيْهِ** بگوید در روایت نبوی صلی الله علیه وآله است که از جای خود برخیزد تا حق تعالی او را و پدر و مادرش را بیامرزد «الخبر» سیم قرآن مجید را بگشاید و بگذارد در مقابل خود و بگوید :

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِكِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ وَمَا فِيْهِ، وَفِيهِ اسْمُكَ الْكَبِيْرُ،

خدایا از تو خواهم به حق کتاب فرستاده شده‌ات و آنچه در آنست که در آن است نام بزرگت

وَأَسْمَاؤُكَ الْحُسْنَى، وَمَا يُخَافُ وَيُرْجَى اَنْ تَجْعَلَنيْ مِنْ عَتَقَائِكَ مِنَ النَّارِ،

و نامهای نیکویت و آنچه بدانها ترس و امید شود که قرارم دهی از زمره آزاد شدگان از دوزخ

پس هر حاجت که دارد بخواند چهارم آنکه **مُصَحَّف** شریف را بگیرد و بر سر بگذارد و بگوید: **اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ**

هَذَا الْقُرْآنِ، وَبِحَقِّ مَنْ ارْسَلْتَهُ بِهِ، وَبِحَقِّ كُلِّ مُؤْمِنٍ مَدَحْتَهُ فِيْهِ، وَبِحَقِّكَ

خدایا به حق این قرآن و به حق آنکس که او را بدان فرستادی و به حق هر مؤمنی که در این قرآن مدحش کرده‌ای و به حقی که

عَلَيْهِمْ فَلَا أَحَدَ اعْرِفُ بِحَقِّكَ مِنْكَ پس ده مرتبه بگوید **بِكَ يَا اللهَ** و ده مرتبه **بِمُحَمَّدٍ**

تو بر ایشان داری زیرا کسی نیست که حق تو را بهتر از خودت بشناسد × × × × × به حق خودت ای خدا به حق محمد صلی الله علیه وآله

و ده مرتبه **بِعَلِيٍّ** و ده مرتبه **بِفَاطِمَةَ** و ده مرتبه **بِالْحُسَيْنِ** و ده

* * * به حق علی علیه السلام × × × به حق فاطمه علیها السلام × × × به حق حسن علیه السلام × × ×

× به حق حسین علیه السلام * * *

مرتبه **بِعَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ** و ده مرتبه **بِمُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ** و ده مرتبه **بِجَعْفَرِ بْنِ**

به حق علي بن الحسين عليه السلام × × × به حق محمد بن علي عليه السلام × × × به حق جعفر بن

مُحَمَّدٍ و ده مرتبه بِمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ و ده مرتبه بِعَلِيِّ بْنِ مُوسَى و ده مرتبه

محمدعليه السلام × × × به حق موسي بن جعفرعليه السلام × × × به حق علي بن موسي عليه السلام *

* * *

بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ و ده مرتبه بِعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ و ده مرتبه بِالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ

به حق محمد بن علي عليه السلام × × × به حق علي بن محمدعليه السلام × × × به حق حسن به علي عليه السلام

* * *

و ده مرتبه بِالْحُجَّةِ پس هر حاجت که داري طلب کن پنجم زيارت کند امام حسين عليه السلام

* * * * * به حق حضرت حجت عليه السلام * * * * *

* *

را در خبر است که چون شب قدر مي شود منادي از آسمان هفتم ندا مي کند از بطنان عرش که حق تعالی آمرزیده هر

که را که به زيارت قبر حسين عليه السلام آمده ششم احيا بدارد اين شبها را همانا روايت شده هرکه احيا کند شب

قدر را گناهان او آمرزیده شود هرچند به عدد ستارگان آسمان و سنگيني کوهها و کيل درياها باشد هفتم صد رکعت نماز کند

که فضيلت بسيار دارد و افضل آنست که در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه توحيد بخواند هشتم بخواند :

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَمْسَيْتُ لَكَ عَبْدًا دَاخِرًا، لَا اَمْلِكُ لِنَفْسِيْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا، وَلَا

خدایا من شام کردم در حالی که بنده خواري هستم که مالک سود و زیانی براي خویش نیستم و نتوانم

اَصْرِفُ عَنْهَا سُوءًا، اَشْهَدُ بِذَلِكَ عَلَيَّ نَفْسِيْ، وَاَعْتَرِفُ لَكَ بِضَعْفٍ

از خویشتن پیش آمد ناگواري را بازگردانم و اين مطلبی است که من آنرا بر خویش گواهي دهم و به ناتوانی

قُوَّتِيْ، وَقِلَّةِ حِيلَتِيْ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ، وَاَنْجِزْ لِيْ مَا

خود و بيچارگيم در برابرت اعتراف دارم پس درود فرست بر محمد و آل محمد و وفا کن برايم بدانچه

وَعَدْتَنِيْ، وَجَمِيعِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ مِنَ الْمَغْفِرَةِ فِيْ هَذِهِ اللَّيْلَةِ،

بر من و همه مؤمنين و مؤمنات وعده فرمودي از آمرزش در اين شب

وَأَتَمِّمْ عَلَيَّ مَا اَتَيْتَنِيْ فَاِنِّيْ عَبْدُكَ الْمِسْكِيْنُ الْمُسْتَكِيْنُ، الضَّعِيْفُ

و تمام کن بر من آنچه را به من دادی زیرا که من بنده بينوای مستمند ناتوان تهیدست

الْفَقِيْرُ الْمُهِيْنُ، اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْنِيْ نَاسِيًا لِّذِكْرِكَ فِيمَا اَوْثَقْتَنِيْ، وَلَا [غَافِلًا]

خوار توام خدایا قرار مده مرا فراموشکار از یاد خویش در آنچه به من انعام فرمودی و نه غافل از

لِإِحْسَانِكَ فِيمَا أَعْطَيْتَنِي، وَلَا أَيْسَأُ مِنْ إِجَابَتِكَ، وَإِنْ أَبْطَأَتْ عَنِّي،

احسانت در آنچه به من عطا کردی و قرارم مده نامید از اجابت خویش و اگرچه دیرزمانی طول کشد

فِي سَرَّاءٍ أَوْ ضَرَّاءٍ، أَوْ شِدَّةٍ أَوْ رَخَاءٍ، أَوْ عَافِيَةٍ أَوْ بَلَاءٍ، أَوْ بُؤْسٍ أَوْ

چه در خوشی و چه در سختی در دشواری یا در آسایش در تندرستی یا گرفتاری در تنگدستی یا

نَعْمَاءٍ، إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ × و این دعا را کفعمی از امام زین العابدین علیه السلام

در نعمت براستی تو شنوای دعایی * * * * *

* * * * *

روایت کرده که در این شبها می خوانده در حال قیام و قعود و رکوع و سجود و علامه مجلسی (ره) فرموده که بهترین

اعمال در این شبها طلب آمرزش و دعا از برای مطالب دنیا و آخرت خود و پدر و مادر و خویشان خود و برادران

مؤمن زنده و مرده ایشان است و اذکار و صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام آنچه مقدور شود و در بعضی از

روایات وارد شده است که دعاء جوشن کبیر را در این سه شب بخوانند فقیر گوید که دعاء جوشن در سابق گذشت و

روایت شده که خدمت حضرت رسول صلی الله علیه وآله عرض شد که اگر من درک کنم شب قدر را چه از خداوند

خود بخوام فرمود عافیت را و اما دویم یعنی اعمال مخصوصه این شبها پس اعمال شب نوزدهم چند چیز است اول صد

مرتبه اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ دویم صد مرتبه اَللَّهُمَّ اَلْعَن قَتْلَةَ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ سَيِّم بخواند دعاء یا ذَا الَّذِي كَانَ رَاكِعًا فِي

قسم چهارم گذشت .

چهارم بخواند: اَللَّهُمَّ اجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُمِ،

* * * * * خدایا قرار ده در آنچه حکم کرده و مقدر فرموده ای از سرنوشت حتمی

و فِيمَا تَفَرِّقُ مِنَ الْأَمْرِ الْحَكِيمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، وَفِي الْقَضَاءِ الَّذِي لَا

و در آنچه جدا کنی از فرمان حکیمانهات در شب قدر و در آن قضا و قدری که برگشت و

يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ، أَنْ تُكْتَبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، الْمَبْرُورِ حَجَّتِهِمْ،

تغییر و تبدیلی ندارد که نام مرا در زمره حاجیان خانه محترمت (کعبه) بنویسی آنان که حجشان

الْمَشْكُورِ سَعْيِهِمْ، الْمَغْفُورِ ذُنُوبِهِمْ، الْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ، وَاجْعَلْ

مقبول و سعیشان مورد تقدیر و گناهانشان آمرزیده و کردار بدشان بخشوده شده است و قرار ده

فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ، أَنْ تُطِيلَ عُمْرِي، وَتُوسِّعَ عَلَيَّ فِي رِزْقِي،

در آنچه مقدر فرموده ای که عمر مرا طولانی کرده و روزیم را وسیع گردانی

وَتَفْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا، و به جاي اين كلمه حاجت خود را ذكر كند و شب بيست و

* * * * *
و در باره ام چنين و چنان كني
* * * * *

يكم فضيلتش زيادتر از شب نوزدهم است و بايد اعمال آن شب را از غسل و احياء و زيارت و نماز هفت قل هوالله و قرآن بر سر گرفتن و صد ركعت نماز و دعاي جوشن كبير و غيرهها در اين شب به عمل آورد و در روايات تأكيد شده در غسل و احياء و جدّ و جهد در عبادت در اين شب و شب بيست و سيّم و آنكه شب قدر يكي از اين دو شبست و در چند روايتست كه از معصوم سؤال كردند كه معين فرماييد كه شب قدر کداميك از اين دو شب است تعيين نكردند بلكه فرمودند ما ايسر ليلتين فيما تطلب يا آنكه فرمودند ما عليك ان تفعل خيراً في ليلتين و نحو ذلك وقال شيخنا الصدوق فيما املني علي المشايخ في مجلس واحد من مذهب الامامية و من احيى هاتين الليلتين بمذاكرة العلم فهو افضل و بالجملة از اين شب شروع كند به دعاهاي شبهاي دهه آخر كه از جمله اين دعا است كه شيخ كليني در كافي از حضرت صادق عليه السلام روايت کرده كه فرمود مي گويي در دهه آخر ماه رمضان در هر شب :

أَعُوذُ بِجَلالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ، أَنْ يَنْقُضِي عَنِّي شَهْرُ رَمَضَانَ، أَوْ يَطْلُعَ

پناه مي برم به جلال ذات بزرگوارت از اينكه ماه رمضان از من بگذرد يا سپيده امشب بر من

الفجر من ليلى هذه، وَلَكَ قَبْلِي ذَنْبٌ أَوْ تَبِعَةٌ تُعَذِّبُنِي عَلَيْهِ. و كفعمي در

طلوع كند و باز هم از من در پيش تو گناه يا چيزي كه پاداشش بد است مانده باشد كه بدان عذابم كني
* * *

حاشيه بلد الامين نقل کرده كه حضرت صادق عليه السلام در هر شب از دهه آخر بعد از فرايض و

* * * * *
* * * * *

نوافل مي خواند: اللَّهُمَّ ادْعِنَا حَقَّ مَا مَضَى مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَاغْفِرْ لَنَا

* * * * * خدايا اداء كن از ما حق ايام گذشته ماه رمضان را و بيامرز

تقصيرنا فيه، وَتَسَلَّمْهُ مِنَّا مَقْبُولاً، وَلَا تُؤَاخِذْنَا بِإِسْرَافِنَا عَلَي أَنْفُسِنَا

تقصير ما را در اين ماه و آن را پذيرفته از ما دريافت كن و مگير ما را به زياده رويهايي كه بر نفس خويش كرديم

وَاجْعَلْنَا مِنَ الْمَرْحُومِينَ وَلَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْمَحْرُومِينَ و فرمود هر كه بگويد

* * * * * و قارمان ده از رحمت شدگان و قارمان مده از محرومان

این را بیا مرزد حقّ تعالیّ تقصیری که از او سرزده در ایّام گذشته از ماه رمضان و نگه دارد او را از معاصی در بقیّه ماه و از جمله سید بن طاوس در اقبال از ابن ابی عمیر از مُرازم نقل کرده که
حضرت صادق علیه السلام در هر شب از دهه آخر می خواند: اَللّهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ
* * * * * خدایا تو فرمودی در قرآنت

الْمُنْزِلِ، شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي اُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ
که از آسمان نازل گشته «ماه رضائی که قرآن در آن نازل گشته که آن قرآن راهنمای مردم و حجتی است
مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ، فَعَظُمَتْ حُرْمَةُ شَهْرِ رَمَضَانَ بِمَا اُنْزِلَتْ فِيهِ
از هدایت و تمیز» و بدین ترتیب حرمت ماه رمضان را با نازل فرمودن قرآن بزرگ کردی
مِنَ الْقُرْآنِ، وَخَصَّصْتَهُ بِلَيْلَةِ الْقَدْرِ، وَجَعَلْتَهَا خَيْرًا مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ،
و به شب قدر مخصوص داشتی و آن شب را بهتر از هزار ماه گردانیدی
اَللّهُمَّ وَهَذِهِ اَيَّامُ شَهْرِ رَمَضَانَ قَدْ اِنْقَضَتْ، وَلَيْالِيهِ قَدْ تَصَرَّعْتَ،
خدایا این روزهای ماه رمضان بود که بر من گذشت و این شبهای آن است که آن نیز
وَقَدْ صِرْتُ يَا اِلَهِي مِنْهُ اِلَى مَا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنِّي، وَاحْصِي لِعَدَدِهِ
گذشت و من ای معبودم از این ماه به حالی درآمده ام که تو خود بهتر از من می دانی و شماره اش را
مِنَ الْخَلْقِ اَجْمَعِينَ فَاسْئَلُكَ بِمَا سَأَلَكَ بِهِ مَلَائِكَتُكَ الْمُقَرَّبُونَ،
از همه مردم بهتر داری پس از تو خواهم بدانچه فرشتگان مقرب
وَأَنْبِيَآؤُكَ الْمُرْسَلُونَ، وَعِبَادُكَ الصَّالِحُونَ، اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ
و پیامبران فرستاده ات و بندگان شایسته ات تو را بدان خواستند که درود فرستی بر محمد
وَ اَلِ مُحَمَّدٍ، وَاَنْ تُفَكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَتُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ،
و آل محمد و اینکه مرا از آتش دوزخ آزاد کنی و به رحمت خویش به بهشتم ببری
وَاَنْ تُنَفِّضَلَ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ وَكَرَمِكَ، وَتَقْبَلَ تَقَرُّبِي، وَتَسْتَجِيبَ دُعَائِي،
و به عفو و بزرگواری خویش بر من تفضل کنی و تقرب جویی مرا بپذیری و دعایم را مستجاب گردانی
وَتَمُنَّ عَلَيَّ بِالْأَمْنِ يَوْمَ الْخَوْفِ مِنْ كُلِّ هَوَلٍ اَعْدَدْتَهُ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ،
و در آن روز ترس و وحشت با امان دادم از هر هراسی که برای روز قیامت آماده کرده ای بر من منت نهدی
اِلَهِي وَاَعُوْذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَبِجَلَالِكَ الْعَظِيمِ، اَنْ يَقْضِيَ اَيَّامُ

خدایا پناه می‌برم به ذات بزرگواریت و به جلال و شوکت عظیمت که بگذرد روزها
 شَهْرَ رَمَضَانَ وَلِيَالِهِ، وَلَكَ قَبْلِي تَبِعَةٌ أَوْ ذَنْبٌ تُؤَاخِذُنِي بِهِ، أَوْ
 و شبهای ماه رمضان و از تو در نزد من گناه یا پاداش بدی باشد که مرا بدان مؤاخذه کنی یا
 خَطِيئَةٌ تُرِيدُ أَنْ تَقْتَصَّهَا مِنِّي لَمْ تَغْفِرْهَا لِي، سَيِّدِي سَيِّدِي سَيِّدِي،
 خطایی باشد که بخواهی آن را از من تقاص کنی و نیامرزیده باشی ای آقای من آقای من آقای من
 أَسْأَلُكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، إِذْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، إِنْ كُنْتَ رَضِيتَ عَنِّي فِي
 از تو خواهم ای که معبودی جز تو نیست زیرا معبودی جز تو نیست که اگر در این ماه از من خوشنود گشته‌ای بر
 هَذَا الشَّهْرِ، فَأَزِدْ عَنِّي رِضًا، وَإِنْ لَمْ تَكُنْ رَضِيتَ عَنِّي، فَمِنْ الْآنَ
 خوشنودی خویش از من بیفزای و اگر هنوز خوشنود نشده‌ای از هم‌اکنون از من
 فَارْضَ عَنِّي، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، يَا إِلَهَ يَا أَحَدٌ يَا صَمَدٌ، يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ
 خوشنود شو ای مهربانترین مهربانان ای خدا ای یکتا ای بی‌نیاز ای که فرزند ندارد
 وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ. و بسیار بگو: يَا مُلْكَيْنِ الْحَدِيدِ لِدَاوُدَ
 و فرزند کسی نیست و برای او همتایی نباشد هیچکس × × × × ای نرم‌کننده آهن برای حضرت داود
 عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا كَاشِفَ الضُّرِّ وَالْكَرْبِ الْعِظَامِ عَنْ أَيُّوبَ عَلَيْهِ
 علیه‌السلام ای برطرف‌کننده گرفتاری و ناراحتی بزرگ از ایوب علیه
 السَّلَامُ، أَيُّ مُفَرِّجٍ هُمْ يَعْقُوبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، أَيُّ مُنْقِصٍ غَمِّ يُوسُفَ
 السلام ای گشاینده اندوه یعقوب علیه‌السلام ای زداینده غم یوسف
 عَلَيْهِ السَّلَامُ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا أَنْتَ أَهْلُهُ، أَنْ تُصَلِّيَ
 علیه‌السلام درود فرست بر محمد و آل محمد بدانسان که تو شایسته آنی که درود فرستی
 عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَلَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ. و از
 بر ایشان همگی و انجام ده درباره من آنچه را تو شایسته آنی و انجام مده درباره‌ام آنچه من سزاوارم
 *

جمله این دعاها است که در کافی مسنداً و در مقنعه و مصباح مُرْسَلًا نقل شده که می‌گوئی در
 * * * * *
 * * * * *

لیله اولی یعنی در شب بیست و یکم: يَا مُوَلِّجَ اللَّيْلِ فِي النَّهَارِ، وَمُوَلِّجَ النَّهَارِ

* * * * * ای فروبرنده شب در روز و ای فروبرنده روز

فِي اللَّيْلِ، وَمُخْرِجَ الْحَيِّ مِنَ الْمَيِّتِ، وَمُخْرِجَ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ، يَا
 در شب و ای بیرون آورنده زنده از مرده و بیرون آورنده مرده از زنده ای
 رَازِقَ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ، يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا اللَّهُ يَا رَحِيمُ، يَا اللَّهُ
 روزی دهنده هر که را خواهی بی حساب ای خدا، ای بخشننده، ای خدا ای مهربان ای خدا
 يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى، وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا، وَالْكَبَرِيَاءُ وَالْأَلَاءُ،
 ای خدا... از آن تو است نامهای نیکو و نمونه‌های والا و بزرگی و نعمتها از تو
 أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ
 خواهم درود فرستی بر محمد و آل محمد و نام مرا در این
 اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ، وَرَوْحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ، وَأَحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ،
 شب در زمره سعادتمندان قرار دهی و روحم را با شهداء مقرون سازی و احسان و نیکوکاریم را در بلندترین درجه
 وَإِسَائَتِي مَغْفُورَةً، وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي، وَإِيمَانًا يُذْهِبُ
 بهشت و گناهانم را آمرزیده کنی و به من یقینی عطا کنی که همیشه با دلم همراه باشد و ایمانی به من بدهی
 الشَّكَّ عَنِّي، وَتَرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتُ لِي، وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ
 که شک و تردید را از من دور سازد و بدانچه روزیم کرده‌ای خوشنودم سازی و بدهی به من در دنیا نعمت نیک و در
 آخِرَتِ
 حَسَنَةً، وَفِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ، وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ، وَالرَّغْبَةَ
 نعمت نیک و نگهداری ما را از عذاب آتش سوزان و روزیم کنی در این شب ذکر خود و سپاسگزاریت و اشتیاق
 إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ، وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَقَّعْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ .
 و بازگشت بسویت و توفیق برای انجام آنچه را موفق داشتی بدان محمد و آل محمد راکه بر او و بر ایشان سلام باد

دعای شب بیست و دویم

يَا سَالِحَ النَّهَارِ مِنَ اللَّيْلِ فَإِذَا نَحْنُ مُظْلَمُونَ، وَمُجْرِيَ الشَّمْسِ
 ای که روز (روشن) را از شب (تار) برکنی و ناگهان ما در تاریکی فرو رویم و ای روان‌کننده خورشید
 لِمُسْتَقَرِّهَا بِتَقْدِيرِكَ، يَا عَزِيزُ يَا عَلِيمُ، وَمَقَدَّرَ الْقَمَرِ مَنَازِلَ

روي مدارش به تقديري كه فرمودي اي نيرومند اي دانا و اي اندازه گير ماه در منزلهاي معين
حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ، يَا نُورَ كُلِّ نُورٍ، وَمُنْتَهَىٰ كُلِّ رَغْبَةٍ،
تا بازگردد چون شاخه خرمای لاغر خشك اي روشنی هر نور و آخرین سرحد هر شوق
وَوَلِيَّ كُلِّ نِعْمَةٍ، يَا إِلَهَ يَا رَحْمَنُ، يَا إِلَهَ يَا قُدُّوسُ، يَا أَحَدُ يَا وَاحِدُ،
و سرپرست هر نعمت اي خدا اي بخشاينده اي خدا اي منزّه از هر عيب اي يگانه اي يكتا
يَا فَرْدُ، يَا إِلَهَ يَا إِلَهَ يَا إِلَهَ، لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ، وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا،
اي فرد اي خدا... از آن تو است نامهاي نيك و نمونه هاي والا
وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْأَلَاءُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآهْلِ بَيْتِهِ،
و بزرگي و نعمتها از تو خواهم كه درود فرستی بر محمد و خاندانش
وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ، وَرَوْحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ،
و قرار دهی نامم را در اين شب در زمره سعادتمندان و روحم را با شهيدان
وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ، وَإِسَائَتِي مَغْفُورَةً، وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا ثَبَاطُشِرُ
و احسان و نيکيم را در بلندترين درجات و گناهم را آمرزيده و ديگر اينكه يقيني به من بدهي
بِهِ قَلْبِي، وَإِيمَانًا يَذْهَبُ الشَّكَّ عَنِّي، وَتَرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتُ لِي،
كه هميشه با دلم همراه باشد و ايمانی به من عطا کنی كه شك و ترديد را يکسره از من دور سازد و بدانچه نصيبم کرده اي
خوشنودم ساز
وَاتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ
و بده به ما در دنيا نعمت نيك و در آخرت نيز نعمت نيك و نگهدار ما را از عذاب آتش
الْحَرِيقِ، وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ، وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ،
سوزان و روزيم گردان در اين شب ذكر خود و سپاسگزاريت و اشتياق و بازگشت بسويت را
والتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، عَلَيْهِمُ السَّلَامُ .
و موفق داري مرا براي انجام آنچه را موفق داشتی بدان محمد و آل محمد عليهم السلام را

دعای شب بیست و سیّم

يَا رَبَّ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَجَاعِلَهَا خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ، وَرَبَّ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ،

ای پروردگار شب قدر و قرار دهنده آن بهتر از هزار ماه و پروردگار شب و روز
وَالْجِبَالِ وَالْبَحَارِ، وَالظُّلَمِ وَالْأَنْوَارِ وَالْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ، يَا بَارِئُ يَا
و کوهها و دریاها و تاریکیها و روشنیها و زمین و آسمان ای پدیدآورنده ای
مُصَوِّرُ، يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ، يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ، يَا اللَّهُ يَا قَيُّوْمُ، يَا اللَّهُ يَا بَدِيعُ، يَا اللَّهُ
صورت بخش ای عطا بخش ای نعمت ده ای خدا ای بخشاینده ای خدا ای پاینده ای خدا ای نوآفرین
یا اللَّهُ یا اللَّهُ، لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى، وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا، وَالْكَبَرِيَاءُ وَالْأَلَاءُ، أَسْأَلُكَ
ای خدا ای خدا ای خدا از آن توست نامه‌ای نیک و نمونه‌های والا و بزرگی و نعمتها از تو خواهیم که
أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ
درود فرستی بر محمد و آل محمد و قرار دهی نام مرا در این شب در زمره
فِي السُّعْدَاءِ، وَرَوْحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ، وَاحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَإِسَائَتِي
سعادتندان و روحم را با شهدایان و احسان و نیکیم را در بلندترین درجات و گناهم را
مَغْفُورَةً، وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي، وَإِيمَانًا يُذْهِبُ الشَّكَّ
آمرزیده و یقینی به من ببخشی که همیشه با دلم همراه باشد و ایمانی به من بدهی که یکسره شک و تردید را
عَنِّي، وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي، وَاتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ
از من دور کنی و بدانچه نصیب کرده‌ای خوشنودم سازی و بده به ما در دنیا نیکی و نعمت و در آخرت نیز
حَسَنَةً، وَفِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ، وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ، وَالرَّغْبَةَ
نیکی و نگاهبان دار از عذاب آتش سوزان و روزیم کن در این شب ذکر خود و سپاسگزاری و شوق
إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ، وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ .
و بازگشت و توبه بسوی خودت را و موفقم بدار بدانچه موفق داشتی بدان محمد و آل محمد علیهم السلام
و روایت کرده محمد بن عیسی به سند خود از صالحین علیهم السلام که فرمودند مکرر می‌کنی در شب بیست و سیّم از
ماه رمضان این دعا را در حال سجود و قیام و قعود و بر هر حالی که هستی در تمام ماه و هر چه ممکن است شود و هر
زمانی که حاضر شود تورا یعنی یادت آید این دعا در روزگار حیات می‌گویی بعد از ستایش کردن حق تعالی به
بزرگواری و فرستادن صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه و آله اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ

آسمان یعنی در وقت گفتن یا مُدَبِّرُ الْأُمُورِ تا آخر و بگو این دعا را در حال رکوع و سجود

* * * * * ای تدبیر کننده کارها * * *

* * * * *

و ایستاده و نشسته و مکرّر کن آنرا و بگو آنرا نیز در شب آخر ماه رَمَضان .

و جلالت و بزرگواری ای خدا ای بخشاینده ای خدا ای یگانه یکتا ای خدا ای
ظاهرُ یا باطنُ، یا حییُّ لا اله الا انتَ، لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى، وَالْأَمْثَالُ
آشکار و ای نهان ای زنده ای که معبودی جز تو نیست از آن تو است نامهای نیک و نمونه های
العلیاء، وَالْكَبرِیاءُ وَالْأَلَاءُ، أَسْئَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،
والا و بزرگی و نعمتها از تو خواهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد و دیگر آنکه
وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ، وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ،
قرار دهی نام مرا در این شب در زمره سعادتمندان و روحم را با شهیدان
وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ، وَإِسَائَتِي مَغْفُورَةً، وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ
و احسان و نیکم را در بلندترین درجات و گناهم را آمرزیده و یقینی به من ببخشی که همواره
بِهِ قَلْبِي، وَإِيْمَانًا يَذْهَبُ بِالشَّكِّ عَنِّي، وَرِضًی بِمَا قَسَمْتَ لِي، وَاتِّمَامًا
با دلم مقرون باشد و ایمانی بدهی که شک و تردید را از من دور سازد و خوشنودی بدانچه نصیب کرده ای و بده به ما
فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ،
در دنیا نیکی و نعمت و در آخرت نیز نیکی و نعمت و بازمان دار از عذاب آتش سوزان
وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ، وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ، وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ،
و روزم کن در این شب ذکر خود و سپاسگزاری را و میل و رغبت و بازگشت و توبه کردن بسویت را
والتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ .
و موفقم بدار بدانچه موفق داشتی بدان محمد و آل محمد را درودهای تو و بر او و بر ایشان باد

دعای شب بیست و پنجم

یا جَاعِلَ اللَّيْلِ لِبَاسًا، وَالنَّهَارِ مَعَاشًا، وَالْأَرْضِ مِهَادًا، وَالْجِبَالِ أَوْتَادًا،
ای که شب را پوشش قراردادی و روز را وسیله درآوردن روزی وزمین را گهواره (یا بستر گسترده) و کوهها را چون میخ
قراردادی

یا اللَّهُ یا قَاهِرُ، یا اللَّهُ یا جَبَّارُ، یا اللَّهُ یا سَمِيعُ، یا اللَّهُ یا قَرِيبُ، یا اللَّهُ یا
ای خدا ای چیره ای با جبروت ای خدا ای شنوا ای خدا ای نزدیک ای خدا ای
مُجِيبُ، یا اللَّهُ یا اللَّهُ یا اللَّهُ، لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا،

پاسخ ده ای خدا... از آن تو است نامهای نیک و گونه‌های والا
وَالْكَبِيرَاءُ وَالْأَلَاءُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ، وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ
و بزرگی و نعمتها از تو خواهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد و
تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ،
قرار دهی نامم را در این شب در زمره سعادتمندان و روحم را با شهیدان
وَإِحْسَانِي فِي عَلِيَّيْنِ، وَإِسَائَتِي مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ
و احسان و نیکم را در بلندترین درجات و گناهم را آمرزیده و یقینی به من بدهی که همیشه ملازم
بِهِ قَلْبِي، وَآيَمَانًا يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي، وَرِضًى بِمَا قَسَمْتَ لِي، وَآتِنَا
دل من باشد و ایمانی به من عطا کنی که شک و تردید را از من دور سازد و خوشنودم سازی بدانچه نصیبم کرده‌ای
و بدهی به

فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ،
من در دنیا نیکی و در آخرت نیکی و نگاهم داری از آتش سوزان دوزخ
وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ، وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ،
و روزم کنی در این شب ذکر خود و سپاسگزاری را و شوق و رغبت و بازگشت و توبه به درگاهت
والتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ .
و موفقم دار بدانچه موفق داشتی بدان محمد و آل محمد علیهم السلام را

دعای شب بیست و ششم

يَا جَاعِلَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ اَيَّتَيْنِ، يَا مَنْ مَحَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلَ آيَةَ
ای قرار دهنده شب و روز را دو نشانه (بر قدرتت) ای که نشانه شب را سیاه و نشانه
النَّهَارِ مُبْصِرَةً، لَتَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْهُ وَرِضْوَانًا، يَا مُفَصِّلَ كُلِّ شَيْءٍ
روز را روشنی بخش کردی تا فزونی جویند از فضل و خوشنودی پروردگار ای جداکننده هر چیز
تَفْصِيلًا، يَا مَاجِدُ يَا وَهَّابُ، يَا إِلَهَ يَا جَوَادُ، يَا إِلَهَ يَا إِلَهَ يَا إِلَهَ، لَكَ
بخوبی ای صاحب مجد و شوکت ای پربخشش ای خدا ای بخشنده ای خدا... از آن تو است
الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى، وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا، وَالْكَبِيرَاءُ وَالْأَلَاءُ أَسْأَلُكَ أَنْ

نامهاي نيك و گونه‌هاي والا و بزرگ و نعمتها از تو خواهم
تُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي
دروود فرستی بر محمد و آل محمد و دیگر آنکه نامم را در این شب در زمره
السُّعْدَاءِ، وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ، وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ، وَإِسَائَتِي
سعادتندان قرار دهی و روحم را با شهیدان و احسان و نیکیم را در بلندترین درجات و گناهم را
مَغْفُورَةً، وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي، وَإِيمَانًا يُذْهِبُ الشَّكَّ
آمرزیده و ببخشی بر من یقینی که هواره ملازم قلبم باشد و ایمانی که یکسره شک و تردید را
عَنِّي، وَتُرْضِيَنِي بِمَا فَسَمْتُ لِي، وَاتَنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ
از من دور سازد و خوشنودم سازی بدانچه نصیبم کرده‌ای و بدهی به من در دنیا نیکی و نعمت و در آخرت نیز
حَسَنَةً، وَفَنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ،
نیکی و نگاهمان داری از عذاب آتش سوزان و روزیم کنی در این شب ذکرت و سپاسگزاریت را
وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ [وَالْتَّوْبَةَ] وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا
و شوق و رغبت و بازگشت و توبه بسویت و موفقم داری بدانچه موفق داشتی بدان محمد
وَ آلِ مُحَمَّدٍ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ .
و آل محمد را که درود تو بر او و برایشان باد

دعای شب بیست و هفتم
يَا مَادَّ الظِّلِّ، وَلَوْ شِئْتَ لَجَعَلْتَهُ سَاكِناً، وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلاً، ثُمَّ
ای امتداد دهنده سایه که اگر می‌خواستی آن را در یکجا ساکن می‌کردی و قراردادی خورشید را بر آن سایه رهبر سپس
قَبَضْتَهُ [إِلَيْكَ] قَبْضاً يَسِيراً، يَا ذَا الْجُودِ وَالطَّوْلِ، وَالْكَبَرِيَاءِ وَالْأَلَاءِ، لَا
آن را به آسانی تدریجاً دربرگرفتی ای صاحب جود و عطا و کبریا و نعمت‌هایم
إِلَهَ إِلَّا أَتَتْ، عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَتَتْ، يَا
نیست که دانای غیب و شهود و بخشاینده و مهربانی معبودی جز تو نیست ای
قُدُّوسُ يَا سَلَامُ، يَا مُؤْمِنُ يَا مُهَيِّمُنُ، يَا عَزِيزُ يَا جَبَّارُ يَا مُتَكَبِّرُ، يَا اللَّهُ
منزه از هر عیب ای بی‌خلل ای ایمنی بخش ای مراقب بندگان ای نیرومند ای مقتدر ای بزرگوار ای خدا

يا خالقُ يا باريُّ، يا مُصَوِّرُ، يا اَللهُ يا اَللهُ يا اَللهُ، لَكَ اَلْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى،
اي آفريننده اي ايجاد كننده اي صورتگر اي خدا اي خدا اي خدا از آن تو است نامهاي نيكو
وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا، وَالْكَبَرِيَاءُ وَالْأَلَاءُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ
و نمونه هاي والا و كبرياء و نعمتها از تو خواهم كه درود فرستی بر محمد
وَ اَلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَ اِسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ، وَرُوحِي
و آل محمد و اينكه نامم را در اين شب در زمره سعادتمندان قرار دهی و روحم را
مَعَ الشُّهَدَاءِ، وَاحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ، وَاسْأَلْتَنِي مَغْفُورَةً، وَأَنْ تَهَبَ لِي
با شهيدان و احسان و نيکيم را در بلندترين درجات و گناهم را آمرزيده و ببخشي بر من
يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي، وَإِيْمَانًا يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي، وَتَرْضِيَنِي بِمَا
يقيني كه همواره ملازم قلب من باشد و ايماني كه شك و ترديد را يكسره از من دور سازد و خوشنودم سازي بدانچه
قَسَمْتَ لِي، وَاتَنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقَنَا عَذَابَ
نصييم كرده اي و بده به من در دنيا نيكي و در آخرت نيكي و نگاهم دار از عذاب
النَّارِ الْحَرِيقِ، وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ، وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ
آتش سوزان و روزيم گردان در اين شب ذكر خود و سپاسگزاريت را و شوق و رغبته بسويت و بازگشت
والتَّوْبَةَ، وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَقَفْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَ اَلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ .
و توبه به درگاهت و موفقم بدار بدانچه موفق داشتی بدان محمد و آل محمد را درود تو بر او و بر ايشان باد

دعای شب بیست و هشتم

يا خازِنَ اللَّيْلِ فِي الْهَوَاءِ، وَخَازِنَ الثُّورِ فِي السَّمَاءِ، وَمَانِعَ السَّمَاءِ
اي جا دهنده تاریکی شب را در هوا و جا دهنده روشنی (روز) را در آسمان و جلوگیرنده آسمان از اینکه
أَنْ تَقَعَ عَلَيَّ الْأَرْضُ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَحَابِسَهُمَا أَنْ تَزُولَا، يا عَلِيمُ يا [عَظِيمُ]،
بر زمین افتد مگر به اذن او و نگهدارنده آسمان و زمین از اینکه از جاي خود بدر روند اي داناي بزرگ
يا غَفُورُ يا دَائِمُ، يا اَللهُ يا وارِثُ، يا باعِثَ مَنْ فِي الْقُبُورِ، يا اَللهُ يا اَللهُ
اي آمرزنده اي جاويدان اي خدا اي ارث برنده اي برانگيزنده مردگان در ميان گورها اي خدا اي خدا
يا اَللهُ، لَكَ اَلْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى، وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا، وَالْكَبَرِيَاءُ وَالْأَلَاءُ،

ای خدا از آن تو است نامهای نیکو و نمونه‌های والا و کبریا و نعمتها از تو
 أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ
 خواهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه قرار دهی نامم را در این
 اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ، وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَاحْسَانِي فِي عَلِيَّينَ،
 شب در زمره سعادتمندان و روحم را با شهیدان و احسانم را در بلندترین درجات
 وَإِسَائَتِي مَغْفُورَةً، وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي، وَإِيمَانًا يُذْهِبُ
 و گناهم را آمرزیده و ببخش بر من یقینی که پیوسته همراه و ملازم دلم باشد و ایمانی به من ده که یکسره
 الشَّكَّ عَنِّي، وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي، وَاتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي
 شک و تردید را از من دور سازد و خوشنودم سازی بدانچه نصیبم کرده‌ای و بده به ما در دنیا نیکی و در
 الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ، وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ
 آخرت نیکی و نگاهبان دار از آتش سوزان دوزخ و روزیام گردان در این شب یاد خود
 وَشُكْرَكَ، وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ [وَالْتَوْبَةَ]، وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَقَّعْتَ لَهُ
 و سپاسگزاری را و شوق و رغبت و بازگشت و توبه به سویت و موقعم دار بدانچه موفق داشتی بدان
 مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ .
 محمد و آل محمد را درود خدا بر او و بر ایشان باد

دعای شب بیست و نهم

يَا مُكَوِّرَ اللَّيْلِ عَلَي النَّهَارِ، وَمُكَوِّرَ النَّهَارِ عَلَي اللَّيْلِ، يَا عَلِيمُ يَا
 ای خدائی که شب را به روز پیچانی و روز را بر شب پیچانی ای دانا ای
 حَكِيمُ يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ، وَسَيِّدَ السَّادَاتِ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، يَا أَقْرَبَ إِلَيَّ
 فرزانه ای پروردگار همه پروردگاران و آقای همه بزرگان معبودی جز تو نیست ای که نزدیکتری به من
 مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ، يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ
 از رگ گردن ای خدا ای خدا از آن تو است نامهای نیکو و نمونه‌های
 الْعُلْيَا، وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْأَلَاءُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،
 والا و بزرگی و نعمتها از تو خواهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد

وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ، وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ،
و قرار دهی نام مرا در این شب در زمره سعادتمندان و روحم را با شهیدان
وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ، وَإِسَائَتِي مَغْفُورَةً، وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا ثَبَاطُثُ
و احسان و نیکیم را در بلندترین درجات و گناهم را آمرزیده و بیخشی بر من یقینی که پیوسته ملازم
بِهِ قَلْبِي، وَإِيمَانًا يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي، وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي، وَاتِّنَا
دل من باشد و ایمانی که یکسره شک و تردید را از من دور سازد و خوشنودم سازی بدانچه بهرام کرده‌ای و به ما
فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ
عطا فرما در دنیا نیکی و در آخرت نیکی و نگاهمان دار از عذاب آتش سوزان
وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ، وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ
و روزیم گردان در این شب ذکر خود و سپاسگزاری و شوق و رغبت بسویت و بازگشت و توبه
وَالْتَوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ .
به درگاهت را و موفقم دار بدانچه موفق داشتی بدان محمد و آل محمد را که درود خدا بر او و بر ایشان باد

دعای شب سی‌ام

الْحَمْدُ لِلَّهِ لَا شَرِيكَ لَهُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِهِ، وَعِزِّ جَلَالِهِ
ستایش مخصوص خدایی است که شریک ندارد ستایش خاص خدا چنانچه شایسته بزرگواری ذات و شوکت جلال او
است

وَكَمَا هُوَ أَهْلُهُ، يَا قُدُّوسُ يَا نُورُ، يَا نُورَ الْقُدُّوسِ، يَا سُبُّوحُ، يَا مُنْتَهَى
و چنانچه سزاوار آن است ای منزّه ای روشنی ده ای روشنی مقدس ای پاکیزه از هر عیب ای آخرین حد
التَّسْبِيحِ، يَا رَحْمَنُ يَا فَاعِلَ الرَّحْمَةِ، يَا إِلَهَ يَا عَلِيمُ يَا كَبِيرُ، يَا إِلَهَ يَا
پاکیزگی ای بخشاینده ای مهر پیشه ای خدا ای دانا ای بزرگواری خدا ای
لَطِيفُ يَا جَلِيلُ، يَا إِلَهَ يَا سَمِيعُ يَا بَصِيرُ، يَا إِلَهَ يَا إِلَهَ يَا إِلَهَ، لَكَ
با لطف ای برجسته ای خدا ای شنوا ای بینا ای خدا ای خدا ای خدا از آن
الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى، وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكَبَرِيَاءُ وَالْأَلَاءُ، أَسْأَلُكَ
تو است نامهای نیکو و نمونه‌های والا و بزرگی و نعمتها از تو خواهم

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلٍ بَيْنَهُ، وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي
 كه درود فرستی بر محمد و خاندانش و قرار دهی نامم را در
 هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ، وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ، وَأِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ،
 این شب در زمره سعادتمندان و روحم را با شهدان و احسان و نیکیم را در بلندترین درجات
 وَإِسَائَتِي مَغْفُورَةً، وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا، تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي، وَإِيمَانًا يُذْهِبُ
 و گناهم را آمرزیده و ببخشی به من یقینی که پیوسته ملازم دل من باشد و ایمانی که یکسره
 الشَّكَّ عَنِّي، وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتُ لِي، وَأَتَنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي
 شك و تردید را از من دور سازد و خوشنودم سازی بدانچه نصیص کرده‌ای و بدهی به من در دنیا نیکی و در
 الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَفَنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ، وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ
 آخرت نیکی و نگاهم داری از عذاب آتش سوزان و روزیم کنی در این شب ذکر خود
 وَشُكْرَكَ، وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ، وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ
 و سپاسگزاری و شوق و رغبت بسویت و بازگشت و توبه بدرگاهت و موفقم بداری بدانچه موفق داشتی بدان
 مُحَمَّدًا وَالْأَلَّ مُحَمَّدًا، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ .
 محمد و آل محمد را درود خدا بر او و بر ایشان باد

بقیه اعمال شب بیست و یکم

کفعمی از سید بن باقی نقل کرده که در شب بیست و یکم می‌خوانی: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ

* * * * *

* * خدایا درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَالْأَلَّ مُحَمَّدًا، وَأَقْسِمُ لِي حِلْمًا يَسُدُّ عَنِّي بَابَ الْجَهْلِ، وَهُدًى

محمد و آل محمد و چنان بردباری بپهرام کن که ببندد بر من در نادانی را و هدایتی

تَمَنَّيْتُ بِهِ عَلَيَّ مِنْ كُلِّ ضَلَالَةٍ، وَغِنَى تَسُدُّ بِهِ عَنِّي بَابَ كُلِّ فَقْرٍ، وَقُوَّةً

به من ده که بر من منت نهد از رهانیدن از هر گمراهی و بی‌نیازی به من بده که درهای انواع فقر را به تمامی بر من ببندد

و نیرویی

تَرُدُّ بِهَا عَنِّي كُلَّ ضَعْفٍ، وَعِزًّا تُكْرِمُنِي بِهِ عَنْ كُلِّ ذُلٍّ وَرَفْعَةً

به من ده که هرگونه سستی را از من بازگرداند و عزتی که از هر خواری مرا گرامی داری و رفعت مقامی که بدان وسیله مرا

تَرْفَعُنِي بِهَا عَنْ كُلِّ ضَعْفَةٍ، وَأَمْنًا تَرُدُّ بِهِ عَنِّي كُلَّ خَوْفٍ، وَعَافِيَةً

از هر پستی بلند کنی و امنیتی که بوسیله آن هر ترسی را از من دور کنی و تندرستی که بدان وسیله مرا از

تَسْتُرُنِي بِهَا عَنْ كُلِّ بَلَاءٍ، وَعِلْمًا تَفْتَحُ لِي بِهِ كُلَّ يَقِينٍ، وَيَقِينًا تُذْهِبُ

هر بلائی بپوشانی و دانشی که به آن هر یقینی را بر من مفتوح گردانی و یقینی که بدان وسیله

بِهِ عَنِّي كُلَّ شَكٍّ، وَدُعَاءَ تَبْسُطُ لِي بِهِ الْإِجَابَةَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ، وَفِي

هر شك و تردیدی را از من دور سازی و دعائی که اجابتش را بر من بگسترانی در همین امشب و در

هَذِهِ السَّاعَةِ السَّاعَةِ السَّاعَةِ السَّاعَةِ السَّاعَةِ يَا كَرِيمٌ وَخَوْفًا تَنْشُرُ لِي بِهِ

همین ساعت ای بزرگوار و ترسی به من بده که

كُلِّ رَحْمَةٍ، وَعِصْمَةٍ تَحُولُ بِهَا بَيْنِي وَبَيْنَ الذُّنُوبِ، حَتَّى أَفْلِحَ بِهَا

هر رحمتی را بدان وسیله بر من بگسترانی و مرا چنان خودنگهدار کن که همان حالت میان من و گناهان حائل شود

عِنْدَ الْمَعْصُومِينَ عِنْدَكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. و روایت شده که در

و بدان وسیله در پیشگاه معصومین (و خود نگهداران) درگاهت رستگار باشم ای مهربانترین مهربانان * * *

* * *

شب بیست و یکم حماد بن عثمان بر حضرت صادق علیه السلام وارد شد حضرت سؤال کرد که غسل کرده‌ای عرض

کرد بلی فدایت شوم پس حضرت حصیری طلبید و حماد را نزدیک خود طلبید و مشغول نماز شد و پیوسته آن حضرت

نماز خواند و حماد نیز خود را به آن حضرت چسبانیده بود و نماز می‌خواند تا از نمازهای خویش فارغ شدند پس آن

حضرت دعا کرد و حماد آمین گفت تا صبح طلوع کرد آن جناب اذان و اقامه گفت و بعضی از غلمان خود را طلبید و

پیش ایستاد و نماز صبح خواند در رکعت اول حمد و قدر و در دویم حمد و توحید خواند و بعد از نماز مشغول به تسبیح

و تحمید و تقدیس و ثنای بر خدا و صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه وآله و دعا برای مؤمنین و مؤمنات و مسلمین و

مسلمات شد پس سر به سجده نهاد و مقدار یک ساعت بجز نفس چیزی از آن جناب شنیده نشد پس از آن این دعا را

خواند لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ تا آخر دعا که در اقبالست و شیخ کلینی روایت کرده که حضرت باقر علیه

السلام در شب بیست و یکم و بیست و سیّم دعا می‌خواند تا نیمه شب و بعد از آن شروع می‌نمود به نماز خواندن و

بدانکه در هر شب از شبهای این دهه غسل مستحب است و روایت شده که حضرت رسول صلی الله علیه وآله در هر

شب این دهه غسل می‌کرد و اعتکاف در این دهه مستحب است و فضیلت بسیار دارد و افضل اوقات اعتکاف است و روایت شده که مقابل دو حجّ و دو عمره است :

وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا كَانَ الْعَشْرُ الْأَوَّلُ، اعْتَكَفَ

رسم رسول خدا صلی الله علیه و آله چنان بود که چون دهه آخر ماه رمضان می‌شد در مسجد معتکف
فِي الْمَسْجِدِ، وَضَرَبَتْ لَهُ قَبَّةٌ مِنْ شَعْرِ، وَشَمَّرَ الْمِيزَرَ، وَطَوَى فِرَاشَهُ .

می‌شد و چادری موئین برایش می‌زدند و کمر را محکم می‌بست و بستر خواب را جمع می‌کرد

و بدانکه در این شب در سنه چهلّم واقع شد شهادت مولای ما حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و در این شب تجدید می‌شود احزان آل محمدعلیهم السلام و اشیاع ایشان و روایت شده که در آن شب مانند شب شهادت امام حسین علیه السلام برداشته نشد سنگی از روی زمین مگر آنکه در زیر آن خون تازه بود شیخ مفید فرموده که در این شب صلوات بسیار بفرستند و سعی و کوشش کند در نفرین بر ظالمان آل محمدعلیهم السلام و لعن بر قاتل امیرالمؤمنین علیه السلام روز بیست و یکم روز قتل حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و مناسبت زیارت آن جناب و کلمات حضرت خضر علیه السلام که به منزله زیارت آن حضرتست در این روز. شب بیست و سیّم در هدیه الزّائر ذکر شده از دو شب قدر سابق افضل است و از احادیث بسیار مُستفاد می‌شود که شب قدر همین است و این شب جهنی است و در این شب جمیع امور بر وفق حکمت مقدّر می‌گردد و از برای این شب غیر از اعمالی که با دو شب سابق شریکست چند عمل دیگر است اوّل خواندن سوره عنکبوت و رُوم که حضرت صادق علیه السلام قَسَم یاد فرموده که خواننده این دو سوره در این شب از اهل بهشت است دوّم خواندن حم دُخان سیّم خواندن سوره قدر هزار مرتبه چهارم آنکه تکرار کند در این شب بلکه در تمام اوقات این دعا را اَللّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ «الح» و ذکر آن در ضمن ادعیه شبهای دهه آخر بعد از دعاء شب

بیست و سیّم گذشت پنجم بخواند: اَللّهُمَّ اَمُدُّ لِي فِي عُمْرِي، وَارْزُقْ لِي فِي رِزْقِي،

* * * * * خدایا دراز کن عمرم را و فراخ کن روزیم را

وَاصِحِّ لِي جِسْمِي، وَبَلِّغْنِي اَمَلِي، وَإِنْ كُنْتُ مِنَ الْأَشْقِيَاءِ فَأَمْحِنِي

و سالم گردان تنم را و برسانم به آرزویم و اگر در زمره بدبختان هستم تو نامم را از

مِنَ الْأَشْقِيَاءِ وَأَكْتُبْنِي مِنَ السُّعَدَاءِ، فَإِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ

سلك آنان پاک کن و در زمره سعادتمندانم ثبت کن زیرا تو خودت در کتابی که

عَلَيَّ نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ، صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ،

بر پیامبر مرسلت صلی الله علیه و آله نازل فرمودی چنین گفتی: «خدا هر چه خواهد محو می‌کند و ثبت می‌کند

وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ. × ششم بخواند: اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ فِيمَا تَقْضِيْ وَفِيمَا
و نزد او است اصل کتاب» × × × × × × خدايا قرار ده در آنچه حکم کرده و
تُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمُحْتَوَمِ، وَفِيمَا تَفَرِّقُ مِنَ الْأَمْرِ الْحَكِيمِ، فِي لَيْلَةٍ
مقدر فرموده اي از فرمان حتمي خود و در آنچه جدا کنی از دستور حکیمانه ات در شب
الْقَدْرِ مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ، أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ
قدر از آن حکمی که بازگشت ندارد و تغییر پذیر نیست که بنویسی مرا از حاجیان
بَيْنِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِي هَذَا، الْمَبْرُورِ حَجَّتِهِمُ، الْمَشْكُورِ سَعْيِهِمْ،
خانه محترم کعبه ات در همین امسال آنانکه حجتشان مقبول و سعیشان
الْمَغْفُورِ دُئُوبِهِمْ، الْمُكْفَرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ، وَاجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي
مورد تقدیر و گناهانشان آمرزیده و اعمال بدشان بخشوده شده و مقرر فرما در آنچه
وَتُقَدِّرُ، أَنْ تُطِيلَ عُمْرِي، وَتَوْسِعَ لِي فِي رِزْقِي. × هفتم بخواند این دعا را که
حکم کرده و مقدر فرموده اي که عمرم را طولانی کنی و در روزیم وسعت دهی
* * * * *

در اقبال است یا باطناً فی ظُهُورِهِ، وَیا ظاهراً فی بُطُونِهِ وَیا باطناً لَيْسَ
* * * * * اي که نهان است در عین آشکاریش و اي که آشکار است در عین نهانی و اي نهانی که در
يَخْفِي، وَیا ظاهراً لَيْسَ يَرِي، یا مَوْصُوفاً لَا يَبْلُغُ بِكَيْفِيَّتِهِ .
خفا نیستی و اي آشکاری که دیده نشوي اي که توصیف کنند ولی هیچ وصفی به کنه ذات تو نرسد
مَوْصُوفٌ، وَلَا حَدٌّ مَحْدُودٌ، وَیا غَائِباً غَيْرَ مَفْقُودٍ، وَیا شَاهِداً غَيْرَ
و هیچ حدی محدودت نکند و اي که پیدائی ولی گم نشده اي و اي که حاضری ولی مشهود
مَشْهُودٌ، يُطَلَّبُ فَيَصَابُ، وَلَمْ يَخْلُ مِنْهُ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ
نشوي تو را طلب کنند و به مقصود نائل گردند، از تو خالی نیست آسمانها و زمین
وَمَا بَيْنَهُمَا طَرَفَةٌ عَيْنٍ، لَا يُدْرِكُ بِكَيْفٍ، وَلَا يُؤَيِّنُ بَأَيْنٍ، وَلَا بِحَيْثٍ،
و مابین آندو يك چشم برهم زدن، به چگونگی در نیائی و به جائی و سوئی اندر نشوي
أَنْتَ نُورُ الثُّورِ، وَرَبُّ الْأَرْبَابِ، أَحَطْتَ بِجَمِيعِ الْأُمُورِ، سُبْحَانَ مَنْ
توئی روشنی نور و پروردگار همه پروردگاران به تمام امور احاطه داری منزّه خدائی که

لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هَكَذَا، وَلَا هَكَذَا غَيْرُهُ

نیست مانندش چیزی و او است شنوای بینا منزّه است آنکه او چنین است و جز او دیگری چنین نخواهد بود پس دعا می‌کنی بدانچه بخواهی هشتم آنکه غیر از غسل اوّل شب غسلی نیز در آخر شب کند و بدانکه از برای غسل و احیاء این شب و زیارت امام حسین علیه السلام و صد رکعت نماز فضیلت بسیار و تأکید شده شیخ در تهذیب روایت کرده از ابوبصیر از حضرت صادق علیه السلام که فرمود در شبی که امید می‌رود شب قدر باشد صد رکعت نماز کن بخوان در هر رکعت قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را ده مرتبه گفتم فدایت شوم اگر قوّت نداشته باشم ایستاده بجا آورم فرمود نشسته بجا آور گفتم اگر قوّت نداشته باشم نشسته بجا آورم فرمود بجا آور به همان حالی که به قفا خفته‌ای در فراش خود و از دعائم الاسلام روایتست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در دهه آخر ماه رمضان رختخواب خود را جمع می‌کرد و کمر خود را محکم می‌بست برای عبادت و در شب بیست و سیّم اهل خود را بیدار می‌کرد و آنها را که خواب ربوده بود آب بصورتشان می‌پاشید و حضرت فاطمه صلوات الله علیها نمی‌گذاشت در این شب احدی از اهلش بخوابد و علاج می‌فرمود خواب آنها را به کمی طعام و مهیا می‌کرد آنها را برای احیاء آن شب از روز یعنی امر می‌فرمود که روز را خواب و استراحت کنند که شب خوابشان نبرد و احیا بدارند و می‌فرمود محروم کسی است که از خیر امشب محروم بماند و روایت شده که حضرت صادق علیه السلام سخت مریض شده بود چون شب بیست و سیّم ماه رمضان شد موالی خود را امر فرمود که حرکتش دادند به مسجد بردند و آن شب را در مسجد بود تا به صبح علامه مجلسی (ره) فرموده که هر مقدار قرآن که ممکن باشد در این شب بخواند و دعاها صحیفه کامله را بخواند خصوصاً دعای مکارم الاخلاق و دعای توبه و روزهای این شبها را نیز باید حرمت داشت و به عبادت و تلاوت و دعا به سر آورد زیرا که در احادیث معتبره وارد شده است که روز قدر در فضیلت مثل شب قدر است شب بیست و هفتم بالخصوص غسل وارد شده و منقولست که حضرت امام زین العابدین علیه السلام در این شب این دعا را مکرر می‌خواند

از اوّل شب تا به آخر شب: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي التَّجَافِيَّ عَنْ دَارِ الْغُرُورِ، وَالْإِنَابَةَ

* * * * * خدایا روزیم کن دوری گزیدن از خانه فریب (ناپایدار) و بازگشت

إِلَى دَارِ الْخُلُودِ، وَالْإِسْتِعْدَادَ لِلْمَوْتِ قَبْلَ حُلُولِ الْفَوْتِ .

بسوی خانه جاویدان و آماده شدن برای مرگ پیش از رسیدن آن

شب آخر ماه

شب بسیار مبارکی است و از برای این شب چند عمل است اول غسل دوم زیارت امام حسین علیه السلام سیم خواندن
سوره انعام و کهف و یس و صد مرتبه اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ چهارم بخواند این دعا را که شیخ کلینی از حضرت
صادق علیه السلام نقل کرده: اَللّٰهُمَّ هَذَا

* * * * *

* * * * * خدایا این

شَهْرُ رَمَضَانَ، الَّذِي أُنْزِلَتْ فِيهِ الْقُرْآنَ، وَقَدْ تَصَرَّعْتُ وَأَعُوذُ بِوَجْهِكَ

ماه رمضان است که در آن قرآن را نازل فرمودی و اکنون رو برفتن است و پناه می برم به ذات

الْكَرِيمِ يَا رَبِّ، أَنْ يَطْلُعَ الْفَجْرُ مِنْ لَيْلَتِي هَذِهِ، أَوْ يَتَصَرَّعَ شَهْرُ رَمَضَانَ،

بزرگوارت ای پروردگار من که سپیده دم امشب بر من بزند یا ماه رمضان بر من بگذرد

وَلَكَ قِبَلِي تَبِعَةٌ أَوْ ذَنْبٌ، تُرِيدُ أَنْ تُعَذِّبَنِي بِهِ يَوْمَ الْقَاكِ. × پنجم بخواند

و از تو در پیش من پیگرد یا گناهی باشد که بخواهی مرا در روز دیدارت عذاب فرمائی * * * * *

دعاء یا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ که در اعمال شب بیست و سیم گذشت ششم وداع کند ماه رمضان را به دعاهاي وداع که شیخ

کلینی و صدوق و شیخ مفید و طوسی و سید بن طاووس رضوان الله علیهم نقل کرده اند و شاید بهترین آنها دعای چهل و

پنجم صحیفه کامله باشد و سید بن طاووس روایت کرده است از حضرت صادق علیه السلام که هر که در شب آخر ماه

رمضان وداع کند آن ماه شریف را و بگوید :

اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صِيَامِي لَشَهْرِ رَمَضَانَ، وَأَعُوذُ

خدایا قرارش مده آخرین دیدار از روزه ام در ماه رمضان و پناه می برم

بِكَ أَنْ يَطْلُعَ فَجْرُ هَذِهِ اللَّيْلَةِ، إِلَّا وَقَدْ غَفَرْتَ لِي،

به تو از آنکه سپیده دم امشب بر من بزند جز آنکه مرا آمرزیده باشی

بیامرزد حق تعالی او را پیش از آنکه صبح کند و روزی فرماید او را توبه و انابه سید و شیخ صدوق از جابرین عبدالله

انصاری روایت کرده اند که گفت رفتم به خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله در جمعه آخر ماه رمضان چون نظر

آن حضرت بر من افتاد فرمود که ای جابر این آخر جمعه ای است از ماه رمضان پس آن را وداع کن و بگو: اَللّٰهُمَّ لَا

تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صِيَامِنَا إِيَّاهُ، فَإِنْ جَعَلْتَهُ فَاجْعَلْنِي مَرْحُومًا وَلَا تَجْعَلْنِي مَحْرُومًا،

خدایا قرارش مده آخرین دیدار ما از روزه مان در ماه رمضان و اگر چنین کرده ای پس مرا مورد رحمت قرار ده و قرارم

مده در زمره محرومان

پس بدرستی که هر که این دعا را در این روز بخواند به یکی از دو خصلت نیکو ظفر می‌یابد یا به رسیدن به ماه رمضان آینده یا به آمرزش خدا و رحمت بی‌انتها و سید بن طاووس و کفعمی نقل کرده‌اند از حضرت رسول صلی الله علیه و آله که فرمود هر که در شب آخر ماه رمضان ده رکعت نماز گذارد بخواند در هر رکعت حمد یک مرتبه و قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ده مرتبه بگوید در رکوع و سجود ده مرتبه سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ و بعد از هر دو رکعت تشهد بخواند و سلام دهد و چون از تمام ده رکعت فارغ شد و سلام داد هزار مرتبه استغفار کند [اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ اَتُوبُ اِلَيْهِ] و بعد از استغفار سر به سجده گذارد و بگوید در حال سجود :

یا حییُّ یا قیُّومُ، یا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِکْرَامِ، یا رَحْمَنَ الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ

ای زنده ای پاینده ای صاحب جلالت و بزرگواری ای بخشاینده دنیا و آخرت

وَرَحِیمَهُمَا، یا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ، یا اِلَهَ الْاَوَّلِینَ وَالْآخِرِینَ، اِغْفِرْ

و مهربان آن دو ای مهربانترین مهربانان ای معبود پیشینان و پسینان گناهانمان را ببامرز

لَنَا ذُنُوبَنَا، وَتَقَبَّلْ مِنَّا صَلَواتِنَا وَصِیامَنَا وَقیامَنَا .

و نمازها و روزه‌ها و شب زنده‌داریهایمان را بپذیر

قسم به حق آنکه مرا براسستی به نبوت مبعوث فرموده که جبرئیل مرا خبر داد از اسرافیل از پروردگار خود تبارک و تعالی که سر از سجده بر نداشته باشد که ببامرز خدا او را و قبول فرماید از او ماه رمضان را و بگذرد از گناهان او «الخبر» و این نماز در شب عید فطر نیز روایت شده ولیکن در آن روایتست که تسبیح اربع را در رکوع و سجود عوض تسبیح رکوع و سجود بخواند و به جای اِغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا تا به آخر دارد اِغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَ تَقَبَّلْ صَوْمِي وَ صَلَواتِي وَ قِیامِي روز سی‌ام سید برای روز آخر دعائی نقل کرده که اولش این است اَللّهُمَّ اِنَّكَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ و چون در این روز غالب مردم قرآن ختم می‌کنند سزاوار است که بعد از ختم بخوانند دعای چهل و دوم صحیفه کامله را و اگر خواسته باشند این دعای مختصر را بخوانند که شیخ از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده :

اَللّهُمَّ اشرحْ بِالْقُرْآنِ صَدْرِي، وَاسْتَعْمِلْ بِالْقُرْآنِ بَدَنِي، وَنورْ بِالْقُرْآنِ

خدایا سینه‌ام را بوسیله قرآن بگشا و به کار انداز به دستورات قرآن بدنم را و روشن گردان بوسیله قرآن

بَصْرِي، وَاطْلُقْ بِالْقُرْآنِ لِسَانِي، وَاعِنِّي عَلَيْهِ مَا أَبْقَيْتَنِي، فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ

دیدهام را و باز کن به قرآن زبانم را و کمکم ده به (عمل) بدان تا زنده‌ام داری زیرا هیچ جنبش و نیرویی نیست

وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ. و نیز بخواند این دعا را که از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نیز روایت شده :

ج ز به تو * * * * *
 * * * * *
 * *

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِحْبَاتَ الْمُحِبِّينَ، وَإِخْلَاصَ الْمُؤَقِنِينَ، وَمُرَافَقَةَ

خدایا از تو خواهم اطمینان و خشوع خاشعان درگاهت را و اخلاص اهل یقین و رفاقت با

الأبرارِ وَاسْتِحْقَاقَ حَقَائِقِ الْإِيمَانِ، وَالْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بَرٍّ، وَالسَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ

نیکان و استحقاق پیدا کردن برای درك حقایق ایمان و نصیبی از هر خیر

إِثْمٍ وَوُجُوبَ رَحْمَتِكَ، وَعَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ، وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَالنَّجَاةَ مِنَ النَّارِ .

و سلامتی از هر گناه و لازم شدن مهر و رحمت و موجبات آمرزش و رسیدن به بهشت و رهائی از دوزخ

« خاتمه» در بیان نمازهای شبها و دعاهاي روزها که مشهور است و علامه مجلسي(ره) در زادالمعاد در فصل آخر اعمال

ماه رمضان ذکر فرموده و احقر در اینجا اکتفا می‌کنم به آنچه که آن بزرگوار نگاشته فرموده نماز شب اول چهار رکعت

در هر رکعت بعد از حمد پانزده مرتبه توحید دوم چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد بیست مرتبه اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ سَبْعَ

رکعت در هر رکعت حمد و پنجاه مرتبه توحید چهارم هشت رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ بِخَمْسِ

رکعت در هر رکعت حمد و پنجاه مرتبه توحید و بعد از سلام صد مرتبه اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ شَشْمَ

رکعت در هر رکعت حمد و سوره تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ هفتم چهار رکعت در هر رکعت حمد و سیزده مرتبه اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ

هشتم دو رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید و بعد از سلام هزار مرتبه سُبْحَانَ اللَّهِ شَشْشَ میان نماز

شام و خفتن در هر رکعت حمد و هفت مرتبه آية الكرسي و بعد از اتمام پنجاه مرتبه اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ دَهْمَ

بیست رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه توحید یازدهم دو رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه اِنَّا اَعْطَيْنَاكَ

الْكُوْثَرَ دوازدهم هشت رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ سَبْعَ دَهْمَ چهار رکعت در هر رکعت حمد و بیست و

پنج مرتبه توحید چهاردهم شش رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ سَبْعَ دَهْمَ چهار رکعت در هر رکعت اول

بعد از حمد صد مرتبه توحید و در دو رکعت دیگر پنجاه مرتبه توحید شانزدهم دوازده رکعت در هر رکعت حمد و دوازده

مرتبه اَلْهِیْکُمْ التَّکَاثُرُ هفدهم دو رکعت در رکعت اول حمد و هر سوره که خواهد و در رکعت دوم حمد و صد مرتبه توحید

و بعد از سلام صد مرتبه لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ هیجدهم چهار رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه اِنَّا اَعْطَيْنَاكَ الْکُوْثَرَ

نوزدهم پنجاه رکعت با حمد و پنجاه مرتبه اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ سَبْعَ دَهْمَ چهار رکعت در هر رکعت يك مرتبه بخواند زیرا که

مشکلست در يك شب دو هزار و پانصد مرتبه اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ سَبْعَ دَهْمَ چهار رکعت در هر رکعت يك مرتبه بخواند زیرا که

بیست و چهارم در هر يك هشت رکعت به هر سوره که میسر شود بیست و پنجم هشت رکعت در هر رکعت حمد و ده

مرتبه توحید بیست و ششم هشت رکعت در هر رکعت حمد و صد مرتبه توحید بیست و هفتم چهار رکعت در هر رکعت حمد و تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ و اگر نتواند بیست و پنج مرتبه توحید بیست و هشتم شش رکعت در هر رکعت حمد و صد مرتبه آیه الكرسي و صد مرتبه توحید و صد مرتبه کَوْثَرُ و بعد از نماز صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد فقیر گوید نماز شب بیست و هشتم موافق آنچه من یافتم بدین کیفیت است شش رکعت نماز کند به فاتحه الكتاب و ده مرتبه آیه الكرسي و ده مرتبه کَوْثَر و ده مرتبه قل هو الله احد و صد مرتبه صلوات بفرستد بر پیغمبر صلی الله علیه و آله بیست و نهم دو رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه توحید سیام دوازده رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه توحید و بعد از فارغ شدن صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد و این نمازها چنانچه مذکور شد هر دو رکعت به يك سلام است .

و اما دعاهاي روزهاي ماه رمضان

از ابن عباس روایت کرده اند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فضیلت بسیار از برای روزه هر روز ماه مبارك رمضان بیان فرمود و از برای هر روز دعای مخصوصی با فضیلت و ثواب بسیار از برای آن دعا ذکر کرده و ما به اصل دعا اکتفا می نمایم .

دعای روز اول: اللَّهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِي فِيهِ صِيَامَ الصَّائِمِينَ، وَقِيَامِي فِيهِ

* * * * * خدایا قرار ده روزه ام را در این ماه روزه روزه داران واقعی و شب زنده داریم را

قِيَامَ الْقَائِمِينَ، وَبَهِّنِي فِيهِ عَنْ تَوَمَةِ الْغَافِلِينَ، وَهَبْ لِي جُرْمِي فِيهِ

نیز همانند شب زنده داران و بیدارم کن در آن از خواب بیخبران و جنایتم را بر من ببخش

يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ، وَاعْفُ عَنِّي يَا عَافِيًا عَنِ الْمُجْرِمِينَ. روز دوم اللَّهُمَّ

ای معبود جهانیان و در گذر از من ای در گذرنده از جنایتکاران × × × × × خدایا

قَرِّبْنِي فِيهِ إِلَى مَرْضَاتِكَ، وَجَنِّبْنِي فِيهِ مِنْ سَخَطِكَ وَنَقِمَاتِكَ،

نزدیکم کن در این ماه بسوی موجبات خوشنودیت و دورم ساز در آن از خشم و عذابت

وَوَقِّفْنِي فِيهِ لِقَرَاءَةِ آيَاتِكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. روز سیم

و موفقم دار در این روز بخواندن آیات قرآنیت به رحمت خود ای مهربانترین مهربانان * * * * *

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ الذَّهْنَ وَالتَّنْبِيهَ، وَبَاعِدْنِي فِيهِ مِنَ السَّفَاهَةِ

خدایا روزیم کن در این ماه تیزهوشی و بیداری و دورم گردان در آن از بیخردی

وَالْتَّمُوهِ، وَاجْعَلْ لِي نَصِيبًا مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تُنْزِلُ فِيهِ، بِجُودِكَ يَا أَجْوَدَ

الْوَاسِعَةِ، وَاهْدِنِي فِيهِ لِبراهينِكَ السَّاطِعَةِ، وَخُذْ بِناصِيَتِي إِلَى

وسيعت و راهنمائي كن در اين ماه بسوي دليلهاي درخشان و مرا بسوي موجبات

مَرْضَاتِكَ الْجَامِعَةِ، بِمَحَبَّتِكَ يَا أَمَلَ الْمُشْتَاقِينَ. روز دهم اَللّهُمَّ

خوشنودي همه جانبه‌ات سوق ده به حق محبت اي آرزوي مشتاقان × × × × × × × × خدايا

اجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْكَ، وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْفَائِزِينَ لَدَيْكَ،

قرارم ده در اين ماه از توكل كنندگان بر خودت و بگردانم در آن از سعادتمندان درگاهت

وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ إِلَيْكَ، بِإِحْسَانِكَ يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ. روز

و قرارم ده در آن از مقربان پيشگاهت به حق احسانت اي هدف نهائي جويندگان * * * * *

يَا زِدْهُمْ اَللّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيَّ فِيهِ الْإِحْسَانَ، وَكَرِّهْ إِلَيَّ فِيهِ الْفُسُوقَ

* * * * * خدايادوست گردان نزد من در اين ماه احسان و نيكي را و ناخوش دار در پيش من در اين روز فسق

وَالْعُصْبَانَ، وَحَرِّمْ عَلَيَّ فِيهِ السَّخَطَ وَالتَّيْرَانَ، بِعَوْنِكَ يَا غِيَاثَ

و نافرمانی و گناه را و حرام گردان در اين روز بر من خشم كي‌فرار و آتش (سوزان) را به كمك خودت اي فريادرس

الْمُسْتَغِيثِينَ. روز دوازدهم اَللّهُمَّ زَيِّنِي فِيهِ بِالسَّيِّئِ وَالْعَفَافِ، وَاسْتُرْنِي

فريادخواهان × × × × × × خدايا در اين ماه مرا به زيور پوشش از گناه و پاكدامنی بياراي

فِيهِ بِلِبَاسِ الْقُنُوعِ وَالْكَفَافِ، وَاحْمِلْنِي فِيهِ عَلَى الْعَدْلِ وَالْإِنصَافِ،

و جامه قناعت و اكتفاي به مقدار حاجت را به برم كن و وادارم كن در اين روز به عدالت و انصاف

وَأَمْنِي فِيهِ مِنْ كُلِّ مَا أَخَافُ، بِعِصْمَتِكَ يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِينَ. روز سيزدهم

و ايمنيم بخش در آن از هر چه كه از آن مي‌ترسم به نگهداري خودت اي نگهدارنده ترسناكان * * * * *

اَللّهُمَّ طَهِّرْنِي فِيهِ مِنَ الدُّسِّ وَالْأَقْذَارِ، وَصَبِّرْنِي فِيهِ عَلَى كَأَنِّاتِ

خدايا پاك كن در اين ماه از چركي و كثافات و شكيبايم كن بر مقدراتي كه

الْأَقْذَارِ، وَوَقِّفْنِي فِيهِ لِلتَّقَى وَصُحْبَةِ الْأَبْرَارِ، بِعَوْنِكَ يَا قُرَّةَ عَيْنِ

خواهد شد و موفقم دار در اين ماه به پرهيزكاري و هم‌نشینی با نيكان به كمك خودت اي روشنايي ديده

الْمَسَاكِينِ. روز چهاردهم اَللّهُمَّ لَا تُؤَاخِذْنِي فِيهِ بِالْعَثَرَاتِ وَأَقْلَنْ فِيهِ

مسكينان × × × × × × خدايا مگر مرا در اين ماه به لغزشها و بازم دار در آن

مِنَ الْخَطَايَا وَالْهَفَوَاتِ، وَلَا تَجْعَلْنِي فِيهِ غَرَضًا لِلْبَلَايَا وَالْأَلْفَاتِ،

از خطاها و لغزشها و قرارم مده در این روز هدف بلاها و آفات
 بِعِزَّتِكَ يَا عِزُّ الْمُسْلِمِينَ. روز پانزدهم اَللّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ طَاعَةَ
 به عزت ای عزت بخش مسلمانان × × × × × خدايا فرمانبرداري فروتنان را در این ماه
 الْخَاشِعِينَ، وَاشْرَحْ فِيهِ صَدْرِي بِإِنَابَةِ الْمُحِبِّينَ، بِأَمَانِكَ يَا أَمَانَ
 روزي من گردان و بگشا سينهام را براي بازگشتن بسويت همانند بازگشتن خاشعان به امان بخشيت اي امان بخش
 الْخَائِفِينَ. روز شانزدهم اَللّهُمَّ وَفَّقْنِي فِيهِ لِمُوافَقَةِ الْأَبْرَارِ، وَجَبِّئِي
 ترسناکان × × × × × خدايا موفقم دار در این ماه به همراهي کردن با نيکان و دورم دار
 فِيهِ مُرافَقَةَ الْأَشْرَارِ، وَأَوْفِنِي فِيهِ بِرَحْمَتِكَ إِلَى دَارِ الْقَرَارِ، بِإِلَهِيَّتِكَ
 در آن از رفاقت با اشرار و جايم ده در آن بوسيله رحمت خود به خانه قرار و آرامش به معبوديت خود
 يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ. روز هفدهم اَللّهُمَّ اهْدِنِي فِيهِ لِمُصَالِحِ الْأَعْمَالِ، وَأَقْضِ
 اي معبود جهانيان × × × × × خدايا راهنماييم کن در آن به کارهاي شايسته و برآور در آن حاجات
 لِي فِيهِ الْحَوَائِجِ وَالْأُمُالَ، يَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَى التَّفْسِيرِ وَالسُّؤَالِ، يَا
 و آرزوهاي مرا اي کسي که نيازي به شرح حال و درخواست نداري اي
 عَالِمًا بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ. روز
 دانا و آگاه بدانچه در دل مردم جهانيان است درود فرست بر محمد و آل پاکش * * * * *
 هَيِّجْهُمْ اَللّهُمَّ تَهْنِئِي فِيهِ لِبَرَكَاتِ أَسْحَارِهِ وَنُورِ فِيهِ قَلْبِي بِضِيَاءِ
 * * * * * خدايا آگاهم ساز در این ماه از برکات سحرهاي آن و نورانی کن در آن دلم را به پرتو
 أَنْوَارِهِ، وَخُذْ بِكُلِّ أَعْضَائِي إِلَى أَتْبَاعِ أَثَارِهِ بِنُورِكَ، يَا مُنَوِّرَ قُلُوبِ
 انوار آن و بگمار تمام اعضا و جوارحم را به پيروي کردن آثارش به نور خود اي روشنی دهنده دهلي
 الْعَارِفِينَ. روز نوزدهم اَللّهُمَّ وَفِّرْ فِيهِ حَظِّي مِنْ بَرَكَاتِهِ، وَسَهِّلْ سَبِيلِي
 عارفان × × × × × خدايا سرشار کن در این ماه بهرام را از برکات آن و هموار ساز راهم را
 إِلَى خَيْرَاتِهِ، وَلَا تَحْرِمْنِي قَبُولَ حَسَنَاتِهِ، يَا هَادِيًا إِلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ .
 به سوي خيرات آن و محروم مساز از پذيرفتن حسناتش اي راهنماي بسوي حقيقت آشکار
 رُوز بِيَسْتَمُ اَللّهُمَّ افْتَحْ لِي فِيهِ أَبْوَابَ الْجَنَانِ، وَأَغْلِقْ عَنِّي فِيهِ أَبْوَابَ
 * * * * * خدايا بگشا در این ماه برويم درهاي بهشت را و ببند برويم در آن درهاي

دلهای پیمبران × × × × × × × × × × خدايا قرار ده کوششم را در این ماه مورد سپاس و تقدیر

وَذَنْبِي فِيهِ مَغْفُورًا وَعَمَلِي فِيهِ مَقْبُولًا، وَعَيْبِي فِيهِ مَسْتُورًا، يَا أَسْمَعَ

و گناهم را در آن آمرزیده و عملم را در آن پذیرفته و عیبم را در آن پوشید ای شنواترین

السَّامِعِينَ رُوزِ بَیْسْت و هفتم اَللّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ فَضْلَ لَيْلَةِ الْقَدْرِ، وَصَيِّرْ

شنوایان × × × × × × × × × × خدايا فضیلت شب قدر را در این ماه روزیم گردان و بگردان

أُمُورِي فِيهِ مِنَ الْعُسْرِ إِلَى الْيُسْرِ، وَأَقْبَلْ مُعَازِيرِي، وَحُطَّ عَنِّي

کارهایم را در آن از سختی به آسانی و عذرهایم را بپذیر و ورز و

الذَّنْبَ وَالْوِزْرَ، يَا رَوْفًا بِعِبَادِهِ الصَّالِحِينَ. رُوزِ بَیْسْت و هشتم اَللّهُمَّ وَفِّرْ

گناهم را بریز ای مهربان به بندگان شایستهات × × × × × × × × × × خدايا سرشار کن بهره‌ام را

حَظِّي فِيهِ مِنَ التَّوْفِيقِ، وَآكْرِمْنِي فِيهِ بِاحْضَارِ الْمَسَائِلِ وَقَرِّبْ فِيهِ

در این ماه از انجام مستحبات و نوافل و گرامیم دار به یاد داشتن مسائل و نزدیک گردان در آن

وَسَيَلِّتِي إِلَيْكَ مِنْ بَيْنِ الْوَسَائِلِ، يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ الْحَاجُّ الْمُلْحِنُ رُوزِ

وسیله‌ام را بسویت از میان سایر وسائل ای که سرگرمش نکند سماجت کنندگان * * * * *

بَیْسْت و نهم اَللّهُمَّ غَشِّنِي فِيهِ بِالرَّحْمَةِ، وَارْزُقْنِي فِيهِ التَّوْفِيقَ

* * * * * خدايا فراگیر مرا در این ماه به مهر خود و روزیم کن در آن به توفیق

وَالْعِصْمَةَ، وَطَهِّرْ قَلْبِي مِنْ غَيَابِ التَّهْمَةِ يَا رَحِيمًا بِعِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ.

و خودنگهداری و پاک کن دلم را از تیرگیهای تهمت ای مهربان نسبت به بندگان مؤمن خود

رُوزِ سَيَامِ اَللّهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِي فِيهِ بِالشُّكْرِ وَالْقَبُولِ، عَلَيَّ مَا تَرْضَاهُ

* * * * * خدايا چنان کن روزه‌ام را در این ماه که مورد قدردانی و پذیرش بوده و بر طبق خوشنودی

تو

وَيَرْضَاهُ الرَّسُولُ، مُحْكَمَةً فُرُوعُهُ بِالْأُصُولِ، بِحَقِّ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ

و خوشنودی رسولت باشد و محکم باشد فروع آن بوسیله اصول به حق آقای ما محمد

وَالهِ الطَّاهِرِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. × مؤلف گوید: که در تقدیم و تأخیر

و آل پاکش و ستایش خاص پروردگار جهانیان است * * * * *

* * * * *

دعاها و عبادات هر يك در كتب دعوات مختلف ذكر كرده‌اند چون روايتش را معتبر نمي‌دانم متعرض ذكر آنها نشدم و دعاي روز بيست و هفتم را كفعمي در روز بيست و نهم ذكر كرده است و موافق مذهب شيعه در روز بيست و سيّم خواندن دور نيست كه آنسب باشد انتهی .

فصل چهارم در اعمال ماه شوّال است

شب اوّل از جمله ليالی شريفه است و در فضيلت و ثواب عبادت و احياي آن احاديث بسيار وارد شده و روايت شده است كه آنشب كمتر از شب قدر نيست و از براي آن چند عمل است اوّل غسل است در وقتی كه غروب كرد آفتاب دوّم احياء آن شب به نماز و دعا و استغفار و سؤال از حقّ تعالى و بَيّتوته در مسجد سيّم آنكه بخواند در عقب نماز مغرب و عشاء و نماز صبح و عقب نماز عيد :

اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، وَلِلَّهِ

* * * * * خدا بزرگتر است ... نيست معبودي جز خدا و خدا بزرگتر است . . .

الْحَمْدُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلِيّ ما هَدَيْنا، وَلَهُ الشُّكْرُ عَلِيّ ما أَوْلَيْنا. × چهارم

و ستايش خاص خدا است ستايش از آن خدا است بر آنچه ما را راهنمائي فرمود و براي او است سپاس بر آنچه به ما بخشود * * *

آنكه چون نماز مغرب و نافله آنرا خواند دستها را به سوي آسمان بلند كند و بگويد: يا ذَا الْمَنِّ

* * * * *

* * * * * اي صاحب نعمت

وَالطَّوْلِ، يا ذَا الْجُودِ، يا مُصْطَفِيَّ مُحَمَّدٍ وَنَاصِرَهُ صَلَّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

و فضل اي صاحب جود و بخشش اي برگزينده محمد و ياور او درود فرست بر محمد

وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَحْصَيْتُهُ، وَ هُوَ عِنْدَكَ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ

و آل محمد و بيايمرز از من هر گناهي را كه شماره كرده‌اي و در كتابي روشن در پيش تو ثبت است

پس به سجده برود و صد مرتبه در سجده بگويد اُتُوبُ اِلَيَّ اللَّهُ پس هر حاجت كه دارد از حقّ تعالى بخواهد كه انشاء

اللَّهُ برآورده خواهد شد و در روايت شيخ است كه بعد از نماز مغرب به به سجده رود و بگويد :

يا ذَا الْحَوْلِ يا ذَا الطَّوْلِ، يا مُصْطَفِيَّ مُحَمَّدًا وَنَاصِرَهُ، صَلَّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ

اي صاحب نيرو و اي صاحب فضل اي برگزينده محمد و ياورش درود فرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ، وَ سَيِّئَتُهُ أَتَا وَ هُوَ عِنْدَكَ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ

محمد و بیمار از من هر گناهی را که از من سر زده و خود فراموش کرده‌ام ولی نزد تو در دفتری روشن ثبت است پس بگوید صد مرتبه اَتُوبُ اِلَى اللّٰهِ پنجم زیارت کند امام حسین علیه السلام را که فضیلت بسیار دارد و زیارت مخصوصه این شب در باب زیارات بیاید انشاء الله ششم مرتبه بگوید ذکر یا دَائِمَ الْفَضْلِ را که در اعمال شب جمعه گذشت هفتم بجا آورد ده رکعت نمازی که در شب آخر ماه رمضان گذشت هشتم بجا آورد دو رکعت نماز در رکعت اول بعد از حمد هزار مرتبه توحید و در دوم يك مرتبه بخواند و بعد از سلام سر به سجده بگذارد و صد مرتبه بگوید :
اَتُوبُ اِلَى اللّٰهِ پس بگوید: یا ذَا الْمَنِّ وَالْجُودِ، یا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ، یا مُصْطَفِيَّ

توبه کنم بسوی خدا × × × × × ای صاحب منت و جود ای صاحب نعمت و بخشش ای برگزینده
مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهِ، صَلَّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ، وَاَفْعَلُ بِي كَذَا وَكَذَا .

محمد صلی الله علیه و آله درود فرست بر محمد و آتش و بکن درباره من چنین و چنان
و بجای آن حاجات خود را بطلبد و روایت است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام این دو رکعت را به این کیفیت
به جا می آورد پس سر از سجده برمی داشت و می فرمود بحق آن خداوندی که جانم بدست قدرت اوست هر که این نماز
را بکند هر حاجت از خدا بطلبد البته عطا کند و اگر بعدد ریگهای بیابان گناه داشته باشد خدا بیمارزد و در روایت دیگر
بجای هزار مرتبه توحید صد مرتبه وارد شده لکن نماز را بعد از نماز مغرب و نافله آن باید بجا آورد و شیخ و سید بعد از
این نماز این دعا را نقل کرده اند :

یا اَللّٰهُ یا اَللّٰهُ یا اَللّٰهُ، یا رَحْمَنُ یا اَللّٰهُ، یا رَحِیمُ یا اَللّٰهُ، یا مَلِکُ یا اَللّٰهُ، یا قُدُّوسُ یا

ای خدا ای خدا ای خدا ای بخشاینده ای خدا ای مهربان ای خدا ای پادشاه ای خدا ای منزّه از هر عیب ای
اَللّٰهُ، یا سَلامُ یا اَللّٰهُ، یا مُؤْمِنُ یا اَللّٰهُ، یا مُهَيِّمُنُ یا اَللّٰهُ، یا عَزِیزُ یا اَللّٰهُ، یا

خدا ای سلامت بخش ای خدا ای ایمنی بخش ای خدا ای مراقب ای خدا ای نیرومند ای خدا ای

جَبَّارُ یا اَللّٰهُ، یا مُتَكَبِّرُ یا اَللّٰهُ، یا خَالِقُ یا اَللّٰهُ، یا بَارِئُ یا اَللّٰهُ، یا مُصَوِّرُ یا

مقتدر ای خدا ای عظیم الشان ای خدا ای آفریننده ای خدا ای موجد ای خدا ای صورت بخش ای

اَللّٰهُ، یا عَالِمُ یا اَللّٰهُ، یا عَظِیمُ یا اَللّٰهُ، یا عَلِیمُ یا اَللّٰهُ، یا کَرِیمُ یا اَللّٰهُ، یا حَلِیمُ

خدا ای دانا ای بزرگ ای خدا ای آگاه ای خدا ای بزرگوار ای خدا ای بردبار

یا اَللّٰهُ، یا حَکِیمُ یا اَللّٰهُ، یا سَمِیعُ یا اَللّٰهُ، یا بَصِیرُ یا اَللّٰهُ، یا قَرِیبُ یا اَللّٰهُ، یا

ای خدا ای فرزانه ای خدا ای شنوا ای خدا ای بینا ای خدا ای نزدیک ای خدا ای

مُجِیبُ یا اَللّٰهُ، یا جَوَادُ یا اَللّٰهُ، یا مَاجِدُ یا اَللّٰهُ، یا مَلِیُّ یا اَللّٰهُ، یا وَفِیُّ یا

اجابت کننده اي خدا اي بخشنده اي خدا اي با شوکت اي خدا اي توانگر مقتدر اي خدا اي وفادار اي
اَللّهُ، يا مَوْلى يا اَللّهُ، يا قاضى يا اَللّهُ، يا سَرِيعُ يا اَللّهُ، يا شَدِيدُ يا اَللّهُ، يا
خدا اي سرور اي خدا اي داور اي خدا اي سريع اي خدا اي سخت گیر اي خدا اي
رَوْفُ يا اَللّهُ، يا رَقِيبُ يا اَللّهُ، يا مَجِيدُ يا اَللّهُ، يا حَفِیْظُ يا اَللّهُ، يا مُحِیْطُ
مهربان اي خدا اي نگهبان اي خدا اي شوکت مند اي خدا اي نگهبان اي خدا اي احاطه کننده
يا اَللّهُ، يا سَيِّدَ السَّادَاتِ يا اَللّهُ، يا اَوَّلُ يا اَللّهُ، يا اٰخِرُ يا اَللّهُ، يا ظاهِرُ يا
اي خدا اي بزرگ بزرگان اي خدا اي آغاز اي خدا اي انجام اي خدا اي پيدا اي
اَللّهُ، يا باطنُ يا اَللّهُ، يا فَاخِرُ يا اَللّهُ، يا قَاهِرُ يا اَللّهُ، يا رَبّاهُ يا اَللّهُ، يا رَبّاهُ
اي خدا اي نا پيدا اي خدا اي با فخر اي خدا اي چيره اي خدا اي پروردگار من اي خدا اي پروردگار من
يا اَللّهُ، يا رَبّاهُ يا اَللّهُ، يا وَدُوْدُ يا اَللّهُ، يا نُورُ يا اَللّهُ، يا رافعُ يا اَللّهُ، يا
اي خدا اي پروردگار من اي خدا اي دوستدار اي خدا اي نور اي خدا اي رفعت ده اي خدا اي
مانعُ يا اَللّهُ، يا دافعُ يا اَللّهُ، يا فَاتِحُ يا اَللّهُ، يا نَفّاحُ [ع] يا اَللّهُ، يا جَلِيلُ يا اَللّهُ،
بازدارنده اي خدا اي جلوگیری کننده اي خدا اي گشاینده اي خدا اي دمنده نسیم رحمت اي خدا اي با جلالت اي خدا
يا جَمِيلُ يا اَللّهُ، يا شَهِيدُ يا اَللّهُ، يا شَاهِدُ يا اَللّهُ، يا مُعِیْثُ يا اَللّهُ، يا
اي زبیا اي خدا اي گواه اي خدا اي شاهد اي خدا اي فریادرس اي خدا اي
حَبِیْبُ يا اَللّهُ، يا فَاطِرُ يا اَللّهُ، يا مُطَهِّرُ يا اَللّهُ، يا مَلِكُ يا اَللّهُ، يا مُقْتَدِرُ يا
دوست اي خدا اي خالق اي خدا اي پاك کننده اي خدا اي پادشاه اي خدا اي نیرومند اي
اَللّهُ، يا قَابِضُ يا اَللّهُ، يا باسِطُ يا اَللّهُ، يا مَحِیْ يا اَللّهُ، يا مُمِیْثُ يا اَللّهُ، يا
خدا اي گیرنده اي خدا اي گسترنده اي خدا اي زنده کننده اي خدا اي میراننده اي خدا اي
باعِثُ يا اَللّهُ، يا وارِثُ يا اَللّهُ، يا مُعْطِی يا اَللّهُ، يا مُفْضِلُ يا اَللّهُ، يا مُنْعِمُ
برانگیزنده اي خدا اي ارث برنده اي خدا اي عطا کننده اي خدا اي فزون بخش اي خدا اي نعمت بخش
يا اَللّهُ، يا حَقُّ يا اَللّهُ، يا مُبِیْنُ يا اَللّهُ، يا طَیِّبُ يا اَللّهُ، يا مُحْسِنُ يا اَللّهُ، يا
اي خدا اي برحق اي خدا اي آشکار کننده اي خدا اي پاکیزه اي خدا اي نیکوکننده اي خدا اي
مُجْمَلُ يا اَللّهُ، يا مُبْدِئُ يا اَللّهُ، يا مُعِیدُ يا اَللّهُ، يا باری يا اَللّهُ، يا بَدِیعُ يا
زبیا پرور اي خدا اي آغازنده اي خدا اي بازگرداننده اي خدا اي پدیدآورنده اي خدا اي نوآفرین اي

اَللّٰهُ، يا هادي يا اَللّٰهُ، يا كافي يا اَللّٰهُ، يا شافي يا اَللّٰهُ، يا عَلِيُّ يا اَللّٰهُ، يا
 خدا اي راهنما اي خدا اي كفايت كننده اي خدا اي شفاعت كننده اي خدا اي والا مرتبه اي خدا اي
 عَظِيمُ يا اَللّٰهُ، يا حَنَّانُ يا اَللّٰهُ، يا مَنَّانُ يا اَللّٰهُ، يا ذَا الطَّوْلِ يا اَللّٰهُ، يا
 بزرگ اي خدا اي بسيار مهربان اي خدا اي بسيار بخشنده اي خدا اي صاحب نعمت اي خدا اي
 مُتَعَالَى يا اَللّٰهُ، يا عَدْلُ يا اَللّٰهُ، يا ذَا الْمَعَارِجِ يا اَللّٰهُ، يا صَادِقُ يا اَللّٰهُ، يا
 برتر اي خدا اي دادگر اي خدا اي داراي مراتب بلند اي خدا اي راستگو اي خدا اي
 صَدُوقُ يا اَللّٰهُ، يا دَيَّانُ يا اَللّٰهُ، يا باقي يا اَللّٰهُ، يا واقفي يا اَللّٰهُ، يا
 راستي پيشه اي خدا اي جزاده اي خدا اي باقي اي خدا اي نگهدارنده اي خدا اي
 ذَا الْجَلَالِ يا اَللّٰهُ، يا ذَا الْاِكْرَامِ يا اَللّٰهُ، يا مَحْمُودُ يا اَللّٰهُ، يا مَعْبُودُ يا اَللّٰهُ، يا
 صاحب جلالت اي خدا اي صاحب بزرگواري اي خدا اي پسنديده اي خدا اي معبود اي خدا اي
 صَانِعُ يا اَللّٰهُ، يا مُعِينُ يا اَللّٰهُ، يا مُكُونُ يا اَللّٰهُ، يا فَعَالُ يا اَللّٰهُ، يا لَطِيفُ يا
 سازنده اي خدا اي ياور اي خدا اي وجود آورنده اي خدا اي كننده هر كار اي خدا اي با لطف اي
 اَللّٰهُ، يا غَفُورُ يا اَللّٰهُ، يا شَكُورُ يا اَللّٰهُ، يا نُورُ يا اَللّٰهُ، يا قَدِيرُ [يُم] يا اَللّٰهُ، يا رَبَّاهُ
 خدا اي آمرزنده اي خدا اي سپاس دارنده اي خدا اي نور اي خدا اي توانا اي خدا اي پروردگار
 يا اَللّٰهُ، يا رَبَّاهُ يا اَللّٰهُ، يا رَبَّاهُ يا اَللّٰهُ، يا رَبَّاهُ يا اَللّٰهُ، يا رَبَّاهُ يا اَللّٰهُ، يا رَبَّاهُ

ای خدا
یا اَللّهُ، یا رَبَّاهُ یا اَللّهُ، یا رَبَّاهُ یا اَللّهُ، یا رَبَّاهُ یا اَللّهُ، یا رَبَّاهُ یا اَللّهُ اسْتَغْفِرُكَ أَنْ
.
از تو خواهم که

تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَمُنَّ عَلَى بَرِّضَاكَ، وَتَعْفُو عَنِّي

دروود فرستی بر محمد و آل محمد و به خشنودی خود بر من منت گذاری و به بردباریت از من

بِحُلْمِكَ، وَتُوسِّعَ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ، وَمَنْ حَيْثُ

بگذری و فراخ گردانی بر من از روزی حلال و پاکیزهات و از جایی که

اگر ممکن شود از نهر غسل کنی و وقت آن بعد از طلوع فجر است تا زمان بجا آوردن نماز عید چنانچه شیخ فرموده و در جزء روایتی است که غسل را

در زیر سقفی بکن و چون خواستی غسل کنی بگو: اَللّٰهُمَّ اِيْمَانًا بِكَ، وَتَصَدِّقًا
* * * * * خدایا بخاطر ایمان

به تو و تصدیق

بِكِتَابِكَ، وَاتِّبَاعُ سُنَّةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. پس بسم الله بگو و
کتاب تو و پیروی از روش پیغمبرت محمد صلی الله علیه و آله * * * * *
غسل کن و چون از غسل فارغ شدی بگو: اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ كَفَّارَةً لِذُنُوبِي، وَطَهْرًا
* * * * * خدایا قرارش ده کفاره گناهانم

و دین و مذهب را

دینی اَللّٰهُمَّ اَذْهَبْ عَنِّي الدَّنَسَ. × پنجم پوشیدن جامه نیکو و به کار بردن بوی
پاک گردان خدایا دور کن از من چرکی را * * * * *
* * * * *

خوش و رفتن به صحرا در غیر مکه برای نماز کردن در زیر آسمان ششم پیش از نماز عید در اوّل روز افطار کنی و
بهتر آنست که به خرما یا به شیرینی باشد و شیخ مفید فرموده مستحب است تناول کردن مقدار کمی از تربت
سیدالشهداء علیه السلام که شفا است از برای هر دردی هفتم آنکه چون مهیا شدی از برای رفتن به نماز عید بیرون نروی
مگر بعد از طلوع آفتاب و آنکه بخوانی دعاهائی را که سید در اقبال نقل کرده از جمله از ابو حمزه ثمالی روایت کرده از
حضرت امام محمد باقر علیه السلام که فرمود بخوان در عید فطر و قربان و جمعه وقتی که مهیا شدی به جهت
بیرون رفتن به نماز این دعا را: اَللّٰهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ فِيْ هَذَا الْيَوْمِ اَوْ تَعَبَّأَ، اَوْ اَعَدَّ
* * * * * خدایا هر که آماده شده در این روز یا مهیا

وَاسْتَعَدَّ لِوِفَادَةِ اِلٰی مَخْلُوْقٍ، رَجَاءَ رِفْدِهِ وَتَوَافِلِهِ وَفَوَاضِلِهِ

و مستعد و مجهز گشته برای ورود به یکی از مخلوقات به امید جایزه و صلّه و بهره ها

وَعَطَايَاهُ، فَاِنَّ اِلَيْكَ يَا سَيِّدِي تَهَيَّئْتُ وَتَعَبَّيْتُ، وَاِعْدَادِي

و عطاهای او ولی ای آقای من تنها بسوی تو است آمادگی و تهیه

وَاسْتِعْدَادِي رَجَاءَ رِفْدِكَ وَجَوَائِزِكَ، وَتَوَافِلِكَ وَفَوَاضِلِكَ

و استعداد و تجهیز من به امید جایزه و صله‌ها و بهره‌ها و بخششها و فضلها
و عَطَايَاكَ، وَقَدْ غَدَوْتُ إِلَى عِيدٍ مِنْ أَعْيَادِ أُمَّةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ
و عطاهاي تو و بامداد کردم در عیدي از عیدهاي امت پیامبرت محمد که درودهاي تو
اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى إِلِهِ، وَلَمْ أَفِدْ إِلَيْكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ أَثِقُ بِهِ قَدَمَتُهُ،
بر او و بر آتش باد و البته ورود من بسوي تو نه به امید کردار شایسته‌اي است که بدان اطمینان داشته و پیشکش آورده
وَلَا تَوَجَّهْتُ بِمَخْلُوقٍ أَمَلْتُهُ، وَلَكِنْ أَتَيْتُكَ خَاضِعاً مُقَرَّراً بِذُنُوبِي، وَإِسَاءَتِي
باشم و نه اینست که به مخلوقی رو کرده و آرزومندش باشم بلکه با حال خضوع به درگاه تو آمده و معترف به گناه و
بدی خود

إِلَى نَفْسِي، يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ، اغْفِرْ لِي الْعَظِيمَ مِنْ ذُنُوبِي، فَإِنَّهُ
بر نفس خویشتنم پس ای خدای بزرگ بیامرز بزرگ گناهانم را زیرا نیامرزد گناهان بزرگ
لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ إِلَّا أَتَتْ، يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَتَتْ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .
را جز تو ای که معبودی جز تو نیست ای مهربانترین مهربان

* هشتم خواندن نماز عید است و آن دو رکعت است در رکعت اول حمد و سوره اعلی بخواند و بعد از قرائت پنج
تکبیر بگوید و بعد از هر تکبیری این قنوت را بخواند :

اللَّهُمَّ أَهْلَ الْكِبَرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ وَأَهْلَ الْجُودِ وَالْجَبَرُوتِ، وَأَهْلَ الْعَفْوِ
خدایا ای اهل بزرگی و عظمت و ای شایسته بخشش و قدرت و سلطنت و ای شایسته عفو
وَالرَّحْمَةِ، وَأَهْلَ التَّقْوَى وَالْمَغْفِرَةِ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي
و رحمت و ای شایسته تقوی و آمرزش از تو خواهم به حق این روزی که
جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيداً، وَلِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذُخْراً [وَشَرَفاً]
قرارش دادی برای مسلمانان عید و برای محمد صلی الله علیه و آله ذخیره و شرف
وَمَزِيداً أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُدْخِلَنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ
و فزونی مقام که درود فرستی بر محمد و آل محمد و درآوری مرا در هر خیری که
أَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُخْرِجَنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ
درآوردی در آن خیر محمد و آل محمد را و بروم آری از هر بدی و شری که برون آوردی

ما نمی‌رسد به کسی که نماز را سبک بشمارد و اعتنا به شأن او ننماید.

پس بگويد: يا عَزِيزُ يا غَفَّارُ، اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَذُنُوبَ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ،

* * * * * اي نيرومند اي بسيار آمرزنده بپارمَز گناهانم را و گناهان همه مردان مؤمن و زنان با ايمان

فَاِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اَنْتَ. فقيرگويد ظاهر آن است که اين استغفار مذکور و دعاي بعد را بعد از

* * * * * را که نيامرزد کسي گناهان را جز تو * * * * *

نماز بايد بجا آورد و بدان که روايت شده که هر که در يکي از ماههاي حرام سه روز متوالي که پنجشنبه و جمعه و شنبه باشد روزه بدارد ثواب نهصد سال عبادت براي او نوشته شود و شيخ اجلّ عليّ بن ابراهيم قمّي فرموده که در ماههاي حرام گناهان مضاعف مي شود و همچنين حسنات روز يازدهم سنه صد و چهل و هشت روز ولادت با سعادت حضرت امام رضا عليه السلام است شب پانزدهم شب مبارکيست خداوند نظر رحمت مي فرمايد بر بندگان مؤمنين خود و کسي که در اين شب به طاعت حق تعالي مشغول باشد از براي او باشد اجر صد نفر سائح يعني روزه دار مُلّازم مسجد که معصيت نکرده باشد خدا را طرفه العيني چنانکه در روايت نبوي صلي الله عليه وآله است پس اين شب را مغتنم شمار و مشغول کن خود را به طاعت و عبادت و نماز و طلب حاجات از خدا همانا روايت شده که هر که سؤال کند در اين شب حاجتي از خداوند تعالي به او عطا خواهد شد روز بيست و سيم سنه دويست و سه به قولی شهادت حضرت امام رضا عليه السلام واقع شده و زيارت آن حضرت از نزديك و دور سُنّت است: قَالَ السَّيِّدُ بْنُ طَاوُسٍ فِي الْإِقْبَالِ وَرَأَيْتُ فِي بَعْضِ تَصَانِيفِ أَصْحَابِنَا

سيد بن طاوس در كتاب اقبال فرموده من در برخي از كتابهاي علماي شيعه

الْعَجَمِ رَضَوُا اللَّهَ عَلَيْهِمْ، أَنَّهُ يُسْتَحَبُّ أَنْ يُزَارَ مَوْلَانَا الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ

غير عرب رضوان الله عليهم ديدم که نوشته بود مستحب است زيارت مولاي ما حضرت رضا عليه السلام

يَوْمَ ثَالِثِ وَعِشْرِينَ مِنْ ذِي الْقَعْدَةِ مِنْ قُرْبٍ أَوْ بَعْدٍ، بِبَعْضِ

در روز بيست و سوم ماه ذي قعده از دور و نزديك بوسيله برخي از

زياراته المعروفة، أَوْ بِمَا يَكُونُ كَالزِّيَارَةِ مِنَ الرِّوَايَةِ بِذَلِكَ شَبَّ

* * * * * زيارتهاي معروف آن حضرت يا بدان چه مانند زيارت باشد از رواياتي که در اين باره رسيده * * * * *

بيست و پنجم شب دَحْوُ الْأَرْضِ است (يعني پهن شدن زمين از زير خانه كعبه بر روي آب) و از ليالي شريفه است که

رحمت خدا در آن نازل مي شود و قيام به عبادت در آن اجر بسيار دارد و از حَسَن بن علي وَشّاً روايتست که گفت من

کودک بودم که با پدرم در خدمت امام رضا عليه السلام شام خورديم در شب بيست و پنجم ماه ذي القعده پس فرمود که

امشب حضرت ابراهيم عليه السلام و حضرت عيسي عليه السلام متولد شده اند و زمين از زير كعبه پهن شده است پس هر

که روزش را روزه بدارد چنان است که شصت ماه را روزه داشته باشد و به روایت دیگر است که فرمود در این روز حضرت قائم علیه السلام قیام خواهد نمود روز بیست و پنجم روز دحوالأرض است و یکی از آن چهار روز است که در تمام سال به فضیلت روزه ممتاز است و در روایتی روزه اش مثل روزه هفتاد سال است و در روایت دیگر کفاره هفتاد سالست و هر که این روز را روزه بدارد و شبش را به عبات بسر آورد از برای او عبادت صد سال نوشته شود و از برای روزه دار این روز هر چه در میان آسمان و زمین است استغفار کند و این روزی است که رحمت خدا در آن منتشر گردیده و از برای عبادت و اجتماع به ذکر خدا در این روز اجر بسیار است و از برای این روز به غیر از روزه و عبادت و ذکر خدا و غسل دُو عمل وارد است اوّل نمازی که در کتب شیعه قُمین روایت شده و آن دو رکعت است در وقت چاشت در هر رکعت بعد از حمد پنج مرتبه سوره وَالشَّمْسِ بخواند و بعد از سلام نماز بخواند :

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

جنبش و نیروئی نیست جز به خدای والای بزرگ

پس دعا کند و بخواند: یا مُقِيلَ الْعَثَرَاتِ اَقْلُنِي عَثْرَتِي، یا مُجِيبَ

* * * * * ای نادیده گیر لغزشها، نادیده گیر لغزشم را ای اجابت کننده

الدَّعَوَاتِ اَجِبْ دَعْوَتِي، یا سَامِعَ الْأَصْوَاتِ اِسْمَعْ صَوْتِي،

دعاها اجابت کن دعایم را ای شنوای صداها بشنو صدایم را

وَارْحَمْنِي وَتَجَاوَزْ عَنْ سَيِّئَاتِي وَمَا عِنْدِي، یا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ .

و به من رحم کن و از گناهانم و آنچه بدی دارم درگذر ای صاحب جلالت و بزرگواری

دویم خواندن این دعا است که شیخ در مصباح فرموده مستحب است خواندن آن: اَللّهُمَّ

* * * * *

* * * * * خدایا

دَاحِيَ الْكَعْبَةِ، وَفَالِقَ الْحَبَّةِ وَصَارِفَ اللَّزْبَةِ، وَكَاشِفَ كُلِّ كُرْبَةٍ،

ای گسترنده خانه کعبه و شکافنده دانه و برطرف کننده سختی و گشاینده هر غم و گرفتاری

أَسْأَلُكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ مِنْ آيَاتِكَ الَّتِي أَعْظَمْتَ حَقَّهَا، وَأَقْدَمْتَ سَبْقَهَا،

از تو خواهم در این روز از روزهایت که بزرگ گرداندی حقش را و در سبقت پیشش انداختی

وَجَعَلْتَهَا عِنْدَ الْمُؤْمِنِينَ وَدِيْعَةً، وَإِلَيْكَ ذَرِيْعَةٌ، وَبِرَحْمَتِكَ الْوَسِيْعَةِ،

و در نزد مؤمنین آن را به ودیعت نهادی و آن را وسیله ای برای آمدن به پیشگاهت و رسیدن برحمت وسیعت قراردادی

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ عَبْدُكَ الْمُتَّجِبُ فِي الْمِيثَاقِ الْقَرِيبِ يَوْمَ
که درود فرستی بر محمد بنده برگزیده‌ات در روز میثاق نزدیک که روز
التَّلَاقِ، فَاتَّقِ كُلَّ رَثْقٍ، وَدَاعِ إِلَى كُلِّ حَقٍّ، وَعَلَيَّ أَهْلُ بَيْتِهِ الْأَطْهَارِ
دیدار و ملاقات است آن بزرگواری که هر در بسته‌ای را گشود و به هر حقی دعوت فرمود و بر خاندان پاکیزه
الْهُدَاةِ الْمَنَارِ، دَعَائِمِ الْجَبَّارِ، وَوَلَاةِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ، وَأَعْطِنَا فِي يَوْمِنَا
و راهنمایان روشنی‌بخش و پایه‌های دین خدا و زمامداران کار بهشت و دوزخند و عطا کن به ما در این روز
هَذَا مِنْ عَطَايِكَ الْمَخْزُونِ غَيْرَ مَقْطُوعٍ وَلَا مَمْنُوعٍ، تَجْمَعُ لَنَا بِهِ
از عطای موجود در خزینات که نه پایان دارد و نه جلوگیری شود گردآوری بدان برای ما
التَّوْبَةِ وَحُسْنِ الْأَوْبَةِ، يَا خَيْرَ مَدْعُوٍّ وَأَكْرَمَ مَرْجُوٍّ، يَا كَفِيٍّ يَا وَفِيٍّ، يَا
توبه و بازگشت خوبی را بسوی خودت ای بهترین خواننده شدگان و بزرگوارترین مایه امید ای کفایت کننده ای وفادار
ای
مَنْ لُطْفُهُ خَفِيٌّ، أَلْطَفَ لِي بِلُطْفِكَ، وَأَسْعَدَنِي بِعَفْوِكَ، وَأَيَّدَنِي بِنَصْرِكَ،
که لطفش در نهان و خفا است بلطف خویش بر من لطف فرما و به عفو سعادتمندم کن و به یاریت کمک ده
وَلَا تُنْسِنِي كَرِيمَ ذِكْرِكَ بِوَلَاةِ أَمْرِكَ، وَحَفَظَةِ سِرِّكَ، وَاحْفَظْنِي مِنْ
و از یاد کریمانه‌ات فراموشم مکن به حق زمامداران کار خود و نگهبانان رازت و نگاهم دار از
شَوَايِبِ الدَّهْرِ إِلَى يَوْمِ الْحَشْرِ وَالنَّشْرِ، وَأَشْهَدُنِي أَوْلِيَاءَكَ عِنْدَ
آلودگی‌های روزگار تا روز حشر و برانگیخته شدن و گواه گیر برایم دوستانت را هنگام
خُرُوجِ نَفْسِي، وَحُلُولِ رَمْسِي، وَانْقِطَاعِ عَمَلِي، وَانْقِضَاءِ أَجَلِي،
جان دادم و سرازیر شدم در قبر و به پایان رسیدن کردارم و بسر آمدن عمرم
اللَّهُمَّ وَادْخُلْنِي عَلَى طَوْلِ الْبَلِيِّ، إِذَا حَلَلْتُ بَيْنَ أَطْبَاقِ الثَّرَى،
خدایا یادم کن در دوران دراز پوسیده شدم در آن هنگام که میان توده‌های خاک وارد شوم
وَتَسِينِي النَّاسُونَ مِنَ الْوَرَى، وَأَحْلِلْنِي دَارَ الْمُقَامَةِ، وَبَوِّئْ لِي مَنَزِلَ
و مردم فراموشکار یکسره فراموشم کرده‌اند و در خانه ماندنی (بهشت) فرودم آر و در منزل
الْكَرَامَةِ، وَاجْعَلْنِي مِنْ مُرَافِقِي أَوْلِيَاءِكَ، وَأَهْلِ اجْتِبَائِكَ وَاصْطِفَائِكَ،
کرامت جایم ده و از رفقای دوستانت و برگزیدگان و مخصوصانت قرارم ده

وَبَارِكْ لِي فِي لِقَائِكَ، وَارْزُقْنِي حُسْنَ الْعَمَلِ قَبْلَ حُلُولِ الْأَجَلِ،
و دیدارت را بر من مبارک گردان و حسن عمل روزیم کن پیش از آنکه عمرم بسر رسد
بَرِيئاً مِنَ الزَّلَلِ وَسُوءِ الْخَطَلِ، اَللّهُمَّ وَأَوْرِدْنِي حَوْضَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ
در حالی که پاک از لغزش و بد کرداری باشم خدایا مرا به حوض پیامبرت محمد
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَاسْقِنِي مِنْهُ مَشْرَباً رَوِيّاً سَائِغاً هَنِيئاً، لَا أَظْمَأُ
صلي الله عليه و آله (یعنی حوض کوثر) واردم کن و بنوشان مرا از آن حوض نوشاندنی سیراب کننده و روان و گوارا
که دیگر

بَعْدَهُ وَلَا أَحْلاً وَرَدَهُ، وَلَا عَنْهُ أَذَادُ، وَاجْعَلْهُ لِي خَيْرَ زَادٍ، وَأَوْفِي مِيعَادٍ
تشنه نشوم و از ورود بدان جلوگیری نکنند و بازم ندارند و آن را برایم بهترین توشه راه و کاملترین وعده گاه
يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ، اَللّهُمَّ وَالْعَنُ جَبَابِرَةَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ،
در روز به پا خواستن گواهان قرار ده خدایا دور ساز از رحمت سرکشان اولین و آخرین را
وَيَحْقُوقِ أَوْلِيَاءِكَ الْمُسْتَأَثَرِينَ، اَللّهُمَّ وَأَقْصِمِ دَعَائِهِمْ، وَأَهْلِكَ
و آنانکه به حقوق دوستان برگزیده ات تجاوز و تعدی کردند خدایا پایه های حکومتشان را در هم شکن
أَشْيَاءَهُمْ وَعَامِلَهُمْ، وَعَجِّلْ مَهَالِكَهُمْ، وَأَسْلُبْهُمْ مَمَالِكَهُمْ، وَضَيِّقْ
و پیروان و عمالشان را نابود گردان و به هلاکتشان تعجیل کن و مملکتهاشان را از ایشان بگیر و راهها
عَلَيْهِمْ مَسَالِكَهُمْ، وَالْعَنُ مُسَاهِمَهُمْ وَمُشَارِكَهُمْ، اَللّهُمَّ وَعَجِّلْ فَرَجَ
را بر ایشان تنگ فرما و آنانکه با ایشان سهم و شریک هستند نیز از رحمت دور کن خدایا شتاب کن در فرج
أَوْلِيَاءِكَ، وَارْدُدْ عَلَيْهِمْ مَظَالِمَهُمْ، وَأَظْهِرْ بِالْحَقِّ قَائِمَهُمْ، وَاجْعَلْهُ
دوستان و حقوق از دست رفته شان را به آنها باز گردان و قائمشان را به حق ظاهر گردان
لِدِينِكَ مُنْتَصِراً، وَبَارِكْ فِي أَعْدَائِكَ مُؤْتِمِراً، اَللّهُمَّ احْفَظْهُ بِمَلَائِكَتِكَ
و یاری ستاننده دینت و فرمانروای در میان دشمنان قرارش ده خدایا فرشتگان یاری دهنده را گرداگردش
النَّصْرِ، وَبِمَا أَلْقَيْتَ إِلَيْهِ مِنَ الْأَمْرِ فِي لَيْلَةِ الْقَدَرِ مُنْتَقِماً لَكَ حَتَّى
قرار ده و بدان دستوری که در شب قدر بر او فرستی وی را انتقام کشنده برای خودت قرار ده بدان حد
تَرْضَى، وَيَعُوذَ دِينُكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ جَدِيداً غَضّاً، وَيَمْحُضَ الْحَقَّ
که تو خوشنود گردی و دین تو به وسیله او و بدست او بصورت نو و تازه ای درآید و حق کاملاً

مَحْضًا، وَيَرْفُضُ الْبَاطِلَ رَفْضًا، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى جَمِيعِ آبَائِهِ،
خالص گردد و باطل یکسره از بین برود خدایا درود فرست بر او و بر همه پدرانش
وَأَجْعَلْنَا مِنْ صَحْبِهِ وَأُسْرَتِهِ، وَابْعَثْنَا فِي كَرَّتِهِ، حَتَّى نَكُونَ فِي زَمَانِهِ
و قرار ده ما را از اصحاب و نزدیکانش و در زمان رجعت او ما را برانگیز تا ما در زمان او
مِنْ أَعْوَانِهِ، اللَّهُمَّ أَدْرِكْ بِنَا قِيَامَهُ، وَأَشْهَدْنا أَيَّامَهُ، وَصَلِّ عَلَيْهِ، [علي
جزء یارانش باشیم خدایا توفیق درک زمان قیام او را نصیب ما گردان و در روزگار ظهورش ما را حاضر کن و درود
فرست بر او

مُحَمَّدٍ] وَارْدُدْ إِلَيْنَا سَلَامَهُ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ [عَلَيْهِمْ] وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ .

و سلام او را بسوی ما بازگردان و سلام و تحیت و رحمت خدا و برکاتش بر او باد
و بدانکه میرداماد رحمه الله در رساله اربعه ایام خود در بیان اعمال روز دَحْوَ الارض فرموده که زیارت حضرت امام
رضاعلیه السلام در این روز افضل اعمال مستحبّه و اکّد آداب مسئونه است و همچنین زیارت آن حضرت در روز اوّل
ماه رجب الفرد نیز به غایت مؤکّد و محثوثّ علیّه است روز آخر ماه سنه دویست و بیست بنابر مشهور حضرت امام
محمد تقی علیه السلام به زهر معتصم در بغداد شهید شد و این بعد از دو سال و نیم تقریباً از فوت مأمون گذشته بود
چنانکه خود آن جناب میفرمود الْفَرَجُ بَعْدَ الْمَأْمُونِ بِثَلَاثِينَ شَهْرًا و این کلمه مُشْعِر است بر آنکه آن حضرت از سوء
معاشرت مأمون در کمال اذیت و صدمه بود که مرگ خود را فَرَج و گشایش خود تعبیر نموده چنانکه پدر بزرگوارش
حضرت امام رضاعلیه السلام در زمان ولایتعهد خود نیز چنین بوده و در هر جمعه که از مسجد جامع مراجعت می فرمود
به همان حالی که عرق دار و غبارآلوده بود دستها را به درگاه الهی بلند می کرد و می گفت اِلهی اِگر فَرَج و گشایش امر
من در مرگ من است پس همین ساعت در مرگ من تعجیل فرما و پیوسته در غم و غصّه بود تا از دنیا رحلت فرمود و
حضرت امام محمد تقی علیه السلام در وقتی که وفات کرد از سنّ شریفش بیست و پنج سال و چند ماهی گذشته بود قبر
شریفش در بقعه مبارکه کاظمیه در پشت سر جدّ بزرگوارش حضرت امام موسی علیه السلام واقع است .

فصل ششم در اعمال ماه ذی الحجه

بدان که این ماه از ماههای شریفه است و چون این ماه داخل می شد صلّحای صحابه و تابعین اهتمام عظیم در عبادت
می کردند و دهه اوّل آن ایّام مَعْلُومات است که در قرآن مجید ذکر آن شده است و در نهایت فضیلت و برکت است
و از رسول خدا صلی الله علیه و آله مرویست که عمل خیر و عبادت در هیچ ایّامی نزد حق تعالی محبوبتر نیست از این دهه

و از برای این دهه اعمالی است اول روزه گرفتن نه روز اول این دهه که ثواب روزه تمام عمر دارد دویم خواندن دو رکعت نماز مابین مغرب و عشاء در تمام شبهای این دهه در هر رکعت بعد از حمد بخواند یک مرتبه توحید و آیه :

وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً، وَاتَّمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْمٍ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً، وَقَالَ

و وعده کردیم با موسی سی شب و کامل کردیم آن را به ده شب دیگر و بدین ترتیب وعده گاه خدا چهل شب تمام شد و موسی لِأَخِيهِ هَارُونَ أَخْلَفَنِي فِي قَوْمِي، وَأَصْلَحُ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ .

موسی به برادرش هارون گفت جانشین من باش در میان قوم و کارشان را اصلاح کن و از راه فساد جویان پیروی مکن

تاباثواب حاجیان شریک شود سیّم از روز اول تا عصر روز عرفه در عقب نماز صبح و پیش از مغرب بخواند

این دعا را که شیخ وسید از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند اَللّهُمَّ هَذِهِ اَلْاَيَّامُ الَّتِي فَضَّلْتَهَا عَلَيَّ

اَلْاَيَّامُ وَشَرَّفْتَهَا، [و] قَدْ بَلَّغْتَنِيهَا بِمَنِّكَ وَرَحْمَتِكَ، فَانْزِلْ عَلَيْنَا مِنْ

و شرافتش دادی بر سایر روزها و به لطف و رحمت مرا بدانها رساندی پس

بِرَّكَاتِكَ، وَأَوْسِعْ عَلَيْنَا فِيهَا مِنْ نِعْمَاتِكَ، اَللّهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ اَنْ

برکات خودت را بر ما فرو بار و از نعمتهای خود در این روزها بر ما وسعت ده خدایا من از تو خواهم که

تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ تَهْدِنَا فِيهَا لِسَبِيلِ الْهُدَى،

دروود فرستی بر محمد و آل محمد و نیز خواهی که ما را در این روزها به راه هدایت

وَالْعَفَافِ وَالْغَنَى، وَالْعَمَلِ فِيهَا بِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى، اَللّهُمَّ اِنِّي

ویا کدانی و بی نیازی راهنمایی فرمائی و موفقمان داری به انجام آنچه دوست داری و موجب خوشنودی تو است خدایا

از تو

اَسْئَلُكَ يَا مَوْضِعَ كُلِّ شَكْوَى، وَيَا سَامِعَ كُلِّ نَجْوَى، وَيَا شَاهِدَ كُلِّ

خواهم ای جایگاه هر شکایت و ای شنوای هر سخن سری و راز و ای حاضر در هر

مَلَأَ، وَيَا عَالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَانْ

جمع و ای دانای هر نهان که درود فرستی بر محمد و آل محمد و

تَكْشِفَ عَنَّا فِيهَا الْبَلَاءَ وَتَسْتَجِيبَ لَنَا فِيهَا الدُّعَاءَ، وَتُقَوِّينَا فِيهَا

بگشائي در اين روزها از ما بلاء و گرفتاري را و مستجاب گرداني در آنها دعاي ما را و نپرو دهی به ما
وَعَيْنِنَا وَتَوْفَّقْنَا فِيهَا لِمَا تُحِبُّ رَبَّنَا وَتَرْضَى، وَعَلَى مَا افْتَرَضْتَ
در این روزها و کمکمان دهی و موفقمان داری پروردگارا بدانچه دوست داری و خوشنود گردی و بر آنچه واجب
کرده‌ای

عَلَيْنَا مِنْ طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ وَاهْلِ وَلايَتِكَ، اَللّٰهُمَّ اِنِّي
بر ما از اطاعت خودت و اطاعت پیامبرت و اهل ولایت خدایا از تو
اَسْئَلُكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ، وَاَنْ
خواهم ای مهربانترین مهربانان که درود فرستی بر محمد و آل محمد و در این
تَهَبْ لَنَا فِيهَا الرِّضَا، اِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ، وَلَا تَحْرِمْنَا خَيْرَ مَا تُنْزِلُ
ایام خوشنودی خویش را به من ببخش که برستی تو شنوای دعائی و محروم مکن ما را از خیری که در
فِيهَا مِنَ السَّمَاءِ، وَطَهِّرْنَا مِنَ الذُّنُوبِ يَا عَلَامَ الْغُيُوبِ، وَاَوْجِبْ لَنَا
این روزها از آسمان فرو باری و پاکمان کن از گناهان ای دانای بر نادیدنیها و واجب گردان در این ایام
فِيهَا دَارَ الْخُلُودِ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ، وَلَا تَتْرُكْ لَنَا
برای ما خانه جاویدان را خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و هیچ گناهی برای ما باقی
فِيهَا ذَنْبًا اِلَّا غَفَرْتَهُ، وَلَا هَمًّا اِلَّا فَرَجْتَهُ، وَلَا دَيْنًا اِلَّا قَضَيْتَهُ، وَلَا غَائِبًا
مگذار جز آنکه بیامرزی و نه اندوهی جز آنکه بگشائی و نه بدهی جز آنکه بپردازی و نه غائبی
اِلَّا اَدَيْتَهُ، وَلَا حَاجَةً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اِلَّا سَهَّلْتَهَا وَيَسَّرْتَهَا،
جز آنکه به ما برسانی و نه حاجتی از حاجات دنیا و آخرت جز آنکه آسان و هموارش گردانی
اِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اَللّٰهُمَّ يَا عَالِمَ الْخَفِيَّاتِ، يَا رَاحِمَ الْعِبْرَاتِ،
که برستی تو بر هر چیز توانائی خدایا ای دانای اسرار پنهان ای رحم کننده بر اشک دیدگان
يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ، يَا رَبَّ الْأَرْضِينَ وَالسَّمَوَاتِ، يَا مَنْ لَا تَنْشَابُهُ
ای اجابت کننده دعاها ای پروردگار زمینها و آسمانها ای که
عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنَا فِيهَا مِنْ
صداها(ی بیشمار) بر او اشتباه نشود درود فرست بر محمد و آل محمد و قرار ده ما را در این روزها از
عُتْقَانِكَ وَطُلُقَانِكَ مِنَ النَّارِ، وَالْفَائِزِينَ بِجَنَّتِكَ، وَالتَّاجِينَ بِرَحْمَتِكَ

آزادشدگان و رهائي يافتگان از آتش و نائل شوندگان به بهشت و نجات يافتگان بوسيله رحمت

يَا رَحِمَ الرَّاحِمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَي سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ. چهارم

اي مهربانترين مهربانان و درود خدا بر آقاي ما محمد و آلش همگي * * *

در هر روز از دهه بخواند پنج دعائي را كه حضرت جبرئيل براي حضرت عيسي عليه السلام از جانب

* * * * *
* * * * *

حقّ تعالى هديه آورده كه در ايام اين دهه بخواند و آن پنج دعا اين است (۱) أَشْهَدُ أَنْ

* * * * *

(1) * * * * * گواهم دهم كه

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ

معبودي جز خدای يگانه نيست كه شريك ندارد از آن او است فرمانروائي و خاص او است ستايش هر چه خير است بدست اوست و او

عَلَي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۲) أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ،

بر هر چيز توانا است (۲) گواهي دهم كه معبودي جز خدای يگانه نيست كه شريك ندارد

أَحَدًا صَمَدًا، لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا (۳) أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ،

يگانه بي نيازي كه همسر و فرزندي براي خود نگیرد (۳) گواهي دهم كه معبودي جز خدای يگانه

وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، أَحَدًا صَمَدًا لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا

نيست كه شريك ندارد يگانه بي نيازي كه نزايده و نه زائيده شده و نيست برايش همتائي

أَحَدٌ (۴) أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ

هيچكس (۴) گواهي دهم كه معبودي جز خدای يگانه نيست كه شريكي ندارد از آن اوست فرمانروائي و خاص او

الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَي

است ستايش زنده كند و بميراند و او است زندهاي كه نميرد خير بدست او است و او بر هر

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۵) حَسْبِيَ اللَّهُ وَكَفِيَ، سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ دَعَا، لَيْسَ وَرَاءَ

چيز توانا است (۵) بس است مرا خدا و كافي است بشنود خدا صدای هر كس كه دعا كند و راي

اللَّهُ مُنْتَهَى، أَشْهَدُ لِلَّهِ بِمَا دَعَا، وَأَنَّهُ بَرِيءٌ مِمَّنْ تَبَرَّءَ، وَأَنَّ لِلَّهِ الْآخِرَةَ وَالْأُولَى .

خدا انتهایی نیست گواهی دهم برای خدا بدانچه خوانده است و اینکه بیزار است از هر که از او بیزاری جسته و برای خدا است آخرت و دنیا

پس حضرت عیسی علیه السلام ثواب بسیاری نقل کرد برای خواندن هر يك از این پنج دعا را صد مرتبه و دور نیست چنانکه علامه مجلسی رحمه الله فرموده اگر کسی هر روز هر يك از این دعاها را ده مرتبه بخواند عمل به روایت کرده باشد و اگر هر روز هر يك را صد مرتبه بخواند بهتر خواهد بود پنجم بخواند در هر روز این دهه این تهلیلات را که از امیرالمؤمنین علیه السلام منقولست با ثواب بسیار و اگر روزی ده مرتبه بخواند بهتر است لا اله

* * * * *

* * * * * معبودي جز

إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ اللَّيَالِي وَالْدُّهُورِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ أَمْوَاجِ الْبُحُورِ، لَا

خدا نیست به شماره شبها و روزگاران معبودي جز خدا نیست به شماره موجهای دریاها

إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَرَحْمَتُهُ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ الشُّوْكِ

معبودي جز خدا نیست و رحمت او بهتر است از آنچه مردم جمع کنند معبودي جز خدا نیست به شماره هر خار

وَالشَّجَرِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ الشَّعْرِ وَالْوَبَرِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ الْحَجَرِ

و هر درخت معبودي جز خدا نیست به شماره هر مو و کُرک معبودي جز خدا نیست به شماره هر سنگ

وَالْمَدَرِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ لَمَحِ الْعُيُونِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فِي اللَّيْلِ إِذَا

و کلوخ معبودي جز خدا نیست به شماره بهم خوردن چشمها معبودي جز خدا نیست در شب چون

عَسَسَ، وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ الرِّيحِ فِي الْبَرَارِ

تاریک شود و در صبح چون بدمد معبودي نیست جز خدا به شماره بادهای در صحراها

وَالصُّخُورِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِنَ الْيَوْمِ إِلَى يَوْمٍ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ .

و کوهها معبودي جز خدا نیست از امروز تا روز نفخ صور

روز اول روز بسیار مبارک است و در آن چند عمل وارد است اول روزه که ثواب روزه هشتاد ماه دارد دوم خواندن نماز

حضرت فاطمه علیها السلام و شیخ فرموده که روایت شده که آن چهار رکعتست بدو سلام مثل نماز امیرالمؤمنین علیه

السلام در هر رکعت حمد يك مرتبه و توحید پنجاه مرتبه و بعد از سلام تسبیح آن حضرت بخواند و بگوید :

سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُتَيْفِ، سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَازِخِ الْعَظِيمِ،

منزه است خدای صاحب عزت بلند و والا منزه است صاحب شوکت مرتفع و بزرگ منزه است

سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ، سُبْحَانَ مَنْ يَرِي آثَرَ التَّمَلُّةِ فِي الصَّفَا،

صاحب فرمانروائی گرانمایه و دیرینه منزله است آنکس که ببندد جای پای مور را بر روی سنگ
سُبْحَانَ مَنْ يَرِي وَقَعَ الطَّيْرِ فِي الْهَوَاءِ، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هَكَذَا وَلَا هَكَذَا غَيْرُهُ.

خارا منزله است آنکس که ببندد ردّ عبور پرنده را در هوا منزله است آنکس که فقط او چنین است و جز او چنین نیست
سیم دو رکعت نماز پیش از زوال به نیم ساعت در هر رکعت حمد یک مرتبه و هر یک از توحید و آیه الکرسی و قدر ده
مرتبه چهارم هر که از ظالمی ترسد در این روز بگوید حَسْبِيَ حَسْبِيَ مِنْ سُؤَالِي عِلْمُكَ بِحَالِي تا حق تعالی کفایت
کند شرّ ظالم را از او و بدانکه در این روز تولّد شده حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام و در این روز به روایت شیخین
تزیج شده حضرت فاطمه با امیرالمؤمنین علیهما السلام روز هفتم سنه صد و چهارده وفات حضرت امام محمد باقر علیه
السلام در مدینه واقع شده و روز حُزْنِ شیعه است روز هشتم روز تَرْوِيَه است و روزه اش فضیلت دارد و روایت شده که
کفاره شصت سال است و شیخ شهید غسل این روز را مستحب دانسته شب نهم از لیالی متبرکه و شب مناجات با قاضی
الحاجاتست و توبه در آن شب مقبول و دُعا در آن مُسْتَجَابست و کسی که آن شب را به عبادت بسر آورد اجر صد و
هفتاد سال عبادت داشته باشد و از برای آن شب چند عمل است اول بخواند این دعا را که روایت شده هر که بخواند آن
را در شب عرفه یا در شبهای جمعه خداوند بیامزد او را :

اَللّٰهُمَّ يَا شَاهِدَ كُلِّ نَجْوِي، وَمَوْضِعَ كُلِّ شَكْوِي، وَعَالِمَ كُلِّ

خدایا ای آگاه هر راز و مرجع هر شکایت و دانای هر

خَفِيَّةٍ، وَمُنْتَهَى كُلِّ حَاجَةٍ، يَا مُبْتَدِئاً بِالنِّعَمِ عَلَيَّ

پنهان و منتهای هر حاجت ای آغازنده نعمت ها بر بندگان

الْعِبَادِ، يَا كَرِيمَ الْعَفْوِ، يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ، يَا جَوَادُ، يَا مَنْ لَا

ای بزرگوار گذشت ای نیکو درگذر ای بخشنده ای که

يُوَارِي مِنْهُ لَيْلُ دَاجٍ، وَلَا يَحْرُ عَجَاجُ، وَلَا سَمَاءُ ذَاتُ أَبْرَاجٍ، وَلَا ظُلْمٌ

نه شب تاریک چیزی را از تو پنهان کند و نه دریای مواج و نه آسمان برج دار و نه تاریکیهای

ذَاتُ ارْتِجَاجٍ، يَا مَنْ الظُّلْمَةُ عِنْدَهُ ضِيَاءٌ، أَسْأَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ،

پیچیده درهم ای کسی که تاریکی در پیش او روشن است از تو خواهم به حق نور ذات بزرگوارت

الَّذِي تَجَلَّيْتُ بِهِ لِلْجَبَلِ فَجَعَلْتَهُ دَكًّا، وَخَرَّ مُوسَى صَعِقًا، وَبِاسْمِكَ

همان که بدان وسیله بر کوه تجلی فرمودی و آنرا متلاشی کردی و موسی مدهوش بر زمین افتاد و به همان نامت

الَّذِي رَفَعْتَ بِهِ السَّمَوَاتِ بِلا عَمَدٍ، وَسَطَّحْتَ بِهِ الْأَرْضَ عَلَي وَجْهِ

که آسمانها را بدون ستون برافراشتی و زمین را بر روی آبی منجمد شده پهن کردی

مَاءِ جَمَدٍ، وَبِاسْمِكَ الْمُخْزُونِ الْمُكْنُونِ الْمَكْتُوبِ الطَّاهِرِ، الَّذِي إِذَا

و بدان نامت که پیش تو در گنجینه و در پرده و نوشته و پاکیزه است همانکه هرگاه بدان نام

دُعِيتَ بِهِ أَجَبْتَ، وَإِذَا سُئِلْتَ بِهِ أُعْطِيتَ، وَبِاسْمِكَ السُّبُّوحِ الْقُدُّوسِ

به خواندنت اجابت کنی و هرگاه بدان از تو خواهند عطا فرمائی و به حق نام منزّه و مقدس

الْبُرْهَانِ، الَّذِي هُوَ نُورٌ عَلَي كُلِّ نُورٍ، وَنُورٌ مِنْ نُورٍ، يُضِي مِنْهُ كُلُّ

و برهان تو که آن نور است بر هر نوری و نور است از نوری که روشنی گیرد از آن هر

نُورٍ، إِذَا بَلَغَ الْأَرْضَ انْشَقَّتْ، وَإِذَا بَلَغَ السَّمَوَاتِ فُتِحَتْ، وَإِذَا بَلَغَ

نور چون به زمین رسد شکافته شود و چون به آسمانها رسد گشوده شوند و چون به عرش

الْعَرْشِ اهْتَزَّتْ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي تَرْتَعِدُ مِنْهُ فَرَائِصُ مَلَائِكَتِكَ، وَأَسْأَلُكَ

رسد بلرزد و به حق آن نامت که بلرزد از آن اندام فرشتگانت و از تو خواهم

بِحَقِّ جِبْرِئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ، وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفِيِّ صَلَّي

به حق جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و به حق محمد مصطفی که درود

اللَّهِ عَلَيْهِ وَالْهِ، وَعَلَي جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَجَمِيعِ الْمَلَائِكَةِ، وَبِالْإِسْمِ

خدا بر او و آله و بر جمیع پیمبران و همه فرشتگان و به حق آن نامی

الَّذِي مَشِيَ بِهِ الْخَضِرُ عَلَي قُلُلِ الْمَاءِ، كَمَا مَشِيَ بِهِ عَلَي جَدَدٍ

که حضرت خضر بوسیله آن بر روی امواج آب دریا راه می رفت چنانچه بر روی زمین

الْأَرْضِ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي فَلَقْتَ بِهِ الْبَحْرَ لِمُوسَى وَأَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ

هموار راه می رفت و به حق آن نامت که شکافتی بدان دریا را برای موسی و غرق کردی فرعون

وَقَوْمَهُ، وَأَنْجَيْتَ بِهِ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ وَمَنْ مَعَهُ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي

و قوم او را و نجات دادی بدان موسی بن عمران و همراهانش را و به حق آن نامت که موسی

دَعَاكَ بِهِ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ

بن عمران بوسیله آن تو را خواند از جانب راست کوه طور و اجابتش کردی

وَالْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةً مِنْكَ وَبِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ أَحْيَى عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ
و محبت خود را بر دلش انداختی و به حق آن نامت که عیسی بن مریم بوسیله اش مردگان را زنده کرد
الْمَوْتِي، وَتَكَلَّمَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا، وَأَبْرَأَ الْكُفَّةَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِكَ،
و در گهواره در زمان کودکی سخن گفت و کور مادرزاد و مبتلای به مرض برص را به اذن تو شفا داد
وَبِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ حَمَلَةٌ عَرْشِكَ، وَجَبْرِئِيلُ وَمِيكَائِيلُ
و بدان نامت که خواند بوسیله آن تو را حاملین عرشت و جبرئیل و میکائیل
وَإِسْرَافِيلُ وَحَبِيبُكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَلَائِكَتُكَ
و اسرافیل و حبیب محمد صلی الله علیه و آله و فرشتگان
الْمُقَرَّبُونَ، وَأَنْبِيَآؤُكَ الْمُرْسَلُونَ، وَعِبَادُكَ الصَّالِحُونَ، مِنْ أَهْلِ
مقرب و پیمبران مرسلت و بندگان شایسته ات از اهل
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ ذُو الثُّنُونِ، إِذْ ذَهَبَ
آسمانها و زمینها و بدان نامت که یونس تو را بدان نام خواند در آن هنگام
مُغَاضِبًا فُظِّنَ أَنْ لَنْ تَقْدَرَ عَلَيْهِ، فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا
که خشمناک برفت و گمان داشت که بر او سخت نگیری پس ندا کرد در میان تاریکیها که معبودی جز تو نیست
أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَبَجَّيْتَهُ مِنَ الْعَمِّ،
منزهی تو و براستی من از ستمکاران هستم پس تو اجابتش کردی و از اندوه نجاتش دادی
وَكَذَلِكَ تُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ، وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ دَاوُدُ وَخَرَّ
و این چنین نجات دهی مؤمنان را و بدان نام عظیم که داود بدان نام تو را خواند و برایت
لَكَ سَاجِدًا، فَغَفَرْتَ لَهُ ذَنْبَهُ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ إِسِيَّةُ امْرَأَةً
به سجده افتاد پس گناهش آمرزیدی و بدان نامت که آسیه همسر
فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ، وَبَجِّنِي مِنْ
فرعون بدان نام تو را خواند و گفت: پروردگارا برای من نزد خود در بهشت خانه ای بنا کن و نجاتم ده از
فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ، وَبَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ، فَاسْتَجَبْتَ لَهَا دُعَائَهَا،
فرعون و کردارش و نجاتم ده از دست مردم ستمکار پس دعایش را اجابت کردی
وَبِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ أَيُّوبُ إِذْ حَلَّ بِهِ الْبَلَاءُ فَعَافَيْتَهُ وَآتَيْتَهُ أَهْلَهُ،

و بدان نامت که ایوب تو را بدان خواند در آن هنگام که بلا بر او نازل شد پس او را تندرست کرده و کسانش را به او

دادي

وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِكَ وَذِكْرِي لِلْعَابِدِينَ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي

و نظائرشان را نیز از رحمت خویش و پندی برای پرستش کنندگان و بدان نامت

دَعَاكَ بِهِ يَعْقُوبُ فَرَدَدْتَ عَلَيْهِ بَصَرَهُ، وَفُرَّةَ عَيْنِهِ يَوْسُفَ، وَجَمَعْتَ

که یعقوب تو را بدان نام خواند پس بینایش را و نور دیده اش یوسف را به او بازگرداندی

شَمْلَهُ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ سُلَيْمَانُ، فَوَهَبْتَ لَهُ مُلْكًا لَا يَنْبَغِي

و پریشانش را برطرف کردی و بدان نامت که سلیمان بدان تو را خواند پس بدو سلطنتی دادی که شایسته نبود

لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ، إِنَّكَ أَتَى الْوَهَّابُ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي سَخَّرْتَ بِهِ الْبَرَقَ

برای هیچکس پس از او و براسق تو پرخششی و بدان نامت که براق را

لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، إِذْ قَالَ تَعَالَى: سُبْحَانَ الَّذِي

برای محمد صلی الله علیه و آله مسخر کردی آنجا که فرمودی: «منزه است خدائی که

أَسْرَى بَعْدَهُ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى وَقَوْلُهُ

راه برد بنده اش را شبانه از مسجد الحرام تا مسجد اقصی» و گفتار دیگری :

سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ، وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا

«منزه است خدائی که مسخر کرد برای ما این را و گرنه ما نیروی تسخیرش را نداشتیم و ما بسوی پروردگارمان

لَمُنْقَلِبُونَ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي تَنَزَّلَ بِهِ جِبْرِيلُ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ

باز می گردیم» و بدان نامت که نازل می شد بوسیله آن جبرئیل بر محمد صلی الله

عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ آدَمُ، فَغَفَرْتَ لَهُ ذَنْبَهُ، وَأَسْكَنْتَهُ

علیه و آله و بدان نامت که خواند بدان نام تو را آدم پس گناهش آمرزیدی و در بهشت

جَنَّتَكَ، وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ،

جایش دادی و از تو خواهم به حق قرآن عظیم و به حق محمد خاتم پیامبران

وَبِحَقِّ إِبْرَاهِيمَ، وَبِحَقِّ فَصْلِكَ يَوْمَ الْقَضَاءِ، وَبِحَقِّ الْمَوَازِينِ إِذَا

و به حق ابراهیم و به حق جدا کردند حق و باطل را در روز داوری و به حق میزانشا هنگامی که

نُصِبَتْ، وَالصُّحُفِ إِذَا نُشِرَتْ، وَبِحَقِّ الْقَلَمِ وَمَا جَرَى، وَاللَّوْحِ وَمَا

نصب گردد و نامه‌ها آنگاه که گشوده شود و به حق قلم و آنچه بنویسد و لوح و آنچه
أَحْصَى، وَبِحَقِّ الْأَسْمِ الَّذِي كَتَبْتَهُ عَلَي سُرَادِقِ الْعَرْشِ قَبْلَ خَلْقِكَ
بشمارد و به حق آن نامت که نوشتی آنرا بر سراپرده‌های عرش پیش از آنکه خلق را
الْخَلْقِ وَالْذُّبْيَا، وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ بِالْفَيِّ عَامٍ، وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
بیافرینی و دنیا و خورشید و ماه را خلق فرمائی و گواهی دهم که معبودی جز خدای
وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ
یگانه نیست که شریکی ندارد و اینکه محمد بنده و رسول او است و از تو خواهم بدان نام
الْمَحْزُونِ فِي خَزَائِنِكَ، الَّذِي اسْتَأْثَرْتُ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ، لَمْ
محفوظ در خزینه‌هایت که مخصوص خود ساختی آنرا در علم غیب در نزد خویشتن
يُظْهَرُ عَلَيْهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ، لَا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ، وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ، وَلَا عَبْدٌ
و آگاه نشد بر آن هیچکس از خلق تو نه فرشته مقرب و نه پیامبر مرسل و نه بنده
مُصْطَفَى وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي شَقَقْتَ بِهِ الْبِحَارَ، وَقَامَتْ بِهِ الْجِبَالُ
برگزیده‌ای و از تو خواهم بدان نامت که شکافتی بدان دریاها را و برپا شد بدان کوهها
وَاحْتَلَفَ بِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، وَبِحَقِّ السَّبْعِ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ
و در رفت و آمد شد بدان شب و روز و به حق سوره مبارکه حمد و قرآن عظیم
وَبِحَقِّ الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ، وَبِحَقِّ طه و يس، وَكِهَيْصَ وَجَمْعَسَقَ،
و به حق نویسندگان ارجمندت و به حق طه و يس و كهيعص و جمعسق
وَبِحَقِّ تَوْرَةِ مُوسَى وَانْجِيلِ عِيسَى، وَزَبُورِ دَاوُدَ، وَفُرْقَانِ مُحَمَّدٍ
و به حق تورات موسی و انجیل عیسی و زبور داود و قرآن محمد
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَعَلَي جَمِيعِ الرُّسُلِ، وَبَاهِيَا شَرَاهِيَا، اللَّهُمَّ إِنِّي
که درود تو بر او و آتش و بر جمیع رسولان باد و به حق آهی و شراهی (که دو نام اعظم یا نام دو تن از بزرگان دین
است) خدایا

أَسْأَلُكَ بِحَقِّ تِلْكَ الْمُنَاجَاتِ الَّتِي كَانَتْ بَيْنَكَ وَبَيْنَ مُوسَى بْنِ

از تو خواهم به حق آن مناجاتی که میان تو و موسی بن

عِمْرَانَ، فَوْقَ جَبَلِ طَوْرٍ سَيْنَاءَ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي عَلَّمْتَهُ مَلَكَ

عمران در بالاي کوه طور سيناء گذشت و از تو خواهم به آن نامت که آن را براي گرفتن
الْمَوْتِ لِقَبْضِ الْأَرْوَاحِ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي كُتِبَ عَلَي وَرَقِ
جانها به ملك الموت ياد دادي و از تو خواهم بدان نامت که نوشته شد به برگ
الزَيْتُونِ فَخَضَعَتِ الثَّيْرَانُ لِتِلْكَ الْوَرَقَةِ، فَقُلْتَ يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا
زيتون و آتشنا در مقابل آن نام فروتن گشت و فرمودي «اي آتش سرد
وَسَلَامًا، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي كَتَبْتَهُ عَلَي سُرَادِقِ الْمَجْدِ وَالْكَرَامَةِ،
و سلامت باش» و از تو خواهم بدان نامت که نوشتی آنرا بر سراپرده‌هاي مجد و کرامت
يَا مَنْ لَا يُخْفِيهِ سَائِلٌ، وَلَا يَنْقُصُهُ نَائِلٌ، يَا مَنْ بِهِ يُسْتَعَاثُ وَالْيَهُ
اي که درمانده‌اش نکند سائلي و نکاهدش دادن جايزه‌اي، اي که به او استغاثه شود و
يُلْجَأُ، أَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ، وَمُنْتَهَيِ الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ،
به او پناه برند از تو خواهم به حق آنچه موجب عزت عرشت گشته و به آخرين حد نهايي رحمت از کتاب تو
وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ وَجَدَّكَ الْأَعْلَى، وَكَلِمَاتِكَ الثَّامَاتِ الْعُلَى، اَللَّهُمَّ
و به اسم اعظمت و مقام والاترت و کلمات کامله و والايت خدايا
رَبَّ الرِّيَّاحِ وَمَا ذَرَتْ، وَالسَّمَاءِ وَمَا أَظَلَّتْ، وَالْأَرْضِ وَمَا أَقَلَّتْ،
اي پروردگار باده‌ها و آنچه پراکنده کنند و پروردگار آسمان و آنچه را سايه کنند و پروردگار زمين و آنچه برخود دارد
وَالشَّيَاطِينِ وَمَا أَضَلَّتْ، وَالْبَحَارِ وَمَا جَرَتْ، وَبِحَقِّ كُلِّ حَقٍّ هُوَ عَلَيْكَ
و پروردگار شياطين و آنچه را گمراه کنند و درياها و آنچه را همراه برند و به حق هر حقي که بر تو است
حَقٌّ، وَبِحَقِّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ، وَالرُّوحَانِيِّينَ وَالْكَرَوِيِّينَ،
و به حق فرشتگان مقرب و روحانيان و کرويان
وَالْمُسَبِّحِينَ لَكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَا يَفْتُرُونَ، وَبِحَقِّ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ،
و آنانکه تسبيحت کنند به شب و روز بی آنکه سستی کنند و به حق ابراهيم خليل تو
وَبِحَقِّ كُلِّ وَلِيٍّ يُنَادِيكَ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ، وَتَسْتَجِيبُ لَهُ دُعَاءَهُ، يَا
و به حق هر ولی و دوستی که تو را در میان صفا و مروه صدا زند و دعایش را به اجابت رسانی اي
مُجِيبُ أَسْأَلِكَ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ، وَبِهَذِهِ الدَّعَوَاتِ، أَنْ تَغْفِرَ لَنَا مَا
اجابت کننده از تو خواهم به حق اين نامها و به اين دعاها که بيامرزي آنچه از

قَدَّمْنَا وَمَا أَخْرَنَّا، وَمَا أَسْرَرْنَا وَمَا أَعْلَنَّا، وَمَا أَبْدَيْنَا وَمَا أَخْفَيْنَا، وَمَا
گناهان که از پیش داشته و از این پس داریم و آنچه پنهان کرده و آنچه را آشکار کردیم و آنچه را ظاهر کرده و آنچه را
مخفی کردیم و

أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مَثًّا، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
و آنچه را تو بدان آگاهتری از ما که براسستی تو بر هر چیز توانائی به رحمت ای مهربانترین
الرَّاحِمِينَ، يَا حَافِظَ كُلِّ غَرِيبٍ، يَا مُؤَسِّ كُلِّ وَحِيدٍ يَا قُوَّةَ كُلِّ
مهربانان ای نگهدار هر غریب ای همدم هر تنها ای نیروی هر
ضَعِيفٍ، يَا نَاصِرَ كُلِّ مَظْلُومٍ، يَا رَازِقَ كُلِّ مَحْرُومٍ يَا مُؤَسِّ كُلِّ
ناتوان ای یاور هر ستمدیده ای روزی ده هر محروم ای مؤسس هر
مُسْتَوْحِشٍ، يَا صَاحِبَ كُلِّ مُسَافِرٍ، يَا عِمَادَ كُلِّ حَاضِرٍ، يَا غَافِرَ كُلِّ
وحشت زده ای همراه هر مسافر ای تکیه‌گاه هر حاضر در وطن ای آمرزنده هر
ذَنْبٍ وَخَطِيئَةٍ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، يَا صَرِيخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ، يَا
گناه و خطای ای فریادرس فریادخواهان ای دادرس دادخواهان ای
كَاشِفَ كَرْبِ الْمَكْرُوبِينَ، يَا فَارِجَ هَمِّ الْمَهْمُومِينَ، يَا بَدِيعَ
برطرف کننده محنت محنت‌زدگان ای غمزدای غمزدگان ای پدید آورنده
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ، يَا مُنْتَهَى غَايَةِ الطَّالِبِينَ، يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ
آسمانها و زمینها ای منتهای مقصود جویندگان ای اجابت کننده دعای
الْمُضْطَرِّينَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، يَا دَيَّانَ يَوْمِ الدِّينِ،
درماندگان ای مهربانترین مهربانان ای پروردگار جهانیان ای جزا دهنده روز جزا
يَا أَجُودَ الْإِجْوَدِينَ، يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ، يَا أَسْمَعَ السَّمَاعِينَ، يَا أَبْصَرَ
ای بخشنده‌ترین بخشنندگان ای با کرمترین کریمان ای شنواترین شنوایان ای بیناترین
النَّاطِرِينَ، يَا أَقْدَرَ الْقَادِرِينَ، اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّعَمَ،
بینایان ای قادرترین قدرتمندان بیامرز از من آن گناهای را که نعمتها را تغییر دهد
وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَوْرِثُ النَّدَمَ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي
و بیامرز از من گناهای را که پشیمانی به بار آورد و بیامرز از من گناهای را که

تَوَرِّثُ السَّقَمَ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصَمَ، وَاغْفِرْ لِي
موجب بیماریها گردد و بیمارز از من گناهای را که پرده‌ها بدرد و بیمارز از من
الذُّنُوبَ الَّتِي تَرُدُّ الدُّعَاءَ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ قَطْرَ
گناهای را که دعا را باز گرداند و بیمارز از من گناهای را که باران را از
السَّمَاءِ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ
آسمان جلوگیری کند و بیمارز از من گناهای را که شتاب در نابودی کند و بیمارز از من گناهای را
الَّتِي تَجْلِبُ الشَّقَاءَ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُظْلِمُ الْهُوَاءَ، وَاغْفِرْ لِي
که بدبختی آرد و بیمارز از من گناهای که هوا را تاریک کند و بیمارز از من
الذُّنُوبَ الَّتِي تُكْشِفُ الْغَطَاءَ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي لَا يَغْفِرُهَا
گناهای را که پرده را بالا زند و بیمارز از من گناهای را که جز تو کسی آنها را نیامرزد
غَيْرُكَ يَا اللَّهُ، وَاحْمِلْ عَنِّي كُلَّ تَبِعَةٍ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ، وَاجْعَلْ لِي مِنْ
ای خدا و بردار از دوش من هر حقی که از یکی از خلق تو بر گردن من است و قرار ده برای من در
أَمْرِي فَرَجاً وَمَخْرَجاً وَيُسْراً، وَأَنْزِلْ يَقِينَكَ فِي صَدْرِي، وَرَجَاءَكَ
کارم گشایش و آسانی و وسیله بیرون آمدنی و فرود آر یقینت را در سینه‌ام و امیدت را
فِي قَلْبِي، حَتَّى لَا أَرْجُو غَيْرَكَ، اَللَّهُمَّ احْفَظْنِي وَعَافِنِي فِي مَقَامِي،
در دلم تا امیدی به کسی جز تو نداشته باشم خدایا مرا حفظ کن و عافیتم ده در جایگاهم
وَاصْحَبْنِي فِي لَيْلِي وَنَهَارِي، وَمِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَمِنْ خَلْفِي، وَعَنْ
و همراه من باش در شب و روزم و از پیش رو و پشت سرم و از
يَمِينِي وَعَنْ شِمَالِي، وَمِنْ فَوْقِي وَمِنْ تَحْتِي، وَيَسِّرْ لِي السَّبِيلَ،
راست و چپم و از بالای سر و زیر پایم و راه را بر من هموار کن
وَاحْسِنْ لِي التَّيْسِيرَ، وَلَا تَخْذَلْنِي فِي الْعَسِيرِ، وَاهْدِنِي يَا خَيْرَ دَلِيلٍ،
و آسانی خوشی برایم پیش آور و در دشواریها خوارم مکن و راهنمائی کن ای بهترین راهنما
وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي فِي الْأُمُورِ، وَلَقِّنِي كُلَّ سُرُورٍ، وَأَقْلِبْنِي إِلَى
و در کارها مرا به خودم وامگذار و هر سرور و خوشحالی را به دلم انداز و بازگردان مرا بسوی
أَهْلِي بِالْفَلَاحِ، وَالتَّجَاحِ، مَحْبُوراً فِي الْعَاجِلِ وَالْأَجَلِ، إِنَّكَ عَلَيَّ

خانواده‌ام به رستگاری و کامیابی و آراسته به شادکامی در دنیا و آخرت که براستی تو
كُلْشَيْءٍ قَدِيرٌ، وَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ، وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ طَيِّبَاتِ رِزْقِكَ،
بر هر چیز توانائی و از فضل خویش روزیم کن و فراخ گردان بر من از روزیهای پاکیزه‌ات
وَاسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ، وَاجِرْنِي مِنْ عَذَابِكَ وَنَارِكَ، وَأَقْبِلْنِي إِذَا
و وادارم کن به انجام طاعتت و پناهم ده از عذاب و آتش دوزخت و بگردانم به رحمت خود
تَوَفِّئْنِي إِلَى جَنَّتِكَ بِرَحْمَتِكَ، اَللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ،
هنگامی که مرا از این جهان بیرون بری بسوی بهشتت خدایا به تو پناه برم از زوال نعمت
وَمِنْ تَحْوِيلِ عَاقِبَتِكَ، وَمِنْ حُلُولِ بَقِيَّتِكَ، وَمِنْ نُزُولِ عَذَابِكَ،
و از تغییر یافتن عاقبتت و از آمدن عقوبتت و از نازل شدن عذابت
وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ جَهْدِ الْبَلَاءِ، وَدَرَكِ الشَّقَاءِ، وَمِنْ سُوءِ الْقَضَاءِ
و به تو پناه برم از سختی بلاء و گرفتاری و رسیدن بدبختی و از تقدیر بد
وَسَمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ، وَمِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ، وَمِنْ شَرِّ مَا فِي
و شمات دشمنان و از شر آنچه از آسمان فرود آید و از شر آنچه در
الْكِتَابِ الْمُنَزَّلِ، اَللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْأَشْرَارِ، وَلَا مِنْ أَصْحَابِ
کتاب منزل خود (قرآن) بیان فرموده‌ای خدایا مرا از اشرار و از اهل دوزخ قرارم
النَّارِ، وَلَا تَحْرِمْنِي صُحْبَةَ الْأَخْيَارِ، وَأَخِيْنِي حَيَوَةَ طَيِّبَةً، وَتَوَفِّئْنِي
مده و از مصاحبت نیکان محروم مفرما و به زندگی پاکیزه زنده‌ام بدار و به مرگ
وَفَاةً طَيِّبَةً تُلْحِقُنِي بِالْأَبْرَارِ، وَارْزُقْنِي مُرَافَقَةَ الْأَنْبِيَاءِ فِي مَقْعَدِ
پاکیزه‌ای میرانم که به نیکان ملحقم داری و رفاقت پیمبران را روزیم گردانی در جایگاه
صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُقْتَدِرٍ، اَللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ حُسْنِ بَلَائِكَ
پسندیده نزد پادشاهی نیرومند خدایا از آن تو است ستایش بر خوش آزمایشی
وَصُنْعِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ الْإِسْلَامِ وَاتِّبَاعِ السُّنَّةِ، يَا رَبِّ كَمَا
و خوش رفتاریت و تو را است ستایش بر نعمت دین اسلام و پیروی طریقه (پیمبران) پروردگارا چنانچه
هَدَيْتَهُمْ لِدِينِكَ، وَعَلَّمْتَهُمْ كِتَابَكَ، فَاهْدِنَا وَعَلِّمْنَا، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ

آن پیمبران را به دین خود راهنمایی کردی و کتاب خود را به آنان یاد دادی ما را نیز هدایت کرده و یادمان ده و تو را است

حُسْنِ بِلَاثِكَ وَصُنْعِكَ، عِنْدِي خَاصَّةً كَمَا خَلَقْتَنِي فَأَحْسُنْتَ خَلْقِي،

ستایش بر خصوص آزمایش و رفتار نیکت درباره شخص من که مرا آفریدی و خلقتم را نیکو کردی

وَعَلَّمْتَنِي فَأَحْسُنْتَ تَعْلِيمِي، وَهَدَيْتَنِي فَأَحْسُنْتَ هِدَايَتِي، فَلَكَ

و یادم دادی و نیکو یاد دادی و هدایتیم کردی و نیکو هدایت کردی پس تو را است

الْحَمْدُ عَلَيِ اِئْعَامِكَ عَلَيَّ قَدِيماً وَحَدِيثاً، فَكَمْ مِنْ كَرْبٍ يَا سَيِّدِي

ستایش بر نعمت بخشیت نسبت به من از زمان قدیم و جدید پس چه بسیار محنتی که ای آقای من

قَدْ فَرَجْتَهُ، وَكَمْ مِنْ غَمٍّ يَا سَيِّدِي قَدْ نَفَسْتَهُ، وَكَمْ مِنْ هَمٍّ يَا سَيِّدِي قَدْ

تو آن را گشود و چه بسیار اندوهی که ای آقای من تو آن را زدودی و چه بسیار غم و غصه ای که ای آقای من تو آنرا

كَشَفْتَهُ، وَكَمْ مِنْ بَلَاءٍ يَا سَيِّدِي قَدْ صَرَفْتَهُ، وَكَمْ مِنْ عَيْبٍ يَا سَيِّدِي

برطرف کردی و چه بسیار بلا و گرفتاری ای آقای من که تو آن را باز گرداندی و چه بسیار عیبی ای آقای من

قَدْ سَتَرْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَي كُلِّ حَالٍ، فِي كُلِّ مَوْتٍ وَزَمَانٍ، وَمُنْقَلَبٍ

که تو آنرا پوشاندی پس تو را است ستایش بر هر حال و در هر جا و هر زمان و هر منزل

وَمَقَامٍ، وَعَلَي هَذِهِ الْحَالِ وَكُلِّ حَالٍ، اَللّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ اَفْضَلِ عِبَادِكَ

و هر مقام و بر این حال و هر حال خدا یا قرار ده مرا از بهترین بندگان

نَصِيْباً فِي هَذَا الْيَوْمِ مِنْ خَيْرِ تَقْسِمِهِ، اَوْ ضُرٍّ تَكْشِفُهُ، اَوْ سُوءٍ تَصْرِفُهُ،

در بهره مندی این روز از هر خیری که قسمت کنی یا گرفتاری که برطرف کنی یا بدی که بازش گردانی

اَوْ بَلَاءٍ تَدْفَعُهُ، اَوْ خَيْرٍ تَسُوْقُهُ، اَوْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا اَوْ عَافِيَةٍ تُلْبِسُهَا،

یا بلائی که دفعش کنی یا خیری که بفرستی یا رحمتی که بگسترانی یا جامه تندرستی که بپوشانی

فَاِنَّكَ عَلَي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَيَبْدِكَ خَزَائِنُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَأَنْتَ

که برستی تو بر هر چیز توانائی و خزینه های آسمانها و زمین بدست تو است و تویی

الْوَاحِدُ الْكَرِيمُ الْمُعْطِي الَّذِي لَا يَرُدُّ سَأْلَهُ، وَلَا يُخَيِّبُ أَمْلَهُ، وَلَا

خدای یگانه بزرگوار عطا بخشی که خواهنده اش دست خالی بازنگردد و آرزومندش ناامید نشود و

يُنْقُصُ نَائِلُهُ، وَلَا يُنْقَدُ مَا عِنْدَهُ بَلْ يَزِدَادُ كَثْرَةً وَطَيِّبًا، وَعَطَاءً وَجُودًا،

عطاهايش نقصان نپذيرد و خزينه‌اش پايان ندارد بلکه همواره به زيادي و پاكي‌گي و عطا و جودش

وَارْزُقْنِي مِنْ خَزَائِنِكَ الَّتِي لَا تَفْنَى، وَمِنْ رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ، إِنَّ عَطَاكَ لَمْ

بيفزاید و روزيم کن از خزينه‌هايت که فنا نپذيرد و از رحمت وسيعت که براستی عطايت تو از

يَكُنْ مَحْظُورًا، وَأَنْتَ عَلَيَّ كُلِّشَيْءٍ قَدِيرٌ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

کسي منع نشده و تو بر هر چيز توانائي به رحمت اي مهربانترين مهربانان

* دويم بخواند آن هزار مرتبه [به نقل کفعمي] تسبيحات عشر را که سيّد ذکر فرموده و بيايد در اعمال روز عرفه سيم بخواند دعاء اللّٰهُمَّ مَنْ تَعَبًا وَ تَهَيَّأَ رَا که در روز عرفه و شب و روز جمعه نيز وارد است و گذشت ذکر آن در اعمال شب جمعه چهارم زيارت کند امام حسين عليه السلام و زمين کربلا را و بماند در آنجا تا روز عيد تا آنکه از شرّ آن سال نگاه داشته شود روز نهم روز عرفه و از اعياد عظيمه است اگرچه به اسم عيد ناميده نشده است و روزي است که حق تعالی بندگان خویش را به عبادت و طاعت خود خوانده و موائد جود و احسان خود را براي ايشان گسترانیده و شيطان در اين روز خوار و حقيرتر و رانده‌تر و خشناکترين اوقات خواهد بود و روايت شده که حضرت امام زين العابدين عليه السلام شنيد در روز عرفه صدای سائلي را که از مردم سؤال مي‌نمود فرمود به او واي بر تو آيا از غير خدا سؤال مي‌کنی در اين روز و حال آنکه اميد مي‌رود در اين روز براي بچه‌هاي در شکم آنکه فضل خدا شامل آنها شود و سعيد شوند و از براي اين روز اعمال چند است اول غسل دويم زيارت امام حسين عليه السلام که مقابل هزار حجّ و هزار عمره و هزار جهاد بلکه بالاتر است و احاديث در کثرت فضيلت زيارت آن حضرت در اين روز متواتر است و اگر کسي توفيق يابد که در اين روز در تحت قُبّه مقدّسه آن حضرت باشد ثوابش کمتر از کسي که در عرفات باشد نيست بلکه زياده و مقدّم است و کيفيّت زيارت آن حضرت بعد از اين در باب زيارت بيايد انشاء الله تعالی سيم بعد از نماز عصر پيش از آنکه مشغول بخواندن دعاهاي عرفه شود دو رکعت نماز بجا آورد در زير آسمان و اعتراف و اقرار کند نزد حق تعالی به گناهان خود تا فايز شود به ثواب عرفات و گناهانش آمرزيده گردد پس مشغول شود به اعمال و ادعيه عرفه که از حُجَج طَاهِرِهِ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِم روايت شده و آنها زياده از آن است که در اين مختصر ذکر شود لکن ما به مقداري که اين کتاب گنجایش آن را داشته باشد نقل مي‌کنيم شيخ کفعمي در مصباح فرموده مستحب است روزه روز عرفه براي کسي که ضعف پيدا نکند از دعا خواندن و مستحب است غسل پيش از زوال و زيارت امام حسين عليه السلام در روز و شب عرفه و چون وقت زوال شد زير آسمان رَوَد و نماز ظهر و عصر را با رکوع و سجود نيکو به عمل آورد و چون فارغ شود دو رکعت نماز کند در رکعت اوّل بعد از حمد توحيد و در دويم بعد از حمد قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ بخواند بعد از آن

چهار رکعت نماز گذارد در هر رکعت بعد از حمد توحید پنجاه مرتبه بخواند فقیر گوید که این نماز همان نماز حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است که در اعمال روز جمعه گذشت پس فرموده بخوان این تسبیحات را که مروی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله است و سید بن طاووس در اقبال ذکر فرموده :

سُبْحَانَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ عَرْشُهُ، سُبْحَانَ الَّذِي فِي الْأَرْضِ حُكْمُهُ،

منزه است خدایی که در آسمان است عرش او منزه است خدایی که در زمین است فرمان و حکمش

سُبْحَانَ الَّذِي فِي الْقُبُورِ قَضَاؤُهُ، سُبْحَانَ الَّذِي فِي الْبَحْرِ سَبِيلُهُ،

منزه است خدایی که در گورها قضا و فرمانش جاری است منزه است خدایی که در دریا راه دارد

سُبْحَانَ الَّذِي فِي النَّارِ سُلْطَانُهُ، سُبْحَانَ الَّذِي فِي الْجَنَّةِ رَحْمَتُهُ،

منزه است خدایی که در آتش دوزخ سلطنتش موجود است منزه است خدایی که در بهشت رحمت او است

سُبْحَانَ الَّذِي فِي الْقِيَمَةِ عَدْلُهُ، سُبْحَانَ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاءَ، سُبْحَانَ

منزه است خدایی که در قیامت عدل و دادش برپا است منزه است خدایی که آسمان را بالا برد منزه است خدایی

الَّذِي بَسَطَ الْأَرْضَ، سُبْحَانَ الَّذِي لَا مَلْجَأَ وَلَا مُنْجَا مِنْهُ إِلَّا إِلَيْهِ. پس

که زمین را گسترده منزه است خدایی که ملجا و پناهی از او نیست جز بسوی خودش * *

بگو سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ صد مرتبه و بخوان

* * منزه است خدا و حمد از آن خدا است و معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگتر از توصیف است * * *

* * *

توحید صد مرتبه و آیه الکرسی صد مرتبه و صلوات بر محمد و آل محمد صد مرتبه و بگو :

* * * * *
* * * * *

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ،

معبودی جز خدا نیست یگانه‌ای که شریک ندارد پادشاهی خاص او است و از آن او است حمد زنده کند و بمیراند

وَيُمِيتُ وَيُحْيِي، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلِيُّ كُلِّ شَيْءٍ

و بمیراند و زنده کند و او است زنده‌ای که نمیرد هر چه خیر است بدست او است و او بر هر چیز

قَدِيرٌ ده مرتبه اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ

توانا است × × × آمرزش خواهم از خدایی که معبود محقی جز او نیست که زنده و پاینده است

إِلَيْهِ ده مرتبه یا اللَّهُ ده مرتبه یا رَحْمَنُ ده مرتبه یا رَحِيمُ ده مرتبه یا بَدِيعُ

و بسویش توبه کنم × × × × ای خدا × × × × ای بخشاینده × × × × ای مهربان × × × × ای پدیدآورنده

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ده مرتبه یا حَيُّ یا قَيُّوْمُ ده

آسمانها و زمین ای صاحب جلالت و بزرگواری × × × × ای زنده و ای پاینده *

مرتبه یا حَنَّانُ یا مَنَّانُ ده مرتبه یا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ده مرتبه امین ده مرتبه

* * ای پر عطا ای پر نعمت × × × × ای که معبودی جز تو نیست × × × × اجابت کن * * * *

پس بگو اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ يَا مَنْ هُوَ اَقْرَبُ اِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرْدِ، یا

* * * * خدا یا از تو خواهم ای کسی که او نزدیکتر است به من از رگ گردن ای

مَنْ يَحْوِلُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ، یا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْاَعْلٰی وَبِالْاَفْقِ

که حائل شود میان انسان و دلش ای که او در دیدگاه اعلی است و در افق

المُبِينِ، یا مَنْ هُوَ الرَّحْمَنُ عَلَيَّ الْعَرْشِ اسْتَوٰی، یا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ

آشکاری است ای که او بخشاینده است و بر عرش استیلا دارد ای که نیست مانندش

شَيْءٌ، وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ، اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

چیزی و او شنوا و بینا است از تو خواهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد

و بخواه حاجت خود را که بر آورده خواهد شد انشاء الله تعالی پس بخوان این صَلَوَات را که از حضرت صادق علیه

السلام منقول است که هر که بخواد مسرور کند محمد و آل محمد علیهم السلام را در صَلَوَات بر ایشان بگوید :

اَللّٰهُمَّ يَا اَجْوَدَ مَنْ اَعْطٰی، وَيَا خَيْرَ مَنْ سِئِلَ،

خدایا ای بخشنده ترین عطا بخشان و ای بهترین درخواست شدگان

وَيَا اَرْحَمَ مَنْ اسْتَرْحِمَ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي

و ای مهربانترین کسی که از او مهربانی جویند خدایا درود فرست بر محمد و آلش در

الْاَوَّلَيْنِ، وَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الْاٰخِرَيْنِ، وَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ

زمره پیشینیان و درود فرست بر محمد و آلش در زمره پسینیان و درود فرست بر محمد

وَآلِهِ فِي الْمَلَاِ الْاَعْلٰی، وَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الْمُرْسَلَيْنِ،

و آلش در ساکنین عالم بالا و درود فرست بر محمد و آلش در زمره مرسلین

اَللّٰهُمَّ اَعْطِ مُحَمَّدًا وَآلَهُ الْوَسِيْلَةَ وَالْفَضِيْلَةَ، وَالشَّرَفَ وَالرَّفْعَةَ

خدایا عطا کن به محمد و آلش مقام وسیله و فضیلت و شرف و رفعت

وَالدَّرَجَةَ الْكُبْرَى، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَمَنْتُ بِمُحَمَّدٍ صَلَّيَ اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ

و درجه بلند خدايا من ايمان آوردم به محمد صلي الله عليه و آله

وَلَمْ اَرَهُ، فَلَا تَحْرِمْنِيْ فِي الْقِيَمَةِ رُؤْيَتَهُ، وَاَرْزُقْنِيْ صُحْبَتَهُ، وَتَوَفَّنِيْ

با اينكه او را ندیده‌ام پس در روز قيامت از دیدارش محروم مفرما و مصاحبت و همنشینی او را روزیم فرما

عَلَيَّ مِلَّتِهِ، وَاَسْقِنِيْ مِنْ حَوْضِهِ مَشْرَبًا رَوِيًّا سَائِعًا هَنِيئًا، لَا اَظْمَأُ

و بر کیش او بمیرانم و بنوشانم از حوض او (حوض کوثر) نوشاندنی سیراب و جانبخش و گوارا که

بَعْدَهُ اَبَدًا، اِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَمَنْتُ بِمُحَمَّدٍ صَلَّيَ

پس از آن هرگز تشنه نشوم که براستی تو بر هرچیز توانایی خدايا من ايمان آورده‌ام به محمد صلي

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَلَمْ اَرَهُ، فَعَرَّفْنِيْ فِي الْجَنَّةِ وَجْهَهُ، اَللّٰهُمَّ بَلِّغْ مُحَمَّدًا

الله عليه و آله و او را ندیده‌ام پس در بهشت رویش را به من نشان ده خدايا برسان به محمد

صَلَّيَ اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ، مِتِّيْ تَحِيَّةً كَثِيْرَةً وَسَلَامًا پَسْ بِخَوَانِ دَعَاءِ اُمِّ دَاوُدَ رَا كِه

صلي الله عليه و آله از جانب من تحیتی بسیار و سلامی * * * * *

* * * * *

ذکر آن در اعمال ماه رجب گذشت پس بگو این تسبیح را که ثواب آن احصاء نمی‌شود از کثرت و ما به جهت

* * * * *

* * * * *

اختصار ترك کردیم ذکر آنرا و آن تسبیح این است: سُبْحَانَ اللّٰهِ قَبْلَ كُلِّ اَحَدٍ، وَسُبْحَانَ اللّٰهِ

* * * * * منزه باد خدا پیش از

هر کس و منزه باد خدا

بَعْدَ كُلِّ اَحَدٍ، وَسُبْحَانَ اللّٰهِ مَعَ كُلِّ اَحَدٍ، وَسُبْحَانَ اللّٰهِ يَبْقَى رَبُّنَا وَيَفْنَى

پس از هرکس و منزه باد خدا با هرکس و منزه باد خدا که باقی ماند پروردگار ما و فانی شود

كُلُّ اَحَدٍ، وَسُبْحَانَ اللّٰهِ تَسْبِيْحًا يَفْضَلُ تَسْبِيْحِ الْمُسَبِّحِيْنَ فَضْلًا كَثِيْرًا، قَبْلَ

هرکس و منزه باد خدا تنزیهی که فزونی گیرد بر تسبیح تسبیح گویان فزونی بسیاری پیش از هرکس

كُلُّ اَحَدٍ، وَسُبْحَانَ اللّٰهِ تَسْبِيْحًا يَفْضَلُ تَسْبِيْحِ الْمُسَبِّحِيْنَ فَضْلًا كَثِيْرًا

و منزه باد خدا تنزیهی که فزونی گیرد بر تسبیح تسبیح گویان فزونی بسیاری

بَعْدَ كُلِّ اَحَدٍ، وَسُبْحَانَ اللّٰهِ تَسْبِيْحًا يَفْضَلُ تَسْبِيْحِ الْمُسَبِّحِيْنَ فَضْلًا

سُبْحَانَ اللَّهِ، اللَّهُ أَكْبَرُ می گوئی پس می خوانی دعای: اَللّٰهُمَّ مِنْ تَعَبًا وَتَهَيَّأْ رَاكِه

* * * * * خدا بزرگتر است از توصیف * * * * *

در اعمال شب جمعه گذشت پس بخوان دعاء علي بن الحسين عليه السلام را که شيخ طوسي در مصباح المتهجد ذکر فرموده **اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اللّٰهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ**، مؤلف گوید که این دعا چون دعای در مَوْقِفِ عَرَقات بود بعلاوه هم بسیار طولانی بود ما ذکر نمودیم و بخوان نیز در این روز با خشوع و رِقَّت دعای آن حضرت که در صحیفه کامله است و آن دعای چهل و هفتم است و مشتمل است بر جمیع مطالب دنیا و آخرت **صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَي مُنْشِيهَا** و از جمله دعاهاي مشهور این روز دعای حضرت سید الشهداء علیه السلام است بشر و بشیر پسران غالب اَسَدِي روایت کرده اند که پسین روز عَرَفَه در عرفات در خدمت آن حضرت بودیم پس از خیمه خود بیرون آمدند با گروهی از اهل بیت و فرزندان و شیعیان با نهایت تَذَلُّ و خشوع پس در جانب چپ کوه ایستادند و روی مبارک را بسوی کعبه گردانیدند و دستها را برابر رو برداشتند مانند مسکینی که طعام طلبد و این دعا را خواندند :

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ، وَلَا لِعَطَائِهِ مَانِعٌ، وَلَا كَصُنْعِهِ

ستایش خاص خدایی است که نیست برای قضا و حکمش جلوگیری و نه برای عطا و بخششش مانعی و نه مانند ساخته اش

صُنْعُ صَانِعٍ، وَهُوَ الْجَوَادُ الْوَاسِعُ، فَطَرَ أَجْنَاسَ الْبَدَائِعِ، وَأَثَنَ

ساخته هیچ سازنده ای و او است بخشنده وسعت ده که آفرید انواع گوناگون پدیده ها را و

بِحِكْمَتِهِ الصَّنَاعِ، لَا تَخْفِي عَلَيْهِ الطَّلَايِعُ، وَلَا تَضِيعُ عِنْدَهُ الْوَدَائِعُ،

به حکمت خویش محکم ساخت مصنوعات را طلایه ها (ای عالم وجود) بر او مخفی نیست و امانتها در نزد او ضایع نشود

جَازِي كُلِّ صَانِعٍ، وَرَائِشُ كُلِّ قَانِعٍ، وَرَاحِمُ كُلِّ ضَارِعٍ، وَمُنْزِلُ

پاداش دهنده عمل هر سازنده و سامان دهنده زندگی هر قناعت پیشه و مهربان نسبت به هر نالان، فروفرستنده

الْمَنَافِعِ، وَالْكِتَابِ الْجَامِعِ بِالْثَوْرِ السَّاطِعِ، وَهُوَ لِلدَّعَوَاتِ سَامِعٌ،

هر سود و بهره و آن کتاب جامع با ثور الساطع، و هو للدعوات سامع،

وَلِلْكَرْبَاتِ دَافِعٌ، وَلِلدَّرَجَاتِ رَافِعٌ، وَلِلْجَبَابِرَةِ قَامِعٌ، فَلَا إِلَهَ غَيْرُهُ وَلَا

و گرفتاریها را برطرف کند و درجات را بالا برد و گردنکشان را ریشه کن سازد پس معبودی جز او نیست و

شَيْءٌ يَعْدِلُهُ وَلَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ، اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ،

چیزی با او برابری نکند و چیزی همانندش نیست و او شنوا است و بینا و دقیق و آگاه

وَهُوَ عَلَيَّ كَلِّشِيْءٍ قَدِيرٌ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَرْغَبُ اِلَيْكَ، وَاَشْهَدُ بِالرُّبُوْبِيَّةِ لَكَ،

و او بر هر چیز توانا است خدایا من بسوی تو اشتیاق دارم و به پروردگاری تو گواهی دهم

مُقِرّاً بِاَنَّكَ رَبِّيْ، وَ اِلَيْكَ مَرَدِّيْ، اِبْتَدَأْتَنِيْ بِنِعْمَتِكَ قَبْلَ اَنْ اَكُوْنَ

اقرار دارم به اینکه تو پروردگار منی و بسوی تو است بازگشت من آغاز کردی وجود مرا به رحمت خود پیش از آنکه باشم

شَيْئاً مَّذْكُوراً، وَ خَلَقْتَنِيْ مِنَ التُّرَابِ، ثُمَّ اَسْكَنْتَنِيْ الْاَصْلَابَ، اَمِناً

چیز قابل ذکر و مرا از خاک آفریدی آنگاه در میان صلیبها جایم دادی و ایمن ساختی

لِرَيْبِ الْمُنُونِ، وَ اخْتِلَافِ الدُّهُورِ وَالسِّنِّينَ، فَلَمْ اَزَلْ طَاعِناً مِنْ

از حوادث زمانه و تغییرات روزگار و سالها و همچنان همواره از

صُلْبِ اِلَى رَحِمٍ فِي تَقَادُومِ مِنَ الْاَيَّامِ الْمَاضِيَةِ، وَالْقُرُونِ الْخَالِيَةِ، لَمْ

صلبی به رحمی کوچ کردم در ایام قدیم و گذشته و قرنهای پیشین

تُخْرِجَنِيْ لِرَافَتِكَ بِيْ وَلُطْفِكَ لِيْ وَ اِحْسَانِكَ اِلَيَّ، فِي دَوْلَةِ اَئِمَّةٍ

و از روی مهر و رأفتی که به من داشتی و احسانت نسبت به من مرا به جهان نیاوردی در دوران حکومت پیشوایان

الْكُفْرِ الَّذِيْنَ تَقْضُوْا عَهْدَكَ، وَ كَذَبُوْا رُسُلَكَ، لَكِنَّكَ اَخْرَجْتَنِيْ لِلَّذِيْ

کفر آنان که پیمان تو را شکستند و فرستادگانت را تکذیب کردند ولی در زمانی مرا بدنیا آوردی که

سَبَقَ لِيْ مِنَ الْهُدٰى الَّذِيْ لَهُ يَسْرَتِيْ، وَ فِيْهِ اَشْأَتِيْ، وَمِنْ قَبْلِ ذَلِكَ

پیش از آن در علمت گذشته بود از هدایتی که اسبابش را برایم مهیا فرمودی و در آن مرا نشو و نما دادی و پیش از

رَوْفَتِ بِيْ بِجَمِيْلِ صُنْعِكَ، وَ سَوَابِغِ نِعْمِكَ، فَابْتَدَعْتَ خَلْقِيْ مِنْ مَنِيْ

این نیز به من مهر و ورزیدی بوسیله رفتار نیکویت و نعمتهای شایانت که پدید آوردی خلقت مرا از منی

يُمْنِيْ، وَ اَسْكَنْتَنِيْ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ بَيْنَ لَحْمٍ وَ دَمٍ وَ جِلْدٍ، لَمْ

ریخته شده و جایم دادی در سه پرده تاریکی (مشیمه و رحم و شکم) میان گوشت و خون و پوست

تُشْهَدُنِيْ خَلْقِيْ، وَلَمْ تَجْعَلْ اِلَيَّ شَيْئاً مِنْ اَمْرِيْ، ثُمَّ اَخْرَجْتَنِيْ لِلَّذِيْ

و گواهم نساختی در خلقت مرا و واگذار نکردی به من چیزی از کار خودم را سپس بیرونم آوردی بدانچه

سَبَقَ لِيْ مِنَ الْهُدٰى اِلَى الدُّنْيَا تَامّاً سَوِيّاً، وَ حَفِظْتَنِيْ فِي الْمَهْدِ طِفْلاً

در علمت گذشته بود از هدایتم بسوی دنیا خلقتی تمام و درست و در حال طفولیت و خردسالی

صَبِيًّا، وَرَزَقْتَنِي مِنَ الْغِذَاءِ لَبَنًا مَرِيًّا، وَعَطَفْتَ عَلَيَّ قُلُوبَ
در گهواره محافظتم کردی و روزیم دادی از غذاها شیرین گوارا و دل پرستاران را
الْحَوَاضِ، وَكَفَلْتَنِي الْأُمّهَاتِ الرَّوَاحِمَ، وَكَلَأْتَنِي مِنْ طَوَارِقِ الْجَانِّ،
بر من مهربان کردی و عهده دار پرستاریم کردی مادران مهربان را و از آسیب جنیان
وَسَلَّمْتَنِي مِنَ الزَّيَادَةِ وَالنَّقْصَانِ، فَتَعَالَيْتَ يَا رَحِيمُ يَا رَحْمَنُ، حَتَّى
نگهداریم کردی و از زیادی و نقصان سالم داشتی پس برتری تو ای مهربان و ای بخشاینده تا
إِذَا اسْتَهْلَلْتُ نَاطِقًا بِالْكَلامِ، أَثَمَمْتَ عَلَيَّ سَوَابِغَ الْأَنْعَامِ، وَرَبَّيْتَنِي
آنگاه که لب به سخن گشودم و تمام کردی بر من نعمتهای شایانت را و پرورشم دادی
زَائِدًا فِي كُلِّ عَامٍ، حَتَّى إِذَا اكْتَمَلْتُ فِطْرَتِي، وَاعْتَدَلْتُ مِرَّتِي، أَوْجَبْتَ
هرساله زیادتر از سال پیش تا آنگاه که خلقتم کامل شد و تاب و توانم به حد اعتدال رسید واجب کردی
عَلَيَّ حُجَّتَكَ بِأَنْ أَلْهَمْتَنِي مَعْرِفَتَكَ، وَرَوَّعْتَنِي بِعَجَائِبِ حِكْمَتِكَ،
بر من حجت خود را بدین ترتیب که معرفت خود را به من الهام فرمودی و بوسیله عجایب حکمتت به هراسم انداختی
وَأَيَّفَظْتَنِي لِمَا ذَرَأْتَ فِي سَمَائِكَ وَأَرْضِكَ مِنْ بَدَائِعِ خَلْقِكَ،
و بیدارم کردی بدانچه آفریدی در آسمان و زمینت از پدیدههای آفرینشت
وَبَهَّيْتَنِي لِشُكْرِكَ وَذِكْرِكَ، وَأَوْجَبْتَ عَلَيَّ طَاعَتَكَ وَعِبَادَتَكَ،
و آگاهم کردی به سپاسگزاری و ذکر خودت و اطاعت و عبادتت را بر من واجب کردی
وَفَهَّمْتَنِي مَا جَاءَتْ بِهِ رُسُلُكَ، وَيَسَّرْتَ لِي تَقَبُّلَ مَرْضَاتِكَ، وَمَنْنْتَ
و آنچه رسولانت آورده بودند به من فهماندی و پذیرفتن موجبات خوشنودیت را برایم آسان کردی
عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ بِعَوْنِكَ وَلُطْفِكَ، ثُمَّ إِذْ خَلَقْتَنِي مِنْ خَيْرِ الثَّرَى، لَمْ
و در تمام اینها به یاری و لطف خود بر من منت نهادی سپس به اینکه مرا از بهترین خاکها آفریدی
تَرَضَّ لِي يَا إِلَهِي نِعْمَةً دُونَ أُخْرَى، وَرَزَقْتَنِي مِنْ أَنْوَاعِ الْمَعَاشِ،
راضی نشدی ای معبود من که تنها از نعمتی برخوردار شوم و از دیگری منع کردم بلکه روزیم دادی
وَصُنُوفِ الرِّيَاشِ، بِمَنِّكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ عَلَيَّ، وَإِحْسَانِكَ الْقَدِيمِ
از انواع (نعمتهای) زندگی و اقسام لوازم کامرانی و این بواسطه آن نعمتبخشی بزرگ و بزرگترت بود بر من و آن
احسان دیرینهات بود

إِلَيَّ، حَتَّى إِذَا أَتَمَمْتَ عَلَيَّ جَمِيعَ النِّعَمِ، وَصَرَفْتَ عَنِّي كُلَّ النِّقَمِ،

نسبت به من تا اینکه تمام نعمتها را بر من کامل کردی و تمام رنجها و بلاها را از من دور ساختی

لَمْ يَمْنَعْكَ جَهْلِي وَجُرْأَتِي عَلَيْكَ، أَنْ دَلَّتَنِي إِلَى مَا يُقَرِّبُنِي

باز هم نادانی و دلیری من بر من جلوگیری نداشت از اینکه راهنماییم کردی بدانچه مرا به تو نزدیک کند

إِلَيْكَ، وَوَقَّعْتَنِي لِمَا يُزِلُّنِي لَدَيْكَ، فَإِنْ دَعَوْتُكَ أَجَبْتَنِي، وَإِنْ سَأَلْتُكَ

و موفقم داشتی بدانچه مرا به درگاهت مقرب سازد که اگر بخوانم پاسخم دهی و اگر بخواهم از تو

أَعْطَيْتَنِي، وَإِنْ أَطَعْتُكَ شَكَرْتَنِي، وَإِنْ شَكَرْتُكَ زِدْتَنِي، كُلُّ ذَلِكَ

به من عطا کنی و اگر اطاعتت کنم قدردانی کنی و اگر سپاسگزاریت کنم بر من بیفزایی و همه اینها

إِكْمَالٌ لِّأَتُكِّمَكَ عَلَيَّ وَإِحْسَانٌ إِلَيَّ، فَسُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُبَدِيٍّ

برای کامل ساختن نعمتهای تو است بر من و احسانی است که نسبت به من داری پس منزهی تو، منزّه از آن رو که

آغازنده

مُعِيدٌ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ، وَعَظُمَتْ أَلَاؤُكَ، فَأَيَّ نِعَمِكَ يَا

نعمتی و بازگرداننده و ستوده و بزرگواری بسی پاکیزه است نامهای تو و بزرگ است نعمتهای تو پس ای

إِلَهِي أَحْصِي عَدْدًا وَذِكْرًا، أَمْ أَيُّ عَطَايَاكَ أَقْوَمُ بِهَا شُكْرًا، وَهِيَ يَا

معبود من کدامیک از نعمتهایت را بشماره درآورده و یاد کنم یا برای کدامیک از عطاهایت به سپاسگزاری اقدام کنم در

صورتی که آنها

رَبِّ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصِيَهَا الْعَادُّونَ، أَوْ يُبْلَغَ عِلْمًا بِهَا الْحَافِظُونَ، ثُمَّ

ای پروردگار من بیش از آن است که حسابگران بتوانند آنها را بشمارند یا دانش حافظان بدانها رسد سپس ای خدا

مَا صَرَفْتَ وَدَرَأْتَ عَنِّي اللَّهُمَّ مِنَ الضَّرِّ وَالضَّرَّاءِ، أَكْثَرُ مِمَّا ظَهَرَ لِي

آنچه را از سختی و گرفتاری از من دور کرده و باز داشتی بیشتر بوده از آنچه برایم آشکار شد

مِنَ الْعَافِيَةِ وَالسَّرَّاءِ، وَأَنَا أَشْهَدُ يَا إِلَهِي بِحَقِيقَةِ إِيْمَانِي، وَعَقْدُ

از تندرستی و خوشی و من گواهی دهم خدایا به حقیقت ایمان خودم و بدانچه تصمیمات یقینم بدان بسته است

عَزَمَاتِ يَقِينِي، وَخَالِصِ صَرِيحِ تَوْحِيدِي، وَبَاطِنِ مَكْنُونِ ضَمِيرِي،

و توحید خالص و بی شائبه خود و درون سرپوشیده نهادم

وَعَلَّاقِ مَجَارِي ثَوْرِ بَصْرِي، وَأَسَارِيرِ صَفْحَةِ جَبِينِي، وَخُرْقِ

و رشته‌های دید نور چشمانم و خطوط صفحه پیشانیم
مَسَارِبِ نَفْسِي، وَحَذَارِيفِ مَارِنِ عَرْنِينِي، وَمَسَارِبِ سِمَاخِ سَمْعِي،
و رخنه‌های راههای تنفسم و پرده‌های نرمه بینیم و راههای پرده گوشم
وَمَا ضُمَّتْ وَأَطْبَقَتْ عَلَيْهِ شَفَتَايَ، وَحَرَكَاتِ لَفْظِ لِسَانِي، وَمَعْرَزِ
و آنچه بچسبد و روی هم قرار گیرد بر آن دو لبم و حرکتهای تلفظ زبانم و محل پیوست کام
حَنَكِ فَمِي وَفَكِّي، وَمَنَابِتِ أَضْرَاسِي، وَمَسَاغِ مَطْعَمِي وَمَشْرَبِي،
(فک بالایی) دهان و آرواره‌ام و محل بیرون آمدن دندانهایم و محل چشیدن خوراک و آشامیدنهایم
وَحِمَالَةِ أُمِّ رَأْسِي، وَبُلُوعِ فَارِغِ حَبَائِلِ عُنُقِي، وَمَا اشْتَمَلَ عَلَيْهِ تَامُورُ
و رشته و عصب مغز سرم و لوله (حلق) متصل به رگهای گردنم و آنچه در برگرفته آن را
صَدْرِي، وَحَمَائِلِ حَبْلِ وَتِينِي، وَنِيَاظِ حِجَابِ قَلْبِي، وَأَفْلَازِ حَوَاشِي
قفسه سینه‌ام و رشته‌های رگ قلبم و شاه‌رگ پرده دلم و پاره‌های گوشه و کنار
كَبِدِي، وَمَا حَوْتُهُ شَرَاسِيفُ أَضْلَاعِي وَحِقَاقُ مَفَاصِلِي، وَقَبْضُ
جگر و آنچه را در بردارد استخوانهای دنده‌هایم و سربندهای استخوانهایم و انقباض
عَوَامِلِي، وَأَطْرَافِ أَنَامِلِي، وَلَحْمِي وَدَمِي، وَشَعْرِي وَبَشْرِي،
عضلات بدنم و اطراف سر انگشتانم و گوشتم و خونم و موی بدنم و بشره پوستم
وَعَصَبِي وَقَصَبِي، وَعِظَامِي وَمَخِي وَعَرُوقِي، وَجَمِيعِ جَوَارِحِي، وَمَا
و عصبم و ساقم و استخوانم و مغزم و رگهایم و تمام اعضاء و جوارحم و آنچه بر اینها
اِئْتَسَجَ عَلَيَّ ذَلِكَ أَيَّامَ رِضَاعِي، وَمَا أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنِّي، وَتَوَمِّي
بافته شده از دوران شیرخوارگی و آنچه را زمین از من بر خود گرفته و خوابم
وَيَقْطَعُ وَسُكُونِي، وَحَرَكَاتِ رُكُوعِي وَسُجُودِي، أَنْ لَوْ حَاوَلْتُ
و بیداریم و آرمیدنم و حرکتهای رکوع و سجود من (گواهی دهم) که اگر تصمیم بگیرم
وَأَجْتَهَدْتُ مَدَى الْأَعْصَارِ وَالْأَحْقَابِ لَوْ عُمَرْتُهَا أَنْ أُودِّيَ شُكْرُ
و بکوشم در طول قرون و اعصار بر فرض که چنین عمری بکنم و بخواهم شکر
وَاحِدَةً مِنْ أُنْعَمِكَ مَا اسْتَطَعْتُ ذَلِكَ، إِلَّا بِمَنِّكَ الْمُوجِبِ عَلَيَّ بِهِ
یکی از نعمتهای تو را بجا آورم نخواهم توانست جز به لطف خود که آن خود واجب کند بر من

شُكْرُكَ أَبَدًا جَدِيدًا، وَتَنَاءً طَارِفًا عَتِيدًا أَجَلٌ، وَلَوْ حَرَصْتُ أَنَا
سپاسگزاریت را دوباره از نو و موجب ستایشی تازه و ریشه‌دار گردد آری و اگر حریص باشم من
وَالْعَادُونَ مِنْ أَنَامِكَ أَنْ تُحْصِيَ مَدَى إِعْطَائِكَ سَالِفِهِ وَآنْفِهِ، مَا
و حسابگران از مخلوق که بخواهیم اندازه نعمت بخشیهایی تو را از گذشته و آینده
حَصَرْنَاهُ عَدَدًا، وَلَا أَحْصَيْنَاهُ أَمْدًا هَيْهَاتَ أَيُّ ذَلِكَ، وَأَنْتَ الْمُخْبِرُ فِي
به حساب درآوریم نتوانیم بشماره درآوریم و نه از نظر زمان و اندازه آنرا احصاء کنیم! هیئات! کجا چنین چیزی میسر
است

كِتَابِكَ النَّاطِقِ، وَالنَّبَأِ الصَّادِقِ، وَإِنْ تُعَدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا،
و تو خود در کتاب گویا و خبر راست و درستت خبر داده‌ای که «اگر بشمارید نعمت خدا را احصاء نتوانید کرد»
صَدَقَ كِتَابُكَ اللَّهُمَّ وَإِبْرَأُوكَ، وَبَلَّغْتَ أُنْبِيَآؤَكَ وَرُسُلُكَ مَا أُنْزِلَتْ
خدایا کتاب تو و خبری که دادی راست است و رساندند پیمبران و رسولانت هرچه را بر ایشان از وحی خویش
فرو فرستادی

عَلَيْهِمْ مِنْ وَحْيِكَ، وَشَرَعْتَ لَهُمْ وَبِهِمْ مِنْ دِينِكَ، غَيْرَ أَنِّي يَا إِلَهِي
و آنچه را تشریع کردی برای آنها و بوسیله آنها از دین و آیین خود جز اینکه معبودا
أَشْهَدُ بِجُهْدِي وَجِدِّي، وَمَبْلَغِ طَاعَتِي وَوُسْعِي، وَأَقُولُ مُؤْمِنًا
من گواهی دهم به سعی و کوشش من و به اندازه رسائی طاعت و وسعم و از روی ایمان
مُوقِنًا، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا فَيَكُونَ مَوْرُوثًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ
و یقین می‌گویم ستایش خدایی را سزااست که نگیرد فرزندی تا از او ارث برند و نیست برایش
شَرِيكٌ فِي مُلْكِهِ فَيُضَادَّهُ فِيمَا ابْتَدَعَ، وَلَا وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ فَيُرْفِدَهُ فِيمَا
شریکی در فرمانروایی تا با او ضدیت کنند در آنچه پدید آورد و نه نگهداری از خواری دارد تا کمکش کند در آنچه
صَنَعَ، فَسُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ لَوْ كَانَ فِيهِمَا إِلَهٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا وَتَفَطَّرَتَا،
بوجود آورد پس منزله باد منزله که اگر بود در آسمان و زمین خدایانی جز او هر دو تباه می‌شدند و از هم متلاشی
می‌گشتند

سُبْحَانَ اللَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ، الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ
منزله است خدای یگانه یکتایی بی‌نیازی که فرزند ندارد و فرزند کسی نیست و نیست

لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يُعَادِلُ حَمْدَ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَنْبِيَائِهِ

برایش همتایی هیچکس ستایش خدای را است ستایشی که برابر ستایش فرشتگان مقرب او و پیمبران

الْمُرْسَلِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرَتِهِ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَآلِهِ

مرسلش باشد و درود خدا بر بهترین خلقش محمد خاتم پیمبران و آل

الطَّاهِرِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُخْلِصِينَ، وَسَلَّم. پس شروع فرمود آن حضرت در سؤال و

پاك و پاکیزه و خالص او باد و سلام * * * * *

اهتمام نمود در دُعا و آب از دیده‌های مبارکش جاری بود پس گفت: اَللّهُمَّ اجْعَلْنِي

* * * * *

* * * خدایا چنانم

أَحْشَاكَ كَأَنِّي أَرَاكَ، وَأَسْعِدْنِي بِتَقْوِيكَ، وَلَا تُشَقِّنِي بِمَعْصِيَتِكَ،

ترسان خودت کن که گویا می‌بینمت و به پرهیزکاری از خویش خوشبختم گردان و به واسطه نافرمانیت بدبختم مکن

وَحِرْلِي فِي قَضَائِكَ، وَبَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ، حَتَّى لَا أُحِبَّ تَعْجِيلَ مَا

و در سرنوشت خود خیر برایم مقدر کن و مقدراتت را برایم مبارک گردان تا چنان نباشم که تعجیل آنچه را

أَحْزَتْ وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ، اَللّهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي، وَالْيَقِينَ

تو پس انداخته‌ای بخواهم و نه تأخیر آنچه را تو پیش انداخته‌ای خدایا قرار ده بی‌نیازی در نفس من و یقین

فِي قَلْبِي، وَالْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي، وَالتَّوَرَّعَ فِي بَصَرِي، وَالْبَصِيرَةَ فِي

در دلم و اخلاص در کردارم و روشنی در دیده‌ام و بینایی در

دینی، وَمَتَّعْنِي بِجَوَارِحِي، وَاجْعَلْ سَمْعِي وَبَصَرِي الْوَارِثَيْنِ مِنِّي

دینم و مرا از اعضا و جوارحم بهره‌مند کن و گوش و چشم مرا وارث من گردان (که تا دم مرگ سلامت باشند)

وَأُضِرُّنِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي، وَأَرِنِي فِيهِ ثَارِي وَمَأْرِبِي، وَأَقِرَّ بِذَلِكَ

و یاریم ده بر آنکس که به من ستم کرده و انتقام‌گیری مرا و آرزویم را درباره‌اش به من بنمایان

عَيْنِي، اَللّهُمَّ اكْشِفْ كُرْبَتِي، وَأَسْتُرْ عَوْرَتِي، وَأَغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي،

و دیده‌ام را در این باره روشن کن خدایا محنتم را برطرف کن و زشتیهایم بیوشان و خطایم بیامرز

وَاحْسَأْ شَيْطَانِي، وَفُكَّ رِهَانِي، وَاجْعَلْ لِي يَا إِلَهِي، الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا فِي

و شیطان و اهریمنم را از من بران و ذمه‌ام را از گرو برهان و قرار ده خدایا برای من درجه والا در

الْآخِرَةِ وَالْأُولَى، اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِيْ، فَجَعَلْتَنِيْ سَمِيْعًا
آخِرَت و در دنيا خدايا حمد تو را است که مرا آفريدي و شنوا
بَصِيْرًا، وَلَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِيْ، فَجَعَلْتَنِيْ خَلْقًا سَوِيًّا رَّحْمَةً بِيْ، وَقَدْ
و بينا قرارم دادي و ستايش تو را است که مرا آفريدي و از روي مهري که به من داشتی خلقتم را نیکو آراستی در
كُنْتُ عَنْ خَلْقِيْ غَنِيًّا، رَبِّ بِمَا بَرَأْتَنِيْ فَعَدَلْتَ فِطْرَتِيْ، رَبِّ بِمَا
صورتیکه تو از خلقت من بی نیاز بودي پروردگارا به آنطور که مرا پدیدآوردی و در خلقتم اعتدال بکار بردي پروردگارا
به آنطور

اَنْشَأْتَنِيْ فَاحْسَنْتَ صُوْرَتِيْ، رَبِّ بِمَا احْسَنْتَ اِلَيَّ وَفِيْ نَفْسِيْ
که بوجودم آوردی و صورتم را نیکو کردی پروردگارا به آنطور که به من احسان کردی و
عَافَيْتَنِيْ، رَبِّ بِمَا كَلَأْتَنِيْ وَوَقَّعْتَنِيْ، رَبِّ بِمَا اَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَهَدَيْتَنِيْ،
عافیتم دادي پروردگارا آنچنانکه مرا محافظت کردی و موفقم داشتی پروردگارا آنچنانکه بر من انعام کرده و هدایت
فرمودی

رَبِّ بِمَا اَوْلَيْتَنِيْ وَمِنْ كُلِّ خَيْرٍ اَعْطَيْتَنِيْ، رَبِّ بِمَا اطْعَمْتَنِيْ
پروردگارا چنانچه مرا مورد احسان قرار داده و از هر خیري به من عطا کردی پروردگارا آنچنانکه مرا خوراندی
وَسَقَيْتَنِيْ، رَبِّ بِمَا اَغْنَيْتَنِيْ وَاَقْنَيْتَنِيْ، رَبِّ بِمَا اَعَنْتَنِيْ وَاَعَزَّزْتَنِيْ
و نوشاندی پروردگارا آنچنانکه بی نیازم کردی و سرمایهام دادي پروردگارا آنچنانکه کمکم دادي و عزتم بخشیدی
رَبِّ بِمَا اَلْبَسْتَنِيْ مِنْ سِتْرِكَ الصَّافِي، وَيَسَّرْتَ لِيْ مِنْ صُنْعِكَ
پروردگارا آنچنانکه مرا از خلعت باصفايت پوشاندی و از مصنوعات به حد
الْكَافِي صَلَّ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ، وَاَعِنِّيْ عَلَيَّ بَوَائِقِ الدُّهُورِ،
کافی در اختيارم گذاردی (چنانکه این همه انعام به من کردی) درود فرست بر محمد و آل محمد و کمکم ده بر
پیش آمدهای ناگوار روزگار

وَصُرُّوفِ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ، وَبَجْنِيْ مِنْ اَهْوَالِ الدُّنْيَا وَكُرْبَاتِ
و کشمکشهای شبها و روزها و از هراسهای دنیا و اندوههای
الْآخِرَةِ وَاَكْفَنِيْ شَرًّا مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي الْاَرْضِ، اَللّٰهُمَّ مَا اخَافُ
آخرت نجاتم ده و از شر آنچه ستمگران در زمین انجام دهند مرا کفایت فرما خدايا از آنچه می ترسم

فَاكْفِنِي وَمَا أَحْذَرُ فَقِي، وَفِي نَفْسِي وَدِينِي فَاحْرُسْنِي، وَفِي سَفَرِي
كفایتم کن و از آنچه بر حذر من، نگاهم دار و خودم و دینم را
فَاخْفِظْنِي وَفِي أَهْلِي وَمَالِي فَاخْلُفْنِي، وَفِي مَا رَزَقْتَنِي فَبَارِكْ لِي،
حفظ کن و در سفر محافظتم کن و در خانواده و مال من جانشین من باش و در آنچه روزیم کرده ای برکت ده و مرا
وَفِي نَفْسِي فَذَلِّلْنِي، وَفِي أَعْيُنِ النَّاسِ فَعَظِّمْنِي، وَمِنْ شَرِّ الْجِنَّ
در پیش خودم خوار کن و در چشم مردم بزرگم کن و از شر جن
وَالْإِنْسِ فَسَلِّمْنِي، وَبِذُنُوبِي فَلَا تَقْضَحْنِي، وَبِسِرِّي فَلَا تُخْزِنِي،
و انس بسلامتم بدار و به گناهان رسوایم مکن و به اندیشه های باطنم سرافکنده ام مکن
وَبِعَمَلِي فَلَا تَبْتَلْنِي، وَنِعْمَكَ فَلَا تَسْلُبْنِي، وَإِلَى غَيْرِكَ فَلَا تَكِلْنِي
و به کردارم دچارم مساز و نعمت های مرا از من بگیر و بجز خودت به دیگری واگذارم مکن
إِلَهِي إِلَى مَنْ تَكِلْنِي، إِلَى قَرِيبٍ فَيَقْطَعُنِي، أَمْ إِلَى بَعِيدٍ فَيَبْجَهَنُنِي، أَمْ
خدایا به که واگذارم می کنی آیا به خویشاوندی که از من ببرد یا بیگانه ای که مرا از خود دور کند یا به کسانی که
إِلَى الْمُسْتَضْعَفِينَ لِي وَأَنْتَ رَبِّي، وَمَلِيكَ أَمْرِي أَشْكُو إِلَيْكَ غُرْبَتِي،
خوارم شمرند و تویی پروردگار من و زمامدار کار من بسوی تو شکایت آرم از غربت خود
وَبَعْدَ دَارِي، وَهَوَانِي عَلَيَّ مَنْ مَلَكَتَهُ أَمْرِي، إِلَهِي فَلَا تُحْلِلْ عَلَيَّ
و دوری خانه ام و خواریم نزد کسی که زمامدار کار من کردی خدایا پس خشم خود را بر من مبار
غَضَبِكَ، فَإِنْ لَمْ تَكُنْ غَضِبْتَ عَلَيَّ فَلَا أَبَالِي سِوَاكَ مَا سُبْحَانَكَ غَيْرَ أَنْ
و اگر بر من خشم نکرده باشی باکی ندارم - منزهی تو - جز اینکه در عین حال
عَافِيَتِكَ أَوْسَعُ لِي، فَاسْأَلُكَ يَا رَبُّ بُنُورَ وَجْهِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ
عافیت تو وسیعتر است برای من پس از تو خواهم پروردگارا به نور ذاتت که روشن شد بدان
الْأَرْضُ وَالسَّمَوَاتُ، وَكُشِفَتْ بِهِ الظُّلُمَاتُ، وَصَلَحَ بِهِ أَمْرُ الْأَوَّلِينَ
زمین و آسمانها و برطرف شد بدان تاریکیها و اصلاح شد بدان کار اولین
وَالْآخِرِينَ، أَنْ لَا تُمَيِّنَنِي عَلَيَّ غَضَبِكَ وَلَا تُنْزِلْ بِي سَخَطَكَ لَكَ
و آخرین که مرا بر حال غضب خویش نمی رانی و خشمت را بر من نازل مفرمایی
الْعُتْبَى لَكَ الْعُتْبَى حَتَّى تَرْضَى قَبْلَ ذَلِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، رَبُّ الْبَلَدِ

مؤاخذه و بازخواست حق تو است تا گاهی که پیش از آن راضی شوی معبودی جز تو نیست که پروردگار شهر
الْحَرَامِ، وَالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ، وَالْبَيْتِ الْعَتِيقِ الَّذِي أَحَلَّتْهُ الْبَرَكَةُ، وَجَعَلَتْهُ
محترم و مشعر الحرام و خانه کعبه‌ای آن خانه‌ای که برکت را بدان نازل کردی و آنرا برای
لِلنَّاسِ أَمْنًا، يَا مَنْ عَفَا عَنْ عَظِيمِ الذُّنُوبِ بِحِلْمِهِ، يَا مَنْ أَسْبَغَ النِّعْمَاءَ
مردمان خانه امنی قرار دادی ای کسی که از گناهان بزرگ به بردباری خود درگذری ای که نعمتها را
بِفَضْلِهِ، يَا مَنْ أَعْطَى الْجَزِيلَ بِكَرَمِهِ، يَا عُدَّتِي فِي شِدَّتِي، يَا
به فضل خود فراوان گردانی ای که عطایای شایان را به کرم خود بدهی ای ذخیره‌ام در سختی ای
صَاحِبِي فِي وَحْدَتِي، يَا غِيَاثِي فِي كُرْبَتِي، يَا وَلِيَّتِي فِي نِعْمَتِي، يَا
رفیق و همدم در تنهایی ای فریادرس من در گرفتاری ای ولی من در نعمتم ای
إِلَهِي وَالْهَآءِ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ، وَرَبَّ
معبود من و معبود پدرانم ابراهیم و اسمعیل و اسحاق و یعقوب و پروردگار
جَبْرِئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ، وَرَبَّ مُحَمَّدٍ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ، وَالْهَآءِ
جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و پروردگار محمد خاتم پیامبران و آل
الْمُنْتَجِبِينَ، وَمُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقَانِ، وَمُنْزِلَ
برگزیده‌اش و فروفرستنده تورات و انجیل و زبور و قرآن و نازل‌کننده
كَهْيَعِصَ وَطَهَ وَيَسَ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ، أَنْتَ كَهْفِي حِينَ تُعِينِي
کهیعیص و طه و «یس و قرآن حکمت آموز» تویی پناه من هنگامی که درمانده‌ام کنند
الْمَذَاهِبُ فِي سَعَتِهَا، وَتَضِيقُ بِي الْأَرْضُ بِرُحْبِهَا، وَلَوْ لَا رَحْمَتُكَ
راهها با همه وسعتی که دارند و زمین بر من تنگ گیرد با همه پهناوریش و اگر نبود رحمت تو
لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ، وَأَنْتَ مُقِيلُ عَثْرَتِي، وَلَوْ لَا سِتْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ
بطور حتم من هلاک شده بودم و تویی نادیده‌گیر لغزشم و اگر پرده‌پوشی تو نبود مسلماً
مِنَ الْمَفْضُوحِينَ، وَأَنْتَ مُؤَيِّدِي بِالنَّصْرِ عَلَيَّ أَعْدَائِي، وَلَوْ لَا نَصْرُكَ
من از رسواشدگان بودم و تویی که به یاری خود مرا بر دشمنانم یاری دهی و اگر نبود یاری تو
إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ، يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالسُّمُومِ وَالرُّفْعَةِ،
من مغلوب شده بودم ای که مخصوص کرده خود را به بلندی و برتری

فَأُولَئِكَ بِعِزَّةِ يَعْتَزُّونَ، يَا مَنْ جَعَلَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ الْمَدَلَّةِ

و دوستانش بوسیله عزت او عزت یابند ای که پادشاهان در برابرش طوق خواری

عَلِي أَغْنَاهُمْ، فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ، يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا

به گردن گذارند و آنها از سطواتش ترسانند می داند حرکت (یا خیانت) چشمها و آنچه را سینه ها

تُخْفِي الصُّدُورُ، وَ غَيْبَ مَا تَأْتِي بِهِ الْأَرْمَنَةُ وَالْدُّهُورُ يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ

پنهان کنند و حوادثی که در کمون زمانها و روزگاریها است ای که نداند

كَيْفَ هُوَ. إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ مَا هُوَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا هُوَ، يَا

چگونگی او را جز خود او ای که نداند چیست او جز او ای که نداند او را جز خود او

مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ، وَسَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ يَا مَنْ لَهُ أَكْرَمُ

ای که زمین را بر آب فرو برده و هوا را به آسمان بست ای که گرامی ترین

الْأَسْمَاءِ يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ أَبَدًا، يَا مُقَيِّضَ الرُّكْبِ

نامها از او است ای دارنده احسانی که هرگز قطع نشود ای گمارنده کاروان برای نجات

يُيُوسِفُ فِي الْبَلَدِ الْفَقْرِ، وَمُخْرِجَهُ مِنَ الْجُبِّ، وَجَاعِلَهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَّةِ

یوسف در آن جای بی آب و علف و بیرون آورنده اش از چاه و رساننده اش به پادشاهی پس از بندگی

مَلِكًا، يَا رَادَّهٗ عَلَيَّ يَعْقُوبَ بَعْدَ أَنْ ابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزَنِ فَهُوَ

ای که او را برگردانده به یعقوب پس از آنکه دیدگانش از اندوه سفید شده بود و آکنده از غم بود

كَطِيمٌ، يَا كَاشِفَ الضُّرِّ وَالْبَلَوِ عَنْ أَيُّوبَ، وَمُمْسِكَ يَدَيَّ إِبْرَاهِيمَ

ای برطرف کننده سختی و گرفتاری از ایوب و ای نگهدارنده دستهای ابراهیم

عَنْ ذَبْحِ ابْنِهِ بَعْدَ كِبَرِ سِنِّهِ وَقَنَاءِ عُمُرِهِ، يَا مَنْ اسْتَجَابَ لِزَكَرِيَّا

از ذبح پسرش پس از سن پیری و بسر آمدن عمرش ای که دعای زکریا را به اجابت رساندی

فَوَهَّبَ لَهُ يَحْيَى، وَلَمْ يَدْعُهُ فَرْدًا وَحِيدًا، يَا مَنْ أَخْرَجَ يُوسُفَ مِنْ

و یحیی را به او بخشیدی و او را تنها و بی کس وامگذاردی ای که بیرون آورد یونس را از

بَطْنِ الْحُوتِ، يَا مَنْ فَلَقَ الْبَحْرَ لِبَنِي إِسْرَآئِيلَ فَأَجَاهُمْ، وَجَعَلَ

شکم ماهی ای که شکافت دریا را برای بنی اسرائیل و (از فرعونیان) نجاتشان داد

فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ مِنَ الْمُعْرِقِينَ، يَا مَنْ أَرْسَلَ الرِّيَّاحَ مُبَشِّرَاتٍ بَيْنَ

و فرعون و لشکریانش را غرق کرد ای که فرستاد بادهای را نوید دهندگانی پیشاپیش
يَدِّي رَحْمَتِهِ، يَا مَنْ لَمْ يَعْجَلْ عَلَيَّ مِنْ عَصَاهُ مِنْ خُلُقِهِ، يَا مَنْ
آمدن رحمتش ای که شتاب نکند بر (عذاب) نافرمانان از خلق خود ای که
اسْتَنْقَذَ السَّحْرَةَ مِنْ بَعْدِ طُولِ الْجُحُودِ، وَقَدْ غَدَوَا فِي نِعْمَتِهِ يَأْكُلُونَ
نجات بخشید ساحران (فرعون) را پس از سالها انکار (و کفر) و چنان بودند که منتعم به نعمتهای خدا بودند
رِزْقَهُ وَيَعْبُدُونَ غَيْرَهُ، وَقَدْ حَادَّوْهُ وَنَادَّوْهُ وَكَذَّبُوا رُسُلَهُ، يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ،
که روزیش را می خوردند ولی پرستش دیگری را می کردند و با خدا دشمنی و ضدیت داشتند و رسولانش را تکذیب
می کردند ای خدا
يَا بَدِي يَا بَدِيعُ، لَا نِدْلَكَ، يَا دَائِمًا لَا تَفَادَلْكَ، يَا حَيًّا حِينَ لَا حَيٍّ، يَا
ای خدا ای آغازنده ای پدیدآورنده ای که همتا نداری ای جاویدانی که زوال نداری ای زنده در آنگاه که زنده ای نبود
مُحْيِي الْمَوْتِي، يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَي كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ، يَا مَنْ قَلَّ لَهُ
ای زنده کن مردگان ای که مراقبت داری بر هرکس بدانچه انجام داده ای که سپاسگزاری من برایش اندک است
شُكْرِي فَلَمْ يَحْرِمْنِي، وَعَظَمْتَ خَطِيئَتِي فَلَمْ يَفْضَحْنِي، وَرَأَى عَلَيَّ
ولی محروم نکند و خطایم بزرگ است ولی رسوایم نکند و مرا بر
الْمَعَاصِي فَلَمْ يَشْهَرْنِي، يَا مَنْ حَفِظَنِي فِي صِعْرِي، يَا مَنْ رَزَقَنِي
نافرمانی خویش ببند ولی پردهام ندرد ای که مرا در کودکی محافظت کردی ای که در بزرگی روزیم دادی
فِي كِبَرِي، يَا مَنْ آيَادِهِ عِنْدِي لَا تُحْصِي، وَنِعْمُهُ لَا تُجَازِي، يَا مَنْ
ای که اندازه مرحمت هائی که به من کردی بشماره نیاید و نعمتهایش را تلافی ممکن نباشد ای که
عَارَضَنِي بِالْخَيْرِ وَالْإِحْسَانِ، وَعَارَضْتُهُ بِالْإِسَاءَةِ وَالْعِصْيَانِ، يَا مَنْ
روبرو شد با من به نیکی و احسان ولی من با او به بدی و گناه روبرو شدم ای که
هَدَانِي لِلْإِيمَانِ مِنْ قَبْلِ أَنْ أَعْرِفَ شُكْرَ الْإِيمَانِ، يَا مَنْ دَعَاؤُهُ
مرا به ایمان هدایت کرد پیش از آنکه بشناسم طریقه سپاسگزاری نعمتش را ای که خواندمش
مَرِيضًا فَشَفَانِي، وَعُرْيَانًا فَكَسَانِي، وَجَائِعًا فَاشْبَعَنِي، وَعَطْشَانًا
در حال بیماری و او شفایم داد و در برهنگی و او مرا پوشاند و در گرسنگی و او سیرم کرد و در تشنگی
فَارَوَانِي، وَذَلِيلًا فَأَعَزَّنِي، وَجَاهِلًا فَعَرَّفَنِي، وَوَحِيدًا فَكَثَّرَنِي، وَغَائِبًا

و او سیرایم کرد و در خواری و او عزتم بخشید و در نادانی و او معرفتم بخشید و در تنهایی و او فرونی جمعیت به من داد
فَرَدَّنِي، وَمَقِلًّا فَاعْغَانِي، وَمُنْتَصِرًا فَتَصَرَّنِي، وَغَنِيًّا فَلَمْ يَسْلُبْنِي،
و در دوری از وطن و او بازم گرداند و در نداری و او دارایم کرد و در کمک خواهی و او یاریم داد و در ثروتمندی و او از
من سلب نفرمود

وَأَمْسَكْتُ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ فَابْتَدَأَنِي، فَلَكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ، يَا مَنْ
و (هنگامی که) از همه این خواسته ها دم بستم تو آغاز کردی پس از آن تو است حمد و سپاس ای که
أَقَالَ عَثْرَتِي، وَتَفَسَّ كُرْبَتِي، وَأَجَابَ دَعْوَتِي، وَسَتَرَ عَوْرَتِي، وَغَفَرَ
لغزشم را نادیده گرفت و گرفتگی را از من دور کرد و دعایم را اجابت فرمود و عیبم را پوشاند و گناهانم را آمرزید
دُنُوْبِي، وَبَلَّغَنِي طَلِبَتِي، وَتَصَرَّنِي عَلَيَّ عَدُوِّي، وَإِنْ أَعَدَّ نِعَمَكَ
و به خواسته ام رسانید و بر دشمنم یاری داد و اگر بخواهم نعمتها
وَمِنْكَ وَكَرَائِمَ مَنَحِكَ لَا أُحْصِيهَا، يَا مَوْلَايَ أَنتَ الَّذِي مَنَنْتَ أَنتَ
و عطاها و مراحم بزرگ تو را بشمارم نتوانم ای مولای من این تویی که منت نهادی و این تویی
الَّذِي أَعْمَمْتَ، أَنتَ الَّذِي أَحْسَنْتَ، أَنتَ الَّذِي أَجْمَلْتَ أَنتَ الَّذِي
که نعمت دادی این تویی که احسان فرمودی این تویی که نیکی کردی این تویی که فرونی
أَفْضَلْتَ، أَنتَ الَّذِي أَكْمَلْتَ، أَنتَ الَّذِي رَزَقْتَ، أَنتَ الَّذِي وَفَّقْتَ، أَنتَ
بخشیدی این تویی که کامل کردی این تویی که روزی دادی این تویی که توفیق دادی این تویی
الَّذِي أَعْطَيْتَ، أَنتَ الَّذِي أَعْثَيْتَ، أَنتَ الَّذِي أَفْقَيْتَ، أَنتَ الَّذِي أَوْبَيْتَ،
که عطا کردی این تویی که بی نیاز کردی این تویی که ثروت بخشیدی این تویی که مأوی دادی این
أَنتَ الَّذِي كَفَيْتَ، أَنتَ الَّذِي هَدَيْتَ، أَنتَ الَّذِي عَصَمْتَ، أَنتَ الَّذِي
تویی که کفایت کردی این تویی که هدایت کردی این تویی که نگهداشتی این تویی که
سَتَرْتَ، أَنتَ الَّذِي غَفَرْتَ، أَنتَ الَّذِي أَقَلْتَ، أَنتَ الَّذِي مَكَّنْتَ، أَنتَ
پوشانیدی این تویی که آمرزیدی این تویی که نادیده گرفتی این تویی که قدرت و چیرگی دادی این تویی
الَّذِي أَعَزَّزْتَ، أَنتَ الَّذِي أَعَنْتَ، أَنتَ الَّذِي عَصَدْتَ، أَنتَ الَّذِي
که عزت بخشیدی این تویی که کمک کردی این تویی که پشتیبانی کردی این تویی که
أَيَّدْتَ، أَنتَ الَّذِي نَصَرْتَ، أَنتَ الَّذِي شَفَّيْتَ، أَنتَ الَّذِي عَافَيْتَ، أَنتَ

تأیید کردی این تویی که یاری کردی این تویی که شفا دادی این تویی که عافیت دادی این تویی
الَّذِي أَكْرَمْتَهُ، تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ، فَלَكَ الْحَمْدُ دَائِمًا، وَلَكَ الشُّكْرُ
که اکرام کردی بزرگی و برتری از تو است و ستایش همیشه مخصوص تو است و سپاسگزاری دائمی و جاوید
و اصبًا أَبَدًا، ثُمَّ أَنَا يَا إِلَهِي، الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبِي، فَاغْفِرْهَا لِي، أَنَا الَّذِي
از آن تو است و اما من ای معبودم کسی هستم که به گناهانم اعتراف دارم پس آنها را ببامرز و این منم که
أَسَأْتُ، أَنَا الَّذِي أَخْطَأْتُ أَنَا الَّذِي هَمَمْتُ، أَنَا الَّذِي جَهَلْتُ، أَنَا الَّذِي
بد کردم این منم که خطا کردم این منم که (به بدی) همت گماشتم این منم که نادانی کردم این منم که
غَفَلْتُ أَنَا الَّذِي سَهَوْتُ، أَنَا الَّذِي اعْتَمَدْتُ، أَنَا الَّذِي تَعَمَّدْتُ، أَنَا
غفلت ورزیدم این منم که فراموش کردم این منم که (به غیر یا به خود) اعتماد کردم این منم
الَّذِي وَعَدْتُ وَأَنَا الَّذِي أَخْلَفْتُ، أَنَا الَّذِي نَكَسْتُ، أَنَا الَّذِي أَقْرَرْتُ، أَنَا
که (به کاربرد) تعمد کردم این منم که وعده دادم و این منم که خلف وعده کردم این منم که پیمان شکنی کردم این منم که به بدی
اقرار کردم
الَّذِي اعْتَرَفْتُ بِبِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَعِنْدِي، وَأَبُوءُ بِذُنُوبِي فَاغْفِرْهَا لِي، يَا
این منم که به نعمت تو بر خود و در پیش خود اعتراف دارم و با گناهانم بسویت بازگشته ام پس آنها را ببامرز ای
مَنْ لَا تُضِرُّهُ ذُنُوبُ عِبَادِهِ، وَهُوَ الْعَنِيُّ عَنْ طَاعَتِهِمْ، وَالْمُوفِّقُ مَنْ
که زیانش نرساند گناهان بندگان و از اطاعت ایشان بی نیازی و تو آنی که هرکس از بندگان
عَمِلَ صَالِحًا مِنْهُمْ بِمَعُونَتِهِ وَرَحْمَتِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ إِلَهِي وَسَيِّدِي،
کردار شایسته ای انجام دهد به رحمت خویش توفیقش دهی پس تو را است ستایش ای معبود و آقایی من
إِلَهِي أَمَرْتَنِي فَعَصَيْتُكَ، وَهَيَّيْتَنِي فَأَرْتَكِبْتُ نَهْيَكَ، فَاصْبَحْتُ لَا ذَا
خدایا به من دستور دادی و من نافرمانی کردم و نهی فرمودی ولی من نهی تو را مرتکب شدم و اکنون به حالی افتاده ام
که
بَرَاءَةً لِي فَأَعْتَذِرُ، وَلَا ذَا قُوَّةٍ فَأَتَضَرَّعُ فَبِأَيِّ شَيْءٍ اسْتَقْبِلْكَ يَا
نه وسیله تبرئه ای دارم که پوزش خواهم و نه نیرویی دارم که بدان یاری گیرم پس به چه وسیله با تو روبرو شوم
مَوْلَايَ، اِسْمِعْنِي أَمْ بِبَصَرِي أَمْ بِلِسَانِي أَمْ بِبَيْدِي أَمْ بِرَجْلِي، أَلَيْسَ
ای مولای من آیا به گوشم یا به چشمم یا به زبانم یا به دستم یا به پایم آیا

كُلُّهَا نِعْمَكَ عِنْدِي، وَبِكُلِّهَا عَصِيَّتُكَ يَا مَوْلَايَ، فَلَكَ الْحُجَّةُ وَالسَّبِيلُ

همه اينها نعمتهاي تو نيست كه در پيش من بود و با همه آنها تو را معصيت كردم اي مولاي من پس تو حجت و راه مؤاخذه

عَلَيَّ، يَا مَنْ سَتَرَنِي مِنَ الْأَبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ أَنْ يَرْجُرُونِي، وَمِنْ

بر من داري اي كه مرا پوشاندي از پدران و مادران كه مرا از نزد خود برانند و از

الْعَشَائِرِ وَالْإِخْوَانِ أَنْ يُعَيِّرُونِي، وَمِنْ السَّلَاطِينِ أَنْ يُعَاقِبُونِي، وَلَوْ

فاميل و برادران كه مرا سرزنش كنند و از سلاطين و حكومتها كه مرا شكنجه كنند و اگر

اطَّلَعُوا يَا مَوْلَايَ عَلَيَّ مَا اطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي إِذَا مَا أَنْظَرُونِي،

آنها مطلع بودند اي مولاي من بر آنچه تو بر آن مطلعي از كار من در آن هنگام مهلتم نمي دادند

وَلَوْ فَضُّونِي وَقَطَّعُونِي، فَهَذَا أَنَا ذَا يَا إِلَهِي بَيْنَ يَدَيْكَ، يَا سَيِّدِي

و از خود دورم مي كردند و از من مي پرديدند و اينك خدايا اين منم كه در پيشگاهت ايستاده اي آقاي من

خَاضِعٌ ذَلِيلٌ حَصِيرٌ حَقِيرٌ، لَا ذُو بَرٍّ آتَةٍ فَاعْتَذِرْ، وَلَا ذُو قُوَّةٍ فَانْتَصِرْ،

با حال خضوع و خواري و درماندگي و كوچكي نه وسيله تبرئه جوبي دارم كه پوزش طلبم و نه نيروي كه ياري جويم

وَلَا حُجَّةٍ فَاحْتِجْ بِهَا وَلَا قَائِلٌ لَمْ أَجْتَرِحْ، وَلَمْ أَعْمَلْ سُوءًا وَمَا عَسَى

و نه حجت و برهاني كه بدان چنگ زنم و نه مي توانم بگويم كه گناه نكرده ام و كجا مي تواند انكار - فرضاً كه انكار كنم

الْجُحُودَ، وَلَوْ جَحَدْتُ يَا مَوْلَايَ يَنْفَعُنِي، كَيْفَ وَأَتِي ذَلِكَ وَجَوَارِحِي

اي مولاي من - سودم بخشد! چگونه؟ و كجا؟ با اينكه تمام اعضاي من

كُلُّهَا شَاهِدَةٌ عَلَيَّ بِمَا قَدْ عَمَلْتُ، وَعَلِمْتُ يَقِينًا غَيْرَ ذِي شَكٍّ أَنَّكَ

گواهند بر من به آنچه انجام داده و به يقين مي دانم و هيچگونه شك و ترديدي ندارم كه تو از كارهاي بزرگ از من

سَأْتِلِي مِنْ عَظَائِمِ الْأُمُورِ، وَأَنَّكَ الْحَكَمُ الْعَدْلُ الَّذِي لَا تَجُورُ،

پرسش خواهي كرد و تويي آن داور عادلي كه ستم نكند و همان عدالتت

وَعَدْلُكَ مُهْلِكِي، وَمِنْ كُلِّ عَدْلِكَ مَهْرَبِي، فَإِنْ تُعَذِّبْنِي يَا إِلَهِي

مرا هلاك كند و از تمام عدالت تو مي گريزم اگر عذابم كني خدايا

فَبِدُونِي بَعْدَ حُجَّتِكَ عَلَيَّ، وَإِنْ تُغْفُ عَنِّي فَبِحِلْمِكَ وَجُودِكَ

بواسطه گناهان من است پس از آنكه حجت بر من داري و اگر از من درگذري پس به بردباري و بخشندي و

وَكَرَمِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ
بزرگواری تو است معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از ستمکارانم معبودی جز تو
اَنتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ
نیست منزهی تو و من از آمرزش خواهانم معبودی جز تو نیست منزهی تو
إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُوَحِّدِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ
و من از یگانه پرستانم معبودی نیست جز تو منزهی تو و من از
الْخَائِفِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْوَجِلِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا
ترسناکانم معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از هراسناکانم معبودی جز تو نیست
أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاجِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي
منزهی تو و من از امیدوارانم معبودی نیست جز تو منزهی تو و
كُنْتُ مِنَ الرَّاغِبِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُهْلَلِينَ، لَا
من از مشتاقانم معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از تهلیل (لاله الا الله) گویانم
إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ السَّائِلِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ
معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از خواهندگانم معبودی جز تو نیست منزهی تو
إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ
و من از تسبیح گویانم معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از تکبیر
الْمُكْبِّرِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ رَبِّي وَرَبُّ آبَائِي الْأُولَئِينَ، اللَّهُمَّ
(الله اکبر) گویانم معبودی نیست جز تو منزهی تو پروردگار من و پروردگار پدران پیشین من خدایا
هَذَا ثَنَائِي عَلَيْكَ مُمَجِّدًا، وَإِخْلَاصِي لَذِكْرِكَ مُوَحِّدًا، وَإِقْرَارِي
این است ستایش من بر تو در مقام تجیدت و این است اخلاص من بذکر در مقام یکتاپرستیت و اقرار من
بِالْإِلَهِ مُعَدِّدًا، وَإِنْ كُنْتُ مُقَرَّرًا أَنِّي لَمْ أُحْصِهَا لِكَثْرَتِهَا وَسُبُغِهَا
به نعمتهایت در مقام شماره آنها گرچه من اقرار دارم که آنها را نتوانم بشماره درآورم از بسیاری آنها و فراوانی
وَنَظَاهِرِهَا، وَتَقَادُّمِهَا إِلَى حَادِثٍ، مَا لَمْ تَنْزِلْ تَتَعَهَّدُنِي بِهِ مَعَهَا مُنْذُ
و آشکاری آنها و پیشی جستن آنها از زمان پیدایش من که همواره در آن عهد مرا بوسیله آن نعمتها یادآوری می کردی
خَلَقْتَنِي وَبَرَأْتَنِي مِنْ أَوَّلِ الْعُمُرِ مِنَ الْإِغْنَاءِ مِنَ الْفَقْرِ، وَكَشَفَ

از آن ساعت که مرا آفریدی و خلق کردی از همان ابتدای عمر که از نداری و فقر مرا به توانگری درآوردی
الضَّرُّ، وَتَسْبِيبِ الْبُسْرِ، وَدَفْعِ الْعُسْرِ، وَتَفْرِيجِ الْكَرْبِ، وَالْعَافِيَةِ فِي
و گرفتاریم برطرف کردی و اسباب آسایش مرا فراهم ساختی و سختی را دفع نموده و اندوه را زدودی و تنم را تندرست
و

الْبَدَنِ، وَالسَّلَامَةِ فِي الدِّينِ، وَلَوْ رَفَدَنِي عَلَيَّ قَدَرِ ذِكْرِ نِعْمَتِكَ جَمِيعُ
دینم را سلامت داشتی و اگر یاریم دهند به اندازه‌ای که نعمت را ذکر کنم تمام
الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، مَا قَدَرْتُ وَلَا هُمْ عَلَيَّ ذَلِكَ،
جهانیان از اولین و آخرین نه من قدرت ذکرش را دارم نه آنها منزهی تو
تَقَدَّسَتْ وَتَعَالَيْتَ مِنْ رَبِّ كَرِيمٍ عَظِيمٍ رَحِيمٍ، لَا تُحْصِي الْأَوْكُ، وَلَا
و برتری از اینکه پروردگاری هستی کریم و بزرگ و مهربان که مهرورزی‌هایت به شماره درنیاید
يُبْلَغُ ثَنًاؤُكَ، وَلَا تُكَافِي نِعْمًاؤُكَ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،
و ستایشت به آخر نرسد و نعمت‌هایت را تلافی نتوان کرد درود فرست بر محمد و آل محمد
وَأَتِمِّمْ عَلَيْنَا نِعَمَكَ وَأَسْعِدْنَا بِطَاعَتِكَ، سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، اللَّهُمَّ
و کامل گردان بر ما نعمت‌هایت را و بوسیله اطاعت خویش سعادتمندان گردان منزهی تو معبودی جز تو نیست خدایا
إِنَّكَ تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ وَتُكَشِفُ السُّوءَ، وَتُعِثُّ الْمَكْرُوبَ، وَتَشْفِي
تویی که اجابت کنی دعای درمانده را و برطرف کنی بدی را و فریادرسی کنی از گرفتار و شفا دهی
السَّقِيمَ، وَتُعِثُّ الْفَقِيرَ، وَتَجْبِرُ الْكَسِيرَ، وَتَرْحَمُ الصَّغِيرَ، وَتُعِثُّ الْكَبِيرَ،
به بیمار و بی‌نیاز کنی فقیر را و مرمت کنی شکستگی را و رحم کنی به کودک خردسال و یاری دهی به پیر کهنسال
وَلَيْسَ دُونَكَ ظَهِيرٌ، وَلَا فَوْقَكَ قَدِيرٌ، وَأَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ، يَا مُطَلِّقَ
و جز تو پشتیبانی نیست و نه فوق (توانایی) تو توانایی و تویی والای بزرگ ای
الْمُكَبَّلِ الْأَسِيرِ، يَا رَازِقَ الطُّفْلِ الصَّغِيرِ، يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِ
رهاکننده اسیر در کُند و زنجیر ای روزی دهنده کودک خردسال ای پناه شخص ترسانی
الْمُسْتَجِيرِ، يَا مَنْ لَا شَرِيكَ لَهُ وَلَا وَزِيرَ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ
که پناه جوید ای که شریک و وزیر برای او نیست درود فرست بر محمد و آل
مُحَمَّدٍ، وَأَعْطِنِي فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ أَفْضَلَ مَا أُعْطِيتَ وَأَكَلْتَ أَحَدًا مِنْ

محمد و عطا کن به من در این شام بهترین چیزی را که عطا کردی و دادی به یکی از
عِبَادِكَ مِنْ نِعْمَةٍ تُؤَلِّهَا، وَالْأَعْيُنُ تُجَدِّدُهَا، وَبَلِيَّةٍ تَصْرِفُهَا، وَكُرْبَةٍ
بندگان چه آن نعمتی باشد که می بخشی و یا احسانهایی که تازه کنی و بلاهایی که می گردانی و غم و اندوهی که
تَكْشِفُهَا، وَدَعْوَةٍ تَسْمَعُهَا، وَحَسَنَةٍ تَقْبَلُهَا، وَسَيِّئَةٍ تَتَعَمَّدُهَا، إِنَّكَ
برطرف کنی و دعایی که اجابت کنی و کار نیکی که بپذیری و گناهایی که ببوشانی که برستی
لَطِيفٌ بِمَا تَشَاءُ خَبِيرٌ، وَعَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ اَقْرَبُ مَنْ
تو بهر چه خواهی دقیق و آگاهی و بر هر چیز توانایی خدایا تو نزدیکترین کسی هستی که
دُعِي، وَاَسْرَعُ مَنْ اَجَابَ وَاَكْرَمُ مَنْ عَفِيَ، وَاَوْسَعُ مَنْ اَعْطَى، وَاَسْمَعُ
خواندند و از هرکس زودتر اجابت کنی و در گذشت از هرکس بزرگواری و در عطا بخشی عطایت از همه وسیعتر
مَنْ سَأَلَ، يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا، لَيْسَ كَمِثْلِكَ مَسْئُولٌ،
و در اجابت درخواست از همه شنواتری ای بخشاینده دنیا و آخرت و مهربان آن دو برستی کسی که مانند تو از او
درخواست شود
وَلَا سِوَاكَ مَأْمُولٌ، دَعْوَتُكَ فَاجَبْنِي، وَسَأَلْتُكَ فَاعْطِنِي، وَرَغِبْتُ
نیست و جز تو آرزو شده ای نیست خواندمت و تو اجابت کردی و درخواست کردم و تو عطا کردی و به درگاه تو میل
کردم
اِلَيْكَ فَارْحَمْنِي، وَوَقَفْتُ بِكَ فَتَجَبَّنِي، وَفَرَعْتُ اِلَيْكَ فَكَفَيْتَنِي اَللّٰهُمَّ
و تو مرا مورد مهر خویش قرار دادی و به تو اعتماد کردم و تو نجاتم دادی و به درگاه تو نالیدم و تو کفایت کردی خدایا
فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ، وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ، وَعَلَى اٰلِهِ الطَّيِّبِينَ
درود فرست بر محمد بنده و رسول و پیامبرت و بر آل پاک
الطَّاهِرِينَ اَجْمَعِينَ، وَتَمِّمْ لَنَا نِعْمَاتَكَ، وَهَيِّئْ لَنَا عَطَاكَ، وَاجْعَلْنَا لَكَ
و پاکیزه اش همگی و نعمتهای خود را بر ما کامل گردان و عطایت را بر ما گوارا کن و نام ما را در زمره
شَاكِرِينَ، وَلِاَنَّكَ ذَاكِرِينَ، اَمِينَ اَمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ، اَللّٰهُمَّ يَا مَنْ
سپاسگزارانت بنویس و هم جزء یادکنندگان نعمتهایت آمین آمین ای پروردگار جهانیان خدایا ای که
مَلِكٌ فَقَدَرٌ، وَقَدَرٌ فَقَهَرٌ، وَعُصِي فَسْتَرٌ، وَاسْتَغْفَرَ فَغَفَرَ، يَا غَايَةَ
مالك آمد و توانا، و توانا است و قاهر و نافرمانی شد ولی پوشاند و آمرزشش خواهند و آمرزد ای کمال مطلوب

الطَّالِبِينَ الرَّاعِبِينَ وَمُنْتَهِي أَمَلِ الرَّاجِينَ، يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ
جویندگان مشتاق و منتهای آرزوی امیدواران ای که دانشش بهر چیز احاطه دارد
عِلْمًا، وَوَسِعَ الْمُسْتَقِيلِينَ رَافَةً وَرَحْمَةً وَحِلْمًا، اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ
و رأفت و مهر و بردباریش توبه‌جویان را فرا گرفته خدایا ما رو به درگاه تو آوریم
فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ الَّتِي شَرَفْتَهَا وَعَظَّمْتَهَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ،
در این شبی که آنرا شرافت و بزرگی دادی بوسیله محمد پیامبرت و فرستاده‌ات
وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَآمِينَكَ عَلَيَّ وَحَيْكَ، الْبَشِيرِ النَّذِيرِ، السَّراج
و برگزیده‌ات از آفریدگان و امین تو بر وحیت آن مژده دهنده و ترساننده و آن چراغ
الْمُنِيرِ، الَّذِي أَعَمَّتْ بِهِ عَلَيَّ الْمُسْلِمِينَ، وَجَعَلَتْهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ،
تابناک آنکه بوسیله‌اش بر مسلمانان نعمت بخشیدی و رحمت عالمیان قرارش دادی
اَللّٰهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا مُحَمَّدٌ أَهْلٌ لِّذَلِكَ مِنْكَ، يَا
خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد چنانچه محمد نزد تو شایسته آنست ای خدای
عَظِيمٌ فَصِّلْ عَلَيْهِ وَعَلَيَّ اِلَهَ الْمُتَجَبِّينَ الطَّاهِرِينَ
بزرگ پس درود فرست بر او و بر آل برگزیده پاک و پاکیزه‌اش
أَجْمَعِينَ، وَتَعَمَّدْنَا بِعَفْوِكَ عَنَّا، فَالَيْكَ عَجَّتِ الْأَصْوَاتُ بِصُوفِ
همگی و بیوشان ما را به گذشت خود زیرا صداها با انواع مختلف
اللُّغَاتِ، فَاجْعَلْ لَنَا اَللّٰهُمَّ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ نَصِيبًا مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تَقْسِمُهُ
لغتهاشان (و هرکس به زبانی ناله‌اش) بسوی تو بلند است پس ای خدا برای ما قرار ده در این شام بهره‌ای از هر خیری
که

بَيْنَ عِبَادِكَ، وَتُورِ تَهْدِي بِهِ وَرَحْمَةً تُنْشِرُهَا، وَبَرَكَتَةً تُنْزِلُهَا، وَعَافِيَةً
میان بندگانت تقسیم فرمایی و نوری که بدان هدایت فرمایی و رحمتی که بگستری آنرا و برکتی که نازلش کنی و عافیتی
تُجَلِّلُهَا، وَرِزْقٍ تَبْسُطُهُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اَللّٰهُمَّ اَقْلِبْنَا فِي هَذَا
که بیوشانی و روزی و رزقی که بهن کنی ای مهربانترین مهربانان خدایا برگردان ما را در این
الْوَقْتِ مُنْجِحِينَ مُفْلِحِينَ مَبْرُورِينَ غَانِمِينَ، وَلَا تَجْعَلْنَا مِنْ
هنگام پیروزمند و رستگار و پذیرفته و بهره‌مند و از ناامیدان قرارمان مده و از

الْفَاطِطِينَ، وَلَا تُخْلِنَا مِنْ رَحْمَتِكَ، وَلَا تَحْرِمْنا مَا نُؤْمِلُهُ مِنْ فَضْلِكَ،
رحمت دست خالیمان مفرما و محرومان مکن از آنچه از فضل تو آرزو مندیم
وَلَا تَجْعَلْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ مَحْرُومِينَ، وَلَا لِفَضْلٍ مَا نُؤْمِلُهُ مِنْ عَطَائِكَ
و جزء محرومان رحمت قرارمان مده و نه ناامیدمان کن از آن زیادی عطایت که
قَانِطِينَ، وَلَا تُرَدِّدْنَا خَائِبِينَ، وَلَا مِنْ بَابِكَ مَطْرُودِينَ، يَا أَجُودَ
آرزو مندیم و ناکام بازمان مگردان و از درگاهت مطرود و رانده مان مکن ای بخشنده ترین
الْأَجُودِينَ، وَ أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ، إِلَيْكَ أَقْبَلْنَا مُوقِنِينَ، وَلِبَيْتِكَ الْحَرَامِ
بخشنندگان و کریمترین کریمان ما با یقین به درگاه تو رو آوردیم و به آهنگ (زیارت) خانه محترم تو (کعبه بدینجا)
أَمِينَ قاصِدِينَ، فَأَعِثْنَا عَلَي مَنَاسِكِنَا، وَ اكْمِلْ لَنَا حَجَّنَا، وَ اعْفُ عَنَّا
آمدیم پس کمک ده ما را بر انجام مناسک حج و حجامان را کامل گردان و از ما درگذر
وَ عَافِنَا، فَقَدْ مَدَدْنَا إِلَيْكَ أَيْدِيَنَا، فَهِيَ بِذَلِكَ الْإِعْتِرَافِ مَوْسُومَةٌ، اللَّهُمَّ
و تندرستمان دار زیرا که ما بسوی تو دو دست (نیاز) دراز کرده ایم و آن دستها چنان است که به خواری اعتراف به گناه
نشاندار شده خدایا
فَاعْطِنَا فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ مَا سَأَلْنَاكَ، وَ اكْفِنَا مَا اسْتَكْفَيْنَاكَ، فَلَا كَافِيَ لَنَا
در این شام به ما عطا کن آنچه را از تو خواسته ایم و کفایت کن از ما آنچه را از تو کفایت آنرا خواستیم زیرا
کفایت کننده ای
سِوَاكَ، وَلَا رَبَّ لَنَا غَيْرَكَ، نَافِذُ فِينَا حُكْمُكَ، مُحِيطُ بِنَا عِلْمُكَ، عَدْلُ
جز تو نداریم و پروردگاری غیر از تو برای ما نیست تویی که فرمانت درباره ما نافذ و دانست به ما احاطه دارد
فِينَا قَضَاؤُكَ، إِقْضِ لَنَا الْخَيْرَ، وَ اجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ الْخَيْرِ، اللَّهُمَّ أَوْجِبْ لَنَا
و حکمی که درباره ما فرماید از روی عدالت است خدایا خیر و نیکی برای ما مقرر کن و از اهل خیر قرارمان ده خدایا
واجب گردان برای ما
بِجُودِكَ عَظِيمِ الْأَجْرِ، وَ كَرِيمِ الذُّخْرِ، وَ دَوَامِ الْيُسْرِ، وَ اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا
از آن جودی که داری پاداشی بزرگ و ذخیره ای گرامی و آسایشی همیشگی و بیامرز گناهان ما را
أَجْمَعِينَ، وَلَا تُهْلِكْنَا مَعَ الْهَالِكِينَ، وَلَا تَصْرِفْ عَنَّا رَأْفَتَكَ وَ رَحْمَتَكَ
همگی و در زمره هلاک شدگان بدست هلاکتان مسپار و مهر و رأفت را از ما باز مگردان

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مِمَّنْ سَأَلَكَ فَأَعْطَيْتَهُ،

ای مهربانترین مهربانان خدایا قرارمان ده در این وقت از آن کسانی که از تو درخواست کرده و بدیشان عطا فرموده‌ای
وَشَكَرَكَ فَرَدَّتْهُ، وَتَابَ إِلَيْكَ فَقَبِلْتَهُ، وَتَنَصَّلَ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِهِ كُلِّهَا

و شکر تو را بجا آورده و تو نعمت را بر آنها افزون کرده و بسویت بازگشته و تو پذیرفته‌ای و از گناهان بسوی
فَغَفَرْتَهَا لَهُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، اللَّهُمَّ وَتَقْنَا وَسَدَّدْنَا وَأَقْبَلْ

تو بیرون آمده و تو همه را آمرزیده‌ای، ای صاحب جلالت و بزرگواری خدایا ما را پاکیزه و (در دین) محکمان گردان
تَصَرُّعْنَا، يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، وَيَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتُرْحِمَ، يَا مَنْ لَا يَخْفِي

و تضرع و زاریمان بپذیر ای بهترین کسی که از او درخواست شود و ای مهربانترین کسی که از او مهر خواهند ای که بر او
پوشیده نیست

عَلَيْهِ اِغْمَاضُ الْجُفُونِ، وَلَا لَحْظُ الْعُيُونِ، وَلَا مَا اسْتَقَرَّ فِي الْمَكُونِ،

بهم نهادن پلکهای چشم و نه بر هم خوردن دیدگان و نه آنچه در مکنون ضمیر مستقر گردیده
وَلَا مَا اِطَّوَتْ عَلَيْهِ مُضْمَرَاتُ الْقُلُوبِ، أَلَا كُلُّ ذَلِكَ قَدْ اُحْصَاءُ

و نه آنچه در پرده دلها نهفته است آری تمام آنها را

عِلْمُكَ، وَوَسِعَهُ حِلْمُكَ، سُبْحَانَكَ وَتَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوًّا

دانش تو شماره کرده و بردباریت همه را در برگرفته است منزهی تو و برتری از آنچه ستمکاران گویند برتری
كَبِيرًا، تُسَبِّحُ لَكَ السَّمَوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُونَ وَمَنْ فِيهِنَّ، وَإِنْ مِنْ

بسیاری، تنزیه کنند تو را آسمانهای هفتگانه و زمینها و هر که در آنها است و چیزی نیست

شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ وَالْمَجْدُ وَعُلُوُّ الْجَدِّ، يَا ذَا الْجَلَالِ

جز آنکه به ستایش تو تسبیح کند پس تو را است ستایش و بزرگواری و بلندی رتبه، ای صاحب جلالت

وَالْإِكْرَامِ وَالْفَضْلِ وَالْإِعْامِ، وَالْأَيَادِي الْجِسَامِ، وَأَنْتَ الْجَوَادُ

و بزرگواری و فضل و نعمت بخشی و موهبتهای بزرگ و تویی بخشنده

الْكَرِيمُ الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ، اللَّهُمَّ أَوْسَعُ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ،

بزرگوار رؤوف و مهربان خدایا فراخ گردان بر من از روزی حلال خود

وَعَافِي فِي بَدَنِي وَدِينِي، وَامِنْ خَوْفِي، وَأَعْتَقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ،

و عافیتم بخش در تن و هم در دینم و ترسم را امان بخش و از آتش دوزخ آزادم کن

اللَّهُمَّ لَا تُمْكِرْ بِي وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي وَلَا تَخْدَعْني، وَأَذْرَ عَنِّي شَرًّا

خدایا مرا به مکر خود دچار مساز و در غفلت تدریجی بسوی نابودی مبر و فریبم مده و شرِّ

فَسَقَةِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ پس سر و دیده خود را بسوی آسمان بلند کرد و از دیده‌های

تبهکاران جن و انس را از من دور کن

* * * * *

مبارکش آب می‌ریخت مانند دو مشک و بصدای بلند گفت: یا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ، یا

* * * * *

ای شنواترین شنوندگان ای

أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، وَيا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، وَيا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، صَلِّ عَلَيَّ

بیناترین بینایان و ای سریعترین حساب‌رسان و ای مهربانترین مهربانان درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، السَّادَةِ الْمَيَامِينَ، وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ حَاجَتِي الَّتِي إِنْ

محمد و آل محمد آن آقایان فرخنده و از تو ای خدا درخواست کنم حاجتم را که اگر آنرا به من

أَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا

عطا کنی دیگر هرچه را از من دریغ کنی زیانم نزند و اگر آنرا از من دریغ داری دیگر سودم ندهد هرچه

أَعْطَيْتَنِي، أَسْأَلُكَ فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَحَدِّثْ لَشَرِيكَ

به من عطا کنی و آن این است که از تو خواهم مرا از آتش دوزخ آزاد گردانی معبودی جز تو نیست یگانه‌ای که

لَكَ، لَكَ الْمُلْكُ، وَلَكَ الْحَمْدُ، وَأَنْتَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، يَا رَبِّ يَا رَبِّ .

شریک نداری از تو است فرمانروایی و از تو است ستایش و تویی که بر هرچیز توانایی ای پروردگار ای پروردگار

پس مکرر می‌گفت یا رَبِّ و کسانی که دور آن حضرت بودند تمام گوش داده بودند به دعاء آن حضرت و اکتفا کرده بودند

به آمین گفتن پس صداهایشان بلند شد به گریستن با آن حضرت تا غروب کرد آفتاب و بار کردند و روانه جانب مشعر الحرام

شدند مؤلف گوید که کفعمی دعاء عرفه امام حسین علیه السلام را در بلد الامین تا اینجا نقل فرموده و علامه مجلسی در زاد المعاد این

دعای شریف را موافق روایت کفعمی ایراد نموده و لکن سید بن طاووس در اقبال بعد از یا رَبِّ یا رَبِّ

این زیادتیا را ذکر فرموده: اِلهي اَنَا الْفَقِيرُ فِي غِنَايَ، فَكَيْفَ لَا اَكُونُ فَقِيرًا

* * * * * خدا من چنانم که در حال توانگری هم فقیرم پس

چگونه فقیر نباشم

فِي فَقْرِي، اِلهي اَنَا الْجَاهِلُ فِي عِلْمِي، فَكَيْفَ لَا اَكُونُ جَهُولًا فِي

در حال تهیدستیم خدایا من نادانم در عین دانشمندی پس چگونه نادان نباشم در عین
جهلی، اِلهی اِنَّ اِخْتِلَافَ تَدْبِيرِكَ وَسُرْعَةَ طَوَّاءِ مَقَادِيرِكَ، مَنَعَا
نادانی خدایا براسقِ اختلاف تدبیر تو و سرعت تحول و پیچیدن در تقدیرات تو جلوگیری کنند
عِبَادَكَ الْعَارِفِينَ بِكَ عَنْ السُّكُونِ اِلَى عَطَاءٍ، وَالْيَاسِ مِنْكَ فِي بِلَاءٍ،
از بندگان عارف تو که به عطایت دل آرام و مطمئن باشند و در بلای تو مأیوس و ناامید شوند
اِلهی مَتِّی مَا یَلِیقُ بِلُؤْمِی، وَمِنْكَ مَا یَلِیقُ بِكَرَمِكَ، اِلهی وَصَفْتَ
خدایا از من همان سرزند که شایسته پستی من است و از تو انتظار رود آنچه شایسته بزرگواری تو است خدایا تو
نَفْسَكَ بِاللُّطْفِ وَالرَّأْفَةِ لِي قَبْلَ وُجُودِ ضَعْفِي، اَفْتَمْنَعْنِي مِنْهُمَا بَعْدَ
خود را به لطف و مهر به من توصیف فرمودی پیش از آنکه ناتوان باشم آیا پس از ناتوانیم لطف و مهرت را از من
وُجُودِ ضَعْفِي، اِلهی اِنْ ظَهَرْتَ الْمَحَاسِنُ مَتِّی فَبِفَضْلِكَ، وَلَكَ الْمِنَّةُ
دریغ می داری خدایا اگر کارهای نیک از من سرزند به فضل تو بستگی دارد و تو را متنی است بر من
عَلَيَّ، وَاِنْ ظَهَرْتَ الْمَسَاوِي مَتِّی فَبِعَدْلِكَ وَلَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ، اِلهی
و اگر کارهای بد از من روی دهد آن هم بستگی به عدل تو دارد و تو را بر من حجت است خدایا
كَيْفَ تَكِلْنِي وَقَدْ تَكَفَّلْتَ لِي، وَكَيْفَ اَضَامُ وَاَنْتَ النَّاصِرُ لِي، اَمْ كَيْفَ
چگونه مرا وامی گذاری در صورتی که کفایت کردی و چگونه مورد ستم واقع گردم با اینکه تو یاور منی یا چگونه
اَخِيبُ وَاَنْتَ الْحَفِيُّ بِي، هَا اَنَا اَتَوَسَّلُ اِلَيْكَ بِفَقْرِي اِلَيْكَ، وَكَيْفَ
ناامید گردم در صورتی که تو نسبت به من مهربانی هم اکنون به درگاه تو توسل جویم بوسیله آن نیازی که به درگاهت
دارم و چگونه
اَتَوَسَّلُ اِلَيْكَ بِمَا هُوَ مَحَالٌّ اَنْ يَصِلَ اِلَيْكَ، اَمْ كَيْفَ اَشْكُو اِلَيْكَ حَالِي
توسل جویم بوسیله فقری که محال است پیرامون تو راه یابد یا چگونه از حال خویش به درگاهت شکوه کنم با اینکه
حال
وَهُوَ لَا يَخْفِي عَلَيْكَ، اَمْ كَيْفَ اُتَرْجِمُ بِمَقَالِي وَهُوَ مِنْكَ بَرَزُ اِلَيْكَ، اَمْ
من بر تو پنهان نیست یا چگونه با زبان (قال) ترجمه حال خود کنم در صورتی که آنهم از پیش تو برروز کرده به نزد
خودت یا
كَيْفَ تُخَيِّبُ اِمَالِي وَهِيَ قَدْ وَفَدَتْ اِلَيْكَ، اَمْ كَيْفَ لَا تُحْسِنُ اَحْوَالِي

چگونه آرزوهایم به نومیدی گراید با اینکه به آستان تو وارد شده یا چگونه احوال را نیکو نکنی
 وَبِكَ قَامَتْ، اِلهي مَا اَلْطَفَكَ بِي مَعَ عَظِيمِ جَهْلِي، وَمَا اَرْحَمَكَ بِي مَعَ
 با اینکه احوال من به تو قائم است خدایا چه اندازه به من لطف داری با این نادانی عظیم من و چقدر به من مهر داری
 قَبِيحِ فَعْلِي، اِلهي مَا اَقْرَبَكَ مِنِّي وَابْعَدَنِي عَنْكَ، وَمَا اَرَأَفَكَ بِي، فَمَا
 با این کردار زشت من خدایا چقدر تو به من نزدیکی و در مقابل چقدر من از تو دورم و با اینهمه که تو نسبت به من
 مهربانی

الَّذِي يَحْبُبُنِي عَنْكَ، اِلهي عَلِمْتُ بِاخْتِلَافِ الْاَثَارِ وَتَنَقُّلَاتِ
 پس آن چیست که مرا از تو محبوب دارد خدایا آن طوری که من از روی اختلاف آثار و تغییر و تحول
 الْاُطْوَارِ، اَنْ مُرَادَكَ مِنِّي اَنْ تَتَعَرَّفَ اِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ، حَتَّى لَا اَجْهَلَكَ
 اطوار بدست آورده ام مقصود تو از من آنست که خود را در هر چیزی (جداگانه) به من بشناسانی تا من
 فِي شَيْءٍ، اِلهي كُلَّمَا اَخْرَسَنِي لَوْحِي اَنْطَقَنِي كَرَمُكَ، وَكُلَّمَا ابْسَتَنِي
 در هیچ چیزی نسبت به تو جاهل نباشم خدایا هر اندازه پستی من زبانم را لال می کند کرم تو آنرا گویا می کند و
 هر اندازه

اَوْصَافِي اَطْمَعَنِي مِنْكَ، اِلهي مَنْ كَانَتْ مَحَاسِنُهُ مَسَاوِي، فَكَيْفَ
 اوصاف من مرا مأیوس می کند نعمتهای تو به طمع اندازد خدایا آنکس که کارهای خوبش کار بد باشد
 لَا تَكُونُ مَسَاوِيهٍ مَسَاوِي، وَمَنْ كَانَتْ حَقَائِقُهُ دَعَاوِي، فَكَيْفَ لَا
 پس چگونه کار بدش بد نباشد و آنکس که حقیقت گویی هایش ادعایی بیش نباشد پس چگونه
 تَكُونُ دَعَاوِيهٍ دَعَاوِي، اِلهي حُكْمُكَ التَّافِذُ، وَمَشِيَّتُكَ الْقَاهِرَةُ، لَمْ
 ادعاهایش ادعا نباشد خدایا فرمان نافذت و مشیت قاهرت برای هیچ گوینده ای فرصت
 يَتْرُكَا لِذِي مَقَالٍ مَقَالًا، وَلَا لِذِي حَالٍ حَالًا، اِلهي كَمْ مِنْ طَاعَةٍ بَنَيْتُهَا،
 گفتار نگذارد و برای هیچ صاحب حالی حس و حال به جای نهد خدایا چه بسیار طاعتی که (پیش خود) پایه گذاری
 کردم

وَحَالَةٍ شَيَّدْتُهَا هَدَمَ اعْتِمَادِي عَلَيْهَا عَدْلُكَ، بَلْ اَقَالْتَنِي مِنْهَا فَضْلُكَ،
 و چه بسیار حالتی که بنیادش کردم ولی (یاد) عدل تو اعتمادی را که بر آنها داشتم یکسره فرو ریخت بلکه فضل تو نیز
 اعتمادم را بهم زد

إِلَهِي إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنِّي وَإِنْ لَمْ تَدُمْ الطَّاعَةَ مِنِّي فَعَلًا جَزْمًا، فَقَدْ دَامَتْ

خدایا تو می دانی که اگر چه طاعت تو در من بصورت کاری مثبت ادامه ندارد ولی

مَحَبَّةً وَعَزْمًا، إِلَهِي كَيْفَ أَغْرُمُ وَأَنْتَ الْقَاهِرُ، وَكَيْفَ لَا أَغْرُمُ وَأَنْتَ

دوستی و تصمیم بر انجام آن در من ادامه دارد خدایا چگونه تصمیم گیرم در صورتی که تحت قهر توام و چگونه تصمیم
نگیرم با اینکه

الْأَمْرُ، إِلَهِي تَرَدَّدِي فِي الْأَثَارِ يُوجِبُ بَعْدَ الْمَزَارِ فَاجْمَعْنِي عَلَيْكَ

تو دستورم دهی خدایا تفکر (یا گردش) من در آثار تو راه مرا به دیدارت دور سازد پس کردار مرا با خودت

بِخِدْمَةٍ تُوصِلُنِي إِلَيْكَ، كَيْفَ يُسْتَدَلُّ عَلَيْكَ بِمَا هُوَ فِي وُجُودِهِ مُفْتَقِرٌ

بوسیله خدمتی که مرا به تو برساند چگونه استدلال شود بر وجود تو به چیزی که خود آن موجود در هستیش نیازمند

إِلَيْكَ، أَيْكُونُ لِعَيْرِكَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ، حَتَّى يَكُونَ هُوَ الْمُظْهَرُ

به تو است و آیا اساساً برای ما سوای تو ظهوری هست که در تو نباشد تا آن وسیله ظهور تو

لَكَ، مَتَى غَبَتْ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ، وَمَتَى بَعُدَتْ حَتَّى

گردد تو کی پنهان شده ای تا محتاج بدلیلی باشیم که به تو راهنمایی کند و چه وقت دور مانده ای تا

تَكُونَ الْأَثَارُ هِيَ الَّتِي تُوصِلُ إِلَيْكَ، عَمِيَتْ عَيْنٌ لَا تَرَكَ عَلَيْهَا

آثار تو ما را به تو واصل گرداند کور باد آن چشمی که تو را نبیند که مراقب

رَقِيبًا، وَخَسِرْتَ صَفْقَةً عَبْدٌ لَمْ تَجْعَلْ لَهُ مِنْ حُبِّكَ نَصِيبًا، إِلَهِي أَمَرْتُ

او هستی و زیان کار باد سودای آن بنده که از محبت خویش به او بهره ای ندادی خدایا فرمان دادی

بِالرَّجُوعِ إِلَيَّ الْأَثَارِ، فَارْجِعْنِي إِلَيْكَ بِكِسْوَةِ الْأَنْوَارِ، وَهِدَايَةِ

که به آثار تو رجوع کنم پس باز گردان بسوی خود (پس از مراجعه به آثار) به پوششی از انوار و راهنمایی

الْإِسْتِبْصَارِ، حَتَّى أَرْجِعَ إِلَيْكَ مِنْهَا، كَمَا دَخَلْتُ إِلَيْكَ مِنْهَا، مَصُونٌ

و از بینش جوئی تا بازگردم بسویت پس از دیدن آثار هم چنانکه آمدم بسویت از آنها که نهادم

السِّرِّ عَنِ النَّظَرِ إِلَيْهَا، وَمَرْفُوعَ الْهَمَّةِ عَنِ الْإِعْتِمَادِ عَلَيْهَا، إِنَّكَ عَلَيَّ

از نظر به آنها مصون مانده و همتم را از اعتماد بدانها برداشته باشم که برآستی تو بر هر

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، إِلَهِي هَذَا ذَلِّي ظَاهِرٌ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَهَذَا حَالِي لَا يَخْفَى

چیز توانائی خدایا این خواری من است که پیش رویت عیان و آشکار است و این حال (تباه) من است

عَلَيْكَ، مِنْكَ أَطْلُبُ الْوُصُولَ إِلَيْكَ، وَبِكَ أَسْتَدِلُّ عَلَيْكَ فَاهْدِنِي
که بر تو پوشیده نیست از تو خواهیم که مرا به خود برسانی و بوسیله ذات تو بر تو دلیل می جویم
بُنُورِكَ إِلَيْكَ، وَأَقِمْنِي بِصَدَقِ الْعُبُودِيَّةِ بَيْنَ يَدَيْكَ إلهي عَلَّمْنِي مِنْ
پس به نور خود مرا بر ذات راهنمایی فرما و به یادآور مرا با بندگی صادقانه در پیش رویت خدایا بیاموز به من
عِلْمِكَ الْمَخْزُونِ، وَصُنِّي بِسِتْرِكَ الْمَصُونِ، إلهي حَقَّقْنِي بِحَقَائِقِ أَهْلِ
از دانش مخزون و محفوظ دار به پرده مصونت خدایا مرا به حقائق نزدیکان درگاهت
الْقُرْبِ، وَاسْأَلْكَ بِي مَسْأَلَةَ أَهْلِ الْجَذْبِ إلهي أَغْنِنِي بِتَدْبِيرِكَ لِي
بیاری و به راه اهل جذبه و شوقت ببر خدایا بی نیاز کن مرا به تدبیر خودت در باره ام
عَنْ تَدْبِيرِي، وَبِاخْتِيَارِكَ عَنْ اخْتِيَارِي، وَأَوْقِفْنِي عَلَى مَرَاكِبِ
از تدبیر خودم و به اختیار خودت از اختیار خودم و بر جاهای
اضْطِرَارِي، إلهي أَخْرِجْنِي مِنْ ذُلِّ نَفْسِي، وَطَهِّرْنِي مِنْ شَكِّي
بیچارگی و درماندگی مرا واقف گردان خدایا مرا از خواری نفسم نجات ده و پاکم کن از شک
و شرمی، قَبْلَ حُلُولِ رَمْسِي، بِكَ أَتَنْصِرُ فَأَنْصُرْنِي، وَعَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ فَلَا
و شرک خودم پیش از آنکه داخل گورم گردم به تو یاری جویم پس تو هم یاریم کن و بر تو توکل کنم پس
تَكِلْنِي، وَإِيَّاكَ أَسْأَلُ فَلَا تُخَيِّبْنِي، وَفِي فَضْلِكَ أَرْغَبُ فَلَا تَحْرِمْ نِي،
مرا و امگذار و از تو درخواست کنم پس ناامیدم مگردان و در فضل تو رغبت کرده ام پس محرومم مفرما
وَبِجَنَابِكَ أَتَسَبَّبُ فَلَا تُبْعِدْنِي وَبِإِبَابِكَ أَقِفْ فَلَا تَطْرُدْنِي، إلهي
و به حضرت تو خود را بسته ام پس دورم مکن و به درگاه تو ایستاده ام پس طردم مکن خدایا
تَقْدَسَ رِضَاكَ أَنْ يَكُونَ لَهُ عِلَّةٌ مِنْكَ، فَكَيْفَ يَكُونُ لَهُ عِلَّةٌ مِنِّي،
مبرا است خوشنودی تو از اینکه علت و سببی از جانب تو داشته باشد پس چگونه ممکن است من سبب آن گردم
إلهي أَنْتَ الْعَنِيُّ بِذَاتِكَ أَنْ يَصِلَ إِلَيْكَ النَّفْعُ مِنْكَ، فَكَيْفَ لَا تَكُونُ
خدایا تو به ذات خود بی نیازی از اینکه سودی از جانب خودت به تو برسد پس چگونه از من بی نیاز نباشی
غَنِيًّا عَنِّي، إلهي إِنَّ الْقَضَاءَ وَالْقَدَرَ يُمَيِّنُنِي، وَإِنَّ الْهَوَى بَوَائِقُ
خدایا برستی قضا و قدر مرا آرزومند می کنند و از آن سو هوای نفس مرا به بندهای
الشَّهْوَةِ أَسْرَنِي، فَكُنْ أَنْتَ التَّصِيرَ لِي حَتَّى تَنْصُرَنِي وَتُبَصِّرَنِي،

شهوت اسیر کرده پس تو یاور من باش تا پیروزم کنی و بینایم کنی
وَأَغْنِنِي بِفَضْلِكَ حَتَّى أَسْتَغْنِيَ بِكَ عَنْ طَلَبِي، أَنْتَ الَّذِي أَشْرَفْتَ
و بوسیله فضل خویش بی نیازم گردانی تا بوسیله تو از طلب کردن بی نیاز شوم توئی که تابانده
الْأَنْوَارَ فِي قُلُوبِ أَوْلِيَائِكَ، حَتَّى عَرَفُوكَ وَوَحَّدُوكَ، وَأَنْتَ الَّذِي
انوار (معرفت) را در دل اولیاءت تا اینکه تو را شناختند و یگانه‌ات دانستند و توئی که
أَزَلْتَ الْأَغْيَارَ عَنْ قُلُوبِ أَحِبَّائِكَ، حَتَّى لَمْ يُحِبُّوا سِوَاكَ، وَلَمْ يَلْجَأُوا
اغیار و بیگانگان را از دل دوستانت برانیدی تا اینکه کسی را جز تو دوست نداشته و به غیر تو پناهنده و ملتجی
إِلَى غَيْرِكَ، أَنْتَ الْمُؤْنِسُ لَهُمْ حَيْثُ أَوْحَشَتْهُمْ الْعَوَالِمُ، وَأَنْتَ الَّذِي
نشوند و توئی مونس ایشان در آنجا که عوالم وجود آنها را به وحشت اندازد و توئی که
هَدَيْتَهُمْ حَيْثُ اسْتَبَاءَتْ لَهُمُ الْمَعَالِمُ، مَاذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ وَمَا الَّذِي
راهنمائیشان کنی آنگاه که نشانه‌ها برایشان آشکار گردد چه دارد آنکس که تو را گم کرده؟ و چه ندارد
فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ، لَقَدْ خَابَ مَنْ رَضِيَ دُونَكَ بَدَلًا، وَلَقَدْ حَسِرَ مَنْ بَغَى
آنکس که تو را یافته است براستی محروم است آنکس که بجای تو بدیگری راضی شود و بطور حتم زیانکار است
کسی که
عَنْكَ مُتَحَوِّلًا، كَيْفَ يُرْجَى سِوَاكَ وَأَنْتَ مَا قَطَعْتَ الْإِحْسَانَ، وَكَيْفَ
از تو به دیگری روی کند چسان می شود بغیر تو امیدوار بود در صورتی که تو احسانت را قطع نکردی و چگونه
يُطْلَبُ مِنْ غَيْرِكَ وَأَنْتَ مَا بَدَّلْتَ عَادَةَ الْإِمْتِنَانِ، يَا مَنْ أَذَاقَ أَحِبَّائَهُ
از غیر تو می توان طلب کرد با اینکه تو تغییر نداده‌ای شیوه عطا بخشیت را ای خدائی که به دوستان
حَلَاوَةَ الْمُوَاسَّاتَةِ، فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُتَمَلِّقِينَ، وَيَا مَنْ أَلْبَسَ أَوْلِيَائَهُ
شیرینی همدی خود را چشانیدی و آنها در برابرت به چابلوسی برخاستند و ای خدائی که پوشانیدی بر اولیاء خودت
مَلَاسَ هَيْبَتِهِ، فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُسْتَغْفِرِينَ، أَنْتَ الذَّاكِرُ قَبْلَ
خلعت‌های هیبت خود را پس آنها در برابرت به آمرزش خواهی بپاخواستند توئی که یاد کنی پیش از آنکه
الذَّاكِرِينَ، وَأَنْتَ الْبَادِي بِالْإِحْسَانِ قَبْلَ تَوَجُّهِ الْعَابِدِينَ، وَأَنْتَ
یاد کنندگان یادت کنند و توئی آغازنده به احسان قبل از آنکه پرستش کنندگان بسویت توجه کنند و توئی
الْجَوَادُ بِالْعَطَاءِ قَبْلَ طَلَبِ الطَّالِبِينَ، وَأَنْتَ الْوَهَّابُ ثُمَّ لِمَا وَهَبْتَ لَنَا

بخشنده عطا پیش از آنکه خواهندگان از تو خواهند و توئی پربخشش و سپس همان را که به ما بخشیده‌ای از ما
مِنَ الْمُسْتَقْرِضِينَ، اِلهِي اُطْلُبْنِي بِرَحْمَتِكَ حَتَّى اَصِلَ اِلَيْكَ،
به قرض می‌خواهی خدایا مرا بوسیله رحمت بطلب تا من به نعمت وصال نائل گردم
وَاجْزِبْنِي بِمَنِّكَ حَتَّى اُقْبَلَ عَلَيْكَ، اِلهِي اِنْ رَجَائِي لَا يَنْقَطِعُ عَنْكَ
و بوسیله نعمت مرا جذب کن تا به تو رو کنم خدایا براستی امید من از تو قطع نگردد و اگرچه
وَ اِنْ عَصَيْتُكَ، كَمَا اَنْ خَوْفِي لَا يُزِيلُنِي وَ اِنْ اَطَعْتُكَ، فَقَدْ دَفَعْتَنِي
نافرمانیت کنم چنانکه ترسم و از تو زائل نشود و گرچه فرمانت برم همانا جهانیان مرا بسوی تو رانده‌اند
الْعَوَالِمُ اِلَيْكَ، وَقَدْ اَوْفَعْنِي عِلْمِي بِكَرَمِكَ عَلَيْكَ، اِلهِي كَيْفَ اَخِيبُ
و آن علمی که به کرم تو دارم مرا به درگاه تو آورده خدایا چگونه نومید شوم
وَ اَنْتَ اَمْلِي، اَمْ كَيْفَ اُهَانُ وَ عَلَيْكَ مُتَّكِلِي، اِلهِي كَيْفَ اَسْتَعِزُّ وَ فِي
و تو آرزوی منی و چگونه پست و خوار شوم با اینکه اعتمادم بر تو است خدایا چگونه عزت جویم با اینکه در
الدَّيْلَةُ اَرْكَزْتَنِي، اَمْ كَيْفَ لَا اَسْتَعِزُّ وَ اِلَيْكَ سَبَبْتَنِي، اِلهِي كَيْفَ لَا اَفْتَقِرُ
خواری جایم دادی و چگونه عزت نجویم با اینکه به خود مُتَنَسِّمِ کردی خدایا چگونه نیازمند نباشم
وَ اَنْتَ الَّذِي فِي الْفُقَرَاءِ اَقَمْتَنِي، اَمْ كَيْفَ اَفْتَقِرُ وَ اَنْتَ الَّذِي بِجُودِكَ
با اینکه تو در نیازمندانم جای دادی یا چگونه نیازمند باشم و توئی که به جود و بخشش
اَغْنَيْتَنِي، وَ اَنْتَ الَّذِي لَا اِلَهَ غَيْرُكَ تَعَرَّفْتَ لِكُلِّ شَيْءٍ، فَمَا جَهْلَكَ
بی‌نیازم کردی و توئی که معبودی جز تو نیست شناساندی خود را به هر چیز و هیچ چیزی نیست که تو را نشناسد
شَيْءٍ، وَ اَنْتَ الَّذِي تَعَرَّفْتَ اِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ، فَرَأَيْتَكَ ظَاهِرًا فِي
و توئی که شناساندی خود را به من در هر چیز و من تو را آشکار در
كُلِّ شَيْءٍ، وَ اَنْتَ الظَّاهِرُ لِكُلِّ شَيْءٍ، يَا مَنْ اسْتَوَى بِرَحْمَانِيَّتِهِ، فَصَارَ
هر چیز دیدم و توئی آشکار بر هر چیز ای که بوسیله مقام رحمانیت خود (بر همه چیز) احاطه کردی
الْعَرْشُ غَيْبًا فِي ذَاتِهِ، مَحْفَتِ الْاَثَارِ بِالْاَثَارِ، وَمَحَوْتَ الْاَغْيَارَ،
و عرش در ذاتش پنهان شد توئی که آثار را به آثار نابود کردی و اغیار را
بِمُحِيطَاتِ اَفْلَاكِ الْاَثْوَارِ، يَا مَنْ احْتَجَبَ فِي سُرَادِقَاتِ عَرْشِهِ عَنْ
به احاطه‌کننده‌های افلاک انوار محو کردی ای که در سراپرده‌های عرشش محتجب شد

وَبِاللّٰهِ وَسُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ «الدَّعَاءُ» واین همان دعای عشرات است که سابق گذشت پس شایسته است دعای

عشرات را که در هر صبح و شام مستحب است خواندن آن در آخر روز عرفه ترك نکنند و این اذکار عشراتی را که کفعمی نقل کرده همان اذکار آخر دعا عشرات است که سید نقل فرموده شب دهم از لیالی متبرکه و از آن چهار شبی است که احیاء آنها مَدُوب است و درهای آسمان در این شب باز است و سنت است در آن زیارت امام حسین علیه السلام و دعاء یا دَائِمَ الْفَضْلِ عَلَی الْبَرِّیَّةِ که در شب جمعه گذشت روز دهم روز عید قربان است و بسیار روز شریفی است و اعمال آن چند چیز است اول غسل است که در این روز سنت مؤکد است و بعضی از علماء واجب دانسته‌اند دویم نماز عید است به همان نحو که در عید فطر ذکر شد لکن در این روز مستحب است که افطار بعد از نماز از گوشت قربانی شود سیّم خواندن دعاهائی که وارد شده پیش از نماز عید و بعد از آن و در اقبال ذکر شده و شاید بهترین دعاهای این روز دعای چهل و هشتم صحیفه کامله باشد که اول آن اَللّهُمَّ هَذَا یَوْمٌ مُّبَارَكٌ است پس آن را بخواند و دعای چهل و ششم یا مَنْ یَرْحَمُ مَنْ لَا یَرْحَمُهُ الْعِبَادُ را نیز بخواند چهارم خواندن دعای ندبه است که بعد از این خواهد آمد انشاءالله تعالی پنجم قربانی است که سنت مؤکد است ششم خواندن تکبیرات است برای کسی که در منی باشد عقیب پانزده نماز که اولش نماز ظهر روز عید است و آخرش نماز صبح روز سیزدهم و کسانی که در سایر شهرها هستند بخوانند عقیب ده نماز از ظهر روز عید تا صبح دوازدهم و تکبیرات موافق روایت صحیح در کافی این است :

اَللّهُ اَكْبَرُ اَللّهُ اَكْبَرُ، لَا اِلَهَ اِلَّا اللّهُ وَاللّهُ اَكْبَرُ، اَللّهُ اَكْبَرُ اَللّهُ اَكْبَرُ وَلِلّهِ الْحَمْدُ، اَللّهُ اَكْبَرُ عَلَی

خدا بزرگتر از توصیف است معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگتر است و ستایش خاص خدا است خدا بزرگتر است بر آنچه ما را راهنمائی

ما هَدَانَا اَللّهُ، اَكْبَرُ عَلَی مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِیمَةِ الْاَنْعَامِ، وَالْحَمْدُ لِلّهِ عَلَی مَا اَبْلَانَا .

کرد خدا بزرگتر است بر آنچه روزی ما کرد از چهارپایان انعام (شتر و گاو و گوسفند) و ستایش خاص خدا است برای آنکه آزمود ما را

و مستحب است تکرار این تکبیرات عقب نمازها به قدر امکان و خواندن بعد از نوافل روز پانزدهم سنه ۲۱۲ ولادت حضرت امام علی نقی علیه السلام واقع شده شب هیجدهم شب عید غدیر و شب با شرافتی است سید در اقبال دوازده رکعت نماز به يك سلام به کیفیت مخصوص برای این شب با دعائی نقل کرده است روز هیجدهم روز عید غدیر و عید الله الاكبر و عید آل محمد علیهم السلام است و عظیمترین اعیاد است و مبعوث فرموده حق تعالی پیغمبری را مگر آنکه عید کرده است این روز را و حرمت آن را دانسته است و نامش در آسمان روز عهد معهود است و نامش در زمین روز میثاق مأخوذ و جمع مشهود است و روایت است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که آیا مسلمانان را عیدی هست غیر از جمعه و اضحی و فطر فرمود بلی عیدی هست که از همه حرمتش بیشتر است راوی گفت کدام عید است فرمود

که آن روزی است که نُصَبُ کرد حضرت رسول صلی الله علیه و آله امیرالمؤمنین علیه السلام را به خلافت خود و فرمود که هر که من مولی و آقای اویم پس علی مولی و آقا و پیشوای او است و آن روز هجدهم ذی الحجه است راوی گفت که چه کار در آن روز باید کرد فرمود که باید روزه بدارید و عبادت کنید و محمد و آل محمد علیهم السلام را یاد کنید و بر ایشان صلوات بفرستید و وصیت کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله امیرالمؤمنین علیه السلام را که این روز را عید گرداند و هر پیغمبری وصی خود را وصیت می کرد که این روز را عید گردانند و در حدیث ابن ابی نصر بزنطی است از حضرت رضا علیه السلام که فرمود ای پسر ابی نصر هر کجا که باشی سعی کن که روز غدیر نزد قبر مطهر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام حاضر شوی بدرستی که خدا در این روز می آمرزد از هر مرد مؤمن و زن مؤمنه گناه شصت ساله ایشان را و در این روز آزاد می کند از آتش جهنم دو برابر آنچه آزاد کرده است در ماه رمضان و شب قدر و شب فطر و یک درهم که در این روز به برادران مؤمن بدهی برابر است با هزار درهم که در اوقات دیگر بدهی و احسان کن در این روز به برادران مؤمن خود و شاد گردان هر مرد مؤمن و زن مؤمنه را به خدا قسم که اگر مردم فضیلت این روز را بدانند چنانکه باید هر آینه هر روز ده مرتبه ملائکه با ایشان مصافحه کنند و بالجمله تعظیم این روز شریف لازم و اعمال آن چند چیز است اول روزه که کفاره شصت سال گناه است و در خبریست که برابر است با روزه عمر دنیا و معادل است با صد حج و صد عمره دویم غسل سیّم زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و سزاوار است که انسان هر کجا باشد سعی کند خود را به قبر مطهر آن حضرت برساند و از برای آن جناب در این روز سه زیارت مخصوصه نقل شده که یکی از آنها زیارت معروفه به امین الله است که از نزدیک و دور خوانده می شود و آن از زیارات جامعه مطلقه است نیز و در باب زیارات بیاید انشاء الله تعالی چهارم بخواند تعویذی را که سیّد در اقبال از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده پنجم دو رکعت نماز کند و به سجده رود و صد مرتبه شکر خدا کند پس سر از سجده بردارد و بخواند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ، وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، وَأَنَّكَ

* * * * * خدایا از تو درخواست کنم بدانکه از برای تو است ستایش یگانه ای که شریک نداری و توئی

وَاحِدٌ أَحَدٌ صَدَمٌ، لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُوَلَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَكَ كُفُوًا أَحَدٌ، وَأَنَّ

یکتای یگانه ای بی نیاز که فرزندی نداری و فرزند کسی نیستی و نیست برایت همتائی هیچکس و براستی

مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ، صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، يَا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ فِي

محمد بنده و رسول تو است دروذهای تو بر او و آتش باد ای که هر روز در

شأن، کَمَا كَانَ مِنْ شَأْنِكَ أَنْ تَفَضَّلْتَ عَلَيَّ، بِأَنْ جَعَلْتَنِي مِنْ أَهْلِ

کاری هستی چنانچه از شأن تو بود که بر من تفضل فرمودی به اینکه مرا از اهل

إِجَابَتِكَ، وَأَهْلَ دِينِكَ وَأَهْلَ دَعْوَتِكَ، وَوَفَّقْتَنِي لِذَلِكَ فِي مُبْتَدَأِ
اجابت و از اهل دینت و اهل دعوت قرار دادی و موفقم داشتی بدان در آغاز
خَلْقِي، تَفَضُّلاً مِنْكَ وَكَرَمًا وَجُودًا، ثُمَّ أَرَدَفْتَ الْفَضْلَ فَضْلاً، وَالْجُودَ
آفرینش از روی تفضل و کرم و بخشش سپس دنبال آوردی این فضل را به فضلی دگر و این بخشش را
جُودًا، وَالْكَرَمَ كَرَمًا، رَأْفَةً مِنْكَ وَرَحْمَةً، إِلَى أَنْ جَدَّدْتَ ذَلِكَ الْعَهْدَ
به بخششی دگر و این کرم را به کرمی دگر که آن هم از روی مهر و رحمت بود تا بدانجا که تازه کردی این عهد را
لِي تَجْدِيدًا بَعْدَ تَجْدِيدِكَ خَلْقِي، وَكُنْتُ نَسِيًّا مُنْسِيًّا نَاسِيًّا سَاهِيًّا
برایم از نو پس از تجدید آفرینش در صورتی که من در فراموشی بودم و فراموشکاری و بی خبری
غَافِلًا، فَأَتَمَمْتَ نِعْمَتَكَ بَأَنْ دَكَّرْتَنِي ذَلِكَ، وَمَنْنْتَ بِهِ عَلَيَّ، وَهَدَيْتَنِي
و غفلت پس تو نعمت را بر من تمام کردی به اینکه آن را به یادم انداختی و بدان بر من منت نهادی و بر آن راهنمایی
کردی

لَهُ، فَلْيَكُنْ مِنْ شَأْنِكَ يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ أَنْ تُنِّمَ لِي ذَلِكَ، وَلَا
پس همچنان باید از شأن تو باشد ای معبود و آقا و مولای من که تمام کنی برایم آن نعمت را و از
تَسْلُبْنِيهِ حَتَّى تَتَوَفَّأَنِي عَلَيَّ ذَلِكَ، وَأَنْتَ عَنِّي رَاضٍ، فَأَلَّاكَ أَحَقُّ
من سلب نرفتمانی آن را تا هنگامی که بمیرانیم بر آن در حالی که تو از من خوشنود باشی که برستی تو سزاوارترین
الْمُنْعِمِينَ أَنْ تُنِّمَ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ، اللَّهُمَّ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأَجَبْنَا دَاعِيكَ
نعمت بخشانی که نعمت را بر من به پایان رسانی خدایا شنیدیم و پیروی کردیم و خواننده‌ات را اجابت کردیم
بِمَنَّا، فَلَكَ الْحَمْدُ غُفْرَانُكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ، أَمَّا بِاللَّهِ وَحْدَهُ لَا
به لطف تو پس از آن تو است حمد و آمرزش را خواهیم پروردگارا و به سویی تو است بازگشت ایمان داریم به خدای
یگانه‌ای

شَرِيكَ لَهُ، وَبِرَسُولِهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَصَدَقْنَا وَأَجَبْنَا
که شریک ندارد و به رسولش محمد صلی الله علیه و آله و تصدیق کردیم و اجابت کردیم
دَاعِيِ اللَّهِ، وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فِي مَوَالَاةِ مَوْلَانَا وَمَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ، أَمِيرِ
داعی خدا را و پیروی کردیم از رسول (او) در مورد دوستی و اطاعت مولایمان و مولای مؤمنان امیر
الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ عَبْدِ اللَّهِ وَآخِي رَسُولِهِ، وَالصَّدِّيقِ الْأَكْبَرِ،

مؤمنان علي بن ابی طالب بنده خدا و برادر رسول او و صدیق اکبر
و الْحُجَّةَ عَلَي بَرِيَّتِهِ، الْمُؤَيَّدَ بِهِ نَبِيُّهُ وَدِينُهُ الْحَقُّ الْمُبِينُ، عَلَمًا لِدِينِ
و حجت او بر آفریدگانش آنکه خداوند پیامبرش و دین حق آشکارش را بوسیله او تایید کرد نشانه و پرچم دین
الله، وَخَازِنًا لِعِلْمِهِ، وَعَيَّةَ غَيْبِ اللَّهِ، وَمَوْضِعَ سِرِّ اللَّهِ، وَآمِينَ اللَّهُ عَلَي
خدا و خزینه دار دانش او و گنجینه غیب خدا و جایگاه راز خدا و امین خدا بر
خَلْقِهِ، وَشَاهِدَهُ فِي بَرِيَّتِهِ، اَللّٰهُمَّ رَبَّنَا اِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي
خلق او و گواه او در آفریدگانش خدایا ای پروردگار ما ما شنیدیم منادی را که ندا می کرد
لِلْاِيْمَانِ، اَنْ اٰمِنُوْا بِرَبِّكُمْ فَاٰمَنَّا، رَبَّنَا فَاعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا، وَكُفِّرْ عَنَّا
برای ایمان (و می گفت) ایمان آورید به پروردگارتان پروردگارا ما هم ایمان آوردیم پس بیا مرز گناهانمان را
سَيِّئَاتِنَا، وَتَوَفَّنَا مَعَ الْاَبْرَارِ، رَبَّنَا وَاتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَي رُسُلِكَ، وَلَا
و بدیهامان را پوشیده دار و ما را با نیکان میران پروردگارا عطا کن به ما چیزی را که بوسیله فرستادگانت به ما وعده
دادی و

تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَمَةِ، اِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيْعَادَ، فَاِنَّا يَا رَبَّنَا بِمَنِّكَ وَلُطْفِكَ
در روز رستاخیز رسوایمان مکن که براستی تو خلف وعده نمی کنی، پس ما ای پروردگار به احسان و لطف تو
اَجَبْنَا دَاعِيكَ، وَاتَّبَعْنَا الرَّسُوْلَ وَصَدَقْنَا، وَصَدَقْنَا مَوْلِيَ الْمُؤْمِنِيْنَ،
اجابت کردیم داعی تو را و پیروی کردیم از رسول تو و تصدیقش کردیم و نیز تصدیق کردیم مولای مؤمنان را
وَكَفَرْنَا بِالْحَبِيْبِ وَالطَّاعُوْتِ، فَوَلَّوْنَا مَا تَوَلَّيْنَا، وَاحْشَرْنَا مَعَ اٰثِمَتِنَا، فَاِنَّا
و کافر شدیم به حبت و طاغوت (غاصبان حقوق آن حضرت) پس والی ما گردان آن را که ما به ولایت برگزیدیم و با
امامانمان

بِهِمْ مُؤْمِنُوْنَ مُوقِنُوْنَ، وَلَهُمْ مُسَلِّمُوْنَ، اٰمَنَّا بِسِرِّهِمْ وَعَلَانِيَتِهِمْ،
محشورمان کن که براستی ما بدیشان ایمان و اعتقاد داریم و تسلیم آنانیم ایمان داریم بر نهانشان و آشکارشان
و شَاهِدِهِمْ وَغَائِبِهِمْ، وَحَيِّهِمْ وَمَيِّتِهِمْ، وَرَضِينَا بِهِمْ اٰثِمَةً وَقَادَةً
و حاضرشان و غائبشان و زنده شان و مرده شان و خوشنودیم به امامتشان و آقائیشان و همانها ما را
و سَادَةً، وَحَسَبْنَا بِهِمْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ اللَّهِ دُونَ خَلْقِهِ لَا نُبْتَغِيْ، بِهِمْ بَدَلًا وَلَا
در مابین خود و خدا از سایر خلق کافی هستند نجوئیم بجای ایشان بدلی و

نَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِمْ وَلِيَّةً، وَبَرُّنَا إِلَى اللَّهِ مِنْ كُلِّ مَنْ نَصَبَ لَهُمْ حَرْبًا،

نگیریم جز ایشان همدی (یا معتمدی) و بیزاری جوئیم به درگاه خدا از هر که برپا کند در برابرشان جنگی

مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ مِنَ الْأُولَىٰ وَالْآخِرِينَ، وَكَفَرْنَا بِالْجِبْتِ

از جن و انس از اولین و آخرین و کافر شدیم به جبت

وَالطَّاغُوتِ، وَالْأَوْتَانِ الْأَرْبَعَةِ، وَأَشْيَاءَهُمْ وَأَتْبَاعَهُمْ وَكُلِّ مَنْ

و طاغوت و بتهای چهارگانه و دنبال روندگان و پیروانشان و

وَالاهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ مِنْ أَوَّلِ الدَّهْرِ إِلَى آخِرِهِ، اللَّهُمَّ إِنَّا

هر که دوستشان دارد از جن و انس از آغاز روزگار تا پایان آن خدایا تو را

نُشْهَدُكَ أَنَّا نَدِينُ بِمَا دَانَ بِهِ مُحَمَّدٌ وَآلُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

گواه می گیریم که ما متدین هستیم بدانچه متدین شد بدان محمد و آل محمد درود خدا بر او

وَعَلَيْهِمْ، وَقَوْلُنَا مَا قَالُوا، وَكِدُّنَا مَا دَاوُوا بِهِ، مَا قَالُوا بِهِ قُلْنَا، وَمَا دَاوُوا

و برایشان باد و گفتار ما همان است که آنها گفتند و دین ما همان است که آنها متدین بدان بودند هر چه را آنان گفتند

ما هم گفتیم و هر چه را آنان متدین

بِهِ دِينًا، وَمَا أَكْرَرُوا أَكْرَرْنَا، وَمَنْ وَالَوْا وَالَيْنَا وَمَنْ عَادَوْا عَادَيْنَا، وَمَنْ

بدان شدند ما هم شدیم و هر چه را آنان انکار کردند ما هم انکار کردیم و هر که را دوست داشتند دوست داریم و هر که را دشمن

دارند دشمن داریم

لَعَنُوا لَعْنًا، وَمَنْ تَبَرَّأُوا مِنْهُ تَبَرَّأْنَا [مِنْهُ]، وَمَنْ تَرَحَّمُوا عَلَيْهِ تَرَحَّمْنَا

و هر که را لعن کردند لعن کنیم و از هر که بیزاری جستند بیزاری جوئیم و بر هر که ترحم کردند ترحم کنیم

عَلَيْهِ، آمَنَّا وَسَلَّمْنَا وَرَضِينَا وَاتَّبَعْنَا مَوَالِينَا، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ،

ایمان آوردیم و تسلیم و خوشنود گشتیم و پیروی کردیم از سرورانمان دروذهای خدا بر ایشان باد

اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لَنَا ذَلِكَ، وَلَا تَسْلُبْنَاهُ، وَاجْعَلْهُ مُسْتَقَرًّا ثَابِتًا عِنْدَنَا، وَلَا

خدایا پس تو آن را برای ما تکمیل کن و از ما سلب مفرما و آنرا پایگاهی ثابت در پیش ما قرار ده و

تَجْعَلْهُ مُسْتَعَارًا، وَآخِینَا مَا أَحْيَيْتَنَا عَلَيْهِ، وَآمَنَّا إِذَا آمَنَّا عَلَيْهِ آلُ مُحَمَّدٍ

پایگاه عاریت و موقتش قرار مده و زنده مان دار بر همان تا هرگاه که زنده مان داری و بمیرانمان بر آن هرگاه

می رانندیمان، آل محمد

أَتَمَّتْنَا، فَبِهِمْ نَأْتُمْ، وَإِيَّاهُمْ نُؤَالِي، وَعَدُوَّهُمْ عَدُوُّ اللَّهِ تُعَادِي، فَاجْعَلْنَا مَعَهُمْ

پیشوایان مایند به آنها اقتدا کنیم و آنان را دوست داریم و دشمنشان را که دشمن خدا است دشمن داریم پس ما را در دنیا

و

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ، فَإِنَّا بِذَلِكَ رَاضُونَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

آخرت با ایشان قرار ده و از مقربان درگاهت گردان که براسقی ما به همان خوشنودیم ای مهربانترین مهربانان پس باز به سجده رود و صد مرتبه الْحَمْدُ لِلَّهِ و صد مرتبه شُكْرُ اللَّهِ بگویند و روایت شده که هر که این عمل را بجا آورد ثواب کسی داشته باشد که در روز عید غدیر نزد حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله حاضر شده باشد و با آن حضرت بیعت کرده باشد بر ولایت الخبر و بهتر آنکه این نماز را نزد یک به زوال گذارد که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در آن ساعت امیر المؤمنین علیه السلام را در غدیر خم به امامت و خلافت برای مردم نصب فرمود و در رکعت اول قدر و در دویم توحید بخواند ششم غسل کند و در رکعت نماز کند پیش از زوال به نیم ساعت در هر رکعت حمد یک مرتبه و قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ده مرتبه و آیه الکرسی ده مرتبه و اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ ده مرتبه بخواند که مقابل صد هزار حج و صد هزار عمره و باعث بر آوردن خداوند کریم است حوائج دنیا و آخرت او را به آسانی و عافیت و مخفی نماید که در اقبال در ذکر این نماز سوره قدر مقدم بر آیه الکرسی ذکر شده و علامه مجلسی در زاد المعاد متابعت اقبال نموده و قدر را مقدم داشته چنانکه احقر نیز در کتب دیگر چنین کرده ام لکن فعلاً آنچه تتبع کرده ام آیه الکرسی را مقدم بر قدر بیشتر دیدم و احتمال آنکه در اقبال سهوی شده از قلم مبارک سید یا ناسخین در این نماز هم در عدد حمد و هم در مقدم داشتن قدر بر آیه الکرسی و یا آنکه این عمل مستقلی باشد غیر از آن نماز خیلی بعید است و الله تعالی العالم و بهتر آنکه بعد از این نماز این دعا را بخواند رَبَّنَا اِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا «الدُّعَاءُ بطوله» هفتم بخواند دعاء ندبه را هشتم بخواند

این دعا را که سید بن طاوس از شیخ مفید نقل کرده: اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ

* * * * *

خدایا از تو درخواست کنم به حق

مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ، وَعَلِيٍّ وَلِيِّكَ، وَالشَّانِ وَالْقَدْرِ الَّذِي خَصَّصْتَهُمَا بِهِ دُونَ

محمد پیامبرت و به حق علی ولی تو و بدان منزلت و مرتبه ای که بدان وسیله آن دو را از سایر مخلوق خود اختصاص دادی که

خَلْقِكَ، اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَعَلَيَّ، وَاَنْ تُبَدَّءَ بِهِمَا فِي كُلِّ خَيْرٍ

درود فرستی بر محمد و علی و از آنان شروع کنی در دادن هر خیری

عَاجِلٍ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ الْاَئِمَّةِ الْاَقَادَةِ، وَالدُّعَاةِ
که فوری است خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد پیشوایان رهبر و خوانندگان بزرگ و
السَّادَةِ، وَالتُّجُومِ الزَّاهِرَةِ، وَالأَعْلَامِ الْبَاهِرَةِ، وَسَاسَةِ الْعِبَادِ، وَارْكَانِ
سرور و ستارگان درخشان و نشانه‌های فروزان و تدبیرکنندگان کار بندگان و پایه‌های
الْبِلَادِ، وَالتَّاقَةِ الْمُرْسَلَةِ، وَالسَّفِينَةِ النَّاجِيَةِ الْجَارِيَةِ فِي الْلُجَجِ
جاهای آباد و ناچه فرستاده شده و کشتی نجات که روان است در دریاهای ژرف
الْغَامِرَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، حُزَّانِ عِلْمِكَ، وَارْكَانِ
پرآب خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد گنجینه‌های دانش و پایه‌های محکم
تَوْحِيدِكَ، وَدَعَائِمِ دِينِكَ، وَمَعَادِنِ كَرَامَتِكَ، وَصِفْوَتِكَ مِنْ بَرِيَّتِكَ،
توحید تو و ستونهای دین تو و معدنهای کرامت و برگزیدگان از خلقت
وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، الْاَثْقِيَاءِ الْاَثْقِيَاءِ، التُّجَبَاءِ الْاَبْرَارِ وَالْبَابِ
و بهترین آفریدگانت آن پرهیزکاران پاکیزه و برگزیدگان نیکوکار و درگاهی که مورد
الْمُبْتَليِّ بِهِ النَّاسُ، مَنْ اَتَاهُ نَجِي، وَمَنْ اَبَاهُ هَوِي، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى
ابتلای مردم است هرکه بدان درگاه آمد نجات یافت و هرکه سرباز زد سقوط کرد خدایا درود فرست بر
مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، اَهْلَ الذِّكْرِ الَّذِينَ اَمَرْتُ بِمَسْئَلَتِهِمْ، وَذَوِي
محمد و آل محمد اهل ذکری که دستور فرمودی پیرش مسائل از آنها
الْقُرْبَى الَّذِينَ اَمَرْتُ بِمَوَدَّتِهِمْ، وَفَرَضْتُ حَقَّهُمْ، وَجَعَلْتُ الْجَنَّةَ مَعَادَ
و خویشاوندانی که دستور فرمودی به دوست داشتنشان و حقشان را واجب کردی و بهشت را بازگشتگاه (و سرمنزل)
مَنْ اَقْتَصَّ اَثَارَهُمْ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا اَمَرُوا
کسی قرار دادی که آثارشان را پیروی کند خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد چنانچه دستور
بِطَاعَتِكَ، وَهَوُوا عَنْ مَعْصِيَتِكَ، وَدَلُّوا عِبَادَكَ عَلٰى وَحْدَانِيَّتِكَ، اَللّٰهُمَّ
پیروی تو را دادند و از نافرمانیت نهی کردند و بندگان را بیگانگیت راهنمایی کردند خدایا
اِنِّي اَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَجَبِيكَ، وَصَفْوَتِكَ وَامِينِكَ،
من از تو می‌خواهم به حق محمد پیامبرت و گرامی و برگزیده و امین تو
وَرَسُولِكَ اِلَى خَلْقِكَ، وَبِحَقِّ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَيَعْسُوبِ الدِّينِ، وَقَائِدِ

و فرستاده‌ات بسوی خلق و به حق امیرمؤمنان و پیشوای دین و رهبر
الْعُرُّ الْمُحَجَّلِينَ، الْوَصِيِّ الْوَفِيِّ، وَالصَّدِيقِ الْأَكْبَرِ، وَالْفَارُوقِ بَيْنَ
سفیدرویان آن وصی باوفا و صدیق اکبر و جداکننده بین
الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ، وَالشَّاهِدِ لَكَ، وَالدَّالُّ عَلَيْكَ، وَالصَّادِعِ بِأَمْرِكَ،
حق و باطل و گواه تو و راهنمای کننده بر تو و آشکار کننده دستورت
وَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِكَ، لَمْ تَأْخُذْهُ فَيْكَ لَوْمَةٌ لَائِمٌ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ
و جهادکننده در راحت آنکه نگیردش (و ناراحتش نکند) درباره تو ملامت ملامت‌کننده‌ای که درود فرستی بر
مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَني فِي هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي عَقَدْتَ فِيهِ
محمد و آل محمد و مرا قرار دهی در این روزی که بستی برای ولی خود پیمان
لَوْلِيَّكَ الْعَهْدَ فِي أَغْنَاكِ خَلْقَكَ، وَأَكْمَلْتَ لَهُمُ الدِّينَ مِنَ الْعَارِفِينَ
(امامت) را در گردن خلق خود و کامل گرداندی برای آنها دین را از عارفان
بِحُرْمَتِهِ، وَالْمُقَرَّرِينَ بِفَضْلِهِ مِنْ عَتَقَائِكَ وَطُلُقَائِكَ مِنَ النَّارِ، وَلَا
به حرمتش و اقرارکنندگان به فضل او از آزادشدگان و ره‌اشدگان از آتش و
تُشْمِتُ بِي حَاسِدِي النَّعَمِ، أَللَّهُمَّ فَكَمَا جَعَلْتَهُ عِيدَكَ الْأَكْبَرَ وَسَمِيَّتَهُ
شاد مکن نسبت به من حسودانم را در نعمت‌های خدایا چنانچه آنرا عید بزرگ خود قرار داده‌ای و نامیدی آنرا
فِي السَّمَاءِ يَوْمَ الْعَهْدِ الْمَعْهُودِ، وَفِي الْأَرْضِ يَوْمَ الْمِيثَاقِ الْمَأْخُودِ
در آسمان روز عهد معهود و در زمین روز پیمان گرفتن و انجمن بازخواست
وَالْجَمْعِ الْمَسْئُولِ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَأَقْرِرْ بِهِ عُيُونَنَا،
شده درود فرست بر محمد و آل محمد و روشن کن بوسیله‌اش دیدگان ما را
وَأَجْمَعْ بِهِ شَمْلَنَا، وَلَا تُضِلَّنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَاجْعَلْنَا لِلنُّعْمِكَ مِنْ
و گردآور بدستش پراکندگی ما را و گمراهمان مکن پس از آنکه هدایت‌مان کردی و قرارمان ده از سپاسگزاران نعمت‌های
ای

الشَّاكِرِينَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَرَّفَنَا فَضْلَ هَذَا الْيَوْمِ،
مهربانترین مهربانان ستایش خاص خدایی است که شناساند به ما فضیلت این روز را
وَبَصَّرَنَا حُرْمَتَهُ، وَكَرَّمَنَا بِهِ، وَشَرَّفَنَا بِمَعْرِفَتِهِ، وَهَدَانَا بِثَوْرِهِ، يَا رَسُولَ

و بینامان کرد به حرمت این روز و گرامیمان داشت بدان و شرافتمان داد به معرفتش و هدایتمان کرد به نورش ای

رسول

اللَّهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، عَلَيْكُمَا وَعَلَى عَثْرَتِكُمَا وَعَلَى مُحَبِّبِكُمَا مِنِّي

خدا ای امیرمؤمنان بر شما و بر عثرت شما و بر دوستان شما

أَفْضَلُ السَّلَامِ مَا بَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، وَبِكُمَا اتَّوَجَّهْتُ إِلَى اللَّهِ رَبِّي

بهترین سلام و درود من باد تا برپاست شب و روز و بوسیله او رو کنم بسوی خدا پروردگار من

وَرَبِّكُمَا فِي نَجَاحِ طَلَبَتِي وَقَضَاءِ حَوَائِجِي، وَيَسِيرِ أُمُورِي، اللَّهُمَّ

و پروردگارتان در موفق شدن به مقصودم و برآورده شدن حاجاتم و آسان شدن کارهایم خدایا

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

از تو خواهم به حق محمد و آل محمد که درود فرستی بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُلْعَنَ مَنْ جَحَدَ حَقَّ هَذَا الْيَوْمِ، وَأَنْكَرَ حُرْمَتَهُ، فَصَدَّ عَنْ

محمد و لعنت کنی کسی را که انکار کند حق این روز را و انکار کند حرمتش را و جلوگیری کرد

سَبِيلِكَ لِأَطْفَاءِ نُورِكَ، فَابْيِ اللَّهَ إِلَّا أَنْ يُنَمَّ نُورُهُ، اللَّهُمَّ فَرِّجْ عَنْ أَهْلِ

از راه تو برای خاموش کردن نورت ولی خدا هم نمی خواهد جز آنکه نورش را آشکار کند خدایا گشایش ده به کار

خاندان

يَبْتَ مُحَمَّدٌ نَبِيَّكَ، وَكَاشِفُ عَنْهُمْ وَبِهِمْ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ الْكُرْبَاتِ،

محمد پیامبرت و برطرف کن از ایشان و بوسیله ایشان از اهل ایمان گرفتاریها و محنتها را

اللَّهُمَّ اَمْلَأِ الْأَرْضَ بِهِمْ عَدْلًا، كَمَا مَلَأْتَ ظُلْمًا وَجَوْرًا، وَأَجِزْ لَهُمْ

خدایا پرکن زمین را بوسیله ایشان از عدل و داد چنانچه پر شده از ستم و بیداد و وفا کن برای آنها

مَا وَعَدْتَهُمْ، إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ. و اگر بتواند بخواند دعاهاي مبسوطه را که سید

* * * * * آنچه را وعده دادی به آنها که برآستی تو خلف وعده نمی کنی * * * * *

* * * * *

در اقبال روایت کرده نهم آنکه چون مؤمنی را ملاقات کند این تهنیت را بگوید: الْحَمْدُ لِلَّهِ

* * * * *

* * * * * ستایش خاص خدایی است

الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَالْإِئِمَّةِ عَلَيْهِمُ

که قرار داد ما را از تمسك جویان به ولایت امیرمؤمنان و سایر امامان علیهم السلام، و نیز بخواند: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنَا بِهَذَا الْيَوْمِ، وَجَعَلَنَا مِنَ الْوَفِينَ بَعْدِهِ الْيَتَامَا، وَمِيثَاقَهُ الَّذِي وَاثَقْنَا بِهِ مِنْ وَلَايَةِ وَلَاةِ أَمْرِهِ، وفا کنندگان به عهدي که با ما کرده بود و پیمانی که با ما بسته بود از ولایت سرپرستان امر دین او وَالْقَوَامِ بِقِسْطِهِ، وَلَمْ يَجْعَلْنَا مِنَ الْجَاهِلِينَ وَالْمُكَذِّبِينَ يَوْمَ الدِّينِ .

و برپادارندگان عدلش و قرارمان نداد از منکران و تکذیب کنندگان روز جزا

دهم آنکه صد مرتبه بگوید: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ كَمَالَ دِينِهِ وَتَمَامَ نِعْمَتِهِ،

* * * * * ستایش خاص خدایی است که قرار داد کمال دین و تمام

شدن نعمتش را

بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ. و بدانکه در این

به ولایت امیرمؤمنان علی بن ابیطالب علیه السلام * * * * *

روز شریف از برای پوشیدن جامه های نیکو و زینت کردن و بوی خوش استعمال نمودن و شادی کردن و شاد نمودن شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام و عفو از تقصیرات ایشان و برآوردن حاجات ایشان و صلّه ارحام و توسعه بر عیال و اطعام مؤمنان و افطار دادن روزه داران و مصافحه با مؤمنین و رفتن به زیارت ایشان و تَبَسُّم کردن بر رویشان و هدایا فرستادن بر ایشان و شکر الهی به جا آوردن به جهت نعمت بزرگ ولایت و بسیار فرستادن صَلَوَات و اِکْتِنَار در عبادات و طاعات از برای هر يك فضیلتی عظیم است و يك درهم که کسی در این روز به برادر مؤمن خود بدهد برابر است با صد هزار درهم در غیر این روز و طعام دادن به مؤمنی در این روز مثل طعام دادن به جمیع پیغمبران و صدیقان است و در خطبه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است در روز غدیر که هرکه افطار دهد مؤمن روزه دار را در شب وقت افطارش مثل آنستکه ده فَنَام را افطار داده باشد شخصی برخواست عرض کرد یا امیرالمؤمنین فَنَام چیست فرمود صد هزار پیغمبر و صدیق و شهید پس چگونه خواهد بود در کثرت فضیلت حال کسی که جمعی از مؤمنین و مؤمنات را کفالت کند پس من ضامن او هستم بر خداوند تعالی امان او را از کفر و فقر الخ... وبالجمله فضیلت این روز شریف زیاده از آنستکه ذکر شود و این روز، روز قبولی اعمال شیعیان و روز برطرف شدن غمهای ایشان است و این روزیست که حضرت موسی علیه السلام بر ساحران غلبه کرده و خداوند آتش را بر ابراهیم خلیل علیه السلام سَرَد و سلامت کرده و حضرت موسی علیه السلام یوشع بن نون را وصی خود گردانیده و حضرت عیسی علیه السلام شمعون الصفا را وصی

وَإِخْتِكَ فِي اللَّهِ، وَصَافِيَّتِكَ فِي اللَّهِ، وَصَافِحَتِكَ فِي اللَّهِ وَعَاهِدَتُ اللَّهَ

وَمَلَائِكَتَهُ وَكُتُبَهُ وَرُسُلَهُ وَأَنْبِيََاءَهُ، وَالْأَئِمَّةَ الْمَعْصُومِينَ عَلَيْهِمْ

السَّلَامُ، عَلَى أَنِّي إِنْ كُنْتُ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَالشَّفَاعَةِ، وَأُذِنَ لِي بَأَنِّ

اَدْخُلَ الْجَنَّةَ لَا اَدْخُلُهَا اِلَّا وَاَنْتَ مَعِيَ اَنْگاه برادر مؤمن بگوید: قَبِلْتُ بِسْ بگوید :

أَسْقَطْتُ عَنْكَ جَمِيعَ حُقُوقِ الْأُخُوَّةِ، مَا خَلَا الشَّفَاعَةَ وَالِدُعَاءَ وَالزِّيَارَةَ .

مقابل از برای خود یا موکل خود به لفظی که دلالت بر قبول نماید پس ساقط کنند از همدیگر جمیع حقوق

نجران و بیش از آنکه خواست مُباهله کند عبا بر دوش مبارک گرفت و حضرت امیرالمؤمنین و فاطمه و حسن و حسین علیهم

او خداوند اینها اهل بیت منند پس از ایشان برطرف کن شك و گناه را و پاك كن ایشان را پاك كردنی پس جبرئیل نازل شد و

آیه تطهیر در شأن ایشان آورد پس حضرت رسول صلی الله علیه وآله آن چهار بزرگوار را بیرون برد از برای مباحله

چون نگاه‌نصراری برایشان افتاد و حقیقت آن حضرت و آثار نزول عذاب مشاهده کردند جُرأت مُباهله نمودند و استدعای

مصالحه و قبول جزیه نمودند و در این روز نیز حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در حال رکوع انگشتی خود را به سائل

داد و آیه انما وَلِیُّکُمُ اللّٰهُ در شانِش نازل شد و بالجمله این روز روز شریفی است و در آن چند عمل وارد است اوّل

غسل دویم روزه سیم دو رکعت نماز و آن مثل روز عید غدیر است در وقت و کیفیت و ثواب و آیه‌الکرسی که در نماز مباحله است تا هم فيها خالدون است چهارم خواندن دعای مباحله که شبیه به دعای سحرهای ماه رمضان است و شیخ و سید هر دو نقل کرده‌اند لکن مابین روایات آن دو بزرگوار اختلاف کثیر است و من اختیار می‌کنم روایت شیخ را در مصباح فرموده دعاء روز مباحله روایت شده با فضیلت آن از حضرت صادق علیه السلام می‌گویی :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ بَهَائِكَ بِأَبْهَاءٍ، وَكُلُّ بَهَائِكَ بَهِيٌّ،

خدایا از تو خواهم از درخشنده‌ترین مراتب درخشندگیت و همه مراتب آن درخشنده است

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِبَهَائِكَ كُلَّهُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَلَالِكَ

خدایا از تو خواهم به تمام مراتب درخشندگیت خدایا از تو خواهم از باشوکت‌ترین مراتب

بِاجْلِهِ، وَكُلُّ جَلَالِكَ جَلِيلٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَلَالِكَ كُلَّهُ،

جلالت و تمام مراتب جلال تو شوکت‌مند است خدایا از تو خواهم به همه مراتب جلالت

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَمَالِكَ بِأَجْمَلِهِ، وَكُلُّ جَمَالِكَ جَمِيلٌ، اللَّهُمَّ

خدایا از تو خواهم از زیباترین مراتب جمال تو و همه مراتب جمالت زیباست خدایا

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَمَالِكَ كُلَّهُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي، فَاسْتَجِبْ

از تو خواهم به همه مراتب جمالت خدایا تو را خوانم چنانچه دستورم دادی پس دعایم را به اجابت رسان

لِي كَمَا وَعَدْتَنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عَظَمَتِكَ بِأَعْظَمِهَا، وَكُلُّ

چنانچه وعده‌ام دادی خدایا از تو خواهم از بزرگترین مراتب عظمتت و همه

عَظَمَتِكَ عَظِيمَةً، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَظَمَتِكَ كُلِّهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

مراتب آن بزرگ است خدایا از تو خواهم به همه عظمتت خدایا از تو خواهم

مِنْ نُورِكَ بِأَنْوَرِهِ، وَكُلُّ نُورِكَ نَبِيرٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِنُورِكَ كُلَّهُ

از تابنده‌ترین مراتب روشنیت و همه مراتب آن تابنده است خدایا از تو خواهم به تمام مراتب روشنیت

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ رَحْمَتِكَ بِأَوْسَعِهَا، وَكُلُّ رَحْمَتِكَ وَاسِعَةٌ،

خدایا از تو خواهم از وسیع‌ترین مراتب رحمتت و همه رحمت تو وسیع است

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ كُلِّهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي،

خدایا از تو خواهم به همه مراتب رحمتت خدایا تو را می‌خوانم همچنانکه دستورم دادی

فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كَمَالِكَ بِأَكْمَلِهِ،

پس اجابت کن دعایم را چنانچه وعده فرمودی خدایا از تو خواهیم از کاملترین مراتب کمال

وَكُلُّ كَمَالِكَ كَامِلٌ، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِكَمَالِكَ كُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ

و تمام مراتب آن کامل است خدایا از تو خواهیم به تمام مراتب کمال خدایا از تو

اَسْئَلُكَ مِنْ کَلِمَاتِكَ بِاَتَمِّهَا وَكُلُّ کَلِمَاتِكَ تَامَّةٌ، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ

خواهم از تمامترین کلمات و سخنان و تمام کلمات تام و تمام است خدایا از تو خواهیم

بِكَلِمَاتِكَ كُلِّهَا، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ مِنْ اَسْمَائِكَ بِاَكْبَرِّهَا، وَكُلُّ

به کلمات همگی خدایا از تو خواهیم به بزرگترین نامهای و همه

اَسْمَائِكَ كَبِیْرَةً، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِاَسْمَائِكَ كُلِّهَا، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَدْعُوكَ

نامهای بزرگ است خدایا از تو خواهیم به نامهای همگی خدایا من تو را می خوانم

كَمَا اَمَرْتَنِ فَاسْتَجِبْ لِيْ كَمَا وَعَدْتَنِ، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ مِنْ

چنانچه به من دستور دادی پس به اجابت رسان دعایم را چنانچه وعده فرمودی خدایا از تو خواهیم به

عِزَّتِكَ بِاَعَزِّهَا، وَكُلُّ عِزَّتِكَ عَزِیْزَةٌ، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِعِزَّتِكَ كُلِّهَا،

عزیزترین مراتب عزت و همه مراتب تو عزیز است خدایا از تو خواهیم به همه مراتب عزت

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ مِنْ مَّشِیَّتِكَ بِاَمْضَاهَا، وَكُلُّ مَّشِیَّتِكَ مَاضِیَةٌ

خدایا از تو خواهیم به گذراترین اراده و خواست و همه مراتب اراده تو گذراست

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِمَّشِیَّتِكَ كُلِّهَا، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِقُدْرَتِكَ اَلَّتِیْ

خدایا از تو خواهیم به تمام مراتب اراده و خواست خدایا از تو خواهیم بدان قدرتت که بوسیله آن بر همه چیز

اَسْتَطَلَّتْ بِهَا عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ، وَكُلُّ قُدْرَتِكَ مُسْتَطِیْلَةٌ، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ

برتری گرفتی گرچه تمام مراتب قدرتت برتری گیرنده است خدایا از تو

اَسْئَلُكَ بِقُدْرَتِكَ كُلِّهَا، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَدْعُوكَ كَمَا اَمَرْتَنِ، فَاسْتَجِبْ لِيْ

خواهم به تمام مراتب قدرتت خدایا من تو را خوانم چنانچه دستورم دادی تو هم اجابت کن چنانچه

كَمَا وَعَدْتَنِ، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ مِنْ عِلْمِكَ بِاَنْفَذِهِ، وَكُلُّ عِلْمِكَ نَافِذٌ،

وعده فرمودی خدایا از تو خواهیم از نافذترین مراتب دانش با این که تمام مراتب دانش نافذ است

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِعِلْمِكَ كُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ مِنْ قَوْلِكَ بِاَرْضَاهُ،

خدایا از تو خواهیم به مراتب دانش همگی خدایا از تو خواهیم از پسندیده ترین گفتارت

وَكُلُّ قَوْلِكَ رَضِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقَوْلِكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

و تمام گفتار تو پسندیده است خدایا از تو خواهم به همه گفتارت خدایا از تو خواهم

مِنْ مَسَائِلِكَ بِأَحَبِّهَا، وَكُلُّهَا إِلَيْكَ حَبِيبَةً، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَسَائِلِكَ

به محبوبترین چیزی که از تو درخواست شده و همه آنها پیش تو محبوب است خدایا از تو خواهم به تمام آنچه از تو

كُلُّهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي، فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي،

درخواست شده خدایا من تو را خوانم چنانچه دستورم دادی پس اجابت کن چنانچه وعده ام فرمودی

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ شَرَفِكَ بِأَشْرَفِهِ، وَكُلُّ شَرَفِكَ شَرِيفٌ، اللَّهُمَّ

خدایا از تو خواهم به شریفترین مراتب شرفت و تمامی مراتب شرف تو شریف است خدایا

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِشَرَفِكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ سُلْطَانِكَ بِأَدْوَمِهِ،

از تو خواهم به مراتب شرفت همگی خدایا از تو خواهم به حق بادوامترین مراتب سلطنت

وَكُلُّ سُلْطَانِكَ دَائِمٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِسُلْطَانِكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي

و تمام مراتب آن دائمی است خدایا از تو خواهم به مراتب سلطنت همگی خدایا از تو

أَسْأَلُكَ مِنْ مُلْكِكَ بِأَفْخَرِهِ، وَكُلُّ مُلْكِكَ فَاحِرٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

خواهم به گرانمایه ترین مراتب فرمانروایی و تمام مراتب فرمانروایی گرانمایه است خدایا از تو خواهم

بِمُلْكِكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي، فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا

به تمام مراتب فرمانروایی خدایا من تو را خوانم چنانچه دستورم دادی پس اجابت کن چنانچه

وَعَدْتَنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عَلَائِكَ بِأَعْلَاهُ، وَكُلُّ عَلَائِكَ عَالٍ،

وعده ام فرمودی خدایا از تو خواهم به والاترین مراتب بلندی و تمام مراتب بلندی تو والا است

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَلَائِكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ آيَاتِكَ

خدایا از تو خواهم به والاترین مراتب بلندی همگی خدایا از تو خواهم به

بِأَعْجَبِهَا، وَكُلُّ آيَاتِكَ عَجِيبَةٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِآيَاتِكَ كُلِّهَا، اللَّهُمَّ

شگفت ترین آیات و نشانه های و همه آیات تو شگفت است خدایا از تو خواهم به آیات همگی خدایا

إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَنَّكَ بِأَقْدَمِهِ، وَكُلُّ مَنَّكَ قَدِيمٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

از تو خواهم به قدیمترین نعمت و همه نعمتهایت قدیم است خدایا از تو خواهم

بِمَنَّكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي، فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا

به همه اقسام نعمتت خدایا من تو را خوانم چنانچه دستورم دادی پس اجابت کن دعایم را چنانچه
وَعَدْتَنِي، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِمَا اَنْتَ فِيْهِ مِنَ الشُّوْنِ وَالْجَبْرُوتِ
وعده فرمودی خدایا و من از تو خواهم به آنچه تو در آنی از مقامات و قدرت و عظمت
اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ، بِكُلِّ شَأْنٍ وَكُلِّ جَبْرُوتٍ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِمَا
خدایا از تو خواهم به حق هر مقام و هر قدرت و عظمتی که داری خدایا و من از تو خواهم بدانچه
تُجِيبُنِيْ بِهِ حِيْنَ اَسْئَلُكَ، يَا اَللهُ يَا لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ، اَسْئَلُكَ بِبِهَاءِ لَا اِلَهَ
اجابت کنی بدان هنگامی که تو را خوانم ای خدایا که معبودی جز تو نیست از تو خواهم به درخشندگی (یا ارحمندی)
کلمه

اَلَا اَنْتَ، يَا لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ، اَسْئَلُكَ بِجَلَالِ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ، يَا لَا اِلَهَ اِلَّا
«لا اله الا انت» ای که نیست معبودی جز تو از تو خواهم به جلال و شوکت کلمه «لا اله الا انت» ای که معبودی جز
تو نیست

اَنْتَ، اَسْئَلُكَ بِاِلَهٍ اِلَّا اَنْتَ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَدْعُوكَ كَمَا اَمَرْتَنِيْ،
از تو خواهم به کلمه «لا اله الا انت» خدایا تو را خوانم چنانچه دستورم دادی پس اجابت کن دعایم را
فَاسْتَجِبْ لِيْ كَمَا وَعَدْتَنِيْ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ مِنْ رِزْقِكَ بِاَعْمِهِ،
چنانچه وعدهام فرمودی خدایا از تو خواهم از عمومی ترین اقسام روزیت
وَكُلُّ رِزْقِكَ عَامٌّ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِرِزْقِكَ كُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ
و تمام اقسام روزی تو عمومی است خدایا از تو خواهم به تمام اقسام روزی تو خدایا از تو خواهم
مِنْ عَطَائِكَ بِاَهْنَاهِ وَكُلُّ عَطَائِكَ هَنِيئٌ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِعَطَائِكَ
از گواراترین عطایای تو و تمام عطاهایت گوارا است خدایا از تو خواهم به تمام عطایایت
كُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ مِنْ خَيْرِكَ بِاَعْجَلِهِ، وَكُلُّ خَيْرِكَ عَاجِلٌ، اَللّٰهُمَّ
خدایا از تو خواهم به فوری ترین خیر و نیکی و تمام نیکیهای تو فوری است خدایا
اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِخَيْرِكَ كُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ بِاَفْضَلِهِ، وَكُلُّ
از تو خواهم به تمام نیکیهایت خدایا از تو خواهم به فروزترین فضل تو و همه
فَضْلِكَ فَاضِلٌ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِفَضْلِكَ كُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَدْعُوكَ
فضل تو فزون است خدایا از تو خواهم به فضل تو همگی خدایا تو را خوانم

كَمَا أَمَرْتَنِي، فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ
چنانچه دستورم دادی پس اجابت کن چنانچه وعدهام فرمودی خدایا درود فرست بر محمد
وَ اَلِ مُحَمَّدٍ، وَابْعَثْنِي عَلَيَّ الْاِيْمَانَ بِكَ، وَالتَّصَدِيقَ بِرَسُولِكَ عَلَيْهِ
و آل محمد و برانگیز مرا با داشتن ایمان به خودت و تصدیق به رسالت - که درود بر او
وَ اِلَهَ السَّلَامُ، وَ اَلْوِلَايَةَ لِعَلِيِّ بْنِ اَبِي طَالِبٍ، وَ اَلْبِرَّ اِنَّهُ مِنْ عَدُوِّهِ،
و آتش باد - و ولایت علی بن ابیطالب و بیزاری از دشمنش
وَ اَلْاِيْتِمَامَ بِاَلْاِيْمَةِ مِنْ اَلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، فَانِّي قَدْ رَضِيتُ
و اقتدا به امامان از آل محمد علیهم السلام زیرا که من خوشنودم
بِذَلِكَ يَا رَبِّ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ فِي الْاَوَّلَيْنِ،
بدین ای پروردگار من خدایا درود فرست بر محمد بنده و رسالت در زمره اولین
وَ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ فِي الْاٰخِرَيْنِ، وَ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ فِي الْمَلَاَءِ
و درود فرست بر محمد در زمره آخرین و درود فرست بر محمد در عالم
الْاَعْلٰی، وَ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ فِي الْمُرْسَلِيْنَ، اَللّٰهُمَّ اَعْطِ مُحَمَّدًا
بالا و درود فرست بر محمد در زمره مرسلین خدایا عطا کن به محمد مقام
الْوَسِيْلَةَ وَ الشَّرَفَ وَ الْفَضِيْلَةَ وَ الدَّرَجَةَ الْكُبْرٰی، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ
وسیله و شرف و فضیلت و درجه بزرگ را خدایا درود فرست بر
مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ، وَ قَنَعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي، وَ بَارِكْ لِي فِيْمَا اَتَيْتَنِي،
محمد و آل محمد و قانع کن مرا بدانچه روزیم کرده ای و برکت ده به من در آنچه به من داده ای
وَ اَحْفَظْنِي فِيْ غَيْبَتِي، وَ كُلُّ غَائِبٍ هُوَ لِي، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ
و نگهداری کن مرا در غیبتم و هر غائبی که مربوط به من است خدایا درود فرست بر محمد
وَ اَلِ مُحَمَّدٍ، وَابْعَثْنِي عَلَيَّ الْاِيْمَانَ بِكَ، وَالتَّصَدِيقَ بِرَسُولِكَ، اَللّٰهُمَّ
و آل محمد و برانگیزم بر ایمان به خودت و تصدیق به رسالت خدایا
صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَسْئَلُكَ خَيْرَ الْخَيْرِ رِضْوَانِكَ وَ الْجَنَّةَ،
درود فرست بر محمد و آل محمد و از تو خواهم خوبترین خوبها را که خوشنودی تو و بهشت باشد
وَ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الشَّرِّ سَخَطِكَ وَ النَّارِ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

و پناه برم به تو از بدترین بدها که خشم تو و آتش دوزخ باشد خدایا درود فرست بر محمد
وَ اَلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَحْفَظْنِي مِنْ كُلِّ مُصِيبَةٍ، وَمِنْ كُلِّ بَلِيَّةٍ، وَمِنْ كُلِّ عَقُوبَةٍ،
و آل محمد و محافظت کن مرا از هر پیش آمد ناگوار و از هر گرفتاری و از هر شکنجه
وَمِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ وَمِنْ كُلِّ بَلَاءٍ، وَمِنْ كُلِّ شَرٍّ، وَمِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ، وَمِنْ كُلِّ
و از هر فتنه و از هر بلا و از هر بدی و از هر ناراحتی و از هر مصیبت و از هر
مُصِيبَةٍ، وَمِنْ كُلِّ آفَةٍ نَزَلَتْ أَوْ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ فِي هَذِهِ
آفتی که نازل شده یا بعد از این از آسمان بزمین نازل شود در این
السَّاعَةِ، وَفِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ، وَفِي هَذَا الْيَوْمِ، وَفِي هَذَا الشَّهْرِ، وَفِي هَذِهِ
ساعت و در این شب و در این روز و در این ماه و در این
السَّنَةِ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَقْسِمْ لِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ،
سال خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و نصیب کن از هر شادی
وَمِنْ كُلِّ بَهْجَةٍ، وَمِنْ كُلِّ اسْتِقَامَةٍ وَمِنْ كُلِّ فَرَجٍ، وَمِنْ كُلِّ عَافِيَةٍ، وَمِنْ
و از هر خوشحالی و از هر پایداری و از هر گشایشی و از هر تندرستی و از
كُلِّ سَلَامَةٍ، وَمِنْ كُلِّ كَرَامَةٍ، وَمِنْ كُلِّ رِزْقٍ وَاسِعٍ حَلَالٍ طَيِّبٍ، وَمِنْ
هر سلامتی و از هر کرامت و از هر روزی فراخ حلال پاک و از
كُلِّ نِعْمَةٍ، وَمِنْ كُلِّ سَعَةٍ نَزَلَتْ أَوْ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ فِي
هر نعمتی و از هر وسعتی که نازل شده یا بعد از این نازل شود از آسمان به زمین در
هَذِهِ السَّاعَةِ، وَفِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ، وَفِي هَذَا الْيَوْمِ، وَفِي هَذَا الشَّهْرِ، وَفِي
این ساعت و در این شب و در این روز و در این ماه و در
هَذِهِ السَّنَةِ، اَللّٰهُمَّ اِنْ كَانَتْ ذُنُوبِي قَدْ اَخْلَقَتْ وَجْهِي عِنْدَكَ، وَحَالَتْ
این سال خدایا اگر چنانچه گناهانم شرمنده کرده است چهره‌ام را پیش تو و حائل شد
بَيْنِي وَبَيْنَكَ، وَغَيَّرْتَ حَالِي عِنْدَكَ، فَإِنِّي أَسْأَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي
میان من و تو و حالم را پیش تو تغییر داده پس از تو خواهم به حق نور ذات که
لَا يُطْفَأُ، وَبِوَجْهِ مُحَمَّدٍ حَبِيبِكَ الْمُصْطَفِيِّ، وَبِوَجْهِ وَلِيِّكَ عَلِيِّ
خاموش نشود و به آبروی محمد مصطفی حبیب تو و به آبروی ولی تو علی

الْمُرْتَضِي، وَبِحَقِّ أَوْلِيَاكَ الَّذِينَ اسْتَجَبْتَهُمْ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ
 مرتضی و به حق اولیائت که برگزیدی آنها را که درود فرستی بر محمد
 وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُغْفِرَ لِي مَا مَضَى مِنْ ذُنُوبِي، وَأَنْ تُعْصِمَنِي فِيمَا
 و آل محمد و پیامرزی برایم گذشته‌های از گناهانم را و نگاهم داری در
 بَقِيَّ مِنْ عُمْرِي، وَأَعُوذُ بِكَ اللَّهُمَّ أَنْ أَعُودَ فِي شَيْءٍ مِنْ مَعَاصِيكَ
 آینده عمرم و پناه می‌برم به تو خدایا از اینکه بازگردم به یکی از گناهان و نافرمانی‌ها
 أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي حَتَّى تَتَوَفَّأَنِي، وَأَنَا لَكَ مُطِيعٌ، وَأَنْتَ عَنِّي رَاضٍ، وَأَنْ
 هرگز تا زنده‌ام (یعنی) تا آنگاه که مرا بمیرانی و من فرمانبردار تو باشم و تو از من خوشنود باشی و
 تَحْتَمِلَ لِي عَمَلِي بِأَحْسَنِهِ، وَتَجْعَلَ لِي ثَوَابَهُ الْجَنَّةِ، وَأَنْ تَفْعَلَ بِي مَا
 به انجام رسانی عمل مرا به نیکوترین آن و پاداش آنرا برایم بهشت مقرر داری و انجام دهی درباره من آنچه را
 أَنْتَ أَهْلُهُ، يَا أَهْلَ التَّقْوَى وَيَا أَهْلَ الْمَغْفِرَةِ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ
 تو شایسته آنی ای اهل تقوی و ای شایسته آمرزش درود فرست بر محمد و آل
 مُحَمَّدٍ، وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ × پنجم: بخواند دعایی که

محمد و رحم کن به من به رحمت خویش ای مهربانترین مهربانان * * * * *

شیخ و سیّد روایت کرده‌اند بعد از دو رکعت نماز و هفتاد مرتبه استغفار و اوّل آن الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ است و
 شایسته است در این روز تصدّق بر فقراء به جهت تأسّی به مولای هر مؤمن و مؤمنه امیر المؤمنین علیه السلام و زیارت
 کردن آن حضرت و انسب خواندن زیارت جامعه است روز بیست و پنجم روز شریفی است و روزی است که هلّ آتی در
 حقّ اهل بیت نازل شده به جهت آنکه سه روز روزه گرفتند و افطار خود را به مسکین و یتیم و اسیر دادند و به آب
 افطار نمودند و شایسته است که شیعیان اهل بیت علیهم السلام در این ایّام خصوص در شب بیست و پنجم تأسّی به
 موالی خود نمایند در تصدّق به مساکین و ایتام و سعی در اطعام ایشان و این روز را روزه بدارند و چون بعض علماء این
 روز را روز مباحله می‌دانند مناسب است زیارت جامعه و دعاء مباحله را نیز در این روز بخوانند روز آخر ذی‌الحجه که
 آخر سال عرب است سیّد در اقبال موافق يك روایت ذکر کرده که دو رکعت نماز کند در هر رکعت حمد يك مرتبه و ده
 مرتبه قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ده مرتبه آیه‌الکرسی بخواند و بعد از نماز بگوید: اللَّهُمَّ مَا عَمِلْتُ فِي هَذِهِ السَّنَةِ مِنْ عَمَلٍ نَهَيْتَنِي عَنْهُ، وَلَمْ
 تُرَضَّهُ،

خدایا آنچه انجام دادم در این سال از اعمالی که مرا از آن نهی فرمودی و راضی بدان نبودی

وَكَسِيَّتُهُ وَلَمْ تَنْسَهُ، وَدَعَوْتَنِي إِلَى التَّوْبَةِ بَعْدَ اجْتِرَائِي عَلَيْكَ،

و من آنرا فراموش کردم ولی تو فراموشش نکردی و مرا به بازگشت بسویت خواندی پس از دلیری کردم بر تو

اَللّٰهُمَّ فَاِنِّيْ اَسْتَغْفِرُكَ مِنْهُ فَاغْفِرْ لِيْ، وَمَا عَمِلْتُ مِنْ عَمَلٍ يُقَرِّبُنِيْ

خدایا من از آن اعمال آمرزش می طلبم پس بپارمز آنها را و هر عملی که انجام دادم از اعمالی که مرا به تو نزدیک

اِلَيْكَ فَاقْبَلْهُ مِنِّيْ، وَلَا تَقْطَعْ رَجَائِيْ مِنْكَ يَا كَرِيْمُ .

گرداند پس آنرا از من قبول کن و قطع مکن امیدم را از خودت ای بزرگوار

پس چون گفت این را شیطان گوید وای بر من هرچه من تَعَب کشیدم در حق او در این سال همه را خراب کرد به این

کلمات و شهادت دهد سال گذشته برای او که سال خود را به خیر ختم نمود .

فصل هفتم در اعمال ماه محرم است

بدانکه این ماه، ماه حُزن اهل بیت علیهم السلام و شیعیان ایشان است و از حضرت امام رضا علیه السلام روایت است

که چون ماه محرم داخل می شد پدر مرا کسی خندان نمی دید و اندوه و حُزن پیوسته بر او غالب می شد تا روز دهم چون

روز عاشورا می شد آن روز، روز مصیبت و حزن و گریه او بود و می فرمود امروز روزی است که حسین علیه السلام

شهید شده است شب اوّل سیّد در اقبال برای این شب چند نماز ذکر فرموده اوّل صد رکعت در هر رکعت حمد و توحید

بخواند دویم دو رکعت در رکعت اوّل حمد و اُتعام و در دویم حمد و یس سیّم دو رکعت در هر رکعت حمد و یازده قلّ

هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ در روایت است از حضرت رسول صلی الله علیه وآله که هر که در این شب این دو رکعت نماز را بجا آورد و

صبحش را که اوّل سال است روزه بدارد مثل کسی است که تمام سال را مداومت به خیر کرده و در آن سال محفوظ باشد

و اگر بمیرد به بهشت برود و نیز سیّد برای هلال این ماه دعاء مَبْسُوطی ذکر فرموده و اگر ممکن شود احیا بدارد این شب

را به دعا و نماز و خواندن قرآن روز اوّل بدانکه اوّل محرم اوّل سال است و در آن دو عمل وارد است اوّل روزه است و

در روایت ریّان بن شبیب از حضرت امام رضا علیه السلام مرویست که هر که در این روز روزه بدارد و خدا را بخواند

خداوند دعای او را مستجاب کند چنانکه دعای زکریّا را مستجاب نمود دویم از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست

که حضرت رسول صلی الله علیه وآله روز اوّل محرم دو رکعت نماز می کرد و چون فارغ می شد دستها را بلند می کرد

و این دعا را سه دفعه می خواند: اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْاَلَهُ الْقَدِيْمُ، وَهَذِهِ سَنَةٌ

* * * * * خدایا تویی معبود ازلی و این سال

جَدِيْدَةٌ فَاسْأَلُكَ فِيْهَا الْعِصْمَةَ مِنَ الشَّيْطَانِ، وَالْقُوَّةَ عَلَي هَذِهِ النَّفْسِ

تازه است از تو خواهیم در این سال نگهداریم را از شیطان و نیروی بر این نفس
الْأَمَارَةَ بِالسَّوِّءِ، وَالْأَشْتِغَالَ بِمَا يُقَرِّبُنِي إِلَيْكَ، [يَاكَرِيمُ] يَا ذَا الْجَلَالِ
که پیوسته به گناه فرمان می دهد و سرگرمی بدانچه مرا به تو نزدیک کند ای صاحب جلالت
وَالْأَكْرَامِ، يَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ، يَا ذَخِيرَةَ مَنْ لَا ذَخِيرَةَ لَهُ، يَا حِرْزَ
و بزرگوارای ای تکیه گاه کسی که تکیه گاهی ندارد ای ذخیره آنکس که ذخیره ندارد ای پناهگاه
مَنْ لَا حِرْزَ لَهُ، يَا غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ، يَا سَدَّ مَنْ لَا سَدَّ لَهُ، يَا كَنْزَ
آنکس که پناهگاهی ندارد ای فریادرس آنکس که فریادرسی ندارد ای پشتیبان آنکس که پشتیبانی ندارد ای گنج
مَنْ لَا كَنْزَ لَهُ، يَا حَسَنَ الْبَلَاءِ، يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ، يَا عِزَّ الضُّعْفَاءِ، يَا مُنْقِذَ
آنکس که گنجی ندارد ای که آزمایش نیست نیکی است ای بزرگ مایه امید ای عزت بخش ناتوانان ای نجات بخش
الْعَرَفِيِّ يَا مُنْجِيَ الْهَلَكِيِّ، يَا مُنْعِمُ يَا مُجْمِلُ، يَا مُفْضِلُ يَا مُحْسِنُ،
غریقان ای خلاص کننده هالکان ای نعمت بخش ای زیبا پرور ای فزون بخش ای نیکوده
أَنْتَ الَّذِي سَجَدَ لَكَ سَوَادُ اللَّيْلِ وَنُورُ النَّهَارِ، وَضَوْءُ الْقَمَرِ وَشُعَاعُ
تویی که سجده کرد (و به کمال خضوع درآمد) برای ت سیاهی شب و روشنی روز و تابش ماه و شعاع
الشَّمْسِ، وَدَوِيُّ الْمَاءِ وَحَفِيفُ الشَّجَرِ، يَا اللَّهُ لَا شَرِيكَ لَكَ اللَّهُمَّ
خورشید و صدای ریزش آب و بهم خوردن درخت ای خدایی که شریک نداری خدایا
اجْعَلْنَا خَيْرًا مِمَّا يَطْئُونَ، وَاغْفِرْ لَنَا مَا لَا يَعْلَمُونَ، وَلَا تُؤَاخِذْنَا بِمَا
قرارمان ده بهتر از آنچه مردم گمان کنند و بیامرزش ما آنچه را که نمی دانند و مگیر ما را بدانچه
يَقُولُونَ، حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ
گویند بس است مرا خدا معبودی جز او نیست بر او توکل کنم و او است پروردگار عرش
الْعَظِيمِ، امَّا بِهِ كُلُّ مَنْ عِنْدَ رَبِّنَا، وَمَا يَذْكُرُ إِلَّا أُولُوا الْأَلْبَابِ، رَبَّنَا
عظیم ایمان داریم به او و هر چه هست از نزد پروردگار ما است و اندرز نگیرند جز خردمندان پروردگارا
لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا، وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ .
منحرف مساز دلهای ما را پس از آنکه هدایتمان کردی و ببخش به ما از پیش خود رحمتی که براسستی تویی بخشایشگر
شیخ طوسی فرموده که مستحب است روزه دهه اول محرم ولكن روز عاشورا امساك نمايد از طعام و شراب تا بعد از
عصر آن وقت بقدر کمی تربت تناول نماید و سید روایت کرده فضیلت روزه تمام ماه را و آنکه روزه او نگه میدارد صائم

آن را از هر گناهی روز سیم روزی است که حضرت یوسف علیه السلام از زندان بیرون شده هرکه آن روز را روزه دارد آسان فرماید حق تعالی بر او کارهای مشکل را و برطرف کند از او اندوه را و در روایت نبوی صلی الله علیه و آله است که دعایش مستجاب شود روز نهم روز تاسوعا است از حضرت صادق علیه السلام روایت است که فرمود تاسوعا روزی بود که جناب امام حسین علیه السلام و اصحابش را در کربلا محاصره کردند و سپاه شام بر قتال آن حضرت اجتماع کردند و ابن مرجانه و عمر سعد خوشحال شدند به سبب کثرت سپاه و بسیاری لشکر که برای آنها جمع شده بود و جناب امام حسین علیه السلام و اصحابش را ضعیف شمردند و یقین کردند که یآوری از برای آن حضرت نخواهد آمد و اهل عراق او را مدد نخواهند نمود پس فرمود پدرم فدای آن ضعیف غریب شب دهم شب عاشورا است و سید در اقبال از برای این شب دعا و نمازهای بسیار با فضیلتی بسیار نقل کرده از جمله صد رکعت نماز هر رکعت به حمد و سه مرتبه قل هو الله احد و بعد از فراغ از جمیع بگوید سُبْحَانَ اللَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ هفتاد مرتبه و در روایت دیگر بعد از اَللّٰهُمَّ ارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَهُ و بعد از چهار رکعت در آخر شب در هر رکعت بعد از حمد هر يك از آیه الكرسي و توحید و قل و ناس را ده مرتبه بخواند و بعد از سلام صد مرتبه توحید بخواند و از جمله چهار رکعت نماز در هر رکعت حمد و پنجاه مرتبه توحید و این نماز مطابق است با نماز امیرالمؤمنین علیه السلام که فضیلت بسیار دارد و بعد از نماز فرموده ذکر خدا بسیار کند و صلوات بسیار بفرستد بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و لعن کند بر دشمنان ایشان آنچه می تواند و در فضیلت اعیان این شب روایت کرده که مثل آنست که عبادت کرده باشد به عبادت جمیع ملائکه و عبادت در آن مقابل هفتاد سال است و اگر کسی را توفیق شامل حال شود در این شب در کربلا باشد و زیارت امام حسین علیه السلام کند و بیتوته نزد آن جناب نماید تا صبح خدا او را محشور فرماید آلوده به خون امام حسین علیه السلام در جمله شهداء با آن حضرت روز دهم روز شهادت اَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ علیه السلام و روز مصیبت و حزن ائمه اطهار علیهم السلام و شیعیان ایشان است و شایسته است که شیعیان در این روز مشغول کاری از کارهای دنیا نگردند و از برای خانه خود چیزی ذخیره نکنند و مشغول گریه و نوحه و مصیبت باشند و تعزیت حضرت امام حسین علیه السلام را اقامه نمایند و به ماتم اشتغال نمایند به نحوی که در ماتم عزیزترین اولاد و اقارب خود اشتغال می نمایند و زیارت کنند آن حضرت را به زیارت عاشوراء که بعد از این بیاید انشاء الله تعالی و سعی کنند در نفرین و لعن بر قاتلان آن حضرت و یکدیگر را تعزیت گویند در مصیبت آن جناب و بگویند :

أَعْظَمَ اللَّهُ أَجُورَنَا وَأَجُورَكُمْ بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَجَعَلَنَا وَإِيَّاكُمْ

بزرگ گرداند خدا پاداش ما و شما را در سوگواریمان برای حسین علیه السلام و قرار دهد خداوند ما و شما را

مِنَ الطَّالِبِينَ بِثَارِهِ، مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ .

از خون خواهانش به همراه ولیش امام مهدی از خاندان محمد علیهم السلام و شایسته است در این روز مقتل بخوانند و یکدیگر را بگریانند روایت شده که چون حضرت موسی علیه السلام مأمور شد به ملاقات جناب خضر و تعلّم از او اوّل چیزی که در وقت ملاقات بین ایشان مذاکره شد آن بود که آن عالم حدیث نمود برای حضرت موسی مُصِیْبَتِهَا و بلاهایی که بر آل محمد علیهم السلام وارد می شود پس گریستند هر دو و سخت شد گریستن ایشان و روایت شده از ابن عباس که گفت در ذیقار خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام رسیدم صحیفه ای بیرون آورد به خطّ خود و املاء پیغمبر صلی الله علیه وآله و خواند برای من از آن و در آن صحیفه بود مَقْتَلِ امام حسین علیه السلام و آنکه چگونه کشته می شود و کی می کشد او را و کی یاری می کند او را و کی با او شهید می شود پس گریه کرد آن حضرت گریه سختی و مرا به گریه درآورد فقیر گوید که اگر مقام را گنجایش بود مختصر مَقْتَلِ در اینجا ذکر می کردم لکن محلّ را گنجایش نیست هرکه خواهد رجوع کند به کُتُبِ ما در مَقْتَلِ و بالجمله اگر کسی در این روز نزد قبر امام حسین علیه السلام باشد و مردم را آب دهد مثل کسی باشد که لشکر آن حضرت را آب داده باشد و با آن جناب در کربلا حاضر شده باشد و خواندن هزار مرتبه توحید در این روز فضیلت دارد و روایت شده که خداوند رحمان نظر رحمت بسوی او کند و سیّد برای این روز دعایی نقل کرده است شبیه به دعاء عشرات بلکه ظاهر آنست که خود آن دعا باشد موافق بعضی روایات آن و شیخ از عبدالله بن سنان از حضرت صادق علیه السلام چهار رکعت نماز و دعایی نقل کرده که در این روز در وقت چاشت باید به عمل آورد و ما به ملاحظه اختصار ذکر نکردیم [هرکه طالب است به زادالمعاد رجوع نماید] و نیز شایسته است که شیعیان در این روز امساک کنند از خوردن و آشامیدن بی آنکه قصد روزه کنند و در آخر روز بعد از عصر افطار کنند به غذایی که اهل مصیبت می خورند مثل ماست یا شیر و امثال آنها نه مثل غذاهای لذیذه و آنکه جامه های پاکیزه بپوشند و بندها را بگشایند و آستین ها را بالا کنند به هیئت صاحبان مصیبت و علامه مجلسی در زادالمعاد فرموده و بهتر آنست که روز نهم و دهم را روزه ندارند زیرا که بنی امیه این دو روز را برای بَرکَت و شجاعت بر قتل آن حضرت روزه می داشتند و احادیث بسیار در فضیلت این دو روز و روزه آنها بر حضرت رسول صلی الله علیه وآله بسته اند و از طریق اهل بیت علیهم السلام در مذمت روزه این دو روز خصوصاً روز عاشورا وارد شده است و ایضاً بنی امیه علیهم اللّعنة از برای برکت آذوقه سال را در روز عاشورا در خانه ذخیره می کرده اند لهذا از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که هر که ترك کند سعی در حوائج خود را در روز عاشورا و پی کاری نرود حق تعالی حوائج دنیا و آخرت او را برآورد و هرکه روز عاشورا روز مصیبت و اندوه و گریه او باشد حق تعالی روز قیامت را روز فَرَح و سُروَر و شادی او گرداند و دیده اش در بهشت به ما روشن گردد و هرکه روز عاشورا را روز

برکت نامد و از برای منزل خود در آن روز چیزی ذخیره کند خدا آن ذخیره را برای او مبارک نگرداند و در روز قیامت با یزید و عُبَیدُالله بن زیاد و عمر بن سعد عَلَیْهِمُ اللَّعْنَةُ محصور گردد پس باید که در روز عاشورا آدمی مشغول کاری از کارهای دنیا نگردد و مشغول گریه و نوحه و مصیبت باشد و امر کند اهل خانه خود را که تعزیه آن حضرت را بدارند و مشغول ماتم باشند چنانکه در ماتم عزیزترین اولاد و اقارب خود می باشند و در آن روز امساک کند از خوردن و آشامیدن بی آنکه قصد روزه کند و در آخر روز بعد از عصر افطار کند اگر چه به شربت آبی باشد و روزه تمام ندارد مگر آنکه در خصوص آن روز روزه واجب داشته باشد که به نذر یا مثل آن بر او واجب شده باشد که آن روز را روزه باید بگیرد و در آن روز آذوقه در خانه ذخیره نکند و نخندد و مشغول لهو و لعب نگردد و هزار مرتبه بر قاتلان آن حضرت لعنت کند و بگوید اَللّهُمَّ اَلْعَن قَتْلَةَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام مؤلف گوید از کلام این بزرگوار معلوم شد که احادیثی که در فضیلت روز عاشورا است مجعول و بر حضرت رسول صلی الله علیه وآله بسته اند و صاحب شفاء الصدور در شرح این فقره از زیارت عاشورا اَللّهُمَّ اِنَّ هَذَا يَوْمٌ تَبَرَّكْتَ بِهِ بَنُو اُمَيَّةٍ کلام را در این مقام بسط داده مُلَخَّصَش آنکه تَبَرَّكَ بَنُو اُمَيَّة به این يوم مَشْهُوم بر چند وجه است یکی آنکه ذخیره قوت و آذوقه را در این روز سُتت شمردند و آن آذوقه را تا سال دیگر مایه سعادت و سعه رزق و رَغَدِ عَیش دانستند چنانچه در اخبار اهل بیت علیهم السلام از باب تعریض به ایشان نهی از این مطلب مکرر وارد شده است و دیگر اقامه مراسم عید است از توسعه رزق بر عیال و تجدید ملابس و قَصَّ شارب و تَقْلیم اَظفار و مَصافحه و تَعییدات دیگر که طریقه بنی امیه و اتباع ایشان بر او جاریست و دیگر التزام به روزه این روز است که اخبار کثیره در فضل او وضع کرده اند و مُلْتَزِم به صیام این روزند امر چهارم از وجوه تَبَرَّك به يوم عاشورا اینکه دعا و طلب حوائج را در این روز مستحب دانسته اند و به جهت این کار مناقب و فضائلی برای این روز به جَعَل و وَضْع افترا کردند و دعاهایی چند تلفیق کرده تعلیم عاصیان نمودند تا امر مُلْتَبَس و کار مشتبه شود چنانچه حُطْبَه ای که در بلاد خود در این روز می خوانند برای هر نبی و سیله و شرفی در این روز زیاد می کنند مثل اِحْمَاد نَار غرود و قرار سفینه نوح و اِغْرَاق جُنْدِ فرعون و اِنْجَاءِ عیسی از دار یهودان چنانچه شیخ صدوق از جبله مکیّه نقل کرده که شنیدم از میثم تَمَّار رَضِيَ اللهُ عَنْهُ که فرمود وَالله می کشند این اُمّت پسر پیغمبر خود را در محرم در روز دهم و هراینه اعداء حقّ سبحانه و تعالی این روز را روز برکت قرار دهند و همانا این کار شدنی است و پیشی گرفته است در علم خدای تعالی و من می دانم او را به عهدی که از مولایم امیرالمؤمنین علیه السلام به من رسیده تا آنکه جَبَله می گوید گفتم چگونه مردم روز قتل حسین علیه السلام را روز برکت قرار می دهند پس میثم بگریست و فرمود حدیثی وضع کنند که او روزیست که خدای تعالی در او توبه آدم را قبول کرد با اینکه خدای تعالی در ذی حِجَّه توبه آدم را قبول کرد و گمان می کنند که او روزیست که خدای تعالی یونس را از شکم ماهی بیرون آورد با اینکه خدای تعالی یونس را در ذی قعدة

از شکم ماهی برآورد و گمان می‌کنند که او روزیست که سفینه نوح بر جودی قرار گرفت با اینکه استواء سفینه در روز هجدهم ذی‌حجه بوده و گمان می‌کنند که او روزی است که خدا دریا را برای موسی در او بشکافت با اینکه این کار در ربیع الاول بود و بالجمله با اینهمه تصریح و تأکید که در خبر میثم شده و در حقیقت از علائم نبوت و امامت و دلیل حقیقت طریقه شیعه است که اخبار یقینی چنان داده است و مضمون او مطابق با واقع محسوس است عجب است که دعایی بر طبق این اکاذیب تلفیق شده و در کتب بعضی بی‌خبران که غافل بوده‌اند مذکور و بدست عوام داده شده و البته خواندن آن دعا بدعت و محرم است و آن دعا اینست :

به نام خدای بخشاینده مهربان

سُبْحَانَ اللَّهِ مَلَأَ الْمِيزَانَ، وَمُنْتَهَى الْعِلْمِ، وَمَبْلَغَ الرِّضَا وَزِنَةَ الْعَرْشِ

منزه است خدا به پُری میزان و منتهای دانش و رسایی خوشنودی و هموزن عرش

بعد از دو سه سطر دارد ده مرتبه صلوات بفرستد و بگوید یا قَابِلَ تَوْبَةِ آدَمَ یَوْمَ

***** ای پذیرنده

توبه آدم در روز

عاشور آء یا رافعِ ادریسِ اِلَی السَّمَاءِ یَوْمَ عاشور آء، یا مُسَكِّنَ

عاشورا ای بالابرنده ادریس بسوی آسمان در روز عاشورا ای آرام‌کننده

سَفِینَةَ نُوحٍ عَلَی الْجُودِ یَوْمَ عاشور آء، یا غِیَاثَ اِبْرَاهِیمَ مِنَ النَّارِ

کشتی نوح بر کوه جودی در روز عاشورا ای فریادرس ابراهیم از آتش نمرود

یَوْمَ عاشور آء، الخ و شك نیست که این دعا را یکی از نواصب مدینه یا خوارج مسقط

در روز عاشورا «تا به آخر *****»

یا امثال اینها جعل کرده و تئیم ظلم بنی‌امیه را نموده تمام شد ملخص کلام صاحب شفاء الصدور و بالجمله در آخر

روز عاشورا سزاوار است که یادآوری از حال حرم امام حسین علیه السلام و دختران و اطفال آن حضرت که در این

وقت در کربلا اسیر اعداء و مشغول به حزن و بکاء بودند و مصیبت‌هایی بر ایشان گذشته که در خاطر هیچ آفریده خُطور

نکند و قلم را تاب نوشتن نباشد وَلَقَدْ اَجَادَ مَنْ قَالَ :

فَاجِعَةٌ اِنْ اَرَدْتُ اَكْتُبُهَا

مُجْمَلَةً ذِكْرَةً لِمُدْكَرٍ

مصیبت بزرگی که اگر خواهم بنویسمش

به نحو اجمال برای یادآوری یادکننده

جَرَتْ دُمُوعِي فَحَالَ حَائِلُهَا

مَا بَيْنَ لَحْظِ الْجُفُونِ وَالزُّبْرِ

اشکم سرازیر شود و حائل گردد

میان پلک چشم و صفحات نامه

وَقَالَ قَلْبِي بَقِيَا عَلَيَّ فَلَا

وَاللَّهِ مَا قَدْ طُبِعْتُ مِنْ حَجَرٍ

و دلم گوید ترحمی کن بر من که

به خدا سوگند من از سنگ آفریده نشده‌ام

بَكَتْ لَهَا الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ وَمَا

بَيْنَهُمَا فِي مَدَامِ حُمُرٍ

گریست بر آن مصیبت زمین و آسمان و هرچه

مابین آن دو است به اشکهای خونین

من از تحریر این غم ناتوانم

که تصویرش زده آتش بجانم

ترا طاقت نباشد از شنیدن

شنیدن کی بود مانند دیدن

پس برخیز و سلام کن بر رسول خدا و علی مرتضی و فاطمه زهرا و حسن مجتبی و سایر امامان از ذریه سید

الشهداء علیهم السلام و ایشان را تعزیت بگو بر این مصائب عظیمه با دل بریان و

چشم گریان و بخوان این زیارت را: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ،

* * * * * سلام بر تو ای وارث حضرت آدم برگزیده

خدا

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ
سلام بر تو ای وارث حضرت نوح پیامبر خدا سلام بر تو ای وارث
اِبْرَاهِیْمَ خَلِیْلِ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِیْمِ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ
ابراهیم خلیل خدا سلام بر تو ای وارث موسی هم گفتار خدا سلام
عَلَیْكَ يَا وَارِثَ عِیْسَى رُوحِ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ
بر تو ای وارث حضرت عیسی روح خدا سلام بر تو ای وارث حضرت محمد
حَبِیْبِ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ عَلِیِّ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ وَلِیِّ اللَّهِ،
حبیب خدا سلام بر تو ای وارث علی امیر مؤمنان ولی خدا
اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ الْحَسَنِ الشَّهِیدِ سِبْطِ رَسُولِ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ
سلام بر تو ای وارث حسن آن امام شهید و نوه رسول خدا سلام
عَلَیْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَنَ الْبَشِیرِ التَّنْذِیرِ وَابْنَ سَیِّدِ
بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو ای فرزند مزدهنده و ترساننده و پسر آقایی
الْوَصِیَّیْنِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ سَیِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِیْنَ اَلسَّلَامُ
اوصیاء سلام بر تو ای فرزند فاطمه بانوی زنان جهانیان سلام
عَلَیْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَیْرَةَ اللَّهِ وَابْنَ خَیْرِتِهِ، اَلسَّلَامُ
بر تو ای اباعبدالله سلام بر تو ای برگزیده خدا و فرزند برگزیده او سلام
عَلَیْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا الْوِثْرُ الْمُؤْتَرُ،
بر تو ای خون خدا و فرزند خون خدا سلام بر تو ای کشته مظلومی که انتقام خون گرفته نشد
اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْهَادِی الزَّكِيُّ وَعَلَى أَرْوَاحِ حَلَّتْ بِفَنَائِكَ،
سلام بر تو ای امام راهنمای پاک و بر آن ارواحی که به آستان تو فرود آمدند
وَأَقَامَتْ فِي جَوَارِكَ، وَوَقَدَتْ مَعَ زُؤَارِكَ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ مِنِّي مَا
و در جوارت رحل اقامت افکندند و با زائرانت ورود کردند سلام من بر تو تا
بَقِیْتُ وَبَقِيَ اللَّیْلُ وَالتَّهَارُ، فَلَقَدْ عَظُمَتْ بِكَ الرَّزِیَّةُ، وَجَلَّ الْمُصَابُ
زنده‌ام من و برپا است شب و روز که براستی بزرگ شد به تو مصیبت و گران شد سوگواری
فِي الْمُؤْمِنِینَ وَالْمُسْلِمِینَ، وَفِي أَهْلِ السَّمَوَاتِ أَجْمَعِینَ، وَفِي

در میان مؤمنان و مسلمانان و در میان ساکنین آسمانها همگی و در میان
سُكَّانِ الْأَرْضِينَ، فَإِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، وَصَلَوَاتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ
ساکنین زمینها «انا لله و انا اليه راجعون» درودهاي خدا و برکاتش
وَتَحِيَّاتُهُ عَلَيْكَ، وَعَلَى آبَائِكَ الطَّاهِرِينَ الطَّيِّبِينَ الْمُتَتَجِبِينَ، وَعَلَى
و تحیتهايش بر تو و بر پدران پاک و پاکیزه و برگزیده‌ات و بر فرزندان راهنمای
ذَرَارِيهِمُ الْهُدَاةِ الْمَهْدِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَعَلَيْهِمْ، وَعَلَى
راه‌یافته‌شان باد سلام بر تو ای سرور من و بر ایشان و
[رُوحِكَ وَعَلَى] أَرْوَاحِهِمْ، وَعَلَى تُرْبَتِكَ وَعَلَى تُرْبَتِهِمْ، اَللَّهُمَّ لَقِّهِمْ
بر ارواح ایشان و بر تربت تو و بر تربت ایشان خدایا بیار بر ایشان
رَحْمَةً وَرِضْوَانًا وَرَوْحًا وَرِيحَانًا، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا
رحمت و خوشنودی و روح و ریحانی سلام بر تو ای سرور من ای ابا
عَبْدِ اللَّهِ، يَا بْنَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَيَا بْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، وَيَا بْنَ سَيِّدَةِ
عبدالله ای فرزند خاتم پیمبران و ای فرزند آقاي اوصیاء و فرزند بانوي
نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَهِيدُ يَا بْنَ الشَّهِيدِ، يَا أَخَ الشَّهِيدِ
زنان جهانیان سلام بر تو ای شهید (راه حق) و ای پسر شهید و ای برادر شهید
يَا أَبَا الشَّهِدَاءِ، اَللَّهُمَّ بَلِّغْهُ عَنِّي فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي هَذَا الْيَوْمِ،
و ای پدر شهیدان خدایا برسان به او از اجانب من در این ساعت و در این روز
وَفِي هَذَا الْوَقْتِ وَفِي كُلِّ وَقْتٍ، تَحِيَّةً كَثِيرَةً وَسَلَامًا، سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْكَ
و در این وقت و در هر وقت تحیتی زیاد و سلامی بسیار سلام خدا بر تو
وَرَحْمَةً اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ يَا بْنَ سَيِّدِ الْعَالَمِينَ، وَعَلَى الْمُسْتَشْهِدِينَ مَعَكَ
و رحمت خدا و برکاتش ای فرزند آقاي جهانیان و نیز بر شهید شدگان با تو
سَلَامًا مُتَّصِلًا مَا اتَّصَلَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ
سلامی پیوسته به پیوستگی شب و روز سلام بر حسین بن
عَلِيِّ الشَّهِيدِ، السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ، السَّلَامُ عَلَى
علی شهید (راه حق) سلام بر علی بن الحسین آن شهید (عالیقدر) سلام بر

الْعَبَّاسُ بْنُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ الشَّهِيدِ، السَّلَامُ عَلَيَّ الشُّهَدَاءِ مِنْ وَلَدِ
عباس فرزند امیر مؤمنان آن شهید (والا مقام) سلام بر فرزندان شهید
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيَّ الشُّهَدَاءِ مِنْ وَلَدِ الْحَسَنِ، السَّلَامُ عَلَيَّ
امیر مؤمنان سلام بر فرزندان شهید حسن سلام بر
الشُّهَدَاءِ مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ، السَّلَامُ عَلَيَّ الشُّهَدَاءِ مِنْ وَلَدِ جَعْفَرِ
شهیدان از فرزندان حسین سلام بر شهیدان از فرزندان جعفر
وَعَقِيلِ، السَّلَامُ عَلَيَّ كُلِّ مُسْتَشْهِدٍ مَعَهُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، اَللَّهُمَّ صَلِّ
و عقیل سلام بر هر شهیدی که با ایشان بود از مؤمنان خدایا درود فرست
عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَلِّغُهُمْ عَنِّي تَحِيَّةَ كَثِيرَةٍ وَسَلَامًا، السَّلَامُ
بر محمد و آل محمد و برسان به ایشان از جانب من تحیتی زیاد و سلامی بسیار سلام
عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَحْسَنَ اللَّهُ لَكَ الْعَزَاءَ فِي وَلَدِكَ الْحُسَيْنِ، السَّلَامُ
بر تو ای رسول خدا نیکو کند خداوند صبر تو را در سوگواری فرزندت حسین سلام
عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةُ، أَحْسَنَ اللَّهُ لَكَ الْعَزَاءَ فِي وَلَدِكَ الْحُسَيْنِ، السَّلَامُ
بر تو ای فاطمه نیکو کند خداوند صبر تو را در سوگواری فرزندت حسین سلام
عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، أَحْسَنَ اللَّهُ لَكَ الْعَزَاءَ فِي وَلَدِكَ الْحُسَيْنِ،
بر تو ای امیر مؤمنان نیکو کند خدا صبر تو را در مصیبت فرزندت حسین
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ، أَحْسَنَ اللَّهُ لَكَ الْعَزَاءَ فِي أَخِيكَ
سلام بر تو ای ابا محمد حسن (مجتبی) نیکو گرداند خدا صبر تو را در مصیبت برادرت
الْحُسَيْنِ، يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَنَا ضَيْفُ اللَّهِ وَضَيْفُكَ، وَجَارُ اللَّهِ
حسین ای مولای من ای ابا عبدالله من میهمان خدا و میهمان توأم و در پناه خدا
وَجَارُكَ، وَلِكُلِّ ضَيْفٍ وَجَارٍ قَرِيٌّ، وَقَرَايَ فِي هَذَا الْوَقْتِ، أَنْ تَسْأَلَ
و پناه توأم و برای هر میهمان و پناهنده ای حق پذیرایی است و پذیرایی من در این وقت این است که از
اللَّهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى أَنْ يَرْزُقَنِي فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، إِنَّهُ سَمِيعٌ
خدای سبحان بخواهی که روزیم گرداند آزادی از آتش دوزخ را که براستی او شنوای
الدُّعَاءِ قَرِيبٌ مُجِيبٌ. × روز بیست و پنجم به قول جمعی از علماء در سال نود و

* * * * * دعا و نزدیک و اجابت کننده است * * * * *

چهار یا روز دوازدهم سال نود و پنج که آن سال را سَنَةُ الْفُقَهَاءِ می گفتند حضرت امام زین العابدین علیه السلام از دنیا رحلت فرموده .

فصل هشتم در ماه صَفَر است

بدانکه این ماه معروف به نُحُوسَت است و برای رفع نُحُوسَت هیچ چیز بهتر از تصدّق و ادعیه و استعاذات وارده نیست و اگر کسی خواهد که محفوظ ماند از بلاهای نازله در این ماه در هر روز ده مرتبه بخواند چنانکه محدّث فیض و غیره فرموده یا شَدِيدُ الْقُوَى، ویا شَدِيدُ الْمِحَالِ، یا عَزِيزُ یا عَزِيزُ یا * * * * * ای سخت نیرو و ای سخت عقوبت ای عزیز

عَزِيزُ، ذَلْتُ بِعَظَمَتِكَ جَمِيعُ خَلْقِكَ، فَكَفِنِي شَرَّ خَلْقِكَ، یا مُحْسِنُ یا مُجْمِلُ، یا

خوار شد در برابر عظمت همه آفریدگانت پس کفایت کن از من شر خلقت را ای نیکوده ای زیبایی بخش ای

مُنْعِمُ یا مُفْضِلُ، یا لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ،

نعمت بخش ای فروز بخش ای که نیست معبودی جز تو منزهی تو و من هستم از ستمکاران

فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَجَجِّنَاهُ مِنَ الْعَمِّ، وَكَذَلِكَ تُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ،

پس اجابت کردیم دعایش (یعنی یونس) را و نجاتش دادیم از اندوه و این چنین نجات دهیم مؤمنان را

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ .

و درود خدا بر محمد و آل پاک و پاکیزه اش

* و سید دعایی برای هلال این ماه روایت کرده روز اوّل سنه سی و هفتم شروع به جنگ صفّین شد و در این روز

سنه شصت و یکم به قولی سر مبارک حضرت سیدالشهداء علیه السلام را وارد دمشق کردند و بنی امیه آن روز را عید

قرار دادند و آن روزی است که تازه می شود در آن آحزان :

كَأَنَّ مَاتِمُ بِالْعِرَاقِ تَعُدُّهَا

أَمْوِيَّةٌ بِالشَّامِ مِنْ أَعْيَادِهَا

و در این روز و به قولی روز سیّم سنه صد و بیست و یک زید بن علی بن الحسین شهید شده روز سیّم سید بن طاووس

از کتب اصحابنا الأمامیه نقل کرده که مستحب است در این روز دو رکعت نماز در رکعت اوّل حمد و اِنَّا فَتَحْنَا و در دویم

حمد و توحید بخواند و بعد از سلام صد مرتبه صَلَوَات بفرستد و صد مرتبه بگوید اَللّهُمَّ اَلْعَن اَبی سَفْیَانَ و صد مرتبه استغفار کند پس حاجت خود را بخواند روز هفتم به قول شهید و کفعمی و دیگران و به قول شیخین در روز بیست و هشتم سنه پنجاهم شهادت حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام واقع شده و در این روز سنه (۱۲۸) ولادت حضرت امام موسی علیه السلام در ابواء که نام منزلی است مابین مکه و مدینه واقع شده روز بیستم روز اربعین و به قول شیخین روز رُجوع حرم امام حسین علیه السلام است از شام به مدینه و روز وُرُود جابرین عبدالله انصاری است به کربلا بجهت زیارت امام حسین علیه السلام و او اوّل زائر آن حضرت است و زیارت آن حضرت در این روز مستحب است و از حضرت عسکری علیه السلام روایت شده که فرمود علامات مؤمن پنج چیز است پنجاه و یک رکعت نماز فریضه و نافله در شب و روز گذاردن و زیارت اربعین کردن و انگشتر بر دست راست کردن و جبین را در سجده بر خاک گذاشتن و بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ را بلند گفتن و شیخ در تهذیب و مصباح زیارت مخصوصه این روز را از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده و ما انشاء اللّهِ آن را در باب زیارات نقل خواهیم نمود روز بیست و هشتم سنه یازدهم روز وفات حضرت خاتم الانبیاء صَلَوَات اللّهِ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ اَسْلَمَ است و روز وفات روز دوشنبه بوده بالاتفاق و در وقت وفات سنین عمر مبارکش به شصت و سه رسیده بود چهل سال از سنّ شریفش گذشته بود که وحی بر حضرتش نازل شد و بعد از آن سیزده سال در مکه مردم را دعوت به خداپرستی نمود و پنجاه و سه سال داشت که به مدینه هجرت فرمود و در سال دهم هجرت وفات فرمود و امیرالمؤمنین علیه السلام متوجّه غسل و حنوط آن حضرت شد و بعد از تغسیل و تکفین بر آن جناب نماز گذارد پس دسته دسته اصحاب آمدند و بدون امام بر آن حضرت نماز گذاردند و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آن جناب را در حجره طاهره در همان محلی که از دنیا رفته بود مدفون ساخت از انس بن مالک روایت است که چون از دفن پیغمبر صلی الله علیه و آله فارغ شدیم حضرت فاطمه علیها السلام سویی من آمد و گفت ای انس چگونه نفس شما همراهی کرد که خاک بصورت پیغمبر صلی الله علیه و آله بریزید پس گریست و فرمود:

[يَا اَبْتَاهُ اجَابَ رَبًّا دَعَا

يَا اَبْتَاهُ مِنْ رَبِّهِ مَا اَذْنَاهُ]

پدر جان پاسخ دادی پروردگارت را که تو را خواند

پدر جان چقدر به پروردگار خود نزدیکی

اَلْحُ وَاَنْعَمَ مَا قِيلَ

تا به آخر و چه خوب گفته:

ای دو جهان زیر زمین از چهای

خاك نه‌اي خاك نشين از چه‌اي

و به روايت معتبر است كه آن مُخَدَّره مشقّی از خاك پاك آن قبر مطهّر گرفت و بر ديده‌گان گذاشت و گفت :

مَاذَا عَلَيَّ الْمُشْتَمِّ ثُرَيَّةَ أَحْمَدٍ

أَنْ لَا يَشُمَّ مَدَي الزَّمانِ غَوَالِيَا

كسي كه قبر احمد را ببويد چه بكنند؟

بايد كه تا پايان عمر ۲۲ عطري را نبويد

صُبَّتْ عَلَيَّ مَصَائِبُ لَوْ أَنَّهَا

صُبَّتْ عَلَيَّ الْأَيَّامِ صِرْنَ لَيَالِيَا

فرو ريخت بر من مصيبتهاي كه اگر آنها

بر روز روشن ريخته بود شب تار مي‌گشت

و شيخ يوسف شامي در دُرِّ التَّطَيُّمِ نقل کرده كه آنحضرت اين اشعار را در مرثيه پدر فرموده :

قُلْ لِلْمُعَيَّبِ تَحْتَ أَطْبَاقِ الثَّرَى

إِنْ كُنْتَ تَسْمَعُ صَرَخَتِي وَنِدَائِيَا

بگو بدانكه در زير توده‌هاي خاك پنهان شده

كه اگر تو فرياد و ندائي مرا مي‌شنيدي

صُبَّتْ عَلَيَّ مَصَائِبُ لَوْ أَنَّهَا

صُبَّتْ عَلَيَّ الْأَيَّامِ صِرْنَ لَيَالِيَا

كه فرو ريخته بر من مصيبتهاي و اگر آنها

بر روز روشن فرو ريخته بود شب تار مي‌گشت

قَدْ كُنْتُ ذَاتَ حِمِيٍّ بِظِلِّ مُحَمَّدٍ

لَا أَحْسَنَ مِنْ ضَيْمٍ وَكَانَ حِمَالِيَا

براستي كه من در سايه محمد پشتيباني داشتم

و ترسي از ظلم كسي نداشتم و او جور كش من بود

فَالْيَوْمَ أَخْضَعُ لِلذَّلِيلِ وَأَتَّقِي

ضَيْمِي وَأَدْفَعُ ظَالِمِي بِرِدَائِيَا

ولی امروز در برابر اشخاص خوار فروتن گشته واز ستم

بر خود مي ترسم و ستمگرم را با جامه دور مي كنم

فَإِذَا بَكَتْ قُمْرِيَّةٌ فِي لَيْلِهَا

شَجَنَّا عَلَي غُصْنٍ بَكَيتُ صَبَاحِيا

پس اگر مرغ قُمري شبانگاه بگرید

از روي اندوه بر شاخساري من در روز بگریم

فَلَا جُعَلَنَّ الْحُزْنَ بَعْدَكَ مُونِسي

وَلَا جُعَلَنَّ الدَّمْعُ فَيْكَ وَشَاحِيا

قرار دهم اندوه را پس از تو مونس خود

و دانه هاي اشك را بصورت گردن بندي در آورم

روز آخر ماه سنه دويست و سه به قول شيخ طبرسي و اين اثر شهادت امام رضا عليه السلام واقع شده به انگور

مَسْمُومٌ سَنَ مَبَارَكُشْ به پنجاه و پنج رسیده بود و قبر شريفش واقع شد در خانه حميد بن قحطبه در قريه سناباد از ارض

طوس و در آن خانه است قبر رشيد نيز .

فصل نهم

در ماه ربيع الاول است: شب اول سال سيزدهم بعثت مبدأ هجرت حضرت رسول صلي الله عليه وآله بود از مكّه

معظمه به مدينه منوره و در آن شب در غار ثور محتفي شد و حضرت امير المؤمنين عليه السلام جان خود را فداي جان

شريف او نمود و در جاي آن حضرت خوابيده از شمشيرهاي قبائل مشركين پروا نکرد و فضل خود و مؤاساة و برادري

خود را با حضرت رسول صلي الله عليه وآله بر جميع عالم ظاهر گردانيد و آيه كريمه وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ

مَرْضَاتِ اللَّهِ در شأنش نازل شد روز اول علماء گفته اند مستحب است كه براي تشكر نعمت سلامتي رسول خدا و

امير المؤمنين صلوات الله عليهما روزه بدارند و زيارت آن دو بزرگوار در اين روز مناسب است و سيّد در اقبال براي

اين روز دعائي نقل فرموده و در اين روز به قول شيخ و كفعمي حضرت عسكري عليه السلام وفات کرده و مشهور روز

هشتم است و شايد در چنين روز، اول مرض آن حضرت بوده روز هشتم سنه دويست و شصت وفات حضرت امام

حسن عسكري عليه السلام واقع شده و حضرت صاحب الامر صلوات الله عليه به منصب جليل امامت فايز گردیده

مناسب است آن دو بزرگوار را در اين روز زيارت كردن روز نهم روز عيد بزرگ و روز عيد بقر است و از براي آن

شرح بزرگی است که در جای خود ذکر شده و روایتی نقل شده که هر که در این روز چیزی اتفاق کند گناهانش آمرزیده شود و گفته‌اند که مستحب است در این روز اطعام برادران مؤمن و خوشنود گردانیدن ایشان و توسعه دادن در نفقه و پوشیدن جامه‌های نو و شکر و عبادت حق تعالی کردن و این روز، روز برطرف شدن غمها است و روز بسیار شریفی است و چون روز هشتم ماه وفات امام حسن عسکری علیه السلام بوده این روز، روز اول امامت حضرت صاحب الزمان ارواح العالمین فداء و سبب مزید شرافتش خواهد بود روز دوازدهم به قول جناب کلینی و مسعودی و مشهور بین عامه ولادت با سعادت حضرت رسول صلی الله علیه وآله است و مستحب است در آن دو رکعت نماز در رکعت اول بعد از حمد سه مرتبه قل یا ایها الکافرون و در دوم سه مرتبه توحید و در این روز نیز آن حضرت به مدینه ورود فرمود و شیخ فرموده که در مثل چنین روز از سنه صد و سی و دو دولت بنی مروان منقضي شد روز چهاردهم سنه ۶۴ شصت و چهار یزید بن معاویه به درکات جحیم شتافت و در اخبار الدول است که یزید به مرض ذات الجنب در حوران از دنیا رفت جنازه‌اش را به دمشق آوردند و در باب صغیر او را دفن کردند و قبرش اینک مزبله می‌باشد و سنین عمرش به سی و هفت رسیده بود و خلافتش سه سال و نه ماه طول کشید انتهی شب هفدهم شب ولادت حضرت خاتم الانبیاء صلوات الله علیه و شب بسیار مبارکی است و سید نقل کرده که در مثل چنین شب نیز قبل از هجرت به یکسال معراج آن حضرت بوده روز هفدهم بنابر مشهور بین علماء امامیه روز ولادت باسعادت حضرت خاتم الانبیاء محمد بن عبدالله صلی الله علیه وآله است و معروف آنست که ولادت باسعادتش در مکه معظمه در خانه خود آن حضرت واقع شده در روز جمعه در وقت طلوع فجر در عام الفیل در ایام سلطنت انوشیروان عادل و نیز در این روز شریف سنه هشتاد و سه ولادت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام واقع شده و باعث مزید فضل و شرافت این روز گردیده و بالجمله این روز روز بسیار شریفی است و از برای آن چند عمل است اول غسل دوم روزه و از برای آن فضیلت بسیار است و روایت شده که هر که این روز را روزه بدارد ثواب روزه يك سال خدا برای او بنویسد و این روز یکی از آن چهار روز است که در تمام سال به فضیلت روزه ممتاز است سیّم زیارت حضرت رسول صلی الله علیه وآله از نزدیک و دور چهارم زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام به همان زیارتی که حضرت صادق علیه السلام کرده و تعلیم محمد بن مسلم فرموده و بیاید انشاء الله در باب زیارات پنجم در وقتی که روز بلند شود دو رکعت نماز کند در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ و ده مرتبه توحید بخواند و بعد از سلام در مصلاّی خود بنشیند و این دعا بخواند اَللّهُمَّ اَنْتَ حَيٌّ لَا تَمُوتُ الخ و این دعای مبسوطی است و چون سَنَدش را منتهی به معصوم ندیدم مراعات اختصار را اَهَمّ دیدم هر که طالبست به رجوع زاد المعاد رجوع نماید ششم آنکه مسلمانان این روز را تعظیم بدارند و تصدّق و خیرات بنمایند و مؤمنین را مسرور کنند و به زیارت مشاهد مشرفه روند و سید در اقبال شرحی از لزوم تعظیم این روز ذکر نموده و فرموده که من

یافتیم طایفه نصاری و جمعی از مسلمین را که تعظیم بزرگی از روز ولادت عیسی علیه السلام می‌نمایند و تعجب کردم که چگونه مسلمانان قانع شدند که روز مولود پیغمبرشان که اعظم از همه پیغمبران است به این مرتبه از تعظیم باشد که آذون از تعظیم نصاری است مولد عیسی علیه السلام را .

فصل دهم

در ماه ربیع الثانی و جمادی الاولی و جمادی الآخره است

سید بن طاووس برای هر روز از اول این سه ماه دعایی نقل کرده و شیخ مفید فرموده که در روز دهم ماه ربیع الثانی سنه دویست و سی و دو حضرت امام حسن عسکری علیه السلام متولد شده است و روز شریف بسیار مبارکی است و مستحب است که به شکر این نعمت عظمی روزه بدارند و در روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم ماه جمادی الاولی زیارت حضرت فاطمه زهراء صلوات الله علیها و اقامه ماتم آن مظلومه مناسب است زیرا که در روایت صحیحیه وارد شده که آن حضرت بعد از پدر بزرگوار خود هفتاد و پنج روز در دنیا بود و وفات فرمود و بنابر مشهور که وفات حضرت رسول صلی الله علیه و آله در بیست و هشتم صفر بوده باید وفات آن محدّره در یکی از این سه روز واقع شده باشد و در روز نیمه سنه سی و شش فتح بصره بر امیرالمؤمنین علیه السلام و ولادت حضرت امام زین العابدین علیه السلام شده و زیارت هر دو امام در این روز مناسب است و اما اعمال ماه جمادی الاخره پس سید بن طاووس رضی الله عنه نقل کرده است که در این ماه در هر وقت که خواهد چهار رکعت نماز بکند یعنی به دو سلام در رکعت اول بخواند حمد و یک مرتبه آیه الكرسي و بیست و پنج مرتبه اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ و در رکعت دوم حمد و یک مرتبه اَلْهِیْکُمُ التَّکَاثُرُ و بیست و پنج مرتبه قُلْ هُوَ اللهُ و در رکعت سیّم حمد و یک مرتبه قُلْ يَا اَیُّهَا الْکَافِرُونَ و بیست و پنج مرتبه قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ و در رکعت چهارم حمد و یکمرتبه اِذَا جَاءَ نَصْرُ اللهِ و بیست و پنج مرتبه قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ النَّاسِ و بعد از سلام رکعت چهارم هفتاد مرتبه بگوید سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَكْبَرُ و هفتاد مرتبه اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ پس سه مرتبه بگوید اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ پس سر به سجده گذارد و بگوید سه مرتبه يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ يَا اللهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيْمُ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ پس هر حاجت که دارد از حق تعالی طلب نماید هر که چنین کند خدا خودش را و مالش را و زنان و فرزندان او را و دین و دنیای او را تا سال دیگر حفظ کند و اگر در این سال بمیرد بر شهادت بمیرد یعنی ثواب شهیدان داشته باشد روز سیّم سنه یازدهم وفات حضرت فاطمه علیها السلام واقع شده پس باید در این روز شیعیان به مراسم تعزیت آن حضرت قیام نمایند و زیارت آن مظلومه و نفرین بر ظالمان و غاصبان حق او کنند و سید بن طاووس در اقبال ذکر فرموده این زیارت را برای آن حضرت بعد از ذکر وفات آن حضرت در این روز :

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَالِدَةَ الْحُجَجِ عَلَيَّ

سلام بر تو ای بانوی زنان جهانیان سلام بر تو ای مادر حجت‌های الهی بر

النَّاسِ أَجْمَعِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمَظْلُومَةُ الْمَمْنُوعَةُ حَقُّهَا پَس

مردم همگی سلام بر تو ای ستم دیده ای که از حق او جلوگیری کردند * * * * *

بگو: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ أَمَّتِكَ وَأَبْنَتِ نَبِيِّكَ، وَزَوْجَتِ وَصِيِّ نَبِيِّكَ، صَلَوةً

* * خدایا درود فرست بر کنیزت و دختر پیامبر و همسر وصی پیامبرت درودی که

تُزَلِّفُهَا فَوْقَ زُلْفِي عِبَادِكَ الْمُكْرَمِينَ، مِنْ أَهْلِ السَّمَوَاتِ وَأَهْلِ الْأَرْضِينَ .

منزلت و مقامی به او دهد برتر از منزلت بندگان گرامیت از اهل آسمانها و اهل زمین

به تحقیق که روایت شده است که هر که به این زیارت آن حضرت را زیارت کند و از خدا طلب آمرزش کند حق تعالی

گناهانش را ببامرزد و او را داخل بهشت گرداند مؤلف گوید که تجل سید بن طاوس نیز این زیارت را در کتاب زوائد

الفوائد نقل کرده و گفته که مختص به روز وفات آن حضرت که سیّم ماه جمادی الاخره باشد و کیفیت زیارت را به این

طریق فرموده که نماز می کنی نماز زیارت یا نماز خود آن حضرت را و آن دو رکعت است در هر رکعت بعد از حمد شصت

مرتبه سوره قل هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ می خوانی و اگر نتوانی در رکعت اوّل بعد از حمد سوره قل هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بخوان و در رکعت دوّم

سوره قل يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ و چون سلام گفتی بگو السَّلَامُ عَلَيْكَ تا آخر زیارت مذکوره روز بیستم سال پنجم یا دوّم از

بعثت ولادت با سعادت حضرت فاطمه زهراء سلام الله علیها واقع شده و در آن چند عمل مناسب است اوّل روزه دوّم

خیرات و صدقات بر مؤمنین سیّم زیارت آن بی بی دنیا و آخرت و بیاید کیفیت زیارت آن حضرت بعد از این .

فصل یازدهم

در اعمال هر ماه نو و اعمال عید نوروز و اعمال ماههای رومی است اما اعمال هر ماه نو چند چیز است اوّل خواندن

دعاهای منقوله در وقت رؤیت هلال که بهترین آنها دعای چهل و سیّم صحیفه کامله است که در اوّل ماه رمضان ذکر

شد دوّم خواندن هفت مرتبه سوره حمد برای دفع درد چشم سیّم اندکی پنیر خوردن روایتست که هرکس مقید کند خود

را بخوردن آن در اوّل هر ماه امید است که حاجتش در آن ماه ردّ نشود چهارم در شب اوّل دو رکعت نماز کند در هر

رکعت بعد از حمد سوره انعام بخواند و از حق تعالی سؤال کند که او را از هر ترسی و دردی این گرداند و نبیند در آن

ماه امری را که مکروه او باشد پنجم در روز اوّل دو رکعت نماز کند در رکعت اوّل بعد از حمد سی مرتبه قل هُوَ اللَّهُ و در

رکعت دوم بعد از حمد سی مرتبه اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ بِخَوَانِد و بعد از نماز تصدقی کند چون چنین کند سلامتی خود را در آن ماه از حق تعالی بخرد و از بعضی روایات نقل است که بعد از نماز بخواند :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا، وَيَعْلَمُ

به نام خدای بخشاینده مهربان و نیست جنبه‌ای در زمین جز آنکه روزی وی به عهده خدا است و می‌داند

مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا، كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ، × بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَإِنْ

قرارگاه و امانگاهش را همه آنها در مکتوبی روشن است × به نام خدای بخشاینده مهربان و اگر

يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ، وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ

خدا محنت و رنجی به تو رساند هیچکس برطرف کردن آن نتواند جز او و اگر برای تو نیکی خواهد فضل او را

لِفَضْلِهِ، يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ، وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ، × بِسْمِ

بازگرداننده‌ای نیست که برساند آن را به هر کس خواهد از بندگان و او است آمرزنده مهربان به نام

اللَّهُ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا، مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا

خدای بخشاینده مهربان بزودی خدا پس از دشواری آسانی قرار دهد آنچه خدا خواهد نیروی نیست جز

بِاللَّهِ، حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، وَأَفْوُضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ

به خدا بس است ما را خدا و نیکو و کیلی است و واگذارم کارم را به خدا که براستی خدا بینا است

بِالْعِبَادِ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، رَبِّ إِنِّي لِمَا

به بندگان معبودی جز تو نیست منزهی تو براستی من از ستمکارانم پروردگارا من بدانچه بسویم

أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ، رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ

از خیر فرستاده‌ای نیازمندم پروردگارا مرا تنها مگذار و تو بهترین ارث برندگان (و بازماندگان) هستی

و اما اعمال عید نوروز پس چنان است که حضرت صادق علیه السلام به مُعَلَّى بن خنیس تعلیم فرموده که چون روز

نوروز شود غسل کن و پاکیزه‌ترین جامه‌های خود را بپوش و به بهترین بوهایی خوش خود را خوشبو گردان و در آن

روز روزه بدار پس چون از نماز پیشین و پسین و نافله‌های آن فارغ شوی چهار رکعت نماز بگذار یعنی هر دو رکعت به

یک سلام و در رکعت اول بعد از حمد ده مرتبه سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ بِخَوَانِد و در رکعت دوم بعد از حمد ده مرتبه سوره قُلْ يَا

اَيُّهَا الْكَافِرُونَ و در رکعت سیم بعد از حمد ده مرتبه سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و در رکعت چهارم بعد از حمد ده مرتبه قُلْ

أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ و قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ بخوان و بعد از نماز به سجده شکر برو و این دعا را بخوان :

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ، الْاَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ،
خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد آن اوصیاء پسندیده
وَعَلٰى جَمِيعِ اَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ بِاَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ، وَبَارِكْ
و بر همه پیمبران و رسولانت به بهترین درودها و برکت ده
عَلَيْهِمْ بِاَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ، وَصَلِّ عَلٰى اَرْوَاحِهِمْ وَاَجْسَادِهِمْ، اَللّٰهُمَّ
بر ایشان به بهترین برکتهایت و درود فرست بر ارواح و اجسادشان خدایا
بَارِكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَبَارِكْ لَنَا فِيْ يَوْمِنَا هَذَا، الَّذِيْ فَضَّلْتَهُ
برکت ده بر محمد و آل محمد و برکت ده به ما در این روز که آن را برتری داده
وَكَرَّمْتَهُ وَشَرَّفْتَهُ وَعَظَّمْتَ خَطَرَهُ، اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لِيْ فِيْمَا اَنْعَمْتَ بِهِ
و گرامیش کرده و شرافتش دادی و مقامش را بزرگ کردی خدایا برکت ده به من در آنچه به من تفضل کرده‌ای
عَلَيَّ، حَتّٰى لَا اَشْكُرَ اَحَدًا غَيْرَكَ، وَوَسَّعَ عَلَيَّ فِي رِزْقِيْ، يَا ذَا الْجَلَالِ
بدانسان که هیچکس را جز تو سپاس نگذارم و روزیم را وسیع گردان ای صاحب جلالت
وَالْاِكْرَامِ، اَللّٰهُمَّ مَا غَابَ عَنِّيْ فَلَا يَغِيْبَنَّ عَنِّيْ عَوْنُكَ وَحِفْظُكَ، وَمَا
و بزرگواری خدایا هر چه از من پنهان شده مبادا کمک و نگهداری تو از من پنهان شود و هر چه
فَقَدْتُ مِنْ شَيْءٍ فَلَا تُفْقِدْنِيْ عَوْنَكَ عَلَيْهِ، حَتّٰى لَا اَتَكَلَّفَ مَا لَا
را گم کرده‌ام مبادا یاری خویش را بر آن از من گم کنی تا خود را به زحمت نیندازم درباره
اَحْتَاجُ اِلَيْهِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ. چون چنین کنی گناهان پنجاه ساله تو
آنچه را بدان نیازمند نیستم ای صاحب جلالت و بزرگواری
* * * * *
آمرزیده شود و بسیار بگو یا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ اَمَّا اعمال ماههای رومی پس ما در اینجا اکتفا می‌کنیم به آنچه که در
زادالمعاد است سیّد جلیل علیّ بن طاوس رحمه الله روایت کرده است که روزی جمعی از اصحاب نشسته بودند حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه وآله داخل شد و بر ایشان سلام فرمود و ایشان جواب سلام گفتند پس حضرت فرمود که
می‌خواهید تعلیم نمایم شما را دوائی که جبرئیل مرا تعلیم کرده است که محتاج به دوائی اطّبا نبوده باشم پس حضرت
امیرالمؤمنین علیه السلام و سلمان و دیگران سؤال نمودند که آن دوا چیست حضرت رسول صلی الله علیه وآله به حضرت
امیرالمؤمنین علیه السلام خطاب نمود و فرمود که در ماه نیشان رومی آب باران می‌گیری و سوره فاتحه الکتاب و

آیه الکرسی و قل هو الله و قل أعوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ و قل أعوذُ بِرَبِّ النَّاسِ و قل يا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ هر يك را هفتاد بار می خوانی و به روایت دیگر سوره اِنا اَنْزَلْنَاهُ را نیز هفتاد مرتبه می خوانی و هفتاد مرتبه الله اكْبَرُ و هفتاد مرتبه لا اله الا الله می گوئی و هفتاد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد می فرستی و هفت روز در بامداد و پَسین از آن آب می آشامی به حق آن خداوندی که مرا برستی بر خلق مبعوث گردانیده است سوگند یاد می کنم که جبرئیل گفت که حق تعالی بردارد از کسی که این آب را می آشامد هر دردی را که در بدنش باشد و عافیت بخشد او را و بیرون کند دردها را از بدن او و استخوانهای او و اگر در لوح دردی برای او مقدر شده باشد محو نماید و به حق پروردگاری که مرا به حق فرستاده اگر فرزند نداشته باشد و فرزند خواهد آب نِیسان را به آن نیت بیاشامد او را فرزند روزی گردد و اگر زن عقیم باشد و فرزند نیابد و از این آب با نیت بیاشامد فرزند از او بوجود آید و اگر مرد و زن پسر خواهند یا دختر از آن آب بیاشامند مقصود ایشان به عمل آید چنانچه حق تعالی می فرماید يَهْبُ لِمَنْ يَشَاءُ اِنَاثًا وَيَهْبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذَّكَوْرَ اَوْ يَزُوْجَهُمْ ذُكْرًا وَاِنَاثًا وَيَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيْمًا یعنی حق تعالی می بخشد هر که را خواهد دختران و هر که را خواهد پسران یا جفت می گرداند برای ایشان پسران و دختران یعنی هر دو را به ایشان عطا می کند و هر که را خواهد عقیم و بی فرزند گرداند پس حضرت فرمود که اگر کسی درد سر داشته باشد و از این آب بیاشامد صداع او ساکن گردد به قدرت الهی و اگر درد چشم داشته باشد و در چشمهای خود قطره ای از این آب بچکاند و بیاشامد و چشمهای خود را از آن آب بشوید به اذن خدای تعالی شفا یابد و آشامیدن از آن آب بُن دندانها را محکم گرداند و دهان را خوشبو کند و لعاب بُن دندانها را کم کند و بلغم را کم کند و تُخْمه و اِمْتِلَا به سبب خوردن طعام و آشامیدن آب به هم نرساند و از بادهای قولنج و غیر آن متأذی نگردد و درد پشت و درد شکم بهم نرساند و از زُکام آزار نکشد و درد دندان بهم نرساند و درد معده و کرم معده را زایل گرداند و محتاج به حجامت نگردد و از مرض بواسیر و خارش بدن و آبله و دیوانگی و خُوره و پیسی و رُعاف و قِيّ نجات یابد و کور و لال و کر و زمینگیر نشود و آب سیاه در دیده اش نزول نکند و دردی که موجب افطار روزه و نقصان نماز او باشد او را عارض نگردد و از وسوسه های جَنّیان و شیاطین متأذی نگردد پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که جبرئیل گفت هر که از این آب بیاشامد و به جمیع دردهائی که در مردم می باشد مبتلا باشد موجب شفا از جمیع آنها گردد پس جبرئیل گفت به حق خداوندی که تو را به راستی فرستاده هر که این آیات را بر این آب بخواند و بیاشامد حق تعالی دلش را مملوّ گرداند از نور و روشنی و الهام خود را در دل او وارد سازد و حکمت بر زبان او جاری گرداند و پر کند دل او را از فهم و بینائی و به او عطا کند از کرامتها آنچه به احدی از عالمیان عطا نکرده باشد و هزار مغفرت و هزار رحمت بر او بفرستد و غش و خیانت و غیبت و حسد و بَغی و کبر و بخل و حرص و غضب را از دل او بردارد و از عداوت و دشمنی مردم و بدگوئی ایشان نجات یابد و موجب شفاء جمیع امراض

او گردد مؤلف گوید که این روایت مشهور به عبدالله بن عمر منتهی می‌شود و به این سبب سندش ضعیف است و فقیر به خط شیخ شهید دیدم که این روایت را از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده بود با همین خواص و سوره‌ها اما آیات و اذکار را به این روش روایت کرده است که می‌خوانی بر آب نیسان فاتحه کتاب و آیه الكرسي و قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ وَ سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى وَ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ وَ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ هر يك را هفتاد مرتبه و می‌گوئی هفتاد مرتبه لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ و هفتاد مرتبه اللَّهُ أَكْبَرُ و هفتاد مرتبه اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ و هفتاد مرتبه سُبْحَانَ اللَّهِ وَ اَلْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اَللَّهُ أَكْبَرُ و در خواص آن مذکور است که اگر در زندان باشد و از آن آب بیاشامد از حبس نجات یابد و سردی بر طبع او غالب نگردد و اکثر آن خواص که مذکور شد در این روایت نیز مذکور است و آب باران مطلقاً مبارك است و منفعت دارد خواه در نیسان ببارد و خواه در غیر آن چنانچه در حدیث معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که بیاشامید آب آسمان را که پاک کننده بدن شما است و دردها را دفع می‌کند چنانچه حق تعالی می‌فرماید وَ يَنْزِلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءٌ لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَي قُلُوبِكُمْ وَ يُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ یعنی می‌فرستد حق تعالی بر شما از آسمان آبی برای آنکه پاک گرداند شما را به آن و ببرد از شما وسوسه شیطان را و دهایی شما را محکم گرداند و ثابت گرداند به آن قدمهایی شما را و در عمل نیسان بهتر آن است که اگر جمعی خوانند هر يك مجموع آن سوره‌ها و اذکار را هفتاد مرتبه بخوانند و از برای آنها که می‌خوانند فایده‌اش عظیمتر و ثوابش بیشتر است و در این سالها بعد از بیست و سه روز که از نوروز بگذرد تقریباً داخل نیسان ماه رومی می‌شوند و ماه نیسان سی روز است و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که در هفتم حزیران البته حجامت بکن و اگر میسر نشود در چهاردهم بکن و اوّل حزیران تقریباً هشتاد و چهارم نوروز است و آن نیز سی روز است و حزیران ماه نحسی است چنانچه در حدیث معتبر منقولست که در خدمت حضرت صادق علیه السلام ماه حزیران مذکور شد حضرت فرمود که این ماهی است که حضرت موسی در این ماه نفرین کرد بر بنی اسرائیل و در يك شب و يك روز سیصد هزار کس ایشان مردند و باز به سند معتبر از آن حضرت منقولست که حق تعالی اجلها را در ماه حزیران نزدیک می‌گرداند یعنی موت در آن بسیار می‌باشد و بدانکه ماههای رومی بنایش بر حرکت آفتابست و عدد آنها دوازده است بدین ترتیب، تشرین الاول، تشرین الآخر، کانون اوّل، کانون آخر، شباط، آذر، نیسان، ایار، حزیران، تموز، آب، ایلول و چهار ماه را سی می‌گیرند که آنها تشرین الآخر و نیسان و حزیران و ایلولند و هفت دیگر غیر شباط را سی و يك می‌گیرند و شباط را در سه سال متوالی بیست و هشت می‌گیرند و در سال چهارم که سال کبیسه ایشان است بیست و نه می‌گیرند و سال ایشان سیصد و شصت و پنج روز و ربعی است و تشرین الأوّل که اوّل سال ایشان است در این سالها موافق نوزده

درجه میزان است و تفصیلش در کتاب بحارالانوار مذکور است و چون این ماهها در احادیث مذکور شده است مجملی در اینجا ایراد نمودیم. انتهی

باب سیّم در زیارات است

و مشتمل است بر يك مقدمه و چند فصل و يك خاتمه

مقدمه در آداب سفر است

چون اراده سفر کنی سزاوار آن است که روزه بداری روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه را و اختیار نمائی روز شنبه را یا روز سه شنبه را یا روز پنجشنبه را و اجتناب کن از سفر کردن در روز دوشنبه و چهارشنبه و پیش از ظهر روز جمعه و از سفر کردن در این ایّام که در این نظم واقع شده :

هفت رُوزي نحس باشد در مَهي

زان حذر کن تا نیابی هیچ رنج

سه و پنج و سیزده با شانزده

بیست و يك با بیست و چهار و بیست و پنج

در بعضی روایات نقل شده که بیست و یکم سفر کردن خوبست و در روز هشتم و بیست و سیّم خوب نیست. و سفر مکن در محاق شهر و در حالیکه قمر در برج عقرب باشد و اگر ضرورتی حاصل شود برای سفر کردن در این اوقات دعاهاي سفر را بخوان و تصدّق کن و هر وقت که خواهی به سفر رو و روایت شده که مردی از اصحاب حضرت امام محمد باقر علیه السلام اراده سفری کرد خدمت آن حضرت رسید تا وداع کند با آن جناب حضرت به او فرمود که پدرم علي بن الحسين عليه السلام هرگاه اراده می نمود که بیرون رود بسوی بعضی املاک خود می خرید سلامتی خود را از خدا به آنچه آسان بود برای او یعنی به دادن صدقه به هر چه که ممکن بود و این در وقتی بود که پای خود را در رکاب می گذاشت و چون به سلامت از سفر مراجعت می کرد شکر می کرد خدا را و تصدّق می داد به آنچه که ممکن بود آن مرد وداع کرد و رفت و بجا نیاورد آنچه را که آن حضرت فرموده بود پس هلاک شد در راه این خبر به امام محمد باقر علیه السلام رسید فرمود این مرد پند داده شد اگر می پذیرفت و سزاوار است که پیش از متوجّه شدن غسل بکنی پس جمع می کنی اهل خود را نزد خود و دو رکعت نماز می گذاری و از خدا خیر خود را سؤال می نمائی و آیه الکرسی می خوانی و حمد و ثنای الهی بجای می آوری و صلوات بر حضرت رسول و آل او صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ می فرستی و می گوئی :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ الْيَوْمَ نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوُلْدِي، وَمَنْ كَانَ مِنِّي
خدایا به من بعنوان ودیعت به تو سپردم در این روز خودم و خاندانم و مال و فرزندانم و هر که را با
بِسَبِيلِ الشَّاهِدِ مِنْهُمْ وَالْغَائِبِ، اللَّهُمَّ احْفَظْنَا بِحِفْظِ الْإِيمَانِ وَاحْفَظْ عَلَيْنَا،
من راهی دارد حاضرشان و غائبشان را خدایا حفظ کن ما را به حفظ ایمان و نگهداری بر ما باش
اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي رَحْمَتِكَ، وَلَا تَسْلُبْنَا فَضْلَكَ، إِنَّا إِلَيْكَ رَاغِبُونَ، اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ
خدایا ما را در کف رحمت خویش قرار ده و فضلت را از ما سلب مفرما که ما به تو مشتاقیم خدایا به تو پناه بریم
بِكَ مِنْ وَعْثَاءِ السَّفَرِ، وَكَآبَةِ الْمُنْقَلَبِ وَسُوءِ الْمُنْطَرِ، فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَلَدِ
از رنج سفر و اندوهناک برگشتن و بدی دیدار در خاندان و مال و فرزند
فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ هَذَا التَّوَجُّهُ طَلِبًا لِمَرْضَاتِكَ وَتَقَرُّبًا
در دنیا و آخرت خدایا من بتو رو کنم در این رو کردن بخاطر اینکه جویای خوشنودی تو و تقرب جستن بدرگاهت
إِلَيْكَ، [اللَّهُمَّ أَفْبَلِّغْنِي مَا أَوْمَلُهُ وَأَرْجُوهُ فِيكَ وَفِي أَوْلِيَائِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
هستم خدایا پس برسانم به آرزویم و آنچه از تو و اولیائت امید دارم ای مهربانترین مهربانان
پس وداع کن اهل خود را و برخیز و بر در خانه بایست و تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام را بخوان و سوره حمد را
از پیش رو و از جانب راست و از جانب چپ بخوان و همچنین آیه الكرسي را از سه جانب بخوان و بگو:
اللَّهُمَّ إِلَيْكَ وَجْهَتُ وَجْهِي، وَعَلَيْكَ خَلْفْتُ أَهْلِي وَمَالِي وَمَا حَوَّلْتَنِي، وَقَدْ وَفَّقْتُ
خدایا بسوی تو گرداندم رویم را و به امید تو بجای گذاردم خانواده و مال و آنچه را به من مرحمت فرمودی و به تو
اطمینان
بِكَ فَلَا تُخَيِّبْنِي، يَا مَنْ لَا يُخَيِّبُ مَنْ أَرَادَهُ، وَلَا يُضَيِّعُ مَنْ حَفِظَهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ
کردم پس ناامیدم مکن ای که نا امید نکند هر که را به او توجه کند و ضایع نکند هر که را او محافظتش کند خدایا درود
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاحْفَظْنِي فِيمَا غَبْتُ عَنْهُ، وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
فرست بر محمد و آلش و محافظت کن آنچه را مربوط به من است و من از آنها دورم و مرا بخودم و امگذارای مهربانترین
مهربانان
الدُّعَاءَ بِسْمِ الْبُخْوَانِ سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را یازده مرتبه و سوره إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ و آیه الكرسي و سوره قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ و
قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ پس دست بر جمیع بدن خود بمال و تصدق کن به هر چه میسر باشد و بگو:
اللَّهُمَّ إِنِّي اشْتَرَيْتُ بِهَذِهِ الصَّدَقَةِ سَلَامَتِي، وَسَلَامَةَ سَفَرِي وَمَا مَعِيَ، اللَّهُمَّ احْفَظْنِي

خدایا من خریدم بوسیله این صدقه سلامتی خود و سلامتی سفرم را و آنچه همراه من است خدایا حفظ کن مرا و محافظت
 وَاحْفَظْ مَا مَعِيَ، وَسَلِّمْ مَعِيَ، وَبَلِّغْ مَا مَعِيَ بِبِلَاغِكَ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ
 کن آنچه همراه دارم و به سلامت بدار مرا و آنچه را که همراه من است و برسان مرا و آنچه همراه من است برساندن نیکو
 و زیبایت

و با خود برادر عصائی از چوب درخت بادام تلخ که روایت شده که هر که به سفری رود و با خود بردارد عصاء بادام
 تلخ و بخواند وَ لَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدِينٍ تَا وَاللَّهُ عَلَيَّ مَا تَقُولُ وَكَيْلٌ و این در سوره قصص است حق تعالی او را ایمن گرداند
 از هر سَبْعِ دَرْتِدَةٍ و از هر دزد ظلم کننده و از هر حیوان صاحب زهری تا به خانه خود برگردد و با او باشد هفتاد و
 هفت ملك که طلب آمرزش کند برای او تا برگردد و عصا را بگذارد و سُنَّت است که با عمامه بیرون روی و سر عمامه
 در زیر حنک بگردانی تا اینکه به تو آسیبی نرسد از دزد و غرق شدن و سوختن و قدری از تربت امام حسین علیه السلام
 با خود بردار و در وقت برداشتن بگو :

اللَّهُمَّ هَذِهِ طَبِئَةُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَلِيَّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ،

خدایا این خاک قبر حسین علیه السلام ولی تو و فرزند ولی تو است

إِتَّخَذْتُهَا حِرْزًا لِّمَا أَخَافُ وَمَا لَا أَخَافُ × و با خود بردار انگشتر عقیق و

که آن را پناهگاه خود قرار دادم برای آنچه از آن ترسم و آنچه نترسم * * * * *

فیروزج و خصوص انگشتری که عقیق آن زرد باشد و بر یک طرفش نقش باشد ماشاء الله لاقوة الا بالله استغفر الله و
 برطرف دیگرش محمد و علی، سید بن طاوس در امان الاخطار روایت کرده از ابو محمد قاسم بن علا از صافی خادم امام
 علی النقی علیه السلام که گفت رخصت طلبیدم از آن حضرت که به زیارت جدش امام رضا علیه السلام بروم فرمود که
 با خود انگشتری داشته باش که نگینش عقیق زرد باشد و نقش نگین ماشاء الله لاقوة الا بالله استغفر الله باشد و بر روی
 دیگر نگین محمد و علی نقش کرده باشند چون این انگشتر را با خود داری امان یابی از شر دزدان و راهزنان و برای
 سلامتی تو قاتمتر است و دین ترا حفظ کننده تر است خادم گوید بیرون آمدم و انگشتری که حضرت فرمود بهم رسانیدم
 و برگشتم که وداع کنم چون وداع آن حضرت کرده برگشتم و دور شدم فرمود که مرا برگردانند چون برگشتم فرمود ای
 صافی گفتم لَبَّيْكَ يَا سَيِّدِي فرمود که انگشتر فیروزه هم باید با خود داشته باشی بدرستی که میان طوس و نیشابور شیری
 بر خواهد خورد به تو و قافله را منع خواهد کرد از رفتن تو پیش برو و این انگشتر را به شیر بنما و بگو مولای من
 می گوید که دور شو از راه و باید که بر یک طرف نگین فیروزه الله المملک نقش کنی و برطرف دیگر المملک لله الواحد

الْفَهَّارِ زيرا که نقش انگشتر امیرالمؤمنین علیه السلام اللَّهُ الْمَلِكُ بود چون خلافت بر آن جناب برگشت اللَّهُ الْوَاحِدِ الْفَهَّارِ نقش کرد و نگینش فیروزه بود و چنین نگین امان می بخشد از حیوانات درنده و باعث ظفر و غلبه می شود در جنگها صافی گوید که رفتم به سفر و به خدا سوگند در همان مکان که حضرت فرموده بود شیر بر سر راه آمد و آنچه فرموده بود به عمل آوردم و شیر برگشت چون از زیارت برگشتم آنچه گذشته بود به خدمت آن جناب عرض کردم فرمود که يك چیز ماند نگفتی اگر خواهی من نقل کنم گفتم ای آقای من شاید فراموش کرده باشم فرمود که شبی در طوس نزدیک قبر شریف شب را بسر می بردی گروهی از جثیان به زیارت قبر آن حضرت آمده بودند آن نگین را در دست تو دیدند و نقش آن را خواندند پس آن را از دست تو بدر آورده بردند به نزد بیماری که داشتند و آن انگشتر را در آبی شسته آب آن را به بیمار خود خورانیدند و بیمارشان صحت یافت پس انگشتر را برگردانیدند و تو در دست راست کرده بودی ایشان در دست چپ تو کردند تو از این مطلب تعجب بسیار کردی و سبب آن را ندانستی و نزدیک سر خود یاقوتی یافته برداشتی و الحال همراه تو است بهر بازار و آن را به هشتاد اشرفی خواهی فروخت و این یاقوت هدیه آن جثیانست که برای تو آورده بودند خادم گفت یاقوت را به بازار بردم و به هشتاد اشرفی فروختم همچنانکه سیدم فرموده بود و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که کسی که بخواند آیه الکرسی را در سفر در هر شب سالم بماند و سالم بماند آنچه با اوست و بگوید :

اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَسِيرِي عِبْرًا، وَصَمْتِي تَفَكُّرًا، وَكَلَامِي ذِكْرًا.

خدایا قرار ده مسیر مرا عبرت و خاموشیم را تفکر و سخنم را ذکر

و از حضرت امام زین العابدین علیه السلام مرویست که فرمود من پروا نمی کنم هرگاه بگویم این کلمات

* * * * *
* * * * *

را اگر جمع شوند برای ضرر من جن و انس بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَمِنْ اللَّهِ وَآلِي اللَّهِ،

* * * * *
* * * * *
به نام خدا و به

خدا و از خدا و بسوی خدا

وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ إِلَيْكَ أَسْلَمْتُ نَفْسِي، وَإِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِي،

و در راه خدا خدایا به تو تسلیم کردم خودم را و بدرگاه تو گرداندم رویم را

وَإِلَيْكَ فَوَّضْتُ أَمْرِي، فَاحْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمَانِ مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَمِنْ

و به تو واگذاردم کارم را پس نگهداریم کن به نگهداری ایمان از پیش رویم و از

خلفی، وَعَنْ يَمِينِي وَعَنْ شِمَالِي، وَمِنْ فَوْقِي وَمِنْ تَحْتِي، وَادْفَعْ

پشت سرم و از راستم و از چپم و از بالاي سرم و از زير پايم و پشتيباني كن

عَنِّي بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ، فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ .

از من به قدرت و نیروي خودت زیرا که قدرت و نیروئي نيست جز به خداي والاي بزرگ

مؤلف گويد ادعيه و آداب سفر بسيار است و ما در اینجا اقتصار مي كنيم بذكر چند ادب اول آنكه سزاوار است براي

شخص هرگاه سوار مي شود بِسْمِ اللَّهِ را ترك نكند دوم آنكه نفقه خود را حفظ كند و در جاي محكم بگذارد زیرا که

روايت شده كه از فقه مسافر است حفظ كردن نفقه خود سيم آنكه در سفر اعانت رفقا كند و از خدمت و كار كردن در

حوائج ايشان مضايقه نكند تا حق تعالى برطرف كند از او هفتاد و سه اندوه و پناه دهد او را در دنيا از هم و غم و

برطرف كند از او اندوه بزرگ روز قيامت را و روايت است كه حضرت امام زين العابدين عليه السلام سفر نمي كرد مگر با

اشخاصي كه نشناسند آن حضرت را براي آنكه در راه اعانت آنها نمايد زیرا که هر گاه مي شناختند آن جناب را

نمي گذاشتند كه آن حضرت كاري بكد و از اخلاق شريفه حضرت رسول صلي الله عليه وآله نقل شده كه وقتي با اصحاب

در سفر بود خواستند گوسفندي بکشند يكي گفت كشتن گوسفند با من ديگري گفت كندن پوست او با من و ديگري

گفت پختن او با من حضرت فرمود جمع كردن هيضمش با من گفتند يا رسول الله اين كار ما خواهيم كرد شما زحمت

نكشيد فرمود مي دانم شما اين كار را خواهيد كرد لكن من خوشم نمي آيد كه از شما امتيازي پيدا كنم زیرا که حق تعالى

كراهت دارد كه ببيند بنده خود را كه فضيلت داده خودش را به رفقايش و بدانكه ثقيل ترين مردم در سفر نزد رفقا آن

كسي است كه با آنكه اعضايش صحيح و سالمست تنبلي مي كند و مشغول كاري نمي شود و منتظر است كه رفقاي او

كارهاي او را بكنند چهارم آنكه مسافر مصاحبت كند با كسي كه نظير او باشد در انفاق كردن پنجم آنكه نياشامد از آب

هر منزلی مگر بعد از آنكه ممزوج كند او را به آب منزل قبل و شايسته و لازم است براي مسافر كه با خود بردارد از

خاك بلد خویش و از طينتي كه تربيت بر آن شده است و هر منزلی كه وارد مي شود مقداري از آن خاك بريزد در ظرف

آب خود و آن را حركت دهد پس بگذارد تا آب صاف شود آن وقت بنوشد ششم آنكه اخلاق خود را نيكو كند و حلم

را زينت خود كند و بيايد در آداب زيارت حضرت امام حسين عليه السلام آنچه مناسب اينجا است هفتم آنكه توشه از

براي سفر خود بردارد و از شرف آدمي است كه توشه خود را نيكو گرداند بخصوص در سفر مكه بلي در سفر زيارت

امام حسين عليه السلام توشه را از چيزهاي لذيذ قرار دادن مانند برياني و حلوها و غيره محبوب نيست چنانكه بيايد اين

مطلب در باب زيارت آن حضرت. و ابن اعسم گفته :

مِنْ شَرَفِ الْأُنْسَانِ فِي الْأَسْفَارِ

تَطْيِيبُهُ الزَّادَ مَعَ الْإِكْتَارِ

از شرافت انسان در سفرها

توشه خوب و فراوان برداشتن است

وَيُحْسِنُ الْإِنْسَانُ فِي حَالِ السَّفَرِ

أَخْلَاقُهُ زِيَادَةً عَلَى الْحَضَرِ

انسان باید در حال سفر

بیش از وقتی که در خانه است اخلاقش را نیکو کند

وَلْيَدْعُ عِنْدَ الْوَضْعِ لِلْخَوَانِ

مَنْ كَانَ حَاضِرًا مِنَ الْأَخْوَانِ

و هنگامی که سفره را بگستراند بخواند بر سر آن

هر که از برادران دینیش که حاضرند

وَلْيُكْثِرِ الْمَرْحَ مَعَ الصَّحْبِ إِذَا

لَمْ يُسْخَطِ اللَّهُ وَلَمْ يَجْلِبْ أَذِي

و باید با همراهان شوخی زیاد کند در صورتی که

موجب خشم خدا نشود و تولید ناراحتی نکند

مَنْ جَاءَ بَلَدَةً فَذَا ضَيْفٌ عَلَيَّ

إِخْوَانِهِ فِيهَا إِنْ يَرْحَلَا

کسی که به شهری درآید میهمان برادران دینی آن

شهر است تا وقتی که از آنجا کوچ کند

يُرُّ لَيْلَتَيْنِ ثُمَّ لِيَأْكُلَ

مِنْ أَكْلِ أَهْلِ الْبَيْتِ فِي الْمُسْتَقْبَلِ

تا دو شب بخوبی پذیرائی شود سپس بخورد

از خوراک معمولی اهل آن خانه تا در آنجا است

هشتم آنچه خیلی مهم است در سفر مراعات آن محافظت بر نمازهای فریضه است که بجا آورده شود با شرایط و حدود

در اوایل اوقات چه آنکه بسیار مشاهده شده از حجّاج و زوّار که در طریق مسافرت ضایع کردند نمازهای فریضه خود

را به جهت آنکه در وقت بجا نیاموردند یا بجا آوردند سواره و در محمل یا با تیمم یا با نجاست بدن یا جامه و امثال اینها

که تمام از بی مبالاتی و استخفافشان به شأن نماز بوده و حال آنکه در روایت است از حضرت صادق علیه السلام که فرمود نماز فریضه بهتر است از بیست حج و یک حج بهتر است از خانه‌ای که پر از طلا باشد و آن طلاها را تصدق دهند تا تمام شود و ترك مکن بعد از نمازهای مقصوره گفتن سی مرتبه سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ را که تأکید در آن وارد شده است .

فصل اول: در آداب زیارتست

و آن بسیار است و در اینجا به چند چیز اکتفا می‌شود اول غسل پیش از بیرون رفتن برای سفر زیارت دوم ترك كلام بیهوده و لغو و مخاصمه و مجادله در راه سیم غسل برای زیارت هر امامی و آنکه بخواند دعای وارده آن را و بیاید آن در اول زیارت وارث چهارم طهارت از حدث کبری و صغری پنجم پوشیدن جامه‌های پاک و پاکیزه و نو و نیکو است سفید بودن رنگ آن ششم در وقت رفتن به روضه مقدسه گامها را کوتاه برداشتن و به آرامی و وقار سیر نمودن و خاضع و خاشع بودن و سر به زیر انداختن و به بالا و اطراف خود التفات نمودن هفتم خوشبو نمودن خود را در غیر زیارت امام حسین علیه السلام هشتم در وقت رفتن به حرم مطهر زبان را به ذکر تکبیر و تحمید و تسبیح و تهلیل و تمجید مشغول کردن و به صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد علیهم السلام دهان را معطر نمودن نهم بر در حرم شریف ایستادن و اذن دخول طلبیدن و سعی در تحصیل رقت قلب و خضوع و شکستگی خاطر نمودن به تصور و فکر در عظمت و جلالت قدر صاحب آن مرقد منور و اینکه می‌بیند ایستادن او را و می‌شنود كلام او را و جواب می‌دهد سلام او را چنانچه به همه اینها شهادت می‌دهد در وقت خواندن اذن دخول و تدبیر در محبت و لطفی که به شیعیان و زائران خود دارند و تأمل در خرابیهای حال خود و خلافها که به آن بزرگواران کرده و فرموده‌های بی حد که از ایشان نشنیده و آزارها و اذیتها که از او به ایشان یا به خاصان و دوستان ایشان رسیده که برگشتن آن به آزدن ایشان است و اگر براسقی در خود نگرد قدمهایش از رفتن باز ایستد و قلبش هراسان و چشمش گریان شود و این روح تمام آداب است و شایسته است در اینجا ذکر کنیم اشعار سخاوی و روایتی را که علامه مجلسی رحمه الله در بحار از کتاب عیون المعجزات نقل فرموده اما اشعار سخاوی که شایسته است در آن حال تمثل به آنها این است :

قَالُوا غَدًا تَأْتِي دِيَارَ الْحِمِي

وَيَنْزِلُ الرُّكْبُ بِمَغْنَاهُمْ

گفتند فردا می‌رسیم به سرزمینهای قرقگاه

و کاروان فرود آید به دولتسرای آنها

فَكُلُّ مَنْ كَانَ مُطِيعاً لَهُمْ

أَصْبَحَ مَسْرُوراً بِلِقَائِهِمْ

پس هر که پیرو ایشان باشد

به دیدارشان خوشنود گردد

قُلْتُ فَلْي ذَنْبُ فَمَا حِيلَتِي

بِأَيِّ وَجْهِ اتَّلَقَاَهُمْ

گفتم پس منی که گنهکارم چه چاره کنم

و به چه رو ایشان را دیدار کنم

قَالُوا أَلَيْسَ الْعَفْوُ مِنْ شَأْنِهِمْ

لَا سِيَّما عَمَّنْ تَرَجَّاهُمْ

گفتند مگر شیوه آنها گذشت نیست

خصوصاً از کسی که امیدی به آنها دارد

فَجِئْتُهُمْ أَسْعَى إِلَى بَابِهِمْ

أَرْجُوهُمْ طَوَّراً وَأَخْشَاهُمْ

من هم شتافتم بسوی درگاهشان

گاهی به حال امیدواری و گاهی به حال بیمناکی

و اما آن روایت شریف چنین است که وقتی ابراهیم جمال که یکی از شیعیان بوده خواست خدمت علی بن یقطین رضی الله عنه برسد چون ابراهیم ساریان بود و علی بن یقطین وزیر هارون رشید بود و به حسب ظاهر شأن ابراهیم نبود که در مجلس علی وارد شود لهذا او را راه نداد اتفاقاً در همان سال علی بن یقطین به حج مشرف شد در مدینه خواست خدمت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام مشرف شود حضرت او را راه نداد روز دوم در بیرون خانه علی آن حضرت را ملاقات نمود عرضه داشت که ای سید من تقصیر من چه بوده که مرا راه ندادید فرمود به جهت آنکه راه ندادی برادرت ابراهیم جمال را و حق تعالی ابا فرموده از آنکه سعی تو را قبول فرماید مگر بعد از آنکه ابراهیم تو را عفو نماید علی گفت گفتم ای سید و مولای من ابراهیم را من در این وقت کجا ملاقات کنم من در مدینه ام و او در کوفه است فرمود هرگاه شب داخل شود تنها برو به بقیع بدون آنکه کسی از اصحاب و غلامان تو بفهمد در آنجا شتری زین کرده خواهی دید آن شتر را سوار می شوی و به کوفه می روی علی بن یقطین شب به بقیع رفت و همان شتر را سوار شد به اندک

زمانی در خانه ابراهیم جمال رسید شتر را خوابانید و در را کوبید ابراهیم گفت کیست گفت علی بن یقطینم ابراهیم گفت علی بن یقطین بر در خانه من چه می کند فرمود بیرون بیا که امر من عظیم است و قسم داد که او را اذن دخول دهد چون داخل شد گفت ای ابراهیم آقا و مولی ابا فرمود که عمل مرا قبول نماید مگر آنکه تو از من بگذری گفت غفر الله لك پس علی بن یقطین صورت خود را بر خاک گذاشت و ابراهیم را قسم داد که پا روی صورت من گذار و صورت مرا زیر پای خود بمال ابراهیم امتناع نمود علی او را قسم داد که چنین کند پس ابراهیم پا بصورت علی بن یقطین گذاشت و رخ او را زیر پای خود بمالید و علی می گفت اللَّهُمَّ اشْهَدْ بَارِئَا هَا تُو شَاهِدْ بَاشْ پَس بیرون آمد و سوار شد و همان شب به مدینه برگشت و شتر را بر در خانه حضرت موسی بن جعفر علیه السلام خوابانید آن وقت حضرت او را اذن داد بر آن جناب وارد شد و حضرت از او قبول فرمود از ملاحظه این خبر معلوم می شود که حقوق اخوان به چه اندازه است دهم بوسیدن عتبه عالیّه و آستانه مبارکه است و شیخ شهید رحمه الله فرموده که اگر زیارت کننده سجده کند و نیت کند که از برای خدا سجده می کنم به شکر اینکه مرا به این مکان رسانیده بهتر خواهد بود یازدهم مقدّم داشتن پای راست در وقت داخل شدن و مقدّم داشتن پای چپ در وقت بیرون آمدن مانند مساجد دوازدهم رفتن به نزد ضریح مطهر بنحوی که بتواند خود را به آن بچسباند و توهّم آنکه دور ایستادن ادبست و هم است زیرا که وارد شده تکیه کردن بر ضریح و بوسیدن آن سیزدهم در وقت زیارت پشت به قبله و رو به قبر منور ایستادن و ظاهراً این ادب مختص به معصوم است و چون از خواندن زیارت فارغ شد گونه راست را به ضریح بگذارد و به حال تضرّع دعا کند پس گونه چپ را بگذارد و بخواند خدا را به حقّ صاحب قبر که او را از اهل شفاعت آن بزرگوار قرار دهد و مبالغه کند در دعا و الحال پس برود به سمت سر مطهر و رو به قبله بایستد و دعا کند چهاردهم ایستادن در وقت خواندن زیارت اگر عذری ندارد از ضعف و درد کمر و درد پا و غیرها پانزدهم گفتن تکبیر در نزد دیدن قبر مطهر پیش از شروع در خواندن زیارت و در خبریست که هر که تکبیر بگوید پیش روی امام علیه السلام و بگوید لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ نوشته شود برای او رَضْوَانُ اللَّهِ الْأَكْبَرُ شانزدهم خواندن زیارات مأثوره وارده از سادات اَنَامَ عَلَيْهِمُ السَّلَام و ترك خواندن زیارتهای مخترعه که بعضی خردان از عوام آنها را با بعضی از زیارات تلفیق کرده و نادانان را به آن مشغول ساخته شیخ کلینی رحمه الله روایت کرده از عبدالرحیم قصیر که گفت وارد شدم بر حضرت صادق علیه السلام و گفتم فدایت شوم از پیش خود دعائی اختراع کردم فرمود واگذار مرا از اختراع خود هرگاه تو را حاجتی روی دهد پناه بر به حضرت رسول صلی الله علیه وآله و دو رکعت نماز کن و هدیه کن آن را بسوی آن حضرت الح هفدهم بجا آوردن نماز زیارت و اقل آن دو رکعتست شیخ شهید فرموده که اگر زیارت برای پیغمبر است نماز را در روضه مطهره بجا آورد و اگر در حرم یکی از ائمه است در بالای سر بجا آورد و اگر بجا آورد آن دو رکعت را در مسجد مکان یعنی مسجد حرم جایز است و علامه

مجلسی رحمه الله فرموده که نماز زیارت و غیر آن را به گمان فقیر در پشت سر و بالای سر کردن بهتر است و علامه

بحرالعلوم نیز در دُرّه فرموده :

وَمِنْ حَدِيثِ كَرْبَلَا وَالْكَعْبَةِ

لِكَرْبَلَا بَانَ غُلُوُّ الرُّتْبَةِ

و از داستان کربلا و کعبه آن است

که کربلا را برتری رتبه عیان گردیده

و غَيْرُهَا مِنْ سَائِرِ الْمَشَاهِدِ

أَمْثَالُهَا بِالتَّقْلِيلِ ذِي الشَّوَاهِدِ

و غیر آن از سایر مشاهد نیز

مانند آن است به موجب نقلی که شواهدی هم دارد

وَرَاعَ فِيهِنَّ اقْتِرَابَ الرَّمَسِ

وَ أَثَرَ الصَّلَاةِ عِنْدَ الرَّأْسِ

و مراعات کن در آنها نزدیک شدن به قبر را

و انتخاب کن برای خواندن نماز نزدیک سر را

وَصَلِّ خَلْفَ الْقَبْرِ فَالصَّحِيحُ

كَغَيْرِهِ فِي نَذْبِهَا صَرِيحٌ

و در پشت سر نماز بخوان زیرا صحیح و

غیر صحیح تصریح به استحباب آن کرده‌اند

وَالْفَرْقُ بَيْنَ هَذِهِ الْقُبُورِ

و غَيْرِهَا كَالْتُّورِ فَوْقَ الطُّورِ

و فرق میان این قبرهای محترم

و غیر آنها مانند نور بالای طور است

فَالسَّعْيُ لِلصَّلَاةِ عِنْدَهَا نَدْبٌ

و قُرْبُهَا بَلِ اللُّصُوقُ قَدْ طُلِبَ

پس مستحب است سعی کنی برای نماز در کنار آن قبور

و نزدیک شدن به آنها بلکه جسییدن به آنها مطلوب است

هیجدهم خواندن سوره یس در رکعت اول و سوره الرّحمن در رکعت دوم اگر برای آن زیارتی که نماز آن می خواند کیفیت مخصوصی ذکر فرموده باشند و آنکه دعا کند بعد از نماز به آنچه وارد شده یا به آنچه در خاطر او می رسد برای دین و دنیای خود و تعمیم دهد در دعا زیرا که آن به اجابت نزدیکتر است نوزدهم شیخ شهید رحمه الله فرموده که کسی که داخل حرم مطهر شود و ببیند که نماز جماعت منعقد شده است ابتدا به نماز کند پیش از آنکه زیارت کند و همچنین ترك کند زیارت را و داخل نماز شود اگر وقت نماز شده و اگر نه ابتدا کردن به زیارت اولی است چه آن غایت مقاصد او است و اگر در بین زیارت نماز بپا شد مستحب است از برای زائران که زیارت را قطع کنند و روی آورند به نماز و کراهت دارد ترك آن و بر ناظر حرم است که مردم را امر کند به نماز بیستم شیخ شهید رحمه الله از جمله آداب زیارت شمرده تلاوت کردن قرآن نزد ضرایح مطهره و هدیه کردن آن را به روح مقدس مزور و نفع آن به زیارت کننده عاید می شود و متضمن تعظیم مزور است بیست و یکم ترك نمودن سخنان ناشایسته و کلمات لغو و بیهوده و اشتغال به صحبت های دنیوی که همیشه در هر جا مذموم و قبیح و مانع رزق و جالب قساوت قلب است خصوص در این بقاع مطهره و قباب سامیه که خدای تعالی خبر می دهد از بزرگی و جلالت آنها در سوره نور «فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ» الآية بیست و دویم بلند نکردن صدای خود در وقت زیارت چنانچه در هدیه الزائرین ذکر کردم بیست و سیّم وداع کردن امام علیه السلام را در وقت بیرون رفتن از بلد آن حضرت به مأثور یا به غیر آن بیست و چهارم توبه و استغفار نمودن به جهت گناهان و بهتر کردن حال و کردار و گفتار خود را بعد از فراغ از زیارت از آنچه دارا بود پیش از زیارت بیست و پنجم انفاق کردن به قدر میسر بر خادمان آستانه شریفه و سزاوار است که خدام آن محل شریف از اهل خیر و صلاح و صاحب دین و مروّت باشند و تحمّل نمایند آنچه از زائرین می بینند و خشم خود را بر آنها فرو نشانند و غلظت و دُرُشتی بر آنها نمایند و بر قضاء حوائج محتاجین اقدام کنند و غربا را راهنمائی و دلالت کنند اگر راه مقصد را گم نمایند و بالجمله بایست خدام را که به حقیقت و راستی مشغول شوند در خدمات لازمه از تنظیف و حراست و محافظت زائران و غیره بیست و ششم انفاق و احسان بر فقراء مجاورین و مساکین متعففین بلد امام علیه السلام خصوصاً سادات و اهل علم و مُتَقَطِّعین که به مرارت غربت و تنگدستی مبتلا و همواره عَلم تعظیم شعائر الله را برپا نموده و دارا هستند جهاتی را که ملاحظه هر يك از آنها کافی است در لزوم اعانت و رعایت بیست و هفتم شیخ شهید فرموده که از جمله آداب تعجیل کردن در بیرون رفتن است در وقتی که دَرَك کرد حَظّ خود را از زیارت برای مزید تعظیم و احترام و شدّت شوق به رجوع و نیز فرموده که در وقتی که زنها می خواهند زیارت کنند بایست که خود را جدا کنند از مردان و تنها زیارت کنند و اگر در شب زیارت کنند اولی است و باید که تغییر وضع کنند یعنی لباس خوب و عالی را به لباس پست

بدل کنند که شناخته نشوند و مخفی و پنهان بیرون آیند که کسی کمتر ایشان را ببیند و شناسد و اگر با مردان زیارت کنند نیز جایز است اگر چه مکروه است مؤلف گوید از این کلمات معلوم شد کثرت قبح و شناعة آنچه متعارف شده فعلاً که زنها به اسم تشرّف به زیارت خود را آرایش نموده با لباسهای نفیس از خانه‌ها بیرون می‌آیند و در حریمهای مطهره مزاحمت با نامحرمان نموده و فشار به بدنهای ایشان داده یا خود را متصل به ضرایح مطهره نموده یا در قبله مردمان نشسته مشغول به زیارت خواندن شده و حواس مردم را پریشان نموده عبّادان محل را از زائرین و نماز گذاران و مُتَضَرِّعین و گریه کنندگان از کار خود بازداشته و داخل در زمره صَادِّين عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ شده الی غیر ذلك و فی الحقیقه بایست این زیارت از آن زنها از منکرات شرع شمرده شود نه عبادات و داخل در موبقات شود نه قربات از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به اهل عراق فرمود «یا أَهْلَ الْعِرَاقِ بُبِّتُ أَنْ نَسَآئِکُمْ یُؤَافِقَ الرَّجَالَ فِی الطَّرِیقِ أَمَا تَسْتَحْیُونَ» (ای اهل عراق به من خبر رسیده که زنهاي شما می‌رسند به مردها در راه یعنی برمی‌خورند به نامحرمان در کوچه و بازار آیا حیا نمی‌کنید شماها)

وَقَالَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ لَا يُعَارُ. وَفِي الْفَقِیْهِ: رَوَى الْأَصْبَغُ بْنُ نَبَاتَةَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

و فرمود خدا لعنت کند کسی را که غیرت ندارد و در کتاب فقیه اصبع بن نباته روایت کرده از امیر مؤمنان

عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: يَظْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَاقْتِرَابِ السَّاعَةِ، وَهُوَ

علیه‌السلام و گوید: شنیدم از آن حضرت که می‌فرمود: بیرون آیند در آخر الزمان و نزدیک شدن قیامت که

شَرُّ الْأَزْمِنَةِ، نِسْوَةٌ كَاشِفَاتُ عَارِيَّاتٍ مُتَبَرِّجَاتٍ مِنَ الدِّينِ، دَاخِلَاتٌ فِي

بدترین زمانها است زنانی که برهنه و عریانند و خود را آراسته‌اند و از دین بیرون رفته و در

الْفِتَنِ، مَائِلَاتُ إِلَى الشَّهَوَاتِ مُسْرِعَاتُ إِلَى اللَّذَاتِ، مُسْتَحِلَّاتُ

فتنه‌ها داخل گشته و بسوی شهوات مایل گشته و شتابانند بسوی لذتها و حرامها (ی خدا) را

الْمُحَرَّمَاتِ، فِي جَهَنَّمَ خَالِدَاتٌ. × بیست و هشتم سزاوار است وقتی که زوَّار

حلال شمرند و اینان همیشه در جهنم خواهند ماند * * * * *

* * * * *

بسیار است کسانی که سبقت به ضریح گرفته‌اند تخفیف دهند زیارت را و بیرون روند تا دیگران نیز مثل آنها به قرب ضریح فائز گردند مؤلف گوید که ما در مقام زیارت امام حسین علیه السلام نقل خواهیم کرد آدابی که زائرین آن جناب باید مراعات آنها را نمایند .

فصل دوم در ذکر اذن دخول هر يك از حَرَمهاي شريفه

و در اینجا ذکر مي شود دو اذن دخول اول شيخ كفعمي فرموده چون خواستی داخل شوي به

مسجد حضرت رسول صلي الله عليه وآله يا در يكي از مشاهد مشرفه ائمه عليهم السلام پس بگو: اَللّٰهُمَّ اِنِّي

* * * * *

* * * * * خدايا من

وَقَفْتُ عَلَي بَابٍ مِنْ اَبْوَابِ بَيْوتِ نَبِيِّكَ، صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَقَدْ

ايستادم بر در خانه‌اي از درهاي خانه‌هاي پيامبرت كه دروذهاي تو بر او و ايشان باد و چنان است

مَنْعَتِ النَّاسِ اَنْ يَدْخُلُوا اِلَّا بِاِذْنِهِ، فَقُلْتَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا

كه تو قَدْغَن فرموده‌اي كه مردم داخل آن گردند جز به اذن تو و فرمودي: «اي كساني كه ايمان آورده‌ايد

تَدْخُلُوا بَيْوتَ النَّبِيِّ اِلَّا اَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ، اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعْتَقِدُ حُرْمَةَ

داخل خانه‌هاي پيغمبر نشويد جز اينكه به شما اذن دهند» خدايا من معتقدم به احترام

صاحبِ هَذَا الْمَشْهَدِ الشَّرِيفِ فِي غَيْبَتِهِ، كَمَا اَعْتَقِدُهَا فِي حَضَرَتِهِ،

صاحب اين زيارتگاه شريف در زمان غيبت و پنهانيش چنانچه اين عقیده را در زمان حضورش دارم

وَأَعْلَمُ اَنْ رَّسُولَكَ وَخُلَفَاءَكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ اَحْيَاءٌ عِنْدَكَ يَرْزُقُونَ،

و مي دانم كه رسول تو و جانشينانش عليهم السلام زنده‌اند و در نزد تو روزي مي خورند

يَرُونَ مَقَامِي وَيَسْمَعُونَ كَلَامِي، وَيَرُدُّونَ سَلَامِي، وَأَتُكَّ حَجَبَتِ

و هم اکنون جاي مرا مي بينند و سخني را مي شنوند و جواب دهند به سلام من ولي تو جلوگيري

عَنْ سَمْعِي كَلَامَهُمْ، وَفَتَحْتَ بَابَ فَهْمِي بِلَذِيذِ مُنَاجَاتِهِمْ، وَإِنِّي

از گوش من شنيدن سخنان را و باز كردي درب فهم را به مناجات لذيذ ايشان و من اکنون

أَسْتَأْذِنُكَ يَا رَبِّ اَوَّلًا، وَأَسْتَأْذِنُ رَّسُولَكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثَانِيًا،

اي پروردگارم اولاً از تو اذن مي طلبم و ثانياً از رسول تو صلي الله عليه وآله

وَأَسْتَأْذِنُ خَلِيفَتَكَ الْإِمَامَ الْمَفْرُوضَ عَلَيَّ طَاعَتُهُ فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ

اذن مي گيرم و در مرحله سوم از جانشين اين امامي كه اطاعتش را بر من واجب فرمودي - فلان پسر فلان -

بجاي فلان بن فلان نام ببرد آن امامي را كه مي خواهد زيارت كند و همچنين نام پدرش را ببرد مثلاً اگر در زيارت امام

حسين عليه السلام است بگويد الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام و اگر در زيارت امام رضا عليه السلام

* * * * *

بهذه البُقعة المباركة ثالثاً، اَدْخُلْ يَا رَسُولَ اللَّهِ، اَدْخُلْ يَا حُجَّةَ اللَّهِ

ءَاذْخُلُ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُقَرَّبِينَ الْمُقِيمِينَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ، فَأَذِنُ لِي

يَا مَوْلَايَ فِي الدُّخُولِ، أَفْضَلَ مَا أَذِنْتَ لِأَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ، فَإِنْ لَمْ أَكُنْ

أَهْلًا لَذَلِكَ، فَأَتَتْ أَهْلُ لَذَلِكَ پَسِ بَبُوسِ عَتَبَةِ مَبَارَكِهِ رَا وَ دَاخِلِ شَو وَ بَغُو: بِسْمِ اللَّهِ

وَبِاللّٰهِ وَفِي سَبِيلِ اللّٰهِ، وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَتُبْ عَلَيَّ، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ. × دَوْم

اذن دخولی است که علّامه مجلس، رحمه الله از نسخه قدیمه از مؤلّفات اصحاب برای دخول در

* * * * *
* * * * *

سرداب مقدّس و بُقاع منوّرہ ائمہ علیہم السلام نقل فرمودہ و آن چنان است کہ می گوئی: اَللّٰهُمَّ اِنْ

* * * * *

خدايا * * * * *

هذه بَقْعَةٌ طَهَّرَتْهَا وَعَقَوَةٌ شَرَّفَتْهَا، وَمَعَالَمُ زَكَّيْتَهَا، حَيْثُ أَظْهَرَتْ

آشکار کردی

فِيهَا أَدَلَّةُ التَّوْحِيدِ، وَأَشْبَاحُ الْعَرْشِ الْمَجِيدِ، الَّذِينَ اصْطَفَيْتَهُمْ مُلُوكًا

در آنها راهنماهای توحید و تمناهای عرش مجید را آنانکه برگزیدیشان به عنوان فرمانروا

لِحِفْظِ النَّظَامِ، وَاخْتَرْتَهُمْ رُؤَسَاءَ لَجَمِيعِ الْأَنَامِ، وَبَعَثْتَهُمْ لِقِيَامِ الْقِسْطِ

برای حفظ نظام جهان و انتخابشان کردی به عنوان ریاست برای همه مردم و برانگیختی آنها را به منظور برپاداشتن عدالت

فِي ابْتِدَاءِ الْوُجُودِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ، ثُمَّ مَنَنْتَ عَلَيْهِمْ بِاسْتِنَابَةٍ

از آغاز هستی تا روز رستاخیز سپس بر آنها منت نهادی که ایشان را جایگزین

أَنْبِيَائِكَ لِحِفْظِ شَرَائِعِكَ وَأَحْكَامِكَ، فَأَكْمَلْتَ بِاسْتِخْلَافِهِمْ رِسَالَةَ

پیامبران کردی تا شرایع دین و احکام تو را حفظ کنند و بدین ترتیب با جایگزین کردنشان موضوع رسالت پیامبران

الْمُنْذِرِينَ، كَمَا أَوْجَبْتَ رِيَاسَتَهُمْ فِي فِطْرِ الْمُكَلَّفِينَ، فَسُبْحَانَكَ مِنْ

بیم‌دهنده را کامل گردانیدی چنانچه واجب کردی ریاست آنها را در سرشت آنانکه مکلف هستند پس منزهی تو

إِلَهٍ مَا أَرَأَاكَ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مِنْ مَلِكٍ مَا أَعْدَلَكَ، حَيْثُ طَابَقَ

ای معبود من که چه اندازه مهربانی و معبودی نیست جز تو ای پادشاه که براسستی چقدر دادگری زیرا که مطابق آمد

صُنْعُكَ مَا فَطَرْتَ عَلَيْهِ الْعُقُولَ، وَوَافَقَ حُكْمُكَ مَا قَرَّرْتَهُ فِي

آنچه را ساختی باآنچه که خردها را بر آن سرشتی و موافق آمد حکم و دستور تو آنچه را در

الْمَعْقُولِ وَالْمَنْقُولِ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَي تَقْدِيرِكَ الْحَسَنَ الْجَمِيلِ، وَلَكَ

امور عقلی و نقلی مقرر داشتی پس حمد تو را سزااست بر این اندازه‌گیری نیکو و زیبایت و

الشُّكْرُ عَلَي فَضَائِكَ الْمُعَلَّلِ بِكَامِلِ التَّعْلِيلِ، فَسُبْحَانَ مَنْ لَا يُسْئَلُ

سپاسگزاری تو را است بر این قضاء و تقدیرت که کاملترین جهت و علت را دارا است پس منزّه است آنکس که از

کاری که کند

عَنْ فِعْلِهِ، وَلَا يُنَازَعُ فِي أَمْرِهِ، وَسُبْحَانَ مَنْ كَتَبَ عَلَي نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ

بازخواست نشود و در فرمانش کسی نزاع نکند و منزّه است آنکه به عهده گرفته بر خویش مهر و رحمت را

قَبْلَ ابْتِدَاءِ خَلْقِهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا بِحُكَامٍ يَقُومُونَ مَقَامَهُ

پیش از آنکه آغاز آفرینش کند و ستایش خاص خدائی است که منت گذارد بر ما به وجود فرمانروائی که جانشین

اویند

لَوْ كَانَ حَاضِرًا فِي الْمَكَانِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الَّذِي شَرَّفَنَا بِأَوْصِيَاءَ

اگر فرضاً او در جایی حاضر می‌شد و معبودی نیست جز آن خدائی که ما را شرافت دادی به اوصیائی

يَحْفَظُونَ الشَّرَائِعَ فِي كُلِّ الْأَزْمَانِ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ الَّذِي أَظْهَرَهُمْ لَنَا
که حفظ کنند شرایع را در هر زمان و خدا بزرگتر (از توصیف) است آشکارشان کرد بوسیله
بِمُعْجَزَاتٍ يَعْجُزُ عَنْهَا الثَّقَلَانِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ،
معجزاتی که عاجزند از آوردنش جن و انس جنبش و نیروئی نیست جز به خدای والای بزرگی
الَّذِي أَجْرَانَا عَلَيَّ عَوَائِدِهِ الْجَمِيلَةِ فِي الْأُمَمِ السَّالِفِينَ، اللَّهُمَّ فَلَكَ
که مقرر داشت برای ما آن نعمتهای نیکی را که به امتهای گذشته عنایت کرده بود خدایا پس تو را است
الْحَمْدُ وَالنَّاتُ الْإِلَهِيُّ، كَمَا وَجَبَ لَوْجْهِكَ الْبَقَاءُ السَّرْمَدِيُّ، وَكَمَا
حمد و ثنای والا چنانچه واجب آمد برای ذات بقاء ابدی تو و چنانکه
جَعَلْتَ نَبِيَّنَا خَيْرَ النَّبِيِّينَ، وَمُلُوكَنَا أَفْضَلَ الْمَخْلُوقِينَ، وَاخْتَرْتَهُمْ عَلَيَّ
قرار دادی پیمبر ما را بهترین پیمبران و امامان ما را بهترین آفریدگان و برگزیدیشان از روی
عِلْمٍ عَلَيَّ الْعَالَمِينَ، وَفَقَّنَا لِلْسَّعْيِ إِلَى أَبْوَابِهِمُ الْعَامِرَةِ إِلَى يَوْمِ
دانش بر تمام جهانیان ما را موفق دار برای شتافتن به سوی درگاههای آبادشان تا روز
الدِّينِ، وَاجْعَلْ أَرْوَاحَنَا تَجِنُّ إِلَى مَوْطِئِ أَقْدَامِهِمْ، وَنُفُوسَنَا تَهْوِي النَّظَرَ
قیامت و ارواح ما را چنان کن که مشتاقانه جای پای ایشان را پیوند و نفوس ما را هواخواه نگاه کردن
إِلَى مَجَالِسِهِمْ وَعَرَصَاتِهِمْ، حَتَّى كَأَنَّا نُخَاطِبُهُمْ فِي حُضُورِ
به مجالسشان و آستانهایشان گردان بطوری که گویا در حضور خودشان
أَشْخَاصِهِمْ، فَصَلِّ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنْ سَادَةِ غَائِبِينَ، وَمِنْ سُلَالَةِ طَاهِرِينَ،
با آنها سخن می گوئیم پس درود خدا بر ایشان، آن آقایان غایب از نظر و آن پاک نژادان
وَمِنْ أَيْمَةِ مَعْصُومِينَ، اللَّهُمَّ فَاذَنْ لَنَا بِدُخُولِ هَذِهِ الْعَرَصَاتِ، الَّتِي
و امامان معصوم خدایا پس اذنمان بده به وارد شدن به این آستانهایی که
اسْتَعْبَدَتْ بِزِيَارَتِهَا أَهْلَ الْأَرْضِينَ وَالسَّمَوَاتِ وَأَرْسِلْ دُمُوعَنَا
به عبادت و اداری کردی بوسیله زیارتشان اهل زمینها و آسمانها را و جاری کن اشکهای ما را
بِخُشُوعِ الْمَهَابَةِ، وَذَلَّلْ جَوَارِحَنَا بِذُلِّ الْعُبُودِيَّةِ وَفَرَضِ الطَّاعَةِ،
بوسیله خشوع در برابر مهابت و بزرگیت و خوار گردان اعضا و جوارح ما را بخواری بندگی و فرض اطاعت
حَتَّى نَقَرَّ بِمَا يَجِبُ لَهُمْ مِنَ الْأَوْصَافِ، وَتَعْتَرِفَ بِأَنَّهُمْ شُفَعَاءُ

تا اقرار کنیم به اوصافی که برای ایشان واجب است و اعتراف کنیم که آنها شفیعان

الْخَلَائِقِ إِذَا نُصِبَتِ الْمَوَازِينُ فِي يَوْمِ الْأَعْرَافِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ

خلقند در آن هنگام که میزانها در روز اعراف (یعنی روز قیامت) نصب گردد و حمد خاص خدا است و سلام

عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى مُحَمَّدٌ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ. پس بیوس عتبه را و

بر بندگان برگزیده اش محمد و آل پاکشان باشد * * * * *

* * * * *

داخل شود در حالتی که خاشع و گریان باشی پس بدرستی که آن اذن دخولست از ایشان صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

فصل سیّم

در زیارت حضرت رسول خدا و فاطمه زهراء و ائمه بقیع صلوات الله عليهم اجمعین در مدینه طیبه: بدانکه مستحبّ

مؤکّد است در حقّ قاطبه مردم بخصوص حُجَّاج، مشرّف شدن به زیارت روضه مطهره و آستانه منوره فخر عالمیان

حضرت سید المرسلین محمد بن عبدالله صلوات الله و سلامه علیه و آله و ترك زیارت آن حضرت باعث آن می شود که

جفا شود در حق او در روز قیامت و شیخ شهید فرموده که اگر مردم ترك زیارت آن حضرت کنند بر امام است که

ایشان را مجبور کند به رفتن به زیارت آن حضرت زیرا که ترك زیارت آن حضرت موجب جفای محرمست شیخ صدوق

از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود هرگاه أَحَدِي از شما حجّ کند باید که حَجَّش را ختم کند به زیارت

ما زیرا که این از تمامی حجّ است و نیز روایت کرده از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام که فرمود تمام کنید حجّ خود را

به زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله که ترك زیارت آن حضرت بعد از حجّ جفا و خلاف ادبست و شما را امر به

این کرده اند و بروید به زیارت قبري چند که حق تعالی لازم گردانیده است بر شما حق آنها و زیارت آنها را و روزي از

حق تعالی طلب کنید نزد آن قبرها و نیز از ابوالصّلّت هَرَوِي روایت کرده که گفت به خدمت حضرت امام رضا علیه

السلام عرض کرد که چه می فرمائی یابن رسول الله در حدیثی که اهل آن روایت می کنند که مؤمنین در بهشت زیارت

می کنند پروردگارشان را از منازل خود کنایه از آنکه معنی حدیث اگر دُرُست باشد چیست با آنکه متضمّن است چیزی

را که بحسب ظاهر با اعتقاد حقّ دُرُست نمی آید پس حضرت جواب او را فرمودند به این طریق که ای أَبَا الصّلّت حق

تعالی پیغمبرش محمد صلی الله علیه و آله را افضل گردانید از جمیع خلقش از پیغمبران و ملائکه و طاعت او را طاعت

خود و بیعت با او را بیعت با خود شمرد و زیارت او را

زیارت خود شمرده چنانچه فرموده: مَنْ يُطِيعَ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ و فرموده: إِنَّ

* * * * * هر که اطاعت کند از رسول به تحقیق که خدا را

اطاعت کرده × × × × × براستی

الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ وَ حَضْرَت رسول صلي الله عليه وآله فرموده

* * * * * کسانی که با تو بیعت کرده‌اند همانا با خدا بیعت کرده‌اند و دست خدا بالاتر از دستهای ایشان است * * * * *

که هر که مرا زیارت کند در حال حیات یا بعد از فوت من چنان است که حق تعالی را زیارت کرده باشد الخ و حمیری در قُرْبُ الإسناد از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرموده هر که مرا زیارت کند در حیات من یا بعد از فوت من، شفیع او گردد در روز قیامت و در حدیثی است که حضرت صادق علیه السلام روز عیدی در مدینه بود پس رفت به زیارت حضرت رسول صلی الله علیه وآله و بر آن حضرت سلام کرد و فرمود که ما بر اهل همه شهرها فضیلت داریم خواه مکه و خواه غیر مکه به سبب زیارت و سلام ما بر رسول خدا صلی الله علیه وآله و شیخ طوسی رحمه الله در تهذیب از یزید بن عبد الملک روایت کرده و او از پدرش از جدش که گفت به خدمت حضرت فاطمه سلام الله علیها مشرف شدم پس آن حضرت ابتدا فرمود به سلام بر من پس از من پرسید که برای چه آمده‌ای عرض کردم از برای طلب برکت و ثواب فرمود که خبر داد مرا پدرم و اینک حاضر است که هر که بر او و بر من سه روز سلام کند حق تعالی بهشت را از برای او واجب گرداند گفتیم در حیات او و شما فرمود بلی و همچنین بعد از موت ما علامه مجلسی رحمه الله فرموده که در حدیث معتبر از عبد الله بن عباس منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود که هر که امام حسن علیه السلام را در بقیع زیارت کند قدمش بر صراط ثابت باشد در روزی که قدمها از آن لغزد و در مقنعه از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمود هر که مرا زیارت کند گناهانش آمرزیده شود و فقیر و پریشان نمیرد و شیخ طوسی رحمه الله در تهذیب از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام روایت کرده که هر که زیارت کند امام جعفر صادق علیه السلام و پدرش حضرت باقر علیه السلام را درد چشم نکشد و بیماری و دردی به او نرسد و مبتلا نمیرد و ابن قولویه در کامل حدیث طولانی از هشام بن سالم از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که از جمله فقرات او این است که مردی به خدمت حضرت صادق علیه السلام شرفیاب شد و عرض کرد که آیا زیارت باید کرد پدرت را فرمود بلی عرض کرد چه چیز است از برای آنکه زیارت کند او را فرمود که بهشت از برای او است اگر اعتقاد به امامت او داشته باشد و متابعت او کند عرض کرد کسی که اعراض کند از زیارت او چه خواهد داشت فرمود حسرت خواهد داشت در یوم الحسرة که روز قیامت است «الخ» و احادیث در این باب بسیار است و ما را همین مقدار کافی و وافی است. اما کیفیت زیارت حضرت رسول صلی الله علیه وآله پس چنین است هرگاه وارد شدی انشاء الله تعالی

مدینه پیغمبر صلی الله علیه وآله پس غسل کن برای زیارت و چون خواستی داخل مسجد آن حضرت شوی بایست نزد در و بخوان آن اذن دخول اول را و داخل شو از در جبرئیل و مقدم دار پای راست را در وقت دخول پس صد مرتبه **اللَّهُ أَكْبَرُ** بگو پس دو رکعت نماز تحیت مسجد بگذار و برو به سمت حجره شریفه و دست بمال بر آن و ببوس آن را و بگو: **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ**

* * * * *

سلام بر تو ای رسول

اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ،

خدا سلام بر تو ای پیغمبر خدا سلام بر تو ای محمد فرزند عبدالله

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتِمَ النَّبِيِّينَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ الرِّسَالَةَ، وَأَقَمْتَ

سلام بر تو ای خاتم پیمبران گواهی دهم که تو رسالت را رساندی و

الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ،

نماز را برپا داشتی و زکات دادی و امر کردی به معروف و نهی کردی از کار بد

وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ، فَصَلَّوْا اللَّهَ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ،

و عبادت کردی خدا را از روی اخلاص تا مرگ به سراغت آمد پس دروذهای خدا بر تو باد و رحمتش

وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ، پس بایست نزد ستون پیش که از جانب راست قبر

و بر خاندان پاکیزه‌ها * * * * *

است رو به قبله که دوش چپ به جانب قبر باشد و دوش راست به جانب منبر که آن موضع

* * * * *

* * * * *

رسول خدا صلی الله علیه وآله است و بگو: **أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ،**

* * * * * گواهی دهم که معبودی نیست جز خدای یگانه‌ای که

شریک ندارد

وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ، وَأَنَّكَ

و گواهی دهم که محمد بنده و رسول او است و گواهی دهم که توئی رسول خدا و همانا

مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ رِسَالَاتِ رَبِّكَ، وَنَصَحْتَ

توئی محمد بن عبدالله و گواهی دهم که رسالت پروردگارت را رساندی و برای

لَا مُنْتِكَ، وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينُ
امنت خیرخواهی کردی و در راه خدا جهاد کردی و خدا را پرستش کردی تا مرگت فرا رسید
بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَأَدَّيْتَ الَّذِي عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ، وَأَنَّكَ
بوسیله حکمت و پند نیک و آنچه را از حق به عهده داشتی ادا کردی و براسستی تو
قَدْ رُوِّفَتْ بِالْمُؤْمِنِينَ، وَعَلُظَّتْ عَلَى الْكَافِرِينَ، فَبَلَغَ اللَّهُ بِكَ أَفْضَلَ
نسبت به مؤمنان مهربان و نسبت به کافران سخت گیر بودی خدایت به بهترین
شَرَفَ مَحَلُّ الْمُكْرَمِينَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَنْقَذَنَا بِكَ مِنَ الشُّرْكِ
شرافت جایگاه گرامیان برساند ستایش خدائی را است که ما را بوسیله جناب تو از شرک
وَالضَّلَالَةِ، اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَصَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ،
و گمراهی نجات بخشد خدایا پس درودهای خود و درودهای فرشتگان مقرب
وَأَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ، وَعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَأَهْلِ السَّمَوَاتِ
و پیمبران مرسلت و بندگان شایستهات و ساکنان آسمانها
وَالْأَرْضِينَ، وَمَنْ سَبَّحَ لَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ،
و زمینها و هر که را برای تو ای پروردگار جهانیان تسبیح گویند از اولین و آخرین
عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَأَمِينِكَ وَجِجِّكَ، وَحَبِيبِكَ
همه را یکجا قرار ده برای محمد بنده و رسولت و پیامبرت و امین (بر وحیت) و همراهت و حبیب
وَصَفِيِّكَ، وَخَاصَّتِكَ وَصَفْوَتِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ أَعْظِهِ
و دوست خالص و مخصوصت و برگزیده و منتخب تو از میان خلقت خدایا به محمد درجه
الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ، وَآتِهِ الْوَسِيلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ، وَابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً
بلندی عطا فرما و مقام وسیله را در بهشت به او بده و به مقام پسندیده ای او را برگزین
يُعْطِيهِ بِهِ الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا
که غبطه خوردند به او اولین و آخرین خدایا تو فرمودی «و اگر ایشان در آن هنگام که به خود ستم کردند
أَنْفُسَهُمْ جَاؤُوكَ، فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ، وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ
به نزد تو آیند و از خدا آمرزش خواهند و پیغمبر هم برای ایشان آمرزش بخواهد همانا بیابند خدای را
تَوَّاباً رَحِيماً»، وَإِنِّي أَتَيْتُكَ مُسْتَغْفِراً تَائِباً مِنْ ذُنُوبِي، وَإِنِّي أَتُوجَّهُ بِكَ

بسیار توبه پذیر و مهربان» و من آمرزش خواهانه به درگاهت آمده و توبه از گناهانم کردم و من بوسیله تو

إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكَ لِيُغْفِرَ لِي ذُنُوبِي وَ اِذَا تَوَلَّى سَافِهًا فَكَانَ مُنْكَرًا

رو به خدائی کرده ام که پروردگار من و تو است تا بپارزد گناهانم را * * * * *

در پشت کتف خود و رو به قبله کن و دستها را بردار و حاجت خود را بطلب بدرستی که سزاوار است که برآورده شود إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى و ابن قولویه به سند معتبر روایت کرده از مُحَمَّد بن مسعود که گفت دیدم حضرت صادق علیه السلام را که به نزد قبر حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و دست مبارک

خود را بر قبر گذاشت و گفت: أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي اجْتَبَاكَ وَ اخْتَارَكَ وَ هَذَا

* * * * * می خواهم از خدائی که تو را برگزید و انتخابت

فرمود و راهنمائی کرده

وَهْدِي بِكَ، أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيْكَ. پس فرمود: إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتُهُ يُصَلُّونَ عَلَيْكَ

و بوسیلهات دیگران را هدایت فرمود که بر تو درود فرستند × × × × همانا خدا و فرشتگانش درود فرستند بر

النَّبِيِّ، يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا. شیخ در مصباح

پیغمبر ای کسانی که ایمان آورده اید درود فرستید بر او و تحیت فرستید تحیتی کامل * * * * *

فرموده که چون فارغ شدي از دعاء در نزد قبر شریف پس برو به نزد منبر و دست بر آن بمال و بگیر دُو قَبَّه پائین

منبر را که مثل انار می ماند و به مال صورت و چشمهای خود را به آن پس بدرستی که در آن شفای چشم است و بایست

نزد منبر و حمد و ثنای الهی بجا آورد و حاجت خود را بطلب پس بدرستی که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که مابین قبر و

منبر من باغی است از باغهای بهشت و منبر من بدری است از درهای بهشت پس می روی به مقام نبی صلی الله علیه و آله و نماز

می کنی در آنجا آنچه خواهی و نماز بسیار کن در مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله پس بدرستی که نماز در آن معادل با هزار نماز

است و هرگاه داخل مسجد می شوی یا بیرون می روی صلوات بفرست بر آن حضرت و نماز گذار در خانه فاطمه

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا و برو در مقام جبرئیل علیه السلام و آن در زیر نوا دان است پس بدرستی که محل ایستادن جبرئیل علیه

السلام در وقت اذن دخول

خواستن از پیغمبر صلی الله علیه و آله آنجا بوده و بگو: أَسْأَلُكَ أَيَّ جَوَادٍ أَوْ كَرِيمٍ أَوْ قَرِيبٍ أَوْ بَعِيدٍ

* * * * * از تو خواهم ای بخشنده ای بزرگوار ای نزدیک ای دور

أَنْ تَرُدَّ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ × پس زیارت کن حضرت فاطمه علیها السلام را از نزد روضه مطهره و

* * * * * که برگردانی بر من نعمت را * * * * *

اختلاف شده در موضع قبر آن مظلومه، طایفه‌ای گفته‌اند که مدفونست در روضه‌ای که مابین قبر و منبر باشد و بعضی دیگر گفته‌اند که در خانه خودش است و فرقه سیم گفته‌اند که در بقیع مدفون است و آنچه بیشتر اصحاب ما بر آن می‌باشند آن است که زیارت شود آن مظلومه از نزد روضه و کسی که آن معظمه را زیارت کند در این سه موضع افضل است و چون ایستادی در این مواضع از برای زیارت آن مُمتَحنه بگو:

يَا مُمْتَحَنَةُ امْتَحَنَكَ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ، فَوَجَدَكَ لِمَا امْتَحَنَكَ

ای آزموده آزمود تو را خدائی که تو را آفرید پیش از آنکه تو را بیافریند پس دریافت تو را در برابر آزمایش صابره، وَزَعَمْنَا أَنَّ لَكَ أَوْلِيَاءُ وَمُصَدِّقُونَ، وَصَابِرُونَ لِكُلِّ مَا آتَانَا بِهِ أَبُوكَ،

شکیبا و ما پیش خود چنین عقیده داریم که دوستان توئیم و باور داریم و شکیبائیم به تمام آنچه پدرت صلی الله

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآتَى بِهِ وَصِيَّهُ، فَإِنَّا نَسْأَلُكَ إِن كُنَّا صَدَقْنَاكَ إِلَّا أَلْحَقْنَا

علیه و آله برای ما آورده و هم چنین آنچه را وصیش آورده است اکنون از تو خواهیم اگر براستی در این عقیده به تو راست می‌گوئیم

بِتَصَدِّقِنَا لَهُمَا لِنُبَشِّرَ أَنْفُسَنَا بِأَنَّ قَدْ طَهَّرْنَا بِوَلَايَتِكَ. و مستحب است

با همین راستگوئیمان ما را به آن دو بزرگوار برسانی تا مرده دهیم خود را به اینکه ما بوسیله دوستی تو حتماً پاک شده‌ایم * * * *

نیز آنکه بگوید: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ

* * * * * سلام بر تو ای دختر رسول خدا سلام بر تو ای دختر

نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَلِيلِ

پیغمبر خدا سلام بر تو ای دختر حبیب خدا سلام بر تو ای دختر خلیل

اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ صَفِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَمِينِ اللَّهِ،

خدا سلام بر تو ای دختر برگزیده خدا سلام بر تو ای دختر امین خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَفْضَلِ

سلام بر تو ای دختر بهترین خلق خدا سلام بر تو ای دختر بهترین

أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَمَلَائِكَتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ الْبَرِّيَّةِ،

پیامبران خدا و رسولانش و فرشتگانش سلام بر تو ای دختر بهترین مخلوقات

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ،

سلام بر تو ای بانوی زنان جهانیان از اولین و آخرین

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَوْجَةَ وَلِيِّ اللَّهِ، وَخَيْرِ الْخَلْقِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ

سلام بر تو ای همسر ولی خدا و بهترین خلق پس از رسول خدا سلام

عَلَيْكَ يَا أُمَّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّلَامُ

بر تو ای مادر حسن و حسین دو آقاي جوانان اهل بهشت سلام

عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الصَّدِيقَةُ الشَّهِيدَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الرِّضِيَّةُ

بر تو ای صديقه شهیده سلام بر تو ای خوشنود از خدا

الْمَرْضِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْفَاضِلَةُ الزَّكِيَّةُ، السَّلَامُ

و پسندیده حق سلام بر تو ای با فضل و پاکیزه سلام

عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْحَوْرَاءُ الْأَنْبِيَاءُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا النَّفِيسَةُ النَّقِيَّةُ،

بر تو ای حوروش از جنس آدمی سلام بر تو ای پرهیزکار پاکیزه

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمُحَدَّثَةُ الْعَلِيْمَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمَظْلُومَةُ

سلام بر تو ای هم سخن با فرشتگان و ای دانا سلام بر تو ای ستمدیده ای

الْمَعْصُوبَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمُضْطَهَدَةُ الْمُقْهَوْرَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

که حقّت را بناحق بردند سلام بر تو ای ستم کشیده ای که مقهور دشمنان گشتی سلام بر تو

يَا فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ

ای فاطمه دختر رسول خدا و رحمت خدا و برکاتش درود خدا بر تو

وَعَلِي رُوحِكَ وَبَدَنِكَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ مَضِيَّتِ عَلَيَّ بَيِّنَةً مِنْ رَبِّكَ، وَأَنَّ

و بر روح تو و بدنت گواهی دهم که برستی تو از این جهان رفتی با برهانی روشن از جانب پروردگارت و بطور

مَنْ سَرَّكَ فَقَدْ سَرَّ رَسُولَ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَنْ جَفَاكَ فَقَدْ

مسلم هر که تو را شادان کرد رسول خدا را شادان کرده - که درود خدا بر او و آتش - و هر که بر تو جفا کرد

جَفَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَنْ آذَاكَ فَقَدْ آذَى رَسُولَ اللَّهِ

به رسول خدا صلی الله علیه و آله جفا کرد و هر که تو را آزد قطعاً رسول خدا

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَنْ وَصَلَكَ فَقَدْ وَصَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ
 صلي الله عليه و آله را آزرده و هر که با تو پیوند بست با رسول خدا صلي الله
 عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَنْ قَطَعَكَ فَقَدْ قَطَعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،
 عليه و آله پیوند بسته و هر که از تو برد از رسول خدا صلي الله عليه و آله پیوندش را بریده
 لِأَنَّكَ بَضْعَةٌ مِنْهُ وَرُوحُهُ الَّذِي بَيْنَ جَنْبَيْهِ، أَشْهَدُ اللَّهَ وَرُسُلَهُ
 زیرا تو پاره تن او هستی و روح اوئی که در میان تن او است گواه گیرم خدا و پیمبران
 وَمَلَائِكَتَهُ، أَنِّي رَاضٍ عَمَّنْ رَضِيَ عَنْهُ، سَاخِطٌ عَلَيَّ مَنْ سَخِطَ
 و فرشتگانش را که من راضیم از هر که تو از او راضی هستی و خشمگینم بر هر که تو بر او خشمگینی
 عَلَيْهِ، مُتَبَرِّءٌ مِمَّنْ تَبَرَّأْتَ مِنْهُ، مُوَالٍ لِمَنْ وَآلَيْتَ، مُعَادٍ لِمَنْ عَادَيْتَ، مُبْغِضٌ
 بیزاری جویم از هر که تو از او بیزاری جوئی دوستدارم هر که را تو دوستداری دشمن دارم هر که را تو دشمن داری تنفر
 دارم

لِمَنْ أَبْغَضْتُ، مُحِبٌّ لِمَنْ أَحْبَبْتُ، وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً وَحَسِيباً وَجَازِياً وَمُثَبِّباً .
 از هر که تو تنفرداری دوستم با هر که تو دوست داری و بس است خدا برای گواهی و حساب داشتن و کیفر دادن و پاداش
 نیک دادن

پس صلوات می فرستی بر حضرت رسول و ائمه اطهار علیهم السلام مؤلف گوید: که ما در روز سیم جمادی الآخره زیارتی
 دیگر برای حضرت فاطمه صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا نقل کردیم و علما نیز زیارت مبسوطی برای آن مظلومه نقل کرده اند و آن
 مثل همین زیارت است که از شیخ نقل کردیم اوّل آن السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ است تا أَشْهَدُ اللَّهَ وَرُسُلَهُ
 وَمَلَائِكَتَهُ که از اینجا به بعد به این نحو است: أَشْهَدُ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ، أَنِّي وَلِيُّ لِمَنْ

* * * * * گواه گیرم

خدا و فرشتگانش را که من دوستم با هر که
 وَالْأَكِ، وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكَ، وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكَ، أَنَا يَا مَوْلَاتِي بِكَ
 تو را دوست دارد و دشمنم با هر که تو را دشمن دارد و در حال جنگم با هر که با تو بجنگند و من ای بانوی محترم
 وَبَابِيكَ وَبَعْلِكَ وَالْأَائِمَّةِ مِنْ وَدِّدِكَ مُوقِنٌ وَبَوْلَايَتِهِمْ مُؤْمِنٌ،
 نسبت به تو و پدرت و شوهرت و امامان از فرزندان یقین و اعتقاد دارم و به ولایت و زمامداریشان ایمان دارم
 وَلِطَاعَتِهِمْ مُلتَزِمٌ، أَشْهَدُ أَنَّ الدِّينَ دِينُهُمْ، وَالْحُكْمَ حُكْمُهُمْ، وَهُمْ قَدْ

و به پیرویشان ملتزم گواهی دهم که دین همان دین آنها است و فرمان فرمان آنها است و آنان بخوبی وظیفه خود را
بَلَّغُوا عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَدَعُوا إِلَى سَبِيلِ اللَّهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ
از جانب خدای عزوجل ابلاغ کردند و دعوت کردند بسوی خدا بوسیله حکمت و اندرز
الْحَسَنَةِ، لَا تَأْخُذْهُمْ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَّائِمٌ، وَصَلَّوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَعَلَى
نیکو و اعتنائی نکردند در راه خدا به سرزنش سرزنش کننده‌ای و درودهای خدا بر تو و بر
أَبِيكَ وَبَعْلِكَ وَذُرِّيَّتِكَ الْاِئِمَّةِ الطَّاهِرِينَ، اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
پدرت و شوهرت و فرزندان آن امامان پاکیزه خدایا درود فرست بر محمد
وَأَهْلَ بَيْتِهِ، وَصَلِّ عَلَى الْبَتُولِ الطَّاهِرَةِ، الصَّدِيقَةِ الْمُعْصُومَةِ، النَّفِيسَةِ
و خاندانش و درود فرست بر بتول طاهره صدیقه معصومه آن بانوی پاک
النَّفِيسَةِ، الرَّضِيَّةِ الْمَرْضِيَّةِ، الزَّكِيَّةِ الرَّشِيدَةِ، الْمَظْلُومَةِ الْمُقْهُورَةِ،
پاکیزه خوشنود از حق و پسندیده و آراسته و با رشد و هدایت و ستم‌دیده مقهوری
الْمُعْصُوبَةِ حَقُّهَا الْمَمْنُوعَةُ ارْتُئِهَا، الْمَكْسُورَةُ ضِلْعُهَا، الْمَظْلُومُ بَعْلُهَا،
که حقش را غصب کردند و از ارثش جلوگیری کرده و پهلویش شکستند به شوهرش ستم کردند
الْمَقْتُولِ وَلَدُهَا، فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِكَ، وَبَضْعَةَ لَحْمِهِ، وَصَمِيمَ قَلْبِهِ،
و فرزندش را به قتل رساندند (یعنی) فاطمه دختر رسول تو و پاره‌ای از گوشت تنش و سویدای قلبش
وَفَلْدَةَ كَبِدِهِ، وَالتُّخْبَةَ مِنْكَ لَهُ، وَالتُّخْفَةَ خَصَصَتْ بِهَا وَصِيَّهُ، وَحَبِيبَةَ
و جگر گوشه‌اش و انتخاب شده‌ات برای او و آن تحفه‌ای که مخصوص داشتی بوسیله‌اش وصی پیغمبرت را و آن محبوبه
الْمُصْطَفَى، وَقَرِيبَةَ الْمُرْتَضَى، وَسَيِّدَةَ النَّسَاءِ، وَمُبَشِّرَةَ الْأَوْلِيَاءِ،
مصطفی و همسر مرتضی و بانوی زنان و مژده دهنده اولیاء
حَلِيفَةَ الْوَرَعِ وَالزُّهْدِ، وَتَفَاحَةَ الْفِرْدَوْسِ وَالْخُلْدِ الَّتِي شَرَفَتْ
ملازم پارسائی و زهد و سیب باغ فردوس و خلد برین آن بانوی محترمی که با شرافت کردی
مَوْلِدَهَا بِنِسَاءِ الْجَنَّةِ، وَسَلَّلْتَ مِنْهَا أَنْوَارَ الْاِئِمَّةِ، وَأَرْخَيْتَ دُونَهَا
ولادتش را به زنان بهشتی و انوار ائمه طاهرین را از آن گوهر پاک خارج کردی و بیاویختی در برابرش
حِجَابَ النَّبُوَّةِ، اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهَا صَلَوةً تَزِيدُ فِي مَحَلِّهَا عِنْدَكَ،
پرده نبوت خدایا درود فرست بر او درودی که بیفزاید بر مقام او در نزد تو

وَشَرَّفَهَا لَدَيْكَ، وَمَنْزَلَتْهَا مِنْ رِضَاكَ، وَبَلَّغَهَا مَنَّا تَحِيَّةً وَسَلَامًا، وَأَتْنَا

و بر شرفش در پیش تو و بر منزلتش از خوشنودیت و برسان بر او از جانب ما تحیت و سلامی و بده به ما
مِنْ لَدُنْكَ فِي حُبِّهَا فَضْلًا وَاحْسَانًا، وَرَحْمَةً وَغُفْرَانًا إِنَّكَ ذُو الْعَفْوَ الْكَرِيمُ
از نزد خودت در برابر دوستیش فضیلت و احسان و مهر و آمرزشی که براستی تو دارای گذشت و بزرگواری هستی
* مؤلف گوید که شیخ در تهذیب فرموده که آنچه روایت شده در فضل زیارت آن معظمه بیشتر است از آنکه
إِخْصَا شُود و علامه مجلسی از مصباح الأنوار نقل کرده که از حضرت فاطمه صلوات الله علیها روایت شده که فرمود پدرم
بامن فرمود که هر که بر تو صلوات بفرستد بیامرزد حق تعالی او را و ملحق سازد او را به من در هر کجا باشم از بهشت

زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله از بعید

علامه مجلسی در زادالمعاد در اعمال عید مولود که روز هفدهم ربیع الاول است فرموده شیخ مفید و شهید و سید بن
طاوس رحمهم الله گفته اند که چون در غیر مدینه طیبه خواهی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله را زیارت کنی غسل
بکن و شبیه به قبر در پیش روی خود بساز و اسم مبارک آن حضرت را بر آن بنویس و بایست و دل خود را متوجه آن
حضرت گردان و بگو :

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ،

گواهی دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست که شریکی ندارد و گواهی دهم که محمد بنده و رسول او است
وَأَنَّهُ سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، وَأَنَّهُ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ،

و او آقای اولین و آخرین است و هم او آقای همه پیمبران و رسولان است

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَيْمَةِ الطَّيِّبِينَ پس بگو: السَّلَامُ

خدایا درود فرست بر او و بر خاندانش امامان پاکیزه × × × × × سلام

عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيلَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ

بر تو ای رسول خدا سلام بر تو ای خلیل خدا سلام بر تو ای پیمبر

اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَحْمَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ

خدا سلام بر تو ای برگزیده خدا سلام بر تو ای رحمت خدا سلام

عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

بر تو ای انتخاب شده از جانب خدا سلام بر تو ای دوست خدا سلام بر تو ای

نَجِيبَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتِمَ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ
بنده نجیب خدا سلام بر تو ای خاتم پیمبران سلام بر تو ای آقای
الْمُرْسَلِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَائِمًا بِالْقِسْطِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاتِحَ
رسولان سلام بر تو ای که پایداری به عدالت سلام بر تو ای خیرگشا
الْخَيْرِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَعْدِنَ الْوَحْيِ وَالتَّنْزِيلِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
سلام بر تو ای مرکز وحی و تنزیل سلام بر تو ای
مُبْلَغًا عَنِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّرَاجُ الْمُنِيرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
رساننده از خدا سلام بر تو ای چراغ تابناک سلام بر تو ای
مُبَشِّرٌ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَذِيرٌ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُنْذِرٌ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
مژده ده سلام بر تو ای بیم ده سلام بر تو ای ترساننده سلام بر تو ای
نُورَ اللَّهِ الَّذِي يُسْتَضَاءُ بِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ
نور خدا که بدان روشنی جویند سلام بر تو و بر خاندان پاک
الطَّاهِرِينَ الْهَادِينَ الْمَهْدِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى جَدِّكَ عَبْدِ
و پاکیزه و راهنمای راه یافته‌ات سلام بر تو و بر جدت
الْمُطَلَّبِ وَعَلَى أَبِيكَ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ أُمِّكَ أَمْتَةَ بِنْتِ وَهْبٍ
عبدالمطلب و بر پدرت عبدالله سلام بر مادرت آمنه دختر وهب
السَّلَامُ عَلَيَّ عَمِّكَ حَمْزَةَ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ السَّلَامُ عَلَيَّ عَمِّكَ الْعَبَّاسِ
سلام بر عمویت حمزه سیدالشهداء سلام بر عمویت عباس
بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ، السَّلَامُ عَلَيَّ عَمِّكَ وَكَفَيْلِكَ أَبِيطَالِبِ، السَّلَامُ عَلَيَّ
فرزند عبدالمطلب سلام بر عمویت و سرپرست ابوطالب سلام بر
ابْنِ عَمِّكَ جَعْفَرِ الطَّيَّارِ فِي جَنَّاتِ الْخُلْدِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدٌ،
عموزاده‌ات جعفر که در خلد برین پرواز کند سلام بر تو ای محمد
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَحْمَدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى الْاَوَّلِينَ
سلام بر تو ای احمد سلام بر تو ای حجت خدا بر اولین
وَالْاٰخِرِينَ، وَالسَّابِقَ اِلَى طَاعَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالْمُهَيِّمِينَ عَلَيَّ رُسُلِهِ،

و آخرین و پیشرو بسوی فرمانبرداری پروردگار جهانیان و نگهبان بر رسولانش
وَالْخَاتِمَ لِلنَّبِيَّاتِ، وَالشَّاهِدَ عَلَي خَلْقِهِ، وَالشَّفِيعَ إِلَيْهِ، وَالْمَكِينَ لَدَيْهِ،
و خاتم پیمبرانش و گواه بر خلقتش و شفیع درگاهش و ارجمند در پیشش
وَالْمُطَاعَ فِي مَلَكُوتِهِ، الْأَحْمَدَ مِنَ الْأَوْصَافِ، الْمُحَمَّدَ لِسَائِرِ
و فرمانروا در عالم ملکوتش آن ستوده در اوصاف و پسندیده در هر
الْأَشْرَافِ، الْكَرِيمَ عِنْدَ الرَّبِّ، وَالْمُكَلَّمَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُبِ، الْفَائِزَ
شرافت و بزرگواری در پیشگاه پروردگار و طرف مکالمه (خدا) از پس پرده‌های غیب
بِالسَّبَاقِ، وَالْفَائِزَ عَنِ الْحَاقِّ، تَسْلِيمَ عَارِفٍ بِحَقِّكَ، مُعْتَرِفٍ
آنکه گوی سبقت را ربوده و در مسابقه فضیلت کسی به او نرسد (سلام دهم بر تو) سلام کسی که شناسایی به حق تو و
معتترف

بِالتَّقْصِيرِ فِي قِيَامِهِ بِوَجِبِكَ غَيْرِ مُنْكَرٍ مَا اُنْتَهِيَ إِلَيْهِ مِنْ فَضْلِكَ،
به کوتاهی کردن در قیام به وظیفه واجب نسبت به تو است انکار نکند آنچه از فضل تو به او رسیده
مُوقِنٍ بِالْمَزِيدَاتِ مِنْ رَبِّكَ مُؤْمِنٍ بِالْكِتَابِ الْمُنَزَّلِ عَلَيْكَ، مُحَلِّلٍ
و یقین دارد به فزون بخشیهایی پروردگار در باره تو ایمان دارد به کتابی که بر تو نازل گشته حلال شمرد
حَلَائِكَ مُحَرَّمٍ حَرَامَكَ، أَشْهَدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَعَ كُلِّ شَاهِدٍ، وَأَتَحَمَّلُهَا
حلال تو را و حرام داند حرام تو را گواهی دهم ای رسول خدا با هر گواهی و به عهده گیرم این گواهی را
عَنْ كُلِّ جَاحِدٍ، أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ رِسَالَاتِ رَبِّكَ، وَصَحَّحْتَ لِأُمَّتِكَ،
نیز از جانب هر منکری که برستی تو بخوبی رسالتهای پروردگارت را رساندی و برای امتت خیرخواهی کردی
وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ، وَصَدَعْتَ بِأَمْرِهِ، وَاحْتَمَلْتَ الْأَذَى فِي
و در راه پروردگارت جهاد کردی و با بیان رسا دستورش را آشکارا گفتی و در راه او اذیت
جَنَّبِهِ، وَدَعَوْتَ إِلَى سَبِيلِهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ الْجَمِيلَةِ،
و آزار مردم را تحمل کردی و دعوت کردی مردم را به راه او بوسیله حکمت و پند نیکو و زیبا
وَأَدَّيْتَ الْحَقَّ الَّذِي كَانَ عَلَيْكَ، وَأَنَّكَ قَدْ رَوَّفْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ وَغَلَّظْتَ
و ادا کردی آن حقی را که به عهده داشتی و برستی تو نسبت به مؤمنان مهربان و نسبت به کافران
عَلَى الْكَافِرِينَ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ فَبَلَغَ اللَّهُ بِكَ

سخت گیر بودی و پرستش کردی خدا را از روی اخلاص تا هنگامی که روز رحلت فرا رسید پس خدایت برساند

بدین سبب

أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ، وَأَعْلَى مَنَازِلِ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَرْفَعَ دَرَجَاتِ

به شریفترین مقام گرامیان و برترین منازل مقربان و بالاترین درجات

الْمُرْسَلِينَ، حَيْثُ لَا يُلْحَقُكَ لَاحِقٌ، وَلَا يَفُوقُكَ فَائِقٌ، وَلَا يَسْبِقُكَ

رسولان آنجا که دست کسی به تو نرسد و برتری نجویدت برتری جوینده ای و پیشی نگیرد بر تو

سَابِقٌ، وَلَا يَطْمَعُ فِي إِدْرَاكِكَ طَامِعٌ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَنْقَذَنَا بِكَ مِنْ

پیشی گیرنده ای و طمع نکند در ادراک مقامت طمع کننده ای ستایش خدائی را که ما را بوسیله تو از

الْهَلَكَةِ، وَهَدَانَا بِكَ مِنَ الضَّلَالَةِ وَتَوَرَّنَا بِكَ مِنَ الظُّلْمَةِ، فَجَزَاكَ اللَّهُ

ورطه هلاکت نجات داد و بدست تو از گمراهی به راه راست هدایت فرمود و از تاریکی به روشنی درآورد پس خداوند

پاداش نیکویت دهد

يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ مَبْعُوثٍ، أَفْضَلَ مَا جَازِيَ نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ، وَرَسُولًا

ای رسول خدا در میان پیمبران به بهترین پاداشی را که پیمبری از امتش دریافت کند و رسولی

عَمَّنْ أُرْسِلَ إِلَيْهِ بِأَبَى أَنْتَ وَأُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ، زُرْتُكَ عَارِفًا، بِحَقِّكَ

از آنانکه بسوی آنها فرستاده شد بگیرد پدر و مادرم به فدایت ای رسول خدا زیارت کردم تو را با معرفت به حق تو

مُقِرًّا بِفَضْلِكَ، مُسْتَبْصِرًا بِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَكَ، وَخَالَفَ أَهْلَ بَيْتِكَ،

و در حال اعتراف به فضل تو و بینا هستم به گمراهی کسانی که با تو و با اهل بیت تو مخالفت کردند

عَارِفًا بِالْهُدَى الَّذِي أَنْتَ عَلَيْهِ، بِأَبَى أَنْتَ وَأُمِّي وَنَفْسِي وَأَهْلِي

آشنا هستم به هدایتی که تو بر آئی پدرم و مادرم و خودم و خاندانم

وَمَالِي وَوَلَدِي، أَنَا أَصَلِّي عَلَيْكَ كَمَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ، وَصَلَّى عَلَيْكَ

و مال و فرزندانم فدای تو باد بر تو درود فرستم هم چنانکه درود فرستاده خدا

مَلَائِكَتُهُ وَأَنْبِيَآؤُهُ وَرُسُلُهُ، صَلَوةٌ مُتَتَابِعَةٌ وَافِرَةٌ مُتَوَاصِلَةٌ لَا انْقِطَاعَ

و فرشتگان خدا و پیمبران او و رسولانش درودی پی درپی و شایان و پیوسته که نه منقطع گردد

لَهَا، وَلَا أَمَدَ وَلَا أَجَلَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ

و نه محدود به مدت و زمانی باشد درود فرستد خدا بر تو و بر خاندان پاک

الطَّاهِرِينَ، كَمَا أَنْتُمْ أَهْلُهُ. پس دستها را بگشا و بگو: اَللّهُمَّ اجْعَلْ جَوَامِعَ
و پاکیزهات چنانچه شایسته آنید × × × × × × × × × × خدايا قرار ده درودهاي همه جانبه
صَلَوَاتِكَ، وَتَوَامِي بَرَكَاتِكَ، وَقَوَاضِلَ خَيْرَاتِكَ، وَشَرَائِفَ تَحِيَّاتِكَ
و برکتهاي فزون پذیر و خیرات فاضله و تحيتهاي شریفه
و تَسْلِيمَاتِكَ، وَكَرَامَاتِكَ وَرَحْمَاتِكَ، وَصَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ،
و سلامها و کرامتها و رحمتها و درودهاي فرشتگان مقرب
وَأَنْبِيَاءِكَ الْمُرْسَلِينَ وَأَتْمَتِكَ الْمُتَّجِبِينَ، وَعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ، وَأَهْلِ
و پیمبران مرسلت و امامان برگزیدهات و بندگان شایستهات و اهل
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ، وَمَنْ سَبَّحَ لَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ
آسمانها و زمینهایت و هر که تسبیح تو را گوید ای پروردگار جهانیان از اولین
وَالْآخِرِينَ، عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَشَهِيدِكَ، وَنَبِيِّكَ وَنَذِيرِكَ،
و آخرین (همه را قرار ده) برای محمد بندهات و رسولت و گواहत (بر خلق) و پیامبرت و بیم‌دهندهات
وَأَمِينِكَ وَمَكِينِكَ، وَتَجِيَّكَ وَتَجِيبِكَ، وَحَبِيبِكَ وَخَلِيلِكَ، وَصَفِيَّكَ
و امین تو (بر وحیت) و بنده ارجمندت و برگزیدهات و انتخاب کردهات و حبیبیت و خلیلت
وَصَفْوَتِكَ، وَخَاصَّتِكَ وَخَالِصَتِكَ، وَرَحْمَتِكَ وَخَيْرِ خَيْرَتِكَ مِنْ
و آنکس که به خلعت صفا و برگزیدگی مخصوصش داشته و ویژه خویش کردی و رحمت و بهترین برگزیدگان از
خَلْقِكَ، نَبِيِّ الرَّحْمَةِ، وَخَازِنِ الْمَغْفِرَةِ، وَقَائِدِ الْخَيْرِ وَالْبِرَّةِ، وَمُنْقِذِ
خلقت پیامبر رحمت و خزینه‌دار آمرزش و پیشوای خیر و برکت و نجات‌دهنده
الْعِبَادِ مِنَ الْهَلَكَةِ بِإِذْنِكَ، وَدَاعِيهِمْ إِلَى دِينِكَ الْقَيِّمِ بِأَمْرِكَ، أَوَّلِ
بندگان از هلاکت به اذن تو و خواننده ایشان بسوی دین محکمت بدستور تو، آغاز
النَّبِيِّينَ مِيثَاقًا، وَآخِرِهِمْ مَبْعَثًا الَّذِي غَمَسَتْهُ فِي بَحْرِ الْفَضِيلَةِ،
پیمبران در روز میثاق و پایانشان از نظر بعثت آنکه او را فرو بردی در دریای فضیلت
وَالْمَنْزِلَةِ الْجَلِيلَةِ، وَالدرَجَةِ الرَّفِيعَةِ وَالْمَرْتَبَةِ الْخَطِيرَةِ، وَأَوْدَعْتَهُ
و مقام شامخ و درجه بلند و رتبه بس شایان و به ودیعت نهادی او را
الْأَصْلَابِ الطَّاهِرَةِ، وَتَقَلَّتْهُ مِنْهَا إِلَى الْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ، لُطْفًا مِنْكَ لَهُ،

در صلبهاي پاك و انتقالش دادي از آنها به رحمهاي پاكيزه از روي لطفی كه نسبت به او داشتی
وَتَحْنُنًا مِنْكَ عَلَيْهِ اِذْ وَكَلْتَ لِصَوْنِهِ وَحِرَاسَتِهِ، وَحِفْظِهِ وَحِيَاطَتِهِ مِنْ
و مهري كه به او ورزیدی كه موكل كردي براي حفاظت و حراست و نگهداري و دربرداشتش از
قُدْرَتِكَ عَيْنًا عَاصِمَةً، حَجَبْتَ بِهَا عَنْهُ مَدَانِسَ الْعَهْرِ، وَمَعَائِبَ
قدرت خویش دیده بانی نگهدارنده كه جلوگیری كردي بدانوسيله از او آلودگیهاي هرزگی و معایب
السَّفَاحِ، حَتَّى رَفَعْتَ بِهِ نَوَاطِرَ الْعِبَادِ، وَأَحْيَيْتَ بِهِ مَيِّتَ الْبِلَادِ، بِأَنْ
زناكاري را تا اینکه بلند كردي به او دیدگان بندگان را و زنده كردي بدو سرزمینهای مرده را به اینکه
كَشَفْتَ عَنْ نُورِ وِلَادَتِهِ ظُلَمَ الْأَسْتَارِ، وَالْبَسْتَ حَرَمَكَ بِهِ حُلَّ
برطرف كردي از نور ولادتش پرده های تاریك را و پوشاندي به حرم خودت به وسیله اش خلعت های
الْأَنْوَارِ، اَللَّهُمَّ فَكَمَا خَصَصْتَهُ بِشَرَفِ هَذِهِ الْمَرْتَبَةِ الْكَرِيمَةِ، وَذُخْرِ
روشنی و انوار خدایا همچنانكه او را مخصوص داشتی به شرافت این مرتبه گرامی و ذخیره کردن
هَذِهِ الْمُنْقَبَةِ الْعَظِيمَةِ، صَلِّ عَلَيْهِ كَمَا وَفَى بِعَهْدِكَ، وَبَلِّغْ رِسَالَاتِكَ،
این منقبت بزرگ درود فرست بر او چنانچه به عهدت وفا كرد و رسالتهای تو را تبلیغ كرد
وَقَاتِلْ أَهْلَ الْجُحُودِ عَلَي تَوْحِيدِكَ، وَقَطِّعْ رَحِمَ الْكُفْرِ فِي إِعْزَازِ
و در راه پیشرفت توحید تو با منكرانت پیکار كرد و برای سربلند كردن دین تو خویشی خود را با اهل كفر قطع كرد
دِينِكَ، وَلَبَسَ ثَوْبَ الْبُلُوِي فِي مُجَاهَدَةِ أَعْدَائِكَ، وَأَوْجَبَتْ لَهُ بِكُلِّ
و به تن كرد جامه بلا را برای جهاد كردن با دشمنان و تو نیز در مقابل هر
أَذْيٍ مَسَّةً، أَوْ كَيْدٍ أَحَسَّ بِهِ مِنَ الْفِتْنَةِ الَّتِي حَاوَلَتْ قَتْلَهُ، فَضِيلَةً تَفُوقُ
اذیتی كه به او رسید یا هر نقشه ای كه احساس كرد از دشمنی كه قصد كشتنش را داشتند فضیلتی برای او واجب
الْفَضَائِلَ، وَيَمْلِكُ بِهَا الْجَزِيلَ مِنْ تَوَالِكَ، وَقَدْ أَسَرَّ الْحَسْرَةَ، وَأَخْفَى
كردي كه برتري جوید بر سایر فضائل و دارا شود بدان عطای شایانت را كه براستی آن بزرگوار حسرت خود را نهان
داشت
الرَّفْرَفَةَ، وَتَجَرَّعَ الْقُصَّةَ، وَلَمْ يَتَخَطَّ مَا مَثَّلَ لَهُ وَحْيِكَ، اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ
و شراره های اندوه جان فرسا را پنهان كرد و جرعه های غصه را فرو داد و از آنچه وحی تو برایش معین کرده بود پافراثر
نگذاشت خدایا درود

وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ صَلَوةٌ تَرْضَاهَا لَهُمْ، وَبَلَّغُهُمْ مِنَّا تَحِيَّةً كَثِيرَةً وَسَلَامًا،

فرست بر او و بر خاندانش درودى كه خودت براي آنها پيسندي و برسان از ما به آنها تحيتى بسيار و سلامي

وَأَتِنَا مِنْ لَدُنْكَ فِي مُوَالَاتِهِمْ فَضْلًا وَإِحْسَانًا، وَرَحْمَةً وَغُفْرَانًا، إِنَّكَ

كامل و بده به ما از جانب خود در دوستى ايشان فزونى نعمت و احسان و رحمت و آمرزشي كه براستى توئى

ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ. پس چهارركعت نماز زيارت بكن به دو سلام با هر سوره كه خواهى

صاحب فضل بزرگ * * * * *

* * * * *

و چون فارغ شوي تسبيح فاطمه زهرا عليها السلام را بخوان پس بگو: اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ

* * * * *

* * * خدايا تو خود به

لَنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ

پيغمبرت محمد صلي الله عليه و آله فرمودي: «و اگر ايشان به خود ستم کنند و نزد تو آيند

فَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ، وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا» وَلَمْ

و از خدا آمرزش خواهند و پيغمبر نيز براي آنها آمرزش طلب كند حتماً مي يابند خدا را توبه پذير و مهربان» و من

أَحْضَرُ زَمَانَ رَسُولِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ، اَللّٰهُمَّ وَقَدْ زُرْتُهُ رَاغِبًا

زمان رسول تو را - كه سلام بر او و آتش باد - درك نكردم خدايا اكنون او را از روي شوق زيارت كرده

تَائِبًا مِنْ سَيِّئِ عَمَلِي، وَمُسْتَغْفِرًا لَكَ مِنْ دُنُوبِي، مُقِرًّا لَكَ بِهَا، وَأَنْتَ

و از كار بدم توبه خواهم و از گناهانم به درگاه آمرزش جويم و اقرار بدان گناهانم نيز دارم و تو خود

أَعْلَمُ بِهَا مِنِّي، وَمَتَوَجِّهًا إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ، صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ

آنها را بهتر از من مي داني و توجه كنم به درگاهت بوسيله پيامبر رحمت درودهاي تو بر او

وَإِلَهُ، فَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ بِمُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ عِنْدَكَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا

و آتش باد پس قرار ده خدايا به حق محمد و خاندانش مرا آبرومند پيش خود در دنيا

وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ، يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، بِأَبَى أَنْتَ وَأُمِّي يَا

و آخرت و از نزديكانت، اي محمد اي رسول خدا پدر و مادرم به فدايت اي

نَبِيِّ اللَّهِ، يَا سَيِّدَ خَلْقِ اللَّهِ، إِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّكَ وَرَبِّي، لِيُغْفِرَ لِي

پيامبر خدا اي آقاي خلق خدا من بوسيله تو رو كنم به درگاه خدا پروردگار تو و پروردگارم تا بيامرزد

دُنُوْبِي، وَيَتَقَبَّلَ مِنِّي عَمَلِي، وَيَقْضِيَ لِي حَوَائِجِي، فَكُنْ لِي شَفِيعاً
گناهانم را و بپذیرد از من کردارم را و برآورد حاجاتم را پس تو هم شفیع من باش
عِنْدَ رَبِّكَ وَرَبِّي، فَنَعْمَ الْمَسْئُولُ الْمَوْلَى رَبِّي، وَنَعْمَ الشَّفِيعُ أَنْتَ، يَا
در پیشگاه پروردگارت و پروردگار من زیرا که نیکو خدایی است که از او درخواست شود مولا و پروردگار من و تو
هم نیکو شفيعي هستی ای

مُحَمَّدٌ عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ السَّلَامُ، اَللّٰهُمَّ وَأَوْجِبْ لِي مِنْكَ
محمد که بر تو و اهل بیت سلام باد خدایا و واجب گردان برای من از
الْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ، وَالرِّزْقِ الْوَاسِعِ الطَّيِّبِ النَّافِعِ، كَمَا أَوْجَبْتَ لِمَنْ
نزد خود آمرزش و رحمت و روزی فراخ پاکیزه و سودمند چنانچه واجب گرداندي برای کسی که
أَتَى نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَهُوَ حَيٌّ فَقَرَّ لَهُ بِذُنُوبِهِ،
به نزد پیامبرت محمد - که دروذهای تو بر او و آتش باد - در زمان حیات او می آمد و اقرار به گناهانش می کرد
وَاسْتَغْفَرَ لَهُ رَسُولُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ، فَغَفَرْتَ لَهُ بِرَحْمَتِكَ يَا
و رسول تو علیه و آله السلام برایش آمرزش می خواست و تو هم او را می آمرزیدی به رحمت ای
أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اَللّٰهُمَّ وَقَدْ أَمَلْتُكَ وَرَجَوْتُكَ، وَقُمْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ
مهربانترین مهربانان خدایا براستی من به تو آرزومندم و به تو امید کردم و در حضورت ایستاده
وَرَغَبْتُ إِلَيْكَ عَمَّنْ سِوَاكَ، وَقَدْ أَمَلْتُ جَزِيلَ ثَوَابِكَ، وَإِنِّي لَمُفْرَغٌ غَيْرٌ
و میل به تو کردم از ما سواي تو و من آرزوی پاداش شایان تو را دارم و براستی من اقرار دارم
مُنْكَرٍ، وَتَائِبٌ إِلَيْكَ مِمَّا اقْتَرَفْتُ، وَعَائِدٌ بِكَ فِي هَذَا الْمَقَامِ مِمَّا
و منکر نیستم و توبه کننده ام بسویت از گناهانی که مرتکب شدم و پناه جویم به تو در این جایگاه از آن
قَدَمْتُ مِنَ الْأَعْمَالِ الَّتِي تَقَدَّمْتُ إِلَيْهَا فِيهَا، وَبَهَيْتَنِي عَنْهَا، وَأَوْعَدْتَ
اعمالی که جلوتر از خود فرستادم همانهایی را که پیش از آنکه من انجام دهم تو بر من سبقت گرفته و مرا از آنها نهی
فرمودی

عَلَيْهَا الْعِقَابَ، وَأَعُوذُ بِكَرَمِ وَجْهِكَ أَنْ تُقِيمَنِي مَقَامَ الْخِزْيِ وَالذُّلِّ،
و برانجامش تهدید به عقاب و کفرم کردی و پناه برم به ذات بزرگواریت از اینکه مرا در مقام رسوائی و خواری بیاداری
يَوْمَ تُهَنَّتْ فِيهِ الْأُسْتَارُ، وَتَبْدُو فِيهِ الْأَسْرَارُ وَالْفَضَائِحُ، وَتَرَعْدُ فِيهِ

در آن روزی که پرده‌ها در آن روز دریده شود و اسرار و رسوائیها در آن روز آشکار گردد و اندامها از دهشتش
الْفَرَايِصُ، يَوْمَ الْحَسْرَةِ وَالنَّدَامَةِ يَوْمَ الْاَفْكَةِ، يَوْمَ الْاَزْفَةِ، يَوْمَ
بسختی بلرزد، روز حسرت و پشیمانی روز سختی روزی که بزودی بیاید روز
التَّغَابُنِ، يَوْمَ الْفَصْلِ، يَوْمَ الْجَزَاءِ، يَوْمًا كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ
مغبون شدن روز جدائی (و فصل امور) روز پاداش روزی که اندازه‌اش پنجاه هزار سال
سَنَةً، يَوْمَ النَّفْخَةِ، يَوْمَ تَرْجَفُ الرَّاجِفَةُ، تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ، يَوْمَ النَّشْرِ، يَوْمَ
است روز دمیدن روزی که بلرزاند زمین را لرزاننده (یا نفخه صور) که بدنبالش لرزاننده دیگر آید روز نشر (نامه عمل)
روز

الْعَرْضِ، يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ، يَوْمَ يَقْرَأُ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ
عرض اعمال روزی که بپاخیزند مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان روزی که بگریزد شخص از برادر
وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ، يَوْمَ تَشَقَّقُ الْأَرْضُ وَأَكْنَفُ السَّمَاءِ،
و مادر و پدر و همسر و فرزندان روزی که شکافته شود زمین و اطراف آسمان
يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ تُجَادِلُ عَنْ نَفْسِهَا، يَوْمَ يُرَدُّونَ إِلَى اللَّهِ فَيُنَبِّئُهُمْ
روزی که بیاید هر کسی و تنها از خود دفاع کند روزی که بازگردند به پیشگاه خدا پس باخبرشان سازد
بِمَا عَمِلُوا، يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلًى عَنْ مَوْلًى شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ، إِلَّا
بدانچه انجام داده‌اند روزی که سود ندهد دوستی به دوستی به هیچ وجه و نه یاری شوند جز
مَنْ رَحِمَ اللَّهُ، إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ، يَوْمَ يُرَدُّونَ إِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ
آنکس که خدا بدو رحم کند که براستی او عزیز و مهربان است روزی که بازگردند بسوی دانای غیب
وَالشَّهَادَةِ، يَوْمَ يُرَدُّونَ إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمْ الْحَقُّ، يَوْمَ يَخْرَجُونَ مِنْ
و شهود روزی که بازگردند بسوی خدا سرپرست حقیقی آنها روزی که بیرون آیند از
الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا، كَانَتْهُمْ إِلَى نُصْبٍ يُوفِضُونَ، وَكَانَتْهُمْ جَرَادٌ مُنْتَشِرَةٌ،
گورها شتابان گویی آنها بسوی نشانه و علمی می‌دوند و گویی ملخهائی هستند پراکنده
مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ إِلَى اللَّهِ، يَوْمَ الْوَاقِعَةِ يَوْمَ تُرْجَأُ الْأَرْضُ رَجًّا، يَوْمَ
که چشم دوخته‌اند بسوی خواننده بسوی خدا روز واقعه روزی که بلرزد زمین بسختی روزی که
تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ، وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ، وَلَا يُسْأَلُ حَمِيمٌ

آسمان چون سرب گداخته گردد و کوهها چون پنبه زده شده و هیچ خویشی از حال خویش
حَمِيمًا، يَوْمَ الشَّاهِدِ وَالْمَشْهُودِ، يَوْمَ تَكُونُ الْمَلَائِكَةُ صَفًّا صَفًّا،
خود پرسش نشود روز شاهد و مشهود روزی که فرشتگان صف به صف گردند
اللَّهُمَّ ارْحَمْ مَوْقِفِي فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ، بِمَوْقِفِي فِي هَذَا الْيَوْمِ وَلَا
خدایا رحم کن به وضع و حالم در آن روز به وضعی که در این روز دارم و در آن جایگاه
تُخْزِنِي فِي ذَلِكَ الْمَوْقِفِ بِمَا جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي، وَاجْعَلْ يَا رَبِّ فِي
مرا رسوا مکن به سبب آن جنایاتی که بر خود کردم و قرار ده پروردگارا در
ذَلِكَ الْيَوْمِ مَعَ أَوْلِيَائِكَ مُنْطَلِقِي وَفِي زُمْرَةِ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ
آن روز با اولیاء خود راه مرا و در زمره محمد و خاندانش
عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مُحْشَرِي، وَاجْعَلْ حَوْضَهُ مَوْرِدِي، وَفِي الْعُرِّ الْكَرَامِ
علیهم السلام حشر مرا و حوض او را ورودگاه من قرار ده و در میان سفیدرویان گرامی
مَصْدَرِي، وَأَعْطِنِي كِتَابِي بِيَمِينِي، حَتَّى أَفُوزَ بِحَسَنَاتِي، وَتُبَيِّضَ بِهِ
بازگشتگاهم را و بده نامه عملم را بدست راستم تا سعادتمند شوم بوسیله حسناتم و سفید گردان
وَجْهِي، وَتُيسِّرَ بِهِ حِسَابِي، وَتُرَجِّحَ بِهِ مِيزَانِي، وَأَمْضِيَ مَعَ الْفَائِزِينَ
بدان وسیله رویم را و آسان کن بدان حسابم را و سنگین کن بدان کفه میزانم را و به همراه رستگاران
مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ إِلَى رِضْوَانِكَ وَجَنَانِكَ إِلَهَ
از بندگان شایستهات بسوی رضوان و بهشت بروم ای معبود
الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ تَقْضَحَنِي فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ بَيْنَ
جهانیان خدایا به تو پناه برم از اینکه رسوایم کنی در آن روز در پیش
يَدَيِ الْخَلَائِقِ بِجَرِيرَتِي، أَوْ أَنْ أَلْقَى الْخِزْيَ وَاللَّدَامَةَ بِخَطِيئَتِي، أَوْ
روی خلائق به جنایت و گناهم یا دچار رسوائی و پشیمانی گردم بواسطه خطایم یا
أَنْ تُظْهِرَ فِيهِ سَيِّئَاتِي عَلَى حَسَنَاتِي، أَوْ أَنْ تُنَوِّهَ بَيْنَ الْخَلَائِقِ
چیره سازی اعمال بدم را بر کارهای نیکم یا بخوانی مرا در میان خلائق
بِاسْمِي، يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ، الْعَفْوُ الْعَفْوُ، السَّتْرُ السَّتْرُ، اللَّهُمَّ وَأَعُوذُ بِكَ
به نامم ای بزرگوار ای بزرگوار گذشت خواهم گذشت پرده پوشی کن پرده پوشی خدایا و پناه می برم به تو

مِنْ أَنْ يَكُونَ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ فِي مَوَاقِفِ الْأَشْرَارِ مَوْفِي، أَوْ فِي
 از اینکه در آن روز جایگاهم در میان جایگاه اشرار باشد یا توقفگاهم در
 مقام الْأَشْقِيَاءِ مَقَامِي، وَإِذَا مَيَّزْتَ بَيْنَ خَلْقِكَ فَسُقْتَ كُلًّا بِأَعْمَالِهِمْ
 جای بدبختان قرار گیرد و هنگامی که جدا کنی میان خلق خود را و هر يك را به اعمال خودشان
 زُمْرًا إِلَى مَنَازِلِهِمْ، فَسُقْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ، وَفِي
 دسته دسته بسوی منزلهاشان سوق دهی پس مرا به رحمت خود در زمره بندگان شایستهات سوق ده و در
 زُمْرَةِ أَوْلِيَائِكَ الْمُتَّقِينَ إِلَى جَنَّتِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، پس وداع کن آن
 زمره دوستان پرهیزکارت بسوی باغهای بهشتت ببری پروردگار جهانیان
 * * * * *

حضرت را و بگو: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَشِيرُ
 * * * * * سلام بر تو ای رسول خدا سلام بر تو ای مژده دهنده
 النَّذِيرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّرَاجُ الْمُنِيرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّفِيرُ
 و بیم دهنده سلام بر تو ای چراغ تابناک سلام بر تو ای سفیر
 بَيْنَ اللَّهِ وَبَيْنَ خَلْقِهِ، أَشْهَدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ
 بین خدا و خلق گواهی دهم ای رسول خدا که تو نوری بودی در صلبهای
 الشَّامِخَةِ، وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ، لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَجْسِهَا، وَلَمْ
 ارجمند و رحمهای پاکیزه که آلودهات نکرد دوران جاهلیت به نجاستهایش و
 تُلِّسُكَ مِنْ مُدْلَهَمَاتِ ثِيَابِهَا، وَأَشْهَدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكَ،
 نپوشانیدت از جامه‌های چرکینش و گواهی دهم ای رسول خدا که من به تو ایمان دارم
 وَبِالْأُتَمَّةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ، مُوقِنٌ بِجَمِيعِ مَا أَتَيْتَ بِهِ رَاضٍ مُؤْمِنٌ،
 و به امامان از اهل بیت تو یقین دارم و به تمام آنچه تو آورده‌ای خوشنود و معتقدم
 وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأُتَمَّةَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ أَعْلَامُ الْهُدَى، وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى،
 و گواهی دهم که امامان از اهل بیت تو مشعلهای هدایت و ریسمان محکم حق هستند
 وَالْحُجَّةُ عَلَي أَهْلِ الدُّنْيَا، اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ
 و بر اهل دنیا حجتند خدایا قرار مده این زیارت را آخرین زیارت

نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ، وَإِنْ تَوَقَّيْتَنِي فَأَنِّي أَشْهَدُ فِي مَمَاتِي عَلَي
پيغمبرت - که بر او و آلش سلام باد - و اگر مرا میراندي پس من گواهي دهم در مرگم بر آنچه
ما أَشْهَدُ عَلَيْهِ فِي حَيَاتِي، أَتَيْتَ اللَّهَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَحَدِّكَ لَا
گواهي دادم بدان در زندگيم که همانا تویی خدائي که معبودي جز تو نيست يگانه‌اي که
شريك لَكَ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ، وَأَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ
شريک نداري و همانا محمد بنده و رسول تو است و همانا امامان از اهل بيت او
أَوَّلِيَاءُكَ وَأَنْصَارُكَ، وَحُجَجُكَ عَلَي خَلْقِكَ، وَخُلَفَاؤُكَ فِي عِبَادِكَ،
اولياء و ياران و حجتهاي توأند بر خلقت و جانشينان توأند در بندگانت
وَأَعْلَامُكَ فِي بِلَادِكَ، وَخَزَانُ عِلْمِكَ، وَحَفَظَةُ سِرِّكَ، وَتَرَاجِمَةُ وَحْيِكَ،
و مشعلهاي توأند در شهرهايت و خزينه‌داران دانشت و نگهبانان راز توأند و ترجمانه‌اي وحي توأند
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَلِّغْ رُوحَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
خدايا درود فرست بر محمد و آل محمد و برسان به روح پيغمبرت محمد و آل او
فِي سَاعَتِي هَذِهِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ تَحِيَّةً مِنِّي وَسَلَامًا، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ
در اين ساعت و در هر ساعت تحيت و سلامي از جانب من و سلام بر تو
يَا رَسُولَ اللَّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ تَسْلِيمِي عَلَيْكَ .
اي رسول خدا و رحمت خدا و برکاتش، قرار ندهد خدا اين سلام را آخرين سلام من بر شما
شيخ در مصباح و سيد در جمال الأسبوع در اعمال روز جمعه فرموده‌اند که مستحب است زيارت حضرت رسول و
ائمهم عليهم السلام در روز جمعه و روايت کرده‌اند از حضرت صادق عليه السلام که فرمود هر که خواهد زيارت کند قبر
رسول خدا و قبر اميرالمؤمنين و فاطمه و حسن و حسين و قبرهاي ساير حجج طاهره عليهم السلام را و در شهر خود
باشد پس در روز جمعه غسل کند و دو جامه پاکيزه بپوشد و بيرون رود به صحرائي و به روايت ديگر بر بام خانه‌اي بالا
رود پس چهار رکعت نماز بگذارد با هر سوره که ميسر شود پس چون تشهد و سلام نماز دهد برخيزد رو به
قبله و بگويد: السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ
* * * * * سلام بر تو اي پيامبر و رحمت خدا و برکاتش سلام
عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ الْمُرْسَلُ، وَالْوَصِيُّ الْمُرْتَضَى، وَالسَّيِّدَةُ الْكُبْرَى،
بر تو اي پيامبر مرسل و (بر تو اي) وصي پسنديده و (بر تو اي) بانوي بزرگ

وَالسَّيِّدَةُ الزَّهْرَاءُ، وَالسُّبُّطَانِ الْمُتَجَبَّانِ، وَالْأَوْلَادُ الْأَعْلَامُ، وَالْأُمَنَاءُ

و بانوي محترم اي زهرا و بر شما اي دو سبط برگزیده و بر شما اي فرزندان بزرگوار و امينهاي

الْمُتَجَبُّونَ، جِئْتُ اِنْقِطَاعاً إِلَيْكُمْ وَإِلَى آبَائِكُمْ وَوَلَدِكُمْ الْخَلْفِ عَلِي

برگزیده من از همه بریده و آمدهام بسوي شما و بسوي پدران شما و فرزندان آن يادگار شايسته

بِرَكَّةِ الْحَقِّ، فَقَلْبِي لَكُمْ مُسَلِّمٌ، وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ، حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ

به برکت خدا پس دلم تسليم شما است و ياريم براي تان آماده است تا خدا بوسيله

بِدِينِهِ، فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ، إِنِّي لَمِنَ الْقَائِلِينَ بِفَضْلِكُمْ، مُقَرَّرٌ

دين خودش (در زمين) حکم کند پس با شمايم با شما نه با دشمن شما و براستی من قائلم به فضل شما و اقرار دارم

بِرَجْعَتِكُمْ، لَا أُنْكِرُ لِلَّهِ قُدْرَةً، وَلَا أَزْعِمُ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ، سُبْحَانَ اللَّهِ ذِي

به رجعت شما و انکار ندارم هيچگونه قدرتي را براي خدا و نه پندارم جز آنچه خدا خواهد منزّه است خدا صاحب

الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ، يُسَبِّحُ اللَّهَ بِأَسْمَائِهِ جَمِيعُ خَلْقِهِ، وَالسَّلَامُ عَلَي

ملك و ملکوت تسبیح خدا گویند تمامی خلق بوسيله اسامي خدا و سلام بر

أَرْوَاحِكُمْ وَأَجْسَادِكُمْ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

ارواح شما و اجسادتان و سلام بر شما و رحمت خدا و برکاتش

مؤلف گوید: که روایات بسیار وارد شده که از هر کجا سلام و صلوات بر حضرت رسول صلي الله عليه وآله فرستاده شود به آن

حضرت برسد و در روایتی وارد شده که ملكي موکل است بر آنکه هر مؤمنی که بگوید صَلَّي اللَّهُ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

آن ملك در جواب او گوید وَعَلَيْكَ پس از آن به حضرت پیغمبر صلي الله عليه وآله عرض کند یا رَسُولَ اللَّهِ فلان شخص سلام بر

شما رسانید آن حضرت فرماید وَ عَلَيهِ السَّلَامُ و در روایت معتبر است که آن حضرت فرمود هر که زیارت کند قبر مرا

بعد از موت من خواهد بود مثل کسی که هجرت کرده بسوي من در حیات من پس هرگاه استطاعت ندارید که به زیارت قبر

من بیائید سلام بفرستید بسوي من که آن سلام می رسد به من و اخبار به این مضمون بسیار است و ما در باب

اول در ذکر زیارت حجج طاهره در ایام هفته دو زیارت برای حضرت رسول صلي الله عليه وآله در روز شنبه نقل کردیم اگر

خواستی به آنجا رجوع کن و به فیض خواندن آن خود را نائل ساز و بیاید در زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام

در اذن دخول رواق مطهرش زیارت مختصري از حضرت پیغمبر صلي الله عليه وآله و سلم و شایسته است صلوات

فرستادن بر آن حضرت به آن صلواتی که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بر آن جناب فرستاده در یکی از خطب خود

در روز جمعه

چنانچه در روضه کافی است: إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ، يَا أَيُّهَا

* * * * * همانا خدا و فرشتگانش درود فرستند بر پیغمبر ای

آنانکه

الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

ایمان آورده اید درود فرستید بر او و سلام کنید سلامی کامل خدایا درود فرست بر محمد

وَ اَلِ مُحَمَّدٍ، وَ بَارِكْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ، وَ تَحَنَّنْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

و آل محمد و برکت ده بر محمد و آل محمد و مهرورز بر محمد

وَ اَلِ مُحَمَّدٍ، وَسَلِّمْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ

و آل محمد و سلام فرست بر محمد و آل محمد بمانند بهترین درود

وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ وَ تَحَنَّنْتَ وَسَلَّمْتَ عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ وَ اَلِ إِبْرَاهِيمَ،

و برکت و رحمت و مهر و سلامی که بفرستی بر ابراهیم و آل ابراهیم

إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ، اَللّهُمَّ اعْطِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَالشَّرَفَ وَالْفَضِيلَةَ،

که برستی تو ستوده و بزرگواری خدایا بده به محمد مقام وسیله را و شرافت و فضیلت

وَالْمَنْزِلَةَ الْكَرِيمَةَ، اَللّهُمَّ اجْعَلْ مُحَمَّدًا وَ اَلِ مُحَمَّدٍ اعْظَمَ الْخَلَائِقِ

و منزلی بس گرامی خدایا قرار ده محمد و آل محمد را در شرافت بزرگترین خلایق

كُلُّهُمْ شَرَفًا يَوْمَ الْقِيَمَةِ، وَأَقْرَبَهُمْ مِنْكَ مَقْعَدًا، وَأَوْجَهُهُمْ عِنْدَكَ يَوْمَ

در روز قیامت و نزدیکترین ایشان بخودت و آبرومندترین آنها پیش خود در روز

الْقِيَامَةِ جَاهًا، وَأَفْضَلَهُمْ عِنْدَكَ مَنْزِلَةً وَنَصِيبًا، اَللّهُمَّ اعْطِ مُحَمَّدًا

قیامت و برترین ایشان در منزلت و بهره خدایا عطا فرما به محمد

أَشْرَفَ الْمَقَامِ، وَحِبَاءَ السَّلَامِ، وَشَفَاعَةَ الْإِسْلَامِ، اَللّهُمَّ وَالْحَقِّنَا بِهِ

شریفترین مقام و جایزه سلام و شفاعت دین اسلام را و ای خدا برسان ما را به او

غَيْرَ خَزَايَا، وَلَا نَاكِثِينَ، وَلَا نَادِمِينَ وَلَا مُبَدِّلِينَ، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ. و بیاید

در حالی که نه رسوا باشیم و نه پیمان شکن و نه پشیمان و نه تغییر دهنده احکام ای معبود بر حق آمین * * *

*

در اواخر باب زیارات ذکر صلواتی بر آن حضرت و آل اوعلیهم السلام

زیارت ائمه بقیع علیهم السلام

یعنی حضرت امام حسن مجتبی و امام زین العابدین و امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهم السلام چون خواستی زیارت کنی این بزرگواران را باید به عمل آوری آنچه در آداب زیارات ذکر شد از غسل و طهارت و پوشیدن جامه های پاک و پاکیزه و استعمال بوی خوش و رخصت طلبیدن در دخول و نحو اینها و بگو نیز :

يَا مَوْلِيَّ يَا اَبْنَاءَ رَسُولِ اللَّهِ، عَبْدُكُمْ وَابْنُ امْتِكُمْ الذَّلِيلُ بَيْنَ اَيْدِيكُمْ،

ای آقایان من ای فرزندان رسول خدا من بنده شما و پسر کنیز شمایم که

والمُضْعَفُ فِي عُلُوِّ قَدْرِكُمْ، وَالْمُعْتَرِفُ بِحَقِّكُمْ جَائِكُمْ مُسْتَجِيرًا بِكُمْ، قاصداً

ذلیل در برابرتان و فراینده در علو قدر و منزلتان و اعتراف کننده به حق شمایم آمده ام به درگاهتان به حال پناه خواهی

إِلَى حَرَمِكُمْ، مُتَقَرِّبًا إِلَى مَقَامِكُمْ، مُتَوَسِّلًا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِكُمْ، ءَادْخُلُ يَا

و حرم شما را قصد کرده و بوسیله مقام شما تقرب جویم و متوسل شوم به خدای تعالی آیا داخل شوم ای سروران من

مَوَالِيَّ، ءَادْخُلُ يَا اَوْلِيَاءَ اللَّهِ، ءَادْخُلُ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُحْدِقِينَ بِهَذَا الْحَرَمِ،

آیا داخل شوم ای اولیاء خدا آیا داخل شوم ای فرشتگان خدا که حلقه وار اطراف این حرم را گرفته

الْمُقِيمِينَ بِهَذَا الْمَشْهَدِ. و بعد از خشوع و رقت داخل شو و پای راست را مقدم

و در این زیارتگاه رحل اقامت افکنده اید * * * * *

* * * * *

دار و بگو: اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا، وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا،

* * * * * خدا بزرگتر است به بزرگی کامل و ستایش خاص خداست بسیار منزّه است خدا در بامداد و

پسین

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْفَرْدِ الصَّمَدِ الْمَاجِدِ الْوَاحِدِ، الْمُتَفَضِّلِ الْمَنَّانِ، الْمُتَطَوِّلِ

و ستایش خاص خدا است که یگانه و بی نیاز و شوکت مند و یکتا و فروبخش و نعمت ده و احسان بخش

الْحَنَّانِ، الَّذِي مَنْ بَطُولِهِ، وَسَهْلَ زِيَارَةِ سَادَاتِي بِإِحْسَانِهِ، وَلَمْ

و مهرورز است خدائی که منت نهاد بوسیله احسان خود و آسان کرد برایم زیارت آقایانم را به احسان خود

يَجْعَلُنِي عَنْ زِيَارَتِهِمْ مَمْنُوعًا، بَلْ تَطَوَّلَ وَمَنْحَ. × پس نزدیک قبور مقدسه

و از زیارتشان بازماندند بلکه تفضل و احسان فرمود * * * * *

* * * *

ایشان برو و پشت به قبله و رو به قبر ایشان کن و بگو: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيْمَةَ الْهُدَى،

* * * * *

سلام بر شما پیشوایان هدایت

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ التَّقْوَى، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْحُجَّجُ عَلَي أَهْلِ

سلام بر شما شایستگان پرهیزکاری سلام بر شما ای حجتها بر اهل

الدُّنْيَا، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْقَوَّامُ فِي الْبَرِّيَّةِ بِالْقِسْطِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ

دنیا سلام بر شما ای قیام کنندگان به عدل در میان مردم سلام بر شما ای

أَهْلَ الصَّفْوَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ آلَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ

شایستگان برگزیدگی سلام بر شما ای آل رسول خدا سلام بر شما ای اهل

النَّجْوَى، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ وَنَصَحْتُمْ وَصَبَرْتُمْ فِي ذَاتِ اللَّهِ،

راز گواهی دهم که شما بخوبی تبلیغ و خیرخواهی کردید و در مورد خدا شکیبائی کردید

وَكُذِّبْتُمْ وَأُسِيءَ إِلَيْكُمْ فَعَفَرْتُمْ، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأَيِّمَةُ الرَّاشِدُونَ

با اینکه شما را تکذیب کرده و با شما بد کردند ولی شما آنها را بخشیدید و گواهی دهم که شما اید امامان راهبر

الْمُهْتَدُونَ، وَأَنَّ طَاعَتَكُمْ مَفْرُوضَةٌ، وَأَنَّ قَوْلَكُمْ الصِّدْقُ، وَأَنَّكُمْ

راه یافته و همانا اطاعت شما واجب است و گفتارتان راست است و براستی شما

دَعَوْتُمْ فَلَمْ تُجَابُوا، وَأَمَرْتُمْ فَلَمْ تُطَاعُوا، وَأَنَّكُمْ دَعَائِمُ الدِّينِ،

مردم را به خدا دعوت کردید ولی اجابت نکردند و دستور دادید ولی اطاعت نکردند و همانا شما پایه های دین

وَأَرْكَانُ الْأَرْضِ، لَمْ تَزَالُوا بِعَيْنِ اللَّهِ، يَنْسَخُكُمْ مِنْ أَصْلَابِ كُلِّ مُطَهَّرٍ،

و رکنهای زمین و همواره در زیر نظر خدا بودید که برمی داشت شما را از صلبهای هر شخص پاک

وَيَنْقُلُكُمْ مِنْ أَرْحَامِ الْمُطَهَّرَاتِ، لَمْ تُدَسَّسْكُمْ الْجَاهِلِيَّةُ الْجَهْلَاءُ، وَلَمْ

و منتقلتان می ساخت به رحمهای پاکیزه، آلوده نکرد شما را اوضاع جاهلیت غرق در نادانی و

تَشْرِكُ فِيكُمْ فِتْنُ الْأَهْوَاءِ، طِبْتُمْ وَطَابَ مَثَبُكُمْ، مَنْ بِكُمْ عَلَيْنَا دَيَّانٌ

شرکت نکرد در شما فتنه های هوا و هوس پاک بودید و پاک بود ریشه شما منت نهاد بوسیله شما بر ما جزا ده

الدِّينِ، فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتٍ أَدْنَى اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ، وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ، وَجَعَلَ

روز جزا پس نهادتان در خانه هایی که اجازه داد خدا بالا رود و یاد شود در آنها نام او و قرار داد

صَلَوْتَنَا عَلَيْكُمْ رَحْمَةً لَنَا، وَكَفَّارَةً لِدُنُوبِنَا، إِذْ اخْتَارَكُمْ اللَّهُ لَنَا، وَطِيبَ

درود فرستادن ما را بر شما رحمتی برای ما و کفارهای برای گناهانمان چونکه خدا شما را برای ما انتخاب فرمود و پاک کرد

خَلَقْنَا بِمَا مِنْ عَلَيْنَا مِنْ وَلَا يَتَكُمُ، وَكُنَّا عِنْدَهُ مُسْمِنِينَ بِعِلْمِكُمْ،

خلقت ما را بوسیله آنچه منت گذارد بر ما از ولایت شما و ما پیش خدا از نامبردگان به دانش شما

مُعْتَرِفِينَ بِتَصَدِيقِنَا إِيَّاكُمْ، وَهَذَا مَقَامٌ مِنْ أَسْرَفٍ وَأَخْطَا، وَاسْتَكَانَ

و اعتراف کنندگان به تصدیقمان نسبت به شما بودیم و این جایگاه کسی است که زیاده روی و خطا کرده و مستمند شده

وَأَقْرَبُ مَا جَنَى، وَرَجَى بِمَقَامِهِ الْخِلَاصَ، وَأَنْ يَسْتَنْقِذَهُ بِكُمْ مُسْتَنْقِذٌ

و به جنایت خود اقرار داشته و امید دارد بدین جایگاه خلاصی خود را و نجات دهدش خداوند بوسیله شما

الْهَلْكَى مِنَ الرَّدَى، فَكُونُوا لِي شُفَعَاءَ، فَقَدْ وَفَدْتُ إِلَيْكُمْ إِذْ رَغَبَ

نجات دادن هلاک شدگان از نابودی پس شما شفیعیان من باشید که من به شما وارد شدم در آنگاه که دوری کردند

عَنْكُمْ أَهْلُ الدُّنْيَا، وَاتَّخَذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوءًا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا، يَا مَنْ

از شما مردم دنیا و آیات خدا را مسخره گرفتند و تکبر ورزیدند از آنها ای

هُوَ قَائِمٌ لَا يَسْهُو وَدَائِمٌ لَا يَلْهُو، وَمُحِيطٌ بِكُلِّ شَيْءٍ، لَكَ الْمَنْ بِمَا

پایرجائی که سهو ندارد و پاینده ای که سرگرم نشود و به هر چیز احاطه دارد تو را است منت بدانچه

وَفَقَّتَنِي، وَعَرَفْتَنِي بِمَا أَقَمْتَنِي عَلَيْهِ، إِذْ صَدَّ عَنْهُ عِبَادُكَ، وَجَهَلُوا

مرا بدان موفق داشتی و شناساندی مرا بدانچه مرا بدان برپا داشتی در صورتی که بندگان از آن روگرداندند و از

شناختنش

مَعْرِفَتِهِ وَاسْتَحْفُوا بِحَقِّهِ، وَمَالُوا إِلَى سِوَاهُ، فَكَانَتْ الْمِنَّةُ مِنْكَ عَلَيَّ

نادان بودند و حقش را سبک شمردند و به غیر آن منحرف شدند پس منت داری بر من

مَعَ أَقْوَامٍ خَصَصْتَهُمْ بِمَا خَصَصْتَنِي بِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ إِذْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي

با مردمی که مخصوصشان داشتی بدانچه مرا بدان مخصوص کردی پس تو را است ستایش چونکه من در پیش تودر

مَقَامِي هَذَا مَذْكُورًا مَكْتُوبًا، فَلَا تَحْرِمْنِي مَا رَجَوْتُ وَلَا تُخَيِّبْنِي فِيمَا

اینمقام یاد شده و نام برده شده بودم پس محروم مکن از آنچه امیدوارم و نومیدم مساز در آنچه

دَعَوْتُ، بِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ .

تو را خواندم به حرمت محمد و آل پاکیزه اش و درود خدا بر محمد و آل محمد

پس دعا کن از برای خود به هر چه خواهی و شیخ طوسی رحمه الله در تهذیب فرموده که بعد از آن هشت رکعت نماز زیارت بکن یعنی از برای هر امامی دو رکعت و شیخ طوسی و سید بن طاوس گفته‌اند که چون خواهی ایشان را وداع کنی بگو: **السَّلَامُ عَلَيْكُمْ اَيُّمَّةَ الْهُدَى، وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ، اَسْتَوْدِعُكُمْ اللهَ،**

* * * * *

وَاقْرَأْ عَلَيْكُمْ السَّلَامَ، آمِنًا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَبِمَا جِئْتُمْ بِهِ، وَذَلَّلْتُمْ

و می‌فرستم بر شما سلام خود را ایمان داریم به خدا و رسول و بدانچه شما آوردید و بدان راهنمایی کردید **عَلَيْهِ، اَللّهُمَّ فَاکْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ.** پس دعا بسیار کن و از خدا سؤال کن که دیگر

* * * * * خدا یا پس بنویس نام ما را در زمره گواهان * * * * *

بار تو را به زیارت ایشان برگرداند و آخر عهد تو نباشد از زیارت ایشان و علامه مجلسی رحمه الله در بحار زیارت مبسوطی از یکی از نسخ قدیمه ایراد فرموده و چون به تصریح ایشان و دیگران بهترین زیارت برای ایشان زیارات جامعه است که انشاء الله بعضی از آنها بعد از این مذکور خواهد شد ما در این مقام به همین قدر اکتفا نمودیم و در باب اول در ذکر زیارات حجج طاهره علیهم السلام در ایام هفته زیارتی برای جناب امام حسن علیه السلام و زیارتی برای این سه امام دیگر نقل کردیم از آنها غفلت نشود و بدانکه ما در زیارت هر یک از حجج طاهره علیهم السلام غیر از ائمه بقیع صلوات الله علیهم صلواتی برای صاحب زیارت ذکر می‌کنیم و در صلوات بر این بزرگواران اکتفا می‌کنیم به صلواتی که در آخر باب زیارات ذکر می‌شود به آنجا رجوع کن و به ذکر صلوات بر ایشان میزان اعمال حسنه خود را سنگین نما و نیز بدانکه کثرت شوق این مهجور شکسته به آن مشاهد مشرقه مرا وادار می‌کند که از قصیده هائیّه فاضل اوحدی ماح آل احمدی جناب شیخ اُزری رضوان الله علیه که از شیخ الفقهاء العظام خاتم المجتهدين الفخام شیخ محمد حسن صاحب جواهر الکلام نقل شده که آرزو می‌کرد که آن قصیده در نامه عمل او نوشته شود و جواهر در نامه عمل اُزری چند شعری که مناسب با این مقامست در اینجا ذکر نموده خود را به آن مشغول نمایم قال رحمه الله:

إِنَّ تِلْكَ الْقُلُوبَ أَفْلَقَهَا الْوَجْدُ
وَأَذْمَى تِلْكَ الْعُيُونُ بُكَاهَا

راستی که این دها را شوق پریشان کرده
و گریه این چشمها را خون آلود کرده
كَانَ أَتَى الْخُطُوبَ لَمْ يُبْكِ مَتَى

مُقَلَّةٌ لَكِنَّ الْهُوِيَ أَبْكَاهَا

جانگدازترین پیش آمدهای مهم دیده‌ام را به گریه

نیاورد ولی هوای دوست آن را گریاند

كُلُّ يَوْمٍ لِلْحَادِثَاتِ عَوَادٍ

لَيْسَ يَقْوِي رَضْوِي عَلَي مُلْتَقَاهَا

هر روز را حوادث غم‌انگیز تازه‌ایست

که کوه رضوی نیروی برخورد آنها را ندارد

كَيْفَ يُرْجَى الْخَلَاصُ مِنْهُنَّ إِلَّا

بِذِمَامٍ مِنْ سَيِّدِ الرُّسُلِ طه

چسان می‌توان از آنها نجات یافت جز

به عهد و پیمانی از سید رسولان «طه»

مَعْقِلُ الْخَائِفِينَ مِنْ كُلِّ خَوْفٍ

أَوْفَرُ الْعُرْبِ ذِمَّةً أَوْفَاهَا

دژ محکم ترسناکان از هر ترس

و کاملترین عرب در پیمان و با وفاترین آنها

مَصْدَرُ الْعِلْمِ لَيْسَ إِلَّا لَدَيْهِ

خَيْرُ الْكَائِنَاتِ مِنْ مُبْتَدَاهَا

سرچشمه علم است و نیست جز نزد او

خبر کائنات از آغاز (تا انجام)

فَاضَ لِلْخَلْقِ مِنْهُ عِلْمٌ وَحِلْمٌ

أَخَذَتْ مِنْهُمَا الْعُقُولُ نَهَاها

از آن بزرگوار باران علم و بردباری بر خلق بارید

و خردها از آن علم و بردباری خرد خویش را گرفتند

تَوَهَّتْ بِاسْمِهِ السَّمَوَاتُ وَالْأُ

رُضُ كَمَا تَوَهَّتْ بِصُبْحِ ذُكَاهَا

بلند کرد نامش را آسمانها و زمین
چنانچه بلند کرد نور صبح را روشنی و یرتوش
وَعَدَتْ تَنْشُرُ الْفَضَائِلَ عَنْهُ
كُلُّ قَوْمٍ عَلَيَّ اخْتِلَافٍ لُغَاهَا
و چنان شد که فضائل او را منتشر ساختند
هر قومی به اختلاف لغات و زبانشان
طَرَبَتْ لِاسْمِهِ الثَّرِي فَاسْتَطَالَتْ
فَوْقَ عُلُوِّيَّةِ السَّمَاءِ سُفْلَاهَا
بوجد و طرب آمد خاک از نام او و برتر گرفت
خود را از بلندترین آسمان پست‌ترین زمینها
جَازَ مِنْ جَوْهَرِ التَّقْدُسِ ذَاتاً
تَاهَتْ الْأَنْبِيَاءُ فِي مَعْنَاهَا
ذاتش از گوهر تقدس گذشت
و پیمبران در فهم ذاتش حیران گشتند
لَا تُجِلُّ فِي صِفَاتِ أَحْمَدَ فِكْراً
فَهِيَ الصُّورَةُ الَّتِي لَنْ تَرَاهَا
سمند فکر را در صفات احمد به جولان مینداز
زیرا که صورت آن صفات را نخواهی دید
أَيُّ خَلْقٍ لِلَّهِ أَعْظَمُ مِنْهُ
وَهُوَ الْغَايَةُ الَّتِي اسْتَقْصَاهَا
کدامیک از خلق خدا بزرگتر از اوست
و او است آن سرحد نهایی که خدایش استقصاء کرده
قَلْبَ الْخَافِقِينَ ظَهراً لِبَطْنٍ
فَرَايَ ذَاتَ أَحْمَدٍ فَاجْتَبَاهَا
شرق و غرب عالم را زیر و رو کرد

تا بالاخره ذات احمد را دید و آن را برگزید
لَسْتُ أَنَسِي لَهُ مَنَازِلَ قُدُسٍ
قَدْ بَنَاهَا التَّقِيُّ فَأَعْلَا بِنَاهَا
هرگز فراموش نکنم آن منازل قدسی را که برای او
بنا کرد پرهیزکاری و برافراشت آن بنا را
وَرَجَالًا أَعَزَّةً فِي بُيُوتٍ
أَذِنَ اللَّهُ أَنْ يُعَزَّ حِمَاهَا
و آن مردان با عزت در خانه‌هایی
که خدا اجازه فرمود حریشان عزیز و محترم باشد
سَادَةً لَا تُرِيدُ إِلَّا رِضَى اللَّهِ
كَمَا لَا يُرِيدُ إِلَّا رِضَاهَا
آن آقایان بزرگواری که جز رضای خدا نمی‌خواستند
چنانچه خدا هم جز رضای آنها را نمی‌خواست
خَصَّهَا مِنْ كَمَالِهِ بِالْمَعَانِي
وَبِأَعْلَى أَسْمَائِهِ سَمَاهَا
آنان را به معانی کمال خویش مخصوص داشت
و به برترین نامهایش نامید
لَمْ يَكُونُوا لِلْعَرْشِ إِلَّا كُنُوزًا
خَافِيَاتٍ سُبْحَانَ مَنْ أَبْدَاهَا
اینان گنجینه‌هایی بودند که در عرش
پنهان بودند منزّه است آنکه آشکارشان کرد
كَمْ لَهُمْ أَلْسُنٌ عَنِ اللَّهِ تُبْنِي
هِيَ أَقْلَامُ حِكْمَةٍ قَدْ بَرَاهَا
با چه زبانهای زیادی که از خدا خبر دادند
و آنان قلمهای حکمتی بودند که خدا تراشید

وَهُمُ الْأَعْيُنُ الصَّحِيحَاتُ تَهْدِي
كُلَّ عَيْنٍ مَكْفُوفَةٍ عَيْنَاهَا
آنان چشمهای صحیح و سالمی هستند که راهنمایی کنند
هر چشم نابینایی را آن دو چشم صحیح آنان
عُلَمَاءُ أَيْمَّةٌ حُكَمَاءُ
يَهْتَدِي النَّجْمُ بِاتِّبَاعِ هُدَاهَا
دانشمندان و پیشوایان و فرزانهگانی که
راه جوید ستاره به پیروی از راهنمائیشان
قَادَةُ عِلْمُهُمْ وَرَأْيُ حِجَاهُمْ
مَسْمَعًا كُلُّ حِكْمَةٍ مُنْظَرَاهَا
رهبرانی که دانش و اندیشه‌های خردشان
مرکز شنیدن و دیدن هر حکمتی است
مَا أَبَالَى وَلَوْ أَهَيْلَتْ عَلَيَّ الْأَرْضُ
السَّمَوَاتُ بَعْدَ تَيْلٍ وَلَا هَابَاكِ نِدَارَمُ
اگرچه فرو ریزد بر زمین
آسمانها پس از آنکه بدوستی ایشان نائل گشته‌ام

ذکر سایر زیارات

در مدینه طیبه نقل از مصباح الزائر و غیره

زیارت ابراهیم بن رسول الله صلی الله علیه وآله می ایستی نزدیک قبر و می گوئی: اَلسَّلَامُ عَلَيَّ

* * * * *

* * * * * سلام بر

رَسُولِ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيَّ نَبِيِّ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيَّ حَبِيبِ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيَّ

رسول خدا سلام بر پیامبر خدا سلام بر حبیب خدا سلام به

صَفِيِّ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيَّ نَجِيِّ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيَّ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، سَيِّدِ

برگزیده خدا سلام بر انتخاب شده خدا سلام بر محمد بن عبدالله آقاي

الْأَنْبِيَاءِ وَخَاتَمِ الْمُرْسَلِينَ، وَخَيْرَةِ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ فِي أَرْضِهِ وَسَمَائِهِ،

پیامبران و خاتم رسولان و برگزیده خدا از خلقتش در زمین و آسمانش
الْسَّلَامُ عَلَيَّ جَمِيعِ أَنْبِيَائِهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ الشُّهَدَاءِ وَالسُّعَدَاءِ
سلام بر همه پیامبران و رسولان سلام بر شهیدان و سعادتمندان
وَالصَّالِحِينَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
و بندگان شایسته حق سلام بر ما و بر بندگان صالح خدا سلام بر
أَيُّهَا الرُّوحُ الزَّكِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّفْسُ الشَّرِيفَةُ، السَّلَامُ
تو ای روح پاک سلام بر تو ای جان شریف سلام
عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّلَاطَةُ الطَّاهِرَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّسَمَةُ الزَّكِيَّةُ،
بر تو ای نسل پاکیزه سلام بر تو ای انسان پاک
الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ خَيْرِ الْوَرَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ النَّبِيِّ الْمُجْتَبَى،
سلام بر تو ای فرزند بهترین مردم سلام بر تو ای فرزند پیامبر برگزیده
الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْمُبْعُوثِ إِلَى كَافَّةِ الْوَرَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ
سلام بر تو ای فرزند برانگیخته شده بسوی عموم مردم سلام بر تو ای فرزند
الْبَشِيرِ النَّذِيرِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ السَّرَاجِ الْمُنِيرِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
بشیر و نذیر سلام بر تو ای فرزند چراغ تابناک سلام بر تو
يَا بَنَ الْمُؤَيَّدِ بِالْقُرْآنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْمُرْسَلِ إِلَى الْأَنْسِ
ای فرزند آنکس که بوسیله قرآن تأیید شد سلام بر تو ای فرزند آنکس که بسوی انس
وَالْجَانِّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ صَاحِبِ الرَّأْيَةِ وَالْعَلَامَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
و جن فرستاده شد سلام بر تو ای فرزند صاحب پرچم و علامت سلام بر تو
يَا بَنَ الشَّقِيعِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ مَنْ حَبَاهُ اللَّهُ بِالْكَرَامَةِ،
ای فرزند شفیع در روز قیامت سلام بر تو ای فرزند آن کس که خدایش مخصوص فرمود به بزرگواری
الْسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ اخْتَارَ اللَّهُ لَكَ دَارَ
سلام بر تو و رحمت خدا و برکاتش گواهی دهم که برایتی خداوند برای تو خانه نعمت خود را
إِنْعَامِهِ قَبْلَ أَنْ يُكْتَبَ عَلَيْكَ أَحْكَامُهُ، أَوْ يُكَلَّفَكَ حَلَالَهُ وَحَرَامَهُ،
انتخاب فرمود پیش از آنکه مقرر و واجب کند بر تو احکام خود را یا تکلیف کند تو را به حلال و حرامش

فَقَلِّكَ إِلَيْهِ طَيِّبًا زَكِيًّا مَرْضِيًّا، طَاهِرًا مِنْ كُلِّ نَجَسٍ، مُقَدَّسًا مِنْ كُلِّ
پس تو را بدان خانه منتقل فرمود پاک و مبرا و پسندیده و پاکیزه از هر نجاست و تمیز از هر
دَسِّ، وَبَوَّاتِكَ جَنَّةَ الْمَأْوِي، وَرَفَعَكَ إِلَى الدَّرَجَاتِ الْعُلْيَا، وَصَلَّى اللَّهُ
کثافت و آلودگی و جای داد در بهشت آسایش و بالایت برد به درجات بالا و درود خدا
عَلَيْكَ صَلَوةً تَقْرُبُهَا عَيْنُ رَسُولِهِ، وَتُبَلِّغُهُ أَكْبَرَ مَأْمُولِهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ
بر تو درودی که روشن شود بدان دیده رسول خدا و برساندش به بزرگترین آرزویش خدایا قرار ده
أَفْضَلَ صَلَوَاتِكَ وَأَزْكَاهَا، وَأَتَمِّي بَرَكَاتِكَ وَأَوْفَاهَا، عَلَي رَسُولِكَ
بهترین درودها و پاکیزه‌ترین آنها و فزاینده‌ترین برکاتش و کاملترین آنها را بر رسول خود
وَبَيْتِكَ، وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَعَلَي مَنْ سُلِّ مِنْ
و پیامبرت و برگزیده از خلقت محمد خاتم پیمبران و بر نسل او از
أَوْلَادِهِ الطَّيِّبِينَ، وَعَلَي مَنْ خَلَفَ مِنْ عَشْرَتِهِ الطَّاهِرِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا
اولاد پاکش و بر یادگاری که بجای گذارد از عترت پاکیزه‌اش به رحمت ای
أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ صَفِيكَ وَإِبْرَاهِيمَ
مهربانترین مهربانان خدایا از تو خواهم به حق محمد برگزیده‌ات و به حق ابراهیم
تَجَلَّيْكَ، أَنْ تَجْعَلَ سَعْيِي بِهِمْ مَشْكُورًا، وَذَنْبِي بِهِمْ مَغْفُورًا،
فرزند پیامبرت که قرار دهی سعی مرا بدیشان مورد سپاسگزاری و گناهانم را آمرزیده
وَحَيَاتِي بِهِمْ سَعِيدَةً، وَعَاقِبَتِي بِهِمْ حَمِيدَةً، وَحَوَائِجِي بِهِمْ مَقْضِيَةً،
و زندگیم را سعادتمند و عاقبتم را ستوده و حاجاتم را روا شده
وَأَفْعَالِي بِهِمْ مَرْضِيَّةً، وَأُمُورِي بِهِمْ مَسْعُودَةً، وَشُؤْنِي بِهِمْ مَحْمُودَةً،
و کردارم را پسندیده و کارهایم را مقرون به سعادت و وضعم را مورد پسند و ستوده
اللَّهُمَّ وَأَحْسِنْ لِي التَّوْفِيقَ، وَنَفْسُ عَنِّي كُلِّ هَمٍّ وَضِيقٍ، اللَّهُمَّ
خدایا و نیکو گردان برایم توفیق را و برطرف کن از من هر اندوه و فشاری را خدایا
جَنِّبْنِي عِقَابَكَ، وَأَمْنَحْنِي ثَوَابَكَ، وَأَسْكِنْنِي جَنَّاتَكَ، وَارْزُقْنِي
دور کن مرا از عقاب و شکنجه‌ات و تفضل کن بر من پاداش نیکت را و سکنایم ده در بهشت و روزیم گردان
رِضْوَانِكَ وَأَمَانِكَ، وَأَشْرِكْ لِي فِي صَالِحِ دُعَائِي وَالِدَيَّ وَوَلَدِي،

رضوان و امنیت را و شریک گردان با من در دعای شایسته ام پدر و مادرم و فرزندانم
وَجَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ، إِنَّكَ وَلِيُّ الْبَاقِيَاتِ
و همه مؤمنین و مؤمنات را زندگان از ایشان و مردگانشان را که براستی توئی صاحب اختیار
الصَّالِحَاتِ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ. پس می خواهی حاجتهای خود را و در رکعت نماز زیارت می گذاری
اعمال صالحی که بجای ماند آمین ای پروردگار جهانیان * * * * *

زیارت جناب فاطمه بنت اسد

والده حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می ایستی نزد قبر آن مُخَدَّرَه و می گوئی: السَّلَامُ عَلَي
* * * * *
* * * * * سلام بر

نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَي رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَي مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ،
پیامبر خدا سلام بر رسول خدا سلام بر محمد آقای رسولان
السَّلَامُ عَلَي مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْأَوَّلِينَ، السَّلَامُ عَلَي مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْآخِرِينَ،
سلام بر محمد آقای اولین سلام بر محمد آقای آخرین
السَّلَامُ عَلَي مَنْ بَعَثَهُ اللَّهُ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ
سلام بر کسی که خدا برانگیختش رحمت برای جهانیان سلام و رحمت خدا و
وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَي فاطمة بنتِ اسد الهاشمیة،
برکاتش بر تو ای پیغمبر سلام بر فاطمه دختر اسد آن بانوی هاشمی
السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا الصَّدِيقَةُ الْمَرْضِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا النَّقِيَّةُ
سلام بر تو ای راستگوی پسندیده سلام بر تو ای بانوی پرهیزکار
النَّقِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا الْكَرِيمَةُ الرَّضِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا كَافِلَةَ
پاکیزه سلام بر تو ای بانوی بزرگوار و خوشنود از حق سلام بر تو ای کفالت کننده
مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَالِدَةَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ
محمد خاتم پیامبران سلام بر تو ای والده بزرگ اوصیاء سلام

عَلَيْكَ يَا مَنْ ظَهَرَتْ شَفَقَتُهَا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، أَسْلَامُ
بر تو ای که آشکار شد مهتر نسبت به رسول خدا خاتم پیمبران سلام
عَلَيْكَ يَا مَنْ تَرَبُّيْتُهَا لَوْلِيٍّ اللَّهُ الْأَمِينِ، أَسْلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ
بر تو ای که به او تفویض شد تربیت ولی الله امین سلام بر تو و بر روح تو
وَبَدَنِكَ الطَّاهِرِ، أَسْلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى وَلَدِكَ وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ،
و بدن پاکت سلام بر تو و بر فرزندت و رحمت خدا و برکاتش
أَشْهَدُ أَنَّكَ أَحْسَنْتَ الْكِفَالَ، وَأَدَيْتَ الْأَمَانَةَ، وَاجْتَهَدْتَ فِي مَرْضَاتِ
گواهی دهم که برستی تو بخوبی کفالت کردی و امانت را پرداختی و در بدست آوردن موجبات خوشنودی
اللَّهِ، وَبَالِغْتَ فِي حِفْظِ رَسُولِ اللَّهِ، عَارِفَةً بِحَقِّهِ مُؤْمِنَةً بِصِدْقِهِ، مُعْتَرِفَةً
خدا کوشش کردی و در نگهداری رسول خدا حد اعلائی سعی خود را مبذول داشتی در حالی که به حق او آشنا و
به راستگویی ایمان
بُنُوبَتِهِ، مُسْتَبْصِرَةً بِنِعْمَتِهِ، كَافِلَةً بِتَرْبِيَّتِهِ مُشْفِقَةً عَلَى نَفْسِهِ، وَاقِفَةً
داشتی و به نبوتش معترف و به نعمتش بینا و آشنا بودی و تربیتش را بعهده گرفتی و نسبت بدان حضرت مهر ورزیدی و
عَلَى خِدْمَتِهِ، مُخْتَارَةً رِضَاءَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَى الْإِيمَانِ،
برای خدمتکاریش خود را مهیا کردی و خوشنودیش را اختیار کردی و گواهی دهم که تواز این جهان رفتی در حالی
که به حق ایمان
وَالْتَّمَسُكَ بِأَشْرَفِ الْأَدْيَانِ، رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً، طَاهِرَةً زَكِيَّةً، تَقِيَّةً نَقِيَّةً،
داشتی و به بهترین ادیان متمسک گشته و در حال خوشنودی و پسندیدگی و پاکی و پاکیزگی و پرهیزکاری و
فَرَضِيَ اللَّهُ عَنْكَ وَأَرْضَاكَ وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مَنْزِلَكَ وَمَأْوَاكَ، اللَّهُمَّ
دور از هر بدی بودی پس خدا از تو خوشنود باد و خوشنودت کناد و بهشت را منزل و مأویت قرار دهد خدایا
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَانْفَعْنِي بِزِيَارَتِهَا، وَتَبَتَّنِي عَلَى
درود فرست بر محمد و آل محمد و سود ده مرا بوسیله زیارت این بانوی محترم و ثابتم بدار
مَحَبَّتِهَا، وَلَا تَحْرِمْنِي شَفَاعَتَهَا، وَشَفَاعَةَ الْأَئِمَّةِ مِنْ ذُرِّيَّتِهَا،
به دوستیش و محرومم مکن از شفاعت او و شفاعت امامان از نژادش
وَارْزُقْنِي مُرَافَقَتَهَا، وَاحْشُرْنِي مَعَهَا وَمَعَ أَوْلَادِهَا الطَّاهِرِينَ، اللَّهُمَّ

و روزیم کن هم جواریش را و محشور کن مرا با او و با فرزندان پاکش خدایا
 لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي يَا هَا، وَأَرْزُقْنِي الْعُودَ إِلَيْهَا أَبَدًا مَا
 قرار مده این زیارت را آخرین بار زیارت من از این بانوی محترم و روزیم گردان آمدن به زیارتش را همیشه تا
 أَبْقَيْتَنِي، وَإِذَا تَوَفَّيْتَنِي فَأَحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهَا، وَأَدْخِلْنِي فِي شَفَاعَتِهَا،
 زنده ام داری و چون مرا میراندی در زمره او محشورم کن و در شفاعت او داخل گردان
 بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اَللّهُمَّ بِحَقِّهَا عِنْدَكَ، وَمَنْزِلَتِهَا لَدَيْكَ،
 به رحمت ای مهربانترین مهربانان خدایا به حقی که این بانوی محترم نزد تو دارد و به مقام و منزلت او در
 اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا
 درگاهت که بیامرز مرا و پدر و مادرم و همه مردان مؤمن و زنان با ایمان را و بده به ما در دنیا
 حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ. پس دو رکعت نماز
 خوبی و در آخرت نیز خوبی و نگاهمان دار به رحمت از عذاب دوزخ *
 زیارت می خوانی و دعا می کنی به آنچه خواهی و منصرف می شوی .

زیارت حضرت حمزه رضی الله عنه در اُحُد

چون به زیارت آن حضرت رفتی می گوئی نزد قبرش: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّ رَسُولِ

* * * * *

سلام بر تو ای عموی گرامی رسول

اللَّهُ صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ الشُّهَدَاءِ، السَّلَامُ

خدا که درود خدا بر او و آتش باد - سلام بر تو ای بهترین شهیدان سلام

عَلَيْكَ يَا أَسَدَ اللَّهِ وَأَسَدَ رَسُولِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ

بر تو ای شیر خدا و شیر رسول خدا گواهی دهم که تو براستی جهاد کردی در راه خدای

عَزَّوَجَلَّ، وَجُدْتَ بِنَفْسِكَ، وَنَصَحْتَ رَسُولَ اللَّهِ، وَكُنْتَ فِيمَا عِنْدَ اللَّهِ

عزوجل و جان خود را در این راه بذل کردی و برای رسول خدا خیر خواهی کردی و مشتاق بودی آنچه را نزد

سُبْحَانَهُ رَاغِبًا، بِأَبَى أَتَتْ وَأُمِّي أَتَيْتُكَ مُتَقَرِّبًا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّي

خدای سبحان بود پدر و مادرم به فدایت من در اینجا به نزد شما آمدم تا بدینوسیله به رسول خدا صلی
اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِذَلِكَ، رَاغِبًا إِلَيْكَ فِي الشَّفَاعَةِ، أَبْتَغِي بِزِيَارَتِكَ
اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ تَقَرُّبَ جَوْيِمٍ وَاشْتِيَاقَ بِي إِلَى شَفَاعَتِكَ دَارِ جَوْنِدِهِ بوسیله زیارت
خِلاصِ نَفْسِي، مُتَعَوِّذًا بِكَ مِنْ نَارٍ اسْتَحَقَّهَا مِثْلِي بِمَا جَنَيْتُ عَلَى
خِلاصِ كَرْدَنِ جَانِمِ رَا پناهندهام به تو از آتشی که امثال من بواسطه جنایتی که کرده‌ایم مستحق آن گشته‌ایم
نَفْسِي، هَارِبًا مِنْ دُنُوبِي الَّتِي احْتَضَبْتُهَا عَلَى ظَهْرِي، فَزِعًا إِلَيْكَ
گریزانم از گناهانی که بر پشت خویش بار کرده‌ام پناهندهام به تو به
رَجَاءَ رَحْمَةِ رَبِّي، أَتَيْتُكَ مِنْ شَقَّةٍ بَعِيدَةٍ، طَالِبًا فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنْ
امید رحمت پروردگارم به زیارت آمده‌ام از راهی پررنج و دور و خواهان آزادی خویش از
النَّارِ، وَقَدْ أَوْفَرْتُ ظَهْرِي دُنُوبِي، وَأَتَيْتُ مَا اسْتَخَطَ رَبِّي، وَلَمْ أَجِدْ
دوزخم و براستی که خم کرده پشتم را سنگینی بار گناهانم و به کاری که موجب خشم پروردگار من است دست زده‌ام و
نیافتم

أَحَدًا أَفْرَغَ إِلَيْهِ خَيْرًا لِي مِنْكُمْ أَهْلَ بَيْتِ الرَّحْمَةِ، فَكُنْ لِي شَفِيعًا يَوْمَ
کسی را که به او پناه برم بهتر از شما خاندان رحمت پس تو (ای سرور بزرگوار) شفیع باش در روز
فَقْرِي وَحَاجَتِي، فَقَدْ سِرْتُ إِلَيْكَ مَحْزُونًا، وَأَتَيْتُكَ مَكْرُوبًا وَسَكَبْتُ
نداری و نیازم که راه پیمودم به سویت غمناک و آمده‌ام به نزدت در حال محنت‌زدگی و ریختم
عَبْرَتِي عِنْدَكَ بَاكِيًا، وَصِرْتُ إِلَيْكَ مُفْرَدًا، وَأَتَيْتُ مَنْ أَمَرَني اللَّهُ
اشکم را در پیشست گریان و به درگاهت آمده‌ام تکی و تنها و تو از کسانی هستی که خداوند به من دستور
بِصَلَّتِهِ، وَحَثَّنِي عَلَى بَرِّهِ، وَدَلَّنِي عَلَى فَضْلِهِ، وَهَدَانِي لِحُبِّهِ، وَرَغَّبَنِي
پیوند او را داده و به نیکی به او وادارم کرده و بر فضل و برتریش راهنمایی کرده و به محبتش هدایت نموده
فِي الْوَفَادَةِ إِلَيْهِ، وَالْهَمْنِي طَلَبَ الْحَوَائِجِ عِنْدَهُ، أَتَيْتُ أَهْلَ بَيْتِ لَا
و به رفتن سر خوان کرمش ترغیب کرده و به من الهام کرده که حاجاتم را در پیش او بخواهم شما خاندانی هستید که
يَشْقِي مَنْ تَوَلَّاهُمْ، وَلَا يَخِيبُ مَنْ أَتَاهُمْ، وَلَا يَحْسُرُ مَنْ يَهْوِيَهُمْ، وَلَا
بدبخت نشود هر که دوستتان دارد و نومید نگردد هر که به درگاهتان آید و زیانکار نشود هر که هوای شما در سر دارد
يَسْعُدُ مَنْ عَادَاهُمْ. پس رو به قبله می‌کنی و دو رکعت نماز زیارت بجا می‌آوری و بعد از

* * * * * روي سعادتي نبيند هر كه شما را دشمن دارد * * * * *

* * * * *

فراغ خود را به قبر مي چسباني و مي گويي: اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيِّ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ،

* * * * * خدايا درود فرست

بر محمد و آل محمد

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ تَعَرَّضْتُ لِرَحْمَتِكَ بِلُزُومِيْ لِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ صَلَّيَ اللّٰهُ عَلَيْهِ

خدايا من خود را در گذرگاه مهريت قرار دادم بدانكه ملازم قبر عموي پيغمبرت صلي الله عليه

وَ اٰلِهِ، لِجَبْرِئِيْ مِنْ تَقَمُّنِكَ [وَسَخَطِكَ وَ مَقْتِكَ] فِيْ يَوْمٍ تَكْثُرُ فِيْهِ

و آله گشتم تا مرا در پناه خود گيرد از انتقام تو در روزي كه صداها در آن روز

الْاَصْوَاتُ، وَ تَشْغَلُ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا قَدَّمَتْ وَ تُجَادِلُ عَنْ نَفْسِهَا، فَاِنْ

بسيار گردد و هر كس سرگرم شود بدانچه از پيش فرستاده و از خويشتن دفاع كند پس اگر

تَرَحُّمِنِي الْيَوْمَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيَّ وَلَا حُزْنٌ، وَ اِنْ تُعَاقِبْ فَمَوْلَى لَّهِ

در آن روز به من رحم كني كه ترس و اندوهي ندارم و اگر كيفرم كني پس تو مولائي هستي كه

الْقُدْرَةُ عَلَيَّ عَبْدِهِ، وَلَا تُخَيِّبْنِيْ بَعْدَ الْيَوْمِ، وَلَا تُصْرِفْنِيْ بِغَيْرِ حَاجَتِيْ،

قدرت داري بر بنده خود ولي نااميدم مكن پس از اين روز و بازم مگردان (از اينجا) بدون حاجتم

فَقَدْ لَصِقْتُ بِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ، وَ تَقَرَّبْتُ بِهٖ اِلَيْكَ اِبْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ، وَ رَجَاءَ

چونكه خود را به قبر عموي پيغمبرت چسبانده و بوسيله او به درگاه تو تقرب جويم به آرزوي دسترسي به

خوشنوديتهايت

رَحْمَتِكَ، فَتَقَبَّلْ مِنِّيْ، وَ عُدْ بِحِلْمِكَ عَلَيَّ جَهْلِيْ، وَ بَرِّأْتُكَ عَلَيَّ جِنَايَةِ

و به اميد دريافت رحمتت پس بپذير از من و بازگرد به بردباريت بر ناداني من و به مهريت بر جنايتي

نَفْسِيْ، فَقَدْ عَظُمَ جُرْمِيْ، وَ مَا آخَفُ اَنْ تُظْلِمَنِيْ، وَلَكِنْ آخَفُ سُوءِ

كه بر خود كردم چونكه گناهم بزرگ است و ترس از آن ندارم كه به من ستم كني ولي از بدبي

الْحِسَابِ، فَاُنْظِرْ الْيَوْمَ تَقَبُّلِيْ عَلَيَّ قَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ، فَبِهِمَا فُكِّنِيْ مِنْ

حساب ترس دارم پس بنگر امروز پناه آوردم را به قبر عموي پيغمبرت پس به حق هر دو آنها كه آزادم كن از

النَّارِ، وَلَا تُخَيِّبْ سَعْيِيْ، وَلَا يَهْوُنَنَّ عَلَيْكَ اِبْتِهَالِيْ، وَلَا تُحْجِبَنَّ عَنْكَ

آتش و نومید مکن کوششم را و مبادا زاری من نزد تو ناچیز و خوار قرار گیرد و صدای من از تو محبوب
صَوْتِي، وَلَا تَقْلِبْنِي بَغَيْرِ حَوَائِجِي، يَا غِيَاثَ كُلِّ مَكْرُوبٍ وَمَحْزُونٍ،
گردد و بدون حاجاتم مرا باز نگردان ای فریادرس هر محنت زده و غمناک
وَيَا مُفَرِّجًا عَنِ الْمَلْهُوفِ الْحَبِيرَانِ الْعَرِيقِ، الْمُشْرِفِ عَلَيَّ الْهَلَكَةِ،
و ای گشاینده (اندوه) از اندوهگین سرگردان و غریق که مشرف بر هلاکت است
فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَانْظُرْ إِلَيَّ نَظْرَةً لَا أَشْقِي بَعْدَهَا أَبَدًا،
پس درود فرست بر محمد و آل محمد و بنگر به من نگرستی که هرگز پس از آن بدبخت نشوم
وَارْحَمْ تَضَرُّعِي وَعَبْرَتِي وَانْفِرَادِي، فَقَدْ رَجَوْتُ رِضَاكَ، وَتَحَرَّيْتُ
و رحم کن به زاری و اشک و تنهائیم چونکه من به خوشنودیت امیدوارم و جویایم
الْخَيْرِ الَّذِي لَا يُعْطِيهِ أَحَدٌ سِوَاكَ، فَلَا تُرَدِّ أَمَلِي، اَللَّهُمَّ اِنْ تُعَاقِبْ
آن خیری را که عطا نکند آن را احدي جز تو پس آرزویم را باز مگردان خدایا اگر کیفر کنی
فَمَوْلَى لَهُ الْقُدْرَةُ عَلَيَّ عَبْدِهِ وَجَزَائِهِ [جَزَاهُ] بِسُوءِ فِعْلِهِ، فَلَا أَخِيْنَ
پس مولائی هستی که بر بندهات قدرت داری و پاداش عمل بدش بوده پس نومیدم مساز
الْيَوْمَ، وَلَا تَصْرِفْنِي بَغَيْرِ حَاجَتِي، وَلَا تُخَيِّبَنَّ شُحُوصِي وَوِفَادَتِي،
امروز و بازم مگردان بدون روا شدن حاجتم و ناامید مکن حرکت کردن و آمدنم را چونکه پوالم را
فَقَدْ أَنْفَدْتُ نَفَقَتِي، وَأَنْعَبْتُ بَدَنِي، وَقَطَعْتُ الْمَفَازَاتِ، وَخَلَفْتُ الْأَهْلَ
خرج کرده‌ام و بدنم را به تعب افکندم و بیابانهای بسیاری را پشت سر گذاردم و زن و فرزند
وَالْمَالَ وَمَا حَوَّلْتَنِي، وَآثَرْتُ مَا عِنْدَكَ عَلَيَّ نَفْسِي، وَكُذْتُ بِقَبْرِ عَمِّ
و مال و منالم و آنچه را به من دادی همه را بجای گذاردم و آنچه را پیش تو است برای خود اختیار کردم و به قبر
عموی
نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَتَقَرَّبْتُ بِهِ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ، فَعُدْ بِحِلْمِكَ عَلَيَّ
پیغمبرت صلی الله علیه و آله پناه آوردم و بوسیله او برای جستن خوشنودیت تقرب جستم پس بازگرد با بردباریت بر
جَهْلِي، وَبِرَأْفَتِكَ عَلَيَّ ذَنْبِي، فَقَدْ عَظُمَ جُرْمِي، بِرَحْمَتِكَ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ .
نادانیم و با مهرت بر گناهم که براستی گناهانم بزرگ گشته به مهرت ای بزرگوار ای بزرگوار

* مؤلف گوید: که مدایح جناب حمزه سلام الله علیه و فضیلت زیارت آن حضرت بیشتر از آن است که ذکر شود
 فخرالمحققین رحمه الله در رساله فخریه فرموده مستحب است زیارت حمزه و باقی شهداء به اُحُد زیرا که روایت شده از
 حضرت رسول صلی الله علیه و آله که فرمود هر که زیارت کند مرا و زیارت نکند عمّم حمزه را همانا مرا جفا کرده و این
 فقیر در بیت الأُحزان فی مصائب سیدة التّسوان نقل کردم که حضرت فاطمه صلوات الله علیها بعد از وفات پدر بزرگوار
 خود هر هفته روز دوشنبه و پنجشنبه به زیارت حمزه و شهداء احد می رفت و نماز می خواند و دعا می کرد در آنجا و ترک
 نکرد تا وفات فرمود و محمود بن لبید گفته که آن سیده جلیله سر قبر حمزه می رفت و گریه می کرد و من در یکی از
 روزها به زیارت حمزه مشرف شدم دیدم که آن مظلومه نزد قبر حمزه مشغول به گریه است من صبر کردم تا گریه اش
 ساکن گشت نزدیک رفتم و سلام کردم و گفتم یا سیدة التّسوان به حقّ خدا قسم است که رگهای دلم را قطع کردی از
 این گریهات فرمود ای ابا عمر و برای من شایسته است گریستن زیرا که به من رسیده است مصیبت بهترین پدرها رسول
 خدا صلی الله علیه و آله پس فرمود و اشواقه إلى رسول الله صلی الله علیه و آله و انشاد کرد:

إِذَا مَاتَ يَوْمًا مَيِّتٌ قُلَّ ذِكْرُهُ
 وَذَكَرُ أَبِي مُذْ مَاتَ وَاللَّهِ أَكْثَرُ

هر که می میرد یادش کم می شود ولی به خدا سوگند
 از روزی که پدرم مرده بیشتر یادش شود

و شیخ مفید فرموده: وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَمَرَ فِي حَيَاتِهِ
 * * * * * رسول خدا صلی الله علیه و آله چنان بود که در زمان زندگیش

دستور می داد

بِزِيَارَةِ قَبْرِ حَمْزَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَيَلُمُّ بِهِ وَبِالشُّهَدَاءِ، وَلَمْ تَزَلْ فَاطِمَةُ
 به زیارت قبر حمزه علیه السلام بروند و خود هم به زیارت قبر او و سایر شهداء می رفت و فاطمه
 عَلَيْهَا السَّلَامُ بَعْدَ وَفَاتِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ تَعْدُو إِلَى قَبْرِهِ
 علیها السلام نیز پس از وفات پدرش صلی الله علیه و آله صبح و عصر سر قبر
 وَتَرُوحُ، وَالْمُسْلِمُونَ يَنْتَابُونَ عَلِيَّ زِيَارَتِهِ، وَمُلَازِمَةَ قَبْرِهِ .
 او می رفت و مسلمانان نیز برای زیارت و ملازمت قبرش می رفتند

زیارت قبور شهداء رضوان الله علیهم به اُحُد

می گوئی در زیارت ایشان: اَلسَّلَامُ عَلَی رَسُوْلِ اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلَی نَبِیِّ اللّٰهِ

* * * * * سلام بر رسول خدا سلام بر پیامبر خدا

اَلسَّلَامُ عَلَی مُحَمَّدٍ بَنِ عَبْدِ اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلَی اَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ،

سلام بر محمد بن عبدالله سلام بر خاندان پاکش

اَلسَّلَامُ عَلَیْكُمْ اَیُّهَا الشُّهَدَاءُ الْمُؤْمِنُونَ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكُمْ یا اَهْلَ بَيْتِ

سلام بر شما ای شهیدان با ایمان سلام بر شما ای خاندان

الْاِیْمَانِ وَالتَّوْحِيدِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكُمْ یا اَنْصَارَ دِیْنِ اللّٰهِ وَانْصَارَ

ایمان و توحید سلام بر شما ای یاران دین خدا و یاران

رَسُوْلِهِ، عَلَیْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ، سَلَامٌ عَلَیْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى

رسول خدا - که بر او و آلش سلام باد - سلام بر شما بدان شکیبائی که کردید پس چه خوب است خانه سرانجام شما

الدَّارِ، اَشْهَدُ اَنَّ اللّٰهَ اخْتَارَكُمْ لِدِیْنِهِ، وَاصْطَفَاكُمْ لِرَسُوْلِهِ، وَاشْهَدُ اَنَّكُمْ

گواهی دهم که براسستی خداوند شما را برای دین خود انتخاب فرمود و برگزیدتان برای رسول خود و گواهی دهم که شما

قَدْ جَاهَدْتُمْ فِی اللّٰهِ حَقَّ جِهَادِهِ، وَدَبَّيْتُمْ عَنْ دِیْنِ اللّٰهِ وَعَنْ نَّبِیِّهِ،

در راه خدا جهاد کردید آنطور که باید و دفاع کردید از دین خدا و از پیغمبر خدا

وَجَدْتُمْ بِاَنْفُسِكُمْ دُوْنَهُ، وَاشْهَدُ اَنَّكُمْ قُتِلْتُمْ عَلَی مِنْهَاجِ رَسُوْلِ اللّٰهِ،

و جانبازی کردید در رکاب رسول خدا و گواهی دهم که شما بر همان راه رسول خدا

فَجَزَاكُمْ اللّٰهُ عَنْ نَبِیِّهِ وَعَنْ الْاِسْلَامِ وَآهْلِهِ اَفْضَلَ الْجَزَاءِ، وَعَرَّفْنَا

کشته شدید پس خدایتان پاداش دهد از جانب پیامبرش و از دین اسلام و مسلمانان بهترین پاداش و بشناساند

وَجُوهَكُمْ فِی مَحَلِّ رِضْوَانِهِ وَمَوْضِعِ اِكْرَامِهِ، مَعَ النَّبِیِّیْنَ

به ما صورتهای شما را در جایگاه رضوان خود و موضع اکرامش همراه با پیامبران

وَالصَّادِقِیْنَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِیْنَ، وَحَسُنَ اَوْلَیْكَ رَفِیْقًا، اَشْهَدُ

و راستگویان و شهیدان و صالحان و چه نیکو رفیقانی هستند آنها گواهی دهم

اَنَّكُمْ حِزْبُ اللّٰهِ، وَاَنَّ مَنْ حَارَبَكُمْ فَقَدْ حَارَبَ اللّٰهَ، وَاَنَّكُمْ لَمِنْ

که شمائید حزب خدا و هر که با شما بجنگد مسلماً با خدا جنگ کرده و براسستی شما

الْمُقَرَّبِیْنَ الْفَائِزِیْنَ، الَّذِیْنَ هُمْ اَحْبَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ، فَعَلِیْ مَنْ

از مقربان و رستگارانید که در پیشگاه پروردگارشان زنده‌اند و روزی می‌خورند پس لعنت خدا
فَتَلَكُمُ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ، أَتَيْتُكُمْ يَا أَهْلَ التَّوْحِيدِ،
و فرشتگان و همه مردم بر آنکه شما را کشت آمده‌ام به نزد شما برای زیارت ای اهل توحید
زَائِرًا وَبِحَقِّكُمْ عَارِفًا، وَبِزِيَارَتِكُمْ إِلَيَّ اللَّهُ مُتَقَرِّبًا، وَبِمَا سَبَقَ مِنْ
و به حق شما عارفم و بوسیله زیارت شما بسوی خدا تقرب جویم و بدانچه گذشته از
شَرِيفِ الْأَعْمَالِ، وَمَرْضِي الْأَفْعَالِ عَالِمًا، فَعَلَيْكُمْ سَلَامُ اللَّهِ وَرَحْمَتُهُ
اعمال شریف و کارهای پسندیده دانایم پس بر شما باد سلام خدا و رحمت
وَبَرَكَاتُهُ، وَعَلَيَّ مَنْ قَتَلَكُمْ، لَعْنَةُ اللَّهِ وَعُضْبُهُ وَسَخَطُهُ، اَللَّهُمَّ اِنْفَعْنِي
و برکاتش و لعنت خدا و خشم غضبش بر آنکس که شما را کشت خدایا سود ده مرا
بِزِيَارَتِهِمْ، وَتَبَيَّنْ عَلَيَّ قَصْدِهِمْ، وَتَوَفَّنِي عَلَيَّ مَا تَوَفَّيْتَهُمْ عَلَيْهِ، وَاجْمَعْ بَيْنِي
به زیارتشان و بر آن نیتی که آنها داشتند مرا هم ثابت بدار و میرانم بر آنچه ایشان را بر آن میراندی و گرد آور میان من
وَيَبْنِهِمْ فِي مُسْتَقَرٍّ دَارِ رَحْمَتِكَ، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ لَنَا فَرَطٌ وَنَحْنُ بِكُمْ لَاحِقُونَ .
و ایشان در جایگاه خانه رحمت گواهی دهم که شما بر ما سبقت گرفتید و ما هم به شما ملحق خواهیم شد
و می‌خوانی سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ را آنچه توانی و بعضی گفته‌اند که نزد هر مَزُورِی دو رکعت نماز زیارت
می‌گذاری و برمی‌گردد انشاءالله تعالی .

ذکر مساجد مُعَظَّمَه در مدینه مُنَوَّرَه

از جمله مسجد قبا است که بنا شده بر پرهیزکاری از روز اول و روایت شده که هر که برود به آن مسجد و دو رکعت
نماز در آن گذارد برگردد با ثواب عمره پس برو به این مسجد شریف و دو رکعت نماز تحیت مسجد بجا آور و بخوان
تسبیح زهراء علیها السلام را پس بخوان زیارت جامعه را که اولش السَّلَامُ عَلَيَّ اَوْلِيَاءِ اللَّهِ است و ما آن را زیارت اول
جامعه قرار می‌دهیم و بیاید در اواخر باب انشاءالله پس بخوان خدا را و بگو یا کائناً قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ و این دعائست
طولانی نقلش منافی با اختصار است هر که خواهد به مزار بحار رجوع کند و نماز می‌گذاری در مشربه ام ابراهیم یعنی
غرفه مادر حضرت ابراهیم بن رسول الله صلی الله علیه و آله که آن مسکن و محل نماز حضرت رسول صلی الله علیه و آله
بوده‌است و در مسجد فضیخ که در نزدیکی مسجد قبا است و آن را مسجد رَدِّ شمس نیز می‌گویند و در مسجد فتح که
مسجد احزاب نیز می‌گویند و چون در مسجد فتح از نماز فارغ شدي بگو :

يَا صَرِيخَ الْمَكْرُوبِينَ، يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، وَيَا

ای فریاد رس گرفتاران و ای اجابت کننده دعای درماندگان و ای

مُغِيثَ الْمَهْمُومِينَ، اكْشِفْ عَنِّي ضُرِّيْ وَهَمِّيْ وَكَرْبِيْ وَغَمِّيْ، كَمَا

دادرس غمزدگان بگشا از من سختی و اندوه و گرفتاری و غم را چنانچه

كَشَفْتَ عَنْ نَبِيِّكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَمَّهُ، وَكَفَيْتَهُ هَوْلَ عَدُوِّهِ،

گشودای از پیامبرت صلی الله علیه و آله اندوهش را و هراس دشمن را از او کفایت کردی

وَكَفَيْتَنِي مَا أَهَمَّنِي مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ،

و از من هم کفایت کند آنچه مرا به خود مشغول داشته از کار دنیا و آخرتم ای مهربانترین مهربانان

و نماز می گذاری در خانه حضرت امام زین العابدین و خانه امام جعفر صادق علیهما السلام و مسجد سلمان و مسجد

امیرالمؤمنین علیه السلام که مُحَازِیْ قَبْرِ حمزه است و مسجد مباحله آنقدر که بتوانی و دعا می کنی به آنچه خواهی

انشاء الله تعالی .

زیارت وداع

هرگاه خواستی از مدینه بیرون آئی غسل کن و برو نزد قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله و به عمل آور آنچه بیشتر

می کردی پس وداع کن آن حضرت را و بگو اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ،

* * * * * سلام بر تو ای

رسول خدا

أَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ، وَأَسْتَرْعِيكَ وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ، آمَنْتُ بِاللَّهِ وَبِمَا

تو را به خدا می سپارم و از تو خواهم رعایت کنی و بر تو سلام می فرستم ایمان دارم به خدا و بدانچه

جِئْتُ بِهِ، وَذَلَّلْتَ عَلَيْهِ، اَللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَةِ قَبْرِ

تو آوردم و بدان راهنمایی کردی خدایا قرار مده این زیارت را آخرین زیارت من از قبر

نَبِيِّكَ، فَإِنْ تَوَفَّيْتَنِي قَبْلَ ذَلِكَ، فَأَيُّ أَشْهَدُ فِي مَمَاتِي عَلَيَّ مَا شَهِدْتُ

پیامبرت و اگر پیش از آنکه دوباره موفق به زیارتش شوم مرا میراندی پس من در مرگم نیز گواهی دهم

عَلَيْهِ فِي حَيَاتِي، أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَأَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ

بدانچه گواهی بدان دادم در زندگیم که معبودی نیست جز تو و اینکه محمد بنده و رسول تو است

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. و حضرت صادق علیه السلام در وداع قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله به یونس بن یعقوب

* * * * *
* * * * *

فرموده که بگو صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ تَسْلِيمِي عَلَيْكَ.

* * * * * درود خدا بر تو سلام بر تو قرار ندهد خدا (این سلام را) آخرین سلامم بر تو

مؤلف گوید: که ما در کتاب هدیه الزائرین در بیان تکالیف زوَّار در مدینه طیبه گفتیم از چیزهایی که مهم است برای ایشان آنکه مادامی که در مدینه معظمه هستند فرصت را غنیمت دانسته نماز بسیار کنند در مسجد حضرت رسول صلی الله علیه و آله که نماز در آنجا مقابل ده هزار نمازی است که در جای دیگر کرده شود و بهترین مکانهای مسجد روضه است که مابین قبر و منبر است و بدانکه چنانکه شیخ ما در تحفه فرموده مقدار خوابیدن جسد مبارک پیغمبر ما و ائمه صلوات الله علیهم اجمعین از زمین اشرفست از کعبه معظمه به اتفاق جمیع فقهاء چنانچه شهید رحمه الله در قواعد تصریح به آن نموده و در حدیث حسن از حضرمی منقول است که حضرت صادق علیه السلام مرا امر فرمود که در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله بسیار نماز کنم تا توانم و فرمود که همیشه تو را میسر نمی شود که به این مکان شریف بیائی الخ و شیخ طوسی رحمه الله در تهذیب به سند معتبر از مرازم نقل کرده که حضرت صادق علیه السلام فرمود که روزه گرفتن در مدینه و نماز کردن نزد ستونها واجب نیست بلکه واجب همان نماز پنجگانه و روزه ماه رمضان است و لکن هر که خواهد روزه بدارد بهتر است از برای او و فرمود بسیار نماز کنید در این مسجد شریف تا توانید که بهتر است از برای شما و بدانید که آدمی گاه هست زیرک می باشد در کار دنیا مردم او را مدح می کنند که چه بسیار زیرک است فلانی پس چون باشد کسی که در امر آخرت زیرک باشد و زیارت کن حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله را در هر روز مکرر و همچنین ائمه بقیع را به اندازه ای که ممکن است ترا و هر وقت که مشاهده کردی حجره حضرت رسول صلی الله علیه و آله را سلام بکن بر آن حضرت و مادامی که در مدینه هستی مواظب خود

باش و خود را حفظ کن از گناهان و مظالم و تدبیر و تفکر کن در شرافت آنجا خصوص در مسجد شریف که قدمهای مبارک حضرت رسول صلی الله علیه و آله بر آن زمینها گذاشته شده و آن بزرگوار در کوچه و بازار آن تردد فرموده و در مسجد آن نماز خوانده و آنجا موضع وحی و تنزیل است و حضرت جبرئیل و ملائکه مقررین آنجا فرود می آمدند و کُنْعَمَ مَا قِيلَ.

أَرْضُ مَشْيِ جِبْرِيلُ فِي عَرَاصَتِهَا

وَاللَّهُ شَرَّفَ أَرْضَهَا وَسَمَائَهَا

زمینی که قدم زد جبرئیل در عرصه اش

و خدا شرف داد زمین و آسمانش را

و تا ممکن شود تو را تصدّق کن در مدینه خصوص در مسجد و بخصوص به سادات و ذُرّیّه رسول صلی الله علیه و آله
که ثواب جزیل و اجر عظیم بر آن مترتّب است و علامه مجلسی رحمه الله فرموده که در روایت معتبر وارد شده است که
درهمی که در آنجا تصدّق کنند برابر است با ده هزار درهم که در جاهای دیگر تصدّق کنند و اگر ممکن شود تو را اختیار
کن مجاورت آن بلد طیب را که مجاورت در مدینه مستحبّ است و احادیث مستفیضه در فضیلت آن وارد شده :

سَقَى اللَّهُ قَبْرًا بِالْمَدِينَةِ غَيْثَهُ
فَقَدْ حَلَّ فِيهِ الْأَمْنُ بِالْبَرَكَاتِ

سیراب گرداند خدا قبر مدینه را بوسیله بارانش

که براستی فرو رفت در آن امنیت و برکتها

نَبِيُّ الْهُدَى صَلَّى عَلَيْهِ مَلِكُهُ
وَبَلَغَ عَنَّا رُوحَهُ التُّحَفَاتِ

پیامبر هدایت که خدایش بر او درود

فرستد و برساند از ما به روحش تحفه‌هایی

وَصَلَّى عَلَيْهِ اللَّهُ مَا ذَرَّ شَارِقُ
وَلَا حَتَّ نُجُومُ اللَّيْلِ مُبْتَدِرَاتِ

و درود فرستد خدا بر او تا بتابد خورشید

و تا ستارگان شب درخشندگی دارند

فصل چهاردهم

در فضیلت و کیفیت زیارت مولای ما حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

و در آن چند مطلب است مطلب اوّل در فضیلت زیارت آن حضرت است شیخ طوسی به سند صحیح از محمد بن
مسلم از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود خداوند خلق نفرموده مخلوقی بیشتر از ملائکه و بدرستی که
هر روزی نازل می‌شوند هفتاد هزار ملک و بیایند به بیت المعمور و طواف می‌کنند به دور آن و چون از طواف آنجا فارغ
شدند به طواف کعبه می‌روند و چون از طواف کعبه فارغ شدند بسوی قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله می‌آیند و سلام
می‌کنند بر آن حضرت پس از آن می‌آیند به سوی قبر امیرالمؤمنین علیه السلام و سلام می‌کنند بر آن حضرت بعد از آن

می آیند نزد قبر حسین علیه السلام و سلام می کنند بر آن جناب پس از آن به آسمان بالا می روند و مثل ایشان هر روز نازل می شود تا روز قیامت پس فرمود آن حضرت که هر که زیارت کند امیرالمؤمنین علیه السلام را و عارف به حق آن حضرت باشد یعنی آن جناب را امام واجب الطاعة و خلیفه بلا فصل داند و از روی تجرّب و تکبّر به زیارت نیامده باشد حق تعالی بنویسد از برای او اجر صد هزار شهید و گناهان گذشته و آینده او را ببامرزد و مبعوث گردد در روز قیامت از جمله ایمنان از احوال آن روز و آسان گرداند بر او حساب را و استقبال نمایند او را ملائکه و چون برگردد از زیارت او را مشایعت نمایند تا به خانه خود برگردد و اگر بیمار شود به عیادت او بیایند و اگر بمیرد متابعت جنازه او بکنند و از برای او طلب آمرزش نمایند تا قبرش و سید عبدالکریم بن طاوس در فَرَحَةُ الْعَرَبِ از آن حضرت روایت کرده که فرمود هر که پیاده به زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام برود حق تعالی به هر گامی ثواب يك حج و يك عمره برای او بنویسد و اگر پیاده برگردد به هر گامی ثواب دو حج و دو عمره از برای او بنویسد و نیز از آن حضرت روایت کرده که به ابن مارد فرمود ای پسر مارد هر که زیارت کند جدّم امیرالمؤمنین علیه السلام را عارفاً بِحَقِّهِ بنویسد حق تعالی از برای او به عدد هر گامی حج مقبول و عمره پسندیده ای، ای پسر مارد وَاللّٰهُ نَفِي خُورَد آتش جهنّم قدمی را که غبارآلوده شود در زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام خواه پیاده رَوَد خواه سواره ای پسر مارد بنویس این حدیث را به آب طلا و نیز از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود ما می گوئیم که در پشت کوفه قبری هست که پناه نمی برد به آن قبر دردناکی مگر آنکه حق تعالی او را شفا کرامت فرماید مؤلف گوید که از اخبار معتبره ظاهر می شود که حق تعالی قبر امیرالمؤمنین علیه السلام و اولاد طاهرینش را مَعْقِل خائفین و مَلْجَا مُضْطَرِّين و اَمَانِ اهل زمین قرار داده هر غمناکی که نزد او برود غمش زایل گردد و هر دردناکی که خود را به او بمالد شفا گیرد و هر که به آن پناه برد در امان باشد سید عبدالکریم بن طاوس روایت کرده از محمد بن علی شیبانی که گفت من و پدرم و عمّم حسین به نحو پنهانی در شب رفتیم به زیارت قبر امیرالمؤمنین علیه السلام و این در سال دویست و شصت و چیزی بود و من کودکی صغیر بودم چون رسیدیم به نزد قبر آن حضرت دیدیم که آن قبر مطهر دورش سنگهای سیاه گذاشته شده و بنائی ندارد پس ما نزدیک آن رفتیم بعضی از ما شروع کرد به خواندن قرآن و بعضی دیگر مشغول به نماز شد و بعضی مشغول به زیارت در این حال بودیم که ناگاه دیدیم شیری به جانب ما می آید چون نزدیک ما آمد به فاصله يك نیزه ما از آن محلّ شریف دور شدیم آن حیوان به نزدیک قبر رفت و شروع کرد به مالیدن ذراع خود بر قبر یکی از ما نزدیک او رفت و مشاهده کرد او را شیر متعرّض او نشد او برگشت و ما را به حال شیر خبر داد پس ترس از ما برطرف شد و همگی نزدیک او رفتیم و او را مشاهده کردیم دیدیم که در ذراع او جراحتی است و آن دست مجروح را به قبر آن حضرت می مالید پس يك ساعت با این حال بود آنگاه برفت و ما دیگر باره به حال اوّل خود به نماز و زیارت و قرائت قرآن برگشتیم و شیخ مفید نقل کرده

که روزی هارون الرشید به آهنگ شکار از کوفه بیرون رفت و به جانب غریین و ثوییه توجه نمود و در آنجا آهوئی دید فرمان داد تا بازهای شکاری و کلاب معلّم را برای شکار آهوان رها کردند و بر آنها بتاختند آهوان که چنین دیدند فرار کرده به پشته‌ای پناه بردند و در آنجا بیارمیدند بازها در ناحیه‌ای بیفتادند و تازیها باز شدند و رشید از این مطلب در عجب شد دیگر باره آهوان از فراز پشته به نشیب آمدند بازها و تازیها آهنگ ایشان نمودند دیگر باره آهوان به آن پشته پناه بردند و جانوران شکاری از قصد ایشان برگشتند تا سه مرتبه کار بدینگونه رفت هارون سخت در عجب شد غلامان خود را امر کرد که تعجیل کنید و مردی را که از حال این مکان با خبر باشد بیاورید غلامان رفتند و از قبیله بنی‌اسد پیرمردی را حاضر کردند هارون از وی پرسید که حال این پشته چیست و در این مکان چه کیفیتی است گفت اگر مرا امان می‌دهی قصّه آن را به عرض می‌رسانم گفت با خدا عهد کردم که تو را اذیت نکنم و در امان باشی الحال آنچه دانی بگو گفت خبر داد مرا پدرم از پدران خود که می‌گفتند قبر مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام در این پشته واقعست و حق تعالی آن را حرم امن و امان خود قرار داده که هر چه به آن پناه ببرد در امان باشد فقیر گوید در امثال عربست که می‌گویند أَحْمِي مِنْ مُجِيرِ الْجَرَادِ یعنی فلانی حمایت کردنش از کسی که در پناه او است بیشتر از پناه دهنده ملخها است و قصّه آن چنان است که مردی بادیّه نشین از قبیله طیّ که نامش مُدْلَج بن سُویّد بود روزی در خیمه خود نشسته بود دید جماعتی از طایفه طیّ آمدند و جوال و ظرفهایی با خود دارند پرسید چه خبر است گفتند ملخهای بسیار در اطراف خیمه شما فرود آمده‌اند آمدیم آنها را بگیریم مُدْلَج که این را شنید برخاست سوار اسب خود شد و نیزه خود را بر دست گرفت و گفت به خدا سوگند هر کس متعرّض این ملخها شود من او را خواهم کشت اَيْكُونُ الْجَرَادُ فِي جَوَارِي ثُمَّ تُرِيدُونَ اخْذَهُ آیا این ملخها در جوار و پناه من باشند و شما آنها را بگیرید چنین چیزی نخواهد شد پیوسته از آنها حمایت کرد تا آفتاب گرم شد ملخها پریدند و رفتند آن وقت گفت این ملخها از جوار من منتقل شدند دیگر خود دانید با آنها و صاحب قاموس گفته ذوالأغواد لقب شخصی خیلی عزیز بوده که بعضی گفته‌اند جدّ اکثم بن صیفی بوده طایفه مُضَرّ هر سال خراجی به او می‌دادند و چون پیر شد او را بالای سریری می‌نشاندند و در میان قبایل و میاه عرب برای جبايت خراج او را طواف می‌دادند و به حدّی عزیز و محترم بود که هر ترسانی خود را به سریر او می‌رسانید امین می‌گشت و هر ذلیل و خواری که به نزد سریر او می‌آمد عزیز و ارجمند می‌گردید و هر گرسنه‌ای که به نزد او می‌رسید از گرسنگی می‌رهید انتهی. پس هرگاه سریر يك مرد عربی به این مرتبه از عزّت و رفعت رسد چه عجب دارد حق تعالی قبر ولیّ خود را که حامل سریرش جبرئیل و میکائیل و امام حسن و امام حسین علیهم السلام بوده‌اند معقل خائفین و ملجأ هاربین و فریادرس بیچارگان و شفاء دردمندان قرار داده باشد پس در هر کجا باشی خود را به او برسان و تا ممکن شود خود را به او بچسبان و الحاح کن تا به فریاد تو برسد و تو را از هلاکت دنیا و آخرت نجات دهد.

لُذْ إِلَى جُودِهِ تَجِدُهُ زَعِيمًا

بِنَجَاةِ الْعَصَا يَوْمَ لِقَاها

پناه بجودش ببر که می یابی او را کفیلی

برای نجات گنهکار در روز رستاخیز

عَائِدٌ لِلْمُؤْمِلِينَ مُجِيبٌ

سامعٌ ما تُسِرُّ مَنْ تَجْوِها

آرزو دهنده آرزومندان و اجابت کننده

و شنوا است آنچه را پنهان کنی از سخنان سرّی

در دارالسلام از شیخ دیلمی نقل شده که روایت کردند جماعتی از صلحاء نجف اشرف که کسی در خواب دید که از

قبري که در آن مشهد شریف و بیرون آن است ریسمانی کشیده شده متصل به قبّه شریفه حضرت حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينِ

امیرالمؤمنین صلوات الله علیه پس آن شخص انشاد کرد :

إِذَا مِتُّ فَأَذْفِنِي إِلَى جَنْبِ حَيْدَرٍ

أَبَى شَبْرٍ أَكْرَمَ بِهِ وَشَبِيرٍ

هنگامی که مرگم فرا رسید مرا در کنار حیدر دفن کن

که پدر ارجمند شبر و شبیر (حسن و حسین) است

فَلَسْتُ أَخَافُ الثَّارَ عِنْدَ جِوَارِهِ

وَلَا أَتَّقِي مِنْ مُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ

چونکه من در جوار او ترسی از آتش ندارم

و باکی از سؤال نکیر و منکر ندارم

فَعَارِ عَلِيَّ حَامِي الْحِمِي وَهُوَ فِي الْحِمِي

إِذَا ضَلَّ فِي الْبَيْدَاءِ عِقَالُ بَعِيرٍ

برای حمایت کننده قرقگاه ننگ است که در

حوزه حمایتش حتی افسار شتری گم شود

مطلب دویم در کیفیت زیارت آن حضرتست

بدانکه زیارات منقوله برای آن حضرت بر دو قسم است یکی مُطْلَقَه که مُقَيَّد به وقتی از اوقات نیست و دیگر مخصوصه که عکس آنست و این زیارات در ضمن دو مقصد بیان می شود مقصد اول در زیارات مُطْلَقَه است و آنها بسیار است و ما اکتفا می کنیم در اینجا به ذکر چند زیارت اول زیارتی است که شیخ مفید و شهید و سید بن طاوس و دیگران ذکر کرده اند و کیفیت آن چنان است که هرگاه اراده زیارت نمائی غسل کن و دو جامه پاک بپوش و به چیزی از بوی خوش خود را خوشبو کن و اگر نیابی و نکنی نیز مجزی است و چون از خانه بیرون آمدي بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي خَرَجْتُ مِنْ مَنَزِلِي أَبْغِي فَضْلَكَ، وَأَزُورُ وَصِيَّ نَبِيِّكَ

خدایا من از خانه ام بیرون آمده و جویای فضل تو ام و قاصد زیارت وصی پیامبرت

صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمَا، اللَّهُمَّ فَيَسِّرْ ذَلِكَ لِي، وَسَبِّبِ الْمَزَارَ لَهُ وَاخْلُقْنِي

- که دروذهای تو بر هر دوشان - باد هستم خدایا پس آسان گردان برای من آن را و فراهم کن اسباب زیارتش را

و جانشینم

فِي عَاقِبَتِي وَحُرَاتِي بِأَحْسَنِ الْخِلَافَةِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ پس روانه شو

باش در انجام کارم و کسانم به بهترین جانیشینی ای مهربانترین مهربانان * * * * *

در حالی که زبانت گویا باشد به ذکر: الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ و چون

* * * * * ستایش خدای را است و منزّه است خدا و

معبودی نیست جز خدا * * * * *

رسیدی به خندق کوفه بایست و بگو: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، أَهْلَ الْكِبَرِيَاءِ وَالْمَجْدِ

* * * * * خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است که شایسته

بزرگی و مجد

وَالْعِظْمَةِ، اللَّهُ أَكْبَرُ أَهْلَ التَّكْبِيرِ وَالتَّقْدِيسِ وَالتَّسْبِيحِ وَالْأَلَاءِ، اللَّهُ أَكْبَرُ

و عظمت است خدا بزرگتر است که شایسته بزرگ شمردن و تقدیس و تنزیه و نعمتها است خدا بزرگتر است

مِمَّا أَخَافُ وَأَحْذَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ عِمَادِي وَعَلَيْهِ أَتَوَكَّلُ، اللَّهُ أَكْبَرُ رَجَائِي

از آنچه می ترسم و بیم دارم خدا بزرگتر است که تکیه گاه من است و توکل بر او کنم خدا بزرگتر است که امید من

وَالَيْهِ أُنِيبُ، اللَّهُمَّ أَتَى وَلِيَّ نِعْمَتِي، وَالْقَادِرُ عَلَيَّ طَلَبَتِي تَعْلَمُ

است و بسویش باز گردم خدایا تو ولی نعمت منی و توانای بر انجام خواسته ام هستی می دانی

حَاجَتِي، وَمَا تُضْمِرُهُ هَوَاجِسُ الصُّدُورِ، وَخَوَاطِرُ النُّفُوسِ، فَاسْأَلْكَ

حاجتم را و آنچه را پنهان کند تشویشهای دها و خاطرات نفوس پس از تو خواهم

بِمُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى الَّذِي قَطَعْتَ بِهِ حُجَجَ الْمُحْتَجِّينَ، وَعُذِرَ

به محمد مصطفی که قطع کردی بوسیله او دلیلهای دلیل تراشان و عذر

الْمُعْتَذِرِينَ وَجَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ، أَنْ لَا تَحْرِمَنِي ثَوَابَ زِيَارَةِ

عذرخواهان را و او را برای جهانیان رحمت قرار دادی که محروم نکنی از ثواب زیارت

وَلِيِّكَ، وَآخِي نَبِيِّكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَقَصْدَهُ، وَتَجْعَلَنِي مِنْ وَفْدِهِ

ولی خود و برادر پیامبرت امیر مؤمنان و توجه بسویش و قرار دهی مرا از واردین

الصَّالِحِينَ وَشِيعَتِهِ الْمُتَّقِينَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و چون نمودار

شایسته و شیعیان پرهیزکارش به مهرت ای مهربانترین مهربانان * * * * *

شود برای تو قُبّه شریفه آن حضرت بگو: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰی مَا اَخْتَصَّنٰی بِهِ مِنْ

* * * * * ستایش خدای را که مخصوص داشت

طِيبِ الْمَوْلِدِ، وَاسْتَخْلَصَنِي اِكْرَامًا بِهِ مِنْ مُوَالَاةِ الْأَبْرَارِ، السَّفَرَةِ

به پاکي ولادت و برگزیدم از روی اکرام بدوستی نیکان و سفیران

الْأَطْهَارِ وَالْخَيْرَةِ الْأَعْلَامِ، اَللّٰهُمَّ فَتَقَبَّلْ سَعْيِي اِلَيْكَ، وَتَصَرَّعِي بَيْنَ

پاک و برگزیدگان نمونه خدایا پس بپذیر کوششم را بسویت و زاریم را پیش

يَدَيْكَ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي لَا تَخْفِي عَلَيْكَ، اِنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ الْمَلِكُ الْغَفَّارُ .

درگاهت و ببامرز گناهانم را که بر تو پوشیده نیست که براسق توئی خدای فرمانروای آمرزش پیشه

* مؤلف گوید: که چون در وقت دیدن قُبّه منوره يك حال نشاط و شوقی برای زائر روی می دهد که میل دارد در

آن وقت تمام توجه خود را به آن جناب نماید و به هر لسانی و بیانی که تواند مدح و ثنای آن بزرگوار گوید خصوص

زائرگراز اهل علم و کمال باشد دوست می دارد که اگر شعر بلیغی در نظر داشته باشد در آن حال به آن تَمَثُّلْ جَوِّد

لذا بخاطر مرسید که این چند شعر را از قصیده هائیه اُزْرِیه که مناسب این مقام است ذکر نمایم و رجاء واثق که سلامی از جانب

این صاحب صحیفه سُوداء به آن صاحب قُبّه بیضاء بنماید و از دُعای خیر فراموشم نفرماید وَالْأَشْعَارُ هَذِهِ :

أَيُّهَا الرَّكَّابُ الْمُجَدُّ رُوَيْدًا

بِقُلُوبٍ تَقَلَّبَتْ فِي جَوَاهَا

ای سوار تندرو مهلتی ده

بر دلهائي كه زير و رو شوند در سوز و گدازش
إِنْ تَرَأْتِ أَرْضَ الْغَرَبَيْنِ فَاخْضَعِ
وَاخْلَعْ التَّغْلَ دُونَ وَادِي طُوَاهَا
چون نمايان گشت سرزمين نجف خضوع كن
و كفش را در بيرون دروازه شهر از پاي بيرون آر
وَإِذَا شِمْتَ قُبَّةَ الْعَالَمِ
الْأَعْلَى وَأَنْوَارُ رَبِّهَا تَعْشَاهَا
و چون چشمت به گنبد عالم
اعلي افتاد كه انوار پروردگارش پوشانده
فَتَوَاضَعْ فَتَمَّ دَارَةُ قُدُسٍ
تَتَمَنَّى الْإِفْلَاقُ لَنَمِّ ثَرَاهَا
فروتنى كن كه آنجا خانه قدسي است
كه افلاك آرزوي بوسيدن خاكش را كنند
قُلْ لَهُ وَالِدُ الْمُؤْمِنِ سَفْحُ عَقِيقٍ
وَالْحَشَا تَصْطَلِي بِنَارِ غَضَاهَا
به او بگو با ديده خونبار چون عقيق سرخ
و با دلى سوزان به آتش فروزانش
يَا بَنَ عَمِّ النَّبِيِّ أَنْتَ يَدُ اللَّهِ
الَّتِي عَمَّ كُلَّ شَيْءٍ نَدَاهَا
اي پسر عموي پيغمبر توئي دست خدا
كه فرا گرفته سخايش همه چيز را
أَنْتَ قُرْآنُهُ الْقَدِيمُ وَأَوْصَافُ
-كَ آيَاتُهُ الَّتِي أَوْحَاهَا
توئي قرآن قديم حق و صفات تو
آيه هاي آن قرآن است كه وحى كرد آن را

حَصَّكَ اللَّهُ فِي مَأْتِرَ شَتَّى
هِيَ مِثْلُ الْأَعْدَادِ لَا تَنْتَاهِي
ویژه‌ات داشت خدا به افتخارات گوناگونی
که مانند اعداد بی پایان است
لَيْتَ عَيْنًا بَعِيرٍ رَوْضِكَ تَرْعِي
قَذَيْتَ وَاسْتَمَرَّ فِيهَا قَذَاهَا
ای کاش چشمی که در غیر بوستان تو بچرد
پراز خاشاک شود و این خاشاک همچنان در آن بماند
أَنْتَ بَعْدَ النَّبِيِّ خَيْرُ الْبَرَايَا
وَالسَّمَا خَيْرٌ مَا بِهَا قَمَرَاهَا
تو بعد از پیغمبر بهترین مردمی
چنانچه در آسمان بهترین اختران مهر و ماه‌اند
لَكَ ذَاتٌ كَذَاتِهِ حَيْثُ لَوْ لَا
أَنْهَا مِثْلُهَا لَمَّا آخَاهَا
ذات تو چون ذات پیمبر است و اگر چنین
نبود هرگز تو را به برادری خویش نمی گرفت
قَدْ تَرَا ضَعُتُمَا بِنْدِي وَصَالٍ
كَانَ مِنْ جَوْهَرِ التَّجَلِّيِ غِذَاهَا
هر دوی شما از پستان و صالی شیر خورده‌اید
که غذای آن از گوهر تجلی حق بود
يَا أَخَا الْمُصْطَفَى لَدَيَّ ذُنُوبٌ
هِيَ عَيْنُ الْقَذَا وَأَنْتَ جَلَاهَا
ای برادر پیامبر مصطفی مرا گناهانی است
که چون خاری در چشم منند و توئی جلا دهنده آن
لَكَ فِي مُرْتَقَى الْعُلَى وَالْمَعَالَى

دَرَجَاتٌ لَا يُرْتَقَى أَذْنَاهَا

تو را در نردبان رفعت و برتری

در جاتی است که از پائین ترین آنها نتوان بالا رفت

لَكَ نَفْسٌ مِنْ مَعْدِنِ اللَّطْفِ صَبِغَتْ

جَعَلَ اللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ فِدَاهَا

تو را جانی است که از معدن لطف حق پی ریزی شده

و خدا هر جانی را فدای آن کند

و چون به دروازه نجف برسی بگو: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا، وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ

* * * * * ستایش خدائی را که مرا بدین جا

راهنمایی کرد

لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي سَيَّرَنِي فِي بِلَادِهِ وَحَمَلَنِي عَلَيَّ

و ما خود نمی توانستیم بدان راهبر شویم اگر خدا راهنمائیمان نمی کرد ستایش خدائی را که مرا در شهرهای خویش سیر

داد و بر

دَوَّابِهِ، وَطَوَّى لِي الْبُعِيدَ، وَصَرَفَ عَنِّي الْمَحْذُورَ، وَدَفَعَ عَنِّي

چهارپایانش سوار کرد و راههای دور را زیر پایم در نوردید و هر محذوری را از سر راهم

الْمَكْرُوهَ، حَتَّى أَقْدَمَنِي حَرَمَ أَخِي رَسُولِهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، پس

برداشت ناراحتی را از من دور کرد تا فرودم آورد در حرم برادر رسول او که درود خدا بر او و آلش باد * * *

* * *

داخل شهر شو و بگو: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَدْخَلَنِي هَذِهِ الْبُقْعَةَ الْمُبَارَكَةَ الَّتِي

* * * * * ستایش خاص خدائی است که واردم کرد در این بقعه مبارکه ای که

بَارَكَ اللَّهُ فِيهَا، وَاخْتَارَهَا لَوْصِي نَبِيِّهِ، اللَّهُمَّ فَاجْعَلْهَا شَاهِدَةً لِي بِسَ

برکت داد خداوند در او و آن را برای وصی پیامبرش انتخاب فرمود خدایا پس آن را گواه من قرار ده * * *

چون به درگاه اول برسی بگو: اللَّهُمَّ لِبَابِكَ وَقَفْتُ، وَبِفَنَائِكَ نَزَلْتُ، وَبِحَبْلِكَ

* * * * * خدایا به در خانه تو ایستادم و به آستانت فرود آمدم

و به ریسمان تو

اعْتَصَمْتُ، وَلِرَحْمَتِكَ تَعَرَّضْتُ، وَبَوْلِيكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ تَوَسَّلْتُ،

چنگ زدم و خود را در مهر تو قرار دادم و به نمایندگی تو - که دروهای تو بر او باد - توسل جستیم
فَاجْعَلْهَا زِيَارَةً مَّقْبُولَةً، وَدُعَاءً مُسْتَجَابًا پس چون به در صحن برسی بگو:

پس آن را بگردان زیارتی پذیرفته و دعائی اجابت شده * * * * *

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْحَرَمَ حَرَمُكَ، وَالْمَقَامَ مَقَامُكَ، وَأَنَا دَخِلُ إِلَيْهِ أَنَا جَيْكَ

خدایا این حرم حرم تو است و این مقام مقام تو است و من داخل آن گردم و با تو راز گویم

بِمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي، وَمِنْ سِرِّي وَجَوَائِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَنَّانِ الْمَنَّانِ،

بدانچه تو بدان از من داناتری و هم از درون من و از راز من آگاهی ستایش خاص خدای پر نعمت و پر منت

الْمُتَطَوِّلِ الَّذِي مِنْ تَطَوُّلِهِ سَهَّلَ لِي زِيَارَةَ مَوْلَايَ بِإِحْسَانِهِ، وَلَمْ

و پر بخششی است که از بخشش او است که آسان کرد برای من زیارت مولایم را به احسانش و چنانم

يَجْعَلُنِي عَنْ زِيَارَتِهِ مَمْنُوعًا، وَلَا عَنْ وَلَايَتِهِ مَدْفُوعًا، بَلْ تَطَوَّلَ

نکرد که از زیارتش ممنوع باشم و نه از ولایتش برکنار بلکه بخشش کرد

وَمَنَحَ، اللَّهُمَّ كَمَا مَنَنْتَ عَلَيَّ بِمَعْرِفَتِهِ، فَاجْعَلْنِي مِنْ شِيعَتِهِ، وَأَدْخِلْنِي

و احسان فرمود خدایا چنانچه بر من بوسیله معرفتش منت نهادی پس مرا از شیعیانش قرار ده

الْجَنَّةَ بِشَفَاعَتِهِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ؛ پس داخل صحن شو و بگو: الْحَمْدُ لِلَّهِ

و بوسیله شفاعتش داخل بهشتم گردان ای مهربانترین مهربانان × × × × × × × × × × ستایش خدائی را

الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِهِ وَمَعْرِفَةِ رَسُولِهِ، وَمَنْ فَرَضَ عَلَيَّ طَاعَتَهُ،

که گرامی داشت مرا بوسیله شناختن او و شناختن پیامبرش و آن کس که اطاعتش را بر من واجب فرمود

رَحْمَةً مِنْهُ لِي، وَتَطَوُّلاً مِنْهُ عَلَيَّ، وَمَنْ عَلَيَّ بِالْإِيمَانِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ

از روی مهربی که به من داشت و بخششی که به من فرمود و منت نهاد بر من به ایمان، ستایش خدائی را

الَّذِي أَدْخَلَنِي حَرَمَ أَخِي رَسُولِهِ، وَأَرَانِيهِ فِي عَافِيَةٍ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

که وارد کرد مرا به حرم برادر رسولش و در حال تندرستی آن را نشان من داد ستایش خدائی را که مرا

جَعَلَنِي مِنْ زُوَارِ قَبْرِ وَصِيِّ رَسُولِهِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا

از زائران قبر وصی رسولش قرار داد گواهی دهم که معبودی نیست جز خدای یگانه ای که

شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، جَاءَ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ،
 شريك ندارد و گواهي دهم كه محمد بنده و رسول او است كه بحق از نزد خدا آمده
 وَأَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا عَبْدُ اللَّهِ، وَأَخُو رَسُولِ اللَّهِ، اللَّهُ أَكْبَرُ. اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا
 و گواهي دهم كه علي بنده خدا و برادر رسول او است، خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است . . .
 إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلِي هِدَايَتِهِ، وَتَوْفِيقِهِ لِمَا دَعَا إِلَيْهِ
 معبودي جز خدا نيست و خدا بزرگتر است و ستايش خدائي را بر راهنمايش و توفيقش به راهي كه بدان (مردم را)
 مِنْ سَبِيلِهِ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَفْضَلُ مَقْصُودٍ، وَكَرَّمَ مَاتِيٍّ، وَقَدْ أَتَيْتُكَ
 خوانده است خدایا براستی تو بهترین مقصود و گرامی ترین کسی هستی كه نزدت آیند و اینك به درگاهت آمده
 مُتَقَرِّبًا إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ، وَبِأَخِيهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ
 و تقرب جویم بسویت بوسیله پیامبرت پیامبر رحمت و به برادرش امیر مؤمنان علي بن
 أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلَا تُخَيِّبْ
 ابیطالب علیهما السلام پس درود فرست بر محمد و آل محمد و نوید مکن
 سَعْيِي، وَانْظُرْ إِلَيَّ نَظْرَةَ رَحِيمَةٍ تَنْعُشْنِي بِهَا، وَاجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا
 كوششم را و بنگر به من به نگاهی مهربانانه كه نجات و سربلندیم بخشی بدان و قرارم ده در پیش خود آبرومند
 فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ. × و چون به در رواق برسی بایست و بگو :
 در دنیا و آخرت و هم از مقربان
 * * * * *
 السَّلَامُ عَلَي رَسُولِ اللَّهِ أَمِينِ اللَّهِ عَلَي وَحْيِهِ، وَعَزَائِمِ أَمْرِهِ، الْخَاتِمِ
 سلام بر رسول خدا امین خدا بر وحیش و بر دستورات حتمی اش ختم کننده
 لِمَا سَبَقَ، وَالْفَاتِحِ لِمَا اسْتَقْبَلَ، وَالْمُهَيِّمِ عَلَي ذَلِكَ كُلِّهِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ
 آنچه گذشته و گشاینده آنچه پس از این آید و نگهبان بر همه آنها (سلام و) رحمت خدا
 وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَي صَاحِبِ السَّكِينَةِ، السَّلَامُ عَلَي الْمَدْفُونِ
 و برکاتش (بر او باد) سلام بر دارنده آرامش مخصوص حق سلام بر آنكه
 بِالْمَدِينَةِ، السَّلَامُ عَلَي الْمَنْصُورِ الْمُؤَيَّدِ، السَّلَامُ عَلَي أَبِي الْقَاسِمِ
 در مدینه مدفون است سلام بر آن یاری شده و تأیید شده حق سلام بر ابوالقاسم

مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. پس داخل رواق شو و در وقت داخل

* * * * * محمد بن عبدالله و رحمت خدا و برکاتش * * * * *

شدن پای راست را مقدم دار و بایست بر در حرم و بگو: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ،

* * * * *

* گواهی دهم که معبودی نیست جز

وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، جَاءَ بِالْحَقِّ مِنْ

خدای یگانه ای که شریک ندارد و گواهی دهم که محمد بنده و رسول او است که بحق از نزد

عِنْدِهِ وَصَدَّقَ الْمُرْسَلِينَ، أَسْلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَسْلَامُ عَلَيْكَ

او آمده و رسولان را تصدیق فرمود سلام بر تو ای رسول خدا سلام بر تو

يَا حَبِيبَ اللَّهِ وَخَيْرَتَهُ مِنْ خَلْقِهِ، أَسْلَامُ عَلَيَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدِ اللَّهِ

ای حبیب خدا و برگزیده اش از خلق او سلام بر امیر مؤمنان بنده خدا

وَآخِي رَسُولِ اللَّهِ، يَا مَوْلَايَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ

و برادر رسول خدا ای مولای من ای امیر مؤمنان بنده تو و پسر بنده تو

وَابْنُ أُمْتِكَ، جَاءَكَ مُسْتَجِيرًا بِذِمَّتِكَ، قاصداً إِلَى حَرَمِكَ مُتَوَجِّهاً إِلَى

و فرزند کنیز تو به نزدت آمده پناه جویم به عهده و ذمه تو قاصدم حرمت را و به

مَقَامِكَ، مُتَوَسِّلاً إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِكَ، أَدْخُلُ يَا مَوْلَايَ، أَدْخُلُ يَا أَمِيرَ

مقامت توجه کرده ام و به درگاه خدای تعالی بوسیله تو توسل جسته ام آیا داخل شوم ای مولای من آیا داخل شوم ای

امیر

الْمُؤْمِنِينَ، أَدْخُلُ يَا حُبَّةَ اللَّهِ، أَدْخُلُ يَا أَمِينَ اللَّهِ، أَدْخُلُ يَا مَلَائِكَةَ

مؤمنان آیا داخل شوم ای حجت خدا آیا داخل شوم ای امین خدا آیا داخل شوم ای فرشتگان

اللَّهُ. الْمُقِيمِينَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ يَا مَوْلَايَ، أَتَأْذَنُ لِي بِالْدُّخُولِ، أَفْضَلَ

خدا که در این زیارتگاه مقیم هستید ای مولای من آیا اذن دخول می دهی به بهترین

مَا أَذِنْتَ لِأَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ، فَإِنْ لَمْ أَكُنْ لَهُ أَهْلًا، فَأَنْتَ أَهْلٌ لِدَلِكِ. پس

اذنی که به یکی از دوستان داده ای؟ که اگر من شایسته آن نیستم تو شایسته آنی * * * * *

عَتَبَهُ رَا بَبُوس و مقدم دار پای راست را پیش از پای چپ و داخل شو و در حال داخل شدن بگو

* * * * *

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

به نام خدا و (توکل) به خدا و در راه خدا و بر کیش رسول خدا - درود خدا بر او

وَإِلَهُ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي، وَارْحَمْنِي، وَثُبْ عَلَيَّ، إِنَّكَ أَنْتَ الثَّوَابُ الرَّحِيمُ.

و آتش - خدایا بیامرز مرا و به من رحم کن و توبه‌ام ببذیر که براستی تویی توبه‌پذیر مهربان

پس برو تا محاذی قبر مطهر شوی و توقف نما پیش از رسیدن به قبر و رو به قبر کن و بگو

* * * * *

السَّلَامُ مِنَ اللَّهِ عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ، آمِينَ اللَّهُ عَلَيَّ وَحِيهِ

سلام از خدا بر محمد رسول خدا که امین او است بر وحیش

وَرِسَالَتِهِ، وَعَزَائِمِ أَمْرِهِ، وَمَعْدِنِ الْوَحْيِ وَالتَّنْزِيلِ، الْخَاتِمَ لِمَا سَبَقَ،

و پیغامهایش و دستورات حتمیش آن کان وحی و تنزیل که ختم کننده آنچه گذشته

وَالْفَاتِحَ لِمَا اسْتَقْبَلَ، وَالْمُهَيِّمَ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ الشَّاهِدَ عَلَى الْخَلْقِ،

و گشاینده است آنچه را پس از این آید و نگهبان بر همه آنها است گواه بر خلق،

السَّراجُ الْمُنِيرِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

چراغ تابان و سلام بر او و رحمت خدا و برکاتش خدایا درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْمَظْلُومِينَ أَفْضَلَ وَأَكْمَلَ وَأَرْفَعَ، وَأَشْرَفَ مَا

محمد و خاندان مظلومش بهترین و کاملترین و برترین و شریفترین درودی که

صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أُنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَأَصْفِيَائِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

بفرستی بر یکی از پیامبران و رسولان و برگزیدگانت خدایا درود فرست بر

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدِكَ، وَخَيْرِ خَلْقِكَ بَعْدَ نَبِيِّكَ، وَأَخِي رَسُولِكَ

امیر مؤمنان بندهات و بهترین خلق تو پس از پیامبرت و برادر رسول تو

وَوَصِيِّ حَبِيبِكَ، الَّذِي اسْتَجَبْتُهُ مِنْ خَلْقِكَ، وَالدَّلِيلَ عَلَيَّ مَنْ بَعَثْتُهُ

و وصی حبیبیت آنکس که او را از خلق خود برگزیدی و دلیل بود بر آن کس که

بِرِسَالَتِكَ، وَدَيَّانِ الدِّينِ بَعْدَكَ، وَفَضْلَ قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ،

به رسالت‌های برانگیختی و حاکم در دین از روی عدل و جداکن حکم تو در میان آفریدگانت
وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيِ الْاَئِمَّةِ مِنْ
و سلام بر او و رحمت خدا و برکاتش خدایا درود فرست بر پیشوایان از
وَلَدِهِ، الْقَوَّامِينَ بِأَمْرِكَ مِنْ بَعْدِهِ، الْمُطَهَّرِينَ الَّذِينَ ارْتَضَيْتَهُمْ أَصْصَاراً
فرزندانش قیام کنندگان به فرمان خدا پس از رسول تو آن پاکانی که پسندیدی آنها را برای یاری
لِدِينِكَ، وَحَفَظَةَ لِسِرِّكَ، وَشُهَدَاءَ عَلَي خَلْقِكَ، وَأَعْلَاماً لِعِبَادِكَ،
دینت و برای نگهبانی رازت و گواهان بر آفریدگانت و نشانه‌هایی برای بندگانت
صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، اَلسَّلَامُ عَلَي اميرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ
درودهای تو بر ایشان همگی سلام بر امیر مؤمنان علی بن
أَبِيطَالِبٍ، وَصِيِّ رَسُولِ اللَّهِ وَخَلِيفَتِهِ، وَالْقَائِمِ بِأَمْرِهِ مِنْ بَعْدِهِ، سَيِّدِ
ابیطالب وصی رسول خدا و جانشینش و قیام کننده به فرمان او پس از پیامبر و سید
الْوَصِيِّينَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، اَلسَّلَامُ عَلَي فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ،
اوصیاء و رحمت خدا و برکاتش سلام بر فاطمه دختر رسول خدا
صَلِّيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، اَلسَّلَامُ عَلَي الْحَسَنِ
صلی الله علیه و آله بانوی زنان جهانیان سلام بر حسن
وَالْحُسَيْنِ، سَيِّدَيِ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنَ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، اَلسَّلَامُ عَلَي
و حسین دو آقای جوانان اهل بهشت از همه خلق سلام بر
الْأَئِمَّةِ الرَّاشِدِينَ، اَلسَّلَامُ عَلَي الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ، اَلسَّلَامُ عَلَي
امامان راه یافته سلام بر پیمبران و رسولان سلام بر
الْأَئِمَّةِ الْمُسْتَوْدَعِينَ، اَلسَّلَامُ عَلَي خَاصَّةِ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ، اَلسَّلَامُ عَلَي
پیشوایانی که سپرده شدگان (اسرار نبوت) هستند سلام بر خاصان خدا از آفریدگانش سلام بر
الْمُتَوَسِّمِينَ، اَلسَّلَامُ عَلَي الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ قَامُوا بِأَمْرِهِ، وَوَارَوْا
دقیق نظران نکته‌سنج سلام بر آن مردان با ایمانی که قیام کردند به فرمان او و پشتیبانی کردند
أَوْلِيَاءَ اللَّهِ، وَخَافُوا بِخَوْفِهِمْ اَلسَّلَامُ عَلَي الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ، اَلسَّلَامُ
از اولیاء خدا و با ترس آنها آنان نیز ترسیدند سلام بر فرشتگان مقرب حق سلام

عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ. پس برو تا بایستی نزدیک قبر و رو به قبر و پشت

بر ما و بر بندگان شایسته خدا * * * * *
* * * * *

به قبله کن و بگو: اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ

* * * * * سلام بر تو ای امیر مؤمنان سلام بر تو ای حبیب

اللَّهُ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ

خدا سلام بر تو ای برگزیده خدا سلام بر تو ای ولی خدا سلام

عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْهُدَى، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

بر تو ای حجت خدا سلام بر تو ای پیشوای هدایت سلام بر تو ای

عَلِمَ التَّقَى، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ الْبَرُّ التَّقِيُّ الْوَفِيُّ،

نشانه پرهیزکاری سلام بر تو ای وصی نیکوکار پرهیزکار و پاکیزه با وفا

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمُودَ

سلام بر تو ای پدر بزرگوار حسن و حسین سلام بر تو ای ستون

الدِّينِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ، وَأَمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَدَيَانَ

دین سلام بر تو ای آقاي اوصیاء و امانتدار پروردگار جهانیان و حکومت کننده

يَوْمِ الدِّينِ، وَخَيْرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَسَيِّدَ الصَّدِّيقِينَ، وَالصَّفْوَةَ مِنْ سُلَالَةِ

در روز جزا (به اذن خدا) و بهترین مؤمنان و آقاي صدیقین و برگزیده از نژاد

النَّبِيِّينَ، وَبَابَ حِكْمَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَخَازِنَ وَحْيِهِ، وَعَيْنَةَ عِلْمِهِ،

پیامبران و درب حکمت پروردگار جهانیان و خزینه دار وحی او و گنجینه دانشش

وَالنَّاصِحَ لِأَمَّةِ نَبِيِّهِ، وَالتَّلَاقِيَّ لِرَسُولِهِ، وَالْمُؤَاسِيَّ لَهُ بِنَفْسِهِ، وَالتَّنَاطُقَ

و خیرخواه امت پیامبرش و پیرو رسولش و کسی که جانفش را برای او به کف گرفت و گویای

بِحُجَّتِهِ، وَالدَّاعِيَ إِلَى شَرِيعَتِهِ، وَالْمَاضِيَ عَلَى سُنَّتِهِ، اَللَّهُمَّ إِنِّي

به حجتش و دعوت کننده به شریعتش و رونده بر طریقه و روش او خدایا من

أَشْهَدُ أَنَّهُ قَدْ بَلَغَ عَنْ رَسُولِكَ مَا حُمِّلَ، وَرَعَى مَا اسْتُحْفِظَ، وَحَفِظَ مَا

گواهی دهم که آنچه بر عهده داشت از جانب رسول تو همه را رساند و نگهداری کرد آنچه از او خواسته شده بود

اَسْتَوْدَعُ، وَحَلَّلَ حَلَالَكَ، وَحَرَّمَ حَرَامَكَ، وَأَقَامَ أَحْكَامَكَ، وَجَاهَدَ

و حفظ کرد آنچه به او سپرده شده بود و حلال کرد حلال تو را و حرام کرد حرام تو را و برپا داشت احکامت را و پیکار کرد

النَّاسِ فِي سَبِيلِكَ وَالْقَاسِطِينَ فِي حُكْمِكَ، وَالْمَارِقِينَ عَنْ أَمْرِكَ،

با پیمان شکنان (اصحاب جمل) در راهت و با زور گویان در حکمت (معاویه و همدستانش) و با بیرون رفتگان از دین تو (خوارج)

صَابِرًا مُحْتَسِبًا، لَا تَأْخُذُ فِيكَ لَوْمَةٌ لَّا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ صَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا

بردارانه و پاداش جویانه و در راه تو باکی از سرزنش مردم نداشت خدایا درود فرست بر او بهترین

صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَاءِكَ وَأَصْفِيَائِكَ وَأَوْصِيَاءِ أَنْبِيَائِكَ، اللَّهُمَّ

درودی که بفرستی بر یکی از اولیاء و برگزیدگان و اوصیاء پیمبران خدایا

هَذَا قَبْرُ وَلِيِّكَ، الَّذِي فَرَضْتَ طَاعَتَهُ، وَجَعَلْتَ فِي أَغْنَاقِ عِبَادِكَ

این قبر ولی تو است که اطاعتش را واجب فرمودی و بیعتش را در گردن بندگان قرار دادی

مُبَايَعَتَهُ، وَخَلِيفَتِكَ الَّذِي بِهِ تَأْخُذُ وَتُعْطِي، وَبِهِ تُثِيبُ وَتُعَاقِبُ، وَقَدْ

و خلیفہات که بوسیله او بگیری و بدهی و به او پاداش نیک یا کیفر دهی و من

قَصَدْتُهُ طَمَعًا لِمَا أَعْدَدْتَهُ لِأَوْلِيَاءِكَ، فَبَعْظِمِ قَدْرَهُ عِنْدَكَ، وَجَلِّلِ

آهنگ او کرده ام به طمع آنچه آماده کرده ای برای دوستان پس سوگند به آن مرتبه بزرگی که نزد تو دارد و آن موقعیت

خَطَرِهِ لَدَيْكَ، وَقُرْبَ مَنْزِلَتِهِ مِنْكَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

شایانی که در پیش تو دارد و منزلت نزدیکش درود فرست بر محمد و آل محمد

وَأَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، فَإِنَّكَ أَهْلُ الْكَرَمِ وَالْجُودِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

و انجام ده با من آنچه را تو شایسته آنی که براستی تو اهل بزرگواری و بخششی و سلام بر تو ای

مَوْلَايَ، وَعَلَيْ ضَجِيعِكَ آدَمَ وَنُوحَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. پس ضریح را

مولای من و بر دو آرمیده در کنارت آدم و نوح و رحمت خدا و برکاتش * * * * *

بیوس و در جانب سر بایست و بگو: یا مَوْلَايَ إِلَيْكَ وَفُودِي، وَبِكَ أَتَوَسَّلُ إِلَى

* * * * * ای مولای من ورودم بر تو است و بوسیله تو توسل جویم به

درگاه

رَبِّي فِي بُلُوغِ مَقْصُودِي وَأَشْهَدُ أَنَّ الْمُتَوَسِّلَ بِكَ غَيْرُ خَائِبٍ،
پروردگارم در رسیدن به مقصود خویش و گواهی دهم که هر کس به تو توسل جوید نومید نشود
وَالطَّالِبَ بِكَ عَنْ مَعْرِفَةِ غَيْرِ مَرْدُودٍ، إِلَّا بِقَضَاءِ حَوَائِجِهِ، فَكُنْ لِي
و جوینده به توسط تو از روی معرفت باز نگردد جز با حاجات برآورده شده پس تو
شَفِيعاً إِلَيَّ اللَّهُ رَبِّكَ وَرَبِّي فِي قَضَاءِ حَوَائِجِي، وَتَيْسِيرِ أُمُورِي،
شفیع من شو به درگاه خدا پروردگار تو و پروردگار من در برآمدن حاجت‌هایم و آسان شدن کارهایم
و كَشْفِ شِدَّتِي، وَغُفْرَانِ ذَنْبِي، وَسَعَةِ رِزْقِي، وَتَطْوِيلِ عُمْرِي،
و برطرف شدن سختیم و آمرزش گناه‌م و فراخی روزیم و درازی عمرم
وَإِعْطَاءِ سُؤْلِي فِي آخِرَتِي وَدُنْيَايَ، اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،
و دادن خواسته‌ام در آخرتم و در دنیایم خدایا لعنت فرست بر کشتندگان امیر مؤمنان
اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةَ الْأَئِمَّةِ،
خدایا لعنت فرست بر کُشتندگان حسن و حسین خدایا لعنت فرست بر کشتندگان امامان
وَعَذَابُهُمْ عَذَاباً أَلِيماً لَا تُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ، عَذَاباً كَثِيراً لَا
و عذابشان کن به عذابی دردناک که تاکنون کسی از جهانیان را بدان عذاب نکرده باشی عذابی بسیار
انْقِطَاعَ لَهُ، وَلَا أَجَلَ وَلَا أَمَدَ بِمَا شَاقُّوا وَوَلَاةَ أَمْرِكَ، وَأَعِدْ لَهُمْ عَذَاباً
که بریده نشود و پایان و مدت نداشته باشد به سزای آن دشمنیهائی که با کاردارانت کردند و برای آنها عذابی
لَمْ تُحِلَّهُ بِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ وَأَدْخِلْ عَلَيَّ قَتْلَةَ أَنْصَارِ رَسُولِكَ،
مهیا گردان که به هیچ یک از خلق خود وارد نکرده باشی خدایا و وارد کن بر کشتندگان یاران رسولت
وَعَلَيَّ قَتْلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَعَلَيَّ قَتْلَةَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، وَعَلَيَّ
و بر کُشتندگان امیر مؤمنان و بر کُشتندگان حسن و حسین و بر
قَتْلَةَ أَنْصَارِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، وَقَتْلَةَ مَنْ قُتِلَ فِي وَلَايَةِ آلِ مُحَمَّدٍ
کشتندگان یاران حسن و حسین و کُشتندگان هرکس که در راه دوستی آل محمد کشته شده است
أَجْمَعِينَ، عَذَاباً أَلِيماً مُضَاعَفاً فِي أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ، لَا يُخَفِّفُ
عذابی دردناک و دو چندان در پائین‌ترین طبقه جهنم که تخفیف پیدا نکند
عَنْهُمْ الْعَذَابُ، وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ مَلْعُونُونَ نَاكِسُوا رُؤُسِهِمْ عِنْدَ

از آنها عذاب و در آنجا سخت غمزده باشند و مورد لعن قرار گرفته و سر به زیر در پیشگاه

رَبِّهِمْ، قَدْ عَايَنُوا النَّدَامَةَ وَالْخِزْيَ الطَّوِيلَ لِقَتْلِهِمْ عَشْرَةَ أَثْبَاءٍ

پروردگارشان که ببینند به عیان پشیمانی و رسوایی طولانی را به کیفر اینکه کشتند خاندان پیمبران

وَرُسُلِكَ، وَأَتْبَاعَهُمْ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ، اللَّهُمَّ الْعَنَّهُمْ فِي مُسْتَسَرٍّ

و رسولان تو و پیروانشان را از بندگان شایسته‌ات خدایا لعنتشان کن در نهانترین

السِّرِّ وَظَاهِرِ الْعَالَمِيَّةِ فِي أَرْضِكَ وَسَمَائِكَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي قَدَمَ

نهان و آشکار عیان در زمین و در آسمان خدایا قرار ده برای من گامی

صِدْقٍ فِي أَوْلِيَاءِكَ، وَحَبِّبْ إِلَيَّ مَشَاهِدَهُمْ وَمُسْتَقَرَّهُمْ، حَتَّى

از روی صدق و راستی درباره دوستان و دوست گردان پیش من زیارتگاه و جایگاهشان را تا آنگاه

تُلْحِقَنِي بِهِمْ، وَتَجْعَلَنِي لَهُمْ تَبَعًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا أَرْحَمَ

که مرا بدیشان ملحق گردانی و پیرو ایشانم کنی در دنیا و آخرت ای مهربانترین

الرَّاحِمِينَ. پس ضریح را بیوس و پشت به قبله بایست و رو به جانب قبر امام حسین علیه السلام

مهربانان * * * * *

* * * * *

کن و بگو: اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ،

* * * * * سلام بر تو ای اباعبدالله سلام بر تو ای فرزند رسول خدا

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ فَاطِمَةَ

سلام بر تو ای پسر امیر مؤمنان سلام بر تو ای پسر فاطمه

الزَّهْرَاءِ، سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْأَيْمَةِ الْهَادِينَ

زهرا بانوی زنان جهانیان سلام بر تو ای پدر امامان راهنمای

الْمُهْدِيِّينَ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَرِيعَ الدَّمْعَةِ السَّكْبَةِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

راه یافته سلام بر تو ای کشته اشگ ریزان سلام بر تو ای

صَاحِبَ الْمُصِيبَةِ الرَّائِبَةِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى جَدِّكَ وَأَبِيكَ، اَلسَّلَامُ

صاحب مصیبت پیاپی و همیشگی سلام بر تو و بر جدت و پدرت سلام

عَلَيْكَ وَعَلَى أُمِّكَ وَأَخِيكَ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَيْمَةِ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ

بر تو و بر مادرت و برادرت سلام بر تو و بر امامان از فرزندان
وَبَنِيكَ، أَشْهَدُ لَقَدْ طَيَّبَ اللَّهُ بِكَ التُّرَابَ، وَأَوْضَحَ بِكَ الْكِتَابَ، وَجَعَلَكَ
و پسرانت گواهی دهم که راستی خدا خاک (بی ارزش) را بوسیله تو خوشبو کرد و (حقایق) قرآن را به تو واضح کرد و
قرار داد

وَأَبَاكَ، وَجَدَّكَ وَأَخَاكَ، وَبَنِيكَ عِزَّةً لِأُولِي الْأَلْبَابِ، يَا بَنَ الْمَيَامِينِ
تو را و پدرت و جدت و برادرت و فرزندان را مایه عبرت و پندی برای صاحبان خرد ای فرزند مردان خجسته
الْأَطْيَابِ الثَّالِثِينَ الْكِتَابَ، وَجَّهْتُ سَلَامِي إِلَيْكَ، صَلَوَاتُ اللَّهِ
و پاک و آن خوانندگان قرآن سلام را بسوی تو متوجه کنم دروذهای خدا
وَسَلَامُهُ عَلَيْكَ، وَجَعَلَ أَفْنَدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْكَ، مَا خَابَ مَنْ
و سلام او بر تو باد و قرار دهد دلهای مردم را هواخواه تو، نومید نشد آن کس که به تو
تَمَسَّكَ بِكَ، وَلَجَأَ إِلَيْكَ. پس برو نزد پای قبر بایست و بگو: السَّلَامُ عَلَيَّ أَبِي
متمسک گشت و به تو پناه آورد × × × × × × × × × × × × × × × × سلام بر پدر

الْأَيْمَةَ، وَخَلِيلِ الثُّبُوءَةِ، وَالْمَخْصُوصِ بِالْأُخُوَّةِ، السَّلَامُ عَلَيَّ يَعْسُوبِ
امامان و خلیل نبوت و مخصوص به برادری (پیغمبر) سلام بر بزرگ
الدِّينِ وَالْإِيمَانِ، وَكَلِمَةِ الرَّحْمَنِ، السَّلَامُ عَلَيَّ مِيزَانِ الْأَعْمَالِ،
دین و ایمان و کلمه خدای رحمان سلام بر میزان اعمال
وَمُقَلَّبِ الْأَحْوَالِ، وَسَيْفِ ذِي الْجَلَالِ، وَسَاقِي السُّلْسَبِيلِ الزُّلَالِ،
و زیر و رو کننده احوال و شمشیر خدای ذوالجلال و ساقی آب زلال سلسبیل
السَّلَامُ عَلَيَّ صَالِحِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ عِلْمِ النَّبِيِّينَ، وَالْحَاكِمِ يَوْمَ
سلام بر شایسته مؤمنان و وارث دانش پیمبران و حکومت کننده در روز
الدِّينِ، السَّلَامُ عَلَيَّ شَجَرَةِ التَّقْوَى، وَسَامِعِ السِّرِّ وَالتَّجْوَى، السَّلَامُ
جزا سلام بر نهال کهنسال تقوا و پرهیزکاری و شنوای راز و سخنان پنهانی سلام
عَلَيَّ حُجَّةِ اللَّهِ الْبَالِغَةِ، وَنِعْمَتِهِ السَّابِقَةِ، وَنِقْمَتِهِ الدَّامِعَةِ، السَّلَامُ عَلَيَّ
بر حجت رسانی خدا و نعمت فراوانش و عذاب کوبنده اش سلام بر
الصِّرَاطِ الْوَاضِحِ، وَالتَّجْمِ اللَّائِعِ، وَالْإِمَامِ النَّاصِحِ، وَالزُّنَادِ الْقَادِحِ،

راه نمایان و اختر فروزان و پیشوای خیرخواه و مشعل تابان
وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، پس بگو: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ
و رحمت خدا و برکاتش بر او باد × × × × × خدایا درود فرست بر امیر مؤمنان علی
بْنِ أَبِيطَالِبٍ، أَخِي نَبِيِّكَ، وَوَلِيِّهِ وَنَاصِرِهِ، وَوَصِيِّهِ وَوَزِيرِهِ، وَمُسْتَوْدَعِ
بن ابیطالب برادر پیامبرت و ولی و یاور و وصی و وزیر و نگهدار
عَلَمِهِ، وَمَوْضِعِ سِرِّهِ، وَبَابِ حِكْمَتِهِ، وَالتَّائِقِ بِحُجَّتِهِ، وَالدَّاعِي إِلَى
دانشش و جایگاه رازش و درب حکمتش و گویای برهانش و خواننده بسوی
شَرِيعَتِهِ، وَخَلِيفَتِهِ فِي أُمَّتِهِ، وَمُفَرِّجِ الْكَرْبِ عَنْ وَجْهِهِ، قَاصِمِ الْكَفَرَةِ،
شریعتش و جانشین او در امتش و دور کننده اندوه از چهره اش شکننده (شوکت) کافران
وَمُرْغِمِ الْفَجَرَةِ، الَّذِي جَعَلْتَهُ مِنْ نَبِيِّكَ بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى،
و به خاک مالنده (بینی) فاجران آن کس که منزلتش را نسبت به پیامبرت منزلت هارون از موسی قرار دادی
اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ، وَاخْذُلْ مَنْ
خدایا دوست دار دوستدارش را و دشمن دار هر که دشمنش دارد و یاری کن هر که یاریش کند و خوار کن هر که
خَذَلَهُ، وَالْعَنْ مَنْ نَصَبَ لَهُ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، وَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ
دست از یاریش باز دارد و لعنت کن هر که در برابرش بایستد از اولین و آخرین و درود فرست بر او بهترین
مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْصِيَاءِ أَنْبِيَائِكَ، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، پس برگرد به
درودی را که بفرستی بر یکی از اوصیاء پیامبرانت ای پروردگار جهانیان * * * * *

جانب سر از برای زیارت حضرت آدم علیه السلام و نوح علیه السلام و در زیارت آدم بگو: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
* * * * *
* * * * * سلام بر تو ای

صَفِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ،
برگزیده خدا سلام بر تو ای حبیب خدا سلام بر تو ای پیامبر خدا
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ،
سلام بر تو ای امانتدار خدا سلام بر تو ای خلیفه خدا در روی زمین
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْبَشَرِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى رَوْحِكَ وَبَدَنِكَ،

سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبِّ تَعَبُّدًا وَرِقًّا، اَللّٰهُمَّ اِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ

سجده کنم پروردگارا از روی پرستش خدایا براستی کردارم ناتوان است پس آن را دو چندان کن

لی، یا کریم یا کریم یا کریم. × پس برو به سجود و صد مرتبه بگو شُکراً و جهدکن

برایم ای بزرگوار ای بزرگوار ای بزرگوار * * * * *
* * * * *

در دعا که این موضع طلبیدن مطالب است و استغفار بسیار بکن که محلّ آمرزش گناهان است و حاجات خود را از خدا طلب نما که مقام استجاب دعاها است و سید بن طاوس در مزار و غیر او گفته اند که هر نمازی که بجا می آوری چه فریضه و چه نافله مادامی که در نجف می باشی بخوان بعد از آن این دعا را :

اَللّٰهُمَّ لَا بُدَّ مِنْ اَمْرِكَ، وَلَا بُدَّ مِنْ قَدْرِكَ، وَلَا بُدَّ مِنْ قَضَائِكَ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ

خدایا چاره ای نیست از دستورت و چاره ای نیست از تقدیرت و چاره ای نیست از قضایت و جنبش و نیروئی

اِلَّا بِكَ، اَللّٰهُمَّ فَمَا قَضَيْتَ عَلَيْنَا مِنْ قَضَاءٍ، اَوْ قَدَّرْتَ عَلَيْنَا مِنْ قَدَرٍ، فَاعْطِنَا

نیست جز به تو خدایا پس آنچه بر ما معین کرده ای از قضای خود یا مقدر فرموده ای از تقدیر خویش پس چنان

شکیبائی

مَعَهُ صَبْرًا يَفْهَرُهُ وَيَدْمَعُهُ، وَاجْعَلْهُ لَنَا صَاعِدًا فِي رِضْوَانِكَ، يُنْمِي فِي

برای تحمل آن نیز به ما بده که آن را مقهور خویش کند و بکوبدش و آن شکیبائی را برای ما بالا بر در بهشت رضوان تا افزوده

حَسَنَاتِنَا وَتُقْضِيْلِنَا، وَسُودَدِنَا وَشَرَفِنَا، وَمَجْدِنَا وَنِعْمَاتِنَا، وَكَرَامَتِنَا فِي الدُّنْيَا

گردد در حسنات ما و برتری و سیادت و شرف و شوکت و نعمتها و کرامتهای ما در دنیا

وَالْآخِرَةِ، وَلَا تَقْصُ مِنْ حَسَنَاتِنَا، اَللّٰهُمَّ وَمَا اعْطَيْتَنَا مِنْ عَطَاءٍ، اَوْ

و آخرت و چیزی از حسنات ما کم مکن خدایا آنچه به ما داده ای از عطا یا

فَضَّلْتَنَا بِهِ مِنْ فَضِيلَةٍ، اَوْ اَكْرَمْتَنَا بِهِ مِنْ كَرَامَةٍ، فَاعْطِنَا مَعَهُ شُكْرًا

فضیلتی که به ما داده ای یا کرامتی که ما را بدان گرامی داشته ای پس به همراه آن سپاسگزاری و شکری نیز به ما بده

يَفْهَرُهُ وَيَدْمَعُهُ، وَاجْعَلْهُ لَنَا صَاعِدًا فِي رِضْوَانِكَ، وَفِي حَسَنَاتِنَا

که آن را مقهور ساخته و بکوبدش و بالا رونده اش کن در بهشت رضوانت و در حسنات

وَسُودَدِنَا وَشَرَفِنَا، وَنِعْمَاتِكَ وَكَرَامَتِكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَلَا

و سیادت و شرف ما و نعمتهای تو و کرامت در دنیا و آخرت
تَجْعَلُهُ لَنَا أَشْرًا وَلَا بَطْرًا، وَلَا فِتْنَةً، وَلَا مَقْتًا وَلَا عَذَابًا، وَلَا خِزْيًا فِي
و قرارش مده برای ما خودخواهی و خوش گذرانی و نه فتنه و نه کینه توزی و نه عذاب و رسوائی در
الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَعُوْذُ بِكَ مِنْ عَثْرَةِ اللّٰسَانِ، وَسُوْءِ الْمَقَامِ،
دنیا و آخرت خدایا ما به تو پناه بریم از لغزش زبان و بدی جایگاه
وَخِفَّةِ الْمِيزَانِ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَلَقِّنَا حَسَنَاتِنَا
و سبک بودن میزان عمل خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و تلقین کن به ما اعمال نیک ما را
فِي الْمَمَاتِ، وَلَا تُرِنَا اَعْمَالَنَا حَسْرَاتٍ، وَلَا تُخْرِنَا عِنْدَ قَضَائِكَ، وَلَا
در عالم مرگ و اعمال ما را بصورت حسرت آمیز به ما نشان مده و رسوایمان مکن در هنگام قضاوت و
تَفْضَحْنَا بِسَيِّئَاتِنَا يَوْمَ نَلْقَاكَ، وَاجْعَلْ قُلُوْبُنَا تَذْكُرُكَ وَلَا تَنْسَاكَ،
حکومت و مفتضحمان مکن به کردار بدمان در روز دیدارت و دلهای ما را چنان کن که یادت کند و فراموش نکند
وَتَحْشَاكَ كَاَنَّهُا تَرَكَ، حَتّٰی تَلْقَاكَ، وَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ،
و از تو بترسد آن چنان که گویا تو را می بیند تا بدان هنگام که دیدارت کنیم و درود فرست بر محمد و آل محمد
وَبَدِّلْ سَيِّئَاتِنَا حَسَنَاتٍ، وَاجْعَلْ حَسَنَاتِنَا دَرَجَاتٍ، وَاجْعَلْ دَرَجَاتِنَا
و تبدیل کن بدیهای ما را به نیکیها و نیکیهایمان را قرار ده درجات و درجاتمان را
غُرَفَاتٍ، وَاجْعَلْ غُرَفَاتِنَا عَالِيَاتٍ، اَللّٰهُمَّ وَاَوْسِعْ لِفَقِيرِنَا مِنْ سَعَةِ مَا
غرفه ها و غرفه هایمان را بلند گردان خدایا وسیع گردان برای بینوایان ما از وسعت آنچه
قَضَيْتَ عَلٰی نَفْسِكَ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَمَنْ عَلَيْنَا
بر خود مقرر فرمودی خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و منت بیه بر ما
بِاَهْدٰی مَا اَبْقَيْتَنَا، وَالْكَرَامَةَ مَا اَحْيَيْتَنَا، وَالْكَرَامَةَ اِذَا تَوَفَّيْتَنَا، وَالْحِفْظَ
به هدایت تا در این جهان نگاهمان داری و به کرامت زنده مان داری و نیز به کرامت هنگامی که میراندي ما را
و به نگهداری

فِي مَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِنَا، وَالْبَرَكَهَ فِيمَا رَزَقْتَنَا، وَالْعَوْنَ عَلٰی مَا حَمَلْتَنَا،
محافظتمان در آنچه باقی مانده از عمر ما و برکت در آنچه روزیمان کرده ای و به یاری دادن در آنچه به ما تکلیف فرمودی
وَالْتَّابَاتِ عَلٰی مَا طَوَّقْتَنَا، وَلَا تُؤَاخِذْنَا بِظُلْمِنَا، وَلَا تُقَايِسْنَا بِجَهْلِنَا،

و به استقامت و پایداری در آنچه به گردن ما نهادهی و مگیر ما را به ستممان و نسنج ما را به نادانیمان
 وَلَا تَسْتَدْرِجُنَا بِخَطَايَانَا، وَاجْعَلْ أَحْسَنَ مَا نَقُولُ ثَابِتًا فِي قُلُوبِنَا،
 و بتدریج ما را مغرور به خطاهایمان مکن و قرار ده بهترین سخنی را که ما می گوئیم پابرجا در دهامان
 وَاجْعَلْنَا عُظْمَاءَ عِنْدَكَ، وَادِّلَّهُ فِي أَنْفُسِنَا، وَانْفَعْنَا بِمَا عَلَّمْتَنَا وَزِدْنَا
 و بگردان ما را در پیش خودت بزرگ و در پیش خودمان خوار و زبون و سود بخش به ما در آنچه به ما یاد دادی و
 بیفزای

عِلْمًا نَافِعًا، وَاعُوذُ بِكَ مِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ، وَمِنْ عَيْنٍ لَا تَدْمَعُ، وَمِنْ
 ما را به دانشی سودمند و پناه برم به تو از دلی که نترسد و از چشمی که اشک نریزد و از
 صَلَوةٍ لَا تُقْبَلُ، أَجْرُنَا مِنْ سُوءِ الْفِتَنِ، يَا وَلِيَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. × سید در
 نمازی که پذیرفته نشود پناه ده ما را از بدی آشوبها ای سرپرست دنیا و آخرت * * * * *
 مصباح الزائر فرموده دعاء دیگر که مستحب است در عقب نماز زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام خوانده شود یا اللَّهُ یا
 اللَّهُ یا اللَّهُ، یا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ الخ فقیر گوید که این دعاء همان دعاء صفوان است که معروف شده به دعاء علقمه
 و خواهد آمد انشاءالله در ذیل زیارت عاشورا و بدانکه مستحب است زیارت سر امام حسین علیه السلام در نزد قبر
 امیرالمؤمنین علیه السلام و در وسائل و مستدرک یک باب برای آن مرقوم داشته اند و در مستدرک از مزار محمد ابن
 المشهدی نقل کرده که حضرت صادق علیه السلام زیارت کرد سر امام حسین علیه السلام را نزد سر امیرالمؤمنین علیه
 السلام و

نماز گذارد نزد آن چهار رکعت و زیارت این است: اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ،
 * * * * * سلام بر

تو ای فرزند رسول خدا
 اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ الصَّدِيقَةِ
 سلام بر تو ای پسر امیر مؤمنان سلام بر تو ای فرزند صدیقه
 الطَّاهِرَةِ، سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا اَبَا عَبْدِ اللَّهِ،
 طاهره بانوی زنان جهانیان سلام بر تو ای مولای من ای ابا عبدالله
 وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ،

و رحمت خدا و برکاتش گواهی دهم که تو برستی برپا داشتی نماز را و بدادی زکات را
وَأَمَرْتُ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتُ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَتَلَوْتُ الْكِتَابَ حَقًّا
و امر به معروف کردی و نهی از منکر کردی و تلاوت کردی قرآن را آنطور که
تِلَاوَتِهِ، وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، وَصَبَرْتَ عَلَى الْأَذَى، فِي جُنْبِهِ
بایست و پیکار کردی در راه خدا چنانچه شایسته بود و شکیبایی کردی بر آزار (دشمنان) در مورد خداوند
مُحْتَسِبًا، حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ الَّذِينَ خَالَفُوكَ وَحَارَبُوكَ،
برای درک پاداش تا آنگاه که مرگت فرا رسید و گواهی دهم که برستی آنانکه با تو مخالفت کردند و با تو جنگیدند
وَأَنَّ الَّذِينَ خَذَلُوكَ، وَالَّذِينَ قَتَلُوكَ، مَلْعُونُونَ عَلَى لِسَانِ النَّبِيِّ
و هم چنین آنانکه دست از یاریت برداشتند و آنانکه تو را کشتند همگی ملعونند (و از رحمت حق دورند) به گفته پیامبر
الْأُمِّي، وَقَدْ خَابَ مَنْ افْتَرَى، لَعَنَ اللَّهُ الظَّالِمِينَ لَكُمْ مِنَ الْأُولَى
امی و نومید شود هر که افتراء (بر پیامبر) ببرد خدا لعنت کند ستمکاران شما را از اولین
وَالْآخِرِينَ، وَضَاعَفَ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ، أَتَيْتُكَ يَا مَوْلَايَ يَا بَنَ
و آخرین و چند برابر کند بر ایشان عذاب دردناک را به درگاهت آمده‌ام برای زیارت ای مولای من ای فرزند
رَسُولِ اللَّهِ، زَائِرًا عَارِفًا بِحَقِّكَ، مُوَالِيًا لِأَوْلِيَائِكَ، مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ،
رسول خدا در حالی که شناسایی به حق توأم و دوستدار دوستان و دشمن دشمنانت هستم
مُسْتَبْصِرًا بِالْهُدَى الَّذِي أَنْتَ عَلَيْهِ، عَارِفًا بِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَكَ،
و بینایم به هدایتی که بر آن هستی و کاملاً می‌شناسم گمراهی آن کس که با تو مخالفت کرد
فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ. × مؤلف گوید: که اگر همین زیارت را در مسجد حنّانه بخواند

پس تو شفاعت کن برای من نزد پروردگارت * * * * *
* * * * *

نیز مناسب است زیرا که شیخ محمد بن المشهدی روایت کرده است که حضرت صادق علیه السلام در مسجد حنّانه
حضرت امام حسین علیه السلام را چنین زیارت کرد و چهار رکعت نماز گذارد و مستور نماند آنکه مسجد حنّانه از
مساجد شریفه نجف اشرفست و در خبر رسیده که سر مبارک امام حسین علیه السلام آنجا است و در خبری است که حضرت صادق علیه
السلام در آنجا دو رکعت نماز کرد پرسیدند از آن حضرت که این چه نمازیست فرمود این موضع سر جدّ حسین بن
علی علیهما السلام است که آن را در اینجا گذاشتند چون از کربلا آمدند آنگاه آن را به نزد عبیدالله بن زیاد بردند

و روایت شده از آن حضرت که فرمودند در آنجا این دعا را بخوان: اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَرِي مَكَانِي، وَتَسْمَعُ

* * * * *

* * * خدایا تو می بینی جای مرا و می شنوی

کلامی، وَلَا يَخْفِي عَلَيْكَ شَيْءٌ مِنْ أَمْرِي، وَكَيْفَ يَخْفِي عَلَيْكَ مَا أَنْتَ مُكَوِّنُهُ

سخنم را و پوشیده نیست بر تو چیزی از کار من و چگونه پوشیده ماند بر تو چیزی که خود ایجادش کرده و پدیدش آوردی و من

وَبَارِئُهُ، وَقَدْ جِئْتُكَ مُسْتَشْفِعاً بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ، وَمُتَوَسِّلاً بِوَصِيِّ رَسُولِكَ،

بدرگاهت آمده و شفیع گردانم به نزد تو پیامبرت پیامبر رحمت را و توسل جویم به وصی پیامبرت

فَأَسْأَلُكَ بِهِمَا ثَبَاتَ الْقَدَمِ وَالْهُدَى، وَالْمَغْفِرَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ .

پس از تو خواهم به حق آن دو بزرگوار ثبات قدم و هدایت و آمرزش را در دنیا و آخرت

زیارت دویم

زیارت معروفه به امین الله است که در نهایت اعتبار است و در تمام کتب مزاریه و مصابیح نقل شده است و علامه

مجلسی رحمه الله فرمود که آن بهترین زیارات است از جهت متن و سند و باید که در جمیع روضات مقدسه بر این مواظبت

نمایند و کیفیت آن چنان است که به سندهای معتبر روایت شده از جابر از امام محمد باقر علیه السلام که امام زین

العابدین علیه السلام به زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام آمد و نزد قبر آن حضرت ایستاد و گریست و گفت :

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَحُجَّتَهُ عَلَي عِبَادِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ

سلام بر تو ای امانتدار خدا در زمین او و حجتش بر بندگان او سلام بر تو ای امیر

الْمُؤْمِنِينَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، وَعَمِلْتَ بِكِتَابِهِ،

مؤمنان گواهی دهم که تو در راه خدا جهاد کردی چنانچه باید و رفتار کردی به کتاب خدا (قرآن)

وَاتَّبَعْتَ سُنَنَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، حَتَّى دَعَاكَ اللَّهُ إِلَى جِوَارِهِ،

و پیروی کردی از سنتهای پیامبرش - صلی الله علیه و آله - تا اینکه خداوند تو را به جوار خویش

فَقَبَضَكَ إِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ، وَأَلْزَمَ أَعْدَانِكَ الْحُجَّةَ مَعَ مَالِكَ مِنَ الْحُجَجِ

دعوت فرمود و به اختیار خودش جانت را قبض نمود و ملزم کرد دشمنانت را به حجت و برهان با حجتهای

الْبَالِغَةِ عَلَي جَمِيعِ خَلْقِهِ، اَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدْرِكَ

رسای دیگری که با تو بود بر تمامی خلق خود، خدایا قرار ده نفس مرا آرام به تقدیرت

راضيةً بِقَضَائِكَ، مُوَلَّعةً بِذِكْرِكَ وَدُعَائِكَ، مُحِبَّةً لَصَفْوَةِ أَوْلِيَائِكَ،
و خوشنود به قضایت و حریص به ذکر و دعایت و دوستدار برگزیدگان دوستانت
مَحْبُوبَةً فِي أَرْضِكَ وَسَمَائِكَ، صَابِرَةً عَلَي تَزُولِ بَلَائِكَ، شَاكِرَةً
و محبوب در زمین و آسمانت و شکيبا در مورد نزول بلايت و سپاسگزار
لِفَوَاضِلِ نِعْمَاتِكَ، ذَاكِرَةً لِسَوَابِغِ آلَائِكَ، مُشْتَاقَةً إِلَى فَرْحَةِ لِقَائِكَ،
در برابر نعمتهای فرونت و متذکر عطایای فراوانت مشتاق به شاد گشتن دیدارت توشه گیر پرهیزکاری
مُتَزَوِّدَةً لَتَقْوَى لِيَوْمِ جَزَائِكَ، مُسْتَنَّةً بِسُنَنِ أَوْلِيَائِكَ، مُفَارِقَةً
برای روز پاداشت پیروي کننده روشهای دوستانت دوری گزیننده
لِأَخْلَاقِ أَعْدَائِكَ، مَشْغُولَةً عَنِ الدُّنْيَا بِحَمْدِكَ وَتَنَائِكَ، × پس پهلوي
اخلاق دشمنانت سرگرم از دنیا به ستایش و ثنایت * * * * *
روي مبارك خود را برقرار گذاشت وگفت: اَللّٰهُمَّ اِنَّ قُلُوبَ الْمُحِبِّينَ اِلَيْكَ وَالِهَةٌ،
* * * * * خدايا براستی دهایی فروتنان درگاهت بسوي

تو حیران است

وَسُبُلَ الرَّاعِبِينَ إِلَيْكَ شَارِعَةً، وَأَعْلَامَ الْقَاصِدِينَ إِلَيْكَ وَاضِحَةً،
و راههای مشتاقان به جانب تو باز است و نشانه‌های قاصدان کویت آشکار و نمایان است
وَأَفْنِدَةَ الْعَارِفِينَ مِنْكَ فَازِعَةً، وَأَصْوَاتَ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ صَاعِدَةً،
و قلبهای عارفان از تو ترسان است و صداهای خوانندگان بطرف تو صاعد
وَأَبْوَابَ الْإِجَابَةِ لَهُمْ مُفْتَحَةً، وَدَعْوَةَ مَنْ نَاجَاكَ مُسْتَجَابَةً، وَتَوْبَةَ مَنْ
و درهای اجابت برویشان باز است و دعای آنکس که با تو راز گوید مستجاب است و توبه آنکس که
أَنَابَ إِلَيْكَ مَقْبُولَةً، وَعَبْرَةَ مَنْ بَكَى مِنْ خَوْفِكَ مَرْحُومَةً، وَالْإِغَاثَةَ
به درگاه تو بازگردد پذیرفته است و اشک دیده آنکس که از خوف تو گرید مورد رحم و مهر است و فریادرسی تو
لِمَنْ اسْتَعَاثَ بِكَ مَوْجُودَةً، وَالْإِعَاثَةَ لِمَنْ اسْتَعَانَ بِكَ مَبْذُولَةً،
برای کسی که به تو استغاثه کند آماده است و کمک‌کاریت برای آنکس که از تو کمک خواهد رایگان است
وَعِدَاتِكَ لِعِبَادِكَ مُنْجِزَةً، وَزَلَلَ مَنْ اسْتَفَالَكَ مُقَالََةً، وَأَعْمَالَ
و وعده‌هایی که به بندگانت دادی وفایش حتمی است و لغزش کسی که از تو پوزش طلبد بخشوده است و کارهای

الْعَامِلِينَ لَدَيْكَ مَحْفُوظَةً، وَأَرْزَاكَ إِلَيَّ الْخَلَائِقِ مِنْ لَدُنْكَ نَازِلَةً،

آنانکه برای تو کار کنند در نزد تو محفوظ است و روزیهای که به آفریدگانت دهی از نزدت ریزان است
وَعَوَائِدَ الْمَزِيدِ إِلَيْهِمْ وَاصِلَةً، وَذُنُوبَ الْمُسْتَغْفِرِينَ مَغْفُورَةً،

و بهره‌های بیشتری هم بسویشان می‌رسد و گناه آمرزش‌خواهان (از تو) آمرزیده است

وَحَوَائِجَ خَلْقِكَ عِنْدَكَ مَقْضِيَةً، وَجَوَائِزَ السَّائِلِينَ عِنْدَكَ مُوفَّرَةً، وَ

و حاجت‌های آفریدگانت نزد تو روا شده است و جایزه‌های سائلان در پیش تو شایان و وافر است و

عَوَائِدَ الْمَزِيدِ مُتَوَاتِرَةً، وَمَوَائِدَ الْمُسْتَطْعِمِينَ مُعَدَّةً، وَمَنَاهِلَ الظَّمَاءِ

بهره‌های فزون پیاپی است و خوان‌های احسان تو برای طعام‌خواهان آماده است و حوض‌های آب برای تشنگان

مُتَرَعَّةً، اللَّهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعَائِي، وَأَقْبِلْ ثَنَائِي، وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ

لبریز است خدایا پس دعایم را مستجاب کن و بپذیر مدح و ثنائیم را و گردآور میان من

أَوْلِيَائِي، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ، وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، إِنَّكَ وَلِيُّ

و دوستانم به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین که براسستی تویی صاحب

نِعْمَائِي، وَمُنْتَهَى مُنَايَ، وَغَايَةَ رَجَائِي فِي مُنْقَلَبِي وَمُنْوَائِي وَدَرِ كَامِلِ

نعمتهایم و منتهای آرزویم و سرحد نهایی امیدم و بازگشتگاه و اقامتگاهم * * * * *

الزِّيَارَةِ بَعْدَ از این زیارت این فقرات نیز مسطور است اَنْتَ اِلٰهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ،

* * * * * تویی معبود و آقا و

مولای من

اغْفِرْ لَأَوْلِيَائِنَا، وَكُفَّ عَنَّا أَعْدَانَنَا، وَاشْغَلْهُمْ عَنْ أَذَانَا، وَأَظْهِرْ كَلِمَةَ الْحَقِّ

بیامرز دوستان ما را و بازدار از ما دشمنانمان را و سرگرمشان کن از آزار ما و آشکار کن گفتار حق را

وَاجْعَلْهَا الْعُلْيَا، وَأَذْخِصْ كَلِمَةَ الْبَاطِلِ وَاجْعَلْهَا السُّفْلَى، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

و آنرا برتر قرار ده و از میان ببر گفتار باطل را و آنرا پست گردان که براسستی تو بر هرچیز توانایی

پس حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که هر که از شیعیان ما این زیارت و دعا را نزد قبر امیرالمؤمنین علیه

السلام یا نزد قبر یکی از ائمه‌علیهم السلام بخواند البته حق تعالی این زیارت و دعاء او را در نامه‌ای از نور بالا برد و مهر

حضرت محمد صلی الله علیه وآله را بر آن بزند و چنین محفوظ باشد تا تسلیم نمایند به قائم آل محمد علیهم السلام پس

استقبال نماید صاحبش را ببشارت و تحیت و کرامت انشاء الله تعالی مؤلف گوید: که این زیارت شریفه هم از زیارات

مُطلَقه محسوب می‌شود و هم از زیارات مخصوصه روز غدیر و هم از زیارات جامعه که در جمیع روضات مقدّسه ائمه‌علیهم السلام خوانده می‌شود .

زیارت سیم

سید عبدالکریم بن طاوُس از صفوان جمال روایت کرده است که گفت چون با حضرت صادق علیه السلام وارد کوفه شدیم در هنگامی که آن حضرت نزد ابوجعفر دوانقی می‌رفتند فرمود که ای صفوان شتر را بخوابان که این نزدیک قبر جدّم امیرالمؤمنین علیه السلام است پس فرود آمدند و غسل کردند و جامه را تغییر دادند و پاها را برهنه کردند و فرمودند که تو نیز چنین کن پس روانه شدند به جانب نجف و فرمودند که گامها را کوتاه بردار و سر را بزیر انداز که حق تعالی برای تو بعدد هر گامی که برمی‌داری صد هزار حسنه می‌نویسد و صد هزار گناه محو می‌کند و صد هزار درجه بلند می‌کند و صد هزار حاجت برمی‌آورد و می‌نویسد برای تو ثواب هر صدیق و شهید که بوده باشد یا کشته شده باشد پس آن حضرت می‌رفتند و من می‌رفتم با آن حضرت با آرام دل و آرام تن و تسبیح و تنزیه و تهلیل خدا می‌کردیم تا رسیدیم بتّاه پس نظر کردند به جانب راست و چپ و به چوبی که در دست داشتند خطّی کشیدند پس فرمودند جُستجو نما پس

طلب کردم اثر قبری یافتیم پس آب دیده بر روی مبارکش جاری شد و گفت

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ وَگفت: السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ الْبَرُّ النَّقِيُّ،

براستی ما از خداییم و حتماً بسویش بازگردیم × × × × سلام بر تو ای وصی نیکوکردار پرهیزکار

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ الْعَظِيمُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصَّدِّيقُ الرَّشِيدُ،

سلام بر تو ای خبر بزرگ سلام بر تو ای راست گفتار راهبر

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَرُّ الزَّكِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ رَسُولِ رَبِّ

سلام بر تو ای نیکوکار پاکیزه سلام بر تو ای وصی رسول پروردگار

الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ

جهانیان سلام بر تو ای برگزیده خدا بر همه خلق گواهی دهم که توپی

حَبِيبُ اللَّهِ، وَخَاصَّةُ اللَّهِ وَخَالِصَتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَمَوْضِعَ

حبیب خدا و بنده خاص و خالص خدا سلام بر تو ای ولی خدا و راز و

سِرِّهِ، وَعَيْبَةُ عِلْمِهِ وَخَازِنَ وَحْيِهِ پس خود را به قبر چسبانیدند و گفتند: بآی

گنجینه دانش و خزینه دار وحیش × × × × × × × × × × × × × × × × پدر

أَنْتَ وَأُمِّي يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، يَا أَبَا أَنْتَ وَأُمِّي يَا حُجَّةَ الْخِصَامِ، يَا أَبَا

و مادرم به فدایت ای امیرمؤمنان پدر و مادرم به فدایت ای حجت بر دشمنان پدر

أَنْتَ وَأُمِّي يَا بَابَ الْمَقَامِ، يَا أَبَا أَنْتَ وَأُمِّي يَا نُورَ اللَّهِ النَّامِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ

و مادرم به فدایت ای درگاه مقام (اولیاء حق) پدر و مادرم به فدایت ای نور کامل خدا گواهی دهم که تو

قَدْ بَلَّغْتَ عَنِ اللَّهِ وَعَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، مَا حُمِّلْتَ

براستی رساندی از جانب خدا و از جانب رسول خدا صلی الله علیه و آله آنچه را بعهده داشتی

وَرَعَيْتَ مَا اسْتُحْفِظْتَ، وَحَفِظْتَ مَا اسْتُودِعْتَ، وَحَلَلْتَ حَلَالَ اللَّهِ

و مراعات کردی در آنچه بر حفظ آن گماشته شده بودی و حفظ کردی آنچه را به تو سپرده شده بود و حلال کردی

حلال خدا را

وَحَرَمْتَ حَرَامَ اللَّهِ، وَأَقَمْتَ أَحْكَامَ اللَّهِ، وَلَمْ تَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ

و حرام کردی حرام خدا را و بپا داشتی احکام خدا را و تجاوز نکردی از حدود خدا و پرستش کردی خدا را

مُخْلِصًا حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَئِمَّةِ مِنْ بَعْدِكَ.

از روی اخلاص تا مرگت فرا رسید درود خدا بر تو و بر امامان پس از تو

پس برخاست آن حضرت و در بالای سر آن حضرت چند رکعت نماز کرد و فرمود که ای صفوان هرکه زیارت کند

امیرالمؤمنین علیه السلام را به این زیارت و این نماز را بکند برگردد بسوی اهلس و حال اینکه گناهانش آمرزیده شده

باشد و عملش مقبول و پسندیده شده باشد و بنویسد برای او ثواب هرکه زیارت آن حضرت کرده باشد از ملائکه

صفوان گفت بر سبیل تعجب که (ثواب هرکه زیارت کند آن حضرت را از ملائکه) فرمود بلی در هر شی هفتاد قبیله از

ملائکه آن حضرت را زیارت می کنند پرسید که هر قبیله چه مقدارند فرمود که صد هزار ملک پس آن حضرت بَقَهْقَری

یعنی به پشت بیرون آمدند و در اثنای بیرون آمدن می گفتند :

يَا جَدَّاهُ يَا سَيِّدَاهُ، يَا طَيِّبَاهُ يَا طَاهِرَاهُ، لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْكَ،

ای جد بزرگوار ای آقای من ای پاکیزه و ای پاک قرار ندهد خدا این زیارت را آخرین مرتبه از زیارت

وَرَزَقَنِي الْعُودَ إِلَيْكَ، وَالْمَقَامَ فِي حَرَمِكَ، وَالْكَوْنَ مَعَكَ وَمَعَ الْأَبْرَارِ

و روزی کند بازگشت بسویت را و ایستادن در حرمت را و بودن با تو را و با نیکان

مِنْ وَلَدِكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمُحَدِّقِينَ بِكَ. صَفْوَانُ كُفْتُ

از فرزندان درود خدا بر تو و بر فرشتگانی که تو را در برگرفته اند * * * * *

که به آن حضرت عرض کردم که رخصت می‌دهید خبر دهم اصحاب خود را از اهل کوفه و نشان این قبر را به ایشان بدهم فرمود بلی و درهمی چند دادند که من قبر را مرمت و اصلاح کردم .

زیارت چهارم

در مستدرک الوسائل از مزار قدیم نقل کرده که روایت است از مولای ما امام محمدباقر علیه السلام که فرمود با پدرم رفتیم به زیارت قبر جدّم امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در نجف پس ایستاد پدرم نزد قبر مطهر و گریست و گفت: السّلامُ عَلَیْ أَبِی الْأَئِمَّةِ، وَخَلِیلِ الثُّبُوءِ، وَالْمَخْصُوصِ بِالْأُخُوَّةِ، السّلامُ عَلَیْ

سلام بر پدر امامان و خلیل نبوت و مخصوص به برادری (رسول خدا) سلام بر

یَعْسُوبِ الْإِیْمَانِ، وَمِیزَانِ الْأَعْمَالِ، وَسَیْفِ ذِی الْجَلَالِ، السّلامُ عَلَیْ صَالِحِ

پادشاه ایمان و میزان اعمال و شمشیر خدای صاحب شوکت و جلال سلام بر شایسته

الْمُؤْمِنِینَ، وَوَارِثِ عِلْمِ النَّبِیِّینَ، الْحَاکِمِ فِی یَوْمِ الدِّینِ، السّلامُ عَلَی شَجَرَةِ

مؤمنان و وارث دانش پیمبران و حکومت کننده در روز جزا سلام بر شجره

التَّقْوِی، السّلامُ عَلَی حُجَّةِ اللَّهِ الْبَالِغَةِ، وَنِعْمَتِهِ السَّابِقَةِ وَتَقَمَّتِهِ

تقوی سلام بر حجت رسای خدا و نعمت کاملش و عذاب

الدَّامِغَةِ، السّلامُ عَلَی الصَّرَاطِ الْوَاضِحِ، وَالتَّجَمُّمِ الْأَلَّاحِ، وَالْإِمَامِ

کوبنده اش سلام بر طریق روشن و ستاره درخشان و پیشوای

النَّاصِحِ، وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَکَاتِهِ، آنگاه گفت: أَنْتَ وَسَیْلَتِی إِلَى اللَّهِ

خیرخواه و رحمت خدا و برکاتش × × × × × توئی وسیله من بسوی خدا

وَذَرِیعَتِی، وَلِیَ حَقِّ مُوَالَاتِی وَتَأْمِیْلِی، فَکُنْ لِی شَفِیعِی إِلَى اللَّهِ

و واسطه ام و مراست حق دوستداری و آرزومندیم بتو پس شفیع من شو به درگاه خدای

عَزَّوَجَلَّ فِی الْوُقُوفِ عَلَی قَضَاءِ حَاجَتِی، وَهِيَ فَکَاکُ رَقَبَتِی مِنْ

عزوجل در مورد برآوردن حاجتم و آن حاجت آزادیم از

النَّارِ، وَأَصْرِفْنِی فِی مَوْقِفِی هَذَا بِالتَّجَمُّعِ، [وَإِیْمَا سَأَلْتُهُ کُلَّهُ بِرَحْمَتِهِ

آتش می‌باشد و بازگردان مرا از این جایگاه به کامیابی در تمام خواسته‌ام به رحمت

وَقُدْرَتِهِ، اللَّهُمَّ ارْزُقْنِی عَقْلاً کَامِلاً، وَلُبّاً رَاجِحاً، وَقَلْباً زَكِیّاً، وَعَمَلاً کَثِیراً،

و توانائی او خدایا روزیم گردان عقلی کامل و خردی ممتاز و دلی پاک و کرداری بسیار
وَادْبَاءَ بَارِعاً، وَاجْعَلْ ذَلِكَ كُفْلَهُ لِي، وَلَا تَجْعَلْهُ عَلَيَّ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .
و ادبی شایسته و قرار ده همه اینها را بسود من و قرارش مده بر زیانم به رحمت ای مهربانترین مهربانان

زیارت پنجم

شیخ کلینی روایت کرده از حضرت ابوالحسن ثالث امام علی التقی علیه السلام که می گوئی نزد قبر امیرالمؤمنین علیه السلام :

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، أَتَيْتُكَ أَوَّلَ مَظْلُومٍ، وَأَوَّلَ مَنْ غُصِبَ حَقُّهُ، صَبَرْتَ
سلام بر تو ای ولی خدا توئی نخستین ستم دیده و نخستین کسی که حقش را غصب کردند بردباری کردی
وَاحْتَسَبْتَ حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ، فَاشْهَدْ أَنَّكَ لَقِيتَ اللَّهَ وَأَنْتَ شَهِيدٌ، عَذَّبَ اللَّهُ
به امید پاداش خدا تا مرگت فرا رسید و گواهی دهم که براستی تو خدا را دیدار کردی در حالی که شهید بودی عذاب
کند خدا

قَاتَلْتَكَ بِأَنْوَاعِ الْعَذَابِ، وَجَدَدَ عَلَيْهِ الْعَذَابَ جُنُتَكَ عَارِفاً بِحَقِّكَ، مُسْتَبْصِراً
کُشَندهات را به انواع عذاب و تازه کند بر او عذاب را آمدم به درگاهت در حال معرفت به حق تو و بینای به شأن
بِشَأْنِكَ مُعَادِياً لِأَعْدَائِكَ وَمَنْ ظَلَمَكَ، أَلْقَى عَلَيَّ ذَلِكَ رَبِّي إِنْ شَاءَ اللَّهُ، يَا وَلِيَّ
و مقامت و در حال دشمنی با دشمنان و آنانکه به تو ستم کردند و انشاءالله به همین حال پروردگارم را نیز دیدار خواهم
کرد ای ولی

اللَّهُ إِنْ لِي ذُنُوباً كَثِيرَةً، فَاشْفَعْ لِي إِلَى رَبِّكَ، فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَاماً مَعْلُوماً، وَإِنَّ
خدا براستی مرا گناهان بسیاری است پس شفاعت کن مرا به درگاه پروردگارت که مسلماً تو را نزد خدا مقامی است
معلوم و

لَكَ عِنْدَ اللَّهِ جَاهٌ وَشَفَاعَةٌ، وَقَدْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى، وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى .
براستی تو در پیش خدا آبرو داری و شفاعت پذیرفته است و خدای تعالی خود فرموده: و شفاعت نکنند جز برای
آنکس که او بپسندد

زیارت ششم

زیارتیست که جماعتی از علما روایت کرده‌اند از جمله آنها است شیخ محمد بن المشهدی که فرموده روایت کرده است محمد بن خالد طایلسی از سیف بن عمیره که گفت بیرون رفتیم با صفوان بن جمّال و جمعی از اصحاب ما به جانب نجف و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را زیارت کردیم پس چون فارغ شدیم صفوان روی خود را گردانید بسوی قبر حضرت امام حسین علیه السلام و گفت زیارت می‌کنم حضرت امام حسین علیه السلام را از این مکان از بالای سر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و صفوان گفت که با حضرت امام جعفر صادق علیه السلام به اینجا آمدیم و حضرت چنین زیارت و نماز کرد و دعا خواند که من می‌کنم و فرمود که ای صفوان این زیارت را ضبط کن و این دعا را بخوان و همیشه حضرت امیرالمؤمنین و امام حسین علیهما السلام را به این نحو زیارت کن که من ضامنم بر خدا که هر که ایشان را چنین زیارت کند و این دعا را بخواند خواه از نزدیک و خواه از دور اینکه زیارتش مقبول باشد و عملش مزد داده شود و سلامش به ایشان برسد و پسندیده گردد و حاجتهایش برآورده شود هر چند عظیم باشد مؤلف گوید که تتمه این خبر در فضل این عمل بیاید در عقب دعاء صفوان در زیارت روز عاشورا انشاءالله و زیارت

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام این است رو به قبر آن حضرت بایست و بگو: اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا

* * * * *

* سلام بر تو ای

رَسُولَ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ،

رسول خدا سلام بر تو ای برگزیده خدا سلام بر تو ای امین خدا

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَلِیلَ اللَّهِ وَخُصَّصَهُ، وَاخْتَارَهُ، مِنْ بَرِیَّتِهِ، اَلسَّلَامُ

سلام بر آن کس که برگزیدش خدا و مخصوصش داشت و اختیارش کرد از میان خلقش سلام

عَلَیْكَ يَا خَلِیلَ اللَّهِ مَا دَجَى اللَّیْلُ وَغَسَقَ، وَأَضَاءَ النَّهَارُ وَأَشْرَقَ،

بر تو ای خلیل خدا تا هرگاه که تاریک و ظلمانی گردد شب، و روشن و نورانی گردد روز

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ مَا صَمَتَ صَامِتٌ، وَنَطَقَ نَاطِقٌ، وَدَرَّ شَارِقٌ، وَرَحِمَهُ

سلام بر تو آنگاه که خاموش است هر خاموش و گویا است هر گویا و بتابد خورشید و رحمت

اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَیْ بْنِ أَبِي طَالِبٍ،

خدا و برکاتش سلام بر مولای ما امیرمؤمنان علی بن ابی طالب

صَاحِبِ السَّوَابِقِ وَالْمَنَاقِبِ، وَالتَّجْدَةِ وَمُبِيدِ الْكُتَائِبِ، الشَّدِيدِ

صاحب سوابق درخشان و منقبتها و مردانگی و شجاعت و نابودکننده صفهای سخت

الْبَاسِ، الْعَظِيمِ الْمِرَاسِ، الْمَكِينِ الْأَسَاسِ، سَاقِي الْمُؤْمِنِينَ بِالْكَأْسِ،
نيرو و بزرگ قدرت و محکم پایه، ساقی مؤمنان با جام
مِنْ حَوْضِ الرَّسُولِ الْمَكِينِ الْأَمِينِ، السَّلَامُ عَلَيَّ صَاحِبِ التُّهَيِّ،
از حوض رسول پا بر جای امین سلام بر صاحب خرد
وَالْفَضْلِ وَالطَّوَائِلِ، وَالْمَكْرُمَاتِ وَالْتَّوَائِلِ، السَّلَامُ عَلَيَّ فَارِسِ
و فضیلت و نعمتها و کرامات و جوائز سلام بر دلاور
الْمُؤْمِنِينَ، وَلَيْثِ الْمُوَحِّدِينَ، وَقَاتِلِ الْمُشْرِكِينَ، وَوَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ
مؤمنان و شیر یگانه پرستان و کشنده مشرکان و وصی رسول پروردگار
الْعَالَمِينَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيَّ مَنْ أَيْدَهُ اللَّهُ بِجَبْرِئِيلَ،
جهانیان و رحمت خدا و برکاتش سلام بر آنکس که خدا تأیید کرد او را به جبرئیل
وَأَعَانَهُ بِمِيكَائِيلَ وَأَزْلَفَهُ فِي الدَّارَيْنِ، وَحَبَّاهُ بِكُلِّ مَا تَقَرُّ بِهِ الْعَيْنُ،
و کمکش کرد بوسیله میکائیل و مقربش ساخت در دو جهان و عطا فرمود به او هر چه را که موجب روشنی چشم است
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ الطَّاهِرِينَ، وَعَلَى أَوْلَادِهِ الْمُتَنَجِّبِينَ،
و درود خدا بر او و بر خاندان پاکش و بر فرزندان برگزیده اش
وَعَلَى الْأَئِمَّةِ الرَّاشِدِينَ، الَّذِينَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ،
و بر امامان راه یافته اش آنانکه امر به معروف و نهی از منکر کردند
وَفَرَضُوا عَلَيْنَا الصَّلَوَاتِ، وَأَمَرُوا بِإِتَاءِ الزَّكَاةِ، وَعَرَّفُونَا صِيَامَ شَهْرِ
و نمازها را بر ما واجب کرده و دستور پرداخت زکات را دادند و شناساندند به ما روزه ماه
رَمَضَانَ، وَقِرَاءَةَ الْقُرْآنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَيَعْسُوبَ
رمضان و خواندن قرآن را سلام بر تو ای امیرمؤمنان و بزرگ و پیشوای
الدِّينِ، وَقَاتِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ، السَّلَامُ
دین و ایمان و پیشرو سفید رویان سلام بر تو ای دری که از آن به خدا رسند سلام
عَلَيْكَ يَا عَيْنَ اللَّهِ النَّاطِرَةَ، وَيَدَهُ الْبَاسِطَةَ، وَأُذُنَهُ الْوَاعِيَةَ، وَحِكْمَتَهُ
بر تو ای دیده بینای خدا و دست بازش و گوش نگهدار رازش و حکمت
الْبَالِغَةَ، وَنِعْمَتَهُ السَّابِقَةَ، وَنِقْمَتَهُ الدَّامِغَةَ، السَّلَامُ عَلَيَّ قَسِيمِ الْجَنَّةِ

رسایش و نعمت شایانش و عذاب کوبنده اش سلام بر قسمت کننده بهشت
والتَّارِ، السَّلَامُ عَلَي نِعْمَةِ اللَّهِ عَلَي الْأَبْرَارِ، وَنِعْمَتِهِ عَلَي الْفُجَّارِ،
و دوزخ سلام بر نعمت خدا بر نیکان و عذاب او بر بدکاران
السَّلَامُ عَلَي سَيِّدِ الْمُتَّقِينَ الْأَخْيَارِ، السَّلَامُ عَلَي أَخِي رَسُولِ اللَّهِ،
سلام بر آقاي پرهیزکاران برگزیده سلام بر برادر رسول خدا
وَابْنِ عَمِّهِ وَزَوْجِ ابْنَتِهِ، وَالْمَخْلُوقِ مِنْ طِينَتِهِ، السَّلَامُ عَلَي الْأَصْلِ
و پسر عمویش و شوهر دخترش و آفریده شده از طینتش سلام بر ریشه
الْقَدِيمِ، وَالْفَرْعِ الْكَرِيمِ، السَّلَامُ عَلَي الثَّمَرِ الْجَنِيِّ، السَّلَامُ عَلَي أَبِي
قدیم و شاخه کریم سلام بر میوه چیده سلام بر
الْحَسَنِ عَلَي، السَّلَامُ عَلَي شَجَرَةِ طُوبَى وَسِدْرَةِ الْمُنتَهَى، السَّلَامُ
حضرت ابوالحسن علي عليه السلام سلام بر درخت طوبی و سدره المنتهی (درختهای بهشتی) سلام
عَلَي آدَمَ صَفْوَةِ اللَّهِ، وَنُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ، وَإِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، وَمُوسَى كَلِيمِ
بر آدم برگزیده خدا و نوح پیغمبر خدا و ابراهیم خلیل خدا و موسی هم سخن
اللَّهُ، وَعِيسَى رُوحِ اللَّهِ، وَمُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ، وَمَنْ بَيْنَهُمْ مِنَ النَّبِيِّينَ
خدا و عیسی روح خدا و محمد حبیب خدا و سایر کسانی که در این بین آمدند از پیمبران
وَالصَّادِقِينَ، وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا، السَّلَامُ
و صدیقان و شهیدان و شایستگان و اینان نیکو رفیقانی هستند سلام
عَلَي نُورِ الْأَنْوَارِ، وَسَلِيلِ الْأَطْهَارِ، وَعَنَاصِرِ الْأَخْيَارِ، السَّلَامُ عَلَي
بر نور انوار و نژاد پاکان و عناصر برگزیده سلام بر
وَالِدِ الْأَيْمَةِ الْأَبْرَارِ، السَّلَامُ عَلَي حَبْلِ اللَّهِ الْمَتِينِ، وَجَنْبِهِ الْمَكِينِ،
پدر امامان نیکوکار سلام بر ریسمان محکم خدا و جانبدار پابرجایش
وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَي أَمِينِ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَخَلِيفَتِهِ،
و رحمت خدا و برکاتش سلام بر امین خدا در روی زمینش و جانشینش
وَالْحَاكِمِ بِأَمْرِهِ، وَالْقَيِّمِ بِدِينِهِ، وَالتَّائِقِ بِحُكْمَتِهِ، وَالْعَامِلِ بِكِتَابِهِ،
و حاکم به فرمانش و سرپرست دینش و گویای به حکمتش و عمل کننده به کتابش

آخِ الرَّسُولِ وَزَوْجِ الْبُتُولِ وَسَيْفِ اللَّهِ الْمَسْلُولِ، السَّلَامُ عَلَي
 برادر رسول و شوهر بتول و شمشیر از نیام کشیده خدا سلام بر
 صاحبِ الدَّلالاتِ، وَأَلَا يَاتِ الْبَاهِرَاتِ، وَالْمُعْجَزَاتِ الْقَاهِرَاتِ،
 صاحبِ دلیلهای و نشانه‌های درخشان و معجزات کوبنده
 وَالْمُنْجِي مِنَ الْهَلَكَاتِ، الَّذِي ذَكَرَهُ اللَّهُ فِي مُحْكَمِ آيَاتِ، فَقَالَ
 و نجات بخش از نابودیهای آنکس که خدا در آیات محکم قرآن ذکرش کرده
 تَعَالَى، وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيَّ حَكِيمٌ، السَّلَامُ عَلَي اسْمِ اللَّهِ
 و فرموده: «و براستی او در اصل کتاب نزد ما علی و حکیم است» سلام بر نام پسندیده خدا
 الرَّضِيِّ، وَوَجْهِهِ الْمُضِيِّ، وَجَنِّهِ الْعَلِيِّ. وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ
 و مظهر تابانش و جانب والايش و رحمت خدا و برکاتش سلام
 عَلَي حُجَّجِ اللَّهِ وَأَوْصِيَاءِهِ، وَخَاصَّةِ اللَّهِ وَأَصْفِيَائِهِ، وَخَالِصَتِهِ وَأَمَنَائِهِ،
 بر حجت‌های خدا و اوصیاء آن حضرت و خاصان خدا و برگزیدگان او و بندگان خالصش و امانتدارهایش
 وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، قَصْدُكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَمِينَ اللَّهِ وَحُجَّتُهُ، زَائِرًا
 و رحمت خدا و برکاتش آهنگ تو را کردم ای مولای من ای امین خدا و حجت او برای زیارتت
 عَارِفًا بِحَقِّكَ، مُوَالِيًا لِأَوْلِيَائِكَ، مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ، مُتَقَرِّبًا إِلَى اللَّهِ
 و عارفم به حق تو و دوستدار دوستانانت هستم و دشمن با دشمنانت و تقرب جوی به درگاه خدا
 بِزِيَارَتِكَ فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكَ، فِي خَلَاصِ رَقَبَتِي مِنْ
 بوسیله زیارتت پس شفاعت کن برای من پیش خدا پروردگار من و پروردگار تو در نجات دادنم از
 النَّارِ، وَقَضَاءِ حَوَائِجِي، حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ پس خود را به قبر بجسبان
 آتش دوزخ و برآوردن حاجاتم حاجات دنیا و آخرت * * * * *
 * *
 و قبر را بیوس و بگو: سَلَامُ اللَّهِ وَسَلَامُ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَالْمُسْلِمِينَ لَكَ
 * * * * * سلام خدا و سلام فرشتگان مقرب او و آنانکه
 يَقُولُ بِهِمْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَالنَّاطِقِينَ بِفَضْلِكَ وَالشَّاهِدِينَ عَلَي
 از دل تسلیم تو شدند ای امیر مؤمنان و آنانکه به فضل و برتری تو گویا بودند و گواه بودند بر

أَنْتَ صَادِقٌ أَمِينٌ صَدِيقٌ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ

اینکه توئی راستگوی امین راستی پیشه (این سلامها) بر تود باد و رحمت خدا و برکاتش گواهی دهم که براستی

طَهْرٌ طَاهِرٌ مُطَهَّرٌ مِنْ طَهْرٍ طَاهِرٍ مُطَهَّرٍ، أَشْهَدُ لَكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَوَلِيَّ

تو پاک سرشت و پاک و پاکیزه از (پدران) پاک سرشت و پاک و پاکیزه و گواهی دهم برای تو ای ولی خدا و ولی

رَسُولِهِ بِالْبَلَاغِ وَالْإِدَاءِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ جَنْبُ اللَّهِ وَبَابُهُ، وَأَنَّكَ حَبِيبُ اللَّهِ

رسولش که (آنچه به عهده داشتی) رساندی و اداء کردی و گواهی دهم که تو به حقیقت جانبدار (یا درجوار) خدائی

(نسبت به او مانند)

وَوَجْهُهُ الَّذِي يُؤْتِي مِنْهُ، وَأَنَّكَ سَبِيلُ اللَّهِ، وَأَنَّكَ عَبْدُ اللَّهِ وَأَخُو

دری هستی (که بوسیله تو به او رسند) و توئی حبیب خدا و روی او که از آن رو بسویش روند و توئی راه خدا و توئی

بنده خدا و برادر

رَسُولِهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَتَيْتُكَ مُتَقَرِّبًا إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ

رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده‌ام بدرگاهت تقرب جوی بسوی خدای عزوجل

بِزِيَارَتِكَ، رَاغِبًا إِلَيْكَ فِي الشَّفَاعَةِ، أَبْتَغِي بِشَفَاعَتِكَ خُلَاصَ رَقَبَتِي

بوسیله زیارتت مشتاق به تو در شفاعتت و از شفاعت تو می‌جویم آزادی خود را

مِنَ النَّارِ، مُتَعَوِّذًا بِكَ مِنَ النَّارِ، هَارِبًا مِنْ دُؤْبِي النَّارِ احْتِطَبْتُهَا عَلَيَّ

از آتش و پناهنده‌ام به تو از آتش و گریزانم از گناهانی که بر

ظَهَرِي، فَرِعًا إِلَيْكَ رَجَاءَ رَحْمَةِ رَبِّي أَتَيْتُكَ أَسْتَشْفِعُ بِكَ يَا مَوْلَايَ،

پشت خود بار کرده‌ام پناه آورده‌ام به تو به امید رحمت پروردگارم آمده‌ام تا تو را شفیع خود گیرم ای مولای من

وَأَتَقَرَّبُ بِكَ إِلَى اللَّهِ لِيَقْضِيَ بِكَ حَوَائِجِي، فَاشْفَعْ لِي يَا أَمِيرَ

و تقرب جویم بوسیله تو بدرگاه خدا تا بدینوسیله حاجاتم را برآورد پس شفاعت کن برایم ای امیر

الْمُؤْمِنِينَ إِلَيَّ اللَّهُ فَاتِّي، عَبْدُ اللَّهِ وَمَوْلَاكَ وَزَائِرُكَ، وَلَكَ عِنْدَ اللَّهِ

مؤمنان به درگاه خدا که من بنده خدا و غلام تو و زائر توأم و تو را در پیش خدا

الْمَقَامُ الْمَحْمُودُ، وَالْجَاهُ الْعَظِيمُ، وَالشَّانُ الْكَبِيرُ، وَالشَّفَاعَةُ الْمَقْبُولَةُ،

مقامی است شایسته و جاه و منزلتی است بزرگ و شأن و عظمتی است بسیار و شفاعتت پذیرفته است

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و درود فرست بر امیرمؤمنان
عَبْدِكَ الْمُتَرْضَى، وَأَمِينِكَ الْأَوْفَى، وَعُرْوَتِكَ الْوُثْقَى، وَيَدِكَ الْعُلْيَا،
بنده پسندیده‌ات و امانتدار باوفایت و دست آویز محکمت و دست بلندت
وَجَنَبِكَ الْأَعْلَى، وَكَلِمَتِكَ الْحُسْنَى، وَحُجَّتِكَ عَلَيَّ الْوَرَى، وَصَدِّيقِكَ
و جانب والايت و كلمه نيکويت و حجت تو بر خلق و بزرگترين راستگوي
الْأَكْبَرِ، وَسَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ، وَرَكْنِ الْأَوَّلِيَاءِ، وَعِمَادِ الْأَصْفِيَاءِ، أَمِيرِ
تو و آقاي اوصياء و ركن اولياء و تكيه گاه برگزیدگان امير
الْمُؤْمِنِينَ، وَيَعْسُوبِ الدِّينِ، وَقُدْوَةِ الصَّالِحِينَ، وَإِمَامِ الْمُخْلِصِينَ،
مؤمنان و پادشاه دين و ايمان و پيشوای شايستگان و رهبر مخلصان آنکه (خدایش)
الْمُعْصُومِ مِنَ الْخَلَلِ، الْمُهَذَّبِ مِنَ الزَّلَلِ، الْمُطَهَّرِ مِنَ الْعَيْبِ، الْمُنَزَّهِ
از عيوب و خلل نگهداشته و از هر لغزشي پاك و از هر عيب پاكيزه و از شك
مِنَ الرَّيْبِ، أَخِي نَبِيِّكَ، وَوَصِيِّ رَسُولِكَ، الْبَائِتِ عَلَيِّ فِرَاشِهِ
و ريب مبرا است برادر پيامبرت و وصي رسولت آنکه (در شب هجرت) در بستر او خوابيد
وَالْمُؤَاسِي لَهُ بِنَفْسِهِ، وَكَاشِفِ الْكَرْبِ عَنْ وَجْهِهِ، الَّذِي جَعَلْتَهُ، سَيْفًا
و جانش را براي او به كف گرفت و اندوه را از چهره اش دور ساخت آنکه قرارش دادي شمشيري بران
لِتُبَوِّتَهُ، وَآيَةً لِّرِسَالَتِهِ، وَشَاهِدًا عَلَيَّ أُمَّتِهِ، وَدَلَالَةً عَلَيَّ حُجَّتِهِ،
براي پيامبري او و نشانه اي براي رسالتش و گواهي بر امتش و راهنمائي بر دليل و برهانش
وَحَامِلًا لِّرَايَتِهِ، وَوَقَايَةً لِّمُهْجَتِهِ، وَهَادِيًا لِأُمَّتِهِ، وَيَدًا لِّبَاسِهِ، وَتَاجًا
و بر دوش كشنده پرچمش و سپري براي حفظ جانش و راهنمائي براي امتش و دست (ونبرويي) براي حمله و نبردش
و تاجي
لِرَأْسِهِ، وَبَابًا لِّسِرِّهِ، وَمِفْتَاحًا لِّظَفَرِهِ، حَتَّى هَزَمَ جِيُوشَ الشُّرْكِ بِإِذْنِكَ،
بر سرش و دري براي رازش و كليدي براي پيروزيش تا اينکه سپاههاي شرك را به اذن تو
وَأَبَادَ عَسَاكِرَ الْكُفْرِ بِأَمْرِكَ، وَبَذَلَ نَفْسَهُ فِي مَرْضَاةِ رَسُولِكَ،
منهزم ساخت و لشگرهاي مجهز را به فرمان تو نابود كرد و از بذل جان در راه تحصيل خوشنودي رسول تو
وَجَعَلَهَا وَقْفًا عَلَيَّ طَاعَتِهِ، فَصَلِّ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ صَلَوةً دَائِمَةً بَاقِيَةً پَس

دریغ نکرد و آن را وقف طاعت او نمود پس درود فرست بر او درودی همیشگی و پایدار * * * *

بگو: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، وَالشَّهَابَ الثَّاقِبَ، وَالثُّورَ الْعَاقِبَ، يَا

* * * سلام بر تو ای ولی خدا و ای اخگر نافذ و روشنی دنباله دار ای

سَلِيلَ الْأَطَائِبِ، يَا سِرَّ اللَّهِ إِنْ بَيَّنَّ وَبَيَّنَّ اللَّهُ تَعَالَى ذُنُوبًا قَدْ أَثْقَلَتْ

نژاد پاکان ای راز خدا براستی بین من و خدای تعالی گناهای است که پشتم را

ظَهْرِي، وَلَا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاءٌ، فَبِحَقِّ مَنْ ائْتَمَّنَكَ عَلَيَّ سِرَّهُ،

سنگین کرده و مورد بخشودگی قرار نگیرد جز بخشنودی او پس بحق آنکس که تو را امین بر راز خویش قرار داده

وَاسْتَرْعَاكَ أَمْرَ خَلْفِهِ، كُنْ لِي إِلَى اللَّهِ شَفِيعًا، وَمِنَ النَّارِ مُجِيرًا، وَعَلَيَّ

و سرپرستی کار خلقتش را از تو خواسته که شفیع من شوی بدرگاه خدا و پناهم شوی از آتش دوزخ و در

الدَّهْرِ ظَهِيرًا، فَأَيُّ عَبْدٍ لِلَّهِ وَوَلِيِّكَ وَزَائِرُكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ بِسْمِ شَشْ

پیش آمدهای روزگار پشت و پناهم باشی زیرا من بنده خدا و دوست تو و زائر تو هستم درود خدا بر تو باد * *

رکعت نماز زیارت بکن و هر دعا که خواهی بکن و بگو السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ

* * * * * سلام بر

تو ای امیر

الْمُؤْمِنِينَ، عَلَيْكَ مَتَّى سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا، مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ. بِسْمِ

مؤمنان از طرف من بر تو سلام خدا باد همیشه تا زنده بمانم و تا برجا باشد شب و روز * *

اشاره کن و متوجه شو به جانب قبر امام حسین علیه السلام و بگو السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أبا عَبْدِ

* * * * * سلام

بر تو ای ابا عبد

اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، أَتَيْتُكُمَا زَائِرًا وَمُتَوَسِّلًا إِلَى اللَّهِ

الله سلام بر تو ای فرزند رسول خدا من به نزد شما دو بزرگوار آمده برای زیارتتان و برای توسل جستن بدرگاه خدای

تَعَالَى رَبِّي وَرَبِّكُمَا، وَمُتَوَجِّهًا إِلَى اللَّهِ بِكُمَا، وَمُسْتَشْفِعًا بِكُمَا إِلَيَّ

تعالی پروردگار من و پروردگار شما و رو کنم بسوی خدا بوسیله شما و شفاعت جویم بوسیله شما

اللَّهُ فِي حَاجَتِي هَذِهِ. وَبِحُجْوَانِ تَا آخِرِ دَعَايِ صَفْوَانِ: إِنَّهُ قَرِيبٌ مُجِيبٌ بِسْمِ رُو بِهِ

قبله کن و بخوان از اوّل دعا: یا اَللّهُ یا اَللّهُ یا اَللّهُ، یا مُجِیبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّینَ،

* * * * * ای خدا ای خدا ای اجابت کننده دعای

در ماندگان

وَيَا كَاشِفَ كَرْبِ الْمُكْرُوبِينَ. تَا وَاصْرَفْنِي بِقَضَاءِ حَاجَتِي وَكَفَايَةِ مَا

و ای زداينده اندوه اندوهناکان × × و بازم گردان با حاجت بر آورده و کفایت شدن آنچه

أَهْمَنِي هَمُّهُ مِنْ أَمْرِ دُئْيَايَ وَآخِرَتِي، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. پس ملتفت شو

به اندیشه ام فرو برده اندوهش از کار دنیا و آخرتم ای مهربانترین مهربانان *

به جانب قبر امير المؤمنين عليه السلام وبگو: اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اَمْرَ الْمُؤْمِنِیْنَ، وَالسَّلَامُ

* * * * * سلام بر تو ای امر مؤمنان و سلام

عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ، مَا بَقِيََتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ لَا جَعَلَهُ اللَّهُ

بر حضرت اباعبدالله الحسین تا من زنده‌ام و بجای باشد شب و روز و قرار ندهد خدا

آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لَزِيَارَتِكُمَا، وَلَا فَرَقَ اللَّهُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمَا. مؤلف گوید: کہ

این زیارتم را آخرین بار زیارتم از شما دو بزرگوار و جدا نکند خدا میان من و شما را

قبل از این ذکر شد که دعای صفوان همان است که مشهور شده به دعای علقمه و بیاید ذکر آن در زیارت روز عاشورا
 انشاء الله .

زیارت هفتم

زیارتیست که سید بن طاووس در مصباح الزائر نقل کرده به این کیفیت که قصد کن باب السلام یعنی درگاه روضه

مقدسہ امیر المؤمنین علیہ السلام کہ ضریح مقدس نمایان می شود پس

بگو سی و چهار مرتبه: اَللّٰهُ اَكْبَرُ و بگو: سَلامُ اللّٰهِ وَ سَلامُ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ،

* * * * * خدا بزرگتر است × × × سلام خدا و سلام فرشتگان مقربش

وَأَنْبِيَآءَهُ الْمُرْسَلِينَ، وَعِبَادَهُ الصَّالِحِينَ، وَجَمِيعَ الشُّهَدَاءِ وَالصَّادِقِينَ

و پیمبران مرسلش و بندگان شایسته‌اش و تمام شهیدان و راستگویان

عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيَّ آدَمَ صِفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ
بر تو ای امیر مؤمنان سلام بر آدم برگزیده خدا سلام بر
نُوحِ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ مُوسَى
نوح پیامبر خدا سلام بر ابراهیم خلیل خدا سلام بر موسی
كَلِيمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ،
هم سخن خدا سلام بر عیسی روح خدا سلام بر محمد حبیب خدا
وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيَّ اسْمِ اللَّهِ الرَّضِيِّ، وَوَجْهِهِ الْعَلِيِّ،
و رحمت خدا و برکاتش سلام بر نام پسندیده خدا و جمال والايش
وَصِرَاطِهِ السَّوِيِّ، السَّلَامُ عَلَيَّ الْمُهَذَّبِ الصَّفِيِّ، السَّلَامُ عَلَيَّ أَبِي
و راه هموارش سلام بر بنده پاکیزه با صفا سلام بر ابی
الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيَّ خَالِصِ
الحسن علی بن ابی طالب و رحمت خدا و برکاتش سلام بر خالص
الْأَخْلَآءِ، السَّلَامُ عَلَيَّ الْمُخْصُوصِ بِسَيِّدَةِ النَّسَاءِ، السَّلَامُ عَلَيَّ
دوستان سلام بر آنکس که مخصوص گشت به همسری بانوی زنان (جهانیان) سلام بر
الْمَوْلُودِ فِي الْكَعْبَةِ الْمُزَوَّجِ فِي السَّمَاءِ، السَّلَامُ عَلَيَّ أَسَدِ اللَّهِ فِي
متولد شده در کعبه و تزویج شده در آسمان سلام بر شیر خدا در
الْوُغِيِّ، السَّلَامُ عَلَيَّ مَنْ شَرُفَتْ بِهِ مَكَّةُ وَمِنَى، السَّلَامُ عَلَيَّ صَاحِبِ
میدان جنگ سلام بر آنکس که مکه و منی به او شرف یافت سلام بر صاحب
الْحَوْضِ وَحَامِلِ اللُّوَاءِ، السَّلَامُ عَلَيَّ خَامِسِ أَهْلِ الْعَبَاءِ، السَّلَامُ
حوض و پرچمدار (اسلام) سلام بر پنجمین نفر اهل عبا سلام
عَلَيَّ الْبَائِتِ عَلَيَّ فِرَاشِ النَّبِيِّ، وَمُقَدِّيهِ بِنَفْسِهِ مِنَ الْأَعْدَاءِ، السَّلَامُ
بر آنکس که در بستر پیامبر خدا خوابید و جانش را فدای او کرد در برابر دشمنان سلام
عَلَيَّ قَالِعِ بَابِ حَبِيرٍ، وَالْدَّاحِي بِهِ فِي الْفَضَاءِ، السَّلَامُ عَلَيَّ مُكَلِّمِ
بر کننده در خیبر و پرت کننده آن در فضا سلام بر تکلم کننده
الْفَتْيَةِ فِي كَهْفِهِمْ بِلِسَانِ الْأَنْبِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَيَّ مُنْبِعِ الْقَلْبِ فِي الْفَلَآءِ،

با اصحاب كهف در ميان كهفشان به زبان پيمبران سلام بر بيرون آورنده آب از چاه در بيايان خشك
الْسَّلَامُ عَلَي قَالِعِ الصَّخْرَةِ وَقَدْ عَجَزَ عَنْهَا الرِّجَالُ الْأَشِدَّاءُ، السَّلَامُ
سلام بر كننده سنگ سختي كه مردان نيرومند از كندنش عاجز شدند سلام
عَلَي مُخَاطَبِ الثُّغْبَانِ عَلَي مُنْبَرِ الْكُوفَةِ بِلِسَانِ الْفُصَحَاءِ، السَّلَامُ
بر سخن گوينده باژدها بر بالاي منبر كوفه به زبان فصيح سلام
عَلَي مُخَاطَبِ الذَّنْبِ وَمُكَلِّمِ الْجُمُجُمَةِ بِالنَّهْرَوَانِ وَقَدْ نَخِرَتْ
بر سخن گوينده با گرگ و تكلم كننده با جمجمه مرده در نهروان پس از آنكه استخوانهايش
الْعِظَامُ بِالْبِلَالِ السَّلَامُ عَلَي صَاحِبِ الشَّفَاعَةِ فِي يَوْمِ الْوَرَى،
پوسيده شده بود سلام بر صاحب شفاعت در روز آخرت
وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَي الْأَمَامِ الزَّكِيِّ حَلِيفِ الْمِحْرَابِ،
و رحمت خدا و بركاتش سلام بر آن پيشواي پاكيژه و ملازم محراب عبادت
السَّلَامُ عَلَي صَاحِبِ الْمُعْجَزِ الْبَاهِرِ وَالنَّاطِقِ بِالْحِكْمَةِ وَالصَّوَابِ،
سلام بر صاحب معجزه روشن و گويايي به حكمت و درستي
السَّلَامُ عَلَي مَنْ عِنْدَهُ تَأْوِيلُ الْمُحْكَمِ وَالْمُتَشَابِهِ وَعِنْدَهُ أُمُّ
سلام بر كسي كه نزد او است تأويل محكم و متشابه قرآن و پيش او است
الْكِتَابِ، السَّلَامُ عَلَي مَنْ رُدَّتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ حِينَ تَوَارَتْ
دفتر اصلي سلام بر آنكس كه خورشيد براي او برگشت پس از آنكه غروب
بِالْحِجَابِ، السَّلَامُ عَلَي مُحْيِي اللَّيْلِ الْبَهِيمِ بِالتَّهَجُّدِ وَالْاِكْتِيَابِ،
كرده بود سلام بر زنده دارنده شب تاريك به تهجد و زاري
السَّلَامُ عَلَي مَنْ خَاطَبَهُ جَبْرَيْلُ بِأَمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ بِغَيْرِ ارْتِيَابٍ،
سلام بر آنكس كه بدون ترديد صدايش زد جبرئيل به نام امير مؤمنان
وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَي سَيِّدِ السَّادَاتِ، السَّلَامُ عَلَي
و رحمت خدا و بركاتش سلام بر آقاي بزرگان سلام بر
صَاحِبِ الْمُعْجَزَاتِ، السَّلَامُ عَلَي مَنْ عَجِبَ مِنْ حَمَلَاتِهِ فِي
صاحب معجزات سلام بر آنكس كه درشگفت شدند از حمله هايش در

الْحُرُوبِ مَلَائِكَةُ سَبْعِ سَمَوَاتٍ، السَّلَامُ عَلَيَّ مَنْ نَاجَى الرَّسُولَ
جنگها فرشتگان هفت آسمان سلام بر آنکس که با رسول خدا راز گفت
فَقَدَّمَ بَيْنَ يَدَيَّ نَجْوَاهُ صَدَقَاتٍ، السَّلَامُ عَلَيَّ أَمِيرِ الْجُيُوشِ
و برای رازگویش صدقه‌ها داد سلام بر فرمانده سپاهها
وَصَاحِبِ الْعَزَوَاتِ، السَّلَامُ عَلَيَّ مُخَاطَبِ ذُنُبِ الْفَلَوَاتِ، السَّلَامُ
و صاحب جنگها سلام بر سخن گوی با گرگهای بیابان سلام
عَلَيَّ نُورِ اللَّهِ فِي الظُّلُمَاتِ، السَّلَامُ عَلَيَّ مَنْ رُدَّتْ لَهُ الشَّمْسُ
بر نور خدا در تاریکیها سلام بر آنکس که خورشید برایش بازگشت
فَقَضِي، مَا فَاتَهُ مِنَ الصَّلَاةِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيَّ أَمِيرِ
پس نمازش را که قضا شده بود بجای آورد و رحمت خدا و برکاتش سلام بر امیر
الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيَّ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيَّ إِمَامِ الْمُتَّقِينَ،
مؤمنان سلام بر آقای اوصیاء سلام بر پیشوای پرهیزکاران
السَّلَامُ عَلَيَّ وَارِثِ عِلْمِ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيَّ يَعْسُوبِ الدِّينِ،
سلام بر وارث علم پیمبران سلام بر پادشاه دین
السَّلَامُ عَلَيَّ عِصْمَةِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيَّ قُدْوَةِ الصَّادِقِينَ،
سلام بر نگهدار مؤمنان سلام بر مقتدای راستگوبان
وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيَّ حُجَّةِ الْأَبْرَارِ، السَّلَامُ عَلَيَّ أَبِي
و رحمت خدا و برکاتش سلام بر حجت نیکان سلام بر پدر
الْأَيْمَةِ الْأَطْهَارِ، السَّلَامُ عَلَيَّ الْمَخْصُوصِ بِذِي الْفَقَارِ، السَّلَامُ عَلَيَّ
امامان پاک سلام بر آنکس که به ذوالفقار مخصوص گشت سلام بر
سَاقِي أَوْلِيَائِهِ مِنْ حَوْضِ النَّبِيِّ الْمُخْتَارِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، مَا
سیراب کننده دوستان خود از حوض پیامبر مختار صلی الله علیه و آله تا
أَطْرَدَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، السَّلَامُ عَلَيَّ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ، السَّلَامُ عَلَيَّ مَنْ أُنْزِلَ
از پی هم درآید شب و روز سلام بر آن خبر بزرگ سلام بر آنکس که خدا درباره‌اش نازل فرمود :
اللَّهُ فِيهِ، وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِّي حَكِيمٌ، السَّلَامُ عَلَيَّ صِرَاطِ

«و براستی او در دفتر اصلی نزد ما علی و حکیم است» سلام بر راه راست

اللَّهُ الْمُسْتَقِيمُ، السَّلَامُ عَلَي الْمُنْعُوتِ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ

خدا سلام بر آنکس که وصفش شده در تورات و انجیل و قرآن

الْحَكِيمِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ پس می اندازی خود را بر ضریح و می بوسی آن را و

حکمت آموز و رحمت خدا و برکاتش بر او باد * * * * *

* * * * *

می گوئی: یا آمینَ اللَّهُ، یا حُجَّةَ اللَّهِ، یا وَلِيَّ اللَّهِ، یا صِرَاطَ اللَّهِ زَارِكَ عَبْدُكَ

* * * * * ای امین خدا ای حجت خدا ای ولی خدا ای راه خدا زیارتت کرد بنده

وَوَلِيِّكَ، اللَّائِذُ بِقَبْرِكَ، وَالْمُنِيخُ رَحْلَهُ بِفِنَائِكَ، الْمُتَقَرِّبُ إِلَيَّ اللَّهُ

و دوست که به قبرت پناه آورده و بار (نیاز) خود را به آستان تو انداخته و بوسیله تو به خدای

عَزَّوَجَلَّ، وَالْمُسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَيَّ اللَّهُ، زِيَارَةَ مَنْ هَجَرَ فَيْكَ صَحْبَهُ،

عزوجل تقرب جسته و تو را شفیع درگاه خدا قرار داده زیارت کردن آن کس که بخاطر تو دست از رفیقان شسته

وَجَعَلَكَ بَعْدَ اللَّهِ حَسْبَهُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ الطُّورُ، وَالْكِتَابُ الْمَسْطُورُ، وَالرُّقْ

و تو را پس از خدا برای خود کافی دانسته گواهی دهم که تویی طُور و کتاب مسطور (نامه نوشته) و برگ

الْمُنْشُورُ، وَبَحْرُ الْعِلْمِ الْمَسْجُورِ، یا وَلِيَّ اللَّهِ إِنَّ لِكُلِّ مَزُورٍ عَنَابَةً

بهمن شده و دریای جوشان دانش ای ولی خدا براستی هر که را به زیارتش روند نسبت

فِيْمَنْ زَارَهُ وَقَصَدَهُ وَآتَاهُ، وَأَنَا وَلِيُّكَ وَقَدْ حَطَّطْتُ رَحْلِي بِفِنَائِكَ،

به زائرش و آنکس که آهنگش کرده و بنزدش آمده عنایتی دارد و من دوست توأم که بار (نیازم) را به آستان تو انداخته

وَلَجَأْتُ إِلَى حَرَمِكَ، وَلُذْتُ بِضَرْيَحِكَ، لِعِلْمِي بِعَظِيمِ مَنَزِلَتِكَ،

و به حرم تو ملتیجی شدم و به ضریح تو پناهنده شدم چون علم دارم به بزرگی منزلت و مقامت

وَشَرَفِ حَضْرَتِكَ، وَقَدْ أَثْقَلْتُ الذُّنُوبَ ظَهْرِي، وَمَنْعَتْنِي رُقَادِي، فَمَا

و شرافت درگاهت و براستی گناهان پشتم را سنگین کرده و خواب را از من گرفته و نمی یابم

أَجْدُ حِرْزًا وَلَا مَعْقَلًا، وَلَا مَلْجَأً إِلَّا إِلَيْهِ إِلَّا اللَّهُ تَعَالَى، وَتَوَسَّلِي بِكَ

پناهگاه و نه جای امن و ملجائی که بدان پناه برم جز خدای تعالی و توسل بوسیله تو

إِلَيْهِ، وَاسْتَشْفَاعِي بِكَ لَدَيْهِ، فَهَذَا نَازِلٌ بِفِنَائِكَ، وَلَكَ عِنْدَ اللَّهِ جَاءُ

به درگاهش و شفاعت جوئی به تو در نزد او پس من اکنون به آستان تو فرود آمده و تو را در نزد خدا جاه

عَظِيمٌ وَمَقَامٌ كَرِيمٌ فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ اللَّهِ رَبِّكَ يَا مَوْلَايَ. پس ببوس ضریح

و منزلی بزرگ و مقامی شایسته است پس شفاعت کن برای من در پیش خدا که پروردگار تو است ای مولای من *

* *

را و روی خود را به قبله کن و بگو: اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ يَا اَسْمَعَ السَّامِعِينَ،

* * * * * خدایا من به درگاه تو تقرب جویم ای شنواترین شنوایان

وَيَا اَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، وَيَا اَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، وَيَا اَجْوَدَ الْاَجْوَدِينَ،

و ای بیناترین بینایان و ای سریعترین حسابگران و ای سخیترین سخاوتمندان

بِمُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، رَسُولِكَ اِلَى الْعَالَمِينَ، وَبَاخِيهِ وَابْنِ عَمِّهِ

به حق محمد خاتم پیمبران فرستاده و رسول تو بسوی جهانیان و به حق برادر و پسر عمویش

الْاَنْزَعَ الْاَبْطَنَ، الْعَالِمِ الْمُبِينِ، عَلِيٍّ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَالْحَسَنَ

آن آقایی بازپیشانی فراخ سینه آن دانای آشکارکننده یعنی «علی» امیرمؤمنان و به حق حسن

وَالْحُسَيْنَ اِمَامَيْنِ الشَّهِيدَيْنِ، وَبِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ،

و حسین دو پیشوای شهید و به علی بن الحسین زیب پرستش کنندگان

وَبِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بَاقِرِ عِلْمِ الْاَوَّلِينَ، وَبِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ زَكِيِّ

و به محمد بن علی شکافنده دانش پیشینیان و به جعفر بن محمد آن پاکیزه

الصَّدِيقَيْنِ، وَبِمُوسَى بْنِ جَعْفَرِ الْكَاظمِ الْمُبِينِ، وَحَبِيسِ الظَّالِمِينَ،

در میان راستگویان و به موسی بن جعفر فرو برنده خشم و آشکارکننده حق و زندانی ستمکاران

وَبِعَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا الْاَمِينِ، وَبِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْجَوَادِ عَلم

و به علی بن موسی آن راضی به مقدارت حق و امین او و به محمد بن علی جواد مشعل راه

الْمُهْتَدِينَ، وَبِعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ الْبَرِّ الصَّادِقِ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ، وَبِالْحَسَنَ

یافتگان و به علی بن محمد آن نیکوکار راستگو و آقایی عبادتکنندگان و به حسن

بْنِ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيِّ وَلِيِّ الْمُؤْمِنِينَ، وَبِالْخَلْفِ الْحُجَّةِ صَاحِبِ الْأَمْرِ

بن علی عسکری زمامدار مؤمنان و به یادگار شایسته حجت حق صاحب الامر

مُظْهِرِ الْبُرَاهِينِ، اَنْ تُكْشِفَ مَا بِي مِنَ الْهُمُومِ، وَتُكْفِنِي شَرَّ الْبَلَاءِ

آشکارکننده برهانها که بگشائی از من اندوههایم را و کفایت کنی از من بلای
الْمَحْتُونِ، وَتُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ ذَاتِ السَّمُومِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

حتمی را و پناهم دهی از آتش گدازنده دوزخ به رحمت ای مهربانترین مهربانان

پس دعا کن برای هر چه بخواهی و وداع نما آن حضرت را و برگرد مؤلف گوید که سید عبدالکریم بن طاووس در
فَرْحَةُ الْعَرِيِّ روایت کرده که حضرت امام زین العابدین علیه السلام وارد کوفه شد و داخل شد در مسجد آن و در مسجد
بود ابو حمزه ثمالی که از زاهدین اهل کوفه و مشایخ آنجا بود پس حضرت دو رکعت نماز گذاشت ابو حمزه گفت نشنیدم
لهجه ای پاکیزه تر از او نزدیکیش رفتم تا بشنوم چه می گوید شنیدم می گوید «إِلَهِي إِنْ كَانَ قَدْ عَصَيْتُكَ فَإِنِّي قَدْ أَطَعْتُكَ فِي
أَحَبِّ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ» و این دعائی است معروف مؤلف گوید که ذکر این دعا بعد از این در اعمال کوفه بیاید و آنکه
ابو حمزه گفت که آن بزرگوار آمد نزد ستون هفتم و نعلین را کند و ایستاد و دستها را تا برابر گوش بلند کرد و تکبیری
گفت که جمیع موهای بدن من از دَهْشَتِ آن راست ایستاد پس چهار رکعت نماز گذارد و رکوع و سجودش را نیکو به
عمل آورد پس این دعا را خواند «إِلَهِي إِنْ كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ» تا آخر دعا و موافق روایت سابقه آن بزرگوار برخاست و
رفت ابو حمزه گفت که من عقب او رفتم تا مناخ کوفه و آن مکانی بود که شتران را در آنجا می خوابانیدند دیدم در آنجا
غلام سیاهی است و با او است شتر گزیده و ناقه گفتم با او ای سیاه این مرد کیست گفت «أَوَيْخَفِي عَلَيْكَ شَمَائِلُهُ» از
سیما و شمایلش او را نشناختی او علی بن الحسین است ابو حمزه گفت پس خود را انداختم روی قدمهای آن حضرت
بوسیدم آن را که آن جناب نگذاشت و با دست خود سر مرا بلند کرد و فرمود مکن سجود نشاید مگر برای خداوند
عزوجل گفتم یا بن رسول الله برای چه اینجا آمدید فرمود که از برای آنچه که دیدی یعنی نماز در مسجد کوفه و اگر
مردم بدانند که چه فضیلتی است در آن بیایند بسوی آن اگر چه به روش کودکان خود را بر زمین کشند یعنی بیایند هر
چند در نهایت سختی باشد راه رفتن بر ایشان مانند اطفالی که راه نیفتاده اند نشسته حرکت می نمایند پس فرمود آیا
میل داری که زیارت کنی با من قبر جدّ علی بن ابیطالب علیه السلام را گفتم بلی پس حرکت فرمود و من در سایه ناقه
او بودم و حدیث می کرد مرا تا رسیدیم بَعْرَيْنِ و آن بقعه ای بود سفید که نور آن می درخشید پس از شتر خویش پیاده
شد و دو طرف روی خود را بر آن زمین گذاشت و فرمود ای ابا حمزه این قبر جدّ من علی بن ابیطالب علیه السلام است
پس زیارت کرد آن حضرت را به زیارتی که اول آن «الْسَّلَامُ عَلَيَّ اِسْمُ اللّهِ الرَّضِيِّ وَثَوْرٌ وَجْهُهُ الْمُضِيِّ» است پس وداع
کرد با آن قبر مطهر و رفت بسوی مدینه و من برگشتم بسوی کوفه مؤلف گوید که از ذکر نکردن سید این زیارت را در
فَرْحَةُ تَأْسَفُ می خوردم و در جستجوی آن بودم تا اینکه يَكِيكَ زیاراتی که برای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نقل
شده ملاحظه کردم زیارتی که در اول آن این دو جمله باشد نیافتم مگر این زیارت شریف که جمله اولش موافق است و

جمله دوم مختلف پس شاید که این زیارت همان زیارت باشد و این اختلاف چندان ضرر ندارد و اگر گوی که اول این زیارت «سَلَامُ اللَّهِ وَ سَلَامٌ مَلَايَكَتِهِ» است نه «السَّلَامُ عَلَيَّ اِسْمُ اللَّهِ الرَّضِيِّ» گوئیم اول زیارت همان «السَّلَامُ عَلَيَّ اِسْمُ اللَّهِ الرَّضِيِّ» است و سلام های سابق به منزله اذن دخول و طلب رخصت است و شاهد بر این مطلب تطبیق این زیارتست با زیارت روز مولود که کمال مشابهت را با هم دارند رجوع کن به آنجا تا بر تو معلوم شود و نیز بدانکه در زیارت ششم و زیارت روز مولود این دو جمله بدون لفظ نور می باشد اما نه در اول زیارت واللَّهُ الْعَالِمُ وبالجمله ما را از زیارات مطلقه همین هفت زیارت که نقل کردیم کافی است و اگر کسی بیش از این خواسته باشد بخواند زیارات جامعه را و بخواند نیز زیارت مبسوطی را که بعد از این برای روز غدیر نقل می کنیم زیرا که روایت شده بخواندن آن زیارت در هر وقت و در هر کجا که شخص باشد و باید غنیمت شمرد زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و نماز در آن حرم مطهر را زیرا که نماز در نزد آن بزرگوار مقابل دویست هزار نماز است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که زیارت کند امام مفترض الطاعة را و نماز گذارد نزد او چهار رکعت نوشته شود برای او حجه و عمره و ما در هدیه الزائرین اشاره کردیم به فضیلت مجاورت قبر امیرالمؤمنین علیه السلام لکن بشرط آنکه مجاور حَقِّ جوار آن حضرت را ملحوظ داشته باشد و این مطلب بسیار مشکلی است که برای هرکس ممکن نیست و مقام را مقتضی ذکر آن نیست طالبین رجوع کنند به کلمه طیبه .

ذکر وداع امیرالمؤمنین علیه السلام

چون خواستی وداع کنی آن حضرت را بخوان این وداع را که بعد از زیارت پنجم مذکور در کتب علما نقل شده :

السَّلَامُ عَلَیْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، اَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ وَاسْتَرْعِیْكَ وَأَقْرَأُ عَلَیْكَ

سلام بر تو و رحمت خدا و برکاتش تو را می سپارم به خدا و از تو سرپرستی خواهم و بر

السَّلَامَ، آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَبِمَا جَاءَتْ بِهِ وَدَعَتْ إِلَيْهِ وَدَلَّتْ عَلَيْهِ فَاکْتُبْنَا مَعَ

تو سلام فرستم ایمان آوردیم به خدا و به رسولان او و بدانچه آنان از جانب خدا آورده و بدان دعوت کردند و بر آن

راهنمایی

الشَّاهِدِينَ، اَللّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي اَيَّاهُ، فَإِنْ تَوَفَّيْتَنِي

نمودند پس خدایا ما را در زمره گواهان بنویس خدایا قرار مده این زیارت را آخرین زیارت من از این بزرگوار و اگر

مرا پیش از

قَبْلَ ذَلِكَ، فَإِنِّي أَشْهَدُ فِي مَمَاتِي عَلَيَّ مَا شَهِدْتُ عَلَيْهِ فِي حَيَاتِي، أَشْهَدُ أَنْ

آن بمرانی پس من گواهی دهم در مردنم همان گواهی را که در زندگیم بدان گواهی داده‌ام گواهی دهم که
امیر المؤمنین علیاً، والحسن والحسین، وعلی بن الحسین، ومحمد بن علی
امیر مؤمنان علی و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی
وجعفر بن محمد، وموسی بن جعفر، وعلی بن موسی، ومحمد بن
و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن
علی، وعلی بن محمد، والحسن بن علی، والحجّة بن الحسن،
علی و علی بن محمد و حسن بن علی و حجة بن الحسن
صلواتك علیهم أجمعین ائمتی، وأشهد أن من قتلهم وحاربهم
که درودهای تو بر همگی ایشان باد امامان من هستند و گواهی دهم که هر که بکشد ایشان را و بجنگد با ایشان
مُشْرِكُونَ، وَمَنْ رَدَّ عَلَیْهِمْ فِي اسْفَلِ دَرْكِ مِنَ الْجَحِيمِ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مَنْ
مشرك است و هر که رد کند آنان را در پایین‌ترین طبقه دوزخ است و گواهی دهم که هر که
حاربهم لنا أعداء ونحن منهم برء آؤ، وألهم حزب الشیطان، وعلی
با ایشان بجنگد دشمن ما است و ما از آنها بیزاریم و آنان از دار و دسته شیطان هستند و بر
مَنْ قَتَلَهُمُ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ، وَمَنْ شَرِكَ فِيهِمْ
کشندگان لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم باد و هم بر کسانی که شریک در خون
وَمَنْ سَرَّهُ قَتْلُهُمُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بَعْدَ الصَّلَاةِ وَالتَّسْلِيمِ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَي
آنها شده و از کشتنشان شاد گشتند خدایا از تو خواهم پس از درود و سلام که درود فرستی بر
مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ، وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ، وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ، وَجَعْفَرٍ وَمُوسَى،
محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و علی و محمد و جعفر و موسی
وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ، وَعَلِيٍّ وَالْحَسَنَ وَالْحُجَّةَ، وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِهِ،
و علی و محمد و علی و حسن و حضرت حجت و قرار ندهی آخرین بار زیارت
فَإِنْ جَعَلْتَهُ فَاحْشُرْنِي مَعَ هَؤُلَاءِ الْمُسَمِّينَ الْأَئِمَّةِ، اللَّهُمَّ وَذَلِّلْ قُلُوبَنَا لَهُمْ
از این بزرگوار و اگر چنین کنی پس مرا با این نامبردگان که امامان منند محشور گردان خدایا رام گردان دهی ما را به
بِالطَّاعَةِ وَالْمُنَاصَحَةِ وَالْمَحَبَّةِ، وَحُسْنِ الْمَوَازَرَةِ وَالتَّسْلِيمِ .
فرمانبرداری ایشان و خیرخواهی و دوستی و خوش خدمتی و تسلیم شدن برای آنها

مقصد دُویم

در زیارات مخصوصه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و آنها چند زیارت است اول زیارت روز غدیر است که روایت شده از حضرت امام رضا علیه السلام که به ابن ابی نصر فرمود ای ابن ابی نصر هر جا که باشی حاضر شو در روز غدیر نزد قبر امیرالمؤمنین علیه السلام بدرستی که حقّ تعالی می‌آمزد در این روز از مرد مؤمن و زن مؤمنه گناه شصت ساله را و آزاد می‌کند از آتش جهنّم دو برابر آنچه آزاد کرده است در ماه رمضان و در شب قدر و شب فطر «الخبَر» و بدان که برای این روز شریف چند زیارت نقل شده اول زیارت امین الله که در زیارت دُویم مطلقه گذشت دُویم زیارتی است که به سندهای معتبره از حضرت امام علی نقی علیه السلام نقل شده که زیارت کردند حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را به آن در روز غدیر در سالی که معتصم آن حضرت را طلبیده بود و کیفیت آن چنان است که چون اراده زیارت نمائی بایست بر درِ قُبّه منوره و رخصت طلب نما و شیخ شهید گفته که غسل می‌کنی و پاکترین جامه‌های خود را می‌پوشی و اذن دخول می‌طلبی می‌گوئی «اللّهُمَّ اِنِّي وَفَّقْتُ عَلَيَّ بَابٍ» و این همان اذن دخول اول است که ما در اول باب نقل کردیم پس پای راست را مقدّم دار و داخل شو و برو به نزدیک ضریح مقدّس و پشت به

قبله در برابر ضریح بایست و بگو: اَلسَّلَامُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ رَسُوْلَ اللّٰهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ،

* * * * * سلام بر محمد رسول خدا خاتم پیمبران

وَسَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، وَصَفْوَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، آمِينَ اللّٰهُ عَلَيَّ وَحْيِهِ

و آقاي رسولان و برگزیده پروردگار جهانیان امین خدا بر وحیش

و عَزَائِمِ امْرِهٖ، وَالْخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ، وَالْفَاتِحِ لِمَا اسْتَقْبَلَ، وَالْمُهَيِّمِ عَلَيَّ

و فرمانهای حتمی‌اش و ختم کننده آنچه از پیش گذشته و گشاینده آنچه پس از او آید و گواه و نگهبان بر

ذَلِكَ كُلِّهٖ، وَرَحْمَةِ اللّٰهِ وَبَرَكَاتِهِ وَصَلَوَاتُهُ وَتَحِيَّاتُهُ، اَلسَّلَامُ عَلَيَّ

همه آنها و رحمت خدا و برکاتش و درودها و تحیاتش و سلام بر

اَنْبِيَآءِ اللّٰهِ وَرُسُلِهِ وَمَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَعِبَادِهِ الصَّالِحِينَ، اَلسَّلَامُ

پیمبران خدا و رسولانش و فرشتگان مقربش و بندگان شایسته‌اش سلام

عَلَيْكَ يَا اَمِيْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ، وَسَيِّدَ الْوَصِيِّيْنَ وَوَارِثَ عِلْمِ النَّبِيِّيْنَ، وَوَلِيَّ

بر تو ای امیر مؤمنان و آقاي اوصیاء و وارث دانش پیمبران و ولی

رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَمَوْلَايَ وَمَوْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ، وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ،

پروردگار جهانیان و سرور من و سرور مؤمنان و رحمت خدا و برکاتش
الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ،
سلام بر تو ای مولای من ای امیر مؤمنان ای امین خدا در زمینش
وَسَفِيرُهُ فِي خَلْقِهِ، وَحُجَّتُهُ الْبَالِغَةُ عَلَيَّ عِبَادِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دِينَ
و سفیرش در میان خلق و حجت رسای او بر بندگانش سلام بر تو ای آئین
اللَّهِ الْقَوِيمِ وَصِرَاطُهُ الْمُسْتَقِيمَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الثَّبَّاءُ الْعَظِيمُ، الَّذِي
محکم خدا و راه راستش سلام بر تو ای خبر عظیمی که مردم
هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ وَعَنْهُ يُسْأَلُونَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ،
در آن اختلاف کرده و از آن بازخواست شوند سلام بر تو ای امیر مؤمنان
آمَنْتَ بِاللَّهِ وَهُمْ مُشْرِكُونَ، وَصَدَقْتَ بِالْحَقِّ وَهُمْ مُكَذِّبُونَ،
ایمان آوردی به خدا در آن وقت که مردم مشرک بودند و تصدیق کردی حق را در هنگامی که آنها تکذیب کردند
وَجَاهَدْتَ وَهُمْ مُحْجِمُونَ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً لَهُ الدِّينَ، صَابِراً
و پیکار کردی در آنگاه که آنان خود را واپس کشیدند و پرستش کردی خدا را مخلصانه در دین و شکیبا
مُحْتَسِباً حَتَّى آتِيكَ الْيَقِينُ، أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
و پاداش جو تا آنگاه که مرگت فرا رسید ای لعنت خدا بر ستمکاران سلام بر تو
يَا سَيِّدَ الْمُسْلِمِينَ، وَيَعْسُوبَ الْمُؤْمِنِينَ، وَإِمَامَ الْمُتَّقِينَ، وَقَائِدَ الْغُرِّ
ای آقای مسلمانان و پادشاه مؤمنان و پیشوای پرهیزکاران و مقتدای
الْمُحْجَلِينَ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ أَحُو رَسُولِ اللَّهِ وَوَصِيِّهُ،
سفید رویان و رحمت خدا و برکاتش گواهی دهم که براستی تویی برادر رسول خدا و وصی او
وَوَارِثُ عِلْمِهِ وَأَمِينُهُ عَلَيَّ شَرْعِهِ، وَخَلِيفَتُهُ فِي أُمَّتِهِ، وَأَوَّلُ مَنْ آمَنَ
و وارث دانشش و امین او بر شریعت و احکامش و جانشین او در امتش و نخستین کسی که ایمان آورد
بِاللَّهِ، وَصَدَقَ بِمَا أُنْزِلَ عَلَيَّ نَبِيِّهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّهُ قَدْ بَلَغَ عَنِ اللَّهِ مَا أُنْزِلُهُ
به خدا و تصدیق کرد آنچه را بر پیامبرش نازل گشت و گواهی دهم که او بخوبی رساند آنچه را خدا درباره‌ات نازل
فرموده

فِيكَ، فَصَدَعَ بِأَمْرِهِ، وَأَوْجَبَ عَلَيَّ أُمَّتِهِ فَرَضَ طَاعَتِكَ وَوَلَايَتِكَ،

بود و دستورش را با صدای بلند به مردم رساند و واجب کرد بر امتش لزوم پیروی تو و ولایت را
وَعَقَدَ عَلَيْهِمُ الْبَيْعَةَ لَكَ، وَجَعَلَكَ أَوَّلِي بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ، كَمَا
و عقد و بیعت تو را برای آنها بست و تو را نسبت به مؤمنان سزاوارتر از خودشان قرار داد
جَعَلَهُ اللَّهُ كَذَلِكَ، ثُمَّ أَشْهَدَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِمْ، فَقَالَ أَلَسْتُ قَدْ بَلَّغْتُ،
چنانچه خدا چنان مقرر کرده بود و سپس خدای تعالی را بر این مطلب گواه گرفت و فرمود: آیا بخوبی نرساندم؟
فَقَالُوا اللَّهُمَّ بَلَى، فَقَالَ اللَّهُمَّ أَشْهَدُ وَكَفَى بِكَ شَهِيداً، وَحَاسِباً بَيْنَ
گفتند: خدایا چرا. فرمود: بار خدایا گواه باش و کافی است گواه بودن تو و حکمرانیت در میان
الْعِبَادِ، فَلَعَنَ اللَّهُ جَا حِدَ وَلَايَتِكَ بَعْدَ الْأَقْرَارِ، وَنَاكِثَ عَهْدِكَ بَعْدَ
بندگان پس لعنت کند خدا منکر ولایت و فرمانروائی تو را پس از اقرار و شکننده پیمانت را پس از
الْمِيثَاقِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَقَّيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ تَعَالَى، وَأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى مُوفٍ لَكَ
بستن پیمان و گواهی دهم که تو برستی به عهد خدای تعالی وفا کردی و به حقیقت خدای تعالی وفاکننده است درباره
تو

بِعَهْدِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ، فَسَيُؤْتِيهِ أَجْراً عَظِيماً، وَأَشْهَدُ
به عهد خویش و هرکس وفا کند بدان پیمانی که با خدا بسته است پس خدا پاداش بزرگی به او خواهد داد و گواهی
دهم

أَنَّكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، الْحَقُّ الَّذِي نَطَقَ بِوَلَايَتِكَ التَّنْزِيلُ، وَأَخَذَ لَكَ
که برستی توئی امیر مؤمنان بر حق که قرآن درباره ولایت گویا شد و
الْعَهْدَ عَلَى الْأُمَّةِ بِذَلِكَ الرَّسُولُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَعَمَّكَ وَأَخَاكَ الَّذِينَ
رسول خدا از امت خود در این باره پیمان گرفت و گواهی دهم که به حقیقت تو و عمویت (همزه) و برادرت (جعفر)
تَا جَرْتُمُ اللَّهُ بِنُفُوسِكُمْ، فَائْزَلِ اللَّهُ فِيكُمْ، إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ
سودا کردید با خدا بوسیله جانهای خود پس خدا درباره تان نازل کرد: «همانا خدا خرید از مؤمنان
أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ، يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ
جانها و مالاهاشان را که (در عوض) بهشت از آنها باشد کارزار کنند در راه خدا پس بکشند
وَيُقْتَلُونَ، وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ، وَمَنْ
و کشته شوند وعده ای است که بر او محقق گشته در تورات و انجیل و قرآن و کیست

أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ، فَاسْتَبْشِرُوا بَبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ، وَذَلِكَ هُوَ

که وفادارتر باشد به عهد خود از خدا پس شادمان باشید به معامله خویش که انجام دادید که این

الْفَوْزُ الْعَظِيمُ، التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ، السَّائِحُونَ الرَّكَعُونَ

کامیابی بزرگی است، توبه گرانی هستند پرستش کننده و ستایشگر و روزه دار (یا سفر کننده برای طلب علم) و رکوع کننده

السَّاجِدُونَ، الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ، وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَالْحَافِظُونَ

و سجده گزار و وادار کننده به معروف و بازدارنده از منکر و نگهبانان

لِحُدُودِ اللَّهِ، وَيَشِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، أَشْهَدُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، أَنَّ الشَّأْكَ فِيكَ

حدود خدا و نوید ده به مؤمنان» گواهی دهم ای امیر مؤمنان که هر که درباره تو شک و تردید به خود راه دهد

مَا آمَنَ بِالرَّسُولِ الْأَمِينِ، وَأَنَّ الْعَادِلَ بِكَ غَيْرُكَ عَائِدٌ عَنِ الدِّينِ

به رسول امین ایمان نیاورده و براستی کسی که عدول کند از تو به دیگری جز تو معاند است در دین

الْقَوِيمِ، الَّذِي ارْتَضَاهُ لَنَا رَبُّ الْعَالَمِينَ، وَأَكْمَلَهُ بِوِلَايَتِكَ يَوْمَ الْغَدِيرِ،

محکم و استواری که پسندیده است برای ما پروردگار جهانیان و کامل کرد آن را بوسیله ولایت در روز غدیر

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْمَعْنِيُّ بِقَوْلِ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ، وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا

و گواهی دهم که توئی مقصود از گفتار خدای نیرومند مهربان «و براستی این است راه راست من

فَاتَّبِعُوهُ، وَلَا تَتَّبِعُوا السَّبِيلَ فَتَفْترَقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ، ضَلَّ وَاللَّهُ وَأَضَلَّ

پس از آن پیروی کنید و از راههای دیگر پیروی نکنید که شما را از راه او جدا کند» گمراه است به خدا و گمراه کرده

مَنْ اتَّبَعَ سِوَاكَ، وَعَدَدَ عَنِ الْحَقِّ مَنْ عَادَاكَ، اللَّهُمَّ سَمِعْنَا لِأَمْرِكَ،

هر کس که پیروی کند جز تو را و عناد ورزیده از حق کسی که با تو دشمنی کند خدایا ما فرمان تو را شنیدیم

وَأَطَعْنَا، وَاتَّبَعْنَا صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ فَاهْدِنَا، رَبَّنَا وَلَا تُرْغِ قُلُوبَنَا بَعْدَ

و اطاعت کردیم و راه راست تو را پیروی کردیم پس ما را هدایت کن پروردگارا و منحرف مکن دل‌های ما را پس از آنکه

إِذْ هَدَيْتَنَا إِلَى طَاعَتِكَ، وَاجْعَلْنَا مِنَ الشَّاكِرِينَ لِأَنْعَمِكَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ

به طاعت خود هدایت‌مان کردی و قرارمان ده از سپاسگزاران نعمت‌هایت و گواهی دهم که براستی

لَمْ تَزَلْ لِلْهَوَى مُخَالِفًا، وَلِلتَّقْوَى مُحَالِفًا وَعَلَى كَظْمِ الْغَيْظِ قَادِرًا، وَعَنْ

تو پیوسته با هوای نفس مخالفت کردی و ملازم پرهیزکاری بودی و بر فرونشاندن خشم خویش توانا و از
النَّاسِ عَافِيًا غَافِرًا، وَإِذَا طُوعَ اللَّهُ سَاطِئًا، وَإِذَا طُوعَ اللَّهُ رَاضِيًا، وَبِمَا
(رفتار جاهلانه مردم) گذشت کن و آمرزنده بودی و هنگامی که خدا را معصیت می کردند خشنماک و چون اطاعت او
رامی کردند خوشنود

عَهْدَ إِلَيْكَ عَامِلًا، رَاعِيًا لِمَا اسْتُحْفِظْتَ، حَافِظًا لِمَا اسْتُودِعْتَ، مُبْلَغًا
می گشتی و بدانچه خدا با تو پیمان بسته بود عمل کرده و در آنچه مأمور حفظش بودی رعایت داشتی، نگهداری کردی آنچه
به تو سپرده شده

مَا حُمِّلْتَ، مُنْتَظَرًا مَا وَعِدْتَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مَا اتَّقَيْتَ ضَارِعًا، وَلَا
بود و رساندی آنچه را به عهده داشتی و چشم براه وعده ای بودی که به تو داده شده بود و گواهی دهم که تقیه تو (از
دشمنان) نه از باب

أَمْسَكْتَ عَنْ حَقِّكَ جَازِعًا، وَلَا أَحْجَمْتَ عَنْ مُجَاهَدَةِ غَاصِبِكَ
زبونی و ناتوانی بود و خودداری نکردی از گرفتن حق خود بخاطر عجز و بی تابی و کناره گیری نکردی از پیکار با
غاصبین حق خود

نَاكِلاً، وَلَا أَظْهَرْتَ الرِّضَى بِخِلَافِ مَا يُرْضِي اللَّهَ مُدَاهِنًا، وَلَا وَهَنْتَ
از جهت سستی و چنان نبود که بر خلاف میل خدا برای سازش با دشمن اظهار رضایت کنی و نه اینکه سستی کنی
لِمَا أَصَابَكَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا ضَعُفْتَ وَلَا اسْتَكْنَتَ عَنْ طَلَبِ حَقِّكَ
در برابر آنچه در راه خدا به تو رسید و نه اینکه ناتوان باشی و نه اینکه درمانده شده باشی از مطالبه حق خود
مُرَاقِبًا، مَعَازَ اللَّهِ أَنْ تَكُونَ كَذَلِكَ، بَلْ إِذْ ظَلِمْتَ احْتَسَبْتَ رَبَّكَ،
بخاطر ترس از غاصبین حقت، پناه به خدا که چنان بوده باشی بلکه چون به تو ستم کردند تو آن را به حساب
پروردگارت

وَقَوَّضْتَ إِلَيْهِ أَمْرَكَ، وَذَكَرْتَهُمْ فَمَا ادَّكَّرُوا، وَوَعظْتَهُمْ فَمَا اتَّعَظُوا،
گذاردی و کارت را به او واگذار کردی و ستمکارانت را پند دادی ولی پند نگرفتند و موعظه شان کردی ولی سودشان
نداد

وَحَوَّضْتَهُمُ اللَّهَ فَمَا تَخَوَّفُوا، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ جَاهَدْتَ
و از خدا آنها را ترساندی و ترسیدند و گواهی دهم که تو ای امیر مؤمنان جهاد کردی

فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، حَتَّى دَعَاكَ اللَّهُ إِلَى جِوَارِهِ، وَقَبَضَكَ إِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ،

در راه خدا آنطور که باید تا اینکه خداوند تو را به جوار خویش دعوت کرد و به اختیار خود جان شریف را قبض فرمود

وَالزَّمْ أَعْدَاكَ الْحُجَّةَ بِقَتْلِهِمْ إِيَّاكَ لِتَكُونَ الْحُجَّةَ لَكَ عَلَيْهِمْ، مَعَ مَا

و ملزم کرد حجت را بر دشمنانت به همان که تو را کشتند تا حجت تو بر آنها تمام باشد با آن همه

لَكَ مِنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَةِ عَلَيَّ جَمِيعِ خَلْقِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ

حجتهای رسای دیگری که بر تمام خلق خدا داشتی سلام بر تو ای امیر

الْمُؤْمِنِينَ، عَبْدَتُ اللَّهَ مُخْلِصاً، وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ صَابِراً، وَجَدْتَ

مؤمنان پرستش کردی خدا را از روی اخلاص و پیکار کردی در راه خدا بردبارانه و بذل

بِنَفْسِكَ مُحْتَسِباً، وَعَمِلْتَ بِكِتَابِهِ، وَأَتَّبَعْتَ سُنَّةَ نَبِيِّهِ، وَأَقَمْتَ الصَّلَاةَ

جان کردی به حساب خدا و به قرآنش عمل کردی و از روش و سنت پیغمبرش پیروی کردی و نماز را برپاداشتی

وَأَتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ مَا اسْتَطَعْتَ،

و زکات را پرداختی و به معروف امر کردی و از منکر نهی کردی تا توانستی و در این کار جویا بودی

مُبْتَغِياً مَا عِنْدَ اللَّهِ، رَاغِباً فِيمَا وَعَدَ اللَّهُ، لَا تَحْفِلُ بِالتَّوَائِبِ، وَلَا تَهْنُ

آنچه را نزد خدا است و میل و رغبت داشتی بدانچه خدا وعده داده بود باکی از پیش آمدهای ناگوار نداشتی

عِنْدَ الشَّدَائِدِ، وَلَا تُحْجِمُ عَنْ مُحَارِبِ، أَفَكَ مَنْ نَسَبَ غَيْرَ ذَلِكَ إِلَيْكَ،

و در برابر سختیها سستی نکردی و رو نگردانیدی از جنگجویان، هر که جز این به تو نسبت دهد

وَأَفْتَرِي بَاطِلاً عَلَيْكَ، وَأَوَّلِي لِمَنْ عِنْدَ عُنْكَ، لَقَدْ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ

تهمت زده و افترای دروغی را به باطل بر تو بسته و دشمنت را کمک کرده چه آنکه تو براسستی جهادکردی در راه خدا آنطور

الْجِهَادِ، وَصَبَرْتَ عَلَيَّ الْأَذَى صَبْرَ احْتِسَابٍ، وَأَنْتَ أَوَّلُ مَنْ آمَنَ

که باید و در برابر آزار دشمنان بردباری کردی بردباری پاداش جویانه و تو نخستین کسی بودی که

بِاللَّهِ وَصَلَّى لَهُ، وَجَاهَدَ وَأَبَدَى صَفْحَتَهُ فِي دَارِ الشَّرِّ، وَالْأَرْضُ

به خدا ایمان آوردی و برای او نماز خواندی و جهاد کردی و خود را آشکار ساختی در مرکز شرک در زمانی که زمین

مَشْحُونَةٌ ضَلَالَةً وَالشَّيْطَانُ يُعْبِدُ جَهْرَةً، وَأَنْتَ الْقَائِلُ لَا تَزِيدُنِي

پر بود از گمراهی و شیطان را آشکارا می‌پرستیدند و تو بودی که می‌گفتی زیادی
كَثْرَةُ النَّاسِ حَوْلِي عِزَّةً، وَلَا تَفَرُّهُمْ عَنِّي وَحُشَّةً، وَلَوْ أَسْلَمَنِي
مردم در گرد من به عزت من نیفزاید و پراکنده شدنشان نیز بر ترس من افزوده نکند و اگر همه مردم
النَّاسُ جَمِيعًا لَمْ أَكُنْ مُتَضَرِّعًا، اِعْتَصَمْتُ بِاللَّهِ فَعَزَّزْتُ، وَآثَرْتُ
نیز مرا واگذارند به زاری درنیام به قدرت خدا تکیه کردی و عزیز گشتی و آخرت
الْآخِرَةَ عَلَيَّ الْأُولَى فَزَهَّدْتُ، وَأَيَّدَكَ اللَّهُ وَهَدَاكَ، وَأَخْلَصَكَ
را بر دنیا برگزیدی و زهد ورزیدی و خدا نیز کمکت کرد و راهنمائی فرمود و انتخاب کرده
وَاجْتَبَيْكَ، فَمَا تَنَافَضَتْ أَعْمَالُكَ، وَلَا اخْتَلَفَتْ أَقْوَالُكَ، وَلَا تَقَلَّبَتْ
و برگزیدت، در کارهای تو تناقضی نبود و گفتارهایت اختلاف نداشت و حالات تو متغیر و دگرگون
أَحْوَالُكَ، وَلَا ادَّعَيْتَ وَلَا افْتَرَيْتَ عَلَيَّ اللَّهُ كَذِبًا، وَلَا شَرِهْتَ إِلَيَّ
نگشت و ادعائی بر خلاف حق نداشتی و نه بدروغ بر خدا افتراء بستی و نه آزمند متاع ناقابل
الْحُطَامِ، وَلَا دَسَّكَ الْآثَامُ، وَلَمْ تَزَلْ عَلَيَّ بَيِّنَةً مِنْ رَبِّكَ، وَبَقِينِ مِنْ
دنیا گشتی و نه گناهان تو را آلوده کرد و پیوسته روشت روی برهانی آشکار از پروردگارت بود و در
أَمْرِكَ، تَهْدِي إِلَيَّ الْحَقَّ وَإِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ، أَشْهَدُ شَهَادَةَ حَقٍّ،
کارت یقین داشتی بسوی حق و به شاهراه راست (مردم را) راهنمائی می‌کردی گواهی دهم از روی حقیقت
وَأُقْسِمُ بِاللَّهِ قَسَمَ صِدْقٍ، أَنَّ مُحَمَّدًا وَآلَهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ سَادَاتُ
و سوگند یاد کنم به خدا بر راستی که همانا محمد و آلش صلوات‌الله‌علیهم آقایان
الْخَلْقِ، وَأَنَّكَ مَوْلَايَ وَمَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ، وَأَنَّكَ عَبْدُ اللَّهِ وَوَلِيُّهُ، وَأَخُو
خلق بودند و تو مولای من و مولای مؤمنانی و تو بر راستی بنده خدا و ولی او و برادر
الرَّسُولِ وَوَصِيِّهِ وَوَارِثِهِ، وَأَنَّكَ الْقَائِلُ لَكَ، وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ مَا
رسول و وصی و وارثش هستی و او به تو فرمود: سوگند بدانکه مرا به حق برانگیخت
أَمَنْ بِي مَنْ كَفَرَ بِكَ، وَلَا أَقَرُّ بِاللَّهِ مَنْ جَحَدَكَ، وَقَدْ ضَلَّ مَنْ صَدَّ عَنْكَ،
ایمان نیاورده به من آن کس که به تو کافر است و اقرار نکرده به خدا کسی که تو را انکار کند و گمراه است کسی که مردم
را از تو باز دارد
وَلَمْ يَهْتَدِ إِلَيَّ اللَّهُ وَلَا إِلَيَّ مَنْ لَا يَهْتَدِي بِكَ، وَهُوَ قَوْلُ رَبِّي عَزَّوَجَلَّ،

و راه بسوي خدا و بسوي من نيافته آنکس که بوسيله تو رهبري نيافته و اين گفتار پروردگار من عزوجل
وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا، ثُمَّ اهْتَدَى إِلَىٰ وَلِيَّتِكَ،
است که فرمود: «و من آمرزگارم براي آن کس که توبه کند و ايمان آورده و کار شايسته کند و راه يابد - بسوي ولايت
تو» -

مَوْلَايَ فَضْلُكَ لَا يَخْفِي، وَتُورُكَ لَا يُطْفَأُ، وَأَنَّ مَن جَحَدَكَ الظُّلُومُ
اي سرور من فضل تو مخفي نيست و نور تو خاموش نگردد و هر که تو را انکار کند ستمکار
الْأَشْقَى، مَوْلَايَ أَتَتْ الْحُجَّةُ عَلَيَّ الْعِبَادِ، وَالْهَادِي إِلَيَّ الرَّشَادِ،
و بدبخت است، مولاي من توئي حجت بر بندگان و راهنماي به راه راست
وَالْعُدَّةُ لِلْمَعَادِ، مَوْلَايَ لَقَدْ رَفَعَ اللَّهُ فِي الْأَوَّلَىٰ مُنْزِلَتَكَ، وَأَعْلَىٰ فِي
و ذخيره روز معاد مولاي من براستي خداوند مقام تو را در دنيا بلند کرده، و والا گردانيد
الْآخِرَةَ دَرَجَتَكَ، وَبَصَّرَكَ مَا عَمِيَ عَلَيَّ مَن خَالَفَكَ، وَحَالَ بَيْنَكَ
درجهات را در آخرت و بينايت كرد بدانچه پوشيده ماند بر مخالفين تو و آنکس که حائل شد ميان تو
وَبَيْنَ مَوَاهِبِ اللَّهِ لَكَ، فَلَعَنَ اللَّهُ مُسْتَحِلِّي الْحُرْمَةِ مِنْكَ، وَذَانِدِي
و ميان بهره هائي که خدا به تو داده بود پس خدا لعنت کند آنکس که حرمت تو را حلال پنداشت
الْحَقُّ عَنكَ، وَأَشْهَدُ أَنَّهُمُ الْأَخْسَرُونَ، الَّذِينَ تَلَفَحَ وَجُوهُهُمُ النَّارُ
و حق را از تو گرداند و گواهي دهم که آنان زيانکارند که آتش چهره شان را بسوزاند
وَهُمْ فِيهَا كَالْحُونِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مَا أَقْدَمْتَ وَلَا أَحْجَمْتَ، وَلَا تُطَقَّتْ
و در آنجا زشت منظر باشند و گواهي دهم که اقدام نکردي و واپس نکشيدي و زبان نگشادي
وَلَا أَمْسَكَتَ إِلَّا بِأَمْرِ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ، قُلْتَ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَقَدْ
و نه بستی جز به دستور خدا و رسولش، تو خود فرمودي: «سوگند بدانکه جانم بدست او است
نَظَرْتُ إِلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَضْرَبُ بِالسَّيْفِ قُدَمًا، فَقَالَ
همانا نگريست بسويم رسول خدا صلي الله عليه و آله در هنگامی که پيشقدمانه شمشير مي زدم و به من فرمود:
يَا عَلِيُّ أَتَمَنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي،
اي علي تو از من به منزله هارونی از موسي جز آنکه پيمبري پس از من نيست
وَأَعْلَمُكَ أَنَّ مَوْتَكَ وَحَيَوَتَكَ مَعِيَ وَعَلَيَّ سُنَّتِي، فَوَاللَّهِ مَا كَذِبْتُ وَلَا

و تو را آگاه کنم که مرگ و زندگیت با من و بر روش و طریقه من است و به خدا سوگند دروغ نگویم
كُذِّبْتُ، وَلَا ضَلَلْتُ وَلَا ضَلُّ لِي وَلَا نَسِيتُ مَا عَاهَدَ إِلَيَّ رَبِّي، وَإِنِّي
و دروغ به من نگفته‌اند و گمراه نشدم و گمراهم نکردند و نه آنکه فراموش کردم آنچه را پروردگارم با من پیمان بسته
لَعَلِّي بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّي، بَيِّنَاتٍ لِنَبِيِّهِ وَبَيِّنَاتٍ لِنَبِيِّ لِي، وَإِنِّي لَعَلِّي الطَّرِيقَ
و براستی من بُرهانی آشکار از پروردگارم دارم که برای پیامبرش گفته و او هم برای من بیان کرده و من در طریق
الْوَاضِحِ الْفِظَةِ لَفْظًا، صَدَقْتَ وَاللَّهِ وَقُلْتَ الْحَقَّ، فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَاوَاكَ
روشن و واضحی هستم و بطور صریح و فاش آنرا می‌گویم» به خدا (ای مولای من) راست گفتی و حق گفتی پس خدا لعنت کند
آنکس که تو را

بِمَنْ نَاوَاكَ، وَاللَّهُ جَلَّ اسْمُهُ يَقُولُ، هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ
برابر کرد با دشمنانت در صورتی که آن خدائی که نامش برجسته است فرماید: آیا یکسانند کسانی که می‌دانند
وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ، فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ عَدَلَ بِكَ مَنْ فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ
با کسانی که نمی‌دانند» پس خدا لعنت کند کسی را که در ردیف تو قرار داد آن کس را که خدا ولایت تو را بر
وَلَا يَتَّكَ، وَأَنْتَ وَلِيُّ اللَّهِ وَأَخُو رَسُولِهِ، وَالذَّابُّ عَنْ دِينِهِ، وَالَّذِي
بر او واجب کرده بود با اینکه تو بودی ولی خدا و برادر رسول او و دفاع کننده از دینش و آنکس که
تَطَّقَ الْقُرْآنُ بِتَفْضِيلِهِ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى، وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَيَّ
که قرآن به برتریش گویا است خدای تعالی فرماید: «و برتری داد خدا جهاد کنندگان را بر
الْفَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا، دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً، وَكَانَ اللَّهُ
و انشستگان به پاداشی بزرگ که مرتبتها و آمرزش و رحمت او است و خدا آمرزنده و مهربان
غَفُورًا رَحِيمًا، وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى أَجْعَلْتُكُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ
است» و فرمود خدای تعالی: «آیا قرار داده‌اید آب دادن حاجیان و آباد کردن
الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ، كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، لَا
مسجد الحرام را مانند آن کس که ایمان آورده به خدا و روز جزا و در راه خدا جهاد کرده؟
يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ، الَّذِينَ آمَنُوا
نزد خدا برابر نیستند و خدا هدایت نمی‌کند گروه ستمکار را، آنانکه ایمان آورده
وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَغْظَمَ دَرَجَةً

و هجرت کرده و در راه خدا جهاد کرده‌اند با مالهایشان و جانهایشان در مرتبت
عِنْدَ اللَّهِ، وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ، يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ،
نزد خدا برترند و اینان کامیاب شدگانند که نویدشان دهد پروردگارشان به رحمتی از او و خوشنودی
وَجَنَّتْ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا، إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ
و بهشتی که در آنجا نعمتهایی دائم دارند و همیشه در آنجا جاویدانند براستی که خدا نزد وی پاداشی
عَظِيمٌ، أَشْهَدُ أَنَّكَ الْمَخْصُوصُ بِمَدْحَةِ اللَّهِ، الْمُخْلِصُ لِبَطَاعَةِ اللَّهِ، لَمْ
بزرگ است» گواهی دهم که به حقیقت توئی مخصوص به مدح خدا و مخلص در طاعت خدا که
تَبْغِ بِالْهُدَى بَدَلًا، وَلَمْ تُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّكَ أَحَدًا، وَأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى
جایگزینی برای هدایت نجستی و شریک نساختی در پرستش پروردگارت هیچکس را و براستی خدای تعالی
اسْتَجَابَ لِنَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِيكَ دَعْوَتَهُ، ثُمَّ أَمَرَهُ بِإِظْهَارِ مَا
اجابت فرمود دعای پیامبرش صلی الله علیه و آله را درباره تو سپس دستورش داد به آشکار کردن آن مقامی را
أُولَئِكَ لِأُمَّتِهِ، إِعْلَاءَ لِسَانِكَ، وَإِعْلَانًا لِبُرْهَانِكَ، وَدَخْضًا لِلْبَاطِلِ،
که به تو داده برای امتش تا مرتبهات را بالا برده و برهانت را اعلان کند و ابطال را از میان بردارد
وَقَطْعًا لِلْمَعَازِيرِ، فَلَمَّا أَشْفَقَ مِنْ فِتْنَةِ الْفَاسِقِينَ، وَاتَّقَى فِيكَ
و عذر و بهانه‌ای بجای نماند و چون ببیناک گشت از آشوب و فتنه فاسقان و بترسید در مورد تو
الْمُنَافِقِينَ، أَوْحَى إِلَيْهِ رَبُّ الْعَالَمِينَ، يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ
از منافقان وحی کرد به او پروردگار جهانیان: «ای پیغمبر برسان آنچه از پروردگارت
إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ، وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ، وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ
بر تو نازل شده و اگر نکنی پیام او را نرسانده‌ای و خدا تو را حفظ می‌کند از
النَّاسِ، فَوَضَعَ عَلَي نَفْسِهِ أَوْ زَارَ الْمَسِيرِ، وَهَضَّ فِي رَمْضَاءِ الْهَجِيرِ،
مردم» پس او بر خود هموار کرد بارهای سنگین سفر را و بیاخواست در نیمه روز سوزان آن بیابان
فَحَطَبَ وَأَسْمَعَ وَنَادَى فَأَبْلَغَ ثُمَّ سَأَلَهُمْ، أَجْمَعَ فَقَالَ هَلْ بَلَّغْتُ، فَقَالُوا
و خطبه خواند و بگوش مردم رسانید و با صدای بلند به آنها رسانید سپس از همگی آنها پرسیده فرمود: آیا رساندم؟
گفتند

اللَّهُمَّ بَلِي، فَقَالَ اللَّهُمَّ أَشْهَدُ، ثُمَّ قَالَ أَلَسْتُ أَوَّلِي بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ

خدایا آری، پس فرمود: خدایا گواه باش سپس فرمود: آیا من سزاوارتر به مؤمنین از
أَفْسِهِمْ، فَقَالُوا بَلَى، فَاخَذَ بِيَدِكَ وَقَالَ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلَيَّ
خودشان نیستیم؟ گفتند: چرا، پس دست تو را گرفت و فرمود: هر که من مولای او هستم پس این علی
مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ،
مولای او است خدایا دوست دار هر که دوستش دارد و دشمن دار هر که دشمنش دارد و یاری کن هر که یاریش کند
وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ، فَمَا آمَنَ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيكَ عَلَي نَبِيِّهِ إِلَّا قَلِيلٌ، وَلَا
و خوار کن هر که دست از یاریش بردارد پس ایمان نیاورد بدانچه خدا درباره تو بر پیغمبرش نازل فرمود جز اندکی
زَادَ أَكْثَرَهُمْ غَيْرَ تَحْسِيرٍ، وَلَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى فِيكَ مِنْ قَبْلُ وَهُمْ
و نيفزود بیشترشان را جز زیانکاری و پیش از آن نیز خدا دربارهات نازل فرمود با اینکه
كَارِهِونَ، يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ، فَسَوْفَ
آنها خوش نداشتند این آیه را «ای کسانی که ایمان آورده‌اید هر که از شما بازگردد از دین خود پس بزودی
يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ، أَذَلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى
خدا بیاورد گروهی را که دوستشان دارد و دوستش دارند با مؤمنان افتاده و با
الْكَافِرِينَ، يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ، ذَلِكَ
کافران سرکشند کارزار کنند در راه خدا و از سرزنش ملامت کننده نهراسند این
فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ، وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ، إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ،
فضل خدا است که به هر که خواهد دهد و خدا وسعت بخش و دانا است، جز این نیست که سرپرست شما خدا و رسول
او
وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ،
و کسانی هستند که ایمان دارند آنانکه بپا دارند نماز را و بدهند زکات را در آن حال که رکوع می‌گزارند
وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا، فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ،
و هر که دوستی کند با خدا و رسولش و کسانی که ایمان دارند پس براستی گروه خدا چیره شوندگانند»
رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ، رَبَّنَا لَا
پروردگارا ما ایمان آوردیم بدانچه نازل فرمودی و پیروی از پیامبرت کردیم پس بنویس ما را با گواهان پروردگارا
تُرْغِ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، إِنَّكَ أَنْتَ

منحرف مکن دهایی ما را پس از آنکه هدایت‌مان کردی و ببخش به ما از نزد خودت رحمتی که براستی توئی
الْوَهَّابُ، اللَّهُمَّ إِنَّا نَعْلَمُ أَنَّ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ، فَالْعَنُ مَنْ
بخشایشگر، خدایا ما بخوبی می‌دانیم که این (گفتار) حقی است از نزد تو پس لعنت کن هر که
عارضه و استکبر، و کذب به و کفر، و سیلّم الذین ظلموا آیّ مُثْقَلَبٍ
با او مخالفت کرد و بزرگی ورزید و او را تکذیب کرده کفر ورزید و بزودی می‌دانند آنانکه ستم کردند به چه سرنوشتی
يُنْقَلِبُونَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَسَيِّدَ الْوَصِيِّينَ، وَأَوَّلَ
دچار گردند سلام بر تو ای امیر مؤمنان و آقای اوصیاء و سرسلسله
العابدين، وَأَزْهَدَ الزَّاهِدِينَ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، وَصَلَوَاتُهُ وَتَحِيَّاتُهُ،
عبادت کنندگان و زاهدترین زاهدان و رحمت خدا و برکاتش و درودهایش و تحیاتش
أَنْتَ مُطْعِمُ الطَّعَامِ عَلَي حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا لَوْجِهَ اللَّهِ، لَا
توئی که خوراندی طعام را با اینکه دوست داشتی بر بینوا و یتیم و اسیر برای خاطر خدا
تُرِيدُ مِنْهُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا، وَفِيكَ أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى، وَيُؤْتِرُونَ عَلَي
و نخواستی از ایشان پاداش و سپاسی و درباره تو خدای تعالی نازل فرمود: «و مقدم دارند (آنها را) بر
أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ، وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ
خودشان و گرچه خود حاجتمند باشند و هر که محفوظ ماند از بخل ضمیر او پس آنهايند
الْمُفْلِحُونَ، وَأَنْتَ الْكَاطِمُ لَلْغَيْظِ وَالْعَافِي عَنِ النَّاسِ، وَاللَّهُ يُحِبُّ
رستگاران» و توئی که فرو بردی خشم خود را و گذشتی از مردم و خدا دوست دارد
الْمُحْسِنِينَ، وَأَنْتَ الصَّابِرُ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ، وَأَنْتَ
نیکوکاران را و توئی بردبار در تنگدستی و دشواری و هنگام کارزار و توئی
الْقَاسِمُ بِالسُّوْيَةِ، وَالْعَادِلُ فِي الرَّعْيَةِ، وَالْعَالِمُ بِحُدُودِ اللَّهِ مِنْ جَمِيعِ
قسمت کننده به مساوات و عدالت گستر در رعیت و دانای به حدود و احکام خدا از میان همه
الْبَرِيَّةِ، وَاللَّهُ تَعَالَى أَخْبَرَ عَمَّا أَوْلَاكَ مِنْ فَضْلِهِ بِقَوْلِهِ، أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا
مردم و خدای تعالی خبر داد از آن بهره‌ای که به تو داده از فضل خود آنجا که فرموده: «آیا آنکس که مؤمن است
كَمْ مَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوْنَ، أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ، فَلَهُمْ
همانند کسی است که فاسق است؟ برابر نیستند اما کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند ایشان را است

جَنَاتُ الْمَأْوِي نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ، وَأَنْتَ الْمَخْصُوصُ بِعِلْمِ
بهشتهای اقامتگاه که آماده پذیرائی آنها است به پاداش کارهایی که می کردند» و توئی مخصوص به دانش
التَّنْزِيلِ، وَحُكْمِ التَّأْوِيلِ وَنَصِّ الرَّسُولِ، وَلَكَ الْمَوَاقِفُ الْمَشْهُودَةُ،
قرآن و حکم تأویل و تصریح گفتار پیامبر و تو را است آن موقفهای مشهود و معروف
وَالْمَقَامَاتُ الْمَشْهُورَةُ، وَالْأَيَّامُ الْمَذْكُورَةُ، يَوْمَ بَدْرٍ وَيَوْمَ الْأَحْزَابِ،
و آن مقامات مشهور و آن روزهای تاریخی روز (جنگ) بدر و روز (جنگ) احزاب
إِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ، وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا،
در آن هنگامی که چشمها خیره گشت و جانها به گلوها رسیده و گمانهای گوناگونی به خدا بردند
هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا، وَإِذْ يَقُولُ
در آن هنگام مؤمنان امتحان شدند و به تزلزل سختی دچار گشتند در آن دم که می گفتند
الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا
منافقان و آنانکه که در دلهایشان مرضی بود وعده ندادند خدا و رسولش به ما جز
غُرُورًا، وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ، يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا،
فریب. و آن دم که گروهی از ایشان گفتند ای مردم یثرب جای ماندن شما نیست بازگردید و گروهی از
وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمُ النَّبِيَّ، يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ
آنها اجازه می خواستند از پیغمبرشان و می گفتند خانه های ما بی حفاظ است با اینکه خانه هایشان
بِعَوْرَةٍ، إِنْ يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا، وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى، وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ
بی حفاظ نبود و جز فرار کردن قصدی نداشتند» و خدای تعالی فرمود: «و چون مؤمنان
الْأَحْزَابَ، قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ، وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا
احزاب را دیدند گفتند این است آنچه به ما وعده داده خدا و رسولش و
زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا، فَقَتَلَتْ عَمْرَهُمْ وَهَزَمَتْ جَمْعَهُمْ، وَرَدَّ اللَّهُ
نیفزودشان جز ایمان و تسلیم» و تو بودی که عمرو (پهلوان نامی) آنها را کشتی و جمع انبوهشان را منهزم ساختی «و خدا
الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا، وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ،
کافران را با خشمشان بازگرداند که غنیمتی نیافتند و خدا کفایت کرد جنگ را از مؤمنان و
وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا، وَيَوْمَ أُحُدٍ، إِذْ يُصْعِدُونَ وَلَا يُلُونَّ عَلَي أَحَدٍ،

خدا نیرومند و توانا است» و در جنگ احد «هنگامی که دور می‌شدند و به کسی اعتنا نمی‌کردند
وَالرَّسُولُ يَدْعُوهُمْ فِي أُخْرَاهُمْ، وَأَنْتَ تَدُودُ بِهِمُ الْمُشْرِكِينَ عَنْ
و پیغمبر از دنبال سرشان آنها را می‌خواند» و تو بودی که شجاعان سرسخت مشرکان را از
النَّبِيِّ ذَاتِ الْيَمِينِ وَذَاتِ الشَّامِلِ، حَتَّى رَدَّهُمُ اللَّهُ تَعَالَى عَنْكُمَا
پیغمبر دفع می‌کردی از سمت راست و چپ تا اینکه خدای تعالی آنان را ترسان
خائفین، وَتَصْرَكَ بِكَ الْخَاذِلِينَ، وَيَوْمَ حُنَيْنٍ عَلِي مَا نَطَقَ بِهِ التَّنْزِيلُ، إِذْ
و خائف از اطراف تو و آن حضرت دفع کرد و بوسیله تو آن لشگر شکست خورده را یاری کرد و در روز حنین چنانچه
قرآن بدان گویا باشد :

أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا، وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا
«آن دم که بشگفت آورد شما را بسیار بودنتان ولی سودی برای شما نداشت و زمین با همه فراخیش بر شما
رَحَبَتْ، ثُمَّ وَلَّيْتُمْ مُدْبِرِينَ، ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى
تنگ شد و سپس رو به فرار گذاردید، آنگاه خدا نازل کرد آرامش خود را بر پیامبرش و بر
الْمُؤْمِنِينَ، وَالْمُؤْمِنُونَ أَتَتْ وَمَنْ يَلِيكَ، وَعَمَّكَ الْعَبَّاسُ يُنَادِي
مؤمنان» و (مقصود از) مؤمنان تو بودی و همراهان تو، و عمویت عباس فریاد می‌زد به
الْمُنْهَرِمِينَ، يَا أَصْحَابَ سُورَةِ الْبَقَرَةِ، يَا أَهْلَ بَيْعَةِ الشَّجَرَةِ، حَتَّى
گریختگان ای یاران سوره بقره! ای اهل بیعت شجره! تا بالاخره گروهی
اسْتَجَابَ لَهُ قَوْمٌ قَدْ كَفَيْتَهُمُ الْمَوْتَةَ، وَكَفَلَتْ دُونَهُمُ الْمَعْوَةَ، فَعَادُوا
پاسخش را دادند و تو خود کفایت رنج آنها را کردی و کفالت کمک آنها را نمودی و چون برگشتند
إِسْرِينَ مِنَ الْمُتَوْبَةِ، رَاجِعِينَ وَعَدَ اللَّهُ تَعَالَى بِالتَّوْبَةِ، وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ
ناامید از ثواب جهاد بودند و امیدوار به وعده خدای تعالی در توبه بودند و همین است گفتار خدای
جَلَّ ذِكْرُهُ، ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَلَي مَنْ يَشَاءُ، وَأَنْتَ حَازِرٌ
جل ذکره که (فرماید): «سپس پذیرفت خدا پس از آن توبه کسی را که می‌خواست» و تو بودی که حائز گشتی
دَرَجَةَ الصَّبْرِ، فَائِزٌ بِعَظِيمِ الْأَجْرِ، وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أظْهَرَ اللَّهُ حَوْرَ
درجه صبر را و کامیاب شدی به پاداش بزرگ، و در روز جنگ خیبر که خدا آشکار ساخت ضعف و سستی
الْمُنَافِقِينَ، وَقَطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَلَقَدْ

منافقان را و برید دنباله کافران را و ستایش خدای را پروردگار جهانیان «با اینکه با
كانوا عاهدوا الله من قبل لا يُولُونَ الدُّبَارَ، وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولاً،
خدا پیمان بسته بودند از پیش که پشت (به دشمن) نکنند و پیمان خدا بازخواست شدنی است»
مَوْلَايَ اَنْتَ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ، وَالْمَحَبَّةُ الْوَاضِحَةُ، وَالنُّعْمَةُ السَّابِقَةُ
مولای من توئی حجت رسا و طریقه آشکار و نعمت شایان
وَالْبُرْهَانُ الْمُنِيرُ فَهَنِيئاً لَكَ بِمَا اَتَيْكَ اللَّهُ مِنْ فَضْلٍ، وَتَبّاً لِدُشَانِكَ
و برهان تابناک پس گوارا باد تو را آنچه خدا از فضیلت و برتری به تو داد و نابود باد دشمن بدخواه
ذِي الْجَهْلِ، شَهِدْتَ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَمِيعَ حُرُوبِهِ
و نادانت، تو بودی که در رکاب پیغمبر صلی الله علیه و آله در همه جنگها
وَمَعَاذِيهِ، تَحْمِلُ الرِّايَةَ أَمَامَهُ، وَتَضْرِبُ بِالسَّيْفِ قُدَّامَهُ، ثُمَّ لِحَزْمِكَ
و غزواتش حاضر بودی پرچم جنگ را پیش رویش بدوش می کشیدی و در برابرش با شمشیر می جنگیدی از آن
گذشته بخاطر تدبیر
الْمَشْهُورِ وَبَصِيرَتِكَ فِي الْأُمُورِ، أَمَرَكَ فِي الْمَوَاطِنِ وَلَمْ يَكُنْ
و کاردانی مشهور و بینا بودند در کارها تو را در هر جا به امارت و فرماندهی منصوب می فرمود و کسی
عَلَيْكَ أَمِيرٌ، وَكَمْ مِنْ أَمْرِ صَدَّكَ عَنْ امْضَاءِ عَزْمِكَ فِيهِ النَّفْيِ، وَاتَّبَعَ
بر تو امارت نداشت و چه بسیار کارهایی که جلوگیری کرد تو را از انجام آنها پرهیزکاریت ولی پیروی کردند
غَيْرُكَ فِي مِثْلِهِ الْهَوَى، فَظَنَّ الْجَاهِلُونَ أَنَّكَ عَجَزْتَ عَمَّا إِلَيْهِ انْتَهَى،
دیگران در مانند آن از هوای نفس و این سبب شد که نادانان گمان کنند که تو ناتوان و درمانده شدی که کارت بدانجا
منتهی شد
ضَلَّ وَاللَّهُ الظَّانُّ لِدَلِكْ وَمَا اهْتَدَى، وَلَقَدْ أَوْضَحْتَ مَا أَشْكَلَ مِنْ
گمراه گشت به خدا هر که چنین گمانی کرد و راهبری نشد و تو بخوبی آشکار کردی و این اشکال را
ذَلِكَ لِمَنْ تَوَهَّمْ وَأَمْتَرِي، بِقَوْلِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ، قَدْ يَرَى الْحَوْلُ
برای آنکس که چنین توهم و تردیدی داشت برطرف کردی به گفتارت - که درود خدا بر تو باد - که فرمودی: «گاهی
باشد
الْقَلْبُ وَجْهَ الْحِيلَةِ، وَدَوَّيْهَا حَاجِزٌ مِنْ تَقْوَى اللَّهِ، فَيَدْعُهَا رَأْيَ الْعَيْنِ،

که مرد چاره‌جو و زبردست راه چاره می‌بیند ولی در برابرش پرده‌ای از تقوای خدا است پس دانسته و آشکارا آن را رها می‌کند

وَيَنْتَهزُ فُرْصَتَهَا مَنْ لَا حَرِيحَةَ لَهُ فِي الدِّينِ، صَدَقَتْ وَاللَّهُ وَخَسِرَ

ولی همان فرصت را غنیمت شمارد کسی که باکی ندارد در کار دین «به خدا تو راست گفتی و یاوه‌سرایان

الْمُبْطِلُونَ، وَإِذْ مَا كَرَّكَ التَّاكِثَانِ فَقَالَا تُرِيدُ الْعُمَرَةَ، فَقُلْتَ لَهُمَا

زیان کردند و هنگامی که آن دو پیمان شکن (طلحه و زبیر) با تو نیرنگ زدند و گفتند: ما قصد انجام عمره داریم و تو به آن دو فرمودی

لَعْمَرُكُمَا مَا تُرِيدَانِ الْعُمَرَةَ، لَكِنْ تُرِيدَانِ الْعُدْرَةَ، فَأَخَذْتَ الْبَيْعَةَ

به جان خودتان سوگند که شما قصد عمره ندارید بلکه قصد پیمان شکنی دارید و به همین جهت از آن دو بیعت گرفتی

عَلَيْهِمَا، وَجَدَدْتَ الْمِيثَاقَ، فَجَدًّا فِي النَّفَاقِ، فَلَمَّا نَبَّهْتُهُمَا عَلَيَّ فَعَلِيْهُمَا

و پیمان‌شان را تجدید کردی ولی آن دو نیز در نفاق خود کوشیدند و هنگامی که تو به کار (ناشایست)‌شان آگاهی دادی

أَغْفَلَا وَعَادَا وَمَا اتَّفَعَا، وَكَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهِمَا خُسْرًا، ثُمَّ تَلَاهُمَا أَهْلُ

تغافل کردند و به کار خود بازگشته و سودمند نشدند و در نتیجه سرانجام کارشان به زیانکاری گرائید و پس از غائله آنها

الشَّامَ فَسِرْتَ إِلَيْهِمْ بَعْدَ الْأَعْذَارِ، وَهُمْ لَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ، وَلَا

داستان مردم شام پیش آمد که تو پس از آنکه راه عذر را برایشان بستی بسویشان حرکت کردی و آنها بدین حق متدین

يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ، هَمَجٌ رَعَاغٌ ضَالُّونَ، وَبِالَّذِي أُثِرَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ

نگشتند و در قرآن اندیشه نمی‌کردند مردمی بی‌خرد و بی‌اراده و گمراه بودند و به آنچه درباره تو بر محمد

فِيكَ كَافِرُونَ، وَلِأَهْلِ الْخِلَافِ عَلَيْكَ نَاصِرُونَ، وَقَدْ أَمَرَ اللَّهُ

نازل گشته بود کافر بودند و در عوض یار و یاور مخالفین تو بودند در صورتی‌که خداوند به پیروی از تو دستور

بِاتِّبَاعِكَ، وَنَدَبَ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى نَصْرِكَ وَقَالَ عَزَّوَجَلَّ، يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

داده بود و مؤمنان را به یاری تو دعوت کرده بود و فرموده بود: «ای کسانی‌که

آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ، وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ، مَوْلَايَ بِكَ ظَهَرَ الْحَقُّ، وَقَدْ

ایمان آوردید از خدا بترسید و با راستگویان باشید» سرور من بوسیله تو آشکار شد حق در صورتی‌که

بَبَذَهُ الْخَلْقُ، وَأَوْضَحْتَ السُّنَنَ بَعْدَ الدُّرُوسِ وَالطَّمَسِ، فَلَكَ سَابِقَةُ

مردم آن را به يك سو گذاردند و تو واضح كردي روشهاي (انبیاء) را پس از كهنگي و نابودي پس تو را است پيشي
جستن

الْجِهَادِ عَلَيَّ تَصْدِيقِ التَّنْزِيلِ، وَلَكَ فَضِيلَةُ الْجِهَادِ عَلَيَّ تَحْقِيقِ

در جهاد براي (يا بر طبق) تصديق قرآن و براي تو بود فضيلت جهاد براي تحقق دادن (يا بر طبق تحقيق)

التَّأْوِيلِ، وَعَدُوُّكَ عَدُوُّ اللَّهِ، جَا حِدْ لِرَسُولِ اللَّهِ، يَدْعُو بِاطِلَاءٍ، وَيَحْكُمُ

تأويل قرآن و دشمن تو و دشمن خدا و منكر رسول خدا بود آنكه به باطل دعوت مي كرد و به ستم حكم مي راند

جَائِرًا، وَيَتَأَمَّرُ غَاصِبًا، وَيَدْعُو حِزْبَهُ إِلَى النَّارِ، وَعَمَّارٌ يُجَاهِدُ

و به غصب و زور حكومت كرده و دار و دسته اش را بسوي دوزخ دعوت مي نمود و در آن حال عمار جهاد مي كرد

وَيُنَادِي بَيْنَ الصَّفَيْنِ، الرُّوْحَ الرُّوْحَ إِلَى الْجَنَّةِ، وَلَمَّا اسْتَسْقَى

و ميان دو صف فرياد مي زد: كوچ كنيد كوچ كنيد بسوي بهشت و چون آب طلبيد و بجاي آب

فَسَقَى اللَّبْنَ، كَبَّرَ وَقَالَ قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ آخِرُ

شير به او دادند تكبير گفت و اظهار داشت كه رسول خدا صلي الله عليه و آله به من فرموده: آخرين

شَرَابِكَ مِنَ الدُّنْيَا ضِيَا حٌ مِنْ لَبَنٍ، وَتَقَتُّكَ الْفِتْنَةُ الْبَاغِيَّةُ، فَأَعْتَرَضَهُ

نوشيدني تو از دنيا جرعه اي از شير است و تو را فرقه ستمكار مي كشند پس در آن حال

أَبُو الْعَادِيَةِ الْفَزَارِيِّ فَقَتَلَهُ، فَعَلِيَ أَبِي الْعَادِيَةِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَلَعْنَةُ

ابوالعاديه فزاري سر راهش را گرفت و او را كشت پس لعنت خدا و لعنت

مَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ أَجْمَعِينَ، وَعَلِيَ مَنْ سَلَّ سَيْفَهُ عَلَيْكَ، وَسَلَّتْ

فرشتگان و رسولانش همگي بر ابوالعاديه باد و هم بر آنكس كه شمشير به روي تو كشيد و تو به روي او

سَيْفَكَ عَلَيْهِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِلَى يَوْمِ

شمشير كشيدي اي امير مؤمنان از مشركان و منافقان تا روز

الدِّينِ، وَعَلِيَ مَنْ رَضِيَ بِمَا سَأَلَكَ وَلَمْ يَكْرَهُهُ، وَأَغْمَضَ عَيْنَهُ وَلَمْ

قيامت و هم بر آنكس كه خوشنود گشت به آنچه بر تو گران بود و ناراحت نشد و ديده برهم نهاد

يُنْكِرُ، أَوْ أَعَانَ عَلَيْكَ بَيْدٍ أَوْ لِسَانٍ، أَوْ قَعَدَ عَنْ نَصْرِكَ، أَوْ خَذَلَ عَنْ

و انكار مي كرد يا بر عليه تو كمك كردند بدست يا زبان يا دست كشيد از ياري تو يا كناره گيري كرد از

الْجِهَادِ مَعَكَ، أَوْ غَمَطَ فَضْلَكَ وَجَحَدَ حَقَّكَ، أَوْ عَدَلَ بِكَ مَنْ جَعَلَكَ اللَّهُ

جهاد کردن در رکابت یا فضل تو را نادیده گرفت و حقت را انکار کرد یا برابر کرد با تو کسی را که خدا تو را
أَوَّلَى بِهِ مِنْ نَفْسِهِ، وَصَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَسَلَامُهُ
به او سزاوارتر از خودش قرار داده بود و درودهای خدا بر تو و رحمت خدا و برکاتش و سلام
و تَحِيَّاتُهُ، وَعَلَى الْأَئِمَّةِ مِنْ آلِكَ الطَّاهِرِينَ أَنَّهُ حَمِيدٌ مُجِيدٌ، وَالْأَمْرُ
و تخیاتش و بر امامان از خاندان پاکت که براستی او ستوده و بزرگوار است و کار
الْأَعْجَبُ وَالْخَطْبُ الْأَفْظَعُ بَعْدَ جَحْدِكَ حَقَّكَ، غَضَبُ الصَّدِيقَةِ
شگفت‌انگیزتر و پیش‌آمد، جانگدازتر پس از انکار حق تو غصب فدک حضرت صدیقه
الطَّاهِرَةِ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ النَّسَاءِ فَدَكَّا، وَرَدُّ شَهَادَتِكَ وَشَهَادَةِ
طاهره زهرا بانوی زنان بود و هم چنین رد کردن شهادت تو و شهادت
السَّيِّدِينَ سَلَاتِكَ، وَعَثْرَةُ الْمُصْطَفِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكُمْ، وَقَدْ أَغْلَى اللَّهُ
دو آقایی از نژادت و عثرت پیامبر مصطفی که درود خدا بر همگیتان باد با اینکه خدای
تَعَالَى عَلَى الْأُمَّةِ دَرَجَتَكُمْ، وَرَفَعَ مَنْزِلَتَكُمْ، وَأَبَانَ فَضْلَكُمْ وَشَرَّفَكُمْ
تعالی درجه و مقام شما را بر مردم والا گردانیده و منزلتان را رفیع و فضل و شرفتان را
عَلَى الْعَالَمِينَ، فَادْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرَكُمْ تَطْهِيراً، قَالَ اللَّهُ
بر جهانیان آشکار کرده و پلیدی را از شما دور ساخته و بخوبی پاکیزه‌تان کرده است خدای
عَزَّوَجَلَّ إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعاً، إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً، وَإِذَا مَسَّهُ
عزوجل فرموده: «براستی انسان حریص آفریده شده چون بدی به او برسد بیتابی کند و چون
الْحَيَرُ مُنُوعاً، أَلَّا الْمُصَلِّينَ فَاسْتَشْنَى اللَّهُ تَعَالَى نَبِيَّهُ الْمُصْطَفِي، وَأَتَتْ
مالی بدستش رسد دریغ کند مگر نمازگزاران» پس جدا کرد خدای تعالی پیامبر مصطفی و همچنین تو را
يَا سَيِّدَ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ جَمِيعِ الْخَلْقِ فَمَا أَعَمَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ عَنِ الْحَقِّ،
ای آقایی اوصیاء از همه مردم پس چه اندازه کور است آنکس که به تو ستم کرد از (پرداخت) حق
ثُمَّ أَفْرَضُواكَ سَهْمَ ذَوِي الْقُرْبَى مَكْرَأً، وَأَحَادُوهُ عَنْ أَهْلِهِ جَوْرًا، فَلَمَّا
ولی از روی مکر و خدعه سهم خویشاوندان پیغمبر را برای تو مقرر داشت در صورتی که آن را از اهلش بستم دور
کردند
أَلِ الْأَمْرُ إِلَيْكَ أَجْرِيَّتُهُمْ عَلَيَّ مَا أَجْرِيَا رَغْبَةً عَنْهُمَا بِمَا عِنْدَ اللَّهِ لَكَ،

و چون کار بدست تو افتاد به همان نحو که آن دو دربارها رفتار کرده بودند تو هم بخاطر اشتیاق مندیت به پاداش خدا
فَاشْبَهَتْ مُحَنَّتُكَ بِهِمَا مَحَنَ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عِنْدَ الْوَحْدَةِ
و بی‌اعتنائیت به عمل آن دو به همان نحو رفتار کردی پس شبیه شد گرفتاری تو با آن دو نفر به گرفتاری پیمبران در
هنگام تنهایی

وَعَدَمِ الْأَنْصَارِ، وَاشْبَهَتْ فِي الْبَيَاتِ عَلَى الْفِرَاشِ الذَّبِيحَ عَلَيْهِ
و بی‌یاوری و شبیه گشتی در خوابیدن بر بستر (رسول خدا) به (اسمعیل) ذبیح علیه السلام
السَّلَامُ، إِذْ أَجَبْتَ كَمَا أَجَابَ، وَأَطَعْتَ كَمَا أَطَاعَ إِسْمَاعِيلُ صَابِرًا
چه آنکه تو نیز مانند او پذیرفتی و اطاعت کردی چنانچه اسماعیل اطاعت کرد بر دبارانه و پاداش جویانه
مُحْتَسِبًا، إِذْ قَالَ لَهُ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ
در آن هنگام که (ابراهیم) به او گفت: «ای پسرکم من در خواب دیده‌ام که تو را ذبح می‌کنم پس بنگر
ماذا تَرَى، قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنْ
تا رأی تو چیست گفت ای پدر انجام ده آنچه را مأمور گشته‌ای که مرا انشاءالله خواهی یافت از
الصَّابِرِينَ، وَكَذَلِكَ أَتَتْ لَمَّا أَبَاكَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَمَرَكَ
بر دباران» و هم چنین تو هنگامی که خواباندت پیغمبر صلی الله علیه و آله و به تو دستور داد
أَنْ تَضْجَعَ فِي مَرْقَدِهِ وَاقْبَلْ لَهُ بِنَفْسِكَ أَسْرَعْتَ إِلَى إِجَابَتِهِ مُطِيعًا،
که بیارمی در خوابگاهش و حفظ کنی او را، به جان خود شتافتی به اجابتش فرمانبردارانه
وَلِنَفْسِكَ عَلَى الْقَتْلِ مُوْطِنًا، فَشَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى طَاعَتَكَ، وَأَبَانَ عَنْ
و خود را برای کشته شدن آماده کردی و خدای تعالی این اطاعت تو را سپاسگزاری کرد و پرده از این
جَمِيلِ فِعْلِكَ بِقَوْلِهِ جَلَّ ذِكْرُهُ، وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ
کار شایسته و نیکت برداشت به گفتارش جل ذکره که فرمود: «و از مردم کسی است که می‌فروشد جانش را برای
جستن

مَرْضَاتِ اللَّهِ، ثُمَّ مُحَنَّتُكَ يَوْمَ صِفِّينَ، وَقَدْ رُفِعَتِ الْمَصَاحِفُ حِيلَةً
رضای خدا» سپس گرفتاری تو در جنگ صفین در آن هنگام که قرآن‌ها را از روی نیرنگ
وَمَكْرًا، فَأَعْرَضَ الشُّكُّ وَعَرِفَ الْحَقُّ، وَاتَّبَعَ الظَّنُّ، أَشْبَهَتْ مُحَنَّةَ

و خدعه بر نیزه‌ها کردند و در نتیجه شك و تردید پدیدار شد و حق به يك سو افتاد و ازگمان پیروی کردند (که این گرفتاری تو) شبیه بود

هَرُونَ إِذْ أَمَرَهُ مُوسَىٰ عَلَيْهِ قَوْمِهِ، فَتَفَرَّقُوا عَنْهُ وَهَرُونَ يُنَادِي بِهِمْ

به گرفتاری هارون هنگامی که موسی او را بر قوم خود امیر کرد و آنها از دورش پراکنده شدند و هارون به آنها فریاد می زد :

وَيَقُولُ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ، وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا

«ای مردم فریب خورده‌اید شما به گوساله‌پرستی و همانا پروردگار شما خدای رحمان است مرا پیروی کنید

أَمْرِي، قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّىٰ يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَىٰ، وَكَذَلِكَ

و مطیع فرمان من باشید گفتند ما هم چنان پرستش او را می‌کنیم تا بازگردد بسوی ما موسی» و همچنین

أَنْتَ لَمَّا رُفِعَتِ الْمَصَاحِفُ، قُلْتَ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهَا وَخُدِعْتُمْ،

تو هنگامی که قرآن‌ها بالای نیزه رفت فرمودی ای مردم شما به اینها فریب خورده‌اید و دچار نیرنگ

فَعَصَوْكَ وَخَالَفُوا عَلَيْكَ، وَاسْتَدْعَوْا نَصَبَ الْحَكَمِينَ فَأَبَيْتَ عَلَيْهِمْ،

شده‌اید ولی نافرمانی و مخالفت تو را کردند و خواستند تا دو نفر حکم معین شود و تو از این کار خودداری کردی

وَتَبَرَّاتَ إِلَى اللَّهِ مِنْ فِعْلِهِمْ، وَقَوَّضْتَهُ إِلَيْهِمْ، فَلَمَّا أَصْفَرَ الْحَقُّ وَسَفِهَ

و از کردار ایشان بسوی خدا بی‌زاری جستی و کار را به ایشان واگذاشتی و چون پرده از روی حق برداشته شد و

بی‌رویه‌گی

الْمُنْكَرُ، وَاعْتَرَفُوا بِالزَّلَلِ وَالْجَوْرِ عَنِ الْقَصْدِ اخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِهِ،

منکر روشن شد و به خطای خویش و عدول از حق اعتراف کردند پس از آن اختلاف کرده و تو

وَالزُّمُوكَ عَلَى سَفَهٍ التَّحْكِيمِ الَّذِي آيَنَتُهُ وَأَحْبَبُّهُ، وَخَظَرَتُهُ وَأَبَاحُوا

را مجبور به پذیرفتن حکمیت سفیهانه کردند آن حکمیتی که توحاضر به پذیرفتنش نبود و آنان می‌خواستند و تو ممنوعش

ساخته و آنها

ذَنَبَهُمُ الَّذِي اقْتَرَفُوهُ، وَأَنْتَ عَلَى نَهْجٍ بَصِيرَةٍ وَهَدْيٍ، وَهُمْ عَلَى سُنَنِ

مباح دانستند، گناهی بود که خودشان دست زدند و تو بر طریق بینائی و هدایت بودی و ایشان بر روش

ضَلَالَةٍ وَعَمِيٍّ، فَمَا زَالُوا عَلَى التَّفَاقِ مُصْرِينَ، وَفِي الْعَمَى مُتَرَدِّدِينَ

گمراهی و کوری پس همواره بر نفاق اصرار داشتند و در گمراهی سرگردان بودند

حَتَّىٰ أَذَاقَهُمُ اللَّهُ وَبَالَ أَمْرِهِمْ، فَأَمَاتَ بِسَيْفِكَ مَنْ عَانَدَكَ فَشَقِيحًا
تا بالاخره چشاندید به ایشان خداوند وبال کارشان را و می‌راند بوسیله شمشیرت دشمنان را و بدبخت و نگونسار
و هوی، و أَحْيَىٰ بِحُجَّتِكَ مَنْ سَعَدَ فَهَدَىٰ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ غَادِيَةً
گردید و زنده گردانید بوسیله حجت تو هر که سعادتمند و هدایت شد دروذهای خدا بر تو باد بامدادان
و رَائِحَةً، وَ عَاكِفَةً وَ ذَاهِبَةً فَمَا يُحِيطُ الْمَادِحُ وَ صَفَكَ، وَلَا يُحِيطُ
و شامگاهان و در هنگام اقامت و در سفر که شخص وصف کننده‌ات احاطه به وصفت نکند و شخص بدخواه
الطَّاعِنُ فَضْلَكَ أَنْتَ أَحْسَنُ الْخَلْقِ عِبَادَةً، وَ أَخْلَصُهُمْ زَهَادَةً، وَ أَذْيَهُمْ
و عیب‌جویی نتواند فضل تو را نابود گرداند تو از همه مردم در عبادت بهتر و در زهد خالص‌تر و در دفاع
عَنِ الدِّينِ، أَقَمْتَ حَدُودَ اللَّهِ بِجُهِدِكَ، وَ قَلَّلْتَ عَسَاكِرَ الْمَارِقِينَ
از دین سخت‌تری پیداشتی حدود خدا را به کوشش خود و شکست دادی سپاههای بیرون‌رفتگان از دین
بِسَيْفِكَ، تُحْمَدُ لَهَبُ الْحُرُوبِ بِنَانِكَ، وَ تَهْتِكُ سُورَ الشُّبُهَةِ بِنَبَانِكَ،
را به شمشیرت فرو نشاندی شراره جنگها را به سر انگشت تدبیرت و دریدی پرده‌های شبهه را به بیان خود
وَ تَكْشِفُ لِبَسَ الْبَاطِلِ عَنْ صَرِيحِ الْحَقِّ، لَا تَأْخُذُكَ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ
و کنار زدی جامه باطل را از حق خالص و صریح. نگرفت تو را درباره خدا ملامت
لَا تِم، وَ فِي مَدْحِ اللَّهِ تَعَالَىٰ لَكَ غِنَىٰ عَنْ مَدْحِ الْمَادِحِينَ، وَ تَقْرِيطِ
ملامت کننده و در مدح و ثنائی که خداوند از تو کرده بی‌نیازی است از مدح ثناگویان و توصیف
الْوَاصِفِينَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ
توصیف کنندگان خدای تعالی فرماید: «از مؤمنان مردانی هستند که به پیمانی که با خدا کرده بودند صادقانه وفا کردند
عَلَيْهِ، فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ، وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا،
پس برخی از آنها تعهد خویش بسر برده و برخی از آنها به انتظار بسر برند و به هیچوجه تغییر نیافتند»
وَلَمَّا رَأَيْتَ أَنَّ قَتَلْتَ النَّكَثِينَ وَالْفَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ وَ صَدَقَكَ
و چون دیدی که گشته‌ای پیمان شکنان و متجاوزان و از دین بیرون‌روندگان را و راست شد
رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ عَدَّةٌ، فَأَوْفَيْتَ بِعَهْدِهِ، قُلْتَ أَمَا أَنْ
وعده رسول خدا صلی الله علیه و آله و تو هم به عهدش وفا کردی گفتی آیا وقت آن نشده که
تُخْضَبَ هَذِهِ مِنْ هَذِهِ، أَمْ مَتَى يُبْعَثُ أَشْقَاهَا، وَاتِّقَا بِأَنَّكَ عَلَيَّ بَيِّنَةٌ مِنْ

خضاب شود این (محاسن) از این (خون سر)؟ یا چه زمان برانگیخته شود بدبختترین امت؟ چون اطمینان داشتی که بر پایه ربِّكَ، وَبَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ، قَادِمٌ عَلَيَّ اللَّهُ، مُسْتَبْشِرٌ بِبَيْعِكَ الَّذِي بَايَعْتَهُ برهانی آشکار هستی از پروردگارت و بینائی درکارت و درآئی بر خدا مژده گیر به سودائی که انجام دادی آن را با او و این است

بِهِ، وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ، اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةَ أَنْبِيَائِكَ، وَأَوْصِيَائِكَ
آن کامیابی بزرگ خدایا لعنت کن کُشدگان پیمبران و اوصیاء
أَنْبِيَائِكَ بِجَمِيعِ لَعْنَاتِكَ، وَأَصْلِهِمْ حَرَّ نَارِكَ، وَالْعَنْ مَنْ غَضَبَ وَلِيِّكَ
پیمبرانت را به همه لعنتهایت و جایشان ده در آتش سوزانت و لعنت کن هر که حق ولی تو را
حَقَّهُ، وَأَتَكَرَّ عَهْدَهُ، وَجَحَدَهُ بَعْدَ الْيَقِينِ وَالْإِقْرَارِ بِالْوِلَايَةِ لَهُ يَوْمَ
غصب کرد و پیمانش را انکار کرد و پس از یقین و اقرار به ولایتش در روزی
أَكْمَلَتْ لَهُ الدِّينَ، اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ ظَلَمَهُ،
که دین را برایش کامل کردی منکر او گردید خدایا لعنت کن کُشدگان امیر مؤمنان و هر که به او ستم کرده
وَأَشْيَاءَهُمْ وَأَنْصَارَهُمْ، اللَّهُمَّ الْعَنْ ظَالِمِي الْحُسَيْنِ وَقَاتِلِيهِ،
و پیروانشان و یارانشان را خدایا لعنت کن ستمگران حسین علیه السلام و کُشدگان
وَالْمُتَابِعِينَ عَدُوَّهُ وَنَاصِرِيهِ، وَالرَّاضِينَ بِقَتْلِهِ وَخَاذِلِيهِ لَعْنًا وَبَيَاً،
و پیروان و یاوران دشمنش را و هم آنانکه راضی به کُشتنش بودند و دست از یاریش کشیدند لعنتی و بال آور
اللَّهُمَّ الْعَنْ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ آلَ مُحَمَّدٍ وَمَانِعِيهِمْ حُقُوقَهُمْ، اللَّهُمَّ
خدایا لعنت کن نخستین ستمکاری را که به آل محمد ستم کرد و از حقوقشان ممانعت کرد خدایا
خُصَّ أَوَّلَ ظَالِمٍ وَغَاصِبٍ لِّآلِ مُحَمَّدٍ بِاللَّعْنِ، وَكُلِّ مُسْتَنٍّ بِمَا سَنَّ
مخصوص گردان نخستین ستمکار و غاصب آل محمد را به لعنت و هم چنین هر پیروی را از آنچه بدعت گذارد
إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَعَلَيَّ عَلِيٍّ
تا روز قیامت خدایا درود فرست بر محمد خاتم پیمبران و بر علی
سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ، وَاجْعَلْنَا بِهِمْ مُتَمَسِّكِينَ، وَبِوَلَايَتِهِمْ
آقای اوصیاء و آل پاکشان و قرار ده ما را از متمسکین ایشان و از کامیابان به ولایتشان
مِنَ الْفَائِزِينَ الْأَمِينِينَ، الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ. × مؤلف

و ایمانی که ترسی بر آنها نیست و بیم و اندوهی ندارند * * *

گوید که ما در کتاب هدیه الزائرین اشاره کردیم به سند این زیارت و آنکه این زیارت را در هر روز از نزدیک و دور می شود خواند و این فایده جلیله ای است که البته راغبین در عبادت و شائقین زیارت حضرت شاه ولایت علیه السلام آن را غنیمت خواهند شمرد سیّم زیارتی است که در اقبال از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که فرموده گاه در روز عید غدیر نزد قبر شریف حضرت امیر المؤمنین علیه السلام باشی نزدیک قبر شریف آن حضرت برو و بعد از نماز و دعا و اگر در شهرهای دیگر باشی اشاره کن به جانب آن حضرت بعد از نماز و دعا این است: **اللّهُمَّ صَلِّ**

* *

* *

عَلِي وَلِيكَ وَآخِي نَبِيِّكَ، وَوَزِيرِهِ وَحَبِيبِهِ وَخَلِيلِهِ، وَمَوْضِعِ سِرِّهِ

بر ولی خود و برادر پیامبرت و وزیر او و حبیب و خلیش و معدن اسرارش

وَخَيْرَتِهِ مِنْ أَسْرَتِهِ، وَوَصِيِّهِ وَصَفْوَتِهِ، وَخَالِصَتِهِ وَأَمِينِهِ وَوَلِيِّهِ،

و برگزیده از فامیلش و وصی و زبده و خالصش و امانتدار و دوستش

وَأَشْرَفِ عَثَرَتِهِ الَّذِينَ آمَنُوا بِهِ، وَأَبَى ذُرِّيَّتِهِ وَبَابِ حِكْمَتِهِ، وَالنَّاطِقِ

و شریفترین خاندانش که به او ایمان آورد و پدر فرزنداناش و درگاه حکمتش و گویای

بِحُجَّتِهِ، وَالِدَاعِي إِلَى شَرِيعَتِهِ، وَالْمَاضِي عَلَى سُنَّتِهِ، وَخَلِيفَتِهِ عَلَى

به حجتش و دعوت کننده بسوی شریعتش و رونده بر طریقه اش و جانشین بر

أَمَّتِهِ، سَيِّدِ الْمُسْلِمِينَ وَآمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَقَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ أَفْضَلَ

امتش آقای مسلمانان و امیر مؤمنان و پیشوای سفید رویان (بر او درود فرست) بهترین

مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ وَأَصْفِيَاءِكَ وَأَوْصِيَاءِ أَنْبِيَائِكَ، اللَّهُمَّ

درودی که بفرستی بر یکی از خلق خود و برگزیدگان و اوصیاء پیمبرانت خدایا

إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ قَدْ بَلَغَ عَنْ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا حُمِّلَ، وَرَعَى

من گواهی دهم که براستی او از طرف پیامبرت صلی الله علیه و آله برساند آنچه را برعهده داشت و مراقبت کرد

مَا اسْتُحْفِظَ، وَحَفِظَ مَا اسْتُودِعَ وَحَلَّلَ حَلَالَكَ، وَحَرَّمَ حَرَامَكَ، وَأَقَامَ

آنچه را مسئول حفظش بود و نگهداری کرد آنچه بدو سپرده شده بود و حلال شمرد حلال تو را و حرام دانست حرام تو

را و بپا داشت

أَحْكَامَكَ، وَدَعَا إِلَى سَبِيلِكَ، وَوَالَا أَوْلِيَاءَكَ وَعَادِي أَعْدَاءَكَ، وَجَاهَدَ
 أَحْكَامَ تُو رَا و دَعَوْتَ كَرْد بِطَرِيقَه تُو و دُوسْت دَاشْت دُوسْتَان تُو رَا و دَشْمَن دَاشْت دَشْمَنَانَت رَا و پِيكَار كَرْد
 التَّائِثِينَ عَنْ سَبِيلِكَ، وَالْفَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ عَنْ أَمْرِكَ صَابِرًا
 با پیمان شکنان و زورگویان و آنانکه از تحت فرمان تو خارج شدند بردبارانه
 مُحْتَسِبًا مُقْبِلًا غَيْرَ مُدْبِرٍ، لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَّائِمٍ حَتَّى بَلَغَ فِي
 و پاداش جویانه و رو آور بدن نه رو گردان و بی پروای در راه خدا از ملامت ملامت کنندگان تا بدانجا که بسر حد
 ذَلِكَ الرِّضَا، وَسَلَّم إِلَيْكَ الْقَضَاءَ، وَعَبَدَكَ مُخْلِصًا، وَصَحَّ لَكَ مُجْتَهِدًا
 خوشنودی تو رسید و تسلیم قضای تو گشت و مخلصانه تو را عبادت کرد و از روی جدیت برای تو خیراندیشی نمود
 حَتَّى آتِيهِ الْيَقِينَ، فَقَبَضَتْهُ إِلَيْكَ شَهِيدًا سَعِيدًا، وَلِيًّا تَقِيًّا، رَضِيًّا زَكِيًّا،
 تا مرگش فرا رسید و قبض روحش را فرمودی در حالی که شهید و سعادتمند و دوست تو و پرهیزکار و پسندیده و
 پاکیزه

هَادِيًّا مَهْدِيًّا، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِ أَفْضَلُ مَا صَلَّيْتَ عَلَى
 و راهنما و راه یافته بود خدایا درود فرست بر محمد و بر او بهترین درودی را که فرستادی بر
 أَحَدٍ مِنْ أُنْبِيَائِكَ وَأَصْفِيَائِكَ، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ. × مؤلف گوید که سید در
 یکی از پیمبران و برگزیدگانت ای پروردگار جهانیان * * * * *
 مصباح الزائر برای این روز شریف زیارتی دیگر نقل کرده که اختصاصش به این روز معلوم نمی شود و آن مُرَكَّب از دو
 زیارتست که علامه مجلسی آن را زیارت دوم و سیم تحفه قرار داده .

دویم از زیارات مخصوصه

زیارت روز مولود حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله است شیخ مفید و شهید و سید بن طاوس روایت کرده اند که
 حضرت امام جعفر صادق علیه السلام زیارت کرد حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را در هفدهم ربیع الأول به این زیارت
 و تعلیم فرمود آن را به ثقه جلیل القدر محمد بن مسلم ثقفی رضی الله عنه و فرمود به او که چون بیایی به مشهد
 امیرالمؤمنین علیه السلام پس غسل زیارت کن و بیوش پاکیزه ترین جامه های خود را و به بوی خوش خود را معطر نما و
 برو به آرامی و وقار پس چون برسی به باب السلام یعنی بدر حرم مطهر روبه قبله بایست و سی مرتبه اللَّهُ أَكْبَرُ بگو و
 بگو :

اَلسَّلَامُ عَلَي رَسُوْلِ اللهِ، اَلسَّلَامُ عَلَي خَيْرَةِ اللهِ، اَلسَّلَامُ عَلَي الْبَشِيْرِ
سلام بر رسول خدا سلام به برگزیده خدا سلام بر نوید ده و
التَّذِيْر، السَّرَاجُ الْمُنِيْر، وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ، اَلسَّلَامُ عَلَي الطُّهْرِ
بیم ده و آن چراغ تابناک و رحمت خدا و برکاتش بر او باد سلام بر پاک
الطَّاهِرِ، اَلسَّلَامُ عَلَي الْعَلَمِ الزَّاهِرِ، اَلسَّلَامُ عَلَي الْمَنْصُوْرِ الْمُوَيَّدِ،
و پاکیزه سلام بر پرچم رخشان سلام بر آنکه نصرت و تأیید شد
اَلسَّلَامُ عَلَي اَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ، وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ، اَلسَّلَامُ عَلَي
سلام بر ابی القاسم محمد و رحمت خدا و برکاتش سلام بر
اَنْبِيَاءِ اللهِ الْمُرْسَلِيْنَ، وَعِبَادِ اللهِ الصَّالِحِيْنَ، اَلسَّلَامُ عَلَي مَلَائِكَةِ اللهِ
بیمبران مرسلین خدا و بندگان شایسته اش سلام بر آن فرشتگان خدا که
الْحَافِيْنَ بِهَذَا الْحَرَمِ وَبِهَذَا الضَّرِيْحِ اللَّاتِذِيْنَ بِهِ پَس به نزدیک قبر برو و
گرداگرد این حرم و ضریح اند و پناهنده به آند * * * * *
بگو: اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَصِيَّ الْاَوْصِيَاءِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا عِمَادَ الْاَثَقِيَاءِ،
* * سلام بر تو ای وصی اوصیاء سلام بر تو ای تکیه گاه پرهیزکاران
اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَلِيَّ الْاَوْلِيَاءِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا سَيِّدَ الشُّهَدَاءِ،
سلام بر تو ای ولی اولیاء سلام بر تو ای آقای شهیدان
اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا آيَةَ اللهِ الْعُظْمَى، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَامِسَ اَهْلِ
سلام بر تو ای آیت بس بزرگ خدا سلام بر تو ای پنجمین اهل
الْعِبَاءِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا قَائِدَ الْعُرِّ الْمُحَجَّلِيْنَ الْاَثَقِيَاءِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا
عباء سلام بر تو ای پیشوای سفید رویان با تقوی سلام بر تو ای
عِصْمَةَ الْاَوْلِيَاءِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا زَيْنَ الْمُوحِدِيْنَ الثُّجَبَاءِ، اَلسَّلَامُ
نگهدار اولیاء سلام بر تو ای زیور یکتا پرستان برگزیده سلام بر
عَلَیْكَ يَا خَالِصَ الْاَخْلَاءِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَالِدَ الْاُئِمَّةِ الْاُمَنَاءِ،
تو ای خالص دوستان صمیمی حق سلام بر تو ای پدر امامان امانتدار
اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا صَاحِبَ الْحَوْضِ وَحَامِلَ اللُّوْءِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا

سلام بر تو ای صاحب حوض و پرچمدار (در روز جزا) سلام بر تو ای
قَسِيمَ الْجَنَّةِ وَلَظِي، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ شُرِّفَتْ بِهِ مَكَّةُ وَمِنَى،
قسمت کننده بهشت و دوزخ سلام بر تو ای که شرافت یافت بدو مکه و منی
اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَحْرَ الْعُلُومِ وَكَنْفَ الْفُقَرَاءِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ وُلِدَ
سلام بر تو ای دریای علوم و پناه بینوایان سلام بر تو ای که بدنیا آمدی
فِي الْكَعْبَةِ وَرُوحَ فِي السَّمَاءِ بِسَيِّدَةِ النَّسَاءِ، وَكَانَ شُهُودُهَا
در خانه کعبه و به همسری بانوی زنان در آمدی در آسمان و گواهان عقد ازدواج
اَلْمَلَائِكَةُ الْأَصْفِيَاءُ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِصْبَاحَ الضِّيَاءِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ
تو فرشتگان برگزیده بود سلام بر تو ای چراغ روشن سلام بر تو
يَا مَنْ خَصَّهُ النَّبِيُّ بِجَزِيلِ الْحَبَاءِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ بَاتَ عَلَيَّ
ای کسی که مخصوصش داشت پیامبر به عطای شایان ویژه سلام بر تو ای که خفتی بر
فِرَاشِ خَاتَمِ الْأَنْبِيَاءِ، وَوَقَّاهُ بِنَفْسِهِ شَرَّ الْأَعْدَاءِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ
بستر خاتم پیمبران و محافظتش کردی بجان خودت از شر دشمنان سلام بر تو ای که
رُدَّتْ لَهُ الشَّمْسُ فَسَامِيَ شَمْعُونَ الصَّفَا، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ أَنْجَى
بازگشت برای او خورشید و بدین جهت همطراز گشتی با شمعون صفا سلام بر تو ای که
اللَّهُ سَفِينَةَ نُوحٍ بِاسْمِهِ وَاسْمِ أَخِيهِ حَيْثُ اَلْتَّظَمَ الْمَاءُ حَوَالَهَا وَطَمِي،
خداوند بوسیله نام او و نام برادرش نجات داد کشتی نوح را در آن هنگام که امواج آب گرد آنها را فراگرفت و
می خروشید

اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ تَابَ اللَّهُ بِهِ وَبِأَخِيهِ عَلَيَّ آدَمَ إِذْ غَوَى، اَلْسَّلَامُ
سلام بر تو ای کسی که بوسیله او و برادرش خدا توبه آدم را پذیرفت در آن هنگام که راه گم کرد سلام
عَلَيْكَ يَا فُلْكَ النَّجَاةِ الَّذِي مَنْ رَكِبَهُ نَجَى، وَمَنْ تَأَخَّرَ عَنْهُ هَوَى،
بر تو ای کشتی نجاتی که هر که بر آن سوار شد نجات یافت و هر که از آن کناره گرفت به هلاکت افتاد
اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ خَاطَبَ النَّعْبَانَ وَذَنَّبَ الْفَلَاحَ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
سلام بر تو ای کسی که سخن گفت با اژدها و گرگ بیابان سلام بر تو ای
أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَيَّ

امیر مؤمنان و رحمت خدا و برکاتش سلام بر تو ای حجت خدا بر
مَنْ كَفَرَ وَأَنَابَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ ذَوِي الْأَلْبَابِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
آن کس که کفر ورزید و بازگشت سلام بر تو ای پیشوای صاحبان خرد سلام بر تو ای
مَعْدِنَ الْحِكْمَةِ وَفَضْلَ الْخِطَابِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ
کان حکمت و جدائی بخش حق و باطل سلام بر تو ای که نزد او است علم
الْكِتَابِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيزَانَ يَوْمِ الْحِسَابِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
کتاب (قرآن) سلام بر تو ای میزان در روز حساب سلام بر تو ای
فَاصِلَ الْحُكْمِ النَّاطِقِ بِالصَّوَابِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُتَصَدِّقُ
یکسره کننده داوری و گویای بصدق و صواب سلام بر تو ای صدقه دهنده
بِالْخَاتَمِ فِي الْمِحْرَابِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ كَفَى اللَّهَ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ
انگشتر در محراب سلام بر تو ای که کفایت کرد خدا از مؤمنان پیکار را
بِهِ يَوْمَ الْأَحْزَابِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ الْوَحْدَانِيَّةَ وَأَنَابَ،
بوسیله او در جنگ احزاب سلام بر تو ای کسی که از روی اخلاص خدا را به یگانگی شناخت و بسویش بازگشت
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَاتِلَ خَيْبَرَ وَقَالِعَ الْأَبَابِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ دَعَا
سلام بر تو ای کشنده (کفار) خیبر و کُتَنده (آن) در سلام بر تو ای که خواندش
خَيْرُ الْأَنَامِ لِلْمَبِيتِ عَلَيِّ فِرَاشِهِ فَاسْلَمَ نَفْسُهُ لِلْمَنِيَّةِ وَأَجَابَ، السَّلَامُ
بهترین مردمان برای خوابیدن در بسترش و او جان خود را به کف گرفت و به او پاسخ مثبت داد سلام
عَلَيْكَ يَا مَنْ لَهُ طُوبَى وَحُسْنُ مَأْبٍ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ
بر تو ای که برای او است «طوبی» (خوشی) و سرانجام نیک و رحمت خدا و برکاتش سلام
عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ عِصْمَةِ الدِّينِ وَيَا سَيِّدَ السَّادَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
بر تو ای سرپرست نگهداری دین و ای آقای آقایان سلام بر تو ای
صَاحِبَ الْمُعْجَزَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ نَزَلَتْ فِي فَضْلِهِ سُورَةُ
صاحب معجزات سلام بر تو ای که نازل گشت در فضیلتش سوره
الْعَادِيَّاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ كُتِبَ اسْمُهُ فِي السَّمَاءِ عَلَيَّ
«العادیات» سلام بر تو ای که نوشته شده نامش در آسمان بر

السُّرَادِقَاتِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُظْهَرَ الْعَجَائِبِ وَالْآيَاتِ، السَّلَامُ
سرپرده‌ها سلام بر تو ای آشکار کننده شگفتیها و آیات سلام
عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْغَزَوَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُخْبِرًا بِمَا غَبَرُوا بِمَا هُوتَ،
بر تو ای امیر در غزوات سلام بر تو ای خبردهنده از گذشته و از آنچه پس از این آید
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُخَاطَبَ ذُنُبِ الْفَلَوَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتِمَ
سلام بر تو ای خطاب کننده گرگ بیابان سلام بر تو ای مهرکننده
الْحَصِيِّ وَمُبَيِّنِ الْمُشْكِلَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ عَجَبَتْ مِنْهُ
سنگریزه و بیان کننده مسائل مشکله سلام بر تو ای که بشگفت آمدند از
حَمَلَاتِهِ فِي الْوَعَا مَلَائِكَةُ السَّمَوَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ نَاجِيَ
حمله‌هایش در میدان جنگ فرشتگان آسمانها سلام بر تو ای که راز گفت
الرَّسُولِ، فَقَدَّمَ بَيْنَ يَدَيْ تَجْوِيهِ الصَّدَقَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَالِدَ
با رسول خدا و پیش از راز گفتنش صدقه‌ها داد سلام بر تو ای پدر
الْأَيْمَةِ الْبَرَّةِ السَّادَاتِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِي
امامان نیکو و سروران و رحمت خدا و برکاتش سلام بر تو ای تالی مرتبه
الْمُبْعُوثِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِلْمِ خَيْرِ مَوْرُوثٍ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ
مبعوث به نبوت سلام بر تو ای وارث دانش بهترین ارث گذار و رحمت خدا
وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ
و برکاتش سلام بر تو ای آقای اوصیاء سلام بر تو ای پیشوای
الْمُتَّقِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا غِيَاثَ الْمَكْرُوبِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
پرهیزکاران سلام بر تو ای فریادرس گرفتاران سلام بر تو ای
عِصْمَةَ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُظْهَرَ الْبَرَاهِينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
نگهدار مؤمنان سلام بر تو ای آشکار کننده براهین سلام بر تو ای
طه و یس، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبْلَ اللَّهِ الْمُتَيْنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ
طه و یاسین سلام بر تو ای ریسمان محکم خدا سلام بر تو ای کسی که
تَصَدَّقَ فِي صَلَوَتِهِ بِخَائِمِهِ عَلَي الْمُسْكِينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَالِعَ

صدقه داد در نماز انگشتر خود را بر مسکین سلام بر تو ای کننده
الصَّخْرَةَ عَنْ فَمِ الْقَلِيبِ وَمُظْهِرِ الْمَاءِ الْمَعِينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ
سنگ از در چاه و بیرون آورنده آب گوارا سلام بر تو ای دیده
اللَّهِ النَّاطِرَةِ، وَيَدُهُ الْبَاسِطَةِ وَلِسَانُهُ الْمُعَبِّرُ عَنْهُ فِي بَرِيَّتِهِ أَجْمَعِينَ،
بینای حق و دست بازش و زبان تفسیر کننده او در میان همه خلق
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ، وَمَسْتَوْدَعَ عِلْمِ الْأَوَّلِينَ
سلام بر تو ای وارث علم پیامبران و گنجینه علم اولین
وَالْآخِرِينَ، وَصَاحِبَ لَوْاءِ الْحَمْدِ وَسَاقِي أَوْلِيَائِهِ مِنْ حَوْضِ خَاتَمِ
و آخرین و صاحب پرچم حمد و ساقی دوستان خدا از حوض خاتم
النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا يَعْسُوبَ الدِّينِ، وَقَائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ،
پیامبران سلام بر تو ای پادشاه دین و پیشوای سفیدرویان
وَوَالِدَ الْأَئِمَّةِ الْمَرْضِيِّينَ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيَّ اسْمِ اللَّهِ
و پدر امامان پسندیده (حق) و رحمت خدا و برکاتش سلام بر نام
الرَّضِيِّ، وَوَجْهِهِ الْمُضِيِّ، وَجَنِّهِ الْقَوِيَّ وَصِرَاطِهِ السَّوِيَّ، السَّلَامُ
پسندیده خدا و جلوه نورانی و طرف نیرومند و راه راست او سلام
عَلَيَّ الْإِمَامِ التَّقِيِّ، الْمُخْلِصِ الصَّفِيِّ السَّلَامُ عَلَيَّ الْكُوكَبِ الدَّرِّيِّ،
بر امام با تقوای مخلص برگزیده سلام بر اختر رخشان
السَّلَامُ عَلَيَّ الْإِمَامِ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيٍّ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ
سلام بر امام حضرت ابوالحسن علی علیه السلام و رحمت خدا و برکاتش سلام
عَلَيَّ أَيْمَةِ الْهُدَى، وَمَصَابِيحِ الدُّجَى، وَأَعْلَامِ التَّقَى، وَمَنَارِ الْهُدَى،
بر پیشوایان راهنما و چراغهای شب تار و نشانه های پرهیزکاری و مشعلهای هدایت
وَذَوِي الثُّهَيِّ وَكَهْفِ الْوَرَى، وَالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى، وَالْحُجَّةِ عَلَيَّ أَهْلِ
و صاحبان خرد و پناه مردم و ریسمان محکم خدا و حجت (او) بر اهل
الدُّنْيَا وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيَّ نُورِ الْأَنْوَارِ، وَحُجَّةِ الْجَبَّارِ
دنیا و رحمت خدا و برکاتش سلام بر نور انوار و حجت پروردگار جبار

وَوَالِدِ الْأُتَمَّةِ الطَّاهِرِ، وَقَسِيمِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ، الْمُخْبِرِ عَنِ الْأَثَارِ
و پدر امامان اطهار و قسمت کننده بهشت و دوزخ و خبر دهنده آثار
الْمُدْمِرِ عَلَى الْكُفَّارِ، مُسْتَنْقِذِ الشَّيْعَةِ الْمُخْلِصِينَ مِنْ عَظِيمِ الْأَوْزَارِ،
فروریزنده (هلاکت) بر سر کفار نجات بخش شیعیان با اخلاص از گناهان سنگین بار
السَّلَامُ عَلَى الْمَخْصُوصِ بِالطَّاهِرَةِ التَّقِيَّةِ ابْنَةِ الْمُخْتَارِ، الْمَوْلُودِ فِي
سلام بر آنکس که مخصوص گشت به (همسری) طاهره (آن بانوی) با تقوا دخت پیامبر مختار و آن آقایی که
الْبَيْتِ ذِي الْأُسْتَارِ، الْمَزُوجِ فِي السَّمَاءِ بِالْبِرَّةِ الطَّاهِرَةِ الرَّضِيَّةِ
متولد شد در خانه پرده دار (کعبه) آن که تزویج شد در آسمان به بانوی نیکوکار پاکیزه پسندیده
الْمَرْضِيَّةِ، وَالِدَةِ الْأُتَمَّةِ الطَّاهِرِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَى
مرضیه مادر امامان پاک و رحمت خدا و برکاتش سلام بر
النَّبِيِّ الْعَظِيمِ، الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ، وَعَلَيْهِ يُعْرَضُونَ، وَعَنْهُ يُسْأَلُونَ،
آن خبر بس بزرگی که درباره اش اختلاف کردند و مردم بر او عرضه شوند و از او بازخواست شوند
السَّلَامُ عَلَى نُورِ اللَّهِ الْأَوَّلِ وَضِيَائِهِ الْأَزْهَرِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ،
سلام بر روشنترین نور و درخشنده ترین پرتوش و رحمت خدا و برکاتش
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَحُجَّتَهُ، وَخَالِصَةَ اللَّهِ وَخَاصَّتَهُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ
سلام بر تو ای ولی خدا و حجتش و بنده خالص خدا و ویژه اش گواهی دهم که تو
يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَحُجَّتَهُ لَقَدْ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، وَأَتَّبَعْتَ مِنْهَا
ای ولی خدا و حجت او بخوبی در راه خدا جهاد کردی آنطور که شاید و پیروی کردی از طریق
رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَحَلَلْتَ حَلَالَ اللَّهِ وَحَرَّمْتَ حَرَامَ اللَّهِ
رسول خدا صلی الله علیه و آله و حلال شمردی حلال خدا را و حرام دانستی حرام خدا را
وَشَرَعْتَ أَحْكَامَهُ، وَأَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ
و مقرر داشتی احکامش را و بپاداشتی نماز را و بدادی زکات را و امر کردی
بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ صَابِرًا
به معروف و نهی کردی از منکر و جهاد کردی در راه خدا بردبارانه
نَاصِحًا مُجْتَهِدًا، مُحْتَسِبًا عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمِ الْأَجْرِ، حَتَّى آتِيكَ الْيَقِينَ،

و خیرخواهانه و کوشا و پاداش جویانه در نزد خدا پاداش بزرگ را تا آنکه مرگت فرا رسيد
 فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ دَفَعَكَ عَنْ حَقِّكَ، وَأَزَالَكَ عَنْ مَقَامِكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ بَلَغَهُ
 پس لعنت کند خدا کسی که تو را از حقت ممنوع کرد و از مقامت برکنار کرد و لعنت کند خدا کسی را که این
 ذَلِكَ فَرَضِي بِهِ، أَشْهَدُ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ وَأَنْبِيَآئَهُ وَرُسُلَهُ، أَنِّي وَلِيُّ لِمَنْ
 جریان را شنید و بدان خوشنود گشت گواه گیرم خدا و فرشتگان و پیمبران و رسولانش را که من دوستم با آنکس که
 وَالْإِلَهِ وَعَدُوُّ لِمَنْ عَادَاكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. پس خود
 تو را دوست دارد و دشمنم با آنکس که تو را دشمن دارد سلام بر تو و رحمت خدا و برکاتش * * *
 را به قبر بجسبان و قبر را ببوس و بگو: أَشْهَدُ أَنَّكَ تَسْمَعُ كَلَامِي وَتَشْهَدُ
 * * * * * گواهی دهم که تو می شنوی کلامم را و

می بینی

مقامی وَأَشْهَدُ لَكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ بِالْبَلَاغِ وَالْإِدَاءِ، يَا مَوْلَايَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ،
 جایم را و گواهی دهم درباره ات ای ولی خدا که (وظیفه ات را انجام دادی و) رساندی و پرداختی ای مولای من ای حجت
 خدا

يَا أَمِينَ اللَّهِ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، إِنَّ بَيْنِي وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ ذُنُوبًا قَدْ أَثْقَلْتُ
 ای امانتدار خدا ای ولی خدا براستی میان من و میان خدای عزوجل گناهای است که پشتم را
 ظَهَرِي، وَمَمْنَعْتَنِي مِنَ الرِّقَادِ، وَذَكَرُهَا يُقَلِّلُ أَحْشَاءِي، وَقَدْ هَرَبْتُ إِلَيَّ
 سنگین کرده و خوابم را گرفته و یادآوریش اعضاء درونیم را بلرزه درآورد و من بسوی
 اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَإِلَيْكَ، فَبِحَقِّ مَنْ أَيْتَمَّنَكَ عَلَيَّ سِرًّا، وَأَسْتَرْعَاكَ أَمْرًا
 خدای عزوجل و بسوی تو گریخته ام پس بحق آنکس که تو را امین بر راز خود کرده و سرپرستی کار
 خَلْقِهِ، وَقَرَنَ طَاعَتَكَ بِطَاعَتِهِ وَمُؤَالَاتِكَ بِمُؤَالَاتِهِ، كُنْ لِي إِلَهِي اللَّهُ
 خلقتش را به تو واگذارده و طاعت تو را به طاعت خویش مقرون ساخته و دوستی تو را بدوستی خودش پیوسته
 شَفِيعًا، وَمِنْ النَّارِ مُجِيرًا، وَعَلَيَّ الدَّهْرُ ظَهِيرًا پس باز خود را به قبر بجسبان و
 تو شفیع من باش در درگاه خدا و پناه از دوزخ و پشت و پناه در پیش آمد روزگار * * * * *
 * * * * *

قبر را ببوس و بگو: يَا وَلِيَّ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ، يَا بَابَ حِطَّةِ اللَّهِ، وَإِلَيْكَ وَزَائِرُكَ،

* * * * * ای ولی خدا ای حجت خدا ای باب حطه خدا دوست و زائرت

وَاللَّائِذُ بِقَبْرِكَ وَالتَّائِزِلُ بِفِنَائِكَ، وَالْمُنِيخُ رَحْلَهُ فِي جَوَارِكَ، يَسْأَلُكَ

و پناهنده به قبرت و فرود آینده بدرگاهت و بارانداز در جوارت از تو درخواست می کند

أَنْ تَشْفَعَ لَهُ إِلَيَّ اللَّهُ فِي قَضَاءِ حَاجَتِهِ، وَتُجِّحَ طَلِبَتَهُ فِي الدُّنْيَا

که شفاعت کنی برایش به درگاه خدا در برآمدن حاجتش و رسیدن به خواسته اش در دنیا

وَالْآخِرَةِ فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ الْجَاهَ الْعَظِيمَ، وَالشَّفَاعَةَ الْمَقْبُولَةَ فَاجْعَلْنِي

و آخرت که براستی برای تو در پیش خدا جاه و منزلتی بزرگ و شفاعتی پذیرفته است پس ای

يَا مَوْلَايَ مِنْ هَمِّكَ، وَأَدْخِلْنِي فِي حِزْبِكَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَيَّ

مولای من مرا مورد توجه خود ساز و در زمره حزب خودت داخل گردان و سلام بر تو و بر

ضَجِيعَتِكَ آدَمَ وَنُوحَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَيَّ وَلَدَيْكَ الْحَسَنَ

دو آرمیده در کنارت آدم و نوح و سلام بر تو و بر دو فرزندت حسن

وَالْحُسَيْنَ، وَعَلَيَّ الْأَئِمَّةِ الطَّاهِرِينَ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ .

و حسین و بر امامان پاک از نژادت و رحمت خدا و برکاتش

آنگاه شش رکعت نماز زیارت بکن دو رکعت برای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و دو رکعت برای جناب آدم علیه

السلام و دو رکعت برای جناب نوح علیه السلام و بسیار بخوان خدای تعالی را که به اجابت خواهد رسید انشاءالله تعالی

مؤلف گوید که صاحب مزار کبیر گفته که این زیارت را در هفدهم ربیع الاول در نزد طلوع آفتاب باید به عمل آورد و

علامه مجلسی رحمه الله فرموده که این زیارت بهترین زیارات است و به سندهای معتبر در کتب معتبره مذکور است و

ظاهر بعضی از روایات آن است که خصوصیت به این روز ندارد و در هر وقت که این زیارت را به عمل آورند خوب

است مؤلف گوید که اگر کسی گوید که چگونه است در روز مولود پیغمبر صلی الله علیه و آله یا مبعث آن حضرت

زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام وارد شده و زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت نشده با آنکه شایسته بود

که زیارت مخصوصی برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله در این اوقات وارد شده باشد جواب گوئیم که این به

جهت شدت اتصال این دو بزرگوار و کمال اتحاد این دو نور پاکست با هم که هر که زیارت کند امیرالمؤمنین علیه السلام

را زیارت کرده حضرت رسول صلی الله علیه و آله را و شاهد بر این از قرآن آیه اُنْفُسَنَا است «وَهُوَ فِي آيَةِ التَّبَاهُلِ نَفْسُ

× الْمُصْطَفَى لَيْسَ غَيْرُهُ إِلَّا هَا» و از اخبار بسیاری از روایاتست از جمله شیخ محمد بن المشهدی روایت کرده از حضرت

صادق علیه السلام که فرمود مردی اعرابی به خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله مشرف شد و عرض کرد یا

رسول الله صلی الله علیه وآله منزل من دور است از منزل تو و من مشتاق زیارت و دیدن تو می شوم می آیم به زیارت جناب تو و ملاقات تو برایم حاصل نمی شود و ملاقات می کنم علی بن ابیطالب علیه السلام را پس مرا مأنوس می کند به حدیث و مواظب خود و من برمی گردم با حال اندوه و حسرت بر ندیدن تو فرمود هر که زیارت کند علی را مرا زیارت کرده و هر که او را دوست دارد مرا دوست داشته و کسی که دشمن دارد او را مرا دشمن داشته است برسان این را به قوم خود از جانب من و هر که برود به زیارت او پس به تحقیق که به نزد من آمده و من جزا خواهم داد او را روز قیامت و جبرئیل و صالح المؤمنین و در حدیث معتبری از حضرت صادق علیه السلام مروی است که چون زیارت کنی جانب نجف را زیارت کن عظام آدم علیه السلام و بدن نوح علیه السلام و جسم علی بن ابیطالب علیه السلام را بدرستی که زیارت کرده خواهی بود پدران گذشته را و محمد صلی الله علیه وآله خاتم پیغمبران را و علی علیه السلام بهترین اوصیا را و در زیارت ششم گذشت که فرمودند رو به قبر امیرالمؤمنین علیه السلام بایست و بگو «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ» الی غیر ذلك :

وَلَقَدْ أَجَادَ الشَّيْخُ جَابِرٌ فِي تَسْمِيَةِ الْقَصِيدَةِ الْأُزْرِيَّةِ بِقَوْلِهِ مُشِيرًا إِلَى الْقُبَّةِ الْعُلَوِيَّةِ

و چه خوب گفته شیخ جابر در تسمیط خود در قصیده ازریه که اشاره به گنبد علوی (ع) گوید :

فَاعْتَمِدْ لِلنَّبِيِّ أَعْظَمَ رَمْسٍ

فِيهِ لِلطُّهْرِ أَحْمَدُ أَيَّ نَفْسٍ

پس اعتماد کن بر بزرگترین قبری برای پیامبر

که چه جان شریفی از احمد در آن است

أَوْ تَرَى الْعَرْشَ فِيهِ أُنُورُ شَمْسٍ

فَتَوَاضَعُ قُدْسٌ دَارَةُ قُدْسٍ

یا عرش را بینی که نورانی ترین خورشید در آنست

پس فروتنی کن که آنجا خانه مقدسی است

تَتَمَتَّى الْأَفْلاكُ لَنَمِّ نَرَاهَا

و افلاک آرزو دارند خاکش را ببوسند

وحکیم سنائی گفته :

مرتضائی که کرد یزدانش

همره جان مصطفی جانش

هر دو یكقبله و خردشان دو
 هر دو یكروح و كالبدشان دو
 دو رونده چو اختر گردون
 دو برادر چو موسی و هارون
 هر دو یك دُرُّ ز یك صدف بودند
 هر دو پیرایه شرف بودند
 تا نه بگشاد علم حیدر دُر
 ندهد سُنَّت پیمبر بُر

سیم از زیارات مخصوصه

زیارت شب مَبْعَث و روز آن است یعنی بیست و هفتم رَجَب و در آن سه زیارت است اوّل زیارت رجبیه «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَشْهَدَنَا مَشْهَدَ أَوْلِيَّائِهِ» که در اعمال ماه رجب گذشت و آن زیارتی است که در ماه رجب در هر یك از مشاهد مشرقه خوانده می شود لکن صاحب مزار قدیم و شیخ محمد بن المشهدی آن را از زیارات مخصوصه شب مبعث نیز شمرده اند و چون آن زیارت را خواندی فرموده اند بعد از آن دو رکعت نماز زیارت بجا آور و آنچه خواهی دعا کن دویم زیارت «السَّلَامُ عَلَيَّ أَبِي الْأَيُّمَةِ وَمَعْدِنِ النَّبُوَّةِ» است که علامه مجلسی رحمه الله آن را زیارت هفتم تحفه قرار داده صاحب مزار قدیم گفته که آن مختص است به شب بیست و هفتم رجب چنانکه ما در هدیه الزائر آن را ذکر کردیم سیم زیارتی است که شیخ مفید و سید و شهید نقل نموده اند به این طریق که چون خواستی در شب مبعث یا روز آن زیارت کنی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را بایست بر دَرِ قَبّه شریفه مقابل قبر آن حضرت و بگو :

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ،

گواهی دهم که معبودی نیست جز خدای یگانه که شریک ندارد و گواهی دهم که محمد بنده و رسول

وَأَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، عَبْدُ اللَّهِ وَآخُو رَسُولِهِ، وَأَنَّ الْأَيُّمَةَ

او است و علی بن ابیطالب امیر مؤمنان بنده خدا و برادر رسول او است و امامان

الطَّاهِرِينَ مِنْ وَلَدِهِ حُجَّجُ اللَّهِ عَلَيَّ خَلْقِهِ .

طاهرین از فرزندانش حجت های بر خلق او هستند

پس داخل شو و بایست نزدیک قبر آن حضرت به نحوی که روی خود را به جانب قبر کرده باشی و قبله را در پشت

خود قرار دهی آنگاه صدمرتبه تکبیر بگو و بگو: اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یا وارِثَ آدَمَ خَلِیْفَةِ اللَّهِ،
* * * * * سلام بر تو ای وارث آدم خلیفه خدا سلام

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یا وارِثَ نُوحٍ صَفْوَةِ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یا وارِثَ اِبْرَاهِیْمَ

بر تو ای وارث نوح برگزیده خدا سلام بر تو ای وارث ابراهیم

خَلِیْلِ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یا وارِثَ مُوسَى کَلِیْمِ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یا

خلیل خدا سلام بر تو ای وارث موسی هم سخن خدا سلام بر تو ای

وارِثَ عِیْسَى رُوحِ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یا وارِثَ مُحَمَّدٍ سَیِّدِ رُسُلٍ

وارث عیسی روح خدا سلام بر تو ای وارث محمد آقای رسولان

اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یا اَمِیرَ الْمُؤْمِنِیْنَ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یا اِمَامَ الْمُتَّقِیْنَ،

خدا سلام بر تو ای امیر مؤمنان سلام بر تو ای پیشوای پرهیزکاران

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یا سَیِّدَ الْوَصِیَّیْنَ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یا وَصِیَّ رَسُولِ رَبِّ

سلام بر تو ای آقای اوصیاء سلام بر تو ای وصی رسول پروردگار

الْعَالَمِیْنَ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یا وارِثَ عِلْمِ الْاَوَّلَیْنَ وَالْاٰخِرِیْنَ، اَلسَّلَامُ

جهانیان سلام بر تو ای وارث علم پیشینیان و پسینیان سلام

عَلَیْكَ اَیُّهَا النَّبَاُ الْعَظِیْمُ. اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِیْمُ، اَلسَّلَامُ

بر تو ای نبأ عظیم (و خبر بسیار بزرگ) سلام بر تو ای راه مستقیم سلام

عَلَیْكَ اَیُّهَا الْمُهَذَّبُ الْكَرِیْمُ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الْوَصِیُّ التَّقِیُّ،

بر تو ای بس پاکیزه بزرگوار سلام بر تو ای وصی پرهیزکار

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الرِّضِیُّ الزَّكِیُّ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الْبَدْرُ الْمُضِیُّ،

سلام بر تو ای پسندیده پاکیزه سلام بر تو ای ماه تابان

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الصِّدِیقُ الْاَكْبَرُ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الْفَارُوقُ

سلام بر تو ای صدیق اکبر (بزرگترین راستگو) سلام بر تو ای فاروق

الْاَعْظَمُ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا السَّرَاجُ الْمُنِیْرُ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یا اِمَامَ

اعظم (بزرگترین جدا کننده حق و باطل) سلام بر تو ای چراغ تابناک سلام بر تو ای پیشوای

الْهُدٰی، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یا عِلْمَ التَّقِیِّ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یا حُجَّةَ اللَّهِ

هدایت سلام بر تو ای نشانه پرهیزکاری سلام بر تو ای حجت
الکبری، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَاصَّةَ اللَّهِ وَخَالِصَتَهُ، وَأَمِينَ اللَّهِ وَصَفْوَتَهُ،
کبرای خدا سلام بر تو ای بنده خاص و خالص خدا و امانتدار او و برگزیده‌اش
وَبَابَ اللَّهِ وَحُجَّتَهُ، وَمَعْدِنَ حُكْمِ اللَّهِ وَسِرِّهِ، وَعَيْبَةَ عِلْمِ اللَّهِ وَخَازِنَهُ،
و باب‌الله و حجتش و معدن حکم خدا و راز او و گنجینه علم خدا و خزینه‌دارش
وَسَفِيرَ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ
و نماینده خدا در میان خلقش گواهی دهم که تو براسستی برپا داشتی نماز را و بدادی زکات را
وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَاتَّبَعْتَ الرَّسُولَ وَتَلَوْتَ،
و امر به معروف و نهی از منکر کردی و پیروی کردی از رسول خدا و تلاوت
الْكِتَابِ حَقَّ تِلَاوَتِهِ، وَبَلَّغْتَ عَنِ اللَّهِ، وَوَفَّيْتَ بَعْدَ اللَّهِ وَتَمَّتْ بِكَ
قرآن کردی آنطور که شایسته تلاوتش بودی و رساندی از جانب خدا و وفا کردی به عهد و پیمان خدا و کامل شد
بوسیله تو

كَلِمَاتُ اللَّهِ، وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، وَنَصَحْتَ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ
کلمات خدا و جهاد کردی در راه خدا آنطور که شایسته جهاد بود و خیراندیشی کردی برای خدا و رسولش
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَجَدْتَ بِنَفْسِكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا، مُجَاهِدًا
صلی الله علیه و آله و در این راه جان بر کف نهادی بردبارانه و پاداش جویانه و دفاع کننده از
عَنْ دِينِ اللَّهِ، مُوقِّيًا لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ طَالِبًا مَا عِنْدَ اللَّهِ،
دین خدا و محافظت کننده از رسول خدا به طلب آن پاداشی که نزد خدا است
رَاغِبًا فِيمَا وَعَدَ اللَّهُ، وَمَضَيْتَ لِلَّذِي كُنْتَ عَلَيْهِ شَهِيدًا وَشَاهِدًا
و به اشتیاق آنچه خدا وعده فرموده بود و هم چنان بر این روش که بودی از جهان رفتی در حال شهادت و گواهی
وَمَشْهُودًا، فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنْ رَسُولِهِ وَعَنِ الْإِسْلَامِ وَأَهْلِهِ مِنْ صَدِيقٍ
و گواه گرفتنت پس پاداشت دهد خدا از پیامبرش و از اسلام و اهل اسلام از یک چنین صدیقی
أَفْضَلَ الْجَزَاءِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ أَوَّلَ الْقَوْمِ إِسْلَامًا، وَأَخْلَصَهُمْ إِيمَانًا،
بهترین پاداش گواهی دهم که براسستی توئی نخستین مردم در (پذیرفتن) اسلام و خالص‌ترین ایشان در ایمان
وَأَشَدَّهُمْ يَقِينًا، وَأَخْوَفَهُمْ لِلَّهِ، وَأَعْظَمَهُمْ عَنَاءً، وَأَخْوَفَهُمْ عَلَى رَسُولٍ

و محکم ترین آنها در یقین و بیمناکترینشان از خدا و بزرگترین آنها در رنج و مشقت و با احتیاطترین آنها نسبت به رسول

اللَّهُ صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَفْضَلَهُمْ مَنَاقِبَ، وَأَكْثَرَهُمْ سَوَابِقَ وَأَرْفَعَهُمْ

خدا صلی الله علیه و آله و برترینشان در مناقب و اوصاف و پیرسابقه ترین آنها (در اسلام) و برترین آنها

دَرَجَةً، وَأَشْرَفَهُمْ مَنَزَلَةً وَأَكْرَمَهُمْ عَلَيْهِ فَقَوِيَّتَ حِينَ وَهَنُوا، وَلَزِمَتْ

در درجه و شریفترینشان در منزلت و مقام، و گرمایی ترینشان در پیشگاه او، محکم ایستادی هنگام سستی آنها و ملازم

مِنْهَاجَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ خَلِيفَتُهُ حَقًّا،

گشتی راه رسول خدا صلی الله علیه و آله را و گواهی دهم که براستی تو بودی خلیفه او از روی حقیقت

لَمْ تُنَازِعْ بِرَغْمِ الْمُنَافِقِينَ، وَغِيْظِ الْكَافِرِينَ، وَضَعْنِ الْفَاسِقِينَ، وَقُمْتَ

و کسی حق نزاع با تو در این باره نداشت برغم منافقان و خشم کافران و کینه فاسقان و قیام کردی

بِالْأَمْرِ حِينَ فَشَلُوا، وَتَطَقْتَ حِينَ تَتَعَتُّعُوا، وَمَضَيْتَ بِبُورِ اللَّهِ إِذْ وَقَفُوا،

به امر (ترویج دین) هنگامی که دیگران کاهلی کردند و گویا شدی هنگامی که آنان کام بسته بودند و در پرتو نور خدا

فَمَنْ اتَّبَعَكَ فَقَدْ اهْتَدَى، كُنْتَ أَوَّلَهُمْ كَلَامًا وَأَشَدَّهُمْ خِصَامًا،

پیش رفتی هنگامی که آنان توقف کردند پس هر که پیروی تو را کرد راه یافت تو نخستین ایشان بودی در سخن و سخت ترین

ایشان در برابر

وَأَصَوْبَهُمْ مَنَاطِقًا، وَأَسَدَّهُمْ رَأْيًا، وَأَشْجَعَهُمْ قَلْبًا، وَأَكْثَرَهُمْ يَقِينًا،

خصم، و در گفتار از همه راستگوتر و در رای و تدبیر از همه محکمتر و در شجاعت از همه دلدارتر و یقینت

وَأَحْسَنَهُمْ عَمَلًا وَأَعْرَفَهُمْ بِالْأُمُورِ، كُنْتَ لِلْمُؤْمِنِينَ أَبًا رَحِيمًا، إِذْ

از همه بیشتر و کردارت از همه بهتر و به کارها از همه آنها آشناتر بودی، تو برای مؤمنان پدری مهربان بودی چونکه

صَارُوا عَلَيْكَ عِيَالًا فَحَمَلْتَ أَثْقَالَ مَا عَنْهُ ضَعُفُوا، وَحَفِظْتَ مَا

تحت سرپرستی تو قرار گرفتند تو نیز بارهای سنگینی را که تاب تحملش را نداشتند بدوش کشیدی و نگهداری کردی

آنچه را

أَضَاعُوا، وَرَعَيْتَ مَا أَهْمَلُوا، وَشَمَّرْتَ إِذْ جَبَنُوا، وَعَلَوْتَ إِذْ هَلَعُوا

ایشان ضایع کردند و مراعات کردی آنچه را اهمال کردند و دامن به کمر زدی وقتی ترسیدند و برآمدی هنگامی که بیتابی

وَصَبَرْتَ إِذْ جَرَعُوا، كُنْتَ عَلَى الْكَافِرِينَ عَذَابًا صَبًّا، وَغِلْظَةً وَغِيْظًا،

کردند و بردباري كردي وقتي جزع کردند تو بر كافران عذابى ريزان و با خشونت و خشم بودي
وَلِلْمُؤْمِنِينَ غَيْثًا وَخَصْبًا وَعِلْمًا، لَمْ تُغْلَلْ حُجَّتَكَ، وَلَمْ يَزِغْ قَلْبُكَ، وَلَمْ
و نسبت به مؤمنان بارانى پربركت و نعمتى فراوان و دانشي بودي، دليل و برهانت كند نبود و دلت منحرف نشد و
تَضَعُفُ بَصِيرَتِكَ، وَلَمْ تَجِبْنِ نَفْسُكَ، كُنْتَ كَالْجَبَلِ لَا تُحَرِّكُهُ
بينائيت سستى نگرفت و خاطرت را ترس نگرفت، بودي همانند كوهي كه
الْعَوَاصِفُ، وَلَا تُزِيلُهُ الْقَوَاصِفُ، كُنْتَ كَمَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ
بادهاي تند تكانش نداد و طوفانهاي شكنده از جايش نكند چنانچه رسول خدا صلي الله
عَلَيْهِ وَآلِهِ، قَوِيًّا فِي بَدَنِكَ، مُتَوَاضِعًا فِي نَفْسِكَ، عَظِيمًا عِنْدَ اللَّهِ، كَبِيرًا
عليه و آله فرمود، نيرومند بودي در بدن و فروتن بودي در پيش خود و با عظمت بودي نزد خدا و بزرگ بودي
فِي الْأَرْضِ، جَلِيلًا فِي السَّمَاءِ، لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ فِيكَ مَهْمَزٌ، وَلَا لِقَائِلٍ
در زمين و با شكوه بودي در آسمان احدي را بر تو جاي بدگوئي نبود و براي گويندهاي در تو بهانه عيبجوئي وجود
نداشت

فِيكَ مَعْمَزٌ، وَلَا لِخَلْقٍ فِيكَ مَطْمَعٌ، وَلَا لِأَحَدٍ عِنْدَكَ هَوَادَةٌ، يُوجَدُ
و هيچ مخلوقي نتوانست در تو طمع بندد و كسي نبود كه از تو توقع نرمش داشته باشد شخص
الضَّعِيفُ الدَّلِيلُ عِنْدَكَ قَوِيًّا عَزِيزًا، حَتَّى تَأْخُذَ لَهُ بِحَقِّهِ، وَالْقَوِيُّ الْعَزِيزُ
ناتوان و خوار پيش تو نيرومند و عزيز بود تا حقش را بگيري و شخص نيرومند
عِنْدَكَ ضَعِيفًا، [دَلِيلًا] حَتَّى تَأْخُذَ مِنْهُ الْحَقُّ الْقَرِيبُ وَالْبَعِيدُ عِنْدَكَ
عزيز پيش تو ناتوان و خوار بود تا حق را از او بگيري دور و نزديك (و خودي و بيگانه) نزد تو
فِي ذَلِكَ سَوَاءٌ، شَأْنُكَ الْحَقُّ وَالصَّدْقُ وَالرِّفْقُ، وَقَوْلُكَ حُكْمٌ وَحْتَمٌ،
در اين باره يكسان بود كار تو حقيقت و راستى و خوشرفتاري بود و گفتارت مسلم و حتمي
وَأَمْرُكَ حِلْمٌ وَعَزْمٌ، وَرَأْيُكَ عِلْمٌ وَحَزْمٌ، اِعْتَدَلْ بِكَ الدِّينُ، وَسَهْلَ بِكَ
و فرمانت حلم بود و تصميم، و رأي و اندیشهات از روي دانش و احتياط، دين (حق) به تو اعتدال يافت و كار
الْعُسَيْرُ، وَأُطْفِئْتَ بِكَ النَّيْرَانُ، وَقَوِيَّ بِكَ الْإِيمَانُ، وَتَبَّتْ بِكَ الْأَسْلَامُ،
مشكل بوسيله تو آسان گشت و آتشفشان بدست تو خاموش شد و ايمان به تو نيرو گرفت و اسلام بوسيله تو پابرجا شد
وَهَدَّتْ مُصِيبَتُكَ الْأَنَامَ، فَأَتَا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ،

و مصیبت تو مردان را به سختی در هم شکست «انا لله و انا اليه راجعون» (که چه مصیبت بزرگی بود) خدا لعنت کند هر که تو را کشت

وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ خَالَفَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ افْتَرَى عَلَيْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ

و خدا لعنت کند هر که با تو مخالفت کرد و خدا لعنت کند هر که بر تو دروغ بست و خدا لعنت کند هر که بتو ستم کرد و غصبک حَقَّكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ بَلَغَهُ ذَلِكَ فَرَضِيَ بِهِ، إِنَّا إِلَيَّ اللَّهُ مِنْهُمْ

و حق تو را غصب کرد و خدا لعنت کند هر که این جریان را شنید و بدان راضی بود ما بسوی خدا از ایشان بُرَاءُ، لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً خَالَفَتْكَ، وَجَحَدَتْ وَلَايَتَكَ، وَتَظَاهَرَتْ عَلَيْكَ

بیزاری جوئیم خدا لعنت کند مردمی را که با تو مخالفت کردند و ولایت تو را انکار کرده و بر ضد تو به هم کمک دادند وَفَتَلَتْكَ وَحَادَتْ عَنْكَ وَخَذَلَتْكَ، أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ النَّارَ مَثْوِيَهُمْ،

و آنکه تو را کشت و از تو رو گرداند و تو را واگذارد ستایش خدایی را که دوزخ را جایگاه آنها قرار داد وَبُسَّ الْوَرْدُ الْمَوْرُودُ، أَشْهَدُ لَكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَوَلِيَّ رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ

و چه بد جایگاهی است برای واردین گواهی دهم برای تو ای ولی خدا و ولی رسول خدا - که درود خدا عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالْبَلَاغِ وَالْإِدَاءِ وَالتَّصِيحَةِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ حَبِيبُ اللَّهِ وَبَابُهُ،

بر او و آتش باد - که تو رساندی و پرداختی و خیرخواهی کردی و گواهی دهم که براستی توئی حبیب خدا و باب الله و توئی جنب الله

وَأَنَّكَ جَنْبُ اللَّهِ وَوَجْهُهُ الَّذِي مِنْهُ يُؤْتِي، وَأَنَّكَ سَبِيلُ اللَّهِ، وَأَنَّكَ عَبْدُ اللَّهِ

(طرف خدا) و آن روئی که از آن به نزدش روند و توئی راه خدا و توئی بنده خدا

وَأَخُو رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَتَيْتُكَ زَائِراً لِعَظِيمِ حَالِكَ وَمَنْزِلَتِكَ

و برادر رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده‌ام به درگاهت برای زیارتت چون مقام و منزلتت

عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ، مُتَقَرِّباً إِلَيَّ اللَّهُ بِزِيَارَتِكَ، رَاغِباً إِلَيْكَ فِي

در پیش خدا و پیش رسولش بس بزرگ است و من بوسیله زیارت تو به خدا تقرب جویم و بدان وسیله اشتیاقی

الشَّفَاعَةِ، أَبْتَغِي بِشَفَاعَتِكَ خُلَاصَ نَفْسِي، مُتَعَوِّداً بِكَ مِنَ النَّارِ، هَارِباً

به شفاعت تو دارم و از شفاعت تو خواهان رهائی خودم (از عذاب) هستم و به تو پناهنده‌ام از آتش دوزخ و گریزانم مِنْ ذُنُوبِي الَّتِي احْتَضَبْتُهَا عَلَيَّ ظَهْرِي، فَرَعَا إِلَيْكَ رَجَاءَ رَحْمَةِ رَبِّي،

از گناهانی که بر پشت خود بار کرده‌ام و به درگاه تو هراسانم و امید به رحمت پروردگارم دارم

أَتَيْتُكَ أَسْتَشْفِعُ بِكَ يَا مَوْلَايَ إِلَيَّ اللَّهُ، وَأَتَقَرَّبُ بِكَ إِلَيْهِ لِيَقْضِيَ بَكَ
آمدهام بدرگاهت تا تو را شفیع گیرم ای سرور من بدرگاه خدا و تقرب جویم بوسیله تو بدرگاه خدا تا
حَوَائِجِي، فَاشْفَعْ لِي يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى اللَّهِ، فَإِنِّي عَبْدُ اللَّهِ وَمَوْلَاكَ
حاجاتم را برآورد پس شفاعت مرا بکن ای امیر مؤمنان بدرگاه خدا که من بنده خدا و دوست تو
وَزَائِرُكَ وَلَكَ عِنْدَ اللَّهِ الْمَقَامُ الْمَعْلُومُ، وَالْجَاهُ الْعَظِيمُ، وَالشَّانُ الْكَبِيرُ،
و زائرت هستم و برای تو در پیش خدا مقامی معلوم و منزلتی بس بزرگ و شأن کبیر
وَالشَّفَاعَةُ الْمَقْبُولَةُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَى
و شفاعت پذیرفته است خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و درود فرست بر
عَبْدِكَ وَأَمِينِكَ الْآوْفَى، وَعُرْوَتِكَ الْوُثْقَى، وَيَدِكَ الْعُلْيَا، وَكَلِمَتِكَ
بندهات و با وفاترین امانتدارت و ریسمان محکمت و دست (قدرت) والایت و کلمه
الْحُسْنَى، وَحُجَّتِكَ عَلَى الْوَرَى، وَصِدِّيقِكَ الْأَكْبَرِ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ،
نیکویت و حجت تو بر مردمان و بزرگترین راستگو و صدق پیشهات آقای اوصیاء
وَرَكْنِ الْأَوَّلِيَاءِ، وَعِمَادِ الْأَصْفِيَاءِ، أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَيَعْسُوبِ الْمُتَّقِينَ،
و رکن اولیاء و تکیه گاه برگزیدگان امیرمؤمنان و پادشاه پرهیزکاران
وَقُدْوَةِ الصَّدِّيقِينَ، وَإِمَامِ الصَّالِحِينَ، الْمَعْصُومِ مِنَ الزَّلَلِ، وَالْمَقْطُومِ
و مقتدای راستگویان و پیشوای شایستگان آنکه از لغزش معصوم و از هر خللی
مِنَ الْخَلَلِ، وَالْمُهَذَّبِ مِنَ الْعَيْبِ، وَالْمُطَهَّرِ مِنَ الرَّيْبِ، أَخِي نَبِيَّكَ،
دور و از هر عیب مبرا و از هر شک و شبهه ای پاک و پاکیزه است، برادر پیامبرت
وَوَصِيِّ رَسُولِكَ، وَالْبَائِتِ عَلَى فِرَاشِهِ، وَالْمُوَاسِي لَهُ بِنَفْسِهِ،
و وصی رسولت و آنکس که در بستر او خوابید و جاننش را در راه او به کف نهاد
وَكَاشِفِ الْكَرْبِ عَنْ وَجْهِهِ، الَّذِي جَعَلَتْهُ سَيْفًا لِنُبُوتِهِ، وَمُعْجِزًا
و اندوه را از چهره اش زدود آنکه قرارش دادی برای نبوت پیامبر شمشیری و برای
لِرِسَالَتِهِ وَدَلَالَةً وَاضِحَةً لِحُجَّتِهِ، وَحَامِلًا لِرَايَتِهِ، وَوَقَايَةً لِمُهْجَتِهِ
رسالتش معجزی و برای حجت و برهانش دلالتی روشن و حامل پرچمش و سپر جاننش
وَهَادِيًا لِأُمَّتِهِ، وَيَدًا لِبَاسِهِ، وَتَاجًا لِرَأْسِهِ، وَبَابًا لِنَصْرِهِ وَمِفْتَاحًا لِنَظَرِهِ،

و راهنمای امتش و دست توانای نبردش و تاج سرش و ذری برای یاریش و کلیدی برای پیرویش
حَتَّى هَزَمَ جُنُودَ الشُّرْكِ بِأَيْدِكَ، وَأَبَادَ عَسَاكِرَ الْكُفْرِ بِأَمْرِكَ، وَبَذَلَ
تا اینکه شکست داد سپاههای شرک را به کمک تو و نابود کرد لشگرهای کفر را به فرمانت و جانش را در راه
نَفْسَهُ فِي مَرْضَاتِكَ وَمَرْضَاةِ رَسُولِكَ، وَجَعَلَهَا وَقْفًا عَلَي طَاعَتِهِ،
خوشنودی تو و خوشنودی رسول تو بذل فرمود و آن را وقف بر اطاعت او قرار داد
وَمَجْتَنَاءً دُونَ نَكْبَتِهِ، حَتَّى فَاضَتْ نَفْسُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي كَفِّهِ،
و سپری در برابر گرفتاریهایش تا وقتی که برآمد جان آن حضرت صلی الله علیه و آله در کف او
وَأَسْتَلَبَ بَرْدَهَا، وَمَسَحَهُ عَلَي وَجْهِهِ، وَأَعَانَتْهُ مَلَائِكَتُكَ عَلَي غُسْلِهِ
و خنکی آن را در ربود آن را بر چهره خود کشید و فرشتگان تو نیز در غسل او
وَتَجْهِيزِهِ، وَصَلَّى عَلَيْهِ، وَوَارِيَ شَخْصَهُ، وَقَضَى دَيْنَهُ، وَأَجَزَ وَعْدَهُ،
و سایر کارهای کفن و دفنش به او کمک کردند و بر او نماز خوانده جنازه اش را دفن کرد و بدهی او را پرداخت و به
وعده اش عمل کرد

وَلَزِمَ عَهْدَهُ، وَاحْتَذَى مِثَالَهُ وَحَفِظَ وَصِيَّتَهُ وَحِينَ وَجَدَ أَنْصَاراً
و ملازم عهد و پیمانش گشت و همانند او رفتار کرد و وصیتش را حفظ کرد و هنگامی که یاورانی
نَهَضَ مُسْتَقِلًّا بِأَعْبَاءِ الْخِلَافَةِ، مُضْطَلِعًا بِأَقْوَالِ الْأِمَامَةِ، فَتَصَبَّ رَايَةً
برای خود دید مستقلاً به مسئولیتهای خلافت قیام فرمود و بدوش کشید بارهای سنگین پیشوایی و امامت را، و پرچم
الْهُدَى فِي عِبَادِكَ، وَشَرَّ ثَوْبِ الْأَمْنِ فِي بِلَادِكَ، وَبَسَطَ الْعَدْلَ فِي
هدایت را در میان بندگان تو به پا کرد و جامه امنیت را در میان شهرهایت پهن کرد و داد و عدل را در
بَرِّيَّتِكَ، وَحَكَمَ بِكِتَابِكَ فِي خَلِيقَتِكَ، وَأَقَامَ الْحُدُودَ، وَقَمَعَ الْجُحُودَ،
میان خلق تو بسط داد و در میان آفریدگانت به کتاب تو حکم کرد و حدود را برپاداشت و کفر و انکار را ریشه کن
ساخت

وَقَوْمَ الزَّيْغِ، وَسَكَنَ الْعُمَرَةَ، وَأَبَادَ الْفُتْرَةَ، وَسَدَّ الْفُرْجَةَ، وَقَتَلَ الثَّاكِنَةَ
و کجیها را راست و آشوب و فتنه را آرام نمود و فترت و سستی را از میان برد و شکاف را پرکرد و پیمان شکنان
وَالْقَاسِطَةَ وَالْمَارِقَةَ، وَلَمْ يَزَلْ عَلَي مِنْهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
و ستمکاران و بیرون روندگان از دین را کشت و پیوسته بر طبقه رسول خدا صلی الله علیه

وَاللهِ، وَوَتِيرَتِهِ وَلُطْفِ شَاكِلَتِهِ، وَجَمَالِ سِيرَتِهِ، مُقْتَدِيًا بِسُنَّتِهِ، مُتَعَلِّقًا
و آله و در راه او و روش نیکو و سیره زیبایش برفت و به سنت او اقتداء کرد و به همتش
بِهَمَّتِهِ، مُبَاشِرًا لَطَرِيقَتِهِ، وَأَمَثَلَتُهُ نُصَبُ عَيْنِيهِ يَحْمِلُ عِبَادَكَ عَلَيْهَا،
چسبید و ملازم طریقه او بود و نمونه کارهای آن حضرت را برابر دیدگانش قرار داده و بندگان تو را بدان کارها
وَيَدْعُوهُمْ إِلَيْهَا إِلَى أَنْ خُضِبَتْ شَيْبَتُهُ مِنْ دَمِ رَأْسِهِ، اللَّهُمَّ فَكَمَا لَمْ
و ادار نموده و به آنها می خواند تا آنگاه که محاسن شریفش از خون سرش رنگین شد خدایا هم چنانکه
يُؤْتِرُ فِي طَاعَتِكَ شَكًّا عَلَيَّ يَقِينٍ، وَلَمْ يُشْرِكْ بِكَ طَرْفَةَ عَيْنٍ، صَلِّ
او در اطاعت تو هیچگاه شك را مقدم بر یقین نداشت و چشم برهم زدنی به تو مشرك نگشت درود
عَلَيْهِ صَلَوةً زَاكِيَةً نَامِيَةً، يَلْحَقُ بِهَا دَرَجَةُ الثُّبُوءِ فِي جَنَّتِكَ، وَبَلَّغُهُ
فرست بر او درودی پاکیزه و فزاینده که برسد بوسیله آن به درجه نبوت در بهشت و برسان به او
مِثْلًا تَحِيَّةً وَسَلَامًا، وَأَتَانَا مِنْ لَدُنْكَ فِي مُوَالَاتِهِ فَضْلًا وَإِحْسَانًا،
از جانب ما درود و سلامی و بده به ما از نزد خود در دوستی او فضیلت و احسان
وَمَعْفِرَةً وَرِضْوَانًا إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْجَسِيمِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .
و آمرزش و خوشنودی که براستی تو دارای فضلی بزرگ هستی به رحمت ای مهربانترین مهربانان
پس ببوس ضریح را و روی راست خود را بگذار بر آن و بعد از آن روی چپ را و میل کن به سمت قبله و نماز
زیارت

بجای آور و آنچه خواهی بعد از نماز دعا کن و بگو بعد از فرستادن تسبیح زهراء علیها السلام: اللَّهُمَّ إِنَّكَ

* * * * *

* * * * * خدایا تو

بَشَّرْتَنِي عَلَي لِسَانِ نَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقُلْتَ

به من نوید دادی به زبان پیغمبر و فرستاده ات محمد که دروهای تو بر او و آتش باد و فرمودی

وَبَشَّرَ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ لَهُمْ قَدَمٌ صَدَقَ عِنْدَ رَبِّهِمْ، اللَّهُمَّ وَإِنِّي مُؤْمِنٌ بِجَمِيعِ

«و مژده ده کسانی را که ایمان آوردند که برای ایشان سابقه درستی نزد پروردگارشان هست» خدایا من ایمان دارم به همه

أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ فَلَا تَقْفِنِي بَعْدَ مَعْرِفَتِهِمْ مَوْفِقًا تَفْضَحُنِي

پیمرانت و فرستادگانت که درودهای تو بر ایشان باد و از این رو پس از معرفتی که در حقشان دارم قرارم مده در جایگاهی که

فِيهِ عَلِيٌّ رُؤْسُ الْأَشْهَادِ، بَلْ قَفْنِي مَعَهُمْ، وَتَوَفَّنِي عَلَيَّ التَّصَدِيقِ

رسوایم کنی در آنجا در برابر مردمان بلکه مرا به همراه آنان باز دار و با تصدیق

بِهِمْ، اللَّهُمَّ وَأَنْتَ خَصَصْتَهُمْ بِكَرَامَتِكَ، وَأَمَرْتَنِي بِاتِّبَاعِهِمْ، اللَّهُمَّ

به ایشان پیران خدایا تو بودی که آنان را به کرامت مخصوص داشتی و مرا به پیروی کردنشان دستورم دادی خدایا

وَإِنِّي عَبْدُكَ وَزَائِرُكَ، مُتَقَرِّبًا إِلَيْكَ بِزِيَارَةِ أَخِي رَسُولِكَ، وَعَلَيَّ كُلِّ

من بنده تو و زائر توأم که تقرب جویم بدرگاہت بوسیله زیارت برادر رسولت و بر آنکس که

مَا تَنِيٍّ وَمَزْوُورٍ حَقٌّ لِمَنْ أَنَاهُ وَزَارُهُ، وَأَنْتَ خَيْرُ مَا تَنِيٍّ وَأَكْرَمُ مَزْوُورٍ،

به دیدار و زیارتش روند حقی است برای دیدار کننده و زائرش و تو بهترین دیدار شده و بزرگوارترین کسی هستی که

به زیارتت آیند

فَأَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ، يَا جَوَادُ يَا مَاجِدُ، يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ،

از تو خواهم ای خدا ای بخشاینده ای مهربان ای جواد ای با مجد و شوکت ای یکتا ای بی نیاز

يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، وَلَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا

ای که فرزند ندارد و فرزند کسی نیست و نیست برایش همتائی هیچکس و نگرفته برای خود همسر و نه

وَلَدًا، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَ تُحْفَتَكَ إِيَّايَ مِنْ

فرزندتی که درود فرستی بر محمد و آل محمد و دیگر آنکه قرار دهی تحفه خود را نسبت به من از

زِيَارَتِي أَخَا رَسُولِكَ فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَأَنْ تَجْعَلَ مِنِّي

زیارت کردنم برادر رسولت را آزادیم از آتش دوزخ و قرارم دهی از آنانکه

يُسَارِعُ فِي الْخَيْرَاتِ، وَيَدْعُوكَ رَغْبًا وَرَهْبًا، وَتَجْعَلَ مِنِّي

بسوی خیرات بشتابد و از روی اشتیاق و هراس تو را بخواند و قرارم دهی از

الْخَاشِعِينَ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ مَنَّتَ عَلَيَّ بِزِيَارَةِ مَوْلَايَ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ،

خشوع کنندگان خدایا تو بر من منت نهادی به زیارت مولایم علی بن ابیطالب

وَوَلَايَتِهِ وَمَعْرِفَتِهِ، فَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يَنْصُرُهُ وَيَنْتَصِرُ بِهِ، وَمَنْ عَلَى

و بدوستی و معرفتش پس قرارم ده از کسانی که یاریش کنند و به او یاری ستانند و منت بنه بر من

بِنَصْرِكَ لِدِينِكَ، اَللّٰهُمَّ وَاجْعَلْنِيْ مِنْ شِيعَتِهِ، وَتَوَفَّنِيْ عَلٰى دِيْنِهِ،

به ياري دادنت براي دينت خدايا و مرا از شيعيانش قرارم ده و بر دين او بيمرانم

اَللّٰهُمَّ اَوْجِبْ لِيْ مِنَ الرَّحْمَةِ وَالرَّضْوَانِ، وَالْمَغْفِرَةِ وَالْاِحْسَانِ،

خدايا واجب گردان براي من از رحمت و خوشنودي و آمرزش و نيكي

وَالرِّزْقِ الْوَاسِعِ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ مَا اَنْتَ اَهْلُهُ، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ،

و روزي فراخ حلال و پاكيزه آنچه را تو شايسته آني اي مهربانترين مهربانان

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ. x مؤلف گويد: كه در روايت معتبر منقول است كه حضرت

و ستايش از آن خدا پروردگار جهانيان است * * * * *

خضر عليه السلام در روز شهادت حضرت اميرالمؤمنين عليه السلام گريه كنان و استرجاع گويان بسرعت آمد

* * * * *

و ايستاد بر در خانه اميرالمؤمنين عليه السلام پس گفت: رَحِمَكَ اللّٰهُ يَا اَبَا الْحَسَنِ، كُنْتَ

* * * * * خدايت رحمت كند

اي ابوالحسن كه تو

اَوَّلَ الْقَوْمِ اِسْلَامًا، وَاَخْلَصَهُمْ اِيْمَانًا، وَاَشَدَّهُمْ يَقِيْنًا، وَاَخْوَفَهُمْ لِلّٰهِ

نخستين مردم بودي در پذيرفتن اسلام و خالص ترين آنها بودي در ايمان و محكم ترين آنها در يقين و ترسناك ترينشان از خدا

و شمرد بسياري از فضائل آن حضرت را قريب به همين عباراتي كه در همين زيارت مذكور است پس اگر در اين روز اين زيارت نيز خوانده شود مناسب است و اصل آن كلمات كه به منزله زيارت روز شهادتست در هديه ذكر كرده ايم هر كه خواهد به آنجا رجوع كند و نيز بدانكه ما پيش از اين در ضمن اعمال شب مبعث كلامي از رحله ابن بطوطه نقل كرديم كه متعلق بود به اين روضه شريفه صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلٰى مُشْرِفِهَا شايسته است به آنجا رجوع شود .

فصل پنجم

در فضيلت كوفه و مسجد بزرگ آن و اعمال آن مسجد و زيارت جناب مسلم است بدانكه كوفه يكي از آن چهار بلدي است كه حق تعالى آن را اختيار فرموده و طُور سينين تفسير به آن شده و در روايتست كه آن حرم خدا و حرم

رسول صلي الله عليه وآله و حرم امير المؤمنين عليه السلام است و يك درهم تصدق در آن حساب مي شود به صد درهم در جاي ديگر و دو ركعت نماز در آن حساب مي شود به صد ركعت و اما فضيلت مسجد كوفه پس زياده از آن است كه ذكر شود و بس است در شرافت آن كه يكي از آن چهار مسجد است كه سزاوار است شکرِ حال شود به سمت آنها به جهت درك فيوضات آنها و يكي از آن موطن است كه مسافر محبّر است در آن مابين قصر و اتمام نماز و نماز فريضة در آن معادل حجّ مقبول و معادل هزار نماز است كه در جاي ديگر بجاي آورده شود و در روايات وارد شده كه محلّ نماز پيغمبران است و محلّ نماز حضرت مهدي صلوات الله عليه خواهد شد و در روايتي هزار پيغمبر و هزار وصي پيغمبر در آن نماز کرده و از بعضي روايات استفاده شود كه مسجد كوفه افضل است از مسجد اقصي كه در بيت المقدس است و ابن قولويه از امام محمد باقر عليه السلام روايت کرده كه فرمود اگر مردم بدانند كه چه فضيلت دارد مسجد كوفه هر آينه از شهرهاي دور تهيه زاد و راحله كنند و بسوي اين مسجد بيايند و فرمود كه نماز واجب در آن برابر است با حج مقبول و نماز نافله برابر عمره مقبوله و به روايت ديگر نماز فريضة و نافله در آن مثل حجّ و عمره اي است كه با رسول خدا صلي الله عليه وآله کرده باشند شيخ كليني و غير او از مشايخ عظام روايت کرده اند از هارون بن خارجه كه حضرت صادق عليه السلام به من فرمود اي هارون چه مقدار مسافت است بين تو و بين مسجد كوفه يك ميل مي شود گفتم نه فرمود بجا مي آوري همه نمازهاي خود را در آنجا گفتم نه فرمود اگر من نزديك آن مسجد بودم اميد داشتم كه از من فوت نمي شد يك نماز در آن و هيچ مي داني كه چيست فضيلت آن موضع نبوده بنده صالحي و نه پيغمبري مگر آنكه نماز گذارده در مسجد كوفه حتي آنكه رسول خدا صلي الله عليه وآله در شبي كه او را به معراج مي بردند جبرئيل به آن حضرت گفت مي داني كه در كجائي يا رسول الله الان مقابل مسجد كوفه مي باشي فرمود پس رخصت بطلب از پروردگار من تا بروم در آن و دو ركعت نماز گذارم پس جبرئيل از حق تعالي اذن طلب كرد حق تعالي اذن مرحمت فرمود پس فرود آورد آن حضرت را و آن جناب دو ركعت نماز گذاشت در آن و بدرستي كه جانب راست آن باغي است از باغهاي بهشت و ميانه آن باغي است از باغهاي بهشت و عقب آن باغي است از باغهاي بهشت و بدرستي كه نماز واجب در آن برابر است با هزار نماز و نافله در آن مقابلست با پانصد نماز و نشستن در آن بدون تلاوت و ذكر عبادتست و اگر مردم بدانند كه چه فضيلت است در آن بيايند بسوي آن اگر چه به روش كودكان خود را بر زمين كشند و در روايت ديگر است كه نماز واجب در آن مقابل حجّ است و نماز نافله مقابل عمره و گذشت در ذيل زيارت هفتم حضرت امير عليه السلام اشاره به فضيلت اين مسجد شريف و از بعضي روايات معلوم مي شود كه جانب راست اين مسجد افضلست از جانب چپ آن و اما اعمال مسجد كوفه پس به نحوي كه در مصباح الزائر و غيره است آن است كه چون داخل كوفه شدي بگو :

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَعَلِيَّ مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اَللَّهُمَّ

به نام خدا و به ذات خدا و در راه خدا و برکیش رسول خدا درود خدا بر او و آتش باد خدایا فرود

اَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُّبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ، پس روانه شو به سوی مسجد کوفه

آر مرا فرود آمدنی با برکت و توئی بهترین فرود آرندگان * * * * *

و در حال رفتن بگو: اَللَّهُ أَكْبَرُ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ. تا وارد شوی به

* * * * * خدا بزرگتر است و معبودی جز خدا نیست

و ستایش خاص خدا است و منزّه است خدا * * *

در مسجد پس بایست نزد درو بگو: اَلسَّلَامُ عَلَيَّ سَيِّدِنَا رَسُولِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ

* * * * * سلام بر آقای ما رسول خدا محمد بن

عَبْدِ اللَّهِ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ، اَلسَّلَامُ عَلَيَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ،

عبدالله و آل پاکیزه اش سلام بر امیر مؤمنان علی بن ابی طالب

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، وَعَلَيَّ مَجَالِسِهِ وَمَشَاهِدِهِ وَمَقَامِ حُكْمَتِهِ،

و رحمت خدا و برکاتش و بر مجالس او و جایگاههای حضور و مقام حکمتش

وَأَثَارِ آبَائِهِ آدَمَ وَنُوحٍ، وَإِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَتَبْيَانِ بَيِّنَاتِهِ، اَلسَّلَامُ

و آثار پدرانش آدم و نوح و ابراهیم و اسماعیل و جایگاه بیان حجتهاش سلام

عَلَيَّ الْإِمَامِ الْحَكِيمِ الْعَدْلِ الصِّدِّيقِ الْكَبِيرِ، الْفَارُوقِ بِالْقِسْطِ، الَّذِي

بر امام فرزانه دادگر راستگویی اکبر جدا کننده به عدالت آنکس که خدا بوسیله اش

فَرَّقَ اللَّهُ بِهِ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ، وَالْكَفْرِ وَالْإِيمَانِ، وَالشِّرْكِ وَالتَّوْحِيدِ،

جدا کرد میان حق و باطل و کفر و ایمان و شرک و توحید را

لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ، وَيَحْيِيَ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ، أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِيرُ

تا هلاک شود هر که هلاک می شود از روی دلیل و زنده بماند هر که زنده می ماند از روی دلیل گواهی دهم براستی که

توئی امیر

اَلْمُؤْمِنِينَ، وَخَاصَّةً نَفْسِ الْمُتَنَجِّبِينَ، وَزَيْنِ الصِّدِّيقِينَ وَصَابِرِ

مؤمنان و مخصوص در میان برگزیدگان و زیور راستگویان و بردبار

الْمُتَحَنِّينَ، وَأَنَّكَ حَكَمُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَقَاضِي أَمْرِهِ، وَبَابُ حِكْمَتِهِ،

امتحان شدگان و براسی توئی حاکم خدا در زمین و قضاوت کننده امرش و دروازه حکمتش

وَعَاقِدُ عَهْدِهِ، وَالنَّاطِقُ بِوَعْدِهِ، وَالْحَبْلُ الْمَوْصُولُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ عِبَادِهِ،

و پیوند دهنده پیمانش و گویای به وعده اش و رشته پیوسته میان او و میان بندگان

وَكَهْفُ التَّجَاةِ، وَمِنْهَاجُ التَّقِي، وَالذَّرَجَةُ الْعُلْيَا، وَمُهَيِّمُ الْقَاضِي

و پناهگاه نجات و طریقه پرهیزکاری و درجه برتر و گواه خدای دادگر

الْأَعْلَى يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ بِكَ أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ زُلْفَى، أَنْتَ وَلِيِّي

والا، ای امیر مؤمنان به تو تقرب جویم به درگاه خدا تقرب کامل توئی سرپرست

وَسَيِّدِي وَوَسِيلَتِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ پس داخل مسجد می شوی مؤلف

و آقایی من و وسیله ام در دنیا و آخرت * * * * *

گوید: که بهتر آن است که از دری که در عقب مسجد است که مشهور است به باب الفیل

* * * * *

داخل شوی پس می گوئی: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِاللَّهِ

* * * * * خدا بزرگتر است این است جایگاه پناه برنده به خدا

وَبِمُحَمَّدٍ [حَبِيبِ اللَّهِ] صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَبِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،

و به محمد حبیب خدا - درود خدا بر او و آلش - و به ولایت امیر مؤمنان

وَالْأَيُّمَةُ الْمَهْدِيِّينَ الصَّادِقِينَ النَّاطِقِينَ الرَّاشِدِينَ، الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ

و امامان راهبر راستگوی گویای راه یافته ای که دور کرده است خداوند

عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيراً، رَضِيتُ بِهِمْ أَيْمَةً وَهُدَاةً وَمَوَالِيَّ،

از ایشان پلیدی را و بخوبی پاکشان کرده خوشنودم به امامت ایشان و راهنمائیشان و سروریشان

سَلَّمْتُ لِأَمْرِ اللَّهِ لَا أَشْرِكُ بِهِ شَيْئاً، وَلَا أَتَّخِذُ مَعَ اللَّهِ وَلِيّاً، كَذِبَ

تسلیم امر خدایم و شریک نسازم به او چیزی را و نگیرم به همراه خدا دوستی دروغ گفتند شرک

الْعَادِلُونَ بِاللَّهِ وَضَلُّوا ضَلَالاً بَعِيداً، حَسْبِيَ اللَّهُ وَأَوْلِيَاءُ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنْ

ورزان به خدا و گمراه شدند گمراهی دوری بس است مرا خدا و دوستان خدا گواهی دهم

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ،

که معبودي نیست جز خدای یگانه‌ای که شریک ندارد و گواهی دهم که محمد بنده و رسول او است

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَنَّ عَلِيًّا وَالْأَئِمَّةَ الْمُهَدِّينَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ عَلَيْهِمُ

درود خدا بر او و آلش باد و اینکه علی علیه‌السلام و امامان راه یافته از نژاد او علیهم

السَّلَامُ أَوْلِيَّائِي وَحُجَّةُ اللَّهِ عَلَي خَلْقِهِ. آنگاه برو به جانب ستون چهارم که در

السلام سروران منند و حجت‌های خداوند بر خلقش * * * * *

*

جنب باب اغاظ و برابر ستون پنجم است و آن ستون حضرت ابراهیم علیه‌السلام است پس چهار رکعت نماز کن دو

رکعت آنرا با حمد و قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و دو رکعت دیگر را با حمد و إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ پس چون فارغ شدي از نماز

تسبیح حضرت زهراء علیها‌السلام را بگو و بعد از آن بگو:

السَّلَامُ عَلَي عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ الرَّاشِدِينَ، الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ

سلام بر بندگان شایسته راه یافته‌ای که دور کرده است خداوند از ایشان

الرَّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيراً، وَجَعَلَهُمْ أَنْبِيَاءَ مُرْسَلِينَ، وَحُجَّةً عَلَي

پلیدی را و پاکیزه‌شان کرده است بخوبی و قرارشان داده است پیمبرانی مرسل و حجت بر

الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، وَسَلَامٌ عَلَي الْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

همه خلق و سلام بر رسولان و حمد خاص خدا پروردگار جهانیان است

ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ. وهفت مرتبه بگو: سَلَامٌ عَلَي نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ .

و این است تقدیر فرازانه دانا × × × × × × × × × × سلام بر نوح در میان جهانیان

پس بگو: نَحْنُ عَلَي وَصِيَّتِكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ، الَّتِي أَوْصَيْتَ بِهَا

* * * * * ما بر سفارش تو پای بندیم ای سرپرست مؤمنان آن سفارشی که به

ذُرِّيَّتِكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ وَالصَّادِقِينَ، وَنَحْنُ مِنْ شِيعَتِكَ وَشِيعَةِ نَبِيِّنَا

فرزندانت کردی از رسولان و راستگویان و ما از شیعیان تو و شیعیان پیامبرمان

مُحَمَّدٍ صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَعَلَيْكَ وَعَلَي جَمِيعِ الْمُرْسَلِينَ

محمد هستیم که درود خدا بر او آلش و بر تو و بر همه رسولان

وَالْأَنْبِيَاءِ وَالصَّادِقِينَ وَنَحْنُ عَلَي مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ، وَدِينِ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ

و پیمبران و راستگویان باد و ما نیز بر کیش ابراهیم و دین محمد پیامبر امیّ (درس نخوانده)
الْأُمِّيَّ وَالْأَثَمَةَ الْمَهْدِيَّ، وَوَلَايَةَ مَوْلَانَا عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،
و امامان راه یافته و ولایت سرورمان علی امیر مؤمنان هستیم
السَّلَامُ عَلَيَّ الْبَشِيرِ التَّذِيرِ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَرَحْمَتُهُ وَرِضْوَانُهُ
سلام بر مژده دهنده ترساننده دروذهای خدا بر او و رحمتش و خوشنودیش
وَبَرَكَاتُهُ، وَعَلَيَّ وَصِيَّهِ وَخَلِيفَتِهِ، الشَّاهِدِ لِلَّهِ مِنْ بَعْدِهِ عَلِيٍّ خَلْقُهُ، عَلِيٍّ
و برکاتش و نیز بر وصی او و جانشینش آن گواه خدا پس از او بر خلقش علی
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ الصَّدِيقِ الْكَبِيرِ، وَالْفَارُوقِ الْمُبِينِ الَّذِي أَخَذَتْ بَيْعَتَهُ
امیر مؤمنان آن صدیق اکبر و جدا کننده (حق و باطل) روشن، آن کس که بیعتش را
عَلَيَّ الْعَالَمِينَ، رَضِيتُ بِهِمْ أَوْلِيَاءَ وَمَوَالِيٍّ، وَحُكَّامًا فِي نَفْسِي
بر جهانیان گرفتی خوشنودم به سرپرستی و سروری و حکمرانی ایشان در جانم
وَوَلَدِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَقِسْمِي، وَحِلِّي وَإِحْرَامِي، وَإِسْلَامِي وَدِينِي،
و فرزندان و خاندان و مال و بهره‌ام و در حال حل و احرام و اسلام و دینم
وَدُّيَايَ وَآخِرَتِي، وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي، أَنْتُمْ الْأَثَمَةُ فِي الْكِتَابِ،
و دنیا و آخرتم و زندگی و مرگم شماست امامان در کتاب خدا (قرآن)
وَفَصْلُ الْمَقَامِ وَفَصْلُ الْخِطَابِ، وَأَعْيُنُ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَنَامُ، وَأَنْتُمْ
و فیصله هر مقام و حکم نافذ حق و دیدگان آن بیداری که نخوابد و شماست
حُكَمَاءُ اللَّهِ، وَبِكُمْ حَكَمَ اللَّهُ، وَبِكُمْ عُرِفَ حَقُّ اللَّهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ
فرزانگان خدا و بوسیله شما حکم راند و بوسیله شما شناخته شود حق خدا معبودی نیست جز خدا محمد
رَسُولُ اللَّهِ، أَنْتُمْ نُورُ اللَّهِ مِنْ بَيْنِ أَيْدِينَا وَمِنْ خَلْفِنَا، أَنْتُمْ سُنَّةُ اللَّهِ الَّتِي
رسول خدا است شماست نور خدا از پیش روی ما و از پشت سرمان شماست آن آئین و طریقه خدا که قضا
بِهَا سَبَقَ الْقَضَاءُ، يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، أَنَا لَكُمْ مُسَلِّمٌ تَسْلِيمًا لَا أُشْرِكُ
بدان سبقت یافته ای امیر مؤمنان من در برابر شما تسلیمم چنان تسلیمی که چیزی را به خدا شریک
بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا أَخْذُ مِنْ دُونِهِ وَلِيًّا، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانِي بِكُمْ، وَمَا كُنْتُ
نگیرم و جز او کسی را به سرپرستی خود انتخاب نکنم، ستایش خدایی را که مرا راهنمایی کرد بوسیله شما و من

لَاهْتَدِي لَوْ لَا أَنْ هَدَانِي اللَّهُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَي مَا هَدَانَا .

چنان نبودم که بخودی خود راهنمائی شوم اگر خدا هدایت من می کرد خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است خدا ... ستایش خدای رابر آنچه ما را بدان هدایت کرد

أَعْمَالُ دَكَّةَ الْقَضَاءِ وَبَيْتِ الطُّشْتِ

بدانکه دَكَّةَ الْقَضَاءِ دکانچه ای بوده در مسجد که امیرالمؤمنین علیه السلام بر روی آن می نشستند و قضاوت و حکم می نمودند و در آن موضع ستون کوتاهی بوده که در آن نوشته بود آیه کریمه إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَبِئْتِ الطُّشْتِ همان محلی است که ظاهر شده معجزه امیرالمؤمنین علیه السلام در باب آن دختر بی شوهری که يك وقتی در میان آب بوده که زالویی در شکمش داخل شده و کم کم از مکیدن خون بزرگ شده بود و شکم آن دختر را نیز بزرگ کرده بود برادران دختر گمان حمل به او بردند و خواستند او را بکشند برای حکم آن نزد امیرالمؤمنین علیه السلام آمدند حضرت امر فرمود در جانب مسجد پرده کشیدند و آن دختر را پس آن پرده نشانیدند و قابله کوفه را امر فرمود که او را تفتیش کند قابله پس از تفتیش عرض کرد یا امیرالمؤمنین این دختر آبستن است و فرزند در شکم دارد پس حضرت امر فرمود طشتی مملو از لبن آوردند و دختر را بر روی آن نشانیدند آن زالو که بوی لبن شنید از شکم دختر بیرون آمد و در بعضی از روایاتست که حضرت دست دراز کرد و از کوههای شام قطعه برفی آورد و نزدیک آن طشت نهاد تا آن حیوان از شکم دختر بیرون آمد و نیز بدانکه مشهور در ترتیب اعمال مسجد آن است که بعد از اعمال ستون چهارم می روند به وسط مسجد و اعمال آنجا را بجا می آورند و اعمال دَكَّةَ الْقَضَاءِ و بَيْتِ الطُّشْتِ را در آخر همه بعد از فراغ از دَكَّةَ حضرت صادق علیه السلام بجا می آورند و لکن ما به همان ترتیبی که سید بن طاووس در مصباح الزائر و علامه مجلسی در بحار و شیخ خضر در مزار نقل کرده اند اعمال را ذکر می نمائیم و اگر کسی خواسته باشد به ترتیب مشهور عمل نماید اعمال دَكَّةَ الْقَضَاءِ و بَيْتِ الطُّشْتِ را بعد از ستون چهارم بجا نیاورد و بگذارد در آخر بعد از اعمال دَكَّةَ حضرت صادق علیه السلام بجا آورد بالجمله می گوئیم پس برو بسوی دَكَّةَ الْقَضَاءِ و در آنجا دو رکعت نماز کن به حمد و هر سوره که خواهی و چون فارغ شدی بگو تسبیح زهرا علیها السلام را و بگو

يَا مَالِكِي وَمَمْلُكِي، وَمَتَّعْ دِي بِالنَّعَمِ الْجِسَامِ مِنْ غَيْرِ اسْتِحْقَاقٍ، وَجْهِي

ای مالک من و ای مالک کننده من و ای که مرا غرق نعمتهای بزرگ خود ساختی بدون اینکه استحقاق آنرا داشته باشم خاضعٌ لِمَا تَعْلُوهُ الْأَقْدَامُ لِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ، لَا تَجْعَلْ هَذِهِ الشَّدَّةَ، وَلَا هَذِهِ

روي من خاضع است درمقابل آنچه بر آن گذارده شود گامها براي جلالت سيماي بزرگوارت قرار مده اين سختي و نه اين

الْمِحْنَةُ مُتَّصِلَةٌ بِاسْتِیْصَالِ الشَّافَةِ، وَامْتَحَنِي مِنْ فَضْلِكَ مَا لَمْ تَمْنَحْ
گرفتاري را پيوست به ريشه کن کردن بيخ و بن و ببخش به من از فضل خود چيزي را که نبخشیده اي آنرا
بِهِ أَحَدًا مِنْ غَيْرِ مَسْئَلَةٍ، أَنْتَ الْقَدِيمُ الْأَوَّلُ الَّذِي لَمْ تَزَلْ وَلَا تَزَالُ،
به هيچکس بدون درخواست، تويي ديرينه نخست که همواره بوده و همواره خواهي بود
صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَزَكِّ عَمَلِي، وَبَارِكْ لِي فِي
درود فرست بر محمد و آل محمد و بيارز مرا و به من رحم کن و کردارم را پاڪ كن و برکت بده در عمرم و
أَجَلِي، وَاجْعَلْنِي مِنْ عَتَقَائِكَ وَطُلُقَائِكَ مِنَ النَّارِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .
قرارم ده از آزاد شدگان و رهاسدگان از آتش دوزخ به رحمت اي مهربانترين مهربانان

أَعْمَالُ بَيْتِ الطُّشْتِ

که متصل است به دگه قضا نماز کن در آنجا دو رکعت و بعد از سلام تسبیح کن پس بگو :
اللَّهُمَّ إِنِّي ذَخَرْتُ تَوْحِيدِي إِيَّاكَ، وَمَعْرِفَتِي بِكَ، وَإِخْلَاصِي لَكَ،
خدایا من ذخیره کردم یگانه پرستی تو را و معرفتم را به تو و اخلاصم را برای تو
وَإِقْرَارِي بِرُبُوبِيَّتِكَ، وَذَخَرْتُ وَلَايَةَ مَنْ أَعَمَّتْ عَلَيَّ بِمَعْرِفَتِهِمْ مِنْ
و اقرارم را به پروردگاري تو و ذخیره کردم ولایت آنان را که بوسیله معرفتشان از میان
بَرِّيَّتِكَ، مُحَمَّدٍ وَعِثْرَتِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ، لِيَوْمِ فَرَغِي إِلَيْكَ عَاجِلًا
مخلوقات بر من نعمت دادی (یعنی) محمد و خاندانش - که درود خدا بر ایشان باد - برای روز هراسم بسوي تو در دنیا
وَآجِلًا، وَقَدْ فَرَعْتُ إِلَيْكَ وَالْإِهْمُ يَا مَوْلَايَ فِي هَذَا، الْيَوْمُ وَفِي
و آخرت و اینك پناه آورده ام بسوي تو و بسوي ایشان اي مولاي من در این
مَوْفِي هَذَا، وَسَأَلْتُكَ مَا دَتِي مِنْ نِعْمَتِكَ، وَأَزَاحَةً مَا أَحْشَاهُ مِنْ
روز و در این جایگاهی که هستم و از تو درخواست کنم ادامه نعمتت را و از بین بردن آنچه را
نِقْمَتِكَ، وَالْبَرَكَةَ فِيمَا رَزَقْتَنِيهِ، وَتَحْصِينَ صَدْرِي مِنْ كُلِّ هُمْ
از خشم و انتقامت که از آن ترس دارم و برکت در آنچه روزیم کرده اي و محفوظ داشتن سینه ام از هر اندوه

وَجَائِحَةٍ وَمَعْصِيَةٍ فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

و بلا و گناهی در دین و دنیا و آخرتم ای مهربانترین مهربانان
و نقل شده که حضرت صادق علیه السلام در بیئت الطشت دو رکعت نماز کردند .

بیان نماز و دعا در وسط مسجد

دو رکعت نماز می کنی در وسط مسجد در رکعت اول حمد می خوانی با قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و در رکعت دوم حمد و قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ پس وقتی که سلام دادی تسبیح زهرا علیها السلام را بخوان و بگو :

اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ، وَمِنْكَ السَّلَامُ، وَإِلَيْكَ يَعُودُ السَّلَامُ، وَدَارُكَ دَارُ السَّلَامِ،

خدایا تویی سلام (بی عیب) و از تو است سلام و به تو بازگردد سلام و درگاهت درگاه سلامتی است

حَيْنَا رَبَّنَا مِنْكَ بِالسَّلَامِ، اللَّهُمَّ إِنِّي صَلَّيْتُ هَذِهِ الصَّلَاةَ ابْتِغَاءَ رَحْمَتِكَ

تحت ده پروردگارا از خود بر ما سلامتی را خدایا من خواندم این نماز را به جستجوی رحمت و

وَرِضْوَانِكَ وَمَغْفِرَتِكَ، وَتَعْظِيماً لِمَسْجِدِكَ، اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

خوشنودی و آمرزش و برای بزرگداشت مسجدت خدایا پس درود فرست بر محمد و آل محمد

مُحَمَّدٍ، وَارْفَعْهَا فِي عِلِّيِّينَ، وَتَقَبَّلْهَا مِنِّي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

و بالا ببر این نماز را در جایگاه بلند بهشت و آنرا از من بپذیر ای مهربانترین مهربانان

مؤلف گوید: که این مقام را دُكَّةُ الْمِعْرَاج گفته اند و ظاهراً به ملاحظه آن است که در شب معراج حضرت رسول صلی

الله علیه و آله از حق تعالی رخصت طلبید و در اینجا فرود آمد و دو رکعت نماز گذاشت و در اول فصل روایت آن گذشت .

اعمال ستون هفتم

و آن مقامی است که در آن حق تعالی توفیق توبه به آدم علیه السلام داده پس برو بطرف ستون هفتم

و بایست در نزد آن رو به قبله و بگو: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَعَلَيَّ مِلَّةَ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّيْ

* * * * * بنام خدا و به ذات خدا و برکیش رسول خدا درود

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ أَبِينَا

خدا بر او و آلش و معبودی نیست جز خدا محمد رسول خدا است سلام بر پدر ما

آدَمَ وَأُمَّنَا حَوَّاءَ، السَّلَامُ عَلَيَّ هَابِيلَ الْمُقْتُولِ ظُلْماً وَعَدُوَانَا عَلَيَّ

آدم و مادرمان حواء سلام بر هابیل که از روی ستم و دشمنی کشته شد بر بخششهای خدا و
 مَوَاهِبِ اللَّهِ وَرِضْوَانِهِ، السَّلَامُ عَلَي شَيْثِ صَفْوَةِ اللَّهِ، الْمُخْتَارِ الْأَمِينِ،
 خوشنودیش سلام بر شیث برگزیده خدا و انتخاب شده امین او و به
 وَعَلَي الصَّفْوَةِ الصَّادِقِينَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ الطَّيِّبِينَ، أَوْلَاهُمْ وَآخِرِهِمْ،
 برگزیدگان راستگوي از نژاد پاکش نخستشان و پایانشان
 السَّلَامُ عَلَي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ، وَعَلَي ذُرِّيَّتِهِمْ
 سلام بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و بر نژاد
 الْمُخْتَارِينَ، السَّلَامُ عَلَي مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَي عِيسَى رُوحِ
 انتخاب شده آنها سلام بر موسی هم سخن با خدا سلام بر عیسی روح
 اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَي مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَي أَمِيرِ
 خدا سلام بر محمد بن عبدالله خاتم پیمبران سلام بر امیر
 الْمُؤْمِنِينَ وَذُرِّيَّتِهِ الطَّيِّبِينَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ فِي
 مؤمنان و نژاد پاکیزه اش و رحمت خدا و برکاتش سلام بر شما در زمره
 الْأَوَّلِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ فِي الْآخِرِينَ، السَّلَامُ عَلَي فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ،
 پیشینیان سلام بر شما در زمره پسینیان سلام بر فاطمه زهرا
 السَّلَامُ عَلَي الْأَئِمَّةِ الْهَادِينَ، شُهَدَاءِ اللَّهِ عَلَي خَلْقِهِ، السَّلَامُ عَلَي
 سلام بر پیشوایان راهنما که گواهان خدایند بر خلق او سلام بر
 الرَّقِيبِ الشَّاهِدِ عَلَي الْأُمَمِ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. پس نماز می کنی نزد آن ستون

* * * * * نگاهیان و گواه بر امتها از جانب خدا پروردگار جهانیان *

چهار رکعت می خوانی در رکعت اول حمد و اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ و در رکعت دوم حمد و قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و در رکعت سیم و
 چهارم به همین نحو و چون فارغ شدي بگو تسبیح زهرا علیها السلام را پس بگو :
 اللَّهُمَّ اِنْ كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ فَإِنِّي قَدْ أَطَعْتُكَ فِي الْإِيمَانِ مِنِّي بِكَ
 خدایا اگر من نافرمانیت کردم پس (در عوض) فرمانبرداریت کردم در ایمان به تو از روی متنی که تو
 مَنَّا مِنْكَ عَلَيَّ، لَا مَنَّا مِنِّي عَلَيْكَ، وَأَطَعْتُكَ فِي أَحَبِّ الْأَشْيَاءِ لَكَ لَمْ
 بر من گذاردی نه اینکه متنی باشد از من بر تو و فرمانبرداریت کردم در محبوبترین چیزها پیش تو

اتَّخِذْ لَكَ وَلَدًا، وَلَمْ أَدْعُ لَكَ شَرِيكًا، وَقَدْ عَصَيْتُكَ فِي أَشْيَاءَ كَثِيرَةٍ
که نگرفتم برایت فرزندی و نخواندم برای تو شریکی و نافرمانیت کردم در جاهای بسیاری
عَلَي غَيْرِ وَجْهِ الْمُكَابَرَةِ لَكَ، وَلَا الْخُرُوجِ عَنْ عُبُودِيَّتِكَ، وَلَا
که البته از روی سرکشی و عنادورزی بود و نه از باب بیرون رفتن از تحت بندگیت و نه بخاطر
الْجُحُودِ لِرُبُوبِيَّتِكَ، وَلَكِنْ اتَّبَعْتُ هَوَايَ، وَأَزَلَّنِي الشَّيْطَانُ بَعْدَ
انکار پروردگاریت بوده بلکه پیروی هوای نفسم را کردم و شیطان هم مرا بلغزانند پس از
الْحُجَّةِ عَلَيَّ وَالْبَيَانِ، فَإِنْ تُعَذِّبْنِي فَبِذُنُوبِي غَيْرِ ظَالِمٍ لِي، وَإِنْ تُعْفَ
دلیل و بیانی که بر من داشتی اکنون اگر کیفرم کنی بواسطه گناهانم می باشد و تو ستمی به من نکرده ای و اگر بگذری
عَنِّي وَتَرْحَمْنِي فَبِجُودِكَ وَكَرَمِكَ يَا كَرِيمُ، اَللَّهُمَّ إِنْ ذُنُوبِي لَمْ يَبْقَ
و به من ترحم کنی آنهم بواسطه جود و بزرگواری تو است ای خدای کریم خدایا براسق برای گناهانم چیزی نمانده
لَهَا إِلَّا رَجَاءُ، عَفْوِكَ وَقَدْ قَدَّمْتُ آلَةَ الْحِرْمَانِ، فَأَنَا أَسْأَلُكَ اَللَّهُمَّ مَا لَا
جز همان امید گذشت تو و من پیش داشته ام ابزار محرومیت را پس از تو خواهم خدایا آنچه را
أَسْتَوْجِبُهُ، وَأَطْلُبُ مِنْكَ مَا لَا أَسْتَحِقُّهُ، اَللَّهُمَّ إِنْ تُعَذِّبْنِي فَبِذُنُوبِي
مستحقش نیستم و طلب کنم از تو چیزی را که سزاوارش نباشم خدایا اگر عذابم کنی بخاطر گناهانم هست
وَلَمْ تَظْلِمْنِي شَيْئًا، وَإِنْ تَغْفِرْ لِي فَخَيْرٌ رَاحِمٍ، أَنْتَ يَا سَيِّدِي، اَللَّهُمَّ
و تو هیچگونه ستمی به من روا نداشته ای و اگر ببامرزیم تو بهترین مهرورزانی ای آقای من، خدایا
أَنْتَ أَنْتَ، وَأَنَا أَنَا، أَنْتَ الْعَوَادُ بِالْمَغْفِرَةِ، وَأَنَا الْعَوَادُ بِالذُّنُوبِ، وَأَنْتَ
تو همانی و من همان، تویی که همیشه بازگردی به آمرزش و منم که همواره بازگردم به گناه تویی
الْمُتَفَضِّلُ بِالْحِلْمِ، وَأَنَا الْعَوَادُ بِالْجَهْلِ، اَللَّهُمَّ فَإِنِّي أَسْأَلُكَ يَا كُنْزَ
بخشاینده به بردباری و منم بازگردنده به نادانی خدایا از تو خواهم ای گنج
الضُّعْفَاءِ، يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ، يَا مُنْقِذَ الْعَرَقِيِّ يَا مُنْجِيَ الْهَلَكِيِّ، يَا
ناتوانان ای بزرگ مایه امید ای نجات دهنده غریقان و ای نجات بخش هالکان ای
مُؤِمِّتِ الْأَحْيَاءِ، يَا مُحْيِيَ الْمَوْتِ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي
میراننده زندگان و ای زنده کننده مردگان تویی خدای که معبودی جز تو نیست تویی که
سَجَدَ لَكَ شُعَاعُ الشَّمْسِ وَكَوَيُّ الْمَاءِ، وَحَقِيفُ الشَّجَرِ، وَنُورُ الْقَمَرِ،

سجده کرد برای تابه خورشید و بانگ آب و صدای مخصوص بهم خوردن درخت و نور ماه
و ظُلْمَةُ اللَّيْلِ وَضَوْءُ النَّهَارِ، وَخَفَقَانُ الطَّيْرِ، فَاسْأَلْكَ اللَّهُمَّ يَا عَظِيمُ
و تاریکی شب و روشنائی روز و صدای بال پرند پس از تو خواهم ای خدای بزرگ
بِحَقِّكَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الصَّادِقِينَ، وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الصَّادِقِينَ
به حقی که بر محمد و آل راستگویش داری و به حقی که محمد و آل راستگویش بر تو دارند
عَلَيْكَ، وَبِحَقِّكَ عَلَيَّ عَلِيٍّ، وَبِحَقِّ عَلِيٍّ عَلَيْكَ، وَبِحَقِّكَ عَلَيَّ فَاطِمَةَ،
و به حق تو بر علی و به حق علی بر تو و به حق تو بر فاطمه
وَبِحَقِّ فَاطِمَةَ عَلَيْكَ، وَبِحَقِّكَ عَلَيَّ الْحَسَنِ، وَبِحَقِّ الْحَسَنِ عَلَيْكَ،
و به حق فاطمه بر تو و به حق تو بر حسن و به حق حسن بر تو
وَبِحَقِّكَ عَلَيَّ الْحُسَيْنِ، وَبِحَقِّ الْحُسَيْنِ عَلَيْكَ، فَإِنَّ حُقُوقَهُمْ عَلَيْكَ
و به حق تو بر حسین و به حق حسین بر تو چونکه بطور مسلم حقوق تو بر ایشان
مِنْ أَفْضَلِ إِعْمَالِكَ عَلَيْهِمْ، وَبِالشَّانِ الَّذِي لَكَ عِنْدَهُمْ، وَبِالشَّانِ الَّذِي
از برترین نعمت بخشی تو بر ایشان است و به حق آن شأن و منزلتی که تو در پیش ایشان داری و بدان منزلتی که
لَهُمْ عِنْدَكَ، صَلِّ عَلَيْهِمْ يَا رَبُّ صَلَوةً دَائِمَةً مُنْتَهَى رِضَاكَ، وَاعْفِرْ
آنها در پیش تو دارند که درود فرست بر ایشان پروردگارا درودی همیشگی تا آخرین سرحد خوشنودیت و بوسیله
ایشان
لِي بِهِمُ الذُّنُوبَ الَّتِي بَيْنِي وَبَيْنَكَ، وَأَرْضِ عَنِّي خَلْقَكَ وَأَثِمِ عَلَيَّ
بیمرز برایم گناهای را که میان من و تو است و خلق خود را از من خوشنود ساز و نعمت را بر من تمام کن
نِعْمَتَكَ، كَمَا أَثِمْتُهَا عَلَيَّ آبَائِي مِنْ قَبْلُ، وَلَا تَجْعَلْ لِأَحَدٍ مِنْ
چنانچه بر پدران پیشین من تمام کردی و قرار مده برای هیچیک از آفریدگانت بر من
الْمَخْلُوقِينَ عَلَيَّ فِيهَا امْتِنَانًا، وَأَمْنٌ عَلَيَّ كَمَا مَنَنْتَ عَلَيَّ آبَائِي مِنْ
در این باره منّت نه بر من چنانچه از پیش بر پدران من منّت نهادی
قَبْلُ، يَا كَهْيَعَصَ، اللَّهُمَّ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، فَاسْتَجِبْ لِي
ای «کهیعیص» خدایا چنانچه درود فرستی بر محمد و آلش پس دعای مرا در آنچه از تو
دُعَائِي فِيمَا سَأَلْتُ، يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ. پس برو به سجده و در سجده

* * * * *

* * ای که توانایی داری بر (قضاء) حاجتهای خواستاران و بدانی آنچه هست در نهاد

خاموشان ای که نیازی ندارد به شرح و بیان ای که می‌داند مهم خوردن چشمان و هرآنچه را سینه‌ها

پنهان کند ای که فرو فرستاد بر قوم یونس عذاب را و قصد فرموده بود که

عذابشان کند ولی آنان دعا کرده و بدرگاهش تضرع و زاری کردند و او عذاب را از ایشان برطرف کرد و تا زمانی

از زندگی بهره‌مندشان کرد (خدایا) مکانم را می‌بینی و دعایم بشنوی و نهان و عیانم و حال و

وضع را دانی درود فرست بر محمد و آل محمد و کفایت کن آنچه مرا به اندوه واداشته از کار

* * * * *

* * پروردگارا از تو خواهم برکت این جایگاه و برکت اهل آنرا و از تو خواهم که

روزی من کنی از روزی خود روزی حلال پاکیزه‌ای که بکشانی آنرا بسوی من به جنبش و نیروی خود

* * * * *

قدیم در دعای این مقام بعد از یا کریم یا کریم و پیش از سجده ذکر کرده

* * * * *

* * خدا یا ای که گشوده شود بوسیله اش گره های گرفتاریها * * *

* * * * *

در باب اول گذشت پس از آن فرمود آنگاه بگو: اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَعْلَمُ وَلَا اَعْلَمُ، وَتَقْدِرُ

* * * * * خدایا تو می‌دانی و من

ندانم و نیرو داری

وَلَا أَقْدَرُ وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ، صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

و من ندارم و تویی دانای نادیدنیها درود فرست خدایا بر محمد و آل محمد

وَاعْفُرْ لِي وَارْحَمْنِي وَتَجَاوَزْ عَنِّي، وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، يَا

و بیمار مرا و به من رحم کن و از من درگذر و بر من تصدق کن آنچه را تو شایسته آنی ای

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. آنگاه به سجده برو و بگو: يَاقُدْرُ عَلَى حَوَائِجِ السَّائِلِينَ

مهر بانترین مهربانان ×××××××××××× ای که توانایی بر (قضای) خواسته‌های خواستاران

الخ و بدان نیز که احادیث در فضیلت این ستون هفتم بسیار وارد شده و شیخ کلینی به سند معتبر روایت کرده که

امیر المؤمنین علیہ السلام رو به این ستون نماز می کرد و نزدیک می ایستاد که میان آن حضرت و ستون آنقدر فاصله بود که

بُزْی بگذرد و در روایت معتبر دیگر وارد شده است که در هر شب شصت هزار ملک از آسمان نازل می‌شوند و نزد ستون

هفتم نماز می‌کنند و در شب دیگر ملائکه دیگر به این عدد می‌آیند و دیگر هیچیک عود نمی‌کنند تا روز قیامت و در

حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که ستون هفتم مقام حضرت ابراهیم

است و نیز شیخ کلینی در کافی به سند صحیح از ابو اسمعیل سراج روایت کرده که معاویه بن وهب دست مرا گرفت و گفت ابو حمزه ثمالی

دست مرا گرفت و گفت که اصبع بن نباته دست مرا گرفت و ستون هفتم را به من نشان داد و گفت که این ستون مقام

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است که نزد آن نماز می‌کرد و امام حسن علیه السلام در نزد ستون پنجم نماز

می‌کرد و چون امیر المؤمنین علیه السلام حاضر نبود امام حسن علیه السلام در جای او نماز می‌خواند و هوی من باب کُنده

وبالجملة اخبار در فضیلت این ستون بسیار و بنای ما بر اختصار است عمل ستون پنجم بدان که از جمله مواضع ممتاز مسجد

کوفه ستون پنجم است که باید نزد آن نماز کنند و حاجات خود را از حق تعالی طلب نمایند زیرا که در روایات معتبره

وارد شده است که محل نماز حضرت ابراهیم خلیل الرحمن علیه السلام بوده است و منافات ندارد با روایات دیگر زیرا که

ممکن است که آن حضرت در همه این مواضع نماز کرده باشد و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که ستون پنجم مقام جبرئیل علیه السلام است و از حدیث سابق ظاهر است که مقام امام حسن علیه السلام است و بالجمله آنچه از احادیث معلوم می شود آنستکه نزد ستون هفتم و پنجم اشرفست از سایر جاهای مسجد و سید بن طاووس قدس سره گفته که در نزد ستون پنجم دو رکعت نماز کن بحمد و هر سوره که خواهی و چون سلام گفتی و تسبیح نمودی پس بگو: اَللّهُمَّ اِنِّي اسْئَلُكَ بِجَمِيعِ اسْمَائِكَ كُلِّهَا، مَا عَلِمْنَا مِنْهَا

* * * * * خدایا از تو درخواست کنم به همه نامهایت همه آنها چه آنها که می دانیم و چه وما لا نَعْلَمُ، وَاسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْعَظَمِ الْكَبِيرِ الْاَكْبَرِ، الَّذِي مَنْ

آنها که نمی دانیم و درخواست کنم به نام بزرگ و بزرگتر و کبیر و اکبر آن نامی که هر که تو را دَعَاكَ بِهِ اَجَبْتَهُ، وَمَنْ سَأَلَكَ بِهِ اَعْطَيْتَهُ، وَمَنْ اسْتَنْصَرَكَ بِهِ نَصَرْتَهُ،

بدان بخواند پاسخش دهی و هر که بدان نام از تو چیزی درخواست کند به او بدهی و هر که بدان از تو یاری طلبد یاریش کنی

وَمَنْ اسْتَغْفَرَكَ بِهِ غَفَرْتَ لَهُ، وَمَنْ اسْتَعَاكَ بِهِ اَعْتَنَتْهُ، وَمَنْ اسْتَرْزَقَكَ

و هر که بدان نام از تو آمرزش خواهد بیامرزش و هر که از تو کمک خواهد کمکش دهی و هر که بدان نام از تو روزی خواهد

بِهِ رَزَقْتَهُ، وَمَنْ اسْتَغَاثَكَ بِهِ اَغَثْتَهُ، وَمَنْ اسْتَرْحَمَكَ بِهِ رَحِمْتَهُ، وَمَنْ

روزیش دهی و هر که بدان از تو فریادرسی خواهد به فریادش رسی و هر که بدان رحم تو را جوید رحمش کنی و هر که اسْتَجَارَكَ بِهِ اَجَرْتَهُ، وَمَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْكَ بِهِ كَفَيْتَهُ، وَمَنْ اسْتَعْصَمَكَ بِهِ

بدان نام از تو پناه خواهد پناهِش دهی و هر که بدان بر تو توکل کند کفایتش کنی و هر که بدان نام از تو نگهداری خواهد عَصَمْتَهُ وَمَنْ اسْتَنْقَذَكَ بِهِ مِنَ النَّارِ اَنْقَذْتَهُ، وَمَنْ اسْتَعْظَفَكَ بِهِ

نگاهش داری و هر که بدان نام از تو رهایی از آتش طلبد رهاییش دهی و هر که مهر و عطوفت تو را بدان نام طلب کند به او

تَعَطَّفْتَ لَهُ، وَمَنْ اَمَلَكَ بِهِ اَعْطَيْتَهُ، الَّذِي اتَّخَذْتَ بِهِ اَدَمَ صَفِيًّا، وَنُوحًا

او مهرورزی و هر که بوسیله آن به تو آرزومند شود به او عطا کنی، آن نامی که بوسیله آن آدم را صفی خود قرار دادی و نوح را

نَجِيًّا، وَاِبْرَاهِيمَ خَلِيْلًا، وَمُوسَى كَلِيْمًا، وَعِيسَى رُوحًا، وَمُحَمَّدًا حَبِيْبًا،

همراز و ابراهیم را خلیل و موسی را همسخن و عیسی را روح خود و محمد را حبیب
وَعَلِيًّا وَصِيًّا، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، أَنْ تَقْضِيَ لِي حَوَائِجِي،
و علی را وصی خود گرفتی - که درود خدا بر همگی ایشان باد - (بدان نام از تو درخواست کنم) که حاجاتم را
برآوری

وَتَعْفُو عَمَّا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي، وَتَتَفَضَّلَ عَلَيَّ بِمَا أَتَى أَهْلَهُ، وَلِجَمِيعِ
و از گناهان گذشته‌ام درگذری و تفضل کنی بر من بدانچه تو شایسته آنی و همچنین بر همه
الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا مُفَرِّجَ هَمِّ الْمَهْمُومِينَ، وَيَا
مردان مؤمن و زنان باایمان در دنیا و آخرت ای گشاینده اندوه اندوهناکان و ای
غِيَاثَ الْمَلْهُوفِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ. مؤلف

فریادرس درماندگان معبودی جز تو نیست منزهی تو ای پروردگار جهانیان * * * *

گوید: که روایت شده از حضرت صادق علیه السلام که به بعضی از اصحاب خویش فرمودند که در نزد ستون پنجم
دو رکعت نماز گذار که آن مصلاهی ابراهیم علیه السلام است و بگو السَّلَامُ عَلَيَّ أَبِينَا آدَمَ وَأُمَّنَا حَوَّاءَ الْخَ قَرِيبَ بِهِ هَمَانُ که
در نزد ستون هفتم رو به قبله خوانده می‌شد .

عمل ستون سیم مقام امام زین العابدین علیه السلام آنگاه برو بسوی دگه امام زین العابدین علیه السلام و آن در نزد
ستون سیم است از طرف متصل به باب کنده مؤلف گوید که این مقام از طرف قبله مقابل است با دگه باب امیرالمؤمنین
علیه السلام و از طرف غربی مقابل بوده با باب کنده که مسدود شده و گفته شده که شایسته است آنکه بقدر پنج ذراع
متأخر از ستون بعمل آورده شود زیرا که دگه در آن محل بوده و بالجمله پس نماز کن در آنجا دو رکعت و بخوان در آن
حمد و هر سوره که خواستی پس همین که سلام دادی و تسبیح نمودی پس بگو :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، اللَّهُمَّ إِنَّ ذُنُوبِي قَدْ كَثُرَتْ، وَلَمْ يَبْقَ لَهَا إِلَّا

بنام خدای بخشاینده مهربان خدایا براستی گناهانم بسیار است و بجای مانده برای آنها جز

رَجَاءٌ عَفْوِكَ، وَقَدْ قَدَمْتُ آلَةَ الْحَرَمَانِ إِلَيْكَ، فَآتَا أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ مَا لَا

امید گذشت تو و من پیش آورده‌ام ابزار محرومیت خود را بدرگاهت و از تو درخواست دارم خدایا

أَسْتَوْجِبُهُ، وَأَطْلُبُ مِنْكَ مَا لَا أَسْتَحِقُّهُ، اللَّهُمَّ إِنْ تُعَذِّبْنِي فَبِذُنُوبِي،

چیزی را که شایسته‌اش نیستم و می‌جویم از تو آنچه را که مستحقش نیستم خدایا اگر عذاب کنی

وَلَمْ تَظْلِمْنِي شَيْئًا، وَإِنْ تَغْفِرْ لِي فَخَيْرٌ رَاحِمٍ أَنْتَ يَا سَيِّدِي، اللَّهُمَّ

بواسطه گناهانم می باشد و تو هیچگونه ظلمی به من نکرده ای و اگر بیماریم پس تو بهترین رحم کنندگانی ای آقای من خدایا

أَنْتَ أَنتَ، وَأَنَا أَنَا، أَنْتَ الْعَوَّادُ بِالْمَغْفِرَةِ، وَأَنَا الْعَوَّادُ بِالذُّنُوبِ، وَأَنْتَ

تو همانی و من همانم تویی که بسیار عادت داری به آمرزش و منم که بسیار عادت کرده ام به گناه و تویی که

الْمُتَفَضِّلُ بِالْحِلْمِ، وَأَنَا الْعَوَّادُ بِالْجَهْلِ، اَللّهُمَّ فَاتِنِي اَسْئَلُكَ يَا كَنْزَ

تفضل کنی به بردباری و منم که زیاد عادت کرده ام به نادانی خدایا پس از تو درخواست دارم ای گنج

الضُّعْفَاءِ، يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ، يَا مُنْقِذَ الْعَرَقِيِّ، يَا مُنْجِيَ الْهَلَكِيِّ، يَا

ناتوانان ای بزرگ مایه امید ای نجات دهنده غریقان و ای نجات بخش هلاک شدگان ای

مُؤِمِّتِ الْأَحْيَاءِ، يَا مُخَيِّبِ الْمَوْتِيِّ، أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَنْتَ

میراننده زندگان و ای زنده کننده مردگان تویی خدایی که معبودی جز تو نیست تویی که

الَّذِي سَجَدَ لَكَ شُعَاعُ الشَّمْسِ وَثُورُ الْقَمَرِ، وَظُلُمَةُ اللَّيْلِ وَضَوْءُ

سجده کرد برایت تابش خورشید و روشنی ماه و تاریکی شب و پرتو

النَّهَارِ، وَخَفَقَانُ الطَّيْرِ، فَاسْئَلُكَ اَللّهُمَّ يَا عَظِيمَ بَحَقِّكَ يَا كَرِيمَ عَلِي

روز و بال زدن پرنده از تو خواهم خدایا ای خدای بزرگ به حق تو ای بزرگوار بر

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الصَّادِقِينَ، وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الصَّادِقِينَ عَلَيْكَ، وَبِحَقِّكَ

محمد و خاندان راستگویی و به حق محمد و خاندان راستگویی بر تو و به حق تو بر علی و به حق

عَلِيٍّ عَلِيٍّ، وَبِحَقِّ عَلِيٍّ عَلَيْكَ، وَبِحَقِّكَ عَلِيٍّ فَاطِمَةَ، وَبِحَقِّ فَاطِمَةَ

علی بر تو و به حق تو بر فاطمه و به حق فاطمه

عَلَيْكَ، وَبِحَقِّكَ عَلِيٍّ الْحَسَنَ، وَبِحَقِّ الْحَسَنِ، عَلَيْكَ وَبِحَقِّكَ عَلِيٍّ

بر تو و به حق تو بر حسن و به حق حسن بر تو و به حق تو بر

الْحُسَيْنَ، وَبِحَقِّ الْحُسَيْنِ عَلَيْكَ، فَإِنَّ حُقُوقَهُمْ مِنْ أَفْضَلِ إِنْعَامِكَ

حسین و به حق حسین بر تو زیرا که حقوق ایشان از برترین نعمت بخشیهایی تو است

عَلَيْهِمْ، وَبِالشَّانِ الَّذِي لَكَ عِنْدَهُمْ، وَبِالشَّانِ الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ، صَلِّ يَا

بر ایشان و بدان منزلتی که تو در پیش ایشان داری و بدان منزلتی که ایشان در پیش تو دارند درود فرست

رَبِّ عَلَيْهِمْ صَلَوةً دَائِمَةً مُنْتَهِي رِضَاكَ، وَاغْفِرْ لِي بِهِمْ الذُّنُوبَ

پروردگارا بر ایشان درودي هميشگي تا سرحد خوشنوديت و بيمارز بوسيله ايشان گناهانی را

الَّتِي بَيْنِي وَبَيْنَكَ، وَأَتَمِّمْ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ كَمَا أَتَمَّمْتَهَا عَلَيَّ أَبَائِي مِنْ

که میان من و تو است و تمام کن نعمت خود را بر من چنانچه تمام کردی آنرا بر پدرانم

قَبْلُ، يَا كَهْيَعَصْ، اَللّٰهُمَّ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

پیش از این ای «کهیعیص» خدایا چنانچه درود فرستادی بر محمد و آل محمد

فَاسْتَجِبْ لِي دُعَائِي فِيمَا سَأَلْتُكَ. پس برو به سجده و جانب راست رو را بر

پس دعایم را به اجابت رسان در آنچه از تو خواستم

* * *

زمین گذار و بگو: یا سَيِّدِي یا سَيِّدِي، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

* * * * * ای آقای من ای آقای من ای آقای من درود فرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْ لِي وَاغْفِرْ لِي وَبَسِيَارِ بَغْوِ اَيْنَ كَلِمَةٍ رَا بِاِخْشَوَعٍ وَغَرِيهِ پَسِ جَانِبِ

محمد و بيمارز مرا

* * * * *

چپ رو را بر زمین گذار و این کلمات را بگو پس دعا کن به آنچه می خواهی مؤلف گوید که در بعض مجامیع غیر

معتبره و مشهورین مردم آنست که در این مقام بجا می آورند عملی را که حضرت صادق علیه السلام تعلیم یکی از اصحاب

خود نموده و لکن مقید به این مقام نیست و کیفیت آن چنانست که از آن حضرت نقل شده که به بعضی از اصحاب خود

فرمودند که آیا پی حاجتی بامداد نمی روی که گذر کنی به مسجد بزرگ کوفه عرض کرد بلی فرمود که چهار رکعت نماز

بکن در آن مسجد پس بگو: اَلِهِي اِنْ كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ، فَإِنِّي قَدْ

* * * * * خدایا اگر من تو را نافرمانی کردم ولی (در عوض)

أَطَعْتُكَ فِي أَحَبِّ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ لَمْ أَتَّخِذْ لَكَ وَلَدًا، وَلَمْ أَدْعُ لَكَ

در محبوبترین چیزها بدرگاهت فرمانبرداری کردم نگرستم برایت فرزندی و نخواندم برایت

شریکاً، وَقَدْ عَصَيْتُكَ فِي أَشْيَاءَ كَثِيرَةٍ عَلَيَّ غَيْرِ وَجْهِ الْمُكَابَرَةِ لَكَ،

شریکی و در بسیاری از چیزها نیز نافرمانیت کردم اما نه از راه سرکشی و طرفیت با تو

وَلَا الْأِسْتِكْبَارِ عَنْ عِبَادَتِكَ، وَلَا الْجُحُودِ لِرُبُوبِيَّتِكَ، وَلَا الْخُرُوجِ

و نه بواسطه کبرورزی از پرستشت و نه از روی انکار پروردگاریت و نه بخاطر بیرون رفتن

عَنِ الْعِبُودِيَّةِ لَكَ، وَلَكِنْ اتَّبَعْتُ هَوَايَ، وَأَزَلَّنِي الشَّيْطَانُ بَعْدَ الْحُجَّةِ

از بندگیت ولی پیروی کردم هوای نفسم را و بلغزاند مرا شیطان پس از برقراری حجت
والبیان، فَإِنْ تُعَذِّبْنِي فَبِدُونِي غَيْرُ ظَالِمٍ أَتَيْتُ لِي، وَإِنْ تُعْفُ عَنِّي
و بیان اکنون اگر عذابم کنی بواسطه گناهان خود من است بدون آنکه تو به من ستم کرده باشی و اگر از من بگذری
وَتَرْحَمْنِي فَبِحُجُودِكَ وَكَرَمِكَ يَا كَرِيمُ. و می گوئی نیز عَذْوَتُ بِحَوْلِ اللَّهِ
و به من رحم کنی آنهم بواسطه جود و بزرگواری تو است ای بزرگوار × × × × بامداد، کردم به جنبش و نیروی خدا
وَقُوَّتِهِ، عَذْوَتُ بِغَيْرِ حَوْلٍ مِنِّي وَلَا قُوَّةٍ، وَلَكِنْ بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ، یا
بامداد کردم نه به جنبش و نیروی خودم بلکه به جنبش خدا و نیروی او
رَبِّ اسْأَلُكَ بَرَكَهَ هَذَا الْبَيْتِ وَبَرَكَهَ أَهْلِهِ، وَاسْأَلُكَ أَنْ تَرْزُقَنِي رِزْقًا
پروردگارا از تو خواهم برکت این خانه و برکت اهلس را و از تو خواهم که روزیم دهی روزی
حَلَالًا طَيِّبًا، تَسْؤِفُهُ إِلَيَّ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ، وَأَنَا خَائِضٌ فِي عَافِيَتِكَ .
حلال پاکیزه ای که بکشانی آنرا بسوی من به جنبش و نیروی خودت در حالیکه فرو رفته باشم در تندرستی کامل تو
و شیخ شهید و محمد بن المشهدی این عمل را از برای صحن مسجد بعد از عمل ستون چهارم ذکر نموده اند در دو
رکعت حمد و توحید و در دو رکعت دیگر حمد و قدر گفته اند و بعد از سلام تسبیح زهراء علیها السلام و در حدیث
معتبر از ابو حمزه ثمالی منقول است که گفت روزی در مسجد کوفه نشسته بودم ناگاه دیدم که شخصی از درِ کنده داخل
شد از همه کس خوشتر و خوشبوتر و پاک جامه تر و عمامه بسر بسته و پیراهن و درآعه پوشیده و دو نعل عربی در
پای مبارکش بود پس نعلین را کند و نزد ستون هفتم ایستاد و دستها را تا برابر گوش بلند کرد و تکبیری گفت که جمیع
موهای بدن من از دهشت آن راست ایستاد پس چهار رکعت نماز گذارد و رکوع و سجودش را نیکو به عمل آورد
پس این دعا را خواند «إِلَهِي إِنْ كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ» و خواند تا رسید به «يَا كَرِيمُ» پس به سجود رفت و مکرر «يَا كَرِيمُ»
گفت آنقدر که يك نفس وفا کند پس در سجود گفت «يَا مَنْ يَقْدِرُ عَلَيَّ حَوَائِجِ السَّائِلِينَ» و خواند تا هفتاد مرتبه یا
سَيِّدِي که در اعمال ستون هفتم ذکر شد چون سر از سجده برداشت و نيك ملاحظه کردم حضرت امام زين العابدين عليه
السلام بود پس دستهای مبارکش را بوسیدم و پرسیدم که از برای چه آمدید به اینجا فرمود از برای آنچه که دیدی یعنی
نماز در مسجد کوفه و در روایتی که در ذیل زیارت هفتم نقل کردیم ابو حمزه را با خود برد به زیارت حضرت
امیرالمؤمنین علیه السلام .

اعمال باب الفرج معروف به مقام نوح علیه السلام

چون از عمل ستون سیّم فارغ شدي برو به دکه باب امیرالمؤمنین علیه السلام و آن صفّه‌اي است که متصل است به دري که از مسجد بسوي خانه امیرالمؤمنین علیه السلام مفتوح مي‌شده پس چهار رکعت نماز کن به حمد و هر سوره که خواستی از قرآن و چون فارغ شدي تسبیح کن پس بگو اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ

* * * * *

درود فرست بر محمد

وَالْاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَقْضِ حَاجَتِي يَا اَللهُ، يَا مَنْ لَا يَخِيْبُ سَآئِلُهُ، وَلَا يَنْفَدُ
و آل محمد و حاجتم را برآور اي خدا اي که نااميد نشود درخواست کننده‌اش و تمام نشود
نَآئِلُهُ يَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ، يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ، يَا رَبَّ الْاَرْضَيْنِ
عطایش اي برآورنده حاجات اي اجابت کننده دعاها اي پروردگار زمینها
وَالسَّمَوَاتِ، يَا كَاشِفَ الْكُرْبَاتِ، يَا وَاسِعَ الْعَطِيَّاتِ، يَا دَافِعَ الثَّقَمَاتِ،
و آسمانها اي برطرف کننده گرفتاریها اي که عطاهايت وسیع است اي دفع کننده بلاها
يَا مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ حَسَنَاتٍ، عُدُّ عَلَيَّ بِطَوْلِكَ وَفَضْلِكَ وَإِحْسَانِكَ،
اي تبدیل کننده بدیها به خوبیها بازگرد بر من به نعمت و فضل و احسان خودت
وَاسْتَجِبْ دُعَائِي فِيمَا سَأَلْتُكَ وَطَلَبْتُ مِنْكَ، بِحَقِّ نَبِيِّكَ وَوَصِيِّكَ
و مستجاب کن دعایم را در آنچه از تو درخواست کنم و از تو می‌خواهم به حق پیامبرت و وصیت
وَأَوَّلِيَّائِكَ الصَّالِحِينَ × صفت نماز دیگر در این مقام و آن دو رکعت است همین
و دوستان شایسته‌ات * * * * *

که فارغ شدي و تسبیح کردی پس بگو: اَللّٰهُمَّ اِنِّي حَلَلْتُ بِسَاحَتِكَ لِعِلْمِي
* * * * * خدايا من فرود آمدم به آستانت چون علم دارم
بِوَحْدَانِيَّتِكَ وَصَمْدَانِيَّتِكَ، وَآلَهُ لَا قَادِرَ عَلَيَّ قَضَاءِ حَاجَتِي غَيْرُكَ،
به یگانگی و بی‌نیازی تو و اینکه کسی جز تو قادر به برآوردن حاجتم نیست
وَقَدْ عَلِمْتُ يَا رَبَّ اَنَّهُ كُلَّمَا شَاهَدْتُ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ، اشْتَدَّتْ فَاَقْتِي
و به خوبی دانسته‌ام اي پروردگار من که هر اندازه نعمت را در خود دریابم نیاز و احتیاجم به تو بیشتر می‌گردد
إِلَيْكَ، وَقَدْ طَرَفَنِي يَا رَبِّ مِنْ مُّهِمِّ أَمْرِي مَا قَدْ عَرَفْتَهُ، لِأَنَّكَ عَالِمٌ

و اکنون ای پروردگارا بر من فرود آمده پیش آمد مهمی که تو خود می دانی زیرا تو دانایی هستی

غَيْرُ مُعَلِّمٍ، وَأَسْأَلُكَ بِالْأَسْمِ الَّذِي وَضَعْتَهُ عَلَى السَّمَوَاتِ فَائْتَشَقْتُ،

بدون معلم و از تو خواهم بدان اسمی که نهادی آنرا بر آسمانها و آنها از هم جدا شد

وَعَلَى الْأَرْضَيْنِ فَابْسِطْتُ، وَعَلَى الْجُجُومِ فَانْتَشَرْتُ، وَعَلَى الْجِبَالِ

و بر زمینها و آنها پهن شد و بر ستارگان و آنها پراکنده گشت و بر کوهها

فَاسْتَقَرْتُ، وَأَسْأَلُكَ بِالْأَسْمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ عِنْدَ مُحَمَّدٍ وَعِنْدَ عَلِيٍّ،

و آنها پابرجا شدند و از تو خواهم بدان نامی که به ودیعت نهادی آنرا نزد محمد و نزد علی

وَعِنْدَ الْحَسَنِ وَعِنْدَ الْحُسَيْنِ، وَعِنْدَ الْأَئِمَّةِ كُلِّهِمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ

و نزد حسن و نزد حسین و نزد همگی امامان - که درودهای تو بر همگی ایشان باد - (از تو خواهم)

أَجْمَعِينَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُقْضِيَ لِي يَا رَبِّ

که درود فرستی بر محمد و آل محمد و بر آوری پروردگارا

حَاجَتِي، وَتُسَيِّرَ عَسِيرَهَا وَتَكْفِينِي مُهِمَّهَا، وَتَفْتَحَ لِي قُفْلَهَا، فَإِنَّ

حاجتم را و آسان گردانی دشواریش را و کفایت کنی مهم آنرا و باز کنی قفل آنرا

فَعَلْتَ ذَلِكَ فَفَلَكَ الْحَمْدُ، وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَفَلَكَ الْحَمْدُ غَيْرُ جَائِرٍ فِي

پس اگر چنین کردی ستایش تو را است و اگر هم نکردی (بازهم) ستایش تو را است که ستم نکرده ای

حُكْمِكَ، وَلَا حَائِفٍ فِي عَذْلِكَ، پس می گذاری طرف راست رو را بر زمین و می گوئی

در حکم خود و نه خلاfi انجام داده ای در عدالتت * * * * *

* * * * *

اللَّهُمَّ إِنَّ يُونُسَ بْنَ مَتَّى عَلَيْهِ السَّلَامُ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ، دَعَاكَ فِي بَطْنِ الْحُوتِ

خدایا همانا یونس بن متی بنده تو و پیامبرت بود که تو را در شکم ماهی خواند و تو

فَاسْتَجَبْتَ لَهُ، وَأَنَا أَدْعُوكَ فَاسْتَجِبْ لِي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، و دعا

اجابتش کردی و من نیز تو را می خوانم پس اجابت کن به حق محمد و آل محمد * * *

کن به آنچه می خواهی پس طرف چپ را بگذار و بگو: اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَمَرْتَ بِالْدُّعَاءِ وَتَكَفَّلْتَ

* * * * * خدایا تو دستور دادی به دعا

کردن و اجابتش

تو را دیدار کنم که براستی تو به هر چیز توانایی خدایا هرکس بد مرا بخواهد تو بدش را بخواه و هرکه
 کادنی فکده، وَمَنْ بَغَانِي بِهَلَكَةٍ فَأَهْلِكْهُ، وَكَفِّنِي مَا أَهَمَّنِي مِمَّنْ
 نقشه برایم کشد تو درباره اش چنان کن و هرکه آرزوی نابودی مرا دارد نابودش کن و کفایت کن آنچه به اندوهم انداخته
 دَخَلَ هَمُّهُ عَلَيَّ، اَللّٰهُمَّ اَدْخِلْنِيْ فِيْ دِرْعِكَ الْحَصِيْنَةِ، وَاسْتُرْنِيْ
 از کسی که اندوهش بر من افتاده خدایا درآور مرا در میان زره محکمت و بیوشانم به پوشش
 بِسِتْرِكَ الْوَاقِي، يَا مَنْ يَكْفِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ، اِكْفِنِيْ
 حفظکننده ات که کفایت کند از هر چیز و چیزی از او کفایت نکند
 مَا أَهَمَّنِيْ مِنْ اَمْرِ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ، وَصَدِّقْ قَوْلِيْ وَفِعْلِي، يَا شَفِيْقُ يَا
 کفایت کن آنچه مرا به اندوه انداخته از کار دنیا و آخرتم راست درآور گفتار و کردارم را ای مهرورز ای
 رَفِيْقُ، فَرِّجْ عَنِّي الْمَضِيْقَ، وَلَا تُحَمِّلْنِيْ مَا لَا اُطِيْقُ، اَللّٰهُمَّ اَحْرُسْنِيْ
 یار مهربان بگشا از من این گناه را و بارم مکن چیزی که تابش را ندارم خدایا نگهدارم
 بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ، وَارْحَمْنِيْ بِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ، يَا
 به آن دیده ات که خواب ندارد و رحم کن به قدرتت بر من ای مهربانترین مهربانان ای
 عَلِيُّ يَا عَظِيْمُ، اَنْتَ عَالِمٌ بِحَاجَتِيْ وَعَلِي قَضَائِهَا قَدِيْرٌ، وَهِيَ لَدَيْكَ
 والا ای بزرگ تو دانایی به حاجتم و تو توانایی به برآوردن آن و آن در نزد تو
 يَسِيْرٌ، وَ اَنَا اِلَيْكَ فَقِيْرٌ، فَمَنْ بِهَا عَلَيَّ يَا كَرِيْمُ، اِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ
 آسان است و من هم نیازمند درگاه توام پس بوسیله آن بر من منت نه ای بزرگوار که براستی تو بر هر چیز توانایی
 پس به سجده می روی و می گوئی: اِلٰهِيْ قَدْ عَلِمْتَ حَوَائِجِيْ فَصَلِّ عَلَيَّ
 * * * * * خدایا تو می دانی حاجتم را پس درود فرست بر
 مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَقْضِهَا، وَقَدْ اَحْصَيْتَ دُنُوْبِيْ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ
 محمد و آل محمد و آنها را برآور و تو گناهانم را برشمرده ای پس درود فرست بر محمد
 وَاٰلِهِ، وَاغْفِرْهَا يَا كَرِيْمُ پس بر زمین می گذاری طرف راست روی خود را و می گوئی
 * * * * * و آتش و گناهانم را بیا مرز ای بزرگوار
 * * * * *
 اِنْ كُنْتُ بِئْسَ الْعَبْدُ فَانْتَ نِعَمَ الرَّبِّ، افْعَلْ بِيْ مَا اَنْتَ اٰهْلُهُ، وَلَا تَفْعَلْ

اگر من بد بنده‌ای هستم پس تو خوب پروردگاری هستی انجام ده درباره من آنچه را تو شایسته آنی و مکن با من

بی ما انا اهلُهُ، یا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. پس بر زمین می‌گذاری طرف چپ روی خود را

آنچه را من سزاوار آنم ای مهربانترین مهربانان * * * * *

و می گوئی: اللَّهُمَّ إِنَّ عَظْمَ الذَّنْبِ مِنْ عَبْدِكَ، فَلْيَحْسُنِ الْعَفْوَ مِنْ عِنْدِكَ

* * * * * خدایا اگر بزرگ است گناه از بنده‌ات باید نیکو باشد گذشت از نزد تو

یا کریمُ پس پیشانی را بر زمین می‌گذاری و می‌گوئی: اِرْحَمْ مَنْ اَسَاءَ وَاَقْتَرَفَ،

ای بزرگوار * * * * * رحم کن به کسی که بدی کرده و دست به جنایت زده

وَأَسْتَكَانَ وَاَعْتَرَفَ. مؤلف گوید: که این دعا تا وَاغْفِرْهَا یا کریمُ همان

و به حال درماندگی افتاده و اعتراف دارد * * * * *

دعائی است که در مزار قدیم در اعمال صحن مسجد سهله در مقام امام زین العابدین علیه السلام نقل شده .

اعمال محراب امیرالمؤمنین علیه السلام پس نماز کن در مکانی که ضربت زدند در آنجا حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

را دو رکعت بحمد و سوره و هرگاه که سلام دادی و تسبیح کردی پس بگو: یا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَسَتَرَ

* * * * * ای که آشکار سازد کار خوب را و پپوشاند

الْقَبِيحَ، یا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ بِالْجَرِيرَةِ وَلَمْ يَهْتِكِ السُّتْرَ وَالسَّرِيرَةَ، یا عَظِيمَ الْعَفْوَ،

عمل زشت را ای که نگیرد (کسی را) به جنایت و ندرد پرده و درون را ای بزرگ گذشت

یا حَسَنَ التَّجَاوُزِ، یا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ، یا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ، یا صَاحِبَ كُلِّ

ای نیکو درگذر ای پهناور آمرزش ای گسترده هر دو دست خود به رحمت ای در نزد هر

نَجْوِي، یا مُنْتَهِي كُلِّ شَكْوِي، یا كَرِيمَ الصَّفْحِ، یا عَظِيمَ الرَّجَاءِ، یا

راز ای سرحد نهایی هر شکوه ای بزرگوار چشم‌پوش ای بزرگ مایه امید ای

سَيِّدِي صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْعَلْ بِي مَا أَتَتْ أَهْلُهُ یا كَرِيمُ

آقای من درود فرست بر محمد و آل محمد و انجام ده درباره من آنچه را تو شایسته آنی ای بزرگوار

مناجات حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ الْاَمَانَ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُوْنَ، اِلَّا مَنْ اَتَى اللّٰهَ
خدایا از تو امان خواهم در آن روزی که سود ندهد کسی را نه مال و نه فرزندان مگر آن کس که
بِقَلْبٍ سَلِيْمٍ، وَاسْئَلُكَ الْاَمَانَ يَوْمَ يَعْصُ الظّٰلِمُ عَلٰی يَدَيْهِ، يَقُوْلُ يَا
دلی پاک به نزد خدا آورد و از تو امان خواهم در آن روزی که بگزد شخص ستمکار هر دو دست خود را و گوید ای
لَيْتَنِيْ اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُوْلِ سَبِيْلًا، وَاسْئَلُكَ الْاَمَانَ يَوْمَ يَعْرِفُ
کاش گرفته بودم با پیامبر راهی و از تو امان خواهم در روزی که شناخته شوند
الْمُجْرِمُوْنَ بِسِيْمَاهُمْ، فَيُوْخَذُ بِالْاَنْوَاصِ وَالْاَقْدَامِ، وَاسْئَلُكَ الْاَمَانَ
جنایتکاران به سیما و رخساره‌شان و بگیرندشان به پیشانیها و قدمها و از تو امان خواهم
يَوْمَ لَا يَجْزِيْ وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ، وَلَا مَوْلُوْدٌ هُوَ جَاْزٍ عَنْ وَالِدِهِ شَيْئًا، اِنْ
در آن روزی که کیفر نبیند پدری بجای فرزندش و نه فرزند کیفر شود بجای پدرش براسی
وَعَدَ اللّٰهُ حَقًّا، وَاسْئَلُكَ الْاَمَانَ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظّٰلِمِيْنَ مَعْذِرَتُهُمْ، وَلَهُمْ
وعده خدا حق است و از تو امان خواهم در آن روزی که سود ندهد ستمکاران را عذرخواهی‌شان و بر ایشان است
الْلَعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدّٰرِ، وَاسْئَلُكَ الْاَمَانَ يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِّنَفْسٍ
لعنت و ایشان را است بدی آن سرائی و از تو امان خواهم در روزی که مالک نیست کسی برای کسی دیگر
شَيْئًا وَالْاَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلّٰهِ، وَاسْئَلُكَ الْاَمَانَ يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ اَخِيْهِ، وَامُّهُ
چیزی را و کار در آن روز بدست خدا است و از تو خواهم امان در آن روزی که بگریزد انسان از برادر و مادر
وَاَبِيْهِ، وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيْهِ، لِكُلِّ اَمْرٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيْهِ،
و پدر و همسر و فرزندانش برای هرکس از ایشان در آن روز کاری است که (فقط) بدان پردازد
وَاسْئَلُكَ الْاَمَانَ يَوْمَ يُوْذُ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِيْ مِنْ عَذَابٍ يَوْمَئِذٍ بِبَنِيْهِ،
و از تو خواهم امان در آن روزی که شخص جنایتکار دوست دارد که فدا دهد از عذاب آن روز پسرانش
وَصَاحِبَتِهِ وَآخِيْهِ، وَفَصِيْلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيْهِ، وَمَنْ فِي الْاَرْضِ جَمِيْعًا نَّمَّ
و همسرش و برادرش و خویشاوندانش که او را در پناه گیرند و هر که در زمین هست یکسره که بلکه
يُنْجِيْهِ، كَلَّا اِنَّهَا لَطِيْ نَزَّاعَةٌ لِّلشَّوْيِ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، اَنْتَ الْمَوْلٰى
او را نجات دهد، هرگز که جهنم آتشی است سوزان که پوست از سر بکند مولای من... تویی سرور
وَ اَنَا الْعَبْدُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْعَبْدَ اِلَّا الْمَوْلٰى، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ اَنْتَ

و منم بنده و آيا رحم کند بر بنده جز سرور او مولاي من اي مولاي من توي
الْمَالِكُ وَأَنَا الْمَمْلُوكُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَمْلُوكُ إِلَّا الْمَالِكُ، مَوْلَايَ يَا
مالك و منم مملوك و آيا رحم کند بر مملوك جز مالك مولاي من اي
مَوْلَايَ، أَنْتَ الْعَزِيزُ وَأَنَا الذَّلِيلُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الذَّلِيلَ إِلَّا الْعَزِيزُ،
مولاي من توي عزتمند و منم خوار و ذليل و آيا رحم کند بر شخص خوار جز عزيز
مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الْخَالِقُ وَأَنَا الْمَخْلُوقُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَخْلُوقَ
مولاي من اي مولاي من توي آفریدگار و منم آفریده و آيا رحم کند بر آفریده
إِلَّا الْخَالِقُ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْعَظِيمُ وَأَنَا الْحَقِيرُ، وَهَلْ يَرْحَمُ
جز آفریدگار مولاي من اي مولاي من توي بزرگ و منم ناچيز و آيا رحم کند بر
الْحَقِيرَ إِلَّا الْعَظِيمُ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الْقَوِيُّ وَأَنَا الضَّعِيفُ وَهَلْ
ناچيز جز بزرگ مولاي من اي مولاي من توي نیرومند و منم ناتوان و آيا
يَرْحَمُ الضَّعِيفَ إِلَّا الْقَوِيُّ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الْغَنِيُّ وَأَنَا الْفَقِيرُ،
رحم کند بر ناتوان جز نیرومند مولاي من اي مولاي من توي بی نیاز و منم نیازمند
وَهَلْ يَرْحَمُ الْفَقِيرَ إِلَّا الْغَنِيُّ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الْمُعْطِي وَأَنَا
و آيا رحم کند بر نیازمند جز بی نیاز مولاي من اي مولاي من توي عطابخش و منم
السَّائِلُ، وَهَلْ يَرْحَمُ السَّائِلَ إِلَّا الْمُعْطِي، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ
سائل و آيا رحم کند بر سائل جز عطاکننده مولاي من اي مولاي من توي
الْحَيُّ وَأَنَا الْمَيِّتُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَيِّتَ إِلَّا الْحَيُّ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ،
زنده و منم مرده و آيا رحم کند مرده را جز زنده مولاي من اي مولاي من
أَنْتَ الْبَاقِي وَأَنَا الْفَانِي، وَهَلْ يَرْحَمُ الْفَانِي إِلَّا الْبَاقِي، مَوْلَايَ يَا
توي باقي و منم فانی و آيا رحم کند بر فانی جز خدای باقي مولاي من اي
مَوْلَايَ، أَنْتَ الدَّائِمُ وَأَنَا الزَّائِلُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الزَّائِلَ إِلَّا الدَّائِمُ، مَوْلَايَ
مولاي من توي همیشگی و منم زوال پذیر و آيا رحم کند بر زوال پذیر جز خدای همیشگی مولاي من
يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الرَّازِقُ وَأَنَا الْمَرْزُوقُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَرْزُوقَ إِلَّا
اي مولاي من توي روزی ده و منم روزی خور و آيا رحم کند روزی خور را جز

الرَّازِقُ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الْجَوَادُ وَأَنَا الْبَخِيلُ، وَهَلْ يَرْحَمُ
روزي ده مولاي من اي مولاي من توي سخاوتمند و منم بخيل و آيا رحم کند
الْبَخِيلَ إِلَّا الْجَوَادُ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الْمُعَافِي وَأَنَا الْمُتَبَتِّلِي، وَهَلْ
بر بخيل جز سخاوتمند مولاي من اي مولاي من توي عافيت بخش و منم گرفتار و آيا
يَرْحَمُ الْمُتَبَتِّلِي إِلَّا الْمُعَافِي، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الْكَبِيرُ وَأَنَا
رحم کند بر شخص گرفتار جز عافيت بخش مولاي من اي مولاي من توي بزرگ و منم
الصَّغِيرُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الصَّغِيرَ إِلَّا الْكَبِيرُ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ
کوچک و آيا رحم کند بر کوچک جز بزرگ مولاي من اي مولاي من توي
الْهَادِي وَأَنَا الضَّالُّ، وَهَلْ يَرْحَمُ الضَّالَّ إِلَّا الْهَادِي، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ،
راهنما و منم گمراه و آيا رحم کند بر گمراه جز راهنما مولاي من اي مولاي من
أَنْتَ الرَّحْمَنُ وَأَنَا الْمَرْحُومُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَرْحُومَ إِلَّا الرَّحْمَنُ،
توي بخشاینده و منم بخشش پذیر و آيا رحم کند بخشش پذیر را جز بخشاینده
مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ السُّلْطَانُ وَأَنَا الْمُتَمَتِّحُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْمُتَمَتِّحَ
مولاي من اي مولاي من توي سلطان و منم گرفتار آزمایش و آيا رحم کند به بنده گرفتار آزمایش
إِلَّا السُّلْطَانُ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الدَّلِيلُ وَأَنَا الْمُتَحَيِّرُ، وَهَلْ يَرْحَمُ
جز سلطان مولاي من اي مولاي من توي دليل و راهنما و منم متحیر و سرگردان و آيا رحم کند
الْمُتَحَيِّرَ إِلَّا الدَّلِيلَ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الْغَفُورُ وَأَنَا الْمُذْنِبُ، وَهَلْ
سرگردان را جز راهنما مولاي من اي مولاي من توي آمرزنده و منم گنهکار و آيا
يَرْحَمُ الْمُذْنِبَ إِلَّا الْغَفُورُ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الْغَالِبُ وَأَنَا
رحم کند گنهکار را جز آمرزنده مولاي من اي مولاي من توي غالب و منم
الْمَغْلُوبُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَغْلُوبَ إِلَّا الْغَالِبُ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ
مغلوب و آيا رحم کند بر مغلوب جز غالب مولاي من اي مولاي من توي
الرَّبُّ وَأَنَا الْمَرْبُوبُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَرْبُوبَ إِلَّا الرَّبُّ، مَوْلَايَ يَا
پروردگار و منم پروریده و آيا رحم کند پروریده را جز پروردگار مولاي من
مَوْلَايَ، أَنْتَ الْمُتَكَبِّرُ وَأَنَا الْخَاشِعُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْخَاشِعَ إِلَّا الْمُتَكَبِّرُ،

ای مولای من تویی خدای با کبریا و بزرگمنش و منم بنده فروتن و آیا رحم کند بر فروتن جز خدای بزرگمنش

مَوْلَايَا مَوْلَايَا، اِرْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ، وَارْضَ عَنِّي بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ

مولای من ای مولای من به من رحم کن به رحمت خود و خوشنود شو از من به جود و کرم

وَفَضْلِكَ، يَا ذَا الْجُودِ وَالْإِحْسَانِ، وَالطَّوْلِ وَالْأَمْنَانِ، بِرَحْمَتِكَ يَا

و فضل خود ای صاحب جود و احسان و نعمت و امتنان به رحمت ای

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ × مؤلف گوید: که سید بن طاووس بعد از این مناجات دعاء طولانی از

مهرباترین مهربانان * * * * *

* * * * *

آن حضرت نقل کرده مسمی به دعاء امان مقام را گنجایش ذکر آن نیست و می خوانی نیز در این مقام شریف دعایی را

که در مسجد زید ذکر می کنیم انشاء الله و بدانکه ما در هدیه الزائرین اشاره کردیم به اختلاف در محرابی که محل ضربت

خوردن امیرالمؤمنین علیه السلام است که آیا همین محراب معروفست یا آن محراب متروک و گفتیم که نهایت احتیاط در

آن است که اعمال محراب را در هر دو جا بکنند یا گاهی در معروف و گاهی در متروک .

اعمال دگه حضرت صادق علیه السلام

پس برو بسوی مقام حضرت صادق علیه السلام و آن واقع است در نزدیکی مسلم بن عقیل رضوان الله علیه و آنجا دو

رکعت نماز کن و چون سلام دادی و تسبیح نمودی پس بگو: یا صَانِعُ كُلِّ مَصْنُوعٍ، ویا جَابِرُ كُلِّ

* * * * * ای سازنده هر ساخته و ای جبران کننده هر

کَسِيرٍ، ویا حَاضِرُ كُلِّ مَلَأٍ، ویا شَاهِدُ كُلِّ نَجْوَى، ویا عَالِمُ كُلِّ خَفِيَّةٍ، ویا

شکسته و ای حاضر هر انجمن و ای گواه هر راز و ای دانای هر پنهان و ای حاضری

غَيْرَ غَائِبٍ، ویا قَرِيباً غَيْرَ بَعِيدٍ، ویا مُؤْنِسَ كُلِّ وَحِيدٍ، ویا حَيّاً

که پنهان نشود و ای غالب شکست ناپذیر و ای نزدیکی که دور نشود و ای همدم هر تنها و ای زنده

حِينَ لَا حَيٍّ غَيْرُهُ، یا مُحْيِيَ الْمَوْتِ وَمُمِيتَ الْأَحْيَاءِ، الْقَائِمَ عَلَيَّ

در آن زمان که زنده ای جز او نبود ای زنده کن مردگان و میراننده زندگان و مراقب هر

كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. پس

کس بدانچه کرده است معبودی نیست جز تو درود فرست بر محمد و آل محمد * *

بخوان هر چه خواهي مؤلف گوید: که ما در پيش از اين گفتيم و در اینجا نيز مي‌گوئيم که در مزار قدیم و مشهور بين مردم در ترتيب اعمال مسجد آنست که بعد از اين مقام بجا مي‌آورند اعمال دکه القضاء و بيت الطشت را که ما موافق مصباح الزائر و بحار و ديگران بعد از اعمال ستون چهارم نقل کردیم پس اگر خواستی به نحو مشهور عمل نمای رجوع کن به آنجا و اعمال اين دو مقام را بجا آور انشاءالله تعالی .

ذکر نمازي براي حاجت در جامع کوفه

از حضرت صادق عليه السلام روايت است که کسی که دو رکعت نماز گذارد در مسجد کوفه بخواند در هر رکعت حمد و دو قل أعوذ و سوره اخلاص و کافرون و نصر و قدر و سبح اسم ربك الأعلى و چون سلام دهد تسبیح زهراء عليها السلام بگوید پس بطلب از خدا هر حاجتی که بخواهد خدا حاجتش را برآورده و دعایش را مستجاب خواهد فرمود مؤلف گوید که اين ترتيب در سوره‌ها موافق روايت سيد بن طاووس است در مصباح و در روايت شيخ طوسي در آمالي سوره قدر بعد از سبح اسم است و شايد ترتيب در آنها لازم نباشد همين قدر بايد بعد از حمد اين هفت سوره را خواند وَاللَّهُ الْعَالِمُ .

زيارت جناب مسلم بن عقيل قدس الله روحه و نور ضريحه

چون از اعمال مسجد کوفه فارغ شدي برو بسوي قبر مسلم بن عقيل رضوان الله عليه و بهايست نزد او و بگو :

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمَلِكِ الْحَقِّ الْمُبِينِ، الْمُتَصَاغِرِ لِعَظَمَتِهِ جَبَابِرَةُ الطَّاعِينَ، الْمُعْتَرِفِ

ستايش از آن خدای پادشاه برحق آشکار آنکه کوچک کردند در برابر عظمتش گردن‌کشان سرکش و آنکس که اعتراف دارند

رَبُّوْبِيَّتِهِ جَمِيعُ أَهْلِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ الْمُقَرَّرِ بِتَوْحِيدِهِ سَائِرُ الْخَلْقِ

به پروردگارش همه اهل آسمانها و زمينها و اقرار دارند بيگانگيش همه مخلوقات به تمامي

أَجْمَعِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَي سَيِّدِ الْأَنَامِ، وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْكَرَامِ، صَلَوةً تَقَرُّ بِهَا أَعْيُنُهُمْ،

و درود خدا بر آقاي تمامي بشر و خاندان گراميش درودي که روشن گردد بدان دیدگانشان

وَيَرْغَمُ بِهَا أَنْفُ شَانَتِهِمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْأَنْسِ أَجْمَعِينَ، سَلَامُ اللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ،

و به خاک مالیده شود بدان بينی بدگويشان از جن و انس همگي سلام خدای والاي بزرگ

وَسَلَامٌ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَنْبِيَآئِهِ الْمُرْسَلِينَ، وَائِمَّتِهِ الْمُتَنَجِّبِينَ، وَعِبَادِهِ

و سلام فرشتگان مقربش و پيبران مرسلش و پيشوايان برگزيده‌اش و بندگان

الصَّالِحِينَ، وَجَمِيعَ الشُّهَدَاءِ وَالصَّادِقِينَ، وَالزَّكَايَاتِ الطَّيِّبَاتِ فِيمَا
شايسته‌اش و همه شهيدان و راستگويان و درودهاي پاكيزه و پاك در
تَعْتَدِي وَتَرُوحُ عَلَيْكَ يَا مُسْلِمَ بْنَ عَقِيلِ بْنِ أَبِيطَالِبٍ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ
بامداد و پسين بر تو اي مسلم بن عقيـل بن ابيطالب و رحمت خدا
وَبَرَكَاتُهُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ
و بركاتش گواهي دهم كه براسـتى تو برپا داشتـى نماز را و بدادي زكات را و امر كردي
بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، وَقَتَلْتَ
به معروف (كار نيك) و نهي كردي از منكر (كار زشت) و جهاد كردي در راه خدا
عَلَى مِثْلِهَا الْمُجَاهِدِينَ فِي سَبِيلِهِ، حَتَّى لَقِيتَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَهُوَ
آنطور كه شايد و كشته شدي بر راه جهادكنندگان در راه خدا تا اينكه خدای عزوجل را ديدار كردي در حالـي كه او
عَنْكَ رَاضٍ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَقَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ، وَبَذَلْتَ نَفْسَكَ فِي فُصْرَةٍ
از تو خوشنود بود و گواهي دهم كه تو براسـتى وفا كردي به پيمان خدا و بدادي جان خود را در ياري
حُجَّةِ اللَّهِ وَأَبْنِ حُجَّتِهِ، حَتَّى آتَيْتَ الْيَقِينَ، أَشْهَدُ لَكَ بِالتَّسْلِيمِ وَالْوَفَاءِ،
حجت و فرزند حجت خدا تا اينكه مرگ به سراغت آمد گواهي دهم براي تو به اينكه تسليم گشتی و وفاداري
والتَّصِيحَةَ لِخَلْفِ النَّبِيِّ الْمُرْسَلِ، وَالسَّبْطِ الْمُتَّجِبِ، وَالذَّلِيلِ الْعَالِمِ،
و خيرخواهي كردي براي يادگار پيـمـبر مرسل و آن سبط (نوه) برگزيده و راهنماي دانشمند
وَالْوَصِيِّ الْمُبْلَغِ، وَالْمَظْلُومِ الْمُهْتَظَمِ، فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنْ رَسُولِهِ وَعَنْ
و وصي تبليغ كننده و آن ستمديده‌اي كه حقش را پايـمال كردند پس خداوند پاداش دهد تو را از جانب پيامبرش و از
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَعَنْ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، أَفْضَلَ الْجَزَاءِ بِمَا صَبَرْتَ
امير مؤمنان و از حسن و حسين بهترين پاداشها را به خاطر آن بردباري
وَاحْتَسَبْتَ وَأَعْنَتَ، فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ
و پاداش جويي و كمكي كه كردي و چه خوب است خانه سرانجام تو خدا لعنت كند كسي كه تورا كشت و خدا لعنت كند
كسي كه
أَمَرَ بِقَتْلِكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ افْتَرَى عَلَيْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ

دستور داد به کشتنت و خدا لعنت کند کسی که به تو ستم کرد و خدا لعنت کند کسی را که بر تو دروغ بست و خدا لعنت کند

مَنْ جَهِلَ حَقَّكَ، وَاسْتَحَفَّ بِحُرْمَتِكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ بَايَعَكَ وَغَشَّكَ،

کسی که نادانی کرد در حق تو و سبک شمرد حرمت تو را و خدا لعنت کند کسی که با تو بیعت کرد و فریبت داد وَكَذَلِكَ وَاسْلَمَكَ، وَمَنْ أَلَبَّ عَلَيْكَ وَمَنْ لَمْ يُعِنِكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي و دست از یاریت برداشته تو را تسلیم دشمن کرد و آنکه دشمن را بر علیه تو شوراند و کمکت نکرد ستایش خدایی را که جَعَلَ النَّارَ مَثْوِيَهُمْ وَيَبْسُ الْوَرْدُ الْمَوْرُودُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَتَلْتَ مَظْلُومًا،

دوزخ را جایگاه ایشان قرار داد و بد جایگاهی است برای واردین گواهی دهم که برستی تو مظلوم کشته شدی وَأَنَّ اللَّهَ مُنْجِزُ لَكُمْ مَا وَعَدَكُمْ، جِئْتُكَ زَائِرًا عَارِفًا بِحَقِّكُمْ، مُسَلِّمًا لَكُمْ، و حتماً خداوند وفا کند به آن وعده‌ای که به شما داده است آمده‌ام به درگاهت برای زیارت و شناسایم به حق شما و تسلیم شما

تَابِعًا لِسُنَّتِكُمْ، وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ

و پیرو طریقه و روش شما هستم و یاریم برای شما آماده است تا اینکه خدا حکم فرماید و او بهترین

الْحَاكِمِينَ، فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَامَعَ عَدُوُّكُمْ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، وَعَلَى

حکم‌کنندگان است پس با شمایم با شما نه با دشمن شما دروذهای خدا بر شما و بر

أَرْوَاحِكُمْ وَأَجْسَادِكُمْ، وَشَاهِدِكُمْ وَغَائِبِكُمْ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ

ارواحتان و بر اجسادشان و بر حاضر و غایبتان و سلام بر شما و رحمت خدا و

وَبَرَكَاتُهُ، قَتَلَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلْتُمْ بِالْأَيْدِي وَاللِّسَنِ. و در مزار کبیر این

برکاتش، بکشد خدا آن مردمی که شما را کشتند بوسیله دستها و زبانهاشان * * * * *

کلمات را بمنزله اذن دخول قرارداده و گفته پس داخل شو و پچسبان خود را به قبر و به روایت سابقه است که اشاره

* * * * *
* * * * *

کن به ضریح آنجناب و بگو السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ، الْمُطِيعُ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ

* * * * * سلام بر تو ای بنده شایسته پیرو خدا و رسولش

وَلِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَى

و امیرمؤمنان و حسن و حسین علیهم السلام ستایش برای خدا است و سلام بر بندگان
عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى مُحَمَّدٌ وَآلِهِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ
برگزیده خدا (یعنی) محمد و آل او و سلام بر شما و رحمت خدا و برکاتش
وَمَغْفِرَتُهُ، وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَيَّ مَامُضِي عَلَيْهِ
و آمرزشش و بر روح تو و بدنت گواهی دهم که تو برستی برفتی بر همان راهی که رفتند بر آن
الْبُدْرِيُّونَ، الْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، الْمُبَالِغُونَ فِي جِهَادِ أَعْدَائِهِ، وَنُصْرَةِ
جنگجویان بدر آن جهادکنندگان در راه خدا و کوششکنندگان در پیکار دشمنان خدا و یاری
أَوْلِيَائِهِ، فَجَزَاكَ اللَّهُ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ، وَكَثَرَ الْجَزَاءِ، وَأَوْفَرَ جَزَاءٍ أَحَدٍ
دوستانش پس خدایت پاداش دهد بهترین پاداش و بیشترین پاداش و شایانترین پاداش هر کدامیک
مِمَّنْ وَفَى بَبَيْعَتِهِ، وَاسْتَجَابَ لَهُ دَعْوَتُهُ، وَأَطَاعَ وِلَاةَ أَمْرِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ
از آنها که وفا کرد به بیعتش و پاسخ داد به دعوتش و پیروی کرد از زمامداران فرمانش گواهی دهم که تو
قَدْ بَالَعْتَ فِي النَّصِيحَةِ، وَأَعْطَيْتَ غَايَةَ الْمَجْهُودِ، حَتَّى بَعَثَكَ اللَّهُ فِي
کوتاهی نکردی در خیرخواهی و حد اعلای کوشش را کردی تا اینکه خداوند تو را برانگیخت در زمره
الشُّهَدَاءِ، وَجَعَلَ رُوحَكَ مَعَ أَرْوَاحِ السُّعَدَاءِ، وَأَعْطَاكَ مِنْ جَنَّاتِهِ
شهیدان و قرار داد روح تو را با ارواح نیکبختان و بداد به تو از بهشتش
أَفْسَحَهَا مَنَزَلًا، وَأَفْضَلَهَا غُرَفًا، وَرَفَعَ ذِكْرَكَ فِي الْعَالَمِينَ، وَحَشَرَكَ مَعَ
وسیعترین منزها و بهترین غرفهها را و بالا برد نامت را در جایگاههای بلند و تو را محشور کرد با
النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، وَحَسَنَ أَوَّلِيكَ رَفِيقًا،
پیمبران و صدیقان و شهیدان و شایستگان و چه نیکو رفیقانی هستند
أَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تَهِنْ وَلَمْ تُنْكَلْ، وَأَنَّكَ قَدْ مَضَيْتَ عَلَيَّ بِصِيرَةٍ مِنْ
گواهی دهم که برستی تو سستی نکردی و کُندی نورزیدی و با بینایی کامل در
أَمْرِكَ، مُقْتَدِيًا بِالصَّالِحِينَ، وَمُتَّبِعًا لِلنَّبِيِّينَ، فَجَمَعَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ،
کار خویش گام برداشتی به شایستگان اقتداء کردی و از پیمبران پیروی نمودی پس خدا گرد آورد میان ما و تو
وَبَيْنَ رَسُولِهِ وَأَوْلِيَائِهِ فِي مَنَازِلِ الْمُحِبِّينَ، فَإِنَّهُ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ .
و میان پیامبر و دوستانش در منزلگاههای بندگان فروتن او که برستی او مهربانترین مهربانان است

پس نماز کن دو رکعت در طرف سر و آنرا هدیه آنجناب کن پس بگو اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی

* * * * *

خدایا درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلَا تَدْعُ لِيْ ذُبًّا، و این همان دعائی است که در حرم

محمد و آل محمد و بجا نگذار برایم گناهی * * * * *

* * * * *

حضرت عباس علیه السلام خوانده می شود و بیاید ذکرش و اگر خواستی وداع کنی جناب مسلم را بخوان همان وداعی

که در زیارت جناب عباس علیه السلام ذکر می شود

زیارت هانی بن عروۀ رحمة الله و رضوائه علیه

می ایستی در نزد قبر او و سلام می کنی به رسول خدا صلی الله علیه و آله و می گوئی: سَلَامُ اللهِ الْعَظِيمِ وَصَلَوَاتُهُ

* * * * * سلام خدای

بزرگ و درودهایش

عَلَيْكَ يَا هَانِيَّ بْنَ عُرْوَةَ، اَلْسَلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ النَّاصِحُ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ

بر تو ای هانی فرزند عروۀ سلام بر تو ای بنده شایسته خیرخواه خدا و رسول او

وَلِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قُتِلْتَ مَظْلُومًا،

و امیر مؤمنان و حسن و حسین علیهم السلام گواهی دهم که تو براسستی مظلوم کشته شدی خدا

فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَاسْتَحَلَّ دَمَكَ، وَحَشَى قَبُورَهُمْ نَارًا، أَشْهَدُ أَنَّكَ لَقِيتَ اللَّهَ

لعنت کند کسی که تو را کشت و خونت را حلال دانسته و پر کند گورشان را از آتش گواهی دهم که تو دیدار کردی

خدا را

وَهُوَ رَاضٍ عَنْكَ بِمَا فَعَلْتَ وَنَصَحْتَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ دَرَجَةَ الشُّهَدَاءِ،

در حالی که از تو خوشنود بود بدان کاری که کردی و برای خیرخواهیت و گواهی دهم که تو رسیدی به درجه

شهیدان

وَجُعِلَ رُوحُكَ مَعَ أَرْوَاحِ السُّعَدَاءِ، بِمَا نَصَحْتَ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ مُجْتَهِدًا، وَبَذَلْتَ

و قرار گرفت روح تو با ارواح خوشبختان به خاطر آن خیرخواهی که برای خدا و رسولش کردی و کوششت و بذل

جانت

نَفْسَكَ فِي ذَاتِ اللَّهِ وَمَرْضَاتِهِ، فَرَحِمَكَ اللَّهُ وَرَضِيَ عَنْكَ، وَحَشَرَكَ مَعَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

درباره خدا و خوشنودی خدا و خدایت رحمت کند و از تو خوشنود گردد و تو را با محمد و آل الطاهرين، وَجَمَعَنَا وَإِيَّاكُمْ مَعَهُمْ فِي دَارِ التَّعِيمِ، وَسَلَامٌ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ .

پاکش محشور گرداند و گردآورد ما و شما را با ایشان در خانه نعمت و سلام بر تو و رحمت خدا و برکاتش پس دو رکعت نماز کن و هدیه کن آنرا به روح هانی و دعا کن از برای خود به آنچه می خواهی و وداع کن او را به آنچه در وداع مسلم می گفتی .

فصل ششم

در فضیلت و اعمال مسجد سهله و اعمال مسجد زید و صَعَصَعَه

بدانکه بعد از مسجد کبیر کوفه مسجدی به فضیلت مسجد سهله در آن عرصه نیست و آن خانه حضرت ادریس علیه السلام و حضرت ابراهیم و محل ورود حضرت خضر علیه السلام و مسکن آن حضرت است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که به ابوبصیر فرمود ای ابو محمد گویا من می بینم حضرت صاحب الامر علیه السلام در مسجد سهله فرود آید با اهل و عیالش و منزل آن حضرت باشد و حق تعالی هیچ پیغمبری نفرستاده است مگر آنکه در آن مسجد نماز کرده است و هر که در آن مسجد اقامت نماید چنانست که در خیمه رسول خدا صلی الله علیه و آله اقامت نموده است و هیچ مرد و زن مؤمنی نیست مگر آنکه دلش مایلست بسوی آن مسجد و در آن مسجد سنگی است که در آن صورت هر پیغمبری هست و هیچکس با نیت صادقه نماز و دعا نمی کند در آن مسجد مگر آنکه برمی گردد با حاجت برآمده شده و هیچکس در آن مسجد امان نمی طلبد مگر آنکه امان می یابد از هر چه که می ترسد گفتیم فضیلت این است که از برای این مسجد است حضرت فرمود زیادتیر بگویم از برای عرض کردم بلی فرمود که آن از جمله بقعه هائی است که خدا دوست می دارد که او را در آنها بخوانند و هیچ شب و روزی نیست مگر آنکه ملائکه می آیند به زیارت آن مسجد و عبادت می کنند خدا را در آن پس فرمود که اگر من نزدیک می بودم به شما همه نماز را در آن مسجد می کردم پس فرمود که ای ابا محمد آنچه وصف نکردم از فضیلت این مسجد بیشتر از آن است که گفتم من عرض کردم فدایت شوم و حضرت قائم علیه السلام همیشه در آن مسجد خواهد بود فرمود بلی الخ

و اما اعمال مسجد سهله

پس دو رکعت نماز میان شام و خفتن سنت است از حضرت صادق علیه السلام مروی است که هر غمناکی که چنین کند و دعا کند حق تعالی غمش را زایل کند و از بعض کتب مزاریه نقل شده که چون خواستی داخل مسجد شوی بایست

نزد در و بگو: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَمِنْ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ، وَمَا شَاءَ اللَّهُ وَخَيْرُ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ،
 * * * * * به نام خدا و به ذات خدا و از جانب خدا و بسوی خدا و آنچه خدا خواهد و بهترین نامها از

خدا است

تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، اللَّهُمَّ
 توکل کنم بر خدا و نیست جنبش و نیروئی جز به خدای والای بزرگ خدایا
 اجْعَلْنِي مِنْ عُمَّارِ مَسَاجِدِكَ وَبُيُوتِكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِ
 قرار ده مرا از آبادکنندگان مساجد و خانه‌های خدایا من بتو رو کنم بوسیله محمد و آل
 مُحَمَّدٍ، وَأُقَدِّمُهُمْ بَيْنَ يَدَيَّ حَوَائِجِي، فَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ بِهِمْ عِنْدَكَ وَجِيهًا فِي
 محمد و پیش‌اندازم آنها را در جلوی حاجت‌هایم پس قرارم ده خدایا بوسیله ایشان در پیش خود آبرومند در
 الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ صَلَاتِي بِهِمْ مَقْبُولَةً، وَذَنْبَهُمْ
 دنیا و آخرت و از مقربان خدایا قرار ده نمازهایم را بدیشان پذیرفته و گناهم را
 مَغْفُورًا، وَرِزْقِي بِهِمْ مَبْسُوطًا، وَدُعَائِي بِهِمْ مُسْتَجَابًا،
 آمرزیده و روزیم را بدیشان فراخند و دعایم را بدیشان اجابت شده و حاجت‌هایم را
 وَحَوَائِجِي بِهِمْ مَقْضِيَّةً، وَأَنْظُرْ إِلَيَّ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، نَظْرَةَ رَحِيمَةٍ
 بدیشان برآورده و بنگر بمن بروی بزرگوارت نگرستی مهربانانه
 أَسْتَوْجِبُ بِهَا الْكَرَامَةَ عِنْدَكَ، ثُمَّ لَا تَصْرِفْهُ عَنِّي أَبَدًا بِرَحْمَتِكَ يَا
 که سزاوار گردم بدان بزرگوار در پیش تو را سپس آن را از من باز مگردان هرگز به رحمت ای
 أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ، ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ
 مهربانترین مهربانان ای گرداننده دها و دیدگان پابرجا کن دلم را بر دین خود
 وَدِينِ نَبِيِّكَ وَوَلِيِّكَ، وَلَا تُرْغِ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي، وَهَبْ لِي مِنْ
 و دین پیامبرت و نماینده‌ات، منحرف مکن دلم را پس از آنکه هدایت کردی و به بخشش به من از
 لَدُنْكَ رَحْمَةً، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ، اللَّهُمَّ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ، وَمَرْضَاتِكَ
 نزد خویش رحمتی که برستی توئی بخشایشگر خدایا بسوی تو رو کنم و خوشنودی تو
 طَلَبْتُ، وَتَوَابِكَ ابْتَغَيْتُ، وَبِكَ آمَنْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، اللَّهُمَّ فَاقْبَلْ
 را جویم و پاداش نیک تو را خواهانم و به تو ایمان دارم و بر تو توکل کنم خدایا پس روی خود را

بِوَجْهِكَ إِلَيَّ، وَأَقْبَلْ بِوَجْهِهِ إِلَيْكَ. ✕ پس بخوان آیه الکرسی و مُعَوِّذَتَيْنِ را

* * * * * بسویم کن و روی مرا بسوی خود گردان *

و تسبیح کن خدا را هفت مرتبه و تحمید کن هفت مرتبه و تهلیل بگو هفت مرتبه و تکبیر بگو

* * * * *
* * * * *

هفت مرتبه یعنی هر یک از سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ

* * * * * منزّه است خدا و ستایش از خداست و معبودی نیست جز خدا و

خدا بزرگتر است *

را هفت مرتبه بگو پس بگو: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ مَا هَدَيْتَنِي وَلَكَ الْحَمْدُ

* * * * * خدایا از تو است ستایش بخاطر آنکه مرا راهنمایی

کردی و از تو است ستایش

عَلَيَّ مَا فَضَّلْتَنِي، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ مَا شَرَّفْتَنِي وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ كُلِّ

بر آنچه برتریم دادی و از تو است ستایش بر آنکه شرافتم دادی و از تو است ستایش بر هر

بَلَاءٍ حَسَنٍ ابْتَلَيْتَنِي، اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ صَلَوَتِي وَدُعَائِي، وَطَهِّرْ قَلْبِي،

آزمایش نیکویی که مرا بدان آزمودی خدایا بپذیر نمازم را و دعایم را و پاک گردان دلم را

وَأَشْرَحْ لِي صَدْرِي، وَثَبِّبْ عَلَيَّ، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ. و سید بن

* * * بازکن سینهام را و توبه‌ام بپذیر که برآستی تویی توبه‌پذیر مهربان *

طاوس فرموده که چون اراده کردی که به مسجد سهله روی پس ما بین مغرب و عشاء در شب چهارشنبه وارد آن

مسجد شو که افضل اوقات دیگر است پس همانکه وارد شدی نماز مغرب و نافله اش را بجا آور پس بر خیز دو رکعت

نماز تحیت مسجد کن قُرْبَةً إِلَيَّ اللَّهُ و چون فارغ شدی دستها را به سمت آسمان بلند کن و بگو :

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، مُبْدِئُ الْخَلْقِ وَمُعِيدُهُمْ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ،

تویی خدایی که معبودی جز تو نیست آغازنده خلق و بازگرداننده آنها و تویی دایی که معبودی جز تو نیست

آفریننده خلق

خَالِقُ الْخَلْقِ وَرَازِقُهُمْ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْقَابِضُ الْبَاسِطُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا

خ و روزی ده آنها و تویی خدایی که معبودی جز تو نیست برگیرنده و گسترنده‌ای و تویی خدایی که

إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، مُدَبِّرُ الْأُمُورِ، وَبَاعِثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ، أَنْتَ وَارِثُ الْأَرْضِ وَمَنْ

معبودي جز تو نیست تدبیرکننده اموری و برانگیزنده ساکنان در گوری توئی وارث زمین و ساکنان آن از

عَلَيْهَا، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَخْزُونِ الْمَكْنُونِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ

تو خواهم به نامت که در گنجینه و پنهان است ای زنده پاینده و توئی خدائی که معبودی جز

إِلَّا أَنْتَ، عَالِمُ السِّرِّ وَآخِضِي، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ أَجَبْتَ،

تو نیست دانای نهان و نهانتر از تو خواهم بدان نامت که هرگاه بدان تو را خوانند اجابت کنی

وَإِذَا سُئِلْتَ بِهِ أَعْطَيْتَ، وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآهِلِ بَيْتِهِ،

و چون بدان از تو درخواست شود عطا کنی و از تو خواهم به حقی که تو بر محمد و خاندانش داری

وَبِحَقِّهِمُ الَّذِي أَوْجَبَتْهُ عَلَي نَفْسِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

و به حقی که از ایشان بر خود واجب کردی که درود فرستی بر محمد و آل محمد

وَأَنْ تُقْضِيَ لِي حَاجَتِي، السَّاعَةَ السَّاعَةَ، يَا سَامِعَ الدُّعَاءِ، يَا سَيِّدَاهُ

و برآوری حاجتم را همین ساعت همین ساعت ای شنوای دعاء ای آقای من

يَا مَوْلَاهُ يَا غِيَاثَهُ، أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ، أَوْ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ

ای سرور من ای دادرس من، از تو خواهم به هر نامی که خود را بدان نامیدی یا انتخابش کردی آن را

فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُعْجَلَ

در علم غیب نزد خودت که درود فرستی بر محمد و آل محمد و شتاب کنی

فَرَجَنَا السَّاعَةَ، يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ، يَا سَمِيعَ الدُّعَاءِ، پس به

در گشایش ما همین ساعت ای گرداننده دلها و دیده‌ها ای شنوای دعاء * * *

سجده برو و خشوع کن و بخوان خدا را به جهت هر چه که می‌خواهی پس نماز می‌گذاری در گوشه‌ای که طرف

مغرب و شمال است دو رکعت و آن موضع خانه حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام است که از آنجا به جنگ عمالقه رفت

و چون از نماز فارغ شدی تسبیح بکن و پس از آن بگو:

اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذِهِ الْبُقْعَةِ الشَّرِيفَةِ وَبِحَقِّ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهَا، قَدْ عَلِمْتَ

خدایا به حق این بقعه شریفه و به حق هرکس تو را در آن پرستش کرده تو که می‌دانی

حَوَائِجِي، فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَقْضِهَا، وَقَدْ أَحْصَيْتَ

حاجات مرا پس درود فرست بر محمد و آل محمد و حاجاتم را برآور و تو که شماره کرده‌ای

دُئوبی، فَصَلْ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْهَا، اَللّٰهُمَّ اَحْيِنِيْ مَا

گناهانم را پس درود فرست بر محمد و آل محمد و آنها را ببامرز خدایا زنده بدار مرا تا

كَانَتْ الْحَيَاةُ خَيْرًا لِّيْ، وَامْتَنِيْ اِذَا كَانَتْ الْوَفَاةُ خَيْرًا لِّيْ، عَلَي مُوَالَاةٍ

وقتی که زنده بودن برایم بهتر است و بمیرانم وقتی که مرگ برایم بهتر است بر حال دوست داشتن

اَوَّلِيَّائِكَ، وَمُعَادَاةِ اَعْدَائِكَ، وَافْعَلْ بِيْ مَا اَنْتَ اَهْلُهُ، يَا اَرْحَمَ

دوستانت و دشمن داشتن دشمنانت و انجام ده درباره من آنچه را تو شایسته آنی ای مهربانترین

الرَّاحِمِينَ. پس نماز می‌گذاری در گوشه دیگر که در سمت مغرب و قبله است دو رکعت و

مهربانان * * * * *

* * * * *

دستها را بلند می‌کنی و می‌گویی: اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ صَلَّيْتُ هَذِهِ الصَّلَاةَ اِبْتِغَاءً

* * * * * خدایا من این نماز را خواندم به امید بدست

آوردن

مَرْضَاتِكَ وَطَلَبَ نَائِلِكَ، وَرَجَاءَ رِفْدِكَ وَجَوَائِزِكَ، فَصَلْ عَلَي مُحَمَّدٍ

خوشنودیت و به طلب عطایت و به امید دستگیری و جایزه‌هایت پس درود فرست بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَقَبَّلْهَا مِنِّيْ بِاَحْسَنِ قَبُولٍ، وَبَلِّغْنِيْ بِرَحْمَتِكَ الْمَأْمُولَ،

و آل محمد و بپذیر آن را از من به بهترین پذیرفتن و به رحمت خود مرا به آرزویم برسان

وَافْعَلْ بِيْ مَا اَنْتَ اَهْلُهُ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. پس به سجده برو و بگذار دوطرف

* * * * * و انجام ده درباره من آنچه را تو شایسته آنی ای مهربانترین مهربانان * * * * *

صورت را بر خاک پس برو به گوشه‌ای که در طرف مشرق است و دو رکعت نماز گذار و دستها را

* * * * *

* * * * *

بگشا و بگو: اَللّٰهُمَّ اِنْ كَانَتْ الذُّنُوبُ وَالْخَطَايَا قَدْ اَخْلَقَتْ وَجْهِيْ

* * * * * خدایا اگر چنان است که گناهان و خطاها رویم را نز تو فرسوده کرده است

عِنْدَكَ، فَلَمْ تَرْفَعْ لِيْ اِلَيْكَ صَوْتًا، وَلَمْ تَسْتَجِبْ لِيْ دَعْوَةً، فَانِّيْ

و در نتیجه بالا نرود از من بسوی تو آوازی و اجابت نکنی برایم دعائی را پس از تو

أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ، فَإِنَّهُ لَيْسَ مِثْلَكَ أَحَدٌ، وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ،

خواهم به حق خودت ای خدا زیرا نیست مانندت هیچکس و توسل جویم بسویت بوسیله محمد و آلش

وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُقْبَلَ إِلَيَّ بِوَجْهِكَ

و از تو خواهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد و رو کنی بسویم بروی

الْكَرِيمِ، وَتُقْبَلَ بِوَجْهِهِ إِلَيْكَ، وَلَا تُخَيِّبْنِي حِينَ أَدْعُوكَ، وَلَا تَحْرِمْنِي

بزرگواری و بگردانی رویم را بسوی خودت و نومیدم نسازی هنگامی که تو را می‌خوانم و محروم ننمائی

حِينَ أَرْجُوكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. × مؤلف گوید: که از بعض کتب مزاریه

هنگامی که امید به تو دارم ای مهربانترین مهربانان * * * * *

غیر معروفه نقل شده که بعد از آن می‌روی به گوشه دیگر که در طرف مشرق واقع شده و دو

* * * * *
* * * * *

رکعت نماز گذار در آنجا و بگو: اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا اَللّٰهُ، اَنْ تُصَلِّيَ

* * * * * خدا یا از تو می‌خواهم به نامت ای خدا که درود فرستی

عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَ خَيْرَ عُمْرِيْ آخِرَهُ، وَخَيْرَ أَعْمَالِيْ

بر محمد و آل محمد و قرار دهی بهترین دوران عمرم را پایانش و بهترین کارهایم را

خَوَاتِيمَهَا، وَخَيْرَ أَيَّامِيْ يَوْمَ أَلْقَاكَ فِيهِ، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ،

انجامشان و بهترین روزهایم را آن روزی که تو را در آن دیدار کنم که براسستی تو بر هر چیز توانائی

اَللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ دُعَائِيْ، وَاسْمَعْ نَجْوَايَ، يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ، يَا قَادِرُ يَا

خدایا بپذیر دعایم را و بشنو رازم را ای والا ای بزرگ ای توانا ای

قَاهِرُ، يَا حَيُّ لَا يَمُوتُ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاعْفِرْ لِيْ

چیره ای زنده‌ای که هرگز نمیرد درود فرست بر محمد و آل محمد و ببامرز از من

الدُّنُوبَ الَّتِي بَيْنِيْ وَبَيْنَكَ، وَلَا تَقْضِخْنِيْ عَلَيَّ رُؤُوسِ الشُّهَادِ،

گناهانی را که میان من و تو است و رسوایم مکن در حضور مردمان

وَاحْرُسْنِيْ بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ، وَارْحَمْنِيْ بِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ يَا أَرْحَمَ

و پاسداریم کن بدان دیدگاهت که نخوابد و رحم کن به من بدان نیروئی که بر من داری ای مهربانترین

الرَّاحِمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَي سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ، يَا رَبَّ

مهربانان و درود فرست بر آقاي ما محمد و آل پاکش اي پروردگار

الْعَالَمِينَ. × پس نماز مي گذاري در خانه اي که در وسط مسجد است دو رکعت و مي گوئي :

جهانيان * * * * *

* * * * *

يَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ، يَا فَعَّالًا لِمَا يُرِيدُ، يَا مَنْ يَحُولُ

اي که نزديک تر است به من از رگ گردن اي که بخوبي بکند آنچه را خواهد اي که حائل شود

بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَحُلِّ بَيْنَنَا وَبَيْنَ مَنْ يُؤْذِنَا

ميان انسان و دلش درود فرست بر محمد و آلش و حائل شو ميان ما و ميان کسي که ما را بيازارد

بِحَوْلِكَ وَفُؤُوتِكَ، يَا كَافِيَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ، وَلَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ، اِكْفِنَا

به جنبش و نيروي خودت اي که كفايت كني از هر چيز و چيزي از تو كفايت نكند كفايت كن

الْمُهِمَّ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. پس بگذار دو طرف روي

مهم ما را از كار دنيا و آخرت اي مهربانترين مهربانان * * * * *

خود را بر خاک مؤلف گوید که این مکان شریف در این زمان معروف است به مقام امام زين العابدين عليه السلام و در

مزار قدیم نقل کرده که بعد از دو رکعت نماز در این مقام بخواند دعای «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا مَنْ لَا تَرَاهُ الْعُيُونُ» الح و این

دعا در اعمال دکه باب اميرالمؤمنين عليه السلام در مسجد کوفه ذکر شد به آنجا رجوع شود و در نزديک همین مکان

بقعه اي است معروف به مقام مهدي عليه السلام مناسب است زيارت آن حضرت در آن محل شريف و از بعض کتب

مزاريه نقل شده که شايسته است زيارت کنند آن حضرت را در اين محل در حالی که ايستاده باشند به اين زيارت «سَلَامُ

اللَّهِ الْكَامِلُ التَّامُّ الشَّامِلُ» الح و این همان استغاثه اي است که ما در فصل هفتم از باب اول از کلم طيب نقل کردیم ديگر

تکرار نکنیم و سيّد بن طاووس آن را يکي از زيارت سرداب مقدس شمرده بعد از دو رکعت نماز .

ذکر نماز و دعاء در مسجد زید رحمه الله

پس مي روي به مسجد زید که نزديک مسجد سهله است و دو رکعت نماز در آن مي گذاري و دستهارامي گشائي و مي گوئي :

إِلَهِي قَدْ مَدَّ إِلَيْكَ الْخَاطِيءُ الْمُدْنِبُ يَدَيْهِ بِحُسْنِ ظَنِّهِ بِكَ، إِلَهِي قَدْ جَلَسَ

خدایا براستی دراز کرده بدرگاهت بنده خطاپیشه گنهکار دو دست خود را بواسطه خوش گمانیش به تو خدایا نشسته

است

الْمُسِيءُ بَيْنَ يَدَيْكَ، مُقِرّاً لَكَ بِسُوءِ عَمَلِهِ، وَرَاجِئاً مِنْكَ الصَّفْحَ عَنْ زَلَلِهِ، اِلهِي
بنده بدکردار در پیش رویت در حالی که اقرار به کردار بد خود دارد و از تو امید دارد که چشم از لغزشش ببوشی خدایا
قَدْ رَفَعَ إِلَيْكَ الظَّالِمُ كَفِّهِ، رَاجِئاً لِمَا لَدَيْكَ، فَلَا تُخَيِّبُهُ، بِرَحْمَتِكَ مِنْ فَضْلِكَ،
به حقیقت بلند کرده بدرگاهت بنده ستمکار هر دو کف خود را به امید آنچه در پیش تو است پس نومیدش مکن به
رحمت خود از فضلی که

اِلهِي قَدْ جَنَّا الْعَاثِدُ إِلَى الْمَعَاصِي بَيْنَ يَدَيْكَ، خَائِئِفاً مِنْ يَوْمٍ تَجْثُو فِيهِ
داری خدایا زانو زده است بنده ای بازگشت کننده بسوی گناهان در پیشاپیش تو ترسان از آن روزی که زانو زنند
الْخَلَّاتِقُ بَيْنَ يَدَيْكَ، اِلهِي جَاءَكَ الْعَبْدُ الْخَاطِئُ فِرْعَاً مُشْفِقاً، وَرَفَعَ إِلَيْكَ طَرَفَهُ
خلایق در پیشاپیش خدایا بدرگاهت آمده بنده ای خطاکار در حال هراس و نگرانی و دوخته بسویت چشم خود
حَذِراً رَاجِئاً، وَفَاضَتْ عِبْرَتُهُ مُسْتَغْفِراً نَادِماً، وَعَزَّتْكَ وَجَلَّالِكَ مَا
را ترسان و امیدوار و ریزان گشته اشکس در حال آمرزش خواهی و پشیمانی سوگند به عزت و شوکت که من از
أَرَدْتُ بِمَعْصِيَتِي مُخَالَفَتَكَ، وَمَا عَصَيْتُكَ إِذْ عَصَيْتُكَ وَأَنَا بِكَ جَاهِلٌ،
نافرمانی کردن تو قصد مخالفت تو را نداشتم و چنان نبود که نافرمانیت کنم در حالی که نافرمانی کردم بواسطه نادانی به
مقام تو

وَلَا لِعُقُوبَتِكَ مُتَعَرِّضٌ، وَلَا لِتَنْظَرِكَ مُسْتَخِفٌّ، وَلَكِنْ سَوَّلْتُ لِي
و نه بخاطر اینکه خود را در معرض کفرت قرار دهم و نه اینکه نظر تو را سبک شمارم بلکه نفس (بداندیش، گناه را)
برایم جلوه داد

نَفْسِي، وَأَعَانَتْنِي عَلَى ذَلِكَ شِقْوَتِي، وَغَرَّتْنِي سِتْرُكَ الْمُرْخِي عَلَى،
و بدبختیم نیز کمک کرد و پرده آویخته تو (و چشم پوشیت) مغرورم کرد
فَمِنَ الْآنَ مِنْ عَذَابِكَ مَنْ يَسْتَنْقِذُنِي، وَبِحَبْلِ مَنْ أَعْتَصِمُ إِنْ قَطَعْتَ
پس اینک کیست که مرا از عذاب تو برهاند و به سر رشته چه کسی چنگ زخم اگر تو رشته ات را از من
حَبْلَكَ عَنِّي، فَيَا سَوَاتَاهُ غَدّاً مِنَ الْوُقُوفِ بَيْنَ يَدَيْكَ، إِذَا قِيلَ
قطع کنی پس چه رسوائی است فردای قیامت هنگام توقف پیش رویت در آن هنگام که به سبک باران گویند :
لِلْمُخَفِّينَ جُوزُوا، وَلِلْمُثْقَلِينَ حُطُّوا، أَفَمَعَ الْمُخَفِّينَ أَجُوزُ، أَمْ مَعَ
بگذرید و به سنگین باران گویند فرو ریزید آیا (در آن وقت) با سبکباران می گذرم یا با

امیرالمؤمنین گوارا باد تو را کرامتهای خدا ای ابوالحسن به تحقیق که مولد تو پاکیزه بود و صبر تو قوی و جهاد تو عظیم بود و به آنچه آرزو داشتی رسیدی و تجارت سودمند کردی و به نزد پروردگار خود رفتی و از این نوع کلمات بسیار گفت و گریه کرد گریه سختی و به گریه درآورد سایرین را و در حقیقت سر قبر آن حضرت مجلس روضه شد که در آن دل شب منعقد گردید و صعصعه به منزله روضه خوان بود و مستمعین جناب امام حسن و امام حسین علیهما السلام و محمد بن الحنفیه و ابوالفضل العباس و سایر فرزندان و بستگان آن حضرت و چون این کلمات به پایان رسید روی به جانب امام حسن و امام حسین علیهما السلام و سایر آقازادگان کردند و ایشان را تعزیت و تسلیت گفتند پس جملگی به کوفه مراجعت نمودند و بالجمله مسجد صعصعه از مساجد شریفه کوفه است و جماعتی امام زمان صلوات الله علیه را در ماه رجب در آن مسجد مبارک مشاهده کرده اند که دو رکعت نماز کرده و این دعا را خوانده «اللَّهُمَّ يَا ذَا الْمَنِّ السَّابِقَةِ وَالْآلَاءِ الْوَاظِعَةِ» الدَّعَاءُ و ظاهر عمل آن حضرت آن است که این دعاء مخصوص این مسجد شریف و از اعمال اوست نظیر دعاهاي مسجد سهله و زید لکن چون در ماه رجب بوده که آن حضرت این دعا را خوانده اند احتمال داده شده که شاید این دعا از دعاهاي ایام رجب باشد و لهذا در کتب علماء در اعمال ماه رجب نیز ذکر شده و ما نیز چون آن دعا را در اعمال رجب ذکر کرده بودیم به همان اکتفا کردیم به تکرار نیرداختیم طالبین به آنجا رجوع کنند انشاء الله .

فصل هفتم

در فضیلت زیارت حضرت ابو عبدالله الحسین صلوات الله علیه و آدابی که زائر آن جناب باید مراعات آنها را نماید در طریق زیارت و در آن حرم مطهر و کیفیت زیارت آن حضرت و در آن سه مقصد است :

مقصد اول

در فضیلت زیارت آن حضرت است بدانکه فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام از حیطة بیان بیرون است و در اخبار بسیار وارد شده که معادل حج و عمره و جهاد بلکه بالاتر و افضل است بدرجات و باعث مغفرت و خفت حساب و رفع درجات و اجابت دعوات و موجب طول عمر و حفظ بدن و مال و زیادتی روزی و برآمدن حاجات و رفع هموم و کربات است و ترك آن سبب نقصان دین و ایمان و ترك حق بزرگی از حقوق پیغمبر صلی الله علیه و آله است و کمتر ثوابی که به زائر آن قبر شریف رسد آن است که گناهانش آمرزیده شود و آنکه حق تعالی جان و مالش را حفظ کند تا او را به اهل خود برگرداند و چون روز قیامت شود حق تعالی او را حافظتر خواهد بود از دنیا و در روایات بسیار است که زیارت آن حضرت غم را زایل می کند و شدت جان کندن و هول قبر را برطرف می کند و آنکه هر مالی که در راه زیارت آن حضرت خرج شود حساب می شود برای او هر درهمی به هزار درهم بلکه به ده هزار درهم و چون رو به

قبر آن حضرت برود چهار هزار ملك استقبال او مي‌کنند و چون برمي‌گردد مشايعت او مي‌نایند و آنکه پیغمبران و اوصیاء ایشان و ائمه معصومین و ملائکه سلام الله علیهم اجمعین به زیارت آن حضرت می‌آیند و دعا برای زواری آن حضرت می‌کنند و ایشان را بشارتها می‌دهند و حق تعالی نظر رحمت می‌فرماید بسوی زائرین امام حسین علیه السلام بیش از اهل عرفات و آنکه هر کسی در روز قیامت آرزو می‌کند که کاش زواری آن حضرت بود از بس که مشاهده می‌کند از کرامت و بزرگواری ایشان در آن روز و روایات در این باب بی‌حد است و ما در ضمن زیارات مخصوصه اشاره به پاره‌ای از فضیلت زیارت آن حضرت خواهیم نمود و در اینجا اکتفا می‌کنیم به ذکر يك روایت ابن قولویه و کلینی و سید بن طاوس و دیگران روایت کرده‌اند به سندهای معتبره از تقه جلیل‌القدر معاویه بن وهب بجلی کوفی که گفت يك وقتی به خدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام رفتم دیدم آن حضرت را که در مُصَلَّای خویش مشغول نماز است نشستم تا نمازش تمام شد پس شنیدم که مناجات می‌کرد با پروردگار خود و می‌گفت اي خداوندي که مخصوص گردانیده‌ای ما را به کرامت و وعده داده‌ای ما را شفاعت و علوم رسالت را به ما داده‌ای و ما را وارث پیغمبران گردانیده‌ای و ختم کرده‌ای به ما امت‌های گذشته را و ما را مخصوص به وصیت پیغمبر گردانیده‌ای و علم گذشته و آینده را به ما عطا کرده‌ای و دلهای مردم را بسوی ما میل گردانیده‌ای «اغفر لی ولأخوانی وَ زُورِ قَبْرِ أَبِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا» بیامرز مرا و برادران مرا و زیارت کنندگان قبر ابی عبدالله الحسین علیه السلام را آن‌آنکه خرج کرده‌اند مالهای خود را و بیرون آورده‌اند از شهرها بدنهای خود را برای رغبت در نیکی ما و امید ثوابهای تو در صله ما و برای شاد گردانیدن پیغمبر تو و اجابت نمودن ایشان امر ما را و برای خشمی که بر دشمنان داخل کرده‌اند و مراد ایشان خوشنودی تو است پس مکافات ده ایشان را از جانب ما بخوشنودی و حفظ کن ایشان را در شب و روز و خلیفه ایشان باش در اهل و اولاد ایشان که در وطن خود گذاشته‌اند به خلافت نیکو و رفیق ایشان باش و دفع کن از ایشان شرّ هر جبار معاندي را و هر ضعیف و شدید از خلقت را و شرّ شیاطین جنّ و انس را و بده به ایشان زیاده از آنچه امید دارند از تو در دور شدن از وطنهای خود و در اختیار کردن ایشان ما را بر فرزندان و اهالی و خویشان خود خداوندا دشمنان ما عیب کردند بر ایشان بیرون آمدن ایشان را به زیارت ما پس این مانع نشد ایشان را از عزم کردن و بیرون آمدن بسوی ما از روی مخالفت ایشان «فَارْحَمْ تِلْكَ الْوُجُوهُ الَّتِي غَيَّرْتَهَا الشَّمْسُ وَارْحَمْ تِلْكَ الْخُدُودَ الَّتِي ثَقُلَتْ عَلَيَّ قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَام» پس رحم کن آن رُوها را که آفتاب متغیر گردانیده است و رحم کن گونه‌های روی ایشان را که می‌گردانند و می‌مالند بر قبر امام حسین علیه السلام و رحم کن آن دیده‌ها را که گریه‌شان جاری شد از ترحم بر ما و رحم کن آن دلها را که جزع کرده‌اند و سوخته‌اند از برای مصیبت ما و رحم کن آن فغانها را که در مصیبت ما بلند کرده‌اند خداوندا آن جانها و آن بدنها را به تو می‌سپارم تا سیراب گردانی ایشان را از حوض کوثر در روز

تشنگی و پیوسته آن حضرت به این نحو دعا می‌کرد در سجده پس چون فارغ شد گفتیم آن دعا که من از شما شنیدم اگر در حق کسی می‌کردید که خدا را نمی‌شناخت گمان داشتم که آتش جهنم به او نرسد هرگز والله که آرزو کردم که زیارت آن حضرت کرده بودم و حج نکرده بودم حضرت فرمود که چه بسیار نزدیکی تو به آن حضرت چه مانع است تو را از زیارت ای معاویه ترك زیارت مکن گفتیم فدای تو شوم نمی‌دانستم که این قدر فضیلت دارد فرمود که ای معاویه آنها که برای زیارت کنندگان آن حضرت دعا می‌کنند در آسمان زیاده از آنهاست که دعا می‌کنند برای ایشان در زمین ترك مکن زیارت آن حضرت را از برای خوف از احدی که هر که از برای خوف ترك زیارت کند آنقدر حسرت برد که آرزو کند که کاش آنقدر می‌ماندم نزد قبر آن حضرت که در آنجا مدفون می‌شدم آیا دوست نمی‌داری که خدا به بیند تو را در میان آنها که دعا می‌کنند برای ایشان رسول خدا و علی و فاطمه و ائمه معصومین علیهم السلام آیا نمی‌خواهی از آنها باشی که ملائکه در قیامت با ایشان مصافحه می‌کنند آیا نمی‌خواهی از آنها باشی که در قیامت بیایند و هیچ گناه برایشان نباشد آیا نمی‌خواهی از آنها باشی که در قیامت حضرت رسول صلی الله علیه و آله با ایشان مصافحه می‌کند.

مقصد دویم

در آدابی که زائر حضرت سیدالشهداء علیه السلام باید مراعات آنها را نماید در طریق زیارت و در آن حرم مطهر و آن چند چیز است اول سه روز روزه دارد پیش از آنکه از خانه بیرون رود و در روز سیم غسل کند چنانکه حضرت صادق علیه السلام به صفوان دستورالعمل دادند و بیاید در ذکر زیارت هفتم و شیخ محمد بن المشهدی در مقدمات زیارت عیدین ذکر فرموده که چون اراده کنی زیارت آن حضرت را پس سه روز روزه بدار و روز سیم غسل کن و

اهل و عیال خود را بسوی خود جمع کن و بگو: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَدْعُكَ الْيَوْمَ نَفْسِي وَاهْلِي**
 * * * * *
 * * * * *

وَمَالِي وَوَلَدِي، وَكُلِّ مَنْ كَانَ مِنِّي بِسَبِيلِ الشَّاهِدِ مِنْهُمْ وَالْغَائِبِ، اللَّهُمَّ
 و مال و فرزندانم را و هر که با من راهی دارد حاضرشان و غائبشان را خدایا
احْفَظْنَا [بِحِفْظِكَ] احْفَظِ الْإِيمَانَ وَاحْفَظْ عَلَيْنَا، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي
 نگهدار ما را به نگهداری خودت به نگهداری ایمان و نگهداری کن بر ما خدایا قرار ده ما را
حِرْزِكَ، وَلَا تَسْلُبْنَا نِعْمَتَكَ، وَلَا تُغَيِّرْ مَا بَنَّا مِنْ نِعْمَةٍ وَعَافِيَةٍ، وَزِدْنَا
 در پناه خود و مگیر از ما نعمتت را و تغییر مده آنچه ما داریم از نعمت و تندرستی و بیفزا بر ما

مِنْ فَضْلِكَ إِنَّا إِلَيْكَ رَاغِبُونَ. آنگاه از منزل خود بیرون برو با حال خشوع و بسیار بگو

* * * * *
از فضل خود که ما برستی مشتاق توئیم * * * * *

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ. و ثنای خداوند و صلوات بر پیغمبر و آل او

* * * * *
معبودی نیست جز خدا و خدا بزرگتر است و ستایش از خداست * * * * *

صلواتُ الله عليهم بفرست و راه بیفت به آرامی و وقار و روایت شده که حق تعالی خلق می کند از عرق زوَّار قبر امام حسین علیه السلام از هر عرقی هفتاد هزار ملك که تسبیح می کنند خدای تعالی را و استغفار می کنند برای او و برای زوَّار امام حسین علیه السلام تا آنکه روز قیامت برپا شود دویم از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون به زیارت امام حسین علیه السلام بروی زیارت کن آن حضرت را محزون و غمناک و ژولیده مو و غبار آلوده و گرسنه و تشنه که آن حضرت با این احوال شهید شده است و حاجات خود را طلب نما و برگرد و آن را وطن خود قرار مده سیم آنکه در سفر زیارت آن حضرت توشه را از چیزهای لذیذ مانند بریانی و حلواها قرار ندهد و خوراک خود را نان با لبن یعنی شیر یا ماست قرار دهد از حضرت صادق علیه السلام روایت است که فرمود شنیده ام که جماعتی به زیارت امام حسین علیه السلام می روند و با خود سفره ها برمی دارند که در آنها بزغاله های بریان و حلواها هست و اگر به زیارت قبر پدران یا دوستان خود بروند اینها را با خود برمی دارند و در حدیث معتبر دیگر منقول است که آن حضرت به مفضل بن عمر فرمود که زیارت کنید امام حسین علیه السلام را بهتر از آن است که زیارت نکنید و زیارت نکنید بهتر از آن است که زیارت کنید مفضل گفت پُشت مرا شکستی فرمود که واللَّهِ اگر به زیارت قبر پدران خود بروید اندوهگین و غمناک می روید و به زیارت آن حضرت که می روید سفره ها با خود برمی دارید بلکه می باید ژولیده مو و گردآلود بروید مؤلف گوید پس چقدر شایسته است برای اغنیا و تجَّار که ملاحظه این مطلب را در این سفر بنمایند و هرگاه در بلادی که در بین راه ایشان است تا کربلا بعض دوستانشان که ایشان را دعوت و میهمانی می کنند و در زمان حرکت از منزلشان سفره و ناهار خوریهای آنها را از مطبوخات لذیذ و مرغ بریان و سایر بریانیها مملو می کنند قبول نکنند و بگویند که ما مسافر کربلا هستیم و شایسته نیست برای ما تغذی به این نحو غذاها شیخ کلینی رحمه الله روایت کرده که بعد از شهادت امام حسین علیه السلام زوجه کلبیه آن حضرت اقامه ماتم نمود برای آن حضرت و گریست و گریستند سایر زنها و خدمتکاران تا حدی که اشکهای آنها خشک شد و دیگر اشکشان نیامد پس از يك جائی برای آن محدَّره هدیه فرستادند جونی که معنی آن را مرغ قَطَا گفته اند برای آنکه از خوردن آن قوتی بگیرند در گریستن بر امام حسین علیه السلام چون آن محترمه آن را دید پرسید این چیست گفتند هدیه ای است که فلانی فرستاده برای شما که

استعانت بجوئید به آن درماتم حسین علیه السلام فرمود «لَسْنَا فِي عُرْسٍ فَمَا نَصْنَعُ بِهَا» ما که در عروسی نیستیم ما را چه به این خوراک پس امر فرمود آن را از خانه بیرون بردند چهارم از چیزهایی که در سفر زیارت امام حسین علیه السلام مندوب است تواضع و فروتنی و خشوع و راه رفتن مانند بنده ذلیل پس کسانی که در طریق زیارت آن حضرت سوار می شوند بر این مراکب جدیده که به قوه بخار به سرعت حرکت می نماید و امثال آن باید خیلی ملتفت خود باشند که تَجَبَّرُ وَ تَكْبُرُ نکنند و بر سایر زائرین و بندگان خدا که بسختی و مشقت به کربلا می روند بزرگی نمایند و آنها را به چشم حقارت نظر نکنند علماء در احوال اصحاب کهف نقل کرده اند که آنها از مخصوصین دقیانوس و به منزله وزرای او بودند وقتی که حق تعالی رحمت خود را شامل حال آنها فرمود و به فکر خداپرستی و اصلاح کار خود برآمدند صلاح خود را در این دیدند که از مردم کناره گیرند و در غاری ماوی گرفته به عبادت خدا مشغول شوند پس سوار بر اسبها شده و از شهر بیرون آمدند همینکه سه میل راه رفتند تملیخا که یکی از آنها بود گفت «يَا إِخْوَتَاهُ جَاءَتْ مَسْكَنَةُ الْآخِرَةِ وَذَهَبَ مُلْكُ الدُّنْيَا اِزْلُوا عَنْ خِيُولِكُمْ وَامْشُوا عَلَي اَرْجُلِكُمْ» ای برادران این راه، راه آخرت است و باید به نحو فقیری و مسکنت رفت و ملک و ریاست دنیا را باید کنار گذاشت اکنون از اسبها باید پیاده شوید و با پای پیاده به درگاه حق تعالی بروید تا شاید پروردگار شما بر شما رحم نماید و گشایشی در امر شما نصیب شما فرماید پس همگی از اسبهای خویش پیاده شدند و در آن روز آن محترمین معظمین با پای پیاده هفت فرسخ راه رفتند تا آنکه پاهای ایشان مجروح شد و خون از آنها متقاطر گردید پس زائرین این قبر مطهر این مطلب را در نظر داشته باشند و هم بدانند که هر چه در این راه شخص برای خدا تواضع کند باعث رفعت مقام او خواهد شد و لهذا در آداب زیارت آن جناب از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر که به زیارت قبر امام حسین علیه السلام برود پیاده حق تعالی بنویسد از برای او به عدد هر گامی هزار حسنه و محو می کند از او هزار گناه و بلند کند از برای او در بهشت هزار درجه پس چون به شطّ فرات برسی غسل کن و پاهای خود را برهنه کن و نعلهای خود را در دست خود بگیر و راه رو مانند راه رفتن بنده ذلیل پنجم آنکه اگر در بین راه زواری پیاده دید که وامانده و خسته شده و از او استعانتی خواست تا ممکن شود در کار او اهتمام نموده و او را به منزل برساند و مبادا به او استخفاف و بی اعتنائی نماید شیخ کلینی به سند معتبر از ابوهارون روایت کرده که من حاضر بودم در خدمت حضرت صادق علیه السلام که فرمود به مردمی که در نزد او بودند چه شده از برای شما که استخفاف می نمائید به ما پس برخاست از بین آنها مردی از اهل خراسان و گفت پناه می برم به خدا از آنکه ما استخفاف کنیم به شما یا به چیزی از امر شما فرمود آری تو خودت یکی از آن اشخاص هستی که سبک شمردی و خوار نمودی مرا آن مرد گفت پناه می برم به خدا که من خوار نموده باشم شما را فرمود وای بر تو آیا نشنیدی فلان کس را در وقتی که نزدیک به جحفه بودیم با تو گفت مرا بقدر يك میل سوار کن که به خدا سوگند من خسته شدم به خدا

سوگند که تو سر بسوی او بلند نکردی و استخفاف به او نمودی و هر کسی که مؤمنی را خوار نماید ما را خوار نموده و حرمت خدا را ضایع کرده مؤلف گوید که ما در آداب زیارت در ادب نهم کلامی با روایتی از علی بن یقطین که مناسب است با این مقام ذکر کردیم به آنجا رجوع کن که در آن موعظه نیکویی است و این ادب که در اینجا ذکر شد اختصاص به زوار امام حسین علیه السلام ندارد لکن چون این مطلب در راه زیارت آن حضرت خیلی اتفاق می افتد لهذا ما در اینجا ذکر نمودیم ششم از ثقه جلیل القدر محمد بن مسلم مروی است که به حضرت امام محمد باقر علیه السلام عرض کرد که چون ما به زیارت پدرت حسین بن علی علیه السلام می رویم آیا چنانست که در حجیم فرمود بلی گفت پس بر ما لازم است آنچه بر حاجیان لازمست فرمود که بر تو لازم است که نیکو مصاحبت بنمائی با هر که رفیق تو است و بر تو لازم است که کم سخن بگویی مگر سخن خیر و لازمست بر تو که یاد خدا بسیار بکنی و لازمست که جامه های پاکیزه باشد و لازمست که غسل کنی پیش از آنکه داخل حایر شوی و لازمست که با خشوع و رقت باشی و نماز بسیار بکنی و صلوات بر محمد و آل محمد بسیار بفرستی و باید که خود را نگاه داری از چیزهایی که سزاوار نیست تو را و باید که دیده خود را از حرام و شبهه بیوشانی و احسان به برادران مؤمن پریشان خود بکنی و اگر کسی را به بینی که خرجیش تمام شده او را دستگیری کنی و خرجی خود را میان خود و ایشان برابر قسمت کنی و لازمست بر تو تقیه که قوام دین تو به آن است و پرهیزکاری از چیزهایی که خدا از آنها نهی کرده است و ترك کنی خصومت و بسیار قسم خوردن و مجادله و منازعه که در آن قسم باشد پس چون چنین کنی تمام می شود ثواب حج و عمره از برای تو و مستوجب می شوی از جانب آن کسی که طلب ثواب او کرده ای به مال خرج کردن و از اهل خود دور افتادن اینکه برگردی به آرمزش گناهان و رحمت و خوشنودی خدا هفتم در روایت ابو حمزه ثمالی از حضرت صادق علیه السلام در باب زیارت امام حسین علیه السلام منقول است که چون به نینوا رسیدی بارهای خود را در آنجا بگذار و روغن بر خود بمال و سرمه مکش و گوشت مخور مادامی که در آنجا مقیم می باشی هشتم غسل به آب فرات است که روایات در فضیلت آن بسیار است در حدیثی از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که غسل کند به آب فرات و زیارت کند قبر امام حسین علیه السلام را از گناهان خالی شود مانند روزی که از مادر متولد شده باشد و اگر چه گناهان کبیره بوده باشد و روایت شده که خدمت آن حضرت عرض شد که بسا شود که ما به زیارت قبر امام حسین علیه السلام برویم و دشوار باشد بر ما غسل زیارت به سبب سرما یا غیر آن فرمود که هر که غسل کند در فرات و زیارت کند حسین علیه السلام را نوشته شود برای او از فضیلت آنقدر که بشماره درنیاید و از بشیر دهان روایتست که حضرت صادق علیه السلام فرمود که هر که به زیارت قبر حسین بن علی علیه السلام برود پس وضو بگیرد و غسل کند در فرات، بر ندارد قدمی و نگذارد قدمی مگر آنکه بنویسد حق تعالی برای او حجه و عمره و در بعضی روایاتست که غسل کن از فرات از موضعی

که برابر قبر آن حضرت واقع شود و خوبست چنانکه از بعضی روایات استفاده می‌شود چون به فرات برسد صد مرتبه
اللَّهُ أَكْبَرُ و صد مرتبه لا اله الا الله و صد مرتبه صلوات بر پیغمبر و آل آن حضرت بفرستند نهّم چون خواستی داخل حایر
مقدس شوی از دري که در جانب مشرق واقع است داخل شو چنانکه حضرت صادق علیه السلام به یوسف کناسی
فرمودند دهم در روایت این قولویه است که حضرت صادق علیه السلام به مفضل بن عمر فرمود که ای مفضل چون
برسی به قبر امام حسین علیه السلام بر در روضه بایست و این کلمات را بخوان که تورا به هر کلمه نصیبی از رحمت الهی
خواهد بود :

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ،
سلام بر تو ای وارث آدم برگزیده خدا سلام بر تو ای وارث نوح پیامبر خدا
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ
سلام بر تو ای وارث ابراهیم خلیل خدا سلام بر تو ای وارث موسی هم سخن
اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ
خدا سلام بر تو ای وارث عیسی روح خدا سلام بر تو ای وارث
مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عَلِيِّ وَصِيِّ رَسُولِ اللَّهِ،
محمد حبیب خدا سلام بر تو ای وارث علی وصی رسول خدا
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ الْحَسَنِ الرِّضِيِّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ
سلام بر تو ای وارث حسن (آن امام) پسندیده سلام بر تو ای وارث
فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّهِيدُ الصِّدِّيقُ، السَّلَامُ
فاطمه دختر رسول خدا سلام بر تو ای شهید راستگو سلام
عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ الْبَارُّ التَّقِيُّ، السَّلَامُ عَلَيَّ الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ
بر تو ای وصی نیکو کردار پرهیزکار سلام بر آن ارواحی که فرود آمدند
بِفَنَائِكَ، وَأَنَاخَتْ بِرَحْلِكَ، السَّلَامُ عَلَيَّ مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُحَدِّقِينَ بِكَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ
به آستان و بار انداختند به درگاهت سلام بر فرشتگان خدا که در گرد تو آند گواهی دهم که
قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ،
براستی تو برپا داشتی نماز را و بدادی زکات را و دستور دادی به معروف (کار خوب) و نهی کردی از منکر (کار زشت)

وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ .

و پرستش کردی خدا را از روی اخلاص تا آنگاه که مرگت فرا رسید سلام بر تو و رحمت خدا و برکاتش
 * پس بسوی قبر روانه می شوی و به هر قدمی که برمی داری یا می گذاری مثل ثواب کسی داری، که در خون خود
 دست و پا زده باشد در راه خدا پس چون به نزدیک قبر برسی دست بر قبر بمال و بگو :

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَسَمَائِهِ

سلام بر تو ای حجت خدا در زمین و آسمانش

پس می روی و متوجه نماز می شوی و به هر رکعت که می کنی نزد آن حضرت مثل ثواب کسی داری که حج و عمره
 هزار مرتبه کرده باشد و هزار بنده آزاد کرده باشد و هزار مرتبه از برای خدا به جهاد ایستاده باشد با پیغمبر مرسل الخبر
 یازدهم از ابوسعید مدائنی منقولست که گفت رفتیم به خدمت حضرت صادق علیه السلام و پرسیدم که بروم به زیارت قبر
 حسین علیه السلام فرمود بلی برو به زیارت قبر حسین علیه السلام فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله نیکترین نیکان و
 پاکیزه ترین پاکیزگان و نیکوکارترین نیکوکاران و چون آن حضرت را زیارت کنی نزد سر آن حضرت هزار مرتبه تسبیح
 حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را بخوان و نزد پاهای آن حضرت هزار مرتبه تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام را
 بخوان پس نزد آن حضرت دو رکعت نماز بکن و در آن دو رکعت سوره یس والرحمن بخوان پس چون چنین کنی ثواب
 عظیم از برای تو خواهد بود گفتم فدای تو شوم تسبیح علی و فاطمه علیهما السلام را به من بیاموز فرمود بلی ای
 ابوسعید تسبیح علی علیه السلام این است: سُبْحَانَ الَّذِي لَا تَنْفَدُ خَزَائِنُهُ، سُبْحَانَ

* * * * * منزله است آنکه تمام نشود خزینه هایش منزله است

الَّذِي لَا تَبِيدُ مَعَالِمُهُ، سُبْحَانَ الَّذِي لَا يَفْنَى مَا عِنْدَهُ، سُبْحَانَ الَّذِي لَا

آنکه پایان نپذیرد نشانه هایش منزله است آنکه فانی نشود آنچه نزد او است منزله است آنکه

يُشْرِكُ أَحَدًا فِي حُكْمِهِ، سُبْحَانَ الَّذِي لَا اضْمِحْلَالَ لِفَخْرِهِ، سُبْحَانَ

شریک نگیرد هیچکس را در حکمش منزله است آنکه از میان نرود فخر و عزتش منزله است

الَّذِي لَا انْقِطَاعَ لِمُدَّتِهِ، سُبْحَانَ الَّذِي لَا إِلَهَ غَيْرُهُ، x و تسبیح حضرت

آنکه دورانش پایان ندارد منزله است آنکه معبودی جز او نیست * * * * *

فاطمه علیها السلام این است: سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَازِخِ الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ

* * * * * منزله است صاحب جلالت والای بزرگ منزله است صاحب عزت

الشَّامِخِ الْمُتَنِيفِ، سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ، سُبْحَانَ

بلند و فراز منزّه است صاحب فرمانروائی گرانمایه دیرینه منزّه است

ذِي الْهَجَةِ وَالْجَمَالِ، سُبْحَانَ مَنْ تَرَدَّى بِالْثُّورِ وَالْوَقَارِ، سُبْحَانَ مَنْ

صاحب شادمانی و زیبایی منزّه است آنکه جامه نور و وقار دربردارد منزّه است آنکه

يَرِي أَثَرَ التَّمَلُّلِ فِي الصَّفَا، وَوَقَعَ الطَّيْرُ فِي الْهَوَاءِ. × دوازدهم آنکه نماز

بیند جای پای مُور را در سنگ خارا و ردّ عبور پرنده را در هوا * * * * *

فریضه و نافله را نزد قبر امام حسین علیه السلام بجا آورد زیرا که نماز نزد آن حضرت مقبولست سید بن طاوس گفته که جدّ و جهد کن که از تو فوت نشود فریضه و نافله در حایر شریف همانا روایت شده که نماز واجبی نزد آن حضرت برابر است با حجّ و نماز نافله با عمره مؤلّف گوید که در روایت مفضّل گذشت ثواب بسیاری برای نماز در حایر شریف و در روایت معتبري از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که زیارت کند آن حضرت را و دو رکعت نماز یا چهار رکعت نزد آنحضرت بکند ثواب حجّ و عمره برای او نوشته شود و آنچه از اخبار ظاهر می شود آن است که نماز زیارت و غیر آن را در عقب قبر آن حضرت و در بالا سر کردن هر دو خوبست و اگر در بالا سر کند عقبتر بایستد که محاذی اصل قبر مقدّس نباشد و در روایت ابو حمزه ثمالی است از حضرت صادق علیه السلام که در نزد سر آن حضرت دو رکعت نماز بگذارد در رکعت اوّل سوره حمد و سوره یس بخوان و در رکعت دوّم سوره حمد و سوره الرحمن بخوان و اگر خواهی در پشت قبر نماز را بکن و در بالای سر بهتر است و چون فارغ شوی نماز کن آنچه خواهی و امّا این دو رکعت نماز زیارت ناچار است نزد هر قبري که زیارت کنند و ابن قولویه از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده که به شخصی فرمود ای فلان چه مانعست تو را که هرگاه حاجتی برای تو رُو دهد بروی نزد قبر حسین صلوات الله علیه و چهار رکعت نماز گذاری نزد او پس حاجت خود را بطلبی بدرستی که نماز فریضه نزد آن حضرت معادلست با حجّ و نماز نافله معادلست با عمره سیزدهم بدانکه عمده اعمال در روضه مطهره امام حسین علیه السلام دعاء است زیرا که اجابت دعا در تحت آن قبّه سامیه یکی از چیزهائی است که در عوض شهادت، حقّ تعالی به آن حضرت لطف فرموده و زائر باید آن را غنیمت دانسته در تضرّع و انابه و توبه و عرض حاجات کوتاهی نکند و در طیّ زیارات آن حضرت ادعیه بسیاری با مضامین عالیّه وارد شده و اگر بنای اختصار نبود من چند دعائی در اینجا ذکر می کردم و بهتر آن است که از دعاهاي صحیفه کامله آنچه تواند بخواند که بهترین دعاها است و ما در اواخر این باب بعد از زیارات جامعه دعائی نقل کنیم که در همه حرّمهای شریفه خوانده شود [و بدانکه در ملحقات این کتاب دعائی ذکر می شود که جامع ترین دعاها است که در روضات ائمه علیهم السلام خوانده می شود، از آن غفلت نکنی. «منه»] و به جهت آنکه این محلّ را خالی نگذاریم این

دعای مختصر را که در ضمن یکی از زیارات نقل شده ذکر می‌کنیم و آن دعا این است که می‌گوئی در آن حرم شریف در حالی که دستها را بسوی آسمان بلند کرده باشی :

اَللّٰهُمَّ قَدْ تَرٰی مَكَانِيْ، وَتَسْمَعُ كَلَامِيْ وَتَرٰی مَقَامِيْ، وَتَضَرُّعِيْ
خدایا تو می‌بینی جای مرا و می‌شنوی سخنم را و بنگری توقفگاهم و زاریم
وَمَلَاذِيْ بَقْرِ حُجَّتِكَ وَابْنِ نَبِيِّكَ، وَقَدْ عَلِمْتَ يَا سَيِّدِيْ حَوَائِجِيْ،
و پناه جستیم را به قبر حجت و ابن نبی و بدانی ای آقایی من حاجت‌هایم را
وَلَا يَخْفِيْ عَلَيْكَ حَالِيْ، وَقَدْ تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِابْنِ رَسُولِكَ وَحُجَّتِكَ
و پوشیده نیست بر تو حالم و اکنون رو کرده‌ام بسویت بوسیله فرزند رسول تو و حجت
وَأَمِينِكَ، وَقَدْ أَتَيْتُكَ مُتَقَرِّبًا بِهِ إِلَيْكَ وَإِلَى رَسُولِكَ، فَاجْعَلْنِيْ بِهِ
و امانت‌دارت و آمده‌ام تقرب جوین بوسیله او بدرگاهت و بدرگاه رسولت پس قرارم ده
عِنْدَكَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَعْطِنِيْ بَزِيَارَتِيْ
بوسیله او در پیش خود آبرومند در دنیا و آخرت و از نزدیکان و عطا کن به من بوسیله زیارت
أَمَلِيْ، وَهَبْ لِيْ مُنَايَ، وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ بِشَهْوَتِيْ وَرَغْبَتِيْ، وَأَقْضِ لِيْ
آرزویم را و ببخش به من آرمایم را و تفضل کن بر من بدادن خواسته و اشتیاقم و برآور
حَوَائِجِيْ، وَلَا تَرُدَّنِيْ خَائِبًا وَلَا تَقْطَعْ رَجَائِيْ، وَلَا تُخَيِّبْ دُعَائِيْ،
حاجاتم را و بازم مگردان ناامید و قطع مکن امیدم را و نومید مکن دعایم را
وَعَرَّفْنِي الْاَلِجَابَةَ فِي جَمِيعِ مَا دَعَوْتُكَ، مِنْ أَمْرِ الدِّينِ وَالدُّنْيَا
و نشانم ده اجابت دعایم را در تمام دعاهائی که کردم از کار دین و دنیا
وَالْآخِرَةِ، وَاجْعَلْنِيْ مِنْ عِبَادِكَ الَّذِينَ صَرَفَتْ عَنْهُمْ الْبَلَايَا
و آخرت و قرارم ده از آن بندگان که گردانی از ایشان بلاها
وَالْأَمْرَاضَ، وَالْفِتْنَ وَالْأَعْرَاضَ، مِنَ الَّذِينَ تُحْيِيهِمْ فِي عَافِيَةٍ،
و بیماریها و آشوبها و عوارض (و پیش آمدها) را از آنهایی که زنده‌شان داری در تندرستی
و تُمَيِّتُهُمْ فِي عَافِيَةٍ، وَتُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ فِي عَافِيَةٍ، وَتُجِيرُهُمْ مِنَ النَّارِ
و بمیرانیشان در سلامتی و وارد بهشتشان کنی در سلامتی و پناهشان دهی از آتش

فِي عَافِيَةٍ، وَوَفَّقَ لِي بِمَنْ مِنْكَ صَلَاحَ مَا أُؤَمِّلُ فِي نَفْسِي، وَأَهْلِي

در سلامتی و فراهم کن برایم به منت خود صلاح آنچه را آرزو دارم درباره خودم و خاندانم
و وُلْدِي وَإِخْوَانِي وَمَالِي، وَجَمِيعَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

و فرزندانم و برادرانم و مال و دارائیم و همه آن نعمتهائی که از کرم به من داده ای مهربانترین مهربانان

* چهاردهم از جمله اعمال در حرم امام حسین علیه السلام صلوات فرستادن بر آن حضرت است و روایت شده که می ایستی
پشت سر نزد کشف شریف آن حضرت و صلوات می فرستی بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و بر حسین صلوات الله علیه و سید بن طاوس
در مصباح الزائرین صلوات را برای آن حضرت در ضمن یکی از زیارات نقل کرده: اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ

* * * * * خدا یا

درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلَيِ الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ، قَتِيلِ

محمد و آل محمد و درود فرست بر حسین مظلوم و شهید کشته

الْعَبْرَاتِ، وَأَسِيرِ الْكُرْبَاتِ، صَلَوةً نَامِيَةً زَاكِيَةً مُبَارَكَةً، يَصْعَدُ أَوَّلُهَا

اشکهای دیدگان و اسیر گرفتاریها درودی فزاینده و پاکیزه و با برکت که بالا رود آغازش

وَلَا يَنْفَدُ آخِرُهَا، أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ [أَحَدٍ مِنْ] أَوْلَادِ الْأَنْبِيَاءِ

و پایان نپذیرد انجامش بهترین درودی که فرستی بر یکی از فرزندان پیامبران

وَالْمُرْسَلِينَ، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيِ الْإِمَامِ الشَّهِيدِ

و رسولان ای پروردگار جهانیان خدا یا درود فرست بر امام شهید

الْمَقْتُولِ الْمَظْلُومِ الْمَخْذُولِ وَالسَّيِّدِ الْقَائِدِ، وَالْعَابِدِ الزَّاهِدِ، وَالْوَصِيِّ

کشته (راه حق) آن مظلوم بی کس و آن آقاي پیشوا و آن عابد پارسا و وصی

الْخَلِيفَةِ، الْإِمَامِ الصِّدِّيقِ، الطُّهْرِ الطَّاهِرِ الطَّيِّبِ الْمُبَارَكِ، [وَ] الرَّضِيِّ

جانشین و امام راستگو و پاک پاکیزه خوب و مبارک آن راضی

الْمَرْضِيِّ، وَالتَّقِيِّ الْهَادِي الْمَهْدِيِّ، الزَّاهِدِ الذَّائِدِ، الْمُجَاهِدِ الْعَالِمِ

و پسندیده و با تقوای راهنمای راه یافته آن زاهد مدافع (دین) و مجاهد (راه حق) و عالم

إِمَامِ الْهُدَى، سِبْطِ الرَّسُولِ، وَقُرَّةِ عَيْنِ الْبُتُولِ، صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

پیشوای هدایت نوه رسول (خدا) و نور دیده زهرای بتول درود خدا بر او و آلش

وَسَلِّمْ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ سَيِّدِي وَمَوْلَايَ، كَمَا عَمِلَ بِطَاعَتِكَ وَنَهْيِي
و سلام، خدایا درود فرست بر آقا و سرور من چنانچه عمل کرد به طاعت تو و نهی کرد
عَنْ مَعْصِيَتِكَ، وَبَالَغْ فِي رِضْوَانِكَ، وَأَقْبَلْ عَلَيَّ إِيمَانِكَ، غَيْرَ قَابِلٍ
از نافرمانیت و سخت کوشید در راه خوشنودیت و رو آورد بر ایمان تو بدون آنکه درباره تو
فِيكَ عُذْرًا، سِرًّا وَعَلَانِيَةً، يَدْعُو الْعِبَادَ إِلَيْكَ، وَيَدُلُّهُمْ عَلَيْكَ، وَقَامَ بَيْنَ
عذر و بهانه‌ای بپذیرد چه پنهانی و چه آشکارا می‌خواند بندگان را بسوی تو و راهنمائیشان می‌کرد بر تو و بپاخواست
در

يَدِيكَ يَهْدِمُ الْجَوْرَ بِالصَّوَابِ، وَيُحْيِي السُّنَّةَ بِالْكِتَابِ، فَعَاشَ فِي
پیش رویت، ویران کرد (کاخ ظلم و) جور را با درستی و زنده کرد طریقه و آئین (پیمبر) را به قرآن پس زندگی کرد در
رِضْوَانِكَ مَكْدُودًا، وَمَضَى عَلَيَّ طَاعَتِكَ وَفِي أَوَّلِيَّاتِكَ مَكْدُودًا،
خوشنودی تو با سختی و مشقت و درگذشت بر حال اطاعت تو و در زمره دوستان با حال رنج و ناراحتی
وَقَضَى إِلَيْكَ مَقْذُودًا، لَمْ يَعْصِكَ فِي لَيْلٍ وَلَا نَهَارٍ، بَلْ جَاهَدَ فِيكَ
و جان خود را به تو تسلیم کرد چون گمگشته، نافرمانیت نکرد نه در شب و نه در روز بلکه پیکار کرد درباره تو
الْمُنَافِقِينَ وَالْكَفَّارَ، اللَّهُمَّ فَاجْزِهِ خَيْرَ جَزَاءِ الصَّادِقِينَ الْأَبْرَارِ،
با منافقان و کفار خدایا پس او را پاداش ده به بهترین پاداش راستگویان نیک کردار
وَضَاعِفٌ عَلَيْهِمُ الْعَذَابُ، وَلِقَاتِلِيهِ الْعِقَابُ، فَقَدْ قَاتَلَ كَرِيمًا، وَقُتِلَ
و چند برابر کن بر آنها (یعنی منافقان و کفار) عذاب را و برای کشتندگانش کیفر را زیرا که آن حضرت بزرگووارانه جنگید
مَظْلُومًا، وَمَضَى مَرْحُومًا، يَقُولُ أَنَا ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ مُحَمَّدٍ، وَابْنُ مَنْ
و مظلومانه کشته شد و درحالی که مورد مهر خدا بود درگذشت، در آن حالی که می‌فرمود منم فرزند رسول خدا محمد،
و فرزند

زَكِّي وَعَبَدَ، فَقَتَلُوهُ بِالْعَمْدِ الْمُعْتَمَدِ، قَتَلُوهُ عَلَيَّ الْإِيمَانِ، وَأَطَاعُوا فِي
آنکس که زکات داد و خدا را پرستش کرد پس او را دانسته و از روی عمد کشتند، کشتندش بر حال ایمان و پیروی
کردند در

قَتَلَهُ الشَّيْطَانُ، وَلَمْ يُرَاقِبُوا فِيهِ الرَّحْمَنَ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيَّ سَيِّدِي

(این کارشان یعنی) کشتن آن حضرت از شیطان و ملاحظه نکردند درباره آن حضرت از خدای رحمان خدایا درود فرست بر آقا

وَمَوْلَايَ، صَلَوَةٌ تَرْفَعُ بِهَا ذِكْرُهُ، وَتُظْهِرُ بِهَا أَمْرُهُ، وَتُعَجِّلُ بِهَا نَصْرُهُ،

و مولایم درودی که بالا بری بدان نامش را و چیره سازی بدان فرمانش را و شتاب کنی بدان در یاریش

وَاحْصُصْهُ بِأَفْضَلِ قِسْمِ الْفَضَائِلِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ، وَزِدْهُ شَرَفًا فِي أَعْلَى

و مخصوصش گردان به بهترین اقسام فضائل در روز قیامت و بیفزای بر شرفش در بلندترین

عَلَّيْنِ، وَبَلِّغْهُ أَعْلَى شَرَفِ الْمُكْرَمِينَ، وَارْفَعْهُ مِنْ شَرَفِ رَحْمَتِكَ فِي

درجات بهشت و برسان او را به برترین شرافت گرامی داشتگان و بالا بر او را از شرافت رحمت

شَرَفِ الْمُقَرَّبِينَ فِي الرَّقِيعِ الْأَعْلَى، وَبَلِّغْهُ الْوَسِيلَةَ وَالْمَنْزِلَةَ الْجَلِيلَةَ،

به شرافت مقربان در بلندترین جایگاهها و او را برسان به مقام وسیله و منزلت شایسته

و الْفَضْلَ وَالْفَضِيلَةَ، وَالْكَرَامَةَ الْجَزِيلَةَ اللَّهُمَّ فَاجْزِهِ عَنَّا أَفْضَلَ مَا

و فضل و فضیلت و بزرگواری بس شایان خدا، پس او را پاداش ده از ما بهترین پاداشی که

جَارَيْتَ إِمَامًا عَنْ رَعِيَّتِهِ، وَصَلِّ عَلَى سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ، كُلَّمَا ذَكَرَ

به يك پیشوا از رعیتش می دهی و درود فرست بر آقا و سرورم هر زمان که نامش برده شود

وَكُلَّمَا لَمْ يُذَكَّرْ، يَا سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ، أَدْخِلْنِي فِي حِزْبِكَ وَرُؤْمَرِكَ،

و هرگاه که برده نشود ای آقای من و ای مولای من مرا در حزب خود و زمره خود داخل گردان

وَأَسْتَوْهِنِي مِنْ رَبِّكَ وَرَبِّي، فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ جَاهًا وَقَدْرًا وَمَنْزِلَةً

و بخواه بمنشسم را از پروردگار خودت و پروردگار من زیرا تو را نزد خدا آبرو و مقام و منزلتی

رَفِيعَةً، إِنْ سَأَلْتَ أُعْطِيتَ، وَإِنْ شَفَعْتَ شَفَعْتَ، اللَّهُ اللَّهُ فِي عَبْدِكَ

والا است که اگر چیزی بخواهی به تو می دهد و اگر وساطت کنی پذیرفته می شود خدای را خدای را (در نظر بگیر)

درباره بنده

وَمَوْلَاكَ، لَا تُخَلِّنِي عِنْدَ الشَّدَائِدِ وَالْأَهْوَالِ لِسُوءِ عَمَلِي، وَقَبِيحِ

و دوستت و امگذار مرا هنگام سختیها و هراسها در برابر کردار بد و رفتار زشت

فِعْلِي، وَعَظِيمِ جُرْمِي، فَإِنَّكَ أَمْلِي وَرَجَائِي وَتَقَى وَمُعْتَمَدِي،

و گناه بزرگم زیرا توئی آرزو و امید و تکیه گاه و محل اعتماد

وَوَسَّيْتَنِي إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكَ، لَمْ يَتَوَسَّلِ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَيَّ اللَّهُ بِوَسِيلَةٍ هِيَ

و وسیله ام به درگاه خدا پروردگار من و پروردگار تو کسی متوسل نشود به خدا بوسیله ای که

أَعْظَمُ حَقًّا، وَلَا أَوْجَبُ حُرْمَةً، وَلَا أَجَلٌ قَدْرًا عِنْدَهُ مِنْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ، لَا خَلْفَنِي

حقش بزرگتر و حرمتش لازمتر و مقامش شایسته تر باشد در پیش او از شما خاندان، خدا مرا از شما جدا نکند

اللَّهُ عَنْكُمْ بِذُنُوبِي، وَجَمَعَنِي وَإِيَّاكُمْ فِي جَنَّةٍ عَدْنٍ الَّتِي أَعَدَّهَا لَكُمْ وَلِأَوْلِيَائِكُمْ،

بخاطر گناهانم و گرد آورد مرا با شما در بهشت عدن که آماده کرده است آن را برای شما و دوستان شما که

إِنَّهُ خَيْرُ الْغَافِرِينَ، وَارْحَمُ الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ أَبْلِغْ سَيِّدِي وَمَوْلَايَ تَحِيَّةً كَثِيرَةً

براستی او بهترین آمرزندگان و مهربانترین مهربانان است خدایا برسان به آقای من و سرورم تحیتی بسیار

وَسَلَامًا، وَارْدُدْ عَلَيْنَا مِنْهُ السَّلَامَ، إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ، وَصَلِّ عَلَيْهِ كُلَّمَا

و سلامی (زیاد) و بازگردان از او نیز بر ما سلامی که براستی تو بخشنده و بزرگواری و درود فرست بر او هر زمان

ذَكَرَ السَّلَامَ، وَكُلَّمَا لَمْ يُذَكَّرْ، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ. × مؤلف گوید که ما آن زیارت

که ذکر سلامی بشود و هرگاه نشود ای پروردگار جهانیان * * * * *

* * * * *

را در اعمال روز عاشورا نقل کردیم و در اواخر باب صلواتی بر حجج طاهره علیهم السلام نقل خواهیم کرد که صلوات

مختصری بر امام حسین علیه السلام نیز در آن مندرج خواهد بود و خواندن آن را نیز ترك مکن پانزدهم از جمله اعمال

این روضه منوره دعای مظلومست بر ظالم یعنی سزاوار است از برای کسی که از ظلم ظالمی مضطر شده باشد این دعا را

در آن حرم منور بخواند و دعا چنان است که شیخ الطائفه رحمه الله در مصباح متعجّد در اعمال جمعه ذکر نموده فرموده

مستحب است دعای مظلوم را نزد قبر ابی عبدالله الحسین علیه السلام بخوانند و آن دعا این است :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَرُ بِدِينِكَ وَأَكْرُمُ بِهِدَايَتِكَ، وَقُلَانُ يُذِلُّنِي بِشَرِّهِ،

خدایا من عزت یافته ام بواسطه دین تو و گرامی گشته ام به سبب راهنمایی تو فلان کس خواریم خواهد بواسطه شر خود

وَيُهَيِّئُنِي بِأَذْيَتِهِ، وَيُعَيِّنِي بِوَلَاءِ أَوْلِيَائِكَ، وَيَهْتِنِي بِدَعْوَاهُ، وَقَدْ

و پستیم خواهد بوسیله آزار خود و بر من عیب گیرد بخاطر دوستی دوستان و مبهوتم سازد با ادعای خود و من

جِئْتُ إِلَى مَوْضِعِ الدُّعَاءِ، وَضَمَانِكَ الْإِجَابَةِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ

آمده ام بجای دعا کردن و محل ضمانت کردنت از اجابت خدایا پس درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعِدْنِي عَلَيْهِ السَّاعَةَ السَّاعَةَ. × پس خود را بر قبر

محمد و آل محمد و پیروز گردان مرا بر او همین ساعت همین ساعت * * * * *

بیندازد و بگوید: مَوْلَايَ اِمَامِي مَظْلُومٌ، اسْتَعْدِي عَلَي ظَالِمِهِ النَّصْرَ النَّصْرَ

* * * * * اي سرور من و اي پيشواي من ستمديده اي ياري خواهد بر

ستمكارش ياري (خواهم) ياري

آنقدر مکرر کند النَّصْرَ را تا نفس منقطع شود شانزدهم از جمله اعمال در آن حرم دعائي است که ابن فهد رحمه الله در عُدَّة الدَّاعِي از حضرت صادق عليه السلام روايت کرده که فرمودند هر که از براي او حاجتی باشد بسوي خداوند عزوجل پس بایستد در نزد سر امام حسين عليه السلام و بگوید :

يَا اَبَا عَبْدِ اللَّهِ، اَشْهَدُ اَنَّكَ تَشْهَدُ مَقَامِي وَتَسْمَعُ كَلَامِي، وَ اَنَّكَ حَيٌّ

اي ابا عبدالله گواهي دهم که براستی تو جاي مرا مي نگري و سخنم را مي شنوي و تو زنده اي

عِنْدَ رَبِّكَ تُرْزَقُ، فَاسْأَلْ رَبَّكَ وَرَبِّي فِي قَضَاءِ حَوَائِجِي .

در پيش پروردگارت و روزي مي خوري پس بخواه از پروردگار خودت و من، برآوردن حاجاتم را بدرستی که حاجت او برآورده مي شود انشاءالله تعالى هفدهم از جمله اعمال دو رکعت نماز است در آن حرم مطهر نزد سر مقدس با سوره الرحمن و سوره تبارك سيد بن طاوس روايت کرده که هر که اين نماز را بخواند خداوند منان مي نويسد براي او بيست و پنج حجه مقبوله مبروره که با رسول خدا صلي الله عليه وآله به عمل آورده باشد هيچدهم از جمله اعمال در آن قبه ساميه استخاره است و كيفيت آن چنانست که علامه مجلسي رحمه الله نقل نموده و اصل روايت از كتاب قرب الأُسناد حميري است فرموده به سند صحيح از حضرت صادق عليه السلام منقول است که هر بنده اي که در امري از امور صد مرتبه طلب خير از خداوند عالميان بکند که بایستد نزد سر حضرت امام حسين عليه السلام «وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَسُبْحَانَ اللَّهِ» بگوید و خدا را به بزرگواري ياد کند و حمد و ثنای خدا بگوید چنانچه سزاوار او است و صد مرتبه طلب خير از خدا بکند البته حق تعالى آنچه خير او است در آن امر به او مي نمايد و پيش او مي آورد و موافق روايات ديگر طلب خير به اين نحو مي کند که صد مرتبه مي گوید اَسْتَخِيرُ اللَّهَ بِرَحْمَتِهِ خَيْرَةً فِي عَافِيَةِ نَوَازِدِهِمْ شَيْخِ اجَلِ كَامِلِ ابوالقاسم جعفر بن قولويه قمي رحمه الله روايت کرده از حضرت صادق عليه السلام که فرمود هرگاه زيارت کرديد حضرت ابو عبدالله عليه السلام را ملازمت کنيد سکوت را مگر از خير و بدرستی که ملائکه شب و روز از حفظه حاضر مي شوند نزد ملائکه که در حائرنند و مصافحه مي کنند با ايشان ملائکه که در حائرنند جواب نمي دهند ايشان را از شدت گريستن و پيوسته مشغول گريه و زاري هستند مگر در وقت زوال شمس و وقت طلوع فجر که در اين دو وقت ساکت مي شوند پس ملائکه حفظه منتظر مي شوند تا ظهر شود و تا فجر ظاهر شود که در اين دو وقت با ايشان تکلم مي نمايند و

ایشان سؤال می‌نمایند از چیزهایی از امر آسمان و اما مابین این دو وقت ملائکه حائر نطق نمی‌کنند و از دعا و گریستن آرام نمی‌گیرند و نیز از آن حضرت روایت کرده که حق تعالی چهار هزار ملک را موکل کرده است به قبر امام حسین علیه السلام ژولیده مو و گردآلود به هیأت اصحاب مصیبت می‌گیرند بر آن حضرت از طلوع صبح تا ظهر و چون ظهر می‌شود چهار هزار ملک فرود می‌آیند و آن چهار هزار ملک بالا می‌روند پس پیوسته گریه می‌کنند تا طلوع صبح و احادیث به این مضمون بسیار است و از این روایات ظاهر می‌شود که گریستن بر آن حضرت در آن حرم مطهر محبوب بلکه شایسته است که شمرده شود از اعمال آن بقعه مبارکه که بیت‌الاحزان شیعیان است گریستن و مرثیه خواندن برای آن حضرت و از حدیثی که مروی از صفوان از حضرت صادق علیه السلام است مستفاد می‌شود که تضرع ملائکه در درگاه خدا در لعنت کردن بر قاتلان امیرالمؤمنین و بر قاتلان امام حسین علیهما السلام و نوحه کردن جنیان بر ایشان و گریه کردن ملائکه که در دور ضریح امام حسین علیه السلام اند و بسیاری اندوه ایشان به نحوی است که اگر کسی آنها را بشنود خوردن و آشامیدن و خواب کردن بر او گوارا نخواهد بود و در حدیث عبدالله بن حماد بصری است که حضرت صادق علیه السلام به او فرمود به من خبر رسیده که گروهی می‌آیند نزد قبر حسین علیه السلام از اطراف کوفه و مردمانی از غیر ایشان و زنانی که برای آن حضرت نوحه‌گری می‌کنند و این در نیمه ماه شعبان است پس بعضی قرائت می‌کنند و بعضی قصه می‌خوانند یعنی کیفیت شهادت و سائر مصائب را ذکر می‌نمایند و پاره‌ای نوحه‌گری می‌کنند و برخی مرثیه می‌خوانند پس گفتم آری فدایت شوم من مشاهده کرده‌ام پاره‌ای از آنچه بیان فرمودی پس فرمود حمد خداوندی را که قرارداد در میان مردم کسانی را که به نزد ما می‌آیند و ما را مدح می‌کنند و مرثیه می‌خوانند برای ما و قرارداد دشمن ما را کسانی که طعنه می‌زنند بر ایشان از خویشان ما یا از غیر ایشان و تهدید می‌نمایند ایشان را و زشت می‌شمارند کارهای ایشان را و در صدر همین حدیث است که هر که به زیارت او می‌رود بر او می‌گرید و هر که به زیارت او نمی‌رود بر مصیبت او اندوهناک می‌باشد و دلش می‌سوزد هر که او را به یاد می‌آورد و ترحم می‌کند هر که نظر می‌کند بسوی قبر پسرش در پایین پای او افتاده در بیابانی که خویشی و دوستی نزد او نیست و حق او را غصب کردند و جمع شدند جمعی از کافران و مرتدان از دین و یاور یكدیگر کردند تا او را کشتند و در بیابان دفن نکرده انداختند و منع کردند از او آب فراتی را که سگان می‌خوردند و ضایع کردند حق رسول خدا صلی الله علیه و آله را و وصیتی را که در حق او و اهلبیتش کرده بود و نیز ابن قولویه روایت کرده از حارث اعور که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود پدر و مادرم فدای حسین شهید در پشت کوفه به خدا قسم گویا می‌بینم جانوران دشتی را از هر نوعی که گردنها را کشیده‌اند بر قبر او و بر او گریه می‌کنند شب را تا صبح «فَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ فَأَيَّامُ وَالْجَفَاءَ» و اخبار در این باب بسیار است بیستم سید بن

طاوس رحمه الله فرموده که مستحب است آدمی را که هر وقت از زیارت آن حضرت فارغ شود و خواهد که از روضه مقدسه بیرون رود خود را به ضریح بچسباند و ببوسد و بگوید :

الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ،
سلام بر تو ای مولای من سلام بر تو ای حجت خدا سلام بر تو ای برگزیده خدا
الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَالِصَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَتِيلَ الظَّمَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
سلام بر تو ای بنده زبده خدا سلام بر تو ای کشته تشنگی سلام بر تو ای
غَرِيبَ الْغُرَبَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ سَلَامٌ مُودَّعٌ لَا سَنَمٌ وَلَا قَالٍ، فَإِنْ أَمَضَ فَلَا عَنْ
غریب تر از هر غریب سلام بر تو سلام خدا حافظی کننده ای که نه خسته شده و نه خشمگین پس اگر بروم نه از روی
مَلَالَةٍ، وَإِنْ أَقِمَ فَلَا عَنْ سُوءِ ظَنٍّ بِمَا وَعَدَ اللَّهُ الصَّابِرِينَ، لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ
ملال است و اگر بمانم نه از روی بدگمانی به وعده ای است که خدا به بردباران داده قرارش ندهد خدا آخرین بار
مِثِّي لِزِيَارَتِكَ، وَرَزَقَنِي اللَّهُ الْعُودَ إِلَى مَشْهَدِكَ، وَالْمَقَامَ بِفِنَائِكَ، وَالْقِيَامَ فِي
زیارت من از تو و روزیم کند خدا بازگشت بسوی زیارتگاه تو را و ماندن در آستان و ایستادن در
حَرَمِكَ، وَإِيَّاهُ أَسْأَلُ أَنْ يُسَعِدَنِي بِكُمْ، وَيَجْعَلَ لِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ .
حرمت را و از خدا خواهم که مرا بوسیله شما سعادتمند کند و با شما قرارم دهد در دنیا و آخرت

مقصد سیم

در کیفیت زیارت حضرت سید الشهداء علیه السلام و زیارت حضرت عباس قدس الله روحه است بدان که زیارات منقوله برای جناب امام حسین علیه السلام بر دو قسم است یکی مطلقه که مُقَيَّدٌ به وقتی نیست و دیگری مَحْصُوصَه که عکس آنست و بیاورد ذکر این زیارات در ضمن سه مطلب

مطلب اول

در زیارات مطلقه حضرت امام حسین علیه السلام است و آنها بسیار است و مادر اینجا به ذکر چند زیارت از آنها اکتفا می کنیم .

زیارت اول

شیخ کلینی در کافی به سند خود روایت کرده از حسین بن ثویر که گفت من و یونس بن ظبیان و مفضل بن عمرو ابوسلمه سراج نشسته بودیم نزد حضرت ابی عبدالله جعفر بن محمد علیهما السلام و سخنگو در میان ما یونس بود که ستش از همه ما بزرگتر بود پس به حضرت عرض کرد فدایت شوم من حاضر می شوم در مجلس این قوم یعنی اولاد

عباس پس چه بگویم فرمود هرگاه حاضر شدي و ما را به ياد آوردي پس بگو «اللَّهُمَّ ارِنَا الرَّخَاءَ وَالسُّرُورَ» که آنچه مي خواهي از ثواب يا رجوع در رجعت خواهي دريافت گفت گفتم فدایت شوم من بسيار شود که امام حسين عليه السلام را ياد کنم پس در آن وقت چه بگویم فرمود که سه مرتبه بگو صَلَّي اللَّهُ عَلَيْكَ [يا] ابا عَبْدِ اللَّهِ که سلام مي رسد به آن حضرت از نزديك و دور پس حضرت فرمود زمانی که حضرت ابو عبدالله الحسين عليه السلام شهيد شد گريه کرد بر آن حضرت آسمانهاي هفتگانه و هفت زمين و آنچه در آنها و آنچه در مابين آنها است و هر که در بهشت و در آتش است از مخلوق پروردگار ما و آنچه ديده مي شود و آنچه ديده نمي شود همه گريستند بر ابي عبدالله الحسين عليه السلام مگر سه چيز که گريه نکرد بر آن حضرت گفتم فدایت شوم آن سه چيز کدامست، فرمود: نگريست بر آن حضرت بصره و نه دمشق و نه آل عثمان گفتم فداي تو شوم مي خواهم به زيارت آن حضرت بروم پس چه بگویم و چه بکنم فرمود چون به زيارت آن حضرت روي پس غسل کن در کنار فرات پس بپوش جامه هاي پاک خود را پس با پاي برهنه روانه شو پس بدرستی که تو در حرمي هستی از حرمهاي خدا و حرم رسول خدا و بسيار بگو در وقت رفتن «اللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ» و هر ذکري که متضمن تمجيد و تعظيم حق تعالى باشد و صلوات بفرست بر محمد و اهلبيت او تا آنکه برسي به در حائر پس بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ

سلام بر تو اي حجت خدا و فرزند حجت خدا سلام بر شما اي فرشتگان خدا

وَزُورَاقَبْرِابْنِنَبِيِّ اللَّهِ. x پس ده گام بردار پس بایست و سي مرتبه بگو اللَّهُ أَكْبَرُ

و زائرین قبر فرزند پیغمبر خدا * * * * *

پس برو به جانب قبر از پیش رو و مقابل کن روي خود را با روي آن حضرت و قرارده قبله را مابين

* * * * *
* * * * *

دو کتف خود يعنی پشت به قبله باش پس بگو: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ

* * * * * سلام بر تو اي حجت خدا

و فرزند

حُجَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَتِيلَ اللَّهِ وَابْنَ قَتِيلِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ

حجت خدا سلام بر تو اي کشته راه خدا و فرزند کشته راه خدا سلام بر تو اي خون (ريخته در راه)

وَابْنَ ثَارِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَثَرَ اللَّهِ الْمُؤْتَوَّرَ فِي السَّمَوَاتِ

خدا و فرزند چنین خونی سلام بر تو ای خون بازجسته خدا که انتقام نگرفتی از کشتگانت در آسمانها
وَالْأَرْضِ، أَشْهَدُ أَنَّ دَمَكَ سَكَنَ فِي الْخُلْدِ، وَأَفْشَعَرَتْ لَهُ أَظْلَةً
و زمین گواهی دهم که خون تو جایگیر شد در بهشت جاوید و بلرزید برای آن سایه‌های
الْعَرْشِ، وَبَكِي لَهُ جَمِيعُ الْخَلَائِقِ، وَبَكَتْ لَهُ السَّمَوَاتُ السَّبْعُ
عرش و گریه کردند برایش تمام خلایق و گریست بر آن آسمانهای هفتگانه
وَالْأَرْضُونَ السَّبْعُ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ، وَمَنْ يَتَقَلَّبُ فِي الْجَنَّةِ
و زمینهای هفتگانه و آنچه در آنها و مابین آنها است و هر که می‌گردد در بهشت
وَالنَّارِ مِنْ خَلْقِ رَبَّنَا، وَمَا يَرِي وَمَا لَا يَرِي، أَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ وَابْنُ
و دوزخ از مخلوقات پروردگار ما و آنچه دیده شود و آنچه دیده نشود گواهی دهم که تو حجت خدا و فرزند
حُجَّتِهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَتِيلُ اللَّهِ وَابْنُ قَتِيلِهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ ثَارُ اللَّهِ وَابْنُ
حجت خدائی و گواهی دهم که تو کشته خدا و فرزند کشته خدائی و گواهی دهم که توئی کسی که خدا خونخواهیست کند
و فرزند
ثَارِهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَثْرُ اللَّهِ الْمُؤْتَرُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَأَشْهَدُ
چنین خونی و گواهی دهم که توئی کشته‌ای که انتقام کشتگانت را نگرفتی در آسمانها و زمین و گواهی دهم
أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ وَصَحَّتْ وَوَفِيَتْ وَأَوْفِيَتْ، وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ،
که تو برساندی (آنچه برعهده داشتی) و خیرخواهی کردی و وفاداری کردی و حق را بطور کامل ادا کردی و در راه خدا
جهاد کردی
وَمَضَيْتَ لِلَّذِي كُنْتَ عَلَيْهِ شَهِيداً وَمُسْتَشْهِداً، وَشَهِيداً وَمَشْهُوداً، أَنَا
و بدنال آن هدفی که داشتی از جهان درگذشتی بصورت شهادت و شهادت جوئی و گواه و مورد گواهی (حق) من
عَبْدُ اللَّهِ وَمَوْلَاكَ وَفِي طَاعَتِكَ، وَالْوَفَادُ إِلَيْكَ، التَّمَسُّ كَمَالِ الْمَنْزِلَةِ
بنده خدا و دوست تو و در تحت اطاعت تو و وارد بر توأم که جویایم مقام کاملی را
عِنْدَ اللَّهِ، وَتَبَاتَ الْقَدَمُ فِي الْهَجْرَةِ إِلَيْكَ، وَالسَّبِيلَ الَّذِي لَا يَخْتَلِجُ
در پیش خدا و پایداری در هجرت کردن بدرگاهت و (ورود بدان) راهی که در پیش تو اضطراب (و دغدغه) ندارد
دَوْنَكَ مِنَ الدُّخُولِ فِي كِفَالَتِكَ الَّتِي أُمِرْتُ بِهَا، مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَاءَ بِكُمْ،
از وارد شدن در تحت سرپرستی تو که بدان مأمور گشته‌ای، هر که آهنگ خدا کند از شما آغاز کند، بوسیله

بِكُمْ يُبَيِّنُ اللَّهُ الْكُذِبَ، وَبِكُمْ يُبَاعِدُ اللَّهُ الزَّمَانَ الْكَلْبَ، وَبِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ،

شما خدا آشکار کند دروغ را و بخاطر شما دور کند خداوند روزگار دشوار و گزنده را و بوسیله شما خداوند (در خیر) بگشاید

وَبِكُمْ يَخْتِمُ اللَّهُ، وَبِكُمْ يَمْحُو مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ، وَبِكُمْ يَفُكُ الذُّلَّ مِنْ

و به شما ببندد و بوسیله شما محو کند آنچه را خواهد و (یا) ثبت کند و به شما باز کند (طوق) خواری را از

رِقَابِنَا، وَبِكُمْ يُدْرِكُ اللَّهُ تَرَةً كُلِّ مُؤْمِنٍ يُطَلَّبُ بِهَا، وَبِكُمْ تُثَبِّتُ

گردنهای ما و به شما بگیرد خدا انتقام خون هر مؤمنی را که مورد مطالبه است و به شما برویاند

الْأَرْضَ أَشْجَارَهَا، وَبِكُمْ تُخْرِجُ الْأَرْضُ ثِمَارَهَا، وَبِكُمْ تُنْزِلُ السَّمَاءُ

زمین بر خود درختان را و به شما بیرون آرد زمین میوه‌های خود را و به شما ببارد آسمان

قَطْرَهَا وَرَزْقَهَا، وَبِكُمْ يَكْشِفُ اللَّهُ الْكَرْبَ، وَبِكُمْ يُنْزِلُ اللَّهُ الْغَيْثَ،

قطرات بارانش و روزیش را و به شما برطرف گرداند خدا گرفتاری را و به شما فرو بارد خدا باران را

وَبِكُمْ تُسَبِّحُ الْأَرْضُ الَّتِي تَحْمِلُ أَبْدَانَكُمْ، وَتَسْتَقِرُّ جِبَالُهَا عَنْ

و بوسیله شما تسبیح گوید زمینی که بدنهای مطهر شما را بر خود دارد و مستقر گردد کوههایش

مَرَاسِيهَا، إِرَادَةَ الرَّبِّ فِي مَقَادِيرِ أُمُورِهِ تَهْبِطُ إِلَيْكُمْ، وَتَصْدُرُ مِنْ

بوسیله لنگرهای آن، و خواست پروردگار در اندازه‌گیری کارهایش بسوی شما فرود آید و

يُبَيِّنُكُمْ، وَالصَّادِرُ عَمَّا فَضَّلَ مِنْ أَحْكَامِ الْعِبَادِ، لُعْنَتُ أُمَّةٍ قَتَلَتْكُمْ،

از خانه‌های شما صادر گردد و نیز آنچه صدور یابد از تفصیل احکام بندگان، لعنت بر آن امتی که شما را کشتند

وَأُمَّةٌ خَالَفَتْكُمْ وَأُمَّةٌ جَحَدَتْ وَلَا يَتَكُمُ، وَأُمَّةٌ ظَاهَرَتْ عَلَيْكُمْ، وَأُمَّةٌ

و آن مردمی که با شما مخالفت کردند و آن جمعیتی که منکر شدند ولایت شما را و آن امتی که از دشمن شما پشتیبانی کردند

و آن ملتی

شَهِدَتْ وَلَمْ تُسْتَشْهَدْ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ النَّارَ مَاوِيَهُمْ، وَبِئْسَ

که حاضر بودند ولی تن به شهادت ندادند ستایش خدائی را که دوزخ را جایگاهشان قرار داد و بد جائی است

وَرْدُ الْوَارِدِينَ، وَبِئْسَ الْوَرْدُ الْمَوْرُودُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

برای واردین و چه بد جایگاهی است ورودگاهشان و ستایش برای خدا پروردگار جهانیان * * *

بگو سه مرتبه: وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ پس سه مرتبه بگو: اَنَا إِلَيَّ اللَّهُ

* * * * * و درود خدا بر تو ای ابا عبدالله × × × × × من بسوی خداوند

مَمَّنْ خَالَفَكَ بَرِيءٌ. پس برمی خیزی می روی نزد قبر فرزند آن حضرت علی بن

* * * * * از هر کس که با تو مخالفت کرد بیزارم

* * * * *

الحسین علیه السلام که در نزد پای پدرش مدفون است پس می گوئی: اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بُنْ

* * * * *

سلام بر تو ای فرزند

رَسُولِ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بُنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بُنْ

رسول خدا سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان سلام بر تو ای فرزند

الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بُنْ خَدِيجَةَ وَفَاطِمَةَ صَلَّي اللَّهُ،

حسن و حسین سلام بر تو ای فرزند خدیجه و فاطمه درود خدا

عَلَيْكَ صَلَّي اللَّهُ عَلَيْكَ، صَلَّي اللَّهُ عَلَيْكَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ می گوئی این را

* * * * * بر تو درود خدا بر تو درود خدا بر تو لعنت خدا بر کسی که تو را کشت

سه مرتبه و سه مرتبه اِنَّا اِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ بَرِيءٌ، پس برمی خیزی و اشاره می کنی

* * * * * ما بسوی خدا از آنها بیزاریم

* * * * *

به دست خود به سوی شهداء رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ و می گوئی: اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ،

* * * * *

* * سلام بر شما

اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ، فُزْتُمْ وَاللَّهُ، فُزْتُمْ وَاللَّهُ، فُزْتُمْ وَاللَّهُ، فَلَيْتَ

سلام بر شما سلام بر شما رستگار شدید به خدا، رستگار شدید به خدا، رستگار شدید به خدا، و ای کاش من هم

اَتِي مَعَكُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً. پس برمی گردی و می گردانی قبر ابو عبدالله علیه السلام را مقابل خود یعنی

* * * * * با شما بودم و به رستگاری بزرگی نائل می گشتم

* * * * *

پشت قبر مطهر می ایستی و شش رکعت نماز می گذاری و چون چنین کردی زیارت تمام شد پس اگر خواستی برگردی

برگرد مؤلف گوید که شیخ طوسی در تهذیب و صدوق در کتاب مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه نیز این زیارت را نقل فرموده اند و شیخ

صدوق فرموده که من در کتاب مزار و مقتل انواعی از زیارات نقل کردم و برای این کتاب این زیارت را اختیار کردم زیرا که آن به اعتبار روایت اصح زیارتست نزد من و همین زیارت شریف ما را کافی و وافیهست انتهی .

زیارت دویم

شیخ کلینی روایت کرده از امام علی نقی علیه السلام که فرمود می گوئی نزد حسین علیه السلام :

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَشَاهِدَهُ
سلام بر تو ای ابا عبدالله سلام بر تو ای حجت خدا در زمین و گواه خدا
عَلِي خَلْفِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ عَلِي
بر خلق سلام بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو ای فرزند علی
الْمُرْتَضِي، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ
مرتضی سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا گواهی دهم که تو برستی برپاداشتی
الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ،
نماز را و بدادی زکات را و امر کردی به معروف (کار نیک) و نهی کردی از منکر (کار زشت)
وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَتَّى آتَاكَ الْيَقِينُ، فَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ حَيًّا
و جهاد کردی در راه خدا تا مرگت فرا رسید پس درود خدا بر تو در زندگی
وَمَيِّتًا. پس گونه راست رو را بر قبر بگذار و بگو: أَشْهَدُ أَنَّكَ عَلِي بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكَ،
و مرگت × × × × × × × × × × × × × × × × گواهی دهم که برستی تو (در کار خود) برهانی روشن از
پروردگارت

جِئْتُ مُقِرًّا بِالذُّنُوبِ، لِتَشْفَعَ لِي عِنْدَ رَبِّكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ. پس یادکن
داشتی، من آمده‌ام به درگاهت با اقرار به گناهانم تا وساطت کنی برایم در نزد پروردگارت ای پسر رسول خدا * *

ائمه علیهم السلام را به نامهای ایشان يك يك و بگو أَشْهَدُ أَنَّكُمْ حُجَجُ اللَّهِ پس بگو: أَكْتُبُ لِي عِنْدَكَ
* * * * * گواهی دهم که شما

حجت‌های خدا × × × × × ثبت کن برایم در پیش خود
مِثَاقًا وَعَهْدًا، إِنِّي أَتَيْتُكَ مُجَدِّدًا الْمِثَاقَ، فَاشْهَدْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ إِنَّكَ أَنْتَ الشَّاهِدُ.

پیمان و عهدي که برآستی من آمده‌ام براي تجديد پیمان پس گواهي ده براي من در نزد پروردگارت که برآستی توئي گواه

زیارت سیم

زیارت مختصري است که سید بن طاوس در مزار نقل کرده و در آن فضل بسیار است فرموده به حذف اسناد از جابر جعفي از حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرمود به جابر چه مقدار مسافت است بین شما و بین قبر حسین علیه السلام گفت گفتم يك روز و بعض روز فرمود زیارت مي‌کنی آن حضرت را گفتم بلي فرمود آیا خوشنود نکنم تو را آیا بشارت ندهم تو را به ثواب ایشان گفتم بلي فدایت شوم فرمود بدرستی که مردی از شما که مهیا می‌شود براي زیارت او مژده دهند اهل آسمانها یکدیگر را و چون بیرون رود از منزلش سواره یا پیاده موکل گرداند حق تعالی به او هزار ملك از ملائکه که صلوات بفرستند بر او تا برسد به قبر امام حسین علیه السلام پس حضرت صادق علیه السلام فرمود چون آمدي بسوي قبر حسين عليه السلام به‌ايست بر در روزه و بگو این کلمات را که از براي تو خواهد بود مقابل هرکلمه از آن بهره‌اي از رحمت الهي گفت گفتم کدامست آن کلمات فدایت شوم فرمود .

مي‌گوئي: اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ، اَللّٰهُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

* * * سلام بر تو اي وارث آدم برگزیده خدا سلام بر تو اي

وارث نُوحِ نَبِيِّ اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ اِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللّٰهِ،

وارث نوح پیامبر خدا سلام بر تو اي وارث ابراهيم خليل خدا

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ

سلام بر تو اي وارث موسي هم سخن خدا سلام بر تو اي وارث

عيسي رُوحِ اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ رُسُلِ اللّٰهِ،

عيسي روح خدا سلام بر تو اي وارث محمد آقاي رسولان خدا

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَخَيْرِ الْوَصِيِّينَ،

سلام بر تو اي وارث علي امير مؤمنان و بهترين اوصياء

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ الْحَسَنِ الرَّضِيِّ، الطَّاهِرِ الرَّاضِي الْمَرْضِيِّ،

سلام بر تو اي وارث حضرت حسن آن امام پسندیده پاک و راضي (به مقدارت خدا) و مورد پسند حق

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصَّدِيقُ الْأَكْبَرُ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو اي بزرگترين راستگو سلام بر تو

أَيُّهَا الْوَصِيُّ الْبَرُّ النَّقِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي

اي وصي نیکوکار با تقوی سلام بر تو و بر ارواحی که

حَلَّتْ بِفَنَائِكَ، وَأَنَاخَتْ بِرَحْلِكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ

فرود آمدند به آستان و بار انداختند بدرگاهت سلام بر تو و بر فرشتگانی

الْحَافِينَ بِكَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ

که گرداگرد تو آند گواهی دهم که تو براسستی برپاداشتی نماز را و بدادی زکات را و امر

بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَجَاهَدْتَ الْمُلْحِدِينَ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ

به معروف (کار نیک) کردی و نهی کردی از منکر (کار زشت) و با بی‌دینان ستیزه‌جو پیکار کردی و خدا را پرستش

کردی

حَتَّى آتَيْكَ الْبَقِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. × پس می‌روی

تا اینکه رحلت فرا رسید سلام بر تو و رحمت خدا و برکاتش * * * *

بسوی قبر مطهر و از برای تو خواهد بود به هر قدمی که برداری و بگذاری ثواب کسی که در راه خدا کشته شده و در

خون خود می‌غلطد پس چون رسیدی نزد قبر و ایستادی دست خود را بر قبر بمال و بگو «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي

أَرْضِهِ» پس برو بسوی نماز و از برای تو است به هر رکعتی که بجا آوری نزد آن حضرت مثل ثواب کسی که

هزار حج و هزار عمره بجا آورده باشد و هزار بنده آزاد کرده باشد و مثل کسی که هزار موقف با پیغمبر مرسل ایستاده باشد

الخبر و گذشت این روایت به اختلاف کمی در آداب زیارت امام حسین علیه السلام به روایت مُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ.

زیارت چهارم

از معاویه بن عمار منقول است که به خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که چون به زیارت حضرت

امام حسین علیه السلام بروم چه چیز بگویم فرمود که بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، رَحِمَكَ اللَّهُ

سلام بر تو ای ابا عبدالله درود خدا بر تو باد ای ابا عبدالله، خدا مورد مهر خویش قرار دهد

يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ شَرِكَ فِي دَمِكَ، وَلَعَنَ

ای ابا عبدالله، خدا لعنت کند کسی که تو را کشت و کسی را که در خون تو شرکت جست و خدا لعنت

اللَّهُ مَنْ بَلَغَهُ ذَلِكَ فَرَضِي بِهِ، أَنَا إِلَيَّ اللَّهُ مَنْ ذَلِكَ بَرِيءٌ

کند کسی که این جریان به اطلاع او رسید و بدان خوشنود بود من بسوی خدا از این جریان بیزاری جویم

زیارت پنجم

بسند معتبر منقول است که حضرت امام موسی علیه السلام فرمود به ابراهیم بن ابی البلاد که چون به زیارت امام حسین علیه السلام

می روی چه می گوئی گفت می گویم: **السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بْنَ**
*** * * * *** سلام بر تو ای ابا عبدالله سلام بر تو ای فرزند

رَسُولِ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ،
 رسول خدا گواهی دهم که تو براسستی بیاداشتی نماز را و بدادی زکات را و امر کردی به معروف (کار نیک) و نهی کردی
 وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَدَعَوْتَ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ،
 از منکر (کار زشت) و دعوت کردی به راه پروردگارت با فرزاندگی و پند دادن نیکو
 وَأَشْهَدُ أَنَّ الَّذِينَ سَفَكُوا دَمَكَ، وَاسْتَحَلُّوا حُرْمَتَكَ مَلْعُونُونَ مُعَذَّبُونَ عَلَيَّ
 و گواهی دهم که حقا آنانکه ریختند خونت را و حرمت تو را از بین بردند ملعونند (و از رحمت حق دورند) و معذب
 هستند بر

لِسَانَ دَاوُدَ وَعِيسَى بْنِ مَرْيَمَ، ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ
 زبان داود و عیسی بن مریم و این بخاطر آن گناهی است که کردند و مردمی تجاوزکار بودند
 حضرت فرمود بلی چنین است .

زیارت ششم

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مروی است که به عمار ساباطی فرمود که چون برسی به قبر امام حسین علیه السلام بگو :

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،
 سلام بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان
 السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا سَيِّدَ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ
 سلام بر تو ای ابا عبدالله سلام بر تو ای آقایان جوانان اهل بهشت و رحمت خدا

وَبَرَكَاتُهُ، [الْسَّلَامُ عَلَيْكَ] يَا مَنْ رِضَاهُ مِنْ رِضَى الرَّحْمَنِ، وَسَخَطُهُ مِنْ سَخَطِ
و برکاتش سلام بر تو ای که خوشنودیش از خوشنودی خدای رحمان و خشمش نیز از خشم خدای
الرَّحْمَنِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ، وَحُجَّةَ اللَّهِ، وَبَابَ اللَّهِ، وَالدَّلِيلَ
رحمان سرچشمه گیرد سلام بر تو ای امانتدار و حجت خدا و درگاه خدا و راهنمای
عَلَى اللَّهِ، وَالِدَاعِي إِلَى اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ حَلَلْتَ حَلَالَ اللَّهِ، وَحَرَّمْتَ
بر خدا و خواننده بسوی خدای گواهی دهم که تو براسق حلال کردی حلال خدا را و حرام کردی
حَرَامَ اللَّهِ، وَأَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ
حرام خدا را و پیاداشتی نماز را و بدادی زکات را و امر کردی به معروف (کار نیک) و نهی کردی
عَنِ الْمُنْكَرِ، وَدَعَوْتَ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ
از منکر (کار زشت) و دعوت کردی به راه پروردگارت با فرزاندگی و پند دادن نیکو و گواهی دهم که تو
وَمَنْ قُتِلَ مَعَكَ شُهَدَاءٌ، أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّكُمْ تُرْزَقُونَ، وَأَشْهَدُ أَنَّ قَاتِلَكَ فِي النَّارِ،
و هر که با تو کشته شد شهیدانی هستی زنده که در نزد پروردگارتان روزی می خورید و گواهی دهم که براسق کشنده تو در
آتش است
أَدِينُ اللَّهُ بِالْبَرَاءَةِ مِمَّنْ قَتَلَكَ، وَمِمَّنْ قَاتَلَكَ وَشَايَعَ عَلَيْكَ، وَمِمَّنْ جَمَعَ عَلَيْكَ،
پیروی کنم از خدا به بیزارای جستن از کسی که تو را کشت و جنگ کرد با تو و بر علیه تو از دشمنانت پیروی کرد و از
کسانی که دشمن
وَمِمَّنْ سَمِعَ صَوْتَكَ وَلَمْ يُعِنِكَ، يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً
برایت جمع کردو از آنکس که آوازت شنید ولی یاریت نکردای کاش من باشما بودم و به رستگاری بزرگی نائل می شدم
مؤلف گوید که این سه زیارت از مزار ابن قولویه منقولست .

زیارت هفتم

شیخ در مصباح روایت کرده از صفوان جمال که گفت رخصت طلبیدم از حضرت صادق علیه السلام برای زیارت
مولایمان حسین علیه السلام و استدعا کردم که ذکر کند برای من دستورالعملی در زیارت آن حضرت که به آن نحو رفتار
بکنم فرمود ای صفوان روزه بدار سه روز پیش از حرکت خود و غسل کن در روز سیم پس جمع کن اهل و
عیال خود را به نزد خود و بگو «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ الدُّعَاءَ» پس دعائی تعلیم او فرموده که بگوید در وقتی که به فرات

برسد آنگاه فرموده پس غسل کن از فرات بدرستی که پدرم خبر داد مرا از پدران علیهم السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود همانا این پسر من حسین کشته خواهد شد بعد از من در کنار فرات پس هر که زیارت کند او را و غسل کند از فرات بریزد از او گناهان او مانند روزی که مادر او را متولد کرده پس هرگاه غسل کنی در اثناء غسل بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ نُورًا وَطَهُورًا وَحِرْزًا، وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسَقَمٍ

به نام خدا و به یاری خدا خدایا قرارش ده روشنی و پاک کننده و نگهدارنده و شفای از هر دردی و بیماری و و آفۀ و عاهۀ، اللَّهُمَّ طَهِّرْ بِهِ قَلْبِي وَاشْرَحْ بِهِ صَدْرِي، وَسَهِّلْ لِي بِهِ أَمْرِي .

آفتی و آسیبی خدایا پاک کن بدن دلم را و بگشا بدن سینهام را و آسان گردان بدان کارم را و چون از غسل فارغ شوی بیوش دو جامه طاهر و دو رکعت نماز کن در بیرون مشرعه که آن همان مکانی است که حق تعالی در شأن او فرموده و در زمین قطعه‌ها است نزدیک به یکدیگر و بوستانها است از انگورها و کشتزار است و خرماستانها است و تا از یک بیخ رسته آب خورده می‌شوند به یک آب و زیادتی می‌دهیم بعضی از آنها را بر بعضی در میوه، پس چون از نماز فارغ شوی روانه شو به جانب حائر به حال آرامی و وقار و کوتاه بردار گامهای خود را پس بدرستی که خداوند تعالی می‌نویسد از برای تو به هر گامی که برمی‌داری حج و عمره و راه برو با دل خاشع و دیده گریان و بسیار کن ذکر الله اکبر و لا اله الا الله و ثنا بر خدا و صلوات بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و صلوات بر حسین صلوات الله علیه بالخصوص و بسیار کن لعن بر قاتلان آن حضرت و بیزاری جستن از کسانی که در اول پایه ظلم و جور را بر اهل بیت علیهم السلام گذاشتند پس هرگاه رسیدی به در حائر به ایست و بگو:

اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا، وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

خدا بزرگتر است به کمال و ستایش خدا راست بسیار و منزّه است خدا در صبح و شام ستایش خدائی را که ما را به این (راه)

هَدَانَا لِهَذَا، وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ، لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلٌ رَبَّنَا بِالْحَقِّ

هدایت کرد و ما خود چنان نبودیم که راه ببریم اگر خدا ما را هدایت نمی‌کرد برستی که آمدند رسولان پروردگار ما به

حق

پس بگو: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ

* * * سلام بر تو ای رسول خدا سلام بر تو ای پیامبر خدا سلام

عَلَيْكَ يَا خَاتِمَ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْمُرْسَلِينَ، السَّلَامُ

بر تو ای خاتم پیمبران سلام بر تو ای آقای رسولان سلام
عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
بر تو ای حبیب خدا سلام بر تو ای امیر مؤمنان سلام بر تو ای
سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
آقای اوصیاء سلام بر تو ای پیشوای سفیدرویان (در محشر) سلام بر تو
يَا بْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَتْمَةِ مِنْ
ای فرزند فاطمه بانوی زنان جهانیان سلام بر تو و بر امامان از
وُلَدِكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا
فرزندانت سلام بر تو ای وصی امیر مؤمنان سلام بر تو ای
الصَّدِيقُ الشَّهِيدُ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُقِيمِينَ فِي هَذَا
راستگوی شهید سلام بر شما ای فرشتگان خدا که رحل اقامت افکنده‌اید در این
الْمَقَامِ الشَّرِيفِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَلَائِكَةَ رَبِّي الْمُحَدِّقِينَ بِقَبْرِ
جایگاه شریف سلام بر شما ای فرشتگان پروردگار من که حلقه‌وار دربر گرفته‌اید
الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ مَنِّي أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ
حسین علیه‌السلام را سلام بر شما از من همیشه تا من هستم و شب
وَالنَّهَارُ. پس می‌گوئی السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ
روز برپا است × × × سلام بر تو ای اباعبدالله سلام بر تو ای فرزند
رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ
رسول خدا سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان بنده‌ات و فرزند بنده
وَابْنُ أُمْتِكَ، الْمَقَرُّ بِالرُّقِّ، وَالتَّارِكُ لِلْخِلَافِ عَلَيْكُمْ، وَالْمُوَالِي لَوْلِيِّكُمْ،
و فرزند کنیزت که اقرار به بندگی شما دارد و مخالفت با شما نکرده و دوست دوستدار شما
وَالْمُعَادِي لِعَدُوِّكُمْ قَصَدَ حَرَمَكَ، وَاسْتَجَارَ بِمَشْهَدِكَ، وَتَقَرَّبَ إِلَيْكَ
و دشمن دشمنانتان می‌باشد آهنگ حرم تو را کرده و پناه آورده به زیارتگاهت و تقرب جسته به درگاهت
بِقَصْدِكَ، ءَاذْخُلُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، ءَاذْخُلُ يَا نَبِيَّ اللَّهِ، ءَاذْخُلُ يَا أَمِيرَ
به همین آهنگ کردند، آیا داخل گردم ای رسول خدا آیا داخل شوم ای پیغمبر خدا؟ آیا داخل گردم ای امیر

الْمُؤْمِنِينَ، ءَاذُخْلُ يَا سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ، ءَاذُخْلُ يَا فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ

مؤمنان؟ آیا داخل شوم ای آقای اوصیاء؟ آیا داخل شوم ای فاطمه بانوی زنان

العالمین، ءَاذُخْلُ يَا مَوْلَايَ يَا اَبَا عَبْدِ اللَّهِ، ءَاذُخْلُ يَا مَوْلَايَ يَا بَنَ

جهانیان؟ آیا داخل شوم ای مولای من ای اباعبدالله؟ آیا داخل شوم ای سرور من ای فرزند

رَسُولِ اللَّهِ. × پس اگر دلت خاشع و دیده‌ات گریان شد آن علامت رُخصت است پس داخل

رسول خدا؟ * * * * *

* * * * *

شو و بگو: اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْاَحَدِ، الْفَرْدِ الصَّمَدِ، الَّذِي هَدَانِي لَوْلَايَتِكَ،

* * * * * ستایش از آن خدای یگانه یکتای فرد بی‌نیازی است که مرا به دوستی و ولایت تو راهنمایی فرمود

وَحَصَّنِي بِزِيَارَتِكَ، وَسَهَّلَ لِي قَصْدَكَ، پس می‌روی تا درِ قبه مطهره و بایست

* * * * * و به زیارتت مخصوص داشت و آسان ساخت برایم آهنگ کردنت را * * * * *

مَحَاذِي بِالْاِي سِرِّ وَ بگو: اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صِفْوَةِ اللَّهِ، اَلْسَّلَامُ

* * * * * سلام بر تو ای وارث آدم برگزیده خدا سلام

عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ اِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ

بر تو ای وارث نوح پیغمبر خدا سلام بر تو ای وارث ابراهیم خلیل

اللَّهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ

خدا سلام بر تو ای وارث موسی هم سخن با خدا سلام بر تو ای وارث

عِيسَى رُوحِ اللَّهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ، اَلْسَّلَامُ

عِيسی روح خدا سلام بر تو ای وارث محمد حبیب خدا سلام

عَلَيْكَ يَا وَارِثَ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ

بر تو ای وارث امیر مؤمنان علیه‌السلام سلام بر تو ای فرزند

مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ

محمد مصطفی سلام بر تو ای فرزند علی مرتضی سلام بر تو ای

يَا بَنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى، اَلْسَّلَامُ

فرزند فاطمه زهرا سلام بر تو ای فرزند خدیجه کبری سلام

عَلَيْكَ يَا نَارَ اللَّهِ وَابْنَ نَارِهِ، وَالْوَثَرَ الْمَوْتُورُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ

بر تو ای کسی که خدا خونخواهیش کند و فرزند چنین خونی و ای تک و تنها مانده ای که انتقام خونت گرفته نشد گواهی
دهم که تو

الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ،

بیاداشتی نماز را و بدادی زکات را و امر کردی به معروف (کار نیک) و نهی کردی از منکر (کار زشت)

وَأَطَعْتَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلْتَنكَ وَلَعَنَ

و پیروی کردی از خدا و رسولش تا به شهادت رسیدی پس خدا لعنت کند مردمی که تو را کشتند و خدا لعنت

اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمْتَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ، يَا مَوْلَايَ يَا

کند مردمی که به تو ستم کردند و خدا لعنت کند مردمی که این جریان را شنیدند و بدان راضی شدند ای مولای من ای

أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ، وَالْأَرْحَامِ

ابا عبدالله گواهی دهم که تو براستی نوری بودی در صُلَهای شامخ (و بلند) و رَحَهای

الْمُطَهَّرَةِ، لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَجَاسِهَا، وَلَمْ تُلْبِسْكَ مِنْ مُدْلِهَمَاتِ

پاک، آلوده ات نکرد زمان جاهلیت به پلیدیهایش و نیوشاندت از جامه های آلوده و

ثِيَابِهَا، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ، وَأَرْكَانِ الْمُؤْمِنِينَ،

چرکش و گواهی دهم که براستی تو از جمله ستونهای دین و پایه های محکم مردان با ایمانی

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْبَرُّ الْتَّقِيُّ، الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ، الْهَادِي الْمُهْدِيُّ،

و گواهی دهم که براستی تو پیشوائی هستی نیکوکار و با تقوی و پسندیده و پاکیزه و راهنمای راه یافته

وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأُئِمَّةَ مِنْ وَلَدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى، وَأَعْلَامُ الْهُدَى، وَالْعُرْوَةُ

و گواهی دهم که امامان از فرزندان تو اساس (و حقیقت) تقوی و نشانه های هدایت و دستاویز

الْوُثْقَى، وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا، وَأَشْهَدُ اللَّهُ وَمَلَائِكَتُهُ وَأَنْبِيَآئُهُ

محکم (حق) و حجتی برای مردم دنیا هستند و گواه گیرم خدا و فرشتگانش و پیمبرانش

وَرُسُلُهُ، أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَبِأَيِّكُمْ مُوقِنٌ، بِشَرَايعِ دِينِي، وَخَوَاتِيمِ

و رسولانش را که من براستی به شما ایمان دارم و به بازگشتتان یقین دارم طبق مقررات دین و مذهبم و پایان

عَمَلِي، وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلَمٌ، وَأَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مَتَّبِعٌ، صَلَوَاتُ اللَّهِ

کردارم و دلم تسلیم دل شما است و کارم پیرو کار شما است دروذهای خدا

عَلَيْكُمْ، وَعَلَى أَرْوَاحِكُمْ، وَعَلَى أَجْسَادِكُمْ وَعَلَى أَجْسَامِكُمْ، وَعَلَى

بر شما و بر روانهایتان و بر جسد هاتان و بر پیکرتان و بر

شاهدتکم، وَعَلَى غَائِبِكُمْ، وَعَلَى ظَاهِرِكُمْ، وَعَلَى بَاطِنِكُمْ، × پس بیانداز

حاضران و بر غائبان و بر آشکارتان و بر نهاتان * * * * *

خود را بر قبر و بیوس آنرا و بگو: بَابِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، بَابِي أَنْتَ

* * * * * پدر و مادرم به فدای تو ای فرزند رسول خدا پدر

وَأُمِّي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ، وَجَلَّتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا،

و مادرم فدای تو ای ابا عبدالله براستی بزرگ گشت عزایت و گران شد مصیبت تو بر ما

وَعَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ

و بر همه اهل آسمانها و زمین پس خدا لعنت کند مردمی را که اسبان را زین کردند

وَالْجَمْتُ وَهَيَّيْتُ لِقِتَالِكَ، يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، قَصَدْتُ حَرَمَكَ،

و دهانه زدند و آماده کشتارت شدند ای مولای من ای ابا عبدالله من آهنگ کردم حرم تو را

وَأَتَيْتُ إِلَى مَشْهَدِكَ، أَسْأَلُ اللَّهَ بِالشَّانِ الَّذِي لَكَ عِنْدَهُ، وَبِالْمَحَلِّ

و آمدم به زیارتگاهت از خدا خواهم بدان منزلتی که در پیش او داری و بدان مقامی

الَّذِي لَكَ لَدَيْهِ، أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ يَجْعَلَ لِي

که نزدش داری که درود فرستد بر محمد و آل محمد و قرار دهد مرا

مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. پس برخیز و دو رکعت نماز در بالای سربگذار بخوان در

با شما در دنیا و آخرت * * * * *
* * *

آن دو رکعت هر سوره ای که خواهی پس چون از نماز فارغ شدی بگو: اَللّهُمَّ اِنِّي

* * * * *
* * * * * خدا یا من

صَلَّيْتُ وَرَكَعْتُ وَسَجَدْتُ لَكَ، وَخَدَاكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، لِأَنَّ الصَّلَاةَ

نماز خواندم و رکوع کردم و سجده بجا آوردم برای تو تنها که شریک نداری زیرا نماز

وَالرُّكُوعَ وَالسُّجُودَ لَا يَكُونُ إِلَّا لَكَ، لِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ،

و رکوع و سجده نیست جز برای تو چونکه توئی خدائی که معبودی جز تو نیست

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَابْلِغْهُمْ عَنِّيْ اَفْضَلَ السَّلَامِ
 خدايا درود فرست بر محمد و آل محمد و برسان از جانب من بدانها بهترين سلام
 وَالتَّحِيَّةَ، وَارْزُدْ عَلَيَّ مِنْهُمْ السَّلَامَ، اَللّٰهُمَّ وَهَاتَانِ الرُّكْعَتَانِ هَدِيَّةٌ
 و تحيت را و باز گردان از جانب آنها نيز بر من سلام خدايا و اين دو ركعت نمازي كه خواندم هديه‌اي است
 مِنِّيْ اِلَى مَوْلَايَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ
 از من به پيشگاه سرورم حضرت حسين بن علي عليهما السلام خدايا درود فرست بر
 مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِ وَتَقَبَّلْ مِنِّيْ، وَاجْزِنِيْ عَلَيَّ ذَلِكَ بِاَفْضَلِ اَمَلِيْ
 محمد و بر آن حضرت و پذير از من و پاداشم بده در برابر آن برطبق بهترين آرزو
 وَرَجَائِيْ فِيْكَ، وَفِيْ وَلِيِّكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِيْنَ. * پس برخيز و برو پايين پاي قبر
 و اميدي كه درباره ولي تو دارم اي سرپرست مؤمنان *
 * * * * *
 آن حضرت و بايست نزد سر علي بن الحسين عليهما السلام و بگو: اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُوْلٍ
 * * * * *
 * سلام بر تو اي فرزند

رسول

اَللّٰهُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ نَبِيِّ اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ،
 خدا سلام بر تو اي فرزند پيامبر خدا سلام بر تو اي فرزند امير مؤمنان
 اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الشَّهِيدُ [وَابْنُ
 سلام بر تو اي فرزند حسين شهيد سلام بر تو اي شهيد
 الشَّهِيدِ «منه»]، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْمَظْلُوْمُ [وَ] اِبْنُ الْمَظْلُوْمِ، لَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً
 سلام بر تو اي ستم رسيده و فرزند (آن امام) ستمديده خدا لعنت کند مردمي كه
 قَتَلْتَنِكَ، وَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً ظَلَمْتَنِكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَارْضِيَتْ بِهِ. پس
 تو را كشتند و خدا لعنت کند مردمي كه به تو ستم كردند و خدا لعنت کند مردمي را كه از اين جريان اطلاع پيدا کرده و بدان
 راضي شدند * *

بيفكن خود را بر قبرش و ببوس آنرا و بگو: اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللّٰهِ وَابْنِ وَلِيِّهِ، لَقَدْ
 * * * * *
 سلام بر تو اي فرزند ولي و فرزند ولي خدا براستي

كه

عَظُمَتِ الْمُصِيبَةُ، وَجَلَّتِ الرَّزِيَّةُ بِكَ عَلَيْنَا، وَعَلَى جَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ،

بزرگ گشت مصیبت تو و گران شد عزای تو بر ما و بر تمام مسلمانان،

فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ، وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ وَالْيَكِ مِنْهُمْ. پس بیرون بیا از دري که

خدا لعنت کند مردمي که تو را کشتند و بیزاري جویم بسوي خدا و بسوي تو از آنها * * * * *

پایین پاي علي بن الحسين عليهما السلام است و متوجه شو بسوي شهداء و بگو: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ

* * * * * سلام

بر شما

يا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ وَآحِبَّائِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يا أَصْفِيَاءَ اللَّهِ وَأَوْدِيَّائِهِ، السَّلَامُ

اي اولياء خدا و دوستانش سلام بر شما اي برگزیدگان خدا و دوستدارانش سلام بر

عَلَيْكُمْ يا أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يا أَنْصَارَ رَسُولِ اللَّهِ،

شما اي ياوران دين خدا سلام بر شما اي ياران رسول خدا

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يا أَنْصَارَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يا أَنْصَارَ

سلام بر شما اي ياران امير مؤمنان سلام بر شما اي ياران

فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يا أَنْصَارَ أَبِي مُحَمَّدٍ

فاطمه بانوي زنان جهانيان سلام بر شما اي ياران حضرت ابا محمد

الْحَسَنَ بْنِ عَلِيٍّ، الْوَلِيَّ النَّاصِحَ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يا أَنْصَارَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ،

حسن بن علي آن دوست خيرخواه سلام بر شما اي ياران حضرت ابا عبدالله

بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي طِبْتُمْ، وَطَابَتِ الْأَرْضُ [أَنْتُمْ] الَّتِي فِيهَا دُفِنْتُمْ، وَفُزْتُمْ

پدر و مادرم به فدای شما براستی پاکیزه شدید و پاکیزه گشت آن زمینی که شما در آن مدفون شدید و به رستگاری

فَوْزاً عَظِيماً، فَيَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ، فَأَفُوزَ مَعَكُمْ، × پس برگرد به بالا سَرِ

بزرگی رسیدید پس اي کاش من هم با شما بودم که با شما رستگار گردم * * * * *

حضرت امام حسين عليه السلام و دعا بسیار کن از براي خود و از براي اهل و اولاد و پدر و مادر و برادران خود

زیرا که در آن روضه مطهره ردّ نمی شود دعاء دعاکننده و نه سؤال سؤال کننده مؤلف گوید این زیارت معروف به زیارت

وارث است و مأخذش کتاب مصباح المتهجد شيخ طوسي است که از کتب بسیار معتبره معروفه نزد علماء است و من

این زیارت را بلاواسطه از همان کتاب شریف نقل کردم آخر زیارت شهداء همین بود که ذکر شد فَيَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزَ مَعَكُمْ پس این زیادتها که بعضی بعد از این ذکر کرده اند «فِي الْجَنَانِ مَعَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا السَّلَامُ عَلَي مَنْ كَانَ فِي الْحَائِرِ مِنْكُمْ وَعَلَي مَنْ لَمْ يَكُنْ فِي الْحَائِرِ مَعَكُمْ الخ» تمامی اینها زیادی و فضولی است شیخ ما در کتاب لَوْلُو مرجان فرموده این کلمات که متضمن چند دروغ واضح است علاوه بر جسارت ارتکاب بر بدعت و جسارت افزودن بر فرموده امام علیه السلام چنان شایع و متعارف شده که البتّه چند هزار مرتبه در شب و روز در حضور مرقد منور ابي عبدالله الحسين عليه السلام و محضر ملائکه مقربین و مطاف انبياء و مرسلین عليهم السلام به آواز بلند خوانده مي شود و احدي بر ایشان ایراد نمي کند و از گفتن این دروغ و ارتکاب این معصیت نهي نمي نمایند و کم کم این کلمات در مجموعه هایی که در زیارات و ادعیه احمقان از عوام جمع مي کنند و گاهی اسمي براي آن مي گذارند جمع شده و چاپ رسیده و منتشر گشته و از مجموعه این احمق به مجموعه آن احمق نقل گردیده و کار بجاي رسیده که بر بعضي طلبه مشتبّه شده روزي طلبه اي را دیدم که آن دروغهاي قبیحه را براي شهدا مي خواند دست بر کتفش گذاشتم ملتفت من شد گفتم از اهل علم قبیح نیست چنین اکاذیب در چنین محضري گفت مگر مروی نیست تعجب کردم گفتم نه گفت در کتابی دیدم گفتم در کدام کتاب گفت مفتاح الجنان ساکت شدم چه کسی که در بی اطلاعی کارش به اینجا رسد که جمع کرده بعضي عوام را کتاب شمرد و مستند قرار دهد قابل سخن گفتن نیست پس شیخ مرحوم کلام را در این مقام طول داده و فرموده که به حال خود گذاشتن عوام در امثال این امور جزئیّه و بدعتهاي مختصره مثل غسل اویس قرن و اش ابوالدرداء تابع و مخلص حقیقي معایه و روزه صمت که در روز سخن نگویند و غیر آن که احدي بر مقام نهي برنیامده سبب تجربی شده که در هر ماه و سال پیغمبر و امام تازه پیدا مي شود و دسته دسته از دین خدا بیرون مي روند انتهي کلامه رَفِعَ مقامُهُ این فقیر گوید خوب تأمل کن در فرمایش این عالم جلیل که مطلع است بر مذاق شرع مقدس چگونه این مطلب همي عظیم و عقده بزرگ در دل او گردیده چون مي داند مفاسد این کار را بر خلاف آنانکه از علوم اهل بیت عليهم السلام محروم و بی بهره ماندند و بدانستن ضعیفی از اصطلاحات و الفاظ اکتفا کردند که امثال این مطالب را چیزی ندانند بلکه تصحیح و تصویب نموده و عمل بر وفق آن نمایند لاجرم کار به جائي رسد که کتاب مصباح المنتهجد و اقبال و مهج الدعوات و جمال الأسبوع و مصباح الزائر و بلد الأمین و جنة الواقعة و مفتاح الفلاح و مقباس و ربیع الأسابیع و تحفه و زادالمعاد و امثال این کتب متروک و مهجور شود و این مجموعه هاي احمقانه شایع شود که در دعای مجیر که از دعاهاي معتبره مرویه است در هشتاد موضع آن کلمه بِعَقْوِكَ زیاد کنند و کسی انکار نکند و در دعای جوشن که مشتمل بر صد فصل است براي هر فصلي يَك خاصیتی وضع کنند و با بودن این همه زیارات مأثوره زیارت مفجعه جعل کنند و با بودن این همه دعاهاي معتبره مرویّه با مضامین عالیّه و کلمات فصیحّه بلیغه دعائي بی ربط

در کمال برودت جعل نمایند و نام او را دعاء حَبَّی گذارند و از کنگره عرش آن را نازل نمایند و چندان فضیلت برای او وضع نمایند که انسان را متحیر و سراسیمه نماید از جمله آنکه العیاذ باللّٰه جبرئیل به حضرت رسول صلی الله علیه و آله از جانب حق سبحانه و تعالی گفته باشد که هر بنده‌ای که این دعا را با خود دارد او را عذاب نکنم اگرچه مستوجب جهنّم باشد و عمر خود را به معصیت گذرانده باشد و مرا در هیچوقت سجده نکرده باشد من آن بنده را ثواب هفتاد هزار پیغمبر بدهم و ثواب هفتاد هزار زاهد و ثواب هفتاد هزار شهید بدهم و ثواب هفتاد هزار نماز گذار بدهم و ثواب هفتاد هزار برهنه که پوشانیده باشد بدهم و ثواب هفتاد هزار گرسنه که سیر کرده باشد بدهم و ثواب به عدد ریگهای بیابانها بدهم و ثواب هفتاد هزار بقعه زمین بدهم و ثواب مهر نبوت رسالت پناه بدهم و ثواب عیسی روح الله و ابراهیم خلیل الله بدهم و ثواب اسماعیل ذبیح الله و موسی کلیم الله و یعقوب نبی الله و آدم صفی الله و جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل و فرشتگان بدهم یا محمد هر که این دعای بزرگوار حَبَّی را بخواند یا با خود دارد بیمارزم او را و شرم دارم که عذاب کنم الخ و شایسته است که انسان از شنیدن اینها عوض خنده گریه کند کتب ادعیه شیعه که به مرتبه‌ای متقن و محکم بوده که غالب آنها که استنساخ می نمودند خودشان از اهل علم بودند و از روی نسخی که به خط اهل علم و تصحیح شده علماء بوده مقابله و تصحیح می نمودند و اگر اختلافی بود در حاشیه‌اش به آن اشاره می کردند مثلاً در دعای مکارم الأخلاق و بَلِّغْ بِایمانی در حاشیه‌اش اشاره می کنند در نسخه ابن اشناس و اَبْلُغْ بِایمانی است و در روایت ابن شاذان اللهم اَبْلِغْ ایمانی است یا مثلاً فلان کلمه به خط ابن سکون چنین است و به خط شهید چنین و هكذا کارش به جایی رسیده که منحصر به کتاب مفتاح شده که فی الجمله وصفش را شنیدی و این کتاب مرجع عوام و خواصّ و عرب و عجم گردیده و این نیست جز از بی اعتنائی اهل علم به حدیث و اخبار و رجوع نکردن به کتب علماء و فقهاء اهلبیت اطهار و نهی نمودن از امثال این بدع و اضافات و دَسّ و ضّاعین و تحریف جاهلین و جلو نگرفتن از نا اهلان و از تصرفات بی خردان تا کار به جایی رسیده که دعاها موافق سلیقه‌ها تلفیق شده و زیارتها و مفععه‌ها و صلواتها اختراع شده و مجموعه‌های بسیار از دعاها دَسّ شده چاپ شده و بچّه مفتاحها متولّد گشته و کم کم سرایت کرده به سایر کتب رسیده و شایع و رواج گشته مثلاً کتاب منتهی الآمال این احقر را تازه طبع کردند بعض از کُتّاب آن به سلیقه خود در آن تصرفاتی نموده از جمله در احوال مالک بن یُسّر ملعون نوشته از دعای امام حسین علیه السلام هر دو دست او از کار افتاده بود الحمدلله در تابستان مانند دو چوب خشک می گردید الحمدلله و در زمستان خون از آنها می چکید الحمدلله و بر این حال خُسران مأل بود الحمدلله در این دو سطر عبارت چهار لفظ الحمدلله کاتب موافق سلیقه خود جزء کرده و نیز در بعضی جاها بعد از اسم جناب زینب یا امّ کلثوم به سلیقه خود لفظ خانم زیاد کرده که زینب خانم و امّ کلثوم خانم گفته شود که تجلیل از آن مخدّرات شود و حمید بن قحطبه را چون دشمن داشته به واسطه بدی او حمید بن قحبه

نوشته و لکن احتیاط کرده قحطبه را نسخه بدل او نوشته و عَبْدْرَبَّه را صلاح دیده عبدالله نوشته شود و زحر بن قیس که بجاء مُهْمَلَه است در هر کجا بوده به جیم نوشته و امّ سَلَمَه را غلط دانسته تا ممکنش بوده امّ السَلَمَه کرده الی غیر ذلك و غرضم از ذکر این مطلب در اینجا دو چیز بود یکی آنکه این تصرفاتی را که این شخص کرده به سلیقه خود این را کمال دانسته و خلافش را ناقص فرض کرده و حال آنکه همین چیزی که او کمال دانسته باعث نقصان شده پس از اینجا قیاس کنیم که چیزهایی که ما از روی جهل و نادانی در دعاها و زیارات داخل می کنیم یا به سلیقه ناقص خود بعض تصرفات می نمائیم و آن را کمال فرض می نمائیم بدانیم که همان چیزها پیش اهلش سبب نقصان و بی اعتباری آن دعا یا زیارت خواهد بود پس شایسته است که ما بهیچوجه در این باب مداخله نکنیم و هر چه دستور العمل دادند به همان رفتار نموده و از آن تخطّی ننمائیم و دیگر غرضم آن بود که معلوم شود هرگاه نسخه ای که مؤلفش زنده و حاضر و نگهبان او باشد اینطور کنند با او دیگر با سایر نسخ چه خواهند کرد و به کتابهای چاپی دیگر چه اعتماد است مگر کتابی که از مُصَنَّفَات مشهوره علماء معروفین باشد و به نظر ثقه از علماء آن فن رسیده و امضاء فرموده باشد روایت شده در حال ثقه جلیل فقیه مقدّم در اصحاب ائمّه علیهم السلام یونس بن عبدالرحمن که کتابی در اعمال شبانه روز نوشته بود جناب ابوهاشم جعفری آن کتاب را به نظر مبارک حضرت عسکری علیه السلام رسانید حضرت تمام آن را مطالعه و تصفّح فرمود پس از آن فرمود «هذا دینی و دینُ آبائی کُلّه و هُوَ الْحَقُّ کُلّه» همه این دین من و دین پدران من است و تمامش حق است ملاحظه کن که ابوهاشم جعفری با آنکه بر کثرت علم و فقاقت و جلالت و دیانت جناب یونس مطلع بوده است به همین اکتفا نکرده در عمل کردن از روی کتاب او تا آنکه آن را به نظر مبارک امام خود رسانیده و نیز روایت شده از بورق شنجانی هراتی که مردی معروف به صدق و صلاح و ورع بوده که در سامره خدمت امام حسن عسکری علیه السلام رسید و کتاب یوم و لیلہ شیخ جلیل القدر فضل بن شاذان نیشابوری را به آن حضرت داد و گفت فدایت شوم می خواهم در این کتاب نظر فرمائی و ورق ورق آن را ملاحظه نمائی حضرت فرمود «هذا صحیحٌ یُنْبَغی أَنْ تَعْمَلَ بِهِ» این کتاب صحیح است و شایسته است که به آن عمل نمائی الی غیر ذلك و این احقر با اینکه می دانستم مذاق مردم این زمان و عدم اهتمام ایشان را در امثال این امور برای اتمام حجت سعی و کوشش بسیار کردم که دعاها و زیارات منقوله در این کتاب حتی الامکان از نسخه های اصل نقل شود و بر نسخ متعدّدۀ عرضه شود و به قدری که از عهده برآیم تصحیح آن نمایم تا عامل به آن از روی اطمینان عمل نماید انشاء الله بشرط آنکه کاتبین و ناسخین تصرف در آن ننمایند و خواننده ها اختراع و سلیقه های خود را کنار گذارند شیخ کلینی رضی الله عنه از عبدالرحیم قصیر نقل کرده که خدمت حضرت صادق علیه السلام رسید و عرض کرد فدایت شوم من از پیش خود دعائی اختراع کرده ام حضرت فرمود بگذار مرا از اختراع خود یعنی آن را کنار گذار و برای من نقل مکن و نگذاشت که آن دعاء جمع کرده خود را

نقل کند خود حضرت برای او دستورالعملی لطف فرمود و شیخ صدوق عَطَّرَ اللَّهُ مَرْقَدَهُ روایت کرده از عبدالله بن سنان که گفت حضرت صادق علیه السلام فرمود که زود است می رسد به شما شبهه ای پس می مانید بدون نشانه و راهنما و پیشوای هدایت کننده و نجات نمی یابد در آن شبهه مگر کسی که بخواند دعای غریق را گفتم چگونه است دعای غریق فرمود می گوئی «یا الله یا رحمن یا رحیم یا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ» پس گفتم «یا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ» حضرت فرمود بدرستی که خداوند عزَّ وَّجَلَّ مُقَلَّبَ است قلوب و ابصار را لکن بگو چنانکه من می گویم «یا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ» کافیهست تأمل در این دو حدیث شریف برای تنبّه کسانی که در دعاها به سلیقه خود بعضی کلمات زیاد می کنند و پاره ای تصرفات می نمایند واللّه العاصمُ .

مطلب دویم

در زیارت حضرت عباس بن علی بن ابیطالب علیه السلام است شیخ اجل جعفر بن قولویه قمی به سند معتبر از ابو حمزه ثمالی روایت کرده که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که چون اراده نمائی که زیارت کنی قبر عباس بن علی علیه السلام را و آن بر کنار فرات محاذی حایر است می ایستی بر در روضه و می گوئی: سَلَامُ اللَّهِ وَسَلَامُ * * * * *

* سلام خدا و

مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَنْبِيَآئِهِ الْمُرْسَلِينَ، وَعِبَادِهِ الصَّالِحِينَ، وَجَمِيعِ الشُّهَدَاءِ

سلام فرشتگان مقربش و پیمبران فرستاده اش و بندگان شایسته اش و تمام شهیدان

وَالصَّادِقِينَ، وَالزَّكَاةِ الطَّيِّبَاتِ، فِيمَا تَعْتَدِي وَتَرُوحُ، عَلَيْكَ يَا بَنَ

و راستگویان و درودهای پاکیزه و پاک در هر بامداد و پسین بر تو ای فرزند

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، أَشْهَدُ لَكَ بِالتَّسْلِيمِ، وَالتَّصَدِيقِ، وَالْوَفَاءِ، وَالتَّصْحِيحِ،

امیر مؤمنان گواهی دهم برایت که تو تسلیم بودی و تصدیق نمودی و وفاء و خیرخواهی کردی

لِخَلْفِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْمُرْسَلِ، وَالسَّبْطِ الْمُتَنَجِّبِ،

نسبت به (حضرت ابا عبدالله) یادگار پیامبر صلی الله علیه و آله (آن پیامبر) مرسل و نوه برگزیده (آن حضرت)

وَالدَّلِيلِ الْعَالِمِ، وَالْوَصِيِّ الْمُبَلَّغِ وَالْمَظْلُومِ الْمُهْتَظَمِ، فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنْ

و راهنمای دانشمند و وصی که رساننده احکام خدا بود و آن ستم دیده ای که حقش پایمال شد پس خداوند پاداشت دهد

از

رَسُولِهِ، وَعَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَعَنْ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ

جانب رسولش و از امیر مؤمنان و از حسن و حسین - دروذهای خدا
 عَلَيْهِمْ، أَفْضَلَ الْجَزَاءِ بِمَا صَبَرْتَ وَاحْتَسَبْتَ وَأَعْنَتْ، فَنِعْمَ عُقْبَى
 بر ایشان - بهترین پاداشها را بخاطر آن بردباریت و پاداش خوبی و کمکی که کردی و چه نیکو است سرانجام
 الدَّارِ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ جَهِلَ حَقَّكَ وَاسْتَحَفَّ بِحُرْمَتِكَ،
 خانهات خدا لعنت کند کسی که تو را کشت و خدا لعنت کند کسی که جهل ورزید درباره حق تو و سبک شمرد حرمت
 تو را

وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ حَالَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ مَاءِ الْفُرَاتِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قُتِلْتَ مَظْلُومًا،
 و خدا لعنت کند کسی که حائل شد میان تو و میان آب فرات گواهی دهم که براستی تو مظلوم کشته شدی
 وَأَنَّ اللَّهَ مُنْجِزٌ لَكُمْ مَا وَعَدَكُمْ، جِئْتُكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَأَفِدًا
 و براستی که خدا وفا کند به وعدهای که به شما داده آمدهام به درگاهت ای پسر امیر مؤمنان و واردم
 إِلَيْكُمْ، وَقَلْبِي مُسَلِّمٌ لَكُمْ وَتَابِعٌ، وَأَنَا لَكُمْ تَابِعٌ، وَصُرْتِي لَكُمْ مُعَدَّةً،
 بر شما و دلم تسلیم شما و پیروتان هست و خودم نیز پیرو شمایم و یاریم برای شما آماده است
 حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ، فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَامَعَ عَدُوُّكُمْ، إِنِّي
 تا هنگامی که خدا حکم کند و او بهترین حکم کنندگان است و من طرفدار شما و با شما هستم نه با دشمن شما و من
 بِكُمْ وَيَا بَيْتَكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، وَبِمَنْ خَالَفَكُمْ وَقَتَلَكُمْ مِنَ الْكَافِرِينَ،
 نسبت به شما و به بازگشتان (در زمان رجعت) ایمان دارم و نسبت به هر کس که با شما مخالفت کرده و شما را کشته کافر
 و منکرم،

قَتَلَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلْتُمْ بِالْأَيْدِي وَاللِّسُنِ. × پس داخل روضه شو و خود را به

بکشد خدا مردمی را که شما را کشتند بدست و زبان * * * * *

ضريح بچسبان و بگو السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ، الْمُطِيعُ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ

* * * * * سلام بر تو ای بنده شایسته پیرو خدا و رسولش

وَلِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَسَلَّم،

و پیرو امیر مؤمنان و حسن و حسین - درود خدا و سلامش بر ایشان باد -

السَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَمَغْفِرَتُهُ وَرِضْوَانُهُ، وَعَلَى

سلام بر تو و رحمت خدا و برکاتش و آمرزش و خوشنودیش و بر

رُوحَكَ وَبَدَنَكَ، أَشْهَدُ وَأُشْهَدُ اللَّهَ أَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَيَّ مَا مَضَى بِهِ
روح تو و بدنت گواهی دهم و خدا را نیز به گواهی گیرم که برستی تو برفتی به همان راهی که رفتند بدان راه
الْبُدْرِيُّونَ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، الْمُنَاصِحُونَ لَهُ فِي جِهَادِ
جنگجویان بدر و پیکار کنندگان در راه خدا و خیرخواهان او در پیکار با
أَعْدَائِهِ، الْمُبَالِغُونَ فِي نُصْرَةِ أَوْلِيَائِهِ، الذَّاكِرُونَ عَنْ أَحِبَّائِهِ، فَجَزَاكَ اللَّهُ
دشمنانش و کوشایان در یاری دوستانش و دفاع کنندگان از دوستانش پس خداوند پاداشت دهد
أَفْضَلَ الْجَزَاءِ وَكَثَرَ الْجَزَاءِ، وَأَوْفَرَ الْجَزَاءِ، وَأَوْفَى جَزَاءِ أَحَدٍ مِمَّنْ
به بهترین پاداش و بیشترین پاداش و شایان ترین پاداش و کامل ترین پاداشی که به هر يك از کسانی دهند
وَفِي بَيْعَتِهِ، وَاسْتِجَابَ لَهُ دَعْوَتُهُ، وَأَطَاعَ وِلَاةَ أَمْرِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ
که به بیعت با او وفا کرد و دعوتش را پذیرفت و پیروی کرد از کار دارانش گواهی دهم که تو برستی
بِالْعَتَفِ فِي النَّصِيحَةِ، وَأَعْطَيْتَ غَايَةَ الْمَجْهُودِ، فَبَعَثَكَ اللَّهُ فِي
کوشش خود را در خیرخواهی کردی و نهایت تلاش خود را در این راه مبذول داشتی خدایت در
الشُّهَدَاءِ، وَجَعَلَ رُوحَكَ مَعَ أَرْوَاحِ السُّعَدَاءِ، وَأَعْطَاكَ مِنْ جَنَانِهِ
زمره شهیدان برانگیزد و روح تو را با ارواح نیکبختان قرار دهد و عطا کند بر تو از بهشت خویش
أَفْسَحَهَا مَنَزَلاً، وَأَفْضَلَهَا عُرْفاً، وَرَفَعَ ذِكْرَكَ فِي عِلِّيِّينَ، وَحَشَرَكَ مَعَ
فراخترین منزل و بهترین غرفه ها را و بالا برد نام تو را در بالاترین جایگاهها و محشورت سازد با
التَّابِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، وَحَسَنَ أَوْلِيكَ رَفِيقاً،
پیمبران و راستگویان و شهیدان و شایستگان و آنها نیکو رفیقانی هستند
أَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تَهِنْ وَلَمْ تَتَّكِلْ وَأَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَيَّ بِصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ،
گواهی دهم که برستی تو سستی نکردی و سر تنافتی و به راهی که رفتی از روی بصیرت و بینائی کامل رفتی
مُقْتَدِياً بِالصَّالِحِينَ، وَمُتَّبِعاً لِلتَّابِينَ، فَجَمَعَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ وَبَيْنَ
اقتداء به مردم شایسته کردی و پیروی از پیمبران نمودی پس خداوند گرد آورد میان ما و تو
رَسُولِهِ وَأَوْلِيَائِهِ فِي مَنَازِلِ الْمُحِبِّينَ، فَإِنَّهُ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ .
و رسولش و دوستانش در جایگاههای فروتنان (حق) زیرا که او مهربانترین مهربانان است

مؤلف گوید که خوب است این زیارت را پشت سر قبر رو به قبله بخوانی چنانکه شیخ در تهذیب فرموده ثم ادخل «فانكبَّ علي القبر و قل و انت مستقبل القبلة السلام عليك ايها العبد الصالح» و نیز بدانکه زیارت جناب عباس موافق روایت مذکور همین بود که ذکر شد لکن سید بن طاوس و شیخ مفید و دیگران بعد از این فرموده‌اند که پس برو به سمت بالا سر و دو رکعت نماز کن و بعد از آن آنچه خواهی نماز کن و بخوان خدا را بسیار و بگو در عقب نماز: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلَا تَدَعْ لِي فِي هَذَا

* * * خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و وامگذار برای من در این

المكان المكرم والمشهد المعظم ذنباً إلا غفرته، ولا همّاً إلا فرجته،

مکان گرامی و زیارتگاه بزرگ گناهی جز آنکه بیماریش و نه اندوهی جز آنکه برطرف کنی

ولا مرضاً إلا شفيته، ولا عيباً إلا سترته ولا رزقاً إلا بسطته، ولا

و نه بیماری جز آنکه بهبودیش دهی و نه عیبی جز آنکه بیوشانیش و نه روزی جز آنکه وسیعش کنی و نه

خوفاً إلا آمنته، ولا شملاً إلا جمعته، ولا غائباً إلا حفظته وأدبته،

ترسی جز آنکه ایمنی بخشی و نه پراکندگی جز آنکه گردآوری و نه شخص دور از نظری را جز آنکه نگاهداریش کنی و

دیدارش را

ولا حاجة من حوائج الدنيا والآخرة، لك فيها رضي ولي فيها

نزدیک گردانی و نه حاجتی از حاجتهای دنیا و آخرت که خوشنودی تو و صلاح من در آن باشد

صلاح إلا قضيتها، يا أرحم الراحمين. x پس برگرد به سوی ضریح و نزد پاها

جز آنکه برآوری آن را ای مهربانترین مهربانان * * * * *

به ایست و بگو: السّلامُ عليك يا أبا الفضل العباس ابن أمير المؤمنين،

* * * * * سلام بر تو ای ابا الفضل العباس فرزند امیر مؤمنان

السّلامُ عليك يا بن سيّد الوصيين، السّلامُ عليك يا بن أوّل القوم

سلام بر تو ای فرزند آقاي اوصیاء سلام بر تو ای فرزند نخستین مردمی

إسلاماً، وأقدمهم إيماناً، وأقومهم بدين الله، وأحوطهم علي الإسلام،

که مسلمان شد و جلوترین کسی که ایمان آورد و محکمترین مردم نسبت به دین خدا و با احتیاطترین افراد درباره اسلام

أشهد لقد نصحت لله ولرسوله ولأخيك، فنعّم الأخ الموصي، فلعن

گواهی دهم که تو بخوبی خیرخواهی کردی درباره خدا و رسولش و درباره برادرت پس چه نیکو برادر همدردی بودی
خدا

اللَّهُ أُمَّةٌ قَتَلْتَنِي، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمْتَنِي، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً اسْتَحَلَّتْ مِنْكَ

لَعْنَتُ كُنْدِ مَرْدَمِي كَه تُو رَا كَشْتَنْد و خدا لعنت کند مردمی که به تو ستم کردند و خدا لعنت کند مردمی که حرمت تو را
حلال

الْمَحَارِمِ، وَاتَّهَكَتْ حُرْمَةُ الْإِسْلَامِ، فَنِعْمَ الصَّابِرُ الْمُجَاهِدُ الْمُحَامِي

شمرند (و پایمال کردند) و دریدند (نسبت به تو) حرمت اسلام را و تو چه نیکو شکیبایی مجاهد و حامی

التَّائَصِرُ، وَالْأَخُ الدَّافِعُ عَنْ أَخِيهِ، الْمُجِيبُ إِلَى طَاعَةِ رَبِّهِ، الرَّغِيبُ

و یاور ی بودی و (چه خوب) برادری که مدافع از برادرش بود و پاسخ دهنده اطاعت پروردگارش و مشتاق بودی

فِيمَا زَهَدَ فِيهِ غَيْرُهُ، مِنَ الثَّوَابِ الْجَزِيلِ، وَالتَّنَاءِ الْجَمِيلِ، وَأَلْحَقَكَ

بدانچه کناره گیری کردند از آن دیگران از آن نیک پاداش بسیار و ستایش زیبا و ملحق ساخت

اللَّهُ بِدَرَجَةِ آبَائِكَ فِي جَنَّتِ النَّعِيمِ، اللَّهُمَّ إِنِّي تَعَرَّضْتُ لِرِيزَةِ

خداوند به درجه پدرانت در بهشتی پر نعمت خدایا من اقدام به زیارت

أَوْلِيَائِكَ، رَغْبَةً فِي ثَوَابِكَ، وَرَجَاءً لِمَغْفِرَتِكَ وَجَزِيلِ إِحْسَانِكَ،

دوستانت کردم بخاطر اشتیاقی که در پاداش نیک تو دارم و به امید آمرزش و بسیاری احسانت

فَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ، وَأَنْ تَجْعَلَ رِزْقِي

پس از تو خواهم که - اولاً - درود فرستی بر محمد و آل پاکش و - دیگر آنکه - روزیم را بواسطه

بِهِمْ دَارًا، وَعَيْشِي بِهِمْ قَارًا، وَزِيَارَتِي بِهِمْ مَقْبُولَةً، وَحَيَوَتِي بِهِمْ

ایشان ریزان گردانی و خوشیم را بدانها ثابت و زیارتم را بخاطر آنها پذیرفته و زندگیم را بدیشان

طَيِّبَةً، وَأَذْرِجْنِي إِدْرَاجَ الْمُكْرَمِينَ، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يَثْقَلُ مِنْ زِيَارَةِ

دل پسند کنی و مرا در زمره گرامیان درج کنی و قرارم دهی از کسانی که چون از زیارت

مَشَاهِدِ أَحِبَّائِكَ مُفْلِحًا مُنْجِحًا، قَدْ اسْتَوْجَبَ غُفْرَانَ الذُّنُوبِ، وَسَتَرَ

زیارتگاه دوستانت باز گردد رستگار و کامیاب باشد چنانکه مستوجب شده باشد آمرزش گناهان و پوشیدن

الْعُيُوبِ، وَكَشَفَ الْكُرُوبِ، إِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ. × و چون

عیبها و برطرف شدن گرفتاریهایش را که برآستی تو شایسته هستی پرهیزکاری (از تو) را و اهل آمرزشی * * *

خواهی وداع کنی آن حضرت را پس برو به نزد قبر شریف و بگو این را که در روایت ابو حمزه
* * * * *
* * * * *

ثمالی است و علماء نیز ذکر کرده اند: اَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ وَأَسْتَرْعِيكَ وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ
* * * * *
* * * * *

خواهانم

السَّلَامُ، آمِنًا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَبِكِتَابِهِ وَبِمَا جَاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ
و سلام بر تو می فرستم ایمان داریم به خدا و رسولش و به کتابش و بدانچه او از نزد خدا آورده است خدایا
فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ، اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي قَبْرِ
بنویس نام ما را با گواهان خدایا مگردان این زیارت را آخرین بار زیارت از قبر
ابنِ أَخِي رَسُولِكَ، صَلِّ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَارْزُقْنِي زِيَارَتَهُ أَبَدًا مَا
فرزند برادر پیغمبرت - که درود تو بر او و آتش باد - و روزی من کن زیارتش را همیشه تا
أَبْقَيْتَنِي، وَاحْشُرْنِي مَعَهُ وَمَعَ آبَائِهِ فِي الْجَنَانِ، وَعَرِّفْ بَيْنِي وَبَيْنَهُ
زنده ام داری و محشورم کن با او و با پدرانش در بهشت و شناسائی بر قرار کن میان من و او
وَبَيْنَ رَسُولِكَ وَأَوْلِيَّائِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،
و پیامبرت و دوستانت خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد
وَتَوَفَّنِي عَلَى الْإِيمَانِ بِكَ، وَالتَّصَدِيقِ بِرَسُولِكَ، وَالْوِلَايَةِ لِعَلِيِّ بْنِ
و بمیرانم بر ایمان بخودت و تصدیق به پیامبرت و بر ولایت علی بن
أَبِيطَالِبٍ، وَالْأَلَمَةِ مِنْ وَلَدِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَالْبَرَاءَةِ مِنْ عَدُوِّهِمْ،
ابیطالب و امامان از فرزندان علیهم السلام و بیزاری از دشمنانشان
فَإِنِّي قَدْ رَضِيتُ يَا رَبِّي بِذَلِكَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ .

زیرا که من ای پروردگار مهربان به همین خوشنودم و درود خدا بر محمد و آل محمد

پس دعاکن از برای خود و از برای پدر و مادر و مؤمنین و مسلمین و اختیار کن از دعاها هر دعائی که می خواهی
مؤلف گوید که روایت شده در خبری از حضرت سید سجاده علیه السلام آنچه حاصلش آن است که فرمودند خدا رحمت

کند عباس را که ایثار کرد بر خود برادر خود را و جان خود را فدای آن حضرت نمود تا آنکه در یاری او دو دستش را قطع کردند و حق تعالی در عوض دو دست او دو بال به او عنایت فرمود که با آن دو بال با فرشتگان در بهشت مانند جعفر بن ابی طالب پرواز می کند و از برای عباس علیه السلام در نزد خداوند منزلتی است در روز قیامت که معبُوط جمیع شهداء است و جمیع شهدا را آرزوی مقام او است و نقل شده که حضرت عباس علیه السلام در وقت شهادت سی و چهار ساله بود و آنکه ام البنین مادر عباس علیه السلام در ماتم او و برادران اعیانی او بیرون مدینه در بقیع می شد و در ماتم ایشان چنان ندبه و گریه می کرد که هر که از آنجا می گذشت گریان می گشت گریستن دوستان عجبی نیست مروان بن الحکم که بزرگتر دشمنی بود خاندان نبوت را چون بر ام البنین عبور می کرد از اثر گریه او گریه می کرد و این اشعار از ام البنین در مرثیه حضرت ابوالفضل علیه السلام و دیگر پسرانش نقل شده :

يَا مَنْ رَأَى الْعَبَّاسَ كَرَّ عَلَيَّ جَمَاهِرِ النَّقَدِ
وَوَرَاهُ مِنْ أَبْنَاءِ حَيْدَرَ كُلُّ لَيْثٍ ذِي لَبَدٍ

ای که دیدی عباس را حمله می کرد بر توده های فرومایه
و پشت سرش فرزندان حیدر بودند چون شیران یال دار

أُبَيْتُ أَنْ ابْنِي أُصِيبَ بِرَأْسِهِ مَقْطُوعَ يَدٍ
وَيَلِيَّ عَلَيَّ شِبْلِي أَمَالَ بِرَأْسِهِ ضَرْبُ الْعَمَدِ

شنیده ام که پسر من را در وقتی که دستش بریده بود به سرش زده اند
وای بر من که شیرجه ام را عمود زدند

لَوْ كَانَ سَيْفُكَ فِي يَدَيْكَ لَمَا دَنَى مِنْهُ أَحَدٌ

اگر شمشیر در دستش بود کسی جرئت نداشت به او نزدیک شود

وَلَهَا أَيْضاً

لَا تَدْعُونِي وَيَكِ أُمُّ الْبَنِينَ

تُذَكِّرُنِي بِلُيُوثِ الْعَرِينِ

وای بر تو دیگر مرا مادر پسران مخوان

که به یاد شیران بیشه ام می اندازی

كَأَنَّ بُنُونِي لِي أَدْعِي بِهِمْ

وَالْيَوْمَ أَصْبَحْتُ وَلَا مِنْ بَنِينَ

پسرانی داشتم که بدان جهت مرا به این نام می خواندند

ولی امروز دیگر پسرانی ندارم

أَرْبَعَةٌ مِثْلُ سُورِ الرُّبِّيِّ

قَدْ وَاصَلُوا الْمَوْتَ بِقَطْعِ الْوَتِينِ

چهار پسر چون بازهای کوهسار

که با قطع شاهرگشان از جهان رفتند

تَنَازَعُ الْخِرْصَانُ أَشْلَانَهُمْ

فَكُلُّهُمْ أَمْسِي صَرِيحاً طَعِينِ

نیزه ها بر روی پیکرشان ستیزه داشتند

و همگی با تن مجروح به خاک افتادند

يَا لَيْتَ شِعْرِي أَكَمَا أَخْبَرُوا

بِأَنَّ عَبَّاساً قَطِيعُ الْيَمِينِ

ای کاش می دانستم که آیا راست است

که دست راست عباس جدا گشته است

مطلب سیم

در زیارات مخصوصه حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام است و آن چند زیارتست اوّل زیارت اوّل رجب و نیمه آن و نیمه شعبان است از حضرت صادق علیه السلام روایت است که هر که زیارت کند امام حسین علیه السلام را در روز اوّل ماه رجب البته حق تعالی بیامزد او را و از ابن ابی نصر منقولست که از حضرت امام رضا علیه السلام سؤال کرد که در کدام وقت بهتر است که زیارت کنیم امام حسین علیه السلام را فرمود که در نصف رجب و نصف شعبان شیخ مفید و سید بن طاوس ذکر کرده اند که این زیارت که ذکر می شود برای روز اوّل رجب و نیمه شعبان است و لکن شهید علاوه کرده بر آن شب اوّل رجب و شب و روز نیمه رجب و روز نیمه شعبان را پس به حسب فرموده ایشان این زیارت برای شش وقت است و کیفیت آن زیارت این است هرگاه خواستی زیارت کنی اباعبدالله الحسین علیه السلام را در این اوقات غسل کن و پاکیزه ترین جامه های خود را بپوش و بایست بر در قبه مطهره آن حضرت رو به قبله و سلام کن بر جناب

رسول خدا صلی الله علیه وآله و بر امیرالمؤمنین و بر حضرت فاطمه و بر امام حسن و امام حسین و بر باقی امامان
صلوات الله علیهم اجمعین و بعد از این بیاید در اذن دخول زیارت عرفه کیفیت سلام کردن بر این بزرگواران پس داخل
شو و بایست نزد ضریح مقدس و صد مرتبه بگو الله اکبر پس بگو
السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بْنَ خَاتَمِ النَّبِیِّینَ،
سلام بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو ای فرزند خاتم پیامبران
السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بْنَ سَيِّدِ الْمُرْسَلِینَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بْنَ سَيِّدِ
سلام بر تو ای فرزند آقای رسولان سلام بر تو ای فرزند آقای
الْوَصِیِّینَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا حُسَيْنَ بْنَ
اوصیاء سلام بر تو ای اباعبدالله سلام بر تو ای حسین فرزند
علی، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِینَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ
علی سلام بر تو ای فرزند فاطمه بانوی زنان جهانیان سلام بر تو
یا وَلِیَّ اللَّهِ وَابْنِ وَلِیِّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا صَفِیَّ اللَّهِ وَابْنِ صَفِیِّهِ، السَّلَامُ
ای ولی خدا و فرزند ولی خدا سلام بر تو ای برگزیده خدا و فرزند برگزیده اش سلام
عَلَیْكَ یا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنِ حُجَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا حَبِیبَ اللَّهِ وَابْنِ
بر تو ای حجت خدا و فرزند حجت او سلام بر تو ای حبیب خدا و فرزند
حَبِیبِهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا سَفِیرَ اللَّهِ وَابْنِ سَفِیرِهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا خَازِنَ
حبیب او سلام بر تو ای نماینده خدا و فرزند نماینده اش سلام بر تو ای خزینه دار
الْكِتَابِ الْمَسْطُورِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا وَارِثَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِیلِ
دفتر نوشته سلام بر تو ای ارث برنده تورات و انجیل
وَالزَّبُورِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا أَمِینَ الرَّحْمَنِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا شَرِیکَ
و زبور سلام بر تو ای امانتدار خدای رحمان سلام بر تو ای شریک با
الْقُرْآنِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا عَمُودَ الدِّینِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا بَابَ حِکْمَةِ
قرآن (در هدایت مردم) سلام بر تو ای استوانه دین سلام بر تو ای دروازه حکمت
رَبِّ الْعَالَمِینَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا بَابَ حِطَّةٍ الَّذِي مَنْ دَخَلَهُ كَانَ مِنْ
پروردگار جهانیان سلام بر تو ای درب «حطه» که (برای ریزش گناه بود و) هر که داخلش گردد از

الْأَمِينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْبَةَ عِلْمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْضِعَ سِرِّ
ایمان است سلام بر تو ای گنجینه دانش خدا سلام بر تو ای جایگاه راز
اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالْوَثَرَ الْمُوْتَوْرَ، السَّلَامُ
خدا سلام بر تو ای که خدا خونخواهیست کند و فرزند چنین خونی و خون بازجسته و تحت تعقیب سلام
عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَائِكَ، وَأَنَاخَتْ بِرَحْلِكَ، يَا أَبَى أَنْتَ
بر تو و بر ارواحی که فرود آمدند به آستانت و بارانداختند به بارگاہت پدر
وَأُمِّي وَنَفْسِي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، لَقَدْ عَظُمَتِ الْمُصِيبَةُ وَجَلَّتِ الرَّزِيَّةُ
و مادرم و خودم به فدایت ای اباعبدالله براستی که بزرگ شد مصیبتت و گران شد عزای تو
بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ أَهْلِ الْأِسْلَامِ، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسَسَتْ أَسَاسَ
بر ما و بر تمام ملت مسلمان پس خدا لعنت کند مردمی را که بریختند شالوده و پایه
الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ،
ظلم و ستم را بر شما خاندان و خدا لعنت کند مردمی را که باز زدند شما را از مقامتان
وَأَزَالَتُكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمْ الَّتِي رَتَّبَكُمْ اللَّهُ فِيهَا، يَا أَبَى أَنْتَ وَأُمِّي
و برکنارتان کردند از آن مرتبه‌هایی که خدا برایتان مرتب کرده بود پدر و مادرم
وَنَفْسِي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، أَشْهَدُ لَقَدْ أَفْشَعَرْتَ لِدِمَائِكُمْ أَظْلَةَ الْعَرْشِ مَعَ
و خودم به فدایت ای اباعبدالله گواهی دهم که براستی متزلزل گردید بخاطر خون شما عرش (خدا)
أَظْلَةَ الْخَلَائِقِ، وَبَكَّتْكُمْ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ، وَسَكَّانُ الْجَنَانِ وَالْبَرِّ
و اوضاع همه مخلوقات و گریستند برای شما آسمان و زمین و ساکنان بهشت و صحرا
وَالْبَحْرِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ عَدَدَ مَا فِي عِلْمِ اللَّهِ، لَبَّيْكَ دَاعِيَ اللَّهِ، إِنْ كَانَ لَمْ
و دریا درود خدا بر تو بشماره آنچه در علم خدا است، بله! ای خواننده از سوی خدا
يُجِيبُكَ بَدَنِي عِنْدَ اسْتِغَاثَتِكَ، وَلِسَانِي عِنْدَ اسْتِنصَارِكَ، فَقَدْ أَجَابَكَ
اگر در آن هنگامی که استغاثه کردی بدنم نتوانست جواب تو را بدهد و زبانم نتوانست در هنگام یاور طلبیدن پاسخ
گوید ولی پاسخ داد
قَلْبِي وَسَمْعِي وَبَصْرِي، سُبْحَانَ رَبِّنا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنا لَمَفْعُولاً، أَشْهَدُ
دل و گوشم و دیده‌ام منزّه است پروردگار ما که وعده پروردگار ما حتماً انجام شدنی است گواهی دهم که

أَنَّكَ طَهَّرَ طَاهِرٌ مُطَهَّرٌ، مِنْ طَهْرٍ طَاهِرٍ مُطَهَّرٍ، طَهَّرْتَ وَطَهَّرْتَ بِكَ
براستی تو پاک و پاکیزه و پاک شده‌ای هستی از نژاد پاک پاکیزه پاک شده تو خود پاکی و بوجود تو پاک گشت
الْبِلَادُ، وَطَهَّرْتَ أَرْضُ أَتَتْ بِهَا، وَطَهَّرَ حَرَمُكَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَمَرْتَ
شهرها و پاک شد زمینی که تو در آن هستی و پاک شد حَرَمَت گواهی دهم که براستی تو دستور فرمودی
بِالْقِسْطِ وَالْعَدْلِ وَدَعَوْتَ إِلَيْهِمَا، وَأَنَّكَ صَادِقٌ صِدِّيقٌ، صَدَقْتَ
به عدل و داد و دعوت کردی (مردم را) به آن دو و تو براستی راستگویی راستی پیشه‌ای هستی
فِيمَا دَعَوْتَ إِلَيْهِ، وَأَنَّكَ نَارُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ
که راست گفتی در آنچه بدان دعوت کردی و براستی تویی خون خدا در روی زمین و گواهی دهم که تو براستی رساندی
عَنِ اللَّهِ، وَعَنْ جَدِّكَ رَسُولِ اللَّهِ، وَعَنْ أَبِيكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَعَنْ
(آنچه را برعهده داشتی) از طرف خدا و از طرف جدت رسول خدا و از پدرت امیرمؤمنان و از طرف
أَخِيكَ الْحَسَنِ، وَنَصَحْتَ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَعَبَدْتَهُ مُخْلِصاً
برادرت حسن و خیرخواهی کردی و جهاد کردی در راه خدا و از روی اخلاص پرستش خدا کردی
حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ، فَجَزَاكَ اللَّهُ خَيْرَ جَزَاءِ السَّابِقِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ
تا مرگت فرا رسید پس خدایت پاداش دهد به بهترین پاداش پیشینیان و درود خدا بر تو
وَسَلَّمَ تَسْلِيماً، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلَى
و سلام کامل او خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و درود فرست بر
الْحُسَيْنِ، الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ الرَّشِيدِ، قَتِيلِ الْعَبْرَاتِ وَأَسِيرِ الْكُرْبَاتِ
حسین مظلوم شهید راه یافته کشته اشک و آه و گرفتار ناملایمات
صَلَوَةً نَامِيَةً زَاكِئَةً مُبَارَكَةً، يَصْعَدُ أَوَّلُهَا وَلَا يَنْفَدُ آخِرُهَا، أَفْضَلَ مَا
درودی فزاینده و پاکیزه و با برکت که بالا رود آغازش و پایان نپذیرد انجامش بهترین
صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلَادِ أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ، يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ. آنگاه
درودی که فرستی بر یکی از فرزندان پیمبران فرستاده‌ای معبود جهانیان * * *
قبر مطهر را ببوس و روی راست خود را بر قبر گذار و بعد از آن روی چپ را آنگاه دور قبر بگرد و طواف کن و
چهار جانب قبر را ببوس شیخ مفید رحمه الله فرموده آنگاه برو بسوی قبر علی بن الحسین علیه السلام و بایست نزد قبر
آن جناب و

بگو: اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصَّدِيقُ الطَّيِّبُ، الزَّكِيُّ الْحَبِيبُ الْمُقَرَّبُ، وَأَبْنُ رِيحَانَةِ

سلام بر تو ای راستگوی پاک پاکیزه آن دوست و مقرب (درگاه حق) و فرزند گل خوشبوی

رَسُولِ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهِيدٍ مُحْتَسِبٍ، وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَائِهِ، مَا أَكْرَمَ

رسول خدا (حضرت زهرا سلام الله عليها) سلام بر تو بدانجهت که شهیدی بودی پاداش جو و رحمت خدا و برکاتش

براستی که

مَقَامَكَ، وَأَشْرَفَ مُثَلِّبَكَ، أَشْهَدُ لَقَدْ شَكَرَ اللَّهُ سَعْيَكَ وَأَجَزَلَ ثَوَابَكَ، وَالْحَقَّكَ

چقدر گرامی است مقام توو با شرافت است بازگشتگاهت گواهی دهم که خدا قدردانی کرد از کوششی که کردی و

شایان کرد

بِالذُّرَّةِ الْعَالِيَةِ، حَيْثُ الشَّرَفُ كُلُّ الشَّرَفِ، وَفِي الْعُرْفِ [السَّامِيَةِ] كَمَا

پاداشت را و رساندت به مقامی بس بلند آنجا که همه شرافتها یکجا جمع است و در غرفه های بسی بلند چنانچه

مَنْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ، وَجَعَلَكَ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ

پیش از آن نیز بر تو منت نهاده بود و قرارت داده بود از خاندانی که دور کرد خداوند از آنها

الرَّجْسَ، وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيراً، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَائُهُ

پلیدی را و بخوبی پاکیزه شان ساخت دروودهای خدا بر تو و رحمت خدا و برکاتش

وَرِضْوَانُهُ، فَاشْفَعْ أَيُّهَا السَّيِّدُ الطَّاهِرُ إِلَى رَبِّكَ، فِي حَطِّ الْأَثْقَالِ عَنْ

و خوشنودی او پس شفاعت کن ای آقای بزرگووار پاکیزه بدرگاه پروردگارت در ریختن سنگینیهای گناه از

ظَهْرِي، وَتَخْفِيفِهَا عَنِّي، وَارْحَمْ ذُلِّي وَخُسُوعِي لَكَ، وَلِلَّسَّيِّدِ أَيْبِكَ،

دوش من و سبک کردن آنها از من و ترحم فرما به خواریم و فروتنیم در برابر تو و در برابر پدر بزرگووارت

صَلِّيَ اللَّهُ عَلَيْكُمَا، پس بچسبان خود را بر قبر و بگو: زَادَ اللَّهُ فِي شَرَفِكُمْ فِي

دروود خدا بر هر دوی شما باد × × × × × × × × × × بيفزايد خدا شرف شما را در

الْآخِرَةِ، كَمَا شَرَّفَكُم فِي الدُّنْيَا، وَأَسْعَدَكُم كَمَا أَسْعَدَ بِكُم، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ

آخرت چنانچه شرافتمندتان کرد در دنیا و سعادتمندتان کند چنانچه دیگران را بوسیله شما سعادتمند کرد و گواهی دهم که

براستی شما

أَغْلَامُ الدِّينِ، وَتُجُومُ الْعَالَمِينَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَائُهُ .

نشانه های دین و اختران جهانیان هستید و سلام بر شما و رحمت خدا و برکاتش

پس رو کن بسوي شهدا و بگو: اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ اللَّهِ وَأَنْصَارَ رَسُولِهِ،

* * * * * سلام بر شما اي ياوران دين خدا و ياوران رسول خدا

وَأَنْصَارَ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ وَأَنْصَارَ فَاطِمَةَ، وَأَنْصَارَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ

و ياوران علي بن ابيطالب و ياوران فاطمه و ياوران حسن و حسين

وَأَنْصَارَ الْأِسْلَامِ، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ لَقَدْ نَصَحْتُمْ لِلَّهِ وَجَاهَدْتُمْ فِي

و ياوران دين اسلام گواهي دهم كه شما به خوبي خيرخواهي كرديد براي خدا و جهاد كرديد در

سَبِيلِهِ، فَجَزَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الْأِسْلَامِ وَأَهْلِهِ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ، فُزْتُمْ وَاللَّهُ فَوْزًا

راه خدا پس پاداشتان دهد خدا از دين اسلام و مسلمانان به بهترين پاداش رستگار شديد به خدا سوگند رستگاري

عَظِيمًا، يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَحْيَاءُ

بزرگي و اي كاش من با شما بودم و با شما به رستگاري بزرگي مي رسيدم گواهي دهم كه حتماً شما زنده ايد

عِنْدَ رَبِّكُمْ تُرْزَقُونَ، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ الشُّهَدَاءُ وَالسَّعْدَاءُ، وَأَنَّكُمْ

و در نزد پروردگارتان روزي مي خوريد گواهي دهم كه براسقي شما شهيد هستيد و سعادتمند و شما براسقي

الْفَائِزُونَ فِي دَرَجَاتِ الْعُلَى، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ .

رستگاراني هستيد (كه جاي داريد) در درجه هاي بلند و سلام بر شما و رحمت خدا و بركاتش

بعد از آن بازگرد و بيا نزديك سر مبارك آن حضرت و نماز زيارت بكن و دعا كن براي خود و پدر و مادر خود و براي

برادران مؤمن و بدانكه سيد بن طاوس براي حضرت علي اكبر و شهداء قَدَسَ اللَّهُ أَرْوَاحَهُمْ زيارتي مشتمل بر اسامي آنها

نقل کرده ما به ملاحظه اختصار و شيوع و اشتهاار آن آنرا ذكر نموديم دويم زيارت نيمه رجب غير از زيارتي كه گذشت

و آن زيارتيست كه شيخ مفيد رحمه الله در مزار نقل کرده كه از زيارت مخصوصه نصف رجب است كه آنرا غفيله

مي گويند يعنى نيمه رجب را غفيله مي گويند نه زيارت را به سبب غفلت عامه مردم از فضيلت آن پس چون قصد كردي

زيارت آن حضرت را در اين وقت و آمدي در صحن شريف پس داخل شو يعنى در حرم مطهر و سه مرتبه بگو اَللَّهُ

أَكْبَرُ و بايست در نزد قبر منور و بگو :

اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا آلَ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ

* * سلام بر شما اي خاندان خدا سلام بر شما اي برگزیدگان خدا سلام

عَلَيْكُمْ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا سَادَةَ السَّادَاتِ،

بر شما اي كسانی كه خداوند شما را از میان خلق خود انتخاب فرمود سلام بر شما اي آقایان همه آقاها

الْسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا لُيُوثَ الْغَابَاتِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا سَفْنَ التَّجَاةِ،

سلام بر شما اي شیران بیشه ها سلام بر شما اي کشتیهای نجات

الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِلْمِ

سلام بر تو اي اباعبدالله الحسین سلام بر تو اي وارث دانش

الْأَنْبِيَاءِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ،

پیامبران و رحمت خدا و برکاتش سلام بر تو اي وارث حضرت آدم برگزیده خدا

الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ

سلام بر تو اي وارث نوح پیامبر خدا سلام بر تو اي وارث

إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِسْمَاعِيلَ ذَبِيحِ اللَّهِ، اَلْسَّلَامُ

ابراهیم خلیل خدا سلام بر تو اي وارث اسمعیل، قربانی (راه) خدا سلام

عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى

بر تو اي وارث موسی هم سخن با خدا سلام بر تو اي وارث عیسی

رُوحِ اللَّهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

روح خدا سلام بر تو اي وارث محمد حبیب خدا سلام بر تو اي

بَنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى، اَلْسَّلَامُ

فرزند محمد مصطفی سلام بر تو اي فرزند علی مرتضی سلام

عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى،

بر تو اي فرزند فاطمه زهرا سلام بر تو اي فرزند خدیجه کبری

الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَهِيدُ بَنَ الشَّهِيدِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَتِيلُ بَنَ الْقَتِيلِ،

سلام بر تو اي شهید فرزند شهید سلام بر تو اي کشته (راه حق و) فرزند چنین کشته

الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَابْنِ وَلِيِّهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ

سلام بر تو اي ولی خدا و فرزند ولی خدا سلام بر تو اي حجت خدا و فرزند

حُجَّتِهِ عَلَيَّ خَلْقِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَأَتَيْتَ الزَّكَاةَ،

حجت او بر خلق گواهی دهم كه براسستی تو برپا داشتی نماز را و بدادی زکوة را

وَأَمَرْتُ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَرَزَّيْتُ بِوَالِدَيْكَ،

و امر به معروف كردي و نهي از منكر كردي و داغدار گشتي به (شهادت) پدر و مادرت

وَجَاهَدْتَ عَدُوَّكَ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ تَسْمَعُ الْكَلَامَ، وَتَرُدُّ الْجَوَابَ، وَأَنَّكَ

و جهاد كردي با دشمن خود و گواهي دهم كه تو بخوبي مي شنوي سخن گفتن را و باز دهني پاسخ را و تويي

حَبِيبُ اللَّهِ وَخَلِيلُهُ وَنَجِيبُهُ، وَصَفِيُّهُ وَابْنُ صَفِيِّهِ، يَا مَوْلَايَ وَابْنَ

حبيب خدا و خليل او و دوست نجيب او و برگزيده اش و فرزند برگزيده اش اي مولاي من و اي فرزند

مَوْلَايَ، زُرْتُكَ مُشْتَقًا فَكُنْ لِي شَفِيعًا إِلَى اللَّهِ، يَا سَيِّدِي، وَأَسْتَشْفَعُ

مولاي من تو را زيارت كردم مشتاقانه پس شفيع من باش بدرگاه خدا اي آقاي من و شفاعت جويم

إِلَى اللَّهِ بِجَدِّكَ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ، وَبِابِيكَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، وَبِأُمِّكَ فَاطِمَةَ

بدرگاه خدا بوسيله جدت آقاي پيمبران و بوسيله پدرت آقاي اوصياء و بوسيله مادرت فاطمه

سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، أَلَا لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلِيكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ ظَالِمِيكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ

بانوي زنان جهانيان اي كه خدا لعنت كند كشندهگان تو را و لعنت كند ستمكاران تو را و لعنت كند خدا

سَالِبِيكَ وَمُبْغِضِيكَ، مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ سَيِّدِنَا

غارت كنندگان (حقوق و اموال) تو را و دشمنانت را از اولين و آخرين و درود خدا بر آقاي ما

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ. آنگاه قبر مطهر را ببوس و متوجه شو بسوي عليّ

محمد و آل پاك پاكيزه اش باد * * * * *

بن الحسين عليهما السلام و آن جناب را زيارت كن و بگو: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَابْنَ

* * * * * سلام بر تو اي مولا و سرور من و

فرزند

مَوْلَايَ، لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلِيكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ ظَالِمِيكَ، إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ

مولاي من خدا لعنت كند كشندهگان را و لعنت كند ستم كنندگان را براستي من تقرب جويم بدرگاه خدا

بِزِيَارَتِكُمْ وَبِمَحَبَّتِكُمْ، وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ

بوسيله زيارت شما و بوسيله دوستي شما و بيزاري جويم بدرگاه خدا از دشمنانتان و سلام بر تو

يا مَوْلَايَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. پس برو تا برسي به قبور شهداء رضوان الله عليهم

اي مولا و سرور من و رحمت خدا و برکاتش
* * * * *

پس بایست و بگو: اَلسَّلَامُ عَلَيَّ الْاُرُوَاحِ الْمُنِيخَةِ بِقَبْرِ اَبِي عَبْدِ اللَّهِ
* * * * * سلام بر آن روانهایی که بار انداختند به کنار قبر اباعبدالله
الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا طَاهِرِينَ مِنَ الدَّنَسِ،

الحسین علیه السلام سلام بر شما ای پاکان از پلیدی
اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَهْدِيُونَ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا اَبْرَارَ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ
سلام بر شما ای راه یافتگان سلام بر شما ای نیکوکاران خدا سلام
عَلَيْكُمْ وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الْحَافِينَ بِقُبُورِكُمْ أَجْمَعِينَ، جَمَعَنَا اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ
بر شما و بر همه فرشتگانی که دربر گرفته اند (حلقه وار) قبرهای شما را گرد آورد خدا ما و شما را
فِي مُسْتَقَرِّ رَحْمَتِهِ وَتَحْتَ عَرْشِهِ، إِنَّهُ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، وَالسَّلَامُ

در قرارگاه رحمتش و در زیر عرشش که براستی او مهربانترین مهربانان است و سلام
عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. بعد از آن برو به حرم عباس بن امیرالمؤمنین علیهما السلام

بر شما و رحمت خدا و برکاتش
* * * * *

چون برسی به آنجا بایست بر در قبه آن جناب و بگو سَلَامُ اللَّهِ وَ سَلَامُ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ تا آخر زیارت آن حضرت که
پیش از این گذشت .

سَمِیم

زیارت نیمه شعبان است بدانکه احادیث بسیار در فضیلت زیارت آن حضرت در نیمه شعبان وارد شده است و بس
است در این باب آنکه به چندین سند معتبر از حضرت امام زین العابدین و امام جعفر صادق علیهما السلام وارد شده که
هر که خواهد مصافحه کند با او صد و بیست و چهار هزار پیغمبر پس باید که زیارت کند قبر ابی عبدالله الحسین علیه السلام را
در نیمه شعبان بدرستی که [ملائکة و] ارواح پیغمبران رخصت می طلبند و به زیارت آن حضرت می آیند پس خوشا به
حال آنکه مصافحه کند با ایشان و ایشان مصافحه کنند با او و با ایشانند پنج پیغمبر اولوالعزم نوح و ابراهیم و موسی و
عیسی و محمد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ و آله و علیهم اجمعین راوی گفت پرسیدم که به چه سبب ایشان را اولوالعزم می نامند فرمود
به جهت آنکه ایشان مبعوث شده اند به مشرق و مغرب و جنّ و انس و اما الفاظ زیارت پس دو نحو نقل شده یکی همان

زیارتست که برای اوّل رجب نقل شد دیگر زیارتی است که شیخ کفعمی در کتاب بلد الامین از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده و آن زیارت چنین است می ایستی نزد قبر آن حضرت و می گوئی :

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الزَّكِيُّ،

ستایش خاص خدای والای بزرگ و سلام بر تو ای بنده شایسته پاکیزه خدا به تو

اَوْدِعْكَ شَهَادَةٌ مِّمِّيْ لَكَ تُقَرِّبُنِيْ اِلَيْكَ فِيْ يَوْمٍ شَفَاعَتِكَ، اَشْهَدُ اَنَّكَ

می سپارم گواهی خود را که برای تو دهم تا اینکه مرا به تو نزدیک کند در روز شفاعت کردنت (از گناهکاران) گواهی

دهم که

قُتِلْتَ وَلَمْ تَمُتْ، بَلْ بِرَجَاءٍ حَيَوَتِكَ حَيَّيْتُ قُلُوْبُ شِيعَتِكَ، وَبِضِيَاءِ

تو کشته شدی ولی نمردی بلکه به امید زنده بودنت زنده است دلهای شیعیانت و به پرتو

نورِكَ اهْتَدَى الطَّالِبُونَ اِلَيْكَ، وَاشْهَدُ اَنَّكَ نُورُ اللهِ الَّذِي لَمْ يُطْفَأْ وَلَا

نور تو ره یافتند طالبان و جویندگان درگاہت و گواهی دهم که براسستی تویی آن نور خدا که

يُطْفَأُ اَبَدًا، وَاَنَّكَ وَجْهُ اللهِ الَّذِي لَمْ يَهْلِكْ وَلَا يُهْلَكُ اَبَدًا، وَاشْهَدُ اَنَّ

خاموش نگشت و (ازاین پس نیز) هرگز خاموش نشود و تویی آن روی خدا که نابود نگشت و هرگز نابود نشود و

گواهی دهم که

هَذِهِ التُّرْبَةُ تُرْبَتُكَ، وَهَذَا الْحَرَمُ حَرَمُكَ، وَهَذَا الْمَصْرَعُ مَصْرَعُ بَدَنِكَ،

این خاک تربت شریف تو است و این حرم حرم مطهر تو است و همین جا جای افتادن پیکر نازنین تو است،

لَا ذَلِيلَ وَاللّٰهُ مُعَزُّكَ، وَلَا مَغْلُوْبَ وَاللّٰهُ نَاصِرُكَ، هَذِهِ شَهَادَةٌ لِّىْ عِنْدَكَ

خوار نیست به خدا عزیز کننده ات و شکست خورده نیست به خدا یاری دهنده ات این گواهی من است در پیش تو

اِلَى يَوْمٍ قَبْضِ رُوْحِي بِحَضْرَتِكَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ .

تا روز گرفتن جانم در حضور تو و سلام بر تو و رحمت خدا و برکاتش

چهارم

زیارت شبهای قدر است بدانکه احادیث در فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام در ماه مبارک رمضان خصوص

شب اوّل و نیمه و آخر آن و در خصوص شب قدر بسیار است و از حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقول است که

هرکه زیارت کند امام حسین علیه السلام را در شب بیست و سیّم ماه رمضان و آن شبی است که امید هست شب قدر

باشد و در آن شب هر امر محکمی جدا و مقدر می شود مصافحه کنند با او روح بیست و چهار هزار [ملك و] پیغمبر که همه رخصت می طلبند از خدا در زیارت آن حضرت در این شب و در حدیث معتبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام مروی است که چون شب قدر می شود منادی از آسمان هفتم از بطنان عرش ندا می کند که حق تعالی آمرزید هر که را که به زیارت قبر حسین علیه السلام آمده و در روایت است که هر که شب قدر نزد قبر آن حضرت باشد و دو رکعت نماز گذارد نزد آن حضرت یا آنچه که میسر شود و از حق تعالی سؤال کند بهشت را و پناه برد از آتش حق تعالی به او عطا فرماید سؤال او را و پناه دهد او را از آتش و ابن قولویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که هر که زیارت کند قبر امام حسین علیه السلام را در ماه رمضان و بمیرد در راه زیارت از برای او عرض و حسابی نخواهد بود و به او بگویند که داخل بهشت شو بدون خوف و بیم و اما الفاظی که زیارت کرده می شود حضرت امام حسین علیه السلام به آن در لیل قدر پس چنان است که شیخ مفید و محمد بن المشهدی و ابن طاوس و شهید علیهم السلام در کتب مزار ذکر نموده اند و آن زیارت را مختص به این شب و عیدین یعنی روز عید فطر و قربان قرار داده اند و شیخ محمد بن المشهدی به اسناد معتبر خود آن را از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده و گفته که آن حضرت فرمودند وقتی که اراده کردی زیارت کنی ابی عبدالله الحسین علیه السلام را پس برو به مشهد آن حضرت بعد از آنکه غسل کرده باشی و پوشیده باشی پاکیزه ترین جامه های خود را پس چون ایستادی نزد قبر آن حضرت پس روی خود را به جانب آن حضرت کن و قبله را میان دو کتف خود قرار ده و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ الصَّدِيقَةِ الطَّاهِرَةِ، فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ،

سلام بر تو ای فرزند صدیقه طاهره حضرت فاطمه بانوی زنان جهانیان

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ

سلام بر تو ای مولای من ای اباعبدالله و رحمت خدا و برکاتش گواهی دهم که تو

قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ

برپاداشتن نماز را و بدادی زکوة را و امر کردی به معروف (کار نیک) و نهی کردی از

الْمُنْكَرِ، وَتَلَوْتَ الْكِتَابَ حَقَّ تِلَاوَتِهِ، وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ،

منکر (کار زشت) و خواندی قرآن را آنطور که باید و جهاد کردی در راه خدا چنانچه شاید

وَصَبَرْتُ عَلَى الْأَذَى فِي جَنْبِهِ مُحْتَسِباً حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ، أَشْهَدُ أَنْ

و شکیبایی کردی بر آزار (دشمنانت) درباره خدا پاداش جویانه تا مرگ بسراغت آمد گواهی دهم که براسستی

الَّذِينَ خَالَفُوكَ وَحَارَبُوكَ، وَالَّذِينَ خَذَلُوكَ، وَالَّذِينَ قَتَلُوكَ مَلْعُونُونَ

آنان که که با تو مخالفت کرده و جنگ کردند و آنان که دست از یاریت کشیدند و نیز کسانی که تو را کشتند ملعونند

عَلَى لِسَانِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ، وَقَدْ خَابَ مَنْ افْتَرَى، لَعَنَ اللَّهُ الظَّالِمِينَ لَكُمْ

بر زبان پیامبر امی (درس نخوانده) و زیانکار است کسی که دروغ بدد، خدا لعنت کند ستم‌کنندگان شما را

مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، وَضَاعَفَ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ، أَتَيْتُكَ يَا

از اولین و آخرین و چند برابر کند بر ایشان عذاب دردناکش را آمده‌ام بدربارت ای

مَوْلَايَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ زَائِراً عَارِفاً بِحَقِّكَ، مُوَالِياً لِأَوْلِيَائِكَ، مُعَادِياً

مولای من ای فرزند رسول خدا برای زیارت، شناسایی به حق تو و دوستدار دوستان و دشمن

لِأَعْدَائِكَ، مُسْتَبْصِراً بِالْهُدَى الَّذِي آتَتْ عَلَيْهِ، عَارِفاً بِضَلَالَةِ مَنْ

دشمنانت و بینا بر آن هدایتی که تو بر آن بودی و شناسایی به گمراهی آن کس که با تو

خَالَفَكَ، فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ. پس بچسبان خود را بر قبر و روی خود را بر آن گذار

مخالفت کرد پس شفاعت کن برای من نزد پروردگارت * * * * *

* * * * *

پس می‌روی به جانب سر مقدس و می‌گوئی: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي

آرْضِهِ وَسَمَائِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى رُوحِكَ الطَّيِّبِ، وَجَسَدِكَ الطَّاهِرِ، * * * * * سلام بر تو ای حجت خدا در روی

زمین و آسمان او درود خدا بر روان پاک و پیکر پاکیزه‌ات،

وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا مَوْلَايَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. پس بچسبان خود را به قبر و

و بر تو باد سلام ای مولای من و رحمت خدا و برکاتش * * * * *

ببوس آنرا و بگذار صورت خود را بر آن و بگرد به جانب سر پس دو رکعت نماز زیارت گذار و نماز کن بعد از آن دو

رکعت آنچه میسر شود تو را پس از آن برو بسمت پا و زیارت کن علی بن الحسین علیهما السلام را و بگو :

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَابْنَ مَوْلَايَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، لَعَنَ اللَّهُ

سلام بر تو ای مولای من و ای فرزند مولای من، و رحمت خدا و برکاتش بر تو باد خدا لعنت کند

مَنْ ظَلَمَكَ وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَضَاعَفَ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ .

کسی که به تو ستم کرد و خدا لعنت کند کسی که تو را کشت و چند برابر کند بر ایشان عذاب دردناکش را و دعا کن به آنچه می خواهی پس زیارت کن شهدا را در حالیکه میل کنی از سمت پا بطرف قبله پس بگو اَلسَّلَامُ عَلَیْکُمْ اَیُّهَا الصَّادِقُونَ، اَلسَّلَامُ عَلَیْکُمْ اَیُّهَا الشُّهَدَاءُ الصَّابِرُونَ، اَشْهَدُ

درود بر شما ای راستگویان درود بر شما ای شهیدان شکیبا گواهی دهم اَنْتُمْ جَاهِدْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَصَبَرْتُمْ عَلَيَّ الْأَذَى فِي جَنْبِ اللَّهِ، وَنَصَحْتُمْ لِلَّهِ که براسستی شما جهاد کردید در راه خدا و شکیبایی کردید در برابر آزارها درباره خدا و خیرخواهی کردید برای وَلِرَسُولِهِ، حَتَّى آتَیْکُمُ الْيَقِیْنُ، اَشْهَدُ اَنْتُمْ اَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّکُمْ تُرْزَقُونَ، فَجَزَاکُمُ اللَّهُ خدا و رسولش تا اینکه مرگ به سراغتان آمد گواهی دهم که براسستی شما زنده اید که در نزد پروردگارتان روزی

می خورید پس

عَنِ الْإِسْلَامِ وَأَهْلِهِ أَفْضَلَ جَزَاءِ الْمُحْسِنِينَ، وَجَمَعَ بَيْنَنَا وَبَيْنَکُمْ فِي مَحَلِّ التَّعِیْمِ .

پاداشتان دهد خداوند از طرف اسلام و مسلمانان بهترین پاداشی که دهد به نیکوکاران و گردآورد خدا میان ما و شما در جایگاه نعمت ابدی

پس می روی به زیارت عباس بن امیرالمؤمنین علیهما السلام همین که رسیدی آنجا و ایستادی نزد آن جناب بگو: اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِیْنَ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا الْعَبْدُ

سلام بر تو ای فرزند امیرمؤمنان سلام بر تو ای بنده شایسته

الصَّالِحِ، الْمُطِیْعِ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ، اَشْهَدُ اَنَّکَ قَدْ جَاهَدْتَ وَنَصَحْتَ وَصَبَرْتَ حَتَّى

فرمانبر خدا و رسولش گواهی دهم که تو براسستی جهاد کردی و خیرخواهی نمودی و شکیبایی کردی تا

اَتَیْکَ الْيَقِیْنُ، لَعَنَ اللَّهُ الظَّالِمِیْنَ لَکُمْ مِنَ الْأَوَّلِیْنَ وَالْآخِرِیْنَ، وَالْحَقَّ هُمْ بِدَرْکِ الْجَحِیْمِ .

مرگ بسراغت آمد خدا لعنت کند ستم کنندگان شما را از اولین و آخرین و بفرستد آنها را به قعر دوزخ

پس نماز تطوع کند در مسجد آن جناب هرچه خواهد و بیرون رود .

پنجم

زیارت حضرت امام حسین علیه السلام است در عید فطر و قربان بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هرکه در يك شب از سه شب قبر امام حسین علیه السلام را زیارت کند گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده

شود شب عید فطر یا شب عید اَضْحی یا شب نیمه شعبان و به روایت معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام منقول است که فرمود سه شب است که هرکه زیارت کند حضرت امام حسین علیه السلام را در آن شبها گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده شود شب نصف شعبان و شب بیست و سیّم ماه رمضان و شب عید یعنی شب عید فطر و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که کسی که زیارت کند امام حسین علیه السلام را در شب نیمه شعبان و شب عید فطر و شب عرفه در يك سال بنویسد حق تعالی برای او هزار حجّ مبرور و هزار عمره مقبوله و برآورد از برای او هزار حاجت دنیا و آخرت و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مروی است که هرکه شب عرفه در زمین کربلا باشد و بماند آنجا تا زیارت روز عید کند و برگردد نگاه دارد حق تعالی او را از شرّ آن سال بدانکه علماء از برای این دو عید شریف دو زیارت نقل کرده اند یکی زیارت سابقه که به جهت لیالی قدر ذکر شد و دیگر این زیارت است و از کلمات ایشان ظاهر می شود که زیارت سابقه مال روزهای عیدین است و این زیارت مال شبهای عیدین فرموده اند چون اراده کنی زیارت آن حضرت را در این دو شب پس بایست بر درِ قَبّه مطّهّره و نظر بیفکن به جانب قبر و بگو به جهت استیذان :

یا مَوْلای یا اَباعَبْدِاللهِ یا بَنَ رَسولِ اللهِ، عَبْدُكَ وَابْنُ اَمَتِكَ الذَّلِيلُ بَيْنَ يَدَيْكَ،

ای مولای من ای ابا عبد الله ای فرزند رسول خدا بنده تو و فرزند کنیزت که خوار است در برابر تو

وَالْمُصَغَّرُ فِي غُلُوِّ قَدْرِكَ، وَالْمُعْتَرِفُ بِحَقِّكَ، جَاءَكَ مُسْتَجِيرًا بِكَ،

و کوچک شده در باره بلندی مقامت و اعتراف کننده است به حقت به درگاهت آمده پناه جویان به تو

قاصِداً اِلَى حَرَمِكَ، مُتَوَجِّهاً اِلَى مَقامِكَ، مُتَوَسِّلاً اِلَى اللهِ تَعالی بِكَ،

و آهنگ حرم تو را کرده و رو به جانب مقام تو نموده و توسل جسته به درگاه خدای تعالی بوسیله ات

ءَاَدْخُلُ یا مَوْلای، ءَاَدْخُلُ یا وَلِیَّ اللهِ، ءَاَدْخُلُ یا مَلَائِکَةَ اللهِ

آیا داخل شوم ای مولای من آیا داخل شوم ای ولی خدا آیا داخل گردم ای فرشتگان خدا

الْمُحَدِّقِينَ بِهَذَا الْحَرَمِ، الْمُقِمِّينَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ. × پس اگر دلت خاشع

که گرداگرد این حرم شریف را گرفته و رحل اقامت افکنده اید در این زیارتگاه * * * * *

شد و چشمت گریان شد داخل شو و مقدم دار پای راست را برپای چپ و بگو: بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ،

* * * * *

* * * * * به نام خدا و بیاری خدا

وَفِي سَبِيلِ اللهِ، وَعَلَى مِلَّةِ رَسولِ اللهِ، اَللّهُمَّ اَنْزِلْنِي مُنزَلاً مُبَارَکاً،

و در راه خدا و بر کیش رسول خدا خدایا فرود آر مرا در فرودگاهی با برکت
وَأَتَتْ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ. پس بگو اَللّهُ اَكْبَرُ كَبِيراً، وَالْحَمْدُ لِلّهِ كَثِيراً، وَسُبْحَانَ
و تو بهترین فرود آرنده گانی × × × × خدا بزرگتر است به کمال بزرگی و ستایش بسیار خاص خدا است و منزّه است
اللّهُ بِكُرَّةٍ وَأَصِيلاً، وَالْحَمْدُ لِلّهِ الْفَرْدِ الصَّمَدِ، الْمَاجِدِ الْأَحَدِ، الْمُتَفَضِّلِ
خدا در هر بامداد و پسین و ستایش از آن خدایی است که فرد و بی نیاز و فرازند و یکتا و تفضل کننده
الْمَثَانِ، الْمُتَطَوِّلِ الْحَنَّانِ، الَّذِي مِنْ تَطَوُّلِهِ سَهَّلَ لِي زِيَارَةَ مَوْلَايَ
و منت گذار و نعمت بخش و پر مهر است آنکه از نعمت بخشیش آسان کرد برایم زیارت مولایم را
بِإِحْسَانِهِ، وَلَمْ يَجْعَلْنِي عَنْ زِيَارَتِهِ مَمْنُوعاً، وَلَا عَنْ ذِمَّتِهِ مَدْفُوعاً،
به احسانش و چنانم نکرد که از زیارتش ممنوع گردم و نه از پناه و ذمه اش دورم کند
بَلْ تَطَوَّلَ وَمَتَّحَ. پس داخل شو و چون به میان روضه رسیدی بایست محاذی قبر
بلکه بر من لطف و احسان فرمود * * * * *
* * * * *
مطهر با حال خضوع و گریه و تضرّع و بگو: اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ
* * * * * سلام بر تو ای وارث آدم برگزیده
اللّهُ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ أَمِينِ اللّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ
خدا سلام بر تو ای وارث نوح امانتدار خدا سلام بر تو ای وارث
إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللّهِ، اَلسَّلَامُ
ابراهیم خلیل خدا سلام بر تو ای وارث موسی هم سخن خدا سلام
عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ
بر تو ای وارث عیسی روح خدا سلام بر تو ای وارث محمد
صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَبِيبِ اللّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عَلِيٍّ حُجَّةِ
صلی الله علیه و آله که حبیب خدا است سلام بر تو ای وارث علی (ع) حجت
اللّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ الْبَرُّ النَّقِيُّ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللّهِ
خدا سلام بر تو ای وصی نیکوکار با تقوا سلام بر تو ای که خدا خونخواهیش کند
وَابْنَ ثَارِهِ، وَالْوَثْرَ الْمَوْثُورَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ

و فرزند چنین کسی و خون بناحق ریخته تحت تعقیب گواهی دهم که برستی تو به پاداشتی نماز را و پرداختی

الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ

زکات را و امر کردی به معروف (کار نیک) و باز داشتی از منکر (کار زشت) و جهاد کردی در راه خدا

جِهَادِهِ حَتَّى اسْتَبِيحَ حَرَمُكَ، وَقَتَلْتَ مَظْلُومًا. پس بایست در نزد سر مقدس

آنطور که باید تا آنجا که حرمت تو را از بین بردند و به ستم تو را کشتند * * * * *

* *

با دل خاشع و چشم گریان و بگو: اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

* * * * * سلام بر تو ای ابا عبدالله سلام بر تو ای

بْنِ رَسُولِ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

فرزند رسول خدا سلام بر تو ای فرزند آقای اوصیاء سلام بر تو ای

بْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَطْلَ

فرزند فاطمه زهراء بانوی زنان جهانیان سلام بر تو ای یگانه قهرمان دلیر

الْمُسْلِمِينَ، يَا مَوْلَايَ اَشْهَدُ اَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ،

مسلمانان ای سرور من گواهی دهم که برستی تو نوری بودی در صلبهای رفیع و بلند

وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ، لَمْ تُنْجَسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا، وَلَمْ تُلْبَسْكَ مِنْ

و رحمهای پاکیزه، آلودهات نکرد دوران جاهلیت به ناپاکیهای خود و نپوشانید

مُدْلَهَمَاتِ ثِيَابِهَا، وَأَشْهَدُ اَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ، وَأَرْكَانِ الْمُسْلِمِينَ،

بر تو از جامههای تیره و تارش و گواهی دهم که تو برستی از استوانههای دین و از پایههای محکم مسلمانانی

وَمَعْقِلِ الْمُؤْمِنِينَ، وَأَشْهَدُ اَنَّكَ الْإِمَامُ الْبَرُّ الْتَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ

و پناهگاه مردم با ایمانی و گواهی دهم که تویی امام نیکوکار با تقوا پسندیده پاکیزه

الْهَادِي الْمُهْدِي، وَأَشْهَدُ اَنَّ الْأِيْمَةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى، وَأَعْلَامُ

راهبر راه یافته و گواهی دهم که امامان از فرزندان تو حقیقت پرهیزکاری و نشانههای

الْهُدَى، وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى، وَالْحُجَّةُ عَلَي أَهْلِ الدُّنْيَا. پس بجسبان خود را به

* * * * * هدایت و دستاویز محکم (دین) و حجت بر مردم دنیا بیاورد * * * * *

قبر و بگو: اِنَّا لِلَّهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ، يَا مَوْلَايَ اَنَا مُوَالٍ لِيَوْمِكُمْ، وَمُعَادٍ

بی نیازم کن

أَفْضَلَ السَّلَامِ وَالتَّحِيَّةِ، وَارْدُدْ عَلَى مَنْهُمْ السَّلَامَ، اَللّهُمَّ وَهَاتَانِ

بهترین سلام و تحیت را و سلام ایشان را به من بازگردان خدایا و این
 الرُّكْعَتَانِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى سَيِّدِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ،
 دو رکعت هدیه‌ای است از من به پیشگاه آقایم حسین بن علی علیهما السلام
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِ، وَتَقَبَّلْهُمَا مِنِّي، وَاجْزِنِي عَلَيْهِمَا
 خدایا درود فرست بر محمد و بر او و بپذیر این دو رکعت را از من و پاداشم ده
 أَفْضَلَ أَمَلِي وَرَجَائِي فِيكَ وَفِي وَلِيِّكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ پس بجسبان
 به بهترین آرزو و امیدم درباره تو و درباره ولایت ای اختیار دار مؤمنان * * * * *
 خود را بر قبر و بیوس آنرا و بگو: السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الْمَظْلُومِ
 * * * * * سلام بر حسین بن علی آن ستمدیده
 الشَّهِيدِ قَتِيلِ الْعَبْرَاتِ، وَأَسِيرِ الْكُرْبَاتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ وَلِيُّكَ،
 شهید کشته اشکها و اسیر گرفتاریها خدایا من گواهی دهم که آن حضرت ولی تو
 وَأَبْنُ وَلِيِّكَ وَصَفِيُّكَ الثَّائِرُ بِحَقِّكَ أَكْرَمْتَهُ بِكَرَامَتِكَ، وَخَتَمْتَ لَهُ
 و فرزند ولی تو است و برگزیده قیام کننده به حق تو که او را گرامی داشتی به کرامت خود و ختم کردی عمرش را
 بِالشَّهَادَةِ، وَجَعَلْتَهُ سَيِّدًا مِنَ السَّادَةِ، وَقَائِدًا مِنَ الْقَادَةِ، وَأَكْرَمْتَهُ
 به شهادت و او را آقایی از آقایان و پیشوایی از پیشوایان قرار دادی و گرامیش داشتی
 بِطَيْبِ الْوِلَادَةِ، وَأَعْطَيْتَهُ مَوَارِيثَ الْأَنْبِيَاءِ، وَجَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَى خَلْقِكَ
 به پاکي نژاد و به او دادی میراثهای پیمبران را و قراردادی او را حجت بر خلق خود
 مِنَ الْأَوْصِيَاءِ، فَأَعْذَرَ فِي الدُّعَاءِ، وَمَنَحَ النَّصِيحَةَ، وَبَذَلَ مُهْجَتَهُ فِيكَ،
 از میان اوصیاء و او نیز در دعوت کوتاهی نکرد و از خیرخواهی دریغ ننمود و جانش را در راه تو نثار کرد
 حَتَّى اسْتَنْقَذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ، وَحَيْرَةِ الضَّلَالَةِ، وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ
 تا اینکه نجات داد بندگانت را از نادانی و سرگردانی (وادی) گمراهی در صورتی که همدست شدند بر ضد او کسانی که
 مِنْ غَرَّتَهُ الدُّنْيَا، وَبَاعَ حَظَّهُ مِنَ الْآخِرَةِ بِالْأَدْنَى، وَتَرَدَّى فِي هَوَاهُ،
 دنیا فریشتان داد و فروختند بهره خود را از آخرت به چیز پستی و سرنگون شدند در (چاه) هواپرستی
 وَأَسْخَطَكَ وَأَسْخَطَ نَبِيَّكَ، وَأَطَاعَ مِنْ عِبَادِكَ أَوْلَى الشَّقَاقِ وَالنِّفَاقِ،
 و به خشم آوردند تو را و پیامبرت را و پیروی کردند از بندگانت مردم نفاق پیشه و دو رو

وَحَمَلَةَ الْأَوْزَارِ الْمُسْتَوْجِبِينَ النَّارَ، فَجَاهِدْهُمْ فِيكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا

وآن کسانی را که بارهای گناه بر دوش می کشیدند و سزاوار آتش دوزخ بودند پس جهاد کرد با آنها درباره تو با

شکیبائی و پاداش جویانه

مُقْبِلًا غَيْرَ مُدْبِرٍ، لَا تَأْخُذْهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَّا تُمْ، حَتَّى سُقِكَ فِي طَاعَتِكَ

بدون آنکه پشت به دشمن کند و درباره تو تحت تأثیر سرزنش ملامت کننده ای قرار گیرد تا جائی که ریخته شد

دَمُهُ، وَاسْتَبِيحَ حَرِيمُهُ، اللَّهُمَّ الْعَنَّهُمْ لَعْنًا وَبِلَاءً، وَعَذَّبْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا .

خون پاکش در راه فرمانبرداری تو و حرمتش پایمال شد خدایا لعنت کن آنها را لعنتی و بال آور و عذابشان کن به عذابی

دردناک

پس بگرد به جانب علی بن الحسین علیهما السلام و آن جناب در طرف پای مبارک حضرت

* * * * *
* * * * *

حسین علیه السلام است پس بگو: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ

* * * * * سلام بر تو ای ولی خدا سلام بر تو ای فرزند

رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ

رسول خدا سلام بر تو ای فرزند خاتم پیمبران سلام بر تو ای فرزند

فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،

فاطمه بانوی زنان جهانیان سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَظْلُومُ الشَّهِيدُ، يَا ابْنَ أُمَّتِ وَأُمِّي عِشْتَ سَعِيدًا،

سلام بر تو ای ستم دیده شهید، پدر و مادرم به فدای تو که سعادتمند زندگی کردی

وَقُتِلْتَ مَظْلُومًا شَهِيدًا. × پس رو کن بسوی قبور شهداء رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ و بگو

* * * * * و مظلوم و شهید کشته گشتی
* * * * *

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الذَّاكُّونَ عَنْ تَوْحِيدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ بِمَا

سلام بر شما ای مدافعین از یگانه پرستی خدا سلام بر شما بخاطر

صَبْرَتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ، يَا ابْنَ أُمَّتِ وَأُمِّي فُزْتُمْ فَوْزًا عَظِيمًا. پس برو

آن شکیبائی که کردید پس چه نیکو است خانه سرانجام شما پدر و مادرم به فدایتان که به رستگاری بزرگی فائز گشتید *

به مشهد عباس بن علی علیهما السلام و بایست نزد ضریح شریف آن جناب و بگو: اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ

* * * * *

* سلام بر تو

أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ وَالصَّدِيقُ الْمُوَاسِي، أَشْهَدُ أَنَّكَ آمَنْتَ بِاللَّهِ،

ای بنده شایسته و راستگوی فداکار گواهی دهم که براسستی تو ایمان داشتی به خدا

وَصَرَّتْ ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ، وَدَعَوْتَ إِلَى سَبِيلِ اللَّهِ، وَوَأَسَيْتَ بِنَفْسِكَ،

و یاری کردی فرزند رسول خدا را و دعوت کردی (مردم را) به راه خدا و فداکاری کردی با جان خود

فَعَلَيْكَ مِنَ اللَّهِ أَفْضَلُ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ. × پس بچسبان خود را به قبر و بگو

* * * * * بر تو باد از جانب خداوند بهترین تحیت و سلام *

بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا نَاصِرَ دِينِ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا نَاصِرَ الْحُسَيْنِ

پدر و مادرم به فدایت ای یاور دین خدا سلام بر تو ای یاور حسین (آن آقایی)

الصَّدِيقِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا نَاصِرَ الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ، عَلَیْكَ مِنِّي

راستگو سلام بر تو ای یاور حسین شهید بر تو باد از جانب من

السَّلَامُ مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ. پس نماز کن در نزد سر آن حضرت دو

* * * * * سلام تا زنده ام و برپا است شب و روز *

رکعت و بگو بعد از آن آنچه را که می گفتی در نزد سر حضرت حسین علیه السلام یعنی بخوان دعاء اَللَّهُمَّ إِنِّي صَلَّيْتُ

الح پس برگرد بسوی مشهد حسین علیه السلام و بدان در نزد آن حضرت آنچه خواهی مگر آنکه مستحب است آنجا را

مکان بیتوته یعنی خوابگاه قرار ندهی و چون خواهی وداع کنی آن حضرت را بایست در نزد سر و گریه کن و بگو:

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَوْلَايَ، سَلَامٌ مُودَعٍ لَا قَالَ وَلَا سَمٍ، فَإِنْ أَصْرَفَ فَلَا عَنْ

سلام بر تو ای مولای من سلام خداحافظی کننده ای که نه خشمی دارد و نه خستگی و اگر بازمی گردم نه

مَلَالَةً، وَإِنْ أَقِمَ فَلَا عَنْ سُوءِ ظَنٍّ بِمَا وَعَدَ اللَّهُ الصَّابِرِينَ، يَا مَوْلَايَ لَا جَعَلَهُ اللَّهُ

از روی خستگی است و اگر بمانم نه از روی بدگمانی بدانچه خدا به شکیبایان وعده کرده است می باشد، ای مولای من

خدا قرار

آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكَ، وَرَزَقَنِي الْعُودَ إِلَيْكَ، وَالْمَقَامَ فِي حَرَمِكَ،

ندهد (این زیارت مرا) آخرین بار زیارتم از تو و روزیم گرداند بازگشت بسویت را و توقف در حرمت را

وَالْكُونَ فِي مَشْهَدِكَ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ. × پس بیوس ضریح را و جمیع بدن

و بودن در زیارتگاهت را آمین ای پروردگار جهانیان * * * * *

خود را بر آن بمال بدرستی که آن باعث امان و حرز تو است و بیرون برو از نزد آنحضرت به

* * * * *
* * * * *

طوری که رویت به جانب قبر باشد و پشت بر او مکن و بگو: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ

* * * * *

سلام بر تو ای درگاه

الْمَقَامِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَرِيكَ الْقُرْآنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ

مقام (اهل ایمان) سلام بر تو ای شریک با قرآن سلام بر تو ای حجت (خدا)

الْخِصَامِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَفِينَةَ النِّجَاةِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَلَائِكَةَ

برای ستیزه جویان سلام بر تو ای کشتی نجات سلام بر شما ای فرشتگان

رَبِّي الْمُقِيمِينَ فِي هَذَا الْحَرَمِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ

پروردگار من که رحل اقامت افکنده اید در این حرم شریف سلام بر شما همیشه تا زنده ام من و بر پا است شب

وَالنَّهَارُ وَبِغَوْا إِنَّا لِلَّهِ وَأَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ .

و روز × × ما از آن خدائیم و بسوی او بازگردیم و جنبش و نیروئی نیست جز به خدای والای بزرگ

پس برو بیرون و سید بن طاوس و محمد بن المشهدی گفته اند پس در وقتی که چنین کردی مثل کسی مانی که زیارت کرده خدا را در عرش .

ششم

زیارت امام حسین علیه السلام در روز عرفه است بدانکه آنچه از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در باب

زیارت عرفه رسیده از کثرت اخبار و بسیاری فضیلت و ثواب زیاده از آنست که احصا شود و ما به جهت تشویق

زائرین به ذکر چند حدیث اکتفا می نماییم بسند معتبر از بشیر دَهَّان منقول است که گفت عرض کردم به خدمت حضرت

صادق علیه السلام که گاه هست حجّ از من فوت می شود و روز عرفه را نزد قبر امام حسین علیه السلام می گذرانم

فرمود که نيك مي‌كني اي بشير هر مؤمنی که به زیارت قبر امام حسین علیه السلام برود با شناسایی حق آن حضرت در غیر روز عید نوشته شود برای او ثواب بیست حجّ و بیست عمره مبروره مقبوله و بیست جهاد با پیغمبر مرسل یا امام عادل و هرکه زیارت کند آن حضرت را در روز عید بنویسد حق تعالی برای او ثواب صد حجّ و صد عمره و صد جهاد با پیغمبر مرسل یا امام عادل و هرکه زیارت کند آن حضرت را در روز عرفه با معرفت حق آن حضرت نوشته شود برای او ثواب هزار حجّ و هزار عمره پسندیده مقبوله و هزار جهاد با پیغمبر مرسل یا امام عادل گفتم کجا حاصل می‌شود برای من ثواب موقف عرفات پس آن حضرت نظر کرد بسوی من مانند کسی که خشمناک باشد و فرمود که ای بشیر هرگاه مؤمنی برود به زیارت قبر امام حسین علیه السلام در روز عرفه و غسل کند در نهر فرات پس متوجه شود بسوی قبر آن حضرت بنویسد حق تعالی از برای او پهر گامی که برمی‌دارد حجّی که با همه مناسک به عمل آورده باشد و چنین گمان دارم که فرمود و عمره [غزوه] و در احادیث کثیره بسیار معتبره وارد شده که حق تعالی در روز عرفه اول نظر رحمت بسوی زائران قبر حسین علیه السلام می‌افکند پیش از آنکه نظر به اهل موقف عرفات کند و در حدیث معتبر از رفاعه منقول است که حضرت صادق علیه السلام به من فرمود که امسال حجّ کردی گفتم فدایت شوم زری نداشتم که به حج روم ولکن عرفه را نزد قبر امام حسین علیه السلام گذرانیدم فرمود که ای رفاعه هیچ کوتاهی نکردی از آنچه اهل منی در آن بودند اگر نه این بود که کراحت دارم که مردم ترك حجّ کنند هرآینه حدیثی برای تو می‌گفتم که هرگز ترك زیارت قبر آن حضرت نکنی پس ساعتی ساکت شد و بعد از آن فرمود که خبر داد مرا پدرم که هرکه بیرون رود بسوی قبر امام حسین علیه السلام و عارف به حق آن حضرت باشد و با تکبر نرود همراه او می‌شوند هزار ملک از جانب راست و هزار ملک از جانب چپ و نوشته شود برای او ثواب هزار حجّ و هزار عمره که با پیغمبر یا وصی پیغمبر کرده باشد و اما کیفیت زیارت آن حضرت پس چنان است که علماء اجلّه و رؤساء مذهب و ملّت فرموده‌اند چون خواستی آن حضرت را در این روز زیارت کنی پس اگر ممکن شد تو را که از فرات غسل کنی چنان کن و اگر نه از هر آبی که تو را ممکن باشد و پاکیزه‌ترین جامه‌های خود را بپوش و قصد زیارت آن حضرت کن در حالتی که به آرامی و وقار و تأّی باشی پس چون به در حایر برسی بگو:

اَللّهُ اَكْبَرُ وَ بگو اَللّهُ اَكْبَرُ كَبِيْرًا، وَالْحَمْدُ لِلّهِ كَثِيْرًا وَسُبْحَانَ اللّهِ بُكْرَةً

خدا بزرگتر است × × × × خدا بزرگتر است به کمال بزرگی و ستایش خاص خدا است بسیار و منزّه باد خدا در

صبح

وَأَصِيْلًا، وَالْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا

و شام و ستایش خاص خدائی که ما را به این راه راهنمایی فرمود و ما خود چنان نبودیم که راهنمایی شویم

اللَّهُ، لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ، السَّلَامُ عَلَي رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّي اللَّهُ

اگر خدا راهنمائیمان نمی کرد براستی آمدند رسولان پروردگار ما به حق سلام بر رسول خدا - که درود خدا

عَلَيْهِ وَآلِهِ، السَّلَامُ عَلَي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَي فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ،

بر او و آلش - سلام بر امیر مؤمنان سلام بر فاطمه زهرا

سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَي الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، السَّلَامُ عَلَي

بانوی زنان جهانیان سلام بر حسن و حسین سلام بر

عَلَيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، السَّلَامُ عَلَي مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، السَّلَامُ عَلَي جَعْفَرِ بْنِ

علی بن الحسین سلام بر محمد بن علی سلام بر جعفر بن محمد سلام بر

مُحَمَّدٍ، السَّلَامُ عَلَي مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، السَّلَامُ عَلَي عَلِيِّ بْنِ مُوسَى،

محمد سلام بر موسی بن جعفر سلام بر علی بن موسی

السَّلَامُ عَلَي مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، السَّلَامُ عَلَي عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، السَّلَامُ

سلام بر محمد بن علی سلام بر علی بن محمد سلام

عَلَي الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، السَّلَامُ عَلَي الْخَلَفِ الصَّالِحِ الْمُتَنَطِّرِ، السَّلَامُ

بر حسن بن علی سلام بر آن جانشین شایسته ای که چشم براهش هستند سلام

عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، عَبْدُكَ وَابْنُ

بر تو ای ابا عبدالله سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، بنده تو و پسر

عَبْدُكَ وَابْنُ أَمَتِكَ الْمَوَالِي لَوْلِيكَ، الْمُعَادِي لِعَدُوِّكَ، اسْتَجَارَ

بنده تو و پسر کنیزت که دوستدار تو و دشمن دشمن تو است به زیارتگاهت

بِمَشْهَدِكَ، وَتَقَرَّبَ إِلَي اللَّهِ بِقَصْدِكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانِي لَوْلَا يَتَنِكَ،

پناه آورده و بوسیله آهنگ کردن (درگاه) تو به خدا تقرب جوید، ستایش خدائی را سزااست که مرا بدوستی تو راهنمائی

وَحَصَّنِي بِزِيَارَتِكَ، وَسَهَّلَ لِي قَصْدَكَ. پس داخل روضه شو و بایست محاذی

کرد و به زیارتت مخصوص داشت و آهنگ کردنت را برایم آسان کرد

* * * *

سر و بگو: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

* * * سلام بر تو ای وارث آدم برگزیده خدا سلام بر تو ای وارث نوح نبی الله، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارث ابراهيم خليل الله، وارث نوح پیامبر خدا سلام بر تو ای وارث ابراهيم خليل خدا السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارث موسي كليم الله، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارث سلام بر تو ای وارث موسي هم سخن با خدا سلام بر تو ای وارث عيسي روح الله، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارث مُحَمَّد حبيب الله، السَّلامُ عيسي روح خدا سلام بر تو ای وارث محمد دوست خدا سلام عَلَيْكَ يا وارث أمير المؤمنين، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارث فاطمة بر تو ای وارث امير مؤمنان سلام بر تو ای وارث فاطمه الزَّهراء، السَّلامُ عَلَيْكَ يا بْن مُحَمَّد المصطفى، السَّلامُ عَلَيْكَ يا بْن زهرا سلام بر تو ای فرزند محمد مصطفي سلام بر تو ای پسر علي المرتضي، السَّلامُ عَلَيْكَ يا بْن فاطمة الزَّهراء، السَّلامُ عَلَيْكَ علي مرتضي سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا سلام بر تو يا بْن خديجة الكبرى، السَّلامُ عَلَيْكَ يا نار الله وأبن ناره، وألوتر اي فرزند خديجه كبري سلام بر تو ای کسی که خدا خونخواهيش کند و فرزند کسی که خدا خونخواهيش کند و اي کشته اي

المؤثور، أشهد أنك قد أقمت الصلوة، وآتيت الزكاة، وأمرت
که خون کسانش ریخته شد گواهي دهم که تو براسق بپاداشتی نماز را و بدادي زکات را و دستور دادي بالمعروف، ونهيت عن المنكر، وأطعت الله حتي أتيتك اليقين، فلعن
به کار نيك و بازداشتی از کار زشت و فرمانبرداري خدا كردي تا يقين (يعني شهادت) به سراغت آمد پس لعنت کند الله أمة قتلتك، ولعن الله أمة ظلمتك، ولعن الله أمة سمعت بذلك
خدا مردمي که تو را کشتند و خدا لعنت کند مردمي که به تو ستم کردند و خدا لعنت کند مردمي که شنیدند آنرا و بدان فرضيت به، يا مولاي يا ابا عبد الله، أشهد الله وملائكته وأبيائه
راضي شدند اي مولاي من اي ابا عبد الله گواه گیرم خدا و فرشتگانش را و پیمبران ورسله، آتي بكم مؤمن وبإيابكم موقن، بشرايع ديني، وحواتيم

و رسولانش را که من به شماها ایمان دارم و به بازگشت شما (در رجعت) یقین دارم طبق احکام دینم و پایان
عَمَلِي، وَمُنْقَلَبِي إِلَى رَبِّي، فَصَلَّوْا اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَعَلَى أَرْوَاحِكُمْ
کردارم و بازگشتم بسوی پروردگارم می باشد درودهای خدا بر جانهای شما
وَعَلَى أَجْسَادِكُمْ وَعَلَى شَاهِدِكُمْ وَعَلَى غَائِبِكُمْ، وَظَاهِرِكُمْ
و بر پیکرهای شما و بر حاضران و بر غائبان و ظاهران
وَبَاطِنِكُمْ، أَلَسْلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ،
و باطنان سلام بر تو ای فرزند خاتم پیمبران و فرزند آقاي اوصیاء
وَابْنَ إِمَامِ الْمُتَّقِينَ، وَابْنَ قَائِدِ الْعُرِّ الْمُحَجَّلِينَ إِلَى جَنَّاتِ النَّعِيمِ،
و فرزند پیشوای پرهیزکاران و فرزند رهرو سفیدرویان بسوی بهشتهای پر نعمت
وَكَيْفَ لَا تَكُونُ كَذَلِكَ، وَأَنْتَ بَابُ الْهُدَى، وَإِمَامُ التَّقَى وَالْعُرْوَةُ
و چگونه این چنین نباشی در صورتی که تو درگاه هدایت و پیشوای پرهیزکاری و دستاویز
الْوُثْقَى، وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَخَامِسُ أَصْحَابِ الْكِسَاءِ، غَذَّكَ
محکم (خدا) و حجت بر اهل دنیا هستی و پنجمین اصحاب کساء هستی خوراکت داد
يَدُ الرَّحْمَةِ، وَرُضِعْتَ مِنْ ثَدْيِ الْإِيمَانِ، وَرَبَّيْتَ فِي حِجْرِ الْأِسْلَامِ،
دست رحمت (حق) و شیر خوردی از پستان ایمان و پرورش یافتی در دامن اسلام
فَالنَّفْسُ غَيْرُ رَاضِيَةٍ بِفِرَاقِكَ، وَلَا شَاكَّةٌ فِي حَيَاتِكَ، صَلَّوْا اللَّهُ
دل راضی به فراق و جدایی تو نیست و هیچگونه شک و تردیدی در زنده بودن تو ندارد درودهای خدا
عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ وَأَبْنَائِكَ، أَلَسْلَامُ عَلَيْكَ يَا صَرِيحَ الْعِبَرَةِ
بر تو و بر پدرانت و فرزندان سلام بر تو ای کشته اشک
السَّابِكَةِ، وَقَرِينَ الْمُصِيبَةِ الرَّائِبَةِ، لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً اسْتَحَلَّتْ مِنْكَ
ریزان و همدم مصیبت پیایی و مرتب، خدا لعنت کند مردمی که نادیده گرفتند حرمتت را
الْمَحَارِمِ، [وَأَنْتَ هَكَذَا فِيكَ حُرْمَةُ الْإِسْلَامِ] فَقَتَلْتَ صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْكَ
[و دیدند در مورد تو حرمت اسلام را] و بدین جهت کشته گشتی درود خدا بر تو که
مَقْهُورًا، وَأَصْبَحَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِكَ مَوْثُورًا، وَأَصْبَحَ
مقهور (و مغلوب) گشتی و رسول خدا صلی الله علیه و آله بخاطر تو به حال خونخواهی درآمد

كِتَابُ اللَّهِ بِفَقْدِكَ مَهْجُورًا، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى جَدِّكَ وَأَبِيكَ، وَأُمِّكَ
و کتاب خدا (قرآن) بواسطه فقدان تو مهجور (و متروک) گردید سلام بر تو و بر جد و پدر و مادر
و آخیک، وَعَلَى الْأُمَّةِ مِنْ بَنِيكَ، وَعَلَى الْمُسْتَشْهِدِينَ مَعَكَ، وَعَلَى
و برادرت باد و هم بر امامان از فرزندان و بر شهید شدگان با تو و بر
الْمَلَائِكَةِ الْحَافِينَ بِقَبْرِكَ، وَالشَّاهِدِينَ لِزَوَّارِكَ، الْمُؤْمِنِينَ بِالْقَبُولِ
فرشتگان دربرگیرنده قبرت و حاضران از زوَّارت که آمین گویند برای قبول شدن
عَلَى دُعَاءِ شِيعَتِكَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، يَا أَبَى أَنْتَ
دعای شیعیان و سلام بر تو و رحمت خدا و برکاتش پدر
وَأُمِّي يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا أَبَى أَنْتَ وَأُمِّي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، لَقَدْ عَظُمَتْ
و مادرم بفدایت ای فرزند رسول خدا پدر و مادرم به فدایت ای ابا عبدالله براستی که بزرگ شد
الرَّزِيَّةُ، وَجَلَّتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا، وَعَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَوَاتِ
سوگواری تو و عظیم گشت مصیبت تو بر ما و بر تمام اهل آسمانها
وَالْأَرْضِ، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَالْجَمْتَ وَتَهَيَّأَتْ لِقِتَالِكَ، يَا
و زمین خدا لعنت کند مردمی که اسبها را زین کرده و دهانه زدند و آماده کشتن و کارزار با تو شدند ای
مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، فَصَدْتُ حَرَمَكَ، وَأَتَيْتُ مَشْهَدَكَ، أَسْأَلُ اللَّهَ
مولای من ای ابا عبدالله آهنگ حرم تو را کردم و به زیارتگاهت آمدم از خدا خواهم
بِالشَّانِ الَّذِي لَكَ عِنْدَهُ بِالْمَحَلِّ الَّذِي لَكَ لَدَيْهِ، أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ
بدان شأن و مقامی که تو در نزد او داری و بدان مکانی که تو را در پیش او است که درود فرستد بر
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ يَجْعَلَ لِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، بِمَنْهُ
محمد و آل محمد و قرار دهد مرا با شما در دنیا و آخرت به منت
وَجُودِهِ وَكَرَمِهِ بِسَبُوسِ ضَرِيحٍ رَا بِسَ دُو رَكَعَتِ نَمَازِ كُنْ دَرِ بَالَايِ سِرْ وَ دَرِ اَيْنِ دُو

* * * * * و جود و بزرگواریش

* * * * *

رَكَعَتِ هِرْ سَوْرَهْ كِهْ مِي خَوَاهِي بِخَوَانِ وَ چُونْ فَارَغْ شَدِي بَغُو: اَللّٰهُمَّ اِنِّي صَلَّيْتُ

* * * * *

خدايا من نماز خواندم

وَرَكْعَتُ وَسَجْدَتُ لَكَ، وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، لِأَنَّ الصَّلَاةَ وَالرُّكُوعَ
و ركوع و سجده کردم براي تو تنها که شريك نداري زيرا نماز و ركوع
وَالسُّجُودَ لَا تَكُونُ إِلَّا لَكَ، لِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، اللَّهُمَّ صَلِّ
و سجده روا نيست جز براي تو چونكه تويي خدائي كه معبودي جز تو نيست خدايا درود فرست
عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَبْلِغْهُمْ عَنِّي أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ، وَارْزُقْ
بر محمد و آل محمد و برسان بدانها از جانب من بهترين تحيت و سلام را و بازگردان
عَلَيَّ مِنْهُمْ التَّحِيَّةَ وَالسَّلَامَ، اللَّهُمَّ وَهَاتَانِ الرُّكْعَتَانِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى
بر من از جانب ايشان تحيت و سلامي خدايا اين دو ركعت نماز هديه‌اي است از من به پيشگاه
مَوْلَايَ وَسَيِّدِي وَإِمَامِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، اللَّهُمَّ
سرور و آقا و پيشوايم حضرت حسين بن علي عليهما السلام خدايا
صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَقَبَّلْ ذَلِكَ مِنِّي، وَأَجْزِنِي عَلَى ذَلِكَ
درود فرست بر محمد و آل محمد و بپذير آن را از من و پاداشم ده بر آن
أَفْضَلَ أَمَلِي وَرَجَائِي فِيكَ وَفِي وَلِيِّكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. پس برخيز و
به بهترين آرزو و اميدي كه در تو و در ولي تو دارم اي مهربانترين مهربانان * * * * *

برو بسوي پاي مبارك حضرت حُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام و زيارت كن عليّ بن الحسين عليهما السلام را و سِرِّ آن
* * * * *
* * * * *

جناب در نزد پاي ابي عبدالله عليه السلام است پس بگو: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ،
* * * * * سلام بر تو اي فرزند رسول

خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،
سلام بر تو اي فرزند پيامبر خدا سلام بر تو اي فرزند امير مؤمنان
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّهِيدُ بْنُ
سلام بر تو اي فرزند حسين شهيد سلام بر تو اي شهيد فرزند
الشَّهِيدِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَظْلُومُ ابْنُ الْمَظْلُومِ، لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ،
شهيد سلام بر تو اي ستمديده فرزند ستمديده خدا لعنت كند مردمي كه تو را كشتند

وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّهُ ظَلَمْتُكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّهُ سَمِعْتَ بِذَلِكَ فَرَضَيْتَ بِهِ،

و خدا لعنت کند مردمی که به تو ستم کردند و خدا لعنت کند مردمی که شنیدند آن را و بدان راضی گشتند

الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَابْنِ وَلِيِّهِ، لَقَدْ

سلام بر تو ای مولای من سلام بر تو ای ولی خدا و فرزند ولی خدا براسستی

عَظُمَتِ الْمُصِيبَةُ وَجَلَّتِ الرَّزِيَّةُ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ،

بزرگ شد سوگواری تو و عظیم گشت مصیبت تو بر ما و بر تمام مردم با ایمان

فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّهُ قَتَلْتُكَ، وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ وَالْيَكِ مِنْهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ .

خدا لعنت کند مردمی که تو را کشتند و بیزاری جویم بسوی خدا و بسوی تو از ایشان در دنیا و آخرت

پس توجه کن بجانب شهداء و زیارت کن ایشان را و بگو: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَوْلِيَاءَ

* * * * * سلام بر شما

ای اولیاء

اللَّهُ وَأَحِبَّائِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَصْفِيَاءَ اللَّهِ وَأَوْدِيَّاهُ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا

خدا و دوستانش سلام بر شما ای برگزیدگان خدا و دوستان خالص او سلام بر شما ای

أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ وَأَنْصَارَ نَبِيِّهِ، وَأَنْصَارَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَأَنْصَارَ فَاطِمَةَ

یاران دین خدا و یاران پیامبرش و یاران امیر مؤمنان و یاران فاطمه

سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ

بانوی زنان جهانیان سلام بر شما ای یاران حضرت ابا محمد حسن بن علی

الْوَلِيِّ النَّاصِحِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ

آن ولی حق و خیرخواه خلق سلام بر شما ای یاران حضرت ابا عبدالله الحسین آن شهید

الْمَظْلُومِ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، يَا بَنِي أُمَّتِي وَأُمِّي طِبْتُكُمْ وَطَابَتْ

مظلوم دروذهای خدا بر شما همگی پدر و مادرم به فدای شما پاک گشتید و پاک شد

الْأَرْضُ الَّتِي فِيهَا دُفِنْتُمْ وَفُزْتُمْ وَاللَّهُ فَوْزًا عَظِيمًا، يَا لَيْتَنِي كُنْتُ

زمینی که شما در آن دفن شدید و رستگار شدید به خدا سوگند رستگاری بزرگی ای کاش من نیز

مَعَكُمْ فَأَفُوزَ مَعَكُمْ فِي الْجَنَّةِ مَعَ الشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، وَحَسُنَ

با شما بودم و با شما به رستگاری نائل می شدم در بهشت با شهیدان و مردمان شایسته و چه نیکو

* * * * * رفیقانی هستند و سلام بر شما و رحمت خدا و برکاتش * * * * *

الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْفَضْلِ الْعَبَّاسَ بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ

سلام بر تو ای ابا الفضل العباس فرزند امیر مؤمنان سلام بر تو ای فرزند

سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَوَّلِ الْقَوْمِ اسْلَامًا، وَأَقْدَمَهُمْ اِيْمَانًا، وَأَقْوَمَهُمْ

آقای اوصیاء سلام بر تو ای فرزند نخستین مردمی که مسلمان شد و بیشترین کسی که ایمان آورد و پابرجاترین آنها در بدین الله، وَاُحَاطَ بِهِمْ عَلَى الْإِسْلَامِ، أَشْهَدُ لَقَدْ نَصَحْتَ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِأَخِيكَ،

دین خدا و مراقب‌ترین آنها در حفظ اسلام گواهی دهم که تو بخوبی خیراندیشی کردی برای خدا و برای رسول خدا و برای برادرت

فَنَعِمَ الْأَخُ الْمُوَاسِي، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً

پس چه نیکو برادر فداکاری بود خدا لعنت کند مردمی که تو را کشتند و خدا لعنت کند مردمی که به تو ستم کردند و خدا لعنت کند

اسْتَحَلَّتْ مِنْكَ الْمَحَارِمَ، وَاتَّهَكَتْ فِي قَتْلِكَ حُرْمَةَ الْأَسْلَامِ، فَنَعَمْ

مردمی که حرمت تو را نادیده گرفتند و پرده حرمت اسلام را بوسیله کشتن تو دریدند پس چه نیکو

الْأَخُ الصَّابِرُ الْمُجَاهِدُ الْمُحَامِي النَّاصِرُ، وَالْأَخُ الدَّافِعُ عَنْ أَخِيهِ،

برادر شکیبا و مجاهد و حمایت کننده و یابوری بودی و چه برادر دفاع کننده‌ای بودی از برادرت

الْمُجِيبُ إِلَى طَاعَةِ رَبِّهِ، الرَّاعِبُ فِيمَا زَهَدَ فِيهِ غَيْرُهُ مِنَ الثَّوَابِ

که پاسخ دادی به فرمانبرداری پروردگارت و مشتاق بودی بدانچه بی‌ربط بودند بدان دیگران از پاداش

الْجَزِيلِ، وَالشَّاءِ الْجَمِيلِ، وَالْحَقَّكَ اللَّهُ بَدْرَجَةِ أَبَائِكَ فِي دَارِ النَّعِيمِ،

فراوان و ستایش شایان و برساند تو را خداوند به درجه پدران در خانه پر نعمت (بهشت)

اِنَّهُ حَمِيْدٌ مَّجِيْدٌ پس بيفکن خود را بر قبر و بگو: اَللّٰهُمَّ لَكَ تَعَرَّضْتُ،

که براستی او ستوده و بزرگوار است ×××××××××××××××× خدايا من به درگاه تو آمدم

وَلزِيَارَةِ أَوْلِيَائِكَ قَصَدْتُ، رَغْبَةً فِي ثَوَابِكَ، وَرَجَاءً لِمَغْفِرَتِكَ،

و زیارت دوستان را آهنگ کردم روی اشتیاقی که به پاداش تو داشتم و امیدی که به آمرزش

وَجَزِيلِ إِحْسَانِكَ فَاسْتُلْكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ

و فراوانی احسان تو دارم پس از تو خواهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد و

تَجْعَلَ رِزْقِي بِهِمْ دَارًا، وَعَيْشِي بِهِمْ قَارًا، وَزِيَارَتِي بِهِمْ مَقْبُولَةً

قرار دهی روزی را بخاطر ایشان ریزان و خوشی زندگیم را بدیشان پابرجا و زیارت مرا بدانها پذیرفته

وَذَنْبِي بِهِمْ مَغْفُورًا، وَأَقْلِبْنِي بِهِمْ مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا دُعَائِي

و گناه مرا به آنها آمرزیده و باز گردانی مرا بدانها رستگار و کامیاب با دعای مستجاب شده

بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ زُؤَارِهِ وَالْقَاصِدِينَ إِلَيْهِ، بِرَحْمَتِكَ يَا

به بهترین وضعی که باز گردد بدان وضع یکی از زیارت کنندگان و آهنگ کنندگان درگاهش به رحمت ای

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. پس بیوس ضریح را و نماز گذار نزد آن حضرت نماز زیارت و آنچه

* * * * * مهربانترین مهربانان * * * * *

* * * * *

خواسته باشی و چون خواستی وداع کنی آن حضرت را بگو آنچه را که از پیش ذکر کردیم در وداع آن حضرت .

هفتم

زیارت عاشوراء است بدانکه زیارات منقوله در روز عاشوراء چند زیارت است و ما در اینجا به ملاحظه اختصار به ذکر دو زیارت اکتفا می کنیم و در باب دوم در اعمال روز عاشوراء نیز زیارتی نقل کردیم با مطالبی که مناسب است با این مقام و اما آن دو زیارت اول زیارت عاشوراء معروفه است که خوانده می شود از نزدیک و دور و شرح آن چنانکه شیخ ابوجعفر طوسی در مصباح ذکر فرموده چنین است روایت کرده محمد بن اسمعیل بن بزیع از صالح بن عقبه از پدرش از حضرت امام محمد باقر علیه السلام که فرمود هر که زیارت کند حسین بن علی علیهما السلام را در روز دهم محرم تا آنکه نزد قبر آن حضرت گریان شود ملاقات کند خدا را در روز قیامت با ثواب دو هزار حج و دو هزار عمره و دو هزار جهاد که ثواب آنها مثل ثواب کسی باشد که حج و عمره و جهاد کند در خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرين عليهم السلام راوي گفت: گفتم فدایت شوم چه ثواب است از برای کسی که بوده باشد در شهرهای دور از کربلا و ممکن نباشد او را رفتن بسوی قبر آن حضرت در مثل این روز فرمود هرگاه چنین باشد بیرون رود بسوی صحرا یا بالا رود بر بام بلندی در خانه خود و اشاره کند بسوی آن حضرت بسلام و جهد کند در نفرین کردن بر قاتلین آن حضرت و بعد از آن دو رکعت نماز کند و بکند این کار را در اوایل روز پیش از زوال آفتاب پس ندبه کند بر حسین

علیه السلام و بگریید بر او و امر کند کسانی را که در خانه‌اش هستند هرگاه از ایشان تقیّه نمی‌کند به گریستن بر آن حضرت و برپا دارد در خانه خود مصیبتی به اظهار کردن جزع بر آن حضرت و تعزیت بگویند یکدیگر را به مصیبت ایشان به حسین علیه السلام و من ضامنم برای ایشان بر خدا هرگاه بیاورند این عمل را جمیع آن ثوابها را گفتم فدای تو شوم ضامن می‌شوی این ثوابها را برای ایشان و کفیل می‌شوی این ثوابها را فرمود که بلی من ضامنم و کفیلیم از برای کسی که این عمل را بجا آورد گفتم که چگونه یکدیگر را تعزیت بگویند فرمود که می‌گویند «اعظمَ اللهُ أجورنا بمُصابنا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَجَعَلْنَا وَإِيَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بِثَارِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ» یعنی بزرگ فرماید خداوند اجرهای ما را به مصیبت ما به حسین علیه السلام و قرار دهد ما و شما را از خواهندگان خون او با ولی او امام مهدی از آل محمد علیهم السلام و اگر بتوانی که بیرون نروی آن روز را در پی حاجتی چنان کن زیرا که آن روز نحسی است که برآورده نمی‌شود در آن حاجت مؤمن و اگر برآورده شود مبارك نخواهد بود از برای او و نخواهد دید در آن خیری و رشدی و ذخیره نکند البته هیچیک از شما برای منزلش در آن روز چیزی را پس هرکه ذخیره کند در آن روز چیزی را برکت نخواهد دید در آن چیزی که ذخیره نموده و مبارك نخواهد بود از برای او در اهلش که ذخیره برای آنها نهاده پس هرگاه بجا آورند این عمل را بنویسد حق تعالی برای ایشان ثواب هزار حج و هزار عمره و هزار جهاد که همه را با رسول خدا صلی الله علیه و آله کرده باشد و از برای اوست مزد و ثواب مصیبت هر پیغمبری و رسولی و وصی و صدیق و شهیدی که مرده باشد یا کشته شده باشد از زمانی که خلق فرموده حق تعالی دنیا را تا زمانی که به پای شود قیامت صالح بن عقیبه و سیف بن عمیره گفته‌اند که گفت علقمه بن محمد حَضَرَمِی که گفتم به حضرت باقر علیه السلام که تعلیم بفرما مرا دعایی که بخوانم آن را در این روز هرگاه زیارت کنم آن جناب را از نزدیک و دعایی که بخوانم آنرا هرگاه زیارت نکنم او را از نزدیک و بخوانم اشاره کنم به سلام بسوی او از شهرهای دور و از خانه‌ام فرمود به من ای علقمه هرگاه تو بجا آوردی آن دو رکعت نماز را بعد از آنکه اشاره کنی بسوی آن حضرت بسلام پس بگو در وقت اشاره به آن حضرت بعد از گفتن تکبیر این قول را (یعنی زیارت آتیه را) پس به درستی که تو هرگاه گفتی این قول را به تحقیق که دعا کرده‌ای به آن چیزی که دعا می‌کند به آن زائران آن حضرت از ملائکه و بنویسد خداوند از برای تو صد هزار هزار درجه و بوده باشی مثل کسی که شهید شده باشد با امام حسین علیه السلام تا مشارکت کنی ایشان را در درجات ایشان و شناخته نشوی مگر در جمله شهیدانی که شهید شده‌اند با آن حضرت و نوشته شود برای تو ثواب زیارت هر پیغمبری و رسولی و ثواب هر که زیارت کرده حسین علیه السلام را از روزی که شهید شده است سلام خدا بر آن حضرت و بر اهل بیتش می‌گویی:

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَنَیْ رَسُوْلِ اللهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ

سلام بر تو ای ابا عبدالله سلام بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو
یا خَیْرَةَ اللَّهِ وَابْنَ خَیْرِتِهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِینَ، وَابْنَ سَیِّدِ
ای برگزیده خدا و فرزند برگزیده اش سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان و فرزند آقاي
الْوَصِیَّیْنِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بْنَ فَاطِمَةَ سَیِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِیْنَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا
اوصیاء سلام بر تو ای فرزند فاطمه بانوي زنان جهانیان سلام بر تو ای که خدا خونخواهیش کند و فرزند چنین کسی و
ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ، وَالْوَثْرَ الْمُؤَثَّرَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِی
ای کشته ای که انتقام کشته گانت نگرفی سلام بر تو و بر روانهایی که فرود آمدند به آستان، بر شما
حَلَّتْ بِفِنَائِكَ، عَلَیْكُمْ مِنِّي جَمِیعاً سَلامُ اللَّهِ أَبَداً مَا بَقِیتُ وَبَقِيَ اللَّیْلُ وَالنَّهَارُ،
همگی از جانب من سلام خدا باد همیشه تا من برجام و برجا است شب و روز ای
یا ابا عَبْدِ اللَّهِ، لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِیَّةُ وَجَلَّتْ وَعَظُمَتِ الْمُصِیْبَةُ بِكَ عَلَیْنَا، وَعَلِی
ابا عبدالله براستی بزرگ شد سوگواری تو و گران و عظیم گشت مصیبت تو بر ما و بر
جَمِیعِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ وَجَلَّتْ وَعَظُمَتِ مُصِیْبَتُكَ فِي السَّمَوَاتِ، عَلِی
همه اهل اسلام و گران و عظیم گشت مصیبت تو در آسمانها بر
جَمِیعِ أَهْلِ السَّمَوَاتِ، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسَّسَتْ أَاسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ
همه اهل آسمانها پس خدا لعنت کند مردمی را که ریختند شالوده ستم و بیدادگری
عَلَیْكُمْ أَهْلَ الْبَیْتِ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ، وَأَزَالَتْكُمْ عَنْ
را بر شما خاندان و خدا لعنت کند مردمی را که کنار زدند شما را از مقام مخصوصتان و دور کردند شما را از
مَرَاتِبِكُمْ الَّتِی رَتَّبَكُمُ اللَّهُ فِيهَا، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ، وَلَعَنَ اللَّهُ
آن مرتبه هایی که خداوند آن رتبه ها را به شما داده بود و خدا لعنت کند مردمی که شما را کشتند و خدا لعنت کند
الْمُهَدِّدِینَ لَهُمْ بِالْتَّمَكِینِ مِنْ قِتَالِكُمْ، بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَیْكُمْ مِنْهُمْ
آنانکه تهیه اسباب کردند برای کشندگان شما تا آنها توانستند با شما بجنگند بیزاری جویم بسوی خدا و بسوی شما
وَمِنْ أَشْیَاعِهِمْ وَأَتْبَاعِهِمْ وَأَوْلِیَائِهِمْ، یا ابا عَبْدِ اللَّهِ، إِنِّي سَلِّمٌ لِمَنْ
از ایشان و از پیروان و دنبال روندگان شان و دوستان شان ای ابا عبدالله من تسلیم و در صلح
سَالِمٌكُمْ، وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ إِلَى یَوْمِ الْقِیَامَةِ، وَلَعَنَ اللَّهُ آلَ زَیَادِ

با کسی که با شما در صلح است و در جنگم با هر کس که با شما در جنگ است تا روز قیامت و خدا لعنت کند خاندان زیاد

وَأَلَّ مَرْوَانَ، وَلَعَنَ اللَّهُ بَنِي أُمَيَّةَ قَاطِبَةً، وَلَعَنَ اللَّهُ ابْنَ مَرْجَانَةَ، وَلَعَنَ

و خاندان مروان را و خدا لعنت کند بنی امیه را همگی و خدا لعنت کند فرزند مرجانه (ابن زیاد) را و

اللَّهُ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ، وَلَعَنَ اللَّهُ شِمْرًا، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَالْجَمَتُ

خدا لعنت کند عمر بن سعد را و خدا لعنت کند شمر را و خدا لعنت کند مردمی را که اسبها را زین کردند و دهنه زدند

وَتَنَقَّبَتْ لِقَتَالِكَ، يَا بَنِي آثَتِ وَأُمِّي لَقَدْ عَظُمَ مُصَابِي بِكَ، فَاسْأَلُ اللَّهَ

و به راه افتادند برای پیکار با تو پدر و مادرم بفدایت که براستی بزرگ شد مصیبت تو بر من پس می خواهم از

الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ وَأَكْرَمَنِي بِكَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكَ مَعَ إِمَامٍ

آن خدائی که گرامی داشت مقام تو را و گرامی داشت مرا بخاطر تو که روزیم گرداند خونخواهی تو را در رکاب آن امام

مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي

یاری شده از خاندان محمد صلی الله علیه و آله خدایا قرار ده مرا

عِنْدَكَ وَجِيهًا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا أَبَا

نزد خودت آبرومند بوسیله حسین علیه السلام در دنیا و آخرت ای ابا

عَبْدَ اللَّهِ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ، وَإِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَإِلَى فَاطِمَةَ

عبدالله من تقرب جویم به درگاه خدا و پیشگاه رسولش و امیرالمؤمنین و فاطمه

وَإِلَى الْحَسَنِ، وَإِلَيْكَ بِمُؤَالَاتِكَ، وَبِالْبَرَاءَةِ [مِمَّنْ قَاتَلَكَ وَ

و حسن و شما بوسیله دوستی تو و بوسیله بیزاری از کسی که با تو مقاتله کرد و

نَصَبَ لَكَ الْحَرْبَ، وَبِالْبَرَاءَةِ مِمَّنْ أَسَسَ آسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ

جنگ با تو را برپا کرد و به بیزاری جستن از کسی که شالوده ستم و ظلم

عَلَيْكُمْ، وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ [مِمَّنْ أَسَسَ آسَاسَ ذَلِكَ، وَبَنَى

بر شما را ریخت و بیزار می بسوی خدا و بسوی رسولش از کسی که پی ریزی کرد شالوده این کار را و پایه گذاری

کرد

عَلَيْهِ بُيُوتُهُ، وَجَرِي فِي ظُلْمِهِ، وَجَوْرِهِ عَلَيْكُمْ وَعَلَى أَشْيَاعِكُمْ، بَرِئْتُ

بر آن بنیانش را و دنبال کرد ستم و ظلمش را بر شما و بر پیروان شما بیزار می جویم

إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكُمْ مِنْهُمْ، وَاتَّقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ، ثُمَّ إِلَيْكُمْ بِمُؤَالَاتِكُمْ وَمُؤَالَاةِ

بدرگاه خدا و به پیشگاه شما از ایشان و تقرب جویم بسوی خدا سپس بشما بوسیله دوستیتان و دوستی

وإِلَيْكُمْ، وَبِالْبَرِ آتَةٍ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَالتَّاصِبِينَ لَكُمْ الْحَرْبَ، وَبِالْبَرِ آتَةٍ

دوستان شما و به بیزاری از دشمنانتان و برپا کنندگان (و آتش افروزان) جنگ با شما و به بیزاری

مِنْ أَشْيَاءِهِمْ وَأَتْبَاعِهِمْ، إِي سَلِّمْ لِمَنْ سَالَمَكُمْ، وَحَرْبُ لِمَنْ

از یاران و پیروانشان من در صلح و سازش با کسی که با شما در صلح است و در جنگ با کسی که با شما

حَارِبُكُمْ، وَوَلِيٌّ لِمَنْ وَالَاكُمْ، وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ، فَاسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي

در جنگ است و دوستم با کسی که شما را دوست دارد و دشمنم با کسی که شما را دشمن دارد و درخواست کنم از خدائی

که

أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكُمْ، وَمَعْرِفَةِ أَوْلِيَاءِكُمْ، وَرَزَقَنِي الْبِرَّ آتَةٍ مِنْ أَعْدَائِكُمْ،

مرا گرامی داشت بوسیله معرفت شما و معرفت دوستانتان و روزیم کند بیزاری جستن از دشمنانتان را

أَنْ يَجْعَلَ لِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَأَنْ يُثَبِّتَ لِي عِنْدَكُمْ قَدَمَ

به اینکه قرار دهد مرا با شما در دنیا و آخرت و پابرجا دارد برای من در پیش شما گام

صِدْقٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ

راست و درستی (و ثبات قدمی) در دنیا و آخرت و از او خواهم که برساند مرا به مقام پسندیده شما

عِنْدَ اللَّهِ، وَأَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِي، مَعَ إِمَامٍ هُدًى ظَاهِرٍ نَاطِقٍ [بِالْحَقِّ]

در پیش خدا و روزیم کند خونخواهی شما را با امام راهنمای آشکار گویای [به حق]

مِنْكُمْ، وَأَسْأَلُ اللَّهَ بِحَقِّكُمْ وَبِالشَّانِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَهُ أَنْ يُعْطِيَنِي

که از شما (خاندان) است و از خدا خواهم به حق شما و بدان منزلتی که شما نزد او دارید که عطا کند

بِمُصَابِي بِكُمْ أَفْضَلَ مَا يُعْطِي مُصَاباً بِمُصِيبَتِهِ مُصِيبَةً مَا أَعْظَمَهَا

به من بوسیله مصیبتی که از ناحیه شما به من رسیده بهترین پاداشی را که می دهد به يك مصیبت زده از مصیبتی که دیده

براستی چه

وَأَعْظَمَ رَزَقَتَهَا فِي الْإِسْلَامِ، وَفِي جَمِيعِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، اللَّهُمَّ

مصیبت بزرگی و چه داغ گرانی بود در اسلام و در تمام آسمانها و زمین خدایا

اجْعَلْنِي فِي مَقَامِي هَذَا، مِمَّنْ تَنَالُهُ مِنْكَ صَلَوَاتُ وَرَحْمَةٌ وَمَعْفِرَةٌ،

لعنت کن بر گروهی که پیکار کردند با حسین علیه السلام و همراهی کردند و پیمان بستند و از هم پیروی کردند

عَلِي قَتْلِهِ، اَللّٰهُمَّ اَعْنَهُمْ جَمِيعًا. پس می گوئی صد مرتبه: اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یا

برای کشتن آن حضرت خدایا لعنت کن همه آنها را × × × × × × × × سلام بر تو ای

أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَائِكَ، عَلَیْكَ مِنِّي سَلَامُ اللَّهِ

ابا عبدالله و بر روانهایی که فرود آمدند به آستانت، بر تو از جانب من سلام خدا باد

[اَبْدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي

همیشه تا من زنده ام و برپا است شب و روز و قرار ندهد این زیارت را خداوند آخرین بار

لِزِيَارَتِكُمْ، اَلسَّلَامُ عَلَيَّ الْحُسَيْنِ، وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، وَعَلَى

زیارت من از شما سلام بر حسین و بر علی بن الحسین و بر

أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ، وَعَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ. × پس می گوئی: اَللّٰهُمَّ خُصَّ

فرزندان حسین و بر اصحاب و یاران حسین × × × × × × خدایا مخصوص گردان

أَنْتَ أَوَّلَ ظَالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنِّي، وَأَبْدًا بِهِ أَوَّلًا، ثُمَّ الثَّانِي وَالثَّالِثَ وَالرَّابِعَ،

نخستین ستمگر را به لعنت من و آغاز کن بدان لعن اولی را و سپس دومی و سومی و چهارمی را

اَللّٰهُمَّ اَعْنِ يَزِيدَ خَاسِمًا، وَالْعَنْ عُبَيْدَ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ وَابْنَ مَرْجَانَةَ،

خدایا لعنت کن یزید را در مرتبه پنجم و لعنت کن عبیدالله پسر زیاد و پسر مرجانه را

وَعُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَشَمْرًا، وَآلَ أَبِي سُفْيَانَ وَآلَ زِيَادٍ وَآلَ مَرْوَانَ، إِلَى

و عمر بن سعد و شمر و دودمان ابوسفیان و دودمان زیاد و دودمان مروان را تا

يَوْمِ الْقِيَمَةِ. پس به سجده می روی و می گوئی: اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا

روز قیامت × × × × × × × × × × × × خدایا مخصوص تو است ستایش

الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَيَّ مُصَابِهِمْ، الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَيَّ عَظِيمَ رَزَقْتَنِي، اَللّٰهُمَّ

سپاسگزاران تو بر مصیبت زدگی آنها، ستایش خدای را بر بزرگی مصیبتم خدایا

ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ، وَتَبَّتْ لِي قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ

روزیم گردان شفاعت حسین علیه السلام را در روز ورود (به صحرائی قیامت) و ثابت بدار گام راستیم را در نزد خودت

مَعَ الْحُسَيْنِ، وَأَصْحَابِ الْحُسَيْنِ، الَّذِينَ بَدَّلُوا مَهْجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

با حسین علیه السلام و یاران حسین آنانکه بی دریغ دادند جان خود را در راه حسین علیه السلام

علقمه گفت که فرمود حضرت باقر علیه السلام که اگر بتوانی که زیارت کنی آن حضرت را در هر روز به این زیارت در خانه خود بکن که خواهد بود برای تو جمیع این ثوابها و روایت کرده محمد بن خالد طرابلسی از سیف بن عمیره که گفت بیرون رفتم با صفوان بن مهران و جمعی دیگر از اصحاب خودمان بسوی نجف بعد از خروج حضرت صادق علیه السلام از حیره به جانب مدینه پس زمانی که ما فارغ شدیم از زیارت یعنی زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام گردانید صفوان صورت خود را به جانب مشهد ابو عبدالله علیه السلام پس گفت از برای ما که زیارت کنی حسین علیه السلام را از این مکان از نزد سر مقدس امیرالمؤمنین علیه السلام که از اینجا ایما و اشاره کرد به سلام بر آن حضرت جناب صادق علیه السلام و من در خدمتش بودم سیف گفت پس خواند صفوان همان زیارتی را که روایت کرده بود علقمه ابن محمد حضمی از حضرت باقر علیه السلام در روز عاشوراء آنگاه دو رکعت نماز کرد نزد سر امیرالمؤمنین علیه السلام و وداع گفت بعد از آن نماز امیرالمؤمنین علیه السلام را و اشاره کرد به جانب قبر حسین علیه السلام بسلام در حالتی که گردانیده بود روی خود را به جانب او و وداع کرد بعد از زیارت او را و از دعاهایی که بعد از نماز خواند این بود: یا الله یا الله یا الله یا الله، یا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، یا کَاشِفَ کُرْبِ الْمَكْرُوبِينَ، یا

ای خدا ای خدا ای خدا ای اجابت کننده دعای درماندگان ای برطرف کننده گرفتاری گرفتاران ای

غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، یا صَرِيحَ الْمُسْتَضْرِحِينَ، وَايَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ

فریادرس فریادخواهان ای دادرس دادخواهان و ای کسی که نزدیکتر است به من

مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ، وَايَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ، وَايَا مَنْ هُوَ

از رگ گردن و ای کسی که حائل شود میان انسان و دلش و ای که او (از حیث ظهور)

بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى وَبِالْأَفَقِ الْمُبِينِ، وَايَا مَنْ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ عَلَيَّ

در دیدگاه اعلی و افق آشکاری است ای که او بخشاینده و مهربان و بر

الْعَرْشِ اسْتَوَى، وَايَا مَنْ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ، وَايَا

عرش (عظمت و کشور وجود) استیلا داری و ای که می داند خیانت دیدگان و آنچه را سینه ها پنهان کنند و ای

مَنْ لَا يَخْفِي عَلَيْهِ خَافِيَةٌ، یا مَنْ لَا تَسْتَبِيهِ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ، وَايَا مَنْ لَا

که مخفی نیست بر او امر پوشیده و پنهانی ای که بر او مشتبه نشود صداها و ای که او را

تُغْلِطُهُ الْحَاجَاتُ، وَايَا مَنْ لَا يُبْرِمُهُ الْحَاحُ الْمُلِحِّينَ، یا مُدْرِكُ كُلِّ

به غلط و اشتباه نیندازد حاجتها و ای کسی که او را به ستوه نیارد پافشاری اصرار ورزان ای درک کننده هرچه

فَوْتٍ، وَايَا جَامِعَ كُلِّ شَمْلٍ، وَايَا بَارِيَّ النَّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ، یا مَنْ هُوَ

از دست رود و ای گردآورنده هر پراکنده و ای پدید آورنده نفوس پس از مرگ ای که او
كُلُّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ، یا قاضی الحاجات، یا مُنْفَسَ الْكُرْبَاتِ، یا مُعْطِي
هر روزی در کاریست (یا در هر چیز تجلی و ظهوری دارد) ای برآورنده حاجات ای برطرف کننده گرفتاریها ای دهنده
السُّؤْلَاتِ، یا وَلِيَّ الرَّغْبَاتِ، یا كَافِيَ الْمُهْمَّاتِ، یا مَنْ يَكْفِي مَنْ
خواسته‌ها ای دارنده هر چه مورد رغبت و اشتیاق است ای کفایت کننده هر مهم ای که کفایت کند از
كُلِّ شَيْءٍ، وَلَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ، فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّ
هر چیز و کفایت نکند از او چیزی در آسمانها و زمین از تو خواهم به حق
مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَعَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَبِحَقِّ فَاطِمَةَ بِنْتِ بَيْتِكَ،
محمد خاتم پیامبران و علی امیر مؤمنان و به حق فاطمه دخت پیامبرت
وَبِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، فَإِنِّي بِهِمْ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا،
و به حق حسن و حسین که راستی من بوسیله آنها رو کنم بدرگاهت در اینجا ای که هستم
وَبِهِمْ أَتَوَسَّلُ وَبِهِمْ أَتَسْتَعِزُّ إِلَيْكَ، وَبِحَقِّهِمْ أَسْأَلُكَ وَأُقْسِمُ وَأَعْزِمُ
و بدانها توسل جویم و بدانها شفیع گیرم بدرگاهت و به حق ایشان از تو خواهم و سوگند می‌خورم
عَلَيْكَ، وَبِالشَّيْءِ الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ، وَبِالْقَدْرِ الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ، وَبِالَّذِي
و تو را سوگند می‌دهم بدان منزلی که ایشان در پیش تو دارند و بدان قدر و مرتبه‌ای که نزدت دارند و بدانچه آنها را
فَضَّلْتَهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ، وَبِهِ
برتری داد بر جهانیان و بدان نامی که در نزد ایشان گذاردی و تنها آنان را از میان
خَصَصْتَهُمْ دُونَ الْعَالَمِينَ، وَبِهِ أَبْتَغِيهِمْ وَأَبْتَغِي فَضْلَهُمْ مِنْ فَضْلِ
جهانیان بدان نام مخصوص داشتی و بوسیله آن آشکارشان کردی و ظاهر کردی برتری ایشان را بر سایر
الْعَالَمِينَ، حَتَّى فَاقَ فَضْلُهُمْ فَضْلَ الْعَالَمِينَ جَمِيعاً، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ
جهانیان تا آنجا که فائق آمد فضیلت ایشان بر فضیلت تمام جهانیان از تو خواهم که درود فرستی
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُكْشِفَ عَنِّي غَمِّي وَهَمِّي وَكَرْبِي،
بر محمد و آل محمد و بگشائی از من غصه و اندوه و گرفتاریم را
وَتُكَفِّرَنِي الْمُهْمَّاتِ مِنْ أُمُورِي، وَتَقْضِيَ عَنِّي دِينِي، وَتُجِيرَنِي مِنْ
و کفایت کنی امور مهمه‌ام را و بپردازي از من بدهیم را و پناهم دهی از

الْفَقْرُ وَتُجِيرَنِي، مِنْ الْفَاقَةِ، وَتُعِينِنِي عَنِ الْمَسْئَلَةِ إِلَى الْمَخْلُوقِينَ،

نداری و پناهم دهی از نیازمندی و گدائی و بی نیازم کنی از درخواست کردن از مخلوق

وَتَكْفِينِي هَمَّ مَنْ أَخَافُ هَمَّهُ، وَعُسْرَ مَنْ أَخَافُ عُسْرَهُ، وَحُزْنَ مَنْ

و کفایت کنی از من اندوه کسی را که می ترسم از اندوهش و دشواری کار کسی که می ترسم از دشواری کارش و

ناهمواری

أَخَافُ حُزُونَتَهُ، وَشَرَّ مَنْ أَخَافُ شَرَّهُ، وَمَكْرَ مَنْ أَخَافُ مَكْرَهُ، وَبَغْيَ

کار کسی که از ناهمواری کارش نگرانم و گزند کسی که از گزندش ترسانم و مکر و حيله کسی که از مکرش ترس دارم

مَنْ أَخَافُ بَغْيَهُ، وَجَوْرَ مَنْ أَخَافُ جَوْرَهُ، وَسُلْطَانَ مَنْ أَخَافُ سُلْطَانَهُ،

و ستم کسی که از ستمش بیمناکم و بیدادگری کسی که از بیدادگریش واهمه دارم و تسلط آن کس که از تسلطش

می ترسم

وَكَيْدَ مَنْ أَخَافُ كَيْدَهُ، وَمَقْدَرَةَ مَنْ أَخَافُ مَقْدَرَتَهُ عَلَيَّ، وَتُرْدَّ عَنِّي

و نقشه کشیدن کسی که از نقشه های شومش بیم دارم و قدرت یافتن کسی که از قدرتش بر خود ترسانم و بازگردان از

من

كَيْدَ الْكَيْدَةِ، وَمَكْرَ الْمَكْرَةِ، اللَّهُمَّ مَنْ أَرَادَنِي فَارِدَهُ، وَمَنْ كَادَنِي

نقشه های شوم بد اندیشان و نیرنگ نیرنگ زنان را خدایا هر که آهنگ مرا دارد تو آهنگ او کن و هر که دامی سر راهم

فَكِدَهُ، وَاصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُ وَمَكْرَهُ وَبَأْسَهُ وَأَمَانِيَّهٖ، وَأَمْنَعُهُ عَنِّي كَيْفَ

گذارده تو با او چنان کن و بگردان از من دام و نیرنگ و نیرو و آرزوهایش را و بازش دار از من به هر گونه که

خواهی

شِئْتَ وَأَتَيْ شِئْتَ، اللَّهُمَّ اشْغَلْهُ عَنِّي بِفَقْرٍ لَا تَجْبِرُهُ، وَبِإِلَاءٍ لَا تَسْتُرُهُ،

و هر جا که خواهی خدایا سرگرمش کن از من به چنان فقر و بیچارگی که جبرانش نکنی و به بلائی که مستورش نکنی

وَبِفَاقَةٍ لَا تَسُدُّهَا، وَبِسُفْمٍ لَا تُعَافِيهِ، وَذُلٍّ لَا تُعِزُّهُ، وَبِمَسْكَنَةٍ لَا

و به نیازمندی و تهی دستی که سامانش ندهی و بدردی که درمانش نکنی و بخواری و ذلتی که عزتش ندهی و به چنان

بیچارگی

تَجْبِرُهُ، اللَّهُمَّ اضْرِبْ بِالذُّلِّ نَصَبَ عَيْنِيهِ، وَأَدْخِلْ عَلَيْهِ الْفَقْرَ فِي

که جبرانش نکنی خدایا وادار خواری را در برابر چشمش و درآور فقر و نداری را در

مَنْزِلُهُ، وَالْعِلَّةُ وَالسُّقْمَ فِي بَدَنِهِ، حَتَّى تَشْغَلَهُ عَنِّي بِشُغْلٍ شَاغِلٍ لَا
خانه‌اش و بیماری و درد را در تنش تا سرگرمش کنی از من به سرگرمی مشغول کننده‌ای که
فَرَاغَ لَهُ، وَأَلْسِهَ ذِكْرِي كَمَا أَلْسَيْتَهُ ذِكْرَكَ، وَخُذْ عَنِّي بِسَمْعِهِ وَبَصَرِهِ،
فراغی نداشته باشد و مرا از یادش ببر چنانچه (ذکر) خودت را از یاد او بردی و برگیر از من گوش و چشم
وَلِسَانَهُ وَيَدَهُ، وَرِجْلَهُ وَقَلْبَهُ وَجَمِيعَ جَوَارِحِهِ، وَأَدْخِلْ عَلَيْهِ فِي
و زبان و دست و پا و دل و تمام اعضا و جوارحش را و گرفتارش کن در
جَمِيعَ ذَلِكَ السُّقْمَ، وَلَا تَشْفِهِ حَتَّى تَجْعَلَ ذَلِكَ لَهُ شُغْلًا شَاغِلًا بِهِ
تمام آنها به درد و بیماری که بهبودی نیابد و در نتیجه آن را برایش سرگرمی مشغول کننده‌ای بگردانی
عَنِّي وَعَنْ ذِكْرِي، وَأَكْفِنِي يَا كَافِي مَا لَا يَكْفِينِي سِوَاكَ فَإِنَّكَ الْكَافِي
که از من و از یاد من بیرون رود و کفایت کن ای کسی که کفایت کنی چیزی را که جز تو کفایت نکند چون تویی کفایت
کننده

لَا كَافِي سِوَاكَ، وَمُفَرِّجٌ لَا مُفَرِّجَ سِوَاكَ وَمُعِِيثٌ لَا مُعِِيثَ سِوَاكَ،
و کفایت کننده‌ای جز تو نیست و گشایش دهنده‌ای هستی که جز تو گشایش دهنده‌ای نیست و فریادرسی هستی که
فریادرسی جز تو نیست
وَجَارٌ لَا جَارَ سِوَاكَ، خَابَ مَنْ كَانَ جَارُهُ سِوَاكَ، وَمُعِِيثُهُ سِوَاكَ،
و پناهی هستی که پناهی جز تو نیست نومید گشت کسی که پناهِش جز تو باشد
وَمُفَرِّجُهُ إِلَى سِوَاكَ، وَمَهْرُبُهُ إِلَى سِوَاكَ، وَمَلْجَأُهُ إِلَى غَيْرِكَ، وَمَنْجَاةُ
و فریادرسش غیر تو باشد و پناهگاهش جز درگاه تو باشد و گریزگاهش جز به آستان تو باشد و ملجای غیر از تو
داشته

مِنْ مَخْلُوقٍ غَيْرِكَ، فَأَنْتَ تَقْتِي وَرَجَائِي، وَمَفْزَعِي وَمَهْرَبِي،
باشد و نجات خود را از مخلوقی غیر از تو خواهد پس تویی محل اعتماد و امید و پناهگاه و گریزگاه
وَمَلْجَأِي وَمَنْجَايَ، فَبِكَ اسْتَفْتَحُ، وَبِكَ اسْتَنْجِحُ وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
و ملجا و نجات بخش من و به تو گشایش طلبم و به تو رستگاری جویم و بوسیله محمد و آل محمد
أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ، وَأَتَوَسَّلُ وَأَتَشْفَعُ، فَاسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهَ، فَلَكَ
بدرگاهت رو کنم و توسل جویم و شفیع گیرم پس از تو خواهم ای خدا ای خدا ای خدا از آن تو است

الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ، وَإِلَيْكَ الْمُسْتَعَانُ، فَاسْأَلْكَ يَا

ستایش و خاص تو است سپاسگزاری و بدرگاه تو است شکوه و تویی که بیاریت طلبند از تو خواهم ای

اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهَ، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

خدا ای خدا ای خدا به حق محمد و آل محمد که درود فرستی بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُكْشِفَ عَنِّي غَمِّي وَهَمِّي وَكَرْبِي فِي مَقَامِي هَذَا، كَمَا

محمد و برطرف کنی از من غصه و اندوه و گرفتاریم را در این جایگاهم چنانچه

كَشَفْتَ عَنْ نَبِيِّكَ هَمَّهُ وَغَمَّهُ وَكَرْبَهُ، وَكَفَيْتَهُ هَوْلَ عَدُوِّهِ، فَاكْشِفْ

برطرف کردی از پیامبرت اندوه و غصه و گرفتاریش را و کفایت کردی از او هراس دشمنش را پس برطرف کن

عَنِّي كَمَا كَشَفْتَ عَنْهُ، وَفَرِّجْ عَنِّي كَمَا فَرَّجْتَ عَنْهُ، وَاكْفِنِي كَمَا كَفَيْتَهُ،

از من چنانچه برطرف کردی از او و بگشا از من چنانچه گشودی از او و کفایت کن چنانچه او را کفایت کردی

وَاصْرِفْ عَنِّي هَوْلَ مَا أَخَافُ هَوْلَهُ وَمَوْتَهُ مَا أَخَافُ مَوْتَهُ، وَهَمَّ مَا

و بگردان از من هراس آنچه را می ترسم از هراسش و هزینه آنچه را می ترسم از هزینه اش و اندوه آنچه را

أَخَافُ هَمَّهُ بِلاَ مَوْتَةٍ عَلَيَّ نَفْسِي مِنْ ذَلِكَ، وَاصْرِفْنِي بِقَضَاءِ

می ترسم از اندوهش بی آنکه زحمتی از این ناحیه به من برسد و بازم بگردان با حاجات

حَوَائِجِي، وَكَفَايَةً مَا أَهَمَّنِي هَمُّهُ، مِنْ أَمْرِ آخِرَتِي وَدُنْيَايَ، يَا أَمِيرَ

بر آورده و کفایت کردن آنچه اندوهش مرا فراگرفته از کار آخرت و دنیا، ای امیر

الْمُؤْمِنِينَ [وَيَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ]، عَلَيْكُمَا مِنِّي سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ

مؤمنان [و ای ابا عبدالله] بر شما باد از جانب من سلام خدا همیشه تا من زنده ام و

اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِكُمَا، وَلَا فَرَّقَ اللَّهُ

شب و روز برجا است و قرار ندهد خداوند این زیارت مرا آخرین بار از زیارت شما دو بزرگوار و جدا نکند خدا

بَيْنِي وَبَيْنَكُمَا، اللَّهُمَّ أَحْيِنِي حَيَاةَ مُحَمَّدٍ وَدُرِّيَّتِهِ، وَأَمِتْنِي مَمَاتِهِمْ،

میان من و شما را خدایا زنده دار به زندگی محمد و فرزندان و بمیرانم به مرگ ایشان

وَتَوَفَّنِي عَلَيَّ مِلَّتِهِمْ، وَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهِمْ، وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ

و جانم را بر کیش آنها بگیر و در گروه و جرگه آنان محشورم کن و جدائی مینداز میان من و ایشان

طَرَفَةً عَيْنٍ أَبَدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَيَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ،

چشم برهم زدن هرگز در دنیا و آخرت ای امیر مؤمنان و ای اباعبدالله
اَتَيْتُكُمْ زَائِرًا وَمُتَوَسِّلًا اِلَى اللّٰهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ، وَمُتَوَجِّهًا اِلَيْهِ بِكُمْ،
آمده‌ام به درگاهتان برای زیارتتان و برای آنکه توسل جویم به درگاه خدا پروردگارم و پروردگار شما دوبرگوار و
روکنم بدرگاه

وَمُسْتَشْفِعًا بِكُمْ اِلَى اللّٰهِ تَعَالٰى فِى حَاجَتِى هَذِهِ، فَاشْفَعَا لِي، فَاِنَّ لَكُمْ
او بوسیله شما و شفیع گیرم شما را به نزد خدای تعالی در این حاجتی که دارم پس شما دو بزرگوار شفاعت کنید برای من
عِنْدَ اللّٰهِ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ، وَالْجَاهَ الْوَجِيهَ، وَالْمَنْزِلَ الرَّقِيعَ وَالْوَسِيلَةَ اِلَيَّ
زیرا شما را در نزد خداوند مقامی است پسندیده و منزلتی است آبرومند و جایگاهی است بلندمرتبه و (مقام) وسیله از
شما

اَنْقَلَبُ عَنْكُمْ مُنْتَظَرًا، لِنَنْجِزَ الْحَاجَةَ وَقَضَائِهَا وَجَاحِهَا مِنَ اللّٰهِ
است، و من هم اکنون که از نزد شما بازگردم چشم براه قطعی شدن حاجتم و برآمدنش و به انجام رسیدنش از جانب
خدا

بِشَفَاعَتِكُمْ لِي اِلَى اللّٰهِ فِى ذَلِكَ، فَلَا اَخِيْبُ وَلَا يَكُوْنُ مُنْقَلَبِي مُنْقَلَبًا
هستم به شفاعتی که شما برایم در این باره به درگاه خدا می‌کنید پس چنان نباشد که نومید شوم و بازگشتم بازگشت
شخص

خَائِبًا خَاسِرًا، بَلْ يَكُوْنُ مُنْقَلَبِي مُنْقَلَبًا رَاجِعًا [رَاجِعًا] مُفْلِحًا مُنْجِحًا،
نومید زیانکاری باشد بلکه بازگشت کسی باشد که با موفقیت و امیدواری و رستگاری و کامیابی
مُسْتَجَابًا بِقَضَاءِ جَمِيعِ حَوَائِجِي، وَكَشْفَعَا لِي اِلَى اللّٰهِ، اِنْقَلَبْتُ عَلَيَّ مَا
با حاجتهایی که تمامی روا شده باز می‌گردد و شفاعت کنید برایم به درگاه خدا، بازگردم بر آنچه
شَاءَ اللّٰهُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ، مُفَوَّضًا اَمْرِي اِلَى اللّٰهِ، مُلْجَاً ظَهْرِي
خدا خواهد و جنبش و نیروئی نیست جز به خدا و اگذار کنم کارم را به خدا و پشت و پناه خود را
اِلَى اللّٰهِ، مُتَوَكِّلًا عَلَيَّ اللّٰهِ، وَاَقُوْلُ حَسْبِيَ اللّٰهُ وَكَفِيَ، سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ دَعٰى،
خدا قرار دهم و توکل کنم بر خدا و می‌گویم بس است مرا خدا و کافی است برای من، بشنود خدا (آواز) هر که او را
بخواند

لَيْسَ لِي وِرَآءَ اللّٰهِ وَوَرَاءَكُمْ يَا سَادَتِي مُنْتَهٰى، مَا شَاءَ رَبِّيْ كَانَ،

ای آقایان بزرگوار برای من جز خدا و شما سرمزل و پایگاهی نیست آنچه پروردگارم خواسته موجود گشت
وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، أَسْتَوْدِعُكُمَا اللَّهَ، وَلَا
و آنچه نخواسته موجود نگردد و نیست جنبش و نیروئی جز بخدا، شما دو بزرگوار را به خدا می سپارم و قرار
جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مَتَّى إِلَيْكُمَا، انْصَرَفْتُ يَا سَيِّدِي يَا أَمِيرَ
ندهد خداوند این بار را آخرین بار زیارتم از شما بازگشتم ای آقای من ای امیر
الْمُؤْمِنِينَ وَمَوْلَايَ، وَأَنْتَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَا سَيِّدِي، وَسَلَامِي عَلَيْكُمَا
مؤمنان و ای سرور من و تو نیز ای ابا عبدالله ای آقای من و سلام من بر شما دو آقا
مُتَّصِلٌ مَا اتَّصَلَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، وَاصِلٌ ذَلِكَ إِلَيْكُمَا، غَيْرُ مُحْجُوبٍ
پیوسته باد تا پیوسته است شب و روز واصل گردد این سلام به شما از شما پوشیده نماند
عَنْكُمَا سَلَامِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ، وَأَسْأَلُهُ بِحَقِّكُمَا أَنْ يَشَاءَ ذَلِكَ وَيَفْعَلَ،
سلام من انشاءالله و از خدا خواهم به حق شما دو بزرگوار که مشیتش بر این کار قرار گیرد
فَأِنَّهُ حَمِيدٌ مُجِيدٌ، انْقَلَبْتُ يَا سَيِّدِي عَنْكُمَا تَائِبًا حَامِدًا لِلَّهِ، شَاكِرًا
و آن را انجام دهد که براستی او بسی ستوده و بزرگوار است بازگردم ای دو آقای من از خدمت شما توبه کننده و ستایش
کننده

رَاجِعًا لِلْإِجَابَةِ، غَيْرَ آيِسٍ وَلَا قَانِطٍ، إِنِّبَأَ عَائِدًا رَاجِعًا إِلَى
خدا و سپاسگزار و امیدوار به اجابت بدون یأس و ناامیدی و به امید رجوع و بازگشت دوباره برای
زِيَارَتِكُمَا، غَيْرَ رَاغِبٍ عَنْكُمَا وَلَا مِنْ زِيَارَتِكُمَا، بَلْ رَاجِعٌ عَائِدٌ إِنْ
زیارت شما بی آنکه اشتیاق و رغبتم از شما کاسته شود و یا از زیارت شما (سیر شوم) بلکه بازآیم و مراجعت کنم
شَاءَ اللَّهُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، يَا سَادَتِي رَغِبْتُ إِلَيْكُمَا وَإِلَى
انشاءالله و جنبش و نیروئی نیست جز به خدا ای آقایان من به زیارت شما و به خودتان اشتیاق و میل ورزیدم
زِيَارَتِكُمَا، بَعْدَ أَنْ زَهَدَ فِيكُمَا وَفِي زِيَارَتِكُمَا أَهْلُ الدُّنْيَا، فَلَا حَيْبَنِي
پس از آنکه بی میل بودند به شما و به زیارتتان مردم دنیا پس خدا نومیدم نکند
اللَّهُ مَا رَجَوْتُ وَمَا أَمَلْتُ فِي زِيَارَتِكُمَا، إِنَّهُ قَرِيبٌ مُجِيبٌ. × سَيْفُ بْنُ
در آنچه بدان امیدوارم و آرزومندم در مورد زیارت شما که براستی او خدائی است نزدیک و اجابت کننده * * *

عُمَيْرَه گوید که سؤال کردم از صفوان و گفتم که علقمه بن محمد این دعا را برای ما از حضرت باقر علیه السلام روایت نکرد بلکه همان زیارت را حدیث کرد صفوان گفت که وارد شدم با سید خودم حضرت صادق علیه السلام به این مکان پس به جا آورد مثل آنچه را که ما بجا آوردیم در زیارت و دعا کرد به این دعا هنگام وداع بعد از اینکه دو رکعت نماز گذاشت چنانچه ما نماز گذاشتیم و وداع کرد چنانچه ما وداع کردیم پس صفوان گفت که حضرت صادق علیه السلام به من فرمود که مواظب باش این زیارت را و بخوان این دعا را و زیارت کن به آن پس بدرستی که من ضامنم بر خدا برای هرکه زیارت کند به این زیارت و دعا کند به این دعا از نزدیک یا دور اینکه زیارتش مقبول شود و سعیش مشکور و سلامش به آن حضرت برسد و محبوب نماید و حاجت او قضا شود از جانب خدای تعالی بهر مرتبه که خواهد برسد و او را نومید برنگرداند ای صفوان یافتم این زیارت را به این ضمان از پدرم و پدرش علی بن الحسین علیه السلام به همین ضمان و او از حسین علیه السلام به همین ضمان و حسین علیه السلام از برادرش حسن علیه السلام به همین ضمان و حسن از پدرش امیرالمؤمنین علیه السلام با همین ضمان و امیرالمؤمنین علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله با همین ضمان و رسول خدا صلی الله علیه و آله از جبرئیل با همین ضمان و جبرئیل از خدای تعالی با همین ضمان و به تحقیق که خداوند عزوجل قسم خورده به ذات مقدس خود که هرکه زیارت کند حسین علیه السلام را به این زیارت از نزدیک یا دور و دعا کند به این دعا قبول می‌کنم از او زیارت او را و می‌پذیرم از او خواهش او را بهر قدر که باشد و می‌دهم مسئلتش را پس بازنگردد از حضرت من با ناامیدی و خسار و بازش گردانم با چشم روشن به برآوردن حاجت و فوز به جنت و آزادی از دوزخ و قبول کنم شفاعت او را در حق هرکس که شفاعت کند حضرت فرماید جز دشمن ما اهل بیت که در حق او قبول نشود قسم خورده حق تعالی به این بر ذات اقدسش و گواه گرفته ما را بر آنچه که گواهی دادند به آن ملائکه ملکوت او پس جبرئیل گفت یا رسول الله خدا فرستاده مرا بسوی تو بجهت سرور و بشارت تو و شادی و بشارت علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان از اولاد تو علیهم السلام تا روز قیامت پس مستمر و پاینده باد مسرت تو و مسرت علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان علیهم السلام و شیعه شما تا روز رستخیز پس صفوان گفت که حضرت صادق علیه السلام با من فرمود ای صفوان هرگاه روی داد از برای تو بسوی خدای عزوجل حاجتی پس زیارت کن به این زیارت از هر مکانی که بوده باشی و بخوان این دعا را و بخواه از پروردگار خود حاجت را که برآورده شود از خدا و خدا خلاف نخواهد فرمود وعده خود را بر رسول خود بحد و امتنان خویش وَالْحَمْدُ لِلَّهِ مؤلف گوید که در نجم ثاقب در ذیل حکایت تشریف جناب حاج سید احمد رشتی به ملاقات امام عصر ارواحنا فداه در سفر حج و فرمایش آن حضرت به او که چرا شما عاشورا نمی‌خوانید عاشوراء عاشوراء و آن حکایت را ما انشاء الله بعد از زیارت جامعه کبیره نقل خواهیم کرد شیخ ما ثقة الاسلام نوری رحمه الله فرموده اما زیارت عاشوراء پس

در فضل و مقام آن بس که از سنخ سایر زیارات نیست که بظاهر از انشای و املاي معصومي باشد هر چند که از قلوب مطهره ایشان چیزی جز آنچه از عالم بالا به آنجا رسد بیرون نیاید بلکه از سنخ احادیث قدسیه است که به همین ترتیب از زیارت و لعن و سلام و دعا از حضرت احدیت جَلَّتْ عَظَمَتُهُ به جبرئیل امین و از او به خاتم النبیین صلی الله علیه و آله رسیده و به حسب تجربه مداومت به آن در چهل روز یا کمتر در قضای حاجات و نیل مقاصد و دفع اعادی بی نظیر و لکن احسن فواید آن که از مواظبت آن بدست آمده فایده ای است که در کتاب دارالسلام ذکر کردم و اجمال آن آنکه ثقه صالح متقی حاج ملاحسن یزدی که از نیکان مجاورین نجف اشرف است و پیوسته مشغول عبادت و زیارت نقل کرد از ثقه امین حاج محمد علی یزدی که مرد فاضل صالحی بود در یزد که دائماً مشغول اصلاح امر آخرت خود بود و شبها در مقبره خارج یزد که در آن جماعتی از صلحا مدفونند و معروف است به مزار بسر می برد و او را همسایه ای بود که در کودکی با هم بزرگ شده و در نزد يك معلم می رفتند تا آنکه بزرگ شد و شغل عشقاری پیش گرفت تا آنکه مرد و در همان مقبره نزدیک محلی که آن مرد صالح بیتوته می کرد دفن کردند پس او را در خواب دید پس از گذشتن کمتر از ماهی که در هیئت نیکویی است پس به نزد او رفت و گفت من می دانم مبدأ و منتهای کار تو و ظاهر و باطن تو را و نبودی از آنها که احتمال رود نیکي در باطن ایشان و شغل تو مقتضی نبود جز عذاب را پس به کدام عمل به این مقام رسیدی گفت چنان است که گفتم و من در اشد عذاب بودم از روز وفات تا دیروز که زوجه استاد اشرف حداد فوت شد و در این مکان او را دفن کردند و اشاره کرد به موضعی که قریب صد ذرع از او دور بود و در شب وفات او حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام سه مرتبه او را زیارت کرد و در مرتبه سیّم امر فرمود به رفع عذاب از این مقبره پس حالت ما نیکو شد و در سعه و نعمت افتادیم پس از خواب متحیرانه بیدار شد و حداد را نمی شناخت و محله او را نمی دانست پس در بازار حدادان از او تفحص کرد و او را پیدا نمود از او پرسید برای تو زوجه ای بود گفت آری دیروز وفات کرد و او را در فلان مکان و همان موضع را اسم برد دفن کردم گفت او به زیارت ابی عبدالله علیه السلام رفته بود گفت نه گفت ذکر مصائب او می کرد گفت نه گفت مجلس عزیه داری داشت گفت نه آنگاه پرسید چه می جوئی خواب را نقل کرد گفت آن زن مواظبت داشت به زیارت عاشوراء .

دویم زیارت عاشوراء غیر معروفه

است که با زیارت معروفه متداوله در اجر و ثواب شریک است بی مشقت گفتن صد مرتبه لعن و صد مرتبه سلام و این برای آنانکه شغل مهمی دارند فوزی است عظیم و کیفیت آن به نحوی که در مزار قدیم نقل شده بدون شرح آن چنین است که هرکس دوست دارد زیارت کند آن حضرت را از بلاد دور یا نزدیک پس غسل کند و برود به صحرا یا در بام

خانه خود آنگاه دو رکعت نماز کند و بخواند در آن سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ چون سلام گفت اشاره کند بسوی آن حضرت به سلام و متوجه شود به این سلام و اشاره و نیت به آن جهتی که در آنست ابو عبدالله الحسین علیه السلام یعنی رو کند به کربلائی معلّی آنگاه با خشوع و استکانت بگوید:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ،
سلام بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو ای فرزند مژده دهنده (به بهشت) و ترساننده (از دوزخ)
وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءٍ
و فرزند آقای اوصیاء سلام بر تو ای فرزند فاطمه بانوی زنان
الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ وَابْنَ خَيْرَتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
جهانیان سلام بر تو ای برگزیده خدا و فرزند برگزیده اش سلام بر تو ای
نارَ اللَّهِ وَابْنَ نَارِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَثْرُ الْمُوَثَّرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
که خدا خونخواهیش کند و فرزند چنین کسی سلام بر تو ای تک و تنها مانده ای که انتقام کشندگان را نگرفتی سلام بر تو
أَيُّهَا الْأَمَامُ الْهَادِي الزَّكِيُّ، وَعَلِيَّ أَرْوَاحَ حَلَّتْ بِفَنَائِكَ، وَأَقَامَتْ فِي
ای امام راهنمای پاکیزه و بر آن روانهائی که فرود آمدند به آستان و اقامت گزیدند در
جَوَارِكَ، وَوَقَدَتْ مَعَ زُؤَارِكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ مَنِّي مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَّ
کنارت و درآمدند به درگاه تو با زیارت کنندگان سلام بر تو از جانب من تا زنده ام و برپا است
اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، فَلَقَدْ عَظُمَتْ بِكَ الرَّزِيَّةُ، وَجَلَّتْ فِي الْمُؤْمِنِينَ
شب و روز برآستی که بزرگ شد مصیبت تو و گران آمد در میان مؤمنان
وَالْمُسْلِمِينَ وَفِي أَهْلِ السَّمَوَاتِ وَأَهْلِ الْأَرْضِينَ أَجْمَعِينَ، فَإِنَّا لِلَّهِ
و مسلمانان و در میان اهل آسمانها و زمینها همگی «پس ما همگی از آن خدائیم
وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، صَلَوَاتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَتَحِيَّاتُهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ
و بسویش بازگردیم» دروذهای خدا و برکتها و تحیت هایش بر تو باد ای ابا عبدالله
اللَّهُ الْحُسَيْنِ، وَعَلَى آبَائِكَ الطَّيِّبِينَ الْمُتَتَجِبِينَ، وَعَلَى ذُرِّيَّتِكُمْ
الحسین و بر پدران پاکیزه و برگزیده ات و بر فرزندان
الْهُدَاةِ الْمَهْدِيِّينَ، لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً خَذَلَتْكَ، وَتَرَكَتْ تُصْرَتَكَ وَمَعُونَتَكَ،

راهنمای راه یافته‌ات خدا لعنت کند مردمی که تو را واگذاشتند و دست از یاری و کمک کردن تو برداشتند
وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَصَّسَتْ الظُّلْمَ لَكُمْ، وَمَهَّدَتِ الْجَوْرَ عَلَيْكُمْ،
و خدا لعنت کند مردمی که پی‌ریزی کردند شالوده ظلم بر شما را و آماده کردند وسائل ستم را بر شما
وَوَطَّرَقَتْ إِلَى أَدَبَاتِكُمْ وَتَحِيْفِكُمْ، وَجَارَتْ ذَلِكَ فِي دِيَارِكُمْ
و باز کردند راه را برای آزار شما و جسارت به ساحت قدستان و جریان دادند آن را در شهرها
وَأَشْيَاعِكُمْ، بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَإِلَيْكُمْ، يَا سَادَاتِي وَمَوَالِيَّ
و در شیعیان شما بیزاری جویم بدرگاه خدای عزوجل و بدرگاه شما ای آقایان من و ای سروران
وَأَيْمَتِي، مِنْهُمْ وَمِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَاتِّبَاعِهِمْ وَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ يَا
و پیشوایان من از آنها و از پیروان و تابعین آنها و می‌خواهم از آن خدائی که گرامی داشت - ای
مَوَالِيَّ مَقَامَكُمْ، وَشَرَفَ مَنْزِلَتِكُمْ وَشَأْنَكُمْ، أَنْ يُكْرِمَنِي بِوِلَايَتِكُمْ
سرورانم - مقام شما را و شرافت داد منزلت و مرتبه شما را که گرامی دارد مرا بوسیله ولایت
وَمَحَبَّتِكُمْ، وَالْإِيْتِمَامَ بِكُمْ وَبِالْبِرَّةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ، وَأَسْأَلُ اللَّهَ الْبَرَّ
و محبت شما و اقتداء کردن به شما و به بیزاری جستن از دشمنانتان و می‌خواهم از خدای نیکوکار
الرَّحِيمَ، أَنْ يَرْزُقَنِي مَوَدَّتَكُمْ، وَأَنْ يُوقِفَنِي لِلطَّلَبِ بِثَارِكُمْ مَعَ الْأَمَامِ
مهربان که روزیم گرداند دوستی شما را و موقفم دارد برای خونخواهی شما به‌مراه آن امام
الْمُنْتَظَرِ الْهَادِي مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا
منتظر راهنمای از خاندان محمد و قرار دهد مرا با شما در دنیا
وَالْآخِرَةِ، وَأَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ، وَأَسْأَلُ اللَّهَ
و آخرت و برساند مرا بدان مقام پسندیده‌ای که شما نزد خدا دارید و می‌خواهم از خدای
عَزَّوَجَلَّ بِحَقِّكُمْ، وَبِالشَّانِ الَّذِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ، أَنْ يُعْطِيَنِي بِمُصَابِي
عزوجل به حقی که شما دارید و بدان مقام و مرتبه‌ای که خداوند برای شما مقرر فرموده که بدهد به من
بِكُمْ أَفْضَلَ مَا أُعْطِيَ مُصَاباً بِمُصِيبَةِ إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، يَا لَهَا
بخاطر مصیبت شما بهترین پاداشی را که می‌دهد به مصیبت زده‌ای از مصیبتش «ما از آن خدائیم و بسویش باز
می‌گردیم»

مِنْ مُصِيبَةٍ مَا أَفْجَعَهَا وَأَكَاها لِقُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ، فَإِنَّا لِلَّهِ

راستی که چه مصیبتی بود! و چه اندازه جانگداز و ریش‌کننده بود برای ده‌های مردمان با ایمان و مسلمان «ما از آن خدائیم

وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي فِي
و بسویش بازگشت کنیم» خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و قرارم ده در
مَقَامِي مِمَّنْ تَنَالُهُ مِنْكَ صَلَوَاتُ وَرَحْمَةٍ وَمَغْفِرَةٍ، وَاجْعَلْنِي عِنْدَكَ
این جایگاه از کسانی که می‌رسد بدانها از جانب تو درودها و رحمت و آمرزشی و قرارم ده در پیش خود
وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ، فَإِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ
آبرومند در دنیا و آخرت و از مقربان درگاهت که من تقرب جویم بدرگاهت بوسیله محمد
وَآلِ مُحَمَّدٍ، صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، اللَّهُمَّ وَإِنِّي أَتَوَسَّلُ
و آل محمد - که درودهای تو بر او و بر ایشان همگی باد - خدایا و هم چنین من توسل جویم
وَآتُوجَّهُ بِصَفْوَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ
و رو کنم بوسیله انتخاب شدگان و برگزیدگان از خلقت محمد و علی
وَالطَّيِّبِينَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِمَا، اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ
و پاکیزگان از فرزندان آن دو بزرگوار خدایا پس درود فرست بر محمد و آل محمد و قرار ده
مَحْيَايَ مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتِي مَمَاتِهِمْ، وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فِي الدُّنْيَا
زندگیم را زندگی آنها و مرگم را مرگ ایشان و جدائی مینداز میان من و ایشان در دنیا
وَالْآخِرَةِ إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ، اللَّهُمَّ وَهَذَا يَوْمٌ تُجَدِّدُ فِيهِ النُّقْمَةَ،
و آخرت که براستی تو شنوای دعائی خدایا و امروز روزی است که تازه شود در آن رنج (آل محمد)
وَتُنَزِّلُ فِيهِ اللَّعْنَةَ عَلَى اللَّعِينِ يَزِيدَ وَعَلَى آلِ يَزِيدَ، وَعَلَى آلِ زِيَادٍ
و نازل گردد در آن لعنت بر یزید لعین و بر خاندان یزید و بر خاندان زیاد
وَعُمَرَ بْنِ سَعْدٍ وَالشُّمَيْرِ، اللَّهُمَّ أَلْعَنُ مَنْ رَضِيَ بِقَوْلِهِمْ
و عمر بن سعد و شمر خدایا همگی ایشان را لعنت کن و نیز لعنت کن هر که راضی گشت به گفتار
وَفِعْلِهِمْ، مِنْ أَوَّلٍ وَآخِرٍ لَعْنًا كَثِيرًا، وَأَصْلِهِمْ حَرَّ نَارِكَ، وَأَسْكِنِهِمْ جَهَنَّمَ
و کردار ایشان از اول و آخرشان لعنتی بسیار و در آور ایشان را در سوز آشت و در جهنم جایشان ده
وَسَاءَتْ مَصِيرًا، وَأَوْجِبْ عَلَيْهِمْ وَعَلَى كُلِّ مَنْ شَاءَ بِهِمْ وَبَايَعَهُمْ

که بد جایگاهی است برای بازگشت و واجب گردان (جهنم را) بر ایشان و بر هر کس که از آنها پیروی کرد
وَتَابِعَهُمْ وَسَلَّوْهُمْ وَرَضِيَ بِفِعْلِهِمْ، وَافْتَحَ لَهُمْ وَعَلَيْهِمْ، وَعَلَى كُلِّ
و با آنها بیعت و متابعت کرد و کمکشان داد و به کارشان راضی شد و نیز بگشا برای آنها و بر ایشان و بر هر که
مَنْ رَضِيَ بِذَلِكَ لَعْنَتِكَ الَّتِي لَعَنْتَ بِهَا كُلَّ ظَالِمٍ وَكُلَّ غَاصِبٍ، وَكُلَّ
بدین کار راضی شد لعنتهای خویش را که لعنت کردی بوسیله آن هر ستمکار و هر غاصب و هر
جَاحِدٍ وَكُلَّ كَافِرٍ، وَكُلَّ مُشْرِكٍ وَكُلَّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ، وَكُلَّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ،
منکر و هر کافری و هر مشرک و هر شیطان رانده و هر سرکش لجوجی را
اللَّهُمَّ اَلْعَنُ يَزِيدَ وَآلَ يَزِيدَ وَبَنِي مَرْوَانَ جَمِيعًا، اللَّهُمَّ وَضَعْفُ
خدایا لعنت کن یزید و خاندان یزید و پسران مروان را همگی خدایا و چند برابر گردان
غَضَبِكَ وَسَخَطِكَ وَعَذَابِكَ وَتَقَمَّتْكَ، عَلَيَّ أَوَّلِ ظَالِمٍ ظَلَمَ أَهْلَ بَيْتِ
خشم و غضب و شکنجه و انتقامت را بر نخستین ستمگری که ستم کرد بر خاندان پیغمبرت
نَبِيِّكَ، اللَّهُمَّ وَالْعَنُ جَمِيعَ الظَّالِمِينَ لَهُمْ، وَأَنْتَقِمَ مِنْهُمْ إِنَّكَ ذُو نِقْمَةٍ
خدایا و نیز لعنت کن همه کسانی که بر آنها ستم کردند و انتقام بگیر از ایشان که تو از مجرمان بدکار انتقام خواهی
مِنَ الْمُجْرِمِينَ، اللَّهُمَّ وَالْعَنُ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ آلَ بَيْتِ مُحَمَّدٍ، وَالْعَنُ
گرفت خدایا و هم چنین لعنت کن نخستین ستمکاری را که ستم کرد بر خاندان محمد و لعنت کن
أَرْوَاحَهُمْ وَدِيَارَهُمْ وَقُبُورَهُمْ وَالْعَنِ اللَّهُمَّ الْعِصَابَةَ الَّتِي نَازَلَتْ
به روانشان و خانه هاشان و گورهای آنها و نیز لعنت کن خدایا آن گروهی را که پیکار کردند با
الْحُسَيْنِ بْنِ بَنَتِ نَبِيِّكَ، وَحَارَبْتَهُ وَقَتَلْتَ أَصْحَابَهُ وَأَنْصَارَهُ، وَأَعْوَاهُ
حسین فرزند دختر پیامبرت و با او جنگ کردند و کشتند همراهان و انصار و یاران
وَأَوْلِيَاءَهُ وَسُيَعَتَهُ وَمُحِبِّيهِ وَأَهْلَ بَيْتِهِ وَذُرِّيَّتَهُ، وَالْعَنِ اللَّهُمَّ الَّذِينَ
و دوستان و شیعیان و علاقه مندان و خاندان و فرزندان آن حضرت را و لعنت کن خدایا آن کسانی را
نَهَبُوا مَالَهُ وَسَلَّوْا حَرِيمَهُ، وَلَمْ يَسْمَعُوا كَلَامَهُ وَلَا مَقَالَهُ، اللَّهُمَّ
که به یغما بردند مالش را و حرمش را چپاول کردند و سخن و گفتارش را نشنیدند خدایا
وَالْعَنُ كُلَّ مَنْ بَلَغَهُ ذَلِكَ فَرَضِيَ بِهِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ،
لعنت کن هر که را که این جریان به گوشش رسید و بدان راضی شد از گذشتگان و آیندگان

وَالْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ
و همه مردم تا روز جزا (و قیامت) سلام بر تو ای اباعبدالله
الْحُسَيْنَ، وَعَلَى مَنْ سَاعَدَكَ وَعَاوَنَكَ، وَوَسَاكَ بِنَفْسِهِ، وَبَذَلَ
الحسین و بر هر که تو را یاری داد و کمک کرد و با جان خود در راهت فداکاری کرد
مُهِجَّتَهُ فِي الذَّبِّ عَنْكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَعَلَيْهِمْ، وَعَلَى
و در دفاع از تو جانبازی نمود سلام بر تو ای مولای من و بر آنها و بر
رُوحِكَ وَعَلَى أَرْوَاحِهِمْ، وَعَلَى تُرْبَتِكَ وَعَلَى تُرْبَتِهِمْ، اَللَّهُمَّ لَقِّهِمْ
روان تو و روان ایشان و بر تربت شریف تو خاک (پاک) ایشان باد خدایا بیفکن
رَحْمَةً وَرِضْوَانًا وَرَوْحًا وَرِيحَانًا، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا
بر ایشان مهر و خوشنودی و نشاط و خوشی سلام بر تو ای مولای من ای ابا
عَبْدِ اللَّهِ، يَا بَنَ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ، وَيَا بَنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، وَيَا بَنَ سَيِّدَةِ
عبدالله ای فرزند خاتم پیامبران و ای فرزند آقای اوصیاء و ای فرزند بانوی
نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَهِيدُ يَا بَنَ الشَّهِيدِ، اَللَّهُمَّ بَلِّغْهُ
زنان جهانیان سلام بر تو ای شهید و ای فرزند شهید خدایا برسان
عَنِّي فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي هَذَا الْيَوْمِ، وَفِي هَذَا الْوَقْتِ وَكُلِّ وَقْتٍ
به آن حضرت از جانب من در این ساعت و در این روز و در این وقت و در هر وقتی
تَحِيَّةً وَسَلَامًا، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ سَيِّدِ الْعَالَمِينَ، وَعَلَى
تحیت و سلامی سلام بر تو ای فرزند بزرگ و آقای جهانیان و بر
الْمُسْتَشْهَدِينَ مَعَكَ سَلَامًا مُتَّصِلًا مَا اتَّصَلَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، السَّلَامُ
آن کسانی که با تو شهید شدند سلامی پیوسته تا متصل است بهم شب و روز سلام
عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الشَّهِيدِ، السَّلَامُ عَلَيَّ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ
بر حسین فرزند علی (ع) آن شهید (بزرگوار) سلام بر علی فرزند حسین
الشَّهِيدِ، السَّلَامُ عَلَيَّ الْعَبَّاسِ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ الشَّهِيدِ، السَّلَامُ
شهید سلام بر عباس فرزند امیر مؤمنان آن شهید (عالی مقام) سلام
عَلَيَّ الشُّهَدَاءِ مِنْ وَلَدِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيَّ الشُّهَدَاءِ مِنْ

بر شهیدان از فرزندان امیر مؤمنان سلام بر شهیدان از
وُلْدِ جَعْفَرٍ وَعَقِيلٍ، السَّلَامُ عَلَيَّ كُلِّ مُسْتَشْهَدٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، اَللّهُمَّ
فرزندان جعفر و عقیل سلام بر هر شهیدی از سایر مردمان با ایمان خدایا
صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَلِّغُهُمْ عَنِّي تَحِيَّةً وَسَلَامًا، السَّلَامُ
درود فرست بر محمد و آل محمد و برسان به آنها از طرف من تحیت و سلامی سلام
عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَحْسَنَ اللَّهُ
بر تو ای رسول خدا و بر تو باد سلام و رحمت خدا و برکاتش نیکو گرداند خداوند
لَكَ الْعِزَّاءَ فِي وَلَدِكَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا
(صبر و پاداش) مصیبت تو را درباره فرزندت حسین علیه السلام سلام بر تو ای
الْحَسَنَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَعَلَيْكَ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ،
اباالحسن ای امیر مؤمنان و بر تو باد سلام و رحمت خدا و برکاتش
أَحْسَنَ اللَّهُ لَكَ الْعِزَّاءَ فِي وَلَدِكَ الْحُسَيْنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةُ يَا
نیکو گرداند خداوند (صبر و پاداش) مصیبت تو را در مورد فرزندت حسین، سلام بر تو ای فاطمه ای
بُنْتُ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَعَلَيْكَ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ،
دختر فرستاده پروردگار جهانیان و بر تو باد سلام و رحمت خدا و برکاتش،
أَحْسَنَ اللَّهُ لَكَ الْعِزَّاءَ فِي وَلَدِكَ الْحُسَيْنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ
نیکو گرداند خداوند (صبر و پاداش) مصیبت تو را در مورد فرزندت حسین، سلام بر تو ای ابا محمد
الْحَسَنَ، وَعَلَيْكَ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَحْسَنَ اللَّهُ لَكَ الْعِزَّاءَ
حسن (بن علی) و بر تو باد سلام و رحمت خدا و برکاتش نیکو گرداند خداوند (صبر و پاداش) مصیبت تو
فِي أَخِيكَ الْحُسَيْنِ، السَّلَامُ عَلَيَّ أَرْوَاحِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ،
را در مورد برادرت حسین(ع) سلام بر روانهای مردان و زنان با ایمان
الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ، وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ
زندگانشان و مردگانشان و بر ایشان باد سلام و رحمت خدا و برکاتش
أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُمُ الْعِزَّاءَ فِي مَوَلَاهُمْ الْحُسَيْنِ، اَللّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنْ
نیکو گرداند خداوند صبر و پاداش آنها را در مصیبت سرور و مولایشان حسین علیه السلام خدایا قرار ده ما را از

الطَّالِبِينَ بِنَارِهِ مَعَ إِمَامٍ عَدْلٍ، تُعِزُّ بِهِ الْأِسْلَامَ وَأَهْلَهُ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ .

خونخواهان آن حضرت در رکاب آن امام دادگري که عزت بخشي بوسيله آن حضرت اسلام و مسلمين را اي پروردگار جهانيان

پس به سجده برو و بگو اَللّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَي [جميع] ماناب مِنْ حَظْبٍ،

* * * * * خدايا ستايش تو را است بر تمام آنچه رسیده است به ما

از مصیبتهاي ناگوار

وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَي كُلِّ أَمْرٍ، وَإِلَيْكَ الْمُشْتَكِي فِي عَظِيمِ الْمُهِمَّاتِ

و تو را است ستايش بر هر امري و به درگاه تو شکوه کنيم در پيش آمدهاي مهم و بزرگي که

بِخَيْرَتِكَ وَأَوْلِيَاكَ، وَذَلِكَ لِمَا أَوْجَبَتْ لَهُمْ مِنَ الْكِرَامَةِ وَالْفَضْلِ

به برگزیدگان و دوستانت رسیده بخاطر آن کرامت و برتري بسياري که براي ايشان

الْكَثِيرِ، اَللّهُمَّ فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْزُقْنِي شَفَاعَةَ

مقرر داشتی خدايا درود فرست بر محمد و آل محمد و روزي من گردان شفاعت

الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ الْوُرُودِ وَالْمَقَامِ الْمَشْهُودِ، وَالْحَوْضِ

حسين عليه السلام را در روز ورود به صحراي محشر و آن جايگاهي که مشهود خلاق است و آن حوضي که

الْمَوْرُودِ، وَاجْعَلْ لِي قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَأَصْحَابِ

در کنارش وارد شوند و مرا از ثابت قدمان درگاه خود قرار ده آنانکه با حسين و اصحاب

الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، الَّذِينَ وَاسَوْهُ بِأَنْفُسِهِمْ، وَبَدَّلُوا دُونَهُ مَهْجَهُمْ،

حسين عليه السلام هستند آن اصحابی که جان خود را فداي آن حضرت کرده و خون خود را در راهش ريختند

وَجَاهَدُوا مَعَهُ أَعْدَاءَكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ وَرَجَائِكَ، وَتَصَدِّقًا

و به اتفاق آن بزرگوار با دشمنان تو پيكار کردند براي بدست آوردن موجبات خوشنودي تو و اميدواريت از روي

تصديق

بِوَعْدِكَ، وَخَوْفًا مِنْ وَعِيدِكَ إِنَّكَ لَطِيفٌ لِمَا تَشَاءُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

به وعدهات و ترس از تهديدت براستی که تو پرلطفي نسبت بهر که خواهي اي مهربانترين مهربانان

هشتم زيارت اربعين است

یعنی بیستم صفر شیخ در تہذیب و مصباح روایت کرده از حضرت امام حسن عسکری علیہ السلام کہ فرمودہ علامت مؤمن پنج چیز است پنجاه و یک رکعت نماز گذاشتن کہ مراد ہفدہ رکعت فریضہ و سی و چہار رکعت نافلہ است در ہر شب و روز و زیارت اربعین کردن و انگشت در دست راست کردن و جبین را در سجدہ بر خاک گذاشتن و بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ را بلند گفتن و کیفیت زیارت حضرت امام حسین علیہ السلام در این روز بہ دو نحو رسیدہ یکی زیارتیست کہ شیخ در تہذیب و مصباح روایت کردہ از صفوان جمال کہ گفت فرمود بہ من مولایم حضرت صادق علیہ السلام در زیارت اربعین کہ زیارت می کنی در هنگامی کہ روز بلند شدہ باشد و می گوئی :

اَلسَّلَامُ عَلٰی وَلِیِّ اللّٰهِ وَحَبِیْبِهِ، اَلسَّلَامُ عَلٰی خَلِیْلِ اللّٰهِ وَجَبِیْبِهِ، اَلسَّلَامُ عَلٰی

سلام بر ولی خدا و دوست او سلام بر خلیل خدا و بندہ نجیب او سلام بر بندہ

صَفِیِّ اللّٰهِ وَابْنِ صَفِیِّهِ، اَلسَّلَامُ عَلٰی الْحُسَيْنِ الْمَظْلُوْمِ الشَّهِیدِ، اَلسَّلَامُ عَلٰی

برگزیدہ خدا و فرزند برگزیدہ اش سلام بر حسین مظلوم و شہید سلام بر آن بزرگواری کہ بہ گرفتاریہا

اَسِیرِ الْکُرْبَاتِ، وَقَتْلِ الْعَبْرَاتِ، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَشْهَدُ اَنْهُ وَلِیْکَ وَابْنُ وَلِیْکَ،

اسیر بود و کشتہ اشک روان گردید خدایا من برستی گواہی دہم کہ آن حضرت ولیّ (و نمایندہ) تو و فرزند ولیّ تو بود

و

وَصَفِیْکَ وَابْنُ صَفِیْکَ، الْفَائِزُ بِکَرَامَتِکَ، اَكْرَمَتْهُ بِالشَّهَادَةِ، وَحَبَوَتْهُ بِالسَّعَادَةِ،

برگزیدہات و فرزند برگزیدہات بود کہ کامیاب شد بہ بزرگداشت تو، گرامیش کردی بوسیله شہادت و مخصوصش داشتی

بہ

وَأَحْتَبَبْتُهُ بِطِیْبِ الْوِلَادَةِ، وَجَعَلْتُهُ سَيِّدًا مِنَ السَّادَةِ وَقَائِدًا مِنَ الْقَادَةِ،

سعادت و برگزیدی او را بہ پاکزادی و قرارش دادی یکی از آقایان (بزرگ) و از رهروان پیشرو و یکی از کسانی کہ از

وَذَائِدًا مِنَ الذَّادَةِ، وَأَعْطَيْتُهُ مَوَارِثَ الْأَنْبِیَاءِ، وَجَعَلْتُهُ حُجَّةً عَلٰی خَلْقِكَ مِنْ

حق دفاع کردند و میراثہای پیمبران را بہ او دادی و از اوصیائی کہ حجت تو بر خلقت هستند قرارش دادی او نیز

الْأَوْصِیَاءِ، فَأَعْذَرَ فِی الدُّعَاءِ، وَمَنْحَ النَّصْحِ، وَبَدَلَ مُهْجَتُهُ فِیْکَ،

در دعوت مردم جای عذر و بہانہ ای (برای کسی) نگذارد و بیدریغ خیرخواہی کرد و جان خود را در راه تو داد

لِیَسْتَنْقِذَ عِبَادَکَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَحَیْرَةِ الضَّلَالَةِ، وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَیْهِ مَنْ

تا برہاند بندگان را از (گرداب) جہالت و نادانی و سرگردانی (در وادی) گمراہی و چنان شد کہ ہمدست شدند بر علیہ

غَرَبَتْهُ الدُّنْیَا، وَبَاعَ حَظَّهُ بِالْأَرْذَلِ الْأَذْنٰی، وَشَرٰی آخِرَتَهُ بِالْثَمَنِ

آن حضرت کسانی که دنیا فریشان داد و فروختند بهره (کامل و سعادت خود را) به بهای پست ناچیزی و بداد آخرتش رادرمقابل بهائی

الْأَوْكَسِ، وَتَغَطَّرَسَ وَتَرَدَّى فِي هَوَاهُ، وَأَسْخَطَكَ وَأَسْخَطَ نَبِيَّكَ،

اندک و بی مقدار و بزرگی کردند و خود را در چاه هوا و هوس سرنگون کردند، و تو و پیامبرت را بخشم

وَأَطَاعَ مِنْ عِبَادِكَ أَهْلَ الشَّقَاقِ وَالنِّفَاقِ، وَحَمَلَةَ الْأُوزَارِ

آوردند و پیروی کردند از میان بندگان آنانی را که اهل دو دستی و نفاق بودند و کسانی را که بارهای سنگین

الْمُسْتَوْجِبِينَ النَّارَ، فَجَاهَدَهُمْ فِيكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا، حَتَّى سَفِكَ فِي

گناه بدوش می کشیدند و بدین جهت مستوجب دوزخ گشته بودند آن حضرت (که چنان دید) با شکیبائی و پاداش جوئی با

طَاعَتِكَ دَمُهُ، وَاسْتَبِيحَ حَرِيمَهُ، اللَّهُمَّ فَالْعَنَهُمْ لَعْنًا وَبِلَاءً، وَعَذِّبْهُمْ

آنها جهاد کرد تا خونس در راه پیروی تو ریخت و حریم مقدسش شکسته شد خدایا آنان را لعنت کن به لعنتی و بالدار و

عَذَابًا لِيَمَّا، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ سَيِّدِ

عذابشان کن به عذابی دردناک سلام بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو ای فرزند آقای

الْأَوْصِيَاءِ أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِينُ اللَّهِ وَأَبْنُ أَمِينِهِ، عِشْتَ سَعِيدًا، وَمَضَيْتَ

اوصیاء گواهی دهم که برستی تو امانتدار خدا و فرزند امانتدار اوئی سعادتمند زیستی و ستوده از دنیا

حَمِيدًا وَمُتَّ فَقِيدًا مَظْلُومًا شَهِيدًا، وَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ مُنْجِزُ مَا وَعَدَكَ،

رفتی و گمگشته و ستم دیده و شهید درگذشتی و نیز گواهی دهم که خدا برستی وفا کند بدان وعده ای که به تو داده

وَمُهِلَّكَ مِنْ حَذْلِكَ وَمُعَذِّبٌ مَنْ قَتَلَكَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَفَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ،

و به هلاکت رساند هر که را که دست از یاریت برداشت و عذاب کند کسی که تو را کشت و گواهم دهم که تو بخوبی وفا

کردی

وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِهِ حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ، فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ

به عهد خدا و جهاد کردی در راه او تا مرگت فرا رسید خدا لعنت کند کسی که تو را کشت و خدا لعنت کند

مَنْ ظَلَمَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي

کسی که به تو ستم کرد و خدا لعنت کند مردمی که شنیدند جریان کشتن و ستم تو را و بدان راضی بودند خدایا من تو را

أَشْهَدُكَ أَيُّ وَلِيِّي لِمَنْ وَالَاهُ، وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُ، بَابِي أَتَتْ وَأُمِّي يَا بَنَ

گواه می گیرم که من دوست دارم هر که او را دوست دارد و دشمنم با هر که او را دشمن دارد پدرم و مادرم بفدایت ای فرزند

رَسُولِ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ

رسول خدا گواهی دهم که تو براستی نوری بودی در پشت پدرانی بلند مرتبه و رحمهای

الْمُطَهَّرَةِ، لَمْ تُنَجِّسْكَ أَجَاهِلِيَّةٌ بِأَنْجَاسِهَا، وَلَمْ تُلَبِّسْكَ الْمُدْهَمَاتُ

پاکیزه که آلودهات نکرد اوضاع زمان جاهلیت به آلودگیهایش و در برت نکرد از لباسهای چرکینش

مِنْ ثِيَابِهَا، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ وَأَرْكَانِ الْمُسْلِمِينَ، وَمَعْقِلِ

و گواهی دهم که براستی تو از پایه های دین و ستونهای محکم مسلمانان و پناهگاه

الْمُؤْمِنِينَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْبَرُّ التَّقِيُّ، الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ الْهَادِي

مردمان با ایمانی و گواهی دهم که تو براستی پیشوای نیکوکار با تقوا و پسندیده و پاکیزه و راهنمای

الْمُهْدِي، وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وَلَدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى، وَأَعْلَامُ الْهُدَى،

راه یافته ای و گواهی دهم که همانا امامان از فرزندان روح و حقیقت تقوی و نشانه های هدایت

وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى، وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا، وَأَشْهَدُ أَيُّ بِكُمْ مُؤْمِنٌ،

و رشته های محکم (حق و فضیلت) و حجت های بر مردم دنیا هستند و گواهی دهم که من به شما ایمان دارم

وَبِإِيَابِكُمْ مُوقِنٌ، بِشَرَائِعِ دِينِي وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي، وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلَمٌ،

و به بازگشتتان یقین دارم با قوانین دینم و عواقب کردارم و دلم تسلیم دل شما است

وَأَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ، وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ، حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ،

و کارم پیرو کار شما است و یاریم برایتان آماده است تا آنکه خدا در ظهورتان اجازه دهد

فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَامَعَ عَدُوُّكُمْ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، وَعَلَى أَرْوَاحِكُمْ

پس با شمایم نه با دشمنان شما دروذهای خدا بر شما و بر روانهای شما

وَأَجْسَادِكُمْ، وَشَاهِدِكُمْ وَغَائِبِكُمْ، وَظَاهِرِكُمْ وَبَاطِنِكُمْ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

و پیکرهایتان و حاضران و غایبان و آشکارتان و نهانان آمین ای پروردگار جهانیان

پس دو رکعت نماز می‌کنی و دعا می‌کنی به آنچه می‌خواهی و برمی‌گردد و دیگر زیارتی است که از جابر منقول است و کیفیت آن چنان است که از عطا روایت شده که گفت با جابر بن عبدالله انصاری بودم در روز بیستم ماه صفر چون به غاضریه رسیدیم در آب فرات غسل کرد و پیراهن طاهری که با خود داشت پوشید پس گفت که آیا با تو چیزی هست از بوی خوش ای عطا گفتم با من سُد هست پس قدری از آن گرفت و بر سر و بدن پاشید و پابرهنه روانه شد تا ایستاد نزد سر مبارک امام حسین علیه السلام و سه مرتبه **اَللّهُ اَكْبَرُ** گفت پس افتاد و بیهوش شد و چون به هوش آمد شنیدم که می‌گفت **اَلسَّلَامُ عَلَیْكُمْ** یا **اَللّهُ اَلْح** که به عینه همان زیارت نیمه رجب است که ما ذکر نمودیم و با آن فرقی ندارد جز چند کلمه که شاید از اختلاف نسخ باشد چنانچه شیخ مرحوم احتمال داده پس اگر کسی خواست که آن را نیز بخواند رجوع کند به زیارت نیمه رجب و همان را بخواند مؤلف گوید که زیارت امام حسین علیه السلام در اوقات شریفه و لیالی و ایّام متبرکه به غیر از این اوقات که ذکر شد نیز افضل است خصوصاً اوقاتی که به آن حضرت نسبتی داشته باشد مانند روز مباحله و روز نزول **هَلْ اَتَى** و روز ولادت شریف آن حضرت و شبهای جمعه و از روایتی مستفاد می‌شود که حق تعالی در هر شب جمعه نظر مکرمی بر آن حضرت فرماید و جمیع پیمبران و اوصیای ایشان را به زیارت او بفرستد و ابن قولویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که هر که زیارت کند قبر امام حسین علیه السلام را در هر جمعه آمرزیده شود البته و از دنیا بیرون نرود با حال حسرت از دنیا و **مَسْكَئُش** در بهشت با امام حسین علیه السلام باشد و در خبر اعمش است که همسایه او برای او گفت در خواب دیدم که رقعها از آسمان فرو می‌ریزد که در آنها امان نوشته‌اند برای هر که زیارت امام حسین علیه السلام کند در شب جمعه و بعد از این در اعمال کاظمین در حکایت حاجی علی بغدادی اشاره به این مطلب خواهد شد و غیر این از اوقات شریفه دیگر و روایت شده از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که آیا زیارت امام حسین علیه السلام را وقتی هست که بهتر از وقت دیگر باشد فرمود که زیارت کنید آن حضرت را در هر وقت و هر زمان زیرا که زیارت آن حضرت خیر مُقَرَّری است هر که آن را بیشتر به عمل آورد خیر بیشتر خواهد یافت و هر که کمتر کند کمتر خواهد یافت و سعی کنید در زیارت کردن آن حضرت در اوقات شریفه که اعمال صالحه در آنها ثوابش مضاعف است و در آن اوقات شریفه ملائکه از آسمان نازل می‌شوند از برای زیارت آن حضرت **اَلْح** و از برای خصوص این اوقات مذکوره زیارت منقولی یافت نشده بلی در روز سیم ماه شعبان که روز تولّد حضرت امام حسین علیه السلام است دعائی از ناحیه شریفه بیرون آمده که بایست آن را خواند و ما آن را در اعمال ماه شعبان ذکر کردیم و بدان نیز که زیارت آن حضرت در غیر کربلا از شهرهای دور فضیلت زیادی دارد و ما در اینجا به ذکر دو روایت که در کافی و تهذیب و فقیه است قناعت می‌کنیم روایت اول ابن ابی عمیر از هشام روایت کرده که حضرت صادق علیه السلام فرمود که هرگاه راه یکی از شما دور و از خانه‌اش تا به قبور

ما مسافت بسیار باشد بالا رود به پشت بام بلندتر منزل خود و دو رکعت نماز کند و اشاره کند به سلام کردن به سوي قبرهاي ما پس بدرستی که آن به ما مي رسد روايت دويم از حنّان بن سُدیر از پدرش منقولست که حضرت صادق علیه السلام به من فرمود اي سدیر زیارت مي کنی قبر حسین علیه السلام را در هر روز عرض کردم که فدای تو گردم نه فرمود شما چه جفاکارید در هر جمعه زیارت مي کنید او را گفتم نه فرمود در هر ماهي زیارت مي کنید گفتم نه فرمود در هر سالی او را زیارت مي کنید گفتم گاهي از ساها شده که زیارت کرده ام فرمود اي سدیر چه جفا کارید شما به امام حسین علیه السلام آیا ندانستید که حق تعالی را دو هزار هزار فرشته است (و در تهذیب و فقیه هزار هزار فرشته است) زولیده مو گردآلوده که مي گریند بر آن حضرت و زیارت مي کنند وسست نمي شوند و چه مي شود براي تو اي سدیر که زیارت کنی قبر حسین علیه السلام را در هر جمعه پنج مرتبه و در هر روزي يك مرتبه گفتم فدایت شوم بین ما و بین او فرسخهاي بسیار است فرمود به من که بالا رو به بام خانه ات پس نظر کن به جانب راست و چپ پس بلند کن سر خود را بسوي آسمان پس قصد کن جانب قبر آن حضرت را و بگو «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ» نوشته مي شود براي تو زیارتي و آن زیارت حجّه و عمره است سدیر گفت بسا شد که بجا آوردم این را در ماه بیشتر از بیست مرتبه و در صدر زیارت اول از زیارات مطلقه گذشت چیزی که مناسب این مقام بود .

تذیل در فضیلت و آداب تربت مقدسه امام حسین علیه السلام

بدانکه روایات بسیار وارد شده که در تربت آن حضرت شفای هر درد و مرض است مگر مرگ و امان است از بلاها و باعث ایمنی از هر خوف و بیم است و اخبار در این باب متواتر است و معجزاتی که به سبب این تربت مقدسه ظاهر گردیده است زیاده از آنست که ذکر شود و من در کتاب فوائد الرضویه که در تراجم علماء امامیه است در احوال سید محدث متبحر آقا سید نعمه الله جزائري رحمه الله نوشتم که آن سید جلیل در تحصیل علم زحمت بسیار کشیده و سختی و رنج بسیار برده و در اوایل تحصیل چون قادر نبوده بر چراغ به روشنی ماه مطالعه مي نموده لاجرم از کثرت مطالعه در ماهتاب و بسیار چیز نوشتن و مطالعه کردن چشمانش ضعف پیدا کرده بود پس به جهت روشنی چشم خود به تربت مقدسه حضرت سیدالشهداء علیه السلام و تراب مراقد شریفه ائمه عراق علیهم السلام اکتحال مي کرد و به برکت آن تربت ها چشمش روشن مي گشت و نیز نگاشتم که مبادا اهالی عصر ما بواسطه معاشرت با کفار و ملاحده این مطلب را استعجاب نمایند همانا کمال الدین دمیری در حیوة الحیوان نقل کرده که افعی هرگاه هزار سال عمر کرد چشمانش کور مي شود حق تعالی او را ملهم فرموده که براي رفع کوري خود چشم خود را به رازیانج تر بمالد لاجرم با چشم کور از بیابان قصد مي کند بساتین و جاهائی را که رازیانج در آنجا باشد و اگر چه مسافتی طویل در بین باشد پس خود را

می‌رساند به آن گیاه و چشم خود را بر آن می‌مالد روشنی چشم او برمی‌گردد و این مطلب را زنجشیری و غیره نیز نقل کرده‌اند پس هرگاه حق تعالی در یک گیاه تری این خاصیت قرار داده باشد که مار کور پی به آن ببرد و بهره خود را از آن بگیرد چه عجب و استبعاد دارد که در تربت پسر پیغمبر صلوات‌الله علیه و آله که در راه او خودش و عترتش کشته شده شفاء از جمیع امراض و فوائد و برکاتی قرار داده باشد که شیعیان و محبان او از آن بهره‌ها برند و ما در این مقام به ذکر چند خبر قناعت می‌کنیم اول روایت شده که حوریان بهشت چون یکی از ملائکه را می‌بینند که از برای کاری بر زمین می‌آید از او التماس می‌کنند که برای ما تسبیح و تربت قبر امام حسین علیه السلام به هدیه بیاور دوم به سند معتبر منقول است که شخصی گفت حضرت امام رضا علیه السلام برای من از خراسان بسته متاعی فرستاد چون گشودم در میان آن خاکی بود از آن مرد که آورده بود پرسیدم که این خاک چیست گفت خاک قبر امام حسین علیه السلام است و هرگز آن حضرت از جامه و غیر جامه چیزی به جایی نمی‌فرستد مگر آنکه این خاک را در میانش می‌گذارد و می‌فرماید این امان است از بلاها به اذن و مشیت خدا سیم روایت است که عبدالله بن ابی یعفور به خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که یک شخص از خاک قبر امام حسین علیه السلام برمی‌دارد و منتفع می‌شود و دیگری برمی‌دارد و منتفع نمی‌شود فرمود که نه والله هر که بردارد و اعتقاد داشته باشد که به او نفع می‌بخشد البته منتفع می‌شود چهارم از ابو حمزه ثمالی روایتست که عرض کردم به حضرت صادق علیه السلام که می‌بینم اصحاب ما می‌گیرند خاک قبر امام حسین علیه السلام را و طلب شفا از آن می‌کنند آیا شفا در آن هست فرمود که طلب شفا می‌توان کرد از خاکی که بردارند از میان قبر تا چهار میل و همچنین است خاک قبر جدّم رسول خدا صلی الله علیه و آله و قبر امام حسن و امام زین‌العابدین و امام محمد باقر علیهم السلام پس بگیر از آن خاک که آن شفای هر درد است و سپری است برای دفع هر چه از آن ترسی و هیچ چیز به آن برابری نمی‌کند از چیزهایی که از آن شفا طلب می‌کنند به غیر از دعا و چیزی که آن را فاسد می‌کند آن است که در ظرفها و جاهای بد می‌گذارند و آنها که معالجه به آن می‌کنند کم است یقین ایشان هر که یقین داشته باشد که این از برای او شفا است هرگاه معالجه به آن کند او را کافی خواهد بود و محتاج به دواي دیگر نخواهد شد و فاسد می‌گردانند آن تربت را شیاطین و کافران از جنیان که خود را بر آن می‌مالند و بهر چیز که می‌گذرد آن تربت آن را بو می‌کنند و اما شیاطین و کافران جنّ پس حسد می‌برند فرزندان آدم را بر آن و خود را بر آن می‌مالند که اکثر نیکی و بوی خوشش برطرف می‌شود و هیچ تربت از حایر بیرون نمی‌آید مگر مهیا می‌شوند از شیاطین و کافران جنّ از برای آن تربت آن قدر که عدد ایشان را کسی به غیر از خدا احصا نمی‌تواند کرد و آن تربت در دست صاحبش است و ایشان خود را بر آن می‌مالند و ملائکه نمی‌گذارند ایشان را که داخل حایر شوند و اگر تربت سالم از اینها بماند هر بیمار را که به آن معالجه نمایند البته در آن ساعت شفا می‌یابد پس چون تربت را برداری پنهان کن و نام

خدا بر آن بسیار بخوان و شنیده‌ام که بعضی از آنها که تربت را برمی‌دارند آن را سبک می‌شمارند حتی بعضی از ایشان آن را در توبره چهارپایان می‌اندازند یا در ظرف طعام یا چیزهایی که دست بر آن بسیار مالیده شود از خورجینها و جواها پس چگونه شفا یابد از آن کسی که به این نوع آن را حرمت دارد و لکن دلی که در آن یقین نیست و سبک می‌شمارد چیزی را که صلاحش در آن است عمل خود را فاسد می‌کند پنجم روایت شده که هرگاه یکی از شما خواهد که بردارد تربت را به اطراف انگشتان بردارد و قدر آن مثل نخود است به بوسد آن را و بر

هر دو دیده گذارد و بر سایر بدن بمالد و بگوید: **اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ هَذِهِ التُّرْبَةِ، وَبِحَقِّ مَنْ حَلَّ بِهَا**

*** * * * *** خدایا به حق این تربت شریف و به حق آن بزرگواری که در آن فرود

آمد و

وَتَوَي فِيهَا، وَبِحَقِّ جَدِّهِ وَأَبِيهِ وَأُمِّهِ وَأَخِيهِ، وَالْأَئِمَّةِ مِنْ وَلَدِهِ، وَبِحَقِّ

مسکن گرفت و به حق جد و پدر و مادر و امامان از فرزندان و به حق

الْمَلَائِكَةِ الْحَافِّينَ بِهِ، إِلَّا جَعَلْتُهَا شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ، وَبُرْءاً مِنْ كُلِّ

فرشتگانی که او را دربر گرفته‌اند که بگردانی آن را شفای از هر درد و درمان از هر

مَرَضٍ، وَبِجَاةٍ مِنْ كُلِّ آفَةٍ، وَحِرْزاً مِمَّا أَخَافُ وَأَحْذَرُ. پس آن را استعمال

بیماری و رهایی از هر آفت و پناهگاهی از هر چه از آن می‌ترسم و پرهیز می‌کنم *** * * * ***

نماید و روایت شده که مهر کردن تربت امام حسین علیه السلام آنست که بر آن سوره **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ** بخوانی و

نیز روایت شده که هرگاه تربت را بخوری یا به کسی بخورانی بگو

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ رِزْقاً وَاسِعاً، وَعِلْماً نَافِعاً، وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ

به نام خدا و به ذات خدا، خدایا بگردانش روزی فراخ و دانشی سودمند و شفای از هر

دَاءٍ، إِنَّكَ عَلَي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. مؤلف گوید که فوائد تربت شریفه آن حضرت بسیار

دردی که تو بر هر چیز توانائی *** * * * ***

*** * * * ***

است از جمله آنکه مستحب است با میت در قبر گذاشتن و کفن را به آن نوشتن و دیگر سجده کردن بر آنست که

روایت شده که سجده بر آن هفت حجاب را می‌درد یعنی باعث قبولی نماز می‌شود که به آسمانها بالا می‌رود و دیگر

تسبیح از تربت آن حضرت ساختن و به آن تسبیح ذکر کردن و در دست داشتن است که فضیلت عظیم دارد و از

خاصیتش آنست که در دست آدمی تسبیح می گوید بی آنکه صاحبش تسبیح بگوید و معلوم است که این تسبیح غیر از آن تسبیحی است که در همه اشیاء است کما قال الله تعالی :

وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ * و عارف رومی در معنی آن گفته

و چیزی نیست جز آنکه تسبیح گوید به حمد او ولی شما تسبیحشان را نمی فهمید * * * * *

گر تو را از غیب چشمی باز شد

با تو ذرات جهان همراز شد

نطق خاك و نطق آب و نطق گل

هست محسوس حواس اهل دل

جمله ذرات در عالم نهان

با تو میگویند روزان و شبان

ما سَمِیعیم و بصیر و باهشیم

با شما نامحرمان ما خامشیم

از جمادی سوي جان جان شوید

غلغل اجزای عالم بشنوید

فاش تسبیح جمادات آیدت

و سوسه تأولیهها بزدایدت

بالجمله این تسبیحی که در این روایت است تسبیحی است که از خصوصیات تربت حضرت سید الشهداء ارواحنا له

الفداء است ششم از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که هر که بگرداند تسبیح تربت امام حسین علیه السلام را

و بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» با هر دانه بنویسد حق تعالی از برای او شش هزار حسنه و

محو کند از او شش هزار گناه و بلند کند از برای او شش هزار درجه و بنویسد از برای او شش هزار شفاعت و از

حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که بگرداند سنگهائی را که از تربت امام حسین علیه السلام می سازند یعنی

تسبیح پخته پس یکبار استغفار کند هفتاد استغفار از برای او نوشته می شود و اگر تسبیحی را در دست نگاه دارد و

تسبیح نگوید به عدد هر حبه هفت مرتبه از برای او نوشته می شود هفتم در حدیث معتبر منقول است که چون حضرت

صادق علیه السلام به عراق تشریف آوردند گروهی نزد آن حضرت آمدند و عرض کردند که دانسته ایم تربت امام

حسین علیه السلام موجب شفای هر درد است آیا باعث ایمنی از هر خوف هست فرمود بلی هرگاه کسی خواهد که او را

از هر بیمی امان بخشد باید تسبیحی که از تربت آن حضرت ساخته باشند در دست بگیرد و سه مرتبه این دعا را بخواند:
 أَصْبَحْتُ اللَّهُمَّ مُعْتَصِماً بِذِمَامِكَ وَجِوَارِكَ الْمَنِيعِ،

* * * * * بامداد کردم خدایا در حالی که چنگ زده‌ام به پیمان تو و جوار محکمت

الَّذِي لَا يُطَاوِلُ وَلَا يُحَاوِلُ، مِنْ شَرِّ كُلِّ غَاشِمٍ وَطَارِقٍ، مِنْ سَائِرِ مَنْ

که مورد دستبرد واقع نشود و کسی قصد آن نتواند از شر هر ستمکار و شبیخون زننده‌ای از تمامی

خَلَقْتَ وَمَا خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِكَ، الصَّامِتِ وَالنَّاطِقِ، فِي جُتَّةٍ مِنْ كُلِّ

کسانی که آفریدی و آنچه خلق فرمودی از مخلوقات خموش و گویایت (و بنهم خود را) در زیر سپر و جوشنی از هر

مَخُوفٍ، بِلِبَاسٍ سَابِعَةٍ حَصِينَةٍ، وَهِيَ وَلَاءُ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ

موجود مخوف و ترسناکی با لباس محکم و نگهدارنده و آن (سپر و لباس) همان دوستی خاندان پیامبر تو محمد

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، مُحْتَجِزاً مِنْ كُلِّ قَاصِدٍ لِي إِلَى أَدِيَّةٍ بِجِدَارٍ

صلی الله علیه و آله است و نگهداری کنم خود را از هر که آهنگ آزارم کند به دیوار

حَصِينِ الْأَخْلَاصِ فِي الْأَعْتِرَافِ بِحَقِّهِمْ، وَالتَّمَسُّكِ بِحَبْلِهِمْ جَمِيعاً،

محکم اخلاص در اعتراف کردن به حق ایشان و چنگ زدن به رشته محکم ایشان همگی

مُوقِناً أَنَّ الْحَقَّ لَهُمْ وَمَعَهُمْ وَمِنْهُمْ وَفِيهِمْ وَبِهِمْ، أُولَى مَنْ وَالُوا،

در حالی که یقین دارم که حق از آنها است و با آنها است و از آنها است و در میان آنها است و بوسیله آنها است دوست

دارم هر که را

وَأُعَادِي مَنْ عَادُوا، وَأُجَانِبُ مَنْ جَانَبُوا، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،

آنها دوست دارند و دشمن دارم هر که را دشمن دارند و کناره گیرم از هر که کناره گرفتند درود فرست بر محمد و آلش

وَأَعِزَّنِي اللَّهُمَّ بِهِمْ مِنْ شَرِّ كُلِّ مَا اتَّقِيهِ، يَا عَظِيمُ حَجَزْتُ الْأَعَادِي

و نگاهم دار خدایا بوسیله ایشان از شر هر چه از آن پرهیز دارم ای خدای بزرگ دور ساختم دشمنان را

عَنِّي بِبَدِيعِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، إِنَّا جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا

از خود بوسیله آفریننده آسمانها و زمین «ما نهادیم از پیش رویشان سدی

وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ. × پس تسبیح را ببوسد و بر

و از پشت سرشان سدی و پرده بر دیده‌شان افکنندیم که نمی‌بینند * * * * *

* * *

هر دو چشم بمالد و بگوید: اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ التُّرْبَةِ الْمُبَارَكَةِ، وَبِحَقِّ

* * * * * خدایا از تو خواهم به حق این تربت مبارک و به حق

صاحبها وَبِحَقِّ جَدِّهِ وَبِحَقِّ اَبِيهِ، وَبِحَقِّ اُمِّهِ وَبِحَقِّ اَخِيهِ، وَبِحَقِّ وَلَدِهِ الطَّاهِرِينَ،

صاحب آن (حضرت اباعبدالله) و به حق جدش و به حق پدرش و به حق مادرش و به حق برادرش و به حق فرزندان پاکش

اجْعَلْهَا شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ، وَاَمَانًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ، وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ سُوءٍ .

بگردان آن را شفای از هر دردی و امان از هر ترسی و نگهدارنده از هر بدی

* پس تسبیح را بر جبین خود بگذارد پس اگر در صبح چنین کند در امان خدا باشد تا شام و اگر در شام چنین کند در امان خدا باشد تا صبح و در روایت دیگر منقول است که هر که از پادشاهی یا غیر او ترسد چون از خانه بیرون آید چنین کند تا حرزی باشد او را از شر ایشان مؤلف گوید که مشهور میان علماء آن است که خوردن گل و خاک مطلقاً جایز نیست مگر تربت مقدسه امام حسین علیه السلام به قصد شفا بی قصد لذت به قدر نخودی بلکه احوط آن است که به قدر عدسی باشد و خوبست که تربت را در دهان بگذارد و بعد از آن جرعه‌ای از آب بخورد و بگوید «اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ رِزْقًا وَّاسِعًا وَّعِلْمًا نَافِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسَقَمٍ» علامه مجلسی رحمه الله فرموده احوط آن است که مهر و تسبیح و تربت آن حضرت را نخرند و نفروشدند بلکه به هدیه و بخشش بدهند و در برابر آنها اگر تراشی کنند بی آنکه اول شرط کرده باشند شاید بد نباشد چنانچه در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که خاک قبر امام حسین علیه السلام را بفروشد چنان است که گوشت آن حضرت را فروخته و خریده باشد مؤلف گوید که شیخ ما محدث متبحر ثقة الاسلام نوری رحمه الله در دارالسلام نقل فرموده که روزی یکی از برادران من به خدمت مرحومه والدهام رسید مادرم دید که تربت امام حسین علیه السلام را در جیب پایین قبای خود گذاشته مادرم او را زجر کرد که این بی ادبی است به تربت مقدسه چه آنکه بسا شود در زیر ران واقع شود و شکسته گردد برادرم گفت چنین است که فرمودی و تا به حال دو مهر شکسته‌ام ولیکن عهد کرد که من بعد در جیب پایین نگذارم پس چند روزی از این قضیه گذشت علامه والدیم در خواب دید بدون اینکه از این مطلب اطلاع داشته باشد که مولای ما حضرت ابوعبدالله الحسین علیه السلام به زیارت او تشریف آورد و در اطاق کتابخانه نشست و ملاطفت و مهربانی بسیار کرد و فرمود بخوان پسران خود را بیایند تا آنها را اکرام کنم پس والد پسرها را طلبید و با من پنج نفر بودند پس ایستادند در نزد در مقابل آن حضرت و در نزد آن حضرت از جامه و چیزهای دیگر بود پس يك يك را می‌خواند و چیزی از آنها به او می‌داد پس نوبت به برادر مزبور سلمه الله رسید حضرت نظری بر او افکند مانند کسی که در غضب باشد و التفات فرمود بسوی والد مرحوم و

فرمود این پسر تو دو تربت از تربتهای قبر من در زیر ران خود شکسته است پس مثل برادران دیگر او را نخواند بلکه افکند بسوی او چیزی و الان در ذهنم است که گویا قاب شانه ترمه به او داد پس علامه والد بیدار شد و خواب خود را برای مرحومه والده نقل کرد و والده حکایت را برای ایشان بیان کرد والد تعجب کرد از صدق این خواب «انتهی»»

فصل هشتم

در فضیلت و کیفیت زیارت کاظمین یعنی امام موسی کاظم و امام محمد تقی علیهما السلام و ذکر مسجد بُرائثا و زیارت نَوَاب اربعه رضی الله عنه و زیارت جناب سلمان رضی الله عنه و مشتمل است بر چند مطلب :

مطلب اوّل

در فضیلت و کیفیت زیارت کاظمین علیهما السلام است بدانکه از برای زیارت این دو امام معصوم علیهما السلام فضل بسیاری ذکر شده و در اخبار کثیره وارد شده که زیارت امام موسی علیه السلام مثل زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله است و در روایتی است که هر که او را زیارت کند مثل آنست که زیارت کرده باشد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام را و در روایت دیگر مثل آنست که امام حسین علیه السلام را زیارت کرده باشد و در حدیث دیگر هر که او را زیارت کند بهشت از برای اوست و شیخ جلیل محمد بن شهر آشوب در مناقب از تاریخ بغداد نقل کرده که خطیب مؤلف آن کتاب به سند خود از علی بن خلال نقل نموده که گفت هیچ امر دشواری مرا رُو نداد که بعد از آن بروم به نزد قبر حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام و متوسّل به آن جناب شوم مگر آنکه خدا آن را از برای من آسان کرد و نیز گفته که دیده شد در بغداد زنی که می دوید پس به او گفتند که بکجا می روی گفت بسوی قبر موسی بن جعفر علیهما السلام که دعا کنم برای پسر من که او را حبس کرده اند مردی حنبلی مذهب در آنجا حاضر بود استهزاء کرد به آن زن و گفت پسر در زندان مُرد آن زن گفت خداوند از تو سؤال می کنم به حقّ آن کسی که او را در زندان شهید کردند که مرادش همان حضرت است که قدرت خود را به من بنمائی ناگاه پسر آن زن را رها کردند و پسر آن مرد حنبلی را که استهزاء کرده بود به جنایت او گرفتند و شیخ صدوق از ابراهیم بن عقبه روایت کرده که گفت نوشتم به خدمت امام علیّ تقی علیه السلام و در نامه سؤال کرده بودم از زیارت ابی عبدالله الحسین علیه السلام و از زیارت امام موسی و امام محمد تقی علیهما السلام یعنی آنکه کدام يك از این دو زیارت بهتر است پس حضرت در جواب مرقوم فرموده بودند ابو عبدالله علیه السلام مقدّم است و زیارت این دو معصوم جامعتر و ثوابش بزرگتر است و اما کیفیت زیارت کاظمین علیهما السلام پس بدانکه زیارات در آن حرم شریف بعضی مختصّ است به هر يك از آن دو بزرگوار و بعضی مشترك مابین آن دو امام است اما زیارت مختصّ به امام موسی علیه السلام پس چنانکه سیّد بن طاووس در مزار نقل نموده

آن است که چون خواستی آن حضرت را زیارت کنی سزاوار است که غسل کنی پس روانه شوی به زیارت با تأثی و وقار
همین که به در حرم رسیدی بایست

و بگو: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى هِدَايَتِهِ

* * * خدا بزرگتر است (از توصیف) معبودی نیست جز خدا و خدا بزرگتر است ستایش خدای را برای

راهنمایی کردنش

لِدِينِهِ، وَالتَّوْفِيقِ لِمَا دَعَا إِلَيْهِ مِنْ سَبِيلِهِ، اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ اَكْرَمُ مَقْصُودٍ،

(ما را) به دین خود و توفیق دادنش به اجابت دعوت او بدان راهی که او خواست خدایا تو بزرگوارترین مقصود

وَاَكْرَمُ مَا تَنِيَّ، وَقَدْ أَتَيْتُكَ مُتَقَرِّبًا إِلَيْكَ بِابْنِ بَنْتِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ،

وکریمترین کسی هستی که بدرگاهش آیند و من به درگاهت آمده‌ام و تقرب جویم به پیشگاهت بوسیله فرزند دختر

وَعَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ وَأَبْنَائِهِ الطَّيِّبِينَ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

پیامبرت که درودهای تو بر او و بر پدران پاکیزه‌اش باد خدایا درود فرست بر محمد

وَأَلِ مُحَمَّدٍ، وَلَا تُخَيِّبْ سَعْيِي، وَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي، وَاجْعَلْنِي عِنْدَكَ

و آل محمد و نوید مکن کوششم را و قطع مکن امیدم را و قرارم ده در نزد خودت

وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ. پس داخل شو و مقدم دار پای

* * * * * آبرومند در دنیا و آخرت و از مقربان درگاهت

راست خود را و بگو: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ،

* * * * * به نام خدا و به یاری خدا و در راه خدا و بر کیش رسول خدا

صَلِّيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ

صلی الله علیه و آله خدایا بیامرزم مرا و پدر و مادرم را و همه مردان

والمؤمنات. پس همین که رسیدی به در قبه شریفه بایست و اذن طلب کن و بگو

* * * * * و زنان با ایمان را

* * * * *

ءَادْخُلُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، ءَادْخُلُ يَا نَبِيَّ اللَّهِ، ءَادْخُلُ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ،

آیا داخل شوم ای رسول خدا آیا داخل شوم ای پیامبر خدا آیا داخل شوم ای محمد بن عبدالله

ءَادْخُلُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، ءَادْخُلُ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ، ءَادْخُلُ يَا أَبَا

آیا داخل شوم ای امیر مؤمنان آیا داخل شوم ای ابامحمد حسن (مجتبی) آیا داخل شوم ای ابا
عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ، ءَادْخُلُ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ، ءَادْخُلُ يَا أَبَا
عبدالله الحسین آیا داخل شوم ای ابا محمد علی بن الحسین (زین العابدین) آیا داخل شوم ای ابا
جَعْفَرِ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، ءَادْخُلُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ، ءَادْخُلُ يَا
جعفر محمد بن علی آیا داخل شوم ای ابا عبدالله جعفر بن محمد آیا داخل شوم ای
مَوْلَايَ يَا أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ، ءَادْخُلُ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا جَعْفَرٍ،
مولای من ای ابالحسن موسی بن جعفر آیا داخل شوم ای مولای من ای ابا جعفر
ءَادْخُلُ يَا مَوْلَايَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ. پس داخل شو و چهار مرتبه بگو: اللَّهُ أَكْبَرُ
آیا داخل شوم ای مولای من محمد بن علی × × × × × × × × × × × × خدا بزرگتر است

پس بایست مقابل قبر و قبله را پشت کتف خود قرار بده پس بگو: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

* * * * *

* سلام بر تو ای

وَلِيِّ اللَّهِ وَابْنِ وَلِيِّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ، السَّلَامُ
نماینده خدا و فرزند نماینده اش سلام بر تو ای حجت خدا و فرزند حجت او سلام
عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللَّهِ وَابْنَ صَفِيَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ وَابْنَ أَمِينِهِ،
بر تو ای برگزیده خداوند و فرزند برگزیده اش سلام بر تو ای امین خدا و فرزند امین او
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ
سلام بر تو ای نور خدا در تاریکیهای زمین سلام بر تو ای پیشوای
الْهُدَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عِلْمَ الدِّينِ وَالتَّقَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَازِنَ
هدایت سلام بر تو ای پرچم دین و تقوی سلام بر تو ای خزینه دار
عِلْمِ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَازِنَ عِلْمِ الْمُرْسَلِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
علم و دانش پیامبران سلام بر تو ای خزینه دار علم و دانش رسولان سلام بر تو ای
نَائِبَ الْأَوْصِيَاءِ السَّابِقِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَعْدِنَ الْوَحْيِ الْمُبِينِ،
نایب اوصیاء پیشین سلام بر تو ای معدن وحی آشکار
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْعِلْمِ الْيَقِينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْبَةَ عِلْمِ

سلام بر تو ای دارنده دانش یقینی سلام بر تو ای گنجینه دانش پیمبران
الْمُرْسَلِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْأَمَامُ الصَّالِحُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا
مرسل سلام بر تو ای امام شایسته سلام بر تو ای
الْأَمَامُ الزَّاهِدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْأَمَامُ الْعَابِدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا
امام پارسا سلام بر تو ای امام عابد سلام بر تو ای
الْأَمَامُ السَّيِّدُ الرَّشِيدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَقْتُولُ الشَّهِيدُ، السَّلَامُ
امام بزرگ و رشید سلام بر تو ای کشته شهید (راه حق) سلام
عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَابْنَ وَصِيِّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ مُوسَى
بر تو ای فرزند رسول خدا و فرزند وصی آن حضرت سلام بر تو ای سرور من ای موسی
بْنِ جَعْفَرٍ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ عَنِ اللَّهِ مَا حَمَلَكَ،
بن جعفر و رحمت خدا و برکاتش گواهی دهم که برستی تو رساندی از جانب خداوند آنچه را به عهده داشتی
وَحَفِظْتَ مَا اسْتَوْدَعَكَ، وَحَلَلْتَ حَلَالَ اللَّهِ، وَحَرَمْتَ حَرَامَ اللَّهِ، وَأَقَمْتَ
و محافظت کردی از آنچه به تو سپرده بود و حلال کردی حلال خدا را و حرام کردی حرام خدا را و بپاداشتی
أَحْكَامَ اللَّهِ، وَكَلَوْتَ كِتَابَ اللَّهِ، وَصَبَرْتَ عَلَى الْأَذَى فِي جَنْبِ اللَّهِ،
احکام خدا را و تلاوت کردی (به حق) کتاب خدا را و شکیبا بودی بر آزار خلق در راه خدا
وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتَ
و جهاد کردی در راه خدا آنطور که باید تا مرگت فرا رسید و گواهی دهم که تو برفتی
عَلَى مَا مَضَى عَلَيْهِ آبَاؤُكَ الطَّاهِرُونَ، وَأَجْدَادُكَ الطَّيِّبُونَ، الْأَوْصِيَاءُ
به همان راهی که رفتند بدان راه پدران پاک و اجداد پاک سرشت آن اوصیای
الْهَادُونَ، الْأَئِمَّةُ الْمُهْدِيُّونَ، لَمْ تُؤْثِرْ عَمِيَّ عَلَيَّ هُدًى وَلَمْ تَمِلْ مِنْ
راهنما و آن پیشوایان راه یافته ترجیح ندادی گمراهی را بر هدایت و متمایل نگشتی از
حَقِّ الْبَاطِلِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ نَصَحْتَ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،
حق بسوی باطل و گواهی دهم که تو برستی خیرخواهی کردی برای خدا و پیامبرش و برای امیر مؤمنان
وَأَنَّكَ أَدَيْتَ الْأَمَانَةَ، وَاجْتَنَبْتَ الْخِيَانَةَ، وَأَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ
و تو بخوبی امانت را پرداختی و از خیانت دوری گزیدی و بپاداشتی نماز را و بدادی

الزُّكُوةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً
زکات را و امر کردی به معروف (و کار نیک) و جلوگیری کردی از کار زشت و پرستش کردی خدا را از روی اخلاص
مُجْتَهِداً مُحْتَسِباً حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنِ الْأَسْلَامِ وَأَهْلِهِ
و کوشش و پاداش جوئی تا آنگاه که مرگت فرا رسید، خداوند پاداش نیکویت دهد از اسلام و مسلمین
أَفْضَلَ الْجَزَاءِ، وَأَشْرَفَ الْجَزَاءِ أَتَيْتُكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، زَائِراً عَارِفاً
بهترین پاداشها و شریف ترین پاداشهای نیک را، آمده ام به نزدت ای فرزند رسول خدا برای زیارتت در حالی که شناسایی
بِحَقِّكَ، مُقَرَّراً بِفَضْلِكَ، مُحْتَمِلاً لِعِلْمِكَ، مُحْتَجِجاً بِذِمَّتِكَ، عَائِذاً بِقَبْرِكَ،
به حق توأم و فضیلتت را اقرار دارم و بار دانشت را تحمل کرده و در پرده پیمانت محبوب گشته و به قبرت پناه آورده
لَا إِذَا بَضْرِيحِكَ، مُسْتَشْفِعاً بِكَ إِلَيَّ اللَّهُ، مُوَالِياً لِأَوْلِيَائِكَ، مُعَادِياً
به ضریخت پناهنده گشته ام و تو را بدرگاه خدا شفیع گرفته ام دوستدار دوستانت هستم و دشمن
لِأَعْدَائِكَ، مُسْتَبْصِراً بِشَأْنِكَ، وَبِالْهُدَى الَّذِي آتَتْ عَلَيْهِ، عَالِماً
دشمنانت بینام به شأن و مقامت و بدان هدایت و راهنمایی که تو برآنی و دانایم
بِضَلَالَةٍ مَنْ خَالَفَكَ وَبِالْعَمَى الَّذِي هُمْ عَلَيْهِ، بِأَبَى آتَتْ وَأُمِّي
به گمراهی آنکس که با تو مخالفت کرد و به گمراهی آن وضعی که بدان گرفتارند، پدر و مادرم
وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، أَتَيْتُكَ مُتَقَرِّباً
و خودم و خاندان و مال و فرزندانم به قربانت ای فرزند رسول خدا آمده ام به درگاهت تا تقرب جویم
بِزِيَارَتِكَ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى، وَمُسْتَشْفِعاً بِكَ إِلَيْهِ فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ
بوسیله زیارت تو بدرگاه خدای تعالی و شفیع گیرم تو را به پیشگاهش پس شفاعت مرا بکن در نزد پروردگارت
لِيُغْفِرَ لِي ذُنُوبِي، وَيَغْفُوَ عَن جُرْمِي، وَيَتَجَاوَزَ عَن سَيِّئَاتِي، وَيَمْحُوْ
تا بیامزد گناهانم را و در گذرد از جرم و تقصیرم و نادیده انگارد اعمال بدم را و محو کند
عَنِّي خَطِيئَاتِي، وَيُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ، وَيَتَفَضَّلَ عَلَيَّ بِمَا هُوَ أَهْلُهُ، وَيَغْفِرَ
خطاهایم را و داخل بهشتم گرداند و تفضل کند بر من بدانچه او شایسته آنست و بیامزد
لِي وَلِأَبَائِي، وَلِأَخْوَانِي وَأَخَوَاتِي، وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ
مرا و پدران و برادران و خواهرانم را و همه مردان و زنان با ایمانی را که
فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، بِفَضْلِهِ وَجُودِهِ وَمَنِّهِ. × پس بیانداز خود را

در خاورهاي زمين و باخترهاي آنند به فضلش و به جود و احسانش * * * * *

بر قبر و بپوس آنرا و بگذار دو طرف روي خود را بر آن و دعا كن به آنچه مي خواهي پس برگرد

* * * * *
* * * * *

به جانب سر و بگو: اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ، وَرَحْمَةُ

* * * * * سلام بر تو اي مولا و سرور من اي موسي بن جعفر و رحمت

اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ الْأَمَامُ الْهَادِي، وَالْوَلِيُّ الْمُرْشِدُ، وَأَنَّكَ مَعْدِنُ

خدا و بركاتش گواهي دهم كه توئي پيشواي راهنما و سرپرست ارشاد كننده و توئي معدن

التَّنْزِيلِ، وَصَاحِبُ التَّأْوِيلِ، وَحَامِلُ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ، وَالْعَالِمُ

تنزيل (قرآن) و داراي (علم) تأويل و دارنده تورات و انجيل و دانشمند

الْعَادِلُ، وَالصَّادِقُ الْعَامِلُ، يَا مَوْلَايَ أَنَا أَبْرَأُ إِلَيْكَ اللَّهُ مِنْ أَعْدَائِكَ،

عادل و راستگوي عامل (به احكام دين) اي مولا و سرور من بيزاري جويم من بدرگاه خدا از دشمنانت

وَأَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ اللَّهُ بِمُؤَالَاتِكَ، فَصَلِّي اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ

و تقرب جويم به پيشگاه خداوند بوسيله دوستي تو درود خدا بر تو و بر پدران

وَأَجْدَادِكَ وَأَبْنَائِكَ، وَشَيْعَتِكَ وَمُحِبِّيكَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. × پس دو

و اجداد و فرزندان و شيبيان و دوستان و رحمت خدا و بركاتش * * *

ركعت نماز زيارت بكن بخوان در آن سوره يس و الرَّحْمَنُ يا هر چه آسان باشد از قرآن پس دعا كن به آنچه

مي خواهي زيارت ديگر براي حضرت موسي عليه السلام شيخ مفيد و شيخ شهيد و محمد بن المشهدي فرموده اند چون

خواستگي زيارت كني آن جناب را در بغداد پس غسل كن براي زيارت و قصد كن حرم شريف را و بايست بر در حرم

و اذن دخول بطلب پس داخل حرم شو در حالي كه مي گويي: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَعَلَيْ

* * * * * به نام خدا و بياراي خدا و در راه خدا و بر

مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَالسَّلَامُ عَلَيَّ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ. × بعد از آن برو

* * * * * كيش رسول خدا درود خدا بر او و بر آلش باد و سلام بر اولياء خدا باد

تا آنكه مقابل قبر حضرت موسي بن جعفر عليهما السلام شوي پس چون ايستادي نزد قبر آن جناب

* * * * *
* * * * *

پس بگو: اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا نُورَ اللّٰهِ فِي ظُلُمَاتِ الْاَرْضِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ

* * * * * سلام بر تو ای نور خدا در تاریکیهای زمین سلام بر تو

یا وَلِیَّ اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یا حُجَّةَ اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یا بَابَ اللّٰهِ، اَشْهَدُ

ای نماینده خدا سلام بر تو ای حجت خدا سلام بر تو ای باب رحمت خدا گواهی دهم

اَنْتَ اَقَمْتَ الصَّلٰوةَ، وَاَتَيْتَ الزَّكٰوةَ، وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ

که برستی تو برپاداشتی نماز را و بدادی زکات را و امر کردی به معروف (کارهای نیک) و نهی کردی از

الْمُنْكَرِ، وَتَلَوْتَ الْكِتَابَ حَقًّا تِلَاوَتِهِ وَجَاهَدْتَ فِي اللّٰهِ حَقَّ جِهَادِهِ،

از کار زشت و تلاوت کردی قرآن را آنطور که باید و جهاد کردی در راه خدا آنطور که شاید

وَصَبَرْتَ عَلٰی الْاَذٰی فِيْ جَنْبِهِ مُحْتَسِبًا، وَعَبَدْتَهُ مُخْلِصًا حَتّٰی اَتٰیكَ

و شکیبایی کردی بر آزار مردم در راه او به حساب درک پاداش و پرستش کردی او را از روی اخلاص تا مرگت

الْبَقِيْنَ، اَشْهَدُ اَنْتَ اَوَّلٰی بِاللّٰهِ وَیَرْسُوْلُهُ، وَاَنْتَ اِبْنُ رَسُوْلِ اللّٰهِ حَقًّا، اَبْرءُ

فرا رسید گواهی دهم که تو برستی سزاوارتری نسبت به خدا و پیامبرش و تویی فرزند رسول خدا به حق، بیزارم جویم

اِلٰی اللّٰهِ مِنْ اَعْدَائِكَ، وَاَتَقَرَّبُ اِلٰی اللّٰهِ بِمُؤَالَاتِكَ، اَتَيْتُكَ یا مَوْلٰی

به درگاه خدا از دشمنانت و تقرب جویم به نزد خدا بوسیله دوستیت آمده‌ام بدرگاهت ای سرور من

عَارِفًا بِحَقِّكَ، مُوَالِیًّا لِّاَوْلِیَّائِكَ، مُعَادِیًّا لِّاَعْدَائِكَ، فَاشْفَعْ لِيْ عِنْدَ

با معرفت به حق تو و دوستدار دوستان توأم و دشمن دشمنانت پس شفاعتم را بکن در نزد

رَبِّكَ × پس خود را بر قبر بیفکن و بوسه کن و گونه‌های خود را بر او بگذار پس بگرد از

* * * * * پروردگارت

* * * * *

آنجا و بیا به جانب سر و بایست و بگو: اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یا بَنَ رَسُوْلِ اللّٰهِ اَشْهَدُ

* * * * * سلام بر تو ای فرزند رسول خدا گواهی

دهم

اَنْتَ صَادِقٌ، اَدَّیْتَ نَاصِحًا، وَقُلْتَ اَمِيْنًا، وَمَضَيْتَ شَهِيدًا، لَمْ تُؤْثَرْ

که برستی تو صادق در گفتار بودی و خیرخواهانه ادای امانت کردی و امانت در گفتار داشتی و به شهادت از دنیا رفتی

مقدم نداشتی

کن به آنچه خواهی از برای هر که می خواهی و دوست داری آن را مؤلف گوید سید جلیل علی بن طاوس رضی الله عنه در مصباح الزائر در یکی از زیارات حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام این صلوات را بر آن حضرت که محتوی است بر شمه ای از فضائل و مناقب و عبادت و مصائب آن جناب نقل کرده البته زائر از فیض خواندن آن خود را محروم نکند

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ، وَصَلِّ عَلٰی مُوسٰی بْنِ جَعْفَرٍ،

خدایا درود فرست بر محمد و خاندانش و درود فرست بر موسی بن جعفر

وَصِيِّ الْأَثَرِ، وَإِمَامِ الْأَخْيَارِ وَعَبِيَّةِ الْأَنْوَارِ، وَوَارِثِ السَّكِينَةِ

وصی آقایان نیکوکار و پیشوای خوبان و گنجینه انوار و وارث آرامش

وَالْوَقَارِ، وَالْحَكَمِ وَالْأَثَارِ، الَّذِي كَانَ يُحْيِي اللَّيْلَ بِالسَّهْرِ إِلَى

و وقار و فرزاندگی و آثار (و نشانه ها) آن بزرگوار که شب زنده دار و بیدار بود تا هنگام

السَّحَرِ بِمُوَاصَلَةِ الْأِسْتِغْفَارِ، حَلِيفِ السَّجْدَةِ الطَّوِيلَةِ، وَالْذُّمُّوعِ

سحر و پیوسته مشغول استغفار بود، همدم و رفیق سجده های طولانی و اشکهای

الْغُرَيْرَةِ وَالْمُنَاجَاتِ الْكَثِيرَةِ، وَالضَّرَاعَاتِ الْمُتَّصِلَةِ، وَمَقَرِّ النَّهْيِ

ریزان و مناجات بسیار و زاری و ناله پیوسته بود، و هم او مقر عقل و خرد

وَالْعَدْلِ، وَالْخَيْرِ وَالْفَضْلِ، وَالتَّوَدِّي وَالْبَذْلِ، وَمَا لَفَ الْبُلُوِي وَالصَّبْرِ،

و عدالت و نیکی و فضیلت و بخشش و جود و عطا بود و نیز آن حضرت خو گرفته بود به بلا و شکیبایی

وَالْمُضْطَهَدِ بِالظُّلَمِ، وَالْمَقْبُورِ بِالْجَوْرِ، وَالْمُعَذَّبِ فِي قَعْرِ السُّجُونِ،

و پایمال ظلم و ستم گشت و به ظلم و جور در قبر رفت و در سیاه چالهای زندان

و ظَلَمِ الْمَطَامِيرِ، ذِي السَّاقِ الْمَرْضُوضِ بِحَلْقِ الْقِيُودِ، وَالْجَنَازَةِ

و سلولهای تاریک تحت شکنجه و عذاب بود آن بزرگوار که ساق پایش از فشار حلقه های گند و زنجیر شکسته و خرد

شد

الْمُنَادِي عَلَيْهَا بِذُلِّ الْأَسْتِخْفَافِ، وَالْوَارِدِ عَلٰی جَدِّهِ الْمُصْطَفٰی

و صاحب آن جنازه مقدسی که جلوش جار می زدند با کمار خواری و سبکی و آنکه درآمد بر جدش مصطفی

وَأَبِيهِ الْمُرْتَضٰی، وَأُمِّهِ سَيِّدَةِ النَّسَاءِ، بِإِرْثِ مَعْضُوبٍ وَوَلَاءِ

و پدرش (علی) مرتضی و مادرش بانوی زنان در حالی که ارثش به یغما رفته و حکومتش ربوده شده

مَسْلُوبٍ، وَأَمْرٍ مَغْلُوبٍ، وَدَمٍ مَطْلُوبٍ، وَسَمٍّ مَشْرُوبٍ، اَللّٰهُمَّ وَكَمَا
و در کار خود مغلوب دشمنان گشته، و دشمن ریختن خونس را می خواست با زهری که به او خورانیدند خدایا چنانچه
صَبَرَ عَلَيِّ غَلِيظِ الْمَحَنِ، وَتَجَرَّعَ غُصَصَ الْكُرْبِ، وَاسْتَسْلَمَ لِرِضَاكَ،
او صبر کرد بر سختی محنت و سرکشید جرعه های گرفتاری را و تن داد به رضایت تو
وَأَخْلَصَ الطَّاعَةَ لَكَ، وَمَحَضَ الْخُشُوعَ، وَاسْتَشْعَرَ الْخُضُوعَ وَعَادِي
و اطاعت کرد تو را از روی اخلاص و بی آلاش در برابرت فروتن گشت و خضوع نمود و دشمنی کرد
الْبِدْعَةَ وَأَهْلَهَا، وَلَمْ يَلْحَقْهُ فِي شَيْءٍ مِنْ أَوَامِرِكَ وَتَوَاهِيكَ لَوْمَةٌ
با بدعت و بدعت گزاران و سرزنشهای ملامت کنندگان بهیچوجه و در هیچ يك از اوامر و نواهی تو در او مؤثر
لَايَمٌ، صَلَّ عَلَيْهِ صَلَوةً نَامِيَةً مُنِيفَةً زَاكِةً، تَوْجِبُ لَهُ بِهَا شَفَاعَةَ أُمِّ
نگشت درود فرست بر او درودی با برکت و بلندمرتبه و پاکیزه که موجب شود بدان شفاعت امتهایی
مِنْ خَلْقِكَ، وَقُرُونٍ مِنْ بَرَايَاكَ، وَبَلَّغُهُ عَنَّا تَحِيَّةً وَسَلَامًا، وَأَتْنَا مِنْ
از خلق تو را و شامل مردمانی از قرون گذشته شود و برسان به او از جانب ما تحیت و سلامی و بده به ما از
لَدُنْكَ فِي مَوَالَاتِهِ فَضْلًا وَإِحْسَانًا، وَمَغْفِرَةً وَرِضْوَانًا، إِنَّكَ ذُو
نزد خویش به پاداش دوستی او فضل و احسان و آمرزش و خوشنودی خودت را که تو دارای
الْفَضْلِ الْعَمِيمِ، وَالتَّجَاوُزِ الْعَظِيمِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. x و اَمَّا
فضلی همگانی و گذشت بزرگی هستی به رحمت ای مهربانترین مهربانان * * *

زیارت مختص به امام محمد تقی علیه السلام پس همان سه بزرگوار فرموده اند که پس متوجه شو بسوی قبر ابی جعفر محمد
بن علی الجواد علیهما السلام که در پشت سر جد بزرگوار خود مدفون است و چون ایستادی نزد قبر آن حضرت پس
بگو :

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَلِيَّ اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا حُجَّةَ اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا نُوْرَ اللّٰهِ
سلام بر تو ای ولی خدا سلام بر تو ای حجت خدا سلام بر تو ای نور خدا در
فِي ظُلُمَاتِ الْاَرْضِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَنَ رَسُوْلِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ وَعَلَيَّ اَبَائِكَ
تاریکیهای زمین سلام بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو و بر پدران (پاک) تو
اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ وَعَلَيَّ اَبْنَائِكَ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ وَعَلَيَّ اَوْلِيَائِكَ، اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ
سلام بر تو و بر فرزندان سلام بر تو و بر دوستان گواهی دهم که براستی تو

أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ

برپاداشتی نماز را و بدادی زکات را و امر به معروف و نهی از

الْمُنْكَرِ، وَتَلَوْتَ الْكِتَابَ حَقًّا تِلَاوَتِهِ، وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ،

منکر کردی و تلاوت کردی قرآن را چنانچه باید و جهاد کردی در راه خدا آنطور که شاید

وَصَبَرْتَ عَلَى الْأَذَى فِي جَنْبِهِ، حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ، أَتَيْتُكَ زَائِرًا

و شکیبایی بودی بر آزار مردم در مورد (کار) خدا تا مرگت فرا رسید آمده‌ام به درگاهت برای زیارت

عَارِفًا بِحَقِّكَ، مُوَالِيًا لِأَوْلِيَائِكَ مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ، فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ

در حالی که عارفم به حق تو و دوست دارم دوستانت را و دشمنم با دشمنانت پس شفاعت مرا بنما در پیشگاه

رَبِّكَ پس بیوس قبر را و روی خود را بر آن بنه پس دو رکعت نماز زیارت کن و بعد از آن هر

پروردگارت * * * * *

* * * * *

نماز که خواهی بگذار پس برو به سجده و بگو اِرْحَمْنِي مِنْ أَسَاءِ وَأَقْتَرَفَ، وَاسْتَكَانَ

* * * * * رحم کن به آنکه بد کرده و

مرتکب جرم شده و به بیچارگی افتاده

وَاعْتَرَفَ پس جانب روی راست را بگذار و بگو اِنْ كُنْتُ بِئْسَ الْعَبْدُ، فَأَنْتَ نِعَمَ

و اعتراف دارد × × × × × اگر من بد بنده‌ای هستم پس تو نیکو

الرَّبُّ پس روی چپ خود را بگذار و بگو عَظَّمَ الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِكَ فَلْيُحْسِنِ

پروردگاری هستی × × × × × بزرگ گشت گناه از بنده‌ات پس باید نیکو باشد

الْعَفْوُ مِنْ عِنْدِكَ، يَا كَرِيمُ پس برگرد به سجده و بگو صد مرتبه شُكْرًا شُكْرًا پس

گذشت از طرف تو ای بزرگوار * * * * *

* * *

برو به کار خود زیارت دیگر برای حضرت امام محمد تقی علیه السلام سید بن طاوس در مزار فرموده چون زیارت

کردی حضرت امام موسی کاظم علیه السلام را می‌ایستی نزد قبر حضرت جواد علیه السلام و می‌بوسی آنرا و می‌گوئی :

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الْبَرِّ التَّقِيِّ الْإِمَامِ الْوَفِيِّ، السَّلَامُ

سلام بر تو ای ابا جعفر محمد بن علی که (امام) نیکوکار و پرهیزکار و پیشوایی وفادار بودی سلام بر

عَلَيْكَ أَيُّهَا الرِّضِيُّ الزَّكِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَجِيَّ اللَّهِ،

تو ای آقاي پسندیده و پاکیزه سلام بر تو ای ولی خدا سلام بر تو ای همراه خدا
الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَفِيرَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سِرَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ضِيَاءَ
سلام بر تو ای نماینده خدا سلام بر تو ای رازدار خدا سلام بر تو ای پرتو (نور)
اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَنَاءَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا كَلِمَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
خدا سلام بر تو ای روشنی (جمال) خدا سلام بر تو ای کلمه (نشانه تام و تمام) خدا سلام بر تو ای
رَحْمَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الثُّورُ السَّاطِعُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَدْرُ الطَّالِعُ،
رحمت خدا سلام بر تو ای نور درخشان سلام بر تو ای ماه تابان
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الطَّيِّبُ مِنَ الطَّيِّبِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الطَّاهِرُ
سلام بر تو ای پاک (متولد شده) از پاکان سلام بر تو ای پاکیزه
مِنَ الْمُطَهَّرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْأَيَّةُ الْعُظْمَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا
از نژاد پاکیزگان سلام بر تو ای نشانه بزرگ (حق) سلام بر تو ای
الْحُجَّةُ الْكُبْرَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُطَهَّرُ مِنَ الزَّلَّاتِ، السَّلَامُ
حجت کبرا (ی الهی) سلام بر تو ای پاک از لغزشها سلام
عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُنَزَّهُ عَنِ الْمُعْضَلَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلِيُّ عَنْ
بر تو ای منزّه از خشونت و سخت گیری ها سلام بر تو ای برتر از
نَقْصِ الْأَوْصَافِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الرَّضِيُّ عِنْدَ الْأَشْرَافِ، السَّلَامُ
نقص در اوصاف سلام بر تو ای پسندیده در نزد مردمان شرافتمند سلام
عَلَيْكَ يَا عَمُودَ الدِّينِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ وَلِيُّ اللَّهِ وَحُجَّتُهُ فِي أَرْضِهِ، وَأَنَّكَ
بر تو ای استوانه دین (خدا) گواهی دهم که توئی ولی خدا و حجت او در روی زمین و تو
جَنْبُ اللَّهِ، وَخَيْرُهُ اللَّهُ، وَمُسْتَوْدَعُ عِلْمِ اللَّهِ وَعِلْمِ الْأَنْبِيَاءِ، وَرَكْنُ
در جوار و مقام قرب خدا هستی و توئی برگزیده خدا و کسی که علم خدا و علم پیامبران به تو سپرده شده و رکن
الْإِيمَانِ، وَتَرْجُمَانُ الْقُرْآنِ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مَنْ اتَّبَعَكَ عَلَى الْحَقِّ وَالْهُدَى،
ایمان و مفسر قرآن هستی و گواهی دهم که هر که از تو پیروی کرد بر حق و بر هدایت است
وَأَنَّ مَنْ أَكْرَكَ وَصَبَّ لَكَ الْعَدَاوَةَ عَلَى الضَّلَالَةِ وَالرَّدْيِ، أَبْرَأُ إِلَيْ
و هر که منکر تو شد و بدشمنی تو برخاست در گمراهی و هلاکت است بیزاری جویم بدرگاه

خَشِيَّتِكَ نَصِيْبُهُ، فَصَلِّ عَلَيْهِ أَضْعَافَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى وَلِيِّ ارْتَضَيْتَ طَاعَتَهُ،

و ترسي که از تو داشت نصيبش را دريافت داشت پس درود فرست بر او چندين برابر آنچه درود فرستي بر يکي از دوستانت که

وَقَبِلَتْ خِدْمَتَهُ، وَبَلَّغَهُ مِنَّا تَحِيَّةً وَسَلَامًا، وَأَتْنَا فِي مُوَالَاتِهِ مِنْ لَدُنْكَ فَضْلًا

اطاعتش را پسندیدی و خدمتش را پذیرفتی و برسان به او از جانب ما تحیت و سلامی و بده به ما بواسطه دوستی او
فضل و

وَإِحْسَانًا، وَمَغْفِرَةً وَرِضْوَانًا، إِنَّكَ ذُو الْمَنِّ الْقَدِيمِ، وَالصَّنْحَ الْجَمِيلِ .

احسان و آمرزش و خوشنودی خود را که براسی تو دارای بخششی دیرینه و چشم‌پوشی نیکویی هستی
پس نماز زیارت بجا آور و بعد از سلام بگو: اللَّهُمَّ أَنْتَ الرَّبُّ وَأَنَا الْمَرْبُوبُ الدَّعَاءُ زیارت دیگر مختص به آن حضرت
شیخ صدوق در فقیه روایت کرده که چون خواهی زیارت کنی آن حضرت را پس غسل کن و خود را پاکیزه نما و دو جامه
پاک بپوش و بگو در زیارت آن جناب: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ،

* * * * * خدا یا درود فرست بر محمد بن علی

الْإِمَامِ التَّقِيِّ النَّقِيِّ الرَّضِيِّ الْمَرْضِيِّ وَحُجَّتِكَ عَلَي مَنْ فَوْقَ

آن امام با تقوای پاک و خوشنود و پسندیده و حجت تو بر هر که روی

الْأَرْضِ وَمَنْ تَحْتَ الثَّرَى، صَلَوةً كَثِيرَةً نَامِيَةً زَكِيَّةً، مُبَارَكَةً

زمین و هر که زیر زمین (در سایر کرات) است درودی بسیار و با برکت و پاکیزه و مبارک

مُتَوَاصِلَةً مُتَرَادِفَةً مُتَوَاتِرَةً، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَي أَحَدٍ مِنْ

و پیوسته و دنبال هم و پیاپی همانند بهترین درودی که فرستی بر یکی از

أَوْلِيَائِكَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَوْرَ اللَّهِ، السَّلَامُ

دوستان و سلام بر تو ای ولی (و نماینده) خدا سلام بر تو ای نور خدا سلام

عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثَ عِلْمِ

بر تو ای حجت خدا سلام بر تو ای پیشوای مؤمنان و وارث علم

النَّبِيِّينَ، وَسُلَالَةَ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَوْرَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ

پیمبران و نژاد پاک اوصیاء سلام بر تو ای نور خدا در تاریکیهای

الْأَرْضِ، أَتَيْتُكَ زَائِرًا عَارِفًا بِحَقِّكَ مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ، مُوَالِيًا

زمین آمده‌ام بدرگاہت برای زیارت و به حق تو شناسا و عارفم و دشمنم با دشمنان و دوستدار

لِأَوْلِيَائِكَ، فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ. آنگاه حاجت خود را سؤال کن بعد از آن نماز کن

* * * * * دوستان هستم پس شفاعت کن برای من در نزد پروردگارت

* * * * *

در قبه‌ای که در آن قبر امام محمد تقی علیه السلام است چهار رکعت در نزد سر آن حضرت دو رکعت برای زیارت امام موسی کاظم و دو رکعت برای امام محمد تقی علیهما السلام و نماز مکن در نزد سر امام موسی کاظم علیه السلام که آن مقابل قبور قریش است و جایز نیست آنها را قبله خود گردانیدن مؤلف گوید که از کلام شیخ صدوق ظاهر می‌شود که در آن زمانها قبر شریف حضرت موسی علیه السلام از قبر حضرت جواد علیه السلام جدا و قبه و در علیحده داشته بعد از زیارت از آنجا بیرون می‌آمدند و در قبه حضرت جواد علیه السلام می‌رفتند که آن هم بنای علیحده داشته و اما زیارت مشترک میان دو امام همام علیهما السلام پس آن هم بر دو قسم است قسم اول آنکه آن را برای هر کدام علیحده باید خواند شیخ جلیل جعفر بن محمد قولویه قمی در کامل الزیارة از حضرت امام علی نقی علیه السلام روایت کرده که در زیارت هر یک از آن دو امام چنین بگو:

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَلِيَّ اللهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا حُجَّةَ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا نُورَ اللهِ

سلام بر تو ای ولی خدا سلام بر تو ای حجت خدا سلام بر تو ای نور خدا
 فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَنْ بَدَأَ لِلَّهِ فِي شَأْنِهِ، أَتَيْتُكَ زَائِرًا عَارِفًا
 در تاریکهای زمین سلام بر تو ای که آشکار کرد خدا اراده‌اش را درباره او آمده‌ام بدرگاهت برای زیارت در حالی
 بِحَقِّكَ، مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ، مُوَالِيًا لِأَوْلِيَائِكَ، فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ يَا مَوْلَايَ .
 که شناسایی به حق توأم و دشمنم با دشمنانت و دوستدارم دوستانت را پس شفاعت مرا در نزد پروردگارت بفرما ای
 مولای من

* و این زیارت در نهایت اعتبار است و شیخ صدوق و شیخ کلینی و طوسی نیز به اختلافی آن را ذکر نموده‌اند قسم
 دویم زیارتی است که بخواندن آن هر دو امام علیهما السلام زیارت شوند و آن چنانست که شیخ مفید و شهید و محمد بن
 المشهدی ذکر کرده‌اند که در زیارت آن دو بزرگوار همین که ایستادی نزد ضریح طاهر می‌گویی:

اَلسَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا وَلِيِّيَ اللهُ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا حُجَّتَيَّ اللهُ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا

سلام بر شما ای دو ولی (بزرگوار) خدا سلام بر شما ای دو حجت خدا سلام بر شما ای
 نُورَيِ اللهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ بَلَّغْتُمَا عَنِ اللهِ مَا حَمَلَكُمَا،
 دو نور خدا در تاریکهای زمین گواهی دهم که شما دو بزرگوار بخوبی رساندید از جانب خدا آنچه به عهده شما گذارده
 بود

وَحَفِظْتُمَا مَا اسْتَوْدَعْتُمَا، وَحَلَلْتُمَا حَلَالَ اللهِ، وَحَرَّمْتُمَا حَرَامَ اللهِ،

و نگهداري كردید آنچه به شما سپرده بود و حلال كردید حلال خدا را و حرام شمردید حرام خدا را
وَأَقِمُّوا حُدُودَ اللَّهِ، وَتَلَوْا كِتَابَ اللَّهِ، وَصَبَرْتُمْ عَلَى الْآذِي فِي
و بپاداشتید حدود خدا را و تلاوت كردید كتاب خدا را و شكیائی كردید بر آزار مردم در
جُنُبِ اللَّهِ، مُحْتَسِبِينَ حَتَّى آتِيَكُمَا الْيَقِينُ، أَبْرَأُ إِلَيَّ اللَّهُ مِنْ أَعْدَائِكُمَا
مورد خداوند بخاطر جستن پاداش تا مرگتان فرا رسید بیزاري جویم بدرگاه خدا از دشمنان شما
وَاتَّقَرَّبُ إِلَيَّ اللَّهُ بِوَلَايَتِكُمَا، آتَيْتُكُمَا زَائِرًا عَارِفًا بِحَقِّكُمَا مُوَالِيًا
و تقرب جویم به پیشگاه خدا بوسیله دوستی شما آمده‌ام به نزد شما برای زیارتتان و شناسایی به حق شما و دوستدار
لأَوْلِيَايَكُمَا، مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكُمَا، مُسْتَبْصِرًا بِالْهُدَى الَّذِي أَنْتُمَا عَلَيْهِ،
دوستانتان و دشمنانان هستم بینایم بدان هدایتی که شما بر آن بودید
عَارِفًا بِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَكُمَا فَاشْفَعَا لِي عِنْدَ رَبِّكُمَا، فَإِنَّ لَكُمَا عِنْدَ
و آشنایم به گمراهی آنکس که با شما مخالفت کرد پس شفاعت کنید از من در پیشگاه پروردگارتان زیرا که شما را در نزد
اللَّهِ جَاهًا عَظِيمًا، وَمَقَامًا مَحْمُودًا. × پس بیوس تربت شریف آنجا را و بگذار روی
خدا آبرویی بزرگ و مقامی پسندیده است * * * * *
* * * * *
راست را بر آن پس برو به جانب سر مقدس و بگو: السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا حُجَّتَيَّ اللَّهُ
* * * * * سلام بر شما ای دو حجت خدا
فِي أَرْضِهِ وَسَمَائِهِ، عَبْدُكُمَا وَوَلِيُّكُمَا زَائِرُكُمَا مُتَقَرِّبًا إِلَيَّ اللَّهُ
در زمین و آسمان بنده شما و دوست شما به زیارت شما آمده و تقرب جوید بدرگاه خدا
بِزِيَارَتِكُمَا، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي أَوْلِيَائِكَ الْمُصْطَفَيْنِ،
بوسیله شما دو بزرگوار خدایا مقرر دار برای من زبان راستی (که براستی سخن گویم) درباره دوستان برگزیده‌ات
وَحَبِّبْ إِلَيَّ مَشَاهِدَهُمْ، وَاجْعَلْنِي مَعَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
و دوست گردان برای من زیارتگاههایشان را و مرا با ایشان قرار ده در دنیا و آخرت ای مهربانترین مهربانان
پس نماز زیارت کن از برای هر امامی دو رکعت و بخوان خدا را به آنچه می‌خواهی مؤلف گوید که چون در آن زمانها
تقیّه بسیارش دیده‌است زیارتهای مختصر برای زیارت این دو امام علیهما السلام تعلیم می‌فرمودند که شیعیان از آسیب
طاغیان زمان محفوظ باشند و اگر زائر طالب زیارت طویلی باشد بخواند زیارت جامعه را که بهترین زیارتست از

برای ایشان خصوصاً يك زیارت از آنها که از حدیثش ظاهر می شود که مزید اختصاصی به حضرت امام موسی علیه السلام دارد و آن زیارت بعد از این در اوّل زیارات جامعه مرقوم خواهد شد رجوع به آنجا شود و چون زائر خواست که از بلد آن دو امام علیهما السلام بیرون رود وداع کند آن دو جناب را به دعاهاي وداع که از آن جمله است آنچه شیخ طوسی علیه الرحمّة در تهذیب ذکر فرموده که چون خواهی وداع کنی امام موسی علیه السلام را بایست نزد قبر و بگو :

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا الْحَسَنِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، اسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ

سلام بر تو ای مولای من ای ابا الحسن و رحمت خدا و برکاتش تو را به خدا

وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ، آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ، وَبِمَا جِئْتَ بِهِ وَدَلَّلْتَ عَلَيْهِ،

می سپارم و بر تو سلام می فرستم ایمان داریم به خدا و به رسول خدا و بدانچه تو آورده ای و بدان راهنمایی کرده ای

اللَّهُمَّ اكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ. و همچنین در وداع حضرت امام محمد تقی علیه السلام

خدایا ثبت کن نام ما را با گواهان * * * * *

* * * *

فرموده می گوئی: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ

* * * * * سلام بر تو ای مولای من ای فرزند رسول خدا و رحمت خدا

وَبَرَكَاتُهُ اسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ، وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ، آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ،

و برکاتش تو را به خدا می سپارم و بر تو سلام می رسانم، ایمان دارم به خدا و به رسول خدا

وَبِمَا جِئْتَ بِهِ وَدَلَّلْتَ عَلَيْهِ، اللَّهُمَّ اكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ. پس سؤال کن

و بدانچه تو آورده ای و بدان راهنمایی کردی خدایا ثبت کن نام ما را با گواهان * * * *

از خدا که این آخر زیارت تو نباشد و دیگر توفیق برگشتن بیابی و قبر را ببوس و رویهای خود را بر قبر گذار مؤلف

گوید از چیزهایی که مناسب است در اینجا نقل شود حکایت سعید صالح صفی متقی حاجی علی بغدادی است که شیخ ما در جَنَّةِ المَأْوَى و نجم الثاقب نقل کرده و در نجم ثاقب فرموده که اگر نبود در این کتاب شریف مگر این حکایت مُتَقَنِّه

صحیح که در آن فواید بسیار است و در این نزدیکیها واقع شده هر آینه کافی بود در شرافت و نفاست آن پس بعد از مقدماتی فرموده که حاجی مذکور ایده الله نقل کرد که در ذمه من هشتاد تومان مال امام علیه السلام جمع شد پس رفتم به

نجف اشرف بیست تومان از آن را دادم به جناب علم الهدی و التّقی شیخ مرتضی اعلی الله مقامه و بیست تومان به

جناب شیخ محمد حسین مجتهد کاظمینی و بیست تومان به جناب شیخ محمد حسن شروقی و باقی ماند در ذمه من بیست

تومان که قصد داشتم در مراجعت بدهم به جناب شیخ محمد حسن کاظمینی آل یس ایده الله پس چون مراجعت کردم به

بغداد خوش داشتم که تعجیل کنم در ادای آنچه باقی بود در ذمه من پس در روز پنجشنبه بود که مشرف شدم به زیارت امامین همامین کاظمین علیهما السلام و پس از آن رفتم خدمت جناب شیخ سلمه الله و قدری از آن بیست تومان را دادم و باقی را وعده کردم که بعد از فروش بعضی از اجناس بتدریج بر من حواله کنند که به اهلش برسانم و عزم کردم بر مراجعت به بغداد در عصر آن روز و جناب شیخ خواهش کرد بمانم متعذر شدم که باید مزد عمله کارخانه شعربافی را که دارم بدهم چون رسم چنین بود که مزد هفته را در عصر پنجشنبه می‌دادم پس برگشتم چون ثلث از راه را تقریباً طی کردم سید جلیلی را دیدم که از طرف بغداد رو به من می‌آید چون نزدیک شد سلام کرد و دستهای خود را گشود برای مصافحه و معانقه و فرمود اهلاً و سهلاً و مرا در بغل گرفت و معانقه کردیم و هر دو یکدیگر را بوسیدیم و بر سر عمامه سبز روشنی داشت و بر رخسار مبارکش خال سیاه بزرگی بود پس ایستاد و فرمود حاجی علی خیر است به کجا می‌روی گفتم کاظمین علیهما السلام را زیارت کردم و برمی‌گردم به بغداد فرمود امشب شب جمعه است برگرد گفتم یا سیدی متمکن نیستی فرمود هستی برگرد تا شهادت دهم برای تو که از موالیان جدّ من امیرالمؤمنین علیه السلام و از موالیان مائی و شیخ شهادت دهد زیرا که خدایتعالی امر فرموده دو شاهد بگیرید و این اشاره بود به مطلبی که در خاطر داشتم که از جناب شیخ خواهش کنم نوشته‌ای به من دهد که من از موالیان اهل بیت علیهم السلام و آن را در کفن خود بگذارم پس گفتم تو چه می‌دانی و چگونه شهادت می‌دهی فرمود کسی که حقّ او را به او می‌رسانند چگونه آن رساننده را نمی‌شناسد گفتم چه حق فرمود آنچه رساندی به وکیل من گفتم وکیل تو کیست فرمود شیخ محمد حسن گفتم وکیل تو است فرمود وکیل من است و به جناب آقا سید محمد گفته بود که در خاطر من خطور کرد که این سید جلیل مرا به اسم خواند با آنکه او را نمی‌شناسم پس به خود گفتم شاید او مرا می‌شناسد و من او را فراموش کردم باز در نفس خود گفتم که این سید از حقّ سادات از من چیزی می‌خواهد و خوش دارم که از مال امام علیه السلام چیزی به او برسانم پس گفتم که ای سید در نزد من از حقّ شما چیزی مانده بود رجوع کردم در امر آن به جناب شیخ محمد حسن برای آنکه ادا کنم حقّ شما یعنی سادات را به اذن او پس در روی من تبسمی کرد و فرمود آری رساندی بعضی از حقّ ما را بسوی وکلای ما در نجف اشرف پس گفتم آنچه ادا کردم قبول شد فرمود آری پس در خاطر من گذشت که این سید می‌گوید بالنسبة به علماء اعلام وکلای ما و این در نظرم بزرگ آمد و گفتم علماء وکلایند در قبض حقوق سادات و مرا غفلت گرفت «انتهی» آنگاه فرمود برگرد جدّم را زیارت کن پس برگشتم و دست راست او در دست چپ من بود چون به راه افتادیم دیدم در طرف راست ما نهر آب سفید صاف جاریست و درختان لیمو و نارنج و انار و انگور و غیر آن همه با ثمر در یک وقت با آنکه موسم آنها نبود بر بالای سر ما سایه انداخته گفتم این نهر و این درختها چیست فرمود هرکس از موالیان ما که زیارت کند جدّم ما را و زیارت کند ما را اینها با او هست پس گفتم می‌خواهم سؤال کنم فرمود سؤال

کن گفتم شیخ عبدالرزاق مرحوم مردی بود مدرّس روزی نزد او رفتم شنیدم که می گفت کسی که در طول عمر خود روزها روزه باشد و شبها به عبادت بسر برد و چهل حجّ و چهل عمره بجای آورد و در میان صفا و مروه ببرد و از موالیان امیرالمؤمنین علیه السلام نباشد برای او چیزی نیست فرمود آری واللّٰه برای او چیزی نیست پس از حال یکی از خویشان خود پرسیدم که او از موالیان امیرالمؤمنین علیه السلام است فرمود آری او و هر که متعلّق است به تو پس گفتم سیّدنا برای من مسئله ای است فرمود بپرس گفتم قرّاء تعزیه امام حسین علیه السلام می خوانند که سلیمان اعمش آمد نزد شخصی و از زیارت سیّدالشهداء علیه السلام پرسید گفت بدعت است پس در خواب دید هودجی را میان زمین و آسمان پس سؤال کرد که کیست در آن هودج گفتند به او فاطمه زهرا و خدیجه کبری علیهما السلام پس گفت به کجا می روند گفتند به زیارت امام حسین علیه السلام در امشب که شب جمعه است و دید رقعتهائی را که از هودج می ریزد و در آن مکتوبست «أَمَانٌ مِنَ النَّارِ لَزَوَارِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ أَمَانٌ مِنَ النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» این حدیث صحیح است فرمود آری راست و تمام است گفتم سیّدنا صحیح است که می گویند هرکس زیارت کند حسین علیه السلام را در شب جمعه پس برای او امان است فرمود آری واللّٰه و اشک از چشمان مبارکش جاری شد و گریست گفتم سیّدنا مسئله فرمود بپرس گفتم سینه هزار و دویست و شصت و نه حضرت رضاعلیه السلام را زیارت کردم و در درّود یکی از عربهای شُورقیّه را که از بادیه نشینان طرف شرقی نجف اشرفند ملاقات کردیم و او را ضیافت کردیم و از او پرسیدیم که چگونه است ولایت رضاعلیه السلام گفت بهشت است امروز پانزده روز است که من از مال مولای خود حضرت رضاعلیه السلام خورده ام چه حدّ دارد منکر و نکیر که در قبر نزد من بیایند گوشت و خون من از طعام آن حضرت روئیده در مهمانخانه آن جناب این صحیح است علی بن موسی الرضاعلیه السلام می آید و او را از منکر و نکیر خلاص می کند فرمود آری واللّٰه جدّ من ضامن است گفتم سیّدنا مسئله کوچکی است می خواهم بیرسم فرمود بپرس گفتم زیارت من حضرت رضاعلیه السلام را مقبولست فرمود قبولست انشاءاللّٰه گفتم سیّدنا مسئله فرمود بسم اللّٰه گفتم حاجی محمد حسین بزّازباشی پسر مرحوم حاجی احمد بزّازباشی زیارتش قبولست یا نه و او با من رفیق و شریک در مخارج بود در راه مشهد رضاعلیه السلام فرمود عبد صالح زیارتش قبولست گفتم سیّدنا مسئله فرمود بسم اللّٰه گفتم فلان که از اهل بغداد همسفر ما بود زیارتش قبولست پس ساکت شد گفتم سیّدنا مسئله فرمود بسم اللّٰه گفتم این کلمه را شنیدی یا نه زیارت او قبولست یا نه جوابی نداد حاجی مذکور نقل کرد که ایشان چند نفر بودند از اهل مترفین بغداد که در این سفر پیوسته به لُهو و لعب مشغول بودند و آن شخص مادر خود را نیز کشته بود پس رسیدیم در راه به موضعی از جاده وسیع که دو طرف آن بساتین و مواجه بلده شریفه کاظمین است و موضعی از آن جاده که متصل است به بساتین از طرف راست آن که از بغداد می آید و آن مال بعضی از ایتام سادات بود که حکومت آن را به جور داخل در جاده کرد و

اهل تقوي و ورع سکنه این دو بلد همیشه کناره می کردند از راه رفتن در آن قطعه از زمین پس دیدم آن جناب را که در آن قطعه راه می رود گفتم ای سید من این موضع مال بعضی از ایتام سادات است تصرف در آن روا نیست فرمود این موضع مال جدّ ما امیرالمؤمنین ۷ و ذریّه او و اولاد ما است حلال است برای موالیان ما تصرف در آن و در قرب آن مکان در طرف راست باغی است مال شخصی که او را حاجی میرزا هادی می گفتند و از متمولین معروفین عجم بود که در بغداد ساکن بود گفتم سیدنا راست است که می گویند زمین باغ حاجی میرزا هادی مال حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام است فرمود چه کار داری به این و از جواب اعراض نمود پس رسیدیم به ساقیه آب که از شطّ دجله می کشند برای مزارع و بساتین آن حدود و از جاده می گذرد و آنجا دو راه می شود به سمت بلد یکی راه سلطانی است و دیگری راه سادات و آن جناب میل کرد به راه سادات پس گفتم بیا از این راه یعنی راه سلطانی برویم فرمود نه از این راه خود می رویم پس آمدیم و چند قدمی نرفتیم که خود را در صحن مقدّس در نزد کفشداری دیدیم و هیچ کوچه و بازاری را ندیدیم پس داخل ایوان شدیم از طرف باب المراد که از سمت شرقی و طرف پایین پا است و در درّ رواق مطهر مکث نفرمود و اذن دخول نخواند و داخل شد و در درّ حرم ایستاد پس فرمود زیارت بکن گفتم من قاری نیستم فرمود برای تو بخوانم گفتم آری پس فرمود «ءَادْخُلُ يَا اللَّهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ» و همچنین سلام کردند بر هر يك از ائمه علیهم السلام تا رسیدند در سلام به حضرت عسکری علیه السلام و فرمود «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ الْعَسْكَرِيَّ» آنگاه فرمود امام زمان خود را می شناسی گفتم چرا نمی شناسم فرمود سلام کن بر امام زمان خود گفتم «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ يَا بَنِي الْحَسَنِ» پس تبسم نمود و فرمود «عَلَيْكَ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ» پس داخل شدیم در حرم مطهر و ضریح مقدّس را چسبیدیم و بوسیدیم پس فرمود به من زیارت کن گفتم من قاری نیستم فرمود زیارت بخوانم برای تو گفتم آری فرمود کدام زیارت را می خواهی گفتم هر زیارت که افضل است مرا به آن زیارت ده فرمود زیارت امینُ الله افضل است آنگاه مشغول شد بخواندن و فرمود «السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا أَمِيْنِي اللَّهُ فِي أَرْضِهِ وَ حُجَّتَيْهِ عَلَي عِبَادِهِ» الخ و چراغهای حرم را در این حال روشن کردند پس شمعها را دیدم روشن است و لکن حرم روشن و منور است به نوری دیگر مانند نور آفتاب و شمعها مانند چراغی بودند که روز در آفتاب روشن کنند و مرا چنین غفلت گرفته بود که هیچ تلفت این آیات نمی شدم چون از زیارت فارغ شد از سمت پایین پا آمدند به پشت سر و در طرف شرقی ایستادند و فرمودند آیا زیارت می کنی جدّم حسین علیه السلام را گفتم آری زیارت می کنم شب جمعه است پس زیارت وارث را خواندند و مؤذّنّها از اذان مغرب فارغ شدند پس به من فرمود نماز کن و ملحق شو به جماعت پس تشریف آورد در مسجد پشت سر حرم مطهر و جماعت در آنجا منعقد بود و خود به انفراد ایستادند در طرف راست امام جماعت محاذی او و من داخل شدم در صف اوّل و برایم مکانی پیدا شد چون فارغ شدم او را ندیدم پس از مسجد

بیرون آمدم و در حرم تفحص کردم او را ندیدم و قصد داشتم او را ملاقات کنم و چند قرانی به او بدهم و شب او را نگاه دارم که مهمان باشد آنگاه بخاطرم آمد که آن سید که بود و آیات و معجزات گذشته را ملتفت شدم از انقیاد من امر او را در مراجعت با آن شغل مهم که در بغداد داشتم و خواندن مرا به اسم با آنکه او را ندیده بودم و گفتن او موالیان ما و اینکه من شهادت می‌دهم و دیدن نهر جاری و درختان میوه‌دار در غیر موسم و غیر از اینها از آنچه گذشت که سبب شد برای یقین من به اینکه او حضرت مهدی علیه السلام است خصوص در فقره اذن دخول و پرسیدن از من بعد از سلام بر حضرت عسکری علیه السلام که امام زمان خود را می‌شناسی چون گفتم می‌شناسم فرمود سلام کن چون سلام کردم تبسم کرد و جواب داد پس آمدم در نزد کفشدار و از حال جنابش سؤال کردم گفت بیرون رفت و پرسید که این سید رفیق تو بود گفتم بلی پس آمدم به خانه مهماندار خود و شب را بسر بردم چون صبح شد رفتم به نزد جناب شیخ محمد حسن و آنچه دیده بودم نقل کردم پس دست خود را بر دهان خود گذاشت و نهی نمود از اظهار این قصه و افشاء این سرّ و فرمود خداوند تو را موفق کند پس آن را مخفی می‌داشتم و به احادی اظهار ننمودم تا آنکه يك ماه از این قضیه گذشت روزی در حرم مطهر بودم سید جلیلی را دیدم که آمد نزدیک من و پرسید که چه دیدی و اشاره کرد به قصه آن روز گفتم چیزی ندیدم باز اعاده کرد آن کلام را بشدت انکار کردم پس از نظر ناپدید شد دیگر او را ندیدم انتهی .

مطلب دویم رفتن به مسجد شریف برائا

و نماز کردن در آنست بدانکه مسجد برائا از مساجد معروفه متبرکه است و واقع شده در بین بغداد و کاظمین در راه زوآر و غالباً از فیض آن محروم و اعتنائی به آن ندارند با همه فضایل و شرافتی که برای او نقل شده حموی که از مورّخین سنی ششصد است در معجم البلدان گفته برائا محلّه‌ای بود در طرف بغداد در قبله کرخ و جنوبی باب محمول و برای آن مسجد جامعی بوده که شیعیان در آن نماز می‌گذاشتند و خراب شده و گفته که قبل از زمان راضی بالله خلیفه عباسی شیعیان در آن مسجد جمع می‌گشتند و سبّ صحابه می‌نمودند راضی بالله امر کرد که ناگهانی در آن مسجد ریختند و هرکه را یافتند بگرفتند و حبس نمودند و مسجد را خراب کرد و با زمین هموار نمود شیعیان این خبر را به امیرالامراء بغداد بحکم ماکانی رسانیدند بحکم حکم کرد به اعاده بنا و وسعت و احکام آن و نوشت در صدر آن اسم راضی بالله را و پیوسته آن مسجد معمور و محلّ اقامه نماز بود تا بعد از سنی چهارصد و پنجاه که معطل مانده تا الآن و برائا پیش از بنای بغداد قریه‌ای بوده که گمان مردم آنست که علی علیه السلام مرور کرده به آن در زمانی که به مقاتله خوارج نهروان می‌رفت و در جامع مذکور نماز خوانده و داخل شده در حمامی که در آن قریه بوده و به این برائا منسوب است ابوشعب برائی عابد و او اوّل کسی است که در برائا ساکن شد در کوخی یعنی خانه‌ای که از فی ساخته بود و عبادت خدا می‌کرد

در آن تا آنکه گذشت به کوخ او دختری از اولاد مستوفیان کبار از ابناء روزگار که تربیت شده بود در قصرها همینکه نظرش به ابوشعیب افتاد و حال او را دید از آن حال خوشش آمد و جذبه ابوشعیب او را کشید به حدی که اسیر او گردید لاجرم نزد آن عابد زاهد آمد و گفت من اراده کرده‌ام که خادم تو باشم گفت تو را قبول می‌کنم به شرط اینکه از این زی و هیئت مجرّد شوی آن سعادتمند قبول نمود و از آنچه مالک بود تجرّد اختیار کرد و متلبّس شد به لباس نُسّاک ابوشعیب او را تزویج نمود همینکه آن دختر داخل کوخ شد قطعه حصیری دید که ابوشعیب برای حفظ از رطوبت زمین آن را در زیر بدن خود افکنده گفت من نزد تو نخواهم ماند مگر وقتی که این قطعه حصیر را از زیر خود دور افکنی زیرا که از تو شنیدم که می‌گفتی زمین می‌گوید «يَا بَنَ آدَمَ تَجْعَلُ بَيْنِي وَبَيْنَكَ حِجَاباً وَأَنْتَ غَدَاً فِي بَطْنِي» یعنی ای پسر آدم ما بین من و خود حجاب قرار می‌دهی و حال آنکه فردا در شکم من خواهی بود پس ابوشعیب آن حصیر را دور افکند و آن دختر چند سالی نزد او مکث نمود و با هم به نیکوتر وجهی عبادت می‌کردند تا هر دو وفات نمودند مؤلف گوید که ما در کتاب هدیه الزائرین جمله‌ای از روایات که در فضیلت این مسجد شریف است ذکر کردیم و گفتیم که از مجموع این اخبار چند فضیلت برای این مسجد معلوم می‌شود که اگر هر کدام از آن در هر مسجدی باشد سزاوار است که انسان شدّ رَحال نماید و طيّّ منازل کند تا به فیض نماز و دعای در آن مستفیض و متبرّک شود اوّل مقرر نمودن حق تعالی که در آن زمین فرود نیاید رئیسی با لشکرش جز پیغمبر یا وصی او دویم آنکه خانه حضرت مریم است سیّم آنکه زمین حضرت عیسی علیه السلام است چهارم بودن چشمه در آنجا که برای مریم ظاهر شده پنجم ظاهر کردن حضرت امیرعلیه السلام آن چشمه را به اعجاز خود ششم بودن سنگ سفید متبرّک که مریم حضرت عیسی را بر آن گذاشته در آنجا هفتم بیرون آوردن حضرت آن سنگ را از آنجا به اعجاز و نصب نمودن آن را به سمت قبله و نماز کردن به سوی آن هشتم نماز کردن حضرت امیرالمؤمنین و دو نوباوه او حضرت مجتبی و سیّد الشهداء علیهم السلام در آنجا نهم توقّف حضرت در آنجا چهار روز به جهت شرافت مکان و مقدّس بودن زمین آن دهم نماز کردن پیغمبران خصوص حضرت خلیل الرحمن علیه السلام در آنجا یازدهم بودن قبر پیغمبری در آنجا و شاید آن پیغمبر حضرت یوشع باشد که شیخ مرحوم فرموده که قبرش در خارج کاظمین در قبلی مسجد برائا است دوازدهم برگشتن آفتاب برای حضرت امیرعلیه السلام در آنجا و با این شرافت و فضایل و بروز آیات الهیه و معاجز حیدریّه در آن معلوم نیست از هزار نفر زائر یکی آنجا برود با آنکه در سر راهشان است و مکرّر از آنجا می‌گذرند و اگر اتفاقاً کسی بخواهد درک آن فیضها را نماید چون به آنجا رسد و ببیند در مسجد بسته است از دادن جزئی پولی به جهت بازکردن در آن مضایقه کند و خود را از این همه فیوضات عظیمه محروم نماید و حال آنکه گاه شود برای محض تماشای بغداد و عمارات جبارین در آن مصرفها کند چه رسد به مصارف عظیمه قیمت فضول معاش و امتعه نحسه نجسه یهودیان آن که گرفتن آن از متمّمات زیارت غالب از زوّر است واللّه المستعان .

مطلب سیم در زیارت نواب اربعه است رضي الله عنهم

اعنی جناب ابو عمرو عثمان بن سعید اسدي

و جناب ابو جعفر محمد بن عثمان

و شیخ ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی

و شیخ جلیل ابوالحسن علی بن محمد سمری رضي الله عنهم

بدانکه از جمله تکالیف زوآر در ایام توقّف در بلده طیبّه کاظمین رفتن به بغداد است به جهت زیارت این چهار نائب خاصّ امام عصر صلوات الله علیه که اگر هر يك از آنها در بلاد بعیده بودند سزاوار بود که انسان منازل بعیده طیّ کند و رنج و تعب سفر کشد و به فیض زیارت آنها نایل گردد زیرا که در میان تمام اصحاب خاصّ ائمه علیهم السلام به بزرگی و جلالت قدر ایشان کسی نمی رسد قریب هفتاد سال به منصب سفارت و وساطت میان امام علیه السلام و رعیت فائز شدند و بر دست ایشان کرامات بسیار و خوارق عادات بی شمار جاری گردید و گفته شده که بعضی از علماء قائل به عصمت ایشان شده و مخفی نیست که همچنانکه این بزرگواران در حیات خود واسطه بودند میان ولیّ عصر صلوات الله علیه و رعیت و از جمله مناصب ایشان رسانیدن عرایض و رقعہ های حاجت خلق بود به آن حضرت حال نیز به همان منصب شریف مفتخرند و باید رقاع حاجت که در شدائد و سختیها نوشته می شود به توسّط ایشان به آن حضرت برسد چنانکه در جای خود معلوم گردیده و بالجمله فضایل و مناقب ایشان زیاده از آنست که ذکر شود و همین قدر برای ترغیب زوآر به زیارتشان کافیهست و اما کیفیت زیارت ایشان پس به نحو یست که شیخ طوسی (ره) در تهذیب و سیّدین طاوس (ره) در مصباح الزائر ذکر کرده اند و نسبت داده اند آن را به جناب ابوالقاسم حسین بن روح رحمه الله که فرموده در باب زیارت ایشان که سلام می کنی بر رسول خدا و بعد از او به امیر المؤمنین و بر خدیجه کبری و بر فاطمه زهراء و بر امام حسن و امام حسین و بر هر يك از ائمه علیهم السلام تا صاحب الزّمان صلوات الله علیه پس می گویی اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یا فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ (و بجای فلان ابن فلان اسم صاحب

قبر و پدرش را می بری) اَشْهَدُ اَنَّكَ بَابُ الْمَوْلَى، اَدَّيْتُ عَنْهُ وَاَدَّيْتُ اِلَيْهِ، ما

* * * * * گواهی دهم که تو باب (واسطه) مولی و سرور ما بودی که از طرف او به مردم و از

مردم به آن حضرت رساندی

خَالَفْتَهُ وَلَا خَالَفْتَ عَلَيْهِ، قُفْتُ خَاصًّا، وَانْصَرَفْتُ سَابِقًا، جِئْتُكَ عَارِفًا

مخالفتش را نکردی و بر علیه او راه خلافتی نه پیمودی قیام کردی به نیابت خاصه آن حضرت و بازگشتی درحالی که
سبقت جوینده بودی

بِالْحَقِّ الَّذِي آتَتْ عَلَيْهِ، وَأَنْتَ مَا خُتِّ فِي التَّأْدِيَةِ وَالسَّفَارَةِ، السَّلَامُ

آمدهام به نزدت با معرفت بدان حقی که بر آنی و براستی تو خیانت نکردی در ادای وظیفه و مقام سفارت و نمایندگی آن
حضرت سلام

عَلَيْكَ مِنْ بَابٍ مَا أَوْسَعَهُ وَمِنْ سَفِيرٍ مَا أَمَّنَكَ، وَمِنْ ثِقَةٍ مَا أَمَكَّنَكَ،

بر تو که چه باب (و واسطه) فراخ نظری بودی و چه نماینده امین و شخص مورد اطمینان محکمی بودی

أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ اخْتَصَّكَ بِنُورِهِ، حَتَّى عَايَنْتَ الشَّخْصَ، فَأَدَّيْتَ عَنْهُ

گواهی دهم همانا خداوند تو را به نور خود مخصوص داشت تا خود آن حضرت را از نزدیک مشاهده کردی و از جانب
او به مردم رساندی

وَأَدَّيْتَ إِلَيْهِ. پس برمی گردی و باز سلام می کنی بر رسول خدا تا صاحب الزمان علیهم السلام

و از طرف مردم (نیز) خواسته هاشان را) به آن حضرت رساندی * * * * *

* * * * *

پس از آن می گوئی: جِئْتُكَ مُخْلِصًا بِتَوْحِيدِ اللَّهِ وَمُؤَالَاةِ أَوْلِيَائِهِ، وَالْبَرَاءَةِ

* * * * * آمدهام به نزدت با اخلاص بیگانه شناسی خداوند و دوست داشتن دوستانش و بیزاری

مِنْ أَعْدَائِهِمْ [أَعْدَائِهِ] وَمِنَ الَّذِينَ خَالَفُوكَ، يَا حُجَّةَ الْمَوْلَى وَبِكَ إِلَيْهِمْ

از دشمنانش و هم از کسانی که با تو مخالفت کردند ای حجت مولی و سرور من توجه من به آن بزرگواران بوسیله تو
است

تَوَجَّهِي، وَبِهِمْ إِلَى اللَّهِ تَوَسَّلِي. × پس دعا می کنی و سؤال می کنی از حق تعالی

* * * * * و توسل من نیز بدگاره خدا بوسیله آنها است * * * * *

* * * * *

آنچه را که می خواهی که اجابت می شود انشاء الله مؤلف گوید و سزاوار است نیز آنکه زیارت شود در بغداد شیخ

اجل عالی مقام ثقة الاسلام محمد بن یعقوب کلینی عطر الله مرقده که شیخ و رئیس شیعه و اوثق و اثبت ایشان بود

در حدیث و کتاب شریف کافی را که روشنی چشم شیعه است در مدت بیست سال تألیف نمود و الحق مت عظیم بر

شیعه خصوص بر اهل علم نهاد و به جهت جلالت و عظمت شأن آن معظم، ابن اثیر او را مُجَدِّد مذهب امامیه در رأس

مأةثالثه شمرده بعد از آن که مولاي ما حضرت ثامن الائمه صلوات الله عليه را مُجدّد اين مذهب در مأة ثانيه شمرده و مادر كتاب هديه ذكر كرديم بيشتر علمايي كه در مشاهد مشرقه مدفونند هر كه طالب است به آنجا رجوع نمايد .

مطلب چهارم در زيارت جناب سلمان رضي الله عنه است

بدانكه از تكاليف زوّر در كاظمين رفتن به مدائن است به جهت زيارت عبد صالح الهي جناب سلمان محمّدي رضوان الله عليه كه اوّل اركان اربعه و مخصوص به شرافت «سَلْمَانُ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ» و مُنْخَرِط در سلك اهل بيت نبوت و عصمت است و در فضيلت او جناب رسول خدا صلي الله عليه وآله فرموده :

سَلْمَانُ بُحْرٌ لَا يُنْزَفُ وَ كَنْزٌ لَا يُنْقَدُ سَلْمَانُ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ يُمْنَحُ الْحِكْمَةُ وَيُؤْتِي الْبُرْهَانَ

سلمان دريائي است كه پايان نپذيرد و گنجي است كه تمام نشود سلمان از ما خانواده است كه فرزاني بخشد و برهان آورد

و حضرت اميرالمؤمنين عليه السلام او را مثل لقمان حكيم بلكه حضرت صادق عليه السلام او را بهتر از لقمان فرموده و حضرت باقر عليه السلام او را از متوسمين شمرده و از روايات مستفاد شده كه آن جناب اسم اعظم مي دانست و از محدّثين (به فتح) بوده و از براي ايمان ده درجه است و او در درجه دهم بوده و عالم به غيب و منايا بوده و از تحف بهشت در دنيا ميل فرموده و بهشت مشتاق و عاشق او بوده و خدا و رسول صلي الله عليه وآله او را دوست مي داشتند و حق تعالي پيغمبر صلي الله عليه وآله او را امر فرموده به محبت چهار نفر كه سلمان يكي از ايشان است و آياتي در مدح او و اقران او نازل شده و جبرئيل هر وقت بر حضرت رسول صلي الله عليه وآله نازل مي شده امر مي کرده از جانب پروردگار كه سلمان را سلام برساند و مطلع گرداند او را به علم منايا و بلايا و انساب و شبها براي او در خدمت پيغمبر ۹ مجلس خلوتي بوده و حضرت رسول و اميرالمؤمنين صلوات الله عليهما وآلهما چيزهاي تعليم او فرمودند از مخزون و مكنون علم الله كه احدي غير او قابل و قوه تحمل آن را نداشته و رسيد به مرتبه اي كه حضرت صادق عليه السلام فرمود «أَدْرَكَ سَلْمَانُ الْعِلْمَ الْأَوَّلَ وَالْعِلْمَ الْآخِرَ وَهُوَ بَحْرٌ لَا يُنْزَحُ وَهُوَ مِنَّا أَهْلُ الْبَيْتِ» سلمان درك كرد علم اوّل و آخر را و او دريائي است كه هر چه از او برداشته شود تمام نشود و او از ما اهلبيت است و براي شوق زائرين و رغبتشان به زيارت آن جناب كافي است تاّمّل در اختصاص و امتيازش در ميان تمام صحابه و جميع ائمّه به اينكه حضرت اميرالمؤمنين عليه السلام در يك شب از مدينه به مدائن رفت و بدست مبارك او را غسل داد و كفن نمود و نماز كرد بر او با صفوفي بسيار از ملائكه و همان شب به مدينه مراجعت فرمود زهي شرافت مودّت و محبت به خانواده رسالت كه انسان را به اين مرتبه از جلال و عظمت رساند و اما كيفيت زيارت آن جناب پس بدانكه سيّد بن طاوس در مصباح الزائر چهار زيارت براي

آن بزرگوار نقل کرده و ما در اینجا اکتفا می‌کنیم به همان زیارت اول آن و در هدیه نقل کردیم زیارت چهارم آنرا که شیخ در تهذیب ذکر فرموده پس چون خواستی زیارت کنی آن جناب را می‌ایستی نزد قبر او رو به قبله و می‌گویی

اَلسَّلَامُ عَلَي رَسُوْلِ اللّٰهِ مُحَمَّدٍ بِنِ عَبْدِ اللّٰهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، اَلسَّلَامُ عَلَي

سلام بر رسول خدا محمد بن عبدالله خاتم پیمبران سلام بر

امير المؤمنين سيد الوصيين، اَلسَّلَامُ عَلَي الْاَئِمَّةِ الْمُعْصُومِينَ

امیر مؤمنان آقاي اوصیاء سلام بر امامان معصوم

الرَّاشِدِينَ، اَلسَّلَامُ عَلَي الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا

راهنما سلام بر فرشتگان مقرب درگاه حق سلام بر تو ای

صاحب رَسُوْلِ اللّٰهِ الْاَمِينِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَلِيَّ امير المؤمنين،

یار نزدیک و امین رسول خدا سلام بر تو ای دوست ویژه امیر مؤمنان

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مُودِعَ اسرارِ السَّادَةِ الْمَيَامِينِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا

سلام بر تو ای که به تو سپرده شد اسرار بزرگان خجسته سلام بر تو ای

بَقِيَّةَ اللّٰهِ مِنَ الْبَرَّةِ الْمَاضِيْنَ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا ابا عَبْدِ اللّٰهِ وَرَحْمَةُ

یادگار خدا از بندگان نیک حق که از جهان رفتند سلام بر تو ای ابا عبدالله و رحمت

اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ، اَشْهَدُ اَنَّكَ اطَعْتَ اللّٰهَ كَمَا اَمَرَكَ، وَاتَّبَعْتَ الرَّسُوْلَ كَمَا

خدا و برکاتش گواهی دهم که برستی تو فرمانبرداری کردی از خداوند چنانچه به تو دستور داده بود و پیروی کردی از رسولش

نَدَبَكَ، وَتَوَلَّيْتَ خَلِيفَتَهُ كَمَا اَلَزَمَكَ وَدَعَوْتَ اِلَي الْاِهْتِمَامِ بِذُرِّيَّتِهِ

همانطور که از تو خواسته بود و ملازم گشتی جانشین او را چنانچه بر تو لازم کرده بود و مردم را به اهمیت دادن نسبت به اولاد

كَمَا وَفَّقَكَ، وَعَلِمْتَ الْحَقَّ يَقِيْنًا وَعَتَمَدْتُهُ كَمَا اَمَرَكَ، اَشْهَدُ اَنَّكَ بَابُ

آن حضرت دعوت کردی آن سان که تو را واقف گردانید و از روی یقین حق را دانستی و بدان تکیه کردی همانطور که دستور داده

وَصِيِّ الْمُصْطَفِيِّ، وَطَرِيقُ حُجَّةِ اللّٰهِ الْمُتَرْضَى، وَامِينُ اللّٰهِ فَيَمَّا

بود گواهی دهم که توئی واسطه رسیدن به وصی مصطفی و راه رسول به حجت خدا امام مرتضی و امین خدا هستی در آنچه

اسْتَوْدَعْتَ مِنْ عُلُومِ الْأَصْفِيَاءِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ النَّبِيِّ،

به تو سپرده شده بود از دانش برگزیدگان گواهی دهم که براسستی تو در زمره خاندان برگزیده پیامبر هستی

الْجَبَاءِ الْمُخْتَارِينَ لِنُصْرَةِ الْوَصِيِّ أَشْهَدُ أَنَّكَ صَاحِبُ الْعَاشِرَةِ،

که برای یاری وصی آن حضرت انتخاب شدند، گواهی دهم که تو دارای درجات ده گانه (یعنی تمام درجات)

وَالْبَرَاهِينَ وَالْأَدْلَاءِ الْقَاهِرَةِ، وَأَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ

ایمان و دارای برهانها و دلیلهای کوبنده بودی و پیاداشتی نماز را و پرداختی زکات را و امر کردی

بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَأَدَّيْتَ الْأَمَانَةَ، وَنَصَحْتَ لِلَّهِ

به معروف (کار نیک) و نهی کردی از کار بد و ادای امانت کردی و برای خدا و رسولش

وَلِرَسُولِهِ، وَصَبَرْتَ عَلَى الْأَذَى فِي جَنْبِهِ، حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ، لَعَنَ اللَّهُ

خیرخواهی نمودی و در راه خدا بر آزار دشمنان (دین) شکیبایی کردی تا مرگت فرا رسید خدا لعنت کند

مَنْ جَحَدَكَ حَقًّا، وَحَطَّ مِنْ قَدْرِكَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ آذَاكَ فِي مَوَالِيكَ،

کسی که حق تو را انکار کرد و از قدر و مقامت کاست خدا لعنت کند کسی که تو را در مورد سروران و موالیانت آزد

لَعَنَ اللَّهُ مَنْ أَعْنَتَكَ فِي أَهْلِ بَيْتِكَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ لَامَكَ فِي

خدا لعنت کند کسی که تو را در مورد خاندانت (خاندان عصمت) به تعب انداخت خدا لعنت کند کسی که تو را در مورد

ساداتِكَ لَعَنَ اللَّهُ عَدُوَّ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ مِنَ الْأَوَّلِينَ

سادات و بزرگانت سرزنش کرد خدا لعنت کند دشمنان آل محمد را از جن و انس از پیشینیان

وَالْآخِرِينَ، وَضَاعَفَ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا

و پسینیان و چند برابر کند بر آنها عذاب دردناک را درود خدا بر تو ای ابا

عَبْدِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

عبدالله درود خدا بر تو ای یار رسول خدا درود خدا بر آن حضرت و بر آلش

وَعَلَيْكَ يَا مَوْلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى رُوحِكَ الطَّيِّبَةِ، وَ

و بر تو ای دوست با صفای امیر مؤمنان و درود خدا بر روان پاک و

جَسَدِكَ الطَّاهِرِ، وَالْحَقُّنَا بِمَنْهُ وَرَأْفَتِهِ إِذَا تَوَفَّاهُ نَابِكَ، وَبِمَحَلِّ السَّادَةِ

پیکر پاکیزه‌ات و (از خدا خواهیم که) ما را به مهر و لطف خود هنگامی که میراندمان به تو و به جایگاه بزرگان
 الْمَيَامِينِ، وَجَمَعْنَا مَعَهُمْ بِجَوَارِهِمْ فِي جَنَّتِ التَّعِيمِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ
 خجسته‌مان ملحق کند و گرد آورد ما را با ایشان و در جوارشان در بهشتهای پر نعمت درود خدا بر تو
 يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَي إِخْوَانِكَ الشَّيْبَةِ الْبَرَّةِ مِنَ السَّلَفِ الْمَيَامِينِ،
 ای ابا عبدالله و درود خدا بر برادران شیعه نیکویت از گذشتگان خجسته و
 وَأَدْخَلَ الرُّوحَ وَالرِّضْوَانَ عَلَي الْخَلَفِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، وَالْحَقْنَا وَإِيَّاهُمْ بِمَنْ
 وارد کند خوشی و خوشنودی خود را بر آن کسانی که به یادگار مانده‌اند از مردمان با ایمان و برساند ما و ایشان را به
 عترت پاک

تَوَلَّاهُ مِنَ الْعِزَّةِ الطَّاهِرِينَ، وَعَلَيْكَ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ .
 پیامبر که دوستشان داری و بر تو و بر آنها همگی سلام و رحمت و برکات خدا باد
 پس بخوان اِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ هفت مرتبه پس بجا بیاور نماز مندوب آنچه خواهی مؤلف گوید: که چون خواستی
 برگردی از زیارت سلمان پس بایست نزد قبر برای وداع و بگو این وداع را که سید در آخر زیارت چهارم
 ذکر فرموده: اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، اِنَّتَ بَابُ اللَّهِ الْمُؤْتِي مِنْهُ وَالْمَأْخُذُ عَنْهُ،
 * * * * * سلام بر تو ای ابا عبدالله تویی درگاه خداوند که از آن در آیند و از آن بگیرند
 أَشْهَدُ أَنَّكَ قُلْتَ حَقًّا وَنَطَقْتَ صِدْقًا، وَدَعَوْتَ إِلَى مَوْلَايَ وَمَوْلَاكَ
 گواهی دهم که تو سخن به حق گفتی و زبانت به صدق و راستی گویا بود و دعوت کردی (مردم را) بسوی مولای من و
 مولای خودت

عَلَانِيَةً وَسِرًّا، أَتَيْتُكَ زَائِرًا وَحَاجَاتِي لَكَ مُسْتَوْدَعًا وَهَا أَنَا ذَا
 آشکارا و پنهانی، برای زیارت به درگاهت آمده‌ام و حاجت‌هایم را به تو سپرده‌ام و اکنون با تو
 مُودَعُكَ، أَسْتَوْدِعُكَ دِينِي وَأَمَانَتِي وَخَوَاتِيمَ عَمَلِي، وَجَوَامِعَ أَمَلِي إِلَى مُنْتَهَايِ
 خداحافظی می‌کنم و مذهبم و امانتم و عواقب کارم و هر نوع آرزویی که دارم همه را تا پایان
 أَجَلِي، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَخْيَارِ .
 عمر به تو می‌سپارم و سلام بر تو و رحمت خدا و برکاتش و درود خدا بر محمد و خاندان نیکویش باد
 آنگاه خدا را بسیار بخوان و برگرد مؤلف گوید که چون زائربه زیارت سلمان مشرف شد پس از زیارت دو تکلیف
 دیگر دارد اول نماز کردن در طاق کسری دو رکعت یا زیادت‌تر چون آنجا مصلائی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است

روایت شده از عمّار ساباطی که امیرالمؤمنین علیه السلام به مداین آمد و نزول فرمود در ایوان کسری و با او بود دُلف ابن بجیر پس نماز کرد در آنجا بعد از آن برخاست و به دُلف فرمود برخیز با من و در خدمت آن حضرت بود جماعتی از اهل ساباط پس گردش کرد در منازل کسری و بدلف می فرمود از برای کسری در این مکان چنین و چنان بوده و دُلف می گفت به خدا قسم چنین است که می فرمایی پس با آن جماعت در تمام آن مواضع گردش کرد و دلف می گفت ای سید و مولای من چنان شما به اینجاها مطلقید که گویا شما این چیزها را در اینجاها نهاده اید و روایت شده که در آن وقتی که حضرت بر مداین مرور می فرمود و آثار کسری و خرابی آن را مشاهده می نمود یکی از آن اشخاص که در خدمت آن حضرت بود از روی عبرت این شعر را خواند

جَرَّتِ الرِّیَاحُ عَلٰی رُسُومِ دِیَارِهِمْ
فَكَانَهُمْ كَانُوا عَلٰی مِيعَادٍ

وزد بادها بر ویرانه های خانه شان
گویا آنان وعده گاهی با هم داشته اند

حضرت فرمود چرا نخواندی: كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ، وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ

* * * * * چه بسیار باغها و چشمه سارها و کشتزارها و جاهای

کریم، وَنَعْمَةٍ كَانُوا فِيهَا فَاكِهِينَ، كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخَرِينَ، فَمَا

خوب و نعمتی که در آن کامیاب بودند و همه را وا گذاشتند چنین بود و ما آنها را به گروه دیگری دادیم و

بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ. × پس از آن فرمود اِنْ

گریه نکرد بر آنها آسمان و زمین و مهلت نیافتند × × × × × (آری) براستی

هَؤُلَاءِ كَانُوا وَاٰرِثِيْنَ فَاصْبِرْهُوا مُوْرُوْثِيْنَ، لَمْ يَشْكُرُوْا النِّعْمَةَ

اینها وارث بودند ولی اکنون به ارث گذاردند سپاس نعمت نکردند

فَسَلِّبُوْا دُبُرَهُمْ بِالنِّعْمَةِ، اِيَّاكُمْ وَكُفِّرَ النِّعَمَ، لَا تُحِلُّ بِكُمْ النِّعْمُ. × فقیر

پس دنیا بخاطر نافرمانی از دستشان رفت مبادا کفران نعمت کنید که انتقام بر شما فرود آید * * * * *

گوید: حاصل این مقام را حکیم خاقانی به شعر در آورده آنجا که فرموده :

هان ای دل عبرت بین از دیده نظر کن هان

ایوان مدائن را آینه عبرت دان

پرویز که بنهادی بر خوان تره زرین

زَرِّين تره کو برخوان رو کَم تَرکُوا برخوان

دویم زیارت کردن جناب حذیفه بن الیمان که از بزرگان اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و خاصان امیرالمؤمنین علیه السلام است و در میان صحابه مخصوص بود به شناختن منافقین و دانستن نامهای ایشان و اگر در نماز جنازه کسی حاضر نمی شد خلیفه ثانی بر او نماز نمی کرد و از جانب او ساها در مداین والی بود پس او را عزل کرد و جناب سلمان والی آنجا شد چون وفات کرد دوباره حذیفه والی آنجا شد و مستقر بود تا نوبت خلافت به شاه ولایت علیه السلام رسید پس از مدینه رقیمی مبارک به او و فرمان همایونی به اهل مداین صادر شد و از خلافت خود و استقرار حذیفه در آنجا به نحوی که بود اطلاع دادند و لکن حذیفه بعد از حرکت آن حضرت از مدینه به جانب بصره بجهت دفع شرّ اصحاب جمل و قبل از نزول موکب همایون به کوفه وفات کرد و در همان مداین مدفون شد از ابو حمزه ثمالی روایت است که چون حذیفه خواست وفات کند فرزند خود را طلبید و وصیت کرد او را به عمل کردن به این نصیحتهای نافع فرمود ای پسر جان من ظاهر کن مایوسی از آنچه که در دست مردم است که در این یأس غنی و توانگری است و طلب مکن از مردم حاجات خود را که آن فقر حاضر است و همیشه چنان باش که روزی که در آن هستی بهتر باشی از روز گذشته ات و هر وقت نماز می کنی چنان نماز کن که گویا نماز وداع و نماز آخر تو است و مکن کاری را که از آن عذر بخواهی و بدانکه در جنب حرم سلمان مسجد جامع مداین است که منسوب است به حضرت امام حسن عسکری علیه السلام که آن را ساخته یا در آنجا نماز خوانده معلوم نیست از فیض دو رکعت نماز تحیت در آن محلّ شریف خود را محروم نکند .

فصل نهم

در بیان فضیلت و کیفیت زیارت امام الأنس والجنّة المدفون بأرض العُربَة بَضْعَة سَيِّد الْوَرِي مولانا ابوالحسن علی بن موسی الرضا صلوات الله علیه و علی آبائه و اولاده ائمه الهدی اما فضیلت زیارت آن حضرت پس بیشتر از آنست که احصا شود و ما در اینجا تبرّک می جوئیم به ذکر چند خبر و نقل می کنیم اکثر آنرا از تحفة الزائر اول از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که فرمود زود باشد که پاره ای از تن من در خراسان مدفون گردد و هیچ مؤمنی زیارت نکند او را مگر آنکه حق تعالی بهشت را از برای او واجب گرداند و بدنش را بر آتش جهنم حرام گرداند و در حدیث معتبر دیگر فرموده که پاره ای از بدن من در خراسان مدفون خواهد شد هر غمناکی که او را زیارت کند البتّه حق تعالی غمش را زایل گرداند و هر گناهکاری که او را زیارت کند البتّه خدا گناهانش را بیامزد دوم به سند معتبر منقولست که حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام فرمود که هر که زیارت کند قبر فرزند من علی را او را نزد خدای

تعالی ثواب هفتاد حجّ مقبول بوده باشد راوي استبعاد کرد و گفت هفتاد حجّ مقبول حضرت فرمود که بلي هفتاد هزار حجّ گفت هفتاد هزار حجّ فرمود که چه بسيار حجّی باشد که مقبول نباشد هرکه آن حضرت را زیارت کند یا يك شب نزد آن حضرت بماند چنان باشد که خدا را در عرش زیارت کرده باشد گفت چنانچه خدا را در عرش زیارت کرده باشد فرمود بلي چون روز قیامت می شود بر عرش الهي چهار کس از پیشینیان و چهار کس از پسینیان خواهند بود اما پیشینیان پس نوح و ابراهیم و موسی و عیسی علیهم السلام اند و اما پسینیان پس محمد و علي و حسن و حسین علیهم السلام اند پس ریسمانی می کشند در پای عرش پس می نشینند با ما زیارت کنندگان قبور ائمه و بدرستی که زیارت کنندگان قبر فرزندان علي درجه ایشان از همه بلندتر و عطایشان از همه بیشتر خواهد بود سیم از حضرت امام رضا علیه السلام روایت است که فرمود در خراسان بقعه ای هست که بر آن زمانی خواهد آمد که محلّ رفتن و آمدن ملائکه خواهد بود پس پیوسته فوجی از ملائکه از آسمان فرود خواهند آمد و فوجی بالا خواهند رفت تا در صور بدمند پرسیدند یا بن رسول الله کدام بقعه است فرمود که آن در زمین طوس است و آن والله باغي است از باغهای بهشت هر که مرا زیارت کند در آن بقعه چنانست که رسول خدا صلي الله عليه وآله را زیارت کرده است و بنویسد حق تعالی از برای او به سبب آن زیارت ثواب هزار حجّ پسندیده و هزار عمره مقبوله و من و پدرام شفیعیان او باشیم در روز قیامت چهارم به چندین سند صحیح از ابن ابی نصر منقول است که گفت خواندم نامه امام رضا علیه السلام را که نوشته بود که برسانید به شیعیان من که زیارت من نزد خدا برابر است با هزار حجّ پس من این حدیث را به خدمت امام محمد تقی علیه السلام عرض کردم فرمود بلي والله هزار هزار حجّ هست از برای کسی که آن حضرت را زیارت کند و حقّ او را شناسد پنجم به دو سند معتبر منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود هر که مرا زیارت کند با این دوری قبر من بیایم به نزد او در سه موطن روز قیامت تا او را خلاصي بخشم از احوال آنها در وقتی که نامه های نیکوکاران در دست راست ایشان و نامه های بدکاران در دست چپ ایشان پرواز کند و نزد صراط و نزد ترازوي اعمال ششم در حدیث معتبر دیگر فرمود که زود باشد که کشته شوم به زهر با ظلم و ستم و مدفون شوم در پهلوي هارون الرّشید و بگرداند خدا تربت مرا محلّ تردّد شیعیان و دوستان من پس هر که مرا در این غربت زیارت کند واجب شود برای او که من او را زیارت کنم در روز قیامت و سوگند می خورم به خدایي که محمد صلي الله عليه وآله را گرامی داشته است به پیغمبري و برگزیده است او را بر جمیع خلایق که هر که از شما شیعیان نزد قبر من دو رکعت نماز کند البته مستحق شود آمرزش گناهان را از خداوند عالمیان در روز قیامت و به حقّ آن خداوندي که ما را گرامی داشته است بعد از محمد صلي الله عليه وآله به امامت و مخصوص گردانیده است ما را به وصیّت آن حضرت سوگند می خورم که زیارت کنندگان قبر من گرامی تر از هر گروهی اند بر خدا در روز قیامت و هر مؤمنی که مرا زیارت کند پس بر روي او قطره ای از باران برسد البتّه حق تعالی

جسد او را بر آتش جهنم حرام گرداند هفتم به سند معتبر منقول است که محمد بن سلیمان از امام محمد تقی علیه السلام پرسید که شخصی حج واجب خود را کرده است به عنوان حج تمتع پس به مدینه رفت و زیارت حضرت رسول صلی الله علیه وآله را کرد پس رفت به نجف و زیارت پدرت امیرالمؤمنین علیه السلام را کرد و حق او را می شناخت و می دانست که او حجّت خدا است بر خلق او و او درگاه خدا است که از آن در به خدا باید رسید پس سلام کرد بر آن حضرت پس رفت به کربلا و حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کرد پس رفت به بغداد و حضرت امام موسی کاظم علیه السلام را زیارت کرد پس به شهر خود برگشت و در این وقت خدا آنقدر مال به او روزی کرده است که به حج می تواند رفت کدام بهتر است از برای این مرد که حج واجب خود را کرده است که برگردد و باز حج بکند یا برود به خراسان و پدرت امام رضا علیه السلام را زیارت کند فرمود که بلکه برود بر پدرم سلام کند افضل است و باید که در ماه رجب باشد و در این زمان مکنید که بر ما و شما از خلیفه خوف تشنیع هست هشتم شیخ صدوق در کتاب من لایحضره الفقیه از حضرت امام محمد تقی علیه السلام روایت کرده که فرمود در میان دو کوه طوس قطعه ای از زمین است که از بهشت برداشته شده است هر که داخل شود در آن ایمن خواهد بود در روز قیامت از آتش نهم و نیز از آن حضرت روایت کرده که فرمود من ضامنم از جانب حق تعالی بهشت را از برای هر که زیارت کند قبر پدرم را به طوس در حالی که عارف به حق آن حضرت باشد دهم شیخ صدوق در عیون اخبار الرضا روایت کرده که مردی از صالحین دید در خواب حضرت رسول صلی الله علیه وآله را عرض کرد به خدمت آن حضرت که یا رسول الله از فرزندان تو کدامیک را من زیارت کنم فرمود بعضی از فرزندان من زهر خورده آمد نزد من و بعضی کشته شده آمد گفتم کدامیک از آنها را زیارت کنم با پراکنده شدن مشاهد ایشان فرمود زیارت کن آن کسی را که به تو نزدیکتر است یعنی محل توبه قبر او نزدیکتر است و او مدفون است به زمین غربت گفتم یا رسول الله از این فرمایش رضا را قصد کردید فرمود بگو صلی الله علیه و آله بگو صلی الله علیه و آله بگو صلی الله علیه و آله سه مرتبه این را فرمود مؤلف گوید که در وسائل و مستدرک ابوابی ذکر شده در استحباب تبرک به مشهد امام رضا علیه السلام و مشاهد ائمه علیهم السلام و استحباب اختیار زیارت حضرت رضا بر زیارت امام حسین علیهما السلام و بر زیارت هریک از ائمه علیهم السلام و بر حج مندوب و عمره مندوبه و چون این کتاب گنجایش تطویل ندارد ما به همین چند خبر که عشره کامله است اکتفا کردیم .

و اما کیفیت زیارت آن حضرت

پس بدانکه از برای آن بزرگوار زیارات چندی نقل شده و زیارت مشهور آن حضرت زیارتی است که در کتب معتبره مذکور است و به شیخ جلیل القدر محمد بن الحسن بن الولید که از مشایخ جناب صدوق است منسوب گردانیده اند و از مزار ابن

قولویه رحمه الله معلوم می شود که از ائمه علیهم السلام مروی بوده باشد و کیفیت آن موافق کتاب من لایحضره الفقیه چنانست که چون اراده نمایی زیارت کنی قبر امام رضاعلیه السلام را در طوس پس غسل کن پیش از آنکه از خانه بیرون

روی و بگو در وقتی که غسل می کنی: اَللّٰهُمَّ طَهِّرْنِيْ وَطَهِّرْ لِيْ قَلْبِيْ، وَاَشْرَحْ لِيْ

صَدْرِيْ، وَاَجْرِ عَلَيَّ لِسَانِيْ مِدْحَتَكَ وَالنَّيْءَ عَلَيْكَ، فَائِهْ لَا

سینه ام را و مدح و ثنای خود را بر زبانم جاری کن زیرا که

قُوَّةُ الْاَبِّكَ، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لِيْ طَهْوَرًا وَشِفَاءً وَمِيْ گویی در وقت بیرون رفتن

نیروئی نیست جز بوسیله تو خدایا این غسل را برایم پاک کننده و درمان (دردهایم) قرار ده * * * * *

بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَالْيَ اللّٰهِ، وَالْيَ ابْنِ رَسُوْلِ اللّٰهِ، حَسْبِيَ اللّٰهُ تَوَكَّلْتُ عَلَيَّ

به نام خدا و به (یاری) خدا و بسوی خدا و بسوی فرزند رسول خدا بس است مرا خدا و توکل کردم بر

اللّٰهِ، اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ وَاِلَيْكَ قَصَدْتُ، وَمَا عِنْدَكَ اَرَدْتُ پس چون

خدا خدایا به درگاه تو رو کنم و به سوی تو آهنگ دارم و آنچه در پیش تو است (از فضل و احسان) می خواهم * * * *

بیرون روی بر در خانه خود بایست و بگو: اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِيْ، وَعَلَيْكَ

* * * * * خدایا رویم را بدرگاه تو کردم و به امید

تو

خَلَّفْتُ اَهْلِيْ وَمَالِيْ وَمَا حَوَّلْتَنِيْ، وَبِكَ وَتَقْتُ فَلَا تُخَيِّبْنِيْ، يَا مَنْ لَا

جا گذاشتم خانواده و دارائیم و نیز آنچه را تو به من ارزانی داشتی و به تو اعتماد کردم پس نومیدم مکن ای که

يُخَيِّبُ مَنْ اَرَادَهُ، وَلَا يُضَيِّعُ مَنْ حَفِظَهُ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

نومید نکند هر که او را قصد کند و تباه نسازد هر که را نگهداری کند درود فرست بر محمد و آل محمد

وَاحْفَظْنِيْ بِحِفْظِكَ، فَائِهْ لَا يُضَيِّعُ مَنْ حَفِظْتَ. پس هرگاه رسیدی بسلامت

* * * * * و نگهداریم کن به نگهداری خود که برستی تو ضایع نکنی هر که را نگهداری کنی * * * * *

ان شاء الله پس هرگاه خواهی به زیارت بروی غسل بکن و بگو در وقتی که غسل می کنی

* * * * *
* * * * *

اللَّهُمَّ طَهِّرْ لِي قَلْبِي، وَاشْرَحْ لِي صَدْرِي، وَأَجِرْ عَلَيَّ

خدایا پاکم کن و پاک کن دلم را و بگشا سینه‌ام را و مدح و دوستی و ثنای خود را بر

لسانی مدحتک و محبتک و الثناء علیک، فَإِنَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ، وَقَدْ

زبانم جاری کن که براستی نیروئی نیست جز به تو و این را

عَلِمْتُ أَنَّ قِوَامَ دِينِي، التَّسْلِيمُ لِأَمْرِكَ، وَالْإِتْبَاعُ لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ،

بخوبی دانسته‌ام که آنچه موجب ماندن و قوام دین من است همان تسلیم در برابر فرمان تو و متابعت از سنت پیامبرت

وَالشَّهَادَةُ عَلَيَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي شِفَاءً وَنُورًا، إِنَّكَ

و گواهی دادن به این مطلب برای همه خلق تو است خدایا این غسل را برای من شفا و نوری قرار ده که

عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ پس بیوش پاکیزه‌ترین جامه‌های خود را و برو با پای برهنه به

تو بر هر چیز توانائی
* * * *

آرامی و وقار و دلت بیاد خدا باشد و اللَّهُ أَكْبَرُ، و لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، و سُبْحَانَ اللَّهِ، و

* * * * * خدا بزرگتر است معبودی جز خدا نیست، منزّه است

خدا،

الْحَمْدُ لِلَّهِ بگو و گامهای خود را کوتاه بردار و چون داخل روضه مقدّسه شوی بگو: بِسْمِ

ستایش خاص خدا است × به نام

اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَعَلَيْ مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ

خدا و به (یاری) خدا و بر کیش رسول خدا صلی الله علیه و آله گواهی دهم که معبودی نیست جز

إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَنَّ

خدای یگانه‌ای که شریک ندارد و گواهی دهم که همانا محمد بنده و رسول او است و

عَلِيًّا وَلِيًّا اللَّهُ پس برو بنزد ضریح و قبله را در پشت خود بگیر و روبروی آنحضرت

* * * * * علی ولی (و نماینده) خدا است
* * * * *

بایست و بگو أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ

* * * * *

گواهی دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست که شریک ندارد و گواهی دهم که همانا

مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَنَّهُ سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَأَنَّهُ سَيِّدُ

محمد بنده و رسول او است و او آقای اولین و آخرین است و او است آقای

الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ

پیامبران و رسولان خدایا درود فرست بر محمد بنده و رسول

وَبَيْتِكَ وَسَيِّدِ خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ صَلَوةً لَا يَقْوِي عَلَيَّ إِحْصَائُهَا غَيْرُكَ،

و پیامبر و بزرگ و آقای آفریدگانت همگی درودی که نیروی شماره آن را کسی جز تو نداشته باشد

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ عَبْدِكَ

خدایا درود فرست بر امیر مؤمنان علی بن ابیطالب بنده

وَأَخِي رَسُولِكَ، الَّذِي ائْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ وَجَعَلْتَهُ هَادِيًا لِمَنْ شِئْتَ مِنْ

و برادر رسالت آن بزرگوار که او را برگزیدی به علم خود و راهنمائیش کردی برای هر که خواستی از

خَلْقِكَ وَالذَّلِيلَ عَلِيٍّ مَنْ بَعَثْتَهُ بِرِسَالَتِكَ وَذَيَّانَ الدِّينِ بَعْدَكَ

خلق خود و دلیش ساختی بر آنکس که برانگیختی او را به رسالتهای خود و داور دین قرارش دادی از روی عدالت

وَفَضْلَ قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ وَالْمُهَيِّمِينَ عَلَيَّ ذَلِكَ كُلَّهُ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ

و فیصله دهنده حکم خود گرداندی او را در میان خلقت و مسلطش کردی بر همه اینها و سلام باد بر او

و رَحْمَةً اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ بَيْتِكَ، وَزَوْجَةٍ

و رحمت خدا و برکاتش خدایا درود فرست بر فاطمه دختر پیامبرت و همسر

وَلِيِّكَ، وَأُمِّ السَّبْطَيْنِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، سَيِّدَيِ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ

ولی و نمایندهات و مادر دو سبط (این امت) حسن و حسین دو آقای جوانان اهل بهشت

الطَّاهِرَةِ الطَّاهِرَةِ الْمُطَهَّرَةِ، التَّقِيَّةِ النَّقِيَّةِ، الرَّضِيِّةِ الزَّكِيَّةِ، سَيِّدَةِ نِسَاءِ

آن بانوی پاک پاکیزه طاهره پرهیزکار زبده پسندیده تزکیه شده بانوی زنان

أَهْلِ الْجَنَّةِ أَجْمَعِينَ، صَلَوةً لَا يَقْوِي عَلَيَّ إِحْصَائُهَا غَيْرُكَ، اللَّهُمَّ

اهل بهشت همه شان درودی بر او فرست که کسی نیروی شماره اش را جز تو نداشته باشد خدایا

صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سِبْطَيَّ بَيْتِكَ، وَسَيِّدَيِ شَبَابِ أَهْلِ

درود فرست بر حسن و حسین دو نوه پیغمبرت و دو آقای جوانان اهل

الْجَنَّةِ الْفَائِزِينَ فِي خَلْقِكَ، وَالْذَّلِيلِينَ عَلَيَّ مَنْ بَعَثَ بِرِسَالَاتِكَ،
بهشت که بپا خواستند در میان خلقت و دو نشانه بر آن کس که او را به رسالات خود مبعوث داشتی
وَدَيَّائِي الدِّينِ بِعَدْلِكَ، وَفَضْلِي قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ
و دو داور در دینت از روی عدل تو و دو فیصله دهنده حکم تو در میان خلقت خدایا درود فرست
عَلَيَّ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَبْدِكَ الْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ، وَالذَّلِيلِ عَلَيَّ مَنْ
بر علی بن الحسین بندها که قیام کرد در میان خلق تو و دلیل بود بر آنکس که
بَعَثْتَ بِرِسَالَاتِكَ وَدَيَّانِ الدِّينِ بِعَدْلِكَ، وَفَضْلِ قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ
به رسالت مبعوثش داشتی و داور در دین بود به عدل و داد تو و فیصله دهنده حکم تو بود در میان خلقت
سَيِّدِ الْعَابِدِينَ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَبْدِكَ وَخَلِيفَتِكَ فِي
- آقاي عبادت کنندگان - خدایا درود فرست بر محمد بن علی بندها و جانشینت در
أَرْضِكَ، بِاَقْرِ عِلْمِ النَّبِيِّينَ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ،
روی زمین شکافنده علم پیمبران خدایا درود فرست بر جعفر بن محمد صادق
عَبْدِكَ وَوَلِيِّ دِينِكَ، وَحُجَّتِكَ عَلَيَّ خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ، الصَّادِقِ الْبَارِّ،
بنده و سرپرست دینت و حجت تو بر همه خلقت آن امام راستگوی نیکوکار
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، عَبْدِكَ الصَّالِحِ، وَلِسَانِكَ فِي
خدایا درود فرست بر موسی بن جعفر بنده شایستهات و زبان گویای تو در میان
خَلْقِكَ، النَّاطِقِ بِحُكْمِكَ، وَالْحُجَّةِ عَلَيَّ بَرِيَّتِكَ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ عَلِيٍّ
خلقت آنکه به حکم تو گویا بود و حجتی بر خلق تو بود خدایا درود فرست بر علی
بْنِ مُوسَى الرَّضَا الْمُرْتَضَى، عَبْدِكَ وَوَلِيِّ دِينِكَ، الْقَائِمِ بِعَدْلِكَ،
بن موسی الرضا آن آقایی پسندیده و بنده تو و سرپرست دینت و قیام کننده به عدل و داد تو
وَالدَّاعِي إِلَى دِينِكَ وَدِينَ آبَائِهِ الصَّادِقِينَ، صَلَوةٌ لَا يَقْوِي عَلَيَّ
و دعوت کننده به آئین تو و آئین پدران راستگویش درودی فرست که نیروی
إِحْصَائِهَا غَيْرُكَ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ
شماره اش را کسی جز تو نداشته باشد خدایا درود فرست بر محمد بن علی بنده و نمایندها
الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ، وَالدَّاعِي إِلَى سَبِيلِكَ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ،

که قیام کرد به فرمان تو و دعوت کرد به راه تو خدایا درود فرست بر علی بن محمد
 عَبْدِكَ وَوَلِيِّ دِينِكَ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، الْعَامِلِ
 بنده تو و سرپرست آئین تو خدایا درود فرست بر حسن بن علی آن بزرگواری که بدستورت
 بِأَمْرِكَ، الْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ، وَحُجَّتِكَ الْمُؤَدِّي عَنْ نَبِيِّكَ، وَشَاهِدِكَ
 عمل کرد و در میان خلقت بپاخواست و آن حجت عالیمقام تو که پرداخت (آنچه را بعهده داشت) از طرف پیامبرت و
 گواه تو

عَلِي خَلْقِكَ، الْمَخْصُوصِ بِكَرَامَتِكَ، الدَّاعِي إِلَى طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ
 بر خلقت آنکه مخصوص گشت به کرامت و دعوت کننده بود بسوی فرمانبرداری تو و فرمانبرداری
 رَسُولِكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ حُجَّتِكَ وَوَلِيِّكَ،
 رسول تو و درودهای تو بر همگی ایشان باد خدایا درود فرست بر حجت و نماینده‌ات
 الْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ، صَلَوةً تَأَمِّمُهُ نَامِيَةً بَاقِيَةً، تُعَجِّلُ بِهَا فَرَجَهُ، وَتُنْصِرُهُ
 که قیام کننده است در میان خلق تو درودی کامل و روینده و ماندنی که شتاب کنی بدان وسیله در فرج او و بدان
 یاریش

بِهَا، وَتَجْعَلُنَا مَعَهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِحُبِّهِمْ،
 کنی و قرار دهی ما را با آن حضرت در دنیا و آخرت خدایا من تقرب جویم به درگاه تو بوسیله دوستی ایشان
 وَأُولَى وَلِيِّهِمْ، وَأُعَادِي عَدُوَّهُمْ فَأَرْزُقْنِي بِهِمْ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
 و دوست دارم دوستشان را و دشمن دارم دشمنشان را پس روزی من گردان بوسیله ایشان خوبی دنیا و آخرت را
 وَأَصْرِفْ عَنِّي بِهِمْ شَرَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَهْوَالَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ × پس
 و بگردان از من به برکت ایشان شر دنیا و آخرت و دهشتهای قیامت را * * *

می‌نشینی نزد سر آنحضرت و می‌گوئی: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ السَّلَامُ
 * * * * * سلام بر تو ای ولی خدا سلام

عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ،
 بر تو ای حجت خدا سلام بر تو ای نور خدا در تاریکیهای زمین
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمُودَ الدِّينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ،
 سلام بر تو ای استوانه دین سلام بر تو ای وارث حضرت آدم برگزیده

اللَّهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ
خدا سلام بر تو ای وارث نوح پیغمبر خدا سلام بر تو ای وارث
إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِسْمَاعِيلَ ذَبِيحِ اللَّهِ، السَّلَامُ
ابراهیم خلیل خدا سلام بر تو ای وارث اسماعیل قربانی خدا سلام
عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى
بر تو ای وارث موسی هم سخن خدا سلام بر تو ای وارث عیسی
رُوحِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
روح خدا سلام بر تو ای وارث محمد رسول خدا سلام بر تو ای
وارِثَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ وَلِيِّ اللَّهِ، وَوَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ،
وارث امیر مؤمنان علی (ع) ولی خدا و وصی رسول پروردگار جهانیان
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ
سلام بر تو ای وارث فاطمه زهرا سلام بر تو ای وارث
الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، سَيِّدَيِ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ
حسن و حسین دو آقایی جوانان اهل بهشت سلام بر تو ای وارث
عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدِ بْنِ
علی بن الحسین زیور عبادت کنندگان سلام بر تو ای وارث محمد بن
عَلِيِّ، بِأَقْرِ عِلْمِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ جَعْفَرِ بْنِ
علی شکافنده علم اولین و آخرین سلام بر تو ای وارث جعفر بن
مُحَمَّدٍ، الصَّادِقِ الْبَارِّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ،
محمد آن راستگوی نیکوکار سلام بر تو ای وارث موسی بن جعفر
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصَّدِيقُ الشَّهِيدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ
سلام بر تو ای راستی پیشه شهید سلام بر تو ای وصی
الْبَارِئُ التَّقِيُّ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ
نیک رفتار با تقوی گواهی دهم که بر راستی تو برپاداشتی نماز را و بدادی زکات را و امر کردی
بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً حَتَّى آتَيْتَ الْيَقِينَ،

به معروف (کار نیک) و نهي کردی از کار زشت و پرستش کردی خدا را از روی اخلاص تا مرگت فرا رسيد

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ پس خود را بر ضريح

سلام بر تو ای ابا الحسن و رحمت خدا و برکاتش * * * * *

می چسبانی و می گوئی: اللَّهُمَّ إِلَيْكَ صَمَدْتُ مِنْ أَرْضِي، وَقَطَعْتُ الْبِلَادَ

* * * * * خدایا به آهنگ دربار تو کوچ کردم از سرزمینم

رَجَاءَ رَحْمَتِكَ فَلَا تُخَيِّبْنِي، وَلَا تُرُدَّنِي بِغَيْرِ قَضَاءٍ حَاجَتِي، وَارْحَمْ

به امید رحمت تو شهرها را درنوردیدم پس نومیدم مکن و بازم مگردان بدون برآوردن حاجتم و رحم کن

تَقْلُبِي عَلَي قَبْرِ ابْنِ أَخِي رَسُولِكَ، صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، بِأَبِي أَنْتَ

به این رفت و آمد و روی آوردنم بر سر قبر برادر زاده پیغمبرت که دروذهای تو بر او و آتش باد پدر

وَأُمِّي يَا مَوْلَايَ، أَتَيْتُكَ زَائِرًا وَافِدًا عَائِدًا مِمَّا جَنَيْتُ عَلَي نَفْسِي،

و مادرم به فدایت ای سرور من آمده‌ام برای زیارتت و واردم بر تو و پناهنده‌ام به تو از آن جنایاتی که بر خود کردم

وَاحْتَضَبْتُ عَلَي ظَهْرِي، فَكُنْ لِي شَافِعًا إِلَي اللَّهِ يَوْمَ فَقْرِي وَفَاقَتِي،

و بار گناهی که بر دوش کشیدم پس تو شفیع من باش در پیشگاه خداوند در روز نیاز و نداریم

فَلَكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَامٌ مَحْمُودٌ، وَأَنْتَ عِنْدَهُ وَجِيهٌ. پس دست راست را بلند

زیرا که تو در پیشگاه خداوند مقامی شایسته داری و در نزد او آبرومندی * * * * *

* *

می کنی و دست چپ را بر قبر می گشائی و می گوئی: اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ

* * * * * خدایا من به تو تقرب جویم

بوسیله

بِحُبِّهِمْ وَبَوْلَايَتِهِمْ، أَتَوَلَّى آخِرَهُمْ بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوَّلَهُمْ، وَأَبْرَأُ مِنْ كُلِّ

دوستی و ولایت این خاندان دوست دارم آخرین آنها را به همان نحو که دوست داشتم اولین نفرشان را و بیزارم از

هر

وَلِيَجَةَ دُونَهُمْ، اللَّهُمَّ الْعَنِ الَّذِينَ بَدَلُوا نِعْمَتَكَ، وَأَتَّهَمُوا بَيْتَكَ،

همدمی غیر از ایشان خدایا لعنت کن کسانی که دگرگون کردند نعمت تو را و متهم کردند (در امر خلافت) پیامبرت را

وَجَحَدُوا بِآيَاتِكَ، وَسَخَرُوا بِإِمَامِكَ، وَحَمَلُوا النَّاسَ عَلَي أَكْتَفِ آلِ

و منکر شدند آیات تو را و به مسخره گرفتند امام تو را و سوار کردند مردم را بر دوش آل

مُحَمَّدٍ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِاللَّعْنَةِ عَلَيْهِمْ، وَالْبَرَاءَةِ مِنْهُمْ فِي

محمد (و بر علیه آنان تحریکشان کردند) خدایا من به تو تقرب جویم بوسیله لعنت کردن بر ایشان و بیزارى جستن از آنها در

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا رَحْمَنُ. پس برمی گردی و بنزد پای آن حضرت می روی و

دنیا و آخرت ای خدای بخشاینده * * * * *

می گوئی: صَلِّی اللّهُ عَلَیْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ، صَلِّی اللّهُ عَلَی رُوحِكَ وَبَدَنِكَ،

* * * درود خدا بر تو ای ابالحسن، درود خدا بر روان تو و بر پیکرت باد

صَبَرْتَ وَأَنْتَ الصَّادِقُ الْمُصَدِّقُ، قَتَلَ اللّهُ مَنْ قَتَلَكَ بِالْأَيْدِي وَاللِّسَنِ .

بردباری کردی با اینکه تو راستگوئی بودی تصدیق شده خدا بکشد کسانی که تو را کشتند بدست و زبان

پس تضرع و مبالغه کن در لعنت کردن بر کُشنده امیرالمؤمنین و قاتلان حسن و حسین علیهما السلام و قاتلان جمیع اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم پس از پشت قبر برو و نزد سر آن حضرت دو رکعت نماز بکن در رکعت اول سوره یس و در رکعت دوم سوره الرحمن بخوان و جهد کن در دعا و تضرع و بسیار دعا کن از برای خود و پدر و مادر خود و جمیع برادران مؤمن خود و آنچه خواهی نزد سر آن حضرت بمان و باید که نمازهای خود را نزد قبر بکنی مؤلف گوید که این زیارت بهترین زیارات آن حضرت است و در فقیه و عیون و کتب علامه مجلسی و غیره و سَخِرُوا بِإِمَامِكَ که در آخر زیارتست با دو میم است یعنی و لعنت کن خداوند کسانی را که استهزاء نمودند به امامی که تو از جهت ایشان مقرر فرمودی و لکن در مصباح الزائر سَخِرُوا بِإِيْمَانِكَ است و این نیز درست بلکه شاید از جهت اولی باشد چه آنکه مراد از ایام ائمه علیهم السلام است چنانکه در خبر صفر بن ابی ذلف در فصل پنجم از باب اول معلوم شد و بدان نیز که لعنت کردن بر قاتلان ائمه علیهم السلام به هر زبانی که کرده شود خوبست و اگر این عبارت را که از بعضی ادعیه اخذ شده بخواند شاید انسب باشد: اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةَ أَمِيرِ

* * * * *

* * * * * خدایا لعنت کن کُشندهگان امیر

الْمُؤْمِنِينَ، وَقَتْلَةَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَقَتْلَةَ أَهْلِ بَيْتِ

مؤمنان را و کُشندهگان حسن و حسین علیهم السلام را و کُشندهگان خاندان

نَبِيِّكَ، اللَّهُمَّ الْعَنْ أَعْدَاءَ آلِ مُحَمَّدٍ وَقَتْلَتَهُمْ، وَزِدْهُمْ عَذَاباً فَوْقَ

پیامبرت را خدایا لعنت کن دشمنان آل محمد و کشندگانشان را و بیفزا بر آنها
 العذاب، وَهَوَانًا فَوْقَ هَوَانٍ، وَذُلًّا فَوْقَ ذُلٍّ، وَخِزْيًا فَوْقَ خِزْيٍ، اَللّٰهُمَّ
 عذابِ روي عذابِ و خواري بر روي خواري و زبونی بر روي زبونی و رسوائی بر روي رسوائی خدایا
 دُعُهُمْ اِلَى النَّارِ دَعَاً، وَارْكُسُهُمْ فِي الْيَمِّ عَذَابِكَ رَكُوسًا، وَاحْشُرْهُمْ
 بیفکن آنها را بدوزخ به سختی و سرنگونشان کن در عذاب دردناک يك باره و آنان را با پیروانشان
 وَاتَّبَاعَهُمْ اِلَى جَهَنَّمَ زُمَرًا. و در تحفه الزائر است که شیخ مفید ذکر کرده که

گروه گروه بسوي جهنم محشور فرما * * * * *

مستحب است که بعد از نماز زیارت امام رضا علیه السلام این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ
 * * * * *

* خدایا از تو خواهم

يَا اَللّٰهُ الدَّائِمُ فِيْ مُلْكِهِ، الْقَائِمُ فِيْ عِزِّهِ، الْمُطَاعُ فِيْ سُلْطَانِهِ، الْمُتَفَرِّدُ
 ای خدایی که فرمانروائیش همیشگی و عزتش پایدار است و در سلطنتش (همه موجودات) فرمانبردار اویند، یکتا است
 فِيْ كِبَرِيَّائِهِ، الْمُتَوَحِّدُ فِيْ دَيْمُومِيَّةِ بَقَائِهِ، الْعَادِلُ فِيْ بَرِّيَّتِهِ، الْعَالِمُ فِيْ
 در عظمت و بزرگواری و یگانه است در بقای همیشگی در میان مخلوقاتش به عدالت رفتار کند و دانا است در
 قَضِيَّتِهِ، الْكَرِيمُ فِيْ تَأْخِيرِ عُقُوبَتِهِ، اِلٰهِي حَاجَاتِيْ مَصْرُوفَةً اِلَيْكَ،
 قضاوت و بزرگوار است در پس انداختن کیفر، خدایا حاجتهای من بسوي تو بازگردد
 وَآمَالِيْ مَوْقُوفَةً لَّدَيْكَ، وَكُلَّمَا وَفَّقْتَنِيْ مِنْ خَيْرٍ فَاتَتْ دَلِيْلِيْ عَلَيْهِ،
 و آرزوهایم در پیشگاه تو باز ایستاده و هرگاه مرا به کار نیکی موفق کرده ای راهنمای من بر آن کار
 وَطَرِيقِيْ اِلَيْهِ، يَا قَدِيْرًا لَا تُوَدُّهُ الْمَطْلَبُ، يَا مَلِيًّا يَلْجَأُ اِلَيْهِ كُلُّ رَاغِبٍ،
 و طریق من بسوي آن تو بودی ای توانائی که (زیادی) خواسته ها درمانده اش نکند ای دارائی که به او پناه آرد هر
 مشتاق،

مَا زِلْتُ مَصْحُوبًا مِنْكَ بِالنَّعْمِ جَارِيًا عَلَيَّ عَادَاتِ الْاِحْسَانِ وَالْكَرَمِ،

همواره با نعمتهای تو قرین بوده ام و بر شیوه های احسان و کرم (که نسبت به من داشتی) گام بر می داشتم

اَسْئَلُكَ بِالْقُدْرَةِ التَّائِفَةِ فِيْ جَمِيعِ الشَّيْءِ، وَقَضَائِكَ الْمُبْرَمِ الَّذِي

از تو خواهم بدان نیروی نافذت در همه چیزها و بدان حکم مسلمت که با کوچکترین درخواستی

تَحْجِبُهُ بِأَيْسَرِ الدُّعَاءِ وَبِالنَّظَرَةِ الَّتِي نَظَرْتَ بِهَا إِلَى الْجِبَالِ
آن را جلوگیری کنی و بدان نظری که از روی عنایت به کوهها کردی
فَتَشَامَخَتْ، وَالْأَرْضَيْنِ فَتَسَطَّحَتْ، وَالْإِلَى السَّمَوَاتِ فَارْتَفَعَتْ
و آنها بلندی گرفتند و به زمینها افکندی هموار شدند و به آسمانها نگرستی و آنها مرتفع گشتند
وَالْإِلَى الْبِحَارِ فَتَفَجَّرَتْ، يَا مَنْ جَلَّ عَنْ أَدَوَاتِ لِحَظَاتِ الْبَشَرِ، وَلَطَفَ
و به دریاها آن نظر را کردی آنها روان گردیدند ای که والاتری از ابزار و آلات دید بشر و لطیفتری
عَنْ دَقَائِقِ خَطَرَاتِ الْفَكْرِ، لَا تُحَمِّدُ يَا سَيِّدِي إِلَّا بِتَوْفِيقِ مِنْكَ
از ریزه کاریهایی که در افکار خطور کند ستایش نشوی ای آقای من جز به توفیق خودت که خود آن
يَقْتَضِي حَمْدًا، وَلَا تُشْكِرُ عَلَيَّ أَصْغَرَ مَنَّةٍ إِلَّا اسْتَوْجَبْتَ بِهَا شُكْرًا،
نیز موجب ستایش دیگری است و سپاسگزاری نشود بر کوچکترین نعمتی جز آنکه سزاوار گردی بدان سپاسگزاری
فَمَتَى تُحْصِي نِعْمَاؤَكَ يَا إِلَهِي، وَتُجَازِي آلَاؤَكَ يَا مَوْلَايَ، وَتُكَافِئُ
دیگری را پس چه زمان نعمتهایت بشماره در آید ای معبود من و سپاسگزاری شود به عطاهایت ای سرور من و پاداش
داده شود

صَنَائِعُكَ يَا سَيِّدِي، وَمِنْ نِعَمِكَ يَحْمَدُ الْحَامِدُونَ، وَمِنْ شُكْرِكَ
به داده های ای آقای من و آن هم از نعمتهای تو است که ستایش کنند ستایش کنندگان و از سپاس تو است
يَشْكُرُ الشَّاكِرُونَ، وَأَنْتَ الْمُعْتَمِدُ لِلذُّنُوبِ فِي عَفْوِكَ، وَالتَّائِبُ إِلَى
که سپاسگزاری کنند سپاسگزاران و تویی که مورد اعتمادی در گذشتت از گناهان و گستراننده بر
الْخَاطِئِينَ جَنَاحَ سِتْرِكَ، وَأَنْتَ الْكَاشِفُ لِلضَّرِّ بِبَيْدِكَ، فَكَمْ مِنْ سَيِّئَةٍ
خطاکاران بالهای پرده پوشیت را و تویی برطرف کننده سختی به قدرت چه بسیار گناهی که
أَخْفَاهَا حِلْمُكَ حَتَّى دَخَلَتْ، وَحَسَنَتِ ضَاعَفَهَا فَضْلُكَ حَتَّى عَظُمَتْ
پوشاند آن را بردباریت تا اینکه از بین رفت و کار نیکی که چند برابرش کرد فضل تو تا بزرگ گردید
عَلَيْهَا مُجَازَاتُكَ، جَلَلَتْ أَنْ يُخَافَ مِنْكَ إِلَّا الْعَدْلُ، وَأَنْ يُرْجَى مِنْكَ
برای آن پاداش تو، تو برتری از آنکه از تو بترسند جز از عدالتت و از اینکه
إِلَّا الْإِحْسَانَ وَالْفَضْلَ، فَاْمُنُّنْ عَلَيَّ بِمَا أَوْجَبَهُ فَضْلُكَ، وَلَا تَخْذُلْنِي
جز احسان و فضل چیز دیگری از تو امید رود، منت بنه بر من بدانچه لازمه فضل تو است و زبونم مکن

بِمَا يَحْكُمُ بِهِ عَذْلُكَ، سَيِّدِي لَوْ عَلِمْتَ الْأَرْضُ بِذُنُوبِي لَسَاخَتْ بِي،
 بدانچه عدالتت بدان حکم کند اي آقاي من اگر براستی زمين از گناهان من آگاه بود حتماً مرا در خود فرو برده بود
 أَوْ الْجِبَالُ لَهْدَثَنِي، أَوْ السَّمَوَاتُ لَاخْتَطَفَتَنِي، أَوْ الْبَحَارُ لَأَغْرَقَتَنِي،
 يا اگر کوهها بدانها اطلاع داشت مرا درهم مي شکست يا اگر آسمانها مي دانستند مرا رار بوده بودند يا اگر درياها مي دانست
 مرا

سَيِّدِي سَيِّدِي سَيِّدِي، مَوْلَايَ مَوْلَايَ مَوْلَايَ، قَدْ تَكَرَّرَ وَقُوفِي
 درامواج خود غرق مي کرد اي آقاي من ... و اي مولا و سرور من... براستی بارها شد
 لِضِيَاغَتِكَ، فَلَا تَحْرِمْنِي مَا وَعَدْتَ الْمُتَعَرِّضِينَ لِمَسْئَلَتِكَ، يَا
 كه به مهمانيت آمدم پس محروم مكن از آنچه به درخواست كنندگان وعده فرمودي اي
 مَعْرُوفَ الْعَارِفِينَ، يَا مَعْبُودَ الْعَابِدِينَ، يَا مَشْكُورَ الشَّاكِرِينَ، يَا
 مورد شناسائي براي عارفان و اي معبود عبادت كنندگان و اي مورد سپاس سپاسگزاران و اي
 جَلِيسَ الذَّاكِرِينَ، يَا مَحْمُودَ مَنْ حَمِدَهُ، يَا مَوْجُودَ مَنْ طَلَبَهُ، يَا
 همنشين اهل ذكر اي ستوده ستايش كنندگان اي حاضر نزد آن كس كه تو را جويد اي
 مَوْصُوفَ مَنْ وَحَدَهُ، يَا مَحْبُوبَ مَنْ أَحَبَّهُ، يَا غَوْثَ مَنْ أَرَادَهُ، يَا
 توصيف شده كسي كه بيبگانگي او را پي رستد اي محبوب دوستدارش اي فريادرس هر كه آهنگش كند اي
 مَقْصُودَ مَنْ أَنَابَ إِلَيْهِ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ الْغَيْبَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَصْرِفُ
 مقصد كسي كه بسويش بازگردد اي كه نداند غيب را جز او اي كه نگرداند بدي
 السُّوءَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يُدَبِّرُ الْأَمْرَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ إِلَّا هُوَ،
 (و بلاء) را جز او اي كه تدبير كار را نكند جز او اي كه نيامرزد گناه را جز او
 يَا مَنْ لَا يَخْلُقُ الْخَلْقَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يُنْزِلُ الْغَيْثَ إِلَّا هُوَ، صَلِّ عَلَي
 اي كه نيافريند خلق را جز او كه فرو نفرستد باران را جز او درود فرست بر
 مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ، رَبِّ اِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ
 محمد و آل محمد و بيامرز مرا اي بهترين آمرزندگان پروردگارا از تو آمرزش خواهم
 اسْتَغْفَارَ حَيًّا، وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتَغْفَارَ رَجَاءٍ، وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتَغْفَارَ إِنَابَةٍ،

آمرزش شرمساري و حياء و از تو آمرزش خواهم آمرزش اميدواري و از تو آمرزش خواهم آمرزش توبه جوئي و بازگشت

وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَارَ رَغْبَةٍ، وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَارَ رَهْبَةٍ وَأَسْتَغْفِرُكَ

و از تو آمرزش خواهم آمرزش از روي اشتياق و از تو آمرزش خواهم آمرزش از روي بيم و هراس و از تو آمرزش خواهم

اسْتِغْفَارَ طَاعَةٍ، وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَارَ إِيْمَانٍ، وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَارَ إِقْرَارٍ،

آمرزش از روي طاعت و فرمانبرداري و از تو آمرزش خواهم آمرزش از روي ايمان و از تو آمرزش خواهم آمرزش از روي اقرار (بگناه)

وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَارَ إِخْلَاصٍ، وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَارَ تَقْوَى، وَأَسْتَغْفِرُكَ

و از تو آمرزش خواهم آمرزش از روي اخلاص و از تو آمرزش خواهم آمرزش تقوي و پرهيزكاري و از تو آمرزش خواهم

اسْتِغْفَارَ تَوَكُّلٍ، وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَارَ ذِلَّةٍ، وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَارَ عَامِلٍ،

آمرزش از روي توكل و از تو آمرزش خواهم آمرزش از روي خواري و از تو آمرزش خواهم آمرزش كسي كه براي كار

لَكَ هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتُبْ عَلَيَّ

كرده و از (ترس) تو بسوي خودت گريخته پس درود فرست بر محمد و آل محمد و توجه كن بر من

وَعَلَيَّ وَالِدَيَّ بِمَا ثَبَتَ وَتَثُوبٌ عَلَيَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ، يَا أَرْحَمَ

و بر پدر و مادرم بدانچه توجه كرده و بازگريدي بر همه خلق خود اي مهربانترين

الرَّاحِمِينَ، يَا مَنْ يُسَمِّي بِالْعَفْوِ الرَّحِيمِ، يَا مَنْ يُسَمِّي بِالْعَفْوِ

مهربانان اي كه نامور گشتي به آمرزنده مهربان اي كه نامور گشتي به آمرزنده

الرَّحِيمِ، يَا مَنْ يُسَمِّي بِالْعَفْوِ الرَّحِيمِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

مهربان اي كه نامور گشتي به آمرزنده مهربان درود فرست بر محمد و آل محمد

وَأَقْبَلْ تَوْبَتِي، وَزَكِّ عَمَلِي وَاشْكُرْ سَعْيِي، وَارْحَمْ ضَرَاعَتِي، وَلَا

و بپذير توبه ام را و پاك كن كردارم را و قدرداني كن از سعي و كوششم و رحم كن به تضرع و زاريم

تَحْجُبْ صَوْتِي، وَلَا تُحَيِّبْ مَسْئَلَتِي، يَا غَوْثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، وَأَبْلِغْ

و در پرده (بی توجهی خود) قرار مده آوازم را و نومید مکن درخواستم را ای فریادخواهان و برسان
 اِئْتِنِي سَلَامِي وَدُعَائِي، وَشَفِّعُهُمْ فِي جَمِيعِ مَا سَأَلْتُكَ، وَأَوْصِلْ
 به امامان و پیشوایانم سلام و دعای مرا و شفیع ساز آنها را برای من در تمام آنچه از تو درخواست کردم و برسان
 هَدَيْتِي إِلَيْهِمْ كَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ، وَزِدْهُمْ مِنْ ذَلِكَ مَا يَنْبَغِي لَكَ
 هدیه مرا به ایشان بدانسان که شایسته مقام آنها است و بیفزای آنها آنچه را تو سزاوار آنی
 بِأَضْعَافٍ لَا يُحْصِيهَا غَيْرُكَ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ،
 به چندین برابر که شماره اش نتواند جز تو و جنبش و نیروئی نیست جز به خدای والای بزرگ
 وَصَلَّى اللَّهُ عَلَي أَطْيَبِ الْمُرْسَلِينَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ. × مؤلف گوید
 و درود خدا بر پاکیزه ترین فرستادگان محمد و آل پاکش * * * * *
 که علامه مجلسی در بحار از بعض مؤلفات قدماي اصحاب زیارتی برای حضرت امام رضا علیه السلام نقل کرده که معروف است
 به جوادیه و در آخر آن زیارت است که نماز زیارت بجا آور و تسبیح کن و هدیه نما آنها را به آن حضرت پس بگو: «اللَّهُمَّ
 إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ الدَّائِمَ» و این دعا را تا به آخر نقل کرده پس هرگاه در آن مشهد مقدس آن زیارت را خواندی این
 دعا را ترك مکن زیارت دیگر زیارتی است که ابن قولویه از بعض ائمه علیهم السلام روایت کرده که فرمودند چون بنزد
 قبر امام رضا علیه السلام بروی بگو اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا
 * * * * * خدایا درود فرست بر علی بن موسی الرضا
 الْمُرْتَضَى، الْإِمَامَ التَّقِيَّ النَّقِيِّ، وَحُجَّتَكَ عَلَي مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ وَمَنْ
 آن امام پسندیده با تقوای پاک و حجت تو بر هر که روی زمین و هر که
 تَحْتَ الثَّرَى، الصَّدِّيقَ الشَّهِيدَ، صَلَوَةً كَثِيرَةً تَامَّةً زَاكِئَةً مُتَوَاصِلَةً
 در زیر زمین است آن راستگوی شهید درودی بسیار و تام و تمام و پاکیزه و پیوسته
 مُتَوَاتِرَةً مُتَرَادِفَةً، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَي أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ. زیارت
 و پی در پی و دنبال هم مانند بهترین درودی که می فرستی بر یکی از دوستان * * * * *
 دیگر زیارتی است که شیخ مفید در مُقْنَعَه نقل کرده فرموده می ایستی نزد قبر آنحضرت بعد از آنکه غُسل زیارت کرده
 باشی و پاکیزه ترین جامه های خود را پوشیده باشی و می گوئی :
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ
 سلام بر تو ای ولی (و نماینده) خدا و فرزند ولی او سلام بر تو ای حجت خدا و فرزند

حُجَّتِهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اِمَامَ الْهُدَى وَالْعُرْوَةَ الْوُثْقَى، وَرَحْمَةُ اللهِ

حجت او سلام بر تو ای پیشوای هدایت و رشته محکم حق، و رحمت خدا

وَبَرَكَاتُهُ، اَشْهَدُ اَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَيَّ مَا مَضَى عَلَيْهِ اَبَاؤُكَ الطَّاهِرُونَ،

و برکاتش نیز بر تو باد گواهی دهم که تو به همان راهی رفتی که پدران پاکت بدان راه رفتند

صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمْ لَمْ تُؤْثِرْ عَمِيَ عَلَيَّ هُدًى، وَلَمْ تَمِلْ مِنْ حَقِّ اِلَى

- درودهای خدا بر ایشان باد - اختیار نکردی کوری (گمراهی) را بر هدایت و تمایل نگشتی از حق بسوی

باطلٍ، وَاَنَّكَ نَصَحْتَ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ، وَاَدَّيْتَ الْاَمَانَةَ، فَجَزَاكَ اللهُ عَنِ

باطل و تو براسستی خیرخواهی کردی برای خدا و پیامبرش و پرداختی امانت را پس خداوند پاداشت دهد از

الْاِسْلَامِ وَاَهْلِهِ خَيْرَ الْجَزَاءِ، اَتَيْتُكَ بِاَبِي وَاُمِّي زَائِرًا عَارِفًا بِحَقِّكَ،

دین اسلام و مسلمانان به بهترین پاداش، آمده‌ام - پدرم و مادرم به فدایت - به درگاه تو برای زیارت با معرفت به حق تو

مُوَالِيًا لِّاَوْلِيَائِكَ، مُعَادِيًا لِاَعْدَائِكَ فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ، پس بجسبان

و دوستدارم دوستانت را و دشمنم با دشمنانت پس شفاعت کن از من در نزد پروردگارت * * * * *

خود را به قبر و بیوس آنرا و بگذار دو طرف روی خود را بر آن پس بگرد به جانب سر و بگو

* * * * *
* * * * *

اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَوْلَايَ يَا بَنَ رَسُولِ اللهِ، وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ، اَشْهَدُ

سلام بر تو ای مولا و سرور من ای فرزند رسول خدا و رحمت خدا و برکاتش بر تو باد گواهی دهم

اَنَّكَ الْاِمَامُ الْهَادِي، وَالْوَلِيُّ الْمُرْشِدُ، اَبْرَأُ اِلَى اللهِ مِنْ اَعْدَائِكَ،

که تویی امام راهنما و سرپرست با رشد و هدایت بیزاری جویم بدرگاه خداوند از دشمنانت

وَاتَّقَرَّبُ اِلَى اللهِ بِوَلَايَتِكَ، صَلَّيَ اللهُ عَلَیْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ .

و تقرب جویم بدرگاه خدا بوسیله دوستی تو درود خدا و رحمت خدا و برکاتش بر تو باد

پس دو رکعت نماز زیارت بجا آور و بعد از آن هرچه خواستی نماز کن و بگرد به طرف پا پس دعا کن به آنچه می خواهی

انشاء الله مؤلف گوید که زیارت آن حضرت در ایام و اوقات شریفه مختصه به آن حضرت فضیلت بسیار دارد خصوصاً

در ماه رجب و بیست و سیم ذی القعدة و بیست و پنجم آن و ششم ماه رمضان چنانکه در محل خود در اعمال ماهها

ذکر شد و غیر این روزها از ایام دیگر که به آن حضرت اختصاصی دارد و چون خواستی وداع کنی آن حضرت را

پس بگو آنچه را که در وداع حضرت رسول صلی الله علیه و آله می گفتی: لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ

* * * * *

* * قرار ندهد خداوند این

تَسْلِمِي عَلَيْكَ × واگر خواستی بگو اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ

سلام را آخرین سلام من بر تو × × × × سلام بر تو ای نماینده خدا و رحمت خدا

وَبَرَكَاتُهُ، اَللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي ابْنَ نَبِيِّكَ،

و برکاتش نیز بر تو باد خدا یا قرار مده این بار را آخرین بار زیارت من از فرزند پیامبرت

وَحُبَّتِكَ عَلَيَّ خَلْقِكَ، وَاجْمَعْنِي وَإِيَّاهُ فِي جَنَّتِكَ، وَاحْشُرْنِي مَعَهُ

و حجت تو بر خلقت و گرد آور من و او را در بهشت و محشورم کن با او در

وَفِي حَزْبِهِ مَعَ الشَّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، وَحَسِّنْ أَوْلِيَّكَ رَفِيقًا،

زمره حزب او با شهیدان و مردان شایسته و آنها نیکو رفیقانی هستند

وَأَسْتَوِدِعُكَ اللَّهُ وَأَسْتَرْعِيكَ، وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ، آمَنَّا بِاللَّهِ

و تو را به خدا می سپارم و رعایتت را نسبت به خود خواهانم و سلام بر تو می رسانم، ایمان داریم به خدا

وَبِالرَّسُولِ، وَمِمَّا جِئْتَ بِهِ وَذَكَلْتَ عَلَيْهِ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ .

و به رسول خدا و بدانچه تو آوردی و بدان راهنمائی کردی پس نام ما را در زمره گواهان ثبت فرما

مؤلف گوید که در اینجا چند مطلب است که شایسته و مناسب است ذکرش اول بسند معتبر از حضرت امام علی

نقی علیه السلام منقول است که هر که را بسوی خدا حاجتی بوده باشد پس زیارت کند قبر جدّم حضرت امام رضا علیه

السلام را در شهر طوس و حال آنکه غسل کرده باشد و نزد سر آن حضرت دو رکعت نماز بکند و در قنوت نماز حاجت

خود را بطلبد پس بدرستی که مستجاب می شود مگر آنکه از برای گناهی یا قطع رحمی سؤال کند بدرستی که موضع قبر

آن حضرت بقعه ای است از بقعه های بهشت و هیچ مؤمنی او را زیارت نمی کند مگر آنکه حق تعالی او را از آتش جهنّم

آزاد می کند و داخل بهشت می گرداند دوّم علامه مجلسی نقل کرده از خطّ شیخ جلیل شیخ حسین بن عبدالصمد والد

شیخ بهایی که شیخ ابوالطیب حسین بن احمد فقیه رازی رحمه الله ذکر نموده که هر کس زیارت کند حضرت امام رضا یا

دیگر از ائمه علیهم السلام را پس در نزد آن امام به جای آورد نماز جعفر را برای او نوشته شود به هر رکعتی ثواب

کسی که هزار حجّ و هزار عمره بجا آورده باشد و هزار بنده در راه خدا آزاد کرده باشد و هزار مرتبه به جهاد ایستاده

باشد با پیغمبر مرسل و برای اوست به هر گامی که برمی دارد ثواب صد حج و صد عمره و صد بنده آزاد کردن در راه خدای تعالی و نوشته شود برای او صد حسنه و محو شود از او صد سیئه و کیفیت نماز جعفر در اعمال روز جمعه گذشت سیم روایت شده از محوّل سجستانی که چون مأمون طلب کرد امام رضا علیه السلام را از مدینه به خراسان حضرت به جهت وداع با قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله داخل مسجد شد و مکرّر با قبر آن حضرت وداع می کرد و بیرون می آمد و برمی گشت نزد قبر و در هر دفعه صدای مبارکش به گریه بلند بود من نزدیک آن حضرت رفتم و سلام کردم بر او جواب داد پس تهنیت گفتم او را به آن سفر فرمود مرا زیارت کن همانا من بیرون می شوم از جوار جدّم و می میرم در غربت و دفن می شوم در پهلوی هارون و شیخ یوسف بن حاتم شامی در ذرّ التّظیم فرموده که روایت کردند جماعتی از اصحاب امام رضا علیه السلام که آن حضرت فرمود زمانی که من خواستم بیرون بیایم از مدینه بسوی خراسان جمع کردم عیال خود را و امر نمودم ایشان را که بر من گریه کنند تا بشنوم گریه ایشان را پس تقسیم کردم در بین ایشان دوازده هزار دینار و گفتم به ایشان که من بر نمی گردم بسوی عیالم هرگز پس گرفتم ابوجعفر جواد را و بردم او را به مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله و گذاشتم دست او را بر کنار قبر و چسبانیدم او را به آن قبر شریف و خواستم حفظ او را به سبب رسول خدا صلی الله علیه و آله و امر کردم جمیع و کیلان و حشم خود را به شنیدن و اطاعت فرمایش او و آنکه مخالفت او را نمایند و فهمانیدم ایشان را که او قایم مقام من است و سیّد عبدالکریم بن طاوس روایت کرده که زمانی که مأمون حضرت امام رضا علیه السلام را طلبید از مدینه به خراسان حضرت حرکت فرمود از مدینه بسوی بصره و به کوفه رفت و از بصره توجّه فرمود بر طریق کوفه به بغداد و از آنجا به قم و داخل قم شد اهل قم پیشباز آن حضرت آمدند و با هم مخاصمه می کردند در باب ضیافت آن حضرت و هرکدام میل داشتند که آن بزرگوار بر او وارد شود حضرت فرمود که شتر من مأمور است یعنی هر کجا او فرود آمد من آنجا وارد می شوم پس آن شتر آمد تا در یک خانه خوابید و صاحب آن خانه در شب آن روز در خواب دیده بود که حضرت امام رضا علیه السلام فردا میهمان او خواهد بود پس چندی نگذشت که آن محل مقام رفیعی گشت و در زمان ما مدرسه معموره است و شیخ صدوق بسند خود از اسحق بن راهویه نقل کرده که گفت چون امام رضا علیه السلام به نیشابور آمد و خواست از آنجا حرکت نماید جمع شدند خدمت آن حضرت اصحاب حدیث و عرض کردند یا بن رسول الله تو از نزد ما می روی و برای ما یک حدیثی نمی فرمایی که ما استفاده کنیم آنرا از جناب تو آن حضرت در عماري نشست بود سر خود را بیرون نمود و فرمود شنیدم پدرم موسی بن جعفر فرمود شنیدم پدرم جعفر بن محمد فرمود شنیدم پدرم محمد بن علی فرمود شنیدم پدرم علی بن الحسین فرمود شنیدم پدرم حسین بن علی فرمود شنیدم پدرم امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیهم السلام فرمود شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود شنیدم جبرئیل می گفت شنیدم خداوند عزّوجل فرمود «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ

دَخَلَ حِصْنِي أَمِنْ مِنْ عَذَابِي» این حدیث شریف را فرمود و حرکت نمود چون شتر راه افتاد صدا زد ما را و فرمود بِشُرُوطِهَا وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا و ابوالصلت روایت کرده که چون امام رضا علیه السلام به ده سرخ رسید در وقتی که به نزد مأمون می‌رفت گفتند یا بن رسول الله ظهر شده است نماز نمی‌کنید پس فرود آمد و آب طلبید گفتند آب همراه نداریم پس بدست مبارک خود زمین را کاوید آنقدر آب جوشید که آن حضرت و هر که با آن حضرت بود وضو ساختند و اثرش تا امروز باقیست و چون داخل سناباد شد پشت مبارک خود را گذاشت به کوهی که دیگها از آن می‌تراشند و فرمود که خداوند نفع ببخش به این کوه و برکت ده در هر چه در ظرفی گذارند که از این کوه تراشند و فرمود که از برای آن حضرت دیگها از سنگ تراشیدند و فرمود که طعام آن حضرت را نیزند مگر در آن دیگها پس از آن روز مردم دیگها و ظرفها از آن تراشیدند و برکت یافتند چهارم صاحب مطلع الشمس نقل کرده که در بیست و پنجم ذی الحجه سنه هزار و شش شاه عباس اول وارد مشهد مقدس گردید دید که حرم مطهر را عبدالمؤمن خان اوزبکی غارت کرده و سواي محجّر طلا دیگر چیزی در آنجا نگذاشته و در بیست و هشتم ذی الحجه از مشهد به هرات رفت و هرات را استرداد کرده بعد از نظم آنجا رجعت به مشهد نمود يك ماه در آنجا توقّف نموده و صحن مقدّس را مرمت کرده و خدام بقعه مبارکه را احسان و رعایت فرموده معاودت به عراق فرمود در اواخر سنه هزار و هشت مجدداً شاه عباس به مشهد مقدّس رفته زمستان را در آنجا گذرانید و خدمت خادم باشی گری آستانه مقدّسه را خود متقلّد و مشغول بود چنانچه شبی با مقرّاض سر شمعها را می‌گرفت شیخ بهایی علیه الرّحمه بالبدیهة این رباعی را انشاد کرد :

پیوسته بُودَ ملايك علیین

پروانه شمع روضه خُلد آیین

مقرّاض به احتیاط زن ای خادم

ترسم ببری شهپر جبریل امین

و در سنه هزار و نه بنا به نذری که شاه عباس کرده بود که پیاده به مشهد برود پیاده به مشهد مشرف گشت و در

بیست و هشت روز آن مسافت بعیده را قطع فرمود صاحب تاریخ عالم آرا این اشعار در این باب نگاشته :

غلام شاه مردان شاه عباس

شه والا گُهر خاقان امجد

بطوف مرقد شاه خراسان

پیاده رفت با اخلاص بیحدّ

تا آنکه گفت :

پیاده رفت شد تاریخ رفتن

ز اصفاهان پیاده تا بمشهد (۱۰۰۹)

و چون به مشهد مقدس رسید صحن مبارک را وسعت داد و ایوان علی شیر که درگاه روضه متبرکه از آنجا بوده و در یک گوشه صحن اتفاق افتاده بود و بدنا بود در وسط قرار داد و ایوانی مقابل آن در طرف دیگر بساخت و خیابانی از دروازه غربی شهر تا شرقی طرح کردند که از هر طرف به صحن رسیده از میان ایوانها بگذشت و چشمه‌ها و قنوات احداث کرده به شهر آورد و نهری از میان خیابان و حوضی بزرگ در وسط صحن احداث نمود که آب از حوض گذشته به خیابان شرقی جاری شود و در بناهای مذکور کتیبه‌ها به خط میرزا محمد رضای صدرالکتاب و علیرضای عباسی و محمدرضای امامی رسم شد و هم شاه عباس قبه مطهره را به طلا تذهیب کرد چنانچه در کتیبه قبه مطهره به آن اشاره شده و صورت آن کتیبه چنین است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، مِنْ عَظَائِمِ تَوْفِيقَاتِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ، أَنْ وَفَّقَ السُّلْطَانَ

به نام خدای بخشاینده مهربان از توفیقات بزرگ خدای سبحان این بود که موفق داشت

الْأَعْظَمَ، مَوْلَى مُلُوكِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ، صَاحِبِ التَّسْبِ الطَّاهِرِ النَّبَوِيِّ، وَالْحَسَبِ

پادشاه بزرگ و سرور پادشاهان عرب و عجم دارای نسب پاک نبوی

الْبَاهِرِ الْعَلَوِيِّ، تَرَابِ أَقْدَامِ خُدَّامِ هَذِهِ الْعَتَبَةِ الْمُطَهَّرَةِ اللَّاهُوتِيَّةِ، غُبَارِ نَعَالِ

و حسب تابناک علوی خاک قدم خدام این عتبه پاکیزه آسمانی و غبار کفشهای زائرین این روضه

زُوَارِ هَذِهِ الرُّوضَةِ الْمُنَوَّرَةِ الْمَلَكُوتِيَّةِ، مُرَوِّجِ آثَارِ أَجْدَادِهِ الْمُعْصُومِينَ،

نورانی ملکوتی رواج دهنده آثار اجداد معصومش

السُّلْطَانِ بْنِ السُّلْطَانِ، أَبُو الْمُظَفَّرِ شَاهِ عَبَّاسِ الْحُسَيْنِيِّ الْمَوْسَوِيِّ الصَّفَوِيِّ

سلطان پسر سلطان پادشاه پیروزمند شاه عباس حسینی موسوی صفوی

بِهَادِرْ خَانَ، فَاسْتَسَعَدَ بِالْمَجِيِّ مَاشِيًا عَلَى قَدَمَيْهِ مِنْ دَارِ السُّلْطَنَةِ إِصْفَهَانَ،

بهادر خان پس سعادت یافت به آمدن با پای پیاده از پایتخت کشور یعنی اصفهان

إِلَى زِيَارَةِ هَذَا الْحَرَمِ الْأَشْرَفِ، وَقَدْ تَشَرَّفَ بِزِيَارَةِ هَذِهِ الْقُبَّةِ مِنْ خُلُصِ

به زیارت این حرم شریف و تشرف حاصل کرد به تزین این گنبد از مال خالص

مَالِهِ فِي سَنَةِ أَلْفٍ وَعَشْرٍ، وَكَمَّ فِي سَنَةِ أَلْفٍ وَسِتٍّ وَعَشْرٍ.

خود در سال هزار و ده و اتمام پذیرفت در سال هزار و شانزده

پنجم شیخ طبرسی در اعلام‌الوری بعد از ذکر جمله‌ای از معجزات حضرت امام رضا علیه السلام گفته و اما آنچه ظاهر شده برای مردم از بعد از شهادت آن حضرت تا زمان ما از برکت مشهد مقدس آن حضرت و علامات و عجایبی که مشاهده کردند خلق بسیار و عام و خاص تصدیق آن نمودند و مخالف و مؤلف اقرار به آن نمودند بسیار بلکه از حد حصر خارج است و همانا در آن مشهد مقدس کور مادرزاد و ابرص شفا یافتند و دعاها مستجاب شده و حاجات برآورده شده و شدائد و مُلَمَّات برطرف شده و ما بسیاری از اینها را خود مشاهده کردیم و علم و یقینی که شک در آن راه نیابد پیدا نمودیم و شیخ اجل شیخ حرّ عاملی در اثبات الهداة بعد از نقل این کلام از شیخ طبرسی فرموده که مؤلف این کتاب محمد بن الحسن الحرّمی گوید که من دیدم و مشاهده کردم بسیاری از این معجزات را همچنانکه شیخ طبرسی مشاهده نموده و یقین برای من حاصل شد همچنانکه برای او یقین حاصل شده بود در مدت مجاورت من در مشهد مقدس که بیست و شش سال می‌شود و شنیدم چیزهایی در این باب که از حدّ تواتر گذشته و در خاطر ندارم که من دعا کرده باشم در این مشهد و از خدا حاجتی خواسته باشم مگر آنکه برآورده شده الحمدلله و تفصیل را مقام گنجایش ندارد لهذا اکتفا کردیم به اجمال مؤلف این کتاب عباس قمی گوید که در هر زمان آنقدر کرامات و معجزات از این روضه مقدسه ظاهر می‌شود که احتیاج به نقل وقایع گذشته نیست و ما در باب دویم در اعمال شب بیست و هفتم رجب اشاره کردیم به چیزی که مناسب این مقام بود و فعلاً مقام را گنجایش تطویل نیست بهتر آنکه این فصل را به همین جا ختم کنیم و این چند شعر را که از جامی نقل شده در مدح آن حضرت نقل نماییم:

سَلامٌ عَلٰی آلِ طه وِیس

سَلامٌ عَلٰی آلِ خَیْرِ النَّبِیِّیْنَ

سلام بر خاندان طه و یاسین

سلام بر خاندان بهترین پیمبران

سَلامٌ عَلٰی رَوْضَةِ حَلِّ فِیْهَا

إِمَامٌ یُّبَاهِی بِهِ الْمُلُکُ وَالْدِّیْنُ

سلام بر روضه‌ای که مسکن گرفت در آن

امامی که افتخار کند بدان مُلک و دین

امام بحق شاه مطلق که آمد

حریم درش قبله‌گاه سلاطین

شه کاخ عرفان گل شاخ احسان

دُر دُرچ امکان مه بُرج تمکین
علیّ بن موسی الرضا کز خدایش
رضا شد لقب چون رضا بودش آیین
ز فضل و شرف بینی او را جهانی
اگر نبودت تیره چشم جهان بین
پی عطر روبند حُوران جنت
غبار درش را بگیسوی مشکین
اگر خواهی آری بکف دامن او
برو دامن از هر چه جز اوست بر چین

فصل دهم در زیارت ائمه سرّ من رای علیهم السلام

و اعمال سرداب مطهر و در آن دو مقام است مقام اوّل در زیارت دو امام معصوم حضرت امام علیّ نقی و حضرت امام حسن عسکری صلوات الله علیهما چون وارد شدی بسرّ من رای انشاء الله و خواستی زیات کنی آن دو امام همام علیهما السلام را پس غسل کن و بعد از آن رعایت آداب دخول حرّمهای شریفه با تائی و وقار روانه شو تا به در حرم مطهر و اذن دخول عمومی را که در اوایل این باب ذکر شد بخوان پس داخل حرم شو و زیارت کن آن دو بزرگوار را به این الفاظ که اصحّ زیارتست: اَلسَّلَامُ عَلَیْکُمَا یا وَلِیَّی اللّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْکُمَا یا حُجَّتَی سلام بر شما ای دو ولیّ (و دو نماینده) خدا سلام بر شما ای دو حجت اللّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْکُمَا یا ثَوْرَی اللّهِ فی ظُلُمَاتِ الارضِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْکُمَا یا مَنْ خدا سلام بر شما ای دو نور خدا در تاریکیهای زمین سلام بر شما ای دو بزرگوار که نمایان کرد خداوند بَدَا لِلّهِ فی شَأْنِکُمَا، اَتَیْتُکُمَا زَائِراً عَارِفاً بِحَقِّکُمَا، مُعَادِیاً لِأَعْدَائِکُمَا، مُوَالِیاً اراده اش را درباره شما آمده ام به زیارتتان با معرفت به حقتان و دشمنم با دشمنانتان و دوست دارم لِأَوْلِیَائِکُمَا، مُؤْمِناً بِمَا آمَنْتُمَا بِهِ، کَافِراً بِمَا کَفَرْتُمَا بِهِ، مُحَقِّقاً لِّمَا دوستانتان را و مؤمنم به آنچه شما به آن ایمان آوردید و کافرم بدانچه شما بدان کافر شدید حق می دانم آنچه را حَقِّقْتُمَا، مُبْطِلاً لِّمَا أَبْطَلْتُمَا، أَسْأَلُ اللّهُ رَبَّی وَرَبَّکُمَا أَنْ یَجْعَلَ حَظَّی

شما حق دانید و باطل دانم آنچه را شما باطل دانستید درخواست کنم از خدا پروردگار خود و پروردگار شما که قرار دهد بهره مرا

مِنْ زِيَارَتِكُمَا الصَّلَاةَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ يُرْزُقَنِي مُرَافَقَتَكُمَا

از زیارت شما دو بزرگوار درود بر محمد و آلش و دیگر آنکه روزی من کند رفاقت شما را

فِي الْجَنَانِ مَعَ آبَائِكُمَا الصَّالِحِينَ، وَاسْأَلُهُ أَنْ يُعْتِقَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ،

در بهشت با پدران شایسته شما و از او خواهم که آزاد گرداند جانم را از آتش دوزخ

وَيَرْزُقَنِي شَفَاعَتَكُمَا وَمُصَاحَبَتَكُمَا، وَيُعَرِّفَ بَيْنِي وَبَيْنَكُمَا، وَلَا

و روزیم گرداند شفاعت شما و همراهی شما را و شناسائی و آشنائی برقرار کند میان من و شما و

يَسْلُبْنِي حُبَّكُمَا وَحُبَّ آبَائِكُمَا الصَّالِحِينَ، وَأَنْ لَا يَجْعَلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ

از من نگیرد دوستی شما و دوستی پدران شایسته شما را و قرار ندهد این زیارت را آخرین بار

مِنْ زِيَارَتِكُمَا، وَيَحْشُرُنِي مَعَكُمْ فِي الْجَنَّةِ بِرَحْمَتِهِ، اَللّهُمَّ

زیارت شما و محشور گرداند مرا با شما در بهشت به رحمت خود خدایا

ارْزُقْنِي حُبَّهُمَا، وَتَوَفَّنِي عَلَي مِلَّتِهِمَا، اَللّهُمَّ اَلْعَنْ ظَالِمِي آلِ مُحَمَّدٍ

روزیم گردان دوستی این دو بزرگوار را و بمیرانم بر کیش آنان خدایا لعنت کن بر ستم کنندگان به حق آل محمد

حَقَّهُمْ، وَانْتَقِمْ مِنْهُمْ، اَللّهُمَّ اَلْعَنْ الْأَوَّلِينَ مِنْهُمْ وَالْآخِرِينَ، وَضَاعِفُ

و انتقام گیر از آنها خدایا لعنت کن بر اولین و آخرین آنها و دو چندان کن

عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ، وَأَبْلُغْ بِهِمْ وَبِأَشْيَاعِهِمْ وَمُحِبِّهِمْ وَمُتَّبِعِيهِمْ أَسْفَلَ

بر آنان عذابت را و برسان آنها را و هم چنین پیروان و دوستان و هم مسلکانشان را به پست ترین

دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ، إِنَّكَ عَلَي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اَللّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ

درجات جهنم که براسی تو بر هر چیز توانائی خدایا شتاب کن در فرج نماینده

وَأَبْنِ وَلِيِّكَ، وَاجْعَلْ فَرَجَنَا مَعَ فَرَجِهِمْ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. و جهد مي کنی

و فرزند نماینده ات و گشایش کار ما را با ظهور و فرج ایشان قرار ده ای مهربانترین مهربانان * * * * *

در دعا کردن از برای خود و پدر و مادر خود و هر دعا که خواهی بکن و اگر توانی به نزدیک قبر ایشان بروی دو

رکعت نماز نزد قبر بکن و اگر نتوانی داخل مسجد شو و دو رکعت نماز بکن و هر دعا که خواهی بکن که مستجاب است

و این مسجد پهلوی خانه ایشان است و حضرت امام علیّ نقی و امام حسن عسکری علیهما السلام در آن نماز می کرده اند مؤلف گوید که این زیارت موافق روایت کامل الزیارة بود و شیخ محمد بن المشهدی و شیخ مفید و شهید نیز این زیارت را در مزار خود نقل کرده اند با اختلاف جزئی و بعد از فقره «فِي الْجَنَّةِ بِرَحْمَتِهِ» فرموده اند آنگاه برو و ببنداز خود را بر هر يك از آن دو قبر و ببوس آن را و بگذار طرف راست و چپ روی خود را بر قبر و بعد از آن سر بردار و بگو «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي حُبَّهُمْ وَتَوَفَّنِي عَلَيِّهِمْ» تا آخر زیارت که گذشت پس گفته اند که چهار رکعت نماز بگذار نزدیک سر مقدس و بعد از نماز زیارت هر قدر نماز که خواهی بگذار «الح» و مستور نماند که آن دو بزرگوار در خانه خود دفن شدند و برای آن دری بود که گاهی باز می کردند و شیعیان داخل می شدند و در نزد قبر زیارت می کردند و گاهی بسته بود و از بیرون مقابل شبّاکي که در دیوار مقابل قبر مطهر بود زیارت می کردند و در صدر همین خبر زیارت مذکور است که غسل می کنی و به نزد قبر ایشان می روی اگر توانی رفت و اگر نه اشاره می کنی بسلام مقابل شبکه که باز می شود بسوی قبر و چنین زائر نماز زیارت خود را در مسجد بکند و چون به همت موالیان آن خانه برداشته شد و به جای آن قبّه و حرم و رواق و ایوان ساخته شد آن مسجد داخل در حرم شد و الآن معروف است که ایوان مستطیل که در صحن پشت سر عسکریین علیهما السلام است متصل است به رواق همان مسجد مذکور است [بلکه نقل شده که رواق پشت سر مقدس و يك ذرع از حرم مطهر نیز مسجد است] بهر حال زوّار از این جهت آسوده شدند و برای آن دو بزرگوار زیارت مخصوصه بهر کدام و مشترك میان هر دو بزرگوار در کتب مزاریه مذکور است اگر راغب شدند نسخه آن بسیار است و اگر زائر را حالی و مجالی باشد مناسب است که زیارت جامعه کبیره را که بعد از این مذکور گردد انشاء الله تعالی بخواند زیرا که صدور آن کلمات بلیغه دارای تمام مراتب اظهار بندگی و تذلل و اعتراف به عظمت و جلالت ائمه از مصدر جلال حضرت هادی علیه السلام است و سید بن طاوس در مصباح الزائر برای هر يك از این دو بزرگوار زیارت مبسوطه با صلوات بر ایشان و دعای بعد از نماز زیارت نقل کرده که شایسته است نقل آن اگر چه موجب تطویل است زیرا که فواید بسیار در آن مندرج است فرمود هرگاه رسیدی به سرّ مَنْ رَأَى غسل کن در وقت رسیدن غسل زیارت و بیوش پاکیزه ترین جامه های خود را و روانه شو با تأئیی و وقار تا برسی بر در حرم شریف آنگاه که رسیدی طلب رُخصت کن و بگو: «أَدْخُلْ يَا نَبِيَّ اللَّهِ، أَدْخُلْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، أَدْخُلْ يَا فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءُ سَيِّدَةَ

آیا داخل شوم ای پیغمبر خدا آیا داخل شوم ای امیر مؤمنان آیا داخل شوم ای فاطمه زهرا

نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، أَدْخُلْ يَا مَوْلَايَ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ، أَدْخُلْ يَا مَوْلَايَ

بانوی زنان جهانیان آیا داخل شوم ای مولا و سرورم ای حسن بن علی آیا داخل شوم ای مولایم

الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ، أَدْخُلْ يَا مَوْلَايَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ، أَدْخُلْ يَا مَوْلَايَ مُحَمَّدَ

ای حسین بن علی آیا داخل شوم ای مولایم علی بن الحسین آیا داخل شوم ای مولایم محمد
 بُنِ عَلِيٍّ، ءَاذْخُلُ يَا مَوْلَايَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، ءَاذْخُلُ يَا مَوْلَايَ مُوسَى بْنُ
 بن علی آیا داخل شوم ای مولایم جعفر بن محمد آیا داخل شوم ای مولایم موسی بن
 جَعْفَرٍ، ءَاذْخُلُ يَا مَوْلَايَ عَلِيٌّ بْنُ مُوسَى، ءَاذْخُلُ يَا مَوْلَايَ مُحَمَّدُ بْنُ
 جعفر آیا داخل شوم ای مولایم علی بن موسی آیا داخل شوم ای مولایم محمد بن
 عَلِيٍّ، ءَاذْخُلُ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا الْحَسَنِ عَلِيٌّ بْنُ مُحَمَّدٍ، ءَاذْخُلُ يَا
 علی آیا داخل شوم ای مولایم ای ابا الحسن علی بن محمد آیا داخل شوم ای
 مَوْلَايَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ، ءَاذْخُلُ يَا مَلَائِكَةُ اللَّهِ الْمُؤَكِّلِينَ
 مولایم ای ابا محمد حسن بن علی آیا داخل شوم ای فرشتگان خدا

بِهَذَا الْحَرَمِ الشَّرِيفِ. پس داخل شو و در وقت داخل شدن پای راست را مقدم دار و

* * * * * که به این حرم شریف گماشته شده اید
 * * * * *

بایست نزد ضریح حضرت علی هادی علیه السلام رو به قبر و پشت به قبله و صد مرتبه اللَّهُ أَكْبَرُ بگو و

* * * * *
 * * * * *

بگو اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ الزَّكِيَّ الرَّاشِدَ، الثُّورَ

* * * سلام بر تو ای ابا الحسن علی بن محمد (امام) پاکیزه راهبر، و روشنی

النَّاقِبَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ

درخشان و رحمت خدا و برکاتش سلام بر تو ای برگزیده خدا سلام

عَلَيْكَ يَا سِرَّ اللَّهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبْلَ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا آلَ اللَّهِ،

بر تو ای راز (دار) خدا سلام بر تو ای رشته (محکم) خدا سلام بر تو ای (که در زمره) خاندان خدا (هستی)

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای انتخاب شده خدا سلام بر تو ای برگزیده خدا سلام بر تو

یا آمینَ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَقَّ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ،

ای امانتدار خدا سلام بر تو ای شایسته (درگاه) خدا سلام بر تو ای حبیب خدا

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ الْأَنْوَارِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَيْنَ الْأَبْرَارِ، اَلسَّلَامُ

سلام بر تو ای روشنی روشنیها سلام بر تو ای زیور نیکان سلام
عَلَيْكَ يَا سَلِيلَ الْأَخْيَارِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا غُنْصَرَ الْأَطْهَارِ، السَّلَامُ
بر تو ای فرزند نیکان سلام بر تو ای عنصر پاکان سلام
عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ الرَّحْمَنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رُكْنَ الْأَيْمَانِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
بر تو ای حجت خدای رحمان سلام بر تو ای رکن ایمان سلام بر تو
يَا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ الصَّالِحِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
ای سرور مؤمنان سلام بر تو ای سرپرست شایستگان سلام بر تو
يَا عِلْمَ الْهُدَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَلِيفَ التَّقَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمُودَ
ای پرچم هدایت سلام بر تو ای ملازم تقوی و پرهیزکاری سلام بر تو ای استوانه
الدِّينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَ سَيِّدِ
دین سلام بر تو ای فرزند خاتم پیمبران سلام بر تو ای فرزند آقایی
الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ،
اوصیاء سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا بانوی زنان جهانیان
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْأَمِينُ الْوَفِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الرَّضِيُّ
سلام بر تو ای امانتدار باوفا سلام بر تو ای پرچمدار پسندیده (دین)
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الزَّاهِدُ التَّقِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْحُجَّةُ عَلَيَّ
سلام بر تو ای پارسای با تقوی سلام بر تو ای حجت بر
الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا التَّالِي لِلْقُرْآنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا
همه خلق سلام بر تو ای تلاوت کننده (یا هم تلو) قرآن سلام بر تو ای
الْمُبَيِّنُ لِلْحَلَالِ مِنَ الْحَرَامِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ النَّاصِحُ، السَّلَامُ
بیان کننده حلال از حرام سلام بر تو ای سرپرست خیرخواه سلام
عَلَيْكَ أَيُّهَا الطَّرِيقُ الْوَاضِعُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّجْمُ اللَّائِحُ، أَشْهَدُ
بر تو ای راه روشن سلام بر تو ای اختر درخشان گواهی دهم
يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا الْحَسَنِ إِنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَي خَلْقِهِ، وَخَلِيفَتُهُ فِي
ای مولای من ای ابا الحسن که بطور مسلم توئی حجت خدا بر خلقش و جانشین او در

بَرِيَّتُهُ، وَأَمِينُهُ فِي بِلَادِهِ، وَشَهِدُهُ عَلَى عِبَادِهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ كَلِمَةُ
 آفَرِيدْگانش و امین او در شهرهایش و گواه او بر بندگانِش و گواهی دهم که توئی روح و حقیقت
 التَّقْوَى، وَبَابُ الْهُدَى، وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى، وَالْحُجَّةُ عَلَى مَنْ فَوْقَ
 تقوی و درگاه هدایت و رشته محکم حق و حجت بر هر که روی
 الْأَرْضِ وَمَنْ تَحْتَ الثَّرَى، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْمُطَهَّرُ مِنَ الذُّنُوبِ، الْمُبَرَّرُ
 زمین و هر که در زیر زمین است و گواهی دهم که تو پاکی از گناهان و مبرا هستی
 مِنَ الْغُيُوبِ، وَالْمُخْتَصُّ بِكَرَامَةِ اللَّهِ، وَالْمَحْبُوبُ بِحُجَّةِ اللَّهِ، وَالْمَوْهُوبُ
 از عیبها و مخصوص به کرامت خدا و اختصاص یافته به مرتبه حجت بودن خدا و به او بخشیده شده
 لَهُ كَلِمَةُ اللَّهِ، وَالرُّكْنُ الَّذِي يُلْجَأُ إِلَيْهِ الْعِبَادُ، وَتُحْيِي بِهِ الْبِلَادُ، وَأَشْهَدُ
 کلمه خدا و آن رکن و پایه‌ای که بندگان خدا به او پناه برند و زنده شود بوسیله‌اش شهرها و گواهی دهم
 يَا مَوْلَايَ آتِي بِكَ وَبِآبَائِكَ وَأَبْنَائِكَ مُوقِنٌ مُقَرَّرٌ، وَلَكُمْ تَابِعٌ فِي ذَاتِ
 ای مولای من که من نسبت به تو و به پدران و فرزندان یقین و اقرار دارم و پیرو شمایم در مورد
 نَفْسِي، وَشَرَايِعِ دِينِي، وَخَاتِمَةِ عَمَلِي، وَمُنْقَلَبِي وَمُنَوَايَ وَأَيُّ وَلِيٍّ
 خودم و قوانین و احکام دینم و سرانجام کردارم و جای بازگشت و منزلگاهم و من دوستدارم
 لِمَنْ وَالِائِكُمْ، وَعَدُوِّ لِمَنْ عَادَاكُمْ، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَعَلَا نِيَّتِكُمْ، وَأَوْلِيكُمْ
 کسی که شما را دوست دارد و دشمنم با کسی که شما را دشمن دارد ایمان دارم به راز درونی و آشکارتان و آغاز
 وَآخِرِكُمْ، بِأَيِّ أَتَتْ وَأُمِّي، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. پس

و انجاستان پدر و مادرم به فدایتان و سلام و رحمت خدا و برکاتش بر تو باد * * *

بیوس ضریح را و بگذار روی راست را بر آن پس طرف چپ رو را بگذار و بگو: اَللّهُمَّ

* * * * *

* * * * * خدایا

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ الْوَفِيِّ، وَوَلِيِّكَ

درود فرست بر محمد و آل محمد و درود فرست بر حجت با وفایت و نماینده

الرَّزْقِيِّ، وَأَمِينِكَ الْمُتَرْضِي، وَصَفِيِّكَ الْهَادِي وَصِرَاطِكَ الْمُسْتَقِيمِ،

پاکت و امانتدار پسندیده‌ات و برگزیده راهنمایت و راه راست

وَالْجَادَّةِ الْعُظْمَى، وَالطَّرِيقَةَ الْوُسْطَى، نُورِ قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَلِي
و بزرگترین جاده و معتدل ترین طریقه، روشنی دلهای مردمان با ایمان و سرور
الْمُتَّقِينَ، وَصَاحِبِ الْمُخْلِصِينَ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَي سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَاهْلٍ
پرهیزکاران و یار مردمان با اخلاص خدایا درود فرست بر آقای ما محمد و خاندانش
بَيْتِهِ، وَصَلِّ عَلَي عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الرَّاشِدِ الْمَعْصُومِ مِنَ الزَّلَلِ،
و درود فرست بر علی بن محمد آن راهبر معصوم از گناه و لغزش
وَالطَّاهِرِ مِنَ الْخُلَلِ، وَالْمُنْقَطِعِ إِلَيْكَ بِالْأَمَلِ، الْمَبْلُوءُ بِالْفِتَنِ، وَالْمُحْتَبَرِ
و پاک از عیب و خلل و آنکه آرزوی خود را از خلق بسوی تو بریده آن مبتلا به آشوبها و آزموده
بِالْمَحَنِ، وَالْمُمْتَحَنِ بِحُسْنِ الْبُلُوِي، وَصَبْرِ الشَّكْوَى، مُرْشِدِ عِبَادِكَ،
به محنتها و امتحان شده به آزمایش نیکو و بردباری در شکایت مرشد بندگان
وَبَرَكَةِ بِلَادِكَ، وَمَحَلِّ رَحْمَتِكَ وَمُسْتَوْدَعِ حِكْمَتِكَ، وَالْقَائِدِ إِلَى
و برکت شهرهایت و محل رحمت و جای سپردن حکمت و پیشرو بسوی
جَنَّتِكَ، الْعَالِمِ فِي بَرِّيَّتِكَ، وَالْهَادِي فِي خَلِيقَتِكَ، الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ
بهشتت، دانشمند در میان خلقت و راهنمای در آفریدگانت آن کس که پسندش کردی
وَالَّتَجَبَّتَهُ وَاحْتَرَّتْهُ لِمَقَامِ رَسُولِكَ فِي أُمَّتِهِ، وَأَلْزَمَتْهُ حِفْظَ شَرِيعَتِهِ،
و برگزیدی و انتخابش کردی برای جانشینی پیامبرت در میان امتش و ملزمش کردی برای نگهداری شریعت آن
حضرت
فَاسْتَقَلَّ بِأَعْبَاءِ الْوَصِيَّةِ نَاهِضاً بِهَا، وَمُضْطَلِعاً بِحِمْلِهَا، لَمْ يَعْثُرْ فِي
و او نیز به تنهایی بار سنگین جانشینی را بدوش کشید و از جا بلند کرد و توانا بود بر حمل آن نلغزید در هیچ
مُسْكِلٍ، وَلَا هَفَافٍ مُعْضِلٍ بَلْ كَشَفَ الْعُمَّةَ، وَسَدَّ الْفُرْجَةَ، وَأَدَّى
پیش آمد مشکلی و نه در هیچ کار پیچیده ای بلکه هر اندوهی را برطرف کرد و هر رخنه ای را بر بست و انجام داد
الْمُقْتَرَضَ، اَللّهُمَّ فَكَمَا أَفَرَرْتَ نَاطِرَ بَيْتِكَ بِهِ فَرَقَهُ دَرَجَتَهُ، وَأَجْزَلُ
هر واجبی را خدایا چنانچه دیده پیغمبرت را بدو روشن کردی پس درجه اش را بالا ببر و پاداشش را
لَدَيْكَ مُتَوَبَّتَهُ، وَصَلِّ عَلَيْهِ، وَبَلِّغْهُ مِنَّا تَحِيَّةً وَسَلَاماً، وَآتِنَا مِنْ لَدُنْكَ
نزد خود شایان گردان و درود فرست بر او و برسان به آن حضرت از طرف ما تحیت و سلامی و بده به ما

در دوستی او از نزد خویش فضل و احسان و آموزش و خوشنودیت را که براستی تو دارای فضل
الْعَظِيمِ. پس نماز زیارت بگذار و چون سلام دادی بگو: يَا ذَا الْقُدْرَةِ الْجَامِعَةِ،
بزرگی هستی ×××××××××××××××××××× ای دارای قدرت کامل (از همه جهت)

وَالرَّحْمَةَ الْوَاسِعَةَ، وَالْمَنِّ الْمُنْتَابِعَةَ، وَالْأَلَاءِ الْمُتَوَاتِرَةَ، وَالْأَيَّادِي
و رحمت فراخ و عطاهاي دنبال هم و نعمتهاي بي درپي و دستگيريهاي
الْجَلِيلَةَ، وَالْمَوَاهِبِ الْجَزِيلَةَ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِينَ،
بزرگ و بخششهاي شايان درود فرست بر محمد و آل محمد آن راستگويان بزرگوار
وَأَعْطِنِي سُؤْلِي، وَاجْمَعْ شَمْلِي، وَلَمْ شَعْنِي، وَزَكِّ عَمَلِي، وَلَا تُزِغْ
و بده به من خواستهام را و گردآور پراكندگيم را و اصلاح كن پریشانيم را و پاك گردان عملم را و منحرف ساز
قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي، وَلَا تُزِلْ قَدَمِي، وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرَفَةً
دلم را پس از اينكه راهنماييم كردي و نلغزان گامم را و وامگذار مرا بخودم چشم
عَيْنِ أَبَدًا، وَلَا تُخَيِّبْ طَمَعِي، وَلَا تُبْدِ عَوْرَتِي، وَلَا تَهْتِكْ سِرِّي، وَلَا
برهمزدني هرگز و محروم مكن طمع و آرزويم را و سرپوش از عيوبم برمدار و پردهام را مدران و
تُوحِشْنِي وَلَا تُؤْيِسْنِي، وَكُنْ بِي رَوْفًا رَحِيمًا، وَاهْدِنِي وَزَكِّ
به وحشتم گرفتار مكن و نوميدم مكن و نسبت به من رؤوف و مهربان باش و هدايتم كن و پاك
وَطَهِّرْنِي وَصَفِّني وَاصْطَفِنِي، وَخَلِّصْنِي وَاسْتَخْلِصْنِي وَاصْنَعْنِي
و پاكيژهام كن و صفاييم ده و برگزينم و نجاتم ده و خالصم گردان و كامل و آراستهام كن
وَاصْطَنْعْنِي، وَقَرِّبْنِي إِلَيْكَ وَلَا تُبَاعِدْنِي مِنْكَ، وَالْطُّفْ بِي وَلَا
و به ادب خود مؤدبم كن و به خودت نزديكم كن و از خود دورم مكن و به من لطف فرما و
تَجَفَّنِي، وَاکْرِمْني وَلَا تُهَيِّئْ، وَمَا أَسْأَلُكَ فَلَا تَحْرِمْنِي وَمَا لَا أَسْأَلُكَ
مورد بي لطفي و جفا قرارم مده و گراميم بدار و خواري به من روا مدار و آنچه از تو خواهم محروم مفرما و آنچه
نخواهم

فَاجْمَعُهُ لِي، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَأَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ
برایم گرد آر به مهرت ای مهربانترین مهربانان و از تو خواهیم به حرمت ذات

الْكَرِيمِ، وَبِحُرْمَةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَبِحُرْمَةِ أَهْلِ

گرامیت و به حرمت پیامبرت محمد - که درودهای تو بر او و آلش باد - و به حرمت خاندان

بَيْتِ رَسُولِكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ، وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، وَعَلِي

پیامبرت: امیر مؤمنان - علی - و حسن و حسین و علی

وَمُحَمَّدٍ، وَجَعْفَرٍ وَمُوسَى، وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ، وَعَلِيٍّ وَالْحَسَنِ، وَالْخَلَفِ

و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و آن یادگار

الْبَاقِي صَلَوَاتُكَ وَبَرَكَاتُكَ عَلَيْهِمْ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، وَتُعَجِّلَ

بازمانده - که درودهای تو و برکات بر ایشان باد - که درود فرستی بر همه ایشان و شتاب کنی

فَرَجَ قَائِمِهِمْ بِأَمْرِكَ، وَتَنْصُرَهُ وَتَنْتَصِرَ بِهِ لَدِينِكَ، وَتَجْعَلَنِي فِي

در ظهور و فرج قائم ایشان که به فرمان تو قیام کند و یاریش کنی و یاری کنی بوسیله او دین خود را و قرار دهی

جُمْلَةَ التَّاجِينَ بِهِ، وَالْمُخْلِصِينَ فِي طَاعَتِهِ، وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّهِمْ لَمَّا

مرا در زمره نجات یافتگان بدو و اخلاص ورزان در فرمانبرداریش و از تو خواهم به حق ایشان که

اسْتَجَبْتَ لِي دَعْوَتِي، وَقَضَيْتَ لِي حَاجَتِي، وَأَعْطَيْتَنِي سُؤْلِي،

دعایم را به اجابت رسانی و حاجتم را برآوری و خواسته‌ام را به من عطا کنی

وَكَفَيْتَنِي مَا أَهَمَّنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، يَا

و مهم کارهای دنیا و آخرتم را کفایت کنی ای مهربانترین مهربانان ای

نُورُ يَا بُرْهَانُ، يَا مُنِيرُ يَا مُبِينُ، يَا رَبَّ اكْفِنِي شَرَّ الشُّرُورِ، وَأَفَاتِ

روشنی و ای دلیل برآن ای روشنی بخش ای آشکار کننده پروردگارا کفایت کن مرا از شرّ هر شرّی و هم از آفت‌های

الدُّهُورِ، وَأَسْأَلُكَ النَّجَاةَ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ. و دعا کن برای هر چه خواهی

روزگار و از تو خواهم نجات و رهایی را در روزی که دمیده شود در صور * * * * *

* *

و بسیار بگو: يَا عُدَّتِي عِنْدَ الْعُدَدِ، وَيَا رَجَائِي وَالْمُعْتَمِدَ، وَيَا كَهْفِي

* * * * * ای ذخیره من در برابر ذخیره‌ها و ای امید من و تکیه‌گاهم و ای پناهگاه

وَالسَّنَدَ، يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ، وَيَا قُلَّ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِحَقِّ مَنْ

و پشت و پناهم ای یگانه ای یکتا و ای که درباره خود فرمودی: بگو خدا یکی است، از تو خواهم خدایا به حق

خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَلَمْ تَجْعَلْ فِي خَلْقِكَ مِثْلَهُمْ أَحَدًا، صَلِّ عَلَيَّ

هر که را از آفریدگانت خلق کردی و هیچکس را مانند آنها در میان آفریدگانت قرار ندادی درود فرست بر

جَمَاعَتِهِمْ، وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا وَبِهِ جَايِ اَيْنِ كَلِمَةٍ حَاجَتِ بِخَوَاهِ هَمَانَا رَوَايَتِ شَدَه اَز اَن حَضَرَتِ كِه

گروه آنها و درباره من چنین و چنان کن
* * * * *

فرمود من از خداوند عزوجل خواسته‌ام که نا امید برنگرداند کسی را که بخواند این دعا را در روزه من بعد از من .

زیارت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام

شیخ به سند معتبر از آن حضرت روایت کرده که فرمود قبر من در سُرَّ مَنْ رَأَى امان است از برای اهل دو جانب از

بلاها و عذاب خدا مجلسی اول اهل دو جانب را به شیعه و سنی معنی کرده و فرموده که برکت آن حضرت

دوست و دشمن را احاطه فرموده است چنانکه قبر کاظمین علیهما السلام سبب امان بغداد شد الخ و سید بن طاوس فرموده

چون خواستی زیارت کنی حضرت عسکری علیه السلام را بجا آور جمیع آنچه را که در زیارت پدرش حضرت هادی علیه

السلام

بجا می‌آوردی پس بایست نزد ضریح آن حضرت و بگو: اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَوْلَايَ

* * * * *

سلام بر تو ای مولا و سرور من

يَا اَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ الْهَادِيَّ الْمُهْتَدِيَّ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ،

ای ابا محمد حسن بن علی هادی راه یافته و رحمت خدا و برکاتش نیز بر تو باد

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَابْنَ اَوْلِيَآئِهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ

سلام بر تو ای ولی و نماینده خدا و فرزند اولیاء او سلام بر تو ای حجت خدا

وَابْنَ حُجَجِهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا صَفِيَّ اللَّهِ وَابْنَ اَصْفِيَآئِهِ، اَلسَّلَامُ

و فرزند حجت‌های خدا سلام بر تو ای برگزیده خدا و زاده برگزیدگانش سلام

عَلَیْكَ يَا خَلِیْفَةَ اللَّهِ وَابْنَ خُلَفَآئِهِ وَابَا خَلِیْفَتِهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بْنَ

بر تو ای جانشین خدا و فرزند جانشینانش و پدر جانشین او سلام بر تو ای فرزند

خَاتَمِ النَّبِيِّینَ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّینَ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا

خاتم پیمبران سلام بر تو ای فرزند آقایی اوصیاء سلام بر تو ای

بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ
فرزند امیر مؤمنان سلام بر تو ای فرزند بانوی زنان جهانیان سلام
عَلَيْكَ يَا بْنَ الْأَئِمَّةِ الْهَادِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ الْأَوْصِيَاءِ
بر تو ای فرزند امامان راهنما سلام بر تو ای فرزند اوصیای
الرَّاشِدِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عِصْمَةَ الْمُتَّقِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ
با رشد و هدایت سلام بر تو ای نگهبان پرهیزکاران سلام بر تو ای پیشوای
الْفَائِزِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رُكْنَ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَرْجَ
رستگاران سلام بر تو ای پایه و رکن اهل ایمان سلام بر تو ای گشایش‌ده
الْمُلهُوفِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ الْأَنْبِيَاءِ الْمُتَنْجِبِينَ، السَّلَامُ
اندوهناکان سلام بر تو ای وارث پیمبران برگزیده سلام
عَلَيْكَ يَا خَازِنَ عِلْمٍ وَصِيَّ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الدَّاعِي
بر تو ای خزینه‌دار علم و وصی رسول خدا سلام بر تو ای دعوت کننده
بِحُكْمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا التَّائِقُ بِكِتَابِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
به حکم خدا سلام بر تو ای گویای به کتاب خدا (قرآن) سلام بر تو ای
حُجَّةَ الْحُجَجِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا هَادِيَ الْأُمَمِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ
حجت حجت‌های الهی سلام بر تو ای راهنمای ملت‌ها سلام بر تو ای واسطه
النَّعْمِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عِيَّةَ الْعِلْمِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَفِينَةَ الْحِلْمِ،
و سرپرست نعمت‌ها سلام بر تو ای گنجینه دانش سلام بر تو ای کشتی حلم و بردباری
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْأَمَامِ الْمُتَنْظَرِ الظَّاهِرَةِ لِلْعَاقِلِ حُجَّتُهُ، وَالثَّابِتَةِ
سلام بر تو ای پدر امام منتظر آنکس که حجت و نشانه‌اش برای شخص خردمند آشکار و
فِي الْيَقِينِ مَعْرِفَتُهُ، الْمُحْتَجِّبِ عَنْ أَعْيُنِ الظَّالِمِينَ، وَالْمُعَيَّبِ عَنْ
معرفت‌ش به یقین ثابت و مسلم است آنکه در پرده است از دیده ستمکاران و آن غایب و پنهان از
دَوْلَةِ الْفَاسِقِينَ، وَالْمُعِيدِ رَبَّنَا بِهِ الْأَسْلَامَ جَدِيداً بَعْدَ الْأَنْطِمَاسِ،
حکومت و دولت اهل فسق و عصیان و آنکس که پروردگار ما بوسیله‌اش دین اسلام را بصورت تازه و نوي باز گرداند
پس از

وَالْقُرْآنَ غَضًّا بَعْدَ الْأُنْدِرَاسِ، أَشْهَدُ يَا مَوْلَايَ أَنَّكَ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ،
 فرسودگی و قرآن را تر و تازه باز آرد پس از کهنگی گواهی دهم ای سرور من که براسستی تو برپاداشتی نماز را
 وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَدَعَوْتَ إِلَى
 و پرداختی زکات را و امر کردی به معروف و نهی کردی از منکر (کار زشت) و دعوت کردی
 سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا، حَتَّى
 مردم را به راه پروردگارت به فرزاندگی و پند نیک و پرستش کردی خدا را از روی اخلاص تا
 أَتَيْكَ الْيَقِينَ، أَسْأَلُ اللَّهَ بِالشَّانِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَهُ أَنْ يَقْبَلَ زِيَارَتِي
 مرگت فرا رسید از خدا خواهم بدان منزلت و مقامی که شما در نزد او دارید که بپذیرد زیارتی را که من
 لَكُمْ، وَيَشْكُرَ سَعْيِي إِلَيْكُمْ، وَيَسْتَجِيبَ دُعَائِي بِكُمْ، وَيَجْعَلَ لِي مِنْ
 از شما کردم و قدردانی کند از سعی و کوشش من برای رسیدن به درگاه شما و اجابت کند دعایم را بوسیله شما و قرارم دهد
 أَنْصَارِ الْحَقِّ وَأَتْبَاعِهِ، وَأَشْيَاعِهِ وَمَوَالِيهِ وَمُحِبِّيهِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ
 از یاوران حق و پیروان و همراهان و دوستان و دوست دارانش و سلام بر تو
 وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. پس بیوس ضریحش را و بگذار طرف راست صورت خود را بر
 و رحمت خدا و برکاتش * * * * *
 * * * * *
 آن پس طرف چپ را گذار و بگو: اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَيْتِهِ،
 * * * * * خدایا درود فرست بر آقای ما محمد و خاندانش
 وَصَلِّ عَلٰی الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْهَادِي إِلَى دِينِكَ، وَالدَّاعِي إِلَى
 و درود فرست بر حسن بن علی آن راهنمای بسوی دین تو و دعوت کننده بسوی
 سَبِيلِكَ، عَلَمِ الْهُدَى، وَمَنَارِ التَّقَى، وَمَعْدِنِ الْحَجِيِّ، وَمَأْوَى الثُّهَي،
 راه تو پرچم هدایت و مشعل تقوی و کان عقل و جایگاه فرزاندگی و خرد
 وَغَيْثِ الْوَرَى، وَسَحَابِ الْحِكْمَةِ، وَبَحْرِ الْمَوْعِظَةِ، وَوَارِثِ الْأُمَّةِ،
 و باران رحمت مردم و ابر (ریزان) حکمت و دریای پند و وعظ و وارث امامان
 وَالشَّهِيدِ عَلَيَّ الْأُمَّةِ، الْمَعْصُومِ الْمُهَذَّبِ، وَالْفَاضِلِ الْمُقَرَّبِ،
 و گواه بر امت، آن معصوم از گناه و پاکیزه و فاضل مقرب درگاه

وَالْمُطَهَّرِ مِنَ الرَّجْسِ، الَّذِي وَرَّثْتُهُ عِلْمَ الْكِتَابِ، وَأَلْهَمْتُهُ فَصْلَ

و پاک از پلیدی، آن کس که علم کتاب خود (قرآن) را به او ارث دادی و طریقه جدا کردن بین حق و باطل

الْخِطَابِ، وَصَيَّبْتُهُ عِلْمًا لِأَهْلِ قِبْلَتِكَ، وَقَرَّرْتَ طَاعَتَهُ بِطَاعَتِكَ،

و داوری آن را به او الهام فرمودی و او را پرچم و نشانه اهل قبله خود قرار دادی مقرون ساختی فرمانبرداری او را به

فرمانبرداری

وَفَرَضْتَ مَوَدَّتَهُ عَلَيَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ اللَّهُمَّ فَكَمَا أَنَا بِحُسْنِ

خود و واجب کردی دوستیش را بر همه آفریدگانت خدایا چنانچه او دل بست با

الْإِخْلَاصِ فِي تَوْحِيدِكَ، وَأَرَدِي مَنْ خَاضَ فِي تَشْبِيهِكَ، وَحَامِي

اخلاصی پاک درتوحید تو و محکوم کرد کسی را که در اندیشه تشبیه تو (به مخلوق) فرو رفته بود و حمایت کرد

عَنْ أَهْلِ الْإِيمَانِ بِكَ، فَصَلِّ يَا رَبِّ عَلَيْهِ صَلَوةً يَلْحَقُ بِهَا مَحَلٌّ

از ایمان دارندگان به تو پس درود فرست پروردگارا بر او درودی که او را به جایگاه

الْخَاشِعِينَ، وَيَعْلُو فِي الْجَنَّةِ بِدَرَجَةِ جَدِّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَبَلِّغُهُ مَنَّا

خشوع کنندگان و فروتنان درگاهت رساند و برساند او را بدرجه جدش خاتم پیمبران و برسان به او از جانب من

تَحِيَّةً وَسَلَامًا، وَأَتِنَا مِنْ لَدُنْكَ فِي مُوَالَاتِهِ فَضْلًا وَإِحْسَانًا، وَمَغْفِرَةً

تحیت و سلامی و بده به ما از نزد خویش در دوستیش برتری و احسان و آمرزش

وَرِضْوَانًا، إِنَّكَ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ، وَمَنْ جَسِيمٍ. پس نماز زیارت بجا آور و چون

و خشنودی خود را که برستی تو دارای فضلی بزرگ و نعمتی گرانمایه هستی * * * * *

*

فارغ شدی بگو: يَا دَائِمُ يَا دَيْمُومُ، يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ، يَا كَاشِفَ الْكَرْبِ

* * * * * ای همیشگی و ای پاینده و ای زنده ای همیشه پابرجا ای برطرف کن گرفتاری

وَالْهَمِّ، وَيَا فَارِجَ الْعَمِّ، وَيَا بَاعِثَ الرُّسُلِ، وَيَا صَادِقَ الْوَعْدِ، وَيَا حَيُّ

و اندوه و ای زداينده غم و غصه ای برانگيزنده رسولان و ای راست وعده و ای زنده ای که

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِحَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ، وَوَصِيِّهِ عَلِيِّ بْنِ عَمِّهِ،

معبودی جز تو نیست توسل جویم بدرگاه تو بوسیله حبیبیت محمد و وصیش علی عموزاده

وَصَهْرِهِ عَلِيَّ ابْنَتِهِ، الَّذِي حَتَمَتْ بِهِمَا الشَّرَايعَ، وَفَتَحَتْ بِهِمَا

و شوهر دخترش آن دو بزرگوارى که پايان دادى به آن دو مذهب را و گشودى به آن دو
التَّأْوِيلَ وَالطَّلَايِعَ، فَصَلِّ عَلَيْهِمَا صَلَوةً يَشْهَدُ بِهَا الْأَوَّلُونَ
تأویل و رازهاي سر بسته قرآن را پس درود فرست بر آن دو درودى که گواهي دهند بدان پيشينيان
وَالْآخِرُونَ، وَيَجُوبُهَا الْأَوْلِيَاءُ وَالصَّالِحُونَ، وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِفَاطِمَةَ
و پسينيان و نجات يابند به آن دوستان تو و شايستگان درگاهت و توسل جويم بدرگاهت بوسيله فاطمه
الزَّهْرَاءِ وَالِدَةِ الْأَيْمَةِ الْمَهْدِيَّةِ، وَسَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، الْمُشَفَّعَةِ
زهراء مادر امامان راه يافته و بانوي زنان جهانيان آنکه شفاعتش
فِي شِيعَةِ أَوْلَادِهَا الطَّيِّبِينَ، فَصَلِّ عَلَيْهَا صَلَوةً دَائِمَةً أَبَدَ الْأَبْدِينَ،
پذيرفته است درباره شيعيان فرزندان پاكش درود فرست بر او درودى هميشگي و جاويدان و تا برپا است
وَدَهْرَ الدَّاهِرِينَ، وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِالْحَسَنِ الرَّضِيِّ الطَّاهِرِ الزَّكِيِّ،
روزگار و توسل جويم بدرگاهت بوسيله حسن مجتبی آن امام پاك پاكيزه
وَالْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الْمَرْضِيِّ الْبَرِّ التَّقِيِّ، سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ
و حسين مظلوم آن امام پسندیده و نيكوكار با تقوي دو آقاي جوانان اهل بهشت
و الْأَمَامِينَ الْخَيْرِينَ الطَّيِّبِينَ، التَّقِيَّينَ التَّقِيَّينَ، الطَّاهِرِينَ الشَّهِيدِينَ،
آن دو امام برگزيده پاكيزه با تقواي بی عيب و پاك و آن دو شهيد
الْمَظْلُومِينَ الْمُقْتُولِينَ، فَصَلِّ عَلَيْهِمَا مَا طَلَعَتْ شَمْسٌ وَمَا غَرَبَتْ،
مظلوم كشته (راه حق) پس درود فرست بر آن دو تا هرگاه كه (جهانی برپا است و) سر زند و غروب كند خورشيدى
صَلَوةً مُتَوَالِيَةً مُتَتَابِلَةً، وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ
درودى پشت سر هم و پي در پي و توسل جويم بدرگاهت به علي بن الحسين
سَيِّدِ الْعَابِدِينَ، الْمَحْجُوبِ مِنْ خَوْفِ الظَّالِمِينَ، وَبِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ،
آقاي عبادت كنندگان و مستور از ترس ستمكاران و به محمد بن علي
الْبَاقِرِ الطَّاهِرِ الثَّوَرِ الزَّاهِرِ، الْأَمَامِينَ السَّيِّدِينَ، مِفْتَاحِي الْبَرَكَاتِ،
باقر آن امام پاك و آن روشنی تابناك آن دو امام بزرگ كليلد هر برکت
وَمِصْبَاحِي الظُّلُمَاتِ، فَصَلِّ عَلَيْهِمَا مَا سَرَى لَيْلٌ، وَمَا أَضَاءَ نَهَارٌ،
و چراغ هر تاريخي و ظلمت درود فرست بر آنها تا بگذرد شبی و بتابد روزي

صَلوةٌ تَعْدُو وَتَرُوحُ، وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عَنِ
درودي در بامداد و پسین و توسل جویم بدرگاهت بوسیله جعفر بن محمد آن راستگوی از طرف
اللَّهِ، وَالتَّاطِقِ فِي عِلْمِ اللَّهِ، وَبِمُوسَى بْنِ جَعْفَرِ الْعَبْدِ الصَّالِحِ فِي نَفْسِهِ،
خدا و گویای دانش خدا و به موسی بن جعفر آن بنده‌ای که خودبخود شایسته و صالح بود
وَالْوَصِيِّ النَّاصِحِ، الْأَمَامَيْنِ الْهَادِيَيْنِ الْمُهْدِيَيْنِ، الْوَافِيَيْنِ الْكَافِيَيْنِ،
و آن وصی خیرخواه که هر دوی آنها دو امام راهنمای راه یافته و وافی و کافی بودند
فَصَلِّ عَلَيْهِمَا مَا سَبَّحَ لَكَ مَلَكٌ، وَتَحَرَّكَ لَكَ فَلَكُ صَلوةٌ تُنْمِي
پس درود فرست بر آن دو تا هرگاه که تسبیح کند فرشته‌ای و در جنبش باشد به فرمانت فلکی، درودی با برکت
وَتَزِيدُ وَلَا تَقْنِي وَلَا تَبِيدُ، وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِعَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا،
که فزونی یابد و فنا و زوال نپذیرد و توسل جویم بدرگاهت بوسیله علی بن موسی الرضا
وَبِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْمُرْتَضِيِّ، الْأَمَامَيْنِ الْمُطَهَّرَيْنِ الْمُتَنَجِّبَيْنِ، فَصَلِّ
و به محمد بن علی مرتضی (پسندیده) آن دو امام پاک و برگزیده درود فرست
عَلَيْهِمَا مَا أَضَاءَ صُبْحٌ وَدَامَ، صَلوةٌ تُرْقِيهِمَا إِلَى رِضْوَانِكَ فِي
بر آن دو تا روشن باشد بامدادی و (روزی) برپا است درودی که بالا برد آن دو را بسوی رضوانت در
الْعَالِيَيْنِ مِنْ جَنَّاتِكَ، وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الرَّاشِدِ، وَالْحَسَنِ
بلندترین جاهای بهشت و توسل جویم بدرگاهت به علی بن محمد آن امام با رشد و حسن
بْنِ عَلِيٍّ الْهَادِي، الْقَائِمَيْنِ بِأَمْرِ عِبَادِكَ، الْمُخْتَبَرَيْنِ بِالْمَحَنِ الْهَائِلَةِ،
بن علی هادی که هر دوی آنان قیام کردند به کار بندگانت و به محتضای هراس‌انگیز آزمایش شدند
وَالصَّابِرَيْنِ فِي الْأَحَنِ الْمَائِلَةِ، فَصَلِّ عَلَيْهِمَا كِفَاءً أَجْرَ الصَّابِرِينَ،
و در برابر کینه‌های لغزاننده بردباری کردند پس درود فرست بر آنان معادل مزد همه بردباران
وَإِزَاءَ ثَوَابِ الْفَائِزِينَ، صَلوةٌ تُمَهِّدُ لَهُمَا الرُّفْعَةَ، وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ يَا
و برابر پاداش رستگاران درودی که آماده کند برای آن دو بلندی رتبه را و توسل جویم به درگاهت
رَبِّ بَامَانِنَا، وَمُحَقِّقِ زَمَانِنَا، الْيَوْمِ الْمَوْعُودِ، وَالشَّاهِدِ الْمَشْهُودِ،
پروردگارا به امام خودمان و محقق زمانمان آن روز موعود و آن گواه گواهی شده
وَالثَّوَرِ الْأَزْهَرِ، وَالضِّيَاءِ الْأَثَوْرِ، الْمُنْصُورِ بِالرُّغْبِ، وَالْمُطْفَرِّ

و درخشنده‌ترین نور و روشنترین تابش آن یاری شده به رعب و ترس (که رعبش در دلها افتد) و آن پیروزمند
بِالسَّعَادَةِ، فَصَلَ عَلَيْهِ عَدَدَ الثَّمَرِ، وَأَوْرَاقِ الشَّجَرِ، وَأَجْزَاءِ الْمَدَرِ،
بوسیله سعادت پس درود فرست بر او به شماره میوه‌ها و برگهای درختان و يك يك ریگها
وَعَدَدَ الشَّعْرِ وَالْوَبَرِ، وَعَدَدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ، وَأَخْصَاهُ كِتَابُكَ،
و به عدد موها و کرکها و به شماره آنچه دانشت بدان احاطه دارد و نامهات آن را بشمارد
صَلَوَةً يَغِيْظُهُ بِهَا الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ، اللَّهُمَّ وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ،
درودی که غبطه خورند بدان پیشینیان و پسینیان خدایا ما را در گروه او محشور گردان
وَاحْفَظْنَا عَلَي طَاعَتِهِ، وَاحْرُسْنَا بِدَوْلَتِهِ، وَاتَّحِفْنَا بِوِلَايَتِهِ، وَأَنْصُرْنَا
و به پیرویش نگهداریمان کن و به دولت او محفوظمان بدار و دوستی او را به ما تحفه ده و یاریمان ده
عَلَي أَعْدَائِنَا بِعِزَّتِهِ، وَاجْعَلْنَا يَارَبَّ مِنَ التَّوَّابِينَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ،
بر دشمنانمان به عزت و شوکت او و قرارمان ده پروردگارا از توبه کنندگان ای مهربانترین مهربانان،
اللَّهُمَّ وَإِنَّ إِبْلِيسَ الْمُتَمَرِّدَ اللَّعِينَ، قَدْ اسْتَنْظَرَكَ لِإِغْوَاءِ خَلْقِكَ
خدایا و از آن سو شیطان سرکش ملعون از تو مهلت خواسته تا خلقت را گمراه کند
فَانْظُرْهُ وَاسْتَمْهَلْكَ لِإِضْلَالِ عِبِيدِكَ فَاْمَهَلْتَهُ، بِسَابِقِ عِلْمِكَ فِيهِ،
و تو مهلتش دادی و از تو فرصت خواسته برای از راه بدر بردن بندگان و تو فرصتش دادی از روی آن علمت که از
وَقَدْ عَشَّشَ وَكَثَّرَتْ جُنُودُهُ، وَازْدَحَمَتْ جُيُوشُهُ وَانْتَشَرَتْ دُعَائُهُ
پیش درباره‌اش گذشته و او لانه کرده و لشگرش زیاد شده و قشونش انبوه گشته و خوانندگان بسوی
فِي أَقْطَارِ الْأَرْضِ، فَاضْلُوا عِبَادَكَ، وَأَفْسِدُوا دِينَكَ، وَحَرِّقُوا الْكَلِمَ
او در اطراف زمین پراکنده شده و بندگان را گمراه کرده و دین تو را به فساد کشانده و کلمات (و سخنان تو را) جابجا
کرده
عَنْ مَوَاضِعِهِ، وَجَعَلُوا عِبَادَكَ شِبَعًا مُتَفَرِّقِينَ، وَأَحْزَابًا مُتَمَرِّدِينَ، وَقَدْ
(و تغییر داده‌اند) و بندگان را بصورت گروههای پراکنده و دستجات سرکش (و مخالف با هم) در آورده و تو خود
وَعَدْتَ تَقْضَ بُنْيَانِهِ، وَتَمْزِيقَ شَأْنِهِ، فَاهْلِكْ أَوْلَادَهُ وَجُيُوشَهُ، وَطَهِّرْ
وعده کردی که ریشه و پایه‌اش را درهم شکنی و تشکیلاتش را برهم زنی، پس فرزندان و لشگریانش را نابود کن و
بِلَاذِكَ مِنْ اخْتِرَاعَاتِهِ وَاخْتِلَافَاتِهِ، وَأَرْحُ عِبَادَكَ مِنْ مَذَاهِبِهِ

شهرها و بلاد خود را از بدعتها و اختلافهاي كه ايجاد کرده پاك كن و بندگان را از راهها (و روشها)

و قياساتيه، وَاجْعَلْ دَائِرَةَ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ، وَابْسُطْ عَذْلَكَ، وَأَظْهِرْ دِينَكَ،

و قياسهاي او (كه در كار دين کرده) راحت كن و چرخ بد روزگار را بر ايشان به گردش درآور و عدل و داد را بگستران و دين

وَقَوِّ أَوْلِيَاءَكَ، وَأَوْهِنْ أَعْدَاءَكَ، وَأَوْرِثْ دِيَارَ إِبْلِيسَ وَدِيَارَ أَوْلِيَاءِهِ

و آيينت را آشكار ساز و دوستان را نيرو ده و دشمنان را خوار گردان و سرزمينهاي شيطان و سرزمينهاي دوستانش
أَوْلِيَاءَكَ، وَخَلِّدْهُمْ فِي الْجَحِيمِ، وَأَذِقْهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَلِيمِ، وَاجْعَلْ

را به دوستان و اگذار فرما و او و اتباعش را در جهنم مخلص بدار و از عذاب دردناك به آنها بچشان و لعنتهاي خود را
لِعَائِنِكَ الْمُسْتَوْدَعَةَ فِي مَنَاحِسِ الْخُلُقَةِ، وَمَشَاوِيهِ الْفِطْرَةِ دَائِرَةً

كه در جاهاي نحس خلقت و مناظر زشت طبيعت به وديعت نهادهاي همه را بر سر

عَلَيْهِمْ، وَمُوكَلَّةً بِهِمْ، وَجَارِيَةً فِيهِمْ كُلَّ صَبَاحٍ وَمَسَاءٍ وَغَدُوٍّ وَرَوَاحٍ،

آنها فرو بار كه موكل بر آنها گردند و در ميان آنان جاري باشد در هر صبح و شام و هر چاشتگاه و پسين

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ

پروردگارا به ما در دنيا حسنه (خوبی) و در آخرت نيز حسنه عطا فرما و نگاهبان دار به رحمت خویش از عذاب

النَّارِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. پس دعا كن به آنچه خواهي از براي خود و برادرانت آنگاه

دوزخ اي مهربانترين مهربانان
* * * * *

زيارت كن ملكه دنيا و آخرت والده امام قائم عليها السلام را و قبر آن معظمه پشت ضريح مولاي ما

* * * * *

امام حسن عسکري عليه السلام است پس بگو اَلسَّلَامُ عَلَي رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّي اللّٰهُ عَلَيْهِ

* * * * * سلام بر رسول خدا صلي الله عليه

وآله الصّادقِ الأَمينِ، اَلسَّلَامُ عَلَي مَوْلَانَا أَميرِ الْمُؤْمِنينِ، اَلسَّلَامُ

و آله آن راستگوي امين سلام بر سرور ما امير مؤمنان سلام

عَلَي الْأَئِمَّةِ الطّاهِرِينَ، الْحُجَجِ الْأَمِيَامِينَ، اَلسَّلَامُ عَلَي وَالِدَةِ الْأَمَامِ،

بر امامان پاكيزه آن حجتهاي ميمون (و با برکت) سلام بر مادر امام و آنكس كه بدو سپرده شد

وَالْمُودَعَةَ اسْرَارَ الْمَلِكِ الْعَلَامِ، وَالْحَامِلَةَ لِأَشْرَفِ الْأَنَامِ، السَّلَامُ
اسرار (خداوند) فرمانروای بسیار دانا و آن بانویی که باردار شد به شریفترین مردمان سلام
عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الصَّدِيقَةُ الْمَرْضِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَبِيبَةَ أُمِّ مُوسَى
بر تو ای صدیقه پسندیده سلام بر تو ای همانند مادر موسی
وَأَبْنَةَ حَوَارِيٍّ عِيسَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ، السَّلَامُ
و ای دختر حواری عیسی سلام بر تو ای بانوی با تقوی پاکیزه سلام
عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الرِّضِيَّةُ الْمَرْضِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمُنْعَوْتَةُ فِي
بر تو ای منتخب پسندیده سلام بر تو ای که وصف در کتاب
الْأَنْجِيلِ، الْمَخْطُوبَةُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ الْأَمِينِ، وَمَنْ رَغِبَ فِي وَصْلَتِهَا
انجیل ذکر شده و از حضرت (عیسی) روح الله امین تو را خواستگاری کردند و ای کسی که علاقه مند شد در وصلت با
تو

مُحَمَّدَ سَيِّدَ الْمُرْسَلِينَ، وَالْمُسْتَوْدَعَةَ اسْرَارَ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ
حضرت محمد آقای رسولان و ای که اسرار پروردگار جهانیان به تو سپرده شد سلام
عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ الْحَوَارِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى بَعْلِكَ وَوَلَدِكَ،
بر تو و بر پدران حواری تو سلام بر تو و بر شوهر و فرزند تو
السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ الطَّاهِرِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ أَحْسَنْتِ
سلام بر تو و بر روان و پیکر پاکت گواهی دهم که تو بخوبی پرستاری (امام زمان را) کردی
الْكَفَالَةَ، وَأَدَيْتِ الْأَمَانَةَ، وَاجْتَهَدْتِ فِي مَرْضَاتِ اللَّهِ، وَصَبَرْتِ فِي
و بخوبی امانت (حق) را پرداختی و در فراهم آوردن موجبات خوشنودی خدا کوشیدی و درباره خدا بردباری
ذَاتِ اللَّهِ، وَحَفِظْتِ سِرَّ اللَّهِ، وَحَمَلْتِ وَلِيَّ اللَّهِ، وَبَالَعْتِ فِي حِفْظِ حُجَّةِ
کردی و راز خدا را نگهداشتی و ولی (و نماینده) خدا را حمل کردی و در نگهداری حجت
اللَّهِ، وَرَغَبْتِ فِي وَصْلَةِ أَبْنَاءِ رَسُولِ اللَّهِ، عَارِفَةً بِحَقِّهِمْ، مُؤْمِنَةً
خدا کوتاهی نکردی و علاقه پیدا کردی در وصلت با فرزندان رسول خدا در حال معرفت و شناسایی به حق ایشان و با
ایمان

بِصِدْقِهِمْ، مُعْتَرِفَةً بِمَنْزِلَتِهِمْ، مُسْتَبْصِرَةً بِأَمْرِهِمْ مُشْفِقَةً عَلَيْهِمْ، مُؤَثَّرَةً

به راستگویشان و با اعتراف به منزلت و مقامشان و بینایی به امر امامتشان و غمخوار برایشان و ترجیح دادن دلخواهشان

هُوَأَهُمْ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَيَّ بِصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ، مُقْتَدِيَةً

(را بردلخواه خود) و گواهی دهم که تو درگذشتی در حالی که در امر دینت بصیرت و بینائی داشتی

بِالصَّالِحِينَ، رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً، تَقِيَّةً نَقِيَّةً زَكِيَّةً، فَرَضِيَّ اللَّهُ عَنْكَ

و به شایستگان اقتدا کردی خوشنود و پسندیده و پرهیزکار و پاک و پاکیزه از دنیا رفتی خدا از تو خوشنود باشد و تو

وَأَرْضَاكَ، وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مَنْزِلَكَ وَمَأْوِيكَ، فَلَقَدْ أَوْلَاكَ مِنَ الْخَيْرَاتِ

را نیز خوشنود گرداند و بهشت (برین) را منزل و مأویت قرار دهد که براستی خداوند به تو احسان کرد

مَا أَوْلَاكَ، وَأَعْطَاكَ مِنَ الشَّرَفِ مَا بِهِ أَغْنَاكَ، فَهَتَاكَ اللَّهُ بِمَا مَنَحَكَ مِنْ

آنچه کرد و از شرف (و بزرگواری) به تو عطا فرمود آنچه را که بدان بی نیازت ساخت، پس گوارا کند خدا برایت آن

الْكَرَامَةِ وَأَمْرًاكَ. پس بالا می کنی سر خود را و می گوئی اَللَّهُمَّ اِيَّاكَ اعْتَمَدْتُ،

کرامتی را که به تو بخشید و سودمندش کند آن را برایت × × × × × خدایا بر تو اعتماد کنم

وَلِرِضَاكَ طَلَبْتُ، وَبِأَوْلِيَائِكَ اِلَيْكَ تَوَسَّلْتُ، وَعَلَيَّ غُفْرَانُكَ وَحِلْمُكَ

و خوشنودی تو را جویم و بوسیله اولیاء تو بدرگاهت توسل جویم و به آمرزش و شکیبائی تو

اتَّكَلْتُ، وَبِكَ اعْتَصَمْتُ، وَبِقَبْرِ أُمِّ وَلِيِّكَ لُذْتُ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

توکل کنم و به تو نگهداری (از گناه) می طلبم و به قبر مادر ولی تو پناه آورده ام پس درود فرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَأَنْفَعْنِي بِزِيَارَتِهَا، وَتَبَيَّنْ عَلَيَّ مَحَبَّتِهَا، وَلَا تَحْرِمْنِي

محمد و سود ده مرا بوسیله زیارتش و ثابت بدار مرا بر دوستی و محبتش و محروم منما

شَفَاعَتِهَا وَشَفَاعَةَ وَلَدِهَا، وَارْزُقْنِي مُرَافَقَتَهَا وَاحْشُرْنِي مَعَهَا وَمَعَ

از شفاعت او و شفاعت فرزندش و روزیم گردان هم جواریش را و محشورم گردان با او و با

وَلَدِهَا، كَمَا وَفَّقْتَنِي لَزِيَارَةِ وَلَدِهَا وَزِيَارَتِهَا، اَللَّهُمَّ اِنِّي اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ

فرزندش چنانچه موفقم داشتی به زیارت فرزندش و زیارت خودش خدایا من بدرگاه تو رو کنم

بِالْأُئِمَّةِ الطَّاهِرِينَ، وَأَتَوَسَّلُ اِلَيْكَ بِالْحُجَجِ الْمَيَامِينِ مِنْ آلِ طَه

بوسیله امامان پاکیزه و توسل جویم بدرگاهت بوسیله حجت های میمون و مبارک از آل طه

وَيْسَ، اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ، وَاَنْ تَجْعَلَ لِي مِنْ

و یس که درود فرستی بر محمد و آل محمد آن پاکیزگان و قرار دهی مرا از

الْمُطْمَئِنِّينَ الْفَآئِزِينَ الْفَرِحِينَ الْمُسْتَبْشِرِينَ، الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ

اطمینان یافتگان کامروا و شاد کامان مژده گیر که هیچگونه ترسی بر ایشان نیست

وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ قَبِلْتَ سَعْيَهُ، وَيَسَّرْتَ أَمْرَهُ، وَكَشَفْتَ

و نه اندوهناك شوند و قرارم ده از کسانی که کوشش پذیرفته و کارش را آسان کرده و گرفتاریش را

ضُرَّهُ، وَأَمَنْتَ خَوْفَهُ، اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلَيَّ

برطرف کرده و ترسش را ایمنی بخشیده ای خدایا به حق محمد و آل محمد درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي أَيَّاهَا،

محمد و آل محمد و قرار مده این زیارت مرا آخرین بار زیارتم از این بانوی (محترم)

وَأَرْزُقْنِي الْعُودَ إِلَيْهَا أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي، وَإِذَا تَوَفَّيْتَنِي فَاحْشُرْنِي فِي

و روزیم کن بازگشتن بسوی زیارتش را همیشه تا زنده ام و هرگاه مرگ مرا رساندی پس مرا در

زُمْرَتِهَا، وَأَذْخِلْنِي فِي شَفَاعَةِ وَلَدِهَا وَشَفَاعَتِهَا، وَاعْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ

گروه او محشور فرما و در شفاعت فرزندش و شفاعت خود او داخلم گردان و مرا و پدر و مادرم را

وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً،

و همه مردان و زنان با ایمان را بیامرز و بده به ما در دنیا حسنه و خوبی و در آخرت نیز حسنه به ما عطا فرما

وَقِنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا سَادَاتِي وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ .

و نگاهمان دار به مهر خودت از عذاب دوزخ و سلام بر همه شما باد ای آقایان من و رحمت خدا و برکاتش نیز بر شما باد

مؤلف گوید روایت شده از حضرت صادق علیه السلام که زید شَحَام عرض کرد به خدمتش که چه ثوابست از برای

کسی که زیارت کند یکی از شما امامان را فرمود مثل آنست که زیارت کرده حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله را و

ما در سابق نقل کردیم روایتی از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که هر که زیارت کند امام مفترض الطاعة را و نماز

گذارد نزد او چهار رکعت نوشته شود برای او حجّه و عمره و در هدیه الزائرین نقل کردیم فضائل جناب حکیمه دختر

امام محمد تقی علیه السلام را که قبر شریفش پایین پا چسبیده به ضریح عسکریین علیهما السلام است و

گفتیم که در کتب مزار زیارت مخصوصی برای آن معظّمه ذکر نشده با آن مرتبه رفیع که از برای او است پس سزاوار است او

را زیارت کنند به الفاظی که در زیارت اولاد ائمه علیهم السلام نقل شده یا زیارت کنند او را به این الفاظ که در زیارت

عمّه مکرمه اش حضرت فاطمه بنت موسی علیه السلام وارد شده و آن چنانست که می ایستی رو به قبله و می گویی :

السَّلَامُ عَلَيَّ أَدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ نُوحَ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ

سلام بر آدم برگزیده خدا سلام بر نوح پیامبر خدا سلام بر ابراهیم
خلیل الله، السلام علی موسی کلیم الله، السلام علی عیسی روح الله السلام
خلیل خدا سلام بر موسی هم سخن با خدا سلام بر عیسی روح خدا سلام بر
علیک یا رسول الله السلام علیک یا خیر خلق الله، السلام علیک یا صفی الله،
تو ای رسول خدا سلام بر تو ای بهترین خلق خدا سلام بر تو ای برگزیده خدا
السلام علیک یا محمد بن عبد الله خاتم النبیین، السلام علیک یا
سلام بر تو ای محمد بن عبد الله خاتم پیامبران سلام بر تو ای
امیر المؤمنین علی بن ابیطالب وصی رسول الله، السلام علیک یا
امیر مؤمنان ای علی بن ابیطالب وصی رسول خدا سلام بر تو ای
فاطمه سیده نساء العالمین، السلام علیکما یا سبطی الرحمة
فاطمه بانوی زنان جهانیان سلام بر شما ای دو سبط (پیامبر) رحمت
وسیدی شباب اهل الجنة، السلام علیک یا علی بن الحسین، سید
و دو آقاي جوانان اهل بهشت سلام بر تو ای علی بن الحسین بزرگ
العابدین و قرّة عین الناظرین، السلام علیک یا محمد بن علی باقر
عبادت کنندگان و نور چشم بینندگان سلام بر تو ای محمد بن علی شکافنده
العلم بعد النبی، السلام علیک یا جعفر بن محمد الصادق البار
علم پس از پیامبر خدا سلام بر تو ای جعفر بن محمد صادق امام نیکوکار
الأمین، السلام علیک یا موسی بن جعفر الطاهر الطهر، السلام
امین سلام بر تو ای موسی بن جعفر امام پاک پاکیزه سلام
علیک یا علی بن موسی الرضا المرتضی، السلام علیک یا محمد
بر تو ای علی بن موسی الرضا آن (بزرگوار) و پسندیده سلام بر تو ای محمد
بن علی التقی، السلام علیک یا علی بن محمد التقی الناصح
بن علی تقی سلام بر تو ای علی بن محمد تقی آن خیر خواه
الأمین، السلام علیک یا حسن بن علی، السلام علی الوصی من
امین سلام بر تو ای حسن بن علی سلام بر وصی پس از

بَعْدَهُ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى نُورِكَ وَسِرَاجِكَ، وَوَلِيِّ وَلِيِّكَ وَوَصِيِّ
او خدايا درود فرست بر نور و چراغ تابناكت و بر نماينده نمايندهات و وصي
وَصِيِّكَ، وَحُجَّتِكَ عَلٰى خَلْقِكَ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللّٰهِ،
وصي تو و حجت تو بر آفریدگانت سلام بر تو اي دختر رسول خدا
اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ فَاطِمَةَ وَخَدِيجَةَ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ امير
سلام بر تو اي دختر فاطمه و خديجه سلام بر تو اي دختر امير
اَلْمُؤْمِنِينَ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا
مؤمنان سلام بر تو اي دختر حسن و حسين سلام بر تو اي
بِنْتَ وَلِيِّ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اُخْتِ وَلِيِّ اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا عَمَّةَ
دختر ولی (و نماينده) خدا سلام بر تو اي خواهر ولی خدا سلام بر تو اي عمه
وَلِيِّ اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ التَّقِيِّ، وَرَحْمَةُ اللّٰهِ
ولی خدا سلام بر تو اي دختر محمد بن علي تقی و رحمت خدا
وَبَرَكَاتُهُ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ عَرَّفَ اللّٰهُ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ فِي الْجَنَّةِ، وَحَشَرَنَا
و برکاتش بر تو باد سلام بر تو، خداوند آشنائي برقرار کند میان ما و شما در بهشت و محشور گرداند ما را
فِي زُمْرَتِكُمْ، وَأَوْرَدَنَا حَوْضَ نَبِيِّكُمْ، وَسَقَانَا بِكَاسِ جَدُّكُمْ، مِنْ يَدِ
در گروه شما و درآورد ما را در کنار حوض پیامبر شما و بنوشاندمان از جام جدتان از دست
عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ، أَسْأَلُ اللّٰهَ أَنْ يُرِينَا فِيكُمْ
(ساقی حوض کوثر) علي بن ابیطالب - درود خدا بر همه شما - از خدا خواهم که سرور و حکومت
السُّرُورَ وَالْفَرَجَ، وَأَنْ يَجْمَعَنَا وَإِبَائَكُمْ فِي زُمْرَةِ جَدُّكُمْ مُحَمَّدٍ صَلَّيْ
پیروزمندانه شما را به ما بنماید و گرد آورد ما و شما را در گروه جدتان محمد صلی
اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَنْ لَا يَسْلُبَنَا مَعْرِفَتَكُمْ إِلَهِ، وَلِيِّ قَدِيرٍ، أَتَقَرَّبُ إِلَى اللّٰهِ
اللّه علیه و آله و نگیرد از ما معرفت شما را که براستی او سرپرستی توانا است تقرب جویم بدرگاه خدا
بِحُبِّكُمْ، وَالتَّبَرَّاتَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ، وَالتَّسْلِيمِ إِلَى اللّٰهِ رَاضِيًا بِهِ غَيْرَ مُنْكَرٍ
بوسیله دوستی شما و بیزاری جستن از دشمنانتان و تسلیم بودن در برابر خدا و خوشنود بودن بدان بی آنکه انکار داشته
وَلَا مُسْتَكْبِرٍ، وَعَلِي يَقِينٍ مَا آتَى بِهِ مُحَمَّدٌ وَبِهِ رَاضٍ، تَطْلُبُ بِذَلِكَ

باشم و گردنکشی کنم و یقین دارم بدرستی آنچه محمد آورده و بدان خوشنودم و بوسیله آن می جوئیم
وَجْهَكَ يَا سَيِّدِي، اَللّٰهُمَّ وَرِضَاكَ وَالْداَرَ الْاٰخِرَةَ، يَا حَكِيْمَةً اَشْفَعِي
خوشنودي تو را ای آقای ما و ای خدا و همچنین رضای تو و سرای آخرت را جویائیم، ای حکیمه شفاعت کن
لی فی الْجَنَّةِ، فَانْ لَّكَ عِنْدَ اللّٰهِ شَأْنًا مِنَ الشَّأْنِ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ اَنْ
مرا درباره بهشت که براستی تو در نزد خدا مقامی شایسته داری خدایا از تو خواهم که
تَحْنِمَ لِيْ بِالسَّعَادَةِ، فَلَا تَسْلُبْ مِنِّيْ مَا اَنَا فِيْهِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا
سرانجام را به سعادت به پایان رسانی و از من نگیری آنچه را که بدان معتقدم و جنبش و نیروئی نیست جز
بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ، اَللّٰهُمَّ اسْتَجِبْ لَنَا وَتَقَبَّلْهُ بِكَرَمِكَ وَعِزَّتِكَ، وَبِرَحْمَتِكَ
به خدای والای بزرگ خدایا دعایمان را اجابت فرما و بپذیر از ما به بزرگواری و عزت و به مهر
وَعَافِيَّتِكَ، وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّآلِهِ اَجْمَعِيْنَ، وَسَلَّمْ تَسْلِيْمًا يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ .
و عافیت و درود خدا بر محمد و آلش همگی و سلامی کامل بر آنها باد ای مهربانترین مهربانان
مؤلف گوید معروفست که در نزد قبر عسکریین علیهما السلام قبور جمله ای از سادات عظام است که از جمله آنها است
حسین پسر امام علی التّقی علیه السلام و من بر حال حسین مطلع نشدم لکن آنچه به نظرم می رسد آنستکه سیّدی
جلیل القدر و عظیم الشّان بوده زیرا که من از بعضی روایات استفاده کردم که از مولای ما حضرت امام حسن عسکری علیه السلام و
برادرش حسین بن علی تعبیر بسبطين می کردند و تشبیه می کردند این دو برادر را به دو جدّشان دو سبط پیغمبر رحمت
امام حسن و امام حسین علیهما السلام و در روایت ابوالطّیب است که صدای حضرت حجّة صلوات الله علیه شبیه بود به
صدای حسین و در شجرة الاولیاء تألیف سید فقیه محدّث حکیم السیّد احمد اردکانی یزدی در ذکر اولاد حضرت امام
علیّ تقي علیه السلام است که حسین فرزند آن حضرت از زهّاد و عبّاد بود و به امامت برادر خود اعتراف داشت و شاید
متتبّع ماهر بیابد غیر از آنچه ذکر شد چیزی که دلالت کند بر جلالتش و نیز بدانکه امامزاده سیّد محمد فرزند حضرت
امام علی تقي علیه السلام را در نزدیکی بلد يك منزلی سامره مزاری است مشهور و به جلالت شأن و بروز کرامات
معروف عامّه مردم به زیارتش مشرّف می شوند و نذر ها و هدایای بسیار به آنجا می برند و حاجات می طلبند و اعراب
آن حدود تمامی از او خوف دارند و حساب می برند کرامات بسیار از آن بزرگوار نقل شده که مقام ذکرش نیست و بس
است در جلالت آن جناب که قابلیت و صلاحیت امامت را داشت و فرزند بزرگ هادی علیه السلام بود و در فوت او
حضرت امام حسن عسکری علیه السلام گریبان خود را چاک فرمود و شیخ ما ثقة الاسلام نوري تَوَرَّاهُ مَرَقْدَه اعتقاد
عظیمی به زیارت آن بزرگوار داشته و در تعمیر بقعه و ضریح مبارکش سعی فرموده و صورت

کتیبه که بر ضریح شریفش نوشته است این است: هذا مرقد السيد الجليل، ابي جعفر محمد

* * * * * این مرقد سید جلیل

ابی جعفر محمد

بن الإمام ابی الحسن علی الهادی علیه السلام، عظیم الشان جلیل القدر، کانت الشیعة

فرزند امام ابی الحسن هادی علیه السلام است که دارای منزلتی بزرگ و مقامی شایسته بوده و شیعیان چنین پنداشتند که

ترعم الله الإمام بعد آیه علیه السلام، فلما توفي نص أبوه علي أخيه أبي محمد

امام پس از پدرش علیه السلام او است و چون از دنیا رفت پدرش تصریح کرد به امامت برادرش ابی محمد علیه السلام

الزكي عليه السلام، وقال له احدث لله شكراً، فقد احدث فيك أمراً خلفه أبوه في

وبه او فرمود برای خدا شکری تازه کن که خدا تازه کرد دستورش را درباره تو، پدرش او را در کودکی

المدينة طفاً، وقدم عليه في سامراء مشتدّاً، وهض الى الرجوع الي الحجاز،

در شهر مدینه بجای گذارد و پس از آنکه جوانی نیرومند شده بود در سامرا به خدمت پدر آمد، و دوباره خواست بسوی

حجاز برگردد

ولما بلغ بلد علي تسعة فراسخ مرض و توفي، ومشهد ههناك، ولما توفي

و سر راه چون به شهر «بلد» نه فرسنگی سامرا رسید بیمار شد و در همانجا از دنیا رفت و مزار شریفش در همانجا است،

شق أبو محمد عليه السلام عليه ثوبه، وقال في جواب من عابه عليه، قد شق موسى

و حضرت ابو محمد علیه السلام در مرگش جامه بر تن درید، و در پاسخ کسی که بر آن حضرت در این کار ایراد گرفت

فرمود: موسی در مرگ

علي أخيه هرون، وكانت وفاته في حدود اثنتين وخمسين بعد المأتين. و

برادرش هارون جامه بر تن درید، و سال وفاتش حدود دویست و پنجاه و دو هجری بود

بالجملة چون خواستی وداع کنی عسکریین علیهما السلام را بایست نزد قبر مطهر و بگو: السّلامُ علیکُمَا یا

* * * * *

* * * * * سلام بر شما ای دو

وَلِيِّ اللَّهِ، اسْتَوْدِعُكُمْ اللَّهُ وَأَقْرَأُ عَلَيْكُمَا السَّلَامَ، آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَبِمَا

نماینده خدا شما را به خدا می سپارم و بر شما سلام می رسانم، ایمان داریم به خدا و به رسول او و بدانچه

جئتمَا بهِ وَدَلَلْتُمَا عَلَيْهِ، اللَّهُمَّ اكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ

شما آوردید و مردم را بدان راهنمایی کردید خدایا بنویس نام ما را در زمره گواهان (به این مطلب) خدایا قرار مده این زیارت را

مِنْ زِيَارَتِي أَيَّاهُمَا، وَارْزُقْنِي الْعُودَ إِلَيْهِمَا، وَاحْشُرْنِي مَعَهُمَا وَمَعَ آبَائِهِمَا

آخرین بار زیارت من از این دو بزرگوار و روزیم کن بازگشتن به زیارتشان را و محشورم گردان با این دو و با پدران الطَّاهِرِينَ وَالْقَائِمِ الْحُجَّةَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِمَا، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

پاکشان و حضرت قائم و حجت از نژادشان ای مهربانترین مهربانان

مقام دویم

در آداب سرداب مطهر و کیفیت زیارت حجة الله علی العباد و بقیة الله فی البلاد الامام المهدي حضرت حجة بن الحسن صاحب الزمان صلوات الله علیه و علی آبائه و قبل از شروع تنبیه کنیم بر امری که در کتاب هدیه از کتاب تحیه نقل کردیم و آن امر اینست که این سرداب مطهر داخل در خانه آن بزرگواران بوده و راه دخول در آن سرداب در قدیم قبل از بناء جدید و ساختن صحن و قبه و حرم از پشت سر نزدیک به قبر نرجس خاتون بود و شاید حال در رواق باشد آنجا پایین می رفتند و دالان دراز تاریکی داشت چون از آنجا می گذشتند بدر سرداب غیبت می رسیدند که حال آینه کاری شده و پنجره از طرف قبله به صحن عسکریین علیهما السلام باز می شود و آن در از وسط این سرداب باز می شد که حال کاشی دیوار بجای آن را به شکل محرابی ساخته اند و همه اعمال این سه امام علیهم السلام از یک حرم می شد و لهذا شهید اول در مزار بعد از زیارت عسکریین علیهما السلام زیارت سرداب را ذکر کرده پس از آن زیارت نرجس خاتون را و در یکصد سال و چیزی قبل مؤید مسدّد احمد خان دنبلی مبلغی خطیر اقدام کرد و صحن آن دو امام علیهما السلام را به نحوی که الآن موجود است جدا نمود و برای آن روضه و رواق و قبه عالیه برپا نمود و برای سرداب مطهر صحنی علی حده و ایوانی و راهی و پله ای جدا و دهلیزی و سردابی مستقل برای زنان ساخت چنانچه حال دیده می شود و آن راه اول و پله ها و در سرداب بالمره مسدود شد و نشانی از آنها نیست [مگر آن مقداری که فعلاً در خانه معروف به خانه اخباریها مشاهده می شود «منه»] و محلی برای بجا آوردن بعضی از آداب وارده نماند و لکن محلّ جمله ای از زیارات که اصل سرداب شریف است تغییری نکرده و اما استیذان و خواندن اذن دخول پس بحسب استقراء در همه زیارات و تصریح علماء بر هر دری که از آنجا مرسوم شده دخول در آن حرم از هر امامی که باشد بایست رعایت کرد و در آن حرم محترم بی اذن داخل نباید شد الحال شروع کنیم در کیفیت زیارت بدانکه اذن دخول خاصّ سرداب مطهر همان زیارتی است که بعد از این بیاید و اول آن «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَلِیْفَةَ اللَّهِ» است و در آن استیذان می شود و

بایست آن را در درِ سرداب پیش از پایین رفتن از پله‌ها خواند و اذن دخولی دیگر سید بن طاوس نقل کرده قریب به همان اذن دخول اول که در فصل دوم از باب زیارات نقل کردیم و اذن دخولی دیگر علامه مجلسی از نسخه تقدیمه نقل کرده که اول آن «اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ بُقْعَةٌ طَهَّرْتَهَا وَعَقَوْتُ شَرَفْتُهَا» است که مانیز آن را بعد از آن اذن دخول عمومی نقل کردیم پس به آنجا رجوع نما و به آن کلمات استیذان کن پس از آن برو و داخل سرداب مطهر شو و زیارت کن آن حضرت را به آنچه خود دستور العمل داده‌اند چنانچه شیخ جلیل احمد بن ابیطالب طبرسی رحمه الله در کتاب شریف احتجاج روایت کرده که از ناحیه مقدسه بیرون آمد بسوی محمد حمیری بعد از جواب از مسائلی که از آن حضرت سؤال کرده بود بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ

* * * * *

* * * * * به نام خدای بخشاينده

الرَّحِيمِ، لَا لِأَمْرِهِ تَعْقِلُونَ، وَلَا مِنْ أَوْلِيَائِهِ تَقْبَلُونَ، حِكْمَةً بِالْعَةِ فَمَا

مهربان، نه خود دستورش را تعقل می‌کنند و نه از دوستانش می‌پذیرند حکمتی است رسا ولی

تُعْنِي التُّدْرُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ. هر گاه خواستید توجه

* * * * * بیم دادن‌ها سودشان ندهد سلام بر ما و بر بندگان شایسته خدا * * * * *

کنید بوسیله ما بسوی خداوند تبارک و تعالی و بسوی ما پس بگوئید چنانکه خدای تعالی

* * * * *

* * * * *

فرموده: سَلَامٌ عَلَيَّ آلِ يَس، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَرَبَّانِي آيَاتِهِ،

* * * سلام بر آل یسین سلام بر تو ای دعوت کننده به خدا و عارف به آیاتش

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَدَيَانَ دِينِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ

سلام بر تو ای واسطه خدا و سرپرست دین او سلام بر تو ای خلیفه خدا

وَنَاصِرَ حَقِّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَدَلِيلَ إِرَادَتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

و یاور حق او سلام بر تو ای حجت خدا و راهنمای اراده‌اش سلام بر تو

يَا تَالِي كِتَابِ اللَّهِ وَتَرْجُمَانَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي آنَاءِ لَيْلِكَ وَأَطْرَافِ

ای تلاوت کننده کتاب خدا و تفسیر کننده آیات او سلام بر تو در تمام آنات و دقایق شب و سرتاسر

نَهَارِكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ

روز سلام بر تو ای بجای مانده از طرف خدا در روی زمین سلام بر تو ای پیمان محکم

اللَّهُ الَّذِي أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ،
خدا که از مردم گرفت و سخت محکمش کرد سلام بر تو ای وعده خدا که تضمینش کرده
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ، وَالْعِلْمُ الْمَصْنُوبُ وَالْعَوْتُ
سلام بر تو ای پرچم برافراشته و دانش ریزان و فریادرس خلق
وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ، وَعَدًا غَيْرَ مَكْذُوبٍ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ،
و رحمت وسیع حق، و آن وعده‌ای که دروغ نشود سلام بر تو هنگامی که بپا می‌ایستی
السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَتُبَيِّنُ، السَّلَامُ
سلام بر تو هنگامی که می‌نشینی سلام بر تو هنگامی که (فرامین حق را) می‌خوانی و تفسیر می‌کنی سلام
عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّي وَتَقُتُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَرْكَعُ وَتَسْجُدُ،
بر تو هنگامی که نماز می‌خوانی و قنوت کنی سلام بر تو هنگامی که رکوع و سجده بجای آوری
السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُهَلِّلُ وَتُكَبِّرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَحْمَدُ
سلام بر تو هنگامی که «لا اله الا الله» و «الله اکبر» گوئی سلام بر تو هنگامی که خدا را ستایش کنی
وَتَسْتَغْفِرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصْبِحُ وَتُمْسِي، السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي
و از او آمرزش خواهی سلام بر تو هنگامی که بامداد کنی و شام کنی سلام بر تو در
اللَّيْلِ إِذَا يَعِشِي، وَالتَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ
شب هنگامی که تاریکیش فرا گیرد و در روز هنگامی که پرده برگردد سلام بر تو ای امام
الْمَأْمُونُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَقْدَمُ الْمَأْمُولُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ بِجَوَامِعِ
امین سلام بر تو ای مقدم (بر همه خلق و) مورد آرزو (ای آنان) سلام بر تو به همه
السَّلَامُ، أَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنِّي أَشْهَدُ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا
سلامها گواه گیرم تو را ای مولا و سرور من که من گواهی دهم به اینکه معبودی نیست جز خدای یگانه
شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ لَا حَبِيبَ إِلَّا هُوَ وَأَهْلُهُ،
که شریک ندارد و نیز (گواهی دهم که) محمد بنده و رسول او است و محبوبی نیست جز او و خاندانش
وَأَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتُهُ، وَالْحَسَنَ حُجَّتُهُ،
و گواه گیرم تو را ای مولای من که علی امیر مؤمنان حجت خدا است و حسن حجت او است
وَالْحُسَيْنَ حُجَّتُهُ، وَعَلِيَّ بْنِ الْحُسَيْنِ حُجَّتُهُ، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ،

و حسین حجت او است و علی بن الحسین حجت او است و محمد بن علی حجت او است
و جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ، وَمُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ حُجَّتُهُ، وَعَلِيٌّ بْنُ مُوسَى
و جعفر بن محمد حجت او است و موسی بن جعفر حجت او است و علی بن موسی
حُجَّتُهُ، وَمُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ، وَعَلِيٌّ بْنُ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ، وَالْحَسَنُ بْنُ
حجت او است و محمد بن علی حجت او است و علی بن محمد حجت او است و حسن بن
عَلِيٍّ حُجَّتُهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ، أَنْتُمْ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ، وَأَنْ رَجَعْتُمْ
علی حجت او است و گواهی دهم که تو حجت خدائی، شمائید اول و آخر و مسلماً بازگشت شما
حَقٌّ لَا رَيْبَ فِيهَا، يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا، لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ
حق است که شکي در آن نیست، روزي که سود ندهد کسي را ایمانش که پیش از آن ایمان نیاورده یا در (مدت)
أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا، وَأَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ، وَأَنَّ نَاكَرًا وَكَكِيرًا حَقٌّ،
ایمان خویش کار خیري انجام نداده و همانا مرگ حق است و ناکر و نکیر (دو فرشته سؤال قبر) حق است
وَأَشْهَدُ أَنَّ النَّشْرَ حَقٌّ، وَالْبَعْثَ حَقٌّ، وَأَنَّ الصِّرَاطَ حَقٌّ، وَالْمِرْصَادَ حَقٌّ،
و گواهی دهم که زنده شدن پس از مرگ حق است و برانگیخته شده حق است و صراط حق است و مرصاد (کمینگاه)
حق است
وَالْمِيزَانَ حَقٌّ، وَالْحَشَرَ حَقٌّ، وَالْحِسَابَ حَقٌّ، وَالْجَنَّةَ وَالنَّارَ حَقٌّ،
و میزان حق است و حشر (در قیامت) حق است و حساب حق است و بهشت و دوزخ حق است
وَالْوَعْدَ وَالْوَعْدَ بِهِمَا حَقٌّ، يَا مَوْلَايَ شَقِيَّ مَنْ خَالَفَكَ، وَسَعِدَ مَنْ
و وعده و تهدید درباره آن دو حق است ای مولای من بدبخت است کسی که مخالفت شما را کرد و سعادتمند است کسی
که

أَطَاعَكُمْ، فَاشْهَدْ عَلَيَّ مَا أَشْهَدُكَ عَلَيْهِ وَأَنَا وَلِيُّ لَكَ، بَرِيٍّ مِنْ
پیرویتان کرد پس گواهی ده بر آنچه تو را بر آن گواه گرفتم و من دوست توأم و بیزارم از
عَدُوِّكَ، فَالْحَقُّ مَا رَضِيتُمُوهُ، وَالْبَاطِلُ مَا أَسْخَطْتُمُوهُ، وَالْمَعْرُوفُ مَا
دشمنت حق آنست که شما پسند کردید و باطل همانست که شما بدان خشم کردید و معروف (و کار نیک) همان بود که شما
أَمَرْتُمْ بِهِ، وَالْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ، فَتَنْفُسِي مُؤْمِنَةً بِاللَّهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ

بدان دستور دادید و منکر (و کار زشت) همان بود که شما از آن جلوگیری و نهي کردید، من ايمان دارم به خدای یگانه‌ای که شريك

لَهُ، وَبِرَسُولِهِ وَبِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَبِكُمْ يَا مَوْلَايَ أَوْلَكُمْ وَأَخْرِكُمْ،

ندارد و به رسول او و به امير مؤمنان و به شما - ای مولای من - از اول تا آخرتان

وُضِرْتِي مُعْدَّةً لَكُمْ، وَمَوَدَّتِي خَالِصَةً لَكُمْ، آمِينَ آمِينَ. × وبعد از آن این

و یاریم برای شما آماده است و دوستیم خالص و پاک برای شما است آمین آمین * * * * *

دعا خوانده شود: اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ رَحْمَتِكَ،

* * * * * خدایا از تو خواهم که درود فرستی بر محمد پیامبر رحمت

وَكَلِمَةِ نُوْرِكَ، وَاَنْ تَمْلَأَ قَلْبِيْ نُوْرَ الْيَقِيْنِ، وَصَدْرِيْ نُوْرَ الْاِيْمَانِ،

و کلمه نورت و دیگر آنکه پرکنی دل مرا با نور یقین و سینه‌ام را با نور ایمان

وَفِكْرِيْ نُوْرَ النَّبَايَاتِ، وَعَزْمِيْ نُوْرَ الْعِلْمِ، وَقُوَّتِيْ نُوْرَ الْعَمَلِ وَلِسَانِيْ

و اندیشه‌ام را با نور تصمیمها و اراده‌ام را با نور علم و نیرویم را با نور عمل و زبانم

نُوْرَ الصِّدْقِ، وَدِيْنِيْ نُوْرَ الْبَصَائِرِ مِنْ عِنْدِكَ، وَبَصْرِيْ نُوْرَ الضِّيَاءِ،

را با نور راستگویی و دین و مذهبم را با نور بیناییهایی از نزد خودت و چشمم را با نور روشنایی

وَسَمْعِيْ نُوْرَ الْحِكْمَةِ، وَمَوَدَّتِيْ نُوْرَ الْمُوَالَاةِ لِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ

و گوشم را با نور فرزاندگی و حکمت و دوستیم را با نور موالات محمد و آلش علیهم

السَّلَامُ، حَتَّى اَلْقَاكَ وَقَدْ وَفَيْتُ بِعَهْدِكَ وَمِيْثَاقِكَ، فَتَعَشَّيْنِي رَحْمَتَكَ

السلام تا تو را دیدار کنم و من به عهد و پیمان تو وفا کردم پس رحمت خود را بر من بیوشان

يَا وَلِيُّ يَا حَمِيْدُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ حُجَّتِكَ فِيْ اَرْضِكَ،

ای سرپرست و ای ستوده خدایا درود فرست بر محمد حجت تو در روی زمینت

وَخَلِيْفَتِكَ فِيْ بِلَادِكَ، وَالدَّاعِي اِلَى سَبِيْلِكَ، وَالْقَائِمُ بِقِسْطِكَ، وَالتَّائِيْرُ

و جانشین تو در شهرهایت و دعوت کننده بسوی راحت و قیام کننده به عدل و دادت و انقلاب کننده

بِأَمْرِكَ، وَلِيُّ الْمُؤْمِنِيْنَ، وَبَوَارِ الْكَافِرِيْنَ، وَمُجَلِّي الظُّلْمَةِ، وَمُنِيرِ الْحَقِّ،

به دستور تو، دوست مؤمنان و نابودی کافران و برطرف کننده تاریکی و روشن کننده حق

وَالنَّاطِقُ بِالْحِكْمَةِ وَالصِّدْقِ، وَكَلِمَتِكَ التَّامَّةُ فِيْ اَرْضِكَ، الْمُرْتَقِبُ

و گویای به حکمت و راستی و آن کلمه (دستور و فرمان) کاملت در روی زمین که در حال انتظار
الْخَائِفِ، وَالْوَلِيِّ النَّاصِحِ، سَفِينَةِ النَّجَاةِ، وَعَلَمِ الْهُدَى، وَنُورِ أَبْصَارِ
و هراس بسر برد و آن سرپرست خیرخواه و کشتی نجات و پرچم هدایت و روشنی دیدگان
الْوَرِيِّ، وَخَيْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَارْتَدَى، وَمُجَلِّي الْعَمِيِّ الَّذِي يَمْلَأُ
مردم و بهترین کسی که جامه ورداء بپوشید و زداينده گمراهی آنکس که پرکند
الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا، كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا، إِنَّكَ عَلَي كُلِّ شَيْءٍ
زمین را از عدل و داد چنانچه پر شده باشد از ستم و بیدادگری که براسستی تو بر هر چیز
قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي وَلِيِّكَ وَابْنِ أَوْلِيَاءِكَ الَّذِينَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ
توانائی خدایا درود فرست بر بنده مقرب درگاهت و فرزند بندگان مقرب آنانکه فرض کردی فرمانبرداریشان را
وَأَوْجِبَتْ حَقَّهُمْ، وَأَذْهَبَتْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهَّرَتْهُمْ تَطْهِيرًا، اللَّهُمَّ
و واجب گرداندي حقشان را و دور کردی از ایشان پلیدی را و بخوبی پاکیزه‌شان کردی خدایا
انصُرْهُ وَانْتَصِرْ بِهِ لِدِينِكَ، وَانصُرْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَأَوْلِيَاءَهُ، وَشِيعَتَهُ
یاریش کن و بدست او دینت را یاری کن و یاری کن بوسیله او دوستان خودت و دوستان او و شیعیان
وَأَنْصَارَهُ، وَاجْعَلْنَا مِنْهُمْ، اللَّهُمَّ أَعِزَّهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ، وَمِنْ شَرِّ
و یاورانش را و ما را نیز از آنان قرار ده خدایا نگاهش دار از شر هر متجاوز و سرکشی و از شر
جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ
همه مخلوق خودت و محافظتش کن از پیش رویش و از پشت سرش و از سمت راستش و از طرف
شِمَالِهِ، وَاحْرُسْهُ وَامْنَعْهُ مِنْ أَنْ يُوْصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ، وَاحْفَظْ فِيهِ
چپش و پاسداریش کن و نگاهش دار از اینکه گزند و آسیبی بدو رسد و (شوکت و عزت) رسول
رَسُولِكَ وَآلِ رَسُولِكَ، وَأَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ وَأَيِّدْهُ بِالتَّصَرُّ، وَانصُرْ
و آل رسولت را در (وجود) او حفظ فرما و آشکار (یا پیروز) گردان بدست او عدل و داد را و بیاریت
نَاصِرِيهِ، وَاخْذُلْ خَاذِلِيهِ، وَأَقْصِمِ قَاصِمِيهِ، وَأَقْصِمِ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ،
کمکش کن و یاورش را نیز یاری کن و هر که دست از یاریش بردارد خوار گردان و در هم شکن شکننده‌اش را و بشکن
بدست او
وَأَقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ، وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ حَيْثُ كَانُوا مِنْ

قدرت و شوکت کافران را و آنان را بدست آن حضرت به خاک هلاک افکن و هم چنین منافقان و همه بی دینان ستیزه جو را در هر جا

مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، بَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَأَمْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا،

هستند از خاورهای زمین و باخترهای آن چه در خشکی و چه در دریا، و پرکن بوسیله او زمین را از عدل و داد

وَأَظْهِرْ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ

و آشکار (یا پیروز) کن بوسیله اش دین پیامبرت - صلی الله علیه و آله - را و قرار ده خدایا مرا نیز از

أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ، وَأَتْبَاعِهِ وَشِيعَتِهِ، وَأَرِنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ

یاران و کمک کاران و پیروان و شیعیانش و به من نما در مورد آل محمد علیهم

السَّلَامُ مَا يَأْمُلُونَ، وَفِي عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُونَ، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ، يَا

السلام آنچه را آرزو داشتند و در مورد دشمنشان آنچه از آن می ترسند مستجاب گردان ای معبود حق

ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. زیارت دیگر منقول از کتب معتبره علماء

و ای صاحب جلالت و بزرگواری ای مهربانترین مهربانان * * * * *

* * * *

بایست بر در حرم آنحضرت و بگو: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَخَلِيفَةَ آبَائِهِ

* * * * * سلام بر تو ای نماینده خدا و جانشین پدران

الْمُهَدِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ الْأَوْصِيَاءِ الْمَاضِينَ، السَّلَامُ

راه یافته اش سلام بر تو ای وصی اوصیاء گذشته سلام

عَلَيْكَ يَا حَافِظَ أَسْرَارِ رَبِّ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ مِنْ

بر تو ای نگهبان رازها و اسرار پروردگار جهانیان سلام بر تو ای یادگار خدا از

الصَّفْوَةِ الْمُتَنْجِبِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْأَنْوَارِ الزَّاهِرَةِ السَّلَامُ

زیده برگزیدگان سلام بر تو ای فرزند نورهای تابان سلام

عَلَيْكَ يَا بَنَ الْأَغْلَامِ الْبَاهِرَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْعِثْرَةِ الطَّاهِرَةِ،

بر تو ای فرزند مشعلهای فروزان سلام بر تو ای فرزند عترت پاکیزه

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَعْدِنَ الْعُلُومِ النَّبَوِيَّةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ

سلام بر تو ای معدن علوم نبوی سلام بر تو ای درگاه خدا

الَّذِي لَا يُؤْتِي إِلَّا مِنْهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَبِيلَ اللَّهِ الَّذِي مَنْ سَلَكَ
که نروند (بسوی او) جز از آن (درگاه) سلام بر تو ای راه خدا که هر که جز آن راه
غَيْرُهُ هَلَكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَاطِرَ شَجَرَةِ طُوبَى وَسِدْرَةِ الْمُنْتَهَى،
را پیمود به هلاکت افتاد سلام بر تو ای بیننده درخت طوبی و سدره المنتهی
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُطْفِئُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ
سلام بر تو ای نور خدا آن نوری که خاموش نگردد سلام بر تو ای حجت خداوند
الَّتِي لَا تَخْفِي، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَيَّ مَنْ فِي الْأَرْضِ
آن حجّتی که پوشیده نماند سلام بر تو ای حجت خدا بر هر که در زمین
وَالسَّمَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ سَلَامٌ مَنْ عَرَفَكَ بِمَا عَرَفَكَ بِهِ اللَّهُ، وَنَعْتِكَ
و آسمان است سلام بر تو سلام کسی که تو را شناخته است بدانسان که خدا تو را شناسانده است و توصیف کند
بِبَعْضِ نِعَوَتِكَ الَّتِي أَنْتَ أَهْلُهَا وَفَوْقَهَا، أَشْهَدُ أَنَّكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ مَنْ
به برخی از صفات تو که شایسته آنی و بالاتر از آن گواهی دهم که توئی حجت بر
مَضِي وَمَنْ بَقِيَ، وَأَنَّ حِزْبَكَ هُمُ الْغَالِبُونَ وَأَوْلِيَائِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ،
رفتگان و باقیماندهگان و حتماً گروه تو پیروز شوند و دوستان تو رستگارانند
وَأَعْدَاؤُكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ، وَأَنَّكَ خَازِنُ كُلِّ عِلْمٍ وَفَاتِقُ كُلِّ رَتْقٍ
و دشمنانت زیارنکارند و توئی خزینه دار هر دانشی و گشاینده هر گره بسته
وَمُحَقِّقُ كُلِّ حَقٍّ، وَمُبْطِلُ كُلِّ بَاطِلٍ، رَضِيْتُكَ يَا مَوْلَايَ إِمَاماً وَهَادِياً
و پابرجا کننده هر حق، و باطل کننده هر باطل پسندیدم تو را ای سرور من به امامت و راهنمایی
وَوَلِيّاً وَمُرْشِداً، لَا أَبْتَغِي بِكَ بَدَلاً، وَلَا أَتَّخِذُ مِنْ دُونِكَ وَلِيّاً، أَشْهَدُ
و سرپرستی و رهبری و نجویم بجای تو دیگری را و نگیرم جز تو سرپرست دیگری را گواهی دهم
أَنَّكَ الْحَقُّ الثَّابِتُ الَّذِي لَا عَيْبَ فِيهِ، وَأَنَّ وَعْدَ اللَّهِ فِيكَ حَقٌّ لَا
که توئی آن حق مسلم و ثابتی که عیبی در آن نیست و براستی وعده خدا در تو مسلم است و شک به خود
أَرْتَابُ لِطُولِ الْعَيِّبَةِ، وَبَعْدِ الْأَمَدِ، وَلَا أَتَحَيَّرُ مَعَ مَنْ جَهَلَكَ وَجَهَلَ
راه ندهم بخاطر طولانی شدن غیبت تو و دوری زمان و سرگردان نشوم به همراه آنانکه تو را شناختند و نسبت به تو
بِكَ، مُنْتَظَرٌ مُتَوَقِّعٌ لِأَيَّامِكَ، وَأَنْتَ الشَّافِعُ الَّذِي لَا تُنَازَعُ وَالْوَلِيُّ

دانائی ندارند، چشم به راه و منتظر روزهای حکومت و فرمانروایت هستم و توئی آن واسطه و شفيعي که نزاعی در آن نیست

الَّذِي لَا تُدَافِعُ، ذَخَرَكَ اللَّهُ لِنُصْرَةِ الدِّينِ، وَإِعْزَازِ الْمُؤْمِنِينَ، وَاللَّائِنِقَامِ
و آن سرپرستی که مزاحم نداری ذخیرهات کرده است خداوند برای یاری دین و شوکت مؤمنین و انتقام گرفتن
مِنَ الْجَاهِدِينَ الْمَارِقِينَ، أَشْهَدُ أَنَّ بَوْلَايَتِكَ تُقْبَلُ الْأَعْمَالُ، وَتُرَكِّي
از منکرین و بیرون رفتگان از دین گواهی دهم که همانا بوسیله دوستی تو پذیرفته گردد اعمال و پاک شود
الْأَفْعَالُ، وَتُضَاعَفُ الْحَسَنَاتُ، وَتُمَحَى السَّيِّئَاتُ، فَمَنْ جَاءَ بِوِلَايَتِكَ،
کردار و چند برابر گردد کارهای خوب و محو شود کارهای بد پس هر که ولایت تو را داشت
وَاعْتَرَفَ بِإِمَامَتِكَ، قُبِلَتْ أَعْمَالُهُ، وَصَدَّقَتْ أَقْوَالُهُ، وَتَضَاعَفَتْ
و به امامت تو اعتراف کرد اعمالش پذیرفته و گفتارش مورد تصدیق و گواهی است
حَسَنَاتُهُ، وَمُحِيَّتْ سَيِّئَاتُهُ، وَمَنْ عَدَلَ عَنْ وِلَايَتِكَ، وَجَهَلَ مَعْرِفَتَكَ،
و کارهای نیکش مضاعف و بدیهایش محو گردد و هر که رو گرداند از ولایت و دوستی تو و تو را نشاخت
وَاسْتَبَدَلَ بِكَ غَيْرَكَ، أَكْبَهُ اللَّهُ عَلَيَّ مُنْخَرِهِ فِي النَّارِ، وَلَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهُ
و بجای تو دیگری را برگزید خداوند او را سرنگونش کند بصورت در آتش دوزخ و هیچ کاری را از او نپذیرد و
عَمَلًا، وَلَمْ يُقَمْ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا، أَشْهَدُ اللَّهَ وَأُشْهَدُ مَلَائِكَتَهُ،
میزانی برای او در قیامت برپا نکند (و حسابی برایش باز نکند) گواه گیرم خدا و فرشتگانش را و نیز
وَأُشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ بِهَذَا ظَاهِرُهُ كِبَاطِنُهُ، وَسِرُّهُ كَعَلَانِيَتِهِ، وَأَنْتَ
گواه گیرم تو را ای سرور من بدانچه گفتم که ظاهر و باطنش یکسانست و نهان و آشکارش یکی است
الشَّاهِدُ عَلَيَّ ذَلِكَ وَهُوَ عَهْدِي إِلَيْكَ، وَمِيثَاقِي لَدَيْكَ، إِذْ أَنْتَ نِظَامُ
و تو گواهی بر این، و این عهد و پیمان من است در پیش تو چون توئی نظام بخش
الدِّينِ، وَيَعْسُوبُ الْمُتَّقِينَ، وَعِزُّ الْمُؤَحِّدِينَ، وَبِذَلِكَ أَمَرَنِي رَبُّ
دین و بزرگ متقین و عزت بخش مردمان یکتاپرست و به همین دستور داده است مرا پروردگار
الْعَالَمِينَ فَلَوْ تَطَاوَلَتِ الدُّهُورُ، وَتَمَادَّتِ الْأَعْمَارُ، لَمْ أَزِدْ فَيْكَ إِلَّا
جهانیان و اگر طولانی گردد روزگاریها و بدرازا کشد عمرها نیفزاید مرا درباره تو جز
يَقِينًا، وَلَكَ إِلَّا حُبًّا، وَعَلَيْكَ إِلَّا مُتَّكِلًا وَمُعْتَمِدًا، وَلِظُهُورِكَ إِلَّا مُتَوَقِّعًا

یقین و زیاد نگرداند برای تو در من بجز محبت و جز توکل و اعتماد بر تو و جز انتظار و توقع ظهور
وَمُنْتَظَرًا، وَلِجِهَادِي بَيْنَ يَدَيْكَ مُتَرَقِّبًا، فَأَبْدُلْ نَفْسِي وَمَالِي وَوَلَدِي
و پیروزی و جز آنکه چشم براه آن باشم که در پیش رویت پیکار کنم و جان خود و مال و فرزند
وَأَهْلِي وَجَمِيعَ مَا خَوَّلَنِي رَبِّي بَيْنَ يَدَيْكَ، وَالتَّصَرُّفَ بَيْنَ أَمْرِكَ
و خاندان و خلاصه هر چه را خدا به من داده است همه را در راحت نثار کنم و همه را در اختیار امر
وَنَهْيِكَ، مَوْلَايَ فَإِنْ أَدْرَكْتُ أَيَّامَكَ الزَّاهِرَةَ، وَأَعْلَامَكَ الْبَاهِرَةَ فَهِيَ
و نهی تو بگذارم مولای من اگر من آن دوران درخشان را درک کنم و آن پرچمهای نمایان تو را ببینم پس من
أَنَا ذَا عَبْدِكَ الْمُتَصَرِّفُ بَيْنَ أَمْرِكَ وَنَهْيِكَ، أَرْجُو بِهِ الشَّهَادَةَ
همان بنده تو باشم که خود را در اختیار امر و نهی تو بگذارم تا بلکه بدان وسیله در پیش رویت بشهادت رسم
بَيْنَ يَدَيْكَ، وَالْفَوْزَ لَدَيْكَ، مَوْلَايَ فَإِنْ أَدْرَكْنِي الْمَوْتُ قَبْلَ
و در نزد تو کامیاب گردم، ای مولای من و اگر پیش از زمان ظهور تو مرگ به سراغم آید
ظُهُورِكَ، فَإِنِّي أَتَوَسَّلُ بِكَ وَبِأَيِّكَ الطَّاهِرِينَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى، وَأَسْأَلُهُ
من توسل جویم بوسیله تو و بوسیله پدران پاک تو بدرگاه خدای تعالی و از او خواهم
أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ يَجْعَلَ لِي كَرَّةً فِي ظُهُورِكَ،
که درود فرستد بر محمد و آل محمد و مقرر فرماید بر من بازگشتن در زمان ظهورت را
وَرَجْعَةً فِي أَيَّامِكَ لِأُبْلَغَ مِنْ طَاعَتِكَ مُرَادِي، وَأَشْفِي مِنْ أَعْدَائِكَ
و دوباره آمدن در آن روزهای درخشان حکومت را تا در مورد فرمانبرداری تو به مقصود خود برسم (و جراحات) دلم
را از دشمنانت
فُؤَادِي، مَوْلَايَ وَقَفْتُ فِي زِيَارَتِكَ مَوْقِفَ الْخَاطِئِينَ النَّادِمِينَ
شفا بخشم سرورا من ایستاده‌ام برای زیارت تو چون خطاکاران پشیمانی
الْخَائِفِينَ، مِنْ عِقَابِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَقَدْ اتَّكَلْتُ عَلَى شَفَاعَتِكَ،
که ترسانند از کیفر پروردگار جهانیان و تکیه کرده‌ام بر شفاعت
وَرَجَوْتُ بِمَوْلَاتِكَ وَشَفَاعَتِكَ مَحْوَ ذُنُوبِي، وَسَتْرَ عُيُوبِي، وَمَغْفِرَةَ
و وساطت تو و از دوستی و شفاعت تو امید آن دارم که گناهانم محو شود و عیوبم پوشیده گردد و لغزشهایم آمرزیده
شود

زَلَّيْ، فَكُنْ لَوْلِيكَ يَا مَوْلَايَ عِنْدَ تَحْقِيقِ أَمَلِهِ، وَاسْتَلِ اللَّهَ غُفْرَانًا

پس تو هم ای مولای من کمک چاکرت کن تا آرزویش تحقق یابد و از خدا بخواه که لغزشش را بیامرزد

زَلَّيْ، فَقَدْ تَعَلَّقَ بِحَبْلِكَ، وَتَمَسَّكَ بِوَلَايَتِكَ، وَتَبَرَّءَ مِنْ أَعْدَائِكَ

زیرا که به رشته محبت تو چنگ زده و به ولایت و دوستی تو تمسک بسته و از دشمنانت بیزار می جوید

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْجِزْ لَوْلِيكَ مَا وَعَدْتَهُ، اللَّهُمَّ أَظْهِرْ

خدایا درود فرست بر محمد و آلش و وفا کن بدان وعده ای که به بنده مقربت داده ای، خدایا آشکار کن

كَلِمَتَهُ، وَأَعْلِ دَعْوَتَهُ، وَأَنْصُرْهُ عَلَى عَدُوِّهِ وَعَدُوِّكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ،

سخن و آئینش را و بلند کن دعوتش را و یاریش ده بر دشمنش و بر دشمن تو ای پروردگار جهانیان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَظْهِرْ كَلِمَتَكَ التَّامَّةَ، وَمُعَيَّبِكَ

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و آشکار کن آن کلمه تامه (و حجت بالغه) خود را و آن پنهان شده

فِي أَرْضِكَ الْخَائِفَ الْمُتَرَقِّبَ، اللَّهُمَّ انْصُرْهُ تَصْرًا عَزِيزًا، وَافْتَحْ لَهُ

در روی زمین و آن هراسان نگران را خدایا یاریش ده یاری نیرومندی و بگشا برایش

فَتْحًا يَسِيرًا، اللَّهُمَّ وَأَعِزِّ بِهِ الدِّينَ بَعْدَ الْحُمُولِ، وَأَطْلُعْ بِهِ الْحَقَّ بَعْدَ

گشایشی آسان خدایا نیرومند گردان بدست او دین را پس از گمنامی و طالع کن بدو (خورشید) حق (و حقیقت) را

پس

الْأُفُولِ، وَأَجَلِ بِهِ الظُّلْمَةَ، وَاكْشِفْ بِهِ الْعُمَةَ، اللَّهُمَّ وَأَمِنْ بِهِ الْبِلَادَ،

از غروب آن و برطرف کن بدو تاریکی را و بگشا بدو غم و اندوه را خدایا ایمن گردان بوسیله اش شهرها را

وَاهْدِ بِهِ الْعِبَادَ، اللَّهُمَّ اَمْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَنِسْطًا، كَمَا مِلْتُمْ ظُلْمًا وَجَوْرًا،

و راهنمایی کن بدو بندگان را خدایا پر کن زمین را بدو از عدل و داد چنانچه پر شده از ستم و بیدادگری

إِنَّكَ سَمِيعٌ مُجِيبٌ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، ائِذْنُ لَوْلِيكَ فِي الدُّخُولِ إِلَى

که برستی تو شنوا و پاسخ دهنده ای سلام بر تو ای ولی خدا اجازه ده برای دوستت که در حرمت داخل شود

حَرَمِكَ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ الطَّاهِرِينَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

- دروهای خدا بر تو و بر پدران پاکت و رحمت خدا و برکاتش بر شما باد -

پس برو به نزد سرداب غیبت آنحضرت و میان دو در بایست و درها را به دست خود بگیر و تَنَحُّنْ کن مانند کسیکه

رخصت داخل شدن طلبد و بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بگو و پایین رو بتائی و حضور قلب و دو رکعت نماز

در عرصه سرداب بکن پس بگو: اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَلِلَّهِ
 * * * * * خدا بزرگتر (از توصیف) است... معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگتر
 است و حمد خاص خدا است،

الْحَمْدُ، اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَعَرَّفَنَا أَوْلِيَاءَهُ وَأَعْدَاءَهُ، وَوَقَّفَنَا
 ستایش خداوندی را که ما را به این راه هدایت فرمود و دوستان و دشمنانش را به ما معرفی کرد و ما را به
 لَزِيَارَةِ أَيْمَتِنَا، وَلَمْ يَجْعَلْنَا مِنَ الْمُعَانِدِينَ النَّاصِبِينَ، وَلَا مِنَ الْغُلَاةِ
 زیارت امامان موقفمان داشت و قرارمان نداد از زمره دشمنان و ناصیبان و نه از غالیانی (که در حق آنها غلو
 الْمُفَوِّضِينَ، وَلَا مِنَ الْمُرْتَابِينَ الْمُقْصِرِينَ، اَلسَّلَامُ عَلَيَّ وَلِيِّ اللَّهِ
 کردند و آنان) که معتقد به تفویض (و واگذاردن کار بدست آنها) هستند و نه از کسانی که شک و تردید داشتند و در
 حقشان

وَابْنِ أَوْلِيَاءِهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيَّ الْمُدْخَرِ لِكَرَامَةِ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَبَوَارِ أَعْدَائِهِ،
 کوتاهی کنند سلام بر بنده مقرب خدا و فرزند بندگان مقربش سلام بر آنکه ذخیره شده تا اولیاء خدا را گرامی کند و
 دشمنانش را

اَلسَّلَامُ عَلَيَّ الثُّورِ الَّذِي أَرَادَ أَهْلُ الْكُفْرِ إِطْفَاءَهُ، فَابْيَ اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُنِمَّ
 نابود گرداند سلام بر آن نور تابانی که اهل کفر آهنگ خاموش کردنش را کردند ولی خداوند نخواست جز آنکه نور خود
 را آشکار

ثُورُهُ بِكَرْهِهِمْ، وَأَيَّدَهُ بِالْحَيَاةِ حَتَّى يُظْهَرَ عَلَيَّ يَدِهِ الْحَقِّ بِرَغْمِهِمْ،
 وکامل گرداند گرچه آنان را ناخوش آید و او را بوسیله زندگی (طولانی) نگاه داشت تا برغم آنان حق را بدست او
 آشکار سازد

أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ اصْطَفَيْكَ صَغِيرًا، وَأَكْمَلَ لَكَ عُلُومَهُ كَبِيرًا، وَأَنَّكَ حَيٌّ لَا
 گواهی دهم که براستی خداوند تو را در کوچکی برگزید و علوم خود را برای تو در بزرگی کامل کرد و تو زنده هستی
 تَمُوتُ حَتَّى تُبْطَلَ الْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ، اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَيَّ
 و نخواهی مرد تا از میان برداری جبت و طاغوت (معبودهای ساختگی و یاغیان) را خدایا درود فرست بر آن حضرت
 و بر

خُدَّامِهِ، وَأَعُوَانِهِ عَلَي غَيْبَتِهِ وَتَأْيِيهِ، وَأَسْتُرُهُ سِتْرًا عَزِيزًا، وَاجْعَلْ لَهُ

خدمتکاران و کمک کارانش در دوران غیبت و دوریش و مستور دار در پرده عزت (و نیرومندی) و او را در پناهگاه

محکمی

مَعْقِلًا حَرِيزًا، وَاشْدُدِ اللَّهُمَّ وَطَأَتَكَ عَلَي مُعَانِدِيهِ وَآخِرُسُ مَوَالِيهِ

قرارش ده و پایمال کردن و سرکوبی خود را نسبت به دشمنانش سخت و شدید گردان و دوستان و زائرینش را (از گزند روزگار)

وَزَائِرِيهِ، اللَّهُمَّ كَمَا جَعَلْتَ قَلْبِي بِذِكْرِهِ مَعْمُورًا، فَاجْعَلْ سِلَاحِي

حفظ کن خدایا چنانچه دل مرا به یاد آوری او آباد کردی اسلحه مرا نیز در

بِنُصْرَتِهِ مَشْهُورًا، وَإِنْ حَالُ بَيْنِي وَبَيْنَ لِقَائِهِ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ

یاری او (آماده کن و) از نیام بدر آر و اگر حائل شد میان من و میان دیدار آن حضرت آن مرگی که مسلم کردی

عَلَي عِبَادِكَ حَتْمًا وَأَقْدَرْتَ بِهِ عَلَي خَلْقِكَ رَغْمًا، فَابْعَثْنِي عِنْدَ

بر بندگان و مقدر کردی آن را بر خلق خود تا بینیشان به خاک مالیده و زبونشان کنی پس مرا

خُرُوجِهِ ظَاهِرًا مِنْ حُفْرَتِي، مُؤْتَرًّا كَفَنِي، حَتَّى أَجَاهِدَ بَيْنَ يَدَيْهِ

هنگام ظهورش برانگیز تا سر برآرم از قبرم و همانطور که کفن پوشیده‌ام پیکار کنم در پیش رویش

فِي الصَّفِّ الَّذِي أَتَيْتَ عَلَي أَهْلِهِ فِي كِتَابِكَ، فَقُلْتَ كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ

در آن صفی که ستایش کردی اهل آن صف را در قرآن و فرمودی «گوئی آنها بنایی

مَرْصُوصٌ، اللَّهُمَّ طَالَ الْأُنْتِظَارُ، وَشِمَتَ مِنَّا الْفَجَارُ، وَصَعَبَ عَلَيْنَا

استوارند» خدایا انتظار ما به درازا کشید و مردمان فاجر بدکار ما را شمت کنند و انتقام (از دشمن)

الْأُنْتِصَارُ، اللَّهُمَّ أَرِنَا وَجْهَ وَلِيِّكَ الْمَيْمُونِ فِي حَيَاتِنَا وَبَعْدَ الْمُنُونِ،

بر ما دشوار گشت خدایانشان ده به ما روی میمون بنده مقرب و نماینده‌ات را در حال زندگی و پس از مرگ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَدِينُ لَكَ بِالرَّجْعَةِ بَيْنَ يَدَيِ صَاحِبِ هَذِهِ الْبُقْعَةِ، الْعَوْتُ

خدایا من اعتقاد دارم به رجعت در پیش روی صاحب این بقعه، فریاد،

الْعَوْتُ الْعَوْتُ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، قَطَعْتُ فِي وَصْلَتِكَ الْخُلَّانَ،

فریاد، فریاد، ای صاحب الزمان برای رسیدن به تو از دوستان صمیمی بریدم

وَهَجَرْتُ لَزِيَارَتِكَ الْأَوْطَانَ، وَأَخْفَيْتُ أَمْرِي عَنْ أَهْلِ الْبُلْدَانِ،

و براي زيارت وطن را ترك كردم و هدف و مقصودم را از مردم شهرها (ي سر راه) پنهان داشتم

لَتَكُونَ شَفِيعاً عِنْدَ رَبِّكَ وَرَبِّي، وَإِلَىٰ آبَائِكَ وَمَوَالِيٍّ فِي حُسْنٍ

تا تو شفيع من گردي در نزد پروردگار خود و پروردگار من و پيش پدرانت و سروران من در (خواستن)

التَّوْفِيقِ لِي، وَإِسْبَاغِ النِّعْمَةِ عَلَيَّ، وَسَوْقِي الْأَحْسَانِ إِلَيَّ، اللَّهُمَّ صَلِّ

خوش توفیقي براي من و فراوانی نعمت بر من و روان شدن احسان و بخشش بسوي من خدايا درود فرست

عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَصْحَابِ الْحَقِّ، وَقَادَةَ الْخَلْقِ، وَأَسْتَجِبْ مِنِّي

بر محمد و آل محمد ملازمین حق و راهبران خلق و به اجابت رسان برایم

مَا دَعَوْتُكَ وَأَعْطَيْتَنِي مَا لَمْ أَنْطِقْ بِهِ فِي دُعَائِي مِنْ صَلَاحِ دِينِي

آنچه دعا کردم و عطا کن به من آنچه را به زبان نیاوردم در دعایم از آنچه به صلاح دین

وَدُّنِيَّايَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ .

و دنیای من است که برستی توئی ستوده و بزرگوار و درود خدا بر محمد و آل پاکش باد

پس داخل صُفّه شو و دو رکعت نماز کن و بگو اللَّهُمَّ عَبْدُكَ الْزَّائِرُ فِي فَنَاءٍ وَلِيَّكَ

* * * * * خدايا بنده زائر تو در آستان بنده مقرب

تو است

الْمَرْزُورِ الَّذِي فَرضَتْ طَاعَتَهُ عَلَي الْعَبِيدِ وَالْأَحْرَارِ، وَأَنْقَذْتَ بِهِ

که به زیارتش آیند آنکه واجب کردی فرمانبرداریش را بر هر بنده و آزاد و نجات دادی بوسیله اش

أَوَّلِيَّائِكَ مِنْ عَذَابِ النَّارِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا زِيَارَةً مَقْبُولَةً ذَاتَ دُعَاءٍ

دوستان خود را از عذاب دوزخ خدايا این زیارت را زیارتي پذیرفته قرار ده و زیارتي که در آن دعائي

مُسْتَجَابٍ، مِنْ مُصَدِّقٍ بِوَلِيِّكَ غَيْرِ مُرْتَابٍ، اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ

مستجاب باشد از فردي که تصدیق کرده ولی و نماینده تو را بدون هیچگونه شك و تردیدی خدايا قرارش مده آخرین

بار آمدنم

بِهِ وَلَا بِزِيَارَتِهِ، وَلَا تَقْطَعْ أَثَرِي مِنْ مَشْهَدِهِ، وَزِيَارَةِ أَبِيهِ وَجَدَّهُ،

به آستان این بزرگوار و زیارتش و پای مرا از زیارتگاه او و زیارت پدر و جدش مبر،

اللَّهُمَّ أَخْلِفْ عَلَيَّ نَفَقَتِي، وَأَنْفَعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي

خدایا آنچه در این راه خرج کردم عوض آن را به من بده و سود بخش کن و آنچه را روزی من کرده‌ای در دنیا و آخرت

لی ولأخوانی وأبویَّ وَجَمِیعِ عَشْرَتی، اَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ اَیُّهَا اَلْاِمَامُ

و برای برادرانم و پدر و مادرم و همه خاندانم تو را به خدا می‌سپارم ای امام بزرگواری

الَّذِي يَفُوزُ بِهِ الْمُؤْمِنُونَ، وَيَهْلِكُ عَلَيَّ يَدِيهِ الْكَافِرُونَ الْمُكَذِّبُونَ،

که رستگار شوند بوسیله او مؤمنان و نابود گردند بدست او مردمان کافر و تکذیب کننده

يا مَوْلایِ يا بَنَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ جِئْتُكَ زَائِرًا لَكَ وَلِأَبِيكَ وَجَدُّكَ،

ای مولای من ای فرزند حسن بن علی به دربارت آمده‌ام برای زیارت تو و پدر و جدت

مُتَقِنًا الْفَوْزَ بِكُمْ، مُعْتَقِدًا اِمَامَتَكُمْ، اَللّهُمَّ اكْتُبْ هَذِهِ الشَّهَادَةَ

و یقین به رستگاری خویش بوسیله شما دارم و معتقد به امامت شما هستم خدایا ثبت کن این گواهی

وَالزِّيَارَةَ لِي عِنْدَكَ فِي عَلِيِّينَ، وَبَلِّغْنِي بِلَاغِ الصَّالِحِينَ، وَانْفَعْنِي

و زیارت مرا نزد خودت در بلندترین جاها و برسانم بدانجا که رسیدند بدان مردمان شایسته و از دوستی

بِحُبِّهِمْ يا رَبَّ الْعَالَمِينَ زیارت دیگر زیارتی است که سید بن طاوس نقل کرده و آن

ایشان به من سود ده ای پروردگار جهانیان * * * * *

* * * * *

چنان است که می‌گوئی: السَّلَامُ عَلَيَّ الْحَقِّ الْجَدِيدِ، وَالْعَالَمِ الَّذِي عِلْمُهُ لَا

* * * * * سلام بر آن حق تازه و جدید و آن دانشمند بزرگواری که دانشش تمام

نگردد

يَبِيدُ، السَّلَامُ عَلَيَّ مُحْيِي الْمُؤْمِنِينَ، وَمُبِيرِ الْكَافِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيَّ

سلام بر زنده کننده مؤمنان و نابود کننده کافران سلام بر

مَهْدِيِّ الْأُمَمِ وَجَامِعِ الْكَلِمِ، السَّلَامُ عَلَيَّ خَلْفِ السَّلَفِ، وَصَاحِبِ

مهدی همه ملل و جامع تمام کلمات (و احکام الهی) سلام بر یادگار گذشتگان و صاحب

الشَّرَفِ، السَّلَامُ عَلَيَّ حُجَّةِ الْمَعْبُودِ، وَكَلِمَةِ الْمَحْمُودِ، السَّلَامُ عَلَيَّ

شرف (و بزرگی) سلام بر حجت (از طرف خدای) معبود و کلمه ستوده سلام بر

مُعِزِّ الْأَوْلِيَاءِ، وَمُذِلِّ الْأَعْدَاءِ، السَّلَامُ عَلَيَّ وَارِثِ الْأَنْبِيَاءِ، وَخَائِمِ

عزت بخش دوستان حق و خوار کننده دشمنان او سلام بر وارث پیمبران و خاتم
الأوصیاء، السَّلامُ عَلَي الْقَائِمِ الْمُنتَظَرِ، وَالْعَدْلِ الْمُشْتَهَرِ، السَّلامُ
اوصیاء سلام بر حضرت قائم منتظر و آن (سر تا پا) عدالت مشهور سلام
عَلَي السَّيْفِ الشَّاهِرِ، وَالْقَمَرِ الزَّاهِرِ وَالثُّورِ الْبَاهِرِ، السَّلامُ عَلَي
بر شمشیر از نیام کشیده (حق) و ماه تابان و نور درخشان سلام بر
شَمْسِ الظَّلامِ وَبَدْرِ التَّمامِ، السَّلامُ عَلَي رَبِّيعِ الْأَنامِ، وَنَضْرَةِ الْأَيَّامِ،
خورشید تاریکی و ماه شب چهارده سلام بر بهار (شکوفان) مردمان و شادمانی و خرمی روزگار و دوران
السَّلامُ عَلَي صاحبِ الصَّمَامِ، وَقَلَّاقِ الْهَامِ، السَّلامُ عَلَي الدِّينِ
سلام بر صاحب شمشیر برآن و شکافنده سرها سلام بر دین و آئین
الْمَأْثُورِ، وَالْكِتَابِ الْمَسْطُورِ، السَّلامُ عَلَي بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي بِلَادِهِ، وَحُجَّتِهِ
مقرر (و رسیده از جانب خدا) و کتاب نگاشته سلام بر غایبده خدا در شهرهایش و حجت او
عَلَي عِبَادِهِ الْمُنتَهِي إِلَيْهِ مَوَارِيثُ الْأَنْبِيَاءِ، وَلَدَيْهِ مَوْجُودُ آثَارُ
بر بندگان آنکه به او رسید میراث پیمبران و نزد او موجود است آثار
الْأَصْفِيَاءِ، الْمُؤْتَمَنِ عَلَي السِّرِّ وَالْوَلِيِّ لِلْأَمْرِ، السَّلامُ عَلَي الْمُهْدِي
برگزیدگان آن امین بر راز و سرپرست کار (امامت) سلام بر مهدی که
الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ الْأُمَمَ، أَنْ يَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ، وَيَكْمُلَ بِهِ الشَّعْتَ،
وعده کرده خدای عزوجل به امتها را تا گرد آورد بوسیله اش گفته ها (ای همه) را و برطرف کند بوسیله اش
پراکندگی را
وَيَمْلَأَ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، وَيُمْكِّنَ لَهُ وَيُنْجِزَ بِهِ وَعْدَ
و پر کند بدست او زمین را از عدل و داد و موقعیتش را محکم و پابرجا کند و با آمدنش به وعده ای
الْمُؤْمِنِينَ، أَشْهَدُ يَا مَوْلَايَ أَنَّكَ وَالْأَئِمَّةَ مِنْ آبَائِكَ أَتَمَّتْ، وَمَوَالِي
که به مؤمنین داده وفا کند گواهی دهم ای مولای من که تو و پدران پیشوای تو امامان و سروران من هستید
فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا، وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ، أَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ أَنْ تُسَلِّ
در زندگی دنیا و هم در آن روزی که گواهان (خلق) بپا خیزند از تو خواهیم ای مولای من که درخواست کنی
اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي صَلَاحِ شَأْنِي، وَقَضَاءِ حَوَائِجِي، وَغُفْرَانِ

از خدای تبارک و تعالی اصلاح کارم را و برآوردن حاجاتم و آمرزش
ذُنُوبِي، وَالْأَخْذِ بِيَدِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي، لِي وَلِأَخْوَانِي
گناهانم را و دستگیری از من در دین و دنیا و آخرت و هم چنین برای برادران
وَأَخَوَاتِي الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ كَافَّةً، إِنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ. پس بجا آور نماز
و خواهران با ایمان همگی که او خدائی است آمرزنده و مهربان * * * * *
زیارت را به نحوی که پیش از این ذکر نمودیم یعنی دوازده رکعت بعد از هر دو رکعت سلام دهد و تسبیح زهرا علیها
السلام بگوید و هدیه کند بسوی آن حضرت و چون از نماز زیارت فارغ شدی بگو :

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ، وَخَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ،
* * * * * خدایا درود فرست بر حجت خود در روی زمینت و جانشین خود در شهرهایت
الدَّاعِي إِلَى سَبِيلِكَ، وَالْقَائِمَ بِقِسْطِكَ، وَالْفَائِزَ بِأَمْرِكَ، وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ،
آنکه دعوت کند به راه تو و قیام کند به عدل تو و کامیاب به فرمان تو سرپرست مؤمنان
وَمُبِيرَ الْكَافِرِينَ، وَمُجَلِّي الظُّلْمَةِ، وَمُنِيرَ الْحَقِّ، وَالصَّادِعَ بِالْحِكْمَةِ
و نابود کننده کافران و برطرف کننده تاریکی و روشنی بخش حق و گویای به حکمت
وَالْمَوْعِظَةَ الْحَسَنَةَ، وَالصَّدَقَ، وَكَلِمَتَكَ وَعَيْتَتَكَ، وَعَيْنِكَ فِي أَرْضِكَ،
و پند نیکو و راستی و کلمه (و دستور) تو و گنجینه‌ات و دیده‌ات در روی زمینت
الْمُتَرَقِّبَ الْخَائِفِ، الْوَلِيَّ النَّاصِحِ، سَفِينَةَ النَّجَاةِ، وَعَلَمَ الْهُدَى، وَثَوْرَ
آن نگران ترسان و آن دوستدار خیرخواه کشتی نجات و پرچم هدایت و نور
أَبْصَارِ الْوَرَى، وَخَيْرَ مَنْ تَقَمَّصَ وَارْتَدَى وَالْوَثَرَ الْمَوْثُورَ، وَمُفْرَجَ
دیدگان مردم و بهترین کسی که پیراهن و قبای (خلافت) به بر کند و انتقام کشنده خون مظلومان و گشاینده
الْكَرْبِ، وَمُزِيلَ الْهَمِّ، وَكَاشِفَ الْبَلْوَى، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ
گرفتاری و زداینده اندوه و برطرف کننده بلاء دردوهای خدا بر او و بر پدرانش
الْأَيِّمَةِ الْهَادِينَ وَالْقَادَةَ الْمَيَّامِينَ، مَا طَلَعَتْ كَوَاكِبُ الْأَسْحَارِ، وَأَوْرَقَتْ
آن پیشوایان راهنما و رهبران خجسته باد تا هرگاه که سرزند اختران سحرگاه و برگ کند
الْأَشْجَارُ، وَأَيَّعَتِ الْأُثْمَارُ، وَاخْتَلَفَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، وَغَرَدَتِ الْأَطْيَارُ،

درختان و برسد میوه‌ها و گردش کند شب و روز و نغمه‌سرایي کنند پرندگان
 اللَّهُمَّ اِنْفَعْنَا بِحُبِّهِ، وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ وَتَحْتَ لَوَائِهِ، اِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ .
 خدایا سودمند کن ما را به دوستیش و محشورمان کن در گروه او و در زیر پرچمش ای معبود به حق آمین‌ای پروردگار
 جهانیان

ذکر صلوات بر آن حضرت

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّ الْحَسَنِ
 خدایا درود فرست بر محمد و خاندانش و درود فرست بر نماینده امام حسن
 وَوَصِيِّهِ وَوَارِثِهِ، الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ، وَالْغَائِبِ فِي خَلْقِكَ، وَالْمُنْتَظَرِ لِأَذْنِكَ،
 و وصی او و وارثش آنکه قیام کند بدستورت و آن پنهان در خلق تو و چشم براه اذن تو
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَقَرِّبْ بُعْدَهُ وَأَجِزْ وَعْدَهُ، وَأَوْفِ عَهْدَهُ، وَاكْشِفْ
 خدایا درود فرست بر او و نزدیک کن دوریش را و انجام ده وعده‌اش را و وفا کن به عهد و پیمانش و برطرف کن
 عَنْ بَاسِهِ حِجَابَ الْعَيْبَةِ، وَأَظْهِرْ بَظْهُورِهِ صَحَائِفَ الْمَحَنَةِ، وَقَدِّمْ
 از نیرویش پرده غیبت را و پشت سر انداز با ظهور آن حضرت اوراق محنت و اندوه را و بفرست در پیش
 أَمَامَهُ الرُّعْبَ، وَتَبَّتْ بِهِ الْقُلُوبُ، وَأَقِمَّ بِهِ الْحَرْبَ، وَأَيِّدْهُ بِجُنْدٍ مِنْ
 رویش رعب و ترس را و آرامش ده به او دل را و برپا کن بدستش جنگ را و کمکش کن به لشکری از
 الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ، وَسَلِّطْهُ عَلَى أَعْدَاءِ دِينِكَ أَجْمَعِينَ، وَأَلْهِمَّهُ أَنْ
 فرشتگان نشاندار و مسلطش کن بر دشمنان دینت همگی و به او الهام کن
 لَا يَدْعَ مِنْهُمْ رُكْنًا إِلَّا هَدَاهُ، وَلَا هَامًا إِلَّا قَدَّاهُ، وَلَا كَيْدًا إِلَّا رَدَّاهُ، وَلَا
 که پایه‌ای از آنها نگذارد جز آنکه فرو ریزد و نه سری از آنها جز آنکه دو نیم کند و نه نقشه شومی جز آنکه بازش
 گرداند
 فَاسِقًا إِلَّا حَدَّاهُ، وَلَا فِرْعَوْنَ إِلَّا أَهْلَكَاهُ، وَلَا سِرًّا إِلَّا هَتَكَاهُ، وَلَا عِلْمًا إِلَّا
 و نه فاسق بدکاری جز آنکه حدش زند و نه فرعون (گردنکشی) جز آنکه هلاکش کند و نه پرده‌ای جز آنکه بدرد و نه
 پرچمی جز
 نَكَّسَهُ، وَلَا سُلْطَانًا إِلَّا كَسَبَهُ، وَلَا رُمْحًا إِلَّا قَصَفَهُ، وَلَا مِطْرَدًا إِلَّا خَرَقَهُ،

آنکه سرنگونش سازد و نه سلطنت و قدرتی جز آنکه بتصرف گیرد و نه نیزه‌ای جز آنکه درهم شکند و نه زوبینی جز آنکه بشکند

وَلَا جُنْدًا إِلَّا فَرَقَهُ، وَلَا مِثْرًا إِلَّا أَحْرَقَهُ، وَلَا سَيْفًا إِلَّا كَسَرَهُ، وَلَا صَمًا

و نه لشکری جز آنکه پراکنده سازد و نه منبری جز آنکه بسوزاند و نه شمشیری جز آنکه بشکند و نه بقی

إِلَّا رَضَهُ، وَلَا دَمًا إِلَّا أَرَاقَهُ، وَلَا جَوْرًا إِلَّا أَبَادَهُ، وَلَا حِصْنًا إِلَّا هَدَمَهُ،

جز آنکه خرد کند و نه خونی جز آنکه بریزد و نه ستم و بیدادگری جز آنکه از میان بردارد و نه قلعه و دژی جز آنکه ویران کند

وَلَا بَابًا إِلَّا رَدَمَهُ، وَلَا قَصْرًا إِلَّا خَرَبَهُ، وَلَا مَسْكَنًا إِلَّا فَتَشَهُ، وَلَا سَهْلًا

و نه دری جز آنکه ببندد و نه کاخ و قصری جز آنکه ویران کند و نه مسکنی جز آنکه بازرسی کند و نه زمین همواری

إِلَّا أَوْطَنَهُ، وَلَا جَبَلًا إِلَّا صَعَدَهُ، وَلَا كَنْزًا إِلَّا أَخْرَجَهُ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ

جز آنکه زیر پا گذارد و نه کوهی جز آنکه بالا رود و نه گنجی جز آنکه بیرون آورد به رحمت ای مهربانترین

الرَّاحِمِينَ. مؤلف گوید: که شیخ مفید بعد از نقل زیارت سابق که اَوَّلَ آن اَللَّهُ اَكْبَرُ اَكْبَرُ،

مهربانان * * * * *

* * * * *

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ بود فرموده که به روایت دیگر منقول است که می‌گویی بعد از داخل شدن درسرداب مقدس

«السَّلَامُ عَلَيَّ الْحَقُّ الْجَدِيدُ» پس زیارت را نقل کرده تا نماز زیارت آنگاه فرموده پس دوازده رکعت نماز زیارت می‌کنی

هر دو رکعت به يك سلام و می‌خوانی بعد از آن دعایی را که از آن حضرت روایت شده :

اَللّٰهُمَّ عَظُمَ الْبَلَاءُ، وَبَرَحَ الْخَفَاءُ، وَانْكَشَفَ الْغَطَاءُ، وَصَاقَتْ الْأَرْضُ وَمَنَعَتْ

خدایا بزرگ شد بلا و گرفتاری و آشکار شد راز پنهانی و پرده از روی کار برافتاد و زمین (بر ما) تنگ شد و آسمان

السَّمَاءُ، وَإِلَيْكَ يَا رَبَّ الْمُشْتَكِي، وَعَلَيْكَ الْمُعْوَلُ فِي الشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ،

خودداری کرد و بدرگاه تو آوریم پروردگارا شکوه را و بر تو اعتماد کنیم در سختی و آسانی

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ فَعَرَفْتُنَا بِذَلِكَ

خدایا درود فرست بر محمد و آل او آن بزرگانی که واجب کردی بر ما فرمانبرداریشان را و بدینوسیله منزلت و مقامشان را

مَنْزِلَتَهُمْ، فَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرَجًا عَاجِلًا كَلِمَحِ الْبَصَرِ، أَوْ هُوَ أَقْرَبُ مِنْ ذَلِكَ، يَا

به ما شناساندي بگشا از ما به حق ايشان گشایشی فوري چون چشم برهمزدن يا زودتر از آن اي

مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ، اُنْصُرَانِي فَاَنْكُمَا نَاصِرَايَ، وَاكْفِيَانِي فَاَكْفِيَا

محمد اي علي اي علي اي محمد ياريم دهيد كه به حقيقت شمائيد ياور من و كفائتم كنيد كه براستی شماييد كفایت کننده

كافيای، يامولاي يا صاحب الزمان، الْعُوْثُ، الْعُوْثُ الْعُوْثُ، اَذْرِكْنِي اَذْرِكْنِي اَذْرِكْنِي .

من اي مولاي من اي صاحب الزمان به فريادم برس مرا درياب

* مؤلف گوید كه اين دعاي شريفی است و سزاوار است خواندن آن در آنجا مكرّر و در غير آن مكان و ما در باب اول ذكر كرديم اين دعا را با اختلاف جزئي زيارت ديگر زيارتي است كه سيّد بن طاوس نقل کرده فرموده دُو ركعت نماز گذارد و بگويد بعد از آن «سَلَامُ اللّٰهِ الْكَامِلُ التَّامُّ الشَّامِلُ» الخ و ما اين زيارت را در فصل هفتم از باب اول به عنوان استغاثه به آن حضرت از كَلِم طيّب نقل كرديم به آنجا رجوع شود مؤلف گوید كه سيّد بن طاوس در مصباح الزائر فصلي در اعمال سرداب مقدّس ايراد کرده و در آن شش زيارت نقل کرده پس از آن فرموده و ملحق مي شود به اين فصل دعاء ندبه و زيارتي كه مولاي ما صاحب الامر عليه السلام هر روز به آن زيارت کرده مي شود بعد از نماز صبح و آن

زيارت هفتم حساب مي شود و دعاي عهد كه امر شده به تلاوت آن در حال غيبت و دعاي كه آنرا بخوانند در وقتي كه از آن حرم شريف مي خواهند برگردند پس شروع کرده به ذكر اين چهار امر ما هم در اين كتاب مبارك متابعت آن بزرگوار نموده و آن چهار امر را ذكر مي نماييم اول دعاء ندبه است كه مستحب است در چهار عيد يعني عيد

فطر و قربان و غدیر و روز جمعه بخوانند و آن دعا اين است: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ،

* * * * *

* ستايش خاص خدا پروردگار جهانيان است

وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَاٰلِهِ وَسَلَّم سَلَامًا، اَللّٰهُمَّ لَكَ

و درود خدا بر آقاي ما محمد پيامبرش و بر آل او و سلام كاملي بر ايشان باد خدايا از آن تو است

اَلْحَمْدُ عَلٰى مَا جَرٰى بِهٖ قَضَائِكَ فِى اَوَّلِيَّائِكَ، الَّذِيْنَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ

ستايش بر آنچه جاري شد بدان قضا و قدر تو درباره بندگان مقربت آنانكه خالص گردانيدى آنان را

لِنَفْسِكَ وَدِينِكَ، اِذْ اخْتَرْتَ لَهُمْ جَزِيْلًا مَّا عِنْدَكَ مِنَ النِّعَمِ الْمُقِيمِ،

براي خود و دين خود چون انتخاب كردي براي آنها آن نعمت شايان و پايداري كه نزد تو است

الَّذِي لَا زَوَالَ لَهُ وَلَا اَضْمِحْلَالَ، بَعْدَ اَنْ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ فِى

آن نعمتی كه زوال و نابودي برايش نيست، (و اين) پس از آنی (بود كه) با آنها شرط كردي تا كناره گيرند از

دَرَجَاتِ هَذِهِ الدُّنْيَا الدِّيَّةِ وَزُخْرُفِهَا وَزَبْرُجِهَا، فَشَرَطُوا لَكَ ذَلِكَ،
درجات (و ریاستهای) این دنیای پست و از زیب و زیورش و آنها نیز این شرط تو را پذیرفتند
وَعَلِمْتَ مِنْهُمْ الْوَفَاءَ بِهِ، فَقَبِلْتَهُمْ وَقَرَّبْتَهُمْ، وَقَدَّمْتَ لَهُمُ الذِّكْرَ الْعَلِيِّ،
و تو نیز وفای آنان را به این شرط دانستی و پذیرفتیشان و مقرب درگاهشان کردی و مقرر داشتی از پیش برای ایشان
نامی بلند

وَالْتِنَاءَ الْجَلِيِّ، وَأَهْبَطْتَ عَلَيْهِمْ مَلَائِكَتَكَ، وَكَرَّمْتَهُمْ بِوَحْيِكَ،
و ثنائی آشکار و فرو فرستادی برایشان فرشتگانت را و گرامی داشتی آنان را به وحی خود
وَرَفَدْتَهُمْ بِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتَهُمُ الذَّرِيعَةَ إِلَيْكَ، وَالْوَسِيلَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ،
و یاریشان کردی به علم خود و قرارشان دادی واسطه درگاهت و وسیله ای بسوی خوشنودیت
فَبَعْضُ أَسْكَنْتَهُ جَنَّاتِكَ إِلَى أَنْ أَخْرَجْتَهُ مِنْهَا، وَبَعْضُ حَمَلْتَهُ فِي
پس برخی را در بهشت جا دادی تا آنگاه که از آنجا بیرونش آوردی و برخی را در کشتی خود سوار کردی
فُلْكَاتِكَ وَبَجَّيْتَهُ وَمَنْ آمَنَ مَعَهُ مِنَ الْهَلَكَةِ بِرَحْمَتِكَ، وَبَعْضُ اتَّخَذْتَهُ
و او و همراهانش را که ایمان آورده بودند به مهر خود از هلاکت نجات دادی و برخی را برای خود
لِنَفْسِكَ خَلِيلاً، وَسَلَّلْتَ لِسَانِ صِدْقِي فِي الْآخِرِينَ فَأَجَبْتَهُ، وَجَعَلْتَ
خلیل گرفتی و او از تو درخواست کرد نام نیک را در امتهای آینده و تو اجابت کردی و نام او را
ذَلِكَ عَلِيًّا، وَبَعْضُ كَلَّمْتَهُ مِنْ شَجَرَةٍ تَكْلِيمًا، وَجَعَلْتَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ
بلند گرداندی و با برخی از میان درخت بطور مخصوصی سخن گفتی و برای او برادرش را
رِذَاءً وَوَزِيرًا، وَبَعْضُ أَوْلَدْتَهُ مِنْ غَيْرِ أَبِي، وَآتَيْتَهُ الْبَيِّنَاتِ، وَأَيَّدْتَهُ
یاور و وزیر گردانیدی و برخی را بدون پدر بوجود آوردی و نشانه های آشکاری به او دادی
بِرُوحِ الْقُدُسِ، وَكُلُّ شَرَعْتَ لَهُ شَرِيعَةً، وَنَهَجْتَ لَهُ مِنْهَا جَاءً، وَتَخَيَّرْتَ
و به روح القدس (جبرئیل) یاری فرمودی و برای همه آنها دین و قانونی مقرر داشتی و برایشان طریقه و برنامه ای قرار
دادی

لَهُ أَوْصِيَاءَ مُسْتَحْفِظًا بَعْدَ مُسْتَحْفِظٍ، مِنْ مُدَّةٍ إِلَى مُدَّةٍ، إِقَامَةً لِدِينِكَ،
و اوصیائی برای او انتخاب کردی تا یکی پس از دیگری نگهبان باشد از زمانی تا زمانی تا برپا ماند دین تو
وَحُجَّةً عَلَي عِبَادِكَ، وَلِتَلَّا يَزُولَ الْحَقُّ عَنْ مَقَرِّهِ، وَيُعْلَبَ الْبَاطِلُ

و حجتی باشند بر بندگان و تا زائل نگردد (دین) حق از جای خود و تا پیروز نگردد باطل
عَلَي أَهْلِهِ، وَلَا يَقُولَ أَحَدٌ لَوْ لَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا مُنْذِرًا، وَأَقَمْتَ لَنَا
بر اهل حق و کسی نگوید چرا نفرستادی بسوی ما پیامبری که ما را بترساند و چرا بپا نداشتی
عَلَمًا هَادِيًا، فَتَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَنُخْزِي، إِلَى أَنْ انْتَهَيْتَ
پرچمی راهنما تا پیروی کنیم از آیات تو پیش از آنکه خوار و رسوا گردیم تا اینکه رساندی
بِالْأَمْرِ إِلَى حَبِيبِكَ وَتَجِيبُكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَكَانَ كَمَا
کار را بدست حبیب خود و برگزیده ات (حضرت) محمد صلی الله علیه و آله و او چنان بود که او را
انْتَجَبْتَهُ سَيِّدًا مِنْ خَلْقَتِهِ، وَصَفْوَةً مِنْ اصْطَفَيْتَهُ، وَأَفْضَلَ مَنْ اجْتَبَيْتَهُ،
برگزیدی بزرگ آفریدگانت و برگزیده برگزیدگانت و برترین انتخاب شدگانت
وَأَكْرَمَ مَنْ اعْتَمَدْتَهُ، قَدَمَتُهُ عَلَى أَنْبِيَائِكَ، وَبَعَثْتَهُ إِلَى الثَّقَلَيْنِ مِنْ
و گرامی ترین معتمدین تو بود و او را بر پیمبرانت مقدم داشتی و بسوی جن و انس از
عِبَادِكَ، وَأَوْطَأْتَهُ مَشَارِقَكَ وَمَغَارِبَكَ، وَسَحَّرْتَ لَهُ الْبَرَّاقَ، وَعَرَجْتَ
بندگان مبعوث فرمودی و مشرقها و مغربهای عالم را زیر پایش گذاردی و براق را مسخر او گردانیدی
بِرُوحِهِ [بِه] إِلَى سَمَائِكَ، وَأَوْدَعْتَهُ عِلْمَ مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ إِلَى انْقِضَاءِ
و به آسمان خود او را بالا بردی و علم گذشته و آینده را تا هنگام پایان
خَلْقِكَ، ثُمَّ نَصَرْتَهُ بِالرُّعْبِ، وَحَفَفْتَهُ بِجَبْرِئِيلَ وَمِيكَائِيلَ، وَالْمُسَوِّمِينَ
آفرینش به اوسپردی آنگاه او را بوسیله ترس و رعب (در دل دشمنش) یاری کردی و گرداگردش جبرئیل و میکائیل و
فرشتگان
مِنْ مَلَائِكَتِكَ، وَوَعَدْتَهُ أَنْ تُظْهِرَ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ
نشانداری را واداشتی و به او وعده دادی که دینش را بر همه دینها پیروز گردانی اگرچه مشرکان
الْمُشْرِكُونَ، وَذَلِكَ بَعْدَ أَنْ بَوَّسَهُ مُبَوَّءَ صِدْقٍ مِنْ أَهْلِهِ، وَجَعَلْتَ لَهُ
خوش نداشته باشند، و این جریان پس از آنی بود که جایگیرش کردی در جایگاه راستی از خاندانش (یعنی آنان را
برای حفظ
وَلَهُمْ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ، لَلَّذِي بَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ،

دینش معین کردی) و قرار دادی برای او و خاندانش نخستین خانه‌ای را که برای مردم بنا شد که مکه است و مایه برکت و موجب

فیه آیاتُ بَیِّنَاتٌ، مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ، وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا، وَقُلْتُ «أَتَمَّا يُرِيدُ

راهنمایی جهانیان است و در آن نشانه‌های آشکاری است چون مقام ابراهیم و هر که در آن درآید این است، و فرمودی: «جز این

اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»، ثُمَّ جَعَلَتْ

نیست که خدا اراده فرموده تا دور کند از شما خاندان پلیدی را و بخوبی شما را پاک گرداند» آنگاه

أَجْرَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَوَدَّتَهُمْ فِي كِتَابِكَ، فَقُلْتُ قُلْ لَا

مزد محمد را - که درودهای تو بر او و آتش باد - در کتاب خود دوستی و مودت ایشان قراردادی و فرمودی: «بگو من

أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى، وَقُلْتُ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرِ

از شما برای رسالت مزدی نخواهم جز دوستی خویشانم» و فرمودی: «آنچه مزد از شما خواستم

فَهَوْلَكُمْ وَقُلْتُ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرِ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَى

آن هم بسود شما است» و فرمودی: «من از شما برای رسالت مزدی نخواهم مگر کسی که بخواهد بسوی پروردگار خویش

رَبِّهِ سَبِيلًا، فَكَانُوا هُمُ السَّبِيلَ إِلَيْكَ، وَالْمَسْلَكَ إِلَى رِضْوَانِكَ، فَلَمَّا

راهی پیش گیرد» و اینها بودند آن راه بسوی تو و طریقه سلوک بسوی خوشنودیت و چون

انْقَضَتْ أَيَّامُهُ، أَقَامَ وَلِيُّهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ، صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمَا

روزگار آن حضرت سپری شد برگماشت علی بن ابیطالب را - که درودهای تو بر هر دوی آنها

وَأَلَيْهَا هَادِيًا، إِذْ كَانَ هُوَ الْمُنْذِرَ، وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ، فَقَالَ وَالْمَلَأُ أَمَامَهُ

و بر آیشان باد - برای راهنمایی زیرا که آن جناب بیم‌دهنده و راهنمای هر ملتی بود، و در همین باره در برابر مردمی

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ

که نزدش حاضر بودند فرمود: هر که من مولا و سرپرست اویم علی مولا و سرپرست او است خدایا دوست دار هر که دوستش دارد

وَأَصْرُ مَنْ نَصَرَهُ، وَاحْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ، وَقَالَ مَنْ كُنْتُ أَنَا نَبِيَّهُ فَعَلِيٌّ

و دشمن دار هر که دشمنش باشد و یاری کن هر که یاریش کند و خوار کن هر که دست از یاریش بردارد، و فرمود: هر که من پیامبر

آمیزه، وَقَالَ أَنَا وَعَلِيٌّ مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ، وَسَائِرُ النَّاسِ مِنْ شَجَرٍ

او هستیم علی امیر و فرمانروای او است، و فرمود: من و علی هر دو از یک درخت هستیم و سایر مردم از درختهای

شتری، وَأَحَلَّهُ مَحَلَّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، فَقَالَ لَهُ أَنْتَ مَتَّى بِمَنْزِلَةِ

متفرقی هستند، و رتبه او را نسبت به خود چون رتبه هارون نسبت به موسی قرار داد و بدو فرمود: مقام تو

هارون من موسی، إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي، وَزَوْجَهُ ابْنَتُهُ سَيِّدَةَ نِسَاءٍ

در پیش من مانند مقام هارون است از موسی جز اینکه پیامبری پس از من نیست و تزویج کرد به او دخترش بانوی

زنان

الْعَالَمِينَ، وَأَحَلَّ لَهُ مِنْ مَسْجِدِهِ مَا حَلَّ لَهُ، وَسَدَّ الْأَبْوَابَ إِلَّا بَابَهُ، ثُمَّ

جهانیان را و حلال کرد برای او از مسجدش آنچه برای خود او حلال بود، و ببست درهای مسجد را جز درخانه علی را،

سپس

أَوْدَعَهُ عِلْمَهُ وَحِكْمَتَهُ، فَقَالَ أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا، فَمَنْ أَرَادَ

علم و حکمت خود را به او سپرد و فرمود: من شهر علمم و علی در آن شهر است پس هر که خواهد بدین

الْمَدِينَةَ وَالْحِكْمَةَ فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا، ثُمَّ قَالَ أَنْتَ أَخِي وَوَصِيِّي

شهر درآید و حکمت خواهد باید از در آن درآید، سپس فرمود: تویی برادر من و وصی من

وَوَارِثِي، لَحْمُكَ مِنْ لَحْمِي، وَدَمُكَ مِنْ دَمِي، وَسِلْمُكَ سِلْمِي،

و وارث من گوشتت از گوشت من و خونت از خون من است صلح تو صلح من

وَحَرْبُكَ حَرْبِي، وَالْإِيمَانُ مُخَالِطُ لَحْمِكَ وَدَمِكَ، كَمَا خَالَطَ لَحْمِي

و جنگ تو جنگ من است و ایمان با گوشت و خون تو آمیخته شده چنانچه با گوشت

وَدَمِي، وَأَنْتَ غَدَاءُ عَلَيَّ الْخَوْضِ خَلِيفَتِي وَأَنْتَ تَقْضِي دِينِي، وَتُنْجِزُ

و خون من آمیخته و تو در فردای محشر بر سر حوض (کوثر) جانشین منی و تو می پردازی قرض مرا و وفا می کنی

عِدَاتِي، وَشِيعَتُكَ عَلَيَّ مَنَابِرَ مِنْ نُورٍ، مُبَيِّضَةً وُجُوهُهُمْ حَوْلِي

به وعده های من و شیعیانت بر منبرهایی از نور با روهای (نورانی و) سفید در بهشت اطراف

فِي الْجَنَّةِ، وَهُمْ جِيرَانِي، وَلَوْلَا أَنْتَ يَا عَلِيُّ لَمْ يُعْرِفِ الْمُؤْمِنُونَ

منند و آنها همسایگان منند و اگر تو نبودی - ای علی - مؤمنان پس از من شناخته نمی شدند،
 بَعْدِي، وَكَانَ بَعْدَهُ هُدًى مِنَ الضَّلَالِ، وَثَوْرًا مِنَ الْعَمَى، وَحَبْلَ اللَّهِ
 و آن جناب پس از رسول خدا راهنمای گمراهی و روشنائی از کوری جهالت و رشته محکم خدا
 الْمَتِينِ، وَصِرَاطُهُ الْمُسْتَقِيمَ، لَا يُسْبِقُ بِقَرَابَةٍ فِي رَحِمٍ، وَلَا بِسَابِقَةٍ فِي
 و راه راست او بود، کسی پیشی نگرفت بر او در نزدیکی خویشاوندی به رسول خدا و نه از نظر سابقه در
 دین، وَلَا يُلْحَقُ فِي مُنْقَبَةٍ مِنْ مَنَاقِبِهِ، يَخْذُو حَذْوَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ
 دین و نه کسی توانست در یکی از منقبتها به او برسد، همانند رسول خدا بود - که درود خدا
 عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا، وَيُقَاتِلُ عَلَى التَّوِيلِ، وَلَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ،
 بر هر دوی ایشان باد - و او بود که بر طبق تأویل و باطن قرآن می جنگید و درباره خدا باکی از سرزنش
 ملامت کنندگان

قَدْ وَتَرَ فِيهِ صَنَادِيدَ الْعَرَبِ، وَقَتْلَ أَبْطَالِهِمْ، وَنَاوَشَ ذُؤَبَانَهُمْ، فَأَوْدَعَ
 نداشت در راه خدا خون بزرگان عرب را به خاک ریخت و دلاورانشان را بکشت و با گرگانشان در افتاد و همین سبب
 شد

قُلُوبُهُمْ أَحْقَادًا، بِدَرِيَّةٍ وَخَيْرِيَّةٍ وَحَنِينِيَّةٍ وَغَيْرُهُنَّ، فَاضْبَتْ عَلَيَّ
 در دلهای ایشان کینه ها بگذارد کینه های جنگ بدر و خیر و حنین و غیر آنها پس دشمنی او را
 عَدَاوَتِهِ، وَكَبَّتْ عَلَيَّ مُنَابَذَتِهِ، حَتَّى قَتَلَ التَّاكِنِينَ وَالْقَاسِطِينَ
 به دل گرفتند و به جنگ و مخالفت با او برخاستند تا کشتار کرد با پیمان شکنان (طلحه و زبیر و همراهان) و زورگویان
 وَالْمَارِقِينَ، وَلَمَّا قَضَى نَحْبَهُ، وَقَتَلَهُ أَشَقِي الْأَخْرِينَ يَنْتَعِ أَشَقِي
 (معاویه و همدستانش) و از دین بیرون رفتگان (اصحاب نهروان) و چون درگذشت و شقی ترین مردم پسینیان که
 پیروی

الْأَوَّلِينَ، لَمْ يُمْتَلْ أَمْرُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْهَادِينَ
 کرد از شقی ترین پسینیان او را کشت امتثال نشد از دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله که در باره راهنمایان دین
 بَعْدَ الْهَادِينَ، وَالْأُمَّةُ مُصِرَّةٌ عَلَيَّ مَقْتِهِ، مُجْتَمِعَةٌ عَلَيَّ قَطِيعَةٌ رَحِمِهِ،
 یکی پس از دیگری فرموده بود و امت پافشاری بر دشمنی آن حضرت کردند و گرد آمدند برای قطع رحم او
 وَإِقْصَاءِ وَلَدِهِ، إِلَّا الْقَلِيلَ مِمَّنْ وَفَى لِرِعَايَةِ الْحَقِّ فِيهِمْ، فَقُتِلَ مَنْ قُتِلَ،

و تبعید کردن (و آواره ساختن) فرزندان از کسائی که وفا کردند در رعایت کردن حق در ایشان و در نتیجه

جمعی کشته

وَسُبِّيَ مَنْ سُبِّي، وَأُقْصِيَ مَنْ أُقْصِيَ، وَجَرِيَ الْقَضَاءُ لَهُمْ بِمَا يُرْجَى

و گروهی اسیر و دسته‌ای از وطن آواره گشتند و قلم تقدیر و قضا طوری بر ایشان جاری شد

لَهُ حُسْنُ الْمَثُوبَةِ، إِذْ كَانَتْ الْأَرْضُ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ،

که امید پاداش نیک در آن می‌رود زیرا (کره) زمین از خدا است و به هر که از بندگان که بخواهد آن را ارث دهد

وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَسُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا، وَلَكِنْ

و بدو واگذار و سرانجام از آن پرهیزکاران است و منزله است پروردگار ما که حتماً وعده پروردگارمان انجام شدنی

است

يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، فَعَلِيَ الْأَطَائِبِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ

و خدا خلف وعده نمی‌کند و او است نیرومند فرزانه پس بر پاکیزگان از خاندان

مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا فَلْيَبْكُ الْبَاكُونَ، وَإِيَّاهُمْ

محمد و علی - درود خدا بر هر دو ایشان و آیشان باد - باید گریه کنندگان بگریند و بر آنها

فَلْيَنْدُبِ النَّادِبُونَ، وَلْيَمَثِّلِهِمْ فَلْيَنْدَرْفِ الدُّمُوعُ، وَلْيَصْرُخِ الصَّارِحُونَ،

باید زاری کنندگان زاری کنند و برای امثال آنها باید اشکها روان گردد و فریاد زندگان فریاد زنند

وَيَصِحُّ الضَّآجُونَ، وَيَعِجُّ الْعَاجُونَ، أَيْنَ الْحَسَنُ أَيْنَ الْحُسَيْنُ، أَيْنَ

و شیون کنندگان شیون کنند و خروش کنندگان خروش سر دهند کجاست حسن؟ و کجاست حسین؟ و کجایند

أَبْنَاءُ الْحُسَيْنِ، صَالِحٌ بَعْدَ صَالِحٍ، وَصَادِقٌ بَعْدَ صَادِقٍ، أَيْنَ السَّبِيلُ

فرزندان حسین؟ شایسته‌ای پس از شایسته دیگر و راستگویی پس از راستگویی دیگر کجاست آن راه حق

بَعْدَ السَّبِيلِ، أَيْنَ الْخَيْرَةُ بَعْدَ الْخَيْرَةِ، أَيْنَ الشَّمْسُ الطَّالِعَةُ، أَيْنَ

پس از راه دیگر؟ کجایند برگزیدگان (خدائی) هر یک پس از دیگری؟ کجایند خورشیدهای تابان؟ کجایند

الْأَقْمَارُ الْمُنِيرَةُ، أَيْنَ الْأَنْجُمُ الزَّاهِرَةُ، أَيْنَ أَعْلَامُ الدِّينِ وَقَوَاعِدُ الْعِلْمِ،

ماههای نور افشان؟ کجایند اختران فروزان؟ کجایند بزرگان دین و پایه‌های دانش؟

أَيْنَ بَقِيَّةُ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْلُو مِنَ الْعِثْرَةِ الْهَادِيَةِ أَيْنَ الْمَعْدُ لِقَطْعِ

کجا است بجا مانده خدا که بیرون از خاندان عترت راهنما (ی رسول خدا) نیست؟ کجاست آنکه آماده شده برای ریشه‌کن

دَابِرِ الظُّلُمَةِ، أَيْنَ الْمُنتَظَرُ لِإِقَامَةِ الْأُمْتِ وَالْعِوَجِ، أَيْنَ الْمُرْتَجِي
ساختن ستمگران؟ کجاست آنکه چشم براهش هستند برای راست کردن نادرستیها و کجیها؟ کجاست
لِلْأَزَالَةِ الْجَوْرِ وَالْعُدْوَانِ، أَيْنَ الْمُدْخَرُ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ،
آن مایه امید برای از بین بردن ستم و تجاوز؟ کجاست آنکه ذخیره شده برای نو کردن فریضه‌ها و سنتهای دین؟
أَيْنَ الْمُتَخَيَّرُ لِأَعَادَةِ الْمِلَّةِ وَالشَّرِيعَةِ، أَيْنَ الْمُؤَمَّلُ لِأَحْيَاءِ الْكِتَابِ
کجاست آن کس که انتخاب گشته برای برگرداندن کیش و آئین؟ کجاست آنکه آرزویش داریم برای زنده کردن قرآن
وَحُدُودِهِ، أَيْنَ مُحْيِي مَعَالِمِ الدِّينِ وَأَهْلِهِ، أَيْنَ قَاصِمُ شَوْكَةِ الْمُعْتَدِينَ،
و حدود آن؟ کجاست زنده کننده آثار دین و اهل دین؟ کجاست درهم شکننده شوکت زورگویان؟
أَيْنَ هَادِمِ أَيْبِيَةِ الشِّرْكِ وَالنِّفَاقِ، أَيْنَ مُبِيدُ أَهْلِ الْفُسُوقِ وَالْعِصْيَانِ
کجاست ویران کننده بناهای شرک و دو روئی؟ کجاست نابود کننده اهل فسق و گناه
وَالطُّغْيَانِ، أَيْنَ حَاصِدُ فُرُوعِ الْعَيِّ وَالشَّقَاقِ، أَيْنَ طَامِسُ آثَارِ الزَّيْغِ
و طغیان؟ کجاست آنکه شاخه‌های گمراهی و اختلاف را ببرد؟ کجاست محو کننده آثار کجروی
وَاللُّهُوَاءِ، أَيْنَ قَاطِعُ حَبَائِلِ الْكِذْبِ وَالْإِفْتِرَاءِ، أَيْنَ مُبِيدُ الْعُنَاةِ
و هوا و هوسها؟ کجاست پاره کننده دامهای دروغ و بهتان؟ کجاست نابود کننده سرکشان
وَالْمَرَدَّةِ، أَيْنَ مُسْتَأْصِلُ أَهْلِ الْعِنَادِ وَالتَّضْلِيلِ وَالْإِلْحَادِ، أَيْنَ مُعَزِّ
و متمردان؟ کجاست ریشه کن کننده ستیزه جویان و گمراهان و بی‌دینان؟ کجاست عزت بخش
الْأَوْلِيَاءِ وَمُذِلُّ الْأَعْدَاءِ، أَيْنَ جَامِعُ الْكَلِمَةِ عَلَى التَّقْوَى، أَيْنَ بَابُ اللَّهِ
دوستان و خوار کننده دشمنان؟ کجاست گردآورنده سخنان بر پرهیزکاری؟ کجاست آن درگاه خداوند
الَّذِي مِنْهُ يُؤْتِي، أَيْنَ وَجْهُ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ، أَيْنَ السَّبَبُ
که از آنجا بسوی خدا روند؟ کجاست آن آئینه خدائی که بسویش توجه کنند اولیاء؟ کجاست آن سبب خدائی
الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ، أَيْنَ صَاحِبُ يَوْمِ الْفَتْحِ وَنَاشِرُ رَايَةِ
که پیوست است میان زمین و آسمان؟ کجاست آن فرمانروای روز فتح و پیروزی و برافرازنده پرچم
الْهُدَى، أَيْنَ مُؤَلِّفُ شَمْلِ الصَّلَاحِ وَالرِّضَا، أَيْنَ الطَّالِبُ بِذُحُولِ
هدایت و راهنمایی؟ کجاست گردآورنده شایستگی و خوشنودی (حق)؟ کجاست خواهنده خون
الْأَنْبِيَاءِ وَأَنْبَاءِ الْأَنْبِيَاءِ، أَيْنَ الطَّالِبُ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ، أَيْنَ

پیمبران و فرزندان پیمبران؟ کجاست خواهند خون کشته کربلا؟ کجاست آن
الْمُنْصُورُ عَلَيَّ مَنْ اعْتَدَى عَلَيْهِ وَأَفْتَرَى، أَيْنَ الْمُضْطَرُّ الَّذِي يُجَابُ
یاری شده و پیروزمند بر کسانی که بر او ستم کردند و دروغ بستند؟ کجاست آن درمانده‌ای که چون دعا کند
إِذَا دَعَى، أَيْنَ صَدْرُ الْخَلَائِقِ ذُو الْبِرِّ وَالتَّقْوَى، أَيْنَ ابْنُ النَّبِيِّ
به اجابت رسد کجاست صدر مخلوقات عالم آن نیکوکار با تقوی؟ کجاست فرزند پیامبر
الْمُصْطَفَى، وَابْنُ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى، وَابْنُ خَدِيجَةَ الْعَرَاءِ، وَابْنُ فَاطِمَةَ
برگزیده و فرزند علی مرتضی و فرزند خدیجه روشن سیما و فرزند فاطمه
الْكُبْرَى، يَا بَنِي أُمَّتِ وَأُمِّي وَنَفْسِي لَكَ الْوَفَاءُ وَالْحِمَى، يَا بَنِي السَّادَةِ
کبری؟ پدر و مادرم بفدایت و خودم بلاگردان و سپر پیش روی تو باشم ای فرزند بزرگان
الْمُقَرَّبِينَ، يَا بَنِي التُّجَبَاءِ الْأَكْرَمِينَ، يَا بَنِي الْهَدَاةِ الْمُهْدِيِّينَ، يَا بَنِي
مقرب درگاه حق ای فرزند نجیبان گرامی ای فرزند راهنمایان راه یافته ای فرزند
الْخَيْرَةِ الْمُهَذَّبِينَ يَا بَنِي الْعَطَارِفَةِ الْأَنْجَبِينَ، يَا بَنِي الْأَطَائِبِ
نیکان پاکیزه ای فرزند گرامیان برگزیده ای فرزند پاکان
الْمُطَهَّرِينَ، يَا بَنِي الْخَضَارِمَةِ الْمُتَجَبِّينَ، يَا بَنِي الْقِمَاقِمَةِ الْأَكْرَمِينَ، يَا
پاکیزه ای فرزند جوانمردان پرچم برگزیده ای فرزند دریاهای بخشش و عطای گرامی ای
بَنِي الْبُدُورِ الْمُنِيرَةِ، يَا بَنِي السُّرُجِ الْمُضِيئَةِ، يَا بَنِي الشُّهُبِ النَّاقِبَةِ يَا
فرزند ماههای نور افشان ای فرزند چراغهای تابان ای فرزند ستارگان فروزان ای
بَنِي الْأَنْجُمِ الزَّاهِرَةِ، يَا بَنِي السَّبِيلِ الْوَاضِحَةِ، يَا بَنِي الْأَعْلَامِ اللَّائِحَةِ، يَا
فرزند اختران درخشان ای فرزند راههای روشن ای فرزند نشانه‌های آشکار ای
بَنِي الْعُلُومِ الْكَامِلَةِ، يَا بَنِي السُّنَنِ الْمَشْهُورَةِ، يَا بَنِي الْمَعَالِمِ الْمَأْثُورَةِ،
فرزند دانشهای کامل ای فرزند آئینهای معروف و مشهور ای فرزند آثار و معالم رسیده (از خدا و انبیاء)
يَا بَنِي الْمُعْجَزَاتِ الْمَوْجُودَةِ، يَا بَنِي الدَّلَائِلِ الْمَشْهُودَةِ، يَا بَنِي
ای فرزند معجزات موجود ای فرزند دلیلهای آشکار ای فرزند
الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ، يَا بَنِي النَّبَأِ الْعَظِيمِ، يَا بَنِي مَنْ هُوَ فِي أُمِّ الْكِتَابِ
راه مستقیم ای فرزند آن خبر بسیار بزرگ ای فرزند کسی که در دفتر اصلی

لَدَيَّ اللَّهُ عَلِيُّ حَكِيمٌ، يَا بَنَ الْأَيَاتِ وَالْبَيِّنَاتِ، يَا بَنَ الدَّلَائِلِ
نزد خدا «علي» (والا) و فرزانه است اي فرزند آیات و نشانه‌هاي آشكار اي فرزند دليلهاي
الظَّاهِرَاتِ، يَا بَنَ الْبَرَاهِينِ الْوَاضِحَاتِ الْبَاهِرَاتِ، يَا بَنَ الْحُجَجِ
هویدا اي فرزند برهانهاي نمایان روشن اي فرزند حجتهاي
الْبَالِغَاتِ، يَا بَنَ النُّعَمِ السَّابِغَاتِ، يَا بَنَ طَهٍ وَالْمُحْكَمَاتِ، يَا بَنَ يَسٍ
رسا اي فرزند نعمتهاي شایان و فراوان اي فرزند طه و آیات محکم قرآن اي فرزند سوره يس
وَالذَّارِيَاتِ، يَا بَنَ الطُّورِ وَالْعَادِيَاتِ، يَا بَنَ مَنْ دَنَى، فَتَدَلَّى فَكَانَ
و ذاریات اي فرزند سوره طور والعدایات اي فرزند کسی که (در شب معراج) نزدیک شد و نزدیک تر شد
قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى، دُثُوًّا وَاقْتِرَابًا مِنَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى، لَيْتَ شِعْرِي،
به فاصله دو کمان یا نزدیکتر، در نزدیکی و قرب نسبت به خدای والای اعلی، ای کاش می دانستم
أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى، بَلْ أَيْ أَرْضٍ تُقَلِّكَ أَوْ ثَرِي، أَبْرَضُوِي أَوْ
در چه جایی منزل گرفته‌اي و چه سرزمین و مکانی تو را بر خود نگهداشته آیا در کوه رضوایی یا
غَيْرِهَا أَمْ ذِي طُوِي، عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَرَى الْخُلُقَ وَلَا ثُرِي، وَلَا أَسْمَعُ
غیر آن یا در ذی طوی، گران است بر من که مردم را ببینم ولی تو دیده نشوی و نشنوم
لَكَ حَسِيسًا وَلَا نَجْوِي، عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ تُحِيطَ بِكَ دُونِي الْبَلْوِي، وَلَا
از تو صدا و نه رازی، گران است بر من که بی من بر تو تنها بلا احاطه کند، و
يَنَالُكَ مِنِّي ضَجِيجٌ وَلَا شَكْوِي، بِنَفْسِي أَتَمَنْ مُعَيَّبٌ لَمْ يَخْلُ مَنَّا
صدای زاری و شکوه من به تو نرسد، جانم به قربانت ای پنهانی که از میان ما بیرون نیستی
بِنَفْسِي أَتَمَنْ نَارِحَ مَا نَزَحَ عَنَّا، بِنَفْسِي أَتَمَنْ أُمْنِيَّةٌ شَائِقٍ يَتَمَنِّي،
جانم به قربانت ای دور از نظری که از ما دور نیست جانم به قربانت ای آرمان هر مشتاقی که آرزیت کنند
مِنْ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ ذَكَرًا فَحَنَّا، بِنَفْسِي أَتَمَنْ مِنْ عَقِيدٍ عَزَّ لَا يُسَامِي،
از مردان و زنان با ایمانی که به یاد تو ناله از دل کشند جانم به قربانت ای بسته به عزتی که کسی بر تو برتری
بِنَفْسِي أَتَمَنْ مِنْ أَثِيلٍ مَجْدُلًا يُجَارِي، بِنَفْسِي أَتَمَنْ مِنْ تِلَادٍ نَعَمَ لَا
نگیرد جانم به قربانت ای مجد و شوکت ریشه‌داری که هم‌طراز ندارد و جانم به قربانت ای نعمت دیرینه‌ای
تُضَاهِي، بِنَفْسِي أَتَمَنْ مِنْ نَصِيفٍ شَرَفٍ لَا يُسَاوِي، إِلَى مَتَى أَحَارُ

که شبیه ندارد جانم به قربانت ای قرین شرف و بزرگواری که برابر ندارد، تا کی سرگردان
فیک یا مولای، وای مَتی وای خطابِ اصِفُ فیک وای نَجْوِی،
تو باشم ای مولای من؟ و تا کی و به چه زبانی وصف تو گویم و راز دل کنم
عَزِیزُ عَلَیَّ أَنْ أُجَابَ دُونُكَ وَأُنَاغِی، عَزِیزُ عَلَیَّ أَنْ أَبْکِیَکَ وَیَخْذُلْکَ
گران و ناگوار است بر من که پاسخ از دیگری جز تو بشنوم و گفتگو کنم، گران است بر من که بر تو بگریم ولی مردم تو
را

الْوَرِی، عَزِیزُ عَلَیَّ أَنْ یَجْرِیَ عَلَیْکَ دُونَهُمْ مَا جَرِی، هَلْ مِنْ مُعِینِ
واگذارند، گران است بر من که بر تو بگذرد آنچه می گذرد نه بر دیگران، آیا کمک کاری هست
فَأُطِیلَ مَعَهُ الْعَوِیلَ وَالْبُکَاءَ، هَلْ مِنْ جَزُوعٍ فَاسَاعِدَ جَزَعَهُ إِذَا خَلَا،
که با او فریاد و گریه را طولانی کنم آیا بی تابی (چون من) هست که چون به خلوت رود در زاری و جزع کمکش کنم
هَلْ قَدِیتَ عَیْنٌ فَسَاعِدْتُهَا عَیْنِی عَلَی الْقَدِی، هَلْ إِلَیْکَ یَا بَنَ أَحْمَدَ
آیا چشمی هست که خار فراق در آن خلیده و گریان باشد تا چشم پر خار من نیز یاریش دهد، آیا ای پسر احمد
سَبِیلٌ فَتَلْقِی، هَلْ یَتَّصِلُ یَوْمُنَا مِنْکَ بَعْدَ فَنَحْظِی، مَتَى تَرُدُّ مِنَّا هَیْلاً
بسویت راهی هست تا دیدارت کنم آیا روز جدائی ما به وعده تو پیوست می شود تا بهره مند گردیم؟ کی می شود که به
سرچشمه های

الرَّوِیَّةَ فَتَرَوْی، مَتَى نَتَتَّقُ مِنْ عَذَابِ مَائِکَ فَقَدْ طَالَ الصَّدِی مَتَى
پرآبت درآئیم و سیراب شویم، کی می شود که سیراب گردیم از آب وصل تو که تنشگی ما بداراز کشید کی می شود
تُعَادِیْکَ وَتُرَاوِحُکَ، فَتَقَرَّ عَیْنُنَا، مَتَى تَرَانَا وَتَرِیْکَ وَقَدْ نَشَرْتَ لِوَاءَ
که صبح و شام را با تو بسر بریم و دیده روشن کنیم، کی می شود که تو ما را ببینی و ما تو را بینیم و پرچم
النَّصْرِ تُرِی، أَتَرَانَا نَحْفُ بِکَ وَأَنْتَ تَأْمُمُ الْمَلَأَ، وَقَدْ مَلَأَتْ الْأَرْضَ
نصرت را برافراشته باشی و مردم آن را مشاهده کنند، آیا می شود که ما ببینیم آن روزی که ما گرداگردت را گرفته و
تو رهبر مردم باشی

عَدَلًا، وَأَذَقْتَ أَعْدَاکَ هَوَانًا وَعِقَابًا، وَأَبْرَتِ الْعُنَاةَ وَجَحَدَةَ الْحَقِّ،
و زمین را پر از عدل و داد کنی و بچشانی به دشمنانت خواری و کيفر را و نابود کنی سرکشان و منکران حق را
وَقَطَّعْتَ دَابِرَ الْمُتَكَبِّرِیْنَ، وَاجْتَشَشْتَ أُصُولَ الظَّالِمِیْنَ، وَنَحْنُ نَقُولُ

و بزنی ریشه گردنکشان را و برکنی اساس ستمکاران را و ما بگوئیم :

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اَللّهُمَّ اَنْتَ كَشَّافُ الْكُرْبِ وَالْبُلُوِي وَالْاَيْتِ
ستایش خاص خدا پروردگار جهانیان است خدایا توئی برطرف کننده گرفتاریها و بلا و از تو دادرسی
اَسْتَعْدِي فَعَنْدُكَ الْعُدُوِي، وَاَنْتَ رَبُّ الْاٰخِرَةِ وَالْاَوَّلِي [الْاَوَّلِي] فَاَعِثْ يَا غِيَاثَ
و یاری جویم که در نزد تو است دادخواهی و یاری و توئی پروردگار آخرت و دنیا پس فریاد رسی کن ای فریادرس
الْمُسْتَغِيثِينَ، عُبَيْدُكَ الْمُبْتَلِي، وَاَرِهْ سَيِّدُهُ يَا شَدِيدَ الْقُوِي، وَاَزِلْ عَنْهُ
درماندگان از بنده خرد گرفتارت، و بنمایان به او آقایش را ای سخت نیرو و زائل کن
بِهِ الْاَاسِي وَالْجَوِي، وَبَرِّدْ غَلِيلَهُ يَا مَنْ عَلَي الْعَرْشِ اسْتَوِي، وَمَنْ
به دیدار آن حضرت از او اندوه و سوز دلش را و فرو نشان سوز عطشش را ای که بر عرش استواری و ای که
إِلَيْهِ الرُّجْعِي وَالْمُنْتَهِي، اَللّهُمَّ وَخُنْ عُبَيْدُكَ التَّائِقُونَ اِلَى وَلِيكَ
بسوی او است بازگشت و سر منزل هر چیز خدایا و مائیم بندگان تو که شیفته دیدار نمایندهات هستیم آنکه مردم
الْمُذَكَّرُ بِكَ وَبَنِيكَ، خَلَقْتَهُ لَنَا عَصْمَةً وَمَلَاذًا، وَاَقَمْتَهُ لَنَا قِوَامًا
را به یاد تو و به یاد پیامبرت اندازد و تو او را آفریدی که نگهدار و پشتیبان ما باشد و برپایش داشتی
وَمَعَاذًا، وَجَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ مِمَّا اِمَامًا، فَبَلِّغْهُ مِنَّا تَحِيَّةً وَسَلَامًا،
تا قوام و پناهگاه ما باشد و او را پیشوای مؤمنین از ما گردانی پس برسان به آن جناب از طرف ما تحیت و سلامی
وَزِدْنَا بِذَلِكَ يَارَبِّ اِكْرَامًا، وَاجْعَلْ مُسْتَقَرَّهُ لَنَا مُسْتَقَرًّا وَمَقَامًا،
و بیفزاید بنوسیله ای پروردگار ما بر کرامت و مقام ما و جایگاه او را جایگاه و اقامتگاه ما قرار ده
وَأَتِمِّمْ نِعْمَتَكَ بِتَقْدِيمِكَ اِيَّاهُ اَمَامَنَا، حَتَّى تُورِدَنَا جَنَّاتِكَ، وَمُرَافَقَةً
و کامل کن نعمتت را بر ما به مقدم داشتن آن بزرگوار را در پیش روی ما تا ما را به بهشتهای تو درآورد و به رفاقت
الشُّهَدَاءِ مِنْ خُلَصَائِكَ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ
(و هم نشینی) شهیدان از بندگان خالصت برساند خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و درود فرست
عَلَي مُحَمَّدٍ جَدِّهِ وَرَسُولِكَ السَّيِّدِ الْاَكْبَرِ، وَعَلَي [عَلِي] اَبِيهِ السَّيِّدِ الْاَصْغَرِ،
بر محمد جد بزرگوار او و رسول تو آن آقای بزرگ و بر علی پدر بزرگوارش آن آقای کوچکتر
وَجَدَّتِهِ الصِّدِّيقَةَ الْكُبْرَى، فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ، وَعَلَي مَنْ اصْطَفَيْتَ
و بر جدش صدیقه کبری فاطمه دختر محمد و به برگزیدگان نیک رفتار

مِنْ آبَائِهِ الْبَرَّةِ، وَعَلَيْهِ أَفْضَلُ وَأَكْمَلُ وَأَتَمُّ وَأَدْوَمُ وَأَكْثَرُ وَأَوْفَرُ مَا
از پدران آن حضرت و بر خود آن جناب فزونترین و کاملترین و تمامترین و مدام‌ترین و بیشترین و فراوانترین
صَلَّيْتَ عَلَيَّ أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيَائِكَ، وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَصَلِّ عَلَيْهِ
درودی که بفرستی بر یکی از برگزیدگان و نیکان از خلق خود و درود فرست بر آن جناب
صَلْوَةً لَا غَايَةَ لِعَدَدِهَا، وَلَا نِهَایَةَ لِمَدَدِهَا، وَلَا تَفَادَ لِأَمَدِهَا، اللَّهُمَّ
درودی که شماره‌اش بی حد و مدتش بی نهایت و تمام نشدنی باشد خدایا
وَأَقِمْ بِهِ الْحَقَّ، وَأَدْحِضْ بِهِ الْبَاطِلَ، وَأَدِلْ بِهِ أَوْلِيَائَكَ، وَأَذِلْ بِهِ
حق را بوسیله آن حضرت برپا دار و باطل را بدو نابود گردان و دوستان را بوسیله‌اش به دولت رسان و
أَعْدَائَكَ، وَصَلِّ اللَّهُمَّ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ وَصَلَّةً تُؤَدِّي إِلَى مُرَافَقَةِ سَلَفِهِ،
دشمنان را بدست او خوار گردان و پیوند کن خدایا میان ما و او را به پیوندی که برساند ما را به رفاقت پدران گذشته
او

وَأَجْعَلْنَا مِمَّنْ يَأْخُذُ بِحُجْرَتِهِمْ، وَيَمْكُثُ فِي ظِلِّهِمْ، وَأَعِنَّا عَلَى تَأْدِيَةِ
و بگردان ما را از کسانی که دامن آنها را بگیرند و در سایه لطف آنها بایستند و کمکان کن بر ادای
حُقُوقِهِ إِلَيْهِ، وَالْأَجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ، وَاجْتِنَابِ مَعْصِيَتِهِ، وَأَمْنِ عَلَيْنَا
حقوق آن حضرت و سعی و کوشش در فرمانبرداریش و دوری از نافرمانیش و منت نه بر ما
بِرِضَاهُ، وَهَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ وَدُعَاءَهُ وَخَيْرَهُ، مَا نَالُ بِهِ سَعَةً مِنْ
به خوشنودیش و بخشش بر ما رأفت و مهربانی و دعا و خیر آن حضرت را بدان حد که برسیم بدانوسیله
رَحْمَتِكَ، وَفَوْزاً عِنْدَكَ، وَاجْعَلْ صَلَوَتَنَا بِهِ مَقْبُولَةً، وَذُنُوبَنَا بِهِ
به رحمت وسیع تو و به کامیابی از نزد تو و بگردان نمازهای ما را بوسیله او پذیرفته و گناهانمان را
مَغْفُورَةً وَدُعَائَنَا بِهِ مُسْتَجَاباً، وَاجْعَلْ أَرْزَاقَنَا بِهِ مَبْسُوطَةً، وَهُمُومَنَا
آمرزیده و دعاهایمان را مستجاب شده و قرار ده روزیهای ما را بدان حضرت گسترده و اندوههای ما را بوسیله‌اش
بِهِ مَكْفِيَةً، وَحَوَائِجِنَا بِهِ مَقْضِيَةً، وَأَقْبِلْ إِلَيْنَا بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَأَقْبِلْ
برطرف شده و حاجت‌هایمان را روا شده و رو کن بسوی ما (پروردگارا) بدان روی بزرگواری و پذیر
تَقَرُّبُنَا إِلَيْكَ، وَأَنْظِرْ إِلَيْنَا نَظْرَةً رَحِيمَةً، نَسْتَكْمِلُ بِهَا الْكِرَامَةَ عِنْدَكَ،
تقرب جوئی ما را بدرگاهت و بنگر بسوی ما به نگاهی مهربانانه تا بدانوسیله بتوانیم مقام خود را در پیش تو به کمال

ثُمَّ لَا تَصْرِفْهَا عَنَّا بِجُودِكَ، وَاسْقِنَا مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

رسانیم، و دیگر آن مقام را از ما بازنگردان به جود خودت و سیرابان کن از حوض جدش - که درود خدا بر او

وَالْهَ بِكَاسِهِ وَيَبْدِهِ، رِيًّا رَوِيًّا هَنِيئًا سَائِغًا، لَا ظَمًا بَعْدَهُ يَا أَرْحَمَ

و آتش باد - از جام او و بدست آن جناب و سیر و سیراب و گوارا و خوش که تنشگی پس از آن نباشد ای

مهربانترین

الرَّاحِمِينَ. پس نماز زیارت بجا می آوری به نحوی که گذشت و دعا می کنی به آنچه

مهربانان * * * * *

* * * * *

خواهی که به اجابت خواهد رسید ان شاء الله امر دویم زیارتی است که هر روز بعد

* * * * *

* * * * *

از نماز صبح مولای ما صاحب الزمان علیه السلام به آن زیارت کرده می شود و آن زیارت این است

* * * * *

* * * * *

اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَايَ صَاحِبَ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ، عَنْ جَمِيعِ

خدایا برسان به مولای من حضرت صاحب الزمان - که درودهای تو بر او باد - از طرف همه

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا وَبَرِّهَا

مردان و زنان با ایمان که در شرقها و غربهای زمینند و در خشکی

وَبَحْرِهَا، وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا، حَيْثُمْ وَمِثْنُهُمْ، وَعَنْ وَالِدَيَّ وَوَلَدِي، وَعَنِّي

و دریا هستند و در همواری زمین و کوهند، زنده شان و مرده شان و از طرف پدر و مادر و فرزندان و خود من

مِنَ الصَّلَوَاتِ وَالتَّحِيَّاتِ زَيْتَةَ عَرْشِ اللَّهِ وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ، وَمُنْتَهَى

درودها و تحیتهایی هموزن عرش خدا و به شماره کلمات و سخنانش و نهایت مرتبه

رِضَاهُ، وَعَدَدَ مَا أَحْصَاهُ كِتَابُهُ وَأَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ لَهُ

خوشنودیش و به شماره آنچه بر شمرده است آن را دفتر و کتابش و احاطه دارد بدان دانشش خدایا من نومی کنم برای آن

فِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي كُلِّ يَوْمٍ، عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً فِي رَقَبَتِي، اللَّهُمَّ

جناب در این روز و در هر روز عهد و پیمان و بیعتی را در گردنم

كَمَا شَرَفْتَنِي بِهَذَا التَّشْرِيفِ، وَفَضَّلْتَنِي بِهَذِهِ الْفَضِيلَةِ، وَخَصَصْتَنِي

چنانچه مرا مفتخر ساختی بدین افتخار و برتریم دادی به این فضیلت و مخصوصم داشتی
 بِهَذِهِ النِّعْمَةِ، فَصَلِّ عَلَيَّ مَوْلَايَ وَسَيِّدِي صَاحِبِ الزَّمَانِ، وَاجْعَلْنِي
 بدین نعمت پس درود فرست بر مولا و آقایم حضرت صاحب الزمان و قرارم ده
 مِنْ أَصَارِهِ وَأَشْيَاعِهِ وَالذَّائِبِينَ عَنْهُ، وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُسْتَشْهَدِينَ
 از یاران و پیروان و دفاع کنندگان آن حضرت و بگردانم از شهادت یافتگان
 بَيْنَ يَدَيْهِ، طَائِعًا غَيْرَ مُكْرَهٍ فِي الصَّفِّ الَّذِي نَعَتْ أَهْلَهُ فِي كِتَابِكَ،
 در پیش رویش از روی میل و رغبت بدون اکراه و ناراحتی در آن صفی که اهل آن را در کتاب خود (قرآن) توصیف
 کرده

فَقُلْتُ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانُ مَرْصُوصٌ، عَلَي طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ
 و فرمودی: «صفی که گویا بنایی استوارند» در راه فرمانبرداری تو و فرمانبرداری رسول تو
 وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، اَللّٰهُمَّ هَذِهِ بَيْعَةٌ لَهُ فِي عُنُقِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ .
 و آل رسولت - که بر تمامی آنها سلام باد - خدایا این بیعتی است از آن جناب در گردن من تا روز قیامت
 مؤلف گوید که علامه مجلسی در بحار فرموده که من در بعض کتب قدیمه دیده‌ام که بعد از این زیارت دست راست را
 به دست چپ بزند مثل زدن در بیعت و بدان نیز که ما در اعمال سرداب مقدس چهار زیارت نقل کردیم و این زیارت،
 زیارت پنجم کتاب ما محسوب می‌شود و در باب اول در ذکر زیارات حجج طاهره در ایام هفته زیارتی نیز برای آن
 حضرت نقل کردیم که در روزهای جمعه به آن نیز زیارت کرده شود امر سیّم دعای عهد است از حضرت صادق علیه السلام
 منقول است که هرکه چهل صباح این عهد را بخواند از یاوران قائم ما باشد و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد خدا او
 را از قبر بیرون آورد که در خدمت آن حضرت باشد و حق تعالی به هر کلمه هزار حسنه او را کرامت فرماید و هزار
 گناه از او محو کند و آن عهد این است :

اَللّٰهُمَّ رَبَّ التُّورِ الْعَظِيمِ، وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ، وَرَبَّ الْبَحْرِ
 خدایا ای پروردگار نور بزرگ و پروردگار کرسی بلند و پروردگار دریای
 الْمَسْجُورِ، وَمُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ، وَرَبَّ الظُّلِّ وَالْحَرُورِ،
 جوشان و فرو فرستنده تورات و انجیل و زبور و پروردگار سایه و آفتاب داغ
 وَمُنْزِلَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، وَرَبَّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَالْأَنْبِيَاءِ

و فرو فرستنده قرآن برزگ و پروردگار فرشتگان مقرب و پیمبران
و الْمُرْسَلِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَبُنُورِ وَجْهِكَ
و مرسلین خدایا از تو خواهم به ذات بزرگواریت و به نور جمال
الْمُنِيرِ، وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ
تابانیت و فرمانروائی دیرینهات ای زنده ای پاینده از تو خواهم بدان نامت که روشن شد
بِهِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُونَ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي يَصْلَحُ بِهِ الْأَوَّلُونَ
بدان آسمانها و زمینها و بدان نامت که صالح و شایسته گشتند بدان پیشینیان
وَالْآخِرُونَ، يَا حَيًّا قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ وَيَا حَيًّا بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ، وَيَا حَيًّا حِينَ لَا
و پسینیان ای زنده پیش از هر موجود، و ای زنده پس از هر موجود زنده و ای زنده در آن هنگام که
حَيٍّ، يَا مُحْيِيَ الْمَوْتِ وَمُمِيتَ الْأَحْيَاءِ، يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، اللَّهُمَّ
زنده ای وجود نداشت ای زنده کن مردگان و ای میراننده زندگان ای زنده ای که معبودی جز تو نیست خدایا
بَلِّغْ مُوَلَّائَنَا الْإِمَامَ الْهَادِيَ الْمُهْدِيَ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ
برسان به مولای ما آن امام راهنمای راه یافته و قیام کننده به فرمان تو - که درودهای خدا بر او و
عَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ، عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ
پدران پاکش باد - از طرف همه مردان و زنان با ایمان در شرقهای
الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، سَهْلِهَا وَجَبَلِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَعَنْيَ وَعَنْ
زمین و غربهای آن هموار آن و کوهش، خشکی آن و دریایش، و از طرف من و
وَالَّذِي مِنَ الصَّلَوَاتِ زَنَتْ عَرْشَ اللَّهِ، وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ، وَمَا أَحْصَاهُ
پدر و مادرم درودهائی هموزن عرش خدا و شماره کلمات و سخنان او و آنچه را دانشش احصاء
عِلْمُهُ وَأَحَاطَ بِهِ كِتَابُهُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ لَهُ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا
کرده و کتاب و دفترش بدان احاطه دارد خدایا من تازه می کنم در بامداد این روز
وَمَا عِشْتُ مِنْ أَيَّامِي، عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي، لَا أَحُولُ
و هر چه زندگی کنم از روزهای دیگر عهد و پیمان و بیعتی برای آن حضرت در گردنم که هرگز از آن سر نه پیچم
عَنْهَا وَلَا أَزُولُ أَبَدًا، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ، وَالذَّائِبِينَ
و دست نکشم هرگز، خدایا قرار ده مرا از یاران و کمک کارانش و دفاع کنندگان

عَنْهُ، وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ، وَالْمُتَمَثِّلِينَ لِأَمْرِهِ،
از او و شتابندگان بسوی او در برآوردن خواسته‌هایش و انجام دستورات و اوامرش
والمُحَامِينَ عَنْهُ، وَالسَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ وَالْمُسْتَشْهَدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ،
و مدافعین از آن حضرت و پیشی گیرندگان بسوی خواسته‌اش و شهادت یافتگان پیش رویش
اللَّهُمَّ إِنَّ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَيَّ عِبَادَكَ حُتْمًا
خدایا اگر حائل شد میان من و او آن مرگی که قرار داده‌ای آن را بر بندگان حتمی
مَقْضِيًّا، فَاخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِ مُؤْتَرِّرًا كَفَنِي، شَاهِرًا سَيْفِي، مُجَرِّدًا
و مقرر پس بیروم از گورم کفن به خود پیچیده با شمشیر آخته و نیزه برهنه
قَنَاتِي، مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي، اللَّهُمَّ ارْنِي
پاسخ‌گویان به ندای آن خواننده بزرگوار در شهر و بادیه خدایا بنمایان به من
الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ، وَالْعُرَّةَ الْحَمِيدَةَ، وَاكْحَلْ نَاطِرِي بِنُظْرَةٍ مَنِّي إِلَيْهِ،
آن جمال ارجمندو آن پیشانی نورانی پسندیده را و سرمه وصال دیدارش را به يك نگاه به دیده‌ام بکش
وَعَجِّلْ فَرَجَهُ، وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ، وَأَوْسِعْ مَنَاجِزَهُ، وَأَسْأَلُكَ بِمَحَبَّتِهِ
و شتاب کن در ظهورش و آسان گردان خروجش را و وسیع گردان راهش را و مرا به راه او درآور
وَأَقِمْ أَمْرَهُ، وَاشْدُدْ أَرْزَهُ، وَاعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ، وَآخِي بِهِ عِبَادَكَ،
و دستورش را نافذ گردان و پشتش را محکم کن و آباد گردان خدایا بدست او شهرها و بلاد را و زنده گردان
بوسیله‌اش بندگان را
فَإِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ، ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ
زیرا که تو فرمودی و گفته‌ات حق است (که فرمودی): «آشکار شد تبهکاری در خشکی و دریا بخاطر کرده‌های
أَيْدِي النَّاسِ، فَاطْهَرِ اللَّهُمَّ لَنَا وَلِئِكَ وَابْنِ بَنْتِ نَبِيِّكَ الْمُسَمِّي بِاسْمِ
مردم» پس آشکار کن برای ما خدایا نماینده‌ات را و فرزند دختر پیامبرت که همنام
رَسُولِكَ، حَتَّى لَا يَطْفُرَ بِشَيْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ إِلَّا مَرْفَقُهُ، وَيُحِقِّ الْحَقَّ
رسول تو است تا دست نیابد به هیچ باطلی جز آنکه از هم بدراند و پابرجا کند حق را
وَيُحَقِّقَهُ، وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَفْرَعًا لِمَظْلُومِ عِبَادِكَ، وَنَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ
و ثابت کند آن را و بگردان آن بزرگوار را خدایا پناهگاه ستم‌دیدگان بندگان و یاور کسی که جز تو

لَهُ نَاصِرًا غَيْرَكَ، وَمُجَدِّدًا لِّمَا عَطَّلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ، وَمُشِيدًا لِّمَا

یاوری برایش یافت نشود و تازه کننده آن احکامی که از کتاب تو تعطیل مانده و محکم کننده آنچه

وَرَدَ مِنْ أَعْلَامِ دِينِكَ، وَسُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَاجْعَلْهُ

رسیده از نشانه‌های دین و آئینت و دستورات پیامبرت صلی الله علیه و آله و قرارش ده

اللَّهُمَّ مِمَّنْ حَصَّنَتْهُ مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدِينَ اللَّهُمَّ وَسِرِّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدًا

خدایا از آنانکه نگاهش داری از صولت و حمله زورگویان خدایا شاد گردان (دل) پیامبرت محمد

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرُؤْيَيْهِ، وَمَنْ تَبِعَهُ عَلَي دَعْوَتِهِ، وَارْحَمْ اسْتِكَائَنَا بَعْدَهُ،

صلی الله علیه و آله را به دیدارش و هم چنین هم که در دعوتش از آن حضرت پیروی کرد و رحم کن به بیچارگی ما

پس از آن

اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْعُمَّةَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ، وَعَجِّلْ لَنَا ظُهُورَهُ، اِنَّهُمْ

حضرت، خدایا بگشا این اندوه را از این امت به حضور امام زمان و شتاب کن برای ما در ظهور آن جناب که اینان

يَرَوْنَهُ بَعِيدًا وَتَرِيَهُ قَرِيبًا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

ظهورش را دور پندارند ولی ما نزدیک می‌بینیم به مهتر ای مهربانترین مهربانان

* پس سه مرتبه دست بر ران راست خود می‌زنی و در هر مرتبه می‌گویی: «الْعَجَلُ الْعَجَلُ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ

الزَّمانِ» امر چهارم سید بن طاوس فرموده که چون خواستی مرخص شوی از حرم شریف آن حضرت برگرد بسوی

سرداب منیف و نماز کن در آن هرچه بخواهی پس بایست رو به قبله و بگو اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنْ وَلِيِّكَ و این دعا را تا به آخر

ذکر نموده آنگاه فرموده پس بخوان خدا را بسیار و برگرد با سعادت انشاءالله تعالی مؤلف گوید که شیخ در مصباح این

دعا را در اعمال روز جمعه از حضرت امام رضا علیه السلام نقل کرده و ما نیز این دعا را به نحویکه شیخ از آن حضرت

نقل کرده نقل می‌نماییم فرموده روایت کرده یونس بن عبدالرحمن که حضرت امام رضا علیه السلام امر می‌فرمودند به دعا

کردن از برای حضرت صاحب الامر علیه السلام به این دعا: اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنْ وَلِيِّكَ

* * * * * خدایا دور کن (هر بلائی را) از نماینده

وَحَلِيفَتِكَ، وَحُجَّتِكَ عَلَي خَلْقِكَ، وَلِسَانِكَ الْمُعَبِّرِ عَنْكَ، النَّاطِقِ بِحُكْمَتِكَ

و خلیفه‌ات و حجت تو بر آفریدگانت و زبان گویایت و سخن گوینده به حکمتت

وَعَيْنِكَ النَّاطِرَةِ بِإِذْنِكَ، وَشَاهِدِكَ عَلَي عِبَادِكَ، الْجَحْجَاحِ الْمُجَاهِدِ،

و دیده بینای تو به اذن خودت و گواه تو بر بندگان آن بزرگ مرد مجاهد

الْعَائِدِ بِكَ، الْعَائِدِ عِنْدَكَ، وَأَعِذْهُ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ، وَبَرَأْتَ
و پناهنده به تو و پرستش کننده در نزد تو، پناهش ده از شر تمام آنچه آفریده و خلق کردی و پدید آوردی
وَأَنْشَأْتَ وَصَوَّرْتَ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمِينِهِ
و صورت بخشیدی و نگهداریش کن از پیش رویش و از پشت سرش و از طرف راستش
وَعَنْ شِمَالِهِ وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ، بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيعُ مَنْ
و از سمت چپش و از بالای سر و از زیر پایش به نگهداری خودت که تباه نگردد هر که را بدان
حَفِظْتَهُ بِهِ، وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَآبَاءَهُ أَمَّتَكَ وَدَعَائِمَ دِينِكَ،
نگهداری کنی و نگهداری کن در وجود او (و بوسیله آن حضرت) پیامبرت و پدران او که پیشوایان و پایه‌های دین تو
وَأَجْعَلْهُ فِي وَدِيعَتِكَ الَّتِي لَا تَضِيعُ، وَفِي جِوَارِكَ الَّذِي لَا يُخْفَرُ،
هستند و قرار ده آن حضرت را در سپرده خودت که چیزی در آن ضایع نگردد و در جوار تو که قرقش شکسته نشود
وَفِي مَنَعِكَ وَعِزِّكَ الَّذِي لَا يُقْهَرُ، وَآمِنُهُ بِأَمَانِكَ الْوَقِيقِ الَّذِي لَا
و در حفظ و عزت خودت که مقهور کسی نگردد و این دار او را به امان محکمت که هر که را بدان این کردی
يُخْذَلُ مَنْ آمَنَتْهُ بِهِ، وَاجْعَلْهُ فِي كَنَفِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ مَنْ كَانَ فِيهِ،
خوار نگردد و در کنف حمایت خودت قرارش ده که هر که در آن بود مورد دستبرد کسی واقع نگردد
وَأُصْرُهُ بِنَصْرِكَ الْعَزِيزِ، وَأَيَّدَهُ بِجُنْدِكَ الْغَالِبِ، وَقَوَّهِ بِقُوَّتِكَ، وَأَرْدَفَهُ
و یاریش کن به یاری نیرومندت و کمکش کن به لشکر پیروزمندت و نیرومندش کن به نیرویت
بِمَلَائِكَتِكَ وَوَالٍ مَنْ وَالَاهِ، وَعَادٍ مَنْ عَادَاهُ وَأَلْبَسَهُ دِرْعَكَ
و فرشتگانت را پشت سرش بدار و دوست دار دوستدارش را و دشمن دار دشمنش را و پیوشان به برش
الْحَصِينَةَ وَحَفَّهُ بِالْمَلَائِكَةِ حَقًّا، اللَّهُمَّ اشْعَبْ بِهِ الصَّدْعَ، وَارْتُقْ بِهِ
زره محکمت را و گرداگردش فرشتگانت را بطور منظم بدار خدایا ترمیم کن بوسیله‌اش شکستگی (دین) را و پیوست کن
الْفُتْقَ، وَأَمِتْ بِهِ الْجَوْرَ، وَأَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ، وَزَيِّنْ بِطَوْلِ بَقَائِهِ الْأَرْضَ،
بوسیله‌اش گسیختگی را و بمیران بدستش ستم را و نمایان کن بوسیله‌اش عدالت را و زینت ده به‌درازی عمرش زمین را
وَأَيَّدَهُ بِالنَّصْرِ، وَأُصْرَهُ بِالرُّعْبِ، وَقَوَّ نَاصِرِيهِ، وَاخْذُلْ خَاذِلِيهِ،
و کمکش کن به یاری خود و یاریش کن به ایجاد رعب (او در دل دشمنان) و نیرومند کن یاورش را و خوار گردان
وَدَمْدَمَ مَنْ نَصَبَ لَهُ، وَدَمَّرَ مَنْ غَشَّاهُ، وَأَقْتُلْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ، وَعَمَدَةَ

خودداري کننده از ياريش را و به هلاکت رسان و نابود کن کسي که به او خيانت کند و بکش بدست او گردنکشان کفر و استوانه ها

وَدَعَائِمُهُ وَأَقْصَمُ بِهِ رُؤُسَ الضَّلَالَةِ، وَشَارِعَةَ الْبِدْعِ، وَمُمَيَّتَةَ السُّنَّةِ

و پایه های آن را و بشکن بوسیله آن حضرت (شوکت) رؤساي گمراهي و بدعت گذاران و آنانکه آئين اسلام را نابود کرده

وَمَقْوِيَّةَ الْبَاطِلِ، وَذَلَّلَ بِهِ الْجَبَّارِينَ، وَأَبْرَ بِهِ الْكَافِرِينَ وَجَمِيعَ

و باطل را تقويت کنند و خوار کن بدستش گردنکشان را و ریشه کن ساز بوسیله آن جناب کافران و تمام

الْمُلْحِدِينَ، فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَسَهْلِهَا

بی دینان را در شرقهای زمین و غربهای آن و خشکی و دریای آن و سرزمینهای هموار

وَجَبَلِهَا، حَتَّى لَا تَدَعَ مِنْهُمْ دَيَّاراً، وَلَا تُبْقِيَ لَهُمْ آثَاراً، اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ

و کوه آن تا آنجا که فردي از آنها باقي نگذاري و اثري از ايشان بجاي نگذاري خدايا پاک کن

مِنْهُمْ بِلَادَكَ، وَاشْفِ مِنْهُمْ عِبَادَكَ، وَأَعِزَّ بِهِ الْمُؤْمِنِينَ، وَآخِي بِهِ سُنَّ

از وجود آنها شهرها و بلادت را و شفا ده به نابودیشان دل بندگان را و عزت بخش بدان وسیله مؤمنان را و زنده کن بوسیله

الْمُرْسَلِينَ، وَدَارِسَ حُكْمِ النَّبِيِّينَ، وَجَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحَى مِنْ دِينِكَ،

آن جناب آئين پيبران مرسل و احكام كهنة پيبران را و تازه کن بوسیله اش آنچه محو گشته از دینت

وَيُدِّلَ مِنْ حُكْمِكَ، حَتَّى تُعِيدَ دِينَكَ بِهِ، وَعَلَى يَدَيْهِ جَدِيداً غَضّاً

و تغییر یافته از فرمانت تا اینکه بازگردد دین تو بوسیله او و بدست آن جناب تر و تازه

مَحْضاً صَحِيحاً لَا عِوَجَ فِيهِ، وَلَا بِدْعَةَ مَعَهُ، وَحَتَّى تُنِيرَ بِعَدْلِهِ ظُلَمَ

و خالص و صحیح که اعوجاجي در آن نباشد و بدعتی همراهش نباشد و تا اینکه روشن گردد بوسیله عدالتش

تاریکیهای

الْجَوْرِ، وَتُطْفِئَ بِهِ نِيرَانَ الْكُفْرِ، وَتَوْضِحَ بِهِ مَعَاذَ الْحَقِّ، وَمَجْهُولَ

بيدادگري و خاموش گردد بوسیله اش آتشیهای کفر و آشکار گردد بدان جناب مشکلات و گره های حق و موارد مجهول

الْعَدْلِ، فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ، وَاصْطَفَيْتَهُ عَلَي غَيْبِكَ،

عدل و داد زیرا که او آن بنده بزرگوار تو است که انتخابش کردی برای خودت و برگزیدیش برای جریانات غیب

وَعَصَمْتُهُ مِنَ الذُّنُوبِ، وَبَرَّأْتُهُ مِنَ الْغُيُوبِ، وَطَهَّرْتُهُ مِنَ الرَّجْسِ،
(و پس پرده) خود و نگاهش داشتی از گناهان و مبرایش گردانیدی از عیوب و پاکش کردی از پلیدی
وَسَلَّمْتُهُ مِنَ الدَّنَسِ، اَللّٰهُمَّ فَاِنَّا نَشْهَدُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَيَوْمَ حُلُولِ
و سالمش داشتی از چرکی خدایا ما برای او گواهی دهیم در روز قیامت و روز وقوع آن حادثه
الطَّامَّةِ، اَنَّهُ لَمْ يُذْنِبْ ذَنْبًا، وَلَا اَتَى حُوبًا، وَلَمْ يَرْتَكِبْ مَعْصِيَةً، وَلَمْ
بزرگ که براستی او گناهی مرتکب نشده و دست به کار زشتی نزده و مرتکب معصیتی نشده و هیچ
يُضَيِّعَ لَكَ طَاعَةً، وَلَمْ يَهْتِكْ لَكَ حُرْمَةً، وَلَمْ يُبَدِّلْ لَكَ فَرِيضَةً، وَلَمْ
فرمانبرداری تو را وانگذازده و حرمتی را از تو هتک نکرده و واجبی را تغییر نداده و
يُغَيِّرَ لَكَ شَرِيعَةً، وَاِنَّهُ الْهَادِي الْمُهْتَدِي الطَّاهِرُ التَّقِيُّ النَّقِيُّ الرَّضِيُّ
آئینی را به هم نزده و او است راهنمای راه یافته پاک پرهیزکار پاکیزه پسندیده
الزَّمِيِّ، اَللّٰهُمَّ اَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَاَهْلِهِ وَوَلَدِهِ، وَذُرِّيَّتِهِ وَاُمَّتِهِ، وَجَمِيعِ
و زبده خدایا به او عطا کن درباره خودش و درباره خاندان و فرزندان و نژاد و ملت و تمام
رَعِيَّتِهِ مَا تُقَرِّبُهُ عَيْنُهُ، وَتَسْرُّ بِهِ نَفْسُهُ، وَتَجْمَعُ لَهُ مُلْكُ الْمَمْلَكَاتِ
افراد رعیت (و فرمانبردارانش) آنچه دیده‌اش را بدان روشن کنی و دلش را بدان خوشحال گردانی و گردآوری برای او
فرمانروائی
كُلِّهَا، قَرِيبَهَا وَبَعِيدَهَا، وَعَزِيزَهَا وَذَلِيلَهَا، حَتَّى تُجْرِيَ حُكْمَهُ عَلَي كُلِّ
همه ممالك را نزدیک و دورش را و نیرومند و خوارش را تا اینکه حکم و فرمانش را فوق همه حکمها جاری کنی
حُكْمٍ، وَتَغْلِبَ بِحَقِّهِ كُلَّ بَاطِلٍ، اَللّٰهُمَّ اسْأَلُكَ بِنَا عَلِيٍّ يَدِيهِ مِنْهَاجِ
و بوسیله آئین حق او هر باطلی را مغلوب گردانی خدایا ما را وادار بدست آن بزرگوار به راه روشن
الْهُدَى، وَالْمَحَجَّةَ الْعُظْمَى، وَالطَّرِيقَةَ الْوُسْطَى الَّتِي يَرْجِعُ إِلَيْهَا
هدایت و جاده بزرگ (دیانت) و طریقه مستقیمی که باز گردد بدان راه
الْغَالِي، وَيَلْحَقُ بِهَا التَّالِي، وَقَوْنَا عَلَي طَاعَتِهِ، وَتَبَتَّنَا عَلَي مُشَايَعَتِهِ،
پیش افتاده تندر و خود را برساند بدان عقب مانده، و نیرویمان ده برای فرمانبرداریش و پابرجایمان دار بر پیرویش
وَأَمْنُنْ عَلَيْنَا بِمُتَابَعَتِهِ، وَاجْعَلْنَا فِي حِزْبِهِ، الْقَوَّامِينَ بِأَمْرِهِ الصَّابِرِينَ

و منت گذار بر ما به متابعت از آن حضرت و درحزب و گروه او قرارمان ده آنانکه بدستورش قیام کنند و با او صبر کنند

مَعَهُ، الطَّالِبِينَ رِضَاكَ بِمُنَاصَحَتِهِ، حَتَّى تَحْشُرَنَا يَوْمَ الْقِيَمَةِ فِي

و در خیرخواهی کردن نسبت به آن جناب طالب رضا و خوشنودی تو می باشی تا اینکه در روز قیامت ما را

أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ، وَمُقَوِّبَةِ سُلْطَانِهِ، اللَّهُمَّ وَاجْعَلْ ذَلِكَ لَنَا خَالِصاً

جزء یاران و اعوان او و هم جزء تقویت کنندگان حکومتش محشورمان داری و این کار را برای ما

مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشُبْهَةٍ، وَرِيَاءٍ وَسُمْعَةٍ، حَتَّى لَا نَعْتَمِدَ بِهِ غَيْرَكَ، وَلَا

از هر شک و شبهه و خودنمائی و شهرت طلبی خالص و بدور گردان تا در این کار به غیر تو اعتماد نداشته

نَطْلُبَ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ وَحَتَّى تُحِلَّنَا مَحَلَّهُ، وَتَجْعَلَنَا فِي الْجَنَّةِ مَعَهُ،

و جز رضا و خوشنودی تو چیزی نخواهیم و تا اینکه ما را به جایگاه آن حضرت وارد کنی و جایمان را در بهشت با آن

بزرگوار

وَأَعِزَّنَا مِنَ السَّامَةِ وَالْكَسَلِ وَالْفَثَرَةِ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ

قرار دهی و نگاهمان داری از خستگی و کسالت و سستی و ما را از جمله کسانی قرار ده که بدست آنها

لَدَيْنِكَ وَتُعِزُّ بِهِ نَصْرَ وَلِيِّكَ، وَلَا تَسْتَبْدِلْ بِنَا غَيْرَنَا، فَإِنَّ اسْتِبْدَالَكَ بِنَا

دینت را یاری کنی و شوکتمند گردانی بدانها پیروزی ولی و نماینده خود را و این افتخار را نصیب دیگری

غَيْرَنَا عَلَيْكَ يَسِيرٌ، وَهُوَ عَلَيْنَا كَثِيرٌ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وُلَاةِ عَهْدِهِ،

غیر از ما ممکن زیرا که برای تو آسان است که دیگران را جای ما بگذاری ولی این کار بر ما بسیار گران و ناگوار است

خدایا درود فرست

وَالْأَئِمَّةَ مِنْ بَعْدِهِ، وَبَلِّغْهُمْ آمَالَهُمْ وَزِدْ فِي آجَالِهِمْ، وَأَعِزَّ نَصْرَهُمْ،

بر پیمانداران و پیشوایان پس از او و آنان را به آرزوهایشان برسان و عمرشان را طولانی گردان و شوکتمند کن

پیرویشان را

وَتَمِّمْ لَهُمْ مَا أَسْنَدْتَ إِلَيْهِمْ مِنْ أَمْرِكَ لَهُمْ، وَتَبَّتْ دَعَائِمُهُمْ، وَاجْعَلْنَا

و کامل کن برای آنها آنچه از دستورات خود را که به آنها مستند کردی و پایه های (حکومت) آنان را پابرجا کن

لَهُمْ أَعْوَاناً وَعَلَى دِينِكَ أَنْصَاراً، فَأَتَاهُمْ مَعَادِنُ كَلِمَاتِكَ، وَخُزَّانُ

و ما را از اعوان او و از یاران دین و آئینت قرار ده زیرا که آنها معادن کلمات (و فرامین) تو و خزینه دارهای

عَلِمِكَ، وَأَرْكَانُ تَوْحِيدِكَ، وَدَعَائِمُ دِينِكَ، وَوَلَاةُ أَمْرِكَ وَخَالِصَتِكَ

دانش توأند و آنهایند ارکان یگانه پرستیت و استوانه‌های دینت و سرپرستان دستورت و زبده‌های

مِنْ عِبَادِكَ، وَصَفْوَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ وَأَوْلِيَاؤُكَ، وَسَلَائِلُ أَوْلِيَائِكَ

از بندگان و برگزیدگان از آفریدگانت و بندگان مقربت و نژاد دوستان

وَصَفْوَةُ أَوْلَادِ نَبِيِّكَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ .

و چکیده فرزندان پیامبرت و سلام بر او و بر ایشان و رحمت خدا و برکاتش

(فصل)

در زیارات جامعه و دعایی که بعد از زیارات خوانده می‌شود و صلوات بر حجج طاهره‌علیهم السلام و محتوی بر چند مقام است مقام اول در زیارات جامعه که هر امامی را به آن زیارت می‌توان نمود و آنها بسیار است و ما به ذکر چند زیارت از آنها اکتفا می‌نماییم زیارت اول شیخ صدوق در کتاب من لایحضره الفقیه روایت نموده که از حضرت امام رضا علیه السلام سؤال کردند در باب آمدن به نزد قبر امام موسی علیه السلام فرمودند که نماز بگذارید در مسجدهایی که در اطراف قبر آن حضرت است و مجزی است در همه مواضع یعنی در زیارت هر يك از ائمه‌علیهم السلام یا مطلق مزارهای شریفه مقدسه مانند مرافد انبیاء و سایر اوصیاء علیهم السلام «کَمَا هُوَ الظَّاهِرُ» اینکه بگویی :

السَّلَامُ عَلَيَّ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَأَصْفِيَائِهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ أُمَنَاءِ اللَّهِ

* * * * * سلام بر بندگان مقرب خدا و بر برگزیدگانش سلام بر آنانکه امین خدا

وَأَحِبَّائِهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ أَنْصَارِ اللَّهِ وَخُلَفَائِهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ مَحَالِّ مَعْرِفَةِ

و دوستان اویند سلام بر یاران خدا و جانشینانش سلام بر جایگاه‌های معرفت

اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَيَّ مَسَاكِينِ ذِكْرِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ مُظْهِرِي أَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ،

خدا سلام بر مسکینهای ذکر خدا سلام بر آشکار سازندگان امر و نهی خدا

السَّلَامُ عَلَيَّ الدُّعَاءِ إِلَى اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ الْمُسْتَقَرِّينَ فِي مَرْضَاتِ

سلام بر خوانندگان (مردم) بسوی خدا سلام بر استقرار یافتگان در خوشنودیهای

اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَيَّ الْمُخْلِصِينَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ الْأَدِلَاءِ عَلَيَّ

خدا سلام بر مخلصان در فرمانبرداری خدا سلام بر راهنمایان بسوی

اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَيَّ الَّذِينَ مَنْ وَالَاهُمْ فَقَدْ وَالِيَ اللَّهُ، وَمَنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ

خدا سلام بر آن بزرگوارانی که هر که دوستشان دارد خدای را دوست داشته و هر که دشمنشان دارد عادی الله، وَمَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللَّهَ، وَمَنْ جَهِلَهُمْ فَقَدْ جَهِلَ اللَّهَ، خدای را دشمن داشته و هر که آنان را بشناسد خدای را شناخته و هر که نشناسدشان خدای را نشناخته وَمَنْ اعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ، وَمَنْ تَخَلَّى مِنْهُمْ فَقَدْ تَخَلَّى مِنْ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَأُشْهِدُ اللَّهَ أَنِّي سَلِمٌ لِمَنْ سَالَمْتُمْ، وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبْتُمْ کرده است و خدای را گواه گیرم که من تسلیم برای هر کس که شما تسلیم اوئید در جنگم با هر که شما در جنگید مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَعَلَانِيَتِكُمْ، مُفَوِّضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ، لَعَنَ اللَّهُ عَدُوَّ اِيْمَانِ دَارم به نهان و آشکار شما و اختیار همه این کارها را به شما واگذار کنم خدا لعنت کند دشمن آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ . آل محمد را از جن و انس و بیزاری جویم بدرگاه خدا از ایشان و درود خدا بر محمد و آلش *

و این زیارت در کتاب کافی و تهذیب و کامل الزیارة نقل شده و در همه کتب بعد از اتمام زیارت مذکور است که این یعنی این کلماتی که ذکر شد مجزی است در همه زیارتها و بسیار صلوات می فرستی بر محمد و آل محمد علیهم السلام و نام می بری يك را به نامهای ایشان و بیزاری می جویی از دشمنان ایشان و اختیار می نمایی هر دعایی را که خواهی از برای خود و مؤمنین و مؤمنات مؤلف گوید که ظاهر آنست که تتمه مذکوره جزء حدیث بوده و بر تقدیری که عبارت بعضی از محدثین باشد چون اعظم مشایخ حدیث چنین فهمیده اند که در همه زیارتها کافی است چنانچه ظاهر اول حدیث بر آن دلالت دارد و در باب زیارات جامعه نقل نموده اند و الفاظ زیارت همه از صفات جامعه است که اختصاص به بعضی ندارد بنابر این خاطر از جامعه بودن این زیارت جمع و خواندن آن در همه مشاهد حتی در مشاهد انبیاء و اوصیاء علیهم السلام چنانچه جمعی از علماء در مشهد جناب یونس علیه السلام نقل کرده اند مناسب است و چون در ذیل زیارت امر به صلوات بر هر يك بخصوص وارد شده است اگر صلوات منسوبه به ابوالحسن ضراب اصفهانی را که در آخر اعمال روز جمعه نقل کردیم بخوانی بسیار مناسب است. زیارت دویم ایضاً شیخ صدوق در فقیه و عیون روایت کرده از موسی بن عبدالله نخعی که گفت عرض کردم به خدمت حضرت امام علی التقی علیه السلام که یا بن رسول الله مرا تعلیم فرما زیارتی با بلاغت که کامل باشد که هرگاه خواستم زیارت کنم یکی از شما را آنرا بخوانم فرمود که چون بدرگاه رسیدی بایست و بگو شهادتین را یعنی بگو: أَشْهَدُ أَنْ لَا

* * * * *

* * * * * گواهی دهم که

إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

معبودی نیست جز خدای یگانه‌ای که شریک ندارد و گواهی دهم که محمد - که دروهای خدا بر او

وَأَلِّهِ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، و با حال غسل باشی و چون داخل حرم شوی و قبر را ببینی

* * * * * و آتش باد - بنده و رسول او است

* * * * *

بایست و سی مرتبه اللَّهُ أَكْبَرُ بگو پس اندکی راه برو به آرام دل و آرام تن و گامها را نزدیک یکدیگر گذار پس

بایست و سی مرتبه اللَّهُ أَكْبَرُ بگو پس نزدیک قبر مطهر رو و چهل مرتبه اللَّهُ أَكْبَرُ بگو تا صد تکبیر تمام شود و شاید

چنانکه مجلسی اول گفته وجه تکبیر این باشد که اکثر طباع مایلند بَعْلُوْ مباد از عبارات امثال این زیارت

بَعْلُوْ افتند یا از بزرگی حق سبحانه و تعالی غافل شوند یا غیر اینها پس بگو: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ

* * * * *

* سلام بر شما ای

بَيْتِ النَّبُوَّةِ، وَمَوْضِعِ الرِّسَالَةِ، وَمُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ، وَمَهْبِطِ الْوَحْيِ وَمَعْدِنِ

خاندان نبوت و جایگاه رسالت و مرکز رفت و آمد فرشتگان و جای فرود آمدن وحی (الهی) و معدن

الرَّحْمَةِ، وَخُزَّانِ الْعِلْمِ، وَمُنْتَهَى الْحِلْمِ، وَأُصُولِ الْكَرَمِ، وَقَادَةَ الْأُمَمِ،

رحمت (حق) و گنجینه داران دانش و سرحد نهایی بردباری و اصول و اساس کرم و بزرگواری و پیشوایان ملتها

وَأَوْلِيَاءِ النَّعَمِ، وَعَنَاصِرِ الْأَبْرَارِ، وَدَعَائِمِ الْأَخْيَارِ، وَسَاسَةَ الْعِبَادِ،

و در اختیار دارندگان نعمتها و ریشه و اصول نیکان و استوانه‌های خوبان و زمامداران بندگان

وَأَرْكَانِ الْبِلَادِ، وَأَبْوَابِ الْإِيمَانِ، وَأُمْنَاءَ الرَّحْمَنِ، وَسَلَاطَةَ النَّبِيِّينَ،

و پایه‌ها و ستونهای شهرها و بلاد و درهای ایمان و امینهای خدای رحمان و نژاد پیمبران

وَصَفْوَةَ الْمُرْسَلِينَ، وَعَثْرَةَ خَيْرَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتَهُ،

و زیده (اولاد) رسولان و عترت انتخاب شدگان پروردگار جهانیان، و رحمت خدا و برکاتش (نیز بر آنها باد)

السَّلَامُ عَلَيَّ أَيْمَةَ الْهُدَى، وَمَصَابِيحِ الدُّجَى، وَأَعْلَامِ التَّقَى، وَذَوِي

سلام بر پیشوایان هدایت و چراغهای تاریکی و نشانه‌های پرهیزکاری و صاحبان

النُّهْيِ، وَأَوْلِيَ الْحِجَى، وَكَهْفِ الْوَرَى، وَوَرْتَةِ الْأَنْبِيَاءِ، وَالْمَثَلِ الْأَعْلَى،

خرد و دارندگان عقل و فطانت و پناهگاه مردمان و وارثان پیمبران و غونه اعلاي (الهي)
وَالدَّعْوَةُ الْحُسْنَى، وَحُجَّجَ اللَّهُ عَلَي أَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْأُولَى،
و اهل دعوت نيكو (كه مردم را به خدا مي خوانند) و حجتهاي خدا بر اهل دنيا و آخرت و اين جهان
وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَي مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ، وَمَسَاكِينِ بَرَكَتِهِ
و رحمت خدا و بركاتش (نيز بر ايشان باد) سلام بر جاياگاههاي شناسائي خدا و مسكنهاي برکت
اللَّهُ، وَمَعَادِنِ حِكْمَةِ اللَّهِ، وَحَفَظَةِ سِرِّ اللَّهِ، وَحَمَلَةِ كِتَابِ اللَّهِ، وَأَوْصِيَاءِ
خدا و كانهاي حكمت و فرزاني خدا و نگهبانان راز خدا و حاملان كتاب خدا و اوصياء
نَبِيِّ اللَّهِ، وَذُرِّيَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ،
پيامبر خدا و فرزندان رسول خدا صلي الله عليه و آله، و رحمت خدا و بركاتش (نيز بر ايشان باد)
السَّلَامُ عَلَي الدُّعَاةِ إِلَي اللَّهِ وَالْأَدِلَاءِ عَلَي مَرْضَاتِ اللَّهِ،
سلام بر خوانندگان بسوي خدا و رهنمايان بسوي موجبات خوشنودي خدا
وَالْمُسْتَقَرِّينَ فِي أَمْرِ اللَّهِ، وَالتَّآمِنِينَ فِي مَحَبَّةِ اللَّهِ، وَالْمُخْلِصِينَ فِي
و استقرار يافتگان در فرمان خدا و كاملان در دوستي و محبت خدا و مخلصان در
تَوْحِيدِ اللَّهِ، وَالْمُظْهَرِينَ لِأَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ، وَعِبَادِهِ الْمُكْرَمِينَ، الَّذِينَ لَا
يگانه پرستي خدا و آشكار كنندگان امر و نهي خدا و بندگان گرامي خدا آنانكه پيشي نگريند
يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ
بر خداوند در گفتار و آنانكه بدستورش عمل كنند، و رحمت خدا و بركاتش (بر ايشان باد) سلام
عَلَي الْأَئِمَّةِ الدُّعَاةِ وَالْقَادَةِ الْهُدَاةِ، وَالسَّادَةِ الْوُلَاةِ، وَالذَّادَةِ الْحُمَاةِ،
بر امامان دعوت كننده (بحق) و پيشوايان راهنما و آقايان سرپرست و دفاع كنندگان و حاميان (از دين خدا)
وَأَهْلِ الذِّكْرِ وَأُولِي الْأَمْرِ، وَبَقِيَّةِ اللَّهِ وَخَيْرَتِهِ، وَحِزْبِهِ وَعَيْيَةِ عِلْمِهِ،
و اهل ذكر و فرمانداران و نمايندگان خدا و برگزيدهگان او و گروه او و گنجينه دانشش
وَحُجَّتِهِ وَصِرَاطِهِ وَثَوْرِهِ وَبُرْهَانِهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ أَشْهَدُ أَنْ لَا
و حجت او و راه او و نور او و دليل روشن او، و رحمت خدا و بركاتش (بر ايشان باد) گواهي دهم كه نيست
إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحَدُّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ كَمَا شَهِدَ اللَّهُ لِنَفْسِهِ، وَشَهِدَتْ لَهُ
معبودي جز خدای يگانه كه شريك ندارد چنانچه گواهي داده خدا براي خودش و گواهي دادند براي او

مَلَايَكَتُهُ، وَأُولُوا الْعِلْمِ مِنْ خَلْقِهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ
فرشتگانش و دانشمندان از خلق او معبودی نیست جز او که نیرومند و فرزانه است
وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ الْمُتَّجِبُ وَرَسُولُهُ الْمُرْتَضَى، أَرْسَلَهُ
و گواهی دهم که محمد بنده انتخاب شده او است و رسول پسندیده او است که فرستاد او را
بِإِلْهَادِي وَدِينِ الْحَقِّ، لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ،
با هدایت و آئین حق تا پیروزش کند بر همه آئینها و گرچه خوش نداشته باشند مشرکان
وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأَئِمَّةَ الرَّاشِدُونَ الْمُهْدِيُّونَ، الْمَعْصُومُونَ
و گواهی دهم که شماست پیشوایان راهبر راه یافته معصوم
الْمُكْرَمُونَ، الْمُقَرَّبُونَ الْمُتَّقُونَ الصَّادِقُونَ الْمُصْطَفَوْنَ الْمُطِيعُونَ لِلَّهِ،
گرامی مقرب پرهیزکار راستگوی زبده فرمانبرداران خدا
الْقَوَامُونَ بِأَمْرِهِ، الْعَامِلُونَ بِإِرَادَتِهِ، الْفَائِزُونَ بِكَرَامَتِهِ، اصْطَفَاكُمْ
و قیام کنندگان به فرمانش و انجام دهندگان خواسته‌اش و آنانکه به مقام کرامت او رسیدند، برگزیدگان
بِعِلْمِهِ، وَارْتِضَاكُمْ لِعَيْنِهِ، وَاخْتَارَكُمْ لِسِرِّهِ، وَاجْتَبَيْكُمْ بِقُدْرَتِهِ، وَأَعَزَّكُمْ
به علم خود و پسندیدتان برای جریانات غیب (و پس پرده) خود و انتخابتان کرد برای راز خود و اختیارتان کرد به
قدرتش و
بِهْدَاهُ، وَخَصَّكُمْ بِبُرْهَانِهِ، وَاتَّجَبَكُمْ لِنُورِهِ، وَأَيَّدَكُمْ بِرُوحِهِ، وَرَضِيَكُمْ
عزیزتان کرد به راهنمایی خود و مخصوصتان داشت به دلیل روشنش و برگزید شما را برای نور خود و تأیید کرد شما را
به روح خود
خُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ، وَحُجَجًا عَلَى بَرِيَّتِهِ، وَأَنْصَارًا لِدِينِهِ، وَحَفَظَةً لِسِرِّهِ،
و پسندید شما را برای جانشینی در زمینش و تا که حجت‌هایی باشید بر مخلوقش و یاورانی برای دینش و نگهبانانی برای
رازش
وَخَزَنَةً لِعِلْمِهِ، وَمُسْتَوْدَعًا لِحِكْمَتِهِ، وَتَرَاجِمَةً لَوْحِيهِ، وَأَرْكَانًا
و گنجینه دارانی برای دانشش و سپردگان حکمتش و مفسران وحیش و پایه‌های
لِتَوْحِيدِهِ، وَشُهَدَاءَ عَلَى خَلْقِهِ، وَأَعْلَامًا لِعِبَادِهِ، وَمَنَارًا فِي بِلَادِهِ،
یگانه شناسیش و گواهایی بر خلقش و نشانه‌هایی برای بندگان و مشعل‌هایی در شهرها و بلادش

وَأَدْلَاءَ عَلَي صِرَاطِهِ، عَصَمَكُمُ اللَّهُ مِنَ الزَّلَلِ، وَأَمَنَكُم مِّنَ الْفِتَنِ،
و راهنمایی بر راهش، خداوند نگهداشت شما را از لغزش و ایمن داشت شما را از فتنه‌ها
و طَهَّرَكُم مِّنَ الدَّنَسِ، وَأَذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ، وَطَهَّرَكُم تَطْهِيراً،
و آزمایشات و پاکتان کرد از چرکی و دور کرد از شما پلیدی را و بخوبی پاکیزه‌تان کرد،
فَعَظَّمْتُمْ جَلَالَهُ، وَكَبَّرْتُمْ شَأْنَهُ، وَمَجَّدْتُمْ كَرَمَهُ، وَأَدَمْتُمْ ذِكْرَهُ، وَوَكَّدْتُمْ
شما نیز (در برابر) عظیم شمردید شوکتش را و مقامش را بزرگ دانستید و کرمش را ستودید و به ذکر او ادامه دادید
مِيثَاقَهُ، وَأَحْكَمْتُمْ عَقْدَ طَاعَتِهِ، وَصَحَّحْتُمْ لَهُ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ،
و پیمانش را محکم کردید و آن عهدي را که در فرمانبرداریش داشتید سخت استوار کردید و در پنهانی و آشکار
وَدَعَوْتُمْ إِلَى سَبِيلِهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَبَذَلْتُمْ أَنْفُسَكُمْ
برای او خیرخواهی کردید و مردم را با حکمت و پند نیکو به راهش دعوت کردید و در راه خشنودی او
فِي مَرْضَاتِهِ، وَصَبَرْتُمْ عَلَي مَا أَصَابَكُم فِي جَنَبِهِ، وَأَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ،
بذل جان کردید و در مقابل پیش آمدهای ناگوار بخاطر او بردباری کردید، و نماز را بپا داشتید
وَأَتَيْتُمُ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتُم بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتُم عَنِ الْمُنْكَرِ، وَجَاهَدْتُمْ فِي
و زکات را پرداختید و امر به معروف و نهی از منکر کردید و در راه خدا آن طور که باید
اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، حَتَّى أَعْلَنْتُمْ دَعْوَتَهُ، وَبَيَّنْتُمْ فَرَائِضَهُ، وَأَقَمْتُمْ حُدُودَهُ
جهاد و مبارزه کردید تا بالاخره دعوت حق را آشکار و واجبات او را بیان داشتید و حدود و مقرراتش را
وَشَرَّيْتُمْ شَرَائِعَ أَحْكَامِهِ، وَسَنَّيْتُمْ سُنَّتَهُ، وَصَرَّيْتُمْ فِي ذَلِكَ مِنْهُ إِلَى
برپا داشتید و دستورات و احکامش را منتشر ساختید و روش او را مقرر داشتید و در راه
الرِّضَا، وَسَلَّمْتُمْ لَهُ الْقَضَاءَ، وَصَدَّقْتُمْ مِنْ رُّسُلِهِ مَنْ مَضَى، فَالرَّغَبُ
رضای او گام برداشتید و تسلیم قضا و قدر او شدید و پیمبران گذشته او را تصدیق کردید پس آنکه از شما رو گرداند
عَنْكُم مَّارِقٌ، وَاللَّازِمُ لَكُمْ لَاحِقٌ، وَالْمَقْصَرُّ فِي حَقِّكُمْ زَاهِقٌ، وَالْحَقُّ
از دین خارج گشته و آنکه ملازم شما بود به حق رسیده و آنکه کوتاهی کرد در حق شما نابود گردید، و حق
مَعَكُمْ، وَفِيكُمْ وَمِنْكُمْ وَالْيَكُومُ، وَأَنْتُمْ أَهْلُهُ وَمَعْدِنُهُ، وَمِيرَاثُ التُّبُوءِ
همراه شما و در میان شما خاندان و از جانب شما است و بسوی شما بازگردد و شمائید اهل حق و معدن آن، و میراث نبوت
عِنْدَكُمْ، وَإِيَابُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ، وَحِسَابُهُمْ عَلَيْكُمْ، وَفَصْلُ الْخِطَابِ

نزد شما است و بازگشت خلق خدا بسوی شما است و حسابشان با شما است و سخنی که حق و باطل را جدا کند
عِنْدَكُمْ، وَآيَاتُ اللَّهِ لَدَيْكُمْ، وَعَزَائِمُهُ فِيكُمْ، وَثَوْرُهُ وَبُرْهَانُهُ عِنْدَكُمْ،
نزد شما است و آیات خدا پیش شما است و تصمیمات قطعی او (یا دستورات لازم) درباره شما است و نور و دلیل
روشنش

وَأَمْرُهُ إِلَيْكُمْ، مَنْ وَالَاكُمْ فَقَدْ وَالِيَ اللَّهَ، وَمَنْ عَادَاكُمْ فَقَدْ عَادَ اللَّهَ وَ
نزد شما است و امر امامتش محول به شما است، هر که شما را دوست دارد خدای را دوست داشته و هر که شما را دشمن
دارد خدای را

مَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ، وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ وَمَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ
دشمن داشته و هر کس به شما محبت داشته باشد به خدا محبت داشته و هر کس با شما کینه توزد با خدا کینه‌توزی کرده و
هر که به شما

فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ، أَنْتُمْ [السَّبِيلُ الْأَعْظَمُ وَ] الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ وَشَهِدَاءُ دَارِ
چنگ زند به خدا چنگ زده شماید شاهراه و راه راست و گواهان در این دار
الْفَنَاءِ، وَشَفَعَاءُ دَارِ الْبَقَاءِ، وَالرَّحْمَةُ الْمَوْصُولَةُ وَالْآيَةُ الْمَخْرُوجَةُ،
فانی (دنیا) و شفیعان در خانه پایدار (قیامت) و رحمت پیوسته (حق) و آن آیت و نشانه پنهان در گنجینه و آن امانتی
وَالْأَمَانَةُ الْمُحْفُوظَةُ، وَالْبَابُ الْمُبْتَلَى بِهِ النَّاسُ، مَنْ آتَيْكُمْ نَجِي، وَمَنْ لَمْ
که نگهداری شده (یا حفظش بر مردم واجب است) و آن درگاهی که مردم بدان آزمایش شوند هر که به نزد شما آمد نجات
یافت و هر کس

يَأْتِكُمْ هَلَكٌ، إِلَيَّ اللَّهُ تَدْعُونَ، وَعَلَيْهِ تَدُلُّونَ، وَبِهِ تُؤْمِنُونَ، وَلَهُ
نیامد هلاک شد (شما مردم را) بسوی خدا می‌خوانید و بر او راهنمایی کنید و به او ایمان دارید
تُسَلِّمُونَ، وَبِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ، وَإِلَى سَبِيلِهِ تُرْشِدُونَ، وَبِقَوْلِهِ تَحْكُمُونَ،
و تسلیم اوهستید و بدستورش عمل کنید و بسوی راه او (مردم را) ارشاد کنید و به گفتار او حکم کنید،
سَعَدَ مَنْ وَالَاكُمْ، وَهَلَكَ مَنْ عَادَاكُمْ، وَخَابَ مَنْ جَحَدَكُمْ، وَضَلَّ مَنْ
نیک بخت شد هر که شما را دوست دارد و به هلاکت رسید هر که شما را دشمن داشت و زیانکار شد آنکه منکر شما گشت
و گمراه شد

فَارَقَكُمْ، وَفَازَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ، وَأَمِنْ مَنْ لَجَأَ إِلَيْكُمْ، وَسَلِمَ مَنْ

آنکه از شما جدا گشت و رستگار شد آن که به شما چنگ زد و این گشت آنکه بدرگاه شما پناه آورد و سلامت یافت
صَدَقَكُمْ، وَهَدِي مَنْ اَعْتَصَمَ بِكُمْ مِنْ اَتْبَعَكُمْ فَالْجَنَّةُ مَاؤِيهٌ، وَمَنْ
هر که شما را تصدیق کرد و هدایت شد هر که به شما چنگ زد، هر که پیروی شما را کرد بهشت مأوای او است و هر که
خَالَفَكُمْ فَالْآثَارُ مَثْوِيهٌ، وَمَنْ جَحَدَكُمْ كَافِرٌ، وَمَنْ حَارَبَكُمْ مُشْرِكٌ،
مخالفت شما را کرد دوزخ جایگاه او است، و هر که منکر شما شد کافر و هر که با شما جنگ کرد مشرک است
وَمَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ فِي اسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ، اَشْهَدُ اَنْ هَذَا سَابِقُ لَكُمْ
و هر کس شما را رد کرد در ته جهنم جایی دارد گواهی دهم که این مقام و منزلت در زمان
فیما مَضَى، وَجَارٍ لَكُمْ فِيمَا بَقِيَ، وَاَنْ اَرْوَا حَكْمَ وَثُورِكُمْ وَطَيِّبَتُكُمْ
گذشته برای شما ثابت بوده و در آینده زمان نیز برای شما جاری است و همانا روانهای شما و نورتان و سرشتان
وَاحِدَةٌ، طَابَتْ وَطَهَّرَتْ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ، خَلَقَكُمْ اللَّهُ اَنْوَارًا، فَجَعَلَكُمْ
یکی است همگی پاک و پاکیزه است و برخی از برخی دیگر گرفته شده خداوند شما را بصورت نورهایی آفرید
بِعَرْشِهِ مُحَدِّقِينَ، حَتَّى مِّنْ عَلَيْنَا بِكُمْ، فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتٍ اَذِنَ اللَّهُ اَنْ
و گرداگرد عرش خود قرارتان داد تا آنگاه که با آوردنتان در این جهان بر ما منت گذارد و قرارتان داد در خانه‌هایی که
اجازه داد

تُرْفَعُ، وَيُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُهُ، وَجَعَلَ صَلَوَاتِنَا عَلَيْكُمْ وَمَا خَصَّنَا بِهِ مِنْ
بلند گردند و نام او در آنها برده شود و مقرر داشت که دروذهای ما بر شما و هم چنین آنچه را از دوستی شما برای
وَلَا يَتِيكُمْ، طَيِّبًا لِّخُلُقِنَا، وَطَهَارَةً لِّاَنْفُسِنَا، وَتَزَكِيَةً لَّنَا، وَكَفَّارَةً لِّذُنُوبِنَا
ما مخصوص داشته همه اینها موجب پاکي اخلاق ما و پاک شدن خود ما و تزکیه ما و کفاره گناهان ما باشد
فَكُنَّا عَنْدهُ مُسْلِمِينَ بِفَضْلِكُمْ، وَمَعْرُوفِينَ بِتَصَدِّقِنَا اِيَّاكُمْ، فَبَلَغَ اللَّهُ
و ما در نزد خدا از زمره تسلیم شدگان برتری شما و شناخته شدگان به تصدیق مقام شما بودیم پس خداوند برساند
بِكُمْ اَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ، وَاَعْلَى مَنَازِلِ الْمُفَرَّيْنِ، وَاَرْفَعَ
شما را به شریفترین جایگاه گرامیان و بلندترین منازل مقربان و بالاترین
دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِينَ، حَيْثُ لَا يُلْحَقُهُ لَاحِقٌ، وَلَا يَفُوقُهُ فَائِقٌ، وَلَا
درجات رسولان آنجا که کسی بدان نرسد و فوق آن جایگاه کسی راه نیابد و
يَسْبِقُهُ سَابِقٌ، وَلَا يَطْمَعُ فِي ادْرَاكِهِ طَامِعٌ، حَتَّى لَا يَبْقَى مَلَكٌ مُّقَرَّبٌ،

پیش روی بر آن پیشی نگیرد و برای رسیدن بدانجا کسی طمع نبندد، تا اینکه بجای نماند فرشته مقرّبی
وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ، وَلَا صَدِيقٌ وَلَا شَهِيدٌ، وَلَا عَالِمٌ وَلَا جَاهِلٌ، وَلَا دَنِيٌّ
و نه پیامبر مرسل و نه صديق و نه شهيد و نه عالم و نه جاهلي و نه پست
وَلَا فَاضِلٌ، وَلَا مُؤْمِنٌ صَالِحٌ وَلَا فَاجِرٌ طَالِحٌ، وَلَا جَبَّارٌ عَنِيدٌ وَلَا
و نه برتري و نه مؤمن نيك كردار و نه تهكار بدكاري و نه گردنكش ستيزه جو و نه
شَيْطَانٌ مَرِيدٌ، وَلَا خَلْقٌ فِيمَا بَيْنَ ذَلِكَ شَهِيدٌ، إِلَّا عَرَفَهُمْ جَلَالَةُ أَمْرِهِمْ،
اھرين متمردي و نه خلق ديگري كه در اين ميان گواه باشد جز آنكه بشناساند به او خداوند جلالت
وَعِظَمَ خَطَرِهِمْ، وَكِبَرَ شَأْنِهِمْ، وَتَمَامَ نُورِهِمْ، وَصِدْقَ مَقَاعِدِهِمْ،
و قدر و عظمت مقام و بزرگي منزلت و كامل بودن نورتان را و درستی منصبها
و ثَبَاتَ مَقَامِهِمْ، وَشَرَفَ مَحَلِّكُمْ وَمَنْزِلَتِكُمْ عِنْدَهُ، وَكَرَامَتَكُمْ عَلَيْهِ،
و پايرجا بودنتان را (در اطاعت حق) و شرافت همگان و منزلت شما را در پيش خود و مقام گرامي شما را
و خَاصَّتَكُمْ لَدَيْهِ، وَقُرْبَ مَنْزِلَتِكُمْ مِنْهُ، بِأَبَى أَيْتُمْ وَأُمِّي وَأَهْلِي
و خصوصیتی كه در نزد او داريد و جاگاه نزديكي كه نسبت به او داريد پدر و مادر و خاندان
و مَالِي وَأُسْرَتِي، أَشْهَدُ اللَّهَ وَأَشْهَدُكُمْ، أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ وَبِمَا آمَنْتُمْ بِهِ،
و مال و فاميلم فدای شما گواه گیرم خدا را و گواه گیرم شما را كه من ايمان دارم به شما و بدانچه شما بدان ايمان داريد
كَافِرٌ بَعْدُوكُمْ وَبِمَا كَفَرْتُمْ بِهِ، مُسْتَبْصِرٌ بِشَأْنِكُمْ وَبِضَلَالَةِ مَنْ
و كافر نسبت به دشمن شما و بدانچه شما انكار آن را كرديد بينايم به مقام شما و به گمراهي آنكه
خَالَفَكُمْ، مُوَالٍ لَكُمْ وَلِأَوْلِيَاءِكُمْ، مُبْغِضٌ لِأَعْدَائِكُمْ وَمُعَادٍ لَهُمْ، سَلِمٌ
با شما مخالفت كرد دوست دار شما و (دوستدار) دوستان شمايم و بغض دشمنانتان را در دل دارم و دشمن آنهايم صلح
لِمَنْ سَالَمَكُمْ، وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ، مُحَقِّقٌ لِمَا حَقَّقْتُمْ، مُبْطِلٌ لِمَا
با هر كه با شما صلح كند و در جنگم با هر كس كه با شما در جنگ است حق مي دانم آنچه را شما حق دانستيد و باطل
دانم
أَبْطَلْتُمْ، مُطِيعٌ لَكُمْ عَارِفٌ بِحَقِّكُمْ، مُقَرَّرٌ بِفَضْلِكُمْ، مُحْتَمِلٌ لِعِلْمِكُمْ،
آنچه را شما باطل دانستيد پيرو شمايم عارف به حق شمايم اقرار به برتري شما دارم بار علم دانش شما را تحمل كنم
مُحْتَجِبٌ بِذِمَّتِكُمْ، مُعْتَرِفٌ بِكُمْ، مُؤْمِنٌ بِأَيَابِكُمْ، مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ،

و از مهالك در پرده عهد و امان شما روم به شما (وحقتان) اعتراف دارم و به بازگشتان ايمان دارم و رجعت شما را تصديق دارم

مُنْتَظَرٌ لِّمَرْكُمُ، مُرْتَقِبٌ لِّدَوْلَتِكُمْ آخِذٌ بِقَوْلِكُمْ، عَامِلٌ بِأَمْرِكُمْ،

و چشم براه فرمان شما و منتظر دولت شمايم گفتارتان را بگيرم و دستورتان را انجام دهم

مُسْتَجِيرٌ بِكُمْ، زَائِرٌ لَّكُمْ لَائِذْ عَائِذٌ بِقُبُورِكُمْ، مُسْتَشْفِعٌ إِلَى اللَّهِ

و به شما پناه جويم و شما را زيارت كنم و به قبرهاي شما پناه آرم و شما را بدرگاه خدای

عَزَّوَجَلَّ بِكُمْ، وَمُقَرَّبٌ بِكُمْ إِلَيْهِ، وَمَقْدَّمُكُمْ أَمَامَ طَلَبَتِي، وَحَوَائِجِي

عزوجل شفيع آرم و بوسيله شما به پيشگاهش تقرب جويم و شما را در پيش روي خواسته و حاجات

وَارَادَتِي فِي كُلِّ أَحْوَالِي وَأُمُورِي، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَعَلَانِيَتِكُمْ،

و ارادهام قرار دهم در همه حالات و كارهايم، ايمان دارم به نهان شما و آشكارتان

وَشَاهِدِكُمْ وَغَائِبِكُمْ، وَأَوَّلِكُمْ وَآخِرِكُمْ، وَمُفَوَّضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ

و حاضرتان و غائبتان و اول و آخرتان و در اين باره كار را به خودتان وامی گذارم (و هيچگونه ايرادي به كارهاي شما ندارم)

وَمُسَلِّمٌ فِيهِ مَعَكُمْ، وَقَلْبِي لَكُمْ مُسَلِّمٌ، وَرَأْيِي لَكُمْ تَبِعٌ، وَنُصْرَتِي

و تسليم شمايم و دلم نيز تسليم شما است و رأي من نيز تابع (راي) شما است و ياريم

لَكُمْ مُعَدَّةٌ، حَتَّى يُحْيِيَ اللَّهُ تَعَالَى دِينَهُ بِكُمْ، وَيَرُدَّكُمْ فِي آيَاتِهِ،

برايتان آماده است تا آنكه خدای تعالی دينش را بوسيله شما زنده كند و دوباره بازگرداند شما را در روزها (ي حكومت) خود

وَيُظْهِرَكُمْ لِعَدْلِهِ، وَيُمَكِّنْكُمْ فِي أَرْضِهِ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَامَعَ غَيْرِكُمْ،

و آشكارتان سازد براي عدل خود و پابرجايتان كند در روي زمينش، پس با شما باشم با شما نه با غير شما

أَمْنْتُ بِكُمْ، وَتَوَلَّيْتُ آخِرَكُمْ بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوَّلَكُمْ، وَبَرَرْتُ إِلَى اللَّهِ

و ايمان دارم به شما و دوست دارم آخرين فرد شما را به همان دليل كه دوست دارم اولين شخص شما را و بيزاري جويم به

عَزَّوَجَلَّ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَمِنْ الْجَبْتِ وَالطَّاغُوتِ، وَالشَّيَاطِينِ

پيشگاه خدای عزوجل از دشمنانتان و از جبت و طاغوت (خلفاي ناحق) و شياطين

وَحَزَبِهِمُ الظَّالِمِينَ لَكُمْ وَالْجَا حِدِينَ لِحَقِّكُمْ، وَالْمَارِقِينَ مِنْ وَلَايَتِكُمْ،

و پیر و نشان (سایر غاصبین) آن ستمکاران بر شما و منکران حق شما و بیرون روندگان از زیر بار ولایت و زمامداری شما
وَالْغَاصِبِينَ لَأَرْثُكُمْ، وَالشَّاكِّينَ فِيكُمْ، وَالْمُنْحَرِفِينَ عَنْكُمْ، وَمِنْ كُلِّ
و غصب کنندگان میراث شما و شک کنندگان درباره شما و منحرف شدگان از طریقه شما و از هر همدم
وَلِجَنَّةٍ دُوتُكُمْ، وَكُلِّ مَطَاعٍ سِوَاكُمْ، وَمِنْ الْأَئِمَّةِ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَيَّ
و وسیله ای غیر از شما و هر فرمانروایی جز شما و از پیشوایانی که مردم را به
النَّارِ، فَتَبَتَّنِي اللَّهُ أَبَدًا مَا حَيَّيْتُ عَلَى مُوالاتِكُمْ وَمَحَبَّتِكُمْ وَدِينِكُمْ،
دوزخ می خوانند پس خداوند پابرجایم بدارد همیشه تا زنده ام بر موالات و دوستی و دین و آئین شما
وَوَفَّقَنِي لِمَطَاعَتِكُمْ، وَرَزَقَنِي شَفَاعَتَكُمْ، وَجَعَلَنِي مِنْ خِيَارِ مَوَالِيكُمْ،
و موفقم دارد برای فرمانبرداری شما و روزیم گرداند شفاعت شما را و قرارم دهد از برگزیدگان دوستانان
النَّابِعِينَ لِمَا دَعَوْتُمْ إِلَيْهِ، وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَقْتَضُ آثَارَكُمْ، وَيَسْأَلُكُمْ
آنانکه تابع دعوت شما هستند و بگرداند مرا از کسانی که پیروی کند از آثار شما و می رود
سَبِيلَكُمْ، وَيَهْتَدِي بِهَدْيِكُمْ، وَيُحْشَرُ فِي زُمْرَتِكُمْ، وَيَكْرِ فِي
به راه شما و راهنمایی جوید به راهنمایی شما و محشور گردد در گروه شما و بازگردد در دوران رجعت
رَجَعَتِكُمْ، وَيُمْلِكُ فِي دَوْلَتِكُمْ وَيُشْرِفُ فِي عَافِيَتِكُمْ، وَيُمْكِنُ
و بازگشت شما و به فرمانروایی رسد در دوران حکومت شما و مفتخر گردد به عافیت (و حسن عاقبت) از شما
فِي أَيَّامِكُمْ، وَتَقَرُّ عَيْنُهُ غَدًا بِرُؤْيَاكُمْ، بَابِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي
و مقتدر گردد در روزهای (حکومت) شما و روشن گردد دیده اش فردای قیامت بدیدار شما پدر و مادرم و خودم
وَأَهْلِي وَمَالِي، مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَاءَ بِكُمْ، وَمَنْ وَحَدَهُ قَبْلَ عَنْكُمْ، وَمَنْ
و خاندان و داراییم به فدای شما هر که آهنگ خدا کند از شما (باید) شروع کند و آنکس که خدا را به یکتائی شناسد
قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ، مَوَالِيٍّ لَا أَحْصِي ثَنَائَكُمْ، وَلَا أَبْلُغُ مِنَ الْمَدْحِ
(طریقه اش را) از شما پذیرد و هر که قصد او کند به شما رو کند سروران من ثنای شما را نتوانم کرد و با مدح
كُنْهَكُمْ وَمِنْ الْوَصْفِ قَدْرُكُمْ، وَأَنْتُمْ نُورُ الْأَخْيَارِ، وَهَدَاةُ الْأَبْرَارِ
به کنه و حقیقت شما نرسم و با توصیف قدر و منزلت شما را بیان نتوانم که شما تابد روشنی خوبان و راهنمای نیکان
وَحُجَّجُ الْجَبَّارِ، بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ بِكُمْ وَيَحْتِمُ، بِكُمْ يُنْزِلُ الْغَيْثَ، وَبِكُمْ
و حجت های خدای جبار، خداوند (عالم وجود را) به شما آغاز کرد و به شما نیز ختم کند و بخاطر شما فرو ریزد باران را

و بزرگوار است جانها تان و بزرگ است مقامتان و برجسته است منزلت و موقعیتتان و با وفا است عهدتان و راست است وعده تان

كَلَامُكُمْ نُورٌ، وَأَمْرُكُمْ رُشْدٌ، وَوَصِيَّتُكُمْ التَّقْوَى، وَفِعْلُكُمْ الْخَيْرُ،

سخنتان نور و دستورتان یکپارچه رشد و رستگاری است، سفارشتان پرهیزکاری و کارتان خیر و خوبی

وَعَادَتُكُمْ الْإِحْسَانُ، وَسَجِيَّتُكُمْ الْكَرَمُ، وَشَأْنُكُمْ الْحَقُّ وَالصَّدَقُ

و عادت شما احسان و نیکی و شیوه شما کرم و بزرگواری و رفتارتان حق و راستی

وَالرِّفْقُ، وَقَوْلُكُمْ حُكْمٌ وَحُتْمٌ، وَرَأْيُكُمْ عِلْمٌ وَحِلْمٌ وَحَزْمٌ، إِنَّ ذِكْرَ

و مدارائی است و گفتارتان مسلم و حتمی است و رأی شما دانش و بردباری و دوراندیشی است اگر از

الْخَيْرِ كُنْتُمْ أَوَّلَهُ وَأَصْلَهُ وَفَرَعَهُ، وَمَعْدِنَهُ وَمَأْوِيَهُ وَمُنْتَهَاهُ، بِأَبَى أُنْتُمْ

خیر و خوبی ذکری به میان آید آغاز و ریشه و شاخه و مرکز و جایگاه و پایانش شمائید پدر و مادرم و خودم

وَأُمِّي وَنَفْسِي، كَيْفَ أَصِفُ حُسْنَ تَنَائِيكُمْ، وَأُحْصِي جَمِيلَ بَلَائِكُمْ،

به فدای شما چگونه توصیف کنم ثنای نیکوی شما را و چگونه شماره کنم آزمایشهای خوبی که دادید

وَبِكُمْ أَخْرَجَنَا اللَّهُ مِنَ الذُّلِّ، وَفَرَّجَ عَنَّا غَمَرَاتِ الْكُرُوبِ، وَأَقْدَنَا مِنْ

و بوسیله شما بود که خدا ما را از ذلت بیرون آورد و گشایش داد به گرفتاریهای سخت ما و نجاتمان داد از

شَفَا جُرْفِ الْهَلَكَاتِ وَمِنْ النَّارِ، بِأَبَى أُنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي، بِمُؤَالَاتِكُمْ

پرتگاه هلاکت و نابودی و هم از آتش دوزخ، پدر و مادرم و خودم به فدای شما که بوسیله دوستی شما

عَلَّمَنَا اللَّهُ مَعَالِمَ دِينِنَا، وَأَصْلَحَ مَكَانَ فَسَدٍ مِنْ دُنْيَانَا، وَبِمُؤَالَاتِكُمْ

خداوند به ما یاد داد دستورات دینمان را و اصلاح کرد آنچه را که از دنیای ما تباه گشته بود و بوسیله شما کلمه (توحید

و

تَمَّتِ الْكَلِمَةُ، وَعَظُمَتِ النُّعْمَةُ، وَائْتَلَفَتِ الْفُرْقَةُ، وَبِمُؤَالَاتِكُمْ تُقْبَلُ

معارف دین) کامل شد و نعمت بزرگ گشت و جدائی و اختلاف مبدل به الفت و اتحاد گردید و بوسیله موالات شما

پذیرفته

الطَّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ، وَلَكُمْ الْمَوَدَّةُ الْوَاجِبَةُ، وَالدرَجَاتُ الرَّفِيعَةُ، وَالْمَقَامُ

گردد فرمانبرداری واجب و (تنها) دوستی شما است که بر خلق لازم و فرض است و از آن شما است درجات بلند و مقام

الْمَحْمُودُ، وَالْمَكَانُ الْمَعْلُومُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَالْجَاهُ الْعَظِيمُ، وَالشَّانُ الْكَبِيرُ،

شایسته و جایگاه معین و معلوم در نزد خدای عزوجل و منزلت عظیم و رتبه بزرگ
وَالشَّفَاعَةُ الْمُقْبُولَةُ، رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أُنزِلَتْ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ، فَاكْتُبْنَا مَعَ
و شفاعت پذیرفته، پروردگارا ما ایمان داریم بدانچه نازل فرمودی و پیروی کردیم از پیامبرت پس نام ما را با
الشَّاهِدِينَ، رَبَّنَا لَا تُرْغِ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، إِنَّكَ
گواهان (به این حقایق) ثبت فرما، پروردگارا منحرف مکن دلهای ما را پس از آنکه راهنمائیمان کردی و ببخش به ما از
نزد خویش

أَنْتَ الْوَهَّابُ، سُبْحَانَ رَبَّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبَّنَا لَمَفْعُولًا، يَا وَلِيَّ اللَّهِ

رحمتی که براستی توئی بخشایشگر منزله است پروردگار ما که براستی وعده او انجام شدنی است ای ولی خدا
[در گفتن یا وَلِيَّ اللَّهِ امامی را که زیارت می کند مخاطب سازد و ممکن است که همه مُراد باشند بر سبیل بدلیت یا
جنسیت و اگر بعنوان جمیع بگوید بهتر است که «یا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ» بگوید «ذلك نقل من شرح المجلسي الأول» «إِنْ بَيْنِي وَبَيْنَ
اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ذُنُوبًا لَا يَأْتِي عَلَيْهَا

همانا میان من و خدای عزوجل گناهایی است که محو و پاک نکند آنها را
إِلَّا رِضَاكُمْ، فَبِحَقِّ مَنْ ائْتَمَّكُمْ عَلَي سِرِّهِ، وَاسْتَرْعَاكُمْ
جز رضایت شما پس به حق آن خدائی که شما را امین به راز خود کرده و سرپرستی
أَمَرَ خَلْفِهِ، وَفَرَنَ طَاعَتَكُمْ بِطَاعَتِهِ، لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ ذُنُوبِي وَكُنْتُمْ
کار خلق خود را به شما واگذارده و فرمانبرداری شما را به فرمانبرداری خود که شما بخشش گناهانم را (از خدا) بخواهید
شَفَعَائِي، فَإِنِّي لَكُمْ مُطِيعٌ، مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ، وَمَنْ عَصَاكُمْ
و شفیعان من گردید زیرا که من فرمانبردار شمایم، هر که از شما فرمانبرداری کند خدای را فرمانبرداری کرده و هر که
نافرمانی شما

فَقَدْ عَصَى اللَّهَ، وَمَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ، وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ
کند خدای را نافرمانی کرده و هر که شما را دوست دارد خدای را دوست داشته و هر که شما را دشمن دارد خدای را
دشمن داشته،

اللَّهُ، اللَّهُمَّ إِنِّي لَوْ وَجَدْتُ شَفْعَاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ
خدایا اگر من شفیعی را می یافتم که نزدیکتر باشند بدرگاهت از محمد و خاندان
الْأَخْبَارِ، الْأَيُّمَةِ الْأَبْرَارِ، لَجَعَلْتُهُمْ شَفْعَائِي، فَبِحَقِّهِمُ الَّذِي أَوْجَبْتَ لَهُمْ

نیکویش آن پیشوایان نیکوکار بطور مسلم آنها را شفیعان خود قرار می‌دادم پس از تو می‌خواهم بدان حقی که برای ایشان

عَلَيْكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُدْخِلَنِي فِي جُمْلَةِ الْعَارِفِينَ بِهِمْ وَبِحَقِّهِمْ، وَفِي

بر خود واجب کردی که مرا در زمره عارفان به مقام آنها و به حق آنها قرارم ده و نیز

رُؤْمَةِ الْمَرْحُومِينَ بِشَفَاعَتِهِمْ، إِنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَي

در زمره کسانی که بوسیله شفاعت آنها مورد مهر قرار گرفته‌اند که تو مهربانترین مهربانانی و درود خدا بر مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ، وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا، وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ.

محمد و آل پاکش و سلام مخصوص و بسیاری بر آنها باد و بس است ما را خدا و نیکو و کیلی است

مؤلف گوید که این زیارت را شیخ نیز در تهذیب نقل کرده و بعد از این دعای و داعی نقل کرده‌اند که ما به ملاحظه اختصار آنرا ذکر نمودیم و این زیارت چنانکه علامه مجلسی فرموده بهترین زیارات جامعه است از جهت متن و سند و فصاحت و بلاغت و والد ماجدش در شرح فقیه فرموده که این زیارت احسن و اکمل زیارات است و من تا در عتبات عالیات بودم زیارت نکردم ائمه علیهم السلام را مگر به این زیارت و شیخ ما در نجم ثاقب حکایتی نقل کرده که از آن ظاهر می‌شود که باید به این زیارت مواظبت کرد و از آن غفلت نمود و آن حکایت چنین است جناب مستطاب تقی صالح سید احمد بن سید هاشم بن سید حسن موسوی رشتی تاجر ساکن رشت ایده الله در هفده سال قبل تقریباً به نجف اشرف مشرف شد و با عالم ربّانی و فاضل صمدانی شیخ علی رشتی طاب ثراه که در حکایت آینده مذکور خواهند شد انشاء الله به منزل حقیر آمدند و چون برخاستند شیخ از صلاح و سداد سید مرقوم اشاره کرد و فرمود که قضیه عجیبه دارد و در آن وقت مجال بیان نبود پس از چند روزی ملاقات شد فرمود که سید رفت و قضیه را با جمله‌ای از حالات سید نقل کرد بسیار تأسف خوردم از نشنیدن آنها از خود او اگر چه مقام شیخ رحمه الله اجلّ از آن بود که اندکی خلاف در نقل ایشان برود و از آن سال تا چند ماه قبل این مطلب در خاطر بود تا در ماه جمادی الآخره این سال از نجف اشرف برگشته بودم در کاظمین سید صالح مذکور را ملاقات کردم که از سامره مراجعت کرده عازم بود پس شرح حال او را چنانکه شنیده بودم پرسیدم از آنجمله قضیه معهوده همه را نقل کرد مطابق آن و آن قضیه چنان است که گفت در سنه هزار و دویست و هشتاد به اراده حج بیت الله الحرام از دارالمرز رشت آمدم به تبریز و در خانه حاجی صفر علی تاجر تبریزی معروف منزل کردم چون قافله نبود متحیر ماندم تا آنکه حاجی جبار جلودار سدهی اصفهانی باربرداشت به جهت طرابوزن تنها از او مالی کرایه کردم و رفتم چون به منزل اول رسیدیم سه نفر دیگر به تحریص حاجی صفر علی به من ملحق شدند یکی حاجی ملا باقر تبریزی حجه فروش معروف علماء و حاجی سید حسین تاجر تبریزی و

حاجي ملا علي نامي که خدمت مي کرد پس به اتفاق روانه شدیم تا رسیدیم به ارزنة الروم و از آنجا عازم طرابوزن و در يکي از منازل مابين اين دو شهر حاجي جبار جلودار به نزد ما آمد و گفت اين منزل که در پيش داريم مخوف است قدري زود بار کنيد که به همراه قافله باشيد چون در ساير منازل غالباً از عقب قافله به فاصله مي رفتيم پس ما هم تخميناً دو ساعت و نيم يا سه به صبح مانده به اتفاق حرکت کردیم به قدر نيم يا سه ريع فرسخ از منزل خود دور شده بوديم که هوا تاريک شد و برف مشغول باريدن شد بطوري که رفقا هر کدام سر خود را پوشانيده تند راندند من نيز آنچه کردم که با آنها بروم ممکن نشد تا آنکه آنها رفتند من تنها ماندم پس از اسب پياده شدم در کنار راه نشستم و به غايت مضطرب بودم چون قريب ششصد تومان براي مخارج راه همراه داشتم بعد از تأمل و تفکر بنا بر اين گذاشتم که در همين موضع بمانم تا فجر طالع شود به آن منزل که از آنجا بيرون آمديم مراجعت کنم و از آنجا چند نفر مستحفظ به همراه برداشته به قافله ملحق شوم در آن حال در مقابل خود باغي ديدم و در آن باغ باغبانی که در دست بيلي داشت که بر درختان مي زد که برف از آنها بريزد پس پيش آمد به مقدار فاصله کمي ايستاد فرمود تو کيستی عرض کردم رفقا رفتند و من ماندم راه را نمي دانم گم کرده ام فرمود به زبان فارسي نافله بخوان تا راه را پيدا کنی من مشغول نافله شدم بعد از فراغ از تهجد باز آمد و فرمود نرفتی گفتم واللّه راه را نمي دانم فرمود جامعه بخوان من جامعه را حفظ نداشتم و تاکنون حفظ ندارم با آنکه مکرّر به زيارت عتبات مشرف شدم پس از جاي برخاستم و جامعه را بالتّمام از حفظ خواندم باز نمايان شد فرمود نرفتی هستی مرا بی اختيار گريه گرفت گفتم هستم راه را نمي دانم فرمود عاشورا بخوان و عاشورا را نيز حفظ نداشتم و تاکنون ندارم پس برخاستم و مشغول زيارت عاشورا شدم از حفظ تا آنکه تمام لعن و سلام و دعاي علقمه را خواندم ديدم باز آمد و فرمود نرفتی هستی گفتم نه هستم تا صبح فرمود من حال تو را به قافله مي رسانم پس رفت و بر الاغي سوار شد و بيل خود را بدوش گرفت و فرمود به ردیف من بر الاغ سوار شو سوار شدم پس عنان اسب خود را کشيدم تمکين نکرد و حرکت نمود فرمود جلو اسب را به من ده دادم پس بيل را بدوش چپ گذاشت و عنان اسب را بدست راست گرفت و براه افتاد اسب در نهايت تمکين متابعت کرد پس دست خود را بر زانوي من گذاشت و فرمود شما چرا نافله نمي خوانيد نافله نافله سه مرتبه فرمود و باز فرمود شما چرا عاشورا نمي خوانيد عاشورا عاشورا سه مرتبه و بعد فرمود شما چرا جامعه نمي خوانيد جامعه جامعه و در وقت طي مسافت بنحو استداره سير مي نمود يك دفعه برگشت و فرمود آنست رفقا ي شما که در لب نهر آبی فرود آمده مشغول وضو به جهت نماز صبح بودند پس من از الاغ پايين آمدم که سوار اسب خود شوم و نتوانستم پس آن جناب پياده شد و بيل را در برف فرو کرد و مرا سوار کرد و سر اسب را به سمت رفقا برگردانيد من در آن حال به خيال افتادم که اين شخص کي بود که به زبان فارسي حرف مي زد و حال آنکه زبانی جز ترکي و مذهبی غالباً جز عيسوي در آن حدود نبود و چگونه

به این سرعت مرا به رفقای خود رساند پس در عقب خود نظر کردم احدی را ندیدم و از او آثاری پیدا نکردم پس به رفقای خود ملحق شدم .

زیارت سیم

زیارتیست که علامه مجلسی آن را در تحفة الزائر زیارت هشتم جوامع قرار داده و فرموده که این زیارتی است که سید بن طاووس در ضمن ادعیه عرفه روایت کرده از حضرت صادق علیه السلام و در هر وقت و هر موضع که باشد می توان کردن خصوصاً در روز عرفه و زیارت این است: اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یا رَسُوْلَ اللهِ، اَلسَّلَامُ

* * * * * سلام بر تو ای رسول خدا سلام

عَلَیْكَ یا نَبِیَّ اللهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یا خَیْرَةَ اللهِ مِنْ خَلْقِهِ، وَامِیْنُهُ عَلَی

بر تو ای پیغمبر خدا سلام بر تو ای برگزیده خدا از خلقش و امین او بر

وَحِیْهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یا مَوْلايَ یا اَمِیرَ الْمُؤْمِنِیْنَ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یا

وحیش سلام بر تو ای سرور من ای امیر مؤمنان سلام بر تو ای

مَوْلايَ اَنْتَ حُجَّةُ اللهِ عَلَی خَلْقِهِ، وَبَابُ عِلْمِهِ، وَوَصِیُّ نَبِیِّهِ، وَالْخَلِیْفَةُ

مولای من، تویی حجت خدا بر خلق او و درگاه علم و دانش او و وصی پیامبرش و جانشین

مِنْ بَعْدِهِ فی اُمَّتِهِ، لَعَنَ اللهُ اُمَّةً غَضَبْتُكَ حَقَّكَ، وَفَعَدَتْ مَقْعَدَكَ، اَنَا

پس از او در میان امتش خدا لعنت کند مردمی که حق تو را غضب کردند و بجای تو نشستند، من

بَرِئٌ مِنْهُمْ وَمِنْ شِیعَتِهِمْ اِلَیْكَ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یا فَاطِمَةُ الْبَتُولُ،

از آنها و از پیروانشان بدرگاه تو بیزاری جویم سلام بر تو ای فاطمه بتول

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یا زَیْنِ نِسَاءِ الْعَالَمِیْنَ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یا بِنْتُ رَسُوْلٍ

سلام بر تو ای زینت زنان جهانیان سلام بر تو ای دختر رسول

[اللهُ رَبُّ الْعَالَمِیْنَ، صَلَّی اللهُ عَلَیْكَ وَعَآلِیْهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یا اُمُّ الْحَسَنِ

خدا پروردگار جهانیان - درود خدا بر تو و بر او باد - سلام بر تو ای مادر حسن

وَالْحُسَیْنِ، لَعَنَ اللهُ اُمَّةً غَضَبْتُكَ حَقَّكَ، وَمَنْعَتْكَ مَا جَعَلَهُ اللهُ لَكَ

و حسین خدا لعنت کند مردمی که حق تو را غضب کردند و محرومت کردند از آن حق حلالی که

حَلَالًا، اَنَا بَرِئٌ اِلَیْكَ مِنْهُمْ وَمِنْ شِیعَتِهِمْ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یا مَوْلايَ یا

خداوند برایت مقرر داشته بود من بیزارم به پیشگاه تو از آنها و از پیروانشان، سلام بر تو ای مولای من ای
أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ الزَّكِيِّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ، لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ،
ابا محمد حسن «زکی» سلام بر تو ای سرور من، خدا لعنت کند مردمی که تو را کشتند
وَبَايَعَتْ فِي أَمْرِكَ وَشَايَعَتْ، أَتَا بَرِيءُ إِلَيْكَ مِنْهُمْ وَمِنْ شِيعَتِهِمْ،
و در کار (گرفتن خلافت از) تو با همدیگر بیعت کرده و همکاری کردند من بیزارم به پیشگاه تو از آنها و از پیروانشان
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، صَلَوَاتُ اللَّهِ
سلام بر تو ای مولای من ای ابا عبدالله (ای) حسین بن علی - دروذهای خدا
عَلَيْكَ وَعَلَى آبِيكَ وَجَدَّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً
بر تو و بر پدرت و بر جدت محمد صلی الله علیه و آله خدا لعنت کند مردمی که
اسْتَحَلَّتْ دَمَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ، وَاسْتَبَاكَ حَرِيمَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ
خون تو را حلال شمردند و خدا لعنت کند مردمی که تو را کشتند و هتک حرمت تو را مباح دانستند و خدا لعنت کند
أَشْيَاءَهُمْ وَأَتْبَاعَهُمْ، وَلَعَنَ اللَّهُ الْمُمَهِّدِينَ لَهُمْ بِالتَّمَكِينِ مِنْ قِتَالِكُمْ،
همراهان و پیروانشان را و خدا لعنت کند آنانکه اسباب کار را فراهم کردند تا آنها نیروی نبرد با شما را پیدا کنند،
أَنَا بَرِيءٌ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكَ مِنْهُمْ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ
من بیزارم به پیشگاه خدا و به پیشگاه تو از ایشان سلام بر تو ای مولای من ای ابامحمد :
عَلِيَّ بْنِ الْحُسَيْنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ
علی بن الحسین سلام بر تو ای مولای من ای ابا جعفر محمد بن
عَلِيٍّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ، السَّلَامُ
علی سلام بر تو ای مولای من ای ابا عبدالله جعفر بن محمد سلام
عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
بر تو ای مولای من ای ابا الحسن موسی بن جعفر سلام بر تو ای
مَوْلَايَ يَا أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا
مولای من ای ابا الحسن علی بن موسی سلام بر تو ای مولای من ای ابا
جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ
جعفر محمد بن علی سلام بر تو ای مولای من ای ابالحسن علی بن

مُحَمَّدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ، السَّلَامُ

محمد سلام بر تو ای مولای من ای ابا محمد حسن بن علی سلام

عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ صَاحِبَ الزَّمَانِ، صَلَّى اللَّهُ

بر تو ای مولای من ای ابا القاسم محمد بن الحسن صاحب الزمان - درود خدا بر

عَلَيْكَ وَعَلَى عَثْرَتِكَ الطَّاهِرَةِ الطَّيِّبَةِ يَا مَوْلَايَ كُونُوا شُفَعَاءِي فِي حَطِّ وَزْرِي

تو و بر خاندان پاک پاکیزهات - ای سروران من شما شفیعان من باشید در ریختن بار گران گناه و

وَحَطَايَايَ، آمَنْتُ بِاللَّهِ وَبِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكُمْ، وَأَتَوَالِي آخِرَكُمْ بِمَا أَتَوَالِي أَوَّلَكُمْ،

خطاهایم ایمان دارم به خدا و بدانچه بر شما نازل شده و دوست دارم آخرین فرد شما را به همان دلیل که دوست دارم

اولین

وَبَرِئْتُ مِنَ الْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَاللَّاتِ وَالْعُزَّى يَا مَوْلَايَ أَتَا سَلْمٌ لِمَنْ

شخص شما را و بیزارم از جبت و طاغوت و لات و عزی (یعنی خلفای ناحق) ای سروران و بزرگانم من در صلح و

سازشم با هر که

سَالَمَكُمْ، وَحَرَبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ، وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ، وَوَلِيٌّ لِمَنْ وَالَاكُمْ إِلَى يَوْمٍ

با شما در صلح است و در جنگم با هر کس که با شما در جنگ است و دشمنم با کسی که با شما دشمنی کند و دوستم با

کسی که شما را

الْقِيَمَةِ، وَلَعَنَ اللَّهُ ظَالِمِيكُمْ وَغَاصِبِيكُمْ، وَلَعَنَ اللَّهُ أَشْيَاعَهُمْ وَأَتْبَاعَهُمْ وَأَهْلَ

دوست دارد تا روز قیامت، و خدا لعنت کند ستمگران شما و غاصبین حقوق شما را خدا لعنت کند پیروان و همراهان و

هم

مَذْهَبِهِمْ، وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّيْكُمْ مِنْهُمْ

مسلکان آنها را و بیزاری جویم بدرگاه خدا و به پیشگاه شما

زیارت چهارم

زیارت معروفه به امین الله است که اولش این است «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَحُجَّتُهُ عَلَيَّ عِبَادِهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ

جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ» تا آخر زیارت که گذشت در زیارات حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام زیرا که ما آنرا زیارت دوم

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام قرار دادیم .

زیارت پنجم

زیارت «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَشْهَدُنَا مَشْهَدَ أَوْلِيَائِهِ فِي رَجَبٍ» است که در اعمال ماه رجب گذشت پس آنچه از زیارات جامعه در این کتاب مبارک است پنج زیارت است و کفایت می‌کند انشاء الله .

مقام دویم

در دعائی که بعد از زیارت هر يك از ائمه‌علیهم السلام خوانده می‌شود سید بن طاوس رحمه الله فرموده که مستحب است این دعا خوانده شود عقب زیارت ائمه‌علیهم السلام اَللّهُمَّ اِنْ كَانَتْ ذُنُوبِي

***** خدايا

اگر گناهان آبرویم

قَدْ أَحْلَقْتَ وَجْهِي عِنْدَكَ، وَحَجَبْتَ دُعَائِي عَنْكَ، وَحَالَتْ بَيْنِي

را در پیشگاه تو برده و دعایم را از تو پوشانده و میان من و تو حائل

وَبَيْنَكَ، فَاسْأَلْكَ أَنْ تُقْبَلَ عَلَيَّ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَتَنْشُرَ عَلَيَّ رَحْمَتَكَ،

گشته پس از تو خواهم که رو آری بر من به روی گرامیت و بگسترانی رحمت خود را بر من

وَتُنْزِلَ عَلَيَّ بَرَكَاتِكَ، وَإِنْ كَانَتْ قَدْ مَنَعَتْ أَنْ تَرْفَعَ لِي إِلَيْكَ صَوْتًا، أَوْ

و فروباری برکاتت را بر من و اگر گناهان من مانع از این است که آوازی از من بسوی تو بالا آید یا

تَغْفِرَ لِي ذَنْبًا، أَوْ تَتَجَاوَزَ عَن خَطِيئَةِ مُهْلِكَةٍ، فَهَذَا أَسْتَجِيرُ بِكَرَمِ

از اینکه گناهی از من بیامیزی یا از خطای نابودکننده‌ای درگذری پس من نیز پناه جسته‌ام به بزرگواری

وَجْهِكَ، وَعِزِّ جَلَالِكَ، مُتَوَسِّلُ إِلَيْكَ، مُتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِأَحَبِّ خَلْقِكَ إِلَيْكَ،

ذاتت و عزت جلالت و بدرگاہت توسل جسته و به پیشگاهت تقرب و نزدیکی جویم به محبوبترین خلق تو در نزد

وَكَرَمِهِمْ عَلَيْكَ، وَأَوْلَاهُمْ بِكَ، وَأَطْوَعِهِمْ لَكَ، وَأَعْظَمِهِمْ مَنَزَلَةً

و گرامی‌ترین آنها بر تو و شایسته‌ترین آنها به تو و فرمانبردارترینشان برای تو و بزرگترین آنها نزد تو در منزلت

وَمَكَانًا عِنْدَكَ، مُحَمَّدٍ، وَبِعَثْرَتِهِ الطَّاهِرِينَ، الْأَيْمَةَ الْهُدَاةِ الْمَهْدِيِّينَ

و مقام (یعنی) محمد و عترت پاکیزه‌اش آن پیشوایان راهنمای راه یافته

الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيَّ خَلْقِكَ طَاعَتَهُمْ وَأَمَرْتَ بِمَوَدَّتِهِمْ وَجَعَلْتَهُمْ

آنانکه واجب کردی بر خلق خویش فرمانبرداریشان را و دستورشان دادی به دوستی آنها و گردانیدی

وَلَاةَ الْأَمْرِ مِنْ بَعْدِ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، يَا مُذِلَّ كُلِّ جَبَّارٍ

آنها را زمامداران پس از رسالت - که درود تو بر او و آتش باد - ای خوار کننده هر گردنکش

عَنِيدٍ، وَيَا مُعِزَّ الْمُؤْمِنِينَ، بَلِّغْ مَجْهُودِي، فَهَبْ لِي نَفْسِي السَّاعَةَ،

ستیزه جو و ای عزت بخش مؤمنان تاب و توانم رفته پس ببخش مرا در همین ساعت

وَرَحْمَةً مِنْكَ تَمُنُّ بِهَا عَلَيَّ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. پس ضریح را بیوس و هر

* * * * * و رحمتی از خودت به من ده که منت نهی بر من ای مهربانترین مهربانان * * *

دو طرف رو را بر ضریح بگذار و بگو: اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا مَشْهُدٌ لَا يَرْجُو مَنْ فَاتَتْهُ

* * * * * خدایا براستی اینجا زیارتگاهی است که اگر کسی

فِيهِ رَحْمَتُكَ أَنْ يَنَالَهَا فِي غَيْرِهِ، وَلَا أَحَدٌ أَشَقِي مِنْ امْرِئٍ قَصَدَهُ

رحمتت در اینجا به او نرسد امیدندارد که در جای دیگری نصیب او گردد و کسی بدبختتر نیست از آن شخصی که از روی

امیدواری آهنگ

مُؤْمَلًا فَآبَ عَنْهُ خَائِبًا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الْأَيَّامِ وَخَبِيئَةِ

این درگاه کند ولی ناامید برگردد خدایا به تو پناه برم از بدی و شر چنین بازگشتی و از نومیدی در

الْمُنْقَلَبِ، وَالْمُنَاقَشَةِ عِنْدَ الْحِسَابِ، وَحَاشَاكَ يَا رَبَّ أَنْ تَقْرَنَ طَاعَةَ

هنگام رجوع و سخت گیری در هنگام حساب و دور است از تو ای پروردگار من که مقرون سازی فرمانبرداری

وَلِيَّكَ بِطَاعَتِكَ، وَمُؤَالَاتِهِ بِمُؤَالَاتِكَ، وَمَعْصِيَتِهِ بِمَعْصِيَتِكَ ثُمَّ

ولی خود را به فرمانبرداری خودت و دوستیش را بدوستی خودت و نافرمانیش را به نافرمانی خودت آنگاه

تُوَيْسَ زَائِرَهُ، وَالْمُتَحَمِّلَ مِنْ بَعْدِ الْبِلَادِ إِلَى قَبْرِهِ، وَعَزَّتْكَ يَا رَبَّ لَا

مأیوس گردانی زائرش را و آنکه رنج سفر را برای زیارت قبرش از راههای دور بر خود تحمل کرده به عزت تو سوگند

پروردگارا

يَنْعَقِدُ عَلَيَّ ذَلِكَ ضَمِيرِي، إِذْ كَانَتْ الْقُلُوبُ إِلَيْكَ بِالْجَمِيلِ تُشِيرُ

که دل من به چنین مطلبی گواهی ندهد زیرا که دلها بسوی تو به نیکی اشاره کند (و گواهی دهد * * *

نماز زیارت کن و چون خواهی وداع کنی و برگردی بگو: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ

* * * * * سلام بر شما ای خاندان

بَيْتِ النَّبُوَّةِ، وَمَعْدِنِ الرَّسَالَةِ، سَلَامٌ مُودَّعٌ لَا سَمِّ وَلَا قَالٍ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ

نبوت و مرکز رسالت سلام خدا حافظي که نه از روي خستگي است و نه از روي خشم و رحمت خدا

وَبَرَكَاتُهُ. الخ و شيخ مفيد نیز اين دعا را نقل کرده و لكن بعد از بِالْجَمِيلِ تُشِيرُ فرموده

و برکاتش بر شما باد * * * * *

* * * * *

پس بگو: يَا وَلِيَّ اللَّهِ إِنْ بَيْنِي وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ ذَنْبٌ لَا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا

* * * اي ولي خدا همانا ميان من و خدای عزوجل گناهای است که محو نکند آنها را جز

رِضَاكَ، فَبِحَقِّ مَنْ اِئْتَمَرَكَ عَلَيَّ سِرِّهِ، وَاسْتَرْعَاكَ أَمْرَ خَلْقِهِ، وَقَرَنَ

رضا و خوشنودي تو پس به حق آن خدائي که تو را امين بر راز خود قرار داده و سرپرستی کار خلقش را به تو

واگذارده و مقرون ساخته

طَاعَتَكَ بِطَاعَتِهِ، وَمُؤَالَاتِكَ بِمُؤَالَاتِهِ، تَوَلَّ صَلَاحَ حَالِي، مَعَ اللَّهِ

فرمانبرداري تو را به فرمانبرداري خود و دوستی تو را به دوستی خود، در دست بگير اصلاح کردن مرا با خدای

عَزَّوَجَلَّ، وَاجْعَلْ حَظِّي مِنْ زِيَارَتِكَ تَحْلِيطِي بِخَالِصِي زُورِكَ،

عزوجل و بگردان مهره مرا از زیارت خود آمیخته شدن مرا به زیارت کنندگان خالص خود

الَّذِينَ تَسْتَلُّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي عِتْقِ رِقَابِهِمْ، وَتَرْغَبُ إِلَيْهِ فِي حُسْنِ

آنانکه درخواست کنی از خدای عزوجل آزادي آنها را (از عذاب دوزخ) و از روي ميل و اشتياق پاداش

تَوَابِهِمْ، وَهَذَا أَنَا الْيَوْمَ بِقَبْرِكَ لَائِذْ، وَبِحُسْنِ دِفَاعِكَ عَنِّي عَائِدٌ،

نيکويشان را از او خواهانی و من اينک به قبر تو پناهنده گشته و به دفاع کردن نيکويت از خود پناه جسته‌ام

فَتَلَاَفَنِي يَا مَوْلَايَ وَأَذْرِكُنِي، وَاسْتَلِّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي أَمْرِي، فَإِنَّ لَكَ

پس تدارك کارم را بفرما اي مولاي من و دريايم و از خدای عزوجل اصلاح کارم را بخواه زيرا که براي تو

عِنْدَ اللَّهِ مَقَامًا كَرِيمًا، وَجَاهًا عَظِيمًا، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَسَلَّمْ تَسْلِيمًا.

در نزد خدا منزلتی گرامي و مقامي بزرگ است درود خدا و سلام مخصوصش بر تو باد

مؤلف گوید که بهتر آن است که زائر چون خواهد دعا کند در مشاهد مشرقه بلکه هر دعا کننده در هر کجا که باشد

براي هر مطلب و حاجتی آنکه مقدم دارد بر دعای خود دعا بر سلامتی وجود مقدس حجت عصر حضرت

صاحب الامر علیه السلام را و اين مطلب بسيار مهم و داراي فوايد مهمه است که شرحش مناسب اینجا نیست و شيخ

مرحوم در باب دهم کتاب نجم ثاقب این مطلب را مشروحاً ذکر نموده و بعضی از ادعیه مخصوص به این مقام را ذکر فرموده هر که خواهد به آنجا رجوع کند و مختصرترین آنها دعائی است که در اعمال شب بیست و سیّم ماه رمضان در ضمن دعاهاي شبهاي دهه آخر ذکر شد و ما در ذکر آداب زائر امام حسین علیه السلام دعائی نقل کردیم که در همه مشاهد مشرقه خوانده می شود .

مقام سیّم

در صلوات بر حجج طاهره عليهم السلام است شیخ طوسي در مصباح در اعمال روز جمعه فرموده خبر داد ما را جماعتی از اصحاب ما از ابوالفضل شیبانی که گفت حدیث کرد ما را از لفظ خود ابو محمد عبدالله بن محمد عابد بدلیه گفت سؤال کردم از مولاي خود امام حسن عسکري عليه السلام در منزل آن حضرت بسرّ من رأي سینه دویست و پنجاه و پنج که املاء فرماید بر من یعنی کلمه کلمه بفرماید کیفیت صلوات فرستادن بر پیغمبر و اوصیاء آن حضرت صلوات الله عليهم را و حاضر کرده بودم با خود کاغذ بزرگی پس املاء کرد بر من از لفظ خود بدون اینکه از کتابی به بیند فرمود :

صلوات بر پیغمبر صلي الله عليه وآله

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ كَمَا حَمَلْتَ وَحْيَكَ، وَبَلِّغْ رِسَالَاتِكَ وَصَلِّ

خدایا درود فرست بر محمد چنانچه وحی تو را متحمل شد و پیامهایت را رسانید و درود فرست

عَلَي مُحَمَّدٍ كَمَا أَحَلَّ حَلَالُكَ، وَحَرَّمَ حَرَامَكَ، وَعَلَّمَ كِتَابَكَ، وَصَلِّ

بر محمد چنانچه حلال کرد حلال تو را و حرام کرد حرام تو را و به مردم یاد داد کتاب تو را و درود فرست

عَلَي مُحَمَّدٍ كَمَا أَقَامَ الصَّلَاةَ، وَآتَى الزَّكَاةَ، وَدَعَا إِلَى دِينِكَ، وَصَلِّ

بر محمد چنانچه برپاداشت نماز را و زکات داد و بدین تو دعوت فرمود و درود فرست

عَلَي مُحَمَّدٍ كَمَا صَدَّقَ بَوْعْدِكَ، وَأَشْفَقَ مِنْ وَعِيدِكَ، وَصَلِّ عَلَي

بر محمد چنانچه وعده تو را تصدیق کرد و ترسانید (مردم را) از تهدید تو و درود فرست بر

مُحَمَّدٍ كَمَا غَفَرْتَ بِهِ الذُّنُوبَ، وَسَتَرْتَ بِهِ الْعُيُوبَ، وَفَرَّجْتَ بِهِ

محمد چنانچه آمرزیدی بوسیله اش گناهان را و پوشانیدی بدو عیوب را و برطرف کردی بدو

الْكَرُوبَ، وَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ كَمَا دَفَعْتَ بِهِ الشَّقَاءَ، وَكَشَفْتَ بِهِ الْغَمَّاءَ،

گرفتاریها را و درود فرست بر محمد چنانچه دفع کردی بدو بدبختی را و زدودی بدو غمها را

وَأَجَبْتَ بِهِ الدُّعَاءَ، وَجَبَّيْتَ بِهِ مِنَ الْبَلَاءِ، وَصَلَّ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ كَمَا
 و اجابت كردي بدو دعا را و نجات دادی به برکت او از بلا و درود فرست بر محمد چنانچه
 رَحِمْتَ بِهِ الْعِبَادَ، وَأَحْيَيْتَ بِهِ الْبِلَادَ، وَقَصَمْتَ بِهِ الْجَبَابِرَةَ، وَأَهْلَكْتَ
 رحم كردي بدو بندگان را و زنده كردي بدو شهرها و بلاد را و شكستی بدو گردنكشان را و هلاك كردي
 بِهِ الْفَرَاعِنَةَ، وَصَلَّ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ كَمَا أَضَعَفْتَ بِهِ الْأُمُوالَ، وَأَحْرَزْتَ بِهِ
 بدو فرعونها (و مدعیان خدای) را و درود فرست بر محمد چنانچه چند برابر كردي بدو اموال را و پناه دادی بدو
 مِنَ الْأَهْوالِ، وَكَسَرْتَ بِهِ الْأَصْنَامَ، وَرَحِمْتَ بِهِ الْأَنَامَ، وَصَلَّ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ كَمَا
 (مردم) را از هراسها و شكستی بدو بتها را و رحم كردي بدو بر مردمان و درود فرست بر محمد چنانچه
 بَعَثْتَهُ بِخَيْرِ الْأَدْيَانِ، وَأَعَزَّزْتَ بِهِ الْإِيْمَانَ، وَثَبَّرْتَ بِهِ الْأَوْثَانَ، وَعَظَّمْتَ بِهِ
 برانگیختی او را به بهترین ادیان و عزت دادی به او بر ایمان و نابود كردي بدو بتان را و عظمت دادی بدو به
 الْبَيْتِ الْحَرَامِ، وَصَلَّ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَأَهْلُ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ، وَسَلَّمْ تَسْلِيمًا .
 خانه كعبه و درود فرست بر محمد و خاندان پاك و نيكوكارش و سلام مخصوص بر ایشان فرست

صلوات بر امیرالمؤمنین علیه السلام

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ أَخِي نَبِيِّكَ، وَوَلِيِّهِ
 خدایا درود فرست بر امیرمؤمنان علی بن ابیطالب برادر پیامبرت و سرپرست
 وَصَفِيِّهِ وَوَزِيرِهِ، وَمُسْتَوْدَعِ عِلْمِهِ، وَمَوْضِعِ سِرِّهِ، وَبَابِ حِكْمَتِهِ،
 کارهایش و برگزیده اش و وزیرش و محل سپردن دانشش و جایگاه رازش و درگاه حکمتش
 وَالتَّاطِقِ بِحُجَّتِهِ، وَالدَّاعِي إِلَى شَرِيعَتِهِ، وَخَلِيفَتِهِ فِي أُمَّتِهِ، وَمُفَرِّجِ
 و گویای بحجتش و دعوت کننده به شریعتش و جانشین او در میان امتش و برطرف کننده
 الْكَرْبِ عَنْ وَجْهِهِ قَاصِمِ الْكُفْرَةِ، وَمُرْغِمِ الْفَجْرِ، الَّذِي جَعَلْتَهُ مِنْ نَبِيِّكَ بِمَنْزِلَةِ
 گرفتگی از چهره اش درهم شکننده کافران و به خاک افکننده فاجران، آن بزرگواری که قرارش دادی نسبت به پیامبرت
 به منزله

هَرُونَ مِنْ مُوسَى، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ،

هارون از موسی خدایا دوست دار هر که دوستش دارد و دشمن دار هر که دشمنش دارد و یاری کن هر که یاریش کند

وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ وَالْعَنْ مَنْ نَصَبَ لَهُ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، وَصَلِّ عَلَيْهِ

و خوارکن هرکه دست از یاریش بردارد و لعنت کن هرکه به دشمنیش برخیزد از اولین و آخرین و درود فرست بر او
أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ أَحَدٍ مِنْ أَوْصِيَائِ أَيْبَائِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ .

بهترین درودی را که بفرستی بر یکی از اوصیاء پیامبرانت ای پروردگار جهانیان

صَلَوَاتُ بَرِّ سَيِّدَةِ نَسْوَانِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ الصَّدِيقَةِ فَاطِمَةَ الزَّكِيَّةِ، حَبِيبَةِ حَبِيبِكَ وَبَيْتِكَ، وَأُمِّ

خدایا درود فرست بر صدیقه (طاهره) فاطمه آن بانوی پاکیزه محبوب دوست و پیامبرت و مادر

أَحِبَّائِكَ وَأَصْفِيَائِكَ، الَّتِي اتَّجَبْتَهَا وَفَضَّلْتَهَا وَاحْتَرَّتْهَا عَلَيَّ نِسَاءِ

دوستان و برگزیدگان آن بانویی که او را برگزیدی و فضیلت و برتریش دادی بر زنان

الْعَالَمِينَ، اَللّٰهُمَّ كُنِ الطَّالِبَ لَهَا مِنْ ظَلَمِهَا وَاسْتَحَفَّ بِحَقِّهَا، وَكُنِ

جهانیان خدایا تو انتقامش را بگیر از کسانی که به او ستم کردند و حرمتش را سبک

النَّائِرِ اَللّٰهُمَّ بِدَمِ أَوْلَادِهَا، اَللّٰهُمَّ وَكَمَا جَعَلْتَهَا أُمَّ اَئِمَّةِ الْهُدَى،

شمرند و تو ای خدا خونخواهی فرزنداناش را بکن خدایا همچنانکه او را بدین مقام رساندی که مادر امامان راهنما

وَحَلِيلَةَ صَاحِبِ اللُّوَاءِ، وَالْكَرِيمَةَ عِنْدَ الْمَلَأِ الْأَعْلَى، فَصَلِّ عَلَيْهَا

و همسر پرچمدار محشر و گرامی در عالم بالا قرارش دادی پس درود فرست بر او

وَعَلَيَّ أُمِّهَا صَلَوةً تُكْرِمُ بِهَا وَجْهَ أَبِيهَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَتُقَرُّ

و بر مادرش (خدیجه) درودی که گرامی داری بدان آبروی پدرش محمد صلی الله علیه و آله را و روشن گردانی

بِهَا أَعْيُنَ ذُرِّيَّتِهَا، وَأَبْلِغَهُمْ عَنِّي فِي هَذِهِ السَّاعَةِ، أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ .

بدان دیده فرزنداناش را و برسان بدیشان از من در این ساعت بهترین تحیت و سلام را

صَلَوَاتُ بَرِّ حَسَنٍ وَحُسَيْنٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَبْدَيْكَ، وَوَلَيْيَكَ، وَابْنَيْ

خدایا درود فرست بر حسن و حسین دو بنده و دو نمایندهات و دو فرزند

رَسُولِكَ، وَسِبْطِي الرَّحْمَةِ، وَسَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، أَفْضَلَ مَا

پیامبرت و دو سبط (دو نوه پیامبرت) پیامبر رحمت و دو آقای جوانان اهل بهشت بهترین

صَلَّيْتُ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلَادِ النَّبِيِّينَ، وَالْمُرْسَلِينَ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى

درودي را که بفرستی بر یکی از فرزندان پیامبران و مرسلین خدایا درود فرست بر

الْحَسَنِ بْنِ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ، وَوَصِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ

حسن فرزند آقاي پيامبران و وصي امير مؤمنان سلام بر تو اي فرزند

رَسُولِ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ يَا بْنَ أَمِيرِ

رسول خدا سلام بر تو اي فرزند آقاي اوصياء گواهي دهم اي فرزند امير

الْمُؤْمِنِينَ آمِينَ اللَّهُ وَابْنُ أَمِينِهِ، عِشْتُ مَظْلُومًا وَمَضَيْتُ شَهِيدًا،

مؤمنان که براستی تویی امانتدار خدا و فرزند امانتدار او مظلومانه زندگی کردی و به صورت شهادت از این جهان رفتی

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الزَّكِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِي، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ، وَبَلِّغْ

و گواهي دهم که توي آن پيشوای پاکیزه راهنمای راه یافته خدایا درود فرست بر او و برسان

رُوحَهُ وَجَسَدَهُ عَنِّي فِي هَذِهِ السَّاعَةِ أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ، اَللّٰهُمَّ

به روحش و به جد بزرگوارش از جانب من در این ساعت بهترین تحیت و سلام را خدایا

صَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ، قَتِيلِ الْكُفْرَةِ وَطَرِيحِ

درود فرست بر حسین بن علی آن ستم کشیده شهید، و کشته مردمان کافر و به خاک افتاده مردمان

الْفَجْرِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ،

فاجر سلام بر تو اي اباعبدالله سلام بر تو اي فرزند رسول خدا

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ أَشْهَدُ مَوْفِقًا أَنَّكَ آمِينَ اللَّهُ وَابْنُ

سلام بر تو اي فرزند امير مؤمنان گواهي دهم از روي يقين که توي امانتدار خدا و فرزند

أَمِينِهِ، قَتَلْتُ مَظْلُومًا وَمَضَيْتُ شَهِيدًا، وَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى الطَّالِبُ

امين او، مظلومانه کشته شدی و بصورت شهادت از این جهان رفتی و گواهي دهم که براستی خدای تعالی انتقام

بِثَارِكَ، وَمُنْجِزٌ مَا وَعَدَكَ مِنَ النَّصْرِ وَالتَّأْيِيدِ فِي هَلَاكِ عَدُوِّكَ،

خونت را خواهد گرفت و وفا کند بدان وعده اي که به تو داده در مورد یاری کردند و تأیید تو برای نابود کردن دشمنت

وَإِظْهَارِ دَعْوَتِكَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَقَيْتَ بَعْدَ اللَّهِ، وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ

و آشکار ساختن دعوت و مرامت و گواهي دهم که تو به خوبی به عهد خدا وفا کردی و در راه

اللَّهِ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا حَتَّى أَتَيْكَ الْيَقِينُ، لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ، وَلَعَنَ

خدا جهاد کردی و خدا را از روی اخلاص پرستش کردی تا آنگاه که شهادتت فرا رسید خدا لعنت کند مردمی که
اللَّهُ أُمَّةً خَذَلْتَهُ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً آَلَبَتْ عَلَيْكَ وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِمَّنْ
تورا کشتند و خدا لعنت کند مردمی که دست از یاریت کشیدند و خدا لعنت کند مردمی که دیگران را بر علیه تو تحریک کرده و
لشکر کشی کردند

كَذَّبَكَ، وَاسْتَخَفَّ بِحَقِّكَ وَاسْتَحَلَّ دَمَكَ، يَا أَبَا
و بیزارم بدرگاه خدای تعالی از کسی که تو را تکذیب کرده و حق تو را سبک شمرد و خونت را حلال دانست پدر و
مادرم به فدایت ای ابا

عَبْدُ اللَّهِ، لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ خَاذِلَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَمِعَ وَاعَيْتَكَ
عبدالله خدا لعنت کند دشمنت را و خدا لعنت کند خوارکننده ات را و خدا لعنت کند کسی که فریاد تو را شنید
فَلَمْ يُجِبْكَ وَلَمْ يُصْرِكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَبَا نِسَاءَكَ، أَنَا إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ
و پاسخ ندادی و یاریت نکرد و خدا لعنت کند کسی که زنان را اسیر کرد من بسوی خدا بیزاری جویم از آنها
بَرَى، وَمِمَّنْ وَالَاهُمْ وَمَالَاهُمْ وَأَعَانَهُمْ عَلَيْهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَالْأُمَّةُ
و از هر کس که دوستشان داشت و همکاری و کمکشان کرد و گواهی دهم که تو و پیشوایان
مِنْ وَلَدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى، وَبَابُ الْهُدَى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى، وَالْحُجَّةُ
از فرزندان تو کلمه (و حقیقت) پرهیزکاری و دستاویز محکم و حجتی هستند
عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا، وَأَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ، وَبِمَنْزِلَتِكُمْ مُوقِنٌ وَلَكُمْ تَابِعٌ
بر مردم دنیا و گواهی دهم که من به شما ایمان دارم و به منزلت و مقام شما یقین دارم و پیرو
بِذَاتِ نَفْسِي، وَشَرَايِعِ دِينِي، وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي وَمُتَقَلَّبِي فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي
شمایم به شخص خودم و به قوانین دینم و سرانجام کارهایم و بازگشتگاهم در دنیا و آخرت

صَلَوَاتُ بَرِّ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَام
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ، الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ
خدایا درود فرست بر علی بن الحسین آقای عبادت کنندگان آنکه او را برای خود خالص گردانیدی
لِنَفْسِكَ، وَجَعَلْتَ مِنْهُ أُمَّةً الْهُدَى، الَّذِينَ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ، وَبِهِ يَعْدِلُونَ،
و از نسل او قرار دادی امامان راهنمایی که مردم را به حق راهنمایی کنند و بدان باز می گردند او را برای

اخْتَرْتَهُ لِنَفْسِكَ، وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ، وَاصْطَفَيْتَهُ وَجَعَلْتَهُ هَادِيًا

خویش انتخاب کردی و از پلیدی پاکش کردی و برگزیدی و راهنمای راه یافته‌اش گردانیدی

مَهْدِيًا، اَللّٰهُمَّ فَصِّلْ عَلَيْهِ اَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ اَحَدٍ مِنْ ذُرِّيَةِ اَنْبِيَائِكَ

خدایا پس درود فرست بر او بهترین درودی را که فرستی بر یکی از فرزندان پیامبران

حَتَّى تَبْلُغَ بِهِ مَا تَقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، اِنَّكَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ.

تا به مقامی رسانی که روشن گردد دیده‌اش بدان مقام در دنیا و آخرت که براستی تو عزیز و فرزانه هستی

صَلَوَاتُ بَرِّ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَام

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ بِاَقْرِ الْعِلْمِ، وَاِمَامِ الْهُدَى، وَقَائِدِ اَهْلِ

خدایا درود فرست بر محمد بن علی شکافنده علم و پیشوای هدایت و رهبر مردم

التَّقْوَى، وَالْمُنْتَجَبِ مِنْ عِبَادِكَ، اَللّٰهُمَّ وَكَمَا جَعَلْتَهُ عَلَمًا لِعِبَادِكَ،

با تقوی و برگزیدگان از میان بندگان خدایا چنانچه او را قرار دادی نشانه و دلیلی برای بندگان

وَمَنَارًا لِّبِلَادِكَ، وَمُسْتَوْدَعًا لِحُكْمَتِكَ، وَمُتَرَجِّمًا لَوْحِيكَ، وَأَمْرًا بِطَاعَتِهِ،

و مشعل هدایتی برای بلاد و شهرهایت و ودیعه نگهداری برای حکمت و ترجمان و مفسری برای وحیت و دستور دادی

(ما را) به

وَحَذَرْتَ مِنْ مَعْصِيَتِهِ، فَصَلِّ عَلَيْهِ يَا رَبِّ اَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ اَحَدٍ

فرمانبرداریش و برحذر داشتی از نافرمانیش پس درود فرست بر او پروردگارا بهترین درودی را که بفرستی بر یکی

مِنْ ذُرِّيَةِ اَنْبِيَائِكَ، وَاصْفِيَاكَ وَرُسُلَكَ وَأَمْنَاءَكَ، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

از فرزندان پیامبران و برگزیدگان و رسولان و امینهای ای پروردگار جهانیان

صَلَوَاتُ بَرِّ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَام

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ، خَازِنِ الْعِلْمِ الدَّاعِي إِلَيْكَ

خدایا درود فرست بر جعفر بن محمد صادق آن گنجینه دار دانش و دعوت کننده بسوی تو

بِالْحَقِّ، الثَّوَرِ الْمُبِينِ، اَللّٰهُمَّ وَكَمَا جَعَلْتَهُ مَعْدِنَ كَلَامِكَ وَوَحْيِكَ،

به درستی، و آن نور آشکار خدایا چنانچه او را گردانیدی معدن سخن و کلام و وحیت

وَخَازِنَ عِلْمِكَ، وَلِسَانَ تَوْحِيدِكَ، وَوَلِيَّ أَمْرِكَ، وَمُسْتَحْفَظَ دِينِكَ، فَصَلِّ

و خزینه دار دانش و زبان (گویای) یکتا پرستیت و سرپرست دستورت و نگهدارنده دینت پس درود

عَلَيْهِ أَفْضَلُ مَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيَائِكَ وَحُجَجِكَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

فرست بر او بهترین درودی را که بفرستی بر یکی از برگزیدگان و حجت های خود که برستی تو ستوده و بزرگواری

صَلَوَاتُ بَرِّ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَام

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ الْاَمِيْنِ الْمُؤْتَمَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، اَلْبَرِّ الْوَفِيِّ، الطَّاهِرِ الزَّكِيِّ،

خدایا درود فرست بر آن امین مورد اعتماد و اطمینان حضرت موسی بن جعفر آن نیکوکار باوفا و پاک پاکیزه، آن نور

آشکار

الثَّوْرِ الْمُبِينِ، الْمُجْتَهِدِ الْمُحْتَسِبِ، الصَّابِرِ عَلَيَّ الْاَذْيِ فِيكَ، اَللّٰهُمَّ وَكَمَا بَلَغَ

و کوشای جویای پاداش (نیک تو) و آن شکیبای بر آزار خلق به حساب تو، خدایا چنانچه او رسانید

عَنْ اَبَائِهِ مَا اسْتَوْدِعَ مِنْ اَمْرِكَ وَنَهْيِكَ، وَحَمَلَ عَلَيَّ الْمَحَجَّةَ، وَكَابَدَ اَهْلَ الْعِزَّةِ

از طرف پدرانش آنچه به او سپرده شده بود از امر و نهی تو و مردم را به راه روشن (دین) واداشت و تحمل کرد در برابر

عزتمندان

وَالشَّدَّةِ فِيمَا كَانَ يَلْقَى مِنْ جُهَالِ قَوْمِهِ، رَبِّ فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ وَأَكْمَلَ مَا

و زورمندان آنچه را که از نادانان قوم خود می دید پس درود فرست بر او بهترین و کاملترین درودی

صَلَّيْتَ عَلَيَّ أَحَدٍ مِمَّنْ أَطَاعَكَ، وَصَحَّ لِعِبَادِكَ، إِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

را که بفرستی بر یکی از فرمانبرداران و خیراندیشان بندگان که برستی تو آمرزنده و مهربانی

صَلَوَاتُ بَرِّ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى عَلَيْهِمَا السَّلَام

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى، الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ وَرَضَيْتَ بِهِ مَنْ

خدایا درود فرست بر علی بن موسی آن بزرگواری که او را پسندیدی و خوشنود ساختی بوسیله او هر که را

شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ، اَللّٰهُمَّ وَكَمَا جَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَيَّ خَلْقِكَ، وَقَائِمًا بِاَمْرِكَ،

خواستی از آفریدگان خدایا چنانچه گرداندی آن حضرت را حجتی بر آفریدگان و قیام کننده به دستورت

وَنَاصِرًا لِدِينِكَ، وَشَاهِدًا عَلَيَّ عِبَادِكَ، وَكَمَا نَصَحَ لَهُمْ فِي السِّرِّ

و یاور دینت و گواه بر بندگان و چنانچه آن جناب خیرخواهی نمود برای ایشان در پنهانی

وَالْعَلَانِيَّةِ، وَدَعَا إِلَى سَبِيلِكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ فَصَلِّ عَلَيْهِ
و آشکار و دعوت کرد براه تو با کلمات حکیمانه و پند و اندرز نیکو پس درود فرست بر او
أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ وَخَيْرَتِكَ، مِنْ خَلْقِكَ إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ.
بهترین درودی را که فرستی بر یکی از دوستان و از برگزیدگان از خلق خود که تو بخشنده و بزرگواری هستی

صَلَوَاتِ بَرِّ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى عَلَيْهِمُ السَّلَام
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى، عِلْمِ التَّقِيِّ، وَنُورِ الْهُدَى،
خدایا درود فرست بر محمد بن علی بن موسی نشانه تقوی و چراغ هدایت
وَمَعْدَنِ الْوَفَاءِ، وَقَرَعِ الْأَرْكَبِيَاءِ، وَخَلِيفَةِ الْأَوْصِيَاءِ وَأَمِينِكَ عَلَيَّ
و معدن وفاء و نژاد مردمان پاکیزه و جانشین اوصیاء و امین تو بر
وَحْيِكَ، اللَّهُمَّ فَكَمَا هَدَيْتَ بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ، وَاسْتَنْقَذْتَ بِهِ مِنَ
و حیت خدایا چنانچه راهنمایی کردی بوسیله آن حضرت از گمراهی و نجات بخشیدی (مردم را) بوسیله آن حضرت از
الْحَيْرَةِ، وَأَرْشَدْتَ بِهِ مَنْ اهْتَدَى، وَزَكَّيْتَ بِهِ مَنْ تَزَكَّى، فَصَلِّ عَلَيْهِ
سرگردانی و راهنمایی کردی بدو هرکه را ره یافت و پاک کردی بدو هرکه را پاک شد پس درود فرست بر او
أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ، وَبَقِيَّةِ الْأَوْصِيَاءِ، إِنَّكَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ
بهترین درودی را که فرستی بر یکی از دوستان و باقیماندگان از اوصیاء که برستی تو نیرومند و فرزانه‌ای

صَلَوَاتِ بَرِّ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَام
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَصِيِّ الْأَوْصِيَاءِ، وَإِمَامِ الْأَتْقِيَاءِ،
خدایا درود فرست بر علی بن محمد وصی اوصیاء و پیشوای پرهیزکاران
وَحَلَفِ أَيْمَةَ الدِّينِ، وَالْحُجَّةِ عَلَى الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ، اللَّهُمَّ كَمَا
و یادگار پیشوایان دین و حجت بر همه خلائق خدایا چنانچه
جَعَلْتَهُ نُورًا يَسْتَضِي بِهِ الْمُؤْمِنُونَ فَبَشِّرَ بِالْجَزِيلِ مِنَ ثَوَابِكَ،
گردانیدی آن جناب را نوری که روشنی جویند بوسیله آن جناب مردم باایمان و آن حضرت نوید داد به پاداش
وَأَذَرِ بِالْأَلِيمِ مِنْ عِقَابِكَ، وَحَذَرِ بِأَسْكَ، وَذَكَّرِ بِآيَاتِكَ، وَأَحِلَّ حَلَالَكَ،
شایانت و بیم داد به کیفر دردناکت و از صولت تو (مردم را) ترساند و آنان را به یاد آیات تو انداخت و حلال را حلال

وَحَرَّمَ حَرَامَكَ، وَبَيَّنَّ شَرَائِعَكَ وَفَرَايِضَكَ، وَحَضَّ عَلَيَّ عِبَادَتِكَ،

و حرمت را حرام کرد و مقررات و واجبات تو را بیان کرد و مردم را به پرستش تو واداشت

وَأَمَرَ بِطَاعَتِكَ، وَنَهَى عَنْ مُعْصِيَتِكَ، فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ

و به فرمانبرداریت دستور داد و از نافرمانیت بازداشت پس درود فرست بر او بهترین درودی را که بفرستی

عَلَيَّ أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ، وَذُرِّيَّةِ أَنْبِيَائِكَ، يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ. × راوی این

بر یکی از دوستان و فرزندان پیمبرانت ای معبود جهانیان * * * * *

صلوات ابو محمد مبنی گفت که چون حضرت عسکری علیه السلام از ذکر صلوات بر پدرش فارغ شد و نوبت بر خود آن جناب رسید ساکت ماند عرض کردم که کیفیت صلوات بر باقی را بفرمائید فرمود اگر نه این بود که ذکر این از معالم دین است و خدا امر فرموده ما را که به اهلش برسانیم هر آینه دوست داشتم که ساکت مانم و لکن چون در مقام دین است بنویس .

صَلَوَاتُ بَرِّ حَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ، الْبَرِّ التَّقِيِّ الصَّادِقِ الْوَفِيِّ

خدایا درود فرست بر حسن بن علی بن محمد آن نیکوکار باتقوای راستگوی باوفا،

الثَّوَرِ الْمُضِيِّ، خَازِنِ عِلْمِكَ، وَالْمَذْكُرِ بِنُوحِيْدِكَ وَوَلِيِّ أَمْرِكَ، وَخَلْفِ أَيْمَةِ

آن نور تابناک، خزینه دار دانشت و یادآورنده یکتاپرستیت و سرپرست فرمانت و یادگار پیشوایان دین

الدِّينِ الْهُدَاةِ الرَّاشِدِينَ، وَالْحُجَّةِ عَلَيَّ أَهْلِ الدُّنْيَا فَصَلِّ عَلَيْهِ يَا رَبَّ أَفْضَلَ مَا

آن راهنمایان بارشد، و حجت بر مردم دنیا پس درود فرست بر او پروردگارا بهترین درودی

صَلَّيْتَ عَلَيَّ أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيَائِكَ، وَحُجَجِكَ وَأَوْلَادِ رُسُلِكَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ .

را که بفرستی بر یکی از برگزیدگانت و حجت‌هایت و فرزندان رسولانت ای معبود جهانیان

صَلَوَاتُ بَرِّ وَلِيِّ الْأَمْرِ الْمُتَنْظَرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَابْنِ أَوْلِيَائِكَ، الَّذِينَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ،

خدایا درود فرست بر نماینده و فرزند نمایندگان آنانکه فرض و لازم کردی فرمانبرداریشان را

وَأَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ، وَأَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً اللَّهُمَّ

و واجب کردی حقشان را و دور کردی از ایشان پلیدی را و به خوبی پاکیزه‌شان کردی خدایا
 اَنْصُرُهُ وَاَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ وَاَنْصُرْ بِهِ اَوْلِيَاءَكَ وَاَوْلِيَاءَهُ وَشِيعَتَهُ
 یاریش کن و یاری کن به او دین و آئینت را و یاری کن بوسیله او دوستانت را و هم دوستان او و پیروان
 وَاَنْصَارُهُ، وَاَجْعَلْنَا مِنْهُمْ، اَللّٰهُمَّ اَعِزَّهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ باغٍ وَطَاغٍ، وَمِنْ شَرِّ
 و یارانش را و ما را از ایشان قرارمان ده خدایا پناه ده آن جناب را از شر
 جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَاَحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ
 هر زورگو و سرکشی و از شر تمام آفریدگانت و نگاهش دار از پیش رو و از پشت سرش و از سمت راست و از
 شِمَالِهِ، وَاَحْرُسْهُ وَاَمْنَعْهُ اَنْ يُّوْصَلَ اِلَيْهِ بِسُوءٍ، وَاَحْفَظْ فِيهِ رَسُوْلَكَ
 سمت چپش و نگهداریش کن و جلوگیری کن آن جناب را از اینکه پیش آمد بدی برایش رخ دهد و حفظ کن در وجود او
 پیامبرت

وَالَ رَسُوْلِكَ، وَاَظْهَرُ بِهِ الْعَدْلَ وَاَيِّدُهُ بِالتَّصَرُّ، وَاَنْصُرْ ناصِرِيهِ،
 و آل پیامبرت را و آشکار کن بدو عدل و داد را و تأییدش کن به یاری (و پیروزی) خود و یاری کن یاورش را
 وَاَحْذَلْ خَاذِلِيهِ، وَاَقْصِمِ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ، وَاَقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ
 و خوارگردان هرکه دست از یاریش بردارد و سرکوب کن بدست آن جناب گردنکشان کفر و بی دینی را و بکش
 بوسیله اش کفار

وَالْمُنَافِقِينَ، وَجَمِيعِ الْمُلْحِدِينَ حَيْثُ كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا،
 و منافقین و تمام بی دینان را هرکجا که هستند در شرقهای زمین و غربهای آن
 وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَاَمْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا، وَاَظْهَرُ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ السَّلَامُ،
 و خشکی و دریا و پرکن بوسیله او زمین را از عدل و داد و آشکار کن بوسیله آن جناب آیین پیامبرت را - که بر او و
 آتش سلام باد -

وَاَجْعَلْنِي اَنْصَارَهُ مِنَ اَنْصَارِهِ وَاَعْوَانِهِ، وَاَتْبَاعِهِ وَشِيعَتِهِ، وَاَرْنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ
 و قرار ده خدایا مرا از یاران و کمک‌کاران و تابعان و شیعیانش و به من بنمایان در مورد خاندان محمد
 مَا يَأْمُلُونَ، وَفِي عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُونَ، اِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ .
 آنچه آرزو دارند و در دشمنانشان آنچه بیم دارند ای معبود به حق - آمین -

خاتمه

در بیان زیارت انبیاء عظام علیهم السلام و زیارت امامزادگان عالی مقام و زیارت قبور مؤمنین اَسْكَنَهُمُ اللَّهُ دَارَ السَّلَامِ و مشتمل است بر سه مطلب مطلب اول در زیارت پیغمبران عظام علیهم السلام است بدانکه تکریم و تعظیم انبیاء علیهم السلام عقلاً و شرعاً لازم است: «لَا تُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ» و زیارت ایشان راجح و پسندیده و علماء تصریح فرموده‌اند به استحباب زیارت ایشان و عدد آن بزرگواران اگر چه خیلی بسیار است لیکن قبور معلومه ایشان بسیار کم است و قبور آنهایی که نقداً مستحضر هستیم از این قرار است حضرت آدم و حضرت نوح در مرقد منور حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مدفونند و حضرت ابراهیم علیه السلام در قدس خلیل که در نزدیکی بیت المقدس است مدفونست و در جوار آن حضرت جناب ساره زوجه آن حضرت و جناب اسحق و یعقوب و یوسف علیهم السلام مدفونند و حضرت اسماعیل علیه السلام و مادرش هاجر در مسجد الحرام در حجر مدفونند و در او است قبور انبیاء علیهم السلام و از حضرت باقر علیه السلام منقول است که ما بین رکن و مقام مملو است از قبور پیغمبران و از حضرت صادق علیه السلام مرویست که ما بین رکن یثربی و حجر الاسود هفتاد پیغمبر مدفون است و در بیت المقدس قبور جمله‌ای از پیغمبران واقع است مانند حضرت داود و سلیمان و غیرهما سلام الله علیهم اجمعین که در نزد اهل آنجا معروفند و قبر جناب زکریا علیه السلام در حلب معروف است و از برای جناب یونس علیه السلام در شریعه کوفه بقعه و قبّه‌ای است معروف و قبر حضرت هود و صالح در نجف اشرف مشهور و مرقد حضرت ذی الکفل در کنار شطّ فرات در نزدیکی کوفه به مسافت چند فرسخ معروف است و در شهر موصل است قبر جرجیس پیغمبر و در بیرون شهر قبر شیث هبه الله و در شوش قبر دانیال پیغمبر و در قبلی [این به حسب آن چیزی است که در سابق در باب مسجد بُرائثا ذکر شد والاّ فعلاً آن قبر شریف مشهور نیست «منه»] مسجد بُرائثا قبر جناب یوشع علیه السلام و غیر اینها سلام الله علیهم اجمعین و امّا در باب کیفیت زیارت ایشان پس در اخبار زیارت مخصوصی برای ایشان بنظر نرسیده مگر زیارت حضرت آدم و نوح علیهما السلام که در باب زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به شرح رفت لکن از روایت زیارات جامعه که ما آن را اول زیارات جامعه قرار دادیم ظاهر می‌شود که انبیاء علیهم السلام نیز به آن زیارات کرده می‌شوند شاهد بر این آنکه شیخ جلیل محمد بن المشهدی در مزار و سید اجلّ علی بن طاوس در مصباح الزائر و غیر ایشان رضوان الله علیهم در آداب دخول کوفه همین زیارت شریفه را از برای مشهد حضرت یونس علیه السلام ذکر کرده‌اند و مظنون آن است که نقل ایشان زیارت مذکوره را از روی همان کلیّهای باشد که از خبر ظاهر می‌شود به هر حال اگر کسی آن زیارت جامعه را در مراقد شریفه انبیاء علیهم السلام بخواند مناسب است و چون زیارت در سابق مذکور شد محتاج به نقل آن در اینجا نیستیم هر که خواهد به زیارت اول زیارات جامعه رجوع کند و از فیض عظیم آن خود را بهره‌مند نماید مطلب دویم در زیارت

امامزادگان عظام و شاهزادگان عالیمقام که قبورشان محلّ فیوضات و برکات و موضع نزول رحمت و عنایت الهیّه است و علمای اعلام تصریح فرموده‌اند به استحباب زیارت قبور ایشان و بحمدالله تعالی در غالب بلاد شیعه قبورشان موجود بلکه در قُری و بُریّه و اطراف کوهها و درّه‌ها پیوسته ملاذ درماندگان و ملجأ واماندگان و پناه مظلومین و موجب تسلی دلهای پژمرده‌گان بوده و خواهند بود تا یوم قیامت و از بسیاری از ایشان کرامات و خوارق عادات مشاهده شده لکن مستور نماند که امامزاده‌ای که انسان به اطمینان خاطر محض درک فیوضات و کشف کربات بار سفر بندد و شدّرحال کند به سمت قبر شریفش باید دو مطلب را اوّل درست کرده آنگاه قصد مقصد کند اوّل جلالت قدر و عظمت شأن صاحب آن مرقد علاوه بر شرافت نسب آنچه از کتب احادیث و انساب و تواریخ معلوم شود دویم معلوم بودن قبر آن سیّد جلیل و صحّت نسبت قبر به او و جمع بین این دو بسیار کم است و ما در کتاب هدیه الزائر به ذکر جمعی از ایشان اشاره نمودیم و در نفثه المصدور و منتهی الامال اشاره به محسن بن حسین علیه السلام نمودیم و چون این کتاب را گنجایش ذکر نیست اقتضای می‌کنیم به ذکر دو نفر از ایشان اوّل سیده جلیله معظّمه حضرت فاطمه بنت موسی بن جعفر علیه السلام که به حضرت معصومه سلام الله علیها شهرت دارد قبر شریفش در بلده طیّبه قم معروف و مشهور است و دارای قبّه عالیّه و ضریح و صحنهای متعدّدّه و خدمه بسیار و موقوفات کثیره است و روشنی چشم اهل قم و معاذ و ملاذ عامّه خلق است و در هر سال جماعت بسیار از بلاد بعیده شدّرحال کنند و تعب سفر کشند به جهت درک فیوضات از زیارت آن معظّمه و فضیلت و جلالت آن حضرت از اخبار بسیار ظاهر می‌شود شیخ صدوق به سند حسن کالصّحیح از سعد بن سعید روایت کرده که از حضرت امام رضا علیه السلام سؤال نمود از فاطمه بنت موسی بن جعفر علیه السلام فرمود که هر که او را زیارت کند از برای اوست بهشت و به سند معتبر دیگر از فرزند آن حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقول است که هر که عمّه مرا در قم زیارت کند پس از برای اوست بهشت علامه مجلسی رحمه الله از بعض کتب زیارات نقل کرده که علی بن ابراهیم از پدرش از سعد اشعری قمی از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود ای سعد نزد شما قبری هست از ما سعد گفت گفتیم فدای تو شوم قبر فاطمه دختر امام موسی علیه السلام را می‌فرمائی فرمود بلی «مَنْ زَارَهَا عَارِفًا بِحَقِّهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ» هر که او را زیارت کند و حقّ او را بشناسد از برای اوست بهشت چون به نزد قبر آن حضرت برسی نزد سرش رُو به قبله بایست و سی و چهار مرتبه: اَللّهُ اَكْبَرُ و سی و سه مرتبه سُبْحَانَ اللّهِ و سی و سه مرتبه: اَلْحَمْدُ لِلّهِ بگو پس بگو:

خدا بزرگتر است (از توصیف) × × × × × × × × ستایش خاص خداست * *

اَلسَّلَامُ عَلٰی اَدَمَ صَفْوَةِ اللّهِ اَلسَّلَامُ عَلٰی نُوحٍ نَّبِيِّ اللّهِ، اَلسَّلَامُ عَلٰی اِبْرَاهِيْمَ

سلام بر آدم برگزیده خدا سلام بر نوح پیامبر خدا سلام بر ابراهیم
خلیل الله، السَّلامُ عَلَيَّ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيَّ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ، السَّلامُ
خلیل خدا سلام بر موسی همسخن خدا سلام بر عیسی روح خدا
عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ خَلْقِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللَّهِ،
سلام بر تو ای رسول خدا سلام بر تو ای بهترین خلق خدا سلام بر تو ای برگزیده خدا
السَّلامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ، خَاتَمَ النَّبِيِّينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا
سلام بر تو ای محمد بن عبدالله خاتم پیامبران سلام بر تو ای
أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِيطَالِبٍ، وَصِيَّ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا
امیر مؤمنان علی بن ابیطالب وصی رسول خدا سلام بر تو ای
فَاطِمَةُ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلامُ عَلَيْكُمَا يَا سِبْطَيَّ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ،
فاطمه بانوی زنان جهانیان سلام بر شما ای دو نوه پیامبر رحمت
وَسَيِّدَيَّ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ، سَيِّدَ
و دو آقای جوانان اهل بهشت سلام بر تو ای علی بن الحسین آقای
الْعَابِدِينَ، وَقُرَّةَ عَيْنِ النَّاطِرِينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ بِأَقْرِ
عبادت کنندگان و روشنی چشم بینندگان سلام بر تو ای محمد بن علی شکافنده
الْعِلْمِ بَعْدَ النَّبِيِّ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصَّادِقَ الْبَارَّ
دانش پس از پیامبر سلام بر تو ای جعفر بن محمد راستگوی نیکوکار
الْأَمِينِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ الطَّاهِرِ الطُّهْرَ، السَّلامُ
امین سلام بر تو ای موسی بن جعفر امام پاک پاکیزه سلام
عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا الْمُرْتَضَى، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ
بر تو ای علی بن موسی (آن) خوشنود (از حق) و پسندیده سلام بر تو ای محمد
بْنَ عَلِيٍّ النَّقِيِّ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ النَّقِيِّ النَّاصِحِ
بن علی نقی سلام بر تو ای علی بن محمد نقی (ای) خیرخواه
الْأَمِينِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ، السَّلامُ عَلَيَّ الْوَصِيِّ مِنْ
امین سلام بر تو ای حسن بن علی سلام بر وصی

بَعْدَهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى نُورِكَ وَسِرَاجِكَ، وَوَلِيِّ وَلِيِّكَ، وَوَصِيِّ
پس از او خدایا درود فرست بر نور خود و چراغ تابناکت و نماینده
وَصِيِّكَ، وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ،
نماینده‌ات و وصی وصیت و حجت تو بر آفریدگانت سلام بر تو ای دختر رسول خدا
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ فَاطِمَةَ وَخَدِيجَةَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ
سلام بر تو ای دختر فاطمه و خدیجه سلام بر تو ای دختر
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، السَّلَامُ
امیرمؤمنان سلام بر تو ای دختر حسن و حسین سلام
عَلَيْكَ يَا بِنْتَ وَلِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُخْتَ وَلِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
بر تو ای دختر ولی خدا سلام بر تو ای خواهر ولی خدا سلام بر تو
يَا عَمَّةَ وَلِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ
ای عمه ولی خدا سلام بر تو ای دختر موسی بن جعفر - و رحمت خدا وبرکاتش نیز بر تو باد -
وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ عَرَفَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ فِي الْجَنَّةِ، وَحَشَرْنَا
سلام بر تو باد، خداوند شناسایی و آشنایی برقرار کند میان ما و شما در بهشت و محشور گرداند
فِي زُمْرَتِكُمْ، وَأَوْرَدَنَا حَوْضَ نَبِيِّكُمْ، وَسَقَانَا بِكَاسِ جَدُّكُمْ، مِنْ يَدِ
ما را در گروه شما و واردمان کند بر سر حوض پیامبرتان و بنوشاند به ما از جام جدتان از دست (ساقی کوثر)
عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُرِينَا فِيكُمْ
علی بن ابیطالب - دروذهای خدا بر شما باد - از خدا می‌خواهم که بنمایاند به ما در مورد شما
السُّرُورَ وَالْفَرَجَ، وَأَنْ يَجْمَعَنَا وَإِيَّاكُمْ فِي زُمْرَةِ جَدُّكُمْ مُحَمَّدٍ، صَلَّي
خوشحالی و گشایش (و ظهور) شما را و گردآورد ما و شما را در گروه جدتان محمد صلی
اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَنْ لَا يَسْلُبَنَا مَعْرِفَتَكُمْ، إِنَّهُ وَلِيُّ قَدِيرٍ، أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ
الله علیه و آله و نگیرد از ما معرفت شما را که براستی او سرپرست توانایی است تقرب جویم به درگاه خدا
بِحُبِّكُمْ، وَالْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ، وَالتَّسْلِيمِ إِلَى اللَّهِ رَاضِيًا بِهِ غَيْرَ مُنْكَرٍ
بوسیله دوستی شما و بیزاری جستن از دشمنانتان و تسلیم شدن به پیشگاه خدا با رضایت‌مندی و خوشنودی بدون انکار
وَلَا مُسْتَكْبِرٍ، وَ عَلِي يَقِينٍ مَا أَتَى بِهِ مُحَمَّدٌ وَبِهِ رَاضٍ، تَطْلُبُ بِذَلِكَ

و گردنفرای و از روی یقین بدرستی آنچه محمد(ص) آورده و بدان راضی و خوشنودم و می جویم بدان وسیله
وَجْهَكَ، يَا سَيِّدِي، اَللّٰهُمَّ وَرِضَاكَ وَالدَّارَ الْاٰخِرَةَ، يَا فَاطِمَةُ اشْفَعِي
جلب توجه (یا دیدار) تو را ای آقای من ای خدا و خوشنودی تو و سعادت خانه آخرت را، ای فاطمه (معصومه)
شفاعت کن

لِي فِي الْجَنَّةِ فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأْنًا مِنَ الشَّأْنِ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ اَنْ
برای من در بهشت که تو را در پیشگاه خداوند منزلتی بزرگ است خدایا از تو خواهم که
تَحْتِمَ لِي بِالسَّعَادَةِ، فَلَا تَسْلُبْ مِنِّيْ مَا اَنَا فِيهِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا
سرانجام کارم را به خوشبختی ختم فرمایی و از من نگیری آن (ایمان و معتقداتی) را که در آن هستم و جنبش و نیروی
جز

بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، اَللّٰهُمَّ اسْتَجِبْ لَنَا وَتَقَبَّلْهُ بِكَرَمِكَ وَعِزَّتِكَ، وَبِرَحْمَتِكَ
به خدای والای بزرگ نیست خدایا به اجابت رسان دعای ما را و بپذیر آنرا به بزرگواری و عزت و به مهر و عافیت
خودت

وَعَافِيَتِكَ، وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ، وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .
و درود خدا بر محمد و آلش و هم سلام مخصوص او بر ایشان باد ای مهربانترین مهربانان

دویم

امامزاده لازم التعظیم جناب شاهزاده عبدالعظیم که نسب شریفش به چهار واسطه به سبط جلیل حضرت خیرالوری
امام حسن مجتبی علیه السلام منتهی می شود بدین طریق عبدالعظیم بن عبدالله بن علی بن الحسن بن زید بن الحسن بن
علی بن ابیطالب علیهم السلام و قبر شریفش در ری معلوم و مشهور و ملاذ و معاذ عامه مخلوقست و علو مقام و جلالت
شان آن حضرت اظهر من الشمس است چه آن جناب بعلاوه آنکه از دودمان حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه و آله
است از اکابر محدثین و اعظام علماء و زهاد و عبّاد و صاحب ورع و تقوی است و از اصحاب حضرت جواد و حضرت
هادی علیهما السلام است و نهایت توسل و انقطاع به خدمت ایشان داشته و احادیث بسیار از ایشان روایت کرده و
اوست صاحب کتاب خطب امیرالمؤمنین علیه السلام و کتاب یوم و لیلة و اوست که دین خود را بر امام زمانش حضرت
هادی علیه السلام عرض کرد و حضرت تصدیق او نمود و فرمود «یا اَبَا الْقَاسِمِ، هَذَا وَاللّٰهُ دِينُ اللّٰهِ الَّذِي ارْتَضَاهُ لِعِبَادِهِ،
فَأَثْبَتْ عَلَيْهِ، ثَبَّتَكَ اللّٰهُ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ». و صاحب بن عبّاد رساله مختصره در احوال آن جناب نوشته که

شیخ ما مرحوم ثقة الاسلام نوري در خاتمه مستدرک آن را نقل فرموده و در آنجا و در رجال شیخ نجاشي است که حضرت عبدالعظیم از سلطان زمان خویش ترسید و گریخت و در شهرها گردش می کرد بعنوان آنکه قاصد و پیک است تا به ری آمد و مخفی شد در ساربانات و به روایت نجاشي در سردابی در خانه مردی از شیعیان در سکه الموالی و در آنجا عبادت خدا می کرد و روزها روزه می داشت و شبها به نماز می ایستاد و پنهان بیرون می آمد و زیارت می کرد قبری را که در مقابل قبر او است و راه در میان است و می گفت این قبر مردی از فرزندان حضرت امام موسی علیه السلام است و پیوسته در آنجا می بود و یک و دو از شیعه خبر می شدند از احوال او تا آنکه اکثر مردم ری او را شناختند پس شخصی از شیعه حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله را در خواب دید که فرمود مردی از فرزندان مرا از سکه الموالی برخواهند داشت و مدفون خواهند کرد نزد درخت سیب در باغ عبدالجبار بن عبدالوهاب و اشاره فرمود به همان مکان که در آنجا مدفون شد پس آن شخص رفت که آن درخت و مکان را از صاحب باغ بخرد صاحب باغ گفت از برای چه می خری این درخت و جای آن را آن شخص خواب خود را نقل کرد صاحب باغ گفت من نیز چنین خواب دیده ام و موضع این درخت را با جمیع باغ وقف کرده ام بر آن سید و سایر شیعیان که در آنجا مرده های خود را دفن کنند پس عبدالعظیم بیمار شد و به رحمت ایزدی واصل گشت چون او را برهنه کردند که غسل بدهند در جیش رقعهای یافتند که در آنجا نسب شریف خود را نوشته بود که منم ابوالقاسم عبدالعظیم پسر عبدالله پسر علی پسر حسن پسر زید پسر امام حسن پسر علی بن ابیطالب علیهم السلام و نیز صاحب بن عبّاد در وصف علم عبدالعظیم گفته که روایت کرده ابوتراب رویانی که گفت شنیدم از ابوحمّاد رازی که می گفت وارد شدم بر حضرت امام علی نقی علیه السلام در سرّ من رأی پس سؤال کردم از آن حضرت جمله ای از مسائل حلال و حرام خود و جواب فرمود مسائل مرا پس زمانی که وداع کردم با آن حضرت برای بیرون آمدن از آنجا حضرت با من فرمود ای حمّاد هرگاه مشکل شد بر تو چیزی از امور دینت در ناحیه خود یعنی در بلد ری پس سؤال کن آن را از عبدالعظیم بن عبدالله حسنی و سلام مرا به او برسان و محقق داماد در کتاب رواش گفته که احادیث بسیار در فضیلت زیارت عبدالعظیم روایت شده و وارد شده که هر که زیارت کند قبر او را بهشت بر او واجب شود و شیخ شهید ثانی قدس سره در حواشی خلاصه همین روایت را از بعض نسّابین نقل فرموده و ابن بابویه و ابن قولویه به سند معتبر روایت کرده اند که مردی از اهل ری به خدمت حضرت امام علی نقی علیه السلام رفت حضرت از او پرسید که کجا بودی عرض کرد که به زیارت امام حسین علیه السلام رفته بودم فرمود که اگر زیارت می کردی قبر عبدالعظیم را که نزد شماست هر آینه مثل کسی بودی که زیارت امام حسین علیه السلام کرده باشد فقیر گوید که علماء از برای آن بزرگوار زیارتی نقل نکردند مگر آنکه فخر المحققین آقا جمال الدین در مزار خود فرموده که زیارت آن حضرت به این نحو

مناسب است: اَلسَّلَامُ عَلَيَّ اَآدَمَ صَفْوَةِ اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيَّ نُوحَ نَبِيِّ اللّٰهِ،
* * * * * سلام بر آدم برگزیده خدا سلام بر نوح پیغمبر خدا
اَلسَّلَامُ عَلَيَّ اِبْرَاهِيْمَ خَلِيْلِ اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيَّ مُوسٰى كَلِيْمِ اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ
سلام بر ابراهيم خليل خدا سلام بر موسي هم سخن با خدا سلام
عَلَيَّ عِيسٰى رُوحِ اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
بر عيسي روح خدا سلام بر تو اي رسول خدا سلام بر تو اي
خَيْرَ خَلْقِ اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ
بهترين خلق خدا سلام بر تو اي برگزیده خدا سلام بر تو اي محمد بن
عَبْدِ اللّٰهِ خَاتِمَ النَّبِيِّينَ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَمِيْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلِيَّ بْنَ
عبدالله خاتم پیامبران سلام بر تو اي امير مؤمنان علي بن
اَبِيْطَالِبٍ وَصِيِّ رَسُوْلِ اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ
ابيطالب وصي رسول خدا سلام بر تو اي فاطمه بانوي زنان
الْعَالَمِيْنَ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا سِبْطَيِ الرَّحْمَةِ، وَسَيِّدَيِ شَبَابِ اَهْلِ
جهانيان سلام بر شما اي دو نوه (پيامبر) رحمت و دو آقاي جوانان اهل
الْجَنَّةِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ سَيِّدِ الْعَابِدِيْنَ، وَفُرَّةَ عَيْنِ
بهشت سلام بر تو اي علي بن الحسين آقاي عبادت کنندگان و نور چشم
النَّاطِرِيْنَ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، بِاَقْرِ الْعِلْمِ بَعْدَ النَّبِيِّ،
بينندگان سلام بر تو اي محمد بن علي شکافنده دانش پس از پيامبر خدا
اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصَّادِقَ الْبَارَّ الْاَمِيْنَ، اَلسَّلَامُ
سلام بر تو اي جعفر بن محمد آن امام راستگوي نيكوکار امانتدار سلام
عَلَيْكَ يَا مُوسٰى بْنَ جَعْفَرٍ، الطَّاهِرَ الطُّهْرَ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ
بر تو اي موسي بن جعفر پاك و پاكيزه سلام بر تو اي علي بن
مُوسٰى الرِّضَا الْمُرْتَضٰى، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ التَّقِيَّ،
موسي آن خوشنود (از حق و) پسندیده سلام بر تو اي محمد بن علي تقی
اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ التَّقِيَّ، النَّاصِحَ الْاَمِيْنَ، اَلسَّلَامُ

سلام بر تو ای علی بن محمد نقی آن خیر خواه امین سلام
عَلَيْكَ يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ، السَّلَامُ عَلَى الْوَصِيِّ مِنْ بَعْدِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
بر تو ای حسن بن علی سلام بر وصی پس از او خدایا درود فرست
عَلَى ثُورِكَ وَسِرَاجِكَ، وَوَلِيِّ وَلِيِّكَ، وَوَصِيِّ وَصِيِّكَ، وَحُجَّتِكَ عَلَيَّ
بر نور خود و چراغ تابناکت و نماینده نماینده ات و وصی وصی تو و حجت تو بر
خَلْقِكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّيِّدُ الزَّكِيُّ، وَالطَّاهِرُ الصَّقِيُّ، السَّلَامُ
آفریدگانت سلام بر تو ای آقای پاکیزه و پاک باصفا سلام
عَلَيْكَ يَا بْنَ السَّادَةِ الْأَطْهَارِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ الْمُصْطَفَيْنِ
بر تو ای فرزند آقایان پاک نهاد سلام بر تو ای فرزند برگزیدگان
الْأَخْيَارِ، السَّلَامُ عَلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ، وَ عَلَيَّ ذُرِّيَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ
نیکوکار سلام بر رسول خدا و بر فرزندان رسول خدا - و رحمت خدا
و بَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيَّ الْعَبْدِ الصَّالِحِ الْمُطِيعِ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ،
و برکاتش بر او باد - سلام بر بنده شایسته فرمانبردار خدا پروردگار جهانیان
و لِرَسُولِهِ وَلِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ ابْنَ السَّبْطِ
و فرمانبردار رسول او و امیرمؤمنان سلام بر تو ای ابالقاسم فرزند نوه
الْمُنْتَجَبِ الْمُجْتَبَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ بَزِيَارَتِهِ ثَوَابُ زِيَارَةِ سَيِّدِ
برگزیده (رسول خدا یعنی) حضرت مجتبی سلام بر تو ای کسی که با زیارت کردن تو ثواب زیارت حضرت سید
الشُّهَدَاءِ يُرْتَجَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ عَرَفَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ فِي الْجَنَّةِ،
الشهداء امید می رود سلام بر تو، خدا آشنایی برقرار کند میان ما و شما در بهشت
وَحَشَرَنَا فِي زُمْرَتِكُمْ، وَأَوْرَدَنَا حَوْضَ نَبِيِّكُمْ وَسَقَانَا بِكَأْسِ جَدُّكُمْ،
و محشور کند ما را در گروه شما و وارد کند ما را به حوض پیامبرتان و بنوشاند به ما از جام جد شما
مِنْ يَدِ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُرِينَا
از دست علی بن ابیطالب - دروذهای خدا بر شما باد - از خدا درخواست می کنم که بنمایاند
فِيكُمْ السُّرُورَ وَالْفَرَجَ، وَأَنْ يَجْمَعَنَا وَإِيَّاكُمْ فِي زُمْرَةِ جَدِّكُمْ مُحَمَّدٍ،
به ما خوشحالی و ظهور شما را و گردآورد ما و شما را در گروه جدتان محمد

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَنْ لَا يَسْلُبْنَا مَعْرِفَتَكُمْ إِنَّهُ وَلِيُّ قَدِيرٌ، أَتَقَرَّبُ
 صلي الله عليه و آله و نگيرد از ما معرفت شما را که براستی او سرپرست توانايي است تقرب جويم
 إِلَيَّ اللَّهُ بِحُبِّكُمْ، وَالْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ، وَالتَّسْلِيمِ إِلَيَّ اللَّهُ رَاضِيًا بِهِ
 بدرگاه خدا بوسيله دوستی شما و بيزاري جستن از دشمنان شما و تسليم بودن براي خدا با رضايتمندي بدو،
 غَيْرَ مُنْكَرٍ وَلَا مُسْتَكْبِرٍ، وَعَلَيَّ يَقِينٍ مَا أَتَى بِهِ مُحَمَّدٌ تَطْلُبُ بِذَلِكَ
 بدون انكار و گردنكشي و با يقين داشتن به درستی آنچه محمد(ص) آورده و مي جويم بدان توجه خاطر تو را
 وَجْهَكَ يَا سَيِّدِي، اَللَّهُمَّ وَرِضَاكَ وَالْدَّارَ الْآخِرَةَ، يَا سَيِّدِي وَابْنَ
 اي آقاي من، اي خدا و خوشنودي تو و سعادت خانه آخرت را، اي آقاي من و اي فرزند
 سَيِّدِي، اِشْفَعْ لِي فِي الْجَنَّةِ، فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأْنًا مِنَ الشَّأْنِ، اَللَّهُمَّ
 آقاي من شفاعت مرا درباره بهشت بفرما که براي تو در پيشگاه خدا منزلت و مقام مخصوصي است خدايا
 إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُخْتِمَ لِي بِالسَّعَادَةِ، فَلَا تَسْلُبْ مِنِّي مَا أَتَا فِيهِ، وَلَا
 من از تو درخواست مي کنم که سرانجام کار مرا به خوشبختي ختم فرمايي و نگيري از من آنچه را (از ايمان و معتقدات)
 حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، اَللَّهُمَّ اسْتَجِبْ لَنَا وَتَقَبَّلْهُ
 که در آن هستم و جنبش و نيرويي نيست جز به خدای والاي بزرگ خدايا مستجاب فرما دعاي ما را و بپذير
 بِكَرَمِكَ وَعِزَّتِكَ، وَبِرَحْمَتِكَ وَعَافِيَتِكَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
 آنرا به بزرگواري و عزت خود و به رحمت و عافيتت و درود خدا بر محمد و آلش
 أَجْمَعِينَ، وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. پس محقق مذکور فرموده که در

همگي و سلام مخصوصت اي مهربانترين مهربانان * * * * *

بعضي اخبار مذکور است که امامزاده عبدالعظيم در اوقات توقّف در رَي از منزل پنهان بيرون مي آمد و قبري که در
 مقابل قبر او است و راه در ميان است زيارت مي کرد و مي فرمود که اين قبر مردّي از اولاد موسي بن جعفرعليهما
 السلام است و الحال قبري در آنجا است که به امامزاده حمزه فرزند امام موسي عليه السلام منسوب است و ظاهر آن است
 که همان قبري باشد که امامزاده عبدالعظيم زيارت آن مي نمود انشاءالله او را نيز زيارت بايد نمود و همين زيارت را
 مي توان خواند و فقره «السلامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ» و فقره بعد از آن را نبايد خواند انتهي مخفي نماند که در صحن امامزاده
 حمزه قبر شيخ جليل سعيد قدوة المفسرين جمال الدين ابوالفتوح حسين بن علي خزاعي(ره) صاحب تفسير معروف است

باید آن جناب را زیارت نمود و همچنین از زیارت جناب شیخ صدوق رئیس المحدثین معروف به ابن بابویه که در نزدیکی بلد شاهزاده عبدالعظیم است غفلت نباید نمود .

مطلب سیم

در زیارت قبور مؤمنین رضی الله عنهم اجمعین است شیخ ثقه جلیل القدر جعفر بن قولویه قمی از عمرو بن عثمان رازی روایت کرده که گفت شنیدم از حضرت ابوالحسن موسی بن جعفر علیه السلام که می فرمود هر که قادر نباشد بر زیارت ما پس زیارت کند صلحاء از موالیان ما را تا نوشته شود برای او ثواب زیارت ما و کسی که قادر نباشد بر صله و نیکی به ما پس صله و نیکی کند با صالحان موالیان ما تا از برای او نوشته شود ثواب صله و نیکی به ما و نیز به سند صحیح روایت کرده از محمد بن احمد بن یحیی الأشعری که گفت من در فید که اسم منزلی است در طریق مکه با علی بن بلال روانه شدیم سر قبر محمد بن اسماعیل بن بزیع پس علی بن بلال برای من گفت که صاحب این قبر برای من روایت کرد از حضرت امام رضا علیه السلام که فرمودند هر که بیاید به نزد قبر برادر مؤمن خود و دست بر قبر گذارد و هفت مرتبه بخواند سوره انا انزلناه را این گردد در روز فرع اکبر یعنی از ترس بزرگ روز قیامت و در روایت دیگر مثل همین را نقل کرده مگر آنکه دارد و رو به قبله کند فقیر گوید این ایمن بودن که حدیث دلالت بر آن دارد ممکن است از برای خواننده باشد چنانچه ظاهر حدیث است و محتمل است که از برای صاحب قبر باشد چنانچه تأیید می کند آن را حدیثی که بعد از این از سید بن طاوس نقل می شود و نیز در کامل الزیارة به سند معتبر منقول است که عبدالرحمن بن ابی عبدالله به حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که چگونه بگذارم دست خود را بر قبور مسلمین پس حضرت بدست خود اشاره به زمین فرمود و دست را بر زمین گذاشت و خود مقابل قبله بودند و نیز به سند صحیح منقول است که عبدالله بن سنان به حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که چگونه سلام باید کرد بر اهل قبور فرمود که می گوئی:

السَّلَامُ عَلٰی أَهْلِ الدِّيَارِ مِنْ

* * * * * سلام بر اهل این دیار (خانه ها) از

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ، أَتُّمُّ لَنَا فَرَطٌ، وَنَحْنُ أَنْشَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ .

مؤمنین و مسلمانان شما پیشروان ما (در این راه) بودید و ما هم انشاء الله به شما ملحق خواهیم شد

و از حضرت امام حسین علیه السلام روایت شده که هر که داخل قبرستان شود و بگوید اَللّهُمَّ رَبِّ

* * * * *

* * * * * خدایا ای پروردگار

هذه الأرواح الفانیة، والأجساد البالیة، والعظام التَّخِرَة، الَّتِي

این روانهایی از دنیا رفته و پیکرهای پوسیده و استخوانهای متلاشی شده‌ای که

خَرَجَتْ مِنَ الدُّنْيَا وَهِيَ بِكَ مُؤَمَّنَةٌ، أَدْخِلْ عَلَيْهِمْ رَوْحاً مِنْكَ

از دنیا بیرون رفته‌اند در حال ایمان به تو بفرست بر آنها رحمت (و آمرزشی) از جانب خود

وَسَلَاماً مَّتًى. بنویسد حق تعالی از برای او حسنات بعدد خلق از زمان آدم تا قیام

و سلامی از من * * * * *

* * * * *

قیامت و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که هر که داخل قبرستان شود و بگوید

* * * * *

* * * * *

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، اَلَسَّلَامُ عَلَيَّ اَهْلٍ لَا اِلَهَ اِلَّا اللَّهُ، مِنْ اَهْلِ لَا

بنام خدای بخشاینده مهربان سلام بر اهل کلمه «لااله الا الله» از طرف اهل کلمه «لا

اِلَهَ اِلَّا اللَّهُ يَا اَهْلَ لَا اِلَهَ اِلَّا اللَّهُ، بِحَقِّ لَا اِلَهَ اِلَّا اللَّهُ، كَيْفَ وَجَدْتُمْ

اله الا الله» ای اهل «لااله الا الله» به حق این کلمه مقدسه «لااله الا الله» (آیا) چگونه یافتید (پاداش)

قَوْلَ لَا اِلَهَ اِلَّا اللَّهُ، مِنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللَّهُ، يَا لَا اِلَهَ اِلَّا اللَّهُ، بِحَقِّ لَا اِلَهَ اِلَّا

گفتار «لااله الا الله» را از خود کلمه مقدسه «لااله الا الله» ای که معبودی نیست جز خدا به حق این کلمه مقدسه

«لااله الا»

اللَّهُ، اغْفِرْ لِمَنْ قَالَ لَا اِلَهَ اِلَّا اللَّهُ، وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَةِ مَنْ قَالَ لَا اِلَهَ

الله» بیامرز هر که را که گوید «لااله الا الله» و محشور کن ما را در زمره گویندگان «لااله

اِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلَيَّ وَلِيِّ اللَّهِ حَقَّ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى ثَوَابُ پَنجاه سال

الا الله» محمد رسول الله، علی ولی الله * * * * *

عبادت برای او بنویسد و گناه پنجاه ساله را از او و پدر و مادرش محو گرداند و در روایت دیگر وارد شده که بهتر

سخنی که در قبرستان بگوئی چون از آنجا بگذری آن است که بایستی و بگوئی :

اَللّٰهُمَّ وَلِّهِمْ مَا تَوَلَّوْا، وَاحْشُرْهُمْ مَعَ مَنْ أَحَبَّوْا. وسید بن طاوس در مصباح

خدایا دوست آنها گردان هر که را دوست داشتند و محشورشان کن با هر کس که دوست داشتند * * * * *

* * * * *

الزائر گفته که چون قصد کنی زیارت مؤمنین را سزاوار است که روز پنجشنبه باشد و اگر نه هر وقت که خواستی و

کیفیت زیارت ایشان چنین است که رو به قبله کنی و بگذاری دست خود را بر قبر و بگویی :

اَللّٰهُمَّ ارْحَمْ غُرْبَتَهُ، وَصَلِّ وَحَدِّثْهُ، وَاَنْسُ وَحَشَّتْهُ، وَاَمِنْ رَوْعَتَهُ، وَاَسْكِنْ اِلَيْهِ

خدایا رحم کن به غربت او و برهان او را از تنهایی و انیس وحشت او باش و به پریشانی و هراسش ایمنی بخش و روان کن

مِنْ رَحْمَتِكَ رَحْمَةً يَسْتَعْنِي بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ، وَاَلْحِقْهُ بِمَنْ كَانَ يَتَوَلَّاهُ .

بسویش از رحمت خود مقداری که بی نیاز گردد به برکت آن از رحمت دیگری جز تو و ملحقش کن بهرکه دوستش دارد

پس می خوانی سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ رَاهِفَ مَرْتَبَةٍ و روایت شده در صفت زیارتشان و ثواب او حدیث دیگری از فضیل که

گفت هر که بخواند سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ را هفت مرتبه نزد قبر مؤمنی حق تعالی ملکی بسوی قبر او فرستد که عبادت کند

خدا را نزد قبر او و بنویسد حق تعالی از برای میت ثواب این عمل ملک را پس چون از قبرش مبعوث شود به هیچ

هولی از احوال قیامت نگذرد مگر آنکه حق تعالی بگرداند آن هول را از او به سبب آن ملک تا خدا او را داخل بهشت

گرداند و با هفت مرتبه اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ سوره حمد و دو سوره قُلْ اَعُوْذُ و قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ و آیه الکرسی را هر يك سه مرتبه

بخواند و نیز روایت شده در صفت زیارت آنها روایت دیگری از محمد بن مسلم که گفت به خدمت حضرت صادق علیه

السلام عرض کردم که مردگان را زیارت بکنیم فرمود بلی گفتیم آیا آنها می دانند که ما به زیارت آنها رفته ایم فرمود بلی

قسم به خدا می دانند و شاد می شوند و انس می گیرند به شما عرض کردم که چه بگوئیم وقتی که به زیارت ایشان برویم

فرمود بگو :

اَللّٰهُمَّ جَافِ الْاَرْضَ عَنْ جُنُوْبِهِمْ، وَصَاعِدِ اِلَيْكَ اَرْوَاحَهُمْ، وَلَقِّهِمْ

خدایا دور گردان زمین را از پهلوهایشان (یعنی نگاهشان دار از فشار قبر) و بالا بر به نزد خود روانها و ارواح ایشانرا

مِنْكَ رِضْوَانًا، وَاَسْكِنْ اِلَيْهِمْ مَنْ رَحْمَتِكَ مَا تَصِلُ بِهِ وَحَدِّثْهُمْ،

و از خوشنودی خودت به آنها بده و از رحمت خود به اندازه ای هم نشینشان کن که تنهاییشان را جبران کنی

وَتُوْنِسْ بِهِ وَحَشَّتْهُمْ، اِنَّكَ عَلِي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ. پس سید فرموده و در

و وحشتشان را به انس و آرامش مبدل کنی که راستی تو بر هر چیز توانایی * * * * *

* *

وقتی که بوده باشی بین قبرهای مؤمنین بخوان یازده مرتبه قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ را و هدیه کن آن را از برای ایشان به تحقیق

که روایت شده که حق تعالی به عدد مُردگان ثواب می دهد و در کامل الزیاره از حضرت صادق علیه السلام روایت شده

که فرمود مردگان را چون پیش از طلوع آفتاب زیارت کنید می شنوند و جواب می دهند شما را و اگر بعد از طلوع آفتاب زیارت کنید می شنوند و جواب نمی دهند و در دعوات راوندی حدیثی مرویست از حضرت رسول صلی الله علیه و آله در کراهت زیارت اموات در شب چنانچه فرمود حضرت بای ذر «وَلَا تُزْرَهُمْ أَحْيَانًا بِاللَّيْلِ» و در مجموعه شیخ شهید از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که هیچکس نمی گوید نزد قبر میتی سه مرتبه اَللّهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، اَنْ لَا تُعَذِّبَ هَذَا الْمَيِّتَ .

خدایا از تو خواهم به حق محمد و آل محمد که عذاب نکنی این مرده را

مگر آنکه خداوند تعالی دور گرداند از او عذاب را در روز قیامت از جامع الأخبار نقل است که بعضی از صحابه از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل کرده که آن حضرت فرمود هدیه بفرستید برای مردگان خود پس گفتیم که چیست هدیه مرده ها فرمود صدقه و دعا و فرمود ارواح مؤمنین می آیند هر جمعه به آسمان دنیا مقابل خانه ها و منزل های خود و فریاد می کنند هر يك از ایشان به آواز حزین با گریه، ای اهل من و اولاد من ای پدر من و مادر من و خویشان من مهربانی کنید بر ما به آنچه بود در دست ما و عذاب و حساب او بر ما است و نفعش برای غیر ما و هر يك فریاد می کنند خویشان خود را مهربانی کنید ما را بدرهمی یا به قرص نانی یا به جامه ای که خداوند پیوشاند شما را از جامه بهشت پس گریست رسول خدا صلی الله علیه و آله و گریه کردیم ما و آن جناب از زیادی گریستن قدرت بر سخن گفتن نداشت پس فرمود اینها برادران دینی شما ایند که خاک پوسیده شده اند بعد از سرور و نعمت پس ندا می کنند به عذاب و هلاکت بر جانهای خود و می گویند وای بر ما اگر اتفاق می کردیم آنچه را که در دست ما بود در طاعت و رضای خداوند محتاج نبودیم بسوی شما پس بر می گردند با حسرت و پشیمانی و فریاد می کنند زود بفرستید صدقه مردگان را و ایضاً از آن جناب روایت کرده که فرمود هر صدقه که برای مرده داده می شود می گیرد آن را ملکی در طبقی نور که درخشان است شعاع آن و می رسد به هفت آسمان پس می ایستد بر لب قبر و فریاد می کند «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الْقُبُورِ» اهل شما فرستادند این هدیه را بسوی شما پس آن را می گیرد و داخل در قبر خود می کند و به آن خوابگاهش فراخ می شود پس فرمود آگاه باشید هر کس مهربانی کند مرده را به صدقه پس برای او است نزد خداوند از اجر مانند اُحُد و می باشد روز قیامت در سایه عرش خدا روزی که نیست سایه جز سایه عرش خدا زنده و مرده نجات می یابند به این صدقه و حکایت شده که امیر خراسان را در خواب دیدند که می گفت بفرستید برای من آنچه را که می اندازید برای سگان خود که من محتاجم به آن و بدانکه زیارت قبور مؤمنین ثواب بسیار دارد و علاوه فواید عظیمه بر آن مترتب است باعث عبرت و آگاهی و زهد و بی میلی به دنیا و رغبت در آخرت می شود و در وقت اندوه بسیار و شادی بسیار باید به قبرستان رفت پس عاقل آنست که در قبرستان عبرت بگیرد از اموات تا حلاوت دنیا از دلش بیرون رود و شهد کالای

دنیوی در کامش تلخ شود و تفکر کند در فَنای دنیا و تقلب احوال آن و بخاطر بیاورد که او نیز عنقریب مثل ایشان خواهد گشت و دستش از عمل کوتاه و باعث عبرت دیگران شود .

(وَلَقَدْ أَجَادَ الشَّيْخُ النَّظَامِي فِي قَوْلِهِ)

زنده دلی در صف افسردگان

رفت همسایگی مُردگان

حرف فنا خواند ز هر لوح پاک

روح بقا جُست ز هر روح پاک

کارشناسی پی تفتیش حال

کرد از او بر سر راهی سؤال

کین همه از زنده رمیدن چرا است

رخت سوی مرده کشیدن چرا است

گفت پلیدان بمغاک اندرند

پاک نهادان تَه خاك اندرند

مرده دلانند بروی زمین

بهر چه با مُرده شوم همنشین

همدمی مرده دهد مردگی

صحبت افسرده دل افسردگی

زیر گل آنانکه پراکنده‌اند

گر چه بتن مرده بدل زنده‌اند

مرده دلی بود مرا پیش از این

بسته هر چون و چرا پیش از این

زنده شدم از نظر پاکشان

آب حیاتست مرا خاکشان

رُؤيَا أَنَّهُ أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ، يَا عِيسَى هَبْ لِي مِنْ

در حدیث است که خدای تعالی به عیسی علیه السلام وحی فرمود که ای عیسی به من واگذار کن از عَيْنِكَ الدَّمُوعَ، وَمِنْ قَلْبِكَ الْخُشُوعَ، وَاکْحُلْ عَيْنَيْكَ بِمِيلِ الْحُزْنِ إِذَا
چشم خود اشک را و از دلت فروتنی را و سرمه بکش به چشمانت با میل حزن و اندوه در آن هنگام
ضَحِكَ الْبَطَّالُونَ، وَتَمَّ عَلَي قُبُورِ الْأَمْوَاتِ، فَنَادَاهُمْ بِالصَّوْتِ الرَّفِيعِ،
که بختندند بیهوده گذرندگان عمر و بر سر قبور مردگان به ایست و آنان را با آواز بلند بخوان
لَعَلَّكَ تَأْخُذُ مَوْعِظَتَكَ مِنْهُمْ، وَقُلْ إِنِّي لَأَحِقُّ بِهِمْ فِي اللَّاحِقِينَ.

شاید پند خود را از آنان بگیری و با خود بگو من هم در زمره دیگران به آنها ملحق خواهم شد
تمام شد آنچه مقدر شده بود ثبت آن در این کتاب شریف در عَشِيَّةِ يَكْشَبُهُ دَهْمٌ ذِي الْقَعْدَةِ الْحَرَامِ سنه ۱۳۴۴ يك هزار
و سیصد و چهل و چهار شب ولادت با سعادت حضرت ثامن الائمه مولانا ابوالحسن الرضا صلوات الله علیه و چون در
این روز کاغذ فوت مادرم به من رسید از برادران ایمانی که از این کتاب منتفع می گردند التماس دعا و زیارت دارم و
برای آن مرحومه مغفوره و برای خودم و والدین در حیات و ممات والحمد لله اولاً و آخراً و صَلَّى اللهُ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ
الطَّاهِرِينَ نویسنده و مترجم نیز رجاء دعا دارند. «الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سَلَامٌ عَلَي عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى» چنین گوید این گنه کار
روسپاه عباس قَمِي عَفَى اللهُ عَنْهُ بعد از آنکه بعون الله تعالی کتاب مفاتیح الجنان را تألیف نمود و در اقطار منتشر گشت
بخاطرم رسید که در طبع دویم آن بر آن زیاد کنم دعای وداعی برای ماه رمضان و خطبه روز عید فطر و زیارت جامعه
ائمه المؤمنین و دعای «اللَّهُمَّ إِنِّي زُرْتُ هَذَا الْأَمَامَ» که در عقب زیارات خوانده می شود و زیارت وداعی که هر يك از
ائمه عليهم السلام را به آن وداع کنند و رُقعه ای که برای حاجت می نویسند و دعائی که در غیبت امام عصر عجل الله
فرجه باید خوانده شود و آداب زیارت به نیابت بواسطه کثرت حاجت به اینها لکن دیدم هرگاه این کار را کنم فتح بابی
شود برای تصرف در کتاب مفاتیح و بسا شود بعضی از فضولان بعد از این در آن کتاب بعضی از ادعیه دیگر بیفزایند یا از آن
کم کنند و به اسم مفاتیح الجنان در میان مردم رواج دهند چنانکه در مفتاح الجنان مشاهده می شود لاجرم کتاب را به
همان حال خود گذاشتم و این هشت مطلب را بعد از تمام شدن مفاتیح ملحق به آن نمودم و به لعنت خداوند قَهَّار و نفرین
رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام واگذار و حواله نمودم کسی را که در مفاتیح تصرف کند اینک
شروع کنیم به ذکر آن هشت مطلب اول دعای وداع ماه مبارک رمضان است شیخ کلینی رضوان الله علیه در کتاب کافی
روایت کرده از ابوبصیر از حضرت صادق علیه السلام این دعا را برای وداع ماه رمضان اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ،
* * * * * خدایا تو فرمودی در قرآنت که نازل فرمودی :

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ، وَهَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ وَقَدْ تَصَرَّمْ،

«ماه رمضانی که نازل شد در آن ماه قرآن» و این ماه رمضان است که گذشت
فَاسْئَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَكَلِمَاتِكَ الثَّامَّةِ، إِنْ كَانَ بَقِيَ عَلَيَّ ذَنْبٌ لَمْ
پس از تو خواهم به ذات بزرگواریت و کلمات تامه و کاملت که اگر گناهی به گردن من باقی مانده
تَغْفِرْهُ لِي، أَوْ تُرِيدُ أَنْ تُعَذِّبَنِي عَلَيْهِ، أَوْ تُقَاسِسَنِي بِهِ أَنْ [لا] يَطْلُعَ فَجَرُ
که آنرا نیامرزیده‌ای یا می‌خواهی مرا به جرم آن عذاب کنی یا بدان مرا بسنجی (می‌خواهم) که طلوع نکند سپیده‌دم
هَذِهِ اللَّيْلَةِ، أَوْ يَتَصَرَّمَ هَذَا الشَّهْرُ إِلَّا وَقَدْ غَفَرْتَهُ لِي، يَا أَرْحَمَ
این شب یا بگذرد این ماه جز آنکه آمرزیده باشی آنرا از من ای مهربانترین
الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بِمَحَامِدِكَ كُلِّهَا، أَوَّلِهَا وَآخِرِهَا، مَا قُلْتُ
مهربانان خدایا ستایش تو را است به همه ستایش‌هایت آغازش و انجامش چه آن ستایشهایی که
لِنَفْسِكَ مِنْهَا، وَمَا قَالَ الْخَلَّائِقُ الْحَامِدُونَ الْمُجْتَهِدُونَ، الْمَعْدُودُونَ
خودت برای ذات خود بیان کرده‌ای و چه آنها که آفریدگان ستایش‌کننده و کوشا و معدودی
الْمُوقِرُونَ ذِكْرَكَ وَالشُّكْرَ لَكَ، الَّذِينَ أَعْتَنَتْهُمْ عَلَيَّ آدَاءِ حَقِّكَ مِنْ
که بسیار یاد تو کنند و سیاست گزارند به زبان آرند آنانکه یاریشان کردی بر ادای حق خود از
أَصْنَافِ خَلْقِكَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ، وَالنَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ
طبقات مختلف آفریدگانت از فرشتگان مقرب و پیمبران و مرسلین
وَأَصْنَافِ النَّاطِقِينَ وَالْمُسَبِّحِينَ لَكَ مِنْ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ، عَلَيَّ أَثَرُكَ
و طبقات دیگر از گویندگان و تسبیح‌کنندگان از همه مردم عالم (ستایشت کنم) بر اینکه
بَلَّغْتَنَا شَهْرَ رَمَضَانَ وَعَلَيْنَا مِنْ نِعَمِكَ وَعِنْدَنَا مِنْ قِسْمِكَ
ما را به ماه رمضان رساندی و ما در زیر بار نعمتهای تو بودیم و در نزد ما بود بهره‌های تو
وإِحْسَانِكَ، وَتَظَاهَرِ امْتِنَانِكَ، فَبِذَلِكَ لَكَ مُنْتَهَى الْحَمْدِ، الْخَالِدِ
و احسانت و منت‌های پی در پیت و به همین جهت تو را ستایش کنم به آخرین حد ستایش ستایشی جاویدان
الدَّائِمِ الرَّائِدِ الْمُخَلَّدِ السَّرْمَدِ الَّذِي لَا يَنْقُذُ طُولَ الْأَبَدِ، جَلَّ ثَنَاتُكَ
و دائمی و ماندنی و همیشگی و بی‌حد و انتهایی که تا ابد پایان نداشته باشد، براستی که برجسته است ثنای تو
أَعْتَنَّا عَلَيْهِ، حَتَّى قَضَيْتَ عَنَّا صِيَامَهُ وَقِيَامَهُ مِنْ صَلَوةٍ، وَمَا كَانَ مِنَّا
که ما را یاری کردی بر انجام فرائض این ماه تا بخوبی گذراندی از ما روزه و نمازش را و همچنین اعمال نیک دیگری که

فِيهِ مِنْ بَرٍّ أَوْ شَكْرٍ أَوْ ذِكْرٍ، اَللّٰهُمَّ فَتَقَبَّلْهُ مِنَّا بِاَحْسَنِ قَبُولِكَ،

در این ماه از ما سر زد از نیکوکاری یا سپاسگزاری یا ذکر خدا یا پس آنها را بپذیر از ما به بهترین پذیرش خود

وَتَجَاوَزِكَ وَعَفْوِكَ وَصَفْحِكَ وَغُفْرَانِكَ، وَحَقِيقَةِ رِضْوَانِكَ، حَتَّى

و بهترین گذشت و عفو و چشم پوشی و آمرزش و حقیقت خوشنودیت تا به حدی که

تُظْفَرْنَا فِيهِ بِكُلِّ خَيْرٍ مَطْلُوبٍ، وَجَزِيلٍ عَطَاءٍ مُوْهُوبٍ، وَتُوقِنَا فِيهِ

برسانی ما را در این ماه به هر خوبی و خیری که مطلوب ما است و به عطای شایانی که ببخشی و نگاهمان داری در آن

مِنْ كُلِّ مَرْهُوبٍ، أَوْ بَلَاءٍ مَجْلُوبٍ، أَوْ ذَنْبٍ مَكْسُوبٍ، اَللّٰهُمَّ اِنِّي

از هر چیز هراسناک یا بلایی که بر سرمان آید یا گناهی که بهم رسد خدایا از تو خواهم

اَسْئَلُكَ بِعَظِيمٍ مَا سَأَلْتُكَ بِهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ مِنْ كَرِيمٍ اَسْمَائِكَ

به بزرگترین چیزی که یکی از آفریدگانت از تو درخواست کنند از نامهای

وَجَمِيلٍ ثَنَائِكَ، وَخَاصَّةٍ دُعَائِكَ، اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

بزرگواریت و از ثنای برجستهات و از دعای مخصوصت که درود فرستی بر محمد و آل محمد

وَأَنْ تَجْعَلَ شَهْرَنَا هَذَا أَعْظَمَ شَهْرِ رَمَضَانَ مَرَّةً عَلَيْنَا، مُنْذُ انْزَلْتَنَا اِلَيْ

و دیگر آنکه بگردانی این ماه رمضان را بزرگترین ماه رمضانی که بر ما گذشته است از آن روزی که ما را به این

الدُّنْيَا بَرَكَةً فِي عِصْمَةِ دِينِي، وَخَلَاصِ نَفْسِي، وَقَضَاءِ حَوَائِجِي،

دنیا آوردهای تاکنون از این نظر که آنرا برکتی قرار دهی در ضمن نگهداری دینم و رهایی خودم (از دوزخ)

وَتُسْقِئَنِي فِي مَسَائِلِي وَتَمَامِ النُّعْمَةِ عَلَيَّ، وَصَرْفِ السُّوءِ عَنِّي،

و برآوردن حاجاتم و دیگر آنکه شفاعتم را بپذیری در خواسته هایم و کامل کردن نعمت را بر من

وَلِبَاسِ الْعَافِيَةِ لِي فِيهِ، وَأَنْ تَجْعَلَ لِي بِرَحْمَتِكَ مَمْنٌ خَرْتُ لَهُ لَيْلَةً

و گرداندن بدی را از من و پوشاندن لباس عافیت را در این ماه بر من و مرا به رحمت خود از آن کسانی قرار دهی که

شب

الْقَدَرِ، وَجَعَلْتَهَا لَهُ خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرِ فِي أَعْظَمِ الْأَجْرِ، وَكَرَائِمِ

قدر را که بهتر از هزار ماه گردانیدی برای آنها اختیار کرده ای در بزرگترین پاداش و گرامی ترین

الدُّخْرِ، وَحُسْنِ الشُّكْرِ، وَطُولِ الْعُمْرِ، وَدَوَامِ الْيُسْرِ، اَللّٰهُمَّ وَاسْئَلُكَ

ذخائر و سپاسگزاری نیک و طول عمر و آسودگی همیشگی خدایا و از تو خواهم

بِرَحْمَتِكَ وَطَوْلِكَ وَعَفْوِكَ، وَنِعْمَانِكَ وَجَلَالِكَ، وَقَدِيمِ إِحْسَانِكَ
به رحمت و به بخشش و گذشت و نعمتهای (بسیار) و جلال و احسان دیرینه
و اَمْتِنَانِكَ، أَنْ لَا تَجْعَلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنَّا لِشَهْرِ رَمَضَانَ حَتَّى تُبَلِّغَنَا
و منت گذاریت که این ماه را آخرین ماه رمضان ما قرار ندهی تا اینکه برسانی ما را
مِنْ قَابِلٍ عَلَيَّ أَحْسَنَ حَالٍ، وَتُعَرِّفَنِي هِلَالَهُ مَعَ النَّاطِرِينَ إِلَيْهِ،
بدان در سال آینده به بهترین حال و نشان دهی به من ماه نو این ماه را به همراه بینندگان آن
وَالْمُعْتَرِفِينَ لَهُ فِي آعْفِي عَافِيَتِكَ، وَأَنْعَمِ نِعْمَتِكَ، وَأَوْسَعِ رَحْمَتِكَ،
و اعتراف کنندگان به حق آن در بهترین عافیت و تندرستی که به من داده و کاملترین نعمت و فراخترین رحمت
وَأَجْزَلِ قِسْمِكَ، يَا رَبِّي الَّذِي لَيْسَ لِي رَبٌّ غَيْرُهُ، لَا يَكُونُ هَذَا
و شایاترین بهره‌هایت ای پروردگار من که جز او پروردگاری ندارم چنان نباشد که این
الْوَدَاعُ مِنِّي لَهُ وَدَاعٌ فَنَاءٌ، وَلَا آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِلْقَاءِ، حَتَّى تُرِيَنِي مِنْ
وداعی که من از این ماه می‌کنم وداع فنا و مرگ من و آخرین بار دیدار من از این ماه باشد بلکه در سال آینده نیز
آنانرا
قَابِلٍ فِي أَوْسَعِ النُّعْمِ، وَأَفْضَلِ الرَّجَاءِ، وَأَنَا لَكَ عَلَيَّ أَحْسَنُ الْوَفَاءِ،
به ما بنمایان در فراخترین نعمتها و بهترین امیدها و در حالی که من (نسبت به تو) وفادارتر باشم
إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ، اَللّٰهُمَّ اسْمَعْ دُعَائِي، وَارْحَمْ تَضَرُّعِي وَتَذَلُّلِي
که برستی تویی شنوای دعاها خدایا دعایم را اجابت کن و به تضرع و زاری و خواریم
لَكَ، وَاسْتِكَائِي وَتَوَكُّلِي عَلَيْكَ، وَأَنَا لَكَ مُسَلِّمٌ، لَا أَرْجُو نَجَاحاً وَلَا
در برابرت و مستمندی و توکلی که بر تو دارم رحم کن و من تسلیم جناب توام که امید ندارم به موفقیت
مُعَافَاةً وَلَا تَشْرِيفاً، وَلَا تَبْلِيغاً إِلَّا بِكَ وَمِنْكَ، وَامْنٌ عَلَيَّ جَلَّ ثَنَاؤُكَ،
و تندرستی و نه به شرافت و مقامی برسم جز بوسیله تو و از جانب تو و منت نه بر من - ای که ثنایت
وَقَدَسَتْ أَسْمَائُكَ، بِتَبْلِيغِي شَهْرَ رَمَضَانَ وَأَنَا مُعَافٍ مِنْ كُلِّ مَكْرُوهِ
برجسته و نامهایت منزّه است - باینکه برسانی مرا به ماه رمضان در حالی که سالم باشم از هر ناراحتی
وَمَحْذُورٍ مِنْ جَمِيعِ الْبَوَائِقِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَعَانَنَا عَلَيَّ صِيَامِ هَذَا
و گرفتاری و از تمام ناگواریها و ناملایمات ستایش خدایی را که کمک داد ما را بر روزه این

الشَّهْرِ وَقِيَامِهِ، حَتَّى بَلَغَتِ آخِرَ لَيْلَةٍ مِنْهُ. دُوَيْمِ خطبه روز عید فطر است که

ماه و نماز و عبادتش تا مرا به آخرین شبش رسانید * * * * *

امام جماعت بعد از بجا آوردن نماز عید می خواند و آن به نحوی که شیخ صدوق در

* * * * *
* * * * *

کتاب مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيهَ از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نقل فرموده چنین است الْحَمْدُ

* * * * *
* * * * * ستایش

لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ، وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ، ثُمَّ

خاص خدایی است که آسمانها و زمین را آفرید و تاریکیها و نور را مقرر فرمود

الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ، لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ شَيْئًا، وَلَا تَتَّخِذْ مِنْ دُونِهِ

و با این حال آنکه کافر شدند به پروردگار خویش (غیر او را) با او برابر می کنند ما هیچ چیزی را شریک او نساژیم و
جز او

وَلِيًّا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ، وَلَهُ

کسی را برای خود سرپرست نگیریم و ستایش خاص خدایی است که از او است آنچه در آسمانها است و آنچه در زمین
است و در

الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ، وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ، يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا

آخرت نیز ستایش خاص او است و او فرزانه و آگاه است می داند آنچه را در زمین فرو رود و آنچه

يَخْرُجُ مِنْهَا، وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا، وَهُوَ الرَّحِيمُ

از آن برون آید و آنچه از آسمان فرود آید و آنچه در آن بالا رود و او است مهربان

الْعَفُورُ، كَذَلِكَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَهِي الْمَصِيرُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

و آمرزنده این چنین است خدا که معبودی جز او نیست و بسوی او است بازگشت و ستایش خاص خدایی است که

يُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ، إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَوُّفٌ

نگهدارد آسمان را از اینکه بر زمین افتد جز به اذن او که همانا خداوند به مردم پرمهر

رَحِيمٌ، اللَّهُمَّ ارْحَمْنَا بِرَحْمَتِكَ وَاعْمُمْنا بِمَغْفِرَتِكَ، إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيُّ

و رحيم است خدايا به ما رحم كن به رحمت خودت و فراگير ما را به آمرزشت كه براستی تو والا
الْكَبِيرُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا مَقْنُوطُ مِنْ رَحْمَتِهِ، وَلَا مَحْلُوطٌ مِنْ نِعْمَتِهِ،
و بزرگي ستايش خدایي را كه كسي نه از رحمتش نوميد است و نه از نعمتش محروم
وَلَا مُؤَيِّسٌ مِنْ رَوْحِهِ، وَلَا مُسْتَنْكَفٌ عَنْ عِبَادَتِهِ، الَّذِي بِكَلِمَتِهِ قَامَتِ
و نه از مهرش مأیوس و نه از پرستشش (در عالم تكوين) روگردان است آنكه به فرمانش برپا شد
السَّمَوَاتُ السَّبْعُ، وَاسْتَقَرَّتِ الْأَرْضُ الْمِهَادُ، وَتَبَتَّتِ الْجِبَالُ
آسمانهاي هفتگانه و پابرجا گشت زمین گسترده و مستقر شد كوههاي
الرَّوَّاسِي، وَجَرَّتِ الرِّيَّاحُ اللَّوَّاقِحُ، وَسَارَ فِي جَوِّ السَّمَاءِ السَّحَابُ،
سخت بنیان و روان گشت بادهاي آبتن كننده و به سير و حركت درآمد در فضاي آسمان ابرها
وَقَامَتِ عَلَي حُدُودِهَا الْبِحَارُ، وَهُوَ إِلَهُ لَهَا، وَقَاهِرٌ يَذِلُّ لَهُ
و ایستاد بر سر مرز خود درياها و او است معبود آنها و او است قاهري كه خوارند در برابرش
الْمُتَعَزِّزُونَ، وَيَتَضَائِلُ لَهُ الْمُتَكَبِّرُونَ وَيَدِينُ لَهُ طَوْعاً وَكَرْهاً
عزت طلبان و ناچيزند در پيش او بزرگمنشان و پيرو فرمان اويند خواه و ناخواه
الْعَالِمُونَ، نَحْمَدُهُ كَمَا حَمِدَ نَفْسُهُ وَكَمَا هُوَ أَهْلُهُ، وَنَسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ
جهانيان ستايشش كنيم چنانچه او خود را ستوده و چنانچه شايسته آنست و از او كمك خواهيم و آمرزش جوييم
وَنَسْتَهْدِيهِ، وَنَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، يَعْلَمُ مَا
و راهنمائي جوييم و گواهي دهيم كه نيست معبودي جز خدایي يگانهاي كه شريك ندارد مي داند آنچه را
تُخْفِي النَّفُوسُ وَمَا تُجِنُّ الْبِحَارُ، وَمَا تَوَارِي مِنْهُ ظُلْمَةٌ، وَلَا تَغِيبُ
پنهان كنند دها و آنچه را بيوشانند (در قعر خود) درياها و در پرده نكند از او چيزي را تاريكي، و پنهان نشود
عَنْهُ غَائِبَةٌ، وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ مِنْ شَجَرَةٍ، وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلْمَةٍ إِلَّا
از او هيچ غايبي و نيافتد برگي از درخت و نه دانه اي در تاريكي جز آنكه
يَعْلَمُهَا، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ، وَيَعْلَمُ
آنها مي داند معبودي نيست جز او و هيچ تر و خشكي نيست جز آنكه در دفتري روشن ثبت است و مي داند
مَا يَعْمَلُ الْعَامِلُونَ، وَأَيُّ مَجْرِيَّ يَجْرُونَ وَإِلَى أَيِّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ،
هر كاري را كه كسي انجام دهد و به چه راهي مي روند و بسوي چه سرمنزلي بازگردند

وَسْتَهْدِي اللَّهَ بِالْهَدْيِ، وَتَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ إِلَى
و از خدا راهنمایی جوییم و گواهی دهیم که همانا محمد بنده و پیامبر و رسول او است بسوی
خَلْقِهِ، وَآمِنُهُ عَلَى وَحْيِهِ، وَأَنَّهُ قَدْ بَلَغَ رِسَالَاتِ رَبِّهِ، وَجَاهِدَ فِي اللَّهِ
آفریدگانش و امین او است بر وحیش و براستی او رسانید رسالتها (و پیامها) ی پروردگارش را و جهاد کرد در راه خدا
الْحَائِدِينَ، عَنْهُ الْعَادِلِينَ بِهِ، وَعَبَدَ اللَّهَ حَتَّى آتَيْهُ الْيَقِينُ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
با کسانی که از او روگردانند و دیگری را با او برابر کردند، و پرستید خدا را تا دم مرگ - درود خدا بر او
وَالِهِ وَ سَلَّمَ، أَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ الَّذِي لَا تَبْرَحُ مِنْهُ نِعْمَةٌ، وَلَا تَنْفَدُ
و آتش باد - سفارش می کنم شما را به پرهیزکاری و ترس از خدایی که همیشه نعمتش بوده، و پایان نپذیرد
مِنْهُ رَحْمَةٌ، وَلَا يَسْتَعْنِي الْعِبَادُ عَنْهُ، وَلَا يَجْزِي أُنْعَمُهُ الْأَعْمَالُ، الَّذِي
مهرش و هرگز بندگان از او بی نیاز نشوند و اعمال بندگان پاداش نعمتهای او نگردد آن خدایی که
رَغَبَ فِي التَّقْوَى، وَزَهَّدَ فِي الدُّنْيَا، وَحَذَرَ الْمَعَاصِي، وَتَعَزَّزَ بِالْبَقَاءِ
مردم را به پرهیزکاری ترغیب کرده و به زهد و پارسایی در دنیا واداشته و از نافرمانیها برحذر داشته و به بقای همیشگی
وَذَلَّلَ خَلْقَهُ بِالْمَوْتِ وَالْفَنَاءِ، وَالْمَوْتُ غَايَةُ الْمَخْلُوقِينَ وَسَبِيلُ
عزیز گشته و مخلوق خود را بوسیله مرگ و نابودی خوار کرده، و مرگ است سرانجام همه مخلوق و راهی که
الْعَالَمِينَ، وَمَعْقُودُ بِنَوَاصِي الْبَاقِينَ، لَا يُعْجِزُهُ إِبَاقُ الْهَارِبِينَ، وَعِنْدَ
همه جهانیان باید آنرا طی کنند و نقش بسته بر پیشانی بازماندگان که در مانده اش نکند فرار کردن فراریان و چون
حُلُولِهِ يَأْسِرُ أَهْلَ الْهَوَى، يَهْدِمُ كُلَّ لَذَّةٍ، وَيُزِيلُ كُلَّ نِعْمَةٍ، وَيَقْطَعُ كُلَّ
فرارسد مردم هواپرست را گرفتار کند و فرو ریزد بنای هر لذت و خوشی را و بگیرد هر نعمتی را و جدا کند از انسان
بِهَجَةٍ، وَالدُّنْيَا دَارُ كَتَبَ اللَّهُ لَهَا الْفَنَاءَ، وَلِأَهْلِهَا مِنْهَا الْجَلَاءَ، فَكَثَرَهُمْ
هر نشاط و خرمی را و دنیا خانه ای است که خداوند فنا و نیستی را برای آن و کوچ کردن را برای مردم آن مقرر داشته
ولی بیشتر آنها
يُنَوِي بَقَائَهَا، وَيُعْظِمُ بَنَائَهَا، وَهِيَ حُلُوءٌ خَضِرَةٌ قَدْ عَجَّلَتْ لِلطَّالِبِ،
قصد ماندن آنرا دارند و بنای آنرا بزرگ دانند و دنیا (در نظر اهلش) شیرین و سرسبز است که شتابان به سراغ
خواهانش آید
وَالْتَبَسَتْ بِقَلْبِ النََّاظِرِ، وَتُضْنَى ذَا الشَّرْوَةِ الضَّعِيفِ، وَيَجْتَوِيهَا

و بدل بیننده فریبنده آید، دیدن وضع توانگران ناتوانان را به حال نزاری و یأس اندازد
 الْخَائِفُ الْوَجِلُ، فَارْتَحِلُوا مِنْهَا يَرْحَمُكُمُ اللَّهُ بِأَحْسَنِ مَا بَحَضَرْتَكُمْ،
 و شخص ترسان و اندیشناک وضع آنرا خوش ندارد پس کوچ کنید از آن - خدایتان رحمت کند - با در دست داشتن
 بهترین

وَلَا تَطْلُبُوا مِنْهَا أَكْثَرَ مِنَ الْقَلِيلِ، وَلَا تَسْأَلُوا مِنْهَا فَوْقَ الْكَفَافِ،
 توشه‌ای که از آن دارید و بیش از مقدار اندکی از آن نجوئید و زیاده از آنچه کفایت زندگی را کند نخواهید
 وَارْضَوْا مِنْهَا بِالْيُسْرِ، وَلَا تَمُدَّنْ أَعْيُنَكُمْ مِنْهَا إِلَى مَا مُتَّعَ الْمُتْرَفُونَ
 و به چیز کمی از آن قانع شوید و ندوزید چشمان خود را بدانچه خوشگذرانها از آن بهره گیرند
 بِهِ، وَاسْتَهْنُوا بِهَا، وَلَا تُؤْطِئُوهَا، وَأَضِرُّوا بِأَنْفُسِكُمْ فِيهَا، وَإِيَّاكُمْ
 و آن را سبک دانید و کوچک شمارید و آن را وطن خود قرار ندهید (و دل به آن نبندید) خود را در این دنیا (با تحمل
 سختی

وَالْتَنَعَمَ وَالتَّلَهَّى وَالْفَاكِهَاتِ، فَإِنَّ فِي ذَلِكَ غَفْلَةً وَاغْتِرَارًا، أَلَا إِنَّ
 عباد و ترك شهوات) به تعب و زیان اندازید، و حذر کنید از خوشگذرانی و سرگرمی و فکاهیات زیرا که آنها غفلت
 الدُّنْيَا قَدْ تَنَكَّرَتْ وَأَدْبَرَتْ وَأَحْلَوْتُ وَأَذْنَتْ بِوَدَاعِ أَلَا وَإِنَّ الْآخِرَةَ
 و غرور بیار آرد، آگاه باشید که دنیا (با همه فریبندگی‌ش) خود را به بیگانگی زده و پشت کرده و شیرین گشته و اعلام
 وداع کرده، آگاه

قَدْ رَحَلَتْ فَأَقْبَلَتْ وَأَشْرَفَتْ، وَأَذْنَتْ بِاطِّلَاعِ، أَلَا وَإِنَّ الْمِضْمَارَ الْيَوْمَ
 باشید که آخرت (بسوی شما) حرکت کرده و می‌آید و نزدیک شده و اعلام ورود کرده، آگاه باشید که میدان مسابقه (یا
 وَالسَّبَاقَ غَدًا، أَلَا وَإِنَّ السُّبْقَةَ الْجَنَّةَ، وَالْغَايَةَ النَّارَ، أَلَا أَفَلَا تَأْتِبُ مِنْ
 مدت آمادگی برای مسابقه) امروز و خود مسابقه فردا است، آگاه‌باشید که برد این مسابقه بهشت است و عقب مانده
 جایش دوزخ است، پس

خَطِئْتَهُ قَبْلَ يَوْمٍ مَنِيتِهِ، أَلَا عَامِلٌ لِنَفْسِهِ قَبْلَ يَوْمِ بُؤْسِهِ وَفَقْرِهِ، جَعَلْنَا
 آیا کسی نیست که از خطایش توبه کند پیش از رسیدن روز مرگش؟ آیا کسی نیست که برای خود کار کند پیش از روز
 سختی و بیچارگی‌ش

اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ مِمَّنْ يَخَافُهُ وَيَرْجُو ثَوَابَهُ، أَلَا إِنَّ هَذَا الْيَوْمَ يَوْمٌ جَعَلَهُ اللَّهُ

خداوند ما و شما را از کسانی قرار دهد که از او می ترسند و امید پاداشش را دارند بدانید که امروز روزی است که خداوند

لَكُمْ عِيدًا، وَجَعَلَكُمْ لَهُ أَهْلًا، فَادْكُرُوا اللَّهَ يَذْكُرْكُمْ، وَادْعُوهُ يُسْتَجِبْ

آن را برای شما عید قرار داده و شما را شایسته آن گردانید پس یاد خدا کنید تا خدا نیز یاد شما کند و او را بخوانید تا اجابت

لَكُمْ وَأَدُّوا فِطْرَتَكُمْ فَإِنَّهَا سُنَّةُ نَبِيِّكُمْ، وَفَرِيضَةٌ وَاجِبَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ،

کند و زکات فطره خود را بپردازید زیرا که آن سنت پیغمبر شما و فریضه واجبی است از پروردگارتان

فَلْيُؤَدِّهَا كُلُّ أَمْرٍ مِنْكُمْ عَنْ نَفْسِهِ، وَعَنْ عِيَالِهِ كُلِّهِمْ، ذَكَرَهُمْ وَأُثْنَاهُمْ،

پس بپردازد هر يك از شما برای خودش و برای ناخوارانش همه شان مرد و زنشان

وَصَغِيرِهِمْ وَكَبِيرِهِمْ، وَحُرِّهِمْ وَمَمْلُوكِهِمْ، عَنْ كُلِّ إِنْسانٍ مِنْهُمْ، صَاعًا

از کوچک و بزرگشان و آزاد و برده شان از هر سَری يك صاع (که تقریباً سه کیلو است)

مِنْ بُرٍّ، أَوْ صَاعًا مِنْ تَمْرٍ، أَوْ صَاعًا مِنْ شَعِيرٍ، وَأَطِيعُوا اللَّهَ فِيمَا فَرَضَ

از گندم یا يك صاع از خرما یا يك صاع از جو و پیروی کنید خدا را در آنچه بر شما واجب کرده

عَلَيْكُمْ وَأَمْرَكُمْ بِهِ، مِنْ إِقَامِ الصَّلَاةِ، وَإِتْيَاءِ الزَّكَاةِ، وَحَجِّ الْبَيْتِ،

و شما را بدان دستور داده است از برپاداشتن نماز و دادن زکات و حج خانه کعبه

وَصَوْمِ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ، وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ،

و روزه ماه رمضان و امر به معروف و نهی از منکر

وَالْإِحْسَانِ إِلَى نِسَائِكُمْ، وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ، وَأَطِيعُوا اللَّهَ فِيمَا

و نیکی کردن نسبت به زنان و نسبت به زیر دستانتان (از برده ها) و پیروی کنید خدا را در آنچه

نَهَاكُمْ عَنْهُ مِنْ قَذْفِ الْمُحْصَنَاتِ، وَإِثْيَانِ الْفَاحِشَةِ، وَشُرْبِ الْخَمْرِ،

شما را از آن بازداشته از تهمت زدن به زنان پاکدامن و بی عفتی و هرزگی کردن و می گساری

وَبَخْسِ الْمَكْيَالِ، وَنَقْصِ الْمِيزَانِ، وَشَهَادَةِ الزُّورِ، وَالْفِرَارِ مِنَ

و کم فروشی با پیمانه و ترازو و شهادت ناحق دادن و گریختن از

الزَّحْفِ، عَصَمَنَا اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ بِالتَّقْوَى، وَجَعَلَ الْآخِرَةَ خَيْرًا لَنَا وَلَكُمْ

جهاد با دشمن، خداوند ما و شما را بوسیله تقوا نگاه دارد و بگرداند منزل آخرت را برای ما و شما بهتر

مِنَ الْأُولَى، إِنَّ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ وَأَبْلَغَ مَوْعِظَةِ الْمُتَّقِينَ، كِتَابُ اللَّهِ

از منزل دنیا براستی که بهترین سخن و رساترین پند برای پرهیزکاران کتاب خداوند

الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ، أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ،

نیرومند فرزانه است، پناه برم به خدا از شیطان رانده (درگاه حق) به نام خدای بخشاینده مهربان

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، اللَّهُ الصَّمَدُ، لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ.

بگو او خدای یگانه است خدای بی خلل است که نزاده و زائیده نشده و نیست برایش همتائی هیچکس

پس می نشیند اندکی بعد از فراغ از خطبه مانند کسی که تعجیل داشته باشد پس برمی خیزد و خطبه دویم را می خواند و

آن همان خطبه ای است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در روز جمعه بعد از نشستن و برخاستن از خطبه اول

می خواندند و آن خطبه چنین است :

الْحَمْدُ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَنُسْتَعِينُهُ، وَنُؤْمِنُ بِهِ وَنَتَوَكَّلُ عَلَيْهِ، وَنَشْهَدُ أَنْ لَا

ستایش خدای را، او را ستایش کنیم و از او کمک جوئیم و به او ایمان داریم و بر او توکل کنیم و گواهی دهیم که

إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، صَلَوَاتُ

معبودی نیست جز خدای یگانه ای که شریک ندارد و نیز به اینکه محمد بنده و رسول او است - درودهای

اللَّهُ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَغْفِرَتُهُ وَرِضْوَانُهُ، اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ

خدا و سلام او بر آن حضرت و بر آلش و نیز آمرزش و خوشنودیش بر آنها باد - خدایا درود فرست بر

مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ، صَلَوةً نَامِيَةً زَاكِیَّةً تَرْفَعُ بِهَا دَرَجَتَهُ،

محمد بنده و رسول و پیامبرت درودی با برکت و پاکیزه که بوسیله آن درجه اش را بالا بری

وَتُبَيِّنُ بِهَا فَضْلَهُ، وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَارِكْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

و برتریش را آشکار کنی و درود فرست بر محمد و آل محمد و برکت ده بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ وَآلِ

و آل محمد چنانچه درود فرستادی و برکت دادی و رحمت فرستادی بر ابراهیم و آل

إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، اللَّهُمَّ عَذِّبْ كَفْرَةَ أَهْلِ الْكِتَابِ الَّذِينَ

ابراهیم که براستی تو ستوده و بزرگواری هستی خدایا عذاب کن کافران اهل کتاب را آنان که

يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِكَ، وَيَجْحَدُونَ آيَاتِكَ، وَيُكَذِّبُونَ رُسُلَكَ اللَّهُمَّ

مردم را از راه تو باز دارند و آیات تو را انکار کنند و پیامبران را دروغگو پندارند خدایا
خَالَفَ بَيْنَ كَلِمَتِهِمْ، وَأَلْقَى الرُّعْبَ فِي قُلُوبِهِمْ، وَأَنْزَلَ عَلَيْهِمْ رِجْزَكَ
در میان آنان اختلاف کلمه ایجاد کن و رعب و ترس در دلهایشان بینداز و عذاب و انتقام و بلاي
وَقَمَّتْكَ، وَبَاسَكَ الَّذِي لَا تَرُدُّهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ، اللَّهُمَّ انْصُرْ
سختت را بر آنان نازل گردان آن عذابی را که بازنگردانی از مردم بدکار و مجرم خدایا یاری کن
جِيُوشَ الْمُسْلِمِينَ وَسَرَايَهُمْ، وَمُرَابِطِهِمْ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ
لشگرهای مسلمانان و سپاههای ایشان و مرزبانانشان را در شرقها
وَمَعَارِبِهَا، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ
و غریبهای زمین که برستی تو بر هر چیز توانائی خدایا بیامرز مردان با ایمان
وَالْمُؤْمِنَاتِ، وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ، اللَّهُمَّ اجْعَلِ التَّقْوَى زَادَهُمْ،
و زنان با ایمان را و مردان و زنان مسلمان را خدایا تقوی را توشه آنها قرار ده
وَالْإِيمَانَ وَالْحِكْمَةَ فِي قُلُوبِهِمْ، وَأَوْزِعْهُمْ أَنْ يَشْكُرُوا نِعْمَتَكَ الَّتِي
و ایمان و حکمت را در دلهایشان بده و به آنان بیاموز که سپاسگزاری کنند از نعمتی که به ایشان
أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ وَأَنْ يُؤْفُوا بِعَهْدِكَ الَّذِي عَاهَدْتَهُمْ عَلَيْهِ، إِلَهَ الْحَقِّ وَخَالِقَ
دادهای و وفا کنند به آن پیمانی که تو از ایشان گرفتی ای معبود بحق و ای آفریدگار
الْحَقِّ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِمَنْ تُوَفِّي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، وَالْمُسْلِمِينَ
خلق، خدایا بیامرز هر که از این جهان رفته از مردان و زنان با ایمان و مردان و زنان مسلمان
وَالْمُسْلِمَاتِ، وَلِمَنْ هُوَ لَاحِقٌ بِهِمْ مِنْ بَعْدِهِمْ مِنْهُمْ، إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ،
را و هر که از آنها که از این پس بدیشان ملحق گردد که برستی تو نیرومند و فرزانه ای،
إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ، وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَى، وَيَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ
همانا خداوند دستور دهد به عدالت و نیکی کردن و بخشش به خویشان و منع کند از کار بد و ناروا
وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ، يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ، أَذْكُرُوا اللَّهَ يَذْكُرْكُمْ، فَإِنَّهُ ذَاكِرٌ
و ستم، پندتان می دهد تا شاید پند گیرید یاد خدا کنید تا خدا هم یاد شما کند زیرا که او یاد کند
لِمَنْ ذَكَرَهُ، وَاسْتَلُوا اللَّهَ مِنْ رَحْمَتِهِ وَفَضْلِهِ، فَإِنَّهُ لَا يَخِيبُ عَلَيْهِ دَعَاءُ،
کسی را که یادش کند و از رحمت و فضل او درخواست کنید که از او نومید نشود هر که او را بخواند

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ .

پروردگارا عطا کن به ما در دنیا نعمت (و نیکی) و در آخرت نعمت و نگاهمان دار از عذاب دوزخ
سیم زیارت جامعه ائمه المؤمنین است که هر امامی را در هر وقت از شهور و ایام به آن زیارت می توان کرد و این
زیارت را سید بن طاووس در مصباح الزائر از ائمه علیهم السلام روایت کرده با مقدماتی از دعاء و نماز در وقت رفتن به
سفر زیارت پس فرموده چون خواستی غسل زیارت کنی بگو در وقتی که غسل می کنی: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ
* * * * * به نام خدا و بیاری

خدا

وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، اَللّهُمَّ اغْسِلْ عَنِّي دَرَنَ الذُّنُوبِ، وَوَسَخَ
و در راه خدا و بر کیش رسول خدا، خدایا بشوی از من چرکی گناهان و آلودگی
الْعُيُوبِ، وَطَهِّرْنِي بِمَاءِ التَّوْبَةِ، وَالْبِسْنِي رِدَاءَ الْعِصْمَةِ، وَابْدِنِي
عیوب را و پاکیزه ام کن به آب توبه و بر تنم کن جامه خودداری (از گناه) را و کمکم کن
بِلُطْفٍ مِنْكَ، يُوقِفْنِي لِصَالِحِ الْأَعْمَالِ، إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ. × پس
به لطفی از جانب خود که مرا موفق دارد به کارهای شایسته که براستی تو دارای فضل عظیمی هستی * * *
هرگاه نزدیک در حرم مطهر شدی بگو: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَقَفَّنِي لِقَاصِدٍ وَلِيَّهِ
* * * * * ستایش خاص خدائی است که مرا

موفق داشت به آهنگ کردن بسوی

وَزِيَارَةِ حُجَّتِهِ، وَأَوْرَدَنِي حَرَمَهُ، وَلَمْ يَبْخَسْنِي حَظِّي مِنْ زِيَارَةِ
غایبده اش و زیارت حجتش و در حرمش واردم کرد و نکاست بهره ام را از زیارت
قَبْرِهِ، وَالتَّزَوُّلِ بِعَقْوَةِ مُعَيَّبِهِ وَسَاحَةِ ثَرْبَتِهِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَسْمِنِي
قبرش و از فرود آمدن به آستانش که در آن از انتظار دور گشته و ورود به کنار تربت پاکش، ستایش خدائی را که
داغدارم نکرد

بِحِرْمَانِ مَا أَمْلَأْتُهُ وَلَا صَرَفَ عَنِّي مَا رَجَوْتُهُ، وَلَا قَطَعَ رَجَائِي فِيمَا
به محرومیت از آنچه آرزو داشتیم و بازنگردانید از من آنچه را امیدوار به آن بودم و قطع نکرد امیدم را در آنچه
تَوَقَّعْتُهُ، بَلْ الْبَسْنِي عَافِيَتَهُ، وَأَفَادَنِي نِعْمَتَهُ، وَآتَانِي كَرَامَتَهُ. پس هرگاه

متوقع بودم بلکه (جامه) عافیت خود را در برم کرد و از نعمتش بهره‌مندم ساخت و از کرامتش به من عنایت فرمود *

* *

وارد حرم شدی بایست برابر ضریح مقدس و بگو: اَلسَّلَامُ عَلَیْکُمْ اَئِمَّةَ الْمُؤْمِنِیْنَ،

* * * * * سلام بر شما ای

پیشوایان مؤمنان

وَسَادَةُ الْمُتَّقِیْنَ، وَكُبَرَاءَ الصَّدِّیْقِیْنَ وَأُمَرَاءَ الصَّالِحِیْنَ، وَقَادَةَ

و آقایان پرهیزکاران و بزرگان مردم راستی پیشه و زمامداران مردمان شایسته و رهبران

الْمُحْسِنِیْنَ، وَأَعْلَامَ الْمُهْتَدِیْنَ وَأَثْوَارَ الْعَارِفِیْنَ، وَوَرَثَةَ الْأَنْبِیَاءِ،

نیکوکاران و پرچمداران راه یافتگان و چراغهای روشن عارفان و وارثان پیامبران

وَصَفْوَةَ الْأَوْصِیَاءِ، وَشُمُوسَ الْأَتْقِیَاءِ، وَبُدُورَ الْخُلَفَاءِ، وَعِبَادَ

و برگزیده اوصیاء و خورشیدهای تابان مردمان با تقوی و ماههای فروزان جانشینان و بندگان (خاص)

الرَّحْمَنِ، وَشُرَكَاءَ الْقُرْآنِ، وَمَنْهَجَ الْإِیْمَانِ، وَمَعَادِنَ الْحَقَائِقِ، وَشَفْعَاءَ

خدای رحمان و شریکان قرآن و راه روشن ایمان و معادن حقائق و شفیعان

الْخَلَائِقِ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبِرَّكَائِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَبْوَابُ اللَّهِ وَمَفَاتِیْحُ

خلائق و رحمت خدا و برکاتش نیز بر شما باد، گواهی دهم که براستی شما وسائط خدا و کلیدهای

رَحْمَتِهِ، وَمَقَالِدُ مَغْفِرَتِهِ، وَسَحَابُ رِضْوَانِهِ، وَمَصَابِیْحُ جَنَانِهِ،

رحمت او و وسائل آمرزشش و ابرهای پرآب خوشنودیش و چراغهای بهشتش

وَحَمَلَةُ فُرْقَانِهِ، وَخَزَنَةُ عِلْمِهِ، وَحَفْظَةُ سِرِّهِ، وَمَهْبِطُ وَحْيِهِ، وَعِنْدُكُمْ

و حاملان قرآنش و خزینه‌داران علمش و نگهبانان رازش و فرودگاه وحی او هستید و در پیش شما است

أَمَانَاتُ النَّبُوَّةِ، وَوَدَائِعُ الرِّسَالَةِ، أَنْتُمْ أَمْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّائُهُ، وَعِبَادُهُ

امانت‌های (گران‌بهای) نبوت و سپرده‌های مقام رسالت، شمائید امین‌های خدا و دوستانش و بندگان

وَأَصْفِيَاءُ، وَأَنْصَارُ تَوْحِيدِهِ وَأَرْكَانُ تَمْجِيدِهِ وَدُعَائُهُ إِلَى كُتْبِهِ،

و برگزیدگانش و یاران یگانه پرستیش و پایه‌های تمجید (و به بزرگی ستودن) او و خوانندگان بسوی کتاب‌هایش

وَحَرَسَةُ خَلَائِقِهِ وَحَفْظَةُ وَدَائِعِهِ، لَا يَسْبِقُكُمْ تَنَاءُ الْمَلَائِكَةِ فِي

و پاسداران خلائقش و نگهبانان ودایعش، فرشتگان از نظر اخلاص و خشوع در ثنای الهی بر شما

الْإِخْلَاصِ وَالْحُشُوعِ، وَلَا يُضَادُّكُمْ ذُؤَابْتِهَالٍ وَخُضُوعٍ، أَنِّي وَلَكُمْ

سبقت نگرفته‌اند و هیچ زاری کننده و فروتنی در این باره با شما برابری نتواند، کجا توانند؟ با اینکه تنها شما

الْقُلُوبِ الَّتِي تَوَلَّى اللَّهُ رِيَاضَتَهَا بِالْخَوْفِ وَالرَّجَاءِ، وَجَعَلَهَا أَوْعِيَةً

که دارا هستید دل‌هایی را که خداوند عهده‌دار تربیت و تزکیه آنها به خوف و رجاء گشته و آنها را جایگاه‌هایی

لِلشُّكْرِ وَالثَّنَاءِ، وَأَمَّنَهَا مِنْ عَوَارِضِ الْعَفْلَةِ، وَصَفَّاهَا مِنْ سُوءِ الْفِتْرَةِ،

برای سپاسگزاری و ثنای خویش قرار داده و از عوارض غفلت و بیخبری اینشان ساخته و از بدیهای سستی و

درماندگی

بَلْ يَتَقَرَّبُ أَهْلُ السَّمَاءِ بِحُبِّكُمْ، وَبِالْبِرَّةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ، وَتَوَائِرِ

پاک و مصفایش کرده بلکه تقرب اهل آسمان به خداوند بوسیله دوستی شما و بیزاری جستن از دشمنان شما و پی‌درپی

الْبُكَاءِ عَلَي مَصَابِكُمْ، وَالْأَسْتِغْفَارِ لَشَبَعَتِكُمْ وَمُحِبِّكُمْ، فَأَنَا أَشْهَدُ

گریستن بر مصیبت‌های شما و آمرزش خواهی برای شیعیان و دوستان شما است و من گواه می‌گیرم

اللَّهِ خَالِقِي، وَأَشْهَدُ مَلَائِكَتَهُ وَأَنْبِيََاءَهُ، وَأَشْهَدُكُمْ يَا مَوَالِيَّ، أَنِّي مُؤْمِنٌ

خدایی که خالق من است و گواه گیرم فرشتگان و پیامبرانش را و هم چنین شما را گواه گیرم ای سروران من که به

ولایت

بَوْلَايَتِكُمْ مُعْتَقِدٌ لِأَمَانَتِكُمْ، مُفَرِّغٌ بِخِلَافَتِكُمْ، عَارِفٌ بِمَنْزِلَتِكُمْ مُوقِنٌ

و زمامداری شما ایمان دارم و به پیشوایی و امامتتان معتقدم و به خلافت و جانشینیتان اقرار دارم و به منزلت و مقامتان

عارفم

بِعِصْمَتِكُمْ خَاضِعٌ لَوْلَايَتِكُمْ، مُتَقَرِّبٌ إِلَيَّ اللَّهُ بِحُبِّكُمْ، وَبِالْبِرَّةِ مِنْ

و معصوم بودن‌تان را یقین دارم و در برابر زمامداری شما خاضع و فروتنم و بوسیله دوستی شما و بیزاری جستن از

أَعْدَائِكُمْ، عَالِمٌ بِأَنَّ اللَّهَ قَدْ طَهَّرَكُمْ مِنَ الْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا

دشمنانتان بدرگاه خدا تقرب جویم و دانایم به اینکه بطور مسلم خداوند شما را از کارهای زشت پاک کرده چه آشکارش و

بَطْنٍ، وَمِنْ كُلِّ رِيْبَةٍ وَنَجَاسَةٍ، وَدَنِيَّةٍ وَرَجَاسَةٍ وَمَنْحَكُمُ رَايَةَ الْحَقِّ

چه پنهانش و از هر شک و شبهه و آلودگی و پستی و پلیدی و به شما عطا کرده آن پرچم حقی را که

الَّتِي مَنْ تَقَدَّمَهَا ضَلَّ، وَمَنْ تَأَخَّرَ عَنْهَا زَلَّ، وَفَرَضَ طَاعَتَكُمْ عَلَي

هر که بر آن پیشی گیرد گمراه است و هر که از آن عقب کشد (در راه سعادت) بلغزد و واجب فرمود فرمانبرداری

كُلُّ أَسْوَدَ وَأَبْيَضَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ وَفَيْتُمْ بِعَهْدِ اللَّهِ وَذِمَّتِهِ، وَيَكُلُّ مَا

شما را بر هر سیاه و سفیدی و گواهی دهم که شما بخوبی وفا کردید به عهد و پیمان خدا و به هر چه

اشترطَ عَلَيْكُمْ فِي كِتَابِهِ، وَدَعَوْتُمْ إِلَى سَبِيلِهِ، وَأَنْفَذْتُمْ طَاقَتَكُمْ فِي

شرط کرده بود بر شما در کتاب خود و شمائید که مردم را براه خدا خواندید و نیروی خود را در راه

مَرْضَاتِهِ، وَحَمَلْتُمْ الْخَلَائِقَ عَلَى مِنْهَاجِ النَّبُوَّةِ وَمَسَالِكِ الرِّسَالَةِ،

خوشنودیش صرف کردید و مردم را به طریقه نبوت و راههای رسالت واداشتید

وَسِرْتُمْ فِيهِ بَسِيرَةَ الْأَنْبِيَاءِ، وَمَذَاهِبَ الْأَوْصِيَاءِ، فَلَمْ يُطْعَ لَكُمْ أَمْرٌ،

و در این راه به سیره پیمبران و در راههای اوصیاء گام برداشتید ولی از دستور شما پیروی نکردند

وَلَمْ تُصْنَعْ لِيَكُمْ أَذُنٌ فَصَلَّوْا اللَّهُ عَلَيَّ أَرْوَاحَكُمْ وَأَجْسَادَكُمْ پس خود

و به سخن شما گوش ندادند - دروذهای خدا بر روانهای شما و بر اجساد شما باد * * * -

را به قبر مُنَوَّرٌ می چسبانی و می گوئی: بِأَيِّ أَنتَ وَأُمِّي يَا حُجَّةَ اللَّهِ، لَقَدْ

* * * * * پدر و مادرم به قربانت ای حجت خدا که

براستی

أَرْضِعْتَ بِنْدِي الْأَيْمَانَ، وَقَطَمْتَ بُيُوتَ الْأِسْلَامِ، وَغُذِّيتَ بِبِرِّدِ الْيَقِينِ،

تو از پستان ایمان شیرخوردی و با نور اسلام از شیرت باز گرفتند و از غذای گوارای یقین غذا خوردی

وَالْبَسْتَ حُلَّ الْعِصْمَةِ، وَأَصْطَفَيْتَ وَوَرِثْتَ عِلْمَ الْكِتَابِ وَلَقِّنْتَ

و جامه های عصمت در برت کردند و برگزیده شده و علم قرآن را به ارث بردی و طریقه داوری

فَصَلَ الْخُطَابِ، وَأَوْضَحَ بِمَكَانِكَ مَعَارِفَ التَّنْزِيلِ وَعَوَامِضُ

و جدا ساختن میان حق و باطل به تو الهام و تلقین شد و روشن شد بواسطه مکانت و منزلت معارف قرآن و مشکلات

التَّأْوِيلِ، وَسَلَّمْتَ إِلَيْكَ رَايَةَ الْحَقِّ، وَكُلِّفْتَ هِدَايَةَ الْخَلْقِ، وَبُذِيَ إِلَيْكَ

تأویل و پرچم حق بدست تو داده شد و هدایت و راهنمایی خلق به تو تکلیف شد

عَهْدُ الْأَمَامَةِ، وَالزَّمْتِ حِفْظَ الشَّرِيعَةِ، وَأَشْهَدُ يَا مَوْلَايَ أَنَّكَ وَفَيْتَ

و عهد و فرمان امامت به تو رسید و به حفظ شریعت ملزم گشتی و گواهی دهم ای سرور من که تو بخوبی وفا کردی

بِشَرَائِطِ الْوَصِيَّةِ، وَقَضَيْتَ مَا لَزِمَكَ مِنْ حَدِّ الطَّاعَةِ، وَنَهَضْتَ

به شرایط وصیت و هر حدی از اطاعت را که به انجام آن ملزم بودی انجام دادی و به مسئولیتهای

بِأَعْبَاءِ الْأَمَامَةِ، وَاحْتَدَيْتَ مِثَالَ الثُّبُوتِ فِي الصَّبْرِ وَالْأَجْتِهَادِ

سنگین امامت قیام کردی و بر طبق الگوی نبوت در این راه گام برداشتی در شکیبایی و کوشش

والتَّصِيحَةَ لِلْعِبَادِ، وَكُظُمَ الْغَيْظِ وَالْعَفْوُ عَنِ النَّاسِ، وَعَزَمْتَ عَلَيَّ

و خیرخواهی بندگان و فرو بردن خشم و گذشت از مردم، و مصمم بودی بر

الْعَدْلَ فِي الْبَرِيَّةِ، وَالتَّصَفَّةَ فِي الْفَضِيَّةِ، وَوَكَّدْتَ الْحُجَجَ عَلَيَّ الْأُمَّةِ

عدل و داد در میان مردم و انصاف در قضاوت و حکم و محکم کردی حجت‌های خود را بر امت (اسلامی)

بِالدَّلَائِلِ الصَّادِقَةِ، وَالشَّرِيعَةِ النَّاطِقَةِ وَدَعَوْتَ إِلَيَّ اللَّهُ بِالْحِكْمَةِ

بوسیله دلیلهای راست و درست و زبان گویای شریعت و دعوت کردی (مردم را) بسوی خدا بوسیله حکمت

الْبَالِغَةِ، وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، فَمَنْعْتَ مِنْ تَقْوِيمِ الزَّيْعِ، وَسَدَّ الثَّلَمَ،

رسا و پند نیکو ولی نگذازدند کجیها را راست کنی و شکستگیها را پر کنی

وَإِصْلَاحَ الْفَاسِدِ، وَكَسْرَ الْمُعَانِدِ، وَإِحْيَاءَ السُّنَنِ، وَإِمَامَةَ الْبَيْتِ، حَتَّى

و مفسد را اصلاح و دشمنان ستیزه‌جو را در هم شکنی و سنتها را زنده و بدعتها را بپیرانی تا اینکه

فَارَقْتَ الدُّنْيَا وَأَنْتَ شَهِيدٌ، وَلَقِيتَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

از این جهان بصورت شهادت برفتی و در حالی رسول خدا صلی الله علیه و آله را

وَأَنْتَ حَمِيدٌ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ تَرَادَفٌ وَتَزِيدٌ. بعد برو بطرف پایین پای

دیدار کردی که ستوده (و پسندیده) بودی - درودهای خدا بر تو باد بطور پیاپی و فزونی

* * *

مبارک و بگو: يَا سَادَتِي يَا آلَ رَسُولِ اللَّهِ، إِنِّي بِكُمْ أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ جَلَّ

* * * * * ای آقایان من ای خاندان رسول خدا من بوسیله شما تقرب جویم بدرگاه خدای جل

وَعَلَا، بِالْخِلَافِ عَلَيَّ الَّذِينَ غَدَرُوا بِكُمْ، وَكَثُّوا بَيْعَتَكُمْ، وَجَحَدُوا

و علا به اینکه مخالفم با کسانی که نیرنگ زدند به شما و بیعت شما را شکستند

وَلَا يَتَّكُمُ، وَأَكْرَمُوا مَنَزِلَتَكُمْ، وَخَلَعُوا رِبْقَةَ طَاعَتِكُمْ، وَهَجَرُوا أَسْبَابَ

و زمامداری شما و همچنین منزلت و مقام شما را انکار کردند و رشته پیروی شما را از گردن خود باز کردند و وسائل

دوستی

مَوَدَّتِكُمْ، وَتَقَرَّبُوا إِلَى فِرَاعِنِهِمْ بِالْبَرَاءَةِ مِنْكُمْ وَالْإِعْرَاضِ عَنْكُمْ،

شما را به دور افکندند و به دربار زمامداران ناحق و فرعون مسلک خود تقرب جستند بوسیله بیزاری جستن و روگرداندن از شما

وَمَعُوكُمْ مِنْ إِقَامَةِ الْحُدُودِ، وَإِسْتِصَالِ الْجُحُودِ، وَشَعْبِ الصَّدْعِ،

و جلوگیری کردند شما را از برپاداشتن حدود الهی و ریشه کن کردن انکار (حق تعالی) و گرفتن شکافهای دین،

وَلَمْ الشَّعَثِ، وَسَدِّ الْخَلَلِ، وَتَقْيِفِ الْأَوْدِ، وَإِمْضَاءِ الْأَحْكَامِ، وَتَهْذِيبِ

و رفع پریشانی، و بستن رخنه‌ها و برطرف کردن کجی، و اجرای احکام، و تهذیب (قوانین)

الْإِسْلَامِ، وَقَمْعِ الْأَثَامِ، وَأَرْهَجُوا عَلَيْكُمْ نَفْعَ الْحُرُوبِ وَالْفِتَنِ وَأَنْحَوْا

اسلام، و از بین بردن گناهان، و برانگیختند بر ضد شما (طوفانها) و غبار جنگها و آشوبها را و زدند

عَلَيْكُمْ سَيْوَفَ الْأَحْقَادِ، وَهَتَكُوا مِنْكُمْ السُّتُورَ، وَابْتَاغُوا بِخُمْسِكُمْ

به شما شمشیرهای کینه را و پرده‌های حرمت شما را بدریدند و با پول خمس شما

الْخُمُورَ، وَصَرَفُوا صَدَقَاتِ الْمَسَاكِينِ إِلَى الْمُضْحِكِينَ وَالسَّاحِرِينَ،

شرابها خریدند و صدقات (و حقوق) مساکین و بیچاره‌ها را به دلقکها و مسخره‌چیان دادند

وَذَلِكَ بِمَا طَرَقَتْ لَهُمُ الْفَسَقَةُ الْعُوءَا، وَالْحَسَدَةُ الْبُغَاةُ، أَهْلُ الْكَثْثِ

و این (خلافکاریها) بدان جهت شد که راه را باز کردند برای آنها فاسقان گمراه و حسودان ستم‌پیشه و مردمان پیمان شکن

وَالْقَدَرِ وَالْخِلَافِ وَالْمَكْرِ، وَالْقُلُوبِ الْمُتَنِّتَةِ مِنْ قَدَرِ الشَّرِّكَ،

و دغل و اهل خلاف و نیرنگ و دلهائی که از کثافت شرک بدبو گشته

وَالْأَجْسَادِ الْمُشْحَنَةِ مِنْ دَرَنِ الْكُفْرِ، الَّذِينَ أَضَبُّوا عَلَى التَّفَاقِ،

و اجسادی که از چرکی کفر آکنده شده بود آنانکه به نفاق و دورویی گرویدند

وَأَكْبُوا عَلَى عِلَاقِ الشَّقَاقِ، فَلَمَّا مَضَى الْمُصْطَفِي صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ

و بطرف و سائل و رشته‌های تفرقه هجوم بردند، چون پیامبر مصطفی صلوات الله علیه

وَالْأَهْلِ، اخْتَطَفُوا الْغِرَّةَ، وَانْتَهَزُوا الْفُرْصَةَ، وَانْتَهَكُوا الْحُرْمَةَ، وَغَادَرُوهُ

و آله از این جهان درگذشت (اهل اسلام را) غافلگیر کردند و فرصت را غنیمت شمردند و حرمت (اهل بیت) را دریدند

عَلَى فِرَاشِ الْوَفَاةِ، وَأَسْرَعُوا لِنَقْضِ الْبَيْعَةِ، وَمُخَالَفَةِ الْمَوَاقِيقِ،

و آن حضرت را در بستر مرگ گذارده و شتافتند برای شکستن بیعت و مخالفت پیمانهای محکمی

الْمُؤَكَّدَةِ، وَخِيَانَةِ الْأَمَانَةِ الْمَعْرُوضَةِ عَلَى الْجِبَالِ الرَّاسِيَةِ وَأَبَتْ أَنْ
كه بسته بودند و خیانت کردن نسبت به آن امانتی که عرضه شد بر کوههای محکم و آنها از حملش خودداری کردند
تَحْمِلَهَا، وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ الظَّلُومُ الْجَهْلُ، ذُو الشَّقَاقِ وَالْعِزَّةِ
و برداشت آن را این انسان ستمگر نادان تفرقه اندازی که مباحثات می کردند
بِالْأَثَامِ الْمُؤَلِّمَةِ، وَالْأَثْفَةِ عَنِ الْإِثْقَادِ لِحَمِيدِ الْعَاقِبَةِ، فَحُشِرَ سِفْلُهُ
به گناهان دردناک و ننگ داشتن از گردن نهادن برای کار انجام ستوده پس کار بدانجا کشید که گر آدمند فرومایگان
الْأَعْرَابِ وَبَقَايَا الْأَحْزَابِ إِلَى دَارِ الثُّبُوتِ وَالرَّسَالَةِ، وَمَهْطِ الْوَحْيِ
از عربهای بیابان و باقیماندگان احزاب (قریش) به در خانه نبوت و رسالت و محل هبوط وحی الهی
وَالْمَلَكَةِ، وَمُسْتَقَرِّ سُلْطَانِ الْوِلَايَةِ، وَمَعْدِنِ الْوَصِيَّةِ وَالْخِلَافَةِ
و فرشتگان، و مرکز سلطنت حکومت اسلام و معدن وصیت و جانشینی (رسول گرامی)
وَالْإِمَامَةِ، حَتَّى تَقْضُوا عَهْدَ الْمُصْطَفِيِّ فِي أَخِيهِ عِلْمِ الْهُدَى،
و امامت تا اینکه شکستند پیمان حضرت مصطفی را درباره برادرش پرچم هدایت
وَالْمُبِينِ طَرِيقَ النَّجَاةِ مِنْ طُرُقِ الرَّدَى، وَجَرَحُوا كَبِدَ خَيْرِ الْوَرَى
و آشکار کننده راه رستگاری از راههای هلاکت و نابودی و مجروح کردند جگر بهترین خلق خدا را
فِي ظُلْمِ ابْنَتِهِ، وَأَضْطَهَادِ حَبِيبَتِهِ، وَاهْتِضَامِ عَزِيزَتِهِ، بَضْعَةِ لَحْمِهِ،
با آن ستمی که به دخترش کردند و محبوه اش را لگدکوب نمودند و عزیزش را پایمال ظلم و ستم ساختند همانکه پاره
تنش
وَفَلَذَةَ كِبِدَهُ، وَخَذَلُوا بَعْلَهَا، وَصَعَرُوا قَدْرَهُ، وَاسْتَحَلُّوا مَحَارِمَهُ،
و جگر گوشه اش بود، و شوهرش را تنها و بیکس گذاردند و قدر و منزلتش را خوار شمردند و حرمتش را هتك نمودند
وَقَطَّعُوا رَحِمَهُ، وَانْكَرُوا أُخُوَّتَهُ، وَهَجَرُوا مَوَدَّتَهُ، وَتَقَضُّوا طَاعَتَهُ،
و رحم او را قطع کردند و برادریش را (با رسول خدا) انکار نمودند و دوستیش را رها کردند و (دستور) فرمانبرداریش
وَجَحَدُوا وَلَايَتَهُ، وَأَطْمَعُوا الْعَبِيدَ فِي خِلَافَتِهِ، وَقَادَوْهُ إِلَى بَيْعَتِهِمْ
را شکستند و زمامداریش را انکار کردند و بردگان را در خلافت او به طمع انداختند و او را بسوی بیعت با آنها کشیدند
مُضِلَّةً سَيُوفَهَا، مُقَدِّعَةً أَسِنَّتَهَا، وَهُوَ سَاخِطُ الْقَلْبِ، هَائِجُ الْغَضَبِ،

در زیر شمشرهاي آخته نيزه‌هاي برهنه و در آن حالي كه آن جناب دلش نسبت به آنان خشمگين شد و خشمش تحريك گشته

شَدِيدُ الصَّبْرِ، كَاطِمُ الْغَيْظِ، يَدْعُوهُ إِلَى بَيْعَتِهِمُ الَّتِي عَمَّ شَوْمُهَا
و سخت شكيبائي كرد و خشم خود را فرو برد، او را دعوت مي‌کردند به بيعتي كه شومي آن
الْإِسْلَامَ، وَزَرَعَتْ فِي قُلُوبِ أَهْلِهَا الْآثَامَ، وَعَقَّتْ سَلْمَائِهَا، وَطَرَدَتْ
اسلام را فراگرفت و تخم گناهها را در دل اهل آن کاشت و سلمان فارسي را کنار زده و مقداد
مُقَدَّادَهَا، وَفَتَتْ جُنْدِيَّهَا، وَفَتَقَتْ بَطْنَ عَمَّارِهَا، وَحَرَفَتْ الْقُرْآنَ،
را طرد نمودند و ابوذر را تبعيد کردند و درون شکم عمار را پاره کرده و قرآن را تحريف کردند
وَبَدَّلَتْ الْأَحْكَامَ وَغَيَّرَتْ الْمَقَامَ، وَأَبَاحَتْ الْخُمْسَ لِلطُّلُقَاءِ، وَسَلَّطَتْ
و احكام را جابجا کرده و مقام (خلافت) را تغيير دادند و خمس را براي آزادشدگان (در فتح مکه) مباح ساختند
أَوْلَادَ اللَّعْنَاءِ عَلَى الْفُرُوجِ وَالْدَّمَاءِ، وَخَلَطَتْ الْحَلَالَ بِالْحَرَامِ،
و فرزندان لعنت‌شدگان را بر نواميس و خون مردم مسلط کردند و حلال را با حرام مخلوط ساخته
وَأَسْتَحَفَّتْ بِالْإِيمَانِ وَالْإِسْلَامِ، وَهَدَمَتْ الْكَعْبَةَ، وَأَغَارَتْ عَلَى دَارِ
و ايمان و اسلام را خوار و خفيف نمودند و خانه كعبه را ويران ساختند و در جنگ «حرة»
الْهَجْرَةِ يَوْمَ الْحَرَّةِ، وَأَبْرَزَتْ بَنَاتِ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ لِلنِّكَالِ
هجرتگاه رسول خدا را غارت کرده و دختران مهاجر و انصار را براي شكنجه و بيدادگري از پرده
وَالسُّورَةِ، وَالْيَسْتَنْهَنَ ثَوْبَ الْعَارِ وَالْفُضِيحَةِ، وَرَخَّصَتْ لِأَهْلِ
بيرون كشيدند و جامه ننگ و رسوائي در برشان کرده و به اهل شبهه و نفاق رخصت و آزادي
الشُّبْهَةِ فِي قَتْلِ أَهْلِ بَيْتِ الصَّفْوَةِ، وَإِبَادَةِ نَسْلِهِ، وَإِسْتِیْصَالِ شَاقَتِهِ،
دادند براي كشتار اهل بيت برگزيده حق و نابود كردن نسل پاكش و ريشه كن كردن آنها
وَسَبِّي حَرَمِهِ، وَقَتْلِ أَنْصَارِهِ، وَكَسْرِ مِثْبَرِهِ، وَقَلْبِ مَفْخَرِهِ، وَإِخْفَاءِ دِينِهِ،
و اسير كردن حرمش و كشتن يارانش و شكستن منبرش و وارونه كردن مفاخرش و پنهان كردن دينش
وَقَطْعِ ذِكْرِهِ، يَا مَوَالِيَّ فَلَوْ عَايَنْتُكُمُ الْمُصْطَفَى وَسِهَامُ الْأُمَّةِ مُعْرِقَهُ
و از بين بردن نامش! اي سروران من پس چه حالي داشت پيامبر مصطفي اگر شما را مشاهده مي‌کرد در آن حالي‌كه
فِي أَكْبَادِكُمْ، وَرِمَاحِهِمْ مُشْرَعَةً فِي نُحُورِكُمْ، وَسَيُفُهَا مُوَلَّعَةً فِي

تیره‌های (ستم) امت (او) در (خون) جگرهای شما غرق گشته و نیزه‌هاشان در گلوی شریف شما فرو رفته و شمشیرهاشان خون پاک

دِمَائِكُمْ، يَشْفِي اَبْنَاءَ الْعَوَاهِرِ غَلِيلَ الْفِسْقِ مِنْ وَرَعِكُمْ، وَغَيْظَ الْكُفْرِ

شما را آشامیده و زنازادگان عطش فسق و خشم و کفر خود را از پارسائی و ایمان شما فرو نشاندند (و از دولت سر شما و ایمان شما

مِنْ اِيْمَانِكُمْ، وَانْتُمْ بَيْنَ صَرِيحِ فِي الْمِحْرَابِ قَدْ فَلَقَ السَّيْفُ هَامَتَهُ

دست به کارهای ناشایست زدند) با اینکه شما در آن حال یا در محراب عبادت با فرق شکافته افتاده بودید

وَشَهِيدٍ فَوْقَ الْجَنَازَةِ قَدْ شَكَّتْ اَكْفَانُهُ بِالسَّهَامِ، وَقَتِيلٍ بِالْعَرَاءِ قَدْ

و یا شهید گشته و جنازه‌تان در تابوت هدف تیرها قرار گرفته و کفنتان سوراخ سوراخ گشته و یا کشته در بیابان افتاده

رُفِعَ فَوْقَ الْقَنَازَةِ رَأْسُهُ، وَمُكَبَّلٍ فِي السَّجْنِ قَدْ رُضَّتْ بِالْحَدِيدِ

و سر مقدسش بالای نیزه‌ها رفته و یا به زنجیر بسته در میان زندان که فشار زنجیر گران

اعْضَائُهُ، وَمَسْمُومٍ قَدْ قُطِعَتْ بِجُرْعِ السَّمِّ اَمْعَائُهُ، وَشَمْلُكُمْ عِبَادِي

اعضای شریفش را درهم کوفته و یا مسمومی که از جرعه‌های زهر امعاء شریفش قطعه قطعه شده و جمع شما پریشان گشته

تُفْنِيهِمُ الْعَبِيدُ وَابْنَاءُ الْعَبِيدِ، فَهَلِ الْمِحْنُ يَا سَادَتِي اِلَّا الَّتِي لَزِمْتَكُمْ،

و بردگان و برده‌زادگان آنها را نابود می‌کردند! پس ای بزرگان و سروران من آیا محنت و بلا جز آنها بود که بر شما فرو ریخت

وَالْمَصَائِبُ اِلَّا الَّتِي عَمَّتْكُمْ، وَالْفَجَائِعُ اِلَّا الَّتِي خَصَّتْكُمْ، وَالْقَوَارِعُ

و مصیبت جز آنهایی بود که شما را فرا گرفت و فجایع دردناک جز آنهایی بود که مخصوص شما گردید و حوادث کوبنده

اِلَّا الَّتِي طَرَقَتْكُمْ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، وَعَلَى اَرْوَاحِكُمْ وَاَجْسَادِكُمْ

جز آنهایی بود که به شمار وارد شد؟! دروهای خدا بر شما و بر روانتان و پیکرتان

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. بعد قبر منور را ببوس و بگو: يَا اَبِي اَنْتُمْ وَاُمِّي يَا آلَ

و رحمت خدا و برکاتش بر شما باد × × × × × × × × × × × × × × × × پدر و مادرم به فدای شما ای خاندان

الْمُصْطَفِي، اِنَّا لَا نَمْلِكُ اِلَّا اَنْ نَطُوفَ حَوْلَ مَشَاهِدِكُمْ، وَنُعْزِي فِيهَا

مصطفی ما (فعلاً) کاری از دستان ساخته نیست جز آنکه گرد زیارتگاههای شما بگردیم و ارواح مقدسه شما

أَرَوَّاحَكُمْ عَلَي هَذِهِ الْمَصَائِبِ الْعَظِيمَةِ الْحَالَةِ بِفَنَائِكُمْ، وَالرَّزَايَا
 را تسلي دهیم بر این مصیبت‌های بزرگی که به آستان مقدس شما رسیده و این پیش‌آمدهای ناگوار
 الْجَلِيلَةِ النَّازِلَةِ بِسَاحَتِكُمْ الَّتِي أَثْبَتَتْ فِي قُلُوبِ شِيعَتِكُمُ الْقُرُوحَ،
 و گرانی که به ساحت شما فرود آمده و دل‌های شیعیان شما را جریحه‌دار کرده
 وَأَوْرَثَتْ أَكْبَادَهُمُ الْجُرُوحَ، وَزَرَعَتْ فِي صُدُورِهِمُ الْغُصَصَ، فَخُنُّ
 و جگرهای آنان را ریش کرده! و در سینه‌هاشان غصه و اندوه کاشته است و ما
 نُشْهَدُ اللَّهَ أَنَّا قَدْ شَارَكْنَا أَوْلِيَاءَكُمْ وَأَنْصَارَكُمْ، الْمُتَقَدِّمِينَ فِي إِرَاقَةِ
 خدای را گواه می‌گیریم که شریک هستیم با دوستان و یاران گذشته شما در ریختن
 دِمَاءِ الثَّائِبِينَ وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ، وَقَتْلَةِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ سَيِّدِ شَبَابِ
 خون پیمان‌شکنان و تجاوزکاران و از دین بیرون رفتگان و کشتندگان ابی‌عبدالله الحسین آقای جوانان
 أَهْلِ الْجَنَّةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، يَوْمَ كَرْبَلَاءَ بِالنِّيَّاتِ وَالْقُلُوبِ، وَالتَّائْسُفِ
 اهل بهشت علیه‌السلام در کربلا بوسیله نیتها و دل‌ها و تأسف خوردن
 عَلَي قَوْتِ تِلْكَ الْمَوَاقِفِ الَّتِي حَضَرُوا لِئُصْرَتِكُمْ، وَعَلَيْكُمْ مِنَّا
 بر اینکه حضور در آن جنگ‌هایی که آنان برای یاریتان حضور یافتند از دست ما رفته،
 السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. × بعد قبر شریف را بین خود و قبله قرار بده و بگو:
 و سلام، و رحمت خدا و برکاتش بر شما باد * * * * *
 اللَّهُمَّ يَا ذَا الْقُدْرَةِ الَّتِي صَدَرَ عَنْهَا الْعَالَمُ مُكُونًا مَبْرُوءًا عَلَيْهَا،
 خدایا ای صاحب آن چنان قدرتی که این جهان از آن قدرت هستی یافت و در آن پدید آمد
 مَفْطُورًا تَحْتَ ظِلِّ الْعَظَمَةِ، فَتَطَقَتْ شَوَاهِدُ صُنْعِكَ فِيهِ، بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ
 و در زیر سایه عظمت و بزرگی او آفریده شد و گویا شد شواهد خلقت در آن به اینکه توئی آن خدایی
 لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، مُكُونُهُ وَبَارِئُهُ وَفَاطِرُهُ، ابْتَدَعْتَهُ لَا مِنْ شَيْءٍ وَلَا
 که معبودی جز تو نیست و هستی بخش آن و پدید آورنده و آفریدگار توئی که آن را پدید آوردی نه از چیزی و نه
 عَلَي شَيْءٍ وَلَا فِي شَيْءٍ، وَلَا لَوْحَشَةٍ دَخَلَتْ عَلَيْكَ، إِذْ لَا غَيْرُكَ وَلَا
 بر روی چیزی و نه در چیز دیگری و نه به خاطر وحشی که (از تنهایی خود) بر تو وارد شده باشد در

حَاجَةٌ بَدَتْ لَكَ فِي تَكْوِينِهِ، وَلَا لِاسْتِعَاثَةِ مِنْكَ عَلَيَّ الْخُلُقِ بَعْدَهُ، بَلْ

آن هنگامی که جز تو چیزی نبود و نه از روی احتیاجی که در آفرینش آن برایت پیدا شده باشد و نه برای اینکه پس از خلقتش

اَشْأَاتُهُ لِيَكُونَ دَلِيلًا عَلَيْكَ، بِأَنَّكَ بَايِنٌ مِنَ الصُّنْعِ، فَلَا يُطَبِّقُ

استعانت بدان جوئی بلکه آن را ایجاد کردی تا دلیل و راهنمایی باشد بر تو به اینکه تو خود جدائی از ساختمان آفرینش، عقل هیچ

الْمُنْصِفُ لِعَقْلِهِ انْكَارَكَ، وَالْمَوْسُومُ بِصِحَّةِ الْمَعْرِفَةِ جُحُودَكَ، أَسْأَلُكَ

با انصافی تاب انکار تو را ندارد و هیچ شخصی که نامدار به معرفت صحیح باشد نتواند منکر تو گردد از تو خواهم

بِشَرَفِ الْأَخْلَاصِ فِي تَوْحِيدِكَ، وَحُرْمَةِ التَّعَلُّقِ بِكِتَابِكَ وَأَهْلِ بَيْتِ

به شرافت اخلاص در یکتا پرستیت و به حق حرمت علاقه مندی به کتاب آسمانیت و به حق خاندان

نَبِيِّكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ آدَمَ بَدِيعِ فِطْرَتِكَ، وَبِكْرِ حُجَّتِكَ، وَلِسَانِ

پیامبرت که درود فرستی بر آدم آن پدیده خلقت و نخستین حجت و زبان

قُدْرَتِكَ، وَالْخَلِيفَةِ فِي بَسِيطَتِكَ، وَعَلَيَّ مُحَمَّدٍ الْخَالِصِ مِنْ صَفْوَتِكَ،

قدرت و نیرویت و خلیفه در زمین پهناورت و بر محمد آن خالص از برگزیدگان

وَالْفَاحِصِ عَنْ مَعْرِفَتِكَ، وَالْغَائِصِ الْمَأْمُونِ عَلَيَّ مَكُونِ سِرِّكَ،

و جستجو کننده از معرفت و شناور (در دریای شناسائی) و امین بر راز پنهانت

بِمَا أَوْلَيْتَهُ مِنْ نِعْمَتِكَ بِمَعُونَتِكَ، وَعَلَيَّ مَنْ بَيْنَهُمَا مِنَ النَّبِيِّينَ

بدانچه او را برگزیدی از نعمتی که به کمک خودت به او عنایت کردی و بر پیامبران

وَالْمُكْرَمِينَ، وَالْأَوْصِيَاءَ وَالصَّادِقِينَ، وَأَنْ تَهْنِئَ لِأَمَامِي هَذَا

و گرامیان و اوصیاء و راستگویانی که مابین آن دو بزرگوار بودند و دیگر آنکه (از تو خواهم) مرا به این امام ببخشی

* *

پهلوی روی خود را بر ضریح مبارک بگذار و بگو: اللَّهُمَّ بِمَحَلِّ هَذَا السَّيِّدِ مِنْ

* * * * * خدایا به مقامی که این

بزرگوار در

طَاعَتِكَ، وَبِمَنْزِلَتِهِ عِنْدَكَ لَا تُمْنِنِي فُجَاءَةً، وَلَا تَحْرِمْنِي تَوْبَةً،

اطاعت تو دارد و به منزلتی که در پیش تو دارد مرا به مرگ ناگهانی نیران و از توبه محروم منما
وَارْزُقْنِي الْوَرَعَ عَنْ مَحَارِمِكَ دِيناً وَدُنْيَا، وَاشْغَلْنِي بِالْآخِرَةِ عَنْ
و پارسائی از محرمات را در دین و دنیا روزی من گردان و از طلب کردن دنیا به کار آخرت سرگرم کن
طَلَبِ الْأُولَى، وَوَقِّفْنِي لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضِي، وَجَبِّبْنِي اتِّبَاعَ الْهَوَى
و موفقم دار بدانچه تو دوست داری و خوشنودی و دورم کن از پیروی هوای نفس
وَالْإِغْتِرَارَ بِالْأَبَاطِيلِ وَالْمُنَى، اَللَّهُمَّ اجْعَلِ السَّدَادَ فِي قَوْلِي
و گول خوردن به کارهای باطل و آرزوها، خدایا قرار ده راستی را در گفتارم
وَالصَّوَابَ فِي فِعْلِي، وَالصَّدْقَ وَالْوَفَاءَ فِي ضَمَانِي وَوَعْدِي،
و درستی را در کردارم و وفا را در تعهد و وعده‌ام
وَالْحِفْظَ وَالْإِيْنَسَ مَقْرُونَيْنِ بَعْدِي وَوَعْدِي، وَالْبِرَّ وَالْإِحْسَانَ مِنْ
و حفظ (از یاد نبردن) و بینائی را مقرون به عهد و پیمانم و نیکویی و احسان را در
شَأْنِي وَخُلُقِي، وَاجْعَلِ السَّلَامَةَ لِي شَامِلَةً وَالْعَافِيَةَ بِي مُحِيطَةً
رفتار و اخلاقم و چنان کن که (همیشه) سلامت شاملم باشد و تندرستی پیچیده به اطرافم باشد
مُلْتَقَةً، وَلَطِيفَ صُنْعِكَ وَعَوْنِكَ مَصْرُوفاً إِلَيَّ، وَحُسْنَ تَوْفِيقِكَ
و رفتار لطیف و کمکت را بسوی من متوجه کن و توفیق نیک
وَيُسْرَكَ مَوْفُوراً عَلَيَّ، وَآخِئِنِّي يَا رَبُّ سَعِيداً، وَتَوَفَّنِي شَهِيداً،
و آسانی کار را بر من وافر و کامل گردان و زنده‌ام بدار پروردگارا به خوشبختی و بمیرانم بصورت شهادت
وَطَهِّرْنِي لِلْمَوْتِ وَمَا بَعْدَهُ، اَللَّهُمَّ وَاجْعَلِ الصَّحَّةَ وَالتَّوَرَّ فِي
(در راه دین) و برای مرگ و عالم پس از مرگ پاکم کن، خدایا و بنه صحت و روشنی را در
سَمْعِي وَبَصَرِي وَالْجِدَّةَ وَالْخَيْرَ فِي طَرُقِي، وَالْهُدَى وَالْبَصِيرَةَ فِي
گوشم و در دیده‌ام و توانگری و خیر و خوبی را در راههایم و راهنمایی را در
دینی وَمَذْهَبِي، وَالْمِيزَانَ أَبَداً نَصَبَ عَيْنِي، وَالذِّكْرَ وَالْمَوْعِظَةَ
دین و آئینم و میزان (عدل و شرع) را همیشه در برابر چشمم و ذکر و پند را
شِعَارِي وَدِّثَارِي، وَالْفِكْرَةَ وَالْعِبْرَةَ أُتْسِي وَعِمَادِي، وَمَكِّنِ الْيَقِينَ
شعار و جامه‌ام و اندیشه و عبرت را انیس و تکیه‌گاهم و جای ده یقین را

فِي قَلْبِي، وَاجْعَلْهُ أَوْثَقَ الْأَشْيَاءِ فِي نَفْسِي، وَاعْلِبْهُ عَلَيَّ رَأْيِي
در دلم و بگردان آن را محکمترین چیزها در پیش من و چیره کن آن را بر رای
وَعَزْمِي، وَاجْعَلِ الْإِرْشَادَ فِي عَمَلِي، وَالتَّسْلِيمَ لِأَمْرِكَ مِهَادِي
و تصمیم و قرار ده ارشاد در کردار و تسلیم در برابر دستورت را بستر
وَسَنْدِي، وَالرِّضَا بِقَضَائِكَ وَقَدْرِكَ أَقْصَى عَزْمِي وَنَهَائَتِي، وَأَبْعَدَ
و پشتوانه ام و راضی بودن به قضا و قدرت را آخرین حد تصمیم و مقصودم و عالیترین
هَمِّي وَغَائَتِي، حَتَّى لَا أَتَقِيَ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ بِدِينِي، وَلَا أَطْلُبَ بِهِ
نقطه همت و هدفم تا پرهیز نکنم از هیچیک از خلق تو در کار دینم و نجویم بوسیله آن
غَيْرَ آخِرَتِي، وَلَا أَسْتَدْعِي مِنْهُ اطْرَائِي وَمَدْحِي، وَاجْعَلْ خَيْرَ
جز آخرتم را و نخواهم از آن ثناگوئی و مدحم را (و تنها دینم برای تو باشد) و بگردان بهترین
الْعَوَاقِبِ عَاقِبَتِي، وَخَيْرَ الْمَصَائِرِ مَصِيرِي، وَأَنْعَمَ الْعَيْشِ عَيْشِي،
سرانجامها را سرانجام من و بهترین بازگشتگاهها را بازگشتگاه من و خوشترین زندگی را زندگی من
وَأَفْضَلَ الْهُدَى هُدَايَ، وَأَوْفَرَ الْحُطُوطِ حَظِّي، وَأَجْزَلَ الْأَقْسَامِ
و بهترین هدایت را هدایت من و کاملترین بهره ها را بهره من و شایانترین قسمتها را
قِسْمِي وَنَصِيبِي، وَكُنْ لِي يَا رَبِّ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَلِيًّا، وَإِلَى كُلِّ خَيْرٍ
قسمت و نصیب من، و باش برای من پروردگارا از هر بدی نگهدار و بسوی هر کار خیری
دَلِيلًا وَقَائِدًا، وَمِنْ كُلِّ بَاغٍ وَحَسُودٍ ظَهِيرًا وَمَانِعًا، اَللّٰهُمَّ بِكَ
راهنما و رهبر و از هر ستمکار و حسودی پشتیبان و جلوگیر، خدایا تنها
اعْتِنَادِي وَعِصْمَتِي، وَتَقَتِي وَتَوْفِيقِي، وَحَوْلِي وَقُوَّتِي، وَلَكَ مَحْيَايَ
به تو است توشه گیری و خود نگهداری و وثوق و توفیق و جنبش و نیرویم و از تو است زندگی
وَمَمَاتِي، وَفِي قَبْضَتِكَ سَكُونِي وَحَرَكَتِي، وَإِنَّ بَعْرُوتَكَ الْوُثْقَى
و مرگم و در قبضه قدرت تو است آرامش و جنبش و همانا به رشته محکم تو است
اسْتِمْسَاكِي وَوُصْلَتِي، وَعَلَيْكَ فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا اعْتِمَادِي وَتَوَكُّلِي،
تمسک و توسل و تنها بر تو است در هر کاری اعتماد و توکل
وَمِنْ عَذَابِ جَهَنَّمَ وَمَسِّ سَقَرِ نَجَاتِي وَخَلَاصِي، وَفِي دَارِ أَمْنِكَ

و نجات و رهاییم از عذاب جهنم و تماس پیدا کردن با دوزخ فقط بدست تو است و در خانه امن

وَكْرَامَتِكَ مَتَوَايَ وَمُنْقَلَبِي، وَعَلِيَّ أَيْدِي سَادَتِي وَمَوَالِيَّ آلِ

و کرامت تو است منزل و مأوایم و بدست آقایان و سرورانم خاندان

الْمُصْطَفِيِّ فَوْزِي وَفَرَجِي، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

پیامبر مصطفی است رستگاری و گشایش کارم خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد

وَاعْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ، وَاعْفِرْ لِي

و بیامرزد مردان مؤمن و زنان با ایمان و مردان و زنان مسلمان را و بیامرزد مرا

وِلْوَالِدَيَّ وَمَا وَلَدَا، وَأَهْلَ بَيْتِي وَجِيرَانِي، وَلِكُلِّ مَنْ قَلَدَنِي يَدًا مِنْ

و پدر و مادرم را و فرزندانم را و خاندانم و همسایگانم را و هر مرد و زن با ایمانی که حقی به گردن من دارد

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ إِنَّكَ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ. [وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَ

که برستی تو دارای فضل و بخشش بزرگی هستی (و سلام و

رَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ]. × چهارم دعائی است با مضامین عالیّه که بعد از زیارت هر یک

رحمت خدا و برکاتش بر تو باد * * * * *)

* * * * *

از ائمه علیهم السلام خوانده می شود و این دعا را سید بن طاوس در مصباح الزائر بعد از زیارت جامعه

* * * * *

* * * * *

مذکوره نقل فرموده و آن دعای شریف این است: اللَّهُمَّ إِنِّي زُرْتُ هَذَا الْإِمَامَ

* * * * * خدایا من زیارت کردم این امام

را

مُقَرَّرًا بِإِمَامَتِهِ، مُعْتَقِدًا لِفَرَضِ طَاعَتِهِ فَقَصَدْتُ مَشْهَدَهُ بِذُنُوبِي

در حالی که اقرار به امامتش دارم و معتقدم که اطاعتش بر من واجب است و با این حال آهنگ زیارتگاهش را کردم با

گناهانی

وَعُيُوبِي، وَمُوبِقَاتِ آثَامِي، وَكَثْرَةِ سَيِّئَاتِي وَخَطَايَايَ، وَمَا تُعْرِفُهُ

که دارم و با عیوب و جرمهای هلاکت بارم و بدیهای بسیار و خطاکاری هایم و آنچه تو خود می دانی

مَنِّي، مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ مُسْتَعِيدًا بِحِلْمِكَ، رَاجِيًا رَحْمَتَكَ، لَاجِئًا إِلَى

و پناه آورده‌ام به گذشتت و به بردباریت و امیدوارم به رحمت و ملتجی گشته‌ام به پایه

رُكْنِكَ، عَائِذَا بِرَأْفَتِكَ مُسْتَشْفِعاً بِوَلِيِّكَ وَأَيْنِ [هر گاه این دعاء بعد از زیارت

و اساس مرحمت و پناهنده‌ام به مهرت و شفیع گرفته‌ام ولی تو و فرزند * * * * *

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام باشد عوض کلمه و این در تمام چهار موضع و ابی گوید «منه» »

* * * * *
* * * * *

أَوْلِيَائِكَ، وَصَفِيَّكَ وَأَيْنِ أَصْفِيَائِكَ، وَأَمِينِكَ وَأَيْنِ أَمَنَائِكَ، وَخَلِيفَتِكَ وَأَيْنِ

اولیائت را و برگزیده‌ات و پدر برگزیدگانت را و امین تو و فرزند امانتدارانت را و جانشین تو و فرزند

خُلَفَائِكَ، الَّذِينَ جَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَى رَحْمَتِكَ وَرِضْوَانِكَ، وَالذَّرِيعَةَ إِلَى

جانشینانت را آنانکه قرارشان دادی وسیله‌ای بسوی رحمت و خوشنودیت و واسطه‌ای برای

رَأْفَتِكَ وَغُفْرَانِكَ، اللَّهُمَّ وَأَوَّلُ حَاجَتِي إِلَيْكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي مَا سَلَفَ مِنْ

مهر و آمرزشت خدایا نخستین حاجتم بدرگاه تو این است که بیامرزی گناهان گذشته‌ام را

دُئُونِي عَلَى كَثَرَتِهَا، وَأَنْ تَعْصِمَنِي فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي، وَتُطَهِّرَ

با بسیاری آنها و نگاهم داری از گناه در باقیمانده عمرم و پاک کنی

دینی مِمَّا يُدْنِسُهُ وَيَشِينُهُ وَيُزْرِي بِهِ، وَتَحْمِيَهُ مِنَ الرَّيْبِ وَالشَّكِّ

دین و آئین مرا از آنچه آلوده و چرکینش کند و معیوبش سازد و نگاهداریش کنی از شک و شبهه

وَالْفُسَادِ وَالشَّرِّكَ، وَتُبَتِّنِي عَلَى طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ وَذُرِّيَّتِهِ

و فساد و شرک و استوارم بداری بر فرمانبرداری خود و فرمانبرداری پیامبرت و فرزندان

الْجُبَاةِ السُّعْدَاءِ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَتِكَ وَسَلَامِكَ وَبَرَكَاتِكَ

نجیب و سعادتمندش - که درودهای تو و رحمت و سلام و برکات بر ایشان باد -

وَتُحْيِيَنِي مَا أَحْيَيْتَنِي عَلَى طَاعَتِهِمْ وَتُمِيتَنِي إِذَا أَمَتَنِي عَلَى

و زنده‌ام بداری تا هر قدر که زنده‌ام بر فرمانبرداریشان و بمیرانیم هرگاه که مردم بر

طَاعَتِهِمْ وَأَنْ لَا تَمْحُوَ مِنْ قَلْبِي مَوَدَّتَهُمْ وَمَحَبَّتَهُمْ وَبُغْضَ أَعْدَائِهِمْ

فرمانبرداریشان و محو نکنی از دل من دوستی و محبت ایشان و بغض دشمنانشان

وَمُرَافَقَةَ أَوْلِيَائِهِمْ وَبِرَّهُمْ وَاسْتِلْكَ يَا رَبَّ أَنْ تَقْبَلَ ذَلِكَ مِنِّي،

و رفاقت دوستانشان و نیکی کردن به ایشان را و از تو خواهم پروردگارا که بپذیری این (زیارت و دعا) را از من
و تُحِبَّ إِلَى عِبَادَتِكَ وَالْمُوَاطَّئَةِ عَلَيْهَا، وَتُسَبِّحَنِي لَهَا، وَتُبْعِضَ إِلَيَّ
و مرا دوستدار عبادت کنی و مواظبت دهی بر آن و بنشاطم آوری برای عبادت و متنفرم کنی
مَعَاصِيكَ وَمَحَارِمَكَ، وَتَدْفَعَنِي عَنْهَا، وَتُجَنِّبَنِي التَّقْصِيرَ فِي
از گناهان و محرمات و بازم داری از آنها و برکنارم داری از کوتاهی کردن در
صَلَوَاتِي وَالْأَسْتِهَانَةِ بِهَا، وَالتَّرَاخِي عَنْهَا، وَتُوقِّفَنِي لِتَأْدِيبِهَا كَمَا
نمازهایم و سرسری گرفتن آن و سستی و کاهلی کردن در آن و موقفم دار برای اداء آن چنانچه
فَرَضْتَ وَأَمَرْتَ بِهِ عَلَيَّ سُنَّةَ رَسُولِكَ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ،
واجب کرده ای و دستور فرموده ای به روش پیامبرت - که دروهای تو
وَرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ خُضُوعاً وَخُشُوعاً، وَتَشْرَحَ صَدْرِي لِأُتَيِّأَ
و رحمت و برکاتت بر او و آتش باد - با حال خضوع و خشوع و دیگر آنکه سینه ام را باز کنی (و بلندی نظر به من
دهی)

الزُّكُوةِ، وَإِعْطَاءِ الصَّدَقَاتِ، وَبَذْلِ الْمَعْرُوفِ وَالْإِحْسَانِ إِلَى شِيعَةِ
برای پرداختن زکات و دادن صدقات و انجام کار نیک و احسان نسبت به شیعیان
آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَمُؤَاسَاتِهِمْ وَلَا تَتَوَقَّأْنِي إِلَّا بَعْدَ أَنْ
آل محمد علیهم السلام و مواسات با آنها و نمیرانیم مگر بعد از اینکه
تَرُزِّقَنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، وَزِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ وَقُبُورِ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ
روزیم کنی حج خانه کعبه و زیارت قبر پیامبرت و قبور امامان علیهم السلام
السَّلَامُ، وَأَسْأَلُكَ يَا رَبُّ تَوْبَةً نَصُوحاً تَرْضَاهَا، وَبَيَّةً تَحْمَدُهَا، وَعَمَلاً
را و از تو خواهم پروردگارا توبه حقیقی مورد پسندت را و نیتی که ستوده درگاه تو باشد و کردار
صَالِحاً تَقْبَلُهُ، وَأَنْ تَغْفِرَ لِي وَتَرْحَمَنِي إِذَا تَوَقَّيْتُ، وَتُهَوِّنَ عَلَيَّ
شایسته ای که تو بپذیری و دیگر آنکه مرا بیامری و به من رحم کنی هنگامی که از این جهان مرا ببری و آسان کنی بر
سَكَرَاتِ الْمَوْتِ وَتَحْشُرَنِي فِي زُمْرَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَوَاتُ اللَّهِ
من سختیهای مرگ را و محشورم کنی در گروه محمد و آتش - که دروهای خدا
عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَتُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ، وَتَجْعَلَ دُمْعِي غَزِيراً فِي

بر او و بر ایشان باد - و داخل بهشتم کنی به رحمت خودت و اشکم را فراوان کنی در انجام طاعتک، وَعَبَّرْتِي جَارِيَةً فِيمَا يُقَرِّبُنِي مِنْكَ، وَقَلْبِي عَطُوفاً عَلَي طاعتت و سرشکم را ریزان نمائی در آنچه مرا به تو نزدیک گرداند و دلم را مهربان کنی نسبت اَوْلِيَاءِكَ، وَتَصُونَنِي فِي هَذِهِ الدُّنْيَا مِنَ الْعَاهَاتِ وَالْآفَاتِ، به دوستان و نگاهم داری در این دنیا از آسیبها و آفات وَالْأُمْرَاضِ الشَّدِيدَةِ وَالْأَسْقَامِ الْمُزِمَّةِ وَجَمِيعِ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ و بیماریهای سخت و دردهای مزمن و از هر نوع بلا وَالْحَوَادِثِ، وَتَصْرِفَ قَلْبِي عَنِ الْحَرَامِ وَتُبْعِضَ إِلَيَّ مَعَاصِيكَ، و حادثه‌ای و بگردانی دلم را از توجه به حرام و مبعوض گردانی در نزد من نافرمانی‌ها را وَتُحِبِّبَ إِلَيَّ الْحَلَالَ، وَتَفْتَحَ لِي أَبْوَابَهُ، وَتُثَبِّتَ نِيَّتِي وَفِعْلِي عَلَيْهِ، و محبوب گردانی در پیش من حلال را و بگشایی برویم درهای آن را و استوار کنی نیت و کارم را بر آن وَتَمُدَّ فِي عُمْرِي، وَتُعْلِقَ أَبْوَابَ الْمَحَنِّ عَنِّي، وَلَا تَسْلُبْنِي مَا مَنَنْتَ و دراز گردانی عمرم را و بربندي برویم درهای غم و محنت را و نعمتهایی که به من داده از من بِهِ عَلَيَّ، وَلَا تَسْتَرِدَّ شَيْئاً مِمَّا أَحْسَنْتَ بِهِ إِلَيَّ، وَلَا تَنْزِعْ مِنِّي النِّعَمَ نگیری و چیزی از احسانهای (بیشمار) خود را از من بازستانی و جدا نکنی از من نعمتهای (بسیاری) الَّتِي أَلْعَمْتُ بِهَا عَلَيَّ، وَتَزِيدَ فِيمَا حَوَّلْتَنِي، وَتُضَاعِفَهُ أَضْعَافاً را که به من عنایت فرمودی و بیفزایی بر آنچه به من ارزانی داشتی و مضاعف گردانی آنرا مُضَاعَفَةً، وَتَرْزُقَنِي مَا لَكَ كَثِيراً وَاسِعاً سَائِغاً، هَنِيئاً نَامِياً وَافِياً، وَعِزّاً به چندین برابر و روزیم کنی مالی بسیار و وسیع و ریزان و گوارا و با برکت و رسا، و نیز عزتی بَاقِياً كَافِياً، وَجَاهاً عَرِيضاً مَنِيْعاً، وَنِعْمَةً سَابِعَةً عَامَّةً، وَتُعِينَنِي بِذَلِكَ باقی و کافی، و آبرویی پهناور و شکوهمند و نعمتی شایان و فراگیرنده و بی‌نیازم کن بدینوسیله عَنِ الْمَطَالِبِ الْمُتَكَدِّهِ وَالْمَوَارِدِ الصَّعْبَةِ، وَتُخَلِّصَنِي مِنْهَا مُعَافَاً فِي از تکاپوهای پرمشقت و موارد سخت و دشوار و رهاییم دهی از آنها با سلامتی دینی وَنَفْسِي وَوَلَدِي، وَمَا أَعْطَيْتَنِي وَمَنْحَتَنِي، وَتَحْفَظَ عَلَيَّ مالی دین و جان و فرزندانم و چیزهای دیگری که به من عطا کرده و ارزانی داشتی و نگهداری برایم مالم

وَجَمِيعَ مَا حَوَّلْتَنِي، وَتَقْبِضَ عَنِّي أَيْدِيَ الْجَبَابِرَةِ، وَتَرُدَّنِي إِلَى
و همه آنچه را به من بخشیده‌ای و برگیری از سر من دستهای (ستم‌پیشه) گردنکشان را و بازم گردانی
وَطَنِي، وَتُبَلِّغَنِي نِهَایَةَ أَمَلِي فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي، وَتَجْعَلَ عَاقِبَةَ
به وطنم و برسانی مرا به نهایت آرزویم در دنیا و آخرت و بگردانی سرانجام
أَمْرِي مَحْمُودَةً حَسَنَةً سَلِيمَةً، وَتَجْعَلَ رَحِيبَ الصَّدْرِ، وَاسِعَ الْحَالِ،
کارم را پسندیده و نیکو و سالم، و قرارم دهی فراخ سینه (و بلند نظر) و فراخ حال
حَسَنَ الْخُلُقِ، بَعِيداً مِنَ الْبُخْلِ وَالْمَنَعِ وَالْتِفَاقِ، وَالْكَذِبِ وَالْبُهْتِ
و خوش خلقی و دور از بخل و ممانعت (از احسان و دستگیری) و نفاق و دروغ و بهتان
وَقَوْلِ الزُّورِ، وَتُرْسِخَ فِي قَلْبِي مَحَبَّةَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَشِعْبَتِهِمْ،
و زورگوئی و ریشه‌دار کنی در دلم دوستی محمد و آل محمد و شیعیانشان را
وَتَحْرُسَنِي يَا رَبِّ فِي نَفْسِي وَاهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي، وَاهْلِي حُرَاتِي
و محافظتم کنی پروردگارا در جانم و خاندان و مال و فرزندان و ناخوران
وَإِخْوَانِي، وَاهْلِي مَوَدَّتِي وَذَرَّتِي، بِرَحْمَتِكَ وَجُودِكَ، اَللَّهُمَّ هَذِهِ
و برادران و دوستان و نژادم به مهر و جودت خدایا اینها بود
حَاجَاتِي عِنْدَكَ، وَقَدْ اسْتَكْرَثْتُهَا لِلْوَمِي وَشَحْيِي، وَهِيَ عِنْدَكَ
حاجتهایی که من بدرگاه تو دارم و اینکه زیادشان کردم بخاطر گداصفتی و حرص زیادی است که من دارم
صَغِيرَةٌ حَقِيرَةٌ وَعَلَيْكَ سَهْلَةٌ يَسِيرَةٌ، فَاسْأَلْكَ بِجَاهِ مُحَمَّدٍ وَآلِ
ولی همه آنها در نزد تو کوچک و اندک است و انجامش برای تو سهل و آسان است پس از تو خواهم به آن آبرویی که
محمد و آل
مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ عِنْدَكَ، وَبِحَقِّهِمْ عَلَيْكَ، وَبِمَا أَوْجَبْتَ لَهُمْ،
محمد – که بر او و بر ایشان سلام باد – در نزد تو دارند و به حقی که ایشان بر تو دارند و بدانچه واجب کرده‌ای
وَبِسَائِرِ أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَأَصْفِيَائِكَ وَأَوْلِيَائِكَ، الْمُخْلِصِينَ مِنْ
برای ایشان و به حق سایر پیمبران و رسولان و برگزیدگان و دوستان مخلص از
عِبَادِكَ، وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ لَمَّا قَضَيْتَهَا كُلُّهَا، وَأَسْعَفْتَنِي بِهَا،
بندگان و به حق بزرگترین نام اعظمت که همه این حاجتها را برایم برآوری و کامروایم سازی بدانها

وَلَمْ تُخَيِّبْ أَمَلِي وَرَجَائِي اللَّهُمَّ وَشَفِّعْ صَاحِبَ هَذَا الْقَبْرِ فِيَّ، يَا
و امید و آرزویم را مبدل به نومیدی نکنی خدایا و شفاعت صاحب این قبر را درباره من بپذیر، ای
سَيِّدِي يَا وَلِيَّ اللَّهِ يَا أَمِينَ اللَّهِ، أَسْأَلُكَ أَنْ تَشْفَعَ لِي إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ
آقای من ای ولی خدا و ای امانتدار خدا از تو خواهم که شفاعت کنی از من بدرگاه خدای عزوجل
فِي هَذِهِ الْحَاجَاتِ كُلِّهَا، بِحَقِّ آبَائِكَ الطَّاهِرِينَ، وَبِحَقِّ أَوْلَادِكَ
در همه این حاجتها به حق پدران پاکت و بحق فرزندان
الْمُنْتَجِبِينَ، فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاءُهُ، الْمُنْزِلَةَ الشَّرِيفَةَ،
برگزیده‌اش زیرا که برای تو در نزد خداوندی که نامهایش منزّه است مقامی است بس شریف
وَالْمَرْتَبَةَ الْجَلِيلَةَ، وَالْجَاهَ الْعَرِيزَ، اللَّهُمَّ لَوْ عَرَفْتُ مَنْ هُوَ أَوْجَهُ
و مرتبتی است برجسته و آبرویی است پهناور و بسیار خدایا اگر من کسی را سراغ داشتم که آبرومندتر بود
عِنْدَكَ مِنْ هَذَا الْأَمَامِ، وَمِنْ آبَائِهِ وَأَبْنَائِهِ الطَّاهِرِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ
در نزد تو از این امام بزرگوار و از پدران و فرزندان پاکیزه‌اش - که درود و سلام
وَالصَّلَاةُ، لَجَعَلْتُهُمْ شُفَعَائِي وَقَدَّمْتُهُمْ أَمَامَ حَاجَتِي وَطَلِبَاتِي هَذِهِ،
بر ایشان باد - بطور مسلم آنها را شفیعان خود می‌گرفتم و پیش روی حاجتها و خواسته‌هایم قرار می‌دادم
فَاسْمَعْ مِنِّي وَاسْتَجِبْ لِي، وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ،
پس از من بپذیر و دعایم را به اجابت رسان و انجام ده درباره من آنچه را تو شایسته آنی ای مهربانترین مهربانان
اللَّهُمَّ وَمَا قَصَرْتُ عَنْهُ مَسْئَلَتِي، وَعَجَزْتُ عَنْهُ قُوَّتِي، وَلَمْ تَبْلُغْهُ
خدایا و هر چه را کوتاه آمد از آن درخواست من (و از یادم رفت) و ناتوان شد از آن نیرویم، و فکرم بدان نرسید
فَطَنَنْتِي مِنْ صَالِحِ دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي، فَأَمْتُنْ بِهِ عَلَيَّ وَاحْفَظْنِي
از آنچه به صلاح دین و دنیا و آخرتم باشد پس آنها را بر من منت گذار (و عطا فرما) و محافظتم کن
وَاحْرُسْنِي، وَهَبْ لِي وَاعْفِرْ لِي، وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ أَوْ مَكْرُوهٍ، مِنْ
و پاسداریم کن و به بخش بر من و بیمارز مرا، و هر که قصد دارد به من آسیبی یا امر ناخوشایندی وارد کند
شَيْطَانٍ مَرِيدٍ، أَوْ سُلْطَانٍ غَنِيدٍ، أَوْ مُخَالِفٍ فِي دِينٍ، أَوْ مُنَازِعٍ فِي دُنْيَايَ،
چه از شیطانی متمرد یا سلطانی معاند یا مخالف در دین یا ستیزه‌جویی در مال دنیا
أَوْ حَاسِدٍ عَلَيَّ نِعْمَةٍ، أَوْ ظَالِمٍ أَوْ بَاغٍ، فَاقْبِضْ عَنِّي يَدَهُ، وَاصْرِفْ عَنِّي

یا حسودی که در نعمتی بر من رشک برد یا ستمکار یا زورگوئی (هر که باشد) قدرتش را از سر من بازگیر و
 کَیْدَهُ، وَاشْغَلْهُ عَنِّي بِنَفْسِهِ، وَاکْفِنِي شَرَّهُ وَشَرَّ أَتْبَاعِهِ وَشَيَاطِينِهِ،
 نقشه‌اش را از من بازگردان و او را بخودش مشغول کن و شر خودش و شر پیروان و شیاطینش را از من کفایت فرما
 وَاجِرْنِي مِنْ كُلِّ مَا يَضُرُّنِي وَيُجْحِفُ بِي، وَأَعْطِنِي جَمِيعَ الْخَيْرِ كُلِّهِ
 و پناه‌م ده از هر چه به من زیان زند و به هلاکت‌م اندازد و هر خیر و خوبی است همه را
 مِمَّا أَعْلَمُ وَمِمَّا لَا أَعْلَمُ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْ
 به من عطا فرما چه آنکه می‌دانم و چه آن را که نمی‌دانم خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و بیامرز
 لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِإِخْوَانِي وَأَخَوَاتِي، وَأَعْمَامِي وَعَمَّاتِي، وَأَخْوَالِي
 مرا و پدر و مادرم و برادران و خواهرانم و عموهایم و عمه‌هایم و داییهایم
 وَخَالَاتِي، وَأَجْدَادِي وَجَدَّاتِي، وَأَوْلَادِهِمْ وَذَرَارِيَهُمْ، وَأَزْوَاجِي
 و خاله‌هایم و اجداد و جدده‌هایم را و فرزندان‌شان و نژادشان و همسرانشان
 وَذُرِّيَّاتِي، وَأَقْرَبَائِي وَأَصْدِقَائِي، وَجِيرَانِي وَإِخْوَانِي فَيْكَ مِنْ أَهْلِ
 و فرزندان خودم و خویشانم و رفقا و همسایگانم و برادران دینیم را از اهل
 الشَّرْقِ وَالْعَرْبِ، وَلِجَمِيعِ أَهْلِ مَوَدَّتِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ،
 شرق و غرب عالم و تمام آنانکه با من دوستی داشته و دارند از مردان و زنان با ایمان
 الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ، وَلِجَمِيعِ مَنْ عَلَّمَنِي خَيْرًا، أَوْ تَعَلَّمْتُ مِنْهُ عِلْمًا،
 زنده و مرده‌شان را و تمام کسانی که کار خیری را به من یاد داده یا از من علمی آموخته‌اند
 اَللّٰهُمَّ اشْرِكْهُمْ فِي صَالِحِ دُعَائِي وَزِيَارَتِي لِمَشْهَدِ حُجَّتِكَ
 خدایا شریک ساز ایشان را در دعای خیری که کرده‌ام و زیارتی که از زیارتگاه حجت
 وَلِيِّكَ، وَاشْرِكْنِي فِي صَالِحِ ادْعِيَّتِهِمْ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ،
 و ولیت نصیب شده و مرا نیز در دعا‌های خیر ایشان شریک ساز به مهرت ای مهربانترین مهربانان
 وَبَلِّغْ وَلِيَّكَ مِنْهُمْ السَّلَامَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، يَا
 و سلام برسان از طرف آنها بر ولی خودت، و بر تو باد ای سرور
 سَيِّدِي يَا مَوْلَايَ × یا فلان بن فلان (بجای این کلمه نام امامی را که زیارت می‌کند و نام پدر آن بزرگوار

* * * * * و آفای من ای فلان ... سلام خدا و رحمت و برکاتش * * * * *

را بگوید) × صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ، أَنْتَ وَسَيِّلَتِي إِلَى اللَّهِ،

* * * * * درود خدا بر تو و بر روح و جسمت توئی وسیله من بدرگاه خدا

وَذَرِيعَتِي إِلَيْهِ، وَلِي حَقُّ مُوَالَاتِي وَتَأْمِيلِي، فَكُنْ شَفِيعِي إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي

و واسطه من در پیشگاهش و من بر تو حق دوستی و آرزومندی دارم پس شفیع من شو بدرگاه خدای عزوجل در

الْوُقُوفِ عَلَيَّ قِصَّتِي هَذِهِ، وَصَرَفِي عَنْ مَوْفِي هَذَا بِالْجُحِّ بِمَا سَأَلْتُهُ

اطلاع بر جریان کارم و بازگرداندم از اینجا با کامیابی بدانچه درخواست کرده‌ام همه

كُلَّهُ، بِرَحْمَتِهِ وَقُدْرَتِهِ، اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي عَقْلاً كامِلاً، وَلُبّاً راجِحاً،

را به مهر و قدرتت، خدایا روزم کن عقلی کامل و خردی که بچربد (بر هوای نفس)

وَعِزّاً باقِیاً، وَقَلْباً زَكِیّاً، وَعَمَلاً کَثِیراً، وَأَدَباً بارِعاً، وَاجْعَلْ ذَکَ کُلَّهُ

و عزتی باقی و دلی پاک و کرداری بسیار و ادبی نیکو و همه را بسود من قرار ده

لی، وَلَا تَجْعَلْهُ عَلَیَّ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

نه به زیان من به مهرت ای مهربانترین مهربانان

پنجم در ذکر زیارت وداع که هریک از ائمه علیهم السلام به آن وداع کرده شوند بدانکه از جمله آداب زیارت چنانچه

در محلّ خود ذکر شده وداع کردن زائر است مَزُور را در وقت بیرون رفتن از بلد آن بزرگوار به آنچه از ایشان رسیده

چنانچه در غالب زیارات مشاهده می‌شود و ما در مفاتیح در ابواب زیارات ائمه علیهم السلام برای هریک از ایشان صَلَوَاتُ

اللَّهِ عَلَیْهِمْ و داعی نقل کردیم و در وداع حضرت سیدالشهداء علیه السلام اکتفا کردیم به همان زیارت وداعی که در آداب

بیستم از آداب زائر آن حضرت ذکر شد. و بالجملة در اینجا ذکر می‌کنیم این زیارت وداع را که شیخ محمد بن المشهدی آنرا در باب

وداع مزار کبیر نقل کرده و سید بن طاوس رحمه الله بعد از زیارت جامعه مذکوره و ما نقل می‌کنیم آنرا از مصباح الزائر

فرموده چون خواستی وداع کنی و برگردی یعنی در هر یک از مشاهد مشرقه که هستی پس بگو :

السَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ، وَمَعْدِنِ الرِّسَالَةِ، سَلَامٌ مُودَّعٌ لَا

سلام بر شما ای خاندان نبوت و معدن رسالت سلام خدا حافظی نه از روی

سَمٍّ وَلَا قَالَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَیْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ، إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ

خستگی و نه از روی ناراحتی و دلنگی و رحمت خدا و برکاتش نیز بر شما خاندان باد که براستی او ستوده و بزرگوار است

سَلَامٌ وَلِيَّ غَيْرٍ رَاغِبٍ عَنْكُمْ، وَلَا مُنْحَرِفٍ عَنْكُمْ، وَلَا مُسْتَبْدِلٍ بِكُمْ،

سلام دوستداری که از شما به دیگری متمایل نگشته و منحرف نشده و شما را با دیگری عوض نکرده

وَلَا مُؤَثِّرٍ عَلَيْكُمْ، وَلَا زَاهِدٍ فِي قُرْبِكُمْ، لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ

و کسی را بر شما مقدم نداشته و از نزدیکی و تقرب به شما کناره گیری نکند، قرار ندهد خداوند این زیارت را

زِيَارَةَ قُبُورِكُمْ، وَإِثْبَانِ مَشَاهِدِكُمْ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ، وَحَشَرَتِي اللَّهَ فِي

آخرین بار زیارت من از قبرهای مقدس شما و آمدن به زیارتگاههایتان سلام بر شما باد و خدا مرا در گروه شما محشور

زُمرَّتِكُمْ، وَأَوْرَدَنِي حَوْضَكُمْ وَأَرْضَكُمْ عَنِّي، وَمَكَّنَنِي فِي دَوْلَتِكُمْ،

گرداند و بر سر حوض شما (حوض کوثر) درآورد و شما را از من خوشنود گرداند و در حکومت شما

وَأَحْيَانِي فِي رَجْعَتِكُمْ وَمَلَكَنِي فِي أَيَّامِكُمْ، وَشَكَرَ سَعْيِي لَكُمْ،

قدرتی به من بدهد و در زمان رجعت شما زنده ام گرداند و در دوران سلطنتان فرمانروایم کند و کوششم را در راه

وَغَفَرَ ذُنُوبِي بِشَفَاعَتِكُمْ وَأَقَالَ عَثْرَتِي بِحُبِّكُمْ، وَأَعْلَى كَعْبِي

شما بپذیرد و گناهانم را به شفاعت شما بریزد و لغزشم را بواسطه محبتم به شما نادیده گیرد

بِمُؤَالَاتِكُمْ، وَشَرَّفَنِي بِطَاعَتِكُمْ، وَأَعَزَّنِي بِهُدْيِكُمْ، وَجَعَلَنِي مِمَّنْ

و مقامم را بخاطر دوستی شما بلند گرداند و به فرمانبرداری شما شرفم دهد و به راهنمایی شما عزیزم گرداند و قرار دهد

يُنْقَلِبُ مُفْلِحًا مُنْجِحًا، سَالِمًا غَانِمًا، مُعَافَاً غَنِيًّا، فَائِزًا بِرِضْوَانِ اللَّهِ

مرا از کسانی که باز گردد از اینجا رستگار و کامیاب و سالم و بهره کام و تندرست و بی نیاز و رسیده به خوشنودی خدا

وَفَضْلِهِ وَكَفَايَتِهِ، بِأَفْضَلِ مَا يُنْقَلِبُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ زُورَارِكُمْ، وَمَوَالِيكُمْ

و فضل و کفایتش به بهترین وضعی که باز گردد بدان وضع یکی از زائران و دوستداران

وَمُحِبِّيَكُمْ وَشَيْعَتِكُمْ، وَرَزَقَنِي اللَّهُ الْعُودَ ثُمَّ الْعُودَ ثُمَّ الْعُودَ مَا أَبْقَانِي

و محبت و رزان و شیعیان شما و روزیم گرداند خداوند بازگشت به اینجا را باز هم مکرر در مکرر تا زنده ام دارد

رَبِّي بِنِيَّةٍ صَادِقَةٍ، وَإِيمَانٍ وَتَقْوَى وَإِحْسَابٍ، وَرِزْقٍ وَاسِعٍ حَلَالٍ

(در این جهان) پروردگارم با نیتی درست و ایمان و پرویزی و فروتنی و روزی فراخ و حلال

طَيِّبٍ، اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِهِمْ، وَذِكْرِهِمْ وَالصَّلَاةِ

و پاکیزه خدایا قرارش مده آخرین بار زیارت من از این بزرگواران و یادآوری و درود فرستادن
 عَلَيْهِمْ، وَأَوْجِبْ لِي الْمَغْفِرَةَ وَالرَّحْمَةَ، وَالْخَيْرَ وَالْبَرَكَهَ، وَالثَّوَر
 بر ایشان و واجب گردان برایم آمرزش و رحمت و خیر و برکت و روشنی
 وَالْإِيمَانَ، وَحُسْنَ الْجَابَةِ، كَمَا أَوْجِبْتَ لِأَوْلِيَّائِكَ الْعَارِفِينَ بِحَقِّهِمْ
 و ایمان و بخوبی اجابت کردن دعایم را چنانچه واجب گردانیدی (اینها را) برای آن دوستان که معرفت به حق آنان
 داشته

الْمُوجِبِينَ طَاعَتَهُمْ، وَالرَّاعِبِينَ فِي زِيَارَتِهِمْ، الْمُتَقَرِّبِينَ إِلَيْكَ وَلِيَّهُمْ،
 و اطاعتشان را واجب دانسته و مشتاق زیارتشان بودند و بدرگاه تو و ایشان تقرب می جستند
 بِأَبِي أَيْتَمٍ وَأُمِّي وَنَفْسِي وَمَالِي وَأَهْلِي، اجْعَلُونِي مِنْ هَمِّكُمْ،
 پدر و مادرم و خودم و مال و خاندانم به فدای شما مرا در نظر داشته باشید (و از یادم نبرید)
 وَصَيِّرُونِي فِي حَزْبِكُمْ، وَأَدْخِلُونِي فِي شَفَاعَتِكُمْ، وَادْكُرُونِي عِنْدَ
 و در گروه خودتان قرارم دهید و در شفاعتتان واردم کنید و در نزد پروردگارتان یادم
 رَبِّكُمْ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَبْلِغْ أَرْوَاحَهُمْ
 کنید خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و برسان به روانها
 وَأَجْسَادَهُمْ عَنِّي تَحِيَّةً كَثِيرَةً وَسَلَامًا، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ
 و اجساد ایشان از جانب من تحیت و سلامی بسیار و سلام و رحمت خدا
 وَبَرَكَاتُهُ. × ششم در تحفة الزائر است که از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هرگاه

و برکاتش بر شما باد * * * * *

تو را حاجتی بسوی خدای تعالی باشد یا از امری خائف و ترسان باشی در کاغذی بنویس :

* * * * *

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوجَّهُ إِلَيْكَ، بِأَحَبِّ الْأَسْمَاءِ

به نام خدای بخشنده مهربان خدایا من به تو رو کنم به محبوبترین نامها
 إِلَيْكَ، وَأَعْظَمُهَا لَدَيْكَ، وَاتَّقَرَّبُ وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِمَنْ أَوْجِبَتْ حَقَّهُ

در پیشگاهت و بزرگترین آنها در نزدت و تقرب و توسل جویم بدرگاهت بوسیله کسانی که حقشان را

عَلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ، وَفَاطِمَةَ وَالْحُسَيْنِ وَالْحُسَيْنِ، وَعَلِيٍّ بْنِ

بر خود واجب كردي (يعني) به محمد و علي و فاطمه و حسن و حسين و علي بن

الْحُسَيْنِ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ،

الحسين و محمد بن علي و جعفر بن محمد و موسي بن جعفر

وَعَلِيٍّ بْنِ مُوسَى، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَعَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَالْحَسَنِ بْنِ

و علي بن موسي و محمد بن علي و علي بن محمد و حسن بن

عَلِيٍّ، وَالْحُجَّةَ الْمُتَنْظِرَ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، أَكْفَى كَذَا وَكَذَا .

علي و حجت منتظر - که درودهاي تو بر همه ايشان باد - كفایت کن مرا از چنین و چنان

يعني حاجت خود را ذکر کنی پس رقعہ را به پیچ و دربندقیہ ای از گل بگذارد و در میان آب جاری یا چاهی بینداز

که حق تعالی بزودی فرج کرامت فرماید هفتم به سند معتبر مروی است که شیخ ابو عمرو نائب اول امام عصر صلوات

الله علیه این دعا را ملا فرمود به ابو علی محمد بن همام و امر فرمود او را که آن را بخواند و سید بن طاوس در جمال الاسبوع

بعد از ذکر دعاهاي وارده بعد از نماز عصر جمعه و صلوات کبیره این دعا را ذکر کرده و فرموده و اگر برای تو عذري

باشد از جمیع آنچه ذکر کردیم پس حذر کن از آنکه مهمل گذاری خواندن این دعا را پس بدرستی که ما شناختیم این را از

فضل خداوند جل جلاله که مخصوص فرموده ما را به آن پس اعتماد کن به آن و آن دعا این است :

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ، لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ، اللَّهُمَّ

خدایا خود را به من بشناسان زیرا اگر تو خود را به من نشناسانی من پیامبرت را نخواهم شناخت خدایا پیامبرت را

عَرَّفْنِي رَسُولَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي

به من بشناسان که اگر پیامبرت را به من نشناسانی حجت تو را نخواهم شناخت خدایا بشناسان به من

حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي، اللَّهُمَّ لَا

حجت خود را که اگر حجت را به من نشناسانی از دینم گمراه گردم خدایا

تُمَتِّنِي مِيتَةً جَاهِلِيَّةً، وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي، اللَّهُمَّ فَكَمَا

نمیران مرا به مرگ دوران جاهلیت و منحرف مساز دلم را پس از اینکه هدایت کردی خدایا هم چنانکه

هَدَيْتَنِي لِوَلَايَةِ مَنْ فَرَضْتَ عَلَيَّ طَاعَتَهُ مِنْ وَلَايَةِ وَلَاةِ أَمْرِكَ بَعْدَ

راهنمایی کردی به فرمانبرداری کسی که اطاعتش را بر من واجب کردی از آن کارداران تو که پس از

رَسُولِكَ، صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، حَتَّى وَالَيْتُ وَلَاةَ أَمْرِكَ أَمِيرَ

پیامبرت - که درودهای تو بر او و آتش باد - آمدند تا به راهنمایی تو من زمامداری فرماندارانت را پذیرفتم که آنان
(عبارتند از) امیر

الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ، وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ، وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا

مؤمنان علی بن ابیطالب و حسن و حسین و علی و محمد

وَجَعْفَرًا وَمُوسَى، وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا، وَعَلِيًّا وَالْحَسَنَ، وَالْحُجَّةَ الْقَائِمَ

و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و حجت قائم

الْمُهْدِيَّ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، اللَّهُمَّ فَتَبِّتْني عَلَى دِينِكَ،

مهدی - که درودهای تو بر همگی ایشان باد - خدایا مرا ثابت قدم بدار بر دین خود

وَأَسْتَعْمِلْني بِطَاعَتِكَ، وَلَيْسَ قَلْبِي لَوْلِيٍّ أَمْرُكَ وَعَافِنِي مِمَّا امْتَحَنْتَ

و بکار فرمانبرداریت وادارم کن و دلم را برای (فرمانبرداری) ولایت نرم گردان و معافم دار از آنچه

بِهِ خَلَقَكَ، وَتَبِّتْني عَلَى طَاعَةِ وَلِيِّ أَمْرِكَ الَّذِي سَتَرْتَهُ عَنْ خَلْقِكَ،

خلق خود را بدان آزمودی و پابرجایم بدار بر اطاعت زمامدارت آن بزرگوار که از خلق خود او را پوشانیدی

وَبِإِذْنِكَ غَابَ عَنْ بَرِّيَّتِكَ، وَأَمْرُكَ يَنْتَظِرُ، وَأَنْتَ الْعَالِمُ غَيْرُ الْمَعْلَمِ

و به اذن خود او را از دیده آفریدگانت پنهان کردی و او چشم به راه فرمان تو است و تویی دانا - بی آنکه کسی

بِالْوَقْتِ الَّذِي فِيهِ صَلَاحُ أَمْرِ وَلِيِّكَ، فِي الْإِذْنِ لَهُ بِإِظْهَارِ أَمْرِهِ،

به تو خبر داده باشد - بدان وقتی که در آن صلاح ولی تو است که به او اجازه دهی برای آشکار ساختن کارش

وَكَشَفِ سِرِّهِ فَصَبِّرْني عَلَى ذَلِكَ حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ،

و کنار زدن پرده اش پس به من صبری بر این جریان عطا کن که دوست نداشته باشم پیش افتادن چیزی را

وَلَا تَأْخِرْني مَا عَجَلْتَ، وَلَا كَشَفِ مَا سَتَرْتَ، وَلَا الْبَحْثَ عَمَّا كَتَمْتَ،

که پس انداختی و پس انداختن چیزی را که پیش انداختی و نه آشکار ساختن آنچه را پوشانیدی و نه کنجکاوی از آنچه

پنهان داشتی

وَلَا أَنَاذِعْكَ فِي تَدْبِيرِكَ، وَلَا أَقُولُ لِمَ وَكَيْفَ، وَمَا بَالُ وَلِيِّ الْأَمْرِ لَا

و کشمکش نکنم با تو در تدبیرت و نگویم چرا و چگونه و برای چیست که آنکس که کار بدست او است

يُظْهِرُ، قَدْ امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ مِنَ الْجَوْرِ، وَأَفْوَضُ أُمُورِي كُلَّهَا إِلَيْكَ،

آشکار نشود با اینکه زمین از ستم پر شده و واگذارم همه کارهایم را به تو

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ اَنْ تُرِيَنِيْ وَلِيَّ اَمْرِكَ ظَاهِرًا نَافِذًا اَلْمُرِّ مَعَ عِلْمِيْ

خدایا از تو خواهم که ولی امرت را آشکارا و نافذالامر به من بنمایانی با اینکه می دانم

بَانَ لَكَ السُّلْطَانُ وَالْقُدْرَةُ وَالْبُرْهَانُ، وَالْحُجَّةُ وَالْمَشِيَّةُ، وَالْحَوْلُ

تمام سلطنت و قدرت و دلیل و برهان و خواست و جنبش

وَالْقُوَّةُ، فَافْعَلْ ذَلِكَ بِي وَبِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ، حَتَّى نَنْظُرَ اِلَى وَلِيِّ اَمْرِكَ

و نیرو خاص تو است ولی این مرحمت را درباره من و همه مؤمنین بفرما تا نظر کنیم بصورت ولی امر تو

صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ، ظَاهِرَ الْمَقَالَةِ وَاضِحَ الدَّلَالَةِ، هَادِيًا مِنَ الضَّلَالَةِ،

- که درودهای تو بر او باد - در حالی که با سخنی آشکار و با دلیلی واضح مردم را از گمراهی نجات دهد

شَافِيًا مِنَ الْجَهَالَةِ اَبْرَزُ يَا رَبُّ مُشَاهِدَتَهُ، وَكَبَّتْ قَوَاعِدُهُ، وَاجْعَلْنَا

و از بیماری نادانی شفا بخشد پروردگارا جمال زیبایش را برای مشاهده ما از پرده برون آر و پابرجا کن بنیاد کارهایش

را و بگردان

مِمَّنْ تَقَرُّ عَيْنُهُ بِرُؤْيَيْهِ، وَاقِمْنَا بِخِدْمَتِهِ، وَتَوَقَّنَا عَلَيِّ مِلَّتِهِ، وَاحْشُرْنَا

ما را از کسانی که روشن گردد دیده شان به دیدارش و بگمارمان برای خدمتش و بمیرانمان بر کیش و آئینش و محشورمان

گردان

فِي زُمْرَتِهِ، اَللّٰهُمَّ اَعِزَّهُ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ، وَذَرَأَتْ وَبَرَأَتْ،

در گروهش خدایا در پناهش گیر از شر تمام آنچه خلق فرموده و آفریدی و پدید آورده

وَالْأَشْيَاءَ وَصَوَّرَتْ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمِينِهِ

و پروریدی و صورت دادی و محافظتش کن از پیش رویش و از پشت سرش و از راست

وَعَنْ شِمَالِهِ، [وَ] مِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ، بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيعُ مِنْ

و چپش و از بالای سر و از زیر پایش به نگهداری خودت که تباه نشود هر که را بدان

حِفْظَتُهُ بِهِ، وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ، وَوَصِيَّ رَسُولِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ،

نگهداری کردی و نگهدار بوجد او (آئین) رسولت و وصی رسولت را - که بر او و آلش سلام باد -

اَللّٰهُمَّ وَمُدِّ فِي عُمُرِهِ، وَزِدْ فِي اَجَلِهِ، وَاعِنَهُ عَلَيِّ مَا وَلَّيْتَهُ

خدایا طولانی گردان عمرش را و بیفز در اجلش و یاریش ده در آنچه بدستش سپرده ای

وَاسْتَرْعَيْتَهُ، وَزِدْ فِي كَرَامَتِكَ لَهُ، فَإِنَّهُ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ وَالْقَائِمُ

و رعایتش را از او خواسته‌ای و بی‌فرا در کرامت بر او که او راهنمای راه یافته و قیام کننده
الْمُهْتَدِي، وَالطَّاهِرُ التَّقِيُّ الزَّكِيُّ، التَّقِيُّ الرَّضِيُّ الْمَرْضِيُّ، الصَّابِرُ
راهبري است و پاک و با تقوي و پاکیزه و خالص و راضي (از حق) و پسندیده و بردبار
الشُّكُورُ الْمُجْتَهِدُ، اَللّٰهُمَّ وَلَا تُسَلِّبْنَا الْبَقِينَ لِطُولِ الْأَمَدِ فِي غَيْبَتِهِ،
و سپاسگزار و کوشا است خدایا و از ما مگیر یقین بطولانی شدن زمان غیبتش را
و انقطاع خبره عَنَّا، وَلَا تُنْسِنَا ذِكْرَهُ وَانْتِظَارَهُ، وَالْإِيْمَانَ بِهِ، وَقُوَّةَ
و منقطع شدن خبرش را از ما و از یاد ما مبر آن بزرگوار را و هم چنین انتظار آمدنش و ایمان به او و قوت
الْبَقِينَ فِي ظُهُورِهِ وَالِدُعَاءَ لَهُ وَالصَّلَاةَ عَلَيْهِ، حَتَّى لَا يُقْطِنَا طَوْلُ
یقین در ظهورش را و دعای بر آن حضرت و درود بر او را تا بحدی که نوید نکند ما را طول
غَيْبَتِهِ مِنْ قِيَامِهِ، وَيَكُونُ يَقِينُنَا فِي ذَلِكَ كَيَقِينُنَا فِي قِيَامِ رَسُولِكَ،
غیبت آن حضرت از قیام و ظهورش و یقین ما در این باره مانند یقینی باشد که ما در قیام رسولت
صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَا جَاءَ بِهِ مِنْ وَحْيِكَ وَتَنْزِيلِكَ، فَقَوِّ قُلُوبَنَا
- که درودهای تو بر او و آتش باد - داریم و همچنین مانند یقینی باشد که به وحی و قرآن او داریم پس تقویت کن
دل‌های

عَلَى الْإِيْمَانِ بِهِ، حَتَّى تَسْلُكَ بِنَا عَلَي يَدَيْهِ مِنْهَاجَ الْهُدَى،
ما را بر ایمان به او تا درآوری ما را بدست آن جناب در راه روشن هدایت
وَالْمَحَبَّةَ الْعُظْمَى، وَالطَّرِيقَةَ الْوُسْطَى، وَقَوِّنَا عَلَى طَاعَتِهِ، وَثَبِّتْنَا
و راهنمایی و شاهراه (دین) و جاده مستقیم و نیرومند کن ما را بر اطاعت او و پابرجایمان کن
عَلَى مُتَابَعَتِهِ، وَاجْعَلْنَا فِي حَزْبِهِ وَأَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ، وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ،
بر پیرویش و قرارمان ده در گروه او و اعوان و یارانش و کسانی که راضی به کارهای اویند
وَلَا تُسَلِّبْنَا ذَلِكَ فِي حَيَاتِنَا، وَلَا عِنْدَ وَفَاتِنَا، حَتَّى تَتَوَقَّأْنَا وَنَحْنُ
و این عقیده را از ما مگیر نه در زندگی و نه هنگام مرگمان تا بمیرانی ما را بر این عقیده
عَلَى ذَلِكَ لَا شَاكِّينَ وَلَا نَاكِثِينَ وَلَا مُرْتَابِينَ وَلَا مُكَذِّبِينَ، اَللّٰهُمَّ
که نه شك داشته باشیم و نه پیمان شکن و نه شبهه‌ای داشته و نه تکذیب کننده باشیم خدایا
عَجَلُ فَرَجِهِ، وَأَيَّدُهُ بِالنَّصْرِ، وَأَنْصُرْ نَاصِرِيهِ، وَاخْذُلْ خَاذِلِيهِ، وَكَمْ دِمْدِمُ

تعجیل فرما در ظهورش و تأییدش کن به یاری خود و یاری کن یاورش را و خوار کن هر که دست از یاریش بردارد و به هلاکت رسان

عَلِي مَنْ نَصَبَ لَهُ وَكَذَّبَ بِهِ، وَأَظْهَرَ بِهِ الْحَقَّ، وَأَمَتَ بِهِ الْجَوْرَ،

هر که را به دشمنیش برخیزد و او را تکذیب کند و آشکار کن به او حق را و بمیران به او جور و ستم را

وَأَسْتَقْبَذَ بِهِ عِبَادَكَ الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الذُّلِّ، وَأَنْعَشَ بِهِ الْبِلَادَ، وَأَقْتُلَ بِهِ

و نجات بخش به او بندگان با ایمانت را از خواری و زنده کن به او شهرها را و بکش بدست او

جَبَّارَةَ الْكُفْرِ، وَأَقْصِمَ بِهِ رُؤُسَ الضَّلَالَةِ، وَذَلَّلَ بِهِ الْجَبَّارِينَ

سرکشان کفر را و در هم شکن بوسیله اش سرکرده های گمراهی را و خوار گردان بوسیله اش گردنکشان

وَالْكَافِرِينَ، وَأَبْرَ بِهِ الْمُنَافِقِينَ وَالنَّاكِثِينَ، وَجَمِيعَ الْمُخَالِفِينَ

و کافران را و نابود کن بدو منافقان و پیمان شکنان و همه مخالفان (اسلام)

وَالْمُلْحِدِينَ، فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَسَهْلِهَا

و بی دینان را که در شرقهای زمین و غربهای آن و در خشکی و دریا و در همواری زمین

وَجَبَلِهَا، حَتَّى لَا تَدَعَ مِنْهُمْ دِيَّارًا، وَلَا تُبْقِيَ لَهُمْ آثَارًا، طَهَّرَ مِنْهُمْ

و کوهها هستند تا آنکه بجای نگذاری از آنها احدی را و اثری از آنها باقی نگذاری و پاک گردان از ایشان

بِلَادَكَ، وَأَشْفَ مِنْهُمْ صُدُورَ عِبَادِكَ، وَجَدَّدَ بِهِ مَا امْتَحَى مِنْ دِينِكَ،

شهرهایت را و شفا بخش از نابودی آنها سینه های بندگان را و تازه کن بدو آنچه محو گشته از دینت

وَأَصْلَحَ بِهِ مَا بَدَّلَ مِنْ حُكْمِكَ وَغَيْرَ مِنْ سُنَّتِكَ، حَتَّى يَعُودَ دِينُكَ بِهِ،

و اصلاح کن بوسیله اش آنچه تبدیل شده از حکم و قانونت و تغییر یافته از روش و سنتت تا در نتیجه بازگردد دین تو

وَعَلِي يَدَيْهِ غَضًّا جَدِيدًا صَحِيحًا، لَا عَوَجَ فِيهِ وَلَا بِدْعَةَ مَعَهُ، حَتَّى

بوجود آن جناب و بدست او تر و تازه و صحیح که هیچگونه کجی و بدعتی در آن نباشد و بدینوسیله

تُطْفِئَ بِعَدْلِهِ نِيرَانَ الْكَافِرِينَ، فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ،

به برکت عدل و داد او خاموش گردانی آتش کفار را که همانا آن بزرگوار بنده تو است که او را خاص خود گردانیدی

وَأَرْتَضِيَّتُهُ لِنَصْرِ دِينِكَ، وَأَصْطَفَيْتُهُ بِعِلْمِكَ، وَعَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ،

و برای یاری دینت پسندیدی و به علم خویشتن برگزیدی و از گناهان نگاهش داشتی

وَبَرَأْتَهُ مِنَ الْغُيُوبِ، وَأَطْلَعْتُهُ عَلَى الْغُيُوبِ، وَأَعَمَّتْ عَلَيْهِ، وَطَهَّرْتُهُ

و از عیوب مبرایش ساختی و بر نادیدنیها مطلعش کردی و بر او انعام فرمودی و از پلیدی
مِنَ الرَّجْسِ، وَتَقْيَتُهُ مِنَ الدَّنَسِ، اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ
و از چرکی پاک و پاکیزه‌اش کردی خدایا درود فرست بر او و بر پدرانش
الْأَيُّمَةَ الطَّاهِرِينَ، وَعَلَى شَيْعَتِهِ الْمُتَّجِبِينَ، وَبَلِّغُهُمْ مِنْ آمَالِهِمْ مَا
امامان پاک و بر شیعیان برگزیده‌اش و برسان آنان را به هر آرزویی که
يَأْمُلُونَ، وَاجْعَلْ ذَلِكَ مِنَّا خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشُبْهَةٍ وَرِيَاءٍ وَسُمْعَةٍ،
دارند و این عقیده ما را خالص و پاک گردان از هر شک و شبهه و خودغائی و شهرت طلبی
حَتَّى لَا تُرِيدَ بِهِ غَيْرَكَ، وَلَا تُطَلِّبَ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ، اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو
تا نخواهیم بدان غیر تو را و نجوئیم بدان جز ذات تو را خدایا ما به تو شکوه کنیم
إِلَيْكَ فَقَدْ بَيَّنَّا، وَعَيَّبْنَا إِمَامَنَا، وَشِدَّةَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا وَوُقُوعَ الْفِتَنِ بِنَا،
از فقدان پیامبرمان و غیبت امام و رهبرمان و سختی روزگار بر ما و درآمدن فتنه‌ها بر سر ما
وَتَظَاهَرَ الْأَعْدَاءُ عَلَيْنَا، وَكَثُرَ عَدُوُّنَا وَقِلَّةَ عَدَدِنَا، اللَّهُمَّ فَافْرُجْ
و پشت بهم دادن دشمنان بر دشمنی ما و بسیاری دشمنان و کمی افراد ما خدایا پس بگشا
ذَلِكَ عَنَّا بِفَتْحِ مَنِّكَ تَعْجَلْهُ، وَصَرِّ مَنِّكَ تُعِزَّهُ، وَإِمَامٍ عَدْلٍ تُظْهِرَهُ، إِلَهَ
از ما این اندوه را به گشایشی از طرف خود که زود بفرستی و یاری از خودت که عزتش دهی و به امام عادل که
آشکارش کنی
الْحَقُّ آمِينَ، اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ أَنْ تَأْذَنَ لِرَبِّكَ فِي إِظْهَارِ عَدْلِكَ فِي
ای معبود به حق آمین خدایا از تو خواهیم که به نماینده و ولیت اذن دهی برای آشکار ساختن عدالت در
عِبَادِكَ، وَقَتْلِ أَعْدَائِكَ فِي بِلَادِكَ، حَتَّى لَا تَدَعَ لِلْجَوْرِ يَا رَبِّ دِعَامَةً
میان بندگان تو و کشتن دشمنانت را در شهرهایت تا اینکه پروردگارا ستونی برای ظلم و ستم باقی نگذاری
إِلَّا قَصَمَتَهَا، وَلَا بَقِيَّةً إِلَّا أَفْنَيْتَهَا، وَلَا قُوَّةً إِلَّا أَوْهَنْتَهَا، وَلَا رُكْنًا إِلَّا
جز آنکه درهم شکنی و نه بازمانده‌ای جز آنکه نابودش کنی و نه نیروئی جز آنکه سستش کنی و نه پایه‌ای جز آنکه
هَدَمْتَهُ، وَلَا حَدًّا إِلَّا فَلَطْتَهُ وَلَا سِلَاحًا إِلَّا أَكَلْتَهُ، وَلَا رَايَةً إِلَّا نَكَّسْتَهَا،
درهم فرو ریزی و نه تیزی جز آنکه کندش کنی و نه اسلحه‌ای جز آنکه از کار بیندازی و نه پرچمی جز آنکه سرنگون
سازی

وَلَا شُجَاعاً إِلَّا قَتَلْتُهُ، وَلَا جَيْشاً إِلَّا خَذَلْتُهُ، وَأَرْمِهِمْ يَا رَبِّ بِحَجَرِكَ
و نه پهلوانی جز آنکه بکشی و نه سپاهی جز آنکه خوارش گردانی و سنگبارانشان کن پروردگارا به سنگ
الدَّامِغِ، وَأَضْرِبْهُمْ بِسَيْفِكَ الْقَاطِعِ، وَبِأَسْكَ الَّذِي لَا تَرُدُّهُ عَنِ الْقَوْمِ
کوبندهات و بزن آنها را به شمشیر برندهات و بدان حمله و انتقامت که بازش نگردانی از مردمان
الْمُجْرِمِينَ، وَعَذِّبْ أَعْدَاءَكَ وَأَعْدَاءَ وَلِيِّكَ وَأَعْدَاءَ رَسُولِكَ
بدکار و عذاب کن دشمنان خودت و دشمنان ولیّت و دشمنان رسولت را
صَلِّوْا نَفْسَكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، بِيَدِ وَلِيِّكَ وَأَيْدِي عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ، اَللّهُمَّ
- که درودهای تو بر او و آتش باد - بدست ولیّت و بدست بندگان مؤمنت خدایا
اَكْفِ وَلِيِّكَ وَحُجَّتَكَ فِي أَرْضِكَ هَوْلَ عَدُوِّهِ، وَكَيْدَ مَنْ أَرَادَهُ، وَأَمْكُرْ
کفایت کن ولیّت و حجت را در روی زمین از هراس دشمنش و از حيله هرکس که سوء قصدش کند و مکر کن
بِمَنْ مَكَرَ بِهِ، وَاجْعَلْ دَائِرَةَ السُّوءِ عَلَيَّ مَنْ أَرَادَ بِهِ سُوءاً، وَأَقْطَعْ عَنْهُ
با هرکس که به او مکر کند و چرخ بد روزگار را برای هرکس که سوء قصدش را دارد به گردش درآور
مَادَّتَهُمْ، وَأَرْعِبْ لَهُ قُلُوبَهُمْ، وَزَلْزِلْ أَقْدَامَهُمْ، وَخُذْهُمْ جَهْرَةً وَبَعْتَةً،
و شرّ آنها را از سر آن بزرگوار بگردان و در دلهای آنها رعب او را بیفکن و پاهایشان را بلغزان و بطور آشکارا و ناگهانی
آنها را بگیر
وَشَدِّدْ عَلَيْهِمْ عَذَابَكَ، وَأَخْزِهِمْ فِي عِبَادِكَ وَالْعَنَّهُمْ فِي بِلَادِكَ،
و عذابت را بر ایشان سخت گردان و رسواشان کن در میان بندگان و لعنتشان کن در شهرهای
وَأَسْكِنَهُمْ أَسْفَلَ نَارِكَ، وَأَحِطْ بِهِمْ أَشَدَّ عَذَابِكَ، وَأَصْلِهِمْ نَاراً، وَأَخْشُ
و در ته دوزخ خود جایشان ده و محیط گردان بر ایشان سخت ترین عذابت را و در آتش جایشان ده و پر کن
قُبُورَ مَوْتَاهُمْ نَاراً، وَأَصْلِهِمْ حَرَّ نَارِكَ فَإِنَّهُمْ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ
گور مردگان را از آتش و در سوز آشت واردشان کن زیرا که اینان نماز را ضایع کردند
وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ، وَأَضَلُّوا عِبَادَكَ وَأَخْرَبُوا بِلَادَكَ، اَللّهُمَّ وَأَخِي
و از شهوات پیروی کردند و بندگان را گمراه کردند و شهرهای را ویران کردند خدایا زنده کن
بِوَلِيِّكَ الْقُرْآنَ، وَأَرِنَا نُورَهُ سَرْمَداً لَا لَيْلَ فِيهِ، وَأَخِي بِهِ الْقُلُوبَ

بدست ولایت قرآن را و بنمایان به ما نور آن بزرگوار را همیشگی که شب (و تاریکی) نداشته باشد و زنده کن بوسیله آن

جناب دلهای

الْمِيتَةِ، وَاشْفِ بِهِ الصُّدُورَ الْوُغْرَةَ، وَاجْمَعْ بِهِ الْأَهْوَاءَ الْمُخْتَلِفَةَ عَلَيَّ

مرده را و مهبودی بخش بدو سینه‌های سوخته را و جمع کن بوسیله او آراء مختلفه را بر

الْحَقِّ وَأَقِمْ بِهِ الْحُدُودَ الْمُعْطَلَةَ، وَالْأَحْكَامَ الْمُهْمَلَةَ، حَتَّى لَا يَبْقِيَ

حق و برپا کن بدو حدود تعطیل شده و احکام واگذارده شده را تا آنجا که حقی بجای

حَقُّ إِلَّا ظَهَرَ، وَلَا عَدْلٌ إِلَّا زَهَرَ، وَاجْعَلْنَا يَا رَبِّ مِنْ أَعْوَانِهِ، وَمُقَوِّيَةِ

نماند جز آنکه آشکار شود و نه عدل و دادی جز آنکه شکفته گردد و قرار ده پروردگارا ما را از گروه یاران و تقویت

کننده

سُلْطَانِهِ، وَالْمُؤْتَمِرِينَ لِأَمْرِهِ، وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ، وَالْمُسْلِمِينَ لِأَحْكَامِهِ،

سلطنتش و فرمانبرداران فرمانش و خوشنودان از کارش و تسلیم شوندگان احکام و دستوراتش

وَمِمَّنْ لَا حَاجَةَ بِهِ إِلَى التَّقِيَةِ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَنْتَ يَا رَبِّ الَّذِي تَكْشِفُ

و از کسانی که احتیاج به تقیه (و محافظه کاری و اظهار خلاف عقیده) از ترس مردم نداشته باشند و تویی پروردگارا که

برطرف کنی

الضَّرَّ وَتُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاكَ، وَتُنْجِي مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ،

گرفتاری را و اجابت کنی از درمانده چون تو را بخواند و از اندوه بزرگ نجات بخشی

فَاكْشِفِ الضَّرَّ عَنْ وَلِيِّكَ، وَاجْعَلْهُ خَلِيفَةً فِي أَرْضِكَ، كَمَا ضَمَنْتَ لَهُ،

پس برطرف کن گرفتاری را از ولی خود و او را خلیفه خود در زمینت قرار ده چنانچه تعهد کرده‌ای

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْنِي مِنْ خُصَمَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَلَا

خدایا قرارم مده از ستیزه‌جویان آل محمد علیهم السلام و

تَجْعَلْنِي مِنْ أَعْدَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ

قرارم مده از دشمنان آل محمد علیهم السلام و قرارم مده از اهل

الْحَقِّ وَالْعِظْ عَلَيَّ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، فَإِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَلِكَ

کینه و خشم بر آل محمد علیهم السلام زیرا که من پناه به تو می‌برم از این جریان

فَاعِزْنِي، وَأَسْتَجِيرُ بِكَ فَاجِرْنِي، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي

و تو پناه می‌خواهم و تو در پناه گیر خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و مرا بوسیله ایشان
بِهِمْ فَائِزاً عِنْدَكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ .

از نزد خود رستگارم کن در دنیا و آخرت و از مقربان درگاهت قرارم ده آمین ای پروردگار جهانیان

* هشتم در آداب زیارت به نیابت است بدانکه ثواب زیارت هر يك از رسول خدا و ائمه هدی علیهم السلام را هدیه روح مقدس هر يك از ایشان می‌توان کرد و همچنین بروح هر يك از مؤمنان هدیه می‌توان کرد و زیارت به نیابت ایشان می‌توان کرد چنانکه به سند معتبر منقولست که داود صرمی به حضرت امام علی نقی علیه السلام عرض کرد که من پدر تو را زیارت کردم و ثوابش را از برای تو قرار دادم فرمود که تو را از جانب خدا اجر و ثواب عظیم هست و از جانب ما حمد و ثنا و در حدیث دیگر منقولست که امام علی نقی علیه السلام شخصی را فرستاد بحایر امام حسین علیه السلام که از برای آن حضرت زیارت و دعا کند و به سند معتبر از حضرت امام موسی بن جعفر علیهما السلام منقولست که چون به زیارت مرقد منور رسول خدا صلی الله علیه و آله بروی و از اعمال زیارت فارغ شوی دو رکعت نماز بکن و بایست نزد سر رسول خدا صلی الله علیه و آله و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ مِنْ أَبِي وَأُمِّي، وَزَوْجَتِي وَوَلَدِي وَحَامَتِي،

سلام بر تو ای پیامبر خدا از طرف پدر و مادر و همسر و فرزندان و نزدیکانم

وَمِنْ جَمِيعِ أَهْلِ بَلَدِي، حُرِّهِمْ وَعَبْدِهِمْ، وَأَيُّضِهِمْ وَأَسْوَدِهِمْ .

و از طرف همه همشهریهایم آزادشان و بنده‌شان، سفیدشان و سیاهشان

پس به هر کس از اهل بلد خود بگویی که من به نیابت تو به پیغمبر صلی الله علیه و آله سلام دادم صادق خواهی بود و در بعضی از روایات وارد است که از بعضی از ائمه طاهرين صلوات الله عليهم اجمعين سؤال نمودند از مردی که دو رکعت نماز می‌کند یا یک روز، روزه می‌دارد یا حج یا عمره بجای آورد یا زیارت می‌کند رسول خدا صلی الله علیه و آله یا یکی از ائمه طاهرين عليهم السلام را و ثواب آنرا از برای پدر و مادر خود یا برادر مؤمن خود هدیه می‌کند آیا او را ثوابی هست فرمود که ثواب آن عمل به آن شخص می‌رسد بآنکه از ثواب او چیزی کم شود و شیخ طوسی رحمه الله در تهذیب فرموده است کسی که به نیابت برادر مؤمن به زیارت رود به اجرت چون فارغ شود از غسل زیارت و موافق بعضی از نسخ از عمل زیارت بگوید:

اللَّهُمَّ مَا أَصَابَنِي مِنْ تَعَبٍ، أَوْ نَصَبٍ أَوْ شَعَثٍ أَوْ لُغُوبٍ، فَأَجِرْ فُلَانًا

خدایا آنچه به من رسیده از تعب یا رنجی یا گرد و غبار یا خستگی پس مزدش را به فلانی

بْنِ فُلَانٍ فِيهِ، وَأَجِرْنِي فِي قَضَائِي عَنْهُ. پس چون زیارت کند در آخر زیارت

* * * * *
پسر فلان بده و مرا هم در انجام دادن بجای او مزد ده
* * * * *

بگوید: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ عَنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ، أَتَيْتُكَ زَائِرًا عَنْهُ،

* * * سلام بر تو ای مولای من از طرف فلانی پسر فلان، من از طرف او به زیارت آمده‌ام

فَأَشْفَعُ لَهُ عِنْدَ رَبِّكَ. پس هر دعا که خواهد از برای او بکند و نیز فرموده است که چون

* * * * *
پس شفاعت او را در نزد پروردگارت بفرما
* * * * *

کسی خواهد که به نیابت دیگری زیارت کند بگوید: اللَّهُمَّ إِنَّ فُلَانًا بَنَ فُلَانًا

* * * * *
خدا یا همانا فلانی پسر فلان

أَوْفَدَنِي إِلَى مَوَالِيهِ وَمَوَالِيَّ، لِأَزُورَ عَنْهُ رَجَاءً لِحَزِيلِ الثَّوَابِ،

مرا روانه کرده بدرگاه سروران خودش و سروران من تا از طرف او زیارت کنم به امید پاداش شایان

وَفِرَاراً مِنْ سُوءِ الْحِسَابِ، اللَّهُمَّ إِنَّهُ يَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِأَوْلِيَائِهِ الدَّالِّينَ

و فرار از بدی حساب (روز قیامت) خدا یا برستی او رو کند بدرگاهت بوسیله سرورانش که

عَلَيْكَ فِي غُفْرَانِكَ ذُنُوبَهُ، وَحَطَّ سَيِّئَاتِهِ، وَيَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِهِمْ عِنْدَ

بر تو راهنمایی کنند در مورد آمرزش گناهانش و ریختن کارهای بدش و توسل جوید به آستانت بوسیله ایشان

مَشْهَدِ إِمَامِهِ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ، اللَّهُمَّ فَتَقَبَّلْ مِنْهُ وَأَقْبَلْ شَفَاعَةَ

در نزد زیارتگاه امام خود - که دروذهای تو بر ایشان باد - خدا یا پس بپذیر از او و بپذیر شفاعت

أَوْلِيَائِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ فِيهِ، اللَّهُمَّ جَاذِرْهُ عَلَيَّ حُسْنِ نِيَّتِهِ .

سرورانش را - که دروذهای تو بر ایشان باد - درباره اش خدا یا پاداشش ده بر این خوش نیتی

وَصَحِيحِ عَقِيدَتِهِ، وَصِحَّةِ مُوَالَاتِهِ، أَحْسَنَ مَا جَاذَبْتَ أَحَدًا مِنْ

و عقیده صحیح و دوستی درستش بهترین پاداشی که عطا کنی به یکی از

عَبِيدِكَ الْمُؤْمِنِينَ، وَأَدِمْ لَهُ مَا حَوَّلْتَهُ، وَاسْتَعْمِلْهُ صَالِحاً فِيمَا أَتَيْتَهُ،

بندگان با ایمانت و ادامه بده برای او هر نعمتی را که به او ارزانی داشته‌ای و به شایستگی وادارش در آنچه به او داده‌ای

وَلَا تَجْعَلْنِي آخِرَ وَافِدٍ لَهُ يُوفِدُهُ، اللَّهُمَّ أَعْتَقْ رَقَبَتَهُ مِنَ النَّارِ،

و مرا آخرین نماینده‌ای که می‌فرستد قرارم مده خدا یا آزاد کن او را از آتش دوزخ

وَأَوْسِعْ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ، وَاجْعَلْهُ مِنْ رُفَقَاءِ مُحَمَّدٍ

و فراخ گردان بر او در روزي حلال پاکیزه‌ات و او را از رفقای محمد
و آلِ مُحَمَّدٍ، وَبَارِكْ لَهُ فِي وُلْدِهِ وَمَالِهِ وَاهْلِهِ، وَ مَا مَلَكَتْ يَمِينُهُ،
و آتش قرار ده و برکت ده به او در فرزندان و دارائی و خانواده‌اش و آنچه را مالک آن است
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَحُلْ بَيْنَهُ وَبَيْنَ
خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و حائل شو میان او و میان
معاصیکِ حَتَّى لَا يَعْصِيكَ، وَاعْنَهُ عَلَي طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ أَوْلِيَائِكَ،
نافرمانی‌ها تا اینکه نافرمانی تو را نکند و کمکش ده بر فرمانبرداری خودت و فرمانبرداری اولیائت
حَتَّى لَا تَفْقِدَهُ حَيْثُ أَمَرْتَهُ، وَلَا تَرَاهُ حَيْثُ نَهَيْتَهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي
تا بدانجا که او را حاضر بینی در هر جا که دستور دادی و نبینی او را در هر جا که نهی فرموده‌ای خدایا درود فرست بر
مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَاعْفُ لَهُ وَارْحَمْهُ، وَاعْفُ عَنْهُ وَعَنْ جَمِيعِ
محمد و آل محمد و پیامرز او را و مورد رحمت قرارش ده و درگذر از او و از همه
الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَاعِذْهُ
مردان و زنان با ایمان خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و پناهش ده
مِنْ هَوْلِ الْمَطْلَعِ، وَمِنْ فَزَعِ يَوْمِ الْقِيَمَةِ، وَسَوْءِ الْمُتَقَلِّبِ، وَمِنْ ظُلْمَةِ
از هراس روز جزا (که بر احوال خود آگاه شود) و از بیم و ترس روز قیامت و از بدی جای بازگشت و از تاریکی
الْقَبْرِ وَوَحْشَتِهِ، وَمِنْ مَوَاقِفِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، اللَّهُمَّ صَلِّ
قبر و وحشت آن و توفقگاههایی که موجب خواری است در دنیا و آخرت خدایا درود فرست
عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ جَائِزَتَهُ فِي مَوْقِفِي هَذَا غُفْرَانِكَ
بر محمد و آل محمد و جایزه او را در این جایی که ایستاده‌ام برای او آمرزش قرار ده
و تُحَفِّتَهُ فِي مَقَامِي هَذَا عِنْدَ إِمَامِي صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ أَنْ تُقِيلَ عَثْرَتَهُ،
و تحفه‌اش در این مقامی که هستم در نزد امامم - که درود تو بر او باد - این باشد که تو از لغزشش چشم‌پوشی کنی
وَتَقْبَلَ مَعْدِرَتَهُ، وَتَتَجَاوَزَ عَنْ خَطِيئَتِهِ، وَتَجْعَلَ التَّقْوَى زَادَهُ، وَمَا
و عذرش را بپذیری و از خطایش درگذری و تقوی و پرهیزکاری را توشه‌اش قرار دهی و آنچه
عِنْدَكَ خَيْرٌ لَهُ فِي مَعَادِهِ، وَتَحْشُرَهُ فِي زُمْرَةِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،
در پیش تو است در روز معاد برایش خیر و خوبی گردانی و محشورش کنی در گروه محمد و آل محمد

تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَسْتَجِيبَ لِي فِيهِ، وَفِي جَمِيعِ إِخْوَانِي
درود فرستی بر محمد و آل محمد و اجابت کنی دعایم را درباره او و درباره همه برادرانم
وَأَخَوَاتِي، وَوَلَدِي وَأَهْلِي، بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .
و خواهرانم و فرزندان و خاندانم به جود و کرم خودت ای مهربانترین مهربانان

پایان کتاب شریف مفاتیح الجنان و ملحقات آن
از تألیفات محدث جلیل القدر مرحوم حاج شیخ عباس قمی رِضْوَانُ اللّهِ تَعَالَى عَلَیْهِ
که متن و حاشیه آن به قلم: دانشمند محترم آقای حاج سید هاشم رسولی محلاتی ترجمه شده و از خوانندگان محترم تُمَنَّا
می شود مؤلف و مترجم را از دعای خیر فراموش نفرمایند .

ملحقات دویم مفاتیح

مخفی نماند که این نسخه شریفه از جهت خط و چاپ و صحت از سایر چاپها امتیاز دارد بعلاوه آنکه مصنف در مفاتیح
چند دعا را بواسطه طول آن اول آنرا ذکر کرده و بقیه اش را نقل ننموده و ما در اینجا آن بقیه را ذکر می نماییم تا
اشخاصی که این کتاب را دارند محتاج به کتاب دیگر نشوند و چون در مفاتیح برای امامزاده ها زیارتی نقل نشده در
اینجا يك زیارتی برای امامزاده ها نقل می کنیم امید که منظور نظر اهل معرفت و دعا واقع شود و قدر آنرا دانسته احترام
و شکر مؤلف و کاتب و بانی طبع آنرا بجا آورده باشند والله الموفق اما دعاهای اول دعای نماز حضرت امام حسین علیه
السلام که در مفاتیح اول آن ذکر شده و تماش این است :

اللَّهُمَّ أَنْتَ الَّذِي اسْتَجَبْتَ لِأَدَمَ وَحَوًّا، إِذْ قَالَ رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا
خدایا تویی که دعای آدم و حواء را به اجابت رسانیدی آنگاه که گفتند پروردگارا ما به خود ستم کردیم
وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ، وَنَادَاكَ نُوحٌ
و اگر ما را نیامرزی و به ما رحم نکنی حتماً از زیانکاران خواهیم بود، و نوح تو را ندا کرد
فَاسْتَجَبْتَ لَهُ، وَبَجِيتَهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ وَأَطْفَأْتَ نَارَ نُمْرُودَ
و تو اجابتش کردی و او و کسانش را از گرفتاری بزرگ نجات دادی و خاموش کردی آتش نمرود را
عَنْ خَلِيلِكَ إِبْرَاهِيمَ، فَجَعَلْتَهَا بَرْدًا وَسَلَامًا، وَأَنْتَ الَّذِي اسْتَجَبْتَ

از خلیلت ابراهیم و آن را سرد و سلامت کردی و تویی که دعای ایوب را به اجابت رساندی
لَا يُؤَبِّدُ إِذْ نَادَىٰ مَسْنَىٰ الضُّرِّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، فَكَشَفْتَ مَا بِهِ
آنگاه که ندا کرد (پروردگارا) من به محنت دچارم و تو مهربانترین مهربانانی و تو محنتش را برطرف کردی
مِنْ ضُرِّ، وَأَتَيْتَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِكَ وَذَكَرِي لِأُولِي
و کسانی را به او دادی و ماندشان را همراه آنها (اضافه) به او دادی از روی مرحمتی از خودت و اندرزی
الْأَلْبَابِ، وَأَنْتَ الَّذِي اسْتَجَبْتَ لِذِي الثُّونِ، حِينَ نَادَاكَ فِي الظُّلُمَاتِ
برای خردمندان و تویی که به اجابت رساندی دعای ذوالنون (حضرت یونس) را هنگامی که ندا کرد تو را در تاریکیها
أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، فَجَبَّيْتَهُ مِنَ الْعَمِّ،
که معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از ستمکارانم و از اندوه نجاتش دادی
وَأَنْتَ الَّذِي اسْتَجَبْتَ لِمُوسَىٰ وَهَارُونَ دَعْوَتَهُمَا حِينَ قُلْتَ قَدْ
و تویی که دعای موسی و هارون را اجابت کردی هنگامی که فرمودی
أُجِيبْ دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا، وَاعْرِفْتَ فِرْعَوْنَ وَقَوْمَهُ، وَغَفَرْتَ لِدَاوُدَ
دعايتان به اجابت رسید پس استقامت ورزید و غرق کردی فرعون و قومش را و آمرزیدی برای داود
ذَنْبَهُ، وَثَبَّتَ عَلَيْهِ رَحْمَةً مِنْكَ وَذَكَرِي وَقَدَيْتَ إِسْمَاعِيلَ بِذَبْحِ
گناهش را و توبه‌اش را از روی مرحمتی که داشتی و اندرز (دیگران) پذیرفتی و فدا کردی برای اسماعیل قربانی
عَظِيمٍ بَعْدَمَا أَسْلَمَ، وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ فَنَادَيْتَهُ بِالْفَرَجِ وَالرُّوحِ، وَأَنْتَ
بزرگی پس از آنکه تسلیم شد و (پدرش) پیشانی او را بر خاک نهاد و تو او را به گشایش و رحمت ندا کردی
الَّذِي نَادَاكَ زَكَرِيَّا نِدَاءً خَفِيًّا، فَقَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي،
و تویی آن خدایی که زکریا در پنهانی تو را ندا کرده گفت: پروردگارا من استخوانم سست شده
وَاسْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا، وَقُلْتَ يَدْعُونَا
و موی سرم سپید گشته و نبوده‌ام پروردگارا در زمینه دعای تو (در گذشته) محروم و تو فرمودی «می‌خوانند ما را
رَغْبًا وَرَهْبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ، وَأَنْتَ الَّذِي اسْتَجَبْتَ لِلَّذِينَ آمَنُوا
از روی شوق و ترس و برای ما خاشع بودند» و تویی خدایی که اجابت کردی برای آنانکه ایمان آورده
وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ، لِتَرْيَدَهُمْ مِنْ فَضْلِكَ، فَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ أَهْوَنَ
و کارهای شایسته انجام دادند تا ببفرزائی بر آنها از فضل خود پس قرارم مده از خوارترین

الدَّاعِينَ لَكَ، وَالرَّاعِينَ إِلَيْكَ، وَاسْتَجِبْ لِي كَمَا اسْتَجَبْتَ لَهُمْ بِحَقِّهِمْ

و پست ترین دعا کنندگان و مشتاقان درگاهت و دعایم را به اجابت رسان چنانچه دعای آنان را به اجابت رساندی و به حق

عَلَيْكَ، فَطَهَّرْنِي بِتَطْهِيرِكَ، وَتَقَبَّلْ صَلَوَتِي وَدُعَائِي بِقَبُولِ حَسَنٍ،

ایشان بر تو که مرا پاک گردان به پاک کردن خودت و بپذیر نماز و دعایم را بپذیرش خوبی، و خوش

و طَيِّبُ بَقِيَّةِ حَيَاتِي، وَطَيِّبُ وَفَاتِي، وَاخْلُفْنِي فِيْمَنْ أَخْلَفُ، وَاحْفَظْنِي

و خرم کن باقیمانده زندگیم را و خوش گردان وفاتم را و جانشین من باش در میان آنانکه بجای گذارم

يَا رَبِّ بِدُعَائِي، وَاجْعَلْ ذُرِّيَّةَ طَيِّبَةً، تَحُوطُهَا بِحَيَاتِكَ بِكُلِّ

و با دعایم پروردگارا مرا نگهداری کن و فرزندانم را فرزندان پاکیزه قرار ده و در برگیر آنها را به در برگرفتن خودت به همه

مَا حُطَّتْ بِهِ ذُرِّيَّةٌ أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَاءِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا

آنچه دربرگیری بدانها فرزندان یکی از دوستان خود و فرمانبردارانت را به رحمت ای

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، يَا مَنْ هُوَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبٌ، وَلِكُلِّ دَاعٍ مِنْ خَلْقِكَ

مهربانترین مهربانان ای که بر هر چیز نگهبانی و بر هر که از آفریدگان که تو را بخواند

مُجِيبٌ، وَمِنْ كُلِّ سَائِلٍ قَرِيبٌ، أَسْأَلُكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ،

اجابت کنی و به هر خواستاری نزدیکی از تو خواهم ای که معبودی جز تو نیست زنده پاینده

الْأَحَدُ الصَّمَدُ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، وَبِكُلِّ

یکتای بی خللی که نزاید و نه زائیده شده و نیست برایش همتایی هیچکس، و

اسْمٍ رَفَعْتَ بِهِ سَمَائَكَ، وَفَرَشْتَ بِهِ أَرْضَكَ، وَأَرْسَيْتَ بِهِ الْجِبَالَ،

به حق هر نامی که بلند کردی بدان آسمانت را و فرش کردی بدان زمینت را و محکم و پابرجا کردی بدان کوهها را

وَأَجْرَيْتَ بِهِ الْمَاءَ، وَسَخَّرْتَ بِهِ السَّحَابَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ

و روان کردی بدان آب را و تسخیر کردی بدان ابرها و خورشید و ماه

وَالنُّجُومَ وَاللَّيْلَ وَالنَّهَارَ، وَخَلَقْتَ الْخَلَائِقَ كُلَّهَا، أَسْأَلُكَ بِعَظَمَةِ

و ستارهها و شب و روز را و آفریدی همه آفریدگان را از تو خواهم به بزرگی

وَجْهِكَ الْعَظِيمِ، الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ، فَاضَاءَتْ بِهِ

ذات بزرگت که تابناک شد برایش آسمانها و زمین و روشنی گرفت بدان
الظُّلُمَاتُ، إِلَّا صَلَّيْتَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَكَفَيْتَنِي أَمْرَ مَعَاشِي
تاریکیها که (اولاً) درود فرستی بر محمد و آل محمد و (پس از آن) کفایت کنی کار معاش
وَمَعَادِي، وَأَصْلَحْتَ لِي شَأْنِي كُلَّهُ، وَلَمْ تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةً
و معاد مرا و اصلاح کنی همه کارهایم را و مرا بخودم و امگذاری چشم برهم زدن
عَيْنٍ، وَأَصْلَحْتَ أَمْرِي وَأَمْرَ عِيَالِي وَكَفَيْتَنِي هَمَّهُمْ، وَأَغْنَيْتَنِي
و اصلاح کنی کار من و کار خانوادهام را و کفایت کنی از من اندوه ایشان را و بی نیاز کنی
وَأَيَّاهُمْ مِنْ كَنْزِكَ وَخَزَائِنِكَ وَسَعَةِ فَضْلِكَ الَّذِي لَا يَنْفَدُ أَبَدًا، وَأَثَبْتَ
من و ایشان را از گنج خود و خزینه هایت و فراخی فضلت که هرگز پایان نپذیرد و پابرجا کن
فِي قَلْبِي يَنَابِيعَ الْحِكْمَةِ الَّتِي تَنْفَعُنِي بِهَا، وَتَنْفَعُ بِهَا مَنْ ارْتَضَيْتَ
در دلم چشمه های حکمتی را که سود دهی مرا بدان و سود دهی بدان هر که را که پسندیده ای
مِنْ عِبَادِكَ وَاجْعَلْ لِي مِنَ الْمُتَّقِينَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ إِمَامًا، كَمَا جَعَلْتَ
از بندگانت و قرار ده برایم از مردمان با تقوی در آخر الزمان امامی چنانچه
إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلَ إِمَامًا، فَإِنَّ بِتَوْفِيقِكَ يَفُوزُ الْفَائِزُونَ، وَيَتَوَبُّوْنَ التَّائِبُونَ
ابراهیم خلیل را امام گردانیدی زیرا مردمان رستگار به توفیق تو رستگار شوند و توبه کنندگان نیز به توفیق تو توبه
کنند

وَيَعْبُدُكَ الْعَابِدُونَ وَبِتَسْدِيدِكَ يَصْلُحُ الصَّالِحُونَ الْمُحْسِنُونَ
و عبادت کنندگان نیز به توفیق تو عبادت کنند و به تأیید و یاری تو شایسته گردند مردمان شایسته نیکوکار
الْمُحْسِنُونَ الْعَابِدُونَ لَكَ الْخَائِفُونَ مِنْكَ، وَبَارِشَادِكَ نَجَا التَّاجُونَ مِنْ نَارِكَ،
و فروتن و آنانکه تو را عبادت کنند و از تو ترسانند، و با ارشاد و راهنمایی تو نجات یابند نجات یافتگان از آتش
دوزخت

وَأَشْفَقَ مِنْهَا الْمُشْفِقُونَ مِنْ خَلْقِكَ، وَبَخِذْلَانِكَ خَسِرَ الْمُبْطِلُونَ، وَهَلَكَ
و بهراسند از آن هراسناکان از آفریدگانت و بوسيله خوار کردن تو زیانکار شوند اهل باطل و هلاک شدند
الظَّالِمُونَ، وَغَفَلَ الْغَافِلُونَ، اللَّهُمَّ آتِ نَفْسِي تَقْوِيهَا، فَاتَتْ وَلِيَّهَا وَمَوْلِيهَا،
ستمکاران و غافل شدند بیخبران خدایا بده به نفس من پرهیزکاریش را که توئی اختیار دار و سرپرستش

وَأَنْتَ خَيْرُ مَنْ زَكَّيْهَا، اللَّهُمَّ بَيْنَ لَهَا هُدَاهَا، وَاللَّهُمَّ تَقْوِيهَا، وَبَشِّرْهَا

و توئی بهترین کسی که پاکیزه اش کردی خدایا راهنمائیش را برایش آشکار کن و پرهیزکاریش را به او الهام کن
بِرَحْمَتِكَ حِينَ تَتَوَفَّاها وَتَزَلُّها مِنَ الْجَنَانِ عَلَيْها، وَطَيِّبْ وَفَاتِها وَمَحْيَاها،
و به رحمت خود نویدش ده آنگاه که او را از این جهان ببری و در بلندترین جاهای بهشت منزلش ده و گوارا کن وفات
و زندگیش

وَكَرِّمْ مُثْقَلِها وَمَتَوِيها، وَمُسْتَقَرَّها وَمَأْوِيها، فَأَنْتَ وَلِيُّها وَمَوْلِيها
را و گرامی کن جای بازگشت و منزلگاه و قرارگاه و مأوایش را که براسستی توئی اختیاردار و سرپرستش

دویم دعای بعد از نماز زیات حضرت جوادعلیه السلام

دعا این است: اللَّهُمَّ أَنْتَ الرَّبُّ وَأَنَا الْمَرْبُوبُ، وَأَنْتَ الْخَالِقُ وَأَنَا الْمَخْلُوقُ، وَأَنْتَ

خدایا توئی پروردگار و منم پروریده و توئی آفریدگار و منم آفریده و توئی

الْمَالِكُ وَأَنَا الْمَمْلُوكُ، وَأَنْتَ الْمُعْطِي وَأَنَا السَّائِلُ، وَأَنْتَ الرَّازِقُ وَأَنَا

مالك و منم مملوك و توئی عطابخش و منم درخواست کننده و توئی روزی ده و منم

الْمَرْزُوقُ، وَأَنْتَ الْقَادِرُ وَأَنَا الْعَاجِزُ، وَأَنْتَ الْقَوِيُّ وَأَنَا الضَّعِيفُ،

روزی خور و توئی توانا و منم خسته درمانده و توئی نیرومند و منم ناتوان

وَأَنْتَ الْمُعِثُّ وَأَنَا الْمُسْتَغِيثُ، وَأَنْتَ الدَّائِمُ وَأَنَا الزَّائِلُ، وَأَنْتَ

و توئی فریادرس و منم فریادخواه و توئی پاینده و منم زوال پذیر و توئی

الْكَبِيرُ وَأَنَا الْحَقِيرُ، وَأَنْتَ الْعَظِيمُ وَأَنَا الصَّغِيرُ، وَأَنْتَ الْمَوْلَى وَأَنَا

بزرگ و منم حقیر بی مقدار و توئی عظیم و منم کوچک و توئی سرپرست و منم

الْعَبْدُ، وَأَنْتَ الْعَزِيزُ وَأَنَا الذَّلِيلُ، وَأَنْتَ الرَّفِيعُ وَأَنَا الْوَضِيعُ، وَأَنْتَ

بنده و توئی عزیز و منم خوار و ذلیل و توئی والا رتبه و منم پست و توئی

الْمُدَبِّرُ وَأَنَا الْمُدَبَّرُ، وَأَنْتَ الْبَاقِي وَأَنَا الْفَانِي، وَأَنْتَ الدَّيَّانُ وَأَنَا

تدبیر کننده و منم که در تحت تدبیر توأم و توئی باقی و منم فانی و توئی پاداش دهنده و منم

الْمُدَانُ، وَأَنْتَ الْبَاعِثُ وَأَنَا الْمَبْعُوثُ، وَأَنْتَ الْغَنِيُّ وَأَنَا الْفَقِيرُ، وَأَنْتَ

پاداش گیرنده و توئی برانگیزنده و منم برانگیخته و توئی بی نیاز و منم فقیر نیازمند و توئی

الْحَيُّ وَآءَا الْمَيِّتُ، تَجِدُ مَنْ تُعَذِّبُ يَا رَبِّ غَيْرِي، وَلَا أَجِدُ مَنْ
زنده و منم مرده تو براي عذاب کردن - پروردگارا - غير مرا هم داري ولي من غير تو كسي را ندارم كه
يَرْحَمُنِي غَيْرَكَ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَقَرِّبْ فَرَجَهُمْ،
به من رحم كند خدايا درود فرست بر محمد و آل محمد و ظهور و فرجشان را نزديك كن
وَارْحَمْ ذُلِّي بَيْنَ يَدَيْكَ، وَتَضَرَّعِي إِلَيْكَ وَوَحْشَتِي مِنَ النَّاسِ،
و رحم كن بخواريم در برابرت و زاريم بدرگاهت و وحشتم از مردم
وَأُوسِي بِكَ يَا كَرِيمُ تَصَدَّقْ عَلَيَّ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ، بِرَحْمَةٍ مِنْ عِنْدِكَ
و انسجم به تو اي بزرگوار تصدق كن (و كرم فرما) بر من در اين ساعت به دادن رحمتي از نزد خودت
تَهْدِي بِهَا قَلْبِي، وَتَجْمَعُ بِهَا أَمْرِي وَتُلْمُ بِهَا شَعْتِي، وَتُبَيِّضُ بِهَا
كه راهنمائي كني بدان دلم را و فراهم كني بدان (پراكندگي) كارم را و گردآوري بدان پريشانيم را و سفيد گرداني بدان
وَجْهِي، وَتُكْرِمُ بِهَا مَقَامِي، وَتَحْطُ بِهَا عَنِّي وَزْرِي، وَتَغْفِرُ بِهَا مَا
رويم را و گرامي داري بدان مقامم را و بريزي بدان بار گناهم را و بيامرزي بدان
مَضِي مِنْ ذُنُوبِي، وَتَعْصِمُنِي فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي، وَتُسْتَعْمِلُنِي فِي
گناهان گذشته ام را و نگاهم داري در باقيمانده از عمرم و در همه موارد بگماري مرا
ذَلِكَ كُلُّهُ بِطَاعَتِكَ وَمَا يُرْضِيكَ عَنِّي، وَتَحْتِمُ عَمَلِي بِأَحْسَنِهِ،
به كار فرمانبرداري و طاعتت و بدانچه تو را از من خشنود سازد و پايان دهني كردارم را به بهترين
وَتَجْعَلُ لِي ثَوَابَهُ الْجَنَّةَ، وَتَسْلُكُ بِي سَبِيلَ الصَّالِحِينَ، وَتُعِينُنِي عَلَي
آنها و پاداش آن را بهشت براي من مقرر فرمائي و مرا به راه مردمان شايسته واداري و كمكم دهني
صَالِحٍ مَا أُعْطِيتُنِي، كَمَا أَعْنَتَ الصَّالِحِينَ عَلَي صَالِحٍ مَا أُعْطِيتَهُمْ،
تا آنچه به من عطا كرده اي در راه شايسته اي بكار برم چنانچه شايستگان را كمك دادني به انجام عمل صالح در آنچه به
آنها عطا
وَلَا تَنْزِعْ مِنِّي صَالِحاً أَبَداً، وَلَا تَرُدَّنِي فِي سُوءٍ اسْتَنْفَذْتَنِي مِنْهُ أَبَداً،
فرمودي و هيچگاه توفيق كار شايسته انجام دادن را از من مگير و هيچگاه برمگردان در آن بدني كه مرا از آن نجات
داده اي
وَلَا تُشْمِتْ بِي عَدُوًّا وَلَا حَاسِداً أَبَداً، وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ

و هیچگاه مرا گرفتار شماتت دشمن و حسودی مکن و هیچگاه مرا چشم برهمزدنی به خودم
 عَيْنِ أَبَدًا، وَلَا أَقَلَّ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ
 وامگذار و نه کمتر از این مقدار و نه بیشتر از آن ای پروردگار جهانیان خدایا درود فرست
 عَلَيِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَآرِنِي الْحَقَّ حَقًّا فَاتَّبِعْهُ، وَالْبَاطِلَ بَاطِلًا
 بر محمد و آل محمد و حق را (همانطور که هست) حق به من نشان ده تا پیرویش کنم و باطل را نیز باطل بنمایان
 فَاجْتَنِبْهُ، وَلَا تَجْعَلْهُ عَلَيَّ مُتَشَابِهًا فَاتَّبِعْ هَوَايَ بَعِيرٍ هُدًى مِنْكَ،
 تا از آن دوری گزینم و آن را بر من مشتبّه مکن تا در نتیجه بدون بصیرت و راهنمایی تو
 وَاجْعَلْ هَوَايَ تَبَعًا لِّطَاعَتِكَ، وَخُذْ رِضَا نَفْسِكَ مِنْ نَفْسِي، وَاهْدِنِي
 پیروی از هوای نفسم کنم و میل مرا پیرو طاعت خود قرار ده و آنچه رضایت تو است از نفس من بگیر و راهنمایی
 کن

لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ، إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ
 به اذن خود بدان حقی که در آن اختلاف شده که برستی تو راهنمایی کنی هر که را خواهی بسوی راه
 مُسْتَقِيمٍ. × پس حاجات خود را از خدا بطلب که برآورده خواهد شد انشاء الله تعالی
 راست * * * * *
 * * * * *

و زیارت دیگر

از برای آن حضرت روایت شده: السَّلَامُ عَلَيَّ الْبَابِ الْأَقْصَدِ، وَالطَّرِيقِ
 * * * * * سلام بر محکمترین درگاه و راستترین راه
 الْأَرْشَدِ، وَالْعَالَمِ الْمُؤَيَّدِ، يَنْبُوعِ الْحِكْمِ، وَمِصْبَاحِ الظُّلُمِ، سَيِّدِ الْعَرَبِ
 و بر آن دانشمند تأیید شده (از جانب پروردگار) سرچشمه حکمتها و چراغ تاریکیها آقای عرب
 وَالْعَجَمِ، الْهَادِي إِلَى الرَّشَادِ، الْمُؤَقِّقَ بِالتَّأْيِيدِ وَالسَّدَادِ، مَوْلَايَ
 و عجم راهنمای راه رشد و هدایت و موفق به تأیید و استقامت (حق) سرور و مولایم حضرت
 أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْجَوَادِ، أَشْهَدُ يَا وَلِيَّ اللَّهِ أَنَّكَ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ،
 ابی جعفر محمد بن علی جواد، ای ولی خدا که برستی تو برپاداشتی نماز را
 وَأَتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَجَاهَدْتَ

و بدادي زكات را و امر به معروف و نهي از منكر كردي و جهاد كردي
 فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ،
 در راه خدا آنطور كه بايد و خدا را از روي اخلاص پرستش كردي تا رحلت فرا رسيد،
 فَعِشْتَ سَعِيداً، وَمَضَيْتَ شَهِيداً، يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً
 سعادتمند زبستی و شهيد از جهان رفتی ای کاش من هم با شما بودم و به رستگاری بزرگی نائل
 عَظِيماً، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. ✕ پس بیوس تربت شریف را و بگذار صورت راست
 می شدم و رحمت خدا و برکاتش نیز بر تو باد * * * * *
 را بر آن و دو رکعت نماز زیارت را بجا آور و دعا کن بعد از آن هرچه بخوای .

سوم

سید اجل علی بن طاوس رضي الله عنه در مصباح الزائر دو زیارت از برای امامزادگان نقل نموده که به آن زیارت کرده
 می شوند و نقلش در اینجا مناسب است فرموده که چون قصد کردی زیارت کنی یکی از ایشان را مثل قاسم فرزند
 حضرت کاظم علیه السلام یا عباس فرزند امیرالمؤمنین علیه السلام یا علی بن الحسین علیه السلام را که مقتول بطف است
 و هرکه جاری مجرای ایشان باشد در حکم پس بایست بر سر قبرشان و بگو: السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّيِّدُ
 * * * * * سلام بر تو ای آقای

الزَّكِيِّ، الطَّاهِرِ الْوَلِيِّ، وَالِدَاعِي الْحَفِيِّ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قُلْتَ حَقًّا، وَنَطَقْتَ
 بِكَ و پاکیزه و سرور من و ای دعوت کننده (به حق) به مهربانی، گواهی دهم که تو حق گفتی و
 حَقًّا وَصِدَقًّا، وَدَعَوْتَ إِلَى مَوْلَايَ وَمَوْلَاكَ عَلَانِيَةً وَسِرًّا، فَارْ مُتَّبِعُكَ،
 به حق و راستی سخن کردی و (مردم را) آشکارا و نهان بسوی مولای من و مولای خودت دعوت فرمودی رستگار
 شد پیرو تو

وَجِي مُصَدِّقُكَ، وَخَابَ وَخَسِرَ مُكَذِّبُكَ، وَالْمُتَخَلِّفُ عَنْكَ إِشْهَدُ لِي
 و نجات یافت تصدیق کنندهات و نومید و زیانکار شد تکذیب کنندهات و آنکس که با تو مخالفت کرد گواه باش برای من
 بِهَذِهِ الشَّهَادَةِ لِأَكُونَ مِنَ الْفَائِزِينَ بِمَعْرِفَتِكَ وَطَاعَتِكَ، وَتَصَدِّقَكَ
 این گواهی را تا من بوسیله معرفت و اطاعت تو و تصدیق و پیروی کردنت
 وَاتِّبَاعِكَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدِي وَأَبْنَ سَيِّدِي أَنْتَ بَابُ اللَّهِ

از زمره رستگاران باشم و سلام بر تو ای آقای من و ای فرزند آقای من توئی درگاه خدا
الْمُؤْتِي مِنْهُ، وَالْمَأْخُوذُ عَنْهُ، أَتَيْتُكَ زَائِراً، وَحَاجَاتِي لَكَ مُسْتَوْدِعاً،
که از آن درآیند و (معالم دین را) از آن بگیرند آمده‌ام به درگاهت برای زیارت و حاجتهای خود را به تو سپرده‌ام
وَهَا أَنَا ذَا أَسْتَوْدِعُكَ دِينِي وَأَمَانَتِي وَخَوَاتِيمَ عَمَلِي، وَجَوَامِعَ
و من اکنون به تو می‌سپارم دینم و امانتم و سرانجام کارهایم و همه
أَمَلِي إِلَى مُتْنَهِي أَجَلِي، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ .
آرزوهایم را تا پایان عمرم و بر تو باد سلام و رحمت خدا و برکاتش

زیارت دیگر از برای اولاد ائمه‌علیهم السلام
می‌گوئی: السَّلَامُ عَلَيَّ جَدِّكَ الْمُصْطَفِي، السَّلَامُ عَلَيَّ أَبِيكَ الْمُرْتَضَى [الرضا]،
* * * * سلام بر جدّ تو حضرت مصطفی سلام بر پدرت امام مرتضی (و پسندیده)
السَّلَامُ عَلَيَّ السَّيِّدَيْنِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، السَّلَامُ عَلَيَّ خَدِيجَةَ أُمِّ
سلام بر دو آقای بزرگوار حسن و حسین سلام بر خدیجه مادر
سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيَّ فَاطِمَةَ أُمِّ الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ،
بانوی زنان جهانیان سلام بر فاطمه مادر امامان پاکیزه
السَّلَامُ عَلَيَّ الْتُّفُوسِ الْفَاخِرَةِ، بُحُورِ الْعُلُومِ الزَّاهِرَةِ، شُفْعَائِي فِي
سلام بر بزرگواران با افتخار آن دریاهای موج علم و دانش شفیعان من در
الْآخِرَةِ، وَأَوْلِيَائِي عِنْدَ عَوْدِ الرُّوحِ إِلَى الْعِظَامِ التَّآخِرَةِ، أَيْمَةَ الْخَلْقِ،
آخرت و سروران من هنگام بازگشت روح به استخوانهای پوسیده، پیشوایان خلق
وَوَلَاةِ الْحَقِّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّخْصُ الشَّرِيفُ الطَّاهِرُ الْكَرِيمُ،
و زمامداران حق سلام بر تو ای شخص شریف پاکیزه بزرگوار
أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَمُصْطَفَاهُ، وَأَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّهُ
گواهی دهم که معبودی جز خدا نیست و اینکه محمد بنده و برگزیده او است و علی ولی او
وَمُجْتَبَاهُ، وَأَنَّ الْأِمَامَةَ فِي وَثْدِهِ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ، نَعْلَمُ ذَلِكَ عِلْمًا
و انتخاب شده از طرف او است و به اینکه منصب امامت تا روز قیامت در اولاد او است و این مطلب را

الْيَقِينِ، وَنَحْنُ لَذَلِكَ مُعْتَقِدُونَ، وَفِي نَصْرِهِمْ مُجْتَهِدُونَ .

به یقین می دانیم و بدان معتقدیم و در یاریشان کوشائیم

چهارم در اعمال روز عرفه

در ذیل تسبیح سُبْحَانَ اللَّهِ قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ بَعْدَ كُلِّ أَحَدٍ که در مفاتیح مذکور است بعد از تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ بخوان :

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ بَعْدَ كُلِّ أَحَدٍ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ مَعَ كُلِّ

و ستایش خدای را پیش از هر کس و ستایش خدای را بعد از هر کس و ستایش خدای را با هر

أَحَدٍ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ يَبْقَى رَبُّنَا وَيَفْنَى كُلُّ أَحَدٍ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يَفْضُلُ

کس و ستایش خدای را که باقی است پروردگار ما و فانی شود هر کس و ستایش خدای را ستایشی که فزونی جوید

حَمْدَ الْحَامِدِينَ، حَمْدًا كَثِيرًا قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يَفْضُلُ

برستایش ستایش کنندگان ستایش بسیاری پیش از هر کس و ستایش خدای را ستایشی که فزونی جوید

حَمْدَ الْحَامِدِينَ حَمْدًا كَثِيرًا بَعْدَ كُلِّ أَحَدٍ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يَفْضُلُ

ستایش ستایش کنندگان را ستایشی بسیار پس از هر کس و ستایش خدای را ستایشی که فزونی جوید

حَمْدَ الْحَامِدِينَ حَمْدًا كَثِيرًا مَعَ كُلِّ أَحَدٍ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يَفْضُلُ

ستایش ستایش کنندگان را ستایشی بسیار با هر کس و ستایش خدای را ستایشی که فزونی جوید

حَمْدَ الْحَامِدِينَ حَمْدًا كَثِيرًا لِرَبَّنَا الْبَاقِي وَيَفْنَى كُلُّ أَحَدٍ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

ستایش ستایش کنندگان را ستایشی بسیار برای پروردگار ما که باقی است و فانی شود هر کس و ستایش خدای را

حَمْدًا لَا يُحْصِي وَلَا يُدْرِي، وَلَا يُنْسِي وَلَا يَنْسِي، وَلَا يَفْنَى وَلَا يَسَى

ستایشی که بشماره درنیاید و مقدارش دانسته نشود و فراموش نگردد و کهنه نشود و فنا نپذیرد

لَهُ مُنْتَهَى، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يَدُومُ بَدَوامِهِ، وَيَبْقَى بَيَقَائِهِ فِي سَنَى

و نهایت نداشته باشد و ستایش خدای را ستایشی که دوام یابد به دوام او و باقی بماند به بقای او در طول سالیان

الْعَالَمِينَ، وَشُهُورِ الدُّهُورِ وَأَيَّامِ الدُّنْيَا، وَسَاعَاتِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ،

(بی شمار) جهانیان و ماههای روزهای این جهان و ساعت های شب و روز

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ أَبَدَ الْأَبَدِ وَمَعَ الْأَبَدِ، مِمَّا لَا يُحْصِيهِ الْعَدَدُ، وَلَا يُفْنِيهِ

و ستایش خدای را به همیشگی همیشه و تا ابد بدان حد که شماره اش نکند شماره و عدد و تماشش نکند

الْأَمَدُ، وَلَا يَقْطَعُهُ الْأَبَدُ، وَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ. (بعد بگو) لَا إِلَهَ

زمان و مدت و قطع نکند دنباله اش را ابد (و همیشگی) و بزرگ است خدا که بهترین آفرینندگان است × × × «معبودی

إِلَّا اللَّهُ قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بَعْدَ كُلِّ أَحَدٍ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مَعَ

نیست جز خدا» پیش از هرکس و «معبودی نیست جز خدا» پس از هرکس و «معبودی نیست جز خدا» با

كُلِّ أَحَدٍ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَبْقَى رَبُّنَا وَيَفْنَى كُلُّ أَحَدٍ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

هرکس و «معبودی نیست جز خدا» که باقی است پروردگار ما و فانی شود هرکس و «معبودی نیست جز خدا»

تَهْلِيلًا يَفْضُلُ تَهْلِيلَ الْمُهْلَلِينَ فَضْلًا كَثِيرًا قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا

به یکتا خوانی آن چنانی که فزونی جوید یکتاخوانی یکتاخوانندگان را فزونی بسیاری پیش از هرکس و «معبودی نیست

جز

اللَّهُ تَهْلِيلًا يَفْضُلُ تَهْلِيلَ الْمُهْلَلِينَ فَضْلًا كَثِيرًا بَعْدَ كُلِّ أَحَدٍ، وَلَا إِلَهَ

خدا» به یکتاخوانی آنچنانی که فزونی جوید یکتاخوانی یکتاخوانان را فزونی بسیاری بعد از هرکس و «معبودی نیست

إِلَّا اللَّهُ تَهْلِيلًا يَفْضُلُ تَهْلِيلَ الْمُهْلَلِينَ فَضْلًا كَثِيرًا مَعَ كُلِّ أَحَدٍ، وَلَا

جز خدا» به یکتاخوانی آنچنانی که فزونی جوید یکتاخوانی یکتاخوانان را فزونی بسیار با هرکس و «معبودی

إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَهْلِيلًا يَفْضُلُ تَهْلِيلَ الْمُهْلَلِينَ فَضْلًا كَثِيرًا لِرَبَّنَا الْبَاقِي

نیست جز خدا» به یکتاخوانی آنچنانی که برتری جوید یکتاخوانی یکتاخوانان را فزونی بسیاری برای پروردگار ما که

باقیست

وَيَفْنَى كُلُّ أَحَدٍ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَهْلِيلًا لَا يُحْصِي وَلَا يُدْرِي، وَلَا

و فانی شود هرکس و «معبودی نیست جز خدا» به یکتاخوانی آنچنانی که شماره نشود مقدارش و دانسته نشود و

يُنْسِي وَلَا يَنْبَلِي وَلَا يَفْنَى، وَلَيْسَ لَهُ مُنْتَهَى، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَهْلِيلًا

فراموش نگردد و کهنه نشود و فنا نپذیرد و انتها نداشته باشد و «معبودی نیست جز خدا» به یکتاخوانی آنچنانی

يَدُومُ بِدَوَامِهِ، وَيَبْقَى بِبَقَائِهِ فِي سِنِي الْعَالَمِينَ، وَشُهُورِ الدُّهُورِ

که ادامه یابد به دوام او و باقی ماند به بقای او در طول سالیان جهانیان و ماههای روزگاران

وَأَيَّامِ الدُّنْيَا، وَسَاعَاتِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَبَدَ الْأَبَدِ وَمَعَ

و روزهاي اين جهان و ساعتهاي شب و روز و «معبودي نيست جز خدا» به هميشگي هميشه و تا
الْأَبَدِ، مِمَّا لَا يُحْصِيهِ الْعَدَدُ، وَلَا يُفْنِيهِ الْأَمَدُ، وَلَا يَقْطَعُهُ الْأَبَدُ، وَتَبَارَكَ
أَبَدِ بدان حد كه شماره‌اش نكند عدد و فانيش نكند مدت و دنباله‌اش را قطع نكند أَبَد و بزرگ است
اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ (پس بگو) وَاللَّهُ أَكْبَرُ قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ وَاللَّهُ أَكْبَرُ بَعْدَ
خدا كه بهترين آفرينندگان است × × × و «خدا بزرگتر است» پيش از هر كس و «خدا بزرگتر است» بعد
كُلِّ أَحَدٍ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ مَعَ كُلِّ أَحَدٍ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ بَيِّنِي رَبَّنَا وَيَفْنِي كُلِّ أَحَدٍ،
از هر كس و «خدا بزرگتر است» با هر كس و «خدا بزرگتر است» كه باقي ماند پروردگار ما و فاني شود هر كس
وَاللَّهُ أَكْبَرُ تَكْبِيرًا يَفْضُلُ تَكْبِيرَ الْمُكَبَّرِينَ فَضْلًا كَثِيرًا قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ،
و «خدا بزرگتر است» بزرگي آنچناني كه فزوني جويد بر تكبير تكبيرگويان (بزرگ شمردن بزرگ شمارندگان) فزوني
بسياري پيش از
وَاللَّهُ أَكْبَرُ تَكْبِيرًا يَفْضُلُ تَكْبِيرَ الْمُكَبَّرِينَ فَضْلًا كَثِيرًا بَعْدَ كُلِّ أَحَدٍ،
هر كس و «خدا بزرگتر است» به تكبيري كه فزوني جويد بر تكبير تكبيرگويان فزوني بسياري پس از هر كس
وَاللَّهُ أَكْبَرُ تَكْبِيرًا يَفْضُلُ تَكْبِيرَ الْمُكَبَّرِينَ فَضْلًا كَثِيرًا مَعَ كُلِّ أَحَدٍ
و «خدا بزرگتر است» به تكبيري كه فزوني جويد بر تكبير تكبيرگويان فزوني بسياري با هر كس
وَاللَّهُ أَكْبَرُ تَكْبِيرًا يَفْضُلُ تَكْبِيرَ الْمُكَبَّرِينَ فَضْلًا كَثِيرًا لِرَبَّنَا الْبَاقِي
و «خدا بزرگتر است» به تكبيري كه فزوني جويد تكبير تكبيرگويان را فزوني بسياري براي پروردگار ما كه باقيست
وَيَفْنِي كُلَّ أَحَدٍ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ تَكْبِيرًا لَا يُحْصِي وَلَا يُدْرِي، وَلَا يُنْسِي
و فاني شود هر كس و «خدا بزرگتر است» به تكبيري كه به شماره درنيايد و مقدارش دانسته نشود و فراموش نگردد
وَلَا يَبْلِي، وَلَا يَفْنِي وَلَيْسَ لَهُ مُنْتَهَى، وَاللَّهُ أَكْبَرُ تَكْبِيرًا يَدُومٌ بِدَوَامِهِ،
و كهنه نشود و فنا نپذيرد و نهايت نداشته باشد و «خدا بزرگتر است» تكبيري كه دوام يابد به دوام او
وَيَبْقَى بَبَقَائِهِ فِي سِنِي الْعَالَمِينَ، وَشُهُورِ الدُّهُورِ، وَأَيَّامِ الدُّنْيَا وَسَاعَاتِ
و باقي ماند به بقاي او در طول سالهاي جهانيان و ماههاي روزگاران و روزهاي دنيا و ساعتهاي
اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ أَبَدَ الْأَبَدِ، وَمَعَ الْأَبَدِ، مِمَّا لَا يُحْصِيهِ الْعَدَدُ،
شب و روز و «خدا بزرگتر است» به هميشگي هميشه و تا أَبَدِ بدان حد كه شماره‌اش نكند هيچ عددي
وَلَا يُفْنِيهِ الْأَمَدُ، وَلَا يَقْطَعُهُ الْأَبَدُ، وَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ .

و فانیش نکند مدت و زمانی و قطع کند دنباله‌اش را ابد و بزرگ است خدا بهترین آفرینندگان

دعای مکارم الأخلاق

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَبَلِّغْ بِإِيمَانِي أَكْمَلَ الْإِيمَانِ، وَاجْعَلْ

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و برسان ایمان مرا به کاملترین درجات ایمان و بگردان

يَقِينِي أَفْضَلَ الْيَقِينِ، وَائْتِهِ بِنَيْتِي إِلَى أَحْسَنِ النَّيَّاتِ، وَبِعَمَلِي إِلَى

یقینم را بهترین یقینها و نیتم را به بهترین نیتها منتهی گردان و عملم را به

أَحْسَنِ الْأَعْمَالِ، اللَّهُمَّ وَفِّرْ بِلُطْفِكَ نَيْتِي، وَصَحِّحْ بِمَا عِنْدَكَ يَقِينِي،

بهترین اعمال خدایا شایان کن به لطف و کرم نیتم را و درست کن بوسیله آنچه در پیش تو است یقینم را

وَاسْتَصْلِحْ بِقُدْرَتِكَ مَا فَسَدَ مِنِّي، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،

و اصلاح کن به نیروی خودت مفسد کار مرا خدایا درود فرست بر محمد و آلش

وَكَفِّنِي مَا يَشْغَلُنِي الْأَهْتِمَامُ بِهِ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِمَا تَسْتُلْنِي غَدًا عَنْهُ

و کفایت کن از من آنچه را اهتمام بدان مرا بخود مشغول کرده و بگمارم بدانچه فردای قیامت مرا بدان بازخواست کنی

وَاسْتَقْرِغْ آيَامِي فِيمَا خَلَقْتَنِي لَهُ، وَاعْغِنِي وَأَوْسِعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِكَ،

و روزهایم را تنها برای آنچه بخاطر آن خلق کرده‌ای فارغ ساز و بی‌نیازم کن و وسیع گردان بر من روزیت را

وَلَا تَقْنِئَنِي بِالظَّنِّ، وَاعِزَّنِي وَلَا تَبْتَلِيَنِي بِالْكِبَرِ، وَعَبِّدْنِي لَكَ، وَلَا

و مرا در فتنه نگاه (یا اندیشه‌های بیهوده یا مهلت دادن) مینداز و عزیزم گردان و به بزرگمنشی مبتلایم مکن و به عبادت

خودت

تُفْسِدُ عِبَادَتِي بِالْعُجْبِ، وَأَجْرُ لِلنَّاسِ عَلَيَّ يَدَيَّ الْخَيْرَ وَلَا تَمَحَقَّهُ

و ادارم کن و تباه مکن عبادتم را بخودبینی و بدست من کار خیر مردم را اجرا کن ولی با منت گذاری

بِالْمَنِّ، وَهَبْ لِي مَعَالِيَ الْأَخْلَاقِ، وَاعْصِمْنِي مِنَ الْفَخْرِ، اللَّهُمَّ صَلِّ

من از بینش نبری و برسانم به پایه‌های بلند اخلاق و نگاهم دار از فخر کردن و به خود بالیدن خدایا درود فرست

عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلَا تَرْفَعْنِي فِي النَّاسِ دَرَجَةً إِلَّا حَطَطْتَنِي

بر محمد و آلش و بالا مبر مرا در میان مردم به درجه‌ای جز آنکه پائینم آری

عِنْدَ نَفْسِي مِثْلَهَا، وَلَا تُحْدِثْ لِي عِزًّا ظَاهِرًا إِلَّا أَحَدَّتْ لِي ذِلَّةٌ

در پیش خودم به همان مقدار و پیش نیاور برای من عزتی در ظاهر جز آنکه پیش آوری برایم خواری
بَاطِنَةً عِنْدَ نَفْسِي بِقَدْرِهَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،
در باطن در پیش خودم به همان اندازه خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد
وَمَتَّعْنِي يَهْدِي صَالِحٍ لَا أَسْتَبْدِلُ بِهِ، وَطَرِيقَةً حَقًّا لَا أَزِيغُ عَنْهَا، وَبَيَّةً
و بهره مند ساز مرا به هدایت شایسته ای که چیزی را با آن تبدیل نکنم و راه حقی که منحرف نشوم از آن و نیت درستی
رُشْدٍ لَا أَشْكُ فِيهَا، وَعَمَّرْنِي مَا كَانَ عُمْرِي بِذِلَّةٍ فِي طَاعَتِكَ، فَإِذَا
که شک نکنم در آن و عمرم بده تا وقتی که عمرم در راه طاعت تو صرف گردد و هرگاه (دیدي)
كَانَ عُمْرِي مَرْتَعًا لِلشَّيْطَانِ فَأَقْبِضْنِي إِلَيْكَ، قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَ مَقْتُكَ
عمر من چراگاه شیطان شد جانم را بگیر پیش از آنکه خشم تو بر من سبقت جوید
إِلَيَّ، أَوْ يَسْتَحْكِمَ غَضَبُكَ عَلَيَّ، اللَّهُمَّ لَا تَدْعُ خَصْلَةً تُعَابُ مِنِّي إِلَّا
یا غضبت درباره من محقق گردد خدایا و امگذار برای من خصلتی را که مورد نکوهش باشد جز آنکه
أَصْلَحْتُهَا، وَلَا عَائِبَةً أُؤْتَبُ بِهَا إِلَّا حَسَنَتَهَا وَلَا أَكْرُومَةً فِي نَاقِصَةٍ إِلَّا
اصلاحش کنی و نه عیبی که مایه سرزنش باشد جز آنکه نیکویش گردانی و نه کرامتی که در من ناقص باشد جز
أَتَمَمْتُهَا، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَبْدِلْنِي مِنْ بَعْضَةِ
آنکه کاملش گردانی خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و مبدل کن برای من کینه
أَهْلَ الشَّنَانِ الْمَحَبَّةَ وَمِنْ حَسَدِ أَهْلِ الْبَغْيِ الْمَوَدَّةَ، وَمِنْ ظَنَّةِ أَهْلِ
کینه توزان را به محبت و حسد ستمکاران را بدوستی و بدگمانی مردمان
الصَّلَاحِ الثَّقَةَ، وَمِنْ عَدَاوَةِ الْأَدْنِيِّينَ الْوِلَايَةَ، وَمِنْ عُقُوقِ ذَوِي
شایسته را به اطمینان و وثوق و دشمنی نزدیکانم را بدوستی و نافرمانی و مخالفت خویشاوندان را
الْأَرْحَامِ الْمَبْرَرَةَ، وَمِنْ خِذْلَانِ الْأَقْرَبِينَ التُّصَرَّةَ، وَمِنْ حُبِّ الْمُدَارِينَ
به نیکی کردن و احسان و خوار کردن نزدیکان مرا به یاری دادن و دوستی ظاهری مدارا کنندگان را
تَصْحِيحَ الْمَقَةِ، وَمِنْ رَدِّ الْمُلَابِسِينَ كَرَمَ الْعِشْرَةِ، وَمِنْ مَرَارَةِ خَوْفِ
به دوستی حقیقی و دور ساختن آمیزش کنندگان مرا به خوش رفتاری و تلخی ترس
الظَّالِمِينَ حِلَاوَةَ الْأَمْنَةِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ لِي
مرا از ستمکاران به شیرینی امنیت مبدل فرما خدایا درود فرست بر محمد و آلش و قرار ده برایم

يَدَا عَلِيٍّ مَن ظَلَمَنِي، وَلِسَانًا عَلِيٍّ مَن خَاصَمَنِي، وَظَفَرًا بِمَن

دست نیرومندی بر هر که به من ستم کند و زبان گویائی بر هر که با من ستیزگی کند و پیروزی به هر کس

عائدنی، وَهَبْ لِي مَكْرًا عَلِيٍّ مَن كَايَدَنِي، وَقُدْرَةً عَلِيٍّ مَن

که با من دشمنی کند و حيله‌اي در مقابل حيله‌کنندگانم به من بده و نیروئی بر کسی

اضْطَهَدَنِي، وَتَكْذِيبًا لِمَن قَصَبَنِي، وَسَلَامَةً مِّمَّنْ تَوَعَّدَنِي، وَوَفْقَنِي

که در تنگنایم گذارد و تکذیب گفتار هر که عیبجوئی و بدگوئی کند و تندرستی از شر کسی که مرا تهدید کند و موفقم

بدار

لِطَاعَةٍ مِّنْ سَدَدَنِي، وَمُتَابَعَةٍ مِّنْ أَرَشَدَنِي، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

برای فرمانبرداری کسی که کمکم کند و پیروی کسی که به راه راستم وادارد خدایا درود فرست بر محمد

وآلِهِ، وَسَدِّدْنِيْ لِأَنْ أَعَارِضَ مَن غَشَّيْتُ بِالتُّصْحِ وَأَجْزِيْ مَن

و آتش و پابرجایم کن تا پاسخ دهم خیانت کسی را که به من خیانت کرده به خیرخواهی و پاداش دهم کسی

هَجَرَنِيْ بِالْبُرِّ، وَأُثِيبَ مَن حَرَمَنِيْ بِالْبَذْلِ، وَأُكَافِيَ مَن قَطَعَنِيْ بِالصَّلَةِ،

که ترك مرا کرده به نیکی و عوض دهم کسی که محروم کرده به بذل و بخشش و مکافات کنم هر که پیوندش را از من

بریده

وَأُخَالِفَ مَنِ اغْتَابَنِيْ إِلَى حُسْنِ الذِّكْرِ، وَأَنْ أَشْكُرَ الْحَسَنَةَ، وَأُعْضِيَ

به پیوستن و مخالفت کنم با هر که پشت سرم بدگوید به اینکه بخوبی یادش کنم و سپاسگزاری کنم از نیکی و احسان و

چشم‌پوشی

عَنِ السَّيِّئَةِ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَحَلِّنِيْ بِحِلْيَةِ الصَّالِحِينَ،

کنم از بدی دیگران خدایا درود فرست بر محمد و آلش و بیارایم به زیور شایستگان

وَالْبَسْنِيْ زِينَةَ الْمُتَّقِينَ فِيْ بَسْطِ الْعَدْلِ، وَكُظْمِ الْعِظِ، وَإِطْفَاءِ

و در برم کن زینت پرهیزکاران را در عدالت گستری و فرو بردن خشم و خاموش کردن آتش (فتنه و آشوب)

التَّائِرَةِ، وَضَمِّ أَهْلِ الْفُرْقَةِ، وَإِصْلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ وَإِفْشَاءِ الْعَارِفَةِ،

و گردآوردن مردم پراکنده و اصلاح میان مردم و آشکار ساختن کارهای خوب

وَسِتْرِ الْعَائِيَةِ، وَلِينِ الْعَرِيْكََةِ، وَخَفْضِ الْجَنَاحِ، وَحُسْنِ السَّيْرِ،

و پوشاندن عیوب و نرم خوئی و فروتنی و خوشرفتاری

وَسُكُونِ الرِّيحِ، وَطِيبِ الْمُخَالَفَةِ، وَالسَّبْقِ إِلَى الْفَضِيلَةِ، وَإِثَارِ
و نداشتن باد و نخوت و خوش خلقي و سبقت گرفتن بسوی فضیلت و از خودگذشتگی
التَّفَضُّلِ، وَتَرْكِ التَّغْيِيرِ وَالْأَفْضَالِ عَلَيَّ غَيْرِ الْمُسْتَحِقِّ، وَالْقَوْلُ
در احسان و بخشش و ترک کردن سرزنش مردم و بخشش بر غیر مستحق و سخن کردن
بِالْحَقِّ وَإِنْ عَزَّ وَاسْتَقْلَالَ الْخَيْرِ وَإِنْ كَثُرَ مِنْ قَوْلِي وَفِعْلِي،
بحق و راستی و اگر چه گران و سخت باشد و کم شمردن کار خیرم را اگر چه گفتار و کردارم
[وَاسْتِكْتَارِ الشَّرِّ وَإِنْ قَلَّ مِنْ قَوْلِي وَفِعْلِي] وَأَكْمِلْ ذَلِكَ لِي بِدَوَامِ
زیاد باشد (و زیاد شمردن کار شر را از گفتار و کردارم اگر چه کم باشد) و کامل کن اینها را برایم بوسیله
الطَّاعَةِ، وَلَزُومِ الْجَمَاعَةِ، وَرَفْضِ أَهْلِ الْبِدْعِ، وَمُسْتَعْمِلِي الرَّأْيِ
طاعت همیشگی و ملازمت با جماعت (اهل حق) و واگذاریدن بدعتگزاران و آنانکه رأی ساختگی خود را
الْمُخْتَرَعِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ أَوْسَعَ رِزْقِكَ عَلَيَّ
بکار بندند خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و مقرر دار فراخترین روزیت را بر من آنگاه
إِذَا كَبُرْتُ، وَأَقْوِي قُوَّتَكَ فِي إِذَا نَصَبْتُ، وَلَا تَبْتَلِيَنِي بِالْكَسَلِ عَنْ
که پیر شوم و نیرومندترین نیرویت را در من هنگامی که از کار افتاده و وامانده شدم و گرفتارم مکن به بیحالی
عِبَادَتِكَ وَلَا أَلْعَمِي عَنْ سَبِيلِكَ، وَلَا بِالْتَّعَرُّضِ لِخِلَافِ مَحَبَّتِكَ، وَلَا
در عبادت و نه به کوری و گمراهی از راهت و نه بدست زدن آنچه مخالف دوستی تو است و نه
مُجَامَعَةٍ مَنْ تَفَرَّقَ عَنْكَ، وَلَا مَفَارِقَةٍ مَنْ اجْتَمَعَ إِلَيْكَ، اللَّهُمَّ
به همراه شدن با کسی که از تو جدا شده و نه جدا شدن از آن کس که با تو همراه گشته خدایا
اجْعَلْنِي أَصُولُ بَكَ عِنْدَ الضَّرُورَةِ، وَأَسْأَلُكَ عِنْدَ الْحَاجَةِ، وَأَتَضَرَّعُ
چنانم کن که در هنگام بیچارگی و گرفتاری به تو رو کنم و در هنگام حاجتمندی از تو درخواست کنم
إِلَيْكَ عِنْدَ الْمُسْكِنَةِ، وَلَا تَفْتِنَنِي بِالْأَسْتِعَانَةِ بِغَيْرِكَ إِذَا اضْطَرَرْتُ، وَلَا
و در هنگام نداری بدرگاه تو زاری کنم و دچارم مکن به کمک خواهی از غیر خودت در هنگام ناچاری و نه
بِالْخُضُوعِ لِسُؤَالِ غَيْرِكَ إِذَا افْتَقَرْتُ، وَلَا بِالْتَّضَرُّعِ إِلَى مَنْ دُونَكَ
به خضوع و کرنش برای درخواست غیر تو گاهی که نیازمند گشتم و نه به زاری کردن بدرگاه دیگری جز تو
إِذَا رَهَبْتُ، فَاسْتَحِقْ بِذَلِكَ خِذْلَانِكَ وَمَنْعَكَ وَأَعْرَاضَكَ يَا أَرْحَمَ

هنگام هراسم که در نتیجه سزاوار خذلان و خواری تو گردم و مستحق منع لطف و اعراض تو شوم ای مهربانترین

الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِي رُوعِي مِنَ الْتَمَتِّي

مهربانان خدایا چنان کن که آنچه را شیطان در دلم و خاطرم اندازد از آرزو

والتَّظَنِّي وَالْحَسَدِ ذِكْرًا لِعَظَمَتِكَ، وَتَفَكُّرًا فِي قُدْرَتِكَ، وَتَذْهِبًا عَنِّي

و بدگمانی و حسد همه مبدل به تذکر عظمت تو و تفکر در قدرت تو و تدبیری برای از بین بردن

عَدُوِّكَ، وَمَا أَجْرِي عَلَي لِسَانِي مِنْ لَفْظَةٍ فَحْشٍ أَوْ هَجْرٍ أَوْ شَتْمٍ

دشمنت گردد و آنچه را بر زبانت جاری سازد از تلفظ به فحش یا هرزه گوئی

عَرَضٍ، أَوْ شَهَادَةٍ بَاطِلٍ، أَوْ اغْتِيَابٍ مُؤْمِنٍ غَائِبٍ، أَوْ سَبِّ حَاضِرٍ، وَمَا

یا بی عرضی یا شهادت ناحق یا غیبت مؤمنی که غائب است یا دشمنی به مؤمنی که حاضر است و امثال اینها را همه

أَشْبَهَ ذَلِكَ نُطْقًا بِالْحَمْدِ لَكَ وَإِغْرَاقًا فِي الثَّنَاءِ عَلَيْكَ، وَذَهَابًا فِي

را مبدل کن به ذکر حمد و ستایش خود و شناگویی به حد اغراق و ورود در

تَمْجِيدِكَ، وَشُكْرًا لِنِعْمَتِكَ، وَإِعْتِرَافًا بِإِحْسَانِكَ، وَإِحْصَاءَ لِمَنِّكَ،

تمجیدت و سپاسگزاری نعمت و اعتراف به احسان و لطف و شماره کردن بخششهایت

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلَا أَظْلَمَنَّ وَأَنْتَ مُطِيقٌ لِلدَّفْعِ عَنِّي،

خدایا درود فرست بر محمد و آلش و چنان کن که من مورد ستم واقع نشوم با اینکه تو قادر بر دفع آن هستی

وَلَا أَظْلَمَنَّ وَأَنْتَ الْقَادِرُ عَلَي الْقَبْضِ مِنِّي، وَلَا أَضِلُّنَّ، وَقَدْ أَمَكَّنْتَنِي

و مورد ستم واقع نشوم با اینکه تو قادری که آن را از سر من بگیری و گمراه نشوم با اینکه به هدایت کردنم امکان

داری

هِدَايَتِي، وَلَا أَفْتَقِرَنَّ وَمِنْ عِنْدِكَ وَسُعْيِي، وَلَا أَطْغَيْنَنَّ وَمِنْ عِنْدِكَ

و نیازمند نشوم با اینکه وسعت روزیم از نزد تو است و طغیان نکنم با اینکه هستی

وُجْدِي، اللَّهُمَّ إِلَى مَغْفِرَتِكَ وَقَدْتُ، وَإِلَى عَفْوِكَ قَصَدْتُ، وَإِلَى

(یا نشاط) از جانب تو است خدایا بسوی آمرزش تو وارد گشتم و به جانب گذشت تو آهنگ کردم و بسوی

تَجَاوُزِكَ إِشْتَقْتُ، وَبِفَضْلِكَ وَتَقْتُ، وَلَيْسَ عِنْدِي مَا يُوجِبُ لِي

چشم پوشی تو بار شوق خود را بستم و به فضل و کرم تو اعتماد کردم و چیزی که موجب

مَغْفِرَتِكَ، وَلَا فِي عَمَلِي مَا اسْتَحِقُّ بِهِ عَفْوُكَ، وَمَالِي بَعْدَ أَنْ حَكَمْتُ

آمزش تو باشد در نزد من نیست و نه در کردارم چیزی است که مستحق عفو تو گردم و چیزی برای من مانده پس از اینکه

عَلِي نَفْسِي إِلَّا فَضْلُكَ، فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ، اللَّهُمَّ

خود را محکوم کردم جز فضل تو پس درود فرست بر محمد و آلش و بر من تفضل فرما خدایا

وَأُطِقْنِي بِالْهُدَى، وَالْهُمْنِي التَّقْوَى وَوَقِّفْنِي لِتِلْكَ هِيَ أَزْكَى،

و به هدایت و راهنمایی گویایم کن و تقوی و پرهیزکاری را به من الهام کن و موقفم دار به روش و کرداری که پاکیزه تر است

وَأَسْتَعْمِلْنِي بِمَا هُوَ أَرْضِي، اللَّهُمَّ اسْأَلْكَ بِي الطَّرِيقَةَ الْمُنْتَلَى،

و بگمارم بدانچه بیشتر مورد خوشنودی تو است خدایا مرا به نیکوترین راه وادار و چنان کن

وَأَجْعَلْنِي عَلَي مِلَّتِكَ أَمُوتُ وَأَحْيَى، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،

که بر آئین تو بمیرم و بر آن زنده شوم خدایا درود فرست بر محمد و آلش

وَمَتَّعْنِي بِالْإِقْتِصَادِ، وَاجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ السَّادَةِ، وَمِنْ أَدْلَةِ الرَّشَادِ،

و بهره‌مندم کن به میانه روی و قرارم ده از محکم کاران و از راهنمایان به راه راست و صواب

وَمِنْ صَالِحِي الْعِبَادِ، وَارْزُقْنِي فَوْزَ الْمَعَادِ، وَسَلَامَةَ الْمِرْصَادِ،

و از بندگان شایسته‌ات و روزیم کن رستگاری در روز قیامت و به سلامت گذشتن از کمینگاه آن روز را

اللَّهُمَّ خُذْ لِنَفْسِكَ مِنْ نَفْسِي مَا يُخَلِّصُهَا، وَأَبْقِ لِنَفْسِي مِنْ نَفْسِي مَا

خدایا بگیر برای خود از نفس من آنچه را که موجب نجات و خلاصی او گردد و به جای گذار برای خودم از نفسم

يُصَلِّحُهَا، فَإِنَّ نَفْسِي هَالِكَةٌ أَوْ تَعْصِمُهَا، اللَّهُمَّ أَنْتَ عُدَّتِي إِنْ حَزِنْتُ،

زیرا که نفس من بخودی خود هلاک شونده است مگر آنکه تو نگاهش داری خدایا توئی ذخیره‌ام هنگام حزن

وَأَنْتَ مُتَّجِعِي إِنْ حُرِمْتُ، وَبِكَ اسْتِغَاثَتِي إِنْ كُرِهْتُ، وَعِنْدَكَ مِمَّا

و اندوه و توئی جایگاه نعمت و توشه من (آنگاه که از همه جا) محروم گردم و به تو استغاثه کنم هرگاه که به اندوه

فَاتَ خَلْفٌ، وَلَمَّا فَسَدَ صَلاَحٌ، وَفِيمَا أَكْرَهْتَ تَغْيِيرٌ، فَأَمْنُنْ عَلَيَّ قَبْلَ

سختی دچار گردم و پیش تو است عوض هر چه از دست برود و اصلاح هر آنچه تباه گردد و تغییر دادن هر چه را که

بد دانستی پس (ای

الْبَلَاءِ بِالْعَافِيَةِ، وَقَبْلَ الطَّلَبِ بِالْجِدَةِ وَقَبْلَ الضَّلَالِ بِالرَّشَادِ، وَكَفْنِي

خدا) منت گذار بر من بدادن تندرستی و عافیت پیش از رسیدن بلا و به توانگری پیش از درخواست و به راهنمایی قبل از گمراهی

مُوْنَةُ مَعْرَةِ الْعِبَادِ، وَهَبْ لِي أَمْنَ يَوْمِ الْمَعَادِ، وَامْنِحْنِي حُسْنَ

و کفایت کن از من رنج آزار رساندن بندگان را و امنیت روز معاد را به من ببخش و عطا کن

الْإِشْهَادِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَادْرَأْ عَنِّي بِلُطْفِكَ، وَاعْذُنِي

به من راهنمایی کردن نیکویت را خدایا درود فرست بر محمد و آلش و دفاع کن از من به لطف خود و غذایم ده

بِنِعْمَتِكَ، وَأَصْلِحْ بِكَرَمِكَ، وَدَاوِنِي بِصُنْعِكَ، وَأَظِلَّنِي فِي ذَرَاكَ،

به نعمت و اصلاح کن به بزرگواریت و درمانم کن به تربیت و پرورش خودت و در سایه حمایت و لطف خودت

وَجَلِّلْنِي رِضَاكَ، وَوَقِّفْنِي إِذَا اشْتَكَلْتُ عَلَى الْأُمُورِ لِأَهْدَاها، وَإِذَا

قرارم ده و خلعت خوشنودیت را در برم کن و موقوفم بدار گاهی که کارها بر من مشکل شود بدرست ترین آنها

تَشَابَهَتْ الْأَعْمَالُ لِأَزْكَاهَا، وَإِذَا تَنَاقَضَتْ الْمِلَلُ لِأَرْضَاهَا، اللَّهُمَّ

و هنگامی که کردارها به هم مشتبه گردد به پاکیزه ترین آنها و چون به اختلاف و نزاع برخیزند ملتها به پسندیده ترین

آنها خدایا

صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَوَجَّحْنِي بِالْكَفَايَةِ، وَسُمِّنِي حُسْنَ الْوِلَايَةِ،

درود فرست بر محمد و آلش و تاج کفایت را بر سرم بگذار و زیبا کن رخسارم را به خوش دوستی

وَهَبْ لِي صِدْقَ الْهِدَايَةِ، وَلَا تَقْتَتِنِي بِالسَّعَةِ، وَامْنِحْنِي حُسْنَ الدَّعَةِ،

و ببخش به من درستی در هدایت را و آزمایشم مکن به وسعت (روزی و ثروت) و زندگی خوش به من عطا فرما

وَلَا تَجْعَلْ عَيْشِي كَدًّا كَدًّا، وَلَا تَرُدْ دُعَائِي عَلَيَّ رَدًّا، فَإِنِّي لَا أَجْعَلُ

و مگردان زندگیم را سختی روی سختی و دعایم را رد مکن بر من زیرا شریک و ضدی برای تو قرار ندادم

لَكَ ضِدًّا، وَلَا أَدْعُو مَعَكَ نِدًّا، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَامْنِعْنِي

و همتا و رقیبی برایت نگرفتم خدایا درود فرست بر محمد و آلش و جلوگیری کن از

مِنَ السَّرَفِ، وَحَصِّنْ رِزْقِي مِنَ التَّلَفِ، وَوَفِّرْ مَلَكَتِي بِالْبِرَّةِ فِيهِ،

اسراف کاری و نگهدار روزیم را از تلف شدن و شایان کن مایلم (و دارائیم) را به برکت

وَأَصِبْ بِي سَبِيلَ الْهِدَايَةِ لِلْبِرِّ فِيمَا أَتَّفَقُ مِنْهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي

و راهنمایی کن مرا به راه درست نیکی و احسان در آنچه از دارائیم خرج می کنم خدایا درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَكَفَيْتُ مَوْتَهُ الْاِكْتِسَابِ، وَارْزُقْنِي مِنْ غَيْرِ احْتِسَابٍ،
محمد و آتش و كفایت کن از من رنج کسب کردن (و تلاش برای پیدا کردن روزی) را و روزیم ده بی حساب
فَلَا اسْتَعْلَ عَنْ عِبَادَتِكَ بِالطَّلَبِ، وَلَا احْتَمَلَ اِصْرَ تَبِعَاتِ الْمَكْسَبِ،
تا در نتیجه سرگرم نشوم از انجام عبادتت به طلب روزی و بدوش نکشم وزرو وبال مسئولیتهای کسب و کار را
اَللّٰهُمَّ فَاطِلِبِنِي بِقُدْرَتِكَ مَا اَطْلُبُ، وَاجِرْنِي بِعِزَّتِكَ مِمَّا ارْهَبُ،
خدایا عطا کن به من با نیروی خود آنچه را می جویم و پناهم ده به عزتت از آنچه می ترسم
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَصُنْ وَجْهِي بِالْيَسَارِ، وَلَا تَبْتَدِلْ
خدایا درود فرست بر محمد و آتش و حفظ کن آبرویم را به فراخی مال و دارائی و بی اعتبار مکن
جَاهِي بِالْاِقْتَارِ، فَاسْتَرْزِقْ اَهْلَ رِزْقِكَ وَاسْتَعْطِي شِرَارَ خَلْقِكَ،
جاه و شخصیتم را به تنگدستی و ناداری که در نتیجه از روزی خورانت روزی خواهم و از اشرار خلقت خواستار عطا
گردم
فَاَفْتِنَنِي بِحَمْدٍ مَنْ اَعْطَانِي، وَابْتَلِي بِدَمٍّ مَنْ مَنَعَنِي، وَآتَنِي مَنْ دُونِهِمْ
و بدین سبب گرفتار شوم به ستایش کسی که چیزی به من عطا کرده و مبتلا گردم به بدگویی کسی که از من دریغ
داشته
وَلِيُّ الْاَعْطَاءِ وَالْمَنْعِ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْزُقْنِي صِحَّةً
در صورتی که سرپرست بخشش و دریغ در حقیقت توئی نه آنها خدایا درود فرست بر محمد و آتش و روزیم کن صحت
و سلامتی
فِي عِبَادَةٍ، وَفَرَاغًا فِي زَهَادَةٍ، وَعِلْمًا فِي اسْتِعْمَالٍ، وَوَرَعًا فِي
در حال انجام عبادت و فراغت و آسایش در عین زهدورزی (و کناره گیری از دنیا) و علم
اجْمَالٍ، اَللّٰهُمَّ اخْتِمِ بِعَفْوِكَ اَجَلِي، وَحَقِّقْ فِي رَجَاءِ رَحْمَتِكَ اَمَلِي،
باعمل و ورع و پارسائی در عین اینکه کار دنیا کنم (یا در حال اعتدال در زندگی) خدایا عمرم را با گذشت خودت به
پایان رسان و آرزوئی
وَسَهِّلْ اِلَي بُلُوغِ رِضَاكَ سُبُلِي، وَحَسِّنْ فِي جَمِيعِ اَحْوَالِي عَمَلِي،
که در امیدواری به رحمت دارم تحقق بخش و هموار کن راههایم را برای رسیدن به خوشنودیت و نیکوگردان در جمیع
حالات کردارم را

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ، وَبَهِّئْ لِدِكْرِكَ فِى اَوْقَاتِ الْغَفْلَةِ، وَ

خدایا درود فرست بر محمد و آلش و آگاهم کن به ذکر خودت در اوقات غفلت و بی خبری

اَسْتَعْمِلْنِى بِطَاعَتِكَ فِى اَيَّامِ الْمُهَلَّةِ، وَاَنْهَجْ لِى اِلَى مَحَبَّتِكَ سَبِيْلًا سَهْلَةً

و بگمارم به کار فرمانبرداری خودت در روزهای مهلت (و دوران عمر) و باز کن برای من بسوی محبت و دوستیت راه همواری

اَكْمِلْ لِى بِهَا خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ كَاَفْضَلِ

که کامل کنی بوسیله آن برای من خیر دنیا و آخرت را خدایا درود فرست بر محمد و آلش همانند بهترین

ما صَلَّيْتَ عَلٰى اَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ قَبْلَهُ، وَاَنْتَ مُصَلِّىٌّ عَلٰى اَحَدٍ بَعْدَهُ، وَاَتَنَا

درودی که فرستادی بر یکی از مخلوقات پیش از آن حضرت و یا پس از او بر یکی از آفریدگانت بفرستی و بده به ما فی الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِى الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَفِى بَرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ .

در دنیا خوبی و خوشی و در آخرت نیز خوبی و نگاهم دار به رحمت از عذاب دوزخ

لازم به تذکر نیست که ملحقات دوّم مفاتیح و همچنین سوره‌های مبارکه عنکبوت و روم و دُخان و حدیث شریف

کساء جزء مفاتیح نبوده و طبع کنندگان در آخر آن اضافه کرده‌اند و ما نیز برای استفاده خوانندگان محترم در پایان کتاب ضمیمه کردیم .

سُورَةُ الْعَنْكَبُوتِ

به نام خدای بخشاینده مهربان

الم ۱۱ اَحْسِبِ النَّاسُ اَنْ يُّتْرَكُوْا اَنْ يَقُوْلُوْا اٰمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُوْنَ ۝۱۲

الف، لام، میم × آیا این مردم پنداشته‌اند که به (صرف) اینکه گویند ایمان آوردیم رها شوند و آزمایش نشوند

وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلْيَعْلَمَنَّ اللّٰهُ الَّذِيْنَ صَدَقُوْا وَلْيَعْلَمَنَّ

(در صورتی‌که) آزمودیم کسانی را که پیش از ایشان بودند تا معلوم کند خدا کسانی را که راست گفتند و معلوم کند

الْكَاذِبِيْنَ ۝۱۳ اَمْ حَسِبَ الَّذِيْنَ يَعْمَلُوْنَ السَّيِّئَاتِ اَنْ يَّسْبِقُوْنَا سَاءَ مَا

دروغگویان را × و یا چنین پنداشتند کسانی که کار بد انجام دهند که بر ما پیشی گیرند (از کیفر ما بگریزند) چه بد

يَحْكُمُوْنَ ۝۱۴ مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللّٰهِ فَاِنَّ اَجَلَ اللّٰهِ لَآتٍ وَهُوَ السَّمِیْعُ

قضاوت می‌کنند × هر که امید دیدار خدا دارد (بداند که) حتماً وعده خدا آمدنی است و او شنوا و

الْعَلِيمُ ١٥ وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ

دانا است x و هر که جهد و کوشش کند براي خود مي کوشد که براستی خداوند از جهانيان بي نیاز است

6 ا وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ

* و آنانکه ايمان آورده و کارهاي شايسته انجام دهند ما نيز بديهي (و گناهانشان را) محو کنيم

وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ١٧ وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ

و به بهتر از آنچه انجام داده اند پاداششان دهيم x و ما انسان را

بوالديه حُسْنًا وَإِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا

درباره پدر و مادرش به نيکي سفارش کرده ايم و اگر (آن دو) کوشيدند تا شريك من سازي چيزي را که بدان علم نداري

تُطْعِمُهُمَا إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ١٨ وَالَّذِينَ آمَنُوا

(و مشرک شوي) اطاعتشان مکن که بازگشت شما بسوي من است و من آگاهتان مي کنم بدانچه عمل مي کرده ايد x و

آنانکه ايمان آورده

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ ١٩ وَمِنَ النَّاسِ مَن

و کارهاي شايسته انجام داده اند آنها را در گروه شايستگان مي بريم x و برخي از مردم

يَقُولُ امْتًا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِيَ فِي اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةً لِلنَّاسِ كَعَذَابِ اللَّهِ وَلَئِنْ

گويند ما به خدا ايمان داريم و چون در راه خدا آزاري به ايشان رسد آزار مردم را چون عذاب خدا گيرد

جَاءَ نَصْرٌ مِنْ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ أَوَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي

و اگر ياري و نصرتي از جانب پروردگارت برسد آنان گويند ما هم با شما بوديم آيا خدا داناتر نيست به آنچه

صُدُّوا الْعَالَمِينَ ١١٠ وَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْمُنَافِقِينَ ١١١

در سينه هاي (مردم) جهانيان است x و براستی خدا معلوم مي کند کسانی را که ايمان دارند و معلوم مي دارد منافقان را

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا وَلْنَحْمِلْ خَطَايَكُمْ

و گويند کسانی که کافر نشدند به کسانی که ايمان آورده اند پيروي کنيد از راه ما و ما نيز بار خطاهاي شما را

وَمَا هُمْ بِحَامِلِينَ مِنْ خَطَايَاهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ١١٢ وَلَيَحْمِلُنَّ

به عهده مي گيريم ولی آنها چيزي از خطاهاي ايشان را به عهده نمي گيرند و دروغ مي گويند x و بدوش کشند بارهاي

أَثْقَالَهُمْ وَأَثْقَالًا مَعَ أَثْقَالِهِمْ وَلَيُسْأَلُنَّ يَوْمَ الْقِيَمَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ

گران خویش را و بارهای گران دیگری را با بارهای گران خویش و بازخواست شوند روز قیامت از آن دروغهایی که بسته‌اند

13 | وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ

و همانا فرستادیم نوح را بسوی قومش و بماند در میانشان هزار سال پنجاه

عاماً فَآخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ ۱۱۴ فَانْجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ

سال کم پس طوفان بگرفتشان و آنها ستمگران بودند × و ما او را با

السَّفِينَةِ وَجَعَلْنَاهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ ۱۱۵ وَإِبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا

کشتی‌نشینان نجات دادیم و آن کشتی را نشانه و عبرتی برای جهانیان کردیم × و (به یاد آر داستان) ابراهیم (را) که به قومش گفت

اللَّهُ وَاتَّقُوهُ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۱۱۶ إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ

خدا را بپرستید و از او بترسید که این بهتر است برای شما اگر بدانید × جز این نیست که پرستش می‌کنید بجز

اللَّهُ أَوْثَانًا وَتَخْلُقُونَ أَفْكَاءَ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ

خدا بتهائی را و دروغ می‌سازید و همانا اینهایی را که بجز خدا می‌پرستید مالک

لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ إِلَيْهِ

روزی شما نیستند و روزی را نزد خدا بجوئید و او را بپرستید و سپاس او را بجا آورید که بسوی او

تَرْجِعُونَ ۱۱۷ وَإِنْ تُكَذِّبُوا فَقَدْ كَذَّبَ أُمَمٌ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمَا عَلَى الرَّسُولِ

بازگشت کنید × و اگر تکذیب (پیغمبر ما را کنید) پس ملتهائی پیش از شما نیز تکذیب (پیغمبرانشان را)

إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ۱۱۸ أَوَلَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ إِنَّ

کردند و بر عهده پیامبر نیست جز رساندن آشکار × آیا نبینند چگونه پدید آرد خدا خلق را سپس بازش گرداند برآستی

ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ۱۱۹ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ

این کار برای خدا آسان است × بگو در زمین گردش کنید و بنگرید چگونه پدید آورد

الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۱۲۰

(خداوند) خلق را سپس ایجاد کند جهان دیگری را که برآستی خدا بر هر چیز توانا است *

يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَرْحَمُ مَنْ يَشَاءُ وَإِلَيْهِ تُقْلَبُونَ ۱۲۱ وَمَا أَنْتُمْ

عذاب کند هر که را خواهد و رحم کند هر که را خواهد و بسوی او بازگردانده شوید × و نتوانید

بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ
فرار کنید در زمین و نه در آسمان و برای شما جز خدا
وَلِيِّ وَلَا نَصِيرٍ ۱۲۲ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَايَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ أُولَئِكَ يَكُونُ مِنْ
دوست و یاورى نیست × و آنان که کافر شدند به آیات خدا و روز معاد اینان از
رَحْمَتِي وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۱۲۳ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ
رحمت من نومیدند و آنها را است عذابى دردناك × پاسخی که قوم ابراهیم دادند جز این نبود که
قَالُوا اقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ فَأَنْجِيَهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ
گفتند بکشید او را یا بسوزانیدش و خدا نجاتش داد از آتش و براستی در این داستان برای مردمی که
يُؤْمِنُونَ ۱۲۴ وَقَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي
ایمان دارند نشانه‌ها و پندهائی است × (ابراهیم) گفت جز این نیست که شما بت‌هایی را جز خدا (به پرستش) گرفته‌اید تا
در میان خود
الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَمَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُم بِبَعْضٍ وَيَلْعَنُ بَعْضُكُمُ
برای زندگانی دنیا دوستی برقرار کنید سپس در روز رستاخیز بیزاری جوئید از همدیگر و یکدیگر را لعن و نفرین کنید
بَعْضًا وَمَا يُكْمِلُ النَّارَ وَمَالَكُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ۱۲۵ فَمَنْ لَهُ لُوطٌ وَقَالَ
و جایگاهتان دوزخ است و یاورى ندارید × پس لوط بدو ایمان آورد و گفت
إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَى رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۱۲۶ وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ
من بسوی پروردگارم مهاجرت می‌کنم که براستی او نیرومند و فرزانه است × و به او بخشیدیم اسحاق
وَبِيعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ وَآتَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا
و یعقوب را و مقام نبوت و کتاب آسمانی را در فرزندان او قرار دادیم و پاداشش را در این دنیا
وَأَنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ ۱۲۷ وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ إِنَّكُمْ
به او دادیم و در آخرت نیز از شایستگان خواهد بود × و (داستان) لوط را که به قوم خود گفت شما بدین
لَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ ۱۲۸ أَتَنْتَكُمُ
کار زشت اقدام می‌کنید که بر این کار سبقت نجسته هیچکس از مردم جهانیان × آیا شما (برای دفع شهوت)
لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ وَتَقَاطِعُونَ السَّبِيلَ وَتَأْتُونَ فِي نَادِيَكُمُ الْمُنْكَرَ فَمَا
پیش مردان می‌روید و راهها را می‌زنید و در مجمع عمومی به کارهای ناروا دست می‌زنند و

كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا اتُّنَّا بِعَذَابِ اللَّهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ

پاسخ قومش جز این نبود که گفتند اگر راست می گوئی عذاب خدا را بسوی ما بیاور *

29 | قَالَ رَبِّ انصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْمُفْسِدِينَ ۱۳۰ وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا

(لوط) گفت: پروردگارا مرا بر گروه فسادگر یاری ده و چون فرستادگان ما

إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا إِنَّا مُهْلِكُوا أَهْلَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ إِنْ أَهْلُهَا كَانُوا

برای بشارت به نزد ابراهیم آمدند گفتند ما هلاک می کنیم مردم این ده را که مردمش

ظالمین ۱۳۱ قَالَ إِنْ فِيهَا لُوطًا قَالُوا نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَنْ فِيهَا لَنُنَجِّيَنَّهُ

ستمکارند × (ابراهیم) گفت: لوط در این ده است! گفتند ما بهتر می دانیم چه کسی در آنجا است، ما لوط و

وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ ۱۳۲ وَلَمَّا أَنْ جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا

کسانش را نجات خواهیم داد بجز زنش که او از جاماندگان (در میان مردم بدکار) است × و چون فرستادگان ما به نزد لوط آمدند،

سَيِّئَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالُوا لَا تَحْفَ وَلَا تُحْزَنْ إِنَّا مُنْجِيُوكَ

او از آمدنشان اندوهناک و دلتنگ شد، آنان به لوط گفتند نترس و اندوهگین مباش ما تو را

وَأَهْلَكَ إِلَّا امْرَأَتَكَ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ ۱۳۳ إِنَّا مُنْزِلُونَ عَلَى أَهْلِ هَذِهِ

و کسانت را نجات دهیم بجز زنت که او از جاماندگان است × فرو باریم بر مردم این

الْقَرْيَةِ رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ۱۳۴ وَلَقَدْ تَرَكْنَا مِنْهَا آيَةً

ده عذابی سخت از آسمان بخاطر آن فسق و عصیانی که می کردند × و بجا گذاردیم از آن ده نشانه ای

بَيِّنَةً لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ۱۳۵ وَإِلَى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا

روشن برای مردمی که خرد خود را بکار برند × و فرستادیم بسوی (مردم شهر) مدین برادرشان شعیب را و او (بدانها) گفت ای مردم

اللَّهُ وَارْجُوا الْيَوْمَ الْآخِرَ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ۱۳۶ فَكَذَّبُوهُ

خدا را بپرستید و انتظار آمدن روز قیامت را داشته باشید و در زمین به فساد مکوشید × آنها شعیب را تکذیب کردند

فَاَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جِاثِمِينَ ۱۳۷ وَعَادًا وَتَمُودَ

و به زلزله دچار گشتند و همه را مرگ در میان خانه هاشان به زانو درآورد × و (داستان) عاد و ثمود

وَقَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِنْ مَسَاكِينِهِمْ وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ

که شما جاهایشان را آشکارا دیده‌اید و شیطان بیاراست برای ایشان کردارشان را و از
عَنِ السَّبِيلِ وَكَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ ۱۳۸ وَقَارُونَ وَفِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَلَقَدْ
راه بازشان داشت با اینکه بینائی داشتند × و (داستان) قارون و فرعون و هامان که موسی
جَاءَهُمْ مُوسَى بِالْبَيِّنَاتِ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانُوا سَابِقِينَ
برای ایشان دلیلهای روشن و (معجزات) آشکار آورد ولی آنها در روی زمین بزرگی (و تکبر) کردند و نتوانستند
بگریزند

39 ا فَكُلًّا أَخَذْنَا بِذَنْبِهِ فَمِنْهُمْ مَنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا وَمِنْهُمْ مَنْ

* و هر يك را بنحوي به گناهش گرفتیم پس به برخي از آنها سنگریزه فرستادیم و برخي را

أَخَذْتُهُ الصَّيْحَةَ وَمِنْهُمْ مَنْ خَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَمِنْهُمْ مَنْ أَغْرَقْنَا

صیحه (آسمانی) گرفت و برخي را به زمین فرو بردیم و برخي را غرق کردیم

وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ۱۴۰ مَثَلُ الَّذِينَ

و چنان نبود که خدا به آنها ستم کند بلکه آنها بودند که به خود ستم می‌کردند × حکایت کسانی که

اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ

غیر از خدا (چیزهای دیگری را) دوستان خود گرفته‌اند مانند عنکبوت است که خانه‌ای بساخت ولی اگر می‌دانستند

الْبُيُوتِ لَبِيتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ۱۴۱ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُدْعُونَ

سست‌ترین خانه برآستی خانه عنکبوت است × همانا خداوند می‌داند (و می‌شناسد) آنچه را جز او می‌خوانند

مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۱۴۲ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ لَضَرِبُهَا

(و به خدائی می‌پرستند) و او نیرومند و حکیم است × و ما این مثلها را

لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ ۱۴۳ خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ

برای مردم می‌زنیم ولی جز دانشمندان آنها را نمی‌فهمند × خداوند آسمانها و زمین را

بِالْحَقِّ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ ۱۴۴ أَتُلُوا مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ

بحق آفرید و در این خلقت نشانه‌ایست برای مؤمنان × بخوان آنچه را که از قرآن به تو وحی

الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهِي عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ

می‌شود و بپادار نماز را که برآستی نماز باز می‌دارد (انسان را) از کار زشت و ناپسند

وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ ۱۴۵ وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ

و یاد کردن خدا (شما را) بزرگتر است (از یاد کردن شما او را) و خدا می‌داند آنچه را می‌کنید × و بحث و مجادله نکنید با اهل کتاب

إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنْزِلَ

جز بطریقی که نیکو است مگر کسانی از ایشان که ستم کردند، و به آنها بگوئید ما ایمان داریم بدانچه بر ما و

إِلَيْنَا وَأُنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ۱۴۶

بر شما هر دو نازل شده و خدای ما و خدای شما یکی است و ما مطیع و تسلیم اوئیم *

وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ فَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يُؤْمِنُونَ بِهِ

و این چنین ما بر تو قرآن را فرو فرستادیم پس آنها را که کتاب (آسمانی) دادیم بدان ایمان آرند و

وَمِنْ هَؤُلَاءِ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الْكَافِرُونَ ۱۴۷ وَمَا

از این گروه (یعنی کفار مکه) نیز کسانی هستند که بدان ایمان دارند و انکار نکنند آیات ما را جز مردمان کافر × و تو

كُنْتَ تَتْلُوا مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ بِيَمِينِكَ إِذَا لَارْتَابَ

پیش از این کتاب خوان نبودی و نمی‌نوشتی بدست خود کتابی و گرنه اهل باطل در (قرآن) به شک

الْمُبْطِلُونَ ۱۴۸ بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَمَا

می‌افتادند × بلکه این قرآن آیه‌هایی است روشن در سینه‌های کسانی که دانش به آنها داده شد و

يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ ۱۴۹ وَقَالُوا لَوْ لَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَاتٌ مِنْ رَبِّهِ

منکر نشوند آیات ما را جز ستمکاران × و گویند چرا بر او نازل نشود نشانه‌ها (و معجزاتی) از جانب پروردگارش

قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ ۱۵۰ أَوَلَمْ يَكْفِهِمْ أَنَّا أَنْزَلْنَا

بگو نشانه‌ها (و معجزات) همه نزد خدا است و من تنها بیم‌رسانی آشکارم × آیا کافی نیست اینها را که ما بر تو

عَلَيْكَ الْكِتَابُ يُتْلَى عَلَيْهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَرَحْمَةً وَذِكْرًا لِقَوْمٍ

این کتاب را نازل کردیم که برایشان خوانده شود برآستی که در این قرآن رحمت و پندی است برای مردمی که

يُؤْمِنُونَ ۱۵۱ قُلْ كَفَى بِاللَّهِ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ شَهِيدًا يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ

ایمان دارند × بگو خدا کافی است برای گواه بودن میان ما و شما که می‌داند آنچه در آسمانها

وَالْأَرْضِ وَالَّذِينَ آمَنُوا بِالْبَاطِلِ وَكَفَرُوا بِاللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

و زمین است و آنانکه به باطل گرویدند و به خدا کافر شدند آنهاوند زیانکاران

52 ا وَیَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَوْ لَا أَجَلٌ مُّسَمًّى لَجَاءَهُمُ الْعَذَابُ

* و از تو درخواست زود رسیدن عذاب را می‌کنند و اگر وقت مقرر آن نبود عذاب بر ایشان

وَلَيَأْتِيَنَّهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ۱۵۳ يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنْ

می‌آمد و بطور ناگهانی عذاب بر آنها خواهد رسید در حالی که پی‌خبر باشند × از تو درخواست زود رسیدن عذاب را کنند

جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ ۱۵۴ يَوْمَ يَعْشِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ

در صورتی که جهنم احاطه دارد بر کافران × روزی که فرا گیردشان عذاب از بالای سرشان و از

تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَيَقُولُ ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۱۵۵ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ

زیر پاهایشان و خدا (به آنها) گوید بجشید (سزای) اعمالی را که می‌کردید × ای بندگان من که

أَمِنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةً فَإِيَّايَ فَاعْبُدُونِ ۱۵۶ كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ

ایمان آورده‌اید همانا زمین من پهناور است (اگر در سرزمین مکه از ترس مشرکین نتوانید مرا پرستید بجای دیگر بروید) پس مرا

ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ ۱۵۷ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِنْ

پرستش کنید هرکس چشنده مرگ است سپس بسوی ما بازگردید × و آنانکه ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند

الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعَمٌ أَجْرٌ

درغرفه‌هایی از بهشت جایشان دهیم که نهرها از زیر آن غرفه‌ها روانست و جاویدان در آن خواهند بود و چه خوبست پاداش

الْعَامِلِينَ ۱۵۸ الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ۱۵۹ وَكَأَيِّنْ مِنْ

اهل عمل × آنانکه شکیبایی کرده و به پروردگارشان توکل کنند × و چه بسیار

دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۱۶۰

جانورانی که بار روزی خود نکشند (و روزی خود را آماده نکرده‌اند) خدا آنها و شما را روزی دهد و او شنوا و دانا است *

وَلَيْنُ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ

و اگر از ایشان پرسید چه کسی آسمانها و زمین را آفرید و خورشید و ماه را مسخر کرد

لَيَقُولَنَّ اللَّهُ فَإِنِّي يُؤْفِكُونَ ۱۶۱ اللَّهُ يَسْطُرُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ

بی شک خواهند گفت خدا، پس چرا (از پرستش حق به پرستش بتان) باز می گردند × خدا است که بگستراند روزی هرکس را

وَيَقْدِرُ لَهُ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۱۶۲ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ

از بندگان که بخواهد و یا تنگ گیرد بر او که براسق خدا به هر چیز دانا است × و اگر از آنها پیرسی کیست که فرو فرستد

السَّمَاءِ مَاءً فَآخِيَا بِهِ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهَا لَيَقُولَنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ

آب (باران) را و زنده کند بدان زمین را پس از مرگش؟ بی شک خواهند گفت: خدا، بگو ستایش خاص خدا است

بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ۱۶۳ وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌّ وَلَعِبٌ وَإِنَّ

ولی بیشترشان بی خردی می کنند × و زندگی این دنیا جز بازیچه و سرگرمی بیش نیست و به حقیقت

الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَاةُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ۱۶۴ فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلْكِ

زندگی حقیقی در سرای آخرت است اگر می دانستند × و چون بر کشتی سوار شوند (و گرفتار امواج متلاطم دریا گردند)

دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّيَهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ ۱۶۵

خدا را از روی اخلاص دینداری بخوانند و چون خدا آنان را بخشکی رساند در آن حال شرك ورزند *

لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ وَلِيَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ۱۶۶ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا

(بگذار) تا کفران کنند نعمتهائی را که به ایشان داده ایم و از آنها کام بگیرند و بزودی خواهند دانست × آیا نمی بینند که ما

جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيُتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ

(مکه را) حرم امنی قرار دادیم ولی مردم اطراف آنها را (با قتل و غارت) می ربایند آیا (باز هم) به باطل می گردند

وَيَنْعِمَ اللَّهُ لِكُفْرِهِمْ ۱۶۷ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ

و به نعمت خدا کفر می ورزند × و کیست ستمکارتر از آنکه بر خدا دروغ بندد یا

كَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ ۱۶۸ وَالَّذِينَ

پس از اینکه حق بسویش آمد آن را تکذیب کند مگر در دوزخ جایگاه کافران نیست × و کسانی که

جَاهِدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ ۱۶۹

در راه ماکوشش و مجاهدت کنند محققاً به راههای (معرفت و سعادت) خویش راهنمائیشان می‌کنیم و همانا خدا با نیکوکاران است *

سُورَةُ الرُّومِ

به نام خدای بخشاینده مهربان

الم ۱۱ غَلَبَتِ الرُّومُ ۱۲ فِي آدْنِي الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ

الف، لام، میم × مغلوب گشتند رومیان در نزدیکی این سرزمین و آنان پس از مغلوب شدنشان غالب خواهند شد
3 ا فِي بَضْعِ سِنِينَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدِ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ

* در ظرف چند سال - همه کارها جلوتر و عقب‌تر از این نیز بدست خدا است - و در آن روز

الْمُؤْمِنُونَ ۱۴ بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۱۵ وَعَدَ

مؤمنان از یاری خدا خورسند شوند × که او هر که را خواهد یاری کند و هم او نیرومند و مهربان است × وعده
اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَكِنْ أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۱۶ يَعْلَمُونَ

خدا است و خدا خلف وعده نمی‌کند ولی بیشتر مردم (این حقیقت را) نمی‌دانند × (و فقط) ظاهری

ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ ۱۷ أَوَلَمْ

از زندگانی دنیا را می‌دانند ولی آنها خود از آخرت (و جهان دیگر) بی‌خبرند × آیا اینان پیش خود

يَتَفَكَّرُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا

فکر نمی‌کنند که خداوند نیافریده است آسمانها و زمین را و آنچه در میان آن دو است جز

بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ ۱۸

به حق و برای مدتی معین و برآستی که بسیاری از مردم به ملاقات کردن پاداش پروردگارشان کافرنند *

أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ

آیا گردش نمی‌کنند در روی زمین تا بنگرند که چگونه بوده است سرانجام کسانی که پیش از آنان بوده‌اند

كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَنَارُوا الْأَرْضَ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا

(آن مردمی) که در نیرو سخت‌تر از اینها بودند و زمین را زیر و رو کردند و بیش از آنچه اینان

وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا

آبادش کردند آنها آبادش کردند و پیمبرانشان معجزه‌ها برای ایشان آوردند، خدا چنان نبود که با آنها ستم کند ولی خود

أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ١٩ ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ آسَؤُوا السُّوءَ أَن كَذَّبُوا

آنها بودند که بر خود ستم می کردند × سپس سرانجام کسانی که بد کردند بدتر بود که تکذیب کردند

بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ ١٢٠ اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ثُمَّ

آیات خدا را و بدان استهزاء می کردند × خدا است که خلق را در آغاز می آفریند و دوباره بازش گرداند آنگاه شما

بسوی

إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ١٢١ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُبْلِسُ الْمُجْرِمُونَ ١٢٢ وَلَمْ يَكُنْ

او بازگردید × و روزی که قیامت برپا شود ناامید (و یا خاموش) شوند تبهکاران × و نیست برای آنها

لَهُمْ مِنْ شُرَكَائِهِمْ شُفَعَاءٌ وَكَانُوا بِشُرَكَائِهِمْ كَافِرِينَ ١٢٣ وَيَوْمَ تَقُومُ

از شریکانی که برای خدا گرفتند شفيعی و به آن شریکان کافر گردند (و از آنان بیزار می جویند) × و روزی که قیامت

السَّاعَةِ يُؤْمَدُ يَتَقَرَّبُونَ ١٢٤ فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

برپا شود در آن روز از هم جدا شوند × و اما کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند

فَهُمْ فِي رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ ١٢٥ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ

آنان در بوستانی (در بهشت) شادان باشند × و اما کسانی که کفر ورزیدند و آیات ما و دیدار آخرت را

الْآخِرَةِ فَاوْلَئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ ١٢٦ فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ

دروغ شمرند آنان در عذاب احضار گردند × پس تنزیه کنید خدای را هنگامی که شام کنید

وَحِينَ تَصْبِحُونَ ١٢٧ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا

و هنگامی که صبح کنید × و ستایش خاص او است در آسمانها و زمین و شب هنگام

وَحِينَ تُظْهِرُونَ ١٢٨ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ

و آنگاه که به نیم روز رسید × برون آرد زنده را از مرده و برون آرد مرده را از

الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ ١٢٩ وَمِنْ آيَاتِهِ

زنده و زنده کند زمین را پس از مردگیش و شما نیز اینچنین (از گورها) برون آید × و از آیات و نشانه های

أَن خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ ١٣٠ وَمِنْ آيَاتِهِ أَن

خدا این است که شما را از خاک آفرید آنگاه بشری گردیدید (که در زمین) پراکنده شوید × و از نشانه های او آن است

خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً

که برای شما از جنس خودتان جفت هایی (و همسرانی) آفرید تا بدانها آرامش یابید و در میان شما مهر

وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ١٢١ وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ

و محبت برقرار فرمود برآستی که در این کار آیاتی (و پندهائی) است برای آنانکه اندیشه می کنند × و از جمله آیات او خلقت

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَالْوَالِدَاتُ أَنْ فِي ذَلِكَ

آسمانها و زمین و اختلاف زبانها و رنگهای شما است و برآستی در این کار (نیز) برای

لآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ ١٢٢ وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاؤُكُمْ

برای جهانیان عبرتهائی است × و از جمله آیات او خفتن شما است در شب و روز و طلب کردن روزی شما است

مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ١٢٣ وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمُ

از فزون بخشیش و برآستی در این (نیز) پندهائی است برای مردمی که می شنوند × و از جمله آیات وی آن است که

الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُخْرِجُ بِهِ الْأَرْضَ بَدَدًا

می غایاند به شما برق را (در آسمان) برای بیم و امید، و فرو می فرستد از آسمان آب (باران) را و زنده می کند بدان زمین را

مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ١٢٤ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ

پس از مردنش برآستی که در این (نیز) پندهائی است برای مردمی که خرد را بکار بندند × و از جمله آیات وی آن است

السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ

که آسمان و زمین به فرمان او برپا است سپس هنگامی که شما را (در قیامت) از خاک برخواند شما در آن وقت

تَخْرُجُونَ ١٢٥ وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ لَّهُ قَانُونٌ ١٢٦ وَهُوَ

(از قبرها) بیرون آید × و از او است هر چه در آسمانها و زمین است و همگی فرمانبردار اویند × و او است

الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ فِي

که خلق را در آغاز بیافریند و دوباره بازش گرداند و بازگرداندن (روی حساب ظاهر) برای او آسانتر است × و او را

است صفات

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ١٢٧ ضَرَبَ لَكُمْ مَثَلًا مِنْ

والا رتبه در آسمانها و زمین و او است نیرومند حکیم × برای شما از (وضع زندگی) خودتان مثلی

أَنْفُسِكُمْ هَلْ لَكُمْ مِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ شُرَكَاءَ فِيمَا رَزَقْنَاكُمْ

می زند: آیا کسانی که مملوک شما هستند شریکند با شما در آنچه روزیتان کرده ایم تا (در نتیجه) شما

فَأَنْتُمْ فِيهِ سَوَاءٌ تَخَافُوهُمْ كَخِيفَتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ

و آنان در آن (اموال) یکسان باشید که بترسید از آنها همچنانکه از امثال خودتان می ترسید؟ (هرگز چنین نیست)

لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ۱۲۸ بَلِ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَمَنْ

این چنین شرح دهیم آیات را برای مردمی که خرد را بکار می بندند × بلکه مردمان ستمگر از هواهای نفسانی

يَهْدِي مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ۱۲۹ فَأَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ

خویش بدون علم و دانش پیروی می کنند، پس کیست که هدایت کند کسی را که خدا گمراه کرده و آنها را یارانی نیست

*

حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ

پس تو توجّهت را مستقیماً به این دین کن دین فطری خدا که مردم را بر آن سرشته و تغییری در خلقت خدا نیست این

الدِّينُ الْقِيمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۱۳۰ مُبَيِّنِينَ إِلَيْهِ وَاتَّقُوهُ

است دین (استوار و) مستقیم ولی بیشتر مردم نمی دانند × بازآمدگان بدرگاه او باشند و از او بترسید

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ۱۳۱ مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا

و نماز را بپا دارید و از مشرکان نباشید × از آن کسانی که دین خود را پراکنده ساخته

دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ ۱۳۲ وَإِذَا مَسَّ النَّاسَ

و چندین فرقه شدند و هر گروهی به آنچه نزد خود دارند شادمانند × و هنگامی که به مردم

ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُمْ مُبَيِّنِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا آذَاهُمْ مِنْهُ رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ

رنج و سختی رسد پروردگارشان را به حال بازگشتگی بسوی او (بیاری) خوانند، آنگاه چون (خدا) رحمت خود را به آنها

بچشانند در آن هنگام

بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ ۱۳۳ لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ۱۳۴

گروهی از ایشان به پروردگارشان مشرک گردند × (بگذار) تا کافر شوند بدان نعمتهائی که به ایشان دادیم و از آنها کام

برگیرند که بزودی

أَمْ أُنْزِلْنَا عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا فَهُمْ يَنْتَكِلُونَ بِمَا كَانُوا بِهِ يُشْرِكُونَ ۱۳۵ وَإِذَا

خواهند دانست × آیا (مگر) نازل کرده ایم بر آنها دلیلی که آن دلیل سخن می گوید درباره آنچه را با خدا شریک پندارند

× و چون

أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً فَرَحُوا بِهَا وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ

رحمتی به مردم بچشانیم بدان خوشحال گردند و اگر بواسطه اعمالی (و گناهانی) که از پیش کرده‌اند بلائی و پیش آمد بدی

إِذَا هُمْ يَقْنَطُونَ ۝ ۳۶ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ

به آنها رسد آنها نومید گردند × آیا ندیدند که خداوند روزی هرکس را که خواهد (روی مصالح) بگستراند یا تنگ گیرد
إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۝ ۳۷ فَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ

براستی که در این کارنشانه‌هایی است برای مردمی که ایمان دارند × پس بده به خویشاوندان حق او را و هم چنین (حق) مستمند

وَابْنِ السَّبِيلِ ذَلِكَ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ

و در راه مانده را که این کار بهتر است برای کسانی که رضایت خاطر خدا را می‌خواهند و آنانند

الْمُفْلِحُونَ ۝ ۳۸ وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رِبَاً لَّيْرَبُوَ فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرَبُوا

رستگاران × و آنچه به ربا دهید تا زیاد شود در مال مردم پس زیاد نمی‌شود

عِنْدَ اللَّهِ وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ

در نزد خدا و آنچه را برای زکات می‌دهید که رضایت خاطر خدا را بجوئید آنهايند

الْمُضْغِفُونَ ۝ ۳۹ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ

فزونی یافتگان × خدا است آنکه شما را آفرید سپس روزیتان داد سپس میراندتان و باز زنده‌تان کند

هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَفْعَلُ مِنْ ذَلِكَُمْ مِنْ شَيْءٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى

آیا از بت‌های شما که شریک خدا سازید کسی هست که از این کارها بکند منزّه است خدا و برتر است

عَمَّا يُشْرِكُونَ ۝ ۴۰ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي

از آنچه با او شریک سازند × آشکار شد فساد و تباهی در خشکی و دریا بواسطه اعمال (و رفتار)

النَّاسِ لِيَذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ۝ ۴۱ قُلْ سِيرُوا فِي

مردمان تا بچشانند خداوند سزای بعضی از اعمالشان را شاید (بسوی حق) بازگردند × بگو گردش کنید در

الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُمْ

زمین و بنگرید چسان بوده سرانجام کسانی که پیش از این بودند و بیشترشان

مُشْرِكِينَ ۝ ۴۲ فَاقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَيِّمِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ

مشرک بودند × پس تو توجّهت را به این دین مستقیم (و استوار) کن پیش از آنکه بیاید آن روز بازگشت ناپذیر (که کسی

لَهُ مِنَ اللَّهِ يَوْمَئِذٍ يَصْدَعُونَ ۱۴۳ مَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا

نتواند بازش گرداند) از خدا که در آن روز (همه از هم) جدا شوند × هر که کافر شود و بال کفرش بر خود او است و هر کس کار شایسته

فَلَا أَنْفُسَهُمْ يَمْهَدُونَ ۱۴۴ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْ

کند برای خودشان آماده می کنند × تا پاداش دهد خداوند به آنانکه ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند از فَضْلِهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ ۱۴۵ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيحَ

فضل و بخششش که برآستی او کافران را دوست نمی دارد × و از جمله آیات خدا این است که می فرستد بادهای مُبَشِّرَاتٍ وَلِيَذِيقَكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَلِتَجْزِيَ الْفُلُكُ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ

را نوید دهنده (به باران) و تا برساند به شما رحمت خویش را و تا کشتی به فرمان او جریان یابد و از فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۱۴۶ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى

فزون بخشیش بجوئید و شاید سپاسگزارید × و ما پیش از تو پیمبرانی بسوی قَوْمِهِمْ فَجَاءُوهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَأَتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرُومُوا وَكَانَ حَقًّا

قومشان فرستادیم و معجزات برای آنها آوردند و ما انتقام گرفتیم از آنانکه بدکار بودند و عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ ۱۴۷ اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا

یاری مؤمنان بر ما حق و مسلم است × خدا است که می فرستد بادهای را و بدانوسیله ابرها را برمی انگیزاند فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كِسْفًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ

پس آن را بگستراند در آسمان هر طور که خواهد و روی هم مترکمش کند در این هنگام قطرات باران را به بینی مِنْ خِلَالِهِ فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ۱۴۸

که از خلال آن بیرون آید و چون برساند آن را به هر کس از بندگان که خواهد آنان شادمانی کنند * وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ يُنْزَلَ عَلَيْهِمْ مِنْ قَبْلِهِ لُمُبْلِسِينَ ۱۴۹ فَأَنْظَرُوا إِلَى

و گرچه آنان پیش از آنکه باران بر ایشان نازل گردد نومید بودند × پس به اِثَارِ رَحْمَةِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَلِكَ لَمُحْيِي

نشانه های رحمت خدا بنگر که چگونه زنده کند زمین را پس از مرگش برآستی که همین خدا است که زنده کننده

الْمَوْتِي وَهُوَ عَلَي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ١٥٠ وَلَئِنْ أَرْسَلْنَا رِيحًا فَرَأَوْهُ
مردگان است و او بر هر چیز توانا است × و اگر بادی بفرستیم و آن کشت و زراعت را زرد شده ببینند
مُصْفَرًّا لَّظَلُّوا مِنْ بَعْدِهِ يَكْفُرُونَ ١٥١ فَإِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتِي وَلَا
دنبال آن به کفران نعمت برخواهند گشت × تو البته نمی توانی (سخنت را) به مردگان بشنوی و
تُسْمِعُ الصَّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ ١٥٢ وَمَا أَنتَ بِهَادِي الْعُمِّيِّ عَنْ
هم نمی توانی ندایت را به کُران بشنوی هنگامی که به فرار روی بگردانند × و تو راهبر نیستی کوران را از
ضَلَالَتِهِمْ إِنْ تُسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ ١٥٣ اللَّهُ الَّذِي
گمراهیشان و نشنوی جز کسی را که به آیات ما ایمان دارند و تسلیم و مطیع باشند × خدا است که شما را
خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ
از ناتوانی آفرید و پس از ناتوانی نیرو (ی جوانی) داد و از پس نیرومندی
ضَعْفًا وَشَبِيحَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ ١٥٤ وَيَوْمَ تَقُومُ
ناتوانی و پیری داد بیافریند هر چه را خواهد و او دانای توانا است × و روزی که قیامت برپا شود
السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ مَا لَبِثُوا غَيْرَ سَاعَةٍ كَذَلِكَ كَانُوا
سوگند یاد کنند بدکاران × که جز ساعتی (در دنیا یا در قبر و برزخ) درنگ نکرده اند، این چنین بدروغ سرگردان
يُؤْفَكُونَ ١٥٥ وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِثُمْ فِي كِتَابِ
می شدند × و (درمقابل) آنان که دانش و ایمان به آنها داده شده گویند: همانا شما در مکتوب
اللَّهُ إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ١٥٦
خدا (الوح محفوظ) تا روز رستاخیز مکث کرده اید و این هم روز رستاخیز و لکن شما نمی دانسته اید*
فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَعَذِرَتُهُمْ وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ ١٥٧ وَلَقَدْ
و در آن روز کسانی را که ستم کرده اند عذرخواهیشان سودشان ندهد و جلب رضایت (ما را) نتوانند کرد × و ما
ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَلَئِنْ جِئْتَهُمْ بِآيَةٍ لَيَقُولُنَّ
برای مردم در این قرآن از هرگونه مثل زده ایم و اگر آیه ای (و معجزه ای) برای ایشان بیاوری
الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُبْطِلُونَ ١٥٨ كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الَّذِينَ
آنانکه کافر شدند گویند شما جز مردمی بیهوده کار نیستید × این چنین خدا مهر زند بر دلهای کسانی که
لَا يَعْلَمُونَ ١٥٩ فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَا يَسْتَخِفُّكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ ١٦٠

غی دانند × پس صبر کن که براسق و عده خدا حق است و به سبکی و شتاب نکشانندت مردمی که (حساب را) یقین (و باور) غی دارند *

سُورَةُ الدخان

به نام خدای بخشاینده مهربان

حم ۱۱ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ ۱۲ اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُّبَارَكَةٍ اِنَّا كُنَّا مُنْذِرِينَ

حاء، میم × سوگند به این کتاب روشن و آشکار × که ما نازل کردیم آن را در شبی فرخنده و ما بیم دهنده بودیم

3 اِ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ اَمْرٍ حَكِيمٍ ۱۴ اَمْراً مِنْ عِنْدِنَا اِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ ۱۵

* در آن شب فیصله یابد هر کار محکمی × فرمانی است، از نزد ما که ما فرستندگان بودیم (محمد و سایر پیامبران را)

*

رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ اِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۱۶ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضِ

از روی رحمتی که از جانب پروردگار تو است و او شنوا و دانا است × پروردگار آسمانها و زمین

وَمَا بَيْنَهُمَا اِنْ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ ۱۷ لَا اِلَهَ اِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ

و آنچه در میان آن دو است اگر (از) یقین دارانید × معبودی نیست جز او که زنده کند و میراند پروردگار شما

وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْاُولَیْنَ ۱۸ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ ۱۹ فَاَرْتَقِبْ يَوْمَ

و پروردگار پدران پیشین شما × بلی آنان در شکی بازی می کنند × پس منتظر باش روزی را

تَاْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُبِينٍ ۱۰ يَغْشَى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ اَلِيمٌ ۱۱ رَبَّنَا

که آسمان دودی آشکار بیاورد × که فرا گیرد (مردم را) و این عذابی است دردناک × (گویند) پروردگارا

اَكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ اِنَّا مُؤْمِنُونَ ۱۲ اِنِّي لَهَمُّ الذِّكْرِ وَقَدْ جَاءَهُمْ

برطرف کن از ما این عذاب را که ما ایمان آورنده ایم × کجا پند گیرند در صورتی که آمد بسوی آنها

رَسُولٌ مُبِينٌ ۱۳ ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَجْنُونٌ ۱۴ اِنَّا كَاشِفُو

پیامبری آشکار × و رو گردان شدند از او و گفتند تعلیم یافته ای دیوانه است × هر آینه ما برطرف کننده ایم

الْعَذَابِ قَلِيلاً اِنَّكُمْ عَائِدُونَ ۱۵ يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَى اِنَّا

عذاب را اندکی ولی شما (به کفر خود) بازگشت خواهید کرد × روزی که به عذاب سختی آنها را بگیریم که ما

مُنْتَقِمُونَ ۱۶ وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ ۱۷

انتقام گیرنده ایم × و ما پیش از ایشان نیز قوم فرعون را آزمودیم و پیامبر بزرگواری بسوی شان آمد × (و به آنها گفت)

أَنْ أَدُّوْا إِلَيَّ عِبَادَ اللَّهِ إِلَيَّ لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ۝ ١١٨ وَأَنْ لَا تَعْلُوا عَلَيَّ اللَّهُ

واگذارید به من بندگان خدا را که من برای شما پیامبر امینی هستم × و بر خدا تکبر و بزرگی نکنید که

إِلَيَّ اتِيكُمْ بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ ۝ ١١٩ وَإِلَيَّ عُدْتُ رَبِّي وَرَبُّكُمْ أَنْ تَرْجُمُونِ

من برای شما دلیل روشنی آورده‌ام × و پناه می‌برم به پروردگار خود و پروردگار شما از اینکه سنگسارم کنید

20 ۱ وَإِنْ لَمْ تُؤْمِنُوا لِي فَاعْتَرِلُونِ ۝ ١٢١ فَدَعَا رَبَّهُ أَنْ هُوَلَاءِ قَوْمٌ

* و اگر به من ایمان نمی‌آوردید بحال خودم واگذارید × پس بدرگاه پروردگارش دعا کرد که اینان مردمی

مُجْرِمُونَ ۝ ١٢٢ فَاسْرِ بِعِبَادِي لَيْلًا إِنَّكُمْ مُتَّبَعُونَ ۝ ١٢٣ وَاتْرُكِ الْبَحْرَ رَهْوًا

بدکارند × (در پاسخ به او گفته شد) بندگانم را شبانه حرکت ده که در تعقیب شما آیند × و دریا را هم چنان شکافته

إِنَّهُمْ جُنْدٌ مُعْرَفُونَ ۝ ١٢٤ كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ۝ ١٢٥ وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ

و گشاده واگذار که آنها را لشکری غرق شده × چه بسیار باغها و چشمه‌سارها که بجا گذاشتند × و زراعتها و منزلهای

كَرِيمٍ ۝ ١٢٦ وَنَعْمَةً كَانُوا فِيهَا فَكَاهِينَ ۝ ١٢٧ كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخَرِينَ

ارجمند × و نعمتی که در آن کامیاب و متنعم بودند × چنین بود و ما ارث دادیم آنها را به مردمی دیگر

28 ۱ فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ ۝ ١٢٩ وَلَقَدْ

* و گریه نکرد بر آنها آسمان و زمین و مهلت به آنها داده نشد × و به حقیقت

نَجَّيْنَا بَنِي إِسْرَآئِيلَ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ ۝ ١٣٠ مِنْ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ كَانَ عَلِيًّا

ما بنی اسرائیل را از عذابی خوارکننده نجات دادیم × از دست فرعون که او برتری جوینده

مِنَ الْمُسْرِفِينَ ۝ ١٣١ وَلَقَدْ اخْتَرْنَا لَهُمْ عَلِيَّ عِلْمٍ عَلَيَّ الْعَالَمِينَ ۝ ١٣٢

اسرافکار بود × و از روی علم برگزیدیم موسی و همراهانش را بر جهانیان *

وَآتَيْنَاهُمْ مِنَ الْآيَاتِ مَا فِيهِ بَلَاءٌ مُبِينٌ ۝ ١٣٣ إِنْ هُوَ إِلَّا لَيَقُولُنَّ ۝ ١٣٤ إِنْ

و بدادیشان از آیات آنچه را که در آن بود آزمایشی آشکار × و البته اینان می‌گویند × که بجز

هِيَ إِلَّا مَوْتُنَا الْأُولَى وَمَا نَحْنُ بِمُنْشَرِينَ ۝ ١٣٥ فَأْتُوا بِآيَاتِنَا إِنْ كُنْتُمْ

این مردن نخستین هیچ نیست و دیگر زنده نخواهیم شد × و شما پدران ما را بیاورید اگر

صَادِقِينَ ۝ ١٣٦ أَهْمُ خَيْرٌ أَمْ قَوْمٌ تُبَعِّ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ أَهْلَكْنَاهُمْ

راست می‌گوئید × آیا آنها بهترند یا قوم تبع (که از پادشاهان یمن بود) و آنانکه پیش از ایشان بودند و همه را هلاک کردیم که

إِنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ ۝ ١٣٧ وَمَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا

آنان مردمی بدکار بودند × و ما نیافریدیم آسمانها و زمین را و آنچه در میان آن دو است
لَا عِبِينَ ۱۳۸ مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۱۳۹ اِنْ
بازیچه × و نیافریدیم آنها را جز به حق و لکن بیشترشان نمی دانند × مسلماً
يَوْمَ الْفَصْلِ مِيقَاتُهُمْ أَجْمَعِينَ ۱۴۰ يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَى عَنْ مَوْلَى شَيْئاً
روز جدائی (میان اهل حق و باطل) وعده گاه همگی ایشان است × روزی که سود ندهد دوستی برای دوستش چیزی
وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ۱۴۱ إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۱۴۲ اِنْ
و نه آنان یاری شوند × مگر کسی را که خدا رحم کند که براستی او نیرومندی است مهربان × همانا
شَجَرَةَ الزَّقُّومِ ۱۴۳ طَعَامُ الْأَثِيمِ ۱۴۴ كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ ۱۴۵ كَعَلْيِ
درخت زقوم × خوراك شخص گنهكار است × که چون مس گداخته در شکمها می جوشد × همانند جوشیدن
الْحَمِيمِ ۱۴۶ خَذُوهُ فَاَعْتَلُوهُ إِلَى سَوَاءِ الْجَحِيمِ ۱۴۷ ثُمَّ صَبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ
آب جوش × (دستور دهیم) که (گنهکار را) بگیریش و به میان دوزخش بیفکنید × سپس از عذاب جوشان روی
سرشان

مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ ۱۴۸ ذُقْ إِنَّكَ أَنتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ ۱۴۹ اِنْ هَذَا مَا كُنْتُمْ
بریزید × (و به او گویند) بچش که تو بودی همان شخص نیرومند گرامی × همانا این است آن
بِهِ تَمْتَرُونَ ۱۵۰ اِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ ۱۵۱ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ۱۵۲ يَلْبَسُونَ مِنْ
عذابی که بدان شك داشتید × و همانا پرهیزکاران در جای امنی هستند × در باغها و چشمه سارها × می پوشند از
(جامه های)

سُدُسٍ وَاسْتَبْرَقَ مُتَقَابِلِينَ ۱۵۳ كَذَلِكَ وَرَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ ۱۵۴ يَدْعُونَ فِيهَا
حریر و دیبا و روبروی همدیگرند × چنین است (حال بهشتیان) و جفت و همسرشان کنیم حوریان درشت چشم را × در
آنجا با

بِكُلِّ فَاكِهَةٍ آمِنِينَ ۱۵۵ لَا يَذُقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَى وَوَقَّيَهُمْ
حال امن و آسایش هر رقم میوه ای می طلبند × و نچشند در آنجا طعم مرگ را جز همان مرگ نخستین و نگاهشان دارد
خداوند از

عَذَابِ الْجَحِيمِ ۱۵۶ فَضْلاً مِنْ رَبِّكَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۱۵۷ فَأَيُّهَا
عذاب دوزخ × و این فضل و کرمی است از جانب پروردگار تو و این است کامیابی بزرگ × حقیقت این

يَسْرِنَاهُ بِلسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ۱۵۸ فَارْتَقِبْ إِنَّهُمْ مُرْتَقِبُونَ ۱۵۹

است که ما آسان (و روان) کردیم این قرآن را به زبان تو شاید پند گیرند × (واگر نپذیرفتند) پس منتظر باش که آنها نیز منتظرند *

حدیث شریف کساء

بِسْنَدٍ صَحِيحٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ

به سندی صحیح از جابر بن عبدالله انصاری روایت شده

عَنْ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

از فاطمه زهرا سلام الله عليها دختر رسول خدا صلي الله عليه

وآله، قَالَ سَمِعْتُ فَاطِمَةَ أُمًّا قَالَتْ، دَخَلَ عَلَيَّ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ فِي

و آله، جابر گوید شنیدم از فاطمه زهرا که فرمود: وارد شد بر من پدرم رسول خدا در

بَعْضِ الْأَيَّامِ، فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةُ، فَقُلْتُ عَلَيْكَ السَّلَامُ قَالَ

بعضی از روزها و فرمود: سلام بر تو ای فاطمه در پاسخش گفتم: بر تو باد سلام فرمود:

إِنِّي أَجِدُ فِي بَدَنِي ضَعْفًا، فَقُلْتُ لَهُ أُعِيزُكَ بِاللَّهِ يَا أَبَتَاهُ مِنَ الضُّعْفِ،

من در بدنم سستی و ضعفی درک می‌کنم، گفتم: پناه می‌دهم تو را به خدا ای پدرجان از سستی و ضعف

فَقَالَ يَا فَاطِمَةُ آيَتِي بِالْكِسَاءِ الْيَمَانِيِّ فَعَطَيْتَنِي بِهِ، فَأَتَيْتُهُ بِالْكِسَاءِ

فرمود: ای فاطمه بیاور برایم کساء یمانی را و مرا بدان بپوشان من کساء یمانی را برایش آوردم

الْيَمَانِيِّ فَعَطَيْتُهُ بِهِ، وَصِرْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهِ، وَإِذَا وَجْهُهُ يَتَلَاوُ كَأَنَّهُ الْبَدْرُ

و او را بدان پوشاندم و هم چنان بدو می‌نگریستم و در آن حال چهره‌اش می‌درخشید همانند ماه

فِي لَيْلَةٍ تَمَامِهِ وَكَمَالِهِ، فَمَا كَانَتْ إِلَّا سَاعَةً وَإِذَا بَوَلَدِي الْحَسَنَ قَدْ

شب چهارده پس ساعتی نگذشت که دیدم فرزندم حسن وارد شد و

أَقْبَلَ، وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّاهُ، فَقُلْتُ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا قُرَّةَ عَيْنِي

گفت سلام بر تو ای مادر گفتم: بر تو باد سلام ای نور دیده‌ام

وَتَمَرَّةَ فُؤَادِي، فَقَالَ يَا أُمَّاهُ إِنِّي أَشَمُّ عِنْدَكَ رَائِحَةً طَيِّبَةً، كَأَنَّهَا رَائِحَةُ

و میوه دلم گفتم: مادرجان من در نزد تو بوی خوشی استشمام می‌کنم گویا بوی

جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ، فَقُلْتُ نَعَمْ إِنَّ جَدَّكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ، فَأَقْبَلَ الْحَسَنُ
جدم رسول خدا است گفتم: آری همانا جد تو در زیر کساء است پس حسن بطرف
نَحْوِ الْكِسَاءِ، وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَدَّاهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَتَأْذَنُ لِي أَنْ
کساء رفت و گفت: سلام بر تو ای جد بزرگوار ای رسول خدا آیا به من اذن می دهی
أَدْخُلَ مَعَكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ، فَقَالَ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَلَدِي وَيَا
که وارد شوم با تو در زیر کساء؟ فرمود: بر تو باد سلام ای فرزندم و ای
صَاحِبَ حَوْضِي، قَدْ أَذِنْتُ لَكَ، فَدَخَلَ مَعَهُ تَحْتَ الْكِسَاءِ، فَمَا كَانَتْ
صاحب حوض من اذنت دادم پس حسن با آن جناب بزیر کساء رفت
إِلَّا سَاعَةً وَإِذَا بَوْلَدِي الْحُسَيْنِ قَدْ أَقْبَلَ، وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّاهُ،
ساعتی نگذشت که فرزندم حسین وارد شد و گفت: سلام بر تو ای مادر
فَقُلْتُ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَلَدِي وَيَا قُرَّةَ عَيْنِي وَثَمَرَةَ فُؤَادِي، فَقَالَ
گفتم: بر تو باد سلام ای فرزندم و ای نور دیده ام و میوه دلم فرمود:
لِي يَا أُمَّاهُ إِنِّي أَشَمُّ عِنْدَكَ رَاحَةً طَيِّبَةً، كَأَنَّهَا رَاحَةُ جَدِّي رَسُولِ
مادر جان من در نزد تو بوی خوشی استشمام می کنم گویا بوی جدم رسول
اللَّهُ صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقُلْتُ نَعَمْ إِنَّ جَدَّكَ وَأَخَاكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ،
خدا است (ص) گفتم آری همانا جد تو و برادرت در زیر کساء هستند
فَدَنِّي الْحُسَيْنُ نَحْوَ الْكِسَاءِ، وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَدَّاهُ، السَّلَامُ
حسین نزدیک کساء رفته گفت: سلام بر تو ای جد بزرگوار، سلام
عَلَيْكَ يَا مَنْ اخْتَارَهُ اللَّهُ، أَتَأْذَنُ لِي أَنْ أَكُونَ مَعَكُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ،
بر تو ای کسی که خدا او را برگزید آیا به من اذن می دهی که داخل شوم با شما در زیر کساء
فَقَالَ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَلَدِي وَيَا شَافِعَ أُمَّتِي، قَدْ أَذِنْتُ لَكَ فَدَخَلَ
فرمود: و بر تو باد سلام ای فرزندم و ای شفاعت کننده امتم به تو اذن دادم پس او نیز با
مَعَهُمَا تَحْتَ الْكِسَاءِ فَأَقْبَلَ عِنْدَ ذَلِكَ أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ،
آن دو در زیر کساء وارد شد در این هنگام ابوالحسن علی بن ابیطالب وارد شد
وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ، فَقُلْتُ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَبَا

و فرمود سلام بر تو ای دختر رسول خدا گفتم: و بر تو باد سلام ای ابا
الْحَسَنَ وَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ يَا فَاطِمَةُ إِنِّي أَشَمُّ عِنْدَكَ رَائِحَةً
الحسن و ای امیر مؤمنان فرمود: ای فاطمه من بوی خوشی نزد تو استشمام می‌کنم
طَبِيبَةً كَأَنَّهَا رَائِحَةُ أَخِي وَابْنِ عَمِّي رَسُولِ اللَّهِ، فَقُلْتُ نَعَمْ هَا هُوَ مَعَ
گویا بوی برادر من و پسر عمویم رسول خدا است؟ گفتم: آری این او است که
وَلَدَيْكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ، فَأَقْبَلَ عَلَيَّ نَحْوَ الْكِسَاءِ، وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ
با دو فرزندت در زیر کساء هستند پس علی نیز بطرف کساء رفت و گفت سلام بر تو
يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَتَأْذَنُ لِي أَنْ أَكُونَ مَعَكُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ، قَالَ لَهُ وَعَلَيْكَ
ای رسول خدا آیا اذن می‌دهی که من نیز با شما در زیر کساء باشم رسول خدا به او فرمود: و بر تو
السَّلَامُ يَا أَخِي يَا وَصِيَّيَّ وَخَلِيفَتِي وَصَاحِبَ لَوْائِي، قَدْ أَذِنْتُ لَكَ
باد سلام ای برادر من و ای وصی و خلیفه و پرچمدار من به تو اذن دادم
فَدَخَلَ عَلَيَّ تَحْتَ الْكِسَاءِ، ثُمَّ أَتَيْتُ نَحْوَ الْكِسَاءِ، وَقُلْتُ السَّلَامُ
پس علی نیز وارد در زیر کساء شد، در این هنگام من نیز بطرف کساء رفتم و عرض کردم سلام
عَلَيْكَ يَا أَبْنَاهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَتَأْذَنُ لِي أَنْ أَكُونَ مَعَكُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ،
بر تو ای پدربزرگ ای رسول خدا آیا به من هم اذن می‌دهی که با شما در زیر کساء باشم؟
قَالَ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا بِنْتِي وَيَا بَضْعَتِي قَدْ أَذِنْتُ لَكَ، فَدَخَلْتُ تَحْتَ
فرمود: و بر تو باد سلام ای دختر من و ای پاره تنم به تو هم اذن دادم، پس من نیز به زیر
الْكِسَاءِ، فَلَمَّا اكْتَمَلْنَا جَمِيعًا تَحْتَ الْكِسَاءِ، أَخَذَ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ
کساء رفتم، و چون همگی در زیر کساء جمع شدیم پدرم رسول خدا
بِطَرَفَيِ الْكِسَاءِ، وَأَوْمَأَ بِيَدِهِ الْيُمْنَى إِلَى السَّمَاءِ، وَقَالَ اللَّهُمَّ إِنِّ
دو طرف کساء را گرفت و با دست راست بسوی آسمان اشاره کرد و فرمود: خدایا
هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَخَاصَّتِي وَحَامَتِي، لَحْمُهُمْ لَحْمِي، وَدَمُهُمْ دَمِي،
اینانند خاندان من و خواص و نزدیکانم گوشتشان گوشت من و خونشان خون من است
يُؤْلَمُنِي مَا يُؤْلِمُهُمْ، وَيَحْزَنُنِي مَا يَحْزَنُهُمْ، أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَهُمْ،

می‌آزارد مرا هرچه ایشان را بیازارد و به‌اندوه می‌اندازد مرا هرچه ایشان را به‌اندوه در آورد من در جنگم با هر که با ایشان بجنگد

وَسَلِّمْ لِمَنْ سَأَلَهُمْ وَعَدُوِّ لِمَنْ عَادَاهُمْ، وَمُحِبِّ لِمَنْ أَحَبَّهُمْ، إِنَّهُمْ

و در صلح با هر که با ایشان در صلح است و دشمن با هر کس که با ایشان دشمنی کند و دوستم با هر کس که ایشان را دوست دارد اینان

مَنِّي وَأَنَا مِنْهُمْ، فَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَرَحْمَتَكَ، وَغُفْرَانَكَ

از منند و من از ایشانم پس بفرست درودهای خود و برکتهایت و مهرت و آمرزشت

وَرِضْوَانِكَ عَلَيَّ وَعَلَيْهِمْ، وَأَذْهِبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ، وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً،

و خوشنودیت را بر من و بر ایشان و دور کن از ایشان پلیدی را و پاکیزه‌شان کن بخوبی

فَقَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ يَا مَلَائِكَتِي وَيَا سُكَّانَ سَمَوَاتِي، إِنِّي مَا خَلَقْتُ

پس خدای عزوجل فرمود: ای فرشتگان من و ای ساکنان آسمانهایم براستی که من نیافریدم

سَمَاءً مَبْنِيَّةً، وَلَا أَرْضاً مَدْحِيَّةً، وَلَا قَمَراً مُنِيراً، وَلَا شَمْساً مُضِيَّةً، وَلَا

آسمان بنا شده و نه زمین گسترده و نه ماه تابان و نه مهر درخشان و نه

فَلَكَ يَدُورُ، وَلَا بَحْراً يَجْرِي، وَلَا فُلْكَاً يَسْرِي، إِلَّا فِي مَحَبَّةٍ هَؤُلَاءِ

فلک چرخان و نه دریای روان و نه کشتی در جریان را مگر بخاطر دوستی این

الْحُمُسَةِ الَّذِينَ هُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ، فَقَالَ الْأَمِينُ جِبْرَائِيلُ يَا رَبِّ وَمَنْ

پنج تن اینان که در زیر کساینند پس جبرئیل امین عرض کرد: پروردگارا کیانند

تَحْتَ الْكِسَاءِ، فَقَالَ عَزَّوَجَلَّ هُمْ أَهْلُ بَيْتِ النَّبُوَّةِ، وَمَعْدِنُ الرِّسَالَةِ،

در زیر کساء؟ خدای عزوجل فرمود: آنان خاندان نبوت و کان رسالتند:

هُمْ فَاطِمَةُ وَأَبُوهَا وَبَعْلُهَا وَبَنُوها، فَقَالَ جِبْرَائِيلُ يَا رَبِّ، أَتَأْذَنُ لِي أَنْ

آنان فاطمه است و پدرش و شوهر و دو فرزندش جبرئیل عرض کرد: پروردگارا آیا به من هم اذن می‌دهی

أَهْبِطَ إِلَيَّ الْأَرْضَ لِأَكُونَ مَعَهُمْ سَادِساً، فَقَالَ اللَّهُ نَعَمْ قَدْ أَذِنْتُ لَكَ،

که به زمین فرود آیم تا ششمین آنها باشم خدا فرمود: آری به تو اذن دادم

فَهَبِطَ الْأَمِينُ جِبْرَائِيلُ، وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، الْعَلِيُّ

پس جبرئیل امین به زمین آمد و گفت: سلام بر تو ای رسول خدا، (پروردگارا) علی

الْأَعْلَى يُقْرِئُكَ السَّلَامَ، وَيَخْصُصُكَ بِالتَّحِيَّةِ وَالْإِكْرَامِ، وَيَقُولُ لَكَ
اعلي سلامت مي رساند و تو را به تحيت و اكرام مخصوص داشته و مي فرمايد :
وَعَزَّتِي وَجَلَالِي إِلَهِي مَا خَلَقْتُ سَمَاءً مَبْنِيَّةً، وَلَا أَرْضاً مَدْحِيَّةً، وَلَا
به عزت و جلالم سوگند كه من نيا فريدم آسمان بنا شده و نه زمين گسترده و نه
قمرأ منيرا، وَلَا شَمْساً مُضِيَّةً وَلَا فَلَكاً يَدُورُ، وَلَا بَحْراً يَجْرِي، وَلَا
ماه تابان و نه مهر درخشان و نه فلك چرخان و نه درياي روان و نه كشتي در
فُلْكَأً يَسْرِي، إِلَّا لِأَجْلِكُمْ وَمَحَبَّتِكُمْ، وَقَدْ أَذِنَ لِي أَنْ أَدْخُلَ مَعَكُمْ،
جريان را مگر براي خاطر شما و محبت و دوستي شما و به من نيز اذن داده است كه با شما
فَهَلْ تَأْذَنُ لِي يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا
در زير كساء باشم پس آيا تو هم اي رسول خدا اذنم مي دهی؟ رسول خدا(ص) فرمود و بر تو باد سلام اي
أَمِينَ وَحَيَّيْهِ اللَّهُ، إِنَّهُ نَعَمْ قَدْ أَذِنْتُ لَكَ، فَدَخَلَ جِبْرَائِيلُ مَعَنَا تَحْتَ
امين وحي خدا آري به تو هم اذن دادم پس جبرئيل با ما وارد در زير
الْكِسَاءِ، فَقَالَ لِأَبِي إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَوْحَى إِلَيْكُمْ يَقُولُ: إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ
كساء شد و به پدرم گفت: همانا خداوند بسوي شما وحي کرده و مي فرمايد: «حقيقت اين است كه خدا مي خواهد
لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ، وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً، فَقَالَ عَلِيُّ لِأَبِي
پليدي (و ناپاكي) را از شما خاندان ببرد و پاكي زه كند شما را پاكي زگي كامل» علي ۷ به پدرم گفت :
يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَخْبِرْنِي مَا لِيَجْلُوسِنَا هَذَا تَحْتَ الْكِسَاءِ مِنَ الْفَضْلِ عِنْدَ
اي رسول خدا به من بگو اين جلوس (و نشستن) ما در زير كساء چه فضيلتي (و چه شرافتي) نزد
اللَّهِ؟ فَقَالَ النَّبِيُّ وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا، وَاصْطَفَانِي بِالرَّسَالَةِ نَجِيًّا،
خدا دارد؟ پيغمبر(ص) فرمود: سوگند بدان خدائي كه مرا به حق به پيامبري برانگيخت و به رسالت و نجات دادن
(خلق)

ما ذَكَرَ خَبَرْنَا هَذَا فِي مَحْفَلٍ مِنْ مَحَافِلِ أَهْلِ الْأَرْضِ، وَفِيهِ جَمْعٌ مِنْ
برگزید كه ذكر نشود اين خبر (و سرگذشت) ما در انجمن و محفلي از محافل مردم زمين كه در آن گروهی از
شِعْبَتِنَا وَمُحِبِّينَا، إِلَّا وَتَزَلَّتْ عَلَيْهِمُ الرَّحْمَةُ وَحَفَّتْ بِهِمُ الْمَلَائِكَةُ،
شيعیان و دوستان ما باشند جز آنكه نازل شود بر ایشان رحمت (حق) و فرا گیرند ایشان را فرشتگان

وَاسْتَغْفَرَتْ لَهُمْ إِلَى أَنْ يَتَفَرَّقُوا، فَقَالَ عَلِيُّ إِذَا وَاللَّهِ فُرْنَا وَفَارَ شِيعَتُنَا

و برای آنها آمرزش خواهند تا آنگاه که از دور هم پراکنده شوند، علی (که این فضیلت را شنید) فرمود: با این ترتیب به خدا سوگند ما

وَرَبِّ الْكَعْبَةِ، فَقَالَ النَّبِيُّ ثَانِيًا يَا عَلِيُّ وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا،

رستگار شدیم و سوگند به پروردگار کعبه که شیعیان ما نیز رستگار شدند، دوباره پیغمبر فرمود: ای علی سوگند بدانکه مرا بحق به نبوت

وَاصْطَفَانِي بِالرَّسَالَةِ نَجِيًّا، مَا ذُكِرَ خَبَرُنَا هَذَا فِي مَحْفَلٍ مِنْ مَحَافِلِ

برانگیخت و به رسالت و نجات دادن (خلق) برگزید ذکر نشود این خبر (و سرگذشت) ما در انجمن و محفلی از محافل

أَهْلِ الْأَرْضِ، وَفِيهِ جَمْعٌ مِنْ شِيعَتِنَا وَمُحِبِّينَا، وَفِيهِمْ مَهْمُومٌ إِلَّا

مردم زمین که در آن گروهی از شیعیان و دوستان ما باشند و در میان آنها اندوهناکی باشد جز

وَفَرَجَ اللَّهُ هَمَّهُ، وَلَا مَعْمُومٌ إِلَّا وَكَشَفَ اللَّهُ غَمَّهُ، وَلَا طَالِبُ حَاجَةٍ إِلَّا

آنکه خدا اندوهش را برطرف کند و نه غمناکی جز آنکه خدا غمش را بگشاید و نه حاجتخواهی باشد جز آنکه

وَقَضَى اللَّهُ حَاجَتَهُ، فَقَالَ عَلِيُّ إِذَا وَاللَّهِ فُرْنَا وَسُعِدْنَا، وَكَذَلِكَ

خدا حاجتش را برآورد، علی گفت: بدین ترتیب به خدا سوگند ما کامیاب و سعادتمند شدیم و هم چنین

شِيعَتُنَا فَارَزُوا وَسُعِدُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَرَبِّ الْكَعْبَةِ .

شیعیان ما کامیاب و سعادتمند شدند در دنیا و آخرت به پروردگار کعبه سوگند

حواشی کتاب مفاتیح الجنان

که برای استفاده خوانندگان محترم در اینجا آورده شده :

فضیلت سوره یس

منقول است از مفاتیح التَّجَاح از حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقول است که هر که سوره یس را بخواند بواسطه رضای خدای، بخشد خدای عزوجل او را و میدهد به او اجر چنانکه گویا خوانده قرآن را دوازده نوبت و هر بیمار که خوانده شود نزد او سوره یس نازل می شود به عدد هر حرفی از آن ده فرشته پیش او، صف می زنند و جهت او استغفار می کنند و در قبض روح او حاضرند و مشایعت جنازه او می کنند و نماز بر او می کنند و در وقت دفن او حاضرند و هر بیماری که بخواند این سوره را در سَكَرات مرگ یا نزد او بخوانند می آید رضوان خازن بهشت با يك شربت از آب

بهشت و به او می‌دهد پس او می‌آشامد و می‌میرد سیراب و مبعوث می‌شود سیراب و محتاج نمی‌شود به حوضی از حوضهای پیغمبران تا وقتی که داخل بهشت می‌شود و او سیراب است و منقول است که سوره یس به صاحبش می‌رساند خیر دنیا و آخرت را و دفع می‌کند از او بلای دنیا و هَوَئِهای آخرت را و دفع می‌کند هر شرّی را و روا می‌کند جهت او هر حاجتی را و هر که بخواند این سوره را برابر بیست حجّ است برای او و هر که بشنود جهت او باشد هزار نور و هزار یقین و هزار برکت و هزار رحمت و از او بیرون می‌آورد هر کوفتی را و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که در قبرستان درآید و سوره یس بخواند خدای عزّوجلّ عذاب اموات را تخفیف دهد و جهت او باشد به عدد ایشان حسنات و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر که سوره یس را در روز بخواند مرزوق و محفوظ است تا شب و هر که پیش از خواب در شب بخواند موکل سازد خدای عزّوجلّ بر او هزار فرشته که حفظ کنند او را از شرّ هر شیطان رجیم و از هر آفتی و اگر بمیرد در آن روز خدای تعالی او را داخل بهشت سازد،
الخبر .

فضیلت سوره الرّحمن

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرمود مگذارید خواندن سوره الرّحمن را بدرستی که او در دل منافقان قرار نمی‌گیرد و می‌آید از نزد خدای عزّوجلّ در روز قیامت در صورت آدمی در بهترین صورتی و خوشترین بوئی تا آنکه می‌ایستد نزد خدای تعالی در جایی که نزدیکتر از آن نیست به خدای تعالی پس می‌گوید خدای عزّوجلّ به آن که کیست آنکه قیام می‌نمود به امر تو در حیات دنیا و مداومت می‌کرد در خواندن تو پس او می‌گوید یا ربّ فلان و فلان پس سفید می‌شود رویهای ایشان، پس می‌گوید به ایشان که شفاعت کنید هر کس را که می‌خواهید پس شفاعت می‌کنند تا حدّی که کسی نمی‌ماند که اراده شفاعت جهت او داشته باشد که شفاعت نکند پس خدای عزّوجلّ می‌گوید به ایشان که داخل بهشت شوید و هر جا که می‌خواهید ساکن شوید و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که بخواند سوره الرّحمن را و هر جا که بخواند «فَبَايَ الْآءِ رَبُّكُمَا تُكَذِّبَانِ» بگوید «لَا بَشِيءَ مِنَ الْآتِكَ رَبِّ أَكْذَبُ» پس اگر در شب بخواند آنگاه بمیرد شهید مرده و اگر در روز بخواند آنگاه بمیرد شهید مرده .

فضیلت سوره واقعه

نقل است که عثمان بن عفّان به عیادت عبدالله بن مسعود رفت در مرضی که به آن فوت شد به او گفت که از چه شکوه داری گفت از گناهان خود گفت چه چیز میل داری گفت رحمت پروردگار خود گفت جهت تو طبیب طلب نکنم گفت طبیب مرا بیمار کرده گفت امر نکنم که به تو عطیه بدهند گفت در وقتی که احتیاج داشتم به من ندادی الحال که

مستغنیم می‌دهی گفت آنچه می‌دهم جهت دختران تو بوده باشد گفت ایشان را به آن حاجتی نیست جهت اینکه من ایشان را امر کردم بخواندن سوره واقعه و من شنیده‌ام از حضرت رسول صلی الله علیه و آله که می‌گفت هر که بخواند سوره واقعه را در هر شب نمی‌رسد به او پریشانی هرگز و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نقلست که هر که بخواند سوره واقعه را هر شب پیش از آنکه بخوابد ملاقات کند خدای عزوجل را در حالتی که روی آن شخص چون ماه باشد در وقت تمامی آن و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که مشتاق باشد به بهشت و به وصف بهشت سوره واقعه بخواند .

فضیلت سوره جمعه

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که واجبست بر هر مؤمن هرگاه شیعه ما باشد که بخواند در نماز شب جمعه سوره جمعه وَ سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى و در نماز ظهر آن جمعه و منافقین و هرگاه این را به عمل آورد چنانست که گویا عمل رسول خدا صلی الله علیه و آله را بجا آورده و ثواب و جزای او بر خداوند عزوجل بهشت است .

فضیلت سوره تبارک

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر که بخواند سوره تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ در مکتوبه پیش از آنکه بخوابد پیوسته در امان خدای تعالی خواهد بود تا داخل صبح شود و در امان خدای تعالی خواهد بود روز قیامت تا داخل بهشت شود و قطب راوندی از ابن عباس نقل کرده که مردی خیمه زد بر روی قبری و ندانست که آن قبر است پس خواند سوره تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ را پس شنید صیحه زننده‌ای را که گفت این سوره مُنْجِيَه است پس این مطلب را به حضرت رسول صلی الله علیه و آله عرض کرد آن حضرت فرمود آن سوره نجات دهنده است از عذاب قبر .

فضیلت سوره التَّوْبَةِ

شیخ صدوق از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود هر که بخواند سوره عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ را از سال بیرون نشود که زیارت کند بیت الله الحرام را هرگاه مداومت کند بر آن در هر روز و شیخ طبرسی در مجمع البیان از ابی بن کعب روایت کرده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که بخواند سوره عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ را سیراب فرماید حق تعالی او را از شراب سرد در روز قیامت و بدانکه در روایات اهل بیت علیهم السلام وارد شده که تَبَّاءٌ عَظِيمٌ ولایت است و آنکه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام تَبَّاءٌ عَظِيمٌ است «هُوَ التَّبَّاءُ الْعَظِيمُ وَ فَلَكَ نُوحٌ X وَ بَابُ اللَّهِ وَ انْقَطَعَ الْخِطَابُ» .

فضیلت سوره اعلی

شیخ صدوق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که هر که سوره سَبَّحَ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى را در فریضه یا نافله بخواند در روز قیامت به او گویند که از هر دری از درهای بهشت که می خواهی داخل شو .

فضیلت سوره الشمس

در مجمع البیان از ابی بن کعب از حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله نقل کرده که کسی که سوره وَالشَّمْسِ را بخواند گویا تصدق داده هر چه که بتابد بر آن شمس و قمر .

در فضیلت سوره قدر و زلزله

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که سوره إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ را در نماز فریضه بخواند منادی از جانب پروردگار او را ندا کند که خدا گناهان گذشته تو را آمرزید عمل از سرگیر و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله مروی است که هر که چهار مرتبه إِذَا زُلْزِلَ را بخواند مثل آن کسی است که همه قرآن را خوانده .

فضیلت سوره عادیات

در خبر است که هر که مداومت بر خواندن آن کند با حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام محشور گردد .

فضیلت سوره کافرون و نصر و توحید و معوذتین

در احادیث بسیار وارد شده فضیلت خواندن سوره قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ در نمازهای فریضه و نافله و آنکه خواندن آن رُبْعِ قرآن است و سوره توحید ثلث قرآن است و خواندن سوره نصر در فرایض و نوافل سبب نصرت بر اعداء است و آنکه چون شخص از منزل خود بیرون رود معوذتین را بخواند چشم بد به او ضرر نرساند و کسی که در خواب ترسد در وقت خواب این دو سوره را با آیه الكرسي بخواند .

مُقَدِّمَةٌ رِسَالَةُ الْبَاقِيَّاتِ الصَّالِحَاتِ فِي الْأُدْعِيَةِ وَالصَّلَوَاتِ الْمُنْدُوبَاتِ

به نام خدای بخشاینده مهربان

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي سَمَّكَ السَّمَاءَ وَتَدَبَّ عِبَادَهُ إِلَى الدُّعَاءِ وَالصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ

سپاس خداوندی را است که آسمان را برافروخت و بندگان خود را به دعا فراخواند و درود و سلام بر

عَلِيٍّ مَنْ قَدَّمَهُ فِي الْأَصْطِفَاءِ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ الْأَنْبِيَاءِ وَعَلِيٍّ آلِهِ الطَّاهِرِينَ

پیامبری که او را در برگزیدگی مقدم داشت (و او) محمد خاتم پیمبران است و بر خاندان طاهرینش

مَصَابِيحُ الدُّجَى سَيِّمًا عَلَي قَائِمِهِمْ خَاتَمِ الْأَوْصِيَاءِ

که چراغهای شب تارند بویژه بر قائم ایشان که خاتم اوصیاء است .

و بعد چنین گوید این گنه‌کار روسیاه و مقصر درگاه اله عباس بن محمد رضا القمّی سَامِحُهُمَا اللَّهُ که این مجموعه‌ای است مشتمل بر مختصری از اعمال شبانه روز و ذکر بعضی از نمازهای مأثوره و نبذی از عوذات و احراز و اذکار و ادعیه موجزه و خواصّ بعضی از سُور و آیات و مجملی از آداب اموات و جمع کردم آن را تا به مفاتیح الجنان مُنْضَم گردد و آن کتاب شریف از هر جهت کامل و نفعش اَتَمّ شود و نامیدم آن را «بالباقیات الصّالحات فی الأدعیه والصّلوات المندوباتِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَالْبَاقِيَاتُ الصّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ أَمَلًا» و مرتّب گردانیدم آن را بر شش باب و یک خاتمه: باب اول در مختصری از اعمال شب و روز، باب دوم در ذکر بعضی از نمازهای مستحبّه، باب سیّم در ادعیه و عوذات آلام و اسقام و علل اعضا و تب و غیره، باب چهارم در ادعیه‌ای که منتخب شده از کتاب شریف کافی، باب پنجم در ذکر بعض احراز و ادعیه موجزه که منتخب شده از مهج الدّعوات و مجتبی، باب ششم در ذکر خواصّ بعض سُور و آیات و ذکر بعض ادعیه و مطالب متفرقه خاتمه در مجملی از احکام اموات رجاء واثق و امید صادق که اخوان مؤمنین و شیعیان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام این مجرم عاصی را از دعا و طلب مغفرت در حال حیات و بعد از ممات فراموش نفرمایند .

باب اوّل

در مختصری از اعمال شب و روز و مشتمل است بر چند فصل: فصل اوّل در اعمالی که متعلق است به مابین طلوع فجر تا طلوع آفتاب بدانکه از جمله اوقات شریفه وقت بین الطلوعین است و اخبار بسیاری از اهل بیت علیهم السلام در فضیلت این وقت و تحریص بر عبادت و ذکر و تسبیح در آن وارد شده است و در بعض اخبار تعبیر شده از این وقت به ساعت غفلت چنانکه از حضرت باقر علیه السلام منقول است که ابلیس لعین لشکریهای خودش را متفرّق و پهن می‌کند در دو وقت در حین غروب آفتاب و حین طلوع آن پس بسیار یاد کنید خدا را در این دو ساعت و پناه بجوئید به خدا از شرّ ابلیس و لشکرش و در پناه خدا در آورید کودکان خود را در این دو ساعت زیرا که آن دو ساعت غفلت است و بدانکه خواب در این وقت مکروه است و نیز از حضرت باقر علیه السلام مرویست که خواب در وقت صبح شومست و روزی را منع می‌کند و رنگ را زرد و متغیّر می‌کند و این خواب هر مَشُومی است بدرستی که حق تعالی روزیها را در

ما بین طلوع فجر تا طلوع آفتاب قسمت می‌کند پس پرهیزید از خواب کردن در این وقت و شیخ طوسی در مصباح این دعا را نقل کرده که در وقت طلوع فجر صادق بخوانند :

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ صَاحِبُنَا فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَافْضِلْ عَلَيْنَا، اَللّٰهُمَّ بِنِعْمَتِكَ تَتِمُّ

بار خدایا توئی یاور ما پس درود فرست بر محمد و خاندانش و بر ما زیاده بخش، بار خدایا به نعمت کارهای

الصَّالِحَاتُ فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاثْمِمْهَا عَلَيْنَا عَائِداً بِاللّٰهِ مِنَ النَّارِ،

شایسته پایان پذیرد پس درود فرست بر محمد و آلش و نعمت را بر ما تمام کن پناهنده به خدا از آتش

عَائِداً بِاللّٰهِ مِنَ النَّارِ، عَائِداً بِاللّٰهِ مِنَ النَّارِ، × پس میگوئی: یا

پناهنده به خدا از آتش پناهنده به خدا از آتش × × × × × ای

فَالِقَهُ مِنْ حَيْثُ لَا أَرِي وَمُخْرِجَهُ مِنْ حَيْثُ أَرِي، صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،

شکافنده سپیده از آنجا که من نبینم و برون آورنده‌اش از آنجا که بینم درود فرست بر محمد و آلش

وَاجْعَلْ أَوَّلَ يَوْمِنَا هَذَا صَلَاحاً، وَأَوْسَطَهُ فَلَاحاً، وَآخِرَهُ نَجَاحاً. انتهی پس ده

و قرار ده آغاز این روز را شایستگی و وسطش را رستگاری و پایان را موفقیت و کامیابی * * * *

مرتبه می‌گوئی: اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اُشْهَدُكَ اَنْهُ مَا اَصْبَحَ بِيْ مِنْ نِّعْمَةٍ اَوْ عَافِيَةٍ فِيْ دِيْنٍ

* * * * * بار خدایا برستی من تو را گواه گیرم که هر چه از نعمت یا عافیتی در دین

اَوْ دُنْيَا فَمِنْكَ وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَكَ الْحَمْدُ، وَلَكَ الشُّكْرُ، بِهَا عَلَيَّ حَتَّى

یا دنیا به من برسد همه از تو است که یکتائی و شریک نداری سپاس خاص تو است و بر من است سپاسگزاری بر آن تا

تَرْضَا وَبَعْدَ الرِّضَا × و اذکار وارده در این وقت غیر آنچه ذکر شد بسیار است و بهترین آنها ذکر

* * * * * خوشنود گردی و بالاتر از خوشنودی

* * * * *

سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، است که تعبیر شده از آن به باقیات

* * * * * منزله است خدا و ستایش خاص خدا است و معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگتر است

* *

الصَّالِحَاتُ و نیز خواندن این دعا است: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحَدُّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ

* * * * * معبودی جز خدای یگانه نیست

شریک ندارد پادشاهی خاص او است

و ستایش هم خاص او است زنده می‌کند و می‌میراند و می‌میراند و زنده می‌کند و او است زنده‌ای که غیرد تمام نیکیها بدست

نَهَارِكَ، وَادْبَارَ لَيْلِكَ، وَحُضُورَ صَلَوَاتِكَ، وَأَصْوَاتَ دُعَائِكَ، وَتَسْبِيحَ مَلَائِكَتِكَ،

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُتُوبَ عَلَىَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ.

و چون خواستی متوجه به نماز شوی و حاجت داری به رفتن به بیت الخلا پس ابتدا کن به آن و آداب بیت الخلا بسیار است و جمله‌ای از آن بطور اختصار آن است که مقدم داری در وقت داخل شدن پای چپ را و می‌گویی :

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الرَّجْسِ النَّجِسِ الْحَبِيثِ الْمُخْبَثِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ .

حالات مستور کردن عورت را از ناظر محترم و حرام است در این حال رو به قبله و پشت به قبله نشستن و مستحب است آنکه بگوئی در حال قضاء حاجت :

اللَّهُمَّ اطْعَمْنِي طَيِّبًا فِي عَافِيَةٍ وَأَخْرِجْهُ مِنِّي حَيِّثُا فِي عَافِيَةٍ X و وقتي كه

خدايا بخور اتم غذاى پاك در تندرستى و از من خارجش كن ناپاك در تندرستى * * * * *

نظرت افتاد بر آنچه از تو دفع شده می گوئی: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي الْحَلَالَ وَجَبِّنِي الْحَرَامَ وَ

* * * * * خدا یا روزی حلالم ده و از حرام دورم کن * *

چون خواستی استنجااء کنی اول استبراء می کنی پس دعای رؤیت آب را می خوانی اَلْحَمْدُ

* * * * *
* * * * * ستایش * * * * *

لِلّٰهِ الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ طَهُورًا، وَلَمْ يَجْعَلْهُ نَجَسًا، x و در وقت استنجاء می گوئی

* * * * * خاص خدائي است كه آب را پاك كننده قرار داد و ناپاكش نكرد * * * * *

اللَّهُمَّ حَصِّنْ فَرْجِي وَأَعْفِهِ وَأَسْتُرْ عَوْرَتِي، وَحَرِّمْنِي عَلَى النَّارِ، وَچون از جای

خدایا عورت را (از گناه) نگه دار و پارسایش کن و آنچه پوشیدنش باید بیوشان و بدنم را بر آتش حرام کن * * * * *

خود برخاستی دست راست را بر شکم می کشی و می گوئی: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَمَاطَ عَنِّي

* * * * *

سپاس خاص خدائی است که زدود از من

الَّذِي وَهَّبَنِي طَعَامِي وَشَرَابِي وَعَافَانِي مِنَ الْبُلُوِي، × پس بیرون می آیی و

آزار را و گوارا کرد بر من خوراک و نوشیدنی را و از بلیه نگاهم داشت * * * * *

مقدم می داری پای راست را بر پای چپ و این دعا را می خوانی الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَرَّفَنِي

* * * * *

* * * * * سپاس خدائی را که لذت غذا

لَذَّتُهُ وَأَبْقَى فِي جَسَدِي، قُوَّتُهُ وَأَخْرَجَ عَنِّي آذَاهُ يَا لَهَا نِعْمَةٌ، يَا لَهَا نِعْمَةٌ يَا لَهَا

به من داد و نیرویش را در بدنم نهاد و آزارش را برون برد، وه که چه نعمتی چه نعمتی چه

نِعْمَةٌ لَا يَقْدِرُ الْقَادِرُونَ قَدْرَهَا × و چون خواستی وضو بگیری ابتداء می کنی به مسواک نمودن که

نعمتی که اندازه گیران اندازه اش نتوانند کرد * * * * *
* * * * *

دهان را پاکیزه می کند و بلغم را برطرف و حفظ را زیاد می کند و باعث زیادتِ حَسَنَات و خوشنودی حق تعالی است و

دو رکعت نماز با مسواک افضل است از هفتاد رکعت به غیر از مسواک و اگر مسواک نباشد انگشت مُجْزِي است از آن و

سزاوار است که در وقت وضو گرفتن رو به قبله بنشینی و ظرف آب را در جانب راست خود می گذاری و چون

نگاهت بر آب فتاد این دعا می خوانی: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ طَهُورًا، وَلَمْ

* * * * * ستایش خاص خدائی است که آب

را پاک کننده قرار داد و

يَجْعَلُهُ نَجِسًا، × پس می شوئی دست خود را پیش از آنکه داخل ظرف آب کنی و می گوئی:

* * * * * قرارش نداد ناپاک

* * * * *

در وقت داخل کردن دست در ظرف آب بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، اَللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ

1089

* * * * *

می‌نمائی که نجاستی با آن نباشد پس پای راست را مقدم می‌داری پس می‌خوانی این

* * * * *
* * * * *

دعا را: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَمِنَ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ، وَخَيْرُ الْأَسْمَاءِ كُلِّهَا لِلَّهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى

* * * به نام خدا و بذات خدا و از جانب خدا و بسوی خدا و بهترین همه نامها از آن خدا توکل کردم بر

اللَّهِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْتَحْ لِي

خدا و جنبش و نیروئی نیست مگر بخدا، خدایا درود فرست بر محمد و آلش و

أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، وَتَوْبَتِكَ وَأَغْلِقْ عَنِّي أَبْوَابَ مَعْصِيَتِكَ، وَاجْعَلْنِي مِنْ زُورَارِكَ

درهای رحمت و توبهات را بسویم باز کن و درهای نافرمانیت برویم ببند و مرا در زمره زائرانت

وَعُمَرَارِ مَسَاجِدِكَ، وَمِمَّنْ يُنَاجِيكَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَمِنَ الَّذِينَ هُمْ فِي

و آبادکنندگان مساجدت قرارم ده و از کسانی که در شب و روز با توبه راز و نیازند و از کسانی که در

صَلَوَاتِهِمْ خَاشِعُونَ وَأَذْخَرَ عَنِّي الشَّيْطَانَ الرَّجِيمَ، وَجُودَ إِبْلِيسَ أَجْمَعِينَ، × و

غاز ترسانند و دور گردان از من شیطان رانده و سپاهیان او را به تمامی * *

چون اراده کردی که غاز کنی می‌گوئی: اللَّهُمَّ إِنِّي أَقْدَمُ إِلَيْكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ

* * * * * خدایا من پیش دارم بسویت محمد صلی الله

عَلَيْهِ وَآلِهِ، بَيْنَ يَدَيَّ حَاجَتِي، وَأَتَوَجَّهُ بِهِ إِلَيْكَ فَاجْعَلْنِي بِهِ وَجْهًا عِنْدَكَ فِي

علیه و آله را پیشاپیش حاجت و خواسته‌ام و بوسیله او بسویت توجه کنم پس قرارم ده آبرومند در نزد خویش در

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ وَاجْعَلْ صَلَوَاتِي بِهِ مَقْبُولَةً وَذَنْبِي بِهِ مَغْفُورًا،

دنیا و آخرت و از مقربان درگاهم گردان و نمازم را بخاطر او پذیرفته و گناهم را آمرزیده

وَدُعَائِي بِهِ مُسْتَجَابًا إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ، × پس اذان و اقامه می‌گوئی به

* * * * * و دعایم را مستجاب گردان که همانا تو آمرزنده و مهربانی * *
* *

جهت نماز و مابین اذان و اقامه فاصله می‌کنی به يك سجده یا نشستن و این دعا را

* * * * *
* * * * *

می‌خوانی: اللَّهُمَّ اجْعَلْ قَلْبِي بَارًّا وَعَيْشِي قَارًّا، وَرِزْقِي دَارًّا، وَاجْعَلْ لِي عِنْدَ

* * * * * خدایا دلم را نیک خواه و زندگانیم را برقرار و روزیم را ریزان کن و برایم در کنار

قَبْرِ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، مُسْتَقَرًّا وَقَرَارًا، × و آنچه خواهي دعا مي کنی و

* * * * *
قبر رسول خود صلي الله عليه و آله منزلگاه و جاياگاهي قرار ده * * * * *

حاجت خود را از حق تعالی طلب مي کنی زیرا که دعا در بين اذان و اقامه رد نمي شود و بعد از

* * * * *
* * * * *

گفتن اقامه مي خوانی: اللَّهُمَّ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ وَمَرْضَاتِكَ، طَلَبْتُ وَتَوَابِكَ ابْتَغَيْتُ

* * * * *
خدایا فقط به تو رو کنم و خوشنودي تو را جويم و پاداش نيکت

خواهم

وَبِكَ آمَنْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْتَحْ

و به تو ايمان دارم و بر تو توکل کنم خدایا درود فرست بر محمد و آلش و بگشا

مَسَامِعَ قَلْبِي لِذِكْرِكَ وَتَبَتَّنِي عَلَى دِينِكَ، وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي وَهَبْ

گوشههاي دلم را براي ياد کردند و بر دين خود پابرجايم دار و دلم را پس از اينکه راهنماييم کردی منحرف مساز

لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ، × پس مهيا مي شوي به جهت نماز و حاضر

* * * * *
و از نزد خود رحمتی به من ببخش که همانا توئي بخشنده * * * * *

مي کنی قلب خود را و ملاحظه مي کنی ذلّت مقام خود را و عظمت و جلالت مولاي خود را که در مقام مناجات با او

درآمده اي و چنان باش که گويا او را مي بينی و حيا کن از آنکه با او تکلم کنی و دلت به جانب ديگر متوجّه باشد پس

مي ايستی با وقار و خشوع در حالتی که دستهايت را بر رانهاي خود مقابل سر زانو گذاشته باشي و مابين قدمهايت بقدر

سه انگشت تا يك شبر باز کرده فرجه مي گذاري و نظرت را به موضع سجده مي افکنی پس نيّت فريضه صبح بکن قربه

الى الله و تکبيرة الاحرام بگو و مستحب است که شش تکبير ديگر بر او اضافه کنی و در هر تکبيري دستها را بلند کنی

تا محاذي نرمه گوش در حالی که کف دستها رو به قبله باشد وانگشتها غير از انگشت بزرگ به هم چسبيده باشد و بخوانی

دعاهاي تکبيرات را به اين

طريق که بعد از تکبير سيم بگوئي: اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ،

* * * * *
خدایا توئي پادشاه برحق آشکار معبودي جز تو نيست

سُبْحَانَكَ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي، فَاعْفُ عَنِّي ذَنْبِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ، و بعد

* * * * *

بگوئی و پیش از گفتن ذکر این دعا را بخوانی اللَّهُمَّ لَكَ رَكَعْتُ وَلَكَ أَسَلَمْتُ، وَبِكَ آمَنْتُ،

* * * * * خدایا برای تو رکوع کردم و برای تو تسلیم شدم و

به تو ایمان آوردم

وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَأَنْتَ رَبِّي حَشَعَكَ لَكَ سَمْعِي وَبَصَرِي، وَشَعْرِي وَبَشَرِي

و بر تو توکل کردم و توئی پروردگار من خاشع شد برای تو گوش و چشم و مو و پوست و

وَلَحْمِي وَدَمِي وَمُخِّي وَعَصَبِي، وَعِظَامِي وَمَا أَقْلَلْتُهُ قَدَمَايَ غَيْرَ مُسْتَنْكِفٍ

گوشت و خون و مخ و رگ و استخوانم و (خلاصه) آنچه را در پاهایم بر خود حمل کرده بدون سربیزی و نه تکبر

ورزی

وَلَا مُسْتَكْبِرٍ وَلَا مُسْتَحْسِرٍ، پس برخیز از رکوع و بایست و در اینحال می گوئی سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ

و نه به حال خستگی × × × × × × × × × × × × می شنود خدا هرکس او را ستایش کند

پس تکبیر می گوئی و برو به سجده با نهایت خضوع و خشوع و کفها را پهن کرده پیش از زانوهای بر زمین می گذاری و

سجده می کنی بر تربت امام حسین علیه السلام و ذکر سجود را بگو و بهتر آنکه هفت یا پنج یا سه

مرتبه بگوئی و پیش از ذکر این دعا را بخوانی: اللَّهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَبِكَ آمَنْتُ، وَلَكَ

* * * * * خدایا برای تو

سجده کردم و به تو ایمان آوردم و برای تو

أَسَلَمْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَأَنْتَ رَبِّي سَجَدَ وَجْهِي لِلَّذِي خَلَقَهُ، وَشَقَّ سَمْعَهُ

تسلیمم و بر تو توکل کنم و توئی پروردگار من سجده کرد چهره ام برای کسی که او را آفرید و گوش

وَبَصَرَهُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ، پس ذکر را بگو و سر

و چشمش را شکافت ستایش خاص خدا پروردگار جهانیان است خجسته باد خدا بهترین آفریننده * * * *

* * * *

از سجده بردار و بنشین و مستحب است که تکبیر بگوئی و متورگاً بنشینی و بگوئی: أَسْتَغْفِرُ

* *

* *

اللَّهُ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ × و نیز می گوئی: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي، وَاجْبُرْنِي

از خدا و بسویش توبه کنم × × × × × × × × × × × × خدایا مرا بیامرز و به من رحم کن و حالم نیکو کن

وَادْفَعْ عَنِّي وَعَافِنِي، إِيَّيْ لِمَا أُنْزِلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ

و از من دفاع کن و تندرستم بدار که من بدان خیری که برایم بفرستی نیازمندم خجسته است خدا پروردگار

الْعَالَمِينَ. × پس تکبیر می گوئی و برو به سجده دوّم و به عمل می آوری آنچه را که در

جهانیان * * * * *

* * * * *

سجده اول بجای آوردی پس سراز سجده بردار و جلسه استراحت را بجای می آوری پس برخیز و

* * * * *

* * * * *

در حال برخاستن می گوئی: بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ أَقُومُ وَأَقْعُدُ × و چون قرار گرفتی بخوان

* * * * * * * * * * به ایستم و بنشینم به جنبش خدا و نیروی او

* * * *

حمد و سوره و بهتر آنکه سوره توحید بخوانی و مستحب است گفتن سه مرتبه کَذَلِكَ اللَّهُ

* * * * *

* * * * * این چنین است خدا

رَبِّی بعد از فراغ از سوره توحید پس تکبیر می گوئی و دستها را به جهت قنوت بلند می کنی تا به مقابل صورت

پروردگار من * * * * *

* * * * *

و شکم کف دستها را بسوی آسمان می کنی و انگشتها را بهم می چسبانی سوای انگشت بزرگ و خوبست آنکه اختیار

کنی به جهت قنوت خواندن کلمات فرج را و بخوانی بعد از آن: اَللّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا

* * * * * خدایا بیامرز ما را و به ما رحم کن

وَعَافِنَا، وَاعْفُ عَنَّا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، إِنَّكَ عَلِي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، × پس

و تندرستان بدار و از ما بگذر در دنیا و آخرت که همانا تو بر هر چیز توانائی

می گوئی اَللّهُمَّ مَنْ كَانَ أَصْبَحَ وَلَهُ ثِقَةٌ أَوْ رَجَاءٌ غَيْرُكَ، فَاتَتْ ثِقَتِي وَرَجَائِي

خدایا هرکس که بامداد کند و تکیه گاه یا امیدواری بجز تو داشته باشد ولی تکیه گاه و امید من تویی ای بخشنده ترین

یا أَجُودَ مَنْ سُئِلَ وَيَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتُرْحِمَ، صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْحَمْ

کسی که از او درخواست شود و ای مهربانترین کسی که مهر از او خواهند درود فرست بر محمد و آلش و به

ضَعْفِي وَمَسْكَنَتِي، وَقَلَّةَ حِيلَتِي وَأَمْنُنْ عَلَيَّ بِالْجَنَّةِ، طَوَّلًا مِنْكَ وَفُكَّ رَقَبَتِي

ناتوانی و درماندگی و کم چارگیم رحم کن و به فضل خود به بهشت بر من منت نه و آزادم کن از آتش

مِنَ النَّارِ، وَعَافِنِي فِي نَفْسِي وَفِي جَمِيعِ أُمُورِي، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ،

دوزخ و تندرستی و عافیت در جانم و در تمام کارم عنایت کن به رحمت خود ای مهربانترین مهربانها
و سزاوار است طول دادن قنوت و دعاهائی که در قنوت خوانده می شود بسیار است پس تکبیر می گوئی و رکوع و
سجود را بجا بیاور بهمان نحو که مذکور شد و بعد از فراغ از دو سجده بنشین از برای تشهد و سلام و مستحب
است آنکه مُتَوَرَّگاً بنشینی و پیش از تشهد بگوئی: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَالْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى،
* * * * * به نام خدا و به ذات خدا و همه

نامهای نیکو

كُلُّهَا لِلَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَخَيْرُ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، × تا آخر و چون فارغ شدي
از آن خدا است و ستایش مخصوص خدا است و بهترین نامها برای خدا است گواهی دهم که معبودی جز خدا نیست
* * * * *

از نماز شروع می کنی به خواندن تعقیب که تأکید و امر بسیار به آن شده و حق تعالی فرموده: فَإِذَا
* * * * *
* * * * * و چون

فَرَعْتَ فَأَنْصَبْ وَإِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ

فراغت یافتی به عبادت کوش و بسوی پروردگارت بگرای

و روایت شده در تفسیر آیه یعنی چون فارغ شوی از نماز خود را به تعب انداز در دعا و بسوی پروردگار خود رغبت
کن و حاجات خود را از او بطلب و امید خود را از غیر او قطع کن و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که
هر که از شما فارغ گردد از نماز پس باید دستها را بلند کند بسوی آسمان و خود را به تعب افکند در دُعا، و از روایات
استفاده شده که تعقیب زیاد کننده روزی است و مؤمن در نماز است و ثواب نماز دارد مادام که به ذکر حق تعالی مشغول
است و دعا بعد از نماز واجب بهتر است از نماز سُنَّت و علامه مجلسی رحمه الله فرموده که تعقیب ظاهرش آن است که
قرآن و دعا و ذکر که متصل باشد به نماز عرفاً تعقیب می باشد و لکن افضل آن است که با وضو باشد و نشسته باشد و
به قبله و بهتر آن است که برطریق تشهد نشسته باشد و سخن نگوید در اثنای تعقیب خصوصاً در تعقیب نماز شام و
بعضی گفته اند که جمیع شرایط نماز را در تعقیب رعایت کنند و ظاهر آن است که به هر حالی که بعد از نماز مشغول قرآن
و ذکر و دعا باشد ثواب تعقیب فی الجملة داشته باشد اگر چه در راه رفتن باشد مؤلف گوید که از ائمه اطهار علیهم السلام
دعاهای بسیار برای دین و دنیا در تعقیب نمازها وارد شده و چون اشرف عبادات بدنی نماز است و تعقیبات ماثوره را در
تکمیل نمازها مدخلیتی عظیم است و ایضاً موجب رفع درجات و حَطِّ سَيِّئَات و حُصُول مطالب و حاجات می گردد

بخاطر داعي رسيد كه جمله‌اي از آنها را در اين رساله ايراد كنم و نقل كنم اكثر آن را از كتاب بحار و مقباس علامه مجلسي عطرالله مرقده الشريف پس گوئيم تعقيبات بر دو قسم است تعقيبات مشتركه و تعقيبات مختصه، اما مشتركه و آن تعقيباتي است كه بعد از هر نماز خوانده شود و آن بسيار است و ما در اینجا به چند امر از آن اكتفا مي‌نمائيم اول تسبيح حضرت فاطمه زهراء صلوات الله عليها است و احاديث در فضيلت اين زياده از حد و احصاء است از حضرت صادق عليه السلام منقول است كه ما امر مي‌كنيم كودكان خود را به تسبيح فاطمه عليها السلام چنانكه امر مي‌كنيم ايشان را به نماز پس آن را ترك مكن كه هر كه مداومت نمايد بر آن شقي و بدبخت نمي‌شود و در روايات معتبره وارد شده كه ذكر كثير كه خدا در قرآن مجيد به آن امر فرموده تسبيح حضرت فاطمه عليها السلام است و هر كه بعد از هر نماز بر آن مداومت نمايد خدا را بسيار ياد کرده و به آيه كريمه «وَاذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا» عمل نموده و به سند معتبر از امام محمد باقر عليه السلام مرويست كه هر كه تسبيح فاطمه سلام الله عليها را بگويد و بعد از آن استغفار كند خدا او را بيمارزد و آن بر زبان صد هست و در ميزان عمل هزار و شيطان را دور مي‌كند و خدا را خوشنود مي‌گرداند و به سندهاي صحيح از حضرت صادق عليه السلام منقولست كه هر كه تسبيح فاطمه عليها السلام را بعد از نماز بگويد پيش از آنكه پاها را از هيئت نماز بگرداند آمرزيده شود و بهشت او را واجب گردد و در حديث معتبر ديگر فرمود كه تسبيح فاطمه عليها السلام را بعد از هر نماز خواندن بهتر است نزد من از آنكه هزار ركعت نماز بگذارد در هر روزي و در روايت معتبر از حضرت امام محمد باقر عليه السلام مرويست كه عبادت الهي كرده نشده است به چيزي از تسبيح و تمجيد كه بهتر از تسبيح فاطمه عليها السلام باشد و اگر چيزي از آن بهتر مي‌بود حضرت رسول صلي الله عليه وآله آن را به حضرت فاطمه عليها السلام عطا مي‌فرمود و احاديث در فضل آن زياده از آنست كه در اين رساله ايراد توان كرد و در كيفيت آن اختلافي در احاديث هست و اشهر و اظهر آن است كه سي و چهار مرتبه **اللَّهُ أَكْبَرُ** و سي و سه مرتبه **الْحَمْدُ لِلَّهِ** و سي و سه مرتبه **سُبْحَانَ اللَّهِ** بگويد و در بعضي روايات **سُبْحَانَ اللَّهِ** پيش از **الْحَمْدُ لِلَّهِ** وارد شده و بعضي از علماء جمع به اين نحو كرده‌اند كه بعد از نماز بطريق اول بخواند و در هنگام خواب رفتن بطريق ثاني و ظاهراً مطلقاً بطريق اول كه مشهور است اولي باشد و سنت است كه بعد از اتمام كردن يك نوبت **لا إله إلا الله** بگويد چنانكه از حضرت صادق عليه السلام مرويست كه هر كه بعد از هر نماز فريضه تسبيح فاطمه عليها السلام را بگويد و در عقب آن يك مرتبه **لا إله إلا الله** بگويد خدا او را بيمارزد و بهتر آن است كه به تسبيح تربت حضرت امام حسين عليه السلام حساب آن را نگاه دارد و در جميع اذكار سنت است و پيوسته تسبيح تربت آن حضرت را با خود داشتن مستحب است و حرز از بلاها است و مورث ثواب بي‌انتهاست و منقولست كه در ابتدا حضرت فاطمه عليها السلام رشته‌اي از پشم تابيده بودند و بر آن گره‌ها زده بودند و به آن تسبيح مي‌گفتند تا آنكه حضرت حمزة بن عبدالمطلب رضي الله عنه شهيد شد پس حضرت فاطمه عليها السلام از تربت قبر آن

شهید بزرگوار خاک برگرفت و تسبیح ساخت و به آن تسبیح می کرد مردم نیز چنان کردند و چون سیدالشهداء حسین بن علی علیهما السلام شهید شد سنت شد که از تربت آن امام مظلوم تسبیح سازند و با آن ذکر گویند از حضرت صاحب الامر علیه السلام مرویست که هر که تسبیح تربت امام حسین علیه السلام در دست داشته باشد و ذکر را فراموش کند ثواب ذکر برای او نوشته می شود و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که تسبیح تربت آن حضرت ذکر می کند و تسبیح می گوید بی آنکه آدمی بگوید و فرمود که يك ذکر یا استغفار که با آن گفته می شود برابر است با هفتاد ذکر که با چیز دیگر گفته شود و اگر بی ذکر بگرداند به هر دانه هفت تسبیح برای او نوشته می شود و به روایت دیگر اگر با ذکر بگرداند به هر دانه چهل حسنه برای او نوشته می شود و مروی است که حوریان بهشت چون ملکی را می بینند که به زمین می آید از او التماس می کنند که تسبیح و تربت حضرت حسین علیه السلام را برای ما بیاور و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که مؤمن می باید خالی نباشد از پنج چیز: مسواک و شانه و سجاده که بر روی آن نماز کند و تسبیحی که در آن سی و چهار دانه باشد و انگشتر عقیقی و ظاهر آن است که خام و پخته هر دو خوب است و خام بهتر است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که به تسبیح تربت قبر امام حسین علیه السلام يك تسبیح بگوید حق تعالی برای او چهار صد حسنه بنویسد و چهار صد گناه از او محو کند و چهار صد حاجت او را برآورد و چهار صد درجه برای او بلند کند و مروی است که مستحب است که رشته اش کبود باشد به رنگ آسمان و از بعضی روایات مستفاد می شود که زنان را به انگشتان شمردن افضل است و لکن احادیث فضیلت تربت مطلقاً اکثر و اقوی است دویم مستحب است که بعد از سلام نماز فریضه سه مرتبه دست بردارد تا محاذی روی و برگرداند تا به زانو یا نزدیک زانو و با هر مرتبه يك اللَّهُ أَكْبَرُ بگوید چنانکه علی بن ابراهیم و سید بن طاوس و ابن بابویه به سندهای معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که مفضل بن عمر از آن حضرت پرسید که به چه علت نماز گذارنده بعد از سلام سه مرتبه تکبیر می گوید و دست برمی دارد فرمود برای آنکه چون حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله فتح مکه نمود نزد حجر الاسود نماز ظهر با اصحاب گذارد و چون سلام نماز داد سه نوبت تکبیر گفت و با هر نوبت دست برداشت پس گفت: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ، أَجَزَ وَعَدَهُ،

* * * * * معبودی نیست جز خدای یکتای یکتای یکتا که به وعده اش وفا کرده و

وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَأَعَزَّ جُنْدَهُ، وَغَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي

بنده اش را یاری کرد و سپاهش را پیروز کرد و به تنهایی بر همه احزاب غالب آمد پس فرمانروایی او راست و ستایش خاص او است

وَيُمِيتُ، وَهُوَ عَلَي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، پس رو به جانب اصحاب گردانید و فرمود تَرَكَ مَكْنِيْدَ اَيْنِ

زنده مي‌کند و مي‌ميراند و او بر هر چيز توانا است * * * * *

تکبير را و اين دعا را بعد از هر نماز فريضة زيرا که هر که بعد از سلام چنين کند ادا کرده است شکر نعمت خدا را بر تقويت اسلام و لشکر اسلام و در حديث صحيح منقول است که چون حضرت صادق عليه السلام از نماز فارغ مي‌شدند دستها را بالاي سر مبارك خود بلند مي‌کردند و دعاء مي‌نمودند و از امام محمد باقر عليه السلام مرويست که هر بنده‌اي که دستها را بسوي خدا بلند کند حق تعالی شرم مي‌کند که دستهاي او را خالی برگرداند پس چون دعا کنيد دستها را فرو مي‌آوريد مگر آنکه بر سر و روي خود بکشيد سيّم کليني به سند معتبر از حضرت باقر عليه السلام روايت کرده است که هر کس بعد از نماز فريضة پيش از آنکه پاهاي خود را بگرداند سه مرتبه اين دعا را بخواند خدا گناهان او را بيمارزد اگرچه مانند کف دريا باشد در بسياري :

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، وَأَتُوبُ إِلَيْهِ

آمرزش خواهم از خدائي که معبودي جز او نيست زنده پاينده داراي جلالت و بزرگواري و بسويش بازگشت کنم و در روايت ديگر وارد شده است که هر که اين استغفار را در هر روز بخواند حق تعالی چهل کبيره او را بيمارزد چهارم کليني به سند معتبر از حضرت صادق عليه السلام روايت کرده است که ترك مکن بعد از هر نماز اين دعا را :

أُعِذُّ نَفْسِي وَمَا رَزَقَنِي رَبِّي بِاللَّهِ الْوَاحِدِ الصَّمَدِ، الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ،

پناه دهم خودم و آنچه پروردگارم روزيم کرده به خدائي يگانه بي‌نيازي که نزايده و نزاينده شده

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، وَأُعِذُّ نَفْسِي وَمَا رَزَقَنِي رَبِّي بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ

و نيست برايش همتائي هيچکس و پناه دهم خود و آنچه پروردگارم روزي من کرده به خدائي سپيده دم از شر

مَا خَلَقَ، وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ، وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ، وَمِنْ شَرِّ

آنچه آفريده و از شر شب هنگامی که تاريخش فرا گيرد و از شر دمندهگان در گره‌ها و از شر

حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ، وَأُعِذُّ نَفْسِي وَمَا رَزَقَنِي رَبِّي بِرَبِّ النَّاسِ، مَلِكِ النَّاسِ، إِلَهِ

حسود هنگامی که حسد ورزد و پناه دهم خودم و آنچه پروردگارم روزيم کرده به پروردگار مردم پادشاه مردم معبود

النَّاسِ، مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ، الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ، مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ،

مردم از شر وسوسه گر پنهانی که وسوسه کند در سينه‌هاي مردم (چه) باشد از جنيان و (چه) از مردم

أَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَعِزَّتِكَ الَّتِي لَا تُرَامُ وَقُدْرَتِكَ، الَّتِي لَا يَمْتَنِعُ مِنْهَا

شَيْءٌ مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَمِنْ شَرِّ الْأَوْجَاعِ كُلِّهَا، x و در بعضی از روایات این

تتمه را دارد: وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، × ششم کلینی و ابن بابویه به

سندهای صحیح و غیر صحیح از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام روایت کرده‌اند که کمتر چیزی که تو را مجزی است از دعاء بعد از نماز واجب آن است که بگویی :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ أَحَاطَ

خدایا از تو می‌خواهم هر خیرِی را که علمت بدان احاطه دارد و پناه می‌برم به تو از هر شری که

بِهِ عِلْمُكَ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ عَافِيَتَكَ فِيْ اُمُوْرِيْ كُلِّهَا، وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ خِزْيٍ

علمت بدان احاطه دارد خدایا از تو می‌خواهم عافیت را در تمام کارهایم و پناه می‌برم به تو از رسوائی

الدُّيَا وَعَذَابُ الْآخِرَةِ، x و در روایت ابن بابویه چنین است: اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی

دنيا و عذاب آخرت ×××××××××××××××××××××××× خدايا درود فرست بر

مُحَمَّدٌ وَآلُ مُحَمَّدٍ، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ تَاْخِرَ دَعَا هَفْتَمِ سَنَتِ اِسْتِ اِذَا كَانَ یَوْمُ النِّیْلِ

فارغ شود بگوید: اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْرِنِي مِنَ النَّارِ،

* * * * *

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و مرا از آتش بناه ده

وَأَدْخَلَنِي الْجَنَّةَ وَزَوَّجَنِي الْحُورَ الْعِينِ، چنانکه در حدیث معتبر از حضرت

1100

امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که باید بنده از نماز فارغ نشود تا آنکه از حق تعالی سؤال کند بهشت را و پناه برد به خدا از دوزخ و سؤال کند که تزویج کند او را با حورالعین هشتم به سند موثق از حضرت صادق علیه السلام مرویست که چون حق تعالی امر کرد که این آیات را به زمین آورند چنگ زدند به عرش الهی و گفتند پروردگارا ما را بسوی اهل خطا و گناهکاران میفرستی پس حق تعالی وحی کرد بسوی ایشان که بروید بسوی زمین به عزت و جلال خودم سوگند یاد کنم که تلاوت نکند شما را احدی از آل محمد صلی الله علیه و آله و شیعیان ایشان مگر آنکه نظر رحمت کنم بسوی ایشان از رحمتهای پنهان خود هر روز هفتاد نظر در هر نظری هفتاد حاجت او را برآورم و او را قبول کنم هر چند معصیت بسیار کرده باشد و به روایت دیگر هر که این آیات را بعد از هر نماز بخواند او را ساکن گردانم در حظیره قدس با هر گناهی که داشته باشد و اگر نکنم نظر کنم بسوی او بنظر رحمت خاص خود در هر روز هفتاد نظر کردن و اگر نکنم هر روز هفتاد حاجت او را برآورم که کمتر آنها آمرزیدن گناهان باشد و اگر نکنم او را پناه دهم از شر شیطان و از شر هر دشمنی و یاری دهم او را بر ایشان و مانع نشود او را از داخل شدن بهشت غیر از مرگ و آن آیات اینها است سوره فاتحه تا آخر و آیه الکرسی تا هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ بخواند بهتر است و آیه شهادت یعنی :

شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ، قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

گواهی دهد خدا که نیست معبود بحقی جز او و نیز فرشتگان و دارندگان علم (گواهی دادهاند) که انصاف بدو پایدار است و نیست معبودی

الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ، وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ

جز او که عزیز و فرزانه است همانا دین نزد خدا اسلام است و اختلاف نکردهاند کسانی که کتابشان دادهاند

إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعٌ

مگر پس از آنکه آمده است برایشان دانش به خاطر ستمگری میانشان و هر که کفر ورزد به آیات خدا پس خدا زود به حساب خواهد

الحِسَابِ، × و آیه ملك یعنی: قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمُلْكِ، تُؤْتِي الْمُلْكَ، مَنْ تَشَاءُ وَ

رسید × × × × × × × × × × بگو ای خدای صاحب ملك و فرمانروائی می دهی فرمانروائی را به هر که خواهی

تَنْزِعُ الْمُلْكَ، مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ، وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ، بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ

و بستانای ملك را از هر که خواهی و عزت بخشی هر که را خواهی و زبون کنی هر که را خواهی همه خوبیها بدست تو است

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، تُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ، وَتُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ، وَتُخْرِجُ

که همانا تو بر هر چیز توانائی درآوري شب را در روز و درآوري روز را در شب و بیرون آري

الْحَيِّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ، وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ، بِغَيْرِ حِسَابٍ،

زنده را از مرده و بیرون آوري مرده را از زنده و روزي دهی هر که را خواهی بی حساب

و به سند معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام منقولست که هر که آیه الکرسی را بعد از هر نماز فریضه

بخواند او را گزنده ضرر نرساند و در حدیث معتبر دیگر فرمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که یا علی بر تو

باد به تلاوت کردن آیه الکرسی بعد از هر نماز فریضه بدرستی که محافظت نکند بر آن مگر پیغمبری یا صدیقی یا شهیدی

و از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله منقولست که هر که آیه الکرسی را بعد از هر نماز بخواند مانعی نباشد او را از

داخل شدن به بهشت بغیر مرگ و به روایت دیگر هر که آیه الکرسی را بعد از هر نماز فریضه بخواند نمازش مقبول گردد

و در امان خدا باشد و خدا او را از بلاها و گناهان نگاه دارد نهَم کلینی و ابن بابویه و دیگران به سندهای معتبر از

حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده اند که شبیه هذلی به خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و

گفت یا رسول الله صلی الله علیه و آله من پیر شده ام و قوه ام وفا نمی کند به اعمالی که قبل از این خود را به آن عادت داده

بودم از نماز و روزه و حج و جهاد پس تعلیم کن مرا کلامی که خدا مرا به آن نفع بخشد و بر من سبک و آسان باشد

حضرت فرمود که بار دیگر بگو او سه مرتبه این سخن را اعاده کرد پس حضرت فرمود که نمائند بر دُورِ تو درختی و

کلوخی مگر اینکه گریست بر تو برای ترحم بر تو هرگاه از نماز صبح فارغ شوی ده مرتبه بگو :

سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ، وَبِحَمْدِهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ،

منزه است خدای بزرگ و حمد او را است و جنبش و نیروئی نیست مگر بوسیله خدای والای بزرگ

تا خدا تو را عافیت دهد به برکت این دعا از کوری و دیوانگی و خوره و پیسی و پریشانی و خرف شدن شبیه گفت:

یا رسول الله صلی الله علیه و آله این برای دنیای من است برای آخرت من چیزی بفرما فرمود که می گوئی بعد از هر

نماز :

اللَّهُمَّ اهْدِنِي مِنْ عِنْدِكَ، وَأَفِضْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ، وَأَنْشُرْ

خدایا مرا از نزد خود راهنمایی کن و از فضل خویش بر من افاضه کن و بگستر بر من از رحمت خویش

عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَأَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ، پس حضرت فرمود که

* * * * * و فرو ریز بر من از برکات

* * * * *

اگر بر این مواظبت نماید و عمداً ترك نکند تا وقت مردن چون به صحرائی محشر درآید هشت در بهشت برای او گشوده گردد که از هر در که خواهد داخل شود و دعای آخر به اسانید معتبره دیگر وارد شده دهم خواندن تسبیحات اربع است چنانچه شیخ طوسی و ابن بابویه و حمیری به سندهای صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده‌اند که روزی حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله به اصحاب خود فرمود اگر جمع کنید آنچه دارید از جامها و ظرفها و بر روی هم گذارید آیا به آسمان می‌رسد گفتند نه یا رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که می‌خواهید تعلیم کنم شما را چیزی که اصلش در زمین است و شاخهایش در آسمان گفتند بلی یا رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که بعد از هر نماز سی نوبت بگوئید :

سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ که اصل اینها در زمین است و

منزه است خدا و حمد خاص خدا است و معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگتر از توصیف است * * * * *

فرعشان در آسمان و دفع می‌کند از آدمی خانه فرود آمدن و غرق شدن و سوختن و در چاه افتادن و دریدن درندگان و به مرگهای بد مردن و هر بلایی که در آن روز از آسمان نزول کند و اینها بقیات صالحات که حق تعالی در قرآن فرموده و به سندهای صحیح دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که این تسبیحات را بعد از هر نماز فریضه چهل نوبت بخواند پیش از آنکه از جای نماز حرکت کند هر حاجت که از خدا سؤال کند روا گردد و به سند صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر که بعد از نماز فریضه سی مرتبه سُبْحَانَ اللَّهِ بگوید بر بدنش گناهی نماند مگر بریزد و در حدیث صحیح دیگر از آن حضرت منقول است که ذکر بسیار که حق تعالی در کلام مجید مدح کرده است این است که سی مرتبه سُبْحَانَ اللَّهِ بعد از هر نماز فریضه بگوید و قطب راوندی روایت کرده است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به براء بن عازب گفت که می‌خواهی دلالت کنم تو را بر امری که چون بجا آوری به حق و راستی دوست خدا باشی گفت بلی فرمود که بعد از هر نماز هر يك از تسبیحات اربع را ده مرتبه بگو چون چنین کنی هزار بلیه در دنیا از تو دور گردد که یکی از آنها مرتد شدن باشد و هزار مرتبه در آخرت برای تو ذخیره کنند که یکی آن باشد که در جوار حضرت رسول صلی الله علیه و آله باشی یازدهم کلینی به سند حسن از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که هر که بعد از نماز فریضه سه مرتبه بگوید :

يَا مَنْ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ، وَلَا يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ أَحَدٌ غَيْرُهُ،

ای که می‌کند هر چه خواهد و جز او هیچکس نتواند بکند آنچه را خواهد

هر حاجت سؤال کند روا شود دوازدهم شیخ برقی به سند موثق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که هر که بعد از فارغ شدن از نماز پیش از آنکه زانوهای خود را از جای خود حرکت دهد ده مرتبه این تهلیل را بخواند حق تعالی چهل هزار هزار گناه او را محو کند و چهل هزار هزار حسنه برای او بنویسد و چنان باشد که دوازده مرتبه قرآن را ختم کرده باشد و فرمود که من صد مرتبه می خوانم و شما را ده مرتبه کافی است :

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، إِيَّاهُ وَاحِدًا أَحَدًا صَمَدًا، لَمْ يَتَّخِذْ

گواهی دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست که شریک ندارد معبودی است یکتا یگانه بی نیاز که نگرفته برای خود صاحبۀ ولا و لداء، x و فضیلت این تهلیل بسیار وارد شده است خصوصاً در تعقیب نماز

همسری و نه فرزندی * * * * *

صبح و شام و هنگام طلوع و غروب آفتاب سیزدهم کلینی و ابن بابویه و دیگران به سندهای صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که جبرئیل به نزد حضرت یوسف علیه السلام آمد در زندان و گفت بعد از هر نماز بگو :

اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فَرَجًا وَمَخْرَجًا، وَارْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ لَا

خدایا قرار ده برایم گشایش و راه چاره ای و روزیم ده از آنجا که گمان دارم و از آنجا که

أَحْتَسِبُ، x چهاردهم در بلد الامین از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده است که هر که خواهد

گمان ندارم * * * * *

* * * * *

که خدا او را در قیامت بر اعمال بد او مطلع نگرداند و دیوان گناهان او را نگشاید باید که بعد از

* * * * *

* * * * *

هر نماز بخواند: اللَّهُمَّ إِنَّ مَغْفِرَتَكَ أَرْجِي مِنْ عَمَلِي، وَإِنْ رَحْمَتَكَ أَوْسَعُ مِنْ

* * * * * خدایا مسلماً آمرزش تو امیدوار کننده تر از عمل من است و مسلماً رحمت تو

بهناتر از

ذَنْبِي، اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ ذَنْبِي عِنْدَكَ عَظِيمًا فَعَفُوْكَ، أَعْظَمُ مِنْ ذَنْبِي، اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ

گناه من است خدایا اگر گناه من پیش تو بزرگ است پس گذشت تو بزرگتر از گناه من است خدایا اگر من

أَكُنْ أَهْلًا أَنْ تُرَحِّمَنِي، فَارْحَمْنِي أَهْلًا أَنْ تُبَلِّغَنِي وَتَسَعِّنِي، لِأَنْهَا وَسِعَتْ كُلَّ

شایستگی ندارم که تو بر من رحم کنی پس رحمت تو شایستگی دارد که به من برسد و مرا فرا گیرد زیرا که رحمت همه

شَيْءٍ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّحِمِينَ. × پانزدهم کفعمی از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وآله

* * * * * چیز را فرا گیرد به رحمت ای مهربانترین مهربانها
* * * * *

روایت کرده است که مردی به آن حضرت شکایت کرد بیماری و تنگدستی را فرمود که بعد از

* * * * *
* * * * *

هر نماز فریضه بگو: تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ

* * * * * توکل کنم برخدای زنده ای که نمی میرد و ستایش خاص خدائی است که نه

يَتَّخِذُ صَاحِبَةً، وَلَا وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِّنَ

همدمی برای خود گرفته و نه فرزندی و نیست برای او شریکی در سلطنت و نیست او را دوستی برای رفع

الذُّلِّ وَكِبَرُهُ تَكْبِيرًا × و به روایت دیگر فرمود که هیچ شدتی مرا رو نداد مگر آنکه

* * * * * مذلت و او را به کمال بزرگی تکبیر گوی
* * * * *

جبرئیل برای من مُتَمَثِّل شد و گفت که این دعا بخوان و در احادیث معتبره وارد شده است که برای وساوس سینه و

قرض و پریشانی و بیماری مکرر این دعا را باید خواند و در بعضی روایات در اولش «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» است

شانزدهم شیخ مفید در مقنعه در تعقیب هر نماز این دعا را آورده است :

اللَّهُمَّ اِنْفَعْنَا بِالْعِلْمِ وَزَيِّنَا بِالْحِلْمِ وَجَمِّلْنَا بِالْعَافِيَةِ وَكْرِّمْنَا بِالتَّقْوَى اِنَّ وَلِيَّيَ

خدایا ما را به علم و دانش سود ده و به حلم زیور بخش و به تندرستی زینت ده و به پرهیزکاری گرامی دار براستی

سرپرست من

اللَّهُ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ × هفدهم ابن بابویه و شیخ طوسی

* * * * * خدائی است که کتاب را فرو فرستاد و او صالحان را دوست دارد
* * * * *

و غیر ایشان به سندهای معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده اند که هر که خواهد بیرون رود از دنیا

و حال آنکه پاک شده باشد از گناهان چنانچه پاک می شود طلا از غش و از او احادی بازخواست مظلومه ننماید در

قیامت پس بخواند بعد از نمازهای پنجگانه نسبت پروردگار را یعنی سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را دوازده مرتبه پس دستها را

بسوی آسمان بگشاید و این دعا را بخواند پس حضرت فرمود که این از رازهای مکنون است که تعلیم کرد مرا رسول

خدا صلی الله علیه وآله و امر کرد مرا که تعلیم به حسن و حسین علیهما السلام نمایم و دعا این است :

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُوْنِ الْمَخْزُوْنِ الطَّاهِرِ الطَّهْرِ الْمُبَارَكِ

خدایا من از تو می خواهم به حق نام مستور در گنجینهات و پاک و پاکیزه و مبارکت

وَأَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيْمِ وَسُلْطَانِكَ الْقَدِيْمِ يَا وَاهِبَ الْعَطَايَا يَا مُطْلِقَ

و از تو می خواهم به حق نام بزرگ و سلطنت ازلیت ای بخشنده عطاها و ای رها کننده

الْأَسَارِي يَا فَكَكَ الرِّقَابِ مِنَ النَّارِ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَفَكَ

اسیران و ای آزاد کننده مردمان از آتش درود فرست بر محمد و آل محمد و ما را از آتش دوزخ

رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَأَخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا آمِنًا وَأَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ سَالِمًا وَاجْعَلْ

آزاد کن و از دنیا در حال امن و امان بیرونم بر و به سلامتی وارد بهشت کن و قرار ده

دُعَائِي أَوَّلَهُ فَلَاحًا وَأَوْسَطَهُ نَجَاحًا وَآخِرَهُ صَلَاحًا إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ وَ

دعای مرا آغازش را رستگاری و وسطش را کامیابی و انجامش را شایستگی که همانا تویی دانای بر نادیدنیها *

در بعضی نسخ معتبره دعا چنین است: يَا فَكَكَ الرِّقَابِ مِنَ النَّارِ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ

* * * * * ای آزاد کننده بندگان از آتش

از تو می خواهم که درود فرستی

عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُعْنِقَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَأَنْ تُخْرِجَنِي مِنَ الدُّنْيَا

بر محمد و آل محمد و اینکه مرا از آتش دوزخ آزاد کنی و از دنیا سالم بیرونم بری

سَالِمًا وَتَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ آمِنًا وَأَنْ تَجْعَلَ دُعَائِي أَوَّلَهُ فَلَاحًا وَأَوْسَطَهُ نَجَاحًا

و در حال امن و امان داخل بهشت کنی و قرار دهی دعایم را آغازش را رستگاری و وسطش را کامیابی

وَآخِرَهُ صَلَاحًا إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ وَ کَلِمَتِي بِه سَنَدٍ مَعْتَبَرٍ مِنْ حَضَرَتِ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ

* * * * * و انجامش را شایستگی که تویی دانای نادیدنیها

* * * * *

روایت کرده است که هر که ایمان دارد به خدا و روز قیامت باید که ترك نکند بعد از هر نماز فریضه خواندن سوره قل

هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را بدرستی که هر که بخواند آن را خدا جمع کند برای او خیر دنیا و آخرت را و می آمرزد او را و پدر و مادر

او را و هر که از پدر و مادر او به هم رسیده اند و در حدیث دیگر وارد شده است که هر که بعد از هر فریضه ده مرتبه

سوره قل هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بخواند حق تعالی از حورالعین به او تزویج نماید و سید بن طاوس از حضرت رسول صلی الله علیه

وآله روایت کرده است که هر که بعد از هر نماز سوره قل هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بخواند رحمت از آسمان بر سرش فرو ریزد و سکینه

بر او نازل گردد و خدا نظر رحمت بسوي او افکند و گناهانش را بپامرزد و هر حاجت که سؤال کند برآورد و در امان خدا باشد هیجدهم کلینی و دیگران به سند معتبر از اهل بیت علیهم السلام روایت کرده اند که هر که بعد از هر نماز ریش خود را بدست راست خود بگیرد و دست چپ را بسوي آسمان بگشاید و سه مرتبه بگوید:

يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ارْحَمْنِي مِنَ النَّارِ پس سه مرتبه بگوید: أَجِرْنِي مِنَ

اي صاحب جلال و بزرگواري رحم کن بر من از آتش دوزخ × × × × × × × × × × نگاهم دار از

العَذَابِ الْأَلِيمِ پس دست راست را از ریش بردارد و هر دو دست را بسوي آسمان بگشاید و

عذاب دردناك * * * * *

* * * * *

سه مرتبه بگوید: يَا عَزِيزُ يَا كَرِيمُ يَا رَحْمَنُ يَا غَفُورُ يَا رَحِيمُ پس دستها را بگرداند و پشت

* * * * *

* * * * *

دستها را به جانب آسمان کند و سه مرتبه بگوید: أَجِرْنِي مِنَ الْعَذَابِ الْأَلِيمِ پس

* * * * *

* * * * نگاهم دار از عذاب دردناك

بگوید: وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ پس حضرت فرمود که هر

* * * * * و درود فرستد خدا بر محمد و آلش و نیز فرشتگان و روح

که این دعا را بخواند خدا جمیع گناهان او را بپامرزد و از او راضی شود و استغفار کند برای او جمیع خلائق بغیر از

جن و انس تا هنگام مردن او نوزدهم شیخ مفید در کتاب مجالس از محمد بن الحنفیه روایت کرده است که روزی پدرم حضرت

امیر المؤمنین علیه السلام در دور کعبه طواف می کرد ناگاه مردی را دید که چنگ در پرده های کعبه زده و این دعا

می خواند پس حضرت امیر المؤمنین علیه السلام گفت این است دعای تو گفت بلی مگر شنیدی حضرت فرمود بلی شنیدم

گفت پس بخوان این دعا را بعد از هر نماز بخدا سوگند که هر مؤمنی که این دعا بخواند بعد از هر نماز البته حق تعالی

می آمرزد گناهان او را هر چند به عدد ستاره های آسمان و قطره های باران و ریگ زمین و ذره های خاک باشد پس

حضرت امیر علیه السلام گفت که من می دانم این دعا را و حق تعالی واسع العطا یا و کریم است آن مرد گفت راست گفتی

یا امیر المؤمنین و بالای هر دانائی داناتری است و آن مرد حضرت خضر علیه السلام بود و کفعمی نیز این دعا را در کتاب بلد الامین

روایت کرده است و دعا این است: يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ سَمْعٌ عَنْ سَمْعٍ يَا مَنْ لَا يُعْلِطُهُ

* * * * * ای کسی که بازش ندارد شنیدن از کسی از شنیدن

دیگری ای کسی که او را به غلط

السَّائِلُونَ وَيَا مَنْ لَا يُبْرِئُهُ الْحَاحُ الْمُلْحِنُ أَذَقْنِي بَرْدَ عَفْوِكَ وَمَعْفَرَتِكَ

نیاندازند سائلان و ای کسی که به ستوهش نیاورد اصرار زیاد اصرار کنندگان بچشان به من از لذت گذشت و آمرزش

وَحَلَاوَةَ رَحْمَتِكَ × بیستم دیلمی در اعلام الدین از ابن عباس روایت کرده که حضرت

* * * * * و از شیرینی رحمت

* * * * *

رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که سه مرتبه این آیات را بعد از نماز مغرب بخواند آنچه از ثواب در روز گذشته

از او فوت شده باشد دریابد و نمازش مقبول گردد و اگر بعد از هر نماز فریضه و سنت بخواند نوشته شود برای او

حسنات به عدد ستارگان آسمان و قطرات باران و برگ درختان و ذرات خاک زمین و چون بمیرد به هر حسنه ده حسنه

در قبر به او داده شود و این است آیات :

فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَوَاتِ

پس تنزیه خدا کنید هنگامی که شب می‌کنید و هنگامی که روز می‌کنید و خاص او است ستایش در آسمانها

وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ

و زمین و شامگاه و هنگامی که به نیمروز می‌رسید بیرون آورد زنده را از مرده و بیرون آورد مرده را

مِنَ الْحَيِّ وَيُخْبِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ

از زنده و زنده کند زمین را پس از مردنش و شما نیز این چنین (از قبر) بیرون آئید منزله است پروردگار تو پروردگار

الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

عزت از آنچه توصیفش کنند و سلام بر رسولان و ستایش خاص خدا پروردگار جهانیان است

بیست و یکم سید بن طاوس به سند معتبر از جمیل بن درّاج روایت کرده است که مردی به خدمت حضرت امام جعفر

صادق علیه السلام آمد و گفت ای مولای من ستم بالا رفته است و خویشان من مُردند و مونسی ندارم و می‌ترسم که مرا

نیز مرگ دریابد حضرت فرمود که برادران مؤمن صالح برای انس گرفتن بهترند از اقارب و اگر درازی عمر

خود و خویشان و دوستان را خواهی این دعا را بعد از هر نماز بخوان: اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

* * * * * خدایا درود فرست

بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ اِنَّ رَسُوْلَكَ الصّٰدِقَ الْمُصَدِّقَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ قَالِ اِنَّكَ

محمد خدایا این مطلب را پیامبر راستگویی تصدیق شده که درود تو بر او و آتش باد فرمود که همانا

قُلْتُ مَا تَرَدَّدْتُ فِي شَيْءٍ اَنَا فَاعِلُهُ كَتَرَدَّدِي فِي قَبْضِ رُوْحِ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ

تو فرموده‌ای من در کاری که می‌کنم مردّد نشدم مانند مردّد شدنم در گرفتن روح بنده مؤمنم

يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَاَكْرَهُ مَسَائِتَهُ اَللّٰهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ

او مرگ را خوش ندارد و من هم ناراحتی او را خدایا پس درود فرست بر محمد و آل محمد و شتاب کن

لَوْلَيْكَ الْفَرَجَ وَالْعَافِيَةَ وَالتَّصَرَّ وَلَا تَسُوْنِي فِي نَفْسِي وَلَا فِي اَحَدٍ مِنْ اَحِبَّتِي

در فرج ولی خود و عافیت و یاریش و بد عالم مکن درباره خودم و نه درباره یکی از دوستانم

و اگر خواهی يك يك از دوستان خود را نام ببر و بگو: «وَلَا فِي فُلَانٍ وَلَا فِي فُلَانٍ» راوی گفت: چون بر این دعا

مداومت کردم چندان عمر یافته‌ام که از زندگانی ملول شده‌ام و این دعا بسیار معتبر است و در جمیع کتب دعا نقل شده

است .

ذکر تعقیبات مختصّه به نماز صبح

بدانکه تعقیب نماز صبح زیادتر از سایر نمازهاست و احادیث در فضیلت خصوص این تعقیب بسیار است از حضرت

امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که ذکر خدا بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب کاملتر است در تحصیل روزی از سفر

کردن در زمین و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که هر که از طلوع صبح تا طلوع آفتاب در مصلاي

خود قرار گیرد و به تعقیب مشغول باشد خدا او را از آتش دوزخ مستور گرداند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام

منقولست که شیطان لشکر روز را از طلوع صبح تا طلوع آفتاب پهن می‌کند و لشکر شب را از غروب آفتاب تا ذهاب

همره مغربی پس خدا را در این دو ساعت بسیار یاد کنید که در این دو ساعت شیطان آدمی را از ذکر خدا غافل

می‌سازد و به سند صحیح منقولست که حضرت امام رضا علیه السلام در خراسان چون نماز صبح می‌کردند تا طلوع آفتاب

در مصلاي خود می‌نشستند و مشغول تعقیب بودند پس خریطه برای آن حضرت می‌آوردند که مسواکها در آن بود و

به يك يك از آنها مسواک می‌کردند پس اندك كُنْدَر می‌خوانیدند پس قرآن مجید را برمی‌گرفتند و تلاوت می‌کردند و از

حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که هر که از طلوع صبح تا طلوع آفتاب مشغول تعقیب باشد ثواب حجّ برای او

نوشته می‌شود و در حدیث قدسی وارد شده است که حق تعالی می‌فرماید ای فرزند آدم یاد کن مرا بعد از صبح يك ساعت و

بعد از عصر يك ساعت تا کفایت کنم جمیع مهمّات تو را اما تعقیبات مختصّه به صبح اوّل ابن بابویه به سند معتبر از امام

محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که هر که بعد از نماز صبح هفتاد مرتبه «اَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّي وَ اَتُوبُ اِلَيْهِ» بگوید خدا او را بیامرزد هر چند در آن روز هفتاد هزار گناه بکند و به روایت دیگر هفتصد گناه دویم ایضاً ابن بابویه به سند صحیح و سندهای معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است که هر که بعد از نماز صبح یازده مرتبه سوره قُلْ هُوَ اللهُ اَحَدٌ بخواند در آن روز گناهی بر او نوشته نشود بر عَمِ اَف شیطان و در بلدالأمین از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده که هر که سوره قُلْ هُوَ اللهُ اَحَدٌ را هر روز ده مرتبه بخواند در آن روز هر چند شیطان سعی کند گناهی بر او نوشته شود نشود سیم کلینی به سند صحیح روایت کرده است از حضرت صادق علیه السلام که هر که بعد از نماز صبح صد مرتبه بگوید «مَا شَاءَ اللهُ كَانَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» در آن روز هیچ مکروهی نبیند و شیخ طوسی و دیگران نیز در کتب دعا ذکر کرده اند چهارم کفعمی و غیر او از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده اند که هر که سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ را بعد از صبح ده مرتبه و نزد زوال شمس ده مرتبه و بعد از عصر ده مرتبه بخواند به تعب اندازد دو هزار کاتب را سی سال و نیز از آن حضرت مرویست که هر که هفت مرتبه آن را بعد از طلوع فجر بخواند هفتاد صف از ملائکه هفتاد صلوات بر او بفرستند و هفتاد مرتبه بر او ترحم کنند و از امام محمد تقی علیه السلام ثواب بسیار منقولست برای کسی که سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ را در شبانه روزی هفتاد و شش مرتبه بخواند بعد از طلوع صبح پیش از نماز صبح هفت مرتبه و بعد از نماز صبح ده مرتبه و بعد از زوال شمس پیش از نافله ده مرتبه و بعد از نوافل زوال بیست و یک مرتبه و بعد از نماز عصر ده مرتبه و بعد از نماز عشاء هفت مرتبه و در وقت خواب یازده مرتبه و از جمله ثوابش آن است که حق تعالی هزار ملک خلق کند که در سی و شش هزار سال ثواب آن را برای او بنویسند پنجم ابن بابویه و سایر علماء رضوان الله علیهم به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده اند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که هر روز عقب نماز صبح ده مرتبه بگوید سُبْحَانَ اللهِ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ حق تعالی او را عافیت دهد از کوری و دیوانگی و خوره و پریشانی و خانه بر سرش فرود آمدن یا خرافت در هنگام پیری ششم در بلدالأمین از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود هر که خواهد که خدا در اجل او تأخیر کند و او را بر دشمنان یاری دهد و از مرگهای بد او را نگاه دارد باید که هر بامداد و پسین بر این دعا مداومت نماید سه مرتبه بگوید: سُبْحَانَ اللهِ مِلْأُ الْمِيزَانِ وَمُنْتَهَى الْعِلْمِ

* * * * * تنزیه خدا را به پُری میزان و حد نهائی

علم

وَمَبْلَغُ الرِّضَا وَزَيَّةَ الْعَرْشِ وَسَعَةَ الْكُرْسِيِّ × و سه مرتبه بگوید: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ مِلْأُ

و سرحد خوشنودي و سنگینی عرش و پهنای کرسی × × × × × × × ستایش خدای را به پری

الْمِيزَانِ وَمُنْتَهَى الْعِلْمِ وَمَبْلَغَ الرِّضَا وَزِنَةَ الْعَرْشِ وَسَعَةَ الْكُرْسِيِّ × و سه

میزان و حد اعلاي علم و سرحد خوشنودي و سنگینی عرش الهي و پهنای کرسی * * *

مرتبه بگوید: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِلَأَ الْمِيزَانَ وَمُنْتَهَى الْعِلْمِ وَمَبْلَغَ الرِّضَا وَزِنَةَ

* * * * * نیست معبودي جز خدا به پری میزان و حد آخر دانش و سرحد خوشنودي و به وزن

الْعَرْشِ وَسَعَةَ الْكُرْسِيِّ × و سه مرتبه بگوید: اللَّهُ أَكْبَرُ مِلَأَ الْمِيزَانَ وَمُنْتَهَى

عرش و پهنای کرسی × × × × × × × خدا بزرگتر است به پری میزان و حد آخر

الْعِلْمِ وَمَبْلَغَ الرِّضَا وَزِنَةَ الْعَرْشِ وَسَعَةَ الْكُرْسِيِّ × هفتم سید بن طاوس به سند

دانش و سرحد خوشنودي و به سنگینی عرش و پهنای کرسی * * * * * *

معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که هر که بعد از نماز صبح صد مرتبه بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» به اسم اعظم خدا نزدیکتر باشد از سیاهی چشم به سفیدی آن و

به سندهای معتبر از حضرت صادق علیه السلام و حضرت کاظم علیه السلام منقول است که بعد از نماز صبح و مغرب

پیش از آنکه سخن بگوید و حرکت کند هفت مرتبه این دعا بخواند هفتاد نوع بلا از او دور گردد که سهلتر آنها خوره و

پیسی و شرّ شیطان و شرّ پادشاهان باشد و در بعضی روایات معتبره سه مرتبه نیز وارد شده و بعضی ده مرتبه و أَقْلَشَ

سه مرتبه و اکثرش صد مرتبه و هر چه بیشتر بگوید ثوابش بیشتر است هشتم شیخ احمد بن فهد و دیگران روایت

کرده‌اند که مردی به خدمت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام شکایت کرد که کار من بسته شده است و به هر کاری

که متوجه می‌شوم سودی نمی‌یابم و به هر حاجت که رُو می‌نهم برآورده نمی‌شود حضرت فرمود که بعد از نماز صبح ده

مرتبه بگو «سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَسْأَلُهُ مِنْ فَضْلِهِ» راوی گفت که اندک زمانی که بر این مداومت کردم

جمعی از بادیه آمدند و خبر دادند مرا که مردی از اقوام تو مُرده و به غیر از تو وارثی ندارد پس مال بسیار بدست من

آمد و تا حال بی‌نیازم و در کافی و مکارم روایت کرده‌اند که مردی هلقام نام به آن حضرت عرض کرد که دعائی مرا

تعلیم کن که جامع باشد برای دنیا و آخرت و آسان باشد حضرت این دعا را تعلیم او کرد که بعد از نماز صبح بخواند تا

آفتاب طلوع کند و مداومت کرد او بر این دعا و حالش نیکو شد نهم عیّاشی از عبدالله بن سنان روایت کرده است که

به خدمت حضرت صادق علیه السلام رفتم حضرت فرمود که می‌خواهی تو را دعائی تعلیم کنم که چون بخوانی حق

تعالی قرض تو را ادا کند و حال تو نیکو شود گفتم چه

بسیار محتاجم به چنین دعا حضرت فرمود که بعد از نماز صبح بگو: تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ

* * * * *

الْقِيَوْمَ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ

فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبَّرَهُ تَكْبِيرًا ۝ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ

الْبُؤْسَ وَالْفَقْرَ وَمَنْ غَلَبَتِ الدِّينَ وَالسُّقْمَ وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُعِينَنِي عَلَى آدَاءِ حَقِّكَ

إِلَيْكَ وَالْيَ النَّاسُ x و به روایت شیخ طوسی و دیگران چنین است: وَمَنْ غَلَبَهُ

الدِّينَ فَصَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَعِنِّي عَلَى آدَاءِ حَقِّكَ إِلَيْكَ وَالْيَ النَّاسَ

به صحت و توانگری و رفاهیت برگشت و شیخ طوسی و دیگران در تعقیب نماز صبح ذکر کرده‌اند و دعا این است :

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلٰلِ

وَكَبْرُهُ تَكْبِيرًا × يَزِدُّهُمْ شَيْخَ طَبْرَسِي وَكَفْعَمِي وَدِيْغَرَانِ اَزْ حَضْرَتِ رَسُوْلِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ رَوَايَتِ

* * * * * بہ بزرگی کامل اور بزرگ شمار

* * * * *

ایشان دهند و با آن عهد داخل بهشت شوند و شیخ طوسی (ره) این دعا را در تعقیب نماز صبح ایراد کرده :

اَللّٰهُمَّ فَاطِرَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمٰنَ الرَّحِيْمَ اَعْهَدْ

خدایا ای آفریننده آسمانها و زمین دانای غیب و شهود بخشاینده مهربان من با تو عهد می‌کنم

اَلَيْكَ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا اَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَاَنْ

در این دنیا که برستی توئی خدائی که معبودی جز تو نیست یکتائی که شریک برایت نیست و اینکه

مُحَمَّدًا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ عَبْدُكَ وَرَسُوْلُكَ اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِهٖ

محمد صلی الله علیه و آله بنده و رسول تو است خدایا پس درود فرست بر محمد و آله

وَلَا تَكِلْنِيْ اِلٰی نَفْسِيْ طَرَفَةً عَيْنٍ اَبَدًا وَلَا اِلٰی اَحَدٍ مِّنْ خَلْقِكَ فَاِنَّكَ اِنْ

و هرگز به اندازه چشم برهم زدن مرا به خودم و نه به هیچ یک از مخلوقات و امگذار زیرا اگر

وَكَلَنْتَنِيْ اَلَيْهَا تُبَاعِدُنِيْ مِنَ الْخَيْرِ وَتُقَرِّبُنِيْ مِنَ الشَّرِّ اَيُّ رَبٍّ لَا اُثِقُ اِلَّا

مرا بدانها و اگذاری از خیر دورم کرده و به شر نزدیکم کرده ای ای پروردگار من اطمینان ندارم جز

بِرَحْمَتِكَ فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِهٖ الطَّيِّبِيْنَ وَاَجْعَلْ لِّيْ عِنْدَكَ عَهْدًا تُؤَدِّيْهِ اِلَيَّ

به رحمتت پس درود فرست بر محمد و خاندان پاکیزه اش و این پیمان رانزد خود محفوظ نگهدار که در

يَوْمَ الْقِيَمَةِ اِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيْعَادَ × دوازدهم در عدة الدّاعی از حضرت صادق علیه السلام

روز قیامت آن را به من بازگردانی که همانا تو خلف وعده نمی‌کنی * * * * *

* * * * *

روایت کرده است که هر که بعد از نماز صبح پیش از آنکه تکلم کند بگوید «رَبِّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِهٖ بَيْتِهٖ» حق تعالی

روی او را از آتش جهنم نگاه دارد و ابن بابویه در ثواب الأعمال به سند معتبر روایت کرده است که بعد از نماز صبح

صد مرتبه بگو: اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ تا حق تعالی روی تو را از آتش جهنم نگاه دارد و به روایت دیگر صد

مرتبه پیش از سخن گفتن بگو:

يَا رَبِّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَعْتِقْ رَقَبَتِيْ مِنَ النَّارِ

پروردگارا درود فرست بر محمد و آل محمد و آزاد کن از آتش

در سجده شکر است

و چون از تعقیب نماز فارغ شدی پس سجده شکر بجا می‌آوری و اجماعی علماء شیعه است که سجده شکر سنت است

در وقت متجدّد شدن نعمتی یا دفع شدن بلائی و بهترین افرادش سجده بعد از نماز است برای شکر توفیق اداء نماز به

سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایتست که پدرم امام زین العابدین علیه السلام هیچ نعمتی از خدا یاد

نکرد مگر آنکه به شکر آن سجده کرد و هیچ آیه‌ای نخواند که در آن سجده باشد مگر آنکه سجده می‌کرد و دفع نکرد خدا از او بدی را که از آن می‌ترسید مگر آنکه سجده کرد و از هر نماز واجب که فارغ می‌شد بعد از آن سجده می‌کرد و هر وقت که توفیق می‌یافت که میان دو کس اصلاح کند برای شکر آن سجده می‌کرد و در جمیع مواضع سجود آن حضرت اثر سجود بود به این سبب آن حضرت را سجّاد می‌نامیدند و ایضاً به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایتست که هر مؤمن که از برای خدا سجده کند برای شکر نعمتی در غیر نماز حق تعالی برای او ده حسنه بنویسد و ده سیئه محو کند و ده درجه در بهشت بلند گرداند و به سندهای معتبره بسیار از آن حضرت منقولست که نزدیکترین احوال بنده به خدا در حالتی است که در سجده باشد و گریان باشد و در حدیث صحیح دیگر فرمود که سجده شکر واجبست بر هر مسلمانی تمام می‌کنی به آن نماز خود را و خوشنود می‌گردانی به آن پروردگار خود را و ملائکه را از خود به عجب می‌آوری بدرستی که هرگاه که بنده نماز کند و بعد از آن سجده شکر کند پروردگار عالمیان حجاب را از میان بنده و ملائکه بگشاید پس گوید ای ملائکه من نظر کنید بسوی بنده من که ادا کرد فرض مرا و تمام کرد عهد مرا پس سجده کرد نزد من برای شکر آنچه من بر او انعام کرده‌ام ای ملائکه من او را چه باید داد گویند پروردگارا رحمت تو پس فرماید که دیگر چه باید داد گویند پروردگارا بهشت تو باز فرماید که دیگر چه باید داد گویند کفایت مهمّات او و برآوردن حاجات او پس حق تعالی مکرّر سؤال نماید و ملائکه جواب گویند تا آنکه ملائکه گویند پروردگارا دیگر ما چیزی نمی‌دانیم آنگاه خداوند کریم فرماید که من او را شکر کنم چنانچه او مرا شکر کرد و اقبال کنم بسوی او به فضل خود و رحمت عظیم خود را در قیامت به او بنمایم و به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که خداوند عالمیان ابراهیم علیه السلام را برای آن خلیل خود گردانید که سجده بر زمین بسیار می‌کرد و در حدیث معتبر دیگر فرمود که چون نعمتی از نعمتهای خدا را به یاد آری و در موضعی باشی که کسی از مخالفان تو را نه‌بند پهلوی روی خود را بر زمین نه و اگر در جائی باشی که ایشان باشند و نتوانی سجده کرد دست بر پایین شکم خود گذار و خم شو برای تواضع و شکستگی نزد خدا و دست بر شکم گذاشتن برای آن است که مخالفان گمان کنند که پیچی در شکم تو بهم رسیده است و در روایت بسیار وارد شده است که حق تعالی به حضرت موسی علیه السلام خطاب کرد که می‌دانی چرا تو را برگزیدم و از میان خلق تو را کلیم خود گردانیدم موسی گفت: نمی‌دانم ای پروردگار من فرمود: برای آنکه بر احوال بندگان خود مطلع شدم در میان ایشان کسی ندیدم که نزد من نفسش از تو ذلیل‌تر باشد بدرستی که چون تو از نماز فارغ می‌شوی دو طرف روی خود را بر خاک می‌گذاری و به سند موثق از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که سجده بعد از نماز واجب شکر خدا است بر آنکه توفیق داد بنده خود را بر آنکه ادا کرد فرض او را و کمتر آنچه در این سجده گویند آنست که سه مرتبه بگوید شُکراً لِلّهِ راوی پرسید که چه معنی دارد شُکراً لِلّهِ حضرت فرمود که معنیش

آن است که این سجده از من شکر خدا است بر آنکه مرا توفیق داد که به خدمت او قیام نمودم و فرض او را ادا کردم و شکر خدا موجب مزید نعمت و توفیق طاعت است و اگر در نماز تقصیری مانده باشد که به نافله‌ها تمام نشده باشد به این سجده تمام می‌شود و اما کیفیت این سجده به هر نحو که واقع شود به عمل می‌آید و احوط آن است که اگر بر زمین باشد و تواند مانند سجده نماز بر هفت عضو سجده کند و پیشانی را بر چیزی گذارد که در نماز بر آن می‌گذارد و افضل آنست که برخلاف سجده نماز دستها را بر زمین بخواباند و شکم را بر زمین برساند و سنت است که اول پیشانی را بر زمین گذارد پس طرف راست رو را پس طرف چپ رو را پس باز پیشانی را بر زمین گذارد و به این سبب دو سجده شکر می‌گویند و ظاهراً بدون ذکر نیز به عمل می‌آید و سنت است که ذکر بکند و بهتر آن است که از اذکار و ادعیه باشد که مذکور خواهد شد و مستحب است که این سجده را طول دهد چنانچه منقولست که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام بعد از طلوع صبح سجده می‌کرد تا وقت زوال و بعد از عصر تا شام و در حدیث دیگر وارد شده که آن حضرت زیاده از ده سال هر روز بعد از طلوع آفتاب تا وقت زوال در سجده بودند و به سند صحیح منقولست که حضرت امام رضا علیه السلام آنقدر در سجود می‌ماند که سنگ ریزه مسجد از عرق او تر می‌شد و دو طرف روی خود را بر زمین مسجد می‌چسبانید و در رجال کشی مذکور است که فضل بن شاذان به نزد ابن ابی عمیر آمد و او در سجده بود و سجده را بسیار طول داد چون سر برداشت و طول سجده او را مذکور ساختند گفت اگر سجود جمیل بن درّاج را می‌دیدید سجود مرا طویل نمی‌شمردید و گفت روزی به نزد جمیل رفتم و او سجده را بسیار طول داد چون سر برداشت من گفتم که سجده را طول دادید گفت که اگر طول سجده معروف بن خَرّ بوز را می‌دیدید سجده مرا سهل می‌شمردی و ایضاً از فضل بن شاذان روایت کرده است که حسن بن علی بن فضال به صحرا می‌رفت برای عبادت و سجده را چندان طول می‌داد که مرغ می‌آمد و بر پشتش می‌نشست به گمان آنکه جامه‌ای است افتاده و وحشیان بر دور او چرا می‌کردند و از او وحشت نمی‌کردند و ایضاً روایت کرده است که علی بن مهزیار (ره) چون آفتاب طلوع می‌کرد به سجده می‌رفت و سر بر نمی‌داشت تا برای هزار نفر از برادران خود دعا می‌کرد مثل آنچه از برای خود دعا کرده بود و بر پیشانی او پینه بود مانند زانوی شتر از بسیاری طول سجود و ایضاً روایت کرده است که ابن ابی عمیر بعد از نماز صبح به سجده شکر سر می‌گذاشت و بر نمی‌داشت مگر وقت ظهر و افضل آنست که سجده شکر بعد از جمیع تعقیبات باشد و پیش از نوافل و در نماز مغرب اکثر گفته‌اند که بعد از نوافل بجا آورد و بعضی پیش از نوافل گفته‌اند و ظاهراً هر دو خوبست و پیش از نوافل بجا آوردن افضل است چنانچه حمیری از حضرت صاحب الزمان علیه السلام روایت کرده است و اگر هر دو را به عمل آورد شاید بهتر باشد اما دعاهای این سجده بسیار است و آسانتر آنها این چند امر است اول به سند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که اگر خواهی صد مرتبه شُکراً شُکراً بگو و اگر خواهی صد مرتبه

و پناه می‌برم به تو از آتشی که تازه‌اش کهنه نگردد و پناه می‌برم به تو از آتشی که تشنه‌اش سیراب نگردد

وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ مَسْلُوبُهَا لَا يُكْسِي × پنجم ایضاً کلینی به سند معتبر روایت

و پناه برم به تو از آتشی که هر که در آن برهنه گردد پوشانده نشود * * * * *

کرده است که شکایت کرد مردی به حضرت صادق علیه السلام که امّ ولدی دارم و او علیل است حضرت فرمود که به او بگو بعد از هر نماز واجب در سجده شکر بگوید :

يَا رَوْفُ يَا رَحِيمُ يَا رَبِّ يَا سَيِّدِي × پس حاجت خود را بطلبد ششم در روایات

ای بنده‌نواز ای مهربان ای پروردگار ای آقای من * * * * *

معتبره بسیار منقولست که حضرت صادق و کاظم علیهما السلام در سجده شکر بسیار می‌فرمودند :

* * * * *
* * * * *

أَسْأَلُكَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَالْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَابِ × هفتم به سند صحیح از

از تو خواهم آسودگی هنگام مرگ و گذشت هنگام حساب * * * * *

حضرت صادق علیه السلام مرویست که در سجده می‌گفتند: سَجَدَ وَجْهِي لِلَّيْمِ لَوْجِهِ رَبِّي

* * * * * سجده کند روی

پست من برای روی بزرگوار

الْكَرِيمِ × هشتم در بعضی از کتب معتبره از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده که

پروردگرم * * * * *
* * * * *

بهترین سخنان نزد حق تعالی آن است که بنده در سجده سه مرتبه بگوید: إِنِّي ظَلَمْتُ

* * * * *

* * * * * من به خویشتن ستم

نَفْسِي فَأَغْفِرْ لِي × نهم در جعفریات به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده

کردم پس بیامرم * * * * *
* * * * *

است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله چون سر به سجده می‌گذاشت این دعا را می‌خواند: اَللّٰهُمَّ

* * * * *

* * * * * خدايا

مَغْفِرُكَ أَوْسَعُ مِنْ ذُنُوبِي وَرَحْمَتُكَ أَلَرَجِي عِنْدِي مِنْ عَمَلِي فَاغْفِرْ لِي

دامنه آمرزشت وسیع تر از گناهان من است و پرتو رحمت امیدوار کننده تر از عمل من است پس بیامرز

ذُنُوبِي يَا حَيُّ لَا يَمُوتُ × دهم قطب راوندي از حضرت صادق عليه السلام روايت کرده است که

* * * * * گناهانم را اي زنده اي که نميرد

* * * * *

هرگاه تو را شدتي و غمي عارض شود و به نهايت برسد سجده کن بر زمين و بگو: يا مُدِلَّ

* * * * *

* * * * * اي خوار کننده

كُلِّ جَبَّارٍ يَا مُعِزَّ كُلِّ ذَلِيلٍ قَدْ وَحَقَّكَ بَلَغَ مَجْهُودِي فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

هر سرکش اي عزت بخش هر خوار و ذليل به حق خودت سوگند که طاقتم طاق شد پس درود فرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَفَرِّجْ عَنِّي × و در عده الداعي از آن حضرت روايت کرده است که هرگاه به

* * * * * محمد و گره از کارم بگشا

* * * * *

مردي نازله يا امر شديدی يا کربى و غمى نازل شود زانوها و دستهاي خود را تا مَرْفَقُ برهنه کند و بر زمين بچسباند

و سينه خود را بر زمين برساند و حاجت خود را طلب کند. يازدهم ابن بابويه به سند معتبر از حضرت صادق عليه

السلام روايت کرده است که هرگاه بنده در سجده سه مرتبه بگويد :

يَا اللَّهُ يَا رَبَّاهُ يَا سَيِّدَاهُ خداوند کریم جواب او گوید لَبَّيْكَ بنده من

* * * * * خدايا پروردگارا سرورا

حاجت خود را بطلب و در مکارم الأخلاق روايت کرده است که هر که در سجده بگويد يا رَبَّاهُ يا سَيِّدَاهُ آنقدر که

نفس منقطع شود حق تعالى فرمايد که حاجت خود را بخواه. دوازدهم در مکارم الأخلاق از حضرت صادق عليه السلام

روايت کرده است که حضرت رسول صلي الله عليه وآله به مردی گذشت و او در سجده بود می گفت: يا رَبُّ مَاذَا عَلَيَّكَ

* * * * *

* * * پروردگارا چه می شود بر تو

أَنْ تُرْضِيَ عَنِّي كُلَّ مَنْ كَانَ لَهُ عِنْدِي تَبِعَةٌ وَأَنْ تُغْفِرَ لِي ذُنُوبِي وَأَنْ تُدْخِلَنِي

اگر از من راضي کنی هر که را که از او پيش من حقي است و اينکه بيا مرزي گناهانم را و مرا به رحمت

الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ فَأَكْمَأَعُوكَ عَنِ الظَّالِمِينَ وَأَنَا مِنَ الظَّالِمِينَ فَلْتَسْعُنِي

خویش وارد بهشت گردانی زیراگذشت تو شامل حال ستمکاران می شود و من هم از ستمکارانم و باید

رَحْمَتُكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

رحمت تو مرا هم فرا گیرد ای مهربانترین مهربانها

پس حضرت فرمود که سر بردار که دعایت مستجاب شد بدرستی که دعای پیغمبری را خواندی که در زمان قوم عاد بود مؤلف گوید که ما در مفاتیح در ضمن اعمال مسجد کوفه و مسجد زید بعضی دعاها نقل کردیم که در سجده خوانده می شود و شیخ طوسی در مصباح المتهجد در ذکر سجده شکر فرموده و مستحب است که دعا کند از برای برادران خود در سجده پس بگوید :

اَللّٰهُمَّ رَبَّ الْفَجْرِ وَاللَّيَالِي الْعَشْرِ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ وَاللَّيْلِ

* * * * * خدایا ای پروردگار سپیده دم و شبهای ده گانه و شفع و وتر (و پروردگار)

شب

اِذَا يَسِرُ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ وَآلَهُ كُلُّ شَيْءٍ وَخَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِكُ كُلِّ شَيْءٍ

هنگامی که بگذرد و پروردگار همه چیز معبود همه چیز و آفریننده همه چیز و مالک هر چیز

صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَفْعَلُ بِي وَبِفُلَانٍ وَفُلَانٍ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَلَا تَفْعَلْ بِنَا مَا

درود فرست بر محمد و آل او و انجام ده درباره من و فلانی و فلانی آنچه را تو شایسته آنی و انجام مده درباره ما آنچه را

نَحْنُ أَهْلُهُ فَإِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ × و چون سر از سجده برداشتی

* * * * * ما سزاوار آنیم زیرا که تو اهل تقوی و اهل آمرزشی

می مالی دست خود را بر موضع سجود خود و می مالی بصورت خود از طرف چپ صورت پس می مالی به پیشانی

پس به جانب راست سه مرتبه و در هر مرتبه می گوئی :

اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

خدایا از آن تو است ستایش معبودی نیست جز تو دانای غیب و شهود بخشاینده مهربان

اَللّٰهُمَّ أَذْهَبْ عَنِّي الْهَمَّ وَالْحَزْنَ وَالْغَيْرَ وَالْفِتْنَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ

خدایا دور کن از من اندوه و غم و دگرگوئیها و آشوبها را آنچه آشکار است و آنچه پنهان

فصل دویم

در مختصري از اعمالی که متعلق به مابین طلوع آفتاب و غروب آنست. چون آفتاب خواهد طلوع کند مي خوانی در آن وقت دعاهايي را که در فصل پنجم خواهد آمد انشاء الله تعالى و سزاوار است که در ابتدای روز تصدقي دهی اگر چه چیز کمی باشد و آنکه پیش از ظهر مهیا شوي براي نماز ظهر و مقدم داری خواب قیلوله را و خواب قیلوله معین است براي عبادت در شب و روزه روز و جد و جهد مي کنی که براي ظهر بیدار شوي پس وضو مي گيري و مي روي به جانب مسجد و نماز تحیت مسجد را بجا مي آوري و منتظر دخول وقت مي شوي اگر وقت داخل نشده و مستحب است آنکه نماز در اول وقت خوانده شود و چون زوال محقق شد اول کاري که مي کنی آنست که مي گوئي :

سُبْحَانَ اللَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا وَلَمْ

منزه است خدا و معبودي جز خدا نیست و ستایش خاص خدائي است که نگرفته همسري و نه فرزندی و نیست

يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ وَكَبِيرُهُ تَكْبِيرًا

برایش شریکی در فرمانروائی و نیست برایش سرپرستی از خواری و به بزرگی او را تکبیر گوي

و روایت شده که حضرت امام محمد باقر علیه السلام به محمد بن مسلم فرمود که محافظت کن بر این چنانکه محافظت مي کنی بر چشمهاي خود و اگر با وضو نیستی مبادرت کن به وضو گرفتن و آدابی که در سابق ذکر شد به عمل مي آوري پس شروع مي کنی به خواندن نوافل ظهریه و آنها هشت رکعت است پس نیت مي کنی از براي دو رکعت اول و هفت تکبيري که در سابق ذکر شد با دعاهايش بجا مي آوري و کلمه استعاذه را مي گوئي و مي خوانی سوره حمد و توحید در رکعت اول و سوره حمد «وَقُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» در رکعت دویم و بعد از فراغ از این دو رکعت سه تکبيري که در تعقیبات ذکر شد با تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام مي گوئي پس مي خوانی :

اَللّهُمَّ اِنِّي ضَعِيفٌ فَقَوِّ فِي رِضَاكَ ضَعْفِي وَخُذْ اِلَيَّ الْخَيْرَ بِنَاصِيَتِي

* * * * * خدایا من ناتوانم پس تقویت کن در خوشنودي خود ناتوانی مرا و مهارم را بسوي کار خیر بکش

وَاجْعَلِ الْاِيْمَانَ مُنْتَهٰی رِضَايَ وَبَارِكْ لِيْ فِیْمَا قَسَمْتَ لِيْ وَبَلِّغْنِيْ بِرَحْمَتِكَ

و ایمان را حد آخر خوشنودي من در زندگی قرار ده و برکت ده برایم در آنچه روزیم کرده ای و به رحمت

كُلِّ الَّذِي اَرْجُو مِنْكَ وَاجْعَلْ لِيْ وُدًّا وَسُرُورًا لِلْمُؤْمِنِيْنَ وَعَهْدًا عِنْدَكَ

مرا به تمامی آنچه از تو امید دارم برسان و قرار ده برایم محبت و شادمانی برای مؤمنان و پیمانی در پیش تو

پس برمي خيزي و دو رکعت دیگر به جا مي آوري به همین طریق مگر آنکه شش تکبیر افتتاح را نمي گوئي و نیز

برمي خيزي و دو رکعت دیگر به همین کیفیت بجا مي آوري و تسبیح و دعای مذکور را در عقب این چهار رکعت نیز

مي خوانی و دو رکعت دیگر از این نوافل را مابین اذان و اقامه مي کنی و بعد از اقامه نماز مي گوئي :

اَللّٰهُمَّ رَبَّ هَذِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ وَالصَّلَاةِ الْقَائِمَةِ بَلِّغْ مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

خدایا ای پروردگار این دعوت تام و تمام و نماز برپا شده، برسان محمد صلی الله علیه

وآله الدَّرَجَةِ وَالْوَسِيلَةَ وَالْفَضْلَ وَالْفَضِيلَةَ بِاللّٰهِ اسْتَفْتَحُ وَبِاللّٰهِ اسْتَنْجِحُ

و آله را به درجه و وسیله و برتری و فضیلت بوسیله خداوند افتتاح نماز کنم و بوسیله خدا کامیابی جویم

وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اتَّوَجَّهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

و به محمد صلی الله علیه و آله رو کنم خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد

وَاجْعَلْنِيْ بِهِمْ عِنْدَكَ وَجِيْهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِيْنَ * پس مشغول

و قرارم ده به برکت ایشان در نزد خود از آبرومندان در دنیا و آخرت و از مقربان درگاهت * * * * *

شو به خواندن نماز ظهر و مراعات می کنی آنچه را که در نماز صبح مذکور شد و در اینجا در ماسوای بسم الله آهسته

بخوان و بهتر آنکه بخوانی در رکعت اول بعد از حمد سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ را و در رکعت دوم سوره توحید را و چون دو

رکعت از آن را خواندی و از تشهد فارغ شدی می گوئی بعد از صلوات تشهد :

وَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ وَاَرْفَعْ دَرَجَتَهُ

و بپذیر شفاعت او را و بالا بر درجه اش را

* پس برخیز و بخوان تسبیحات اربع را سه مرتبه و اگر اضافه کنی استغفاری قربه الی الله نیز خوبست پس رکوع و

سجود را بجا آور به همان آدابی که در سابق به شرح رفت پس برخیز از رکعت سیم و رکعت چهارم را نیز به همین کیفیت

بجا آور پس تشهد و سلام بخوان پس از نماز شروع می کنی به خواندن تعقیب و آن سه تکبیری که در اول تعقیبات بود

می گوئی پس می خوانی لا اله الا الله اِلَهاً واحِداً تا آخر دعا که سابق مذکور شد پس تسبیح زهرا علیها السلام را می گوئی

و می خوانی آنچه خواهی از تعقیبات مشترکه که بعد از نماز صبح می خواندی پس می خوانی تعقیبات مختصه نماز ظهر را

و آنها بسیار است و ما بعضی از آنها را در هدیه و مفاتیح ذکر نمودیم و این مختصر گنجایش ذکر ندارد پس سجده شکر

بجا می آوری و چون از تعقیب نماز ظهر فارغ شدی مهیا می شوی به جهت نماز عصر پس بجا می آوری نافله آن را و آن

نیز هشت رکعتست و بعد از فراغ از نوافل نماز عصر بجا می آوری به همان آداب که مذکور شد و سزاوار است آنکه

بخوانی در رکعت اول بعد از حمد سوره «اِذَا جَاءَ یَا سُوْرَةُ اَلْهِیْکُمْ التَّکْوِيْنُ» یا امثال آن را و در رکعت دوم می خوانی سوره

توحید را و بعد از فراغ از نماز می خوانی از تعقیبات مشترکه آنچه را که بخوایی پس به عمل می آوری آنچه را که مختص

به نماز عصر است که از جمله هفتاد مرتبه استغفار و ده مرتبه سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ است پس سجده شکر بجا می آوری و چون

خواستی از مسجد بیرون آئی این دعا را می خوانی :

و کفایت از روزی را به رحمت

* * * * *
 * شام کرد ستم و ظلم من که

وَجَلَّلَنِي كَرَامَتِكَ وَقِنِي شَرَّ خَلْقِكَ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ

يَا مَنْ خَتَمَ النُّبُوَّةَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اخْتَمَ لِي فِي يَوْمِي هَذَا بَخِيرٌ

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا

همانا خدا و فرشتگانش درود فرستند بر پیغمبر ای کسانی که ایمان آورده‌اید درود فرستید بر او و تحیت

تَسْلِيمًا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَعَلَى ذُرِّيَّتِهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ × و هفت

کامل خدایا درود فرست بر محمد پیامبر محترم و بر فرزندان و بر خاندانش * * *

مرتبه می گوئی: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ

* * * * * به نام خدای بخشاینده مهربان جنبش و نیروئی نیست جز بوسیله خدای والا

الْعَظِيمِ پس سه مرتبه می گوئی: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ وَلَا يَفْعَلُ مَا

و بزرگ × × × × × ستایش خاص خدائی است که می کند آنچه را خواهد و غیر او نتواند بکند

يَشَاءُ غَيْرُهُ × پس می گوئی: سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي جَمِيعاً

آنچه را خواهد × × × × × منزهی تو معبودی جز تو نیست پیامرز همه گناهانم را

فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ كُلَّهَا جَمِيعاً إِلَّا أَنْتَ × و اگر دوست داشته باشی که تعقیب

زیرا نیامرزد همه گناهان را به تمامی جز تو * * * * *

بیشتر از این بخوانی افضل آنست که بعد از نافله مغرب بخوانی پس بر می خیزی به جهت خواندن نافله و آن چهار

رکعت است به دو سلام و مکروه است تکلم مابین نماز مغرب و نافله آن و می خوانی در رکعت اول سوره «قُلْ يَا أَيُّهَا

الْكَافِرُونَ» و در رکعت دوم توحید و در دو رکعت دیگر هر سوره که خواسته باشی و سزاوار است که در رکعت سیم

بخوانی اول سوره حدید تا «عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» و در رکعت چهارم آخر سوره حشر «لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ» تا آخر سوره

و اگر به حمد تنها بخوای اکتفا کنی جایز است مثل سایر نوافل و سزاوار است بلند خواندن قرائت در آن و هم چنین در

سایر نافله های شب پس چون از نافله مغرب فارغ شدی مانعی نیست از آنکه بخوانی از تعقیبات مشترکه آنچه که

خواهی پس سجده شکر بجا می آوری بنحوی که در سابق گذشت و اقل چیزی که در سجده شکر مجزی است آنست که

بگوئی شُكْرًا شُكْرًا شُكْرًا و شیخ کلینی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود هرگاه از نماز مغرب

فارغ شدی دست بکش بر جبین خود و بگو سه مرتبه :

بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

به نام خدائی که معبودی نیست جز او عالم غیب و شهود بخشاینده و مهربان خدایا

اللَّهُمَّ أَذْهَبْ عَنِّي الْهَمَّ وَالْحَزْنَ

از من دور کن غم و اندوه را

و شایسته است آنکه بخوانی نماز غفیله را و کیفیت آن در مفاتیح و غیره مذکور است و چون شفق پنهان شود اذان و اقامه می‌گوئی از برای نماز عشاء به همان آدابی که در سابق گذشت پس شروع کن بخواندن فریضه عشاء با آداب و شرایط و سزاوار است آنکه طول دهی قنوت و تعقیب آن را زیرا که وقت وسعت دارد پس می‌خوانی در تعقیب دعاء مشترکه بین صبح و شام را پس از آن می‌خوانی دعاهاي مختصه به شام را و آنها بسیار است از جمله دعائی است که برای طلب روزی وارد شده و در مفاتیح نقل شده و مستحب است آنکه بخوانی هفت مرتبه سوره قدر را پس می‌گوئی:

اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَمَا

* * * * * خدایا ای پروردگار هفت آسمان

و آنچه

أَظْلَلْتُ وَرَبَّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَمَا أَقَلْتُ وَرَبَّ الشَّيَاطِينِ وَمَا أَصَلْتُ وَ

بر آن سایه افکنده و پروردگار هفت زمین و آنچه که بر پشت خود حمل نموده و پروردگار شیاطین و هرکه را گمراه کرده‌اند و

رَبَّ الرِّيَّاحِ وَمَا ذَرْتُ اللَّهُمَّ رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَالْهَ كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِكِ كُلِّ شَيْءٍ

پروردگار بادها و هرچه را پراکنده کننده ای خدا پروردگار هرچیز و معبود هر چیز و مالک هرچیز

أَنْتَ اللَّهُ الْمُقْتَدِرُ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ أَنْتَ اللَّهُ الْأَوَّلُ فَلَا شَيْءَ قَبْلَكَ وَأَنْتَ الْآخِرُ

توئی خدای توانای بر هر چیز توئی خدای نخست که چیزی پیش از تو نبود و توئی خدای پایان

فَلَا شَيْءَ بَعْدَكَ وَأَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَا شَيْءَ فَوْقَكَ وَأَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَا شَيْءَ

که چیزی پس از تو نخواهد بود و توئی آشکار که نیست چیزی فوق تو و توئی درون که نیست چیزی

دُونَكَ رَبَّ جِبْرِئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ وَالْهَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ

بعد از تو ای پروردگار جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و خدای ابراهیم و اسماعیل و اسحاق

وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ اسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَوْلَانِي

و یعقوب و اسباط او از تو خواهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد و مرا

بِرَحْمَتِكَ وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ مِمَّنْ لَا طَاقَةَ لِي بِهِ اللَّهُمَّ إِنِّي

به رحمت خویش سرپرستی کنی و مسلط مگردانی بر من هیچکس از خلقت را از آن کسانی که من طاقت مقابله‌شان

ندارم خدایا

أَتَحَبَّبُ إِلَيْكَ فَحَبِّبْنِي وَفِي النَّاسِ فَعَزَّزْنِي وَمِنْ شَرِّ الشَّيَاطِينِ الْجِنِّ

من به تو دوستی ورزم پس دوستم دار و در میان مردم عزیزم گردان و از شر شیاطین جن

وَالْأُنْسِ فَسَلِّمْنِي يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ X پس دعا می کنی

و انس محفوظم بدار ای پروردگار جهانیان و درود فرست بر محمد و آلش * * * * *

به آنچه دوست می داری پس سجده شکر بجا می آوری پس نماز و تیره را بجا می آوری و آن دو رکعت نافله نشسته است بعد از نماز عشاء و مستحب است آنکه در این نماز خوانده شود صد آیه از قرآن و خوبست آنکه در رکعت اول بعد از حمد خوانده شود سوره واقعه و در دویم سوره توحید و می خوانی بعد از سلام هر دعایی که خواستی و چون خواستی بخوابی سزاوار است که مہیای موت شوی و با طهارت باشی و توبه از گناهان نمایی و قلب خود را از هموم دنیا فارغ سازی و یاد کنی وقت مرگ و خوابیدن در لحد را تنها و بی کس و وصیت خود را نوشته در زیر و ساده خود گذاری و عازم باشی بر آنکه برای نماز شب برخیزی زیرا که فخر مؤمن و زینت او در دنیا و آخرت نماز در آخر شب است و می خوانی در وقت خوابیدن سوره قل هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و سوره اَلْهَيْكُمُ التَّكْوِيْنُ و آیه الكرسي را پس سه دفعه می خوانی :

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلاَقَقَهُرَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَطَّنَ فَخْبَرَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَلَكَ

ستایش مخصوص خدائی است که برتر و غالب است در درون و آگاه است و ستایش خاص خدائی است که فرمانروا است

فَقَدَرَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُحْيِي الْمَوْتِي وَيُمِيتُ الْأَحْيَاءَ وَهُوَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

و اندازه گیرد و ستایش مخصوص خدائی است که زنده کند مردگان را و بمیراند زندگان را و او بر هر چیز توانا است

* پس می گویی تسبیح حضرت زهراء علیها السلام را و می خوابی بر طرف راست به هیئت میّت که در قبر گذاشته می شود اما خوابیدن به هیئت محتضر شیخ ما ثقة الاسلام نوری در دارالسلام فرموده که نیافتم آنرا در هیچ خبر و اثری بلی غزالی آنرا ذکر کرده و شک نیست که رشد در خلاف اوست انتهی و اگر خواستی آنکه بیدار شوی از برای نماز شب یا غیر آن و بررسی از غلبه خواب می خوانی آخر سوره کهف را که این آیه است :

قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحِي إِلَيَّ إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ

بگو جز این نیست که من بشری هستم مانند شما که به من وحی شود و جز این نیست که خدای شما خدای یگانه است پس هر که امید

رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا X و روایت شده از حضرت

لقاء پروردگارش را دارد باید عمل شایسته کند و هیچکس را در پرستش پروردگارش شریک نکند * * * * *

أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ الَّتِي لَا يَجَاوِزُ هُنَّ بَرٌّ

وَلَا فَاجِرٌ مِنْ شَرٍّ مَازَرَهُ وَمِنْ شَرِّ مَا بَرَأَ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا

ان رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ x و اگر از احتلام ترسی این دعا را بخوان: اللَّهُمَّ إِنِّي

أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْأَحْتِلَامِ وَمِنْ شَرِّ الْأَحْلَامِ وَمِنْ أَنْ يَتَلَاعَبَ بِيَ الشَّيْطَانُ فِي

الْيَقِظَةُ وَالْمَنَامُ × و اگر بترسی از خراب شدن خانه و مکانی که در آنجا می‌خوابی پس

* * * * *

* * * * * همانا خدا ننگه می‌دارد آسمانها و زمین را که از جای خود بدر روند و اگر

انْ اَمْسِكْهُمَا مِنْ اَحَدٍ مَنْ بَعْدَهُ اِنَّهُ كَانَ حَلِيماً غَفُوراً وَاِذَا رَآكَ مِنْ اَعْيُنِنَا صَدَقَ بِمَا نَزَّاهُ وَاِذَا رَآكَ مِنْ اَعْيُنِنَا صَدَقَ بِمَا نَزَّاهُ

بنی اسرائیل را بخوان کہ اوّلش این است: قُلْ اَدْعُوا اللّٰهَ اَوْ اَدْعُوا الرَّحْمٰنَ و در وقت خواب سرمه بکش هفت میل چهار

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّيَ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فِي بَصَرِي وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي

1127

وَالْيَقِينَ فِي قُلُوبِي وَالْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي وَالسَّلَامَةَ فِي نَفْسِي وَالسَّعَةَ فِي

و یقین در دلم و اخلاص در کارم و تندرستی در جانم و فراخی در

رِزْقِي وَالشُّكْرَ لَكَ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * و سزاوار است

روزیم و سپاسگزاری همیشگی تو را تا زنده‌ام براستی تو بر هر چیز توانائی * * * * *

آنکه ترك کنی خواب بَيْنَ الطُّلُوعَيْنِ و خواب بعد از عصر را و چون خواستی بخوابی چراغ را خاموش می‌کنی و رو به قبله می‌خوابی و در بامی که اطرافش دیوار نداشته باشد نمي خوابی و خوابی که دیدی برای هرکس نقل مکن مگر آنکه عالم و ناصح و مهربان باشد .

فصل چهارم در برخاستن از خواب و نماز شب خواندن

بدانکه روایات بسیار وارد شده است از اصحاب عصمت علیهم السلام در باب برخاستن شب و بیان فضیلت آن و روایت شده که آن شرف مؤمن است و آنکه نماز شب باعث صحت بدن و کفاره گناهان روز و برطرف کننده وحشت قبر است رُوي را سفید و بُوي را پاکیزه و روزی را جَلْب می‌نماید و آنکه مال و پسران زینت حیات دنیايند و هشت رکعت نماز در آخر شب با نماز وتر زینت آخرت است و گاهی حق تعالی جمع می‌فرماید این دو زینت را برای بعضی از مردمان و آنکه دروغ گفته کسی که بگوید من نماز شب می‌کنم و روز گرسنگی می‌برم زیرا که نماز شب ضامن روزی روز است و از حضرت صادق علیه السلام روایت است که فرموده بود در وصیت رسول خدا به عليٍّ عَلَيْهِمَا وَالْهِمَا السَّلَامُ یا علي وصیت می‌کنم ترا در باب نفس خودت به چند خصلت پس حفظ کن آنها را بعد از آن فرمود خداوندا یاری کن او را و ذکر فرمود جمله‌ای از خصلتها تا اینکه فرمود :

وَعَلَيْكَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ وَ عَلَيْكَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ وَ عَلَيْكَ

بر تو باد به خواندن نماز شب و بر تو باد به خواندن نماز شب و بر تو باد

بِصَلَاةِ الزَّوَالِ وَ عَلَيْكَ بِصَلَاةِ الزَّوَالِ وَ عَلَيْكَ بِصَلَاةِ الزَّوَالِ

به خواندن نماز زوال و بر تو باد به خواندن نماز زوال و بر تو باد به خواندن نماز زوال

* و ظاهر اینست که حضرت اراده کردند به نماز شب سیزده رکعت را و به نماز زوال هشت رکعتی که نافله زوال است و از انس روایت است که گفت شنیدم حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود دو رکعت نماز در دل شب بهتر است بسوی من از دنیا و آنچه در دنیا است و روایت شده که از امام زین العابدین علیه السلام سؤال کردند که چه شده که کسانی که در شب تهجد می‌کنند رویشان از همه کس نیکوتر است فرمود برای آنکه ایشان خلوت می‌کنند با خدا حق

تعالی می‌پوشاند به ایشان از نور خویش و بالجمله روایات در این باب بسیار است و مکروه است ترك برخاستن شب و شیخ بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود نیست بنده‌ای مگر اینکه بیدار می‌شود در هر شب يك مرتبه یا دو مرتبه یا چند مرتبه پس اگر برخاست که برخاست و اگر نه می‌گشاید شیطان میان پاهای خود را پس بول می‌کند در گوش او آیا نمی‌بیند آن کسی که برنخاسته است از برای نماز شب صبح که برمی‌خیزد گران و مکدر و سنگین و کسل است و شیخ برقی به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود از برای شب شیطانی است که او را رها می‌گویند پس هرگاه بنده‌ای از خواب بیدار شود و اراده کند برخاستن برای نماز شب را آن شیطان به او گوید حالا وقت برخاستن تو نیست پس دفعه دیگر که بیدار شود و خواهد برخیزد آن شیطان گوید که وقت برخاستن نشده یعنی زود است پس پیوسته او را از برخاستن زایل کند و حبس کند او را تا فجر طلوع کند و چون فجر طالع شود بول کند در گوش او آن وقت بگذرد از او در حالیکه دُم خود را می‌جنباند از ناز و بخود می‌بالد و ابن ابی جمهور از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که آن حضرت روزی به اصحاب خود فرمود که احدی از شما هرگاه خوابید شیطان گره می‌زند بر پس سر او سه گره بزند مکان هر گرهی عَلَیْكَ لَیْلٌ طَوِيلٌ فَأَرْقُدْ یعنی شبت دراز است بخواب پس هرگاه بیدار شد و ذکر خدا کرد يك گره گشوده شود و اگر وضوء گرفت يك گره دیگر گشوده گردد و اگر نماز خواند يك گره دیگر گشوده گردد پس داخل صبح شود به حال نشاط پاکیزه نفس والا صبح کند خبیث النفس کسلان و این روایت در کتب اهل سنت نیز مذکور است و قطب راوندی روایت کرده از امیرالمؤمنین علیه السلام که فرمود طمع مکن در سه چیز با سه چیز طمع مکن در بیداری شب با پر خوردن و در نور صورت با خوابیدن در جمیع شب و در امان از دنیا با صحبت فُسَّاق و نیز قطب راوندی روایت کرده که حضرت عیسی علیه السلام صدا زد مادر خود مریم علیه السلام را بعد از مردنش و گفت ای مادر با من تکلم کن آیا می‌خواهی به دنیا برگردی گفت بلی برای آنکه نماز گذارم برای خدا در شب بسیار سرد و روزه بگیرم در روز بسیار گرم ای پسر جان من این راه بیمناک است .

و اما کیفیت نماز شب

بنحو آسان و مختصر که همه کس بتواند بجا آورد انشاء الله تعالی آنست که چون از خواب برخاست سجده کند برای خداوند تعالی و نیکو است در این حال یا در حال برداشتن سر از سجده بگوید :

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانِي بَعْدَ مَا أَمَاتَنِي وَإِلَيْهِ التُّشُورُ الْحَمْدُ لِلَّهِ

ستایش خاص

الَّذِي رَدَّ عَلَى رُوحِي لِأَحْمَدَهُ وَأَعْبَدَهُ × و چون برخاست و ایستاد بگوید: اَللّٰهُمَّ

خدائی است که روحم را به من بازگرداند تا ستایش و پرستش کنم ×××××××××× خدا یا

أَعْنَى عَلَى هَوْلِ الْمُطَّلَعِ وَوَسَّعَ عَلَى الْمَضْجَعِ وَارْزُقْنِي خَيْرَ مَا بَعْدَ الْمَوْتِ

یاریم ده بر هراس روز قیامت و فراخ گردان بر من آرامگاه قبرم را و خیر و خوبی پس از مرگ را روزی ما گردان

* و چون صدای خروس شنید بگوید: سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ

* * * * * بسیار منزه و بسیار پاکیزه است بر وردگار

فرشتگان و روح (جبرئیل)

سَبَقَتْ رَحْمَتُكَ غَضَبَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَمِلْتُ سُوءً وَظَلَمْتُ نَفْسِي فَاعْفُرْ لِي

پیشی گرفته مهرت بر خشمتم معبودی نیست جز تو بد کرده‌ام و به خویشتم ستم کرده‌ام پس بیامرز مرا

اِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلَّا اَنْتَ فَتُبَّ عَلَيَّ اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيْمُ x و چون نگاه

* * * * * که برآستی نیامرزد گناهان را جز تو پس توبه ام بپذیر که همانا توئی توبه پذیر مهربان

* * * *

کند به اطراف آسمان بخواند: اَللّٰهُمَّ اِنَّهُ لَا يُوَارِي مِنْكَ لَيْلٌ سَاجٍ وَلَا سَمَاءٌ ذَاتُ

* * * * *
خدا یا براسق، نبوشاند چیزی را از تو شب تار و نه آسمان

أَبْرَاجٌ وَلَا أَرْضٌ ذَاتُ مِهَادٍ وَلَا ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ وَلَا بَحْرٌ لَّجِيٌّ

برج دار و نه زمین گسترده و نه تاریکیهای متراکم روی هم و نه دریای پرآب

تُدْلِجُ بَيْنَ يَدَيِ الْمُدْلِجِ مِنْ خَلْقِكَ تُدْلِجُ الرَّحْمَةَ عَلَى مَنْ تَشَاءُ مِنْ خَلْقِكَ

بروی شبانه در پیش شبروان خلق خویش و در شب، رحمت خویش را به هر که خواهی از خلق خود بدهی

تَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ غَارَتِ النُّجُومُ وَنَامَتِ الْعُيُونُ وَ

بدانی مهم خوردن دیدگان را و آنچه را در سینه‌ها است ستارگان فرو رفتند و دیدگان به خواب رفتند و

أَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُكَ سَنَةٌ وَلَا نَوْمٌ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ إِلَه

توئی زنده پاینده که نگیردت چرت و خواب منزه است خدا پروردگار جهانیان و معبود

الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ × پس بخواند پنج آیه آل عمران ان فی

جایز است اکتفا به حمد تنها و چنانکه سنت است قنوت در نمازهای واجبی سنت است نیز در هر رکعت دویم از نوافل و کافی است سه سُبْحَانَ اللَّهِ گفتن و یا آنکه گفته شود: اللَّهُمَّ اغْفِرْ

* * * * *

* * * * * خدایا ما را بیمارز و

لَنَا وَارْحَمْنَا وَاعْفُ عَنَّا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِنَّكَ عَلِيُّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ × و

به ما رحم کن و عافیت به ما بده و بگذر از ما در دنیا و آخرت که همانا تو بر هر چیز توانایی *

یا آنکه بگوید: رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَجَلُّ الْأَكْرَمُ

* * * * * پروردگارا بیمارز و رحم کن و درگذر از آنچه می دانی که براستی تویی عزیزتر از همه

و بزرگوارتر و گرامیتر

و روایت شده که حضرت امام موسی علیه السلام چون شب در محراب عبادت می ایستاد می خواند اللَّهُمَّ إِنَّكَ خَلَقْتَنِي سَوِيًّا وَ اَيْنَ دَعَاءٍ پَنَاجَهَمُ صَحِيفَه كَامِلَه است و چون فارغ شود از هشت رکعت نماز شب پس بجا می آورد دو رکعت نماز شفع و يك رکعت نماز وتر و می خواند در این سه رکعت بعد از حمد قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ تا به منزله آن باشد که يك ختم قرآن کرده باشد زیرا که سوره توحید ثلث قرآن است و یا آنکه بخواند در نماز شفع در رکعت اول حمد و قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ و در رکعت دوم حمد و قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ و چون از نماز شفع فارغ شد مستحب است آنکه بخواند اِلهِي تَعَرَّضْ لَكَ فِي هَذَا اللَّيْلِ الْمُتَعَرِّضُونَ و این دعائی است که در اعمال شب نیمه شعبان در مفاتیح الجنان مذکور شده و چون از دو رکعت شفع فارغ شد برمی خیزد به جهت يك رکعت وتر و می خواند در آن حمد و سوره توحید و یا آنکه می خواند بعد از حمد قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ سه مرتبه و مُعَوِّذَتَيْنِ یعنی قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ و قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ پس دست برمی دارد برای قنوت و دعا می خواند آنچه بخواهد شیخ طوسی فرموده که دعاهائی که در این محل خوانده می شود از بسیاری احصا نمی شود و لکن چیز موقتی نیست که خلاف آن جایز نباشد و مستحب است که انسان در قنوت آن گریه کند از خوف خدا و ترس از عقاب خدا یا تباکی کند و دعا کند برای برادران مؤمن و مستحب است که ذکر شود چهل نفر پس بدرستی که کسی که دعا کند برای چهل مؤمن دعایش مستجاب می شود انشاء الله و دعا کند به آنچه خواسته باشد و شیخ صدوق در فقیه فرموده که

حضرت رسول صلی الله علیه وآله در قنوت و ترمی خواند: اللَّهُمَّ اهْدِنِي فِيمَنْ هَدَيْتَ وَ عَافِنِي فِيمَنْ عَافَيْتَ

* * * * * خدایا راهنمایی کن در زمره آنانکه راهنمایی کردی و تندرستیم ده

در آنانکه تندرستی دادی

وَتَوَلَّى فِيمَنْ تَوَلَّيْتَ وَبَارِكْ لِي فِيمَا أَعْطَيْتَ وَفَنِي شَرًّا مَا قَضَيْتَ فَأَنْتَ

و سرپرستیم کن در آنانکه سرپرستی کردی و مبارک گردان برایم در آنچه عطا کردی و نگهمدار از شر آنچه مقدر کرده‌ای

تَقْضِي وَلَا يَقْضِي عَلَيْكَ سُبْحَانَكَ رَبَّ الْبَيْتِ اسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ وَ

تو حکمفرمایی و کسی بر تو حکم نکند منزهی ای پروردگار کعبه آمرزش از تو خواهم و بسویت توبه کنم و به تو ایمان آورم

أَوْ مِنْ بِكَ وَأَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ يَا رَحِيمٌ × و سزاوار است

و بر تو توکل کنم و هیچ جنبش و نیرویی نیست جز به تو ای خدای مهربان * * * * *

آنکه هفتاد مرتبه بگوید اسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ و سزاوار است که دست چپ را بدعاء بلند کرده باشد و استغفار را بدست راست بشمارد و روایت شده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله استغفار می‌کرد .

در نماز و تر هفتاد مرتبه و هفت مرتبه می‌گفت: هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ × و نیز

* * * * * این جایگاه پناه برنده به تو

است از آتش دوزخ * * * *

روایت شده که حضرت امام زین العابدین علیه السلام در سحر در نماز و تر سیصد مرتبه می‌گفت :

* * * * *
* * * * *

الْعَفْوُ الْعَفْوُ و بگوید بعد از این: رَبِّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَتُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ

گذشت خواهی گذشت خواهی × × × × × پروردگارا مرا بیامرز و به من رحم کن و توبه‌ام بپذیر که براستی

التَّوَابُ الْعَفْوُ الرَّحِيمُ × و سزاوار است آنکه طول دهد قنوت را و چون فارغ شد از

توبی توبه‌پذیر آمرزنده و مهربان * * * * *
* * * * *

قنوت به رکوع رود و چون سر از رکوع برداشت بخواند این دعا را که شیخ در تهذیب از حضرت

* * * * *
* * * * *

موسی بن جعفر علیه السلام نقل کرده: هَذَا مَقَامٌ مِنْ حَسَنَاتِهِ نِعْمَةٌ مِنْكَ وَ شُكْرُهُ ضَعِيفٌ وَ

* * * * * این جایگاه کسی است که نیکیهایی که کرده نعمتی است از تو و

سپاسش ناتوان و

ذَنْبُهُ عَظِيمٌ وَلَيْسَ لَذَلِكَ إِلَّا رَفُوكَ وَرَحْمَتُكَ فَإِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ

گناهش بزرگ است و در برابر آن جز مدارایی تو و رحمت چیزی نیست زیرا که تو در کتابی که از جانبیت

عَلَى نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ

بر پیامبر مرسلت صلی الله علیه و آله نازل شده فرمودی «آنان که اندکی از شب را می خفتند

وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ طَالَ هُجُوعِي وَقَلَّ قِيَامِي وَهَذَا السَّحَرُ وَأَنَا

و در سحرها ایشان آمرزش می خواستند» ولی خواب من به درازا کشید و بیداریم اندک شد اکنون سحر است و من

أَسْتَغْفِرُكَ لِذُنُوبِي أَسْتَغْفِرُ مَنْ لَا يَجِدُ لِنَفْسِهِ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا مَوْتًا وَلَا حَيَاةً

از تو آمرزش گناهم را خواهم آمرزش خواستن کسی که نیابد برای خویش سود و زیان و نه مرگ و زندگی

وَلَا تُشُورًا × پس به سجده رُود و نماز را تمام کند و بعد از سلام تسبیح زهراء علیها السلام بخواند

* * * * * و نه رستاخیزی

* * * * *

پس بگوید: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الصَّبَاحِ الْحَمْدُ لِلْفَالِقِ الْأَصْبَاحِ × و بگوید: سُبْحَانَ

* * * * * ستایش برای پروردگار بامداد ستایش برای شکافنده صبح × × × × × منزهی

رَبِّي الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ سه مرتبه پس بگوید: يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا بَرُّ

ای پروردگار فرمانروای پاکیزه و نیرومند فرزانه × × × × × ای زنده و ای پاینده و ای نیکوکار

يَا رَحِيمُ يَا غَنِيُّ يَا كَرِيمُ أَرْزُقْنِي مِنَ التَّجَارَةِ اعْظَمَهَا فَضْلًا وَأَوْ سَعَهَا رِزْقًا

ای مهربان ای بی نیاز ای بزرگوار روزی کن مرا از تجارت آنچه درآمد فروتنتر و روزیش وسیعتر

وَ خَيْرَهَا لِي عَاقِبَةً فَإِنَّهُ لَا خَيْرَ فِيمَا لَا عَاقِبَةَ لَهُ × و شایسته است که بخواند بعد

* * * * * و عاقبتش بهتر از همه باشد زیرا در آن چیزی که پایان خوبی نداشته باشد خیری نیست * * *

از این دعای حزین را أَنَا حَيْكَ يَا مَوْجُودًا فِي كُلِّ مَكَانٍ الخ پس به سجده رود و بگوید

* * * * * با تو راز گویم ای که در هر جا هستی * * * * *

* * * * *

پنج مرتبه سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ × پس بنشیند و بخواند

آیة الکرسی را دگر باره به سجده رود و ذکر سابق را پنج مرتبه بخواند پس برخیزد به جهت نافله صبح و آن دو رکعت است در رکعت اوّل بعد از حمد سوره «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» و در رکعت دوّم بعد از حمد سوره توحید بخواند و چون سلام داد بخوابد بر پهلوی راست رو به قبله به هیئت میّت در لحد و بگذارد گونه راست خود را بر روی دست راست و

گویی :

بدان اَيَّدَكَ اللهُ که تحریص و ترغیب بی شمار بر محافظت این دو وقت در آیات و اخبار شده است لهذا در این دو وقت ادعیه و اذکار بسیار از رسول خدا و ائمه اطهار صلوات الله علیهم اجمعین مأثور گردیده و ما در این رساله به ذکر مختصری از اینها تبرک می جوئیم اول ابن بابویه به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است که

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» و در محاسن برقي به سند صحيح منقول است از حضرت امام محمد باقر عليه السلام که حضرت رسول صلي الله عليه وآله به مردی گذشت که باغي برای خود غرس می کرد ایستاد و فرمود که می خواهی تو را دلالت کنم بر باغي که اصلش از این باغ ثابت تر و میوه اش زودرس تر و نیکوتر و باقی تر باشد گفت بلي یا رسول الله صلي الله عليه وآله فرمود که در صبح و شام بگو: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» که به عدد هر تسبیحی در بهشت درختها برای تو غرس می نمایند از انواع میوه ها و اینهاست باقیات صالحات که خدا در قرآن فرموده است که نیکوتر و باقی ترند از مال دنیا پنجم ابن بابویه به سند معتبر از حضرت امیر المؤمنین عليه السلام روایت کرده است که هر که نزدیک به شام یا بعد از شام سه مرتبه این آیه را بخواند در آن شب چیزی از او فوت نشود و جمیع شرور از او دور گردد و هم چنین است هرگاه در هنگام صبح بگوید و آیه این است :

فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَ حِينَ تُصْبِحُونَ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَوَاتِ

تنزیه کنید خدا را هنگامی که شام کنید و هنگامی که بامداد کنید و از آن اوست ستایش در آسمانها

وَالْأَرْضِ وَ عَشِيًّا وَ حِينَ تُظْهِرُونَ × ششم برقي در محاسن به سند موثق از

و زمین و شبانگاه و هنگامی که به نیمروز برسید * * * * *

حضرت امام رضا عليه السلام روایت کرده است که هر که در صبح سه مرتبه و در شام سه مرتبه بگوید :

* * * * *
* * * * *

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ × نترسد از

بنام خدای بخشنده مهربان جنبش و نیروی نیست جز به خدای والای بزرگ * * * * *

شیطان و نه از پادشاهی و نه از خُره و نه از پیسی و حضرت فرمود که من صد مرتبه می گویم و در تعقیب نماز صبح و شام هفت مرتبه نیز گذشت هفتم به سند معتبر از حضرت صادق عليه السلام منقول است که مردی از انصار چند روز به خدمت حضرت رسول صلي الله عليه وآله نرسید و حضرت از او پرسید که به چه سبب در این چند روز از ما غایب بودی گفت به سبب تنگدستی و طول بیماری فرمود می خواهی تو را دعائی تعلیم نمایم که چون بخوانی فقر و بیماری از تو زایل گردد گفت بلي یا رسول الله صلي الله عليه وآله فرمود که در صبح و شام این دعا بخوان :

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

جنبش و نیروی نیست جز بوسیله خدا توکل کردم بر خدای زنده ای که غیرد و ستایش خاص خدای است

الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِّنَ

* * * * * خوارى و به کمال بزرگى او را یاد کن
* * * *

که پیش از طلوع و غروب آفتاب ده مرتبه بگو: اَعُوْذُ بِاللّٰهِ السَّمِیْعِ الْعَلِیْمِ مِنْ هَمَزَاتِ

* * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *

یناه برم به خدای شنوای دانا از

الشَّيَاطِينِ وَأَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ يَحْضُرُونِ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ x و در بعضی

شیاطین و پناه برم به خدا از اینکه نزد من حاضر شوند همانا خداوند شنوا و دانا است * * * * *

از روایات چنین است: وَاعُوْذُ بِكَ رَبَّ اَنْ يَّحْضُرُوْنِ × ودر بعضی روایات: اَسْتَعِيْذُ

* * * * * و پناه به تو برم پروردگارا از اینکه نزد من حاضر شوند × × × × ×

× پناه جویم

بِاللّٰهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَاعُوْذُ بِاللّٰهِ اَنْ يَّخْضُرُوْنَ تا آخر

به خدای شنوای دانا از شیطان رانده درگاه و پناه برم به خدا از اینکه پیش من حاضر شوند * * * * *

نهم در فلاح السائل از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که چه مانع است شما را که در هر صبح و شام این دعا را سه مرتبه بخوانید :

اللَّهُمَّ مُغْلِبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ

خدایا ای گرداننده دها و دیده‌ها ثابت دار دل مرا بر دین خود و منحرف مساز دلم را پس از آنکه

هَدَيْتَنِي وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ وَأَجْرُنِي مِنَ النَّارِ

راهنماییم کردی و بیخس بر من از نزد خویش رحمتی که براستی تو بخشنده‌ای و پناهم ده از آتش

بِرَحْمَتِكَ اللَّهُمَّ اَمْدُدْهُ لِي فِي عُمْرِي وَ اَوْسِعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِي وَ اَنْشُرْ عَلَيَّ مِنْ

بِه رحمت خدایا زیاد کن در عمرم و در روزی من فراخی ده و بگستران بر من از

رَحْمَتِكَ وَ إِنْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي أُمِّ الْكِتَابِ شَقِيًّا فَاجْعَلْنِي سَعِيداً فَإِنَّكَ تَمْحُومٌ

رحمت و اگر نام من در پیش تو در نامه اصلی (لوح) بدبخت ثبت شده مرا خوشبخت قرار ده زیرا که تو هر چه را بخواهی

تَشَاءُ وَتُثْبِتُ وَعِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ × دهم شيخ طوسي و سید بن طاوس از حضرت

محو و هر چه را بخواهی ثبت کنی و اصل کتاب نزد تو است * * * * *

رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که هر که در صبح و شام «یک مرتبه» بگوید: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ

* * * * *

* مزه است خدا و به ستایشش

سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ حق تعالی ملکی بفرستد بسوی بهشت با بیلی از نقره که برای او در

خیزم مزه است خدای بزرگ * * * * *
* * * * *

زمین بهشت که از مشک ناب است درختان غرس کند و دیواری بر دور آنها بکشد و دري بر آن نصب کند و بر آن دربنویسد که این بستان فلان پسر فلان است و سید به روایت معتبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که هر که این تسبیح را بگوید در غیر مقام تعجب حق تعالی هزار گناه او را محو کند و هزار حسنه برای او ثبت نماید و هزار شفاعت برای او بنویسد و هزار درجه برای او بلند کند و برای او از این کلمه مرغ سفید خلق کند که تا روز قیامت این تسبیح را گوید و ثوابش برای او نوشته شود یازدهم قطب راوندي از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که صبح کند و چهار نعمت خدا را یاد نکند می ترسم که نعمت خدا از او زایل گردد :

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَرَفَنِي نَفْسَهُ وَلَمْ يُتْرَكْنِي عَمِيَانِ الْقَلْبِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

ستایش خدای را سزااست که خود را به من شناساند و مرا کوردل و امگدارد ستایش خدای را سزااست که

جَعَلَنِي مِنْ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ رِزْقِي فِي

مرا از امت محمد صلی الله علیه و آله قرارم داد ستایش خدای را سزااست که روزی مرا در

يَدِيهِ وَلَمْ يَجْعَلْ رِزْقِي فِي أَيْدِي النَّاسِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي سَتَرَ ذُنُوبِي وَ

اختیار خود قرار داد و قرار نداد روزیم را در اختیار مردم ستایش خدای را سزااست که گناهان و

عُيُوبِي فَلَمْ يَفْضَحْنِي بَيْنَ الْخَلَائِقِ یعنی سپاس خداوندي را سزااست که خود را به من

عیبهایم را پوشاند و در میان خلائق رسوایم نکرد * * * * *
* * * * *

شناسانید و مرا کور دل نگذاشت سپاس خداوندي را رواست که مرا از امت محمدصلي الله عليه وآله گردانید حمد ميکنم خداوندي را که روزي مرا خود متکفل شد و بدست مردم نگذاشت ستايش ميکنم خداوندي را که گناهان مرا پوشانید و مرا میان خلایق رسوا نگردانید دوازدهم در بلدالأمین از سلمان فارسي روايت کرده است که هر بنده که داخل صبح شود بگوید سه مرتبه :

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ حَقُّ تَعَالَى هَفْتادَنوع

ستایش خاص خدا پروردگار جهانیان ستایش برای خدا ستایش بسیار و پاک و مبارک * * * * *

بلازاو رفع کند که کمتر آنها اندوه باشد سیزدهم شيخ کلینی به سند معتبر از حضرت باقر علیه السلام روايت کرده

* * * * *
* * * * *

است که چون صبح کنی بگو: أَصْبَحْتُ بِاللَّهِ مُؤْمِنًا عَلَي دِينِ مُحَمَّدٍ وَسُنَّتِهِ وَدِينِ عَلِيٍّ

* * * * * بامداد کردم در حال ایمان به خدا و بر دین محمد و روش او و دین علي

وَسُنَّتِهِ وَدِينِ الْأَوْصِيَاءِ وَسُنَّتِهِمْ آمَنْتُ بِسِرِّهِمْ وَعَلَانِيَتِهِمْ وَشَاهِدِهِمْ وَ

و روش او و دین اوصیاء و روش آنها ایمان دارم به نهان و آشکارشان و حاضر و

غَائِبِهِمْ وَاعُوذُ بِاللَّهِ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ عَلِيٍّ

غاییشان و پناه برم به خدا از آنچه پناه جست از آن رسول خدا صلي الله عليه وآله و علي

عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالْأَوْصِيَاءُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَأَرْغَبُ إِلَى اللَّهِ فِيمَا رَغِبُوا إِلَيْهِ

عليه السلام و اوصیاء عليهم السلام و توجه کنم بسوي خدا در آنچه ایشان بسوي او توجه کردند

وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ × چهاردهم شيخ کلینی از حضرت امام محمد باقر علیه السلام

* * * * * و جنبش و نیروی نیست جز به خدا * * * * *
* * * * *

فضیلت بسیاری نقل کرده برای خواندن این دعا بعد از صبح پیش از طلوع آفتاب: اللَّهُ أَكْبَرُ

* * * * *

* * * * * خدا بزرگتر است

اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ كَثِيرًا

خدا بزرگتر است به کمال بزرگی و منزّه است خدا در بامداد و پسین و ستایش بسیار خاص خدا پروردگار جهانیان است

* * * * * که شریکی ندارد و درود خدا بر محمد و آتش *

* * * * *
* * * * *

* * * * * بنام خدای که زیان

* * * * * به چیزی در زمین و نه در آسمان و او است شنوای دانا * * * * *

مي خواند: اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اُشْهَدُكَ اَنْهُ مَا اَمْسٰى وَ اَصْبَحَ بِيْ مِنْ نِّعْمَةٍ اَوْ عَافِيَةٍ فِى

* * * * *

خدایا من تو را گواه گیرم که براستی هرچه در شام و صبح به من رسیده از نعمتی یا

تندرستی در

دین یا دنیا پس آن از تو است یگانه‌ای که شریک نداری ستایش خاص تو است و سپاس برای آن نعمت از تو است

تا بدان حد که خوشنود گردی ای معبود ما × × × × × × × × × خدا یا برستی هر نعمتی که روزانه به من رسد یا

عَافِيَةٌ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا فَمِنْكَ وَحَدَاكَ لِشَرِيكَ لَكَ لَكَ الْحَمْدُ وَ لَكَ الشُّكْرُ بِهَا

سلامتی در دین یا دنیایی که داریم از تو است شریکی برای تو نیست ستایش خاص تو است و سپاس برای تو در آن

نعمت

عَلَىٰ حَتَّىٰ تَرْضَىٰ وَبَعْدَ الرِّضَا × ده مرتبه می خواند و هر دو خوبست هفدهم کلینی

* * * * * تا حدي که خوشنود گردي و بالاتر از خوشنودي * * * * *

و برقي به سندهاي معتبر از حضرت صادق و كاظم عليهما السلام روايت كرده‌اند كه چون نزديك شود به غروب
آفتاب اين دعا بخوان تا ايمن گردي از شرّ هر درّنده و از شرّ شيطان لعين و فرزندان او و از هر گزنده و صاحب
زهري و از دزدان و غولان: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

* * * * * بنام خداي

بخشاينده مهربان

الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ

ستايش خاص خدايي است كه نگیرد فرزندي و نيست برايش شريكي در فرمانروايي و ستايش خاص خدايي است
الَّذِي يَصِفُ وَلَا يُوصَفُ وَيَعْلَمُ وَلَا يُعْلَمُ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي

كه توصيف كند ولي به وصف نيايد مي‌داند ولي حقيقتش دانسته نشده حركتديدگان را با آنچه در سينه‌ها پنهان است

الصُّدُورُ وَأَعُوذُ بِوَجْهِ اللّٰهِ الْكَرِيمِ وَبِاسْمِ اللّٰهِ الْعَظِيمِ مِنْ شَرِّ مَا ذَرَأَ وَبَرَأَ وَ

مي‌داند و پناه برم به ذات كريم خدا و بنام بزرگ خدا از شر آنچه خلق كرده و آفريد و

مِنْ شَرِّ مَا تَحْتَ الثَّرِي وَمِنْ شَرِّ مَا ظَهَرَ وَمَا بَطَنَ وَمِنْ شَرِّ مَا كَانَ فِي اللَّيْلِ

از شر آنچه در زير زمين است و از شر آنچه آشكار و آنچه نهان است و از شر آنچه در شب

وَالنَّهَارِ وَمِنْ شَرِّ أَبِي قِثْرَةَ وَمَا وَلَدَ وَمِنْ شَرِّ الرَّسَيسِ وَمِنْ شَرِّ مَا وَصَفْتُ

و روز است و از شر شيطان و فرزندانش و از شر افساد (يا بيماريهاي ثابت) و از شر آنچه گفتم

وَمَا لَمْ أَصِفْ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ x هيچدهم كليني به سند معتبر از حضرت

* * * * * و آنچه به زبان نياوردم و ستايش خاص خدا پروردگار جهانيان است
* * * * *

باقرعليه السلام روايت كرده است كه هر كه در صبح اين دعا را بخواند در آن روز هيچ چيز به او ضرر

* * * * *
* * * * *

نرساند و هر كه در شام بخواند در آن شب چيزي او را ضرر نرساند انشاءالله تعالى: اَللّٰهُمَّ اِنِّي

* * * * *

* * * * * خدايا من

أَصْبَحْتُ فِي ذِمَّتِكَ وَجِوَارِكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْتَوْدِعُكَ دِيْنِي وَنَفْسِي وَدُنيَايَ وَ

بامداد كردم در پناه و جوار تو خدايا من به تو مي‌سپارم دينم و خودم و دنيا و

آخِرَتِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَأَعُوذُكَ يَا عَظِيمُ مِنْ شَرِّ خَلْقِكَ جَمِيعاً وَأَعُوذُكَ

آخرتم و خانواده و داراييم را و به تو پناه برم اي خدای بزرگ از شر همه خلقت و به تو پناه برم

مِنْ شَرِّ مَا يُبْلِسُ بِهِ إِبْلِيسُ وَ جُنُودُهُ × نوزدهم ايضاً کلينی به سندِ كالصحيح روايت

از شر آنچه ابليس و لشگريانش بدو سرگردانان کنند
* * * * *

کرده است که مردی به خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که مرا دعائي تعليم فرما که هر

* * * * *
* * * * *

صبح و شام بخوانم حضرت فرمود که اين دعا را بخوان: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ

* * * * *

ستایش خدایي را سزا است که می کند آنچه خواهد

وَلَا يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ غَيْرُهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُحْمَدَ الْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا هُوَ

و جز او نمی کند آنچه را خواهد و ستایش برای خدا چنانچه دوست دارد که ستایش شود، ستایش برای خدا چنانچه

أَهْلُهُ اللَّهُمَّ أَذْخِلْنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ أَذْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ أَخْرِجْنِي مِنْ

شایسته آنست خدایا مرا درآور در هر خیري که درآوردی در آن محمد و آل محمد را و بیرونم آراز

كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

هر بدی که بیرون آوردی از آن محمد و آل محمد را درود خدا بر محمد و آل محمد

بیستم در بلدالأمین از رسول خدا صلی الله علیه و آله روايت کرده است که هر که در صبح هفت مرتبه

* * * * *
* * * * *

بخواند این دعا را در آن روز از بلاها محفوظ باشد: فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَ هُوَ أَرْحَمُ

* * * * *

خدا بهترین نگهبان است و او مهربانترین

الرَّاحِمِينَ إِنَّ وَلِيَّيَ اللَّهُ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابَ وَ هُوَ يَتَوَكَّلِي الصَّالِحِينَ فَإِنْ تَوَلَّوْا

مهربانان است براستی سرپرست من خدایي است که قرآن را فرستاد و او شایستگان را دوست دارد پس اگر روگردانند

فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

بگو خدا مرا بس است که معبودي جز او نیست بر او توکل کنم که او پروردگار عرش بزرگ است

بیست و یکم در بعضی از کتب معتبره مروی است که هر که سه مرتبه در بامداد و سه مرتبه در آخر روز این صلوات را بخواند گناهانش آمرزیده شود و شادی او همیشه باشد و دعایش مستجاب گردد و روزیش فراخ شود و بر دشمن یاری یابد و در بهشت از رفیقان محمد صلی الله علیه و آله باشد این است صلوات :

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْأَوَّلِينَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد در زمره پیشینیان و درود فرست بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْآخِرِينَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْمَلَأِ الْأَعْلَى

و آل محمد در آیندگان و درود فرست بر محمد و آل محمد در گروه عالم بالا

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْمُرْسَلِينَ اللَّهُمَّ اعْطِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَ

و درود فرست بر محمد و آل محمد در زمره رسولان خدایا بده به محمد(ص) وسیله (مقامی است در بهشت) و

الشَّرَفَ وَالْفَضِيلَةَ وَالْدَّرَجَةَ الْكَبِيرَةَ اللَّهُمَّ إِنِّي آمَنْتُ بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَمْ أَرَهُ

شرافت و فضیلت و مقام و درجه بزرگ خدایا من ایمان آوردم به محمد و آل او با اینکه او را ندیدم

فَلَا تَحْرِمْنِي يَوْمَ الْقِيَمَةِ رُؤْيَاهُ وَارْزُقْنِي صُحْبَتَهُ وَتَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِهِ

پس محروم مساز در روز قیامت از دیدارش و روزیم کن هم نشینش را و بمیرانم بر کیش او

وَاسْقِنِي مَنْ حَوْضِهِ مَشْرَبًا رَوِيًّا سَائِعًا هَنِيئًا لَا أَظْمَأُ بَعْدَهُ أَبَدًا إِنَّكَ عَلَيَّ

و بنوشانم از حوض او نوشاندنی بسیار و سیراب کننده و گوارا که هرگز پس از آن تشنه نشوم که براسقی تو بر

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرُ اللَّهُمَّ كَمَا آمَنْتُ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَمْ أَرَهُ فَارِنِي

هر چیز توانایی خدایا چنانچه من به محمد صلی الله علیه و آله بی آنکه او را ببینم ایمان آوردم

فِي الْجَنَانِ وَجْهَهُ اللَّهُمَّ بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ عَنِّي تَحِيَّةً كَثِيرَةً وَسَلَامًا × مؤلف

پس در بهشت صورتش را نشان من بده خدایا به روح محمد(ص) از جانب من تحیت و سلام فراوان برسان * * *

* * *

گوید که این صلوات همان صلواتی است که کفعمی از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده که هر که بخواند مسرور کند محمد و آل محمد علیهم السلام را در صلوات بر ایشان آن را بخواند و ما در مفاتیح در اعمال روز عرفه آن را ذکر نمودیم و بدانکه دعاهای وارده در صبح و شام بسیار است و این مختصر را گنجایش بیش از این نیست و بیاید در باب چهارم ذکر ده دعا از کافی که در وقت صبح و شام خوانده می شود و اگر وقت داشتی بخوان دعای عشرات و دعای معروف به یستشیر و دعای نور و دعای عهد اللَّهُمَّ رَبَّ الثُّورِ الْعَظِيمِ را و این دعاها را در مفاتیح ما ذکر نمودیم و در

آداب تربت نیز ذکر نمودیم دعای اَصْبَحْتُ اللَّهُمَّ مُعْتَصِماً بِذِمَامِكَ را که تسبیح تربت بر دست گرفته و آن دعا را در صباح و مساء برای ایمنی از هر خوف بخوانند .

فصل ششم

در دعاهایی که در ساعات روز باید خواند و دعاهاي هر روز که خصوصیتی به ساعتی ندارد بدانکه شیخ طوسی و سید بن باقی و شیخ کفعمی هر روز را به دوازده ساعت منقسم ساخته‌اند و هر ساعتی را به امامی از ائمه اثنی عشر صلوات الله عليهم اجمعین نسبت داده‌اند و برای هر ساعتی دعائی که مشتمل بر توسل به آن امام عالیمقام است ذکر کرده‌اند و اگر چه روایتش را بخصوص ایراد نکرده‌اند اما معلوم است که چنین امری را بدون روایت ذکر نمی‌کنند و ما در این رساله اکتفا می‌کنیم به آنچه در مصباح المتعبد است فرموده ساعت اول از طلوع فجر است تا طلوع آفتاب منسوب است به امیرالمؤمنین علیه السلام و دعای آن این است :

اللَّهُمَّ رَبَّ الْبَهَاءِ وَالْعِظَمَةِ وَالْكَبَرِيَاءِ وَالسُّلْطَانِ أَظْهَرْتَ الْقُدْرَةَ كَيْفَ شِئْتَ

خدایا ای پروردگار زیبایی و بزرگی و پادشاهی قدرت خود را به هر سان که خواستی نمایاندي

وَمَنْنْتَ عَلَيَّ عِبَادَكَ بِمَعْرِفَتِكَ وَتَسَلَّطْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَرُوتِكَ وَعَلَّمْتَهُمْ شُكْرَ

و طبق معرفت خویش بر بندگانت نعمت دادی و بوسیله مقام جبروت بر ایشان مسلط گشتی و یادشان دادی شکر

نِعْمَتِكَ اللَّهُمَّ فَبِحَقِّ عَلِيِّ الْمُرْتَضِيِّ لِلدِّينِ وَالْعَالَمِ بِالْحُكْمِ وَمَجَارِي الثَّقَنِ

نعمت را خدایا به حق علی آن پسندیده برای دین و دانای به حکم و راههای تقوی

إِمَامِ الْمُتَّقِينَ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَأَقْدَمَهُ بَيْنَ

پیشوای پرهیزکاران درود فرست بر محمد و آلش در زمره پیشینیان و پسینیان و او را

يَدَيَّ حَوَائِجِي أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا

پیش روی حاجاتم بدارم که درود فرستی بر محمد و آل محمد و با من چنین و چنان کنی

ساعت دوم از طلوع شمس است تا ذهاب حُمره و منسوب است به حضرت امام حسن

* * * * *

* * * * *

مجتبی علیه السلام اللَّهُمَّ لَيْسَتْ بِهَآئِكَ فِي أَعْظَمِ قُدْرَتِكَ وَصَفَا نُورِكَ فِي أَوْرِ

* * * * * خدایا لباس درخشندگی را در بزرگترین نیرویت به برداری و صاف گشته نورت در روشن ترین

ضَوْوَتِكَ وَفَاضَ عِلْمُكَ حِجَابَكَ وَخَلَّصْتَ فِيهِ أَهْلَ الثَّقَةِ بِكَ عِنْدَ جُودِكَ

پرتوت و زیاده گشت دانشت بر پردهات و خالص گردانیدی آنرا به کسانی که به هنگام جودت

فَعَالَيْتَ فِي كِبَرِيَّاتِكَ عُلُوًّا عَظُمَتْ فِيهِ مِثَّتْكَ عَلَيَّ أَهْلُ طَاعَتِكَ فَبَاهَيْتَ بِهِمْ

به تو اعتماد کنند پس برتر شدی در کبریای خود بدان حد که نعمت بر اهل طاعتت بزرگ شد و تو بوسیله آنها

أَهْلَ سَمَوَاتِكَ يَمِثُّكَ عَلَيْهِمُ اللَّهُمَّ فَبِحَقِّ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْكَ أَسْأَلُكَ وَبِهِ

بر اهل آسمانها به همان نعمتی که بدیشان داده ای مباحثات کردی خدایا به حق حسن بن علی بر تو از تو خواهم و بوسیله

أَسْتَغِيثُ إِلَيْكَ وَأُقَدِّمُهُ بَيْنَ يَدَيَّ حَوَائِجِي أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

او به تو استغاثه کنم و او را پیش روی حاجاتم مینهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد

وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا × سَاعَتِ سَيِّمٍ از ذهاب شعاع است تا ارتفاع نهار ومنسوب است به

و درباره من چنین و چنان کنی * * * * *

* * * * *

حضرت امام حسین علیه السلام یا مَنْ تَجَبَّرَ فَلَا عَيْنُ تَرَاهُ یا مَنْ تَعَظَّمَ فَلَا تَخْطُرُ الْقُلُوبُ

* * * * * ای که بزرگی داری پس دیده ای نیست که تو را ببندد و ای که عظمت داری

پس به دلها

بِكُنْهِهٖ یا حَسَنَ الْمَنِّْ یا حَسَنَ التَّجَاوُزِ یا حَسَنَ الْعَفْوِ یا جَوَادُ یا كَرِيمُ یا مَنْ

خطور نکند کنهش ای نیکو درگذر ای نیکو نعمت ای نیکو گذشت ای بخشنده ای بزرگوار ای که چیزی از خلقش

لَا يُشْبِهُهُ شَيْءٌ مِنْ خَلْقِهِ یا مَنْ عَلَى خَلْقِهِ بِأَوْلِيَاءِهِ إِذَا رَضِيَهُمْ لِدِينِهِ وَ

شبيه او نیست ای که بوسیله دوستانش بر خلق خویش منت نهاده ای زیرا آنان را برای دین خود پسندیدی

أَدَبَ بِهِمْ عِبَادَهُ وَجَعَلَهُمْ حُجَجًا مِّنَّا مِنْهُ عَلَى خَلْقِهِ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ

و بندگان را بدیشان ادب کردی و آنان را از روی نعمت بخشی بر خلق خود حجتها و دلیلهای قرارشان دادی از تو

خواهم به حق

الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ السَّبْطِ التَّابِعِ لِمَرْضَاتِكَ وَ النَّاصِحِ فِي

حسین بن علی علیهما السلام آن سبط پیغمبر که پیرو خوشنودیهای تو و خیرخواه در

دینک والدلیل علی ذاتک أَسْأَلُكَ بِحَقِّهِ وَأُقَدِّمُهُ بَيْنَ يَدَيَّ حَوَائِجِي أَنْ

دین تو و راهنمای بر ذات تو بود از تو خواهم به حق او و او را پیش روی حاجاتم قرار دهم

تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا × سَاعَتِ چهارم

که درود فرستی بر محمد و آل محمد و درباره من چنین و چنان کنی * * * * *

منسوب است به علی بن الحسین علیهما السلام و آن از ارتفاع نهار است تا زوال شمس اَللّهُمَّ صَفَا

* * * * *

* * * * * خدایا صاف گشته

نُورُكَ فِي أَمِّ عَظَمَتِكَ وَ عَلَا ضِيَاؤُكَ فِي أَبْهِي ضَوْئِكَ أَسْأَلُكَ بِنُورِكَ الَّذِي

نور تو در کاملترین مقام بزرگیت و والا گشت درخشندگیت در روشن ترین پرتوت از تو خواهم بدان نورت که

نُورَتْ بِهِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ وَ قَصَمْتَ بِهِ الْجَبَابِرَةَ وَ أَحْيَيْتَ بِهِ الْأَمْوَاتَ

آسمانها و زمینها را بدان منور کردی و پشت گردنکشان را بوسیله آن درهم شکستی و مردگان را بدان زنده کردی

وَ أَمَتَّ بِهِ الْأَحْيَاءَ وَ جَمَعْتَ بِهِ الْمُتَفَرِّقَ وَ فَرَّقْتَ بِهِ الْمُجْتَمِعَ وَ أَثَمَمْتَ بِهِ

و زندگان را بدان میرانندی پراکندهها را بدان گرد آوردی و گردآوردهها را بدان پراکنده کردی و سخنان را بدان تمام

کردی و

الْكَلِمَاتِ وَ أَقَمْتَ بِهِ السَّمَوَاتِ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَام

آسمانها را برپا داشتی از تو خواهم به حق ولی تو علی بن الحسین علیهما السلام

الذَّابِّ عَنِ دِينِكَ وَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِكَ وَ أَقْدِمُهُ بَيْنَ يَدَيَّ حَوَائِجِي أَنْ

دفاع کننده از دینت و جهاد کننده در راهت و او را پیش روی حاجتھایم می دارم که

تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا × ساعت پنجم

درود فرستی بر محمد و آل محمد و درباره من چنین و چنان کنی * * * * *

منسوب است به امام محمد باقر علیه السلام و آن از زوال شمس است تا مقدار چهار رکعت از آن اَللّهُمَّ

* * * * *

* * * * * خدایا

رَبِّ الضِّيَاءِ وَالْعِظْمَةِ وَالنُّورِ وَالْكَبْرِيَاءِ وَالسُّلْطَانِ تَجَبَّرْتَ بِعِظْمَةِ بَهَائِكَ

ای پروردگار روشنی و بزرگی و نور و کبریاء و پادشاهی برتری گرفتی به عظمت درخشندگیت

وَ مَنَنْتَ عَلَيَّ عِبَادِكَ بِرَأْفَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ دَلَلْتَهُمْ عَلَيَّ مَوْجُودِ رِضَاكَ وَ

و منت نهادی بر بندگانت به مهر و رحمت و راهنماییشان کردی بر موجودی خوشنودیت و

جَعَلْتَ لَهُمْ دَلِيلًا يَدُلُّهُمْ عَلَيَّ مَحَبَّتِكَ وَ يُعَلِّمُهُمْ مَحَابَّبَكَ وَ يَدُلُّهُمْ عَلَيَّ

برای ایشان راهنمایی قرار دادی که آنها را به محبت راهنمایی کند و یادشان دهد وسایل دوستی تو را و بر

مَشِيَّتِكَ اللَّهُمَّ فَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَلَيْكَ وَأَقْدَمُهُ بَيْنَ يَدَيَّ

خواسته تو راهنماییشان کند خدایا به حق محمد بن علی علیهما السلام بر تو که او را پیش روی

حَوَائِجِي أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا

حاجتهای خود قرار دهم می خواهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد و با من چنین و چنان کنی

ساعت ششم منسوب است به حضرت امام جعفر صادق علیه السلام و آن از مقدار چهار رکعت از زوال

* * * * *
* * * * *

گذشته است تا نماز ظهر یا مَنْ لَطْفَ عَنْ إِدْرَاكِ الْأَوْهَامِ يَا مَنْ كَبَّرَ عَنْ مَوْجُودِ

* * * * * ای که دقایقتر آمد از رسیدن خیالها ای که بزرگتر آمد از دیدن

الْبَصَرِ يَا مَنْ تَعَالَى عَنِ الصِّفَاتِ كُلِّهَا يَا مَنْ جَلَّ عَنْ مَعَانِي اللَّطْفِ وَالْطُّفِ

چشمها ای که برتر آمد از همه اوصاف ای که والاتر آمد از مفاهیم دقیق، و دقایقتر آمد

عَنْ مَعَانِي الْجَلَالِ أَسْأَلُكَ بِثَوْرِ وَجْهِكَ وَضِيَاءِ كِبَرِيَّاتِكَ وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ

از معانی جلال از تو خواهم به نور ذات و روشنی بزرگیت و از تو خواهم به حق

عَظَمَتِكَ الْعَافِيَةِ مِنْ نَارِكَ وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْكَ وَأَقْدَمُهُ بَيْنَ

عظمتت معافیت از دوزخت را و از تو خواهم به حق جعفر بن محمد بر تو و او را پیش

يَدَيَّ حَوَائِجِي أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا

روی حاجات خود قرار دهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد و با من چنین و چنان کنی

ساعت هفتم منسوب است به موسی بن جعفر علیهما السلام و آن از نماز ظهر است تا مقدار چهار رکعت

* * * * *
* * * * *

قبل از عصر یا مَنْ تَكَبَّرَ عَنِ الْأَوْهَامِ صُورَتُهُ يَا مَنْ تَعَالَى عَنِ الصِّفَاتِ ثَوْرُهُ

* * * * * ای که بزرگتر است از پندارها صورتش ای که برتر است از اوصاف نورش

يَا مَنْ قَرَّبَ عِنْدَ دُعَاءِ خَلْقِهِ يَا مَنْ دَعَاهُ الْمُضْطَرُّونَ وَلَجَأَ إِلَيْهِ الْخَائِفُونَ وَ

ای که نزدیک است هنگام خواندن مخلوقش ای که خوانندش درماندگان و به او پناه برند خائفان و

سَأَلَهُ الْمُؤْمِنُونَ وَ عِبْدَهُ الشَّاكِرُونَ وَ حَمْدَهُ الْمُخْلِصُونَ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ ثَوْرِكَ

از او خواهند مؤمنان و او را پرستش کنند سپاسگزاران و ستایشش کنند مخلصان از تو خواهم به حق نور

الْمُضْيِءِ وَبِحَقِّ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْكَ وَاتَّقَرَّبُ بِهِ إِلَيْكَ وَأَقْدِمُهُ بَيْنَ يَدَيَّ

تابانت و به حق موسی بن جعفر بر تو و من بوسیله آن حضرت بدرگاهت تقرب جویم و او را پیش روی

حَوَائِجِي أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا

حاجتهای خویش قرار دهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد که درباره من چنین و چنان کنی

ساعت هشتم منسوب است به علی بن موسی الرضا علیه السلام و آن از مقدار چهار رکعت بعد از ظهر

* * * * *

* * * * *

است تا نماز عصر: يَا خَيْرَ مَدْعُوٍّ يَا خَيْرَ مَنْ أَعْطِيَ يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ يَا مَنْ أَضَاءَ

* * * * * ای بهترین خواننده شده ای بهترین عطاکننده ای بهترین درخواست شده ای که

روشنی بخشید

بِاسْمِهِ ضَوْءُ النَّهَارِ وَأَظْلَمَ بِهِ ظُلْمَةُ اللَّيْلِ وَسَالَ بِاسْمِهِ وَابِلُ السَّيْلِ وَرَزَقَ

بوسیله نامش روز روشن را و تاریک کرد بدان شب تار را و ریزان شد بنامش باران سیل آسا و روزی کرد

أَوَّلِيَّائَهُ كُلَّ خَيْرٍ يَا مَنْ عَلَا السَّمَوَاتِ نُورُهُ وَالْأَرْضَ ضَوْؤُهُ وَالشَّرْقَ

به دوستانش هر خیر را ای که برتر آمد از آسمانها نورش و از زمین پرتوش و از شرق

وَالْغَرْبَ رَحْمَتُهُ يَا وَاسِعَ الْجُودِ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرضا عَلَيْهِمَا

و غرب رحمتش ای پهناور بخشش از تو خواهم به حق علی بن موسی الرضا علیهما

السَّلَامِ وَأَقْدِمُهُ بَيْنَ يَدَيَّ حَوَائِجِي أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ

السلام و او را پیش روی حاجتهای خود قرار دهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد و با

تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا × ساعت نهم منسوب است به حضرت امام محمد تقی علیه السلام و آن از

* * * * * من چنین و چنان کنی

* * * * *

نماز عصر است تا دو ساعت بعد می گوئی: يَا مَنْ دَعَا الْمُضْطَرُّونَ فَاجَابَهُمْ وَالتَّجَا

* * * * * ای که خوانندش

درماندگان پس اجابت کند و ملتجی شوند

إِلَيْهِ الْخَائِفُونَ فَامْتَنَّهُمْ وَعَبَدَهُ الطَّائِعُونَ فَشَكَرَهُمْ وَشَكَرَهُ الْمُؤْمِنُونَ فَحَبَّاهُمْ

به درگاهش خائفان و بدانها ایمنی بخشد و بپرستندش مطیعان پس قدردانی کند و سپاسگزاریش کنند مؤمنان

وَ اطَاعُوهُ فَعَصَمَهُمْ وَ سَلُّوهُ فَأَعْطَاهُمْ وَ نَسُوا نِعْمَتَهُ فَلَمْ يُخْلِ شُكْرُهُ مِنْ

پس عطايشان بخشد و فرمانش برند و او نگاهشان دارد و بخواهند از او و او بدیشان بدهد و نعمتش را فراموش کنند ولی او

قُلُوبِهِمْ وَ اٰمَنَنَّ عَلَيْهِمْ فَلَمْ يَجْعَلْ اِسْمَهُ مَنَسِيًّا عِنْدَهُمْ اَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ بِنِ

دل آنها را از شکر خود خالی نگذارد و منت گذارد بر ایشان که نامش را از یاد آنها نبرد از تو خواهم به حق محمد بن

عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ حُجَّتِكَ الْبَالِغَةِ وَ نِعْمَتِكَ السَّابِقَةِ وَ مَحَبَّتِكَ الْوَاضِحَةِ وَ

علي علیهما السلام حجت رسایت و نعمت ریزانت و راه روشن و وضحت و

أَقْدَمُهُ بَيْنَ يَدَيَّ حَوَائِجِي أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي

او را پیش روی حاجتهایم می دارم که درود فرستی بر محمد و آل محمد و با من

كَذَا وَ كَذَا × ساعت دهم منسوب است به امام علی نقی علیه السلام و آن از دو ساعت بعد از نماز

چنین و چنان کنی * * * * *

* * * * *

عصر است تا پیش از زرد شدن آفتاب یا مَنْ عَلَا فَعُظْمُ يَا مَنْ تَسَلَّطَ فَتَجَبَّرَ وَ تَجَبَّرَ

* * * * * ای که والا آمد و بزرگ ای که مسلط آمد و جبار

فَتَسَلَّطَ يَا مَنْ عَزَّ فَاسْتَكْبَرَ فِي عِزِّهِ يَا مَنْ مَدَّ الظِّلَّ عَلَيَّ خَلْقِهِ يَا مَنْ اٰمَنَنَّ

ای که عزیز آمد و بزرگی گرفت در عزتش ای که کشید سایه را بر سر خلقش ای که منت نهاد بوسیله احسان

بِالْمَعْرُوفِ عَلَيَّ عِبَادِهِ يَا عَزِيزاً ذَا اِنْتِقَامٍ يَا مُنْتَقِماً بِعِزَّتِهِ مِنْ اَهْلِ الشَّرْكِ

بر بندگانش ای عزیز با انتقام ای انتقامجو با عزتش از اهل شرک

اَسْأَلُكَ بِحَقِّ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَ أَقْدَمُهُ بَيْنَ يَدَيَّ حَوَائِجِي

از تو خواهم به حق علی بن محمد علیهما السلام و او را پیش روی حاجتهای خویش قرار دهم

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا × ساعت یازدهم

که درود فرستی بر محمد و آل محمد و با من چنین و چنان کنی * * * * *

منسوب است به حضرت امام حسن عسکری علیه السلام و آن پیش از زرد شدن آفتاب است تا زرد شدن

* * * * *

* * * * *

آن: يَا اَوَّلًا بِلَا اَوَّلِيَّةٍ وَ آخِرًا بِلَا آخِرِيَّةٍ يَا قَيُّوماً بِلَا مُنْتَهَى لِقُدَمِهِ يَا عَزِيزاً بِلَا

* * ای آغاز بدون آغاز و ای آخري که انجام ندارد ای پاینده بی انتهای ازلی و ای عزیزی که

انْقِطَاعِ لِعِزَّتِهِ يَا مُتَسَلِّطًا بِلاَ ضَعْفٍ مِنْ سُلْطَانِهِ يَا كَرِيمًا بِدَوَامِ نِعْمَتِهِ يَا

عزتش قطع نگردد ای مسلطی که سلطنتش سستی و ضعف ندارد ای بزرگواری که نعمتش همیشگی است ای

جَبَّارًا وَ مُعِزًّا لِأَوْلِيَائِهِ يَا خَبِيرًا بِعِلْمِهِ يَا عَلِيمًا بِقُدْرَتِهِ يَا قَدِيرًا بِذَاتِهِ أَسْأَلُكَ

جبار عزیزکننده دوستانش ای آگاه بوسیله دانشش ای دانای به قدرتش ای توانای به ذاتش از تو خواهم

بِحَقِّ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَأَقْدُمُهُ بَيْنَ يَدَيَّ حَوَائِجِي أَنْ تُصَلِّيَ

به حق حسن بن علی علیهما السلام و او را پیش روی حاجتھایم قرار دهم که درود فرستی

عَلِي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا × سَاعَتِ دَوَاذِمِ مَنْسُوبِ اسْتَ

بر محمد و آل محمد و درباره من چنین و چنان کنی * * * * *

به امام عصر علیه السلام و آن از زرد شدن شمس است تا غروب آن: يَا مَنْ تَوَحَّدَ بِنَفْسِهِ عَنْ

* * * * *

* ای که یگانه ای به خودی خود از

خَلْقِهِ يَا مَنْ غَنِيَ عَنْ خَلْقِهِ بِصُنْعِهِ يَا مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ خَلْقَهُ بِلُطْفِهِ يَا مَنْ سَلَكَ

خلق خویش ای که بی نیازی به کار خود از خلق خود ای که شناساند خود را به خلق خویش بوسیله لطفش ای که

برده

بِأَهْلِ طَاعَتِهِ مَرْضَاتُهُ يَا مَنْ أَعَانَ أَهْلَ مَحَبَّتِهِ عَلَي شُكْرِهِمْ يَا مَنْ مَنَّ عَلَيْهِمْ

مطیعانش را به راههای خوشنودیش ای که کمک داده اهل محبتش را بر سپاسگزاریشان ای که بر ایشان

بِدِينِهِ وَ لَطَفَ لَهُمْ بِنَائِلِهِ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْخَلْفِ الصَّالِحِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ

به سبب دین خود منت نهاده و بوسیله نعمتت بر آنها لطف کردی از تو خواهم به حقی که آن یادگار شایسته علیه السلام

أَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ بِهِ وَأَقْدُمُهُ بَيْنَ يَدَيَّ حَوَائِجِي أَنْ تُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ

بر تو دارد و زاری کنم بدرگاهت بوسیله او و او را پیش روی حاجتھای خود قرار دهم که درود فرستی بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أُولِي

محمد و با من چنین و چنان کنی خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد آن دستور دارانی که

الْأُمَرَاءُ الَّذِينَ أَمَرَتْ بِطَاعَتِهِمْ وَأُولِي الْأَرْحَامِ الَّذِينَ أَمَرَتْ بِصِلَتِهِمْ وَ ذَوِي

فرمان پیرویشان را صادر فرمودی و خویشانوندانی که دستور پیوند با ایشان را دادی و نزدیکانی که

الْقُرْبَى الَّذِينَ أَمَرْتَ بِمَوَدَّتِهِمْ وَالْمَوَالِي الَّذِينَ أَمَرْتَ بِعِرْفَانِ حَقِّهِمْ وَأَهْلٍ

دستور دوستی آنها را دادی و سرورانی که دستور شناسایی حقشان را فرمودی و اهل

الْبَيْتِ الَّذِينَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَرْتَهُمْ تَطْهِيراً أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ

بیتی که پلیدی را از ایشان دور ساختی و به خوبی پاکیزه‌شان کردی که درود فرستی بر محمد

و آلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا × علامه مجلسی (ره) در مقباس المصایح

* * * * * و آل محمد و بامن چنین و چنان کنی * * *

فرموده و به سندهای معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که حق سبحانه و تعالی در سه ساعت شب و سه ساعت روز خود را به مجد و بزرگواری یاد می‌کند و سه ساعت روز از وقت چاشت تا اول ظهر است و سه ساعت شب ثلث آخر شب است تا صبح پس هر بنده مؤمن که این تمجید را بخواند و دلش با خدا باشد البته حق تعالی حاجت او را برآورد و اگر شقی و بد عاقبت باشد امیدوارم که سعادت‌مند و نیکو عاقبت گردد مؤلف گوید: که اگر در این ساعتهای روز و شب این دعا را بخواند مناسبتر خواهد بود این است دعا :

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِينَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ أَنْتَ

تویی خدایی که معبودی جز تو پروردگار جهانیان نیست تویی خدایی که معبودی جز تو بخشاینده مهربان نیست تویی خدایی که معبودی

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مَلِكُ يَوْمِ الدِّينِ أَنْتَ اللَّهُ

جز تو والا و بزرگ نیست تویی خدایی که معبودی جز تو فرمانروای روز جزا نیست تویی خدایی که معبودی جز

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ أَنْتَ اللَّهُ لَا

تو آمرزنده مهربان نیست تویی خدایی که معبودی جز تو عزیز فرزانه نیست تویی خدایی که معبودی جز تو نیست

إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مِنْكَ بَدَأُ الْخَلْقِ وَإِلَيْكَ يَعُودُ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَمْ تَزَلْ وَ

که خلقت از تو آغاز گشته و بسوی تو بازگردد تویی خدایی که معبودی جز تو نیست که همیشه بوده و

لَا تَزَالُ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَالِقُ الْخَيْرِ وَالشَّرِّ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

خواهی بود تویی خدایی که جز تو معبودی نیست که آفریننده خیر و شر هستی تویی خدایی که معبودی جز تو نیست

خَالِقُ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْأَحَدُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَ

که آفریننده بهشت و دوزخی تویی خدایی که معبودی جز تو نیست یگانه بی نیازی که فرزند ندارد و فرزند کسی نیست

و

لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ أَتَى اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَتَى الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ

نیست برایش همتایی هیچکس تویی خدایی که معبودی جز تو نیست آن پادشاه منزله بی خلل ایمنی بخش

الْمُهَيَّمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ أَتَى اللَّهُ الْخَالِقُ

مراقب نیرومند مقتدر بزرگ مقام منزله است خدا از آنچه با او شریک کنند تویی خدای آفریننده

الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَكَ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

و ایجاد کننده و صورتگر که نامهای نیکو از تو است و تسبیح گوید برایت آنچه در آسمانها و زمین است

وَأَتَى الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ أَتَى اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَتَى الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ الْكَبِيرُ الْبَارِئُ

و تویی نیرومند فرزانه تویی خدایی که معبودی جز تو نیست آن خدای بزرگ والا که عظمت و کبریا

رداؤك × و ابن بابویه به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که هر

در برداری * * * * *

* * * * *

بنده ای که هر روز هفت مرتبه بگوید: أَسْأَلُ اللَّهَ الْجَنَّةَ وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ × جهنم

* * * * * از خدا بهشت خواهم و پناه برم به

خدا از آتش دوزخ * * * * *

گوید خدایا او را از من پناه ده و به سند معتبر دیگر از آن حضرت روایت کرده است که اگر مؤمنی در يك روز چهل

گناه کبیره بکند پس از روی ندامت و پشیمانی این استغفار را بخواند

خدا گناهان او را بیامرزد: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ بَدِيعُ

* * * * * آمرزش خواهم از خدایی که معبودی جز او که زنده و پاینده

است نیست پدیدآورنده

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَ أَسْأَلُهُ أَنْ يُتُوبَ عَلَيَّ × و ایضاً به

آسمانها و زمین و صاحب جلالت و بزرگواری و از او خواهم که توبه ام بپذیرد * * * * *

سند معتبر از آن حضرت روایت کرده است هر که هر روز هفت مرتبه بگوید: الْحَمْدُ لِلَّهِ

* * * * *

* * * * * ستایش از آن خداست

عَلِي كُلِّ نِعْمَةٍ كَانَتْ أَوْ هِيَ كَانَتْهُ اِداي شکر نعمتهای گذشته و آینده کرده است و

به هر نعمتی که بوده یا پس از این خواهد بود * * * * *

ایضاً به سند معتبر از آن حضرت روایت کرده است که هر که هر روز بیست و پنج مرتبه

* * * * *
* * * * *

بگوید: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ حَقَّ تَعَالَى

* * * خدایا بیمارز مردان مؤمن و زنان بالیمان را و مردان مسلمان و زنان مسلمان را * * *

به عدد هر مؤمن که گذشته و هر مؤمن که بیاید تا روز قیامت حسنه در نامه اعمال او بنویسد و به آن عدد گناه از او محو کند و درجه‌ای در بهشت برای او بلند کند، و ایضاً به سند معتبر از آن حضرت روایت کرده است که هر که هر روز صد مرتبه بگوید:

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

جنبش و نیرویی نیست جز به خدا

حق تعالی هفتاد نوع بلا از او دور گرداند که کمتر آنها هم و غم باشد و به روایت دیگر هرگز پریشان نشود و کلینی و شیخ طبرسی و دیگران به سندهای حسن و معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده‌اند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله هر روز هفتاد مرتبه می‌گفت: اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ و هفتاد مرتبه اَتُوبُ اِلَى اللَّهِ و در کشف الغمّه و امالی شیخ طوسی به سند معتبر روایت شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود هر که هر روز صد مرتبه بگوید لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ امان یابد از فقر و وحشت قبر و توانگری به او روی آورد و درهای بهشت بر روی او گشوده شود و در امالی «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَقُّ الْمُبِينُ» است و در ثواب الأعمال و محاسن برقی سه مرتبه روایت کرده‌اند و قطب راوندی در دعوات خود روایت کرده است از حضرت امام رضا علیه السلام که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که خواهد که او را زیاده از مجاهدین در ملاء اعلی ثنا گویند پس هر روز این دعا بخواند اگر حاجتی داشته باشد برآورده شود و اگر دشمنی داشته باشد بر او غالب گردد و اگر قرضی داشته باشد ادا شود و اگر غمی و همی داشته باشد زایل گردد و این دعا از هفت آسمان بالا رود تا در لوح محفوظ برای او نوشته شود این است دعاء:

سُبْحَانَ اللَّهِ كَمَا يَنْبَغِي لِلَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا يَنْبَغِي لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كَمَا يَنْبَغِي لِلَّهِ

منزه است خدا چنانچه سزاوار خدا است و ستایش برای خدا چنانچه سزاوار خدا است و معبودی جز او نیست چنانچه او را شاید

و خدا دفع کند از او هفتاد نوع بلا را که از جمله آنها دیوانگی و خوره و پیسی و فالج بوده باشد و حق تعالی هفتاد هزار ملک موکل گرداند که برای او استغفار نمایند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که هر روز صد مرتبه بگوید «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» تنگدستی و فقر او را درنیابد و هر که هر روز صد مرتبه بگوید:

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ حق تعالی بدنش را بر آتش جهنم

منزه است خدا و ستایش از آن او است و معبودی جز او نیست و خدا بزرگتر است * * * * *

حرام گرداند و در بلدالأمین از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده است که هر که هر روز ده مرتبه این دعا بخواند حق تعالی چهار هزار گناه کبیره او را بیامزد و او را از سكرات مرگ و فشار قبر و صد هزار هول قیامت نجات دهد و از شرّ شیطان و لشکریهای او محفوظ گردد و قرضش ادا شود و همّ و غمّش زایل گردد این است دعا:

أَعْدَدْتُ لِكُلِّ هَوْلٍ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَلِكُلِّ هَمٍّ وَغَمٍّ مَا شَاءَ اللَّهُ وَلِكُلِّ نِعْمَةٍ

مهیا کردم برای هر بیم و هراسی «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» را و برای هر غم و اندوهی «مَا شَاءَ اللَّهُ» را و برای هر نعمتی

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَلِكُلِّ رَخَاءٍ الشُّكْرُ لِلَّهِ وَلِكُلِّ أَجْوَبَةٍ سُبْحَانَ اللَّهِ وَلِكُلِّ ذَنْبٍ

«الْحَمْدُ لِلَّهِ» را و برای هر آسودگی «الشُّكْرُ لِلَّهِ» و برای هر شگفتی «سُبْحَانَ اللَّهِ» و برای هر گناهی

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَلِكُلِّ مُصِيبَةٍ أَنَا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ وَلِكُلِّ ضَيْقٍ حَسْبِيَ اللَّهُ وَ

«استغفر الله» و برای هر پیش آمد ناگوار «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» و برای هر فشار و سختی «حسبى الله» و

لِكُلِّ قَضَاءٍ وَقَدَرٍ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ وَلِكُلِّ عَدُوٍّ اعْتَصَمْتُ بِاللَّهِ وَلِكُلِّ طَاعَةٍ

برای هر قضا و قدری «توكلت على الله» و برای هر دشمنی «اعتصمت بالله» و برای هر اطاعت

و مَعْصِيَةٍ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ × و کلینی و ابن بابویه و برقی

و نافرمانی «لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم» را * * * * *

رحمة الله عليهم به سندهای معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که هر که هر روز ده مرتبه این دعاء

بخواند حق تعالی چهل و پنج هزار حسنه برای او بنویسد و محو فرماید از او چهل و پنج هزار سیئه و چهل و پنج هزار

درجه در بهشت برای او بلند کند و حرزی باشد برای او از شرّ شیطان و ظالمان و متصرف نشود او را و احاطه به او

نکند گناه کبیره و به روایت دیگر چنان باشد که دوازده مرتبه قرآن را ختم کرده باشد و خدا در بهشت خانه ای برای او

بنا کند و در روایت ابن بابویه ده بار نیست، این است دعا:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ إلهًا وَاحِدًا أَحَدًا صَمَدًا لَمْ يَتَّخِذْ

گواهی دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست که شریک ندارد معبود یگانه یکتای بی نیازی که نگیرد

صاحبه و لا ولدًا × و در ثواب الأعمال و محاسن و کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت

همسری و نه فرزندی * * * * *
* * * * *

کرده اند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که هر روز پانزده مرتبه بگوید: لا اله الا الله

* * * * *

* * * * * معبودی نیست جز خدا

حَقًّا حَقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَ تَصْدِيقًا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَبْدِيَّةً وَ رِقًّا حَقَّ تَعَالَى

که حق است حق، معبودی نیست جز خدا از روی ایمان و تصدیق معبودی نیست جز خدا از روی بندگی و بردگی * * *

رُوی رحمت خود را از او نگرداند تا داخل بهشت گرداند او را و در محاسن از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت

کرده است که هر که هر روز صد مرتبه سُبْحَانَ اللَّهِ بگوید بهتر باشد از صد شتر برای کعبه قربانی کردن و هر که صد مرتبه اَلْحَمْدُ لِلَّهِ

بگوید بهتر باشد از صد بنده آزاد کردن و هر که صد مرتبه بگوید اللَّهُ أَكْبَرُ بهتر باشد از آنکه صد اسب با زین و لجام

در راه خدا بفرستد و هر که صد مرتبه لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بگوید کسی از او عملش نیکوتر نباشد مگر کسی که بیشتر بگوید و قطب

راوندي روایت کرده است که در بنی اسرائیل عابدی بود که سالها عبادت حق تعالی کرده بود روزی دعا کرد که

پروردگارا می خواهم حال خود را نزد تو بدانم اگر عملهای مرا پسندیده باشی دیگر از این اعمال بسیار کنم

والا پیش از مرگ توبه کنم حق تعالی ملکی به نزد او فرستاد و گفت تو را نزد خدا هیچ عمل خیر نیست گفت پروردگارا

عبادهای من چه شد ملك گفت هر کار خیری که می کردی به مردم خبر می دادی و می خواستی مردم تو را نیک

دانند و به نیکی یاد کنند اکنون ثواب تو همان است که خود برای عمل خود راضی شدی این سخن بر عابد بسیار گران آمد و

محزون و نالان شد پس بار دیگر ملك آمد و گفت حق تعالی می فرماید که الحال خود را از من بخر و بعد از این هر روز

به عدد هر رگی از رگهای بدن خود تصدق بکن گفت چگونه توانم چنین کاری بکنم فرمود که هر روز

سیصد و شصت مرتبه به عدد رگهای بدن خود بگو: سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا

* * * * * منزه است خدا

و ستایش از آن خدا و معبودی نیست جز

اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ × گفت پروردگارا زیاده بفرما فرمود اگر زیاده

خدا و خدا بزرگتر از توصیف است و جنبش و نیروی نیست جز به خدا * * * * *

بگوئی ثوابت بیشتر است و کلینی به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله هر روز به عدد رگهای بدن سید و شصت مرتبه می گفت :

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ كَثِيراً عَلَى كُلِّ حَالٍ × و به روایت دیگر از آن حضرت ستایش خاص خدا پروردگار جهانیان است ستایش بسیار بر هر حال * * * * *

منقول است که هر که در دو ماه پیاپی هر روز چهارصد مرتبه این دعا بخواند خدا علم بسیار یا * * * * *

مال بسیار او را کرامت فرماید این است دعا: اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ * * * * * آمرزش خواهم از

خدایی که معبودی جز او نیست زنده

الْقَيُّومُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مِنْ جَمِيعِ ظُلُمِي وَجُرْمِي

و پاینده و بخشاینده و مهربان پدیدآورنده آسمانها و زمین (آمرزش) از تمام ستمکاری و جنایت

وَإِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي وَآتُوبُ إِلَيْهِ × و شیخ طوسی و دیگران روایت کرده اند که

و زیاده روی بر خود و بسویش توبه کنم * * * * *

سَنَّتْ است هر روز این دعا بخواند: اَللّهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الْمَشْرِقِ الْحَيِّ

* * * * * خدایا از تو می خواهم به نور تابناک ذات که زنده

الْبَاقِي الْكَرِيمِ وَ اَسْئَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الْقُدُّوسِ الَّذِي اَشْرَقَتْ بِهِ السَّمَوَاتُ

و پایدار و بزرگوار است و از تو خواهم به نور پاک ذات که تابان گشت بوسیله اش آسمانها

وَ اُنْكَشَفَتْ بِهِ الظُّلُمَاتُ وَ صَلَّحَ عَلَيْهِ اَمْرُ الْاَوَّلِينَ وَالْاٰخِرِينَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ

و برطرف گشت بدان تاریکیها و اصلاح گشت بدان کار اولین و آخرین که درود فرستی بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اَنْ تُصَلِّحَ لِي شَأْنِي كُلَّهُ × و کفعمی از حضرت امام محمد باقر علیه السلام

* * * * * محمد و آلش و همه کارهایم را اصلاح کنی * * * * *

روایت کرده است که هر که هر روز این دعا بخواند حق تعالی امور دنیا و آخرت او را کفایت کند

* * * * *
* * * * *

بِسْمِ اللَّهِ حَسْبِيَ اللَّهُ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ أَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ أُمُورِي كُلِّهَا وَ

بنام خدا بس است مرا خدا توکل کنم بر خدا خدایا از تو خواهم خیر و خوبی کارهایم را همگی و

أَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَ عَذَابِ الْآخِرَةِ × و ایضاً روایت کرده است که هر که هر

پناه برم به تواز خواری دنیا و عذاب آخرت
* * * * *

روز این دعا بخواند هفت مرتبه امور دنیا و عقبای او کفایت شود: حَسْبِيَ اللَّهُ رَبِّي اللَّهُ لَا

* * * * *

* * بس است مرا خدا پروردگارم خدا است

إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ × و ایضاً روایت کرده است که هر

معبودی جز او نیست بر او توکل کنم و او است پروردگار عرش عظیم
* * * * *

که در عرض یک سال هر روز یک مرتبه این دعا بخواند غیرد تا جای خود را در بهشت ببیند

* * * * *
* * * * *

سُبْحَانَ الدَّائِمِ الْقَائِمِ سُبْحَانَ الْقَائِمِ الدَّائِمِ سُبْحَانَ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ سُبْحَانَ

منزه است خدای جاویدان پابرجا منزه است پابرجای جاویدان منزه است یگانه یکتا منزه است

الْفَرْدِ الصَّمَدِ سُبْحَانَ الْحَيِّ الْقَيُّومِ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ سُبْحَانَ الْحَيِّ الَّذِي

بی همتای بی نیاز منزه است زنده پاینده منزه است خدا و به حمد او مشغول منزه است زنده ای که

لَا يَمُوتُ سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ سُبْحَانَ رَبِّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ سُبْحَانَ

غیرد منزه است فرمانروای پاکیزه منزه است پروردگار فرشتگان و روح منزه است

الْعَلِيِّ الْأَعْلَى سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى

والای برتر منزه است و برتر

باب دویم در ذکر نمازهای مستحبّه که در مفاتیح الجنان ذکر نشده

نماز اعرابی سید بن طاوس در جمال الأسبوع از شیخ تلکبری نقل کرده که او به سند خود از زید بن ثابت روایت

کرده که گفت مردی از بادیه نشینان به خدمت حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وآله ایستاد و گفت پدر و مادرم فدای

ای زنده ای پاینده ای صاحب * * * * *

يا اِلهَ الْاَوَّلِيْنَ وَالْاٰخِرِيْنَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَ

ای معبود اولین و آخرین ای مهربانترین مهربانان ای بخشاینده در دنیا و آخرت و

رَحِيمُهُمَا يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

مهربان در آن دو ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار... ای خدا... ای خدا... ای

اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاغْفِرْ لِيْ x پس حاجت

خدا... ای خدا... ای خدا... ای خدا درود فرست بر محمد و آل محمد و پیامر مرا * * * * *

خود را ذکر کن و هفتاد مرتبه بگو: لا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ × و بگو:

* جنبش و نیرویی نیست جز به خدای والای بزرگ * * * * *

وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ پس حضرت فرمود به حقّ آن خداوندی که مرا

* * * * * و منزله است خدا پروردگار عرش کریم * *

براستی فرستاده سوگند که هر مؤمن و مؤمنه که این نماز را بکند در روز جمعه من ضامنم بهشت را برای او و از جای خود برنخیزد تا گناهانش و گناهان پدر و مادرش آمرزیده شود و عطا فرماید حقّ تعالی به او ثواب هر که نماز کرده در این روز در شهرهای مسلمانان و بنویسد از برای او اجر کسی که روزه گرفته و نماز کرده در این روز در مشرق و مغرب عالم و حق تعالی به او عطا فرماید آنچه را که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده باشد مؤلف گوید: که شیخ طوسی

در مصباح نیز این نماز را نقل کرده و لکن در روایت ایشان دعای مذکور نیست بلکه فرموده چون فارغ شدي از نماز

بگو: سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ وَلَا حَوْلَ

* * * * * منزه است خدا پروردگار عرش بزرگوار و هیچ

جنبش

و لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ هفتاد مرتبه .

و نیروی نیست جز به خدای والای بزرگ

نماز هدیه

روایت شده از معصومین علیهم السلام که آدمی که در روز جمعه هشت رکعت نماز بگذارد یعنی بعد از هر دو رکعت سلام بگوید چهار رکعت آن را هدیه حضرت رسول صلی الله علیه و آله بکند و چهار رکعت دیگر را هدیه حضرت فاطمه صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا و در روز شنبه چهار رکعت بکند و هدیه حضرت امیرالمؤمنین صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ گرداند و همچنین هر روز از هفته را چهار رکعت بکند و هدیه امامی کند به ترتیب آنها تا آنکه در روز پنجشنبه چهار رکعت کند و هدیه امام جعفر صادق علیه السلام گرداند و باز در روز جمعه هشت رکعت کند چهار رکعت آن را هدیه حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و چهار رکعت دیگر هدیه حضرت فاطمه سلام الله علیها گرداند و در روز شنبه چهار رکعت هدیه حضرت امام موسی علیه السلام کند و همچنین هر روز چهار رکعت بگذارد و هدیه امامی نماید به ترتیب تا روز پنجشنبه چهار رکعت را هدیه امام عصر عَجَلُ اللَّهِ فَرَجَهُ گرداند و مابین هر دو رکعت یعنی بعد از هر دو رکعت از این نمازها این دعاء بخواند :

اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَ مِنْكَ السَّلَامُ وَ إِلَيْكَ يَعُودُ السَّلَامُ حَيَّنَا رَبَّنَا مِنْكَ

خدایا تویی سلام و از تو است سلام (و سلامتی) و بسوی تو بازگردد سلام تحت فرست پروردگارا بر ما

بِالسَّلَامِ اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ الرُّكْعَاتِ هَدِيَّةٌ مِنَّا إِلَى وَلِيِّكَ فَلَانْ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

به سلام خدایا این چند رکعت هدیه ای است از ما بسوی ولی تو فلان پس درود فرست بر محمد

وَ آلِهِ وَ بَلِّغُهُ إِيَّاهَا وَ أَعْطِنِي أَفْضَلَ أَمَلِي وَ رَجَائِي فِيكَ وَ فِي رَسُولِكَ

و آتش و اینها را به او برسان و عطا کن به من بهترین امید و آرزویم را درباره خود و درباره پیامبرت

صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ فِيهِ × پس هر دعا که می خواهد بکند و به جای فلان اسم آن

* * * * * که درودهای تو بر او و آتش و درباره او

* * * * *

امام علیه السلام را بگوید که نماز را برای او بجا می آورد .

نماز لیلة الدفن

دو رکعت است در رکعت اول حمد و آیه الکرسی و در رکعت دوم حمد و ده مرتبه اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ و چون سلام دهد بگوید :

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَابْعَثْ ثَوَابَهَا اِلٰى قَبْرِ فُلَانٍ × و به جای

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و بفرست ثواب آن را به قبر فلان کس * * * * *

فلان نام میت را ذکر کند نماز دیگر ایضاً سید بن طاووس از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده است که فرمود
نمی گذرد بر میت ساعتی سخت تر از شب اول قبر پس رحم غنائید مُردگان خود را به صدقه و اگر نیافتی چیزی که صدقه بدهی
پس یکی از شماها دو رکعت نماز کند بخواند در رکعت اول فاتحة الكتاب يك مرتبه و قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ دو مرتبه

و در رکعت دوم فاتحه يك مرتبه و اَلْهَيْكُمُ التَّكَاثُرُ ده مرتبه و سلام دهد و بگوید: اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى

* * * * *

* * * * * خدایا درود فرست بر محمد

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَابْعَثْ ثَوَابَهَا اِلٰى قَبْرِ ذَلِكَ الْمَيِّتِ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ پس حق تعالی

و آل محمد و بفرست ثواب این نماز را بسوی قبر این مرده فلانی پسر فلانی * * * * *

می فرستد همان ساعت هزار ملك بسوی قبر آن میت با هر ملكی جامه ای و حُلّه ای و تنگی قبر او را وسعت دهد تا
روز نفخ صور و عطا کند به نمازگذار به عدد آنچه آفتاب بر آن طلوع می کند حسنات و بالا برده شود برای او چهل
درجه مؤلف گوید که کفعمی نیز این نماز را به همین کیفیت نقل کرده پس از آن فرموده که در بعض کتب دیدم که در
رکعت اول بعد از حمد آیه الکرسی يك مرتبه و توحید دو مرتبه بخواند و علامه مجلسی قدس سره در زادالمعاد فرموده که
باید مردگان را فراموش نکنند زیرا که دست ایشان از اعمال خیر کوتاه گردیده و از جانب فرزندان و خویشان و
برادران مؤمن امیدوارند و احسان ایشان را چشم براهند خصوصاً دعا کردن در نماز شب و بعد از نمازهای فریضه و در
مشاهد مشرقه پدر و مادر را زیاده از دیگران باید دعا کرد و اعمال خیر برای ایشان به عمل آورد و در خبر است که
بسا فرزندی که در حال حیات پدر و مادر عاق ایشان باشد و بعد از فوت ایشان نیکوکار گردد به سبب اعمال خیری
که از برای ایشان به عمل آورد و بسا فرزندی که در حال حیات پدر و مادر نیکوکار باشد و بعد از فوت ایشان عاق
گردد به سبب آنکه اعمال خیری که باید از برای ایشان به عمل آورد کم به عمل آورد و عمده خیرات برای پدر و مادر
و سایر خویشان آن است که قروض ایشان را ادا کند و ایشان را از حقوق خدا و خلق بری گرداند و حج و سایر

عبادات که از ایشان فوت شده باشد سعی کند به استیجار یا به تبرّع بجا آورد و در حدیث صحیح منقول است که حضرت صادق علیه السلام در هر شب از برای فرزند خود و در هر روز برای پدر و مادر خود دو رکعت نماز می کردند و در رکعت اول اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ و در رکعت دوم اِنَّا اَعْطَيْنَا می خواندند و به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که بسا باشد که میت در تنگی و شدتی بوده باشد و حق تعالی به او وسعت دهد و تنگی از او بردارد پس به او گویند این فرَج که تو را روی داد به سبب نمازی است که فلان برادر مؤمن برای تو کرد راوی پرسید: دو میت را در دو رکعت نماز شریک می توانم کرد فرمود بلی فرمود که میت شاد می شود و فرَج می یابد به دعا و استغفاری که از برای او کنند چنانچه زنده شاد می شود به هدیه که برای او برند و فرمود که بر میت داخل می شود در قبرش نماز و روزه و حج و تصدق و سایر اعمال خیر و دعا و ثواب آن اعمال برای کسی که کرده و برای مرده هر دو نوشته می شود و در حدیث دیگر فرمود که هر که از مسلمانان برای میتی عمل صالحی بکند خدا ثواب آن را مضاعف می گرداند و میت به آن عمل منتفع می گردد و در روایتی وارد شده است که هرگاه شخصی به نیت میتی تصدقی بکند حق تعالی جبرئیل را امر می نماید که با هفتاد هزار ملک به نزد قبر او می روند و هر یکی طبقی در دست دارند از نعمتهای الهی و هر یک به او می گویند اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ ای دوست خدا این هدیه فلان مؤمن است برای تو پس قبر او روشن می شود و حق تعالی هزار شهر در بهشت به او کرامت می فرماید و هزار حوری به او تزویج می فرماید و هزار حُلّه به او می پوشاند و هزار حاجت او را روا می کند .

نماز فرزند برای پدر و مادر

دو رکعتست در رکعت اول فاتحه و ده مرتبه: رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ

* * * * * پروردگارا بیامرز مرا و پدر و

مادرم و دیگر مؤمنان را

يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ و در رکعت دوم فاتحه و ده مرتبه رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَ

در روزی که حساب برپا شود * * * * * پروردگارا بیامرز مرا و پدر و مادرم و

لِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ * و چون سلام دهد ده مرتبه بگوید :

* * * * * هرکه در حال ایمان به خانه من درآید و هر مرد مؤمن و زن با ایمانی را

* * * *

رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا

1164

شکّی پیدا شد: هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ

او است آغاز و انجام و آشکار

وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ × و نیز از برای دفع و سوسه شیطان از حضرت

و نهان و او به هرچیز دانا است * * * * *

صادق علیه السلام مرویست که دست بر سینه خود بکش و بگو: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ

بنام خدا و به * * * * *

ذات خدا محمد رسول

اللَّهُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ امْسَحْ عَنِّي مَا أَخَذَرُ

خدا است و جنبش و نیروی نیست جز به خدای والای بزرگ خدایا پاک کن از من آنچه را از آن می ترسم * *

دست بر شکم خود می کشی و سه مرتبه می گویی که انشاء الله برطرف خواهد شد و نیز از برای دفع و سوسه نافع است

شستن سر به سدر و مسواک کردن و انار خوردن و آب نیسان آشامیدن و روزه سه روز از هر ماه پنجشنبه اول و آخر و

چهارشنبه و سطو نیز بگوید :

أَعُوذُ بِاللَّهِ الْقَوِيِّ مِنَ الشَّيْطَانِ الْغَوِيِّ وَأَعُوذُ بِمُحَمَّدٍ الرَّضِيِّ مِنْ شَرِّ مَا قُدِّرَ وَ

پناه می برم به خدای نیرومند از شیطان گمراه و پناه می برم به محمد پسندیده از شر آنچه مقدر گشته و

قُضِيَ وَأَعُوذُ بِاللَّهِ النَّاسِ مِنْ شَرِّ الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ

قضا بر آن رفته و پناه می برم به معبود مردم از شر جن و مردم همگی

نماز استخاره ذات الرفاع

و کیفیت آن چنانست که هرگاه اراده کردی امری را می گیری شش رقعۀ را و می نویسی در سه رقعۀ از آن :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ خَيْرَةٌ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ لِفُلَانِ بْنِ

* * * * * بنام خدای بخشاینده مهربان خیر می خواهم از خدای نیرومند فرزانه برای فلان فرزند

فُلَانَةَ أَفْعَلُ و در سه رقعۀ دیگر می نویسی لَا تَفْعَلْ بَجَائِزِ أَفْعَلْ پس می گذاری آنها را در زیر

فلان * * * * *

* * * * *

مصلّای خود و دو رکعت نماز می گذاری و چون فارغ شدی سجده می کنی و می گوئی در سجود

صد مرتبه: اَسْتَخِيرُ اللَّهَ بِرَحْمَتِهِ خَيْرَةً فِي عَافِيَةٍ پَس مِي نَشِينِ و مِي گُوئی: اَللّٰهُمَّ

* * * * *

خير جويم از خدا به رحمتش خير جوي در عافيت

× × خدايا

خُرْلِي وَاحْتَرَلِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَ عَافِيَةٍ بِسِ دَسْتِ مِي زَنِي

خیر برایم بخواه و خیر برایم برگزین در همه کارهایم در آسانی از جانب خود و عافیت

به رقعہا و آنها را به ہم مخلوط می کنی و یکی یکی بیرون می آوری پس ہر گاہ سہ اِفْعَلْ پشت سر ہم بیرون آمد آن امر را بجا می آوری کہ ارادہ کردہ ای و اگر سہ لا تَفْعَلْ بیرون آمد بہ جا نیاور آن امر را کہ نیت کردہ ای و اگر یکی اِفْعَلْ بیرون آمد و دیگری لا تَفْعَلْ پنج رقعہ بیرون آور و بہ آن نگاہ کن ہر گاہ سہ اِفْعَلْ است و دو لا تَفْعَلْ بجا آور آن امر را و اگر بہ عکس است بجا نیاور مؤلف گوید کہ معنی استخارہ طلب خیر کردن است پس ہر کاری کہ می خواہی بکنی طلب کن خیر خود را از حق تعالی و روایت شدہ کہ در سجدہ آخر نماز شب طلب خیر

كن و صدويك مرتبه بگو: اَسْتَخِيرُاللهَ بِرَحْمَتِهِ و در سجده آخر نافله صبح و در هر ركعت از

* * * * * خیر جویم از خدا به رحمتش * * * * *

نافله‌هاي زوال نيز استخاره مندوبست و بدانكه علامه مجلسي قدس سره از والدماجدش نقل كرده كه روايت كرده از استادش شيخ بهائي (ره) كه گفت شنيدم از مشايخ كه مذاكره مي‌كردند از حضرت قائم عَجَلُ الله فرجه در استخاره با تسبيح آنكه تسبيح را بدست گيرد و سه مرتبه صلوات بفرستد بر محمد و آل محمد صلوات الله عليهم اجمعين و يك قبضه از تسبيح را بگيرد و دو تا دو تا بشمرد پس اگر يكي باقي ماند بجا آورد و اگر دو تا باقي ماند بجا نياورد و شيخ فقيه اجلّ صاحب جواهر فرموده در جواهر استخاره‌اي است معمول نزد بعض اهل زمان ما و بسا هست كه نسبت داده مي‌شود به مولاي ما حضرت قائم عجل الله فرجه و او آن است كه بعد از قرائت و دعا يك قبضه از تسبيح را بگيرد و هشت هشت طرح كند پس اگر يكي باقيماند في الجملة نيكست و اگر دو تا باقي ماند يك نهي از آن است و اگر سه تا ماند اختيار دارد چون فعل و ترك آن مساويست و اگر چهار تا ماند دو نهي است از آن و اگر پنج تا ماند بعضي گفته‌اند كه تعب و رنج دارد و بعضي گفته‌اند كه در آن ملامت است و اگر شش تا ماند نهايت خوبست و بايد تعجيل در آن كرد و اگر هفت تا ماند حكمش مثل پنج است و اگر هشت تا ماند چهار نهي از آن است و بدانكه ما در باب ششم بعضي از استخارات را

ذکر خواهیم کرد و بدان نیز که مرحوم محدث کاشانی در تقویم المحسنین برای استخاره به قرآن مجید در ایام هفته ساعتی نقل کرده و گفته اختیار این مطلب بنا بر مشهور است و اگر چه یافت نشده بر آن حدیثی از اهل بیت علیهم السلام پس گفته روز یکشنبه نیک است تا ظهر پس از عصر تا مغرب روز دوشنبه نیکست تا طلوع شمس پس از ناهار تا ظهر و از عصر تا عشاء آخر روز سه شنبه نیکست از اول وقت ناهار تا ظهر پس از عصر تا عشاء آخر روز چهارشنبه نیکست تا ظهر پس از عصر تا عشاء آخر روز پنجشنبه نیکست تا طلوع آفتاب پس از ظهر تا عشاء آخر روز جمعه نیکست تا طلوع آفتاب پس از زوال تا عصر روز شنبه نیکست تا وقت ناهار پس از زوال تا عصر و این جدول مأخوذ است از مدخل منظوم محقق طوسی طاب ثراه .

ذکر نماز برای قضای دین و کفایت ظلم سلطان

شیخ طوسی روایت کرده است که مردی خدمت حضرت صادق علیه السلام رسید و گفت شکایت می‌کنم بسوی تو ای آقای من از قرضی که مرا فراگرفته و از سلطانی که ستم به من می‌کند می‌خواهم تعلیم فرمائی مرا دعائی که تحصیل کنم به آن غنیمتی که ادا نمایم به آن قرض خود را و باز دارم به آن ستم سلطان را فرمود هرگاه تاریکی شب تو را فرا گرفت پس دو رکعت نماز گذار بخوان در رکعت اول آن حمد و آیه الکرسی و در رکعت دویم حمد و آخر سوره حشر لَوْ اٰتٰرٰنَا هٰذَا الْقُرْآنَ عَلٰی جَبَلٍ تَاْخِرَ سُوْرَهٗ پَسْ بَکْرِیْ قُرْآنَ مَجِیْدٍ رَا و بَکْذَارَ بَرِ سَرِّ خُود و بَکُو :

بِحَقِّ هٰذَا الْقُرْآنِ وَ بِحَقِّ مَنْ اَرْسَلْتَهُ بِهٖ وَ بِحَقِّ کُلِّ مُؤْمِنٍ مَدَحَتْهُ فِیْهِ وَ

* * * به حق این قرآن و به حق آنکس که او را بدین قرآن فرستادی و هر مؤمنی که در آن مدحش کردی و

بِحَقِّکَ عَلَیْهِمْ فَلَا اَحَدٌ اَعْرَفُ بِحَقِّکَ مِنْکَ × بَکُو: [بَکْ] یا اللّٰهُ × ده مرتبه یا

به حق تو بر ایشان زیرا هیچکس به حق تو از خودت آشناتر نیست × × به حق خودت ای خدا × × ای

مُحَمَّدٌ × ده مرتبه یا عَلِیٌّ × ده مرتبه یا فَاطِمَةُ × ده مرتبه یا حَسَنٌ × ده مرتبه

محمد × × × × × ای علی × × × × × ای فاطمه × × × × × ای حسن * * * * *

یا حُسَیْنٌ × ده مرتبه یا عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ × ده مرتبه یا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیٍّ × ده

ای حسین × × × × × ای علی فرزند حسین × × × × × ای محمد فرزند علی * * *

مرتبه یا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ × ده مرتبه یا مُوسٰی بْنُ جَعْفَرٍ × ده مرتبه یا عَلِیُّ بْنُ

* * ای جعفر فرزند محمد × × × × × ای موسی بن جعفر × × × × × ای علی فرزند

مُوسٰی × ده مرتبه یا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیٍّ × ده مرتبه یا عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدٍ × ده مرتبه

موسي × × × × × اي محمد بن علي × × × × × اي علي فرزند محمد * * * * *

يا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ × ده مرتبه بِالْحُجَّةِ × ده مرتبه پس حاجت خود را بطلب راوي

اي حسن بن علي × × × × × به حق حضرت حجت * * * * *
* * * * *

گفت آن مرد رفت و بعد از مدتی آمد درحالی که قرضش ادا شده بود و امر سلطانش اصلاح شده بود و مالش زیاد گشته بود مؤلف گوید که ظاهر آن است که این عمل بعد از نماز بجا آورده می شود نماز حاجت از دعوات راوندي نقل است که حضرت امام زین العابدین علیه السلام گذشتند به مردی که بر در خانه مردی نشسته بود فرمود با وی که برای چه بر در منزل این ستمکار جبار نشسته ای گفت به جهت محنت و سختی که مرا عارض شده فرمود برخیز تا من تو را راهنمایی کنم به دري که بهتر از در او است و بسوي ربّي که بهتر است براي تو از او پس گرفت دست او را و آورد او را تا به مسجد پیغمبر صلي الله عليه وآله و فرمود که رو به قبله کن و دو رکعت نماز کن بدرگاه خدا پس ثناگو خدا را و صلوات بفرست بر رسول خدا صلي الله عليه وآله و بخوان آخر سوره حَشْر و شش آیه اوّل سوره حدید و دو آیه که در آل عمران است پس سؤال کن حاجت خود را از خدا که خدا عطا می فرماید تو را جناب راوندي فرموده شاید دو آیه آیه قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمُلْكِ باشد یعنی تا بغير حساب علامه مجلسي قدس سره فرموده شاید آیه قُلِ اللَّهُمَّ باشد با آیه شَهِدَ اللَّهُ و بدانکه روایت شده از امیرالمؤمنین علیه السلام که فرمود هرگاه یکی از شما اراده حاجتی کند پس صبح پنجشنبه در طلب آن بیرون رود و بخواند در وقتی که از منزل بیرون می رود آخر سوره آل عمران و آیه الكرسي و اِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ و سوره حمد زیرا که در اینها است حوائج دنیا و آخرت .

نماز در مُهمّات

چهار رکعت می گذاری و قنوت و ارکان آن را نیکو بجا می آوری و می خوانی در رکعت اوّل حمد یکمرتبه و حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ هفت مرتبه و در رکعت دوّم حمد يك مرتبه و آیه ماشاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ اِنْ تَرَنْ اَنَا اَقَلُّ مِنْكَ مَالاً وَ وَلَدًا هفت مرتبه و در رکعت سیم حمد يك مرتبه و قوله تعالى لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ هفت مرتبه و در چهارم حمد يك مرتبه و أَفَوْضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ اِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ هفت مرتبه پس حاجت بخواه .

نماز رفع عُسْرَت و سختی

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون دشوار شود بر تو کاری دو رکعت نماز بگذار وقت زوال بخوان در رکعت اول فاتحه و قُلْ هُوَ اللَّهُ وَإِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا تَا وَيَنْصُرُكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيزًا و در رکعت دوم فاتحه و قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَاللَّهُ تَشَرَّحٌ و این نماز به تجربه رسیده است .

نماز برای زیاد شدن روزی

روایتست که مردی نزد حضرت رسول صلی الله علیه وآله آمد و گفت یا رسول الله من صاحب عیالم و قرض دارم و حالم سخت است تعلیم فرما مرا دعائی که بخوانم خداوند عزوجل را به آن تا روزی کند مرا آن قدری که قرض خود را ادا کنم و استعانت بجویم با آن برعیال خویش فرمود ای بنده خدا وضو بگیر وضوی کاملی پس دو رکعت نماز کن و رکوع و سجود آن را تمام بجا آور پس بگو :

یا مَاجِدُ یا وَاحِدُ یا کَرِیمُ اَتَوَجَّهُ اِلَیْكَ بِمُحَمَّدٍ نَبِیِّ الرَّحْمَةِ

* * * * * ای با مجد و شوکت ای یگانه ای بزرگوار توجه کنم بسویت بوسیله پیامبرت محمد پیامبر رحمت

صَلِّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهِ یا مُحَمَّدُ یا رَسُوْلَ اللّٰهِ اِنِّیْ اَتَوَجَّهُ بِكَ اِلَی اللّٰهِ رَبِّیْ وَ

درود خدا بر او و آتش ای محمد ای رسول خدا براسی من متوجه گشتهام بوسیله تو بسوی خدا پروردگار خود و

رَبِّكَ وَ رَبُّ كُلِّ شَیْءٍ وَاَسْئَلُكَ اللّٰهَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَیْتِهِ وَ

پروردگار تو و پروردگار هرچیزی و از تو خواهم خدایا که درود فرستی بر محمد و خاندانش و

اَسْئَلُكَ نَفْحَةً کَرِیمَةً مِنْ نَفْحَاتِكَ وَفَتْحًا یَسِیرًا وَرِزْقًا وَاَسْأَلُکَ بِه شَعْنِی وَ

از تو خواهم نسیمی کریمانه از نسیمهای رحمت و گشایشی آسان و روزی وسیعی که پریشانیم را بدان برطرف کنم و

اَقْضِ بِه دِیْنِی وَاَسْتَعِیْنُ بِه عَلَی عِیَالِی

قرضم را بدان اداء کنم و کمک جویم بدان بر عائله‌ام

نماز دیگر برای زیاد شدن روزی

چون خواستی به دکان خویش بروی ابتدا کن به مسجد و دو رکعت نماز یا چهار رکعت بجا آور

و بگو: غَدَوْتُ بِحَوْلِ اللّٰهِ وَ قُوَّتِهِ وَ غَدَوْتُ بِلَا حَوْلَ مِنِّیْ وَلَا قُوَّةَ وَلَکِنْ

* * * * * بامداد کردم به نیروی خدا و قدرت او و بامداد کردم نه به نیروی خودم و نه به قدرتم بلکه

بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ یا رَبُّ اللّٰهُمَّ اِنِّیْ عَبْدُكَ اَلْتَمِسُ مِنْ فَضْلِكَ کَمَا اَمَرْتَنِیْ

به نیرو و قدرت تو ای پروردگار من خدایا همانا من بنده توام که خواهان فضل توام چنانچه به من دستور دادی

فَيَسِّرْ لِي ذَلِكَ وَأَنَا خَافِضٌ فِي عَافِيَتِكَ × نماز دیگر دو رکعت است در رکعت اول

پس آن را برای من آسان گردان در آن حال که من در عافیت تو آسوده‌ام * * * * *

حمدیک مرتبه و اِنَّا اعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ سه مرتبه و در رکعت دوم حمد یک مرتبه و هر یک از دو قُلْ اَعُوْذُ سه مرتبه .

نماز حاجت

منقول از مکارم هرگاه نصف شب شود غسل کن و دو رکعت نماز بجا آور بخوان در هر دو رکعت حمد و پانصد مرتبه سوره توحید و لکن در رکعت دوم چون از خواندن توحید فارغ شدی بخوان آخر سوره حشر که لَوْ اَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلٰی جَبَلٍ لَّيَكُنْ مِنْهَا رَمَادًا و شش آیه اول سوره حدید و بگو بعد از آن به همان حال که ایستاده‌ای هزار مرتبه اَيَّاكَ نُعْبُدُ وَاَيَّاكَ نَسْتَعِينُ پس نماز را تمام کن و ثنا کن حق تعالی را پس اگر حاجت برآورده شد فَبِهَا وَالْاُخْرٰى دَعَا و اگر در دفعه دوم برآورده نشد دفعه سیم به عمل آور که انشاءالله تعالی برآورده شود. نماز دیگر ثقة الاسلام کلینی در کافی به سند معتبر روایت کرده از عبدالرحیم قصیر که گفت وارد شدم بر حضرت صادق علیه السلام و عرض کردم فدای تو شوم از پیش خود دعائی اختراع کرده‌ام فرمود واگذار مرا از اختراع خود هرگاه تو را حاجتی روی دهد پس پناه بر به رسول خدا صلی الله علیه و آله و دو رکعت نماز کن و هدیه کن آن را بسوی حضرت رسول صلی الله علیه و آله عرض کردم به چه نحو کنم این نماز را فرمود غسل می‌کنی و دو رکعت نماز می‌گذاری مثل نماز فریضه در افتتاح و اختتام و چون سلام گفتی می‌گوئی :

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ السَّلَامُ وَ مِنْكَ السَّلَامُ وَ اِلَيْكَ يَرْجِعُ السَّلَامُ

خدایا تویی سلام و از تو است سلام و بسوی تو بازگردد سلام

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ اَبْلِغْ رُوْحَ مُحَمَّدٍ مِّنِّي السَّلَامَ وَ اَرْوَا حَ

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و بفرست از جانب من به روح محمد و ارواح

الْاَيْمَةِ الصّٰدِقِيْنَ سَلَامِي وَ ارْزُدْ عَلٰی مِنْهُمْ السَّلَامَ وَ السَّلَامُ عَلَيْهِمْ وَ رَحْمَةً

امامان راستگو سلامم را و بازگردان بر من از ایشان سلامی و درود بر ایشان و رحمت

اللّٰهِ وَ بَرَكَاتُهُ اَللّٰهُمَّ اِنَّ هَاتَيْنِ الرُّكْعَتَيْنِ هَدِيَّةٌ مِّنِّي اِلَى رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّي اللّٰهُ

خدا و برکاتش خدایا این دو رکعت نماز هدیه‌ای است از من به پیشگاه رسول خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ فَاتَّبِعْنِيْ عَلَيْهِمَا مَا اَمَلْتُ وَ رَجَوْتُ فَيْكَ وَ فِي رَسُوْلِكَ يَا وَلِيَّ

علیه و آله پس پاداشم بده بر آن دو بدانچه امید و آرزو دارم درباره پیامبرت ای سرپرست

* * * * * و بزداي اندوهم را و بگشايي از من غم و غصه‌ام را به رحمت اي مهربانترين مهربانان * * *

حاجت سید بن طاووس در مزار در باب اعمال مسجد کوفه در ذیل اعمال محراب حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرموده
ذکر نماز حاجتی که در خصوص این مکان باید به عمل آورد و آن چهار رکعت است یعنی به دو سلام می خوانی در
رکعت اول حمد و ده مرتبه قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و در رکعت دوم حمد و بیست و یک مرتبه توحید و در رکعت سیم حمد و سی و
یک مرتبه توحید و در رکعت چهارم حمد و چهل و یک مرتبه توحید و چون سلام نماز دادی و تسبیح خواندی بخوان
پنجاه و یک مرتبه توحید و پنجاه مرتبه استغفار کن و پنجاه مرتبه صلوات بر پیغمبر و

آل آن حضرت بفرست و پنجاه مرتبه بگو: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ
* * * * * جنبش و نیرویی نیست جز به خدای والای

بزرگ

پس بگو: يَا اللَّهُ الْمَانِعُ [اي يمنع قدرته عن ايصال الضرر الى خلقه و الحاصل انه
* * * * * اي خدائی که مانع است * * * * *
* * * * *

تعالی لا يفعل فيه ما يقدر عليه من التعذيب والانتقام «منه» [قُدْرَتُهُ خَلَقَهُ وَالْمَالِكُ
* * * * *
* * * * *]
* از اینکه آسیب قدرتش را به خلق برساند و نگهدارد

بِهَا سُلْطَانُهُ وَالْمُسْلَطُ بِمَا فِي يَدَيْهِ عَلَي كُلِّ مَوْجُودٍ وَ غَيْرُكَ يَخِيبُ رَجَاءُ
بدان قدرت سلطنتش را و مسلط است بدانچه در دست دارد بر هر موجود و جز تو ناامید شود امید امیدوارش و
امیدوار تو

رَاجِيهِ وَ رَاجِيكَ مَسْرُورٌ لَا يَخِيبُ أَسْأَلُكَ بِكُلِّ رِضِي لَكَ وَ بِكُلِّ شَيْءٍ أَنْتَ
خوشحال است که ناامید نشود از تو خواهم به هرچه خوشنودی داری و بهر مقامی که تو درآنی
فِيهِ وَ بِكُلِّ شَيْءٍ تُحِبُّ أَنْ تُذَكَّرَ بِهِ وَ بِكَ يَا اللَّهُ فَلَيْسَ يَعْدِلُكَ شَيْءٌ أَنْ تُصَلِّيَ
و بهرچه دوست داری که بدان یاد شوی و به حق خودت ای خدا که هیچ چیزی با تو برابر نیست که درود فرستی
عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تُحَفَظُنِي وَ وَلَدِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ تُحَفَظُنِي
بر محمد و آل محمد و نگهداری مرا و اولاد و خانواده و داراییم را و به نگهداری خود
بِحِفْظِكَ وَ أَنْ تُقْضِيَ حَاجَتِي فِي كَذَا وَ كَذَا وَ ذَكَرَ كُنْ حَاجَتِ خُودَ رَا اِيضاً نَمَاز

* * * * * نگاهی داری و حاجاتم را برآوری در مورد فلان قضیه و فلان قضیه * * * * *

حاجت روایت شده که هر که را بسوی خدا حاجتی باشد و بخواهد برآورده شود چهار رکعت نماز گذارد و بخواند در هر رکعت فاتحه‌الکتاب و انعام و در عقب نماز بگوید:

یا کریم یا کریم یا عظیم یا عظیم یا عظیم یا اعظم من کل عظیم یا
ای بزرگوار ای بزرگوار... ای بزرگ... ای بزرگتر از هر بزرگ ای
سمیع الدعاء یا من لا تُغیرهُ اللّیالی والأیام صلّ علی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْحَمْ

شنوای دعاء ای که تغییرش ندهد شبها و روزها درود فرست بر محمد و آلش و رحم کن

ضعفی و فقری و فاقتی و مسکنتی فإِنَّكَ أَعْلَمُ بِهَا مِنِّي وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِحَاجَتِي

به ناتوانی و نداری و تنگدستی و بی‌نواییم زیرا که تو خود آنها را بهتر از من دانی و دانایتری به حاجتم

یا مَنْ رَحِمَ الشَّيْخَ يَعْقُوبَ حِينَ رَدَّ عَلَيْهِ يُوسُفَ قُرَّةَ عَيْنِهِ یا مَنْ رَحِمَ أَيُّوبَ

ای که رحم کردی به یعقوب پیر آنگاه که یوسف نور چشمش را به او بازگرداندی ای که رحم کردی به ایوب

بَعْدَ طُولِ بَلَاءِهِ یا مَنْ رَحِمَ مُحَمَّدًا وَمِنَ الْيَتَامَى آوَاهُ وَنَصَرَهُ عَلِيَّ جَبَابِرَةَ

پس از بلای طولانی که به محمد(ص) رحم کردی و او را از یتیمی سرپرستی کردی و بر گردنکشان و سرکشان

قُرَيْشٍ وَطَوَاعِيتِهَا وَأَمَكْنَهُ مِنْهُمْ یا مُعِثُّ یا مُعِثُّ یا مُعِثُّ × می‌گویی: این

قریش یاریش دادی و بر آنها مسلطش ساختی ای فریادرس... ای فریادرس * * * * *

را مکرر پس سؤال می‌کنی از خداوند تعالی حاجات خود را که حق تعالی عطا می‌فرماید آن را ایضاً نماز حاجت سید

بن طاوس قدس سره روایت کرده فرموده که در شب جمعه و شب عید اضحی دو رکعت نماز بکن و در هر رکعت سوره

فاتحه بخوان و آیه اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ اِيَّاكَ نَسْتَعِينُ را صد مرتبه بگو پس حمد را تمام کن و بعد از حمد بخوان دویست مرتبه سوره

توحید را و چون سلام گفتی هفتاد مرتبه بگو:

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

جنبش و نیروی نیست جز به خدای والای بزرگ

پس به سجده برو و دویست مرتبه بگو یا رَبِّ یا رَبِّ پس هر حاجت که داری بطلب که انشاءالله برآورده است

ایضاً نماز حاجت که جماعت بسیاری از علماء مانند شیخ مفید و طوسی و سید بن طاوس و دیگران آن را نقل کرده‌اند

از حضرت صادق علیه السلام و کیفیت آن موافق روایت سیدچنان است که هرگاه تو را حاجت مهمی روی دهد بسوی خداوند

عزوجلّ پس سه روز متوالی که چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه باشد روزه بگیر و چون روز جمعه شد غسل کن و جامه نو و نظیف بپوش پس بالا رو به بامی که بلندترین بامهای خانهات باشد و دو رکعت نماز بجا آور پس دستها را بسوی آسمان بلند کن و بگو: اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ حَلَلْتُ بِسَاحَتِکَ لِمَعْرِفَتِیْ بَوَحْدَانِیَّتِکَ وَ

* * * * *

خدا یا من به آستان تو فرود آمدم چون به یگانگی و

صَمَدًا بَیِّنَتِکَ وَ اَنَّهُ لَا قَادِرًا عَلَیْ قَضَاءِ حَاجَتِیْ غَیْرُکَ وَ قَدْ عَلِمْتُ یَا رَبُّ اَنَّهُ

بی نیازیت آشنا بودم و می دانستم که کسی جز تو قدرت بر آوردن حاجتم را ندارد و به خوبی دانسته ام پروردگارا که

کَلَّمَا تَظَاهَرَتْ نِعْمَتُکَ عَلَیَّ اشْتَدَّتْ فَاقَتِیْ اِلَیْکَ وَ قَدْ طَرَقَتْنِیْ هُمُ کَذَا وَ کَذَا به

بهراندازه نعمت بیشتر بر من باریده احتیاج و نیازم به تو سختتر شده و اکنون اندوه فلان کار و فلان جریان به من وارد

شده *

جای کذا و کذا حاجت خود را ذکر کند وَ اَنْتَ بِکَشْفِهِ عَالِمٌ غَیْرُ مُعَلِّمٍ وَ اَسِعْ غَیْرُ

* * * * *

و تو برای برطرف کردن آن دانای بدون

معلم هستی و بدون مشقت رفع آن

مُتَّکَلِّفٍ فَاسْئَلْکَ بِاسْمِکَ الَّذِیْ وَضَعْتَهُ عَلَی الْجِبَالِ فَتُسِفَتْ وَ وَضَعْتَهُ عَلَی

توانی پس از تو خواهم به حق آن نامت که نهادی بر کوهها و آنها از هم پراکنده شد و نهادی آنرا بر

السَّمَوَاتِ فَانْشَقَّتْ وَ عَلَی الثُّجُومِ فَانْتَشَرَتْ وَ عَلَی الْأَرْضِ فَسُطِحَتْ وَ

آسمانها و آنها از هم شکافت و بر ستارگان و آنها فرو ریخت و بر زمین نهادی پس گسترده شد و

أَسْأَلُکَ بِالْحَقِّ الَّذِیْ جَعَلْتَهُ عِنْدَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ عِنْدَ عَلِیٍّ وَ

از تو خواهم بدان حقی که قرار دادی آنرا در پیش محمد صلی الله علیه و آله و در نزد علی و

الْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ وَ عَلِیٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَ جَعْفَرٍ وَ مُوسٰی وَ عَلِیٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ

حسن و حسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی

وَالْحَسَنِ وَ الْحُجَّةَ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ اَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَیْتِهِ وَ اَنْ

و حسن و حضرت حجت علیهم السلام که درود فرستی بر محمد و خاندانش و اینکه

تَقْضِیَ لِی حَاجَتِیْ وَ تُیَسِّرَ لِی عَسِیرَهَا وَ تَکْفِیَنِیْ مُهِمَّهَا فَاِنْ فَعَلْتَ فَالْکَ

حاجتم بر آوری و دشواریش را آسان کنی و مهمش را کفایت کنی پس اگر انجام دادی که

الْحَمْدُ وَ اِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَالْکَ الْحَمْدُ غَیْرُ جَائِرٍ فِی حُکْمِکَ وَ لَا مُتَّهَمٌ فِی قَضَائِکَ

* * * * *

1175

جهت حوائج دینیّه تو و بعد به جهت آن حاجتی که عارض تو شده و قصد آن را داشته مثلاً هرگاه ظالمی در صدد کشتن و هلاکت تو باشد و تو روزه حاجت گرفتی برای خلاصی از شرّ او و بدانکه اهمّ از آن حاجت دینیّه تو است که آن عفو و رضای حق تعالی باشد از تو و آنکه بر تو اقبال فرماید و عمل تو را قبول خود کند زیرا که در کشته شدن تو دنیای تو فاسد شود هرگاه دین تو سالم باشد بعلاوه آنکه اگر کشته نشوی لابد خواهی مرد و لکن اگر عفو و رضای خدا برای تو حاصل نشود در دنیا و آخرت هلاک خواهی شد و هوها و شدایدی برای تو حاصل خواهد شد که به خیال تو نخواهد رسید و اما اینکه گفتیم مقدّم بدار حاجت امام زمان خود را بر حوائج خود پس به جهت آن است که بقای دنیا و اهل آن بواسطه وجود اوست پس هرگاه وجود تو محفوظ باشد بوجود يك نفر دیگر چگونه مقدّم بداری حوائج و مراد خود را بر حوائج او بلکه واجبست مقدّم داری حوائج او را بر حوائج خود و مراد او را بر مراد خود و بدانکه آن جناب در حاجات خودش از روزه و نماز تو مستغنی است و حاجتی به تو ندارد لکن مقتضای بندگی و وظیفه تو آن است که چنین کنی چنانکه استفتاح می کنی دعاهاي خود را به صلوات بر ایشان صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ .

نماز استغاثه

در مکارم است که چون خواستی در شب بخوابی بگذار نزد سر خود ظرف نظیفی که در آن آب طاهر باشد و بپوشان آن را به پارچه نظیفی و چون بیدار شدي در آخر شب از برای نماز شب از آن آب بیاشام سه جرعه پس وضو بگیر به باقی آن آب و رو به قبله کن و اذان و اقامه بگو و دو رکعت نماز کن و بخوان در آن هر سوره که بخوای از قرآن و چون از قرائت فارغ شدي به رکوع می روی و می گوئی در رکوع بیست و پنج مرتبه یا غِیَاثَ الْمُسْتَغِیْثِینَ پس سر از رکوع بر می داری و بیست و پنج مرتبه می گوئی و همچنین در سجده اوّل و بعد از سر برداشتن و در سجده دویم و بعد از سر برداشتن در هر کدام بیست و پنج مرتبه می گوئی و بر می خیزی و رکعت دوّم را نیز به همین کیفیت بجا می آوری که مجموع سیصد مرتبه گفته شود پس تشهد می خوانی و سلام می دهی و بعد از نماز سر بسوی آسمان می کنی و سی مرتبه می گوئی :

مِنَ الْعَبْدِ الذَّلِيلِ إِلَى الْمَوْلَى الْجَلِيلِ

از جانب بنده ذلیل بسوی سرور بزرگ

* و حاجت می طلبی همانا به زودی حاجت روا خواهد شد انشاء الله تعالی. نماز استغاثه به حضرت بتول صلی الله علیها روایت شده که هرگاه تو را حاجتی باشد بسوی حق تعالی و سینهات از آن تنگ شده باشد پس دو رکعت نماز بکن و چون سلام نماز گفتی سه مرتبه تکبیر بگو و تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بخوان پس به

سجده برو و بگو صد مرتبه: یا مَوْلَاتِی یا فَاطِمَةُ اَغِیثِی پس جانب راست رو را بر

* * * * * ای مولای من ای فاطمه به فریادم برس * * * * *

* * * * *

زمین گذار و همین را صد مرتبه بگو پس به سجده برو و همین را صد مرتبه بگو پس جانب چپ رو را بر زمین گذار و صد مرتبه بگو پس باز به سجده برو و صد و ده مرتبه بگو و حاجت خود را یاد کن بدرستی که خداوند برمی آورد آن را انشاء الله تعالی. مؤلف گوید که شیخ حسن بن فضل طبرسی در مکارم الأخلاق فرموده نماز استغاثه به بتول علیها السلام دو رکعت نماز می کنی پس به سجده می روی و می گوئی یا فَاطِمَةُ صد مرتبه پس جانب راست رو را بر زمین می گذاری و صد مرتبه می گوئی پس جانب چپ می گذاری و صد مرتبه می گوئی پس دوباره به سجده می روی و صد و ده مرتبه می گوئی پس از آن می گوئی :

یا اَمِنًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَكُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ خَائِفٌ حَذَرٌ اَسْئَلُكَ بِاَمْنِكَ مِنْ كُلِّ

ای امان بخش از هر چیز و هر چیز از تو ترسان و بیمناک از تو خواهم به همان امان بخشیت از هر

شئی و وَخَوْفٍ كُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُعْطِنِي اَمَانًا

چیز و همان ترس هر چیز از تو که درود فرستی بر محمد و به من امان بخشی

لِنَفْسِي وَاهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي حَتَّى لَا اَخَافُ اَحَدًا وَلَا اَحْذَرُ مِنْ شَيْءٍ اَبَدًا

برای خود و خانواده و مال و فرزندم تا بدانجا که از هیچکس نترسم و هرگز از چیزی بیم نداشته باشم

اِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ x و نیز در این کتاب شریف از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که

* * * * * که برستی تو بر هر چیز توانایی * * * * *

* * * *

فرمود هرگاه یکی از شما خواهد استغاثه کند بسوی خداوند پس دو رکعت نماز کند پس به

* * * * *

* * * * *

سجده رود و بگوید: یا مُحَمَّدٌ یا رَسُوْلَ اللهِ یا عَلِيٌّ یا سَيِّدِي الْمُؤْمِنِيْنَ

* * * * * ای محمد ای رسول خدا، ای علی ای دو آقای مؤمنین

وَالْمُؤْمِنَاتِ بِكُمَا اَسْتَغِيْثُ اِلَى اللهِ تَعَالٰی یا مُحَمَّدٌ یا عَلِيٌّ اَسْتَغِيْثُ بِكُمَا یا

و مؤمنات به شما دو آقا استغاثه بسوی خدای تعالی کنم ای محمد ای علی بوسیله شما فریادخواهی کنم

غَوْثًا بِاللّٰهِ وَبِمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ x و می شماری هر يك از امامان را پس می گوئی :

ای فریاد بوسیله خدا و محمد و علی و فاطمه
* * *

بِكُمْ أَتَوَسَّلُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى پس بدرستی که در همان ساعت به فریاد تو خواهند رسید انشاء الله تعالی
* * * بوسیله شما توسل جویم بسوی خدای تعالی
* * *

نماز حضرت حجت علیه السلام

در مسجد جمکران که در يك فرسخي بلده طَبَّيْه قم مي باشد شيخ مرحوم در نجم ثاقب كَيْفِيَّتِ بِناء اين مسجد شريف را به امر امام صاحب الزَّمان عليه السلام نقل کرده در حکايت اوّل از باب هفتم آن کتاب و در آن حکايت است که آن جناب فرمود به حسن مثله جمکرانی مردم را بگو تا رغبت کنند بدین موضع و عزيز دارند و چهار رکعت نماز اینجا بگذارند دو رکعت تحيَّت مسجد در هر رکعتی يك بار الحمد و هفت بار قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و تسبیح رکوع و سجود هفت بار بگویند و دو رکعت نماز امام صاحب الزَّمان عليه السلام بگذارند بر این نسق چون فاتحه خواند به اِيَّاكَ نَعْبُدُ و اِيَّاكَ نَسْتَعِينُ رسد صد بار بگوید و بعد از آن فاتحه را تا آخر بخواند و در رکعت دویم نیز به همین طريق بگذارد و تسبیح رکوع و سجود هفت بار بگوید و چون نماز تمام کرده شد تهلیل بگوید و تسبیح فاطمه زهرا عليها السلام و چون از تسبیح فارغ شود سر به سجده نهد و صد بار صلوات بر پیغمبر و آلش صلوات الله عليهم بفرستد و این نقل از لفظ مبارك امام عليه السلام است که فَمَنْ صَلَّيْهُمَا فَكَأَنَّمَا صَلَّيَ فِي الْبَيْتِ الْعَتِيقِ یعنی هر که این دو رکعت نماز را بگذارد همچنین باشد که دو رکعت نماز در کعبه گذارده باشد ايضاً نماز آن حضرت و نیز در نجم ثاقب از کتاب كنوز التجاح شيخ طبرسي نقل کرده که بیرون آمد از ناحیه مقدسه حضرت صاحب الزَّمان عليه الصَّلوة و السَّلَام که هر کس را بسوي حق تعالی حاجتی باشد پس باید که بعد از نصف شب جمعه غسل کند و بجای نماز خود رود و دو رکعت نماز گذارد در رکعت اوّل بخواند سوره حمد را و چون به اِيَّاكَ نَعْبُدُ و اِيَّاكَ نَسْتَعِينُ برسد صد مرتبه آن را مکرر کند و بعد از آنکه صد مرتبه تمام شود تتمه سوره حمد را بخواند و بعد از تمام شدن سوره حمد سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را يك مرتبه بخواند و رکوع و دو سجده بجا آورد و سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ و بِحَمْدِهِ را هفت مرتبه در رکوع بگوید و سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى و بِحَمْدِهِ را در هر يك از دو سجده هفت مرتبه بگوید و بعد از آن رکعت دویم را نیز مانند رکعت اوّل بجا آورد و بعد از تمام شدن نماز این دعا را بخواند پس بدرستی که حق تعالی البتّه حاجت او را برمي آورد هرگونه حاجتی که باشد مگر آنکه حاجت او در قطع کردن صله رحم باشد و دعا این است :

اللَّهُمَّ إِنْ أَطَعْتُكَ فَالْمَحْمَدَةُ لَكَ وَإِنْ عَصَيْتُكَ فَالْحُبَّةُ لَكَ مِنْكَ الرُّوحُ وَ

مِنْكَ الْفَرَجُ سُبْحَانَ مَنْ أَنْعَمَ وَشَكَرَ سُبْحَانَ مَنْ قَدَّرَ وَغَفَرَ اللَّهُمَّ أَنْ كُنْتُ

عَصِيَّتِكَ فَأَنِي قَدْ أَطَعْتُكَ فِي أَحَبِّ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ وَهُوَ الْإِيمَانُ بِكَ لَمْ أَتَّخِذْ

لَكَ وَلَدًا وَلَمْ أَدْعُ لَكَ شَرِيكًا مَنَّا مِنْكَ بِهِ عَلَيَّ لَا مَنَّا مَنِّي بِهِ عَلَيْكَ وَقَدْ

عَصَيْتُكَ يَا اِهْلِي عَلَى غَيْرِ وَجْهِ الْمُكَابَرَةِ وَلَا الْخُرُوجِ عَنْ عِبُودِيَّتِكَ وَلَا

الْجُحُودُ لِرَبُّبَيْتِكَ وَلَكِنْ أَطَعْتُ هَوَايَ وَأَزَلَّنِي الشَّيْطَانُ فَلَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ وَ

الْبَيَانُ فَإِنْ تُعَذِّبْنِي فَبِذُنُوبِي غَيْرُ ظَالِمٍ لِي وَإِنْ تُغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي فَإِنَّكَ

جَوَادُ کَرِیمُ × و بعد از آن تا نفس او وفا کند یا کریمُ یا کریمُ × را مکرّر بگویند و بعد از

آن بگوید: یا آمناً من کُلِّ شَیْءٍ وَکُلِّ شَیْءٍ مِنْکَ خَافُ حَذَرُ اسْتِئْذَانٍ بِأَمْنِکَ

مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ خَوْفُ كُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ

أَنْ تُعْطِيَنِي أَمَانًا لِنَفْسِي وَ أَهْلِي وَ وَلَدِي وَ سَائِرَ مَا أَعْمَتَ بِهِ عَلَيَّ حَتَّى

لَا أَخَافُ وَلَا أَحْذَرُ مِنْ شَيْءٍ أَبَدًا إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَ

نترسم و بیم نداشته باشیم از چیزی هرگز که برستی تو بر هر چیز توانایی و
 نَعْمَ الْوَكِيلُ يَا كَافِيَّ اِبْرَاهِيمَ مُرُودَ وَيَا كَافِيَّ مُوسَى فِرْعَوْنَ اَسْئَلُكَ اَنْ
 کافی است ما را خدا و نیکو و کیلی است ای کفایت کننده ابراهیم از فرود و ای کفایت کننده موسی از فرعون از تو
 خواهم که

تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تُكَفِّنِي شَرَّ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ × به جای فلان

درود فرستی بر محمد و آل محمد و کفایت کنی از من شر فلان پسر فلان را * * * * *

بن فلان نام شخصی را که از ضرر او می ترسد و نام پدر او را بگوید و از حق تعالی طلب کند که ضرر او را دفع نماید
 و کفایت کند پس بدرستی که حق تعالی البته کفایت ضرر او خواهد کرد انشاء الله تعالی و بعد از آن به سجده رود و
 حاجت خود را مسئلت نماید و تضرع و زاری کند بسوی حق تعالی پس بدرستی که نیست مرد مؤمنی و نه زن مؤمنه ای
 که این نماز را بگذارد و این دعا را از روی اخلاص بخواند مگر آنکه گشوده می شود برای او درهای آسمان برای برآمدن
 حاجات او و دعای او مستجاب می گردد در همان وقت و در همان شب هرگونه حاجتی که باشد و این به سبب فضل و
 انعام حق تعالی است بر ما و بر مردمان «انتهی». مؤلف گوید که نجل جلیل شیخ طبرسی رضی الدین حسن بن فضل نیز
 این نماز را در مکارم الأخلاق نقل کرده و در اوّل دعا بجای اَللّهُمَّ اِنْ كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ، اِنْ كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ ذکر کرده و
 بعد از حَتِّي لَا آخَفَ كَلِمَةً أَحَدًا اضافه کرده و بعد از فِرْعَوْنَ اَسْئَلُكَ و بقیه مثل همان نماز خوف از ظالم منقول از مکارم
 غسل می کنی و دو رکعت نماز می گذاری و زانوهای خود را برهنه می کنی در نزد جا نماز خود و صد مرتبه می گوئی :

يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا حَيًّا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيْثُ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ

ای زنده ای پاینده ای زنده ای که معبودی جز تو نیست به رحمت تو پناه جویم پس درود فرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَ اَعِزَّنِي السَّاعَةَ السَّاعَةَ × پس چون فارغ شدی از این بگو: اَسْئَلُكَ اَللّهُمَّ

محمد و همین ساعت به فریادم برس الساعة × × × × × × × × × × × × × × × × از تو خواهم خدایا

اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تُلْطِفَ لِيَّ وَ اَنْ تَغْلِبَ لِيَّ وَ اَنْ

که درود فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه نسبت به من لطف فرمایی و غالب گردانی به نفع من و

تَمْكُرْ لِيَّ وَ اَنْ تَخْذَعْ لِيَّ وَ اَنْ تُكَيِّدَ لِيَّ وَ اَنْ تُكَفِّنِي مَوْتَةَ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ

مکر کنی و خدعه کنی و کید کنی به نفع من و کفایت کنی از من زحمت فلان... را

و این دعای حضرت رسول صلی الله علیه و آله است در روز اُحُد .

نماز به جهت تیزی ذهن و قوّت حافظه

در مکارم الاخلاق روایت شده از صادقین علیهما السلام که می‌نویسی با زعفران در ظرف نظیفی حمد و آیه‌الکرسی و اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ و یس و واقعه و سوره حشر و تبارک و قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ و دُو قُلْ اَعُوْذُ را پس این سوره‌ها را می‌شوئی به آب زمزم یا به آب باران یا آب نظیفی پس می‌اندازی در آن آب دو مثقال کُندر و ده مثقال شکر و ده مثقال عسل پس بگذار آن را شب در زیر آسمان و بگذار بر روی آن آهنی پس آخر شب که می‌شود دو رکعت نماز می‌خوانی در هر رکعت حمد و پنجاه بار قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ و چون فارغ شدی از نماز آب را می‌آشامی که نیکو و مُجَرَّب است برای حفظ انشاء اللّٰه و بیاید در اواخر باب ششم چیزهایی که سبب کثرت حافظه خواهد بود .

نماز برای آمرزش گناهان

دو رکعت بجا آورد در هر رکعت شصت مرتبه قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ بخواند چون از نماز فارغ شود گناهانش آمرزیده شود نماز دیگر شیخ طوسی در مصباح در اعمال روز جمعه گفته روایت شده از عبداللّٰه بن مسعود که گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله هر کسی که در روز جمعه بعد از نماز عصر دو رکعت نماز گذارد بخواند در رکعت اوّل فاتحه و آیه‌الکرسی و قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ بیست و پنج مرتبه و در رکعت دوّم فاتحه و قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ و قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ النَّاسِ بیست و پنج مرتبه و چون از نماز فارغ شود بیست و پنج مرتبه بگوید :

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ از دنیا بیرون نرود تا بنمایاند حق تعالی بهشت

جنبش و نیروی نیست جز به خدای والای بزرگ * * * * *

را در خواب به او و ببیند مکان خود را در بهشت. مؤلف گوید که سید بن طاوس در فصل سی و سیّم جمال الأسبوع نماز برای آمرزش گناهان نقل کرده و فرموده این غازی است جلیل القدر و عظیم الشأن حامل اسرار الهی می‌شناسد آن را و مبادا که در حقّ آن سُستی کنی هر که طالب است به آن کتاب رجوع کند .

نماز وصیّت

که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به آن وصیّت فرموده دو رکعت است بین مغرب و عشاء در رکعت اوّل حمد و سیزده مرتبه اِذَا زُلْزِلَتْ و در دوّم حمد و پانزده مرتبه قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ اگر هر شب بجا آورد ثوابش را غیر از خدا کسی نتواند شماره نماید .

نماز عفو

دو رکعت است در هر رکعت حمد و يك مرتبه اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ و بعد از قرائت رَبِّ عَفْوَكَ عَفْوَكَ پانزده مرتبه و در رکوع ده مرتبه تمام مي‌کني مثل نماز جعفر مؤلف گويد نماز استغفار مثل نماز عفو است مگر آنکه عوض رَبِّ عَفْوَكَ بايد اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ گفته شود و اين نماز براي توسعه معاش نافع است انشاءالله تعالى .

ذکر نمازهاي ايام هفته

نماز روز شنبه سيّد بن طاوس از حضرت امام حسن عسکري عليه السلام روايت کرده که فرمود خواندم از کتابهاي پدرام عليهم السلام که هر که روز شنبه چهار رکعت نماز گذارد بخواند در هر رکعتي حمد و قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و آية الكرسي بنويسد خداوند عزوجل او را در درجه پيغمبران و شهداء و صالحين و نيكو رفيقانند ايشان .

نماز روز يکشنبه و نيز از آن حضرت مرويست که فرمود هر که روز يك شنبه چهار رکعت نماز بخواند در هر رکعت حمد و سوره تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ حق تعالى مکان دهد او را در بهشت هر کجائي که خواسته باشد .

نماز روز دوشنبه و نيز فرمود که هر که روز دوشنبه ده رکعت نماز بجا آورد بخواند در هر رکعت حمد و توحيد ده مرتبه حق تعالى در روز قيامت براي او نوري قرار دهد که روشنائي دهد مَوْقِف را تا غبطه برند بر او جميع خلق خدا در آن روز .

نماز روز سه شنبه و نيز از آن حضرت مرويست که هر که در روز سه شنبه شش رکعت نماز بگذارد و بخواند در هر رکعت بعد از حمد آيه آمَنَ الرَّسُولُ را تا به آخر و سوره اِذَا زُلْزِلَتْ را يك مرتبه حق تعالى گناهان او را بيامرزد و از گناهان بيرون آيد مانند روزي که از مادر متولد شده .

نماز روز چهارشنبه و نيز از آن حضرت مرويست که هر که روز چهارشنبه چهار رکعت نماز بگذارد و بخواند در هر رکعت بعد از حمد يك مرتبه سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ خداوند قبول فرمايد توبه او را از هر گناهي و تزويج فرمايد به او حوريّه در بهشت .

نماز روز پنجشنبه و فرمود آن حضرت که هر که روز پنجشنبه ده رکعت نماز گذارد و بخواند در هر رکعتي سوره حمد و قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را ده مرتبه ملائکه به او گویند که هر حاجتي داري بخواه که برآورده خواهد شد .

نماز روز جمعه و نيز فرمود که هر که روز جمعه چهار رکعت نماز کند و بخواند در هر رکعتي سوره حمد و تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ و حم سجده حق تعالى او را داخل بهشت کند و شفاعت او را در حق اهليبت او قبول فرمايد و نگهدارد او

را از فشار قبر و هولهایی روز قیامت راوی سؤال کرد از آن حضرت که در چه وقت از روزها این نمازها را باید بجا آورد فرمود از مابین طلوع آفتاب تا وقت زوال .

باب سیم در ادعیه و عوذات آلام و اسقام و علل اعضا و تب و غیره

سید بن طاوس در مُهَج الدَّعَوَات نقل کرده از سعید بن ابی الفتح قمی که در واسط ساکن بود گفت مرا مرضی عظیم بود که طبیبان از علاج آن عاجز بودند و پدرم مرا به دارالشفا برد و طبیبان و ساعور که مقدم ترسایان باشد در طب جمع کرد برای معالجه من پس ایشان فکر کردند و گفتند که این مرض را غیر از خدا کسی نمی تواند علاج کند از این سخن شکسته دل و غمناک شدم و کتابی از کتابهای پدرم برداشتم که چیزی از آن مطالعه نمایم در پشت آن کتاب دیدم نوشته که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که هر که را مرضی باشد بعد از نماز صبح چهل بار بگوید :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ

بنام خدای بخشنده مهربان ستایش خاص خدا پروردگار جهانیان است بس است ما را خدا و نیکو وکیل است

تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ و دست بر

منزه و بزرگ است خدا بهترین آفریدگان و جنبش و نیروی نیست جز به خدای والای بزرگ * * *

آنجا که علت باشد بمالد از آن صحت یابد و حضرت عزت او را شفا بخشد پس من صبر کردم چون صبح شد فریضه را بجا آوردم و چهل نوبت این دعا را خواندم و دست بر آن محل می مالیدم پس خدای تعالی آن مرض را از من دفع نمود و من نشسته بودم و می ترسیدم که مبادا برگردد تا سه روز بدین حال بودم باز نگریدید بعد از آن پدرم را خبر دادم به این قصه پس شکر خدا را بجا آورد و برای بعضی از اطباء که ذمی بود آن را نقل کرد پس آن طبیب نزد من آمد و مرض را دید که برطرف شده در همانحال مسلمان شد و کلمه شهادت گفت و اسلامش نیکو گردید. شیخ کفعمی در مصباح فرموده که هرگاه در تو علتی باشد دست بمال به موضع سجده خود و بمال آن را بر موضع علت هفت مرتبه در عقب هر نماز فریضه و بگو :

يَا مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ وَ سَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ وَ اخْتَارَ لِنَفْسِهِ أَحْسَنَ

ای که فرو برد زمین را بر آب و بر بست هوا را به آسمان و انتخاب کرد برای خود بهترین

الْأَسْمَاءِ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا وَ ارْزُقْنِي وَ

نامها را درود فرست بر محمد و آل محمد و درباره من چنین و چنان کن و روزیم ده و

محمد و آلش و برطرف کن محتم را و بگردانش به نزد کسی که بخواند با تو معبود دیگری را چون من گواهی دهم که

أَنْ لَا إِلَهَ غَيْرُكَ × و روایت شده که هر مؤمنی که هر بیماری و علّتی پیدا کند دست بمالد

معبودی جز تو نیست * * * * *

* * * * *

به موضع درد و بگوید با خلوص نیت: وَتُنَزَّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ

« * * * * * و نازل کنیم از این قرآن چیزی

را که شفا و رحمت است

لِلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا عافیت یابد از آن هر نحو علّتی باشد و

برای مؤمنان و نیفزاید ستمکاران را جز خسران و زیان * * * * *

* * * * *

مصدق این در خود آیه است که فرموده شفاءً وَرَحْمَةً لِلْمُؤْمِنِينَ ایضاً برای دفع مرض يك صاع گندم بخرد و قفا

بخوابد و آن گندمها را بر روی سینه خود بریزد و بگوید:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا سَأَلَكَ بِهِ الْمَضْطَرُ كُشِفَتْ مَا بِهِ مِنْ ضَرٍّ وَ

خدایا از تو خواهم بدان نامت که چون بخواندت بدان نام درمانده‌ای برطرف کردی درماندگی را

مَكُنْتُ لَهُ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْتَهُ خَلِيفَتَكَ عَلَي خَلْقِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ

و نیرو و تمکنش دادی در زمین و گردانیدی او را خلیفه خود بر خلقت که درود فرستی بر محمد و

عَلَي أَهْلِ بَيْتِهِ وَأَنْ تُعَافِيَنِي مِنْ عِلَّتِي پس برخیزد و بنشیند و گندمها را از اطراف خود

بر خاندانش و مرا از این درد تندرستی بخشی * * * * *

* * * * *

جمع کند و این دعا را بخواند پس آن را قسمت کند به چهار قسمت و هر چارک آن را که يك مدّ باشد به مسکینی دهد

و این دعا را بخواند که انشاءالله تعالی از مرض بهبودی حاصل کند و ایضاً از امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که

دست بگذار بر موضع درد و بگو سه مرتبه:

اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي حَقًّا لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا اللَّهُمَّ أَتَتْ لَهَا وَلِكُلِّ عَظِيمَةٍ فَفَرَّجْهَا

خدا... پروردگار من است به حقیقت که شریک نسازم با او چیزی را خدایا تویی برطرف کننده این درد و هر درد بزرگی

پس برطرف کن آن را

عَنِّي × و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که دست بر موضع درد گذار و بگو: بِسْمِ اللَّهِ

نگهداري و بازش گردان با تندرستی خوب و قرار ده آنچه را در اين بيماري به او رسيده

مَادَّةٌ لِحَيَاتِهِ وَكَفَّارَةٌ لِسَيِّئَاتِهِ اَللّٰهُمَّ وَ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ پَس اِگَر

مايه اي براي زندگانيش و كفاره اي از گناهانش خدايا و درود فرست بر محمد و آل محمد * * *

اثر نکرد در خوب شدن او مکرر کند حمد را هفتاد مرتبه که اثر خواهد کرد انشاء الله تعالی از حضرت باقر علیه السلام

روایت است که هرکس را که سوره حمد و قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ خوب نکند چیز دیگر او را خوب نکند و هر علقی را این

دوسوره نیکومی کند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر مؤمنی که علقی داشته باشد از روی اخلاص

بگوید :

وَأَنْزَلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ مسح کند موضع علق را حق

و نازل گردانیم از قرآن آنچه را شفاء و رحمت است براي مؤمنان * * * * *

تعالی او را شفا دهد و از حضرت امام رضا علیه السلام مرویست که براي رفع تمامی امراض بخوان

* * * * *
* * * * *

بر آنها: يَا مُنْزِلَ الشِّفَاءِ وَ مُذْهِبَ الدَّاءِ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ وَ أَنْزِلْ عَلٰى

* * اي فرو فرستنده شفاء و دور کننده درد درود فرست بر محمد و آتش و فرو فرست براي

وَ جَعِيَ الشِّفَاءَ سَيِّدِ بَنِ طَاوُسٍ در مهج از ابن عباس روایت کرده که گفت من در نزد

* * * * *
* * * * *

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نشسته بودم پس شخصی در آمد رنگ او رفته و گفت يا امیرالمؤمنین من همیشه

بیمارم و دردهای بسیار دارم پس مرا دعائی بیاموز که به آن استعانت بجویم بر امراض حضرت فرمود که مي آموزم تو

را دعائی که جبرئیل آن را به حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله آموخت در وقتی که حسن و حسین بیمار بودند و آن

دعا این است :

اَلِهِيَ كُلَّمَا اَنْعَمْتَ عَلَيَّ نِعْمَةً قَلَّ لَكَ عِنْدَهَا شُكْرِي وَ كُلَّمَا ابْتَلَيْتَنِي بِبَلِيَّةٍ قَلَّ

خدايا هراندازه نعمت به من دهی شکر من در برابرش اندك است و هرگاه مبتلایم گردانی به بلايی اندك است

لَكَ عِنْدَهَا صَبْرِي فَيَا مَنْ قَلَّ شُكْرِي عِنْدَ نِعْمَةٍ فَلَمْ يَحْرِمْنِي وَ يَا مَنْ قَلَّ

در برابر آن شکیبایی من پس اي کسی که اندك است شکر من در برابر نعمتهایش ولی او محروم نگرداند و اي که کم است

صَبْرِي عِنْدَ بَلَاءٍ فَلَمْ يَخْذُلْنِي وَ يَا مَنْ رَانِي عَلَيَّ الْمَعَاصِي فَلَمْ يَفْضَحْنِي وَ

شکيبايم در برابر بلايش ولی او مرا وامگذارد و اي که دید مرا بر حال گناهان ولی رسوايم نکرد و

يَا مَنْ رَانِي عَلَى الْخَطَايَا فَلَمْ يُعَاقِبْنِي عَلَيْهَا صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

اي که دید مرا بر حال خطاكارها ولی مؤاخذهام نکرد بر آنها درود فرست بر محمد و آل محمد

وَاعْفِرْ لِي ذَنْبِي وَاشْفِنِي مِنْ مَرَضِي إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ × ابن عباس

و بيمارم گناههم را و شفايم ده از بيماريم که تو بر هر چيز تواناي * * * * *

گفت پس دیدم آن مرد را بعد از يك سال در حالی که رنگش نيكو و قرمز شده بود و گفت در هيچ دردي نخواندم

این دعا را مگر آنکه شفايافتم و داخل نشدم بر سلطانی که از او مي ترسيدم مگر آنکه خداوند عزوجل ردّ کرد شرّ او را از

من منقول است که به نجاشي از پدراناش کلاهي به ارث رسیده بود از چهارصد سال که بر هر دردي که نهاده مي شد

ساکن مي گشت پس آن کلاه را شکافتند که به بينند چه در آنست دیدند که در آن اين دعا است :

بِسْمِ اللَّهِ الْمَلِكِ الْحَقِّ الْمُبِينِ شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلَأَ ثَكَّةً وَأَوَّلُوا الْعِلْمَ

بنام خدا پادشاه برحق و آشکار، گواهي دهد خدا که معبودي جز او نيست و فرشتگان و دانشمندان نیز گواهي داده اند

انصاف بدو

قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ لِلَّهِ نُورٌ

پايدار است معبودي جز او نيست که عزيز و فرزانه است همانا دين نزد خدا اسلام است براي خدا نور است

وَحِكْمَةٌ وَحَوْلٌ وَقُوَّةٌ وَقُدْرَةٌ وَسُلْطَانٌ وَبُرْهَانٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ آدَمُ صَفِيُّ

و حکمت و هر جنبش و تواناي و نیرو و سلطنت و برهان، معبودي جز خدا نيست، آدم برگزيده

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِبْرَاهِيمُ خَلِيلُ اللَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُوسَى كَلِيمُ اللَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

خداست معبودي نيست جز خدا، ابراهيم خليل خدا است، معبودي نيست جز خدا، موسي هم سخن خدا است، معبودي

نيست جز خدا،

مُحَمَّدٌ الْعَرَبِيُّ رَسُولُ اللَّهِ وَحَبِيبُهُ وَخَيْرُهُ مِنْ خَلْقِهِ أُسْكُنْ يَا جَمِيعَ

محمد عربي رسول خدا و حبيب او است و برگزيده او است از خلقش آرام گيريد اي همه

الْأَوْجَاعِ وَالْأَسْفَامِ وَالْأَمْرَاضِ وَجَمِيعِ الْعِلَلِ وَجَمِيعِ الْحُمَمَاتِ سَكُنْكَ

دردها و بيماريها و امراض و همه علتها و همه تبها، آرام کردم تو را بدان خدائي

بِالَّذِي سَكَنَ لَهُ مَا فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ

که آرام شوند براي شب و روز و او است شنواي دانا و درود خدا بر

خَيْرَ خَلْقِهِ مُحَمَّدٌ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ × در مکارم الأخلاق است که نجاشی ملک صداعي

بهترین خلقش محمد و آل او همگی
* * * *

داشت مرض خود را براي حضرت رسول صلي الله عليه وآله نوشت حضرت اين حرز را براي او فرستاد او در كلاه خود گذاشت دردش ساكن شد و آن حرز اين است :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ شَهِدَ اللَّهُ × تا آخر

بنام خدای بخشاینده مهربان معبودي نیست جز خدا فرمانرواي برحق و آشکار گواهي دهد خدا * * *

آيَه لِلَّهِ نُورٌ وَحِكْمَةٌ وَعِزٌّ وَقُوَّةٌ وَبُرْهَانٌ وَقُدْرَةٌ وَسُلْطَانٌ وَرَحْمَةٌ يَا مَنْ لَا

* * براي خدا است نور و حکمت و عزت و توانايي و برهان و نیرو و سلطنت و رحمت اي که هرگز

يَنَامُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَبْرَهِيمُ خَلِيلُ اللَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُوسَى كَلِيمُ اللَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

نخوابد معبودي نیست جز خدا، ابراهيم خليل خدا است معبودي نیست جز خدا، موسي هم صحبت خدا است معبودي نیست جز خدا

عِيسَى رُوحُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَصَفِيُّهُ وَصِفْوَتُهُ

عيسي روح خدا و كلمه او است معبودي نیست جز خدا محمد رسول خدا است و برگزيده و خاص درگاهش

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَسْكُنْ سَكَنُكَ بِمَنْ يَسْكُنُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ

درود خدا و سلامش بر او و آتش باد آرام باش که آرامت کردم بدانکه آرام شود براي او آنچه در آسمانها

وَالْأَرْضِ وَبِمَنْ سَكَنَ لَهُ مَا فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ فَسَخَّرْنَا لَهُ

و زمین است و به آنکه آرام شود براي او آنچه در شب و روز است و او است شنوای دانا پس به فرمانش در آورديم باد را

الرَّيْحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رَخَاءً حَيْثُ أَصَابَ وَالشَّيَاطِينَ كُلَّ بَتَاءٍ وَغَوَاصٍ أَلَا

که مي رفت به دستورش به نرمي هرکجا که مي خواست و شياطين را از هر بتاء و غواصي بدانکه

إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ × تعويد به جهت درد سر و درد گوش از حضرت باقرالعلوم عليه السلام

بسوي خدا باز گردد هرکاري
* * * *

مرويست که به جهت تسکين درد سر، سر را مسح کند و هفت مرتبه بگويد: أَعُوذُ بِاللَّهِ

* * * * *

* * * * * پناه برم به خدای

الَّذِي سَكَنَ لَهُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ السَّمِيعُ

که آرام شود برایش آنچه در خشکی و دریا است و آنچه در آسمانها و زمین است و او شنوا

الْعَلِيمُ × و این دعا از برای درد گوش نیز از حضرت صادق علیه السلام هفت مرتبه نقل شده و نیز

* * * * * و دانا است

* * * * *

از آن حضرت وارد شده که پنیر بسیار کهنه را قدری بگیر و نرم بکوب و با شیر ممزوج کن و بر روی آتش گرم و

نرم کن و چند قطره در گوش که درد می کند بریز ایضاً برای درد سر بخواند بر قدح آبی :

أَوَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا

* * * * * آیا ندانند کسانی که کافر شدند که آسمانها و زمین به هم پیوسته بودند

فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ × پس بپاشامد آن را

* * * * * پس از هم بازشان کردیم و آفریدیم از آب هر چیز زنده ای را آیا ایمان نمی آورند *

و روایت شده که هرگاه کسالت یا صداع عارض حضرت رسول صلی الله علیه و آله می گشت دستها را می گشود و

فاتحه و معوذتین می خواند و بصورت می کشید پس برطرف می شد از آن حضرت درد و نیز از برای رفع صداع دست

بکشد بر سر او و بگوید :

إِنَّ اللَّهَ يُمَسِّكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا

براستی خدا نگهدارد آسمانها و زمین را از اینکه بیفتند و اگر بیفتند نگاهشان ندارد

مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا

هیچکس جز او که براستی او بردبار و آمرزنده است

و از ربیع الأبرار نقلست که مأمون را در طرطوس صداعی عارض شد و به هیچ وجه علاج آن نشد قیصر روم کلاهی

برای او فرستاد و نوشت برای او شنیدم خبر صداع تو را این کلاه را فرستادم که بر سر گذاری تا درد ساکن شود مأمون

ترسید که در آن زهری تعبیه کرده باشد امر کرد که بر سر حاملش نهادند دید ضرری به او نرسانید پس امر کرد بر سر

کسی دیگر که صداع داشت نهادند دردش ساکن شد آن وقت مأمون آن کلاه را بر سر خود گذاشت

دردش ساکن گشت تعجب غود او را شکافت دید که در آن نوشته است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ

* * * * *

* * * * * بنام خدای بخشاینده

الرَّحِيمِ كَمْ مِنْ نِعْمَةٍ لِلَّهِ فِي عِرْقِ سَاكِنِ حَمِ عَسَقٍ لَا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا

مهربان چه بسیار نعمتی از خدا که در رگی ساکن است به آیه «حم عسق» درد سر نکشند از آن و بیهوش

يُنْزِفُونَ مِنْ كَلَامِ الرَّحْمَنِ خَمَدَتِ النَّيِّرَانُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَجَالِ

نگردند از سخن خدای رحمان خاموش گشت آتش و جنبش و نیروی نیست جز به خدا و روان شد

نَفْعُ الدَّوَاءِ فِيكَ كَمَا يَجُولُ مَاءُ الرَّبِيعِ فِي الْعُصْنِ × تعویذ به جهت درد شقیقه

* * * * * منفعت این دواء در تو چنانچه روان شد آب بهار در شاخه درخت

بگذارد دست بر محل درد و سه دفعه بگوید: یا ظاهراً مَوْجُوداً و یا باطناً غَيْرَ مَفْقُودٍ

* * * * * ای آشکار موجود و ای نهانی که گم

نگشته

أَرُدُّدُ عَلَيَّ عَبْدِكَ الضَّعِيفِ أَيْدِيكَ الْجَمِيلَةَ عِنْدَهُ وَأَذْهَبُ عَنْهُ مَا بِهِ مِنْ أَذِيٍّ

بازگردان بر بنده ناتوانت الطاف نیکت را که پیش او بود و دور ساز از او آزاری را که دارد

إِنَّكَ رَحِيمٌ قَدِيرٌ به جهت کُری گوش از حضرت باقر العلوم علیه السلام وارد شده که بگذارد دست بر

* * * * * که تو مهربان و توانایی

* * * * *

آن و بخوان: لَوْ أَثَرْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَيَّ جَبَلٍ × تا آخر سوره به جهت درد دهان از

* * * * * اگر فرود آوریم این قرآن را بر کوهی

* * * * *

حضرت صادق علیه السلام مروی است که بگذارد دست بر آن و بگو: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

* * * * * بنام خدای

بخشاینده مهربان

بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ دَاءٌ أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ الَّتِي لَا يَضُرُّ مَعَهَا شَيْءٌ

بنام خدایی که زیان نرساند با ذکر نام او دردی پناه برم به کلمات خدا که زیان نرساند به آنها چیزی

قُدُّوسٌ قُدُّوسٌ قُدُّوسٌ أَسْأَلُكَ يَا رَبِّ بِاسْمِكَ الطَّاهِرِ الْمُقَدَّسِ الْمُبَارَكِ

منزه است و بی عیب است... از تو خواهیم پروردگارا بدان نام پاک و پاکیزه و مبارکت
 الَّذِي مَنْ سَأَلَكَ بِهِ أَعْطَيْتَهُ وَمَنْ دَعَاكَ بِهِ أَجَبْتَهُ أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ أَنْ
 که هر که تو را بدان بخواند خواسته اش را بدهی و هر که بدان بخواندت اجابتش کنی از تو خواهیم ای خدا ای خدا... که
 تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَأَنْ تُعَافِيَنِي مِمَّا أَجِدُ فِي فَمِي وَفِي
 درود فرستی بر محمد پیمبرت و خاندانش و اینکه مرا عافیت بخشی از آنچه در دهانم و در
 رَأْسِي وَفِي سَمْعِي وَفِي بَصَرِي وَفِي بَطْنِي وَفِي ظَهْرِي وَفِي يَدَيَّ وَفِي
 سرم و در گوشم و در چشمم و در شکمم و در پشتم و در دستم و در
 رِجْلَيَّ وَفِي جَوَارِحِي كُلِّهَا که شفا می یابی انشاء الله تعالی به جهت درد دندان از

پایم و در همه اعضا من است * * * * *

حضرت صادق علیه السلام مرویست که بخواند بر آن بعد از گذاشتن دست بر آن حمد و توحید و قدر و
 * * * * *
 * * * * *

این آیه مبارکه وَ تَرَى الْجِبَالَ تَحْسِبُهَا جَامِدَةً وَ هِيَ ثَمَرٌ مَرَّةٍ السَّحَابِ صُنْعَ اللَّهِ
 * * * * * و بینی کوهها را و پنداری که بی حرکتند و با اینکه مانند رفتن ابرها هم می روند کار

خدایی است

الَّذِي أَتَقَنَّ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ × ایضاً از امیرالمؤمنین علیه السلام مرویست
 که هر چیز را محکم ساخت و برستی او آگاه است بدانچه شما می کنید * * * * *

که دست بکش به موضع سجده خود پس مسح کن دندان دردکن را و بگو: بِسْمِ اللَّهِ وَالشَّافِي
 * * * * *

* * بنام خدا و شفا دهنده

اللَّهُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ عُوذُهُ مَجْرِبُهُ بَرَاءِي دَرْدِ دَنَدَانِ
 خدا است و جنبش و نیروی نیست جز به خدای والای بزرگ * * * * *

می خوانی حمد و دو قلْ أَعُوذُ و قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را و می خوانی با هر سوره بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ
 * * * * *
 * * * * *

الرَّحِيمِ و بعد از قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ مِ گویی: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَلَهُ مَا سَكَنَ فِي

بنام خدای بخشاینده مهربان و از * * * * *

اوست آنچه در

اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ

شب و روز آرام گیرد و او است شنوای دانا گفتیم ای آتش باش سرد و سلامت بر ابراهیم

وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ نُودِيَ أَنْ بُورِكَ مَنْ فِي النَّارِ وَمَنْ

و اندیشیدند درباره اش کیدی پس گردانیدیشان زیانکاران ندا شد که مبارک است هر که در آتش است و هر که

حَوَّلَهَا وَ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ پس می گویی: اللَّهُمَّ يَا كَافِيًا مَنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ

در اطراف آنست و منزّه است خدا پروردگار جهانیان × × × × ای کفایت کننده از هر چیز که چیزی

لَا يَكْفِي مِنْكَ شَيْءٌ أَكْفَ عَبْدِكَ وَأَبْنِ أَمَتِكَ مِنْ شَرِّ مَا يُخَافُ وَيُخْذَرُ وَمَنْ

از تو کفایت نکند کفایت کن بنده ات را و فرزند کنیزت را از شر آنچه می ترسد و بیم دارد و از

شَرِّ الْوَجَعِ الَّذِي يَشْكُوهُ إِلَيْكَ × و نیز روایت شده که کاردی یا برگ خرمائی

شر دردی که شکوه اش بدرگاہت آورده * * * * *

* * * * *

بگیرد و بمالد بر آن جانب که درد می کند و بگوید هفت مرتبه بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام * * * * *

خدای بخشاینده مهربان

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ إِبْرَاهِيمُ خَلِيلُ اللَّهِ أَسْكُنْ بِالَّذِي سَكَنَ لَهُ

بنام خدا و به ذات خدا، محمد رسول خدا است و ابراهیم خلیل خدا است آرام گیر به حق آنکس که رام شد برای او

مَا فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ بِأَذْنِهِ وَهُوَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ × و ایضاً وارد شده که

آنچه در شب و روز است به اذنش و او بر هر چیز توانا است * * * * *

چوبی یا آهنی بگذارد بر دندان درد کن و افسون کند آن را از جانب آن هفت مرتبه بِسْمِ اللَّهِ

* * * * *

* * * * * بنام خدای

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْعَجَبُ كُلُّ الْعَجَبِ دُودَةٌ تَكُونُ فِي الْفَمِ تَأْكُلُ الْعُظْمَ وَ تُنْزَلُ

بخشاینده مهربان شگفتا! و تمام شگفت به این است که کرمی در دهان می خورد استخوان و در عوض خون فرو می ریزد

الدَّم أَنَا الرَّاقِي وَاللَّهُ الشَّافِي وَالْكَافِي لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ

من افسون كنم و خدا شفا دهد و كفایت كند معبودي نیست جز خدا و ستایش خاص خدا پروردگار

الْعَالَمِينَ وَإِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادَّارَ أَنتُمْ فِيهَا × بخواند تا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ هفت مرتبه

جهانیان است و هنگامی که کشتید کسی را و درباره اش کشمکش کردید (آیه ۷۲ بقره) × × شاید به عقل آید *

* *

این را بجا آورد به جهت درد سینه وارد شده آیه وَإِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادَّارَ أَنتُمْ تا لَعَلَّكُمْ

و هنگامی که کشتید کسی را * * * * *

پس اختلاف کردید... × شاید شما

تَعْقِلُونَ و روایت شده که استشفا کن به قرآن زیرا که حق تعالی فرموده «فیه شفاءٌ لِّما فی

تعقل کنید * * * * *

* * * * *

الضُّدُورِ» و از برای سرفه دعاء جامعه وارد شده اللَّهُمَّ أَنْتَ رَجَائِي وَأَنْتَ تَقَيَّ وَ

خدایا تو امید منی و تویی * * * * *

مورد اطمینان و

عمادی × و این دعای طولی است طالبین رجوع کنند به مأخذ آن کتاب دعای بحار

اعتماد * * * * *

* * * * *

به جهت درد شکم از حضرت رسول صلی الله علیه وآله مرویست که بیاشامد شربت عسل به آب گرم

* * * * *

* * * * *

و تعویذ کند آن را به فاتحه الكتاب هفت مرتبه ایضاً از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مرویست

* * * * *

* * * * *

که بیاشامد آب گرم و بگوید: يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ

ای خدا... ای خدا ای بخشاینده ای مهربان ای * * * * *

پروردگار پروردگاران

يَا إِلَهَ الْأَلِهَةِ يَا مَلِكَ الْمُلُوكِ يَا سَيِّدَ السَّادَةِ اشْفِنِي بِشِفَائِكَ مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ

فِيهَا عَوْجًا وَلَا أَمْتًا

در آن کجی و نه برجستگی

* هفت مرتبه پس بگیر یک یک دانه‌های جو را و به مال به ثلثول پس به بند آنها را در خرقه و به آن سنگی ببند و بپنداز آن را در چاهی و بعضی گفته‌اند که شایسته است این عمل در آخر ماه باشد که ماه در آن پنهان است و نیز نقل شده که صاحبش قطعه نمکی بگیرد و بمالد به ثلثول و بخواند بر آن سه مرتبه لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ تا آخر سوره حشر و بپندازد آن را در تنوری و بشتاب بگذرد که برطرف خواهد شد انشاءالله. و در خزائن است که مالیدن نوره بر ثلثول برطرف خواهد کرد آن را به جهت ورمهای بدن روایت شده که چون وضو سازی برای نماز فریضه بخوان بر آن پیش از نماز و بعد از آن لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ تا آخر سوره و تدبّر کن در وقت خواندن آن که انشاءالله ورم ساکن خواهد شد به جهت رفع دشوار زائیدن زنان بنویسد در پوستی :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً

بنام خدای بخشاینده مهربان گویی ایشان روزی که عذاب موعود را ببینند بسر نبرده‌اند ساعتی

مِنْ نَّهَارٍ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحِيَّةً إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ

از روز گویی ایشان چون روز رستاخیز را ببینند بسر نبرده‌اند جز شبانگاه یا روزی هنگامی که زن عمران گفت

عِمْرَانُ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ

پروردگارا من نذر کرده‌ام برای تو آنچه را در شکم من است آزاد پس بپذیر از من که براستی تویی شنوای

الْعَلِيمُ × پس به بندد آن را بر ران راست او و چون فرزندش متولد شد آن را باز کند و نیز

دانا * * * * *

* * * * *

روایت شده که بخواند بر آن: فَاجِئَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ تَارُطْبًا جَنِيًّا

* * * * * پس بیاوردش درد زاییدن بسوی تنه درخت خرما ×

(تا آیه ۲۵ سوره مریم)

پس صدا بلند کند به این آیه: وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا

* * * * * و خدا بدر آورد شما را از شکمهای مادرانتان که نمی دانستید

چیزی

وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ كَذَلِكَ أَخْرَجَ إِلَيْهَا

و قرار داد براي شما گوش و چشم و دل شايد شما سپاسگزاريد اين چنين برون آي

الطَّلُقُ أُخْرِجُ بِإِذْنِ اللَّهِ X و نيز از حضرت صادق عليه السلام روايت شده كه براي آسان شدن

اين چنين برون آي به اذن خدا * * * * *
* * * * *

ولادت بنويسد در پوستي يا كاغذي: اللَّهُمَّ فَارِجَ الْهَمِّ وَكَاشِفَ الْغَمِّ وَرَحْمَنَ الدُّنْيَا

* * * * * خدايا اي غم گشا و برطرف كننده اندوه اي بخشاينده دنيا

وَالْآخِرَةَ وَرَحِمَهُمَا اِرْحَمْ فَلَانَةَ بِنْتَ فَلَانَةَ رَحْمَةً تُغْنِيهَا بِهَا عَنْ رَحْمَةِ

و آخرت و مهربان آن دو، رحم كن فلان زن دختر فلان را به رحمتي كه بي نيازش كني بدان از رحمت

جَمِيعِ خَلْقِكَ تُفَرِّجُ بِهَا كُرْبَتَهَا وَتُكَشِفُ بِهَا غَمَّهَا وَتُيسِّرُ بِهَا وَلَادَتَهَا وَ

همه خلق خود و بگشايي بدان محنتش را و برطرف كني بدان اندوهش را و آسان گرداني زاييدنش را

قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ به جهت باز

و داوري شد ميانشان به حق و ستمي به ايشان نشد و گفته شد ستايش خاص خدا پروردگار جهانيان است * * *

كردن بسته شده بنويسد اول سوره اِنَّا فَتَحْنَا تَا مُسْتَقِيمًا و سوره اِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ و اين آيات

* * * * *
* * * * *

رَا: وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ

* * و از آيات خدا اين است كه «قرار داد براي شما از خودتان جفتهاي تا آرامش يابيد بدانها و قرار داد ميانه شما

مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ثُمَّ ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ

دوستي و مهر براستي در اين كار نشانه هاي است براي مردمي كه تفكر مي كنند» سپس «داخل شويد برايشان از اين

دروازه ها

فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَانْكُمُ غَالِبُونَ فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُّنْهَمِرٍ وَفَجَّرْنَا

و چون داخل شديد غلبه با شما است» «پس گشوديم درهاي آسمان را به آبي ريزان و شكافتيم در

الْأَرْضَ عَيْنُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَيَّ أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَ

زمين چشمه ها و به هم پيوست (هر دو) آب براي كاري كه مقدر شده بود پروردگارا سينه ام را بگشا و

يَسِّرْ لِي أَمْرِي وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِّنْ لِّسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي وَتَرَكْنَا

کارم را آسان کن و گره از زبانم بگشا تا فهم کنند گفتارم را و واگذاریشان در آن روز

بَعْضُهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ

که برخی موج زنند در برخی دیگر و در صور دمیده شود و

جَمْعًا كَذَلِكَ حَلَلْتُ فُلَانٍ بِنِ فُلَانٍ عَنْ بِنْتِ فُلَانَةٍ لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ

گردشان آریم این چنین گشودم فلان پسر فلان را از دختر فلان به حقیقت آمد شما را پیامبری از

أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ فَإِنْ

خودتان که ناگوار است بر او آنچه شما را به رنج اندازد و علاقمند به شما است و نسبت به مؤمنان رؤف و مهربان است اگر

تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

پشت کردند بگو بس است مرا خدا معبودی جز او نیست بر او توکل کنم که او پروردگار عرش بزرگ است

پس این نوشته را همراه او نموده و بر او آویزان کنند و در طبّ الأئمّه دعائی از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام نیز

نقل شده که تعلیم اسحاق صحّاف فرموده چون طولانی بود ذکر ننمودیم تعویذ تب (۱) بخواند این تعویذ را که رسول

خدا صلی الله علیه و آله تعلیم امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده :

اللَّهُمَّ ارْحَمْ جِلْدِي الرَّقِيقَ وَ عَظْمِي الدَّقِيقَ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ فَوْرَةِ الْحَرِيقِ يَا

خدایا رحم کن به پوست نازکم و استخوان باریکم و پناه برم به تو از فوران حریق ای

أُمَّ مِلْدَمٍ إِنْ كُنْتَ أَمَنْتَ بِاللَّهِ فَلَا تَأْكُلِي اللَّحْمَ وَلَا تَشْرَبِي الدَّمَ وَلَا تَقُورِي مِنْ

تب اگر ایمان به خدا داری پس مخور گوشت را و نیاشام خون را و فوران مکن از

الْفَمِ وَاتَّقِلِي إِلَى مَنْ يَزَعُمُ أَنْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَإِنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

دهان و برو به نزد کسی که می پندارد که با خداوند معبود دیگری است چون که من گواهی دهم که نیست معبودی جز

خدا

وَخُدَّةُ لِشَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ × (۲) مواظبت کند در صبح

یگانه ای که شریک ندارد و گواهی دهم که محمد بنده و رسول او است * * * * *

*

و شام بخواندن دعای نور که سلمان از حضرت فاطمه صلوات الله علیها نقل کرده و در مفاتیح ذکر شده (۳) روایت شده که ائمه علیهم السلام تب را به آب سرد معالجه می کردند پیوسته یک جامه را در آب تر می کردند و بر جسد می چسبانیدند (۴) به خط امام رضا علیه السلام دیده شد که برای تب به سه قطعه کاغذ بنویسند بر قطعه اول :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنتَ الْأَعْلَى × و بر دوم: بِسْمِ اللَّهِ

بنام خدای بخشاینده مهربان نترس که براسستی تویی برتر × × × × به نام خدای

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا تَخَفْ نَجُوتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ × و بر سوم: بِسْمِ اللَّهِ

بخشاینده مهربان نترس که نجات یافتی از مردم ستمکار × × × × بنام خدای

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ × پس

بخشاینده مهربان هان که از آن اوست آفرینش و فرمان، برتر است خدا پروردگار جهانیان * *

بخواند بر هر قطعه ای سه مرتبه توحید و ببلعد آن را در سه روز هر روزی یکی از آنها را که خوب خواهد شد انشاء الله (۵) تکمه های پیراهن را بگشاید و سر را در پیراهن داخل کند و اذان و اقامه گوید و هفت مرتبه حمد بخواند که انشاء الله خوب خواهد شد (۶) روایت است از ائمه علیهم السلام که بنویسد در پوستی و آویزان کند بر تب دار این عَوْدَه را :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ وَقُدْرَتِكَ وَسُلْطَانِكَ وَمَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ أَنْ

خدایا من از تو درخواست می کنم به عزت و نیرو و سلطنت و آنچه را دانش تو بدان احاطه دارد که

تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ لَا تُسَلِّطَ عَلَيَّ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ شَيْئاً مِمَّا

درود فرستی بر محمد و آل محمد و دیگر آنکه مسلط نکنی بر فلان کس پسر فلانی چیزی را از

خَلَقْتَ بِسُوءٍ وَأَرْحَمُ جِلْدَهُ الرَّقِيقَ وَعَظْمُهُ الدَّقِيقَ مِنْ فَوْرَةِ الْحَرِيقِ

مخلوقات به بدی و رحم کن به پوست نازکش و به استخوان باریکش از جوشش سوختن،

أُخْرِجِي يَا أُمِّ مِلْدَمٍ يَا أَكَلَةَ اللَّحْمِ وَشَارِبَةَ الدَّمِ حَرَّهَا وَبَرْدَهَا مِنْ جَهَنَّمَ إِنَّ

بیرون روي تب ای خورنده گوشت و نوشنده خون که گرمی و سردیت در دوزخ است اگر براسستی

كُنْتُ آمَنْتُ بِاللَّهِ الْأَعْظَمِ أَنْ لَا تَأْكُلِي لِفُلَانِ بْنِ فُلَانَةٍ لَحْماً وَلَا تُمَصِّي لَهُ دَمًا

ایمان به خدای اعظم داری نباید بخوری از فلان پسر فلان گوشتی و نمکی از او خونی

وَلَا تُنْهَكِي لَهُ عَظْماً وَلَا تُثَوِّرِي عَلَيْهِ غَمًّا وَلَا تُهَيِّجِي عَلَيْهِ صُدَاعًا وَأُتَقَلِّي

و باریک نکنی استخوانش را و نفرستی بر او اندوهی و تحریک نکنی بر او درد سری و کوچ کن

عَنْ شَعْرِهِ وَبَشَرِهِ وَلَحْمِهِ وَدَمِهِ إِلَى مَنْ زَعَمَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا

از مو و پوست و گوشت و خونس بسوي کسی که پندارد با خداوند خدای دیگری است معبودی نیست جز

هُوَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ × و بنویسد بعد از عَمَّا يُشْرِكُونَ اسم يك نفر از

خداي سبحان و برتر است از آنچه شریکش سازند * * * * *
* * * * *

اهل ذمه یا یکی از دشمنان خدا را (۷) بنویسد از برای تب و به بندد بر بازوی راست تب دار :

* * * * *
* * * * *

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ تا آخر سوره بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ

بنام خدای بخشنیده مهربان ستایش خدای را پروردگار جهانیان × × × × × بنام خدا و بذات خدا

أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ كُلِّهَا أَلَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ مِنْ شَرِّ مَا

پناه می برم به کلمات تامه خدا همه آنهایی که نگذرد از آنها نیکوکار و بدکار از شر آنچه

خَلَقَ وَ ذَرَأَ وَ بَرَأَ وَ مِنْ شَرِّ الْهَامَةِ وَ السَّامَةِ وَ الْعَامَةِ وَ اللَّامَةِ وَ مِنْ شَرِّ

خدا خلق کرده و آفریده و از شر جانوران خزنده و گزنده و عموم آنها و چشم زخم و از شر

طَوَارِقِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ مِنْ شَرِّ فُسَّاقِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ وَ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنِّ

پیش آمدها ناگهانی شب و روز و از شر بدکاران عرب و عجم و از شر بدکاران جن

وَالْأَنْسِ وَ مِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ وَ شَرِّهِ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ

و انس و از شر شیطان و دامهایش و از شر هر صاحب شری و از شر هر جنبنده ای که زمام اختیارش

هُوَ أَخِذْ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَي صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ

بدست او است که برستی پروردگار من بر راه راست است پروردگارا بر تو توکل کردیم و بسوی تو

أَتَيْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ یا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَ سَلَامًا عَلَي إِبْرَاهِيمَ وَ آرَادُوا بِهِ كَيْدًا

بازگشتیم و بازگشت همه بسوی تو است ای آتش سرد و سلامت باش بر ابراهیم و قصد نیرنگی

فَجَعَلْنَاهُمْ الْأَخْسَرِينَ بَرْدًا وَ سَلَامًا عَلَي فُلَانِ بْنِ فُلَانَةَ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ

برای او بودند که ما زیانکارشان کردیم سرد و سلامت شو بر فلان پسر فلان زن، پروردگارا مگیر ما را

نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا × تا آخر سوره: حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا وَ تَوَكَّلْ

اگر فراموش کردیم یا خطا × × × × بس است مرا خدا معبودی نیست جز او پس او را وکیل گیر و توکل کن

عَلَيَّ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَ كَفِّي بِهِ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَيْرًا
 بر زنده‌ای که نمیرد و به حمدش تسبیح‌گویی و آگاه بودن او به گناهان بندگانش بس است
 بَصِيرًا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ صَدَقَ وَعْدُهُ وَ نَصَرَ عَبْدَهُ وَ هَزَمَ
 معبودی نیست جز خدا یگانه‌ای که شریک ندارد راست آمد وعده‌اش و یاری کرد بنده‌اش را و منهزم ساخت
 الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ مَا شَاءَ اللَّهُ لَاقُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَ رُسُلِي إِنَّ اللَّهَ
 احزاب را به تنهایی آنچه خدا خواهد، نیروی نیست جز به خدا و مقرر فرمود خدا که غلبه خواهیم کرد من و
 فرستادگانم همانا خدا

قَوِيٌّ عَزِيزٌ إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ وَ مَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى
 توانا و نیرومند است و حتماً حزب خدا غلبه کند و هر که متمسک شود به خدا حتماً به
 صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ × (۸) بر سه
 راهی راست هدایت شده است و درود خدا بر محمد و آل پاک و پاکیزه‌اش * * * * *
 قطعه شکر بنویسد و هر قطعه را صبح ناشتا بخورد تا سه روز در قطعه اول عَقَدْتُ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ در دوم شَدَدْتُ بِإِذْنِ اللَّهِ
 و در سیم سَكَنْتُ بِإِذْنِ اللَّهِ دُعَاءِ زَحِيرِ روایت شده که شخصی شکایت کرد به حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و
 گفت مرا زحیری است که ساکن نمی‌شود فرمود هرگاه فارغ شدی از نماز شب بگو:
 اللَّهُمَّ مَا كَانَ مِنْ خَيْرٍ فَمِنْكَ لَا حَمْدَ لِي فِيهِ وَ مَا عَمِلْتُ مِنْ سُوءٍ فَقَدْ حَذَرْتَنِيهِ
 خدایا هر چه خیر است از تو است و من ستایشی ندارم و آنچه کار بد کردم که تو مرا از آن کار برحذر داشتی
 لَا عَذْرَ لِي فِيهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَتَكِلَ عَلَيَّ مَا لَا حَمْدَ لِي فِيهِ أَوْ أَمِنَ مِمَّا
 من عذری در آن ندارم خدایا به تو پناه برم از اینکه توکل کنم بر آنچه حمدی در آن ندارم یا این کردم از آنچه
 لَا عَذْرَ لِي فِيهِ

عذری در آن برای من نیست

* دعاء قرقره شکم و نیز روایتست که شخصی شکایت کرد به آن حضرت و گفت شکم من پیوسته صدا می‌کند و
 من حیا می‌کنم با مردم تکلم کنم زیرا که آن صدا از شکم من بیرون می‌آید و مردم می‌شنوند پس دعا کنید از برای من
 به شفاء، آن حضرت فرمود هرگاه فارغ شدی از نماز شب بگو اللَّهُمَّ مَا عَمِلْتُ مِنْ خَيْرٍ فَهُوَ مِنْكَ لَا حَمْدَ لِي فِيهِ تا آخر
 آنچه که گذشت و نیز از حضرت صادق علیه السلام وارد شده برای قَرَارِ شکم که سیاه دانه با عسل بخورد دعای بَرَص

یعنی پیسی اندام از یونس روایتست که گفت سپیدی در مابین دیدگان من عارض شده بود شکایت کردم آن را به

حضرت صادق علیه السلام فرمود وضو بگیر و دو رکعت نماز گذار و بگو:

يَا اَللهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا سَمِيعَ الدَّعَوَاتِ يَا مُعْطِيَ الْخَيْرَاتِ اَعْطِنِي خَيْرَ

اي خدای بخشاینده ای مهربان ای شنوای دعاها ای دهنده نیکیها عطا کن

الدُّنْيَا وَ خَيْرَ الْآخِرَةِ وَ قِنِي شَرَّ الدُّنْيَا وَ شَرَّ الْآخِرَةِ وَ اَذْهَبْ عَنِّي مَا اَجِدُ فَقَدْ

به من خیر دنیا و خیر آخرت را و نگاهم دار از شر دنیا و شر آخرت و دور کن از من آنچه می یابم که کارم را

غاضبی الاُمُرُ وَاَحْزَنِي

مشکل کرده و محزونم ساخته

یونس گفت چنان کردم که آن حضرت فرموده بود حق تعالی آن پیسی را از من زایل کرد وَلَهُ الْحَمْدُ و در روایت

عَدَّة الدَّاعِي است که حضرت با وی فرمود چون ثلث آخر شب می شود برخیز در اوّل آن و وضو بگیر و مشغول

نماز شب خود بشو و بگو در سجده آخر در رکعت اوّل: يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ

* * * * *

* ای والا ای بزرگ ای بخشاینده ای مهربان

يَا سَامِعَ الدَّعَوَاتِ يَا مُعْطِيَ الْخَيْرَاتِ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

ای شنوای دعاها ای عطاکننده خیرات درود فرست بر محمد و آل محمد

وَ اَعْطِنِي مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ مَا اَنْتَ اَهْلُهُ وَ اصْرِفْ عَنِّي مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا

و بده به من از خیر دنیا و آخرت آنچه را تو شایسته آنی و دور کن از من از شر دنیا

وَ الْآخِرَةِ مَا اَنْتَ اَهْلُهُ وَ اَذْهَبْ عَنِّي هَذَا الْوَجَعَ فَانَّهُ قَدْ غَاضَنِي وَ اَحْزَنِي

و آخرت آنچه را تو شایسته آنی و دور کن از من این درد را که برآستی ناراحتم کرده و محزونم نموده

* و الحاح و مبالغه کن در دعاء یونس گفت من بجا آوردم آنچه فرموده بود به کوفه هنوز نرسیده بودم که خوب شدم

و نیز برای آن نوشتن سوره یس با غسل در جامی و شستن و خوردن وارد است چنانکه برای بواسیر نیز وارد شده و

همچنین تربت امام حسین علیه السلام با آب باران برای پیسی وارد شده و حنا را بانوره مخلوط کردن و بر روی آن

مالیدن نیز روایت شده به جهت جرب و دمل و قوباء و آن جوشی است در بدن یا خارش بسیار که آن را دار گویند

روایت شده که بخوانند بر او و بنویسند و بر او آویزان کنند بِسْمِ اللّٰهِ

* * * * *

* * * * * بنام خدای

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ مَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ

بخشاینده مهربان و داستان سخن بد چون درخت بدی است که کنده شده از روی زمین

ما لها مِنْ قَرَارٍ تا آخر آیه مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَ فِيهَا نُعِيدُكُمْ وَ مِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً

و قرار ندارد (سوره ابراهیم ۲۷) × × × از آن آفریدیمتان و در آن بازگردانیمتان و از آن برون آوریمتان بار

أُخْرِى اللَّهُ أَكْبَرُ وَ أَنتَ لَا تُكَبِّرُ اللَّهُ يَبْقَى وَ أَنتَ لَا تَبْقَى وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

دیگر، خدا بزرگتر است و تو بزرگ نیستی خدا بماند و تو نمایی و خدا بر هر چیز توانا است

* به جهت درد عورت روایت شده که یکی از اصحاب ائمه علیهم السلام عورت خود را گشوده بود در موضعی که

شایسته نبود مبتلا شده بود به درد آن خدمت حضرت صادق علیه السلام شکایت کرد حضرت تعلیم فرمود او را این

عَوِذَهُ فرمود دست چپ خود را بر آن بگذار و بگو :

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ بَلِي مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَ هُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا

بنام خدا و به خدا آری هر که برای خدا روی تسلیم (بر زمین) نهد و نکوکار باشد پاداشش پیش پروردگار اوست و

خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ إِلَيْكَ وَ قَوَّضْتُ أَمْرِي

ترسی بر ایشان نیست و نه غمناک شوند خدایا من رویم را برای تو تسلیم کردم و کارم را

إِلَيْكَ لَا مَلْجَأَ وَ لَا مُنْجَا مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ × این را سه مرتبه بگو که عافیت خواهی یافت

به تو واگذار نمودم پناهگاه و راه نجاتی از تو نیست جز به تو * * * * *

* * * * *

انشاءالله تعالی به جهت درد زانو از طبّ الائمه نقل است که جابر جعفی از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده که

گفت من نزد امام حسین علیه السلام بودم که مردی از شیعیان او از بنی امیه آمد به خدمتش و عرض کرد یابن رسول

الله من نمی توانم به خدمت شما بیایم به جهت درد پائی که دارم حضرت فرمود: چرا غافلی از تعویذ امام حسن علیه

السلام گفت یابن رسول الله چیست آن فرمود اِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا تا وَ كَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا × پس بجا آورد آن مرد

آنچه فرموده بود آن حضرت پس از آن احساس نکرد درد پا را و نیز برای درد زانو وارد شده که چون نماز گذاردی

بگو: يَا أَجْوَدَ مَنْ أَعْطَى يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَ يَا أَرْحَمَ مَنْ

* * * * * ای بهترین عطا بخش ای بهترین سؤال شده ای مهربانترین

اسْتَزْجِمَ أَرْحَمَ ضَعْفَى وَ قِلَّةَ حِيلَتِي وَ أَغْفِرْ مِنِّي وَ جَعِي × و برای درد ساقها

مهر خواسته رحم کن به ناتوانی و بیچارگی و عافیتم ده از این درد * * * * *

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ
 خدایا من از تو خواهم به حق محمد و آل محمد بر تو که درود فرستی بر محمد و آل
 مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ الثَّوَرَ فِي بَصَرِي وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي
 محمد و قرار دهی روشنی در دیده‌ام و بینایی در دینم و یقین در دلم
 وَالْإِحْلَاصَ فِي عَمَلِي وَالسَّلَامَةَ فِي نَفْسِي وَالسَّعَةَ فِي رِزْقِي وَالشُّكْرَ لَكَ
 و اخلاص در کردارم و تندرستی در جانم و فراخی در روزیم و سپاسگزاری
 أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي

همیشه تا زنده‌ام

أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِقُوَّةِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِنُورِ اللَّهِ وَأَعُوذُ

پناه برم به عزّت خدا و پناه برم به نیروی خدا و پناه برم به قدرت خدا و پناه برم به نور خدا و پناه برم
بِعَظَمَةِ اللَّهِ وَاعُوذُ بِجَلَالِ اللَّهِ وَاعُوذُ بِجَمَالِ اللَّهِ وَاعُوذُ بِبَهَاءِ اللَّهِ وَاعُوذُ

به بزرگی خدا و پناه برم به جلال خدا و پناه برم به جمال خدا و پناه برم به جلوه خدا و پناه برم
بِجَمْعِ اللَّهِ × گفتیم ما چیست جَمْعُ اللَّهِ فرمود بِكُلِّ اللَّهِ وَاعُوذُ بِعَفْوِ اللَّهِ وَاعُوذُ

به هرچه ×××××××××××××××××××× از خدا است و پناه برم

بِغُفْرَانِ اللَّهِ وَاعُوْذُ بِرَسُولِ اللَّهِ وَاعُوْذُ بِالْأَمَّةِ وَ نَامَ بَرْدُ يَكْ يَكْ اِيْشَانَ رَا اَنْكَاهُ كَفَتْ :

به گذشت خدا و پناه برم به آمرزش خدا و پناه برم به رسول خدا و پناه برم به امامان

* * * * *

عَلَى مَا تَشَاءُ مِنْ شَرٍّ مَا أَجِدُ اللَّهُمَّ رَبَّ الْمُطِيعِينَ

بر آنچه تو می خواهی از شر آنچه می یابم خدایا پروردگار اطاعت کنندگان

* و نیز برای درد چشم وارد شده که بخواند بر آن آیه الکرسی و در دل گیرد خوب شدن آن را و اگر پیش از آن

دست بر چشم نهد و بگوید :

أُعِذُّ نَوْرَ بَصَرِي بِنُورِ اللَّهِ الَّذِي لَا يُطْفَأُ

پناه می‌دهم نور دیده‌ام را به نور خدایی که خاموش نگردد

وارد شده برای ضعف باصره نافع است و برای ضعف چشم و شب‌کوری وارد شده است که بنویسد آیه نور را مکرر در جامی و به آب محو کند و آن آب را در شیشه کند و از آن آب با میل به چشم کشد و روایت شده که هر که قرآن را از روی قرآن بخواند بهره‌ای برد از چشم خود و نیز روایت شده که هر که در هر روز بگوید فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعاً بَصِيراً

چشمانش از آفات سالم بماند شیخ کفعمی فرموده که به تجربه رسیده برای درد چشم و جمیع دردهای اعضاء توسل جستن به حضرت امام موسی علیه السلام برای خون دماغ آب یخ بر سر و پیشانی‌ش بریزد تعویذ بطلان سحر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مروی است که بر پوست آهو بنویسد و با خود نگاه دارند :

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ بِسْمِ اللَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ بِسْمِ اللَّهِ وَ لَا حَوْلَ

* * * * * بنام خدا و به (یاری) خدا و بنام خدا و آنچه خدا خواهد بنام خدا و

جنبش

وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ قَالَ مُوسَى مَا جِئْتُمْ بِهِ السَّحْرُ إِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ

و نیرویی نیست جز به خدا «گفت موسی آنچه شما آورده‌اید جادو است و خدا حتماً آن را باطل می‌کند زیرا خدا اصلاح نمی‌کند

عَمَلُ الْمُفْسِدِينَ فَوْقَ الْحَقِّ وَ بَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ فَعُلِبُوا هُنَاكَ وَ انْقَلَبُوا

کار تبهکاران را پس حق قرار گرفت و کاری که آنها می‌کردند باطل گشت و در آن حال مغلوب گشتند و خوار و زبون

صاغرین × و نیز از برای دفع شیاطین و جادوگران از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شده که

* * * * * بازگشتند

* * * * *

آیه سخره بخوانند و آن این است: إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي

* * * * * همانا پروردگار شما کسی است که آفرید آسمانها و زمین را

در

سِتَّةَ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُعْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسُ

شش روز سپس به عرش پرداخت، بیوشاند شب را به روز که با شتاب از دنبال آن رود و مهر
وَالْقَمَرَ وَالتُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ
و ماه و ستارگان تحت فرمان اویند بدانید که از اوست آفرینش و فرمان بزرگست خدا پروردگار
الْعَالَمِينَ ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ وَلَا تُفْسِدُوا فِي
جهانیان بخوانید پروردگار خویش را به زاری و پنهانی که او تجاوزکاران را دوست ندارد و فساد نکنید در روی
الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ
زمین پس از اصلاح آن و بخوانید خدا را با بیم و امید براستی که رحمت خدا نزدیک است به نیکوکاران

* و در بعضی روایت است که تا تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ بخواند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل شده که
بر هر يك از برگ و دانه درخت اسفند ملكي موكل است که با آنها هست تا آنکه پیوسد و ریشه اش و شاخش غم و
سحر را برطرف می کند و در دانه اش شفای هفتاد درد است پس مداوا کنید به اسفند و کُندر و از حضرت امام رضا علیه
السلام منقول است که مصروعی را دید پس طلب کرد قدحی از آب و خواند بر آن حمد و معوذتین و دمید در قدح پس
امر فرمود که از آن آب بر سر و صورتش ریختند تا به هوش آمد و فرمود دیگر عود نخواهد کرد بسوی تو هرگز و
روایت شده از حضرت رسول صلی الله علیه و آله که اگر جنّ سنگی افکند آن سنگ را بگیرد و بیافکند به همان موضعی
که سنگ از آنجا آمده و بگوید :

حَسْبِيَ اللَّهُ وَكَفَى وَ سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ دَعَا لَيْسَ وَرَاءَ اللَّهِ مُنْتَهَى

بس است مرا خدا و کافی است و می شنود خدا دعای کسی را که بخواندش و برتر از خدا جایی نیست
و نیز از برای شرّ جنیان نگاه داشتن مرغ و خروس و کبوتر و بزغاله درخانه نافع است و نیز از برای شرّ جنیان در
سفر و بیابان و مواضع هولناک آن از حضرت صادق علیه السلام مرویست که دست بر بالای سر گذارد و به صدای بلند بخواند
أَفْغَيْرَ دِينَ اللَّهِ يَبْعُونَ وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا وَ
آیا غیر دین خدا را می جویند با اینکه برای تسلیم گشته آسمانها و زمین از روی میل و اکراه و
إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ
بسویش بازگردند

* و نیز در بیابان در مواضع موحشه و هولناک وارد شده است که بلند اذان گویند حرز چشم زخم وارد شده آیه وَاِنْ
يَكَادُ بِخَوَانِدٍ و نیز از حضرت صادق علیه السلام مروی است که چون ترسد که چشم او در کسی یا چشم کسی در او
تأثیر کند سه مرتبه بگوید: مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ x و وارد شده که هرگاه احدي خود را به هیأت نیکو

* * * * *
* * * * *

آمَنْتُ بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ مُخْلِصاً لَهُ الدِّينَ وَ شَيْخ شهيد از حضرت رسول صلي الله عليه وآله نقل کرده

* * * * *
ایمان آوردم به خدا و رسولش از روي اخلاص به دين او
* * * *

که فرمودند شیطان بر دو قسم است شیطان جَنِّي و آن دور می شود به گفتن: لَا حَوْلَ وَلَا

* * * * *
* * جنبش و

قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ و شیطان انسي و آن دور می شود به فرستادن صلوات بر

* * * * *
نیروی نیست جز به خدای والای بزرگ
* * * * *

بر محمد و آل آن جناب علیهم السلام مؤلف گوید: که در باب نمازها گذشت نماز حدیث نفس و ذکر بعضی عوذات به جهت دفع وسوسه به آنجا مراجعه شود به جهت ایمنی از دزد بخواند بر حلقه ها و قفل قُلْ ادْعُوا اللَّهَ أَدْعُوا الرَّحْمَنَ تا آخر سوره عوده عقرب روایت شده که تیز نظر کن به ستاره سُهی و آن ستاره کوچکی است نزدیک ستاره وسطی بنات نعش و بگوید سه مرتبه :

اللَّهُمَّ رَبِّ اسْلَمْ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَ

* * * * *
خدایا ای پروردگار ستاره «اسلم» درود فرست بر محمد و آل محمد و شتاب کن در فرج ایشان و

سَلَّمْنَا مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ و نیز روایت شده که بر آن نظر افکند و سه مرتبه بگوید :

* * * * *
سالم بدار ما را از شر هر صاحب شری
* * * * *

اللَّهُمَّ رَبِّ هُودِ ابْنَ أُسَيَّةَ أُمِّي شَرِّ كُلِّ عَقْرَبٍ وَ حَيَّةٍ هر شب که چنین گوید از شرِّ

* * * * *
خدایا ای پروردگار هود فرزند «اسیه» ایمن دار مرا از شر هر عقرب و ماری
* * *

مار و عقرب محفوظ ماند و نیز به جهت دفع شرِّ عقارب و مارها از حضرت صادق علیه السلام

* * * * *
* * * * *

مروست که بخواند در نزد شب بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ صَلَّي اللَّهُ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

* * * * *
بنام خدا و به یاری خدا و درود خدا بر محمد و آلش

1209

می شود پوشیده شود به بالی از بالهای جبرئیل تا آنکه داخل صبح شود: اَسْتَوْدُعُ اللّٰهَ الْعَلِيِّ

* * * * *

* * * * * می سپارم به خدای والای

الْعَلِيِّ الْجَلِيلِ الْعَظِيمِ نَفْسِي وَمَنْ يَعْنِي أَمْرُهُ اَسْتَوْدُعُ اللّٰهَ نَفْسِي

برتر باجلالت بزرگ خودم را و هر که کارش بر دوش من است به خدا می سپارم نفس

الْمَرْهُوبِ الْمَخُوفِ الْمُتَضَعِّعِ لِعَظَمَتِهِ كُلِّ شَيْءٍ × سِیم و نیز از آن حضرت

هراسان ترسان خودم را به آن خدایی که سر فرود آرد در برابر عظمتش هر چیز

* * *

مروی است که چون داخل شام شوی بگو: اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ عِنْدَ اِفْئَالِ لَيْلِكَ وَاِدْبَارِ

* * * * * خدایا از تو خواهم در هنگام آمدن شب و

روگرداندن

نَهَارِكَ وَحُضُورِ صَلَوَاتِكَ وَأَصْوَاتِ دُعَائِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

روزت و حضور نمازهایت و آوازهای خوانندگان که درود فرستی بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ × و دعا کن به آنچه خواهی چهارم از حضرت صادق علیه السلام مرویست که پدرم صلی

محمد * * * * *

* * * * *

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ چون داخل صبح می شد می گفت: بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَآلِی اللّٰهِ وَفِي سَبِيلِ

* * * * * بنام خدا و به یاری خدا و بسوی خدا و

در راه

اللّٰهِ وَ عَلَيَّ مِلَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ اَسَلَمْتُ نَفْسِي وَ

خدا و بر کیش رسول خدا درود خدا بر او و آتش خدایا به تو واگذاردم خودم را و

اِلَيْكَ فَوَضْتُ اَمْرِي وَ عَلَیْكَ تَوَكَّلْتُ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ احْفَظْنِي بِحِفْظِ

به تو واگذاردم کارم را و بر تو توکل کنم ای پروردگار جهانیان خدایا نگهداریم کن به نگهداری

الْاِيْمَانِ مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَمِنْ خَلْفِي وَعَنْ يَمِينِي وَعَنْ شِمَالِي وَمِنْ فَوْقِي وَ

ایمان از پیش رویم و از پشت سرم و از سمت راستم و از سمت چپم و از بالای سرم و

مِنْ تَحْتِي وَمِنْ قِبَلِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ نَسْئَلُكَ الْعَفْوَ

از زیر پایم و از پیش رویم معبودی جز تو نیست جنبش و نیرویی نیست جز به خدا از تو خواهم گذشت

وَالْعَافِيَةَ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَ شَرٍّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُكَ مِنْ

و عافیت از هر بدی و شری در دنیا و آخرت خدایا به تو پناه برم از

عَذَابِ الْقَبْرِ وَ مِنْ ضُعْطَةِ الْقَبْرِ وَ مِنْ ضَيْقِ الْقَبْرِ وَ أَعُوذُكَ مِنْ سَطَوَاتِ

عذاب قبر و از فشار قبر و از تنگی قبر و به تو پناه برم از یورش های

الَّيْلِ وَ النَّهَارِ اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَ رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ وَ رَبَّ الْحِلِّ وَ

شب و روز خدایا ای پروردگار مشعرالحرام و پروردگار شهر محترم مکه و پروردگار حل و

الْأَحْرَامِ أَبْلُغْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ عَنِّي السَّلَامَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِدِرْعِكَ

حرم برسان به محمد و آل محمد از من سلامی خدایا به تو پناه برم به زره

الْحَصِينَةِ وَ أَعُوذُ بِجَمْعِكَ أَنْ تُمِيتَنِي غَرَقًا أَوْ حَرَقًا أَوْ شَرَقًا أَوْ قَوْدًا أَوْ صَبْرًا

محکمت و پناه برم به گردآوردنت از اینکه بمیرانیم به صورت غرق شدن یا سوختن یا گلوگیر شدن یا کت بسته

أَوْ مُسَمًّا أَوْ تَرْدِيًّا فِي بَيْتٍ أَوْ أَكِيلَ السَّبْعِ أَوْ مَوْتَ الْفَجَاءَةِ أَوْ بِشْيٍ مِنْ مِيتَاتِ

یا مسمومیت یا پرت شدن در چاه یا طعمه درنده شدن یا مرگ ناگهانی یا به یکی از مرگهای بد دیگر

السُّوءِ وَلَكِنْ أَمْتِنِي عَلَيِّ فِرَاشِي فِي طَاعَتِكَ وَ طَاعَةِ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

ولی بمیرانم در بسترم در حال اطاعت تو و اطاعت رسولت صلی الله علیه و آله و در حالی که

وَ آلِهِ مُصِيبًا لِلْحَقِّ غَيْرَ مُخْطِئٍ أَوْ فِي الصَّفِّ الَّذِينَ نَعْتَهُمْ فِي كِتَابِكَ كَأَنَّهُمْ

به حق رسیده و خطاکار نباشم یا در زمره صف آنها که در قرآنت وصفشان کرده «که گویی بنایی

بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ أَعِيدُ نَفْسِي وَ وَلَدِي وَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي بِقُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ

استوارند» پناه دهم خود و فرزندانم و آنچه پروردگارم روزیم کرده به «قل اعوذ برب الفلق * * *

* تا آخر سوره: وَ أَعِيدُ نَفْسِي وَ وَلَدِي وَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي بِقُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ * تا

* * * * * و پناه دهم خود و فرزندانم و آنچه پروردگارم روزیم کرده به «قل اعوذ برب الناس * * *»

آخر سوره و می گوئی: الْحَمْدُ لِلَّهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ اللَّهُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلَ مَا خَلَقَ وَ

* * * * * ستایش برای خدا است به شماره آنچه آفریده و ستایش خدای را همانند

آنچه آفریده و

الْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلَ مَا خَلَقَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلَ مَا خَلَقَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ زِينَةُ عَرْشِهِ

ستایش خدای را به پُری آنچه آفریده و ستایش خدای را به امتداد کلماتش و ستایش خدای را هموزن عرشش
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رِضَا نَفْسِهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ
و ستایش خدای را به اندازه خوشنودیش و معبودی نیست جز خدای شکیبایی بزرگوار و معبودی نیست جز خدای
والای

الْعَظِيمُ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَيْنِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ الْعَرْشِ
بزرگ منزله است خدا پروردگار آسمانها و زمینها و آنچه در میان آن دو است و پروردگار عرش
الْعَظِيمُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ دَرَكِ الشَّقَاءِ وَمِنْ شِمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ وَأَعُوذُ
بزرگ خدایا من به تو پناه برم از درک شدن بدبختی و از شماتت دشمنان و به تو پناه برم
بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَالْفَقْرِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ سُوءِ الْمُنْظَرِ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَلَدِ
از ناداری و سنگین باری و به تو پناه برم از بدی دیدن در خاندان و مال و فرزند
و صلوات بفرست بر محمد و آل محمد ده مرتبه پنجم و نیز از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون نماز
مغرب و صبح بجا آوردی بگو هفت مرتبه بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ پس بدرستی که
هرکس این را بگوید نرسد به او جذام و پیری و دیوانگی و نه هفتاد نوع از انواع بلاها و می گوئی چون داخل صبح و
داخل شام شدی :

الْحَمْدُ لِرَبِّ الصَّبَاحِ الْحَمْدُ لِفَالِقِ الْأَصْبَاحِ دُو مَرْتَبَةِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ
ستایش خاص پروردگار صبحدم ستایش خاص شکافنده سپیده دم × × × × ستایش خدایی را که
اللَّيْلَ بِقُدْرَتِهِ وَجَاءَ بِالنَّهَارِ بِرَحْمَتِهِ وَتَحَنُّنٍ فِي عَافِيَةٍ × و می خوانی آیه الکرسی
شب را به قدرت خویش ببرد و روز را به مهر خویش درآورد و ما در حال تندرستی هستیم * * * * *
و آخر حشر و ده آیه از صافات: وَ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَ سَلَامٌ عَلَيَّ
* * * * * و منزله است پروردگار تو پروردگار عزت از آنچه توصیف کنند
و سلام بر

الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَ حِينَ
مرسلین و ستایش خدای را است پروردگار جهانیان پس منزله است خدا هنگامی که شام کنید و هنگامی که
تُصْبِحُونَ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَ حِينَ تُظْهِرُونَ

بامداد کنید و از او است ستایش در آسمانها و زمین و شامگاه و چون ظهر کنید
يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ
برون آرد زنده را از مرده و برون آرد مرده را از زنده و زنده کند زمین را پس از
مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ سُوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّنَا وَرَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ سَبَقَتْ
مرگش و این چنین بیرون آورده شوید منزله و پاکیزه است پروردگار ما و پروردگار فرشتگان و روح، پیشی جسته
رَحْمَتُكَ غَضَبُكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي
مهرت بر خشمت معبودی جز تو نیست منزهی تو که براسستی من به خود ستم کرده‌ام پس بیامرز مرا و به من
وَارْحَمْنِي وَتُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ × ششم و نیز از حضرت
رحم کن و توبه‌ام بپذیر که همانا تویی توبه‌پذیر مهربان * * * * *
صادق علیه السلام این دعا برای وقت صبح روایت شده: اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ اَحْمَدُكَ وَ
* * * * * خدایا از آن تو است ستایش تو را ستایش

کنم و از تو

اَسْتَعِيْنُكَ وَ اَنْتَ رَبِّيْ وَ اَنَا عَبْدُكَ اَصْبَحْتُ عَلَيَّ عَهْدُكَ وَ وَعْدُكَ وَ اَوْمِنُ
کمک خواهم و تویی پروردگار من و منم بنده تو بامداد کردم بر پیمان و وعده تو و ایمان دارم
بِوَعْدِكَ وَ اَوْفِيْ بِعَهْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ وَ حُدَّهُ لَا
به وعده‌ات و وفا کنم به عهد تو تا می‌توانم و جنبش و نیروی نیست جز به خدای یگانه‌ای که
شَرِيْكَ لَهُ وَ اَشْهَدُ اَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُوْلُهُ اَصْبَحْتُ عَلَيَّ فِطْرَةِ الْاِسْلَامِ
شریک ندارد و گواهی دهم که محمد بنده و رسول او است بامداد کردم بر فطرت اسلام
وَ كَلِمَةِ الْاِخْلَاصِ وَ مِلَّةِ اِبْرٰهِيْمَ وَ دِيْنِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِمَا وَ اٰلِهِمَا عَلَيَّ
و کلمه اخلاص و کیش ابراهیم و دین محمد که درود خدا بر آن دو و بر آلشان باد بر
ذٰلِكَ اُحْيِيْ وَ اَمُوْتُ اِنْ شَاءَ اللّٰهُ اَللّٰهُمَّ اَحْيِنِيْ مَا اَحْيَيْتَنِيْ وَ اَمِتْنِيْ اِذَا اَمَتْنِيْ
همین زندگی کنم و بر آن بمیرم انشاء الله خدایا زنده‌ام دار تا زنده‌ام داری و بمیرانم هنگامی که بمیرانم
عَلَيَّ ذٰلِكَ وَ اَبْعَثْنِيْ اِذَا بَعَثْتَنِيْ عَلَيَّ ذٰلِكَ اَبْتَغِيْ بِذٰلِكَ رِضْوَانَكَ وَ اَتَّبِعَ
بر اینکه گفتم و برانگیزم در آن هنگام که محشورم کنی بر همین و من می‌جویم بدان خوشنودی تو و پیروی
سَبِيْلِكَ اِلَيْكَ اَلْبَآتُ ظَهْرِيْ وَ اِلَيْكَ فَوَضْتُ اَمْرِيْ اَلْ مُحَمَّدٍ اَتَمَّتْ لِيْ

راه تو را و به تو تکیه دادم پشتم را و به تو واگذاردم کارم را آل محمد امامان منند و
 اَيِّمَّةٌ غَيْرُهُمْ بِهِمْ اَنْتُمْ وَاَيَّاهُمْ اَتَوَلَّيْ وَبِهِمْ اَقْتَدِي اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُمْ اَوْلِيَّايْ فِي
 امامي جز ایشان برایم نیست بدانها پیروم و آنان را دوست گیرم و بدیشان اقتداء کنم خدایا قرارشان ده دوستان من در
 الدُّنْيَا وَاَلْآخِرَةِ وَاَجْعَلْنِي اُولٰٓئِهِمْ وَاَعَادِي اَعْدَائِهِمْ فِي الدُّنْيَا
 دنیا و آخرت و چنان کن که من دوست بدارم دوستانشان را و دشمن بدارم دشمنانشان را در دنیا
 وَاَلْآخِرَةِ وَالْحَقُّنِي بِالصَّالِحِينَ وَاَبَائِي مَعَهُمْ × هفتم و نیز از آن حضرت

و آخرت و ملحقم کن به شایستگان و پدرانم را نیز با ایشان قرار ده * * * * *

مروى است که هر چه را ترك كردى خواندن اين دعا را ترك مكن در هر صبح و شام: اَللّٰهُمَّ
 * * * * *

* * * * * خدايا

اِنِّى اَصْبَحْتُ اَسْتَغْفِرُكَ فِى هَذَا الصَّبَاحِ وَ فِى هَذَا الْيَوْمِ لِاَهْلِ رَحْمَتِكَ وَاَبْرءُ
 من بامداد کردم که آمرزش خواهم از تو در این بامداد و در این روز برای آنان که شایسته رحمت هستند و بیزاری
 جویم

اِلَيْكَ مِنْ اَهْلِ لَعْنَتِكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّى اَصْبَحْتُ اَبْرءُ اِلَيْكَ فِى هَذَا الْيَوْمِ وَ فِى هَذَا
 به تو از آنان که دور از رحمت توأند خدایا بامداد کردم در حالی که بیزاری جویم بسویت در این روز و در این

الصَّبَاحِ مِمَّنْ نَحْنُ بَيْنَ ظَهْرَانِهِمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَمِمَّا كَانُوا يَعْبُدُونَ اَنَّهُمْ
 بامداد از آنان که در میان آنهایم از مشرکان و از آنچه می پرستند براستی که اینان

كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَاسْقِينَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ مَا اَنْزَلْتَ مِنَ السَّمَاءِ اِلَى الْاَرْضِ فِى
 مردمی بدکار و فاسقند خدایا قرار ده آنچه را فرو فرستی از آسمان به زمین در

هَذَا الصَّبَاحِ وَ فِى هَذَا الْيَوْمِ بَرَكَهً عَلٰى اَوْلِيَّائِكَ وَعِقَاباً عَلٰى اَعْدَائِكَ اَللّٰهُمَّ
 این بامداد و در این روز برکتی بر دوستانت و عقابی بر دشمنانت خدایا

وَالِ مَنْ وَاِلَاكَ وَعَادٍ مَنْ عَادَكَ اَللّٰهُمَّ احْتِمُ لِي بِالْاَمْنِ وَالْاِيْمَانِ كُلَّمَا
 دوست دار دوست داری را و دشمن دار هرکه دشمنت دارد خدایا پایان ده برایم به امنیت و ایمان هر زمان

طَلَعَتْ شَمْسٌ اَوْ غَرَبَتْ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَاَرْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي
 که خورشید سر زند یا غروب کند خدایا بیامرز مرا و پدر و مادرم را و رحمتشان کن چنانچه پروراندند مرا

صَغِيرًا اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ الْأَحْيَاءِ

در کوچکی خدایا بپارز مردان مؤمن و زنان با ایمان مردان مسلمان و زنان مسلمان را زندگانشان

مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ مُتَقَلَّبُهُمْ وَمَثْوِيَهُمُ اللَّهُمَّ اخْفِظْ إِمَامَ

و مردگانشان را خدایا تو می دانی بازگشتگاه و اقامتگاهشان را خدایا محافظت کن امام

الْمُسْلِمِينَ بِحِفْظِ الْإِيمَانِ وَالنَّصْرَةِ نَصْرًا عَزِيزًا وَافْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا وَاجْعَلْ

مسلمین را به حفظ ایمان و یاریش کن پیروزمندانه و بگشا برایش به آسانی و قراده

لَهُ وَلَنَا مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا اللَّهُمَّ الْعَنْ فُلَانًا وَفُلَانًا وَالْفِرْقَ الْمُخْتَلِفَةَ

برای او و برای ما از نزد خود سلطنتی با نصرت خدایا لعنت کن فلانی و فلانی و دسته هایی که اختلاف کردند

عَلَى رَسُولِكَ وَوَلَاةِ الْأَمْرِ بَعْدَ رَسُولِكَ وَالْأُئِمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ وَشِيعَتِهِمْ وَ

بر پیامبر تو و زمامداران (باطل) پس از پیامبرت را و پیشوایان (دروغی) پس از او و پیروانشان را و

أَسْأَلُكَ الزِّيَادَةَ مِنْ فَضْلِكَ وَالْإِقْرَارَ بِمَا جَاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِكَ وَالتَّسْلِيمَ لِأَمْرِكَ

از تو خواهم زیاده فضل تو را و اقرار بدانچه آورده است از پیش تو و تسلیم بودن فرمانت را

وَالْمُحَافَظَةَ عَلَى مَا أَمَرْتُ بِهِ لَا أَبْتَغِي بِهِ بَدَلًا وَلَا أَشْتَرِي بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا

و محافظت بر آنچه بدان فرمان دادی بطوری که آنرا به چیزی تبدیل نکنم و به بهایی آن را نفروشم

اللَّهُمَّ اهْدِنِي فِيمَنْ هَدَيْتَ وَقِنِي شَرَّ مَا قَضَيْتَ إِنَّكَ تَقْضِي وَلَا يُقْضَى

خدایا هدایت کن مرا در زمره کسانی که هدایت کردی و نگاهم دار از شر آنچه حکم کردی که تو چنانی که حکم کنی و

کسی بر تو حکم

عَلَيْكَ وَلَا يَذِلُّ مَنْ وَالَيْتَ تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ سُبْحَانَكَ رَبَّ الْبَيْتِ تَقَبَّلْ مِنِّي

نکند و خوار نشود کسی که تو دوستش داری بزرگی تو و برتری منزهی تو ای پروردگار خانه کعبه بپذیر از من

دُعَائِي وَمَا تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ مِنْ خَيْرٍ فَضَاعِفُهُ لِي أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاتِنَا مِنْ

دعایم را و آنچه را بوسیله آن به تو تقرب جستیم از نیکی پس آنرا برایم مضاعف گردان به چندین برابر و بده به ما از

لَدُنْكَ أَجْرًا عَظِيمًا رَبِّ مَا أَحْسَنَ مَا أَبْلَيْتَنِي وَأَعْظَمَ مَا أَعْطَيْتَنِي وَأَطْوَلَ

پیش خود پاداشی بزرگ پروردگارا چه نیکو است آنچه مرا آزمودنی و بزرگ است آنچه به من دادی و چه طولانی

است

مَا عَافَيْتَنِي وَكَثَرَتْ سَرَّتِي عَلَيَّ فَالْحَمْدُ يَا إِلَهِي كَثِيرًا طَبِيبًا مُبَارَكًا عَلَيْهِ

عافیتی که به من دادی و بسیار است آنچه بر من پوشیدی پس تو را است ستایش ای معبود من بسیار و پاکیزه و با برکت به اندازه

مِلَأُ السَّمَوَاتِ وَمِلَأُ الْأَرْضِ وَمِلَأُ مَا شَاءَ رَبِّي وَرَضِيَ وَكَمَا يَنْبَغِي لَوَجْهِ

پُری آسمانها و پری زمین و پری آنچه پروردگارم خواهد و خوشنود گردد و بدان سان که شایسته ذات

رَبِّي ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ × هشتم از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایتست که

پروردگارم صاحب جلالت و بزرگواری است * * * * *
* * * * *

هرکس بگوید در وقت طلوع فجر: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ

معبودی نیست جز خدای یگانه‌ای که شریک ندارد از * * * * *

او است فرمانروایی و او را است ستایش

يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلِي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

زنده کند و بمیراند و او است زنده‌ای که نمیرد خیر و خوبی بدست او است و او بر هر چیز توانا است

ده مرتبه و صلوات بفرستد بر محمد و آل محمد ده مرتبه و تسبیح کند سی و پنج مرتبه و تهلیل گوید سی و پنج

مرتبه و تحمید گوید خدای و پنج مرتبه نوشته نشود در آن روز از غافلین و اگر در شب بگوید نیز نوشته نشود در

آن شب از غافلین نه از محمد بن فضیل روایتست که نوشتم به خدمت حضرت امام محمد تقی علیه السلام و از آن حضرت

درخواستم که مرا تعلیم فرماید دعائی پس نوشت آن حضرت در جواب من که می‌گوئی در وقت صبح و شام:

اَللّٰهُ اَللّٰهُ رَبِّي الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا پس دعا می‌کنی برای حاجت

خدا... پروردگار من است بخشاینده مهربانی که چیزی را شریکش قرار ندهم * * * * *
* * *

خود که این کلمات مقدمه است برای سؤال هر حاجتی به اذن خدا دهم از حضرت صادق علیه السلام منقول است که

به داود رَقِي فرمود که تَرَك مکن این دعا را سه مرتبه در وقت صبح و سه مرتبه در وقت شام:

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِيْ فِيْ دِرْعِكَ الْحَصِيَّةِ الَّتِيْ تَجْعَلُ فِيْهَا مَنْ تُرِيدُ

* * * * * خدایا قرار ده مرا در زره محکمت که قرار دهی در آن هر که را خواهی

پس بدرستی که پدرم علیه السلام می‌فرمود که این از دعا‌های مخزون است .

فصل دُوِّم

در بعض دعاهاي وارده در وقت خوابیدن و بيدار شدن و آن هفت دعا است اول از حضرت صادق عليه السلام مروي است كه كسي كه بگويد سه مرتبه در وقتی كه در خوابگاه خود درآيد :

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فَفَهَرَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَطَنَ فَخَبَرَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَلَكَ

ستایش خدای را كه برتر آمد و چیره و ستایش خدای را كه نهان است و آگاه و ستایش خدای را كه مالك است

فَقَدَرَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُحْيِي الْمَوْتِي وَيُمِيتُ الْأَحْيَاءَ وَهُوَ عَلِي كُلِّ شَيْءٍ

و نیرومند و ستایش خدای را كه زنده كند مردگان را و بمیراند زندگان را و او بر هر چیز

قدیر بیرون آید از گناهان خود مانند روزي كه زائیده او را مادر او و این روایت را صدوق و

توانا است * * * * *

* * * * *

شیخ نیز نقل کرده اند و در عده الداعی از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده كه این أدنی چیزی است كه مجزي است

از تحمید و لكن در آن روایت حمد دویم بعد از حمد سیّم است دویم و نیز از آن حضرت مرویست كه حضرت

رسول صلي الله عليه وآله چون در رختخواب خود جامي گرفت مي خواند آية الكرسي و مي گفت :

بِسْمِ اللَّهِ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَكَفَرْتُ بِالطَّاغُوتِ اللَّهُمَّ احْفَظْنِي فِي مَنَامِي وَفِي

بنام خدا ایمان آوردم به خدا و كافرّم به طاغوت خدايا حفظ كن مرا در خوابم و در

يَقْظَى × سیّم از مفضل بن عمر منقول است كه حضرت صادق علیه السلام به من فرمود كه اگر

بيداريم * * * * *

* * * * *

بتوانی شب نكن مگر آنكه تعویذ كنی خود را به یازده حرف گفتم خبر ده مرا به آنها فرمود بگو :

* * * * *

* * * * *

أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِجَلَالِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِسُلْطَانِ اللَّهِ وَ

پناه برم به عزت خدا و پناه برم به نیروي خدا و پناه برم به جلال خدا و پناه برم به سلطنت خدا و

أَعُوذُ بِجَمَالِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِدَفْعِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِمَنْعِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِجَمْعِ اللَّهِ وَأَعُوذُ

پناه برم به جمال خدا و پناه برم به دفاع خدا و پناه برم به جلوگیری كردن خدا و پناه برم به جمع آوري خدا و پناه برم

بِمُلْكِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِوَجْهِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِرِسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ شَرِّ

به فرمانروایی خدا و پناه برم به ذات خدا و پناه برم به رسول خدا صلي الله عليه وآله از شر

ما خَلَقَ وَبَرَّاءَ وَذَرَّاءَ وتعویذکن خود را به این هر وقت که خواهی چهارم از حضرت صادق علیه السلام

آنچه آفرید و پدید آورده * * * * *
* * * * *

منقول است که کسی که بخواند صد مرتبه قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ در وقتی که در خوابگاه خود رود آمرزیده شود از گناهان پنجاه ساله خود و نیز از آن حضرت مرویست که کسی که بخواند در وقتی که در رختخواب خود رود قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بنویسد حق تعالی برای او بیزاری از شرک را پنجم از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود کسی که بخواند برخیزد برای نماز شب و در رختخواب خود جا کرده باشد بگوید :

اللَّهُمَّ لَا تُؤْمِتِّي مَكْرَكَ وَلَا تُثْسِنِي ذِكْرَكَ وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ

خدایا مرا این از مکر خود مفرما و ذکر ت را فراموشم منما و قرارم مده از بی خبران،

أَقُومُ سَاعَةً كَذَا وَكَذَا

بیا خیزم در فلان ساعت

* هرگاه چنین گفت حق تعالی موکل فرماید به او ملکی که او را بیدار کند در آن ساعت ششم و نیز از آن حضرت مرویست که فرمود هرگاه یکی از شما درخواست در شب از خواب بگوید :

سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ إِلَهَ الْمُرْسَلِينَ وَ رَبُّ الْمُسْتَضْعَفِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

منزه است خدا پروردگار پیمبران و معبود رسولان و پروردگار ناتوان شمرندگان ستایش خدایی را

الَّذِي يُحْيِي الْمَوْتِي وَ هُوَ عَلَي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ پس بدرستی که چون این را گفت

که زنده کند مردگان را و او بر هر چیز توانا است * * * * *

می گوید خدای تبارک و تعالی راست گفت بنده من و شکر نمود هفتم از عبدالرحمن بن حجاج روایت است که حضرت صادق علیه السلام در آخر شب که از خواب بر می خواست صدا را بلند می فرمود به حدی که اهل خانه بشنوند و می گفت :

اللَّهُمَّ أَعِثِّي عَلَي هَوْلِ الْمُطَّلَعِ وَ وَسَّعْ عَلَي ضَيْقِ الْمُضْجَعِ وَ ارْزُقْنِي خَيْرَ مَا

خدایا کمکم کن بر هراس روز قیامت و فراخ گردان بر من تنگی آرامگاهم را و روزیم کن خوبی

قَبْلَ الْمَوْتِ وَ ارْزُقْنِي خَيْرَ مَا بَعْدَ الْمَوْتِ

پیش از مرگ و خوبی پس از مرگ را

فصل سیّم

در ذکر چند دعائی که در وقت بیرون آمدن از منزل خوانده می شود و آن هشت است اول از حضرت صادق علیه

السلام منقول است که آدمی هرگاه خواست از منزل خود بیرون رود بگوید سه مرتبه در وقتی که اراده دارد :

اللَّهُ أَكْبَرُ وَ سَهْ مَرْتَبَهٗ بِاللَّهِ أَخْرُجُ وَ بِاللَّهِ ادْخُلُ وَ عَلَيَّ اللَّهُ اتَّوَكَّلُ

بنام خدا بیرون می روم و بنام خدا داخل می شوم و بر خدا توکل می کنم

پس بگوید: اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي فِي وَجْهِي هَذَا بِخَيْرٍ وَ اخْتِمْ لِي بِخَيْرٍ وَ قِنِي شَرَّ كُلِّ

* * * * * خدایا بگشا (دری) برایم از خیر در این سمت که می روم و سرانجامم را خیر گردان و نگاهم دار

از شر هر

دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَيَّ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ پیوسته در ضمان خداوند

* * * * * جنبنده که زمامش بدست تو است براستی پروردگار من بر راه راست است *

عَزَّوَجَلَّ باشد تا برگردد به همان مکانی که در آن بوده دویم از حضرت امام زین العابدین علیه السلام

* * * * *
* * * * *

مرویست که در وقت بیرون شدن از در منزل بگوید: بِسْمِ اللَّهِ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ تَوَكَّلْتُ عَلَى

* * * * * بنام خدا ایمان آوردم

به خدا و توکل کردم به

اللَّهُ سَيِّمَ از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که هر کس بگوید در وقتی که از منزل خود

* * * * * خدا
* * * * *

بیرون می شود بِسْمِ اللَّهِ حَسْبِيَ اللَّهُ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ

* * * * * بنام خدا بس است مرا خدا توکل کردم بر خدا، خدایا از تو خواهم خیر و خوبی

أُمُورِي كُلِّهَا وَ أَعُوذُكَ مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَ عَذَابِ الْآخِرَةِ کفایت فرماید حق

* * * * * همه کارهایم را و پناه برم به تو از رسوایی دنیا و عذاب آخرت

تعالی آنچه را که اندوهگین سازد او را از امر دنیا و آخرت او چهارم از حضرت صادق علیه السلام

* * * * *
* * * * *

منقول است که بگو در وقتی که از منزل خود بیرون روی: بِسْمِ اللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ لَا

* * * * *

بنام خدا توکل کردم بر خدا

حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا خَرَجْتُ لَهُ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ

جنبش و نیروی نیست جز به خدا خدایا از تو خواهم خیر آنچه را به خاطرش بیرون آمدم و پناه برم به تو از شر

مَا خَرَجْتُ لَهُ اللَّهُمَّ أَوْسَعْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَأَتِمِّمْ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ وَاسْتَعْمِلْنِي

آنچه برایش بیرون شدم خدایا فراخ گردان بر من از فضل خودت و کامل گردان بر من نعمتت را و بدارم

فِي طَاعَتِكَ وَاجْعَلْ رَغْبَتِي فِيمَا عِنْدَكَ وَتَوَفَّنِي عَلَيَّ مِلَّتِكَ وَمِلَّةَ رَسُولِكَ

در کار اطاعت و شوقم را در آنچه نزد تو است قرار ده و بمیرانم بر کیش خود و کیش پیامبرت

صَلِّيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ × پنجم از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که پدرم علیه السلام این کلمات را

* * * * *
 صلی الله علیه و آله * * * * *

می گفت در وقتی که از منزل بیرون می شد: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ خَرَجْتُ بِحَوْلِ

* * * * * بنام خدای بخشاینده مهربان به جنبش

اللَّهُ وَقُوَّتِهِ لَا بِحَوْلٍ مَنِّي وَلَا قُوَّتِي بَلْ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ يَا رَبِّ مُعَرِّضًا

خدا و نیرویش درآیم نه به جنبش و نیروی خودم بلکه به جنبش و نیروی تو پروردگارا و خود را در معرض

لِرِزْقِكَ فَأَتَنِي بِهِ فِي عَافِيَةٍ × ششم از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که هر

* * * * * روزی تو قرار داده ام پس از آن به من بده با عافیت * * * * *

که بخواند قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ده مرتبه هنگامی که از منزل خود بیرون می رود پیوسته در حفظ خداوند عزوجل باشد و

حق تعالی نگهبان او باشد تا برگردد به منزل خود هفتم از حضرت امام موسی علیه السلام مرویست که هرگاه خواستی

سفر روی به ایست بر در خانه ات و بخوان فاتحه الکتاب را از پیش رو و از جانب راست و از جانب چپ و همچنین قُلْ

هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را و همچنین قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ وَ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ را پس بگو:

اللَّهُمَّ احْفَظْنِي وَاحْفَظْ مَا مَعِيَ وَسَلِّمْ وَسَلِّمْ مَا مَعِيَ وَبَلِّغْنِي وَبَلِّغْ مَا

خدایا مرا حفظ کن و حفظ کن آنچه با من است و به مقصودم برسان و سالم بدار با هر چه با من است و برسانم و

برسان آنچه

مَعِيَ بَلَاغًا حَسَنًا × هشتم و نیز از آن حضرت مروی است که هرگاه بیرون شدی از

* * * * * با من است به خوبی و نیکی * * * * *

منزل خود در سفر یا در حضر پس بگو: بِسْمِ اللَّهِ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَتَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ مَا
* * * * * بنام خدا ایمان آوردم به خدا و توکل کردم بر خدا

آنچه

شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

خدا خواهد جنبش و نیروی نیست جز به خدا

فصل چهارم

در ذکر بعض دعاهاي وارده پیش از نماز و بعد از نماز و بعد از آن و آن پنج دعا است اول از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود هر که بگوید این دعا را وقتی که برمی خیزد برای نماز پیش از آنکه افتتاح نماز کند با محمد و آل محمد علیهم السلام خواهد بود:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوجَّهُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَقْدِمُهُمْ بَيْنَ يَدَيَّ صَلَوَاتِي

* * * خدایا بسوی تو رو کنم به محمد و آلش و آنان را پیش روی نمازهایم قرار دهم و بوسیله ایشان بدرگاه

وَأَتَقَرَّبُ بِهِمْ إِلَيْكَ فَاجْعَلْنِي بِهِمْ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ

تو تقرب جویم پس مرا بوسیله ایشان آبرومند در دنیا و آخرت قرار ده و هم از مقربان درگاهت

مَنْنْتَ عَلَيَّ بِمَعْرِفَتِهِمْ فَاحْتِمِ لِي بِطَاعَتِهِمْ وَمَعْرِفَتِهِمْ وَلَا يَتِيهِمْ فَأَيْهَا

تویی که بر من منت نهادی به شناسایشان پس ختم کن برایم به اطاعت و معرفت و ولایتشان که براسستی

السَّعَادَةِ وَاحْتِمِ لِي بِهَا فَإِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ × پس نماز را بجا می آوری و

* * * * * سعادت همان است و بدان برایم ختم فرما که براسستی تو بر هر چیز توانایی * * * * *

چون فارغ شدي مي گوئي: اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مَعَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي كُلِّ عَافِيَةٍ وَ

* * * * * خدایا قرار ده مرا با محمد و آل محمد در هر عافیت و

بَلَاءٍ وَاجْعَلْنِي مَعَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي كُلِّ مَثْوًى وَمُنْقَلَبٍ اللَّهُمَّ اجْعَلْ

بلای و قرارم ده با محمد و آل محمد در هر جایگاه و بازگشتگاهی خدایا

مَحْيَايَ مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتِي مَمَاتِهِمْ وَاجْعَلْنِي مَعَهُمْ فِي الْمَوَاطِنِ كُلِّهَا وَلَا تُفَرِّقْ

زندگیم را زندگی ایشان و مرگم را مرگ ایشان قرار ده و مرا در تمام جاها با ایشان قرار ده و میان من

بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ اِنَّكَ عَلَي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ × دویم روایت شده از صفوان جمال که دیدم

* * * * * و ایشان جدایی مینداز که براستی تو بر هر چیز توانایی * * * * *

حضرت صادق علیه السلام رو به قبله کرد پیش از تکبیر و گفت: اَللّٰهُمَّ لَا تُؤَيِّسْنِيْ مِنْ رَّوْحِكَ

* * * * * خدا یا مرا از نسیم

جانبخش لطف

وَلَا تُغْنِنِيْ مِنْ رَّحْمَتِكَ وَلَا تُؤَمِّتُنِيْ مَكْرَكَ فَائَهُ لَا يَأْمَنْ مَكْرَ اللّٰهِ اِلَّا الْقَوْمُ

محروم مکن و از مهر و رحمت ناامیدم مکن و از مکر ایمن مکن زیرا ایمن نشوند از مکر خدا جز مردم

الْخَاسِرُونَ × سیّم از حضرت صادق علیه السلام مروی است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

* * * * * زیانکار * * * * *

می گفت بعد از آنکه فارغ از زوال می گشت: اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ

* * * * * خدا یا به تو تقرب جویم بوسیله جود و

کرم

وَ اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِمَحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُوْلِكَ وَ اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ

و تقرب جویم به تو بوسیله محمد بنده و رسول تو و تقرب جویم به تو به فرشتگان مقرب

وَ اَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ وَ بِكَ اللّٰهُمَّ اَنْتَ الْغَنِيُّ عَنِّيْ وَ بِيَ الْفَاقَةُ اِلَيْكَ اَنْتَ

و پیمبران مرسلت و به خودت خدا یا تو از من بی نیازی ولی من بدرگاهت نیازمندم تو

الْغَنِيُّ عَنِّيْ وَ اَنَا الْفَقِيرُ اِلَيْكَ اَقْلَتْنِيْ عَثْرَتِيْ وَ سَتَرْتَ عَلَيَّ ذُنُوْبِيْ فَاقْضِ

از من بی نیازی ولی من محتاج توام لغزشم را نادیده گرفتی و گناهانم را بر من پوشانیدی

الْيَوْمَ حَاجَتِيْ وَ لَا تُعَذِّبْنِيْ بِقَبِيْحٍ مَا تَعْلَمُ مِنِّيْ بَلْ عَفْوُكَ وَ جُودُكَ يَسْعُنِيْ

پس در این روز حاجتم را برآور و معذیم مکن بلکه گذشت و جود تو فرایم گیرد

آنگاه حضرت به سجده می افتاد و می گفت: يَا اَهْلَ التَّقْوٰى يَا اَهْلَ الْمَعْرِفَةِ يَا بَرُّ يَا

* * * * * ای شایسته پرهیزکاری و ای شایسته

آمرزش ای نیکوکار ای

رَحِيمُ أَنْتَ أَتَرُبُّي مِنْ أَبِي وَأُمِّي وَمِنْ جَمِيعِ الْخَلَائِقِ أَقْلِبْنِي بِقَضَاءِ حَاجَتِي

مهربان تو نیک رفتارتری نسبت به من از پدر و مادر و از همه خلائق بازگردان با حاجت روا و دعای

مُجَاباً دُعَائِي مَرْحُوماً صَوْتِي قَدْ كَشَفَتْ أَنْوَاعَ الْبَلَاءِ عَنِّي × چهارم از حضرت

مستجاب و آوازی که مورد مهرت قرار گرفته و انواع بلا را از من دور کرده باشی * * * * *

امام محمد تقی علیه السلام منقول است که چون از نماز فریضه فارغ شدی بگو: رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا

* * * * *

* * * * * خوشنودم به پروردگاری خدا

وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا وَبِالْقُرْآنِ كِتَابًا وَبِفُلَانٍ وَفُلَانٍ أَيْمَةً

و به پیامبری محمد و به دین اسلام و به کتابم که قرآن است و به فلانی و فلانی امام

([به جای فلان و فلان بگو) وَبِعَلِيٍّ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَجَعْفَرٍ وَمُوسَى وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ

وَالْحَسَنِ وَالْحُجَّةَ مِنْهُ] »

اللَّهُمَّ وَلِيَّكَ فُلَانٌ [به جای فلان بگو الْقَائِمُ الْحُجَّةُ (منه)] فَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ

خدایا نماینده تو فلان را × × × × × × × × × × × × × × × × نگه‌داری کن از پیش رو و

مِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ وَأَمْدُدْ لَهُ فِي

از پشت سر و از راست و چپ و از بالای سر و از زیر پایش و طولانی کن عمرش را

عُمُرِهِ وَاجْعَلْهُ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ وَالْمُنْتَصِرَ لِدِينِكَ وَآرِهِ مَا يُحِبُّ وَمَا تَقَرَّبُ بِهِ

و او را قیام‌کننده به امرت قرار ده و یاور دینت و بنما به او آنچه را دوست دارد و آنچه دیده‌اش را روشن کند

عَيْنُهُ فِي نَفْسِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَفِي أَهْلِهِ وَمَالِهِ وَفِي شَبَعَتِهِ وَفِي عَدُوِّهِ وَآرِهِمْ

درباره خودش و در فرزندان و خاندانش و در مال و در شیعیانش و در دشمنانش بنما بدانها از او آنچه را می‌ترسند و

بنما

مِنْهُ مَا يَحْذَرُونَ وَآرِهِ فِيهِمْ مَا يُحِبُّ وَتَقَرَّبُ بِهِ عَيْنُهُ وَاشْفِ صُدُورَنَا وَ

به او در مورد ایشان آنچه را دوست دارد و دیده‌اش بدو روشن شود و سینه‌های ما و

صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ × و فرمود که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله فارغ می‌شد از نماز

* * * * * سینه‌های مردم با ایمان را شفا ده

* * * * *

می گفت: اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ مَا قَدَّمْتُ وَ مَا اَخَّرْتُ وَ مَا اَسْرَرْتُ وَ مَا اَعْلَنْتُ وَ

* * * خدایا بیا مرز برای من آنچه از پیش فرستادم و از دنبال و آنچه پنهان کردم و آشکار و

اِسْرَافِی عَلَی نَفْسِی وَ مَا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنِّی اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَ الْمُؤَخِّرُ لَا اِلَهَ

زیاده رویهایم بر خود و آنچه را تو بهتر از من می دانی خدایا تویی پیش انداز و پس انداز معبودی

اِلَّا اَنْتَ بِعِلْمِكَ الْغُیْبِ وَ بِقُدْرَتِكَ عَلَی الْخَلْقِ اَجْمَعِیْنَ مَا عَلِمْتَ الْحَیْوةَ خَیْرًا

جز تو نیست به دانشت بر غیب و به نیرویت بر خلق همگی و تا زمانی که بدانی زندگی را برای من بهتر

لی فَاحْیِنِی وَ تَوَفَّنِیْ اِذَا عَلِمْتَ الْوَفَاةَ خَیْرًا لِّی اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ خَشِیَّتَكَ فِی

زنده ام دار و بیا رانم هرگاه بدانی مرگ را برایم بهتر از زندگی خدایا من از تو خواهم ترس تو را در

السِّرِّ وَ الْعَلَانِیَةِ وَ کَلِمَةَ الْحَقِّ فِی الْغَضَبِ وَ الرِّضَا وَ الْقَصْدَ فِی الْفَقْرِ وَ الْغِنَا وَ

پنهانی و آشکار و گفتار حق را در خشم و خوشنودی و میانه روی را در نداری و دارایی و

اَسْأَلُكَ نَعِیْمًا لَا یَنْقُذُ وَ قُرَّةَ عَیْنٍ لَا تَنْقَطِعُ وَ اَسْأَلُكَ الرِّضَا بِالْقَضَاءِ وَ بَرَکَةَ

از تو خواهم نعمتی تمام نشدنی و روشنی چشمی قطع نشدنی و از تو خواهم راضی بودن به قضا و قدر و مبارک بودن

الْمَوْتِ بَعْدَ الْعَیْشِ وَ بَرْدَ الْعَیْشِ بَعْدَ الْمَوْتِ وَ لَذَّةَ الْمُنَظَرِ اِلِیْ وَجْهِكَ وَ

مرگ را پس از زندگی و گوارایی زندگی پس از مرگ را و لذت دیدار رویت را و

شَوْقًا اِلِیْ رُؤُوسِیَّتِكَ وَ لِقَائِكَ مِنْ غَیْرِ ضَرَّاءٍ مُّضِرَّةٍ وَ لَا فِتْنَةٍ مُّضِلَّةٍ اَللّٰهُمَّ زَیِّنَا

شوق دیدار و لقایت را بدون سختی زیانبخش و نه فتنه گمراه کننده خدایا زینت ده

بِزَیْنَةِ الْاَیْمَانِ وَ اجْعَلْنَا هُدًای مَهْتَدِیْنَ اَللّٰهُمَّ اهْدِنَا فِیْمَنْ هَدَيْتَ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ

ما را به زیور ایمان و قرارمان ده راهنمایی راه یافته خدایا راهنماییمان کن در زمره آنانکه هدایت کردی خدایا از

اَسْأَلُكَ عَزِیْمَةَ الرَّشَادِ وَ الثَّبَاتِ فِی الْاَمْرِ وَ الرُّشْدَ وَ اَسْأَلُكَ شُكْرَ نِعْمَتِكَ وَ

تو خواهم تصمیم رهنمایی و پایداری در کار (دین) و رشد و از تو خواهم سپاسگزاری نعمت و

حُسْنَ عَافِیَّتِكَ وَ اَدَاءَ حَقِّكَ وَ اَسْأَلُكَ یَا رَبِّ قَلْبًا سَلِیْمًا وَ لِسَانًا صَادِقًا

حسن عافیت و اداء حقت را و از تو خواهم پروردگارا دلی سالم و زبانی راستگو

وَ اَسْتَغْفِرُكَ لِمَا تَعَلَّمْتُ وَ اَسْأَلُكَ خَیْرَ مَا تَعَلَّمْتُ وَ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا تَعَلَّمْتُ فَانِّكَ

و آمرزش خواهم از تو از آنچه می دانی و از تو خواهم خیر آنچه را دانی و پناه می برم به تو از شر آنچه می دانی زیرا تو

تَعَلَّمْتُ وَ لَا تَعَلَّمْتُ وَ اَنْتَ عَلَّامُ الْغُیُوبِ x پنجم از حضرت صادق علیه السلام روایت است که هر

مي دانی و ما غي دانيم و تويي داناي هر غيب
* * * *

کس اين کلمات را بگويد نزد هر نماز فريضة محفوظ ماند خودش و خانه اش و مالش و
* * * * *
* * * * *

اولادش أَجِيرُ نَفْسِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَأَهْلِي وَدَارِي وَكُلِّ مَا هُوَ مِنِّي بِاللَّهِ

* * * پناه دهم خودم و مال و فرزند و خاندان و خانه ام و هر چه دارم به خدای یکتای

الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ وَأَجِيرُ

یگانه بی نیازی که فرزند ندارد و فرزند کسی نیست و نیست برایش همتایی هیچکس و پناه دهم

نَفْسِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَكُلِّ مَا هُوَ مِنِّي بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ تا آخر سوره

خودم و مال و فرزند و هر چه از من است به پروردگار سپیده دم از شر آنچه آفریده * * * * *

وَأَجِيرُ نَفْسِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَكُلِّ مَا هُوَ مِنِّي بِرَبِّ النَّاسِ تا آخر سوره و

و پناه دهم خودم و مال و فرزند و هر چه از من است به پروردگار مردم × × × × × و

أَجِيرُ نَفْسِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَكُلِّ مَا هُوَ مِنِّي بِاللَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ

پناه دهم خودم و مال و فرزند و هر چه از من است به خدای که معبودی جز او نیست زنده و پاینده ای

لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ

که نگیردش چرت و نه خوابی

تا آخر آیه الكرسي

فصل پنجم

در بعض دعاهاي وارده به جهت رزق و آنها پنج است: اول از معاوية بن عمار منقول است که از حضرت
صادق عليه السلام در خواستم که دعائي مرا تعليم فرمايد براي رزق پس آن حضرت اين دعا را تعليم من فرمود و من
نديدم چيزي براي زياد شدن رزق بهتر از اين فرمود بگو:

اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِيْ مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ رِزْقًا وَاسِعًا حَلَالًا طَيِّبًا

خدایا روزیم گردان از فضل وسیع و حلال و پاکیزه ات روزی وسیع حلال پاکیزه ای

بَلَاغًا لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ صَبًّا هَنِيئًا مَرِيئًا مِنْ غَيْرِ كَدٍّ وَلَا مَنٍّ مِنْ أَحَدٍ مِنْ

که رساننده دنیا و آخرت باشد ریزان ریزان گوارا دلچسب بدون رنج و بدون منت از هیچیک از

خَلْقِكَ إِلَّا سَعَةً مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ فَأَتَيْتُكَ قُلْتُ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ فَمِنْ

خلق خود جز فراخی از فضل وسعت زیرا تو گفتی خدا را از فضلش درخواست کنید پس من از

فَضْلِكَ أَسْأَلُ وَمِنْ عَطِيَّتِكَ أَسْأَلُ وَمِنْ يَدِكَ الْمَلَأَ أَسْأَلُ × دویم از حضرت امام

فضل تو درخواست کنم و از عطایت درخواست کنم و از دست پُرت خواستارم * * * * *

محمّد باقر علیه السلام مروی است که به زید شحّام فرمود که بگو به جهت طلب روزی در سجده نماز

* * * * *
* * * * *

فَرِيضُهُ: يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ يَا خَيْرَ الْمُعْطِينَ أَرْزُقْنِي وَأَرْزُقْ عِيَالِي مِنْ

* * * * * ای بهترین درخواست شدگان و ای بهترین عطاکنندگان روزی ده مرا و عیالم را از

فَضْلِكَ فَأَتَيْتُكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ × سیّم از ابوبصیر منقول است که شکایت کردم بسوی

فضل خود که براسستی تویی صاحب فضل بزرگ * * * * *
* * * * *

حضرت صادق علیه السلام از حاجت خود و خواستم از آن حضرت که مرا تعلیم فرماید دعائی به جهت رزق پس

حضرت این دعا را تعلیم من فرمود که از زمانی که من خواندم آن را دیگر محتاج نشدم فرمود بگو در نماز شب در حال سجده :

يَا خَيْرَ مَدْعُوٍّ يَا خَيْرَ مَسْئُولٍ يَا أَوْسَعَ مَنْ أَعْطَى وَيَا خَيْرَ مُرْتَجِيٍّ

ای بهترین خوانده شده و ای بهترین درخواست شده و ای وسیعتر کسی که عطا کند و ای بهترین مایه

أَرْزُقْنِي وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ وَ سَبِّ لِي رِزْقًا مِنْ قَبْلِكَ إِنَّكَ عَلِي كُلِّ

امید روزیم ده و فراخ گردان بر من از روزیت و وسیله سازی کن روزیم را از جانب خود که تو بر

شَيْئٍ قَدِيرٌ

هر چیز توانایی

* مؤلف گوید که شیخ طوسی این دعا را در سجده آخر رکعت هشتم نافله شب در مصباح ذکر فرموده چهارم

روایت شده که حضرت رسول صلی الله علیه وآله این دعا را برای طلب روزی تعلیم فرمود :

يَا رَازِقَ الْمُقْلِينَ يَا رَاحِمَ الْمَسْكِينِ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ يَا ذَا الْقُوَّةِ

ای روزی ده نداران و ای مهرورز به مسکینان و ای سرپرست مؤمنان و ای صاحب نیروی

الْمَتِينَ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَارْزُقْنِي وَ عَافِنِي وَ أَكْفِنِي مَا أَهَمَّنِي
محکم درود فرست بر محمد و خاندانش و روزیم ده و عافیتم ده و کفایتم کن آنچه مهم است بر من
پنجم ابوبصیر این دعا را به جهت طلب روزی از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده و آن حضرت فرموده که این
دعای علی بن الحسین علیهما السلام است که خدا را به آن می خوانده :
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ حُسْنَ الْمَعِيشَةِ مَعِيشَةً اتَّقَوِي بِهَا عَلَيَّ جَمِيعَ حَوَائِجِي وَ
خدایا از تو خواهم خوبی زندگانی را آن زندگانی که نیرو گیرم بدان بر همه خواسته هایم و
أَتَوَصَّلُ بِهَا فِي الْحَيَاةِ إِلَى آخِرَتِي مِنْ غَيْرِ أَنْ تُتَرَفَّنِي فِيهَا فَأَطْغِي أَوْ تُقْتَرَّ
برسم بدان در زنده بودنم به آخرت بدون آنکه بی خبر و سرکشم کنی در آن که طغیان کنم یا سختگیری
بِهَا عَلَيَّ فَأَشْقِي أَوْ سَعِ عَلَيَّ مِنْ حَلَالِ رِزْقِكَ وَ أَفْضِلْ عَلَيَّ مِنْ سَبَبِ فَضْلِكَ
بر من که بدبخت گردم وسیع گردان بر من از روزی حلال و زیاده بخش بر من از فضل ریزانت
نِعْمَةً مِنْكَ سَابِقَةً وَ عَطَاءً غَيْرَ مَمْنُونٍ ثُمَّ لَا تَسْغَلْنِي عَنْ شُكْرِ نِعْمَتِكَ بِإِكْثَارِ
نعمتی از تو ریزان و عطایی بی منت سپس سرگرم مکن از سپاسگزاری نعمتت به زیادی
مِنْهَا تُلْهِنِي بِهَاجَتِهِ وَ تَفْتِنُنِي زَهْرَاتِ زَهْوَتِهِ وَلَا بِإِفْلَالِ عَلَيَّ مِنْهَا يَقْصُرُ
آن که غافل کند مرا خرمی و شادابی و بفریبد مرا آب و رنگ فریبنده اش و نه به اندک دادنش بر من از دنیا که در
نتیجه کوتاه آید

بِعَمَلِي كَذُّهُ وَ يَمْلَأُ صَدْرِي هَمُّهُ أَعْطِنِي مِنْ ذَلِكَ يَا إلهي غِنَى عَنْ شِرَارِ
زحمت من از تلاشش و پر کند سینه ام را اندوهش عطا کن به من - ای خدا - از آن آنچه را که بی نیازی از بدان
خَلْقِكَ وَ بَلَاغًا أَنَالُ بِهِ رِضْوَانَكَ وَ أَعُوذُ بِكَ يَا إلهي مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَ شَرِّ مَا
خلقت باشد و برساند مرا به خشنودیت و پناه برم به تو خدایا از شر دنیا و شر آنچه
فِيهَا وَ لَا تَجْعَلْ عَلَيَّ الدُّنْيَا سِجْنًا وَ لَا فِرَاقَهَا عَلَيَّ حُزْنًا أَخْرِجْنِي مِنْ فِتْنَتِهَا
در آن است و قرار مده دنیا را بر من زندان و نه جدا گشتنش را از من اندوه، بیرونم آر از آشوبش در حال
مَرْضِيًّا عَنِّي مَقْبُولًا فِيهَا عَمَلِي إِلَى دَارِ الْحَيَاةِ وَ مَسَاكِينِ الْأَخْيَارِ وَ أَبْدَلْنِي
خشنودیت از من و پذیرفتگی عملم در آن بسوی خانه زندگی و جایگاههای سکونت نیکان و عوضم ده
بِالدُّنْيَا الْفَانِيَةِ نَعِيمَ الدَّارِ الْبَاقِيَةِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَرْلِهَا وَ زَلْزَالِهَا وَ
از دنیای فانی به نعمتهای خانه جاویدان خدایا پناه برم به تو از فشار و سختی و لرزه های آن و

مِنْ سَطَوَاتِ شَيَاطِينِهَا وَ سَلَاطِينِهَا وَ نَكَالِهَا وَ مِنْ بَغْيٍ مَنْ بَغِيَ عَلَيَّ فِيهَا
 یورشهای شیاطین و سلاطین آن و از وبالش و از ستم آنکس که بر من در آن ستم کند
 اللَّهُمَّ مَنْ كَادَنِي فَكَدَّهُ وَ مَنْ أَرَادَنِي فَأَرَدَهُ وَ قُلُّ عَنِّي حَدًّا مَنْ نَصَبَ لِي حَدًّا
 خدایا هرکه نقشه برای من بکشد تو برایش نقشه کش و هرکه قصد بد برایم کند تو درباره اش چنان کن و کند کن از من
 تیزی

وَ أَطْفِءْ عَنِّي نَارَ مَنْ شَبَّ لِي وَ قُودَهُ وَ اكْفِنِي مَكْرَ الْمَكْرَةِ وَ اقْقَاعَتِي عُيُونَ
 سلاح کسی را که سلاحش را برایم تیز کرده و خاموش کن از من آتشی که برایم افروخته و کفایت کن از من مکر
 بدانیشان

الْكَفَرَةِ وَ اكْفِنِي هَمَّ مَنْ أَدْخَلَ عَلَيَّ هَمَّهُ وَ ادْفَعْ عَنِّي شَرَّ الْحَسَدَةِ وَ اعْصِمْنِي
 و کور کن از من چشم کافران را و کفایت کن از من اندوه آنکس که اندوهش را بدلم انداخته و دور کن از من شر
 حسودان را

مِنْ ذَلِكَ بِالسَّكِينَةِ وَ اللَّيْسَنِ دِرْعَكَ الْحَصِينَةِ وَ أَحْبِبْنِي فِي سِتْرِكَ الْوَاقِي وَ
 و نگاهم دار از آن به آرامش خود و پیوشان بر من زره محکمت را و زندهام دار در پوشش نگهدارندهات و
 أَصْلِحْ لِي حَالِي وَ صَدِّقْ قَوْلِي بِفِعَالِي وَ بَارِكْ لِي فِي أَهْلِي وَ مَالِي
 به صلاح درآور حالم را و راست درآور گفتارم را به برکت ده برایم در خاندان و مالم
 مؤلف گوید: که در باب دویم در ذکر نمازها گذشت نمازهایی به جهت زیاد شدن روزی .

فصل ششم

در ذکر دو دعا به جهت دین، اول از حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرمود بگو :

اللَّهُمَّ لِحَظَّةٍ مِنْ لِحَظَاتِكَ تُبَسِّرُ عَلَيَّ غُرْمَائِي بِهَا الْقَضَاءَ وَ تُبَسِّرُ لِي بِهَا

خدایا توجهی خواهم از توجهات که آسان گردانی بدان بر طلبکارانم پرداخت را و آسان گردانی برایم بدان

الْأَقْتِضَاءَ إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ × دویم این دعا است که از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام

وام گیری را که براستی تو بر هر چیز توانایی * * * * *

*

روایت شده: اللَّهُمَّ ارْزُدْ إِلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ مَظَالِمَهُمُ الَّتِي قَبْلِي صَغِيرَهَا وَ كَبِيرَهَا

* * * * * خدایا بازگردان بسوی همه خلق خود حقوقی را که در نزد من دارند کوچک و بزرگش را

فِي يُسْرِ مِّنْكَ وَ عَافِيَةٍ وَ مَا لَمْ تَبْلُغْهُ قُوَّتِي وَ لَمْ تَسَعُهُ ذَاتُ يَدَيَّ وَ لَمْ يَقُوْ
 در آسانی و تندرستی و آنچه را نیروی من بدان نرسد و دارایم بدان وفا نکند و بر آن قدرت نداشته باشد
 عَلَيْهِ بَدَنِي وَ يَقِيْنِي وَ نَفْسِي فَادَّةً عَنِّي مِنْ جَزِيلٍ مَا عِنْدَكَ مِنْ فَضْلِكَ ثُمَّ
 بدنم و یقین و جانم پس آنرا بپرداز از من از آن فضل شایانی که داری و بجای مگذار از آن
 لَا تُخَلِّفْ عَلَيَّ مِنْهُ شَيْئًا تَقْضِيهِ مِنْ حَسَنَاتِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ أَشْهَدُ أَنْ لَا
 بر من چیزی را که بپردازي آنرا از حسنات من ای مهربانترین مهربانان گواهی دهم که
 إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ حُدَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَنَّ
 معبودی نیست جز خدای یگانه‌ای که شریک ندارد و گواهی دهم که محمد بنده و رسول او است و
 الدِّينَ كَمَا شَرَعَ وَ أَنَّ الْإِسْلَامَ كَمَا وَصَفَ وَ أَنَّ الْكِتَابَ كَمَا أُنْزِلَ وَ أَنَّ
 دین همانست که او مقرر داشته و اسلام همان است که توصیف کرده و کتاب چنان است که نازل فرموده و
 الْقَوْلَ كَمَا حَدَّثَ وَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ ذَكَرَ اللَّهُ مُحَمَّدًا وَ أَهْلَ بَيْتِهِ بِخَيْرٍ وَ
 گفتار همانست که او گفته و همانا خدا برحق و آشکار است و خدا محمد و خاندانش را بخیر یاد کند و
 حَيًّا مُحَمَّدًا وَ أَهْلَ بَيْتِهِ بِالسَّلَامِ
 تحیت دهد به محمد و خاندانش بوسیله سلام

فصل هفتم

در ذکر بعض دعاهاي وارده براي دفع اندوه و غم و خوف و غيره و مشتمل است بر دوازده دعا اول روايت شده از
 حضرت امام محمد باقر عليه السلام که چون نازل شد به تو امري که از آن ترسانی رو کن به سوي قبله و دو رکعت نماز
 گذار پس بگو :

يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
 ای بیناترین بینایان و ای شنواترین شنوایان و ای تندترین حسابگران و ای مهربانترین مهربانان
 بگو این کلمات را هفتاد مرتبه و در هر مرتبه که گفتی حاجت خود را با آن ذکر کن دویم از حضرت رسول صلی الله
 علیه و آله مرویست که فرمود هر که را برسد همی یا غمی یا اندوهی یا بلائی یا شدتی پس بگوید :
 اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ × سَيِّمُ از حضرت

صادق علیه السلام منقول است که چون برادران یوسف حضرت یوسف را در چاه افکندند جبرئیل علیه السلام آمد نزد او و گفت چه می‌کنی در اینجا ای پسر، جناب یوسف علیه السلام گفت برادرانم مرا افکندند در این چاه گفت دوست داری که بیرون آیی از آن گفت این بسته به مشیت خداوند عزوجل است اگر خواست بیرون خواهد آورد مرا جبرئیل گفت که حق تعالی می‌فرماید بخوان مرا به این دعا تا تو را از چاه بیرون آورم گفت کدامست آن دعا گفت بگو :

خدایا از تو خواهم که تو را است ستایش و معبودی جز تو نیست که بسی منت گذار و پدیدآرنده آسمانها و
وَالْأَرْضِ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ
زمین و صاحب جلالت و بزرگواری هستی که درود فرستی بر محمد و آل محمد و قرار دهی

برای من در آنچه در آن هستم گشایش و فرجی

پس کاروان آمد و او را بیرون آورد همچنانکه حق تعالی قصه او را در قرآن مجید ذکر فرموده چهارم از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هرگاه ترسیدی از امری بس بگو :

خدایا تو چنانی که کفایت نکند از تو هیچکس ولی تو هر يك از آفریدگانت را کفایت کنی پس کفایت کن از من چنین و كَذَا و در حدیث دیگر فرمود می گوئی: یا کافِیاً مِنْ كُلِّ شَیْءٍ وَلَا یُكْفِیْ مِنْكَ شَیْءٌ

و چنانرا ×××××××××××××××××××× ای کفایت کننده از هر چیز و چیزی نیست که از تو کفایت کند

فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَكْفَى مَا أَهَمَّنِي مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَصَلَّ عَلَى

در آسمانها و زمین کفایت کن آنچه مرا به اندوه انداخته از کار دنیا و آخرتم و درود فرست بر

مُحَمَّدٌ وَآلِهِ

محمد و آلش

و فرمود حضرت صادق علیه السلام که هر کسی که داخل شود بر سلطانی که از او بترسد پس بگوید :

بِاللَّهِ أَسْتَفْتِحُ وَبِاللَّهِ أَسْتَجِجُ وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَتَوَجَّهُ إِلَيْهِ

بوسیله خدا پیروزی جویم و به خدا کامیابی طلبم و به محمد صلی الله علیه و آله رو کنم خدایا

ذَلَّلْ لِي صُعُوبَتَهُ وَ سَهِّلْ لِي حُزُونََهُ فَإِنَّكَ تَمَحُّو مَا تَشَاءُ وَ تُثَبِّتُ وَ عِنْدَكَ أُمُّ

رام کن برایم دشواریش را و هموار کن برایم ناهمواریش را که تو محو کنی آنچه را خواهی و پابرجا کنی و پیش تو است

الْكِتَابِ وَ بگوید نیز: حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ

دفتر اصلی کتاب × × × × × بس است مرا خدا معبودی جز او نیست بر او توکل کنم و او است پروردگار عرش

الْعَظِيمِ وَ اَمْتَنِعْ بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ مِنْ حَوْلِهِمْ وَ قُوَّتِهِمْ وَ اَمْتَنِعْ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ

عظیم و خود را نگهدارم به نیرو و جنبش خدا از جنبش و نیروی ایشان و نگهدارم خود را به پروردگار سپیده دم از

شَرِّ مَا خَلَقَ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ × پنجم روایت شده که این دعای حضرت

شر آنچه آفریده و جنبش و نیروی نیست جز به خدا * * * * *

* * * * *

باقر علیه السلام است در امری که حادث شود اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ لِي

وَ اَرْحَمْنِي وَ زَكِّ عَمَلِي وَ يَسِّرْ مُنْقَلَبِي وَ اهْدِ قَلْبِي وَ آمِنْ خَوْفِي وَ عَافِنِي فِي * * * * *

و به من رحم کن و عملم را پاک کن و آسان کن بازگشتگاهم را و هدایت کن دلم را و امان بخش ترسم را و عافیت ده

در

عُمْرِي كُلِّهِ وَ ثَبَّتْ حُجَّتِي وَ اغْفِرْ خَطَايَايَ وَ بَيِّضْ وَجْهِي وَ اغْصِنِي فِي

همه عمرم و پابرجا کن حجتم را و بیامرز گناهانم را و سفید گردان رویم را و نگاهم دار در

دِينِي وَ سَهِّلْ مَطْلَبِي وَ وَسِّعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِي فَإِنِّي ضَعِيفٌ وَ تَجَاوَزْ عَنْ

دینم و آسان کن خواسته ام و فراخ گردان روزیم را زیرا که من ناتوانم و در گذر از

سَيِّئِ مَا عِنْدِي بِحُسْنٍ مَا عِنْدَكَ وَ لَا تَفْجَعْنِي بِنَفْسِي وَ لَا تَفْجَعْ لِي حَمِيمًا

بدی آنچه نزد من است به خوبی آنچه پیش تو است و داغدارم مکن به خودم و داغدار مکن خویشانم را

وَ هَبْ لِي يَا إِلَهِي لَحْظَةً مِنْ لَحْظَاتِكَ تَكْشِفُ بِهَا عَنِّي جَمِيعَ مَا بِهِ اِثْمَانِي وَ

و ببخش به من معبودا توجهی از توجهات را که برطرف کنی بدان تمام گرفتاریهایم را و بازگردانی بدان

تَرُدُّهَا عَلَيَّ مَا هُوَ أَحْسَنُ عَادَتِكَ عِنْدِي فَقَدْ ضَعُفْتُ قُوَّتِي وَ قَلَّتْ حِيلَتِي

بر من آنچه را بهترین شیوه تو است در پیش من زیرا که نیرویم سست و چاره کم شده و

وَ انْقَطَعَ مِنْ خَلْقِكَ رَجَائِي وَ لَمْ يَبْقَ إِلَّا رَجَاؤُكَ وَ تَوَكَّلْ عَلَيَّكَ وَ قُدْرَتُكَ

بریده از خلق تو امیدم و برایم بجای نمانده جز امید به تو و توکلم بر تو، و نیروی تو

عَلَيَّ يَا رَبَّ أَنْ تُرْحَمَنِي وَ تُعَافِيَنِي كَقُدْرَتِكَ عَلَيَّ أَنْ تُعَذِّبَنِي وَ تُبْتَلِيَنِي

بر من پروردگارا برای رحم بر من و عافیتم همانند نیروی تو است بر من که عذابم کنی و گرفتارم سازی

إِلَهِي ذَكِّرْ عَوَايِدَكَ يُؤْنِسُنِي وَ الرَّجَاءُ لِلْإِعْمَالِكِ يُقَوِّينِي وَ لَمْ أَخْلُ مِنْ نِعْمِكَ

خدایا یاد نعمتهایت آرام کند و امید نعمت بخشیت نیرویم دهد و هیچگاه بیرون نبوده‌ام از نعمتهایت از

مُنْذُ خَلَقْتَنِي فَأَنْتَ رَبِّي وَ سَيِّدِي وَ مَفْزَعِي وَ مَلْجَايَ وَ الْحَافِظُ لِي وَ الذَّابُّ

آنروز که خلقم کرده‌ای پس تویی پروردگار و آقا و پناهگاه و ملجأ من و نگهدارم و دفاع‌کننده از من

عَنِّي وَ الرَّحِيمُ بِي وَ الْمُتَكَفِّلُ بِرِزْقِي وَ فِي قَضَائِكَ وَ قُدْرَتِكَ كُلُّ مَا أَنَا فِيهِ

و مهربان به من و کفالت‌کننده روزیم و در قضا و قدرت تو است هرچه من در آنم

فَلْيَكُنْ يَا سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ فِيمَا قَضَيْتَ وَ قَدَّرْتَ وَ حَتَّمْتَ تَعْجِيلُ خَلَاصِي

پس چنان باشد ای آقای من و سرورم در آنچه حکم و مقدر و مسلم فرموده‌ای تعجیل در خلاص

مِمَّا أَنَا فِيهِ جَمِيعِهِ وَ الْعَافِيَةُ لِي فَإِنِّي لَا أَجِدُ لِدَفْعِ ذَلِكَ أَحَدًا غَيْرَكَ وَلَا أَعْتَمِدُ

شدم از آنچه من در آنم همه آن و تندرستم زیرا من نیام برای رفع آن هیچکس را جز تو و تکیه نکنم

فِيهِ إِلَّا عَلَيْكَ فَكُنْ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ عِنْدَ أَحْسَنِ ظَنِّي بِكَ وَ رَجَائِي لَكَ

در آن جز بر تو پس بوده باش ای دارای جلالت و بزرگواری در نزد بهترین گمانی که به تو دارم و بهترین امیدم

وَ أَرْحَمَ تَضَرُّعِي وَ اسْتِغَاثَتِي وَ ضَعْفَ رُكْنِي وَ أَمْنُنْ بِذَلِكَ عَلَيَّ وَ عَلَيَّ كُلِّ

بر تو و رحم کن بر زاری و بیچارگی و سستی اساس و پایه‌ام و منت نه بدان بر من و بر هر

داعِ دَعَاكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ خ ششم از حضرت

خواننده‌ای که تو را بخواند ای مهربانترین مهربانان و درود خدا بر محمد و آلش باد * * * * *

امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که فرمود حضرت علی بن الحسین علیهما السلام می‌فرمود باکی

* * * * *
* * * * *

ندارم هرگاه بگویم این کلمات را اگر جمع شوند برای ضرر من جن و انس بِسْمِ اللَّهِ وَ

* * * * *

* * * بنام خدا و

بِاللَّهِ وَ مِنَ اللَّهِ وَ إِلَيَّ اللَّهُ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَلَيَّ مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

* * *

* * * * *

* * * * *

چیزی

* * * * *

بگیرد و دو رکعت نماز گذارد یا چهار رکعت و بگوید در آخر آن :

يَا مَوْضِعَ كُلِّ شَكْوَى وَيَا سَامِعَ كُلِّ نَجْوَى وَيَا شَاهِدَ كُلِّ مَلَأٍ وَيَا عَالِمَ كُلِّ

اي موضع هر شكایت و اي شنوای هر راز و اي حاضر هر انجمن و اي دانای هر

خَفِيَّةٍ وَيَا دَافِعَ مَا يَشَاءُ مِنْ بَلِيَّةٍ يَا خَلِيلَ اِبْرَاهِيمَ وَيَا نَجِيَّ مُوسَى وَيَا

پنهان و اي جلوگیر هر چه بخواد از بلاها اي خليل ابراهيم و اي انتخاب کننده موسي و اي

مُضْطَفِّي مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اَدْعُوكَ دُعَاءَ مَنْ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ وَقَلَّتْ

برگزیننده محمد صلي الله عليه و آله بخوانت خواندن کسی که به سختی نیازمند شده و

حِيلَتُهُ وَضَعَفَتْ قُوَّتُهُ دُعَاءَ الْغَرِيبِ الْغَرِيقِ الْمُضْطَرِّ الَّذِي لَا يَجِدُ لِكَشْفِ مَا

چاره اش کم و نیرویش سست گشته خواندن دور از وطن غریق درمانده اي که نیابد برای

هُوَ فِيهِ إِلَّا أَتَى يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ × پس بدرستی که نمی خواند این دعا را احدی

برطرف شدن گرفتاریش جز تو ای مهربانترین مهربانان * * * * *

* * * * *

مگر آنکه برطرف می کند حق تعالی از او نازله را انشاء الله تعالی. دهم از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول

است که برای رفع هم و غم غسل می کنی و دو رکعت نماز می گذاری و می گوئی :

يَا فَارِجَ الْهَمِّ وَيَا كَاشِفَ الْغَمِّ يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا

* * * * * ای گشاینده اندوه و ای زداینده غم ای بخشاینده دنیا و آخرت و مهرورز در آن دو

فَرَجَ هَمِّي وَكَاشِفَ غَمِّي يَا إِلَهَ الْوَاحِدِ الْأَحَدُ الصَّمَدُ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ

بگشا اندوهم و برطرف کن غصه ام را ای خدای یگانه یکتای بی نیازی که فرزند نگیرد و

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ اَعْصِنِي وَطَهِّرْنِي وَادْهَبْ بِلَيْتِي وَبِخَوَانِ آيَةِ الْكَرْسِيِّ وَ

فرزند کسی نیست و نیست برایش همتایی هیچکس، نگاهم دار و پاکم کن و گرفتاریم را برطرف کن * * * *

* * * *

معوذتین را یازدهم روایت شده که برای رفع هم می گوئی در سجده صد مرتبه: یا حیی یا

* * * * *

* * * * * ای زنده ای

قَيُّوْمُ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيثُ فَكَفِّنِي مَا أَهَمَّنِي وَلَا تَكِلْنِي إِلَى

پاینده ای که معبودی جز تو نیست به رحمت تو پناه برم پس کفایت کن آنچه برایم اهمیت دارد و وامگذارم

نَفْسِي × دوازدهم از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام منقول است که به سماعه فرمود که ای

* * * * *

* * * * *

سماعه هر وقت که از برای تو حاجتی باشد نزد حق تعالی پس بگو: اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ

* * * * *

* * * * * خدایا از تو خواهم

بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ فَإِنَّ لَهُمَا عِنْدَكَ شَأْنًا مِنَ الشَّأْنِ وَقَدْرًا مِنَ الْقَدْرِ فَبِحَقِّ

به حق محمد و علی زیرا آن دو را نزد تو منزلتی است از منزلتها و مقامی است از مقامها پس به حق

ذَلِكَ الشَّأْنِ وَبِحَقِّ ذَلِكَ الْقَدْرِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ

آن منزلت و به حق این مقام که درود فرستی بر محمد و آل محمد و بکنی درباره من

بی کذا و کذا پس بدرستی که چون روز قیامت شود نماند ملک مقرّبی و نه پیغمبر مرسل

* * * * * چنین و چنان

* * * * *

و نه مؤمن ممتحنی مگر آنکه او محتاج است بسوی محمد و علی صلوات الله علیهما و آلهما در آن روز. فقیر گوید: که

ابن ابی الحدید نقل کرده از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام که فرمود وقتی سؤال کردم از حضرت رسول صلی الله علیه

و آله که دعا کند برای من به مغفرت فرمود دعا خواهم کرد پس برخاست و نماز گذاشت و دست به دعا برداشت گوش

دادم به دعای آن حضرت شنیدم می گوید اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ عَلِيٍّ عِنْدَكَ اغْفِرْ لِعَلِيٍّ یعنی خدایا به حق علی نزد تو بیامرزش را

من گفتم یا رسول الله این چه دعائی بود که کردی فرمود آیا کسی گرامی تر از او هست نزد خدا که من او را شفیع خود

کنم نزد او مؤلف گوید: که ما در باب اوّل در ذکر ادعیه سجده شکر ذکر کردیم بعض دعاهائی که مناسبت با این فصل

داشت :

فصل هشتم

در ذکر چند دعائی برای علّتها و مرضها اوّل از حضرت صادق علیه السلام منقول است که می گوئی از برای دردها :

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ كَمْ مِنْ نِعْمَةٍ لِلَّهِ فِي عِرْقٍ سَاكِنٍ وَغَيْرِ سَاكِنٍ عَلَيَّ

* * * * * بنام خدا و به یاری خدا چه بسیار نعمت خدا که وجود دارد در رگی ساکن و غیر

ساکن بر

عَبْدٍ شَاكِرٍ وَغَيْرِ شَاكِرٍ و می گیری ریش خود را بدست راست خود بعد از نماز فریضه و

* * * * * بنده سپاسگزار و غیر سپاسگزار * * * * *

* * * * *

می گوئی سه مرتبه: اللَّهُمَّ فَرِّجْ عَنِّي كُرْبَتِي وَ عَجِّلْ عَافِيَتِي وَ اكْشِفْ ضُرِّي

* * * * * خدایا بگشا از من گرفتاریم را و بشتاب در تندرستیم و برطرف کن

سختیم را

و حریص باش که این عمل با اشک و گریه باشد دوّم از حضرت صادق علیه السلام منقول است که

* * * * *

* * * * *

بگذار دست بر موضع درد و بگو: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ

* * * * * بنام خدا و بیاری خدا محمد رسول خدا است که

درد خدا بر او و

آلِهٍ وَ لَاحَوْلَ وَ لَاقُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ اللَّهُمَّ امْسَحْ عَنِّي مَا أَجِدُ وَ امْسَحْ مِی کُنِی بدست

* * * * * آتش باد و جنبش و نیرویی نیست جز به خدا خدایا پاک کن از من آنچه را درک می کنم

* * *

راست موضع درد را سه مرتبه سیّم از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که امیرالمؤمنین علیه السلام مریض

شد رسول خدا صلی الله علیه و آله به دیدن او رفت و فرمود به او که بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ تَعْجِيلَ عَافِيَتِكَ وَ صَبْرًا عَلَيَّ بَلِيَّتِكَ وَ خُرُوجًا إِلَى رَحْمَتِكَ

خدایا از تو خواهم شتاب در عافیت و شکیبایی بر بلایت و درآمدن بسوی رحمت را

چهارم از حضرت صادق علیه السلام مروی است که فرمود می گذاری دست خود را بر موضع درد و

* * * * *

* * * * *

می گوئی سه مرتبه: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ الَّذِي نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ

* * * * * خدایا از تو خواهم به حق قرآن عظیمی که فرود آورد آن را روح

الْأَمِينُ وَ هُوَ عِنْدَكَ فِي أُمِّ الْكِتَابِ عَلَيَّ حَكِيمٌ أَنْ تَشْفِيَنِي بِشِفَائِكَ وَ

الْأَمِينُ و آن در نزد تو در دفتر اصلی والا و فرزانه است که درمانم کنی به درمان خود و

تُدَاوِنِي بِدَوَائِكَ وَ تُعَافِيَنِي مِنْ بَلَائِكَ وَ صَلَوَاتِ مِی فرستی بر محمد و آل

* * * * *

* پناه دهم شما را به کلمات

اللَّهُ التَّامَّةُ وَأَسْمَاءُ الْحُسْنَى كُلُّهَا عَامَّةٌ مِنْ شَرِّ السَّامَّةِ وَالْهَامَّةِ وَمِنْ شَرِّ

تامه خدا و نامهای نیکویش به تمامی آنها عموماً از شرّ هر گزنده و خزنده از شرّ

كُلِّ عَيْنٍ لَامَّةٍ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ پس فرمود همچنین تعویذ می کرد حضرت

* * * * * هر چشم بد و از شر حسود وقتی حسود کند

* *

ابراهیم علیه السلام، اسماعیل و اسحاق را چهارم روایت شده که در بعضی غزوات اصحاب حضرت رسول صلی الله

علیه وآله خدمت آن حضرت شکایت کردند از اذیت کیکها فرمود در وقتی که به خوابگاه خود روند بگویند :

أَيُّهَا الْأَسْوَدُ الْوَتَّابُ الَّذِي لَا يُبَالِي غَلَقًا وَلَا بَابًا عَزَمْتُ عَلَيْكَ بِأَمِّ

* * * * * ای سیاه جهنده ای که باکی ندارد از هیچ در بند و نه از هیچ دری سوگند دهم تو را به

الْكِتَابِ أَنْ لَا تُؤْذِيَنِي وَأَصْحَابِي إِلَى أَنْ يَذْهَبَ اللَّيْلُ وَيَجِيئَ الصُّبْحُ بِمَا

دفتر اصلی که آزار نکنی مرا و همراهان مرا تا بگذرد شب و بیاورد بامداد آنچه را

جَاءَ X پنجم روایت شده از حضرت امیرالمؤمنین ۷ که فرمود چون دیدی سُبُعَ را یعنی

* * * * * دارد

* * * * *

جانور درنده را مانند شیر و پلنگ و گرگ و امثال آنها بگو: أَعُوذُ بِرَبِّ دَانِيَالَ وَالْجُبِّ مِنْ

* * * * * پناه

برم به پروردگار دانیال و چاه از

كُلِّ أَسَدٍ مُسْتَأْسَدٍ X و از حضرت صادق علیه السلام مرویست که چون جانوری درنده دیدی

* * * * * هر شیر درنده

* * * * *

بخوان در صورت او آیه الكرسي و بگو مَرُّ او را: عَزَمْتُ عَلَيْكَ بِعَزِيمَةِ اللَّهِ وَعَزِيمَةِ

* * * * * تو را سوگند دهم به

تصمیم خدا و تصمیم

مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَزِيمَةِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ وَعَزِيمَةِ

محمد صلی الله علیه و آله و تصمیم سلیمان بن داود و تصمیم
 امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام و الأئمة الطاهرين علیهم
 امیر مؤمنان علی بن ابیطالب علیه السلام و امامان پاک علیهم

السلام من بعده پس بدرستی که منصرف خواهد شد از تو انشاء الله تعالی. ششم روایت

السلام پس از او * * * * *
 * * * * *

شده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود یا علی هرگاه واقع شدي در ورطه اي یا
 * * * * *
 * * * * *

بلیه اي بگو: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ
 * * * * * بنام خدای بخشاینده مهربان جنبش و نیروی نیست جز به خدای والای بزرگ
 پس بدرستی که خداوند عزوجل برطرف می کند از تو آنچه بخواید از انواع بلا .

فصل دهم

در ذکر چند دعای موجز است که برای حوائج دنیا و آخرت نافع است و آنچه در اینجا ذکر می شود سی دعا است
 اول از حضرت صادق علیه السلام مرویست که بگو :

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَحْشَاكَ كَأَنِّي أَرَاكَ وَ أَسْعِدْنِي بِتَقْوِيكَ وَلَا تُشَقِّقْنِي بِنَشْطِي
 خدایا چنانم کن که از تو بترسم چنانکه گویی تو را می بینم و خوشبختم کن به پرهیزکاریت و بدبختم مکن به نشاطم
 لِمَعَاصِيكَ وَ خِرْلِي فِي قَضَائِكَ وَ بَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ حَتَّى لَا أَحِبَّ تَأْخِيرَ مَا
 برای نافرمانی هایات و نیک بخواه برایم در قضایت و برکت ده برایم در مقدرت تا دوست نداشته باشم دیر آمدن آنچه
 عَجَّلْتَ وَلَا تَعْجِلْ مَا أَخَّرْتَ وَ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي وَ مَتْنِي بِسَمْعِي وَ
 را شتاب داری و نه زود آمدن آنچه را تأخیر اندازی و قرار ده بی نیازیم را در خودم و بهره مندم ساز به گوش و
 بَصَرِي وَ اجْعَلْهُمَا الْوَارِثَيْنِ مِنِّي وَ انْصُرْنِي عَلَي مَنْ ظَلَمَنِي وَ آرِنِي فِيهِ
 چشمم و قرارشان ده آن دو را وارث من و یاریم کن بر هر که به من ستم کند
 قُدْرَتِكَ يَا رَبِّ وَ أَقْرَبِ ذَلِكَ عَيْنِي × دویم و نیز از آن حضرت منقول است که بگو :
 و قدرت خودت را در او به من نشان ده پروردگارا و دیده ام را بدان روشن کن
 * * * * *

اَللّٰهُمَّ اَعِنِّيْ عَلٰى هٰوْلِ يَوْمِ الْقِيَمَةِ وَاَخْرِجْنِيْ مِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا

خدایا کمکم ده بر هراس روز قیامت و بیرونم ببر از دنیا در حال سلامت

وَزَوِّجْنِيْ مِنَ الْحُورِ الْعِيْنَ وَاكْفِنِيْ مَوْتِيْ وَ مَوْتَةَ عِيَالِيْ وَ

و همسرم گردان از حورالعین و هزینهام را کفایت کن و نیز هزینه نان خوران و

مَوْتَةَ النَّاسِ وَاَدْخِلْنِيْ بِرَحْمَتِكَ فِيْ عِبَادِكَ الصّٰلِحِيْنَ x سیم این دعا

هزینه مردم را و درآور مرا به رحمت خود در زمره بندگان شایستهات * * * * *

شریفست که نگاه می دارد از گناهان و جامع دنیا و آخرتست: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ يَا

* * * * * بنام

خدای بخشاینده مهربان ای

مَنْ اَظْهَرَ الْجَمِيْلَ وَ سَتَرَ الْقَبِيْحَ وَ لَمْ يَهْتِكِ السِّرَّ عَنِّيْ يَا كَرِيْمُ الْعَفْوِ يَا حَسَنَ

که آشکار کند زیبا را و بپوشاند زشت را و ندرد پرده مرا ای بزرگوار گذشت ای نیکو

التَّجَاوُزِ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ وَ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ يَا صَاحِبَ كُلِّ نَجْوٰی

درگذر ای فراخ آمرزش و ای گشاده هر دو دست به رحمت و مهر ای همراه هر راز

وَ يَا مُنْتَهٰی كُلِّ شَكْوٰی يَا كَرِيْمُ الصَّفْحِ يَا عَظِيْمَ الْمَنِّ يَا مُبْتَدِئَ كُلِّ نِعْمَةٍ قَبْلَ

و ای مرجع هر شکایت ای بزرگوار چشم پوش ای بزرگ منت ای آغازنده هر نعمت پیش از

اِسْتِحْقَاقِهَا يَا رَبَّاهُ يَا سَيِّدَاهُ يَا مَوْلِيَّاهُ يَا غَايَتَاهُ يَا غِيَاثَاهُ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ

شایستگی آن ای پروردگار ای آقا ای سرور ای منتهای آرزو ای فریادرس درود فرست بر محمد و

آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَسْأَلُكَ اَنْ لَا تَجْعَلَنِيْ فِي الْاَثَرِ اَنْگَاهِ مِیْ طَلَبِیْ اِزْ حَقِّ تَعَالٰی هِرْ چِه

* * * * * آل محمد و از تو خواهم که قرارم ندهی در آتش * * * * *

بخوای چهارم از حضرت صادق علیه السلام منقول است که این دعا را خواند: اَللّٰهُمَّ اَنْتَ تَقْتٰی

* * * * *

* * خدایا تویی تکیه گاه من

فِيْ كُلِّ كُرْبَةٍ وَاَنْتَ رَجَائِيْ فِيْ كُلِّ شِدَّةٍ وَاَنْتَ لِيْ فِيْ كُلِّ اَمْرٍ نَزَلَ بِيْ ثِقَةٌ

در هر گرفتاری و تویی امید من در هر سختی و تو برای من در هر پیش آمدی تکیه گاه و ذخیره ام هستی

وَ عُدَّةٌ كَمْ مِنْ كَرْبٍ يَضْعَفُ عَنْهُ الْفُؤَادُ وَ تَقِلُّ فِيْهِ الْحِيْلَةُ وَ يَخْذُلُ عَنْهُ

چه بسیار گرفتاری که ناتوان شود از آن دل و کم شود در آن چاره و یاری ندهد در آن
 الْقَرِيبُ وَالْبَعِيدُ وَيَشْمَتُ بِهِ الْعَدُوُّ وَتُعِينِي فِيهِ الْأُمُورُ أَنْزَلْتَهُ بِكَ وَ
 خویش و بیگانه و شمت کند بدان دشمن و خسته ام کند در آن کارها و من آنرا بدرگاه تو آوردم
 شَكَوْتُهُ إِلَيْكَ رَاغِبًا فِيهِ عَمَّنْ سِوَاكَ فَفَرَّجْتَهُ وَكَشَفْتَهُ وَكَفَيْتَنِي فَأَنْتَ وَلِيٌّ
 و شکوه اش به تو کردم و به جز تو از دیگران روگرداندم و تو بگشود و برطرف کردی و کفایت کردی پس تویی
 سرپرست

كُلُّ نِعْمَةٍ وَصَاحِبُ كُلِّ حَاجَةٍ وَمُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ فَلَكَ الْحَمْدُ كَثِيرًا وَلَكَ
 هر نعمت و صاحب هر حاجت و سرحد نهایی هر شوق پس تو را است ستایش بسیار و تو را است
 الْمَنْ فَاضِلًا
 منت فزون

* مؤلف گوید: که این دعا همان دعای حضرت رسول صلی الله علیه وآله است در یوم بدر و احزاب و نیز دعای
 حضرت سیدالشهداء علیه السلام است که در روز عاشوراء در کربلا خواند و غیر از این نیز دو دعای دیگر از آن
 حضرت مروی است که در آن روز خواندند که یکی این دعاء است که تعلیم حضرت امام زین العابدین علیه السلام
 فرمود در آن وقتی که او را به سینه خود چسبانید و خونها در بدن مبارکش می جوشید برای حاجت و مهم و اندوه و
 بلاهای سخت و امر عظیم و دشوار :

بِحَقِّ يَسِّ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ وَبِحَقِّ طِهٍ وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ يَا مَنْ
 * * * * * به حق یس و قرآن حکمت آموز و به حق طه و قرآن بزرگ ای که
 يَقْدِرُ عَلَيَّ حَوَائِجِ السَّائِلِينَ يَا مَنْ يَعْلَمُ مَا فِي الضَّمِيرِ يَا مُنْفَسًّا عَنِ

توانایی بر حاجات خواستاران ای که می دانی آنچه در دها است ای برطرف کننده گرفتاری
 الْمَكْرُوبِينَ يَا مُفَرِّجًا عَنِ الْمُعْصُمِينَ يَا رَاحِمَ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ يَا رَازِقَ الطُّفْلِ
 گرفتاران ای غمزدای اندوه غمندگان ای مهرورز پیر کهنسال ای روزی ده کودک
 الصَّغِيرِ يَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَى التَّفْسِيرِ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَفْعَلُ بِي
 خردسال ای که نیازی ندارد به شرح و بیان درود فرست بر محمد و آل محمد و بکن با من
 كَذَا وَكَذَا وَحَاجَتِ خُودَ رَا بَخْوَاهُ پَنَجَمُ از حضرت صادق علیه السلام منقول است که دست خود را

* * * * * چنين و چنان * * * * *

* * * * *

به سوي آسمان بلند کرد و گفت: رَبِّ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا لَا أَقَلَّ

* * * * * پروردگارا مرا به خودم وامگذار چشم بر همزدنی

هرگز نه کمتر

مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ × ششم و نیز از آن حضرت مرویست که این کلمات را می گفت :

* * * * * از آن و نه بیشتر

* * * * *

إِرْحَمْنِي مِمَّا لَا طَاقَةَ لِي بِهِ وَلَا صَبْرَ لِي عَلَيْهِ × هفتم از حضرت صادق علیه السلام

* * * * * به من رحم کن از آنچه تاب و نیرویش را ندارم و شکیبایی بر آن ندارم *

منقولست که بگو: اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِجَلَالِكَ وَجَمَالِكَ وَكَرَمِكَ اَنْ تَفْعَلَ بِيْ كَذَا

* * * * * خدایا از تو خواهم به جلال و جمال و بزرگواریت که با من چنین

وَكَذَا × هشتم از فضل بن یونس منقول است که حضرت امام موسی علیه السلام به من فرمود

* * * * * و چنان کنی

* * * * *

که بسیار بگو: اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْنِيْ مِنَ الْمُعَارِيْنِ وَلَا تُخْرِجْنِيْ مِنَ التَّقْصِيْرِ × یعنی

* * * * *

* * * * *

خدایا قرار مده مرا از کسانی که ایمانشان عاریه و غیر ثابت است یا آنکه قرار مده مرا از کسانی که آنها را به خودشان

واگذاشته مانند ستوری که مهارش را به گردنش افکنند و او را رها کنند به چرا که هر کاری که خواهد بکند و هر کجا

خواهد برود و بیرون مکن مرا از تقصیر یعنی چنان مکن که من خود را مقصّر ندانم بلکه چنان باشم که همیشه خود را

مقصّر درگاه تو بدانم نهم از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که حق تعالی آمرزید مردی از اهل بادیه را به

سبب این دو کلمه که دعا کرد به آن :

اَللّٰهُمَّ اِنْ تُعَذِّبْنِيْ فَاهْلُ لِدَلِكْ اَنَا وَاِنْ تُغْفِرْ لِيْ فَاهْلُ لِدَلِكْ اَنْتَ × دهم از داود

* * * * * خدایا اگر عذابم کنی من شایسته آنم و اگر بیامرزیم تو شایسته آنی

رقی مرویست که گفت می شنیدم از حضرت صادق علیه السلام که بیشتر چیزی که الحاح می کرد به آن در دعا

می خواند خدا را به حق پنج تن یعنی رسول خدا و امیرالمؤمنین و فاطمه و حسن و حسین صلوات الله علیهم یازدهم از

یزید صایغ روایت است که گفتم به حضرت صادق علیه السلام که بخوان خدا را برای ما حضرت این دعا را نمود برای ما :

اَللّٰهُمَّ ارْزُقْهُمْ صِدْقَ الْحَدِيثِ وَادَاءَ الْاَمَانَةِ وَالْمُحَافَظَةَ عَلَي الصَّلَوَاتِ

خدایا روزی ایشان کن راستگویی و پرداختن امانت و محافظت بر نمازها را

اَللّٰهُمَّ اِنَّهُمْ اَحَقُّ خَلْقِكَ اَنْ تَفْعَلَ بِهِمُ اَللّٰهُمَّ اَفْعَلْ بِهِمْ * دوازدهم بخواند این دعا را

خدایا اینان سزاوارترین خلق تواند که با آنها چنین کنی خدایا با ایشان چنین کن * * * * *

که امیرالمؤمنین علیه السلام می خواند اَللّٰهُمَّ مَنْ عَلَيَّ بِالتَّوَكُّلِ عَلَيْكَ وَالتَّقْوِيضِ اِلَيْكَ

* * * * * خدایا منت نه بر من به توکل کردن بر خودت و

واگذارن بسوی تو

وَالرِّضَا بِقَدْرِكَ وَالتَّسْلِيمَ لِأَمْرِكَ حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَلَا تَأْخِيرَ

و راضی بودن به مقدراتت و تسلیم بودن در برابر فرمانت تا دوست ندارم زود آوردن آنچه را تأخیر انداختی و نه تأخیر

مَا عَجَّلْتَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ * سیزدهم روایت شده که جبرئیل خدمت حضرت

آنچه را زود آوردی ای پروردگار جهانیان * * * * *

رسول صلی الله علیه وآله آمد و عرض کرد که پروردگارت می فرماید هرگاه خواستی مرا عبادت کنی روز و شبی حق

عبادت مرا دستهای خود را بلند کن بسوی من و بگو :

اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا خَالِدًا مَعَ خُلُودِكَ وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا مُنْتَهَى لَهُ دُونَ

خدایا تو را است ستایش ستایشی جاویدان با جاوید بودن خودت و تو را است ستایش ستایشی که پایان ندارد جز

عِلْمِكَ وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا أَمَدَ لَهُ دُونَ مَشِيَّتِكَ وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا جَزَاءَ

علم تو و تو را است ستایش ستایشی که اندازه ندارد جز مشیت تو و تو را ستایش ستایشی که گوینده اش پاداش ندارد

لِقَائِهِ إِلَّا رِضَاكَ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كُلُّهُ وَلَكَ الْمَنْ كُلُّهُ وَلَكَ الْفَخْرُ كُلُّهُ وَلَكَ

جز خوشنودی تو خدایا همه ستایش از تو است و همه منتها از تو است و همه فخر از تو است و همه

الْبَهَاءُ كُلُّهُ وَلَكَ الثَّوَرُ كُلُّهُ وَلَكَ الْعِزَّةُ كُلُّهَا وَلَكَ الْجَبَرُوتُ كُلُّهَا وَلَكَ

درخشندگی از تو است و همه نور از تو است و همه عزت از تو است و همه جبروت از تو است و همه

الْعِظَمَةُ كُلُّهَا وَلَكَ الدُّنْيَا كُلُّهَا وَلَكَ الْآخِرَةُ كُلُّهَا وَلَكَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ كُلُّهُ وَ

بزرگی از تو است و همه دنیا از تو است و همه آخرت از تو است و همه شب و روز از تو است و همه
لَكَ الْخَلْقُ كُلُّهُ وَبِيَدِكَ الْخَيْرُ كُلُّهُ وَإِلَيْكَ يَرْجِعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ عَلَانِيَتُهُ وَسِرُّهُ
خلق از تو است و هر چه خیر بدست تو است و همه کارها به تو بازگردد چه آشکارش و چه پنهانش
اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا أَبَدًا أَنْتَ حَسَنُ الْبَلَاءِ جَلِيلُ الثَّنَاءِ سَابِغُ التَّعْمَاءِ عَدْلُ
خدایا تو را است ستایش ستایشی همیشگی تو آزمایشی نیکو و برجسته ثنایی و ریزان نعمتی و دادگر
الْقَضَاءِ جَزِيلُ الْعَطَاءِ حَسَنُ الْأَلَاءِ إِلَهٌ فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ فِي السَّمَاءِ اللَّهُمَّ لَكَ
در قضاوت و عطایت شایان و نعمتهایت نیکو معبود زمین و معبود آسمان خدایا تو را است
الْحَمْدُ فِي السَّبْعِ الشَّدَادِ وَلَكَ الْحَمْدُ فِي الْأَرْضِ الْمِهَادِ وَلَكَ الْحَمْدُ طَاقَةُ
ستایش در هفت آسمان و تو را است ستایش در زمین گسترده و تو را است ستایش بقدر طاقت
الْعِبَادِ وَلَكَ الْحَمْدُ سَعَةِ الْبِلَادِ وَلَكَ الْحَمْدُ فِي الْجِبَالِ الْأَوْتَادِ وَلَكَ الْحَمْدُ
بندگان و تو را است ستایش به پهناوری شهرها و تو را است ستایش در کوههای چون میخ و تو را است ستایش
فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى وَلَكَ الْحَمْدُ فِي النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى وَلَكَ الْحَمْدُ فِي
در شب چون پوشاند و تو را است ستایش در روز چون روشنی دهد و تو را است ستایش در
الْآخِرَةِ وَالْأُولَى وَلَكَ الْحَمْدُ فِي الْمَتَانِي وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَ
دنیا و آخرت و تو را است ستایش در سوره حمد و قرآن بزرگ و منزّه است خدا و به
بِحَمْدِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَالسَّمَوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ
حمدش مشغولم و زمین تمامیش در قبضه او است روز قیامت و آسمانها پیچیده است بدست قدرت او
سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا
منزه و برتر است از آنچه (با او) شریک سازند منزّه است خدا و بحمدش مشغولم هر چیزی نابود است جز
وَجْهَهُ سُبْحَانَكَ رَبَّنَا وَتَعَالَيْتَ وَتَبَارَكْتَ وَتَقَدَّسَتْ خَلَقْتَ كُلَّ شَيْءٍ
ذات او منزّهی تو پروردگارا و برتری و خجسته‌ای و مقدس، همه چیزها را خلق فرمودی
بِقُدْرَتِكَ وَفَهَرْتَ كُلَّ شَيْءٍ بِعِزَّتِكَ وَاعْلَوْتَ فَوْقَ كُلِّ شَيْءٍ بَارِئُفَاعِكَ وَ
به قدرتت و مقهور ساختی هر چیزی را به عزتت و فراز آمدی بر فراز هر چیز به بلندیت و
غَلَبْتَ كُلَّ شَيْءٍ بِقُوَّتِكَ وَابْتَدَعْتَ كُلَّ شَيْءٍ بِحِكْمَتِكَ وَعِلْمِكَ وَبَعَثْتَ
غالب آمدی بر هر چیز به نیرویت و بیافریدی هر چیزی را به حکمت و دانشت و برانگیختی

الرُّسُلَ بِكُتُبِكَ وَ هَدَيْتَ الصَّالِحِينَ بِإِذْنِكَ وَ أَيْدَتَ الْمُؤْمِنِينَ بِنَصْرِكَ وَ

رسولان را به کتابهایت و راهنمایی کردی شایستگان را به اذن خودت و تأیید کردی مؤمنان را به یاری خود و

قَهَرْتَ الْخَلْقَ بِسُلْطَانِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَا تُعْبَدُ غَيْرَكَ

مقهور ساختی خلق را به سلطنت خودت معبودی نیست جز تو یکتایی که شریک نداری نپرستیم کسی را جز تو و

وَلَا نَسْأَلُ إِلَّا إِيَّاكَ وَلَا نَرْغِبُ إِلَّا إِلَيْكَ أَنْتَ مَوْضِعُ شَكْوَانَا وَ مُنْتَهَى رَغْبَتِنَا وَ

درخواست نکنیم جز از تو و شوقی نداریم جز بدرگاه تو تویی مرجع شکایت ما و منتهای شوق ما و

إِلَهُنَا وَ مَلِكُنَا × چهاردهم روایت شده که مردی خدمت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام

معبود و مالک ما * * * * *

* * * * *

شکایت کرد از دیر شدن جواب دعایش فرمود چرا نمی خوانی دعای سریع الاجابه را پرسید که آن کدام دعا است

فرمود بگو :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ الْأَجَلُّ الْأَكْرَمِ الْمَخْزُونِ الْمَكْنُونِ

خدایا از تو خواهم به نام بزرگ بزرگتر و برجسته بزرگوارترت که در گنجینه های پنهان است

التَّوَرِّ الْحَقُّ الْبُرْهَانِ الْمُبِينِ الَّذِي هُوَ نُورٌ مَعَ نُورٍ وَ نُورٌ مِنْ نُورٍ وَ نُورٌ فِي

آنکه نور حق و برهان آشکار است آنکه نوری است به همراه نوری و نوری است که جدا گشته از نوری و نوری است

در

نُورٍ وَ نُورٌ عَلَى كُلِّ نُورٍ وَ نُورٌ فَوْقَ كُلِّ نُورٍ وَ نُورٌ تُضِيءُ

نوری و نوری است بالای هر نوری و نوری است بر فراز هر نور و نوری است که روشنی گیرد

بِهِ كُلُّ ظُلْمَةٍ وَ يُكْسِرُ بِهِ كُلُّ شِدَّةٍ وَ كُلُّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ وَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ

بدان هر تاریکی و شکسته شود بدان هر سختی و هر شیطان متمردی و هر گردنکش لجوجی

لَا تَقْرُبُهُ أَرْضٌ وَلَا يَقُومُ بِهِ سَمَاءٌ وَ يَأْمَنُ بِهِ كُلُّ خَائِفٍ وَ يَبْطُلُ بِهِ سِحْرُ كُلِّ

که هیچ سرزمینی بدو آرام نگردد و هیچ آسمانی بدو نه ایستد و امان یابد بدان هر ترسناکی و باطل شود بدان جادوی هر

ساحرٍ وَ بَعْثُ كُلِّ بَاغٍ وَ حَسَدُ كُلِّ حَاسِدٍ وَ يَتَصَدَّعُ لِعَظَمَتِهِ الْبَرُّ وَ الْبَحْرُ وَ

جادوگر و ستم هر ستمگر و رشک هر حسود و سر فرود آرد در برابر عظمتش خشکی و دریا و خود را نگهدارد

يَسْتَقِلُّ بِهِ الْفُلُكُ حِينَ يَتَكَلَّمُ بِهِ الْمَلِكُ فَلَا يَكُونُ لِلْمَوْجِ عَلَيْهِ سَبِيلٌ وَ هُوَ

بدان کشتی آنگاه که بر زبان آرد آن نام را فرشته و بدان واسطه موج را بر کشتی راهی نباشد و آن
اسْمُكَ الْأَعْظَمُ الْأَعْظَمُ الْأَجَلُ الْأَجَلُ الثُّورُ الْأَكْبَرُ الَّذِي سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ
همان بزرگترین نام بزرگتر و شایسته‌ترین نام شایسته‌تر و آن بزرگترین نوری است که خود را
وَاسْتَوَيْتَ بِهِ عَلَي عَرْشِكَ وَآتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَاسْأَلْكَ بِكَ وَ
بدان نام نهادی و استوار شدي بدان بر عرش خود و رو کنم بسویت بوسیله محمد و خاندانش و از تو خواهیم به حق
خودت و

بِهِمْ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا × بجای کذا و

بدیشان که درود فرستی بر محمد و آل محمد و درباره من چنین و چنان کنی * * * *

کذا حاجت بخواهد پانزدهم از عمرو بن ابی المقدام مرویست که حضرت صادق علیه السلام اِمْلاء کرد بر من این دعا را
و این دعا جامع دنیا و آخرت است می‌گویی بعد از حمد و ثنای خداوند عزوجل:

اللَّهُمَّ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَزِيزُ

خدایا تویی خدایی که نیست معبودی جز تو بردبار بزرگوار و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو عزیز

الْحَكِيمُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

فرزانه و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو یکتای قهار و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو

الْمَلِكُ الْجَبَّارُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الرَّحِيمُ الْغَفَّارُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

فرمانروای جبار و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو مهربان آمرزنده و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو

الشَّدِيدُ الْمُحَالُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا

سخت کیفر و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو بزرگ و برتر و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو

أَنْتَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَنِيعُ الْقَدِيرُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ

شنوای بینا و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو والا مقام توانا و تویی خدایی که نیست معبودی

إِلَّا أَنْتَ الْغَفُورُ الشَّكُورُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَمِيدُ الْمَجِيدُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا

جز تو آمرزنده سپاس‌پذیر و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو ستوده و گرامی و تویی خدایی که نیست معبودی

إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَفُورُ الْودُودُ وَأَنْتَ اللَّهُ

جز تو بی‌نیاز ستوده و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو آمرزنده و دوستدار و تویی خدایی که

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَنَّانُ الْمَتَّانُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَلِيمُ الدَّيَّانُ وَأَنْتَ

نیست معبودی جز تو پر نعمت و پرمهر و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو بردبار پاداش دهنده و تویی
اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْجَوَادُ الْمَاجِدُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ وَ
خدایی که نیست معبودی جز تو بخشنده باشوکت و تویی خدایی که که نیست معبودی جز تو یکتای یگانه و
أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَائِبُ الشَّاهِدُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الظَّاهِرُ
تویی خدایی که نیست معبودی جز تو غائب و حاضر و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو آشکار
الْبَاطِنُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ تَمْ تَوْرُكُ فَهَدَيْتَ وَ بَسَطْتَ
پنهان و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو بهر چیز دانا کامل آمد نور تو که راهنمایی کردی و گشود
يَدَكَ فَأَعْطَيْتَ رَبَّنَا وَجْهَكَ أَكْرَمَ الْوُجُوهِ وَجْهَتَكَ خَيْرُ الْأَجْهَاتِ وَ عَطَيْتَكَ
دست عطایت و عطا کردی پروردگار ما ذات تو گرامی ترین ذاتها و جانب تو بهترین جانبها و عطایت
أَفْضَلُ الْعَطَايَا وَ أَهْنَاهَا تُطَاعُ رَبَّنَا فَتَشْكُرُ وَ تُعْصِي رَبَّنَا فَتَغْفِرُ لِمَنْ شِئْتَ
فزونترین عطاها و گواراترین آنها است فرمانبرداریت کنند پروردگارا و تو سپاسگزاری کنی و نافرمانیت کنند و تو
بیامرزی هر که را

تُجِيبُ الْمُضْطَرِّينَ وَ تَكْشِفُ السُّوءَ وَ تَقْبَلُ التَّوْبَةَ وَ تَغْفُو عَنِ الذُّنُوبِ لَا
خواهی اجابت کنی درماندگان را و برطرف کنی بدی را و بپذیری توبه را و درگذری از گناهان پاداش
تُجَازِي آيَادِيكَ وَ لَا تُحْصِي نِعْمَكَ وَ لَا يَبْلُغُ مِدْحَتَكَ قَوْلُ قَائِلٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
دستگیریهایت داده نشود و نعمتهایت به شماره درنیاید و رسا درنیاید به مدح و ثنایت گفتار کسی خدایا درود فرست
عَلِي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَ رَوْحَهُمْ وَ رَاحَتَهُمْ وَ سُرُورَهُمْ
بر محمد و آل محمد و شتاب کن در فرج و نصرت و آسایش و شادمانیشان
وَ أَذِقْنِي طَعْمَ فَرَجِهِمْ وَ أَهْلِكَ أَعْدَاءَهُمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْأَنْسِ وَ آتِنَا فِي الدُّنْيَا
و بچشان به من شیرینی دوران فرج ایشان را و هلاک گردان دشمنانشان را از جن و انس بده به ما در دنیا
حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ وَ اجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ
خوبی و در آخرت نیز خوبی نگاهمان دار از عذاب دوزخ و قرارمان ده از کسانی که ترسی
عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ وَ اجْعَلْنِي مِنَ الَّذِينَ صَبَرُوا وَ عَلَي رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ وَ
بر آنها نیست و نه آنان که اندوهناک شوند و قرارم ده از کسانی که بردباری کنند و به پروردگارشان توکل کنند و
تَبَتَّنِي بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ وَ بَارِكْ لِي فِي الْمَحْيَا وَ

پایدارم بدار به گفتار پابرجا در زندگی دنیا و در آخرت و برکت بده به من در زندگی و

الْمَمَاتِ وَالْمَوْفِقِ وَالنُّشُورِ وَالْحِسَابِ وَالْمِيزَانِ وَأَهْوَالِ يَوْمِ الْقِيَمَةِ وَ

مرگ و توقفگاه قیامت و زنده شدن آن روز و حساب و میزان و هراسهای روز قیامت و

سَلَّمْنِي عَلَى الصِّرَاطِ وَاجْزِنِي عَلَيْهِ وَارْزُقْنِي عِلْماً نَافِعاً وَ يَقِيناً صَادِقاً وَ

سالم بدار بر صراط و بگذرانم از آن و روزیم گردان علمی سودمند و یقینی راست و درست و

تَقِيٍّ وَ بَرٍّ وَ وَرَعاً وَ خَوْفاً مِنْكَ وَ فَرَقاً يُبَلِّغُنِي مِنْكَ زُلْفَى وَلَا يُبَاعِدُنِي عَنْكَ

تقوی و نیکرفتاری و پارسایی و خوف و ترسی از خودت که برساندم به مقام قرب تو و دورم نکند از تو

وَاحْبِبْنِي وَلَا تُبْغِضْنِي وَ تَوَلَّنِي وَلَا تَخْذَلْنِي وَ اعْطِنِي مِنْ جَمِيعِ خَيْرِ الدُّنْيَا

و دوستم دار و دشمنم مدار و سرپرستیم کن و وامگذارم و عطا کن به من از همه خوبیهای دنیا

وَالْآخِرَةِ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَ مَا لَمْ أَعْلَمْ وَ اجْزِنِي مِنَ السُّوءِ كُلِّهِ بِحَذَا فِيرِهِ مَا

و آخرت آنچه بدانم و آنچه ندانم و پناهم ده از همه بدیها به تمامی چه آنها

عَلِمْتُ مِنْهُ وَ مَا لَمْ أَعْلَمْ × شانزدهم از معاویه بن عمار منقولست که به حضرت

* * * * * که می دانم و چه آنها که ندانم * * * * *

صادق علیه السلام عرض کردم که آیا تخصیص نمی دهی مرا به آموختن دعائی فرمود بلی بگو: یا

* * * * *

* * * * * ای

وَاحِدُ يَا مَاجِدُ يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ

یگانه ای بزرگواری ای یکتا ای بی نیاز ای که فرزند ندارد و فرزند کسی نیست و نیست برایش همتایی هیچکس

يَا عَزِيزُ يَا كَرِيمُ يَا حَنَّانُ يَا سَامِعَ الدَّعَوَاتِ يَا أَجْوَدَ مَنْ سُئِلَ وَ يَا خَيْرَ مَنْ

ای عزیز ای بزرگواری ای پرمهر ای شنوای دعاها ای بخشنده تر کسی که از او خواهند و ای بهترین

أَعْطَى يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ قُلْتُ وَ لَقَدْ نَا دَنَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ پس حضرت

عطاکننده ای خدا ای خدا تو خود فرمودی «و نوح ما را ندا کرد و چه خوب پاسخ دهنده بودیم * * *»

* *

فرمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله می گفت: نَعَمْ لَنِعْمَ الْمُجِيبُ أَتَتْ وَ نِعْمَ الْمَدْعُو وَ نِعْمَ

* * * * * آری تو خوب پاسخگویی هستی و خوب خوانده شده

و خوب

الْمَسْئُولُ أَسْأَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ وَأَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ وَقُدْرَتِكَ وَجَبَرُوتِكَ وَ

خواسته شده ای هستی از تو خواهم به نور ذاتت و از تو خواهم به عزت و قدرت و جبروت و

أَسْأَلُكَ بِمَلَكُوتِكَ وَدِرْعِكَ الْحَصِينَةِ وَبِجَمْعِكَ وَأَرْكَانِكَ كُلِّهَا وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ

از تو خواهم به فرمانروایی و تسلط و زره محکمت و مقام جمع تو و همه رکنها و اساس تو و به حق محمد

وَبِحَقِّ الْأَوْصِيَاءِ بَعْدَ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي

و به حق اوصیای پس از محمد که درود فرستی بر محمد و آل محمد و بکنی با من

كَذَا وَكَذَا × هفدهم روایت شده که شخصی معروف به ابو جعفر از اهل کوفه به حضرت

* * * * * چنین و چنان

* * * * *

صادق علیه السلام عرض کرد که مرا دعائی بیاموز که بخوانم آن را حضرت فرمود بگو: يَا مَنْ

* * * * *

* * * * * ای کسی که

أَرْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ وَيَا مَنْ أَمِنُ سَخَطَهُ عِنْدَ كُلِّ عُسْرَةٍ وَيَا مَنْ يُعْطِي بِالْقَلِيلِ

امیدوار به او هستم برای هر کار نیک و ای که ایمن هستم از خشمش در هر دشواری و ای که عطا کند در برابر اندک

الْكَثِيرِ يَا مَنْ أَعْطَى مَنْ سَأَلَهُ تَحَنُّنًا مِنْهُ وَرَحْمَةً يَا مَنْ أَعْطَى مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ

بسیار ای که عطا کند بهر که از او خواهد از روی نعمت بخشی و مهر ای که عطا کند هر که از او نخواهد

وَلَمْ يَعْرِفْهُ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعْطِنِي بِمَسْئَلَتِي مِنْ جَمِيعِ خَيْرٍ

و شناسدش درود فرست بر محمد و آل محمد و بده به من به این خواستمن از همه خوبی

الدُّنْيَا وَجَمِيعِ خَيْرِ الْآخِرَةِ فَإِنَّهُ غَيْرُ مَقْصُوصٍ مَا أَعْطَيْتَنِي وَزِدْنِي مِنْ سَعَةِ

دنیا و همه خوبی آخرت زیرا کاستنی نیست آنچه تو به من بدهی و بیفزایم برایم از

فَضْلِكَ يَا كَرِيمُ × هیجدهم روایت شده که حضرت امام محمد باقر علیه السلام این دعا را تعلیم

* * * * * فضل وسیعت ای کریم

* * * * *

برادرش عبدالله بن علی فرمود اللَّهُمَّ ارْفَعْ ظَنِّي صَاعِدًا وَلَا تَطْمَعْ فِيَّ عَدُوًّا وَ

شوق بدرگاهت ای صاحب جلالت و بزرگواری خدایا محبوب گردان در پیش من دیدارت را و قرار ده برای من در

دیدارت

خَيْرَ الرَّحْمَةِ وَالْبَرَكَةِ وَالْحَقْنَى بِالصَّالِحِينَ وَلَا تُؤَخِّرْنِي مَعَ الْأَشْرَارِ وَ

بهترین مهر و برکت را و ملحقم کن به شایستگان و دنبال مننداز به همراه اشرار و

الْحَقْنَى بِصَالِحٍ مَنْ مَضَى وَاجْعَلْنِي مَعَ صَالِحٍ مَنْ بَقِيَ وَخُذْنِي سَبِيلَ

ملحقم کن به مردان شایسته از گذشتگان و قرارم ده با شایستگان از آیندگان و مرا به راه

الصَّالِحِينَ وَاعْنِي عَلَيَّ نَفْسِي بِمَا تُعِينُ بِهِ الصَّالِحِينَ عَلَيَّ أَنْفُسِهِمْ

شایستگان ببر و کمک ده بر خودم بدانچه کمک دادی بدان شایستگان را بر خودشان

وَلَا تُرِدَّنِي فِي سُوءٍ اسْتَنْقَذْتَنِي مِنْهُ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ أَسْأَلُكَ إِيْمَانًا لَا أَجَلَ لَهُ

و بازم مگردان در آن بدی که خلاصم کردی از آن ای پروردگار جهانیان از تو خواهم ایمانی که

دُونَ لِقَائِكَ تُحْيِيَنِي وَتُمِيتُنِي عَلَيْهِ وَتَبْعَتُنِي عَلَيْهِ إِذَا بَعَثْتَنِي وَأَبْرَأَ قَلْبِي مِنْ

پایانش دیدار تو باشد که بدان زندهام داری و بر آن بمیرانی و بر آن مرا برانگیزی هنگامی که برانگیزم و پاک کن دلم را

از

الرِّيَاءِ وَالسُّمْعَةِ وَالشَّكِّ فِي دِينِكَ اللَّهُمَّ آعْطِنِي نَصْرًا فِي دِينِكَ وَقُوَّةً فِي

خودنمایی و شهرت طلبی و شک در دین تو خدایا به من ده یاری در دینت را و نیروی در

عِبَادَتِكَ وَفَهْمًا فِي خَلْقِكَ وَكَيْفَيْنِ مِنْ رَحْمَتِكَ وَبَيِّضْ وَجْهِي بِنُورِكَ

عبادتت را و فهم در آفرینشت را و دو بهره از رحمت و سفید کن رویم را به نور خود

وَاجْعَلْ رَغْبَتِي فِيْمَا عِنْدَكَ وَتَوَفَّنِي فِي سَبِيلِكَ عَلَيَّ مِلَّتِكَ وَمِلَّةَ رَسُولِكَ

و میل و رغبتم را قرار ده در آنچه نزد تو است و بمیرانم در راه خودت بر کیش خود و کیش رسولت

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْهَرَمِ وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ وَالْعَقْلَةِ وَالْقَسْوَةِ

خدایا به تو پناه برم از بی حالی و پیری و ترس و بخل و بی خبری و سنگدلی

وَالْفُتْرَةِ وَالْمَسْكَنَةِ وَأَعُوذُ بِكَ يَا رَبُّ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَحْشَعُ

و سستی و نداری و پناه برم به تو پروردگارا از نفسی که سیر نشود و از دلی که فروتنی نکند

وَمِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ وَمِنْ صَلَوةٍ لَا تُنْفَعُ وَأَعِزُّ بِكَ نَفْسِي وَاهْلِي وَدُرِّيَّتِي

و از دعایی که به اجابت نرسد و از نمازی که سود ندهد و پناه دهم به تو خودم و خاندان و فرزندانم را

مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ اَللّٰهُمَّ اِنَّهُ لَا يُجِيرُنِيْ مِنْكَ اَحَدٌ وَلَا اَجِدُ مِنْ دُونِكَ
از شيطان رانده خدايا براستی که پناه ندهد از تو هیچکس و نیام جز پیش تو
مُلْتَحِداً فَلَا تَخْذُلْنِيْ وَلَا تُرِدَّنِيْ فِيْ هَلَكَةٍ وَلَا تُرِدَّنِيْ بِعَذَابٍ اَسْأَلُكَ الثَّباتَ
پناهگاهی پس مرا وامگذار و بازم مگردان در هلاکت و بازم مگردان در عذاب از تو خواهم پایداری
عَلَي دِينِكَ وَالصَّدِيقِ بِكِتَابِكَ وَاتَّبِعْ رَسُوْلَكَ اَللّٰهُمَّ اذْكُرْنِيْ بِرَحْمَتِكَ
در دینت را و تصدیق کتابت را و پیروی رسولت را خدايا یاد کن مرا بوسیله رحمت
وَلَا تَذْكُرْنِيْ بِخَطِيئَتِيْ وَاقْبَلْ مَنِّيْ وَزِدْنِيْ مِنْ فَضْلِكَ اِنِّيْ اِلَيْكَ رَاغِبٌ اَللّٰهُمَّ
و یادم مکن به خطاکاریم و بپذیر از من و بیفزای بر من از فضل خود که براستی من به تو مشتاقم خدايا
اجْعَلْ ثَوَابَ مَنْطِقِيْ وَ ثَوَابَ مَجْلِسِيْ رِضَاكَ عَنِّيْ وَاجْعَلْ عَمَلِيْ وَ دُعَائِيْ
قرار ده پاداش گفتارم و پاداش مجلسم را خوشنودی خودت از من و قرار ده کردار و دعایم را
خَالِصاً لَكَ وَاجْعَلْ ثَوَابِيْ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَاجْمَعْ لِيْ جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ وَ
خالصانه برای خود و پاداشم را بهشتت قرار ده به مهرت و گردآور برای من تمام آنچه را از تو خواستم و
زِدْنِيْ مِنْ فَضْلِكَ اِنِّيْ اِلَيْكَ رَاغِبٌ اَللّٰهُمَّ غَارَتِ الْجُجُومُ وَ نَامَتِ الْعُيُونُ وَ
بیفزای بر من از فضل خود که براستی من به تو مشتاقم خدايا اختران پنهان گشته و دیده‌ها به خواب رفته و
اَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّوْمُ لَا يُوَارِيْ مِنْكَ لَيْلٌ سَاجٍ وَلَا سَمَاءٌ ذَاتُ اَنْبَرَجٍ وَلَا اَرْضٌ
تو زنده پاینده‌ای که نبوشاند کسی را از تو شب پوشاننده و نه آسمانی که دارای برجها است و نه زمین
ذَاتُ مِهَادٍ وَلَا بَحْرٌ لُّجِّيٌّ وَلَا ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ تُدَلِّجُ الرَّحْمَةَ عَلَي
گسترده و نه دریای ژرف و نه تاریکیهای روی هم انباشته بریزی رحمت خود را شبانه بر
مَنْ تَشَاءُ مِنْ خَلْقِكَ تَعْلَمُ خَائِنَةَ الْاَعْيُنِ وَ مَا تُخْفِي الصُّدُورُ اَشْهَدُ بِمَا
هر که خواهی از خلق خود می‌دانی خیانت دیده‌ها و آنچه را پنهان کنند سینه‌ها گواهی دهم بدانچه
شَهِدْتُ بِهٖ عَلَي نَفْسِكَ وَ شَهِدْتُ مَلَائِكَتَكَ وَاُولُوا الْعِلْمِ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ الْعَزِيْزُ
گواهی دهی خودت بر خویشتن و گواهی دهند فرشتگانت و دانشمندان، نیست معبودی جز تو نیرومند
الْحَكِيْمُ وَ مَنْ لَمْ يَشْهَدْ عَلَي مَا شَهِدْتُ عَلَي نَفْسِكَ وَ شَهِدْتُ مَلَائِكَتِكَ وَ
فرزانه و هر که گواهی ندهد بدانچه تو بر خود گواهی داده‌ای و گواهی داده‌اند بدان فرشتگان تو
اُولُوا الْعِلْمِ فَاكْتُبْ شَهِادَتِيْ مَكَانَ شَهِادَتِهِ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ السَّلَامُ وَ مِنْكَ السَّلَامُ

پس بجای آن گواهی مرا بنویس خدایا تویی سلام و از تو است سلامتی از
 أَسْأَلُكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ أَنْ تُفَكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ × مؤلف گوید که این دعا
 تو خواهم ای صاحب جلال و بزرگواری که آزاد کنی مرا از آتش * * * * *
 را شیخ طوسی در مصباح بعد از رکعت چهارم نافله شب ذکر فرموده و علامه مجلسی روایتی از حضرت صادق علیه
 السلام نقل کرده که فرموده این دعا را در نماز وتر بخوان. بیست و یکم روایت شده که این دعای ابوذر است که
 جبرئیل علیه السلام به حضرت رسول صلی الله علیه و آله عرض کرده که آن معروف است نزد اهل آسمان :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْأَمْنَ وَالْإِيمَانَ وَالتَّصَدِيقَ بِنَبِيِّكَ وَالْعَافِيَةَ مِنْ جَمِيعِ
 خدایا من از تو خواهم امنیت و ایمان و تصدیق به پیامبرت و تندرستی از تمام
 الْبَلَاءِ وَالشُّكْرِ عَلَى الْعَافِيَةِ وَالْغِنَى عَنْ شِرَارِ النَّاسِ × بیست و دویم از
 بلاها و سپاسگزاری بر تندرستی و بی نیازی از مردم بد * * * * *
 ابو حمزه روایت است که گفت گرفتم این دعا را از حضرت امام محمد باقر علیه السلام و آن حضرت
 * * * * *
 * * * * *
 این دعا را جامع می نامید: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ
 * * * * * بنام خدای بخشاینده مهربان گواهی دهم که معبودی نیست جز تو

خدای یگانه ای
 لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَبِجَمِيعِ رُسُلِهِ وَ
 که شریک نداری و گواهی دهم که محمد بنده و رسول تو است ایمان دارم به خدا و به همه رسولانش و
 بِجَمِيعِ مَا أُنْزِلَ بِهِ عَلَيَّ جَمِيعِ الرُّسُلِ وَأَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلِقَائُهُ حَقٌّ وَصَدَقَ
 به همه آنچه نازل شده بر تمامی رسولان و بر راستی وعده خدا حق است و دیدارش حق است و راست گفته
 اللَّهُ وَبَلَغَ الْمُرْسَلُونَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَسُبْحَانَ اللَّهِ كُلَّمَا سَبَّحَ اللَّهُ
 خدا و رسانده اند رسولان و ستایش خاص خدا پروردگار جهانیان است و منزّه است خدا هرگاه تنزیه کند خدا را
 شَيْئٌ وَكَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُسَبِّحَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كُلَّمَا حَمِدَ اللَّهُ شَيْئٌ وَكَمَا يُحِبُّ اللَّهُ
 چیزی و چنانچه دوست دارد خدا که تنزیه شود و ستایش خدای را هرگاه ستایش کند او را چیزی و چنانچه دوست
 دارد خدا

أَنْ يُحْمَدَ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كُلَّمَا هَلَّلَ اللَّهُ شَيْئًا وَكَأَمَّا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُهَلَّلَ وَاللَّهُ
که ستایش شود و نیست معبودی جز خدا هرگاه تهلیل کند او را چیزی و چنانچه خواهد خدا که تهلیل شود و خدا
أَكْبَرُ كُلَّمَا كَبَّرَ اللَّهُ شَيْئًا وَكَأَمَّا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُكَبَّرَ اللَّهُ إِلَيَّ أَسْأَلُكَ مَفَاتِيحَ
بزرگتر است هرگاه به بزرگی ستایدش چیزی و چنانچه خواهد خدا که به بزرگی یاد شود خدایا از تو خواهم کلیدهای
الْخَيْرِ وَخَوَاتِيمَهُ وَسَوَابِغَهُ وَفَوَائِدَهُ وَبَرَكَاتِهِ وَمَا بَلَغَ عِلْمُهُ عِلْمِي وَمَا
خیر و پایانهای آنرا و شایانهایش و فایدههایش و برکاتش را و آنچه را رسیده به دانستنش علم من و آنچه
قَصَرَ عَنْ إِحْصَائِهِ حَفْظِي اللَّهُمَّ اهْبِجْ لِي أَسْبَابَ مَعْرِفَتِهِ وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَهُ وَ
کوتاه آمده از شمارش حفظ من خدایا آشکار کن برای من اسباب شناسایش را و بگشا برایم درهای آن را و
غَشَّنِي بِبَرَكَاتِ رَحْمَتِكَ وَمَنْ عَلَى بَعْضِمَا عَنْ الْأَزَالَةِ عَنْ دِينِكَ وَطَهَّرْ
بپوشانم برکتهای رحمت را و منت گذار بر من به خودداری کردن از بیرون رفتن از دینت و پاک کن
قَلْبِي مِنَ الشَّكِّ وَلَا تَشْغَلْ قَلْبِي بِدُنْيَايَ وَعَاجِلِ مَعَاشِي عَنْ أَجْلِ ثَوَابِ
دلم را از شک و سرگرم مکن دلم را بدنیایم و زندگی زودگذرم از پاداش آینده آخرت
آخِرَتِي وَاشْغَلْ قَلْبِي بِحِفْظِ مَا لَا يَقْبَلُ مِنِّي جَهْلُهُ وَذَلِّلْ لِكُلِّ خَيْرٍ لِسَانِي وَ
و سرگرم کن دلم را به نگهداری و حفظ آنچه نپذیری از من نادانیش را و رام کن برای هر کار نیک زبانم را و پاک کن
طَهَّرْ قَلْبِي مِنَ الرِّيَاءِ وَلَا تُجْرِهِ فِي مَفَاصِلِي وَاجْعَلْ عَمَلِي خَالِصًا لَكَ اللَّهُمَّ
دلم را از خودنمایی و جریانش مده در مفاصلم و قرار ده عملم را خالص برای خود خدایا به تو
إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ وَأَنْوَاعِ الْفَوَاحِشِ كُلِّهَا ظَاهِرِهَا وَبَاطِنِهَا وَغَفْلَاتِهَا وَ
پناه برم از بدی و انواع کارهای زشت همه اش پیدا و نهانش و غفلتهایش و
جَمِيعِ مَا يُرِيدُنِي بِهِ الشَّيْطَانُ الرَّجِيمُ وَمَا يُرِيدُنِي بِهِ السُّلْطَانُ الْعَنِيدُ مِمَّا
تمام آنچه از من خواهد شیطان رانده شده و آنچه از من خواهد سلطان ستیزه جو از آنچه علم تو بدان
أَحْطَتْ بِعِلْمِهِ وَأَنْتَ الْقَادِرُ عَلَيَّ صَرَفِهِ عَنِّي اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ طَوَارِقِ
احاطه دارد و تو قدرت بر دفع آن از من داری خدایا به تو پناه برم از شبیخون زنان
الْجِنِّ وَالْأَنْسِ وَزَوَابِعِهِمْ وَبَوَائِقِهِمْ وَمَكَايِدِهِمْ وَمَشَاهِدِ الْفَسَقَةِ مِنَ الْجِنِّ
جن و انس و خشمجوییهانشان و شرورشان و توطئه هاشان و جاهایی که حضور یابند فاسقان جن
وَالْأَنْسِ وَأَنْ أُسْتَزَلَ عَنْ دِينِي فَتَفْسُدَ عَلَيَّ آخِرَتِي وَأَنْ يَكُونَ ذَلِكَ مِنْهُمْ

و انس و از اینکه لغزنده شوم از دینم پس تباه شود بر من آخرتم و یا این کار از آنها
ضَرَرًا عَلَيَّ فِي مَعَاشِي أَوْ يَعْزِضَ بَلَاءٌ يُصِيبُنِي مِنْهُمْ لَا قُوَّةَ لِي بِهِ وَلَا صَبْرَ
زیانی باشد که در زندگی بر من رسد یا بلایی پیش آید که از ایشان بر من اصابت کند که من طاقتش را ندارم و
شکیبایی

لِي عَلَيَّ احْتِمَالُهُ فَلَا تَبْتَلِيَنِي يَا إِلَهِي بِمُقَاسَاتِهِ فَيَمْنَعُنِي ذَلِكَ عَنْ ذِكْرِكَ وَ
تحملش را ندارم پس دچارم مکن خدایا به کشیدن رنج آن که جلوگیری کند از یاد تو و
يَسْتَعْلُنِي عَنْ عِبَادَتِكَ أَتَيْتَ الْعَاصِمُ الْمَانِعُ الدَّافِعُ الْوَاقِي مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ أَسْأَلُكَ
سرگرم کند از پرستش تو تویی نگهدار و جلوگیری و دافع و حفظ کننده از اینها همه از تو خواهم
اللَّهُمَّ الرَّفَاهِيَةَ فِي مَعِيشَتِي مَا أَبْقَيْتَنِي مَعِيشَةً أَقْوَى بِهَا عَلَي طَاعَتِكَ وَأَبْلُغْ
خدایا رفاه (و فراخی) در زندگی تا در دنیا زنده‌ام داری چنان که نیرو گیرم بدان بر پیرویت و برسانم
بِهَا رِضْوَانَكَ وَأَصِيرُ بِهَا إِلَى دَارِ الْحَيَوَانِ غَدًا وَلَا تَرْزُقْنِي رِزْقًا يُطْغِينِي وَ
بدان به خوشنودیت و در آیم بدان به خانه زندگی ابدی در فردای قیامت و روزیم مکن آنچنان روزی که
لَا تَبْتَلِيَنِي بِفَقْرٍ أَشْقَى بِهِ مُضِيْقًا عَلَيَّ أَعْطِنِي حَظًّا وَافِرًا فِي آخِرَتِي وَمَعَاشًا
سرکشم کند و دچارم مکن به فقری که بدبخت گردم و تنگ گیرد بر من، عطا کن مرا بهره شایان در آخرتم و روزی
وَأَسِعْ هَنِيئًا مَرْتَبًا فِي دُنْيَايَ وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا عَلَيَّ سِجْنًا وَلَا تَجْعَلْ فِرَاقَهَا
فراخ و گوارا و لذیذی در دنیا و دنیا را بر من زندان مکن و جدایی و فراقش را
عَلَيَّ حُزْنًا أَجْرُنِي مِنْ فِتْنَتِهَا وَاجْعَلْ عَمَلِي فِيهَا مَقْبُولًا وَ سَعْيِي فِيهَا
بر من اندوه منما نگاهم دار از آشوبش و بگردان کارم را در آن پذیرفته و کوششم را در آن
مَشْكُورًا اللَّهُمَّ وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَأَرِدْهُ بِمِثْلِهِ وَمَنْ كَادَنِي فِيهَا فَكِدْهُ
مورد قدردانی خدایا هرکه قصد سوئی درباره من دارد تو با او چنان کن و هرکه درباره‌ام بداندیشی کند تو با او چنان
کن

وَاصْرِفْ عَنِّي هَمًّا مِّنْ أَدْخَلَ عَلَيَّ هَمَّهُ وَأَمْكُرْ بِمَنْ مَكَرَ بِي فَإِنَّكَ خَيْرُ
و بگردان از من اندوه کسی که وارد ساخته بر من اندوهش را و نقشه‌کش بدانکه برایم نقشه کشید که تو ماهرتر از
الْمَاكِرِينَ وَأَفْقَاعَتِي عِيُونَ الْكَفَرَةِ الظُّلْمَةِ وَالطُّغَاةِ الْحَسَدَةِ اللَّهُمَّ وَأَنْزِلْ
همه نقشه‌کشانی و کور کن از من چشم کافران ستمگر و سرکشان حسود را خدایا فروبار

عَلَيَّ مِنْكَ السَّكِينَةَ وَالْبِسْنِي دِرْعَكَ الْحَصِينَةَ وَاحْفَظْنِي بِسِرِّكَ الْوَاقِي وَ
بر من از جانب خود آرامش و بیوشان بر من زره محکمت را و حفظ کن مرا به پوشش نگهدارنده‌ات و
جَلِّلْنِي عَافِيَتَكَ النَّافِعَةَ وَ صَدِّقْ قَوْلِي وَ فَعَالِي وَ بَارِكْ لِي فِي وَلَدِي وَ أَهْلِي
بیوشانم به تندرستی سودمندت و تصدیق کن گفتارم و کردارم را و برکت ده در فرزندان و خاندان
وَ مَالِي اللَّهُمَّ مَا قَدَّمْتُ وَ مَا أَخَّرْتُ وَ مَا أَغْفَلْتُ وَ مَا تَعَمَّدْتُ وَ مَا تَوَائَيْتُ وَ
و مالم خدایا آنچه من پیش انداختم یا پس انداختم و آنچه از روی غفلت یا از روی عمد انجام دادم و آنچه سستی کردم
و

مَا أَعْلَنْتُ وَ مَا أَسْرَرْتُ فَأَغْفِرْهُ لِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ × بیست و سیّم از محمد
آنچه آشکار کردم و آنچه در پنهان انجام دادم همه را ببامرز ای مهربانترین مهربانان
* * * * *

بن مسلم روایتست که حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود بخوان: اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ فِي
* * * * * خدایا وسعت ده

در

رِزْقِي وَ أَمُدُّ لِي فِي عُمْرِي وَ أَغْفِرْ لِي ذَنْبِي وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ
روزیم و دراز گردان عمرم را و ببامرز گناهم را و بگردانم از کسانی که یاری دهی بدانها دینت را
وَ لَا تَسْتَبْدِلْ بِي غَيْرِي × بیست و چهارم روایت شده که حضرت صادق علیه السلام این دعا را
و مرا با دیگری عوض مکن
* * * * *

می خوانند: يَا مَنْ يَشْكُرُ الْإِسِيرَ وَ يَغْفُو عَنِ الْكَثِيرِ وَ هُوَ الْعَفْوُ الرَّحِيمُ
* * * * * ای که از اندک سپاسگزاری کنی و از (جرمهای) بسیار درگذری و آمرزنده و مهربانی
اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي ذَهَبَتْ لَذَّتُهَا وَ بَقِيَتْ تَبِعَتُهَا × بیست و پنجم و نیز روایت
ببامرز برای من گناهانی که خوشی و لذتش رفته و بازخواست و کیفرش باقی مانده
* * * * *

شده که آن حضرت این دعا را می خوانند: يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ وَ يَا آخِرَ
* * * * * ای نور و ای منزّه (از هر عیب) ای

نخست پیشینیان و ای پایان

الْأَخِرِينَ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّعْمَ وَاغْفِرْ لِي

پسینیان ای بخشاینده ای مهربان بیمار از من گناهای را که نعمتها را تغییر دهد و بیمار از من

الذُّنُوبَ الَّتِي تُحِلُّ النَّعْمَ وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصْمَ وَاغْفِرْ لِي

گناهای را که عذابها را فرو بارد و بیمار از من گناهای را که پردهها را بدرد و بیمار برایم

الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ الْبَلَاءَ وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُدِيلُ الْأَعْدَاءَ وَاغْفِرْ لِي

گناهای را که بلا نازل کند و بیمار از من گناهای را که قدرت را بدست دشمنان اندازد و بیمار برایم

الذُّنُوبَ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَقْطَعُ الرَّجَاءَ وَاغْفِرْ لِي

گناهای را که در نابودی شتاب کند و بیمار برایم گناهای را که امید را قطع کند و بیمار برایم

الذُّنُوبَ الَّتِي تُظْلِمُ الْهُوَاءَ وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَكْشِفُ الْغِطَاءَ وَاغْفِرْ

گناهای را که تاریک گرداند هوا را و بیمار برایم گناهای را که بالا زند پرده را و بیمار

لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُرَدُّ الدُّعَاءَ وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُرَدُّ غَيْثَ السَّمَاءِ

از من گناهای را که بازگرداند دعا را و بیمار برایم گناهای را که جلوگیری از باران آسمان

بیست و ششم و نیز این دعا از آن حضرت منقولست: يَا عُدَّتِي فِي كُرْبَتِي وَيَا

گرفتاری و ای * * * * *

صاحِبِي فِي شِدَّتِي وَيَا وَلِيَّيْ فِي نِعْمَتِي وَيَا غِيَاثِي فِي رَعْبَتِي × فرموده و

همدمم در سختی و ای سرپرستم در نعمتم و ای فریادرسم در وقت اشتیاقم * * * *

این دعا دعای امیرالمؤمنین علیه السلام است: اَللّٰهُمَّ كَتَبْتَ الْاَثَارَ وَ عَلِمْتَ الْاَخْبَارَ وَ

* * * * * خدایا نوشتی آثار را و دانستی اخبار را و

اَطَّلَعْتَ عَلَيَّ الْاَسْرَارِ فَحُلَّتْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ الْقُلُوبِ فَالَسِّرْ عِنْدَكَ عَلَانِيَةً وَ

مطلع گشتی بر اسرار و رازها پس حائل گشتی میان ما و دلها پس راز در پیش تو آشکار و

الْقُلُوبُ اِلَيْكَ مُفَضَّةٌ وَ اِنَّمَا اَمْرُكَ لِشَيْءٍ اِذَا اَرَدْتَهُ اَنْ تَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ

دلها بسویت کشیده شده و جز این نیست که دستور تو درباره چیزی که بخواهی آن است که بدان بگویی باش و باشد

فَقُلْ بِرَحْمَتِكَ لِمَا طَاعَتِكَ اَنْ تَدْخُلَ فِي كُلِّ عَضْوٍ مِنْ اَعْضَائِي وَلَا تُفَارِقْنِي

پس از روی مهر طاعتت را بگو که درآید بهر عضوی از اعضای من و از من جدا نگردد

1257

حَتَّى الْفَاكِ وَ قُلْ بِرَحْمَتِكَ لِمَعْصِيَتِكَ أَنْ تَخْرُجَ مِنْ كُلِّ عَضْوٍ مِنْ أَعْضَائِي فَلَا

تا تو را دیدار کنم و از روی مهرت به نافرمانیت فرمان ده که بیرون رود از هر عضوی از اعضای من و به من

تَقْرُبُنِي حَتَّى الْفَاكِ وَأَرْزُقُنِي مِنَ الدُّنْيَا وَ زَهْدُنِي فِيهَا وَ لَا تَزُوْهَا عَنِّي وَ

نزدیک نگردد تا تو را دیدار کنم و روزیم ده از دنیا و بی علاقه‌ام کن در آن و او را از من روگردان مکن در وقتی بدان

رَغْبَتِي فِيهَا يَا رَحْمَنُ × بیست و هفتم علی بن ابراهیم از پدرش از ابن محبوب از

رغبت دارم ای بخشاینده * * * * *

* * * * *

علاء بن رزین از عبدالرحمن بن سیّاب روایت کرده که گفت عطا کرد حضرت صادق علیه السلام به من این دعا را :

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَلِيِّ الْحَمْدِ وَ أَهْلِهِ وَ مُنْتَهَاهِ وَ مَحَلِّهِ أَخْلَصَ مَنْ وَحَدَهُ وَ اهْتَدَى مَنْ

ستایش خدای راکه سرپرست ستایش و شایسته آن و منتهای آن و جایگاه آن است اخلاص دارد کسی که او را به یگانگی

شناخت و ره یافت

عَبْدَهُ وَ فَازَ مَنْ أَطَاعَهُ وَ أَمِنَ الْمُعْتَصِمُ بِهِ اللَّهُمَّ يَا ذَا الْجُودِ وَالْمَجْدِ وَ الشَّانِ

کسی که پرستش کرد و رستگار شد کسی که فرمانبرش کرد و امان یافت کسی که به او پناه برد خدایا ای صاحب

جود و شوکت

الْجَمِيلِ وَ الْحَمْدُ اسْتُلِكَ مَسْئَلَةً مَنْ خَضَعَ لَكَ بِرِقَبَتِهِ وَ رَغِمَ لَكَ أَنْفُهُ وَ عَفَّرَ

و ستایش شایان و ستودگی از تو خواهم خواستن کسی که خاضع تو گشته با سر خود و به خاک مالیده در برابرت

بینیش را و

لَكَ وَجْهَهُ وَ ذَلَّلَ لَكَ نَفْسَهُ وَ فَاضَتْ مِنْ حَوْفِكَ دُمُوعُهُ وَ تَرَدَّدَتْ عِبْرَتُهُ

چهره خود به خاک سائیده و خود را به خواری انداخته و ریزان گشته از ترست اشکهایش و سرشگ در دیده‌اش بغلطد

وَ اعْتَرَفَ لَكَ بِذُنُوبِهِ وَ فَضَحَتْهُ عِنْدَكَ خَطِيئَتُهُ وَ شَأْنُهُ عِنْدَكَ جَرِيرَتُهُ

و به گناهان خود در برابرت اعتراف دارد و خطایش او را در پیش تو رسوا کرده و زشتش کرده او را در نزد تو

جنایتش

فَضَعُفَتْ عِنْدَ ذَلِكَ قُوَّتُهُ وَ قَلَّتْ حِيلَتُهُ وَ انْقَطَعَتْ عَنْهُ أَسْبَابُ خَدَائِعِهِ

و از این رو ناتوان گشته در این حال نیرویش، و کم شده چاره‌اش و منقطع گشته از او وسایل نیرنگهایش

وَ اضْمَحَلَّ عَنْهُ كُلُّ بَاطِلٍ وَ الْجَاءَتْهُ ذُنُوبُهُ إِلَى ذُلِّ مَقَامِهِ بَيْنَ يَدَيْكَ وَ

و دور گشته از او هر باطلی و بناچار کشانده است او را گناهانش به خواری ایستادن در نزد تو و
خُضُوعِهِ لَدَيْكَ وَابْتِهَالِهِ إِلَيْكَ أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ سُؤَالَ مَنْ هُوَ بِمَنْزِلَتِهِ أَرْغَبُ
فروتنیش در نزد تو و زاریش بدرگاهت از تو خواهم خدایا خواستن کسی که او چنین است و مایلم
إِلَيْكَ كَرَغَبْتِهِ وَاتَّضَرَّعُ إِلَيْكَ كَتَضَرُّعِهِ وَابْتَهِلُ إِلَيْكَ كَأَشَدِّ ابْتِهَالِهِ اللَّهُمَّ
بدرگاهت چون میل او و فروتنی کنم چون فروتنی او و زاری کنم بدرگاهت به سخت ترین زاری او خدایا پس رحم کن
فَارْحَمِ اسْتِكَائَهُ مُنْطَقِي وَذُلَّ مَقَامِي وَمَجْلِسِي وَخُضُوعِي إِلَيْكَ بِرَقَبَتِي
به زار و نزاری گفتارم و خواری جایگاه و مجلسم و فروتنیم بدرگاهت به سر و گردنم از تو خواهم خدایا
أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ أَهْدِي مِنَ الضَّلَالَةِ وَالْبَصِيرَةَ مِنَ الْعَمَى وَالرُّشْدَ مِنَ الْغَوَايَةِ
راهنمایی از گمراهی و بینایی از کوری و راهیابی از بیراهه رفتن و از تو خواهم خدایا
وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ أَكْثَرَ الْحَمْدِ عِنْدَ الرَّخَاءِ وَأَجْمَلَ الصَّبْرِ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ وَأَفْضَلَ
ستایش بیشتر در هنگام آسایش و شکیبایی بهتری را در وقت مصیبت و سپاسگزاری کاملتری در
الشُّكْرِ عِنْدَ مَوْضِعِ الشُّكْرِ وَالتَّسْلِيمَ عِنْدَ الشُّبُهَاتِ وَأَسْأَلُكَ الْقُوَّةَ فِي
جای سپاسگزاری و تسلیم در پیش شبهه ها و از تو خواهم نیروی در فرمانبرداریت
طَاعَتِكَ وَالضَّعْفَ عَنْ مَعْصِيَتِكَ وَالْهَرَبَ إِلَيْكَ مِنْكَ وَالتَّقَرُّبَ إِلَيْكَ رَبِّ
و سستی از انجام نافرمانیت و گریز بسوی خودت از (عذاب) تو و تقرب بدرگاهت پروردگارا تا خوشنود شوی
لِتَرْضَى وَالتَّحَرُّيَ لِكُلِّ مَا يُرْضِيكَ عَنِّي فِي اسْخَاطِ خَلْقِكَ التَّمَسَّاسَ لِرِضَاكَ
و پیدا کردن هر چه تو را خوشنود سازد از من در به خشم آوردن خلقت به خاطر تحصیل رضایت تو پروردگارا به که
رَبِّ مَنْ أَرْجُوهُ إِنْ لَمْ تَرْحَمْنِي أَوْ مَنْ يَعُوذُ عَلَيَّ إِنْ أَقْصَيْتَنِي أَوْ مَنْ يَنْفَعُنِي
امید داشته باشم اگر توام رحم نکنی یا کیست که به من توجه کند اگر تو دورم کنی یا کیست که گذشتش به من سود
بخشد اگر
عَفْوُهُ إِنْ عَاقَبْتَنِي أَوْ مَنْ أُمِّلُ عَطَايَاهُ إِنْ حَرَمْتَنِي أَوْ مَنْ يَمْلِكُ كَرَامَتِي إِنْ
تو کیفرم کنی یا آرزومند عطای که شوم اگر تو محرومم کنی یا کیست که بدست داشته باشد گرامی داشتتم را اگر تو
خوارم
أَهْنَيْتَنِي أَوْ مَنْ يَضُرُّنِي هَوَائِهِ إِنْ أَكْرَمْتَنِي رَبِّ مَا أَسْأَلُ فِعْلِي وَأَفْجَحَ عَمَلِي وَ

کنی کیست که خوار کردنش به من زیان زند اگر تو گرامیم داری پروردگارا چه بد است رفتارم و چه زشت است کردارم و چه سخت است

أَفْسَى قَلْبِي وَأَطْوَلَ أَمَلِي وَأَقْصَرَ أَجَلِي وَاجْرَأَنِي عَلَي عِصْيَانِ مَنْ خَلَقَنِي

دلم و چه دراز است آرزویم و کوتاه است عمرم و چه گستاخم بر نافرمانی آفریدگارم پروردگارا و

رَبِّ وَمَا أَحْسَنَ بِلَاءِكَ عِنْدِي وَأَظْهَرَ نِعْمَاتِكَ عَلَيَّ كَثُرَتْ عَلَيَّ مِنْكَ النِّعَمُ فَمَا

چه نیکو است آزمایش از من و آشکار است نعمتهایت بر من بسیار شد نعمتهای تو بر من که

أَحْصِيهَا وَفَلَّ مَنِّي الشُّكْرُ فِيمَا أَوْلَيْتَنِيهِ فَبَطِرْتُ بِالنِّعَمِ وَتَعَرَّضْتُ لِلنِّقَمِ وَ

شماره‌اش نتوانستم و اندک شد سپاسگزاری من در آنچه به من عطا کردی و سرمست شدم به نعمتهایت و خود را در

معرض

سَهْوَتٍ عَنِ الذِّكْرِ وَرَكِبْتُ الْجَهْلَ بَعْدَ الْعِلْمِ وَجُرْتُ مِنَ الْعَدْلِ إِلَى الظُّلْمِ وَ

کیفر تو قرار دادم و از یاد تو غافل شدم و به مرکب جهل سوار شدم پس از دانایی و گذشتم از عدالت به سویی ظلم و

ستم و

جَاوَزْتُ الْبِرَّ إِلَى الْإِثْمِ وَصِرْتُ إِلَى اللَّهِ مِنْ الْخَوْفِ وَالْحُزَنِ فَمَا أَصْغَرَ

تجاوز کردم از نیکی به گناهکاری و درافتادم به سرگرمی بجای ترس و اندوه پس چه خُرد است نیکیهایم و اندک است

حَسَنَاتِي وَأَقَلَّهَا فِي كَثَرَةِ ذُنُوبِي وَأَعْظَمَهَا عَلَيَّ قَدْرَ صِغَرِ خَلْقِي وَضَعْفِ

آنها در مقابل بسیاری گناهانم و چه بزرگ است آنها در جنب خُردی خلقتم و ناتوانی

رُكْنِي رَبِّ وَمَا أَطْوَلَ أَمَلِي فِي قِصَرِ أَجَلِي وَأَقْصَرَ أَجَلِي فِي بُعْدِ أَمَلِي وَمَا

بنیادم پروردگارا و چه دراز است آرزویم در مقابل کوتاهی عمرم و چه کوتاه است عمرم در دوری آرزویم و چه

أَقْبَحَ سَرِيرَتِي فِي عِلَانِيَتِي رَبِّ لَا حُجَّةَ لِي إِنْ اِحْتَجَجْتُ وَلَا عُذْرَ لِي إِنْ

زشت است باطنم در پیش ظاهرم پروردگارا حجتی ندارم اگر حجت بخواهم و عذری ندارم

اعْتَذَرْتُ وَلَا شُكْرَ عِنْدِي إِنْ ابْتَلَيْتُ وَأُولِيْتُ إِنْ لَمْ تُعِنِّي عَلَي شُكْرِي مَا

اگر بخواهم عذرخواهی کنم و سپاسگزاری ندارم اگر مبتلا کردم و مورد احسان قرار گیرم اگر تو کمکم ندهی بر

سپاسگزاری

أَوْلَيْتُ رَبِّي مَا أَخَفَّ مِيزَانِي غَدًا إِنْ لَمْ تُرَجِّحْهُ وَأَزَلَّ لِسَانِي إِنْ لَمْ تُثَبِّتْهُ وَ

بدانچه احسانم کردی پروردگارا چه سبک است ترازوی اعمالم فردای قیامت اگر تو چربش نکنی و چه پرلغزش است زبانم اگر تونگاهش

أَسْوَدَ وَجْهِي إِنْ لَمْ تُبَيِّضْهُ رَبِّ كَيْفَ لِي بِذُنُوبِي الَّتِي سَلَفَتْ مِنِّي قَدْ هَدَّتْ

نداری و چه سیاه است چهره‌ام اگر تو سفیدش نکنی پروردگارا چه کنم با گناهانی که از من در پیش گذشته و بنیادم

لَهَا أَرْكَانِي رَبِّ كَيْفَ أَطْلُبُ شَهَوَاتِ الدُّنْيَا وَ أَبْكِ عَلَي حَيَاتِي فِيهَا وَلَا

برای آن درهم شکسته پروردگارا چگونه می‌جویم شهوات دنیا را و می‌گریم بر کامیاب نشدنم در آنها ولی

أَبْكِ وَ تَشْتَدُّ حَسْرَاتِي عَلَي عَصِيَانِي وَ تَفْرِيطِي رَبِّ دَعْنِي دَوَاعِي الدُّنْيَا

می‌گریم و سخت نمی‌شود افسوسم به نافرمانیم و کوتاهی کردم پروردگارا انگیزه‌های دنیا

فَاجْبَتْهَا سَرِيعاً وَ رَكَنْتُ إِلَيْهَا طَائِعاً وَ دَعْنِي دَوَاعِي الْآخِرَةِ فَتَبَطَّتْ عَنْهَا وَ

مرا خواندند بشتاب پذیرفتم و به میل و رغبت بدانها دل بستم ولی چون دواعی آخرت مرا خواندند واپس کشیدم و از

أَبْطَأْتُ فِي الْإِجَابَةِ وَالْمُسَارَعَةِ إِلَيْهَا كَمَا سَارَعْتُ إِلَى دَوَاعِي الدُّنْيَا وَ

پذیرفتنشان و شتافتن بسوی آنها کندی کردم چنانچه شتافتم بسوی انگیزه‌های دنیا و متاع پوسیده‌اش و کالای

حُطَامِهَا الْهَامِدِ وَ هَشِيمِهَا الْبَايِدِ وَ سَرَابِهَا الذَّاهِبِ رَبِّ خَوَّفْتَنِي وَ شَوَّقْتَنِي

بی‌خاصیت و نابود شونده‌اش و سراب بی‌حقیقتش پروردگارا مرا ترساندی و تشویقم کردی

وَ احْتَجَجْتَ عَلَيَّ بِرَقِّي وَ تَكَفَّلْتَ لِي بِرِزْقِي فَأَمِنْتُ خَوْفَكَ وَ تَبَطَّطْتُ عَنْ

و دلیل آوردی به بندگیم و کفالت کردی روزیم را پس من از ترس این گشتم و واپس کشیدم از

تَشْوِيقِكَ وَ لَمْ أَكِلْ عَلَي ضِمَانِكَ وَ تَهَاوَيْتُ بِاِحْتِجَاجِكَ اَللَّهُمَّ فَاجْعَلْ أَمْنِي

تشویقت و اعتماد نکردم بر ضمانتت و سبک گرفتم دلیل آوردنت را خدا یا قرار ده ایمنیم را

مِنْكَ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا خَوْفاً وَ حَوْلَ تَنْبَاطِي شَوْفاً وَ تَهَاوُنِي بِحُجَّتِكَ فَرَقاً مِنْكَ

از تو در این دنیا ترس و تبدیل کن واپس کشیدنم را از شوق و سبک شمردنم را بدلیل تو هراسی از خودت

ثُمَّ رَضِي بِمَا قَسَمْتَ لِي مِنْ رِزْقِكَ يَا كَرِيمُ اسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ رِضَاكَ

سپس قانعم گردان بدانچه قسمتم کرده‌ای از روزیت ای بزرگوار از تو خواهم بنام بزرگت خوشنودی تو را

عِنْدَ السُّحُطَةِ وَ الْفُرَجَةِ عِنْدَ الْكُرْبَةِ وَ الثُّورِ عِنْدَ الظُّلْمَةِ وَ الْبَصِيرَةِ عِنْدَ تَشْبِهِ

هنگام خشم و گشایش در هنگام گرفتاری و روشنی در وقت تاریکی و بینایی در وقت مشتبه شدن

الْفِتْنَةِ رَبِّ اجْعَلْ جُتِّي مِنْ خَطَايَايَ حَصِينَةً وَ دَرَجَاتِي فِي الْجَنَانِ رَفِيعَةً

فتنه پروردگارا قرار ده سپر مرا از خطاهایم محکم و درجه‌هایم را در بهشت بلند
وَأَعْمَالِي كُلَّهَا مُتَقَبَّلَةً وَحَسَنَاتِي مُتَضَاعَفَةً زَكِيَّةً أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفِتَنِ كُلِّهَا مَا
و کارهایم را همگی پذیرفته و کارهای خوبم را چند برابر و پاک پناه می‌برم به تو از فتنه‌ها همه آنها چه آنچه
ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَمِنْ رَفِيعِ الْمَطْعَمِ وَالْمَشْرَبِ وَمِنْ شَرِّ مَا أَعْلَمُ وَمِنْ
آشکار است و چه پنهان و از خوراکي و آشامیدنی ممتاز و از شر آنچه می‌دانم و از
شَرِّ مَا لَا أَعْلَمُ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أَشْتَرِيَ الْجَهْلَ بِالْعِلْمِ وَالْجِفَا بِالْحِلْمِ وَالْجَوْرَ
شر آنچه نمی‌دانم و پناه برم به تو از اینکه بخرم نادانی را به دانش و جفا را به بردباري و ستم
بِالْعَدْلِ وَالْقَطِيعَةِ بِالْبِرِّ وَالْجَزَعَ بِالصَّبْرِ أَوْ الْهُدَى بِالضَّلَالَةِ أَوْ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ

را به عدالت و بریدن از خویشان را به نیکوکاری و بی‌تابی را به شکیبایی یا هدایت را به گمراهی یا کفر را به ایمان
* مؤلف گوید که این دعاء مشتمل است بر مضامین عالی و عبدالرحمن بن سیّابه همان کس است که حضرت
صادق علیه السلام او را وصیت نافع فرموده که شایسته است نقلش در اینجا و آن چنان است که عبدالرحمن نقل کرده
که چون پدرم سیّابه وفات کرد مردی از دوستان او آمد در منزل ما را کوید من به سوي او رفتم مرا تعزیت گفت پس
پرسید که پدرت چیزی گذاشته برای شما گفتم نه پس کیسه‌ای که هزار درهم داشت به من داد و گفت این را نیکو
محافظت کن و از کسب آن معاش کن من خوشحال شدم و به نزد مادرم رفتم و او را به این خبر دادم پس در آخر آن
روز رفتم به نزدیکی از اصدقاء پدرم که برای من کسی مهیا کند او برای من سرمایه از جامه‌های سابری خرید پس در
دکّانی نشستیم و مشغول کسب شدم پس حق تعالی از آن کسب مرا خیر بسیاری روزی فرمود پس وقت حج رسید در
دلم افتاد که به حج روم به نزد مادرم رفتم و گفتم می‌خواهم به حج روم مادرم گفت که هزار درهم پول آن مرد را بده
عبدالرحمن گفت پول آن مرد را تهیه کردم و بردم به او دادم او خوشحال شد مثل آنکه آن پول را به او بخشیدم پس
گفت شاید این پول کم بوده تو را اگر می‌خواهی بیشتر بدهم به تو گفتم نه در دلم افتاده که به حج مشرف شوم و
خواستم که پول شما را به خودت رد کنم پس به مکه رفتم و اعمال حج را بجا آوردم و برگشتم به مدینه و با جمعی از
مردم به خدمت حضرت صادق علیه السلام مشرف شدم و در آن اوقات حضرت اذن عام می‌داد پس من نشستیم در آخر
جمعیّت مردم و من در آن وقت جوان بودم پس مردم شروع کردند در سؤال کردن از آن حضرت و آن جناب جواب
آنها را می‌داد و می‌رفتند تا آنکه جمعیّت کم شد حضرت بسوی من اشاره کرد من نزدیک آن جناب شدم فرمود آیا
حاجتی داری گفتم فدایت شوم من عبدالرحمن پسر سیّابه هستم احوال پدرم را پرسید گفتم پدرم وفات کرد فَتَوَجَّعَ وَ
تَرَخَّمَ یعنی حضرت محزون و غمگین شد و گویا دردی او را عارض شد و فرمود خدا او را راحت کند پس پرسید که

ترکه گذاشت گفتم نه فرمود پس از کجا توانستی به حج بیائی پس شروع کردم به قصه آن مردی که آمد و هزار درهم به من داد عبدالرحمن گفت که حضرت فرصت نداد تا من قصه ام را تمام کنم که به من فرمود تو آمدی حج هزار درهم آن مرد را چه کردی گفتم رد کردم آن را به صاحبش فرود آخست پس فرمود آیا وصیتی نکنم تو را گفتم چرا بفرماید فرمود ملازمت کن براستی در گفتار و اداء امانت تا شریک شوی مردم را در اموال ایشان همچنین و جمع فرمود ما بین دو انگشت خود یعنی اگر قولت درست شد و دروغ نگفتی و خلاف وعده نکردی و سر موعد که طلبکار را وعده کرده بودی مال را رد کردی و مال مردم را نخوردی از مردم هر چه بخواهی بگیری به تو می دهند پس تو شریک مردم می شوی در مال ایشان بواسطه امانت و صداقت که در تو هست عبدالرحمن گفت من این وصیت را از آن حضرت حفظ کردم یعنی رفتار به آن نمودم و چندان مال پیدا کردم که زکات دادم سیصد هزار درهم را و در روایت دیگر وارد شده که این دعای حضرت علی بن الحسین علیهما السلام است و در آخرش این زیادتست آمین رب العالمین بیست و هشتم از ابن محبوب روایت شده که حضرت صادق علیه السلام این دعا را تعلیم شخصی فرمود که بخواند :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي لَا تُنَالُ مِنْكَ إِلَّا بِرِضَاكَ وَالْخُرُوجَ مِنْ جَمِيعِ

خدایا از تو خواهم بدان رحمت که دست کسی بدان نرسد جز به خوشنودی تو بیرون رفتن از تمام

معاصیک والدُّخُولَ فِي كُلِّ مَا يُرْضِيكَ وَالتَّجَاةَ مِنْ كُلِّ وَرْطَةٍ وَالْمَخْرَجَ مِنْ

نافرمانیهای و داخل شدن در هر چه تو را خوشنود سازد و رهایی از هر ورطه و گرداب و درآمدن از

كُلِّ كَبِيرَةٍ أَنِّي بِهَا مَنِّي عَمْدٌ أَوْ زَلٌّ بِهَا مَنِّي خَطَأٌ أَوْ خَطَرٌ بِهَا عَلَيَّ خَطَرَاتٌ

گناه بزرگی که از روی عمد از من سرزده و یا خطایی مرا بدان لغزانده یا به دلم انداخته آنرا وسوسه های

الشَّيْطَانِ أَسْأَلُكَ خَوْفًا تُوقِفُنِي بِهِ عَلَى حُدُودِ رِضَاكَ وَتَشَعَّبَ بِهِ عَنِّي كُلُّ

شیطان از تو خواهم ترسی که نگاه داری مرا بوسیله آن بر مرزهای خوشنودیت و پراکنده سازی بدان وسیله از من هر

شَهْوَةٍ خَطَرَ بِهَا هَوَايَ وَاسْتُرَلَّ بِهَا رَأْيِي لِئُجَاوِزَ حَدَّ حَلَالِكَ أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ

خواهش نفسانی که به خاطر اندازد هوای نفس و رأی من بلغزد تا از مرز حلال تو تجاوز کند از تو خواهم خدایا که

مرا

الْأَخْذَ بِأَحْسَنِ مَا تَعْلَمُ وَتَرْكَ سَيِّئِ مَا تَعْلَمُ أَوْ أُخْطِئَ مِنْ حَيْثُ لَا أَعْلَمُ أَوْ مِنْ

به بهترین چیزی که از من می دانی بگیری و واگذاری آن بدیها را که می دانی یا خطایی که کرده ام چه ندانسته انجام داده ام

و چه دانسته

حَيْثُ أَعْلَمُ أَسْأَلُكَ السَّعَةَ فِي الرِّزْقِ وَالزُّهْدَ فِي الْكَفَافِ وَالْمَخْرَجَ بِالْبَيَانِ مِنْ

از تو خواهم فراخی در روزی و قناعت به همان مقدار کفایت و بیرون آمدن با روشنی و بصیرت از هر شبهه

كُلُّ شُبْهَةٍ وَالصَّوَابَ فِي كُلِّ حُجَّةٍ وَالصَّدَقَ فِي جَمِيعِ الْمَوَاطِنِ وَانْصَافِ

و درستی در هر دلیل و راستی در تمام جاها و انصاف دادن به مردم از

النَّاسِ مِنْ نَفْسِي فِيمَا عَلَيَّ وَلِيَّ وَالتَّذَلُّلَ فِي إِعْطَاءِ النَّصَفِ مِنْ جَمِيعِ مَوَاطِنِ

خودم در آنچه به زیان و سود من است و رام بودن در دادن انصاف در تمام موارد

السَّخَطِ وَالرِّضَا وَتَرْكَ قَلِيلِ الْبُعْيِ وَكَثِيرِهِ فِي الْقَوْلِ مَتًى وَالْفِعْلِ وَتَمَامَ

خشم و رضا و ترك کردن ستم كمش و زیادش در گفتار و كردار و كامل كردن

نِعْمِكَ فِي جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ وَالشُّكْرَ لَكَ عَلَيْهَا لِكَيْ تَرْضَا وَبَعْدَ الرِّضَا وَ

نعمت را در همه چیزها و سپاسگزاریت در برابر آنها تا حدی که خوشنود شوی و پس از خوشنودی و

أَسْأَلُكَ الْخَيْرَ فِي كُلِّ مَا يَكُونُ فِيهِ الْخَيْرَةُ بِمَيْسُورِ الْأُمُورِ كُلِّهَا لَا

از تو خواهم خیر و خوبی در هر چیزی که در آن خیری باشد به کارهای آسان نه

بِمَعْسُورِهَا يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ وَافْتَحْ لِي بَابَ الْأَمْرِ الَّذِي فِيهِ الْعَافِيَةُ

به دشواریهای بزرگوار ... و بگشا برایم درب آن کاری را که در آن تندرستی

وَالْفَرَجَ وَافْتَحْ لِي بَابَهُ وَيَسِّرْ لِي مَخْرَجَهُ وَمَنْ قَدَّرْتَ لَهُ عَلَيَّ مَقْدُورَةً مِنْ

و گشایش باشد و بگشا برایم درش را و آسان گردان برایم بیرون آمدنش را و هر که را مقدر کرده‌ای که بر من قدرتی

داشته باشد از

خَلْقِكَ فَخُذْ عَنِّي بِسْمِعِهِ وَبَصَرِهِ وَلِسَانِهِ وَيَدِهِ وَخُذْهُ عَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ

خلقت پس بگیر از من گوشش و چشمش و زبانش و دستش را و بگیر او را از راستش و از

يَسَارِهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَمِنْ قُدَّامِهِ وَامْتِنِعْهُ أَنْ يَصِلَ إِلَيَّ بِسُوءٍ عَزَّ جَارُكَ وَجَلَّ

چپش و از پشت سرش و از پیش رویش و جلوگیری کن از اینکه بدی او به من برسد عزیز است پناهنده‌ات و

برجسته است

تَنَاءُ وَجْهِكَ وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ أَأَنْتَ رَبِّي وَأَنَا عَبْدُكَ اللَّهُمَّ أَنْتَ رَجَائِي فِي كُلِّ

ثنای ذات معبودی جز تو نیست تویی پروردگار من و من بنده توام خدایا تویی امید من در هر

كُرْبَةٍ وَأَنْتَ تَقِي فِي كُلِّ شِدَّةٍ وَأَنْتَ لِي فِي كُلِّ أَمْرٍ نَزَلَ بِي ثِقَةٌ وَعُدَّةٌ فَكَمْ

گرفتاری و تویی محل اعتماد در هر سختی و تو برای من در هر پیش آمدی که به من وارد آید پشت و ذخیره ای چه بسیار

مِنْ كَرْبٍ يَضْعَفُ عَنْهُ الْفَوَادُ وَ تَقِلُّ فِيهِ الْحِيلَةُ وَيَشْمَتُ بِهِ الْعَدُوُّ وَ تُعْيِي فِيهِ

گرفتاری که ناتوان آمد از آن دل و کم شد در آن چاره و شمت کرد بدان دشمن و در مانده شد از آن

الْأُمُورُ أَرْزَلَتْهُ بِكَ وَ شَكَّوْهُ إِلَيْكَ رَاغِباً إِلَيْكَ فِيهِ عَمَّنْ سِوَاكَ قَدْ فَرَّجَتْهُ وَ

وسایل و من به در گاهت آوردم و شکوه اش به تو کردم و رو گردانم در آن از غیر تو و تو آنرا از من دور کردی و

كَفَيْتَهُ فَائْتِ وَلِي كُلِّ نِعْمَةٍ وَ صَاحِبُ كُلِّ حَاجَةٍ وَ مُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ فَلَكَ

کفایت فرمودی پس تویی سرپرست هر نعمت و صاحب هر حاجت و سرحد هر اشتیاق و تو را

الْحَمْدُ كَثِيراً وَ لَكَ الْمَنْ فَاضِلاً بَیْسَت وَ نَهِم به سند معتبر روایت شده که حضرت

* * * * * حمد بسیار و تو راست منقّی فزون * * * * *

صادق علیه السلام این دعا را به ابو بصیر یاد داد که بخواند: اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ قَوْلَ التَّوَّابِيْنَ وَ

* * * * * خدایا از تو خواهم گفتار

توبه کنندگان و

عَمَلُهُمْ وَ نُورَ الْأَنْبِيَاءِ وَ صِدْقَهُمْ وَ نَجَاةَ الْمُجَاهِدِيْنَ وَ ثَوَابَهُمْ وَ شُكْرَ

کردارشان را و روشنی پیمبران و راستگویییشان را و نجات جهاد کنندگان و پاداش نیک آنها را و سپاسگزاری

الْمُصْطَفَيْنِ وَ نَصِيحَتَهُمْ وَ عَمَلَ الذَّاكِرِيْنَ وَ يَقِيْنَهُمْ وَ اِيْمَانَ الْعُلَمَاءِ وَ فِقْهَهُمْ

برگزیدگان و خیرخواهییشان را و کردار یادکنندگان تو و یقینشان را و ایمان مردمان دانشمند و فهم آنها را

وَ تَعَبُدَ الْخَاشِعِيْنَ وَ تَوَاضُعَهُمْ وَ حُكْمَ الْفُقَهَاءِ وَ سَيْرَتَهُمْ وَ خَشْيَةَ الْمُتَّقِيْنَ وَ

و عبادت خاشعان و فروتنیشان را و فرزاندگی مردمان فقیه و راه و روششان را و ترس پرهیزکاران و

رَغْبَتَهُمْ وَ تَصَدِيقَ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ تَوَكُّلَهُمْ وَ رَجَاءَ الْمُحْسِنِيْنَ وَ بَرَّهُمْ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ

شوقشان را و ایمان قلبی مؤمنان و توکل آنها را و امیدواری نیکوکاران و نیکوکاریشان را خدایا من از

اَسْئَلُكَ ثَوَابَ الشَّاكِرِيْنَ وَ مَنَزِلَةَ الْمُقَرَّبِيْنَ وَ مُرَافَقَةَ النَّبِيِّيْنَ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ

تو خواهم پاداش نیک سپاسگزاران را و منزلت و مقام مقربان را و رفاقت با پیمبران خدایا از

اَسْئَلُكَ خَوْفَ الْعَامِلِيْنَ لَكَ وَ عَمَلَ الْخَائِفِيْنَ مِنْكَ وَ خُشُوعَ الْعَابِدِيْنَ لَكَ وَ

تو درخواست کنم ترس کار کنندگان برای تو و عمل ترسناکان از تو و خشوع عبادت‌کنندگان را و
يَقِينُ الْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْكَ وَتَوَكَّلْ الْمُؤْمِنِينَ بِكَ اللَّهُمَّ إِنَّكَ بِحَاجَتِي عَالِمٌ غَيْرُ
یقین توکل کنندگان بر تو و توکل مؤمنان به تو خدایا تو به حاجت من دانایی بی‌آنکه به تو
مُعَلِّمٌ وَأَنْتَ لَهَا وَاسِعٌ غَيْرُ مُتَّكِلٍ وَأَنْتَ الَّذِي لَا يُخْفِيكَ سَائِلٌ وَلَا يَنْقُصُكَ
یاد دهند و تو به برآوردنش توانایی بی‌آنکه به رنج درافتی و تویی که درمانده‌ات نکند خواهنده و کم و کاستت نکند
نَائِلٌ وَلَا يَبْلُغُ مِدْحَتَكَ قَوْلُ قَائِلٍ أَنْتَ كَمَا تَقُولُ وَفَوْقَ مَا تَقُولُ اللَّهُمَّ اجْعَلْ
عطا و بخشش و به مدحت تو نرسد گفتار گوینده و تو چنانی که گویی برتر از آنی که ما گوییم خدایا قرار ده
لِي فَرَجًا قَرِيبًا وَاجْرَأً عَظِيمًا وَسِتْرًا جَمِيلًا اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنِّي عَلَى ظُلْمِي
برایم گشایشی نزدیک و پاداشی بزرگ و پوششی زیبا خدایا تو می‌دانی که من با اینکه بر خود ستم کردم
لِنَفْسِي وَإِسْرَافِي عَلَيْهَا لَمْ أَتَّخِذْ لَكَ ضِدًّا وَلَا نِدًّا وَلَا صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا يَا مَنْ
و زیاده‌روی کردم ولی دشمن و شریکی برایت نگرفته‌ام و نه همسر و نه فرزندی ای که
لَا تُعْطِيهِ الْمَسْأَلُ وَيَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ شَيْءٌ عَنْ شَيْءٍ وَلَا سَمْعٌ عَنْ سَمْعٍ
به غلط نیندازد او را درخواستها و ای که سرگرمش نکند چیزی از چیز دیگر و نه شنیدنی از شنیدن دیگر
وَلَا بَصَرٌ عَنْ بَصَرٍ وَلَا يُبْرِمُهُ إِلَّا حَاحُ الْمُلْحِنِ أَسْأَلُكَ أَنْ تُفَرِّجَ عَنِّي فِي
و نه دیدنی از دیدن دیگر و ای که به ستوهش نیاورد اصرار اصرارکننده از تو خواهم که بگشایی از من در
سَاعَتِي هَذِهِ مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَسِبُ إِنَّكَ تُحْيِي الْعِظَامَ وَ
این ساعت از جایی که گمان دارم و از جایی که گمان ندارم تو زنده کنی استخوانهای پوسیده را و
هِيَ رَمِيمٌ إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا مَنْ قَلَّ لَهُ شُكْرِي فَلَمْ يَحْرِمْنِي وَ
تو بر هر چیز توانایی ای که کم شد برای او سپاسگزاری من و با این حال محرومم نکنی و
عَظُمَتْ خَطِيئَتِي فَلَمْ يَفْضَحْنِي وَرَأَى عَلَيَّ الْمَعَاصِي فَلَمْ يَجْهَنْنِي وَخَلَقَنِي
بزرگ شد خطایم ولی رسوایم نکنی و دیدی مرا بر گناهان و برویم نیافریدی و مرا آفریدی
لِلَّذِي خَلَقَنِي لَهُ فَصَنَعْتُ غَيْرَ الَّذِي خَلَقَنِي لَهُ فَنِعْمَ الْمَوْلَى أَنْتَ يَا سَيِّدِي وَ
برای آنچه آفریدی ولی من برای چیز دیگری کار کردم چه نیکو سرپرستی هستی تو ای آقای من و
بِئْسَ الْعَبْدُ أَنَا وَجَدْتَنِي وَنِعْمَ الطَّالِبُ أَنْتَ رَبِّي وَبِئْسَ
چه بد بنده‌ای یافتی مرا و تو نیکو خواستاری ای پروردگار من ولی به بد

الْمَطْلُوبُ الْفَيْتَنَى عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ ابْنُ أَمَتِكَ بَيْنَ

خواسته‌ای برخورداردی بندهات و فرزند بنده و فرزند کنیزت در پیش

يَدِيكَ مَا شِئْتَ صَعَتَ بِي اللَّهُمَّ هِدَاتِ الْأَصْوَاتُ وَ سَكَنَتِ

روی تو است هر چه خواهی دربارهم انجام دهی خدایا آوازه‌ها خاموش گشته

الْحَرَكَاتُ وَ خَلَا كُلُّ حَبِيبٍ بِحَبِيبِهِ وَ خَلَوْتُ بِكَ أَنْتَ الْمَحْبُوبُ إِلَيَّ فَاجْعَلْ

و جنبشها آرام شده و هر دوستی با دوست خود خلوت کرده و من نیز با تو خلوت کرده‌ام که تویی دوست من پس

نتیجه

خَلَوْتُ مِنْكَ اللَّيْلَةَ الْعِثْقَ مِنَ النَّارِ يَا مَنْ لَيْسَتْ لِعَالَمٍ فَوْقَهُ صِفَةٌ يَا مَنْ لَيْسَ

این خلوت کردم را در این شب، آزادی از آتش برایم مقرر داری که نیست برای هیچ دانشمندی برتر از او وصفی و

ای که نیست

لِمَخْلُوقٍ دُونَهُ مَنَعَةٌ يَا أَوَّلَ قَبْلِ كُلِّ شَيْءٍ يَا آخِرًا بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ لَيْسَ

برای هیچ مخلوقی در برابر او مانع و نیرویی ای نخست پیش از هر چیز و ای آخر پس از هر چیزی ای که نیست

لَهُ عَصْرٌ وَ يَا مَنْ لَيْسَ لِآخِرِهِ فَنَاءٌ وَ يَا أَكْمَلَ مَنُوعَاتٍ وَ يَا أَسْمَحَ الْمُعْطِينَ وَ

برای او عصری و ای که نیست برای پایانش فنا و نیستی و ای کاملترین توصیف شدگان و ای بخشاینده‌ترین عطاکنندگان

و

يَا مَنْ يَقْفَهُ بِكُلِّ لَعْنَةٍ يُدْعَى بِهَا وَ يَا مَنْ عَفْوُهُ قَدِيمٌ وَ بَطْشُهُ شَدِيدٌ وَ مُلْكُهُ

ای که می فهمد به هر زبانی که او را بدان خوانند ای که گذشتش دیرینه و حمله‌اش سخت و فرمانرواییش

مُسْتَقِيمٌ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي شَافَهْتَ بِهِ مُوسَى يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا

پایدار است از تو خواهم به آن نامت که بی واسطه سخن گفتی بدان با موسی ای خدا ای بخشاینده ای مهربان ای

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّمَدُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ

که معبودی جز تو نیست خدایا تویی بی نیاز از تو خواهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد و

أَنْ تُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ X سی ام از یونس روایت است که به حضرت امام رضا علیه السلام

مرا به رحمت خود داخل بهشت گردانی * * * * *

* * * * *

عرض کردم مرا تعلیم فرما دعای کوچکی فرمود بگو: يَا مَنْ دَلَّنِي عَلَى نَفْسِهِ وَ ذَلَّلَ

* * * * * ای که راهنمایی کرد مرا بر

قَلْبِي بِتَصَدِيقِهِ أَسْأَلُكَ الْأَمْنَ وَالْإِيمَانَ

خودش وبا تصدیق کردن به خود دلم را رام کرد از تو امنیت و ایمان خواهم

باب پنجم

در ذکر بعض احراز و ادعیه مَوْجِزَه که منتخب شده از کتاب مهج الدعوات و مجتبی که هر دو از مصنفات رضی الدین سید بن طاووس قدس سره است و آن چند امر است اول از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام مرویست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود به امیرالمؤمنین علیه السلام هر گاه تو را امر دشواری پیش آید بگو :

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

خدایا از تو خواهم به حق محمد و آل محمد که درود فرستی بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تُنْجِبَنِيْ مِنْ هَذَا الْعَمِّ × دُویم حرز حضرت فاطمه علیها السلام :

محمد و مرا از این اندوه نجات بخشی * * * * *

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ بِرَحْمَتِكَ اَسْتَغِيْثُ فَاَغْنِنِيْ

بنام خدای بخشاینده مهربان ای زنده و ای پاینده به رحمت تو استغاثه کنم پس به دادم برس

وَلَا تَكِلْنِيْ اِلَى نَفْسِيْ طَرْفَةَ عَيْنٍ اَبَدًا وَ اَصْلِحْ لِيْ شَأْنِيْ كُلَّهُ × سیم حرز

و مرا به خودم وامگذار چشم بر هم زدن هرگز و همه کارم را اصلاح فرما * * * * *

حضرت امام زین العابدین علیه السلام: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ سَدَدْتُ اَفْوَاهَ

* * * * * بنام خدای بخشاینده مهربان به نام خدا و به ذات خدا بستم دهنهای

الْجِنِّ وَالْاِنْسِ وَالشَّيَاطِيْنَ وَالسَّحَرَةَ وَالْاَبَالِسَةَ مِنَ الْجِنَّ وَالْاِنْسِ

جن و انس و شیاطین و جادوگران و رانده شدگان از جن و انس

وَالسَّلَاطِيْنَ وَمَنْ يَلُوْذُ بِهِمْ بِاللّٰهِ الْعَزِيْزِ الْاَعَزُّ وَ بِاللّٰهِ الْكَبِيْرِ الْاَكْبَرُ بِسْمِ اللّٰهِ

و پادشاهان و هرکه را بدانها پناهنده شود به خدای عزیزتر از هر عزیز و به خدای بزرگ بزرگتر (از هر بزرگ) بنام

خدای

الظّٰهْرِ الْبَاطِنِ الْمَكْنُوْنِ الْمَخْزُوْنِ الَّذِيْ اَقَامَ بِهِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضُ ثُمَّ

آشکار نهان پوشیده و در گنجینه ای که بپا ایستاد بذات او آسمانها و زمین سپس

اَسْتَوِيْ عَلَيَّ الْعَرْشِ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ وَ وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ بِمَا ظَلَمُوْا

قَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا
نومید گشت هر که بار ستمی بر دوش دارد» «و بیفتد صداها به احترام خدای رحمان و جز صدای پای نشنوی»
وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ كِتَابًا أَنْ يَقْضُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي
«و نهادیم بر دلهای ایشان سرپوشی که فهم نکنند و در گوشه‌هایشان سنگینی و چون یاد کنی پروردگارت را در

و آنها دم نزنند» «اگر همه آنچه در زمین است خرج می‌کردی نمی‌توانستی الفت میان ده‌هاشان بدهی
وَلَكِنَّ اللَّهَ آتَاكَ بِبَيْنِهِمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

خَالِقِ الْخَلْقِ وَيَا بَاسِطَ الرُّزْقِ وَيَا فَالِقَ الْحَبِّ وَيَا بَارِئَ السَّمِّ وَمُحْيِيَ
آفَرِينْدَه خَلق و ای گستراننده روزی و ای شکافنده دانه و ای آفریننده هر دمزن و زنده کننده
الْمَوْتِ وَمُمِيتَ الْأَحْيَاءِ وَدَائِمَ الثَّبَاتِ وَمُخْرِجَ النَّبَاتِ اِفْعَلْ بِي مَا أَيْتَ
مردگان و میراننده زندگان و همیشه پابرجا و برون آرنده گیاه، انجام ده با من آنچه را تو
أَهْلُهُ وَلَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ وَأَنْتَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفَرَةِ × بِنَجْمِ حَرَزِ

* * * * *

شایسته آنی و انجام مده با من آنچه را من استحقاق دارم و تویی اهل تقوی و آمرزش *
حضرت امام موسی کاظم علیه السلام روایت است از علی بن یقطين که گفت خبر دادند به ابوالحسن موسی بن جعفر علیه السلام و در نزد او جماعتی از اقوام او بودند به آنچه قصد کرده است موسی بن مهدی در کار او پس گفت به اقوام خود چه رأی دارید در این باب گفتند رای ما این است که از او دور شوی و شخص خود را مخفی کنی که این از شر او نتوان شد پس حضرت تبسم فرمود و تمثل جست به شعر کعب بن مالک :

زَعَمْتَ سَخِيئَةً أَنْ سَتَغْلِبَ رَبَّهَا

فَلْيَغْلِبَنَّ مَغَالِبَ الْعُلَّابِ

پس بلند کرد دست خود را بسوی آسمان و گفت :

إِلَهِي كَمْ مِنْ عَدُوٍّ شَحَذَ لِي ظُبَّةَ مَدْيَنَةٍ وَأَرْهَفَ لِي شَبَا حَدِّهِ وَدَافَ لِي

خدایا چه بسا دشمنی که تیز کرده برایم دم کاردش را و نازک کرد برایم دم تیغش را و بهم آمیخت برایم

قَوَاتِلَ سُمُومِهِ وَلَمْ تَنْمَعْ عَنِّي عَيْنُ حِرَاسَتِهِ فَلَمَّا رَأَيْتَ ضَعْفِي عَنْ احْتِمَالِ

زهرهای کشنده را و به خواب نرفت در کمین من چشم دیده بانیش و چون تو ناتوانی مرا از کشیدن

الْفَوَاحِ وَ عَجَزِي عَنْ مُلِمَّاتِ الْجَوَائِحِ صَرَفْتَ ذَلِكَ عَنِّي بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ

مشکلات دیدی و درماندگیم را از بلاهای سخت مشاهده کردی آنرا به نیرو و قدرت خود از من گرداندی نه به نیرو و

لَا بِحَوْلٍ مِنِّي وَلَا قُوَّةٍ فَالْقَيْتَهُ فِي الْحَفِيرِ الَّذِي احْتَفَرَهُ لِي خَائِبًا مِمَّا أَمَلَهُ فِي

قدرت خودم و افکندی او را در آن چاهی که برای من کنده بود ناامید از آنچه آرزومند بدان بود در

الدُّنْيَا مُتَبَاعِدًا مِمَّا رَجَاهُ فِي الْآخِرَةِ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ ذَلِكَ قَدَرِ اسْتِحْقَاقِكَ

دنیا و دور از آنچه امید بدان داشت در آخرت پس تو را ستایش بر این کار به اندازه استحقاق تو

سَيِّدِي اللَّهُمَّ فَخُذْهُ بِعِزَّتِكَ وَأَفْلُلْ حَدَّهُ عَنِّي بِقُدْرَتِكَ وَاجْعَلْ لَهُ شُغْلًا فِيمَا

ای آقای من خدایا او را به عزت خود بگیر و کُند کن سلاح تیزش را از من به قدرتت و برایش سرگرمی قرار ده در آنچه

يَلِيهِ وَ عَجْزًا عَمَّا يُنَاوِيهِ اللَّهُمَّ وَأَعِدْنِي عَلَيْهِ عَدُوِّي حَاضِرَةً تَكُونُ مِنْ

پیش اوست و درماندگی از انجام دشمنیش خدایا مسلط کن مرا بر او تسلطی فوری که از خشمم درمانی باشد و از

غَيْظِي شِفَاءً وَ مِنْ حَنْفِي عَلَيْهِ وَقَاءً وَ صَلِّ اللَّهُمَّ دُعَائِي بِالْإِجَابَةِ وَ انْظِمِّ

غیظم بر او نگهداری باشد و به پیوند خدایا دعایم را به اجابت و منظم کن

شِكَائِي بِالْتَّغْيِيرِ وَ عَرَفَهُ عَمَّا قَلِيلٍ مَا أَوْعَدْتَ الظَّالِمِينَ وَ عَرَفْنِي مَا

شکوهام را به دگرگونی و بنمایان به او به همین زودی آنچه را بیم دادي بدان بر ستمکاران و بنمایان به من آنچه

وَعَدْتَ فِي إِجَابَةِ الْمُضْطَرِّينَ إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ وَالْمَنَّ الْكَرِيمِ × گفت

را نوید دادي در اجابت درماندگان که تو داراي فضل و بخشش بزرگ و عطايي گرامي هستی * * *

پس متفرق شدند قوم و جمع نشدند مگر براي قرائت خبر موت موسي بن مهدي ششم رقة الجيب حرز حضرت امام

رضاعليه السلام روايت است از ياسر خادم مأمون که گفت زمانی که وارد شد ابوالحسن علي بن موسي الرضا عليه

السلام به قصر حميد بن قحطبه بيرون کرد از تن لباس را و داد به حميد و حمل کرد حميد و داد به جاريه خود که بشويد

آن را پس نگذشت زمانی که آن جاريه آمد و با او رقه اي بود و داد به حميد و گفت يافتم اين رقه را در گريبان لباس

ابوالحسن عليه السلام پس حميد به آن حضرت گفت فداي تو گردم بدرستی که اين جاريه يافته است رقه اي در گريبان

پيراهن تو چيست آن فرمود تعويذي است که آن را از خود دور نمي کنم حميد گفت ممکن است که ما را مشرف کنی به

آن پس فرمود که اين تعويذي است که هر که نگاه دارد در گريبان خود دفع مي شود بلا از او و مي باشد براي او حرزي

از شيطان رجيم پس خواند تعويذ را بر حميد و آن اين است :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ إِيَّيْ أَعوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا أَوْ

بنام خدای بخشناينده مهربان بنام خدا من پناه مي برم به خدای رحمان از تو اگر پرهيزكار باشي يا

غَيْرَ تَقِيٍّ أَخَذْتُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْبَصِيرِ عَلَيَّ سَمْعِكَ وَ بَصَرِكَ لَا سُلْطَانَ لَكَ

غير پرهيزكار بستم بوسيله خدای شنوای بينا، گوش و چشم تو را که تسلطي نباشد تو را

عَلَيَّ وَلَا عَلَيَّ سَمْعِي وَلَا عَلَيَّ بَصَرِي وَلَا عَلَيَّ شَعْرِي وَلَا عَلَيَّ بَشْرِي وَلَا

بر من و نه بر گوش و نه بر چشمم و نه بر مو و نه بر پوست تنم و نه

عَلَيَّ لَحْمِي وَلَا عَلَيَّ دَمِي وَلَا عَلَيَّ مُخِّي وَلَا عَلَيَّ عَصَبِي وَلَا عَلَيَّ عِظَامِي

بر گوشت و نه بر خونم و نه بر مغز و نه بر رگم و نه بر استخوانم

وَلَا عَلَيَّ مَالِي وَلَا عَلَيَّ مَا رَزَقَنِي رَبِّي سَتَرْتُ بَيْنِي وَ بَيْنَكَ بِسْمِ اللَّهِ التَّوْبَةِ

و نه بر مالم و نه بر آنچه پروردگار من روزيم کرده پوشاندم بين خودم و تو را به پوشش نبوت

الَّذِي اسْتَتَرَ أَنْبِيَاءُ اللَّهِ بِهِ مِنْ سَطَوَاتِ الْجَبَابِرَةِ وَالْفَرَاغَةِ جَبْرِئِيلُ عَنْ يَمِينِي

که پوشاندند پيبران خدا خود را بدان وسيله از حمله هاي گردنكشان و سرکشان، جبرئيل از راستم و

وَمِيكَائِيلُ عَنْ يَسَارِي وَ إِسْرَافِيلُ عَنْ وَرَائِي وَ مُحَمَّدٌ صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ

میکاییل از چپم و اسرافیل از پشت سرم و محمد صلی الله علیه و آله

أَمَامِي وَاللَّهُ مُطَّلِعٌ عَلَيَّ يَمْنَعُكَ مِنِّي وَيَمْنَعُ الشَّيْطَانَ مِنِّي

از پیش رویم و خدا نیز مطلع است بر کارم و تو را از من بازدارد و نیز شیطان را از من بازدارد

اللَّهُمَّ لَا يَغْلِبُ جَهْلُهُ أَنَا تَكَّ أَنْ يَسْتَفِزَّنِي وَيَسْتَخِفَّنِي اللَّهُمَّ إِلَيْكَ التَّجَاتُ

خدایا چیره نگرند نادانی او بر حوصله تو که در نتیجه مرا به ناراحتی کشاند و سبکم شمارد خدایا من به تو پناهنده شدم

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ التَّجَاتُ اللَّهُمَّ إِلَيْكَ التَّجَاتُ × و از برای این حرز حکایت عجیبی

خدایا به تو پناهنده شدم خدایا به تو پناهنده شدم * * * * *

*

است که روایت کرده آنرا ابوالصلت هروی که گفت مولای من علی بن موسی الرضا علیه السلام روزی نشسته بود در

منزل خود داخل شد بر او رسول مأمون و گفت که تو را امیر می طلبد پس امام برخاست و مرا گفت نمی طلبد مرا

مأمون در این وقت مگر به جهت کاری سخت و به خدا که نمی تواند با من کاری بد کردن جهت این کلمات که از جدّم

رسول خدا صلی الله علیه و آله به من رسیده ابوالصلت گفت همراه امام علیه السلام بیرون رفتم نزد مأمون چون نظر

حضرت بر مأمون افتاد این حرز را تا آخر خواند پس زمانی که حضرت ایستاد مقابل مأمون نظر کرد بسوی او مأمون و

گفت ای ابوالحسن امر کرده ام که صد هزار درهم به جهت تو بدهند و بنویس هر حاجتی که داری پس چون امام پشت

گردانید مأمون نظر در قفای امام کرد و گفت اراده کردم من و اراده کرده است خدا و آنچه اراده کرده است خدا بهتر

بوده است هفتم حرز حضرت جواد علیه السلام :

يَا نُورُ يَا بُرْهَانُ يَا مُبِينُ يَا مُنِيرُ يَا رَبِّ اكْفِنِي الشُّرُورَ وَ آفَاتِ الدُّهُورِ وَ

ای نور و ای دلیل روشن و ای آشکارکننده ای نوربخش پروردگارا کفایت کن از شرور و آفات روزگار و

أَسْأَلُكَ التَّجَاةَ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ × هشتم حرز امام علی نقی علیه السلام: بِسْمِ اللَّهِ

از تو خواهم رهایی را در روزی که دمیده شود در صور × × × × × × × × × × بنام خدای

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا عَزِيزَ الْعِزِّ فِي عِزِّهِ مَا أَعَزَّ عَزِيزَ الْعِزِّ فِي عِزِّهِ يَا عَزِيزُ

بخشاینده مهربان ای عزت بخش عزت در عین عزتش چه عزیز است عزت بخش عزت در حال عزت ای عزیز،

أَعِزَّنِي بِعِزِّكَ وَ أَبْذِنِي بِنَصْرِكَ وَادْفَعْ عَنِّي هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَادْفَعْ عَنِّي

عزیز گردان مرا به عزت خود و کمکم ده به یاریت و دور گردان از من وسوسه های شیاطین را و دفع کن از من

بِدَفْعِكَ وَامْنَعْ عَنِّي بِصُنْعِكَ وَاجْعَلْنِي مِنْ خِيَارِ خَلْقِكَ يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ يَا فَرْدُ

وَلَا مَظْنُونٍ وَلَا مُرَابٍ وَلَا مُرْتَابٍ إِنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ × مؤلف گوید که سید

و نه مظنون و نه مورد بدگمانی و نه مشکوک براستی تو مهربانترین مهربانانی * * * * *

بن طاوس قنوتات ائمه علیهم السلام را جمع کرده در مهج الدعوات و چون طولانی بود آنها من اکتفا به همین يك قنوت کردم دوازدهم دعاء حضرت رسول صلی الله علیه و آله که امان است از جنّ و انس :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان معبودی نیست جز خدا بر او توکل کنم و او است پروردگار عرش بس بزرگ

ما شاءَ اللَّهُ كَانَ وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ

آنچه خدا خواهد باشد و آنچه نخواهد نباشد گواهی دهم که براستی خدا بر هر چیز توانا است و براستی خدا

قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَمِنْ شَرِّ كُلِّ

دانشش به هر چیز احاطه دارد خدایا به تو پناه برم از شر خودم و از شر هر

دَابَّةٍ أَتَتْ أَخِذْ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَيَّ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ × سیزدهم دعاء مجرب

جنبنده ای که اختیارش بدست تو است همانا پروردگار من به راه راست است * * * * *

روایت است از انس که گفت حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که هر کس این دعا را در هر صبح و شام بخواند موکل فرماید حق تعالی به او چهار فرشته که او را حفظ کنند از پیش رو و از پشت سر و از طرف راست و از طرف چپش و در امان خداوند عزّوجلّ باشد و اگر سعی کنند خلائق از جنّ و انس که ضرر به او برسانند نتوانند آن دعا این است :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ خَيْرِ الْأَسْمَاءِ بِسْمِ اللَّهِ رَبِّ الْأَرْضِ وَ

بنام خدای بخشاینده مهربان بنام خدا بهترین نامها بنام خدا پروردگار زمین و

السَّمَاءِ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ سَمٌّ وَلَا دَاءٌ بِسْمِ اللَّهِ أَصْبَحْتُ وَعَلَيَّ

آسمان بنام خدایی که زیان نرساند با بودن نام او زهری و نه دردی بنام خدا صبح کردم و بر

اللَّهُ تَوَكَّلْتُ بِسْمِ اللَّهِ عَلَيَّ قَلْبِي وَنَفْسِي بِسْمِ اللَّهِ عَلَيَّ دِينِي وَعَقْلِي بِسْمِ اللَّهِ

خدا توکل کردم بنام خدا بر دل و جانم بنام خدا بر دین و خردم بنام خدا

عَلَيَّ أَهْلِي وَمَالِي بِسْمِ اللَّهِ عَلَيَّ مَا أَعْطَانِي رَبِّي بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ

بر خاندان و داراییم بنام خدا بر آنچه پروردگارم به من داده بنام خدایی که زیان نرساند با بودن

جَلِّ ثَنَاؤُكَ وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَمِنْ شَرِّ كُلِّ

سُلْطَانٌ شَدِيدٌ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَمِنْ شَرِّ

قَضَاءُ السُّوءِ وَمِنْ كُلِّ دَابَّةٍ أَتَتْ أَخَذُ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَ

أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيزٌ إِنَّ وَلِيَّيَ اللَّهَ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى

الصَّالِحِينَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ

العَرْشُ الْعَظِيمُ × چہار دہم دعاء حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ: اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ اَنْ اُفْتَقِرَ

فِي غَنَّاكَ أَوْ أَضَلَّ فِي هُدَاكَ أَوْ أَذَلَّ فِي عَزِّكَ أَوْ أُضَامَ فِي سُلْطَانِكَ أَوْ

سلطنت تو یا

أُضْطَهَدَ وَالْأَمْرُ إِلَيْكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُكَ أَنْ أَقُولَ زُوراً أَوْ أَغْشَى فُجُوراً أَوْ

زشت یا

اَكُوْنَ بِكَ مَعْرُورًا × پانزدهم دعائی است از حضرت امام محمد باقر علیہ السلام از ابو حمزه

اینکه به تو (و گذشت) مغرور شوم * * * * *
 * * * * *

ثمالی روایت است که گفت از حضرت امام محمد باقر علیه السلام اجازه خواستم که به خدمتش مشرف شوم پس حضرت از خانه بیرون آمد و لبهای مبارکش می جنبید و فرمود دانستی تکلم مرا گفتم بلی فدایت شوم فرمود تکلم کردم به کلامی که تکلم نکرده به آن احادی هرگز مگر آنکه کفایت کرده حق تعالی آنچه مهم او است از امر دنیا و آخرت او گفتم فدایت شوم خبر ده مرا به آن فرمود بلی هر که این کلمات را در حال بیرون رفتن از خانه بخواند مهمات او میسر می شود :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ حَسْبِيَ اللَّهُ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ

بنام خدای بخشنده مهربان بس است مرا خدا توکل کردم بر خدا، خدایا از تو خواهم خوبی را

أُمُورِي كُلِّهَا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَ عَذَابِ الْآخِرَةِ × شانزدهم از ادعیه

در همه کارهایم و پناه برم به تو از رسوایی دنیا و عذاب آخرت * * * * *

الوسائل الى المسائل از محمد بن حارث نوفلی خادم حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقول است که وقتی تزویج کرد مأمون دختر خود را به حضرت امام محمد تقی علیه السلام نوشت حضرت برای او که از برای هر زنی صدیقی است از شوهرش و حق تعالی اموال ما را در آخرت ذخیره نهاده همچنانکه اموال شما را در دنیا به شما داده و من بکابین دختر تو دادم وسائل الى المسائل را و آن مناجاتی است که به من داده پدرم و به او رسیده از پدرش جناب موسی بن جعفر و به او رسیده از پدرش جعفر و به او رسیده از پدرش محمد و به او رسیده از پدرش علی بن الحسین و به او رسیده از پدرش حسین و به او رسیده از برادرش حسن و به او رسیده از پدرش امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب صلوات الله علیهم و به او رسیده از رسول خدا صلی الله علیه وآله که به آن حضرت داد جبرئیل علیه السلام و گفت یا محمد ربّ العزّه تو را سلام می رساند و می فرماید این مفاتیح گنجهای دنیا و آخرت است آن را وسیله خود ساز بسوی مطالب خود تا برسی به مرام خود و سرانجام گردد مطلب تو و ایثار مکن آن را در حاجتهای دنیا که کم می گرداند حظّ آخرت را و آن ده وسیله است که بواسطه آن درهای رَغَبَات گشوده می شود و طلب کرده می شود به سبب آنها حاجات و به انجام می رسد و این است نسخه آن مناجات استخاره :

اللَّهُمَّ إِنَّ خَيْرَ تَكٍّ فِيمَا اسْتَحَرْتُكَ فِيهِ تُنِيلُ الرَّغَائِبَ وَ تُجْزِلُ الْمَوَاهِبَ وَ تُعْظِمُ

خدایا آن خیري که تو برایم پسندی در این طلب خیري که از تو کردم خواسته های مرا به من می رساند وموهبتها را

برجسته و

الْمَطَالِبَ وَتُطِيبُ الْمَكَاسِبَ وَتَهْدِي إِلَى أَجْمَلِ الْمَذَاهِبِ وَتَسُوقُ إِلَى أَحْمَدِ

خواسته‌ها را پرهره سازد و کسبها را پاکیزه کند و به بهترین روشها راهنمایی کند و بسوی پسندیده‌ترین عاقبتها سوق دهد

الْعَوَاقِبِ وَتَقِي مَخُوفَ التَّوَائِبِ اَللّهُمَّ اِنِّي اَسْتَخِيرُكَ فِيمَا عَزَمَ رَأْيِي عَلَيْهِ وَ

و از پیش آمده‌های ترسناک نگاه دارد خدایا خیرجویی کنم از تو در این کاری که تصمیمم بر آن قرار گرفته

قَادَنِي عَقْلِي إِلَيْهِ وَ سَهَّلَ اللَّهُمَّ فِيهِ مَا تَوَعَّرَ وَ يَسَّرَ مِنْهُ مَا تَعَسَّرَ وَ أَكْفَنِي فِيهِ

و عقلم مرا بدان کشانده خدایا آسان گردان در این کار آنچه را مشکل شده و هموار کن آنچه را دشوار گشته و مهم مرا

الْمُهِمَّ وَادْفَعْ بِهِ عَنِّي كُلَّ مُلِمٍّ وَاجْعَلْ يَا رَبِّ عَوَاقِبَهُ غَنَمًا وَ مَخُوفَهُ سِلْمًا وَ

در آن کفایت فرما و دور ساز از من هر سختی را و بگردان عواقب آنرا ای پروردگار من بهره‌ور و بیمناک آنرا سلامتی و دورش

بُعْدَهُ قُرْبًا وَ جَدَبَهُ خِصْبًا وَ أَرْسِلِ اللَّهُمَّ اجَابَتِي وَ اُنْجِجْ طَلِبَتِي وَ اقْضِ حَاجَتِي

را نزدیک و تنگی آنرا فراوانی و اجابت دعایم را خدایا برسان و کامروایم کن در خواهمش و برآور حاجتم را

وَ اقْطَعْ عَنِّي عَوَاقِبَهَا وَ امْنَعْ عَنِّي بَوَائِقَهَا وَ اعْظِنِي اللَّهُمَّ لَوَاءِ الظَّفَرِ

و موانعش را از من دور گردان و بدیهایش را از من بازدار و بده خدایا بدستم پرچم پیروزی

وَالْخَيْرَةَ فِيمَا اسْتَخَرْتُكَ وَ وَفُورَ الْمَعْنَمِ فِيمَا دَعَوْتُكَ وَ عَوَائِدَ الْإِفْضَالِ فِيمَا

و خیر خود را در آنچه خیرش را از تو خواستم و بهره شایانی را در آنچه تو را در آن خواندم و عایدات فزون در آنچه

رَجَوْتُكَ وَ اقْرَأْهُ اللَّهُمَّ بِالتَّجَاحِ وَ خُصَّةً بِالصَّلَاحِ وَ أَرِنِي أَسْبَابَ الْخَيْرَةِ فِيهِ

امید به تو داشتم و مقرونش کن خدایا به رستگاری و مخصوصش کن به شایستگی و بنمایان به من اسباب خوبی را در

وَاضِحَةً وَ أَعْلَامَ غَنَمِهَا لِأَيْحَةَ وَ اشْدُدْ خِنَاقَ تَعْسِيرِهَا وَ انْعَشْ صَرِيعَ

آن بطور وضوح و نشانه‌های بهره‌مندی را آشکارا و برطرف کن دشواریش را و پیش‌آور

تَيْسِيرِهَا وَ بَيِّنِ اللَّهُمَّ مُلْتَبَسَهَا وَ أَطْلِقْ مُحْتَبَسَهَا وَ مَكِّنْ أَسْهَأَ حَتَّى تَكُونَ

آسانیش را و روشن کن خدایا ابهامش را و رها کن قید و بندش را و محکم کن اساسش را تا خیری گردد که

خَيْرَةً مُقْبِلَةً بِالْغَنَمِ مُزِيلَةً لِلْغُرْمِ عَاجِلَةً لِلنَّفْعِ بَاقِيَةً الصَّنْعِ إِنَّكَ مَلِي بِالْمَزِيدِ

به بهره‌مندی روی آورد و بدهی مرا برطرف کند و سودش زودرس و پایدار گردد که تو براسستی فزون بخشیت سرشار

مُبْتَدِءٌ بِالْجُودِ × مَنَاجَاتِ اسْتِقَالَهِ: اَللّهُمَّ اِنَّ الرَّجَاءَ لِسَعَةِ رَحْمَتِكَ اَنْطَقَنِي

و آغازکننده به احسانی × × × × × × × × خدايا همانا اميد به فراخي رحمت مرا به عذرخواهي
بِاسْتِغْفَالِكَ وَالْأَمَلَ لِنَانَتِكَ وَ رَفِقَكَ شَجَعَنِي عَلَي طَلَبِ أَمَانِكَ وَ عَفْوِكَ وَلِي
گويا کرده و آرزوي مهلت دادن و مدارا کردن مرا بر خواستن امان و عفو و دلير ساخته و من گناهاني دارم
يَا رَبِّ ذُنُوبٌ قَدْ وَاجَهْتُهَا أَوْجُهُ الْإِنْتِقَامِ وَ خَطَايَا قَدْ لَحِظْتُهَا أَعْيُنُ
پروردگارا که روبرو گشته با آنها و جوهي از انتقام و خطاهاي دارم که چشماي ريشه کننده آنها
الْأَصْطِلَامِ وَاسْتَوْجِبْتُ بِهَا عَلَي عَذَابِكَ أَلِيمِ الْعَذَابِ وَاسْتَحَقَقْتُ بِاجْتِرَاحِهَا
را زير نظر گرفته و سزاوار گشته ام بدانها بر طبق عدل تو عذاب دردناكي را و مستحق گشته ام به ارتكاب آنها
مُبِيرِ الْعِقَابِ وَ خِفْتُ تَعْوِيقَهَا لِإِجَابَتِي وَ رَدَّهَا إِيَّايَ عَنْ قَضَاءِ حَاجَتِي
كيفر نابودکننده اي را و ترس آن دارم که اجابت دعايم را به تأخير انداخته و جلوگيري کنند از برآورده شدن حاجتم
بِإِبْطَالِهَا لِطَلَبَتِي وَ قَطَعَهَا لِأَسْبَابِ رَغْبَتِي مِنْ أَجْلِ مَا قَدْ أَقْضَى ظَهْرِي مِنْ
به خاطر از بين بردنشان خواسته ام را و قطع کردنشان اسباب شوق و اميدم را از آن جهت که پشتم از
ثَقْلِهَا وَ يَهْظُنِي مِنَ الْإِسْتِقْلَالِ بِحَمْلِهَا ثُمَّ تَرَاجَعْتُ رَبِّ إِلَى حِلْمِكَ عَنْ
سنگيني آنها شکسته و به مشقت انداخته مرا بدوش کشيدنش ولي چون برگشتم پروردگارا و نظر کردم به بردباريت از
الْمَخَاطِئِ وَ عَفْوِكَ عَنِ الْمُذْنِبِينَ وَ رَحْمَتِكَ لِلْعَاصِينَ فَاقْبَلْتُ بِتَقَى مُتَوَكِّلًا
خطاکاران و گذشتت از گنهکاران و مهرت نسبت به نافرمانان پس رو آوردم به همان اطمینانی که داشتم و بر تو توکل
کردم
عَلَيْكَ طَارِحًا نَفْسِي بَيْنَ يَدَيْكَ شَاكِيًا بَنِي إِلَيْكَ سَائِلًا مَا لَا أَسْتَوْجِبُهُ مِنْ
و خود را در پيش رويت انداختم و درد دلم را به تو اظهار کردم و خواستارم آنچه را سزاوارش نيستم از
تَفْرِيجِ الْهَمِّ وَلَا أَسْتَحِقُّهُ مِنْ تَنْفِيسِ الْعَمِّ مُسْتَقِيلًا لَكَ إِيَّايَ وَاتِقًا مَوْلَايَ بِكَ
گشايش اندوه و آنچه سزاوار نيستم از برطرف کردن غم و گذشت تو را خواهانم در حالی که اي مولاي من به تو
اطمينان دارم
اللَّهُمَّ فَاثْمُنْ عَلَيَّ بِالْفَرَجِ وَ تَطَوَّلْ عَلَيَّ بِسُهُولَةِ الْمَخْرَجِ وَادُلَّنِي بِرَأْفَتِكَ
خدايا پس منت بنه بر من به گشايش و احسان کن بر من که به آساني بيرون آيم و راهنماييم کن به مهر خودت
عَلَي سَمْتِ الْمُنْهَجِ وَ أَرْزُقْنِي بِقُدْرَتِكَ عَنِ الطَّرِيقِ الْأَعْوَجِ وَ خَلِّصْنِي مِنْ
بسوي راه راست و بگردانم به نيروي خود از راه کج و خلاصم کن از

سِجْنِ الْكَرْبِ بِاقَالَتِكَ وَأَطْلُقْ أَسْرِي بِرَحْمَتِكَ وَ طُلْ عَلَيَّ بِرِضْوَانِكَ وَجُدْ

زندانی گرفتاری به گذشت خود و از اسارت رهایم کن به رحمت خود و سایه خوشنودیت را بر سرم بگستران
 عَلَيَّ بِإِحْسَانِكَ وَأَقْلُنِي عَثْرَتِي وَفَرِّجْ كُرْبَتِي وَارْحَمْ عَثْرَتِي وَلَا تَحْجُبْ
 و باران احسانت را بر من بیار و لغزشم را نادیده گیر و اندوهم را بگشا و رحم کن به اشک ریزانم و در پرده قرار مده
 دَعْوَتِي وَاشْدُدْ بِالْأَقَالَةِ أَزْرِي وَقَوِّبْهَا ظَهْرِي وَأَصْلِحْ بِهَا أَمْرِي وَأَطِلْ بِهَا
 دعایم را و با چشم پوشیت کمر مرا محکم ببند و نیرومند گردان بدان پشتم را و کارم را بدان اصلاح کن
 عُمْرِي وَارْحَمْنِي يَوْمَ حَشْرِي وَوَقْتَ نَشْرِي إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ غَفُورٌ رَحِيمٌ
 و عمرم را طولانی گردان و در روز رستاخیز و هنگامی که سر از گور بیرون آورم به من رحم کن که تویی با جود و
 بزرگواری و آمرزنده و مهربان

* مناجات سفر: اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اُرِيْدُ سَفْرًا فَخْرِلِيْ فِيْهِ وَاَوْضِحْ لِيْ فِيْهِ سَبِيْلَ

الرَّأْيِ وَفَهْمْنِيْهِ وَاَفْتَحْ لِيْ عَزْمِيْ بِالْاِسْتِقَامَةِ وَاَشْمَلْنِيْ فِيْ سَفَرِيْ بِالسَّلَامَةِ * * * * *

بینایی را بنما و به من بفهمان و آغاز کن تصمیم مرا به استقامت و در برگیر مرا در این سفر به تندرستی
 وَاَفِدْنِيْ جَزِيْلَ الْحِظِّ وَالْكَرَامَةِ وَاَكْلَانِيْ بِحُسْنِ الْحِفْظِ وَالْحِرَاسَةِ وَجَنِّبْنِيْ
 و فایده ده بهره شایان و کرامت و به خوبی محافظت و پاسداری مرا به عهده گیر و دور گردان از من
 اَللّٰهُمَّ وَغَنَاءَ اَلْاَسْفَارِ وَسَهْلَ لِيْ حُزُوْنَةَ الْاَوْعَارِ وَاَطْوِلْ بِسَاطِ الْمَرَاحِلِ
 خدایا دشواریهای مسافرت را و آسان کن برایم ناهمواری بیابانها را و در هم پیچ برایم منزلهای دور و دراز را
 وَقَرِّبْ مِنِّيْ بُعْدَ نَائِي الْمَنَاهِلِ وَبَاعِدْ فِي الْمَسِيْرِ بَيْنَ خُطْيِ الرَّوَاحِلِ حَتّٰى
 و نزدیک کن برایم آبشخورهای دور را و بلند گردان در راه گامهای همگی مرکبهای بارکش را تا
 تُقَرِّبَ نِيَاطَ الْبُعْدِ وَتُسَهِّلَ وَغُورَ الشَّدِيدِ وَلَقِّنِي اَللّٰهُمَّ فِي سَفَرِي نُجْحَ
 نزدیک کن دوری راههای دور را و آسان گردانی ناهمواریهای سخت را و بیفکن بر من خدایا در این سفر سایه کامیابی
 طَائِرِ الْوَاقِيَةِ وَهَبْنِي فِيْهِ غُنْمَ الْعَافِيَةِ وَخَفِيْرَ الْاِسْتِقْلَالِ وَدَلِيْلَ مُجَاوَزَةِ
 همای فرخنده نگهدارنده را و ببخش به من در این سفر بهره تندرستی و نگهبان استقلال و راهنمای گذشتن
 الْاَهْوَالِ وَبَاعِثَ وُقُورِ الْكِفَايَةِ وَسَانِحَ خَفِيْرِ الْوِلَايَةِ وَاَجْعَلْهُ اَللّٰهُمَّ سَبَبَ
 هراسها و آنچه باعث کفایت شایان و برخورد نگهبان ولایت است و بگردان این سفر را خدایا وسیله

عَظِيمَ السَّلَامِ حَاصِلَ الْغَنَمِ وَاجْعَلِ اللَّيْلَ عَلَيَّ سِتْرًا مِنَ الْأَفَاتِ وَالنَّهَارَ مَانِعًا
سلامتی بزرگ و بهره‌ای بدست آمده، و قرار ده خدایا شب را برایم پرده‌ای از آفات و روز را جلوگیری
مِنَ الْهَلَكَاتِ وَأَقْطَعْ عَنِّي قِطْعَ لُصُوصِهِ بِقُدْرَتِكَ وَأَحْرُسْنِي مِنْ وَحْشِهِ
از نابودیها و دور ساز از من دسته‌های راهزن را به نیروی خودت و محافظتم کن از حیوانات وحشی
بِقُوَّتِكَ حَتَّى تَكُونَ السَّلَامَةُ فِيهِ مُصَاحِبَتِي وَالْعَافِيَةُ فِيهِ مُقَارِفَتِي وَالْيَمْنُ
به تواناییت تا بدانجا که سلامتی در این سفر همراهم باشد و تندرستی ملازمم گردد و نیکبختی
سَاقِي وَالْيُسْرُ مُعَاتِقِي وَالْعُسْرُ مُفَارِقِي وَالْفَوْزُ مُوَافِقِي وَالْأَمْنُ مُرَافِقِي
پیش‌رویم و آسانی کارها دست به گردنم باشد و سختی از من دور و کارم بر وفق کامیابی باشد و امنیت
إِنَّكَ ذُو الطَّوْلِ وَالْمَنِّ وَالْقُوَّةِ وَالْحَوْلِ وَأَنْتَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَبِعِبَادِكَ
رفیقم باشد که تو دارای احسان و منت بخشی و نیرو و قدرتی و تو بر هر چیز توانایی و به بندگان
بَصِيرٌ خَبِيرٌ × مناجات طلب رزق: اَللّٰهُمَّ ارْسِلْ عَلَيَّ سَجَالَ رِزْقِكَ مِدْرَارًا
بینا و آگاهی × × × × × خدایا بفرست بر من دلوهای روزیت را ریزان
وَأَمْطِرْ عَلَيَّ سَحَابَ إِفْضَالِكَ غِزَارًا وَأَدِمْ غَيْثَ تَيْلِّكَ إِلَيَّ سِجَالًا وَأَسْبِلْ
و بار بار بر من ابرهای فزون بخشیت را فراوان و پیوست کن باران عطایت را بر من پیاپی و ریزان کن
مَزِيدَ نِعْمِكَ عَلَيَّ حُلَّتِي إِسْبَالًا وَأَفْقِرْنِي بِجُودِكَ إِلَيْكَ وَأَغْنِنِي عَمَّنْ يُطْلَبُ
فزونی نعمتت را بر نیاز و حاجتم بطور کامل و نیازمندم کن به بخشندگی خودت و بی‌نیازم کن از کسی که خودش
مَالِدِيكَ وَدَاوِدَاءَ فَقْرِي بِدَوَاءِ فَضْلِكَ وَائْعِشْ صِرْعَةَ عَيْلَتِي بِطَوْلِكَ وَ
جویای احسان تو است و مداوا کن درد بی‌نوائیم را به درمان فضل خود و بردار از زمین پیکر نداریم را به کرم خود و
تَصَدَّقْ عَلَيَّ إِقْلَالِي بِكَثْرَةِ عَطَائِكَ وَ عَلَيَّ اخْتِلَالِي بِكَرِيمِ حَبَائِكَ وَ سَهِّلْ
تصدّق کن بر تنگدستیم به زیادی عطای خود و بر نیازمندیم به جایزه گرامیت و آسان گردان
رَبِّ سَبِيلِ الرِّزْقِ إِلَيَّ وَ ثَبِّتْ قَوَاعِدَهُ لَدَيَّ وَ بَجِّسْ لِي عِيُونَ سَعَتِهِ بِرَحْمَتِكَ
پروردگارا راه روزی را بر من و پابرجا کن پایه‌هایش را برای من و بشکاف برایم چشمه‌های فراخیش را به رحمت
وَ فَجِّرْ أَنْهَارَ رَغْدِ الْعَيْشِ قِبَلِي بِرَأْفَتِكَ وَاجْدِبْ أَرْضَ فَقْرِي وَأَخْصِبْ
و روان کن نهرهای شادکامی زندگی را در پیش رویم به مهرت و بخشکان سرزمین فقر و نداریم را و پرخیز و سرسبز
کن

جَذَبَ ضُرِّي وَأَصْرَفَ عَنِّي فِي الرِّزْقِ الْعَوَاقِقَ وَأَفْطَعُ عَنِّي مِنَ الضَّيِّقِ
سرزمین خشک بدحالیم را و دور گردان از روزی من موانع جلوگیری آنرا و بندهای تنگی و فشار را از روزیم
الْعَلَّاقِ وَأَرْمِي مِنْ سَعَةِ الرِّزْقِ اللَّهُمَّ بِأَخْصَبِ سِهَامِهِ وَاخْنُبْنِي مِنْ رَغَدِ
بگسل و پرتاب کن خدایا از فراخی روزی بسویم پر خیرترین تیرهایش را و ببخش به من از کامیابی زندگی
الْعَيْشِ بِكَثْرٍ دَوَامِهِ وَأَكْسِنِي اللَّهُمَّ سَرَابِيلَ السَّعَةِ وَجَلَابِيبَ الدَّعَةِ فَإِنِّي يَا
پردوامترین نصیبهایش را و بپوشان بر من خدایا از روزی پیراهنهای فراخ را و روپوشهای آسوده زیستی را که
براستی من

رَبِّ مُتَنَتِّظٍ لِلْأَنْعَامِ بِحَذْفِ الْمَضِيقِ وَلِتَطُولُكَ بِقَطْعِ التَّغْوِيقِ وَلِتَفْضُلِكَ
ای پروردگار عزیز چشم براهم انعام تو را بوسیله رفع تنگدستی و بخششت را به پایان یافتن تأخیر و عقب افتادن و
فزون بخشیت را

بِإِزَالَةِ التَّقْتِيرِ وَلِوُصُولِ حَبْلِي بِكَرَمِكَ بِالتَّيْسِيرِ وَأَمْطِرِ اللَّهُمَّ عَلَيَّ سَمَاءَ
به از بین بردن ناداری و منتظرم پیوست شدن رشتهام را به کرمیت به گشایش و آسانی و بیار خدایا بر من آسمان
رِزْقِكَ بِسَجَالِ الدَّيْمِ وَأَغْنِنِي عَنْ خَلْقِكَ بِعَوَائِدِ النِّعَمِ وَأَرْمِ مَقَاتِلَ

روزیت را به بارانهای دنباله دار و بی نیازم کن از مخلوق خود به نعمتهای پرفایده و هدف تیر قرارداده گلوگاه
الْإِقْتَارِ مِنِّي وَأَحْمِلْ كَشْفَ الضَّرِّ عَنِّي عَلَيَّ مَطَايَا الْأَعْجَالِ وَأَضْرِبْ عَنِّي

نداریم را و باز کن بارهای رفع گرفتاری و سختی مرا بر مرکبهای تندروی و بزنی کردن
الضَّيِّقِ بِسَيْفِ الْأِسْتِیْصَالِ وَأُثْخِنِي رَبِّ مِنْكَ بِسَعَةِ الْأَفْضَالِ وَأَمْدُدْنِي

تنگدستی مرا به شمشیر نابودی و تحفهام ده پروردگارا از جانب خود به فراخی بخشش و کمکم ده
بُنْمُو الْأَمْوَالِ وَأَحْرُسْنِي مِنْ ضَيْقِ الْأَقْلَالِ وَأَقْبِضْ عَنِّي سُوءَ الْجَدْبِ

به رویندگی اموال و محافظتم کن از تنگی ناداری و بگیر از من بدی قحطی و خشکسالی را

وَابْسُطْ لِي بِسَاطَ الْخِصْبِ وَاسْقِنِي مِنْ مَاءِ رِزْقِكَ غَدَقًا وَانْهَجْ لِي مِنْ

و بگستران برایم بساط پر خیری و برکت را و بنوشان بر من از آب گوارای روزیت به گوارایی و آشکار کن برایم از

عَمِيمِ بِذَلِكَ طُرُقًا وَفَاجِنِي بِالثَّرْوَةِ وَالْمَالِ وَالْعَشْنِي بِهِ مِنْ صَرَعَةِ الْأَقْلَالِ

بخشش همگانیت راههایی را و ناگهانی مرا به ثروت و دارایی رسان و بلندم کن بوسیله آن از زمین ناداری

وَصَبِّحْنِي بِالْأَسْنِظْهَارِ وَمَسِّنِي بِالْتَّمَكْنِ مِنَ الْيَسَارِ إِنَّكَ ذُو الطَّوْلِ الْعَظِيمِ

و بامدادانم را به پشتیبانی کردند و شامگاهانم را با تمکن از آسایش و فراخی قرار ده که براستی تو دارای احسانی
بزرگ

وَالْفَضْلُ الْعَمِيمُ وَالْمَنْ الْجَسِيمُ وَأَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ × مناجات استعاذه :

و فضلی همگانی و متنی کلان هستی و تویی بخشنده بزرگوار * * * * *

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ مُلَمَّاتِ نَوَازِلِ الْبَلَاءِ وَأَهْوَالِ عَظَائِمِ الضَّرَّاءِ فَأَعِزَّنِي

خدایا به تو پناه می‌برم از رسیدن بلاهای نازله و هراس سختیهای بزرگ پس پناهم ده

رَبِّ مِنْ صَرَعَةِ الْبُاسَاءِ وَ احْجُبْنِي مِنْ سَطَوَاتِ الْبَلَاءِ وَ نَجِّنِي مِنْ مُفَاجَاةِ

پروردگارا از افتادگی تنگدستی و در پرده‌ام گیر از حملات بلاء و نجاتم ده از عذابهای ناگهانی

النَّعَمِ وَاجْرِنِي مِنْ زَوَالِ النِّعَمِ وَمِنْ زَلَلِ الْقَدَمِ وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ فِي حَيَاةٍ

و پناهم ده از زوال نعمتها و از لغزش گامها و قرارم ده خدایا در محوطه

عِزِّكَ وَ حِفَاطِ حِرْزِكَ مِنْ مُبَاغَتَةِ الدَّوَابِرِ وَ مُعَاجَلَةِ الْبَوَادِرِ اللَّهُمَّ رَبِّ وَ

عزت و در حفاظ پناه‌گیریت از گردشهای بد و ناگهانی روزگار و به شتاب آمدن پیش‌آمدهای ناگوار خدایا پروردگارا

أَرْضَ الْبَلَاءِ فَأَخْشِفْهَا وَعَرِّصَةَ الْمِحَنِ فَارْجِفْهَا وَ شَمْسَ النَّوَابِ فَاكْشِفْهَا

زمین بلا را فرو بر و میدانهای محنت و اندوه را برهم ریز و خورشید حوادث ناگوار را تاریک کن

وَ جِبَالَ السُّوءِ فَأَنْسِفْهَا وَ كُرْبَ الدَّهْرِ فَاكْشِفْهَا وَ عَوَاتِقَ الْأُمُورِ فَاصْرِفْهَا وَ

و کوههای بدی را متلاشی کن و گرفتاریهای روزگار را برطرف کن و موانع کارها را از من بگردان و

أَوْرِدْنِي حِيَاضَ السَّلَامَةِ وَاحْمِلْنِي عَلَى مَطَايَا الْكِرَامَةِ وَاصْحَبْنِي بِإِقْلَالَةٍ

در کنار حوضهای پر آب تندرستی واردم کن و بر مرکبهای بزرگواری و کرامت خود سوارم کن و همراهم باش به

چشم‌پوشی

الْعُتْرَةِ وَاشْمَلْنِي بِسِتْرِ الْعَوْرَةِ وَ جُدْ عَلَيَّ يَا رَبِّ بِالْإِنِّكَ وَ كَشْفِ بِلَاتِكَ وَ

از لغزش و در برم گیر به پوشاندن عیوبم و بخشنندگی کن بر من پروردگارا به نعمتهایت و برطرف کردن بلایت و

دَفْعِ ضَرَّائِكَ وَادْفَعْ عَنِّي كَلَالَ عَذَابِكَ وَاصْرِفْ عَنِّي أَلِيمَ عِقَابِكَ وَأَعِزَّنِي

دور کردن سختیهایت و دفع کن از من توده‌های (تار) عذابت را و بگردان از من کیفر دردناکت را و در پناهم گیر

مِنْ بَوَائِقِ الدُّهُورِ وَأَقْذِنِي مِنْ سُوءِ عَوَاقِبِ الْأُمُورِ وَاحْرُسْنِي مِنْ جَمِيعِ

از پیش‌آمدهای بد روزگار و نجاتم ده از بد سرانجامی کارها و محافظتم کن از همه

الْمَحْذُورِ وَاصْدَعْ صَفَاةَ الْبَلَاءِ عَنْ أَمْرِي وَاشْلُلْ يَدَهُ عَنِّي مَدِي عُمْرِي إِنَّكَ
محذورات و بشکن سنگ سخت بلاء را از کارم و شل گردان دستش را از من تا آخر عمرم که براسستی
الرَّبُّ الْمَجِيدُ الْمُبْدِيُّ الْمُعِيدُ الْفَعَّالُ لِمَا تُرِيدُ × مناجات طلب توبه: اَللّهُمَّ اِنِّي
تو پروردگاري هستی بزرگوار و آگاهنده و برگرداننده و به خوبی انجام دهی هر چه را خواهی × × × × × خدايا
من

قَصَدْتُ إِلَيْكَ بِاخْلَاصٍ تَوْبَةً نُّصُوحٍ وَ تَثْبِيتٍ عَقْدٍ صَحِيحٍ وَ دُعَاءٍ قَلْبٍ قَرِيبٍ
آهنگ تو را کردم با اخلاص توبه حقيقي و پايداري در پيمان درست و دعاي با دل مجروح
وَ اِعْلَانٍ قَوْلٍ صَرِيحٍ اَللّهُمَّ فَتَقَبَّلْ مِنِّي مُخْلِصَ التَّوْبَةِ وَ اِقْبَالَ سَرِيعِ الْاَوْبَةِ وَ
و آشکار کردن گفتار صريح خدايا بپذير از من توبه مخلصانه ام و روي آوردن شتابان بازگشتم و
مَصَارِعَ تَخَشُّعِ الْحَوِيَّةِ وَ قَابِلَ رَبِّ تَوْبَتِي بِجَزِيلِ الثَّوَابِ وَ كَرِيمِ الْمَأْبِ وَ
به خاک افتادن فروتنی گناه و برابر کن پروردگارا توبه ام را با پاداشي شايان و بازگشتی بزرگوارانه و
حَطَّ الْعِقَابِ وَ صَرَفَ الْعَذَابِ وَ غُثِّمِ الْاَيَّامِ وَ سِتْرِ الْحِجَابِ وَ اَمَحُ اَللّهُمَّ مَا
ريزش كيفر و گرداندن عذاب و مهرمندی در بازگشت و پرده پوشي و محو كن خدايا آنچه
ثَبَّتَ مِنْ ذُنُوبِي وَ اغْسِلْ بِقَبُولِهَا جَمِيعَ عُيُوبِي وَ اجْعَلْهَا جَالِيَةً لِقَلْبِي شَاخِصَةً
ثبت شده است از گناهانم و شستشو ده با پذيرش توبه ام همه عيبيهم را و قرار ده آنها را جلا دهنده دلم و خيره كننده
لِبَصِيرَةٍ لِّي غَاسِلَةً لِدَرَنِي مُطَهَّرَةً لِّلْجَاسَةِ بَدَنِي مُصَحَّحَةً فِيهَا ضَمِيرِي
بينش عقل و خردم و شوينده چركي ام و پاك كننده نجاست تنم و درست كننده نهادم
عَاجِلَةً اِلَى الْوَفَاءِ بِهَا بِصِيرَتِي وَ اَقْبَلْ يَا رَبِّ تَوْبَتِي فَانْهَاجَ تَصَدُّرُ مِنْ
شتابان بسوي وفائي به آن بيناييم و بپذير پروردگارا توبه ام را كه براسستی اين توبه سرزند از
اِخْلَاصِ نِيَّتِي وَ مَحْضِ مِنْ تَصْحِيحِ بَصِيرَتِي وَ احْتِفَالٍ فِي طَوَيْتِي وَ اجْتِهَادٍ
روي اخلاص نيتم و خالص از روي درستی بيناييم و روشنی كامل در نهادم و از روي كوشش
فِي نَقَاءِ سَرِيرَتِي وَ تَثْبِيتِ لِنَابَتِي وَ مُسَارَعَةٍ اِلَى اَمْرِكَ بِطَاعَتِي وَ اجْلُ
در پاك كردن درونم و پابرجاي بازگشتم و شتابندگي بسوي دستورت به فرمانبرداريم و روشن كن
اَللّهُمَّ بِالتَّوْبَةِ عَنِّي ظُلْمَةَ الْاَصْرَارِ وَ اَمَحُ بِهَا مَا قَدَّمْتَهُ مِنْ الْاَوْزَارِ وَ اكْسُنِي

1284

1285

الْيَسِيرِ وَدَفْعِ الْعَسِيرِ وَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ عَلَيَّ تَثْمِيرِكَ قَلِيلِ الشُّكْرِ وَ
اندکت و دفع کردن بلای دشواری و تو را است ستایش پروردگارا برای به ثمر رساندن سپاسگزاری اندک را و
إِعْطَاؤِكَ وَافِرِ الْأَجْرِ وَحَطُّكَ مُثْقَلَ الْوِزْرِ وَقَبُولِكَ ضَيْقِ الْعُذْرِ وَوَضْعَكَ
عطا کردن به مزد بسیار و برداشتن بار سنگین گناه را و پذیرفتن عذر بیجا را و برداشتن
بَاهِضِ الْأَصْرِ وَتَسْهِيلِكَ مَوْضِعِ الْوَعْرِ وَمَنْعِكَ مُقْطِعِ الْأَمْرِ وَلَكَ الْحَمْدُ
بار گران تکلیف را و هموار کردن جای ناهموار را و جلوگیری از پیش آمد ناگوار و تو را است ستایش
عَلَيَّ الْبَلَاءِ الْمَصْرُوفِ وَوَافِرِ الْمَعْرُوفِ وَدَفْعِ الْمَخُوفِ وَإِذْلالِ الْعُسُوفِ
بر بلای بازگشته و خیر و خوبی بسیار و جلوگیری از پیش آمدهای ترسناک و رام کردن سختیهای سرکش
وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ قَلَّةِ التَّكْلِيفِ وَكَثْرَةِ التَّخْفِيفِ وَتَقْوِيَةِ الضَّعِيفِ وَإِغَاثَةِ
و تو را است ستایش بر کمی تکلیف و بسیاری تخفیف و تقویت کردن ناتوان و فریادری
اللَّهِيفِ وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ سَعَةِ إِمْهَالِكَ وَدَوَامِ إِفْضَالِكَ وَصَرْفِ إِمْحَالِكَ وَ
به شخص اندوهگین و تو را است ستایش بر مهلت دادن دامنه داری و ادامه نعمت بخشیت و برگرداندن کیفرخواهیت و
حَمِيدِ أَعْمَالِكَ وَتَوَالِي نَوَالِكَ وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ تَأْخِيرِ مُعَاجَلَةِ الْعِقَابِ وَ
کارهای پسندیده و پی در پی آمدن جایزه ها و تو را است ستایش بر تأخیر انداختن شتاب در عقاب و
تَرْكِ مُعَافَصَةِ الْعَذَابِ وَتَسْهِيلِ طَرِيقِ الْمَأْبِ وَإِزْلالِ غَيْثِ السَّحَابِ إِنَّكَ
صرف نظر کردن از تعجیل در عذاب و هموار کردن راه بازگشت و توبه و فروفرستادن باران از ابر رحمت که تو برستی
الْمَثَانُ الْوَهَّابُ × مناجات طلب حوائج: جَدِيرٌ مَنْ أَمَرَتْهُ بِالِدُّعَاءِ أَنْ يَدْعُوكَ وَ
منت دار بخشنده ای × × × × × شایسته است کسی را که دستور دعایش دادی که تو را بخواند و
مَنْ وَعَدْتَهُ بِالْإِجَابَةِ أَنْ يَرْجُوكَ وَلِيَ اللَّهُمَّ حَاجَةً قَدْ عَجَزْتُ عَنْهَا حِيلَتِي
کسی را که وعده اجابتش دادی که امیدوار به تو باشد و من خدایا حاجتی دارم که درمانده شده از آن چاره ام
وَكَلَّتْ فِيهَا طَاقَتِي وَضَعُفَ عَنْ مَرَامِهَا قُوَّتِي وَسَوَّلْتُ لِي نَفْسِي الْأُمَّارَةَ
و طاق شده در آن طاقتم و سست شده از جستجوییش نیرویم و آراسته برایم نفس وادارکننده
بِالسُّوءِ وَعَدُوِّي الْغُرُورُ الَّذِي أَنَا مِنْهُ مَبْلُوءٌ أَنْ أَرْغَبَ إِلَيْكَ [كذا في المنهج و
به بدی و دشمن فریبنده ای که من به بلایش دچارم از اینکه در آن حاجت به تو روآرم * * * * *

لَعَلَّ إِلَيْكَ بِمَعْنَى عَنكَ لِيَسْتَقِيمَ الْمَعْنَى وَ فِي الْبَلَدِ الْأَمِينِ هَكَذَا أَنْ أَرْغَبَ إِلَى

* * * * *
* * * * *

ضَعِيفٍ مِثْلِي وَمَنْ هُوَ فِي التَّحَوُّلِ شَكْلِي الْخ «منه» [اللَّهُمَّ وَأَلْجِئُهَا بِأَيْمَنِ

* * * * * خدايا اين حاجت مرا روا

کن به میمون ترین روا کردن و راهنمایی کن

الْتَّجَاحِ وَأَهْدِهَا سَبِيلَ الْفَلَاحِ وَأَشْرَحْ بِالرَّجَاءِ لِسَعَاكَ صَدْرِي وَيَسِّرْ فِي

به راه رستگاری و باز کن بوسیله امید به دستگیری سینه ام را و آسان کن در میان اسباب خیر

أَسْبَابِ الْخَيْرِ أَمْرِي وَصَوِّرْ إِلَيَّ الْفَوْزَ بِلُغْ مَا رَجَوْتُهُ بِالْوُصُولِ إِلَى مَا

کارم را و نقش بند برای من کامیابی را به رسیدن بدانچه امید دارم، به دریافت آنچه را آرزو دارم و موقعم دار

أَمَلْتُهُ وَوَقَّعْنِي اللَّهُمَّ فِي قَضَاءِ حَاجَتِي بِلُغْ أُمْنِيَّتِي وَتَصَدِّقِ رَغْبَتِي

خدايا در برآوردن حاجتم به رسیدن به خواسته ام و درست درآمدن آنچه را مشتاقم و پناهم ده خدايا

وَأَعِزَّنِي اللَّهُمَّ بِكَرَمِكَ مِنَ الْخَبِيَةِ وَالْقُتُوطِ وَالْأَنَانَةِ وَالشَّيْطَانِ اللَّهُمَّ إِنَّكَ مَلِيٌّ

به کرم خود از نومیدی و یأس (در کارها) و تأخیر انداختن و تأمل کردن خدايا عطایاي شایان تو سرشار است

بِالْمَنَائِحِ الْجَزِيلَةِ وَفِيَّ بِهَا وَأَنْتَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بِعِبَادِكَ خَيْرٌ بَصِيرٌ

و آنها را (به بندگانت) پرداخت کنی و تو بر هر چیز توانایی و نسبت به بندگانت آگاه و بینایی * * *

* هَفْدَهُمْ حِجَابَ حَضْرَتِ إِمَامِ جَعْفَرٍ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا مَنْ إِذَا اسْتَعَذْتُ بِهِ أَعَادَنِي وَإِذَا

* * * * * اي که هرگاه به او پناهنده شوم پناهم دهد و چون

اسْتَجَرْتُ بِهِ عِنْدَ الشَّدَائِدِ أَجَارَنِي وَإِذَا اسْتَعْتْتُ بِهِ عِنْدَ التَّوَائِبِ أَغَاثَنِي وَ

به جوارش درآیم در سختیها مرا بپذیرد و چون از او در هنگام پیش آمدهای ناگوار فریادرسی خواهم به فریادم رسد و

إِذَا اسْتَنْصَرْتُ بِهِ عَلَيَّ عَدُوِّي نَصَرَنِي وَأَعَانَنِي إِلَيْكَ الْمَفْزَعُ وَأَنْتَ الثَّقَةُ

چون او را برای پیروزی دشمنم بیاری طلبم یاریم دهد و کمکم دهد ناله و زاری بدرگاه تو است تویی مورد اعتماد

فَأَقْمَعْ عَنِّي مَنْ أَرَادَنِي وَاعْلَبْ لِي مَنْ كَادَنِي يَا مَنْ قَالَ إِنْ يُنْصِرْكُمُ اللَّهُ فَلَا

پس بازگردان از من آنکس که قصدم کرده و مغلوب کن در برابرم کسی که نقشه برایم کشیده ای که گفتم «اگر خدا

یاریتان

غَالِبَ لَكُمْ يَا مَنْ نَجَّا نَوْحًا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ يَا مَنْ نَجَّا لُوطًا مِنَ الْقَوْمِ

کند کسی بر شما چیره نشود» ای که نجات دادی نوح را از دست مردم ستمکار ای که نجات دادی لوط را از دست مردم
 الْفَاسِقِينَ يَا مَنْ نَجَّا هُودًا مِنَ الْقَوْمِ الْعَادِينَ يَا مَنْ نَجَّا مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ
 تَهْكَارِ ای که نجات دادی هود را از شر مردم تجاوزکار ای که نجات دادی محمد صلی الله
 عَلَيْهِ وَ آلِهِ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ نَجِّتَنِي مِنْ أَعْدَائِي وَأَعْدَائِكَ بِأَسْمَائِكَ يَا
 عَلَيْهِ و آله را از شر مردمان کافر نجات ده مرا از شر دشمنان خودم و دشمنان تو به حق نامهایت ای
 رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ لَا سَبِيلَ لَهُمْ عَلَيَّ مَنْ تَعَوَّذَ بِالْقُرْآنِ وَاسْتَجَارَكَ بِالرَّحِيمِ
 بخشاینده ای مهربان راهی ندارند آنها بر کسی که پناهنده شود به قرآن و تو را پناهگاه خود گیرد بنام مهربان
 الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ إِنَّهُ هُوَ يُبْدِي وَ
 و بخشاینده، خدای رحمان بر عرش استوار شد و همانا حمله پروردگارت سخت است و او است که (به خلقت) آغاز کند
 و

يُعِيدُ وَهُوَ الْغَفُورُ الْودُودُ ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ فَعَالٌ لِمَا يُرِيدُ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ
 بازگرداند و او است آمرزنده مهرورز و دارای عرش باشوکت و انجام دهنده هرچه را خواهد و اگر رو گردانند بگو بس
 است مرا

حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ × هیجدهم حجاب
 خدا که معبودی جز او نیست بر او توکل کنم و او است پروردگار عرش بزرگ * * * * *
 حضرت امام موسی کاظم علیه السلام: تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَتَحَصَّنْتُ بِذِي
 * * * * * توکل کردم بر زنده‌ای که هرگز نمیرد و متحصن شدم به صاحب

الْعِزَّةِ وَالْجَبَرُوتِ وَاسْتَعْنْتُ بِذِي الْكِبْرِيَاءِ وَالْمَلَكُوتِ مَوْلَايَ اسْتَسَلَمْتُ
 عزت و بزرگی و کمک جستم بوسیله دارنده مقام بزرگی و فرمانروایی ای مولا و سرورم من
 إِلَيْكَ فَلَا تُسَلِّمْنِي وَ تَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ فَلَا تَخْذُلْنِي وَ لَجَأْتُ إِلَى ظِلِّكَ الْبَسِيطِ
 خود را تسلیم تو کردم پس مرا وامگذار و بر تو توکل کردم پس خوارم مکن و پناه آوردم به سایه گسترده‌ات
 فَلَا تَطْرَحْنِي أَنْتَ الْمَطْلَبُ وَإِلَيْكَ الْمَهْرَبُ تَعْلَمُ مَا أُخْفِي وَ مَا أَعْلِنُ وَ تَعْلَمُ
 پس به يك سویم میفکن تویی مطلوب (خلق) و درگاه تو است گریزگاه میدانی آنچه را پنهان کنم و آنچه را آشکار سازم
 و میدانی

خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَ مَا تُخْفِي الصُّدُورُ فَأَمْسِكْ عَنِّي اللَّهُمَّ أَيِّدِي الظَّالِمِينَ مِنْ

خیانت چشمها و آنچه را سینه‌ها پنهان کنند پس نگهدار از من خدایا دست ستمکاران را از

الْجِنَّ وَالْأَنْسِ أَجْمَعِينَ وَاشْفِنِي وَ عَافِنِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ × نوزدهم :

جن و انس همگی و بهبودی و تندرستیم ده ای مهربانترین مهربانان * * *

حجاب حضرت امام محمد تقی علیه السلام: الْخَالِقُ أَعْظَمُ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ وَالرَّازِقُ أَبْسَطُ

* * * * * آفریدگار بزرگتر است از آفریدگان و روزی‌دهنده دست

بازتر

يَدًا مِنَ الْمَرْزُوقِينَ وَ نَارُ اللَّهِ الْمُوصَدَّةُ فِي عَمَدٍ مُّمَدَّدَةٍ تَكِيدُ أَفْنِدَةَ الْمَرَدَةِ وَ

است از روزی‌خوران و آتش در بسته خدا در ستونهای کشیده شده فرا گیرد دلهای مردمان سرکش را و

تَرُدُّ كَيْدَ الْحَسَدَةِ بِالْأَقْسَامِ بِالْأَحْكَامِ بِاللُّوْحِ الْمَحْفُوظِ وَالْحِجَابِ

بازگرداند بداندیشی حسودان را به سوگندها، به حکمها، به لوح محفوظ و پرده

الْمَضْرُوبِ بِعَرْشِ رَبِّنَا الْعَظِيمِ احْتَجَبْتُ وَاسْتَتَرْتُ وَاسْتَجَرْتُ وَاعْتَصَمْتُ وَ

آویخته به عرش عظیم پروردگار ما در پرده شدم و مستور گشتم و پناه جستم و نگهداشتم و

تَحَصَّنْتُ بِالْمِ وَ بِكَيْعَصٍ وَ بِطَهٍ وَ بِطَسْمٍ وَ بِحِمٍ وَ بِحَمَسَقٍ وَ نُونٍ وَ بِطَسِينٍ

متحصن گشتم به «الم» و به «کهیص» و به «طه» و به «طسم» و به «حم» و به «جمعسق» و «نون» و به «طسین»

وَ بَقِ وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ وَ أَنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ وَاللَّهُ وَلِيِّي وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ

و به «ق» و قرآن مجید که برستی آن اگر میدانستید سوگند بزرگی است و خدا سرپرست من است و نیکو و کیلی است

* بیستم از کتاب تعبیر الرؤیا تصنیف شیخ کلینی منقول است که و شّا از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده که

فرمود دیدم پدرم را در خواب که فرمود ای فرزند من هرگاه در شدتی واقع شدی بسیار بگو یا رَوْفُ یا رَحِيمُ پس

حضرت فرمود آنچه ما در خواب می‌بینیم همچنان است که در بیداری به بینیم. بیست و یکم دعاء رزق و غیره منقول از

کتاب مُجْتَنَى تصنیف سید بن طاوس (ره) :

اَللّٰهُمَّ اِنَّ ذَنْبِيْ لَمْ يَبْقَ لَهَا اِلَّا رَجَاءُ عَفْوِكَ وَ قَدْ قَدَمْتُ اِلَهَ الْحِرْمَانِ بَيْنَ

خدایا برستی در برابر گناهانم چیزی نمانده جز امید گذشت تو و من در جلوی روی خودم ابزار محرومیت را واداشته‌ام

يَدَيَّ فَاِنَا اَسْأَلُكَ مَا لَا اَسْتَحِقُّهُ وَ اَدْعُوكَ مَا لَا اَسْتَوْجِبُهُ وَ اَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ بِمَا لَا

و از تو خواهم چیزی را که سزاوارش نیستم و می‌خواهم بدانچه استحقاق آن را ندارم و زاری کنم به درگاهت بدانچه

اَسْتَأْهِلُهُ وَ لَمْ يَخَفْ عَلَيْكَ حَالِي وَ اِنْ خَفِيَ عَلَيَّ النَّاسُ كُنْهُ مَعْرِفَةِ أَمْرِي

شایستگی آن را ندارم و وضع من بر تو پوشیده نیست و گرچه حقیقت کار من بر مردم پوشیده است

اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ رِزْقِي فِي السَّمَاءِ فَاهْبِطْهُ وَإِنْ كَانَ فِي الْأَرْضِ فَاطْهَرْهُ وَإِنْ

خدایا اگر روزی من در آسمان است آن را به زمین آر و اگر در زمین است آشکارش کن و اگر

كَانَ بَعِيداً فَقَرِّبْهُ وَإِنْ كَانَ قَرِيباً فَيَسِّرْهُ وَإِنْ كَانَ قَلِيلاً فَكَثِّرْهُ وَبَارِكْ لِي فِيهِ

دور است نزدیکیش گردان و اگر نزدیک است آسانش کن و اگر کم است زیادش کن و برکتی در آن بده

بیست و دوم دعاء دفع شرّ ابلیس منقول از مجتبی: اللَّهُمَّ إِنْ أَيْلِسَ عَبْدٌ مِنْ عِبِيدِكَ

خدایا همانا * * * * *

ابلیس بنده‌ای از بندگان تو است

يَرَانِي مِنْ حَيْثُ لَا أَرَاهُ وَأَنْتَ تَرَاهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَرَاكَ وَأَنْتَ أَقْوَى عَلَيَّ أَمْرِهِ

که می‌بیند مرا از جایی که من او را نبینم و تو او را می‌بینی از جایی که او تو را نبیند و تو نیرو داری بر همه کارهایش

كُلِّهِ وَهُوَ لَا يَقْوِي عَلَيَّ شَيْئٍ مِنْ أَمْرِكَ اللَّهُمَّ فَأَنَا أَسْتَعِينُ بِكَ عَلَيْهِ يَا رَبِّ

ولی او هیچگونه نیروی بر هیچیک از کارهای تو ندارد خدایا من از تو برای مبارزه با او کمک گیرم پروردگارا

فَأَتِي لَا طَاقَةَ لِي بِهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ لِي عَلَيْهِ إِلَّا بِكَ يَا رَبِّ اللَّهُمَّ إِنْ

که برستی من طاقت او را ندارم و جنبش و نیروی در برابرش ندارم جز بوسیله تو ای پروردگار من خدایا اگر

أَرَادَنِي فَارِدْهُ وَإِنْ كَادَنِي فَكِدْهُ وَأَكْفِنِي شَرَّهُ وَاجْعَلْ كَيْدَهُ فِي نَحْرِهِ

آهن‌گم کرد تو آهنگش کن و اگر نقشه برایم کشید تو نیز با او چنان کن و شرش را از من کفایت کن و نقشه‌اش را در

گلوگاه خودش قرارداده

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ × بیست

به مهرت ای مهربانترین مهربانان و درود خدا بر محمد و آل پاکش * * * * *

و سیم و نیز در مجتبی است که شخصی در خواب حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله را دید و از آن حضرت

خواست که مرادعائی تعلیم فرماید که دلم را زنده گرداند حضرت این کلمات را تعلیم او فرمود:

يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُحْيِيَ قَلْبِي اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

ای زنده ای پاینده ای که نیست معبودی جز تو از تو خواهم که زنده گردانی دلم را خدایا درود فرست بر محمد

و آلِ مُحَمَّدٍ

و آلش

آن شخص گفت پس سه مرتبه این کلمات را خواندم پس خدا قلبم را زنده گردانید. بیست و چهارم از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که هر که بخواهد اجلش تأخیر بیفتد و نصرت پیدا کند بر دشمنان خود و از مردن بد محفوظ بماند پس بگوید سه مرتبه در وقت دخول در شب و سه مرتبه در وقت دخول در صبح :

سُبْحَانَ اللَّهِ مَلَأَ الْمِيزَانَ وَ مُتَتَّهِىَ الْحِلْمِ وَ مَبْلَغَ الرِّضَا وَ زَيْتَةَ الْعَرْشِ

تنزیه خدای را به پری میزان و سرحد نهایی حلم و رسایی خوشنودی و هموزن عرش

* بیست و پنجم نقل است از کتاب نثر اللثالی تألیف سید سعید علی بن فضل الله الحسینی راوندی که مردی به

حضرت عیسی بن مریم علیهما السلام شکایت کرد از دین خود فرمود بگو :

اللَّهُمَّ يَا فَارِجَ الْهَمِّ وَ مُنْقِصَ الْغَمِّ وَ مُذْهِبَ الْأَحْزَانِ وَ مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ

خدایا ای زداینده اندوه و ای غمگشا و ای برنده گرفتگیهای دل و اجابت کننده دعای درماندگان

يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ رَحِيمَهُمَا أَتَيْتَ رَحْمَنِي وَ رَحِمْتَ كُلَّ شَيْءٍ

ای بخشاینده دنیا و آخرت و مهرورز در آن دو تویی بخشاینده من و بخشنده هر چیز

فَارْحَمْنِي رَحْمَةً تُغْنِينِي بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ وَ تَقْضِي بِهَا عَنِّي الدِّينَ

پس با من مهر کن مهری که بی نیازم کنی از مهر دیگران و پیردازی از من بدهیم را

باب ششم

پس هرگاه به قدر پُری زمین طلا مدیون باشد حق تعالی ادا فرماید از تودر ذکر خواص بعضی سُور و آیات و ذکر بعض ادعیه و مطالب متفرقه و آن مشتمل بر چهار امر است: اول شیخ کلینی در کافی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده که هر کس بخواند مُسَبِّحات یعنی سوره حدید و حشر و صف و جمعه و تغابن و اعلی را پیش از خواب نمیرد تا درک نماید حضرت قائم علیه السلام را و اگر مُرد در جوار حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله خواهد بود دویم و نیز در آن کتاب است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود هر که بخواند چهار آیه از اول سوره بقره و آیه الکرسی و دو آیه بعد از آن و سه آیه آخر بقره را نه بیند در جان و مال خود چیزی را که مکروه او باشد و نزدیک نشود به او شیطان و فراموش نکند قرآن را سیّم و نیز روایت کرده از حضرت امام محمد باقر علیه السلام که هر که سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ را بخواند و صدا به آن بلند کند مثل کسی باشد که شمشیر از نیام کشیده در راه خدا جهاد کند و اگر آهسته بخواند مثل کسی باشد که در راه خدا در خون خود طپیده باشد و کسی که ده مرتبه بخواند محو کند از او هزار گناه از گناهانش را چهارم و نیز شیخ کلینی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود پدرم می فرمود: قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ثَلَاثَ قُرْآنِ است و قُلْ يَا

اللَّهُ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ

وَالْأَرْضُ جَمِيعاً قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَالسَّمَوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَ

تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ برای دلیل شدن اسب سرکش در گوش راستش بخوانند: وَلَهُ

از آنچه شریکش سازند ××××××××××××××××××××××××××××××××××

أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ وَ در زمین

تسلیم است آنچه در آسمانها و زمین است از روی رغبت و اکراه و بسویش بازگردند * * * * *

مسبوعه یعنی زمینی که جانوران درنده داشته باشد به جهت ایمنی از آنها بخواند: لَقَدْ

* * * * *

* * * * * به حقیقت

جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ

آمد شما را پیامبری از خودتان که ناگوار است بر او آنچه شما را به رنج اندازد علاقه‌مند به شما است و به مؤمنان

رَوْفٌ رَحِيمٌ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ

رؤف و مهربان است و اگر پشت کردند بگو بس است مرا خدا معبودی جز او نیست بر او توکل کنم و او است پروردگار

الْعَرْشِ الْعَظِيمِ × و برای پیدا شدن گمشده بخواند یس را در دو رکعت و بگوید: يَا هَادِيَ الضَّالَّةِ رُدَّ

* * * * * ای رهنمائی گمشده گمشده‌ام را به من عرش

عظیم

عَلَيَّ ضَالَّتِي وَبِرَّاي رَجُوعَ عَبْدٍ فَرَّارٍ كَرْدَه بخواند: أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرِ لُجِّي يَعِشِيهِ مَوْجٌ

بازگردان ××××× یا چون تاریکیهایی در دریای ژرف که پوشانده است آنرا موجهای روی هم

مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ إِلَى قَوْلِهِ عَزَّوَجَلَّ وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُوراً فَمَالَهُ مِنْ نُورٍ و برای ایمنی

* * * * * و کسی که خدا برایش روشنائی قرار نداده نیست برای او نوری *

* * * * *

از دزد در وقتی که به رختخواب رود بخواند: قُلْ اذْعُوا اللَّهَ أَوْ اذْعُوا الرَّحْمَنَ تَا وَ كِبْرَهُ تَكْبِيراً

* * * * * بگو بخوانید خدا را یا

* * * * * بخوانید رحمان را *

* دوازدهم و نیز شیخ کلینی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود مَلُولٌ نشوید از قرائت إِذَا زُلْزِلَتْ

الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا زیرا که هر که این سوره را در نوافل خود بخواند نرساند حق تعالی به او زلزله ابداً و نمیرد به زلزله و نه به

صاعقه و نه به آفتی از آفات دنیا تا بمیرد و در وقت مردن او ملکی کریم از نزد حق تعالی بر او نازل شود و بنشیند نزد

سر او و بگوید: اَيُّ مَلِكٍ الْمَوْتِ رَفَقَ وَ مَدَارَا كُنْ بِهِ وَلِيَ اللَّهُ زَيْرَا که او بسیار مرا یاد می‌کرد الخبر و در آخر خبر است

که پرده از جلو چشمش برداشته شود و منازل خود را در بهشت ببیند و قبض روح او شود به نرم‌تر و جهی و مشایعت

کنند روح او را هفتاد هزار فرشته که ببرند او را بسوی بهشت. سیزدهم و نیز کلینی از حضرت امام محمد باقر علیه السلام

روایت کرده که فرمود سوره مُلْك مانعه است می‌کند از عذاب قبر الخبر چهاردهم و نیز از آن حضرت مروی است که قرآنی در دریافتن او را یافتند دیدند رفته بود کلمات او جز این آیه اِلَّا اِلَى اللّٰهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ پانزدهم و نیز شیخ کلینی از زراره روایت کرده که گفت می‌گیری قرآن را در ثلث دویم ماه رمضان و می‌گشایی و می‌گذاری مقابل خود و می‌گویی:

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِكِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ وَمَا

* * * * * خدایا از تو خواهم به حق قرآن

فرستاده‌ات و آنچه

فِيهِ وَفِيهِ اسْمُكَ الْأَعْظَمُ الْأَكْبَرُ وَأَسْمَاؤُكَ الْحُسْنَى وَمَا يُخَافُ وَيُرْجَى أَنْ

در آن است و در آن است نام اعظم بزرگ‌تر و نامهای نیکویت و آنچه موجب بیم و امید است که مرا

تَجْعَلَنِي مِنْ عَتَقَائِكَ مِنَ النَّارِ X و دعا می‌کنی به آنچه حاجت داری شانزدهم شیخ

* * * * * از آزادشدگان دوزخت کنی قرارم دهی * * * * *

کفعمی در مصباح و محدّث فیض در خلاصه الأذکار فرموده که دیدم در بعض کتب اصحاب امامیه که هر کس خواسته باشد در خواب ببیند یکی از پیغمبران و امامان علیهم السلام را یا یکی از مردمان یا والدین خود را بخواند سوره شمس و لَيْل و قَدْر و قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ و سوره اخلاص و مُعَوِّذَتَيْنِ را پس بخواند صد مرتبه سوره اخلاص و صلوات بفرستد بر پیغمبر و آل او صد مرتبه و بخوابد با وضو به جانب راست خواهد دید هر که را اراده کرده انشاءالله و تکلم خواهد کرد با او انشاءالله هر چه بخواند و در نسخه دیگر دیدم که این عمل را بجا آورد در هفت شب بعد از آنکه این دعا را بخواند: اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْحَيُّ الَّذِي لَا يُوصَفُ وَالْإِيْمَانُ

* * * * * خدایا تویی زنده که وصف نشود و ایمان از او

يُعْرِفُ مِنْهُ مِنْكَ بَدَتِ الْأَشْيَاءُ وَالْإِيْمَانُ تَعُوذُ فَمَا أَقْبَلَ مِنْهَا كُنْتُ مَلْجَأَهُ وَ

شناخته شود از تو شروع شود چیزها و بسوی تو بازگردد پس هر یک به تو رو کنند تویی ملجأ و

مَلْجَأَهُ وَمَا أَدْبَرَ مِنْهَا لَمْ يَكُنْ لَهُ مَلْجَأٌ وَلَا مَتَجَامِنُكَ إِلَّا إِلَيْكَ فَاسْئَلْكَ بِلَا إِلَهَ

پناهگاهش و هر کدام پشت کنند ملجأ و پناهی از تو نیست جز بسوی خودت پس از تو خواهم به کلمه «لا اله

إِلَّا أَنْتَ وَاسْئَلْكَ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ

الّا انت» و از تو خواهم به «بسم الله الرحمن الرحيم» و به حق حبیب تو محمد صلی الله

عَلَيْهِ وَآلِهِ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ وَبِحَقِّ عَلِيِّ خَيْرِ الْوَصِيِّينَ وَبِحَقِّ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ

عليه و آله آقاي پيمبران و به حق علي بهترين اوصياء و به حق فاطمة بانوي
 نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ بِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ اللَّذَيْنِ جَعَلَتْهُمَا سَيِّدَيِ شَبَابِ أَهْلِ
 زنان جهانيان و به حق حسن و حسين كه قرارشان دادي آقاي جوانان اهل
 الْجَنَّةِ عَلَيْهِمُ أَجْمَعِينَ السَّلَامُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُرَبِّيَ
 بهشت بر همه شان سلام باد كه درود فرستی بر محمد و آل محمد و سپس

مَيِّتٍ فِي الْحَالِ الَّتِي هُوَ فِيهَا × هفدهم و نیز در خلاصه است نقلًا عن بعض الكتب

مردم را در همان حالی كه دارد به من نشان دهی * * * * *
 * * * * *

كه يافتم در كتاب آداب الحميدة تأليف محمد بن جرير طبري از حارث بن روح از پدر از جدش نقل کرده كه گفت به
 فرزندان خویش هرگاه اندوهگين ساخت شما را امري پس شب را بسر نياورد احدي از شماها مگر در حالی كه طاهر
 باشد و در فراش و لحاف طاهر باشد و با او نباشد زنی پس بخواند هفت مرتبه والشمس و هفت مرتبه واللّیل پس
 بگوید :

اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي هَذَا فَرَجًا وَ مَخْرَجًا هَرَّ گاه این عمل را بجا آورد بیاید در

خدایا قرار ده برای من در کارم گشایش و برآیshi * * * * *

خواب او شخصي در همان شب یا شب سیم یا پنجم و گمان می کنم گفت یا در شب هفتم و بگوید برای او طریق
 بیرون شدن از آن غصّه و اندوه را فقیر گوید: كه بعضي گفته اند كه سوره والضحي و اَلَمْ نُشْرَحْ را نیز بخواند و در جواهر
 المنثوره است كه كسي كه بخواد در خواب ببند مطلب خود را بخواند وقت خوابیدن هر يك از این سوره ها را هفت
 مرتبه والشمس و اللّیل و التّین و اخلاص و قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ، قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ و بخوابد با طهارت در مکان پاكي
 در جامه پاكي رو به قبله بر دست راست خود یعنی به هیئت مرده كه در لحد گذاشته می شود بخوابد و نیت كند مطلب
 خود را اگر در شب اول ندید در شبهاي بعد و از هفت شب تجاوز نمی كند گفته شده مجربست. هیجدهم و نیز در خلاصه
 الأذكار است كه از حضرت زهراء صلوات الله علیها روایت است كه حضرت رسول صلي الله عليه وآله بر من وارد شد
 در وقتی كه رختخواب خود را پهن کرده بودم و می خواستم بخوابم فرمود ای فاطمه خواب مگر آنكه چهار عمل بجای
 آوری، ختم قرآن كنی و پیغمبران را شفیع خود گردانی و مؤمنین را از خود خوشنود گردانی و حجّ و عمره بكنی این را
 فرمود و داخل نماز شد من توقّف كردم تا نماز خود را تمام كرد گفتم یا رسول الله امر فرمودی به چهار چیز كه من قدرت
 ندارم در این وقت آنها را بجا آورم آن حضرت تبسم كرد و فرمود هرگاه بخوانی قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را سه مرتبه پس گویا

ختم قرآن کرده‌ای و هرگاه صلوات بفرستی بر من و بر پیغمبران قبل از من ما شفیعان تو خواهیم بود در روز قیامت و هرگاه استغفار کنی از برای مؤمنین پس تمامی ایشان از تو خوشنود شوند و هرگاه بگوئی سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ پس حج و عمره کرده‌ای. مؤلف گوید: که کفعمی روایتی نقل کرده که هر کس در وقت خواب بگوید سه مرتبه :

يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ بِقُدْرَتِهِ وَيَحْكُمُ مَا يُرِيدُ بِعِزَّتِهِ مثل آن است که هزار رکعت نماز

انجام دهد خدا هر چه را خواهد به قدرتش، و حکم کند هر چه خواهد به عزتش * * * * *

کرده. نوزدهم و نیز در خلاصه الأذکار است که در وقت مطالعه بخواند: اللَّهُمَّ أَخْرِجْنِي مِنْ

* * * * *

خدایا بروم آرا از

ظُلُمَاتِ الْوَهْمِ وَ أَكْرَمْنِي بُنُورِ الْفَهْمِ اللَّهُمَّ افْتَحْ عَلَيْنَا أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَأَشْرُ

تاریکیهای وهم و گرامیم دار به نور فهم خدایا بگشا برویم درهای رحمت را و ببار بر

عَلَيْنَا خَزَائِنَ عُلُومِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ × بیستم روایت شده که

سر ما خزینه‌های دانشت را به مهرت ای مهربانترین مهربانان * * * * *

شخصی به خدمت حضرت امام محمد تقی علیه السلام نوشت که قرض بسیار دارم حضرت نوشتند که استغفار بسیار بکن و زبانت را تَر بدار بخواندن سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ. بیست و یکم در حدیث است که مفضل به خدمت حضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از تنگی نفس و گفت اندک راهی که می‌روم نفسم تنگ می‌گیرد و می‌نشینم فرمود که بول شتر بخور تا ساکن شود. و در حدیث دیگر است که شخصی به آن حضرت شکایت کرد از سرفه فرمود که قدری از انجدان رومی با همان قدر از نبات سفوف کن و یک روز یا دو روز بخور آن شخص گفت که یک مرتبه خوردم و برطرف شد. بیست و دویم از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که حضرت عیسی علیه السلام به شهری گذشتند دیدند که مردم آن شهر روهای ایشان زرد و چشمهای ایشان کبود است و از بسیاری مرض به آن حضرت شکایت کردند فرمود که شما گوشت را نشسته می‌پزید و هیچ حیوانی از دنیا بدر نمی‌رود مگر آنکه جنابتی با او هست بعد از آن گوشت را پیش از پختن شستند بیماریشان برطرف شد و حضرت عیسی علیه السلام به شهر دیگر گذشتند دندانهای ایشان ریخته بود و روهایشان باد کرده بود فرمود که در وقت خواب دهان را باز کنید و برهم مگذارید چنان کردند آن علتهای ایشان زایل شد. بیست و سیم از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که چون کسی از صاحبان بلا را به بینی سه مرتبه آهسته بگو که او نشنود :

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَافَانِي مِمَّا ابْتَلَاكَ بِهِ وَلَوْ شَاءَ فَعَلَكَ هَرُكَزَ أَنْ

ستایش خدایی را که بهبودیم بخشید از آنچه تو را بدان گرفتار کرده و اگر میخواست کرده بود * * * * *

بلا به او نرسد و در روایت دیگر است که بگو: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَافَانِي مِمَّا ابْتَلَاكَ بِهِ

ستایش خدایی را که * * * * *

بهبودی داد مرا از آنچه تو را بدان مبتلا کرده

وَفَضَّلَنِي عَلَيْكَ وَعَلِي كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقَ وَ آهسته بگو که او نشود. بیست و چهارم از

و برتریم داد بر تو و بر بسیاری از آفریدگان * * * * *

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هرگاه زنی را حملي باشد و چهار ماه بر او بگذرد

* * * * *

روي او را به قبله کن و آية الكرسي بخوان و دست بر پهلوي او بزن و بگو: اَللّٰهُمَّ قَدْ سَمَّيْتُهُ

* * * * *

مُحَمَّدًا یعنی خدایا من او را محمد نام کردم چون چنین کند خدا آن فرزند را پسر گرداند پس

* * * * *

او را اگر محمد نام کند مبارك باشد و اگر نام نکند خدا اگر خواهد از او بگیرد و اگر خواهد به او ببخشد بیست و

پنجم مروي است که در وقت کشتن گوسفند عقیقه این دعا را بخواند:

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ اَللّٰهُمَّ عَقِيقَةٌ عَنْ فُلَانٍ (و نام او را بگوید) لَحْمُهَا بِلَحْمِهِ وَ دَمُهَا

بنام خدا و به یاری خدا، خدایا این عقیقه از طرف فلانی است × × × × × گوشتش بجای گوشت او و خوش

بِدَمِهِ وَ عَظْمُهَا بِعَظْمِهِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا وَقَاءً لِّاَلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ السَّلَامُ وَ در

به خون او و استخوانش به استخوان او خدایا قرارش ده نگهدار آل محمد علیه و آله السلام * * *

حدیث دیگر فرمود که این دعا بخواند: يَا قَوْمِ اِنِّي بَرِي مِمَّا تُشْرِكُونَ اِنِّي وَجَّهْتُ

ای مردم من بیزارم از آنچه شما * * * * *

شريك خدا سازید من روکنم

وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ

بسوي کسی که آفرید آسمانها و زمین را يك دل در حال تسلیم و نیستم من از مشرکان

إِنَّ صَلَوَتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ

همانا نماز و عبادتم و زندگی و مرگم از آن خدا پروردگار جهانیان است که شریک ندارد و

بِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ اللَّهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ

به همین دستور دارم و از مسلمانانم خدایا از تو و برای توست بنام خدا و بیاری خدا و خدا بزرگتر است

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ مِنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ وَ نَامِ فرزند را ببرد

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و بپذیر از فلانی * * * * *

پس آن را بکشد علامه مجلسی در حلیه فرموده بدانکه عقیقه فرزند سُنَّت مؤکد است برای کسی که قادر بر آن باشد و

بعضی از علماء واجب می دانند و بهتر آن است که در روز هفتم واقع شود و اگر تأخیر کند تا بلوغ طفل بر پدر سُنَّت

است و بعد از بلوغ تا آخر عمر بر خودش سُنَّت است و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که عقیقه واجب است

بر کسی که او را فرزند ی به هم رسد و در احادیث بسیار منقول است که هر فرزندی در گرو عقیقه است یعنی اگر نکند

او در معرض مُردن و انواع بلاها است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که عقیقه لازمست بر کسی که غنی

باشد و کسی که فقیر باشد بعد از آنکه به هم رساند بکند اگر به هم نرساند بر او چیزی نیست و اگر عقیقه برای او نکنند

تا وقتی که قربانی برای او بکنند قربانی از عقیقه مجزی است و در حدیث دیگر منقول است که از آن حضرت پرسیدند

که ما طلب کردیم گوسفندی برای عقیقه و بدست نیامد چه می فرمائید تصدّق کنیم قیمتش را فرمود که طلب کنید تا

بیابید خدا دوست می دارد خوراندن طعام و ریختن خون را و در حدیث دیگر پرسیدند که فرزندی که در روز هفتم

بمیرد عقیقه اش می باید کرد فرمود که اگر پیش از ظهر بمیرد عقیقه ندارد و اگر بعد از ظهر بمیرد عقیقه بکنند و در حدیث

معتبر از عمر بن یزید منقول است که به خدمت آن حضرت عرض کرد که نمی دانم که پدرم برای من عقیقه کرده است یا

نه فرمود که عقیقه بکن پس او در پیری خود را عقیقه کرد و در حدیث حسن از آن حضرت منقول است که فرزند را

در روز هفتم نام می گذارند و عقیقه می کنند و سر می تراشند و موی سرش را با نقره می کشند و آن نقره را تصدّق می کنند

و پا و ران عقیقه را برای قابله که مدد کرده در زائیدن می فرستند و باقی را بخورد مردم می دهند و تصدّق می کنند و در

حدیث موثّق دیگر فرمود که هرگاه پسری یا دختری برای تو متولّد شود عقیقه می کنی در روز هفتم گوسفند یا شتری

و نام بگذار و سرش را بتراش در روز هفتم و به وزن موی سرش طلا یا نقره تصدّق کن و در حدیث دیگر وارد شده

است که رُبُع گوسفند را به قابله می دهد و اگر بی قابله زائیده باشد آن را به مادر می دهد که به هر که خواهد بدهد و

اقلاً بخورد ده کس از مسلمانان می دهد و هر چند زیاده باشند بهتر است و خود از گوشت عقیقه نمی خورد و اگر قابله

زن یهودیه باشد قیمت رُبُع گوسفند به او می‌دهد و در روایت دیگر وارد شده است که به قابله ثلث گوسفند را می‌دهند و مشهور میان علماء آن است که عقیقه یا شتر یا گوسفند یا بز می‌باید باشد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در روز ولادت اذان در گوش حسنین صلوات الله علیهما گفتند و حضرت فاطمه علیها السلام در روز هفتم از ایشان عقیقه کردند و به قابله پای گوسفند را دادند با يك اشرفی و باید که اگر شتر باشد پنج ساله یا در شش باشد یا بیشتر و اگر بز باشد يك سال یا در دو باشد یا بیشتر و اگر گوسفند باشد اقلّاً شش ماهه یا در هفت باشد و اگر هفت ماه تمام باشد بهتر است و می‌باید که خُصیه‌اش را نکشیده باشند و بهتر آن است که غالیده باشند و مغز شاخش نشکسته باشد و گوشش نبریده باشد و بسیار لاغر نباشد و کور نباشد و لنگ بسیار لنگ نباشد که بر آن راه رفتن دشوار باشد. اما در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که عقیقه از باب قربانی نیست هر گوسفندی که باشد خوبست غرض گوشت است هر چند فربه‌تر باشد بهتر است و مشهور میان علماء آن است که سنت است که عقیقه پسر نر باشد و عقیقه دختر ماده باشد و گمان فقیر این است که از برای هر دو گوسفند نر بهتر است موافق احادیث معتبره بسیار و از برای هر دو گوسفند ماده هم خوب است و سنت است که پدر و مادر از گوشت عقیقه نخورند بلکه بهتر آن است که از طعامی که در آن پخته باشد نخورند و خوردن مادر کراهیتش بیشتر است و بهتر آن است که عیال پدر و مادر هم که در خانه ایشان می‌باشند از آن گوشت و طعام نخورند و سنت است که بپزند و خام تصدّق نکنند و اقلّش آن است که با آب نمک بپزند بلکه محتمل است که این بهتر باشد و اگر خام تصدّق کنند هم خوبست و اگر حیوان عقیقه به هم نرسد قیمتش را تصدّق کردن فایده ندارد بلکه باید صبر کنند تا به هم رسد و شرط نیست که جماعتی که به خوردن عقیقه حاضر می‌شوند فقیر باشند اما صلحاء و فقراء را طلبیدن بهتر است انتهی. فقیر گوید که مشهور کراهت شکستن استخوانهای عقیقه است و روایت :

يُكْسَرُ عَظْمُهَا وَ يُقَطَّعُ لَحْمُهَا وَ تَصْنَعُ بِهَا بَعْدَ الذَّبْحِ مَا شِئْتَ

بشکنند استخوانش را و تکه کند گوشتش را و پس از کشتن با آن هر چه خواهی بکن

منافات با کراهت ندارد و صاحب جواهر فرموده‌ام آنچه مشهور شده بین مردم عراق از استحباب پیچیدن استخوانهای آن را در خرقة سفید و دفن کردن آن واقف نشدم بر نصی در آن والله العالم. بیست و ششم از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که در وقت ختنه کردن پسر این دعا بخوانند و اگر در آن وقت میسر نشود تا بالغ شدن طفل هر وقت که میسر شود بر آن طفل بخوانند که از او حرارت آهن را از کُشتن و غیر آن رفع می‌کند، دعا این است :

اَللّٰهُمَّ هَذِهِ سُنَّتُكَ وَ سُنَّةُ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ اَتَّبِعُ مِمَّا لَكَ وَ لِنَبِيِّكَ

خدایا این روش تو و روش پیامبر تو (ص) است و پیروی ما است از تو و از پیامبرت

بِمَشِيَّتِكَ وَبِإِرَادَتِكَ وَقَضَائِكَ لِأَمْرِ أَرَدْتَهُ وَقَضَاءِ حَتْمَتِهِ وَأَمْرِ أَنْفَذْتَهُ وَ

بخواست و اراده و فرمان مسلم تو براي كاري كه اراده فرموده و فرمانی كه مسلم داشتی و دستوري كه اجرا داشتی و

أَذَقْتَهُ حَرَّ الْحَدِيدِ فِي خِتَانِهِ وَ حِجَامَتِهِ بِأَمْرِ أَنْتَ أَعْرَفُ بِهِ مَنِّي اللَّهُمَّ فَطَهَّرْهُ

چشاندی به او سوز آهن را در جاي ختنه و حجامتش به كاري كه تو بدان داناتر از منی خدايا او را

مِنَ الذُّنُوبِ وَزِدْ فِي عُمُرِهِ وَادْفَعْ أَلْفَاتِ عَن بَدَنِهِ وَالْأَوْجَاعَ عَن جِسْمِهِ وَ

از گناهان پاك گردان و در عمرش بيفزا و آفات را از بدنش و دردها را از جسمش دور گردان

زِدْهُ مِنَ الْغِنَى وَادْفَعْ عَنْهُ الْفَقْرَ فَإِنَّكَ تَعْلَمُ وَلَا تَعْلَمُ × بيست و هفتم سيد

و دارايش را زياد و نداري را از او دور گردان چونكه تو مي دانی و ما نمي دانيم * * * * *

بن طاوس از دعوات خطيب مستغفري نقل كرده كه او از حضرت رسول صلي الله عليه وآله نقل كرده كه فرمود هرگاه

خواستی تفأل بزنی به كتاب الله عزوجل پس بخوان سوره اخلاص سه مرتبه پس صلوات بفرست بريغمبر وآل آن

حضرت سه مرتبه پس بگو :

اللَّهُمَّ إِنِّي تَفَأَلْتُ بِكِتَابِكَ وَتَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ فَارِنِي مِنْ كِتَابِكَ مَا هُوَ

خدايا من تفأل زدم به كتاب تو و بر تو توكل كردم به من بنما از كتاب خود آنچه را

مَكْتُومٌ مِنْ سِرِّكَ الْمَكْنُونِ فِي غَيْبِكَ

پنهان است از راز نهان در غيب تو

پس باز كن جامع را يعنی قرآنی كه جامع تمام سور آيات باشد و بگير فال را از خط اول از جانب اول بدون آنكه

بشمري اوراق و سطور و بدانكه علامه مجلسي از بعض مؤلفات اصحاب از خط شيخ يوسف قطيفي نقل كرده و او از خط

آيه الله علامه كه روايت شده از حضرت صادق عليه السلام كه فرمود هرگاه اراده كردي كه استخاره كنی از كتاب عزيز

بگو بعد از بسمله :

إِنْ كَانَ فِي قَضَائِكَ وَقَدَرِكَ أَنْ تُنَّ عَلَيَّ شِيعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بِفَرَجٍ

اگر در قضا و قدر تو است كه منت نهي بر شيعيان آل محمد عليهم السلام به ظهور

وَلِيَّكَ وَحُجَّتِكَ عَلَيَّ خَلْقِكَ فَأَخْرِجْ إِلَيْنَا آيَةً مِنْ كِتَابِكَ نَسْتَدْلُ بِهَا عَلَيَّ ذَلِكَ

ولی و حجتت بر خلق خود پس برون آر براي ما آيه اي از كتاب خود كه بدان راه يابيم بر اين كار

پس مي گشائي مصحف شريف را و مي شمري شش ورق و از ورق هفتم مي شمري شش سطر و نظر مي كنی در آن و

مطلب را از آن بيرون مي آوري و شيخ شهيد قدس سره در ذكر ي فرموده و از جمله استخاره ها استخاره به عدد است و

این مشهور نبوده در عصرهای گذشته پیش از زمان سید کبیر عابد رضی الدین محمد بن محمد الاوی الحسینی مجاور مشهد غروی رضی الله عنه و ما روایت می کنیم این استخاره را با جمیع مرویات او را از جماعتی از مشایخ خودمان از شیخ کبیر فاضل جمال الدین بن المطهر از والدش رضی الله عنهما از سید رضی الدین مذکور از حضرت صاحب الامر علیه الصلوة والسلام می خوانی فاتحه را ده مرتبه و اقلش سه مرتبه و کمتر از آن يك مرتبه پس می خوانی سوره قدر را ده مرتبه پس می خوانی این دعا را سه مرتبه :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ لِعِلْمِكَ بِعَاقِبَةِ الْأُمُورِ وَأَسْتَشِيرُكَ

* * * * * خدایا من خیرجویی کنم از تو به خاطر دانشت به سرانجام کارها و با

تو مشورت کنم

لِحُسْنِ ظَنِّي بِكَ فِي الْمَأْمُولِ وَالْمَحْذُورِ اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ الْأَمْرُ الْفُلَانِي مِمَّا

به خاطر خوش گمانیم به تو در آنچه مورد آرزو و بیم است خدایا اگر فلان کار از آنهایی است که

قَدْ بَيَّطْتُ بِالْبَرَكَةِ أَعْجَازُهُ وَبَوَادِيهِ وَحُفَّتْ بِالْكَرَامَةِ أَيَّامُهُ وَلِيَالِيهِ فَخِرْلِي

انجام و آغازش به برکت بسته شده و روز و شبش سرتاسر کرامت است پس برگزین برایم

اللَّهُمَّ فِيهِ خَيْرَةٌ تَرُدُّ شُمُوسَهُ ذُلُولًا وَتَقْعُضُ أَيَّامَهُ سُورًا اللَّهُمَّ إِمَّا أَمْرٌ

خدایا آن خیری را که چموشش رام و روزگارش شادمان گردد خدایا اگر دستور است

فَأَتَمِّرْهُ وَإِمَّا نَهْيٌ فَأَنْتَهِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ بِرَحْمَتِكَ خَيْرَةً فِي عَافِيَةٍ

انجام دهم و اگر قدغن است خودداری کنم خدایا خیرجویی کنم به رحمت تو خیری را در تندرستی

پس می گیری يك قبضه از تسبیح را و نیت می گیری حاجت را اگر عدد آن قبضه جفت است پس آن اِفْعَلْ است یعنی

بجا آور و اگر طاق است لا تَفْعَلْ است یعنی مکن آن کار را یا بعکس یعنی طاق خوب است و جفت بد و این بسته است

به قصد استخاره کننده فقیر گوید: تَقْعُضُ بَضَادِ مَعْجَمِهِ است به معنی تَرُدُّ وَتَعْطِفُ و ما در باب نمازها استخاره ذات

الرقاع و بعضی از اقسام استخاره و ساعات آن را ذکر کردیم بدانجا رجوع شود و بدانکه سید بن طاوس فرموده کلامی

که حاصلش این است که من نیافتم حدیث صریحی در آنکه انسان استخاره کند برای غیر خود و لکن یافتیم احادیث

بسیار که امر شده در آن بر قضاء حاجات اخوان به دعوات و سایر توسلات بلکه در اخبار از فوائد دعا بر اخوان

چندان ذکر شده که محتاج به ذکر نیست و استخاره نیز از جمله حاجات و از جمله دعوات است زیرا که انسان را که

تکلیف کرد شخصی به استخاره کردن برای او پس حاجتی برای او وارد کرده پس آن شخصی که مباشر استخاره

می شود می خواهد استخاره برای خود کند که آیا صلاح است که بگوید بکن یا نه و می خواهد برای آن شخص که به او

گفته استخاره کند که آیا مصلحت است در فعل یا در ترك و این از چیزهایی است که داخل است در تحت عموم روایات به استخارات و به قضاء حاجات. علامه مجلسی قدس سره فرموده که کلام سید در جواز استخاره برای غیر خالی از قوت نیست به جهت عمومات خصوص در وقتی که قصد کند نائب از برای خود که بگوید به شخص مستخیر بکن یا مکن چنانکه سید به آن اشاره فرموده و این حیلای است برای داخل کردن استخاره را در تحت اخبار خاصه لکن اولی و احوط آن است که صاحب حاجت خودش استخاره کند برای خود زیرا که ما ندیدیم خبری که وارد شده باشد در جواز وکالت در استخاره و اگر این جایز یا راجح بود اصحاب سؤال می کردند از ائمه علیهم السلام و اگر سؤال کرده بودند نقل می شد برای ما لا اقل در يك روایتی بعلاوه آنکه مضطرّ اولی است به اجابت و دعای او اقرب است به خلوص نیت انتهی. بیست و هشتم از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که هر کس یهود یا ترسا یا گبری را به بیند و بگوید :

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنِي عَلَيْكَ بِالْإِسْلَامِ دِينًا وَ بِالْقُرْآنِ كِتَابًا وَ بِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا وَ

ستایش خدای را که برتریم داد بر تو به دین اسلام و به کتاب قرآن به پیامبرم محمد و

بعلی اماماً و بالمؤمنین اخواناً و بالكعبة قبله خدا میان او و آن کافر در جهنم

به امام علی و به مؤمنین در برادری و به خانه کعبه قبله ام * * * * *

جمع نکند. مؤلف گوید که از آیات و اخبار بسیار استفاده می شود که مسلمان باید از دوستی کفار و محبت و میل به ایشان و تشبه به ایشان اجتناب کند و بر مسلك آنها سلوك نکند .

قال الله تعالى قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا

* * * * * براستی برای شما مقتدای خوبی است ابراهیم و کسانی که با وی بودند وقتی

لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَّاءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ بَدَا بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ

به قومشان گفتند ما از شما و از آنچه جز خدا می پرستید بیزاریم و همیشه میان ما و شما

الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا شَيْخ صدوق روایت کرده از حضرت صادق علیه السلام که فرمود وحی

دشمنی و کینه توزی برقرار است * * * * *
* * * * *

فرستاد حق تعالی بسوی پیغمبری از پیغمبران خود که بگو به مؤمنین نپوشید لباس دشمنان مرا و نخورید مطاعم

دشمنان مرا و نروید بر مسلکها یعنی راههای دشمنان من پس دشمنان من خواهید بود همچنانکه ایشان دشمنان منند و لهذا در بسیاری از خبرها وارد شده که فلان عمل را بجا آورید و خود را به کفار شبیه نگردانید مانند روایتی که از حضرت

رسول صلی الله علیه وآله منقول است که فرمود شارب را از تَه بگیرد و ریش را بلند بگذارد و به یهودان و گبران خود را شبیه مگردانید و نیز فرمود گبران ریشهایی خود را چیدند و سبیلان خود را زیاد کردند و ماها شارب خود را می چینیم و ریش را می گذاریم و چون نامه دعوت آن جناب به ملوک رسید کسری به باذان که عامل یمن بود نوشت که آن حضرت را نزد او فرستد و او کاتب خود بانویه و مردی که او را خر خسک می گفتند به مدینه فرستاد و آن دو ریشهها را تراشیده و شارب را گذاشته بودند پس آن جناب را ناخوش آمد که به ایشان نظر کند و فرمود وای بر شما که امر کرده شما را به این گفتند رَبّ ما یعنی کسری فرمود لکن پروردگار من امر کرده مرا به گذاشتن ریش و چیدن شارب و بدانکه حق تعالی در سوره هود فرموده :

وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ

متمایل نشوید بسوی کسانی که ستم کردند که جهنمی شوید و جز خدا دوستانی ندارید و

ثُمَّ لَا تَنْصَرُونَ

یاری نمی شوید

مفسرین در معنی آن فرموده اند که یعنی میل اندک نکنید چه جای بسیار بسوی آنانکه ستم کردند پس برسد به شما آتش جهنم و بعضی گفته اند که رُگُونِ مِنْهٖ عَنْهُ دخول با ایشان است در ظلم ایشان و اظهار رضایت به کار ایشان و اظهار موالات ایشان و در روایت اهل بیت علیهم السلام است که رُگُونِ مودّت و نصیحت و طاعت ایشان است بیست و نهم نوزده حرفست که اسباب فرج است برای داعی آن از آفات تعلیم کرده آن را حضرت رسول خدا به امیرالمؤمنین صلوات الله علیهما و آلهما و نقل کرده آن را شیخ صدوق در کتاب خصال در ابواب تسعة عشر فرموده می گوئی :

يَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ وَيَا ذُخْرَ مَنْ لَا ذُخْرَ لَهُ وَيَا سَدَّ مَنْ لَا سَدَّ لَهُ وَيَا حِرْزَ

ای تکیه گاه کسی که تکیه گاه ندارد و ای ذخیره کسی که ذخیره ندارد و ای پشت

مَنْ لَا حِرْزَ لَهُ وَيَا غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ وَيَا كَرِيمَ الْعَفْوِ وَيَا حَسَنَ الْبَلَاءِ وَ

کسی که پشتی ندارد و ای فریادرس کسی که فریادرسی ندارد ای بزرگوار گذشت ای خوش آزمایش

يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ وَيَا عِزَّ الضُّعْفَاءِ وَيَا مُنْقِذَ الْعُرْقِيِّ وَيَا مُنْجِيَ الْهَلَكِيِّ يَا

ای بزرگ امید و ای عزت ناتوانان و ای نجات بخش غریقان نابود شده ای

مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ أَتَى الَّذِي سَجَدَ لَكَ سَوَادُ اللَّيْلِ وَ نُورُ

نیک ده ای زیبا ای نعمت بخش ای فرونبخش تویی که سجده کند برایت سیاهی شب و روشنی

النَّهَارِ وَضَوْءُ الْقَمَرِ وَ شُعَاعُ الشَّمْسِ وَ دَوِيُّ الْمَاءِ وَ حَفِيفُ الشَّجَرِ يَا اللَّهُ يَا

روز و پرتو ماه و شعاع خورشید و صدای آب و صدای درخت ای خدا ای

اللَّهُ يَا اللَّهُ أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ يَا مِي گویی: اللَّهُمَّ افْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا

خدا ای خدا تویی یگانه ای که شریک نداری × × × × × خدایا با من چنین و چنان کن بجای این حاجت خود را ذکر می کنی پس بدرستی که از جای خود بر نخواهی خاست که مستجاب می شود انشاء الله تعالی. سی ام شیخ کفعمی از مفاتیح الغیب نقل کرده که هر که بنویسد لفظ بسم الله را بر درِ بیرون از منزل خود امین از هلاک خواهد گشت و اگر چه کافر باشد و گفته که فرعون را خداوند زود هلاک نکرد و مهلت داد او را با ادعای او ربوبیت را به جهت آنکه نوشته بود بر درِ منزل خود بسم الله را و حق تعالی وحی فرمود به موسی وقتی که از خدا خواست سرعت هلاک او را تو نظر می کنی به کفر او و من نظر می کنم به آنچه نوشته بر درِ خود. سی و یکم شیخ ابن فهد روایت کرده است که روزی ابوالدرداء را خبر دادند که خانه ات سوخته است گفت نسوخته است دیگری خبر داد باز چنین گفت تا سه مرتبه پس معلوم شد که خانه های اطراف همه سوخته خانه او نسوخته گفتند از چه راه دانستی که خانه تو نسوخته است گفت زیرا که شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله که هر که در صبح این دعا بخواند در آن روز بدی به او نمی رسد و اگر در شام بخواند در آن شب بدی به او نمی رسد و من این دعا را خوانده بودم.

اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَأَنْتَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَلَا

خدایا تویی پروردگارم معبودی جز تو نیست بر تو توکل کنم و تویی پروردگار عرش بزرگ و

حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ أَعْلَمُ أَنْ

جنبش و نیروی نیست جز به خدای والای بزرگ آنچه خدا خواهد شود و آنچه نخواهد نشود، می دانم که

اللَّهُ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ

خدا بر هر چیز توانا است و علم خدا به همه چیز احاطه دارد خدایا به تو پناه برم از شر خودم و

مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَمِنْ شَرِّ قَضَاءِ السُّوءِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ وَمِنْ شَرِّ الْجِنَّ وَ

از شر قضای بد و از شر هر صاحب شری و از شر جن و انس و از

الْأَنْسِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَيَّ صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ

شر هر جنبه ای که اختیارش بدست تو است همانا پروردگارم به راه راست است

سی و دوم شیخ کلینی و غیر او روایت کرده اند از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که این دعا را تعلیم زُراه

فرمود که در زمان غیبت و امتحان شیعه بخواند:

اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي

خدایا خودت را به من بشناسان که اگر خودت را شناسانی پیامبرت را نشناسم خدایا

رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ

رسولت را به من بشناسان که اگر رسولت را شناسانی حجتت را نشناسم خدایا حجتت را به من بشناسان

فَأَنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي

که اگر شناسانی از دین خود گمراه گردم

سی و سیّم در عده الدّاعی است که از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مرویست که هرگاه یکی از شما اراده کرد بخوابد بگذارد دست راست خود را در زیر صورت راست خود و بگوید :

بِسْمِ اللَّهِ وَضَعْتُ جَنْبِي لِلَّهِ عَلَيَّ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ وَ دِينَ مُحَمَّدٍ صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

بنام خدا گذاردم پهلویم را به زمین برای خدا و بر کیش ابراهیم و دین محمد(ص)

وَ وِلَايَةِ مَنْ افْتَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَ مَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ

و دوستی کسی که واجب کرده خدا فرمانبرداریش را هرچه خدا خواهد شود و هر چه نخواهد نشود

پس هر کسی که بگوید این را در نزد خواب حفظ کند حق تعالی او را از دزد غارت کننده و از خراب شدن و طلب

آمرزش کند برای او ملائکه سی و چهارم و نیز در عده الدّاعی است که خواندن اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ بر هر چیزی که

ذخیره و پنهان می کنند حرز است از برای او بنابر آنچه روایت شده از ایشان علیهم السلام سی و پنجم و نیز از حضرت

امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده که هر که بخواند صد آیه از قرآن از هر آیه که باشد پس بگوید هفت مرتبه یا اللَّهُ پس

اگر بخواند بر سنگی خدا بشکافد آن را سی و ششم و نیز از آن حضرت نقل کرده که کسی که بخواند قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را

در وقتی که به خوابگاه خود رود سه مرتبه موکّل فرماید حق تعالی به او پنجاه هزار فرشته که پاسبانی کنند او را در آن

شب و از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که هر که بگذرد بر او یک روز و در نماز خود قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بخواند

روز قیامت به او گویند ای بنده خدا نیستی تو از نماز گذارندگان و نیز از آن حضرت منقولست که کسی که بگذرد بر او

جمعه یعنی هفته و بخواند در آن قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ پس بمیرد بدین ابی لهب و نیز از آن جناب مرویست که کسی که برسد به او

مرضی یا شدّتی و بخواند در آن حال قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و بمیرد در آن مرض یا شدّت پس او از اهل آتش است سی و

هفتم و نیز در عده الدّاعی نقل کرده که این رقیه را برای حفظ زراعت خربزه و خیار و سایر زراعتها از ضرر کرم و

جانوری که آن را فاسد می کند و کیفیت آن چنانست که بنویسد بر چهار پارچه نی یا چهار رقعہ و بگذارد در چهار نی

و بگذارد آنها را در چهار طرف مزرعه :

أَيُّهَا الدُّوْدُ أَيُّهَا الدَّوَابُّ وَالْهَوَامُّ وَالْحَيَوَانَاتُ أُخْرِجُوا مِنْ هَذِهِ

ای کرما و ای جانورها و حشرات و حیوانات بیرون روید از این
الْأَرْضِ وَالزَّرْعِ إِلَى الْخَرَابِ كَمَا خَرَجَ ابْنُ مَتَّى مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ فَإِنْ لَمْ
زمین و درخت به زمین ویرانه ای چنانچه برون رفت یونس از شکم ماهی و اگر بیرون
تَخْرُجُوا أَرْسَلْتُ عَلَيْكُمْ سُورًا مِنْ نَارٍ وَنُحَاسٍ [سأ] فَلَا تَنْتَصِرَانِ أَلَمْ تَرَ
نروید می فرستم بر شما شعله ای از آتش و دود که یاری نشوید آیا ندیدی آنانکه
إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا
بیرون رفتند از خانه هاشان از ترس مرگ و هزاران نفر بودند خدا بدیشان گفت بمیرید
فَمَاتُوا أُخْرِجُوا مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ سُبْحَانَ الَّذِي
و مردند بیرون روید که تو رانده ای، پس ترسان و نگران بیرون رفت منزله است خدائی که
أَسْرَى بَعْدَهُ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى كَأَنَّهُمْ يَوْمَ
برد بنده اش را شبانه از مسجد الحرام تا مسجد اقصی، گویا روزی که
يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحًى فَأَخْرَجْنَاهُمْ مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ وَ
آنها رستاخیر را ببینند بسر نبرده اند جز شبانگاه یا بامدادی، پس بیرون کردیم آنان را از باغها و چشمه ها و
زُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ وَنَعْمَةً كَانُوا فِيهَا فَكَهِنَ فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ
زراعتها و مقام گرامی و نعمتی که در آن کامیاب بودند و گریه نکرد بر آنها آسمان
وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْتَظِرِينَ أُخْرِجَ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ
و زمین و مهلت داده نشدند، بیرون رو که نباشد تو را که تکبر ورزی در آن بیرون رو
إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ أُخْرِجَ مِنْهَا مَذْمُومًا مَذْحُورًا فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ بِجُنُودٍ لَاقِبَلٍ
که تو از زبونانی بیرون شو از آن مذموم و مطرود که سپاهیان بسویشان آریم که تحمل آن نیارند
لَهُمْ وَلَنُخْرِجَنَّهُمْ مِنْهَا أَذِلَّةً وَهُمْ صَاغِرُونَ × سی و هشتم سید بن طاوس از
و از آنجا به ذلت بیرونشان کنیم که زبون شوند * * * * *

حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که هر که صبح کند و در دستش انگشتر عقیقی باشد و در
انگشت دست راست کرده باشد و پیش از آنکه نظرش بر کسی بیفتد نگین آن را به جانب کف دست بگرداند و به آن
نظر کند و سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ تا آخر بخواند پس بگوید :
آمَنْتُ بِاللَّهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَآمَنْتُ بِسِرِّ آلِ

ایمان دارم به خدای یگانه‌ای که شریک ندارد و کافر به جبت و طاغوت (خلفای ناحق) و ایمان دارم به راز آل

مُحَمَّدٍ وَعَلَانِيَتِهِمْ وَظَاهِرِهِمْ وَبَاطِنِهِمْ وَأَوَّلِهِمْ وَآخِرِهِمْ پس چون چنین کند

محمد و نهان و آشکار و باطن و اول و آخرشان * * * *

خداوند عالمیان او را نگاه دارد در آن روز از شر آنچه از آسمان نازل می‌شود و آنچه بالا می‌رود بسوی آسمان و آنچه

در زمین فرو می‌رود و آنچه بیرون می‌آید از زمین و در حرز و حمایت خدا و دوستان خدا باشد تا شام سی و نهم شیخ

کفعمی از کتاب جمع الشتات از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده که هرگاه خواستی از ما حدیثی نقل کنی و شیطان تو

را فراموشی داده بگذار دست خود را بر جبهه خود و بگو:

صَلَّى اللَّهُ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا مُذَكَّرَ الْخَيْرِ

درود خدا بر محمد و آلش خدایا از تو خواهم ای به یاداندازه خیر

وَفَاعِلُهُ وَالْأَمْرَ بِهِ ذَكَّرْنِي مَا أَسَانِيَهُ الشَّيْطَانُ و در کتاب من

و انجام دهنده‌اش و دستور دهنده‌اش یادم آر آنچه را شیطان از یادم برده * * * *

لایحضره الفقیه از حضرت صادق علیه السلام نقلست که کسی که بسیار باشد سهو او در نماز پس

* * * * *
* * * * *

بگوید در وقتی که داخل خلاء شود: بِسْمِ اللَّهِ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الرَّجْسِ النَّجِسِ الْخَبِيثِ

* * * * * به نام خدا پناه برم به خدا از پلید نجس و خبیث

الْمُحْبِثِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ مؤلف گوید که کسی که می‌خواهد حافظه‌اش زیاد شود

* * * * * ناپاک کننده (یعنی) شیطان رانده * * *

مسواک کند و روزه بگیرد و قرآن بخواند و خصوص آیه‌الکرسی و اذمان خوردن مویز ناشتا خصوص اگر سرخ و

بیست و یک دانه باشد برای فهم و ذهن و حافظه نافع است و خوردن حلوا و گوشت نزدیک گردن و غسل و عدس نیز

مورث حفظ است و نقل شده که از دواهایی که به تجربه رسیده است آن است که کُندر و سَعْد و شکر طبرزد را مساوی

با هم گرفته و نرم بکوبند و سُفوف کرده روزی پنج درهم بخورند لکن سه روز متوالی بخورند و پنج روز ترك کنند و

هكذا و بگویند هر روزی بعد از نماز صبح پیش از آنکه تکلم کنند:

يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ فَلَا يَمُوتُ شَيْئاً عِلْمُهُ وَلَا يُوَدُّهُ و هم بخوانند عقب نمازها دعای

اي زنده اي پاينده كه در نرود از علم او چيزي و نه بر او سنگيني كند * * * * *

*

سُبْحَانَ مَنْ لَا يَعْتَدِي عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِهِ را و بخوانند نمازي را كه در باب دوم به جهت قوت حافظه نقل كرديم و غير ذلك و اجتناب كنند از چيزهايي كه سبب نسيان مي شود و آن خوردن سيب ترش و گشنيز سبز و پنير و پس خورده موش و بول در آب ايستاده و خواندن ألواح قبرها و رفتن از بين دو زن و دور افكندن شپش زنده و نچيدن ناخنها و ترك قيلوله و كثرت معاصي و كثرت هموم و احزان در امر دنيا و كثرت اشتغال و علائق و نظر افكندن به دار كشيده و مُرور از بين قطار شتر چهلم شيخ ابن فهد نقل کرده از حضرت صادق عليه السلام كه فرمود هر دعائي كه پيش از آن تمجيد نباشد پس آن ابتر است اول تمجيد است پس ثنا راوي گفت کمتر چيزي كه كفايت مي كند از تمجيد چيست فرمود مي گوئي :

اللَّهُمَّ أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ الْآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ

خدايا توئي اول كه نيست پيش از تو چيزي و توئي آخر كه نيست بعد از تو چيزي و توئي

الظَّاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ

ظاهر كه نيست برتر از تو چيزي و توئي درون كه نيست وراي تو چيزي و توئي

الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

عزیز و فرزانه

خاتمه

در بعضي از آداب و ادعيه متعلق به موت است بدانكه چون بر كسي آثار موت ظاهر شود اول كسي كه بايد به احوال او بپردازد آن شخص خودش است كه سفر ابدي آخرت در پيش دارد و در حُورِ آن سفر او را توشه مي بايد پس اول چيزي كه او را ضرور است اقرار به گناه و اعتراف به تقصير و ندامت از گذشته ها و توبه كامل كردن است و تضرع و زاري به جناب مقدس ايزدي كردن كه از گناهان گذشته او درگذرد و در احوال و احوالي كه در پيش دارد او را به خود و ديگران و انگذارد پس متوجه وصيت شود و حقوق خدا و خلق آنچه در ذمه او باشد ادا كند و به ديگران و انگذارد كه بعد از مردن اختيار از دستش بدر رود و به حسرت در اموال خود نگرَد و شياطين جنّ و انس و سوسه ها كنند اوصياء و وارثان او را و مانع شوند كه ذمه او را بري سازند و او را چاره اي نباشد و گويد كه برگردانيد مرا آنقدر كه آنچه از اعمال شايسته خواهم در مال خود بكنم و از او نشنوند و حسرت و ندامت سود نبخشد پس به قدر ثلث مال خود از براي خويشان و تصدقات و خيرات و آنچه مناسب حال خود داند وصيت كند كه زياده از ثلث را اختيار

ندارد پس ابراء ذمه از برادران مؤمن خود بطلب و هر که را که غیبت کرده باشد یا اهانتی یا آزاری به او رسانیده باشد اگر حاضر باشند از ایشان التماس کند که او را حلال کنند و اگر حاضر نباشند از برادران مؤمن التماس کند که برای او ابراء ذمه بخواهند پس امور اطفال و عیال خود را بعد از توکل بر جناب مقدس الهی به امینی بگذارد و وصی برای اولاد صغیر خود تعیین کند پس کفن خود را مهیا نماید و از شهادتین و عقاید و اذکار و ادعیه و آیات آنچه در کتب مبسوطه مذکور است و این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد به تربت حضرت امام حسین علیه السلام بفرماید بنویسند و این در صورتیست که پیشتر غافل شده باشد و کفن را مهیا نکرده باشد و اگر نه مؤمن می باید که همیشه کفنش مهیا باشد و نزد او حاضر باشد چنانچه از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که کفنش با او باشد در خانه اش او را از غافلان ننویسند و هرگاه که نظر کند به آن کفن ثواب یابد و باید که بعد از آن دیگر در فکر زن و فرزند و مال نباشد و متوجه جناب مقدس ایزدی شود و به یاد او باشد و تفکر کند که این امور فانی بکار او نمی آید و به غیر لطف و رحمت پروردگار در دنیا و آخرت چیزی به فریاد او نمی رسد و بداند که چون توکل بر حق تعالی کند امور بازماندگان او به احسن وجوه صورت خواهد یافت و بداند که اگر خود باقی بماند بدون مشیت الهی نفعی به ایشان نمی تواند رسانید و از ایشان ضرری دفع نمی تواند کرد و آن خداوندی که ایشان را آفریده است از او به ایشان مهربانتر است و باید که در آن حال در مقام رجاء و امید باشد و از رحمت الهی بسیار امیدوار باشد و از شفاعت رسول خدا صلی الله علیه و آله و حضرات ائمه معصومین علیهم السلام امید عظیم داشته باشد و منتظر قدوم شریف ایشان باشد و بداند که همگی در آن وقت حاضر می شوند و شیعیان خود را بشارت می دهند و ملک موت را سفارش می کنند شیخ طوسی در مصباح متعجّد فرموده مستحب است برای انسان وصیت و اخلاص نکردن به آن، چه آنکه روایت شده که سزاوار است برای آدمی که شب به روز نیاورد مگر آنکه وصیت نامه اش زیر سرش باشد و مؤکد است در حال مرض و نیکو وصیت کند و خلاص کند خود را از حقوقی که مابین او و خدا است و از مظالم عباد و به تحقیق روایت شده از رسول خدا صلی الله علیه و آله که هر که نیکو نکند وصیت را در نزد مرگ خود این نقص در عقل و مروّت او بوده است گفتند یا رسول الله صلی الله علیه و آله چگونه است آن وصیت نیکو فرمود چون حاضر شود وفات او و جمع شده باشند مردم نزد او بگوید :

اَللّٰهُمَّ فَاطِرَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ الرَّحْمٰنَ الرَّحِيْمَ اِنِّيْ

خدایا ای آفریننده آسمانها و زمین و دانای غیب و شهود و بخشاینده مهربان من

اَعْهَدُ اِلَيْكَ اَنِّيْ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيْكَ لَهُ وَاَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللّٰهُ

عهد می کنم با تو که براسستی گواهی دهم که معبودی نیست جز خدای یگانه که شریک ندارد و به اینکه محمد صلی الله

عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ
 عَلَيْهِ وَآلَهُ بِنْدِهِ وَرَسُولَهُ أَوْ اسْتَوْفَى وَبِهِ أَيْنَكَ قِيَامَتُ خَوَاهِدِ آمَدِ شَكِي فِي أَنَّ نِيسْتِ وَخِدا بِرَانْگِيزِدِ هِرْ كِه
 فِي الْقُبُورِ وَأَنَّ الْحِسَابَ حَقٌّ وَأَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَأَنَّ مَا وَعِدَ فِيهَا مِنَ النَّعِيمِ
 دِرْ گُورِ اسْتِ وَحِسَابِ حَقِّ اسْتِ وَبِهَشْتِ حَقِّ اسْتِ وَهَرْچِه نَوِيدِ دَادِه شُدِه اَز نَعْمَتِهَا
 مِنَ الْمَأْكَلِ وَالْمَشْرَبِ وَالتَّكَاحِ حَقٌّ وَأَنَّ النَّارَ حَقٌّ وَأَنَّ الْإِيمَانَ حَقٌّ وَأَنَّ
 اَز خُورَاكِي وَنُوشِيدَنِي وَازدَوَاجِ حَقِّ اسْتِ وَدُوزَخِ حَقِّ وَإِيمَانِ حَقِّ اسْتِ وَدِينِ هِمَانِسْتِ
 الدِّينَ كَمَا وَصَفَ وَأَنَّ الْإِسْلَامَ كَمَا شَرَعَ وَأَنَّ الْقَوْلَ كَمَا قَالَ وَأَنَّ الْقُرْآنَ كَمَا
 كِه اَوْ وَصَفِ كَرْدِه وَاسْلَامِ چِنَانِسْتِ كِه اَوْ مَقْرَرِ دَاشْتِه وَگَفْتِه هِمَانِ گَفْتِه اَوْ اسْتِ وَقُرْآنِ هِمَانْگُونِه اسْتِ كِه
 أَنْزَلَ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ وَأَتَىٰ أَعَهْدُ إِلَيْكَ فِي دَارِ الدُّنْيَا أَنِّي رَضِيتُ بِكَ
 نَازِلِ گِشْتِه وَخِدا بِرِ حَقِّ وَآشْكَارِ اسْتِ وَمِنْ عَهْدِ كَنْمِ بَا تُو دِرْ دُنْيَا كِه مِنْ خُوشْنُودِمِ بِه بِرُورْدِگَارِي تُو
 رَبًّا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَبِيًّا وَبِعَلِيِّ وَلِيِّيًّا وَبِالْقُرْآنِ
 وَبِه دِينِ اسْلَامِ وَبِه پِيَاْمَبْرِي مُحَمَّدِ صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبِه وَلَايَتِ عَلِيٍّ وَبِه كِتَابِ قُرْآنِ
 كِتَابًا وَأَنَّ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَمَّتِي اللَّهُمَّ أَنْتَ تَقَىٰ عِنْدَ
 وَبِه اَيْنَكِه خَانْدَانِ پِيَاْمَبْرَتِ كِه بِرِ اَوْ وَبِرِ ايشَانِ سِلَامِ بَادِ اِمَاْمَانْدِ خِدايَا تُوِي تَكِيه گَاهِمِ
 شِدَّتِي وَرَجَائِي عِنْدَ كُرْبَتِي وَعُدَّتِي عِنْدَ الْأُمُورِ الَّتِي تَنْزِلُ بِي وَأَنْتَ وَلِيِّي
 دِرْ سَخْتِي وَامِيدِمِ دِرْ گِرْفَتَارِي وَذَخِيرَهَامِ دِرْ پِيَشْ آمَدِهَا وَتُوِي وَلِي
 فِي نِعْمَتِي وَالهِي وَآلِهِ أَبَائِي صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلا تَكِلْنِي إِلَىٰ نَفْسِي
 نَعْمَتِ مِنْ وَمَعْبُودِ پِدْرَانِمِ دُرُودِ فَرَسْتِ بِرِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَمَرَا بِه خُودِمِ وَامْگِذَارِ
 طَرَفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا وَأَنْسُ فِي قَبْرِي وَحَشْتِي وَاجْعَلْ لِي عِنْدَكَ عَهْدًا يَوْمَ الْقَاكَ
 چِشْمِ بَرِهْمِ زَدَنِي هِرْگِزِ وَدِرْ وَحْشَتِ قَبْرِمِ اَنِيسِ مِنْ بَاشِ وَقَرَارِ دِهِ بَرَايِمِ دِرْ پِيَشِ خُودِ پِيَاْمَانِي گِستَرْدِه دِرْ رُوزِ
 مَشْهُورًا دِيدَارَتِ

پس این عهد میّت است در روزی که وصیت می کند به حاجت خود و وصیت حقّ است بر هر مسلمانی فرمود حضرت
 صادق علیه السلام که تصدیق این در سوره مریم است قول خداوند تبارک و تعالی :

لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا يَعْنِي مَالِكٌ نَبِيٌّ شُونََدِ

* * * * *
 * * * * *

شفاعت را مگر کسی که فراگرفته از نزد خدای بخشنده عهد و پیمان را و این همان عهد است و فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام که بیاموز آن را و تعلیم کن آن را به اهل بیت و شیعه خود فرمود آن حضرت که آموخت آن را به من جبرئیل پس شیخ فرموده نسخه آن نوشته که گذارده می شود با میت در نزد جریده بگوید پیش از نوشتن :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ

بنام خدای بخشاینده مهربان گواهی دهم که معبودی نیست جز خدای یگانه که شریک ندارد و گواهی دهم که مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِ الْجَنَّةِ حَقٌّ وَأَنَّ النَّارَ حَقٌّ وَ

محمد بنده و رسول او است - درود خدا بر او و آتش - و به اینکه بهشت حق است و دوزخ حق است و
أَنَّ السَّاعَةَ حَقٌّ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ آنگاه بنویسد :

قیامت حق و آمدنی است که شکی در آن نیست و به اینکه خدا برانگیزد آنانکه در گورند * * * * *

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ شَهِدَ الشُّهُودُ الْمُسَمَّونَ فِي هَذَا الْكِتَابِ أَنَّ أَخَاهُمْ

بنام خدای بخشاینده مهربان گواهی دهند نامبردگان در این نامه که برادر

فِي اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ (فلان بن فلان) بجای این اسم آن شخص ذکر شود: أَشْهَدُهُمْ

ایمانی ایشان فلان پسر فلان × × × × × × × × × × × × × × × × گواه گرفته آنها را

وَأَسْتَوْدَعُهُمْ وَأَقْرَأَ عَنْدهُمْ أَنَّهُ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ

و سپرده به آنها و اقرار کرده نزدشان و گواهی دهد که معبودی نیست جز خدای یگانه که شریک ندارد و به اینکه
مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَنَّهُ مَقْرُءٌ بِجَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ

محمد صلی الله علیه و آله بنده و رسول او است و به همه پیامبران

وَالرُّسُلِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَأَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ وَإِمَامُهُ وَأَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وَدَّهِ

و رسولان علیهم السلام اقرار دارد و به اینکه علی ولی خدا و امام او است و امامان از فرزندان او

أَئِمَّتُهُ وَأَنَّ أَوْلَاهُمْ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَعَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَ

پیشوایان اویند که اولشان حسن و سپس حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و

جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ وَعَلِيُّ بْنُ مُوسَى وَمُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَعَلِيُّ

جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی

بْنُ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ وَالْقَائِمُ الْحُجَّةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَأَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ

بن محمد و حسن بن علي و قائم حجت عليهم السلام مي باشند و به اينكه بهشت حق است
والتَّارَ حَقٌّ وَالسَّاعَةَ آتِيَةً لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ وَأَنَّ
و دوزخ حق است و قيامت آمدنی است و شکی در آن نیست و خدا برانگیزد هر که در گورها است و
مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ [عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ] جَاءَ بِالْحَقِّ وَأَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ
محمد صلي الله عليه وآله بنده و رسول او است که به حق آمده و به اينکه علي ولي خدا
وَالْخَلِيفَةُ مِنْ بَعْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمُسْتَخْلَفُهُ فِي أُمَّتِهِ مُؤَدِّيًّا
و جانشين پس از رسول خدا صلي الله عليه وآله است که او را در ميان امتش جانشين کرده و
لِأَمْرِ رَبِّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَأَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ وَابْنَيْهَا الْحَسَنَ
دستور پروردگارش تبارك و تعالى را مي رساند و فاطمه دختر رسول خدا و فرزندش حسن
وَالْحُسَيْنَ إِنَّا رَسُولُ اللَّهِ وَسِبْطَاهُ [و] إِمَامَا الْهُدَى وَقَائِدَا الرَّحْمَةِ وَأَنَّ عَلِيًّا
و حسين فرزندان و دو نوه رسول خدا و دو رهبر هدايت و پيشواي رحمت و نيز علي
و مُحَمَّدًا وَجَعْفَرًا وَمُوسَى وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَعَلِيًّا وَحَسَنًا وَالْحُجَّةَ عَلَيْهِمْ
و محمد و جعفر و موسي و علي و محمد و علي و حسن و حضرت حجت عليهم
السَّلَامُ أئِمَّةٌ وَقَادَةٌ وَدُعَاةُ إِلَيَّ اللَّهِ جَلَّ وَعَلَا وَحُجَّةٌ عَلَيَّ عِبَادِهِ پس بگويد: يا
السلام پيشوايان و رهبران و دعوت کنندگان بسوي خدا جل و علا هستند و حجت بر بندگان اويند * * * * *

شُهُودُ اي فلان و اي فلان که نام برده شده ايد در اين نوشته ثابت کنيد براي من اين شهادت را نزد خودتان تا ملاقات
کنيد به آن مرا در نزد حوض کوثر پس شهود بگويند اي فلان :
نَسْتُوْدِعُكَ اللَّهُ وَالشَّهَادَةُ وَالْإِقْرَارُ وَالْإِخَاءُ مُوَدُّوعَةٌ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى
اي فلانی تو را به خدا مي سپاريم و گواهي و اقرار و برادري سپرده است در نزد رسول خدا صلي
اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَنَقَرَاءُ عَلَيْكَ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ پس به هم پيچند آن
اللَّهُ عليه وآله و بر تو سلام مي رسانيم و رحمت خدا و بركاتش بر تو باد * * * * *

صحيفه را و مهر کنند او را و بايد مختوم شود به مهر شهود و مهر ميّت و گذاشته شود در طرف راست ميّت با جريده و
نوشته شود صحيفه با کافور با سر چوبی و معطر و خوشبو نباشد و سزاوار است که در وقتی که مرگ حاضر مي شود

باطن قدمهای محضر را رو به قبله کنند و بوده باشد نزد او کسی که بخواند سوره یس و صافات و ذکر کند خدا را و تلقین کند او را شهادتین و اقرار به يك از امامان علیهم السلام و تلقین کند او را کلمات فَرج :

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَوَاتِ

معبودی نیست جز خدای بردبار کریم معبودی نیست جز خدای والای بزرگ منزّه است خدا پروردگار آسمانهای السَّعِ وَ رَبُّ الْأَرْضِينَ السَّعِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ مَا تَحْتُهُنَّ وَ رَبُّ هفتگانه و زمینهای هفتگانه و آنچه در آنها و مابین آنها و آنچه زیر آنها است و پروردگار الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ

عرش بزرگ و ستایش خاص خدا پروردگار جهانیان است و درود بر محمد و آل پاکش و حاضر نشود نزد او جُنُب و حایض و چون از دنیا گذشت فرو خوابانند چشمانش را و بکشند دستهایش را و بهم گذارند دهانش را و بکشند ساقهایش را و ببندند چانه اش را و شروع کنند در تحصیل کفن او و کفن واجب او سه پارچه است لنگ و پیراهن و ازار که سرتاسری باشد و مستحب است که زیاد شود بر این پارچه ها حِبره یَمَنِيّه و آن جامه ای است که از زمین می آورند یا ازار دیگر و زیاد کنند پارچه پنجمی که به پیچند به آن رانهای میّت را و مستحب است که علاوه بر اینها عمامه برای او قرار دهند پس تحصیل کنند برای او مقداری از کافور که آتش به آن نرسیده باشد و افضل آن وزن سیزده درهم و ثلث است و اوسط آن چهار مثقال و اقل آن يك درهم است و اگر دشوار باشد هر قدر که ممکن است تحصیل کنند و سزاوار است که بنویسد بر همه کفنها یعنی بر هر پارچه ای از آن :

فُلَانٌ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَأَنَّ

فلانی گواهی دهد که معبودی نیست جز خدای یگانه که شریک ندارد و به اینکه محمد رسول خدا است و

عَلِيًّا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَئِمَّةَ مِنْ وَلَدِهِ (و يك يك امامان را ذکر کند) (پس بنویسد)

علي امير مؤمنان است و امامان از فرزندان او * * * * *

أَئِمَّتُهُ أئِمَّةُ الْهُدَى الْأَبْرَارِ وَ بنویسد این را به تربت امام حسین علیه السلام یا به انگشت و امامان او و پیشوایان هدایت و نیکان هستند * * * * *

نویسند به سیاهی و باید غسل دهند میّت را به سه غسل اوّل به آب سدر دوّم به آب کافور سیّم به آب خالص و کیفیت غسلش مثل غسل جنابت است ابتدا می کند اوّل به شستن دستهای میّت سه مرتبه پس می شوید عورت او را به کمی از ایشان سه مرتبه پس غسل می دهد سر او را با کف سدر سه مرتبه پس جانب راست و بعد جانب چپ را به

همین نحو و می‌کشد دست خود را بر جمیع بدن میّت و باید این شستن‌ها به آب سدر باشد پس بشوید ظرف‌ها را تا اثر سدر برود و بریزد در ظرف آب دیگری و بیندازد در آن کمی از کافور پس غسل دهد او را به آب کافور مثل غسل به آب سدر و بریزد بقیّه آب را و بشوید ظرف‌ها را پس آب خالص بیاورد و غسل سیّم بدهد به همان نحو و بایستد غسل دهنده بر جانب راست او و بگوید هر زمانی که غسل دهد از او عضوی را عَفْوَاً عَفْوَاً و چون از غسل دادن فارغ شود بخشکاند بدن میّت را به جامه نظیفی و واجب است بر غسل دهنده غسل در این حال یا در مابعد و مستحبّ است مقدّم داشتن وضو بر غسل‌های میّت پس کفن کند او را و حاضر کند آن پارچه پنجمی را که ران پیچ باشد و پهن کند و بگذارد بر روی آن مقداری از پنبه و بپاشد بر آن مقداری زیره و بگذارد آن را بر قُبُل و دُبُر میّت و بر سوراخ دُبُر او پنبه بگذارد پس آن پارچه را ببندد بر ران‌های او و محکم ببندد ران‌های او را پس لُنگش را ببندد از نافش تا هر کجا که برسد و بپوشاند بر او پیراهنش و بالای آن سرتاسری را و بالای آن حَبَره و یا چیزی که قایم مقام آن باشد و بگذارد با او دو جریده از چوب خرما یا از درخت دیگری و باید تَر و تازه باشد و درازی آن به مقدار استخوان ذراع باشد می‌گذارد یکی از آن دو را در جانب راست چسبیده به بدن از آن محلی که موضع بستن لُنگ است و دیگری را در جانب چپ مابین پیراهن و سرتاسری و بگذارد کافور را بر مواضع سجده میّت که پیشانی و باطن کف‌ها و سر زانو‌ها و اطراف انگشتان پاها باشد و اگر از کافور چیزی زیاد آمد بگذارد بر سینه او و بیچد بر او کف‌هایش را و ببندد او را از جانب سر و پاهایش تا او را به خاک سپرد و در آن وقت گره کفن را بگشاید و چون از امر کفن فارغ شدند او را سوار بر تابوت کنند و ببرند او را تا مصلّی پس بر او نماز بخوانند علامه مجلسی در زادالمعاد در باب نماز میّت فرموده آنچه که مُلَحَّصش این است این نماز واجب است بر همه مسلمانان که علم به فوت شخصی به هم رسانند و اگر یکی از ایشان بجا آورد از دیگران ساقط می‌شود و واجب است نماز بر شیعه اثنی عشری که بالغ باشد بی خلاف و اشهر و اقوی آن است که بر طفلی که شش سالش تمام شده باشد نماز واجب است و ظاهراً به قصد قربت اکتفا می‌توان کرد و کمتر از شش ماهه را اگر زنده متولّد شده باشد بعضی سنّت دانسته‌اند و بعضی بدعت و احوط نماز نکردن است و سزاوارترین مردم به نماز میّت وارث او است بنا بر مشهور و شوهر اَوّلی است به زن خود و واجبست که نماز گذارنده رو به قبله بایستد و سر جنازه به جانب راست او باشد و میّت بر پشت خوابیده باشد و در این نماز طهارت از حدث شرط نیست و جنب و حیض و بی‌وضو این نماز را می‌توانند کرد و سنّت است که با وضو باشد و اگر آب بهم نرسد یا مانعی داشته باشد یا وقت تنگ باشد سنّت است که تیمم کند و ظاهر بعضی احادیث است که بدون عذر نیز تیمّم مستحب است و سنّت است که پیش نماز برابر میان مرد بایستد و سینه زن بنا بر مشهور و سنّت است که کفش را بکنند و واجب است که نیت نماز

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ و بعد از تکبیر دوم بگوید :

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ و بعد از تكبير سيم بگويند: اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ

لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَبَعْدَ از تكبير چهارم بگویند: اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِهَذَا الْمَيِّتِ وَ تَكْبِيرِ

پنجم را بگویند و فارغ شوند مجزی است و موافق مشهور بهتر آن است که چنین کند بعد از

نَبِّتْ بگوید: اَللّٰهُ اَكْبَرُ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا

دھم کہ محمدؐ

عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ أَرْسَلَهُ بِالْحَقِّ بَشِيراً وَنَذِيراً بَيْنَ يَدَيِ السَّاعَةِ پس بگوید: اللَّهُ

بنده و رسول او است که به حق او را فرستاده نوید ده و ترساننده است در پیشایش قیامت × × × × خدا

اَكْبِرُ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

بزرگتر است خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و برکت ده بر محمد و آل محمد

وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى

و رحم کن بر محمد و آل محمد همانند بهترین درود و برکت و رحمتی که فرستادی بر

إِبْرَاهِيمَ وَآلَ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ وَصَلِّ عَلَىٰ جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ

ابراهيم و آل ابراهيم كه توي ستوده و بزرگوار و درود فرست بر تمام پيبران و مرسلين

پس بگوید: اَللّٰهُ اَكْبَرُ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِيْنَ

* * * خدا بزرگتر است خدایا پیامرزمؤمنین و مؤمنات را و مردان و

وَالْمُسْلِمَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ تَابِعْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ بِالْخَيْرَاتِ إِنَّكَ

شده

* * * * * سایر بازماندگان و رحم کن بر او به رحمت خود ای مهربانترین مهربانان *

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ وَ اِگر مِيت طفل
 خدايا بيمارز آنانکه توبه کردند و پيروي از راه تو نمودند و نگاهشان دار از عذاب دوزخ
 * * * * *

نابالغ باشد بگوید: اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لِبُؤْيِهِ وَلَنَا سَلَفًا وَفَرَطًا وَاجْرًا وَسُنَّتٍ است که بر

* * * * * خدایا قرار ده او را برای پدر و مادرش و برای ما گذشته و ذخیره و مزدی *

* * * * *

جای خود بایستد تا جنازه را بردارند خصوصاً پیش نماز و در روایتی وارد شده است که بعد از فارغ شدن از نماز

بگوید :

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ از حضرت

پروردگارا بده به ما در دنیا خوبی و در آخرت نیز خوبی و نگاهمان دار از عذاب دوزخ * * * * *

صادق علیه السلام منقول است که سزاوار آن است که برادران مؤمن را خبر کنند به مردن اوتا به جنازه او حاضر

گردند و بر او نماز کنند و از برای او استغفار کنند و میّت و ایشان همه ثواب ببرند و در حدیث حسن از حضرت

صادق علیه السلام منقول است که چون مؤمن را به قبر می گذارند او را ندا می کنند که اوّل عطائی که تو را دادیم بهشت

است و اوّل عطائی که دادیم آنها را که با جنازه تو آمده اند آمرزش گناهان است و در حدیث دیگر فرمود که اوّل تحفه ای

که به مؤمن می دهند در قبر آن است که می آمرزند هر کس را که همراه جنازه او بوده است و در حدیث دیگر فرموده که

هر که همراهی جنازه مؤمنی بکند تا او را دفن بکنند حق تعالی در قیامت هفتاد ملک بر او بگمارد که همراهی او نمایند و

استغفار برای او کنند از قبر تا موقف حساب و فرمود که هر که یک طرف جنازه بگیرد بیست و پنج گناه کبیره اش

آمرزیده شود و اگر چهار طرف را بگیرد از گناهان بیرون آید و باید که جنازه را چهار کس بردارند و بهتر آن است که

از برای کسی که تشییع جنازه کند اوّل دست راست میّت را که جانب چپ جنازه است بدوش راست خود بردارد پس

پای راست میّت را باز بدوش راست بردارد پس از پشت جنازه برود و پای چپ میّت را بدوش چپ خود بردارد پس

دست چپ میّت را که در جانب راست جنازه است بدوش چپ بردارد و چون خواهد که بار دیگر تربیع کند از پیش

جنازه نرود بلکه از جانب پشت جنازه برگردد و باز به همان روش تربیع کند و اکثر علماء برعکس گفته اند که اوّل

ابتداء بدست راست جنازه می کند پس به پای راست پس به پای چپ پس به دست چپ و اوّل موافق احادیث معتبر

اولی است و اگر هر دو رابه عمل آورند بهتر است و افضل آن است که عقب جنازه یا پهلوها راه رود و پیش جنازه

نرود و ظاهر اکثر احادیث آن است که اگر جنازه مؤمن باشد پیش آن راه رفتن خویست و در جنازه خلاف مذهب

خوب نیست زیرا که ملائکه او را استقبال به عذاب می کنند و با جنازه سواره رفتن مکروه است و از حضرت

رسول صلی الله علیه و آله منقول است که هر که جنازه ای را به بیند این دعا را بخواند :

اَللّٰهُ اَكْبَرُ هَذَا مَا وَعَدَنَا اللّٰهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللّٰهُ وَرَسُولُهُ اَللّٰهُمَّ زِدْنَا اِيْمَانًا

تعبیر از آن بدوررحی کنند یعنی مثل سنگ آسیا گردیدن او باشد و چون جنازه را نزد قبر آورند اگر مرد است بگذارند او را بطرف پاهای قبر و بیاورند او را تا لب قبر در سه دفعه و اگر جنازه زن است او را بگذارند طرف پیش قبر که جانب قبله است پس داخل در قبر شود ولی میت یا کسی که امر کند و نازل شود در قبر از طرف پای قبر که آن باب قبر است و چون نازل شد بگوید :

اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا رَوْضَةً مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ وَلَا تَجْعَلْهَا حُفْرَةً مِنْ حُفَرِ النَّارِ

خدایا قرار ده آنرا باغی از باغهای بهشت و قرارش مده گودالی از گودالهای دوزخ و سزاوار است که شخص نازل سر برهنه و پابرهنه باشد با بندهای گشاده پس بگیرد میت را و از سر او داخل در قبر کند و بگوید در آن حال :

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ اَللَّهُمَّ اِيْمَانًا بِكَ وَ

بنام خدا و به یاری خدا و در راه خدا و بر کیش رسول خدا، خدایا ایمان دارم به تو و

تَصَدِّيقًا بِكِتَابِكَ هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَّقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ اَللَّهُمَّ

تصدیق دارم کتابت را، این است آنچه خدا و رسولش به ما وعده داده‌اند و آنها راست گفتند خدایا

زِدْنَا اِيْمَانًا وَتَسْلِيمًا پس بخواباند او را بر جانب راست و روی او را به قبله کند و بگشاید

بر ایمان و تسلیم ما بیفز * * * * *
* * * * *

بندهای کفن را از جانب سر و پای او و بگذارد صورت میت را بر خاک و مستحب است که بگذارد با او چیزی از تربت امام حسین علیه السلام پس بچیند بر او خشت و بگوید آن کسی که می‌چیند خشت را :

اللَّهُمَّ صَلِّ وَحَدِّثْهُ وَانْسُ وَحَشَّتْهُ وَارْحَمْ غُرْبَتَهُ وَأَسْكِنْهُ

* * * * * خدایا از تنهایی پرهانش و به وحشتش انس ده و بر بی‌کسیش رحم کن و همراه

إِلَيْهِ مِنْ رَحْمَتِكَ رَحْمَةً يَسْتَعْنِي بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ وَاحْشُرْهُ مَعَ مَنْ

او کن از رحمتت بدان مقدار که بی‌نیازی جوید بدان از رحمت دیگران و محشورش کن با هر که

كَانَ يَتَوَلَّاهُ [مِنَ الْاِئِمَّةِ الطَّاهِرِينَ] × و مستحب است که تلقین کرده شود میت به

دوست دارد از امامان پاکیزه * * * * *

شهادتین و اسماء ائمه‌علیهم السلام وقت گذاشتن در قبر پیش از چیدن خشت بر او پس می‌گوید تلقین کننده: یا فُلَانُ

بُنْ فُلَانٍ (و به جای این اسم می‌برد آن میت و پدر او را)

أَذْكُرُ الْعَهْدَ الَّذِي خَرَجْتَ عَلَيْهِ مِنْ دَارِ الدُّنْيَا شَهَادَةً أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ

یاد آر پیمانی را که بر آن از خانه دنیا رفتی یعنی گواهی به اینکه نیست معبودی جز خدای یگانه

لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنَ

که شریک ندارد و اینکه محمد بنده و رسول او است و علی امیرمؤمنان است و حسن

وَالْحُسَيْنَ وَ ذَكَرَ كُنْدِائِمَهُ رَا يَكْ بَهْ يَكْ تَا آخِرِ ائِمَّتِكَ اِهْدِي الْاَبْرَارُ پَسْ وَ قَتِي

و حسین و ذکر کند ائمه را یک به یک تا آخر ائمتک اهدی الابرار پس وقتی
* * * *

که فارغ شد از چیدن خشت بریزد خاک بر او و مستحب است که خاک بریزند کسانی که حاضر شده‌اند با پشت
دستهای خودشان و بگویند در آن حال :

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ

ما از آن خداییم و بسویش بازگردیم این است آنچه خدا و رسولش به ما وعده دادند و راست گفتند خدا و رسول

اللَّهُمَّ زِدْنَا إِيمَانًا وَ تَسْلِيمًا پَسْ چُون اراده کند بیرون آمدن از قبر را بیرون بیاید از طرف

خدایا بر ایمان و تسلیم ما بیفز * * * * *
* * * * *

پاهای میت پس پر کند قبر را و بلند کند از زمین بقدر چهار انگشت و نریزد در قبر غیر از خاک قبر و گذارده شود
نزد سر او خشتی یا لوحی پس بریزد آب بر قبر و ابتداء کند به ریختن آب از جانب سر پس دور داده شود آب ریختن بر
چهار طرف قبر تا برگردد نزد سر آنجائی که اول شروع کرده است به آب ریختن پس اگر از آن آب چیزی زیاد بیاید
بریزد بر وسط قبر پس وقتی که پوشانید قبر را بگذارد دست خود را بر قبر هر کسی که می‌خواهد و بگشاید انگشتان
خود را و فرو برد در خاک قبر و دعا کند برای میت پس بگوید :

اللَّهُمَّ اِنْسُ وَحَشَتَهُ وَارْحَمْ غُرْبَتَهُ وَاسْكِنْ رَوْعَتَهُ وَصِلْ وَحْدَتَهُ وَاسْكِنْ

خدایا انس ده به وحشت او و رحم کن بر بی‌کسی او و فرو نشان اضطرابش را و از تنهایی برهانش و

إِلَيْهِ مِنْ رَحْمَتِكَ رَحْمَةً يَسْتَعْنِي بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ وَاحْشُرْهُ مَعَ مَنْ

همدم او کن از رحمت خود به مقداری که بی‌نیازی جوید بدان از رحمت دیگران و محشورش کن با هر که

كَانَ يَتَوَلَّاهُ پَسْ وَ قَتِي که برگشتند مردم از نزد قبر تأخیر بیندازد برگشتن خود را کسی که

دوستش دارد * * * * *
* * * * *

سزاوارتر است به آن میّت و مهربانی کند به او و بگوید به صدای بلند اگر مقام تقیّه نباشد یا

* * * * *

* * * * * ای

فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ (اسم میّت و پدر او را برد) اَللّهُ رَبُّكَ وَمُحَمَّدٌ نَبِيُّكَ وَالْقُرْآنُ كِتَابُكَ

فُلَانِ پسر فُلَانِ × × × × × خدا پروردگار تو است و مُحَمَّد پیامبرت و قرآن کتابت

وَالْكَعْبَةُ قِبْلَتُكَ وَعَلِيٌّ إِمَامُكَ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ (و نام ببردائمه را يك يك) اِئِمَّتُكَ

و كعبه قبلهات و علي امام تو است و حسن و حسين × × × × × امامان توأند امامان

اِئِمَّةُ الْهُدَى الْأَبْرَارُ مؤلف گوید که غیر از وقت احتضار از برای میّت دو جا تلقین مستحبّ

* * * * * راهنمای نیکوکار

* * * * *

است یکی وقتی که او را در قبر گذارند و بهتر آن است که بدست راست دوش راست او را و بدست چپ دوش چپ

او را بگیرند و او را حرکت دهند و تلقین کنند و دیگر وقتی که او را دفن کردند سِتّ است که ولیّ میّت یعنی اقرب

خویشان او بعد از آنکه مردم از سر قبر او برگردند نزد سَر میّت بنشیند و به صدای بلند او را تلقین کند و خوب است

که دو کف دست را روی قبر گذارد و دهان را نزدیک قبر برد و اگر دیگری را نائب کند نیز خوب است و در اخبار وارد

شده است که چون این تلقین را بکنند منکر به نکیر می گوید بیا برویم تلقین حجتّش کردند احتیاج به پرسیدن نیست

پس بر می گردند و سؤال نمی کنند علّامه مجلسی علیه الرّحمة فرموده و تلقین کننده به این نحو بگوید جامع تر است :

اِسْمَعُ اِفْهَمْ يَا فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ (و نام او و پدرش را بگوید) هَلْ اَنْتَ عَلَيَّ الْعَهْدِ الَّذِي

بشنو و بفهم ای فُلَانِ پسر فُلَانِ × × × × × آیا تو بر آن پیمانی که

فَارَقْتَنَا عَلَيْهِ مِنْ شَهَادَةِ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ اَنْ مُحَمَّدًا

از ما جدا شدی هستی که عبارت بود از گواهی دادن به اینکه نیست معبودی جز خدای یگانه ای که شریک ندارد و

اینکه مُحَمَّد

صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عِبْدُهُ وَ رَسُوْلُهُ وَ سَيِّدُ النَّبِيِّينَ وَ خَاتَمُ الْمُرْسَلِينَ وَ اَنْ

صلي الله عليه وآله بنده و رسول او و آقاي پيبران و خاتم رسولان است و اینکه

عَلِيًّا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ وَ إِمَامُ افْتَرَضَ اللّهُ طَاعَتَهُ عَلَيَّ

عليّ امير مؤمنان و آقاي اوصياء است و آن امامي است که خداوند پيرويش را به

الْعَالَمِينَ وَ أَنَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَ
جهانيان واجب فرموده و حسن و حسين و علي بن الحسين و محمد بن علي و
جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ وَ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَ عَلِيَّ
جعفر بن محمد و موسي بن جعفر و علي بن موسي و محمد بن علي و علي
بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَالْقَائِمَ الْحُجَّةَ الْمَهْدِيَّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَئِمَّةُ
بن محمد و حسن بن علي و حضرت قائم حجت مهدي - دروذهاي خدا بر همگيشان باد - كه پيشوايان
الْمُؤْمِنِينَ وَ حُجَّجُ اللَّهِ عَلَيِ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ وَ أَتَمَّتْكَ أَيْمَةُ هُدًى أَبْرَارُ يَا فُلَانُ
مؤمنان و حجتهاي خدا بر همه آفريدگانند و امامان توأند امامان هدايت و نيكوکار
بْنِ فُلَانٍ إِذَا أَتَاكَ الْمَلَكَانِ الْمُقَرَّبَانِ رَسُولَيْنِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ
اي فلانی هنگامي كه آن دو فرشته مقرب كه فرستادگان خداي تبارك و تعالى هستند به نزدت آمدند و
سَلَاكَ عَنْ رَبِّكَ وَ عَنْ نَبِيِّكَ وَ عَنْ دِينِكَ وَ عَنْ كِتَابِكَ وَ عَنْ قِبْلَتِكَ وَ عَنْ
از تو از پروردگارت و از پيامبرت و از دينت و از كتابت و از قبلهات و از امامان تو
أَيْمَتِكَ فَلَا تَخَفْ وَ قُلْ فِي جَوَاهِرِهِمَا اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ رَبِّي وَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ
پرسيدند نترس و در پاسخشان بگو خدا جلّ جلاله پروردگار من است و محمد صلي الله
عَلَيْهِ وَ آلِهِ نَبِيِّي وَالْإِسْلَامُ دِينِي وَ الْقُرْآنُ كِتَابِي وَالْكَعْبَةُ قِبْلَتِي وَ
عليه و آله پيامبرم مي باشد و اسلام دين من است و قرآن كتاب من و كعبه قبله ام و
أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ إِمَامِي وَالْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْمُجْتَبَى إِمَامِي وَ
امير مؤمنان علي بن ابيطالب امام من است و حسن بن علي مجتبی امام من است و
الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ الشَّهِيدُ بِكَرْبَلَاءَ إِمَامِي وَ عَلِيُّ زَيْنُ الْعَابِدِينَ إِمَامِي وَ
حسين بن علي كه در كربلا شهيد شد امام من است و علي زين العابدين امام من است و
مُحَمَّدٌ بَاقِرُ عِلْمِ النَّبِيِّينَ إِمَامِي وَ جَعْفَرُ الصَّادِقُ إِمَامِي وَ مُوسَى الْكَاظِمُ
محمد شكافنده علم پيبران امام من است و حضرت جعفر صادق امام من است و موسي كاظم
إِمَامِي وَ عَلِيُّ الرِّضَا إِمَامِي وَ مُحَمَّدُ الْجَوَادُ إِمَامِي وَ عَلِيُّ الْهَادِي إِمَامِي وَ
امام من است و علي الرضا امام من است و محمد جواد امام من است و علي الهادي امام من است و
الْحَسَنُ الْعَسْكَرِيُّ إِمَامِي وَالْحُجَّةُ الْمُتَنْظَرُ إِمَامِي هَؤُلَاءِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ

حسن العسكري امام من است و حضرت حجت منتظر امام من است اينان که درودهاي خدا بر
 أَجْمَعِينَ أَتَمَّتْ وَ سَادَتِي وَقَادَتِي وَ شُفَعَائِي بِهِمْ أَتَوَلَّيْ وَ مَنْ
 همگيشان باد امامان و آقايان و رهبران و شفيعان منند که بدیشان دوستی ورزم و از
 أَعْدَائِهِمْ أَتَبَرَّءُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ثُمَّ أَعْلَمُ يَا فُلَانُ بَنَ فُلَانٍ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ
 دشمنانشان بيزاري جويم در دنيا و آخرت، وانگه بدان اي فلان پسر فلان که براسستی خدای تبارک و
 تَعَالَى نِعَمَ الرَّبِّ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ نِعَمَ الرَّسُولُ وَ أَنَّ أَمِيرَ
 تعالی خوب پروردگاري است و محمد صلي الله عليه وآله نيكو رسولى است و امير
 الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَ أَوْلَادَهُ الْأَئِمَّةَ الْأَحَدَ عَشَرَ نِعَمَ الْأَئِمَّةِ وَ أَنَّ مَا
 مؤمنان علي بن ابیطالب و فرزندان امامهاي يازده گانه نيكو امامانى هستند و براسستی هرچه را
 جَاءَ بِهِ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ حَقٌّ وَ أَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَ سُؤَالَ مُنْكَرٍ وَ
 محمد صلي الله عليه وآله آورده است همگي حق است و مرگ حق است و سؤال نكير و
 نَكِيرٍ فِي الْقَبْرِ حَقٌّ وَ الْبَعْثُ حَقٌّ وَ التَّشْوِيرُ حَقٌّ وَ الصِّرَاطُ حَقٌّ وَ الْمِيزَانُ حَقٌّ
 منكر در قبر حق است و برانگيخته شدن حق است و دوباره زنده شدن حق است و صراط حق است و ميزان حق است
 وَ تَطَاثُرُ الْكُتُبِ حَقٌّ وَ الْجَنَّةُ حَقٌّ وَ النَّارُ حَقٌّ وَ أَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَ
 و پراکنده شدن نامه هاي اعمال بر مردم حق است و بهشت حق است و دوزخ حق است و قيامت آمدنى است که شكي
 در آن نيست و

أَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ پس بگويد أَفْهَمْتُ يَا فُلَانُ در حديث است که ميّت در
 خدا برانگيزد هر که در گور است × × × × × آيا فهميدي فلانى * * * * *

جواب مي گويد بلي فهميدم پس بگويد: تَبَيَّنَكَ اللَّهُ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ هَذَاكَ اللَّهُ إِلَى
 * * * * * خدايت پابرجا بدارد به گفته پايدار و

هدايتت کند خدا

صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ عَرَفَ اللَّهُ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ أَوْلِيَائِكَ فِي مُسْتَقَرٍّ مِنْ رَحْمَتِهِ پس
 به راه راست، آشنائي برقرار کند خدا ميان تو و دوستانش در جا يگاه رحمتش * *
 بگويد: اللَّهُمَّ جَافِ الْأَرْضَ عَنْ جَنَّتَيْهِ وَ اصْعَدْ بِرُوحِهِ إِلَيْكَ وَ لَقَّهِ مِنْكَ بُرْهَانًا
 * * * خدايا دور کن زمين را از پهلويهايش و بالا ببر روح او را بسوي خود و تلقين کن به او از نزد خود برهاني،

اَللّٰهُمَّ عَفُوْكَ عَفُوْكَ به كلمه شريفه عفو ختم كردم اين رساله را رجاء واثق كه عفو الهي

خدایا گذشتت گذشتت * * * * *
* * * * *

شامل گردد حال این روسیاه و کسانی که به این رساله (عمل می نمایند) و کان ذلك فی آخر یوم الجمعة التاسع عشر من شهر محرم الحرام سنة ۱۳۴۵ الف و ثلثمائة و خمس و اربعین فی جوار امامنا المسموم مولینا الغریب المظلوم ابی الحسن علی بن موسی الرضا علیه و علی آبائه السّلام من الحي القيوم والحمد لله اولاً و آخراً و صَلَّي اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ و آلِهِ كَتَبَهُ بيمينه الوازرة عباس بن محمد رضا القمي عفي عنهما .

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

ذكر چند دعای مَوْجَز و عَوْدَه‌های مختصره که نقل شده از کتاب بحار و ملحق شده به کتاب باقیات صالحات اول از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که مردی را دید که می خواند از روی دفتری دعای طولانی حضرت فرمود ای مرد آن خدائی که می شنود کثیر را جواب می دهد از قلیل آن شخص عرض کرد ای مولای من می فرمائی چه کنم فرمود بگو :

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰی كُلِّ نِعْمَةٍ وَاَسْئَلُ اللّٰهَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ وَاَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنْ كُلِّ شَرٍّ وَاَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنْ كُلِّ شَرٍّ وَاَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنْ كُلِّ شَرٍّ وَاَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنْ كُلِّ شَرٍّ

ستایش خدای را بر هر نعمتی و از او خواهم هر خیری را و پناه برم به خدا از هر شری و

اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ x دوّم دعائی است که حضرت صادق علیه السلام تعلیم فرمود آن را

آمرزش خواهم از خدا از هر گناهی * * * * *
* * * * *

به بعضی از اصحاب خود که برای دفع هول و غم بخواند: اَعْدَدْتُ لِكُلِّ عَظِيْمَةٍ لَا إِلَهَ إِلَّا

* * * * * آماده

کرده ام برای هر پیش آمد بزرگی «لا اله الا

اللّٰهُ وَلِكُلِّ هَمٍّ وَ غَمٍّ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ مُحَمَّدٌ التَّوْرُ الْاَوَّلُ وَاَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنْ كُلِّ شَرٍّ

اللّٰهُ» را و برای هر غم و اندوهی «لا حول ولا قوة الا باللّٰه» محمد نور نخستین است و علی نور

الثّانی وَاَلْاِئِمَّةُ الْاَبْرَارُ عُدَّةٌ لِلْقَاءِ اللّٰهِ وَ حِجَابٌ مِنْ اَعْدَاءِ اللّٰهِ ذَلْ كُلُّ شَيْءٍ

دوم و امامان نیکوکار ذخیره ای برای دیدار خدا و پرده ای از دشمنان خدایند خوار است هر چیز

لِعَظَمَةِ اللّٰهِ وَاَسْئَلُ اللّٰهَ عَزَّوَجَلَّ الْكِفَايَةَ x سیّم دعائی است برای رفع بیماریها و

* * * * * در برابر عظمت خدا و از خدای عزوجل کفایت کارم را خواهانم * * *

ناخوشیها سید بن طاوس (ره) فرموده که ما تجربه کردیم آن را می نویسی در رقعهای یا
* * * * *
* * * * * ای

مَنْ اسْمُهُ دَوَاءٌ وَ ذِكْرُهُ شِفَاءٌ يَا مَنْ يَجْعَلُ الشِّفَاءَ فِيمَا يَشَاءُ مِنَ الْأَشْيَاءِ صَلِّ
که نامش دوا و ذکرش شفا است ای که بنهد شفا را در هر چیزی که خواهد درود فرست
عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْ شِفَائِي مِنْ هَذَا الدَّاءِ فِي اسْمِكَ هَذَا پس
بر محمد و آل محمد و بنه شفای مرا از این درد در این نامت * *

می نویسی ده مرتبه یا الله ده مرتبه یا رب ده مرتبه یا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ چهارم برای بشر یعنی آبله ریزی که بر اندام
برآید از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که چون احساس کردی به آن بگذار انگشت سَبَّابه را بر آن و بگردان
دَوْرِ آن و بگو هفت مرتبه لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ و دفعه هفتم بچسبان انگشت سَبَّابه را بر روی آن و فشار بده آن
را پنجم روایت شده که برای خنازیر مکرر بگوئید یا رَوْفُ یا رَحِيمُ یا رَبُّ یا سَيِّدِي ششم از برای درد کمر روایت شده
که دست بگذارد بر موضعی که درد می کند و سه دفعه بخواند :

وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُوَجَّلًا وَ مَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا
هیچ کس نخواهد مُرد جز به اذن خدا سرنوشتی است مدت دار و هر که پاداش دنیا را خواهد از آتش دهیم
ثَوَاتِهِ مِنْهَا وَ مَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ ثَوَاتِهِ مِنْهَا وَ سَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ پس هفت
و هر که پاداش آخرت خواهد از آتش دهیم و سپاسگزاران را پاداش دهیم * * *
مرتبه اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ بِخَوَانِد انشاء الله عافیت یابد هفتم برای درد ناف روایت شده که دست بگذار بر موضع درد و بگو سه
مرتبه :

وَ اِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ
براستی آن کتابی است عزیز که باطل بر او راه نیابد نه از جلوش و نه از پشت سرش نازل شده از طرف
حَكِيمٍ حَمِيدٍ عافیت یابی انشاء الله هشتم تعویذی است برای هر درد مروی از حضرت
حکیمی ستوده * * * * *
* * * * *

رضاعلیه السلام: اُعِذْ نَفْسِي بِرَبِّ الْأَرْضِ وَ رَبِّ السَّمَاءِ اُعِذْ نَفْسِي بِالَّذِي لَا يَضُرُّ

* * * پناه دهم خودم را به پروردگار زمین و پروردگار آسمان پناه دهم خودم را به آنکس که زیان نزند

مَعَ اسْمِهِ دَاءً أُعِيدُ نَفْسِي بِالَّذِي اسْمُهُ بَرَكَةٌ وَ شِفَاءُ * نَهَمَ بَرَايِ دَرْدِ خَاصَرِهِ

با نام او دردی پناه دهم خودم را به آن کس که نامش برکت و شفاء است * * * * *

یعنی تهیگاه روایت شده که چون فارغ شدی از نماز بگذار دست خود را بر موضع سجود خود پس بکش بر روی خاصره و بخوان آخر سوره قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ رَا أَفْحَسَبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا تَا آخر سوره مبارکه دهم برای درد شکم و قولنج و نحو آن می خوانی بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَذَا التُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا تَا آخر آیه پس می خوانی سوره حمد را هفت مرتبه و این مجرب است یازدهم دعای شخص مهموم و آن کسی که بلیه به او رسیده و چاره اش قطع گشته در شب جمعه چون از نماز عشاء فارغ شود بگوید: لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ دوازدهم دعای حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام به جهت خلاصی از زندان :

يَا مُخْلِّصَ الشَّجَرِ مِنْ بَيْنِ رَمْلٍ وَ طِينٍ وَ مَاءٍ وَ يَا مُخْلِّصَ اللَّبَنِ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ

ای برون آورنده درخت از میان ریگ و گل و آب و ای برون آورنده شیر از میان سرگین

وَ دَمٍ وَ يَا مُخْلِّصَ الْوَلَدِ مِنْ بَيْنِ مَشِيمَةٍ وَ رَحِمٍ وَ يَا مُخْلِّصَ النَّارِ مِنْ بَيْنِ

و خون و ای برون آورنده بچه از میان پرده و بچه دان و ای برون آورنده آتش از میان

الْحَدِيدِ وَ الْحَجَرِ وَ يَا مُخْلِّصَ الرُّوحِ مِنْ بَيْنِ الْأُخْشَاءِ وَ الْأُمَعَاءِ خَلِّصْنِي مِنْ

آهن و سنگ و ای برون آورنده جان از میان احشاء و روده ها نجاتم ده از

يَدَيِّ هَارُونَ بَه جاي اسم هارون اسم آن ظالمی را ببرد که او را در زندان کرده روایت

* * * * * دست هارون * * * * *

* * * * *

شده که چون حضرت در حبس هارون این دعا را خواند بعد از آنکه شب درآمد وضو تازه کرد و چهار رکعت نماز

گذاشت هارون خواب هولناکی دید بترسید امر کرد تا آن حضرت را از زندان

رها کردند سیزدهم دعاء فَرَجَ: اللَّهُمَّ إِنْ كَانَتْ ذُنُوبِي قَدْ أَخْلَقْتَ وَ جَهِي عِنْدَكَ

* * * * * خدایا اگر چه گناهانم مرا در پیش تو

فَاتِي اتَّوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ عَلَيَّ وَ

بی آبرو کرده ولی من روکنم بدرگاهت بوسیله پیامبرت پیامبر رحمت محمد صلی الله علیه و آله و علی و

فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْأَئِمَّةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ بدانکه ادعیه فَرَجَ بسیار

فاطمه و حسن و حسین و امامان دیگر علیهم السلام

است و از ادعیه فرج است دعای الهی طُمُوحُ الْأُمَالِ قَدْ خَابَتْ إِلَّا لَدَيْكَ الْخ و این دعا در مفاتیح در اعمال شب جمعه ذکر شد چهاردهم دعای شریفی که در نماز وتر خوانده می شود علامه مجلسی قدس سره در بحار آن را از کتاب اختیار نقل نموده فرموده می کشی دست خود را به جانب آسمان و می گوئی :

إِلَهِي كَيْفَ أَصْدُرُ عَنْ بَابِكَ بِخِيَبَةٍ مِنْكَ وَقَدْ قَصَدْتُهُ عَلَي ثِقَةٍ بِكَ إِلَهِي كَيْفَ

خدایا چگونه بازگردم از درگاهت به نومیدي با اینکه از روی اطمینان به تو آهنگت کردم خدایا چگونه

تُوَيْسُنِي مِنْ عَطَائِكَ وَقَدْ أَمَرْتَنِي بِدُعَائِكَ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

مأیوسم کنی از عطای خود با اینکه تو خود دستور دعایم دادی درود فرست بر محمد و آل محمد

وَارْحَمْنِي إِذَا اشْتَدَّ الْأُنِينُ وَ حَظِرَ عَلَيَّ الْعَمَلُ وَأَقْطَعَ مِنِّي الْأَمَلُ وَأَفْضَيْتُ

و رحم کن بر من آنگاه که سخت شد ناله ام و کاری از دستم ساخته نیست و آرزویم بریده شده و به حال مرگ

إِلَيَّ الْمُنُونُ وَ بَكَتْ عَلَيَّ الْعُيُونُ وَ دَعَانِي الْأَهْلُ وَالْأَحْبَابُ وَ حُثِّي عَلَيَّ

درافتاده ام و بگریند بر من چشمها و خداحافظی کنند با من خاندان و دوستانم و

التُّرَابُ وَ نَسِي اسْمِي وَ بَلِي جِسْمِي وَأَنْطَمَسَ ذِكْرِي وَ هَجَرَ قَبْرِي فَلَمْ

خاک روی من بریزند و نامم فراموش شود و تنم پوسیده شود و از یادم ببرند و گورم را ترك کنند و دیگر

يَزُرْنِي زَانِرٌ وَلَمْ يَذْكُرْنِي ذَاكِرٌ وَ ظَهَرَتْ مِنِّي الْمَائِمَةُ وَ اسْتَوْلَتْ عَلَيَّ

کسی به دیدنم نیاید و کسی یادم نکند و گناهان من آشکار گردد و مظلومه ها بر من مستولی گردد

الْمَظَالِمُ وَ طَالَتْ شِكَايَةُ الْخُصُومِ وَ اتَّصَلَتْ دَعْوَةُ الْمَظْلُومِ صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَي

و بسیار گردد شکایت طرفهای دعا و پیوست شود نفرین مظلومان (در آن هنگام) درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَرْضِ خُصُومِي عَنِّي بِفَضْلِكَ وَ إِحْسَانِكَ وَ جُدْ عَلَيَّ

محمد و آل محمد و راضی کن طرفهای دعا را از من به فضل و احسانت و ببخش بر من به

بِعَفْوِكَ وَ رِضْوَانِكَ إِلَهِي ذَهَبَتْ أَيَّامُ لَدَّائِي وَ بَقِيَتْ مَاثِمِي وَ تَبِعَاتِي وَ قَدْ

گذشت و خوشنودیت خدایا روزهای خوشی و لذت گذشت و به جا ماند گناهان و مسئولیت و اکنون

أَتَيْتُكَ مُنِيبًا تَائِبًا فَلَا تَرُدَّنِي مَحْرُومًا وَلَا خَائِبًا اللَّهُمَّ آمِنْ رَوْعَتِي وَ اغْفِرْ

بدرگاهت آمده ام بازگرد و توبه کننده پس بازم مگردان محروم و نومیدي خدایا به هراسم آرامش ده و لغزشم را بیامرز

زَلَّتِي وَ تُبَّ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ × پانزدهم دعاء حزین دعائی است

و توبه‌ام را بپذیر که تویی توبه‌پذیر مهربان * * * * *

شریف بعد از نماز شب خوانده می‌شود و آن دعاء مطابق آنچه در مصباح متهجد است این

* * * * *
* * * * *

است: اُنَاجِبُكَ يَا مَوْجُوداً فِي كُلِّ مَكَانٍ لَعَلَّكَ تَسْمَعُ نِدَائِي فَقَدْ عَظُمَ جُرْمِي

* * راز گویم با تو ای که هستی در هر جا و مکان تا شاید فریادم را بشنوی چونکه جرم و گناهم بزرگ

و قَلَّ حَيَاتِي مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَيُّ الْأَهْوَالِ أَتَذَكَّرُ وَأَيُّهَا أُنْسِي وَلَوْ لَمْ يَكُنْ

و شرم کم است مولایم ای مولایم کدامیک از هراسهایم را یادآوری کنم و کدامیک را فراموش کنم و اگر نباشد

إِلَّا الْمَوْتُ لَكَفَى كَيْفَ وَمَا بَعْدَ الْمَوْتِ أَعْظَمُ وَأَذْهِي مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ حَتَّى

جز همان مرگ تنها مرا بس است چسان! با اینکه جهان پس از مرگ بزرگتر و سخت‌تر است مولای من ای مولایم تا چه

مَتَى وَإِلَى مَتَى أَقُولُ لَكَ الْعُتْبَى مَرَّةً بَعْدَ أُخْرَى ثُمَّ لَا تَجِدُ عِنْدِي صِدْقاً وَلَا

وقت و تا کی بگویم که (من گنهکارم و) تو حق بازخواستم داری نه یک بار بلکه بارها ولی باز هم تو راستی و

وَفَاءً فَيَاغُوْثَاهُ ثُمَّ وَاعُوْثَاهُ بِكَ يَا اَللهُ مِنْ هَوِيٍّ قَدْ غَلَبَنِي وَمِنْ عَدُوٍّ قَدْ

وفا از من نبینی، پس ای فریاد و باز هم ای فریاد به درگاه تو خدایا از هوای نفسی که بر من چیره گشته و از دشمنی که

اسْتَكَلَبَ عَلَيَّ وَمِنْ دُثْيَا قَدْ تَزَيَّيْنَتْ لِي وَمِنْ نَفْسٍ أَمَّارَةٍ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ

بر من حمله‌ور شده و از دنیایی که خود را برایم آراسته و از نفس فرمانده به بدی جز آنکه پروردگارم رحم کند

رَبِّي مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ إِنْ كُنْتُ رَحِمْتَ مِثْلِي فَارْحَمْنِي وَإِنْ كُنْتُ قَبِلْتُ

مولای من ای مولایم اگر به کسی چون من رحم کرده‌ای پس به من نیز رحم کن و اگر کسی را مانند من پذیرفته‌ای

مِثْلِي فَاقْبَلْنِي يَا قَابِلَ السَّحَرَةِ اقْبَلْنِي يَا مَنْ لَمْ أَزَلْ أَتَعَرَّفُ مِنْهُ الْحُسْنَى يَا

مرا هم بپذیر ای پذیرنده ساحران (فرعون) مرا هم بپذیر ای که تا بوده از او نیکی دیده‌ام ای

مَنْ يُعَذِّبُنِي بِالنَّعَمِ صَبَاحاً وَمَسَاءً اِرْحَمْنِي يَوْمَ اتِيكَ فَرْداً شَاخِصاً إِلَيْكَ

که غذایم دادی به نعمتهای خود در هر صبح و شام رحم کن به من روزی که به نزدت آیم تنها در حالی که بلند کرده‌ام

بَصْرِي مُقْلِداً عَمَلِي قَدْ تَبَرَّءَ جَمِيعُ الْخَلْقِ مِنِّي نَعَمْ وَآبَى وَأُمِّي وَمَنْ كَانَ لَهُ

بدرگاهت دیده‌ام را و نامه عملم به گردنم افتاده و همه مردم از من بی‌زاری جویند حتی پدر و مادرم و حتی کسی که رنج

و

كَذَّبِي وَ سَعْيِي فَإِنْ لَمْ تَرْحَمْنِي فَمَنْ يَرْحَمُنِي وَ مَنْ يُنْسُ فِي الْقَبْرِ وَحْشَتِي

تلاشم براي او بوده پس اگر تو نیز به من رحم نکنی پس چه کسی به من رحم کند و کیست که مونس وحشت قبرم باشد

وَ مَنْ يُنْطِقُ لِسَانِي إِذَا خَلَوْتُ بِعَمَلِي وَ سَأَلْتَنِي عَمَّا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي فَإِنْ

و کیست که زبانی را گویا کند آنگاه که با عملم خلوت کنم و بپرسی از من آنچه تو بدان داناتری از خودم پس اگر

قُلْتُ نَعَمْ فَأَيْنَ الْمَهْرَبُ مِنْ عَذَابِكَ وَ إِنْ قُلْتُ لَمْ أَفْعَلْ قُلْتُ أَلَمْ أَكُنِ الشَّاهِدَ

بگویم آری کجا از عدل تو گریز گاهی است و اگر بگویم نکردم جواب دهی آیا من گواه تو نیستم

عَلَيْكَ فَعَفْوُكَ عَفْوُكَ يَا مَوْلَايَ قَبْلَ سَرَابِيلِ الْقَطِرَانِ عَفْوُكَ عَفْوُكَ يَا مَوْلَايَ

پس گذشتت را گذشتت را خواهانم ای مولایم پیش از پوشیدن پیراهن آتش را گذشتت گذشتت را خواهانم ای مولای من
من

قَبْلَ جَهَنَّمَ وَالتَّيْرَانِ عَفْوُكَ عَفْوُكَ يَا مَوْلَايَ قَبْلَ أَنْ تُعَلَّ الْأَيْدِي إِلَيَّ الْأَعْنَاقِ

پیش از گرفتار شدن جهنم و آتش سوزان گذشتت گذشتت را خواهانم ای مولای من پیش از آنکه دستها به گردنها با
زنجیر بسته شود

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ خَيْرَ الْغَافِرِينَ × شانزدهم روایت شده از ثقه جلیل عالم عابد

ای مهربانترین مهربانان و بهترین آمرزندگان * * * * *

عبدالله بن جنبد که از بزرگان اصحاب حضرت موسی و امام رضا علیهما السلام و وکیل ایشان می باشد آنکه وقتی

عریضه ای خدمت حضرت ابوالحسن یعنی امام موسی علیه السلام نوشت و در آن عرض کرد که فدایت شوم من پیر شدم

و ضعف و عجز پیدا کردم از بسیاری از آنچه قوت داشتم بر آن و دوست دارم فدایت شوم که تعلیم فرمائی مرا کلامی

که مرا به خداوند تعالی نزدیک کند و فهم و علم مرا زیاد کند حضرت در جواب او، او را امر فرموده بود که بسیار بخواند

این ذکر شریف را بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ هفدهم در حدیث قدسی است که ای

محمد صلی الله علیه و آله بگو به کسانی که می خواهند تقرب بجویند بسوی من بدانید از روی یقین که این

کلام افضل است از هر چیزی که تقرب می جویند به سبب آن به سوی من بعد از فرائض و آن کلام این است که می گوئی :

اَللّٰهُمَّ اِنَّهُ لَمْ يُمْسِ اَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ اَنْتَ اِلَيْهِ اَحْسَنُ صَنِيعًا

خدایا برستی کسی نیست از خلق تو که شام کرده باشد و رفتار تو با او بهتر

و بزرگواری تو نسبت به او پاینده‌تر و فضل تو بر او آشکارتر و مدارا کردن تو با او
وَلَا عَلَيْهِ أَشَدُّ حَيَاطَةً وَلَا عَلَيْهِ أَشَدُّ تَعَطُّفًا مِنْكَ عَلَيَّ وَإِنْ كَانَ جَمِيعُ
زیادتر و نگهداری تو بر او محکم‌تر و مهر تو بر او سخت‌تر از من باشد و اگر چه همه
الْمَخْلُوقِينَ يُعَدُّ دُونَ مِنْ ذَلِكَ مِثْلَ تَعْدِيدِي فَأَشْهَدُ يَا كَافِيَ الشَّهَادَةِ بَائِي
مخلوقات بر شمرند نعمتهای تو را بر خود مانند شمردن من پس گواه باش ای که گواه بودن تو کافی است که من تو را
أَشْهَدُكَ بِنَبِيِّهِ صِدْقٍ بَأَنَّ لَكَ الْفَضْلَ وَالطُّوْلَ فِي إِعْصَامِكَ عَلَيَّ مَعَ قَلَّةِ شُكْرِي
گواه گیرم با نبی صادقانه به اینکه تو را است برتری و داد و دهش در نعمت بخشیت بر من با سپاسگزاری اندک من
لَكَ فِيهَا يَا فَاعِلَ كُلِّ إِرَادَةٍ صَلَّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَطَوَّقَنِي أَمَانًا مِنْ حُلُولِ
برای تو در آنها ای بوجود آورنده هر اراده درود فرست بر محمد و آلش و بینداز در گردنم امان‌نامه‌ای از آمدن
السَّخَطِ لِقَلَّةِ الشُّكْرِ وَأَوْجِبْ لِي زِيَادَةً مِنْ إِثْمَامِ النُّعْمَةِ بِسَعَةِ الْمَغْفِرَةِ
خشمست برای کمی سپاسگزاریم و مقرر کن برایم بیش از پیش کامل کردن نعمت را به فراخی آمرزش
أَمْطَرْنِي خَيْرَكَ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَا تُثَاقِسْنِي بِسُوءِ سَرِيرَتِي
و بار بار بر من باران خوبی و خیر خود را و درود فرست بر محمد و آلش و نسنج مرا به بدی باطنم
وَأَمْتَحِنْ قَلْبِي لِرِضَاكَ وَاجْعَلْ مَا تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ فِي دِينِكَ لَكَ خَالِصًا وَلَا
و آزمایش کن دلم را برای خوشنودیت و بگردان آنچه را در دین تو بدان تقرب بدرگاهت جویم خالص و چنان کن که
آن به

تَجْعَلَهُ لِلزُّومِ شُبْهَةً أَوْ فَخْرًا أَوْ رِيَاءً يَا كَرِيمُ × فقیر گوید کہ این دعا از ادعیه سرِّ

* * * * *
 خاطر ملازمت شبهه یا به خود بالیدن یا خودنمایی نباشد ای کریم
 * * * * *

قُدسیّه است و آن سی و یک دعاء است که برای حوائج دنیا و آخرت است و مشایخ آن را با اسانید متّصله نقل کرده‌اند و بعضی از ادعیه آن در مصباح متهجّد و مصباح کفعمی ذکر شده و هر که طالب تمام آن است رجوع کند به کتاب بلدالأمین یا کتاب دعای بحار یا جواهر السنیّه و ما در اینجا یک دعای دیگر از آن نقل می‌کنیم هیجدهم و نیز در ادعیه سرّ است که هر که اراده کرده که بیرون رود از اهل خود پی حاجتی یا سفری و دوست داشته باشد که او را بر گردانم سالم با برآوردن حاجتش پس بگوید وقتی که بیرون می‌شود از خانه‌اش :

بِسْمِ اللَّهِ مَخْرَجِي وَبِإِذْنِهِ خَرَجْتُ وَقَدْ عَلِمَ قَبْلَ أَنْ أَخْرُجَ خُرُوجِي وَقَدْ
 بنام خداست بیرون آمدنم و به اذن او بیرون آیم و او می دانست پیش از بیرون آمدنم خروجم را و
 أَحْصَى عِلْمُهُ مَا فِي مَخْرَجِي وَمَرْجِعِي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ الْأَكْبَرِ تَوَكَّلْ
 علمش شماره کرده برون رفتن و بازگشتم را توکل کنم بر معبود اکبر توکل
 مُفَوَّضٍ إِلَيْهِ أَمْرُهُ وَمُسْتَعِينٍ بِهِ عَلَى شَأْنِهِ مُسْتَزِيدٍ مِنْ فَضْلِهِ مُبَرِّئٍ نَفْسَهُ مِنْ
 کسی که کارش را به او واگذارده و از او در کارهایش کمک گیرد و از فضلش زیاده خواهد و خود را
 كُلِّ حَوْلٍ وَمِنْ كُلِّ قُوَّةٍ إِلَّا بِهِ خُرُوجَ ضَرِيرٍ خَرَجَ بَضْرَهُ إِلَى مَنْ يَكْشِفُهُ وَ
 برکنار دارد از هر جنبش و نیروی جز به او بیرون آمدن زیان رسیده ای که زیانش را بسوی کسی برده
 خُرُوجَ فَقِيرٍ خَرَجَ بِفَقْرِهِ إِلَى مَنْ يَسُدُّهُ وَخُرُوجَ عَائِلٍ خَرَجَ بِعَيْلَتِهِ إِلَى مَنْ
 که آن را برطرف کند و نداری که نداری را بدرگاه کسی برده که جلوش را بگیرد و عائله مندی که عائله اش را
 يُعْنِيهَا وَخُرُوجَ مَنْ رُبُّهُ أَكْبَرُ ثِقَتِهِ وَأَعْظَمُ رَجَائِهِ وَأَفْضَلُ أُمْنِيَّتِهِ اللَّهُ تَقَى
 به نزد کسی برده که بی نیازش کند و خروج کسی که پروردگارش بزرگترین اعتماد و امید و برترین خواسته او است خدا
 است

فِي جَمِيعِ أُمُورِي كُلِّهَا بِهِ فِيهَا جَمِيعاً أَسْتَعِينُ وَلَا شَيْءَ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ فِي
 اعتمادم در همه کارهایم و به او در همه آنها کمک جویم و چیزی نیست جز آنچه خدا در
 عِلْمِهِ أَسْأَلُ اللَّهَ خَيْرَ الْمَخْرَجِ وَالْمَدْخَلِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَهِي الْمَصِيرُ * نوزدهم
 علمش خواسته از خدا خواهم خوبی در خروج و دخول معبودی نیست جز او و بسوی او است بازگشت * * *

در ذکر نماز و دعاء در شب زفاف از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که چون عروس را به نزد تو
 بیاورند بگو که پیش از آن وضو بسازد و تو وضو بساز و دو رکعت نماز بکن و بگو که او را نیز امر کنند که دو رکعت
 نماز بگذارد پس حمد الهی کن و صلوات بر محمد و آل محمد بفرست پس دعا کن و امر کن آن زنان را که با او آمده اند
 آمین بگویند و این دعا بخوان :

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي الْفَهْمَ وَوُدَّهَا وَرِضَاهَا وَأَرْضِنِي بِهَا وَاجْمَعْ بَيْنَنَا بِأَحْسَنِ
 خدایا روزیم کن الفت و دوستی و رضایتش را و مرا از او راضی کن و گردآور میان ما به بهترین
 اجْتِمَاعٍ وَأَسْأَلُ إِيْتِلَافٍ فَإِنَّكَ تُحِبُّ الْحَلَالَ وَتُكَرِّهُ الْحَرَامَ وَازْهَرْتُ

گردآوردن و مأنوسترین سازش که تو دوست داری حلال را و ناخوش داری حرام را * * * * *

صادق علیه السلام منقول است که چون در شب زفاف به نزد عروس بروی موی پیشانی را بگیر و

* * * * *
* * * * *

رو به قبله آور و بگو: اللَّهُمَّ بِأَمَانَتِكَ أَخَذْتُهَا وَبِكَلِمَاتِكَ اسْتَحْلَلْتُهَا فَإِنْ قَضَيْتَ لِي

* * * * *
خدايا به امانت تو او را گرفتم و به کلمات تو حلالش کردم پس اگر

منها وَلَدًا فَاجْعَلْهُ مُبَارَكًا تَقِيًّا مِنْ شَيْعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ

از او فرزندی نصیبم کردی او را مبارک و باتقوی و از شیعیان آل محمد قرار ده و برای شیطان در او

شِرْكَاً وَلَا نَصِيباً × بیستم دعای رهبه است روایت شده که حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام

* * * * *
شرکت و نصیبی قرار مده

* * * * *

چون شب در محراب عبادت می ایستاد آن را می خواند و آن دعای پنجاهم صحیفه است و

* * * * *
* * * * *

اینست: اللَّهُمَّ إِنَّكَ خَلَقْتَنِي سَوِيًّا وَرَبَّيْتَنِي صَغِيرًا وَرَزَقْتَنِي مَكْفِيًّا اللَّهُمَّ إِنِّي

* * * * *
خدايا تو مرا کامل آفریدی و در کودکی پروریدی و به حد کفایت روزیم دادی خدايا من

وَجَدْتُ فِيهَا أَنزَلْتَ مِنْ كِتَابِكَ وَبَشَّرْتَ بِهِ عِبَادَكَ أَنْ قُلْتُ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ

در آیاتی که در قرآن نازل کردی دیده ام که بندگان را مژده داده ای و فرمودی: «ای بندگان من که

أَسْرَفُوا عَلَي أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا وَ

بر خود زیاده روی کرده اید نومید نشوید از رحمت خدا که خدا همه گناهان را می آمرزد» و

قَدْ تَقَدَّمَ مِنِّي مَا قَدْ عَلِمْتَ وَ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي فَيَا سَوْآتَاهُ مِمَّا أَحْصَاهُ عَلَيَّ

سرزد از من آنچه تو خود دانی و تو از من به آنها داناتری پس چه رسوائی است برای آنچه دفترت بر

كِتَابِكَ فَلَوْلَا الْمَوَاقِفُ الَّتِي أُؤْمِلُ مِنْ عَفْوِكَ الَّذِي شَمِلَ كُلَّ شَيْءٍ لَأَلْقَيْتُ

من ثبت کرده و اگر نباشد جایگاههایی که در آنها آرزوی گذشت را دارم آن گذشتی که همه چیز را فراگیرد،

بِيَدِي وَلَوْ أَنَّ أَحَدًا اسْتَطَاعَ الْهَرَبَ مِنْ رَبِّهِ لَكُنْتُ أَنَا أَحَقُّ بِالْهَرَبِ مِنْكَ وَ

بدست خود هلاک شده بودم و اگر کسی می توانست از پروردگارش بگریزد من از همه سزاوارتر بودم و

أَنْتَ لَا تَخْفِي عَلَيْكَ خَافِيَةٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ إِلَّا أَتَيْتَ بِهَا وَكَفَى بِكَ

تویی که نه در زمین و نه در آسمان چیزی از تو پوشیده نماند مگر آنکه به یآوری آنرا و کافی است که تو
جَازِیاً وَ كَفِیْ بِكَ حَسِیْباً اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ طَالِیْ اِنَّا هَرَبْتُ وَ مُدْرِکِیْ اِنَّا
کیفر دهی و کافی است که تو حسابگر باشی خدایا تو احضارم کنی اگر بگریزم و تو دریابیم اگر
فَرَرْتُ فَهَآ اَآذَا بَیْنَ یَدَیْكَ خَاضِعٌ ذَلِیْلٌ رَاغِمٌ اِنْ تُعَذِّبْنِیْ فَاِنِّیْ لِذَلِکَ اَهْلٌ وَ
فرار کنم و من اینک در برابر تو بصورت خضوع و خواری و سربریزم اگر عذابم کنی سزاوارم و
هُوَ یَا رَبِّ مُنْكَ عَدْلٌ وَ اِنْ تُعْفُ عَنِّیْ فَقَدْیَا شَمَلْنِیْ عَفْوُكَ وَ الْبَسْتَنِیْ
به مقتضای عدل تو است و اگر بگذری از دیرزمانی گذشتت مرا فراگرفته و جامه عافیت بر من پوشانده ای
عَافِیَّتْكَ فَاسْأَلُکَ اَللّٰهُمَّ بِالْمَخْرُؤِ مِنْ اَسْمَائِکَ وَ بِمَا وَاَرَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ
از تو خواهم خدایا به نامهای مخزونت و بدرخشندگی در پردهات که
بِهَآئِکَ اِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَةَ وَ هَذِهِ الرَّمَّةَ الْهَلُوعَةَ اَلَّتِیْ
رحم کنی بر این تن بی تاب و این اسکلت ناشکیبا که طاقت حرارت آفتاب را
لَا تَسْتَطِیْعُ حَرَّ شَمْسِکَ فَکَیْفَ تَسْتَطِیْعُ حَرَّ نَارِکَ وَ اَلَّتِیْ لَا تَسْتَطِیْعُ صَوْتَ
ندارد چسان تاب حرارت دوزخ دارد در صورتی که تاب غرّش
رَعْدِکَ فَکَیْفَ تَسْتَطِیْعُ غَضَبَکَ فَارْحَمْنِیْ اَللّٰهُمَّ فَاِنِّیْ اَمْرٌ حَقِیْرٌ وَ خَطِرِیْ
رعد (آسمان) را ندارد چسان تاب تحمل خشم تو را دارد پس رحم کن به من خدایا که من شخصی بی مقدار و بی ارزشم
یَسِیْرٌ وَ لَیْسَ عَذَابِیْ مِمَّا یَزِیْدُ فِیْ مُلْکِکَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَ لَوْ اَنَّ عَذَابِیْ مِمَّا
و چنان نیست که عذاب کردن من به قدر مثقال ذره ای در فرمانرواییت
یَزِیْدُ فِیْ مُلْکِکَ لَسَأَلْتُکَ الصَّبْرَ عَلَیْهِ وَ اَحْبَبْتُ اَنْ یَّکُوْنَ ذَلِکَ لَکَ وَ لَکِنْ
ببفزاید و اگر چنین بود که می افزود در فرمانرواییت من از تو شکیبایی بر آن را درخواست می کردم و دوست داشتم
که فرمانرواییت افزوده
سُلْطَانُکَ اَللّٰهُمَّ اَعْظَمُ وَ مُلْکُکَ اَدْوَمُ مِنْ اَنْ تَزِیْدَ فِیْهِ طَاعَةَ الْمُطِیْعِیْنَ اَوْ
گردد ولی سلطنت تو خدایا بزرگتر و فرمانرواییت پاینده تر از آن است که ببفزاید در آن فرمانبرداری فرمانبران یا
تَنْقُصَ مِنْهُ مَعْصِیَةُ الْمُذْنِبِیْنَ فَارْحَمْنِیْ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ وَ تَجَاوِزْ عَنِّیْ یَا
بکاهد از آن نافرمانی گنهکاران پس به من رحم کن ای مهربانترین مهربانان و در گذر از من ای
ذَا الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ وَ ثُبَّ عَلَیَّ اِنَّکَ اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِیْمُ

داراي جلالت و بزرگواري و توبه‌ام بپذير كه تويي توبه‌پذير مهربان

ملحقات دويم باقيات صالحات

دعاء حضرت سجّاد عليه السلام وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي ذِكْرِ التَّوْبَةِ وَطَلِبِهَا :

اَللّٰهُمَّ يَا مَنْ لَا يَصِفُهُ نَعْتُ الْوَاصِفِينَ وَيَا مَنْ لَا يُجَاوِزُهُ رَجَاءُ الرَّاجِينَ وَيَا

خدایا ای که وصفش نکند توصیف وصف‌کنندگان و ای که از او نگذرد امید امیدواران و ای

مَنْ لَا يَضِيعُ لَدَيْهِ أَجْرُ الْمُحْسِنِينَ وَيَا مَنْ هُوَ مُنْتَهَى خَوْفِ الْعَابِدِينَ وَيَا مَنْ

که تباہ نشود در نزدش مزد نیکوکاران و ای که او است سرحد نهایی ترس عبادت‌کنندگان و ای که

هُوَ غَايَةُ خَشْيَةِ الْمُتَّقِينَ هَذَا مَقَامٌ مَنْ تَدَاوَلَتْهُ أَيْدِي الذُّنُوبِ وَقَادَتْهُ أَرْمَةٌ

او است غایت بیم پرهیزکاران این است جایگاه کسی که دست بدستش داده‌اند دستهای گناهان و کشانده‌اند او را

مهارهای

الْخَطَايَا وَاسْتَحْوَذَ عَلَيْهِ الشَّيْطَانُ فَقَصَرَ عَمَّا أَمَرَتْ بِهِ تَفْرِيطاً وَتَعَاطَى مَا

خطاها و چیره شده بر او شیطان و بدین سبب کوتاهی کرده از دستورات از روی کاهلی و دست زده بدانچه

نَهَيْتَ عَنْهُ تَغْرِيراً كَالْجَاهِلِ بِقُدْرَتِكَ عَلَيْهِ أَوْ كَالْمُنْكَرِ فَضْلَ إِحْسَانِكَ إِلَيْهِ

نهی کردی از غرور چون کسی که خبر ندارد از قدرتی که تو بر او داری یا مانند کسی که منکر فزونی احسان تو بر

خود است

حَتَّى إِذَا انْفَتَحَ لَهُ بَصَرُ الْهُدَى وَتَقَشَّعَتْ عَنْهُ سَحَابُ الْعَمَى أَحْصَى مَا

تا چون چشم بصیرتش گشوده شد و ابرهای گمراهی برطرف شد

ظَلَمَ بِهِ نَفْسَهُ وَفَكَرَ فِيمَا خَالَفَ بِهِ رَبَّهُ فَرَأَى كَبِيرَ عِصْيَانِهِ كَبِيراً وَجَلِيلَ

ستمهای خود را بر خویشتن برشمرد و در آنچه مخالفت پروردگارش را کرده اندیشه کرد و نافرمانی بزرگش را بزرگ

دید

مُخَالَفَتِهِ جَلِيلاً فَأَقْبَلَ نَحْوَكَ مُؤَمِّلاً لَكَ مُسْتَحِيئاً مِنْكَ وَوَجَّهَ رَغْبَتَهُ إِلَيْكَ

و مخالفت عظیم خود را عظیم پس رو آورده بسویت امیدوار به تو و شرمنده و روی اشتیاقش را به تو

ثِقَةً بِكَ فَأَمَّاكَ بِطَمَعِهِ يَقِيناً وَقَصَدَكَ بِخَوْفِهِ إِخْلَاصاً قَدْ خَلَا طَمَعُهُ مِنْ كُلِّ

متوجه کرد از روی اعتماد به تو و از روی یقین با طمعش آهنگت کرده و از روی اخلاص با ترس قصد تو کرده طمعش از هر

مَطْمُوعٍ فِيهِ غَيْرُكَ وَأَفْرَحَ رَوْعُهُ مِنْ كُلِّ مَحْذُورٍ مِنْهُ سِوَاكَ فَمَثَلَ بَيْنَ يَدَيْكَ

مورد طمعی جز تو بریده و از هر ترسناکی جز تو نمی ترسد پس مجسم شده در برابر تو با تضرع و دوخته است چشم خود

مُتَضَرِّعًا وَ غَمَضَ بَصَرَهُ إِلَى الْأَرْضِ مُتَحَشِّعًا وَ طَاطَأَ رَأْسَهُ لِعِزَّتِكَ مُتَذَلِّلًا وَ

را بر زمین با حال خشوع و برای عزت با خواری سر بزر افکنده و فاش کرده راز خود را برای تو

أَبْتَنَكَ مِنْ سِرِّهِ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنْهُ خُضُوعًا وَ عَدَدَ مِنْ ذُنُوبِهِ مَا أَنْتَ أَحْصِي

آن رازی که تو خود دانایتری بدان با حال خضوع و برشمرده از گناهانش آنچه را تو بهتر شمرده ای

لَهَا خُشُوعًا وَاسْتِغَاثَ بِكَ مِنْ عَظِيمٍ مَا وَقَعَ بِهِ فِي عِلْمِكَ وَقَبِيحَ مَا فَضَحَهُ فِي

با خشوع، و استغاثه کند به تو از گناه بزرگی که در علم تو او را تباه ساخته و زشتی آنچه

حُكْمِكَ مِنْ ذُنُوبٍ أَدْبَرْتَ لَذَاتِهَا فَذَهَبَتْ وَ أَقَامَتْ تَبِعَاتِهَا فَلَزِمَتْ لَا يُنْكِرُ يَا

در حکم تو او را رسوا کرده، گناهانی که خوشیش رفته و مسئولیتش بجا مانده، معبودا اگر عقابش کنی منکر عدل تو نیست

إِلَهِي عَدْلُكَ إِنْ عَاقَبْتَهُ وَلَا يَسْتَعْظِمُ عَفْوَكَ إِنْ عَفَوْتَ عَنْهُ وَ رَحِمْتَهُ لِأَنَّكَ

و اگر از او درگذری و رحمش کنی گذشتت را بزرگ نداند زیرا تو

الرَّبُّ الْكَرِيمُ الَّذِي لَا يَتَعَاطَمُهُ غُفْرَانُ الذَّنْبِ الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ فَهَذَا أَنَا ذَاقِدُ

پروردگار کریمی هستی که بزرگ نباشد در نزدش آمرزش گناه بزرگ خدایا من اکنون آمده ام بدرگاهت

جُنْتُكَ مُطِيعًا لَأَمْرِكَ فِيمَا أَمَرْتَ بِهِ مِنَ الدُّعَاءِ مُتَنَجِّزًا وَ عَذَّكَ فِيمَا وَعَدْتَ بِهِ

و فرمانبردارم دستوری را که فرمودی در دعا کردن و خواهانم وفای به وعدهات را

مِنَ الْإِجَابَةِ إِذْ تَقُولُ أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

در اجابتی که وعده دادی چون که فرمودی «بخوانید مرا تا اجابت کنم» خدایا پس درود فرست بر محمد و آلش

وَالْقَنَى بِمَغْفِرَتِكَ كَمَا لَقِيتُكَ بِأَقْرَارِي وَ أَرْفَعُنِي عَنْ مَصَارِعِ الذُّنُوبِ كَمَا

و با آمرزشت به من رو آور چنانچه من با اقرار (به گناه) به تو رو آوردم و بردار مرا از افتادنگاههای گناه چنانچه

وَضَعْتُ لَكَ نَفْسِي وَ اسْتَرْتَنِي بِشِرْكِكَ كَمَا تَأْتَيْتَنِي عَنِ الْإِنْتِقَامِ مِنِّي اللَّهُمَّ وَ

خود را برایست پست کردم و به پوشش خود مرا بیوشان چنانچه مهلتم دادی از انتقام خدا
ثَبَّتْ فِي طَاعَتِكَ نَبِيَّتِي وَأَحْكَمَ فِي عِبَادَتِكَ بَصِيرَتِي وَوَفَّقَنِي مِنَ الْأَعْمَالِ
نیتم را در اطاعتت ثابت گردان و بینایم را در بندگیت محکم کن و به کارهایی موافقم دار
لَمَّا تَعَسَّلَ بِهِ دَسَسَ الْخَطَايَا عَنِّي وَتَوَفَّقَنِي عَلَى مِلَّتِكَ وَمِلَّةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ
که بشوی بدن چرکی خطاها را از من و بمیرانم بر کیش خود و کیش پیامبرت محمد
عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا تَوَفَّقْتَنِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا مِنْ كَبَائِرِ
علیه السلام آنگاه که بمیرانی مرا خدایا من در این جایگاهم بدرگاهت توبه کنم از گناهان کبیره
ذُنُوبِي وَصَغَائِرِهَا وَبَوَاطِنِ سَيِّئَاتِي وَظَوَاهِرِهَا وَسَوَالِفِ زَلَّاتِي وَ
و صغیرهام و از بدیهای پوشیده و آشکارم و از لغزشهای گذشته و
حَوَادِثِهَا تَوْبَةً مَنْ لَا يُحَدِّثُ نَفْسَهُ بِمَعْصِيَةٍ وَلَا يَضْمُرُ أَنْ يَعُودَ فِي خَطِيئَةٍ وَ
تا زمام توبه کسی که به خود تلقین نکند تجدید گناهی را و در دل نگردد که دوباره به خطایی بازگردد و
قَدْ قُلْتُ يَا إِلَهِي فِي مُحْكَمِ كِتَابِكَ إِنَّكَ تَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِكَ وَتَغْفُو عَنْ
تو ای خدای من در کتاب محکم فرمودی که توبه را از بندگان می پذیری و از بدیها می گذاری و
السَّيِّئَاتِ وَتُحِبُّ التَّوَّابِينَ فَأَقْبَلْ تَوْبَتِي كَمَا وَعَدْتَ وَاعْفُ عَنْ سَيِّئَاتِي كَمَا
دوست داری توبه کاران را پس چنانچه وعده فرمودی توبه ام بپذیر و از بدیهام درگذر چنانچه
ضَمِنْتَ وَأَوْجِبْ لِي مَحَبَّتَكَ كَمَا شَرَطْتَ وَلَكَ يَا رَبِّ شَرْطِي إِلَّا أَعُودَ فِي
ضمانت کردی و مقرر دار برایم دوستیت را چنانچه شرط فرمودی و من با تو شرط می کنم که در کار
چَمَكُرُوهُكَ وَضَمَانِي إِلَّا أَرْجِعَ فِي مَذْمُومِكَ وَعَهْدِي أَنْ أَهْجُرَ جَمِيعَ
ناپسند تو بازنگردم و ضمانت کنم که بازنگردم در امر نکوهیده ات و تعهد کنم که ترك کنم تمام
مَعَاصِيكَ اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَعْلَمُ بِمَا عَمِلْتُ فَأَغْفِرْ لِي مَا عَلِمْتَ وَاصْرِفْ بِقُدْرَتِكَ
نافرمانیهای را خدایا تو داناتری بدانچه کرده ام بپارمز گناهانی را که از من دانی و بگردانم به نیرویت
إِلَى مَا أَحَبَبْتَ اللَّهُمَّ وَعَلَيَّ تَبِعَاتٌ قَدْ حَفِظْتُهُنَّ وَتَبِعَاتٌ قَدْ نَسِيتُهُنَّ وَكُلُّهُنَّ
بدانچه دوست داری خدایا بر من بازخواستهایی است که به یاد دارم و بازخواستهایی است که فراموش کرده ام
بِعَيْنِكَ أَلَّتِي لَا تَنَامُ وَعِلْمِكَ الَّذِي لَا يَنْسِي فَعَوِّضْ مِنْهَا أَهْلَهَا وَاحْطُطْ
و همه در برابر دیده تو است که خواب نرود و علمت که فراموشی ندارد عوض آنها را به صاحبانش بده و سنگینیش

عَنِّي وَزَرَهَا وَخَفَّفْ عَنِّي ثِقَلَهَا وَاعْصِمْنِي مِنْ أَنْ أَفَارِفَ مِثْلَهَا اللَّهُمَّ وَإِنَّهُ
را از دوش من بردار و سبک کن گرانش را و نگاهم دار از ارتکاب امثال آن خدایا
لَا وَفَاءَ لِي بِالتَّوْبَةِ إِلَّا بِعِصْمَتِكَ وَلَا اسْتِمْسَاكَ بِي عَنْ الْخَطَايَا إِلَّا عَنْ قُوَّتِكَ
جز به نگهداری تو نتوانم به توبه ام وفا کنم و جز به نیروی تو نتوانم خود را از خطا نگهدارم پس تقویت کن
فَقَوِّنِي بِقُوَّةِ كَافِيَةٍ وَتَوَلَّنِي بِعِصْمَةِ مَانِعَةٍ اللَّهُمَّ أَيُّمَا عَبْدٍ تَابَ إِلَيْكَ وَهُوَ فِي
به نیروی کافی و سرپرستیم کن به نگهداری بازدارنده خدایا هر بنده ای که توبه کند بدرگاهت ولی در
عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ فَاسْخُ لَتَوْبَتِهِ وَعَائِدٌ فِي ذَنْبِهِ وَخَطِيئَتِهِ فَإِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ
علم غیب نزد تو توبه شکن باشد و بازگردنده به گناه و خطایش باشد من به تو پناه برم که
أَكُونَ كَذَلِكَ فَاجْعَلْ تَوْبَتِي هَذِهِ تَوْبَةً لَا أَحْتَاجُ بَعْدَهَا إِلَى تَوْبَةٍ تَوْبَةً مُوجِبَةً
چنین باشم و این توبه ام را چنان کن که محتاج نباشم دوباره توبه کنم، توبه ای که سبب شود
لِمَحُومٍ سَلَفَ وَالسَّلَامَةِ فِيمَا بَقِيَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ مِنْ جَهْلِي وَ
گناهان گذشته ام محو گردد و در آینده نیز آلوده نگردم خدایا من از تو پوزش خواهم از نادانیم و
أَسْتَوْهِبُكَ سُوءَ فِعْلِي فَاضْمَنْنِي إِلَى كَنْفِ رَحْمَتِكَ تَطَوُّلاً وَاسْتُرْنِي بِسِتْرِ
از تو بخشش خواهم از کار بدم پس به احسان خود مرا در پناه رحمت درآور و به فضلت در پرده عافیت بیوشانم
عَافِيَتِكَ تَفَضُّلاً اللَّهُمَّ وَإِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْ كُلِّ مَا خَالَفَ إِرَادَتَكَ أَوْزَالَ عَنْ
خدایا من بدرگاهت توبه کنم از هر چه مخالف اراده ات کردم یا
مَحَبَّتِكَ مِنْ خَطَرَاتِ قَلْبِي وَلَحْظَاتِ عَيْنِي وَحِكَايَاتِ لِسَانِي تَوْبَةً تَسْلَمُ بِهَا
بیرون از دوستیت از خاطرات دلم و نگاههای چشمم و سرگذشتهای زبانه توبه ای که سالم ماند بدان
كُلُّ جَارِحَةٍ عَلَيَّ حَيَالِهَا مِنْ تَبِعَاتِكَ وَتَأْمَنُ مِمَّا يَخَافُ الْمُعْتَدُونَ مِنْ أَلِيمِ
هر عضوی جداگانه از کیفرهای تو و این گردد از آنچه تجاوزکاران می ترسند از
سَطَوَاتِكَ اللَّهُمَّ فَارْحَمْ وَحْدَتِي بَيْنَ يَدَيْكَ وَوَجِيبَ قَلْبِي مِنْ حَشْيَتِكَ
سطوتهای دردناک خدایا رحم کن به تنهاییم در برابرت و طپیدن دلم از ترست
وَاضْطِرَابِ أَرْكَانِي مِنْ هَيْبَتِكَ فَقَدْ أَقَامْتَنِي يَا رَبُّ ذُنُوبِي مَقَامَ الْخِزْيِ
و لرزش اندامم از هیبتت که برپا داشته پروردگارا گناهانم مرا بدرگاه تو در جای رسوایی
بِفَنَائِكَ فَإِنْ سَكَتُ لَمْ يَنْطِقْ عَنِّي أَحَدٌ وَإِنْ شَفَعْتُ فَلَسْتُ بِأَهْلِ الشَّفَاعَةِ

پس اگر سکوت کنم کسی از جانب من سخن نکند و اگر شفاعت خواهم شایسته شفاعت نیستم
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَشَفِّعْ فِي خَطَايَايَ كَرَمَكَ وَعُدْ عَلَيَّ سَيِّئَاتِي
خدایا درود فرست بر محمد و آلش و شفیع گردان در خطاهایم بزرگواریت را و ببخش گناهام را
بِعَفْوِكَ وَلَا تَجْزِنِي جَزَائِي مِنْ عَقُوبَتِكَ وَأَبْسُطْ عَلَيَّ طَوْلَكَ وَجَلِّلْنِي بِسِرِّكَ
به گذشتت و بیاداشم که عذاب تو است پاداشم مده و احسانت را بر من بگستران و به پرده پوشیت بیوشانم
وَأَفْعَلْ بِي فِعْلَ عَزِيزٍ تَضَرَّعَ إِلَيْهِ عَبْدٌ ذَلِيلٌ فَرَحِمَهُ أَوْ غَنِيَ تَعَرَّضَ لَهُ عَبْدٌ
و رفتار کن با من به رفتار نیرومندی که زاری کند بدرگاهش بنده خوار و رحمش کند، یا بی نیازی که بنده
فَقِيرٌ فَتَعَشَّهُ اللَّهُمَّ لَا خَفِيرَ لِي مِنْكَ فَلْيُخَفِّرْنِي عِزُّكَ وَلَا شَفِيعَ لِي إِلَيْكَ
نیازمندی به نزدش رفته و بی نیازش کرده خدایا پناه دهی از تو ندارم و باید نیروی تو پناهم دهد و شفیع ندانم
فَلْيَشْفَعْ لِي فَضْلُكَ وَقَدْ أَوْجَلْتَنِي خَطَايَايَ فَلْيُؤْمِنِّي عَفْوُكَ فَمَا كُلُّ مَا
و فضل تو باید شفیعم گردد و خطاهایم به سختی مرا ترسانده و گذشتت باید اینم گرداند و هر چه گفتم چنان نیست که
همه از

تَطَقْتُ بِهِ عَنْ جَهْلِ مَنِّي بِسُوءِ أَثَرِي وَلَا نَسِيَانٍ لِمَا سَبَقَ مِنْ ذَمِيمٍ فِعْلِي لَكِنْ
روی نادانی به بدکاریم باشد و نه از روی فراموشی کردار نکوهیده ام در گذشته بلکه برای آنکه آسمانت
لَتَسْمَعَ سَمَاؤُكَ وَمَنْ فِيهَا وَارْضُكَ وَمَنْ عَلَيْهَا مَا أَظْهَرْتُ لَكَ مِنَ النَّدَمِ وَ
و هر که در آنست و زمینت و هر که بر آن است اظهار پشیمانی مرا بدرگاهت بشنوند و پناهندگیم را در توبه
لَجَأْتُ إِلَيْكَ فِيهِ مِنَ التَّوْبَةِ فَلَعَلَّ بَعْضَهُمْ بِرَحْمَتِكَ يَرْحَمُنِي لِسُوءِ مَوْقِفِي أَوْ
بسویت ببینند شاید برخی از آنها به رحمتت بر توقفگاه بدم رحم کند یا
تُذَرِكُهُ الرَّقَّةُ عَلَيَّ لِسُوءِ حَالِي فَيَنَالَنِي مِنْهُ بِدَعْوَةٍ هِيَ أَسْمَعُ لَدَيْكَ مِنْ
برای حال بدم دلش بسوزد و دعایی کند که نزد تو پذیرفته تر از
دُعَائِي أَوْ شَفَاعَةَ أَوْ كَدُّ عِنْدَكَ مِنْ شَفَاعَتِي تُكُونُ بِهَا نَجَاتِي مِنْ غَضَبِكَ وَ
دعای من باشد یا شفاعتی کند که مؤثرتر از شفاعت من باشد و همان وسیله نجات من از
فَوْزَتِي بِرِضَاكَ اللَّهُمَّ إِنْ يَكُنِ النَّدَمُ تَوْبَةً إِلَيْكَ فَأَنَا أَدُمُ النَّادِمِينَ وَإِنْ يَكُنِ
خسمت و رسیدنم به خوشنودیت گردد خدایا اگر پشیمانی توبه محسوب گردد من پشیمانترین پشیمانانم
الَّتَرَكُ لِمَعْصِيَتِكَ إِنَابَةً فَأَنَا أَوَّلُ الْمُتَنِيبِينَ وَإِنْ يَكُنِ الْأَسْتِغْفَارُ حِطَّةً لِلذُّنُوبِ

و اگر ترك معصيت بازگشت حساب شود من نخستين بازگشت كننده‌ام و اگر آمرزشخواهي گناهان را
فَإِنِّي لَكَ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ اللَّهُمَّ فَكَمَا أَمَرْتَ بِالتَّوْبَةِ وَ ضَمِنْتَ الْقَبُولَ وَ حَثَّيْتَ
بريزد من از آمرزشخواهانم خدايا چنانچه دستور به توبه دادي و پذيرفتنش را ضمانت كردي و
عَلَى الدُّعَاءِ وَ وَعَدْتَ الْجَابَةَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اقْبَلْ تَوْبَتِي
به دعا تشويق كردي و اجابتش را وعده دادي درود فرست بر محمد و آل محمد و پذير توبه‌ام را
وَلَا تَرْجِعْنِي مَرْجِعَ الْخَبِيَّةِ مِنْ رَحْمَتِكَ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ عَلَى الْمُذْنِبِينَ
و بازم مگردان نوميدانه از رحمت كه تو براستي توبه‌پذيري بر گنهكاران
وَالرَّحِيمُ لِلْخَاطِئِينَ الْمُنِيبِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ كَمَا هَدَيْتَنَا بِهِ وَ
و مهرورزي به خطاكاران بازگشته خدايا درود فرست بر محمد و آلش چنانچه بدو راهنماييمان كردي و
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ كَمَا اسْتَنْقَذْتَنَا بِهِ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلَوةً تَشْفَعُ
درود فرست بر محمد و آلش چنانچه به وي نجاتمان دادي و درود فرست بر محمد و آلش درودي كه شفيع ما گردد
لَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يَوْمَ الْفَاقَةِ إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ هُوَ عَلَيْكَ يَسِيرٌ
در روز قيامت و در روز نيازمندي بدرگاهت كه تو بر هر چيز توانايي و اين كار بر تو آسان است

قَدْ تَمَّتْ بِعَوْنِ اللَّهِ الْمَلِكِ الْمَنَّانِ